Reg. No. C. 1311
76-1, Ahri Pukur Road
CALCUTTA.

قیمت اشتراک
سالانه ششماهه
(هندوستان و برمه)
روپیه ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
قران ۳۵ قران
[ممالک سایره]
سالانه
یك ونیم لیره انگلیسی

جریده و مکاتیب مجانا باحدی داده نمی شود
از هر کس وهرجا بلا استثنا بدل اتونه اخبار
مقدم گرفته میشود
روزنامه مقدس

حبل المتین

رجستری نمره سی]
۱۳۱۱
[الف ۷۶ - اهیری پوکر رود]
[کلکته]
مدیر
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[... مؤیدزاده]
[ام . ای است]
هر دوشنبه طبع وسه شنبه
توزیع میشود
سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۱۸ بهمن ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ٤ شعبان المعظم سنه ۱۳٤۵ هجری
مطابق با ۸ فروری سنه ۱۹۲۷ میلادی

جامعه ملل زنده است ؟

اعتقاده ما این جامعه نه هیچگاه بدرد ملل ضعیفه جامعه شرقیان رسیده و نه تواند رسید امید باین جامعه کار خام طمعان وتنبلان است همه میدانند که دولت چین شریك جامعه ملل است و دول هفتگانه هم که مانند دسته گرگان که بر گله گوسفندان تهیه حمله دیده و می بینند همه اعضاء همین جامعه اند تلگراف اخیره ظاهر میدارد که دول ایطالی ، فرانس ، بلژیك ، پرتگیس ، هولاند ـ حتی اسپانی نه تنها اقدامات جنگی دولت انگلیس را نسبت به چین مدبرانه و عاقلانه تسلیم میکنند بلکه بتائید وکمك انگلستان همه با قشون بری و بحری آماده هجوم بچین گردیده اند اگر جامعه ملل دارای اثرات صلح جویانه و مسالمت کارانه بودی چرا از این اقدامات مجحفانه دول غربیه جلوگیری نمینماید حالا معلوم شد که جامعه ملل اسم بلا مسمی ومرکزیست که برای محو شرقیان ارکنیت چند دولت بزرگ غربی تکوین یافته است اما مزه تر اینکه چین در انتخابات امساله جامعه ملل کرسی نیم دائمی هم یافته چرا چین رجوع بجامعه ملل نمیکند بواسطه آنکه میداند در این جامعه چیزیکه شنیده نمیشود فریاد ضعفا و مظلومین شرق است عجب این است که یك اخبار یك از رجال سیاسی دول یك منصف و یك نفر صلح خواه دیده نشد که اقلا بگوید یا بنویسد که این مناقشه چین تصفیه اش بمجلس جامعه ملل واگذار آید حالانکه اگر هم میامد یقینا برخلاف چین رای داده میشد وقت هجوم بچین گویا جامعه وجود نداشته و هیچ یك از منهاجین شریك آن جامعه نمیباشند آیا شرقیان را این واقعات درس عبرت نتواند شد اما برای ما این پیش آمد ها

هیچ تعجب خیز نبوده و است چه هیچگاه هیچگونه عقیده نی بحسن نیت و پاکی افعال و اعمال این جامعه نداشته و نداریم بلکه این جامعه را همواره تشبیه بسلاح خانه شرق داده ایم ایا هنوز هم شرقیان خاصه ایرانیان می توانند اعتماد و عقیده بحسن نیت و پاکی طویت ارکان بزرگ این جامعه داشته باشند؟ ایا ایرانی میتواند هیچ تصور کند که در مواقع اختلاف ایران با چند دول غربیه این جامعه پر از لاف و گزاف بحقانیت و مظلومیت او حکم نماید ایا ایرانی می تواند اعتبار نماید که ارکان این جامعه در صورتیکه بر خلاف یکی از آنها حکمی صادر شود تسلیم خواهند شد ؟ مکرر نگاشته باز هم می نگاریم که شرکت ایران در جامعه ملل جز زیان مال و پای بندیهای مضره سیاسی هیچ فائده ندارد دول شرق یعنی دول ضعیفه اگر تمرد از مواد قانونی جامعه نمایند فوری محکوم میگردند ولی اگر دول بزرگ مخالفت باقوانین آن کنند از محکومیت مبرایند چنانچه ایطالی در موضوع یونان نمود والان هم تمام دول در حفه کردن چینیان اقدام می نمایند شرکت ایران در جامعه ملل خودرا مسموم ساختن وچهارصد ملیون مسلمان عالم را باعمال انداختن است در چنین جامعه مملو از اغراض در چنین سوسیقی پر از مکر و فریب ابدا شایسته نباشد که نماینده ٤۰۰ ملیون نفوس اسلامی باسم حکومت شرقی شرکت داشته باشد فرنگی مابی و اروپا پسندی بحدی در رگ و ریشه ما جای نموده که بدون تامل و تعمق در عقب هر صدائیکه از اروپا بلند شود دوالیم مجلسی نیست که در اروپا منعقد شود و ایران را دعوت کند وایرانیان از قبولش امتناع ورزند و هیچ تصور نمیکنیم که ما

ا باید تا این درجه محو در کردار ناستوده غربیان باشیم چرا باید ضر و نفع خود را نشناسیم شرکت در جامعه ملل خیلی در سیاست ایران را عقب انداخته و نمیگذارد برای خود یك مسلك مستقلانه اتخاذ نماید دیگران که شرکت در این جامعه دارند قبل از وقت مسلك مستقلانه خودشان را معین داشته و مورد اعتراض هیچ قوتی هم نیستند ولی چون ایران ضعیف است اگر باشرکت جامعه مسلك نافعی هم برای خود اختیار کند مورد اعتراض بلکه تهدید واقع تواند آمد خوب است حالا دیگر ایرانیان چشم باز نموده از شرکت این جامعه برفی وریب دوری جویند

جنبش چینیان

لشکرکشی دولت انگلیس مزید هیجان ملیون چین آمده از طرف دیگر هم اسباب توهم سایر دول اروپا شده که مبادا انگلستان در چین نیز همان نقشه هندوستان را پیش برد و اگر چنین شد طولی نکشد دول سائره را تار و مار ساخته از چین جدا کرده بدون مانع ورادعی خویشتن را مثل هندوستان در چین هم مطلق العنان قرار دهد فرانس و پرتکیز هم در هندوستان از قبل آمدن انگلیس دخالتهای موثر داشتند پیش قدمی انگلستان و جدیت و فداکاری رجال انگلیس همه را از هند در کرد میترسند که عاقبت در چین هم همان پیش آید که در هند پیش آمده است از این رو هر یك از دول بتجهیزات جنگی پرداخته و کوشانند که از رقیب خود انگلستان عقب نمانند

چنانچه هفته گذشته نگاشتیم همه دول قبل از وقت با دولت انگلیس هم شور و هم قرار بوده برای اینکه ملیون چین اغفال شده دسته بندی غرب برخلاف شرق در اذهان شرقیان جای گزین نگردد علی الظاهر اتحاد قوی عسکری ننموده ولی منفرداً بمخالفت ملیون چین باسم حفظ مال و جان رعایای خویش لشکرکشی نمایند ولی باید دانست ملت ۴۵۰ ملیونی چین وقتی از خواب بیدار شود این تدارکات جنگی مختصر و خیلی از این بالاترها نیز استقلال او را نمیتواند نابود فرضاً اگر روزی چند هم چینیان بواسطه فشار منگامی آرام شوند طولی نکشد که اقدامات خود را از سر گیرد این دفعه اول نیست که دول غربیه برخلاف چین قیام و این ملت جسیم را در فشار گذارده اند وقتیکه بتاریخ مراجعه شود از همان روزیکه انگلیسان بجرم اینکه چرا چینیان تریاك وی را نمیخرند لشکر بچین کشیده تا بحال ساعت بساعت و آن بان به بیداری این ملت افزوده پایه استقلال خود را محکم کرده اند

حکومت پکن باشکرکشی انگلستان سخت اعتراض نموده اظهار داشته است که دولت چین مقتدر و ضامن است که جان و مال خارجیان را در شنگهائی محافظه نماید و بهانه ئیکه برای حملات حکومت کانتان بشنگهائی گرفته شده مبنی برحقیقت نیست چه قشون موجوده شنگهائی برای جلوگیری انها کافی و در حفظ جان و مال رعایای خارجه مجد است در این اعتراض نامه میگوید دولت انگلیس اگر قشون بشنگهائی وارد کند علاوه بر اینکه ملیون چین را مانند سال ۱۹۱۴ هیجان نخواهد افزود نفرت آنرا هم نسبت بخارجه زیاد و امر تصفیه را مشکل تر خواهد نمود در این صورت دولت و ملت چین هم خویشتن را از ذمه داری هر پیش آمد معفو خواهد دانست

دولت انگلیس همه گونه ساعی و جاهد بوده و هست که حکومت کانتانرا برسمیت شناخته و دول سائره را نیز با خود در این موضوع هم آواز ساخته با حکومت کانتان عقد قرار دادهای سیاسی و تجارتی بربندند و نقشه دیگر شان هم اینست که بهر وسیله باشد پس از مجزا ساختن کانتان از پکن حکومت شنگهائی که دارای ٤ ایالت بزرگ است از چین مجزا داشته به بین المللی اش سازند در صورتیکه حکومت در چین تشکیل یابد برای پیش رفت مقاصد غربیان تا یك قرن کافی است مستر املی که بطریق غیر رسمی با حکومت کانتان مشغول مخابرات و عقد قرارداد بوده چنانچه میگویند اقداماتش بی نتیجه مانده است حکومت کانتان اعتراض نموده که چون دولت انگلیس باشکرکشی اشتغال ورزیده ملیون چین رضا نمیدهند تا وقتیکه انگلستان قشون خود را اخراج نکند در عقد هیچ قرار دادی کانتان باوی مذاکره نکند انگلیسان میگویند که پس از اینکه حکومت کانتان همه قسم حاضر بعقد قرار دادشده بود یکدفعه ترك مذاکرات سیاسی را نموده از اثر تهییجات نمایندگان روس بوده جرائد انگلیسی مینویسند که پیش زمامیون کانتان نمایندگان روس بمخالفت انگلیس ساعی اند ولی روسیان رسماً تکذیب نموده میگویند با اینکه ما کمال همدردی را با ملیون چین داریم عملا هیچگونه اقدام برخلاف دولت انگلیس یا خارجه در چین ننموده ایم

در حلقه سیاسیون لندن گفته میشود که باید یکمرتبه ترك تعلقات تجارتی با روس گفت چه روسیه بر خلاف قرار دادیکه با ما بسته بود در چین عمل مینماید مستر لاید ژارژ از این روشوش آمده که حکومت کانتان ترك مذاکرات را با مستر املی نموده و گفته یك سرباز انگلستان تا در شنگهائی موجود باشد هیچگونه قرار دادی نتواند بست از این رو از کابینه

انگلستان تحریک نموده که قشونرا در شنگهائی وارد ننموده در کانتان بگذارند تا اگر ضرورت پیش آید بفوریت بتوانند بخاک چین وارد سازند گمان میرود که مناقشات چین وانگلیس منجر بجنگ آید انگلیسان خیلی مایلند در چنین موقع سخت اقتصادی نمیخواهند خویشتن را مبتلای بجنگ سازند و از طرف دیگر نیز میگویند با آن توهینی که در هانکو و تمام اقساط کانتان بملت و دولت انگلیس وارد آمده جبرانش جز بورود قشون درچین نبوده و بیست انگلیسان میدانند که از این ببعد جز باصول تجارت مشروع نمیتوانند منافع مستمراتی از چین داشته باشند امریکا هم همین نکته را بیان نموده میگوید خارجیان یعنی دول غربیه بیش از تجارت مشروع ازچین توقع نباید داشته باشند ولی دولت چین هم بایستی همه‌گونه امنیت مالی وجانی به آنها ببخشاید و اگرامنیت مالی وجانی اداد آنها نیزمجبوراند که برای حفظ حقوق ملیه خود هر اقدامیکه شایسته مقام باشد معمول دارند میگویند فعلا دولت چین دارای مرکزیت نیست میتوان با هیچ یك ازحکومتهای موجوده قرار ومدار جدیدی داد به بندند

ازتمام بیانات دول درموضوع چین مستفاد میاید که متفقاً بتجزیه چین بچند حکومت ساعی اند قشونی راکه دولت انگلیس از هندوستان بچین فرستاده خیلی مورث شکایت هندیان آمده و در شورای فرمانفرما موادی برخلاف این اقدام گذشته ولی حکومت هند بمقتضای وقت حرکت میکند وذره هم باینگونه اعتراضات اعتنا مینماید نطقی را که والا حضرت لارد اروین فرمان فرمای هند ایراد نموده خیلی از موهومات اهالی هند را دور ساخت نطق امپراطورانه بود و تاکنون هیچ فرمان فرمائی با این بیانات صاف مراتب را باهالی هند حالی ننموده بود اعتماد دولت انگلیس در جنگ چین بیشتر به هندوستان است هند است که میتواند ملیونها نفوس غدیه چین سازد هند است که بیك اعلان حکومت برای چند روپیه ماهانه صد هزاران نفوس داو طلب سر بازی و جان بازی میشوند در حقیقت دولت انگلیس بواسطه هند است که استیلا باقصای شرق و وسط شرق و شرق نزدیك و مجمع الجزایر عربیا و افریق پیدا نموده است دراین صورت قائدین هند هرچه بخواهند از فدا کاری هندوستان در پیش رفت مقاصد انگلیس در چین جلوگیری کنند راهی غلط پیموده اند وقتی هم که ملیون چین پیشرفت کرده توانستند تحت یك حکومت ملی بروی پای خود ایستاده استقلال خویش را حفظ کنند انوقت هم تا قرنی هندیان بمالیدن چشم های خود امرار وقت خواهند نمود

(بقیه در صفحه ۲۴)

از طهران می نویسند

هفته گذشته بجهاتیکه ذکرش خارج از موضوع است بگیلان و قزوین رفته نگارش اوضاع تاریك طهران را نتوانستم ـ طهران عجب جای بدیست چون مصارفش زیاد است آدم بیکار هم بسیار و طبعاً هم مردمش بعیاشی و خوشگذارانی عادت کرده و مفتخواری طبیعت ثانوی عموم شده است از اینرو هوچی اش زیاد یعنی بیکاران و بیعاران آماده فراهم نمودن هر گونه جنجال اند و اشراف گندیده و شاهزادگان پوسیده هم چون اندوخته های غارتانه زیاد دارند شب و روز بعیاشی هم اندازی مشغول و هر شب فیل شان خواب هندوستان می بیند و هر روز نقشه وکیل شدن وزیر شدن والی شدن حاکم شدن و یا مغزهای ادارات دولتی را اشغال کردن مو ریزند تا زمانیکه شخص اعلیحضرت متصدی کارهای دولتی بودند همه حساب حساب کار خود را کرده پا از گلیم خویش دراز نمی کردند حتی وکلای مجلس پیرامون برخی حرکات نمی گردند تا دوره ریاست الوزرائی ذکاالملك فروغی هم بدو جهت مردم آرام بودند اول اینکه چند ساله ریاست اعلیحضرت مردم را به آرامی وسکون مجبور ساخته بود دوم اینکه فروغی را همه دست نشانده اعلیحضرت میدانستند و از این جهت بیم ناك بودند از وقتیکه مستوفی رئیس الوزراء شده و اعلیحضرت هم ازمیان مردم بیرون رفته اندك اندك همان بیعار های قدیم و همان بیکاران دیرین از نرمی و ملایمت مستوفی فائده برداشته مجدداً جنبیدن گرفته یاوه سرائی و رفتار های بیهوده را از سرگرفتند خصوصاً از وقتیکه آقای وثوق وارد طهران شد نیرنك بازی و پشت هم اندازی قوت گرفت بهمان بازیهائیکه میدانیم وکیل شدند طولی نکشید وزیر هم آمدند از همان ساعتیکه ورودبمجلس کردند همه میدانستند که طولی نخواهد کشید یك تیاتر قشنگی دربهارستان برپاخواهدشد وهمان قسمیکه گذاشته شده بود کابینه مستوفی را منحل وکابینهٔ محللی بروی کار آمده از آن بعد مجدداً عقد آقای وثوق با ریاست الوزرائی بسته خواهد آمد فعلا نقشه چنین ریخته آمده که وثوق رئیس مجلس شود و آقای تمدن و داور وچند تن دیگردرهمان کابینهٔ محلل شامل آیند حالا نزدیك است همان نقشه روی کار آید .

اگر در طهران بودید و اوضاع شبانه و روزانه بدسته بندیهای علنی و سری را مشاهده می نمودید تصدیق میکردید که خرابیهای ما خود آور است نه خود آمد سالهاست میشنویم که روس وانگلیس ایرانیان را در فشار گرفته از ترقیات مقتضیه آنها جلو گیری مینمایند ولی آلهه‌یرا بچشم خود می بینم روس و انگلیس بما

کاری ندارند ما خود آلة اعتراض به پیشرفت این و آن نمی شویم - کلام این است که اگر چندی دیگر اعلیحضرت یك توجه مخصوصی باوضاع حاضره نفرمایند رشتهٔ امور بقسمی از هم گسیخته آید که علاجش از دست هرکس بدر رود - درست دقت کنیم آقایان وثوق وفیروز میرزا وقتیکه در یك جا جمع شده رادع و مانعی جلو خود نه بینند خواهندگذارد مستوفی بروی کار بمانند ؟ بقول منشی‌باشی ناهید برادر فیروز میرزا تازگی گلی به آب داده که دولت و ملت را بهم انداخته همه را مات و مبهوت ساخته‌اند البته میدانید روابط آقایان را با رؤسای کمپانی نفت انگلیس و ایران و مراسلاتیکه در ایام وزارت خارجهٔ خود شان بدست کمپانی داده حالا اخ اعز اکرم شان محمد ولی میرزا سنگ ملت را بسینه زده مراسله را که مغایر السلطنه وزیر فوائد عامه در موضوع نفت خانه غرب بکمپانی نوشته مستمسك ساخته وکلای تازه چرخ پر غرض کم اطلاع مجلس را هم با خود وبهارستان را حمام زنانه ساخته اند تمام غرض شان نه ملت است نه دولت میخواهند کابینه را از کار بیاندازند در این ضمن جرائد روسیه و پی سیم مسکو هم در انداختن پروپاگنده و مشوب ساختن اذهان عامه ذرهٔ فروگذار نمیکنند - معلوم است انها هم حق بجانب اند چه انگلیسان نیز در موضوع قرار داد تجارتی روس و ایران هرچه توانستند گربه رقصانده و هنوز هم دارند میرقصانند و ما ایرانیان را هم بنوا های خود ترقص وا داشته اند حرف این است که این دو همسایه از شخص مستوفی مایوس وهیچیك این وجود را قابل استفاده خود نمیدانند تصور میکنند هرکس که بروی کار آید در استفاده خارجیان بهتر از مستوفی خواهد بود .

مراسله به کمپانی نفت

البته مراسله وزارت فوائد عامه را که بکمپانی نوشته ملاحظه کرده اید - اشکالیکه در این مراسله می‌باشد این است که عبارتش باندازهٔ مغلق و پیچیده است که کمتر کسی ملتفت میشود بعقیده من این مراسله ترجمه است سوق عبارت بطور نگارشات فارسی معمولی معلوم نمیشود گمان میکنم که رئیس کمپانی این مراسله را بدواً بانگلیسی نوشته و بعد بفارسی ترجمه شده باشد مواد آن هم درست باهم مربوط نمیشود چنانچه یك جا اراضی نفت خانه را سر حد بین عراق و ایران قرار میدهد جای دیگر ملك ایران و در جای دیگران اراضی را خارج از ایران ظاهر میکند - شك نیست که این مراسله پیچیده وخیلی بانیرنگ نوشته شده است روی هرفته بیشتر به نفع ایران است

و اگرهم بعضی غلط ها در آن پیش آمده باشد بقول مستوفی مجلس میتواند برخی اصلاحات مقتضیه را بنماید ولی چون غرض اصلاح مراسله نبوده و نیست مطالب همان ازکار انداختن کابینه مستوفی و بروی کار آمدن خود و رفقای شان بوده از این‌رو از حقیقت موضوع خارج شده اند

نغمه تازه

همان آقایان که میدانند تاوقتی‌که دکتر میلسپو چون اژدها بروی گنج و خزانه ایران افتاده برخی تشبثات و بعضی دخالتهای بر فائده در داخله نتوانند نمود از یك طرف با اینکه او مسئول نیست بازهم در موضوع این مراسله ساعی اند وی را هم منفور عامه سازند علاوه براین نیز زمزمه انداخته اند که دکتر میلسپو مایل نیست راه آهن ایران ساخته آید و در این موضوع برخی اوراق هم انتشار داده تا جائیکه انجمن آذربایجانیان را هم سمت روی یخ خود ساخته اند معلوم است کمك های خارجی هم در این باب هست چه اگر دکتر میلسپو برسر مالیه باشد و آقایان تشکیل کابینه دهند چون پر جبرئیل یعنی پول دست اوست از منافع داخلی محروم خواهند ماند و باید بهمان فوائد خارجی که انهم همیشه بدست نمی آید بایستی قناعت ورزند دو نکته دیگر را هم در اذهان مردم جای داده اند وآن اینست که دکتر میلسپو با تاکس اشیاء تجملی و کار کردن در معدن نفط شمال همراه نیست همیاهو را بجائی رسانده اند که دکتر میلسپو مجبور آمد بیان نامهٔ ذیل را اشاعه داد

بیان نامه دکتر میلسپو

تصور این مسئله که چگونه این اشخاص فکور و بی غرض ممکن است نسبت بمقاصد این جانب سوء تفاهم داشته باشند خیلی مشکل است شرحی که چندی قبل نوشته شد بمنزله تذکر بود و باید احتراز نمود از هرگونه عمل واقدامی که اسباب تعویق یا عدم حصول این مقصود عالی که این درجه طرف میل اعلیحضرت همایونی و کلیه وطن پرستاران ایرانی و دوستان ایران ایران می باشد فراهم بیاید

هیچ فردی از افراد بیشتر از این جانب ازصمیم قلب زحمت نکشیده‌است تا اوضاع مالی مساعد که در اینباب ساختن راه آهن غیر ممکن می بود و تا کنون غیر مقدور بوده ایجاد شود

نظر باستقرار و امنیتی‌که بواسطه تدابیر اعلیحضرت شاهنشاهی و واسطه عملیات قشون ملی ایران که درتحت اوامر مقام سلطنت دراکناف مملکت حکمفرما است و نظر بقوانی که از طرف مجلس شورای ملی تصویب شده و نظر بتشکیلات مالیه که وجوه لازمه را حفظ

ذخیره کرده وسایل احداث راه آهن را میتوان عملا تأمین شده محسوب داشت

نظر بشایعات بی اصل و گمراه کننده که این جانب عایق در کار ساختن راه آهن تولید می کنم مایلم مؤکداً و جداً تکرار نمایم که این جانب از صمیم قلب آرزومند ساختن راه آهن و اتصال خطوط راه های آهن در تمام ایران میباشم و احداث راه آهن را بحال ایران مفید و آنچه تا کنون در قدرت داشته بعمل آورده و هر آنچه نیز در دایره وظایف خود در حدود قوانین موضوعه اقداماتیکه برای ساختن راه آهن لازم باشد بعمل خواهد آورد که در اسرع اوقات شروع شود

آقایانیکه این شایعات را درباره اینجانب منتشر میسازند باید بدانند که عمل ساختن راه آهن اصلا از وظایف وزارت فواید عامه بوده فقط تکلیفی که وزارت مالیه راجع باین کار دارد همانا جمع آوری و صیانت وجوه مربوطه و پرداخت حواله جاتی است که وزارت فواید عامه بر طبق قوانین مصوبه مجلس شورای ملی بوزارت مالیه ارسال میدارد

هرگاه دولت ومجلس شورای ملی مایلند بلافاصله شروع بساختن راه آهن شود قانونی باین مضمون وضع فرمایند اینجانب هم پرداختهائی را که در قانون مقرر داشته بدون درنگ تصویب و تادیه نمایم

علاوه بر این برحسب تقاضای وزارت فواید عامه با کمال میل راجع براه آهن از هیچگونه مساعدت خارج از وظیفه خود مضایقه ننموده و بعنوان عامل وزارت فواید عامه مسئله استخدام مهندس امریکائی را عهده دار شدم و بدون فوت وقت مذاکرات را خاتمه و مستر پولند را استخدام و اکنون در طهران شروع بعمل باز دید ونقشه برداری آماده میباشد و ابداً تردید ندارم که با کمال جدیت مشغول کار خواهد بود

و نیز در هر موقعیکه مساعدت و کمک فکری از این جانب خواسته بشود برای اینکه تعویق و تاخیری در کار راه آهن رخ ندهد در کمال مسرت همه‌گونه مساعدت و همراهی خواهم نمود راجع به نفط و منع ورود اشیاء تجملی اهالی بخوبی مستحضر هستند لایحه راجع باشیاء لوکس ازمجلس شورای ملی گذشته ولایحه دیگر نیز راجع بمسئله ثانی بمجلس شورای ملی تقدیم گشته است

چطور باید حزب ساخت

برای هر ملت و هر مملکت اتخاذ اصول حزب سازی تفاوت میکند چون غرض و مقصود ما ایران است بمقتضی اوضاع ایران مینگاریم حزب با مسلك باید علی اعتماد عموم و بمقتضای آن محیط باشد اگر ما بهترین مرام نامه ها را مسلك خود قرار داده و بهترین اشخاص را هم شریك عقیده خود بسازیم و ملت اعتماد بان حزب و مسلك ننماید بی فائده است حکومت ملی معنی اش آنست که کلیه افراد ملت در امور مملکت حصه دار باشند و این امر صورت نبندد جز بتشکیلات احزاب صالحه بعبارت ساده تر تا وقتیکه احزاب تشکیل نشوند و افراد ملت منقسم در آنها نگردند اطلاق حکومت ملی بر آن ملت صادق نیاید امروزه در کلیه انگلستان از زن و مرد کسی را نتوانید یافت که شامل در یك حزب نباشد آن حزبیکه اکثریت دارد حکومت مییابد و احزابیکه در اقلیت اند بتنقید دولت همیشه کوشش میکنند که از روی صدق عقیدت و وجدان پاك در پارلمان اکثریت یافته عنان حکومت را بکف گیرند ـ وکلا هم که انتخاب میشوند بدواً مسلك و مرامش معین شده از طرف حزبی از احزاب منتخب میآیند اینست از انتخاب وکلا بفوریت اکثریت مجلس معلوم و معین میگردد و من غیر رسم معلوم میشود که حکومت بدست کدام اشخاص خواهد اوفتاد بدواً احزاب در انجمنهای خود شان کاندید های وکالت را معین نموده همه قسم تائید وکمك میکنند بکاندید های خود تا اکثریت یافته عنان حکومت را بدست گیرند ـ علت بزرگی که پس از ۲۰ سال مشروطیت جرائد ایران که تا این درجه از میدان مسابقه باز مانده برای آنست که از روی مسلك و مرام حزبی اشاعه نمی یابند امروزه در ممالك مشروطه اخباری یافت نخواهد شد که طرفدار یك حزب نباشد و آن حزب هم در تائید و کمك اخبارات خود همه گونه مساعی جمیله بخرج داده در ترقی آنان می کوشند هر قدر حزب قوی شود اخبارات آن حزب هم قوی می گردد بر اشاعه و ترقیات آن می افزاید امروزه مسلك اخبارات ایران را احدی نمیفهمد و باید گفت مسلك ندارد چرا که اخبارات حزبی نیست و تا وقتیکه حزب وجود نیابد و مرام او معین نگردد اخبارات نمی توانند دارای یك مسلك مستقیم گردند از این است که امروزه در ایران هیچ اخباری بمسلك معرفی نشده است و به عقیده عموم مبصرین تا وقتیکه روز نامجات ایران اصول حزبی اشاعه نیابد ترقی آنان صورت حقیقی حاصل نکند قلت اشاعه جرائد فارسی را از قلت تعلیم ملت دانند ولی ما بیشتر بواسطهٔ نداشتن حزب و عدم مسلك تصور می کنیم و تا حزب در مملکت کسب عمومیت نکند مشروطیت نضج نمی گیرد ومردم بسیاسیات و اقتصادیات مملکت آشنا نمیشوند و شوق بخواندن جرائد پیدا میکنند هر حزب برای پیشرفت

حزب خود اخبارات هم مسلک خویش را مشترك شده و برای دانستن از عقائد مخالف خود هم مجبور بخواندن اخبار حزب مخالف میگردد و همین سبب میشود بازدیاد انتشار اخبارات و در حقیقت بزرگترین وظیفه جرائد ایران است که هم برای ترقی خود و هم برای تکمیل مشروطیت ساعی و جاهد گردند در تشکیل احزاب مشلعه و مرامهای نافعه ایند در این زمینه خیلی بحث شود و ارباب دانش و سیاست این موضوع را کاملا خلاجی نموده مرام نامه های عملی ترتیب داده ملت را به تشکیل حزب تشویق نمایند اساساً باید تشکیل احزاب و مرام نامه های آن بر وفق قوانین اساسی و منافع ملی ترتیب شود نه برای نجات منافع شخصی و شهرت طلبی مانند ادوار سابقه هر کس بخیال خود انجمنی تشکیل و مرام نامه معین کرده چند نفری را مشغول نموده بنای هو وجنجال را نهاده چرخهای دولت را از کار باز دارند . درحقیقت بیشتر غرض از تشکیل حزب تقویت هر کابینه است که بر سر کار می آید و حزب مخالف را هم غرض آنست که اگر از کابینه از جاده خود انحراف نموده خود سرانه حرکت نماید و همین نکات سبب گردیده که هر مسئله که در پارلمان می آید یعنی هر لایحه که در پارلمان از طرف دولت پیش میشود حزبی که دارای اکثریت است مسلماً طرفدار آنست و حزبیکه در اقلیت است بدین جهت مخالفت میورزد که مسئله خلاجی شده اگر عیب و نقصی دراو باشد دفع و رفع گردد و اخبارات احزاب مخالف و موالف مقاله ها بر له و علیه آن لایحه نگاشته قسمی تشریح میشود که برای کابینه نیك و بد و ضرر و نفعش و مؤید و مخالف آن ظاهر میگردد اگرچه امروز هم در غالب لوایح که بمجلس می آید اقلیت و اکثریت همین قسم بحث میکنند و جرائد هم برخی به تائیدات اقلیت و برخی به کمك اکثریت قلم فرسائی می نمایند و موادی هم که از مجلس میگذرد با اصول مشروطیت به اکثریت آرا است ولی هم اقلیت و هم اکثریت و هم جرائد ملیه بحث و اختلاف شان از روی مرام و مسلك حزبی نیست بهمین مناسبت است که وکلای ما گاهی از این فراکسیون بیرون شده شامل فراکسیون دیگر میشوند بدون اینکه موکلین شان ملامت شوند چه ایرادی برای آنها وارد نیست زیرا باصول حزبی انتخاب نشده اند ، در ممالك مشروطه وکیل هر مسلکیکه انتخاب شده نمیتواند بدون اجازه موکلین خود تبدیل مسلك دهد و اگر چنین کند موکلین شان مختار اند که چنین وکیلی را از حزب خود خارج کنند ، چون وکلای ما باصول حزبی انتخاب نمیشوند هیچ یك از این مراتب را مراعات نمی نمایند از این بیانات معلوم شد که مشروطه بدون احزاب مانند مدرسه طب بدون لابراتواری است در حقیقت همان قسمیکه مدارس طبیه و ادارهٔ صحیه ما بدون لابراتواری باقی مانده مجلس شورای ملی و مشروطه ایران هم بدون احزاب باقی است ولی همان قسمیکه نتوانسته ایم از مدارس طبی و ادارهٔ صحیه خود بدون لابراتواری فائده برگیریم از مجلس شورای ملی و مشروطه خویش هم نتوانسته ایم منافع حقیقی را جلب نمائیم گمان نداریم احدی یافت شود که منکر لزوم وجود احزاب صالحه در حکومت مشروطه ایران باشد حرف در این است که چگونه باید بر وفق موقع و مزاج مملکت تشکیل احزاب و مرام نامه های نافعه داده شود چنانچه گفتیم بمناسبت اینکه در چند دوره متوالی از انجمن بازی و حزب سازی برخی مردمان لاابالی و رجال عالی طبقات صالحه مملکت از اسم حزب و مسلك فرار نموده تا چه رسد بشرکت آنها و تا وقتیکه کلیه طبقات منقسم دراحزاب نگردند حزب صورت قانونی بخود نمیگیرد پس قبل از همه چیز باید اقدامی نمود که رمیدگی مردم از حزب و مسلك دور شده حاضر برای شرکت در احزاب گردند و رجال طبقه اول و اواسط ملت نترسیده سرمایه پیشرفت مقاصد خود را در شرکت باحزاب دانند

(کی باید حزب سازد)

چنانچه گفتیم بواسطه هو وجنجال انجمن سازان ادوار سابقه عموم ایرانیان از شنیدن اسم حزب رم میکنند تا چه رسد بشرکت در آن راه چاره جز این نیست که هیئت های صادقه که محل اعتبار واعتماد همه طبقات باشند قائد وزعیم احزاب گردند ، درآغاز مشروطیت وقتیکه اخبار نویسی درایران یك ازمعایب بزرگ بشمار میرفت و اخبار نویس هم در ردیف رمال و دعا نویس وقلندرهای بیشاخ و دم ودراویش معرکه گیر محسوب می آمد آقای میرزا حسن خان پیرنیا (مشیر الدوله سابق) سفیر پطرزبورگ بود و بطهران برای اشغال امور مهم تری جلب شده بودند ، در ضمن یکی از مراسلات شخصی بایشان نوشتیم « نظر باینکه یك از ارکان مشروطیت جرائد ملیه است که باید در تنویر افکار عمومی بکوشند و امروزه جرائد ما بایهٔ منفورت عمومی شده برای توجه عموم بجرائد می جنابعالی که هم دارای افکار عالی و قلم شیرین ومتین هستید وهم محل اعتماد جمیع طبقات ملت می باشید خوبست چندی از مشاغل دیگر صرف نظر فرموده پیشه اخبار نگاری را اعتبار بخشند وهم ملت را بخواندن جرائد مانوس کنند و هم سبك و سلیقهٔ جریده نگاری درایران ایجاد نمایند » درجواب نوشتند که « هنوز موقع این گونه

خدمات در ایران نرسیده است ، حالا هم در موضوع تشکیل احزاب همان عقیده را تعقیب نموده میگوئیم که باید رجال بزرگ با سیاست ما که محل اعتماد عموم هم هستند مانند آقای میرزا حسین خان پیرنیا (مؤتمن الملك سابق) میرزا حسن خان پیرنیا ، آقای تقی‌زاده آقای دکتر مصدق ، آقای مستوفی ، آقای مدرس و و از رجال طبقه اول باین امر مهم باید قیام نمایند و اساس مشروطیت ایران را محکم سازند چه تا وقتیکه احزاب صالحه بروی کار نیاید مشروطیت ایران پا در هواست لازم نیست که تمام این آقایان در یك حزب شامل آیند اینها میتوانند بچند حزب تقسیم شوند ولی چند نفر رجال معتمد با سیاست باید در راس هر حزب باشند تا افراد ملت با اعتماد کامل از روی صمیمیت شامل در آن حزب شوند و هر یك از احزاب ما بایستی اخبارات متعدده احداث نموده جرائد موجوده را نیز در احزاب شامل سازند باید نقشهٔ ریخته آید که هیچ ایرانی از زن و مرد یافت نشود نه منتسب بیك حزب باشد فعلا برای ایران سه حزب رسمی که هریك از آن احزاب قابل و مقتدر باشند که عنان حکومت را بکف گرفته از عهده انجام امور برآیند کافی تصور میشود این احزاب سه گانه خیالی ما باید تحت پروگرام و مرامنامهای صحیح باشند مرکز شان در پای تخت و شاخهای شان در هر ایالات و ولایات و شهر و قصبه موجود باشد این احزاب نوعی باید ترتیب داده شوند که تمام ملت را بخود جذب نمایند گویا روی هرفته هر حزبی دارای ۵ ملیون عضو گردد معلوم است که تشکیل حزب و پیشرفت امور حزبی سرمایه هنگفت لازم دارد اگر هریك از اعضا حق عضویتش سالی دو قران مقرر آید سالانه برای تشکیلات حزبی اقلا یك ملیون تومان جمع تواند شد ولو اطفال منها و اشخاص غیر مستطیع هم از دادن وجه تاموقع استطاعت معفو خواهند بود و درمقابل اشخاص مستطیع عوض ۲ قران ده قران و صد قران و بیشتر هم اعطا توانند نمود هیچ حزب بدون سرمایه کافی پیشرفت نتواند کرد باید قائدین احزاب اصولی بروی کار آرند که در سرمایه های حزبی کسی دست اختلاس دراز نتواند نمود و از تجاوز مفت خوران مصؤن ماند منجمله سبب بربادی احزاب ناقص سابق همانا نداشتن سرمایه بوده است بدون سرمایه کافی حزب قائم نتواند ماند و مرام عمده خویشرا از پیش نتواند برد اینها چیز هائیست که دیگران کرده و بما نشان داده اند افسوس که ما قابلیت تقلید شان را هم نداریم مسلم است که مرام ملی و نقطه نظر تمام احزاب یکی خواهد بود و نهایت طریق مشی و وصول به مطلوب فرق خواهد نمود و قائد هر حزب باید مسلم باشد تا در موقع ضرورت هم افراد حزب بتوانند از قائد محترم خود فائده برگیرد و هم افراد قائد خودرا شناخته احکام کتبی اشاعات جرائد را که بنام آن قائد انتشار یابد تسلیم نمایند معلوم است قائد هیچ حزبی هم از روی قوانین داخلی انجمن و سوسیالیتی خود دارای نتواند بود نهایت کوشش تواند نمود که مدلالات رای خویشرا بحزب خود قبولانده اکثریت حاصل نماید اینها جزئیاتی است که پس از تشکیل حزب خود بخود در پیش می‌آید و پیشرفت هم مینماید و تشکیل احزاب بزرگ ترین خدمت به نشر معارف و جرائد ملیه هم خواهد بود علناً قائدین احزاب باید مقالات رشیقه و افکار عالیه خودرا بذریعه جرائد بملت پیش نمایند و در مسائل مختلف فیه حزبی با حربه جراید مخالف را از میدان بدر کرده ملت را طرفدار خویش ساخته و بقوت اکثریت مرام خودرا از پیش ببرند جای شکر است که رفته رفته موقع جریده نگاران در ایران کسب اهمیت نموده بعضی از آنها وکیل بلکه وزیر و رئیس‌الوزرا هم گردیده‌اند برای پیشرفت معارف ملی که درحقیقت پیشرفت حزبی‌اش هم میتوان گفت قائدین بزرگ و وزرای سترك ما باید با سرمایه‌های هنگفت جرائد از صرف خود اشاعه دهند و اخبارات اهمیت بخشند و با سرمایه کافی اخبار و چاپخانه را یك از مواد تجارتی قرار دهند چه تا وقتی جرائد ملیهٔ ما ترقی ننموده قوت نگیرند احزاب پیشرفت حقیقی خودرا حاصل نتوانند نمود و روز نامه و مطابع ایران که باین حال فلاکت میباشند بواسطه آنست که اخبارات و مطابع ما بی‌سرمایه اند و ازاین رو تا امروز تصور تجارت در امر مطبعه و روزنامه نرفته از همان سرمایه‌های حزبی باید جرائد موجوده را خریده و باشرکت محدود از نو هم ایجاد کرد باید مطابع را تکمیل نمود ـ بهمان درجه که ایران در معارف عقب است در جریان مطابع هم عقب میباشد امروز یك مطبعهٔ لینو تائپ که حرف از خود بریزد و طبع کند و حال آنکه قیمتش هم زیاد نیست در کلیه ایران وجود ندارد فقط بتازگی شنیده میشود آقای اعتصام‌زاده مدیر روزنامه ستاره ایران از آلمان یك دستگاه لینوتائپ فرمائش داده و عنقریب بطهران وارد خواهد شد هنوز اسباب عکاسی و زنکو گرافی یعنی نقل عکس برای طبع از روی صحت نداریم ، تا کنون یك دستگاه حروف ریزی کامل در تمام ایران یافت نمیشود ـ راست است که بواسطه عدم رغبت مردم بجرائد این نقیصه‌ها تولید شده ولی تا این نقیصه هارا رفع نکنیم و جرایدملیه از شخصیت خارج نشوند و با دول هیئت اشتراکیه اداره نگردند مردم راغب بخواندن جرائد نخواهند شد ـ دوره که مردم ازترس دشنام یا بواسطه مدح سرائی ارباب جرائد روز نامه میخریدند گذشته

روز نامه در سائر ممالک یك از ضروریات معاش شناخته شده چه روزنامجات شان دارای کلیه اطلاعات لوازم زندگانی هستند معلوم است که اینها اسباب میخواهند مطبعه لازم دارند ـ مثلا وقتیکه یك روزنامه ایرانی یك عکس ناقص در اخبار خود میدهد و یا یك صفحهٔ کاغذ بر او میافزاید حماسه ها نموده رجزها میخواند ولو چه در نظر ایرانیان این ترقیات اهمیت داشته باشد ولی خارجیان که آن حماسه های خنك را میخوانند و اخبارات کامل العیار لغات دیگر حتی مصر وبیروت و اسلامبول را جلو روی خود می بینند خنده میکنند

افسوس که ما اخبار خوان نداریم یعنی آدم باسواد در مملکت ما که بتواند اخبار بخواند و بفهمد انگشت شمار است ولی بیشتر از همه مذلت اخبارات ما بواسطه آنست که در مملکت ما تجارت نیست اعلانات هم نایاب است اخبارات عمده عایدات شـان بواسطهٔ اعلانات میباشد و هر اخباریکه دارای اعلانات کافی نباشد باصول تجارت قائم نشده و هر عملیکه باصول تجارت قائم نشود استقامت نتواند نمود ـ شاید هنوز این سخنان را بزرگان و صاحب ثروتان ما قبول نتوانند نمود که روز نامه و مطبعه هم یك از تجارتهای عمده ممالك متمدنه است در آمریك و انگلستان مطابع متوسطه آن در موقع خرید و فروش یك ملیون و دو ملیون لیرا قیمت می‌آورد حالا که بحمدالله معارف مملکت رو بترقی میرود و تعلیمات مجانی و اجباری بروی کار آمده و می آید روز بروز بر عده با سوادان خواهد افزود همان قسمیکه ما معارف خود را اصلاح میکنیم باید در ترقی روزنامجات و مطابع خویش هم بکوشیم امروزه در جوامع ملل متمدنه چه در سیاسیات و چه در اقتصادیات چه در صناعات و چه در فلاحت چه در امور لشکری و چه در امور کشوری آله که مانند روزنامه ومطبعه بتواند کار کند پیدا نشده است . بن قائدین احزاب اول قدمیکه باید بردارند در اصلاح روز نامه و مطابع مملکت باید باشد چه بدون مطبعه و روز نامه تشکیل حزب قوی نتوان داد و چنانچه نکنیم تا دارای احزاب قوی نگردیم نه تنها مشروطیت نخواهیم داشت بلکه از ملت و مدنیت فرسنگها دور خواهیم ماند ـ قائدین امروزه ایران که قابل تشکیل حزب اند بقدری هم هستند که هرکدام یك سرمایه ابتدائی برای تشکیل حزب خود پیش کرده و همان سرمایه اولیه باصلاح و ایجاد مطبعهٔ کامل و روزنامهٔ صحیح انداخته آید و هرگز این سرمایه تلف نمیشود چراکه اگر از روی صحت عمل رفتار شود مطبعه و روز نامه یك از تجارتهای نافع مسلم آمده است گویا حالا دیگر موقع آن رسیده باشد که بزرگان و سرمایه داران عطف

توجه باین تجارت عمده نیز نموده این نقیصهٔ ملیه را که مورث تکمیلی سائر نقایص است رفع نمایند ـ از جمله نقایصیکه از برای جرائد ومطابع ایرانی موجود است همانا نداشتن سیم مخصوص برای جلب اخبارات عمدهٔ دنیا مانند بی‌سیم مسکو بی‌سیم برلین روتر هاواس و و و اینك که تلگراف بی‌سیم ایران با همه دنیا تبادله اخبار خواهد نمود لازم است جرائد ما نیز در این زمینه پیش نهادی بمجلس و دولت نموده کمك مالی در موضوع بی‌سیم ایران حاصل نمایند و در مراکز عدیده معتبره مانند انگلستان آمریك فرانس آلمان ترکی روس نمایندگان مخصوص داشته باشند که وقایعات را بزبان فارسی باسم بی‌سیم ایران مخابره نموده تا بفوریت جرائد ایرانی بتوانند از آن اخبارات استفاده کنند چه اگر بزبان خارجه باشد زحمت ترجمه و مصارف آن از همه بیشتر دیر شدن اشاعه سبب بیرونقی روز نامجات تواند گردید ولی اگر بزبان فارسی اخبارات مهمه را از مراکز عمده به فارسی مخابره کنند دو سه ساعت بعد آن خبر در خیابانهای طهران منتشر تواند شد

و همان نمایندگان جرائد که برای مخابرات بی‌سیم ایران به نقاط اروپ و امریك گسیل می گردند یك از وظایف شان هم باید این قرار گیرد که از تجارت خانهای عمده و کارخانجات بزرگ برای اشاعه در جرائد فارسی اعلان حاصل کنند و از تجار ایرانی هم کمك بانها داده شود که در ترویج امتعه ایران بذریعه اعلانات در جرائد بیرونی سعی و کوشش نمایند و بهترین اسباب رونق تجارت خارجه و داخله در ایران گردند ـ

اینها همه در صورتی است که ما روزنامجات و مطابع مکمل داشته باشیم و این هم فرع آن است که رجال بزرگ و سرمایه داران عمده ما توجه نموده هم بتشکیل احزاب بپردازند و هم رونق مطابع و روزنامجات ملی افزایند نباید باین پیشنهادات ما سبك مغزان بخندند اینها چیز هائیست که باید بشود و خواهد هم شد نهایت امروز نه فردا امسال نه ده سال بعد ـ هر وقت این خیالات از افکار ما تراوش کند تاوقتیکه عملی نگردیده تنبلان خواهند گفت هنوز زود است ولی هرقدر زود تر شروع بکار کنیم زودتر وبیشتر فائده خواهیم برد ـ امید واریم آقایان محترم و رجال معظم و همقلمان ما در این موضوع قلم فرسائی نموده قدم جلادت نهند ـ کار را باید کرد و تا شروع نکرده اید دشوار معلوم میشود ولی همینکه شروع شد آن به آن برسهولت سهل میافزاید که گفته اند همت الرجال تقلع الجبال

آذربایجانی پیش آهنگ است

این ملت حساس این امت غیور این مردمان شجاع در هر چیز پیش آهنگ تمام ایرانیان ثابت شده در دوره استبداد لشکریان آذربایجانی پشت و پناه سلطنت قجر بوده و امنیت و آرامی تمام ایران در سایه شجاعت سربازان آذربایجانی میشد در زمان مشروطیت هم پیش آهنگ شدند وقتیکه محمد علی پارلمان را خراب کرد و مشروطیت را باطل ساخت یکه مردان آذربایجان بودند که ایستاده تا مجدد افتتاح مجلس نموده محمد علی را خلع کردند وکلای آذربایجان هم در ادوار سابقه شجاع ترین وکلای مجلس و باحس تر و با صداقت تر و بی غرض تر از همه ثابت گردیدند در تجارت و صناعت نیز این امت جسور پیش آهنگ سایر ایرانیان شناخته آمده اند کارخانه کبریت سازی و نخ تابی و و و که در شهر تبریز موجود است بهترین دلیل صدق این بیان است حالا هم پیش آهنگ اصلاح مفاسد اخلاقی میشده یك قدم عملی بر ضد وافور برداشته بر خلاف تریاك تشکیل انجمن و موسیقی داده میخواهند این سرمایه فساد اخلاقی را هم که اعتیاد بوافور و استعمال تریاك است اصلاح کنند چنانچه هم قلم محترم ما روزنامه تبریز مینویسد

روز چهار شنبه ۲۳ آذر ماه بمناسبت تجدید سال سوم هیئت شورای عالی طبی که سه سال است با کمال جدیت بریاست آقای دکتر فخر ادهمی در خط صحیه این شهر قدمهای سود مندی بر داشته اند مجلسی در منزل دکتر محترم مزبور با حضور امارت جلیله لشکری منعقد شده بود

مجلس بواسطه اینکه مرکب از دکتر های طراز اول و معاریف شهر بود یك ابهت و معنویت مخصوصی داشت بدواً آقای امیر لشکر با ابلاغ توجهات کامله و مراحم شامله ملوکانه نسبت بفرد فرد اهالی آذربایجان نطق ذیل را که خلاصه آن درج میشود ایراد فرمودند

(نطق آقای امیر لشکر شمال شرق)

هر ملتی تا اندازه که در خور توسعه صحیه خود قدم بر دارد بهمان اندازه عنصر های قوی برای حفظ و حراست محیط زندگانی خود بایك تکاثر نفوسی که از خاصه این جدیت در صحیه بهره خواهد برد تهیه خواهد کرد

تمام وسایل زندگانی یك جامعه در رشته صحیه آن انتظام یافته اگر این رشته سست و قادر به تحمل وسایط و شرایط حیاتی آن ملت نباشد روز بروز اصول زندگانی این ملت سخت و کم کم فاقد روح خوشخبان استقلال حیاتی شده از جرگه زیست خارج و جز نام اثری از خود باقی نخواهد گذاشت

بهمین ملاحظه بود که در موقع تشرف حضور عنایت ظهور همایونی در این مسئله مخصوصاً عقاید خود را بعرض حضور رساندم و امیدوارم پروگرامی که دولت برای توسعه این مسئله در مملکت تعقیب میکند و با عقیده مخصوصه ذات همایونی نسبت به تقویت روح این امر دارند هر چه زود تر دارای یك صحیه مطابق آرزو های خود در مملکت خواهیم شد چنانچه اگر درست در عملیات صحیه این مملکت دقت و با پنج و شش سال قبل مقایسه فرمائید خواهید دید که مقدمات این نیت مقدس همایونی تا چه اندازه توسعه و پیش رفته است وچه قدمهای جدی در صحیه این مملکت برداشته شده است من با کمال صمیمیت و دل خوشی این هیئت را که مظهر نیات مقدس ملوکانه هستند تقدیر و امید وارم که در ضمن توسعه حتی این مسئله حیاتی به موفقیات خیلی عمده نائل خواهند شد

سپس آقای کمال‌الدین مقاله ذیل راکه از طرف هیئت شورای عالی طبی نوشته بودند قرائت گردید

(بیانات آقای کمال الدین)

امروز که مبدء تجدید سال سوم تاسیسیه شورای عالی طبی است روزیست که از نقطه نظر موقعیت در خدمت صحیه این شهر یك خاطره ذیقیمتی را در دوسیه اعمال وظایف روحیه این موسسه بیادگار میگذارد

موقعی که تصور ایجاد یك همچو خدمت در حوزه شورای عالیه امروزه آن مطرح بود پس از استمداد از تائیدات موجد روح و مبدء صحت بشر در دومین مرحله امید و اعتماد کامل ما به توجهات ترقی پرور و جامعه نواز اعلیحضرت پهلوی بود

سپاس خدای را که از اولین دقیقه اقدام این خدمت بالا تر از انتظار خود مورد توجه بندگان اعلیحضرت همایون شدیم و توانستیم که تا امروز این خدمت را که جزئیات آن چند ماه قبل بعرض حضور امارت جلیله لشکری رسیده است و امروز تجدید آن را منافی احتراز از تضییع اوقات ذیقیمت شان میدانیم ادامه دهیم

اینك نه فقط از این موفقیت خود که فرع توجهات زمامدار عظیم الشان مقدرات امروزی مملکت است خوشوقت می باشیم بلکه بواسطه توجهات روز افزون ملوکانه که روح کمالیه اجتماعی ها هستند و صحیه مملکت مثل سایر شعبات تشکیلیه آن روز بروز با بهترین جلوه تجدید و توسعه زینت می یابد و البته بالمآل مستلزم توسعه کامل این خدمت ما قابل ما خواهد شد درنهایت درجه متشکر و امیدواریم

وسیله دیگری که ما بتقویت تامه این امید است عزم اراده ممتاز ترین مامور شرافت روز نظامی حضرت امیر قوی الاراده لشکری است که امروز آذربایجان بوجود مغتنم شان مثل ماه درمیان ستارگان بین سایر ایالات ایران میدرخشد

مقامات علمی و عملی و نظامی ایشان که بهترین صفحات تاریخ ایران را در آتیه زینت خواهد داد خارج از قریحهٔ تحریریه ما واقع شده و ابداً نمی‌توانیم کوچکترین سطری بحق خود درضمن این عرایض بگنجانیم

نه فقط این تاسیسه مامورد توجه ایشان است بلکه کلیه دوایر صحی این شهر تحت نظر مخصوص ایشان وارد میشود زیراکه امیر لشکر با اطلاعات وسیعی که دارند بهتر تشخیص داده اند که برای تحمل بمصایب نظامی و بردباری در مقابل حملات دشمن و اضطراب به پیش آمدهای خلاف طبیعت فقط وجودهای قوی و معتمد این مملکت قابلاند و آنها میتوانند که مظهر انتظارات نظامی ایشان واقع بشوند این است که این اصل را غایه افکار پرورش این جامعه قرار داده اند

امیدواریم که کلیه نواقص صحی این ایالت درسایه تعقیب این غایهٔ ایشان حل شده و مخصوصاً بلای خانمان سوز اعتیاد بافیون که امروز عرق ملیت و روح نژاد مارا باشدید ترین وضعی تهدید میکند پس از یک دوره حق حیات مارا یکی از قفسه حیات عالم محو نماید در ضمن تهدید کنندگان روح امنیت این ایالات محو و نابود شود و وسایلی را از طرق پیشنهاد علاقه مندان صحت این ایالت امر فرمایند اجرا شود که نسل آتیه ما از خطر این عفریت هائل خلاص شود

ملل غرب احتراز بزرگی از نفوذ این بلیه منفور اجتماعی دارند پانزده سال قبل چهار نفر نظامی فرانسوی که در آخرین کوچکی از خیابانهای پاریس دود منحوس افیون را به فضای صاف و جامعه پرور مملکت فرانسه ملوث میکردند درجزو مقصرین بزرگ سیاسی محاکمه و محکوم باعدام شده و یکدفعه فرانسه از شر خیانت این دود خلاص شدند

اقدامات ژاپونها دراعدام افیونی‌ها یکی از بارز ترین اقدامات تاریخی این ملت متجدد است البته چیزی که مرز می‌تواند این آلودگی منفور و این بلای انقرض آور را از مملکت ما قطع نماید برق شمشیر امثال شخص شخیص امیر محبوب است افیون در ردیف قوی ترین دشمنان این مملکت است و هرطور است باید قلع و قمع شود

اینک هیئت شورای عالی طبی باتقدیم تشکرات حضوری افتخار تفقد حضرت امیرلشکر امیدوارند که از پرتو توجهات ایران پرورانه اعلیحضرت همایونی به کلیه آمال صحت پرورانه خود در آتیه هرچه نزدیکتر موفق بشوند در خاتمه باصدای بلند میگوئیم زنده باد حامیان صحت و زنده باد صحت که عهده دار معنوی عظمت و استقلال مملکت است

جمله اخیر این مقاله که راجع به افیون و اقدامات ملل اروپ در جلوگیری نفوذ و توسعه آن بود دقت و توجه مخصوص امارت جلیله را جلب نموده و فرمودند که مضرات این بلای خانمانسوز اجتماعی را امیتوان انکار کرد و من با کمال صمیمیت حاضرم که مطابق پیشنهاد اعضای این هیئت که بیشتر در وسایل جلوگیری عملی و علمی آن بصیرت دارند با آخرین توانائی خود مبارزه نمایم

آقای دکتر میرزا علیخان پیشنهاد نمودند که برای این مسئله لازم است کمسیون مخصوصی از آقایان دکترین حاضرین بنام کمسیون ضد افیون تاسیس با اتکاء جدیت و ارادهٔ نیرومند آقای امیر لشکر قدم های عملی در اطراف این مسئله برداشت. امارت جلیله پیشنهاد ایشان را تصدیق و تاکید فرمودند که تا جلسهٔ آتیه باید کمسیون انتخاب مشغول عملیات باشند و قول دادند که هر وقتی را که در خارج وظایف نظامی خود پیدا کردند مصروف این قضیه بفرمایند

بعد آقای میرزا علی آقا هیئت بیانات ذیل را در اطراف این قضیه باکمال شجاعت بیان و ایراد نمود

بیانات آقا میرزا علی هیئت

حضرت اجل آقای امیرلشکر از همه بیشتر و مقدم تر اداره انتظام مملکت باید در جلوگیری توسعه اعتیاد بافیون قدم بردارد زیرا که بزودی نظام اجباری در مملکت ما جریان عملی خودرا شروع خواهد کرد البته در این ضمن عدهٔ بزرگی قهراً از جوانهای مبتلا بافیون داخل نظام شده و آنها را در این فساد اخلاقیه خود سهیم و روح قوت و شجاعت نظام را ضعیف و نابود خواهند کرد جریان این مسئله از معاشرت است طوریکه عموم میدانند تمام اجزای عدلیه قضاة ملکه وکلای آن مبتلا باین بلای منحوس هستند - این ابتلاء اینها برای اشخاص که بعدلیه رجوع و مدتها برای حل قضیه حقوقی خود معطل و مجبور میشوند که گاه گاهی قضاة را دعوت بمنزل و اسباب خوشی آنها را فراهم نمایند مقدم تر از هر چیز حقه و ماشا و وافور آنها را تهیه مینمایند تا اندازه که این مهمانیها تجدید میشود در نظر صاحب خانه قباحت و منفوریت آن رفته و خودش هم برای اینکه آقایان را در مهمانی خودتنها نگذارد چندنفسی به حقه نحس تریاک آنها میزند بوانش و بوانش داخل ردیف تریاکیهای این شهر میشود

باید دولت قانون سختی دراین خصوص از مجلس بگذراند و در نتیجه و هر طور است این گونه عناصر مضر صحیه مملکت را ازپشت میزهای اداره بگوشه انزوای دائمی پرتاب وجامعه را ازشر آنها خلاص نماید برای اینها و سایر مستخدمین ادارات دیگر مبتلا بافیون این قانون را بگذارند و از طرف دیگر زراعت آنرا محدود و برای فروشش هم ترتیبی قائل بشوند که این مادهٔ مضمحل کنندهٔ روح بقاء وموجودیت در دسترس عموم واقع نشود

آقای امیر لشکر این موضوع را که تریاک بیشتر بمعاشرت تریاکیها نشر و توسعه می‌یابد تصدیق و بیانات مفصلی در تائید آن ایراد فرمودند

حبل المتین

نظر به حسن سابقهٔ که در اعمال و افعال سلب خشونت کار آذربایجان داریم نه تنها این امت جسور پیش قدمند در تمام اعمال صالحه ایران بسکه انقلابیکه از آذربایجانیها در هر عمل دیده شده قابل هر گونه تمجید و سر مشق است ما پس از عرض تبریک و تقدیم تشکر از آن برادران غیور خود تمنا می نمائیم که شعبات انجمن ضد افیون و سوسیتی اصلاح اخلاق عموم را نه تنها در تبریز و آذربایجان محدود دارند بلکه جدیت نموده تا در کلیه بلاد و قصبات ایران این انجمن مقدس تشکیل یافته با پروگرام صحیح بر ضد این اعتیاد خانمان سوز بر آیند جرائد ملیه راست که در تشویق و تائید این اقدام یك قلم کوشیده غیرتمندان سایر ولایات را هم بتشکیل شعبه این سوسیتی وادار سازند گیلانیها دومین رجالی هستند که قدم بقدم برادران آذربایجانی خود می‌گذارند سیاست و دور اندیشی اهالی اصفهان هم ما را امیدواری میبخشد که در این زمینه قبل از همه ولایات پیروی از آذربایجان بنمایند طهرانیها را باید مانند قوم لوط جبرئیل امین اصلاح کند تمام فساد اخلاق ایرانی ناشر از بیماران و بیکاران و تنبلان و مفتخوران همین شهر است تا وقتیکه غیرتمندان سایر بلاد با لشکر اصلاح اخلاق هجوم بمرزوبوم این بلاد نیاورده و عالیها وسافلها نسازند امید اصلاح اخلاق آنها نمیرود اهالی شرق و غرب و جنوب را این سعادت میتوانند با تازیانه غیرت براه اصلاح اخلاق وادارند امید واریم که برادران آذربایجانی ما موفق شوند باین جهاد داخلی که از جهاد خارجی بالا تر است

بیان قونسل جنرال روس
(در آذر بایجان)

مطبوعات ایران پر از اخبار راجع بمعاهده تجارتی بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران است اما خیلی مضحك است که مطبوعات کثیر اهمیت به احتیاجات زارعین و میخواهند که ماشین های فلاحتی را وارد کنند و اتصالا نظر تجار را به این معاهده تجارتی جلب میکنند لازم است مبادله اموال روسیه شوروی با ایران ملاحظه شود و حتی واردات ایران از حیث متاع روسیه فوق العاده تنزل کرده متاع روسیه علاوه تخفیفات عمده به مصارف حمل و نقل که بایران میشود داده شده است و قیمت متاع روسیه درایران در سال ۱۹۲۶ نسبت به سنوات قبل خیلی تنزل کرده و این را هم باید ملتفت شد که امتعه مذکوره عبارت از ملزومات میباشد از قبیل قند و شکر و مواد فتوره کبریت وغیره و همچنین سایر امتعه که از آلمان با طریق روسیه به ایران وارد میکردند تنزل داده شده مثلا متاع صنایع برق و اسباب تلفون لامپ ها و شمع وغیره با این ترتیب شروع برقابت امتعهٔ اروپا کرده است بدینقرار امتعهٔ که از روسیه بایران می‌آید خیلی تنزل نموده و بر عکس امتعه که از ایران بروسیه میرود ترقی کرده است مثلا در سال ۱۹۲۴ - ۱۹۲۵ ایران در مقابل سی و هفت هزار تون متاع مبلغ ده ملیون وپانصد هزار منات وجه گرفته اما ازسال ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۶ در مقابل شانزده هزارتون متاع مبلغ هفت ملیون و دویست هزار منات وجه گرفته است باعث این ترقی بازار روسیه میباشد که در داخله خود به مصرف میرساند حتی پنبه ایران که جنساً از پنبه مصر خیلی وسط است و قیمتاً گرانتر میباشد و همچنین پشم ایران و ابریشم اوسترالیا وسط است باز در قیمت گرانتر و هکذا طبیعی است که صنایع دولتی کوبراتو خیلی مایلند کهمتاع ایرانرا با قیمت عادلانه بخرند چنانچه دولت شوروی امتعه خود را با قیمت های خیلی مناسب مخصوصاً جهة تجار شرق در مقابل امتعه غرب اروپا که وارد میکند میدهد میزان تجارت روسیه منفی بوده است یعنی صادرات آن از واردات آن کمتر بوده بدینطریق شکست فاحش به تجار روسیه وارد می‌آورد واین وضعیت به چرونس هم مؤثر است بناء علیه لازم بود که طوری کرد که صادرات ما از واردات کمتر نباشد موجب مدارك اداره تجارتی معاملات تجارت دولت جماهیر شوروی با ایران از غره اکتابر ۱۹۲۵ الی غره اکتابر۱۹۲۶ بالغ به هفتاد وهشت ملیون وهشتصد و سیزده هزار منات میباشد واردات متاع ایران به روسیه شوروی چهل وسه ملیون ششصد سی و نه هزار منات و صادرات متاع روسیه شوروی بایران سی و هفت ملیون یکصد هشتاد چهار هزار منات در صورتیکه میزان تجارت منفی درسال ۱۹۲۴ - ۱۹۲۶ به هشت ملیون چهار صد و پنجاه هزار منات بالغ یباشد

اینک لازم میباشد که تلاش کرده از سال ۱۹۲۶ - ۱۹۲۷ میزان تجارت میان روسیه شوروی و ایران به حال معتدل رسانده و در آن صورت با ترقی تجارت طرفین ترقی فوق العاده به زارعین بحال ایران میرسد که امتعه خود را در بازار روسیه بفروش میرسانند به تجار ایران معین است که هرگاه صنایع روسیه شوروی هم قدر ترقی نماید در همان اندازه محتاج امتعه ایران خواهد شد با قیمت های عادلانه امتعه ایران در بازار روسیه بفروش رسد (د - ش)

یک قدم عملی بالغو کاپیتولاسیون

در وزارت داخله کمیسیونی با حضور آقای منصور معاون وزارت داخله و مدیر کنسل و رئیس محاسبات وزارت امور خارجه منعقد و راجع به انحلال دوائر کارگذاری در ولایات و ضمیمه شدن آن باداره حکومتی مشغول تبادل نظر و اخذ تصمیم اند

حال التحریر

انحلال کارگذاریهای ولایات در این موقع طبق اقتصاد اشد ضرورت را پیدا نموده است چه علاوه بر صرفه جوئی یک قدم مهمی بجانب لغو کاپیتولاسیون است ، ازروی قانون بین المللی ازهمان ساعتیکه قرارداد ترکمانچای لغو گردید قضاوت قنسلات هم در ایران ملغی آمده است چه قضاوت قنسلات دول سائره در اثر معاهده ترکمانچای بوده و چون سلوک ما با سائر دول کاملة الوداد هم بایستی بر وفق سلوک مان با روسیه باشد از این رو تمام دول در ایران دارای قضاوت قنسلات آمدند اینک شش سال است که معاهده ترکمانچای لغو گردیده و هنوز کاپیتولاسیون را دول سائره از دست نداده‌اند و درحقیقت تمام قصور خود ما است ، سید ضیاالدین وقتیکه مسند رئیس الوزرائی تکیه زد اول اقدام خارجی اش لغو کارگذاریها و قضاوت قنسلات بود در این موضوع بجمیع سفرای دول مراسلات رسمی هم نگاشت ، برخی از سفارت خانها اعتراض سرسری نمودند مجدد بانها نوشته آمد که دولت در لغو کاپیتولاسیون مصمم است و منتظر به رد و قبول دول هم نیست و هرگاه موقع برسد و ضرورت پیش آید رعایای هر دولت که باشند بمحاکم مربوطه جلب خواهند شد ولی متاسفانه بعد از سید ضیا جای گزینان شان این مسئله مهم را تعقیب ننمودند و حال اینکه بیشتر دول موجوده که همسایه و خیلی هم درجغرافیا و سیاسیات و اقتصادیات مربوط بمایند کاپیتولاسیون ندارند مانند روس ترکی افغان آلمان اطریش لهستان مصر وغیره دولت ژاپون هم که عنقریب سفارتش در ایران رسمی خواهد شد دارای حقوق کاپیتولاسیونی نخواهد بود ژاپون هم باین مسئله روی رضا نموده است ، در حقیقت مدعی بقای کاپیتولاسیون درایران همانا دولت انگلیس است ، فرانس ایطالی هولاند و امثال آنها نیز که کاپیتولاسیون دارند بمتابعت انگلستان اند امروزه درهیچ نقطه دنیا برای هیچ دولت حقوق کاپیتولاسیونی باقی نمانده است فقط در چین قضاوت قنسلات دول موجود بود که فعلا کابینهٔ دول لغو آن حاضر گردیده اند ، در حبشستان هم دول برای خود قائل حقوق کاپیتولاسیونی نتوانستند شد ولی در ایران قدیم التمدن و در دولت مشروطه بیست ساله هنوزهم دول بحقوق کاپیتولاسیونی قائل میباشد امروزه که درکلیه نقاط ایران محاکم قضائی وحقوقی موجود است وجود کارگذاران با آن مواجبهای هنگفت از فضولیات اولیه بشمار است ، خیلی با مزه است که در ایالات شمال غرب و شمال ایران هم که خارجه جز روس موجود نیست باز هم کارگزار معین میشود اینها همه نتیجه آنست که بفکر حقوق مایه نیستیم ، اینک که بودجه در مجلس پیش است وکلای با سیاست مصمم باید بشوند که بار گران کارگذاری را از دوش این ملت کم بضاعت برداشته معلوم است که لغو کارگذاریها با کاپیتولاسیون توام خواهد بود علاوه بر این بسیاری از قنسلات و نمایندگان خارجه ما هستند که وجود شان مهمل است ندارای منافع سیاسی اند نه اقتصادی و جز بار گران مصارف هنگفت هیچ منافعی برای ملک و ملت ندارند انها نیز لغو خواهند گردید ، یاد دارم که مستر شوشتر معروف مستشار اول مالیه ایران نقشه که در صرفه جوئیهای دولت ریخته بود منجمله لغو بسیاری از نمایندگان خارجه بوده است ، اگرچه برخی را مانند آقا سید ضیا عقیده این است که برای شناساندن ایران بخارجه وجود نمایندگان ایران در هر نقطه لازم است و هیچ قسم ایران باید در قبول نمایندگان دول سائره مصارفی که مربوط بر آن است اغماض نماید بعقیده ما هر کابینه که بروی کار آید اولین مرامش باید لغو قضاوت قونسلات در ایران باشد چه این عمل طبعاً نواقص محاکم ایران را تکمیل خواهد نمود چه وقتی رعایای خارجه در محاکم ایران محاکمه شوند مسلماً نمایندگان خارجی از روی قانون بین المللی بدون دخالت حق نگرانی خواهند داشت و این نکته ما را باصلاح محاکم حقوقی و قضائی مجبور خواهد ساخت در حقیقت لغو کارگزاریها که اول قدم ابطال قضاوت قنسلات است از مفاخر تاریخی کابینه مستوفی گفته خواهد آمد - خدا کند کابینه جدیدی که بروی کار آید مثل کابینه بعد از سید ضیا این اقدام را هم مهمل نگذارد

مشهد و کارخانجات جدید

اخیرا کارخانجاتی از قبیل کارخانه صابون سازی - کارخانه ریسمان بافی کارخانه چراغ برق - کارخانه نجاری و مؤسسات فلاحتی دایر و تاسیس گردیده که فوق العاده اسباب تسهیل امور و حوائج اهالی شده و همین مسئله اسباب تشویق و ترغیب سایرین گردیده که مشغول اقدام در ایجاد مؤسسات جدید و کارخانه جاتی میباشند که حتی المقدور رفع احتیاج خودرا از خارجه نمایند و ضمنا از دولت تقاضای مساعدت را نموده که برای پیشرفت مقصود اهالی و تشویق سایرین اقدامات لازمه را معمول دارند

[illegible]

بزرگترین ایالات ایران همانا ایالت شرق است این ایالت مهم بچند جهت اهمیت سیاسی و اقتصادی وجغرافیائی را داراست از یك طرف بترکستان روس و از طرفی افغانستان و ازجانبی بلوچستان و هندوستان متصل است خصوص این ایالت از روی تقسیمات ... و ... تصور میشود این ایالت از دو طرف متصل براه آهن بگانه است یکی راه آهن ترکستان و دیگری هندوستان از حیث معادن وزراعت وسردرختی دارای اهمیت است خط خراسان از روی مساحت قریب فرانسه و اهمیت موقع را هم داراست از یك طرف به دریای خزر متصل است و از طرف دیگر (اگر راه دزداب باچابهار شوسه شود) متصل بدریای هند است بالبداهه توجه این ایالت معظم میتواند کسب همگونه عمران نماید . راه آهن که از نقطه بمشهد کشیده آید برکت مزار مقدس رضوی و تردد زائرین خیلی عمران و آبادی تواند شد علاوه دراین سیستان و ولایات و یك حصه بلوچستان جزء ایالت خراسان است بقدری قابل استفاده می باشد که در کمتر از ایالات ایران دیده شده است از رود هیرمند با اندك اصلاحات فنی منافع عظیمه حاصل تواند نمود

در صناعات ... ایالات ایران سبقت دارد قالی بافی ابریشم کاری - پارچه های پشمینه مانند برك وپوستین های قوچانی آن کمتر نظیر دارد

دولت باین خطه خطیره نیز تا امروزه حتی کم توجه نموده وحالانکه باندك توجهی منافع عمده حاصل تواند کرد راه های این ایالت جزیکی دو عراده رو بیست قریب بیست شهر وقصبه کوچك دارد که بواسطه نداشتن راه از هم دور افتاده اند وزارت فواید عامه راست که بیش از پیش متوجه این ایالت زرخیز آمده اهالی را مرفه و دولت را مستفیض نماید باید موسسات جدیده خراسان همه گونه تائید کرد تا مردم تشویق شده بتاسیس کارخانجات و آوردن ماشین های زراعتی و صناعتی کوشش نمایند

§ رعیت چون رعایت دید ملك آباد میگردد §

در موضوع حجاب

مراسله ذیل را حضرت حجة الاسلام حاجی زین العابدین خان رئیس سلسله جلیله شیخیه بجواب مراسلهٔ که در شماره ۲۲ سال سی و چهارم اشاعه شده بود فرستاده اند که عینا درج میشود :

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت جناب آقای مؤید الاسلام مدیر روزنامه حبل المتین زحمت تعرض میدهم الحق در علم و اطلاع شما نسبت بسیاست امروزه دنیا تصدیق داریم و آنچه از این باب منویسید در مقابل سیاست خارجه میبازیرایم ولی دوست میداشتیم که شما که خود را ملقب بمؤید الاسلام فرموده اید بیش از این در تایید اسلام با حفظ حدود اسلامی میکوشیدید نه اینکه اسلامی ار حسب میل ابناء زمان بسازید و تایید آن را بنمائید سابق بر اینها گاهی مطالب خوب مفید است بتائید اسلام در جریده حبل المتین یافت میشد مثلا دو فقره که از تواریخ اروپا در باب اسرار شهادت حضرت سید الشهداء علیه الاف التحیه والثنا وارواحنا فداه وسیاست حکیمانه که آن حضرت در ترویج اسلام بکار برده اند نوشتید و مخلص آنقدر از آن عبارات لذت بردم و انتشار آنرا مفید دیدم که فوراً آنرا رساله مخصوصه قرار داده مسمی بسیاسة الحسینیه به طبع رسانیده و منتشر نمودم و دیگرانهم تاسی نمودند و چندین مرتبه طبع رسید خلاصه که انتشار اینگونه مطالب مفید در تائید اسلام بسیار نافع است و تحسین و تمجید میکنم ولی دراین یکی دو سال اخیر که بعد از فتره طولانی مجدد مشغول بنشر جریده حبل المتین شده اید بعضی مطالب در آن دیده میشود که حقیقة نمیدانم اینها نقل قول از ارباب لوایح و مکاتبات است یا از تصرفات ذهن خود شما است و سابقه شما اخیراً این طور می بسندد و سعی در اشاعه آن دارید مثلا چندی قبل شرحی از باب زبان عربی و الفاظ عربیه که در زبان اهل ایران مستعمل شده نوشته و عیب گرفتید حتی بر بعض علمای ازرگ که چرا کتب علمیه عربیه نوشته اند در صورتیکه آقای مؤید الاسلام از شما سؤال میکنم که منشاء اسلام شما از کجا است نه این است که از حضرت ختم انبیا است صلی الله علیه و آله که مبعوث از مکه معظمه وام القری است و کتاب و سنت خودرا بزبان عرب آورده و شخص مسلمان لابد باید تحصیل عربیت نماید تا بتواند استفاده از کتاب وسنت کند و بمحض اینکه دائره اسلام وسعت پیدا کرد و صاحبان السنه مختلفه مخلوط با مسلمانان عرب شدند در مکالمات ایشان لحن غلط

پیدا شد فوراً حضرت امیر صلوات الله علیه انشاء علم صرف ونحو را فرموده و بابی الاسود دوئلی فرمودند آنچه حاصلش این است که درکلمات مردم لحن دیدم واین دستور را بگیر و آنرا تمام کن که خورده خورده عربیت از بین میرود و کتاب و سنت مجهول میماند و شما با وجود مسلمانی عیب بر عربیت و لسان عرب میگیرید که زبان وطن عزیز شما که زبان فرس بوده از دست رفته است و تاسف میخورید در صورتیکه اگر اندکی غیرت اسلامیت را متوجه باشید وطن عزیز ما وطن اسلامی است و ملت محمدی است صلی الله علیه و آله و افتخار باید نمود که زبان ما عربی باشد یادرکلمات ما الفاظ عربی بسیار یافت شود نه اینکه عیب بگیریم بر عربیت تا بجائی که قریباً متروك خواهد ماند چنانکه اطفال را در مدارس از خواندن قرآن منع میکنند و حال اینکه از صدر اسلام تعلیم قرآن باطفال معمول بوده وبعض ائمه عم بمعلمین اولادشان که یك سوره از قرآن آموخته بود انعامهای بسیار میفرمودند و تشویق می نمودند و امروزه بهمین زبانها و بیانها قرآن را متروك داشته‌اند و البته باید همین طور هم بشود بدئی الاسلام غریبا و سیعود غریبا ولی چرا بر دست ما و بسعی ما بشود و امید است که این طور نماند و صاحب ملك همین که ملك خود را خراب دید باز آبادش کند و مطلب دیگر که باز در همین شماره ۲۲ از سال ۳٤ نوشته اید از باب حجاب زنها شرحی نوشته اید و آیات قرآن را نوشته اید و الفاظ و اعتباراتی بر سبیل استهزا از معانی و بطون انها نوشته اید و انشاء الله بـا علاقه مندی که بتائید اسلام دارید غرض استهزا نبوده ولی این طور مفهوم میشود بهر حال که اینکه اولا نوشته اید فقط یك آیه در تمامی قرآن در سوره نور هست که آیه حجاب نامیده شده و مد شرحی نوشته اید که دلالتی بر حجاب ندارد عرض میکنم گویا سوره احزاب را تلاوت ننموده اید انجاکه میفرماید یا ایها النبی قل لازواجك و بناتك و نساء المومنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلك ادنی ان یعرفن فلایؤذین و حاصل معنی آن است که چون در حکم شرع جهة فرق میان حر و امه امر فرموده‌اند که امه مقنعه یا خمار یا جلباب که لباسهائی بوده که زنها به آنها سر وبدن یا سر تنها را به آن میپوشیده‌اند حر به آن لباسها خود را بپوشانند ولی بر امه نیست بسلکه برای فرق حر و امه نباید مثل هم باشند و گاهی که زنان برای قضاء حاجت بیرون میرفتند بسا مردمان بی تقوی با آنها مزاح میکردند و آنها را اذیت می نمودند و همین که از ایشان مواخذه میشد متعذر می شدند که چون روی او باز بود گمان کردیم کنیز است و این

است که آیه نازل شد بر رسول خدا صلعم که امر کن بزنهای خودت و زنهای مومنین که از حرائرند که جلباب خود را بخود نزدیك کنند که روی ایشان را بپوشد و بهمین شناخته شوند که کنیز نیستند و کسی انها را اذیت نکنند و نیز در آیه سوره نور که نقل کرده اید فرموده است ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن یعنی خمارهای خود را یخه های خود بزنند که سینه و گردن ایشانرا بگیرد و مکشوف نباشد خلاصه که ما انکار نداریم که وجه و کفین و قدمین زن جزو عورت نیست ولی در اینکه زنهای محترمه ازاد حجاب داشته اند و سنت سنیه نبوی عم بر این جاری شده است ابداً محل شبهه نیست و انکار آن انکار ضروری است و گمان نمیکنم شما اینقدر کم تتبع باشید که در کتب اخبار شواهداین مطلب را ندیده باشید الا اینکه شاید فراموش کرده باشید ولی از ذاکرین اقلا می بایست شنیده باشید صدیقه طاهره صلعم می‌فرماید بهتر برای زنان آن است که هیچ مردی را نه بینند و هیچ مردی آنها را نه بیند و خود آن معصومه هرگز برای مردان اجانب بی حجاب نبودند و در مسجد که آمدند برای ایشان پرده کشیده شد تا از عقب پرده سخن فرمودند و آنروز که شیخین برای عذر خواهی آمدند و حضرت مریض بودند پرده کشیدند و آن معصومه عقب پرده بودند و در حجره حضرت صادق عم ذکر مصیبت بود و زنها عقب پرده نشسته بودند و گریه میکردند و اهل بیت حضرت سید الشهدا عم هم حجاب داشتند حتی دختر شش ساله سکینه خاتون در مجلس یزید بـا ساعد خود روی خود را گرفته بود و گریه میکرد و یزید پرسید چرا گریه میکنی و آن معصومه فرمود که چه کنم در مجلس تو نامحرمان زیادند و من ساتری ندارم و اینهمه که اهل بیت در کوفه و شام و مجلس ابن زیاد و یزید صریحاً در خطبه های خود شکایت می فرمودند که ما را مکشفات الوجوه آورده اند و حضرت زینب عم بیزید فرمود هتکت ستورهن و ابدیت وجوههن که اهل بیت در مقام شکایت می فرمودند اگر روهای ایشان اصلا پوشیده نبود که شکایتی نداردکه روهای ما را باز کردی خلاصـه که اگر تفحص کنید شاید شواهد این مطلب را بیش از حدتواتر به بیند که بدون شبهه حجاب داشته اند و سنت سنیه نبوی بر آن جاری شده بود و اگر این عیبها که شما شمرده اید داشت و حجاب بیشتر باعث فجور میشد البته این سنت سنیه را نمی گذاشتند و اینکه میگوئید حجاب که باشد مردم دخترهای مردم را نمی بینند و ازوجاهت آنها وسایرجهات بی‌خبرندووصلت نمی کنند و نمی‌بندند و منجر بطلاق میشود بلی قدری

تتبع کنید الکسی که سنت حجاب گذاشته تا یك درجه نظر کردن بوجه و قد بالا و موی و بعض از انها را در مقام تزویج برای پسند نمودن اذن داده که بعد از انکه دید اگر مطبوع شد بگیرد والا نگیرد و شما میل دارید مثل فرنگیان یا مثل بهائم همه باهم محشور باشند و حجاب و مانعی درمیان نباشد و فواحشی که میدانید درمیان خلق شایع شود یا مثل بانشکه حالها که در بعضی دول مردان و زنان را مثل بهائم باهم رها میکنند برای زیاد شدن نسل و همه را اولاد پادشاه میخوانند در صورتی که خداوند در طبع حیوانات نجیب غیرتی گذارده که کمتر راضی میشوند که غیری بماده ایشان نظر کنند و دیده ایم که اسپ های نجیب همان است که نریان غریب را مضروب میکند و دندان بگشد که مبادا بماده آن نظر کند و اما فرنگیان غیرت طبیعی خود را هم بخوردن گوشت خنزیر و اعمال دیگر از دست میدهند وراضی میشوند که زنهای شان با همه قسم زینت بلکه با بدن مکشوف برای اجانب رقص کنند چنانکه الان در بلاد اسلام هم معمول داشته اند و از آمد و شد دختر با اجانب مانع ندارند خداوند غیرت ما مسلمانان را در آنچه خداوند خواسته زیاد فرماید و شر شیاطین آخر الزمان را از ما دفع کند و اینکه میگوئید زنهای اعراب و دهات و ایلات حجاب ندارند و چندانهم باعث فجور نیست عرض میکنم اولاد آنها که بی حجابند فقط مکشوف بودن آنها منحصر بروی و دو دست و دو قدم است و همان هم غالباً ساده و بی زینت اما اینها که امروزه شما حامی انها هستید با هر قسم زینتی از سر و مو و صورت و گردن و سینه و ثدیین و ساعدین تا هر جا که محل نظر مردان است بیرون میایند بلکه اصرار شان در زینت برای اجانب چندین درجه بیشتر است تا برای شوهران خود نعوذ بالله و ثانیاً اهل بادیه غالباً جاهل و بی علم و ساده هستند و بهمان غیرت فطری مردان و حیای فطری زنان زندگی میکنند و بالنسبه فجور درایشان کمتر است و عالم بسیاری از اعمال قبیحه را ندارند اما زنان شهرستان اولا بحسب دستور اروپائیان مدارس نسوان تشکیل میدهید و دختران را تحصیل علم و اطلاعات و خواندن کتب و روزنامجات و تواریخ میدارید که تا سن تمیز مطلع بر انواع فواحش و قبایح بشوند بلکه تاسن جوانی در مدارسند که سالی چندین دختر حامله والعیاذ بالله از مدارس بیرون میآیند چنانکه بتجربه رسیده و اولاد های نجیب عمل میاورند حتی از دختر های تارك دنیای کلیسا ها تفتیش کنید و به بینید چه میکنند. خلاصه بعد از آنهم که از مدارس

بیرون میایند چهار هزار و پنج هزار از آنها که حقیقتا قشونی است که قلوب مردان را متزلزل میکند بمطالبه کشف حجاب بر میخیزند از امثال جناب عالی هم که هزارانی از پیر وجوان حامی آنها هستید تامطالب انجام بگیرد ملاحظه کنید که چه خواهد شد و چه نطفه هائی طیب و طاهر که عمل میاید انوقت بفرمایش شما که باید کسب کنند مردان از کسب زنان باید در این آخر زمان نان بخورند و ازفوائد دیانت بهره مند شوند چنانکه در اخبار علائم آخر الزمان فرموده اند و در سنت سنیه حرف زدن زن را با مرد اجنبی در مقام ناچاری بیش از پنج کلمه اذن نداده اند و شما میگوئید بیایند و بروند و کسب و معامله و داد وستد نمایند حقیقتا معنی غیرت همین است چنان حب دنیا و شهوت آن و زیادتی ثروت دل و چشم و گوش ما را گرفته که باحصول این مطالب از هیچ فسق و فجور ونتایج سوئی که دارد باك نداریم شر نطفه های حرام که برخاص وعام واضح است هیچ باك نداریم درمیان حیوانات معمول شده الاغ و اسب را جمع میکنند و قاطر عمل میاید با اینکه حیوانی است بی تکلیف معذلك چون در نطفه آن خلل پیدا شده قاطر طبعاً از اسب و الاغ هر دو چموشتر و بد عمل تر است سك و توره دو حیوانند که اذیت فوق العاده ندارد ولی گاهی باهم جمع میشوند وسگتوره عمل میاید و حیوانی است بسیار موذی و شرور حتی مکرر دیده شده که سگتوره بچه آدم را از گهواره ربوده و برده و خورده است و حال اینکه سگ تنها یا توره تنها غالب شب ها در خانها میایند و میروند و اذیت قابلی ندارند و نطفه حرام آدمیزاد که از روی شعور و تکلیف حاصل شود شرش هزار مرتبه از حیوانات ضعیف بیشتر است و معذلك سلیقه ما اقتضای این کرده که زنهای ما بی حجاب بازینتهای رنگارنگ در نهایت قشنگی با مردان اجانب محشور شوندودرخلوت وجلوت آمد وشد ومعامله و مجاوزه نمایند و کسب معاش نمایند وخوش دل باشند و زنده دل که مبادا آنها را بقول شما زنده بگور کرده باشیم آنوقت هزاران اولاد زنا عمل بیاید که هر یك فتنه یك مملکتی باشند والله که هوش از سر مسلمان میرود بلی آنچه در نزد مسلمانان عیب است برای آنها عیب نیست این است که باك ندارند هر چه میشود بشود مقصود تکثیر نسل است و زیاد شدن اولاد پادشاه که سر بازان قسی القلب عمل بیایند که از هیچ گونه خون ریزی باك نداشته باشند البته نطفه های حلال رقیق القلب اند وچندان جری برخون ریزی نیستند و حرف از اینها بیرون است خلاصه که بعد از آنکه خواتین محترمه از این مدارس میشوند

بیرون تشریف آورده‌اند هم، قسم تحصیلاتم کرده اند و اطلاع از حامیان قوی خود هم که دارند و با کمال اطمینان و قوت قلب پنج هزار و ده هزار دختر تحصیل کرده آداب دان هر یک مثل ماه شب چهارده بیرون میایند و مطالبه کشف حجاب مینمایند کدام مرد عفیف صالح متقی است که از عهده جواب آنها بر آید والله جای کمال افسوس است از یک طرف سنگ بسینه میزنیم و محافل و مجالس و جرائد خود را پر میکنیم که فکری بر داریم که ابدا فرنگیها ماما غالب شوند و ملک مارا متصرف شوند و از طرف دیگر سعی میکنیم که خود ما فرنگی بشویم واخلاق و اطوار مان فرنگی شود اگر فرنگی شدن خوب است که چرا از تصرفات آنها استنکاف داریم و اگر بد است که چرا خود مان همه اطوار مان را از آنها میاموزیم البته فرض کرده اید که خرابی مملکت ما از همین است که مسلمانیم این است که در صدد رفع آن بر آمده اید و حال اینکه در تواریخ اروپا مراجعه کنید که منشاء اکثر صنایع را از مسلمین عرب و عجم در قرنهای اوایل اسلام آموخته اند و عقب آنها را گرفته تکمیل نمودند و ما بغفلت و بطالت گذرانیده صنایع را از دست دادیم حالا فرض کرده اید که مسلمانی ما باعث سستی کار شده و حال اینکه چنین است اسم اسلامی بر سرما بود و شیاطین انس و جن بر اغوای ما متفق شده و دین و دنیای مارا از دست ما گرفتند و مارا بروز سیاه نشانیدند و راه اصلاح این کار این نیست که حدود اسلامی را از دست بدهیم بلکه هر چه بیشتر سعی در حفظ حدود اسلامی بنمائیم حتی باین درجه که از مأکل و مشارب و ملابس و اعمال و افعال و آلات مرافق اجانب هم پرهیز نمائیم و دست پیش آنها دراز نکنیم آنوقت برکت اسلام خودش خونهای مارا بجوش میاورد و غیرت های مارا زیاد میکند و صنایعی را هم که از دست داده ایم باز دو مرتبه در اندک وقت تکمیل مینمائیم و مملکت مانهم آباد میشود و عبرت باید گرفت از دول متمدنه که تماق سایر دول را نگفتند و خود متکفل حوائج خود شدند در اندک وقت صاحب صنایع فوق العاده شدند ما که الحمدلله دولت اسلام اند مدت است از کدام یک کمتریم بلی همین که اسلامان ضعیف شده و آن جزئی هم که مانده بمکرها وحیله های سخن وران از دست میدهیم این است که باین بد رسیده ایم خسرالدنیا والاخره ذلک هو الخسران المبین واین بود مختصری از مطول که بعرض رسانیدم (تو خواه از سخنم پند گیر وخواه ملال) و اگر چنانچه ابتدا حدس زدیم که این عبارات از لوایح و مکاتیب دیگران باشد که البته علاقه مندی باسلام مقتضی این است که این عبارات را هم در یک شماره از شماره های حبل‌المتین درج نمائید بلکه مشترکین شما بخوانند و عبرت بگیرند والا دیگر چه عرض کنم زین العابدین بن کریم بن ابراهیم از کرمان نوشته است والسلام علی من اتبع الهدی

ایضا از ناصری

بسم‌الله الرحمن الرحیم

(آیه مردها)

قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون

(آیه زنها)

قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن ولایبدین زینتهن الا ما ظهر منها (الی اخر الایه)

چون در شماره ۲۲ روز نامه مبارکهٔ حبل‌المتین در ضمن مقالهٔ از آن درخواست شده بود از تفسیر و معنای ظاهری این دو آیهٔ کریمه آنچه نظر و عقیده دراین موضوع دارم با بیانی ساده بعرض قارئین محترم برسانم اولا عرض میکنم مسئله رفع حجاب یکی از بزرگترین مفاسد عالم ترقی و سعادت نوع بشر است عقلاء عالمرا ناگزیر میدانم از اقرار و اعتراف نمودن بر وجوب محجوبیت و مستوریت نسوان نویسنده (بدلیل عقلی و نقلی) ثابت مینمایم وجوب حجاب را

اما دلیل (عقلی) از تمام عقلاء و دانشمندان عالم سئوال میکنم ایا زنیکه تمام همت و معلوماتش راجع است بتزئین و خود آرائی و تمام کمالات را منحصر به آن میداند دراین موقع رفع حجاب چه نتیجه دارد البته تمامی عقلاء بلکه نه تنها عقلاء هر انسانیکه ذره از عقل در وجودش پیدا میشود جواب میدهند نتیجه ندارد جز فساد مردها وزنها اگر که دروغ میگویم یا انکه بمعنی تصدیق نمی فرمایند تکذیب کنندگان ساعت یازده از روز که یک ساعت قبل از غروب باشد تشریف بیاورند باغ معین که منظرگاه اعواز است معلومشان میگردد کنایهٔ عرض کردم اگر حیات باقی بود مقاله در این موضوع مینویسیم بر گردیم بر سر مطلب و عرض بکنیم حالیه ملتیکه دو چار دفع حجابند خوبی بر مفاسد آن آگاه شده اند کاش معتقدین رفع حجاب از این بیهوشی بهوش آمده بودند تا انکه دانسته باشند چه میگویند و چه خرافات از دهن ایشان بیرون میاید ایا زنیکه فقط بحسن وجمال مینالد وکمالات را منحصر بتجمل میداند کجامیتواند درجامعه رجال داخل شود (البته) هرکسیکه قوای عاقله خود را حاکم قرار دهد و محکوم (هوا و هوس) نشود تصدیق میفرمایند که رفع حجاب زنها و دخول انها در جامعه رجال فوق النهایه مضر و باعث خرابی یک مملکت خواهدشد از (منافع حجاب) اگر زن

در پس پرده عفت و عصمت زیست بکند البته آثار عشق و تعشق کمتر یافت میشود و سعادت رجال محفوظ میماند بعد از بیان مضار رفع حجاب و منافع (حجاب) تعجب است از قانون گذاران ملل که در تحت قانون حریت عقیده وقلم مقید نفرمودند که هر جاهل نا اهلی حق ورود در شریعت و اظهار عقاید فاسده ندارد تا تا اینکه ازاین قسم خرافات ومزخرفات ننویسند ونگویند بر تمام دانایان دنیا پوشیده نیست که آزادی قلم از افرادیکه فرسنگها از وادی علم دورند نتیجـــه ندارد جز تضییع و پایمال نمودن افکار عقلاء و متفرق ساختن جامعه ملی و قومیت آنها بجهت رفع شبهه می نویسم مبادا بعض قارئین محترم سوء ظن ببرند که العیاذ بالله خطابم از جاهل بصاحب مقاله است که درخواست تفسیر این دو آیه وافی هدایه نموده البته مطالعه کنندگان شماره ۲۲ حبل المتین بخوبی میدانند که نویسنده آن مقاله مطالبی که خلاف شریعت مقدسه باشد ننوشته

« و اما دلیـل اقوی » بر وجوب حجـاب ظاهر همین دوایه شریفه است زیرا که دلالت آنهـا بر وجوب حجاب اظهر من الشمس است و احتیاجی به بطن بنجاهم و هفتادم این دو آیـه هم نداریم اکتفا بظاهر آنها می کنیم « قوله تعالی قل للمؤمنین یغضو من ابصارهم » یعنی ای « محمد » بگو مر جماعت مؤمنان را که ببندید چشمهای خود را از چیزهائیکه حرام است نگاه مردان بسان و مراد در این مورد نگاه کردن بزنهای نامحرم و عورت مردان است زیرا نگاه کردن مرد بغیر این دو درشریعت ما حرمتی ندارد و اگر کسی بگوید مراد ازنگاه نکردن مردها بزنهای اجنبیه یعنی نگاه نکردن مردها بفروج زنهای اجنبیه است الوقت جمله (ولایبدین زینتهن) که در آیهٔ زنها است میگوید پس چه معنا دارم وکار من چیست و اگر هم بدقت ملاحظه کنیم می بینیم اگر کسی این توجیهرا بکند حق دارد که جمله ولایبدین ان کلام را بکند ما هم برای آنکه خواطر مبارك ولایبدین را نرنجانیم اقرار میذائیم که مراد از یغضو من ابصارهم بستن چشمهـای مردانست از تمام بدن زنهـای اجنبیه (فان القران یفسر بعضها بعضاً) (قوله تعالی ویحفظو فروجهم) یعنی بگوای (محمد) مومنین را حفظ نمایند عورات خود را از نگاه کردن غیر ایشان (ذلك ازكی لهم) یعنی این حفظ عورات و چشم بهتر است مر ایشانرا و نزدیك تر است بپاکی از زنا مضمون چیزیکه (معصوم) میفرماید چـه بسیار از دیدنها است که موجب اندوه وغم زیاد میشوند و از این قبیل اخبار بسیار است که ذکر ان در این مقاله موجب تطویل است (معتقدین باخبار) مراجعه بکتب اخبار فرمایند البته تصدیق میفرمایند (قوله ان الله خبیرا بما یصنعون) یعنی بدرستیکه خداوند جل شانه آگاه است بکردار مومنین از خیر و شر و پوشیده نیست بر اهل دانش که از این جمله ایضاً حرمت نظر رجال مفهوم میشود و امثال ان در عرف بسیار است مثلا آنکه پدر به پسر میگوید با فلان نشست و برخواست نکن بعد برای آنکه پسر را بترساند باو میگوید خیال نکنی که مطلع از حالت نیستم بلکه از تمام کردارت اطلاع دارم

(آیهٔ) زنها (قـل للمـومنات یغضضن من ابصارهن) یعنی بگو محمد مر (زنان) مؤمنه را که بـبندند چشم خود را از مرد های نا محرم و عورات نسوان (زیرا) نگاه است که مرد و زن را در فساد میاندازد از خود انیکوید بزرگان دین ما فرموده اند [النظر برید الزناء] یعنی نگاه قاصد زنا است [قوله تعالی و یحفظن فرجهن] یعنی بگو ای محمد مرزنان مومنه را که حفظ عورات خود نمایند از نگاه کردن غیر بایشان [قولـه ولا یبدین زینتهن] یعنی نباید ظاهر سازند زنها بر نا محرم زینت خـود را مراد از این زینت در (آیهٔ) شریفه یا مواضع زینت است از قبیل دست و پا و انها و گونهـای صورت و چشم و دماغ و گوش و موضع خلخال از پا وغیر از این از مواضع زینت یا آنکه مراد از زینت درآیه چیزیست که اراسته میکند زن خود را بان از قبیل سرمه خضاب خلخال انگشت قلاده و غیر از این چیزهائیکه زن اراسته می کند خود را بان (علی ای حال) بهر معنائیکه زینت بگیریم دلالت تام دارد بر وجوب مستوریت نسوان (زیرا) بمعنای مواضع بگیریم معنای آن میشود نباید ظاهر بسازند صورت و دست وپا و باقی مواضع زینت را اگر معتقدین رفع حجاب گویند ما همه مثل خارجه زینت نمی کنیم مواضع زینت را تا آنکه حرام باشد کشف آن جواب میدهیم این حرف قبول نیست زیرا بمحض آنکه مواضع زینت آراسته نشدند از موضعیت خارج نشدند باز همه مواضع زینت آنها را می گویند و لازم است مستور بودن آن و اگر زینت را به معنای خود بگیریم بطریق اولی ثابت میشود مستوریت نسوان (چه) نگاه کردن زینت بخودی خود حرمتی ندارد چون نظر بزینت زن لازم دارد دیدن موضع زینت را باینجهت حق تعالی نهی فرمود از اظهار آن حتیکه در موضع زینتند « زیرا » موقعیکه در موضع زینت نیستند مثل آنکه در دکان فروشند احدی از بزرگان دین ما نفرموده حرام است نگاه کردن انها « قوله تعالی الا ما ظهر منهـا » تعنی مگر چیزیکه ظاهر است از

زینت و ممکن نیست پوشیدن آن از قبیل چادرهای الوان و روبند و جوراب و غیر از این از چیزهائیکه ممکن نیست مستور نمودن آنها (قوله تعالی ولیضربن بخمرهن الی جیوبهن) یعنی باید بزنند زنها مقانع خود را بسر و صورت و گردن و سینه خود چون از جمله (ولا یبدین » ثابت شد مستوریت نسوان ممکن است بگوئیم که جمله ولیضربن تاکید است بر مستوریت نسوان اطلاعاً بعرض قارئین محترم می رسانم در چند موضع استثنا شده در شریعت مقدسه اسلام از یکی موقع نکاح است که جائز است شخص یك نگاه بکند بزنیکه می خواهد نکاح بکند

خادم خدام الشرع تقی الانصاری

ایضاً از رشت

فلسفه حجاب

(اجمال از تفصیل)

بزرگترین نظامی که در عالم لازم است حفظ انساب و محدود بودن امور وقاع که این قضیه جبلی حیوانات که هر یك برای خود جفتی اتخاذ کرده برقیب خود غیرت می برند

اگر چنانچه مرد ها بالنسبه بزن ها مطلق العنان باشند علاوه بر اختلاط انساب و اختلال میراث مستلزم مفاسد است که مردم با یکدیگر دائما مشغول مدافع بوده منجر به اختلال زندگی و معیشت انسان میگشت و تمامت ادیان و کتب مقدسه آسمانی از عهد عتیق وجدید وقرآن مجید مشحون به قبح زنا است چنانکه در ترتیب و حفظ اموال قانونی لازم است که رعایت شود برای حفظ نظام درفروج آن قانون بیشتر اهمیت دارد و آن قانون عبارتست از انکاح بشرائط مقرره در هر دین و مذهبی

پس رعایت انتظامات وقاع و قانون ازدواج به بداهه تمام ادیان ازاهم تکالیف زندگی است ومسلم است راه مشتهیات نفسانی از برای هر ذی حس باز و انسان قهراً دوست دار جمال است هر چند صاحب نفس مطمئنه باشد

مثلا اگر چنانچه صاحب قوای شهوانیه زنی را با کمال حسن و زیبائی دید قهراً انسان مفتون و مجنون خواهد شد یا اقلا اگر مطبوع بود طرف میل و اشتها واقع میشود ومرحله اولیه اراده ومیل است که پس از حصول آن بدرجات عزم و جزم رسیده انسان را تحریك بعمل و انجام مقدمات مراد و مقصود می نماید بالاخره یا موفق به نتیجه و وصال می شود آن محذور بزرگ زنا است بعمل آمده یا اینکه موفق نمیشود با این حال خیال زنا و آرزوی جماع با زن اجنبیه حتمی است

پس از آنکه اذعان داریم بد بودن زنا خیال آن نیز بد خواهد بود و نظر کردن به زن اجنبیه داخل چشم بد و خیال بد خواهد بود

و این قضیه محسوس هر صاحب ادراك است که خیال بد وچشم بد و زنای خیالی وسایر مفاسد که در راه وصال محبوبه لازم است از نبودن حجاب و دیدن چشم که جمال دل آرا بتوسط قوه باصره حتماً باید در نفس ناطقه مؤثر شود و بسا است که منجر بعشق و افتتان و هلاك نفس گردد

مسلما اگر چنانچه کسی مطمئن از ریبه و خیال بد باشد نظر بصورت زن اجنبیه در شریعت مطهر ما جائز باشد لکن این احتمال قانون کلی را که غالباً مستلزم چشم بد و شنایع بی اندازه است نمیتوان نقض نمود چون اغلبیت و اکثریت در شیوع و ظهور مفاسد است که هرگاه زنها با صورت زیبا و لباس دیبا و قامت رعنا بی حجاب در مقابل عامه بخرامند غالباً از چشم بد و خیال فاسد محفوظ نخواهند بود ، پس سزاوار است که زن ها مستوره باشند برای احتمال ریبه و فتنه و نظر بر آنها اعم از ریبه و غیر آن حرام است چون اکثر واغلب نظر به آنها مظنه فتنه و خیال زنا و ریبه است و قانون و حکم تابع اکثریت است که قابل ماده فساد بشود ، باین استدلالات ثابت شد حجاب مطلقا برزنان واجب است

(سید مجتبی حجتی)

ایضاً از محمره

(بسم الله الرحمن الرحیم)

اسلام و حفظ نسل

حفظ نسل در اسلام ازاهم فرائض محسوب شده اند لهذا حجاب لازم شد برای اینکه همچنانیکه مردها از دیدن زنهائی که از عیال خود خایق تر یا خوش صورت یا ملیحتر میباشند (معاشقه را تعقیب می نمایند همچنین استقبال زنان بی حجاب، چنانکه در اروپا معمولا جاری است و زن زید با عمر بگردش میرود شراب میخورد شکار میرود) آیا انصافاً ممکن است منکر شد که در تمام معاشرتیکه از اثر محبت است ومشتهیات ظاهری بعمل می آید ، مشتهیات باطنی عمل نیاید ، طبیعی است که عمل می آید ، در این صورت معلوم است اولاد این زن از کیست ، محققاً معدوم است ، انصاف یا وجدان یا شرافت متجددین اجازه میدهد که ثروت آنها نصیب اولاد دیگران یااولاد مشتبه شود پیراهن بی آستین و زیرجامه تا زانو و بی حجابی معدومه را که میخواهند ترویج کنند برای چیست برای تعلیم نسوان است یا برای ایجاد کار وتولید سرمایه میباشد یا برای شهوت رانی در خیابانها هست (هرگاه مقصود تعلیم نسوان است البته دختر که در زاویه خانه یا مدرسه یا جوامع

مشغول باشد بهتر است از دخترانیکه در مدرسه در همان حال مطالعه و تدریس حواسش نزد جوانیست که دیروز در خیابان وعده گذارده اند)

(دلیل قطعی)

امتحانیست که از دختر های مستوره و دختران بی حجاب کرده و در موارد امتحان دیده شده و هرکس هم ندیده باشد از عقل خودش بپرسد بخواهد نه از شهوت و اما اگر مقصود ایجاد کار و تولید سرمایه باشد (پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم میفرماید زنهای خود را بیکار نگذارند اگرچه به پشم ریسی باشد) کارهائی که فراخور حال زن ها می باشد چیست حمالی و نجاری و حدادی و نقالی و سبزی فروش وغیره وغیره که باید در بازار بنشیند برای آنها انفع است یا علوم قابلگی وطب امراض زنانه وعلوم معالجه امراض اطفال و قلاب دوزی و خیاطی و نساجی های خفیف زیرا قدرت تحمل نساجی های ثقیل که در کار خانه ها وغیره هست با مزاج زن منافی است بقول اروپائیها جسم لطیف و قابل تفقد است آیا اسلام منع نموده است تعلیم بنات را از علوم لایقه به آنها یا تأکید فرموده (تمام کتب مشحون است از تأکید) و اما مسئله ازدواج ایرانیها با زن های فرنگی ، این هم به اصطلاح مد جدیدی می باشد و الا از خود آنها بپرسید که زن مسلمه و اروپائی دارند که انصافاً کدام یک وفادارند کدام در در حالت سختی و فقر مسامحه دارند کدام یک برای اداره خانه وزندگی وتربیت اولاد بیشتر علاقه دارند. و بالعکس کدام یک به شهوت رانی و گردش و معاشرت با غیر میل بیشتر دارد ذات حق گواهست که اگر دلیل قطعی بیاورند که بی ناموسی از ناموس داری بهتر است از غیرت و حماقت و شهوت رانی هست یا خیر

تاریخ چه میگوید

اول بتصدیق وجدان دویم بنمایندگی تاریخ ترقی و تمدن هر کشور و مرزوبوم وابسته و منوط به نیت پاک پادشاهان سلاطین روی زمین بوده لاکن بعضی از پادشاهان این دوره خود را بی نیاز از مطالعه تاریخ وسیر و پندونصیحت بزرگان دانشور میدانند فقط بمخاطب شدن بقبله عالم قانعند اما باید دانست که این تملقات و تعارفات کهنه و پوسیده شد و در عوالم مدنیت سیاست انسانیت برچیده گشت زمان سابق را باین زمان قیاس نتوان کرد سابق گرز و سر پهلوان روئین تن مرغوب و مطلوب بود پادشاهان گذشته بیشتر همتشان به کشور گیری بود اکنون مشغول کشور داریند ازروی رقابت کار میکنند و به آباد نمودن قلمرو خود ساعی و جاهدند که مبادا از رقیب عقب اوفتند هر روز ایجاد های نو بنو مینمایند و برقبا نشان میدهند یعنی از حد القولی دست کشیده بالفعلی چسبیده اند مقدمه بس است بهتر این است که دو دلیل تاریخی محض اثبات مدعا و دیباچه بیان شود و آن دو دلیل شمه از واقعات و حالات دو پادشاه عظیم الشان مقتدر است یکی ملک الملوک ایران یزدگرد و دیگر [illegible] ملک پادشاه چین است که خود را فدائی رعیت و ملت دانست [illegible] مورد مراحم و مکارم حضرت یزدانی جل و علا واقع گردید استغاثه و مسئولش بدرگاه ایزد پاک هنگام نزول بلا اجابت رسید چون بر تخت شاهی استقرار یافت خسروی نصفت شعار و عدالت آثار گشت و ابواب معدلت و موهبت بر روی خلق الله بگشاد و در رفاه حال عباد اهتمامی تمام مبذول داشت. گویند در زمانش آثار بلا و اسباب قحط و غلا فراهم شد سحاب از سیلان و از ایستاد و غمام از قطرات امساک نمود در این مدت قطره آبی از مشربه سحابی در حلق تشنگان نچکید و برگ خزیده ای از کشت زار هیچ برزیگری بر ندمید کار بر خلق صعب افتاد مردم بنفیر آمدند . پادشاه که بصفای نیت و پاکی طویت آراسته بود گفت درین مملکت جزمن افعال نکوهیده و صفات ناستوده متصف نباشد همانا شومی و شامت من در خلق سرایت کرده و مردم را بدین بلا مبتلا ساخته اینک آتشی باید افروخت و مرا بسوخت تا خلق از زحمت رسته رحمت بیابند و عنایت خداوندی اختصاص یابند پس بفرمود حائطی وسیع معین کرده چوبهای [illegible] از هر سو بر زبر هم نهادند آتش در آن زده برافروختند از جای بجست تا خویشتن را به آتش بسوزاند ناگاه سحابی درهوا پدید شد. اینک متراکم گشت و باریدن گرفت پس بضراعت بزرگان درگاه پادشاه را در آن عزیمت فتوری راه یافت و آن ابر هفت شبانه روز بیارید تا مردم از اثر آن رحمت زحمت گذشته را یاد نیاوردند ومتابعت سلطان را چون طاعت یزدان فرض دانسته دوم یک از پادشاهان یزدگرد ابن بهرام ساسانی که کمالاتش پسندیده و ملکاتش نکوهیده بود چون بعد از پدر کار سلطنت بر او محکم شد تکبر و تنمر پیشه کرد علما وحکما را خوار بداشت و گناه اندکی را کیفر فراوان فرمود عذر هیچکس را نپذیرفت و در ضراعت و شفاعت هیچکس نه بخشید و هیچکسی را امین و موتمن خویش نداشت و هر روز به بهانه ای یکی در آویخت و خونش بریخت هیچ دقیقه از جور و ستم فرو نگذاشت درحق امیران لشکری و بزرگان کشوری بد کرد و بد اندیشید کار بر مردم صعب

اوفتاد در حضرت یزدان بنالیدند و نفرین شان بهدف
اجابت مقرون گشت خدای خواست شر اورا کوتاه
سازد و وجود بدتر ازعدمش‌را ازجامه هستی براندازد
چنان اوفتاد که روزی به نخچیر بیرون شتافت و
لشکر از چهار طرفش صف آراست ناگاه اسبی وحشی
درمیان پره اوفتاد که هرگز یزدجرد اسبی به آن
زیبائی ندیده بود بفرمود تا لشکریان عرصه بر او تنگ
کردند و اسب را گرفتند هرکس زین بر پشت آن
باره استوار کند دست نیافت یزدگرد مردی توانا
و با نیرو بود خود قدم جلادت پیش نهاد و دست بر
یالش بکشید و زین بر پشتش نهاد و از قفایش برآمد
و دمش برگرفت تا دمچی بر او استوار کند ناگاه
اسب هر دو پای برگرفت و یك جفته چنانش برسینه
کوفت که فوری جان داد و از میان جماعت
بدر رفت مردم در مرگ یزد جرد شاد شدند
و گفتند همانا این اسب فرشته بود که خدای بدین
صورت به نزدیك ما فرستاد تا مردم را از زحمت
و شر او رهائی داد و حال آنکه مردم ایران بعد
از ستایش یزدان پادشان خودرا ازصمیم قلب میستودند

از بندر دیلم می‌نویسند

قابل توجه وزارت جلیله مالیه

مسئله قاچاق که تادرجهٔ موقوف بود بعد از برگذاری
عمل مستاجری دیلم به چند نفر مغرض که تابع خیالات
بلکه آلات دست قاچاقچیان هستند و برداشتن اداره
ساخلوی از دیلم قاچاق شدت کرده بطور یقین درین
چند ماهه بالغ بر ده هزار جونی قند و شکر و چای
وارد و این گونه عملیات و تضییع عواید دولت باهم
دستی مامورین دولت بوده روئای دوائر دیلم ، امنیه ،
مستاجرین جدید گمرك ، رئیس تلگرافخانه ، مفتش
بنادر بلکه می‌توانم بالاتر بگویم یعنی هر و هر که
بود ولی سر سلسله انها مدیر گمرك بود که
به انواع اقسام قاچاقچیان را به کویت فرستاده
به انها قول میداد شما آسوده باشید که من
همه را دیده اگر ترس در دریا از مفتش باشد
فلان مفتش بنادر به من گفته و اطمینان داده و
بر هر قاچاقی مبالغی برای او قبلا تقدیمی داده ام
اگر از سایر دوائر ترس دارید انها هم رسماً حق
مداخلت در امور من ندارند ولی برای حق سکوت
انها چیزی هم میدهم قرار داد و تقسیمات مدیر
با سایر دوائراین بود جونی یك تومان برای مستاجرین
جونی پنج قران برای حق‌سکوت رئیس ومدیر تلگرافخانه
وجونی دوقران برای امنیه چون اورا دیوانه تصورمیکردند
فی جونی سی وسه قران هم برای مدیر بود حق مفتش
را هم ازقسمت عایدی خود تادیه میکرد

چون عایدات دیگر هم داشت جهازاتی که گندم
برای محمره و عبادان حمل میکردند با تجار هم‌دست
بود مثلا بارگیری جهاز بیست هزار من تبریز بود
هزار من جواز صادر میکرد آنوقت جهازات میرفتند
کویت اضافه برجواز را بالغ میکردند باقی را به بندر
لنگه کاپوتاج گرفته‌بودند می‌آورند عایدات مشارالیه
از این راه بدون هیچگونه تردید دو هزار تومان شد
همچنین قبل ازاینکه حکمی از ریاست کل گمرکات
جنوب برسد راجع به منع خروج قند وشکر وچای از
بنادر جزء جونی خالی که مارك بوشهر داشت قبلا
قاچاقچیان بدست آورده هر مقداری‌که‌میل داشتند با
جواز انحصاری که قبلا تدارك کرده بودند کاپوتاج
میداد جهاز خالی از دیلم به کویت رفته مطابق جواز
مدوری حمل میکرد برای عبادان و بندر معشور چون
این گونه مسائل را مخفی نکرد یکی دو نفر به
گمرك و اهالی بوشهر راپورت نموده موقوف کردند
علناً درخود دیلم بنای قاچاق پیاده کردن را گذارده
حال‌هم چهارپنج نفررا فرستاده به کویت برای قاچاق
آوردن ولی این مرتبه گمان دارم برای پیشرفت
سیاست خود چند انکه از آن را تصرف نماید و
به بوشهر راپرت ندهد که من قاچاق گرفته ام که
بتواند خودش را محفوظ بدارد در صورتیکه مجازات
برای مأمورین نباشد و همه دزد باشند چرا مالیات
تحمیل میکنند گویا انحصار برای ساختمان راه
آهن نبوده بلکه برای مأمورین خیانت‌کار
اختصاص داده شده

§ سك وگرك وچوپان بهم ساختند §
§ بن و بیخ گله بر انداختند §

اگرخود را مسؤل وجدانی نمیدانستم مبادرت به
نوشتن نمیکردم مثل چند ماه گذشته که حبل‌المتین در
معاق توقیف بود خون جگر خورده و درگوشه نشسته
به وضعیات تماشا میکردم ولی اکنون از آن مدیرمحترم
استدعا دارم که قلم حق گوی را به این وضعیات که
موجب افسردگی قلوب هر حساس است معطوف فرمایند
شاید اقلا تخفیفی در تضییع عواید دولت شود

از قصر شیرین می‌نویسند

در تعقیب پیشنهاد حبل المتین تحت شماره ۸ سال
سی و سوم در صفحه ۷ راجع به تجاوزات تجار
یهودی بغدادی شرحی مرقوم رفته بود خیلی بموقع
است وضعیات کنونی این سرحد را به لحاظ عموم
بگذرانم لیبقاً ورود مال التجاره از طریق بغداد به
ایران رو به تناقص است آنچه هم وارد بشود راجع
به تجار کلیمی بغدادیست و قطعیاً تجار ناحیه غرب
دست از تجارت کشیده یعنی تجار کلیمی بطوری

داخل این رشته شد که تجار ایرانی قادر به خریدن نیستند اهالی قصر هم که مدتها است وکیل حمل و نقل مال التجاره بودند آنهم بواسطه جسارت و تجاوزات حیم تاتشیل تماماً بیکار و تقریباً ده دوازده حجره وکالتی بکلی مسدود و حیم مذکور یک نفر دلال شمندوفر است اموال را از بغداد توسط شمندفر به خانقین و از خانقین هم یکسره تا داخل ایران توسط اتومبیل های شخصی حمل مینماید راستی میتوان گفت که اعتبارات سرحدی قصر شیرین بواسطه همین معدودی از درجه اعتبار اولیه خود کاسته و قریب هزار نفر ایرانی که بار مرهون حمل و نقل خود را اعاشه مینمودند بیکار و هر کدام بیگونه فرو رفته اغلب گاریچیهای ایرانی هم یک دو مرتبه با یکصد دستگاه گاریهای مذکور به بغداد رفته که شاید مقداری مال التجاره را بداخله ایران کنترات کرده و از این ممر مبلغی عایدی ببرند حیم مذکور به عناوین مختلفه مانع انجام مقاصد آنها بوده ولابد گاریچیها از خوف تهدیدات مشار الیه شبانه از بغداد فرار کردند . در این خصوص هم هیئت دولت تاکنون اظهار تظلم کرده جواب میدهند که کسب و تجارت آزاد است بلی ما هم میدانیم کسب و تجارت آزاد است ولی همسایه های ما در داخله خودشان بطوری تجارت و کسب را محدود کرده اند که ما ایرانیها در داخله آنها قادر بهیچ کسب و تجارتی نیستیم اگر در نظر داشته باشید در همین امسال دولت بین النهرین به اسم رسوم جنسیت از هر ایرانی ساکن بین النهرین مبلغ پنجاه روپیه مطالبه مینمود بیچاره واکسی و شاگرد قهوه چی و حمالهای ایرانی از خوف دادن همین پنجاه روپیه اغلب از آنها بین النهرین را ترک و به جاهای دیگر آواره شده اند مقصود از اخذ این مبلغ فرار دادن ایرانیهای مقیم بین النهرین است که از جزئی کسب و حمالی که داشتند دست کشیده و خود اهالی بین النهرین این نوع کسبها را متصدی شوند آیا جای غصه نیست که در لانه و خانه خود مان هم تجار یهودی بغدادی دست اندازی کرده و شغلی که داشتیم از دستمان میگیرند تقریباً میتوان حدس زد بواسطه تجاوزات حیم تاتشیل بیشتر از هزار نفر بیکار مانده اند در خاتمه امیدوارم وکلای محترم مجلس شورای ملی و اطاق شورای تجارتی توجه نموده در باره اهالی این سرحد و سایر جاهای دیگر ترحمی کرده از تجاوزات و انحصار حمل و نقل مال التجاره از حیم تاتشیل جلوگیری کرده و کما فی السابق حمل و نقل مال التجاره از قصر شیرین بداخله ایران در دست خود ایرانیهای مقیم این ناحیه اداره تا بر عده بیکاران مملکت افزوده نشود . (یکنفر بیغرض)

از لنگه می نویسند

ما اهالی بندر لنگه از بی دوائی و بی حکیمی می توانیم بگوئیم که از صد دویست مان می میرد ، بنادر جنوب خصوصاً بندر خراب شده ما که بجز مشتی بی بضاعت و دست کوتاه از هستی دیگر کسی ندارد . چگونه می توانیم که برای اندک دردی فوراً عازم خارجه برای مداوا یا علاج شویم ، چرا در بنادر جنوب خالقش از بی دکتری تلف شوند ، میدانم که ما خواهند گفت که دکتر هست آنهم اروپائی ، بلی دکتر اروپائی که خودرا خدای ما میداند داریم ، ولی آن نه دکتر است بجز بد خلقی و بد سلوکی استفاده از او کسی نکرده وجداناً انصاف باید داد که دکتریکه قونسلگری تعلق باو دارد آنهم از طرف دولت بهیه بریطانیا چگونه وقت عزیز خودرا که دقیقه آن و قلما بصد خون ما ایرانی تبدیل نمیکند صاحب [illegible] و دوا دادن بما از دوای یک کار باید کرد ، قونسلگری این دکتر هم بلی هر دو بصد همدیگر چگونه می شود دکتری که حرف با او نمیتوان زد از بد اخلاقی و بد روشی فائده . آن ما از کجا میرسد اگر بپرسیم که روز چند دفعه یا چه باید خورد با اوقات تلخی و درشتی میگوید برو وقت دیگر بیا وقت ندارم حرف بزنم غیر از این یک قطره دوا در شیشه او موجود نمی بینیم این چه حفظ الصحه است ، این حفظ الصحه را باید خصوصی نامید چرا که برای طهران و طهرانی است . اگر غیر از این بود مثل طهران سایر جاها خصوص بنادر جنوب که میتوان گفت روح مملکت است باید مریضخانه و حکیم مخصوص و دوای کافی موجود برای ملت فقیر داشته باشد مگر ما را تقصیر چیست که ابداً توجهی بما [illegible] نمیشود ، از بی دوائی و بد سلوکی و هیچ نفهمی و بی دقتی و کم فرصتی دکتر تمام داریم عدم میشویم در خاتمه از اداره حفظ الصحه استدعا و التماس داریم که بیشتر از این توجه مشفقانه بما ملت بدبخت بی مدد کرده ، و اسباب آسایش اهالی و رهائی از آخ تیغ شخص اجنبی مان فراهم آورد .

(بیمار)

اخبارات متفرقه

رئیس راه آهن شهری طهران آقای معاون وزارت فواید عامه را ملاقات از نقطه نظر تسهیل آسایش عمومی مذاکره نمودند ترن اسبی شهری را مبدل بترن برقی نمایند قرار شد موقتاً اتومبیل های جدیدیکه روی ریل عبور و مرور میکنند از اروپا وارد کنند جلسه راجع قرار داد تجارتی بین دولت ایران و [illegible] در شورای عالی تجارت منعقد گردیده نتیجه

بمقام وزارت نوشته شد که علت تعویق چیست لازم است در گرداندن قرار داد تسریع شود

عایدات انحصاری قند و شکر و چای تا اول دیماه ۷۳٬۸۰۳٬۵۸۶ قران و ۴۵۰ دینار است

دارائی دولت در بانك تا اول دیماه باضافه وجوه قند و شکر و چای — ۱۴۳٬۷۶۴٬۱۹۱ قران و ۵۰ دینار می باشد.

اداره کل طرق و شوارع بودجه سال ۱۳۰۶ را در حدود ۳ کرور تومان تهیه نموده و چون در نظر گرفته اند در سال آتیه کلیه راه های ایران را اتومبیل رو نمایند بودجه دیگری در حدود ۸ کرور تهیه کرده برئیس کل مالیه ارسال داشته که درصورت بودن محل عایدات بمجلس شورای ملی تقدیم دارند

تلگرافی باداره بلدیه طهران ازنماینده کمپانی آلمان رسیده که حاضر است بدستگاه ماشین چراغ برق که ۵۰ هزار چراغ بدهد باداره بلدیه طهران بفروشد و قیمتش را در شش قسط دریافت دارد

وزارت فواید عامه برای سرعت اقدام در احداث خطوط آهن ایران مقرر داشته رئیس کل راه آهن و رئیس مهندسین با یکعده دیگر از متخصصین بولایات اعزام شده کلیه طرق و شوارع و پلها و رود خانها را مقایسه نمایند و نیز از طرف وزارت داخله متحد المالی بتمام حکام کل و جزء صادر گردید که همه طور مساعدت با ایشان نمایند و کلیه روسای ادارات و پستها تعلیماتی صادر شد که اجرائیات مهندسین را عهده دار باشند تعویق درامورات آنها حاصل نشود

درخصوص مواد الحاقیه که باید ضمیمه لایحه منع اشیاء تجملی بشود درشورای عالی تجارت تحت شور واقع و الاحره قرارشد تجدید نظری شده و بقسمیکه بمنافع ملت و مصالح مملکت باشد اتخاذ و راپورت بدولت تقدیم گردد و در باب وضعیات تجارتی بین ایران و روسیه تقسیمات شور را بمقام وزارت که در صورت موافقت دولت معارضه بعمل شود

درموضوع رسیدگی بمراسله دولت به شرکت انگلیس و ایران کمیسیونی منعقد آقای رئیس الوزراء و وزراء ومعاونین برای دفاع حاضر وبموافقت آن مراسله با امتیاز دارسی اصرار داشتند اظهارداشته ما این قضیه را بطور نمیدانیم و مجلس میتواند با امتیاز دارسی تطبیق نماید بقانون پیشنهادات قرار شد تا یك هفته دولت تصمیم اتخاذ و بمجلس شورای اطلاع دهد

مستر بولند و چند نفر از مهندسین برای نقشه کشی راه های آهن بطرف مازندران عزیمت خواهند نموده اند کلیه مهندسین امریکائی و ایرانی به دوقسمت منقسم و در ۶ نقطه مملکت شروع بنقشه برداری کرده تا زودتر و سایل احداث خط آهن تهیه شود و تعلیماتی صادر گردیده مهندسین امریکائی که بسرحد وارد میشوند از همان نقطه شروع بعملیات بنمایند

از طرف وزارت مالیه لایحهٔ راجع به تبدیل پول نقره بطلا تهیه شده که بمجلس تقدیم گردد

وزارت امور خارجه برای تهیه نظامنامه معرفی برق کشتیها مقرر داشته کمیسیونی منعقدگردد وقراری برای تنظیم بین کشتیها داده شود و از وزارت مالیه و خارجه وداخله وفوائد عامه نمایندگانی معین که کمیسیونرا منعقد ونظامنامه لازمه را تدوین و تهیه نمایند

نماینده کمپانی یونکرس و دکتر آقا بابا با آقای وزیر پست و تلگراف را ملاقات و مذاکراتی در باب مدرسه هوا پیمائی بعمل آمده و موضوع از طرف نماینده پذیرفته گردیده و قرار شد اضافه قیمت تا کس بار های پستی را ازهیئت دولت کسب تکلیف نمایند وازطرف وزارت پست وتلگراف قرار داد پست هوائی وزراء تقدیم و مواد آن تحت شور واقع شده است سه نفر مهندس روسی با کلیه لوازمات مهندسی بسمنان وارد وازآنجا بحدود خوریان رفته مشغول اقدامات ومعاینه درچشمه های نفط میباشند و از طرف دولت بحکومت تلگرافاً تعلیماتی صادر گردیدکه بدون اجازه وزارت فواید عامه هیچکس مجاز نخواهد بود که در معادن آن حدود عملیاتی به نماید

در خصوص ۳۰ دستگاه اتوبوس که قرار شده است کمپانی راه آهن از اروپا وارد نماید بوزارت خارجه مراجعه گردید تا با سفارت روس مذاکره نمایند و از راه روسیه عبور داده که هرچه زودتر و اکولهای شهری طهران تبدیل شود

اداره کل صحیه در صدد جلوگیری از مرض وقطع میکروب مالاریا بر آمده که بوسیله خشك کردن بطلاق ومحلهائیکه مولد میکروب است جلوگیری نمایند ومقرر گردید برای جلوگیری از مرض مذکور یکنفر دکتر متخصص از دولت ایطالیا استخدام وجلب نمایند

انتقال کار گذاریهای ولایات بحکومتیها در تحت شور هیئت وزرا واقع گردیده وعنقریب تصمیم قطعی حاصل خواهد شد

از طرف وزارت امور خارجه تلگرافی بژنرال قنسول بادکوبه مخابره گردید که عده تجار مستخلص را اطلاع داده و راجع باستخلاص سایر تجار هم استعلام گردیده است

بوسیله سفارت آلمان وزارت فوائد عامه از طرف یکی ازکمپانیهای آلمانی پیشنهاد شده که حاضر است کمپانی مزبور تمام نقاط شهر را جهة مشروب شدن طهران لوله کشی نماید و از طرف آن وزارت

خانه به اداره بلدیه دستور داده شد که در صورت موافقت قرار دادی بشود

در تحت سر پرستی آقای امیرلشکر کمیسیونی از هیئت دار التربیه انتخاب شده تا برای وجوهیکه از اداره مالیه قرار داده بد بودجه مدونی ترتیب بدهند و نیز کمیسیونی دیگر منعقد شـد که برای بیکاران تشکیل کار خانه دهند

کمیسیون دارالتربیه نتیجه را به آقای امیرلشکر اطلاع دادند ازاداره مالیه ۴۰۳۰۰ تومان بدارالتربیه تخصیص داده و از حیث غذا و لباس تغییرات کلی حا ل ساله عده فقرائیکه زیاد می شود از عایدات کارخانجات اداره خواهد شد کارخانجات از این قبیل است بعد مالی کفاشی پارچه بافی گلیم بافی رنگریزی که عنقریب شروع بکـار خواهند نمود و بر حسب حکم آقای امیر لشکر کـلیه اشخاص بیکـار بدار التربیه جلب می شوند

از وزارت فوائد عامه وزارت مالیه اشعار گردید درخصوص تسطیح راه بختیاری نظر باینکه فعلا در آن حدود برف زیاد است دستور داده شد بعد از زمستان تسطیح شود

حسب الامر دولت باید راه رهالدوز به تبریز بسرعت ساخته برطبق صدور ابلاغ ریاست وزراء باداره کل خزانـه داری تعلیماتی صادر گردید ده هزار تومان بمالیه تبریز حواله و پرداخته شود

یك نفر از تجار آذربایجان پیشنهادی بوزارت فواید عامه تقدیم و تقاضای واگذار راه تبریز به بازرگان سرحد ترکیهرا نموده که باشرایط حاضر است راه را شوسه و عرابه رو نماید

ازطرف وزارت فوائد عامه لایحه معاف بودن حقوق گمرکی اشیای شیمیائی که از خارجه وارد و در کـارخانه جات مصرف میشود در تحت چند ماده بهیئت وزراء تقدیم گردید

یك نفر مجرم کشتن یك نفر نظامی (در یك سال قبل) از طرف اداره قشونی تیر باران شد

مأمورین تفتیش گمرك جهازی حامل قند وشکر و چای قاچاقی از دیلم گرفته به بوشهر فرستادند از قرار معلوم متعلق بحاجی رئیس التجار دیلمی میباشد وفعلا در توقیف گمرك است

در ۱۳ دیماه ۳ طیاره انگلیسی وارد بوشهر و پرواز بطرف بندر عباس و هندوستان نموده و نیز ۳ طیاره کوچك و یك طیاره بزرك وارد بندر عباس و بطرف جاسك و چابهـار عزیمت می نماید داخل طیار ها و زیر هواپیمائی انگلیس و شش نفر ازرؤساء و صاحبمنصبان ارشد اداره هواپیمائی بودند مقصود از این مسافرت ساختن ابنیه نزول طیاره در بوشهر ـ بندر دیلم ، بندر عباس ، جاسك ، چابهـار ، بوده است ضمناً سه دستگاه تلگراف بی سیم متعلق باداره هوا پیمائی در بوشهر و بندر عباس و چابهار تاسیس خواهند نمود و در بوشهر بوسائل مقدماتی اقدام نموده اند ـ

کارخانجات قالی بافی کرمان تحت کنترل کمپانیهای انگلیسی و آلمانی قرار گرفته و کلیه ملزومات را خود کمپانی تهیه میکنند وبواسطه اینکه اجرت کارگران مبلغ قلیل است و روزانه پرداخته میشود دقت کاملی در آن نمیشود بالاخره قرار شده دو نفر متخصص فنی در رنك آمیزی و طرز نقشه کنترات شوند و حقوق آنها از قیمت خود فرشها فرع یك عباسی منظور گردد

از طرف دولت لایحه قانونی تنظیم یافت که وزارت مالیه مجازاست بصاحبان کارخانه پارچه بافی اصفهان قرضهٔ در حدود یکصد هزار تومان باشد بدهد مشروط بر اینکه مدتش از دو سال تجاوز نه نماید

مأمورین دولت شوری روس در ترتیبات صید ماهی در کلیه بنادر بحر خزر رسماً داخل عملیات شده اند و طورهای وارده را بتحویل عمـال و سر ماشرین خود داده اند و تمام امکـنـه و مؤسسات لیانازفها را تحت نظر گرفته اند و در بعضی بنـادر موسسـات حدیدی ایجاد و بانصب دستگاهی تلفون تا مشهد سر و سدر جز موسسات خود را اتصال داده اند

مأمورین سرحدی روس ممانعت میکردند تجار ایرانی از پیله سوار روس عبور نکنند از اقدامات آقای سیف الله خان صدری (معین خاقان) اجازه مرور به تجار داده شد روسها در ماه مقداری معین اجازه داده اند قند ونفت از بازار بخرند ولی زیادتر را ممانعت می کنند

مأمورین دولت شوری در پیله سوار ایران در تابستان امسال ممانعت نمودند که حاصل خود شـرا ضبط نکنند پس از اقدامات اولیـای امور اجازه دادند لیکن حالیه از زراعت نمودن آنها جلوگیری مینمایند

در کمیسریات ملی مسکو گفته شد که عمال ساویت حاضر نیستند وسایل تسهیل تجارتی در روس باعث تقویت سرمایه داری خارجی شود درکلیه مسائل اقتصادی روس تجدید نظر مقتضی است

دولت شوروی روس برای بازارمکـاره با کوبه به تجار ایرانی اجازه داده است معادل ۷ ملیون منات مال التجاره از ۱۰ ژانویه الی ۱۰ مارس وارد نمایند

مجلس عالی ترك قانونی تصویب نموده که از این ببعد شهر اسلامبول (کمال) نامیده شود

در موقعیکه آقای مفتاح سفیر دولت علیه ایران در قصر ابیض واشنگتن اعتبار نامه خود را به مستر کولیج رئیس جمهوری تقدیم نمود موفقیت هیئت کمیسیون مالی امریکا را در تنظیم و تمرکز دادن مالیه ایران خاطر نشان درخاتمه اظهار نموده اینگونه احساسات باعث شد یکعده از امریکائی ها برای نظارت در امورات ایران دعوت شده اند وباعث خوشنودی من گشته است

از طرف دولت مقرر گردید راه آهن از دزداب به کویته ر خریداری نمایند و کمیسیونی از نمایندگان وزارت خارجه وفوائد عامه تشکیل و پس از مذاکرات نظریه خود شارا بهیئت دولت تقدیم میدارند

در ۱۲ فرسخی سیستان متجاوز از ۲۰ سوار افغانی قافله ریخته ٦ نفر از مکاریها را مقتول و سه نفر را هم بارهائی که همراه داشته اند سرقت میبرند و از طرف وزارت امور خارجه با سفارت افغانستان مذاکرات در جریان است که از تجاوزات جلوگیری و آنها را مجازات نمایند

شنیده میشود دولت انگلیس از دولت ایران تقاضا میکند موعد های امتیازات انگلیس در ایران تجدید شود

حکومت بین النهرین سالار الدوله و اسمعیل آقا را در نقاط سرحدی خود توقیف نموده تقاضا از اولیای دولت ایران نموده شیخ محمود که در نقاط سرحدی کردستان متوقف است دستگیر و تسلیم نمایند

مطابق دفاتر سجل احوال عده متولدین مرکز در آذر ماه ذکور ۱۳٤ و اناث ۱۱۳ نفر بوده اند و کلیه متوفیات از امراض مختلفه ٤۳۳ نفر بقلم آمده و این احصائیه غلط بی انتظامی دفاتر سجل احوال را بهترین دلیلی است

از وزارت پست و تلگراف شرحی بوزارت جنگ اشعار گردیده است که صورتی از اعضاء و مستخدمین تلگراف بی سیم تهیه کرده وارسال دارند تا بودجه آن تهیه و ضمیمه بودجه سال ۱۳۰٦ بشود

مسیو تسورادای روسی مهندس کل تلگراف بی سیم برای سرکشی امور تلگراف بی سیم بولایات مسافرت کرده پنج دستگاه متعلق بطهران و مشهد و کرمانشاه و تبریز وشیراز کار هایش خاتمه یافته با مرکز مخابرات نموده و مرکز هم با پاریس وبرلن ومسکو ولنین گراد و بروت مخابره نموده و در صورتیکه دستگاه های جنوب بکار افتد دولت از سیم خارجه بی نیاز خواهد شد . متخصصین روس مشغول تعلیم دادن بشاگرد های ایرانی هستند

مسیو اندهس جهة معلمی علم ثروت از تاریخ ۱٤ فروردین (۱۳۰۵) الی مدت ۳ سال و ۲ ماه استخدامش باحقوق سالی ٤ هزار تومان تصویب گردید

وزارت معارف صورت کلیه کتابخانهای مملکتی را جمع و قریباً بطبع خواهد رسانید و چون مدرسه فلاحت از دادن احصائیه شاگردان خود داری نموده بود از طرف وزارت مذکور نوشته شد که این اقدام برخلاف اصل ۱۹ قانون اساسی است

در وزارت پست کمیسیونی تشکیل گردیده راجع به نظامنامه خرج سفر اعضا مذاکره شد

نظامنامهای صحی نظامنامه امور خلافی تخلف کنندگان تنظیم وتقدیم کفیل بلدیه شدکه بموقع اجرا گذاشته شود

متحد المآلی از طرف وزارت مالیه بعموم وزارت خانها صادر گردید که تا ۱۷ دیماه صورت حساب سنه آتیه را ارسال دارند واین بودجه با بودجه سنه ۱۳۰۵ نباید تفاوتی داشته باشد

از طرف وزارت امور خارجه بکار گذاریهای سرحدی دستور داده شد که صورت احصائیه حجاج را تهیه نموده و ارسال دارند تا تصمیم قطعی اتخاذ شود

لایحه قانون صحیه مملکتی از برای دارالمجانین - دارالعجزه مریضخانه بلدی پستهای امدادی وغیره تهیه و قریباً تقدیم مجلس خواهد شد که پس از تصویب موقع اجرا گذارده شود

(بقیه صفحه ۳)

درشمال چین نیز مانند جنوب بهمان قسم برخلاف انگلیسیان قیام شده شك نیست که در این نوبت جنبش چین منافع بزرگی بملیون بخشوده اولا قضاوت قنسولات که سبب دخالت سیاسی خارجیان بودی ازمیبه مرتفع آمده تعرفه گمرکاتش که اساس اقتصادیات وی را محکم تواند نمود باختیار او واگذار گردیده امتیازات خانه بر انداز را حاضر بلغو و تحدید شده اند نهایته دول چنین میگویند تمام این مراتب بفوریت انجامش مشکل است باید بتدریج صورت بندد

برفرض اگر امروز هم بواسطه ورود قشون بیگانه حکومت کانتان ترك قبضه شدگیهائی را نمود وملیون موقتاً آرام گیرند طولی نخواهد کشید که بازهمین آتش درکاسه خواهد آمد بزرگترین حربه ملیون چین در مقابل خارجیان اعتصاب است در پیش رفت اعتصاب چینیان بقسمی تجربه حاصل نموده و چنان اصول متقنی اختیار کرده که در کمتر ملتی دیده شده است غرض این است که انقلابات چین زندگی جدید بچینیان بخشوده است که بزرگان گفته اند

§ کون را هر اعتلا لب لباب §
§ ز انقلابش ز انقلابست ز انقلاب §

[در مطبعه اتحاد نمبر ۱ — ۲٦ امری پوکر رود کلکته طبع و توزیع گردید]

نمره ۳ — سال سی و چهارم — ... ۱۹۲۶ ...

حبل المتین کلکته — حبل المتین مجاناً باحدی داده نمی‌شود — قیمت اشتراک

۱ - ۶ مکلود استریت — از هر کس و هرجا الا ... اخبار — سالانه ششماهه

معدم گرفته میشود

کلیهٔ امور با — روز نامهٔ مقدس — هند و برمه

مدیر کل — ۱۸ روپیه ۱۰ روپیه

جلال الدین الحسینی است — ایران و افغانستان

دیو ... مؤید زاده — ۶۰ قران ۳۵ قران

ام ... ست — ممالک سایره

هر دوشنبه طبع و سه شنبه — سالانه

توزیع میشود — یک و نیم لیره انگلیسی

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ٤ رجب المرجب سنه ۱۳٤٤ هجری مصادف با ۱۹ جنوری سنه ۱۹۲٦ میلادی

و من الماء کل شیئی حی

این آیهٔ شریفه بمعنی حقیقی خود هرچه باشد کار نداریم ولی وقتیکه در امور ملکی و جغرافیائی عالم هم نظر افکنده آید دیده خواهد شد که ذکر این کلیه الهیه دران هم بی مورد نیست ، چه بعقیده عموم مصرین هر ملت و مملکتی که آب نداشته باشد یعنی راه بدریا برای انها باز نباشد ان ملك و ملت را در مال و ممالك حیهٔ عالم بشمار نتوان آورد حبل المتین در این موضوع مقالات زیاد نوشته ولی چون قلوب منعطف نبودی و یا اثر از کلمات او برداشته شده نبود ذرهٔ هم اولیای امور سلف توجه در این موضوع اهم نه نمودند ممکن است انها چیزی دانسته که ما نمیدانیم یعنی حیاتی غیر از حیات مائی برای این ملك و ملت تصور کرده اند اگر چنین باشد خوب است حبل المتین وسائر هم افکاران اوراهم متذکرساخته تا شاید از این خیال خولیائی باز آیند

درهر صورت باید گفت دوره مماطله گذشته ایام سلطنت پهلوی فعال در رسیده - نباید این مسئله حیاتی تا این درجه در بوتهٔ اجمال بماند - باید غور کرد که سائر ملل چه به سواحل ومیاه خود تاچه اندازه علاقمند اند که - جی - نرمان در جشن تاجگذاری و ترقیات دوره پهلوی بگوید شاعر شهیر « سر ردیاد کپلینك » که امروزه ملك الشعراء انگلستان میباشد در کلمات خود یك جملهٔ تازه برجسته پیدا نموده میگوید « سولیزیشن » - زندگی بوضع تمدن فقط عبارت است از اصول « ترانسپورتیشن » یعنی سرعت و سهولت در حمل و نقل آن ملتزم ملت است بعبارت ساده می فرماید میزان تمدن ملل و سولیزیشن میانشان را از سهولت وسرعت دووضعیت حمل و نقل آن بخوبی ظاهر توان نمود

این نکته را هم باید دانست که از روی مثل معروف سه ربع دنیای ما آب یعنی غیر مسکون است و یك ربع همکه عبارت از خشکی باشد قابل السکونه و آنهم بواسطه همان دریاها قطعه قطعه واز یکدیگر مجزایند پس هر مملکت و ملت که اسباب « ترانسپورتیشن » یعنی اداره حمل و نقلش از طریق دریا مهیا و آماده نباشد در مال متمدنه و ممالك سولایز شامل نیست چنانچه یکی از فضلای نامی می فرماید « مملکتی که راه بدریا نداشته باشد ان مملکت محصور و آن ملت را آزاد بمعنی حقیقی نه توان گفت و ممکن نیست چنین ملك و ملت بتوانند مدارج ارتقای امم راقیه را حاصل کنند » تمام جنگهای صد ساله امرای بالکان با عثمانی همه برسر یافتن راه بدریا بوده است عاقبت در جنك اخیره بالکان قطعات ساحلی چند از عثمانی گرفته و نقشه مخصوص برای عمارات بالکانیه ترتیب داده برای همه راهی بدریا باز کردند یکی از فلاسفهٔ سویز مقاله‌ای نگاشته و در آنجا ذکر می کند ولو مملکت سویز عروس ممالك اروپا است وملت آن نیز مدارج تمدنی را تکمیل نموده ولی چون راه بدریا ندارد ترقی اش ... و تمدنش محصور و ملتش از روی طبیعت مرده ومضمحل وطولی نمی کشد که خواه مخواه ضمیمه ممالکی می گردد که راه بدریا دارند

باید دانست که تنها داشتن دریا برای یك ملك وملت سبب حیات تمدنی نتواند گردید باید از آن آبیکه سرمایهٔ زندگی ملل است استفاده نمود واز سواحلی که برلب آن دریا هست فائده برگرفت - با اینکه ایران امروزه دارای هزاران ... مثل سواحل دریای گرم و آزاد

و صدها بنادر و جزائر است نمی توان او را صاحب دریا و آب خواند و همین جهت است که ملت ایرانیه از قافله تمدن تا این درجه عقب مانده چه « ترانسپورت» بری وبحری ندارد و نمی‌خواهد نیز ازاین مادة الحیات ترقی وتمدن استفاده نماید ایران با این همه شاهراه های بزرگ ساحلی بازهم دور ومراوده بممالك سائره محصور گردیده است وعاجز است که مال التجاره دیگران را بخاك خود آورد و عایدات خویش را بدیگران بسپارد ما درجراید طهران وتلگراف روتر میخوانیم که آقای داور وزیرتازه فوائد عامه جدیت کامل دارند که هر قدر زود تر ممکن است راه آهن ایران را عملی سازند یعنی ایران را درممالك متمدنه شامل سازند ما ناچاریم با ایشان هم همان عقیده را که در تلگراف مخصوص خود که چند ماه قبل بذات شاهانه عرض نموده تکرار نمائیم وآن این است « قبل از تشکیل اداره بحری و افتتاح کارخانه آهنگری راه آهن برای ایران سیاسةً و اقتصاداً خالی از زیان تصور نمی‌شود و و و » ما امیگوئیم که درصدد احداث راه آهن باید بود ولی این نکته را هم از مد نظر دور ندارند که بدون افتتاح کارخانه آهنگری و تشکیلات بحری و عمرانات ساحلی هرگز ایران را سرعت وسهولت درترنسپوت حاصل نه تواند شد و ازاینرو فقط ازراه آهن داخلی فائده کامل نتوانیم گرفت تا وقتیکه اداره بحری تشکیل ندهیم و جهازات تجارتی در آب نیندازیم توجه بعمرانات ساحلی خود ننمائیم نمی توانیم افتتاح یك کارخانه آهنگری صحیحی بکنیم چه این کارخانه طبعاً باید قرب ساحل باشد و ساحلی که عمران ندارد وجهازات باندازه کافی در او نیست طبعاً ازاین فیض محروم است پس ما همان عقیده اولیه خود را تکرار نموده میگوئیم اگرملت ودولت ایران طالب تمدن عالی و تجارت صحیح و عمرانات کامل اند اول قدمی که باید بردارند همانا تشکیل اداره بحری است ملت و دولت ایران اگر باید همه چیز خود را بفروشند و همه هستی خویش را صرف کنند و تشکیل اداره بحری دهند اولین فریضه انهاست ورنه تمام اقدامات ترقی خواهانه شان بی اساس و بی ثبات و نقش برآب است ـ

اعلیحضرتا !

چه قدر شایسته است که در موقع تاج گذاری این آب حیات ابدی را بکام تشنه ملك و ملت خسته پژمرده خود بریزند یعنی اول قدمیکه در دوره سلطنت ان اعلیحضرت برداشته آید تشکیلات بحری باشد تا ملت و مملکت بتواند از این سر چشمه تمدن اقتصادی و سیاسی فائده برگیرد تا وقتیکه دولت از خود دارای تشکیلات بحری و عمرانات ساحلی نباشد نمی توان امیدوار بملت شد که جهازات تجارتی در آبهای ساحلی مملکت اندازد اگر دولت تشکیلات بحری بدهد و سواحل خود را حفاظت کند طولی نمی کشد که هزاران جهازات تجارتی با بیرق های شیروخورشید در دریاهای عالم بگشت و گذار خواهند اوفتاد تشکیلات بحری تنها چیزیست که هزار و دویست میل عمرانات ساحلی جنوب را ضمانت نماید تشکیلات بحری دولت مشوق تجار مملکت است در تهیه جهازات تجارتی وغیره بدون تشکیلات بحری دولت جهازات تجارتی ملت بی پشتوان و برحم و مروت دیگران سپرده است و مسلم است که دیگران هم هرگز مائل نیستند که رقیب در تجارت برای انها پیدا شده ما هم جهازات تجارتی ساخته از منافع انها بکاهیم و عمده سبب اینکه تجار ایرانی کمتر بتشکیل اداره جهازات تجارتی می پردازند همین نکته است و بس یعنی پشتیوان ندارند اگر دولت در سواحل خود تشکیلات بحری دائرنماید طولی نمی‌کشد که سواحل خلیج مملو از جهازات تجارتی تجار ایرانی میگردد ـ

از این بیان چنین مستفاد نشود که عقیده ما بر خلاف شروع بعملیات راه آهن است ما فقط میگوئیم اصول الاهم فالاهم را باید مراعات نمود باید بفوریت بودجه بحری مرتب ساخت باید اقلا باندازه نصف بودجه وزارت جنك برای اداره بحری تدارك کرد باید متخصصین بحری برای عمرانات سواحلی خود استخدام نمود باید سفاین گزمه برای سیر سواحل خود تدارك نمد باید دروازه مملکت را بست تا سرمایه اندوخته محفوظ تواند ماند البته یك جواب بما خواهند داد پول نداریم ما هم تصدیق داریم ولی باید همان قسمکه پول برای راه اهن پیدا کرده‌ایم برای تشکیلات بحری هم پیدا کنیم مملکت ایران بدون تشکیلات بحری درممالك مترقیه ومتمدنه عالم محسوب نتواند شد چه اصول ترانسپوت او تکمیل نخواهد گردید تجارت ایران پیشرفت نخواهد نمود نتیجه این خواهد شد که عایدات دولت هم پیشرفت نخواهد کرد پس اولین وظیفه کابینه کنونی است که پس از مشوره با ذات شاهانه اول قدمی که بردارند در طریق تشکیلات بحری باشد چه این قدم مقدمه جمیع ترقیات اقتصادی و سیاسی وتجارتی و صنعتی ایران است ـ ملت ایرانیه باید با ملل سائر دنیا نزدیك شده آشنا شود باید مال‌التجاره ایران بجهازات ایرانی با کرایه کم باقصی بلاد آمریك و اروپ برسد ـ باید از آبهای دنیا استفاده کرد بدون تشکیلات بحری این مراتب صورت نه بندد بازهم کلام خودرا بهمان آیه شریفه ختم می کنیم (ومن الماء کل شیئی حی)

فلسفهٔ تضییقات نقدی امروزه

از هر نقطه دنیا صدای بی پولی و کسادی بازار بلند است اهالی هرجا برای این ضیق اقدینه علل خود سببها ذکر میکنند و فی الواقع نمیتوان گفت آن سببها در اقتصادیات محلی مؤثر نیست ولی چون نظر باوضاع عالم انداخته آید همه را بیک درد مبتلا خواهیم یافت علاوه بر این می بینیم سببهای را که برای ضیق نقدینه محلی ذکر میکنند همیشه کم و بیش بوده است و حال آنکه اینسختی در اقتصادیات دیده نمی شد پس باید یک سبب عمومی داشته باشد مکرر نگاشته ایم آسیا و افریقا چون در همه چیز محتاج باروپ و آمریک اند یعنی در کلیه اقتصادیات و لوازم امور معیشت وزندگی دست نگر آنهایند رواجو بازار واوضاع اقتصادی شان هم تابع اروپ وآمریک است ازاین رو باید گفت تاوقتیکه اقتصادیات اروپ و آمریک صورت اصلاح نگیرد مالیه آسیا و افریقا نیز روی بهبودی نتواند یافت علمای فن اقتصاد میگویند ـــ روابط اقتصادیات دنیا مانند چرخهای ساعت بیکدیگر مربوط است اگر شکسته بزرگی در یک نقطه مهم دنیا باقتصادیاتش وارد آید اثرخود را کم یا بیش بهمه دنیا خواهد بخشود مالیهٔ آسیا و افریقا چون سایه تابع اروپ و آمریک است و تاوقتیکه اوضاع مالیهٔ اروپا و آمریکا محور خود سیر نکند کسادی بازار های شان مرتفع نگردد محال است عکس آن باسیا و افریقا اوفتد پس از این بیان باید یک نظری باوضاع مالیهٔ آمریک و اروپ نموده نتیجه چگونگی مالیه خود مان را استخراج کنیم معلوم است که در موقع جنگ مالیهٔ اروپ و آمریک بروی هم ریخته شده بدون ملاحظه ضمانت دول متحده به یکدیگر از مال و پول تائید میکردند و اگر بلحاظ جنگ نبود هیچ یک ازدول راضی نمی گردید تا این درجه سرمایه خود را بدون ضمانت راه اداء آن بیکدیگر قرض دهند آمریک در آن موقع چون از میدان جنگ دور بود و دارای ثروت هنگفت هم بودی بشاید دول متحده هر چه توانست از آذوقه و ذخائر جنگی و پول وغیره بخشود سرمایه بزرگی که در این جنگ ریخته آمد اول مال آمریک و دوم متعلق به انگلستان بود بمناسبت قوت اقتصادی میدان را از خصم قوی پنجه بردند همین که از گزند خصم رسته اروپائیان چنین خواهش داشته که آمریک این مساعده بزرگی را که نموده صرف نظر کرده همین قسم انگلستان هم از قروضی که بمتحدین خویش داده بگذرد آمریک از همان وقت بعد از افکار علیحدگی اختیار نموده شامل در معاملات اروپا نگردید انگلستان هم بمتحدین خود گفت اگر آمریک از قروض خود بگذرد او نیز تواند گذشت چه اعتبار انگلستان در آمریک از همه دول بیش بوده و غالب قرضی را که آمریک بمتحدین انگلستان میپرداخت بضمانت و توسط دولت انگلیس بود در دوران جنگ سه ربع از طلای دنیا در آمریک متراکم آمد همینکه قرض داران اروپائی وی از ادای قروض خویش خواستند سرباز زنند آمریک هم روی طلاهای موجوده نشسته معاملات اعتباری خود را با اروپا منقطع ساخت عمده سبب ضیق اقدینه دنیا وکسادی بازار های عالم همین که بوده وهست و هر کس سیر از این در کلیات تصور کند راهی بصواب رفته این مسئله خیلی اهم و خیلی هم بزرگ بود از این رو ۸ سال است که متخصصین و مبصرین ساعی و کوشش دارند تاکه بتوانند برای آن راه حلی پیدا کنند دولت انگلیس که نزدیک بود ور شکست شود چاره آن را منحصر در این دید که قروض خود را با آمریک تصفیه کند تا بتواند مجدداً از سرمایه آمریک اوضاع اقتصادی خود را اصلاح نماید همینکه تصفیه قروض انگلیس با آمریک شد سرمایه اعتبار انگلستان بجای خود ماند فقط طلب کار سائر دول اروپا انگلیس و آمریک قرار گرفتند برای جا حالی قرض جنگ از دول مغلوبه تاوان و خساراتی قرار دادند که عمده آن از آلمان بود چون مالیه آلمان قابل آن نبوده و نیست که آن مبلغ هنگفت را یکدفعه تادیه نماید ناچار آن مبلغ بزرگ را بر صادرات از مال التجاره آلمان افزوده و مدتی هم برای وی معین کرده تا بمرور زمان تادیه گردد ـ نظر باینکه قرضه فرانسه از همه بیش بود و وجوه وتاوان هم بیشتر ازنصف بفرانس میرسید فرانسویان خواستند خویشتن را از قروض خود نجات داده مبلغ تاوان را بقرض خواهان مقابله کنند آمریک وانگلستان رضا ندادند چه ممکن است تبدیلاتی در اوضاع سیاست پیش آید و المان از ادای اقساط تاوان جنگ سرباز زند و علت تعویق تصفیه قروض دول باانگلستان و آمریک بیشتر همین مسئله بوده است بعد ازمخابرات بسیار عاقبت دول رضا داده اند که تصفیه قروض خود شان را با آمریک و انگلیس نموده بقسمیکه تعلق بتاوان جنگ نداشته باشد . تلگرافات اخیره ظاهر میدارد ـــ آمریک رضا داده است بمجوزانیکه دول بلجیک رومانی استونیا لتاویا وزکوسلاویا برای تادیه قروض خود پیش نموده اند هر مجوزه را که آمریک باقرض داران خود منظور کند انگلستان هم منظور میفماید فقط دو دولت بزرگ که قرض شان هم خیلی بزرگ است مانده یکی ایطالی و دیگری فرانس ـ ایطالی هم نمایندگان مخصوص به انگلستان و آمریک گسیل داشته

مشغول تصفیه قروض خود هست و گویا قرضه ایطالی بزودی تصفیه گردد فقط میماند قرضه فرانس معلوم نیست همینکه فرانسه تنها ماند خواه مخواه بتکالیف انگلیس و آمریک گردن خواهد نهاد فقط باقی خواهد ماند قرضهٔ روس و ترك که یکدفعه انکار از ادای آن نموده اند مسلم است که امروز نه فردا امسال نه ده سال بعد اگر دولتین. شارالیهما هم بخواهند تجارت و اعتبار بین المللی داشته مانند مجبوراند که با قرض خواهان خود یکنوع تصفیه به نمایند - چون در کسادی بازار دنیا آمریک و انگلیس هم شامل اند مجبوراً در تصفیه قروض تایکدرجه مسامحه نمایند معلوم میشود چون سه ربع طلای دنیا در آمریک جمع است امریک میتواند فائده عمده برگیرد ملیونها عمله جات آمریک بیکار مانده هزاران تجار ورشکست گردیده چه تجارت دنیا بروی اعتبار دیگر در حساب نموده اند در معاملات تجارتی فقط در صدی نه ونیم نقدی است ونود ونیم آن باعتبار میگردد از بعد جنگ که اعتبار از میان رفت و معاملات طبعاً نقدی شد گویا صدی نود و نیم تجارت دنیا عاطل و باطل مانده است ومنافعی که تجار دنیا از تجارتهای اعتباری حاصل میکردند از میان رفته این است سبب عمده کسادی بازار دنیا و تنگی پول در عالم چون آمریك و انگلیس که بزرگترین سرمایه داران دنیایند نقصان شان در این کسادی از دیگران بیشتر است و مائل تر اند باینکه بهر قسم ممکن شود خاتمه این سبق اقتصادی دنیا داده تا بتوانند فائده حاصل کنند پس باید منتظر بود که گشایش اقتصادی در اروپا و آمریکا پیش آمده تا رواج تجارت اعتباری زیاد گردد تا آسیاهم بتواند در سایه آن از ضیق مالیه بیرون آید و ایران هم از فریاد دست تنگی آرام گیرد

هولاند و حفظ الصحه عمومی

در جامعهٔ ملل قبل از آنکه بـرای جلوگیری مرض مالاریا ، وبا و طاعون اقـدام شود خواستند تجارت انحصاری گونین (گنگنه) که دولت هولاند از مملکت جاوه حاصل نموده مرتفع دارند چون دولت هولاند از این تجارت منافع بزرگ حاصل مینماید و جاوه نیز از مستعمرات اوست قبول نکرده - حالا متخصصین ساعی اند درخت دیگری که قائم مقام درخت گنگنه باشد و در سائر نقاط پیدا شود بدست آورده شاید دوائی که دارای اثر گنگنه باشد پیدا نمایند -

حبل المتین

اگر این بی عاطفگی بلکه ظلم صریح به اولاد بشر که از دولت متمدن هولاند ابراز شده از یك دولت آسیائی پیش آمده بود جرائد دنیا بوحشت ان ملت و دولت قلم فرسائی مینمودند و ان دولت را به آدم کش یا آدم خوار نام زد میکردند ولی چون هولاند دولت متمدن واروپائی است اینگونه جرائم برای او قابل العفو است برای چند صندوق تریاکی که ایران بخارجه میفرستد و حال آنکه چنانچه نوشته ایم در صدی ۵ از عایدات تریاك دنیا نیست ایرانیان را ملت تریاك فروش مشهور ساختند آیا سزاوار نیست که هولاندیان را ملت آدم خوار شهرت دهند ؟

طهران

گرچه وقایع تشکیل رسمی مجلس مؤسسان وعده وکلا و تعیین هیئت رئیسه و انتخاب شعبات و انتخاب پروژه و رای دادن مجلس بسه سلطنت توارثی اعلیحضرت پهلوی قبـل از وصـول این مراسله بوسیله آژانس های خارجی و تلگرافات داخلی رسیده و لازم به تکرار نیست فقط غرض از نگارش این مختصر این است که علاوه مسائل جاریه ظاهری یك سلسله مطالب و حقایق داخلی هـم در مجلس و درمیان تودهٔ ملت جریان داشت که انتشار آن در حبل المتین برای تاریخ آتیه و ملت ایران مفید تواند بود روح مطالب این است که وکلای مجلس مؤسسان خاصه نمایندگان ولایات همگی با ذوق وشوق وافر باین عنوان بمرکز حاضر شدند که رژیم سلطنت انتقالی که یکنوع جمهوریت نوظهوری است در ایران برقرار نموده و سلطنت را هم در شخص رضا شاه پهلوی مستقر نمایند متفکرین مرکز وحتی از لیدرهای معروف پارلمانی هم همین عقیده را داشتند ولی اطرافیان شاه و قدری هم حب خـانوادگی اعلیحضرت را وادار نمود که غفلتاً باین صدد افتاد که سلطنت را در خانواده خود مستقر نماید بهمین مناسبت همین که نصف وکلا بمرکز حاضر شدند کم کم زمزمه سلطنت توارثی بلند شده طرفداران این رژیم یك و دو افتاده شروع باقدام نمودند اولین اقدام این بود که اشخاص متنفذ و وکلای مؤسسان چه بوسیله ملاقاتهای خصوصی و چه بعنـوان وعد و وعید و چه باظهار دلائل متقنه که مقتضیات ایران سلطنت توارثی را ایجاب می نماید خواه نخواه با اعمال این نظریه حاضر نمودند بعد پارتیهای بزرگ از وکلای ایالات مثل وکلای خراسان فارس اذربایجان را بهر ترتیبی بود حاضر با جرای این مقصود نمودند یکعده از علما و متنفذین هم که به نمایندگی مجلس مؤسسان امده بودند قهراً با این نظریه موافقت کرده بسیاری از نمایندگان هم با عدم عقیده به سلطنت توارثی بجهة اینکه مبادا در نتیجه مخالفت و مقاومت باین نظریه اجانب از اختلافات حاصله استفاده نمایند بالاخره صلاح در این دانستند که مسئله را بهمین ترتیب که گذشت خاتمه دهند و حتی بعضی ها نظر داشتند که تغییراتی در سایر مواد قانون اساسی هم داده شود یعنی اختیاراتی زاید بسر این قانون بدولت بدهند ولی ایـن نظریه پیشرفت

تکرد و در لیله ۲۲ آذرماه از ۲۹ نفر نمایندگان حاضر
مؤسسان ۲۵۷ رای که یك رای باقر نام تردیدی
داشت و دو رای ممتنع چهار ماده مزبور تصویب گردید
و در چند روز که شروع به تشکیل مجلس مؤسسان
می شد لایحه ذیل از طرف یك دو نفر از وکلا
تهیه شده توسط رئیس مجلس موسسان به اعلیحضرت پهلوی
فرستاده شد ولی چون اثری مشاهده نشد معلوم میشود
عریضه مزبور را نرسانیدند فعلا هم بعضی را
عقیده این است که فقط خود اعلیحضرت میتوانند این
مسئله را حل کرده و بمیل خاطر برای بقای نام
نیك در تاریخ عالم اساس حکمرانی ایران را بروی
اصول انتخابی بر قرار نمایند و اغلب هم تصور می
نمایند که پس از چندی همین نظریه اعمال خواهد شد
و برای مزید اطلاع قارئین آن نامه گرامی عین عریضه
که به پیشگاه اعلیحضرت تقدیم شده لذا ارسال گردید

عریضه مذکور

والاحضرتا علاقه مفرط ما به ترقی و عظمت ایران
وشخص والاحضرت اقدس مارا وادارا می نمایدکه از
روی کمال صدق نیت این عریضه را به پیشگاه مقدس
والا تقدیم و عقاید بی الایش خود را معروض داریم
و بجهة اینکه کلیه امضاء کنندگان ذیل با عقیده قلبی
طرفدار جدی والا حضرت اقدس بوده و هستیم
مورد توجه مخصوص واقع گردد .

یك نظری بتاریخ عالم وحوادثی که در بیست سال اخیر در
دنیا روی داده بخوبی ثابت می نماید که طرز
حکومتها و تشکیلات اجتماعی ملل بحکم یك قانون
کلی محکوم جریان طبیعی عالم بوده و هیچ قوه نمیتواند
در مقابل آن مقاومت نماید دلیل بر صدق این مدعا
این است که چندین قرن قبل از ظهور اسلام وقتیکه دولت
روم بیکنوع جمهوریتیکه بعنوان قونسل در مملکت خود
برقرار نمود برای اینکه در آن موقع سایر ملل بطرز
حکومت مستقله استبدادی اداره می شد جمهوریت
رومیا الکبری ازمیان رفته مجدداً همرنگ سایر دول
گردید بنا بر این مقدمه چنانچه جمهوریت اندوره بواسطه
مقتضیات عمومی عالم نتوانست در مقابل حکومتهای
مستقله پایدار ماند حالیه هم که عالم بروی
اصول دموکراسی و جمهوریت حتی اشتراکی اداره
میشود یك دولت هر قدر هم قوی باشد برای یك
مدت متمادی نمیتواند بعنوان حکومت مستقله اداره شود
همینکه این مسئله مسلم گردید چقدر مایه افتخار و
خوشبختی ایران خواهد بود هرگاه شخص والا حضرت
اقدس که در اثر فداکاری و عملیات گذشته ناجی
ایران شناخته شده در قلب عامه ایرانیان مقام
ارجمندی را احراز فرمود بطیب خاطر و میل باطنی بنام
سعادت ایران وسائلی اتخاذ فرمائید که طرز حکومت
آتیه ایران مبنی بریك اصول باشد که با طرز
حکومتهای حالیه سایر دول مباینت نداشته باشد
حصول باین مقصود با مقتضیات فعلی میسر نخواهد شد
جز به ترتیبی که در انتخاب سلطان یا رئیس دولت
دخالت مستقیم ملت ایران اجرا گردد .

برای اینکه شخص والا حضرت خدمات بزرگی
بسعادت ایران فرموده ملت ایران انتظار دارند بعد
ها درسایه سرپرستی والا حضرت مانند ملل راقیه عالم
به اسایش وعظمت نائل گردند حاضرهستند که باسم
نوع شئونات عالیه شخص والا حضرت موافقت نموده
انچه اراده مبارك تعلق گیرد بجان و دل اجرا نمایند
که این خود دلیل بزرگی بر قدردانی ملت ایران
بوده و خواهد بود وحالیه یکدسته از اشخاص منفعت
پرست و غالباً از تیپ رجال سابقی اند که طبعاً قهراً
با ترقیات ایران مخالف اند و بعظمت مقام والا
حضرت با نظرحسادت نگاه میکنند ظاهراً بعنوان دوستی
و جان‌نثاری باطناً برای اینکه وسائل کدورت والا
حضرت را نسبت به صمیمیت و خدمت گذاری رعایای
صدیق وطن پرست فراهم آورند اینطور وا نمود
می نمایند که با سلطنت توارثی خانواده (پهلوی)
همراه میباشند و این نظریه را با دلائل بسیار ضعیف
نوعی جلوه میدهند که برای شخص والا حضرت و
سعادت مملکت ایران این نظریه مفید خواهد بود در
صورتیکه اعمال این نظریه کاملا مخالف صلاح مملکت
و بالنتیجه مخالف شخص والا حضرت میباشد
قطع نظر از اینکه درسلطنت توارثی عیوبات زیادی
هست که علاوه بر نظایرتاریخی و مشهودات دیروزی
که همگی ناظر بودیم اساساً از نقطه نظر محبت فرزندی
و تربیت خانوادگی هم مضرات زیاد دارد زیرا
فرزندیکه یك مقام عالی رابدون مجاهدت و بدون
زحمت بدون اینکه در نظرداشته باشدکه بایستی در اثر
یك سلسله خدمات مهمی نسبت بمملکت دارای مقام
سلطنت بشود همینطور خواهد شد که سلاطین دیروزه
ایران بار آمدند والا حضرتا بجمیع مقدسات عالم
قسم است که ما منظوری جز سعادت ملت و ترقی
مملکت و عظمت شخص والا حضرت نداشته و نداریم
ما میل نداریم نام نامی والا حضرت که امروزه در
ردیف بزرگان عالم واحیاکننده ایران ثبت شده بواسطه
اقدام سلطنت توارثی الوده باغراض شده تاریخ آتیه
شخص والاحضرت را بجاه طلبی متهم نمایند اگر مراجعه
برفتار سلاطین عظیم‌الشان ایران بشود معلوم خواهد
شد که انها هم فرزندان خود را بوخشی تربیت داده
و وادار می نمودند که بزور شمشیر صاحب تاج وتخت

بشوند وفعلا مقتضیات زمان این طور حکومت را انتخاب می نماید که فرزند آن یگانه فرزند رشید ایران نیز حاضر برای جلب نظر عمومی شده ازروی حقیقت مستحق اشغال انتقام عالی گردد و ملت ایران هم با همین مقدمه که امروز تاج افتخار سلطنت را از روی کمال صمیمیت به فرق والا حضرت زیب میدهد بعالمیان و هم به پیشگاه مقدس والا حضرت ثابت نمودند که قــدر مردمان بزرگ ایران دوست رادانسته وخواهند دانست چنانچه امتحان داده شده بطور قطع تعیین اصل مقصود نیز بطیب خاطر حاصل خواهد شد و نیز از اظهار این نکته باید خــود داری ننمود دشمنان والا حضرت از تحریک دسته های مختلف بنام دوستی و طرفداری در صدد هستند که در مجلس مؤسسان ایجاد هیاهوئی بنمایند که در نتیجه بوجاهت ملی و تاریخی والا حضرت سکته وارد آید و ما پس از تتبع و تفکر فوق العاده چاره را منحصر بفـرد دانسته و میـدانیم که از طرف شخص والا حضرت اعلام شود که جز سلطنت انتخابی نوع دیگر را قبول نخواهند فرمود و این امر اعتبار مقام والا حضرت و ملت ایران را در پیشگاه تاریخ و در نظر ملل متمدن امروزه عالم صد چند خواهد نمود وتمام اختلافات داخلی را بکلی مرتفع خواهد داشت ما با قلبی پر از امیدواری وشعف انتظار داریم که این استدعای صادقانه ما مـورد توجه مخصوص ملوکانه واقع گردد . [امین زاده و و و]

اختصاصی

میخواهم مقالهٔ درایندوضوع بمعرض انتشار بگذارم اما موضوع بقدری در مملکت ما درجات شدت و افراط را می نماید که در عین همین ناگزیر از این هستم که در اینجا این مطلب را نیز اظهار بدارم که نویسندگی ومقالات جرائد ماهم ازصورت اختصاصی خارج نیست

حالا چه علتی دارد ؟ لابد بیعلت نیست ولی یکی از عللی که فعلا در نظر است و بسیار اهمیت دارد همانا علوم و معارف ما ملت میباشد که بسیار محدود و آنهم خیلی کوچک و ناقص و وجود بی استفاده و بالاخره جسمی است که روح خودرا فاقد نموده

اختصاصی بقدری در مملکت ما شایع و رایج شده که حکم درخت کهن عظیم الجثه را بخود گرفته که در تمام پیکر مملکت ریشه دوانیـده در نتیجه جمیع قضایا و امور طوری قرار گرفته و واقع می شود که مبداء وقوع و آب خوردن آنها از آن ریشه ها میباشد

نگارنده بفکر میـنم که در کلیه ممالک حتی اقوام وحشیه و قویه دنیا این اصل موجود بلکه قاموسها و

کمیسیونها زودتر و بهتر از همه چیزی یک اساس و اشیاء خاص و عام را مقرر و مشخص کرده است

بعلاوه اسامی اشیاء را نیز بصورت تانیث و تذکیر در آورده که در لسان فرانسه صرف تعریف (آرتیکل) مذکر رالو ( ) ومؤنث را لا ( ) معلوم وازاین قرار مثلا سیب (لاپم) یعنی نسبت تانیث و به آسمان (لوسی یل) یعنی نسبت تذکیر می دهد چنانکه لسان عربی هم از اینحالت بیرون نیست

البته اینها یک نظامات و قواعدی است (حالا ما نظری به انتقاد یا لزوم و عدم لزوم وجود اینها نداریم که چرا اینطور شده است) که برای امتیازات و مشخصات امور و موجوداتی قائل شده اند تا در تحت یک نظم و قانونی در بیاید

بعلاوه از نقطه نظرمقصودی را که ما تعقیب می کنیم اینست که امتیاز همین طور فیما بین فضل و جهل کارهای بزرگ و کوچک و امور حرفه های مختلفه هم موجود داشته اند تا مشاغل و مکسب از روی استحقاق و معلومات و کاردانی بین اشخاص مربوط بآنها تقسیم و تخصیص داده شود

مثلا در ممالک متمدنه عالم کسانی را که از مدرسه سیاسی دیپلمه شده اند در وزارت امور خارجه خودشان به شغل های دیپلماسی و پلتیک مشغول میدارند و فارغ التحصیلهای از مدرسه علوم مالیه را که دکتر میخوانند در وزارت مالیـه و دکترهای در حقوق را به وکالت و امور قضائی عدلیه و فارغ التحصیلهای از مدرسه فلاحت مامور زراعتی و فلاحتی و از مدرسه تجارت مهندسی بامور اقتصادی وغیره همین طور معلومـات و تحصیلات شان بمشاغل مربوط گماشته میشوند

نه اینکه در ایران ما اطبا فقط در همین حوزه طهران مجتمع و آنوقت بمشاغـل دیگری نیز که هیچ ارتباطی ندارند اشتغال یابند

چنانکه سراغ دارم خیلی از این آقایان را که علاوه بر طبابت کردن آنوقت در وزارت مـالیه یا سائر وزارتخانها مشغول کار هستند و ملک و املاک یا تجارت خانه هم دارند یعنی باصطلاح خودمانی چند ضربه میزنند

متاقبا در نتیجه خیلی از فضلا و اشخاص تحصیل کرده ما بسیاری بیکار و یا اینکه بدتر و مهمتر از همه ولایات و بلوکات مملکت از وجود داشتن حتی یکنفر طبیب بی نصیب و هر گاه که هزارها نفر بواسطه مرض مالاریا و تب و سائر امراض دیگر تلف و معدوم میشود خیالی نیست که بگویند آقایان ایـران تنها طهیران نیست و نیست و ...

کرور اهالی دیگر سائر نواحی مملکت هم جز یك کرور اهالی پایتخت می باشد

در همین شهر ما که ساوجبلاغ که بیشتر از دوازده فرسنگ مسافت تا مرکز می باشد روزی نیست که عده کثیری بواسطه مرض خاندان بر انداز مالاریا گرفتار عفریت مرگ نشوند بقراریکه اخیراً دو نفر از منسوبین نزدیك نگارنده که یکی را ممکن بود با چند نخود گنه گنه و دیگری را که دچار قی و استفراغ شده بود با شربتی خوب معالجه نمود که از تلف شدن نجات یابند

ولی متأسفانه شخصی که در آنجا فلاح است و نامش میرزا عباس می باشد و مدتی است طبابت را در ساوجبلاغ پیشه خود نموده به مریض که قی میکرد مرفین زیادی تزریق کرده و بر اثر خبطهائی که میکند مریض را تلف می نماید و اگر علاوه بر آن دو نفر که تلف شدند یکی دیگر را بطهران نمیاوردند یقیناً آنهم تلف شده بود و این در حالتی است که فامیل مرحوم مذکور از معاریف آنجا بوده است

الغرض مقصود اینست که چرا بایستی فارغ التحصیلهای خودمان را ما ملت بهمان معلوماتی که دارند شغل نمیدهیم و آنهارا بکارهائی که آشنائی ندارند و خارج از محیط دانائی و هنرشان میباشد بگماریم

کسانی در نظر انـد که در امور فـلاحت و مهندسی وغیره چندین سال در امریکا یا اروپا رنج و مرارت تحصیل برده اند در وزارتخانهائی که بکلی مخالف تحصیلات و معلومات آنها است مشغول کار شده اند

وزارتخانه علوم و معارف مملکت که بایستی از تیپ فضلاء وطبقه معلمین از دانشمندان باشند برخلاف واقع شده وکلیه تحصیل کرده ها وفضلا در وزارت خانهای دیگر اشتغال یافته و یا بانجاها رو میاورند (در این قسمت راه حل مناسب و خوبی در نظر است که انشاءالله امیدواریم بعدها معروض شود)

مقتضی است در این موقع ما ملت فرمایش حضرت امیر المومنین (ع) را در اینباب که اندرز گرانبها و بسیار بزرگی میباشد بمرحله عمل بگذاریم که میفرماید

§ اعط القوس في يد باريها §

§ و عادت الانهار في مجاريها §

این چند مثالی بود که فوقا معروض شد تا معلوم و روشن نماید که اگر اختصاصی درخارج از محیط ایران هم معمول است از روی مفهوم حقیقی رعایت و در ایران بالعکس آنهم بطوریکه نه فقط انحصار بهمان قسمت معروضه فوق دارد

چنانکه همه می دانیم ایران بیست سال است که مشروطه شده و مطابق قوانین مشروطیت و آزادی خود همچنین برطبق وضعیات و جریانات سائر ممالك مشروطه بایستی کلیه مشاغل و مقامات مملکتی به روی عموم مردم باز ومفتوح و مساوات ومحافظت حقوق عموم اهالی یکسان و یك نواخت مراعات و مجری شود

پس بچه جهة آن مساوات و مواسات که قبل از عهد مشروطیت مردم را به اخذ و ایجاد رژیم مشروطیت تحریك و وادار نمود و وعده میدادند که یکنفر آدم معمولی یعنی مثلاً کاسب یا عمله یا سپهسالار یا فلان الدوله در یك کالسکه پهلوی هم خواهند نشست و حقوق هر یك از طبقات رعیت، کاسب، فاعل، ممتاز، معناً بیك چشم نگاه خواهد شد تا بحال صورت خارجی پیدا نکرد

حتی وکالت مجلس شورای ملی، وزارت، سفارت حکومت و بالاخره کلیه مشاغل و مناصب عالیه مملکتی همه و همه اختصاصی شده و بقراریکه عموما مشاهده کرده و برای العین دیدیم یك عده معدودی علی الدوام این مشاغل و مناصب را مخصوص بخود پنداشته و در دستهای خویش میگرداندند ـ

از این بالاتر بوسیله یك قوه که نامش قانون استخدام گذاشته شده از اشخاص تحصیل کرده و دیپلمه های در ممالك خارجه جلوگیری از استخدام نموده باصطلاح سیم خار دار و سد سدیدی در مقابل ورود آنها بوزارتخانهها و مشاغل دولتی کشیده اند

علی ایحال بیش از این طول مطلب نداده یقین دارم که همین قدر در کفایت این راکرد که بخوبی معلوم شود چیزهای خوب کارهای خوب پارکهای وسیعه ـ زندگانیهای عالیه ـ معارف صحیحه ـ وزارت و وکالت و کلیه اموریکه فایده و استراحت و نفع عمومی را متضمن است عموما اختصاص به یك عده معدود دارد و توده ملت حقیقة بی بهره و نصیب بوده است در حالتیکه آنهم از روی مفهوم حقیقی و شایستگی اختصاص پیدا نه نموده است

خاتمه تنها امیدواری که موجود و خوشوقت از اظهارش هستم اینست که در اینموقع که سلسله قاجاریه مخلوع و منقرض وبحکومت وسلطنت صد و سی ساله آنها که اختصاصی بود خاتمه داده شده سائر اختصاصات هم که شمه فوقا بعرض قارئین رسید در ظل توجهات لازمه اعلیحضرت اقدس پهلوی درصورت ایفاء وظیفه مقامات مربوطه خاتمه یابد تا در نتیجه عدالت مساوات حقیقی که خیر و استراحت بالتبعه

سعادت عمومی را در بردارد برای نخستین بار در
پرتو تجدید عهد ایران باقیافه درخشان خود عرض
اندام نماید ـ

[عقلی سلیمی مورخه ۱۹ اذرماه ۱۳۰۴]

از خلیج مینویسند

شبی از جمله شبها در کنج خلوت نشسته حبل المتین
مورخه ۲۱ جمادی الثانیه ۱۳۴۴ شماره ۴۰ را
مطالعه و صفحه از مندرجات و مقالات داخلی وخارجو
که هر یك در کام مشاق شیرین تر از شهد بود
قرأت مینمودم از درفشانی و پیش بینی نگارندگان
و از حوادثات عالم و گردش روزگار و روش
سیاسیون عالم متفکر بودم هر مقاله عقب مقاله که
ملاحظه مینمودم بر حیرتم می افزود تا باینجا رسیدم
که آقای (قـزل ایـاغ) در جواب چند نفر
ساکنین خلیج فارس که درجریده حبل المتین شماره ۳۰
صفحه ۱۸ درج شده رد نموده بود و در اول قول
خود (قضاوت غیر منصفانه) نگاشته است آن شخص
شریف اگر آن شخص است که ما اورا میشناسیم
الحق از وظیفه خود خارج شده چون وظیفه که او
داراست ازین عالی تراست آقای عزیز مقام خودرا
بشناس سیاسیان عالم مقام شما کارخانه آدم سازی
می نامند ما و زادگان سیروس و داریوش چشم امید
بشما و امثال شما دوخته ایم تا زادگان ما بشاهراه
سعادت راهنما کردید وظیفه شما آن نیست که ما
مشت ملت رنجبر وقتی احوال فلاکت ومظلومیت خودرا
بدولت وا نمائیم فوری پیکان از نیام برکشیده ومارا
هدف تیر ملامت قرار دهید ما آن مقاله را باچشم پرحسرت
و دل پرخون نوشته ایم و هیچ کس از مظلومیت ما
منکر نیست صفحات حبل المتین از چند سال قبل باین
طرف شاهد قول ما است دور نرویم مقاله خود
جنابعالی که رد برعرض حال ما نوشته اید شاهد قول
ماست (دراینجا که عیان است چه حاجت به بیانست)
متحیریم که از چه رو مارا هدف تیر خود قرار داده
اید و با نیش قلم جگر ما را خسته آید

از آقای قزل ایاغ خواهشمندیم که در حبل المتین
شماره ۳۰ صفحه ۱۹ ستون ۲ سطر ۳ مراجعه
بنماید آنجا مشاهده می نماید که ما بندر بوشهر و
بندر لنگه را از جمله بنادر فارس استثنا نموده ایم
و در حقیقت این بندر را بخوبی یاد آورده ایم بلی
جهة مارا ملامت نموده اید دیگر خدا را شکر می
گوئیم که خود جنابعالی اعتراف نموده اید که امروزها
در دو فرسخی بندر بوشهر شخص مدیر اموال قاچاقی
بدست آورده « یا للعجب » درصورتیکه بندربوشهر
که مرکز بنادر فارس باشد و ما هم ازعمل بنادرعمل
قاچاقی استثنا نموده باشیم پس باید بنادر جزو تا چه
اندازه عمل قاچاقی رواج داشته باشد درینجا ما از
خود جنابعالی تصدیق می طلبیم که کدام یك راه خطا
پیموده ایم و دیگر از قارئین محترم حبل المتین مسئلت
می نمائیم تصدیق فرمایند که کدام یك از جاده خود
منحرف شده ایم آقای عزیز در اول قول خود مارا
ملامت نموده ومیگوئید بنی آدم عجول است این را
تصدیق مینمائیم چون خلاق عالم در کلام مجید
فرموده است (خلق الانسان عجولا) چون این از
اول سر نوشت ما ست سرپیچی ندریم و دیگر می
فرمائید که امروز را باچند سال قبل مقایسه نمائید خوب
می فرمائید البته بر احدی پوشیده نیست که از یك
قرن باینطرف آسمان ایران مظلم و تاریك بود ماشت
عنقریب بود که قربان شوق رانی هوا و هوس هرهای
عاطفه کردد و جز یك نام جغرافی و تاریخی باقی
نماند الحمدالله امروز که شفق صادق از چاه ظلمت
سربیرون کشیده و آفتاب سعادت ایران ازافق مشرق
طلوع نموده جا دارد که بتوسط جریده حبل المتین بدبختی
و فلاکتمان را به دولت محبوب خود برسانیم
بر ما واجب است که دولت را از حال خود
مطلع سازیم دیگر

§ امور مملکت خویش خسروان دانند §

درینصورت جنابعالی مخالف باشید وقارئین محترم
حبل المتین تصدیق میفرمایند و در قسمت دیگر سؤال
نموده اید که چه اصلاحی (ما المسئول اعلم من السائل)
لاکن این هم ناگفته نمی گذاریم آن اصلاحی
که اشخاص وطن دوست دولت خواه ملت پرور در
امور موظف کردند آن اصلاحی که اشخاص
صحیح العمل در امور دولت مستخدم شوند آن اصلاحی که
هرگاه شخص برامری موظف کردد باید بر وظیفه خود
حتی المقدور قیام نماید وعمل شخصی خودرا کنار گذارد
آن اصلاحیکه هرگاه زیدی در دوائر دولتی موظف
کردید باید کمر همت برمیان بندد بر صرفه و ترقی
دولت و مملکت خود کوشان باشد آن اصلاحی که مثل
اصلاح دولت بریطانی که هرگاه یك شخص بر امری
مستخدم شود شب و روز بر ترقی دولت خود می
کوشد تا باندازه که جان عزیزش فدای ترقی دولت
خود مینماید و گاهی در عقب عمل شخص خود نمی
گردد دیگر یك عالم بیك جوی که ضرر دولتش
در آن مشاهده کند معاوضه نمی نماید شاید بر
جنابعالی پوشیده نباشد ورنه غیرازین نوع باشد زمرد
و علف سبز هر دو یك رنك است

[چند نفر رنجبر ساکنین سواحل
خلیج فارس]

بجواب بازی تازه

§ چون خدا خواهد که پرده کس درد §
§ میلش اندر طعنه پاکان برد §

شرحی را که در تحت عنوان بازی تازه فارس در شماره ۳۰ درج شده بود قرائت نویسنده مقاله بطور وضوح اعمال غرض نموده و حقایق را نخواسته آشکار سازد اعضای اداره حبل المتین اگر مدتی است که مقیم خارجه هستند ولی از روحیات و از هرگونه اوضاع ایران بهتر از هر کس مطلع اند خاصه وضعیات امارات و مسکوکات ایران را دولت یا بانک هر کس که خیال جمع آوری مسکوک شکسته وگوشه دار را دارد بایستی اقلا یکسال قبلا اهالی را مطلع کند زیرا که اغلب از نقاط ایران دارای پست نیست معلوم است قسمت عمده این مملکت باستانی در اثر لیاقت زمامداران ملعف وسائل ارتباط ندارد بچه وسیله فلان دهقانی از پنجاه یا بیشتر فرسخ راه فلان مبلغ را بنقاطیکه بانک دائر است انهم باین قلیل مدت بیاورد و تبدیل کند

حس اینکه بانک شاهنشاهی میخواست پولهای گوشه دار و شکسته را جمع آوری و اهالی در مضیقه و فشار نباشد ایا میتوان تصدیق کرد که نمی توانست زیرا که جمع آوری پولهای کهنه باندک زمان شاهدی است عظیم - علاوه جامعه ایرانیان امروزه معنی اعلان را فهمیده اند تا چه رسد که مجرد انتشار اعلان انهم در شهرها بفاصله این اندک زمان پولهای شکسته و معیوب جمع آوری شود برویم بسر مقصود نویسنده محترم این نسبت را بیکی از اقایان مبدهد چون (علاقه مندی ملکش زیاد بودی و از پیشکار مالیه من باب مطالبه مالیات مکدر بودی تا اخر) عجبا چه اغراق بزرگی علاقه ملکی این وجود مقدس از پرداخت مالیاتشان که فرضاً در حدود ۲۰۰ تومان مالیات بدهد باشند معلوم است که علاقه ملکی ایشان از چه قرار است خوب بود قبلا مراجعه قبوض و اسناد حسابهای مالیه فارس میفرمودند و این اظهار را میکردند اصل قصه چنین است که در اثر سیل زمستان گذشته در اغلب نقاط قنوات منطمس شد یخ و برف قسمت عمده حاصل شتوی املاک را از میان برد و بیست یوم قبل از آن روز اجتماع مسجد وکیل عده ملاک و زراع در منزل اقای اقا میرزا محمد علیخان قوامی (ناظم الملک) حاضر شدند پس از مذاکرات و تبادل افکار و اظهار خرابی حاصل هذه السنه نظر بمقررات حکومت نظامی عده را بنام هیئت منتخبه ملاک فیما بین خود انتخاب که با هیئت معظم دولت تظلم نمایند پس از انتخاب فردای انروز امارت معظم لشکر جنوب و ایالت جلیله را ملاقات پس از استیذان وکلاء محترم فارس را حضوراً تلگرافخانه خواسته که دراین باب باوزیر مالیه داخل مذاکره شوند باکمال نزاکت تلگرافخانه رفته و توسط وکلاء محترم به هیئت دولت به وزیر مالیه استغاثه کرده تقاضای استرحام کردند این نکته را هم عرض کنم که در این میانه حسب الامر وزارت مالیه پیشکار مالیه فارس مطالبه تفاوت اجناس معزی که از دویست سال قبل موقوف المطالبه بود میفرمودند البته تصدیق میفرمائید که با این خرابی مطالبه این مالیات فشاری بود طاقت فرسا در ضمن اظهارات نظر باینکه قانون ممیزی درمجلس مقدس تحت شور ومطرح بود تقاضای غرض عین از این مالیات را کردند از انجائیکه رئیس دولت مقتدر کنونی که جز رفاه و آسایش عموم را منظورنظرندارند امر صریح برای رسیدگی بوزیر مالیه صادر فرمود و جواب مساعدی موقوف بودن مطالبه مالیات معزی و تخفیف در تسعیر مالیات حق جو و رسیدگی بخسارات املاک که رفاه خاطر عموم بود رسید روز اجتماع مسجد وکیل انوجود مقدس برای استحضار خاطر عموم از اقدامات دولت در واقع برای رفع فتنه به منبر صعود فرموده و پس از ذکر خدمات ناجی و محبوب ایران یگانه قائد وطن پرست یعنی اعلیحضرت پهلوی عین مخابرات حضوری را قرائت و خاطر عموم ملاک و زراع از این حیث راحت شد و در خاتمه زنده باد گویا و پاینده باد اسلام جمعیت متفرق شدند و اینکه در قسمت اخر مقاله خود نسبت بحضرت حجة الاسلام اقای اقا سید محمد طاهر دامت برکاته اظهاراتی میدانید انرا برگذار بمقاله خودشان مینمایم که مینویسند نهی از منکر و امر بمعروف غیر مجری مانده هرگاه وجود مقدسی حقاً قد علم نماید و معایب و مضرات منکرات را که امروزه دول خارجه منع انرا تعقیب میمایند گوشزد ملت نماید و برای حفظ شعایر اسلام و آبروی شرع مقدس ازهیئت معظم دولت استدعای لغو یا اقلا در نقطه پنهانی که در جلو انظار نباشد بنمایند بایستی چنین اظهارات در اطرافشان نمود ما منکر نیستیم که بایستی انفکاک قوه روحانی ازسیاسی نمود ولی نه دراین قبیل مسائل باید فهمید که در ایران که هنوز قانون جاری نیست و مجری ندارد ایا اهالی بیچاره ملجا و پناهی میخواهند ایا برای حفظ دیانت - نه اسلام احترام چنین اشخاص مقدسی لازم است بعقیده نویسنده این قبیل مندرجات جز انزجار قلوب و تولید نفاق و بالاخره ظاهر ساختن مصدق شعر فوق در باره خود نتیجه دیگر ندارد و بیش از این محتاج بتوضیح و تشریح نمیدانم -

[یك نفر ملاك]

از بندر پهلوی می‌نویسند

اگرچه حس تنقید را یکی از صفات مذمومه بلکه مانع از پیشرفت غالب امور میدانم لیکن نظر باینکه خرابی اوضاع حاضر بندر پهلوی فوق الطاقه شده کاسهٔ صبر را لبریز نموده ناچار بذکر جملات ذیل مصدع گردید از بعد غائلهٔ متجاسرین منطقه گیلان علی‌الخصوص بندر پهلوی از اثر جدیت و فعالیت سه راد مرد فرزانه آقای سرتیپ محمد حسین خان آیرم و آقای یاور صادق خان نامور و آقای دکتر محمد خان محسنی یک صورت عمران و ترقی غیر قابل تصوری بخود گرفته بود که ره پنجاه ساله را با تائیدات ومساعدتهای این دو صاحب منصب رشید ودکتر راسخ الارادهٔ باعزم در مدت قلیلی پیمود

خدماتی را که این سه مرزبان مهم عصریه بندر پهلوی نمودند از حد احصا خارج است که ضمنا ساختمان یك (بلوارد) گردشگاه عمومی در کنار دریاست که حقیقتا طعنه با بلوارد ها و گردشگاه های عمومی اروپا میزند ، این تفرجگاه ملی بطوری آبرومند و با نزاکت ساخته شده که از خیلی نقاط جمعیتهای زیاد برای تماشای آن وارد بندر پهلوی میشوند دیگر از تسطیح خیابان ها ترتیب ترتوآرها کشیدن چراغهای برق دائر کردن مریضخانه دار الایتام دارالمساکین چه و چه چیز هائیست که دیده هر تازه واردی را بخود جلب میکند اوضاع روحیهٔ شهر در اثر فکر این دو صاحبمنصبان متجدد باکمال سرعت روبه تجدد میرفت چه اندازه ها در پیشرفت مجامع ادبی اهتمام بلیغ نمودند کمتر ایامی مشاهده میگردید که درو دیوار های معابر از اعلان نمایشات اخلاقی زینت نشده باشد حفظ الصحه شهر در پرتو جدیت این دکتر آزموده ایشت کار چقدر ها قابل تمجید و ستایش است که گذشته از معاینهٔ هر قبیل اصناف دوره‌گرد مسلخ ها قصابخانه ها آشپز خانه ها حمام‌ها سلمانیها جمع آوری وافور ها چه و چه به معاینه و معالجهٔ نسوان اجلاف که باداشتن همه نوع امراض مسریهٔ مهلك حفظ الصحه بلکه حیات جامعه و توالد و تناسل عمومی را تهدید میکرد همت گماشت که با مواجههٔ هزار ها موانع و اشکالات اعراب از عقیده نورزید تا بالاخره موفق گشت که در هر هفته یکبار زنهای مزبوره را بوسیله خانم خود که طبیبهٔ دیپلمهٔ بود معاینه و مبتلایان مرض را معالجه نماید خلاصه باید اعتراف نمود که درمدت ازمامداری این سه وجود نادر نایاب باهمدستی و اتفاق در پیشرفت امور بایکدیگر بندر پهلوی یك (نیز) کوچك جهانی شده بود که الحق و الانصاف مورد توجه عموم خارجیان و داخلیان گردیده بود اما بمجرد تغییر و تبدیل مشار الیهم اوضاع روحیهٔ این بندر دچار یك فلاکت اسفناکی گردید که در عوض ترقی معکوسانه ره صد ساله را عقب مانده است فجایعیکه فعلا محیط گیلان خصوصا بندر پهلوی را احاطه نموده قلب هر صاحب حسی را مشمئز و افسرده میسازد مخصوصاً عملیات چند نفر از میدانداران و معرکه آرایان که بیشتر از همه سبب خرابی کارها گردیده عموم اهالی را در زیر پنجه های تدلیس و تزویر خود خفه نموده اند ما بعقیده خود مان که حس تنقید بشتر مانع از جریانات امور میگردد فعلا از تشریح عملیات و ذکر اسامی ایشان خود داری نموده میتقدو میگوئیم چنانچه در آتیهٔ نزدیکی بترك عملیات سوء خود نپردازند ما مجبوریم یگان به یگان خرابکاری‌های آنها را شرح داده وچگونگی را بر عموم معلوم سازیم در خاتمه عرض میکنم که قاطبه اهالی این بندر از حسن عملیات سه نفر مأمور فوق الذکر کمال قدردانی را نموده و از آقای سرتیپ فضل‌الله خان تمنا مینمایند که عطف توجه باوضاع کنونی این بندر مهم سرحدی بفرمایند شاید در ظل توجهات حضرتش آب رفته بجوی باز گردد ـ

[ابراهیم مرادی]

(ایضاً)

عقلای معارف دولت بخوبی مستحضر اند که هر ملتی اگر از مجرای دیانت و علم وعمل استطراق سعادت نمود فایز گردید و از غیر مجرای دین و شریعت ترقی و سیادت ممتنع الحصول و محال الوصول خواهد بود مثل اتکه سلاطین مغول و دیالمه ایرانرا مسخر کرده بودند چون اعتناء بشرع نمی کردند دوام نکرده سلطنت آنها منقرض گردید [مثل ریاست حضرات وثوق الدوله ـ قوام‌السلطنه ووو] اما ال عباس که باسم دیانت و مذهب مقصود خود را اجرا می کردند با اینکه تمام کارهای آنها غلط بود هین ظاهر شریعت انها را حراست می کرد [مثل ریاست چند ساله اعلیحضرت پهلوی]

پس ای اعلیحضرت پهلوی امروز عنان مرکب ایران بدست تو است باید از پنج وخمس در آورده زیاده بر این ملت بدبخت ایران را دچار آسیب یغما گران نگردان ـ

ای اعلیحضرت قدری در فکر غوطه ور شده ببینید علت چیست درمیان اینهمه سلاطین و رؤسای ایران باستانی ۱۱۵۲۵ ساله نام چند نفر مثل [داریوش کیخسرو نوشیروان شاه عباس نادر] بالاخره میرزا تقی خان اتابك بیش نیست

امروز است که باید اعلیحضرت همان طوریکه در مدت قلیلی مملکت ایران را از غرقاب نجات داده و

وروح نظامی بان دمیدید فکر معارف شده زیرا سیف و قلم تواماً و متحداً لازم و ملزوم هم اند اما این یکی هم از نظر نه باید محو بشود که اختیار تام هر دو باید بدست خود بصاحب منصبان رشید و با اشخاص صالح داده شود تا بتوان صفحه معارف را مثل قسمت نظام از وجود اشخاص بی قابلیت بیسواد پاك نموده روح تازه در این قرن تمدن بان داد —

در خاتمه مجدداً در تعقیب عرایضات قبل منتظر تشکیل مدارس (سیاسی ، صنعتی ، عالی) هستیم .

[مانسور ناصری محصل سیاسی عضو معارف پهلوی]

از رشت می‌نویسند

(۱) پس از عزیمت آقای سرتیپ محمد حسین باذربایجان آقای سرتیپ فضل‌الله خان در امورات کشوری گیلان تعمیراتی داده اند من جمله بلدیه رشت را برای رسیدهگی محاسبات و تصویه قروض که از بابت قیمت اراضی و خانهای مردم داشتند تعطیل و محاسبه یاور اسمعیل خان رئیس سابق بلدیه رسیدهگی شده حرکت بطهران نموده اند و ریاست بلدیه به یاور موسی خان ساعقلی که یکی از صاحبمنصبان جدی و لایق هستند محول گردید و ایشان نیز با یکعده دیگری باسم کمسیون که از طرف اهالی محلات منتخب شده اند مشغول کار شده اولا اعضاء و اجزاء بلدیه از یك عده احرار منور الفکر امثال آقای میر شمس الدین وقاری و آقای میر صالح مظفر زاده وغیره که شرح زحماتشان در راه آزادی محتاج به بیان نیست منتخب نموده اند ثانیاً قرار تادیه طلب مردم داده شده و بابك روس قرار مادی منعقد گردیده که در حدود ۳۰ هزار تومان بعنوان استقراض ماهی صدی یازده به بلدیه اعتبار بدهند و عایدات بلدیه هم مرتباً تحویل بانك شده در موقع پرداخت ماهی صدی شش تادیه نمایند لذا امورات بلدیه مجدداً با یك اسلوب صحیحی بجریان افتاده و بسرعت مشغول انجام خیابان و ساختمان جدید وغیره شده اند و اهالی از این اقدامات کمال رضایت را دارند

۲ — چند روز قبل شاهزاده امان الله میرزا رئیس ارکان حرب مرکز وارد و باتفاق آقای سرتیپ فضل الله خان برای سرکشی اردو به استرآباد رفته شاهزاده از همان خط با طیاره یونکرس بطهران مراجعت و آقای سرتیپ فضل الله خان مشغول عملیات جنگی شده و مطابق ۲ طغرا ابلاغیه اشرار تراکمه در مقابل حملات شجاعانه نظامیان تاب مقاومت نیاورده با دادن تلفات سنگین مواقع مهمه خود را از قبیل کمش تپه و خواجه نفس و قرسو تا گرگان و صحرای یموت را ترك و متواری شده اغلب با حال اضطراب تسلیم و خلع سلاح عمومی شروع امید است در سایه شجاعت و متانت ریاست محترم تیپ شمال و رشادت نظامیان همین زودی رفع غائله تراکمه شود .

۳ — آقای امیر نوری نظام الدوله چند روز است بسمت حکومت گیلان و طوالش وارد رشت شده و اعلان انتخابات دوره ششم را داده اند و نواب جزء کما فی السابق بدون حقوق با یك عده مستخدم تحمیل به رعایای بیچاره بدبخت هستند

٤ — حیدر و قرا خان نام سیاهکلی که در انقلابات اخیر گیلان مرتکب شرارت و دستگیر شده و در طهران حبس بودند دو سال قبل از حبس فرار کرده اند به دیلمان میایند در اینموقع که آقای معین الرعایا رئیس امنیه کل گیلان بوده الدعضرات تامین داده و امنیه آنجا بانها واگذار شده بود چند روز قبل قرا خان را در خواب با پسرش مقتول می نمایند و قاتل هم می گویند دیلمانیها بوده اند حیدر خان از استماع حادثه برادر و برادر زاده غضبناك شده با یکعده شبانه بسیاهکل بازار را ا خانهای خوانین و مجتهدین را با اثاثیه و مال التجاره آتش زده ٦ هزار دف گاوله و طعمه حریق شده بعدهم مالش محله و خارود را آتش زده ۲ نفر هم مقتول یکعده نظامی برای دستگیری اشرار به سیاهکل رفته جمعیت حیدرخان اغلب دستگیر و تسلیم شده خودش به تنهائی در جنگل متواری گشته سیاهکل که اغلب اهالی لاهیجان بوده اند علاوه از یك صد هزار تومان مال التجاره آنها سوخته حیران و سرگردان شده اند

٥ — حاصل برنج هذه السنه گیلان در اغلب محال مثل فومنات وبعضی از محال لاهیجان ولنگرود بکلی از میان رفته به نحوی که زارعین محال مذکور فعلا که مدتی تا حاصل مانده برای قوت لایموت معطل هستند سایر نقاط که از مجاری سفید رود مشروب میشوند محصول برنجی خیلی خوب شده و قیمت هم فوق العاده ترقی دارد و حمل بروسیه و عراق می شود

٦ — در هذه السنه حرکت زوار بسمت عتبات عالیات جالب توجه عموم شده هیچوقت دیده و شنیده نشده حتی از قفقازیه جمعیت زیادی میایند اغلب زارعین بیچاره هستند جزئی وجهی با هزاران مشقت تحصیل کرده اند در بین النهرین برده با کمال ادب تقدیم نمایند معلوم نیست جراید نویسهای فساد بازهم نسبت بایرانیها ها در این موضوع بد بین هستند یا خوشوقت اند —

۷ - مستر رشا در اینوال امریکائی با دو اجزاء بسمت پیشکار مالیه گیلان و طوالش منصوب وارد شدند آقای نصر پیشکار سابق مالیه گیلان از قرار اطلاع بریاست مالیه اصفهان منصوب شدندهم دو روزه حرکت خواهند کرد شب حرکت تمام مدیران ادارات دعوت در مهمانخانه اروپا برای تشریف بردن آقای نصر در موقع مهمانیه باشکوه داده اند در ماموریت خود نهایت حسن اخلاق و ادای وظیفه کرده اند اهالی از مشار الیه کمال رضایت را دارند

۸ - چندی قبل از روسیه ۱۰۰ هزار پوط گندم باسم همراهی وارد قدر پهلوی و حمل بمرکز شد -

[م - د - حبیب مالک زاده خیاط]

از بهبهان مینویسند

(زندگانی بشر در زیر سایه سیاست)
« و پولتیك است »

زندگانی امروزه بشر چنانچه مینگریم تماماً در زیر سایه سیاست و پولتیك است یعنی دراین قرن هر قومی از اقدام عالم که با بمرکز دائره ترقی گذاشته اند در اثر پولتیك و سیاست بوده و امروز بشر بدون سیاست نمیتواند حقوق حقه بشریت خودرا ثابت و ضبط کند چه دنیا دنیای پولتیك و سیاست است - بدیهی است این قرن که قرن بیستم است وضعیات آن ورای وضعیات عهد شاه عباس و نادر شاه است چه آن عصر عصر زور بود و سیاست در آن عصر در امورات مملکتی چنانچه باید نفوذ و پیشرفتی نداشت ولی امروزه گرچه هر مملکتی تکیه شمشیر و سر نیزه کرده و موجب پیشرفت کامل ان همان شمشیر است اما سیاست هم در اوضاع امروزی عالم نهایت درجه دخیل است

مثلا دولت بریطانیای کبیر (انگلیس) که از حیث خاك تقریباً یك هشتم ایران ما است بواسطه پولتیك و سیاست مداری چنانچه خاصه آن مملکت است خودرا باعلی درجه ترقی و تعالی رسانیده و از اثرات آن است که بر دیگران تقدم جسته و سیادت میکند درجه سیاست و پولتیك دول اروپ بحدی است که در تمام اقطار عالم حتی درمیانه اقوام بسیار وحشی پیشرفت کرده و نفوذ کامل پیدا نموده اند

واضح و مبرهن است دولت شش هزار ساله ایران هم که بتازگی از همت و فداکاریهای قشون نیرومند رفته که روی ترقی را مشاهده کند بایست برای تکمیل ترقی خود سیاست و پولتیك را پیشه ساخته و در صدد برآیند چنانچه بهترین وسیله پیشرفت انها است قوه و قدرت مملکتی خودرا توام باسیاست و پولتیك نمایند چه که همه امورات بخودی خود بوسیله سر نیزه انجام پذیر نیست

در دنیای امروزه مملکتی روی عظمت و خوش بختی و سعادت و ما فوق آن را مشاهده میکنند که قوای مجریه آن عملیات و وظائف خودرا ازروی قوانین سا... مجری دارند ولی مشروط بداشتن پشتیبان چه که عمال وسیاست مداران یك مملکت بدون از داشتن سر نیزه و بدون از اطمینان قلبی از عهده سیاست مداری بر نمی آیند - اینك که بحمدالله پشتیبان کامل و اطمینان تامه برای خدمتگذاران وطن پرست مملکت مهیا است اکنون موقعی است که در عملیات خود داد مردی و مردانگی دهند و در انجام امورات دولتی سیاست و پولتیك را که حربه قرن بیستم است بکار برند

منت خدای را که با انهمه نا امیدی و یاس از مملکت بالاخره کار بجائی رسیده که علاوه بر اینکه توانسته ایم بتوسط قشون نیرومند خود مملکت را که همگی دست از ان شسته بودند امن و آرام و منظم نمائیم دارد وضعیات بما اجازه می دهد که در امورات سیاسی و پولتیکی کاملا دقیق بینی کرده و دخالت تامه کنیم زیرا تا دیروز مملکت ایران جزء ممالك نیم تمدن بی‌صاحب محسوب بود و اهالی آن چنان بسادگی در نزد سائر ملل جلوه گر شده بودند که خارجیان تصور می کردند اگر کلاه انهارا بربایند ملتفت و متوجه نخواهند شد - ولی خیر ما مابها جواب میگوئیم

§ هر بیشه گمان مبر که خالی است §
§ شاید که پلنگ خفته باشد §

یعنی نباید گمان کرد ایران که از قدیم‌الایام تاکنون منزل گاه مردان باکله و شجاع بوده در این قرن اورانی که حتی در وسط دریای شور مردمان بزرگ با مغز پیدا شده از تربیت یك دست قوی توانا عاجز باشد

البته خارجیان دور اندیش آتیه بین میدیدند و میدانستند که بالاخره در اثر فشارهای انها ایران مجبور بپرورش یك پهلوی و هزاران شیر خواهد شد که به دسیسه و بازیهای انها خاتمه دهد -

[یوسف پارسی]

از ناصری مینویسند

(عدلیه)

آقای آقامیر سید علی خان کبیر رئیس عدلیه خوزستان که از مامورین قدیم کار آزموده وزارت

عدلیه هستند بناصری که فعلاً مرکز عدلیه است ورود فرموده و امورات قضائی را با کمال سرعت جریان می دهند مطابق قوانین مقرره که رضایت عموم اهالی را جلب نموده والحق والانصاف در قانوندانی و فهم قوانین میتوان گفت در زمره اولین مأمورین وزارت عدلیه بشمارند که کمتر نظیری بر ایشان تصور میشود معزی الیه در تمام شعبات وزارت عدلیه استخدام نموده اینست که در تمام امورات وشعبات عدلیه از دفتر ومحاکم و پارکه استیلاء تامی دارند امروزه کمتر از مأمورین وزارت عدلیه است که دارای این مقامات و اطلاعات دوائر وزارت عدلیه بوده باشد یقین است وزارت عدلیه هم قدر این قبیل مأمورین خودرا دانسته و دارد برای اطلاع قارئین محترم «حبل المتین» خاصه اهالی خوزستان سابقه خدمات معزی الیه را بعرض می رساند تاقدر نعمت این وجود محترم را دانسته وازوزارت عدلیه تشکر نمایند که برای خوزستان چنین مأمور صحیح العمل ماهر با اطلاعی اعزام نموده اند

آقای میر سید علیخان در سال ۱۳۲۴ در زمان وزارت عدلیه که مرحوم مشیرالسلطنه بوده بسمت تابینی داخل وزارت عدلیه شده و مدت دو سال با کمال درستی باین سمت انجام وظیفه نموده در سال ۱۳۲۶ بسمت منشی گری در محاکم بدایت طهران برقرار گردیده پس از چند سال که آن سمت را از عهده برآمده در سال ۱۳۳۲ بسمت عضویت بدایت انتخاب و سالها در رشت و خراسان و تبریز و شیراز از بدین سمت از روی صداقت و بی غرضی انجام وظائف قانونی نموده و مدتی هم در تبریز رئیس شعبهٔ بدایت بوده و در شیراز سمت مستنطقی را عهده دار بوده اند در سال ۱۳۰۱ شمسی رئیس بدایت قوچان شده و در آنجا تشکیل عدلیه قانونی داده ـ در ابتداء تاسیس اداره ثبت اسناد در طهران بسمت مدیری ضبط ثبت اسناد از طرف مرحوم ممتاز الملک وزیر عدلیه وقت انتخاب چون معزی الیه بی راه بودند و کابینه آقای مستوفی الممالک در آن زمان تغییر کرد آقای حکیم الملک وزیر عدلیه وقت بدون مجوز قانونی سمت مزبور را بدیگری تفویض و مشار الیه را مدعی العموم محکمه بدایت شاه رود برقرار نمودند بعدهم ریاست محکمه بایشان واگذار و تاماه اردی بهشت گذشته در شاه رود بسمت مزبوره باقی و طوری انجام وظیفه نمود و امورات قضائی را با کمال بی طمعی و بی غرضی جریان داد که اهالی آن حدود نهایت رضایت را داشته وهمگی تصدیق صحت عمل ایشان را در مدت اقامت نموده اند از ماه اردی بهشت بسمت ریاست عدلیه خوزستان منتخب شدند و فعلا با کمال بیطرفی مشغول انجام وظیفه هستند ـ ولی هزار افسوس که فقط اسم عدلیه خوزستان باقی می باشد و رسمی ازان مشاهده نمی شود بواسطه آنکه ارباب عدلیه در ناصری است و بس و در محمره و دزفول و سائر شهرهای خوزستان حکومتهای محل دائره تحقیق باز نموده مشغول رتق و فتق امورات هستند و دخالت در امورات حقوقی وغیره می نمایند و معلوم نیست که عایدی هم از این بابت بخزانه دولت میرسد یانه در صورتیکه مسلماً ده یک می گیرند و اگر منصف باشند از ده نیم که عادت زمان استبداد است که از معروض گرفته می شد صرف نظر نمایند ـ اگر امروزه عدلیه در ناصری که مرکز است مرکزیت پیدا کند و کسی دخالت ننماید بطریق حتم شش ماهه عدلیه بودجه سالانه خودرا از حق قانونی بیرون می آورد که باید دولت با آن احتیاجات لازمه امروزی سالی مبالغی از خزانه عدلیه بردارد امید اولیای دولت توجه مخصوصی باین نکته خواهند فرمود

(از شوشتر می نویسند)

شاهزاده علی نقی میرزا که از شاهزادگان مجرب کاردان لایقی میباشد مدتی است که حکمرانی شوشتر را دارا میباشند در اینمدت با نهایت حسن سلوک و نیک نفسی با اهالی رفتار نموده که عموم اهالی رضایت دارند و دخالتی در امورات حقوقی هم نمی نمایند باوجودیکه عده شان خیلی کم است بواسطه آن حسن سیاستیکه دارند طوری شوشتر و اطراف شوشتر را امن نگاه داشته که موجب حیرت اهالی گردیده

(مالیه)

آقای میرزا حسین خان رئیس مالیه شوشتر که تقریباً سه سال است بدین سمت در شوشتر میباشند از اشخاص فعال درست کار مجرب وزارت مالیه هستند در آن مدت خدمات قابل تقدیری بدولت نموده که ناگزیراز ذکر آنها میباشم تا موجب تشویق امثال ایشان شده بعلاوه وزارت مالیه هم قدر این نوع از مأمورین را دانسته باشند بدو ورودشان اداره مالیه دارای هیچ دوسیه نبود و حالیه دارای دوسیه های مرتبی شده ـ در سابق مالیات غیر مستقیم از قبیل فخاری ـ مستغلات رسومات در شوشتر اجراء نشده بود بواسطه جدیت و فعالیت ایشان اجرا گردید از این چند فقره سالی مبالغی عاید دولت میشود

در مسجد سلیمان از ابتدا مالیه خوزستان نفوذی نداشت امساله بواسطه جدیت ایشان مالیات ذبایح و تحدید برقرار گردید که تقریباً از این رته سالی ده هزار تومان عاید دولت میشود

قطع نظر از فعالیت و جدیت در امورات اداری طوری با آن اخلاق حسنه با اهالی رفتار نموده که اهالی شوشتر فریفته ایشان میباشند

افتتاح عدلیه در ناصری

روز دهم ابان ۱۳۰٤ برای افتتاح عدلیه اقا میرزا احمد خان کفیل حکومت نظامی خوزستان و رئیس قشون باسایر صاحب منصبان رسیده ومستر (هارلد هوسن) رئیس کل مالیه خوزستان و رؤسای سایر ادارات باجمعی از علماء اعلام از قبیل اقای اقا سید نورالدین جزایری و اقا شیخ محمد باقر و اقای حاجی سید محمد وهئیت اتحادیه تجار بابرخی از اعیان و اشراف در مرکز عدلیه خوزستان واقع در خیابان فردوسی حضور بهم رسانیده بدواً اقای اقا میرزا احمد خان کفیل نطق ذیل را فرمودند

نطق کفیل حکومت خوزستان

من از ابتدا نهایت آمالم این بود که عدلیه خوزستان درمرکز که ناصری است تشکیل یابد و احقاق حق مظلومین که سالهای متمادی در شکنجه ظلم بوده در عدلیه که مرکز تظلمات عمومی است بعمل آید نهایت سال گذشته که اقای سرتیپ فضل‌الله خان حکومت نظامی تشریف داشتند وعدلیه بناصری تمرکز یافت چون بدو فتح خوزستان بود معذورات و موانع زیاد که برحسب مقتضیات سیاست امکان نداشت از عدلیه تصفیه آنها را تقاضا نمود بعلاوه رئیس عدلیه وقت هم مراعات مقتضیات وقت را ننمود این بود که دولت امر کرد عدلیه بشوشتر انتقال یابد از ان ببعد من در نظر داشتم که پس از بر طرف شدن معذورات مجدد وسائل انتقال عدلیه را بناصری فراهم نمایم تا انکه معذورات مرتفع وشخصاً بدولت توسط رئیس عدلیه پیشنهاد نمودم که فعلا موقعیت دارد که عدلیه درناصری تمرکز پیدا کند کما اینکه اقای اقا میر سید علیخان کبیر رئیس عدلیه شاهد بر این اظهارات هستند حتی شرحی بخود ایشان در این باب نوشتم و خدا را شکر مینمایم که موفق شدم و امروز در اینجا با سایر رؤسای ادارات و رئیس قشون حاضر گردیدیم برای افتتاح عدلیه سپس اقای رئیس عدلیه نطق ذیل را ایراد نمودند -

نطق اقای رئیس عدلیه

چون برحسب حکم وزارت جلیله عدلیه اعظم و درخواست کفالت حکومت نظامی خوزستان عدلیه از شوشتر بناصری انتقال یافت و امروز آقای کفیل حکومت و رئیس محترم قشون باسایر اقایان رؤسای ادارات دولتی و علمای اعلام و تجار عظام برای افتتاح عدلیه در اینجا که مرکز عدلیه است تشریف فرماشده لازم میدانم که بعرض اقایان محترم برسانم اولا این تصمیم وزارت عدلیه اعظم مسلماً بر حسب امر و اجازه اعلیحضرت اقدس اعظم پهلوی دامه دولته بوده از اینجائیکه بالفطرت مایلند کلیه امورات درمرکز خودش تمرکز پیدا کند این است که امر فرموده عدلیه هم در مرکز خوزستان که ناصری است قرار گیرد تا عموم اهالی بتوانند بعدلیه مراجعه و از این حیث هم در رفاهیت بوده باشند - اگر بخواهم شرح زحمات و ترقیات مملکت را بواسطه علو همت اعلیحضرت اقدس بعرض برسانم زبانم الکن و اقایان کاملا مستحضر میباشند و محتاج بتمدیح نمیدانم خاصه برای اینکه اقای کفیل حکومت نظامی چون بسمت وکالت مجلس مؤسسان از بهبهان انتخاب شده اند و حسب الامر فوریت امروز قبل از ظهر باید بطرف مرکز حرکت فرمایند وثانیاً ازطرف خود وسایر اعضاء محترم عدلیه تشکرات صمیمانه را تقدیم اقای کفیل محترم و رئیس قشون وسایر اقایان رؤسای ادارات و اقایان علماء اعلام و تجار عظام که برای افتتاح عدلیه تشریف فرما شده تقدیم مینمایم و امیدوارم که از عهده وظایف قانونی خود در پیشرفت امورات اهالی بر آیم و احقاق حق مظلومین بعمل آید و از خداوند تبارک و تعالی توفیق خدمت را خواهانم بعد از صرف چای و شیرینی عموم حضار از عمارت بتالار آمده برای بالا کشیدن بیرق عدلیه و موقع بالا بردن بیرق اقای رئیس قشون و سایر صاحب منصبان لوازم رسومات و آداب را نسبت به بیرق شیر و خورشید بجای آوردند و سلام دادن و مشغول کف زدن شدند پس از آن برای حرکت اقای کفیل حکومت بطرف مرکز اتومبیل‌های متعدد درب عمارت عدلیه حاضر و با اقایان وداع نموده حرکت فرمودند و رؤسای ادارات با بعضی از اهالی بمشایعت ایشان حرکت کردند - و اقای کفیل تمثال اعلیحضرت را برای اهمیت عکسه بعدلیه تقدیم نمودند اهالی خوزستان فوق‌العاده از این انتقال عدلیه بناصری مسرور و خوشوقت میباشند و امیدوارهستند که جبران زمان گذشته آنها خواهد شد -

نیکی ممدوح است مدرسه خیام

مدرسه موسوم بحمیدیه خرج داخل انرا کمپانی نفط جنوب می دهد بمدرسه خیام موسوم گردید از چندی باین طرف مدرسه خیام در تحت

پرسنی آقای میرزا علیخان همامی نماینده و مترجم کمپانی نفط جنوب در اهواز اداره میشود الحق والانصاف در مدت تصدی معزی الیه باموررات داخلی مدرسه خیام پیشرفت های مهمی در تحصیلات شاگردان و انتظام مدرسه حاصل شده است آقای میرزا علیخان همامی شخصاً جوان فاضلی هستند روزی یکمرتبه مرتباً بمدرسه آمده بتمام اطاقها رسیدگی و اغلب شاگردان مدرسه را امتحان می فرمایند درمدت سرپرستی ایشان تغییراتیکه ترتیب داده از این قرار است اولا شاگردان مدرسه را بلباس نظام ملبس نموده و هر روز یك ساعت یك نفر از نظامیان را برای مشق نظام و ورزش مدرسه دعوت نموده شاگردان بمشق نظام و سرود وطنی مشغولند معلمین مدرسه عموماً اشخاص با دیانت وفاضل هستند مدیر این مدرسه جناب آقا محمد باقر بهبهانی که مدرسه سعادت بهبوا و املا از تاسیسات مشار الیه و مدت عمر خودرا بخدمت معارف صرف و به پیری رسانیده چنانچه در نقاط جنوب اسم این شخص خیلی باحترام برده میشود ناظم مدرسه آقای سید علی اصغر بهبهانی که معلم ریاضی خوش اخلاق و با دیانت است مشاق خط و معلم فارسی و انشاء و املا میرزا محمد حسین ادیب شیرازی که واقعاً شخص فاضل ادیبی است می باشد مدرسه خیام از مجاهدت آقای میرزا علیخان همامی نماینده کمپانی نفط که ایرانی نژاد و عالم است رو بترقی میرود از همه چیز بهتر دیانت مدیر و معلمین و اتفاق آنها بترقی مدرسه است بنده شخصاً چند مرتبه در این مدرسه یعنی در زمان دخالت آقای میرزا علیخان رفته ام الحق خیلی منظم و مرتب و واقعاً اطفال فقرا و کسبه ایرانی در این مدرسه از علم و حیات بشری بهره مند میشوند معلم انگلیسی این مدرسه آقای مستر گلاورکه اهل جلفای اصفهان و از ارامنه ایرانی و خیلی محل اعتماد و وثوق اهالی است امیدواریم که مدرسه خیام امتحان سالیانه را داده و مراتب زحمات آقای میرزا علیخان ناظر محترم این مدرسه و معلمین محترم برعموم مکشوف گردد –

یك دکتر حاذق

(من لم یشکر الناس لم یشکرالله) نگارنده چندین سال در هندوستان مبتلا به مرض اسهال دموی بوده بهترین دکتر های کلکته را علاج کردم و آخرین علاجی که تجویز نمودند انجکسیون بود اگرچه از این علاج اندك تسکین میشد ولی طولی نمیکشید عود میلمود از خوراك افتاده از بس پرهیز داده بودند قوایم مضمحل شده بود آخرین علاجم را تبدیل آب و هوا گفتند ناچار از هندوستان به ایران مسافرت کرده در طهران وغیره نیز خیلی علاج نمودم طاقتم تمام شده به لاهیجان آمده در بستر نزع اوفتادم در حالتیکه خود و پرستاران از حیات مایوس بودیم آقای دکتر علیرضاخان لاهیجانی که یك از حسامی آزادیخواه و وطنخواهان صمیمی است و بایدر نگارنده دوست واقعی بود بعیادت آمده حالم را که دید خواهش کرد روزی چند مرا علاج ایشان در آنم این دکتر مسیحاوش در مدت ۳ هفته این مرض مزمن که بیش از ۵ سال مبتلام داشتی علاج فرمود قسمی که آلان چهار سال است اثری از آن مرض را در خود مشاهده نمیکنم قوایم عود نمود اشتهایم بازگشت و از هیچگونه خوراك پرهیز نمیکنم برای تشکرات از این خدمت عالی و رهنمائی بسایر مرضا بدون یك کلمه اغراق حقیقت واقعه را نگاشتم [شیخ ابونصر]

فقدان عظیم

بزرگترین فقدانات مسلمانان خصوصا ایرانیان فقدان مستشرق بزرگ و علامه شهیر « پروفسر » برون کمبریج است که به تازگی روتر خبر می دهد که اسمر ۶۳ سالگی بابك دنیا خدمت بعوالم علم و ادب این جهان فانی را وداع فرمود –

پرفیسر برون نه باندازه بادبیات و سیاست ایران خدمت نموده که در این مختصر بتوانیم شرح و بیان نمود همین قدر بگوئیم که در این دوره احدی از ایرانی و ایرانی نژاد را سراغ نداریم که باندازه این مستشرق شهیر خدمت سیاست و ادبیات ایران نموده باشد ، بهمین یك جمله اکتفا می نمائیم کتبیکه در ادبیات وتاریخ ایران این راد مرد بدست آورده بطبع رسانید اگر جمع شود یك کتاب خانه معتبری خواهد گردید خدمات سیاسی آن در موقع تقسیم ایران بین انگلیس و روس باندازه ذیقیمت بوده که میتوان گفت تا یکدرجه حق حیات استقلالی بایران دارد ، در اشاعه کتاب (پرشین رولوشن) انقلابات ایران دران موقع مهم یکدفعه خیالات کلیه اروپا را از کابینه سرادوردگری منحرف و در کمیسیون پارلمانی راجع به معاملات ایران با اینکه عضو پارلمان نبود شامل آمده ـ الارد لمنکین تدابیر ... در حقیقت عنان سرادوردگری را بکف گرفته مانع قوی از پیشرفت خیالات وی گردیده ایرانیان هرگز نباید خدمات تاریخی اینگونه رجال را ... ملت خود فراموش کنند ـ حبل المتین از فقدان این دوست صمیمی خود چه قدر اظهار تاسف نماید کم است و بر نعش

در اهتزاز و بزبان حال دوره مجدد عظمت خود بحضار و تماشائیان تذکار می نمود - شیرنی الات از هر قسم بر کل میزها چیده - شربت - چای - قهوه فراوان الحق جشنی بود که تا امروز بحقیقت در تمام نادر جنوبی دیده و گرفته نشده و محفل بزمی آراسته بود که مانندش در کلیهٔ این صفحات شنیده نشده است چشم حضار خیره - حکومت و رؤسای ادارات داخلی متعجب - خارجه ها افرین گو - دوست مسرور - دشمن مهموم - از طبقات عالی و ادنی بلا استثنا مشغول خدمت و یکی بر دیگری سبقت می گرفت - صدای دو بلک - سرنا - کرنا - جنجل - دهل جو هوا پیچیده و هوش از سر شنونده می ربود - اطراف و جوانب مدرسه نیز از کثرت ازدحام عبور و مرور مسدود بود - شاگردان مدرسه بافتخار اینکه این جشن عظیم تاریخی در محل دار التربیه آنان فراهم آمده باپك عاطفه موثری که خیلی جالب انظار بود صف در صف کشیده - ابتداء یك سورهٔ قرآن شریف با یك لحن غم زدا و یك صدای روح افزا یك از شاگردان مدرسه قرائت کرد سپس خطابهای تبریك و تهنیت از طرف تجار محترم و جوانهای حساس و مدیر مدرسه قرائت شد و شاگردان مدرسه هر یك بنوبهٔ خود خطابهٔ موثری قرائت و سروده های وطنی مترنم آمدند - درهمان شب که جمعه و دویم جمادی الثانیه بود قاطبه حضار و تماشاچیان تا ۸ از شب گذشته مشغول عیش و شادمانی بودند - مجلس بدعای ذات ملوکانه و ترقی و عظمت ایران ختم گردید -

یك نفر پهلوی دوست

نظر بدوستی وطن عزیزمان که مشاهده میکنیم در این قرن مشعشع از حسن خدمات اعلیحضرت شاهنشاهی طوری امنیت و آسایش سرتاسر مملکت را فرا گرفته که از حیز تصور خارج و گمان نمیرود درمیان تمام ملت ایران یك نفر پیدا شود که از صمیم قلب بقای آن ذات شاهانه را از خداوند احدیت خواستار نباشد و بعد از یکصد و پنجاه سال از دوره سلطنت قاجاریه خوش بختانه امروز می میشنویم که فرزند رشید ایران می فرمایند که ایرانی باشرف هیچوقت نباید خودرا اتکال بخارجه نماید ولی باید همواره شرافت تاریخی خودرا محفوظ داشته بلکه احتراز نماید از اینکه دامن پاك او آلوده به لوث اجنبی پرستی گردد متاسفانه مشاهده میشود اشخاصی نظر بسوء رفتار و استفاده شخصی برخلاف آمال ملت قلم خودرا آزاد قرارداده وحقوق مشروعه ملت‌را پایمال اغراض شخصی مینمایند و بتوسط جراید مایه اخبارات مجعول انتشار میدهند که میرزا محمد خان حکومت دزداب نسبت باهالی خوش سلوکی کرده عموم رضائیت دارند - ازاین نگارشات اذهان عموم را مشوب مینمایند در صورتیکه سلوك مشارالیه برای هر ایرانی با شرف و خصوص دولت محبوب مان فوق العاده ننگین و شرم آوراست چه از بدو ورود عقیده استبدادی خود را ظاهر و آشکار ساخته و مخصوصاً بچند اهالی خاطر نشانیم کردند بعلاوه در اداره حکومتی دزداب مشاهده شده که مبالغ کلی خارج میدان فوت بال مخصوص برای خارجیها همه نموده و همه روزه با چند نفر انگلیس و اروپائی در دارالحکومت مشغول بازی فوت بال است وهمه قسم وسایل تشریفات برای انها آماده مینماید اغلب خدا و اهالی دزداب‌را شاهد گرفته وعرض میکنم سه دوره حکومت خود را باین ترتیب ناپسندیده وخدمتگذاری با خارجی مصروف داشته باکه ساعت و دقیقه نیست که از دوستی و ملاقات باانها غفلت ورزد و هر آینه کسی محتاج باداره حکومتی شود وتظلمی داشته باشد صراحتاً می فرمایند وقت ندارم برود عریضه بنویسد بیچاره پس از آنکه عریضه میدهد مجدد اظهار میشود آقامهمان اروپائی دارند موکول بفردا . فردا هم که از دید قونسول و رئیس بانك تشریف میبرند و برای احدی اجازه دخول اداره حکومتی داده نمی شود واقع مشاهده این ترتیبات زیاد از حد موجب تاسف و تنفر اهالی گردیده که در صورتیکه شنیده میشود که شخص اول و سلطان عظیم‌الشان مملکت برای رسیدگی و احقاق حق ملت می فرمایند که بلا استثنا هرکس تظلمی دارد میتواند شخصاً بخود من مراجعه نماید ولی حکومت دزداب از کثرت علاقه مندی با خارجی فراغت روزی یکساعت که رسیدگی در امورات اهالی نماید ندارد نمیدانم سایر حکام وظیفه شناس ایران از ایالات و ولایات همین طور این آب و خاك بدولت محبوب خود خدمت میکنند به خیر راستی اقا یاور ابراهیم خان ریاست محترم قوای نظامی دزداب و بلوچستان سرحدی قسمی اداره نظامی ابواب جمعی خود شان را از دزداب و میر جاوه و سرحد خواش انتظام داده که بهترین طرزی مشاهده و از حسن خدمات و وطن پرستی نوعی قلوب تمام اهالی و سکنه را بخود جذب نموده که قلم از شرح آن عاجز است و در نتیجه خدمات معزی الیه یك نکته را تذکر میدهیم چندی قبل موقعی که تمام قطعه بلوچستان شورش و اطرافیه خواش دزداب را محاصره ومشغول چپاول و غارتگری بودند

که تمام رؤسای دوایر دولتی و تجار و سایر اهالی همگی از ترس جان خود متحصن در تلگرافخانه بودند که یکدفعه این صاحب منصب رشید با موتر از سیستان وارد و بدون یکدقیقه مکث فوری بچند دسته سوار و پیاده نظامی فرمان داده و شخصاً سوار و تعقیب حضرات یاغی مینمایند و در ظرف چند ساعت تمام انها مغلوب و قمع و استرداد کلیه اموال مسروقه که بعرور بصاحبانش مسترد داشته تمام اشرار فراری و متواری میشوند بدیهی است یك ساعت دیگر اگر این صاحب منصب رشید وارد نشده بود و این اوضاع تاریخی را خاتمه نداده بود خسارت کلی بدولت وتجار مقیم دزداب وارد که جبران پذیر نبود ایناً از دولت اعلیحضرت پهلوی بهم چنین از امارت جلیله لشکر شرق عاجزانه استدعا میشود که برای ترقی آتیه ایران از این قسم صاحب منصب های رشید وطن پرست قدر شناسی فرموده که باعث تشویق سایر صاحب منصب های نظامی رشید ایران شده — واخیراً برای جلوس اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی حسب الامر اقای یاور ابراهیم خان تمام صاحب منصب ها بایك عالم مسرت تمام شهر دزداب را آئین بسته و زینت داده و چند طاق نصرت خیلی با شکوه از طرف نظامیان بسته و بالاتر همه اینها اقای میرزا اقا خان شکوه السلطان ریاست قلعه بیگی دزداب در این جشن تاریخی خدمات و وطن پرستی خود را به ثبوت رسانیده زیرا کمتر کسی متحمل اینگونه زحمات فوق التصور میشود بیك ترتیب باشکوهی اداره قلعه بیگی و اطراف انرا بسته و زینت داده که مورد تعجب تمام اهالی گردید و در هشت شبانه روز لاینقطع صدای زنده باد اعلیحضرت پهلوی تمام فضای دزداب را پر کرده بود ولیز یك مجلس جشنی از طرف نهضت ملی دزداب در تجارت خانه اقای صادق اف منعقد که نظیر آن کمتر دیده شده و از تمام صاحب منصب های نظامی و روسای دوایر دولتی و تجار و اهالی کاملا پذیرائی بعمل آمد پس از صرف شیرنی و چای مجلس بنام نامی یگانه ناجی ایران اعلیحضرت پهلوی خاتمه یافته همگی هریك بنوبه خود احساسات صمیمانه خود را تقدیم و بقای ذات شاهانه را از حضرت متعال خواستار شدند —

معارف در هر کار دخیل است

وقتی دشمنان میسرایند که ایران هنوز آن قابلیت تمدنی پیدا نکرده است هنوز سالیان دراز ازجاده ترقی دور افتاده است بر افروخته میشویم ولی اگر تعصب را بکنار گذارده بچشم حقیقت بین خود نظر کنیم می بینیم که خارجیان سخن بگزاف نگفته بیست سال است قدم بدائره مشروطه گذارده ایم و در این پنج دوره تقنینیه چندین وکلا را آورده ایم و چندین وکلا را برده ایم ولی تا امروز هیئتی ازوکلای حقوق شناس کامل العیار نیافتیم و اغلب این وکلا فقط وراج بودند چه جمعی ازانها از اخوندی وروضه خوانی بوکالت آمده اند غیر ازینها هم که میخواهند خدمت واقعی بوطن بکنند خیلی کم اند خودشان هم نمیتوانند اکثریت را باخودجلب نموده دراه ورشوروی پشرفت کنند

(سی آر داس) وقتی که حزب سواراج را در بنگاله تشکیل داد غیر ازمعدودی چند با مسلك وی موافقت نداشتند استقلال را از دست نداد رفته رفته کارش بجائی رسید که (گاندهی) را هم اسلحه چین نمود حکومت را بهر نحوی که میخواست میرقصانید هر وزیری را میخواست از عهده براندازد بدون اشکال موفق میگردید شورای مجلس را چندین بار معطل گردانید و بالاخره اولین قائد هندوستان بتمام رفت و تا روز وفاتش این افتخار را با خود داشت بلی کسیکه میخواهد کار بکند این طور میکند عمرش وفا نکرد و الا بیش از اینها میکرد

موفقیت های (سی آر داس) همه بواسطهٔ استقلال در سیاست و خلوص در عمل و عدم جان ترسی و ازخودگذشتگی بود حزبی که استقلال درسیاست نداشته هیچوقت ترقی نمیکند افسوس که احزاب پارلمانی ما یکمرتبه از استقلال در سیاست محرومند آیا نقصی در عوالم سیاست برای رجال سیاسی یك مملکت بالاتر ازاین تصور میشود که یك وقت جمهوری خواه میشوند وگوشهای ملت را با صدای (مردم جمهوری مردم جمهوری) کر می کنند ویك وقت شاه پسند صرف بلکه حامی سلطنت توارثی میشوند

کلوب ایرانیان در مسکو بجراید طهران و مجلس موسسان تلگراف میکند نظریات مجلس موسسان را بسوی محاسن حکومت جمهوری جلب می نماید هیچکس گوش بحرف اینها نمیدهد حتی اینکه تلگراف اینها را که بتاریخ ۱۷ دسمبر بوده وقتیکه کاریکسره شده ۲۴ ذرجرائد درج می نمایند میگویند که اختیارات آنها فقط در تغییر مواد چهارگانه بوده است و تقرر رئیس حکومت بر طبق آن مواد و بیشتر ازین آنها اجازه نداشتند یك سوال دارم ملت از قانون اساسی پیدا شده یا قانون اساسی از ملت! ملتی که خودش این قانون اساسی را نوشته باشد اختیار تغییر و ترمیم دارد این همه بدبختی، این همه افعال خجلت آور، این همه ... فقط بواسطهٔ نبودن معارف است *تا معارف نداریم* حکومت ملی نداریم، وکلای وظیفه شناس نداریم، استقلال در سیاست نداریم، عمران

ساحلی - نداریم اداره بحری نداریم و بالاخره هیچ نداریم - دولت افغانستان چند سال بیش نیست که بنای خود استاده است ولی مطابق ابلاغیه وزارت معارفش عنقریب دارای دار العلومی بطرز اروپا خواهد گردید بلی اینجاست فرق بین ملتی که بوجدان خود کار میکنند و ملتی که باشاره اجانب میرقصد خلیج ما را کافی نیست زمین از ورود اسلحه ممنوع قرار میدهد مساواری از حجره و وکلا خارج نمیشود - لقب تریاک فروش را برسم میگذارانند رگ غیرتمان بجوش نمی آید نمی گویند - حالا که این لقب را بر ما گذارده اند چرا استعمال کامل از آن ننمائیم - یعنی استعمال تریاک را در داخله ممنوع قرار داده دولت را وادارند که انحصار تریاک را بخود داده در خارجه بقیمت خوب بفروشد و کلی بر عایدات دولتی بیافزاید بلی فقط چیزی که این وکلا یادگرفته « اخطار نظامنامه دارم » است این تازگی ها یک چیز تازه هم یاد گرفته اند هرگاه میخواهند یک موادی را بسرعت از مجلس بگذارند نعره (مذاکرات کافی است) بلند میکنند چنانچه در مجلس مؤسسان کردند - وکلای ملت دور هم نشسته میخواهند تکلیف مملکت را معین کنند مواد چهارگانه که هیئت کمسیون مطالعه ترتیب داده قرائت میشود - اقای رئیس پس از قرائت شدن مواد بالفور میفرمایند مذاکره در کلیات است - این هم یک رقم دیپلماسی بود - بسیار خوب کاری باین چیز ها نداریم - هرچه کردند خوب کردند مگر به نسل آتیه ظلم کردند و زحمت یک مجلس مؤسسان دیگر اضافه کردند - بلی اینها همه نتیجه نبودن معارف است و پی نبردن بحقوق خود -

حالا دیگر کار هم یکسره شد تکلیف قطعی مملکت معین گردید ایران را بدامان ناجیش اعلیحضرت رضا شاه پهلوی انداختند - خوبست که اعلیحضرت اولین ار نامه خود را که در اولین صفحه تاریخ شاهنشاهی خود ثبت میفرمایند همانا اصلاح معارف باشد و ملت را مجبور به تعلیم اجباری نمایند چه معارف اساس ترقی مملکت است - بدون معارف نظام اجباری غیر مفید است تعلیم اجباری و نظام اجباری باید توام باشد قشونی که تعلیم یافته بیشتر میتواند خدمت بکند و ملتی که پی بحقوق خود میبرد پیشرفت اسباب تسهیل ترقیات مملکت را فراهم می آورد افسوس به آن ملتی که باید همیشه بزور و چماق سر تسلیم در مقابل تاجی خود خم کند -

§ بشنو از نی چون حکایت میکند §
§ وزجدائیها شکایت میکند §

[حسام - ضیاء کلکته]

(از رنگون می نویسند)

درشماره ۴۲ صفحه ۷۴ شرحی عنوان تقصیر بر تملق است مرقوم بود در واقع حقیقت مطلب را خوب فهمیده و بنکته آن رسیده اید بعقیده بعضی از وطن خواهان مقیم خارجه یک نوبه مهم تملق در ایران همانا ارباب جراید داخله خصوصاً طهران میباشند اگرچه مدیر محترم آن نامه ولی تملق و اغراق را در اواخر به حکیم قاآنی نسبت داده اند ولی نگارنده عرض میکند که صد رحمت بر حکیم قاآنی باد چه جراید مطبوعه امروزه در ایران هزار مرتبه تخته بسر قاآنی زده اند مثلا به ملتی که هنوز بو بخوبی یا بدی خود نبرده و فقط بکم شدن چهار شاهی از قیمت نان و تماشای سه شب چراغان دلخوش و خرم میشوند عوض این که جراید باید همیشه آئینه افکار ملت و ضامن سعادت و حیات و استقلال مملکت باشند و از تملق گوئی و چاپلوسی که یگانه سبب تولید انحطاط و مذلت ملت فلکزده است احتراز نموده بلکه از خواب غفلت وجهالت بیدار نمایند خود جراید تملق و چاپلوسی را پیشه خود قرار داده اند چنانچه هرکس که جراید سه ماه اخیر طهران را ملاحظه نموده میداند که تملق وچاپلوسی را بچه پایه رسانیده اند مثلا یکی ازجراید طهران بعد از عزل شاه وسلب سلطنت از خاندان قجر و تصویب ماده واحده در مجلس روزنامه خود را زرین چاپ رسانیده و سرتاپا الفاظ تملق آمیز و بیانات چاپلوسی خیز نوشته و آقای مدیرش هم شخصاً در موقع شرفیابی بحضور اعلیحضرت پهلوی تقدیم نمود در حالتیکه هنوز مجلس موسسان تشکیل نشده بود یا از دوازدهم ماه آبان زمزمه چگونگی افتتاح مجلس تکیه دولت شروع شد ایام ۱۳ ، ۱۴ روز تاجگذاری اعلیحضرت پهلوی محسوب شده و اعلان شده در صورتیکه مجلس مؤسسان صورت رسمیت نداشته و بلکه هنوز در تعیین رئیس یا نائب رئیس بودند که یکمرتبه روز نامجات ملی طهران زمزمه انتخاب ولیعهد و ابقاء سلطنت را در خاندان پهلوی نسلا بعد نسل نموداند طولی نکشید که شبیه گردان تکیه دولت در وسط تکیه ایستاده و دستها را از آستین عبا بیرون آورده و قلمدان را پیچ شال کمرزده رو راهوا نموده اعلام ختم تعزیه را باواز بلند باین مضمون سرود بر قاتلان حضرت سید الشهدا تا بصبح قیامت مدام لعنت باد ایرانیان مقیم خارجه عموماً و آنهائیکه در راه تحصیل آزادی قربانیهای بیشمار داده اند و جگر خود را داغدار نموده اند خصوصاً دست بر کف دست مالیده و مبهوتانه زبانشان مترنم بدین مقال است

§ دولت ایران اگر جمهور میشد بد نمیشد §
§ دشمن جمهور اگر مقهور میشد بد نمیشد §
§ پهلوی کرمایل جمهور بودی بد نبودی §
§ طبع او از سلطنت گر دور میشد بد نمیشد §
§ ملت ایران اگر هشیار بودی بد نبودی §
§ در سیاست واقف از اسرار میشد بد نمیشد §
§ خادمان را دست اگر در کار بودی بد نبودی §
§ خائنان را سر اگر بر دار میشد بد نمیشد §

جدیت در رفع قاچاق

اداره قوامی هنوز بردوام امسال ایزبرای یکدفعه شریف فرمای لارستان شدند در این خصوص یك از موثقین از اوز می نگارد « امسال هم بقرار معمول قوام برای صفحات لارستان در حرکت است خود قوام در طهران است و قرار است اول ج ۲ ابراهیم خان و جلال خان با یك عده نظامی و چریك بصوب لارستان حرکت کنند » در ذیل می نویسد

« این وقت خط لار رسیده که ۲۴ ج ۱ ـ قوام وارد شیراز آمدن میرزا ابراهیم خان موقوف و ۲۰ ج ۲ خود قوام برای سرکشی به ابو الحیعی حرکت می‌نماید چهار روز بود خطی از لار برای شخصی رسیده نوشته است که « ۱۰ ج ۲ ابراهیم خان وجلال خان با یکعده نظامی وچریك وارد . ضباط برای خریداری رعایای چون گوسفند در نث و دو اند و نیز رئیس مالیه وارد و همان روز ورودش اعلان کرد که الی مدت ۵ یوم هرکس شکر و قند وچای دارد جوازش را ارائه داده که پس از سه روز تفتیشات لازمه بعمل آورده و اموال بدون جواز ضبط خواهم کرد» در هر صورت مراتب فوق ظاهر می‌دارد که هنوز دست قوام کما فی السابق در کار و امسال هم بلارستان تشریف آورده و ملت را حراج می فرمایند معلوم است در این زمینه یك راه نمائی به دولت فرموده شاید ابواب جمعی از فارس مرتفع شود ـ اخیراً حکمی برؤساء گمرك بنادر کل (ازجاب دولت) رسیده که جهازات شراعی حامل قند وشکر وچای و نبات اگر نیم میل از خط مستقیم دریائی دور باشند جهاز را گرفته اموالش را قاچاق خواهند دانست ـ

[م ـ ك ـ احمد زاده اوزی]

بن سعود و حجاز

سابقاً شهرت یافت که بن سعود ازروی صمیمیت حاضر گردیده است در موسم حج مجلس مؤسسانی از کلیه نمایندگان ملل اسلامی منعقد ساخته تصفیه حکومت آینده حجاز وتعیین خلیفة المسلمین نماید ولی از پیش آمد امور چنین مستفاد میشود که این مجلس مؤسسان یك تیاتری خواهد بود که اکتورهای اورا قبل از وقت بن سعود تعیین نموده انچه را بن سعود بخواهد و بگوید تصفیه خواهد گردید مثلا بن سعود نماینده از مرکز اسلامی هندوستان خواسته اولا این دعوت بتوسط کمیتهٔ مرکزی خلافت رسیده یك نماینده از خلافتیان دیگر از اهل حدیث سوم از جمعیت العلماء طلب شده است باید دانست که وهابیان هندوستان خویشتن را وهابی نمی گویند دو اسام برای خود اتخاذ کرده یکی اهل حدیث و دیگر موحد جمعیت العلماء هم انجمنی است که اعضایش تمام اهل حدیث اند خلافتیان هم لازم بذکر نیست عقیده شان مرجه باشد کار لدا . بم ولی مطلبی بن سعود آنست که گویا از ۸۰ ملیون نفوس هند ۳ نفر که طلب شده حکم یك نفر را دارد و انهم از فرقه وهابی یا پیروان خود بن سعود است آیا چنین نمایندگی را چطور ازطرف کلیه مسلمانان هند تسلیم توان نمود ـ هندوستان هم و بیش دارای ۸۰ ملیون نفوس اسلامی است وهیچ نقطه نیست که باندازه هند مسلمانان تمرکز داشته باشند بالغ بر ۵۰ ملیون نفوس مسلم هند حنفی المذهب اند و ۲۰ ملیون هم اهل تشیع است و در این ۲۰ ملیون شامل است اسمعیلی آقاخانی و اثنی عشری و ۱۰ ملیون دیگر سائر ارباب مذاهب اسلام شامل اند که منجمله آنها وهابی یا باصطلاح وهابیان هند اهل حدیث موجود است علمای حنفی تمام برخلاف این نمایندگی اند شیخ العلما که می توانش رئیس مسلمانان هندوستان گفت جناب مولوی عبد الباری لکهنوی مخالف اند باین نمایندگی ـ آیات الله شیعه نیز همه مخالف اند و در حقیقت این دعوت بن سعود را خاصتاً برای وهابیان هند دانسته اند یعنی از سائر فرق اسلامی هیچگونه دعوتی نشده است ، بن سعود ساعی است که باین بازیهای پلتیکی حاج را بمکه جلب کند وعایدات حجاز را تکمیل نماید ومجلسی که باسم کانفرانس اعظم اسلامی تشکیل دهد همان هائی باشند که پیرو وتابع اویند و یا اقلا غالبه آرا بطرف او باشد مسلمانان هندوستان از شیعه و حنفی تمام توجه شان بدولتین اسلامی ایران و افغانستان است چه دولت ترکیه خویشتن را شامل در معاملات مذهبی مسلمانان نمی نماید مصر و عراق هم چون هنوز آزادی مطلقه درکار های خود ندارند محل اطمینان سایر فرق اسلامیه نیستند پس دولتین ایران و افغانستان راست که در این موضوع اهم دقت فرموده و بیدانند که آرای کلیه مسلمانان دنیا در عقب الهاست سابق تمام مسلمانان عالم متوجه بخلافت

اسلامی عثمانی بودند ـ اینك خلافت از میانه رفته لازم است دولت ایران و افغان متحداً مرکز توجه برای اسلامیان دنیا قائم گذارند و در بازی سیاسی که ابن سعود پیش گرفته نگذارند کامیاب گردد راست است که امروزه ابن سعود حاکم مطلق بر حجاز و اماکن مقدسه اسلامی است و تمام کوشش خود را خواهد نمود که ایران و افغان و مصر او را بشناسند پس از استیلای بر حجاز و عبور و مرور حاج بتدریج همان خواهد کرد که آباء وی بر اماکن مقدسه اسلامی نمودند چه اصول مذهب وهابیه تغییر نکرده و آنان مجبور بپای بندی آن اند امروز چشم تمام مسلمانان عالم بافغان و ایران دوخته که آیا آنان با ابن سعود چه مسلك اختیار خواهند کرد و در حکومت آینده حجاز چه اصول پیش خواهند گرفت مسلم است که ابن سعود از ایران و افغان هم مانند مصر دعوت نموده خوب است که دولت بهیه در مرکز با نمایندگان افغان و مصر و ترکی پس از مشوره اصولی برای حکومت آینده حجاز اختیار کرده با ابن سعود مذاکره کنند و مسلمانان دنیا را که چشم بانها دوخته است اطلاع بخشند

عراق و دولت انگلیس

عاقبت حکومت عراق و مجلس مبعوثان آن قرار داد جدید را با انگلستان امضا نمودند ۲۰ نفر وکلای مجلس مبعوثان اعتراضات خود را پیش کرده از مجلس خارج شدند ولی از اکثریت مجلس گذشت می گویند این قرار داد همان قرارداد اولیه است که موعد آن زیاد شد یعنی مواد آن فرق نکرده منتهی قیمومیت انگلستان ۲۵ سال قرار گرفته و با این سرعت که این قرار داد اهم امضا شد بواسطه نازکی موقع عراق بود چه مسئله تصفیه موصل با ترکی در بین است ـ اگر اختلافی در این خصوص پیش می آمد در قوت ترکان افزوده میشد سر روالد اندسه ازانگلستان به انقره میرود تا با دولت ترکیه در موضوع تصفیه موصل مذاکره نماید جراید انگلیسی را عقیده بر این است که دولت ترك بمجوزات معتدلانه انگلستان خواهمخواه تسلیم گردد

فرانس و شامات

چنانچه گمان میرفت مسیو ژونال بر خلاف جنرال سارىل مقتدر خواهد آمد که اهالی شامات را رام ساخته مطیع و منقاد فرانسه سازد ولی بر عکس هیجان ملی شامات بیش شده حتی در حلب که تصور انقلاب نمی رفت اهالی به هیجان آمده سرداران نظامی و رجال نامی شامات هم ناچار در بلوائیان شامل آمده اند حکومت فرانسه کوشش داشته که سائر فرق را از فرقهٔ دروزیان علیحده ساخته تابتوانند ایشن حزب شجاع دلیر را سزا بخشد هیجان ملی شام خیلی بالا گرفته و اتحاد اقوام بیش شده نزدیك است اساس حکومت فرانسه را برهم زنند فرانسویان تا کنون بالغ بر یك صد هزار نظامیان تازه وارد شامات ساخته هر قدر بر عده نظامیان شان میافزاید آتش هیجان بیشتر زبانه می کشد مسلمانان فلسطین و حزب وطنی مصر مؤید اهالی شامات شناخته می شود و فرانسه از اینرو خیلی شکایت دارد شامیان می خواهند که قیمومیت شامات را فرانسه ترك گفته جامعهٔ ملل بدولت دیگر بدهد فقط دولتیکه می تواند شامات را منظم نماید انگلستان است و بعید نیست اگر این بلوا بالا گیرد جامعهٔ ملل عاقبت مجبور گردد که قیمومیت شامات را هم به انگلستان دهد دولت ایطالی نیز بقیمومیت شامات چشم دوخته است ولی از عهده وی انتظام شامات خارج معلوم میگردد امرای نظامی که با بلوائیان شمولیت نموده حاضر شده اند که ایلات را مشق قشونی آموخته تا موسم تابستان آینده میدان را بر فرانسه سخت گیرند فرانسویان می گویند این هیجان مذهبی است برخلاف سلوك سخت مامورین فرانسه

امیر عبد الکریم و فرانسه

مسئله ریف هنوز تصفیه نیافته دولتین فرانس و اسپانی ساعی اند که با ایلات مختلفه ریف صلح نمایند چنانچه اسپانیها با ایلات (انجیر) صلح کرده و فرانسه هم با بعضی ایلات سرحدی ریف قرار داد بسته باین اصول میخواهند قوای امیر عبدالکریم را اندك اندك کم نموده تا در موسم تابستان یکدفعه بتوانند آن شیر بیشهٔ مجاهد را از میان برداشته سپس مملکت پر ثروت ریف را بین خود تقسیم و ایلات آنجا را بعملگی و فعلگی معادن وا دارند از این جهت بود که رساندادند با امیر عبد الکریم از در صلح در آیند بهر حال باید دید که امیر در موسم تابستان با این دشمنان قوی خودچه خواهد نمود بعقیدهٔ بسیاری ایلاتیکه امروزه فرانس واسپانی بقوت سرنیزه مطیع خود کرده اند هینکه امیر عبد الکریم جنبش نمود مجدداً بوی ملحق آمده میدان جنك را قوی خواهند ساخت چه این اول مرتبه نیست که این ایلات مطیع دیگران شده هینکه موقع یافته برخلاف خارجیان قیام کرده اند از مرکز ریف یعنی اردو گاه امیر عبد الکریم چندی است که خبر نمی رسد ولی معلوم است که امیر نیز در این مهلت متمادی بیکار ننشسته و ازدشمنان خویش غافل نیست

مناقشه موصل

تلگراف «رویتر» میرساند که مذاکرات بین

دولتین انگلیس و ترك در موضوع تصفیه دوستانه جاری است کابینه ترکی پس از مذاکرات طولانی وزارت خارجهٔ ترك سفیر دولت انگلیس را پذیرفت دولت ترك حاضر شده است که با دولت انگلیس در تصفیهٔ موصل بحث نماید مشروط بر اینکه تصفیه جامعهٔ ملل را دولت انگلیس کان لم یکن قرارداده با ترکیه داخل بحث شود هنوز معلوم نیست که دولت انگلیس تن باین مسئله در داده است یا نه - جراید انگلیسی از نرمی امروزه ترکان و گرمی اولیه شان چنین استنباط نموده اند که قرار داد بین ترکی و روس هیچ مادهٔ سری ندارد و قرار داد سوق عسکری هم نیست و هیچ مادهٔ دران قرار داد نیست که هیچ یك ازاین دو دولت را بنماید دیگری مجبور سازد و اگر این قرار داد روس را پابند بنماید ترکی میتوانست جمهوری ترك رضا نمی داد بحث در تصفیه موصل ونیز تا این پایه با نرمی و رودت پیش نمی آمد از قرار این اخبار به چنان مستفاد میشود که بر سر موصل بصورت جنگی پیش نخواهد آمد و دولتین انگلیس و ترك داخل یك قراردادی خواهند شد لذا دولت ایران راست دراین موضوع خویشتن را تماشاچی قرار نداده بمقتضای حفظ حقوق سرحدی خود در هر قرار دادی که بین ترك و انگلیس شود شامل آید ولی با همه ای آن قرارداد مجبور باشد این قرار داد نباید بدون اطلاع دولت ایران بین دولتین ترك وانگلیس بسته آید حق ایران است که قبل از قرارداد از کلیه مواد آن واقف باشد چنانچه مکرر نگاشته ایم مسئله تصفیه موصل برای آتیه ایران خیلی دارای اهمیت است و در شرع سیاست ایران نمی تواند علاقمندی خودرا در این قرارداد ظاهر ندارد - ما نباید مانند ادوار سلف بی خیال نشسته بگذاریم همسایگان هرچه میخواهند در سرحدات ما بنمایند و عاقبت اگر ما مخالف با منافع خویش یافتیم بیك پروتست و اعتراض خشك و خالی قناعت ورزیم در همین اول قدم باید اقدامی بکنیم که در آخر محتاج بپروتست نمودن نشویم گمان نداریم که دولتین انگلیس و ترك هم از شرکت ایران دراین مباحثات روی رضا ننمایند بلکه چنانچه چندی قبل اشاره نمودیم در حلقه سیاسیون انگلستان این مذاکرات قوت داشته که باید مناقشه موصل در قرار دادی بین ایران وترك و عراق تصفیه یابد - وزارت خارجه ایران راست که گوش براه بوده در هر موقع هر اقدامی که شایسته ودرخورمقام است بفرماید ودراین اول موقع سلطنت پهلوی درچنین سرحد اهمی چیزی نبازیم وقسمی نشود که در آتیه مورث ننگه چینی خودی و بیگانه گردد -

جامعه ملل و کانفرانس ترك اسلحه

این ایام مسئله ترك سلاح مجدداً موضوع بحث آمده در جلسات جامعه ملل که چون آینده خواهد شد پیش خواهند نمود هنوز کاملا معلوم نیست که کدام یك از دول شمولیت خواهند داشت دولت امریك وعده شرکت داده ولی عقیده خود را چنین ظاهر داشته است که موضوع بحث در کانفرنس ترك سلاح باید بری باشد نه بحری - آلمان اظهار داشته که دولت آلمانیه بی سلاح ترین دول است - میخواهد از جامعه ملل اجازهٔ ازدیاد نظامیان خود و مسلح ساختن خویش را مثل دیگران حاصل کند دولت روس هم قبول شرکت در کانفرانس را نموده ولی اظهار داشته است که چون سویز روسیان را اعتصاب نمودند دولت شوروی جماهیر روسیه در صورتی شرکت خواهد نمود که این کانفرانس در نقطه غیر از سویز منعقد گردد - دولت سویز حاضر شده است که اعتصاب خود را در موقع کانفرانس از روسیان مرتفع دارد و روسیه هم بهمین قدر اقناع گردیده است - ظاهراً همه دول شمولیت خواهند نمود وگر نتیجه مطلوبه باین زودی ها حاصل نتواند آمد - غرض این است که ایرانیان ما که خیلی خسته و منتظر چشم اند باین آرزوها دل خود را نباید خوش کنند ایران امروزه در خور خویش نه سلاح بری و نه سلاح بحری دارد وقتی هم که نظام او ۵۰ برابر امروزه بشود بازهم درمقابل دول دیگر که ترك سلاح بنمایند دولت و ملت ایران بی سلاح خواهند بود بعقیده عموم این نقشه های که کشیده می شود برای جلوگیری از جنگهای آتیه است و برخی دیگر را عقیده این است که فقط برای صرفه اقتصادی است و به خیال بسیاری از موشکافان سیاست دول بزرگ این نقشه را ریخته اند که بهتر دول کوچك را سلاح چین نموده مطیع خود سازند چه دول بزرگ خواهند گفت که گوز باندازهٔ پهلوان از روی عدهٔ نفوس و وسعت خاك و لوازمات تجارتی و صناعتی و و و قشون و سلاح انها باید فلان مقدار باشد دولیکه این چیزها را ندارند چه باید بکنند اگر انها هم جزئی سلاح خودرا بگذارند در هر موقع دول قوی بر انها توانند تاخت - بخیال دانایان دور بین تا صفات حرص و طمع در بنی نوع بشر موجود است جنك از عالم مرتفع نتواند آمد و تا خوف جنك از عالم مرتفع نشود بنی نوع بشر سلاح نتواند گذاشت؟ برخی میگویند همین کانفرنس ترك سلاح پس از انکه ناکام گردد جامعه ملل را نیز بصورت مجلس صلح

لاهه خواهد در آورد و رفته رفته او نیز از میان خواهد رفت ـ

افغانستان و روس

برای تشریح مناقشهٔ روس با افغان لازم است واقعات ۴۰ سال قبل ومناقشاتیکه بین انگلیس وروس در موضوع قبضه روسیان بر پنج ده پیش آمده بود مراجعه کنیم درزمان مرحوم امیرعبدالرحمن خان جد اعلیحضرت پادشاه غازی روسها در همین نقطه پنجده را قبضه نمودند امیر مرحوم چون با دولت انگلیس قرار داد نموده بود که اگر غنیم خارجی بر افغان حمله کند انگلستان مجبور است جلوگیری بنماید از اینرو ازحکومت هندخواهش نمود که آن ماده قرار داد را بموقع اجرادر آورد این واقعات درریاست الوزرائی مستر گلادستن بود که خیلی معروف بسالم النفس وصلح جوئی درانگستان بود وی با اینهمه دولت انگلیس مصمم جنگ با روس آمد و از طرفین بشدت تدارکات جنگی دیده میشد سیاسیون انگلستان را عقیده این بود که چون عاقبت بایــد بر سر هنــد با روس بجنگد و بهترین موقع امروز است انگلستان نباید بروس مهلت بدهد که تدارکات جنگی خود را تکمیل کرده مزید دشواریهای وی را فراهم نماید روسها حدیت دولت انگلیس را که دیدند یقین کردند که انگلستان مصمم جنگ با اوست نرم شده پنجده را تخلیه کرده سرحد داران افغانستان قبضه نمودند این مرتبه نیز مناقشه در همان پنج ده واقع گردیده دولت انگلیس یکمرتبه علیحده است چه ازروی قرار داد راول پندی وعهد نامه منصوری دولت افغانستان در امر داخله و خارجه خود کاملا آزاداست ودولت انگلیس هیچگونه ذمه واری درافغانستان برخود نگرفته است وبعقیده انگلیسان امروزه دولت روس آن قوه را ندارد که بتواند بهند حمله کند از این رو دولت انگلیس لازم نمی داند خودرا در این مناقشه شامل نماید جراید انگلیسی می نویسند که نمایندهٔ انگلستان اخلاقاً طرفین را نصیحت خواهد نمود که این مناقشات خاتمه بخشایند از طرف دیگر دولت افغان با دولت شوروی روسیه داخل قرار داد شده دولت شوروی روسیه اعتراف و اقرار نموده است که آزادی و استقلال وتمامیت افغانستان را محترم خواهد داشت این اقدام سرحد داران روس منافی است با ان قرار داد سفیر روس در کابل اطمینان داده است که تخلیــه نقاط مذکوره به فوریت خواهد شد و نیز سفارتین ترک و ایران هم خیلی خواهش دارند که باین مناقشات خاتمــه بخشایند انچه بنا بخبر های خصوصی رسیده این مناقشه مراجعه بیك کمسیون مختلط از افغان و روس در سرحدشده است و نقاط مذکوره را هم روسیان حاضر بتخلیــه گردیده اند در حقیقت میتوان این مسئله را خاتمــه گفت و یقین کرد که هیچگونه جنگی بین افغان و روس پیش نخواهد آمد این حسن خاتمت را از دو راه باید گفت اول تدابیر صائبهٔ شخص شخیص اعلیحضرت امیر غازی که از یك طرف شروع باقدامات جنگی نموده بودند و از طرف دیگر اصول دپلوماسي را هم از دست ندادند دوم ابراز حسیات وطن خواهی که عامهٔ افغانان در هر جا دادند یك جنبش طبیعی در زن ومرد کوچك وبزرگ ملت افغانیه نمودار آمد وهر کس وضعیت نظامیان افغان را در آن ایام میدید وطن خواهی و شجاعت و از خود گذشتگی را بچشم مشاهده میکرد و این ابراز حس وطنخواهی نیز اثریست که شخص پادشاه جوان بخت افغان گویا در کلیــه طبقات افغانیه تلقیح و تزریق فرموده وطن خواهی افغانان در این موقع خارجیان را خیلی متنبــه نموده ملتفت ساخت که افغان امروزه افغان دیروز نیست و این ملت ملتیست که در راه وطن از بذل مال و جان دریغ نمی نماید ـ

راه آهن دره خیبر

چنانچه سابقاً اشاره نمودیم عملیات راه آهن دره خیبر شروع شــده جراید انگلیسی می نویسند که این راه آهن برای کلیه اهالی سرحد اخلاقاً و اقتصاداً نافع است و نیز می گویند برای کلیهٔ افغانستان چه در سیاست و چــه در تجارت و چه در اخلاق مفید خواهد شد هند را با افغان متحد و نزدیك خواهد ساخت در حقیقت نبودن راه آهن هند و افغان را نمی توانست کاملا بهم آشنا ساختــه تــا بتوانند منافع عمده حاصل کنند لطف این است که این راه آهن را انگلیسان ۲ نوامبر شروع کردند و روسها درسرحد ترکستان وترمز ۷ نوامبر راه آهن باز نمودند در حقیقت همان قشه رقابت دیرین است که بین روس و انگلیس بوده است هر قدر یك قدم از هر طرف پیش رود آن دیگری هم خویشتن را مجبور به پیش قدمی می دانند در موقع افتتاح راه آهن دره خیبر (سرسار نزالز) حاضر بود و جمیع سرداران و بزرگان و افغانان هم حاضر بودند مشار الیه نطقی در منافع این راه ایراد کرد و اهالی سرحد وافغان را خیلی بمنافع این راه آهن امیدوار ساخت ـ

—«●◯●◯●»—

حسب الامر مدیر ودبیر جلال الدین الحسینی در مطبعه حبل المتین نمبر ۸۸ بندل رود طبع
و از نمره ۱ – ۶ مکلود اسٹریت ـــــــ توزیع گردید

حبل المتين كلكته — حبل المتين مجاناً باحدی داده نمی‌شود — قیمت اشتراك
۱۰ بلكوت استریت — از هرکس وهرجا بلا استثنا بدل اونهٔ اخبار
مقدم گرفته میشود — سالانه — ششماه
روز نامهٔ مقدس — هند و برمه
کلیهٔ امور با — ۱۸ روپیه — ۱۰ روپیه
مدیر کل.

حبل المتين

جلال الدین الحسینی است — ایران و افغانستان
دبیر ثانی ف. س. مؤید زاده — ۶۰ قران — ۳۵ قران
ام. ای است — ممالك سایره
هر دوشنبه طبع وسه‌شنبه — سالانه
توزیع میشود — یك ونیم لیره انگلیسی

سنه ۱۳۱۱

یوم سه‌شنبه ۲۸ جمادی الاولی سنه ۱۳٤٤ هجری مصادف با ۱۵ دسمبر سنه ۱۹۲۵ میلادی

افتتاح مجلس مؤسسان

جمعه ۱۰ آذر ماه در حالتیکه تکیه دولت مملو بود بحضوری ۲۱۲ وکلاء و تمام نمایندگان سیاسی و وزراء و اعیان و وکلای دار الشورای ملی و اربابان جرائد و تماشاچیان والا حضرت پهلوی مجلس مؤسسان را افتتاح نمود ـ در نطق افتتاحیه خود فرمودند که مجلس مؤسسان فقط وظیفه شان تعیین حکم دار دائمی مملکت است و نیز خیلی امید ظاهر داشته نوید بخشیدند بترقیات آینده ایران و ازان بعد در سواری مجللانه شاهانه حرکت کردند و پس از نیم ساعت مجلس مؤسسان شروع کارهای رسمی خود نمود ـ مخبر روتر می گوید در مدت ٤ هفته انتخاب وکلای مؤسسان و حضور ایشان و افتتاح مجلس از نوادر تاریخی ایران بشمار است و دال است بر اقتدار و فعالیت شخص پهلوی و لیاقت کابینه کنونی که در تاریخ ایران نظیر نداشته است

سلطنت پهلوی

مخبر روتر از طهران خبر می دهد که مجلس مؤسسان متفقاً رای دادند به سلطنت دائمی رضا خان پهلوی

سلطنت خانوادگی پهلوی

مخبر روتر ۱۲ دسمبر خبر می دهد که مجلس مؤسسان امروز ٤ ساعت کامل علناً منعقد و پس از بحث بسیار بالاتفاق تصفیه کردند که سلطنت در خاندان پهلوی قائم و پسر بزرگ ایشان ولیعهد قرار گیرد مواد چهار گانه ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۳۸ و ٤۰ برطبق همین تصفیه تبدیل خواهد شد

تاج گذاری پهلوی

مخبر روتر از طهران خبر می دهد که دوشنبه ۱٤ دسمبر روز رسمی تاج گذاری والا حضرت پهلوی معین گردیده

خصوصی

وکلای مجلس مؤسسان که فقط برای شرکت در جشن تاج گذاری آمده تصفیه کردند سلطنت دائمی و خانوادگی اعلی حضرت پهلوی را تبدیل مواد چهارگانه فقط در اسم خواهد شد و این تصفیه باتفاق شد ـ روز دوشنبه برای تاج گذاری معین گردید

ایضاً

عظم الله اجورکم ـ وکلای مؤسسان میگویند که اختیاریکه بانها داده شده فقط تقرر رئیس دولت است وتبدیل مواد چهارگانه بر طبق همان تقرر ، و اختیار تبدیل رژیم دولت به آنها داده نشده است و این هم مسلم است که امروزه جز شخص پهلوی کسی نیست که شاه یا رئیس دولت شود ـ

عاقبت درخت ۳۳ ساله شما مثمر گردید محبوب وفا نکرد ممدوح چند ساله صله نبخشود ایران دارای سلطانی شد یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید قائماً برأیه قوی فی ارادته قوله بعد قطعه لایخاف من الضد و الند ـ از چنگال گرگ نحیف جانی بیرون آورده در پنجهٔ شیر ژیانی در انداختید ذوقوا بما تصنعون ـ

حبل المتين

§ انچه عاقل بیند اندر خشت خام §
§ نی بیند جاهل اندر آینه §

دقل شغاف ولیت یار میخواهد که به نگارشات بی

آلایش حبل‌المتین پی برده ثمرات ۳۳ ساله شاسعه این نامه ملی که برای وطن پیش آمده از روی بی غرضی بوده باید دانست حبل‌المتین محبوبی جز وطن نداشته و ندارد و مطلوبی هم جز ترقی اساس وطن مدنظر نگرفته است اگر کسی را ستوده در راه خدمت بوطن بوده و اگر کسی را دوست داشته نیز برای دوستی او بوطن بوده است

در مسئله جمهوریت حبل‌المتین مصداق این مثل (یك دست صدا ندارد) واقع گردید - در ۳۰ کرور ملت ایرانیه یك نفر هم آوز پیدا نکرد دو ماه متجاوز است جنبش ملی پیدا شده و اقلا ۵۰۰ هزار کاغذ تلگرافات مراسلات عرضداشتها لوایح در این موضوع رد و بدل کرده اند ولی از یك زبان و یك قلم جز حبل‌المتین اسمی هم از جمهوریت دیده نشد - بردارید این همه اخبارات ایران را ملاحظه کنید و تمام مخابرات را مشاهده نمائید ببینید یك کلمه جمهوریت ولو سهواً هم در آنها دیده میشود ؛ و حالانکه همین ملت مقلد، همین ملت جان ترس، همین ملت غیر مستقیم بود که در جنبش دو سال قبل جز جمهوریت سخنی به زبان نمی آورد هر عکس دیده و شنیده از همان ساعتیکه ماده واحده در انقراض قجر از مجلس گذشت بیشتر ولایات پهلوی را با اعلیحضرت خطاب کردند در غالب تلگرافات از پهلوی خواهش کردند که انتظار مجلس مؤسسان را نفرموده تاج کیان را برسر گذارند - در این صورت قصور بر کی وارد است ؟ آیا سزاست حبل‌المتین را هدف تیر ملامت قرار داد مطعون ساخت سرزنش و توبیخ نمود ؛ حبل‌المتین یاوه‌سرا نیست، صله بخواه نیست، حبل‌المتین منشاء و مقصودی جز ترقی وطن و پیشرفت امور ملی نداشته و ندارد

از همان ساعتیکه ماده واحده از مجلس گذشت معلوم بود که اکثریت مجلس که این ماده را ترتیب داده قصد شان تبدیل رژیم بوده و قبل از وقت نقشه سلطنت پهلوی را کشیده بودند از این رو چاره حبل‌المتین که بطریق جمهوریت مشی می نمود جز این نبود که متوسل شخص پهلوی شود اورا ترغیب و تشویق بجمهوریت نماید آنچه توانست کرد نهایت ماده قسمی برای سلطنت آماده شده بود که مؤثر واقع نگردید حبل‌المتین کار خود را کرد ثمره خدمات قلمی اورا چندین بعد ملت حاصل خواهد نمود عجول نباید شد بی صبری صلاح نیست - دو سال قبل جنبش ملت حتی شخص پهلوی برای جمهوریت چه نتیجه بخشید ؟ چه اختلافات روی داده؟ آن وقت سه ربع ملت متحد بوده بطور شد که نتیجه مطلوبه بدست نیامد - امروز که فقط تنها حبل‌المتین این نغمه را سروده اگر نتیجه نبخشود قابل توبیخ و سرزنش است ؟ خواهند گفت آنوقت دست قوی برای جنبش ملی بجمهوریت بود و این نوبت همان دست برای تبدیل سلطنت کوشید از این معلوم میشود که هنوز ملت محبوب ما دارای رای مستقیم نیست و متحرك باشاره هر صاحب اراده است یکدفعه به پیروی همان اراده همه جمهوری خواه میشوند و طولی نمی کشد که تمام سلطنت پرست می گردند -

معترض حبل‌المتین یعنی صاحب تلگراف فوق ممکن است بگوید که جمهوری خواه در ملت ایران زیاد است ولی چون اراده قوی با ایشان نبود از اثر اراده قوی نفس ها در سینه حبس و نه تنها رسم بلکه اسم جمهوریت هم فراموش شد در این صورت باز هم از ایشان سوال میشود آیا باین نقیصه اخلاق ملی تنها حبل‌المتین را باید مورد ملامت و شماتت قرار داد ؟

با این همه میگوئیم نه حبل‌المتین از قلم پاك خود نادم است و نه ملت محبوب ما از این جنبش نقصان برده اند حبل‌المتین یك تیر و دو نشان زده بود نهایت به نشان دوم که جمهوریت باشد تصادف ننمود اما تیر اما لها او ما بنشان اول خورده و فاید بزرگی حاصل شد یك درخت پوسیده ۱۵۰ ساله کنده آمده و بجایش یك نهال برومندی غرس شد آنهم نهالیکه از همان آغاز غرس خود ثمرات لذیذ و شیرین بملت چشانیده است اعلیحضرت پهلوی امتحانات خود را در خدمات ملی داده همه ملت نیز تصدیق دارند که این وجود محترم حیات بعد از ممات باین ملك و ملت بخشود

آیا هیچ ایرانی میتواند فراموش کند وضعیت ملت و دولت ایران قبل از کودتای سوم حوت که رضاخان بطهران آمد ؛ قشون هندی باسم پلیس جنوب تا پشت دروازه طهران موجود و مشت قشونیکه بنام قزاق داشتند آنهم تحت افسران خارجی، امنیت در کلیه ایران معدوم، ملوك الطوائفی در هر نقطه حکم فرما، تجارت بمقام صفر، در رأس دولت کیانی یك جوان جبان بی شاعه بی عقل قرار گرفته الکثر کردان وثوق الدوله ها بود و برای چند روزه عیش خود و چند صد هزار لیره که باسم قرض بگردن این ملت بار کردند استقلال شش هزار ساله ایران را در قرار داد با انگلیس از دست داده و هزاران مصایب دیگر که شرحش کتابها در خور دارد در چنین سال و موقع یك چنین شخص فعالی بروی کار آمد تمام خرابیهای آنی دوره را اصلاح نمود آنچه کرده همه میدانند لازم بشرح و بیان -

بیست همه دیده و میبینند که ایران زندگی از نو گرفت ملت به پای خود ایستاد بانقراض سلطنت خاندان قجر مقتدر آمده در عرصه ٤ سال مالیه دولت بیش از دو برابر گردیده اعتبار ایران در انظار خارجه یك بر ده بالا رفت چرخهای ترقی مملکت در جاده ابتدائی براه او افتاد اینها که گفتیم چیزیست که قابل انکار نیست و تمام را از برکت شخص پهلوی حاصل کرده ایم -

آیا نقصانیکه حبل المتین از مسلك خود برده چه بوده؟ همان قسمی که گفتیم ما یك تیر و چند نشان داشتیم یك نشان ما که جمهوریت باشد موقتاً بخطا رفت اما سائر منافع را حاصل کرده و خیلی هم حاصل خواهیم کرد و ما هرگز عقیده خودرا از شخص شخیص پهلوی تبدیل نتوانیم داد چه این بزرگ مرد حالیکه در ایران شاه شده نادر وقت خواهد گردید برحسب اقتضای زمان گم شده های ایران را بدست خواهد آورد ملت ایران را عزیز و با ثروت خواهد ساخت وزارت بحری تشکیل خواهد داد کارخانه آهنگری دائر خواهد نمود راه آهن خواهد ساخت معادن ایران را از زیر خاك بیرون خواهد آورد و صدها کارهای دیگر خواهد کرد

ما بمعترض خود ایقان می دهیم که حبل المتین و ملت دراین سودا نباخته است نهایت حبل المتین میخواست اعلیحضرت پهلوی کیومرث ثانی ایران باشد تالی سردار جلیل القدر آمریك واشنکتن گردد آن موفقیت را حاصل نگرد ولی نادر ثانی بدست آورد در این صورت که میتواند بحبل المتین یاملت ایران سخریه کند؟ و ما یقین داریم که این راد مرد طولی نخواهد کشید که شخصا ایران را بجمهوریت سوق خواهد داد و این نام نیك را هم حاصل خواهد کرد و آرزوی حساسین ملت راهم خواهد بر آورد - شخص پهلوی نمیگوید و میکند برخلاف اسلاف که میگفتند و نمیکردند - ایران بزرگترین موفقیت ها را حاصل نموده و ایرانیان کلاه افتخار را باسمان توانند سود که از زیر بار ننگین سلطنت اجنبی بیرون آمده بیك سلطنت ملی و پادشاه جلیل القدری از خود نائل آمده اند امروز ایران میتواند سلطنت خود را سلطنت ملی گوید - امروز میتواند باستقلال ملی خود افتخار ورزد شخص پهلوی نه تنها از خودشان است بلکه پادشاهیست که ملت اورا انتخاب نموده و این اول پادشاهی است که سر تاریخ ایران از بعد اسلام ملت بصمیم قلب از روی قوانین مشروطیت انتخاب کرده است انتخاب احمد شاه واهم ولو ملت نمود ولی بزور سرنیزه خارجی بود اما انتخاب رضاخان از روی صمیمیت و میل ملی شده ولو بسیاری بگویند اینهم بفشار سر نیزه بوده ولی این سخن انصاف [illegible] پهلوی تاج و تخت ایران را [illegible]

که بملت نموده حاصل کرده است حتی دشمنان پهلوی نمیتوانند شخصی را امروزه برای تاج و تخت ایران بهتر و قابل تر از او نشان دهند و همه مقر و معترف اند باقدامات شعشعانی او باین آب و خاك - نهایت اعتراض شان این است که خود رای است البته میخواهد میکند ولی باز باید شاکر باشند که اگر چنین هم هست شخصی است خیرخواه وطن و ترقی ملت را ترقی خویش میداند خودرا برای خدمت ایران آماده ساخته نهایت فرمان فرمائی ان را هم بخود اختصاص میخواهد - پهلوی در این مدت قلیل ثابت کرده که هرچه بخواهد می کند و انچه را که نیز می کند مبنی بر خیر ملك وملت است انصاف را شهید نباید کرد و وضعیت ملت و دولت ایران را امروز با پنج سال قبل مقایسه کنید انوقت معلوم خواهد شد که ایران از سلطنت پهلوی باخته است یابرده امروز ایران قوت میخواهد عمران میخواهد امنیت میخواهد هزار چیز دیگر میخواهد همه اینها را میتواند در سایهٔ حکمرانی پهلوی حاصل کند چه فعال است دانا است فکرش عمیق سیاستش دوربین وکارهایش بااساس است اگر نواقصی هم در عمل یا افکار داشته باشد بتدریج و تجربه و نصایح دوستانهٔ خیرخواهان اصلاح تواند شد اگرچه حبل المتین را بسی خوشتر میامد که اعلیحضرت پهلوی رئیس جمهوری ایران گردد ولی بسلطنت ایشان هم در ترقیات ایران انقدری امیدواریم که در ریاست جمهوری شان، بزرگترین صفاتیکه دراین وجود محترم دیده شده آنست که انچه کرده و می کند از جادهٔ قانون خارج نمی گردد نهایت این است که از روی عقل و تدبیر یا فشارهای سری قانون را بر وفق مقاصد خود از پیش می برد -

الحق بزرگترین اعیاد ایران حتی برای حزب جمهوری خواهان روز تاج گذاری اعلیحضرت پهلوی است انچه ما استنباط نموده ایم اگر ناصحین خیر اندیش هر نقیصه را بایشان پیش کنند بلا تامل رفع و دفع تواند گردید پهلوی پهلوانیست زورمند مدبر و متفکر با او از در ستیز نه باید بر خاست با دوستی و خواهش جمیع مقاصد مشروعهٔ ملی صورت تواند بست

بر گردیم بجواب معترض وطاعن حبل المتین

آقای محترم - شما که میفرمائید که درخت ۳۳ ساله مثمر نگردید و ممدوح مدح له نبخشید آیا از روی وجدان و انصاف سخن رانده آید؟ آیا از یك قلم شکسته و ورق پارهٔ که در دهنه چین یعنی آخر نقطهٔ بنگال نشسته و ترقیات ملی و وطنی خودرا مد نظر گرفته چقدر تصور نمیفرمائید مسلك حبل المتین نمایش نیست حبل المتین عمل میخواهد هر که بکند برای او فرق نمی نماید ولی چین قدر

می گوئیم که در مورد صدمات این ۵۰ ساله هم اضافه کشی شده ثمرات بزرگ از این قلم شکسته و ورق پاره حبل المتین عاید بایران گردیده هر وزمیب مفیدی که در این قرن اخیر در ایران بلند شده تنها ازحلقوم حبل المتین بوده – و حبل المتین بوده است که در مقابل اینهمه صدمات ولطمات خودی وبیگانه استقامت ورزیده درخدمات ملیه برای یکقدم ویك آن هم لغزش نکرده است و بفرمایش یك از فضلای نامدار ایران که اینك در حیدر آباد دکن موجود است درضمن مراسله خود اشاره کرده بودند که بزرگترین محسنات حبل المتین این است که در این مدت متمادی و سیاست مداری نه تنها لغزش سیاسی نه نموده بلکه بدنام هم نگردیده است –

۱ با اینکه معترض ما میفرماید صله نیافته ۹ یقین داریم که خود قائل است که حبل المتین اهل صله نبوده و نیست حبل المتین اهل استفاده نبوده و نه خواهد بود قلمش پاك و مسلکش خالی از آلایش است اگر ایران جمهوری نشده قصوری بر وی نیست و از او کمی نرفته است برای اینکه خدمات تاریخی حبل المتین دراین موقع اهم بر معترضین هم مستور نماند می گوئیم که فقط در این دو ماه اخیره بالغ بر ۵۰۰۰ کلمه در موضوع جمهوریت باران مخابره نموده و یك کلمه ان در حبل المتین نیامده است فقط برای اینکه معترضین بیش از این باعتراض خود ادامه ندهند یك تلگراف وارده از طهران و دو تلگرافیکه اخیراً بطهران شده ذیلا می نگاریم و کلام خود را باین شعر فیلسوف شهیر شیخ الرئیس ختم می نمائیم

§ من گنگ خواب دیده و عالم تمام کر §
§ من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش §

تلگراف از طهران

حبل المتین – اعتبار وزارت جلیله مخابره شود . حبل المتین – انتخاب اعضای مجلس مؤسسان برای تعیین حکومت قطعی با کمال سرعت در تمام مملکت جریان و محتمل است تا آخر اذر ماه منعقد گردد عامه ملت طرفدار سلطنت والا حضرت اقدس پهلوی می باشند . سلطنت انتخابی مادام عمری یا نسلا بعد نسلا بامجلس مؤسسان است چیزی راکه حقیر معتقد ومقید هستم احتراز از اختلاف کلمه است رعایت این نکته ازاهم فرایض وطنی است نظریات خود را جوابا بفرمائید تا به عرض رسانیده و جواب عرض کنم

جواب

تلگراف رسید نظریه جز انچه در حبل المتین آمده ندارم – هر صورت مقتضیات سیاست خارجی و داخلی ایرانرا از نظر دور نباید داشت گول تمایلات و زبان بازیهای همسایه را نباید خورد که با مقتضیات سیاسی آنها در هند وغیره جمهوریت ایران منافی است فقط چیزیکه ایران را در موقع انقلابات از سموم بالشویزی دور تواند داشت و مناسبات دوستانه ایران را با روس یکه همه روزه بر قوای خویش می افزاید قوی تر تواند ساخت جمهوریت است انگلیسان در عوالم سیاست و اقتصاد بیش از روسها مجبور به دوستی ایرانند نظر بر اینکه به اتفاق سیاسیون دنیا محکم ترین رژیم حکومت ها جمهوریت شناخته آمده اقتصادیات ایرانرا رژیم جمهوریت کمك کرده اعتبار ما را در بازار صرافان دنیا زیاد و با آمریك نیز مسلکاً نزدیکتر تواند ساخت و نیز ارتقاء مقام ایران و نام تاریخی والا حضرت در ریاست جمهوری است تاریخ رئیس اول جمهوری ایران را کیومرث ثانی خواهد انگاشت و تمام خدمات پهلوی را از روی حقیقت و صمیمیت جلوه خواهد داد ولی در سلطنت هیچ یك از این نتائج حسنه حاصل نیست چه بسا که یك پادشاه بد سرشت رشته های نیکنان یك سلسله را پنبه ساخته و تا امروز این نتائج زشت را ایران خیلی از رژیم سلطنت یاد دارد اما تمایلات ملی تصدیق داریم ولی ما و شما میدانیم که ملت محبوب مان هنوز کاملا بحقوق آنی و آتی خویش پی نبرده در عقب هر صدا میرود فقط یك اشاره والا حضرت در متمایل ساختن ملت به جمهوریت کافی است

البته با تمایلات ملی استنکاف از سلطنت و قبول ریاست جمهوری مزید عظمت و بزرگواری است و نامشان از کرامول انگلیس بیشتر و هم برابر سردار جلیل القدر دنیا واشنگتن خواهند گردید

در صورتیکه امروز هم بمقتضیات وقت یا بقول شما تمایلات ملی جمهوریت را صلاح نه بینند خوب است به تجویز والا حضرت بر طاق قانون اساسی جدید سلطنت را مادام العمر بشخص پهلوی مخصوص ساخته از آن بعد ریاست جمهوری انتخاب شود این شق حل تمام اختلافات سیاسی خارجی و داخلی و عقاید افرادی ما را تواند نمود و در تاریخ آینده ایران که جمهوریت حتمی است نیز شخص شخیص پهلوی را موسس جمهوریت ایران بعالمیان می شناساند

نظر براینکه قانون اساسی ما و متمم آن نقیصه دارد مقتضی است که اختیارات مجلس موسسان درنظر ثانی بدان وسعت یابد وگنجانیده آید که متصدی قصر برای همیشه از حق انتخاب ریاست جمهوری و پادشاهی محروم بلکه اگر از حق وکالت هم ممنوع آیند بی مناسبت نیست

مخصوصا بوالاحضرت اقدس از طرف من عرضه دارید

§ ما از تو بغیر از تو نداریم تمنا §

یقین داریم که در قائدی حضرتت خواه بجمهوریت یا سلطنت ایران مدارج عالیهٔ خود را طی تواند نمود فقط فکر حساس ملت برای آینده است چون خدمات صمیمانه آن والا حضرت ما را فریفته و عقیدتمند نموده فقط تنها در حق تو توانیم سرود

§ هر چه آن خسرو کند شیرین بود §

ظاهر است که حبل المتین هم از روی تبعیت و از روی طبیعت و عقیدت خود بان ذات والا معجول است (حبل المتین)

ایضاً

به پیشگاه والا حضرت اقدس برسانید

این پیر خادم ملت اسلام پس از تجربهٔ ٤٠ ساله و امتحانات کافیه تجربیات خود را بحضور اقدس تقدیم می دارد چون اهل استفاده شناخته نشده ام خیرخواهم نسبت بان ذات والا صمیمانه و مبنی بر خدمات ذیقیمتی که بوطن محبوب فرموده و امیدواری است که بترقیات آتیهٔ وطن و ابنای وطن بان ذات والا داشته و داریم، بحقوق مادر وطن سوگند که محبوبترین اشخاص نزد من ان ذات والا است و انچه را در خیر و صلاح عرض میکنم مشوب بهیچ غرضی نیست، بعد از نظام عناصر قوی وطن دعاگویان مادی اند واین طبقه طبعاً چون نمیتوانند در دولت از هرج و مرج مملکت فائده حاصل کنند ان ذات والا را دوست ندارند و تا امروز هم هر وقت موقع یافته برای از کار انداختن حضرتت جدیت کرده و هیچ وقت هم از این جدیت باز نخواهند آمد، این عنصر با هر قوتی در مملکت معارض اند چون عموم صاحب ملت صلاح مملکت و دولت را بجمهوریت شناخته اگر رژیم جمهوریت بروی کار نیاید در صورتی هم که مخالفت بان ذات والا ننمایند موافقت نخواهند نمود و هیچ امر [illegible] خواهد شد که دعاگویان مادی با سایر دشمنان خارجی و داخلی حضرتت متحد آمده بیرق مخالفت خواهند برافراشت تصدیق دارم که بازهم در مقابل قوای ان ذات والا ایستادگی توانند نمود ولی اوقات و قوای گران مایهٔ حضرتت را که باید صرف ترقیات ملک و ملت گردد بخود مشغول خواهند داشت، علاوه بر این رژیم سلطنت اندک اندک دارد از عالم محو می شود حالیه سلطنت فقط دولت انگلیس است انهم بواسطه منافع شخصی است چه در جمهوریت استفاده های بزرگی را که الان از مستعمرات خود مینماید تواند نمود و لو امروز هم ایران رژیم سلطنت اختیار کند دیر نپاید که مجدداً به تبدیل رژیم مجبور خواهد آمد، عمر من باخر رسیده ناچار انچه در خیر وطن و ان والاحضرت است بگویم نه مرفه ایران نه صلاح ان والا حضرت است که قبول سلطنت فرمایند و ان نام باید تاریخی خود را در ردیف اشخاص عادی قرار دهند و تمام اقدامات شفاف و خدمات صادقانه خویش را بلوث جاه طلبی و اغراض شخصی مشوب سازند فرضا امروز اگر بتوان بمردم گفت که مجلس مؤسسان چنین کرد ولی فردا تاریخ کشف جمیع مراتب سری را می نماید چه مسلم است ان والا حضرت که واقف بمقتضیات عصر هستند اگر زیر بار تکلیف سلطنت نروند مسلماً مجلس مؤسسان تن بریاست جمهوری حضرتت خواهند داد خوب است قبل از وقت ان والا حضرت مجلس مؤسسان را خبر دهند که برای قبول سلطنت حاضر نمیشوند در این صورت هم بیطرفی حضرتت باقی میماند و هم رژیم نافع جمهوریت در ایران قائم میشود، ملت که پیرامون سلطنت گشته از روی نا علمی و بی مدرکی است والا حضرت مربی ملت اند پدر ملت اند باید راه هدایت و ترقی را بانها بنمایند علاوه بر این رژیم جمهوریت مستحکم ترین حکومتها شناخته آمده چه سرعتی که سلطنتها از خانواده بخانواده دیگر تبدیل میشود جمهوریت نمیشود، رژیم جمهوریت مساوات را در ملت پهن نموده حتی ریاست جمهوری را بین افراد ان ملت مشاع ساخته فقط قابلیت و لیاقت را شرط قرار می دهد در حقیقت بزرگترین مشوق ترقیات افراد ملت رژیم جمهوریت است. اگر رژیم جمهوریت در ایران پیش نشود سرعتی که باید اعتبار و اعتماد سرمایه داران آمریک و اروپ بایران معطوف آید نخواهد آمد از روی فلسفه ثابت شده است که تار و پود سلطنت های شخصی مانند رژیم جمهوری پای دار نیست از این بود وقتیکه یونان برای استقراض دست بطرف آمریک و اروپ دراز نمود سرمایه داران شرط تبدیل رژیم سلطنت یونان به جمهوریت روی رضا در ادای وجه ننمودند امروز نه فردا امسال نه پنج سال بعد که ما بطرف سرمایه داران عطف توجه کنیم همین تکلیف خواهد شد، پس بهتر اینکه قبل از وقت خود اقدام نمائیم، فلاسفهٔ روم و حکمای بزرگ یونان که اساس جمهوریت را در عالم نهادند بزرگترین فلسفهٔ شان دو امر بود

اول اینکه اتحاد صمیمی و روابط حقیقی در رژیم جمهوری تولید تواند شد

دوم مساوات واقعی و عدل و قسط حقیقی جز به جمهوریت در یك ملت صورت نبندد و بزرگترین مشوق افراد به کسب لیاقت و قابلیت همانا رژیم جمهوریت است که هیچ مقام و مرتبه را از هیچ فردی از افراد خالی و دائمی از نمی گیرد

بر آن ذات والا پوشیده نیست که نفوذ و اقتدار یك خاندان ۱۵۰ ساله دریك مملکت بسرعت یکدفعه ریشه کن نمیگردد و فضله گیران آنها محو نمیشوند این فرقه با دنیاگویان مادی برخلاف حضرتت متفق آمده سیاست خارجی را با خود هم نموده تو و ملك و ملت را آرام نخواهند گذارد گویا ازهمان ساعتی که حضرتت پای بمسند سلطنت گذارید آغاز انقلابات تصور تواند شد

(حبل المتین)

اعلامیه والا حضرت پهلوی

مامورین دولتی اعم از مرکز و ولایات و اعم از لشکری و کشوری و اعم از اینکه در هر مرحله از مراتب اداری باشند باید بدانند و بفهمند که از ایجاد ادارات جز تنظیم امور مملکت واز اعزام مامورین جز تأمین رفاهیت اهالی فاسفهٔ دیگری مرکوز خاطر نبوده و سکنه این مملکت برای آن خلقت نشده اند که پیوسته کنجکاوی های مشتی وظیفه ناشناس را اقناع کرده گاهی باسم دولت و گاهی بنام ملت هستی آنها را مورد تاراج بگذارند

عمال دولتی چه مامورین خارج وچه کارکنان داخل باید بفهمند که قبول ایرانیت مترادف باتحمل جور و ستم نبوده کلیه اشخاصی که در زیر لواء شیر و خورشید مجتمع هستند باید از هر تعرض مصون وحقوق آنها از هر حوادثی محروس بماند

اکنون برای اینکه رفع ظلم وتعدی از قاطبهٔ ایرانیان شود و این موضوع مهم در تمام نقاط بصورت جدی تلقی گردد بتمام ساکنین این مملکت و اطرف و اکناف آن قویا اعلام میکنم که از این تاریخ هرکس از هر ماموری اعم از لشکری و کشوری طرف اجحاف و تعدی واقع گردد فورا اسم و رسم آن مامور را با ذکر موارد و مراتب و میزان تعدی و اگر ممکن است با ارائه آثار و علائم آن نوشته اگر متظلمین در مراکز شهر ها و قصبات و نقاطی باشند که پستخانه در دست رس آنهااست مراسله خود را توسط پست باسم خود من مستقیما ارسال دارند تا ملاحظه و رسیدگی و احقاق حق بعمل آید

وهرگاه متظلمین درنقاط دور دستی مسکون باشند که قادر به طی مسافت راه نباشند وزرات داخله مکلف است که در نقاط مزبوره در حدود دو فرسخ فاصله فورا صندوق برای قبول شکایات وارده نصب واهالی را مسبوق به مقصود نموده و آزادی تام به آنها بدهند که بلاتردید شکایات خودرا باسم من نوشته تسلیم صندوق مزبور نمایند و متعاقب این اعلام بلا فاصله باید یکی از اهالی بلد را مامور نمایند که ماهی دو مرتبه محتویات و پاکات صندوق را استخراج و بدون هیچ گونه حق الزحمه و اجرت المثل تمام آنها را بمرکز پستخانه محل رسانیده عینا تحویل رئیس پست نمایند رؤساء پست محل نیز عموما موظف هستند که مکاتیب مذکور را مجانا و بدون حق تمبر پست تحویل گرفته مستقیما و ممتازا برای من ارسال دارند تا باین ترتیب که سریعترین اقسام رسیدگی شمرده میشود هرکس درهر نقطه هست آزاد در اظهار تظلم بوده و هیچ کس قادر به تعقیب رویه های سابق نگردد

وزارتین داخله و پست باید مدلول این امر را فوری بمراکز لازمه ابلاغ و در ضمن نصب صندوق باید از طرف وزارت داخله بتمام حکام و نایب الحکومه های ولایات حتی به کدخدایان و متنفذین محلی عموما اخطار شود که اگر از طرف هر یك از انها نسبت به متظلمین و تقدیم مکاتب آنها مختصر مزاحمتی بعمل آید و یا متوسل بمراحل تهدید و تطمیع بشوند و یا در محتویات صندوق اعمال نظری نمایند و یا اگر از طرف رؤساء پست محلی اهمال در قبول پاکات و ارسال آن شود قویا تعقیب و مجازات خواهند شد

ایرانیان مقیمین خارجه نیز عموما در همین ردیف محسوب و چنانچه شکایات قابل استدلالی از هر یك از وزراء مختار و قونسول ها و کلیه مأمورین دولت ایران در هر رتبه و مرتبه داشته باشند استدلالات خود را (بشرط منطقی) تلگرافا یا کتبا تقدیم نمایند تا الها نیز از اقسام تعدی مصون و مستظهراله مشغول کار و کسب خود باشند

ضمنا این نکته دقیق را نیز قطعا خاطر نشان میکنم که همانطور که حفظ رفاهیت عموم سکنه ایران در مقابل تطاول مأمورین دولت جزوتکالیف وجدانی و مملکتی من است همان قسم حفظ حدود نمایندگان دولت نیز از هر گونه اتهام و نسبت بی مورد و حفظ احترام و موقعیت آنها از اولین وظایف قطعی من شمرده خواهد شد

در این صورت نظر باینکه در مقابل شکایات وارده شخصا اقدام برسیدگی و قضاوت خواهم نمود عموم متظلمین باید دقت در شکایات کرده مطالب خود را مطابق با حقیقت و بیان واقع نوشته و احتراز نمایند از اینکه تظلمات را آلوده باغراض شخصی نموده و یا در مقام سوء استفاده بر آیند

زیرا بالاخره همانطور که مأمورین متعدی تسلیم کیفر و مجازات خواهند شد از مغرضین متهم نیز قطعا صرف نظر نخواهم کرد

تا عاقبت هر کس در هر حدی هست حدود و تکالیف خویش را تشخیص داده و طرفین مستظهر بنوامیس عدالت و حقیقت باشند

بریئس حکومت موقتی مملکت (رضا)

حبل المتین

این حکم محکم و امر مؤکد برای یک ملت ستم رسیده ظلم دیده روحی تازه تواند بخشود و در حقیقت دال است بر حسن نیت و ملت نوازی والاحضرت پهلوی . فی‌الواقع نمونه از سلسله ایست که سلاطین دادگر باستانی برای رفع ظلم از رعایا اتخاذ می فرمودند فقط چیزیکه علی شمره است همانا عملی بودن این اصول دادخواهی می باشد ، چه یاد داریم پنجاه سال قبل ناصرالدین شاه وقتیکه بخیال دادخواهی اوفتاد صندوق عدالت با مامورین مخصوص بهر شهر و قصبه فرستاد و مردم هم عرائض تظلم و دادخواهی خودشان را در ان صنادیق می انداختند ولی چون ناصرالدین شاه تمام قصدش گول زدن مردم و بخواب انداختن اهالی بود ذره هم مثمر ثمر نگردید ولی والا حضرت پهلوی را نیت پاک و این عمل را از روی صمیمیت فرموده اند البته اوامر امروزه واقتدار و نفوذیکه دولت درزوایای مملکت حاصل نموده کمک بزرگی باین رشته عدالت گستری تواند بخشود با این همه بازهم از اظهار عقیده خود ناچاریم که درعملی ساختن این اصول دولت دوچار اشکالات و مصارف زیاد می گردد، هر زمان مقتضی یک گونه عملیست امروزما میبینیم در آمریک ، انگلستان ، فرانس وغیره که می توان گفت بهترین اصول نصفت و عدالت را نسبت بزیردستان مراعت میشود اصولی سهل‌تر و بهتر از این اختیار کرده اند اگر ما نیز همان اصول را اختیار کنیم بهتر و آسانتر خواهد بود، راست است برای رفع ظلم ازمامورین دولتی برعایا بوسیل عاجل بهتر از این اصولی نیست ولی برای دوام عدالت در مملکت این اصول عملی نتواند شد ، والا حضرت اگر می خواهند عدالت شان عمومی و بسط و دوام حاصل نماید باید بسرعت هرچه تمامتر قوانین جزاء عرفی را از مجلس گذرانده و در زوایای مملکت حتی دهات ساری و جاری دارند ، اجرای قوانین جزاء عرفی نه تنها رفع ظلم مامورین دولت را از رعایا می نماید بلکه جلوگیری از ظلم هر زبردستی بزیر دستی می کند و جمیع طبقات را تا اندازه در حدود خود می نشاند ، درجمیع بلاد متمدنه دنیا بهترین حافظ حقوق و رفع ظلم همانا اجرای قوانین جزاء عرفیست یاد داریم در ایام فرمان فرمائی لارد کرزن که زبردست ترین نائب‌السلطنه هائی بود که به هند آمده در عمارت و اطاق شخصی شان سرقتی واقع شد به یک نفر از ملازمین که فقط دوازده روپیه مشاهره داشت شبهه رفت عملجات لارد کرزن اورا گرفته در اطاقی حبس ساخته به رئیس کل پلیس که (کمشنر) می گویند اطلاع داده شد ، کمشنر شخصاً حاضر شده درب اطاق ملازم متهم را باز نموده در حالتیکه خود لارد کرزن هم حاضر بود وی را بدست پلیس داده بردند ، پس از تحقیقات زیاد چیزی بدست نیامد چون راه ثبوتی پیدا نشد ملزم را رهائی بخشودند شخص متهم پس از رهائی عریضه شکایت بقاضی عدالت جزاء عرفی از شخص نائب‌السلطنه و چند نفر اعضای ایشان برحسب مواد مخصوصه پیش نمود و قاضی ناچار حکم احضار باقایان داد منجمله در عریضه خود نگاشته بود که یک ساعت و چند دقیقه بدون ثبوت جرم اورا در اطاق حبس کردند و گواه خودرا نیز کمشنر و بعضی از اعضای پلیس طلب نمود و خواهش کرده بود که چون مدعیان وی بزرگ و قوی اند و او فقیر و کوچک است این مرافعه را از طرف تاج یعنی شخص دولت پیروی شود ، چون سخنان وی بر طبق مواد قانونی بود قاضی ناچار ماند ، مشاورین قانونی نائب‌السلطنه چنین صلاح دادند که ملزم را راضی ساخته مرافعه‌را از عدالت جزاء عرفی بیرون آورد و گفتند اگر چنین نشود تمام برحسب قانون خواهند سزا یافت

بواسطه همین عدالت است که در ممالک متمدنه زیر دستان آسوده و زبردستان مهذب ومؤدب میگردند ملک مامور میشود تجارت زراعت صناعت همه بارونق میگردد، در مملکتی که قوانین جزا عرفی جاری نیست هیچ نیست تمام اهالی ان مملکت در آن واحد هم ظالم اند وهم مظلوم ، بزرگترین مربی اخلاق یک ملت اجرای قوانین جزا عرفی بین آنهاست ما تمام خرابی ایران را از کج اخلاقی ملی می دانیم و این کج اخلاقی محال است از عموم رفع گردد جز ببرکت قوانین جزای عرفی چیزیکه ازهمه بیشتر ملل روپارا متمدن و مهذب جلوه داده همانا اجرای بلا استثنای قوانین جزاء عرفی است اروپائی متمدن است مهذب است با دیانت است صاحب اعتبار است فقط در دائره قانون ، اگر ازدائره قانون خارج شد اخلاق آسیائیان بر آنها مزیت پیدا می کنند، عنصر اروپائی را عقیده این است که انسان باید کارها را نوعی بکند که از روی قانون ملزم نگردد - دائره این سخن خیلی وسیع و بحث در آن ما را از موضوع خود خارج مینماید- بر گردیم بمطالب خود که اعلامیهٔ والا حضرت پهلوی باشد - بعقیده ما برای رفع ظلم از ملت بهترین اصول اجرای قوانین جزاء عرفی است - عدالت جزائی بزرگترین مترس متجاوزین وبهترین پشت وپناه زیردستان است و این امر معمول به تمام ممالک متمدنه است ولی اول شرط عدالت جزای عرفی آنست که تبعیض درکار نباشد

چنانچه نگاشتیم فرمان فرمای مانند لارد کرزن از خوف عدالت جزائی مجبور گردید که ترضیهٔ خاطرادنی نوکرخویش راحاصل نماید عدالت جزاء که بهترین مربی اخلاق قوم شناخته آمده اولین شرطش آنست که در آن عالمه امتیاز بزرگ وکوچك نباشد باجمیع طبقات یك سان نظرشود غنی و فقیر نشناسد با اینکه عدالتهای هند را درجه سوم عدالتهای ملل متمدنه باید گفت باز هم دیده میشود که حکومت برای اجرای کوچکترین حکم عدالتهای خویش صرف هزاران لیره حتی [illegible] استعمال قوای خود وزد و خورد های بزرگ حاضر میگردد از این است مردم وقتی درخانه های خود هم تنها نشسته اند از خوف قوانین جزاء عرفی باملازمین خود باسنتهای ادب صحبت میکنند چه خوف ان دارند اگروی را دشنام دهند فوراً اظهارا محکمهٔ جزا کشیده سرای [illegible] که در خور ان دشنام است با اوان بدهند این خوف و بیم طبعاً مردم را مهذب میسازد معقول وخوش اخلاق جلوه میدهد ــ بلی بزرگترین عیبی که در عدالتهای هندوستان دیده میشود همانا کثرت مصارفیست که عارض و معروض باید متحمل گردند واین عیب هم بجای خود نافع واقع شده یعنی بیشتر سبب ترس مردم از رفتن بعدالت گردیده است نزرگترین بد اخلاقیهای امروزه ما خصوصاً بزرگان این است که بدون خوف و بیم هرچه بدهان شان آمد بطرف و زیر دست خود میگویند کتك میزنند فحاشی میکنند مال مردم را میخورند رشوه میگیرند و و و چرا قانون جزاء عرفی درکار نیست قوانین جزاء عرفی درمملکت جاری نیست حتی مهذبترین طبقات ایران که روحانیین شناخته شده دیده میشود که زور گوئی و زبردستی شان نسبت بزیردستان باندازه است که در هیچ جای دنیا هیچ ملت بهیچ تحمل نتوانند نمود آیا می توان تصور کرد که در ۸۰ ملیون نفوس اسلامیه هند طبقهٔ روحانیین نیست؟ در میان شیعی علمای بزرگ نمی باشد؟ البته هست وبسیار هم هست ولی درمحکمهٔ جزاء عرفی عالم و جاهل بزرگ و کوچك ، فقیر و غنی یکسان اند این است که هر طبقه برای حفظ عزنفس خود و ازخوف بدنامی خویش قسمی مؤدبانه و مهذبانه سلوك می نماید که کارش بمحکمهٔ جزاء عرفی نکشد از همه بالا تر آنکه کسیکه در محکمهٔ جزاء عرفی یك مرتبه محکوم گردد از شرف و شئوناتش قانوناً بقسمی کاسته میگردد که قابل شرکت در مجامع عمومی نمی ماند در هر عهده از حکومت باشد مادام العمر از خدمت دولت قانوناً بر طرف می گردد در انتخابات شوروی اعم از بلدی و شوراهای محلی وغیره برای همیشه محروم است زنده است ولی مانند مرده و اگردر مجلسی وارد شود طبعاً خودش شرمنده است ولی مجرمین سیاسی که محکوم جزای عرفی می گردند از این قوانین هتك شرفی مستثنی می باشند

بالجمله ما تصدیق داریم که برای رفاهیت فوری عامه اعلامیهٔ والا حضرت نافع است و مترس بزرگی برای متجاوزین از مأمورین لشکری و کشوری می گردد ولی باز هم عقیده خود را تکرار میکنیم این حکم عملی نیست وتمکن نخواهد شد در کافهٔ مملکت کسب عمومیت کند و دولت بقدر نتواند گردید بسزا وجزا کافهٔ متجاسرین ، علاوه براین نقیصه دیگری هم شامل باین عمل می گردد و آن این است که در هر شهر و قصبه و قریه دولت مجبور خواهد گردید که روزانه چندین محاکم موقتی برای تحقیق قصور مجرمین تشکیل داده و لغو نماید و این عمل علاوه بر اینکه مورث مصارف زیاد برای دولت می شود اوقات مامورین را بقسمی خراب می نماید که بوظائف ماموریتهای اصلی خودهم نخواهند توانست رسید و این حکم حکمی نیست که توان در دولت مشروطه جاری داشت و تحقیقات مأمورین صورت قانونی نتواند گرفت این گونه احکام برای دولتهای مستبد که مرجع تمام کارها شخصی رئیس حکومت شناخته آمده تا درجه مفید واقع میگردد ولی در ممالك مشروطه که دارای قوانین و راه و مشی هر طبقه معین گردیده مولد هرج و مرج تواند گردید واینگونه اعلامیه هارا در تاریخ آمده باتمداد شخصی حل خواهند نمود امیدواریم والا حضرت اقدس باهمان جدیتی که قانون نظام اجباری را از مجلس گذرانیدند قانون جزاء عرفی را نیز ازمجلس گذرانیده و محاکم جزائی در هر شهر و قصبه و قریه باندازهٔ خود تشکیل فرموده تا عدالت و نصفت حقیقی که مرکوز خاطر شان گردیده در عامه ملت و زوایای مملکت جاری و ساری گردد و کلیه افراد ملت آسوده مهذب حدود شناس گشته برای عدالت های ایران نیز شرف و آبروئی در خارج پیدا گردد ما حسن نیت و پاکی طویت والا حضرت پهلوی را در این اعلامیه تقدیر نموده ولی منافی با وجدان وخیر خواهی آن ذات والا میدانستیم که حقیقت امر و حق واقع را به پیشگاه شخص شخیص شان عرضه نداریم

§ دوست آنست که عیب تورا §
§ همچو آئینه رو برو گوید §
§ نه که چون شانه باهزار زبان §
§ در عقب رفته مو بمو گوید §

معارف

این اوقات در جرائد ایران در باب تعلیم اجباری و توجه ملت به این مسئله حیاتی زیاد دیده می شود می توان امیدوار شد که گفتگو و مباحثه در این مطلب بالاخره منتهی با نتیجه مطلوب گردد. اخیراً فاضل محترم آقای تقی زاده در مجله آینده شرحی نگاشته و با قلم توانای خود کاملا مسئله را تشریح نموده و عقیده خودرا در تعلیم ابتدائی و عمومی اظهار داشته بودند این رای چندان تازه نیست بلکه مدتی میگذرد که دانشمندان پی به این نکته برده و بر این رایند که هر فرد انسان همین طور که حرف میزند و حرف می شنود در نزدیك باید حرف خودرا به راه دور بشنواند و از راه دور حرف را بشنود بعباره آخری هرچه فکر می کند بتواند بنویسد و هر قدر درك می کند بتواند بخواند . صاحبان این رای می گویند حوائج بشر طوری است که انسان بدون شنیدن از دور وشنواندن بدور یعنی بدون نوشتن وخواندن دارای علتی است مانند کوری و کنگی بعضیها از این میزان هم تجاوز کرده و گویند دنیای موجود طوری حوائج بشر را بهمدیگر زیاد و مربوط گردانیده که ندانستن زبان یك دیگر یا نخواندن خط یك دیگر خود یك علت تباهی است و باید این دنیا که چندان بزرگ هم نیست و حالیهٔ اطرافش را می توان به مدت کمی دید سیر گرد دارای یك زبان و یك خط گردد تا آنکس که در شیلی امریکای جنوبی نشسته و خاك پر قوت یا کود معدنی خودرا به بنگاله در هندوستان می فرستد و آن خاك و آب گنگا برنج مزروع خودرا پرورانیده به مملکت دانمارك می فرستد تا با روغن سیبریا مخلوط شده و خوراك شخص آلمانی شود این مردم که بوسیله همدیگر دارند رزق خدارا میخورند همه هم زبان گردیده به یك زبان و بایك خط حرف زده و مقاصد خودرا بهمدیگر برسانند . در این نگارش ما کار به رای عالی و عقیده زبان بین المللی نداریم مقصود از بیان ثبوت وجوب سواد خواندن و نوشتن است که هر فرد بشر باید آن را داشته باشد همان طوری که باید زبان و گوش داشته باشد و اگر نداشته باشد ناقص الخلقه است پس هر فرد بشر باید سعی کند که علت بی سوادی را درمیان مخلوق خدا رفع گرداند تا بتوانند صدای دور را بشنوند و مقصود و منظور یکی را که از انها دور است بفهمند . تا این درجه تعلیم اجباری را کسی نمی تواند منکر شود یعنی انکسی که خیرخواه بشر است منکر نمی شود و لزوم آن را هم همانطور که لزوم شیر را برای طفل خیال می کند باید خیال کرد وحقیقت این است این مطلب زیاد دلیل و برهان نمی خوهد هر ملتی که بحد رشد و بلوغ رسید با سواد شدن افراد خودرا از فرائض ذمه خود می داند همان طوری که مادر بحکم طبیعت در پرورش طفل خود و حفظ آن از حوادث عمل می کند درجه دوم آن حال طبیعی مادر را ملت به نوباوگان خود دارد. تا اورا بوسیله سواد اشنا ساخته گویا وبینای اوضاع و حیثیات ملیت خود نماید . از این مرحله که گذشت باید گفتگو از تعلیمات عالیه شود در این باب هم خیلی گفتگو شده ولی تا جائی که تجربه شده مسئله میان مانده و حل نشده است تصور می شود هرگاه تعلیم ابتدائی را اجباری نموده و تمام بچه‌ها را با سواد ساخته رهایشان سازند تعلیمات عالیه خود بخود بحدی که لازم است طبعا حاصل خواهد شد و بقدری که تربیت جامعه طلب نماید موجود میشود چه تعلیمات عالیه چیزی است که عمده آن باید محل حاجت باشد مثلا مهندسین یا منجم یا داکتر در دوره جهالت باید آب دار باشی و منشی حضور و میر آخور گردد اما اگر ملت با سواد گردید و توانست خیال جامعه را بفهمد و خیال خودرا بجامعه فهماند بتوسط تحریرات انوقت اگر مهندسین لازم شود پسر میر اخور یا منشی حضور دیگر دنبال کسب پدر نرفته خود بخود میرود درس مهندسی میخواند تا حاجت ملت را روا ساخته و خود بهتر متمتع گردد هر قدر هم پدر اورا منع کند پسر بخواهش خود که محل حاجت جامعه است مصر خواهد بود

در سی وچهل سال پیش که اهالی هندوستان چندان متوجه خیالات مغربی که بر مملکت شان احاطه کرده بود نبودند و می خواستند بواسطه جاهل ماندن خود به محیط که باعتقاد امروز انها بی‌اعتنائی ودوری است حریف را از میدان بیرون کنند و هر کس تعلیمات اروپائی داشت یا به اروپا میرفت اورا مردود می دانستند جوانان انروز که شوری بسر داشتند بطور فرار و یا بطریق نوکر شدن یا حتی بوسیله تکدی خودرا بر کشتیهای اروپائی سوار ساخته و به لندن رفته و به مشقتهای دلگداز تحصیل علم حقوق و داکتری که بیشتر محل حاجت روزشان بود کرده و بهندوستان بر می گشتند امروز آن فضلا بعضی درگذشته اند وبعضی هنوز درسن پیری مشغول خدمت ملت اند و برکات مشقت ها و تعلیمات انها است که خیالات مردم این کشور پهناور را حالی بحالی ساخته بعد از انها دیگر تغییر در خیالات جامعه پیدا شده و امروز کما بیش بقدری که جامعه ملت طلب کند علمای علوم عالیه در این مملکت موجود ا .

کسانیکه اندك تجربه به حالات وروحیات این ملت دارند میدانند که موانع تعلیمات اروپائی چه قدر بوده و چطور احتیاج جامعه به آن تعلیمات آن موانع را برطرف کرده وامروز برهمن مدراسی که منصب ترین برهمن هندوستان است و نمونه (سری شنکر اچاریا) [سری شنکر اچاریا برهمنی بود در جنوب هندوستان که بعد از انکه طریقت بودا تمام قسمت شمال هندوستان را فرا گرفته بود بعد ازدوره سلطنت اسوکا و گپتائی ها وی برخلاف مذهب بودا قد علم کرده وبودائی را ازهندوستان برانداخت و دوباره طریقت هندوئی وکفتار وید را جاری ساخته و طبقات چهارگانه مردم بطوری که قبلا بود برقرار شد] است مهندس است ولباس اروپائی پوشیده درخطوط راه آهن هندوستان مرکزی باکفارفرات همکار وهم درجه و هم مشرب است ، یا انکه داکتر بنگالی درقشون مستخدم شده و در سرحد بلوچستان مرضای لشکری راجپوتی را مداوا میکند .

برخی را عقیده این است که اصرار داشتن در تعلیمات عالیه چندان مفید بحال جامعه نیست وقتی شخص دقت در دلایلشان کند می بیند بر بی ربط هم امیکویند کویند مبلغهای زیاد بابی مصرف کالجها و یونیورستی شده وعمرهای درخشان جوانی فدای علوم مختلفه و اطلاعات بسیط کردد تا طلبه داخل در کالج است آن اطلاعات در حافظه او رقص میکند اماوقتی پادر دایره زندگانی وعمل کذاشت همه آن محفوظات فرار کرده و انچه را که بوسیله آن اصرار زندگانی میکنند باقی خواهد ماند وغالبا دیده شده است که در مشرق عموما این طلاب بواسطه آن مقدمات علوم بخود مغرور کردیده و راضی به زحمت و رنج دست خود نشده به امید زندگانی درجه عالی تن به نوکری داده سعی می کنند درادارات حکومتی خدمت کنند یا درتجارت خانها به آرزو میکذرانند این اشخاص بجهة آن تئوریهای که مانند تارعنکبوت دردماغشان تنیده به مخارج لباس وزینت های عالی ای بسا که مجبوربه خیانت وبی رویه گی که در زندگانی کردند ، بدیهی است منکر تعلیمات عالیه احدی نمی تواند بشود اما تا آن درجه که جامعه تقاضا داشته باشد و بکاربخورد ، ما ملل شرق خیلی باید پشت و روی کار را دیده قدم بدقت برداریم ما قوت خیالیمان بیش ازقوت عملی است ما ملل حرف زن وراج شاعر خیالی هستیم و عمارت دماغ وترکیب فکر وخیالمان طوری است یاطوری پرورش یافته که ظاهر ومبادی کارها را دیده وبخود فرصت نمیدهیم که درکار فکر کرده و عمیق شویم اولا باید فکر کرد و دید که تعلیم برای چه خوب است ؟ ما تعلیم میکیریم که در عمر خود فائده از زندگانی برده عمر نورانی کذرانیده و در پرتو نور زندگانی وعمرملیت خود و اجتماعات برفاهیت بکذرانیم نه اینکه تعلیم بگیریم که یك زندگانی عبوس پر از خنجر برای خود تدارك کرده و از اثر آن همه مخلوق خدارا بد و خود را خوب بدانیم یا دیگران را جاهل وخود را که از دانستن اسم چند ستاره و کردش انها که کفتگو می کنیم عالم و افضل شمریم و توقع داشته باشیم آن زارع که از نتیجه عملی نان تحصیل کرده بیاورد و بما بدهد بخوریم تا ما اندازه فلان کره یاستاره اسمان را برداریم ، اکر ما عقیده داشته باشیم که از معلم باید عمل کرفت انوقت فکر کرده و آب وهوای ممالکت ومقتضیات منطقه که در او ساکن هستیم نظرآورده وازتعلیمات اروپائی و امریکائی وافریقائی و آسیائی هر انچیز که مناسب حال ما موافق آب و هوای ما باشد انتخاب کرده آنرا قبول کرده وخودرا به آن تربیت بدهیم و اسم آن را بکذاریم تعلیمات ایران خواه الها در جاهای دیکر ابتدائی باشد خواه انتهائی زیرا این دوره و زمان آینده دوره و زمان حرف نیست دوره خیال نیست دوره دوره دیکر است باید ما مردمان خیالی حرف زن شاعر روضه خوان اصلا اعصاب خودرا ساختمان بدن خود را روزنه های عمر خودرا راه روح خودرا بالمرة ما انع سمی ام لم یسم شسته و شودهیم بعضی ما را محکم کنیم حاصل اینکه نوشویم وبقول علی ابن ابی طالب آماده ومهیای زمان اتیه کردیم وطریقه اش این است که خودرا عملا تربیت کنیم هماطوری که نبایست زیاد بعلوم عربی و زد و خورد عمرو وزید و تئوریهای کوناکون توجه کنیم حالا هم نباید پر اصرار به فرمایشات مرحوم روسو یا خدا بیامرز شکسپیر داشته باشیم و عینا نزاع علمای اعلام دیروز را در محافل إلی بر سر منجسات امروز توسط مفرنگان بی اصول برسر تئوری والتر ونظریات داروین تجدید نمائیم و روح خسته ایرانی را خسته تر کردانیم -

وقتی که ما می گوئیم تعلیمات عالیه مراد تعلیمات مغربی است که درمدارس اروپا تحصیل میشود یا مثل مدارس اروپا ، این تعلیمات هم باز بردو قسم است یك قسمت آن عملی است که بباب دندان وموافق ذوق مال شمال اروپا است که چندان آن علوم درخشان ومجلس ارائیست وکمتر ازان علوم ونتیجه آن ما (هنری فورد) بیرون می آید بلکه شال حکایت چکش است وآهن وعمرهاتین وپشت لبارتری یا ذره بین وحاصل زحمت کشیدن وصبر کردن وحرف کم زدن لازم دارد یك قسمت دیکر از تعلیمات باب

دندان ما مال شرق خصوصا ایرانی شاعر است مافقد علم حقوق هیئت تاریخ فلسفه و از این علوم که آدم زیاد باید ور بزند تا رنگش زرد شود موی سرش سفید کردد حالت عبوس با وقار و طمانینه اختیار نماید

اما قسم اول که علوم عملی است در اثر تعلیم اجباری ابتدائی خواهی نخواهی پیش خواهد آمد چه ملت وقتی قدم اول را برداشت طبعاً تقاضایش زیاد شده و هر اسی میرود عقب تحصیل علومی که ملت لازم دارد و زمان عدهای علوم را موجود میسازد

امر بر سر قسم دوم که علوم خیالی و ترویری بنظر نگارنده ما باید زیاد در فکر تحصیلش باشیم آن علوم در اب و هوای مشرق موجود باید فکری کرد که کم شود لازم نیست تدارك ان را نمود باور نمارید بروید در طهران و یا بنشینید در میان این همه اروپا رفته یکنفر آهنگر یا معمار تحصیل‌کرده کامل یافت میشود ، هرچه بخواهید عالم حقوق ، عالم سیاسی ، ادیب وراج ، سخن باف پیدا میشود بیائید در کاکته خروار خروار ام . ای . تن تن بی . ای می بینید که بیشتر مایوسند غالبا بیکار واگر کار دارند مطابق آرزویشان نیست زیرا این مردم همین دویده وتحصیل علم کرده اند پیش از دخول در مدرسه فکر نکرده اند که علم را برای چه میخواهند و چه چیز از این دهر طلبکارند .

هرگاه ما ایرانیها در شروع کار تعلیم و تربیت را باهم به مردان آینده ایران می اموختیم بهتر بود زیرا تجربه ثابت کرده است که تحصیل علم و کله را پر از محفوظات کردن چندان زندگانی و اخلاق جامعه را درست نمیسازد تربیت است که اساس و شالوده زندگانی درست و به زبان ساده ستون قویم ملیت است در این شماره دیگر حد زیاده روی ندارم در شماره های بعد انچه بنظر قاصرم رسیده و تجربهٔ در این کشور وسیع نموده ام بعرض هموطنان خود میرسانم .

(یکنفر صادق)

قوانین دادن قرض بزراع ایرانی از طرف دولت

ماده اولی — وزارت مالیه مجاز است از محل وجوه تقاعد و در حدود هفت عشر از مجموع وجوه مزبور قرضه هائی برطبق مواد ذیل بمالکین ایرانی اعطا نماید

ماده دوم — میزان ربحی که در ازاء قرضه دریافت خواهد شد صدی ۷ خواهد بود

ماده سوم — وزارت مالیه میتواند تا میزان صد سه از صدی هفت مزبور را برای اجرای این قانون بمصرف مخارج اداری برساند و صد چهار بصندوق تقاعد تسلیم شود

ماده چهارم — حد اکثر هر قرضه سه هزار تومان خواهد بود و برای این که حتی‌الامکان عده کثیری از فواید این قانون متمتع شوند قرضه های کم مبلغ بر سایر قروض مقدم خواهد بود و در هر صورت این قرضه تکرار نخواهد شد مگر بعد از پرداخته تصفیه حساب استقراض اولیه

ماده پنجم — قرضا فقط برای مقاصد مخصوصه ذیل که باید در تقاضا نامه استقراض کنندگان قیدشود اعطا خواهد گشت - خرید بذر - اصلاح وسائل زراعت و آبیاری - نقفه قنوات و ساختن ابنیه رعیتی خرید چارپایان - خرید دستگاه ها یا ماشین آلات زراعتی

ماده ششم — درخواستهای تقاضای قرضه بعنوان وزارت مالیه مستقیما یا بتوسط امنای مالیه ولایات ارسال و وزارت مشار الیها مادام که وجه موجودی داشته باشد و تقاضا دهنده واجد شرایط این قانون باشد نباید تقاضا را رد نماید

ماده هفتم — در صورت درخواست تصویب قرضه از طرف وزارت مالیه گیرنده باید رهن نامه ملکی را که لا اقل سه برابر مبلغ قرضه ارزش داشته و مالکیت مطلق آن درباره مشار الیه مسلم باشد بوزارت مالیه تسلیم نماید - مضمون رهن نامه باید قسمی باشد که در صورت کوتاهی شخص مدیون از پرداخت اصل و ربح قرضه در مواعد مقرره وزارت مالیه بموجب اختیارات آن بتواند بفوریت املاك مرهونه را تصاحب نماید

ماده هشتم — ملکی که برحسب مقررات ماده فوق تصاحب میشود سی روز بعد بوسیله اعلان بمعرض بیع گذارده شده و به اعلاقیمت مزایده به فروش خواهد رسید

فروش ملك سی روز بعد از تاریخ اعلان مزایده بعمل خواهد آمد - در صورتی که خریدار یافت نشود یا اعلاقیمت پیشنهادی کمتر از بدهی شخص مدیون باشد وزارت مالیه مختار خواهد بود یا اعلاقیمت پیشنهادی را قبول کند یا تمام پیشنهاد هارا رد و از ملك شخص مدیون مقداری را که قیمت فروش آن مساوی دین مشار الیه باشد تصاحب وجزء خالصجات دولتی منظور دارد درصورت فروش ملك اگر بعد از برداشت اصل و فرع قرضه و مخارج فروش چیزی باقی بماند بقیه در وجه شخص مدیون تأدیه خواهد شد

ماده نهم - مدت استقراض هیچك از قرضه هائی که بموجب این قانون اعطا می شود بیشتر از سه سال

بوده و قروض حکم مدت مقدم خواهند بود و وزارت مالیه میتواند استرداد دین را به ترتیب اقساط مقرر دارد

ماده دهم — هرگاه درخواست کننده قرض ملکی را که می خواهد وثیقه قرضه قرار دهد مالک نباشد و قبل از اعطای قرضه خلاف او ظاهر شود صد پنج مبلغ تقاضا شده ازاو ماخوذ میشود — اگر بعد از اعطای قرضه خلاف اظهارات استقراض کننده معلوم شود وزارت مالیه میتواند اصل و منفعت قرضه را بعلاوه خسارتی که از این راه متوجه او شده از هر نوع مال دیگر مدیون اخذ نماید — چنانچه معلوم شود قرض کننده مبلغ استقراض را در غیر موارد مصرحه در ماده پنج مصرف کرده است دولت میتواند بدون رعایت مدت مبلغ قرضه با منافع مدت گذشته را از مدیون دریافت سازد

ماده یازدهم — در صورتیکه بعد از انجام معامله کشف و ثابت شود که ملکی در موقع معامله دارای عیب و موجب خسارت دولت بوده و مامور مالیه متصدی آن معامله یا معروف آن معامله دانسته و فهمیده مستور داشته است علاوه بر جبران خسارت وارده آن مامور بر طبق قانون استخدام کشوری محاکمه و مجازات خواهد شد .

ماده دوازدهم — وزارت مالیه مامور اجرای این قانون و تهیه نظامنامه اجرائیه آن میباشد .

ابواب جمعی هنوز زنده است

در زمانی که پرتو لامعه همت احرار کاخ پوسیده استبداد قجر را متلاشی ساخت و در ایامیکه طومار فرسوده احکام فرد پیچیده شده و مبدل باحکام شوروی گشت و در موقعیکه صحایف آمال امت در اولین جلسه مجلس دار الشورای ملی انشا ولوای حریت در مملکت افراشته گردید این نگارنده صغیر السن و تمیزی بین قدیم و جدید نمیدادم و تا امروز که در تحت لوای حریت پرورش یافته ام و بمحاسن او متنعم بخاطر ندارم که احکام استبداد چه طور بوده و چگونه است تا وقتیکه اخیراً با رفیقی عزیز مسافرت به لارستان نمودیم — اول قدمی که باینخاك نهاده شد بلوك جویم بود در اول وهله یك نوع حیرت عظیم برمن مستولی گشته نزدیك بود که شعور خود را بیلازم رفیقم ملتفت شد گفت چه خبر است گفتم چیز ها می بینم که در عمرم ندیده ام وراست گفته اند که لیس الخبر كالمعاینه — انچه سابقاً در جراید می خواندم یا از قبیل کتاب الف لیله می پنداشتم نمی فهمیدم که چرا یك قسمت از برادران ما اینجور اسیر و ذلیل یك شخص اند ؟ چرا کسی در فکر این بیچارگان نیست ؟ و آنانرا باین نوع جانوران انسی سپرده که بمراتب از جانوران اجم درنده تر و بی انصاف تر اند کو آزادی و مساوات و کجا است ان حریت که قدم بانجا ها نگذاشته ! و ما عمر خود را در محل آزاد تا امروز گذرانیدیم بخیال ما این نعمتی است که باقی هموطنان ما نیز از ان محروم نیستند واقعاً که تمتع و راحت چند ساله برمن حرام گشت و دیگر هم حرام است اگر من بجای خود بر گردم و این هلك زندگان باین حال باقی بمانند ! برفیقم گفتم که آیا انصاف است در یك مملکت و در یك وطن مردمی باین ذلت و خواری و مردمی عزیز و آسوده باشند رفیقم گفت برویم که راه در جلو است و دیگر غرایب خواهیم دید ! از سر تا سر این بلوك گذشتیم همانطور زندگانی اهالی در حال احتضار همه از سموم رایج بحال خزان هر کس هر کاری میکرد و بهر جا میرفت می گفتند بامر خان است شب در یکی از قرای بلوك بسر بردیم جمعی بدیدن ما آمدند حکایاتی که از مظالم رایجه بلوك می نمودند زیاد تر متالم و متاثر شدیم مدخول سالانه او از مالیات سرانه و بهایم و عشور مزروعات و دیمه کاری و جرایم و تقدیمی از کلانتران دهات و رسوم نخیلات وغیره بالغ بر یك صد و پنجاه هزار تومان قلم داد می کردند و بعلاوه هر کاری که خان داشته باشد از قبیل فعلگی ساختن عمارات و خانه و کوبیدن خرمن ها و حمل و نقل اجناس تماماً باید رعایا متحمل و سخره شوند برفیقم گفتم به این دنیای ایران چه خبر است وزارت پست و تلگراف می گوید عملی از برای مد سیم تلگراف که زیاده از ۳۰ هزار تومان نمی شود از شیراز به لارستان ندارم و مدخول یك ضابطی که تقریباً ۲۵ قریه تابع اوست چه قدر می باشد من از دولت کنونی زیاد تر متعجبم که چرا در فکر اداره اینخاك زرخیز نیستند و تا کی باید در ابواب جمعی قوام باقی باشد مدخول یك ساله همین بلوك جویم برای مد سیم و راه شوسه از شیراز تا برسد به لنگه کافی است در سال گذشته من سیاحتی در خوزستان نمودیم می بینم مظالم قوامیان کمتر از خزعل و اتباع او نیست. قبل ورود به لار این مسئله بهتر بوضوح پیوست چون مقصودم از این سیاحت دریافت حالات اهالی ومظلومین است مصمم شدیم که چند روزی در لار توقف نمایم این شهر یکی از شهرهای معتبر ایران و ثانی شیراز در فارس بنظر می آید قیصریه [illegible] میدان مقابل و کاروانسرا های تاجر نشین که یك

نسق و ترتیب تعمیر شده در نهایت زیبائی وقشنگی است خانهای شهر نیز عالی و اطرافش محیط بسه بساتین و اکثر نخلستان است جمعیتش ۳۰ هزار به نظر می رسد استنباط شد که بواسطه فشارهای هر ساله قوامیان و حکام محلی در این چند سال اخیر هیچ مزید بر ترقی این شهر نشده بلکه از عمران و آبادی سابقش کاسته گردیده -

شگفت اینجا است که هیچ اثری از اقدامات دولت کنونی هم هنوز باینجا سرایت نه نموده و هنوز رعب قوام در دلها جایگیر وهنوز اصول فاسد حکام موروثی در همه صفحات لارستان حکم فرما است انچه از اهالی مسئله از این نگارنده سوال میشود حیرانم که چه جواب بدهم چه معمائی است که دولت حاضره دست اسمعیل خان قشقائی ازابواب جمعی کوتاه کرد وقوام را تاکنون معاف داشته و از او اغماض نموده زمزمه آمدن قوام از امروز در السنه اهالی جاری است ومیگویند محقق است که یك سال دیگر باغ نشاط لار به مقاطعه استبداد او دست خواهد شد و باز قوام همان مبلغ همیشگی پیشکش که بالغ بر ۱۵۰ هزار تومان است از ابواب جمعی خواهد برد وقوع مسئله در نهایت غریب است آیا قوام چه خدمتی بایران کرده که بازیك سال دیگر ابواب جمعی به جائزه او داده شود دولت جوان پهلوی که به حکام موروثی و ابواب جمعی‌ها خاتمه داده چرا درفکر یك قسمت مهم فارس که بابواب جمعی قوام معروف است نمی باشد ابواب جمعی قوام تالی خوزستان است ابواب جمعی قوام عبارت است از بلوك فسا و داراب، وسبعه، جهانگیریه، وکوهمره وشبانکاره مشتمل براعراب ساحل خلیج فارس تا برسد به قرب لنگه اگر دولت این بلوکات مذکوره را که متجاوز ازنصف فارس است مانند اداره خوزستان حالیه مستقیما اداره کند همان مدخولی که از انجا باید میدارد از اینجا نیز حاصل تواند نمود و علاوه ازان مبلغ مهمی برواردات گمرك می افزاید - زیرا که بنادر جزء اغلب تابعی از گمرکخانه ودرجائیکه موجود است هم گمرك اقتداری ندارد و انچه اموال قاچاق از بحرین و دوبی حمل بایران میشود بیشتر درهمان بنادرجز پیاده شده باطراف ابواب جمعی قوام که خالی از ادارات است حمل ونقل میشود -

عمده قاچاق امروزه عبارت از قند و شکر و چائی است تا دولت دست قوام از ان صفحات کوتاه نه کند محال است بتواند جلوگیری نماید ضرر هائیکه از قوام به دولت و خطه فارس رسیده خصوصاً در ایام جنگ عمومی و احتلال انگلیس به قسمتی ... ما در آینده در مقالات مسلسل خواهیم نگاشت یکی از ضرر های عمده او ضررهائی است که از عمال او روزانه است به اهالی معمول بوده است. اکنون برای العین مظالم طاقت فرسای نایب الحکومه لار را مشاهده می نمایم هیچ نوع آبادی بحومه لار باقی نه گذارده و چندان تحمیلات بر تجار و کسبه جاری است منجمله راه داری مدهش اوست بقدر گمرك و زیادتر از واردات و صادرات تجارتی اخذ میکند مدخول سالانه وی را به ۷۰ هزار تومان تقدیر می نمایند ۷ قریه از بلوك صحرای باغ از آبادی و مخلوق ساقط و از هر سری ۲۰ الی ۳۰ تومان سرانه دریافت می نمایند بسیاری از اهالی انجا پراکنده و به اطراف بنادر فرار کرده اند. اگر به خواهم شرح مظالم هریك از این حکام را قلمی دارم صفحاتی چند ضرور می افتد. باوجود زمزمه آمدن قوام که اکنون در این لار در افواه جاری است این نگارنده هیچ وجه عقیده ندارم در جائیکه حالیه مرکز امارت لشکر جنوب در فارس قرار گرفته خیلی مضحك است که از قوام اسم سرپرستی بابواب جمعی از شیراز باین اطراف مسافرت کند. و یك سال دیگر مردم بیچاره را گرفتار آلام نماید امیدواریم که قبل از حلول سال جدید آقای امیر لشکر جنوب عده نظامی که در خور این صفحات باشد تشکیل فرمود. حکومت نظامی را در لار برقرار و رنجبران بیچاره را از صدمات قوامیان آسوده کنند

(نشین اوالجمی)

یك نفر رنجبر کازرونی

(۳)

ای زن مملکتی بی پادشاه رعیت بی سلطان ملت بی عالم بی قوه احمق نادان بی صاحب بی شرف جاهل همین حال دارد معلوم میشود در ایران عده ظالم بیشتر از مظلوم است زانکه جواب محکمی داد که ای شوهر احمق مگر تو از یهود و بت پرست و آتش پرست و خارج از اسلام کمتری چرا خودت در هیچه مملکتی تلافی نمی نی مگر نمی گویند در طهران دارالسلطنه یك نفر نماینده خارجه به قوای چند نفر خائن مفسد بقتل رساند دولت امریکا و سایر دول دنیا مواخذهها پروتستها تلگرافها خون داریها به دولت ایران کردند که ما دیگر اطمینان توقف در ایران نداریم هم خون بها هم مجازات مرتکبین ازدولت جداً خواستند وبچه احترام اورا از خاك ایران حرکت دادند مگر شما از تمام اهل عالم بی قیمة ترملی ملعب ترید مگر شما از ملت ایران و اسلام نیستید مگر نمی گویند شاهنشاه

قدیم دنیا سلطان ایران بوده باج ستان خراج گیر دنیا سلطان عجم بوده مگر نه این مجسمه شاهنشاه باعظمت وقدرت ایران است که الان بعد از چندین هزار سال مجسمه شاپور مثل یک پادشاه نوجوان زنده سوار بر مرکب در همین قریه موجود و ثابت می دارد که بر ربع مسکون برتری و قدرت داشته و سلاطین با اقتدار روم و فرانک و عدهٔ با دست بسته و سربرهنه مقابل روی خود در کمال عجز و التماس و بندگی اسیر و ذلیل ایستاده اند دشمنان ایران را زیر سم مرکب پامال نموده خاقان فغفور امپراطورها طوق بندگی و فرمان برداری حاضر پیش گاه افراز به شاهنشاهی ملك الملوکی اش مینمایند اگر در آخر دنیا در هر مملکتی یک نفر رعیت عجم ظلم یا بی احترامی میشد سلطان عجم سرداران غیرتمند ایران را با زر و اردوی بیشمار حرکت می داد و تلافی میکرد و اسیر از انها میگرفت به ایران میفرستاد تا دیوار چین را زیر نگین در آورد مگر نه لشکر بهمن که دو کرور بود میخواست برای انتقام از دشمن ایران از بوغاز اسلامبول عبور دهد دریا موج و تلاطم داشت سرداران لشکر به امیر لشکر خبر داد عرض رساند که دریا بنای موج گذارده به تلاطم است سلطان ایران لب دریا آمده و چند تازیانه بدریا زده که آخر شرم نمی کنی خجالت نمی کشی که میخواهند لشکر عجم از تو عبور نماید جوش خروش مینمائی اهل تاریخ نوشته اند دریا از موج افتاده ساکت مانده لشکر ایران بسلامتی از بغاز و دریا عبور نمودند و در هرجا دشمن ایران سراغ داشت مملکتش ویران سردارانش اسیر و ذلیل به ایران میفرستاد کره ارض از هیبت سلطان و سرداران دلیر ایران متزلزل بود الان نقوش و صفوف و مجسمه های در شاپور شهادت می دهند سلاطین سربرهنه دست بسته پامال سم مراکب واضح تر دلیل و اثبات مدعا است مگر ای مرد این نه همان ایران است پس فرزندان و ونبیرگان و یادگاراش چه شده که این طور ذلیل وننك روی زمین شده اند که بی شرفانه زندگانی می نمایند شوهر دهقانی جواب داد ای همسر عزیزم بلی این همان مرزبوم و کشور است این همان پای تخت مقتدرین دنیا است این همان مجسمه جمشید و شاپور ذوالاکتاف است که اسرای روم فرنگ را به اسیری آورده و مقابل تختش با سر برهنه استاده اند و تضرع و عجز و پوزش مینمایند ولی ای عزیز آن اولاد غیور و شجاع آن فرزندان و نبیرگان دلیر و سرداران شرافتمند ایران از زمان سلطنت آل دیگل قجر عیاش بی حیثیت ظالم شهوت پرست بی همه چیز طامع مملکت فروش ملت کش از یکی قطع نسل شدند بعض مقتول برخی سردار ومحبوس در غل و زنجیر عده فرار و بعض خودرا در خاك و خون با دل پرحسرت و آرزو اغشته نمودند و زیر خاك پاك ایران پنهان شدند و داغ خود به دل ایران و ایران خواهان گذاردند ای زن فرخنده ومونس شبهای تار بتو مژده میدهم زمین طیب ایران که خون جوانان عزیز خود ریخته دیدگیاهی رویانید از آفات حفظش نمود پرستاریش کرد بخداوند جبار الصمد زاری کرد استغاثه نمود که از این گیاه ثمر و نتیجه دهد فرزندی سعادتمندی بوجود آید مرهم زخمش شود تلافی نماید دعایش مستجاب شده می گویند دو سه سال است یك ستاره طلوع نموده یك کوکب درخشانی مانند خورشید عالم تاب ظاهر گشته یکنفر فرزند نیرومند غیور دلیر از فرزندان کاوه و فریدون یك نبیره از فرزند زادگان کیقباد و سیروس اعظم و بهمن و انوشیروان عادل یك یادگار نادر شاه دست قدرت پروردگار بعرصه بروز و ظهور این مجسمه قدرت و مظهر قهاریت و جباریت جبارالسموات افتخار سلاطین عجم که کیکاوس و داریوش کبیر با روح بشاش و فرحناك زنده باد میگویند جوهر غیرت و قدرت و عظمت و عدالت و مروت و و و و در ایران ظاهر ومی گویند اسمش رضا خان پهلوی است با یك عالم وقار وعقل وکفایت و صبر و حوصله و ایران خواهی و ملت نوازی مملکتی ویران هرج مرج بی سپاه بی همه چیزرا بفاصله دو سه سال معمور و آباد نموده خواب وخوراك آسایش برخود حرام کرده گاهی از طرف شمال گاهی از سمت جنوب مثل اسفندیار رویین تن دمار از روزگار دشمن وطن عزیز بر آورده رفع ظلم وتعدی از مملکت ایران نموده اشرار و قطاع طریق از هیبت و سطوتش طریق جهنم پیش گرفته گرگ و گوسفند باهم در یك اشیانه زندگانی مینمایند مفسدین رامجازات داده خادمین وطن محترم را سرفراز نموده رفاه و اسایش و امنیت در تمام قلمرو ایران حکم فرما شده باممالك خارجه طرح مودت و یکرنگی و اتحاد ریخته باممالك اسلامی تجدید عهد اخوت و هم مذهبی و اتحادمعنوی نموده مسلمانان روی زمین از این زنده کننده ایران و اسلام فرحی تازه نشاطی بی اندازه روی داده ایرانیان را دوباره روح در بدن منتخر و در انظار ملل دنیا سرفراز فرموده ابهت و رشادت و قدرت خود به تمام عالم ثابت نموده مادر معظم محترم وطن و ارواح نیاکان تاجدار که با هزار دیده نگرانی مملکت شش هزار ساله وکشور با عظمت کیخسرو که بر ربع مسکون شاهنشاهی وباج ستانی کرده تماشا مینماید

و افتخار از این ابره سعادتمند شرافتمند نگاه دارنده و اداره کننده جایگاه کیقباد و سرزمین مدفن گاه کیانیان، ساسانیان و و و میگوید آفرین بر تو باد ای فرزند رشید زنده کننده ایران ای نگهبان مملکت ستمدیده از کف رفته ای دادرس ملت مظلوم ای عدالت پیشه دشمن گداز رعیت نواز ای فرزند عزیز از حال فرزندان ایران غفلت ورزی ننماید پی خود راحت و عیش و شهوت پرستی و مملکت فروشی و اروپا گردی و مادام بازی بر خود اعتبار نکن و مملکت ما را برایگان به دشمنان ایران تقدیم ننمائی مانند بساط کهنه برچیدی و طرح نو بریزی مملکت را آباد نمائی مبادا از خدمات با قیمه مشعشع تاریخیت دست بکشی مبادا خواطرت رنجیده شود وجودت خسته شود اقدامات و زحمات بهدر رود مبادا بواسطه خیانت چند نفر نادان مغرض طامع ظالم بی وجدان شهوت پرست ملت گداز رعیت سوز بی قابلیت افسرده شوی دماغت خسته شود یک روز بلکه یکساعت از حال ایران غفلت ورزی و کناره گیری خدا یاور و ناصر تو است دشمن تو خفاش است رونق آفتاب از کف میبرد عنقریب ذلیل و رسوا و اسیر خواهند شد خاک و خون آغشته میشوند ای فرزند رشید زنهار زنهار بیهوش مانند خواب نروی که گاه بزرگی کردی بقای تو بقای چهل و پنجاه کرور مخلوق کشور ایران است تمام روی زمین نگران کارهای درخشان تو میباشند دشمنان مقتدر در کمین گاه کناره جوئی و بی اعتنائی تو میباشند که ایران را تقسیم و اسلام را ذلیل خاک سیاه برسر ملت ایران ریخته شود ناموس ایران در دست کفار افتد زن و بچه ایران خرید و فروش شود قبور و اجسام بزرگان دین و سلاطین دنیا پامال سم مراکب دشمن شود مساجد و اماکن مقدس شما کلیسا بتخانه شود استقلال مملکت عجم از شمشیر تو و سربازی و جوانمردی تو و دوام تو توأم است آسایش و امنیت و خواب راحت رعیت و ملت ایران از عدالت و بیداری تو است کشتی شکسته ایرانرا باید بساحل برسانی ممالک از کف رفته باید ابقا کنی تمام ملت ایران از تو راضی هستند امید دارند از سایه عدالتت آسایش و راحت کنند ملت ایران از تو آبادی و کارخانجات و راه آهن و علم و عدالت و توسعه معارف و صنایع میخواهند ملت ظلم دیده غارت شده ترک وطن کرده از تو رفع شر اشرار و مفسد مکار و مخربین اسلام و ایران میخواهند ملت ایران تو را مقدس میدانند و و و

مجدداً زن روستائی جواب شوهر دهقانی گفت ای حیله بگو تو میگوئی آقای پهلوی قدرت دارد عدالت انصاف او باطراف شهرت نموده سر تا سر مملکت امن و راحت کرده اشرار و اوباش و ظالم و مفسد و دشمنان داخلی و خارجیرا معدوم و سرجای خود نشانیده پس چرا میگوئی یک عده خائن ناپاک در اساس و اطراف کار این شخص قادر نیرومند خادم وطن نگهبان ملت تولید فتنه و فساد و اختلاف کاسه فراهم می آورند و دفع رفع شر وظلم و خیانت این غدار ناپاک نمی نماید مگر مانع در اجرا دارد یا آسمان و زمین بهم میخورد و عالم خراب میشود یا ملاحظه و مصلحت پنهانی در این اسرار است که باید ملت ایران ذلیل و اسیر و از کف برود شوهر بحر خواب داد ای سزنره دولت پدر رعیت است انها را دوست میدارد پاسبانی مینماید یک نفر آدم چند اولاد دارد همه خوب نمیشوند با ادب بی ادب هم دارد عالم دارد نادان و جاهل هم دارد یکی صالح و مطیع فرمان بردار یکی دیگر طالح شریر فاسق منافق میشود آن پدر مهربان خوب علاج وچاره و عقاب میداند و میتواند نهایت نه فقط صبر و ثبات و حوصله که دارد تحمل مینماید شاید ترک حرکات ظالمانه و وحشیانه نماید و از کار و کردار خود پشیمان شود چنانچه مدتی گذشت فرقی نکرد آن فرزند را از نظر می اندازد از مال و خانه محروم می نماید بلکه مجازاتش میدهد همان ذلت و رسوائی و مهالک بدتر از هزار قتل است البته این پدر مهربان هم بی اقدام نیست از حسب خود مکافات و مجازات میدهد دفع ظلم از سر مظلومین مینماید و دست انها از آسایش دولت و مملکت و رعیت رنجبر کوتاه مینماید ای زن عزیز غم و غصه مخور عماً قریب ناله استغاثه ما هم بسمع این پدر جهان رعیت پرور ملت و دولت میرسد حال روزگار ما را و قائع نگاران مخصوص و خبر نگاران پنهانی بی غرض حق گوئی و مفتشین ادارات صدقاً کاملا بعرض برساند البته رفع شر وجه المصالحه ها وبستگان و اتباع و کلاء معنوی بی علم ظالم که در اطراف دستور ظلم و غارت پیدا شد و املاک و خانهای رعیت بملاحظه احترام مقام بقهر و غلبه جبراً تصاحب مینماید و بحکم خدا و رسول و قانون عدلیه اعتنا ندارند چند هزار تومان اموال مردم و املاک خالصه دولت نوش جان و زهر مار مینماید و صریحاً حکام ایالات سفارشات و کد توصیه های مستحکم و پرده در همراهی و بدون اموال و املاک ضعفا مینماید که چون نماینده ملت است باید خون ملت بخورد ناموس مملکت بباد دهد و و و ای زن وقتی نمیگذرد که این پدر غیور و مادر منتقم از انها انتقام میکشد

انها را نیست و نابود مینماید انها را به آتش
غضب و مکافات اعمال شان میسوزاند و رفع ظلم
و تعدی از ملت ستمدیده دادرس ندیده غارت شده
مینماید و امر میدهاید قانون مجازات برای بزرگ و
کوچک عامل و رعیت با لقب و بی لقب تاکه برای
تمام روسای ادارات از اداره بیت المال مخصوص
تا سایر ادارات دولت کلهم بدون استثناء احدی بداند
خیانت بی مجازات نخواهد بود خادم هم بی پاداش
و پشیمان نخواهد شد و حتمی الوقوع است مخصوصاً
در امورات حقوقی که عدلیه مسؤل است سایر ادارات
حکومتی وغیره در تضییع حقوق دواسبه بتازند
احترام قانون منظور دارند ای زن ستمدیده
اگر عمر ما باقی است خیلی خوش گذرانی و آسایش
خواهی دید زن در جواب گفت تمام تصدیق دارم
خیلی تفاوت کرده معلوم است مردم نظر شان به
دولت است مشهور است الناس علی دین ملوکهم ـ
مدتی است ما هم خیلی آسوده هستیم ظلم کمتر دیده ایم
گاو الاغ یا ربنه ما را هنوز دزد نبرده صدای تفنگ و
نعره اشرار در این نواحی کمتر شده است

قابل توجه امیر لشکر جنوب

گفته اند که قوه عادت کننده در ابتدا کسب
عادتی زیاد تر از ان عادت است چندی که طول
کشید با تمواز نه است ولی همینکه عادت خود یافت دیگر
معتاد را به سلاسل حدیدی قید ابد خواهد کرد ـ
امحاء عادت در یك قومی مقصود به عادت سوء از
متممات دانسته اند ـ مثلا آنانی که به یك عادت
زشت و بد خو گرفته اند دشمن عواملی هستند که
سبب محو ان عادت و اصلاح اخلاق شان می باشد ـ
در نظام قشونی این مسئله خیلی دخیل است دولی که
میخواهند قشونی نیرومند داشته باشند طوایفی که به
سلحشوری و جنگجوئی عادت گرفته اند در زیر
نظام آورده و حتی الامکان هم ضباط و سرداران
لشکر از آنان انتخاب می کنند ـ لاکن اینجور طوایف
در همه امم یافت نخواهد شد ـ فقط دولت ترك
و روس و آلمان است که باینجور طوایف ممتازند
ایران ما از جمله ان دول سه گانه است که دارای
طوایف سلحشوری است که قرنها به جنگجوئی و
حمل اسلحه خو وعادت گرفته اند هر گاه نظام قشون
ما بدرجهٔ اکمل برسد بدون شك سبقت بهٔ بهترین
قشون عالم خواهد گرفت ـ طوایف مقصود مند نیز
در همه ایالات و ولایات ایران یافت نخواهد شد
فقط سکنه فارس و آذربایجان و ایالات گیلان و
وخراسان وکردستان ولرستان که بجنگجوئی وتهور معروف
وانچه در خور و قوه آنها است از یزدی و
کرمانی و اصفهانی نشاید (یزدی که به کسب و
تجارت عادت گرفته وکرمانی که از صغر سن سینه
به نورد قالی بافی زده و جز صدای مکوك که آناً
فاناً در بین نخها میگذرد آواز دیگر نه شنیده یقین
که از آواز مهیب توپ و تفنك که عادت نه گرفته
ترسیده و ان تهور و شجاعت عادی فارسی را نمی
تواند کسب بنماید ـ یزدی و کرمانی همیشه مرعوب
فارسی بودند حتی دیده ام که بچهای شان را هم از فارسی
می ترسانند چنانکه مردم دیگر از لولو ـ زمانی من در
یزد و کرمان بودم هر گاه خبر به یکی از این دو
شهر میرسید که چند نفر فارسی آمده فلان قریه
یا فلان قافله را غارت نموده تجار یزدی در اطاقها
و قالی بافهای کرمانی در کارخانهای خود وحشت
نموده میترسیدند ـ بی شك نیست که اولین نظامیان
رشید و پرتهور ما وکسانی که در هر میدان گوی
فوق بربایند چه از طبقهٔ ضباط و چه افراد همانا
فوج و لشکریان فارس باشند چرا که قرنها به حمل
اسلحه و جنگجوئی اعم از شهری دهاتی وایلیاتی خو
و عادت گرفته اند اقای نایب علی اصغر خان یزدی
رئیس نظامیان عباسی چون به تجارت وکسب عادت
گرفته اکنون نمی تواند بکلی ترك آن عادت نموده
و فقط نقطه نظرش وظیفه نظامی باشد ـ نایب
علی اصغر خان بواسطه تجار یزدی ترتیب تجارتی مهم
برای خود داده و دارائی اورا ۵۰ هزار تومان
تخمین میزنند معذلك در هر مجلس از مجالس
تجار داخل شود محور حکایاتی دربی پولی
و بی مدخولی است ـ در حلول هر عیدی
بدون اینکه رعایت شرف عسکری بنمایند
بهر شکل باشد باید هر تاجری دوچتی طلا بدهد
نایب علی اصغر خان برای تکمیل مدخول و واردات
خود در این اواخر میخواست حکومت کشوری هم از
عباسی لغو تا هرچه دربغداد است مال خود خلیفه باشد
ولی باید از وزارت جنك شاکر شد که نکته را فهمیده
در جواب تلگراف اظهار داشت که ـ حکومت نظامی
در عباسی مقتضی نیست

حکومت نظامی که برای بعضی اماکن مفید تر
بنظر آمده از رئیس آن است که به صفات کسبه
و تجارت خو نه گرفته و حکایات مدخول در زبان
ندارد ازکثرت اشتغال نایب علی اصغرخان بتجارت است
که مأمورین نظامی تحت ریاست او در نواحی وقرا
همان حرکات عهد قدیم راتجدید نموده وشاکیان مؤلف
از ۲۰ الی ۱۰۰ به عباسی می آیند و همچنین است
قسمت میناب و کسانیکه از اطراف جیرفت و رود
بار می آیند جز بی رویگی نظامیان چیز دیگر در زبان

ندارند حتی که خبر یك قطعه رسیده که عده نظامی مامور آنجا است همه خانه بدوش فرار می دارند برحسب اخبار موثقه ضرغام السلطنه و صمصام نظام رودباری در این اوان سرهنگ محمد خان رئیس نظامیان کرمان خواهش نموده که از کسی داشتن عده نظامی بالطرف منصرف گردند مردم از قسمت نظامیان کرمان چندان خوش بین نیستند

همی مثل قایل اند که مشت نمونهٔ خروار است لاکن من عقیده ندارم ولی از این هم انکار نتواند کرد

§ چون از قومی یکی بی دانشی کرد §
§ نه که را منزلت ماند نه مه را §

ما را هیچگونه سابقهٔ عداوتی با سرهنگ محمدخان و نایب علی اصغر خان نیست فقط نظر باینکه طبقه نظامی باید بهترین طبقات صالحه مملکت باشند و رشته مصالح و آزادی وطن نیز باانان مربوط تر است این مشهودات خویش نوشته و از اقای امیر لشکر جنوب خواهانیم که توجهی کاملتر در قسمت نظامیان کرمان بفرمایند و ما علینا الا البلاغ -

ا . ن . ا

یك سؤال اداری

(از آقای حسنخان امین مالیه لنگه)

متعهد المال وزراتی موضوع عشریه عایدات عاکماتی که مدت دو سال است از مجلس شورا تصویب و بکلیه دوائر دولتی مالیه ارسال گردیده است علت چیست تاکنون دیناری ازاین ممر عاید دولت در این بلد نگردیده اگر بفرمایند عایدات عاکماتی در اینجا نیست نهایت از جاده مروت و انصاف دور است چرا که گواه عاشق صادق در استین پیدا است

حکومت موجوده بدون یك دینار حقوق متصدی امور حکومتی این بلد شده اند یعنی چه کفتگوهای ده هزار الی یالرده هزار روپیه تصفیه نمودن هر روزی بعلاوه نزاع و زد و خورد هر روزه شهری وصحرائی هم دربین هست در صورتیکه اداره حکومتی و مالیه قرب یك دیگر واقع شده است آیا سزاوار است حکم وزارت جلیلهٔ متبوعه که بتصویب هیئت وزراء است موقوف الاجرا بماند و عایدات عاکماتی این بلد همین قسم نصف لی و نصف لث والله خیرالرازقین گردد (یك نفر مدعی العموم)

دفاع از حق حمله بر باطل

شرحی در شماره ۳۱ صفحه (۲۰) حبل المتین راجع بمستر (دیبوز) رئیس کمپانی جهازات تجارتی عراق و ایران مرقوم بود لازم آمد بیان حقیقت را بنظر عموم برسانم زیندم نیست در این عصر نورانیت یکنفر که فقط امال و آرزویش انتفاع شخصی است پایه دروغ و حق کشی خود را بجائی برساند که اسباب انزجار قلوب عامه مسلمین این بلد گردد کردار و رفتار مستر دیبوزای مذکور بر احدی از احاد و فردی از افراد ملت بنادر پوشیده نیست واسطه همین حرکات اوشان ازعباسی به بوشهرحرکتش دادند و از انجا بالکه تبعیدش کردند درانجا هم علمای اعلام در صدد بودند که بوسیله مقتضیه اورا بهند حرکت دهند

(یکنفر خادم جراید)

ندای آخرین

این آخرین کلماتی است که در این زمینه نگارش داده و من بعد به هیچ نحو حاضر برای یك کلام جواب هم نیستم چه می بینم آقایان از مرحله مقصود و مطلوب نگارنده است تخطی ورزیده داخل در حدود شخصی و غرض رانی و مذهبی وهتاکی شده و چه نسبت های قبیح نفرت آمیز درد انگیز است که بهمدیگر نمی دهند

در هر صورت مدافعین مقالات نگارنده باید مستحضر آیند که این آخرین و پوست کنده ترین جوابی است برای آنها (جواب مدافعه و حملات و غرض ورزی گذشته و آتیه ایشان است)

در شماره ۳۳ حبل المتین آقا محمد امین حاج محمد هادی اوزی حملهٔ شدیدی بنگارنده فرموده و هزاران عنوان و القاب !! که العیاذ بالله سزاوار هیچ کافر حربی نیست تا برسد بمسلمانی ! بنگارنده داده بود که اگردر جواب بخواهم بتفصیل جزئی عرض کنم شك نیست که

§ سخن بد را زا کشد §

ولیچون ایشان قدم درعرصهٔ شخصیات گذاشته و مقصود نگارنده جز خاتمه به ادوار حکومات موروثی و خان خانی و ملوك الطوائفی و مالك الرقابی انخلاص عزیزان بی جهت و استخلاص ملت بیکس از اسارت و مقهوریت سرپنجهٔ ناکسان و آزادی تامه در معارف و بروز احساسات حمایت در طریقه خدمت گذاری بوطن نیست لذا در جواب آن هتاکی ها سکوت اختیار کرده تمنا از ایشان می کنم که پس از این تعاقب مرا نفرموده که هر چه بیشتر بنویسند کمتر جواب خواهند شنید

فقط این قدر عرض کنم که نگارنده در عقیده راسخ اسلامیت خویش ثابت قدم و آنانیکه باید مرا بشناسند شناخته و از مقصود و مطلوبم مستحضر و واقفند ، در جائیکه این اوراق منتشر می شود (و یا

دقت ملاحظه می نمایند) که حسن و طراوت کلام از بین رفته و یا ست موهومات اند ، در آن صورت چه تصویر می‌نمایند بفهمانند باقی خیرالکلام قل ودل

(امضاء اوزی)

از دزداب مینویسند

گرچه وظیفهٔ نگارنده تمجید یا تنقید نیست ولی چون این زمان در مملکت عزیزمان اشخاص درستکار کمتر پیدا میشوند که بطور درستی وظایف خویش را انجام داده ومایل باسایش نوع باشند اگر این قسم اشخاص لدرتا پیدا شدند باید آنها را ستایش کرده و نیات حسنه شان را تقدیر کرد زیرا اگر این ترتیب الی‌حال جاری بود که از اشخاص درستکار قدردانی شده و نیز از مردمان خائن موذی تنفر و تنفر شود درستکار ادامه بصحت عمل داده وخائن خاتمه بخیانتش میداد

اقای میرزا محمد خان حکومت دزداب از اشخاص درستکار و مایل باسایش نوع و ترقی وطن اند مدت سه سال است برای حکومت دزداب منتخب و از اقدامات قابل تقدیر خویش جهت اسایش اهالی ذرهٔ فروگذاشت نکرده از اشخاص فعال درستکار محسوب زیرا از بدو ورود شکی باهالی رفتار نموده که کلیه مجذوب وطن خواهی و حسن سلوک ایشان شده و از لذت آزادی که الذ لذائذ است برخوردار آمده‌اند ـ عامه از ترتیب امور حکام دوره استبداد که هنوز در غالب جهات روی‌کار اند بطور کامل مستحضر اند که نظر شان بحقوق نیست زیرا حقوق که از طرف دولت بانها میرسد شاید کفاف مستخدمین آنها را نکند بعکس مشار الیه که فقط قانع بحقوق خویش وبدون توقع از احدی بانهایت صرفه‌جوئی زندگی می‌کند تصور نمیرود درجات نوع پروری و وطن خواهی وفعالیت ایشان منکرداشته باشد امیدواریم که عما قریب در دولت پهلوی درتمام نقاط ایران این قسم اشخاص صحیح العمل روی کار آمده و ازملت خیانت خائنین برهیم

اداره محترم نظامی ازروزیکه اقای یاور ابراهیم خان بریاست آن نائل آمده خوب اداره شده است زیرا حسن سلوک ایشان مانع از هرگونه قصد سوئی است و اگر بعد ازرفتن سرهنگ علی شاه خان دیگری بجای ایشان منصوب شده بود چنانچه از عده نظامی حاضره هم بیشتر داشت مشکل بنظر میامد که بتواند بلوچستان‌را امن داشته باشد

خوزستان مجهولتان الصحة والا امان

بدیهی است که هر دو نعمت صحت و امان قدر حسنات آن بر نوع بشر مجهول است زیرا که اگر حفظ الصحه و اصول طبی در هر مملکتی فاقد باشد البته مردمان آن ممالک از هر حیث دچار مشکلات فوق العاده هستند بدبختانه مملکت ایران عموما و ایالت خوزستان خصوصاً ازنعمت صحت دورند زیراکه نه مریضخانه عمومی و نه اطباء حسابی که عالم باشند در این ایالت کمتر وجود دارد اهالی دور از علم و معرفت البته در این صورت امید زیاد شدن تعداد ابناء این آب و خاك نمیرود مگر بداشتن حفظ الصحه با وسائل صحیح مثلا رام هرمز که یکی از قصبه جات مهم ایالت خوزستان‌است از حفظ الصحه بکلی‌محروم پس چه باید کرد بایست دولت یك ترتیبی بدهد که صحیه مملکت توسعه پیدا کند که تمام ایالات و شهرها و قصبه جات بلکه قراء هم فاقد چنین نعمت عظیمی نباشند ـ

و الا گرگ اجل هر ماه و هر ساله ابناء وطن عزیز ما را با یك حالت رقت آوری خواهد ربود اما (امان) امان بر دو قسم است قسم اول امنیت طرق وشوارع وشهرهای مملکت که این امان از پر تو والاحضرت پهلوی به ملت ایران خداوند عطا فر وده

ولی افسوس قسم دوم که تأمین حقوقی است اهالی این ایالت فاقدند زیراکه تامین حقوقی حاصل نمیشود مگر بداشتن اداره ثبت اسناد ودائره تجارت که اسناد و رقعه جات تجارتی ثبت اسناد با نمره و تمبر دولت زده شود که مردم از آخوندنمایان و وکلای حقه باز و کاغذجات جعلی آسوده شوند دولت اگر بفوریت در تمام شهرهای ایران دائره ثبت اسناد دائر نماید در تحت نظر حکام محل تا هنگامیکه بودجه مملکت برای دائر نمودن ادارات عدلیه کافی شود گمان این است که خیلی از اداره پست خانه عایدات فروش تمبر بیشتر شود و هم تأمین حقوقی به ملت خود عطا فرموده هم چنانکه در تمام ممالك خارجه مرسوم است حتی در مملکت بین النهرین که حکومت کوچکی را تشکیل داده و هم حکومتش بیش از ٤ سال نیست یك عقد یا یك طلاق بدون اطلاع حکومت ورقه رسمی ممکن نیست صورت پذیرد البته اولیای امور مملکت ایران صرحتا دائره ثبت اسناد را با دائره تمبر رقعه جات تجارتی را هر چه زود تر در مملکت دائر خواهند فرمود تا ملت ایران هم مثل سایر ممالك خارجه تأمین حقوقی را دارا بشوند منافع و نتائج تأمینات حقوقی لاتعد و لا تحصی است

(محمد علی انقار)

اسامی وکلای مجلس مؤسسان

(از مشهد افرمانه)

آقای آیت الله زاده خراسانی ـ آقاشیخ حائری ـ

آقای ایرج میرزا تیموری مناظر السلطنه سابق ـ آقای آقا رضای مشهدی رئیس التجار سابق ـ آقای میرزا محمد علی قائم مقام سابق ـ آقای میرزا حسین خان تکاز ـ آقای سید محمد خان ارجمند ـ آقای حاجی شیخ علی خمسه اینك نمایندگان خراسان طرف طهران عازم اند ـ ۵ آذرماه.

تلگراف رسمی

(نمایندگی دولت علیه در هندستان)

برطبق خبر تلگرافی که از وزارت جلیله امور خارجه رسیده است روز پانزدهم اذر ماه (۶ دسامبر) والا حضرت اقدس پهلوی با حضور هیئت نمایندگان سیاسی دول خارجه مقیم طهران و آقایان علماء اعیان تجار و نمایندگان سایر طبقات با کمال جلال و شکوه مجلس موسسان را با (۲۱۲ حاضرین وکلای افتتاح فرمودند ـ [تقی نبوی]

تغزل

(از اسد آساد همدان)

§ دل شوریده من کین همه افغان دارد §
§ گوئیا میل بـه جمهوری ایـران دارد §
§ آرزوی مـن تنها نبود ایـن مقصود §
§ آرزوئی است که هر ملت باجان دارد §
§ نـام جمهوری ایران سبب ذلت اوست §
§ که چه ماتم زدگان سر بگریبان دارد §
§ چه سبب داشت که ماخوار بانظار شدیم §
§ اجنبی از چه جهة این همـه عنوان دارد §
§ تیشه بـر ریشه خود مـی نزند اقوامی §
§ که لب از کی و از توده سا سان دارد §
§ تخم ازادی ما انکه در این خاك افشاند §
§ حالیا چشم امید از ثمر ان دارد §
§ آخرای مفتخوران مفتخوری تاکی و چند §
§ فلك این کشورکی از تو بدوران دارد §
§ خانه اش را بکند دست طبیعت ویران §
§ هر کسی میل به ویرانی ایـران دارد §
§ آخر این ناله کند پاره حجاب از رخ گل §
§ چونکه صد بلبل شیدای غزلخوان دارد §
§ (فیضی) از این همه اولاد وطن مام وطن §
§ چشم بر پـور تواناش رضا خان دارد §

(۸ ابان ماه ـ ابوالحسن جمالی)

هوا پیمائی درخط جنوب

چون دولت ایران در قرار داد هوا پیمائی بین المللی مورخه ۱۹۱۹ که برای تنظیم هوا نوردی منعقد شده است مشارکت داشته مناسب دانست برای اتصال خط هوا پیمائی بین المللی ممالک مختلفه راه جنوب را افتتاح نماید و اخیراً مذاکراتی در این موضوع با (سیر سیفن برنکل) بعمل آورده و نتایج مطلوبه هم حاصل گردیده است

مقرر شد پس از تصویب مجلس شورای ملی خط هوا پیمائی جنوب مفتوح شود وزارت امور خارجه مشغول تهیه لایحه می باشند که بمقام ریاست وزراء تقدیم دارایم تا پس از تصویب تقدیم مجلس شورا شود

تکمیل قوانین جزای عرفی

قانون جزای عرفی که وزارت عدلیه در تحت ۱۶۳ ماده سابقاً تهیه و در کمسیون مجلس شورای ملی تحت نظر بوده اخیرا مـورد تـوجه مقامات مربوطه واقع گردیده و برای تکمیل آن وزارت عدلیه مواد دیگری حاضر نموده که به ۲۶۸ ماده رسیده و آقای منصور السلطنه معاون وزارت خانه مشغول تنظیم لایحه پیشنهادی راجع بمواد جدید می باشد که پس از تبادل افکار در جلسه هیئت وزراء تصویب و بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود

تجارت ایران و ایطالی

مامورین سابق دولت علیه برای پیشرفت امور تجارتی ایران و ایطالیا اقـداماتی بعمل آورده و در نتیجـه مـذاکراتیکه با وزارت امور خارجه ایطالیا نموده موفق گردیده اند که یك اطاق تجارتی بعضویت تجار ایرانی و ایطالیائی در شهر (روم) تاسیس نمایند کمسیونی برای تهیه مقدمات افتتاح اطاق تجارتی انتخاب شده و برای عضویت نمایندگان چهار بانك و یکنفر عضو پارلمان وقونسولهای ایران و برای ریاست یکنفر ازسناتور هارا انتخاب کرده اند که مشار الیه بواسطه کارهای مهمه قبول ریاست نکرده و عضویت آنجا را قبول کرده است و اعضاء کمسیون نظام نامه برای مؤسسهٔ مزبور تهیه و تدوین نموده و در بسط وتوسعه تجارت مملکتین اعلاناتی در جراید کرده و حق عضویت سالیانه شصت لیره و برای اشخاص متفرقه صد و بیست لیره و برای تجار ایرانی هر دو فرنك لیره تعیین شده است

ورود هیئت تفتیشیهٔ ایران بحجاز

هیئت اعزامیه ایران وارد جده شدند ملت حجاز با نهایت اشتیاق از آنها پذیرائی کردند از غیرت و احساسات اخوت آمیز اسلام پرورانه دولت مقتدر و ملت شرافتمند ایران کمال امتنان حاصل است سلطان و ملت و دولت حجاز تشکرات صمیمانه خویش را تقدیم و امید وارند در پرتو مساعدت ذیقیمت دولت ایران افراد ساکن امکنهٔ مشرفه بامال خود که عبارت از حق ملی و استقلال کامل میباشد نائل گردند

و کلای مجلس مؤسسان خوزستان

برحسب امر تلگرافی مرکز برطبق بعضی از مواد قانون انتخابات مجلس شورای ملی در ظرف این چند روزه هشت نفر از چهار نقطه خوزستان انتخاب و عزیمت بمرکز یافته –

از دزفول – اقا سید صدرالدین و اقا نظام

از شوشتر – حاجی سید مهدی علوی و حاجی محمد ابریشم کار

از نی طرف – حاجی شیخ محمد جواد بهبهانی و اقا احمد عبدی

از محمره – اقا میرزا حبیب موقر و شیخ خزعل

در این انتخابات حوزه های فرعی مثل شهر اهواز که امروزه مرکز جمیع دوائر دولتی و از هر حیث برتری بر کلیه بلاد خوزستان دارد و حویزه و فلاحیه از انتخاب وکیل مجلس مؤسسان بی بهره گردیده در صورتیکه شهریت و جمعیت اهواز شایسته انتخاب وکیل است که مستقلا در هر مجلسی انتخاب وکیل دارد –

این وکلاء برای چهارم آذرماه باید در مرکز حضور بهم رسانند ، امید است که بابت نظریه عمرانیه براند حقوق و سعادت مملکت و آتیه موکلین خود را محفوظ دارند –

مستشار امریکائی

در نتیجه مسافرت دکتر میلسپو بامریکا چند نفر متخصص برای ایالات و ولایات ایران و اداره کردن ادارات ... کنترات وثوق داده – از جمله مستر (موس) ... که ماموریت بخوزستان یافته و روز ۲۹ ابانماه وارد ... مرکز اداره مالیه که شهر اهواز است شده –

امیدواریم که اداره مالیه خوزستان که مهمترین ادارات دولتی است در این نقطه پر اهمیت به بهترین اسلوبیکه سزاوار است مرتب و مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بر وفق قوانین مدونه دولتی متساوی با سایر نقاط ماخوذ گردد

خوزستان چون نزدیک بخارجه وبا اهالی سایر ممالک بیشتر معاشر و مربوط است زیاد تر از سائر نقاط ایران باید مورد توجه باشد

خوزستان نظر باینکه اراضی حاصل خیز و غیر مزروع زیاد دارد برای بکار انداختن چرخ فلاحت وزراعت خیلی تشویق و ترغیب میخواهد –

خوزستان اگر رعایت باید در ظرف یکسال زیاده بر ده و بیست سال نقاط دیگر ترقی خواهد کرد – و در سایه ترقی و ابادی آن دولت منافع عمده حاصل تواند نمود

هر گاه از سال گذشته تا کنون دستور صحیحی از طرف اداره مالیه صادر گردیده بود تا کنون مقدار عمده تلمبه و ماشین های آبکشی در اطراف رودکارون نصب شده بود

چنانچه خوزستان تشویق بشود گروه گروه فارسیان خارجه اعم از هند و سایر نقاط آمده وجب بوجب اراضی را دایر و در زیر فلاحت آورده و رونقی بسزا خواهند داد – در اینصورت دولت شاهنشاهی محتاج به بستن سد اهواز نشده بوسیله کمپانی های مقتدر و تشکیل شرکت های معتبر سد اهواز و سایر سد های خوزستان بسته خواهد گردید –

و ما از معاونین قلمی حبل المتین خواهش میکنیم در این زمینه از مساعدتهای قلمی خود مضایقه نفرمایند – تا باکه اثرات کافی بخشیده این قطعه زر خیز بزودی روی ابادی بیند –

عدلیه خوزستان

مندرجات حل المتین که امروزه زبان ملت ایران شناخته شده بالاخره نتیجه بخش گردیده و در (۳۰) ابان ماه امر تلگرافی مرکز دایر بر انتقاله مرکز عدلیه خوزستان از شوشتر باهواز رسیده و یقیناً طولی نخواهد کشید که عدلیه در اهواز تمرکز خواهد یافت

البته در پیشرفت امور عدلیه نیز مساعدتهای لازمه نموده و از بعضی دوائر دیگر که در این مدت در امورات حقوقی دخالت میکردند جلوگیری خواهد شد –

تغییر مکان عدلیه مستلزم یك اقدامات دیگری هم هست که آشنا یا بدین رموز بزودی استنباط مینمایند

عدلیه خوزستان باید توسعه کامل پیدا کند و در نقاط مهمه امثال مسجد سلیمان ، شوشتر ، دزفول ، محمره ، ابادان رامهرمز صلحیه های محدود و نامحدود افتتاح نماید –

استیناف احکام عدلیه خوزستان باید از فارس بخود خوزستان منتقل گردد – تا بدوان درجات محاکمه را در خوزستان طی کرده –

عدلیه خوزستان باید بخوبی در امورات حقوقی قضاوت کند که در برابر عدلیه های هندوستان و عراق آبرومند شده در اثر ان ارباب با اطمینان قلب راضی شوند که بدعاوی انها هم رسیدگی شود –

تشکیل اداره ثبت اسناد از واجبات فوریه خوزستان است و بمجردیکه از طرف دولت مامورین ثبت اسناد معین و حاضر شوند تمام اهالی خوزستان

بلااستثنا اقبال کرده و نظر بمشورت با همسایگان و بالنتیجه به ثبت نمودن اوراق و اسناد تمام معاملات و تشکیلات خود را به ثبت دفتر ثبت اسناد خواهند رسانید .

ما از وزیر عدلیه کنونی تقاضا مینمائیم که جدیت تامی در باره انتظام عدلیه خوزستان و تشکیلات لازمه آن و تاسیس دایره ثبت اسناد بفرمایند - و اشخاص عالم کامل برای دائره عدلیه این سامان گسیل دارند .

حریق ناگهانی

روز جمعه ۲۹ اسد ماه یکساعت و پنج دقیقه از ظهر گذشته واقعه غریبی در اداره حکومت خوزستان در شهر اهواز عمارت حاجی رئیس سابق که در جنوب شهر واقع است اتفاق افتاد -

این فاجعه غیر مترقبه عبارت از حریقیاست که از اثر خالی کردن فشنك های گلوله سربی و تجزیه کردن باروت انها عمل آمده - و در اثر بی مبالاتی مباشرین و عمله جات حاضر که هفتاد نفر فقرا کسبه مسلمان و صبایا بوده اند شصت و دو نفرطعمه فنا و باورت آتش باروت گردیده - هیچك از این عمله جات جسد سالم نداشته و تماماً مقطع الاعضا و متفرق شده در ساعت مذکور صدای مهیبی طنین انداز فضای اهواز گردیده و مردم بحالت وحشت و اضطراب بطرف صدا رفته غالباً عزادار و متاسف مراجعت کردند

از قرار معلوم باشنی فشنك که در دست عمله جات بوده وسیله این حریق گردیده و یکمرتبه قسمت شمالی عمارت را بلند کرده با بعضی از خانهای اطراف منهدم ساخته است

پس از وقوع این واقعه از طرف اداره قشونی و بلدیه در مقام نجات دادن بعضی اشخاصیکه نیمه رمقی داشته اند و جمع آوری اجساد مردگان برآمده و تا روز بعد بکمك بعضی خیرین اقدام نمودند تا اینکه مطمئن شدند کاملا اجساد بدست آمده و دفن شده اند

از طرف دیگر در مقام تحقیق باز ماندگان حریق زدگان برآمده و از طرف اداره نظمیه ثبت اسمارا برداشته شد

خسارات وارده عبارت از ۶۱ نفر مقتول و ۳۰ من تبریز باروت و دو هزار تومان خرابی عمارت است - فقط چیزیکه مایه تشکر عموم است انکه این واقعه حیرت انگیز در روز تعطیل و بعد از ظهر واقع گردیده و هرگاه در ایام افتتاح ادارات قشونی و حکومتی بود با آن کثرت مراجعات و ارتباط عمومی با آن ادارات عامه از عارض و معروض و وکلای متعاملین صدمه تلفات چندین برابر میشد شاید بعضی از ... واقع می‌گردیدند این است که بمصداقه در موقع تعطیل واقع و تلفات منحصر بهمان عمله جات گردید *

اثر خامه میرزا زین العابدین خان

(حکمت متخلص به فرح)

§ صبا پیامی زمن بسه پیشگاه امیر §
§ یگانه میری که اوست بملك ایران نصیر §
§ راد رضاخان ما خدیو گردون سریر §
§ که نیستش این زمان کسی عدیل و نظیر §
§ ابر بگو عرضه کرد فقیری از راه دور §
§ توئی که ایران ز تو زندگی از سر گرفت §
§ بسر ز مردانگیت دوباره مغفر گرفت §
§ مملکت از همتت رونق دیگر گرفت §
§ نام نکویت کنون جهان سراسر گرفت §
§ مام وطن افتخار نماید از چون تو پور §
§ بین تو برایت تاج و تخت که از که مانده است از §
§ تو تخت و تاجی کنون بطرز دیگر ساز §
§ مغرور فریب جهان ز آز کن احتراز §
§ بسلطنت تن مده در این بیابان متاز §
§ که گم شده اندر او هزار چون سلم و تور §
§ لوای جمهوری ارکنی در ایران بماند §
§ نام تو مانند بسی بروزگار ارجمند §
§ بتاج و تخت شهی تو مطلقا دل مبند §
§ کاین عمل پوچ نیست بنزد دانا پسند §
§ تاج سر ... تا که بیارد غرور §
§ توده ملت کنون باشدش این انتظار §
§ تا که ز جمهوریش نمائی امیدوار §
§ تو از ره مرحمت حاجت ملت بر آر §
§ که تا بر آرد همه حاجت تو کردگار §
§ بسعادت نام نیك بروزگار و دهور §
§ نگر بتاریخ سپس حال سلاطین تمام §
§ چگونه رفتند و نیست اثر از ایشان و نام §
§ چه شد بکاوس کی کجاست جمشید و جام §
§ برفت پرویز نیز به آن فر و احتشام §
نشان ندارد کسی ز گور بهرام گور §
§ برای خدمت بخلق بس است این مستند §
§ نام و انشانت همی زنده بود تا ابد §
§ ز چون تو نام آوری نیز در ایران سزد §
§ کز پی جمهوریت کنون کنی راست قد §
§ که ملتی بهر اوست منتظر و امیدوار §
§ ملت از این مسئلت اگر شود نا امید §
§ فساد و کین میشود نه پاس ایثار نزید §
§ فتنه و خون ریختن بملك آید پدید §
§ بیم بریزند خلق همه سیاه و سپید §
§ گسسته گردد ز هم رشته نظام امور §

§ متطران در کمین خود ز جنوب و شمال §
§ ــکه تا نمایندمان زراه کین پایمال §
§ حقیقت است این بیان مشمر خواب و خیال §
§ فرض کن این نکته را مگوی باشد محال §
§ که اندر این عهد و دور فتنه نماید ظهور §
§ قه ون هم از ملت است مخالفت کی کند §
§ طریق جمهور را بدون شك طی کند §
§ به پیشرفت عمل سی بیایی کند §
§ مسلمت بیدار کی ستنزه باری کند §
§ شوند هم دست یار برادران غیور §
§ کنونکه از همت گذشت دور قجر §
§ شمت بمردانگی نام اسکو مشتهر §
§ دادت یزدان پاك بدشمن دون ظفر §
§ حامت جمهور را نمای حالی به بر §
§ باش از این موهبت چو رادمردان شکور §
§ سپس (ف ح) را امید زپاك یزدان بود §
§ ــه تا بدنیا اثر زملك ایران بود §
§ بلند و با افتخار نام رضاخان بود §
§ کوکب جمهور از او سعد و درخشان بود §
§ مباد در عزم وی داری فتور §

لشکر جنوب قسمت کرمان

چون اولین و یا که یگانه وظیفه قشون عبارت از حفظ و حراست حقوق و حدود ملت است از تجاوزات و تعرضات داخلی و خارجی و باین ملاحظه همیشه قشون بمنزله پشتیبان ملت و نماینده عظمت و استقلال مملکت محسوب است و هر ملت هم قطع و یقین دارد که قوای نظامی برای صیانت ناموس جان و مال و بالاخره حیثیات ملی او ایجاد و از هیچگونه فداکاری و جانفشانی در راه حفظ حقوق ملت و استقلال مملکت مضایقه و قصور نخواهد نمود و از همین نقطه نظر است که افراد ملت بپاس زحمات قشون تحمل مخارج و خسارات را دریغ نداشتند عظمت قشون و استقلال مملکت را مستلزم حیات و بقای ملی خود میدانند از طرف دیگر هم با اینکه دولت حقوق و جیره و ملبوس و بالاخره کلیهٔ ضروریات نظامیان را متکفل وعهده دار است نبایستی بعد از طرف افراد قشون در مورد اهالی اجحاف و خلاف اعتدالی رفتار شود و وظیفهٔ حقیقهٔ روساء و مقتدیان امور قشونی است که حتی‌المقدور از پیش آمدن این قبیل قضایا جلوگیری و در صورت حدوث برای رفع آن اقدام نمایند علیهذا بطوریکه سابقاً هم در طی اعلانات منتشر و خاطر عموم اهالی را مستحضر حالا هم مجدد یاد آور میشوم ـ هر موقع که احیاناً از طرف نظامیان این قسمت کوچکترین تجاوزی نسبت بحقوق افراد ملت ایران شود اهالی بوظیفه ـ در صورت امکان حضوراً و یا عدم آن بعنوان اینکه غرض ورزی و اغراقی کتباً عرضحال بدهند ـ البته با حسن خدمت رسیدگی و نظامی مرتکب مورد تعقیب ـ ضمناً احقاق حق عارض بعمل خواهد آمد

فرمانده قسمت کرمان نایب سرهنگ محمد

ریف و امیر عبدالکریم

گویا رفتن نماینده فرانسه در شام ضمن ژوئنال بلندن یك مسئله دیگر را هم موضوع بحث قرار داده باشد و آن مسئله همان تصفیه ریف و صلح با عبدالکریم است چه تلگرافات اخیره ظاهر می دارد که مستر گاردن کنینك از طرف امیر عبدالکریم نمایندگی حاصل نموده برباط و فیض برای صلح رفته است اخبارات فرانسه نوشتند که هیچ سندی در دست نیست که مستر گاردن کنینك سمت رسمیت از طرف امیر عبدالکریم داشته باشد ـ ولی تلگراف مخصوص امیر ثابت می نماید که مستر موصوف وکالت از طرف ایشان برای گفتگوی صلح دارد و شروط از این قرار است

(۱) آزادی کامل امیر عبدالکریم در معاملات داخلی خود و اختیارات به بستن قرار داد تجارتی وغیره مانند یك از امارتهای آزادی که در تحت سرپرستی انگلستان است

(۲) امیر عبدالکریم سرپرستی روحانی سلطان مراکو را قبول خواهد کرد

(۳) ریف بباید که عده قشون مسلح و منظم برای حفظ امنیت داخلی خود همیشه تحت السلاح داشته باشد

(۴) حکومت ریف بلقب امارت مانند عراق و نجد و حجاز خوانده آید

(۵) پای تخت ریف تیطوان قرار گیرد

(۶) ملیلا کیتا و لارچی را ریف قبول میکند که تحت سرپرستی اسپانی قائم ماند

(انقلاب شامات)

سلطان اطرش قائد قوی فرقهٔ دروزیان که رئیس تمام انقلابیون شام شناخته آمده حکم داده است که تمام مردان ۲۰ ساله تا ۶۰ ساله تحت نظام در آیند، روحانیین نیز با وی اتفاق نموده هرکس تمرد از این حکم نماید وی را کافر و از دیانت اسلامش خارج قرار می دهند از این رو این قانون خیلی بر قوهٔ سلطان اطرش افزوده مصمم شده است که بسرعت حمله قوی بر شام مجدداً نماید، نماینده تازه فرانسه هر قدر سعی می کند که اهالی را بصلح دعوت کند زیر بار نمیروند فرانسویها شکایت کرده اند که کمیته‌های مصری و فلسطین کمك زیاد بسلطان اطرش

جامع آتش انقلاب شامات را دامن میزند و اگر این اصول ادامه پیدا کند دولت ترکی هم بیطرف نخواهد ماند

مناقشهٔ موصل

مجمع بین‌المللی ساعی است که مناقشهٔ موصل را دولتین انگلیس و ترک بمیانجیگری جامعه دوستانه تصفیه کند دولت انگلیس هم قسم به تکالیف مجمع تن در داده چه مسلم میداند از نقشه های سیاسی که تا امروز بروی کار آورده شده جامعه ملل بهر چه حکم کند نفع انگلستان منصور است و بهمین مناسبت است که دولت ترکیه به هیچ وجه زیر بار تکلیف جامعه نمی رود به میانجیگری او را می پسندد به تصفیه وی را - دوشنبه ۱۴ دسمبر روز تصفیهٔ قطعی موصل قرار داده شده معلوم نیست چه پیش آید ولی بیشتر گمان میکنند که ترکی به یکگونه تصفیهٔ با انگلستان رضا خواهد داد - میگویند انگلستان تا این جا حاضر گردیده که شهر موصل را بترکی بسپارد ولی فقط شهر موصل کافی از دعاوی ترک شناخته نمیشود - مسیو بریون رئیس الوزرای فرانسه که صدر جامعهٔ ملل هم هست دامن برکمر زده نگذارد مسئله موصل منجر بجنگ گردد چنانچه فتحی بی سفیر ترکی را طلب و تا دیر باز با او صحبت کرده - توفیق رشدی بی از مجمع بین‌المللی به انقره رفته تا در این خصوص با مجلس شورای انقره تبادلهٔ خیالات بنماید - تا درجهٔ طرفین نرم گردیده اند - ایران هم که به تبدیل سلطنت خود مشغول است ولی امیدواریم اعلیحضرت پهلوی بذل توجه مخصوص به مسئلهٔ موصل فرمایند تا حقوق حقه ایران محفوظ بماند -

(هیئت رسمی ایران در جده)

نمایندهٔ ایران وارد جده گردیده از طرف حکومت حجاز و اهالی کمال پذیرائی و احترام یافت و امیدواری ظاهر کردند که بتائیدات دولت قوی و ملت مسلمان ایران مجدداً حکومت حجاز مقتدر آید که امنیت داخلی خودرا تکمیل نماید - وزیر خارجه امیر علی تلگرافی در این موضوع بوزارت خارجهٔ ایران هم نموده و اظهار تشکر کرده است از ورود هیئت نمایندگان تفتیشیه ایران .

(اخبار نمایندهٔ ایران از مدینه)

نمایندهٔ دولت علیه ایران که برای تفتیش و تحقیق بمدینه وارد شده خبر می دهد که شهر در منتها درجه سختی بمحاصره است - گنبد مطهر نبوی خراب نشده ولی گلوله‌های چند بروی تصادم نموده است .

(فتح مدینه بدست وهابیان)

خبریکه در (دیلی اکسپرس) اشاعه شده و روتر تصدیق نموده دال است بر اینکه عاقبت مدینه را وهابیان مسخر داشته و اهالی تسلیم شدند .

حبل المتین

بعد از عقد قرار داد بین دولت انگلیس و بن سعود و تعیین سرحدات نجد و فلسطین و عراق و نجد معلوم بود که وهابیان مدینه را مسخر خواهند داشت و طولی نخواهد کشید که جده را هم قبضه خواهند نمود افواه بود که دولت انگلیس مبلغ هنگفتی کمك به بن سعود داده یا بعبارت دیگر برای قبول تعیین سرحد عراق و فلسطین وجه قابلی ابراسم و رسم که باشد بلو رسیده است ولی رسماً حکومت انگلستان این افواه را تکذیب نموده و منکر است که دولت انگلیس به بن سعود پول داده باشد ولی انکارات سیاسی قابل اعتماد نیست چه میتوان بن سعود را به طریق غیر رسمی بصورتهای مختلف کمك نمود تا رسما انکارش هم درست باشد - جزیره نمای عرب قطعه قطعه شده هر قطعه بصورت امارتی قیام نموده وکسانی هم که باید استفاده برند میبرند امام یحیی یمانی با امیر علی متحد آمده که بر خلاف بن سعود قیام کنند و هم حصه که در خاك یمن به قبضه انگلیسیان است بیرون آرند از طرف دیگر سید ادریس که ضد امام یحیی است با بن سعود سازش نموده بر خلاف رقیب خود می کوشد - مسلم است که سید ادریس همواره طرفدار انگلستان بر خلاف امام یحیی بوده این مراتب میرساند که انقلابات این حصهٔ عربستان بالا خواهد گرفت تا سیاست مقتضی برانگیختن کدام شخص بشود ولی هرچه ظاهر می دارند که امسال راه مکه برای حاج باز خواهد بود - این هم دال است با قرارداد با بن سعود چه مسلماً حکومت مکه و مدینه با بن سعود خواهد بود .

(مفلوکی احمد شاه مخلوع)

مخبر روتر خبر می دهد که شاهنشاه گذشتهٔ ایران این ایام از ترس جان خود ازگوشه مهمان خانه پاریس سر بیرون نمیکند و محافظین مخصوص بر خویش گماشته است - می گویند که یك از رشته داران وی (بعقیده ما سالار الدوله باشد) که حالش خیلی پریشان شده بود ۵۰۰۰۰ فرانك از وی خواسته - احمد میرزا بعذر نداشتن وجه انکار از ادای آن مبلغ نموده او نیز گفته است که به پاریس آمده او را خواهد کشت

حبل المتین

هر کس با زیردستان چنان کند سزایش چنین باشد از چنین پادشاه جبان برای مملکت و ملت جز انچه پیش آمد چه انتظار توان داشت ولی زمانه مهلت نمیدهد که شب را سحر کند

دعوت از دولت ایران

نظر باینکه این ایام در پنجاب مانور بزرگی داده میشود و از دولت ایران هم دعوت بعمل آمده بود حسب الامر شاهزاده سرتیپ محمد حسین میرزا رئیس ارکان حرب جنوب باتفاق سرهنگ عطاپور و سرهنگ دکتر قوام خان و سلطان هدایت الله خان سمت نمایندگی از طرف قشون ایران برای حضور در مانور از طریق بوشهر بسمت بمبئی روانه و شرح حالات شان را در شماره بعد خواهیم نگاشت

شفا خانه عالی

اعلیحضرت پهلوی در نظر گرفته اند که یک قسمت از حیاط تخت مرمر را برای یک مریضخانه عمومی تخصیص بدهند که در آنجا چندین اطاق احداث و بنا شود که لا اقل پانصد تخت خواب تهیه گردد و در تحت نظر اطباء ایرانی و اروپائی اداره خواهد شد گویا یک قسمت از عمارت گلستان هم برای محل وزارت امور خارجه تعیین خواهد گردید

راه آهن ایران

کمپانی راه آهن ... یکاکه چندی قبل نماینده خود را برای اخذ امتیاز راه آهن ایران بطهران اعزام داشته بود و بعد از قتل مستر امبری قونسل امریکا نماینده خود را احضار کرد باز مستر بولن مدیر کمپانی مزبور تلگرافاً باولیای دولت مراجعه وراجع باحداث خطوط آهن ایران وتوسعه نمودن طرق پیشنهاداتی کرده که در صورت تصویب امتیاز آن را از دولت دریافت دارند

عایدات دولت از نفط جنوب

میزان عایدات دولت در ظرف چهار ساله اخیره از بابت صدی شانزده ازاین قرار است

۱۲۹۹ پانصد وهشتاد و پنجهزار ودویست و هشتاد و نه لیره و سیزده شلینگ و هشت پنس

۱۳۰۰ پانصد وچهل و چهارهزار و سیصد و بیست وهفت لیره ...

۱۳۰۱ چهارصد و شصت و سه هزار و دویست و سی ویک لیره و شانزده شلینگ

۱۳۰۲ سیصد وبیست و هفتهزار و پانصد وبیست و نه لیره و نوزده شلینگ می باشد

پس از رسیدگی به محاسبه کمپانی نفط جنوب راجع بسنه هزاروسیصد در نتیجه اقدامات دکتر میلسپو یک مبلغی که معادل سی وده هزار وششصد وسی و سه لیره وپانزده شلینگ باشد دریافت و اضافه برمبلغ فوق در سنه هزار و سیصد و چهار معادل هفت هزار و هشتصد و هفتاد و شش

بانک رهنی

سابقا حکمی از مقام ریاست وزراء بعنوان وزارت مالیه صادر شده بود که معادل هفتاد و پنجهزار تومان از صرفه جوئی های بودجه ۱۳۰۲ برای سرمایه و تاسیس بانک رهنی تادیه شود

نظر باینکه چنین صرفه جوئی در بودجه آن سال بعمل نیامده وزارت جلیله در نظر دارد از محل دیگری این وجه را تهیه نماید که در آتیه نزدیکی موفق به تأسیس این بانک بشوند

پرنده خراسانی

در مقابل عشق ابدی و چند سال رنج وخسارت در تحصیل و تهیه ایروپلان و عدم همراهی بلکه منع و مسخره اشقیایان و نداشتن تتمه قیمت طیاره (و ربودن گوی سبقت را در ایران سرهنگ احمد خان بکمک دولت) نقداً اسم پرنده را مربی و مشوق خود قرار داده نام فامیلم را (پرنده) میگذارم قسمتی از بشر باید عبدالحسین مشیر زاده را فراموش و بعد حاجی حسین پرنده را شکار نمایند

(حسین پرنده)

حسب الامر مدیر و ... جلال الدین الحسینی ...
و از نمره ۱ - ۶ مکلوود اسغریت ...

حبل المتین مجاناً باحدی داده نمی شود
از هرکس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
(مقدم گرفته میشود)
روز نامه مقدس

حبل المتین
(۱-۲۶ امری پوکر رود)
[بالیگنج کلکته]
کلیه امور با مدیر کل
(جلال الدین الحسنی)
(مؤید است)
[ذبیرثانی ف ، س ، مؤیدزاده]
[ام . ای است]
هر دوشنبه طبع وسه شنبه
توزیع میشود

قیمت اشتراك
سالانه ششماهه
(هند و برمه) .
۱۸ روپیه ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران ۳۵ قران
[ممالك سایره]
سالانه
یك وسم لیره انگلیسی

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ٤ مهر ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۲۰ ربیع الاول سنه ۱۳٤٤ هجری
مطابق با ۲۸ شپتمبر سنه ۱۹۲۶ میلادی

تشکر

در موضوع تبعید ما مسلمانان هندوستان احساساتی ابراز داده که ما فوق تصور بود هفتاد و پنج ملیون نفوس اسلامیه یکدل و یك زبان کمال همدردی نموده منتها درجه انزجار نفرت از این حکم کردند تمام جراید هندوستان از انگلیسی و بنگالی و گجراتی و اردو مقالات شدید اللهجه متعدده برخلاف این حکم نگاشته حتی جراید نیم رسمی انگلیسی هم در مقالات عدیده خود این حکم را عاقلانه نه نگاشتند ، بامناقشات کنونی هندو ومسلمان کلیه جراید امت برهما منتهای صمیمیت هم قلمی را ابراز دادند

الحق بیش از آنچه حیثیت و قابلیت ما بود جمیع طبقات هندوستان مهمان نوازی و اظهار قدردانی کردند بقول یك ازجراید معتبره آنچه را دوهزارجراید مختلف الالسنه هند در اطراف تبعید مدیرحبل لمتین نگاشته جمع شود چندین مجلد ضخیم ترتیب توان داد انجمن های مختلفه و اقوام متشتته نیز بطریق خصوصی قدردانی نموده موادی چند برخلاف این حکم از اتفاق آرا گزرانده بنقاط مربوطه فرستادند مسلمانان کلکته ازجمیع احزاب درعمارت عالی تاؤن هال که راجع به بلدیه و گنجایش ده هزار جمعیت دارد مجتمع آمده نطق های آتشین برخلاف این حکم داده و موادی چند از اتفاق آرا گزراندند مجلس تاؤن هال کلکته یك از مجالس تاریخی بود که نظیر آن کمتر دیده شده الحق زبان ما از شکر قدردانی و بروز احساسات اسلامی برادران هندوستانی خود خصوصاً مسلمانان کلکته الکن است میتوان این دوره را تابکدرجه دوره بیداری اسلام خواند چه علاوه بر قدردانی مسلمانان هند قدردانی دول اسلامیه نیز از این خادم اسلامیت بسی قابل تقدیر و تشکر است اعلی حضرت شاهنشاه پهلوی بتوسط وزارت خارجه عزیمت ما را بایران امر فرموده آقای مستوفی رئیس الوزراء هم مهماندار مخصوص درسرحد تعیین و همه گونه اسباب آسایش و رفاه ما و عائیل ما را تهیه کرده اند از طرف دیگر اعلی حضرت پادشاه غازی افغانستان را برای ما بهترین پناهگاه فرموده اند از مبادی عالیه ترکیه نیز اسلامبول را مناسب ترین قیامگاه ما جلوه گرداشته اند الحق اینه قدردانی بزرگ دول و ملل اسلامیه بالا ترین جبران صدمات و بزرگترین صله ایست که در ازای خدمات چهل ساله این پیر خادم اسلامیت داده شده است

بدبختانه بهمان ملاحظاتی که در شماره قبل بدان اشاره رفته تاکنون موفق بحرکت نیامده بلکه بند های قضائی ما گران تر شده است

§ تخته بندار بمیان دریا §
§ دامنش تر نشود معجزه است §

همین ایام مجدداً از طرف اداره قضائی در مقابل یك حصه از بقیه قروض مذکوره ما حکم بهراج مطابع حبل المتین و اسباب اداره و اثاثیه خانه از میز و صندلی تا عراده سواری وتخت خواب داده شده است و هنوز هم در اطراف هفتاد هزار روپیه بقیه قروض ما را مطالبه میکنند ، ولی این مراتب و بالاتر از اینها نیز استقلال ما را درهم نتواند شکست چه میدانیم

§ باردگر روزگار چون شکر آید §

کابینه ایران

از همان ساعتی که تلگرافا اعضای کابینه اول آقای مستوفی معرفی شد ظاهر بود که این کابینه غیر متجانس نه تنها کاری از پیش نتواند برد بلکه دوام وقوامی هم نخواهد داشت معلوم میشود که اعضای این کابینه را عنفا به آقای مستوفی قبولانده بودند ورنه سبب نداشت که در مدت قلیلی چند نوبت استعفای خود را پیش نمایند گویا تاکنون هم اعضای کابینه های ایران بر حسب انتخاب رئیس‌الوزراء ها منتخب نمی گردند اگر چه اثرات خارجی از کابینه های کنونی مستقیماً مرتفع آمده ولی نفوذ دربار تاکنون در کابینه ها قائم است و تاوقتیکه دربار ترک اینگونه دخالت ها را ننماید کابینه های ایران از عهده وظایف خود بیرون نتوانند آمد اخیراً آقای موتمن‌الملک سابق میرزا حسین خان پیر نیا که شخص فعال جدی در سیاست کار وجسوری است آقای مستوفی را اقناع نموده به تشکیل یک کابینه جدیدی وادار کردند

آقای مستوفی بدون شبهه وطن خواه و فرسنگها از اثر نفوذ دو همسایه شمال و جنوب دور اند ولی زائد الوصف ملائم و دوست پرست اند و غالباً کابینه های ایشان کارهای عمده از پیش نبرده یا از مخالفت خارجی بوده و یا از نرمی دوست نوازی خود شان که اشخاص کم تجربه بروی کار آمده اند

کابینه تازه آقای مستوفی

وثوق الدوله	وزیر عدلیه
مشاور الممالک	وزیر خارجه
احتشام السلطنه	وزیر داخله
محتشم السلطنه	وزیر مالیه
ذکاء الملک	وزیر جنگ
مخبر السلطنه	وزیر فوائد عامه
نصیر الدوله	وزیر معارف
مشیر اعظم	وزیر پست و تلگراف

این کابینه هم غیرمتجانس وغیر ثابت معلوم میشود

افغانستان و روسیه

رفع مناقشه سرحدی افغان و روس برحسب خواهش افغانستان و نیز قرارداد مودت متساوی دولتین یک تکان شدیدی بخیالات سیاسیون انگلستان داده است جراید انگلیسی در اطراف این موضوع خیلی بحث می‌نمایند خصوصاً در این مسئله که هوا پیمایان روس در اداره هوا پیمائی افغانستان مستخدم و از مسکو تا کابل متواتراً کشتی های جنگی هوائی روسیه در آمد و شد اند هیجان می‌پندارند که علاوه براینکه افغانستان که نزدیکترین مراکز بهند است عنقریب دارای یک قوه قویه هوائی تواند گردید ممکن است مرکز پروپاگنده روس درهندوستان قرار گیرد و و و

حبل المتین

ما کار نداریم که این اشاعات صحیح است یا سقیم آیا میتوان از اولیای دولت انگلستان پرسش نمود که در صورت صدق این مقال علت تمایل افغانستان بروس و تنفر از انگلستان چیست ؟ بعقیده ما همان سیاستهای غلط است که سیاسیون انگلستان در ایران هم اتخاذ کرده همواره مورد سوء ظن اهالی واقع میگردند همین قسم که زمانه تغییر نموده رجال انگلستان هم باید سیاست خود شان را تغییر دهند یا سیاستهای پوسیده قدیمه انگلستان درمقابل سیاست تازه روس مشکل است در وسط آسیا مقاومت نماید ، انگلستان بایران و افغان محتاجتر است تا ایران و افغان بانگلستان سیاست متکبرانه طمع کارانه امروزه در ایران و افغان ازهیچ یک همسایگان پیش رفت نتواند نمود ، افغانستان مسلک حکومت هند را درسرحد پسند نمی‌نماید وهمین نکته بیشتر سبب رنجش اولیای دولت افغان ازهمسایه جنوبی وتمایل آن به همسایه شمالی تواند بود . انگلستان دروسط آسیا باید درمقابل روسیه مسلک کریمانه اختیار و لا اقل اقدامات تجاوز کارانه را متروک دارند مسئله سرحدی افغان جرگه های یوشالی باید یک تصفیه قطعی بیابد و همین قسم است سایر مسائل مختلف فیه باید رجال انگلستان که مقصد خودشان قرنی است که مملکت افغانستان را از تجاوز همسایگان مصؤن داشته حالا نیز دوستی خودشان را با افغان قائم گذارند و این ممکن نیست جز باختیار یک مسلک کریمانه در مقابل روسیان ، غرور و نخوت فاحشانه انگلستان رجال آن را به سهوهای سیاسی بسی دچار نموده و می‌نماید ، الان مسلکی را هم که جراید انگلیسی در موضوع ایران اختیار نموده ابداً بصرفه انگلستان مقرون نخواهد آمد روز نامه دیلی نیوز لندن که خبر امضای قرار داد مودت ایران و ترک و روس را میدهد می‌نویسد که این قدمی را که ایران برداشته و نزدیکی که بترک و روس پیدا کرده سراسر برخلاف دولت انگلیس است و از این ببعد نمیتوان ایران را کما فی السابق موافق بادولت انگلیس دانست و و و

این بیانات برفرض اینکه صحیح هم باشد باید علت آن را فهمید ، ایرانیها همچه تصور کرده اند که انقلاب کردستان و ورود سالار الدوله ونغمه هائی که از برخی شیوخ خوزستان استماع میشود و مخالفت بلوچیان وبغاوت دوست محمدخان همه مبنی بر اشارات انگلستان است در این صورت ایران هم مجبور گردید که دست اتحاد برقیب وی (روس) در دهد ،

۳ دو سال سیاست ملایم انگلستان در ایران خیلی دولت انگلیس را در ایرانیان محبوب ساخت اگر صحیح باشد این سیاست غلط آنها را عقب خواهد انداخت در هر صورت هنوز هم مرکز آسیا در فشار دو همسایه شمال و جنوب در حال بیقراری است

عسی الله ان یحدث بعد ذلك خیرا

سیاست مذبذب غلط است

ما ایرانیان از بس تنبل و راحت طلبیم نزاکت شناسی و حسن ظن سیاسی را پیشرو خود ساخته هر اقدامیکه همسایگان ولو برخلاف ما هم باشد بکنند بنظر سطحی نگریسته از عاقبت وخیم آن نمی اندیشیم حبل المتین از وقتیکه مسئله موصل پیش آمد حقوق ایران را بر موصل ومخصوصاً بر سلیمانیه مکرر نگاشته منتظر بود که اولیای دولت هم عطف توجهی باین مسئله اهم بنمایند اولیای دولت ما باید بدانند که مسئله کردستان یك از مسائل غامضه همسایگان در وسط آسیاست نقشه را که دولت انگلیس بعد از جنك باسم آزادی کردستان پیش آورد هنوز خاتمه نیافته است سیاست انگلستان خیلی عمیق و پیش آمد صد سال بعد را امروز دیده وجلوبندی می نماید صد نفر را بروی کار آورده واز کار انداخته تا مه ویکی که مقصود حقیقی است بروی کار آید کردستان چنانچه میگویند دارای پنج ملیون نفوس است نصف آن متعلق بایران ونصف دیگر راجع بترکی است از دهنه عراق عرب وموصل وسرحد شام گرفته تا منتهی شود بارمنستان ونقاط عمده آذربایجان و سرحدات اناطولی کرد نشین است که موقع جغرافیای جنگی آن از گنجایش این مقال خارج است

اگراین نقط اهم در وسط آسیا آزاد شود وتحت سر پرستی انگلستان ماند نه تنها ترك و ایران را فلج تواند ساخت بلکه همسایه روسیه را هم بتهدید نگاه تواند داشت این نقشه باندازه عمیق است که مردمان سطحی چون رجال ساده ما پی به آن نتوانند برد وباندازه برای سیاست انگلستان در آسیای وسطی مفید است که با هیچ نفعی برابری تواند کرد و هر زیانیکه در پیشرفت این مقصود برای انگلستان متصور باشد در مقابل نفعی که تصور کرده اند اندك بشمار خواهد رفت موصل رأس کردستان واقع شده یکدست آن ترکی و دست دیگرش ایران است در حقیقت نقشهٔ را که از روی سیاست انگلستان برای آزادی کردستان ریخته بود از استیلای بر موصل تایك درجه پیشرفت نموده ومینماید سال گذشته جنبش کردان ترك ایرانیان را بخود نیاورد ومقالات حبل المتین بجای اینکه مورث بیداری آنان گردد الالانی غافت نصیب شان آمد آری اینها همه نتیجه تنبلی است ایران بدون رو دبر راستی دارای یك سیاست مستقیم تاکنون نشده است و ما خود را نباید گول بزنیم اگر دراین دوره هم ما بهمان حال تذبذب مانده هر ساعت مانند کودکان بدامن این و آن نشینیم استقلال مان را خاتمه باید گفت ما نباید از دیگران شکایت کنیم که پیروی از یك سیاست مستقیمی می نمایند و نباید توقع داشته باشیم که برای تملق فلان وزیر از فلان سفیر سیاست مستقیم یك دولت تغییر نماید ایران در همه چیز عقب است خصوصاً در سیاست اگر گفته آید که رجال سیاسی در ایران نداریم یا اگر داریم همان سیاست پوسیده مذبذب است سخن بگزاف نرفته یك شخص فعال مانند پادشاه جوان افغانستان در عرصه چند سال توانسته است یك سیاست مستقیمی برای مملکت خود اتخاذ نماید ولی قرنهاست ایران در کثافت بی سیاستی غوطه ور وهنوز هم یك دولت فعالی پیدا نشده است که این کشتی طوفان خورده را ازین منجلاب تذبذب بساحل نجات برساند تملق گوئی ایرانیان نظامیان فعال را هم دارد از کار می اندازد در اینجا مشتبه نشود که ما هرگز قائل نتوانیم شد که نظامیان ارباب سیاست اند سیاست دیگر است وشجاعت دیگر امرای نظام ما ولو مردمان شجاع باشند ولی تعلیم وتربیت وتجربه در سیاسیات نیافته اینست که در چنگال همان سیاست بافان پوسیده دچار آمده نمی گذارند یکقدم بطرف رفعت و عظمت ایران بر داشته آید ما نباید قانع شویم بر اینکه لشکر پهلوی یا شخص پهلوی بکردستان رفته امنیت قائم فرموده سالار الدوله را هزیمت دهند چنانچه گفتیم آزادی کردستان را سیاسیون خارجه تا صد سال دیگر تعقیب خواهند نمود ایرانیان باید دراین موضوع مسلکی اختیار نمایند که تا صد سال دیگر بتوانند در جلو سیاست انگلستان استقامت ورزند هر قلمی که برجال انگلستان سرزنش کند از سیاست بی خبر است ما هرگز ملامت نتوانیم کرد آن سیاسیون بزرگ را که تعقیب میکنند یك سیاست عظیمی را که در منافع خود در آسیای وسطی بلکه درکلیه آسیا دخالت عمیق دارد

خلاصه ترجمه روزنامه تیمس بغداد

کردستان ایران باز دارد منقلب میشود سالار الدوله که رابطه دیرین باکردان دارد وارد کردستان شده کردان هم دور وی گرد آمده شهر سنندج که دارالحکومه کردستان شمار است بابنواستی (این لفظ غلط است) که سی میل دور از کرمانشاه است قبضه نموده از طرف دیگر سردشت را هم که واقع در آذربایجان است متصرف آمده بهمین مناسبت قشون دولت ایران شهرساوجبلاغ را تخلیه نموده معلوم میشود سالار الدوله این نوبت تدارکات بیش از تصور دیده است

نقل از روزنامه شفق سرخ

[مطبعه طهران]

(سالار الدوله در کردستان)

بازی جدید انگلیسها

چند روز است در افواه شایع است که سالارالدوله آمده است بکردستان و دست بهمان کارهائی زده است که همیشه از سوابق داشته و مالیخولیای همیشگی او مقتضی است

اگرچه این خبر از منابع رسمی هنوز بما نرسیده است ولی اطلاعاتی که تاکنون باداره شفق سرخ واصل گردیده است صحت این شایعه را تائید میکند

خوب ، حال فرض کنیم سالارالدوله آمده است بکردستان وعده از عوام الناس کرد را نیز مثل همیشه دور خود جمع نموده و جنجالی ولو دو هفته الی یک ماه راه بیندازد چه اثر مهمی دارد

البته قضیه فی حدذاته هیچ اهمیت ندارد زیرا همه سالارالدوله را میشناسیم و میدانیم این بدبخت هیچوقت نقشه صحیحی ندارد یعنی اساسا فکر صحیح و عقل سلیمی ندارد

و از اینگونه اقدامات سفیهانه خود جز تحمیل خسارات مادی برای دولت ضرر و خسرانی نزده است اما یک نکته است که قابل دقت و مطالعه است

سالارالدوله بقول آقای مدرس یک آلت خوبی است این شاهزاده نالایق در دوره زندگانی خود همیشه آلت پیشرفت مقاصد سیاسی اجانب بشمار رفته است هر وقت یک دولت خارجی خواسته است برای ایران سر گرمی تازه ای تهیه کند اورا مجهز نموده و مشایر ساده لوح کردستان و لرستان فرستاده است اگر بخواطرها آخرین اقدام مشارالیه ملحق شدن بطغیان خوزستان باشد

سالار الدوله از دولت ایران اجازه خواسته بود که بوطن مراجعت کند ، تا بغداد هم رسید ولی وصول ایشان به بغداد مقارن بود باطغیان خزعل ، بلا فاصله شاهزاده مزبور سوار شده و بقوای شیخ ملحق شد و بعد از خذلان متمردین خوزستان ایشان بحکم مسیره و سابقه فرار کرده و بسوریه رفته در شام متوطن شدند

حال امروز از کردستان سر در آورده است کی اورا بکردستان فرستاده ؟ از چه راهی بکردستان رسیده است ؟ چه سیاستی در حدود کردستان ترکیه و ایران مشغول کار است ؟

اینها همه مواضیعی است که قابل تامل و تفکر است

همچنانیکه چند روز قبل راجع بطغیان سلماس ومراوه تپه انگاشتیم و بدلایل سوء ظن ما توجه مقاماتی شد که اسباب رنجش بیسیم مسکو شده ، اگر روبتر اجازه میدهد واز محافل لندن (مثل بیسیم مسکو) خبر فارصایلی ارشفق سرخ را نشر نخواهد داد بی پرده میگوئیم که انگشت سیاست خارجی در این واقعه مشاهده میشود مخصوصا اگر باین قضیه آتش بازیها و دسایسی که در بعضی از عشایر خوزستان شده است ضمیمه نمائیم و همچنین تحریکاتی که عشایر بلوچ و مخصوصا دوست محمد خان شده است بدان اضافه نمائیم

ما تصور می کردیم بعد از آن سیاستهای غلطی که انگلیسها درایران بازی کردند وتنفر عمومی را نسبت بخود جلب نموده و بالنتیجه تمام مقاصد اقتصادی و سیاسی آنها در ایران دچار وقفه شد و باوجود مخارج زیاد هنگفتی که متحمل شدند همیشه مواجه بودند با یک محیط متشنج عصبانی امروز دیگر متنبه شده و دست از سیاستهای پوسیده ای که ابتداً متناسب باوجود روسیه بلشویکی نیست برداشته اند و از این رو در مدت دو سال سیاست ملایم ساکتی اتخاذ کردند

ولی خیلی متاسفیم که امروز عکس تصورات خود را مشاهده میکنیم دولت انگلیس تصور میکند با ایجاد اغتشاش در کردستان ایران و فرستادن سالارالدوله میتواند زمینه ایجاد یک مملکت مستقل کردی را تهیه و بان وسیله یک سد دیگری ما بین خود و روسیه که پس ازضمیمه موصل بعراق باو قدری نزدیک شده است ایجاد خواهد کرد یا وسیله سایر تحریکات و آتش بازیهائی که در نقاط مختلفه مملکت نموده و دولت را بقشون کشی و صرف کردن مخارج کمر شکن مجبور میسازد از نمو و قوت دولت ایران جلوگیری خواهد کرد در صورتیکه همه اینها اشتباه است تشبث باینگونه سیاستها مقتضی مضراتی است که درست نقطه مقابل مصالح انگلیس است و ایران را بسیاست خصم و مدعی خود نزدیک میسازد

ما چندان بحسن نیت دولت انگلیس در ایران معتقد نیستیم انگلیس میخواهد یک ایران ضعیف و فقیر و ناتوان و پریشان وبدبخت وبدون سکنه در شرق موجود باشد و برای رسیدن بدین مقصود بانواع

و السلم الاقدامات مخالف حق و قانون مبادرت مینماید

تا هنوز اقدامات انگلیسها را در کنفرانس ژنو راجع بخلیج فارس فراموش نکرده ایم و امید واریم انگلیسها تصور نکنند که افکار عمومی ایران تمهید از این راه چه لطمه سختی میخواستند بسیاست و استقلال آنها وارد سازند

مسئله منع زراعت تریاک که نمایندگان انگلیس شدیداً آن را تعقیب میکردند و میکنند برای خیر انسانیت نبود اگر آنها خیر انسانیت را طالب بودند سیصد و هفتاد میلیون نفوس هندوستان را برقیت محکوم نمیکردند بقول یکی از تجار بوشهر آنها با این سیاست اقتصادی میخواهند ایران را بخاک سیاه بنشانند و بیش از این ضعیف و ناتوان باشد

آزادی خروج مسکوکات که در شماره پیش از مخبر بوشهر نگاشتیم یکی دیگر از اقداماتی است که بطور غیر مستقیم برای خرابی اوضاع اقتصادی ایران فراهم ساخته اند

در بنادر خلیج فارس که رسماً تحت سیادت انگلیسها واقع است همه گونه تسهیلاتی برای تجارت قاچاق فراهم نموده اند وخلاصه تقریبا همان تضییقاتی که روسها برای تجار شمالی فراهم کرده اند انگلیسها برای تجارت جنوب فراهم میکنند ولی اینک طرز ملایم تر و ظاهرا مشروع تر؟

درمقابل این وسایل دولت ما درچه خیال است آیا فقط عبور کردن از جاجرود و افتتاح راه خراب مازندران؟

امیدواریم اگر در هیئت دولت و وزارت خارجه اینگونه مسائل اساسی تحت شور ومطالعه در نمی‌آید وزارت جنگ از آن غفلت ننماید

آسیای وسطی

نقشه دولتین انگلیس و روس در پیشرفت مقاصد ملک گیری شان از صد سال باین طرف بر احدی پوشیده نبوده و لیست انگلستان به بهانه اینکه مبادا روس رو بهندوستان نماید چند هندوستان دیگر را ضمیمه مستعمرات خویش نموده از طرف دیگر روسیان به بهانه پیشقدمی انگلستان در آسیا ولزوم توازن قوا درمقابل آنها پیشقدمی آغازیده و تاجائیکه کوه هندوکش را با مسکو متصل ساختند در رقابت سیاستی یا استملاکی در دول آسیائی بیش ازهمه دولتین ایران و ترک به تضییعات دچار آمده زیانات سخت حاصل کردند چنانچه روسیه ازایران قفقاز ، گرجستان و حصهٔ بزرگی از آذربایجان را متصرف و این سلسله را تا خیوه و ترکستان و بخارا وخیوه کشایده حصهٔ عمده از خاک خراسان را هم تصاحب کرد ، ازین طرف هم انگلیسان از پای نه نشسته امارات سند وعهده خاک بلوچستان وعمانات وغیره را از ایران مجزا وپنجه خودرا بروی آنها گذارده اند همین قسم افغانستان هم از این فشار خارج نبودی ممالک سرحدی بدواً بنام اراضی پوشالی ازوی مجزا شده سپس تادرجهٔ ضمیمه هندوستان گردید از آن طرف هم روسها کمی لکرده از سرحدات افغان قیچی کرده اند اما ترکی از یکطرف روس کریمیا ، قارص ، تا برسد به باطوم وسواحل دریای سیاه از ترکی ربوده امارات بالکان را از آن شاهنشاهی عظیم مجزا ساختند ـ انگلیسان هم درمقابل مصر ، سواحل بحر احمر کابه عربیه تا برسد بعراق عرب و فلسطین ویك حصه کردستان که عبارت ازموصل وغیره باشد بهر اسم و رسم که بود از ترکی ربودند ـ در این گیرو دارها فرانس و ایطالی و آستریا هم سرشان بی کلاه نماند ، ایطالی علاوه برانکه طرابلس الغرب را غصب نمود پنجه خود را روی اناطولی هم انداخته با چشم طمع بسواحل اناطولی نیز نگاه مینماید ـ هرزك و بوسنیا را هم آستریا اعلان الحاق داد اینك ضمیمه هنگری آمده است فرانس که خیلی بسواحل مدیترانه شامات نظر داشت پس از قرنی استیلا بر تونس عاقبت قطعه شامات نائل آمد اگرچه سرحدات ترکی و ایران و افغان بیشتر از رقابت روس و انگلیس بوده ولی اینك روسیان از بعد تشکیلات شخص شخیص (لینن) بر عاقبت وخیم این مسلك برده دانست که اگر چندی دیگر بدین منوال بگذرد نقبة السیف نقاط مرکزی آسیا هم تقسیم شده بعید نیست دول غربیه موقع یابند که درخاك وسیع روس نیز قدم گذارده کار را بر وی سخت کنند چنانچه در انقلابات اخیره روس دیدند که قشون انگلستان از یکطرف تا عشق آباد و ازطرف دیگر تا طفلیس وغیره رسیدند و سائر لشکریان دول غربیه بسیاری از نقاط خاك روس را لگدکوب ساختند از این رو برای جلوگیری از چنین پیش آمد های وخیم در آتیه با دول مرکزی آسیا برد بحث باخته برای حفظ خود بقوام و استقلال آنان حاضر گردیده است ، روسیان میگویند که آزادی و استقلال دول ثلاثه مرکزی آسیا یعنی افغان و ایران و ترك را علت العلل در این ایام اخیره ما بوده و هستیم میگویند که افغانستان به پشت گرمی ما بیرق آزادی و استقلال بر افراشت و انگلیسان هم ازخوف پیشقدمی ما در مقابل دعاوی استقلالیه افغان سرتسلیم خم نمودند

ایرانرا که انگلیسان درقرارداد خیره (وثوقی) جزء مستملکات ومستعمرات خویش ساخته بودند معاهده کریمانه ما بود که ایرانیان را از این غلامی نجات بخشود

و اگر معاهده ما با ایران نبودی ایران هم امروزه همخوابه عراق عرب و فلسطین بودی

اما ترکی بعد از آن معاهده منحوسه آل عثمان که همه چیز خودرا دادند ترکیه جدید هم در مقابل تائیداتی که بیونان داده میشد بی‌حس و حرکت مانده بود و اگر تائیدات سری و عینی مالی و قورخانه ما نبود که بترکان دادیم نه تنها امروزه حکومت یونان در اسلامبول قائم بودی بلکه افراد ترکان را هم در اناطولی وجودی باقی نماندی

بهمین مناسبت است که دیده میشود همه روزه در روابط روس و دول ثلاثه مرکزی آسیا افزوده میگردد - تلگراف اخیر وقایع‌نگار مخصوص تیمس لندن از اسلامبول یك تکان عظیم بسارکنان سیاسی شرق میدهد هنوز مرکب عهد نامه مودت ایران و ترك نخشکیده بود که برطبق همان قرار داد در موقع رفع مناقشات سرحدی ایران و روس بین دولتین روس و افغان بسته می‌آید اینك وقایع‌نگار از اسلامبول خبر میدهد امضای عهد نامه مثلثی را بین روس و ایران وترکی فقط اشاره بهمین یك ماده آن عهد نامه شده که در موقع جنگ هر یك از آنها با دول رابع آن دو دولت دیگر بیطرف از جنگ خواهند ماند ظاهرا این عهد نامه نیز برطبق عهد نامه مودت ترکی است ولی در باطن باید تسلیم نمود اتحاد دول اربعه روس، ترکی، ایران و افغان را در وسط آسیا هرچیز از ابتدا کوچك است ورفته رفته بزرگ میگردد و ممکن است که طولی نکشد که همین اتحاد آسیای مرکزی بشرق اقصی نیز سرایت کرده صورت یك اتحاد شرقی را بخود گیرد ولی در این جا باز ما عقاید اولیه خود را تکرار نموده میگوئیم که روسیان را نیز مشرقی نمیتوان دانست ولو اینکه امروزه برای پیشرفت مقاصد خود خویشتن را نه تنها مشرقی ظاهر میکنند بلکه خود را حامی کلیه ملل مشرقیه جلوه میدهند ما کار باین نداریم فقط منافع خود را میجوئیم یعنی اتحاد دول ثلاثه افغان و ایران وترك را خواهانیم چه این سه ملت همجوار شریك النفع و الضرر اند بالجمله معاهده روس و ایران و ترك که اشاره به آن رفته اثرات عظیم در مشرق تولید تواند نمود چه این میثاق یا عهدنامه مودت ممکن است مواد مخفی هم داشته باشد و فی الواقع حالا میتوان گفت که در مقابل عهد نامه های مودت غربیان در لوکارنو این اقدام شده است این عهدنامه را باید مقدمه اتحاد کلیه شرقی دانست و فی الواقع این اتحاد تهدید بزرگی است بدول ثلاثه انگلیس و فرانس و ایطالی که

علاوه بر مستعمرات شرقی هنوز هم چشم طمع به بقیه خاك شرقی دارند بعقیده بسیاری اقدام الحاق بحرین دولی به ضمیمه حکومت هندوستان بیشتر دولت ایران را حاضر بقبول این قرار داد ساخته است چه ازروی تاریخ و ازروی جغرافی بحرین و سواحل عمانات جزء لاینفك ایران شناخته شده اند و هرگز نمیتوانند ضمیمه حکومت هندوستان گردد مسئله بحرین که تاکنون موضوع بحث کابینه های ایران بوده و هست اما عمانات که بایدگفت آن مسقط است هرکس بتاریخ آشنا باشد بما حق خواهد داد که همیشه ضمیمه ایران بوده و شیوخ عمانات هم تابع ایران بوده اند

سید سعید پدر سید سوینی و سید برقش و سید ترکی که جد اعلای حکمران کنونی مسقط است از امراء باجگزار و اجاره کاران ایران بوده حتی دختر یك از شاهزادگان قجر را نیز بهمسری خود اختیار کرد و بندر عباس و جزایر قشم وغیره را نیز اجاره دار بودی پس ازسید سعید در اواسط سلطنت ناصری سید سوینی جانشین او از باج وخراجیکه بایران سالانه می‌پرداخت سالی چند استنکاف ورزید وبدین سبب لشکر ایران به بندرعباس هجوم آورشده سید سوینی و تابعینش بمسقط فرار کردند جزایر قشم و بندر عباس از قبضه او بیرون شد ولی پادشاه عیاش ورجال راحت طلب آن دوره بتکمیل این جنگ نکوشیده ولشکر بمسقط کسیل نداشتند تازمان سید سوینی در خارجه مسقط و عمانات همان قسم تابع ایران شناخته میشد و سید برقش پسر دیگر سید سعید نیز در زنگبار بیرق خود سری افراشت و اگر ایران رجال باکله داشتی و از عاقبت وخیم سستی و تنبلی و بی اعتنائی بامور سیاسی با خبر بودندی امروز پرچم ایران در زنگبار نیز باهتزاز بودی چه سید سعید که حکومت زنگبار و عمانات را دارا بود چنانچه گفتیم تابع و پیرو احکام ایران بودی ولو نسلا عرب بود پس از سید سوینی برادر کوچکش سید ترکی حکومت یافت و جهازات جنگی انگلیس هم شروع به آمد و رفت کرد و اندك اندك همان تعلقاتی که با ایران داشتندی با دولت انگلیس قائم نمودند و ایران بسکوت سیاسی و تجاهل بلتیکی قناعت ورزیده قرار داد های شیوخ عمانات را با دولت انگلیس تصدیق نمی‌نماید بهمین مناسبت است با اینکه نصف عمانات رعایای ایران اند تاکنون هیچ نماینده هم در عمانات و زنگبار نمی‌فرستد ولی چه سود که

§ عاقل بمیان دجله چاره میجست §

§ دیوانه پا برهنه از آب گزشته §

رجال انگلستان ازین مغرور وبرنخوت آلد وبسیاری در مسائل سیاسی سهو و غلطی های بزرگ نموده و می نمایند امروز را قیاس بدیروز نمیتوان نمود چنانچه فردا را هم قیاس بامروز نتوان کرد پس از آنکه رجال انگلستان پی به غلطی لارد کرزن تازه گرشته برده و مجبوراً آن قرار داد (وثوقی) را باطل کردند خوب بود در مقابل قرار داد کریمانه روس بایران آنها هم بدلجوئی ایرانیان میکوشیدند با آنهمه خساراتیکه ایران درلشکرکشی های خارجه در موقع جنگ برده اقلا بایستی آن جزئی طلبی را که از ایران داشته واگذار و قضاوت قنسولات خویش را باطل میساختند راست است که هنوز از ایران قوه کامل نیافته

ولی نمیتوان گفت که حقوق خویش را هم نمی فهمد ابداً قابل انکار نیست که افواه الحاق حکومت بحرین بهندوستان تا چه اندازه قلوب ایرانیان حساس را میخراشد وخواه مخواه آنهارا متمائل برقیب انگلستان میسازد تعلقات سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان زیاداست وما همیشه خواهان حسن روابط این دو دولت بوده وهستیم ولی ازروی مساوات و برادری و برابری چون عقیده آزاد است میگوئیم اگر اولیای دولت انگلستان حکومت بحرین را ضمیمه هندوستان قرار دهند مرتکب یك ازخطایای سیاسی گردیده که دیر یا زود مجبور باعمال آن آمده به غلطی خویش قائل خواهند گردید

اقتصادیات ما

طبیب هر قدرحاضر باشد تاوقتیکه مرض را تشخیص ندهد علاجش سودمند نگردد امروزه جمیع طبقات ایران ازتاجر، کاسب، ملاك، زارع، نوکرباب حتی رؤسای ادارات و وزراء همه یکزبان فریاد از خرابی اقتصادیات ایران دارند، هرچه میگویند صحیح ولی چون پی بعلت نبرده مهمل و بی اثر میماند وقتیکه نظر ترقی تجارت ایران مینمائیم می بینیم که نسبت بقبل ازجنگ تجارت ایران ازصادر و وارد زیاد شده ولی نصف این ترقی تجارت بواسطه ازدیاد قیمت مال التجاره و نصف دیگر آن بمناسبت افزونی صادرات و واردات است با این حال دیده میشود که اقتصادیات امروزه ایران از هرزمان بدتر و فقر عمومی از هر وقت بیشتر است ـ این مسئله بیشتر از وقتیکه روسیه صادرات ایران را بخاك خود محدود ساخته احساس شده است همه مردم یعنی آن کسانیکه واقف از حقیقت امر نیستند نفرین بروسیه وقانون آنها میکنند مخالفین خارجه روس هم موقع یافته تا جائیکه میتوانند باین جراحات نمك میپاشند

از پنجاه سال باین طرف از استاتستیك های خارجه و داخله استنباط میتوان نمود که صادرات ما از شمال زاید بر واردات ما بوده یعنی سالی چند ملیون اضافه پول از روسیه وارد ایران شده است و همین قسم وقتیکه ملاحظه صادرات و واردات جنوب میشود می بینیم دراین پنجاه ساله اخیره سالانه چند ملیون واردات مان برصادرات مان فزونی داشته یعنی همواره سالانه چند ملیون پول مان از داخله بطریق جنوب بخارجه ریخته شده است عجب ترآنکه باصادرات هنگفت نفت جنوب باز هم دیده میشود واردات مان از سمت جنوب چند ملیون اضافه برصادرات مان است

ولی نظر بر اینکه در مقابل از شمال پول نقد وارد میشد چندان بمملکت و افراد ملت خروجی وجه نقد از جنوب اثر نمی بخشود

در این اواخر روسها پی باین نکته برده علنا گفتند که ما هرگز رضا نخواهیم داد که سالانه مبالغ هنگفت طلاء و نقره خود را بایران ریخته از سواحل جنوبی بانگلستان رفته رقبا و دشمنان دیرین مارا تقویت بخشد بدواً باشاره وکنایه با رجال مربوطه سخن بمیان آورده ولی ما ایرانیان هرگز پی باین باشارات سیاسی نبرده و تا مجبور نشویم بعلاج نمیپردازیم

در موضوع خرابی اقتصادیات ایران چنین عقیده داریم که ایران اگر بخواهد اوضاع اقتصادیش رو به بهبودی نهد قبل از هر اقدام باید اصلاح صادر و وارد جنوب را بنماید لا اقل تا اندرجه اصلاح کند که صادر و وارد آن بیك میزان ماند در آن صورت اضافه نقدینه که از شمال بایران وارد شود در خود ایران مانده مایه رفاه و سرمایه اعتبار ملك و ملت تواند گردید این را هم عقیده داریم که مانع بزرگ و خرابی عمده فقر ایران عدم اختیارات وی برگمرکات خویش است ایران جدید ـ رجال جدید میخواهد ، قوانین جدید در کار دارد گمرك باید بروفق صلاح ملك و ملت مقرر آید ممکنی که صادر و واردش مقابله نکند خواه مخواه فقیر و ناچیز و محتاج خواهد گردید وهمین اقدامیکه امروزه روسها نموده عاقبت ایران را مجبور خواهد ساخت که اختیار گمرکات خویش را بکف خود گرفته یك تعرفه صحیحی بروی کار آرد اگر چنین شد اوضاع مالی ایران رو به بهبودی تواند گذارد برفرض برای اصلاح موقتی یك قرضه هنگفتی ازخارجه گرفته بداخله ریخته آید چه سود که پس ازچند سال ازهمان مجرائیکه ذکر کردیم باز بخارجه برگشته قرضه بذمه ملت مانده فقراء و

پریشانی اهالی بیش از پیش خواهد گردید راه چاره و درمان بهبودی اقتصادی ایران جز این نبوده ونیست هر کس غیر ازین گوید یا ندانسته یا تجاهل عارفانه کرده است چون امروزه ایران با دولت انگلیس دوست و صمیمی است باید حق و قم و حقیقت امر را رسماً باولیای دولت انگلیس حالی کنند چه مدعی ایران در مسئله گمرکات جز انگلیسان دیده نمیشود یعنی دیگران چندان تجارتی ندارند و فائده عمده را دولت انگلیس از این امر برده ومیبرد و اگر دولت دیگری هم اعتراض بکند آنهم باشاره انگلیس خواهد بود

پس ایرانیان نباید فریب اصول تجارت روس نمایند هر دولت دیگر هم که بجای روس بود رضا نمیداد که ایران یك مجرای خروج ثروت روس بانگلستان قرار گیرد اگر ایرانیان رفع خرابی اقتصادیات خود را خواهانند اول قدمیکه باید بردارند در اصلاح این امر باید باشد در آن صورت روسها هم مجبوراً همه گونه تائیدات مالی وتجارتی و اقتصادی بایران خواهند نمود ورنه آنها هم مقابله بالمثل خواهند کرد و همان قسم که از جنوب ثروت خارج میشود از شمال هم خارج خواهند ساخت و پس از چند سال ایران پر ثروت زرخیز بدتر از امروز بیك حال فقر و ور شکستگی دچار خواهد آمد

عیب کار اینجاست ما ایرانیان نفع و نقصان خود را ندیده اصول حیدری و نعمتی را که از دیرباز در کله ماجای گرفته از دست نمیدهیم روس پرست میشویم بدون هیچ سبب و انگلیس خواه میگردیم بدون هیچ جهت تاوقتیکه ایرانیان خود خواه نشوند هیچ نخواهند شد یعنی اگر دوستی انگلیس را میجویند برای صرفه و فائده خود باشد اگر دشمن روس میشوند بمناسبت جلب نفع خویش باشد سهو نفرمایند غرض جلب نفع شخصی نیست که آقایان ما دارند باید منافع نوعی رامد نظر گرفت باید اساس دشمنی و دوستی اقوام و ملل را بروی وطن خواهی و ملت دوستی قرار داد باید دید دوستی کدام یك از ملل برای ما مفید تراست البته تمیز این امر راهم باید کسانی بدهند که برموز سیاسی واقف و بمضار و منافع اقتصادی دانا باشند امروزه ملل اروپا برسر پنج شاهی نفع قومی جنك بروی بزرگترین دوستان خارجی خود میزنند و برای اندك نفع قومی خویشتن را مبتلا به جنك های بزرك میسازند اینست که همواره منافع آنها محفوظ مانده ثروت ملی عزت قومی و افتخارات دولتی شان افزون میگردد دولت فرانسه با آنهمه دوستی با جمهوری ترك برسر حبس موقتی یك افسر قصورمند مستعد جنك با ترکی میگردد

ما گمان نداریم که اگر رجال باذکاء دوره پهلوی یك تعرفه فنی که مصلح حال ملت و مملکت باشد ترتیب داده بتمام دول پیش نمایند احدی انکار کند ایران بدولتیست مستقل و آزاد اختیار گمرکات خودرا کاملا دار است قانون تعرفه گمرکی آن باید از مجلس شورای ملی بگذرد نه ازروی قرارداد با خارجیان برخی مراسلات سفرا اعتنا نباید کرد وبه بعضی اعتراضات تو خالی محل نباید گذارد تاوقتیکه ایران اختیار تعرفه گمرکات خویش را بکف نگیرد حافظ ثروت ملی نتواند ماند هیچ دولت حق گله و شکایت هم ندارد ایران اگر از گله وشکایت سیاسی بهراسد هرگز ابنای خود نخواهد ایستاد هیچ زمان دارای سرمایه و ثروت ملی نخواهد گردید عجب اینست که برخی از وزرای ما که بروی کار می آیند بدون مدرك صحیح انگلیس پسند یا روسی خواه میگردند بدون شبهه مستوفی رئیس الوزراء کنونی ایران خواه است امم ملت ودولت رامیجوید ولی بدبختانه کابینه ایشان بقدری غیر متجانس است که هیچ امید پیشرفت کاری باین کابینه نمیتوان داشت

اینست که اشخاص کاری ومطلع مانند تقی زاده زیر بار وزارت نمیرود زیرا میداند که باعدم تجانس وزراء کاری از پیش شان نخواهد رفت و مفت هم بدنام خواهند شد یك از رجال نیك ایران آقای مستوفی است زائد برحد اعتدال نجیب وبامروت است این وزراء غیر متجانس را بایشان بار کرده اند ازینست که چند مرتبه تاکنون از ریاست وزراء استعفا داده منظور نشده ماقائلیم که اگر مستوفی را بحال خود گذارند ویك کابینه متجانس فعال تشکیل دهند خیلی کار تواند کرد و همین قسم هم معتقدیم که با این کابینه غیر متجانس هیچ کاری از پیش شان نتواند رفت امروز موقع آن نیست که مانند میرزا حسین خان و میرزا حسن خان پیرنیا و آقای علائی و تقی زاده ودکتر مصدق وسائر رجال امتحان داده و بیش در آمده بیکار و معطل نشسته فلان و فلان و فلان وفلان مصدر کارهائی گردند که مافوق قابلیت ولیاقت آنان است

باز گردیم بخرابی اقتصادیات ایران چنانچه ذکر کردیم راه اصلاح اقتصادیات ایران و رفع فقر عمومی همانا تجدید تعرفه گمرکی است بصرفه ملت و ملت نه بفائده خارجه تعرفه که مسیونوز بلژیکی بست بصرفه روسها بود وتعرفه اخیره راهم که انگلیسان بسته اند مقرون بصرفه خودشانست هیچ یك صرفه ایران راندیده حالا باید تعرفه جدید ایران بروفق صرفه ملی ترتیب یابد وجزاین چاره نداریم

◄ انتقاد ►

در مجلهٔ زاهرهٔ ایرانشهر صادره از برلین تحت قسمت اقتصادی بقیه (شرح حال غوص و غواص درخلیج فارس) بقلم آقای میرزا محمد علی خان سدید کاملی قرائت شد برای تصحیح برخی مطالب اهم و توضیح بسیاری از مسائل مهم لازم دانستم که بسیاری از قسمت های از مقاله را که اساساً از روی اشتباه و به مجرد گمان بیان شده تحت انتقاد در آورده و تصحیح اطلاعیه نگارنده مقاله درحدود سواحل ایران وبالاخص نقاطی که مربوط شیکوه و متصل قریب بلنگه است که اخیراً در انجا نائب الحکومه بوده اند ایراد شود و اینکونه انحراف از واقع از کسی که حقیقتاً محیط اطلاعات است نتوان بسادگی و خالی ازتعجب تلقی نمود (المصحح)

اینک قسمتهای قابل الانتقاد آن را مینگاریم و در آخر آن مینویسیم (بقلم سدید) و بعد ازان انتقادیهای خود را با علامت [ا] ابتدا کرده و با حرف [د] خاتمه میدهیم ـ صفحه ۷۵۱ سطر ۵ مجله ایران شهر

بندر طاهری جزو بنادر دشتی است ومغاص ان بندر معروف است به راس الراس که درطرف قبله واقع شده وشیخ ان نقطه شیخ خانم است تقریباً اهالی بندر طاهری وبرك شصت سفینهٔ صغیر دارند که در همان راس الراس غوص مینمایند دیگر بدریا ها نمیروند ـ بقلم سدید ـ

ا ـ بندر طاهری وکنکان وتمبك وبرك ومضافات ان چون ازقدیم الایام ضابطی انجا با آل النصور بوده معروف به بنادر آل النصور و ضابطه حالیه ان هم شیخ خالم خان نصوری است همیشه ازدشتی مستقل بوده مگر به ندرت و ابدا مربوط بدشتی نه بوده و نیست ومغاص ان راس الاسود است سفائن صغیره که مخصوص غوص باشد ندارند فقط ۲۵ جهاز بزرك غواصی دارند که از اول وقت بغوص گاه عمومی درمیانه دریا روند ومغاص ان که راس الاسود است بعد از هر ۶ الی ۷ سال محار رو میشود و باصطلاح غواصها (عامره) میگردد و هر وقت دارای محار شد با جهاز های کوچك ماهیگری غوص مینمایند ـ د

بندر عسو ـ و بید خان و نایند و مالکی که از بنادر ثلاثه محسوب شود ومتعلق است به آل حرم تقریباً سی فروند سفاین کبار و شصت فروند سفاین صغیره دارند ومغاص مخصوص انها موسوم براس نایند است بعد از انکه در انجا غوص کردند سفاین کبیره خود و بدریا ها فرستند بقلم سدید ـ

ا ـ بید خون یك دهکده کوچکی است از دریا دور و درکنار کوه واقع آب کوچك گوارای خوبی دارد و باغهای لیمو درانجا خوب و این ده قریب ۲۵ خوانوار است باستثنای چند نفر کوزه گر باقی باغبان اند و کار دریا از انها نمی آید ومالکی از بنادر ثلاثه وتابع آل حرم محسوب نه بوده ولخواهد بود سامان مالکی که دارای ۷ قریه میباشد جزوگاوبندی تحت ضابطی شیخ مذکورخان از ابوالجمعی قوام الملك است دریا و جهازی ابدا ندارند اهالی انجا درموقع غوص میروند در جهاز های مردم بحرین و قطر غواص میشوند ـ د

توضیح ـ عسلو دوازده کشتی بزرك دارد و ابند یك از اول وقت بمیانه دریا روند بستانو ـ که انتهای بنادر ثلاثه و ابتدای بنادر شیکویه است تقریباً چهل کشتی دارند در حدود خود غوص کرده و بعد به بحبوحه دریا روند و سفاین صغیره انها معدود است ـ بقلم سدید

ا ـ بستانو فقط هفت جهاز بزرگ دارند ومستقیماً بمیانه دریا رفته در غوص گاه عمومی مشغول شوند در حدود خود ابدا مغاص ندارند ـ د

توضیح ـ بنادر ثلاثه و دشتی در تحت امور حکومت بوشهر است ـ بقلم سدید

ا ـ دشتی در تحت امرحکومت بوشهر نمی باشدحکومت دشتستان و دشتی از ایالت فارس تعیین شود و مالیه ان نیز ازشعبهٔ مالیه فارس ومربوط بحکومت بوشهر یا مالیه بوشهر نیست فقط در سال ۱۳۳۴ و ۱۳۳۷ از طرف ایالت فارس فرمانفرما که حکومت بنادر نیز با او بود بمرحوم احمد خان دریا بیکی تفویض شد و بس ـ د

بندر شیو در حدود شیکویه است و بندرگاه گاوبندی است و نفوس بندر شیوده تقریبا دویست خانوارست ـ بقلم سدید

ا ـ بندر شیوو وبستانو هر دو بندرگاه گاوبندی وحکومت ان شیخ مذکور خان است بندر شیوه ۵۰ خانوار دارد و نیز دوازده کشتی بزرك غواصی دارند و اول وقت بمیانه دریا روند ـ د

بندر مقام و نخیلو و جزه و مهاحیل مسکن بنی حماد و آل بدو است و شیخ انجا از شیوخ معتبر شیکویه است تقریباً سی کشتی بزرگ و پنجاه کشتی کوچك دارند بدواً سفاین کبیره در اطراف قریبه جزیرهٔ شیخ شعیب غوص کرده بعد به بحبوحهٔ دریا روند ـ بقلم سدید

ا ـ بندر مقام دوکشتی ونخیلو ـ ۸ ـ مهاحیل دو جزه یك مجموع هشت سفاین بزرگ غواصی دارند و

از اول وقت مدتیها بمیانه دریا جز غواص کم
غوص روند چون تمام سواحل این اماکن معرض
بادهای شمال و جنوب واقع است علی هذا لنگر
انداز آن برای جهاز خیلی بد و خطرناک است چنانچه
اهالی جهاز بزرگ برای حمل و نقل ابدا ندارند .

توضیح . اماکن فوق باستثنای سواحل که جزو
سامان حمادی است سامان بدو منسوب و شیخ آنجا
شیخ علاق از شیوخ بنی حماد است و مغاص جزیره
شیخ شعیب مانند مغاص . راس ناید . و راس الاسود
خالی نیست و صیفات که مانع بخود اشخاصی که بغوص
دریا میروند با جهاز های کوچک ماهیگیری غوص
آن می‌نمایند وقابل غوص جهاز های بزرگ نمیباشد
و آن سفاین کبیره در نقاط مذکوره در اینجا مشغول
نشده و اول وقت میانه دریا در مغاص عمومی روند
بندر چیرو مسکن طائفه عبیدلی است موجود
فروند کشتی بزرگ دارا که دواً درچیرو غوص کرده
بعد به محوطه دریا رفته و تقریباً بیست سفینهٔ صغیره
دارند که غوص اطراف خود اکتفا کرده . بقلم سدید

ا - بندرچیرو فقط اهالی دوجهاز بزرگ دارند که
از اول وقت بمیانهٔ دریا روند و درچیرو مغاص نیست
مگر در اطراف جزیرهٔ هندو آبی که متعلق بچیرو
است و بیان آن نگارنده محترم در ردیف جزایر اموده
اگر مغاص بندر چیرو همان هندو آبی باشد
صحیح است - د

بندر کلات و بندر گرزه که هم جزو چیرو است
و بیست فروند سفاین کبیره دارند - بقلم سدید

ا - بندرکلات وبندر گرزه مربوط بچیرو نمیباشد
اولی که کلات وگرزه باشد تابع دو تاج تحت سلطه
شیخ محمد حمادی است وچیرو تنها بندر اصلی سامان
عبیدلی تحت سلطه شیخ عبد الله عبیدلی میباشد بین
کلات و چیرو تباین ازقدیم است از حیث مالیات و
حوزه بندی ونژاد اهالی کلا باهم متمایز اند ، اگرچه
بندرکلات که شیخ عبد الله حمادی در آن سکونت دارد
جائی است که آب گوارای آن دریا وچشمه نمک است
و در اطراف آن گیاه ابدا نمیروید وهوایش نیزدرغایت
گرمی است لاکن لنگر اندازان خیلی برای جهازهای
بزرگ صلاحیت دارد چنانچه اهالی ۱۲ کشتی بزرگ
مخصوص مسافرت دارند وسفاین غواصی کلات منحصر است
بدو فروند و لا غیر - و قلعه هرم کلات که بالای
کوه واقع و راه صعب المروری دارد اگرچه خیلی
محقر است ولی یک سابقهٔ تاریخی دارد و قبل از
اسلام مسکن اعراب بنو عماره رعیت ایران بوده و
مشهور است که لشکر اسلام این قلعه را بقهر و غلبه
نتوانستند که مفتوح سازند و خود اهالی برغبت قبول

اسلام نموده اند در ایام دیالمه این قلعه
موسوم بابو الهیاج بطران بن ... و بعض قلعه
دم ازیاغیگری زده وبعضی از نادر وعطایای بختیاری
منصرف آمد عضد الدوله علی ابن ... که
از اهل ادب بشمار است یکنوبت قلعه کلات ...
و ارا فتح کرد و شرف الدوله بن عضد الدوله
چون برادر خود صمصام الدوله را بگرفت در این
قلعه محبوس داشت تاوقتی که موفق بخروج ازحبس
گردید وبرفارس استیلاء یافت بیرون شدن صمصام الدوله
از قلعهٔ کلات بعد از فوت شرف الدوله بود رجوع
شود به معجم البلدان یاقوت باب ها کلمهٔ (هرم)

ا - بندرگرزه تا برسد بستانه از صفحه ۷۵۲ سطر
۱۲ تا صفحهٔ ۷۵۳ سطر ۹ آقای سدید نود کشتی
بزرگ غواصی بشمار آورده و حقیقت آن این است
گرزه ندارد طاؤنه یا طاحونه یک کشتی چارک چهار
حسینه ندارد - مغو پنج - کافر خون چهار - دوان دو
بستانه چهار - دوان تالی یک کشتی دارد - و صاحب
آن سید شرف حریمی است و مجموع ۲۱ کشتی
موجود است د

جزیره شیخ شعیب در تحت حکومت بنی حماد
است و جزو بندر مقام (الی آخر که فرموده اند)
بیست وپنج کشتی بزرگ و معدوداً سفاین صغیره
دارند - بقلم سدید

ا - جزیره شیخ شعیب یا قوت ارا جزیره لازه
نامیده چنانچه یک از اماکن آن بنام لازه موجود
است فقط دوکشتی بزرگ غواصی دارد یکی متعلق
شیخ آنجا شیخ حسن حمادی است و دومی از اهالی میباشد
و این جزیره با اینکه پنج فرسنگ طول و متجاوز
از یک فرسخ عرض آن است درهیچ ازمنه معمور نبوده
و آثار تاریخی ابدا ندارد بخلاف جزایر خلیج
مانند - خارگ - وقیس - جزیره هرمز - و غیرها
که تاریخ مجد و عظمت انها در ادوار سالفه روشن و
آثار های باقیه از بناهای رفیعه دلیل برمناعت
انها است آب و هوای این جزیره در نهایت بدی
است چنانچه انسان تندرست و صحیح المزاج در آن
نادراست و مغاص این جزیره نیز مانند هندوآبی و
راس ناید و راس الاسود دائمی نیست بعد از
هرچند سال معمور شود و باجهاز های کوچک اهالی
غوص نمایند کم اتفاق افتاده که دو سال متوالی
در مغاص جزیره محار بماند در تابستان پارسال
که بعد از هشت سنه محار روشد و اهالی غوص
کردند خوب بود و تابستان امسال که اتفاقاً محاران
مغاص بجا ماند و غواصها بقدر مسئولیت بنزدیکی

(تمام امورالد خیلی خراب شده بود بطوری که ندرتا مروارید های یک بهند روپیه ارزش داشته باشد در میان بحارها عاید میشد و در میان وقت از اطراف جزیره متفرق شده (بمیانه دریا بغوص گاه عمومی رفتند (اینکه فرموده اند ـ یك مرکز خرید وفروش مروارید ان جزیره است که غواصها و تجار بد انجا روند) که هروقت خود جزیره شیخ شعیب مروارید داشته باشد طواشهای بندر لنگه برای خرید باجا آیند و مروارید مغاص عمومی یا غواصها برای تجدید آب و آذوقه یا برای بیع ما حصل بجزیره لازم بیایند ـ د

جزیره هند و آبی در تحت حکومت آل علی ، وسفاین غوص انها کبیراً و صغیراً ده فروند شود الی اخر . بقلم سدید

ا ـ جزیره هندو آبی همیشه جزو چیرو و تحت حکومت مشایخ عبیدلی بوده و هست آل علی همان شیوخ بندر چارك هستند که فرموده اند (با سکنه وشیوخ ام القیوین از اقارب قریبه اند) آل علی ندرتاً هم چند ساعت حکومت هندو آبی باانها نبوده و اول دفعه ایست که این نسبت به آنها داده شده است بنادر حمادی و مردم ان بین چیرو وچارك واقع اند و آل علی ازین نقطه دور اند و جزیره هندو آبی یك جزیره کوچکی است که نصف میل طول و عرض آن است و بیست خانهٔ محقر دارد جهاز انها منحصر است به یك فروند بزرك و چند کشتی کوچك ماهیگیر مغاص ان از حیث غواص مانند جزیره شیخ شعیب است اما خیلی کم و محدود است غرض گاه اهالی چیرو همان اطراف جزیرهٔ هندو آبی است و تا (دغامه ومنصوری) که غربی چیرو است یك میل مسافت دارد ـ د

ا ـ راجع بجزیره قیس از حیث مالیات و اهمیت موقع ان در تابستان انچه فرموده اند صحیح است فقط در تعداد جهاز های غواصی انجام راه مبالغه پیموده اند عدد کشتی های بزرك انجا بیست وچهار فروند است ـ مغاص ان بخلاف جزایر و مغاصهای ما قبل اگرچه دائمی است هرسال مروارید خوب بعمل نمی آورد عایدات انجا از همین مر است قلت وکثرت ان منوط بوفور حصول مروارید است میزان معین ندارد

توضیحات ـ از لنگه تا بنادر وجزایر شیبکوه تا شیو این اندازه سفاین غواصی همه وقت کم وزیاد داشته اند ـ بستانو تابع کاوبندی وبنادر ثلاثه تا طاهری و کنگان حالا پنج سال است که سفاین غواص برای خودشان ترتیب داده اند باید دانست که جهاز های غواص غیر از سفاین بحاره و لقاله است سفینهٔ که مخصوص حمل ونقل است کار غوص نمیکند و هم چنان کشتی های غواصی که برای حمل و نقل است ـ علت اینکه مغاصهای ساحلی دائم محار ندارد همانا سبب کمی آب است هرجا که آبش عمیق تر است محاران هم زیاد دوام دارد وهم مرواریدش مرغوب میشود آبهای کم عمق اگر محارش دو سال ماند خراب میگردد ـ مروارید زرك و نفیس در آبهای کم به ندرت یافت میشود ـ د

در صفحه ۷۵۷ سطر ۲۲ الی صفحه ۷۵۸ تا انتهای سطر ۸ فرموده اند ـ غواصها بیشتر از دو فرقه باشند یك فرقه تبعهٔ ایران و از اجحاف زمامداران خود بعمان فرار کرده و مهاجرت و فرقهٔ دیگر اشخاصی هستند که در قید رقیت عربها در آمده الی آخر . بقلم سدید

ا ـ کلیه اهالی ساحل بلاد العرب از کویت تا عمانات وجزیره بحرین و نیز یك قسمت عمده از عشایر و قراء داخل نجد و اهالی بنادر ثلاثه تا بندر لنگه وکم و بیش از جهانگیریه اعم از سیاه و سفید یابنده و آزاد در سفاین متعدده اماکن عرب در مغاص عموم بمیانهٔ دریا کار کنند وکلیه اجزاء غوص دو قسمند یکی غواص دفتری است که ناخدای کشتی بقدرکفایت غیص وسیب معین داشته باشد و انرا اجزای (سلف نامند) باین معنی که دارندهٔ جهاز در اول زمستان به یك نفر غیص یکصد وپنجاه روپیه وجه نقد و همان قدر جنس از قیمت وقت ده چهار زیادتر قرض دهد و انرا [تقام] نامند و موقع رفتن نیز یکصد روپیه بدهد و سلف اسم گذارند ـ این قسم اجزای مجبور اند که با ان ناخدا باشند ـ فرضاً یك غیص که چهار صد روپیه مدیون باشد اگر ششصد روپیه ازعایدات بهره یافت اول ۱۲۰ روپیه ناخدا ازحصه او بردارد ۴۰ روپیه حق جهاز و ۴۰ روپیه بابت تقام وسلف او میباشد و بعد ازان چهار صد روپیه طلب بگیرم انچه باقی ماند بنام فضیله باو مسترد دارند ـ و اگر بهرهٔ ان بقدر طلب نشد یا ابداً عایدی نداشت طلب اول او بعلاوهٔ مخارج خوراك در دفتر قید شود و بازهم صاحب جهاز مجبور است که جدیداً تقام و سلف باو دهد

و اگر از دادن قروض جدیده برای آینده عجز داشت طلب خودیرا بفصل قرار داده که در هرسالی ازعایدی غوص چیزی به بردازد و اگر غیص باسبب رفاقت ان صاحب جهازنخواهد باید یك ورقه مرخصی باو داده و مبلغ طلب دران قید کند نگاهدارند ـ مشغول است که در همان وقت بموجب ورقه تمام طلب

ناخدای اولی بسعد اینها از قوالب موضوعه ناخدایان غواص است قسم دیگر اجزاء غوص اشخاصی هستند که مقروض نباشند انها درکشتی‌ها بمفرق شوند و فقط یك عشر حق کشتی از عایدی او صاحب کشتی بگیرد وقسمت اخیر اجزاء (خلوی) یا (خماس) نامند. —
صفحه ۷۴۳ در بیان حیارات و تعداد انها باید دانست که (حیارات) جمع حیراست و (حیر) عبارت است از قطعاتی کوه مانند که دران مغاص مروارید و اینگونه قطعات صدف رو که انرا [حیر] نامیده اند باندازه زیاد است که احصاء ان نمیتوان رسید از مقابــل (قطیف) تا مقابل (دلمه) متجاوز از ۲ هزار (حیر) بااسامی موجود است که ما ان را (مغاص) یا غوصگاه عمومی تعبیر نموده و در اطراف ان مقاله درتحت عنــوان [خلیج فارس و مروارید صید ش] نگاشته ایم ودرشماره ۲۳ حبل المتین سال ۳۳ درج شده نگارنده معظم در انتهاء سطر آخر صفحه ۷۴۳ [حالول] را حیر پنداشته و درردیف [حیارات] آورده — و حالول جزیره ایست کــه یکمیل مربع مساحت دارد و یك کوهی نیز بارتفاع ۱۰۰ قدم در یکطرف ان میباشد و جوانب ان از دور و نزدیك حیارات متعدده با اسامی گوناگون منتسب بحالول است و در وقت حدوث طوفان مغاص غواصی که در ان اطراف باشند ساحل جزیره حالول لنگر انداز شوند و بندرگاه آن خیلی برای کشتی امن و سلامت است در موقع عوص جهة خرید مروارید [طواشهای] کویت و قطر چند روزی در حالول پیاده شوند — و تا مجاری دلمه جزایر دیگر که مغاص و حیارات دارد نیز موجود است بقدر حالول و نزدیکتر از ان مانند (اجزاین) و (ازر کوه) و (سیر بن نعیر) و (میر دلمه) و (داس که خیلی وسعت دارد) و (دینه) و (شراعو) و (القفای) و عدید که یك از ناخدا یان قطر موسوم به محمد رئیس طایفه (اسیری) برکه ومسجدی دران جزیره ساخته و جزیــره [اغمیس] و [ام الزید] و [خاله دلمه] کلیه جزایر دوازده‌گانه غیر مسکون مغاص وحیارات را دار است ودر تابستان [طواشها] و نیز غواصها درموقع انقلاب هوا و تلاطم دریا در این جزایر پیاده شوند —

در صفحه ۷۴۵ که مجله خاتمه می‌یافت صورت ملفوفه امین‌السلطان صدراعظم وقت باسف واندوه خواندیم وناگزیریم که عرض نمایم اوبسند گان معظم در انتشار ودرج اینگونه بیانات از اولیای دولت که دلیل در عدم اطلاع آنان است احتیاط رانگاهدارند

اگرچه نگارنده محترم از عدم اطلاعات وسوء اقدامات اولیاء امور خود قبل خرده گرفته و باعجاب تلقی نموده مع هذا جمله اول ان که مینویسد در بندر لنگه در آبهائیکه متعلق بدولت ایران است تازه صید مرواریدی بسیار خوب واصل میشود شایسته درج وقابل مذاکره نه بود و ما گمان داریم که ان ازخدا بی‌خبر و از همه چیز بی‌اطلاع فهمیده که صید مروارید تازگی نداشته و ان کلمه که حقیقتاً جگر خراش است همان کلمه اول او است که میگوید در بندر لنگه در آبهائیکه متعلق بدولت ایران است معلوم است که غیر از دولت ایران در اطراف خلیج دیگری گمان کرده دارای آبهای خلیج ایران هم شاید باشد خلیج ایران که بقول حبل المتین تمامیت ایران بسته به نگاهداری او است از انجائیکه از خلیج عمان جدا میشود درتحت یك خط مفروضی ازراس الحد تا برسد بگوادر و تا انتهاء ان که مصب شط العرب است با تمام عرض و طول باصطلاح تاموج انداز ان ملك طلق دولت ایران است وصید مروارید در این خلیج قبل ازعصر تاریخ معلوم است بوده والهم غواصی ومعاملات ان بابك ترتیبی منتظم خاصه ایرانیان قدیم بوده است و غواصی از ایران آموخته اند و جزایری که ما نام برديم غالباً با اسامی فارسی باقی است مانند (آذر کوه) و جزیره مذکوره دارای یك کوه سیاه تیره رنگی است و بدین سبب واضع بنام آذر کوره نامیده شده و اعراب چنانچه نگارنده محترم انگاشته آذر کوه ها می‌گویند — دیگر جزیره (ارژنه) که نزدیك ترین جزایر است بسواحل عربی و اعراب انرا (ارزنــه) بازاء عربی میخوانند و بیان ان را بگذریم —

دیگر جزیره (دلمه) است وچون درجزیره مذکوره عنها یك نوع جانوری است شبیه عنکبوت که بفارسی انرا دلمه می‌نامند علی هذا فارسیان ان جزیره را دلمه نام نهاده اند. دیگر داس که بزرگترین جزایر غیر مسکون مغاص دار است و بندرگاه این جزیره برای جمیع بادهای جنوب و شمال خوب میباشد کشتی که وارد لنگر گاه ان شد از خطرات بکلی مامون است وفارسیان انرا (دلاسا) نام گذارده اند عربها لام و الف آخر ان را حــذف نمــوده و برای سهولت داس میخوانند

و حیارات که در مجله باهاء نگاشته شده و ما نیز تا اینجا تابع بودیم ان نیز اسمی است فارسی و خود اعراب باهاء تلفظ نمایند و هیر و هیارات گویند وهیرهای قدیم و معروف ان دارای اسامی فارسی است چون کوچه که مغاصی است شرقی جزیره داس و در وسط ان یکی کوه کوچکی در وقت جزر آب

بعدا مشهور و دیگر هیر (ایرج) که ملاحان خلیج اورا تعریف کرده اینها را عشیرج خوانده و نیز هیر البار که ابا غواصان خلیج فارس ابو الهمبار میسرایند و اسامی دیگر هم هست که ذکرش سخن را دنباله میدهد

و اینکه فرموده اند جزیره ضناب جزو حکومت راس الخیمه است و جزیره بوموسی تعلق بدولت ایران دارد لیکن سالها است شیوخ شارجه وراس الخیمه تصاحب کرده اند باید دانست جزیره صحاب اسم حقیقی ان زآب میباشد و بنام زاب اسواده منشوچهر پادشاه عظیم الشان ایران نامیده شده

حقیقتاً این جور باید عنوان کرد که اعراب در ساحل دریای ایران ماوای گزیده و اعاشه آنان از مروارید وصید ماهی درخلیج ایران است بفرموده حبل المتین دولت و ملت ایران حسود و بددل هم بوده که منابع معیشت در قلمرو خویش محدود کند و از دیگران مانع آید اگرچه ازیکصدوسی سال وادی الا یومنا هذا زمامداران این کشور خلیج را آب شور دانسته وقابل توجه شمرده نیامده و بالکه تمام ایران را فدای طهران کرده اند لیکن ملت ایران قابلیت وجوهر ذاتی را ازکف نداده که بخواهد یك قطره از دریای خلیج فارس که حیات ایرانی بدو قائم است برای غیر از ایران قائل گردد

و در نتیجه عدم توجه دولت بخلیج نه تنها جزایر دور دست ما دیگران بیهوده ادعا دارند جزیره هنگام که تلگراف خانه بندر لنگه است نیز در دست نداریم ملت ایران همیشه حافظ مقام وشؤنات خود بوده وخواهد بود و بغفلت ولا ابالیگری اولیاء دولت اعتبار که امیدهد سهل است آنان را بنظر خشم خواهد نگریست ما امیدواریم که بمفاد کریمه و جعلنا من الماء کل شیئی حی‌که مقالهٔ افتتاحیه یك ازشماره‌های اخیر حبل المتین در معنای ان کایه بود اعلیحضرت پهلوی چنانچه برازنده لیاقت وشهامت ان ذات همایون است بوسیله حفظ و حراست این آب حیات زندگانی جاویدی بدین کشور بخشوده و بایجاد سفاین حربیه چندی که صفت و لوای المنشات فی البحر کالاعلام دارا باشند عظمت و ابهت این کشور قدیم را تجدید فرمایند - [سیف صوری]

موقوفات و آستانهٔ مقدس حضرت رضا

دیروز که با یکی از دوستان خارجیم در بیرون شهر برای گردش قدم میزدم صحبت ترقیات تازه ایران بمیان آمد قدری که از امنیت و بعضی ادارات تعریف کردم یکدفعه رفیق خارجیم بطور تمسخر گفت راستی رفیق ایران تان برایت خیلی مزه کرده ؟ تمام بزبان تعریف تعریف چه تعریفی - چه ترقی - ترقی هر مملکت بسته به نفوس آن مملکت است مملکتی که نفوس نداشته باشد بـه چه درد میخـورد گفتم چه میگوئی نفوس نداشته باشد یعنی چه ۱۵ ملیون نفوس مگر چیست یکدفعه خنده بلندی از میان لباش بیرون آمده گفت رفیق بنظرم تو حساب ندیدانی اولا ۱۵ ملیون نیست بلکه اگر احصائیه نفوس مملکت تان بیرون بیاید ۸ ملیون خواهد بود حالا بقول تو ۱۵ ملیون مملکت وسیع ایران باید صد ملیون نفوس داشته بلشد نه ۱۵ ملیون مگر مملکت انگلستان وسعت خاکش چقدر است فرانسه چقدر و چه قدر نفوس دارند آهی کشیدم گفتم ایران هم نفوس زیاد دارد ولی بواسطهٔ ظلم قجر تمام در بدر خارجه شده اند گفت منتها ۱۰ ملیون هم درخارجه باشد بازهم هیچ نیست سه جای دیگر است مملکت شما هسپتال ندارد دکتر خوب ندارد مریضخانه ندارد که مریض ها بروند شفا بیابند در دهات مملکت شما اگر صد نفوس تولد شود ده نفوس بس بیست سالگی نمیرسند هرکس هر طفل هرکه ناخوش شد مرده اش باید حساب کرد امید خوب شدن نیست دکتر های مملکت شما بقدری خیال پول گرفتن به سرشان هست که ابداً فقرا ممکن رفتن نزد دکتر را ندارند گفتم خیر این جور نیست

در هر شهر مملکت ما مریضخانه های انگلیسی امریکائی وغیره است با تبسم گفت خجالت بکش این حرف را از دهانت بیرون میاور به بین چقدر شماها دربدبختی هستید بلکه واجب الترحم اید که امریکائی ها از چند هزار میل آنطرف به شماها رحم شان میاید میایند در مملکت شما مریضهای شما را معالجه میکنند هنوز هم میگوئید ترقی کردیم چرا دولت شما مریضخانه نمی‌سازد که امریکائی ها بسازند فقط سبب تمام بدبختی شماها همین مسئله است در تمام ممالك اگر روزی صد نفر بمیرند اقلا روزی ۱۰۲ طفل تولد میابد و روز بروز جمعیت مملکت شان زیادتر میشود بهمان قسمی که ثروت شان زیاد میشود ولی درمملکت شما اگر روزی صد طفل متولد شود ۱۱۰ نفر می‌میراند روز بروز جمعیت مملکتتان کم میشود و آبادی کم میشود ازاین کلمات رفیق بیغرضم یکدفعه عرق سرد از پیشانی ام جاری شده سر بزیر انداخته خاموش شدم بعد که با خود تنها ماندم در اندیشه فرو رفتم دیدم تمام این کلمات رفیـقم درست و قابل غور است آری فقیری که ازبیکسی درمیان بازار دارد جان میدهد هر سنگدلی بر او رحم آمده و به او شفقت میکند حال ملت ایران هم در انظار خارجه بعینه همین است که سالی هر ماه بلکه هر روز

هزاران طفل معصوم بیران سال خورده زارع های رنجبر به امراض گوناگون جان میدهند و ما ایرانی ها مریضخانه که آنها را از مرگ نجات بدهد نداریم و اداره حفظ الصحه مملکت ما هم مملکتی که در تمام دهات مریض خانه بسازد ندارد پس چه باید کرد باید یاد آورد آباء بزرگوار مارا که برای بدبختی ما هزاران قسم خیرات و مبرات به یادگار گذاشتند قبر شان نورانی باد کسانیکه از خویشان و پیوندان خود چشم پوشیده و دارائی خود را وقف خیرات کردند ولی آیا تا به امروز اینقدر موقوفات کدام عمل خیری را در ایران انجام داده کدام یکنفر فقیر را از مرگ در جهانیده امروز که این قدر ماها از تمدن عالم دنبال افتادیم چرا نباید جدیت کنیم وجوه خیریه را به درک خیرات بزنیم تا خدا و روح پیغمبر از ما شاد شود الهی خون این فقرائی که از بی صاحبی می میرند دامنگیر کسانی بشود که پول موقوفات را میخورند و گردن کلفت میکنند به بینید فلان کس سرای زواری در بیابان ساخته پنج قطعه زمین وقف کرده که دخل زمین را خرج زوار خانه بکنند پنج هزار تومان دخل زمین هایش هست ولی سالی پنجاه تومان خرج زوار خانه نمیشود باقی معلوم نیست به جیب که میرود در تمام دهات ایران حوض آب انبار هست ولی دو تایش سالم نیست تمامش خرابه فلان کس دو قطعه باغ وقف کرده که دخلش را بفلان مسجد کنند چهار هزار تومان دخل املاک است سالی ۳ روز روضه خوانی میکنند چای وقهوه میدهند بیست تومان خرج میشود بابا کو باقی این پول به جیب چه کسانی میرود میان ایران از اول سال تا به آخر سال گریه و ماتم است محرم صفر ماه رمضان شب های جمعه تمام شرق شرق سینه زدن والله خدا از ما بیزار است این پول هارا بدهید مریض خانه بسازید جان چهار نفر پیره زن را بخرید چهار تا طفل یتیم را از مرگ نجات بدهید این ها تمام از بی صاحبی مملکت است خیلی ها گفتن این حرف ها برایشان ضرر دارد خیلی از علما هم که اگر این کلمات را از دهن بیرون بیاورند از مداخل میمانند دولت ماهم با اینکه ملتفت نیست یا از موقوفه خواران میترسد از این گفتگوها بگذریم باید دانست در ایران دوقسم موقوفات است یك قسم خیرات است که در تمام گوشه وکنار مملکت اسمه مرطرفی بیك اسمی همان طوری که عرض شد معلوم نیست دخل آن ها به جیب چه کسانی میرود و یك رشته موقوفات است که بنام حضرت ثامن الائمه و بعضی امام زاده گان دیگر است بزرگترین این رشته موقوفات متعلق است به حضرت رضا اگر کسی وقف نامه هارا بخواند خواهد دید هزاران گردن کلفت پهلوی این هوان نشسته شکم سیر میکنند چند سال قبل یکی از دوستان مشهدی ام کربلائی حسن نام پدرش وصیت کرده بود که بعد از فوت مرا در آستانه مقدسه دفن کنند یکدفعه دیدیم جناب کربلائی حسن کلاه در بالای سر گذاشته پرسیدم چرا دربان شدی گفت شرط کار همین است رفتم گفتم دربان میشوم پدرم را که در صحن دفن کردم حالا سالی ۳ خروار گندم فلان مبلغ هم پول میگیرم که وقت هم سر کشیك میروم خوراکی هم میخورم من حیران شدم که چرا این قدر گندم و مواجب قبول کردند به این شخص بدهند در صورتیکه این مرد سالی چهار ماه زیادتر درمشهد نمی ماند ـ افسوس که نمیشود گفتنیها را گفت همین موقوفات حضرت رضا اگر درست جمع شود دخلی خواهد بود که از حساب ما و قارئین خارج است و ممکن است خیلی از درد های ملت را دوا کرد فقراء مملکت را جمع آوری نمود یقین بدانید هیچ وقت حضرت رضا راضی نخواهد بود که امتش به هزاران امراض در گوشه وکنار جان بدهند و یکعده زیادی دور سرش جمع شده هرشب خوراکی های لذیذ نوش جان بفرمایند دیگر از مطالب گفتنی اینکه هرکس یك چیز قیمتی بدستش میامده میاورده در حرم حضرت میگذاشته هر حکومتی بمشهد میامده برای اینکه خوش نام باشد شمشیر مرصع خنجر مرصع تاج مرصع وغیره وغیره میاورده تقدیم میکرده در حرم که میروند اگر سر را بلند کند می بینید در بالای سر حضرت غمره واری چیز های ساخته شده و به زنجیر ها آویزان است که از قرار بعضی از انها از برنج و خیلی از انها از طلای خالص است در خزانه حضرت کم از کم دویست فرد قالی های آنتیك است که هر کدام چندین هزار تومان قیمت دارد آنجا چیده اند سال به سال باز نمیشود مختصر ملیون ها تومان از اشیاء گوناگون در خزانه حضرت گذارده اند که یك پول بلکه یك دینار نفعش به کسی نمی رسد همیشه دربار سلاطین محل اشیاء تجملی بوده و اماکن مقدسه خالی از تجملات و محل روحانیت ولی امروز می بینیم سلطان محبوب ما آقای پهلوی به خیال افتاده اند که اشیاء تجملی دربار را فروخته تاسیس بانکی بفمایند که نفعش به مجموع ملت برسد ولی علماء با انصاف ما نمیگویند حضرت رضا این قدر اسباب تجملات میخواهد چکند چه تجملاتی تجملاتی که یکشاهی بجامعه نفعش نمی رسد آیا حضرت رضا راضی است که اینقدر تجملات و خزانه داشته

باشد ولی زواری که به زیارتش میایند در راه ناخوش شوند و بیمارستان مریضخانه نباشد که آنها را از مرگ نجات دهد حال این بنده میل دارم یك پیشنهاد قابل توجهی به دولت پیش کنم که هم موقوفات آباد وهم از افراط و تفریط خلاص شود و هم دولت و ملت از آن فایده برگیرند و هم به اصول شرع مقدس برابری کند

(پیشنهاد قابل توجه)

سالها است که دراین زمینه گفتگو هائی درجریان است ولی عقیده ما این است که موقوفات را نمیشود بعد از این بلا صاحب گذاشت و به اختیار علماء هم نمیشود بداند و دولت هم نمیتواند بکلی تصرف کند مبادا بعضی آقایان مانع شوند وبگویند که اختیار را نباید دست فکلی های پشت میز نشین داد عقیده ما این است که قبل از هرکار باید کمیسیون مختلطی تشکیل داد که اقلا دو آن سه نفر از علماء و دو نفر از بزرگ‌ها بلد دو نفر از اداره اوقاف دو نفر از صاحب منصبان قشون یك نفرمهندس یك نفر از اداره صحیه (دکتر) در آن عضویت داشته باشند و تمام مصالح موقوفات ازتحت نظر این کمیسیون بگذرد بزرگترین منافع این‌کمیسیون این‌است که دهان مغرضین را می‌بندد وکسی نمیتواند خللی در کار بیندازد

این کمیسیون که عرض شد یکی باید در مشهد باشد ومخصوص موقوفات حضرت رضا یکی درحضرت عبد العظیم و مخصوص موقوفات باقی امام زادگان و یکی در پای تخت راجع به تمام موقوفات خیریه جزئی وکلی درتمام مملکت این‌کمیسیون ها باید بفوری در حوزه خود اداره تشکیل داده و دفاتر ومنشی معین وتمام موقوفات را از جزئی وکلی تصرف ودست مفتخوران را یکدفعه کوتاه نمایند و وصیت نامجه های هر ملکی را پیدا کرده در اداره حاضر نمایند دخلی که از موقوفات جمع میشود اولا با نظر علماء کمیسیون وصیت مالك موقوفه را هرچه در وصیت نامچه نوشته بجا بیاورند که اسباب رنجش خاطر وراث نشود و بعد تا مدت سه سال هرچه زیادی دخل میشود خرج املاك نمایند اگر مانعی نباشد میگویم باید خیلی از املاك مخروبه موقوفه را فروخت و باقی املاك را آباد کرد حوض آب انبارهای موقوفه جهات را تعمیر نمود و شیر گذارد و خیلی تعمیرات وساختمان هائی که در باقی املاك لازم است با نظر مهندس کمیسیون بجا آورد که هم آبادانی زیاد و ملت راحت شوند و هم آباد کردن املاك در حقیقت زیاد کردن دخل آنها است و بعد ازسه سال زیادی دخل موقوفات فقط خرج مریضخانها و فقیر خانها شود ویك کار مهم دیگری که این کمیسیون ها دارند اینست که باید تمام اسباب تجملی درحرم مطهر وخزینه حضرت رضا و باقی امام زادگان را با نظر دقت در آن بحث نموده هر اسبابی که محل احتیاج است که کمیسیون تصدیق نماید نگاه داشته باقی را بدون رودر واسطی در بازار فروش آرند چیزی لازم باشد دولت پول بدهد برای حوزه معارف بخرد و الا تمام را مصرف فروش برسانند وجه این اسباب که شاید ملیون ها تومان بشود فقط مخصوص ساختن هسپتال ها نمایند اولا در شهر های کوچك و بزرگ خراسان بعد در باقی جاها مریضخانه بسازند بعد از سه سالی که عرض شد دخل موقوفات را در همین مریضخانه ها خرج نمایند گمان نمیکنم هیچ یك از طبقات با این پیشنهاد حقیر مخالف باشند چونکه هم به اصول مذهب و هم به اصول سیاست موافق است اگر بگویم دخل موقوف خرج مدارس شود شاید باز هم ملا نماهائی یافت شوند که مدارس را خوب نه بینند ولی مریضخانه را کسی مانع نیست و چند سال است در خود مشهد دار الشفا تاسیس شده که همین مسئله منظور ماست ما امیدواریم اول کسی که با این پیشنهاد موافقت کند آقای آیت الله زاده خراسانی که یکی از علماء چیز فهم این عصر اند باشد و همچنین چشم ما به آقای تدین است که نظر دقیقانه به این پیشنهاد دوخته و بصورت لایحه به مجلس شورای ملی پیش نمایند امید واریم حبل المتین و باقی جرائد هم این مسئله را تعقیب نموده تا بلکه هرج ومرج موقوفات رفع و سالی چان چندین هزار مریض از مرگ نجات یابد

(ی - غ - ح)

انتقام خونین از محیط فاسد اردبیل

گرچه میدانم که خوانندگان سرمقاله فوق پس از قرائتش عصبانی شده وشاید تا درجه نسبت باینجانب بدگمان و برعلیه بنده رای ادر فرمایند ولی خوشوقت ازآنم که پس ازملاحظه مراتب مندرجاتش آن بی لطفی زائل و به حقیقتم قائل خواهند شد چرا ؟ به جهت آنکه من بدون ذره محافظه کاری حقایق مستوری را برعکس نویسندگان مبرز منملق بطرز ساده عوام فهم برشته تحریرآورده میتکارم هرگاه باور نمی کنید وحس کنجکاوی دارید میائید مسافرتی باین صفحات اختیار کنید تا بادیده عبرت نگرید آقای مدیر من عصبانی نبوده و در عقیده با آن نامه مقدس شرکت جسته و تا عمر باقی است مشارکت خواهم نمود و نیز خودرا یکی ازسابق یافتگان سی ساله مفتاح ظفر و نامه مقدس دانسته بنابه تعلیم محافظه کاری و ازاکثت

شناسی را که اخلاق اجتماعی کنول‌مانت بدور افکنده و معتقد برآنم که حقایق آشکاریرا نبایستی نهفته و مطالب گفتنی را نگفته نهاد چه که در گفتن آسری است که در نگفتن نیست ـ اینک پس از مقدمهٔ البیان فوق باصل مطلب بر میگردم چه سبب شده و چه وا دارم ساخت که مقاله ام را به سرمقاله انتقام خونین نام نهاده ام هرگاه از من میپرسیدند میگفتم بدوجهت نخستین محیط فاسد اردبیل ووابسته محیط فاسد زائد الوصف ایران و چون تعبیرانم اینک بدو رشته بخش شده لذا بخش نخستین را کنون وبخش وابسته را به آئنده واگذار مینمایم به چه سبب انتقام خونین را بپایه مطالبم اساسی قرار داده ام برای اینکه مختلس چند هزارتومانی مالیه اردبیل با مبشر دفتر درمیدان وکالت زنجیربازی میکند برای اینکه رئیس سابق نظمیه اردبیل قبل از تشکیلات بسا میر عایدان و ممنتاول وقتش و انصارش با آن فجایع دلخراش هنوز زنده بگوراشده اند برای اینکه میرزا رحیم شیخ الاسلامی رئیس امنیه قبل ازتشکیلات قاتل دکتر و حکیمه دندانساز فرنگی به تعیش وترقص مشغول وبدار جزا آویخته نشده اند برای اینکه مرتضی مجتهد زاده و برادر بوم غاطانش که رب النوع سقاوت وشقاوت شمرده میشوند و باآن عمل شنیعه که نسبت به صبیغه خدمه بدبختی ابراز وپس از دادن وجهی مستخلص ومانند عزیزان بیجهت زعیش ولوش مشغولند برای آنکه حاجی بشارت رئیس تلگرافخانه اردبیل با آن عملیات شرم آور و اجحافات و اختلاش وجهی برسم تقدیمی به آقای مارخوش خط و خال و به موجب اصلاح و اصله بـه آقای شیخ عبد الهیثم داده که تا درکمیسون شورای اداره تبرئه حاصل نماید برای اینکه میرزا علی اکبر آقای عاری ازحقیقت دور ازدیانت اقلا پنجاه هزارتومان وجوه ماخوذ ومظلومین را بمخرج خانه خدای خود رسانیده و بیوه زنان ونونهالان ایرانی در اثرجنایتکاری و فجایع معلومه آن بی سروسامان مانده جان شیرین خودرا فدای هوا وهوس آقا وآقا زادگان مینمایند

برای اینکه یکنفر رب النوع زشت خلقی را به فرماندهی ستد کبیل میدارند که در اثر اعمال زشتش که قلم از تحریر عاجز است عده از کودکان و نوزادان ایرانی بامراض مختلفه کـه باعث انحطاط و قطع نژادی است مبتلا میگردند

برای اینکه وکیل الرعایای تن پرور وهاب افهای بی‌سواد بی‌علاقه ازسیاست کشور و نائب الصدرهـای خونخوار بیدیانت و میرزا شفیع هـای بی‌کفایت و سـایر این قبیل حشرات الارضهـای بی صداقت ماکیانهای بی‌لیاقت پیشروان یکمده نفوس بیچاره محسوب میشوند

برای اینکه چه مزلف فیروزی بواسطه گفت خدمت . . . بریاست تامینات عـاری از امنیت بلد منتخب میشود

برای اینکه قلعه بیکی بلد خود روزه نگرفته افراد بلد را باسم روزه خوری جریمه می‌نماید

برای اینکه در عوض آزادی شکایات شاکیان مامور فرماندهی در دم جعبه شکایات یعنی پستخانه اردبیل ایستاده هویت شاکیان را معلوم میکند

برای اینکه در اردبیل حفظ الصحه ونظمیه ومعارف نداریم یعنی داریم ونداریم نداریم وداریم

برای اینکه اداره مـالیه اردبیل را پنجـاه نفر مستخدم گردن [illegible] ملفت اداره میکنند

برای اینکه عدلیه اردبیل تـا هنوز عـدلیه مرکز در گرفتن وجه سواد وتمبر پیوسته چون صحیح ومثال ومضاعف است واوبالنا که موقع رأی و صدور حکم هم چون لفیف و ناقص و مهموز و اجوف است

برای اینکه بادیه اردبیل بعنوان سردرب باغ که برای یکمده تن پروران تهیه میشود و با وسیله اعمال زشت آقـای شتر گاوپلنگ است تقریباً مبلغ یکصد تومـان حساب خرج وجوه ماخوذه از اصناف وکسبه در اعلان خود ارائه میدهد

برای اینکه کجکلاه طبیب فرنگی و کچل صبر و اروج سلمانی و دو نفرجهود همدانی میرزا ابراهیم و میرزا احمد جدید الاسلام دروغی و حسام الاطباء وشمس ومشیر وغیره جان شیرین یکمده نفوس را به قبضه ملك الموتی خود گرفته اند

برای اینکه محرکین اصلی و مشوقین حقیقی اشرار و سارقین و قاتلین خود درشهر باستراحت تعیش ولی آنش نام فرتوت پسر آدشیرین دور جیئی خاسلو که خود چند روزی درنزد فیروز نام شریر بسمت مهتری مشغول ایفای وظایف بوده درعرض (٤) نفر اشرار صحیح النسب دریوم ۱۱ فروردین در جلو عمارت فرماندهی در حضور خونخواران و اشرار بلدی بدار آویخته میشود

آقای مدیر گویا دلائل فوقم مکفی برای اثبات انتقام خونینم باشد وهرگاه شاکی از قلت دلائل باشید میتوانم مجدداً تجدید مطلع نموده بگویم وبنویسم و از وجدان پاکتان استفسار نموده و باحساسات حمیده تان سوگند دهم که جز انتقام خونین ازمحیط فاسد اردبیل درمان دیگری یافت میشود من میگویم که نی آقاهای تن پرور گوشه گرد حاجی قلیهای شیاد ولی گرد و میرزا موسی هـای دجالـه پرست غالسه گرد وشیخ عزیز هـای هوچی امیلی هـای معرکه چی در مجلس

القابی توپچی خلیل لوطیهای نویسنده تملق چی حاجی رئیس های عوام فریب و این قبیل اشخاص کم لیاقت و میکروبهای اجتماعی که به بی‌وجدانی معروفند نبایستی بـدار مکافات مصلوب شوند که خود میکروب فساد و مسرم المداد ترقی اند - تورا بخدا انصاف دهید به بینید وبشنوید وبدانید که آقای وهاب اف برای غصب مسند وکالت مبلغ دو هزار تومان وجه بدو نفر از متنفذین بلد تقدیمی وعده داده است

امید است که خوانندگان مندرجاتم پس از غور و کنجکاوی به تحریراتم دست از ظنیات خود نسبت به بنده برکشیده و با عقیده ام مشارکت فرمایند - و از طرفی هم میدانم که خوانندگان ذیحس منتظرند بدانند که آیا دیده بان تحریرات خود را بکجا منتهی خواهد ساخت - آیادست ازمحیط فاسد اردبیل برداشته و با اینکه هنوزهم عقدهای درونی خود را بمعرض ظهور خواهد رسانید هرگاه اجازه میدادند میگفتم که خیر تا عمر باقیست وتاموقعیکه تغییرات وتبدیلاتی درمحیط فاسد اردبیل پیدا نشود دست بردار نبوده خواهم گفت آنچه را که باید گفت و خواهم نوشت آنچه را که باید نوشت چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم حال که خواهند پرسیدکه چرا دیده بان محیط شهر اردبیل را در اقطار مملکت ایران برای انتقام خونین خود انتخاب نموده است باز باجازه خوانندگان پاسخ میدادم و برخلاف عقاید اغلبی از آقایان میگفتم که اول سایشت اطراف را از اخلاق رذیله تصفیه نمود و بعد به مرکز رسید چه که تمرکز اخلاق حمیده و دفع وقلع و قمع محیط فاسد از اطراف بهتر و شاید تا درجه آسانتر تهیه شود باری باصل مطلب برگشته زیاد حاشیه نرویم چه سبب شده که انتقام خونین را نقطه فرض خود قرار داده ام برای اینکه میرزا نصرت ومیرزا علام (دو برادر اند وپسران حاجی محمد حسین حبیب اللهی) اولی مفتش و یا پلیس مخفی سابق ولاحق اداره تامینات اردبیل و ثانوی مدیر یتیم خانه اردبیل (که با ماهی ۳۰ تومان حقوق مقدار متنابهی خرج عروسی خود نمود) و نیز میرزا عباس معروف به شیدان اف مأمور بلدیه شخص اولی و آخری به نمایندگی هیئت نظار انتخابات اردبیل باستارا و خلخال معین میشوند برای اینکه حاجی میر قاسم ومیرمحمود معروف بمعاون (مال جدم لاتکلم ...) اولی رهبر حکومت لشکری سابق و ثانوی رهبر حکمران کشوری لاحق یا حاکم خوش خط و خال کنونی منتخب میشوند - برای آنکه

§ شه فرستاده بـا حاکم قلقل نکی §

. § نه برآن شورزی شور وله بابن بی‌لمکی §

اقتباس از شب نامه است که در چندی قبل از طرف مقامات مربوطه برضد حکومت حاجی میرزا آقای نوری درشهر پراگنده شده

برای اینکه میر ادریس نامی دختر صغیره نابالغی را بمناسبت تمول چند هزار تومانیش بحباله نکاح پسر ۲۰ ساله خود در آورده است

برای آنکه باز همان شخص شبانه ضعیفه فرتوته سومالی را باسم اینکه ناقص الاعضا بود به مسجد سلیمان شاه که باچاره وی میباشد وارد و صبح باسم اینکه ضعیفه شفا یافته ومسجد اعجاز نمود مقدار متنابهی پول بـرای عیش و گـذران خـود و عیالش خود از جیب عـوام النـاس ربوده و نیز برای اینکه اردبیل را تقریباً یك صد و چند باب مساجد که هر یك اقلاً مقدار ۲ ذرع در اراضی غصبی بنا نهاده شود و بهمان اندازه هم خانهای موهومی جیب پرکنی و اعجاز حالهای خود در آورده و بیست هزار آخوند روضه خوان وغیره دار است یکنفر مسلمان صدیق پیدا نمیشود (مراجعه بکتابچه مشاهدات من که در این زودیها در خارجه از چاپ بیرون خوهد آمد نمایند)

برای آنکه منصور خان آق بولاغی بـا آن دوسیه های مشعشه معلومه راجع باسناد جعلی درست کنی وی که در موقع حکمران نظامی آقای نائب سرهنگ محمود خان امینی تهیه و تدوین شده بخرمی و خورسندی باقدی رعنا و روئی زیبا بعیش و نوش و عملیات معلومه خـود مشغـول است برای آنکه در اردبیل پرستش اسب معجز نما وطشت مقدس و سفا خانه پرستی رونقی تام دارد

برای اینکه اردبیل وارد نبایان برعکس مقالات مفصل ومنزل آقای خایل نوعی (یکی از مهاجرین و عزیز بیجهت اردبیل که در رشت مقیم و در جریده پرورش گیلان درج نموده اند) ازسابق و لاحق به بلای ضدعقل وخرافات گرفتارند

برای اینکه اجتماعات سیاسی و محافل ادبی و علمی اجتماعی در اردبیل معدوم بالعکس مجامع خرافات پرستی عـوام فریبی و زشت خاقی لا تعد ولا تحصی و برونق خود آناً فاناً افزوده شود برای آنکه بفتوای قاضی لشکر بلد جبر وستم و ظلم وتعدی نظامیان ساحشور مشروع وشکایات متشکیان چه از حیث قلمی و قدمی ولسانی نسبت به‌نظامیان بلا فرق رتبه‌ومنصب نامشروع است برای اینکه آقای نوید السلطان احسانی ضامن تیمور زاده میشود

برای اینکه میگویند آقـای فرمانده منطقه (۲) آذربـایجـان بعشق آواز ملا لطیف آواز

خوان اسمی بشخص آخری در مسجد سلیمانشاه برای ترویج خرافات پرستی می بخشد برای آنکه اخوی آقای فرمانده (معظم الملک) باسم تاسیس ۲۶ باب مدارس پهلوی در اطراف اردبیل در این موقع انتخابات با چند نفر نظامی درمیان عشایر و طوایف اسب دوانی میکنند (راجع باخلاق حمیده آقای معظم الملک عاقلان دانند ! !)

برای آنکه میرزا لطف علی مشهور به اجاق العلیا صدر هیئت نظار انتخابات اردبیل وتوابع معین میشود

برای آنکه یگانه قرائت خانه اردبیل بنا به امر دلخواهی آقای شترگاو پلنگ بسته میشود

برای آنکه اطراف حکومتی را فراش فراشباشی چماق و چماقدار ماشی احاطه مینماید

برای آنکه بدستیاری اغلبی از افراد وکارکنان ادارات کشوری ولشکری عملیات قاچاقچیان دربن اواخر وفور تام پیدا کرده است آقای مدیر اینك مقاله انتقام خونین ازمحیط فاسد اردبیل را باتمام رسانیده امید وارم که راجع به محیط فاسد ایران بهتر ازاین بتوانم عقاید باطنیم را تصریح نمایم (دیده بان)

(از بمبئی مینویسند)

البته استحضار کاری که بارلیای دولت علیه درموضوع آقای بهنام قونسول دولت علیه شده اطلاع دارید ، بهمین مناسبت رؤساء تجار ایرانی ازشیعه وسنی وفارسی مجتمع آمده مجلسی منعقد ساخته که روئداد آن بموجب ذیل است : -

(صورت مجلس)

(و حضار محترم)

جناب حاج شیخ محمد تقی طهرانی امام جامع ایرانیان بمبئی

آقا محمد حسین دهدشتی رئیس التجار

حاج میرزا هاشم اصفهانی ناظم التجار

آقا محمد تقی افشار

حاج محمد علی زینل علی رضا اوزی

حاج محمد ابراهیم بوشهری

ارباب شهریار رشید جمشید

آقا علی نمازی

آقا محمد جعفر شیرازی

حاج سید عبد الرسول یزدی

حاج عبد الله کاظم بستکی

حاج محمد غضنفر یزدی

حاج محمد عبد الله عباس بستکی

ارباب بهمن انوشیروان یزدانی

حاج یوسف خنجی

شیخ عبد الجلیل بستکی

ملا محمد سعید اوزی

حاج محمد ابراهیم دهدشتی

حاج آقا علی کرمانی

آقا محمد دهدشتی

حاج میرزا محمد حسین شیرازی

میرزا عباس قلی

آقا میرزا ولی مدیر شرکت الصادیه

جناب اقای اقا محمد حسین دهدشتی رئیس التجار پیشنهاد فرمودند که اقای اقا میرزا علی محمد خان وکیل محکمه عالیه دربمبئی که یکی از رؤساء دانشمندان ایرانیان اند بسمت صدارت این مجلس منتخب شوند

جناب اقا محمد تقی افشار تائید نمودند

اقای صدر در ابتدای نطق افتتاحیه شان این آیهٔ قرآنی را قرائت فرمودند

یا ایها الذین آمنو بالقسط شهداء الله و لو علی انفسکم اولو الذین و الاقربین ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما فلا تتبعو الهوی ان تعدلوا او تعرضوا فان الله کان بما تعملون خبیرا !

پس از آن اظهار داشتند که علت مجمع امروزه جلوگیری از سوء تفاهمی است که درباره اقای اقا میرزا اسد الله خان بهنام که یکی از مامورین کاردان با کفایت دولت علیه ایران میباشند رخ داده این شخص بعقیده حضار مجلس از عهده وظایف خود در هنگام توقف دربمبئی بخوبی برآمده وحیثیات دولت علیه ومقام خود را با حسن وجه نگاهداشته است

علی الظاهر شکایتی درباره ایشان بحضور شاه عرض شده است و امروز ما همه دراینجا جمع شده ایم که اظهار رضامندی خودمان را از آقای آقا میرزا اسد الله خان بهنام قونسول دولت علیه ایران نموده باشیم وجداً بگوئیم سعایتی که درباره ایشان شده بی اساس و بدون جهة بوده است و به پیشگاه اعلیحضرت همایونی عرض شود که در صورت لزوم تفتیشات لازمه بتوسط هیئت یا شخص موثقی در این خصوص بعمل آید تا حقیقت امر ظاهر شود

وپیش نهاد ذیل را جناب حاجی میرزا هاشم اصفهانی ناظم التجار تحریك نمودند و درآن مورد نطقی که فرموده اند بقرار ذیل است

(نطق آقای ناظم)

آقای صدر برادران عزیز

شخصیکه امروزجمع شده ایم اظهار رضامندی از کردار و گفتار او نمائیم قرب یکماه است در بستر رنجوری خوابیده پریشان حال وپریشان خیالست وگمان میکنم سعایت هائی که درباره او افشار

شبه یکی از اسباب های رنجوری او شده باشد

چندی قبل حضور اعلیحضرت همایونی عرض شده که قونسل بمبئی از برای پارسیانی که جهت حضور در جشن تاجگذاری اعلیحضرت عازم طهران بوده اند اشکالاتی تراشیده است

آقایانی که مأنوس باقای میرزا اسد الله خان بهنام هستند یقین دارم گواهی خواهند داد که ایشان وظایف قونسولگری خود را باحسن وجه بعمل آورده و میاورند و هیچوقت اشکالی از برای غنی یا فقیر مسلمان یا زردشتی نتراشیده اند خصوصاً درموقع تاجگذاری اعلیحضرت همایونی که یکی از وقایع روشن تاریخ ایراناست

بمحض رسیدن چنین اخباری به بمبئی از انجمن های مختلف فارسی و زردشتی استفسار شد که آیا عرایضی که باعلیحضرت شده واقفیت داشته یا خیر و آیا هیچوقت در خیال اعزام نماینده ای برای تاجگذاری بوده اند یا نه

انجمن پارسی پنچایت که قدیمترین و مهمترین و متمولترین انجمن های فارسی بمبئی میباشد و امروز دارای سرمایهٔ ۳ کرور هندی روپیه که بپول ایران تقریباً ده ملیون تومان میشود و روسای آن از بزرگان ومتمولین پارسیان هستند عریضه تبریکی در موقع تاجگذاری خدمت اعلیحضرت عرض کرده و در صندوقچه نقرهٔ معینی توسط آقای آقا میرزا اسد الله خان بهنام بطهران فرستادند خود این مطلب دلیل بر اینست که اعزام نماینده پارسی چه از جانب فارسی پنچایت و یا انجمن دیگری در نظر نبوده ورنه جهت نداشت که عریضه وصندوقچه توسط قونسل ایران فرستاده شود بعلاوه خود پنچایت یعنی سکرتیری آن که شمس العلماء حبیب‌ونجی مودی باشد صریحاً درمکتوبشان که به آقایان پیش میشود تصدیق عرایض بنده را میفرمایند محض استحضارخاطرعموم عرض کنم که شمس العلماء حبیب ونجی مودی یکی از مستشرقین و متبحرین فارسیان بمبئی میباشند و سمت پدری بمسالی ودنای آنها دارند

حال که مطلب باینجا رسید لازم است بعضی واقعات را خدمت آقایان عرض کنم

چندی قبل یك از روزنامه نگاران در بمبئی که معرف به ایران و ایرانی دوست است آمدند منزل بنده و شخص محترمی را همراه داشتند ومعرفی مینمودند که ایشان کلنل ایرانی میباشند ویکسال اذن مرخصی از دولت انگلیس گرفته و عازم سیاحت ایران و اروپا هستند یا سپرت انگلیسی همراه داشتند به بنده دادند که بروم خدمت آقای آقا میرزا اسد الله خان بهنام تا ایشان ویزا نمایند بنده هم از آن راهی که همیشه از اقداماتی که سهولتی برای برادر نوعی خودم فراهم آورد مضایقه ننموده ام همان روز خدمت آقای قونسول رسیده و تذکره را تقدیم وخواهش ویزا کردم آقای قونسول شرحی در این موضوع بیان فرمودند که چون خود دکتر ایرانی گفته که والدینش از یزد چند سال قبل به بمبئی هجرت نموده اند بموجب قانون دولت ایران ایشان اجازه ندارند یا سپرت دکتر ایرانی را ویزا نمایند زیرا اولاد اشخاصی را که از ایران بخارجه هجرت نموده اند دولت ایران رعیت خود میشناسد مگر اینکه اجازه مخصوص از دولت گرفته باشد بعلاوه قرار دادی فیما بین حکومت هند و دولت ایران در سنه ۱۸۸٤ داده شده که اینچنین اشخاص باوجودی که حکومت هند تبعه خود میشناسد هنگام عبور یا توقف در ایران رعیت ایران شناخته خواهند شد بنده هم از انجائی که میدانم مجریان قانون مطابع آن قانونند و بموجب آن عمل مینمایند خدمت آقای قونسول اصراری نکردم و روز بعد که شخص واسطه کلنل ایرانی آمدند منزل بنده مطلب را بانها گفتم پس ازآن تعجب دارم که با وجود ادعاهای ایرانی دوستی خود را کنار کشیده حتی بعیادت آقای قونسول نرفته و فقط با یك خانواده ایرانی مغالطه دارند مولوی می‌فرماید :

§ چون غرض آمد هنر پوشیده شد §
§ صد حجاب از دل بسوی دیده شد §

محل بسی افتخار است که امروز نمایندگان دولت ایران خاطر خواهی وخاطر پرستی ادوار سابقه را کنار گذارده و باین درستی وصداقت ودیانت ادای وظایف خدمت خود میکنند ولی افسوس که درستی ایشان در عوض تحصیل اسباب عتاب و خطاب فراهم آورده و مغالطین آنچه را نبایستی بگویند وبکنند مشغول درآنند هم یك فقره اشکالی است که ماها در بمبئی از آن مطلعیم وچون گفته شده که دکتر ایرانی نماینده یك انجمن یا انجمن هائی بوده است که اورا میخواستند بطهران نفرستند بنده در اینجا بجرأت مدعی هستم که یکنفر نماینده ازطرف فارسیان برای شرکت درجشن تاجگذاری فرستاد نشده اگر میگویند فرستاد شده بسیارخوب بیایند بگویند کی بوده ؛ اسمش چه بوده ؛ چند نفربوده اند ؟ ؟

فقط کسیکه در جشن تاجگذاری عازم ایران بوده و قونسول باو تذکره نداده است کلنل ایرانی است و اوهم تا آن ساعت بهیچوجه سمت نمایندگی نداشته و

بعد از آنکه قونسول از دادن تذکره برحسب وظیفه مضایقه میکند آنوقت گویا یکی از اعضای ایران لیگ بخیال افتاده است اورا نماینده جلوه داده دهد از قرار معلوم در دوسیه ایران لیگ ودر جلسانی که آنها نموده اند هیچ وجه من الوجوه ذکری ازین شخص و نمایندگی او نشده است و اگر میگویند نماینده بوده بسیار خوب اسناد و اوراق خودشان را ظاهر کنند نه ایران لیگ تنها هر هیئتی که مدعی است بیاید ثابت کند

امروز عرض جمع شدن ما دراین مکان اینست که به پیشگاه اقدس همایون عرضه داریم که سعایتی که درباره آقای آقا میرزا اسدالله خان بهنام شده تماما بی اساس است و صورت واقعی ندارد و ایشان معرکه بزرگی بوده اند از برای جذب قلوب پارسیان بمبئی بوطن اصلی خود شان حتی بعضی اوقات بحد افراط اظهار مرحمت بالنسبه بپارسیان نموده و مینمایند لهذا میتوان بجرات گفت که شخصی که چنین سابقه در باره اش میدانیم محال عقل است که چه قولا و چه فعلا مانع از اعزام نماینده بتاج گذاری اعلی حضرت همایونی‌شده باشد زیرا نماینده های سیاسی هر دولتی نه فقط نوکر حکومت هستند بلکه نماینده شخص پادشاهند و آنها از نوکرهای خصوصی شاه شمرده میشوند پس نوکری که یکی از خصایص وظیفه اش خدمت شخص شاه است چگونه تصور میشود که در موقع تاجگذاری اشکال تراشی نماید در اینجا بزبان حال میتوان گفت

§ در دائره قسمت ما نقطه پرکاریم §
§ لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمائی §
§ حکم خود و رای خود در عالم ما نبود §
§ کفراست دراین مذهب خودبینی وخود رائی §

قدری بالاتر برویم بحمدالله امروزه روسای محترم ایرانی چه زردشتی و چه مسلمان در اینجا حاضر اند از آنها ؟ سئوال میکنم کهچنانچه درمکتوب بنده از طهران نوشته اند آیا هیچ هیئت ایرانی چه مسلمان وچه زردشتی بخیال فرستادن نماینده بطهران بوده اند وهرگاه بوده اند ایا جناب آقای آقا میرزا اسدالله خان بهنام جلوگیری کرده اند (فقط آقایان شوشتری ومیرزا زین العابدین خان را برای اجرای مقاصد اقتصادی خودشان بطهران فرستاده اند وهزار اشرفی هم گویا بخاکپای اقدس همایونی تقدیم شده است)

خوبست از ایشان تصدیق شود که ایا جناب قونسول در این مورد اشکالاتی تراشیده اند یاخیر یقین دارم تصدیق خواهید فرمود که هیچکدام از حضار این مجمع غرض ومرضی نداشته و ندارند وتمام مقصد ما از زحمت امروز وزحمات سابقه این است که رفع شبهه و سعایتی که در حق آقای قونسول شده وسوء تفاهمی که در خاطر اعلیحضرت همایونی رخ داده رفع شود ودرکمال انکسار وفروتنی به پیشگاه اقدس همایونی عرض مینمائیم که در صورت لزوم هیئت یا نماینده مخصوصی معین شود تا به بمبئی آمده وحضوراً تفتیش نماید و یقین است که پس از تفتیش حقیقت امر ظاهر شده و رفع این غائلاتی که بد بختانه رخ داده خواهد گردید

ماده‌که بطریق اتفاق ازمجلس گذشت از ین قرار بود

این مجلس که مشتمل است از تجار وسایر ایرانیان بمبئی از مسلمان و زردشتی بالاتفاق اظهارکمال رضایت را از آقای‌میرزا اسدالله خان بهنام قونسول بمبئی مینمایند که در ایام اقامت در بمبئی وظایف ماموریت خودرا کاملا وبنحو دلخواه ایرانیان انجام داده و حیثیات دولت و ملت ایران را کاملا ملحوظ و محفوظ داشته شکایتی که از او به پیشگاه اعلیحضرت اقدس همایونی شده مبنی براینکه در موقع تاجگذاری اعلیحضرت بوظایف خود عمل نکرده و نیز عده از نمایندگان پارسیان هندوستان عازم ایران بوده اند از دادن تذکره بانها مضایقه و از عزیمت آنها ممانعت نموده بکلی بی اصل است و و عموماً عاجزانه از آستان اعلیحضرت همایونی استدعا مینمایند که درصورت لزوم اوامر ملوکانه شرف صدور یابد که تحقیقات مخصوص از طرف اولیای دولت در این باب بعمل آید تا عدم صحت این شکایت مکشوف خاطر ملوکانه گردد

◄ پیشنهاد باداره کل مالیه ایران ►

از روزیکه مقرر است از مقرریهای مامورین و مستخدمین رسمی ادارات مبلغی برسم تقاعد موضوع میدارند اولا لازم است بانك تقاعد در طهران و شعبات آن در ولایات و ایالات تاسیس شود و وجوه تقاعدی بکار انداخته شود و باین وسیله قایم مقام صرافی های رهنی شود که یهودیها در طهران و سایر ولایات دائر کرده اند و اشیاء رهنی مردم را علاوه بر اینکه بنظر و خیال خود تقویم مینمایند ضایع میکنند باین معنی که در محافظت اشیاء رهنی دقت نمی‌کنند که معیوب نشود از قبیل طاقه شال وقالیچه که غالباً بید میزند

ثانیاً پس از وضع وجوه تقاعدی از مقرریها باید قبض رسید بصاحبان مقرری که وجه تقاعد را پرداخته اند داده شود

(خیر خواه)

اصلاح وزارتخانها عموماً ووزارت خارجه
(خصوصاً حتم و واجب است)

وزارتخانهها را کی اصلاح کنند وزیر غیور وزیری که انصاف و مروت و مردانگی داشته باشد وزیری که محافظه کار و ملاحظه کار نباشد وزیری که راضی نشود بخویشان و بستگان بی‌لیاقت خود در وزارت خانه ها کارهای عمده بدهد وزیری که ماموریتها و خدمات دولتی بمامورین داشمند کار آزموده محول فرماید زاده باد چنین وزیر وطنخواه دولت دوست وزراء را باید غربیل کرد ویزید بیمصرف هارا وجهی داد که بروند سرمایه کاسبی نمایند پیر مرد های هفتاد ساله را حقوق تقاعد مقرر کرده باستراحت و فراغت از کار وادار نمود و در وزارتخانه ها ادارات پرسنل مرتب تشکیل داد که در وزارت خانه اعضاء و اجزاء ثابت داشته باشند نه سیار من باب مثل عرض میکنم نه غرض شخصی که میرزا محمد علی خان فرزین (معروف بکلوب که در کلوب انگلیس طهران پیشخدمت بود) را اخیراً خزانه دار کل و بعد معاون وزارت مالیه بود — سفیر بپای تخت آلمان نمایند باز من باب مثل عرض میکنم نه ازجهت حب و بغض باشخاص وزارتخارجه اینقدر هم خالی از اشخاص لائق شود که بروند آقای فرزین را از مالیه بردارند وزیر مختار برلین نمایند بر فرض که علامه در جمیع علوم بالخاصه سیاسی و اقتصادی بوده باشند آقای میرزا سید مهدی خان دیبا (سماع الدوله سابق که وزیرمختار دولت در هلاند بود و الحق و الانصاف مرد فاضلی است چندین سال در بطرزبورغ (لنین گراد) و بعد درمدرسه عالی نظامی اسلامبول اکمال تحصیل نموده و دیپلوم گرفته زبان روسی وفرانسه و آلمانی را بطور کامل میداند و بعلاوه کمالات دیگر دارد از قبیل نقاشی وغیره و کتاب سرمجوس من جملهٔ ترجمه های ایشان است. ابقاً قونسول در باطوم و پس از آن قونسول جنرال در تفلیس بوده و نیز از ایشان گذشته کسان دیگر نزد وزارتخارجه هستند که منتظر خدمتند ویا درسرخدمت درمرکز و خارج مرکز این غلط محض است که اخوند و یا فلان سوسیال دیموکرات را بدون سابقه اطلاعات و مقدمه بیاورند سفیر کبیر بانقره نمود. بفرستند یا طبیب ناقص الاعضاء و یکدستی را بسمت جنرال قونسول باسلامبول و یا مفتح‌الملك یك چشم بدقیافه عوام بدسابقه را بجنرال قونسول تفلیس مامور نمایند اینها که عرض شد غرض شخصی نیست عین واقع است محض امید اصلاح و منافع عمومی نوشته میشود

(بیباك)

جامعه ملل

عاقبت آلمان درجامعه ملل شامل آمد و دولتین اسپانی و برازیل ترك عضویت جامعه را گفتند و خیلی زود هم ایطالی ترك عضویت جامعه را خواهد گفت و طولی نخواهد کشید که یك جامعه دیگر در مقابل این جامعه تشکیل خواهد یافت ۹ نفر عضو موقتی شورای جامعه نیز مقرر آمد ایران هم یك شکست تمثالی خورد ولی خم بابروی رجال ما نیاورد نیامد معلوم است که ایرانیها اینگونه پیش آمدها را حمل بر بی وقری دولت و ملت خود نمی نمایند و علناً گفته و میگوئیم که ایران از شرکت جامعه ملل هیچ فایده حاصل نتواند نمود جامعه برفرضی هم که برای دول کوچك فایده بخش باشد همان دول اروپائی است و بس. تحریك چین و ایران برای ازدیاد دو عضو آسیائی درجامعه و تائید ژاپون هم به آنها رد گردید چرا بواسطه اینکه آسیا و آسیائی را قابل شمولیت در اینگونه مجامع اروپائی نمی دانند، چنین عضو غیر دائمی مقرر شد ولی جراید انگلستان هم برخلاف این انتخاب قلم فرسائی مینمایند ویقیناً در نوبت دیگر چین هم انتخاب نخواهد آمد شرکت آلمان در جامعه زوال و انهدام جامعه را نزدیکتر میسازد چه آلمان دومسئله را درجامعه بطریق قطعی پیش نموده و از پیش هم خواهد برد اول بازگشت مستعمرات خودرا ولو باسم ماندا تری هم باشد و این مسئله ژاپون را از جامعه جدا خواهد ساخت چه بزرگترین مستعمرات آلمان در چین بود که فعلا در قبضه ژاپون درآمده استو همین نکات سبب شده است کدورت باطنی ژاپون را از انگلستان. در انقلابات جدید چین. و ناملایماتی را که نمایندگان و رعایای انگلیس حامل نموده امیدوار بودند که بتائید دولت ژاپون گوشمالی سختی به چین داده باشند ولی دولت ژاپون رسماً و علناً اظهارداشت که همدردی درمصائب وارده انگلستان دراین انقلابات اخیره چین دارد ولی فعلا سیاست ژاپون مقتضی آن نیست که در معاملات کنونی چین ترك مسلك بیطرفی نماید و این مسئله ناچار انگلستان را هم به تسلیم وا دار از خشونت باز داشت و به سیاست مالی ظاهری آرام گرفتند

دوم مسئله ذمه واری جنك است آلمانیان هیچگاه راضی نتواند شد که تا یکی دو پشت آنهما زیر بار ادای تاوان جنك بمانند مسئله ذمه واری جنك را هم آلمان درجامعه پیش خواهد نمود وعاقبت هم کامیاب بیرون خواهد آمد و از آن بعد از ادای قسط تاوان جنك سرخواهد تافت و این مسئله نیز معلوم استکه بیش ازهمهٔ دول اثرش بفرانسه و ازبك وانگلیس وارد

خواهد شد ازینست که از حالا زمزمه می‌نمایند که همان قسمی که آلمان نمیتواند خود و فرزندان آتیه خود را باادای اقساط تاوان جنگ مجبور دارد دول متحده یعنی فرانس و بلژیک و انگلستان وغیره نیز نمیتوانند تا یکی دو قرن اقساط قروض خود را به آمریک تادیه نمایند ، یعنی همان قسمیکه آلمان از ادای تاوان جنگ سرباز خواهد تافت دول متحده نیز از دادن قروض خود به آمریک سرباز خواهند زد ، دراین میانه سرکسی که بی‌کلاه ماند همانا آمریک خواهد بود ازینست که ازحالا ریشخندانه زمزمه دارند که آمریک برای دلار و فایده شاملی به این جنگ نیامده بلکه بواسطه حفظ امنیت و برقراری تمدن در اروپا قدم دراین جنگ گذارده بود ، عاقبت نتیجه شمولیت آلمان درجامعه ملل همین دومسئله خواهد بود و از ین رو میتوان استنباط نمود که جامعه ملل را در آتیه چه وضعیت پیش خواهد آمد .

ملاقات خصوصی هر استرسمان و مسیو برایان در خارج ژنو بعد از شمولیت آلمان بجامعه نوید اتحاد مثلثی بین فرانس و آلمان و انگلیس میدهد روسها این پیش آمد را بر خلاف خود می پندارند ولی خیلی مشکل است که اتحاد صمیمی بین فرانس و آلمان فراهم آید خصوصاً چندان منافعی برای آلمان دراتحاد بافرانس وانگلیس متصور نیست آلمان دوستی روسیه را میجوید که میدان همه گونه جلب فایده برای او آماده هست هنوز هم بعقیده ما جامعه ملل نفس های آخرین خود را می شمارد

﴿ کم روئی ﴾

مخبر رویتر از طهران خبر میدهد که آقای دکتر مصدق در پارلمان بر خلاف وزارت وثوق الدوله نطق بلیغی ایراد نموده اظهار داشته اندکه وثوق الدوله یکصدوبیست هزار لیره رشوه گرفته و آن قرار داد میشوم را با دولت انگلیس بربست و انگلیسان را برمالیه وقشون ایران برگماشت وثوق الدوله هم معلوم است که منکر یکصد وبیست هزار لیرای رشوه شده ولی چیزیکه خیلی با مزه و دال است بر کمال کم روئی آقا اینست که اظهار داشته که چون حال ایران در سال ۱۹۱۹ خیلی خراب بود قرار دادیکه ایشان با انگلیسان بستند بزرگترین خدمت بملک و ملت بوده است الحق همین عقیده عالی که امروز ظاهر داشته کافی است بر استحقاق او بر مسند وزارت اگر چنین است باید گفت که لفظ خیانت بملک وملت و دولت از الفاظ بی معنی است و باید از لغت ایران خارج کرد وقتیکه بستن چنان قرار داد میشوم خیانت گفته نشود تصور نمی‌کنیم که هیچ چیز را بتوان خیانت گفت اگر آن قرار داد بر قرار بودی امروز یک صاحب منصب نظامی ایرانی وجود نداشتی اگر آن قرار داد امضا میشد ایران مالک مالیه خود نبود بلکه حال استقلالیه او از عراق و فلسطین بتر بودی حالا که وثوق‌الدوله بستن آن قرارداد را خیانت نشمرده بلکه خدمت بملک و ملت گفته باید گفت وکلای شورای مجلس ملی که آن قرار داد را باطل ساخته ساقط کردند خیانت بملک و ملت خویش نموده‌اند چه جمع بین الاضداد ممکن نیست

﴿ خشونت مقدس ترکان ﴾

در اثر تصادم دو جهاز بیکدیگر و غرق جهاز ترکی و گرفتاری یک افسر فرانسوی هر قدر فرانسویان اصرار کردند و جدیت نمودند تا باینکه (التیماتوم) اتمام حجت بترکان فرستادند ذره باین خشونت کاران اثر نه بخشود اینگونه واقعات دولت جدید ترک را درنظر داخلی وخارجی بزرگ می‌نماید و بهمین اصول نفوذ خارجه یک دفعه از مملکت ترکیه معدوم میگردد اطاق های تجارتی خارجه در اسلامبول که خیلی ذی اثر بوده تحت هیچ قانون محلی نمیرفتند عاقبت ترکان شان بدواً امر باستداد و سپس اجازه دادند تحت قانون محلی مانند اطاق های تجارتی داخلی افتتاح نمایند ترکان بگوشه وکنار مملکت چشم دوخته هر کجا ذره هم از اثر خارجی باقی مانده باشد با خشونت مقدس دور میسازند خوبست اولیای ایران هم مسلک خشونت و وطن خواهی را از برادران ترکی خود سرمشق گیرند و یقین بدانند در مقابل خارجیان هر قدر فروتنی شود برشدت آنان خواهد افزود

§ تن در مده به عجز خشونت مقدس است §

﴿ جامعه ملل ﴾

﴿ و ترک تریاک ﴾

همان قسمیکه در شماره های قبل نگاشتیم درمسئله ترک تریاک مناقشه بین چین و ایران و انگلیس بردوام است ، چندی قبل نماینده چین علناً بیان نمود که نقشه دولت انگلیس همانا اختصاص تجارت تریاک بخود است و مقصود حقیقی آن انسان پروری و ترک زراعت تریاک در عالم نیست دراین هفته تلگرافات رویتر هم آن مناقشه را تائید نموده میگوید که نماینده ایران بیان نمود که مبالغی تریاک از هندوستان بایران وارد میشود ، نماینده هند بجواب انکار نموده و اظهار عدم اطلاع کرده عاقبت میگوید تحقیق خواهد نمود اگر این واقعه صحت داشته باشد حکومت هندوستان از این مسئله جلوگیری خواهد نمود

﴿ حبل المتین ﴾

مسئله ترک تریاک یک از مسائل مهم و مبتلا به

ناگفته معلوم است که حبل المتین خیلی دراین مسئله دلتنگی دارد و ما برسبیل اجمال برحسب اطلاعاتی که یافته تصدیق میکنیم قول نماینده ایران را در ژنو که از هندوستان تریاك بایران حمل شده است واگر لازم آید تحقیقات کامله نموده باسم و رسم و عدد صنادیق و اشخاص و در کدام جهاز حمل شده و به چه ذریعه و وسایط بوده همه را باولیای دولت و پیشگاه ملت تقدیم توان نمود ، تعجب میداریم از نماینده هندوستان در جامعه ملل که چنین مسئله آفتابی را انکار نموده اظهار بی اطلاعی می نماید

مسجد و بتکده

§ گر ازاین دست زند مطرب مجلس ره عشق §
§ ای بسا دل که بخوابانه ملتی بنیم §

همان قسمیکه پیشگوئی شده بود که این مناقشه ابتدای انقلاب کلیه هندوستان سرایت خواهد نمود و باین زودیها مرتفع نخواهد شد آثارش ظاهر و هویدا گردیده است روزی نیست که در یك گوشه و کناری در این مملکت وسیعه خبر مناقشه هندو و مسلمان بگوش نرسد ماه گذشته در دهلی که امروزه پایتخت هندوستان است طوفان بی تمیزی مسجد و بتکده بلند گردید تازگی در دهاکه و اسلامپور و نواح آن مناقشه هندو و مسلمان بالا گرفت از طرفین بسی مقتول و مجروح آمده و دکان وبازار هم مسدود شد یکدیگر را اعتصاب کردند هندوستان هندو و مسلمان بایکدیگر باندازه مختلط اند که اعتصاب هریك مر دیگری را صدمه عظیم است ولی هنوز هم برخی دست از میانجی گری بر نداشته میخواهند که هندو و مسلمان بقسمی متحد آیند که حکومت آزاد و خود مختار یابند بعبارت ساده تریعنی انگلیسها را از هند بیرون کنند ـ همین ایام موقع انتخابات جدید مشورت خانه های هندوستان است در انتخاب قبل حزب سوراج (خود مختار) خیلی قوی بود در حقیقت مانع اجرای بسیاری از امور حکومت گردید جنگ هندو و مسلمان این حزب را خیلی ضعیف ساخت چه قوت این حزب بیشتر بواسطه شرکت مسلمان بود ، در انتخاب جدید چنین نخواهد شد بیشتر به مسلك حکومت خواهد گروید مسلمانان هنوز برای خود تشکیلات سیاسی نداده همواره در تشکیلات سیاسی هنود شامل میشدند یعنی تابع بوده اند هیچ تشکیل سیاسی نداشته که دیگری یعنی هنود شامل آنها گردند از بعد سرسید احمد خان ونواب محسن الملك و مشتاق حسین خان قائد مسلمی در کلیه هندوستان برای مسلمانان پیدا نشده قایدین خود رو مانند علف شب در موقتی و برای نمایش بوده و هستند فعلا دو نفرسر بر آورده تشکیل حزب میدهند یعنی سر عبدالرحیم از کلکته و مستر جناح از بمبئی اگر چه برخی تشکیلات کوچك کوچك هم بر خلاف آنها داده شده و میشود ولی بعقیده ما طولی نخواهد کشید که آن تشکیلات منحل شده فقط همین دو مرکز مانده متدرجا دامنه خود را وسیع خواهند ساخت ومؤید حکومت هم خواهند بود و فائده نیز ولو موقتی باشد بمسلمانها خواهند رسانید ما کار باین نداریم که این پیش آمد برای آزادی هند خوبست یا نه فقط پیش آمد امور را می نویسیم عقیده ما اینست که هندوستان وقتی آزاد تواند شد که مسلمان و هند کاملا متحد گردند و این مسئله تا وقتیکه هندوها تسلیم نکنند حقوق مسلمانان را بالمساوات صورت نتواند بست مسئله اقلیت و اکثریت در هند صحیح نیست میزان سیاست هند دو کفه دارد یکی هندو و دیگری مسلمان تساوی حقوق مسلمانان را در کلیه امور از سیاسی وغیر سیاسی اسباب نجات هند میپنداریم و تاوقتیکه هندوها بوا این نکته برده و تسلیم شوند زمانه درازی درکار دارد عجب اینست هندوها که این نکته را متوجه نیامده سهل است مسلمانان نیز ملتفت نشده حتی در سیاست هندوستان نیز خویشتن را در اقلیت قرار داده تا امروز دعوی حقوق متساویه نکرده اند و بهزاران ادله باهره ثابت توان کرد که نجات هندوستان فقط و فقط در تساوی حقوق هندو ومسلمان است وتاچنین نشود اتحاد بین هندو ومسلمان نخواهد شد ومسلمانان هم هندوستان را خانه خود نخواهند شمرد در صورت تساوی حقوق مسلمانان مدافع هر غنیم خارجی برهند خواهند گردید .

از ناصری می نویسند

رشته امید اهالی خوزستان بلکه اغلب ایالات ایران از اوضاع اسف آور این مملکت قطع گردید ملت ایران از بدو مشروطیت همان مشروطه که بخون پاك هزاران جوانان و نونهالان وطن دائر گردید چنین سختی و بدبختی و ذلت و فلاکت را که امروزه در تمام ایران حکمفرماست بچشم ندیده و هیچوقت مثل امروز در تحت اسارت و فشار یکمشت صاحب منصبان نظامی که خود قوه تامینه مملکت اند واقع نگردید عهد استبداد که خیر بلکه زمان چنگیز هم تا این اندازه ظلم وتعدی باهالی این مملکت وارد نگشته من از داخله مملکت بخوبی مستحضرم که دیگر هستی و تمول برای احدی باقی نمانده اوضاع خوزستان را نمیتوان بسایر ولایات ایران قیاس نمود زیرا باز در سایر ایالات ایران چهار نفر روز نامه نویس چند تجار با شرف بعضی اعیان معروف که از بدو مشروطیت با حریت و آزادی ایران همراه و با وطن خواهان حقیقی همیشه

معیت وشرکت داشته‌اند موجود است ولی در خوزستان هیچوقت یا هیچکس نبوده هر کس هرچه کرده مانع و رادعی نداشته نامه حبل المتین بهترین تاریخ زندگانی خزعل را گواه است در زمان خزعل سلب آسایش مالی و جانی از همه شده بود و مردم راه چاره و علاجی نداشتند مجبور بودند بسوزند و بسازند ولی حالاکه زائد مدت یکسال است خزعل ازبین رفته قوای او بکلی مضمحل و مطیع دولت گردیده چرا ظلم و تعدی چند برابر زمان خزعل شده است زمان خزعل زمان سلطنت ظلم سلطنت غفلت و تنبلی بود زمان خزعل بقول اقای برخی صاحب‌خبر تان سلطنت بوشالی شاه بوشالی رئیس الوزرای بوشالی بود حالا که بقول احرار دروغ گو و روزنامه نویس متملق ووطن خواه کذاب وطن کش سلطنت تغییر کرده سلطنت پهلوی است همان پهلوی که تا قبل از سلطنت محبوب قلوب وطن مقدس و ابنای ایران و اینک چگویم و چه بنویسم که لفظ شاه و سلطنت حیثیات آن راد مرد بزرگ و ان فرزند رشید ایران را بکلی ازبین برد از آقایان متملق که همیشه طرفدار سلطنت بوده اند انصاف میخواهم ایا در زمان سلطنت بوشالی اهالی ایران آزادتر بودند یا حالا کار ندارم که آن آقایان فقط بمرام خودتان نائل و شب ها در طهران راحت ووکیل هم هستند و انصافاً وطن خواه هم هستند ولی ایا رفقای آنها که در سایر ایالات سلب حریت از انها شده بیاد می‌آورید (یا میگوئید گور بدرانها من خوش باشم و پهلوی) از محیط طهران هیچ استبعاد ندارد آقایان جریده پسارك حبل المتین همیشه طرفدار حریت و آزادی ایران بوده هرگونه مدح و قدح از اشخاص کرده فقط برای پیشرفت امور مملکت باستانی بوده ایا گناه حبل المتین چیست که باید امروز که سلطنت سلطنت ملی است امروز که تاج کیان بفرق یك پادشاه زحمت کشیده جایگیر شده امروز که بنظر ما شاه و مملکت بوشالی نیست یك روز نامه قدیم که ناشر افکار جمهور است وسی و چهار سال برای اینکه در ایران یك نفر پهلوی پیدا شود با قوای استبداد وجهل جنك نموده حالاخواندن روزنامه او در یك چنین قرن طلائی که آزادی جراید و مطبوعات در کلیه دنیا حکمفرماست باید ایران مظلوم و اهالی ستمدیده ایران که بخواندن حبل المتین دل خوش داشته مخصوصاً خوزستانی بیچاره که در ایران هیچ وقت راحت نداشته اند و گاه گاهی بخواندن جراید پاك امید واری داشته اینك ازقدرهای اقدس وکلاء و رجال غیر بوشالی هم سلب آزادی از مردم شده هم خواندن روز نامه ممنوع است

§ نرسم نرسی بکعبه ای اعرابی §

§ این ره که تو میروی به ترکستانست §

آل قاجار ازبین رفتند خزعل‌ها ازپای افتادند ملوك طوایفی قطع گردید تمام را از برکت ذات اقدس پهلوی دانستیم و بکمال گردیم که در چند نفس راحت کشیده تجارت و صناعت رو بترقی گذارده بهتر اهالی مملکت ازدست بردا جانب محفوظ خواهند ماند اعلیحضرتا ما ذات اقدس را خیلی پاك و منزه میدانیم ما میدانیم تو فرزند رشید ایران هستی یقین داریم که ذات اقدست برای امنیت حقیقی ایران و رعایای بدبخت صدمات فوق الطاقه تحمل شده یك از نعمای غیر مترقبه دانسته ایم ما شخص اعلیحضرت را از مصطفی کمال پادشاه کمتر ندیدانیم صاحب منصبان قشونی دولت آن اعلیحضرت شوت پرست ظالم بی وجدان بی باك همین قوه که اساس ان بدست شما برقرار گشته نظامیان دارند درهم می شکنند

نظری بایران افکن بذات اعلی حضرتت قسم که زمان چنگیز این طور ظلم وتعدی بمردم نمیشد سلب راحت وامنیت مالی وجانی ازمردم شده شب وروز بلکه حرص و طمع اینها بجوش آمده ملت را میچاپند مسئول همه این قضایا ذات اقدس ملوکانه است بملت حکم آزادی به بخش مطبوعات و جرائد را آزاد کن شکایت مردم را بپذیر اعتماد به هیچکس از معتمدین دربار نفرما ما ایرانیها بذات اقدست علاقه داریم زیرا قبل ازسلطنت فدا کاری فرموئید امراء لشکر تو بیشترآنها خائن سرداران قشون خائن‌تر واویلا و وامصیبتاه قشون امروزه ایران مفتشین سری وطن دوست عالم باذکاوت لازم دارد آزادی مطلق بجراید دادن از اهم واجبات امروزه ایران است هیچك از حکام حق تعرض بجراید را نباید داشته باشند برای انتخاب وکلای صالح چرا ملت آزاد نیست چرا فرمان اعلیحضرت اقدس را همین حکام نظامی عملی نکردند پول گرفته و وکلای بی عام خائن تراشیدند و احدی هم نتوانست چون و چرا گوید حکام خون مردم‌را میمکند مالیه ها مردم را میچاپند نظمیه ها ظلم و انتظام را از میان برده ناموس مردم را سرمایه خود قرار داده اند اشخاص بی علاقه و بی همه چیز اولیاء امور شده اند شرافت ملت را زیان داده اند طولی نخواهد کشید که رشته انتظام از هم گسیخته و نزد دول و ملل دنیا مفتضح خواهیم شد —

(مخبر فرسو)

[...] حبل المتین حالیا با مدیر جامعه نمیشود
[...] از همه کس و همه جا بلا استثنا بدل قیمت اخبار
(مقدم گرفته میشود)
روز نامـه هفتگی

قیمت اشتراک

سالانه	ششماهه
(هند و برمه)	
۱۸ روپیه	۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)	
۶۰ قران	۳۵ قران

(ممالک سایره)
(سالانه)
[یک و نیم لیره انگلیسی]

حبل المتین

مسلک امور سیاسی
[... کل]
(... المتین)
(... است)
[...]
[...]
توزیع میشود

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه غره رمضان المبارک سنه ۱۳۴٤ هجری مصادف با ۱۶ مارچ سنه ۱۹۲۶ میلادی

وضعیت سیاسی ایران در آینده

مکرر در این موضوع بحث نموده ولی از بس اهم است هر قدر در اطراف این مسئله بحث شود بازهم کم است انچه از جراید اروپا ثابت میشود مساعده روس وترکی یک گونه تهدیدی را برای ایران تولید تواند نمود مکرر نگاشته ایم که تمام پیش آمدهای سیاسی بدوقتی است ولی سیاسیون مال اندیش برحسب ظنیات ترتیبات اتفاقی بخشیده بعملیات شروع مینمایند مثلا سیاسیون انگلستان می بینند که قوای بحری ژاپون همه روزه در ازدیاد است با اینکه کمال دوستی را امروزه بادولت مشار الیها دارند تصور می کنند اگر روزی ژاپون برخلاف انگلستان شد ممکن است که از طریق پسفیک حمله به هندوستان نماید برهمین تصور که اساس همان ظنیات است ترتیبات اتفاقی داده سنگاپور را مرکز دفاع بحری هندوستان قرار میدهند و ملیونها صرف تعمیرات جنگی و جهاز سازی نموده آمادگی برای جنگ ژاپون وجلوبندی ازحمله به سواحل هندوستان مینمایند

امروزه اتحاد روس و ترکی را سیاسیون ایران نباید بنظر لاقیدی بنگرند چه ممکن است روزی وموقعی پیش آید که اتحاد این دو دولت برای ایران مضر تصور گردد این نکته را هم مکرر نگاشته ایم که حیات سیاست انفرادی دراین عالم خاتمه یافته یعنی هیچ دولت نمی تواند فقط بروی پای خود درمقابل حادثات سیاسی عالم ایستاده بتنهائی حافظ حقوق خود گردد بعبارت ساده دوره دو روئی و تذبذب سیاست ما بانتها خاتمه یافته ایران هم باید یک سیاست مستقل برای خود اتخاذ نماید در حقیقت سیاست دوروئه ... ایران را بجز حال ... المتلف ... یک از ... فقط در خیال گذراندن وقت وعیاشی خویش بوده وفی الواقع مسلک شان جز این نبودی

§ بعد از سرمن کن فیکون شد شده باشد §

دوره جدید سیاست جدید لازم دارد ایران باید رخت از حیات رقابتی بیرون کشد چه حیات رقابتی عاقبت منجر بمحو و انعدام می گردد چنانچه برای ایران هم گردید تقسیمی که روس و انگلیس در ایران نمودند آیا نتیجه همان حیات رقابتی صدساله نبود؟ ایران از این و بعد نباید خویشتن را دولت بوشالی قرار دهد ایران باید استقلال حقیقی پیدا کند و استقلال حقیقی او صورت نه بندد جز اینکه خویشتن را از دائره حیات رقابتی بیرون کشیده یک سیاست مستقلانه برای خود اتخاذ کند اینجا سهو نه شود که معنی اتخاذ یک مسلک مستقل سیاسی مخالفت با دیگران است بعبارت ساده تر امروز اگر ایران چنانچه ترکی صلاح خود را در اتحاد باروس دید او نیز باروسیه متحد گردد معنی اش این نیست که با انگلستان دشمن شود و یا ترک مراودات ودادیه با دیگران گوید نه این تصور سیاست ناشناسان است مثلا فرانسه با لهستان عقد مودت می بندد در حالتی که لهستان با انگلستان و المان هم کمال محبت را دارد از بس ایرانیان مذهبی شده سیاست مابان شان هم خیال می کنند در سیاست نیز تولی و تبری لازم است .

بالجمله ما باید کلاه خود را قاضی نموده حتما یک مسلک سیاسی اجتماعی اختیار کنیم ورنه به سرعت دچار طوفان انقلابات زمان بقسمی خواهیم گردید که همه چیز خود را بروی آن بازیم دو نکته را نباید از یاد نداد اول اینکه در سیاست باید ابن الوقت بود و منافع فوری را تحصیل کرد مثلا یک زمان ما باروس یا انگلیس دشمن بوده ایم آن دشمنی را نباید همیشه سرمشق مشی خود قرار داده از منافع دوستی آنها صرف نظر نمائیم یک زمان هم بود که انگلستان ...

بر خلاف فرانسه متحد گردد زمان دیگر مقتضی آمد که بر خلاف المان دست اتحاد بفرانسه دهد حتی روس و انگلیس و رقابت آنان لازم به بیان نیست چه شد که این دو دولت مناقشات بین خود را تصفیه نموده متحد گردیدند همان مقتضیات موقع سبب این دوستی ها و دشمنی های سیاسی میگردد ازاین رو مکرر نگاشته ایم که در هر چیز استقلال پسندیده است جز در سیاست

پس سیاست ما بان ماهم باید بدانند که اقتضای وقت جهت رشته دوستی دیرین و دشمنی قدیم را کشیدن بی معنی است حالا شما باید خیال کنیم که باکدام یك از هیئت های سیاسی مناسب است دست اتحاد بدهیم اما هیئت های سیاسی عبارت اول امریك است که عموم ایرانیان از روی عاطفه قلبشان تائید و کمك اوست باید دانست که آمریك ما را در عقد سیاست خود شامل نتواند نمود چه از یك طرف وضعیت کنونی ما نمیتواند اطمینان به آمریك به بخشد که در اتحاد باما از زیانات سیاسی و اقتصادی مصئون تواند ماند گذشته بر این آمریك قدری از ما دور است که ممکن نیست در مواقع لزوم ، انقلابات سیاسی باما کمك های جدی نماید البته آمریك اگر مطمئن شود کمك مالی به ایران تواند نمود و مستشاران خود و تائیدات اخلاقی ایران فوائد عمده از آمریك حاصل تواند کرد ولی عقد اتحاد هیئت های سیاسی امروزه غرضشان همان تائیدات جنگی است در مواقع لزوم اما فرانس یا ایطالی و آلمان هم نمی توانند منافع متصوره را بایرانیان برسانند همین قسم اند چین و ژاپون که ما تنها از اتحاد با آنان مستغنی نتوانیم گردید ماند برای ایران اتحاد با یك از دو همسایگان خود یعنی روس یا انگلیس چنانچه در شماره های قبل اشاره نمودیم بدواً باید ایران و افغان که بیش از سائر ملل شریك النفع والضرر اند بین خود اتحاد سیاسی نموده سپس اگر جمهوری ترك یکمرتبه در پنجه روس داخل نشده باشد اوی نیز شامل یك قرار داد سیاسی که طرفین را مفید باشد بگردند اما مصر یا عراق که حکومتهای اسلامی اند و ما دوستی آنها را صمیمانه خواستاریم از دو جهت بدا تائید سیاسی در مواقع ضرورت نه توانند بخشید چه اولا مصر عراق کاملا آزاد نیستند وهنوز خویشتن را از پنجه خارجه بیرون نکشیده ممکن نیست راهی که مرضی انگلیسان نباشد به پیمایند و علاوه بواسطه بعد مسافتی که بین ایران ومصر است هیچیك مر دیگری را جز تائیدات اخلاقی نتواند بخشود علت اینکه تا این درجه میدان سیاست بایران تنك گردیده همانا نداشتن قوای بحری است اگر ایران باهمان و دوست ملل سواحل آزاد که شاهراه [illegible]

سه ربع دنیای متمدن محسوب میشود دارای قوای بحری بود میتوانست با ژاپون آمریك فرانس بیطرف [illegible] دراتحادات سیاسی شامل گردد و هم از انها منتفع شود و به آنها نیز نفع بخشد پس حالا که از این ماده العیواه استقلال محرومیم چاره ما منحصر در این است که با یك از دو همسایگان قوی خود رسماً و عملاً شامل شده خویشتن را از حال تذبذب بیرون آوریم بازهم تکرار میکنیم معنی این شمولیت در عقد اتحاد سیاسی دشمنی با دیگر نیست بلکه برای حفظ و صیانت خویش و جلوگیری از زیانات سیاسی است البته اینها کیفیت مالك بهکردد و نمی توانیم عقیده خودرا کاملاً نگاریم که آیا ایران باید شامل در عقد سیاسی با کدام یك از دو همسایه خویش گردد این نظریه را رجال ایران بهتر از ما میدانند

[بقیه در صفحه ۲۱]

حکم تلگرافی

(پاسکه ندر عباس)

۱۷۹۱۰ اداره گمرك مأمور دریافت مالیات راه مصوبه قانون ۱۹ بهمن میباشد از ۲۹ بهمن از واردات و صادرات معاف یا انهم حقوق گمرکی تعلق میگیرد مالیات های ذیل را در تمام دفاتر گمرکی از روی وزن باظرف مال التجاره دریافت نمایند

(۱) از الکل و مشروبات الکلی و موادیکه در انها الکل داشته باشد و در ماده یك تعرفه ۱۹۲۰ مذکور است همچنین عطریات و صابونهای ترك وارائش و توالت واشیاء خرازی جهة ترك و تمام اقسام ملبوس مندرجه در ماده ۱۹ تعرفه ۱۹۲۰ وسیگار و سیگارت یك من باظرف ۵ قران

(۲) از تریاك یك من باظرف ٤ قران

(۳) از پارچه هائیکه پنجاه در صد یا بیشتر ابریشم طبیعی یا مصنوعی داشته باشد یك من باظرف ۲ قران
تبصره قالی از قرار یك من ده شاهی بموجب مطلب ۱۱ این حکم تلگراف

(٤) پارچه نخی و کتانی و پشمی خالص یا مخلوط به ابریشم پنبه کتان یا پشم داشته باشد یك من با ظرف ۱ قران

(۵) از بنزین وقند وشکر یك من باظرف ۲۵ غاز

(٦) از میوه جات تازه یا خشك غلات برنج و حبوبات پشم پنبه خام روناس کتیرا نمك ماشین وابزار آلات و اجزاء یدکی یك من باظرف ۲ شاهی
تبصره از ماشین هائیکه بموجب قانون ۷ دلو ۱۳۰[illegible] معاف شده مالیاتی نباید گرفته شود مال التجاره مذکوره در مطلب ۲ و ٤ ماده ۱۳ تعرفه ۱۹۲۰ یعنی اقسام فلزات و اشیاء ساخته شده از فلز بموجب مطلب ۲۲

این سکر یک من باظرف ۱۰ شاهی مالیات میپردازند

(۷) شاهدانه و پوست انار هیزم ذغال چوب یک من باظرف ۱ شاهی

(۸) از شتر اسب قاطر گاو نر ماده گاو گوساله الاغ راسی ۳ قران

(۹) از گوسفند بز نر و بزغاله راسی ۱ قران

(۱۰) اتومبیل گاری درشکه وسائل نقلیه سائله (باضمام دو چرخه در این مطلب داخل است)

(۱۱) سائر اقسام مال‌التجاره غیر مذکور یک من باظرف ۵۰ غاز

تبصره از مال التجاره های خروجی که بموجب مطلب ۱۱ فوق یعنی یک من دو شاهی مالیات میپردازند مالیات راه در صورتیکه قیمت مال التجاره یک من چهار قران باشد یک من باظرف ۲ شاهی است و در صورتیکه قیمت مال‌التجاره یک من سی شاهی یا کمتر باشد یک من باظرف ۱ شاهی میشود

تبصره (۲) ازمالیات راه مال‌التجاره‌های محمول تحت قانون کابوتاژ یا از گله حیواناتیکه موقتا ازمملکت برای علف چر خارج میشوند دریافت نمی شود

تبصره [۳] در همان موقعیکه حقوق ورودی و خروجی گمرکی مطالبه میشود مالیات راه هم بموجب اظهار نامه مشروح ورودی و خروجی باید مطالبه شود

تبصره [٤] از وسائل نقلیه و حیواناتیکه موقتا بمملکت وارد یا ازمملکت خارج میشوند مبلغ ۱ قران حق تشخیص اخذ میشود بعلاوه مالیاتیکه بر مال‌التجاره محموله با وسائل نقلیه تعلق میگیرد

تبصره [٥] موقتا ازوسائل نقلیه که بطورموقت بایران وارد میشود مالیات ذیل در دفتر سرحدی در موقع مراجعت وسائل نقلیه بخارجه دریافت میشود

تبصره ـ اتومبیل برای هر روز توقف در ایران چهار قران و هشت شاهی

تبصره ـ عرابه چهار اسبه یا سه اسبه و دلیجان برای هر روز توقف در ایران ـ ۲ قران

تبصره ـ درشکه وکالسکه کرایه برای هر روز توقف در ایران یك قران و چهار شاهی

تبصره ـ گاری یك اسبه یا دو اسبه و درشکه و کالسکه شخصی برای هر روز توقف در ایران یك قران و دو شاهی

تبصره ـ موتر سکلت [دو چرخه آتشی] برای هر روز توقف در ایران هشت شاهی ٤٠٠ غاز

تبصره ـ وسائل نقلیه که موقتا بایران وارد واز ایران خارج نشده باشد بلدیه اداره مالیه قسط خود خواهد داد

(اشیاء ذیل از تمام مالیاتهای فوق معاف هستند)

وسائل نقلیه سلطنتی ودولتی یا متعلق بـاجزاء سیاسی‌خارجه قشون‌حفظ‌الصحه بلدیه‌هم چنین‌مال‌التجاره هائیکه بموجب قرار داد و عهدنامه یا امتیاز نامه و احکام وزارتی و مقررات اداری ازپرداخت حقوق گمرك معاف می باشند

(سفارش و تاکیدات)

۱ ـ در بدو اجراء این حکم از مال‌التجاره و وسائل نقلیه خروجی که قبض رسید آخرین دفترباج راه را ارائه بدهند مالیات مطالبه ننمائید

۲ ـ مالیات را از کلی پستال (امانات پستی) نمونه مراسلاتی که محتوی اشیاء هستند باستثنای مطبوعات و کتاب مطالبه نمائید

۳ ـ در صورتیکه مالیات متعلقه بمال‌التجاره از یکمن ده شاهی کمتر باشد وزن کمتر ازنیم من را محسوب ندارید در صورتیکه مالیات از قرار یکمن ده شاهی باشد کمتر از نیمـن را نیمـن محسـوب سازید

در صورتیکه مالیات از یکمن ده شاهی زیادتر باشدکمتر از یك هشتم باید محسوب داشت درحساب مالیات وجه کمتر از یکشاهی یکشاهی محسوب میشود

٤ ـ اگر در یك بسته مال‌التجارهای محتوی است که مالیات راه آنها مختلف است وزن ظرف‌را تقسیم کنید تاوزن باظرف اشیاء بنسبت همه مال‌التجاره معین شود

٦ ـ در اظهار نامه‌ها و جوازهـای گمرکی مأخذ و میزان مالیات راه آن علیحده باید معین شود و عائدات در ستون مخصوص در دفتر عائدات ثبت بحساب جداگانه ببانك تسلیم شود

مخارج را هم باید ماهیانه معین و در جزو حساب مخصوص مالیات راه درج شود

حبل المتین

یك از لوایح عمده که از مجلس پنجم گذشتـه همانا قانون لغو باج راه است این قانون علاوه بر اینکه با نصفت و عدالت گذارده آمده برای پیشرفت اقتصادیات مملکت و رونق تجارت هم خیلی مفید واقع خواهد گردید عایدات جدیدیرا هم که در مقابل عایدات لغو باج راه معین گردیده در واردات به ایران خیلی نافع است علاوه بر اینکه مصارف وصول این عایدات نسبت بوصول باج راه خیلی کمتر میشود از حیف و میل هم مصئون می ماند بقول وکیـل حبل المتین آقا سید احمد علوی در عباسی که از روی دقت حساب نموده اگر عایدات انحصار قند و شکر و چای و عایدات جدید راه داری از قاچاق

مصون ماند با تمام عایدات گمرکات برابری تواند نمود این قانون جدید هانقدر دارای نفع و اهمیت است که قانون انحصار قند و چای بوده در حقیقت دولت بدون لغو قرار داد گمرکات این دو نکته اهم را از پیش برده است امید واریم وکلای دوره ششم متمم کارهای گمرکی را تکمیل کنند بزرگترین ضربه که به اقتصادیات ایران وارد می شود از اشیا تجملی است جداً باید از این مرهم جلوگیری شود اولیای دولت پهلوی راست که قدری از تزئینات ظاهری دربار صرف نظر نموده در تزئینات باطنی دولت پهلوی بکوشند اگر دولت پهلوی بسرعت چند مسئله اهم اساسی را تصفیه نه نموده از پیش برد خار های ترقی را از جلو ایران بر نداشته است اول لغو (کاپیتولاسیون) قضاوت قونسلات خارجی در ایران است چه تا لغو کاپیتالیسیون در ایران نه شود دسیسه خارجیان و اتکای خارجه مرتفع نه تواند گردید و تا زمانیکه دسیسه خارجیان و اتکال بخارجه در ایران وجود داشته باشد اقتدار و نفوذ دولت صورت تکامل نتواند گرفت دوم لغو قرار داد گمرکات است تا زمانیکه ایران مقتدر و مختار نباشد به گذاردن هرگونه گمرك بر هر متاع ورودی و خروجی نه تنها رشته اقتصادیات مملکت خود را بکف نگرفته بلکه اساس استقلال خویش را متزلزل داشته است اگرچه اولیای دولت پهلوی به اصول دیگر مقاصد خویش را از پیش برده و می برند ولی باید کار را یکطرفه نموده و اختیار گمرکات را بکف خویش گرفت و هیچ دولت خارجی نباید حق داده شود که دخالت در کم و زیادی گمرکات ما داشته باشد امروز بزرگترین رشته اقتصادیات ممالک شرق و غرب همانا اقتدارات کامل بر گمرکات خروجی و ورودی شناخته شده حتی عراق نو زادنیم ازاد بمناسبت حال خود هر گونه گمرکی بر هر مالی که بخواهد مقرر می دارد واحدی را یارای آن نیست که اعتراض نماید تا زمانیکه لغو قرار داد گمرکی نه شود تجارت ایران ترقی نتواند نمود یعنی اختیار تجارت داخله هم بقبضه خارجیان خواهد بود در بیست وقتی دقت شود فقر امروزه ایران تمام بواسطه عدم اقتدار و اختیار بر گمرکات مال التجاره ورودی است گمرکات ورودی مال التجاره خارجه در ایران نسبتاً از کلیه ممالك دنیا کمتر است با مقتضیات امروزه ایران باید گمرك ورودی اجناس خارجه را دو بالا و سه بالا قرار دهد ولی بدبختانه بواسطه قرار داد منحوسه دوره احمدی ایران نمی تواند بر گمرکات ورودی بیفزاید و تا آن قرار داد یکطرفه لغو نگردد در هر جزئی امری دچار مشکلات خواهیم بود چون این مسئله موضوعی داره علیحده در آینده نزدیك مورد بحث خواهد آمد بر گردیم بمسئله لغو باج راه عایدات راهداری به این اصول چنانچه تعیین شده از یك سوم اضافه است و این مبلغ برای تسطیح طرق و تعمیر راه های شوسه حتی در زوایای مملکت و حفظ و مرمت آنها کافی شناخته آمده و عنقریب علاوه بر اینکه راه آهن در ایران جاری خواهد شد حمل و نقل بذریعه راه های شوسه خیلی بالا خواهد گرفت و ازدیاد راه های شوسه سبب خواهد گردید که هر شعبه راه آهن در ایران تعمیر یابد از خسران مصون ماند چه بدون داشتن راه های شوسه قطعاً راه آهن نقصان خواهد نمود راه های شوسه است که تهیه می کنند محمولات را بهر ایستگاه راه آهن در کمال سهولت و صرفه لذامی توان گفت این دو شعبه عایدی یعنی عایدی باج راه و عایدی انحصار قند و چای یك شعبه و به یك امر یعنی اداره حمل و نقل صرف خواهد شد چنانچه مبصرین تصور میکنند عایدات این دو شعبه با این هرج و مرج کنونی دوازده ملیون سالانه تجاوز تواند نمود و این بهترین سرمایه اعتبار است برای سرعت تکمیل راه های ایران از آهن و شوسه فقط اعتراض این است که چرا مختصات قونسلات و سفارتخانه های خارجه وغیره باید از ادای باج راه معاف باشند باج راه غیر از گمرك است در حقیقت این هم یك گونه عایدی بلدی بشمار است چرا باید نمایندگان خارجه و دوائر دولتی و اداره سلطنتی معاف باشند چه از همان عایدات باید صرف همان راه ها شود اینجا هم گویا اولیای دولت و آقایان وکلا نزاکت خرج داده خواسته اند درد سر خود را کم نموده صدای احتجاج از احدی بلند نشود ولی به عقیده ما از این و بعد ما نباید از صدای احتجاج خارجیان بترسیم باید حقوق خود را بشناسیم اصول مساوات را در مملکت خود در هر باب جاری نمائیم امیدواریم آینده وقتی که موقع تجدید نظر در این گونه مواد برسد این جزئیات را هم از مد نظر دور ندارند ـ

﴿ میدان نفطون ﴾

در طی مندرجات شماره سال [۳۳] صفحه نوزده وعده دادیم که صورت امتیاز کمپانی نفط جنوب ایران را کاملا تقدیم نظارین کرام کرده تا با کمال دقت فصول و مواد [illegible] [illegible] [illegible]

وسیله بروزگاری ایران و ایرانیان لذیذوزاری و سوگواری نماید

یقیناً قارئین کرام قبل از مراجعه بصورت امتیاز مندرجات شماره [۳۰] همین سال را هم در صفحه [۲۲] مدنظر آورده تا بخوبی از کماکان این دریای طلای جاری که از ایران امروزه باروپا ریخته و جریان دارد وازدست نژاد سیروس مفت وبه ثمن بخس میرود بخوبی مستحضر وکف افسوس بهم سایند

بخوبی میتوان فهمید که در آنروزیکه این امتیاز داده می شده [نهم صفر ۱۳۱۹ - اردبیل] رعایت آنچه مملکت و ملاحظه امروزه این ملت چگونه شده است

وقتیکه بخوبی در اطراف عبارات و فصول آن تعمق و تفکر شود ظاهر خواهد شد که امتیاز دهنده فقط متوجه وجوه نقدی [صفراء فاقع لونها تسر الناظرین] بوده و کیف و عیش و سفر فرنگ رابا بادی مملکت ورعایت وعیت رجحان داده است

البته آن دوره دوره بوده که معنی نفط و معدن گازوموم طبیعی وقیرالدانسته و از موهومات تصور کرده اند

چیزیکه معلوم میشود - در آنروز وزیر معادن هم ایران داشته است - در صورتیکه امروزه باین اسم وزیر و وزارت خانه ندارد - و وزیر فوائد عامه برسیدگی در امورات معادن موظف میباشند - مع ذالک ما تجدید نظر در این امتیاز را براولیای دولت امروزه واجب میدانیم -

﴿ امتیاز نامه نفط جنوب ﴾

مابین دولت اعلیحضرت شاهنشاهی از یك طرف و ویلیام کبس دارسیه ساکن شهر لندن نمره ۴۲ گروسونر اسکوئر (من بعد تمام امتیاز نامه بجای اسامی و محل توقف وغیره مختصراً صاحب امتیاز قید خواهد شد) از طرف دیگر موافق این امتیاز نامه تفاصیل ذیل مقرر شده است

(فصل اول)

دولت اعلیحضرت شاهنشاه ایران [یعنی حاجی میرزا علی اصغر خان اتابك اعظم] بموجب این امتیاز نامه اجازه مخصوصه بجهة تفتیش و تفحص و پیدا کردن واستخراج وبسط دادن و حاضر کردن برای تجارت و نقل و فروش محصولات ذیل که عبارت از گازطبیعی - و نفط وقیروموم طبیعی باشد در تمام وسعت ممالك ایران در مدت شصت سال از تاریخ امروز اعطا مینماید -

(فصل دوم)

صاحب امتیاز دارای حق ما به الانحصار کشیدن لولهای [۱] لازمه از سرچشمهای نفط وقیر وغیره تا خلیج فارس [۲] وکذالك شعبات لازمه لولهای فوق بجهة توزیع و تقسیم نفط بجاهای دیگر خواهد بود وکذالك حق بنای جاهای نفط وحوضها و محل تلمبه و مواقع جمع و تقسیم و تاسیس کارخانه وغیره از هرجهه لازم باشد [۳] خواهد داشت

(فصل سوم)

- دولت علیه ایران اراضی بایره خود را در جاهائیکه مهندسین صاحب امتیاز بجهة بناو تاسیس کار هائیکه در فوق مذکور است لازم بدانند مجاناً (۴) بصاحب امتیاز واگذار خواهند کرد واگر آن اراضی دائر باشد صاحب امتیاز انها را از دولت بقیمت عادله خریداری نماید و دولت علیه بصاحب امتیاز نیز حق میدهد که اراضی واملاك لازمه راجهة اجرای این امتیاز از صاحبان ملك برضایت انها ابتیاع نماید - معلوم است که این ابتیاع موافق شرایطی خواهد بود که ما بین صاحب امتیاز و مالکین ملك مقرر خواهد شد ولی صاحبان املاك مجاز نخواهند بود که ازقیمت عادلانه اراضی (۵) واقعه درحول وحوش تجاوز نمایند جاهای مقدسه وجمیع متعلقات آنها در دائره که دویست زرع شعاع آن باشد مجزی و مستثنا هستند

(فصل چهارم)

چون معادن نفط شوشتر و قصر شیرین و دالکی بندر بوشهر که بالفعل دائر و مبلغ دو هزار تومان جمع دیوانی دارند و متعلق بدیوان همایون اعلی میباشد شرط شد که انها را نیز دولت بموجب فصل اول بصاحب امتیاز واگذار نماید مشروط براینکه علاوه برصدی شانزده مذکوره در فصل دهم که باید بدولت برسد صاحب امتیاز همه ساله دو هزار تومان جمع حالیه معادن مذکوره را نیز بدولت کارسازی دارد

(فصل پنجم)

طرح ریزی و نقشه کار گذاشتن لولها بتوسط مهندسین صاحب امتیاز و یاخود او خواهد بود (۷)

(فصل ششم)

قطع نظر از انکه در ۶ فوق ذکر شد این امتیاز شامل ولایات آذربایجان (۸) وگیلان و مازندان و خراسان واستراباد نخواهد بود ولی بشرطیکه دولت علیه بهیچکس اجازه ندهد که لولهای نفط بطرف رودخانه و سواحل جنوبی ایران تاسیس نمایند (۹)

(فصل هفتم)

تمام اراضی که بصاحب امتیاز واگذار شده و همچنین اراضی که صاحب امتیاز بموجب فصل سیم استملاك خواهد کرد همچنین تمام محصولات آنها که بخارجه حمل شود از هرنوع مالیات و عوارض در مدت این امتیاز نامه معاف خواهد بود و تمام اسباب وآلات لازمه (۱۰) برای تفتیش و تفحص

واستخراج معادن و بسط آنها وکذالك بجهة تاسیس نولها در وقت دخول بایران بهیچوجه من الوجوه حقوق گمرك را نخواهند پرداخت (۱۱)

(فصل هشتم)

صاحب امتیاز نامه مکلف است که بدون تعلل وتاخیر بخرج خود یك یا چند نفر از اهل خبره بایران بجهة تفتیش محلهائی که صاحب امتیاز احتمال وجود معادن مزبوره را در انها میدهد بفرستد - درصورتیکه رابرتهای آن اشخاص خبره بعقیده صاحب امتیاز کافی باشد صاحب امتیاز مکلف است که بدون تاخیر و بخرج خود اجزاء علمی لازمه [۱۲] با اسباب وادوات استخراج بجهة تعمق و کندن چاه های وامتحانات لازمه بفرستد

(فصل نهم)

دولت علیه ایران بصاحب امتیاز اجازه میدهد که یك یا چند شرکت بجهة انتفاع از آن امتیاز تاسیس نماید (۱۳) اسامی و نظامنامه و سرمایه آن شرکت ها هم بتوسط صاحب امتیاز معین خواهد شد مشروط براینکه در ایجاد امر شرکت صاحب امتیاز آن ایجاد را رسماً بتوسط کمیسر دولت [۱٤] اطلاع بدهد نظامنامه آن شرکت را باتمیین محلیکه شرکت مزبوره باید در انجا کار کند بدولت اظهار دارد [۱۵] ومدیر های شرکتها نیز بتوسط او انتخاب خواهد شد این شرکت یا این شرکت ها تمام حقوق صاحب امتیاز را خواهند داشت ولی از طرف دیگر انها باید تمام تعهدات و مسئولیت صاحب امتیاز را نیز در عهده خود گیرند

(فصل دهم)

بین صاحب امتیاز از یك طرف و شرکتی که تشکیل کند از طرف دیگر قرار داده خواهد شد که یکماه بعداز تاسیس رسمی شرکت اول صاحب امتیاز مکلف است مبلغ بیست هزار لیره انگلیسی نقداً و بیستهزار [۲۰۰۰۰] لیره دیگر اسهام پرداخته شده بدولت علیه بدهد [۱٦] علاوه برآن شرکت و تمام شرکتهائی که تاسیس خواهد شد مکلف خواهد بود که از منافع خاص سالیانه خود صدی شانزده [۱۷] بدولت سال بسال کارسازی نماید -

(فصل یازدهم)

دولت علیه مختار است که یك نفر کمیسر معین نماید که آن کمیسر طرف شور صاحب امتیاز و مدیران شرکتها خواهد بود [۱۸] و محض خبر این تاسیس هرگونه اصلاعات مفیده داشته باشد بانها داده همه نوع راهنمائی بانها خواهد کرد - و محض حفظ حقوق دولت متفقاً با صاحب امتیاز هرگونه تفتیشیکه مفید بداند بعمل خواهد آورد « ۱۹ » حقوق و مشاغل کمیسر دولتی صریحاً در نظامنامه شرکتی که تشکیل میشود تعیین خواهد گردید صاحب امتیاز همه ساله ابتدا از تاریخ تشکیل شرکت اول مبلغ هزار لیره انگلیسی بکمیسر دولتی حق خواهد داد «

(فصل دوازدهم)

عمله و فعله که در تاسیسات فوق کار میکنند باید رعیت اعلیحضرت شاهنشاه « ۲۰ » باشند باستثنای اجزاء علمی از قبیل مدیر و مهندس و عملجات و مباشرین

(فصل سیزدهم)

در تمام جاهائیکه مدلل شود که اهالی مملکت حالا از نفط آن جا منتفع میشوند « ۲۱ » شرکت باید بانها مجاناً همین مقدار نفط را که اهالی سابقاً جمع میکردند حالا هم بدهد این مقدار باظهار خود انها و حکومت محلی معین خواهد شد -

(فصل چهاردهم)

دولت علیه متعهد میشود که اقدامات لازمه را در حفظ امنیت واجرای مقصد این امتیاز واسباب والات وادوات مذکوره در فوق بعمل آورد کذالك نماینده واجزای علمی و وکلای شرکت را در تحت حمایت مخصوصه خود گیرند و چون دولت علیه این تکلیف خود را اداء کرد صاحب امتیاز شرکت های تشکیل شده دیگر بهیچ اسم و رسم حق مطالبه خسارت از دولت عالیه ندارند « ۲۲ »

(فصل پانزدهم)

بعد از انقضای مدت معینه این امتیاز تمام اسباب وابنیه وادوات موجوده شرکت بجهة استخراج و انتفاع معادن متعلق بدولت علیه خواهد بود و شرکت حق هیچگونه غرامت ازاین بابت نخواهد داشت

(فصل شانزدهم)

اگر در مدت دوسال از تاریخ این امتیازنامه صاحب امتیاز نتواند شرکت اولی مذکوره درفصل هشتم را تاسیس نماید این امتیاز از درجه اعتبار بکلی ساقط است .

(فصل هفدهم)

در صورتیکه ما بین طرفین معاهدتین منازعه واختلافی در تاویل و ترجمه این امتیاز نامه وکذالك درباب حقوق و مسئولیت طرفین مشاجره اتفاق بیفتد حل مشکل و مسئله در طهران بدوحکم رجوع خواهد شد و آن دوحکم بتوسط طرفین معین خواهد شد - و نیز ان دوحکم قبل از مبادرت بمرافعه حکم ثالث را معین خواهند کرد حکم آن دوحکم و یا در صورتیکه حکمین متفق نشوند حکم حکم ثالث قطعی خواهد بود .

(فصل هیجدهم)

این امتیازنامه در دو نسخه بفرانسه نوشته شده بمیان مضمون بفارسی ترجمه شده است اگر اختلافی در مضمون این امتیازنامه ما بین دو زبان حاصل شود متن فرانسه اولویت دارد وبآن متن باید رجوع شود

ملاحظه شد صحیح است در صاحبقرانیه اودئیل

امتیاز نامه موم و نفط طبیعی معدنی است که بشرف امضاء مقدس سرکار بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی رسیده است

محل مهر علی اصغر اتابك اعظم

این امتیاز نامه موم و نفط معدنی که بشرف امضای مبارك اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه رسیده است در وزارت امور خارجه دولت ایران ثبت شد در نمره ۸۹۲ فی ۹ شهر صفرالمظفر سنه ۱۳۱۹ اودئیل

محل مهر مشیرالدوله

مراتب مرقومه صحیح است

محل مهر نظام‌الدین وزیر معادن

امتیاز نامه نفط جنوب (یا دریای طلای جاری)

در هیجده فصل خاتمه یافته حالا موقع غور و تامل است

« ۱ » در فصل دوم یك عبارت خیلی ساده وسهلی را نوشته که (حق مابه الانحصار کشیدن لوله) باشد و در آنوقت امتیاز دهنده و وزیر وقت احساس نکرده که معنی حق مابه‌الانحصار یعنی چه اکما اینکه این عبارت به شکل دیگر در امتیاز بانك شاهی هم شامل آمد که مینویسد بانك شاهنشاهی (حق مانع‌الغیر خواهد داشت) پس از سالها تجربه چنین از معنی آن مستفاد میشود که این جمله از اعطای امتیاز ایالات شمالی بعد از تصویب مجلس شورای ملی و آن همه زحمات دولت و مندرجات جراید مرکزی جلوگیری کرده است و بالاخره هرکس که قبول چنین امتیازی را بنماید مجبور است که در مقابل این کمپانی گردن خم کرده و یا تسلیم زیر دستی و هوشیاری و مآل اندیشی این دولت گردد بلی این است فرق یك ملت عالم دانا با ملت تن پرور لاقید غیر مآل اندیش

«۲» تمام خلیج فارس که مرکز توجه آنها است و بمنزله رگ شریان ایران است بهمین فصل در موقع حق لوله کشی ذکر و حق دائمی بر خود ثابت کرده است

« ۳ » مینویسد (حق بنای چاه های نفط و حوضها و محل تلمبه و مواقع جمع تقسیم و تأسیس کارخانه وغیره از هر چه لازم باشند) هرگاه قارئین کرام بادیده بصیرت متعمقانه بنگرند مشاهده خواهند فرمود که هیچ ملت جسور و غیوری زیر بار این عبارات نخواهد رفت که در آن وقت ایران رفته است درست است در روز اول این قرار روی کاغذ آمده و عملی نبوده و تصور نمی شده که روز کاری بیاید و عملی شود ولی تصور هم نشده که یك چنین امروزی عمل میعود ایرانیان را هو چار چه عذورانی خواهد کرد ؟ آیا دولت مملکت آزاد مستقل سزاوار است که چنین امتیازی را با باب بدهد و خود را بدست خود اسیر نماید

« ٤ » میگوید اراضی بایره خود را دولت مجاناً خواهد داد مسلم است که اراضی و جبال مسجد سلیمان بجهة بعد از مرکز و نفوذ بختیاری بایر بوده ولی رعایای رنجبر بختیاری و سادات بی بضاعت شوشتر از آن ها استفاده میکرده الله میخواهم تمیز بدهیم که کدام زمان دولت معین توانست بکند که اراضی بایره کدام است و اراضی دایره را از کدام صاحب زمین کمپانی نفط جنوب خریداری کرد جز اینکه تمام را بزور خوانین بختیاری و بمادون الالات قاریه ولوکس آنها صاحبان املاك را بی بهره کرده و چندین صد میل اراضی را بکمپانی داده اند

« ٥ » قیمت عادلانه اراضی همان قیمتی است که اراده صاحب ۰۰۰ قرار گرفته و مبلغ ۰۰۰ فرموده اند ؛

« ٦ » جاهای مقدسه تا دویست ذرع در کجا محترم مانده است و آیا در کدام نقطه مستثنا کرده سادات موسوی (هفت شیدانی) و یا سادات قبری شوشتری آیا رعیت ایران و مالك املاك و یا (هفت شیدان) جای مقدس و از اولاد امام نبوده و نیست ؟

ادیبی

از اهواز می نویسند

§ بهوش باش دلی را بسهو نخراشی §
§ بناخنی که توانی گره گشائی کرد §

یکی از علل سیاه روزی و بدبختی ما ایرانیان در این قرن مشعشع که سایر ملل دارند رو بترقی و تعالی میروند و قدم در جاده علو و ارتفاع رتبه میگذارند هالا حال سبعیتی است که در سراسر وجودمان تولید و بی جهت دشمن یکدیگر مان ساخته مانند سگی که لاشه لاش را خورد و می شکند ما نیز بجان همدیگر افتاده استخوان هم را خورد خورد میکنیم

امروزه که ما باید با یك حس مساوات خواهی و عشق اصلاح پرستی دست بدست هم داده برادروار بفکر اصلاح نواقص خویش بر آمده نقائص را تکمیل و غفلت بر بسته هرچه زودتر بقافله تمدن خود را برسانیم ! بعکس لجاجت بیجه و عداوت بی علت دارد ما را برادری خویشان و محکومیت فنا ، همیار می کشند قسمتی از ما که لیناً باید مهذب تر و

فاضلتر و قاعدة باید موافقت جار بشر و هادی بشر
و رادع از شر باشد بدبختانه اثرهم ماقدسانی لیمتها
بیدوار از اثر حرکات مختلف باد اغراض پراست و
چپ متمایل و اغلب وظیفه وجدانی خود را ابهام
می دهد مثلا قاعدة بایستی مربی ناطقان و هادی
گمراهان طائفه سخن رانان و قلمزنان باشند
جریده نگاران و مجله نویسان ما رواست که با یکقام
توانائی خالی از غرض و مرض راه حق و طریق
مستقیم را بخلق نشان داده بنفع وضرر شان راه نمائی کنند
اثراتی که در جراید مشهود و هویدا است مسلم است
که در غیر از آن نبوده و نیست بسرعت کهربائی با جراید
را در اقطار و اکناف عالم میلوان انتشار داد و
مطالب حقه آنها را گوش زد مردم نموده چقدر
زیبا و پسندیده بودی که جراید نگاران ما مردمان
صالح و عالی از غرض و اغراض
مقتدان در آنها موثر واقع نمیشد چقدر خوب بود
جریده نگاران ما مردم عالم باهوش اصلاح خواه
مربیان حقیقی و ملت دوست و مرجع فوائد نوعیه
بر عوائد شخصیه می بودند النهی بریده باد دستی که
محض گول زدن عوام و فریب اشخاص نادان صفحات
را از مطالب مغرضانه پر و در ازاء آن تن بخشی
دریافت وقت و عمر عزیز مطالعه کنان را صرف
بیهوده خوانی و اغلب مردمان برومند را تضیع
می نمایند خشک باد دست نالائقی که بواسطه نداشتن
پایه و مایه علمی عظم و ابهت جریده نگاریرا که یکی
از مقامات بسیار عالی است از بین برده قدروبهائی
برای دیگران نمی گذارد کوتاه باد دستی که جراید
ملی مظهر افکار ملت و مظهر احساسات یکمشت
مردمرا فدای اغراض شخصی خویش میکند ای کاش
ما نویسندگان ایرانی لااقل از مصریان می اموختیم
چه گونه صفحات جراید خود را پر از مطالب حقه مفیده
میکنیم افسوس فلان جریده که سالیان در از
با جدیت قابل تمجیدی در راه هدایت خلق
می کوشید و تا کنون میل مفرطی بمطالعه آن داشته ام
بجهة سنگ روی یخ برخی لکه داران بی نام و
ننگ می شود افسوس که خیالات ما در باره آنجریده
رفته رفته می خواهد خدای نکرده کم شود
جریده نویس را بمداخله در شخصیات چکار است
جریده نگار هرگز با اشخاص نباید طرف شود زیرا
برای نوع است و مطالب حقه و مفیده بنوع را باید دنبال
کند او را بتنقید اشخاص چکار است انهم [illegible]
که مضرات آن بمراتب از سود و منافع ان زیاد تر
است رایش راستی مطالعه شماره (۹) که شرحی
مبسوطا در خصوص (بهائی) نوشته بوده
بی اطلاع مرا مثال [illegible] [illegible] یکی از
قسمه و تیره فلان جریده را چکار که اینهمه در تنقید
او بکوشد چند نفر که با او طرف شده و
در صدد تخریب وی بر آمده تهمتهای چندی بوی
بسته چرا باید فلان جریده آنها را در جریده خود نوشته
حیف از اوراق که اینگونه مطالب پوچ در آن
درج شود هرگز راضی نبوده و نیستم که هیچیك از جراید
را هم مغرضان بد سیرت لکه دار کنند این جریده
طرفدار نوع و هرگز مداخله در شخصیات کار او
نبوده و نیست و نباید باشد من [illegible] به ۰ ۰ ۰
ادارم که کی است و چه تا آنجائیکه من میدانم در معارف
کوشان و ترویج عام و معارف پیشه او بوده و شخصاً
آدمی است فاضل حکیم متکلم اصیل نجیب نوع خواه
من هرگز او را تمجید نمی کنم زیرا اشخاصیکه او را
دیده و شناخته اند می دانند که مقام ایشان نه بحدی
بلند است که اینگونه ترهات موجب انحطاط آن شود
تنقید هم نمی کنم زیرا اگر بخواهم اینگونه اشخاص
را که بر این مسند متکی هستند تنقید کنم باید گفت شالوده
کج و معوج است اغلب متلبسان این فرد ریائی و
اغلب خلق را بر خالق ترجیح می دهند مثلا امروزه
جناب که عداوت با ۰ ۰ ۰ دارد مدعی است که
حجة الاسلام و مرجع خواص و عوام باید باشد با
اینکه در مقام ضدیت با همنوع خودش است این است
که باو میگویم بکوش مساوات و مواسات را ترویج کن
کوشان باش علم را انتشار بدهی در مقام اصلاح
نوع بر آ خود را از عیب تهی کن حسد و بخل و
کینه و عداوت خلق را از دل بیرون کن جزبان
لین هادی و مرشد خلائق باش ضدیت با زید و
عمرو و شکست بازار بکر و خالد باعث رونق بازار
تو نخواهد شد اگر تو با خدا باشی خدا هم تو را ترویج
و ترقی میدهد فرضاً در اینحال تو جلوه کنی بانحطاط
دیگران باشی حرقه آتشی است که بصورت خاموش
می شود اگر در مقام تنقید همنوع خود بر آمده معرك
دیگران باش که همقطاران خود را خراب و ضایع قلمداد
کنند زود یا دیر نه خودت هم روی آب خواهد افتاد
دست بردار مردم را بجان همدیگر نینداز و الا خواهد
آمد روزی که بگویند دیدی که خون ناحق پروانه
تو بنام تنقید می کنی من اینك ببرده تو را الدرز
هم اگر دست نکشیدی از پرده راز را بیرون خواهم
انداخت آنوقت تو دانی و من بر فرض نخواهید اینگونه
شخصیات را دنبال کنید جراید را ننگین نکنید نه
حیف است اوراق ملی را مغرض ساخت عاشق تهذیب
اخلاق نوع
س - ج - رانژدار (اهواز)

بنادر ثلاثه

بنادر ثلاثه که عبارت است از (کنگان وطاهری و جزیره) اولی و دومی بعلاوه بندر دیر که مدیرنشین و دفتر گمرک آنجا است میانلو اختر بوده راس‌الشجر بندر های مستحفظ نشین گمرك است که کلا در تحت حکم شیخ خاتم خان میباشد سومی که بندر علویه باشد و بندر حاله تابع آن است در تحت ضابطی شیخ محمد احمد خان حومی است بندر دیر که جزو دشتی است نیز در تحت امر رئیس ثلاثه است که مرکز آن در کنگان میباشد باستثنای دیرومدیر آنجا سایر مدیر های این حوزه باشیخ خاتم ارتباطی درکار دارند که گوئیا املاك موروثی خود راصاحب شده اند پارسال گذشته میرزا غلامحسین خان صاحب دیوانی برای جلوگیری از قاچاق باده نفر نظامی آمدند کنگان نتیجه آن شد که نظامیان او را چوب کاری کردند شجاع السلطان رئیس ثلاثه باشیخ خاتم همراه شد وعاقبت آن کتك بر نظامیان گوارا گردید امساله نیز منیر حضوررا اعزام داشتند و آمد چون مسئله ممنوعیت اجناس انحصاری مایه دخل هنگفت شیخ خاتم ومدیر های بنادر ثلاثه شده بود مدیرها قرار و مدار مرتبی در وارد نمودن قاچاق داده بودند که قریب ۲۵ فروند که کلیه محمول صادر آن گوسفند و روغن و گندم بود در بحرین و قطر دیدم که از طاهری و کنگان وغیره وارد میشد و قند و شکر و چاهی تا میتوانستند حمل مینمودند و تمام آن جهاز ها و مقدار محمول آن با اسامی صاحبان موجود هادرم که عموما وارد کنگان و طاهری شده اند و در بنادر مذکوره قندگونی ۲۷ روپیه و شکر ۴۰ روپیه آنچه بخواهید موجود است و به همین مناسبت وجود غیرحضور برای شیخ خاتم و مدیر ها اسباب زحمت شده بود در قلعه طاهری مجلسی مرکب از تمام مدیر ها باستثنای مدیر حاله اقا میرزا علی محمد باقر که جوانی است خوش اخلاق امتناع از شرکت در آن کنگاش می نماید تشکیل و نتیجه آن شکایتهای زیاد بی مورد از منیر حضور نمودن و ادارهٔ گمرکات چون بالنظام ادارات خود ایستاده گی دارد غافل از تلبیس مدیر های ثلاثه و شیخ‌خاتم منیرحضور را با آلوده گی حرکت میدهند این است حال و اعمال مدیر های گمرك در این بنادر آقایان مدیر ها دست از بی و جیدانی وحرکات شنیعه بردارید وکفران حقوق دولت‌را جایز مدانید بی‌شرفی تا چند عاقبت بمعرفی خودتان مرا مجبور نکنید آقای فقیر محمدخان واقا محمدعلی دشتی بنده شما‌را‌شناخته ام که در اطراف وظیفه‌وشغل‌خودتان ابراز لیاقت و حسن عمل خیلی داده اید خوب است در مورد شرکت مدیر های ثلاثه با شیخ خاتم ریاست گمرکات را پاکباطنید و جلوگیری از اعمال ناشایسته آنان بکنید آقای رئیس گردان مستقل بنادر پارسال سرهنك علی‌امیرخان نظامی بکنگان فرستاد چوب کاری آنها کردند حالا جناب عالی یك صاحب منصب خوش سابقه مانند منیر حضور فرستادید توهین وبدنام نمودند خواهش میکنیم که دیگربخیال فرستادن نظامی بکنگان و طاهری نباشید بیش از این اهانت بدولت وارد نیاورید شما که در مقابل هر بیقاعده گوئی تسلیم هستید چه کار نکورهای ضباط متمول بنادر دارید اگر راستی میخواهید نظامیان شما در بنادر ثلاثه ازادانه بوظایف خود قیام نمایند و دوائر دولتی در آنحوزه پیشرفت داشته باشد قلعه‌کنگان وقلعهٔ‌طاهری‌را اختصاص بدولت بدهید این خانه های دولت که حالیه دار الحکومه مشایخ است و به پول رعایا و هم بضملگی خود آنان درست شده نظامی بنشانید آنوقت اگر برخلاف دولت حرکتی مشاهده گردید گناهش بگردن بنده دیگرآقایان مدیرها از دوستی آن شیخ استفاده شخصی نخواهند نمود و پرده از روی کار خواهد افتاد طلسم بنادر قلعه های بنادر است اگر قلعه ها برای آقایان میگذارید دیگر چه توقع‌از فرستادن نظامی و مامور دارید امیدوارم رئیس قشون بنادر ماموری نخواهد فرستاد که او را بزنند ویا متهم نمایند وضعیت گمرکات ثلاثه را درآتیه مفصلا خواهیم شرح داد (ح ـ د ـ ا ـ د)

از اصفهان می‌نویسند

درنامهٔ حبل المتین مقالات مفصل راجع بجمهوری قرائت شد در ایران فقط طبقه حساس مایل باین طرز حکومت هستند ولی قسمت بزرك مملکت که تشکیل از طبقه عوام یافته در اثر تلقینات علمای مادی سیاست مآب بی‌اطلاعانه از حکومت جمهوری خوف دارند آن روحانیینی که طرفدار سلطنت میباشند این حقیقت را چنین شناخته اندکه‌بقای روحانیون مجازی وآن طرز نامطبوع فقطدرسایه‌سلطنت‌مطلقه‌میسر تواندشد واگرخوداعلیحضرت پهلوی‌تن‌در دهدعلماء‌مادی راضی بوده اند که حتی اسم مشروطیت هم ازایران برداشته شود وسلطنتی به سیستم سلطنت ناصر الدین‌شاه بروی‌کارآید ولی واسط مساعد نبودن موقع وزمان‌خود اعلیحضرت به‌این پیشنهاد علماء دلباداو وقعی نمی نهند

خلاصه حکومت پهلوی یعنی زمامداری اعلیحضرت پهلوی حقیقتا برای ایران درحکم‌سعادت محسوب است ولی روی‌هم رفته وقتی‌مراجعه بجریانات مملکت بنمائیم چیزی‌که موجب امیدواری باشدکمتر دیده می‌شود

اولا آزادی زبان وقلم که در حکم کلید سعادت است محو ونابود شده وبقدری بجراید فشاروتضییقات وارد آمده که بکلی لهجه وطرز انتقادی مشروع هم ازخاطر

نویسندگان محو شده است از همه بدتر اینکه قدرت پهلوی وسیله شده که تمام متنفذین و اشراف و روساء دوائر از آن سوء استفاده مینمایند و بسیاری بغارت مردم وزشت کاری مشغول و درعین حال از تعرض ارباب قلم هم مصئون و محفوظ هستند ـ

(اوضاع شهری)

حکومت اصفهان چندی است با حسن علی خان هدایت (نصیر الملك) میباشد با عدم کفایت فوق العاده طماع و پول پرست اولا اداره حکومتی دائما مشغول انجام امور حقوقی وپول گرفتن از عارض و معروض میباشد و ثانیا بلوکات را بطور مزائده هرجائی را ماهیانه بیك مبلغی کنترات داده و عمال خود را برجان ومال رعایا مسلط نموده ثالثا ساخت و ساز با خبازها وقصاب ها وگرفتن پول گزاف از آنها معیشت عمومی را طوری سخت نموده که تمام کسبه ازعسرت بستوه آمده اند جنس اصفهان را خرواری یازده قران گرفت و اجازه حمل بخارج داد وحالا که شش ماه آخر سال مانده مردم بیچاره بیك عسرتی گرفتار شده که نظیر ندارد وهرکس هم نفس بکشد باسم مفسده جوئی ومخالفت با اعلیحضرت پهلوی متهم و مورد تعرض خواهد شد

(قشون اصفهان)

سردار اعظم رئیس قشون اصفهان است وخود حامی قوی گرانی و بیچارگی مردم است و مدتی است باسم حمل قور خانه دولت تمام جنس خود را بکاشان وغیره حمل کرد وبقیمت گران فروخت واحدی جرئت دم زدن نکرد

در فریدن باسم اسلحه بگیری نظامی و از اول سال تاکنون چند حکومت نظامی عوض شده و هر کدام تا حدی توانسته اند مردم را چپاول کرده اند

(عدلیه اصفهان)

عدلیه اصفهان انگشتی است اصلا عدلیه اسم بی مسمی و مملو از اشخاص نفع پرست است و از طرفی در زمان قوام السلطنه و نهضت مسجد جامع و اصلاح قانون عدلیه دیگر وجود عدلیه یك کار زیادی و برطبق این اصلاحات تنها مرجع تظلمات محاضر شرع بی ترتیب با ناسخ ومنسوخ های کذائی وشهود جعلی احدی امنیت ندارد و با این ترتیب ما میخواهیم اتباع خارجه بقضاوت ایران راضی شوند خیلی مضحك است

(نظمیه اصفهان)

رئیس نظمیه احمد علی خان زندیك آدمی است بظاهر ملائم ولی بطور ملایمت تمام کارها را مرتب است هر با عمارت کهنه یا باغستانی سراغ کند باسم اصلاح معابر ولی بطمع بردن اجر و چوب آنجا را منهدم مینماید امروز جمعی ازکسبه واورسی دوزها بواسطه عسرت پای مجسمه اعلیحضرت پهلوی متحصن شده اند وبیچاره ها ازگرانی بستوه آمده حالا رئیس نظمیه در مقام است آنها را متفرق نماید تا بعد چه شود .

(از بندر پهلوی می نویسند)

برای پیشرفت امور در این بندر مهم تعقیب از مواد ذیل لازم است

۱ ـ کمسیونهای سری جهته تقویت رژیم تازه و بقای اعلیحضرت پهلوی

۲ ـ ازدیاد مجامع علمی جهته قوه مصارف ایران در حدود و ظایف مملکتی

۳ ـ توسعه و بسط دادن کلاس اکابر جهة کمك به دو قسمت فوق

٤ ـ حکومت محل از ۱۳۰۰ تا امروز که چهار سال اندی است نظامی شده خلاف قانون های بیایی مشاهده میشود مثل تشکیل کمسیون بلدیه جهته باعیدن عواید ماهی ده هزار تومان انتخاب وکلای ۱۶ گانه امیل خود جهته کمك کمسیون فوق

توضیح آنکه تا امروز که بالغ بر ٤ سال حکومت ملی پهلوی که به نظامی مبدل شده شخص حکومت فاعل مختار و اختیار دار کل گردیده همچه معلوم است که مملکت مشروطه را فراموش کرده و آزادی از نظرش محو شده است مثلا بلدیه پهلوی امروزه در ماه بالغ برده هزار تومان عایدی دارد در مدت ٤ سال که بلدیه محل بدست نظامیان مخصوص حکومت نظامی افتاده هیچ آبادی شهر منظور نیست در همین حال برای اینکه وکلای ۱۶ گانه حامی شوند چند قسمت ارزاق شهر را مانند برنج آرد گوشت و ذغال به چند نفر از وکلای که لیدر سایرین هستند برگذار نموده و هیچ صورت حساب ماهیانه را ارائه بشهر وبسایر وکلای جوان نمیدهند اینهمه عوائدهنگفت بین ٤ نفر عضو مهم بلدیه و سه نفر لیدر شهر تقسیم میشود

و ارزاق بازار هم عموماً در تحت نظریات آنها محول است بدین سبب اذوقه محل امروزه خیلی سخت شده است

٥ ـ حکومت محل احساسات ملی را بوسایل مختلفه خاموش کرده و بجهة نفع چند شاهی عایدات خفه نموده است مثلا مدتهای مدیدیست که مرحاب پهلوی محل اعاشه دوهزار نفر صیاد رنجبر فقیر با صید ماهی بوده امسال آقای یاور محمد خان بتحریك وعزاکشت چند نفر

مالیه مرداب را به مبلغ پانصد تومان اجاره کرده بود که از هر صیادی اقلا دو تومان بگیرد یکی از رنجبران پهلوی کلمهٔ که مبنی برجلوگیری از این کار بود اظهار داشت همینکه شب شد فوراً شخص یاور وادار کرد که چوب مفصلی به آن حامی رنجبر بیچاره بینوا بزنند ضمنا خودش از این قسمت اجاره دست نگهداشت

۶ - عایدی مالیه محل بشراکت رئیس تحویلدار و محاسب مالیه بکلی از میان رفته بلکه احتمال خطر هم میرود

۷ - صحیه باداشتن یکنفر رئیس کم قابلیت خراب در تحت فشار یکنفر جوان کم تجربه اگر ارادت قلبی اهالی بــه رئیس محبوب با وفای عدلیه گیلان نمی بود میبایست بکلی از میان بـرود

۸ - معارف چنانچه قبلا عرضه شده بود شخص نا مناسبی را بمسند اینکار برگزیده اند اینك در صدد اند بهرزار وسیله تغییرش دهند از اعمال نا مناسب آن یکی این است یك ماه قبل دو باب مدرسهٔ اطراف را از محل خود که در کلوی وجای دیگر بود منحل کرده در صورتیکه امروزه باید در ازدیاد مدارس انهم در دهات کوشید نه برعکس

۹ - فقط و فقط قرنطینه پهلوی در اثر جدیت و زحمات فوق‌العاده اقای دکتر عبدالله خان و مریضخانه ملی در اثر جدیت اقای زمان اف و مجمع امید ترقی نمایان دارد

۱۰ - الساعه فراخور دازکناوه (یعنی ازاستراباد) امد تمام ایرانیان از مشاهده مسافرینش خوشحال و خورسند شده و ان عبارت از این بود که عدهٔ از صاحب منصبان و نظامیان رشید فاتح ترکمن - با تمام جلال وابهت بندر را بقــدوم خود شان منــور ساختند

۱۱ - تجارت روسیــه با ایــران در اثــر تغییر رژیم تا اندازه امیــد بخش نیست تا بعــد چه شود

(خون — خون پاك)

خون چیست ؟ و خون پــاك کدام است ؟ خون شیرهٔ است که شرافت - سعادت - افتخار - برتری شجاعت و جوانمردی یك قــوم و یك جامعه همه و همه منوط و بسته بوجود او است - خون ما تابع پاك زجوهر تابناکی است که تمام سیاقت و شهامت یك گروه و یك ملت از اثرات او است - خون است و خــون پاك که در کالبــد فلاسفه و دانشمندان جهان بجریان آمــده و باالاخره انها را مجبور نمود تا در اوضاع عالم انقلاب را فرمانفرمائی داده و اساس کهنهٔ گیتی را بهم زدند - خون است وخون پاك که در ابدان نژاد اربعه بشری جوی وار بجریان آمده و اساس زندگانی پوسیده را دگرگون ساخت - خون است وخون پاك که در اجسام افراد برجسته و نوابغ آدمی بجوش‌خروش آمده و انهارا وادار نمود تا خود و قوم خودرا از حضیض و بــال و بــدبختی بــاوج اقبال و سر بلندی رسانیدند

آری خون بود خون پاك که محرك یك وجود مقدسی شد تا او دامن همت برای هدایت سادهٔ بشر بکمر زده و اوضاع توحش و بربریت را بواسطهٔ قانون مقدس و آئین گرامی (اسلام) از صفحهٔ زمین برچید و بجای آن در سطح گیتی فرش تمدن و انسانیت را بگسترانید -

آری خون بود خون پاك که در وجود یك شهیر دانشمندی مانند (ســعــدی) شیرازی بحرکت آمده و سبب شد تا او هم خود را صرف اتمام و اکمال تمدن بشر نماید -

بلی خون بود خون پاك کــه در وجود شاعر فیلسوف ایرانی نژاد یعنی (فردوسی) بجوش آمد تا او ایران و ایرانیان را از نو زنده و نام گم شده شاهنشاهان عجــم را زیب بخش صفحــات تاریخ نمود

خون پاك بود کــه در وجود یك نابغهٔ ایرانی (نــادر) بخروش آمــد و اساس ملوك الطوائفی ایران را بهم زده و بروزگار بیخولی سلطنت ولیعهدهای شاه سلطان حسین خاتمه داده و دشمنان بخون ایران را سرنگون ساخته و نام گرامی از خویش در میهن خویشتن برای عبرت زادگان وحیرت آیندگان هزاران افتخار بیادگار گذاشت

خون پاك بود که در کالبد (واشنگتن) رئیس یکجامعهٔ اسیر سردار یك قوم ذلیل سیل وار از جا در آمــده و خود و ملت خود و وطــن خود یعنی « امریکا » را از تحت اســارت در آورد و بعالمیان فهمانید که هرچه هست همــه از اثرات خون است -

باالاخره خون بود که در وجود جوانان هرمرز وبوم بگردش آمدتا انها برای ترقی مملکت خود خودرا قربانی راه وطن ساختند

ای خون تو بودی و تونی که کاخ فراعنه گیتی و جبابره عالم را ویران ساختی-ای خون پاك وای مایع تابناك تونی که اقتیاد و حریت تونی که عزت و

ذات توئی که شامت و شهامت سلسلهٔ بشری تمام بدست تو است

ای خون ای ودیعه بشری ای خون ای رنگ صفای گلگون توئی که سعادت ابدی و شرافت سرمدی با تو توام است توئی که رهائی بخش اسیران و نجات دهنده مظلومانی

خون ای حربه مظلومان تنها تو بودی که در مستقل اعلیحضرت پهلوی بحرکت آمدی واورا بحرکت آوردی تا او روزگار سیه بختی ایران خاتمه داده و زنگ ذلت از صفحه تاریخ ایران زدود ـ تو بودی که این دست توانا را از میانه توده ایرانی برای زنده کردن ایران بیرون آوردی و اورا وا دار نمودی تا صمیمانه در راه مرزبوم کیان جانبازی نمود ـ ای خون پاینده برتو و بر دارنده تو درود باد که تمام هستی اسیر سر پنجه قدرت تو است

[یوسف پارسی]

از پشاور می‌نویسند

از اول مشروطه تا امروز بر هر چیز ایران که نظرشود ومیخواهد یك قدم بجانب ترقی بردارد یا اینکه میخواهد یك کار عمده شروع نماید درراس آن یك نفر اروپائی گذارده میشود (رئیس مالیه رئیس گمرك رئیس پست و تلگراف مهندس راه ، متخصص جنگلها متخصص زراعت چای معلمین مدرسه صناعت معلم مدرسه دوا سازی و و و وقتیکه فکر نمود خود را تسلی داده میگوئیم که چاره نداریم چون درایران متخصص نداریم اگرهم داشته باشیم درست کار نیستند اگرچه اروپائیها مواجب زیاد می‌گیرند اما انصافاً کارهم کرده‌اند و میکنند و اگر یك لوازماتی هم لازم شده از قبیل لوازمات قشونی و یا ماشین زراعتی یا کارخانه جات آنهم لابد باید از خارجه خریداری شود نه مانند چیزهائیکه از قبیل لباس و خوردنی ایرانی هائیکه اروپا پرست هستند و اخلاق شان خراب شده خوراك و پوشاك خودشان را هم تمام از خارجه آورده مصرف میدانند وحالانکه شاید که درایران از اوبهترممکن باشد اما چون‌خون ایرانیت آنها فاسد شده ایران و ایرانی را چیزی نمی دانند (و همیشه منتظر و امیدوار بودیم که چه وقت خواهد شد) که در یك روز نامه خوانده شود که فلان معلم ایرانی یا فلان مهندس ایرانی یا فلان مخترع ایرانی فلان چیز را اختراع کرده تا اینکه در پیش خارجه افتخار بکنم در این آرزو بودیم تا اینکه قضیه بر عکس شد در این روزها در روزنامه «ایران» در شماره ۲۰۰۸ تاریخ دهم رجب ۱۳۴۴ در تحت عنوان (تهیه تله) ملاحظه گردید چون در موقع که کشتیهای بسرحد می رسد ممکن است موشهای مبتلا به امراض مسریه از کشتی خارج شده و بنقاط سرحدی بیایند و باعث تولید امراض بشوند اداره کل صحیه در صدد بر آمده که چند دستگاه تله موش گیری از اروپا خریداری نماید که در موقع تفتیش کابه کشتی های وارده درصورتیکه موش داشته باشد بوسیله تله مزبور موشها را دستگیر و تلف نماید)

اولا ـ مادراین کار بصیرت نداریم که موش ازمیان کشتی از آب چطور گذشته بخشکی میاید ثانیاً اوچطور در کشتی دستگیر میشود ثالثاً کدام مامور ایرانی ما امروز آنطور جدیت نموده است که مال قاچاق یا یا شخص اجنبی را از سرحد مانع شده نگذارد داخل ایران بشود کجا مانده تاچه‌رسد به‌موش نگذارد حالا آمدیم در حالت امکان اقلا آن آقایان که این شور را کرده اند و تصویب خریداری تله از اروپا نموده اند با انها کار نداریم چونکه معلوم است انها از صف حکما هستند و تحصیل شان در اروپا شده ایران و ایرانی در نظر آنها وقعی ندارد هیچ نمیدانند که در ایران کسی هم پیدا می شود که چیزی بفهمد یا تواند چیزی‌درست کند چونکه اخلاق ایران پرستی آنها خراب شده است وعلاوه براین می‌بینیم که آقایان وزارت فواید عامه فلان ماشین را از اروپا خریداری فرموده با اداره جنگی کارخانه تفنگ سازی ازآلمان خریداری کرده خیال میکنند امروزکه کار بدست ما افتاده پس ما چرا تقلید نکنیم حکم میکنند که باید چند دستگاه تله موش گیری از اروپا خریداری کرد و چه عیب دارد سالی ملیونها پول ایرانی بدبخت به جیب های خارجه ریخته می شود این مبلغ هم علاوه شود

ازجراید ملی‌ایران توسط جریده حبل‌المتین خواهش و استدعا می نمایم ازدرج اینگونه مطالب شرم آور خود داری فرمایند که ایران و ایرانی خصوص ایرانیهای مقیمین خارجه را بسیار دشوار و شرم آور است بلکه یك نفر بیگانه اورا خوانده خواهد گفت که ایران چطور مملکت است که درمیان پانزده ملیون نفوس یك نفر نجار و یا آهنگر پیدا نمی شود که لا محاله چند دستگاه تله موش گیری درست کند که محتاج اروپا نشوند لحق والانصاف بسیار شرم آور است تله موش‌گیری اروپلان نیست تحت البحری نیست کارخانه آهن ریزی نیست که در ایران ممکن نباشد و السلام علی من یحب الوطن ـ

[محمد حسین علی زاده اسکوئی]

اداره بحری خوزستان

ما یك مشت اهالی وسکنه خوزستان که از سالهای عدیده و مدتهای مدیده بواسطه اولیای امور مطلق سابقهٔ خود فرسنگها از نعمت معارف دور و از وجود سایر دوائر که در حقیقت باعث ترقیات مادی و معنوی این ملت هستند محروم بوده ایم اکنون بواسطه اقدامات مجدانهٔ یگانه سرپرست ایران و ایرانیان اعلیحضرت پهلوی بحمد الله از حضیض مذلت باوج عزت نائل گردیده و روح تازهٔ در کالبد پژمرده خود ماز دیده شده است اکنون که پی به حقوق حقه ملی خود برده و از معنای مایت بخوبی آگاه شده ایم لذا از ارباب محترمین جرائد می مستدعی آنکه نظر بارادی مطبوعات تام المنفعه مقرر داشته که عنوان ذیل را در شماره آتیه جریدهٔ فریده خود درج و اولیای امور را از مندرجات آن آگاه و مطلع نمایند

اداره بحریه که ارباب جرايد عموما و جریده حبل المتین خصوصا در این موضوع بحثها نموده اند متذکر شویم اداره حبل المتین که از سال های متمادیه در قلب مملکت وسیعهٔ هندوستان متمکن است قدر و قیمت آب شوراکه دول متمدنه اروپ هرروزه بعناوین مختلفه تجهیزات نموده و از هر قسم عملیات مادی و معنوی فروگذار نمی نمایند گوش زد عالم نمود وما ایرانیان بواسطهٔ عدم علم و جهالت از داشتن بحریه استفاده نبرده و قیمت آب شور به ما مجهول است اگر بخوبی ملاحظه شود تمام جنك وجدال دول اروپ برای داشتن جزائر وخلیج است که در تحصیل آن از تحمل همه قسم فداکاری و ضرر های مالی خود داری نمی نمایند بد بختانه بواسطه غفلت کاری های سلاطین و امناء ادوار سلف دراین افکار حیات بخش نبوده ایم لیکن اکنون بواسطه هوشیاری و بیداری وکلاء ملت و امناء دولت عصر حاضره خیلی مناسب است که پس از انهمه فشار های عدیده و تجربیات بخود آمده و تشکیلات لازمه صحیح در امور بحریه داده شود پس از واقعه خجیهٔ محمره و تجار یك مشت اعراب بی هویت معدوم الحال که جز برای اغراض شخصی خود قصد دیگری نداشتند آن شورش غیر منتظره را سبب شدند که آنهم تمام بنفع دولت در آمده جهازات شطی و دریائی که متعلق بشیخ خزعل بوده بتصرف دولت در آمده ناخدا عباس بوشهری کاپیتان جهاز مازندران که تقریبا مدت بیست پنجسال باینطرف در اداره بحریه یعنی همان اداره که سابقا تحت کماندرهای صاحب منصب های انگلیسی اداره می شد و پس ازان تاکنون تحت اوامر رؤسای بلژیکی دوائر گمرکات جنوب مستخدم هستند کاپیتان عباس از آنوقت تاکنون که جوانی خود را به پیری رسانیده در بحریه دولت ازان وقتیکه اسم بدون رسمی بوده زحمات زیاد کشیده در جهازات پرس پلس مظفری و غیره کاپیتان بوده است بواسطه طینت صاف وفطرت پاکی که داشته و دارد اجزاء زیر دست خود را بقسمی تعلیم و تربیت نموده که هر یك آنها بمقامات عالیه نائل گردیده اند اگرچه غرضی از تعریف و توصیف شخص کاپیتان عباس نیست بلکه هویت و معلومات ایشان ثابت و محقق حتی اینکه خارجیان نیز تصدیق نموده و می نمایند بقول شاعر قولی است که جملگی بر آنند باری بعد ازان واقعه مؤلمه بتجاسر اعراب از طرف سرهنك مصطفی خان فرمانده قوای ساخلوی خوزستان ابتدا به اداره جلیله گمرکات شرحی نوشتند سایر جهازات متصرفی را برای ترویج امور نظام وغیره بعهده کاپیتان عباس واگذار نمودند مشار الیه هم نظر به صمیمیت و ذوق وطنی که داشت فوراً اقدام دراستخدام عمله و اجزاء و جلب صاحب منصبان بحری باتجربه و انجنیر های خوش سابقه بامعلومات مکانیکی برای جهازات نموده طولی نکشید که در شط کارون یك نمایشات فوق العاده بحری مثل سایر ممالك مشاهده و در انظار منتها درجه جلوه می نمود اگرچه متاسفانه از طرف اولیای امور بودجه مقرری برای جهازات منظور نشده بود با وجودی که هر یك دارای سی الی چهل نفر عمله و اجزاء بودند مع ذالك بواسطه حسن خلق و طرز سلوك کاپیتان مذکور آنها را بوعده ولوید دلگرم می نمود و برای اذوقه عمدهٔ جهازات از دوکاندارها قرض نموده که آنهم تاکنون بدبختانه از طرف اولیای امور ترتیب اثری برای پرداخت قروض داده نشده است اهالی این مرزوبوم بواسطه تغیراتی که در کلیه امور مشاهده نموده اند که باعث اسایش و موجب نظام حال عموم بوده و هست همین قسم امیدوار بوده اند که رفته رفته یك اداره بحریه در تحت ریاست مشار الیه تأسیس و دائر خواهد شد لیکن متاسفانه شنیده می شود که از طرف اداره گمرکات امر شده که کاپتان عباس برای کار گمرکی به جنوب بوشهر عزیمت نمایند و چند مدتی در آنجا خواهد بود

بقرار مسموع یك نفر ازمامؤرین کشوری برای امور بحریه اینجا تعیین شده و عنقریب وارد وجهازات فعلی باو واگذار خواهد شد اگرچه ما بیچارگان نمی توانیم در مقابل صلاح و صواب دید اولیای محترم دولت عرض وجود نمائیم ولی چون در سواحل شور و دریا بوده و از لذایذ دریا مطلع هستیم ممکن است به پیشگاه دولت اعلیحضرت پهلوی

تقاضا وعجز نمائیم که امور بحریه که امروزه در انظار ملل عالم اروپ مهمترین ادارات شمار است عهده یك نفر بدون سابقه و اطلاعات بامور بحری واگذار نه شود و دولت می بایستی مدنظر داشته باشد که امور مزبوره را با اهمیت بعهده ارباب فن متخصصین بحری که سالیان دراز در حرفت دریا نوردی زحمات زیاد کشیده و امتحانات و تجربیات عدیده داده اند واگذار شود که هم حیثیت دولت منظور و منافع ملت نیز محفوظ گردد ـ

از لنگه مینویسند

۱

(اثرات گفتن غیر قابل انکار است)

§ دو چیز تیره عقلست دم فروبستن §

§ بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی §

محقق است که آنچه سبب ترقی و تعالی ملل متمدنه عالم و آنچه که امروزه دول غرب را از حضیض ذلت باوج سیادت و عزت نشانیده همانا اثرات گفتنهاست و بس که هریکه پی بمعایب اعمال و مفاسد اخلاق خود برده و فهمیدند از گفتن و افشای آن خود داری نه نموده صفحات جراید را سیاه نموده بر سر هر بازار فریادها زدند و گفتند تا اینکه از برکت همان گفتنها رفته رفته آنها را معدوم الاثر و بجای آنها ریشه محاسن ومحامد طبیعتا محکم آمده و روئیده برومند و شاداب گردیده میوه شیرین داد آری همان گفتنهائیکه اثرات آنها نامرئی و غیر محسوس بود امروز چون خورشید عالم تاب بر سر آنها تابش نموده مرئی و محسوس آمده است بلکه افراد بشر از آن بهره ورند همان تمدن حقیقی یعنی تمدن اجتماعی و همان آزادی نوعی امروزه ملت غرب اثر و نتیجه همان گفتنهای دیروزی آنها هست که اجداد آنها در یك محیط وحشیت وجهالت بی اثر گفتند و در گذشته امروز اعقاب و اخلاف آنها از ثمران متمتع و واجد مقام سروری بشراند از این رو معلوم میشود که گفتن بی اثر نمیماند ولو نتیجه فعلی هم نداشته باشد فواید و اثرات عمق بخشیده عاقبت نتیجه میدهد از قرائت شماره ٤١ حبل المتین نتوانم خود داری نمود ودم فروبست که یکی از وطن خواهان عجول حبل المتین را طرف طعن وملامت قرارداده بود که درخت سی و سه ساله ثمر نداده است و حال آنکه بحمد الله میوه شیرین داد آری خود معترف است که اثر فوری و ثمر فعلی نه بخشوده ولی حاشا که بی ثمر هم مانده باشد اگرچه در یکموضوع ظاهرا اثر فوری نداشت ولی فواید عمق آن در بر است اثرات همین گفتنهای پر نتیجه دیروزی اوست که یك ریشه ثابت غیر قابل متزلزلی در زمین سیاست ایران امروز محکم نموده ومیدانیم و از اثران فرد ابا روز دیگراست که ملت ستم دیده ایران سراسر متمتع و کامیاب خواهند گردید این جرید فقط امروز نمیگوید منتها دیروز نمیگفت بلکه سی سال است که باقتضای وقت بطور کنایه وایما مفاسد ملت و معایب ملت را گوشزد نموده هدایت مینمایند در زمان استبداد کبیر که هرکس نام آزادی یاعلم زبان جاری میکرد همانا شجره حیاتش بکلی مقطوع میگردید و رخون اوهدر بود بقسمی که اقتضا داشت این آزادیخواه ملت بایدا نگاشت تا از اثرهمان گفتنها رفته رفته (بولیسیون) عهد مظفری پدید آمده و در اثرملی همان خشونت مقدس آزادیرا ازمظفرالدین شاه گرفت و انشاء مرحوم نه تنها قانون اساسی را امضاء نمود بلکه در معنا هماوقت خلع سلطنت را از خانواده قجر بدست خود امضاء نموده به ودیعه ملت سپرد تا اینکه امروز ملت در کنف حمایت ودرظل شجاعت رشادت دولت پهلوی موقع بدست آورده درخت منحوسه استبدادی قجر را یکمرتبه از بن و ریشه کنده راه ترقی و سیادت خود را بهدایت این ناپلیون آسیائی باز نموده و بحرکت افتاد پس باید گفت و درپرده نه نهفت و یقین داشت که رفع تمام معایب و دفع همه مفاسد از برکت گفتن است و بس ولی هرچه هست از قامت ناساز بی اندام ما است ـ ورنه تشریف نور بالای کس کوتاه نیست ـ امروز که ستاره سعادت ایران ازافق طهران طلوع نموده ناپلیون فعال مقتدری تاج وتخت سلیمانرا از یدغاصبانه اهریمن نجات بخشود و بالاستحقاق خود وارث ان گردید چرا باید نه گفت اگر امروز نگوئیم کی باید گفت و اگر امروز اصلاح نشد کی خواهد شد واگر امروز دادرسی نشود کی بشود میدانیم که این اقتدار یار از بدو زمام داری خود پیوسته دست بقائمه شمشیر وپای در چکمه است در راه اصلاح معایب و مفاسد مملکتی آنی غفلت نور زیده راحت را بخود حرام میشمارد و سر به بالش استراحت نمیگذارد بیدار است خواب نیست و پیوسته منتظر ارجاع خدمات مملکتی است پس اگر در گفته کوتاهی شودگاه از کیست پس باید گفت من هم میگویم ـ قریب شش سال است که بمناسبت پیش آمد شغل در طرف جنوب شرقی ایران سیاح و متواریم سابقاً در ادارات دولتی مشغول خدمت گذاری و ابتدای آوارگیم از وطن و خانمان همانا از برکت مظالم شنیع وفجایع قبیح اعمال آل قجر بود که چون در اینجا مقصودم زکرکری ازان نیست فعلا میگذارم و میگذرم فقط بیك عبارت دل پرخونم را قانع مینمایم

که (الا لعنة الله على القوم الظالمین) از ابتدای این سال قسمت بسیاحت بنادر و حدود سواحل خلیج مأمورم نمود که از بوشهر و تا به بندر لنگه که تقریب سیصد میل است سواحل و حوالی خلیج را تا اندازه که بتوانم شایسته شرحی بنگارم قادر باشم دیده‌ام و اینک که یکی دو هفته است در لنگه متوقف ام از وضعیت اینجا مرا بخاطر گذشت که چند سطری در این خصوص اولیاء امور را متذکر دارم که دولت واقف باشد چه اندازه اراضی زرخیز و چه دهات و آبادیها و قراء و قصبات حاصل خیز مهم وچه رعایای مطیع باجگذار دولت پرست در حدود و حوالی خلیج دارا است که بواسطهٔ بی علاقگی و لا ابالی گری و عیاشی سلاطین و حکام قجر این بیچاره‌ها چنان متروک و کان لم یکن شیئاً مذکورا » واقع شده اند که اغلب این بدبخت مردم اصلا نمیدانند دولت یعنی چه و بعضی ها مایوس اند که آیا دولت انهارا جزو رعیت خود محسوب میدارد و یا جزو ابواب جمعی و طلب سنوات ماضی از دولت آنهارا به قوام رهن داده است این مطیع مردم شب میخوابند بانتظار آمدن نظامی صبح برمیخیزند به آمال رسیدن داد رسی نه پست خانه نه وسیلهٔ ارتباط و نه راه معاشرتی مانند کوه نشینان سیری از همه‌جا بی‌اطلاع و بی خبر اند تا زندگانی و عمر داشته اند مالك الرقاب هستی و صاحب اعلی و خداوند یفعل مایشاء خود مشایخ و روساء تنبل تن برور مغل را میدانند که انها هم تحت الحمایه حضرت اشرف بقول ایشان یعنی قوام اند این حدود بـا این اهمیت هنوز بکلی خلع اسلحه نشده اند از کلات که ده فرسنگی بوشهر است تا چا سلم که شش فرسنگی لنگه است تمام این حوالی و سواحل از عرب و عجم و ترك تمام مسلح و بهترین سیستم تفنگهای آلمانی را دارا هستند که تمام از بنادر مقابل بطور قاچاق بسواحل ایران وارد شده در مقابل طلا و نقره و اغنام میرود هر یك نفر مکلف و انسان بالغ در این حدود حتماً بدون استثناء دارای یك قطار و تفنگ پنج تیر یا ده تیر آلمانی است ولی خودشان از این نوع زندگانی ناراحت به تنگ اند و پیوسته منتظر یك قانون مجریهٔ هستند که از این زندگانی ناراحت مستخلص شوند عجب تر اینکه در اغلب نقاط اصلا پول ایران را جزو سکه رواج هم ندانسته در معاملات رد مینمایند و معاملات انها فقط روپیه است و در یکی دو جا که ماها شدم بواسطه نداشتن روپیه سکه ایران را صرف نمایم با کراهت هر ریالی پانزده شاهی ازمن خریدند حالیه در روز چه اندازه صرف روپیه و قران بلا

عوض به تدابیر تجارتی خارجه از این بنادر بیصاحب ماخوذ میشود حساب ان و حل این معما را واگذار باید به کرسی نشینان فضای بهارستان مینمائیم

خلاصه فعلا بمصداق الاهم فالاهم چون در لنگه متوقفم مقتضی است مقدمتاً مختصر از وضعیت و تاریخچه این محل بسمع قارئین محترم رسانیده و بقیه‌را بطرف بوشهر مراجعت مینمایم

در ۲۵ سال قبل بندر لنگه اول بندر این خلیج و مرکز تجارت تمام بنادر و جزایر خلیج و حتی بر بنادر عمان هم مرکزیت داشته است جمعیت این بندر در آنوقت بالغ بر شصت هزار نفوس بوده است که فعلا به هشت هزار رسیده و به این سرعت تقلیل یافته است و این هشت هزار هم ممکن است سه هزار نفر مرد و باقی زن و بچه اند که مردان انها برای معاش باطراف پراگنده شده اند

تجار محترم و صاحب ثروت در این بندر متعدد داشته است جهازات تجارتی اینجا که حمل و نقل فرش و کتیرا و گندم و حبوبات و مستکی و عنقوزه و گل قرمز و ... و بهند و افریقا و بصره مینموده اند بالغ بر دویست فروند بوده که فعلا سه فروند بیشتر موجود نیست دارای سیصد جهازات غواصی با عمله جات غواصی بوده‌است که عایدی هر جهازی برای فروش مروارید سالیانه رویهم یك لك روپیه میشده و در این وقت ازان جهازات جز هفتده فروند دیگر چیزی باقی نمانده است واردات و صادرات این بندر ماهانه بالغ بر دویست هزار تنگله بوده است فعلا صادرات که بالغ به صفر ولی واردات به یك هزارمیرسد گذشته از این که این بندر بر تمام بنادر خلیج مرکزیت داشته است مرکز تجارتی لارستان و جهانگیره و شیبکوه هم هست که جمعیت انها بالغ بر یك صد و پنجاه هزار که هنوز جزو ابواب جمعی حضرت اشرف است بهمان سرعتیکه بندر لنگه تنزل نموده بالمضاعف بنادر مقابل مثل دوبی ترقی نموده است چه گمرك دوبی در واردات و صادرات آزاد و اگر جزئی هم ماخوذ میشود باسم انبار داری و حمالی است مثلا گمرك شکر هر یك صد گونی سی و پنج روپیه است و قماش هر قبیل بلا استثناء هر تنگله یك روپیه و لیم و حبوبات هر صد گونی بیست روپیه ماخوذ میشود اینست که استمراری سوای متفرقه انچه که جهاز هر هفته ببندر دوبی باثنی مینماید هشت هزار تنگله است

دوبی تا به لنگه شش ساعت راه بیش نیست و با این سهولت و آزادی در عشور گمرکی ان معلوم است که بقیمت خون خودشان قاچاقچیها اجناس

بطور قاچاق به بنادر میرسانند یا نبودن مجازات تا بحال و ساخت وساز مفتشین و مدیران گمرک بنادر بادزدهای بحری و شیوخ وخوانین بری معلوم است چرا باید این بندر تا باین درجه خراب و ویران شده باشد بازارهای لنگه که دارای یکهزار باب دکاکین است فعلا قریب نصف انها خالی و بسته است

این بندر از دریا منظرهٔ خیلی زیبائی را نشان میدهد دارای دو هزار و پانصد خانه بنائی است که برسر اغلب این خانها یکی دو بادگیرهای مرتفع گچ بری شده سفید ایستاده و از این رو این بندر را بی نهایت مزین داشته است ولی افسوس که بعضی خانها بی صاحب مانده جمعیت انها تشکیل تجارت خانهای عالی دو بی و بنادر عمان و بحرین و هند را داده اند علاوه از خانهای بنائی دارای یکهزار خانهای کپری است که منحصر به فقرا و بی بضاعتهای اهل لنگه هست هرقدر از ثروت و اهمیت و جمعیت بندر کاسته شده و میشود بدرجات بنادر عمان عموما وبندر دوبی خصوصا افزوده شده ومیشود فعلا دوبی دارای یکهزار فروند جهازات غواصی و عمله جات عومی است که سالیانه مثل باران پول فرانسه واروپ برای خرید مروارید بان بندر میریزد

دوبی دارای دویست هزار جمعیت ایرانی است که از بی صاحبی بی فکری سلاطین قجر و ظلم و فجایع عمال و حکام این حوالی جلای وطن نموده از خانها اصلی خود چشم پوشیده انداز این دویست هزار جمعیت فقط سه یا چهار هزار عرب‌اند ما بقی اهالی لنگه و جهانگیره و ایرانیهای متفرق اند که متواری شده اند

§ چنین است رسم سرای درشت §
§ گهی پشت بزین وگهی زین به پشت §

از کرمان می نویسند

با اینکه میدانم بخوبی میدانید که خیلی از امورات برخلاف انچه بصورت جلوه دارد جاری شده در بدو تاسیس اداره قشونی مردم کرمان بی نهایت خوشحال بوده که بحمد الله دولت ایران هم دارای قشونی شده و اعتباری یافته ولی چون صاحب منصبان پلیس جنوب اس - پی - آر - هم به انها شامل شد باعث شك گردید که خدای نخواسته ازروی اصول تناسخ هندوستانی اس - پی - آر - صورت دیگر گرفته باشد در هر صورت هرچه بود امنیت خوبی برقرار کرد و نفوذ متواتره اعلیحضرت پهلوی موجب مزید حیرت عموم گردید تا اینکه در دوسال قبل اعلانی شد ومردم را در تکیه وزیر دعوت نمودند و زمزمه جمهوریت بلند شد در تعاقب آن فریاد جراند بجمهوریت بلند وقلبی در بازار گذاشته شد ومردم را امر به تعطیل کردند و هرکس مخالفت می کرد مورد سیاست شدید واقع میگشت انگلیس پرستان و مرتجعین پنجاه ساله پیری جمهوریت بشانه نهاده فریاد وا جمهوریتا باسمان رسانیدند کسانیکه دیروز افسوس استبداد را میخوردند امروز جمهوری خواه شدند جرائد که در ظرف این دو سال فقط یا توصیف اعلیحضرت پهلوی بود یا تغیر رژیم فقط حال شعرای پانصد سال پیش را بهم‌رسانیده بسود و علت انهم معلوم است یا ترس یا طمع زیرا این قوه این پشتیبان همایه معلوم است اگر یك کلمه می نوشتند که بوی مخالفت می داد توقیف و مورد سیاست شدید بود

نفوذ قشونی هم در این سه سال بدرجه بود که پناه میبرم بخدا باهمه انها بواسطه امنیت فعلیه عضویت عومی بر قرار تا این که سر و صدای جمهوریت بظاهر کنر شد ولی آنی غفلت نداشتند و بهر قسم که توانستند کار می کردند

با انکه حرف مردم بتنهائی این بود که جمهوریت دو قسم مقتضی است که ملت بطیب خاطر بخواهد و هرکس را هم که می خواهد بتواند بریاست جمهور انتخاب کند و هر وقت هم بخواهد بتواند معزول نماید - ولی این قسم که حتماً باید جمهوری بخواهی و حتماً هم باید فلان را بریاست برداری - آیا ممکن است -

باری کم کم زمزمه سلطنت بلند شد جریده نامه فرهنك که عنوان مجلس مؤسسان کرد توقیف و مدیرش فرار به طهران کرد که اگر گرفتار شده بود مورد عتاب میگردید در طهران هم تاسیس نامهٔ فرهنك شد پس از چند هفته توقیف نمودند تا این اوقات که عنوان قطع سلطنت قاجاریه شد پرده ها بکنار رفت تمام این اساس از طرف قشون عصوب برپا شد چنان انتریك نمودند که اعتقادات از تمام تواریخ و مندرجات اولین برداشته شد زیرا ما دیدیم باطن آن چه شد و ظاهر چه می گویند مجلس ساختند و اشخاصی که قلم از ذکر اسامی شان خجالت میکشد بصورت نهضت ملی ربودند لایحه میساختند و به همان اشخاص میدادند و مردم وادار به تعطیل شدند و در مجامع مجتمع میکردند و مفتشین سری وعلنی بقسمی گماشته بود که احدی در خانه خودش هم قادر به مخالفت نبود تا شد انچه شد و انجمن نظار ازهمان اشخاص تشکیل و گفته شد غیر از

اعضاء [illegible] کسی حق تعرفه ندارد و اعتراض
را [illegible] زیرا تعرفه نبودند و آراء هم نوشته بدست
کسی که این را باید سر صندوق بگذارید - لاغیر
یك نفر قدرت لا [illegible] هم نداشت اینکه وضع کرمان
بود ترجمم که اطلاع دارم همین قسم طهران هم که
مهد [illegible] المیاتوم بسه مجلس شورای
ملی و مذاکرات شان در مجلس آیا می شود تجاهل
کرد آیا آزادی ملت در رای و نطق همین است
آیا انتخابات ملت همین است آیا انصاف همین است
کالی در ایران شریف هاشید و اوضاع این دوره
را می دیدید که از اول دنیا الی حال چنین نبوده
عموم مردم ایران عبد عبید افراد نظام تا اینجا همه که
ملاحظه شده و می شود برای نفع خودشان است رئیس
سابق بلدیه عباس که یزدی و با صلاحیت و بظاهر
سلطان ماب تر از سائرین است آیا میدانید چه می
کند به بینید در ظرف این مدت چه قشون ابواب جمعی
خود داده و چه از مردم گرفته و چه بحال مردم
بیچاره انجا وارد ساخته از او بگیرید تا به سائرین
رسید ولی با همه اینها محبوب اند برای اینکه بسلطان
هرچه باشد ولی ظاهر باسم ایران است امنیت برقرار
نموده می فرمائید قانون جزای عرفی را
جاری نمائید و این قسمی که صندوق در ولایات بگذارند
شایسته نیست صحیح است ولی اطمینان می دهم
که تمام برف بود و آب شد همان اش است
و همان کاسه تمام اینها برای همین مطلب بود که
واقع شد اگر ناصرالدین شاه ولو بفرمایش آن حضرت
برای گول زدن مردم هم بود چند سال صندوق را گذارد
شرط باشد این دوره از حرف هم تجاوز نکرد وهمین
جزوجه هم فعلیت بهمرساند می فرمایند هرکس شکایتی
از هرکس دارد بی پرده بگوید ولی در اخیر دستخط
غرض میشود که اگر عرض خلاف هم نموده باشد
موارد سیاست است. تصور نمائید آیا رشوت گیرنده
شد رسمی برشوت دهنده می دهد آیا این اشخاص
خیال که در تمام ادارات جای گرفته اند این ملاحظات.
را نمیکند که سند بدست طرف نیفتد هزار دزدی
علنی میشود که شخص می بیند و قانوناً نمیتواند اثبات
کند آیا محاکم و عدلیه های هندوستان را ندیده اند
که وکیل نیز در پول و علم حق را باطل و باطل را
حق قانوناً جلوه می دهد ماشاءالله در ادارات
دولتی کرمان اعم از مالیه و عدلیه وغیره ادنی منشی
آن کارهای میکنند که ناصرالدوله نمیکرد ولی طرف
نمیتواند اثبات کند و اگر هم حرفی بزند هزار افتراء
یافت که پناه بخدا همچنانکه در نهضت ملی کسی هم
[illegible] بعداز [illegible] دیگر چنان بازخانه یکسان
شد که دیگر قدرت زندگی نداشت ولی طرف نمی
تواند اثبات کند باری از مطلب خارج شدیم برای
نگارنده چه استبداد باشد چه جمهوری چه پهلوی
شاه باشد چه احمد شاه فرق نکرده و نمیکند زیرا
یکنفر کاسب فقیر قانع هستم ولی انصافاً خوب
نشده و ازروی قانون کار نشده میدانم هم تا درجه
مجبوریت درکاراست اگرکسی برخلاف همسایه حرفی بزند
دوری توقیف و در معرض سیاست است آیا در
هندوستان میشود تمام جزء به جزء مطالب را گفت ؟
میدانم تقیدات سری و علنی دولت را در جرائد
هندوستان می دانم چگونه با مراعات قانون
حقیقت را انچه جز و صلاح است مرقوم
می دارند مثلا همین کشتن قونسل امریکا در
طهران آیا شما که را باعث می دانید آیا کشتن عشقی
را در طهران چه می فرمائید آیا این قشون نیرومند
در مرکز نمی توانست مانع گردد آیا فریاد عشقی که
مردم نگذارید مرا ببرند در مریضخانه اگر
مرا انجا بردند میکشند بازهم اعتنا نکرده اورا بردند
باری مطلب زیاد است آیاسفراخیرشاه اباه احمد شاه به
فرنك باختیار بود آیا انچه را گفتند و نوشتند بیان
واقع بود بنده بهیچوجه الایش با طرفداری وضدیت
ندارم شرح عالم از موثقین جویا شوید و ازمندرجات
تخمین کنید اگر کلمه خلاف واقع عرض
نموده ام خونم بر عموم حلال باشد آیا تعریفات و
توصیفات دربار سابقه تمام بیان واقع است دیدید
تمام این امنیت ها تمام این محبوبیت ها برای ترتیبات
کار وضع کنونی بود - یك مطلب دیگر عرض
میکنم کسانیکه اعتقاد بخدا و روز جزا و مکافات اعمال
دارند و امیدواریم که ما هم در زمره انها باشیم می
گوئیم انچه در دنیا به بندگان میرسد نتیجه اعمال
شان است انشاءالله بزودی خواهید فهمیدکه دارای چه
اعمالی هستیم از آن طرف تلگراف میرسد که
جلوگیری از مسکرات و منهیات شرعیه جداً بعمل
آید از آن طرف علناً اعضای ادارات درلیالی جشن نود
مرتکب اند مستبدین قدیم باز چهار روز در ماه
هم ملاحظه می کردند حال ترقی کرده ایم آیا در
هیچ دوره پارلمان وکیلی بهتر ازمدرس دکتر مصدق وتقی
زاده و امثال انها بوده دیدید چه افتضاح شد البته ما
یا در معرض افراطیم یا تفریط یکی از بزرگان گفت
که خوبان و بدان در تواریخ والسنه اعم از لشکری
و کشوری و دیانتی از هر دو طرف مورد افراط
و تفریط واقع شد الله باری میگذریم اینکار خوب
شد یا بد شد کار ندارم ولی باختیار ملت نبود ولو
چوب سرنیزه همه بگوید و بنویسد بازهم خواهم گفت

بزور سرنیزه بود اعتقاد از تمام واقعات تاریخیه برداشته شد اگر واقع نادر شاه و اعتقاد مجلس موغان در صحرای مغان و عزل شاه طهماسب هم خیر حقیقی مثل حالیه بوده پس افسوس و ستم هم همین قسم بود از انصاف نگذریم واقعات بعد از کریم خان زند و کارهای آقا محمد خان قاجار بگذارند مقابل چشم که کارهای آقا محمد خان در تشکیل دولت ایران به مقتضیات آن دوره غیر ازاین ایا ممکن بود آیا فجایع رکی خان وال اورا ندیده اند و نخوانده اند خوب بودند یا بد بودند بجزای خود رسیده و می رسند امر شان با خدا است زیاد موجب تصدیع گردیدم آیا در آبادی های موجود ازمدرسه و طرق و تشکیل خیابان وغیره را خبر دارید چه طور شد چه قدر پول با سرنیزه ازمردم گرفته و چه قدرش را بردند و چه قدرش را خرج کرده اند گاهی فکر می کنیم در حال اهالی این مملکت و اعمال را در رفتار با کرمانیان از نتیجه اعمالشان میدانیم نمیدانیم چقدر بی بصیرت و بی ملاحظه هستند در هر صورت انچه شده شده خوب شده یا بد بما مربوط نیست اگر صلاح دانستید دولت حالیه را وادار به اجرای قوانین فرمائید که صاحب منصبان را از جزء وکل هر دو سه سال یك دفعه تغییر محل دهند و هکذا جزاء ادارات را و با تلگرافات شکایت و تشکر که هر وقت هر کس تمام می کند اعتنائی نمایند من ملاحظه میکنم اگر کسی اولادم را کشته باشد امروزه تلگراف بی تقصیری خودش را بخواهد تمام کند لابدم - مهرو امضاء نمایم بحقیقت وجدان اگر امروزه رئیس قشون کرمان یا جاهای دیگر یارئیس مالیه یاعدلیه هرجور تلگرافی یا شکایتی وتشکری از مرکز بخواهند تمام کنند فوری همه مردم مهر می کنند زیرا تصور انتریکات انها را نمی فرمائید که چه قطارها میکشد و چه بروز کار مردم میاورند [illegible] هزار جنایت درمیان بازار نمایند و همان ساعت بخواهند تلگراف تمام کنند که ازسلمان فارسی بهتراند تمام میشود محمود خان ایرم امیر لشکر جنوب آمد کرمان کارهای مرتکب شد که ناصرالدوله در عهد استبداد نکرده بود ولی که را یارای گفتار فوری مخالف ملت و منفور دولت و مورد قهر و غضب حکومت بلکه یاغی طاغی بود کار باعمال شخص کسی نداریم مقصود ما اعمال اجتماعی است باانکه کسان میگفتیم از بهترین روساء قشون شهرهای ایران رئیس قشون کرمان است - میگویند دو سال قبل در طهران میخواستند توسط یکی بانك کامرانیه را ابتیاع نمایند کامران میرزا وقتیکه فهمیده [illegible] گردیده میگرید [illegible] سال هر چند استعداد الی النهایه [illegible] امید کیر بوقیره بودم حاصل زندگانی من این پارك بود و حالیهم متوجهم دو سال وزارت جلیله [illegible] و قانونی با ساختن دو پارك عالی تر مانند [illegible] میخواهند خرید نمایند ادارات دولتی هم [illegible] است منشی های اداره مالیه کرمان امروزه بالاتر از [illegible] نفرا تعدی مینمایند چقدر بباید شکر گذار باشیم ازین کار مالیه کرمان که شخص امریکائی است که مارد باب دزدی را در اداره مالیه مسدود می کند ولی انهم چون زبان فارسی نمیداند و کار [illegible] مترجمین ایرانی است و انها هم با رئیس کابینه [illegible] بهم ساخته هر کار دل شان خواست میکنند کاش اعضای ادارات را تغییر محل می دادند باری این اساس قانون مجازات عموم مستخدمین دولت است از وزیر تا فراش ممکن نیست تا وزیری مجازات نشود ترتیب صحیحی درکارها دیده نمیشود وکلیه اساس ترقی ایران منوط بخواست دیگری است هر قسم او بخواهد میشود مقدرات زندگانی امروزه بدست اوست اگر هزار هزار ملیون پول بسرای کشیدن خط آهن اماده کنیم و او نخواهد کشیده نمی شود و اگر امروز او بخواهد فردا دارای خط آهن هستیم تغییر سلطنت هم اگر برای او نبود نمی شد تمام معلوم است حال که چنین است از حبل المتین می خواهیم بان قسمی که میدانید وضعیات ما صحیح میشود دولت را وادار فرمائید

مردم ایران امروزه ازدست بعض اعضاء ادارات چه میکشند و چه طور مطالب صرفه انتریك برخلاف حقانیت صورت میگیرد در ادارات هم هر ممنوعه اسیر پنجه ما فوق خود است انچه از یکی میگیرد بدیگری میدهد وهکذا خیلی مطالب دیگر داشتم که اگر می نگاشتم میدانستید تا چه درجه از وضعیات مالفت هستم آیا اگر در اسفار شاه مخلوع به اروپا خواهشات همسایه را قبول کرده بود امروز باین روز سیاه نمی نشست ولی انچه شد البته بخواست خداوندی شده و خوبی وبدی منوط باعمال بندگان است باید کوشید و انچه خداوند از بندگانش خواسته باید عمل کرد تا اگرخدا صلاح می داند اصلاح فرماید امانت و خیانت و خدمت و عزت و ذلت امروزه [illegible] گردان دیگری است کار بواقع نیست پیدا باشد خادم امین خائن و خائن امین جلوه گر کرده در طهران به آقای عباس قلی خان سپهر عرض کردیم تاریخ کمانیه مرحوم [illegible] را که ملاحظه کنند و واقعیات بود واینکه ازبیرون [illegible] میکنیم اعتقادم ازجمیع تواریخ عالم برداشته [illegible]

[illegible] نبوده که چون نوشته کنم بس هر وقت چنین بوده و هکذا سر لوحه کتابی که از مجدالعلماء یزدی است ملاحظه میکنم که چه قدر تعریف از علم و فضل و زهد و تقوای او نوشته ملاحظه میکنم با سر لوحه کتاب اصول کافی یکی است یقین می کنم مؤلف اصول کافی هم یك چون مجدالعلماء یزدی بوده باری ما کار باینها نداریم هر کس میخواهد باشد بحال ما علی السویه است ما یك نفر کاسب فقیر هستیم امنیت اساسی هم بحمدالله حاضرا شده ایم باتیك هر که خواهد باشد سیاست مدارانی هم که در ایران دیدیم تمام از صرفه سیاست مداری دارای همه چیز شدند از خداوند طلب توفیق از برای عموم اهالی دنیا میدانیم که خدمت بخلق خدا بنمایند و در خاتمه باین جزئی پیشنهاد متوجه میسازد که در صفحه قبل اعلانی از طرف بانك شاهنشاهی انتشار یافت که قران هائی که سوراخ کرده یا جفت زده اند تا مدت معین بر می داریم هر کس دارد بیاورد و بعضی بردند ولی حال قرانهای سکه در ضرابخانه هم نو شده ترك دارد یعنی همین قسم از ضرابخانه بیرون آمده کس بر نمی دارد و موجب مداخل بعضی شده که ده یك کسر میگذارند بانك که بکلی بیدلی دارد مردم هم چون عهده صرف شان بانك است بر نمی دارند نوت بانك رواج و پول ایران نا رواج شده باب کاسبی مسدود شده اگر مقتضی دانستند بدولت تذکر دهند که پولهای که از ضرابخانه سبك یا معیوب و شکسته بیرون آمده و بدست مردم داده شده و مردم اورا معیوب ننموده اند کما فی السابق بردارند یا جمع نمایند و سکه جدید بانها بدهند که از این حیث راحت باشند و یکی دیگر جداً جلوگیری از قاچاق تریاك نمایند زیرا که دو ثلث تریاك ایران بقاچاق میرود و تمام قاچاقچیان با بعض مامورین و اعضاء ادارات شریك هستند اگر صلاح دانستند وضع باندرول تریاك را تغیر دهند و مالیات را بر زراعت تریاك تحمیل نمایند که هم بکیسه رعیت برود وهم فایده دولت زیادتر باشد همه راحت می شود و یکی دیگر تغییر ماموریت اعضا ادارات لشکری و کشوری است هر سه سال یکمرتبه و اجرای قانون جزائی عرفی است الا استثنا بموجب مرقومة نمره ۴۱ حبل المتین

مکتوب سرباز

آقای میرزا محمدخان قائمشور حکمران عباسی و مضافات شد [illegible] لازم دانسته باینکه فرض عین شمرده انکه بذریعه مختصر عریضه دو سطر [illegible] است که باتفاق عفت قلم و قلبی خالی از ریاء بمقام محترم عرضه میدارد – انکه بتازگی قائد محمد علی محمد حاجی وادی را بکلانتری کهی و کشار و قلات وشهر انتخاب کرده که قلب هر کسی را متألم میسازد – گویا شما از سابقه این شخص بکلی بی اطلاع هستید والا ازان صفات حمیده سرکار که سراغ داریم غیر ممکن است که بکلانتری چنین شخصی که سابقه اش کالشمس فی وسط السماء بر احدی پوشیده و مستور نیست رضا دهید – همین امسال از طرف اداره مالیه بمباشری مالیه دولت انتخاب شده بود خدا میداند که چه ظلمها و ستمها بر یك مشت رعیت بیچاره وارد آورده که قلم از عهده شرحش برنمی آید – الحق تعجب آور وحیرت انگیز است از خاك و هوا و آسمان ایران که تا چه اندازه خائن پرور است –

هیچ دور نرویم همین محمد حاجی داری که مشتی نمونه خروار است در این چند ماه اخیر که مباشری دولت راعهده دار بوده چه کارها مرتکب شده که شرحش باعث اطناب و تضییع اوقات طرفین خواهد شد – با این وضع طولی نکشید که خبر کلانتری این شخص ظالم از گوشه و کنار بلند شد و با گذشتن چند روزی نالهای دلخراش جگر سوز از حلقوم یکمشتی رعیت زارع بدبختی که قادر رفع گرسنگی عائله خود نیستند بلند است – از قرار معلوم گویا مبلغ پنجاه تومان بقائد محمد علی خان برسم شیرینی داده در عوض این مبلغ میخواهد که خانه رعایای فقیر را غارت کند – آقای معظم شرح سوء اعمال این شخص همینقدر مجملا محض مزید اطلاع سرکار عالی می نگارد که این شخص از چند سال قبل یاغی و مقصر دولت بوده که همیشه از طرف حکام وقت تعاقب میشده ولی متأسفانه بواسطه لاقیدی حکام سابق برای دستگیر کردن ان چندان اهمیتی نداده و اوهم همیشه در کوهها منزوی و متواری بوده – مضحك تر از همه حتی حالا که مباشر مالیه دولت شده و از مباشری هم به کلانتری ارتقاء جسته جرئت آمدن عباسی ندارد (گواه شاهد صادق در آستین باشد) حالا از عبد الرضا خان امین مالیه عباسی سؤال میکنم که آخر شما از روی چه اصول وقانونی این شخص که تاکنون متجاوز از چند نفر مردمان بی گناه را قتل کرده و همیشه مشغول سرقت ونهب اموال فقراء خصوصا اموال دولتی بود بمباشری دولت انتخاب نموده باید آورد جواب اینگونه سؤالات خیلی سهل و آسان است البته کسیکه سرپرست یك اداره مهم دولتی

اشتغال نموده نباید بخواند جواب این سؤالات را از خود
خیال کند - البته خواهید فرمود که بواسطه
لفظ الرجالی بوده

۲ - آیا از زمان حضرت آدم علیه السلام تا یومنا هذا کسی گرگ چوپان گوسفند کرده ؟ بلی آقا میفرمایند که امروزه در اروپا موش و گربه باهم تربیت میکنند و گنجشک و شاهین در یکقفس زندگانی مینمایند شیر با گاو در یک محل علف و خوراک میخورند - دیگر در مملکت ما ایران ششهزار ساله خوابگاه جمشید مدفن کوروش مهد داریوش گهواره نوشیروان نبردگاه رستم بزمگاه پرویز پیروان حضرت زارتشت این قدر نتوانند که گرگی را به چوپان گله نی قرار بدهند و این دو جنس متضاد را باهم تربیت و متفق نمایند - در واقع خیلی کودن هستید که با این گونه سؤالات لا یعنی وقتم را ضایع میکنید آخر اگر ما ایرانیان پس از طی ۲۰ سال عمر مشروطیت از عهده این جزئی کار برنیائیم مگر نه سایر ملل خنده بر ما میکنند - (اف بر این سؤال تف بر این سائل) خوب حالا آقای امین مالیه با اقامه دلیل و برهان جواب دادند و دست رد بسینه یکمشت رعیت فقیر بدبخت زدند پس بنده هم بایک متانت قلب و کمال جرئت میگویم (گر امانت این است لعنت بر صداقت) خوب آقای حکمران حالا بر گردیم باصل موضوع (یعنی کلانتری) این شخص که از مرکز حکومت صادر میشود وربطی باداره مالیه ندارد اگر شما هم بخواهید مثل آقای امین مالیه جواب تراشی کنید پس خوب است که رخت بربندیم و راه سفر گیریم - اگر چه شما از بدو ورود تاکنون کاریکه باعث رنجش خاطر ملت باشد نکرده و همه افراد ملت هم از شما کمال رضائیت دارند و سپاسگذار هستند ولی این اولین کاری است که برای شما تهیه دوسیه مینماید (در دفتر کرام الکاتبین) اینجا است که حس تجربه بمیان آمده و شما هم مختار هستید از این دو شق هرکدام اختیار کنید (یا موسی بشوید یا مثل امین مالیه فرعون) انچه شرط بلاغ و دوستی بود عرض کردم دیگر نمیتوانید گفت که من از سابقه این شخص بی اطلاع بودم - این نکته هم نگفته نماند اگه خیال فرمایند یک شخص مجهولی توسط پست شهری مشتی اراجیف نوشته ولی خیر این طور نیست مثلی است مشهور (تاریکی شب روشنی بیا) بنده در پرده عملیات شما میگریم ودیگر شاید خیال فرمایند بلکه از طرف عمد حاجی داری به بنده ظلم و اجحاف شده باشد خیر او که سهل است شما هم نمیتوانید در حدود قانون به بنده تعدی نمائید - بقول خواجه کرمانی خطاب گفتم نهایت ظلم ستم به بنده ... فرموده (شیخ مصلح الدین سعدی علیه الرحمه)

§ بنی آدم اعضای یکدیگرند §
§ که در آفرینش ز یک گوهرند §

اگر بنای نوع ظلم بخود نمیدانستم تا این درجه اسباب صداع خود و شما را فراهم نمی آوردم

والسلام علی من اتبع الهدی

حبل المتین

نگارنده مکتوب یک از موثقین اداره و از اشخاص صحیح العمل صادق البیان است

از دزداب می نویسند

بطوری دروغ و چاپلوسی و و و در این مملکت شایع و میکروب ان السنه عموم را مسموم ساخته که بکلی اساس حقیقت و حق گوئی در این مردم بدبخت سلب و اگر یکنفر شرافتمند وجود داشته باشد دیوانه وار متحیر خواهد بود یک مدتی ز پس مکررات بی موضوع در جراید مطالعه کردم از روز نامه خواندن منصرف گردیده اخیراً نظر باینکه روز نامه حبل المتین از این محیط مسموم خارج می تواند حق بگوید و حق بنویسد گاهی وقت قیمتی خود را مصروف به قرائت این جریده نموده همان از انتشار آن مسرور بوده و هستم متأسفانه می بینم بعض مغرضین مجهول الهویه در صددند که بعضی صحائف این نامه را به اغراض خویش الوده نمایند در شماره (۳) حبل المتین دیدم مقاله سراپا دروغ بدون امضاء از طرف یکنفر پهلوی دوست درج شده که عاری از حقیقت و نویسنده انهم نفهمیده چه می خواهد بگوید و بنویسد اینکه نسبت استبداد عقیده به حکومت دزداب داده بی اثر هر چند حکومت دزداب مرا نمی شناسد ولی بنده خوب در حق ایشان معرفت دارم و کسانی هم که نمی دانند بدانند که اولا معظم له قریب سه سال به اهالی این سرحد حکمفرما بوده و هست یکشاهی از هیچ منبع استفاده نفرموده و فقط به حقوق دولتی قناعت فرموده و میفرمایند در صورتیکه در همین دزداب ارفع الممالک هم حکومت داشت و مردم را علنا چاپید و شکایات اهالی هم بلا اثر ماند -

ثانیاً از صبح الی وقت خواب اوقات خودرا بدون هیچ طمعی مصروف به رسیدگی امور اهالی فرموده و کراراً با حضور جمعی فرموده که اوقات من مخصوص خدمات اهالی است

ثالثاً از بدو ورود الی حال شخص آقای میرزا

... در میدان فوت بال حاضر شده و گویا
... بازی فوت بال ایشان را در عالم رؤیا
مشاهده کرده است بالعرض هم در بازی فوت بال
حاضر می شد امروز عقلا و فلاسفه عالم نوع بشر
را به ورزش تشویق می کنند و هیچ دلیلی سوء
... نخواهد بود

رابعاً حکومت سرحدی موظف است با مامورین خارجه مربوط بوده تا روابط ودادیه دولتین محفوظ و هیچ عقل سلیمی قابل تنقید نخواهد شمرد وطن پرستی هم این نیست که با مامورین خارجه قطع روابط نمایند و بدیهی است در این سرحد ما ایرانیها بشرافت یکنفر ماموری که می توانیم افتخار نمائیم همین آقای میرزا محمد خان حکومت است و بس

اما راجع به قسمت قشون در موقع انقلاب بلوچها اگرچه خوب بود شرح ماوقع را می نوشت که برای آتیه دولت معظم یك عطف توجهی به این سرحد بفرمایند البته آقای یاور ابراهیم خان اقداماتش قابل تحسین است ولی وقتیکه از شرارت بلوچها دزداپ در مخاطره بود یاور حسن خان دولت شاهی در زحمت و ساعتی استراحت نداشت و در تلگرافخانه به اهالی اطمینان میداد که تا یکنفر نظامی زنده باشد تشویش نداشته باشید و بعد از ختم غائله آقای یاور ابراهیم خان بفرماندهی قسمت ورود فرمودند و در آنوقت بواسطه سوء تدبیر سرهنگ علیشاه خان چه قدر خسارت متوجه طبقات شد بهتر این است نگوییم و بگذریم امید وارم در سایه عظمت دولت پهلوی و فعالیت قابل تقدیر آقای جان محمد خان فرمانده لشکر شرق بعد از فراغت از صحرای تراکمه این سرحد را هم مورد توجه کامل قرارداده بلکه درآینده ایرانیان این سامان هم در قبال اتباع خارجه سرفراز گردند

(ج ۱ ع ۰ ج)

بقیه صفحه دوم

باید پشت و روی مسئله را کاملا مداقه نمود نفع و ضرر اتحاد هر از دو همسایه را کاملا سنجیده راهی که ظاهراً نفعش بیش و زیانش کمتر باشد اختیار نمود و این مسئلة نیست که بفوریت تصفیه آن لازم ... باشد باید مدتها ارباب سیاست ایران در این مسئله غور وتامل نموده راه مشی برای آن پیدا کنند ارباب دانش ایران راست که جنبه روس پسندی و انگلیس خواهی خود را بیکسو نهاده صرف ایرانخواه شوند سیاست ساده تر اصول جدی و لعنتی را کنار گذارده بدقت نفع و زیان ایران نگریسته ... مسائله بنشینند بفهمند مشکل اینجا است که هنوز در ایران حتی روسی مسلك و حمایتی انگلیسی خواه وهیچك در این مسلك خود بخیال نفع وضرر وطن خویش که ایران باشد نیستند این مسلك میشوم باید ترك شود ایرانی باید اگر انگلیس را دوست دارد برای نفع ایران باشد و اگر روس را به پسندد بازهم فائده ایرانرا مدنظر داشته باشد ضدیت و لجاجت را باید کنار گذارده در این مسئله غور وتامل کرد و نباید خیال نمود که مدتها روس پسند بوده حالا باید انگلیس خواه شوم یا برعکس گفتیم که ما باید دوستی هر یك از همسایگان خود را فقط برای نفع وطن محبوب خود خواستار باشیم باید در اختیار یك چنین مسلك سیاسی ارباب سیاست ایران شخصیات را بیك سو نهاده یعنی نفع وطنی را برمنافع ومصالح شخصی ترجیح داده آنوقت رای بدهند که برای ایران دوستی انگلیس نافع تر است یا دوستی روس گفتیم که قلم ما از تحکیم به ان مسئله اهم عاجز است چه بواسطه بعد المشرقین احاطه بجزئیات که منجر به بکلیات تواند گردید نداریم با اینهمه در شماره های آتیه نظریات خود مان را درنفع وضرر اختیار هریك ازاین دومسلك بیان خواهیم نمود بازهم ختم مقال خود را با این جمله نموده که ایران تا دیر باز نمی تواند با سیاست انفرادی در جلو حوادث قطعی الحدوث زمان استقامت ورزیده استقلال خویش را کما یلیق محافظه نماید ـ

ظنیات سیاسی

مخبر روتر از مراکز موثقه اطلاع یافته که اتحاد ترکی با روس بیشتر برای آنست که با دولت کنونی ایران دیر یا زود از درستیز وآویز درآیند چه عقیده دولتین مشار الیهما این است که شاه تازه ایران صمیمانه طرفدار مسلك انگلستان است ...

حل المتین

چنانچه ما نگاشتیم اینها همه ظنیات سیاسی است ولی از روی حزم و جزم ایران نیز نباید ترتیبات اثر ابقائی بر آن بخشوده جداً در صدد جلوگیری بر آید یك از سیاسیون می فرماید اگر ظنیات سیاسی تعقیب نشود و جلوگیری نگردد در صورت وقوع دچار مشکلات و زیانات عظیم توان شد ولی هرگاه از ظنیات سیاسی در اول قدم جلوگیری شود فقط زیانش حل همان مشکلاتی است که در جلوگیری پیش تواند آمد در هر صورت باید از ظنیات سیاسی جلوگیری نموده تادچار زیانات عظم نگردیم البته از بیان یك نکته صرف نظر نتوانیم نمود وآن این است که برادران ترکی ما باید بدانند که ملیت الها بیش از ایران در مخاطره است طولی نمی کشد که ایطالی همان نقشه طرابلس غرب را بروی

سمرنا و اسلامبول میگذارد و از طرف دیگر همان اقوام مختلفه متشتته اما جولی ترکانرا مانند آشوریان و ارامنه ارام نخواهند گذارد علاوه براین هنوز مخالفین رژیم کنونی ترك در ترکیه خیلی قوی اند خوب است دولت ترکیه انقلابات معنوی خود را دیده بی گدار به آب نزند وسنگ روی یخ این و آن نگردد چه تیری که از شصت رها شد بازش نتوان آورد

ایران لائقترین دوست برای ترك بوده و تواند بود چه شریك النفع والضرر اند گو امروزه دوستی روس برای ترك مفید است ولی از این دوستی نباید اثرات زیان بخشی برای خود در آتیه تولید نماید همان قسمی که مقتضای سیاست ترك دوستی با روس شده سیاست روس هم به دوستی ترك محتاج است در این موقع ترکی نبایستی از منافع دائمی خود صرف نظر کنند ـ

اعلان

(از طرف کمیسیون تالیفات جامعه معارف)

چون کمیسیون تالیفات جامعه معارف در نظر گرفته است که یك فرهنگ فارسی بفارسی کنونی تدوین نماید و به عنوان مقدمه برای آن فرهنگ لازم است قواعد صرف و نحو فارسی را جمع آوری کرده باستفاده عموم گذارد لذا از ذوات محترمی که در این موضوع مهم صاحب فکر و تالیف هستند تقاضا میشود مستقیماً افکار و نظریات یا مولفات خود را بکمیسیون جامعه معارف ارسال داشته از کمك و مساعدت فکری خود داری نفرمایند در صورت ارسال کتب یادداشت پس از استفاده عیناً مسترد خواهد شد کمك های مزبوره از جانب اشخاص محترم معارف پرور میشود بنام همان اشخاص درج و منتشر خواهد شد

ترکی و رژیم تازه

جمهوری ترك را میتوان یك از بدایع آسیا دانست چه هیچ ملتی مانند ترکان به شخص پرستی عادی نبوده کمال پاشارا مورخین واشنگتن ترك نامیده میگویند این مرد بدواً از عظمت مقام پادشاهی و خلافت اسلامی صرف نظر نموده ایثاری کرده است که در ملل آسیا تاکنون دیده نشده است از آن گذشته چشم به روی هم نهاده چرخهای ترقی مملکت را براه انداخته هرچیز که مانع ترقی ملی تصور نموده پایمال کرده و مبرهن از این است که با عوائق های بزرگ خارجی و داخلی تصادم نموده و مینماید تکیه‌گاه این مرد اوضاع که محل توجه عموم ترکان بود از کلیهٔ ترکیه برچید روحانیت را در حدود خود محدود ساخت مراجع کز روحانی خارجه را هم پیش پای خود نشانده قوام ملیت را حتی بر مذهب هم مقدم داشت چون

مردمان مخالف تاب مقاومت نیاورده این ترتیبات را در مساجد و معابر و محافل سری و علنی برخلاف رژیم کنونی دولت برانگیخته نطق های مهیجانه میدادند بحکم دولت اینگونه زنان و هنگامه جویان را گرفتار کرده سخت سزا میدهند

چون ترکیه از روی قرار باد با فرانسه می تواند در موقع جنگ از داخله شامات قشون بموصل بفرستد و فرانسه با دولت انگلیس همساز است خیلی می کوشد که جنگ در موصل پیش نیاید تا دچار مشکلات نگردد مسیو بریان ساعی است موقتاً بین انگلیس و ترك صلح قائم داده یعنی بدین طریق که ترکیه دعوی شاهنشاهی خود را بر ولایت موصل قائم گذارده و موقتاً دخالت انگلیسها را هم بر موصل عائق نگردند مسیو بریان با لندن و انقره بذریعه نمایندگان خود در این موضوع مشغول بمخابره گردیده است چیزیکه بیش از همه فرانسه و ترك را به تشویش انداخته همانا ارتباط تلزه عمیقی است که بین ایطالی و انگلیس قائم گردیده است چه مدت ها است ایطالی چشم طمع بقونیه وسمرنا دوخته می ترسند در اینموقع اگر اختلافی بین انگلیس و ترك پیش آید و فرانسه از روی معاهده مجبور گردد به راه دادن قشون ترك از شامات انگلیس هم ایطالی را تحریص و تحریك نموده تا حمله بقونیه و سمرنا نماید و اگر فرانسه برخلاف ترك با انگلیسان بسازد و مانع فرستادن قشون ترك بموصل بطریق شامات بشود ممکن است ترکان با شامیان ساخته فرانسه را مجبور به ترك این مستعمره زرخیز بنماید از این است که فرانسه خیلی ساعی است بهر وسیله باشد نگذارد بین انگلیس و ترك در مسئله موصل منازعه پیش آید ترکانهم علی العجاله صرفهٔ خود را در سکوت دیده اقدام مخالفانه نه نموده اند ولی حرف شان تاکنون یك است و میگویند جمهوری ترك موصل را مادة الحیوة سیاسی خود تصور کرده هرگز صرف نظر ازوی نتواند نمود

روس و افغانستان

عاقبت دولت ساویت بتخلیه جزیره متنازعه فیه تن در داده تسلیم نظامیان افغان نموده کمیسیون مختلفهٔ بقرار ذیل تشکیل یافته تا تصفیه امور را بنمایند رئیس کمیسیون از طرف افغانستان آقای میرزا محمد خان معاون وزارت خارجه اعضای کمیسیون آقای حفیظ الله خان و آقای علی اکبر خان از طرف روس رئیس مسیو را اسکول ایکوف وزیر مختار سابق روس در کابل اعضا مسیو ریکس قائم مقام وزیر مختار روس و مسیو شپینکوف جنرال قونسل روس در مزار شریف. از قرائن چنان مستفاد میشود که این کمیسیون به بیعت تصفیه مناقشات سرحدی را خواهد نمود روسیه در مقابل خواهشات افغان بیتوان گفت تا حدی ...

بالتفات و علت هم حالت جنبش اولیهٔ افغانان و نطق مؤثر اعلیحضرت امیر بود چون اعضای کمیسیون مختلط با یک دیگر مربوط و سلوک شان دوستانه است یقین است برای همیشه رفع مناقشات سرحدی خواهد شد میتوان گفت مسئله یکصورت صلح آمیزی اختیار نمود خوف و خطر جنگ که میرفت مرتفع گردیده است

— آقای اعتلاء الدوله سفیر ایران در اول مناقشه کوشش موثرانه نمود و نگذاشت رشته مخابرات دولتین افغان و روس بگسلد و طرفین از اقدامات خالصانه وزیر مختار ایران خوشنود و متشکر آمدند اعتلاء الدوله حسب الامر بطهران مراجعه نمود معلوم نیست خودشان بکابل عودت خواهند نمود یا بجای ایشان دیگری خواهد آمد میتوان گفت اعتلاء الدوله از خود در افغانستان نام نیک گذارده و همیشه در ازدیاد روابط حسنهٔ دولتین ساعی بوده است امیداست خلف ایشان هم که بافغانستان آید مسلک سلف خودرا از دست نداده در ارتباط دو دولت اسلامی همجوار بیش ازپیش بکوشد

شیلات بحر خزر

کمسیون فواید عامه لایحه نمره ۸۹٤٤ را راجع شیلات سواحل جنوبی بحر خزر در جلسات عدیده خود مورد مطالعه و بحث قرار داده و اصلاحاتی که در بعضی مواد آن با موافقت نماینده دولت بعمل آورده تصویب نموده

ماده نهم لایحه از طرف کمسیون رد گردیده مجدداً با اصلاح دیگری که عبارت از علاوه کردن متخصصین ایرانی بر متخصصین روسی باشد رای گرفته شده تصویب گردید مواد تصویب و اصلاح شده در کمسیون تقدیم مجلس شورای ملی ازاین قرار گردید

ماده ۱ — نظر باینکه مطابق فصل ۱٤ عهدنامه ایران و روس مورخه ۲٦ فوریه ۱۹۲۱ باید ترتیبی بین دولت ایران و دولت شوروی روس در باب محصول شیلات سواحل جنوبی بحر خزر داده شود دولت ایران امتیاز صید حرام سواحل مزبوره خود را برای مدت ۲۵ سال بکمپانی مخصوص مختلط سهامی تجارتی که توسط دولتین ایران و اتحاد جماهیر شوروی تشکیل میشود و واگذار می نماید طرفین ایران و روس در کمپانی که بعدها دراین قرارداد باسم (کمپانی مختلط) موسوم خواهد بود سهم مساوی (٥۰ در صد) خواهند داشت

ماده ۲ — مدت اعتبار کمپانی مختلط مذکور در ماده اول این قرارداد و حق استفاده کمپانی مذکور از تمام شیلات سواحل جنوبی بحر خزر ۲۵ سال شمسی تعین می شود

ماده ۳ — برای تنظیم شیلات و برای خرید ادوات لازمه صیادی و برای مخارج بهره برداری شیلات مذکوره کمپانی مختلط تشکیل سرمایه اصلی میدهد که نصف آن را دولت ایران و نصف دیگر را دولت جماهیر شوروی سوسیالیستی تادیه مینمایند مقدار سرمایه مزبور برضایت طرفین معین شده و منجمله از بابت سهم ایران مبالغ ذیل محسوب خواهد شد

«ا» حق سالیانه که از بابت استفاده از شیلات بدولت ایران باید مطابق ماده ٥ این قرار داد تادیه شود

«ب» حق صید سه سال گذشته که مطابق ماده دهم این قرار داد معین میشود

«ج» دارائی راجع بشیلات که سابقا متعلق بشرکاء تجارتخانه برادران لیانازوف بوده و در مقابل مدعی تجارت خانه مزبور بدولت ایران رسیده

ماده ٤ — دارائی راجع بشیلات که طرف روس کمپانی مختلط ازشرکاء تجارتخانه سابق برادران لیانازوف تحصیل کرده است همچنین جزو سرمایه اصلی طرف روس محسوب خواهد شد

ماده ٥ — حق سالیانه که درعوض استفاده ازشیلات برای دولت ایران از طرف کمپانی مختلط معین میشود هشتاد هزار تومان باضافه صدی پانزده عایدات خالص کمپانی مختلط است و وجوه مذکور همه ساله از بابت تادیه سهم دولت ایران در سرمایه اصلی محسوب خواهد شد پس از تادیه شدن سهم مزبور و وجوه مزبوره مستقیما به دولت ایران تادیه خواهد شد

ماده ٦ — اگر مبالغ مذکور در ماده ۳ کافی برای تادیه سهم دولت ایران در سرمایه اصلی نباشد واگر دولت ایران بقیه سهم خود را نقدا نپردازد طرف روس بقیه سهم طرف ایران را تادیه مینماید و طرف ایران در مقابل قسمت سرمایه اصلی که تادیه نکرده است فرع معمول بانك یعنی صدی هشت سالیانه تادیه خواهد نمود تا اینکه تمام سهم دولت ایران در سرمایه اصلی کمپانی تادیه و پرداخته شود

ماده ۷ — کلیه منافعی که از کار کمپانی مختلط حاصل میشود و به قسمت مساوی مابین طرفین که در کمپانی مختلط شرکت نموده اند تقسیم میشود

ماده ۸ — هیئت مدیره کمپانی مختلط که تمام امور کمپانی را اداره خواهند نمود و مرکز آن در شهر طهران خواهد بود مرکب از شش نفر است که بطور مساوی از طرفین یعنی سه نفر از طرف ایران و سه نفر ازطرف روس معین میشود

ماده ۹ — اداره کردن قسمت فنی بهره برداری ازشیلات به متخصصین ایران و روس که در حدود و برطبق

دستور العمل مصوب هیئت مدیره کمپانی مختلط باید رفتار بکنند واکتفا میشود

تبصره - کمپانی محصولات شیلات را به بهترین قیمت در بازار روسیه یا در بازار خارج روسیه بنا برآنکه کدام یك از این دو بازار از حیث قیمت فروش مرجح باشد خواهد فروخت

ماده ۱۰ - درعوض استفاده ازشیلات در سه سال گذشته دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روسیه مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان بدولت ایران تادیه مینماید و در عوض دولت ایران محصول و آلات صید این سه سال را از حقوق گمرک معاف مینماید

ماده ۱۱ - کمپانی مختلط مذکور مطیع تمام قواعد و قوانینی که در ایران برای کمپانی ها و شرکتهای تجارتی و تجارت خانه های ایرانی و هم چنین خارجی باشد و یا در آتیه وضع شود خواهد بود

ماده ۱۲ - کمپانی مختلط محاسبه سالیانه خود را با دولت ایران و دولت شوروی از بابت وجوه مذکوره درمواد ۵ — ۷ این قرارداد منتهی تا ماه سه «برج جوزا» سال بعد تاریخ خواهد نمود

ماده ۱۳ - صید ماهی بوسیله مواد شیمیائی واحتراقیه و یا بوسایلی دیگر از این قبیل اکیدا ممنوع است

ماده ۱٤ - برای اجتناب ازتضییع وقت وجلوگیری از ادامه انهدام شیلات پس از تادیه شدن صدی ۵۰ سرمایه اصلی و اعلان شدن شروع بکار کمپانی مختلط میتواند شروع به بهره برداری از شیلات نماید ولی در صورتیکه طرف ایران سهم خود را در موقع مقرر از طرف هیئت مدیره شرکت مختلط تادیه ننمود طرف روس مطابق ماده ٦ این قرار داد آن سهم را خواهد پرداخت

﴿ حبل المتین ﴾

وقتیکه بمواد قرار داد تجارتی شیلات نظر انداخته آید ظاهراً چندان مضر بحال ایران معلوم نمیشود خصوصاً یکی دو ماده آن که خیلی نافع ظاهر می گردد اول اینکه مرکز این شرکت باید طهران باشد واین یك نکتهٔ اهم اقتصادی است که اولیای دولت پهلوی در هر امتیاز و قرار داد تجارتی باید مدنظر بگیرند مرکز هر شرکت که در ایران واقع شود برای ما منافع عمده تواند بخشود چون در اینموضوع مقالات مخصوصه نگاشته آمده در اینجا از شرح آن صرف نظر میکنیم دوم اینکه سرمایه این شرکت بتساوی قرار گرفته مزیتی بروسیان حاصل نیست وهم چنین سایر مواد آن چندان محل اعتراض نمی باشد ولی چون بنظر دقیقتری در این امتیاز یا قرار داد تجارتی نگریسته آید دیده خواهد شد که سراسر مضر بحال ایران است چه شیلات مال ما و ملك ماست

حتی هم[illegible] انفصال و ا[illegible] [illegible] در حقیقت ما بر شیلات حقی [illegible] و [illegible] قبضه ما بوده و دولت بزرگین خواسته ایا[illegible] ولی بر همه معلوم است که از چندی باین طرف دولت سوسیالیستی جمهوری روسیه دعوی کمك و همراهی بسه ملل ضعیف مینماید و روی بیانات حامی تساوی حقوق بین الملل است [illegible] بوسایط واسامی دیگران نیز ورعیلات ایرانرا [illegible] مداخلت های بیجامی نماید حالا ازروی این قرار[illegible] میخواهد براین ظلم بیحد خود لباس قانونی بپوشاند العمل [illegible] اقای مدرس دکتر مصدق و سائر وکلای حق شناس [illegible] نموده که [illegible] این قصر اساسی آمده از مجلس [illegible] یعنی به این ظلم و زیادتی همسایه لباس قانونی نه پوشانیده اگر دولت روس محتاج بصید حرام ماهی شیلات ایران است می تواند صورت دیگر از در دوستی و معاونه تحصیل کند نه بفشار و سرنیزه باین گونه اعمال لباس عدل و قانون نمی توان پوشانید دولت پهلوی نیز نباید زیربار این گونه اجحافات همسایگان خود برود حالا که این امتیاز یا شرکت لباس قانونی نپوشیده باید دید اولیای دولت ساویت چه مسلکی اختیار خواهند نمود اولیای جماهیر روسیه بخوبی مقتضیات زمان را درك کرده و لزوم اتحاد خودشانرا با ملل شرقیه خصوصاً همسایهٔ مانند ایران بهتر از ما دانسته اند ایران اگر به اصول تعادل و مساوات باشد و روسیان عادت زورگوئی قدیمهٔ خود را ترك گویند بهترین دوست شرقی روس تواند گردید اولیای دولت ساویت باید میل ملت ایرانرا بطرف خودشان از اینکه استنباط کنند که ایران اول دولتی بود که حکومت ساویت را برسمیت شناخته است

مسئله انصاب مال التجاره ایران در روسیه و عدم مبادله و بروات خسارات هنگفت تجار ایرانی که بنازکیهو ... اختیار نموده موقع مهمی برقبای روس در متمایل ساختن دولت ایران بخودشان داده و میدهد و ما چون از روی اصول طبیعی وروابط سیاسی و اقتصادی مملکتین ایران و روس را قائل ایم اولیای جماهیر روسیه را متذکر می شویم که اینگونه اقدامات بزیان این دو مملکت تمام شده و بر نفرت ملتین از یکدیگر هم تواند افزود از اینگونه اقدامات هرقدر که به ایران نقصان وارد آید بروسیه هم وارد می شود فرق این است که روسیه چون پر طاقت است تحمل اینگونه نقصانات را زیادتر می تواند بنماید ولی از طرف دیگر زیان سیاسی اش برای روس بلکه آینده شرق زیاد است [illegible] اولیای جماهیر روسیه اینگونه دقایق رادر نظر [illegible] کنانره روابط [illegible] قطع و [illegible] این دو مملکه [illegible] یکدیگر [illegible] [illegible]

صاحب الامتیاز و مدیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعهٔ حبل المتین نمره ۵۸ بقتل روڈ طبع [illegible]
و از نمره ۱ - ۹ مکرر [illegible]

حبل المتین مجاناً باحدی داده نمیشود
از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
(مقدم گرفته میشود)
روز نامه مقدس

[حبل المتین کلکته]
(۱-۹ نکلود استریت)
مطبعه امور با
[مدیر کل]
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[مدیر الیاس ... مؤید زاده]
[نظام ... است]
هفته دو شنبه ها طبع و سه شنبه
توزیع میشود

قیمت اشتراک
سالانه — ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه — ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران — ۳۵ قران
(ممالک سایره)
(سالانه)
[یك و نیم لیره انگلیسی]

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۱۰ خرداد ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۱۹ - ذیقعده سنه ۱۳۴۴ هجری
مطابق با یکم جون سنه ۱۹۲۶ میلادی

قوام الممالك العدل

امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام می فرماید قوام الملك العدل وقتی که بدقت در سبب عمران و آبادی اروپا نظر انداخته آید دیده خواهد شد که رکن رکین آن همانا بسط عدالت است و باید گفت که اروپائیان این موضوع اهم را از مسلمانان گرفته چه وقتی در اساس عدالتخانه های آنان بنگریم دیده خواهد شد که همان عدالتیست که صاحب اسلام بمسلمانان دستور داده عدالت چیزیست که طبعاً سبب امنیت میگردد عدالت تجارت‌را رونق میبخشد عدالت زراعت را توسعه میدهد ارکان اربعه سعادت بشری همه درعدالت موجود است صاحب شریعت که بقای ملك را که بعدل فرموده معنی اش آنست که مملکت بدون عدالت دارای عمران و آبادی نتواند شد چه اگر عمران وآبادی نباشد بقا وثباتی برای آن ملك وملت پیدا نتواند آمد پس اگر ما میخواهیم مملکت مان عمران پذیرد شهر های مان آباد شود توسعه در زراعت و صناعت ما پدید آید تجارت مان رونق گیرد قبل از همه چیز باید عدالت را بسط دهیم معنی بسط عدالت این نیست که یکمشت کتاب قانون ترجمه و برخی عدالت خانه های ناقص ایجاد گروه جمعی از اشخاص بیکار را بنان رسانیم باید در بسط عدالت اصولی اتخاذ شود که از قاضی عدالت گرفته تا برسد بفراش عدلیه نتواند دیناری اجحاف و زیادتی نماید و باید در مقابل عدالت امیر لشکر و وزیر جنگ و والی ایالت باحمال و کرجه سر گذر یکسان دیده شوند اگر چنین عدالتی پدید آمد آنوقت جهت ... سعادت برای آن ملك و ملت پدید آمده است و رکن رکین بسط عدالت همانا اجرای قوانین جزای عرفیه درمملکت است بزرگترین ترس برای کافه متجاوزین و صاحبان قدرت اجرای قوانین جزای عرفی است در مملکت هندوستان بعض بزرگترین قضاة قاضی های عدالت العالیه اند ولی آنها نیز در مقابل قوانین جزای عرفی مانند بید بسر خود لرزانند چند ماه قبل یك از قضاة عدالت العالیه کلکته که اسمش (جستس پیج) است یك از مامورین بلدیه که مالیات مقرره خانه او را طلب می نمود بی احترامی کرده مامور بلدیه فوراً بمحکمه جزای عرفی شکایت برده بدون درنك احضار نامه داده شد بدواً خود حاضر نیامده بوکیل خود اختیار داد تا مدافعه نماید چون باید ملزمین قوانین جزای عرفی شخصا حاضر شده جواب گویند وکیل وی پذیرفته نیامد عاقبت راهی پیدا نموده جواب کتبی را داده انکار از توهین بمامور بلدیه نمود و بینه نیز بر مدعای خود حاضر ساخت و خویشتن را بدین وسیله از چنگال قوانین جزای عرفی نجات بخشود در حقیقت در مملکتی که قوانین جزای عرفی بدون استثنا و تبعیض جاری نباشد ولو هزار عدالتخانه های حقوقی داشته باشد بسط بعدالت نتواند داد

عدالت در یك مملکت پهن ودر یك مملکت عمومی نگردد جز در سایه قوانین جزای عرفی امروزه میتوان گفت که عدالتخانه های هندوستان نسبت بعدالتخانه های اروپ درجه سوم را دارد مع ذالك کلیه اعیان و جمیع زبردستان از خوف قوانین جزای عرفی مؤدب وبا تهذیب و اخلاق دیده میشوند بزرگترین علمای روحانی در مقابل قوانین جزای عرفی

ناچار الله سر تسلیم خم داشته باشد چه در موقع محاکمه همان مقامیکه حال استاده اونیز باید بایستد و آنچه ازوی سوال میشود بدون کم و زیاد باید جواب گوید چه اگر به ثبوت بپیوندد که دروغ گفته مبتلای بسزای چندین سال حبس میگردد چه در بدو بیان و استنطاق او را قسم میدهند که در این معامله دروغ نگوید وچیزی را مخفی نگذارد و اگر دروغ گفت و بعداً ثابت شد چه بر خلاف قسم خود رفتار کرده از سه تا هشت سال سزای حبس می یابد معلوم است که هیچ کس در مقام بیان و استنطاق جرأت نمی کند دروغی را گوید که ثبوتش برای مدعی ممکن باشد قوانین جزای عرفی است که اروپائیان را مهذب و متمدن و با اخلاق جلوه گر ساخته است اگر قوانین جزای عرفی در مملکت ایران جاری گردد هرزه درائی و فحاشی که یك از اخلاق رذیله عمومی بشمار آمده بسرعت رفع میگردد دیگر آقا نوکر خود نمی تواند دشنام دهد چه اگر دشنام داد فوراً بمحکمه قوانین جزای عرفی عارض شده آقا را با نوکر یك جا وا داشته تحقیق کنند و اگر ثابت شد آقا بر حسب قانون سزا می یابد آن سزا هم بر سه قسم است یا حبس است یا جریمه یا هر دو و هر کس ولو والی ایالت یا وزیر عدلیه باشد یك پول و یا یك ساعت محکوم قانون جزای عرفی آمد از جمیع حقوق شرفی محروم و از نوکری دولت مادام العمر خارج میگردد چنین شخص نمیتواند وکیل مجلس گردد در اداره بلدیه شامل شود و یا در سائر کار های شرفی ملی شامل آید معنی اش اینست که کسی که در محکمه قوانین جزای عرفی محکوم شد دارای شرف و اعتبار و عزت نیست چنین شخص قابل خدمات دولت و ملت نمی باشد معلوم است هیچ عاقلی در مقابل چنین عدالت حقه حاضر نمیشود مرتکب هیچگونه جنایتی که سبب محکومیت وی گردد وهمین نکته است که اهالی ممالکی که در آنجا بسط عدالت است متمدن و مهذب جلوه می نمایند و بهمین سبب است اهالی آسیا خصوصاً ما ایرانیان را نیم وحشی یا بعبارت پر نزاکت نیم متمدن می نامند و بهمین واسطه است که ایران هر روزه رو بویرانی گذارده مملکتی با آن آب وهوای لطیف و با آنهمه نعمتهای گوناگون بصورت خرابه زاری در آمده است

پس کسانیکه میگویند ما طالب عمران مملکتیم ومیخواهند که ایران آباد گردیده زراعتش وسیع و تجارتش بسیط گردد و اهالی اش ازاین فقر وفلاکت امروزی بیرون آیند باید با تمام همت وجهد اول قدمیکه بر میدارند برای بسط عدالت در مملکت باشد ورنه تمام نقش بر آب یا بعبارت ساده ترخود ملك را گول میزنیم بدون عدالت ایران آباد نخواهد شد و اول قدمی که برای بسط عدالت برداشته آید همانا اجرای قوانین جزای عرفی است ورنه هی قانون بنویسیم وهی کتابچه پر کنیم ذرهٔ هم در امور ملك و ملت پیشرفت نخواهد شد اساس اجرای جمیع قوانین ملکی بسط عام قوانین جزای عرفی است جمیع قوانین باید در سایه اجرای قوانین جزای عرفی دائر گردد فرضاً فلان شخص از حکم عدالت حقوقی تمرد کرد جز مراجعه بمحکمه جزای عرفی چه چیز اورا تادیب تواند نمود مامورین مالیه که رعایا زیادتی کند جز مراجعه بمحکمه جزای عرفی چه چاره دارند فلان سرهنك و سرباز اگر برعیت اجحاف نمود چه چیز اورا تنبیه می نماید همان قوانین جزای عرفی است در حقیقت سکان چرخهای ترقی یك ملك و ملت همانا محکمه های جزای عرفی است و قاضی آن محکمه مجبور است بر حسب قوانین که در جلو او گذارده شده ملزم را محکوم سازد

ضمناً هم از بیان این نکته ناچاریم که امنای مملکت باید خویشتن را در اجرای قوانین محاکم عدلیه خصوصاً محکمه های قوانین جزای عرفی مجبور دانند مثلا امروز اگر یك از محاکم قوانین جزای عرفی کسی را به حبس یك سال یا یك روز محکوم ساخت و آن شخص فرار نمود ولو اینکه هزار فرسنگ شود و یا صد هزاران تومان خرج تعلق گیرد مامورین دولت موظف اند که شخص محکوم را بدست آورده بسزای محکومیتش برسانند و تا چنین نشود مردمان سرکش طاغی یاغی سر تسلیم در مقابل احکام قوانین جزای عرفی خم نمی نمایند ازین روهر صاحب قوتی هم که محکوم قوانین جزای عرفی شد ولو هر قدر دارای ثروت و اقتدار باشد در مقابل آن خویشتن را ناچار بتسلیم می بیند البته یك راه قانونی برای او هم هست و آن راه استیناف به محاکم بالاتر تا برسد به محکمهٔ تمیز است

در جرائد دیده میشود که قوانین جزای عرفی از مجلس گذشته و عنقریب بموقع اجرا خواهد آمد معلوم است که تمام ملت ایرانیه از ذات ملوکانه پهلوی همین امید را داشته و دارند که اقداماتی ملك و ملت پرورانه شان اساسی باشند و بر در و دیوار بی شالوده نقش ونگار نگردد عمران مملکت بسط عدالت لازم دارد عدالت خانه ها هم قوه مجریه میخواهند تا هر حکمی که صادر شود بلا تامل و تاخیر بموقع اجرا درآید باید گفت بسط عدالت در مملکت با توسعه قوه مجریه باید توام باشند ورنه بدون قوه مجریه عدالت خانه ها بیشتر سبب بی انتظامی و خرابی کارها توانند گردید باید قوانین جزای عرفی همان قسم که در

طهران جاری باشد در آخرین نقاط سرحدی هم جاری شوند ورنه بلا تبعیض در کار آید اگر تبعیض شخصی نباشد تبعیض نوعی خواهد بود همان قسم که دیده میشود که امروزه اهالی پای تخت دارای همه چیز هستند ولی سائر ایالات و ولایات کمتر تا برسد به قصبات دارای هیچ نیستند اگر ذات شاهانه موفق شوند و ثانیاً هم خواهند شد که قوانین جزای عرفی را باقوه مجریه حتی درزوایای مملکت هم بسط دهند خدمات شان دراین آب وخاک از انوشیروان کمتر نخواهد شد چه بسط عدالت انوشیروان در آن دوره اقتضای دیگر داشت ودر این زمان مقتضیاتش همین است که ذکر نمودیم

اینکه میگویند ما قضات خوب نداریم غلط است قضات خوب نخواهند شد تا قوانین جزای عرفی دائر نگردد و قوه مجریه با او توام نشود و اول قدمیکه برای عمران و آبادی و رفع فقر اهالی برداشته شود باید همین قدم باشد ورنه روز بروز عقب تر خواهیم رفت و مملکت مان ساعت بساعت رو بویرانی خواهد نهاد با آنهمه ترقی که در این مدت پنج ساله پهلوی ایران نموده اگر سر شماری صحیح داشتیم معلوم میشد که یکقدم هم مملکت رو بعمران نگذارده یعنی نفوس اهالی رو بازدیاد نه نهاده چرا چنین شده برای اینکه بسط عدالت در مملکت داده نه شده وکلام مولی الموالی را فراموش نموده ایم

بازهم درختم این مقال همان کلام معجز شیم را تکرار نموده میگوئیم -

(قوام الممالك المدل)

مسجد و بتکده

(۵)

مناقشات مسجد و بتکده یعنی مشاجرات هندو و مسلمان اگرچه ظاهراً در کلکته رو به کاهش و کمی است ولی اثرات منافرت و ضدیت این دو فرقه همه روزه در ازدیاد و فزونی دیده میشود و این نکته ظاهر میدارد که امنیت کنونی کلکته بواسطه حسن انتظام پولیس و قوای مجریه است هنوز اخباراتی که از اطراف میرسد وحشتناک و خیلی مورث نگرانی میباشد

«باسره» که مزار غازی مبارك شاه و یك از اماکن است که مسلمانان از اطراف و اکناف بنگال هر شب جمعه در انجا گرد آمده مشغول راز و نیاز می گردند - مزار مذکور تا کلکته بین شش و هفت فرسنگ است و هر شب جمعه قطار مخصوص راه آهن که مملو از مسلمانان باشد بدان سو رهسپار میگردد در ایستگاه «سونا پور» پنج نفر از بنگالیان هندو نیوهاری ناربنگی به قطار راه آهن یر تاب کرده شش نفر مسلمان مجروح و یك حصه از اطاق راه آهن نیز خراب گردیده عجب تر اینکه تاکنون یك از مرتکبین را هم پولیس گرفتار نکرده است باوجود اینکه پولیس راه آهن در اطراف این قضیه مینویسد و رای میدهد که این واقعه پلتیکی بوده است گویا غرض پولیس اینست که این واقعه برخلاف مسلمانان پیش آمده بر علیه حکومت نیست مسلم است که اینگونه پیش آمدها عاقبت بسیار وخیم دارد و اگر بسرعت جلوگیری نشود امروز نه فردا مسلمانان هم مقابله بمثل نموده اندك اندك جنك هندو و مسلمان صورت دیگر اتخاذ خواهد کرد و این صورت خیلی مهیب تر از صورت اول است و عاقبت این صورت ممکن است رنك پلتیکی اختیار کند چه تاریخ سازان بنگالی آنچه به تحقیق پیوسته تاامروز تمام مخالفین حکومت بوده اند

موعد نمایش مذهبی دیگر فرقه هنود در رسیده که باید از جلو همان مسجدیکه بدواً اسباب نزاع هندو و مسلمان شده بود بگذرد هندوها برخلاف اجازه نامه که از پولیس گرفته تهیه و تدارك دیده و بجای هفتاد و پنج نفر بیش از شش هزار نفر اجتماع کرده بودند و مسلمانان نیز دو برده باسم نماز در مساجد زیاده بر معمول اجتماع داشتند از اینرو پولیس صلاح ندیده که بیرون از جلو مساجد این نمایش بگذرد و از صاحبان نمایش خواهش کرده است که راه خویش را تغییر داده تا اسباب خوف و خطر مرتفع باشد هنود امتناع ورزیده نمایش را متروك داشته تنهای بت های را آورده که در دریا غرق کنند غیرت شان نگذارده که اورا بر مرضی حکم پولیس حرکت دهند و میگویند مذهب شان هم اجازه نمیدهد که بتهارا بنقاط اولی باز گردانند ازین رو درمیان خیابان بت ها را بخدا سپرده بی یار و مددگار رها کرده راه خویش گرفتند پولیس بر حسب قوانین جزای عرفی انان را خبر داد که اگر پنج دقیقه از وقت اجازه نامه که در دست دارند بگذرد وخیابان وراه عبوروعبوررا صاف نکنند بت ها را شکنده خاك انها را بهیکو خواهند ریخت و بر صاحبان نمایش بر حسب ماده ۱۴۴ مرافعه دائر خواهد ساخت هندو ها که زمین را سخت دیده سپر انداخته راه ها را صاف و بت ها را بجا های اولیه باز گرداندند

در تالار ملی کلکته هندوها مجتمع پروتست [اعتراض] کرده بدواً خواستند اعتصاب نموده یعنی از کار های معموله دست بکشند فعلا بهمان اعتراض قناعت ورزیده تا بعد چه پیش آید و بمقامات مربوطه تلگرافات عدیده مخابره مینمایند

از همه بالاتر اینکه در ۱۸ میلی کلکته «دیوهتی»

بین هندو و مسلمان بیران جنك بالا گرفتـه از طرفین ۲۹ نفر مجروح آمده اند ظاهر است که این پیش آمدها آتیه خطرناکی را نشان میدهد ولیکوان اطمینان و اعتماد بامنیت موقتی کلکته حاصل نمود خوبست که حکومت بنگال هر قدر زود تر ممکن شود برای رفع این مناقشات قانونی وضع نموده طرفین را مجبور بر قبول سازند ورنه خود بخود هندو و مسلمان رفع این مناقشات را نتوانند نمود عیب کار اینجا است که امروزه در بنگال بلکه کلیه هندوستان نه در هندو و نه در مسلمان قائد مسامی دیده میشود این قایدین تازه و نو رسیده مانند عاشه های خود رو یك روز بلند میشوند و روز دیگر شاخ و برگ و ریخته با خاك یکسان میکردند عدالتخانه های کلکته هم سخت مشغول به مرافعه ملزمین هندو و مسلمان است و از طرفین هم برای ملزمین اعانه جمع شده جیب و نلا وکلاء عدالت خانه ها خوب پرشده و غیر از این هم چاره نیست گاهی هندو می نالد وقتی مسلمان ولی روی هم رفته مسلمانان بیشتر گرفتار و سزا یافته اند علتش هم اینست که مسلمانان کمایلیق بواسطه قلت سرمایه نمی توانسنتد و نمی توانند پیروی کامل از مرافعه جات عدالتی بنمایند یعنی این قدر سرمایه نداشته و ندارند که وکلاء بزرگ را از طرف خود معین کنند و بهمین سبب مسلمانان بیشتر سزا یافتـه و حالانکه کمتر قصور داشتند الزام را هم بعدلیه نتوان داد چه اصول عدلیـه همین است وکلاء بزرگ بهتر مطالب را بحکام میتوانند فهماند و نکوتر استنطاق میتوانند نمود و ما مثل سائرین نمیکوئیم که سزایابی مسلمانان بیشتر از اینست که وکلاء بزرگ همه هندو و حکام جلیل القدر هم غالب از آنها است

چیزیکه مزید خوف و هراس برخی امنیت پسندان گردیده همانا رسیدن عیدالضحی است چه هر ساله هندوها در این موقع خیلی برخلاف مسلمانان جنش می نمودند امسال بواسطه این پیش آمدها بیشتر محل خوف است البته حکام هم این نکته را بخوبی میدانند و پیش از پیش تدارك خواهند نمود ما مسلمانان را توصیه می نمائیم از حد اعتدال خارج نشده اوامر حکومت و مامورین اورا کاملا اطاعت کرده بحقوق دیگران هم تجاوز نکنند

تلگرافات اخیره می رسانند که بیران جنك هندو و مسلمان کم کم دائره اش وسیع آمده بممالك متوسطه هند سرایت کرده است و در سعادت گنج شهر لکهنو بین هندو و مسلمان زد و خورد شده میکویند سه نفر مسلمان مقتول و هفت نفر مجروح آمده اند و علت این بوده که در پارك امین آباد که مسلمانان از قدیم الایام نماز میخوانده هندوها مانع شده کار بزد و خورد و قتل و جرح کشیده است

انقلابات سیاسی مصر

هنوز حکومت تازه مصر کمر خودرا از زیربار اطاعت و انقیاد راست ننموده و کاملا آزادی او تسلیم نشده مبتلا بتهدیدات غیلانی و فشار زیر دستی آمده است زغلول پاشا که مسلك اش آزادی سودان و تخلیه قشون انگلیسی از سویس کانال و واگذاردن محاکمه و محافظه خارجیان مصر بحکومت مصریه است مجدداً بروی کار آمده پیروان زغلول در پارلمان غلبه سه بر یك حاصل نموده و چون زغلول پاشا امتناع ورزیده است که توام با عدلی پاشا کابینه تشکیل نماید انگلیسان شورش افکنده مصر را تهدید می کنند و علناً مینویسند که پنجه آهنی انگلستان از مصر مرتفع نتواند شد و کانال سویس از قشون انگلیسی تخلیه نتواند گردید و اگر حکومت مصر مسلك متمولانه اختیار نکند بجای هم زبان خواهد برد یا منزا تر اینکه جراید انگلیسی از روی تاریخ میخواهند ثابت کنند که ملت مصریه ذاتاً قابل آزادی نیستند و از دو هزار سال بابین طرف تحت قیمومیت دیگر بوده حالا هم باید باشند میگویند اگر امروز انگلستان پنجه آهنی خودرا از روی مصر مرتفع دارد فردا یك غنیم خارجی دیگر بر مصر مستولی می آید پس فردا دولت ثالث بمیان افتاده خطه مصررا میدان جنك قرارداده امنیت شرق و عرب را متزعزع خواهد داشت ازین رو صاف ظاهر نموده که انگلستان مصر را تخلیه نخواهد کرد و محافظت کانال سویس هم همیشـه با دولت انگلیس خواهد بود

کابینه انگلستان تا نیمه شب در موضوع مصر مشغول مذاکره بوده مستر چمبرلین تعلیمات لازمه بافسر عالی انگلستان در مصر داده است ـ جراید انگلیسی می نویسند امروز انگلستان دارای یك حکومت قوی است که مسلك آن در موضوع مصر بر احدی پوشیده نیست فعلا یا باید زغلول در مسلك خود نرم شود و یا حکومت مصر پارلمان کنونی را بیك صورت قانونی منحل سازد چه مسلم است حکومت مصر نمی تواند در برخاش دولت انگلیس تحمل ورزد

ذات ملوکانه توجه فرمایند

(چه گفته اند مادر را دل سوزد و دایه را دامن)

اگرچه اولیاء دولت را القدر عاطفه نیست که که باین حقایق ترتیب اثری داده با نظریه عمیقی باصل قضیه مراجعه و از تکرار این قبیل حوادثات سوء اساساً جلوگیری کنند و در واقع ریشه فتنه وفساد را از جوهر برای همیشه از بیخ و بن برکنند چه که وقوع این قضایا درجوهر تازگی نداشته و بار اول هم نیست که حقیقت امر بانظار مشتبه و مشکوك باشد امروز دیگر

مسئله بمثل آفتاب روشن و جای تردید برای احدی باقی نمانده از خواص گذشته عوام هم تا درجهٔ احساس نموده اند (که جهرم بلاگردان ابواب جمعی است و نوعاً بزرگترین قضایائی که در قصبه اتفاق میافتد از این دو ناحیه خارج نیست)

تصریح میکنم این قضیه مربوط بمسئله مسامانی یا بهائی نیست بل از رشحات دوسیاست متضادی است که تقریباً از شانزده سال باین طرف سالی یکی دوبار با اغراض شخصی باسم واقعات محلی اجرا و هر روزی بمقتضیات امروز باسم وبهانه اتش فساد مشتعل و جمعی بیگناه را بخاك هلاك می افکند

بنا بتحقیقی که اهل اطلاع نموده اند دراین مدت چند ساله اخیر عده مقتولین جهرم و قربانیان این دو سیاست مشؤم به چهار هزار نفر بالغ است

باوجود این جای تاسف اینجاست که تا امروز از طرف اولیاء دولت هیچگونه اقدام اساسی در مورد جهرم بعمل نیامده بلکه بعکس وقوع این گونه قضایا را خیلی بطور سردی وسطحی تلقی نموده اند ، دیروز بود که اتریکات همین اشخاص بدست همین مفسدین محلی و فتح الملك حکومت جهرم را علنا در بند نموده متعاقب ان یك مشت مردمان بیگناه را کشتند خانه و لانه یکدیگر را خراب و اتش زدند ولی احدی مورد سوال دولت واقع نگردید جزاینکه مفسدین بحال خود مرفه الحال مانده جمعی کسبه و رنجبر را تا مدتی تحت فشار در آوردند

حالاهم مهم ترین اقدامی که ممکن است ازطرف دولت راجع باین قضیه بعمل آید گسیل یکعده نظامی است بجهرم و قصبه را برای مدتی اهالی بیچاره جهرم را عموما تحت مضیقه در آورده حق و ناحق بهروسیله ممکن است ظلم و اجحاف خواهند کرد

در اینجا مختصری از اوضاع سیاسی و موقعیت جهرم و وضع زندگانی مردمان انسامان که راجع باصل قضیه ما نحن فیه است تشریح میکند

در قدیم جهرم یکی از شهرهای عمده و آبادی های مهم فارس بشمار بوده همچنانیکه یگانه فیلسوف شهیر و محیی تاریخ قدیمه ایران یعنی فردوسی علیه الرحمه بدان اشارت کرده محتاج بدلیل دیگری نخواهیم بود و حالیه نیز یکی از قصبات بزرگ فارس وبفاصله ۲۷ فرسنگ درسمت جنوبی شیراز متمایل بشرقی در حلقه متوسطی قریب بدامنه کوه مرتفعی واقع تقریباً دارای پنج هزار و ششصد خانوار بعبارت ۱۲ محله بیست وپنج هزار الی شش هزار جمعیت است

آب و هوای قصبه نسبت بنقاط گرمسیری بدرجه اعتدال فصول اربعش مرتب و قابل تربیت مطلق میوه جات و مرکبات است از انجمله درخت ناغچه اشجار ومیوه جات گرمسیری و سردسیری امثال پسته وگردو وخرما ولیمو که هریك به آب و هوای مختص است در انجا مجموعاً برشد طبیعی رسیده بخوبی ثمر میدهد محصول و صادرات عمده اش عبارت ازخرما ملکی و تنباکو حکان که بممتازی مشتهر است این محصولات تا درجه رفع احتیاجات اهالی را میکنند

اشغال وحرفت مردمان - معدودی خورده ملاك وتاجرند ما بقی کسبه و ملکی دوز و رنجبر اند

کاروصنعت زنها غالبا بافتن رودہ ملکی وجوراب وخیاطی است با همه بی علمی عادت به تنبلی وبیکاری نکرده و اینقدر طبعاً احساس نموده اند که زنها هم باید درترتیب امور زندگانی مشارکت کرده بیکار نه نشینند خلاصه عفت وعصمت و دل آوری زنان جهرم محتاج بتوصیف نیست مخصوصاً در اداره کردن خانه وظرافت منزل و طبخ انواع اغذیه و اشربه و شیرینی آلات خیلی ماهر اند

اساساً مردمان قصبه خیلی بی بضاعت وفقیر وقانع و مستغنی الطبع اند مثلا اشخاصی را که با منتهای اقتصاد و زحمت زیاد میتوانند از محصول خود اعاشه کنند از جمله اعیان و آقایان محل محسوب اند منتها تمرکز ثروت در یك خانواده از بیست هزار تومان تجاوز نخواهد کرد چنین اشخاص را صاحب هستی و متمول حسابی میشمارند

معارف و اخلاق مردم - اهالی جهرم بمقتضی معارف هردوره رغبت تحصیل داشته همچنانکه غالب اشخاص را که لقمه نانی دارند اطفال خودرا پس از فراغت مکتب خانه ها بتحصیلات علوم قدیمه وادار میکنند و علی الاکثر اهل ذوق و با هوشند ولی متأسفانه بواسطه عدم وسایل اوقات خودرا ببطالت و خرافت مصروف میدارند

احساسات انها - مردمان جهرم اصلا خون گرم با حرارت مزاج وحاضر ازبرای قبول ظلم نیستند باوجود هرج و مرج ولامرکزیت سنوات اخیره ایران هیچ وقت در اداء مالیات و اطاعت دولت سرپیچی ننموداند

وضع لباس و آداب انها - بقسمت اکثریت ایران شبیه تر است تا اقلیت یعنی این طور تمدنی [illegible] امروزه در ایران رواج یافته که فقط عبارت از تغییر فرم لباس و تبدیل رنك و رخسار و مقار که از برخی اخلاق جمیله ایرانیت است قائل نیستند چیزی که هست تادرجه درلباس متعصب اند چنانچه کسی سر را ماشین زده والبسه غیرمرسومه بپو شد مورد سوء ظن واقع است این مسئله تنها اختصاص بجهرم نداشته و

در سایر نقاط نیز مصطلح است نظیر این خرافات بین ایرانیان مقیمین بمبئی هم رواجی دارد مثلا ملبسین کلاه ایرانیت که عبارت از ماهوت ساده و قسمت عمده کلاه امروزی ایران را تشکیل میدهد بلاشک بهائی خوانند ولی در مسلمانی بعضی که فرق خودرا شانه و زینت میدهند شکی نخواهند برد

موقعیت سیاسی - جهرم از نقطه نظر سیاست داخلی برای دولت بی اهمیت نیست زیرا قصبه بین جمعی قوام و متصل بخانه قشقائی واقع است اگر خدا کرده اراده دولت بمداخلت مستقیم این دو جمعی قرار گیرد از هر حیث جهرم قابل مرکزیت است چنانکه در قدیم بوده

در تاریخ معاصر سی چهل سال قبل دایره خاك جهرم بسیط تر و آبادیش چند برابر حالیه بوده تا اموقع وسعت خاك جهرم بطول ۳۴ و عرض ۲۴ فرسنگ امتداد داشته بلوکات عمده ان از قبیل بلوك خفر کارزین صیمکان فیروز آباد وغیره تحت حکومت محلی جهرم اداره میشد خوانین محلی که الان اصل انها منقرض است بمقتضیات الدوره یا این دوره بطور توارث و تناسل در قصبه و بلوکات حکمرانی داشته ولی بالاندازه بطور رافت و مهربانی اسا مردم سلوك و سازش مینمودند که در اواخر هر سال و موقع پرداخت مالیات بکسر عمل دو چار آمده مبلغی از جیب خود بدولت می پرداختند و بلب آسایش و رفاهیت اهالی رضا نمی دادند در این نتیجه خوانین منحل حکومت جهرم پی در پی بنای تغییر و تبدیل گذاشت بلوکات مزبوره تا حدی که قرب جوار ابوالجمعی قوام داشت مومی الیه تا اندازه که بخانه قشقائی ممتد بود خوانین قشقائی ضمیمه جمعی خود قرار دادند تنها قصبه را بچند نقطه نظر سیاسی که از نظر خواص مستور نیست مختلف فیه گذاردند

تا انوقت هیچیك از این دو خانواده در امور سیاسی جهرم ذیدخل نمی شدند تا دوره دسته بندی و پشت هم اندازی شروع جهرم هم یکی از مراکز حوزه های انتخابیه گردید در این وقت دخالت خود را امر غیر مستقیم لزوم دیدند نظریه سیاسی قوام الملك در قصبه توسط حاجی محمد حسن نظیر آبادی که یکی از مهمترین خادمین او بود انجام میگرفت و میتوان گفت تخم فساد و نفاق که تا آنوقت بکلی درجهرم سابقه نداشت ان خدا بیامرز بین اهالی باشید چنانکه وقوع قضایای امروزی مجموعا نتیجه مزروع و دست رنج اوست و نیز مجری سیاست قشقائی یکی دو نفر کلانتران محلی بودند در این مدت متمادی هر دو آقایان بمقتضی اوقات استفاده های سیاسی از قضیه

می نمودند ولی در پرده تا دو سال قبل بوقوع قضیه قتل الممالك پرده از روی کار برداشت و مسئله تنها علنی گردید

لاچار آمرین فتنه آتشی را که بدست خود افروخته پس از حصول نتیجه درصدد اطفاء آن برآمده بدست خود زیر رماد پنهان نمودند یعنی علی الظاهر بین مفسدین محلی تصالح و موقتا فتنه را خاموش کردند تا امروز انتریك صولت الدوله بدست اغراض شخصی سید عبدالرحیم (باصطلاح کلانتر یا باکار علم گوشك) دوباره آتش فساد را مشتعل جمعی بیگناه را بشهادت کشتند ولی مقصودشان بعمل نیامد یعنی دو نتیجه که منظور نظر شان بود هیچکدام حاصل نگردید

بهر تقدیر من وضعیت کنونی جهرم را خیلی دهشتناك و مالاً وخیم و محتاج بجلوگیری اساسی می بینم یعنی اگر دولت مایه فتنه و فساد را از جهرم دور و منتزع نکند و مثل سایر اوقات بسکونت فتنه قناعت فرماید طولی نمیکشد که بهمین اسم یا بلباسی دیگر معرکه غلیظ تر خواهد شد

آخر بطوریکه سراغ دارم غالب مقتولین طرفین کثیر الاولاد و دارای ۸ الی ۱۰ پسر رشید و جوان میباشند معامله که با پدر یا برادرشان کردند اغلب بچشم خود دیده یا شنیده اند بحس وجدان خوانندگان میگذارم

اوضاع کرمانشاه

(معارف)

کرمانشاه اگر چه مانند سایر شهرهای ایران مرکز خرافات و جهالت بوده ولی با هوش فطری مردم این سرزمین و مخصوصاً در نتیجه خدمات بعضی از عناصر جدی که از ده سال قبل در کرمانشاه ظهور نموده اند مسئله معارف آن تا اندازه مورد اهمیت است تقریبا در ۲۰ سال قبل یکی دو مدرسه در کرمانشاه وجود داشته که روی هرفته خدماتی کرده اند اول مدرسهٔ بود که جناب آقا حسینعلیخان مهندس در کرمانشاه تاسیس نموده اند این مدرسه در زمان استبداد درمدت کمی قابل تر قوات زیادی شده از جمله عده شاگردان (انی فروم) داشته که مشق نظام می نموده اند علاوه بر این السنه عربی و فرانسه هم در ایسن مدرسه تدریس شده است از اشخاص معارف پرور آن دوره که هنوز هم بدون اجر و مزد و فقط افتخاری خدمات خود را ادامه داده آقا محمد مهدی کارزونی معتمد التجار است و می توان گفت قسمت عمده ترقیات معارف کرمانشاه از وجود ایشان بعمل آمده است باری این مدارس بواسطه انقلابات مشروطه وغیره ازبین رفته و تقریبا دو چهارده سال قبل آقای میرزا حاجی آقا

مدرسه دولتی را بمدیریت شخص لایق خود تاسیس و ازان بعد مدارس ملی دیگر مانند محمدیه بمدیریت آقا میرزا نصرالله وغیره تاسیس گردند از میان همه اینها مدرسه دولتی از حیث نظام و ترتیب وعده شاگرد سایرین رجحان داشت بی مدرسه ابتدا شش کلاسی و اولین دفعه در کرمانشاه عده ای تصدیق ازان بیرون آمده اند و ژیمناستك تا اندازه در این مدرسه موجود تا آنجا که اقتضای وقت اجازه میداد ورزش بدنی رواجی داشت

مدارس فوق الذکر عموما ملی وبا بودجه خود اداره میشدند بدین جهة موفق نشده بودند که معلمین لایق بیاورند در آن وقت اداره معارف هم درکرمانشاه به ریاست مرحوم مزین الممالك (ایوب خان زنگنه که موسس حقیقی معارف کرمانشاه بشمار میرود و تا ابد معارف غرب رهین روح پاکش خواهد بود تشکیل مدارس ملی عموما دولتی شدند از اقداماتی که در زمان آن مرحوم بعمل آمد قرار داد عواید نواقل وغیره برای معارف و تکمیل وسایل ژیمناستك و بالا تر از همه اقداماتشان آوردن آقای آقا میرزا تقی خان رهبر جهت مشق نظام وتعلیم ورزش بدنی آقای آقا میرزا تقی خان لیز یکی از جدید ترین اشخاصی است که در معارف کرمانشاه ظهور نموده و خدمات صادقانه خود شان را هنوز هم با یك عزم خستگی نا پذیری ادامه میدهند افسوس که بواسطه غرض رانی بعضی از مفسدین مرحوم مزین الممالك مجبوراً ازکارکناره جست و عوض ایشان سید عبد الرحمن خان بریاست معارف انتخاب و از کار های ایشان همینقدر کافی است که کلاسهای متوسطه را از میان برداشته و بعضی از عناصر معارف پرور را رنجانید

و در تمام مدت ریاست آلت مضحکهٔ بیشتر نبود ولی از آنجا که در پایان هر راهی گنجی میسر است پس از رفتن ایشان نابغهٔ در معارف غرب ظهور نمود که می توان گفت تا مدتها چنین شخصی در معارف کرمانشاه ظهور ننماید

مرحوم شهید معارف آقای آقا سید حسین کزازی از آزادیخواهان محبوب و دو دوره از طرف کرمانشاه در مجلس شورا وکیل و در این اواخر جزو مهاجرین با آلمان تشریف برده بودند در این صورت ریاست معارف کرمان شاه برای ایشان وظیفه کوچکی بود ولی با اینهمه با عشقی که بمعارف داشت خرابیها را اصلاح فرمود مدارس متعدده در قصبات آباد و مصلحین لایق بر سر کار آورده در ضمن وجوهی از صندق معارف برای ساختن مدرسه ابتدائی و متوسطه درمحل یکقسمت از خرابه دیوانخانه قدیم جمع آوری هواره بواسطه دادن نمایشها وغیره بان وجه میافزودند بالاخره با هزاران زحمت و با کمك آقای احمد آقا خان امیر لشکر غرب اقدام ساختن مدرسه (احمدیه) فرمودند درضمن بنا بدستوری از مرکز داشتند اقدام بتاسیس مدرسه نسوان نمودند ولی از هر جانب صدا بمخالفت بر خاست و کرزهای تکفیر بلند شد انجمن ها باسم آل (یس) درست کردند و مانع شدند ولی این مسئله هم با کمك حکومت وقت شاهزاده عضد الدوله اتمام پذیرفت مدرسه نسوان موسوم به (دو شیزگان عضدی) تاسیس گردید و پس از چندی مدرسه دیگر بنام عصمتیه درست شد و اکنون می توان گفت بیش از هزار نفر محصله دارند

درهمین اوقات یعنی هنوز یکذرع از بنای مدرسه احمدیه ساخته نشده بود که یکشب مرحوم کزازی را در راه منزل بامر سید حسین کربلائی پیشنماز توسط گماشته و مریدش هدف تیر گردیده پس از ۱۶ ساعت معارف غرب را یتیم کرد

تصور نفرمائید کزازی هم از جنس روسای معمولی ادارات کنونی بودند بلکه آنمرحوم یك نفر وظیفه شناس مقتدر وعاشق حقیقی معارف بود

باری قاتل بمجازات رسید ودیگرمعارف کرمانشاه رئیس نداشت وتا یك سال هر چه تلگراف بمرکز نمودند جوابی نرسید و بگوش کسی نیامد بالاخره آقای قوام العلما موقتاً بعنوان کفالت متصدی معارف کرمانشاه شدند پس از دو سال آنوقت وزارت معارف سعد کاظم خان را بریاست معارف فرستادند مشار الیه هم پس یکسال و نیم ریاست که هر ساعت عوض اقدامات مفید متحد المالها صادر میکردندو معلمین راجای بجای می نمودند بالاخره ایشان هم همین قدر توانستند جیب و بغل خو شان را ازعواید معارف ورثه وغیره انباشت و تقریباً سه هزار تومان وجوهات زیر پا کنند اینك مشار الیه معزول و بجای ایشان آقای آقا سید عبد الحسین خان انتخاب شده چندی است برای سرکشی بسرحد تشریف برده اند خدا کند بتوانند خرابیهای گذشته را مرمت فرمایند

ولی با اینهمه این معارف دار العجزه بیش نیست زیرا هر کس از پدر و مادرش قهر میکند فوراً معلم فلان مدرسه میشود کمال هم که شرط نیست از طرف دیگر فایده این معارف چیست که هر سال عده آلت معطله یکذرع دیپلم بیرون میفرستد چند سال دیگر خواهیم دید که تمام دکاکین تخته میشوند و هیچ یك از آقایان دیپلمه ترازو بدست نمیگیرند مسلما بعد روی سر نمیگذارند

(خیریه و بلدیه کرمانشاه)

هیچ‌هست کار نداریم ولی همینقدر بدانید که خراب‌تر از آن همان خودش است در اوائل بهار ۱۳۰۴ از اعانه و وجوه دیگر اداره بلدیه با تصویب کمسیون در روی آشوران که از وسط شهر می‌گذرد پلی بستند ولی این پل یکی خارج شهر و جائی است که جز سالی سه ماه تابستان محل عبور و مرور چندان نیست

چون این پل خیابان هم لازم داشت لذا دست بهانه خرابی مردم گذاشته چندین خانه ها را که برای این مقصود خراب میکردند خیابان و پل مزبور را صفا نامیدند وهیچ مقصود نداشتند الا اینکه خیابان مزبور را برای معروفیت خانقاه صفا که در آن نزدیکی بود بسازند زیرا اعضای بلدیه وچند نفر از کمیسیون از درویشان صفائی بشمار می‌آمدند چراغ جز معدودی و در شاه کوچه‌ها درکار نیست در اوائل پائیز سنه گذشته هم بهمت آقای حسین آقا خان امیر لشکر مبلغ هیجده هزار تومان برای تاسیس دارالمساکین جمع آوری نمودند ولی این دار المساکین هم فقط یکی دو ماه یعنی تا وقتی که آقای امیر لشکر تشریف داشتند وجود خارجی داشت ولی پس از تشریف بردن ایشان باز گداها در کوچه ها پراکنده و همان اوضاع سابق برقرار است و معلوم نیست کمیسیون خیریه این مبلغ را بچه مصرف رسانیده است .

(مالیه کرمان شاه)

§ سگان گرسنه از هر کنار مالیه §
§ کشیده صف ز یمین و یسار مالیه §
§ زمفتخواران گرید خراب پیش از این §
§ خراب تر شده امروز کار مالیه §
§ بیا و غارت اموال را تماشا کن §
§ که تا بگوئی رحمت ببیار مالیه §
§ بخواب رفت تو گوئی رئیس بیت‌المال §
§ ز بسکه خورده ازان کوکنار مالیه §
§ همه نصیب دو روئی شده است مگر هیچ §
§ نمی برآید یکی از هزار مالیه §
§ بیافتند چو از این قماش مستخدم §
§ گسیخت بار دیگر بود و تبار مالیه §
§ هر آنچه لنگ بود درمیانه مردم §
§ نه ننگ و عار که هست افتخار مالیه §
§ تمام متفق القول و فعل در دزدی §
§ مگر که دزدی آمده شعار مالیه §
§ عقیل را ندهند ره علی به بیت‌المال §
§ که بر سرش بشوئیده غبار مالیه §
§ هر آنکه خواست که اصلاح این اداره کند §
§ بجان وی بفکنند مار مالیه §
§ ز پیش و پس همه دزدند بنده و آزاد §
§ ز پیشکار و هم از پیشکار مالیه §
§ هزار پادشه تاجدار چون بهرام §
§ که گم شده است بهر کنج و غار مالیه §
• ز بسکه باده بقاچاقی میخورند همه §
§ نرفته هیچکه از سر خمار مالیه §
§ بیا و ترک علایق از این دیار کنیم §
(مباد روزی گردی دچار مالیه)

(نظمیه کرمانشاه)

نظم و ترتیب این اداره را که اکنون در تحت سرپرستی جناب سرهنگ رکن الدین خان است نمیتوان انکار کرد که بخوبی راه دزدی را بسته و اجزاء را هم از اشخاص آزموده معین فرموده اند نمونه از وظیفه شناسی یك نفر ازان را در اینجا می نویسیم تا خاطر خوانندگان محترم بفعالیت این یگانه رئیس محترم آگاه شود

تقریباً در یك ماه قبل چهار نفر از مشاهیر دزدهائی که در انبار نظمیه محبوس بودند چند ساعت از شب گذشته بقراول درب مجلس یکی از انها اظهار میدارد که بیا این استکان های قهوه چی را بصاحبش بده قراول آهسته در را باز کند و ازلای در استکان را میگیرد محبوسین بقراول مزبور حمله ور شده و اورا می بندند و فرار می کنند

یك ساعت بعد ازان مذکور خودرا هدف تیر میکند و از ترس ملامت اقدام بانتحار نموده و خودرا کشت

(حالات روحیه کرمانشاه)

کرمانشاه امروز را ازاین حیث میتوان یك طهران کوچکی گفت که هرقسم آدم دران وجود دارد اگرچه روبهم رفته مردم این شهر خواب آلود و خمار هستند ولی عده آزادیخواه معارف دوست نیز در این شهر بیش از سایر شهرهای همقطار کرمانشاه است

مردم کرمانشاه تا اندازه جسور نیستند مثلا دیروز در مسجد جامع سید اکبر شاه روضه خوان که سوابق سنگین او در تاریخ مشروطه ایران ضبط است علناً برسر منبر با صدای رسا بعموم آزادیخواهان ایران فحش میداد شهدای آزادی را لعن می کرد و اسم میبرد بدون اینکه صدائی از جمعیت بلند شود و همه بقهقهه میخندیدند

این سید پارسال شش ماه در عراق عرب مهمان بیگانگان بود و با وجود انکه روضه خوانی بیش نیست با قنسول انگلیس آمد و شد دارد روی منبر علناً جمهوری ترکیه را توهین می نماید و معلوم نیست این دسایس از کجاست ؟

نقل از روز نامه شفق سرخ

(کشتیهای دولتی در خلیج)

دولت ایران در تمام طول و عرض خلیج دارای شش کشتی است که اسام آن ها بترتیب اهمیت عبارت است از ۱ پرسپلیس - ۲ مظفری - ۳ پهلوی - ۴ و ۵ - ۶ . آذربایجان - گیلان - مازندران

میگویند وقتی یکنفر شیرازی که دریا و کشتی را ندیده بود آمده بود بوشهر و چشمش افتاد برکشتی پرسپلیس خیلی به هیجان آمده و چشمش گشاده شده فریاد زد « این قرابو مال شاه خود موله » گفتند بله شیرازی بیچاره که مثل سایر همشهری های خود خیلی « قوت و غرب » و ساده و بر حماسه بود از شنیدن این جواب نعره ای از شادی زده و گفت « ارواح بوای بواش لندن شم را میگیریم

قطعاً آقایان طهرانی هم که اسم این کشتی ها را میشنوند کمتر از کاکای شیرازی ساده لوح در تحت تاثیر وجد جدید واقع نمی شوند زیرا دولتی که هنوز در بحر خزر یك کشتی ندارد داشتن شش فروند کشتی در خلیج خیلی مسرت انگیز و مایه امیدواری است ولی برای این که مثل آن ساده لوح دچار اشتباه نشده و خیال نکنیم با پرسپلیس ممکن است لندن راهم تصرف کنیم باید اجمالی از این کشتیها بسکاریم

۱ -- پرسپلیس :-

پرسپلیس که بزرگترین کشتیهای خلیج فارس است جهاز کوچکی است که برای جنك با کرجی و قائق و وکشتی های شراعی خیلی توانا و چابك است ولی در مقابل کشتی های متوسط تجارتی و جنگی که در خلیج فارس آمدو شد میکنند و اقلا ۲۰ الی ۳۰ هزار تن گنجایش دارند مثل این جای سیگاری هائیست که اخیراً در طهران زیاد گردیده به شکل آئرو پلان ساخته شده است در مقابل آئر و پلان های بزرگ یونکرس زیرا گنجایش آن فقط ۲۰۰۰ تن است

با وجود اینها این بزرگترین و بهترین کشتیهای دولتی امروز فقط بسرای ۵۰۰ ، ۲ تومان بکلی از ازکار افتاده وانبار ذغال سنك شده و آب شوردریادارد آنرامیپوساند مصیحت این کشتی درمقابل کشتیهای بزرگ تجارتی وجنگی دولت انگلیس قابل تمسخر و استهزاست ولی مع ذلك برای حفظ امنیت و انقیاد بنادر جزء و سواحل خلیج خیلی خوب و مؤثر و مفید است و باین شکل بی اعتنائی و لاقیدی از دست دادن یك کشتی جنگی که اگر بخواهند نظیر آنرا بخرند از ۴۰ و ۵۰ هزار لیره کمتر نخواهند داد باعث تاسف است

درنگاشته ای که چند روزه قبل نوشتم از شخص اعلیحضرت تقاضا کردم عطف توجهی باین موضوع فرموده و این کشتی را احیاء کنند و تصور میکنم این پیشنهاد مفید مقبول نظر ایشان شود زیرا نظر ایشان همیشه بتعمیر وایجاد و فکر و همتشان برای اینگونه کار ها حاصر است

۲ -- مظفری :-

بعد از پرسپلیس کشتی مظفری از سایر کشتی های خلیج مهمتر است

چند روز قبل مخصوصاً برای تماشه‌های آن رفتیم که مقابل گمرك درخور [۱] بوشهر لنگر انداخته بود

طول این کشتی ۱۳۰ فوت قابلیت حمل آن ۳۹۷ تن میباشد سابقا دارای چهار توپ ده تفنك بودکه قشونی انرا برداشته است

کشتی مظفری قشنك ترین کشتیهای ایران است داخله آن خیلی نظیف و پاکیزه و مرتب سالون و اطاق های خواب و ناخدا و ماشین خانه آن از کثافت و تشویشی که برجهاز پرسپلیس مستولی بود عاری است اعلیحضرت با همین کشتی به دیلم مسافرت فرمودند

فعلا درتحت تصرف اداره گمرك است اما ازوجود آن استفاده نمی کنند و همین طور معطل و بیکار مانده است وعجیب تر از همه اینکه مالیه حکم فروش آنرا داده بود

اداره گمرك بوشهر هم اعلان فروش آنرا داده مشتری تا ۱۰۰۰۰ روپیه برای آن پیدا شد که قریب سه هزار تومان میشود درصورتیکه ناخدا ابراهیم کاپیتان کشتی مزبور میگفت ماشین آن بتنهائی فعلا ۱۰ الی ۱۲ هزار تومان قیمت دارد ، سه قائق محکم خوب داراست که هرکدام آنها هزار تومان ارزش دارد ، صندلی و میز وچوب واثاثیه آن قریب پنج شش هزار تومان قیمت خواهد داشت

مسیو بائر که قسمت بحریه گمرك با اوست میگفت اگر بخواهند یك همچو کشتی امروز بخرند مطابق قیمت کاتولك کمتر از۲۲ هزار لیره تمام نخواهدشد

از قراری که شنیدم رئیس گمرك نیز با فروش آن مخالف است مع ذلك نمیدانم بچه مناسبت حکم فروش آنرا داده بودند زیرا عیب وعلت مخصوصی ندارد فقط تعمیرات جزئی لازم دارد

کشتی هائیکه دردریا کار میکنند عموماً باید سالی یك مرتبه آنرا خشکی برده وارسی نموده و تعمیراتی اگر لازم باشد بنمایند همین طور اغلب کشتیها دو سه سوراخ درعرض سال پیدا می کنند - بلا فاصله با وسایلی که در همه کشتی ها موجود

است ان را تعمیر می کنند مثل سوراخ شدن لاستیک زیر اتومبیل یک چیز خیلی عادی است و کشتی مظفری هم محتاج همین قسم تعمیر است که مخارج آن از ۲۰۰۰ تومان تجاوز نخواهد کرد

از موقعیکه مالیات جدید بر واردات و صادرات وضع کرده اند و تجارت قاچاق بسه منتهسا درجه شیوع و شدت رسیده و بکلی تجارت بوشهر و سایر بنادر را فلج کرده است و بالطبیعه گمرک محتاج کشتیهای زیادی است برای مراقبت دویست وسیصد فرسخ سواحل خلیج فروش کشتی خوب ومهمی مانند مظفری که با دو هزار تومان قابل تعمیر است از خبط های غیر قابل جبران میباشد آنهم باین قیمت بخس و نازلی که حتی موتورلنج هسارا نیز به ان قیمت نمیدهند

۳ - کشتی پهلوی

کشتی پهلوی را من شخصا ندیده‌ام و چنانکه ارباب اطلاع میگویند کشتی مهمی نیست ازمظفری قدری کوچکتر واز گیلان و مازندران کمی بزرگتر اماسیستم جدیدتری و در تحت اختیار قشون است بارکیری آن تقریباً [۱۵۰] تن می باشد

۴ و ۵ و ۶ گیلان و مازندران و آذربایجان است

این سه کشتی شبیه بیکدیگر و همه یك سیستم و میشود نام کشتی انها داد مثل ارکشهائی است که در بحر خزر هست زیرا طول آنها فقط ۷۰ فوت وگنجایش آنها از ۵۰ الی ۶۰ تن است

برای قاچاق گیری خیلی مناسب و شایسته و فعلا هم مشغول کار هستند

موتورلنج

موتورلنج که کوچکترین کشتی های آتشی وبا قوت آنهم باصول احتراقی داخلی (مثل اتوموبیل] حرکت می کند و فقط برای گردش کنار ساحل یا رفتن تا لنگرگاه بکار میخورد بهترین وسیله ایست برای تعقیب و کشتی های قاچاق از این رقم فقط دو فروند موجود است که یکی از آنها خراب و یکی هم در تحت اختیار اداره گمرك مشغول کار است برای جلوگیری از قاچاق ، چنانکه ارباب خبرت و اطلاع میگفتند اقلا از ۱۰ الی ۱۲ موتور لنج دیگر برای گمرك ضرورت دارد که خوشبختانه اخیرا مالیه سی هزار تومان برای ساختن موتور لنج اعتبار داده‌است موتور لنج ها را در خود بوشهر می سازند یعنی چوب آنرا از کویت و ماشین آنرا از بمبئی وارد کرده و در اداره گمرك آنرا ساخته و ماشین را بر آن سوار می کنند -

(بوشهر ۲۷ اسفند — علی دشتی)

حبل المتین

بسی جای تعجب و قابل تقدیر و تقدیس است که هم قلم ما روزنامه شریفه شفق سرخ در طهران نترسید اسم دریا وکشتی بقلم اورد چه باتفاق مورخین عنصر ایرانی از دریا وکشتی ترس دارند و این ترس بدرجه رسیده که جراید طهران از بردن نام دریا و کشتی هم بهراس و خوف میافتند در هر صورت ما شجاعت قلمی هم عصرخود را تقدیس نموده امیدواریم از این بعد مقالات نافعه در موضوع تشکیلات بحری و جهازات جنگی بنویسند

تازگی درخلیج فارس یعنی در محمره ابتریت اداره بحری مختصری تشکیل و دارای هشت الی ده جهازات شطی و دریائی می باشد که یکی از آنها کشتی جنگی خوزستان است که آقای میرزا حسین خان موقر وکیل مجلس شورای ملی در موقع مسافرت اعلیحضرت تقدیم نموده است ما بقی آن کشتی ها کشتی های خزعل است که غالب از سیستم جدید و خیلی هم خوب است چنانچه بما می‌نویسند در بوشهر نیز بطریق ابتدائی اداره کشتی سازی اغاز و بدواً بساختن موتورلنج اشتغال ورزیده امید توسعه آن هم میرود دولت باید جداً وزارت بحری یا اداره بحری تحت وزارت جنگ تشکیل داده بودجه متناسبی برای آن مقرر داشته قسمی فرماید که متدرجاً سواحل ما نیز دارای دروازه و دروازه بان گردیده. از منابع ثروت طبیعی این سواحل فسائده حاصل نمائیم -

جواب سؤالات راجع به تعلیم اجباری

ترقی طلبان و معارف خواهان ایران را آمالی قابل تقدیس درقلوب مکنون است که تاکنون پا به محیط عمل نگذارده ازجمله تعلیم اجباری است که اغلب ایرانیان ارزومند اجرای آن میباشند - متاسفانه سلاطین جهالت‌پرور قاجار اتمام قواکوشیدند و ابواب علم را بروی ما مسدود ساختند حتی تعلیم اختیاری - ولی این دوره که هم ملت بوظیفه خویش آگاه و کاملا پی به احتیاجات خود برده و هم کابینه از وزراء عالم متجدد تشکیل شده و هم اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی مایل به ترقیات علمی واقتصادی و صنعتی ایران میباشند امید میرود که آن آمال ملی عملی مخصوصاً تعلیم اجباری برقرار گردد لذا به عقل ناقص خود مراجعه و جواب سؤالات را بنحوذیل قلمی میدارد - قبل از وارد شدن درموضوع بی مناسبت نیست که این نکته هم معروض گردد - تعلیم اجباری نه فقط باید درباره اصناف اجرا شود بلکه به حکم عقل مقتضی است اکابر شهری ودهاتی هم مشمول این اصل واقع در عرض ۲۴ ساعت یکساعت مشغول تحصیل باشند - بدیهی است اگر بسنه هشتی نحوکم

قرن بگذرد و مدارس اکابر و اصاغر کاملا دایر باشد واسم مدارس عالیه بارسمش مطابقت نماید - ایران زندگانی نو از سر خواهد گرفت وگوی سعادت را از میدان خواهد ربود و باین بدبختی وحقارت خاتمه خواهد داد - اینک جواب ها -

سؤال اول - پروگرام مدارس ابتدائی اجباری را معین فرمائید که در چند مدت قابل ممکن است دارای سواد فارسی از خواندن ونوشتن شود

جواب - اگر الف بای فعلی است زحمات عبث است و پس از بیست سال تحصیل باید کلمه وسط فراز را از ما قبل وما بعدش معلوم نمود - باهمین الف با و جدیت متعلم و معلم در عرض ۶ ماه میتوان طفل بیسواد را کاملا نویسنده و طوطی وار خواننده نمود واما پروگرام مدارس ابتدائی آن قسمتیکه حضرتعالی میفرمائید که خواندن و نوشتن فقط باشد اصلا مدرسه واین همه مخارج لازم نیست ومانند قدیم مکتب خانه کافی است - ولی اگر باید تحصیلات ادامه پیدا نمایند دروسی که فعلا تدریس میشود باکمی اصلاح کافی است ولی تدریس لسان غیر ایرانی مضر و برعکس درمدارس متوسطه وعالیه نهایت درجه لازم است

تبصره اول - اقل مدت تعلیم چند سال باشد

جواب - نقشه که درزمان وزارت صنیع الدوله کشیده شده بود بکلی غلط و قابل تغیر است زیرا که هم مخارج مدارس ابتدائی زیادتر میشود به ملاحظه چهار کلاسه و ۶ کلاسه بودن وهم شاگرد بعد از انکه درکلاس چهار شهادت نامه تحصیل نمود به همان ورق پاره دل خوش و تحصیلات ناقص بلکه انقص خود را قابل تحصیل میشمارد ولی اگر چنانچه مدت تحصیل ۶ سال بالادرك باشد هم ازخرج کاهیده میشود وهم اطفال قدری عالمتر موفق باخذ تصدیق نامه گردیده اند

ب - چند درس باید خوانده و چند نوشته شود

جواب - این عبارت بنظرم مفهوم صحیحی ندارد خواندنی را باید خواند نوشتنی را باید نوشت و توضیح مفهومساتم این است - دوروسی که فعلا در مدارس ابتدائی متداول است [غیر از لسان غیرایرانی] مطبوع ولی ریاضیات و هندسه درتمام مدارس ایران مخصوصاً ابتدائی باید تخفیف پیدا نماید - درکلاس ۵ و ۶ ابتدائی ادبیات ایرانی را کاملتر تدریس نمایند خلاصه باید درتحت نظریات متخصصین پروگرامی ثابت و مفصل وکامل وآسان ترتیب داد نه مانند امروز که در خصوص جغرافیا و تاریخ وهندسه وغیره درحدود ۳۰۰ جلد کتاب مختلف الاسم و مقاصد المرسم طبع واغلبی بطور جزو تعلیم گردد

ج - کلاس صنعتی در مدارس لازم است یا خیر درصورت لزوم چه صنایعی تدریس شود و مدت تحصیل آن چند وقت باشد

جواب - طفلی که از مدرسه ابتدائی با تصدیق نامه خارج شد سنش نباید زیادتر از ۱۳ سال باشد دراین صورت دماغش حاضر برای صنعت نیست مگر انکه از دروس کاهیده شود ولی در مدارس متوسطه و عالیه تدریس و عملی نمودن صنعت به جا است و بهتر از همه برای ایران امروز اهنگری و شعوب مختلفه آن است به ضمیمه دوا سازی نساجی - نقاشی حجاری موسیقی نجاری در درجه دوم احتیاجات ما واقع است مدت تحصیل هم کمتر از ۳ سال بیفایده است (بشرط انکه محصل بعد ازتکمیل فن خود بیکار نماند و ازگرسنگی مشغول گدائی وهوچیگری نشود)

د -- کلاس ورزش لزوم دارد یا خیر -

جواب -- بدیهی است ورزش گذشته از محکم ساختن استخوانها وسطبر نمودن عضلات دماغ را تقویت ومتعلم را حاضر برای فرا گرفتن تکالیف دروس مینماید - لذا همان موقع که طفل وارد مدرسه میشود باید ورزش مطابق باسن وجثه خود نماید - این قسمت باندازه طرف احتیاج است که اگر بعضی ها ایراد نگیرند باجمله اطلبو العلم من المهد الی اللحد باید برابر نمود باین معنی که ورزش تادم گور لازم است

سوال دوم - در ایران چند مدرسه ابتدائی لازم و عده معلم و متعلم فعلی ومخارج آن چقدر است

جواب - عده معلم ومتعلم فعلی گویا ازموضوع بحث ماخارج باشد - ولی تعداد شهر های بزرك و کوچك ایران ما بین صد و صد و پنجاه است و چون بطور متوسط مقیاسی بگیریم ۱۲۰ شهر و در هر شهر به مقیاس متوسط ۱۵ مدرسه کافی است همین مقدار برای دهکده ها و بلوکات که جمعاً ۳۶۰۰ مدرسه ابتدائی میشود برای هر مدرسه بطور اقل ۱۰۰ نفر شاگرد که هر ساله سیصد و شصت هزار طفل مشغول تحصیل باشند تعداد معلمین هم بطور متوسط برای هر ۳۶ نفر یك نفر ازین قرار ده هزار معلم لازم خواهیم داشت چون مواجب معلمین بسه طبقه قسمت شوند [۱۷ تومان و ۲۵ تومان و ۳۰ تومان] درهر ماه یك نفر معلم دریافت نماید مواجب سالانه معلمین و مدیران - دو ملیون و ششصد و هشتاد هزار تومان میشود و چون سایر مخارج را بطور قناعت سیصد و بیست هزار تومان تخمین بزنیم سالانه ۳ ملیون تومان مخارج مدارس ابتدائی ذکور ایران میشود

سؤال سوم - در صورتیکه استخدام معلمین کفایت نکند معلمین باید از چه اشخاص و به چه حقوق درس بگویند

جواب - مطابق توضیحات فوق مدارس ابتدائی محتاج به وجود ده هزار نفر معلم است که خودمان حتما داریم و محتاج به خارج نیستیم حقوقشان هم درفوق مذکور شد

تبصره الف - آیا ممکن است اجزاء دوائر دولتی واطباء و هرکس از دولت حقوق میگیرد درساعتی معین مجاناً درس بدهند یا خیر

جواب - در ایران غالب امور مخصوصاً این قبیل کار ها غیر ممکن است باسافه مثلی است مشهور

(نوکر بی جیره و مواجب تاج سر آقا است)

اجرای این قسمت فعلا ارزو است شاید در آتیه دوری عملی بشود -

ب - طلاب مدارس قدیم ممکن است در مدارس جدید درس بگویند و عده آنها در ایران چقدر است

جواب - در مدارس ابتدائی وجود شان لازم و مضر نیست ولی در مدارس متوسطه و عالیه اگر عالم باشند و قوه تعلیم داشته باشند بی استفاده نخواهند بود عده انها تخمیناً ۱۵ هزار نفر است (احصائیه کامل با دفتر سجل احوال آتیه می باشد)

سؤال چهارم - آیا مستشار جهة مدارس لازم است در صورت لزوم چند نفر و از چه ممالک

جواب - بنیان معارف ایران نباید مطابق اصول مغرب زمین طرح ریزی شود ولی معلمین مغرب‌زمینی لازم است آنهم برای مدارس متوسطه و عالیه که آن معلمین مطابق قوانین موضوعه با اصولی که مقتضی اخلاق وروحیات ایرانی است تدریس نمایند معلم فلاحت از ایطالیا و هلند معلم حقوق از اتازونی سایر معلمین از فرانسه و آلمان و انگلستان و عده آنها لا اقل باید ۵۰ نفر باشد ده نفر در مرکز و چهل نفر در ولایات مشغول انجام وظیفه باشند -

سؤال پنجم - آیا تعلیم دوشیزگان را هم باید اجباری نمود -

جواب - آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است اما اگر ۰۰۰۰۰ ها بگذارند -

سؤال ششم - در صورت اجباری پرگرام مدارس و اینکه باید معلمات از کجا تهیه و انتخاب نمود -

جواب - پرگرام مدارس اناث و ذکور باید مختصر تفاوتی داشته باشد باین طور که قدری از دروس کاهیده و به صنایع مقدماتی افزوده گردد - پرگرام امروزه با مختصر اصلاحاتی بد نیست و اما در خصوص معلمات متاسفانه جهالت و خود پسندی مردان ایران مانع از ترقی نسوان شده و به اندازهٔ کفایت دارای معلمات نیستیم اگر چنانچه زنان و مردان ما در تحصیل همقدم بودند مدارس نسوان و عده معلمات و متعلمات و سایر جزئیاتش باید برابری با مدارس ذکور نماید چون فعلا فاقد معلمات هستیم از نقطه اقتصاد مدارس نسوان باید نصف مدارس ذکور باشد رفته رفته باید افزود تا دو برابر مدارس ذکور گردد در اینصورت معلمات فعلی کافی و محتاج به استخدام نیستیم مگر برای مدارس متوسطه و عالیه و بهتر از همه معلمات امریکائیه می باشند -

سؤال هفتم - آیا جهة مخارج صدی نیم از عایدات املاک که مجلس جهة معارف تصویب نمود کفایت می کند یا خیر -

جواب - مطابق توضیحات قبلیه مقدمتا مدارس ذکور و اناث ابتدائی در عرض سال چهار ملیون و پانصد هزار تومان مخارج دارد بدیهی است مالیات فعلی کافی نیست ولی اگر چنانچه فلاحت توسعه کامل پیدا نماید و گاوهای بدبخت از ظالم حیوانات دوپای ایران خلاصی یابند (در قرن بیستم که اهالی مغرب زمین اغلب حوائج خود را بوسیله آهن و آب رفع می نمایند ما ایرانیان گذشته از حیوان هم نوع خود را خر باربر قرار داده غالب چیز ها حتی گاریها و بارکش ها را بوسیله آنها راه میاندازیم) احتمال قوی میرود کفایت کند

سؤال هشتم - در صورتیکه مالیات کفایت نکند کدام مالیات جدید یا گمرک انحصاری که مخارج وصولش کمتر و به جهة مردم سهلتر و بر ضعیفان کمتر ضرر داشته باشد و عایداتش هم به جهة مخارج کفایت می کند تصویب می فرمائید -

جواب - اولا اگر بعقیده بعضی از سیاسیون محافظه کار ایران دچار موانع و اشکالات سیاسی نشویم باید مالیات گزاف بر اشیاء لوکس و منسوجات و ملبوسات خارجه تحمیل شود

۲ - بدیهی است عشر اولیاء متعلمین و متعلمات از اشراف وملاکین و تجار و رؤسای ادارات و صاحب منصبان قشون و سایر متمولین هستند که ازآنها پنجاه و چهار هزار دختر و پسر مشغول درس خواندن می باشند مقدار ثروت آنها هم متفاوت است و در اینجا به سه طبقه قسمت می نمائیم ده هزارنفر طبقه اول بیست هزار نفر طبقه دوم بیست و چهار هزار نفر طبقه سوم افراد طبقه اول برای هر طفل در عرض سال ۱۲ تومان طبقه دوم ۹ تومان طبقه سوم ۶ تومان بدهند مجموع عایدات سالانه چهار

ملیون و هشتصد و شصت هزار تومان می شود که پس از وضع مخارج سیصد و شصت هزار تومان باقی خواهند ماند اجرای این قسمت اگر چه در بادی امر دشوار بنظر میاید ولی این دوره چندان اشکالی ندارد و در حقیقت به اعانه دهندگان تجاوزی نشده و این پول را بلا عوض نداده اند (اگر چنانچه عده مذکور بنصف رسید اعانه دو برابر شود)

۳ - انحصار کامل دخانیات از هر رقم اگرچه این قسمت بضرر فقرا تمام می شود ولی توفیق جبری است بهتر از همه همان مالیات اولی است که بهتر و کم خرج تر ولی درد سر تر است -

توضیح - چون مکررات نامه مدنی حل المتین اقتصار لوائح را گوشزد عموم فرموده لذا به اختصار کوشیدیم مخصوصاً از قسمت پرگرام مدارس که مبحث مهم این مقاله را تشکیل می داد صرف نظر نمودیم امید اینکه خوانندگان گرام به عقل ناقصم ایراد نگرفته متشکرم فرمایند -

(مال فروش - وحیدی دانش پور)

نطق مستر پوپ در امریک

در سر ناهار انجمن تجارت شیکاگو ایراد گردیده است - رضا شاه پادشاه جدید ایران یکی از پهلوانان برجسته و آباد کننده دنیای قدیم است که امروز ظهور نموده خیلی ها شاه جدید را موسولینی آسیا مینامند ولی این مقایسه منصفانه نیست ، شاه مردی است بزرگتر و عاقلتر از دیکتاتور ایطالیا . موسولینی میخواهد تقلید ناپلیون را بکند ولی شاه جدید مقابل بتقلید ابراهیم لینکلن میباشد . قائد حکومت جدید ایران شب و روز برای سعادت ملت کار می کند ، اوشخصی است مهربان و فعال قوی ومحب آبادی ، تفرعن را بدیگران واگذار میکند -

ایران یکی ازجلب ترین ممالک امروزه دنیا است مملکت مزبور قدیم ترین و از بعضی جهات جوان ترین ممالک است درطول تقریباً چهار هزار سال ایران قسمتی از اساسی ترین عقاید علمی و صنعتی پیش آهنگ ترقی بشری بوده است ایجاد یا اخذ نموده و آنها را حفظ کرده وبدیگران انتقال داده است ، ایران اعصار مفتخر ومجلل بسیار دارد ، تا مدت چند قرن ملکه آسیای غربی بوده دولت رومیة الکبری را مغلوب نموده و تمدن اسلامی را تحت نفوذ و استیلای خویش در آورده بوسیله آن تا اندازه مهمی نهضت متمدنی اروپا را (رنسانس) بقالب ریخته است ، ولی بدبختی ها وحوادث مغربه هم برای آن رخ داده که همه چیز آن غیر از حیاتش را ازمیان برده است لیکن هر دفعه با استقامت و استعداد فوق العاده دوباره قد راست کرده و اعصار جدیده برای خویش ایجاد نموده است ، اکنون نیز پس از یک دوره تهاجمات و یران کننده از سوء حکومت وشداید اقتصادی دو باره بطریقی شروع بتجدید سعادت خود کرده است که برای امریکائی ها مخصوصا مورد توجه میباشد

(ایران در از منه گذشته)

ایران قدیم با کوه های مجلل خودکه ازجبال الپ بلند تر ند ، با دشت های تابان و هوای روح بخش هنوز بجای خود باقی است و دهکده ها و بازار های آن مثل زمان « مارکو پولو » مانده جز اینکه حالا طیاره در بالای سرها نعره میکشد و اتومبیل ها در دره های تازه ساز بسرعت از کنار کاروان میگذارند وبطوریکه دریک راپرت رسمی اشعار شده بود « شترهای حیرت‌زده را مضطرب میسازند » ایران جدیدکه بسرعت هرچه تمامتر مشغول اخذ اصول جدیت وترقی و « دموکراسی » امریکا است اکنون برراس حکومت خود سلطان جدیدی داردکه یکی ازقوی ترین پهلوانان مولود جنگ است که عملیاتش مورد حیرت و تحسین میباشد و قطعا یکی از بزرگترین حکمرانی است که کشور ایران در هر عصری از اعصار داشته

آخرین وارث سلسله شاهان سابق اکنون برانداخته شده و رژیم ترکمانی اجنبی که افرادش ضعیف و خود پرست و نالایق و یا اغلب اوباش و و اراذل بوده زمام مملکت را بدست میگرفتند امروز جای خودرا بپادشاهی داده است که جرئت و پشتکار و کیاست و اشتیاق و میل او به سعادت وترقی مملکت در خور عالی ترین تاریخ حس حکومت است -

شاه جدید تنها بقوه لیاقت طی درجات کرده و بالاخره سیاست مداران فاسد را که مشغول تسلیم مملکت باجانب بودند ازمیان برداشت و اینک ایران جدیدی در کار ایجاد شدن است

متخصصین مالی امریکائی استخدام شده اند ودر اثر مساعی جدی و مساعدت دکتر میلسپو رئیس امور مالیه مملکتی بر اساس صحیحی استوار گشته تجارت بطور حیرت بخش در تزاید است و اطمینان وآسایش همه جا در حال اعاده و تجدید است امنیت مملکتی نیز تامین گردیده است

(قتل ماژور ایمبری)

قتل تاثر آور ماژور ایمبری ویس قونسول امریکا بطوری که دکتر میلسپو و سایر امریکائی ها اظهار داشته اند بیشتر مربوط برفتار بیجا و بی پروائی خود او بوده است و تقصیر آن متوجه دولت یا ملت ایران نیست ، جنایت در ایران خیلی نادر است شاید بعلت آن که فوریت جزای آنرا میدهند بیش از یک

شعبه اتفاق افتاده که دزد را در عرض نیم ساعت
و پس از وقوع سرقت دستگیر و محکوم و مجازات
کرده اند (خوب است روز نامه های شیکاگو سواد
بردارند)

ایران زمینه فوق العاده مساعدی دارد جهة
عملیات اقتصادی امریکا ، ازحیث نژاد ایرانی ها با ما
یکی هستند و خیلی هم با فراست و مهمان نواز
میباشند ، ایرانی ها نسبت به عملیات محیر العقول
معارف پرورانه میسیونهای ما شکر گذارند و هیچ
ملت دیگر مثل آنها امریکا را طرف اعتماد وتعصب
خود قرار نداده حاضرند امتیازات و کنترات های
خیلی نافع بما بدهند ، دارای بودجه متوازنی هستند ،
ایران با قرض غیر قابل ملاحظه ملی خود با اضافات
روز افزون عایدات و با حکومت آزادی خواه و
صحیح العملی که بمیل و اشتیاق از طرف تمام ملت
تصویب میشود یکی از قدیم ترین و مهمترین مالی است
که زندگانی را از سر میگیرد - هیچ ملت دیگر درعالم
میدان مساعدی برای مساعی بوعده ایدائیسم عملی
وفعالیات تجارتی که امریکائی ها تواما بروز
میدهند مثل ایران بدست نمیدهد - (شفق سرخ)

قاچاق یا عامل فنای تجارت

دولت برای اباد کردن مملکت تهیه وسائل امنیت
تشکیل و توسعه ادارات انتظامات قشون وغیره پول
لازم دارد مالیات میگیرد عشور و انحصار بر اجناس
طرح میکند بانواع واقسام مختلف گمرک میگیرد ملت
هم باید باکمال رضا و رغبت برای ادای آن حاضر
باشد زیرا که ملائکه مقربین که احتیاجات مادی ندارند
نمیخورند نمیپوشند مسکن نمیخواهند برای مملکت و ملت
و دنیای ما کار نمیکنند امورات اخروی ما بر ذمه
انها است نظم و امنیت بواسطه نظام است نظام
مخارج دارد راه آهن که وسیله توسعه تجارت و
ترقی مملکت است بدون پول ایجادش غیر ممکن است
توسعه کردن طرق وشوارع بجهت سهولت حمل ونقل
پول میخواهد بالاخره هر اقدامی که برای توسعه
تجارت وترویج فلاحت واستخراج معادن وتعمیم معارف
وعمران مملکت باشد در قدم اول مساعدت ملت شرط
است مالیات و عوارضاتی را که مجلس مقننه وضع
میکند وقوه مجریه بموقع اجرا میگذارد ملت باید
انرا با جبین گشاده استقبال کند و سعادت خود و قوم
خودرا در ان دانسته در مقابل آن قانون با کمال
فروتنی گردن تسلیم کج کند ولی امنای ملت و اولیای
دولت که این مالیات و عوارضات را تحمیل میکنند
البته دقت مینمایند که ازروی اصول و اساس باشد
که بالمآل اسباب ترقی وسرسبزی مملکت وباعث زیادی
عایدات ملت شود تا عایدات دولت هم بالتبع زیاد
شود نه اسباب انحطاط وتنزل ملت باشد که بالاخره
محکوم بفنا شود - دولت برای ایجاد راه آهن ایران
مالیات انحصاری را طرح نمود وبهترین طریقه است
که اتخاذ کرده لکن بدبختانه این مالیات انحصاری
وبال جان تجار بیچاره ایرانی شده اگر بهمین
وتیره چندی بگذرد براین رشته ناقص ثروت مملکت
هم باید فاتحه خواند تاجر ایرانی بعد از مبالغی خرج
هنگفت مثلا چای را از هندوستان و سیلان وغیره
وارد بندر میکند مالیات انحصاری را هم بدولت
میدهد مال را نگاه میدارد تا موقع فروش برسد بلکه
متضرر نشود چنین موقعی بدستش نمی‌آید آخر حوصله
اش به تنگ میاید پولش هم مدتی حبس بود نتوانسته
درمعامله دیگر بیندازد آخر الامر بضرر میفروشد که
شاید این پول را در معامله دیگر بیندازد معامله دیگرش
هم همینطور است وقس علی هذا ایا هر شخص چقدر
تاب تحمل ضرر وخسارت دارد عاقبت یا باید ورشکست
شود و به آتش اودیگران بسوزند یا اگر آدم صحیح العمل
درستکاری است ترك تجارت گفته بقیه عمر را
بگوشه گیری از خلق و عبادت خالق مشغول شده و
امورات خودرا حواله بتقدیر کند ایا ملتیکه رکن عمده
آن طبقه تجار است وحال تاجرش اینقسم باشد محکوم
بفنا نیست من درهندوستان نشسته ام وقتی که نگاه ببازار
تجارت دنیا میکنم ومیزان روی کار تجار ایرانی
میگذارم می بینم تجار صحیح العمل ایرانی اگر ضرر نکنند
بقدر یك حمال ومزدور خارجه فائده حاصل نمیکنند [چرا]
برای اینکه مسئله قاچاق در برابر این مالیات
انحصاری فریادشان را بفلك رسانیده عمده ضرر
وخسارتی که متوجه بانهاست ازقاچاقی است نمیدانم
امنای دولت ایران چطور استغاثه و فریاد تجار
ایرانی را نمی شنوند درصورتیکه من که درهندوستانم
نالهای دلخراش انها را میشنوم هفته نیست که در
ضمن مراسلات تجارتی آه و ناله و شکایت وحکایت
نباشد این بنادر طولانی بی‌دروازه ایران پاسبانی ندارد
چند نفری را هم که دولت مأمور نموده درعمل
شریکند حصه بزرگ مال انهاست همین قدر که اجناس
و مال دوقدم از ساحل دور باشد دیگر مامور تفتیش
درکار نیست برای دولت هم گویا بودجه نیست که
که بتواند وسائل جلوگیری را فراهم سازد اگر
جلوگیری از قاچاق میشد چطور ممکن بود در یکوقت
بعضی مثلا چای را اتفاقاً ارزان بخرند و پاره
مبالغی گران تر با اینکه تقریباً مخارج حمل و نقل
و بندوبست یکی است مال گران خرید در بازار
ایران نسبت بمال ارزان خرید ارزان تر فروش

شود و انکه برحسب اتفاق ارزان تمام کرده باز بضرر مالش بمصرف فروش میرسد مبالغ ها چای در سال اعراب بنادر اکثر تجار عرب در کلکته برای برای بندر دوبی و بحرین و کویت فرمایش میدهند مسلم است وقتیکه تجار عرب گران خرید کنند سایرین هم در میدان معامله ناچارند باانها رقابت کنند عرب یا عجم در کلکته چه خبر دارد که این چای بکجا فرو میرود وظیفه اش انجام فرمایش ارباب رجوعش میباشد انچه میشود در بنادر میشود در نتیجهٔ معلوم میشود که بعضیها فایده برده و دیگران خسارت و ضرر کشیده اند و به آتش انها سوخته اند یك فقره هم روزنامه حل المتین میزان مقدار چای که باین بنادر حمل شده داده ایم حال هم اگر دولت بخواهد حاضریم صورت مقدار چای سال گذشته که باین بنادر حمل شده بدهیم تا اولیای دولت فکر کنند که این مقدار هنگفت چای بکجا فرو میرود وآیا غیر از اینکه بطریق قاچاق بایران حمل شود راهی دیگر دارد یکی از تجار مینویسد جزاینکه دوازده جهاز اوچاك اتشی مخصوص این کار از فرنگستان بخواهند و ماشین را هم اشخاص درست کار معین کنند و مفتشین صحیح العمل برکمارند علاجی دیگر ممکن نیست اما حالیه مشغولند در بوشهر برای الی ۸ ماه دیگر شش کشتی کوچك بسازند این هم برای استفاده خوبست وجود ناقص بهتر از عدم صرف است ولی تا زمانیکه اینها طیار شود سهراب را ز داروی رستم چه فایده امید است رجال دولت ایران این مسئله را بنظر لاقیدی ننگرند -

[از طرف اداره میرزا محمد خلیل شیرازی و پسر کته]

از شیراز مینویسند

اوضاع مدنی شیراز

شیراز که در تواریخش شیراز جنت طراز نوشته اند - بعلت عدم توجه اولیاء امور گذشته فاقد تمام وسائل مدنی گردیده - تا در موقع زمامداری محی ایران پا به دائره ترقی گذارده از جاده یاوری رخشا بمتصدی امور بلدیه گردیده از انجائیکه بعلت جهالت عمومی هرکس بعنوان سقا خانه وغیرها در شهر و در خارج شهر بجهة عدم مسئولیت هرکس از شاه راه عمومی گرفته - در شهر مزید بر دکاکین وخانه و در خارج شهر مزید بر اراضی مزروع خود کرده - تا در این موقع که بلدیه صورت قانونی وعملی بخود گرفته - توجهی باصلاح نواقص بلدیه شده با بوظیفه اداری مشغول خراب کردن مکهایهائی که هرکس از راه ها گرفته میباشند از جمله بین خیابان گل مشیری ودروازه باغشاه که ثلث

و معوج و پست و بلند بود - و زمین روبروی آن که متعلق به بصیرالسلطنه شیرازی میباشد - و علی الظاهر در ایام گذشته بجهة نزدیك خندق بولکی از اراضی قرب خندق را مزید بر اراضی خودش کرده بوده - اداره بلدیه قسمتی از اراضی مذکور را مزید بر خیابان کرده و خیابان مذکور را راست نموده - کلی مزید بر قیمت اراضی متعلق بر شخص مذکور گردیده مشار الیه که اصلا شیرازی و از تعدیات دهاقین بیچاره دارای ثروت بزرگی گردیده بعنوان تبعه گی دولت انگلستان از بلدیه گویا مطالبه وجه زمین موهومی را مینمایند - این است معنی نوع خواهی و ترقی خواهی اشراف شیراز که بعد از مدتها که دولت در صدد ابادی شهر که فایده ان عاید خود صاحبان املاك میگردد برآمده اینگونه مشکلات بدست قونسول اجنبی جهة دولت تبعه مینمایند - از قرار مذکور گویا قونسولگری شیراز رسما حکومت نوشته زمین متعلق به تبعه دولت بریطانیا را بلدیه ذرعی سیزده قران پول بدهد - وا اسفا حال که دولت در صدد اصلاح خرابی شهر برآمده - قونسول گری انگلیس بنا بهمان عقیده سیاسی خودش که بایدجنوب ایران بلکه تمام خاك ایران خراب باشد - بدون هیچ حقی دارد حمایت بصیرالسلطنه مینماید - لذا از بصیرالسلطنه سؤال میشود - اگر شما تبعه انگلستان هستی بچه سبب لقب بصیرالسلطنه بخود گذارده - و علاوه اتباع خارجه در داخله ایران فقط حق خریدن خانه نشیمن و انبار تجارتی دارند - پس شما این همه املاك را بچه حق خریده و مالیات انها را بچه میزان داده - اینك مقدمه مذکور را اشاعه می دهد که بعرض پیشگاه محبی ایران رسیده مشار الیه را جلب بمحاکمه فرموده بعد از ثبوت خلاف آن اورا مجازات قانونی داده که در آتیه کسی بدروغ دعوی تبعه گی خارجه نکند

از محمره می نویسند

دراین فضای سراسر ستم و در این محیط سراپا ظلم یعنی ابادان بکه ملتجی شویم بکجا پناه بریم چه میتوان کرد در مملکتی که ظلم را نام قانون نهاده جور وستم را انتظام می نامند هرچه فریاد میکنی هرچند آه و ناله می نمائی ملجا و پناهی نیست راه چاره مسدود است کسی بداد مظلوم نمیرسد مشتی غرض رانان جمعی ثروت پرستان گروهی حق ناشناس باسم قانون چه بسا ظلم می کنند چه ستمها که به بینوایان مینمایند همان اشخاص ابن الوقت که با هر پیش آمدی برای اجراء اغراض خویش همراه اند روز شب هشتم فروردین میرزا مهدی خان فیلسوف

زاده دکتر بادیه آمده درب دواخانه بنده که
دواهای بنده را ببرد هرچه فریاد نموده بهر کجا
متوسل شدم نتیجه حاصل نشده دواخانه را توقیف
نمودند بالاخره پس از شکایات زیاد به آقای حکمران
عرض نمودم در صورتیکه ریاست محترم معارف
اعلان نمودند که روز پانزدهم اردی بهشت برای امتحان
ناصریه حاضر شوید بچه علت دواخانه بنده را توقیف
نموده جواب فرمودند بدون جهة دواخانه شما توقیف
شده فقط دواهای سمی را باید ببرند پس از
مدت پنج روز شخص داکتر حاضر شد و کلیه دواهای
معروف را از قبیل اسپرین و سالیرین و امایتک و
انتوپزین را بردند که هرکدام چه جزئی و چه کلی
بوده و مقدار جزئی دوای سمی و غیر سمی باقی
گذاشتند پس از اینکه مشاهده نمودم که تمام دواهای
معمول را بردند از حال طبیعی خارج شده تمام
دواخانه ام آتش زدم نه بنده تنها باین ظلم گرفتار
شده بلکه تمام عطارها و خرازهائی که نظر به نبودن
دواخانه در زمان سابق مقداری دوا وارد کرده اند
بجبراً از آنها گرفتند آیا در کدام نظامنامه مملکتی
وضع شده که جوهر امن و ابنیه و روح ودود را از
شخصی که مدت بیست و پنج سال است وارد طبابت
بوده و دوازده تصدیق نامه از دکترهای معروف ایران
دارد ببرند مستدعی از اولیاء امور عالم که عطف
توجه فرموده بعرض من بدبخت رسیدگی فرمایند.

[میرزا حسن باغ بهادرانی]

مجازات نیست

امروزه هر دولتی در صدد است که ملت
خودرا بوسایل مختلفه جزء مال حیه بشمار آورده تا
از صفحه تاریخ اسمش محو و نابود نشود ولی افسوس
صدافسوس که ملت نجیب اصیل باستانی ایران دراثر تقلبات
مامورین دولتی بکلی خودرا محو و نابود می بینند
گروهی از آنان که ساکن بندر پهلوی دژ هستند
اخیراً چون امتیازشان با همسایه شمالی بود از طرفی
هم بواسطهٔ بندر بودنش که دروازه اروپا بشمار می
رفت موفق بتهیه نمودن ماشین آلات (مثل چراغ برق
برنج کوبی - سیگار بری و سایرین) شده اند در
صورتیکه هیئت دولت باید در صدد توسعه ان برایند
نتیجه بر عکس بخشیده و می بخشد حال که در صدد
توسعه دادن ان نیستند بفکر نقصان ان بر آمده اند
مثلا در اثر ضدیت عده پهلوی که دارای ٤ ماشین
برنج و ۳ ماشین چراغ و ٤ ماشین سیگار بود بتدریج
نقصان نموده ۳ ماشین برنج و ۲ ماشین سیگار ازکار
افتاده ۲ ماشین دیگری که باقی ماند بواسطه تقلبات
بی رویه گی مامورین پیشکار مالیه گیلان امر
به نقل ماشین از پهلوی دژ برشت داده تا در تحت
نظر خود نگهدارد

آیا بی رویه گی مامورین مالیه محدود است یا بواسطه
نقل ماشین برطرف خواهد شد اگر مامور دزد و
متقلب و خائن بباشد چرا مجازات نمی بیند اگر
مامور دزد نیست چرا ماشین را از محل به محل
دیگر میبرند اگر ماموری خائن باشد چرا در اثر
فریادها و شکایات پیاپی اهالی موفق به برداشتن
شخص اژبار رئیس مالیه و کار کنان خائنش نشدند

اعلیحضرت — خوبست از فرط علاقه که بتمام
مملکت باستانی ما دارید همان نیکه بنظام این کشور
شش هزار ساله و ۱۱۵۲۵ ساله باستانی روح تازه
دادید ودندان طمع گرگان را که چشم امیدواری بمال
دوخته بودند از کار انداختید نظر کاملی بمعارف
ایران نموده تا بلکه جوانان تحصیل کرده که متصدی
امورهستند دزد و خائن بار نیایند ملت بدبخت را اگه
دار و انکیس بلکه نابود نکنند ضمناً با گوشه نظری
بمعاف پهلوی دژ که یکی از شهرهای کوچک وظریف
و قشنگ ایران دور از مرکز است انداخته تا راه
نجات را به بیمائیم (دانشوز ناصری)

از جیرفت مینویسند

در نمرات اخیر روز نامه حبل المتین در خصوص
وضعیات ایران و انتخاب وکلای مجلس مؤسسان با
زبان بی زبانی ملت و جامعه را طرف توبیخ قرار
داده و مسئول این عملیات ملت و جامعه را می دانید
مخصوصا در موضوع عنوان سر نیزه فوق العاده
بحث و اظهار عقیده شده است که این سر نیزه
کدام یک سینه را مجروح کرده است ما تصدیق
می کنیم که لفظ سر نیزه امروزه در ایران مد شده
و بهانه ترقی و سعادت ما گردیده ولی اگر در
جریانات و جزئیات و وضعیات اخیر ایران مستحضر
باشید و به دیده انصاف نظر شود درعین حال تصدیق
می فرمائید سر نیزه هم کاملا وجود دارد و در سر
تا سر ایران مخصوصا خاک کرمان حکم فرما است
اشتباه نشود مقصود ما سر نیزه برانده نیست که سینه
را مجروح می کند ولی از احساسات و افکار جلو
گیری می شود و قلب هر انسان حساس را میشکافد
بنظر ما این سر نیزه را سر نیزه سیاسی می گویند که
ظاهراً سینه را مجروح نکرده است ولی در باطن
قلوب حساسین را سر تا سر خاک بر یک حال بهت و
تحیر باقی گذاشته ما نمی دانیم آیا دست قضا و
قدر یا دست قدرت و سیاست سر انجام این مات
و مات را بکجا کشاند مقصود ما تقید وتکذیب
اولیای دولت و زمامداران این ملک و ملت نیست

طوریکه لفظ سر نیزه در ایران مد شده است کلیه متعهد الممال لفظ آزادی عنوان عدالت هم مد شده است مثلا در قسمت انتخابات دوره ششمین تقنینیه متعهد الممال متعدد در عدم مداخله مامورین لشکری و کشوری و آزادی انتخابات دیده شده در موضوع انتخابات خوش خیالی تصدیق داریم که شخص اعلیحضرت میل دارند جریان انتخابات مجلس موسسان را بفرمایند ولی بدبختانه این مسجد هزار متولی دارد رئیس الوزراء وزیر داخله و وزیر فوائد عامه وزیر معارف وزارت خارجه - وزارت مالیه - وزیر عدلیه وزیر جنگ - وزیر دربار اینها همه ایادی می خواهند یاتی لازم دارند بدیهی است مامورین ایالات امارات لشکری روسای قشونی حکام امنای مالیه مستخدمین عدلیه و و و هم طرفدار لازم دارند در مملکتی که قانون جزای عرفی نیست مجازات نیست بین خادم و خائن امتیاز و فرق گذارده نمی شود آیا انتخابات و این حق مشروع بدبخت ملت را آزاد خواهند گذشت نه و الله نظری بانتخابات خاک کرمان فرمائید عرایضم را تصدیق می فرمائید بطور خلاصه برای اثبات عرایض خود وضعیت انتخابات خاک کرمان را عرض می کنم قریب چهل روز است انجمن نظارت مرکزی کرمان تعیین و انتخاب شده اند تا کنون به توزیع تعرفه شروع نشده در حالیکه دوره اعلان را قانون از ۵ الی پانزده روز تعیین کرده است آیا مرتکب این خلاف قانون کیست ناچارم عرض کنم ریاست های محترم ادارات رسمی ایالت جایله انتخابات جیرفت و بلوکات خمسه شروع و شروع به توزیع تعرفه شده است در این حال دکتر عیسی خان کرمانی با دو نفر مامور نظامی در بم کرمان وارد علنی بدون هیچگونه ترس و وحشت در حضور خودم و جمعی دیگر آراء جبه را خارج و باسمی که میل داشتند رای در جعبه گذاردند انتخابات هم بیست روز است شروع در خودبم چهار روز تعرفه توزیع نموده و انتخابات نقاط جزء تمام در این حال بر خلاف مقررات قانون انتخابات از طرف ایالت توقیف شده است آیا آزادی انتخابات این است خواهید فرمود زیربار نروید داد کنید فریاد بزنید شکایت بکنید تحصن اختیار نمائید پس از سهم و بالا تر از قوه بشخص اعلیحضرت بوزارت داخله مراتب را مکرر عرض می کنم ولی -

§ گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من §

§ آنچه البته بجائی نرسد فریاد است §

وقتی جواب می دهند که انتخابات تمام و حلا بلز سر عالی برداشته شده است نتیجه ما این است وقتی انتخابات آزاد و قانونی خواهد شد که مامورین لشکری و کشوری مداخله نکنند گذشته از انتخابات کدام کار است که رؤسای در حدود کرمان دخالت نمی کنند عدلیه - نظمیه - بلدیه آنچه فکر می کنید نظامی است از قسمت سرباز گیری و خانوازئی که فراغت حاصل کرده اند اخیراً قانون جدیدی وضع کرده هرگاه نظامی یا اقارب نظامی بانکه همسایه نظامی بر رعیت بدبخت ادعا و گفتگوی حقوقی داشته باشد می گویند باید در سربازخانه محل قطع و فصل شود معلوم است نظامی ضرر نخواهد کرد از انصاف نگذریم نظامی هم حق دارد زیرا که حقوق و مواجبی در کار است بدین طریق باید امرار معاش کنند ممکن است بگویند اهالی کرمان زیر قشون و نظام را دوست نمی دارند این اشتباه است زیراکه اگر علاقه مند به قشون نبودیم زیر بار اینهمه تجاوزات طاقت فرسا نرفته و ساکت نمی ماندیم کرمانی و اهالی حدود کرمان بدبخت ضعیف و ناتوان است در سه ماه قبل در محل میدان دو نفر نظامی را با اسلحه حضرات شاگردی گرفته بردند شیخ عمان فرخنده رئیس محترم قشون کرمان بروی مبارک خود شان نیاوردند اما اگر در شهر و دهات یکی لگد گفت آقای نظامی سیورسات بدون قیمت داده نمی شود دیگر خبر نیا معرکه بارک در شماره ۹ حال التیمین یک نفر کرمانی می نویسند برای تعمیر و ساختمان خیابان سیه کرمان مبلغ مهمی گرفته و نصف خرج کردند ای بیچاره کرمانی کاش آنچه از نوکات کرمان گرفته می شد ده یک آن را خرج آبادی آن محلات می کردند خوشا بحال شما که در شهر مسکن دارید و از حال دل دهاتی بدبخت بی خبرید وقتی ماموری از این دهات مختصر عبور می کند درمیان بیابان قند و چای و عرق تریاک روغن قهراً به وسیله شلاق می خواهد گذشته از این گاه گاهی چیزهای دیگر اف بر این وجدان تف بر این شرافت تا کی پرده پوشی کنیم این همه سکوت این همه خموشی باعث تولید این عملیات شرم آور شده اشتباه است نزاکت نابالغ است باید وضعیت زندگانی کرمانی و کرمان زمینی را بهیئت دولت تذکر داد بدیهی است یک ایالت مهم کرمانی از وجود یکنفر مامور عزیز تر است -

(یکنفر جیرفتی)

➤ قابل توجه دقیق وزارت جلیله ➤

(پست و تلگراف)

دراین قرن طلائی دوره مشعشع دوره که بدبختی و مشقت سپری گردیده و دولت ایران نامردی

فرمانفرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه پهلوی ایست و مملکت ایران را در مقابل ملل حیه عالم بشمار آورده برخود واجب و لازم دانسته شمهٔ از بدبختی یکمشت پستچی عرضه بدارم - در تمام ممالک عالم پست و تلگراف را مقدم از سایر اداره جات کشوری میشمارند ولی بدبختانه در ایران ما نتیجه بعکس است - اغلب از اعضاء پست دیده میشود که هریك ۸ و ۱۵ و ۲۰ سال است با نهایت جدیت و فداکاری خدمات معمول را با یك صمیمیت فوق تصوری انجام داده در نتیجه منتظر پاداش و اضافه حقوقی بوده اند که انهم با رجوع بدوسیه انها تصدیق خواهید فرمود که در قبال این همه قدمت و خدمت هیچ دقایقی . از این حیث درباره انها نشده و بیش از ۱۵ و ۲۰ و ۲۵ تومان حقوق بانها داده نمی شود - بادیکه بدبختانه دیده می شود حکم مرکزی برای استخدام جدید با حقوق ۳۲ تومان ولی بلباس کنتراتی صادر و بموقع اجرا گذاشته شده و میشود و اسمش هم قانون استخدام گذارده شده مثل اینکه قانون استخدام فقط انحصار بمامورین داشته و دارد و هیچ ربطی به مستخدمین صحیح العمل که زحماتی در خدمت دولت متحمل شده اند ندارد -

هرگاه قانون است که باید حقیقتاً و کاملاً مواد و مرام ان متساوی میل نسبت باعضاء قدیمه حتمی الاجرا شد و اگرهم اسمی ازقانون نیست که همه را بایستی بیك نظر بنگرند - ما اعضاء قدیمی پست صرف نظر ازخدمات چند و چندین ساله خود میدانیم خوب است اداره پست هرب معامله را که با اعضاء جدیدیها فعلا مجری داشته درباره ماها هم تصویب اجرافرمایند - قانون استخدام برای کلیه اداره جات کشوری تصویب و بموقع اجرا گذاشته شده - فقط برای پست چی و تلگرافچیهای بدبخت است که تاکنون اثری بظهور نرسیده - لی برای پست وتلگراف هم تصویب شده ولی چه ! ! ! فقط بکسور صدی هشت و مادهٔ ۳۸ قانون استخدام کشوری - سایر اداره جات زحمت و مسؤلیتشان کمتر اسایش وراحتشان زیادتر ایام زنگ کدام یك از کاهان صغیره یاکبیره شده ایم که قابل بخشش نیستیم و باین جرم و عقاب گرفتار و دچار شده ایم خاطر داریم که از پنجسال قبل باینطرف تمام خیال و هم ما را به تصویب بودجه سال آتیه جلب نموده اند ولی بدبختانه حال پنجسال گذشته و نتیجه نه بخشیده - الباقی بوجدان پاك رؤساء محترم ایالتی میسپارم -

[ع . ع - س پست چی]

الناس علی دین ملوکهم

سلاطین قاجاریه که خودرا شاهنشاه ایران میدانستند در صورتیکه از واقعات مملکت خبر نمی شدند هیچ از اوضاع اندرون خودشان هم بی اطلاع بودند فقط از مملکت مداری تقریرات مملکت ما فرمودیم دیگر چیزی ندانسته توجهی باصلاح اوقات مملکت نکرده فقط بسلام نشستن در اعیاد و چراغانی و آتشبازی قناعت کرده ، بیشتر همت خودشانرا صرفه تمشیات در قصور مرکز و مسافرت بفرنگستان کرده - بمضمون « الناس علی دین ملوکهم » جمیع طبقات ایران تنبل خوش گذران گردیده ، در صورت اینکه دولت پوشالی الوقت بود ، پولی که از دست رنج دهاقین فاقه هر چیز میگرفتند بمصرف آتشبازی و چراغانی میرسانیدند ، و وسائل آسایش سرباز بیچاره را فراهم نمی آوردند ، بهمین نحو عمال دولت از تعدیات به دهاقین و یا از پول تنخواه غارتی بمصرفه کار فوق میرسانیدند ، و مایه خرابی مملکت و برباد رفتن ثروت مملکت را فراهم می آوردند ، تا این کار مذموم طبیعت ثانوی عموم گردیده ، گذشته از برباد رفتن ثروت عموم مایه نفاق بین مسلمانان گردیده که از نفاق مذکور دشمنان اسلام نتیجه برداشته ، و بر میدارند ، که از موضوع حالیه خارج است ، تا اینموقع که سلطنت از خانواده قاجاریه منتزع گردیده ، بازهمان غارتگران معهود باسم دولت خواهی مصدر کار فوق گردیده ، که هم آتیه خودشان را تامین نمایند و هم مدخولی بدست آورده باشند ، اذا در زمان تفویض حکومت موقتی به اعلیحضرت پهلوی و خلع سلطنت از آل قاجار و تفویض بخانواده پهلوی کذالك درزمان تاجگذاری کلی پول بمصرف چراغانی و آتشبازی درادارات دولت و درشهر گردید ، اگر این مخارج را اختصاص به تهیه قوه هوائی یا تاسیس دارالصنایع درایالات وولایات داده شده بود ، هم مملکت آباد شده بود وعملا اسباب ترقی اداره قشونی فراهم آمده بود ، لذا مقدمه مذکور را به پیشگاه اعلیحضرت پهلوی و وکلاء حقیقی دوره ششم اگر معدودی انتخاب بشوند بعرض میرسانم که در آتیه کلیتاً در تمام ایران آتشبازی و چراغانی را ممنوع نمایند بدلیل مضمون این شعر

§ ابلهی کو روز روشن شمع کافوری نهد §
§ زود باشد کز نباشد هیچ روغن در چراغ §

معافیت ماشین های صناعتی از گمرک

اداره گمرکات درضمن متحدالمالی که بدوایر گمرکی ایالات وولایات ارسال داشته مقرر داشته استکه مطابق قانون مصوبه مجلس شورای ملی ماشینهای صنعتی از پرداخت حقوق گمرکی معاف خواهند بود -

از قصر شیرین مینویسند

(درگفتن اثریست که در نگفتن نیست)

یکی از دوستان بتازگی از سومار آمده گفت یکنفر نماینده از طرف دولت ایران آمده سرحد سومار با دو نفر نماینده دولت انگلیس مصدق بودند پس از تحقیقات کامل قرار شد اگر ایرانیهائی که ساکن سومار هستند بخواهند نخلستان و باغات در سومار بناء کنند مختار هستند شماها که اهل مندلیج هستید یا باید از دولت ایران آب کنترات کنید یا انبار آب برای خودتان بسازید و در زمستان پر کرده تابستان بمصرف برسانید حقیر ازین پیش آمد خیلی خوشوقت شدم اما نمیدانم برای رعایای آنجا دیگر چه اقدامی شده امیدوارم جهة رفاهیت حال آن بیچارگان هم اقدامی شود عرض دیگر خواستم بعض وقایع اتفاقی افتاده را بنویسم چون می‌بینم هنوز در ایران کسی جرئت ندارد حق گوئی بکند بخصوص حقیر که شخص کاسبی هستم اگر یکدفعه شمهٔ از اعمال آنان بعرض برسانم دفعه دویم بهر اسباب چینی باشد جزئی دارائی که دارم ازبین می‌برند

§ دست بیچاره چون بجا نرسد §
§ چاره جز پیرهن دریدن نیست §

عجالتا منتظرم بعون‌الله تعالی دستی از غیب پیدا شود یکمشت حساس این سامان همه از صمیم قلب یکدل و یک صدا بشوند

والا غیر میسور است با بودن مأمورین طماع و حکومتهای موروثی کسی بتواند حق گوئی بنماید علاج بهتری در نظر است اگر دولت مأمورین باوجدان مخفی باطراف و اکناف ایالات و ولایات حتی قرات ودهات‌هم بفرستد آنهم به لباس مبدل هر اتفاقی افتاد بدون کم وزیاد بعرض دولت برساند باندک زمانی چشم تمام مأمورین که گرگ هستند به لباس میش خواهند ترسید البته وطن‌خواهی و سیاست آن ذریعه محترم ازتمام ماها بهتر است لیکن امیدوارم یک نظر مرحمتی هم باین صفحه غرب که قصر شیرین و توابع آن میباشد بنمائید پیش خدا و رسول گم نمیشود

§ تو نیکی میکن در دجله انداز §
§ که ایزد در بیابانت دهد باز §

از تفت می‌نویسند

(داد مظلوم اثری ندارد)

چون حالیه حال مرغابی و اوباش مکشوف افتاد و میتوان بعضی اظهارات نمود آن بهکه [illegible] آقایانی که تازه از پول فقرا جمکان ودرجه رسیده‌اند کشف ودرجریده ملی حبل المتین که با ضعفا همناله است نوحه خوانی کنم و شمه از بیچاره فقراء تفت یزد بنویسم گو که بی اثر ماند چیزی که خود بچشم دیده در سه چهار ماه قبل این است جناب آقا سید محمد [illegible] که لقب مدیری برای خود تراشیده وکیل نمره اول یزد و تفت اسمه بیک وطیره اسباب چینی از برای ضعفا وفقرا درست کرده که عقل حیران است هر بیچاره که بدام آقایان افتاده نجاتی ازبرایش نیست هم چنانکه هر بیچاره بدام افتاد عاقبت فرار و غربت را بر وطن مألوف خود ترجیح داده اند مثلا تا کنون شنیده نشده که شخص محکوم موقع ورود بعدلیه و نظمیه او را ببرهنه سازند و این قانونی است که آدمهای آقایان گذارده اند و از جهة این است که حق الزحمه آنها شاید پس از استنطاق از میان برود واقع خیلی مضحک وخنده‌آور است خود بنده از ظلم آقایان فرار فعلا متواری در بر[illegible] هندوستانم ومنتظرم که صاحب مال حق مظلوم از ظالم بگیرد گویا اهالی این دهات ازتبعه دولت علیه ایران نیستند که باید این همه ظلم ها را آن دهاتیان بدبخت متحمل شوند اولیای دولت هم بخیال زارع رنجبر نیستند

(ح م ح تفتی)

از لنگه مینویسند

(خود خرابی کنه گردش دوران از چیست)

وقتیکه نظر به صفحات جریده حبل المتین افگنده میشود جز داد و فریاد اهالی بندر لنگه چیزی دیگر بنظر نمی‌آید ونگارنده وقتیکه بحقیقت ملاحظه میکنم بانی همه گونه اجحافات خود اهالی هستند و پی در پی در تمام جراید داد و بی داد بی‌خود لاینفع و لا یضر میزنند از آنجائیکه خود بانی تمام خرابی هستند و خواه مخواه تقصیر را بگردن دولت میاندازند آخر چرا باید خود را نرم گرفت که مورد همه گونه پیش آمد های مضر شوند همه بواسطه لاقیدی است که فکر آخر کار نمیکنند و هرچه پیش میاید او را سهل میشمارند و همینکه چیزی شد واگذار به دولت ومأمورین دولت میکنند از وقوع اقتصادی قند و شکر تا امروز ۵۰۰ گونی شکر بلکه ۱۰۰ گونی هم وارد بندر لنگه نشده پس این همه شکر که دربندرلنگه صرف میشود از کجا است آیا در لنگه شکر درست می‌شود خیرالبته جوابشان این است که شکر قاچاق وارد می شود پس اگر شما میدانید که شکر از نادر کوچک بعنوان قاچاق وارد می شود چرا شما که تجار آنجا هستید وارسی و تجسس نمیکنید که کی شکر قاچاق وارد می کند یا چرا بطریق دوستی از دوکان دارها نمی پرسید که شما شکر از کی می‌خرید ممکن است بگویند ازفلان میخریم ازهمان شخص مشارالیه هم باید پرسید که شما از کجا آورده اید آنوقت که تجسس کردید معلوم خواهد شد که بانی قاچاق کیست فوراً اگرچه نور چشمتان باشد او را

بمحکمه [illegible] تا وکلاء و مأمورین دولت او را
استنطاق کنند آنوقت بالدیل مدت قلیلی کارها خوب
خواهد شد شما که مظلوم هستید اگرچه خود تان ظالم
هستید باید ظالم را بدست آورده او را بسزا برسانید
ولی از آنجائیکه خود شما تاجر که در لنگه
هستید بی نان نفاق است ودلتان با هم صاف نیست
و همیشه برضد همدیگر هستید خون های شما تمام سرد
است مثلا اگر یکی از تجار را سزا دهند یکی دست
بهم زده خوشوقت میشوید که فلان تاجر سزا یافت ولی
اگر همینکه یکی ازشماها سزا برسد باید همگی کمرهمت
بسته بمحکمه بروید که فلان تاجر از روی چه تقصیری
سزا یافته است اگر از روی حقانیت است فبها و اگر
از روی بی قانونی است همگی دست بهم داده مخابره
بمرکز بکنید تامأموری که بدون قانون اسم تاجر
هر کس را سزا داده است استنطاق شود و بسزا برسد
وهمیشه کوشش نمائید

از بهبهان مینویسند

(ترقی معکوس یا اختناق معارف فارس)

می بینیم در دنیای متمدن امروزی و در این قرن طلائی که آفتاب عام و دانش پرتگنه های عالم را از نور خود منور ساخته است در هر نقطه از نقاط مملکت هرچه باشد معارف رو بطرف ترقی قدم برداشته و روز بروز بلکه ساعت بساعت نسبت بامروزت خود پیشرفت می کند

می نگریم اهالی هر نقطه و محلی که بسعادت شرافت افتخار برتری و بالاخره همه چیز خود علاقمند می باشند در ترقی دادن معارف خود فداکاری و جان نثاری می کنند مشاهده میکنیم هیچ قومی یا بدائره نیکبختی نمیگذارد و هیچ گروهی به آمال خود نائل نمی شود مگر بتوسعه معارف خود می بینیم کارهای عالم روز بروز اصلاح میشود و اوضاع عالم آن بآن بسوی ترقی و تکامل سیر نموده و امروز بهتر از دیروز و فردا بهتر از امروزمیشود - می نگریم هر نقطه که مهم است دولت بملاحظه اهمیت ان مامور مهم دران نقطه میگمارد که پیش از پیش امورات ان نقطه در اثر کار دانی ان مامور بهبودی حاصل کرده و مفاسد و معایب آن اصلاح شود - مشاهده میکنیم که هر قومی که بیشتر بترقی وشرافتمندی پای بند اند بیشتر در ترویج وترقی معارف خود سعی وافی بعمل میاورند ولی افسوس گویا فارسیان باینکه بذیحسی و فراست و وطنخواهی و معارف پژوهی مشهور شده اند ابداً در فکر ترمیم معارف و ترقی اساس علم و دانش خود نیستند و هیچ بفکر اینکه معارف ندارند نیفتاده اند فارسیان اینکه گوی نیکنامی را در تاریخ ربوده اند بیشتر بواسطه آن بوده که همیشه فارس مهد علم وادب وجایگاه دانشمندان ایران بوده است هنوز شهر شرافتمند شیراز (بدارالعلم) معروف و مشهور است ولی در این دوره اول نقطه که ازحیث معارف عقب و از معارف تنگ است فارس است و فارس که پس از زحمات شهید دانشمند مرحوم حیات که عمر گرانبهای خودرا صرف معارف فارس نمود انگشتر دست این وآن بود تا بالاخره آقای آموزگار و میل آقای بساعداد عهده دار ریاست معارف فارس شدند و مدتی معارف فارس را انها اداره کرده وصورت اداری دادند اگرچه موسس و بانی معارف فارس و زحمت کش آن اداره مهم که امروز درمیانه ایرانیان خیلی پست است مرحوم حیات بوده و تنها آن عاشق معارف بود که نهال خشکیده علم را در شیراز از آب عمر آبیاری نمود ولی این دو نفر اخیر هم خیلی در این راه زحمت کشیدند ولی چه فایده که پس ازانها زمام معارف فارس بدست آقای سلطانی افتاده که عنقریب انرا روبپرتگاه نیستی سوق خواهد داد همین آدم بود که درچند سال قبل معارف فارس را بقهقرا سیر داد و همین آدم بود که چندی قبل معارف فارس دستخوش وملعبه خرافات و آخوند بازیهای او شد - بلی فارسیان امروزی بترقی معارف خود پای بند نیستند و الا چگونه زیربار ریاست سلطانی که بدسته بندی قوام و دادن رشوه باین مقام مهم رسیده میرفتند

اینجا است که میتوان گفت فارسی نوز دارای احساسات امروزی نشده و ندیده اند که اگر چنین شخصی در راس اداره معارف آنان بوده باشد سعادت آتیه آنان در خطر خواهد بود بدیهی است

§ ذات نایافته از هستی بخش §
§ کی تواند که شود هستی بخش §

این آدم محترم که بوئی ازتمدن وتجدد امروزه عالم بمشامش نرسیده چگونه با اوضاع متجدد موافق خواهد بود آری بایدکسی رئیس یک شغلی مانند معارف باشد که سزاوار بوده و بتواند امورات ان را کاملا اداره کند معارف دامن مادر مهربان است نباید بدست یک چنین شخص کهنه پرست قدیمی که وجودش از ذرات خیالات کارانه تشکیل یافته سپرده آید ای فارسیان و ای معارف خواهان فارس که مسلک و مرام خودرا معارف پروری میدانید آیا با مسلک و مرام شما آقایان ریاست چنین شخصی توافق دارد آیا با بودن چنین رئیس در راس اداره معارف امید ترقی معارف خودرا دارید پر واضح است اگر تا چندی دیگر این آقا عهده دار ریاست معارف فارس باشد میبایست فاتحهٔ معارف فارس را بخوانند

از محمره مینویسند

(معارف در خوزستان)

قبل از اینکه وزارت جلیله معارف عطف توجهی باین قطعه مهم مملکت بنماید مدتها بود بهمت جماعتی از معارف معارف دوست خوزستان چندباب مدرسه بطرز جدید دائره گشته برای نجات او باوکان وطن از گرداب جهل اقدام شده بود اصافا احساسات پاك این اشخاص وطن‌پرست درمعارف خوزستان هرگونه قابل تحسین وتمجید است وجای هیچ انکار نیست در عرض این مدت بانواع مشکلات مصادف شده و موانع را از پیش برداشته اند دیگر اینکه در تمام این مدت از بذل مال خود داری نکرده و در پیشرفت مقصود بیش از حد تصور کوشش کرده اند ـ مهمترین عواید معارفی خوزستان بطریق بوشهر برداشت تکله صد دینار است محمره چون بواسطه کثرت دخول و خروج مال‌التجاره اهمیتش معلوم است عایدی آنهم نسبتا متنابه است با اینحال انتظار میرفت اگر یك نفر مامور رسمی از طرف وزارت جلیله معارف رسد در اندك مدتی معارف محمره ترقیات جالب توجهی پیدا خواهد کرد ولی متأسفانه بعد از انهمه امیدواری ماموری که آمده بهیچ چیز اقناع امیشود چشم طمع به تمام عوایدی معارف خوزستان دوخته و بواسطه ضدیت شخصی که معارفخواهان خوزستان نمود چند سال معارف خوزستان را عقب انداخت ؟

امان از گرگان گرسنه که ایرانی را از تمام ترقیات دنیا باز داشته و محروم میدارند ـ فریاد از دست این بیوجدان هائیکه برای یك دستمال قیصریه را آتش میزنند که مملکت را باد داداند کسی پیدا نمیشود انها را تحت مسئولیت درآورد و محکوم کند بعقیده بنده در مقابل این اشخاص حس سیاست ملی لازم است که دست خائنانه انها را از کار قطع کند هموطنان هیچوقت باین اشخاص فرصت ندهید حقوق‌خواهی ملت عظمت این آقایان خود خواه را درهم میشکنند معارف مملکت را نباید دستخوش هوا و هوس اینگونه اشخاص منفعت پرست قرار داد یگانه سرمایه حیات و استقلال ملی همین معارف است برای خدا درب این اداره را بروی دزدان غارت گر به بندید هر قدر از تمدن دنیا دور و محروم شدیم بس است دیگر خود داری جائز نیست باز داشتن دویست نفر شاگردان مدرسه از تحصیل برای خوردن ماهی دویست تومان قابل انکار نیست واین مسئله روشن شرح و بسطی دارد ولی ما از تطویل مقال خود داری میکنیم و از اشخاصی که کاملا بمطالب واقف اند انصاف می طلبیم این شخص با این حال سخیف معارف خوزستان را عقب انداخته است یا هنوز نشناخته اند این اشخاص مانع ترقی معارف خوزستان شده پس باتفاق بوزارت معارف اطلاع بدهند و نیز باولیای امور برسانند که ترقی معارف خوزستان منوط باعزام داشتن یك نفر مامور صحیح‌العمل پاکدامن است و لا غیر ـ

مژده به معارف خواهان صمیمی

امروزه با بودن پدر تاجدار مان گویا باز باید سکوت را پیشه خود گرفته و عیوب را بمعرض‌نمایش نگذرانیم خیر اشتباه هست باید گفت بلکه در تصفیه آن جد و جهد وافی بخرج رود ـ

در چند شماره اظهار عقیده کرده عیوب معارف این سامان‌را نگاشته و از اولیای دولت تمنا کرده بودیم که سری صورتی به روح پدر ظریف و قشنگ مان بدهند ولی افسوس که جمعی از هوچیها که جهت دو شاهی پول جیب فوراً آلت دست این و آن شده و ناموس‌فروشی را پیشه خود می گردند در اینموقع باریك که نماینده معارف خود را در مخاطره دید و مقام خود را متزلزل دانست جهة خاموش کردن مطالب اساس دار همین گروه را دور خود گرد آورده پس از صرف چند شام و نهار موفق به استشهاد شده و مطالب حقه را افسانه قلمداد کرد و در صدد بود که خود را بری الذمه نماید ـ

آه افسوس صد افسوس که علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد

حال که چنین است ما هم در نوبت خود یکایك عیوب مدارس و معارف اینسامان را مد نظر گرفته ذیلا انگاشته و می نگاریم و از ذکر اشخاص حق کشیکه خود را در ردیف هوچیها قلمداد نموده و یا روی حق گذارده اند خود داری نخواهیم نمود

۱ ـ دلیل بی قابلیتی نماینده فوق یکی اینست که خود نمی تواند راساً رسیدگی به دروس کلاسی ابتدائی نماید تا چه رسد به متوسطه زیرا غیر از چند سطر علوم قدیمه هیچ در دست نداشته و از دروس جدیده بی بهره است جهة انتخاب معلمین البته اشخاص کهن بیسواد را مد نظر خود گرفته و کثرات می کند ـ

۲ ـ احساسات معلمین جوان تحصیل کرده مدارس جدید را خفه نموده جهت خوش آمدن فلان آقایا فلان اعیان و.و و مکتب دارها یا پای منبر خوانها را فوراً در ردیف متخذمهن بشمار آورده و از تهیه کردن هرگونه دوسیه مشعشع خـود داری نمی کند

۴ - محافظه کاری حضرت آقا میرزا ... که
متحد الکمال وزارت جلیله معارف را بموقع اجرا
نگذاشته و معتادین بافیون را علاوه بر آنکه از
مدارس خارج نمی کند بمشاغل مهمه مثل نظامت
وغیره وا میدارد -

مجدداً از هیئت دولت تمنا مندیم که نظریه
دقیق به معارف سدر پهلوی انداخته و نو باوگان مان را
بدست اشخاص صالح و مبرز پاکدامن بسپارید

(گوشه خزیده پهلوی)

واقعه اسفناک شفارود

لیله جمعه ۲۶ فروردین واقعه عجیب و غریبی از
جباری نام تحصیلدار شفارود سرزده که جای بسی تعجب
و شرح آن بقرار ذیل است جباری نام که باید وجوه
یافتی از تحصیلدار ... را بین خود و رئیس تقسیم
کند بواسطه دسته بندی که تهیه کرده بودند مکرر اندر
مکرر با گماشته مستاجر شیل شفارود در گفتگو بوده
علاوه بر مال الاجاره باج سبیل تقاضا می کرد
مستاجر مزبور که یکنفر وطنخواه و قانون دان بود از
باشت انداختن در رود خانه جلوگیری نموده نگذاشت
خلاف قانونی را که در نظر گرفتند بموقع اجرا گذارند
لیله جمعه ۴ ساعت از شب گذشته جباری نام باحالت
دگرگون به کومه شیل وارد شده بنای فحاشی را نسبت
به گماشتگان مستاجر شفارود گذاشته عمله جهة رسیدگی
از کومه خارج میشود فوراً گرفتار چوب آن ظالم
میشود عمله دیگر بکمک آن بینوا میرود او هم گرفتار
حمله مشارالیه میگردد بهر حال وقتیکه جباری نام کاملا
حمله شد مجدداً به دکان مشروب فروشی که حبیب آقا نام
رئیس تلگراف تهیه کرده میرود از صرف چند گیلاس
مشروب بطرف منزل رئیس مالیه رفته بنای فحاشی را
میگذارد برادر زن مهدیقلی میرزا که ابوالقاسم نام داشت
با چشم خواب آلود حالت عصبانی بدون درنگ گرگ وار
بطرف مشار الیه دویده کاملا آن مست از حال رفته
را بیال میکند در حین چوب خوردی سر جباری نام
مختصر شکافی میخورد شخص رئیس وقتیکه از ماجرا
با خبر میشود فوراً امر میدهد که مضروب
مجروح شده را بمنزلش ببرند صبح هنگام پس از دیدن
سرشکسته مریض برای تامین آتیه خود تمام این قسمتها
را نسبت به عمله جات شیل بسته و گماشته ناصر را نسبت
مقصر قلمداد کرده سپس رئیس تلگراف و حکومت محل
را با خود همدست نموده در صورتیکه آن محل ساخلو
و نظامی داشت وقری به آنان نگذاشته و اهمیت نداده
حرکات وحشیانه زمان استبدادی قاجار را که خود
حضرت والا نیز یکی از آنها است ، جلوخود مجسم کرده
چوب دار چماق دار تفنگ دار بسمت کومه شیل روانه

امر داد تا گماشته مستاجر باوفای ... به دولت را
با عمله جاتش دست بسته به اردو ... رئیس سانلو
وقتی از ماجرای او و کشمکش با خبر شد جلوگیری نموده
و بمرکز اطلاع داد از مرکز اطلاع هم در اثر شکایات
پیاپی و مسلسل فرزند ارشد مستاجر مزبور به ریاست
محترم عدلیه و حضرت مدعی العمومی نماینده تعیین شده
که با همراهی چند تن از وجودان پاك بی آلایش جهة
رسیدگی به این امر به آن جهة بروند هینئه و بهبود
خود یکی ازان نمایندگان منتخبه بودم میدانم و بشمانه
استنطاق جباری نام عمله جات شیل کاملا بی تقصیر
و بیگناه هستند از رسیدگی به دوسیه مقدماتی بسمت
مرکز عودت کرده قضیه در پارک عدلیه تحت محاکمه
امیدوار چنانیم پس از رسیدگی رؤسای تلاوتیکه
[مهدیقلی نام حبیب آقا نام قهرمان نام] در این
جنایت شرکت داشتند با نظریه هیئت دولت مخابرات
دیده تا اهالی بد بخت آن سامان از فشار و ظلم این
سه تن آسوده شوند

(خلاف قانون سه رئیس فوق)

۱ - شاهزاده مهدیقلی میرزا با داشتن حقوق مکفی
چشم طمع به ثروت مردم دوخته در مواقع معینه از
خلاف قانونهای مختلف خود داری نمیکنند

۲ - حبیب آقا نام رئیس تلگراف مخابرات را
دیر دیر به صاحبانش برسانیده قبل از همه در بازار
خصوص بطرف آن شخص مطلب را آشکار میسازد در
این واقعه تلگراف آقای مدعی العموم را یك شبانه
روز دیر رسانده دکان مشروب فروشی جهة عایدی
آینس باز کرده و سکته به صحت عمومی زده و میزند

۳ - قهرمان نام حکومت محل در کلك به دوستی
فوق خود داری نکرده خصوص در واقعه شفارود قاعده
ها را حبس و تلگرافات حضرت مدعی العموم را تحت
نظر نگهمیداشت

از هیئت دولت خصوص از آقای سرتیپ
فضل الله خان زاهدی و پیشکار مالیه تمنا میکنم که
اهالی بد بخت شفارود را از شر این سه تن آسوده
سازند - (د - ن)

اعظم مصائب اسلامیان

چنانچه هفته گذشته اشاره نمودیم امیر با شهامت
ریف عبد الکریم عاقبت ناچار به تسلیم آمد و آخرین
قطعه سلطنت اسلامی (مور) که بیش از هزار و دویست
سال در تحت تصرف مسلمانان بود بقبضه اسپانیان در
آمد وقتی که بنی عباس بنی امیه را درهم شکسته
سلطنت آنان درشرق خاتمه بخشودند یك از بنی امیه که
عبد الرحمن نام داشت فراراً بجانب غرب رهسپار
و سلطنت جلیل القدر اموی که مایه حیات علم و

سیاسی اروپا شد تشکیل داد دار العلوم های قرطبه و اندلس باندازه عظیم الشان بودی که بقول برخی از مورخین اروپا مزیت بر دار العلوم های بغداد وغیره داشت آن زمان دو سلطنت قویه اسلام در عالم حکمفرما بود یکی بنی عباس در شرق و یکی امویه در غرب و مورخین آن دوره می نویسند که اگر این دو دولت اسلامی پشت به پشت یکدیگر داده مانند ادوار ابتدائی اسلام بتدریج سلسالی می کوشیدند در شرق و غرب دنیا اسلام گوی سبقت را از کلیه مذاهب می ربود ولی بدبختانه سلاطین خودخواه خود غرض بنی عباس و امویه بر خلاف یکدیگر باندازه کوشیده که عاقبت هر دو از میان رفتند

سلاطین امویه یکی بعد دیگری در غرب با طنطنه و جلال حکومت نموده سلطنت قویه اسپان را قسمی درهم شکسته که اگر انسان پروری و آزادی مسلمانان نبود یکنفر مسیحی در آن قطعه پدیدار نمی آمد ولی آن مروت و انصاف عاقبت وبال مسلمانان آمده عده انگشت شمار اسپانیان که در کوهستانها پناهنده بودند برمسلمین تاخته سلوک ننگین آنان با مسلمانان تا عاقبت مسیحیان را لکه دار نگاه خواهد داشت بالجمله اسپانیان پس از قبضه قرطبه و اندلس و سائر ممالک اسلامیه در غرب بر طایفه مور وعربهای جسور وغیور بقدری فشار وارد آورده که دسته دسته مجبور بمهاجرت آمده در کوهستانهای غرب الغرب مانند ریف وغیره سکونت اختیار نموده و در این هزار و اندی سال آزادی و استقلال خود را محافظه نموده تا عاقبت این خطه اسلامی نیز بقبضه اهل صلیب در آمد از اینرو باید گفت خاتمه آزادی ریف مصیبت عظمای اسلام و خاتمه آزادی مسلمانان در غرب است مراکو که ریف قطعهٔ از قطعات وی است باندازه موقع سیاسی و جنگی و تجارتی وی اهم است که شاید زمانی در رسد که سلطنت مراکو اقوی و اعظم سلاطین غرب بشمار آید چیزی که یك روزنه بسیار کوچکی برای حسن عاقبت مسلمانان آن خطه نشان می دهد همانا ملیت مراکویان است که همه دارای یك مذهب و ملت اند یعنی مسلمان اند وعرب هرگاه زوال غرب که طبیعی و قطعی است شروع شود سلطنت مراکو که متصل است به الجزیره وتونس وطرابلس غرب ومصرفلسطین و شام و جزیرة العرب خیلی قوی وبسیط تواند آمد

پس از اینکه امیر جلیل القدر عبد الکریم مجبور به تسلیم آمد و خویشتن را بدون هیچ شرط بزوال فرانسه تسلیم نمود مشار الیه و خانواده او را از ریف حرکت داده در (تازه) فعلا جایگاه داده اند می گویند تمام مراسلات امیر عبد الکریم بدست فرانسویان آمده منجمله مراسلاتی است که با لندن داشته جراید فرانسه می نویسند که اگر آن مراسلات کشف شود خیلی مشکلات سیاسی بین دولتین فرانس و انگلیس تولید تواند کرد

گمان نمی رود که بعد از تسلیم شدن امیر عبد الکریم بین اسپانی و فرانسه در موضوع تقسیم ریف مناقشاتی پیش نیاید چه در حقیقت ریف قطعه قرار داده شده بود بیطرف بین اسپانی و فرانس در حال مراکو و تعیین حد سرحدات این دو دولت اتصال بهم خواهد یافت و مراکو دوقطعه شده حصهٔ از آن تحت نفوذ فرانسه باسم سلطان بی اقتدار و حصه دیگر تحت اقتدار اسپانی بدون اسمی از حکومت ومی است اسپانیها بثروت طبیعی ریف خیلی فریفته آمده مسام است فرانسویان هم که سبب این فتح گردیده نظر شان بمنافع بر ثروت ریف بوده است ممکن است یك مشکلات بین المللی هم در سواحل الجیریا که تا کنون آزاد و بیطرف تسلیم شده بود پیش آید انگلیسان از روی سیاست و نظر تدافعی نمی توانند سواحل الجیریا را بقبضه فرانس یا اسپانی مسلح دارند و کلید بحری خود یعنی قلعه جبل طارق و مالتا را همواره در مخاطره گذارند برخی را عقیده ایست که بواسطه این مشکلات بین المللی عاقبت مجبور خواهند شد که ریف و ساحل الجیریا را بیطرف و آزاد قرار داده با شرایط محدود امیری روی بر کار آرند ایطالی هم در پرده دارد فرانسه را تهدید نموده می گوید در کلیه عرب باید اثرات ایطالی نیز تسلیم شود و یك ازارکان مهم عرب خاك مراکو است در هر صورت اگر مسلمانان دارای حس سیاسی و ادراکات مذهبی بودند باید روزی را که امیر عبد الکریم خویشتن را ناچار به تسلیم یافت برای همیشه روز مصیبت و آخرین وداع سلطنت اسلامی از غرب دانند ـ

سد جاجرود

برای بستن سد جاجرود و استفاده از آب های آنجا وزارت فوائد عامه توسط آقای دکتر میلسو استخدام یکنفر مستشار را خواستار شده بودند اینك رئیس کل مالیه اطلاع میدهند که کمپانیهای امریکائی یکنفر را تعیین ومعرفی نموده و مینویسند روزی ۵۰ دلار حقوق دریافت خواهد کرد

وزارت فوائد عامه شرحی بوزرات مالیه نوشته واستعلام نموده که وجه فوق شامل مخارج مسافرت متخصص مزبور نیز میباشد یا نه و علاوه بعد از تصو

قشه آیا میشار الیه حاضر خواهد شد در مناقصه که برای مشاریع اینکار عمل خواهد آمد شرکت کنند و ضمنا میزان اعتبار و اهمیت قرار دادهائی را که ممکن است با ایشان منعقد گردد سؤال کرده الد

کمپانی نفط جنوب

بر حسب وقتی که قبلا معین شده بود سر جون کدمن نایب رئیس کمپانی نفط ایران و انگلیس بوزارت فواید عامه حضور بهمرسانیده و آقای وزیر فواید عامه را ملاقات و شرحی راجع باستحکام روابط بین دولت ایران و کمپانی مذاکره و ضمنا قرار شده کمپانی در آتیه متخصصین فنی خود را بیشتر از ایرانیها انتخاب نمایند و برای عملی کردن این نظریه در نتیجه مذاکرات موافقت نظر حاصل گردیده و قرار شده که از هذه‌السنه کمپانی بیست نفر محصل برای تحصیلات عالیه فنی بخرج خود بخارجه اعزام دارد و شرایط اعزام شاگردها باروپا درآتیه تعیین و قریبا برای اطلاع عمومی اعلان خواهد گردید

معادن مشهد

یکنفر مسیحی که در مشهد معادن طلا و نقره و ذغال سنگ وغیره کشف و تقاضای امتیاز آن را نموده بود مقرر گردید که عملیات خود را تعقیب و پیشنهاد های آنرا ارسال و پس از مزایده با ملاحظه منفع دولت امتیاز آنرا مطابق مقررات قانون باو خواهد داد

قوانین جزای عرفی

وزارت عدلیه قانون جزای عرفی را که سابقا به‌محاکم جزاء ابلاغ نموده بود مقرر داشته که از روز ۲۵ فروردین بموقع اجرا گذاشته و مرتکبین باعمال خلاف و جنحه وغیره را مطابق مدلول آن محاکمه و به مجازات برسانند -

مجلهٔ سود مند

مجله ایست تاریخی ، اخلاقی ، اجتماعی ، و فلسفی که در مصر ماهانه طبع و توزیع خواهد شد این مجله از خامهٔ جناب آقای عبد الله خان رازی مدیر و نویسنده شجاع مجله رستاخیز است اینجوان غیور و این نویسنده جسور را ما بخوبی میشناسیم وهمیشه برحسیات صمیمانه او در خدمات مایه امیدوار بوده وهستیم مجلهٔ رستاخیز بهترین معرف ایشان بوده وهست مجله سودمند در ۵۲ صحیفه اشاعه خواهد یافت قیمت آن در ایران ٤ تومان و در ولایات سایره یك لیرای انگلیسی است و الحق سزاوار است که در موضوع او گفته اند

§ قیمت افزون کن که ارزانی هنوز §

طالبین بادریس ذیل مراجعه نمایند

عنوان ، مجلهٔ سود مند صندوق بوسطه ٣٤٠ مصر القاهره

حسب الامر مدیر ودبیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعه حبل المتین نمبر ۸۸ [illegible]

◄ خبر و اعلانات مجانا باحدی داده نمی شود ►
◄ از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار ►
◄ مقدم گرفته میشود ►
◄ روز نامه مقدس ►

◄ محل التحریر ►
(۲ شماره ۲۴ آهری پوکر رود)
[بنا یکنج کلکته]
◄ کلیه امور با مدیر کل ►
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[امیر ... مؤیدزاده]
[ام ... است]
◄ هر دوشنبه طبع و سه شنبه ►
◄ توزیع میشود ►

Ahri Pukur Road
CALCUTTA

◄ قیمت اشتراک ►
سالانه ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران ۳۵ قران
[ممالک سایره]
◄ سالانه ►
◄ یك ونیم لیره انگلیسی ►

حبل المتین

◄ سنه ۱۳۱۱ ►

◄ یوم سه شنبه ۱۵ آذرماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با غره جمادی الثانی سنه ۱۳٤۵ هجری ►
◄ مطابق با ۷ دسمبر سنه ۱۹۲٦ میلادی ►

◄ لزوم تشکیلات بحری ►

شاید اگر مقالات حبل المتین در موضوع تشکیلات بحری مجتمع آید مجلاتی ضخیم فراهم شود ما پیرواین مسلك مستقیمیم و در گفتن اصریست که در نگفتن نیست ، یاس در وجود ما خلق نشده و یقین داریم که با استقلال هر مانعی را از پیش توان برد اینك که بحمدالله اسباب موجود و موانع مفقود آمده دولت نیز حاضر گردیده است که قدمهای ابتدائی در تشکیلات بحری خود بردارد بر کلیه ارباب اطلاع است که آنچه میدانند و میتوانند دراین موضوع حیاتی نگاشته دولت را تائید و کمك نمایند بار ها نوشته ایم مملکت بی دریا محصور است و محدود و ساحل بی کشتی حکم دروازه بی دربان را دارد ، در حقیقت ایران با دو هزار میل سواحل و هزار ها بنادر و جزائر هم محصوراست ومحدود وهم بی دروازه و درمان این همه خرابی سواحل و جزائر ما این همه بی اختیاری ملت و دولت در آبنا های خویش نتیجه آنست که ما تا امروز تشکیلات بحری نداشته ایم شاید بعضی چنین تصور کنند که غرض از تشکیلات بحری آنست که با دولت انگلیس مقابله نموده و یا در موقع اختلاف جهازات جنگی ایران حمله بر هندوستان نماید و چون این مراتب بنظرشان بعید و بلکه محال می نماید صرف نظر از تشکیلات بحری را بصرفه ملت و دولت نزدیك تر قرار میدهند و حال آنکه چنین نیست غرض ما از تشکیلات بحری توسعه دائره رقابت با دول بحری وآنگهی انگلستان نبوده ونیست فعلا مقصد ما از تشکیلات بحری حمرانان ساحل ورفع احتیاجات خویش است ما میخواهیم حکومت خود مان را در سواحل و آبنای خویش بسط دهیم ، ما میخواهیم کشتی های خود ایران حامل پست های ساحلی خود مان باشد ما مائلیم که اختیارات مان در آبنا و سواحل خویش همازقدر بگردد که جهازات خارجی بی پروا درآبنای ما نیامده و بدون پروانه نتوانند حرکت نمایند اقلا ما میخواهیم در آبنای خود مان کشتی های ملی مان تحت تفتیش جهازات اجنبی بیرون نیاید ما میخواهیم سواحل ما باختیار خود مان باشد ما مائلیم که هرقدر و هروقت از هر دولت و مملکت بخواهیم اسلحه جنگی در هر نقطه از سواحل خویش وارد کنیم مانع ورادع نداشته باشیم اینها نمیشود جز بتشکیلات بحری مسلم است که تشکیلات بحری نیز پول میخواهد

اولا باید دولت یك حصه از بودجه خود را به تشکیلات بحری اختصاص دهد وهمچنین یك ممر عایداتی پیدا نموده انحصار باداره بحری دهد و نیز همین که شالوده تشکیلات بحری را گذارد سالانه مبلغ ها از ورود و خروج جهازات خارجی در سواحل خود استفاده تواند نمود ، و این چیزی نیست که ما ایجاد کرده باشیم در هر جا و هر بندر و ساحل هر مملکت رواج است و همین کشتی های موجوده را نیز نباید معطل ومهمل وبیکار گذارده مبلغی خرج آنها کرده ومبلغی هم برای حمل پست سواحل خود بدیگران بپردازیم پست های سواحلی ما باید با همین جهازات اداره شود و ازاین ممر مبلغی هنگفت هم عاید اداره بحری تواند شد از برکت تشکیلات بحری دولت خواهد توانست عایدات غواصی خلیج فارس را که اینك مانند گوشت قربانی تقسیم میشود باختیار خود آورده سالی ملیونها از این ممر فایده

برگیرد و نیز عمرانات ساحلی از برکت تشکیلات بحری همه روزه رو بفزونی خواهد نهاد، دولت باید بر عده وزارت خانه های خود افزوده تشکیل یك وزارت بحری دهد و همان قسمیکه مستشاران ومتخصص برای سائر وزارت خانه ها از خارجه جلب میشود برای وزارت بحری نیز مستشار جلب کرده از روی علم و بصیرت باید شروع بکار نمود، اگرچه وزارت جنك ۹ نفر شاگرد برای تعلیمات بحری گسیل داشته ولی بدون متخصص بحری ما که از فنون عمرانات ساحلی بی بهره ایم نمیتوانیم در تشکیلات بحری قدمهای وسیع برداریم ما باید یك نظری به برادران ترکی خود نموده سبق حاصل نمائیم که چگونه در پیشرفت تشکیلات بحری خود جدیت می نمایند و حال آنکه وسعت سواحل و عده جزائر و بنادر ما در شمال و جنوب است به ترکان عبور چند مقابل است فرق ما و آنها این است که آنان زنده و در فکر زندگی آتیهٔ خود هم هستند بر عکس ما پژمرده و بی حس و منتظریم که همه کارهای مارا دیگران انجام دهند اگر اداره بحری تشکیل یابد ملوك طوائفی در خلیج خاتمه خواهد یافت وعایدات دولت بیش از آنچه تصور شود فزونی خواهد گرفت و شتی هائیکه امروزه در اختیار شیوخ اند همه تحت امر اداره بحری خواهند در آمد و ازاین مرهم عایدی عمده تحصیل توان نمود

در سایهٔ تشکیلات بحری و جزئی عمرانات ساحلی ونصب چند دستگاه های چراغ دریائی و انداختن چند (بویه) در دریا میتوان عایدات بزرگی از ورود و خروج جهازات اجنبی در آبهای خود تحصیل کرد

اهالی خلیج فارس عموماً دریانورد و بفنون بحری چندان نا آشنا نیستند بافتتاح چند مدرسه بحری در خلیج وسواحل مکران میتوان اعضای بحریه کم خرج و عمده تهیه نمود - در سایه تشکیلات بحری و عمرانات ساحلی بالغ بر یك کرور نفوس ایرانیه که از احسا وقطیف و کویت و بصره تا برسد بعمانات و کراچی باوطان خود باز آمده بر عمران مملکت و عایدات دولت خواهند افزود: در سایه تشکیلات بحری معادن ساحلی ما زود تر بکار خواهند افتاد معادن ساحلی خیلی سهلتر و آسان تر بکار میافتند و بواسطه دریا اسباب و لوازم کار کردن بمعادن به آسانی فراهم میشود و حاصلات معادن ساحلی زود تر بمعرض بیع در می آید چون کارکردن درمعادن ساحلی کم خرج است اجناسی هم که از وی خارج شود ارزان تر میتوان فروخت و با اجناس دیگران رقابت کرد

اینك که بناست کشتیهای هوای پیمای خارجی از اروپ بهند رفت وآمد کنند و دو ایستگاه بزرگ در خلیج ما داشته باشند تشکیلات بحری برای ما لازمتر آمده ورنه طولی نیکشد اقتداراتیکه برای تامین بهر این سواحل داریم ازمیان برود عمده سببی که توجه مرکز را باین سواحل بر قیمت جلب ننموده همانا نداشتن راه صحیح است و بدینواسطه گویا خلیج فارس خیلی ازمرکز دور افتاده است هرقدر وزارت فواید عامه در ساختن راه های عراده رو از خلیج بمرکز سرعت نماید کمك بزرگی به تشکیلات بحری داده است بزرگترین فایده محسوسی که دولت میتواند از تشکیلات بحری خود حاصل کند همانا جلوگیری از قاچاق است یك ازمبصرین می نویسد «اگر دولت کاملا موفق آید که جلوگیری ازاموال قاچاق بنماید نه تنها ثلث عایدات گمرکات فزونی خواهد یافت بلکه رونق تجارت دوبالا تواند آمد چه امروزه بواسطه رواج و رونق قاچاق تجار صحیح العمل نمیتوانند کاملا توسعه بادارات تجارتی خود بخشند

ما ایرانیان هیچوقت مردان بحری نبوده ایم و از منافع دریا و منابع ثروت آب آور بی خبریم و بهمین جهة بوده که رجال (باعلم) آب های شور مارا رایگان می بخشیدند یك از مبصرین از خلیج مینویسد «اگردرست تامل شود رجال کنونی ما چندان تفاوت با رجال دوره نادری که آب های شور را بخشیده نکرده اند ورنه اگر کوچکترین توجهی که به سائر نقاط میشود بخلیج فارس و این همه سواحل زرخیز میشد زر ترین منافع عاید ملك وملت میگردید هر دولت دیگر اگر ده یك سواحل ما را مالك بودی چندین برابر عایدات کنونی ایران از همان جزئی ساحل تحصیل می نمود گویا اولیای دولت ما همان قسمیکه ازتشکیلات بحری بی اطلاعند از منافع عمده ساحلی هم بی خبر اند ولی مقتضیات زمان دارد مارا مجبور می نماید که توجهات کامله در تشکیلات بحری خود نمائیم و همینکه متوجه به تشکیلات بحری آمدیم و پی باین منابع ثروت بردیم بدون شبه در توسعه و تزئید آن خواهیم کوشید

وزارت فواید عامه راست که هر قدر زودتر ممکن شود راه های شوسه چاه بهار را تا دزداب و بندر عباس را تا کرمان ولار وبندر لنگه را تا لار متصل ساخته هم کمك بعمرانات ساحلی داده شود و هم در توسعه تجارت داخل قدمی برجسته برداشته باشند وباید بسرعت راه های ساحلی را نیز ساخت یعنی بنادر را را ازخشکی هم یکدیگر مربوط نمود، راه ساحلی بوشهر تا محمره و اهواز را که کمپانی نفت ساخته باید بموقع استفاده عموم گذارده آید وازهمین قسم از بوشهر به لنگه و از لنگه به بندرعباس وازمیناب به چاه بهار باید راه های عرابه رو را آماده کرد تا بسهولت بتوان در موقع ضرورت بهرگونه تدارکات لازمه اقدام نمود

باینستکه تشکیلات بحری تصلرف عمده در کار ندارد ولی با سرمایه مختصر دولت میتواند به تشکیلات بحریه شروع نمود از همان منابع ثروتیکه شمه از آن را بر شمردیم مقتدر بتوسیع بلکه تکمیل آن تواند گردید البته در اول قدمیکه در این مقصود برداشته آید باید باصول و رأی متخصص بحری باشد ورنه بدون مستشار بسرعت نخواهیم توانست در این مقصود حیات بخش قدمهای سریع برداریم اگر کابینه آقای مستوفی اولین قدم را بطرف تشکیلات بحری بردارند بزرگترین یادگاری از خود در تاریخ ایران خواهند گذارد

جامعه غرب

(یا دسته بندی شرق)

از بس دول غربیه در جامعهٔ ملل ابراز اغراض ملی داده یك مرتبه پرده شبهه را از انظار مخالف و موالف مرتفع ساخته همه یکزبان میگویند جامعه ملل جامعه ایست که اساس و پایه اش بر پیشرفت اغراض غربیان ریخته آمده این الکته ملل شرقیه را دستپاچه ساخته میگویند که قبل از جنك و تشکیل این جامعه دول غرب اعم از کوچك و بزرك تك تك آنچه در حیز اقتدار داشته بجلب فائده از شرقیان کوشیده در اسارت و عبودیت آنان ذره فروگذار ننموده اند . چنانچه ملت هلند یك چند ملیون یك دست روی کالکو انداخته و با دست دیگر شاخ چین را گرفته امید سواری آنرا هم مینمود ، هولاند با آن جمعیت قلیل و خاك کوچك در مجمع الجزائر سماترا وجاوه سی چهل ملیون نفوس اسلامیه را برقیت خود کشیده مرتکب هر گونه مظالمیکه میخواهد در آنجا میشود پرتگیز که امروزه در غرب جزو دول بشمار نمیرود حتی در هند دارای مستعمرات است -- انگلیس -- فرانس -- ایطالی که از دول عظیم الشان اند جای خود دارند حالا جمیع این دول در یك مجمع مجتمع آمده برسر شرقیان چه خواهند آورد - این سخنان یك گونه پروپاگندای سیاسی است که این جامعه برای حفظ حقوق انسانیت تشکیل یافته و برای عدالت و انصاف ایجاد شده اینها همه چشم بندی و انتریك است هفت سال است که افکار و اعمال جامعه باغلافهای سیاسی جمیع سیاسیون بزرك غرب پیچیده شده برهمه آشکارا ومبرهن آمده است تسلیم به اسکو و نشنو ممکن است مفهم را نمیتوان تکلیف نمود ، غربیان باید همین قدر ملتفت آیند که ازاین بعد شرقیان ولو بدیر هم باشد مقاصد این جامعه را فهمیده و خواهند فهمید

بالجمله از نتایج خود غرضیهای غربیان نه تنها جامعه ملل بسی از وقار و عظمتش کاسته آمده بلکه شرقیان را هم بفکر آینده خویش انداخته درجنبش اند که شاید پیش از این بند های اسارت وغلامی شان مستحکم نگردد

ازینست که شهرت یافته نمایندگان بیشتر از دولت شرقیه ازچین و روس و افغان و ترکی و ایران که در اسلامبول مجتمع آمده غربیان را بوحشت انداخته است

ما عقیده نداریم که از ملاقات چند نمایندگان دولت شرقی در اسلامبول اساس اتحاد شرق بفوریت ریخته خواهد آمد ولی شبهه هم نداریم که شرقیان بد خواب شده امروز نه فردا نقشه اتحادی برای خود خواهند کشید و بیشتر تولید نفرت شرق را از غرب جامعه ملل و بازی های آن نموده است حتی بعضی از دانایان انگلستان هم در نطقهای خود میگویند لفظ جامعه ملل بر مجلس ژنو اطلاق کردن غلط است چه این مجلس تیراژی است که چند نفر از دول بزرك برای پیشرفت مقاصد سیاسی و استعماری خویش ریخته و دارند از پیش می برند ، امتیاز بزرگی و کوچکی و اوضاع بلندی و پستی و اساس حقارت و عظمت باندازه که در این جامعه ملل موجود است در هیچ جای عالم دیده نمیشود و این جامعه نیز سر تا پا برای پیشرفت اغراض دول بزرك ایجاد شده و بتائید آنان میکوشد ، مثلا بدون هیچ استحقاقی دو دولت بزرك غربی مانند فرانس و اسپانی یك مشت مسلمانان ریف هجوم آورده و متصدی همه گونه ظلم واجحافات وحشیانه برآن بیچارگان میشوند ، آیا میتوان گفت جامعه ملل از آن همه مظالم و ارتکاب جنایاتی که در شامات ازفرانسه شده و میشود اطلاع ندارد ، آیا یك صدای کوچك احتجاجی هم از این جامعه بلند گردید ، همان قسم فشاری که انگلیسان بمصر وارد آورده چه نتیجه داد و جامعهٔ ملل چه جلوگیری از آن نمود ، ایطالی که بناحق برپولان تاخت و (سنور موسولینی) که علناً صدای عالمگیری خود را بلند ساخته بمحو مسلمانان طرابلس غرب قد علم نموده چه اثر بر جامعه می بخشد ، آلمان وقتیکه این اوضاع را در جامعه یافت آلهم بقصد شکار افتاده خویشتن را شرط مساوات با چهار دولت دیگر که ارکان اربعه جامعه گفته میشدند داخل در این میدان تاخته آثار ساخته عنقریب دیده خواهد شد که آلهم مانند دیگران به آتش افروزی مشغول آمده است قانون اساسی جامعه برخلاف تساوی حقوق و عدالت ریخته شده است چگونه ملل ضعیفه خصوصاً ملل شرقیه سیما امت اسلامیه میتوانند از این جامعه فایده برگیرند

دول طماع غربیه در حالتیکه منفرد بودند از هیچگونه اجحاف و مظالم بر ملل کوچك عامه ملل شرقیان فروگذار نمیکردند اینك در این جامعه ملل

مجتمع آمده قوای خود را بروی هم متراکم ساخته بنیاد ملل کوچک جامعه شرقیان را از پای در می آورند ولی یك فرق دیگر پیدا شده سابق اقدامات منفرده دول را ناسپاس می کردند حالا آن اجحافاتی که باسم این جامعه ملل بر قوایم ضعیفه مانند شامات وغیره میشود همه را قانونی و از روی عدل جلوه میدهند — بلی از روی همین جامعه ملل است که جزیرة العرب قطعه قطعه آمده تحت نفوذ و اوامر غربیان بیرون شده اینکه این دخالت ها را مذهبی جلوه بدهنـد برای نام برخی غلام بچه گان از مسلمانان را باسم امارت یا ملك یا سلطان یا شیخ برقرار داشته اند — همین جامعه ملل است که ممالك اسلامیه را قطعه قطعه ساخته و باقتدار و اختیار دول غربیه نصرانیه بخشیده است ، با این حال آیا سزاوار است که نماینده ایران دراین جامعه که سلاح خانه اسلامش باید خواند عضویت داشته باشد عجبا ایران چه فایده تا امروز از شرکت این جامعه برده و آینده نیز چه امید جاب نفعی از آن دارد ، بعقیده ما شرکت ایران در این جامعه نه تنها خویشتن را نزدیك بممالك ساختن است بلکه تیشه بریشه اسلام زدن است با مزه تر اینکه نماینده دولت ما افتخار میکند بر اینکه یك کرسی نیم دائمی برای نمایندگان آسیائی اختصاص داده شده و خوشوقت است از اینکه روزی هم نوبت ایران خواهد رسید از همه با مزه تر اینکه برخی از نا آشنایان سیاست هم قلم در دست گرفته این رویداد های جامعه را به آب و تابیکه درخور متملقین ایران است با لباس افتخار بقامت ایرانیان می پوشانند · اف بر این نمایندگی و تف بر این نویسندگی

از طهران می نویسند

اینك که حبل المتین از محاق توقیف بیرون آمده من از کما فی السابق قلم بدست گرفته بوظایف خدمتگذاری قیام می نمایم در این هفته فقط اشاره به بعضی رؤس مسائل خواهم نمود و در یك موضوع خاص بحث نخواهم کرد چه عیب که رؤس مسائل بچنگ آمد در هر موضوع که بحث شود مطلب بهتر مدلل و منور آید

(داریم پیش میرویم)

ما ایرانیان چند صفت طبیعت ثانوی مان گردیده یکی از آن صفات هم تنقید است نه بمعنی که ملل دیگر دارند ما تنقید را برای بیان حقیقت نمی کنیم بلکه برای اظهار فضیلت است اگر بنا شود تعریف کنیم کاهی را کوهی میسازیم و اگر تکذیب نمائیم شیری را موشی می کنیم نظر اعتدال نداریم همیشه راه پیمای سیر که افراط و تفریطیم دراین صفت هم چندان قصور نداریم چه سابقین ما همیشه کلید جهنم را بدست گرفته بر سر ما کوفته اند و آیه لا تقنطوا من رحمة الله یاد آور ما نشده است این است که ما هم در اصول تنقید همواره بدی ها را می بینیم و آیه امید و رحمت را از کف میدهیم نظر نیك بین نداریم مقیاس را از کف داده و اگر هم احیاناً قیاس کنیم میخواهیم طفل یکشبه ره یکساله برود اوضاع تمدنی خود مان را به فرانس وانگلیس و آلمان مقایسه میکنیم ولی هیچوقت ایام گذشته خود مان را بحال قیاس نمی نمائیم ازاینرو من برخلاف سایر نویسندگان خیلی به آینده خود مان خوش بینم وقتیکه اوقات گذشته خود را بحال قیاس می کنم فرق بین مشاهده میشود من می بینم که ایران در هر چیز هر روز یك قدم پیش میرود از همه بالاتر اینکه از صد سال باین طرف همه چیز ایران لفظی بود نه عملی نه دولت عمل در کار ها داشت نه ملت را اقتضای عمل از دولتیان بود ولی این دوره هرچه میشود عملی است نمیگویم تمام الفاظ عمل میشود . البته می توانم بنمایانم که این دوره بیش از ثلث الفاظ دولتیان لباس عمل می پوشد چرخ های دولت بکار افتاده ولی خیلی از آنها کج و معوج است ازاینرو بصحت سیر نمی نماید اصلاح میخواهد این اصلاحات هم تدریجی است فوریت صورت نتواند بست ایرانی خود نما است حقیقت جو نیست ظاهر بین است واقع بین نیست مثلا در تاریخ رولیسیون فرانس را میخواند از طرف دیگر رولیسیون بی اساس خود را هم می بیند فوری نظرش باوضاع حالیه فرانسه می افتد و پشت نگاه هم بحال خراب ملت ووطن می کند چون تفاوت را از زمین تا آسمان می یابد فوری مأیوس شده بنای داد و فریاد را میگذارد معلوم است که یأس مزید خرابی میشود و امید سبب پیشرفت امور خوب است کسی بما بفهماند که رولیسیون فرانسه با وجود اینکه ازروی حقیقت بود هشتاد سال طول کشید وورلیسیون ایران با اینکه بی اساس بوده از بیست سال تجاوز نکرده من نمیتوانم قائل شوم که با آن همه موانع خارجی وداخلی که ایران را در پیش بوده باندازه زمان خود کم پیشرفت کرده است حالا چند تا را بر سبیل اختصار برای شما بیان می کنم که خود تان هم تصدیق کنید که ما داریم پیشرفت می رویم و ابدا جای یأس نیست بلی از پیش کمر پیشرفت کار ها را به میان نبندید

(نظام ایران)

قبل از کودتای اخیر قشون سه دولت در ایران موجود بود و مشتی قشون ایران که بنام قزاق باقی مانده بود آنهم قابل لشکر نبودی در این قلیل زمان

قشون ایران با حیثیات دارای نظام مرتب شده که توانسته قشون خارجه را بیرون کند ملوك الطوایفی را در مملکت خاتمه بخشد دولت را تمرکز دهد امروزه بیرق نظامیان ایران در آخرین نقاط سرحدی جنوب و شمال شرق و غرب باهتزاز است در تمام مملکت سرکشی باقی نمانده و این چیزیست که همه می بیند دوست و دشمن خودی و بیگانه تصدیق دارند و این مسئله مثل ادوار سابق لفظی و شاست مالی نیست تمام از روی حقیقت و عملی است وهمه بچشم می بینیم که نظامیان ما تا اندازه دارای پادت و اتوموبیلهای زره پوش و ارویلان های جنگی و تلگراف بی سیم و ... شده اند و اصول شخصیت رفته و وحدت اداری بروی کار آمده تا جائیکه برای استحکام این اساس که هاره‌سلا ژنرال بماند قانون نظام اجباری بموقع اجرا می آید تقادین ما صرف نظر از تمام این عملیات و پیشرفتهای مشعشع نموده فقط اینکه فلان سرباز با بهمان صاحب منصب قدری زیادتی و اجحاف نموده ادارهٔ نظام آبرومند خود را لقمهٔ ... و لکه دار جلوه میدهند که عدمش را باوجود بوده وجودش را مورث خرابی مالک وملت و ارادی دولت ظاهر میدارند البته من هم تصدیق بر نقایص کار میکنم که نظامیان خیلی خودسر شده باید عنان آنها را کشید باید وظایف شان را محدود ساخت باید نقایص آنها را مرتفع ساخت ولی برای یك جزئی نقیصه از کلیه محسنات آنها صرف نظر نمی توان نمود

(مالیه ایران)

برگردیم بمالیه ایران در موقع کودتای اخیر مالیه دولت اسمی بود بدون رسم تجارت خوابیده و بواسطهٔ ناامنی طرق و خان خانی هر نقطه تجار دست روی دست گذارده عایدات گمرکی گواه صادق این قول است مستخدمین دولت هر یکدام هم که اسماً مواجبی داشتند جز آرزوئی نبود امروزه دیده میشود علاوه بر اینکه تجارت ترقی کرده عایدات گمرکی ده بالا و سه بالا شده مالیاتهای سابق و لاحق بحیطهٔ وصول می‌آید قریب پانزده ملیون مبزانسم و رسم که هست پول نقد دولت در خزانه دارد وملازمین دولت و خاصه آنکه چند بالا شده اند همه بموقع خود مواجب می یابند حالا می بینیم بمجردیکه فلان مامور مالیه در فلان نقطهٔ مملکت اندك اجحاف وزیادتی کرده تقادین چشم از تمام حسنات این اداره پوشیده آرزوی بازگشت ادوار اولیه را مینمایند ومیگویند فلان درزمان فلان مستوفی با اینکه هیچ مواجب نداشت چنان و چنین بود وحالا با اینکه یك مبلغ بزرگی از عایدات ما صرف مواجب ملازمین اداره مالیه می شود باز هم چنین و چنانیم

آری ما تصدیق داریم که اختلاس در ادارهٔ مالیه موجود و برخی مامورین مالیه بعض اجحافات را هم روا میدارند ولی باز هم اوضاع امروزه مالیه خود را نمی‌توانیم با قبل مقایسه کنیم ما باید عیب و هنر را توأم به بینیم نه بواسطه جزئی عیب از هنر های کلی صرف نظر نمائیم

(سهولت در نقل و حرکت)

فلاسفه میگویند میزان تمدن ملل از سهولت (ترانسپورت) یعنی عبور و مرور و نقل و حرکت آنها ثابت میگردد، قبل از کودتا پس از دو سه شعبه راه شوسه آنهم ساختمان خارجیان در ایران موجود نبود گویا شرائین مملکت که عبارت است از راه های عبور و مرور آنچه بود بدست خارجیان بودی و شهر های ایران همه بهم دور بودند اگر کسی میخواست از خانقین تا مشهد رهد دو ماه طول میکشید و از همین قسم از تبریز به بوشهر بهمین سبب عبور و مرور اهالی به شهر های نزدیك بود هم میسر نبودی ولی امروزه دیده میشود علاوه براینکه شش هزار میل راه های شوسه داریم و همه روزه یك راه جدیدی باز و شهر های ایران بیکدیگر نزدیك میشوند یك وجب از راه های ایران دروضعه خراب نیست بر دور نرویم مازندران همسایه طهران بود کمتر از پانزده روز ممکن نبود بهیچ وسیله به مازندران رسید ولی الان هشت ساعت از طهران بساری سفر میکنیم

هند کوچك یا خوزستان بزرگ ایران تفرجگاه طهرانیان شده مملکت پر نعمت مازندران در آینده انبار طهران خواهد بود مرکبات مازندران که همه روزه می پوسید در بازار های طهران فروش خواهد رسید المختصر از طهران تا لب دریای خزر در دوازده ساعت میتوان طی کرد امروزه از طهران خراسان سی ساعت و تا تبریز شانزده ساعت و تا خانقین دوازده ساعت میتوان رسید شهر قم گویا جزء طهران شده و این را هم می بینیم که دولت بیش از همه چیز متوجه ساختن راه های شوسه مملکت است و مفرمائید آقای مستوفی پس از سه سال دیگر سی ساعت از هرنقطه ایران باکمال سهولت بطهران خواهند رسید چقدر برای ترویج تجارت و اقتصادیات مملکت این راه ها مفید است اگر ما این راه ها را نداشته باشیم و تکمیل نکنیم راه آهن در مملکت عضو معطل خواهد ماند چه راه آهن ازشهرهای بزرگ میگذرد و قصبات و دهات دور دست اموال خود را باید به ذریعه همین راه ها بایستگاه برسانند. درحقیقت خوراك

ـه آهن بذریعه راه شوسه مهیا میشود راه های شوسه ـ راه های آهن ایران را ذی قیمت میسازد و مهم و نافع ثابت می نماید همین راه ها سرمایه اعتبار خارجی برای ایران میگردد هر قدر آقای تاجر گریه کن ما فریاد از کسادی بازار زند ما قبول نخواهیم کرد این راه ها تمدن ما را دو بالا ساخته تجارت ما را چند برابر نموده شهر های ما را بهم نزدیك کرده معاملات داخلی را رواج داده و خواهد داد در حقیقت کسی هست که بتواند این محسوسات را انکار کند آیا میتوان گفت در آنچه نوشته شده ترقی نکرده ایم

حالا بیائید بر سر قادین بواسطه خرابی راه ها و نقائص آنها هزار دشنام بدولتیان داده آرزوی اصول اولیه را نموده صد ها قربان و صدقه بدوست دیرین خود الاغ و شتر و قاطر میرود اینها نیست مگر نتیجه بی انصافی و بی وجدانی یا عدم غور در امور ماضیه و قیاس با حالیه اگر بهمین قسم که دارد پیشرفت می کند ده سال بگذرد ایران یك از بهترین ممالك سهل الانتقال ترانسپورتی آسیا خواهد گردید

(وضعیت معارف)

با اینکه قائلم که این دوره کمتر از هر چیز توجه به پیشرفت معارف شده ولی باز هم وقتیکه به قبل کودتا مراجعه کنیم می بینیم معارف ایران هم پیشرفت نموده است یك از مبصرین میگفت که قبل از کودتا در ایران سه صد مدرسه دائر نداشتیم و امروزه از احصائیه معارف ظاهر میشود که دارای هزار مدرسه ایم آنوقت عده شاگردان از سی هزار تجاوز نمی نمود و اینك بالغ بر صد هزار شاگرد داریم قبل از کودتا عده معلمین ما بدو هزار نمیرسید حالا عده معلمین چهار هزار و یکهزار و پانصد هم نیز آموزکار و زیر مشق تعلیم اند و از قرار مسموع بیش از هزار نفر ایرانیان چه از طرف دولت وچه از طرف خودشان در خارجه برای تحصیل رفته اند و پی در پی هم میروند قریب بیست هزار دختران ایرانی هم در مدارس مشغول به تعلیم اند آیا فراموش شده که تا چند سال قبل افتتاح مدرسه دختران جاهلانه بلکه کفر شمار میرفت آیا یاد ندارید که تا دو سال قبل در بندر معتبر معظمی مانند بوشهر که اهالیش همسایه اروپا و با خارجیان خیلی مراوده دارند و خودشان را از سائرین متمدن تر میشمارند برای افتتاح یکباب مدرسه دخترانه چه طوفان بی تمیزی بر پا کردند آیا وضعیت تعلیمات امروزه نسبت به سابق ترقی نکرده است معلوم است که خیلی هم نقص دارد خیلی عیب دارد نقادی باید در رفع نقائص و معایب و تکمیل کار بشود نه اینکه یکسره کفران نعمت نموده زیر همه این زحمات زده آید

٦ (حفظ الصحه)

چیزیکه نام و نشان در ایران نداشت اداره حفظ الصحه بود این اداره میتوان از محدثات این دوره گفت غالب شهر ها بدست طبیبهای ناخوانده و دوا فروشان بی سواد دچار بود فقرا و ضعفا بیشتر از بی دوائی و بی طبیبی می مردند یك از اسبابهای قلت نفوس ایران نداشتن اداره حفظ الصحه بود این اداره دارد قدمهای تند در ایران بر می دارد تا کنون آنچه من مطلع ام بالغ بر صد نفر طبیب و دکتر با ادویه لازمه بشهر ها و نقاط مختلفه ایران از مرکز فرستاده شده اند و همه روزه دارد این اداره توسعه پیدا می کند چندین شفا خانه های مجانی و عمومی باز شده و شرف باز شدن است اگر این اداره که محل توجه شخص شخیص پهلوی واقع گردیده همین قسم پیشرفت پیدا کند در مدت پنج سال خواهد توانست جلوگیری از قلت نفوس ایران که ظاهره دیده میشد بنماید و بسیاری از امراض مهلکه مسریه مانند مالاریا وغیره را جلوگیری کند

حالا شایسته نیست که ما بجای تشویق کار کنان این اداره فقط بعیب و نکته گیری آنها بپردازیم شك نیست که این اداره جدیده خیلی اصلاحات لازم دارد و اصلاحات هم پول میخواهد پول هم از دو راه باید پیدا شود یا از مالیات جدیدی که وضع گردد و یا تخصیص حصه از عایدات موقوفات باین اداره هنوز ما نمی توانیم توقع از ایرانیهای خودمان داشته باشیم که مانند سائر صاحب ثروتان ملل متمدنه که در این راه خیر که جهاد اکبر و افضل البریاتش باید گفت حصه از اموال خود را فدیه نمایند در سائر ممالك ملیون ملیون صاحب ثروتان باداره حفظ الصحه عمومی فدیه میکنند آیا تا امروز شنیده شده است که یك صاحب ثروت ایرانی وصیت کند که فلان مقدار مالیه او در حفظ الصحه عمومی خرج شود اگر این اداره نقیصه دارد الزامش را باید به بی حسی ملت داد بلی نزد ایرانیان متدین هم قدر و قیمت ندارد ولی در نزد کفار بیدیانت حتی جان غیر مذهبان شان عزیز است غلط گفتم جان حیوانات را هم عزیز میشمارند صدها بیمار خانه مختلفه برای علاج امراض حیوانات احداث کرده و می کنند یك از دانایان میگفت در مملکت کوچك آلمان آن مقدار پولی که صرف بیمار خانه حیوانات میشود اگر در ایران خرج شفاخانه های انسان میشد یکنفر بیمار وجود نداشت در ایران دو اداره خیلی مورث کم توجهی دولت و ملت است اول

اداره معارف دوم حفظ الصحه عمومی اقلا باید پنج یك بودجه ما صرف این دو اداره بشود در آن صورت هم خیلی نا مکمل خواهد ماند چیزیکه قابل تشکر است متاذین ما تا کنون کمتر توجه باداره حفظ الصحه کرده اند یعنی عیب جوئی کمتر میشود و هر چه سخن گفته شود هم راه اصلاح و تکمیل آنست نظر بر اینکه اعلیحضرت شاهنشاهی خیلی باین اداره متوجه اند امیدوارم که این اداره خیلی زود درجات تکمیلیه خود را طی نماید یك از ظرفا میگفت اگر مانند عزیز خان خواجه در ایران خیلی پیدا میشد مشروط بر اینکه زود هم میمرد و اموالش را هم بسلطان وقت می سپرد اداره حفظ الصحه عمومی خیلی پیشرفت مینمود افسوس که عزیز خواجه یکی بود خداوند امثال او را پیدا کند

(وصیت دولت)

از بدو کودتای اخیر دولت انگلیس سیاست ملائمی در ایران اختیار کرده و مائل می نمود که اوراق بی شیرازه ایران مجتمع آمده شاید تلافی خطایای اولیه سیاسی نمایندگان خود را جبران نماید ما ایرانیان هم خیلی ساده ایم از اینرو بسیاری همچو تصور کرده بودند که گویا سیاست اعلیحضرت پهلوی نیز رجحان و میلان بانگلیسیان دارد معلوم است که پروپکندا های شمال هم این خیال را حتی تقویت می بخشود ولی بتازگی پرده از روی کار بر داشته آمده معلوم شد که سیاست پهلوی ملی است و هر نقشه ای که برای ایران مفید ثابت شود دولت همان را تعقیب نموده و خواهد نمود یکمرتبه معاهده ترك و ایران ظاهر شد مسئله قرار داد تجارتی ایران و روس هم قوت گرفت اگر چه انگلیسیان بدواً مشوش آمدند ولی سپس معلوم شان گردید که دولت پهلوی از دائره سیاست ملی خود خارج نشده و سیاست شان مبنی بر نفع ایران است و بس بعقیده من قرنی است که سیاست ایران مثل امروزه ملی نبوده است یعنی جز بحفظ حقوق ملی متمائل بهیچ طرف نیست و ثقل خود را بمرکز خویش انداخته و هر کس غیر ازاین بداند وبفهمد یقینا ازسیاست کم بهره است

(دوره ششم تقنینیه)

تاکنون نمیتوان درباره وکلای دوره ششم تصمیم رای نمود چه هنوز حصه از آنان نیامده اند و جماعتی هم تازه هستند ولی اکثریت وکلا را همان وکلای دوره پنجم ایجاب نموده اند خرابی مجلس بیشتر از نداشتن حزب است و حزب نباید در مجلس تشکیل شود تشکیل حزب باید در ملت بشود تا کاندیدهای مجلس از روی تمایل حزبی معین گردند این مسئله دور است بعقیده من دو سه دوره وقت لازم دارد فعلا مجلس دارای اکثریت صحیح نیست البته میتوان گفت یك اکثریت رو در واسطی موجود است چیزیکه تا یك اندازه به آینده امیدوار تواند نمود اینست که نطقهائیکه اخیراً در مجلس داده شده تمالی آن در هیچ دوره مقننه ما دیده نشده و این نطقها در آینده اثرات عظیم بملت تواند بخشود و ممکن است در اثر همین نطقها یك حزب قوی در مملکت تیار شود

(کابینه کنونی)

آقای مستوفی را بخوبی می شناسید - جمیع طبقات بایشان اعتماد دارند بحران کابینه هم برای چند نفر وزیر بود که عمده وثوق الدوله و ذکاء الملك بودی اگرچه کابینه آقای مستوفی با این عناصر غیر متجانس اعتماد یافت ولی وثوق الدوله در نطق خود نتوانست جاذبه ملت را بخود جلب کند و اگر خاطر خواهی آقای مستوفی نبود هرگز کابینه اعتماد دریافته در هر صورت فعلا کابینه مشغول بکار شده مرام کابینه هم اگر عملی شود خوب است و مخالفین توقع اعتماد دارند که با ریاست الوزرائی آقای مستوفی خالی بکار ها وارد نتواند آمد ساحت فروغی نقش صاف شد یعنی آنچه راجع بکاپیتولاسیون روس بود تردید یافت ولی مسئله بیست کرور دعاوی انگلیس بجای خود باقی است منتظر باید بود تا فروغی بیاید و خودش دفاع نموده پرده از روی کار برداشته آید انگلیسها خیلی دارند سهو می کنند و از این دعاوی غلط سیاست خویش را عقب می اندازند نه تنها مجلس این بیست کرور را قبول نخواهد کرد بلکه تعقیب آن خیلی سیاست انگلیسها را نقصان خواهد زد واقعا بجای دادن تاوان بایران مطالبه این بیست کرور خیلی خنده آور است

(وثوق الدوله چطور آدمی است)

مرا میشناسید که هیچوقت با وثوق همخیال نبوده ام ولی بعقیده من وثوق مردیست فعال - کار بر - برای اصلاح یك اداره مثالی وی در ایران کم است وثوق قابل ریاست نیست خیلی زود باور است - بیش از پول از حرفهای خارجیان گول میخورد عمیق نیست تجربیات سیاسی لیاقته - تعلیماتش بیشتر قدیمی است خیلی به میرزا علی اصغرخان امین السلطان شباهت تربیتی دارد -

امین السلطان تا وقتیکه نجفقاری مانند ناصرالدین شاه بر سر داشت خوب کار میکرد و کمتر پیرامون خرابی گردید همینکه کار به مظفرشاه رسید و اوخودمختار شد کرد آنچه را ذکرش خارج ازاین موضوع است

موثوق الدوله هم اگر تحت ریاست یك رئیس الوزراء سیاسی باشد و خود مختار نشود از او خوب میتوان کار گرفت حالا باید دید وثوق الدوله تا کجا می تواند تأمینات قضائی را در مملکت ترویج دهد اگر در این وزارتخانه مهم توانست کاری بسزا کند ممکن است تا یکدرجه سهو ها و خطا های اولیه او جبران بذیرد و اگر در این وزارتخانه ابراز لیاقت و قابلیتی نتوانست بدهد بعقیده من با این لکه های تاریخی که روی خود نهاده برای همیشه از کار خواهد افتاد اینکه بسیاری وثوق الدوله را انگلیسی خواه میگویند بعقیده من صحیح نیست . وثوق الدوله پیش از همه چیز خود خواه است بهر طرف که باد آید بادش میدهد فعلا آخرین موقع امتحان برای او پیش آمده باید دید چه خواهد کرد

(امنیت قضائی)

بعقیده من خرابی تمام کار ها از عدم امنیت قضائی است من قائلم که اختلاس و رشوه خواری ظلم و اجحاف باندازه که در این دوره خصوصا این ایام ساری و جاری گردیده در هیچ زمان نبوده حتی دوره ناصری و مظفری که علاوه حکومات فروش میشد مردم تا این درجه در فشار نبودند چرا حکام می دانستند یك مرکز استبداد دادخواه هست گاه گاه هم حکام ظالم هدف شکنجه می آمدند و هر چه از مردم گرفته بودند از کف شان میرفت

ولی اینروزه قانوناً مرجع تمام شکایات اداره قضائی شده حتی شخص پادشاه و وزیر و امیر لشکر ولو بخواهد هم قانوناً مجاز نیست که دخالت در امور قضائی نموده رفع شکایات مردم را نماید از بیست مرکزی برای دادخواهی مظلومین و ملحوفین نمانده و مختلسین و زور گویان هم موقع را غنیمت جسته همه یك مشت توده بیچاره فشار می آورند اما مالیه با اینکه هر گونه زیادتی بملت میکنند جسارت شان باندازه بالا گرفته که خیلی ها حقوق اداری هم تجاوز نموده اختلاس می نمایند هیچ قسم نظامی — نظمیه — امنیه و و و

و تمام این جنایات برمیگردد بخرابی های قضائی اگر ادارات قضائی ما از حقوق و جنائی مرتب بودی نه اعضای مالیه نه نظام نه نظمیه وغیره قدرت نداشتند بزیر دستان زبردستی کنند فرضاً اگر پادشاه یکنفر را هم تحقیق کرده سزا بخشود زبردستی هزاران اعضای ادارات را مرتفع نتواند ساخت امنیت عمومی تأمینات قضائی میخواهد . بازهم میگویم اگر گریه های شما صحیح باشد بحرانی اقتصادیات امروزی ایران بیشتر بواسطه عدم تأمینات قضائی است اگر تاجر و کاسب

و ارباب وکلا و غیر هم در محاکم ایران تا اطمینان تأمینات قضائی داشتند یك ساعت هم پول های خود را بیکار نگذاشتند چونکه نوع اقتصاد مملکت را فلج ساخته همانا عدم اعتماد باداره قضائی است اگر اعتماد بودی هر آینه تجارت و داد و ستد در ایران چندین بالا میگردید و هیچ قسم گونه شکایات از مردم نمیشد و اعتماد بین مردم حاصل الحصول آمده تا تأمینات قضائی در مملکت کسب عمومیت نماید اگرچه من قائلم که ملتیکه هرگز دارای یك بند قانون هم نبوده بسرعت نمیتوان ادارات قضائی آن را اطمینان بخش ساخت ولی پیش از همه چیز و پیش از همه کار بازهم محتاج به تأمینات قضائی هستیم

(اقتصادیات)

اگر چه منکر نمی توان شد که اقتصادیات ایران دلخواه نیست ولی وقتیکه نظر باقتصادیات عالم انداخته شود دیده خواهد شد که همه بهمین درد مبتلا یند میدانید ایرانی چقدر بمجالس روضه مانوس و بگریه کردن عادت کرده است مظلومیت را جمیع طبقات قسمی شعار خویش ساخته که گویا طبیعت ثانوی شان گردیده است

کار اشخصیات ندارم ولی وقتیکه بطریق عمومی نگریسته آید دیده خواهد شد که اقتصادیات امروزه از هیچ زمان بدتر نبوده است واردات و صادرات سال با اینکه در اواخر از طرف شمال تک یافته بازهم می بینیم خیلی کم ترشده عایدات دولتی هم اضافه شده تجار ما هم فرمایشات خود شان را با هزاران آه و ناله کمتر نکرده اند بس من چطور تسلیم کنم که اوضاع اقتصادی خرابتر شده است البته یك چیز را نمی توان انکار کرد و آن افزونی احتیاجات مردم و زیادی روز افزون مخارج است بعقیده من اهالی اشتباه کرده فزونی احتیاجات را بحران اقتصادیات حمل نموده فریاد می رانند اگر بشود جلوگیری از فزونی احتیاجات نمود و اقتصادیات بهمین وتیره که پیش میرود پیشرفت کند طولی نخواهد کشید که رفع شکایات بسیاری از طبقات خواهد شد اگر تجار ناله های مصنوعی و گریه های تاکی را هم ترك نمایند

(سیاست خارجی)

حالا خواست یك نظر قیاسی هم بسیاست خارجه امروزه و دیروزه ایران بشود تا درجه نگارشات ما موقع تصدیق یابد که ایران پیشرفت کرده است البته از این امر انکار نخواهم کرد که در سیاست ایران خیلی موقع های اهم را از دست داده و خیلی هم پیشرفت نکرده ما تیکشته و نیمتوانیم گفت حالا بعد

جنگ با روس و قرار داد منحوسه گلستان و ترکمانچای و معاهدات منحوسه پاریس شهامت و شجاعت ایرانیان را وداع گفته تمام ترسو - جبان - موهوم پرست — جاه‌دوست گردیده نتیجه این اخلاق ضمیمه تنبلی — تن پروری — خود خواهی شده که در سایه آنها عیاشی والدورکی گشته که منجر باختلاس — خیانت دروغ گوئی و و و گردیده است ایرانی هنوز خیال میکند که اگر به یک نفر روس یا انگلیس بگوید بالای چشمت ابروست آسمان و زمین بهم خواهند خورد . ایرانی هنوز خیال میکند که باید مزدور روس و انگلیس یا آلت نفوذ این وآن در وطن عزیز خویش باشند ایرانی هنوز نفهمیده است که جان حق مالکیتی را که یکنفر انگلیسی در لندن و یکنفر روسی در مسکو دارد او هم در طهران دارا است ایرانی هنوز ندانسته است که حیات رقابتی آخرش موت سیاسی است هر ملت ولو هر قدر ضعیف و مختصر هم باشد اگر بی‌حقوق خود ردو اگر زندگی کثیف را خیلی دوست ندارد هیچ قوتی نمیتواند اورا از حقوق مشروعه و مالکیت بوطن خود محروم گذارد ملت های کوچکتر ازما باکه نصف و ربع ما امروز با کمال شرافت و سر بلندی دارند در بین ملل بزرگ قوی سرفرازانه زندگی میکنند . چرا بواسطه این که حقوق خودرا شناخته ، و در حفظ شرف و حقوق خود بذل مال و جان را دریغ نمیدارند با این همه باز هم قائلم که اوضاع سیاست امروزه ما نسبت بقبل خیلی بهتر است . سفرای دوهمسایه شمال و جنوب که کارمندان سیاست ایران شناخته شده بودند از چندی باین‌طرف دست جلو رو گرفته تا درجه آرامتر شده اند ولی هنوز سیاسیون ما ملتفت نشده اند که آنها هم میتوانند کار های خودرا بالاصاله از پیش ببرند ایران از بعد مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار که روانش شاد باد داخل در هیچ قرار داد سیاسی با خارجیان نشده بود و اگر قرار داد تجارتی هم با یکی از دول هم بسته همه بر وفق مرام و مرضی همسایگان جنوب و شمال بود ولی امروزه سیاست ایران دارد بپای خود نمو میکند و در قرارداد های سیاسی بنفع خویش قدم برمیدارد و همسایگان ما ولو اینکه آن اقدام منافی با میل شان است جلوگیری نمیتوانند نمود . اگر یک مسولینی هم درایران پدید آید یعنی یک رئیس‌الوزراء مترس عالم سه سال در ایران بروی کار بماند میتواند کشتی شکسته سیاست ایران را قسمی مرمت کند که در طوفان های بزرگ سیاست هم خللی بر وی وارد نیاید قرارداد ... نکشید تا دیروز وزرای ما به حل همسایگان اغلب میشدند امروز برخلاف مرضی آنان

منتخب می‌آیند ، آیا کسی میتواند بگوید که روسا از انتخاب وثوق‌الدوله خوشوقت اند آیا میتوان ایقان کرد که انگلیسیان از انتخاب مشاورالممالک بوزارت خارجه راضی اند ، همین نکته پیشرفت سیاست ایران را ثابت مینماید و اگر فتوری در کار هست از خود مان است اگر ما روس پرستی وانگلیس دوستی را کنار گذاریم هیچ چیز مارا مجبور نتواند کرد ایرانی باید ایران‌خواه باشد اگر دوستی روس را متوجه شد برای ایران باشد و اگر الفت انگلستان را طالب آید برای استقلال خویش باشد من امیخواهم تنقید کنم از مدرس یا دکتر مصدق فقط تنقید من عمومی‌است اگرملت در مدرس و دکتر مصدق تجزیه نشود این اختلافات خود بخود مرتفع میگردد باید تعلیم ایران دوستی بافراد داد

وقتیکه ما وطن خود را دوست نداریم سیاست اجنبی خواه مخواه بین ما قوت خواهد گرفت ، ایرانی باید قسمی سلوک کند و چرخهای سیاست خودرا نوعی براه اندازد که اگر یک روز صلاح خویش در دوستی با روس دید انگلیسیان نتوانند بر وی گران رسانند و یا اگر نفع خودرا در دوستی انگلیس یافت روسش هم فشار نتواند آورد و این امر بدست خود مان است یعنی باید ایران دوست شویم هر چیز و هر کس را که بخواهیم برای ایران باشد نه اینکه ایران بلکه خود وخانواده خودرا هم فدای دوستی های طماعانه دیگران نمائیم - یک از سیاحین آلمانی در قبل جنگ می نویسد « هیچ ملت و رجالی مانند ایران بی‌سیاست و طماع نیست — هر کس که بیشتر بتواند آتش حرص و طمع رجال ایران را فرو نشاند سیاستش در ایران پیشرفت خواهد نمود و این سیاست را انگلیسیان در ایران دارند در درجه دوم ایرانیان و رجال ایران ترسو و جبان و جاه دوست اند روس ها مانند انگلیسیان پول خرج نمیکنند ولی عمده رجال ایران را از روی جاه دوستی و ترس طرفدار خویش ساخته اند و همین دو قوه در ایران سیاست مدار است »

ولی امروز وقتی ملاحظه میکنیم می بینیم اوضاع خیلی فرق کرده هر کس غیر ازین بگوید کافر ماجرائی نموده و یا از کنهیات سیاسی بیخبر است انگشت شمار در رجال ایران ایران خواه دیده میشود اندکی هم طمع و ترسشان کمتر شده اینست که می بینیم اندک اندک دارد ایران بپای سیاست خود می ایستد اگر سزا و جزا هم در ایران بروی کار آید و ده نفر از مرده‌ها و رجال بزرگ که خدمت وخیانت کرده سزا و جزا یابند سیاست ایران مستقل تواند گردید و آن روز هم بعقیده ما چندان دور نیست

پریشانی افکار

غم های درد ناك و جنك های خونینی که تاریخ حیات بشر را سیاه و لکه دار ساخته همیشه مضار فاحشی را شامل بوده است که آن ضرر و خسارت غالبا تحمیل طبقهٔ ضعیف و بسد بخت شده است یک نظر دقیق بتاریخ کشمکش ها و منازعات دول عالم بـا یکدیگر نمائیم بخوبی معلوم میشودکه پیوسته گروهی جاهل سعی میکرده اند که فدا کاری و جان بازیهای خود را وسیله ارتقاء و تکامل دیگران قـرار دهند با اینکه اقتدار و ثروت جمعی بحدود اکثریت جامعه را در تحت اراده و نفوذ خود قرار داده باتامات و قربانی هائیکه بـالطبع از این دسته داده میشد افتخار و مقام سرمایه داران و موجودیت متنفذین محکمتر میگردید

پادشاهان و باجداران برای افتخار و عظمت خود عده کثیری نفوس را برای کشور گیری آماده میکردند و در نتیجه جانفشانی طرفین میدانهای بزرگی از اجساد ایشان تهیه میشد که عاقبت موجبات سعادت و عظمت یکی از آن سلاطین را فراهم مینمود

این جنگهای وحشتناك که بالاخره منجر بـه پایمال شدن گروهی میشد اگر عده فاتح شده و غنائمی بدست میاورند متعلق بسلطان بلکه افتخار هم نصیب او بـود هرگاه شکست و مغلوبیت با کشتار های هولناك تمام میشد شخص سلطان بر مقر سلطنت خود جلوس نموده بدون ذره کدورت میگفتند مختصر چشم زخمی بـه اردوی اعلیحضرت وارد شده است و از قتل کرور ها انسان فداکار بر دامن اوگردی ننشست اشکر کشی ها و جنك های سلاطین عالم را اغلب اشخاص در تاریخ ترقی و تعالی ملل مشاهده کرده اند همچنین است امور داخلی و فدا کاریهائی که طایفه رنجبر برای خاموش کـردن آتش حرص و طمع سرمایه داران میکنند

عناصر ضعیف ونانوانی که روز ها در اعماق معادن تاریك با رنج وتعب مشغول استخراج مواد معدنیه میباشند روز گاری چـون قلب تیره و سیاه سرمایـه داران داشته زندگانی خود را با رنج و زحمت ادامه میدهد جز اینکه حیات قیمتی و عمر عزیز و گرانبهای آنها بر ثروت و تمول صاحبان معادن یا صاحبان کار خانه جات بیفزاید فائده دیگری هم متصور است ؟ بغیر از اینـکه پنجه های خونین و جبین های عرق آلود آنها بـاعث پر شدن پیمانه سرمایه داران از می سرخ و ارغوانی گردد فکر و امید دیگری در دمـاغ کارگر و رنجبر پرورش خواهد یافت ؟

غیر از این است که همین آبله های دست و گوهرهائی که از فرط زحمت و مشقت از جبین کـارگر و رنجبر میریزد اعیان و سرمایه داران و صاحب کارها و عمارت عالی حکمرد و صندوق حرص آنها را از جواهرات گرانبها مملو میکند برای آن بدبختان بیچاره گان در دنیا چه نتیجه و حاصل خواهد داشت

مثل این اینکه کشتی های بزرگ که از اقصی بلاد شرق بغرب حرکت کرده و حامل ثروت های عظیم هستند برای ملاحان و کارگران آن کشتی جز خطر امواج دریا و بیم طوفان فایده و ثمری نخواهد داشت

همچنین در موقع کشمکش های داخلی که برای خود خواهی و منفعت پرستی سرمایه داران شروع میشود همه جا ضعیف و فقیر پایمال میشود اگر گاهی در موقع شا کش و هرج ومرج یکی ازان آن ابنیه وعمارات عالیه منهدم شود یـا دستخوش نهب و غارت واقع گردد جواهرات اندوخته و ثروتهای هنگفت آنهـا در اثاث عمارات عالیتری برای خوشگذرانی آنها مهیا میکنند ولی آن کاسب بیچاره که امر گذاران معیشت او منحصر بسرمایه مختصری میباشد اگر چند روزی نتواند برای کسب معاش خود اقدامی بکند بایستی دست تکدی نزد این و آن در از کرده و بقدر خـود جـامه را ننگین تر نماید

در هر وقت و هر موقع ضرر و خسارت متوجه طبقهٔ ضعیف و رنجبر میباشد و همین طبقه سرمایه دار با فدا کاری آنها حیات خویش را محفوظ میدارند ولی در مقابل مایل بترقی و سعادت آنها نیستند هیچوقت راضی نمیشوند که طبقه رنجبر و زحمت کش قدمی برای آسایش و رفاه خود بر دارد — هیچوقت حاضر نشده اند برای خوشنودی زیر دستان خود و برای ترقی وتعالی آن وجودهائیکه با دستهای پر آبله لوازم زندگانی و وسائل خوشگذرانی آنها را فراهم میکنند اقدامی بنمایند امروز افراد کار گر و رنجبر از حیات خویش مأیوس و نا امید میباشند با اینحال آیا میتوانند اظهار حیاتی کرده و آنچه را که دیگران از ایشان سلب کرده اند بدست خود فراهم آورند ؟ :

آنهائیکه خود را طرفدار کار گر و حافظ حقوق ملت میدانند بایـد فکری بـرای حال اسف اشتمال زندگانی پرملال این توده بد بخت وفلك زده بنماید امروز اگر خواستـار ترقی و تعالی میباشند باید به پریشانی افکار توده خاتمه دهند بـاید موانع رشد و نمو آنها را از بین بر دارند وسائـل نیکبختی و سعادت جامعه را فراهم نمایند

با این اوضاع نمیتوان به آتیه درخشان امید وار بودم برای اینکه درمملکت مشروطه قانون مشروطیت اجرا نمیشود برای اینکه رؤساء دوائر مناسب طبق قانون و وظیفه خود رفتار نمیکنند برای اینکه حکام

و مایوسین برخلاف وظیفه هر طور بخواهند با دیگران معامله میکنند و باز پرسی در بین نیست این است که توده هم نمیتواند از حقوق خود دفاع کرده و اظهار حیاتی نماید ما هم تا جائی که ممکن است و تا اندازه که محیط اجازه بدهد حقایق را میگوئیم شاید از گفتن همه مختصر هم برای توده خصوصا آنهائیکه دستخوش اغراض و آلت اجرای مقاصد شوم عده خود خواه واقع شده اند فائده داشته باشد [صدای شرق]

طبرستان یا بهترین نقطه دنیا

[۳]

(معادن مازندران)

خیلی از نقاط عالم که از حیث کثرت معادن کسب شهرت نموده اند ممکن است فعلا مشهور تر از مازندران باشند ولی باید دانست که کوچکترین قطعات آن نقاط تحت دقت و اکتشافات مدققین و متخصصین در آمده و از اعماق زمین تا قلل جبال مورد امتحانات فنی قرار گرفته و دردسترس استفاده واقع شده اند

مازندران در حقیقت یك خطه جدید الاکتشاف و تا امروز از معادن آنجا جز روایات پیر مرد ها و مشاهدات اشخاص غیر ذیفن چیزی بدست نیامده و در سنوات اخیره فقط گاه گاهی متخصصین خارجی به طور خفا مطالعاتی نموده اند معهذا از حیثیت کثرت منابع ثروت شهره آفاق گردیده است

شاید در کمتر از نقاط عالم معادن آهن، ذغال سنك و نفت درمیان جنگل و ساحل دریا مخلوط و بهمدیگر وجود داشته باشد و وسایل احداث راه آهن را بدین سهولت فراهم نماید

آنچه تاکنون بمرحله یقین پیوسته و حتی اشخاص غیر متخصص توانسته اند با چشم خود معاینه نمایند این است که سر تا سر جبال مازندران پر است از معادن ذغال سنك و طوری تربیت آن کامل شده است که محتاج حفر چاه های معدنی نبوده و مکرر از روی زمین ذغال سنك را برداشته و بابك کبریت آتش زده اند

معدن آهن محمود آباد مازندران در زمان سلاطین صفویه کشف و مورد استفاده واقع گردیده است و در ازمنه قدیمه در نقطه مزبور هزار دکان آهن گدازی وجود داشته که بدون وسائل علمی با ادوات دستی استخراج آهن می نموده اند بعلاوه متخصصین ذیعلاقه خارجی هم تصدیق کرده اند که معدن آهن مزبور مهم ترین معدن آهن دنیا است

بقسمت عمده اراضی نفت خیز شمالی ایران در تنکابن و مازندران است و میتوان گفت سر تا سر قسمت های تحت‌الارضی آنجا مملو از معادن نفت می باشد — و از قرار تحقیقات صحیحه که شخصا نمودم در بعضی نقاط چشمه های نفت تصفیه شده وحتی بنزین کشف گردیده و اهالی مورد استعمال قرار میدهند

جنگل های مازندران را هم که خداوند درخت های تنومند و مستحکم آن و برای احداث راه آهن قرار داده که مجملا شرح دادیم

ارزاق و محصولات فراوان و کثرت مردم بیکار و گرسنه آنجا نیز ارزان ترین عمله جات را برای ما تهیه کرده است

با تصویب قانون راه آهن در دوره پنجم و تدارك سرمایه روز افزون داخلی برای انجام این امر حیاتی اگر باسرع اوقات شروع باحداث راه آهن بکنیم باید اعتراف نمود که گفته بد بین ها و مایوسین ایران هدر کرده است

اینها معادن مهم و اساسی است که باین وفور و تناسب محل در هیچ کجای دنیا وجود نداشته و معظم ترین دول عالم غبطه آنرا خورده اند

اهمیت نفت ایران میرود که از امریکا و روسیه جلو افتاده و درجه اول واقع شود در صورتیکه مطابق تشخیصات متخصصین و جنجالهائیکه راجع بنفت شمال ایران در دنیای اقتصادی و سیاسی ایجاد و بد بختانه مداخلات غیرمستقیم بیگانگان ما را از استفاده آن محروم نموده است ثابت مینماید که نفت شمال صدی نود از نفت جنوب مهم تر و فراوان تر است

مملکت زرخیز هند که جمیع انقلابات و اصطکاکات و جنك ها و تغییرات مهمه غرب و شرق در اطراف منابع ثروت آنجا تولید شده و میشود از حیث منابع نفت نسبت بایران در درجه پنجم واقع گردیده در صورتیکه معدن آهن و معادن ذغال سنك جنگل های انبوه باین نزدیکی روی آنها را مستور ساخته است

حالا سایر معادن گرانبهای مازندران ازقبیل مس، نقره، طلا، سرب، گوگرد مایعات معدنی و صدها معادن دیگر که فقط وجود آنها در این سر زمین حتمی ولی کاملا تحت دقت نیامده است یك موضوع قابل مطالعه است که بعهده متخصص فن و استفاده از آن موکول باقدامات فوق‌العاده خواهد بود

میگویند در زمان ناصرالدین شاه یکنفر متخصص اروپائی که گویا فرانسوی بوده است در مازندران مطالعاتی نموده و در نتیجه اکتشافات خود اقل استفاده از منابع ثروت آنجا را سالیانه ۳۰۰ ملیون تومان تخمین زده و توسط یکی از درباری ها خواسته است بشاه عرضه دارد

هر باری مزبور که چنین ارقامی را تا آنوقت
نشنیده بود معتقد بوده است در دنیا چنین ثروتی
نمیتواند وجود داشته باشد مبلغ زیادی از متخصص
مزبور تخفیف خواسته است تا اینکه بالاخره عمل
بسه ملیون تومان ختم وراضی شده است بشاه عرض
میکنند همینکه شاه میگوید عقیده متخصص این است
که معادن استعداد سه ملیون تومان عملیات دارد
اعلیحضرت ! خنده مسخره آمیزی نموده و گفت
این مرد که دیوانه شده چگونه میتواند از یک جنگل
کثیف اینقدر فایده برد : :
حالاکنون هفتاد سال میگذرد و دنیای متمدن
هفتصد سال ترقی نموده و اغلب منابع ثروت مستوره
اوخش خالی شده است و هنوز مازندران با همان
موقعیت زمان مرحوم دیو سفید و رستم زال باقی
مانده و تا یکهفته قبل مسافرت بانجا قدری مشکل
بود که حقیقتاً میبایست همان (هفتخوان) رستم
را طی نموده تا بداخل یک آبادی گردید

(وضعیت جغرافیائی مازندران)

این مبحث را باید بدو قسمت مهم تقسیم نمود قسمت
اول وضعیت جغرافیائی مازندران از نقطه نظر داخلی
طبرستان که عبارت است از سواحل جنوبی بحر
خزر و تقریباً مازندران قطعه مرکزی آن را تشکیل
میدهند در دامنه سلسله جبال البرز واقع و شمال ان
را دریای مازندران احاطه نموده است
یک رشته جنگل از آستارا شروع و در امتداد
گیلان و تنکابن و مازندران و سواحل استرآباد عبور
نموده از سمت جنوب سلسله جبال البرز و از طرف
شمال یکرشت وسیعی را به اختلاف از بیست الی
پنج فرسخ زیر سایه خود مستور نموده است
صدها رود خانه های بزرگ و کوچک از این
کوهسار عظیم سرازیر و از میان جنگل ها عبور
نموده و به بحر خزر میریزد
شهرهای بزرگ مازندران عبارت است از بار
فروش ساری و تنکابن و قصبات عمده آن نور
کجور وغیره و سواحلش منحصر به مشهد سر
بندرجز فرح آباد و چند بندرگاه کوچک دیگر
فقط در کنار رود خانها که محل زراعت برنج
است بفاصله های نزدیک کپر هائی موجود است که
آنها را دهات مازندران محسوب و سکنه آنها در
ایام تابستان برای پرورش دادن مواشی خود
و زراعت گندم و دیم بطور ایلیاتی بطرف کوهستان
های ییلاقی مهاجرت مینمایند در حقیقت عمده سکنه
مازندران ایلات جنگلی هستند که در عوض سیاه
چادر در کپرهای چوبی و سفالی زندگانی میکنند

میگویند جمعیت مازندران یک کرور است ولی
از میزان جمعیت ساری پایتخت آنجا که کمتر از
پانزده هزار نفر است نمیتوان این تخمین را مقرون
به صواب دانست
استثناء حاشیه همین راه شاه عباس و بعضی
طرق فرعی دیگر تمام خطه مازندران بدون شکنه
و هنوز درست کشف و معاینه نشده است
در حقیقت چهار خطه به عرض هریک از آن ها تقریبا
دو فرسخ و از شمال بجنوب کشیده شده مسکون
بوده و بقیه خطه مازندران ضمیمه شبه جزیره میان کاله
هنوز وحشی و مورد استفاده واقع نه گردیده است
عمده اراضی مازندران بین هفت و هشت نفر
عمده مالک و بیست نفر مالکین متوسط تقسیم و
بقیه سکنه جنگلی آن جا مخصوصا زن ها لخت و عور
و گرسنه در تمام عمر خود زحمت کشیده انواع محصولات
را بعمل آورده تقدیم این قلندرها می نمایند
به چشم خودم زنها را دیدم که لخت لخت
فقط یک پارچه کوچکی ستر عورت آن ها را نموده
در میان شالیکاری زحمت میکشیدند که آخر سال
حاصل دسترنج خود را تقدیم ارباب نمایند -
[اقدام مطبعه طهران]

انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق

زمانیکه هنوز عالم وجود در زیر خفیف ترین
پرده های عدم جای داشت تنها همان اراده کامله
الهیه بود که در مبادی ازلیت برای ظهور جلوه
قدرت چون نردبانی بام تکامل ترتیب داده که کلیه
ذرات عالم هستی از پله های ان تحت یک اصول
متحد الشکلی راه پیموده سرحد کمال نائل شوند و
این همان اصولی است که امروزه ما نیز تحت تحولات
ان واقع شده و هر اندازه این تبدلات اساس عالم
را بطرف تکامل سیر میدهد ما نیز روحاً و جسماً تابع
همان قانون بوده از اطاعت ان ناگزیر خواهیم بود
و چنانچه در ضمن این تکامل نیز سقوطی روی دهد
فقط برای این بوده که عالم کمالات وجودیه باز
یک عقد کامل تری نائل شده بصورت جامع تری
بیرون آمده تجلیات جمال خود را درخشیده تر سازد
که انه کان تواباً رحیما
بهر اندازه که طبیعت اشیاء تکوینیه از اتیروکرات
وعناصر و موالید ومرکبات وبسایط بطرف یک عالم
درخشان و نورانی تری سیر مینمایند عالم بشریت
نیز همان تضییقات را حائز است فقط چون پیشنهاد این
ترقیات طبیعی است جلوه و اثرات آن نیز در بدایت
امر غیر معلوم و نمیتوان در احساسات ما داخل
گردند پس فقط میبینیم که هزار چندی یک پرده از

... از طبیعت کشف گردیده و یك اختراع فهم روی کار آمده و چندی بعد نیز ما فوق آن ظاهر شد و قانون سابقه را منسوخ کرده است چنانکه یك وقت فلان فیلسوف دانشمند باکتشاف قوه برق و فواید آن موفق گردیده و یك موقع دیگر نیز فلان حکیم راه مخابره با کره مریخ بوسیله اشعار مستقیم قوه نور در فضای متناهی دنیا بدست آورده بدین وسیله هر روز طلسمی از خارق عادات شکسته و پرده از اسرار طبیعت بالا برده اند

چنانچه این اصول تدریجی تکامل در ادوار نبود گذشته از اینکه هیچ گونه راه سعادتی در دنیا مفتوح نمی گردید و هیچ انقلاب و تحولاتی حاصل نمیشد هیچ امری نیز از قوه بفعل نمی رسید پس همین قانون تکامل است که از یکطرف چهره افاضه وجود سابقه را از سحاب رحمت منشق کرده و هر موجودی را که در عالم ممکنات افکار وجود میکرده بصورت هستی در آورده یعنی آن را از مادی هستی تنزل داده و خلعت اصالت پوشانیده است از طرف دیگر نیز بنیاد هستی آخرین تجلی هر موجودی را بصورت اکمل نگاه داری نموده در جواب یك زمزمه یاس که از بطون ضعیف ترین ذرات عالم امکان استماع کرده هزاران ناقوس بشارت جنبانیده و مژده یك فیض ابدی را بمسامع ساکنین عالم وجود رسانیده است

لازمه تکامل تجدد و لازمه تجدد اکتشافات است که گاه در صورت علوم و گاه در صورت فنون جلوه گردیده دوره ارتقاء طبیعی خود را پیموده اند چنانکه همان علم هیئتی را که امروزه عظمت دنیای مادی را یك بر هزار افزوده و هزاران مسائل غامضه ریاضی را حل کرده است در بدایت امر جز یك افکار ناقص بیش نبوده مثلا سیر النجم و ظهور و غیبت ماه در تحت اسباب تفریح و اشتغال شبانان صحاری آسیا بوده سپس حکما و فلاسفه چند قدم بعرصه وجود نهاده هر یك در حقیقت گردش افلاك و سیر سیاره گان تحقیقاتی نموده از انجمله بطلمیوس مصری بود که زمین را ساکن وشمس را متحرك پنداشت بعد ازان کپرنیك اول کسی بود که از عقاید مجسطی منصرف گردیده وضع منظومه شمسی را در حرکه سیارات از اصول سابقه تغییر داد بعد ازان نیز تیکو براهه بود که مدار سیارات را بیضی تصور نمود پس ازان کپلر بود که برای اثبات حرکت زمین قوانین ثلاثه معروف خود تدوین کرد در نتیجه همین قوانین ثلاثه کپلر بود که نیوتون نام فیلسوف انگلیسی باکتشاف قوه جاذبه عمومی که راجع بحرکات آسمانی و فیزیك و مثلثات است نائل گردید در نتیجه اکتشاف همین قوه جاذبه بود که هرشل نیز بکشف سیاره اورانوس موفق شد و در نتیجه همین تکامل تدریجی بود که لووریه منجم نیز بکشف سیاره نپتون نائل آمد امروز نیز چه بسیار عجائب و غرائب و اعجاز است که تحت نفوذ همین حرکت منظم طبیعت غلغله در عالم امکان بیفگنده است اگر حالت انسان های ابتدائی در نظر آوریم که از صدای رعد و درخشیدن برق بر خود میلرزیده و از تاریکی و ظلمت بیم داشته و از دریا و نهر های عظیم گریزان بوده و در نتیجه این هراس و خوف و بیم و امید اغلبی از مظاهر برجسته طبیعت را پرستش میکرده موافق عقیده علمای ادیان است و گاهی نیز انسان های امروزه افکندکه قوای همان طبیعت را متزلزل و برای رفع حوائج خود استخدام نمود و هیا هو در دهشات عالم امکان در افکنده است آنوقت بر ما معلوم میشود که قانون تکامل تا امروز چه کار ها انجام داده و چگونه عالم بشریت را از قسمت علوم و معارف فنی و ممتاز کرده است

بهمان اندازه که فضای کائنات از حقائق ثابته مملو و سرشار است بهمان اندازه نیز دایره علوم و فنون غیر محدود و ممکن نیست افکار بشر بهر اندازه صائب و ثاقب بوده باشد بکشف یك از ملیاردها از اسرار طبیعت موفق گردد خصوص اینکه یك دور و تسلسل غیر مشهودی در طریق اکتشاف هر یك از اسرار طبیعت محسوس میگردد که افکار انسانی در پیچ و خم های آن همواره دائم و حیران راه پیموده و هر پرده را که بلند کرده است هزاران پرده دیگر در پشت آن مخفی بوده که در زیر هر یك نیز هزار اسرار دیگر وجود داشته از طرف دیگر نیز برای بلند کردن یك پرده هیچیك از فلاسفه مهم دنیا به تنهائی قادر نبوده بلکه مانند نور که پس از اتحاد و ترکیب از ذرات مختلفه شیمیائی تولید روشنائی و حرارت مینماید معاونت تدریجی آنها نیز همیشه در حل قضایای علمیه اهم لازم بوده و از همین جهت است از علمای اصول اجتماع (سوسیالیزم) عقیده دارند که انسان بالطبیعه در اختراع و انجام هیچ امری شخصه قادر نبوده و افتخاری را دارا نیست زیرا هر امری را که ملاحظه میکنیم از جزئی تا کلی بوسیله دوقوه تعاون ومسابقه بعمل آمده چنانکه برای حصول یك لقمه نان که انسان مجبور است برای حفظ قوای خود تحصیل نماید به بیند چه آلات و ادوات در تهیه آن بکار رفته و در همین یك

رشته چه معاونت های معنوی و دوری از طرف انسان وطبیعت بعرصه شهود رسیده است چنانکه سعدی گوید

§ ابر و باد مه و خورشید و فلک در کارند §
§ تا تو نانی بکف آری و بغفلت نخوری §

مهم ترین چیزیکه دوش بدوش عالم بشریت راه پیموده است تربیت بوده که قانون تکامل در زمین یک رشته اعجاز و غرائب بسیار نشان داد و در هر عصر و هر زمان یک گونه نمایش و نفوذی در مزاج بشریت داشته است چنانکه زندگانی و تربیت انسان های ابتدائی که تحت شعور حیوانی بطرف نشو و ارتقاء سیر میکرده و چندین هزار سال دوره مبادی خود را با تحمل هزاران مشقت گذرانیده اند کاملا با مقتضیات همان عصر و همان محیط موافقت داشته و ممکن نبوده است در محیط اولیهٔ بشریت جز با همان لباس و خوراک و عادات و اخلاق که معمول آنها بوده است داخل شد بعلاوه یک زمینی که ناف انرا تحت از شکم آتش بریده اند و در بدایت امر جز یک دهکده خاموش و کابوسای ظلمت بیش نبوده رفته رفته هزاران اعصار انجماد و طوفان و یخ بندی و نباتی و حیوانی و امثال انرا طی کرده است در هنگامیکه نوبت تظاهر و تکامل نیز باولاد بشر رسیده برای زندگانی خود جز پاره جنگلها و دشت ها و کوه ها و مغاک ها چیز دیگر نداشته پس دران عصر مقتضی همین بوده که در مغاک ها و برشاخه اشجار از ترس جانوران غنوده و از میوه های جنگلی گذران ومعاش نمایند وشاید امروز نیزساکنین کره مریخ با دیده رقابت از مناظر با شکوه طلائی خود بساکنین همان کره ارض نظر نموده بطرف ما بوسه های دوستی و مودت نثار مینمایند زیرا همه اجرام سماوی در این تکامل با ما شریک بوده و مانند ما همان ادوار وحشت و ظلمت را طی نموده و بطرف یک مقصود رهسپار گردیده اند

[علی محمد احتشام اولیسانی]

تجدد ایران از کجا باید (شروع شود)

چندی است که در صفحات آن جریده ملی (تجدد ایران از کجا باید شروع شود) در معرض مسابقه است وبدیهی است هموطنان عالم محترم از همه طرف داخل میدان مسابقه شده و گوی سبقت را هم اغلب خواهند برد

و امثال حقیر منتهای گستاخی است که قدم جلادت پیش گذارم ولی از آنجائیکه حبل المتین خریدار بازار بی رونقی میباشد حقیر نیز بنوبه خود لنگ لنگان پیش آمده عرض میکنم

تجدد ایران باید از وضع و اجرای قانون شروع شود حاکم مطلق در مملکت قانون باشد

اهالی ایران بخواهند در زیر لوای قانون مالک حقوق ملیه خود باشند و مطمئن شوند که هیچ قسم ماموریت و اشخاص چه بزرگ چه کوچک بهیچ وجه تبدیلی در اجرای قانون رخ نخواهد داد

بعبارت ساده قانون مصون از هرقسم تعرض و تطاول باشد

تمام افراد در مقابل قانون مساوی شوند بحدی که بتوانیم ببهانه جوئیان را متقاعد کرده کاپیتولاسیون را لغو نمائیم

آن وقت میتوانیم بهر کاری که دست بزنیم از پیش ببریم

بدون اجرای قانون در مملکت هرچه بکنیم نقش بر آب است

شاید بعضی ها گمان فرمایند حقیر یکی از مظلومینی هستم که گرفتار ظلم شده ام یا از قجر برشمها بشمارم آنکه مظلومیت است مالک چیزی نیستم که طرف طمع حاکمی واقع شوم و نه کهنه پرستم که طرفدار قاجار باشم بلکه آشنایان بنده بخوبی واقفند که بیست و دو سال تمام در مخالفت آل قاجار کوس رسوائی حقیر در پشت بامها زده شده و بواسطه همان مخالفت اغلب در گوشه ها منزوی و در ممالک اجنبی امرار عمر میکنم واین تبدیل سلطنت را خیلی مقدس داسته و اولین موجد ترقی و اصلاح مملکت میشناسم و اگر به آرزوئی که درفوق عرض شد کسی صورت عمل بخواهد بدهد همان دولت پهلوی خواهد بود ولی گفتگوی ما با امروز است که ناچاریم اعتراف نمائیم

پس از خلفاء راشدین (عثمان رضی الله عنه را هم منصفین عالم از میان آنها خارج میدانند) ایرانیان تا امروز بمالکیت حقوق ملی خودشان مطمئن نبوده اند و بیشتر خرابی مملکت ما از همین تجاوزات و بی افساری متنفذین و نبودن مساوات در اجرای قانون وخود مختاری اغلب مامورین بوده و میباشد

پس اجرای قانون و عدالت در مملکت یگانه چاره ترقی و ام الاسباب سایر چرخ های تجدد خواهد بود اگر چنانچه مثل کودک هدف زن بغلط جسارت حقیر موقعی پیدا کرد هدیه مسابقه را مستدعی هستم که بیکی از دار الایتام های طهران لطف فرمائید ـ

علی قلی اردبیلی

[illegible] اسلامبول

امروز زمان هم چون دیروز است

[illegible] یادم است در ایام جوانی که جزو اطراف و بواسطه چهار شاهی دارائی بسر حاجی [illegible] بودم لوکوموتیو تفنگی از منزلم بسرقت برده [illegible] گردید حاجی حسام الدوله مرحوم هم حاکم ارومی بود قصد شکایت بحاکم بردم مامور برای جلب سارق فرستادند بدبختانه با همان تفنگ مامور زخمدار و سارق از حدود ارومی هم خارج گردید حقیر جلب محکومیت شدم که دیه مامور زخمدار را که بر [illegible] بالغ میشد بواسطه اینکه آلت جارحه مال حقیر بوده بپردازم پنجاه تومان بحاکم وسی تومان برای معالجه زخم مامور فی المجلس از حقیر گرفتند و مرخصم کردند

می بینم امروزه هم چندان فرقی با آن دوره نکرده یك از آقایان طهرانی از طهران چندی قبل به حبل المتین نوشته « اگر گفته آید هنوز یك قسمت از ایران زمین به آتش بیداد خزعل میسوزد ـ [illegible] تلگراف فرقه این عده: شصت یك نفری مقتول در قتل گاه حاجی رئیس در اهواز الخ » در آخر میگوید « این با حمیت خم ابرویش نباید اقلا در فکر اعاشه زن و بچه آن شهیدان و آن مجاهدین واقعی هم نیست » سبحان الله تعالی من عرض میکنم خزعل اول مقصر ایران بالاتر نگویم خزعل شمر و سنان ولی مسئله فشنك فروشی کفیل حکومت بتاجر وتخلیه فشنك ها از باروت بامر حکومت و بالاخره مسامحه و غفلت کار کنان حکومت دریك چنین موقع و جمع کردن هفتاد نفر کارگر بی احتیاط را در یك محوطه سر پوشیده در مقابل چند خروار باروت چه ربط باین شمر امر زی دارد اگر آقای طهرانی میفرمایند فشنك ها را چون خزعل وارد کرده لذا محکومیت بایشان وارد است حقیر عرض میکنم کارخانه های باروت سازي فرنك بیشتر محکوم هستند که باروت را میسازند در هر حال می بینم مصداق قضیه سی و هشت سال قبل برخود حقیر در ارومی آمد امروز همان را به بیچاره خزعل وارد می سازند پاینده باد انصاف ـ [امیر خان افشار ارومی]

از گیلان می نویسند

نظر به وظیفه وجدانی وخبر نگاری آن جریده محترم جریانات اخیر گیلان را محض اطلاع عموم می نویسم ، بحران اقتصادی گیلان حالت رقت آوری را بخود گرفته است در واقع قابل هر گونه توجهات جراید ملی است مثلا تجار گیلانیکه همیشه داد و ستد شان بیشتر از [illegible] و ماشین آلات وغیره بود مبالغ معتنابهی [illegible] از این سرحد وارد نموداند در کلیه انبارها فقط مال التجاره خشکبار است که انبار گردیده وتجار نیز دست بالای دست گذارده منتظرند مسدود بودن تجارت روسیه و نداشتن وسایل حمل و نقل مال التجاره بکلی رشته حیات تجارت را در گیلان قطع نموده است در عرض یك ماه و یك ماه و نیم جماعتی از تجار گیلانی ورشکست گردیدند چنانچه این رویه چندی دیگر طول بکشد سایر تجار نیز ورشکست خواهند گردید بطوری عمال ساوت روسیه راه تجارت را با تجار گیلانی قطع نموده اند که نظیرش تاکنون دیده نشده است اطلاع دارم شخص مسافری تقریبا صد دانه تخم مرغ حمل روسیه میکرده است مانع آمده مجدداً حمل ایران گردانیدند از برای حمل و نقل مال التجاره خود شان اتومبیل های مخصوص وارد ایران نموده و از طرف دیگر دولت ایران نیز امر اکید فرموده بود که کلیه اتومبیل و چهار پا ها و نه ها و دو چرخه ها باید فقط در تحت جمع آوری غله باشد اخیراً نظر بشکایات تجار رشت ازطرف دولت امر گردید که قدری هم اسباب حمل ونقل تجار ایرانی اختصاص داده شود بانك روس وانگلیس نیز با تجار ایرانی معاملات براتی ندارند اگر هم احیانا براتی هم صادر نمایند آن هم باید تلگرافی باشد در صورتیکه وصول تلگراف از بانك تادیه نماید لاغیر

بلدیه رشت ـ چنانچه در اخبارات قبل اشاره شده بود از جریانات اخیر هم مطلع می سازد در بدو تاسیس بلدیه در زمان آقای سرتیپ محمد حسین خان بلدیه رشت هم در حسین آباد شهر رشت و هم در واقع یك عده زیادی از مردم فقیر برای احداث خیابان ها و ساختمان ها که عدد شان تجاوز از دو هزار نفر بود است امرار حیات مینمودند در تعقیب عملیات سابقه بلدیه نیز آقای سرتیپ فضل الله خان زاهدی قدم های برجسته برای آبادی شهر رشت برداشته ولی بدبختانه امر از طرف دولت گردید عایدات بلدیه جزو گمرك گرفته شود از آن تاریخ تا امروز بلدیه و کلیه عملیاتش معطل مانده است مثلا خیابان جدید الاحداث پهلوی با آن مخارجات و زحمات قریب باتمام بود این زمان برای نرسیدن وجه ناتمام و یك خیابان عمده بحال وقفه باقی است که آقای سرتیپ فضل الله خان زاهدی [illegible] نایب مستقل شمال برای رفع امور بلدیه کوشاند و تلگرافات عدیده بمرکز مخابره شده است که بودجه بلدیه کما فی السابق که عایدات آن از بیست و سه هزار تومان [illegible] اقل شانزده هزار تومان است باید

فوری به بلدیه داده شود و هم آینه در مادهٔ مصوب نمایند اهالی از پرداخت عایدات امتناع خواهند ورزید بعلاوه در سابق عده نفرات کمیسیون بلدیه بیست و یك نفر بوده است قرار یافته بود که بیست و یك نفر دیگر هم بآنان اضافه گردیده تا جریانات اخیر بلدیه خاتمه پیدا نماید

از طرف دولت اعلان انتخابات صادر حکومت رشت آقای امیر نوری در حوزهٔ حکومتی خود اعلانی راجع بتامین هیئت نظار منتشر چند روز قبل هم حضرات هیئت نظار خود را بحکومت معرفی نموداند

بیچارگی و فلاکت عمومی در این سرزمین بطوری رقت آور است که شرم می کند چیزی بنگارد مثلا درسال قبل لوازم قشونی را از هر چیز ازقبیل شاجو و کفش دوزی و سراجی وغیره را خود اهالی رشت برای مباشرت قشون میداد زیرا زیاد متجاوز از پانصد نفر بودند در واقع دو هزار نفر دیگر هم عیالات خود را اداره میکردند معلوم نیست چه سبب پیدا نموده این زمان تمام لوازم قشونی را از مرکز برشت می فرستند بعلاوه برای لغو بعضی عواید از طرف دولت عده زیادی نیز از مالیه و بلدیه منفصل وبرتعداد سایر بیکاران افزوده است بحران اقتصادی و بیچارگی زارع و نبودن کار فقر و آن هم در مهد سیاست همسایگان معلوم است نتیجه وخیمی را در آتیه نزدیك در بر خواهد داشت

پس از نشر اعلانات اداره سجل احوال رشت اهالی با یك حرارت تامی روزی پنجاه خود را باداره سجل احوال معرفی و ورقه هویت خود را دریافت میدارند

چندی قبل شعبه بانك پهلوی در رشت تاسیس گردیده اعلانی نیز از طرف رئیس بانك منتشر گردیده بنا بر اینکه همه گونه معاملات تجارتی وغیره قبول میشود در ضمن دعوتی از وجوه تجار بعمل آمده حضرات تجار پس از صرف شیرینی و تبریك اظهار قدردانی نموداند در ضمن اظهار داشتند ما دامیکه باب تجارت از هر طرف باز نگردد معامله با بانك از برای تجار غیر ممکن است امید واریم دولت متبوعه ما فکر اساسی نماید از برای تجارت تا ما نیز خدمات ملی خود را انجام دهیم

[م - د - ح - ه]

مقدمه تشکیلات بحری

اخیراً کمیسیونی در وزارت داخله مرکب از نمایندگان وزارت جنگ وزارت خارجه و وزارت مالیه منعقد و پس از مذاکره و تبادل افکار نظامنامه ذیل را تهیه و تدوین و هیئت وزرا برحسب پیشنهاد وزارت داخله در جلسه هفدهم اردی بهشت به کمیسیون بنادر تصویب مواد ذیل را نموده اند

(نظامنامه ورود و خروج سفاین تجارتی)

ماده اول ورود سفاین تجارتی به بنادر در کلیه ساعات روز آزاد و درشب بعد از حصول اجازه مخصوص از اداره گمرکات صورت خواهد گرفت ولی کنار گرفتن « اتصال به اسکات » و پیاده کردن مسافرین از ساعت ۶ صبح تا شش بعد از ظهر (زمستان) و در تابستان بین هفت صبح و هشت بعد از ظهر ممکن است مشروط بر اینکه مقررات صحی را رعایت نموده و اجازه نامه های لازم در موضوع وظایفی که باید نسبت بدوایر صحیه و گمرك و نظمیه مرعی گردد تحصیل شده باشد

ماده دوم - ویزای اجازه نامه صحی وتذاکر وبار نامه کشتی باید در خود جهاز بعمل آمده بعد از ورود کشتی فقط مامورین رسمی و دوایر صحیه و تذکره و در گمرك نظمیه میتوانند بلا فاصله وارد کشتی شوند مادام که این عملیات تماما خاتمه نپذیرد احدی حق خارج شدن ازکشتی نخواهد داشت اجناس ومال‌التجاره ها میتوان پس از صدور اجازه نامه صحی و ویزای بار نامه ها بلا فاصله از کشتی پیاده نمود

ماده سوم - در مورد پته مسافرین و اجناسی که باید تخلیه یا بارگیری شود ناخدا کشتی موظف است از مقررات اداره گمرك متابعت کند

ماده چهارم - خروج از بندر پس از رعایت مقررات گمرکی و صحی و تذکره و نظمیه و تحصیل اجازه از اداره گمرکات بعمل خواهد آمد

ماده پنجم - در صورت مخالف یا عدم رعایت این نظامنامه آزادی خروج از ناخدا و عمال کشتی سلب خواهد گردید مگر اینکه قبلا جرایمی که در نظامنامه گمرك و مقررات دوایر صحیه و نظمیه مصرح است از دفتر کمپانی کشتی رانی یا از ناخدا ماخوذ شود -

ادبیات

§ قلم ای عارفان را مونس ویار §
§ تو هستی کاشف هر رمز و گفتار §
§ بغفلت خفته گان را ساز بیدار §
§ الا ای طوطی گویای اسرار §
§ مبادا خالیت شکر زمنقار §
§ رسانی نا امیدان را بپه امید §
§ به فرقان باشدت تحسین و تمجید §
§ بحزب رنج بر فرمای تائید §
§ سرت سبز و دلت خوش باد جاوید §
§ که خوش نقشی نمودی از خط یار §

§ اگر زدی تو خیمه از ملک ایران §
§ تو هستی قائد ملت رضا خان §
§ کنون بر تخت پیروزی است سلطان §
§ سخن سربسته گفتی با حریفان §
§ خدا را زین معما پرده بردار §
§ بیا رفع خمارم ده شرابی §
§ شراب ناب عالی ز التهابی §
§ بیا ساقی اگر ز اهل ثوابی §
§ بروی ما زن از ساغر گلابی §
§ که خواب آلوده ایم ای بخت بیدار §
§ نکوئی ایران ز آنم کواکب §
§ شود همدم گرفتار مصائب §
§ ز جهلت اینکه ما سرگشته و خائب §
§ چه ره بود اینکه زد در پرده مطرب §
§ که میرقصند با هم مست و هشیار §
§ اجانب چون بملک جم پی افکند §
§ تزلزلها به بنیان وی افکند §
§ از اول فتنه در شهر ری افکند §
§ ازان افیون که ساقی درمی افکند §
§ حریفان را نه سر ماند و نه دستار §
§ بظالمات از نهان آب حیات است §
§ ولی در جستجویش عقل مات است §
§ دلیل ذات پیدا از صفات است §
§ خرد هرچند نقد کائنات است §
§ چه سنجد پیش عشق کیمیا کار §
§ تو همدم تازه کن سازو عنانی §
§ ز چشم می پرست بیم خوابی §
§ روا نبود بما زاینسان جوابی §
§ سکندر را نمی بخشند آبی §
§ بزور و زر میسر نیست این کار §
§ وفا بر کس نکرد این چرخ کجرو §
§ اشاره نزد دانا قدر یک جو §
§ چه شد شاپور و کو جمشید و خسرو §
§ بیا و حال اهل درد بشنو §
§ بلفظ اندك و معنی بسیار §
§ منال ای کم خرد از تنگدستی §
§ مشو پابست جهل و خود پرستی §
§ اگر سرمست از جام الستی §
§ بمستوران مگو اسرار مستی §
§ حدیث جان مپرس از نقش دیوار §
§ بملك از اجنبی فرمان روا گشت §
§ نصیب ما غم و رنج و عنا گشت §
§ شرافت ها و قومیت فنا گشت §
§ ... شهیدان پا گشت §

§ خداوندا دل و دینم نگهدار §
§ رضا شاه ای که تو مام پناهی §
§ جهانجوی و دلیر و جم سپاهی §
§ (فرخ) را کن زلطف اینك نگاهی §
§ بیمن دولت منصور شاهی §
§ علم شد حافظ اندر نظم اشعار §
§ رضا شه چون بتخت جم مکان کرد §
§ بعقل پیر ایران را جوان کرد §
§ زعدل آباد چون نوشیروان کرد §
§ خداوندی بمعنای بندگان کرد §
§ خداوندا ز آفاتش نگهدار §

نطق نماینده اول ایران پرنس ارفع

(در جامعه ملل)

[هشتم سپتامبر ۱۹۲۶]

آقای رئیس — خانمها — آقایان !

این دفعه ششم است که بشرف نمایندگی ایران در این مجمع عالی نایل شده و میخواهم در باب عملیات سال گذشته جامعه ملل نقطه نظر دولت متبوعه معظم خود را بیان نمایم البته میدانید که این مجمع عالی محتاج بمدح وذم نبوده بلکه باید عدالت و حق گوئی نمود و همین دو اصل قائد تشکرات و انتقادات من میباشد - بدواً تشکرات من از جامعه

چنانچه معلوم همگی است جامعه ملل در انتظار توسیع دایره سیاسی خود تا کنون در راه حفظ الصحه عمومی بین المللی مصدر خدمات شایان گردیده ، و در اینباب ایران کمال تشکر را از جامعه دارد

یکبلای مبرم وحشت انگیزی که سالهاست تمام مشرق زمین را مضطرب ساخته مرض مالاریاست در جواب دعوت ما جامعه ملل متخصص معروف دکتر کلمور را بایران گسیل داشت مسافرت موی الیه همچنین تحقیقات و راپورت او نتائج فوری داد — دکتر کلمور پیشنهاد کرد ، مردابهارا که بعض نقاط مملکت را مسموم کرده بخشکانند شعبه صحیه جامعه نیز پیشنهاد کرد که متخصصین ایرانی برای صحیه عمومی ایران تهیه نماید دکتر شیخ که از طرف ایران برای این مقصود معین شده بود ژنو آمد بعد از اخذ دستور العمل های لازم از شعبه صحیه جامعه برای عملیات و تکمیل تجربیات عازم نقاط دیگر اروپا گردید راپورت دکتر شیخ اثر خوب بخشید ؟ دولت ایران مصمم گردید که متخصصین اجیر نموده باطلاقها را بخشکاند ؟ و واضحست که از یمن این اقدام هزاران حیات نوع بشر از خطر نجات خواهد یافت

یکبلای هولناکتر دیگر که مدتهاست مشرق زمین معذب ساخته تریاک است ، اکنون سال ششم است

که در ژنو با نغمات گونه گون در این باب مذاکره میشود لاکن تاکنون از زراعت خشخاش در تمام دنیا چندان چیز مهمی کاسته نشده — در کنفرانس ژنو دولت ایران در پیشنهاد خود اظهار کرد که رای رفع بلیه باید باساس آن حمله کرد امریکا اظهارات ما را تصدیق نموده بکنفرانس تریاک پیشنهاد کرد که کمسیون بایران اعزام شود تا مواد پیشنهاد ایران را در محل موقع تحقیق بگذارد - جامعه ملل یکصد هزار فرانك طلا برای مخارج کمیسیون قبول و تادیه کرد مؤسسات (راکفلر) یکصد و پنجاه هزار فرانك داد و دولت ایران تمامی مخارج مهمان نوازی کمسیون را عهده دار شد بطوریکه اجزاء کمسیون در تمام مدت اقامتشان در ایران مهمان دولت بودند ، و در اجرای تکالیف ماموریت انها از هیچگونه مساعدت و همراهی کوتاهی و مضایقه نشد راپورت کمسیون عنقریب بشما تقدیم خواهد شد ، اگر طرف حسن قبول واقع شود و بایران کمك و معاونت فرمائید که زراعت خشخاش بزراعت دیگری تبدیل شود . نه اینکه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا سبب نجات و استخلاص هزاران نفوس خواهد بود بنام دولت خود از این مجمع بسیار محترم و شورای عالی و دارالانشاء جامعه در ازاء این دو اقدام خدا پسند صمیمانه تشکر میکنم

میخواستم در اینجا ختم کلام کنم لیکن عدالت و حق گوئی مجبورم میکند که راجع بقسمت سیاسی جامعه که چندان مستلزم خوش بینی نیست مختصر بیانی نمایم امروز صبح چند نفر از نمایندگان اظهار تاسف میکردند که شورای عالی در این مجمع عمومی که روح جامعه است تمایل نشان میدهد که جلسات عمومی را قدری از حوزه و از شعبات خودکار و بی اطلاع بگذارد ، و اضح است که این قوه مستلزم خطر بزرگی خواهد بود ، شورای عالی نباید در یك حکومت ، حکومت دیگر یا در یك جامعه ، جامعه دیگر تشکیل بدهد نمایندگان دول بزرگ و کوچکی که در آتیه در شورای عالی جلوس خواهند کرد ، باید فراموش نکنند که در اینجا نه فقط برای حفظ منافع دول متبوعه خودشان جای گرفته اند بلکه انها را برای این انتخاب کرده اند که حفظ حقوق عامه را نموده و صلاح عمومی جامعه را از نظر دور نگذارند لهذا لازم است که هنگام انتخابات وضع جغرافیائی ممالك و طریقه تناوب بطور جدی در نظر گرفته شود

یك شورای عالی چهارده نفری که عالم اسلام و مدنیت قویم دران شرکت نداشته باشد بیشتر از شورای عالی دوازده نفری سابق در شرق مایه سوء ظن وبدبینی واقع خواهد شد نباید بدست اشخاصیکه مدعی هستند جامعه ملل عبارت از حاکمیت جمعی از جمع دیگر است ذره بهانه داده شود

ما در اینجا اعلان تساوی مطلق بین نژادها و ملل میکنیم و کار بمذهب و رنگ وحسب و قومیت انها نداریم جامعه ملل نمیتواند بمقصد عالی خود که صلح در میان نوع بشر است نایل شود مگر باینکه در این خط که عبارت از مساوات بین المللی باشد زیرا که همیشه مسئله تفوق و امتیاز و عدم مساوات و جاه طلبی سبب شده که کره ارض بیچاره ما تا امروز معرض اینهمه خونریزیهای ناحق و اینطور خسته و ناتوان شده است

بالاخره یك نقطه اخریست که ما به آن خیلی اهمیت میدهیم و آن ماده ۱۰ قرار نامه جامعه ملل است سه سال پیش ما مخالفت کرده نگذاشتیم که بمعنی اصلاح آن که روح اساس نامه است دست بزنند ، امروز که شورای عالی وسعت پیدا کرده و اعضاء ان بچهارده رسیده جمع آوری انها دربعضی هنگام لزوم فوری قدری دچار اشکال خواهد بود لهذا لازمست اقلا تصمیمات آن در وقت احتیاج بسرعت گرفته شود

پروتکل ژنو از طرف بعضی از دول طرف حسن قبول واقع گردید ، ولی پروتکل مزبور یك چیز از خود بیادگار گذاشت و ان عبارت از تعیین دولت مهاجم است یعنی هر یك از متخاصمین که زیر بار حکمیت نرود باید متجاوز و هجوم کننده محسوب شود ، و ان مسئله کار را بشورای عالی در موقع وقوع مخاصمه آسان میکند وبسهولت میتواند متجاوز را تعیین و تصمیم لازم اتخاذ کنند

خیلی خوشوقت و بلکه مطمئن خواهیم شد اگر شورای عالی جدید بما بگوید که در وقت وقوع حمله یکی از اعضاء جامعه ملل تایید عملیات شورا در تعیین مهاجم بهمین طریقه مذکور خواهد بود چون تاکنون موفق به تقلیل اسلحه و قوای جنگی نشده ایم شعبات با کمال جدیت لازمست سعی کنیم اساس حکمیت را که در جلسات عمومی جامعه مورد تصدیق واقع گردیده بمقام عمل بگذاریم

حبل المتین

جمله اخیره این نطق قابل تقدیر است ولی این تقاریر لطفش در همان الفاظ است و بس بشرکاء بزرگ جامعه ذره اثر نکرده و نخواهد کرد چنانچه مکرر نگاشته ایم امید ملل ضعیفه از حسن عدالت پروری این جامعه همان امید تشنه از سراب است این جامعه کلاه برداران است نه کلاه بسرگذاران این سلاح عامه معمول کوچك است نه تساوی حقوق دول بزرگ با کوچك

امروزه دسته بندی جامعه ملل بزرگتر و قوی تر است از دسته بندی‌های دول بزرگ که قبل از این جامعه بین دول میشد طولی نکشد که همین طمع کاری و دسته بندیهای سیاسی دول بزرگ این جامعه را نیز هنگوانه جامعه صلح لاحقه بنماید

﴿ ثروت معدنی افغانستان ﴾

﴿ ترجمه از شماره هفتگی منچستر گاردیان ﴾

(مورخه ۱۳ اوت ۹۱۲۶)

﴿ از مخبر مخصوص ما در کابل ﴾

غرض از تحریر این مقاله شمردن اسامی معادن افغانستان که در سلسله انتشارات مجمع جغرافیائی هندوستان یا سایر کتب جغرافیا مندرج است نیست بلکه غرض بیشتر اشاره باشکالاتی است که تا حال مانع استخراج معادن مزبوره گشته است ثانیاً باید خاطر نشان گردد که از مشکلات در این راه بتدریج کاسته شده و بمرور زمان اهمیت این خزائن مدفونه بیشتر معلوم و آشکار گشته است معدن شناسان انگلیسی و اطریشی و مخصوصاً در این اواخر آلمانی تمام مملکت را گردش و تفتیش نموده و در بعضی نقاط حتی با وسایل ساده شروع باستخراج معادن نموده اند درالانشاء سلطنتی مقدار زیادی اسناد و نقشه جات راجع باین موضوع را جمع آوری کرده ولی هنوز ترقی شایانی احراز نشده است عجالتاً فقط باخراج یک معدن طلا در شمال قندهار و یک معدن فیروزه در نزدیکی کدالان سر راه کابل به پشاور شروع شده است یک سلسله معادن در دامنه کوه باقمسان و یک معدن سرب نقره دار در گرباند نزدیك فرونجال و یك رشته معدن آهن در نزدیکی جبل السراج واقع در ۵۰ میلی شمال کابل کشف شده ولی نظر باشکالات زیاد اقتصادی عجالتاً از قصد استخراج معادن مزبوره صرف نظر گشته است

معدن ذغال بقدر کفایت موجود است ولی وسایل حمل و نقل خیلی ناقص میباشد — معدن لاجورد در جنوب ایالت بدخشان که از زمان قدیم معروف بوده عجالتاً در حال تعطیل میباشد و همچنین محصول معدن مس که در نزدیکی میدان ۲۵ میلی کابل کشف شده فوق‌العاده کم و بی اهمیت است کاوش و کشف معادن مس در سنهٔ ۱۹۲۶ صورت گرفته ولی بواسطه بدی راه و نبودن وسایل حمل و نقل استخراج آن صرفه ندارد و همچنین مصرف مس در داخله مملکت عجالتاً خیلی کم میباشد و مقدار واردات آن در سال از ۱۰۰ تن تجاوز مینماید بدینجهت بکار انداختن این معادن تاوقتیکه حمل محصول آن بخارج ممکن نباشد از جرقه بلاورّ اشت از طرف دیگر استخراج معادن محتاج بمواد محترقه است اگرچه در جبال هندوکش در شمال بامیان یك رشته معدن ذغال قطور بیابکه مقدار ذغال آنرا به ۵۰۰ ملیون تن تخمین میکنند و همچنین یك رشتهٔ ذغال لینییت در دره کونارکه در کافرستان نزدیک جلال آباد سطح زمین میرسد و معادن دیگر در خست موجود میباشد ولی تاوقتیکه معادن ذغال و سایر معادن صدها میل در مملکتی که ابداً راه ندارد از یکدیگر دور باشد میتوان آنها را در حکم معدوم محسوب داشت

نقشهٔ تسلیم امتیاز استخراج معادن بسرمایه داران خارجی در نظر افغانها فوق‌العاده خطرناك مینماید زیرا تصور مینمایند که بکار افتادن سرمایه خارجی در داخله مملکت باستقلال و حق سلطنت آنها لطمه و خدشه وارد میاورد در سنه ۱۹۲۴ و انه رنب یکی از سرمایه داران معروف امریکا تقاضای امتیاز استخراج معادن نفط افغانستان را نمود ولی دولت افغانستان تسلیم امتیاز را موکول بیك شرائط غیر قابل قبول می نمود که هیچ سرمایه داری زیر بار آن نمیرفت بدینجهت آن مذاکرات بدون اخذ نتیجه قطع شد و همچنین از ترس آنکه خارجیها افغانها را در معامله گول خواهند زد تا حال بدون جهت از استخراج معدن لاجورد و حمل آن بخارج جلوگیری شده است البته تاوقتیکه افغانها بمعادن مزبوره با نظر جواهر نگاه میکنند امکان عقد قرار داد و معامله بقیمت و شرائط عادلانه بنظر بعید میاید

در افغانستان بیشتر توجه دولت بجستجو و استخراج معادنی است که محتاج بکار خانه مفصل و سرمایه زیاد نباشد علاوه بر معدن لاجورد سابق الذکر در افغانستان سایر احجار کریمه از قبیل میکا وغیره یافت میشود ولی البته در بازار تجارتی دنیا تاب برابری با احجار کریمه هندوستان ندارد

افغانستان دارای ثروت معدنی هنگفتی است ولی با اوضاع حاضره استخراج آنها امکان ندارد اولین قدم در راه استخراج معادن باید اتصال معادن ذغال بسایر معادن بواسطه ایجاد راههای حمل و نقل سریع ارزان باشد و این مقصود جز بجلب سرمایه از خارج و دادن امتیاز میسر نخواهد بود افغانستان اگر باستخراج معادن بیشمار خود موفق گردد بلا شك مقام رفیعی در عالم اقتصاد احراز خواهد نمود

﴿ خط هوا پیمائی اروپا بهندوستان ﴾

هوا پیمائی سال بسال حوزه خودرا وسیعتر میسازد پس از اتصال ممالك اروپا اینك موقع آن رسیده است که قاره های مختلفه را بهم اتصال دهد . در ۱۲ ژانویه ۱۹۲۷ خط هوا پیمائی مصر بهندوستان رسماً

افتتاح خواهد یافت خط سیر طیارات قاهره ، بغداد ، بصره ، بوشهر ، بندر عباس ، کراچی میباشد بطوریکه موقتاً در نظر گرفته شده است ۱۴ روز یك طیاره در خط قاهره و بغداد رفت و آمد خواهد نمود و بعد از کسب اطلاعات و تجارب لازمه از اوضاع جوی این نوع که تقریباً ۴ ماه طول خواهد کشید خط هوا پیمائی تا کراچی امتداد خواهد یافت . طول این خط ۴۰۰۰ کیلومتر میباشد و مدت مسافرت از قاهره بکراچی ۴ روز خواهد بود در صورتیکه با کشتی همین مسافت لااقل ۱۱ روز میکشد و همچنین از قاهره ببغداد که از راه دریا ۱۸ روز و از راه خشکی ۱۵ روز طول میکشد در ظرف دو روز طی میشود . مخارج مسافرت بالنسبه ارزان و به ۷۲ لیره تعیین شده است بطوریکه علاوه بر صرفه جوئی در زمان در مخارج مسافرت نیز مبلغ صرفه جوئی میشود . همانطور که دول اروپا همیشه در اقدامات عام المنفعه دخیل بوده با کمکهای مالی در تقویت این قبیل مؤسسات میکوشند وزارت هوا پیمائی انگلستان تا پنجسال ضمانت ضررهای این مؤسسه را نموده است ، در تمام عرض راه برای راحتی مسافرین مهمانخانه ها و دستگاه های تلگراف بی سیم تأسیس خواهد شد بطوریکه اطمینان و راحتی این راه بهیچوجه از راه های هوا پیمائی اروپا و امریکا کمتر نخواهد بود ، دو بندر ایران بندر بوشهر و بندر عباس دو مرکز مهم قسمت ثانی این خط هوا پیمائی را تشکیل میدهد در بوشهر آئروپلانها فقط چند ساعت ولی در بندر عباس یك شب توقف خواهند نمود و البته این اهمیت جدیدی که بنادر خلیج فارس تازه احراز نموده در ترقی اقتصادی آنجا کمك فوق العاده خواهد نمود زیرا بنادر مزبور با سریعترین وسایل حمل و نقل بممالك اروپا اتصال خواهد یافت (اشرطها وشروطها که ...)

[مجله آلمان وشرق منطبعه برلن]

حبل المتین

§ حرف مجلس ما خود همیشه دل میبرد §
§ علی الخصوص که پیرایه بر او بستند §

خلیج فارس که مهمترین نقاط و دروازه آزادی و استقلال ایرانش باید گفت بمناسبت اتصال بحری بهندوستان هدف همه گونه تیرهای سیاسی بیگانگان بودی اینك که دو بندر معظم ایستگاه کشتیهای هوائی خارجه میشود و در حقیقت قرب هزار میل بسواحل ما شاهراه آمد و شد اجنبیان قرار میگیرد اگر بخود نیامده در همین اولین قدم حدودی برای عبور و مرور اجنبیان مقرر نکنیم و حقی برای محروس معین نسازیم در آتیه دچار مشکلات عظیم خواهیم گردید نه تنها ایران باید در این سواحل بقیمت تشکیلات بحری بهمه گونه اقدام نماید بلکه تشکیلات بحری بسه تشکیلات هوائی نیز بپردازد موقعیت ایران چنانست که عنقریب یك ایستگاه بزرگ یا مهمانخانه بین المللی دنیا واقع خواهید گردید . حرف اینست که اوضاع زمانه بعض از این ما اجازه نمیدهند و بستی نمیدهند و از ملل دیگر میشنوند که ما ایل نیستیم بعمران مملکت خود ما حاضر نمی باشیم بتشکیلات بحری و هوائی در سواحل خویش . چه ما پول نداریم آدم نداریم علم نداریم از ما نمیشنوند اگر خود نکنیم آنها خواهند کرد و بالاخره ما تشکیلات را خارج خواهند ساخت پس ما راست حصه مانند برادران غیور ترك خود موقع را شناخته خارجیان را مهلت ندهیم و خویشتن را دستخوش اجنبیان نسازیم افسوس چنان قسمیکه ما بطئ الحرکتیم زمانه سریع السیر گردیده کشتی بخار راه های آهن و شوسه و اتومبیل های برقی و کشتیهای هوائی هنوز ندیده ایم ما را از هر سواری پیاده نماید حالا هم که بفکر افتاده ایم بالبداهت عقب کفش های خود میگردیم مسئله خلیج فارس و استاسیون هوائی بوشهر و بندر عباس اهمیتش بیش از آنست که ما بتوانیم شرح دهیم و اگر ما از هم غفلت کنیم طولی نمیکشد که مشکلاتی برای ما تولید شود که از حل آن عاجز مانیم امروز بیش از هر نقطه و قبل از هر کار باید دولت متوجه خلیج فارس و سواحل مکران گردد باید کلیه راه های جنوب عراده رو شود باید تحت تشکیلات بحری جهازات جنگی و تجارتی ما در آبهای خویش بحرکت آینده بایستی بسرعت برق راه های آهن از خلیج بداخله کشیده آید باید بسواحل جنوب و مکران را بمرکز نزدیك ساخت باید کلیه ادارات از روی صحت نه بابت مالی در این سواحل دایر ساخت وقت تنك و کار بسیار است بایستی عجله کرد اقلا باید ده نفر وکیل عالم فاضل مطلع وطنخواه از خلیج و سواحل مکران در شورای ملی موجود باشند تا اقلا بمکانیکه ارباب اطلاع از این سواحل زر خیز وسیع پر قیمت می نویسند مطلع گردند و یا اقلا ملتفت بضار سیاسی تسامح خود را در توجه باین سواحل باشند گویا طهرانیان نباید ایران را عبارت فقط از طهران دانسته ذره عطف توجه باین خطه تا بنادر که عنقریب ایستگاه سیاست واقتصاد شرق وغرب خواهند شد نمایند چرا نباید رئیس الوزرا ها وزراء جنگ فواید عامه عدلیه و و . یکی یك نوبت در این نقاط سیاحت نموده نقایص کار و لوازم عمران

وضعیات سیاسی و اقتصادی این نقاط را بچشم دیده تا بتوانند از روی بصیرت اقدامات ضروریه را نمایند باز هم ما از معاونین ساحلی خود تمنا داریم هر چه بدانند و بتوانند در این زمینه برای اطلاع اولیای دولت بنویسند که در گفتن اثریست که در نگفتن نیست

توجه ترکان باتحاد لغت

اتحاد لغت در یک مملکت بزرگترین عامل ارتقا گفته شده ترکان هم از این معنی غافل نمانده جداً ساعی اند که کلیه لغات اجنبیه را از مملکت خودمنحل ساخته تا اتحاد زبان حتی در زوایای مملکت و ملل متنوعه حکمفرما گردد ملت یهود هاره بزبان فرانسوی اولاد خود را تعلیم اموده (از کتابی خویش مینمودند اینک بحکم وزارت معارف ترکیه ملت یهود هم رضا داده که در کلیه مدارس خودشان تعلیم زبان ترکی اجباری قرار داده و کلیه علوم و فنون را بآن زبان تعلیم گیرند و زبان خارجه را زبان دوم تعلیم شناسند

آری ملل زنده پیش از همه چیز ساعی باتحاد لغت در مملکت خویش اند امیدواریم اولیای معارف ایران نیز از السنه مختلفه که در بسیاری از نقاط ایران رواج دارد جداً جلوگیری نموده از نتایج اتحاد لغت مانند دیگران فایده برگیرند زبان خارجی حتی در مدارس خارجه و ملل متنوعه باید بطریق زبان دوم تعلیم شود و کلیه علوم و فنون بایستی در زبان فارسی بیک سیاق در همه مدارس خارجی و دولتی و ملی تامین باشد

یک از امریکائیان می نویسد « من هر وقت تصور می کردم که مشتی انگلیسان در مملکت وسیع و ملت جسیمی مانند هندوستان وهندیان حکومت مینمایند سبب آن در تعقل و تصور من بیرون نمی آمد تااینکه دست قضا پای مرا بهندوستان گزارده در اول قدم سبب این غلبه را دانستم که رشته تعلیم این ملت جسیم را انگلیسان بدست خود گرفته و یعنی تقدیر و سر نوشت سیصد و پنجاه ملیون نفوس هندیه را بکف دارند »

ازینست که انگلیسان یا سایر دول عالم در ممالک مفتوحه اول قدمیکه بر می دارند در افتتاح مدارس و ترویج زبان خویش است یک از انگلیسان میگوید « مسلح ترین قشون ما در مستعمرات وسیعه همانا افتتاح مدارس و ترویج زبان انگلیسی است »

دیگری از سیاسیون می سراید « بیش خوبه حمالت اجنبیان در یک مملکت همانا افتتاح بمدارس و ترویج زبان خویش است »

ما نمیگوئیم دانستن زبان اجنبی بد است ولی قائلیم بر اینکه همه گونه تعلیم و معلومات باید علوم وفنون را بزبان ملی خویش آموخته سر رشته تعلیمات که سر نوشت مقدرات شناخته آمده بتصرف بیگانگان نگذارد

همه کس میگوید و ما نیز قائلیم که در این چند ساله اخیره ملت و دولت ایران رو بارتقا گذارده ولی بعقیده مصرین اول قدم ارتقا تعلیمات اجباری است که سبب تعمیم لغت و کمند و پیوند افراد ملت بیکدیگر است بر داشتن تعلیم اجباری است که زبان فارسی را در زوایای مملکت و ملل متنوعه تعمیم می بخشد وحدت لغت است که یک ملت را بیک گونه اخلاق و رفتار آشنا می سازد تعلیم عمومی است که افراد ملت را شریک النفع و الضرر قرار داده همه را مدافع حقوق ملی قرار میدهد اگر چه ما قائلیم که در این چند ساله معارف ایران دو بالا و سه بالا شده ولی باز هم خواهیم گفت کمتر ازهمه چیز از معارف عمومی و تعمیم زبان فارسی کوشش شده امیدواریم در این دوره وکلای ملی قانون تعلیم اجباری را از مجلس گذرانده اقلا یک راه عایداتی که کمتر از پنج ملیون تومان نباشد تخصیص بمعارف دهند دانایان می گویند هر پولیکه در راه معارف صرف شود صد بلکه هزار برابر فایده از آن بر داشته میشود تا وقتیکه ما مدارس خود را تکمیل نکنیم و علوم عالی و ابتدائی را توام ترقی ندهیم و تعلیم اجباری را در مملکت جاری نسازیم خارجیان از افتتاح مدارس در مملکت ما دست برنخواهند داشت یا بعبارت ساده تر دندان طمع را از ما نخواهند کشید

§ هر چه داری اگر بعلم دهی §
§ کافرم گر دمی زبان بینی §

هوا پیمای سه قوه (محرکه)

از جمله اختراعات جدیده هوا پیما ایست که چندی قبل در کارخانه یونکرس فابریک ودل اختراع و بعالم هوا پیمائی مرکزی اروپا رواج و ترقی فوق العاده داد . این جهاز هوائی را سه ماشین است که قوی ترین ان که در قسمت رو بروی ان تعبیه شده قوه ۱۹۵ اسب دارا و دو ماشین دیگر که هریک قوه صد اسب را دارا اند در طرفین ان ساخته شده و کلیه ان از فلز آلومینیم اختراع گردیده ، ۱۲ نفر (۹ مسافر ۲ ایرپلنچی یک دیده بان) میتوانند باآن سفر نمایند اطاق مخصوص مسافرین در عقب و جنب بان حمام و جای اسباب مسافر و لوازم دیگر است چون این قسم جهازات هوائی مایحتاج خود را همراه دارند لذا در عرض مسافرت محتاج توقف نیستند ، طول این هوا پیما ۱۶ متر و ارتفاع آن ۵ — ۵ متر و درجه سرعتش ۱۷۰ کیلومتر است .

استفتا

هر گاه شخصی که بیست سال است بواسطه ظلم حکام مستبد و اخوند های سوء از ایران فرار کرده و در گوشه دهی در هندوستان پناه برده است و حال که صیت قدرت سلطنت پهلوی و وزارت شخص آزادی خواه عادل اسلام دوست وطن پرست و و و بگوشش خورده است مال و منال خود را فروخته و تذکره ایران گرفته و بلیط کشتی خریده با زن و بچه روز دیگر روانه بجانب وطن است اتفاقا روز نامه شفق سرخ نمره ۶۱۱ تاریخ ۲۸ مهرماه صفحه دوم درستون سوم این عبارت را بخواند (مکتوبی حاوی یك عکس جوان مقتول ازقم بما رسیده حاکی از این است که ابراهیم شاه که ضرب شانزده کارد میرزا مسیح الله را کشته در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها متحصن شده و باکمال آسایش در آن جا مانده و از مجازات مصون است و تقاضا نموده اند که به اولیای دولت تذکر داده شود که برای اخراج قاتل ازحرم ومجازات او اقداماتی نمایند) شفق سرخ رای داده است در پای همان خبر ازین قرار (ما سابقاً هم خبر این قتل فجیع را که بدست یکی از اشرار دزد فاسد الاخلاق انجام گرفته چاپ کردیم البته از طرف دولت بایستی برای اخراج و مجازات قاتل مزبور اقدام شود ولی بیشتر وظیفه آقایان علماء قم است که اجازه صریح دهند که مامورین دولت اورا اخراج نمایند وبسزای عمل خودش برسانند)

آیا آن شخص مسافر بهتر این است که بعزم خود باقی بوده و برود به ایران و خود را بدست ابراهیم شاه ها و تحصن در امام زاده و علمای قم و و و بسپارد یا اینکه از خرج سفر و قیمت بلیط کشتی و تذکره و اتصال فروش دارائی چشم پوشیده و کشته خودرا شیرین گرفته برگردد بهمان ده و جنگل هندوستان و منتظر فرج یا مرگ گردد استدعا از ساحت ایران خواهی و اسلام دوستی مدیر حبل المتین دارد که رای خود را ظاهر فرمائید تا عند الحاجه حجة بوده باشد

ضمنا از شما که از ایران بهتر از بنده خبر دارید سؤال میکنم آیا در شریعت اسلام و قانون مشروطه ایران نوشته است که هرکس آدم کشت میتواند در امام زاده زنده باشد ؟ و آیا در قانون اساسی ایران چنین ماده هست که هر جا دولت خرش به گل خوابید علما باید آن را از گل بکشند وآیا فتوای علما غیر از قوانین الهی و مملکت است ؟ و کلیه ایران چه قدر از شهر بلخ دور است ؟

(فرزند مادر شهزار ساله)

جواب

اگر مستفتی بستفتا عقیده تمند است از این نبا ملایمات موقتی صرف نظر نموده از زیارت وطن مقدس منصرف نگردد و مبا باو و بسائر خوانندگان ایقان میدهیم که در کمال سرعت قاتل گرفتار وبنص از حکم اداره قضائی بمجازات قانونی خواهد رسید عجول نباید بود اگر قاتل پناه به امام زاده برده دولت و آخوند چه قصور دارد اگر بمقتضای رفع هیجان عموم بفوریت اعضای نظمیه نریخته و قاتل را نگرفته اند نمی توان حمل بعدم مجازات و قصور این و آن نمود چون ما خبر داریم قاتل به مجازات میرسد در این موضوع زیاده بحث ننموده قدری حاشیه می برداریم و باز همان کلام خویش را تکرار کرده می گوئیم « تقصیر خودمان است » قانون مجری میخواهد مجری قانون باید ملت باشد تا وقتی ملتیکه نصف بیشتر افرادش مدعی العموم نباشند در آن مملکت چشم داشتن باینکه قوانین درمجری خود سیر کند غلط است فرد فرد ملل متمدنه مجری قانون است مدعی العموم است یك از دوستان میگفت « نیم شبی در سرمای زمستان در برلین پیره زنی را دیدم که بطرف اداره نظمیه با زحمت زیاد رهسپار است چون او را می شناختم کار و سبب را پرسش نمودم جواب داد در محله ما چند خانه دور از قیامگاه من جوانی بر خلاف قانون با نوکر خود ستیزه کرده چند سیلی بناوزد چون آن نوکر مقتدر بشکایت نبود من برای رفع این ظلم قیام کرده ام ازو پرسیدم آیا با آن نوکر آشنا بودی گفت نه گفتم با آن جوان عداوتی داشتی گفت خیر گفتم پس تورا چه وادار کرد که در این نیمه شب و سردی هوا متحمل این کردیدی جواب داد که حس قانون خواهی من نگذارد که ظلمی را بینم و ساکت نشینم »

مجری قانون درمملکت باید افراد ملت باشند شرع مقدس اسلام همین درس حکمت را بما داده است مگر مگر نه امر بمعروف و نهی از منکر از فروع دین مقدس ماست ؟ آیا این حکم فرد فرد ما را مدعی العموم قرارنداده است دراین صورت ازمستفتی سؤال میشود که اگر هر ایرانی مثل جناب شما سست و خود خواه آمده باشد با نا ملایمی ترك وطن و محبت اهل وطن را گفته راه خویش گرفته راحت خود جوید مجری قانون کی خواهد بود ـ تمام خرابی ازینست که ما خود نمی خواهیم کار کرده باشیم ـ دولت وظیفه دارد و ملت وظیفه ها قسمیکه اگر دولت از وظایف خویش انحراف جوید مقصر است هرگاه ملت هم از وظایف ملیه تخطی کند گناهکار است مجلس باید قانون وضع

کند دولت باید جاری نماید ملت باید نگران اجرای آن و محافظ آن باشد اگر چه مانند آقای مستوفی بوجه وظایف ملیه خویش را نشناسند

§ بر آن ملك و ملت ببباید گریست §

علاوه بر این اینکونه واقعات مگر منحصر بایران است ضرب و قتل مگر در غیر ایران پیش نمی آید هم قاتل در همان حین قتل بسزای خود مقتول میگردد

§ صبر کن صبر که از غوره بر آید حلوا §

ما هرگز تصور نمی کنیم که علمای اعلام حضرت معصومه و خدام آن آستانه مقدسه تخطی از احکام شرع و قوانین مملکت نموده از یك قاتل علنی حمایه تا مشروع نمایند عنقریب ما حقیقت واقع و سزای قاتل را برای قارئین خواهیم نگاشت

اشیاء عتیقه بقعه شیخ صفی

کمیسیونی مرکب از آقایان وزیر مالیه و وزیر فوائد عامه و وزیر معارف و دکتر میلسپو و آقای میرزا حسین خان علاء و شاهزاده فیروز میرزا و پروفسور هرتسفلد ومیرزا یانس و خلخالی در منزل آقای وزیر مالیه منعقد را برت آقای خلخالی راجع باشیاء نفیسه بقعه مرحوم شیخ صفی و لزوم تعمیر بقعه مزبور قرائت بعد از مذاکره و تبادل نظر تصمیم گرفته شد که دکتر هرتسفلد باتفاق آقای خلخالی باردبیل رفته و پس از معاینه اشیاء عتیقه بقعه آن قسمتی که ممکن است حمل بطهران شود بطهران بفرستند و در موزه معارف نگاهداری نمایند و بقیه اشیاء را در محلهای لازمه در قفسه های مخصوصی ترتیب دهند که حیف و میل نشود و تعمیرات اساسی آن را تعیین و صورت مخارج آن را برآورد کرده و بودجه جهة مستحفظین و سایر مستخدمین و مخارجی که داشته باشد تهیه و ارسال دارند تا قرار پرداخت آن از طرف دولت داده شود

•

(کمك به موسسات ملی)

اخیراً دکتر میلسپو لایحه تحت چند ماده تهیه و تدوین نموده که دولت بموسسات ملی از قبیل کارخانه پارچه بافی اصفهان وغیره مساعدتهای مادی و معنوی بعمل آورد که هم مؤسسه مزبور توسعه یافته و هم سایر تجار و سرمایه دار ها در صدد تاسیس کارخانجات بر آیند لایحه مزبور را برای جلب نظر هیئت دولت تقدیم داشته اند تا پس از موافقت بمجلس شورای ملی تقدیم دارند

(راه شیراز و اصفهان)

وزارت داخله تلگراف ایالت فارس را بوزارت فواید عامه ارسال و اشعار میدارند که راه شیراز به اصفهان بکلی خراب و نماینده فواید عامه در جواب مراسله نوشته است اعتبار جدیدی از طرف دولت داده نشده که راه مزبور را تعمیر و تسطیح نمایند چنانچه توجه نشود پست خط شیراز تعطیل خواهد شد و تقاضا کرده اند که دستور برای تسطیح راه مزبور فوراً صادر کنند که رفع شکایت بشود

نفط غرب

در وزارت مالیه کمیسیونی مرکب از آقایان وزیر مالیه ، وزیر خارجه ، وزیر فواید عامه ، رئیس امیالی نفط جنوب ، رئیس کل مالیه ، و میرزا یانس منعقد گردیده مدتی راجع بموضوع خط نقاط غرب مخصوصاً قصر شیرین مذاکره نموده اند

تأسیس مدرسه

نظر باینکه دولت شوروی برای پیشرفت امور تجارتی در مشهد در صدد تأسیس مدرسه جهة پاك کردن پنبه و پشم برآمده اند مراتب بوزارت فواید عامه اطلاع داده شده و نظریات آن وزارت خانه را خواسته اند

تعلیم عمومی اجباری

از طرف آقای وزیر معارف لایحهٔ تحصیل اجباری بوزارت مالیه ارسال وجلب نظر آن وزارت خانه شده است

بازارگاه بین المللی

از طرف دولت ایطالی اقدام در تأسیس انعقاد بازار مکاره بین المللی شده و ضمناً از دولت ایران دعوت شده است که در صورت قبول یکنفر نماینده معین کرده حرکت نمایند ومحل بازار مکاره بین‌المللی در میلان خواهد بود

اتصال آذربایجان وگیلان

بمهندس ناحیه رشت و آذربایجان دستور داده شد که مخارج ساختمان راه رشت . خلخال ، میانج را باز دید نموده صورت مخارج آنرا بااطلاعات خودش بوزارت فواید عامه ارسال دارد

تأمین آسایش تجار

بمناسبت اختلال اوضاع اقتصادی آقای رئیس کل مالیه لایحهٔ تهیه نموده که برای تأمین آسایش تجار دوایر گمرك قرجه برای دریافت عایدات قند و شکر به آقایان تجار بدهند باین طریق که در موقع ورود قند و شکر تجار مبلغ باداره گمرك قبض بمدت معین داده و ضرب الاجل نمایند که در رأس انقضاء مدت مبلغ مالیات را باداره گمرك پرداخت نمایند که سکته بعایدات دولت هم وارد نشود مراتب بهیئت وزراء تقدیم تا پس از تصویب دستور برؤسای گمرك صادرشود

راه ورامین

مطابق راپرتیکه رئیس راه ورامین داده راه ورامین از شهر ورامین تا ساقر آباد تسطیح و از آنجا بقریه قرچک اتصال و ساخته شده است و برای تکمیل راه از طرف کدل دستور لازم صادر و برای تفتیش رئیس راه مزبور به سمت ورامین رفته که تعلیمات لازمه برای تکمیل ساختمان راه مزبور صادر نماید

(متخصص خشکانیدن باطلاق)

وزیر مختار ایران از روم اطلاع می دهد که در تعقیب اقدامات آقای عدل نماینده وزارت فواید عامه برای انتخاب متخصص خشکانیدن باطلاقهای ایران با رئیس اداره آسیا مذاکره و اشخاصی را که از متخصصین فنی هستند معرفی و قریباً در انتخاب و اعزام ایشان اقدام لازم بعمل خواهد آمد

تکمیل لایحه

لایحه تاسیس بانك و لوایح اقتصادی راجع بفروش جواهرات و عالیجات و تاسیس بانکهای فلاحتی وغیره که بین دولت و رئیس کل مالیه موافقت نظر حاصل گردیده بود بوزارت مالیه عودت و از طرف آنوزارتخانه پاك نویس و بامضاء آقای وزیر مالیه رسیده و بهیئت وزراء فرستاده شد که بعد از امضاء آقای رئیس الوزراء بمجلس شورای ملی تقدیم شود

تخم نوغان

در این موقع که کانل ماك کرماك راجع بنوغان اطلاعات جامعی در اروپا تحصیل کرده وزارت مالیه در صدد بر آمده که لایحه قانونی جهة ترتیب تخم نوغان و فروش و ترتیب حل آن بخارجه تهیه و پس از جلب نظر وزارت فواید عامه بمجلس شورای ملی تقدیم دارد

(اتومبیل آب پاشی و جاروب کشی)

اداره بلدیه در نظر گرفته است اتومبیلی از سیستم جدید که هم آب پاشی خیابان های شهر و هم جاروب کشی را از عهده برآید از خارجه ابتیاع کند وبموجب اقداماتیکه نموده و تحقیقاتیکه شده یك همچو اتومبیلکه پانزده ذرع در پانزده ذرع را جاروب نموده آب پاشی کند بمبلغ پنج هزار وپانصد تومان تمام خواهد شد فعلا مشغول مطالعه هستند

(حبل المتین)

خوبست بدواً کار برای جاروب کشهای شهر پیدا کنند بعد بفکر خریداری اینگونه اشیاء بیافتند

توسعه صحیه

نظر باینکه ادارهٔ صحیه فعلاً مشغول طوری المقدور محدود و آن طوریکه بایستی توسعه ندارد اخیراً در تحت نظر آقای دکتر بهرامی رئیس صحیه کل قانونی برای توسعه تشکیلات آن تهیه و تنظیم شده که بوسیله وزارت داخله تقدیم هیئت وزراء شود و پس از تصویب مجلس شوری تشکیلات صحیه تغییر و تقریباً بشکل صحیه های اروپا در آید و بطوریکه اطلاع داده شده لایحه مزبور پس از تصویب طرح تمرکز دادن صحیه از طرف بعضی از نمایندگان تقدیم مجلس شد

صحیه دامغان و سمنان

طبیب صحی دامغان و سمنان راپورت می دهد که بدامغان رفته اقداماتی در بهبودی اوضاع صحی آنجا بعمل آورده آبله کوبی آن نقاط نیز هفته یك روز مجانا معمول است

تهیه قانون

آقای وزیر امور خارجه چندی است که مشغول تهیه لایحه قانون تابعیت و قانون مهاجرت و قانون آب های سرحدی می باشند قریباً برای جلب نظر دولت بهیئت وزراء تقدیم خواهند نمود تا بعد از تجدید نظر بمجلس شورای ملی فرستاده شود

متخصص معدن

مسیو مارتن در وزارت فواید عامه شروع بکار نموده و مشغول مطالعه در دوسیه های معادن ایران شده و قریباً برای استخراج معادن آهن بسمت مازندران عزیمت خواهد کرد

الغای مالیات معادن سطح الارضی

شرح ذیل از طرف وزارت مالیه بکلیه امنای مالیه ایالات و ولایات صادر و ابلاغ گردید.

از این تاریخ بعد تا وصول دستور ثانی ازمعادن سطح الارضی ذیل مطالبه عشور نکنید

نمك از هرقبیل ، آهك ، گچ ، شوره ، گل آخری گل سفید ، سنگ چخماق ، بلور کوهی ، مومیائی ، خاك بوته ، خاك چینی ، گل رس ، گل ارمنی ، خاك شوره و کلیه معادنیکه خاك آنها مخصوص بنائی ظرف نقاشی است

روابط تجارتی

[روس و ایران]

از قراریکه اطلاع حاصل شده چندی است که روسها جواز حمل بعضی اشیاء را علاوه ازینکه صادر وقسمت ترانزیت هم مدتی است که آزادشده است ـ

حسب الامر مدیر و دبیر جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام در مطبعه حبل المتین
[نمبر ۱ — ۲۶ اسدی پوکر روز سه‌شنبه طبع و توزیع گردید]

1311
26-1, Ahri Pukur Road
CALCUTTA

قیمت اشتراک
سالانه ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران ۳۵ قران
[ممالک سایره]
سالانه
یک و نیم لیره انگلیسی

[illegible] اسکناس بدل ابونه اخبار
تقدیم گرفته میشود
روز نامه مقدس

حبل المتین

سال ۱۳۰۱ [illegible]

[illegible] یوم کرد [illegible]
[illegible]
[illegible] اروپا مدیر کل
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید [illegible])
[illegible]
[illegible] موقع [illegible] میشود

یوم سه شنبه ۵ دی ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۲۰ رجب المرجب سنه ۱۳۴۵ هجری
مطابق با ۲۵ جنوری سنه ۱۹۲۷ میلادی

حزب قوی

[illegible] انقلابی هارد یک زمان بود نادر
[illegible] ناپلیون میپرورید بطر کبیر میافرید امپراطور
ولهلم تربیت میکرد که باراده شخص امور ملک وملت
را تمشیت داده آنان را بمقام ارتقا کشاند آن دوره
سپری شد و آن [illegible] در گذشت چنانچه گفته اند —

§ چنگیز [illegible] سرهنگ
§ نادر را [illegible] اورنگ
§ نه بطر و نه شارل و نه ناپلیون ماند
§ ولهلم آمد بجملهٔ آخر هرنگ

از آن بعد می بینیم که حزب قوی جایگاه اراده
قوی را گرفته لینن اعظم قد مردانگی علم
تشکیل یک حزب قوی داده عالمی را بوحشت و
دهشت انداخته شرق و غرب را در سایه حزب قوی
خود متزلزل داشته است — از طرف دیگر سینیور
مسلونی برخاسته تشکیل حزب قوی داده ایطالی پوسیده
وملت فرسوده لتین را روح نوین بخشیده از اثر آن
قوت قویه حزبی تمام اروپا را متزلزل ساخته برا و
بحرا کوس برتری میکوبد —

مصطفی کمال پاشا که با اراده حزب قوی جوانان
ترک ملت ترکیه را بدوا بروی پای خود قرار
اینک هم اسپه میتازد که با اراده قوی و حزب قوی
سیادت و قیادت امت ترکیه را بر همگنان مسلم
دارد — اراده قوی حکم ماشین را دارد که بدون حزب
قوی که بجای آلات و ادارات سائره اند نباشد هیچ
کاری از قوه بفعل بیرون نتوند آورد یا بعبارت دیگر
اراده قوی روح است و حزب قوی جسم هیچ یک
بدون از دیگر قابل انتفاع نیستند یک از پهلوانان قوی

دوره کنونی پادشاه جوان جوان فکر افغانستان اعلیحضرت
امان الله خان است که در سایه حزب قوی ملی
افغان [illegible] عودیت ملت افغانیه را از هم گسسته
یک ملت کوهستانی که نام را حیات تاریخی
بین المللی بخشوده که برای همیشه بتواند سیادت و
قیادت ملی خود را محافظه نماید امپراطور ولهلم میفرماید
که « قوت هیچ دولت پایدار نتواند ماند جز در سایه
ترقیات ملیه » میگویند وقتیکه ولهلم مصمم آزادی بسمارک
گردید روزی او را طلب کرده تا درب [illegible]
استعفاء نموده پس از تعارفات رسمیه
فرمود « پرنس ممکن نیست افتخارات خود را بملت
آلمان بخشائید ؟ » بسمارک همان دم قلم گرفته
استعفای خویش را بامپراطور پیش نمود معنی کلام
امپراطور و عمل بسمارک این بود که همه عالم
امروزه تمام فتوحات و ترقیات و افتخارات آلمان
را بوجود بسمارک می دانند وقتیکه تو از کارکناره
کشی و ملت آلمانیه بهمان مقامات اولویت باقی
ماند ملت آلمانیه را مترقی خواهند خواند و تمام
افتخارات بسمارک بملت آلمانیه شمرده خواهد آمد
این بود که بسمارک از کار کناره کشیده و ۳۰ سال
در گوشه انزوا خزیده و در هر امر مهم موید پادشاه و
ملت خود گردیده بود —

بر دوی برویم ازمیانه همه ایرانیان فاقد همه چیز
پهلوان پهلوی برخاسته با اراده شخصی و فعالیت حزب
سر ازان قوتهی دولت مدرسه ایران را از نو یک لباس
آبرومندانه پوشانید یعنی دولتی را که بیک مشت لیره
کاملا استقلالش را فروخته بودند حیلت بعد از ملت
بخشود یک از سیاسیون می گوید که تهور و شجاعت

نادر از پطر کبیر کمتر نبود ولی نادر بفکر ترقی خود بودی و پطر بفکر ترقی ملت ـ نتیجه این دو عمل لازم به بیان نیست

اعلیحضرت میکادوی هم با یک حزب مختصر قوی پایتخت مملکت را تصاحب و همان حزب را اندک اندک توسعه و درکلیه ولایات و زوایای مملکت منتشر و یک روح حماسی در ملت تولید نمود و آن حزب قوی سرباز بود و بواسطه همان حزب قوی تمام چرخهای ادارات را براه انداخته بطرف اصلاح کشانید تصور نشود که قشون را حزب نمیتوان گفت لینن، مسولینی، کمال پاشا، امان‌الله خان، همه بدواً حزبشان نظامی بوده وبقوه همان حزب نفوذ کلمه و اثرات خودرا در کلیه افراد تلقیح دادند دلیلی بالاتر از اثرات آن حزب قوی در مملکت نیست که در مجلس مؤسسان سیصد نفر وکلای ملت یکصدا و واحد ایران مداری را بایشان سپردند

اعلیحضرت پهلوی در اثر همان حزب قوی دکتاتور ایران شده و بمعاونت همان حزب قوی چند سال متوالی کابینه ایرانرا محافظه نموده از تبدیل و تغییر نگاه داشتند و اگر حزب قوی پهلوی نبود و کابینه آن درجه دوام نمی‌نمود هیچکار از پیش نمیرفت

اینها کسانی هستند که در سایه حزب قوی بمقامات عالیه ارتقا و ملت خویش را از برکت فعالیت حزب خود بین‌الملل گردن فراز ساخته اند

امروز برای ایران تبدیل کابینه مفید نیست و بقای یک کابینه جز در سایه حزب قوی که اکثریت ثابت مجلس را دارا باشد غیر میسور است بمجردیکه اعلیحضرت پهلوی از دکتاتوری بمقام شاهنشاهی ایران ارتقا نمود حزب قوی ایشان که نظام بود از حزبیت خارج و جزو عوامل مملکتی مانند عدلیه و مالیه و معارف و و و در آمد نظام اکنون حزب قوی پهلوی بود ولی امروزه حزب نیست ایران محتاج یک حزب قوی است که اقلا بتواند یک کابینه فعال قوی را در چند دوره مجلس محافظه نماید چنانچه حزب لیبرال انگلستان کابینه مستر اسکویت و سر ادورد گری را چهارده سال محافظه کرد بعد از افتادن کابینه لاید ژرژ بعد از جنگ مدبرین انگلستان یک زبان گفتند که تا یک اکثریت قوی تشکیل نشود که بتواند کابینه را تا چند سال محافظه کند ممکن نیست زخمهای ایام جنگ از اقتصادی و سیاسی التیام یابد این بود که کابینه کنسرواتیو (محافظه‌کار) بروی کار آمده اکثریت بزرگی که در پارلمان یافته اند ثابت مینماید که این کابینه هم اقلا دو دوره پارلمانی انگلستان را که ده سال باشد محافظه خواهد کرد و مبین ثابت است که آن به آن و ساعت بساعت خرابی های اقتصادی و سیاسی انگلستان ترمیم یافته آبهای رفته اش بجوی باز می‌آید

ملت ایرانیه درجمیع ملل مشروطه دنیا اول ملتیست که بدون حزب اداره میشود مشروطه بدون حزب جز اینکه در مدت ۲۰ سال ایران بار آورده فوائد آورده ایرانیان از استبداد بمشروطه گرایدند بدون اینکه دارای هیچ مسلك و حزبی باشند ـ کشتار دادند بدون مسلك پادشاه علم نمودند بدون تشکیل حزب از نداشتن حزب و این نتیجه اعظم است که تا امروز نتوانسته است قدمی برتر گذارد چون ملت ناخوانده و ناتجربه است بدون یک هادی بزرگ ممکن نیست بتواند به تشکیل یک حزب قوی موفق آید وتا ملت دارای حزب قوی نگردد بترقیات عصر حاضر نائل نیاید و تا وقتی ملت بمقامات عالیه ملیه ارتقا نجوید دولت ترقی نتواند نموده

تا دوره چهارم مشروطیت گاه گاهی اسمی از احزاب شنیده میشد ولی چون دارای مسلك و مرام صحیح نبودند و اشخاصی هم که قائد و موسس آن احزاب نامزد می‌آمدند کسانی نبودند که جمیع طبقات ملت به آنها اعتماد داشته و باز روی مسلك و مرام تبعیت آنان را قبول نمایند ـ در حقیقت حزب درایران همان دسته بندی‌های حیدری و نعمتی بود وهوچی‌ها و اشخاص بی‌مسلك و خود غرض انجمن سازی که نتیجه آن حزب سازی بود مردم را باندازه از مسلك و مرام و حزب متنفر ساختند که جز در عالم اجباری احدی به تبعیت آنان گردن نمی‌نهاد حزب پهلوی که بروی کار آمد هوچی‌گری خاتمه یافت انجمن سازی مرتفع شد جرائد هم که هر یك خود را بحزبی بسته بودند مسلکی جز فحاشی نداشتند این مسلك ناپسندیده ملت را کج خلاق بار آورد تاجائیکه هر اخبارکه فاش و دشنام نمیداد پسند عموم نمی آمد قوت قلم را کسی‌را دارا بود که بیشتر بتواند دشنام بخشد آزادیخواهی استقلال جوئی وطن پرستی در سایه احزاب مسخره بوجود واقع شده بود بزرگترین خدمتی را که حزب قوی پهلوی بنموده ملت و مشروطیت نمود همانا خاتمه دادن هوچی‌گری و انجمن سازی وحزب بازی بود در اثر همان حزب بازیها بود که کار بخاله معجز تراشی و سقاخانه سازی هم وسعت گرفت نزدیک بود که رشته امور از کف بدر رود از بعد قتل مستر امبری میتوان گفت هوچی‌گری در ایران خاتمه یافته اخبارات ایرانی سر و صورت اخلاقیت بخود گرفته اند حالا موقع آن رسیده که بقائد رجال بزرگ و دانشمندان سترگ تشکیل احزاب با مسلك و مرامنامه صحیح داده مشروطیت ایران را بر پایه متین قانونی استوار دارند

باید دانست که همسایگان ما اعم از روس و انگلیس از فشار بایران باز نخواهند ایستاد تا پشتیبان دولت را یک حزب قوی از ملت مشاهده ننمایند روس پرستها و انگلیس خواهان ایرانی هم پیش پای خود نخواهند نشست و بحقوق ملیه نخواهند گروید مگر در سایه فشار حزب قوی یک قائد قوی یک رئیس حزب [illegible] در عرصه چند سال توانست ایطالی خراب ایطالی پژمرده ایطالی بی انتظام را باین مقام عالی برساند — همه چیز برای ایران مهیاست فقط چیزیکه سد راه ترقی ماست همانا نداشتن حزب است

حزب قوی است که امروزه تمام دول فرنگ را حاضر ساخته است که در مقابل حقوق طلبی ملیون چین تسلیم شده از آن همه امتیازات جهان قیمت و قرار داد هائیکه با چین داشته صرف نظر نمایند قوی ترین و با اساس ترین احزاب را در انگلستان مشاهده خواهیم نمود که هیچ دولتی تاکنون بر سرکار نیامده که تقویت از تاج و تخت ننماید معلوم است که امروزه مقتضی هیچ دولت اصول استبداد نیست و مشروطه بی اساس یعنی بدون حزب قوی پس از استبداد بدتر است — امروزه ایران باسم مشروطه است و برسم نه مستبد است نه مستبده و نه مشروطه — حزب باید وکیل انتخاب کند نه وکیل پس از انتخاب خود در فراکسیونهای مجلس برای خویش مرام معین نماید — تاوقتیکه مشروطه ایران دارای احزاب با مسلک نگردد قدمی بجانب ترقی بر نخواهیم داشت احزاب صالحه در ملت مشروطه همواره پشت و پناه دولت اند — مشروطه که دارای اکثریت حزبی نباشد همواره متزلزل است

عمده ترقیات انگلستان از برکت احزاب قوی است که در سایه آن برخی کابینه ها ۱۴ و ۱۵ سال دوام مینمایند

ایرانی همه چیزش باید غیر دیگران باشد حتی حکومت مشروطه آن اگر کسی که در ممالک مشروطه قیام دارد و بشنود که ملت مشروطه هم هست که دارای احزاب صحیح نیست هرگز باور نتواند نمود چه اکثریت ثابت برای هیچ پارلمان جز در سایه حزب با مسلک و پروگرام صورت نتوانسته ازاین است که کابینه های ما در مشروطیت جز کابینه که در راس آن اعلیحضرت با حزب قوی خود بود نتوانسته است چندی قیام نماید و بواسطه همان تبدلات پی در پی کابینه های ما هم نتوانسته اند خدمت مهمی بملک و ملت نمایند و بهمین سبب بوده که همواره کارهای مجلس هم ناقص مانده است ، پس هر کس هوادار ترقی دولت و خواستار پیشرفت ملت باشد باید اول قدمی که در طریق حکومت ملی بردارد تشکیل احزاب صالحه با پروگرامهای صحیح عملی است ورنه همان قسمیکه در ۲۰ ساله مشروطیت قدمی فراتر نگذارده ولو صد سال هم باسم مشروطه بمانیم بجای ترقی تنزل خواهیم نمود

§ ره چنان رو که رهروان رفتند §

ایران و روس

حبل المتین چندان بروابط روس و ایران بدبین نیست ولو اینکه بقول جرائد ایران مذاکرات در خصوص قرار داد تجارتی متروک آمده است ولی چون قطعاً میدانیم سیاست حکومت ساویت مقتضی ترک مراوده با ایران نمی باشد و فعلا هم که قدری پشت ناجور کرده برای آنست که دستپاچگی و لاعلاجی ما را دیده میخواهند از این موقع مناسب هرچه ممکن شود فائده برگیرند — ما یقین داریم که همین چند روزه مجدداً باب مذاکرات باز و معاملات یک صورت قطعی خواهد گرفت ولی ارباب حل و عقد باید بدانند که در موضوع قرار داد تجارتی روسها زهر به آب آمیخته چون سیاست شان مقتضی آن نیست که بزور در حلق مان بریزند ما را بتقلا انداخته تشنه ساخته تا بدست خود آن آب زهر آلود را بنوشیم — ممکن است که آن آب زهرناک بفوریت رفع تشنگی از ما بنماید ولی بتدریج اثرات آن زهر در بدنه سرایت کرده عاقبت انهدام مان را بار میاورد ؟ از مقاله هفته گذشته که بعنوان رفع اشتباه نوشته شده بود مدلل گردید که بزرگترین امری که جبران کمی صادرات ما را از واردات مینماید همانا چهار از خوش منافع اجناسیست که تجار ایرانی خودشان بخارجه صادر کرده در مقابل امتعه خارجه وارد میکنند و منافع عمده که در فروش صادرات حاصل مینمایند تا درجه جبران کسر صادرات را مینماید . پس اگر بنا شود روسیه بخواهد این فائده بزرگ را از ایران سلب کند اعظم خسارات ثروتی را بایران وارد کرده است ، ایران بایستی در قرار داد تجارتی اصول معاوضه بالمثل را از دست ندهد و هرگز راضی نشود که روسیان بهر قسمیکه دل شان بخواهد قیمت بروی مال التجاره ما بگذارند یعنی آزادی تجارت را یکدفعه از تجار ایرانی سلب کنند و اگر چنین اصولی اختیار شود هر قدر بیشتر با روسیه تجارت شود کمتر فائده حاصل خواهیم کرد بلکه بیشتر نقصان خواهیم برد، ایران نباید بدست خود ثروت ملی را مسموم سازد، ایرانیان باید بدانند که استقلال ثروتی شان در خطر است و با این عجله و شتابیکه دارند روسها هم فهمیده میخواهند فائده برگیرند باید تصور کند که جنگ چند سال دیگر هم باقی و تجارت شان با روسیه موقوف شده است، روسیه هم فهمیده است که ملت ایران دارای حس شرف و وجدان ملی نیست ورنه تا این درجه فشار وارد نیاورد

روسیه اگر محسوس مینمود که ایرانی هم مانند برادران چینی شان دارای حس غیرت و شرف اند و میتوانند امتعه آنها را نخرند هرگز جانب بیطرفی در باره ما روا نمیداشتند هیچ لازم نیست که ما جوش و خروش بخرج داده مال التجاره روس را تحریم کنیم اندکی همت ملی بخرج داده استعمال امتعه روس را ترک توانیم کرد روسها بخوبی دانسته اند که اگر اوضاع ایران باین منوال پیشرفت کند طولی نخواهد کشید که ایرانیان گلیم خود را از آب بیرون آورده رفع احتیاج از همسایگان خود خواهند نمود، ایرانی اگر یک سال توجه کند میتواند بذریعه زراعت چغندر و کارخانه های کوچک دستی احتیاج شکری خود را دفع دهد همین قسم باید معادن آهن نفت سمنان و گیلان را بکار انداخته رفع احتیاجات خویش را تا اندازه نماید، ایران بیشتر در سه چیز محتاج بروسیه است اول در قند و شکر دوم در بنزین و نفت سوم در آهن آلات و اگر اندک اسباب کند همه این اجناس از طرف جنوب هم با ایران وارد تواند شد نهایت قدری گرانتر و در این دو سه سال ایران اگر درست بجنبد برای همیشه رفع احتیاجات خودرا از روسیه تواند نمود تمام قصور باولیای دولت کم تجربه است که تصور نکردند ایران براه های جنوب بیشتر محتاج بود تا براه های شمال اگر راه های جنوب باشوسه عراده رو بود خیلی برای ما گشایش پیش میآورد میتوانستیم مال التجاره شرق و شمال غرب و شمال را بسواحل خلیج نزدیک سازیم و هم ضروریات آن نقاط را از جنوب تحصیل کنیم بهترین راه علاج سریع آنست که دولت تدبیری باندیشد که مال التجاره شرق و شمال غرب و شمال را با کرایه کم بسواحل جنوب وارد سازد و همینکه امتعه آنها بسواحل جنوب وارد شد راه فروش زیاد پیدا خواهد نمود دولت باید مثل اینکه درباره ارزاق همت نمود و نقصان آنی برد درباره رساندن مال التجاره تجار هم در سواحل خلیج نقصان نموده رفع این بحران اقتصادی را بنماید، اگر در این بحران اقتصادی ایرانیان صبوری ننمایند و دولت راه حل علاوه برقرار داد تجارتی روس پیدا نکند تمام اقدامات آتی برآب خواهد بود تا وقتیکه ایران رفع احتیاجات خودرا از روسیه ننماید و بازار تجارتی غیر از روس برای امتعه خود پیدا نکند همیشه در فشار روسیان و بهانه جوئی آنان باقی خواهد ماند راه رواندوز باید بسرعت درست شود همان قسم با ترکیه قرار داد نموده راه طرابزون را عراده رو ساخته تا ایرانیان بتوانند مال التجاره خود را ازاین طریق

چنین شد و اندک ایرانیان مانند سایر اقوام ذی حق صبوری اختیار نموده روسیه که حالا بدین درجه سخت است بیشتر از ما نرم خواهد گردید توقع ایرانیان از همسایگان خود اعم ترکی افغان انگلیس روس [illegible] که آنها همراهی کرده صرف نظر از منافع اقتصادی خود ولو موقتاً باشد بیجا و غلط است بطرفداری خوب بلشویک ها و دیگران اعتماد و اعتبار نباید کرد حکومت روسیه همان حکومت تزاری است لباس فرق کرده و اسلوب مشی خودرا هم تغییر داده است، در زمان تزاری سیادت و قیادت بر ملل شرقیه و غربیه بقوای سر نیزه میخواست حالا هم طالب همان سیادت است نهایت باسم و حربه مساوات جوئی، آن دوره با سر نیزه کلید خودرا از پیش میبرد حالا باانداختن انقلاب و اسم حمایت ازحقوق شرقیه و پروپاگندا همان منزل مقصود را میجوید در دوره تزاری بخیال هند باسم غلبه پیش میآمد حالا هم خواب هند را از سر بیرون ننموده باسم غلبه و آزادی هند از چنگال انگلیسان پیشرفت میخواهد روسیه همان روسیه است و منزل مقصود شان هم همان نهایت طریق مشی و طرز بیان فرق نموده است ما ایرانیان ساده ایم خیال میکنیم که بمجردیکه اسم و طریقه مشی فرق کرد ما بمنزل مقصود خواهیم رسید این خیال غلط است

§ مرد آن گرفت جان برادر که کار کرد §

هر ملتیکه همراهی دیگران را تکیه گاه خود ساخته وادی سستی سوق خواهد نمود هرگز فراموش نمیکنیم مقاله روزنامه تمس را که در موقع التیماتوم روس وقتیکه ایرانیان تمام توجه خود را بهمراهی انگلیس برخلاف روس مبذول داشته و هر ساعت به تشبثات خنک و توقعات بیجا متوسل بانگلیسان میشدند نگاشت که تمام ایران ارزش خون بهای استخوان یک سرباز انگلیس را هم ندارد، توقع رحم و مروت از ارباب سیاست غلط است و بتوسلات مظلومانه و گله های زنانه جلب رحم و مروت سیاسیون از سادگی و حماقت است. ما هرگز روس وانگلیس بلکه هیچ ملت خارجیه را ملامت نتوانیم کرد که چرا ساحه اند ازما فائده برند ومارا زیر بار رقیت خود آرند، ایرانیان باید بدانند که هیچ ملتی بهمایه بیگانه بروی پای خود نتواند ایستاد ایرانی اگر حس شرف دارد، اگر استقلال جوست اگر زندگی مستقلانه میخواهد باید دریوزگری را کنار گذارده با یک شهامت مردانه و فدا کاری استقلال خواهانه افراد پشت به پشت یکدیگر داده از شکنجه بیگانه کمتر فریاد کرده صبوری را شیوه خود ساخته از دائره قول بعمل قدم برداشته از همه همسایگان قطع

جهت روز برا مشترك ماسته از تجدید این اجتماع مسرت قلبیه و تبریکات صمیمانه خود را تقدیم و دوام بقای این اتحاد مقدس را از درگاه متعال خواستارم بحمد الله

الاحقر الحاج محمد جواد شیخ الحکما

مراسله هیئت علمیه بوشهر

(بحضرت حکمران)

پس از اهداء مراسم دعاگوئی و اظهار مراتب خلوص و استعلام از سلامت مزاج بهاج در مقام زحمت آمده خاطر مبارك را متوجه میدارد البته تصدیق خواهند داشت باکه ازجمله وظائف مستقیم اهالی شرع شریف و پاسبانان دین حنیف همانا جلوگیری از منکرات و منهیات شرع شریف است و چون همیشه قوای اجرائیه نشه دار انجام اوامر ارباب تحکیم الله لذا داعیان از باب انجام وظیفه راجعه بخودمان ارجاع اصلاح امور مذکوره ذیل را بان جناب سامی می‌نمائیم وجداً تقاضای رفع مفاسد مذکوره ذیل را از همت عالی آن جناب سامی درخواست می‌نمائیم

اولا ــ مسئله شیوع شرب خمر است در این شهر بطوریکه علناً جهال در هر رهگذر علنی باحالت مستی و عربده آزادانه مشغول اظهار این منکر مشغولند و ابداً رادع و زاجری در بین نیست

دوم ــ شیوع فحشا و کثرت زنهای بی والی در این شهر بطوریکه در شوارع و طرق و معابر عمومی و بازارها با کمال آزادی و بی‌شرفی مشغول افساد اخلاق مردم هستند

سوم ــ مسئله کتب ضلال که مدتیست است از خارج ایران وارد گمرك بوشهر شده است و مدتی است مشغول مذاکره با گمرك برای اعدام و اتلاف انها بر حسب دستور قانونی میباشیم و چون بحال سلامت خود باقی است و این سه موضوع که هرکدام جداگانه باید با کمال فوریت و جدیت جلوگیری شود ازان مقام منیع که مخصوص رسیدگی و اصلاح این گونه امور هستید درخواست میشود با باسرع وسیله از این سه امر مهم جلوگیری فرموده داعیان را قرین امتنان و تشکر خواهید فرمود و اگر خدا نخواسته از جلوگیری آن مأیوس شدیم از باب وجوب نهی از منکر لابد و ناچار بدفاع از انها خواهیم بود در آن وقت گله ایجاد خلاف انتظام از این داعیان فی غیر محله است در خاتمه دوام عمر و عزت و حکمرانی الجناب سامی را از خدا خواستاریم

الاحقر مرتضی الحسینی علم الهدی

حرره الاحقر عبد الله الموسوی البلادی

الاحقر علی الدشتی

الاحقر محمد تقی الموسوی

حرره محمد علی امام جمعه آل عصفور

الاحقر الحاج محمد جواد شیخ الحکما

الاحقر محمد بن محمد علی صدر بهبهانی

الاحقر ابراهیم شیخ جماعت عرب

حرره الاحقر محمد الزبارتی

الاحقر محمد علی طباطبائی

از پشاور مینویسند

(بلدیه محترم طهران و عموم متمولین وتجار ایران)

(ملاحظه فرمایند)

" در روز نامه شریفه ایران در حصه مذاکرات دار الشورا (لایحه اتوبوس رانی طهران و شمیران وحق تقدم ــ بنای مقفه دانمارکی با ه امتیاز آن ملاحظه گردید) گویا چنان معلوم میشود که خیال دارند امتیاز اتوبوس رانی را به کمپانی مقفه دانمارکی بدهند . اولا لازم است حتی الامکان بلدیه محترم طهران این موسسه را خود انجام بدهد اگر ممکن نباشد چند نفر از متمولین و تجار و صاحب ثروتان وطن دوست ایران امتیازش از دولت تحصیل نموده بلیط و اسهام بفروشند بقسمیکه در عراق مابین (بغداد و کاظمیه) ترامواتی اسمی با توسط اسهام کشیده شده وخود همه آقایان ایرانی دیده وسوار شده اند وبنده درست تحقیقات نموده ام پنجاه و شش سال است که این راه کشیده شده ودر ابتدا چهار هزار سهم فروخته اند هر سهم دو ونیم لیره فروخته شده است و از آنوقت هرسال بعد از وضع مخارج به صاحب هرسهم که دو ونیم لیره است دو ونیم لیره منفعت هم داده اند و بعضی سال زیاد هم شده است حالا امروز اگر کسی بفروشد هر سهم اش به بیست و دو لیره خرید وفروش دارد امید است که صاحب ثروتان ووطن پرستان ایران بطهران نگذارند که این جور موسسه ها بدست خارجه بیافتد که هم منفعت بی جهت به جیب خارجه ریخته شود و هم ملت ایران در حاله خودش محتاج دیگران شده و درزیر تحکم ایشان بدون جهت ذلیل شوند ، اما معلوم است که ما ایرانیها یا باید بشخصه در تنهائی یك کار را بر دوش خود بارکنیم و در زیربار سنگین شکسته شویم یا اینکه منتظر به نشینیم که دولت همه چیز مارا حاضر کرده بدست ما بسپارد و یقینیاست که این طور کارها در تنهائی غیر ممکن است و دولت هم هزار کار های اهم در پیش دارد که این طور چیز ها مجال ووقت پیدا نمیکند اگر این طورچیزها را آقایان خود شان اقدام فرمایند هم منفعت خواهند برد و هم در نزد دولت و ملت محبوب خواهند شد و هم در انظار دیگران جلوه گر شده و در هر چیز مختصره

آنها را بخود مان حاکم قرار ندهیم بهتر است و ما علی الرسول الا البلاغ

(الحاج محمد علی زاده اسکوئی)

از بم می‌نویسند

بیست سال از عمر مشروطیت ایران گذشته ملت باید رو بترقی و آزادی برود هرچه امور باید آزاد باشیم آشنائی به قانون باید اهالی بی‌سواد ایران را خصوصاً ما اهالی بم و نرماشیر را به قانون آشنا نمود که بی بحقوق خویش بریم مأمورین دولت (قرائت جرائد و علم) علم و سواد که نداریم روز نامه و قانون مدنی را بخوانیم و سیاه و سفیدی را تمیز دهیم عوض روزنامه هنوز در بم کتاب حسین کرد شبستری و امیر ارسلان رومی و خورشید ملکناز را میخوانید یا در قهوه خانه حالت نامه اسکندر را از مرشد نقال استماع مینمائیم بنابراین صورت باید مامورین دولت خصوصاً اداره نظمیه مردم را تربیت نموده و حقوق خود شان را ابلاغ نماید ۹ ماه میشود در بم یک اداره نظمیه ۱۰ ده نفری بریاست نائب مهدی خان سعید دیوان تشکیل شده با اینکه اهالی بم جاهل و بی‌سواد و بخونی زیر بار تعدی میروند و عقیده دارند که دستگرفتن جرائم از معاملات است و مامور دولت علاوه از حقوق باید پول داده شود این وجود محترم آقای سعید دیوان اخلاقی ابراز داد که از هیچ یک مامورین دولت از بدو مشروطیت دیده نشد ولی افسوس که بدبختی اهالی بم باندازه‌ایست که همچو یکنفر مامور وظیفه شناس را هم اولیای امور در بم باقی نگذاردند و تبدیل بکرمان کردند و هرچه هم اهالی خواستند در ابقای معظم له اقدام نمایند خودش بصرف قسم و خواهش دوستانه ممانعت کرده و هرچه داشت شناله به قیمت نازل برای حفظ شرافت خود فروخت و بمطلب کارهای خود داد و رفت

خوب است مامورین دولت عموماً حسن خلق بخرج داده و از حدود خود تجاوز نکنند و از پول مفت صرف نظر نمایند تا خداوند از آنها راضی و محبوب القلوب ملت هم باشند

(م — ع — و — ه)

عریضه سرگشاده بمجلس شورای ملی

با کمال تضرع بنام ایرانیت برای حفظ منافع دولت مراتب ذیل را بعرض میرسانیم خیلی زود شما را راهنمائی خواهند کرد بجاهای نفط و شما در این بیابان بی آب و علف از مشاهده آنها تعجب خواهید کرد ولی بشما بخاطر نشان میکنیم که شما خوب است مطابق کنید این کارخانهای کوچک را بابناهای عظیمهٔ که در انگلستان با پول ایران ساخته شده است خوب است شما عکسهای تماشات ویمبلی را که در سنه ۱۹۲۲ نمایش داده اند ببینید عکسهای مجله مکازین را مشاهده کنید و به بینید کمپانی چه کارخانهای عظیم در انگلستان و شقاند و جزیره سیلان و اندرس واسترالیا تاسیس نموده و چه کارخانهای جزئی در ایران ساخته است مطابق کنید منافع دولت انگلیس و ایران را از کمپانی نفط آیا کی منفعت برده است نگاه کنید وضعیت و منازل انگلیسها را با ایرانیهای بیچاره که چه ترتیب و چه وضع است

۲ — تصفیه در خارج ایران برخلاف امتیاز است است وحال انکه در عرض ۲۴ ساعت ۲۰۴۰۰۰۰۰ گلن نفط از مسجد سلیمان بابادان وارد میشود فقط ۴۰۰۰۰۰ گلن در اینجا و دو ملیون در خارجه تصفیه میشود اگر تماماً در ایران تصفیه میشد اولا چندین فرسنگ کارخانه و یکملیون عمله لازم داشت و بعلاوه استخراجات دیگری از قبیل صابون و شمع و کبریت وغیره از او بعمل می آمد

۳ — نفط را خیلی نازل با دولت حساب میکنند و این تصفیه در خارج را فروش قلمداد مینمایند باینطریق خسارات کلی بدولت وارد میشود

٤ — تمایل بعمران خوزستان ندارند بدلیل انکه قبل از آوردن مکاین زراعت نفط سیاه در اینجا میفروختند و اکنون نمیفروشند در عوض نفط میدهند باسم نفط سیاه ولی دارای قیر و کثافات دیگری است که تا یکسال میکینه را بکلی ضایع میکند حتی با صاحبان مکاین شرط میشود که اگر نفط سفید مخلوط نمودند این را هم نخواهم داد

۵ — تعدیات کمپانی بایرانیان اینجا خارج از وصف است فقط برای نمونه و استحضار خاطر آقایان شمه ازان ذکر میشود

ا — در تمام امورات کارکه از حیث زیادی زحمت و کمی اجرت و زیادی کثافت است اختصاص بایرانی میدهند برای مستخدمین خارجی همه نوع لوازم و مایحتاج زندگی از قبیل منزل هیزم نوکر نفط آب وغیره فراهم میکنند حتی کلوب برای آسایش و تفریحات مهیا ولی ایرانیان نه محرومند بعلاوه از تاسیس کلوب وغیره ممنوعند

ب — در سه سال قبل قریب یکصد وپنجاه هزار روپیه بموجب تبلیغ در کارگذاری موجود است املاک مردم را خراب کردند پس ازان همه تظلم که بمرکز وغیرهم کردند یکپول بصاحبانش داده نشد بعلاوه باعث شدند که از طرف حکومت یک قسمت از خانهای مردم را که هیچ ربطی بکار شان

... جمعی [illegible] خراب [illegible] ثابت هم [illegible] نبود

... رویه سال گذشته را از دست نداده و میخواهند یك قسمت اعظم شهر آبادان را باسم خیابان [illegible] خراب کنند و چندین هزار نفر ایرانی را بیخانمان سازند

۵ ـ علاوه از این ظلمهای کمپانی اگر اهالی بخواهند بمقامات عالیه ملتجی شوند از طرف دوائر کمپانی بیش از پیش باهالی فشار وارد می آورند پس تکلیف این یکمشت مردم فقیر بیکس خوزستان چیست علاج دردشان را باز که بخواهند شما هم برای سرکشی و رسیدگی بوضعیات اینحدود تشریف آورده آید یکمرتبه بقصور عالی کمپانی میروید و هیچ در فکر ظالمهای خراب ایرانی و دیدن خانهای [illegible] حقیرانها نیستید

بعبارت اخری رویه و رفتار شما طوری است که مردم دسترس بشما ندارند که بتوانند درد دل خود را بشما بگویند انچه ذکر شد شمه از هزار یك عملیات و ظلمهای خانمانسوز کمپانی و بیچارگی ما نیست ولی ما تا توانستیم مقداری از درد دل خود را بیان کردیم خود دانید و عملیات خود در تاریخ آینده ایران. [از طرف جمعی از اهالی خوزستان]
(حاجی غلام حسین آبادانی)

پیش نمی رویم

پایندگی نامه کهن را خواهانم ، نوشتن نامهجات پارسی چون نگارشات این دوره آلوده بچاپلوسی و ستودن بیجا نیست از این رو بوزش نمده را بپذیرید ـ سپس در روز نامهای سرکار بسیار میبینم در ستایش و شناساندن پاره کار های ایرانی فزونی جسته اید که شایان خامه بی الایش سرکار نمیباشد ـ بویژه شاهنشاهی انگلستان و هزار مردان کشور بیگانه از نهان و رفتار یکان یکان ما ها ایرانی آگاهی دارند ـ هیچوقت گول نگارشات و چپاو نمیخورند و دمی دست از رویه و شاهکار های زشت خود بر نمیدارند سیلی رخ سرخ نمودن چه خوبی دارد ـ من و خدا آسایش بوم ایران از غارت و آزار دزدان در سایه رنج و پافشاری (اعلیحضرت) همایون شاهنشاه کامکار جاوید باد روزگارش رخ داده بدینجا دست هزاران غارتگر دیگر بر هستی مردمان نا ابدیر کوتاه گشته ـ بنیاد این تباهکاری جاور [illegible] یا (عدلیه) این سر زمین است که باید [illegible] آرزوی خود کلو [illegible] [illegible]

ندارند و هرچند بنگرید در ایران قشون را فزونی داده اند ـ و پیدایشهای تازه اشکار گشته ـ و راه آنها کشیده شده ـ کالای بی گانگان را ناروا ساخته اند و آئین کیفر یا (قانون مجازات) آفریده شده و مردمان هوشیار داشتند پیدا شده در پاسخ گستاخی نموده میگوئیم همه دروغ است ـ چرا که (عدلیه) یا دادگری نداریم ، جای بازگشت همگنان نداریم بامان هوده نداریم ـ نگهدار نژاد و نیرو نداریم ، دلبستگی به آب خاك وخود نداریم اینك از هیچ سوی آسایش بی بهره همیشه خار همیشه پست همیشه فروتن و افسرده ایم (گفتار) خدا ما را ازگزنده بود خویش ازمیکروب میگریزیم ، خاکروبه رسیده تا زانو ، رلك شهر فرنك مو ریزیم ـ بف موقتی بوده اسرائیل ما بس از رستاخیز میگریم ـ بس مردم ایران اگر اول جنبش نمایند برای پاکیزه نمودن (عدلیه) است ـ اگر کوشش نمایند برای برانداختن خرابکاران گرانده است هرگاه در گوشه از بومیان شورش و نافرمانی اشکار گردد ـ از بیداد دادگرها است ـ نامه خود را بدین چکامه پارسی انجام میدهم تندرستی آن گرامی هستی از خدا خواهانم

§ برید از سرم خواب و بستر چه زندان §
§ شب دیو چهرم نمی شد بپایان §
§ شناور بدریای اندیشه گشتم §
§ ز پیشینیان یادی از کار آنان §
§ کجا رفت آن مردمان فرهمند §
§ چه پهلوانان چون شرزه شیران §
§ هنر مندی ایرانیان نیست پیدا §
§ همان برتریهای آن نیك مردان §
§ شهنشاه فرمان روایان گیتی §
§ کجا رفت آن دادگر های کیهان §
§ بزرگ و بلند پایه چون بود مردم §
§ چرا بود پاینده شاهی در ایران §
§ سافروزه افروختم من چراغی §
§ گرفتم کلك خامه عنبر افشان §
§ زهر سو ره پوئیك بخشی بجستم §
§ بیابم مر این درد دارو و درمان §
§ سروشی بگوشم بگفت کی کیانی §
§ مخواه دادگر خانه نیکو شایان §
§ زیند مردمان سایه داور نیك §
§ نباشد دوا روز بسالی و دربان §
§ نگهدار بوم است داد ای برادر §
§ بود هوده زا پاسدار و نگهبان §
§ که مردمان دلخوش از شهریارش §
§ [illegible] بری برام بر پادشاهان §

§ بود لشکر از سایهٔ شاد خرم §
§ بمیدان جنگند شادان و خندان §
§ تمامی ایران زبیداد باشد §
§ بتك زین سازد ایزدش پنهان §
§ از این خواسته جاد بی بهره مردم §
§ ز بیداد سر کشته ویلان پریشان §
§ تو (احمد) شکیبا نخواهی نشستن §
§ نه بینی مگر کیفر رشوه خواران §

از این بنده احمد خدا داده مدی پارسی نگار کرمانشاهانی پیشکش شد

تاسیس مریض خانه تربت

اعانهٔ که برای زلزله زدگان تربت جمع آوری شده بود مبلغ ۲۴ هزار تومان از قبیل وجوه در صندوق مالیه مشهد برای مصارف موجود بود چندی قبل اهالی از دولت درخواست نموده که آن مبلغ را تخصیص به یك مریض خانه و تاسیس یك مدرسه داده و بقیه از وجوه را مستغلاتی برقرار دارند که عواید آن بمصرف مریضخانه و مدرسه برسد در نتیجه درخواست اهالی چندی قبل کمسیونی مرکب از آقایان و حکومت تشکیل ورای برای ساختمان مریض خانه دادند چندی است بنای مریض خانه تاسیس و عنقریب تمام خواهد شد لاکن در اطراف بنای مدرسه ابداً حرفی شنیده نمی شود در صورتیکه بنای مدرسه لازم تر از مریضخانه است مخصوصاً از دو سال قبل عواید معارف رو به قلت گذاشته و امورات مدرسه بزحمت اداره میشود چنانچه وزارت جلیله معارف عطف توجهی بمعارف تربت نه نماید با این قلت بودجه حالت خوشی نخواهد داشت از بدو تاسیس معارف در تربت تاکنون دیده نشده که شاگرد مدرسه تربت باخذ تصدیق نامه نائل شود مگر درچند روز قبل ازطرف رئیس معارف از مامورین دولتی و اهالی دعوتی بعمل آمد پس از حضور یافتن مدعوین شاگردان مدرسه (احمدی) که قریب به ۱۵۰ نفر میباشند با حالت نظام وخواندن سرود دقیقه داده خطابه مفصلی بنا بر توسعه معارف از طرف شاگردان قرائت سپس رئیس معارف مختصر نطقی ایراد وشاگردهائیکه باسم آقایان تصدیق رسیده بود احضار و تصدیق نامه هارا با تشویق زیادی به شاگردان تسلیم و از حضور جمعیت تصدیق نامه هارا عبور میدادند علی النقد تاسیس یك کلاس متوسطه فوق العاده لازم است و امیدوار است این پیشنهاد طرف توجه وزارت جلیله معارف واقع گردیده و در تاسیس آن کوشش نمایند

(عبدالرزاق جلال زاده)

اعلان مهم به خوشکان [illegible]

کتاب (ورترو) از شاه کارهای ادبی شاعر آلمانی (گتد) اخیراً بتوسط آقای میرزا محمد خان صفا زاده بفارسی ترجمه شده و در تبریز بطبع رسیده است برای اطلاع یافتن از افکار عشق آمیز حکمت خیز این فیلسوف غرب برای ساکنین مشرق زمین بهتر از این ترجمه پیدا نمیشود چاپ آن نیز در نهایت سلیقه است طالبین در تبریز بخود مترجم کتاباً رجوع فرمایند قیمت هر جلد با مخارج پست برای داخله ایران شش قران و برای خارجه هفت قران است

ایجاد خطوط تلگرافی تازه

از طرف وزارت پست و تلگراف برای توسعه امور تجارتی و تسهیل امور عمومی در نظر گرفته شده در ۱۱ نقطه در اطراف آذربایجان ، گیلان مشهد و نقاط سرحدی مهم که عجالتاً تلگرافخانه وجود ندارد اداره تلگراف را دایر و برای سیم کشی و اتصال آنها بولایات و مرکز دستوراتی صادر گردیده که از طرف اداره با وسایل اقدام در سیم کشی نقاط فرعی مذکور فوق بعمل آید

کمك خرج مدارس

نظر باین که بعضی مدارس ملی نخوانی از عهده اداره کردن امور مدرسه بر نمی آیند و هر یك بواسطه عدم عایدات مکفی رشتهٔ انتظامات داخلی شان گسیخته شده است وزارت معارف در صدد بر آمده است نظامنامه ای برای کمك خرج به مدارسیکه استحقاقی دارند تهیه نموده و هر یك از مدارس ملی برطبق احتیاجشان کمك های لازمه ازطرف دولت داده شود

حبل المتین

هندوستان که نسبت به ممالك راقیه تعلیماتش خیلی عقب است معذلك اداره معارف بمدارس ملیه کمك های عمده مینماید غالب مدارس از ابتدائی و متوسطه که ازطرف شخص واحد یا اشخاص افتتاح شود نصف مخارج در آن مدارس صرف شود نصف آن و برخی مدارس ابتدائی بعده شاگردانش سالانه مستمری میبخشند ولی شرطش اینست که آن مدارس تحت پروگرام اداره معارف باشد

تا وقتیکه وزارت معارف تعلیمات عمومی و اجباری را دائر ننموده اینگونه کمك بمدارس ملیه دادن خالی از نفع عموم نیست حتی بعد از تعلیمات اجباری عمومی نیز که ابتدائی خواهد بود برای تشویق عموم لازم است وزارت معارف اعتباری خاص در بودجه خود تشکیل کند برای کمك بمدارس ملیه اگر چنین شود پس از چند سال [illegible] مدارس [illegible] خواهد [illegible] از [illegible] تعلیم [illegible]

◄ قابل تقلید ►

حسب پیشنهاد این خادم آقای مجلل حکمران بم با آقای میرزا احمد خان نوری نماینده مالیه و آقای مصطفی خان رشیدی فرمانده ساخلوی بم تصمیم گرفته اند ماهی اقلا یکمرتبه بمدارس بم سرکشی نمایند برای اولین اجرای تصمیم صبح یکشنبه ۱۸ ماه جاری به این مدرسه آمده آقای بهزادی که از جوانان برجسته منور الفکر بم و از اعضای عامله هیئت مدیره این مدرسه میباشد نیز حاضر بوده امتحان مختصری ازکلیه کلاس های این مدرسه نمودند

(م ز غفاری)

رئیس مدرسه ملی پهلوی بم

◄ معارف : بزمی ►

ما امضاء کنندگان ذیل روز یکشنبه ۱۸ دیماه مطابق ٤ رجب بمدرسه ملی پهلوی بم رفته از کلاس تهیه متوسطه تا تهیه ابتدائی امتحان نموده بشاگردان دست لایق بشرح ذیل جایزه داده شد :

نمره ترتیب	اسم	نمره مدرسه	کلاس	جایزه	ملاحظات
۱	آقای احمدخان میرحسینی	٦۱	تهیه متوسطه	فقه متوسطه فارسی	
۲	آقای رضا خان بهزادی	۷٤	شش ابتدائی	قلم پهلوی	
۳	آقای عباسخان بهرامی	۳۵	»	» »	
٤	آقای علیخان بهزادی	۷	»	» »	
۵	آقای محمد خان بهزادی	۳۷	»	قلم برنجی دو سر	
٦	آقای حجازی زاده	۲٦	»	» » »	
۷	آقای علی اکبرخان عامری	٤۳	پنج	قلم فرانسه و مداد اعلی	
۸	آقای یدالله خان بهزادی	۸	»	قلم فرانسه	
۹	آقای ابراهیم	۵۰	»	قلم فرانسه و مداد متوسط	
۱۰	آقا سید امان الله	٤۷	کلاس چهار	قلم فرانسه اعلی	
۱۱	آقا سید روح الله	٤۸	»	مداد »	
۱۲	آقا موسی کلیمی	۹۰	»	» »	
۱۳	آقا سلمان	٦٤	۳ »	» »	
۱٤	آقای مهدی خان عامری	٦۷	»	» »	
۱۵	آقای احمد خان عامری	٤٤	»	» متوسط	
۱٦	آقای شیخ جواد	۳٤	»	» »	
۱۷	آقای محمد	۵۱	دو »	قلم فرانسه	
۱۸	آقا سید مهدیخان میرحسینی	۲۱	»	مداد اعلی	
۱۹	آقا ابراهیم	۳	»	» متوسط	
۲۰	آقای زین العابدین خان بهزادی	۵۲	چهار »	» »	
۲۱	آقای اسفندیارخان بهزادی	۳۸	پنج »	قلم پهلوی	ورزش بدنی

عده شاگرد مدرسه مزبوره مطابق دفتر احصائیه ۸۹ نفر عده حاضر مدرسه ۸۵ نفر بشرح ذیل بود

۱ — تهیه متوسطه	۲	۵ — سه ابتدائی	۱٦
۲ — شش ابتدائی	۹	٦ — دو »	۱۰
۳ — پنج »	۹	۷ — یك »	۷
٤ — چهار »	۱۲	۸ — تهیه »	۲۰
	۳۲		۵۳

وچهار نفر بعلت مرض غایب بودند

مدرسه مزبوره تحت ریاست آقای مدرس زاده اداره و زحمات معظم له و کارکنان مدرسه مزبوره قابل تقدیر است

کفیل مالیه بم و نرماشیر و رابن ـ فرمانده ساخلو بم و نرماشیر ـ حکومت بم و نرماشیر متول مدرسه ـ

از طهران مینویسند

اوضاع کنونی خیلی بهت‌آور است رقابت بازیهای همسایگان در دوره مظفری تازه میخواهد عرض اندام نماید ، صد سال ایران درمیان دو سنگ آسیا تحت فشار بوده امروزهم همان همسایگانش وی را آسوده نمیخواهند چنانچه شهرت یافته توافق نظر در موضوع قرارداد تجارتی بین دولت ایران و روس حاصل نیامده و در این موضوع مخصوص گویا ترک مذاکرات هم شده باشد ، از طرف نمایندگان دولت ساویت مشغول برپاکردن و تما میتوانند مردم را برخلاف دولت انگلیس بهیجان میاورند معلوم است نمایندگان انگلیس هم آسوده ننشسته تا جائیکه میتوانند مواد قرارداد را بد جلوه میدهند ، ملت ایرانی فهمیده وکلا هم کمتر اهل سیاست‌اند ، دولت هم خشونت مقدس را ابراز نمیدهند ، روسها از کابینه و مجلس خشنود نیستند ، همین قسم است انگلیسیان ، هر دو همسایه ساعی اند که از فشار اقتصادی چرخهای ترقی ایران را فلج سازند ، انگلیسیان از کثرت واردات و روسها از جلوگیری صادرات ، ملت هم ملتفت نیست که آب ازکجا گل آلود است ، بیشتر بتخطئه دولت و مجلس میکوشند و حواس جمعی برای کسی باقی نمیگذارند برخی از وکلای مجلس مانند شاهزاده ولی الله میرزا از حالا شروع بدسته بندی نموده فیل شان خواب هندوستان هم می‌بیند فقط چیزیکه مایه امیدواری است همانا اراده قوی شاهانه میباشد که بحمایه کابینه مستوفی و کمک اخلاقی بوکلای صالح مجلس مجد است از یک طرف عدم توافق نظر به قرارداد تجارتی و از طرف دیگر مسئله گرفتاری تجار که تازه خاتمه یافته جمعی از آنها را مرخص و بعضی را هم گویا بایران باز فرستند هنوز بطور تحقیق معلوم نشده است که بچه علت تجار ایرانی را گرفتار نموده‌اند ، میگویند بواسطه قاچاق و تمرد از قوانین عالی در اخراج جواهرات و نقدینه بوده‌است ، این مسئله نیز خیلی کمک بهیاهوی مردم بمخالفت روس نمود ، معلوم است که رقبای روسیه نیز این آتش را هم خوب دامن زدند علاوه بر مسئله قرارداد تجارتی چند امر مهم دیگر نیز موضوع بحث عمومی و خصوصی است که ذیلا می‌نگارم

(تاکس بر لوکس)

از دو سال باینطرف مسئله ازدیاد گمرک یا منع ورود اشیاء تجملی ورد زبانها بود ، رئیس مالیه دکتر میلسپو را بدواً عقیده این بود که از این امر دولت خیلی نمی‌تواند فائده برگیرد مع ذالک لایحه آن بمجلس پیش وخیلی زود بموقع شور خواهد در آمد و چون مسئله قرار داد روس یک پهلوش تعرفه گمرکات است گویا تاکس بر لوکس مقدمه تبدیل تعرفه کابیه گمرکات هم میباشد دولت آقای مستوفی مصمم است که از این بعد تعرفه گمرکات ایران قانونی و از مجلس شوری بگذرد وعاقبت هم همینه(?) خواهد شد چرا که تاچنین نشود ایران مقتدر برتوازن صادرات و واردات خود نتوانا گردید و تا وقتیکه صادرات و واردات ایران تعادل نپذیرد اقتصادیات ایران دست خوش خارجیان خواهد بود

(فروش خالصه جات)

مسئله که امروزه توجه مخصوصین را بخود جلب نموده همانا شور در فروش خالصه جات است این لایحه خیلی در کمیسیون مجلس هم مورث هیاهوی اعضا گردیده بیشتر از وکلا مائلند که فروش خالصه جات قسمی باشد که بفرقه زارعین تخصیص یابد جمعی ازوکلا که هم ازخود مالک وصاحب ثروت هستند سنگ خویش را بسینه زده اختصاص فروش بزراع را عملی تصور نمیکنند ، میگویند اگر درست انتظام فروش املاک خالصه بشود ممکن است ۳۰ الی ۴۰ ملیون تومان بخزانه دولت عاید گردد و مالیات آنها از روی ممیزی تازه که به آنها نیز شامل خواهد شد سالانه به ۳ ملیون تومان بالغ خواهد آمد و این عمل هم برای ملت نافع است و هم برای دولت و هم عمران مملکت خدمتی شایان توانند نمود مشروط بر اینکه اختصاص فروش املاک خالصه بزارعین داده شود ، فروش املاک خالصه هم به نقد و هم بقسط خواهد بود و اکثرمدت آن را تا ۱۰ سال میگویند وقیمت فروش خالصه جات سرمایه بانک ملی خواهد شد که لایحه بانک را نیز ازاینه(?) قرار دولت بمجلس پیش نموده است

مواد لایحه بانک ملی

ماده ۱ — بدولت اجازه داده میشود برای پیشرفت تجارت و فلاحت و زراعت و صناعت بانکی موسوم ببانک ملی ایران تاسیس نماید که مرکزش در طهران و شعب آن متدرجا در ایالات و ولایات دائر خواهد شد

ماده ۲ — سرمایه اصلی بانک پانزده ملیون تومان خواهد بود و برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکارهای بانک تهیه شود دولت مجاز است در مقابل عواید معمولی مساعده هائی که مبلغ آن بیش از پنج ملیون تومان نباشد از وجوه وجایع خود (باستثنای وجوه انحصار قند و چای) دریافت دارد

ماده ۳ — محل تهیه وجه برای سرمایه اصلی بانک وجوه حاصله از فروش جواهرات دولتی و خالصجات که لوایح آن علیحده [illegible] مجلس شورای ملی شده

با لقای شرف خواهاله یك دل و یك زبان بگویند « یا مرگ با شرف یا استقلال ملی » ایرانیان بباید بدانند که امروزه تمام جنگهای دنیا بر سر الاصلاحات است توپ و تفنگ را علی العجاله گذارده حربهٔ اقتصاد را گرفته با سائر ملل در جنگ و جوش اند معلوم است مدعیان ما هر قدر بتوانند کوشش خواهند نمود که با تضییقات اقتصادی همان منافعی را که از تضییقات سیاسی از ما میبردند حاصل نمایند و ما هم نباید ابداً از انها دل خور باشیم - ایرانی باید بداند که اعتماد بدوستی خارجه غلط است چیزیکه یك ملت رازنده نگاه تواند داشت همانا اعتماد بنفس است و بس - این همه مذلات اینهمه سر شکستگی و این همه فشاریکه ما از اجانب می بینیم بواسطه همان توقعات بیجا است که بانظار رحم و مروت دیگران نشسته از اقدام بعمل باز مانده ایم - فراموش نباید کرد الحاح و ابرام اولیای حکومت ساویت را در سال ۱۹۱۸ و ۱۹ که در دوستی ما داشتند و با چه مسکنت و فروتنی دست اتحاد بسوی ما دراز کرده بودند - اف بر آن رجال موقع ناشناس که برای جلب فائده مخصوصهٔ خود نگذاردند ایران در آن موقع مناسب منافع عمده خود را از روسیان حاصل نماید وای بر موقع ناشناسی ما که درسال ۱۹۲۱ هم وقتیکه معاهده را بستیم همه چیز را توام تصفیه نکردیم و روسها را موقع بخشیدیم که فشار امروزی را بما بیاراند - حالا هم همان موقع ناشناسی را ایرانی داده میخواهیم با گله گذاری کار خود را از پیش ببریم باز هم سنك روی یخ این و آن میشویم

ارباب سیاست ایران باید بدانند که روسیان تا یکدرجه انگلیسان را در اقصای شرق مبتلا ساخته انگلیسان هم میخواهند مبادله بالمثل نموده در وسط آسیا اورا مبتلا سازد ما نباید سنك روی یخ این و آن شده از منافع حقیقی صرف نظر کنیم

ایرانیان باید بدانند که این جزئیات اقتصادی بمناقشات جنگی منجر نتواند شد و در صورتی هم منجر شود ما نباید از دشمن هراسیم ببینیم که افغانستان با خشونت مقدس در مقابل همین روسها چگونه حقوق خویش را محافظ نمود - خواهد دید که جسارت مشروع مکسیکو هم در مقابل آمریك و انگلیس حقوق اورا محفوظ نخواهد داشت - ایرانی ضعیف القلب شده ایرانی بیمار و رنجور است ایرانی صوری و استقلال ندارد و در مقابل هر فشار کوچکی هر استانی آمده تن بعجز در میدهد - زهی باد آن قدرت و شکیبائی ملت را بیموقعیت دیگران مجبور سازد اگر سال گذشته همان وقتیکه روسها مال التجاره ما را از ورود بخاك خود ممنوع داشتند ایرانیان هم ترك استعمال امتعه روسیه را مینمودند تا امروز مناقشات تجارتی ما با روس تصفیه شده بود هر مذلت و هر خواری و هر فشاری که بایرانی وارد میشود از نتیجه تنبلی و سستی و عیاشی و تن پروری است که منتهی بترس و هراس گشته در مقابل دشمن سر خود را خم مینماید ایرانی باید بداند که زندگی با شرف در صورتی برای او حاصل تواند شد که در مقابل هر حادثه از هیچ چیز نهراسد و حاضر برای هر مقاومتی در برابر هر مدعی باشد اولیای حکومت ساویت هم خیلی سهو میکنند و هر قدر اینگونه فشار ها را بملت دولت و همسایه خود وارد آرند بر استقامت آنها افزوده ابواب چاره را برای خود باز خواهند نمود احتیاج مادر جمیع صنایع گفته شده احتیاج است که اقوام را بتکاپو می اندازد راه چاره برای هر مشکلی تحصیل میکند بعقیده ما همین فشار اقتصادی روسها برای ایرانیان مالا مفید واقع خواهد گردید ولی مشکل اینجاست که مردمان موقع شناس که قابل جلب استفاده از وقت باشند در ایران کم داریم هنوز نمیتوانیم منافع مقتضیه از همسایگان خود حاصل نمائیم تمام هم رجال ما آنست که گر موقع هم یابند بجلب منافع شخصی اکتفا کنند و علت اینکه ما با آن همه موقع های خوب نتوانسته ایم از مقتضیات وقت فائده گیریم همانا بواسطه طمع و توجه بوده است که در منافع شخصی داشته ایم ارخی را عقیده این است که همسایگان چون نمیتوانند هیچگونه انتفاعی از کابینه آقای مستوفی حاصل کنند ساعی اند که اینگونه فشارهای اقتصادی تاکه کابینه وی را منحل سازند ولی اولیای حکومت ساویت باید بدانند اگرچه از مستوفی نمی توانند استفاده حاصل کنند ولی باید متشکر باشند که دیگران هم یعنی رقبای روس هم از مستوفی استفاده نمیتوانند برد و اگر کابینه مستوفی متزلزل آید گمان نداریم کابینهٔ که بروی کار آید برای روسها بهتر باشد چه اگر این کابینه منحل شود بدواً کوشش خواهد شد که کابینه انگلوفیل بروی کار آید ولی بعقیده ما طولی نخواهد کشید که یك کابینه فعالیکه بتواند کشتی طوفان یافته کنونی را بساحل نجات برساند ایجاد خواهد آمد در آن صورت همسایگان بجای نفع نقصان خواهند یافت باز هم در خاتمه مقال ملت را مخاطب ساخته میگوئیم ایران نباید بخواهشات تجارتی روس تن در دهد و اختیار عمده صادرات خود را برحم و مروت همسایه سپارد و اگر چنین کرد موت اقتصادی ایران حتمی است و چاره این امر منحصر است بصبوری و تحمل و قناعت یافتهٔ خویش --

صادرات شمال و جنوب

تخمیناً صد سال است که بیك اصول مستقیم ایران وارد با خارجه تجارت میکند وهمه ساله نیز برتجارت صادر و وارد با خارجه افزوده است عمده تجارت ایران از شمال و جنوب بوده یعنی از طرف خلیج فارس و سواحل بحر خزر با افغانستان و از راه افغانستان بهند هیچوقت ما تجارت عمده نداشته ایم و همین قسم تجارت ما با ترکیه هم چندان دارای اهمیت نبوده است فقط تجارت عمده ما از شمال و جنوب با روس و انگلیس بوده است فعلا دیده میشودکه بطاریق عموم هر طبقه فکر ازدیاد صادرات و کمی واردات افتاده و این فکر جدید که در ایرانیان تولید شده اگر تعقیب شود و راه حلی برای آن پیدا کنند بهترین خوشبختیهای ایران ویکی از آثار بیداری ملت شمرده خواهد آمد ، تجارت جنوب را عموم ایرانیان بیك نظر عرب و توحش مینگرند بر عکس تجارت شمال علتش هم این است که ایران همیشه در تجارت با روسیه فائده داشته و در تجارت با انگلیس نقصان برده است یعنی همیشه واردات انگلستان بایران از صادرات ما زیاد بوده و بر عکس صادرات ما بروسیه همیشه بیش وواردات روسیه بایران کمتر بودی . از آغاز جنك اینطرف و انقلاب روسیه عمده تجارت ایران منحصر بجنوب شد و این خود بیشتر سبب فزونی واردات بر صادرات گردید تا وقتیکه تجارت ما با روسیه کاملا جاری بود تا درجهٔ ازدیاد واردات ما در روسیه جبر خالی کمی صادرات را نیز میکرد ، وقتیکه تجارت ما در روسیه بسته شد مجبور شدیم که ضروریات خود مان‌را کاملاً ازجنوب جلب کنیم . این بود که واردات ایران فزونی گرفت و صادرات ما که در شمال میشد کمی اختیار کرد قبل از جنك تجارت ما با روس در اطراف دویست و پنجاه ملیون منات طلا بود و قیمت منات هم ٥ قران روی هم رفته داد و ستد میشد گویا تجارت ما با روسیه قریب ١٢٠ ملیون تومان بودی و ازاین‌میزان در ٥ سال اخیر قبل از جنك روی هم که حساب شود سالی چندین ملیون تومان اضافه صادرات ما بر واردات برد گویا کلیه تجارت صادرات و واردات ایران در صدی ٥٨ با روسیه بودی و ٤٣ با کلیه دول از ترکی آلمان فرانس مصر انگلیس ایطالی - البته با سایرین چندان تجارت صادر و وارد نداشتیم عمدهٔ این تجارت با انگلستان و هندوستان بودی تجارت ما بعد از روس و انگلیس بیشتر با ترکیه بود یعنی بنظر حساب تجارت ایران عثمانی درجه سوم واقع بودی درست میزان تجارت ایران‌را با ترکیه نمیتوانیم

گفت ولی همین قدر میدانیم که صادرات ما بترکیه خیلی از واردات ترکیه بایران بیش بودکه به ترکیه واسطه تجارت ما با آلمان و فرانس و مصر واقع شده بود و در حقیقت بیشتر صادرات ترکیه هم که بایران می‌آمد مال دیگران بود چنانچه گفتیم هیچوقت ایران در تجارت با انگلستان صادر و واردش مطابق نبوده نهایت بجهاتیکه ذکر شد کمتر احساس می‌نمودیم حالا باید دید که علت قلت صادرات ما از جنوب چه بوده و سبب کثرت صادرات مان درشمال چه ، آیا از مهربانی روسها و نامهربانی انگلیسها بودی یا سبب دیگر داشتی توضیح این مسئله تا درجه مورث ترقی اقتصادیات ما تواند شد

(اسباب ترقی تجارت شمال)

کثرت صادرات ما در روسیه بچند جهت بوده اول بواسطه اتصال خاکیکه ایران با روسیه داشته و دارد ، از خراسان گرفته تا آذربایجان و سواحل بحر خزر با کمال سهولت و کم خرجی هر گونه امتعه ایران بروسیه وارد تواند شد

دوم بهمین مناسبت قطعات حاصلخیز ایران همان قطعاتیست که متصل بروسیه واقع ، سوم کثرت تجار ایرانی است که تا کنون هم در روسیه موجود اند چهارم ارتباط اخلاقی قطعات آسیائی روس با ایرانیان و اشتراك آنها در اصول معاشرت و وضع زندگی درحقیقت بایدگفت خریدار صادرات ایران عمده اش مسلمانان قفقاز و ارامنه و ترکستان و از اینها که گذشته لهستان بود ، پنجم احتیاج طبیعی روسیه بامتعه ما ومسدود بودن راه های دیگر برای او در تحصیل این اجناس باین ارزانی ششم بهمان جهاتیکه گفتیم معتاد بودن اهالی روسیه بکشافتکاریهای تجار ایران که درحقیقت سر و ته یك کرباس شمرده میشدند

قلت واردات روس هم بایران بواسطه عدم ترقی روسها ونداشتن اجناس عمده بوده چه روسها تا چندی قبل صناعت نداشتند جز یکی دو شعبه مانند ماهوت وغیره هر قدر روسیان در صناعت پیشرفت کردند واردات آنها نیز در ایران فزونی گرفت تا ٣٠ سال قبل یك شعبه عمده صادرات ما بروسیه کرباس وکفشهای مردانه وزنانه وحنا ورناس بود ، این سهولتهائی را که در تجارت شمال ذکر کردیم هیچ یکی هم برای تجارت جنوب موجود نبوده وتا کنون هم نیست . اولا مسافات دوری ازتجارت قطعات جنوب غیر معمور ودور از ساحل با نداشتن راه صحیح هیچ یك از اجناس ما از نقاط جنوبی بانگلستان یا مستعمرات او بسهولت نمیتواند برسد عمده اجناسیکه ما از شمال خارج میکنیم از جنوب نمیتوانیم

اخراج کرده درختهای ما قسمیکه بروسیه میفرستیم ابداً قابل فرستادن به ممالک اروپ نیست علاوه بر این تجار جنوب بواسطه نداشتن تجارت عمده نسبت بشمال خیلی عقب مانده اند ازاین رو در جزئی تجارت خود بیشتر فائده را در تقلب یعنی خراب کردن اجناس خویش دانسته‌اند پنبهٔ اعلی رفسنجان که همسری با بهترین پنبه های آمریک و مصر میکند باندازهٔ بی ترتیب میفرستند و برای وزین شدن او بقدری خاشاک در او مخلوط میکنند که در بازار بمبئی هم از بد ترین پنبه های هند ارزان تر بفروش میرود، مسلم است از اینکه اجناس به خریدار خوشنود میشود که بجلب آن کوشش کند فروشنده منتفع میگردد که بیشتر در تهیه آن بکوشد، متاع ایران را در بازار های خارجه از درجه اعتبار ساقط نموده اند، اگر رفع موانع تجارتی جنوب هم بشود تا زمانیکه تجار اصول تجارت خودرا تبدیل نداده یعنی تقلب و کثافت کاری را دور نیاندازند محال است صادرات جنوب تکافو واردات آن را بنماید - پس الزام بانگلیسان نباید داد که واردات شان بر صادرات ما فزونی دارد اگر تجار ایرانی امتعه خود شان را باب لندن آماده کنند و سر درختیهای منقح خود شان را در جعبه های قشنگ صاف و پاک بگذارند و باصول فنی ترتیب داده بلندن وارد کنند البته انگلیسان بامنتهای میل خواهند خرید ولی اگر این کشمشهای اعلی را با آن کثافت و خاک مالی در آن جوالهای کثیف پر کرده با اروپا بفرستند بجای اینکه بخرند نفرت نموده خواهند گفت که میکروب امراض را بخاک ما آورده اند غرض این است که ما نباید انگلیسان را شماتت کنیم که بروفق مزاج و طبیعت ما اجناس خودشان را ترتیب داده بخاک ایران وارد میکنند، مسلماً اگر ما هم بروفق مزاج و طبیعت انگلیسان اجناس خود را ترتیب داده بانگلستان وارد کنیم هرگز جلوگیری از ما نخواهند نمود پس قصور خود مان است

راه ترقی ازدیاد صادرات جنوب منوط بچند امر است

ازدیاد صادرات جنوب

اول تهیهٔ راه و تدارک حمل و نقل ارزان با اینکه ممالک شرق و شمال غرب و شمال ما براً و بحراً متصل بروس است راه های اینطرف حتی تا روسیه صاف و سهل العبور است - دولت تاکنون هیچگونه توجه براه های جنوب ننموده گویا این قطعه را از ایران مجزی دانسته هم فریاد از خرابی اقتصادیات و کمی صادرات میکنند ولی هیچ خیال نمیکنند که علت [illegible] بواسطه نداشتن راه ترویج امتعه [illegible] و فاقه مبتلاست و علت عمده قلت صادرات ما از جنوب همانا نداشتن راه است قبل از همه اقدام اقتصادی باید راه های جنوب را هموار و ساخته تا بتواند بصادرات مملکت کمک کند علاوه بر این اگر راه های جنوب بسواحل دریای آزاد سهل العبور بود اجناس شمال و شمال غرب و شرق ایران دست خوش نیرنگ بازی اقتصادیون روس نمیگردید - دولت اگر توازن صادرات وواردات را از روی استاتستیک گمرک بخواهد پس از تصفیه راه های جنوب باید بتجار کمک کند در مسئله نفت و بنزین تا کرایه زیاد نشود و بسرعت و کم خرجی از هر نقطه امتعه ایران بجهازات یا بایستگاه راه های آهن نزدیک گردد

دوم — تجار ما باید تجارت را از اروپائی و امریکائی یاد گیرند همان قسمی که آنها متاع خود شان را بروفق خواهش و پسند ما تدارک میکنند ما نیز اجناس خویش‌را بسلیقه آنان ترتیب دهیم بطوریکه ایقان میگوئیم اگر ایرانیان خشکبار منقح خود را با سلیقه و پاکیزگی در جعبه های قشنگ پاک باصول فنی که خراب نشود گذارده ببازار های اروپ از طریق جنوب روانه دارند خیلی بیش از روسیه خشکبار ایران مصرف خواهد شد همین قسم در آمریک ایرانیان میتوانند فقط از این ممر کسر صادرات خود را تحصیل کنند همین قسم پشم پنبه ابریشم و سائر اجناس خود را پاک و صاف ترتیب داده حمل اروپا کنند بیش از آنچه امروزه قیمت میگیرند توانند گرفت و صادرات شان فزونی خواهد یافت کثافت و تقلب در مال‌التجاره اعتبار یک ملک و ملت را در میان سایر اقوام میبرد - سابقاً که تریاک ایران بقیمت نازل هم کسی نمی پرسید بواسطه تقلب شان بود - تریاکیان بهتر میدانند که چه برسر این جنس مرغوب آوردند

سوم باید همان قسمیکه ایرانیان در روسیه و اسلامبول و هند و مصر متفرق شده امتعه ایران را بمردم شناسانده باید در لندن و آمریک و سائر نقاط اروپا هم رفته بترویج امتعه وطنی خود بکوشند باید اهالی اروپ و آمریک را باجناس ایران آشنا ساخت بلکه بعبارت دیگر بایستی اقوام دیگر را باستعمال امتعهٔ خویش تریاکی ساخته عادت بخشود باید مغازه های ایرانی در نقاط مختلفه اروپ و آمریک باز کردیده و جز امتعه ایران هیچ نفروشند - اگرچند سالی بدین وتیره عمل نشود صادرات ایران چند بالا خواهد شد و در ابتدای امر دولت باید تا درجهٔ کمک و تشویق [illegible] و خریدار متاع ایرانی بقدری خواهد شد که [illegible] جنس [illegible] همان قسمیکه [illegible] ازدیاد صادرات [illegible]

خود بگذاریم نباید از خریداری اجناس دیگران هم بپرهیزیم زیرا از دائره تجدد بیرون خواهیم شد و در متجددین امروزی شامل نتوانیم آمد - فلاسفه فن ثروت را بیشتر عقیده این است که بجای جمع ثروت صرف ثروت بحال ملک و ملت مفیدتر ثابت شده بعبارت واضحتر بجای خرج نکردن باید کوشش در پیدا کردن دخل نمود - در این صورت نه از قافله تجدد عقب مانده ایم و نه از ثروت مان چیزی کاسته است -

چهارم بزرگترین اسباب پیشرفت صادرات داشتن جهازات تجارتی است اگر تجار ما دارای جهازات تجارتی بودند وکوشش میکردند جهازاتشان که مال التجاره خارجه را آورده خالی بازگردد ناچار میشدند بلکه برای جلب فائده خود کوشش مینمودند که امتعه داخلی را بهر وسیله باشد جلب نموده در جهازات خود حمل بخارجه نمایند فرض این است که ما نمی توانیم انگلیس یا فرانس را ملامت نمائیم که امتعهٔ آنها بیشتر وارد خاک ما میگردد چه آنها هیچوقت مانع تجارت ما نبوده بعلاوه که سد راه ما نشده نگذارده است که ما هم در مقابل آنها متاع خویش را پیش کنیم پس باید دانست که فقط تاکی راشیاء تجملی صادرات و واردات مارا تکافو نخواهد نمود، باید از وفق زمان مانند سائر مردمان زنده نگذشتیم هم لباس اعلی خارجه را بپوشیم و هم اجناس بی عدیل خود را به آنها بفروشیم وچون مگس دست حسرت بسر نهادن وفریاد زدن مارا بجائی نخواهد رساند قلت صادرات ما از جنوب است و علت آن هم بواسطه اموریست که ذکر شد هروقت که ما رفع علت کردیم ازجنوب بیش ازشمال صادرات ما مصرف توانند شد

جنبش چینیهان

انقلابات چین همه روزه در تزاید و توسعه است - اساساً این جنبش ولو باسم نهضت ملی و قطع ایادی خارجه در امور داخلی چین است ولی ظاهر بیش از همه برخلاف انگلیسان میباشد مستر مکدانلد رئیس الوزرای سابق انگلستان که امروزه قائد حزب کارگر است در نطق خود بیان نموده که ما مخالف با حقوق ملی ملی چینیان نمیشیم و عقیده مان هم آنست که نقاط رعایائی خارجه که درحقیقت یك گونه حکومت مقتدرانه در داخلهٔ چین است باید خاتمه یابد ولی این حرکت چینیان دشمنی شان را فقط با انگلستان ظاهر میدارد چه نقاط رعایائی فرانس ژاپون و بلجیك در حکومت کانتان یعنی هانکو موجود و محل اعتراض ملیون چینی نبوده ولی در تمام جنوب چین برخلاف انگلیسان قیام شده و نوآبادیهای رعایائی انگلیس را [illegible]

چینیان قصد کرده اند دولت انگلیس باشتی حقوق ملیهٔ چین اعتراض ندارد - ولی بعداوت مخصوص با انگلیسان که چینیان اختیار نموده تحمل نتواند نمود بیان مستر مکدانلد بالهجه که گویا از زبان یك وزارت خارجهٔ کانسرویتو (محافظه کار) است خیلی تعجب خیز میشود گویا مستر مکدانلد بقائدین چین میفهمانند که تمایلات حزب کارگر هم در موضوع چین با دولت حاضره همراه است و اگر جنگی در اقصای شرق پیش آید حزب کارگر هم با حکومت معیت خواهد نمود - صراحتاً مستر مکدانلد میگوید که دولت انگلیس حقوق سیاسی و اقتصادی که ازروی قرارداد مخصوص از چین حاصل نموده صرف نظر نتواند کرد ولی میتواند بنظر ثانی دران قراردادها نی در دهد

دولت انگلیس بدواً در معاملات چین خیلی نرمی نمود ولی ضمناً بتدارك قوای جنگی خود می پرداخت اینك که قوای دولت انگلیس تکمیل یافته آثار بخشونت نهاده است میگویند قائدین ملیون چین حاضر شده اند که ترك دشمنی انگلیسان را گفته وآنان را دوباره در نقاط رعایائی راه دهند مشروط برایکه آنان نیز شروع نکر کنند عملا دو حربه قوی در چین بکارزار مشغول است اول اعتصاب چینیان، دوم کرو کشیدن خارجیان معاملات اقتصادی را چهار از خمس معاملات اقتصادی چین از بانك و صرافی و کمپانیهای بزرگ و تجارتخانهای سترك و امتیازات عظیمه همه حصهٔ خارجیان است و اگر خارجیان از معاملات اقتصادی اندکی تامل کنند رشتهٔ اقتصادیات چین از هم میگسلد یعنی همه رشته معاملات اقتصادی بکف خارجیان است اینك که بمناسبت انقلابات داخلی تجار و بانکهای خارجه دست از کار کشیده باهالی هنکو و سائر نقاط خیلی سخت شده همین نکته سبب گردیده است که حکومت کانتان نرم شده بترضیه خاطر انگلیسان میکوشد و چنانچه مخبر روترخبر میدهد نه تنها ملیون چین از تنگی اقتصادیات ستوه آمده بلکه لشکریان کانتان بواسطهٔ اینکه مواجب شان نرسیده برخلاف افسران خود قیام کرده نوا آغازیده و صراحتاً گفته تا وقتیکه مواجبهای عقب افتاده نرسد پیشقدمی بشنگهی نخواهند نمود اساساً هرحکومت که برشنگهی قابض شد گویا بکلیهٔ چین قابض آمده است - حکومت کانتان تمام توجه اش بقبضهٔ شنگهی بوده و هست چه میداند تا زمانیکه اقتدارخود را برشنگهی مسلم ندارد شمالی چین درتصرف او نتواند آمد نوآبادی یعنی نقاط رعایائی دولی در شنگهی دارای بسی اهمیت است - صراحتاً انگلیسان میگویند اقدام ملیون چین درخشکی نتوانند درشنگهی پیش آید [illegible]

قسمی پیوسته و متصل است که قبضهٔ یکی از آنها مستلزم قبضهٔ دیگر است در حقیقت اگر ملیون چین بخواهند مانند هنکو برخلاف انگلیسان قیام کنند و بو آسانی آنهارا متصرف شوند نه تنها دولت انگلیس برخلاف ملیون چین قیام خواهد نمود بلکه تمام دول هم متفق آمده چینیان را پیش پای خود خواهند نشانید

جراید انگلیسی مینویسند فعلاً قوای موجوده انگلستان در چین برای جلوگیری از ملیون چین کافی است ظاهرا دولت انگلیس تنها حاضر نیست که با ملیون چین زد و خورد کرده بیش از پیش خویشتن را منفور چینیان داشته رقبای اقتصادی و سیاسی خود را جلو اندازد روسیه خیلی مایل است که بین انگلستان و ملیون چین کار بمشاجره و زد و خورد کشد ولی دولت انگلیس بر عکس و مدبرین انگلستان از چنین اقدام دوری جسته کوشان اند باینکه دول سایره را در هر قدمیکه لازم آید مرجحان گرفته شود با خود متفق سازد ولی رقابت اقتصادی و سیاسی دول تاکنون نگذارده در پیش آمدهای چین متفقا کارروائی نمایند انگلیسان مایل اند که چین را قطعه قطعه نموده برای هر قطعه حکومتی وارسما بشناسند ولی تاکنون قائدین و رجالهای بزرگ چین حاضر باستماع از چنین مقام نشده اند درست اعتماد بپروپاگندا های رویتر در موضوع چین نمیتوان نمود ولی نظر بر اینکه اروپائیان میدانند که اگر ملیون چین پیشرفت نموده بپای خود ایستادند تمام شرق را زنده نموده بجنبش خواهند آورد از این رو ممکن است مجدداً در موضوع چین اتحاد تازه نمایند ولی در این اتحاد روس که معرکه انقلابات چین شناخته آمده با ژاپون که مخالفش با اقتدارات دول در چین استکمالی مینماید مشکل معلوم میشود و در چنین اتفاقی یقیناً امریک هم بطرف قرار خواهد گرفت باقی خواهد ماند بلژیک و فرانس بلژیک قابل اعتبارات حسیه نیست و خیلی هم مشکل است با رقابتهائیکه بین فرانس و انگلیس ایجاد شده در معامله شرق اتفاق نمایند ـ از این رو اگر جنگی هم پیش آید دولت انگلیس تنها خواهد ماند و لو موقتاً بر ملیون چین غلبه جوید ولی در چنین پیش آمد مآلا تیشه بر ریشه مواد اقتصادی و سیاسی خود در شرق اقصی بلکه کلیه شرق خواهد زد

امروزه هر قدر سختی و فشار به چین وارد آید ملت چین بیشتر بیدار خواهند شد و هرچه زیادتر از نفوس چینیه کشته شود بر حیات استقلالی چین تقویت خواهد بخشود

ایرانیان باید از بیانات مستر مکدانالد دو سبق حاصل کنند اول اینکه ملتفت آیند که حزب کارگر انگلستان هم در جلب منافع نوعی با حزب کنسرویتو (محافظه کار) همدرس و همرازویند یعنی در یک مدرسه تعلیم یافته و با یک پروگرام مشی میکنند دوم اینکه میگوید که ما مخالف با حرکات ملیون چین نیستیم اگر اقدامات شان نسبت بخارجه عمومیت داشت و نسبت با انگلیسان دشمنی مخصوص ابراز نمیداشتند و این نکته را ما همیشه عقیده‌مند بوده ایم ایرانیان باید بدانند که هیچ دولت و ملتی نمیتواند از اقدامات ملی کسی مبنی بر منافع اتهامات جلوگیری نماید مشروط بر اینکه آن اقدام از روی منافع ملی باشد نه دسیسه خارجی و داخلی بر علیه یک قوم بر خلاف قوم دیگر بعبارت ساده ایرانی اگر باحقاق حقوق خود قیام میکند باید روی پایه این و آن نباشد و تمام اقداماتش ملی باشد یعنی برای خشنودی و طرفداری روس مخالفت با انگلیس ننمایند و همین قسم برای دوستی انگلستان با روسیه مخاصمت نکنند باید روس دوستی و انگلیس خواهی را کنار گذارده ایرانی پرست گردند روس یا انگلیس را در پیش منافع و مصالح وطنی یکسان شناسند با هر ملت که دوستی میکنند برای ایران باشد و با هر قوم که دشمنی مینمایند برای ایرانیان شناخته آید چنین اقدام ولو ضرر و زیان خارجیان هم تمام شود جای سخن و اعتراض نخواهد داشت

ملیون چین نقشه بسیار دور اندیشانه را ایجاد نموده یک کمیسیون سری باسم دفع از حقوق وطنی تشکیل داده در ماده اول آن تصریح کرده اند که باید بقتل خارجیان مبادرت نموده بجای آن آلت پیشرفت خارجیان که رجال داخل اند از پای در آورد چنانچه در عرصه ۳ ماه ۷۰ و اندی از رجال خارجی پرست را با ارجث وغیره از پای در آورده اند ـ تازگی در شانگهای یک از رجال بزرگ چین که خیلی بطرفداری خارجیان معروف بودی از پای در آورده قاتل را که گرفتار کرده اند علناً اظهار داشته که چون مخالف با منافع ملی ما بوده اورا بقتل رسانیدیم و هر کس دیگر هم از خود مان بر خلاف حقوق وطنی قیام کند بسزای عمل خود خواهد رسید این اقدام اعضای انجمن سری چین خیلی از نفوذ خارجه کاسته چه هیچ یک از رجال خارجی پرست چینه جرئت همراهی و پیشرفت آمال خارجیان نتواند گردید حتی اگر کسی سراً با اغرا با قبالات خارجه همراه باشد معلوم کرده بدواً تنبیه اش ساخته و در صورت ارتکاب در دفعه ثانی بسزای عملش میرسانند حتی ملازمین خارجه اگر بیش از وظیفه نوکری خدمت بخارجیان کنند دشمن وطن خوانده آرام نمیگذارند یک از واقفین میگوید این اقدام قائدین چینه باندازهٔ عمیق است و بقدری جلو پیشرفت خارجیان

را میگیرد که هیچ اقدامی برابری با او نتواند کرد و همه خارجیان از این اقدام چینیان ترسناک آمده اند است که بسیاری معتقد اند که این جنبش چین دیر یا زود منتهی میشود بحیات ابدی و قیام ملت چین و بیداری چین آسیا را از تحت رقابت غرب بیرون خواهد آورد فعلا انگلیسان ساعی اند که گاپه دول را در تضییقات اقتصادی چین همراه سازد همان قسمیکه روسیان را از ۸ سال این طرف در تضییقات اقتصادی انداختند - روسیه تا درجهٔ کشتی خود را از این گرداب بیرون کشیده اگر چین هم بتواند مانند روسیه کشتی خود را از گرداب تضییقات اقتصادی خارجه بساحل نجات رساند البته نهال استقلال خود را آب یاری کرده است رئیس الوزراء ژاپون در مجلس ملی من باب چین نطق عمیقی داده میگوید دولت ژاپون هیچگرانه در امور داخلی چین مداخلت نخواهد نمود و تائیدات اخلاقی در احقاق حقوق چینیان داشته و خواهد داشت از این نطق میتوان استنباط نمود که انقلاب شرق اقصی خیلی عمیق و باین آسانیها رفع نتواند شد

ایرانیان راست که رشتهٔ حیات اقتصادی خود را حتی المقدور بیگانگان نداده تا درموقع اختلافات آله پیشرفت مقاصد خویش قرار دهند بانک شاهنشاهی بماند ولی بانکهای دیگر ملی باید احداث کنند تجارت با خارجه بکنند و خارجیان را موقع تجارت در داخله دهند ولی نه بقسمیکه رشته اقتصادیات که روح حیاتی ملت است بکسب گیرند، باندازهٔ که خارجیان در ژاپون مشغول تجارت و داد و ستد اند صد یک آن در ایران نیست ولی قسمی از آنان جلوگیری شده که میتوانند در هیچ موقع هیچگرانه تضییقات اقتصادی به ملت ژاپون بوارد آرند، با تجارت خارجه همراهیم ولی مشروط برایکه در حدود معین و دائره مخصوص بمانند -

شجاعت مکسیکویان

با آن همه هیاهوهای آمریک و انگلیس وکلای شجاع مکسیکو قوانین اقتصادی را از مجلس شورای ملی گذرانیده ٤٨ نقاط نفت خیز را که بسرمایه افرادی و اجتماعی آمریک و انگلیس احداث شده بود باطل ساخته بعهده دولت ملی درآورد فریاد جرائد آمریک و انگلیس بعیوق رسیده ولی ذرهٔ هم بر قلوب شجاع مکسیکویان اثر بخشیده است. دولت مکسیکو تکذیب نموده است که اقدامات وی بتحریک بلشیوزم است بلکه اعلان نموده که کلیه اقدامات ما ملی و برای حفظ استقلال اقتصادیات خود مان بوده و هست. آمریک تدارک برخلاف مکسیکو دیده ولی گمان نمیرود که بجنگ منتهی گردد که جماعت بزرگی از سیاسیون آمریک مخالف اند با جنگ مکسیکو، آری شجاعت اثر خود را میبخشد هر قوم و ملتیکه در حفظ حقوق ملیه خویش قیام نموده قدم جلادت بردارد هیچ چیز مانع پیشرفت آن نتواند گردید برخلاف آن هر قوم و ملتیکه در احقاق حقوق خود بترسد و از بیم رنجش این و آن ساکت نشیند عاقبت حیات استقلالیه آن خاتمه می پذیرد

ما نمی گوئیم ایرانیان جسارت نموده بحقوق دیگران تجاوز نمایند بلکه میگوئیم از احقاق حقوق حقه خود باز نیامده در جلو هر اد مخالفی استقامت ورزند چون بحق اند حق هم با آنها است و عاقبت بمرام خویش نائل خواهند آمد، ترس را برادر مرگ گفته اند ولی ما عین مرگ میدانیم ملت ترسو مرگ زندهٔ است و قیادت قیام نتواند نمود، ملت جبان آزاد نیست بلکه غلام زرخرید دیگران است، ملت شجاع مانند افغانان است که با قلت عدد و کمی اسباب دو دولت قوی همسایه با او بدرجه مساوات رفتار نموده دوستی وی را خواهش مینمایند، ملت شجاع مانند مکسیکو است که مانند آمریک و انگلیس را پیش پای خود مینشاند، در حفظ حقوق ملی نزاکت یعنی چه تادب و تهذیب سیاسی چه معنی دارد چاپلوسی و تملق حق متجاوزین است نه کسانیکه حقوق انها تجاوز شده، ایرانیان تاوقتیکه شجاع و جسور بودند حقوق شان محفوظ و رجال شان عزیز و محترم شناخته میشدند، باید کلام اعلیحضرت پادشاه غازی امان الله خان را با آب طلا نوشت و در گوش ساخت، در موقع تجاوز دسته جات روس بسرحد افغان شخصا به منبر خطابه قیام وچنین فرمود «فرزندان من ای نهالان امید آیندگان این آب و خاک اگر ما امروز رضا دهیم و ساکت نشینیم و اعتنا ننمائیم که یک وجب خاک مارا بیگانه تصاحب کند مثل این است که پای تخت مارا تصاحب کرده است اگر ما از مرگ بترسیم و از قوت دشمن بهراسیم زودتر برما خواهند تاخت، ما باید قلت خود و کثرت دشمن نگاه کنیم ما باید در محافظه خاک وطن مقدس خود چشم بسته از ریختن خون خود مضایقه ننمائیم، من خود پیش قدم این میدان ام تا چه کنند همت جوانان وطن»

این جسارت مشروع و خشونت مقدس بود که روسیان را پیش پای خود نشانیده از تجاوز بحقوق افغانان باز آمده دستجات قشونی خود را باز پس بردند حالا مکسیکو در حفظ حقوق ملیه خود همان خشونت مقدس را از دست نداده نزاکت قاپاق را ترک گفته طولی نمیکشد که انگلیس و آمریک را پیش پای خود خواهد نشانید

§ تن در مده بجز خشونت مقدس است §

از ناصری می‌نویسند

صبح ۲۶ آذر ماه آقایان مستشار الدوله ممتاز الدوله و داور و دشتی بر حسب دعوت کمپانی نفط وارد ناصری گردیدند اهالی بخیال اینکه شاید بدردهای نگفتنی آنها رسیدگی نمایند فوق‌العاده مسرور بودند پس از ورود از طرف ریاست معارف در مدرسه متوسطه مجلس پذیرائی مهیا و جمعی از محترمین بملاقات آمده آقای دشتی نطق مختصری نموده ضمناً اظهار داشته که اگر اهالی مطالبی دارند بگویند ما حاضریم برای انجام آنها آقا سید نور الدین که در آن مجلس حضور داشت اظهار نمود امیدواریم مسافرت آقایان فقط باستفاده نطقها تمام نشود اهالی هم استفاده بنمایند آقای دشتی اظهار داشتند نطقها هیچ استفاده از ما نتوانسته رد چنانچه مقاصدی دارید بفرمایید حاضرین گفتند این مجلس موقع این بیانات نیست چنانچه در مجلس دیگر ملاقات شد مسائل خود را مطرح خواهیم نمود آقای دشتی فرمودند انشاء الله فردا بمسجد سلیمان حرکت میکنیم پس فردا مراجعت نموده ممکن است آقایان مطالب خود را یاد داشت و ارائه دهند تا اقدامات لازمه شود مجلس خاتمه یافت فردا آقایان حرکت نموده چهار روز مسافرت آنها طول کشید اهالی رؤس مطالب خود را در تحت ۹ ماده برشته تحریر در آورده وشصت پنج نفر از معاریف امضا نموده منتظر مراجعت آقایان بودند متاسفانه در مراجعت اولیاء کمپانی نگذاشتند آقایان در ناصری بمانند و غیر از کمپانی کسی از آنها استفاده نه نمود ولی بهر زحمتی بود پیشنهاد خود را باقای داور رسانیدند حقیقتا این وقایع بیشتر بدبختی اهالی خوزستان را اثبات مینماید که پس از مدتی هم که چهار نفر از رجال مملکت از اینجا عبور نموده و خود شان اهالی را وعده دهند بالاخره اهالی موفقیت ملاقات و اظهار دردهای بی درمان خود نه نمایند

پیش نهاد اهالی خوزستان

در این موقع که بر حسب دعوت کمپانی نفط حضرات منتخبات عالی در این حدود تشریف آورده موقع را مغتنم شمرده امورات ذیل را پیش نهاد مینمائیم متمنی هستیم با یك عقیده ثابت و راسخ بآنها اهمیت داده و بحسن قبول تلقی فرمایند لازم بشرح نیست که امروزه مهمترین ایالات دنیا خوزستان است اگر دولت این نظر مساعدی توجه نموده میتواند در صادرات رقابت با مصر و هند نماید بد بختانه در امر زراعتی و لاقیدی حکومت مرکزی وفاقد هیچ چیز است چه قدر شرم آور است که عرض کنیم سال گذشته قسمت واردات این منطقه آرد و گندم بوده بالاخره برای خاتمه دادن فلاکت و بدبختی این صفحات و جلب سعادت وازدیاد ثروت که بالنتیجه عوائد مشروع دولت زیاده شده مواد ذیل را در نظر گرفته و تقاضا مینمائیم

ماده اول — خواهشمندیم مجلس ودولت برخلاف گذشته و حالیه با نظری صمیمانه باهل این صفحه توجه نمایند

ماده دوم — برای توسعه فلاحت و تجارت با که مقدم بر هرچیز مسئله تامین مالی و جانی است خواهشمندیم وسائل امنیت را بهرطریق که صلاح بدانید خاصه برای زارعین و دهاقین فراهم بیاورید تا بتوانیم باسودگی بامور معاشیه خود مشغول شویم

ماده سوم — برای احیای فلاحت خوزستان مهمترین قدمیکه باید برداشته شود بستن سد شاپوری شوشتر و تنقیه نهر دارون و سد اهواز و سد نهر هاشم چنانچه اگر دولت مالیات یك ساله خوزستان را صرف این امور عام المنفعه نموده اولا عوائد دولت یك برصد خواهد شد ثانیاً باعث نجات چندین نفوس محترمه و مقدارهای زیادی مال‌التجاره که همه سال غرق میشود خواهد شد ثالثا اهالی فقرا اینجا بنان رسیده و از فقر کلی نجات یافته و صادرات مملکت زیادتر از واردات خواهد شد

ماده چهارم — نظر اینکه مالکین وزارعین اینجا مردم بی بضاعتی هستند قانون ممیزی بیشتر بآنها صدمه میرساند و آنها را به بیچارگی میکشاند ترتیبی داده شود که از این مشکلات نجات یابند

ماده پنجم — با اینکه وجوه عمده بعنوان راه داری میپردازیم مع ذلك خوزستان ابداً مرتبی ندارد خواهشمندیم برای تسطیح شوارع و بستن پلهای این راه و روشنائی خیابانها اقدامات لازم فوری بشود چرا که بواسطه نبودن خیابانهای پاکیزه در زمستان باید در منازل خود محبوس باشیم

ماده ششم — مریضخانه مجانی از مسائل مهمه است بد بختانه دراین صفحه هرگاه کسی مریض شد اگر قدرت و مکنتی دارد باید رود بصره معالجه نماید و الا سر نسل هم پیش گرفته و منتظر ملك‌الموت باشد

ماده هفتم — در مسجد سلیمان و انبارات نفط بواسطه اختیارات تامه کمپانی اجازه نمیدهند دکاکین و منازل بنا شود و این مسئله موجب اشکال زیادیست برای عابرین چنانچه هرگاه کسی وارد مسجد سلیمان شود متحیر است کجا وارد شود منزلی و یا کاروانسرائی فقط کمپانی چند دکان محدود بنا نموده و

مالکی هنگفتی بعنوان وجه الاجاره دریافت میدارد بدیهی است دراین صورت تجارت محدود باشخاص معینی خواهد شد و انها هم مجبوراً اجناس را گران فروخته بالاخره عائله همیشه فقیر و مقروض خواهند بود و یک عوصه در مسجد سلیمان باسم کاروانسرای بدون سقف و سایه‌بان کبابی بنا نموده و سالی مبالغی بعنوان وجه‌الاجاره میگیرد در صورتیکه محل زیست و سکنه نیست حقیقة بسیار جای تأسف است که صاحبخانه در منزل خود بی خانمان و مهمان خانه‌ام و اثاثیه را بضبط تصرف خود در آورد چه قدر مناسب است گفته شود

§ اری فیهم فی غیرهم یتقسم §

§ وایدیهم من فیهم صفرات §

لازم است توجه بکمپانی شود که اینقدر سخت گیری ننموده اجازه دهد مردم منزل و دکانی بنا مایند

ماده هشتم — بسیار جای تأسف است که نفط با اینکه در خود خوزستان است از قیمت سابق که از خارج وارد میشد گران تر است خواهشمندیم با کمپانی مذاکراتی نموده نفط و بنزین را ارزان تر از قیمت فعلی نمایند

ماده نهم — خواهشمندیم باراب ادارات خاصه گمرک و امنیه دستور داده شود با مردم بحسن سلوک رفتار نمایند و انارا غلامان خود تصور نفرمایند بیش از این لازم بتوضیح نیست آزرده شوی ورنه سخن بسیار است منتظر اقدامات مجدانه هستیم

(از طرف عموم اهل ناصری)

از چهار محال می نویسد

اوضاع چهار محال بکلی با سال قبل فرق کرده سال گذشته خوانین بختیاری هم طمع ومظالم خودرا تخفیف داده و از اوامر تخلف نمیکردند امسال نمیدانیم از چه لحاظ است که شروع نمودند به تعدی برعایای بیچاره و چون ملت چهار محال قدری بد خواب شده بود و شانه خود را از زیر بار ظلم تکان میداد پس از اعلان دادخواهی که از طرف اعلیحضرت همایونی در تمام ایران منتشر شد چند نفری طهران جهت عرض تظلم روانه گردیدند از آن جمله چند نفر از سادات (بابا حیدر) که یکی از دهات سردار ظفر است و یکی هم درویش محمد ناغانی بود پس از چندی دیدند خبری نیست سادات بابا حیدری برگشته و یک نفرشان هم در طهران سرد رسیدند بچهار محال سردار ظفر باقی را چوب مفصلی زد و جرم کاملی گرفت که دیگر کسی این خوابهای پریشانرا نه بیند اما درویش محمد ناغانی راکه از دست سردار اقبال عارض بود حکمی بعنوان

وزارت جنگ صادر شد و از وزارت جنگ به لشکر جنوب امر شد که احقاق حقش را بنمایند و روانه اصفهان گردید. دیگرنمیدانم خوانین بختیاری که دراین موقع هم اصفهان بودند مخصوصاً سردار ظفر چه حقه زدند که دو نفر نظامی او را گرفته تحویل ایلخانی که آقای سردارظفراست دادند و اورا تحت الحفظ پس از چند روز حبس در باغ سردار ظفر شبانه بچهار محال امزامش داشتند و در قلعه چقاخور که محل حکومت ایشان ییلاق بختیاری است محبوس و زنجیرش کردند از آن طرف جوان هیجده ساله شان سردار اقبال خانه اورا در ناغان غارت نمود و آن بیچاره را بکلی از دارائی ساقط ساختند

آقای سلطان حسین خان مشیری هم که دو سال واند است در بختیاری است و قریب سی‌هزارتومان فائده برده‌است سال قبل بهاسم مأمور اسلحه بگیری بود وچون نان دانی خوبی است امسال‌هم مامورآنجا استودرواقع مأموراجرای مظالم خوانین بختیاری گردیده است و درواقع همین آقای مشیری اسباب یأس مردم را از دولت حاضره فراهم آورده باسم اینکه در خانه درویش‌هم اسلحه‌بوده به تحریک خوانین بختیاری پسر درویش را به یک دست یک ساعت بر درخت آویزان نمود و چوب زد که اسلحه را بروز دهد بالاخره برادر درویش که فراراً به اصفهان آمده بود با زن و بچه تلگرافات متعددی بطهران نمود تا آنکه پس از دو ماه که گاهی وزارت داخله جواب میداد (عریضه شما از خاک پای همایونی گذشت اقدامات لازمه خواهد شد) امر شد بحکومت اصفهان که ماموری برود جهة کشف قضیه و درویش را مرخص کند وقتیکه مأمور رفت اولا تطمیعش کردند و ثانیاً آقای سلطان حسین خان پیش آمده که من اورا گرفته ام جهة اسلحه تا اسلحه کجا در هر صورت مأمور بر گشت دیگر هر چه برادر درویش و عیالش مراسله و کاغذ و تلگراف بطهران کردند فقط همان جواب فوق‌می‌آمد تا بالاخره پس از چهار ماه خوانین بختیاری خوب که مردم چهار محال‌و بختیاری را ترساند و نشان دادند که سزای هرکس طهران برود این است و درویش‌را هم‌از دارائی ساقط نمودند که دیگر قوه رفتن تا اصفهان‌را هم نداشته باشد بقید کفیل مرخصش نمودند مردم چهارمحال‌هم بقسمی ازبد خوابی بهوش آمدند که من بعد بد خواب نشوند

همین امسال سردار جنگ ایل بیگی برئیس عدلیه اصفهان پیغام داده بود که امسال پارسال نیست که هی مامور احضار سرما بفرستی ما خیال میکردیم دولت با

جا همراه نیست امثال فهمیدیم هزاراه است و هرکس را بفرستی چوبه کاری کرده پس میفرستیم درخصوص هیئت درویش رئیس عدلیه اصفهان تلگرافی بوزیر عدلیه نموده که سردار ظفر درویش محمد لاتالی را در موقعیکه در عدلیه منظام بود ازوسط اصفهان گرفت و تحت الحفظ بچهار محال برد و این کار سلب اعتماد مردم را از کار حاصره خواهد نمود

دو ماه قبل سردار ظفر فرستاد چهل هزار من جنس بریج مالك که یکی از دهات چهار محال و وقف مدرسه چهار باغ است بزور برد و ضبط نمود و تناول فرمود آنچه آقای سیدالعراقین که متولی مدرسه و یکی از علمای اصفهان است و آبروئی هم در طهران دارد فعلا نمود فائده نداد عاقبت خوردند وبردند بدتر ازهمه وجود آقای سلطان مشیری است که بار سر بار و ظلم بالای ظلم شده است حکام نظامی که از همه جا برداشته شد اسلحه بگیری هم که شش ماه موعد آن بود دیگر وجود این آقا معلوم نیست برای چی است اهالی چهارمحال یك جا باید از دست خوانین بختیاری تعدی و ظلم بکشند یك جا از دست ایشان و معلوم نیست بچه ملاحظه ایشان را معاون مظالم خوانین بختیاری قرار داده اند ولی هم جهة آقای مشیری مال داری خوب است هم جهة کسان دیگر یك منبع زراعتی خوبی است منتها ندارد اورا بردارند چندی قبل اورا خوانین بختیاری به جانکی فرستادند به اسم اینکه مالیات بگیرد ایشان آتشی در جانکی روشن کرد که مردم را به تنگ آورده بود اسلحه آقای مشیری بیشتر اسلحه است با هرکس بخواهد بیاویزد حرفش این است که تو اسلحه داری هرچه بیچاره قسم میخورد ندارم خبر داری یا الا چوب و حبس و شلاق پارسال نوکر دولت در ظاهر بود ولی امسال در باطن و ظاهر نوکر خوانین بختیاری است پارسال درمجلس اعتنائی بار میکردند ولی امسال مثل سایر یکی از نوکرها است فقط بنام دولت اورا بجان مردم میاندازند که هم مردم از دولت متنفر شده و هم مقاصد آنها عمل بیاید ولی‌چون اهالی بختیاری فهمیدند داد رسی نیست فعلا همه عبد عبید خوانین و همان تعظیم و احترامات و همان تملق و بندگی سابق خودرا بطور خوب و بالاتر تجدید کرده اند و حق هم دارند امساله اطراف اصفهان را امن کرده و چند دزد تشکیل داده بودند که گاهی اطراف اصفهان را سرقت وگاهی پست اصفهان وطهران را میزدند تا بالاخره عده از قشون اصفهان رفته آنها را پراکنده نمود و بسمت گرمسیر رفتند

عجبا ملوك الطوایفی که از بختیاری و چهار محال رخت بسته و همان ترتیبات سی سال پیش جاری است بلکه بیشتر و سخت تر و گاهی هم مامورین دولت سربار آنها میشوند تمام املاك چهار محال را که هند کوچکش میتوان نامید خوانین بختیاری بجبر و عنف ضبط نموده اند و هیچ این دو سه ساله که فرج بعد ازشدت بود عرض کسی رسیدگی نشده و ذره و حبه مال مردم را کسی نگرفته که پس بدهد می روزش انبرند مالك سفید دشت را که آقای خسرو خان حیدری ادعای پس از هفت سال محاکمه در عدلیه و ساقط شدن از تمام دارائی بالاخره توانست عدلیه تحویل او بدهد یا ضبط کند یازده ماه یك سال خسروخان است یك ماه سرحاصل خوانین بختیاری است تمام جنس اورا میبرند

علاوه خوانین بختیاری همه پولدار اجزاء ادارات دولتی هم که پول دوست رشوه هم از عهد باباآدم معمول ایرانی بوده بخصوص در این دوره و آنهم بخصوص عدلیه دیگر چطور میشود احکام عدلیه اجرا شود یا یك بیچاره که دستش از دارائی کوتاه است نتواند مالك یا مال مغصوب خودرا پس بگیرد بقدری برمردم کار سخت شده که راه علاجی در نظر نمی آید فقط یگانه دادرس اعلیحضرت همایونی است و آنهم نمیتوانند شخصاً رسیدگی بکلیه عرائض نمایند لابد به یکی ازادارات مربوطه رجوع میکنند اجزاء ادارات هم که دست شان تو هم است و نان بیك دیگر قرض میدهند این است که پس از آنکه عارض عرض کرد و پس از شش ماه که باین اداره و آن اداره وتحت نمره فلان و کارتن فلان و دوسیه فلان بیرون آمد عاقبت هم همان عده جمع شده وتقصیر دولت ومانش میکنند سایرین دیگر حساب کار خود را میکنند

از بوشهر می نویسند

علمای اعلام بوشهر مدتیست تشکیل هیئت علمیه را داده بودند جلسات آن مرتب نبود تازگی آن هیئت اتحادیه تشکیل و سپس آقای شیخ الحکما نطق افتتاحی ایراد نموده و در خاتمه مراسله حکمران جدید نوشتند خواهش داریم که در انتشار آن دریغ ننمایند

افتتاح هیئت مقدسه علمیه بوشهر

(و نتیجه اقدامات)

هیئت مقدسه علمیه که مدت زمانی واسطه مقتضیات وقت در تعطیل بود بهمم عالیه آیات باهره ونفوس قدسیه بجهت اقدامات در اجرای اوامر مرکزی از آلایش بجهت وضع تربیت و تشکیل مجلس با قوی صفی از کدورات اجتماع فرمود - بتصادف آراء صورت تشکیل جلسات بطرزی متین وبنیانی

بقیه در صفحه ...

رزین تعیین فرمودند که همه اقدامات با نهایت متانت و منتهای نزاکت پس از تعمق نظری دقیق و فکری عمیق بموقع جریان رسانیده باشند نتیجه این جلسه اولا تصمیم عزم راسخ غیر قابل انفساخ بر اینکه این اتحاد از روی حقیقت و معنویت و بنیانی مرصوص ریخته شود که از دسیسه هیچ مفسد و منافقی متلاشی نگردد فی الواقع چنین اتحادی لایق تشکر و قابل تبریک و تقدیس است و سزاوار است که همه ذوات مقدسه آیات و ولایات اقتدا باین بزرگواران نموده نیک نامی ابدی را شامل و عاید دارند پس ازان در همان جلسه اولین اقدام عالیه خود را بجدیت در موضوع حادثه فجیعه تجاسر سلسله وهابیها بانهدام مقبرکه و قباب اسلامیه و انهدام و تخریب قرار داد فرمودند و بتبادل آراء مقرر گردید براینکه چون این قضیه هائله و مصیبت عظمی بعموم مسلمین راجع است و توقیعات صادره از مصادر عالیه و مقامات متعالیه عتبات عالیات هم رسیده بود که دال بر دعوت عموم مسلمین بر اتحاد و اتفاق و تفکری عمیقانه در تهیه لوازم دفاعیه و تجدید تعمیر اماکن متبرکه میبود که در موقع لزوم بلا مسامحه مهیای عمران ودفاع باشند و این مطلب هم بدون اتحاد و اتفاق صورت پذیر نخواهد شد و چون ابلاغیه های چندی هم خصوصاً از ساحت مقدسه آیات الله عتبات عرش درجات خطاب به تجار ذوی الاحترام توسط آیة الله علم الهدا اهرمی رسیده بود که مقتضی همین طریقه قویمه میبوده است لذا تصمیم عزم هیئت مقدسه بر این مقرر شد که از طرف مجلس دعوت نامه بهیئت محترمه تجار ذوی الاحترام نوشته شود که در جلسه ثانوی حاضر شده که شاید در اطراف قضیه فکری نمایند

جلسه دوم یوم پنجشنبه ۱۰ شهر ج ۲ در منزل حضرت آقای حجة الاسلام والمسلمین علم الهدا اهرمی منعقد پس از تشکیل مجلس قسمتی از آقایان رؤساء وتجار حاضر شده حضرت آقای آیت الله حجة الاسلام بلادی قضیه را عنوان فرمودند بانهایت وضوح سپس در توضیح مسأله آقای علم الهدا اهرمی نطقی بلیغ بعباراتی روشن و بیاناتی مبرهن صدر و ذیل مسئله را عنوان فرمود، چون اثر استنکاف طرف مشاهده گردید حضرت آقای آیة الله بلادی بعناوین مفصله موجب قوالب بدیعیه در دفع اشکالات بارزه موجب صغری وکبرای منطقیه که منتج بالبداهه میشود استدلال فرمودند طرف در مقابل اشکالاتی را متمسک میگردید همه را باعباراتی فصیح و کلماتی بلیغ موافق مقام از ایجاز و اطناب آقای معظم له دفاع میفرمودند بالاخره بجهت اتمام حجت و خدمت بحقیقت شریعت و رفع دوبت در خواست مجلسی پس حزین شریفین هیئت مقدسه و تجارت فرمودند ووجوب این اتحاد به دلیل وبرهان بثبوت رسانیدند ولی متاسفانه صورت وقوع پیدا نشد اگر چه لساناً اظهار ارادت مینمودند ولی فقط لسانی بود و چنین اظهار نمودند که جواب مقامات عالیه در خصوص توقیعات متبرکه خواهیم عرض نمود که لفاً ارسال شود این بود صورت جلسه اولی و دوم و اقدامات مجدانه آقایان اید هم الله تعالی تائیداتهم. بقیه جلسات را در اتیه اطلاع خواهیم داد ـــ ما حسن اقدامات مجدانه آقایان را تقدیس وموفقیت آقایان را در ترویج احکام شرعیه از درگاه خداوند متعال خواهانیم

خطابه افتتاحیه

شکر و سپاس بیرون از حد و قیاس واجب مطلقی را سزاست که از امتزاج سلاله ماء وطین بدیعترین خلقی و عجیب ترین هیکلی را ایجاد فرمود و بنفخ روح حیاتش زندگانی بخشود و بشرف اشراق روح مقدسه ملکوتیه و نفس بشریه از سایر موجودات ملکوتیه و ملکیه ممتازش فرمود که محل قبول و منشاء ظهور و بروز علوم و بدائع صنایع گردیده باشد فتبارک الله احسن الخالقین ـ بدیهی است که امتیاز نوع انسان از سایر اکوان منوط بکمال عقل و بیانست وآن دو مربوط باستکمال علم و ایمان والعلم لیس من کثرة التعلیم والتعلم بل نور یقذفه الله فی قلب من یشاء بل العقل والعلم هما رضیعان توامان یرتضعان من ثدی امهات العوالم الحقیقة والحقایق الایمانیه سپس ورود بیابان یلیق لاول الموجودات التکوینیه والنقطة الایجادیه السائره حول دائرة القوسیه حتی بلغ الی کمال القرب لمکان قاب قوسین اوادناه علی آله المکملین لنوع البشر باستعمال الترياق الاکبر الدافع لامراض الجهل والعناد بالریاضات الروحانیه صلوات الله علیهم اجمعین

اما بعد بدیهی است که اتفاق واتحاد ناشی از کمال مراتب عقل و علم است و آن دو هادی آمر بوفاق و قائل از نفاق اند و اجراء احکام الهی که سرمایه حیات زندگانی است جز بمعاونت و اتفاق صورت پذیر نخواهد بود مظاهر آیات کبریائی را نفاق نشاید شقاق و نفاق که موجب فتنه و فساد وخرابی ملک و ملت و دیانت و مدنیت است سزاوار بیخردان و از وجود آن بزرگواران مبراست شکی نیست که سایرین طریقه هدایت و سالکین جاده شریعت در حقیقت وجود عنصر واحد اند زیرا که انسان کامل که ایت کبریای بسیطة الحقیقه در شمار است و ریاست روحیه مقصود و منحصر بدیشان است منور سایر عناصر موجوده اند و حکی نوع بشر اشعه وانظله آن انوار قدسیه در شمارند پس

است خواهد بود بعلاوه برای تامین پرداخت مبلغ پنج ملیون تومان مساعده مذکوره در ماده ۲ از اول سنه ۱۳۰۷ تا دوازده سال هر ساله مبلغی از عواید جاریه دولت برای تادیه به بانک ملی در جزو بودجه مملکتی پیش بینی میشود درهرصورت جمع مبلغ مذکور نباید از ٥ ملیون تومان تجاوز کند

ماده ٤ – از منافع خالص بانک آنچه بدولت تعلق میگیرد بسرمایه سهم دولت افزوده میشود .

تبصره – در سال اول هرگاه لازم شود دولت میتواند مخارج اداری بانک را از صرفه جوئی های اعتباراتیکه برای مخارج جمع آوری سایر عواید منظور گشته بپردازد

ماده ٥ – بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و باستثنای مواردیکه در ماده ٦ ممنوع گشته پول قرض بدهد مشروط براینکه قروض مزبور بوسیله اموال معتبره اعم از منقول وغیر منقول و یا امضای اشخاص معتبر و یا مؤسسات معتبر تضمین گردد شرایط قبول ودیعه یا رهن و دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد

ماده ٦ – بانک ملی را با مساعده دادن بدولت یا وزارت خانها و یا ادارات و دوائر دولتی و بلدی بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع خواهد بود

ماده ۷ – برای اداره کردن مستقیم بانک بدولت اجازه داده میشود یک نفر متخصص مجرب و فنی امریکائی با حقوقیکه بیش از سالی دوازده هزار دولار (۱۲۰۰۰) نباشد استخدام نماید – حقوق مزبور از قرار نرخ روز پرداخته خواهد شد و سایر شرایط کنترات مامور مذکور بر طبق قانون ۲۹ اردی بهشت ۱۳۰٤ خواهد بود

ماده ۸ – رئیس بانک هرسه ماه یکمرتبه رابورت عملیات و معاملات خود را منتشر خواهد نمود بعلاوه وزارت مالیه مکلف است هرسه ماه یک مرتبه بتوسط یکی از مفتشین درجه اول وهیئت وزراء لا اقل سالی یکمرتبه بوسیله یک کمیسیون عملیات و دفاتر بانک را تفتیش و رسیدگی نماید

ماده ۹ – بانک ملی میتواند وجوه مختصر که مبلغ آن کمتر از یکقران نباشد از هرکس قبول نموده رسید بدهد و هروقت جمع وجوه متعلقه بشخص واحد از ده تومان تجاوز کرد مطابق بانک حق المضاربه ان نیز تعلق خواهد گرفت

ماده ۱۰ – کلیه دفاتر ولوشتجات ومکاتبات بانک ملی بزبان فارسی خواهد بود

ماده ۱۱ – نظامنامه تشکیلات داخل بانک وهمچنین نظامنامه مذکور در ماده ٥ از طرف وزارت مالیه تهیه شده تا پس از تصویب شورای دولتی و هیئت وزراء بموقع اجرا گذاشته شود

تبصره – تا وقتیکه شورای دولتی تشکیل نشده است تصویب هیئت وزراء کافی خواهد بود

ماده ۱۲ – این قانون از تاریخ تصویب درظرف شش ماه بموقع اجرا گذاشته میشود و وزیر مالیه مامور اجرای آن است

این لایحه درمجلس علنی هنوز موقع شور نیافته است برخی از وکلا را عقیده اینست که املاک خالصه فروش نشود و بی بزرگی تقسیم آید مشکل است این امر صورت ببندد اگر این بانک ملی در تحت انتظام امریکائیان صورت گیرد یک روح حیاتی اقتصادیات ایران دمیده خواهد شد، چنان که گفته میشودکه پس از افتتاح بانک ملی و شاخهای آن در داخله دولت سکه خود را واحد طلا قرار خواهد داد و کلیه معاملات ارمالیه وگمرک به بانک ملی مراجعه خواهد گردید وگفتگو میرود که پس از افتتاح شاخهای بانک در داخله با بانک های مهمه خارجه مانند مسکو وارسا تفلیس بادکوبه اسلامبول مصر روم فرانس برلین لندن و نیو یورک و بعضی معامله برواتی قرار خواهند داد و اگر این بنک در تحت انتظام امریکائیان ماهر صورت ببندد اعتبار دولت در بازار صرافان خارجه زیاد شده در موقع ضرورت استقراضهای عمده با سود کم تحصیل تواند نمود.

فروش جواهرات

همین قسم برای سرمایه بنک ملی فروش جواهرات هم گفته میشود و لایحه آن را نیز مجلس پیش نموده اند تاکنون از کمیسیون خارج نشده وبرای شور بمجلس نیامده است – آنچه معلوم میشود از فهرست جواهرات هم ثابت گردیده فروش تمام جواهرات را مصمم نشده اند یک حصه ازجواهرات سلطانی را خواهند فروخت وتخمینه قیمت آن را نیز از ۸ الی ۱۰ ملین میگویند و این مبلغ هم ضمیمه سرمایه بنک ملی خواهد آمد . بعضی را عقیده این است که ممکن است درمدت ٦ ماه ابتداً بنک ملی بسرمایه ٥ ملیون افتتاح یابد و بتدریج بر او اضافه گردد ، مبصرین همچه تصور میکنند که پس ازافتتاح بنک ملی خیلی بر رونق تجارت ایران در خارج و داخل خواهد افزود . فعلا یک نفر متخصص بنک از آمریک استخدام خواهد شد ولی چون ایرانیان ازاصول بنک کاملا واقف نیستند طولی نخواهد کشید که عدد مستخدمین بنک در مرکز و شعبات داخله و خارجه آن ازمحاسب کل ورؤسای جز به ۳۰ نفر بالغ خواهند آمد مواجب سالانه شان هم از ۲۰۰ هزار تومان کم نخواهد بود و بدون حرف با سرمایه

٢٠ مليون اقلا دو مليون فائده خواهند گرفت ومنافعيكه ملت در زراعت و فلاحت و كار كردن در معادن مختلفه كه بتمائيد و كمك اين بانك حاصل كند حد و حصرى براى آن متصور نيست و اينهائيكه عرض شد قواليهاى ايرانى نيست مسئله ايست قريب بعمل وعامل آن هم امريكائيان خواهند بود

خاضع نبايد شد

حكما ميگويند علو مقام انسانى از علوبجوئى اوست ، انسان هر قدر بطرف تكامل گرايد علوبجوئى آن بيش شود ، هرچه در تكميل نفس بكوشد عوامل طبيعت بيشتر او را مددگار خواهند آمد هر انسان كه علوبجوئى اش كمتر باشد در مقام انسانيت نقيصه دار خواهد بود انسان كامل هيچ چيزرا ما فوق خود تصور نتواند كرد و خويشتن را از هيچ كس كمتر نتواند شمرد و از ارتقا بمدارج عاليه ، ذره هم پيرامون قناعت نتواند گرديد اين است كه كسانى از هيچ چيز نترسند و هيچ مشكلى عايق پيشرفت خيالات شان نتواند گرديد . چه اين حديث شريف عبدى اطعنى تكن مثلى ياى بعد الله

آنچه ذكر شد در طبيعت هر انسان وديعت گذارده شده و در تعقيب آن علوبجوئى ملكه و طبيعت ثانوى وى خواهد گرديد و برعكس هر انسان با آن ودايع علوبجوئى اگر به فروتنى گرايد رفته رفته طبيعتش پست و اندك اندك علوى جوئيش بفروتنى تبديل خواهد آمد اين است كه پيغمبر برحق وهادى و مربى افراد بشر ركوع و سجود را از خصائص عبادت خداوندى قرار داده و در مقابل هر بشر ولو هر قدر قوى و بزرگ باشد حرام ساخته است خضوع وخشوع را منحصر به يگانه بى انباز قرار داده است خضوع و خشوع طبيعت را پست ميكند و پستى طبيعت تسليم بعبوديت را نزديك ميسازد قوميكه بخضوع و خشوع عادى شود رجال علوبجوى در ميانه آنها كمتر پيدا ميشوند و هر ملت كه داراى رجال علوجو نباشد پستى و اضمحلال آن حتمى است

از بعد معاهده تركمانچاى ايرانيان را علوبجوئى وداع گفت چون مردمان دانى تقليد از متوسطين كرده و متوسطين از عالى ، روسيان در معاهده تركمانچاى پادشاهان قجر را بخضوع و خشوع خويش مجبور ساخته و حمايه تاج و تخت ايران را در قجريه ذمه خويش جلوه داده و بدين وسيله رضايت امپراطوران روس در تعيين ولايت عهد ايران تا يكدرجه منظور ميشد چنانچه در تعيين ظل السلطان براى مظفر الدين چون روسها رضا ندادند صورت نه پذيرفت وهمينكه سبب گرديده بود كه شاهنشاهان ايران درمقابل سفراى روس خاضع و خاشع ميشدند وليعهد و شاهزاده كه چنين شدند وزرا و امراى دربار هم تاسى جسته طبقات عاليه مملكت بالطبع عبوديت فرا ميگرفتند بشامت خضوع و خشوع طبقات عاليه بروحانيين متكبر ما نيز سرايت نمود چنانچه معروف است مير سيد محمد امام جمعه اصفهان به مسعود ميرزاى ظل السلطان درموقع تعرض گفت ،، بامپراطور روس مينويسم شاه باباترا معزول كند ،، و تا ٦٠ سال قباحت اين كلام را كسى ملتفت نمى شد و اينها همه از نتيجه خضوع و خشوعى بود كه در طبقه عاليه مملكت توليد آمده بود، طبقه عالى كه چنين باشد طبقات متوسط و دانى جاى خود دارند از اين رو يك كلمه علوى جوى در مدت صد سال در ايران پيدا نشد و اندك اندك كليه طبقات به اندازه بدانائت طبع مانوس آمده كه خيال برترى باديگرانرا گذارده تصور همسرى را نيز از خاطر ها دور داشته تا كنون هم آن عادت ميشوم كه معضل هر امت است از قلوب بزرگان ما بيرون نگرديده حتى در مجلس شوراى ملى كه مدرسه تربيت اخلاق ملتش بايد گفت وقتى هم كه ميخواهند بتجاوزات روسيان اعتراض كنند خويشتن را در مقابل روس ضعيف و متوقع خوانده قسمى ملت را زبون جلوه ميدهند كه گويا روسيان ممنود و ايرانيان عامد آثار اند قوم متوقع كه خودرا ضعيف دانست هرگز قوت قابيه كه بتواند در مقابل دشمن دعوى حقوق نمايد پيدا نخواهد كرد . اين كلمات كه داعى مذلت يك قوم است هرگز از زبان يك قوم با شرف ذى حس شنيده نمى شود . فراموش نمى كنيم كه در ٣٠ واندى سال قبل لارد سالسبرى درپارلمان انگلستان نسبت بدولت سويز كلامى متكبرانه اظهار داشت تمام ملت سويز بجنبش وهيجان آمده دولترا مجبور ساختند كه يا ترك روابط سياسى با انگلستان گويد و يا صدر اعظم انگلستان را مجبور بترديه سازد عاقبت لارد سالسبرى در پارلمان انگلستان ترديد كلام خودرا بدين الفاظ نمود ،، غرض من از لفظ كوچك وصف توهين ملت سويز كه در همه چيز سرمايه فخر و ناز اروپايند نبوده است ،، ملت كوچك سويز كه در آن وقت عده شان از ٣ مليون هم كمتر بود راضى نگرديد كه صدر اعظم دولت انگليس دولتيكه داراى ٤٥٠ مليون رعاياست و آفتاب در مملكتش غروب نميكند نسبت به آنها لفظ كوچك استعمال كند نطقهاى وكلاى سويز در پارلمان ثابت مينمود كه اين ملت حساس و اين وكلاى علوى جو بمحو و نيستى خود حاضر ترالد تا يك كلام توهين آميزى از دولت قوى بيگانه بشنوند ولى باندازه ملت ايرانيه درتربيت سلاطين قاجاريه خويشتن‌را زبون و ناچيز شناخته كه بى

بز ۲۰ سال مشروطیت و تربیت اخلاقی و تحصیل جسارت مشروع هنوز هم وکلای با دانش پارلمان ایران در موقع اظهار احقاق حق ملت را ضعیف و کوچک و حقیر خوانده توقعات غلامانه از مولای خود ابراز میدهند پس میتوانیم گفت که هنوز همان اخلاق پست ۶۰ سال پیش در کله های پر از خرافات ما باقی مانده کلام امام جمعه اصفهان با فرمایشات حایری زاده در پارلمان چه تفاوت دارد مفاد هر دو یک است غرض این است تا وقتیکه ملت ایرانیه تعلیمات دنائت پرورانه دوره قجر را از خود دور نساخته و مانند سائر اقوام زنده نه تنها خودرا برابر سایرین داند بلکه خویشتن‌را برتر از همه پندارند کله های علوی جو در ایران پیدا نخواهد شد و تا زمانیکه علوی جوئی طبیعت ثانوی ملت نگردد بارتقای آن ملت اطمینان نمیتوان نمود. ما نمیگوئیم حماسه های دروغین ملت را اغفال باید کرد بلکه میگوئیم بالفاظ خضوع وخشوع که سبب دنائت و پستی اخلاق یک ملت میگردد وکلای ملت آن هم در پارلمان که محل ثقل مملکت است باید اجتناب ورزند

موکب همایونی باصفهان

چنانچه از معلوم شده اعلیحضرت برای سیاحت جنوب از طهران وارد اصفهان گردیده اند این سیاحت خیلی ساده است حتی اهالی اصفهان میخواستند مثل سائر نقاط طاق نصرت بسته تاسی بآذربایجان و گیلان بجویند مخصوصاً با تلگرافات موکده منشکرانه حکم برچیدن طاق نصرت هائیکه ساخته بودند هم دادند غرض ازاین مسافرت تدارکات عمرانی نقاط جنوبیه و تکمیل نواقص آن است تخمیناً این مسافرت یک و نیم ماه طول خواهد کشید قبل از نوروز بطهران بازگشت خواهند فرمود - این مسافرت برخلاف مسافرتهای سلاطین قبل با کبکبه و دبدبه و اردوی سوار و پیاده و قراول نیست - پیشکش و پسکش در کار نمی باشد همراهان رسمی اعلیحضرت عده شان از ۱۲ نمیگذرد و تمام ملازمین رکاب از ۵۰ تجاوز نیست - چه بنفس نفیس بملاحظهٔ حدود و ثغور و استحکامات جنگی وغیره خواهند پرداخت جمیع طبقات با تشرف خواهند یافت و هرکس هر مطلبی دارد مجاز خواهد بود که شفاهاً بحضور رفته عرض نماید - از اصفهان پروگرام شاهانه معین خواهد شد برای مسافرت فارس و یزد و کرمان و بلوچستان وغیره - و بعید نیست اگر موقع باشد به معاودت در بلوچستان و خلیج فارس و خوزستان هم رونق افروز آیند - در این مسافرت که در کتابچهٔ مخصوص یادداشت لازمه را بدست خود خواهند نوشت پس از ورود بطهران برئیس الوزرا سپرده و بموقع اجرا گذارند - چون در جنوب هیچگونه واقعه پیش نیست ظاهر است که این مسافرت فقط برای اصلاحات است - باید دید که جنوبیان چقدر میتوانند از این مسافرت شاهانه فائده برگیرند -

راه سازی — پل آهن

از ساری اطلاع میدهند آقای شقاقی مهندس و رئیس راه مازندران شروع به عملیات مقدماتی برای ساختمان راه های ازعلی آباد به کیاکلا و از کیاکلا طرف بارفروش نموده اند -

برای ساختمان راه مشهدسر هم که از مرکز دستور داده شده بود چون سنگ و وسیله کشتی های ترکمن باید از شهوار وارد نمایند آقای شقاقی در نظر دارند بسمت استراباد حرکت نموده و با ترکمه در خصوص آوردن سنگ الکا قراری بگذارند.

مهندس مزبور پیشنهادی برای ساختمان پل رود خانه طالار ضمیمه نقشه آن تقدیم مقامات مربوطه نموده است که پل مزبور را با ۲۶ متر عرض دهنه بوسیله آهن بسازند که هم از پل آجری یا مصالح دیگر ارزانتر تمام خواهد شد و هم از حیث استحکام بمراتب بهتر خواهد بود

پیشنهاد فوق قابل توجه و امید است مورد دقت وزارت خانه مربوطه واقع شده و اگر حقیقةً ساختن پل آهنی بصرفه نزدیکتر است پیشنهاد آقای شقاقی را تصویب وامر به ساختمان آن صادر نمایند

قربان حواس جمع

چندی قبل این کلام در طهران زبان زد خاص وعام بود مثلا درشکه چیها مدام خبردار گفتن میدیدند که راه گذر اعتنا نکرد و طعنه (تنه) خورد بخنده میگفتند قربان حواس جمع حالا در بعضی روز نامه های پای تخت دیده میشود از بعضی اشخاص تمجید مینویسند در صورتیکه یک سال پیش در همان روز نامه ها از همان اشخاص تمجید شده تکذیب شده انسان وقتیکه میخواند بی اختیار بزبان جاری میکند

«قربان حواس جمع»

قربان حواس جمع نه تنها مدیران روز نامه حواس جمعی ندارند اصلا ملت ایران حواس جمعی ندارد ستم و ظلم را فراموش میکند و با اینکه گناه وزرا و مامورین خیانت کار را میبخشد و ازظلم انها اغماض میکند و یا اینکه خودرا مستحق ظلم میداند باز انها را وکیل تعیین میکند و بوزارت و حکومت چنین اشخاص بدسابقه و معروف بستمگری تن میدهد و راضی میشود

معادن آهن مازندران

عصر پریروز مسیو مارتین مهندس راه آهن باتفاق دکتر اعتضادی بسمت مازندران برای بازدید

معادن آهن آمل و سایر نقاط مازندران حرکت نموده ولی در بین راه اتومبیل ایشان که به کوه تصادف نموده و آنها را پرت می‌نماید بهر وسیله بوده بطهران مراجعت و مجدداً بسمت مازندران حرکت نمودند و ممکن است این مسافرت تا یک هفته ادامه داشته باشد زیرا تمام معادن آهن نقاط مازندران را باز دید خواهند کرد

تخصیص عواید بمعارف

در نتیجه مذاکراتی که در این چند روزه بین وزارت علوم و معارف و دکتر میلسپو رئیس مالیه جریان داشته بالاخره توافق نظر حاصل گردیده و قرار شد لایحهٔ از طرف وزارت معارف و وزارت مالیه تهیه شود که از تاریخ سال ۱۳۰۵ لغایت آخر سال ۱۳۰۹ تدریجاً یک هفتم از عواید مالیاتهای املاک اربابی را بعهده مصرف تعلیمات عمومی ابتدائی تخصیص دهند و عجالتاً لایحه مذکور با موافقت و تحت نظریه رئیس مالیه تهیه و تدوین گردیده است که بهیئت وزراء تقدیم و تحت مطالعه در آمده آخرین تصمیم قطعی را اتخاذ سپس به مجلس شورای ملی برای تصویب تقدیم دارند

لباس مخصوص

وزارت فواید عامه در صدد برآمده که برای مهندسین و اعضای دفتری راه سازی لباس مخصوص تهیه کرده و مهندسین و اعضای دفتری را به سه قسمت تقسیم کرده که ملبوس آنها از یکدیگر متمایز باشد و علاوه جیب یخه آنها نشانی ترتیب داده که حائز علامت مخصوص بیل و کلنگ میباشد و برای تصمیم فوق تعلیمات لازمه را صادر نموده که زودتر ملبوس و نشانها را تهیه و بین آنها تقسیم نمایند

مبادله بروات پستی

اداره پست آلمان از وزارت پست و تلگراف تقاضا نموده که سرویس مبادله ماندا پست (بروات پست) بین مملکتین ایران و آلمان بر قرار کنند. وزارت پست و تلگراف با نظریه فوق موافقت نموده و پیشنهادی تهیه کرده که بمقامات مربوطه برای تصویب تقدیم دارند

(تهیه مطبعه برای ناصری)

شرحی از وزارت معارف به هیئت وزراء اشعار گردیده است مبنی بر اینکه آقای میرزا مجید خان موقر متعهد شده است یکدستگاه مطبعه برای ناصری خوزستان که از هر حیث محتاج امور مطبوعاتی آن بواسطه عدم مطبعه نا منظم است وارد نماید برای مساعدت به مشار الیه وزارت معارف پیشنهاد مینماید مقرر فرمایند مطبعه و لوازم آن از حقوق گمرکی و راهداری معاف شود

یک از ضایعات بزرگ ادبی

جناب مستطاب خان برادر میرزا تقی علی محمد شاد که از ادبای عصر حاضر در هند و صرفیت شهیره شاعری در هندوستان بود در شام هشتم جنوری سنه ۱۹۲۷ در شهر پتنه در عمر متجاوز از هشتاد سال این جهان فانی را وداع فرمود رحمة الله علیه رحمة واسعه

- این ادیب بزرگ از فضلای نام ود از ایرانی نژادان هندوستان و دارای محبتی موفور بایران بود قصاید تشویقیه وطنی آن مرحوم مکرر در حبل المتین اشاعه یافته است مرحوم شاد از دوستان صمیمی ما بود. و در ۲۷ دسمبر که به پتنه رفته بودیم درشبه کانفرنس ملاقات دست داد، اداره حبل المتین ذمه دار است که بتائید نواب نصیر حسین خان خیال کاملاً شرح زندگانی ایشان را اشاعه دهد. اداره حبل المتین بباز ماندگان آن مرحوم خصوصاً نواب نصیر حسین خان خیال را سرسلامتی گفته طول عمر همه بازماندگان آن مرحوم را خواهان است.

اطلس ایران

جناب آقا میرزا محمد حسین خان مقیم اسلامبول مدیر کتابخانه اقبال در سعادت بالعالی جاده یلده اماره ۲ که در سابق نقشه ممتاز بزرگ ایران را طبع نموده بود که خیلی مقبول هم واقع گردیده بتازگی اطلس ملی ایران که حاوی جغرافیای مختصر و نقشه جات کوچک ایران است بشکلی خیلی مرغوب و طرز مطبوعات اروپائی با زحمات زیادی مادی و معنوی طبع کرده. و الحق خدمتی قابل قدر بمعارف ایران نموده است. هرکس طالب باشد به آدرس فوق مراجعه نماید.

[در مطبعه اتحاد نمبر ۱ — ۲۶ امری پوکر رود کلکته طبع و توزیع گردید]

«ج» تاسیس یکباب مدرسه فنی هوا پیمائی و آوردن طیارات تماشی برای تعلیم و تربیت طیاره‌چی و میکانیك‌چی ایرانی

«د» پذیرفتن لا اقل دو نفر شاگرد ایرانی بخرج مؤسسه یونکرس متناوبا از طرف دولت برای تحصیل اطلاعات و معلومات لازمه در کلیه شعب هوا نوردی خود

«ه» تاسیس یك کارخانه هوا پیمائی بزرگ برای تعمیرات لازمه طیارات در طهران و کارخانهای کوچکتری در سایر نقاط مهمه هوا پیمائی ایران

«و» تاسیس یك شرکت هوا پیمائی ایرانی مطابق قوانین ایران

«ز» درصورتیکه دولت بخواهد مؤسسه یونکرس متقبل میگردد که موافق دستور دولت خطوط ذیلرا دائر و برای اداره این امر طیاره‌چی و میکانیك‌چی ایرانی بقدر کفایت تعلیم و تربیت نماید

طهران مازندران طهران تبریز طهران مشهد

بوشهر محمره دزفول اصفهان یزد کرمان دزداب کرمان شاه سلطان آباد اصفهان پهلوی بندر جز مشهد دزداب طهران سلطان آباد بروجرد تبریز جلفا تبریز بسرحد ترکیه مشهد ، بسرحد ترکستان مشهد ، بسرحد افغانستان

«ح» بکار انداختن چندین دستگاه از طیارات بزرگ سه موتوره در تمام مدت امتیاز و لااقل در صورت لزوم یکی از آنها را بلا فاصله پس از تصویب و مبادله این قرار داد

«ط» در صورتیکه دولت ایران مایل باشد که نقشه برداری مملکت بوسیله طیارات صورت گیرد مؤسسه یونکرس متعهد است که برطبق قرار داد مخصوص وسایل فنی و متخصصین و طیارات مخصوص خود را که جهت این کار خواهد خواست باختیار دولت واگذار نماید و فقط مخارج خالص آنرا از روی صورت و قبوض دریافت دارد

(ی) ونیز مؤسسه یونکرس متعهد است که خط پستی هوائی چین را که در نظر گرفته است از طریق ایران (یعنی از مشهد طهران تبریز) قرار دهد

ماده ۹ انتقال این امتیاز بهر نحوی از انحاء بدون تصویب مجلس شورای ملی به شخص یا شرکت دیگری ممنوع و موجب الغای این امتیاز خواهد بود

ماده ۱۰ وزارت خانه های جنگ مالیه و پست و تلگراف هریك در حدود وظایف خود مامور اجرای این قانون خواهند بود

حبل المتین

[illegible] قرار داد فوق کاملا بنفع ایران ترتیب یافته و می توان گفت که در دوره قاجاریه هیچ قرار دادی تا آن که کاملا بنفع ایران تمام شده باشد بسته نیامده و این را نیز یکی از برکات عهد پهلوی اش باید گفت و از روی این قرار داد طولی نمیکشد که کارخانجات طیاره سازی و طیاره چیان کامل در خود ایران دائر و ما را مستغنی از خارجیان تواند ساخت راستی این نکته خیلی قابل توجه است هر دولت و ملت مستشار خارجی که می آورد و یا امتیازی که بخارجیان میدهد برای آن است که پس از چندی افراد آن ملت تربیت شده بتوانند از عهده همان خدمت بیرون آیند و این اصول در هیچیك از امتیازات ایران بخارجیان که بسته آمده مراعات نشده است ژاپون وقتیکه با مستشاران خارجی قرار و مدار می بست یك از مواد آن این بود که در مدت مستشاری باید فلان عده ژاپونی را بقسمی تربیت کنند که کاملا بتوانند از عهده آن کار در غیاب وی بیرون آید ولی ما می بینیم بیش از سی سال است مستشاران بلژیکی برای گمرکات آورده وملیونها پول به آنها داده هنوز چند نفر را هم تربیت نکرده اند که اقلا از این رهگذر و احتیاج برهیم اگر بر این اصول باشد تاقیامت محتاج بخارجه وزیر دستی آنها خواهیم بود چه طور شده که یك نفر مستشار خارجی در کابینه خاك ژاپون دیده نمی شود در هر صورت امید واریم از این به بعد در هر قرار داد که با مستشاران خارجه داده شود این اصول را مراعات کرده تا پس از چندی ایرانیهم از مستشاران خارجی یعنی ذل احتیاج نجات یابد الحق مواد این کنترات کاملا بنفع ایران و صرفه ایرانیان است

قابل تقلید

اهالی گیلان برای اظهار قدردانی از نظامیان مبلغ پانزده هزار تومان بین خود جمع آوری وتهیه نموده اند که یك عدد طیاره و دو عدد «کاترپیلر» واگون دستی ابتیاع و باداره قشونی بعنوان هدیه تقدیم دارند

حبل المتین

حس قدردانی یکی از ملکات فاضله ملی بشمار است ملتی که حس قدر دانی نداشته باشد سایقی برای پیش رفت ملکات فاضله آنان دیده نمی شود امیدواریم که این حس ترقی بخش در کلیه طبقات ایران زیاد شده تا پیشرفتی برای عموم پدید آید عجبا ؟ در همه چیز باید جنوب از شمال عقب مانده آرزوداریم که اینگونه حس قدر دانیها بین ساکنین جنوب هم ایجاد شود گویا ان نقطه مقابل خلیج فارس است وهر دو در ساحل دریا واقع اند اخلاق گیلان با اهالی خلیج خیلی

شباهت دارد حتی خوراك شان هم شبیه بهم یعنی بیشتر برنج است خوشبختانه می گوئیم ثروت اهالی خلیج فارس چندین برابر گیلانیان است آیا اهالی خلیج فارس بما حق خواهند داد ملامت کنیم که تا کنون چرا ابراز حسیات نداده اند آیا اهالی خلیج با اینهمه نگارشات حبل المتین ندارند چند فروند جهازات نموده برای دولت پیش کشند نمیدانیم اثری از کلمات حبل المتین برداشته آمده ویا اینکه ماده ازقابلیت اوفتاده است لذا از محترمین بوشهر لنگه و عباسی را خطاب نموده میگوئیم ای اقایان محترم آخرنه شما ازاین ملت اید ؟ نه دولت ازشما است ؟ چه ابراز حسیات قدردانی داده اید اگر گفته شود مقتدر نبوده اید همه تکذیب تان خواهند نمود ما براکت اباك را یکسونهاده بان اقایان محترم عرض می کنیم که شماهم از ملت ایرانید اگر بخوشی خود همراهی در پیشرفت به امور ملیه ننمودید مورث قدردانی همه برادران تان خواهد شد ورنه تازیانه غیرت شمارا بهابرازحسیات ملی خواهند کشانید و در تاریخ دنیا ملوم خواهید بود بشتابید در ترقیات ملیه به اولاد خویش اصول ایران پروری اتخاذ کنید دولت از شما است و شما از دولت نه او از شما جدا و نه شما از اوجدا توانید شد دوره بیعلاقگی وطن سپری آمد امیدواریم با بیش از این تشریح حبل المتین مجبور نگردد بس مناسب و با موقع است که به برادران گیلانی خود حواشی خلیج هم در کلیه بنادر بمعاونت بحری دولت دفاتر باز نموده تهیه وجه برای خریداری چند فروند کشتی و هدیه به دولت اقدام نمایند حیرت در این است که حواشی و معاونین قلمی حبل المتین هم تا کنون در خلیج ابراز احساساتی نفرموده اند اشکالات بحری مادرشمال بحمدالله مرتفع آمده با جدیت تمام دولت به تشکیلات بحری قیام خواهد نمود برای سواحل خلیج فارس ومکران و دریای ازاد ماهیچ اشکالی پیش نبوده و نیست فقط توجه دولت و ملت را درکار دارد اهالی خلیج بهتر میدانند که عمرانات این ساحل بیشتر به نفع انان تمام می شود و عمرانات ساحلی ما جز در سایه اداره بحری و جهازات جنگی صورت نتواند بست اهالی خلیج راست که با حس قدردانی توجهات دولت را به عمرانات ساحلی معطوف ساخته منافع عمده حاصل نمایند -

ایضاً قابل تقلید

نظر باینکه سفارت جماهیر شوروی بوسیله وزارت امورخارجه تقاضای ارسال مقداری کتاب کلاسیکی برای مدارس جمهوری مملکت تاجیك نموده بود وزارت معارف کتابهای مزبور را بوسیله وزارت خارجه ارسال داشته و سفارت معزی الیها اظهار امتنان نموده است

حبل المتین

هرکس از اوضاع تعلیمی هندوستان واقف باشد تصدیق خواهد نمود که بزرگترین وناقص ترین کلاسهای تعلیمی مدارس هندوستان همانا کلاس فارسی است باید دانست که فائده تعلیم یك زبان عمده اش تبادل افکار بذریعه مراسلات و یا مکالمات است ولی در کلاسهای فارسی مدارس هند ابداً مراعات این مسئله نشده هیچ یك از شاگردان بلکه پروفیسرهای یونیورسیتیهای هندوستانهم در تبادل افکار خود با یك نفر ایرانی عاجز می مانند اگر یك مراسله از ایران به هندوستان فرستاده شود و در کلیه مدارس هند بگردانند نه معلم و نه متعلم مطلب اورا درك نتواند نمود و همین قسم است اگر یك فارسی دان هندوستانی خطی در فارسی به ایران فرستد از این سرتا آن سر ایران کسی یافت نخواهد شد که مطلب آن خط را درك نماید و این نقیصه بزرگ از آن است که در مدارس هند معلمین ایرانی بکر بطور نادر یافت نمیشود وکتب تعلیمی شان این انتخاب ازکتب هزار سال قبل است وهیچ متذکر نمیشوند که زبان هر قوم اولا درهریك قرن انقلابات ادبی میکند معلوم است که مولفات و مصنفات ۱۰ قرن قبل کافی ازادبیات عصر حاضر و اصطلاحات موجوده که سبب تبادل افکار تواند شد نیست ازاین است که شاگردان مدارس هند بهلهجهٔ فارسی یاد میگیرند ونه اصطلاحات جدیـد را می فهمند و نه وضع ترکیب عبارات فارسی کنونی را ملتفت میشوند ملیونها صرف کلاسهای مدارس فارسی در هندوستان میشود مثل زمان اخیر ناصرالدین شاه که مبالغی صرف دار الفنون طهران میشد بطریق ماست مالی میگذشت

ما تصدیق داریم که اینقدر معلمین ایرانی که درهر مدرسه درکلیه هند تعیین شوند بدست نمی آید علاوه براین مواجب معلمین ایرانی نسبت به هندوستانی بیش است و از این رو خیلی ازمدارس بملاحظه صرفهجوئی کوشش بدست آوردن معلمین ایرانی نمی نماید و بهمین جهة است که رفته رفته نفوذ زبان فارسی از هند مرتفع می گردد وکم کم تعلیم زبان فارسی را تضییع اوقات دانسته بلکه مضر تصور می کنند پروفیسرهای اسلامی و قائدین مسلمانان باید بدانند که این اصول تعلیم زبان بزرگ برای مسلمانان دارد و رفته رفته زبان فارسی که زبان ادبی ومذهبی واخلاقی کلیه مسلمانان هند است از مدارس خواهد بیرون شد چنانچه قسمی که از کلیه عدالت خانهای هند بیرون شد هنوز دفاتر

قابلیات عدالت العالیه کلکته به فارسی موجود است وبواسطه همین قیمه، بود که زبان فارسی حتی از دفاتر دولتی حکومت جلیله امارت اسلامی حیدر آباد دکن هم مرتفع گردید همین حال را دارد تعلیمات کلاسهای عربی درمدارس هند که انهم بتدریج ازبین خواهد رفت در آنصورت اردو هم که تکمیلش بدانستن زبان فارسی است ناقص خواهد ماند اخلاق اسلامی الدك الدك تعلیم یافتگان مدارس جدید را وداع خواهد گفت و مجبور خواهند شد بتعلیم کلاسهای هنود و خواه مخواه از آنها عقب خواهند افتاد و در تعلیم کلاسهای هندوی مانند سنسکرت و هندی وغیره هرگز اطفال مسلمان با اطفال هنود برابری نتوانند نمود وقتیکه در تعلیم عقب ماندند در مدارج نیز عقب خواهند ماند قائدین اسلامیه هرگز توقع نه نمایند که اصلاح این نقیصهٔ تعلیمی را اولیای حکومت هند برای آنها بنمایند بچند جهة اول اگر اولیای حکومت هند که عمده شان انگلیس اند و انگلیسان مشکل است پی بسه این حقایق کاملا ببرند اگرچه، برخی برخلاف این عقیده اند ومیگویند انگلیسیان پی به این نقیصه برده چه می بینیم هیچ انگلیسی نیست که تعلیم فارسی را از یك معلم هندوستانی بگیرد کوشش میکند با مواجب زیاد یك نفرمعلم ایرانی بدست آورده تعلیم حاصل می‌کند این است که دیده میشود که یك انگلیسی که یکی دو سال انهم هفته چند ساعت تعلیم فارسی یافته بهتر احاطه بزبان فارسی امروزه پیدا نموده است از پروفیسر های هندوستانی از این رو معلوم میشود انگلیسان بخوبی پی به این نکته برده عمداً یا سهواً یا بواسطه اشکالاتی که در پیش است توجه باین مسئله ندارند و شاید هم داشته باشند چه اثرات نفوذ زبان را نیکو میدانند وخود واقف اند که اهالی هندوستان خواه هندو یا مسلمان اخلاق ومعاشرت شان بهیچ قوم و ملتی مانند ایران نزدیك نیست اگر تعلیمات ایرانی هم بیابند چندان برای آنان مقتضی زمان نیست باایهمه بیتوجهی و نقیصهٔ تعلیم فارسی در مدارس بازهم دیده میشود باندازه که فارسی دان امروزه هم در هندوستان است انگلیسی دان نیست نهایت فارسیشان ناقص است و از این تعلیمات خود فائده نمی گیرند پس رفع این نقیصه ذمه قائدین اسلام است که سررشته تعلیم مسلمانان هم که تا یکدرجه در کف آنان می باشد و آن به دو صورت ممکن است

اول — بدست آوردن معلمین ایرانی برای کلاس های فارسی مدارس یا لااقل برای هر یك از یونیورسیتهای هندوستان چند نفر پروفیسرهای ایرانی بگذارند تا تعلیم کلاسهای عالی یونیورستیها از روی صحت بشود واگر این امر ممکن نگردد بهترین اصول همان است که جماهیر سوروی روس برای مدارس تاجیك نموده یعنی کتب تدریسهٔ آن مدارس را همان کتب تعلیمیه مدارس کنونی دولتی ایران قرار داده چنانچه سفارت کبری روس ازوزارت خارجه طهران کتب مدارس کلاسی را خواسته و وزارت خارجه ان کتب را هدیتاً به سفارت روسیه تقدیم داشت اگر قائدین اسلام نیز توسط دولت انگلیس از وزارت معارف ایران بخواهند وزارت معارف با کمال امتنان هدیه خواهد نمود باید دانست که از این ببعد روابط تجارتی وصنعتی ایران با هند خیلی زیاد خواهد شد و طرفین محتاج تبادل افکار بیشتر خواهند گردید وتبادل افکار جز به دانستن زبان یك دیگر صورت نتواند بست خوب است ارباب حل و عقد معارف اسلامی هندوستان به این نگارشات نظر توجه بنمایند و ما در آینده نزدیك در این زمینه انچه لایق ذکر باشد خواهیم نگاشت ارباب جرائد هند راست که هرقدر می توانند در این زمینه قلم فرسائی نموده راه حل تضیع اوقات گرانمایه اطفال را پیدا کرده ونگذارند که سالی ملیونها که درتعلیم فارسی صرف میشود بهدر رود

در باب بیان اخیر شاه

غالب روزنامهای مرکز بیان اخیر شهریار ایران را درج و حبل‌المتین هم در شماره اخیر نقل از انها نموده بود

خلاصه بیان شاه در روح مهمل کاری و حد ایرانیهای این عصر بود و اینکه باید رزایل صفات از مردم زایل شود تا مورد توجه شهریار ایران گردند و خلاصه رای حبل‌المتین این بود که باید قانون جزای عرفی در مملکت جاری گردد تا رزایل اخلاق را شست و شو دهد

بدیهی است خوانندگان متن هر دو را در نظر دارند چه بیان شهریار ایران بیانی است که بعد از یك قرن والیم آسمان ایران ازدهان یك تاجدار یك چنین بیانی شنیده و چون بیان مذکور ازدهان تاجدار شجاع وطن دوستی است میتوان امیدوار بود که از درجه معمولی حرف یا از ردیف سخنان لغز یا از طبقه فرمان یا فرمایشات عادی ملوکانه مندرسه صد و پنجاه ساله که ماها عادت بشنیدن کرده‌ایم تجاوز کرده و در شاه راه حقیقت و عمل گذاشته گردد و راستی راستی از توجه خاص شاهانه اخلاق و عادات مذمومه که هیکل ایرانیت را آبسله دار نموده است ازمیان برداشته شود

رای حبل‌المتین همچنانیکه در شماره اخیر درج آمده این است که علاج اخلاق سوء را قوانین جزای

عرفی واجرای آن مینماید هر چند این رای در کیلت مطلب مدخلیت تام دارد و در مورد خود صحیح است اما در جزئیات آن مطالب تمام نگردیده و به عقیده نگارنده لازم است در اطرف بیانات شاه بیشتر گفتگو نموده و ان را درمیزان سنجش نهاد

هرکس نظر سطحی به تاریخ ایران اندازد می بیند که هر وقت در ایران یك شهریار کشور دوست ملت پروری پیدا شده ایرانیان آن دوره مدارج ترقی را پیموده و برخلاف هرگاه دوچار یك شاه بی عرضه شده اند بدرکات تدنی رسیده اند

این دوره هم هر چند دنیا کلیه تغیر کرده اما ایرانی از مدار حرکت خود چندان تغیر نیافته و بی سوادی عمومی و جهل انها را مربوط بهمان اسناد تاریخی میسازد و همان طوری که بعقیده من این عبارت عربی الناس علی دین ملوکهم هر چند عربی است اما اسلا دخلی بروح عرب ندارد و همان ساخته و پرداخته روح ایرانی است امروز هم مردم به دین شاه خود هستند یا به مسلك و رویه شاه خود خواهند بود و هرگاه نیت شاه تغییر یابد و رویه شاه نیکو گردد و دربار شاه اصلاح شود بهمان اندازه سبك و رویه و زندگانی ملت اصلاح خواهد شد

هرگاه دردربار شاه کریم شیره وشیخ شیپور راه یابد خود به خود دردهات ایران مسخره و حقه باز رطرف میشود و در دستگاه اعیان ایران مسخره‌چی راه نمی یابد

هرگاه روضه خوان و مرشد درخانه سلطنتی عامل عزل و نصب حکام نگردند کسب بی صنعت مرشدی و روضه خوانی حالت دیگری پیدا خواهد کرد

مختصراً هرگاه شاه ایران خوب شد همه ملت ایران خوب شود وانوقت بعد بلوغ رسیده حوائج زندگانی خود را در دنیای امروز خواهد فهمید و یحتمل پس ازان از تحت قیمومیت شاه بیرون تواند آمد واوقت دارای رای مستقل خواهد گردید

راست است اجرای قانون جزای عرفی خیلی از بدکاریهای حالا جلوگیری میکند اما نمی تواند جلوگیری از شیوع دروغ و کج حسابی و مذبذبی و شارلاتانی وبی ایمانی و بالاخره بی همه چیزی نماید وگر قانون آن قوه را دارا باشد بدرد حالای مردم نمیخورد سالها بایست تامردم تربیت شده و پرورده گردند اما علاج فوری مرض کشنده بداخلاقی بدست شهریارایران‌است اگراعلیحضرت پهلوی‌ونزدیکان‌دستگاه شاهی از دروغ‌گوها ازمتملقین ازدعاگویان از بی کاره‌های وظیفه خوار دوری گزینند اگر امر شاهانه صادر شود که نوکرهای درخانه دردکانهاکه برای خرید میروند اول پول داده وقیمت خرید خودرا بپردازند بعد مال خرید شده را تصرف نمایند و برای این کار جاسوسهای خیلی سری مقرر فرمایند و هریکی از نوکرهای شاهی که مرتکب خلاف گردید به جزاهای سخت برسانند نگارنده ایــن مقاله قــول میدهم که بعداز دوسال در همه ازار اصفهان دو نفر بدحساب پیدا نشود این مطلب چندان محتاج به دلیل نیست که هرگاه در دربار شاهی قاعده جاری شد یا بقول طهرانی ها چیزی عود گردید اعم از اینکه آن چیز بد باشد یا خوب ضرر داشته باشد یا نفع فوری بدستگاه اعیان طهران سرایت میکند و تلگرافا به دستگاه اعیان بسلاد رسیده حس تقلید ایرانی بعد از اندکی آن را به خانه ریش سفیدان وکلانتر آبدهات نقل میدهد ملاحظه نمائید درویش از دستگاه شاهان قاجار برخواست لاابالی گری و بی اعتنائی به مقدسات وطن و تملق گوئی و تملق شنوی واتکال بخارجه از دستگاه ناصرالدین بلند شد سالوسی و جادار اینکشی نتیجه ضعف نفس مظفرالدین شاه اقی ماند حتی رواج روضه خوانی به این درجه که امروزدائراست بدون شرائط شرعی ازمان مظفرالدین شاه به بعد شد چونکه شاه مذکور حتی روضه خوان را همراه برد به فرنك و درقطار راه آهن روضه خوانی کرد ورنه قبل ازان روضه خوانی مخصوص موقوفات و در تکایا وحسینیه ها بود نه در هر خانه و همه وقت و حتی در جلسات عیش و آن هم با این اوضاع حاضر بنابراین و از تجربه گذشته میتوان گفت که روحیات شخص شاه در ملت ایران اثر کلی دارد و چون شخص شاه ایران همیشه مرجع تقلید ملت ایران است مقام وی و مسؤلیت او درپیشگاه خدا و خلق و وطن خیلی است و شاید آفتاب ایران برسری نتابد که بقدر تارك شاه زیر بار مسؤلیت روحی و اخلاقی ملت ایران باشد

بهر حال چه قدر مسرت آور است وقتی شخص سخنان متین که خود سنك بناهای متین خواهد شد از شاهنشاه محبوب بشنود امیدواریم همانطور که اعلیحضرت دربیان خود میفرمایند باید این خصائل بد از میان برود و این کلمه وطن خواهان را امیدوار بآینده کشور ایران مینماید ابتدا به درباریان توجه فرموده و از ابتدا اهل دربار خودرا مستعد فرمایند سپس بحکم لزوم تمام مملکت پیروی از شاه محبوب خود نموده و از این راه جاده ترقیات ایران بیشتر صاف شده و مستعد از برای تربیت‌های دیگر که در مغزن خیالهای اعلیحضرت پهلوی است میگردد

یکنفر صادق

دزفول

لاامنی و اغتشاش اطراف دزفول کسب اهمیت و وخامت کرده و کلیتاً از این جهت و ازجهت قلت آذوقه وتعدیات بیموردیکه در این مدت باهالی وارد آمده عموما بحالت عسرت و پریشانی افتاده اند

طریق ایاب وذهاب دزفول با هرجا مقطوع است حتی باهواز هم کسی توسط (اتوموبیل) نمیتواند عبور نماید ، ازطرف خرم اباد تا پل دزفول بیشتر کسی قادرنیست برود . چاروا از حدود شهر خارج و یا از پل عبورکرد مورد حمله وغارت الوار ارستان خواهدگردید

(صادق خان حسن) همان دست پرورده (خزعل) که همه وقت شرارت کرده وظاهراً خود را مستخدم دولت قلم داده عده از الوار را دور خود جمع و ازقوای ساخلو دزفول ماهی هفتصد تومان نقد و پانصد قبضه تفنگ خواسته و در صورت نپذیرفتن شرط عهد نموده که تمام اطراف را غارت نماید تا ارتباط دزفول با قراء و دهات اطراف کاملا مقطوع گردد

اهالی دهات دزفول برای حفظ خود ازقوای ساخلو تفنگ خواسته و چند قبضه گرفته اند

برای قشونیکه به (کیالان) رفته و در انجاها ساخلو ودربرجها هستند چند فقره اذوقه فرستاده شده که باقاطر وشتر الوار برده اند

این اغتشاش و نا امنی وشرارت الوار را نمیتوان بی اهمیت شمرد ونباید خالی ازبعضی اغراض دانست ، خوب است اولیای دولت پهلوی یك فکراساسی برای اطفاء نائره لرستان و استخلاص دزفول از شرارت انها بنمایند

*

دزفول در منتها درجه بیچارگی و نا امنی است و بالاخره ازهر نقطه نظری که باشد تولید اشکالات بزرگتری خواهد کرد و بهرچه زودتر است باید قلع ماده بشود و اسایش رعیت فراهم و واقعیت پیدا کند ما این انقلاب و اغتشاشات را ساده وبی اساس نمیدانیم

§ توخود حدیث مفصل بخوان ازاین مجمل §

شکار دراج در شوش

از ۱۹ دی الی ۲۸ مسافرین زبردست جنوبی ایران از اهواز بطرف دزفول بعنوان شکار دراج مسافرت کرده ودرشوش و حوالی آن مانده وبا بعضی ازخوانین و اشخاص دیگر ملاقاتها وگردش هائی کرده که شرحش را باید بمحول بسرعت انتقال اولیای امور داشت

این مسافرتها و شکار دراج درخوزستان را باید بانظر اهمیت نگریست ، ونباید خالی ازمقاصد تصورکرد

کوچکترین نتیجه آن انقلابات شدیده لرستان و جرئت وجسارت الوار است که تاکنون توانسته اند طریق فیمابین خوزستان و لرستان را مقطوع . و در مقابل قشونیکه مشغول عملیات گردیده مقاومت و چند فقره آذوقه انها را غارت نمایند

مامورین محترمیکه عهده دار و مسئول نظارت و مواظبت اینگونه مسافرتهای خطرناك بنام شکار دراج هستند نباید تا این اندازه غافل از ترتیبات بشوند

الی اگر نفوذ اجانب را باسنوات قبل خوزستان مقیاس بگیرند خواهند دید که کفه ترازوی امسال از سابق پارسنگش زیادتر خواهد بود

ما خائفیم از اینکه این انقلابات و اغتشاش سرتاسر خوزستان رامهرمز فرا گرفته مورد صدمات غیرمنتظره گردد

واقفین رموز میدانند که تیریکه برای (دراج) شلیك میشود یك تیر و چند نشان است که قلوب بیگناه باید هدف نشانه شود

از اولیای امور امیدواریم که بجزئیات توجه کرده تا بتوانند ازعهده کلیات برایند انشاء الله اگر بازادی قلم اطمینان حاصل شد ماهم مطالب را بی پرده برای قارئین کرام خواهیم انگاشت

همین قدر بطور اشاره گفتیم که نتیجه شکار رفتن بشوش و شکار کردن (دراج) برای آتیه شاید مفید نباشد وبهتر است که اولیای امور بیدارکار باشند

رامهرمز

وضعیات رامهرمز و حالت اهالی این شهر رقت انگیز و اسف آمیز است حکومت نظامی با سلطان اسکندر خان مهندس و رفتار ایشان با مردم بنحوی است که غالباً اشخاص مشغول متواری و فراری شده اند معلوم است حکومتی که هر چند روز یکمرتبه تبدیل شود با اهالی آن محل چه نوع رفتار خواهد کرد ؟

حکومت نظامی بر هر شهریکه تحمیل گردد اثر آتش از هر حیث زیادتر از زمان قدیم و سی سال قبل است که رعایا را بحکام میفروختند در رامهرمز نیز وسیله فرار و استعلاج نیست هرگاه توسط تلگراف یا مسافر خواسته شود که بنقاط و مقامات مربوطه اطلاع داده شود جلوگیری و جرم جریمه گرفته خواهد شد در مقابل ظلم و ستم هم که سکوت جایز نیست برفرض از شکایت نتیجه معتدبه حاصل نتواند گردید

علاوه بر اینها رخنه مفسدین مغرض هم مباشر و راه نمای مظالم و آتش تعدیات را دامن میزنند و از دخل های نامشروع آتیه خویش را تامین مینمایند

در این چند روزه باز صدای ماشیان و شرارت حسین خان بهبهانی بلند و اطراف بهبهان را نا امن کرده است حتی شعله خانمانسوز آن به شهربهبهان هم رسیده است از طرف اداره قشونی درصدد رفع و دفع او برآمده و امید است که فاتحانه قلع این ماده فساد را کاملا بنمایند

معلوم نیست که ظهور اینگونه انقلاب و شرارتها که در اطراف بلاد بوسیله اینگونه اشخاص طلوع مینماید بدستور و تحریک چه اشخاصی است اولیای امور چگونه بخواب غفلت رفته و نقطه انقلابات را کشف ننموده ملت را آسوده نمی نمایند ؛ و الا مدت زمانی بود که اشرار و الواط در زوایا خزیده و از قوت و اقتدار دولت آرمیده بودند کنون مشاهده میشود که فیلشان را یاد از هندوستان آمده خدایا زین معما پرده بردار

خبریهٔ خوزستان قسمت عدلیه

بهر حال اموراً عرض شد که مقصود من از مقاله و خبر نگاری کشف حقایق است ولو مرامم ثل خدا داد خان از خوزستان به بی دینی و انتقام کاری بیرون کنند معترض نه تنها به امثال من مخبر بینوا اعتراض دارند بلکه به نامه ملی حبل المتین اعتراض وجسارتشان شدیدتر است که چرا اخبارات صحیحه را بی پرده درج مینماید موقعیکه خداداد خان بیچاره مسلک دیرینهٔ حبل المتین را تعقیب و عقیده خود را در تحت (نوعیت قائم است وشخصیت زایل) بی پرده نگاشت همین اشخاص که فعلا مخالف مقاله خبریه من هستند در تفحص و تجسس افتاده بیشتر رئیس سابق عدلیه و بعضی اعضاء عدلیه طرف سوءظن انها بود زیرا که در انموقع کفیل حکومت حالیه نظامی خوزستان اصلا وجود عدلیه را مخالف خود دانسته عدلیه که عدالت خانه مملکت ودر تحت دیسیپلین اداری حافظ حقوق بندگان خدا وعایدات ان کاملا دینار آخر ؛ ون یکقاز حیف میل بخزانه دولت یعنی مالیه تحویل میشد در ناصری که مرکز خوزستان و در آن موقع وحالیه بمقتضیای وقت امکان داشت که احقاق حق مردم را بنماید بکلی به شوشتر کوچ داده و عایدات عدلیه کل خوزستان تصور میکنم به ماهی ده پانزده تومان کمتر یا قلیلی بیشتر برسد و بودجه آن قریب چهارصد تومان زیرا که وقتی مردم دیدند حکومت برخلاف عدالت خانه مملکت قیام نموده بکلی جرائت مراجعه بان ندارند محاکم عدلیه خالی ولی مجالس حکومت مملو و بحمدالله معطل نیست بعد از رفتن سرتیپ فضل الله خان زاهدی اقلا ده قاضی بشرط انکه برخلاف رای حکومت هیچ حکمی ندهند عوض و بدل گردیده شخص بدبخت بیچاره اظهار میکرد که تا کنون طلبم وصول نشده و مدیون را الزام به تادیه طلب من نکرده اند ولی تجاوز از صد لیرا در تغییر و تبدیل قضاة دادهام بیچاره این را هم خیلی آهسته درد دل می کرد بعد از رفتن سرتیپ فضل الله خان حکومت نظامی خوزستان آقای عمارلوئی کاملا به خنگ حکمرانی بلا مانع سوار شدند در واقع دواسبه تاخت و تاز میفرمایند وایشان هم بقول ترکها خیلی (سرکش) است اگرچه ملت خوزستان رهین سرتیپ فضل الله خان هستند ولی چیزیکه اسباب قدرمدانی انها از خدمات ان ساحمنص فداکار گردیده یك چنین شخص است به کفالت حکومت نظامی خوزستان سرتیپ فضل الله خان اگرچه خدمات گرانبها در خوزستان به ملت و دولت کرد چنانچه نامه حبل المتین شاهد خدمات زمان حکمرانی اوست ولی انتصاب این کفیل محترم بدون امتحان و خیلی بیجا بود زیرا که بعد از سرتیپ فضل الله خان برهمه ادارات و اهالی خوزستان ثابت گردید که اقای کفیل عدلیه خوزستان را بحالت وقفه در و قم منحل فرموده و شخص سرتیپ مذبور درمورد عدلیه گناهی نداشت اگرچه من هم با نوعیت قائم و شخصیت زایل است با خدا داد خان موافقم ولی من تابع کل و هر رژیمی را که شخص پهلوی در رأس ان قرار گیرد آنرا برای ملت ایران سعادت میدانم البته ملت تبریز وادربایجان که قائد نهضت ملی و همیشه پیش خیمه سعادت ما بوده اند خیر عموم را از بنده تنها یا یکنفر دیگر بهتر میدانند و البته حکومت خوزستان هم مقاله بنده را نمیتوانند باولیاء امور مشتبه کند و نگویند که برضد سیاست دولت قلم فرسائی نموده و خداداد خان نوعی را به یکنفر شخص بی گناه بسته واورا ازخوزستان بر انند و یا انکه یکایك اعضاء عدلیه را تنها و در پرده حاضر نموده استنطاق و تهدید فرمایند ویا انکه اعتراض حق شکنانه و یا جسارت بی جابه نامه کهن سال حبل المتین فرمایند

عجب در کدام مملکت که دارای قانون عدالت و مساوات است این حرف ناحق را نسبت بدهند که بگویند عدلیه دریك نقطه مخالف سیاست اندولت است و البته هرگاه این کفیل محترم میتوانست این حکم را نیز درباره مالیه جاری میفرمودند زیراکه مسلك ایشان این است که مالیه را هم در خوزستان برضد سیاست دولت میدانند همینطور که چنانچه عمایات ایشان پرده را نالازده و دخالت های بی جا هم خواست در امور مالیه بکنند نتوانست زیرا که ازیك طرف پیشکار مالیه میرزا یوسف خان (مفخم السلطنه) بود ومالیه بدست او می افتاد که واقعاً حقوق دولت را از دست برد انها محفوظ میداشت از طرف دیگر چند نفر اژدها بباسم کمسیون اعزامی (از طهران از طرف رئیس کل مالیه ایران دکتر میلسپو که واقعاً حیات ایران را بمساعدت اعلیحضرت پهلوی به کف کفایت خود گرفته و میتوان گفت که دوستدار بشر است واداء وظیفه حق [illegible] وارد خوزستان گردیدند در موقع خطرناك خوزستان هم خواستند مالیه و

کمسیون را برضد سیاست دولت در خوزستان قلم دهند متأسفانه نشد اگرچه میگویند کمسیون مالیه تا کنون در خوزستان کاری نکرده ولی این اشتباه است خدمات کمسیون قریبا نتیجه بخش و آتیه ان درخشان تراز افتاب خواهد بود :

همین قدر در ضمن مقاله خبریه خودم عرض میکنم که سیاست خوزستان خیلی تاریک وزمام امور مردم بدست یکنفر حکومت آخوند مسلك تازه فکر و فرماندهی قشون او بدست یکنفر جوان بی تجربه و چند نفر صاحب منصب جوان منفعت پرست است آبادان تنها بعد از سرتیپ فضل الله خان تا حال باید چند نفر حکومت عوض و بدل شده باشد و هر یك جیب و بغل را برای خوش گذرانی و افعال ناپسند و اغفال دولت پهلوی مشغول و ابدا اعتنائی باین کفیل محترم ندارند اول اقدام حاج اسد الله خان حکومت نظامی آبادان تبعید چند نفر آزادی خواه و کاسب بیچاره که بر ضد منافع خود میدانست بوده اول قدم اوگرفتن سیصد چهارصد لیره رشوه ازمهاجرین رسومات دولت و اخلال در امور تحدید که دو منبع بزرگ مالیه است بوده ـ

§ گر حکم شود که مست گیرند §
§ در شهر هر انکه هست گیرند §

امروزه روسای مالیه در ایران سلطنت استبدادی دارند نه ریاست ـ و در کابه امورات کیف مایشاء میباشند

حتی عایدات بلدیه ها و نواقل وغیره را باسم اینکه تمرکز هر عایداتی باید در مالیه باشد تصرف و ضبط مینمایند

مخصوصاً استفاده های شخصی هریك از اجزای مالیه در اول سال است که باسم قنطرات واجاره دخل های غیر مرئی مینمایند ـ ولی چون تمام ادارات بانها احتیاج دارند کسی نیست که تفتیش کرده جلوگیری نماید

ما اولیای امورا دعوت مینمائیم بخوزستان که نظری دقیقانه انداخته و کشفیات حیرت انگیزی بنمایند

اگر اجزای مالیه ازروی قانون استخدام حقوق دارند پس اینهمه ذخایر هنگفت و مصارف بی اندازه و مفت از کجا است

مثلا مامور دروازه که ماهی دوازده تومان حقوق دارد درماهی شصت الی صد تومان مخارج مینماید ـ ایا ذخیره و اندوخته دارد که بمصارف غیر مشروعه میرساند یا از همین حقوق جزئی اداری است

از دیاد فقر

در خوزستان نسبت بسنوات قبل صدی پنجاه فقیر و متکدی زیاد شده و بقدری مصر و مبرم اند که ما فوق ندارد ـ این عده متکدیان از طفل پنج ساله الی پیرمرد هفتاد ساله اند روی بلدیه های خوزستان سفید باد ـ که به چشم دیده و علاج نکرده برعده انها بیفزایند ؟

رامهرمز

حکومت رامهرمز با اسکندر خان مهندس سلطان چندی است واگذار گردیده عملیات شدیده ایشان باعث گفتگو جنجالی از اهالی است که همه روزه دسته دسته باهواز رفته و تظلم مینمایند بعضی از مغرضین هم که لباس تجارت در برکرده مدد وراهنمای حکومت می باشند ـ مخصوصاً در مداخلات در امورات قضائی وحقوقی اصرار فوق العاده بخرج داده ـ ده یك و ده نیم را زودتر از سائر وجوهات وصول می نمایند چون رامهرمز واقع است

ورود به خوزستان

سرتیپ محمدحسین میرزا رئیس ارکان حرب لشکر جنوب روز جمعه ۹ بهمن ماه ـ پنج ساعت بعد از ظهر باهواز وارد گردیده ـ از طرف روساء دوائر دولتی از لشکری و کشوری مراسم استقبال بعمل آمده ـ تجار ـ و اصناف و شاگردان مدرسه [خیام] نیز شرکت نموده ـ معظم له در مقابل صف متعلمین مدرسه خیام پیاده شده واطفال را نوازش کرده ـ در لباس و نشان انها دقت فرموده بمدیر مدرسه دستور دادند که کلاه سیاه را بدل به کلاه پهلوی و نشان ستاره را بشیر و خورشید تبدیل نمایند

سرتیپ محمدحسین میرزا برای تقویت لشکر غرب و سرکوبی الوارلرستان آمده دوسه فوج قشون نیز همراه دارند ـ عده قشونی که از بوشهر به محمره و از محمره باهواز عزیمت یافته ششصد نفرند از طریق بهبهان نیز معروف است که عده دیگر وارد خواهد شد ـ

شکست الوار

بقراریکه مشهور است الوارلرستان و خرم اباد شکست فاحش یافته عده دستگیر وعده تسلیم ومابقی فراری شده ـ طریق تجارتی خرم اباد مفتوح گردیده مذکور است غنائمیکه از الوار بدست آمده و دزفول آورده اند بجبران خسارات وارده به تجار خسارت زده خواهد داد ولیکن نظر باینکه تجار دزفول غالباً متشرع میباشند احتمال داده نمیشود تماماً یا بعضاً قبول نماید

محتمل است که کلیه الوار را کوچانیده و در نقطه دیگر ایران جای دهند که در آتیه از شرارت

انها آسودگی حاصل باشد و طرق و شوارع برای کشیدن خط آهن ایران امنیت کامل داشته باشد .

شعبه عشایری

بتازگی در بعضی از بلاد خوزستان شعبه های تحقیق حکومتی (مانند اهواز) مبدل شده بشعبه عشایری - میگویند برحسب پیشنهادیکه بمرکز شده از طرف اعلیحضرت پهلوی فرمانی صادر گردیده که امورات عشایر در تحت نظر قشون باید تصفیه گردد - وحتی کارهای حقوقی را نیز نباید بمرکزان که عدلیه است محول دارند - از این سبب ایجاب مینماید که شعبه عشایری تشکیل و یك نفر هم بنام رئیس شعبه عشایر مامور باشد

ازاین رو معلوم میشود که عشایر ایران منحصر بساکنین اعراب خوزستان است و در نقاط دیگر هیچ طایفه وعشیره نیست

پس لازم می آید که دولت هم یك وزارتخانه تاسیس و بنام وزارت عشایر موسوم دارد

واصل هشتم قانون اساسی که مینویسد [اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود] بیجهت نوشته و متساوی الحقوق نخواهند بود - یعنی برهر فرقه وهر عشیره باید یك نوع حکومت کرد - وبعبارتاً اخری مساوات وحریت در ایران نباید فرمان فرما باشد -

حسب الامر

کلمه حسب الامر کلمهٔ است که در ایران بتازگی بصورت قانون جلوه‌گر و روح قانون را از کالبد خود خارج و متواری می‌نماید مثلا در اول سطر هر مراسله ئیکه نوشته شود [حسب الامر] نویسنده وخواننده هر قدر هم قوی القلب باشند میفهمند که این عبارت حتمی‌الاجری و هیچ قانون وقاعده مملکتی نمیتواند با این کلمه برابری کند - چرانکه شخص خواننده متکی بااتکای محکمی باشد و جواب بگوید که مادر قانون این کلمه را ندیده‌ایم - و حالیه میشنویم ؟؟؟ پس باید این کلمه رامورد توجه قرار داده مهیای حسب الامر بود ؟؟

توسعهٔ ضرابخانه

ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که مبلغ ۲۲۵ هزار تومان جهت خرید ماشین آلات جدید و ساختمان ابنیه تازه برای توسعه ضرابخانه بمصرف برساند .

ماده دوم - این اعتبار از محل عایداتی که در سنه ۱۳۰۵ بابت شمش و مسکوکات علاوه برعوائد پیش بینی شدهٔ ۱۳۰۵ ضرابخانه حاصل میشود تادیه خواهد گشت

از رنگون می‌نویسند

(تبریك بالله روز تاجگذاری اعلیحضرت رضا شاه)
(پهلوی کل ممالك محروسهٔ ایران خلدالله ملکه)
[آقا عبدالوهاب اصفهانی متخلص بعاصی انشاد نموده است]

§ ای برفراز تخت کیان تاجدار نو §
§ وی برسریر کشور جم شهریار نو §
§ در گلشنی که بد زستم سالیان خزان §
§ آمد زیمن معدلت تو بهار نو §
§ شاه کهن سزد که شود از پیاده مات §
§ چون رخ کند بعرصهٔ کین شهسوار نو §
§ خشکیده بود جوی دیار کیان تمام §
§ کردی روان تو از سر نو جویبار نو §
§ بگذشت روز گار کهن تلخ تر زرهر §
§ آمد دوباره همچوشکر روز گار نو §
§ بیغمگسار مام وطن بد تباه حال §
§ آمد بغمگساری او غمگسار نو §
§ از بسط قدرت تو که بد همره قضا §
§ ملك کیان گرفت زسر اقتدار نو §
§ سرتا سر دیار کیان کهنه بد رنظام §
§ اکنون زفیض عدل تو گشته دیار نو §
§ جمهوریت گذار پس از خویش یادگار §
§ تا ماندت بملك کیان یادگار نو §
§ چون برهزار وسیصد وچل چارشد فزون §
§ بنشست بر سریر کیان تاجدار نو §
§ باشند جان نثار تو ایرانیان تمام §
§ (عاصی) بود بحضرت تو جان نثار نو §
§§ زیبد بفرق اقدس تو تاج خسروی §§
§§ تخت کیان سزد برضا شاه پهلوی §§

اوضاع دیلم

در اثر خبر مسرت بخش تفویض سلطنت بـه اعلیحضرت پهلوی از طرف عموم طبقات جشن و چراغانی قابل تقدیری که سه شبانه روز امتداد داشت منعقد

آقای نایب عبدالله خان در اداره ساخلوی آقای رئیس تلگرافخانه در تلگرافخانه آقای مدیر گمرك در گمرك آقایان آقا حاجی محمد وحاجی محمد ابراهیم در « آقس » خودشان عامه مردم برای ابراز مسرت شرکت نمودند آقای آقا میرزا محمد حسن بهبهانی خطابه ذیل را بمناسبت تفویض سلطنت در تلگرافخانه ایراد فرمودند

خطابه آقای آقا میرزا محمد حسن بهبهانی رئیس انجمن محترم اخوت دیلم

البته تمام آقایان محترم در این جشن مسرت بخشیکه از طرف آقای مدیر تلگرافخانه تهیه شده

کاملاً مطلعند رای چه پیش آمد بزرگی دعوت شده باند و داخل در چه مرحله از مراحل زندگانی شده اید. ولی این بنده جسارتاً عرض می نمایم آقایان محترم بمظالم گوناگون وارده تاکنون به ملت ایران از تجاوزات آل قاجار جای هیچ گونه شکی نیست پیدائش نابغهٔ عصر اعلیحضرت پهلوی و گسیختن زنجیر اسارت یك سلسله بی علاقه به مملکت و انهدام اساس جور و ظلم اکنون به عموم علاقه مندان به مملکت مژده میدهد از تفویض سلطنت به آن یگانه وطن پرست اعنی اعلیحضرت پهلوی از جان و دل عرض تبریك تقدیم و عموم ملت خارجه اعضاء این انجمن را از امروز الی بعد جبران موارد حیاتی این کشور تهدید و محافظت گروه‌ها کاسب و زارع و قاطبه افراد مملکت در عهدهٔ آن ناجی و نابغهٔ عصر دانسته استقلال از کف رفته باستانی را به اعلی مدارج ترقی مترصدیم ازطرف انجمن اخوت دیام

(محمد حسن بهبهانی)

ایران زندگانی ساحلی میخواهد

نگارنده معتقدم یکی از چیزهائیکه در زندگانی ساحلی ایران ممکن است تغییرات مهمی بدهد همانا تاسیس و تشکیل (اداره ارکان حرب مستقل جبههٔ بنادر و تجزیه آن از لشکر جنوب است) ملاحظه فرمائید ایران فعلا دارای پنج اداره ارکان حرب و چند تیپ مستقل میباشد واگر بطور دقت ملاحظه کنیم می بینیم مهمترین مراکز جهة اداره ارکان حرب مخصوصاً بنادر است باید تمام سواحل خلیج فارس درتحت ریاست یك امیرلشکر اداره شود که فقط عملیات ساحلی دارا باشد و کم کم یك عده قشون ساحلی واسطه بحری هم ترتیب داده باکه سه چهار جهاز جنگی و تحت البحری هم تهیه و تدارك نمایند آنوقت میتوان گفت عایدات کلیه بنادر و جزائر چند مقابل حالیه می شود و علاوه براین فواید بیشمار دیگر هم دارد - از قبیل اداره شدن جزایر کوچك که فعلا بی صاحب یا یکی از شیوخ اداره می نماید - بهانه همسایه هم راجع به بحرین و عمانات مرتفع میشود - بهرحال هرکس وضعیات بنادر جنوب مشاهده کرده باشد بخوبی احساس نموده و تصدیق خواهد کرد که وضعیات فعلی آن خوب نیست بلکه رو به ویرانی میرود و درانظار خارجی‌ها اسباب شرمندگی و خجلت ملت است - خواهید فرمود امروز خزانه ایران خالی وبی پول ودست ملت هم تهی است وممکن نیست این مخارج را کرد بلی متاسفانه بودجه فعلی مملکت جهت تاسیس این اداره مهم کفایت نمیکند ولی باید منابع و عواید جدیدی جهة این کار پیدا کرد که درمدت دو سه سال بتدریج این امور عملی شود - مخارج این کار هم ممکن است بوسیله تصویب انحصار نفط و وثیقه دادن آن بخارجه و گرفتن قرض عملی نمود و عایدات نادر هم بیش از آنچه در مد نظر است سال بسال افزوده میشود شاید بفاصله پانزده سال بتوان کلیه قرض را هم مستهلك و تادیه نمود - مابیش از این در این موضوع عرض نمیکنیم بقیه را واگذار به اشخاص بصیر و خبیر مخصوصاً معاونین قلمی ساحلی حال الشمس مینمائیم - واستدعا میکنیم بعد هم در این موضوع حیاتی با ما از مساعدت قلمی کوتاهی نفرمایند

[غ ر مرشدی]

از رفسنجان می‌نویسند

تعلیم اجباری

این موضوع مهم بود که امروز سر مقاله قرار می دهیم کمتر کسی است که اهمیت اورا بجهة آتیه ایران ندانسته یا بقول آقای تقی زاده هرکس هم واجب نداند یکی از مستحبات و مستحسنات می پندارد ولی بدبختانه تاکنون هیچ تعقیب و عملی نشده و اگر هم در جرائد گاهی نوشته شده اشارتی بوده و حتی در مجلس شورای ملی هم که چندی قبل یکی از نمایندگان پیشنهادی در این موضوع نموده بودند از طرف وکلاء احساساتی ملاحظه شد بلکه مخالفت هم دیده شد - ولی بنده میخواهم موضوع را در تحت چند سؤال تقدیم بپیشگاه افکار عالیه نویسندگان محترم داخله و خارجه نموده تا هر کدام باندازه وسعت فکر و قلم وارد این مبحث شده و جواب سؤالات ذیل را مرقوم دارند تا این موضوع مهم بیشتر در افکار عامه رسوخ نموده و شاید بتوجهات اعلیحضرت پهلوی زودتر بعمل نزدیك بلکه انشاالله سال آتیه - آینده درخشانی را بملت نشان دهد

سؤال اول — پروگرام مدارس ابتدائی اجباری را معین فرمائید که در چند مدت قلماً ممکن است دارای سواد فارسی از خواندن و نوشتن بشوند

تبصره الف — اقل مدت تعلیم چند سال باشد

ب — چند درس باید خواند و چند نوشته شود

ج — کلاس صنعتی دران مدارس لازم است یا خیر در صورت لزوم چه صناعتی تدریس و مدت تحصیل آن چند وقت باشد

د — کلاس ورزش لزومیت دارد یاخیر

سؤال دوم — در ایران چند مدرسه ابتدائی لازم و عده معلم و متعلم فعلی و مخارج آن چقدراست بیان فرمائید

سؤال سوم — در صورتیکه استخدام معلمین کفایت نکند معلمین باید ازچه اشخاص و به چه

حقوق درس بگویند

تبصره الف — آیا ممکن است اجزاء دوائردولتی و امنیا و هرکس از دولت حقوق میگیرد در ساعاتی معین مجاناً درس بدهند یا خیر

ب — طلاب مدارس قدیم ممکن است در مدارس جدید درس بگویند و عده آنها در ایران چند نفر میشود

سؤال چهارم — آیا مستشار جهة مدارس لازم است در صورت لزوم چند نفر و از چه مملکت

سؤال پنجم — آیا تعلیم دوشیزگان را هم باید اجباری نمود

سؤال ششم — در صورت اجباری پروگرام مدارس و اینکه معلمات باید از کجا تهیه وانتخاب نمود

سوال هفتم — آیا بجهة مخارج صدی نیم از عایدات املاکی که مجلس جهة معارف تصویب نمود کفایت می کند یا خیر

سؤال هشتم — در صورتیکه عایدات کفایت نکند کدام مالیات جدید یا گمرکی یا انحصاری که مخارج وصولش کمتر و بجهة مردم سهل تر و بر ضعیفان کمتر ضرر داشته باشد و عایداتش هم بجهة تمام مخارج کفایت میکند تصویب می فرمائید

در خاتمه از آقایان نویسندگان متفکرین عموماً تمنا میشود که هرکدام به سابقه خود جواب سؤالات هشتگانه فوق توسط حبل‌المتین یا جرائد دیگر مرقوم فرمایند تا راه عملی بجهة رسیدن بمقصد معلوم و بیشتر باعث روشن نمودن افکار عامه و زمینه سازی شود

§ ایام جهالت چو شب تار گذشت §
§ نادانی ملت سبب خواری گشت §
§ آینده مملکت درخشان گردد §
§ تعلیم عمومی اگر اجباری گشت §

غ - ر - مرشدی

مخبر سیاری
(از اصطهبانات می نویسند)

در این موقع که بحکم تقدیر در اصطهبانات بودم برحسب لزوم خاطر خاطر را از جریان امور مستحضر میدارد این دوره حاضره که مشعشع ترین ادوار سالفه و نورانی ترین قرون سابقه مشاهده میشود و از وضعیت امید بخش مملکت در حیرت بوده که چگونه قاهر توانا در ایامی قلیل و مدتی اجیل نابغه نبیل و فاتحی جلیل از میانه توده ملت ایران ویران بر انگیخته در حالیکه مملکت دچار هزاران گونه مشکلات و ملت تحت فشار و گرفتار زحمات بوده بید قدرت آن یگانه دهر اعلیحضرت قوی شوکت پهلوی مملکت را از چنگال متمردین داخلی و متجاسرین خارجی نجات داده و در اسرع وقتی مملکت باستانی را از حالت اختناق و پریشانی بمراتب تعالی و امنیت و ترقی سوق داده در این حال که خاطر پرملال ناظر به اعمال بوده که خبر خیریت اثر انقراض سلطنت قاجاریه رسماً برای آقای حکمران ناصرالدوله راد رسید بدواً بسرای اطلاع عموم توسط اعلان منتشره سلطنت منقرضه قاجاریه اعلام نموده سپس عموم مردم به امر حکومت برای اظهار مسرت از این حسن پیش آمد مقدم به جشن و چراغانی شده اهالی وادارات شرکت در این جشن نموده زمانی نگذشت که متعاقباً وکلای مجلس مؤسسان برای تعیین تکلیف آتیه مملکت از شیراز حرکت و سمت مرکز رهسپار گردیده عموماً مترصد ومنتظر بودند که نتیجه تاسیس مجلس موسسان در طهران چه خواهد شد هرکس بر وفق عقیده خود شعری سروده فرقه طالب تعیین دولت جمهوری قبیله هواخواه مشروطیت جماعتی مایل سلطنت قاهریت ناگاه شب اعلان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه پهلوی خلد الله ملکه برای آقای راد حکمران آمده چون عامهٔ مردم امیدوار بمراتب معدلت گستری اعلیحضرت پهلوی بودند این مژده را با یك عالم مسرت تلقی نموده و در تمام گذر و بازار تا سه شب متوالیاً جشن وچراغانی امتداد داشت مخصوصاً درب دارالحکومه باقدام آقای راد جشن و چراغانی باشکوهی بعمل آمده مجلس مفصل مرتب اعیان و اشراف هر یك علی قدر مراتبهم روی صندلی قرار گرفته و لایحه که مشعر برتبریك سلطنت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی که از قلم معجز شیم آقای وثوق الشریعه عقفی به لسان آقای موید الاسلام واعظ قرائت نموده در موقع ختم صدای زنده باد و پاینده باد اعلیحضرت پهلوی از حضار بلند در این بین اطفال مدرسه دولتی مرتبا با سرودن سرود های وطنی وارد ویك نفر پسر بسن دوازده سالگی مسمی به حبیب‌الله ذوالقدر لائحه نظما و نثراً قرائت و از طرف آقای حکمران بانعام و بذل دو لیره مفتخر آمده الحق احساسات و اقدامات اهالی اصطهبانات بسی قابل تمجید و تقدیر است کم کم اهالی این بلدیه توسعه معارف و عمران و اصلاح امور و ترقی و تعالی محل خودمایل و راغب اند چنانچه وضعیت حاضره کوچه و بازار شان معاینه میشود نسبت به سابق خیلی فرق نموده است حکومت حاضره هم الحق والانصاف در فراهم ساختن و سائل تنظیمات وتنویرات جدیت تام دارد فعلا بواسطهٔ احساسات خود اهالی چند دستگاه موتر و موترخانه تدارك نموده محل

و حمل و ایاب و ذهاب اغلبی با موتر است برای مسافرت شیراز و فسا و نیریز از شیراز بجهرم و از فسا بشیراز راه شوسه و موتر جاری است از فسا به داراب مشغول شوسه نمودن طریق هستند فقط جائیکه عقب مانده از قافله مدنیت و حریت اند لار و عباسی است با اینکه موقعیت تجارتی و محل خط لار و بندر عباس و ثروت و مکنت اهالی آنجا طنین انداز است هنوز به لاقیدی و بیحسی گرفتارند قدمی برای اصلاح و آبادی بلد خود بر نداشته تازه شنیده می شود که از خواب غفلت بیدار شده مذاکره نموده اند که پولی توضیع و تدارک نموده طریق لار و به جهرم و لار به عباسی شوسه نمایند که قابل موتر رانی شود چند موتر هم خرید نمایند لیکن بواسطه اطلاعاتی که نگارنده از نفاق بی خودشان و بی حالیشان دارد گمان میرود حالا انشان عملی شود باید دائما از جاده دور و از انسانیت مهجور باشند

[مدنی زاده لاری]

از مندلیج می‌نویسند

نگارنده وقتیکه وارد مندلیج شدم قصبه بنظر حقیر رسید تقریباً دو هزار خانه میشود دارای پست و تلگراف و گمرک دارای مسافر خانه و اتومبیل زیاد هر روز در ایاب و ذهاب به بغداد و خانقین و شهربان و نقاط دیگر و دارای وفور نعمت بقدر چهار پنج فرسنگ مربع باغات مندلیج و توابع آنست از قبیل نخلستان و مرکبات و زراعت دیگر فقط اوضاع شغل ایشان مختصر است بزراعت و نخلستان وغیره واقعاً هر کدام از ایشان از تجارشان تا به قهوه چی برسد همه دارای تمول پس از چند روزی وارد شدم با دو سه نفر از تجار معتبر ایشان که قبلا در قصر شیرین دوستی داشته مشغول داد و ستد شدم وقتیکه روزها قدری از کار فارغ می شدم با رفقا میرفتیم بگردش در واقع باغاتی و نهرهای آبی و آسیابهای متعدد بنظر رسید که در هیچ جای آباد این صفحهٔ غرب ایران این وفور نعمت وجود ندارد بتصدیق آن کسانیکه به مندلیج رفته ودیده اند بعد حقیر از رفقای خودم که اهل مندلیج هستند پرسیدم که این نهرهای آب باین زیادی از کجا سرچشمه میگیرد جواب دادند مگر تا بحال باینجا نیامده اید گفتم خیر چون تا بحال آن صفحه نرفته بودم جواب داد این آب در نیم فرسنگی سرحد ایران که مشهور است بسرحد سومار وارد میشود گفتم آیا سومار هم مثل اینجا نخلستان و آبادی دارد یا خیر جواب دادند ندارد پرسیدم چرا ندارد در صورتی که این آب خدا داد در نقاط بی آب ایران یافت نمیشود ممکن است شصت هزار خانوار شهری از این آب زندگی بنمایند چرا شما دارید ازین آب فایده میبرید آنها چرا محروم اند مگر زمین سرحد سومار با زمین مندلیج تفاوتی دارد گفتند چه تفاوتی دارد در صورتی که نیم فرسنگ طول دارد چطور تفاوت می کند حقیقت این جواب خیلی بحقیر اثر نمود گفتم پس بگوئید مردمان آن سرحد تنبلند یا کسی در آنجا وجود ندارد جواب داد خیر مردمان با هوش زرنگی دارد حتی در موقع بعمل آمدن خرما ما از عهده کار بر نمی آئیم مجبوریم از مردمان سومار بگاریم نگیریم بمزدوری پس از خاتمه جزئی معاش جهت عیالات خودش میبرد میرود گفتم آخر علت آن چیست مردمان سومار خودشان نمیکنند جواب دادند زراعت می کردند در سنوات قبل دارای ایلیات زیادی بود و زراعت مینمودند هر قدر میخواستند جلو آب بگیرند به بغداد خبر میدادیم آنوقت سه صد چهار صد نفر عساکر مسلح عثمانی می آمد آبادی های سومار هم خرمن زراعت ایشان آتش میزدند و غارت میکردند بر میگردیدند ازان تاریخ به بعد دو سه مرتبه این اتفاق فتاده دیگر کسی نبود جلوگیری نماید مگر گاه گاهی عشایر کلهر جلوگیری می‌کرد آنهم آسان بود دوصد سه صد تومان می دادیم رسم انعام دیگر صرف نظر مینمودند گفتم خیلی خوب داشتم بدردامی خورد ندارم درست است قدیم گذشت بحمدالله امروز در زیر لوای یگانه نادر ایران اعلیحضرت رضا خان پهلوی هستیم اگر خبر دار شود حکم میدهد قسمی که سرکوبی اشرار لرستان نمود و درین سرحد سومار بناء شهری گذاشت مشغول زراعت و نخلستان شدند تکلیف شماها چیست جواب داد تا بحال چنین اقدامی نشده هر وقت شد مجبوریم اگر در سالی ۵۰۰۰ لیره داده از دولت ایران اجاره نمائیم وگر نه این آب حیات ماست حقیر این نکته در نظر داشتم تا اینکه قدری خرما خرید نمودم گفتم عجالتاً این را حمل کرمانشاه بکنم بعد دوباره شروع نمایم بخریدن قانون گمرک مندلیج همچنین است از صد سه روپیه سه روپیه بعنوان گمرک می گیرد در عوض قبض رسمی میدهد حقیر پس از دادن رسم گمرک بدین ترتیب حمل نمودم که از سرحد سومار تا به کرمانشاه برود چون گمرک ایران هم یک اداره گمرکی در سومار دایر نموده است لهذا باید هر قدر اجناس وارد بشود باید در تحت با جواز گمرک سومار حمل کرمانشاه بشود چون لازم بود نگارنده با مال التجاره بسومار بروم جهة پرداخت

حقوق جواز - لهذا با یکنفر از تجار معتبر مندلیج سوار شدیم باتفاق محمولات جهة سومار بقدر نیم فرسنك تقریباً راه رفتیم از بالای بلندی کوه سنك بزرگی نمودار شد گفتند این مابین ایران و بین النهرین می باشد بهر جهة وارد خاك ایران شدم اما آن نهرهای آب مندلیج که در نظر داشتم فراموش شدنی نبود منتظر بودم که این نهر سومار به بینم در این خیال بودم از دور امواج نهر بزرگی بدیدار شد رو به پائین میریخت پرسیدم از رفیقم این نهر با این بزرگی از کجا می آید جواب داد این نهر موسوم است باب گنگیر این همان آب است ما اهل مندلیج از پرتو آن زندگی میکنیم حقیر یك نگاه حسرت آمیزی سر تا سر آب و زمین های بسیط انداختم متاسفانه حتی یکدرخت بید بی ثمر هم نیافتم از دور و نزدیك گمرك سومار نمودار شد وارد شدیم میرزا محمدامین کردستانی که رئیس گمرك آن شعبه بود قبلا با حقیر دوستی داشت پس از تعارفات زیاد بار های حقیر بطور قانونی جواز و حمل نمودم خواستم به مداریج مراجعه کنم رئیس گمرك نگذاشت فرمودند امشب اینجا بمانید در ضمن آب و هوای اینجا بهترین هوا است تفریح خواهید نمود فردا روید گفتم اینجا نه باغاتی دارد نه زراعتی دارد چگونه لطف است ایشانهم قلباً بدرد حقیر گرفتار بودند جواب دادند اینکه از ظلم این عشایر لرستان که هر سال مثل گرك آدمخوار این بیچاره رعیت هر قدر زندگی دارند غارت می کنند میبرند گفتم ان آبادیهای غارت شده کجا هستند فرمودند بفرمائید بیرون چیزغریبی بشما نشان بدهم حقیر با ایشان بیرون رفتیم دیدم بقدر شش هفت آبادی هر کدام بقدر یك میدان از هم فاصله دارند همه سیاه چادر نشین میان هر کدام از این سیاه چادر ها از اناث و ذکور بیرون میامدند همه سرپای برهنه فقط ملبوس ایشان مختصر بود هر کدام یك عبا یا اینکه یك کت انگلیسی مندرس اهل آبادی چون مرا با رئیس گمرك دیدند همه تصور کردند بنده یکی از رؤسای ایران هستم مثل شمع و پروانه دور حقیر گرد آمدند از ایشان پرسیدم چرا اینقدر پریشان حال وفقیر هستید مگر بین النهرین از شما نیم فرسنك بیشتر دور است چرا باید آنها از این آب فایده ببرند شما فقط حسرت ببرید جواب دادند آقا جان خدا میداند ما بیچارهگان رعیت فلکزده از حیث کشاورزی و دولت داری و باغبانی امثال نداریم به تصدیق خود اهل مندلیج تمام کار ایشان از حیث زراعت و نخلستان بعهده ما بیچارهگان بعنوان مزدوری بعمل میاید بعلاوه هر کدام [illegible] خشم و غضب ببینیم اما متاسفانه هر سال یکی از پسرهای [illegible] بعنوان یاغی شدن از پدر خودش میاید این سرحد سومار تا برسد به ایوان و کیلان تمام غارت می کنند میرود ما چطور میتوانیم زندگی بکنیم پرسیدم با این برهنگی چطور میکنید ؟ جواب دادند ، تکلیف چیست چند روزی دیگر زرت بعمل میاید هرکدام دو سه باطمان میبریم مندلیج می فروشیم و لباس کهنه انگلیسی میخریم ، گفتم چرا جمع نشده عریضه بدولت بکنید امروز مثل قدیم نیست به مرکز خبر بدهید بداد شما خواهند رسید جواب دادند آقا جان بغدا ما خیلی میترسیم هیچوقت چنین عرضحالی نمیدهیم بیچاره حق دارند چون از روز اول آب چشم ایشان را گرفته اند لهذا این حقیر نتوانستم این مطالب مهم را مخفی نمایم لهذا از یگانه قائد توانای ملت مستدعیم فکری بحال این ملت بیچاره سرحد سومار و این آب فراوان خدا داده بکنند که از این بیشتر حیف و میل نشود حقیر مطابق حدیث شریف (حب الوطن من الایمان) بجا آوردم *

[یکنفر بی غرض وطنخواه]

در جواب علاج بلدیه

اهم در نقاطیکه برای پیشرفت مقاصدشان مفید باشد نه در هر شهر و قصبه که برای ایرانی بدبخت نتیجه داشته باشد - مثلا در شهرهای اصفهان طهران ارومیه و شاید شیراز هم مریضخانهای اروپائی دائر است و ما نیز از روی کمال احتیاج و اضطرار بانها مراجعه مینمائیم - بلی در سنوات سابق شنیده شد که در خوزستان و شهر اهواز و محمره هم از عایدات بلدیه ها مریضخانه بدست اغیار تشکیل گردیده شاید حال هم نشانه از آنها باشد ولی چه فائده

§ تاف کی دهد این ماده ها بستی ما §

باز هم در کتابچه بلدیه نوشته شده (سادساً معاونت در اقدامات حفظ الصحه و حفظ دواب و حشم و تاسیس دواخانها و امثال آن) این جمله هم مسافه جملات سابقه غامض است و اگر معانی آنها استدراك و عملی شود منافی با استفاده های مخصوص بعضی اشخاص خواهد بود حفظ الصحه ملی باید مراعات شود که خودرا در زمره نوع بشر دانسته و شرافت خویش را مدنظر گرفته باشد نه ایرانیان ایرانیکه در هر قدم در عالم ترقی و تعالی سیر قهقرائی مینمایند امروزه برای این ملت نیز دواب و حشمی لازم نیست بجای دواب اتومبیل های شکیل تیز رو از امریکائی آورند و استفاده از حشم نیز در موقعیکه بعد از آنکه [illegible] و

مولد و یا غیر مستوفی از قرائت بی آورلند وبسه احتیاج است اما تا سیس دواخانها بعمد الله ایرانی از این جهت بی نیاز است در سر هر کوچه و محله دکاکین متعدد گل گاوزبان فروشی که بنام (عطار) نامیده میشود دارد و درحالیکه اصلا بلدیه ندارند دواخانه هم لزوم پیدا نمی کند مریضخانه که نیست دوا خانه لازم نخواهد شد بلی در شهر های بزرگ ایران دواخانهای متعدد هست حتی در خوزستان هم اندازگی یك غارتگری نام خود را (دواخانه مرکزی خوزستان) قرار داده ولی این ها متعلق به بلدو بلدیه نمیباشند ما ایرانیانیکه همه وقت فریاد گرسنگی داریم ناخوش هم نمیشویم که دواخانه بخواهیم باید داد نان بزنیم و الجوع الجوع گوئیم و از فرط بی اطلاعی از مجلس شورا (نان) خواهیم

هفتمین قاعدئیکه برای بلدیه معین میکند (مینویسد مواظبت در اینکه معابر شهری موافق نقشه معینی باشد و اقدامات مقتضیه برصد حریق و سایر بلیات سماوی و ارضی بعمل آید)

در مقالات اولیه از وجود بلدیه قارئین گرام را خاطر نشان داشته و برای تکمیل استحضار آن ذوات محترم خود را مجبور میدانم که جمله های فوق را اگر چه فارسی است ولی ترجمه نمایم

در کلیه ایران خصوصاً خوزستان بلدیه که نداریم و آنچه راکه داریم و اطلاق کلمه بلدیه بر آنها میشود و ظایفی غیر از مندرجات این کتابچه که موسوم به کتابچه قانون بلدیه است دارند نقشه معین معابر همان است که استاد رجب علی بنا میکشد وهمان نقشه باید به کار برده شود که فلان متنفذ برای سردرب خانه خود (مانند دوستونیکه در خیابان پهلوی اهواز در شارع عام باقی مانده وچون متعلق بمترجم بانك است حق داشتن بر او باید قائل بود و بازاریکه در غرب خیابان پهلوی در حریم خانهای مردم جدیداً احداث شده و شارع را تصرف کرده و ازمعبرخانهای مردم هم کرایه و حق الاحداث مطالبه دارند) ترتیب میدهد اگر نشود مراتب حفظ شونات بعمل نیامده و دیگر نقشه بهتری روی کار نباید بیاید و اما اقدامات برضد حریق یعنی تدارك وسایل اطفائیه این عمل در مملکت ما کاری است بی ناهنجار آنچه راکه خدا بخواهد می سوزد و آنچه را که نخواهد محفوظ میدارد بلیات سماوی وارضی هم کذالك بر فرض که خانه یا بازار یاتجارتخانه هم دوچار حریق شود بحمدالله آب داریم سقاهم داریم آدم بیکارهم که ماشاء الله بالاتر از تمام مراتب زور هم داریم فوراً مشك سقاها راگرفته بتوسط شلاق و ضرب سیلی آنها را وادار بخاموش کردن خواهیم کرد آلمانیکه برای این عمل آدم مخصوص معین کرده و وسایل سریعه ازقبیل اتومبیل تلفون منجنیق دواهای ضد حریق البته معین دارند و بقلیل زمانی جلوگیری مینمایند درست بحقیقت نرسیده اند والا میدانستند ضد آتش بمحوای جمیع عقلا آب است

از بمبئی می نویسند

درباب تغییر سلطنت درایران عقیده حقیر این است که هرچند حکومت جمهوری اصولا خیلی صحیح و مفید است ولی ایران با این عدم علم و جهالت و فساد اخلاق امروز هنوز قابل ومستعد برای حکومت جمهوری نبود ، حکومت جمهوری یعنی چه ؟ یعنی تمام افراد ملت یا اقلا اکثر انها در امور ملی مداخله نموده و جریان امور برای و تصویب انها باشد ، باید دید که آیا واقعاً امروز ملت ایران چنین لیاقتی دارد ؟ درمملکت ترك هم باوجودیکه نظام جمهوری است ، امروزه استبداد بوجه اتم و اکمل حکم فرما است و برای ملت جاهل هم امروز غیر از این علاجی نیست ، اختیار اطفال خوردسال را نمیشود ، بخودشان واگذار کرد امروز کسی غیر از پهلوی در نظر نیست که بتواند بقوت اراده اصلاحات را درمملکت جاری بدارد اگر جمهوری میشد پهلوی ان نفوذ کلمه را پیدا نمی کرد ، زیرا که طبیعت ایرانی هنوز شاه پرستی عادت دارد و بعلاوه در جمهوری اقلا چهار صد نفر از ارباب نفوذ داوطلب ریاست جمهوری میشدند زیرا که در ایران کسی نیست که خود را قابل خدائی هم نداند تا چه رسد به ریاست جمهور ، دریناصورت هرج ومرج و زدوخورد و رقابت درایران دائرمیگردید وحواس ملت بازمتفرق میشد . بعقیده ناقص بنده این پیش آمد ازهمه پیش آمد ها بهتر بود تا اینده چه حکم نماید .

بلدیه اهواز

اوضاع بلدیه اهواز چندان خوش نیست در اطراف عملیات آن هرقدر قلم فرسائی شود نقش بر آب و آب در هاون کوبیدن است بعبارت ساده بلدیه نیست و وسیله معیشت جمعی واقع شده که حالیه اسم برده نمیشود بزرگترین وظیفهٔ که بعضی ازاعضای بلدیه شعار خود قرار داده اولا ضدیت با انجمن بلدیه ثانیاً صرف نمودن حکومت باانجمن بلدیه و هر ساعت شاکی بودن از اوامر و نواهی آنها است ابتدای تشکیلات بلدیه که جدیتی در انجام وظایف می شد بواسطه فعالیت حکومت وقت آقای سرتیپ فضل الله خان زاهدی رئیس افتخاری بلدیه بود که درهرجا شهرت پیدا نمود از وقتی که معظم له تشریف بردند

بهمان قسم کار ها مانده و بقدر خردلی پیش نرفته است میتوان گفت که بلدیه اهواز وبال شهر است

از بندر عباس می نویسند

خاطر دارم که در آغاز انقلاب اخیر وطن عرض اموده که حب سلطنت در طهران تمرکز یافته تلگرافات که میاید هیچ بوئی از جمهوریت بمشام نمی رسد

ما کل ما یتمنی المرء یدرکه — تجری الریاح بما لا تشتهی السفن - آیا ملتی که در دو سال قبل همه جمهوری خواه بودند چه شد که در این اثناء همه صامت و ساکت گشتند و هیچ سری یاد از سوءال گذشته نکرد ؟ جواب این سؤال هم خود حبل المتین در اعداد اخیره داده و حاجت بشرح و بسط نیست آری فهم سخن گر نکند مستمع قوت طبع از متکلم مجوی - از ملت جاهل چشم بهی داشتن غلط است تذبذب ، رعب ، تملق ، از خصایص جهلا است - ما دامیکه داء جهل بر یک ملت مستولی است الحاء خصایص سوء هم مستحیل دانسته اند ملت ایران نه طرفدار سلطنت اند و نه جمهوریت همیشه طامع و مقلد بوده و می باشند - در یکی از شماره های حبل المتین کیفیت حکم انگلیس در هندوستان خوانده شده قیاس کرفته بودید که هر یک انگلیس راعی پنجهزار هندی است ودرواقع تودهٔ ملت ماهم مشابه به اوست هر وقت سری بین این ملت بلند آمده است همه را تابع مارب خویش ساخته است - باور کنید که ملت امروزی ایران همان ملت عصر صفویه وا فاغنه و نادریه و زندیه و قاجاریه است اگرچه همان اعصار ادمغهٔ شعوب فقط به سلطنت پرورش یافته بود و بی بانکال دیگر از احکام نمی برد ولی تابعیت صفت غالب آنان و انقیاد از روی تدبر نه بوده است حالیه هم هرگاه یك نظر اجتماعی به حالت روحیه این ملت به نمائیم فرق یکی پیدا نکشته مثلا بر فرضی که اعلیحضرت پهلوی پس از پادشاهی شان اعلان جمهوریت بدهند همه جمهوری خواه می شوند لاکن بحکم تابعیت نه از روی تدبر و استحسان ازاینرو ما امیدوار نبودیم که مجلس مؤسسان مان نام نیکی در صفحات تاریخ بیادگار بگذارند بلکه برعکس عنوان بی لیاقتی و بی کفایتی این ملت در انظار شعوب عالم ظاهر خواهد شد ودرواقع همین نظریه هم حقیقت پیوست در یکی از جرائد مهم مصر دیدم که نوشته نهضت اخیر ایران نه بطوری بود که ما و عالم انتظار داشت چه معتقد بودیم که این ملت شرقیه پامال اخیر خود موفق گشته و از کابوس سلطنت رهائی مییابد ولی متأسفانه همه عملیات مجلس مؤسسان جز تبدیل اسم باسم دیگر نبود پس معلوم شد که آخرین انقلاب خود هنوز در جلو دارد - تواریخ انقلاب فرانسه که میخوانیم انچه زیادتر جالب ولذیذ تر است انتقادات و مذاکرات مجالس مؤسسان اوانست مائی که در رأس او امثال (رو بسپیر و دانتون و ویکتور فیکو) است می بایست برعرش با عظمت ناپلیون و اخلاف او غلبه یافته همان امپراطورهای باناوق و حول را مضمحل کند - ۲۵۷ نفر برگزیدگان این ملت که کرسیهای موسسان را اشغال نمودند و همه در یك امر متفق کلمه شدند نیز از غرایب مجالس مئوسسان عالم است که تاریخ را به آیندگان نشان خواهد داد درهرصورت ما به اعلیحضرت پهلوی اعتقاد تمام داریم چه در کرسی و ریاست جمهوریت و چه در شاهی روی تخت طاؤس که کار از اعلیحضرتش می خواهیم خودشان بهتر از ما ملت ایران را می شناسند - بهترین دلیل انتخابات دوره ششم است که بچه وضع ترتیب می گیرد وطن محتاج است به تعمیم تعلیم - و خط آهن - و طرق شوسه ودسته جهازات جنگی در خلیج فارس - و پیدا کردن کار برای این ملت تنبل بیکار - و تعمیم سیم تلگرافات و پست خانه در جهاتی که هنوز محروم است خصوصاً اقطار جنوب - این ها همه احتیاجات فوری است که از اعلیحضرتش منتظریم ، وکل آت قریب -

بلوك خمسه کرمان

شرح حال تمام رعایا و متظلمین هر محال را بطور شایستگی بهامهٔ وطن پرستان و حامیان رنجبر و قارئین محترم رسانده تقاضا میدانیم حال ما رعایای فلك زده بلوك خمسه را که دو راز مرکز هستیم و سالهای مدید است که دولت علیه ایران نامزد بمشروطه شده پایمال ستم و الم و سوگواری است پنجهای پولادی غارتگران بی انصاف و چپاول بلوچهای هر محال خصوصاً علی اکبر خان نخعی و محمود خان طباطبائی که امین مالیه و حکومت وقت هستند باوصف اینکه معادل شصت پنج هزار تومان مالیات پنج بلوك خمسه را میدهیم بانهایت بد بختی بی پرستاری حتی حاکم شرع این رعایاهم جناب آقا شیخ محمدجواد است به همدستی حکومتهای جزو ازمال صغیر وکبیر در دادن غارت و بردن باشتراك مضایقه نکرده چنانچه شاهدان مقال صد هزار تومان تنخواه دارد و رعیت بدبخت بشام شب محتاج است بدبختانه وقتی حاکم شرعش این نوع رفتار کند از حاکم عرف و امین مالیه انها که دیگر چه توقع رعایت حال مظلوم توان داشت همین قدر حکومت و امین مالیه متوقع ایم که در این دوره آزادی و

سرپرستی اعلیحضرت پهلوی و قرن بیستم بضرب شکنجه و داغ هزاردویست تومان ازیك هر رعیت که مشهدی نجف قلی نام دارد جریمانه گرفته از حاکم شرع وحاکم وقت و امین مالیه به همدستی یك دیگر در تشکیل میتوانند اسباب فراهم نموده بیچاره رعیت را غارت مینمایند از کثرت عدل و داد حواهی باواز بلند می شنویم که باید الاغها را امر زیاد نکنند و رحم بر حیوانات زبان بسته بنمایند رعایای بلوك خمسه را یعنی تاکنون زیربار و فشارهای متعدده آورده اند از هر حیوان و بلکه از هر زیر دستی هم پست تر شمار بودند از تعدی امین های مالیه و حکومت‌های جزو معتاج نان و لباس شده ایم سالی دو مرتبه بابید برنج صدری و روغن متعدد عطری خروارها ضرب شکنجه از رعیت بلوك خمسه حکومت های جزو و امنای مالیه برای خودشان حمل کنند خرج سر سفره هم ماهی هزار تومان تجاوز لازم دارند ازمال هر ملت بدبخت است که صاحب ثروت شده اند جمعی مفت خور از اتباع خودشان همراه می آورند بجهت خانه خرابی و غارت اموال رعیت از طرف پیشکار کل مالیه کرمان مفتش برای رسیدگی این ناوکات می آید اول خانه جیرفت که سبزواران نام دارد ومرکز امین مالیه است مفتش وارد میشود مهمان آقای امین مالیه از گوشت بره های فربه برنجهای لذیذ جیرفت معظم الیه را مهمانداری می نمایند مبلغی گداف زیر مسندی میدهد قطعاً وقعی بامور رعایا و حرکات اعمال امنای مالیه نمینمایند میرود و وارد کرمان میشود قسمی مالیه را جلوه میدهد بمصداقت که هر اندازه تعدی و تحمیل بافراد ملت وارد نمود با می نمایند که هر اندازه رعیت بدبخت داد بزنند امکه البته بجائی نرسد فریاد است حالا علت کار زیادتر شد جناب مسیو پیشکار کل مالیه زبان فارسی نمیداند دیلماج وارد مرچه می خواهد امنای مالیه تعارف به دیلماج میدهند مسیوهم مطمئن است می پذیرد هرچه را دیلماج عرض میکند دیگر هرکس باد رفته یا غارت شده از دنیا میرود یکی چکار است هرکس میگویند جناب مسیو امریکائی است خوب که تصور میکنند جناب مسیو بتوسط دیلماج و عقل دیلماج کار کرده است به خرابی کار کسی را فهمیده و به بدرد دل رعیت رسیده رعیت غارت مفتش امنای مالیه دیلماج و حکومت وقت صاحب تمول در خانه اکر کمی لمنت یك حرف بس است .

[رعایای بلوك خمسه]

* * * *

از بهبهان می نویسند

۱ ـ شخصی که در ایام هرج و مرج بهبهان منشی و نویسنده تفنگ الوار وکاه وجولا زمه چپاول گران بوده بدبختانه بواسطه اینکه ادارات ما شرب الیهود است امروز کفیل اداره حکومتی و آتش خرمن صفاء شده و چون مشارالیه اصلا سابقه خدمتی در این اداره ندارد و میداند که بالاخره عدم سابقه منجر بانفصال خواهد شد لذا ایشان هم وقت را غنیمت دانسته و تدارك ایام انفصالی آینده خود را دیده یعنی آنقدر ظاهراً و درخفا بمردم ظلم وفشار وارد آورده و می آورد که هیچ یك از حکام دوره استبداد هم چنین حرکاتی را بخواب ندیده وبیاد ندارند و معهذا معلوم نیست تاکنون مقامات مربوطه بچه قانون و بکدام سابقه مشارالیه را در صورتیکه خود یکی از اشرار دورهٔ اغتشاش اینجا بوده وگذشته از این بی سابقه هم هستند از کار خطیر کفیل حکومتی بلکه حکومتی مطلق العنان بهبهان که ممکن است تولید مفاسد زیاد کرده و قلب عموم را متنفر کند منفصل نکرده اند بلکه تا کنون در صدد تفتیش باین همه اذیت و آزاریکه از طرف او بمردم وارد آمده بر نیامده اند ـ خوب است ایالت فارس در صدد برآمده و پس از انفصال او عملیات مشارالیه را مورد تفتیش و رسیدگی کامل قرار دهد

۲ ـ اداره تلگراف خانه بعد از میرزا ابراهیم خبیر خاقان که جزء متقاعدین شده اند برگذار به یکنفر بچه شانزده ساله شده که بوسیله دیگران امورات اداره انجا میگیرد و گذشته ازاین مضمون تلگرافات اهالی قبل از وصول بصاحب تلگراف گوشزد اطرافیان او و دیگران میشود در صورتیکه این اداره و اداره پست خانه که از این هم بدتر و در هم تر است میبایست کاملا اسرار مردم را مستور دارند ـ اگرچه هرچه فریاد کرده منتج نشده است بلکه حقایق را تکذیب میکنند ولی ما وظیفهٔ حق گوئی خود را برای اصلاح مفاسد بجای آوردیم ـ تو خواه ازسخنم پند گیرو خواه ملال

۳ ـ بمناسبت تاجگذاری اعلیحضرت پهلوی سه روز تمام شهر را آئین بندی نموده واغلب از ادارات هم جشن گرفته و مراسم شادمانی بجای آوردند

۴ ـ ریاست معارف بهبهان که به میرزا علی اکبر نوری برگذار بود مفوض به یکنفر میرزا عماد الدین نام گردیده (صادق)

ایضاً

آقای میرزا علی اکبر خان رئیس محترم معارف بهبهان که خدمات ایشان در راه معارف بهبهان

و چندی قبل هم راه معارف خوزستان ملکات برجسته ایشان را ثابت میکند از ریاست معارف آنجا معزول و ریاست ان به عهده یکنفر رئیس جدی دیگری بنام آقای میرزا عمادالدین برگذار گردیده حقیقتاً وزارت جلیله معارف کمال انصاف حقکشی را دربارهٔ یکنفر خدمتگذار صمیمی دولت مرتکب شده اگر کاملا از خدمات و عمر گرانبهائی را که اقای اوزی در این راه صرف کرده اند قدردانی نکرده و در صدد جبران برنیاید ـ بنده که یکنفر مسبوقم از حالات ایشان در خوزستان در همان هنگامیکه تنها از گلوی ایشان صدای وطنخواهی بیرون میامد و بالاخره در اثراین وطنخواهی روزگارشان تباه و سیاه گردید و بعد ازان هم ایشان را در بهبهان بدین وضع میبینم که در نتیجه خدمت از کار دور افتاده اند جا دارد اگر در پیشگاه اعلیحضرت پهلوی که پادشاه قدردان ما است ازوزارت جلیله معارف گله کنم ـ بلیه دانستم که این است نتیجهٔ خدمت در ایران ما ـ (یوسف پارسی)

◄ یك از آقایان اوزی می نویسد ►

◄ قابل توجه عموم اهالی لارستان خصوصاً اوز ►

ای آقایان تجار اوزی که مشهور آفاق گردیده ولی بدبختانه بواسطهٔ جهل درمعبر تمدن خوار هستید بخود آئید تاکی عمر گرانمایه را در این دوره که مشهور به قرن طلائی است صرف کارهای مجهول نموده ، اوقات عزیز خو در عزل نزل کلانترها و زراعت تخم نفاق میگذرانید ، چرا از ظلمت افکار شما مظلومان و فقرای بیچاره سرنگون اند ، سبب چه ان پولهائیکه شما بخون جگر تحصیل کرده بدهان یکمشت خائن میریزید ، از چیست که تیشه درکف گرفته ریشهٔ خودتان را میکنید ، به چه واسطه زندگی خودتان به فلاکت و تلخی میگذرانید ، آخر تاکی از خواب غفلت بیدار نخواهید شد ، افسوس که از بی علمی قدر این اوقات گرانمایه را نمیدانید چشمهای خودتان باز و با یك دیده عبرت بنگرید که یك ازهمت و نوع پرستی دو نفر تاجران محترم که هم قطار شما اند ، اقای شیخ مصطفی وحاجی عبد الله کاظم که الحق اسامی محترم شان قابل ذکر است ، امروز دارای مدرسه مصطفوی شده که نتایج آن نو باوگان در روز نامه ملی از نظر عموم گذشته ، دیگر بادیدهٔ عبرت نظری به جناح که یك از دهات جهانگیره بشمار است هم انداخته که ازنجابت و اتفاق ایشان عموماً ومحمد رضا خان خصوصاً عنقریب است مژده افتتاح یك باب مدرسه ابتدائی و دائر شدن کارخانه زراعت بسمع وطنخواهان برسد که ان اهالی بی علم چیزی ندیده ولشنیده اول متمدن ومدرس در خاك لارستان قائم بروند ـ اما بدبختانه ما که جز تحصیل علم عناد ... و بواسطه این جهل و عناد ... مجبوری ازقافله تمدن با زمانیم آخر ... کنید بدیهیه ... این و آن و ... کوشش بفرمائید بهر نوعی است از افتتاح یك باب مدرسه ابتدائی در اوز اسم خودتان را باقی بگذارید ـ نمائید تا شب و روز مادران غم دیده از فراق اولاد های ۵ ساله که بواسطه عدم کارخانه آدم سازی ۸ و ۹ سال به ممالك خارجه رهسپار میشوند بمرتبه اشك خون از چشم نبارند مشغول یوم الحساب شمائید نگارنده اگرچه جهانی محسوب نیستم اما از مشاهده این عدم توجه شما لیست بنوع و جدا نم مرا وادار نموده که این بیان حقیقت بنظر مبارك قارئین برسانم ولی هزار افسوس که این زمان هرکس در این خصوصها قلم فرسائی نمود ، به تحریك مفسدین فی الارض مورد تنبیه واقع خواهد شد اما چون شخصا خود بنده بواسطه محرومیت ازمقصود درظلمت گرفتارم با کمال جرات از برخی اقدامات شما در کارهای غیر صواب و عدم توجهات تان نسبت به ابنای وطن به عموم برادران ایرانی اطلاع داده که شاید یك خدادادهٔ عطف توجهی فرموده بانی این کارخیر شود ورنه نه از تهدید ترسی دارم نه از توبیخ گشتن اعتنائی دارم در خاتمه ایك عاجزانه درخواست ترحمی خصوصا ازکلانتر موجوده اوز خواجه محمد یوسف نموده که شاید در جبران دراین موضوع گوی سبقت از دیگران بربایند

[محمد ربیع زمان زاده اوزی]

◄ راه آهن ارومی ►

نظر باینکه فاصل التجاره ازشهر ارومی تا دریاچه که ۱۹ کیلومتر راه میباشد بوسیله چهارپا حمل میشود و اسباب زحمت تجار شهر آقای داور وزیر فوائد عامه در صدد احداث خط آهن در راه مزبور برآمده وبوسیله اداره خط آهن آذربایجان مخارج راه مزبور را بمبلغ دوازده هزار تومان پیش بینی نموده اند نظرباینکه از احداث خط مزبور در سال مبالغی عاید خزانه دولت خواهد شد تصمیم گرفته اند که در اول سال آتی شروع بکشیدن خط مزبور بشود که جنس از ارومی بدریاچه توسط خط آهن حمل و از آنجا تا کشتی بمحل مربوطه ارسال گردد ـ

◄ زراعت تریاك ایران و جامعهٔ ملل ►

درشماره های گذشته حبل المتین نگاشتیم که سه نفر ازطرف جامعه ملل ژنو برای تفتیش زراعت تریاك بطهران وارد گردیده اند و سه نفر از طرف وزارت امور خارجه ومالیه وفوائد عامه تعیین و برای مراسم

حبل المتین متقابلا با جدی داده می شود
از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
مقدم گرفته میشود
روز نامه مقدس

حبل المتین
(۱-۲٦ امتلی پوکر رود)
[بالیگنج کلکته]
کلیه امور با مدیر کل
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[دبیر ثانی ف . س . مؤیدزاده]
[ام . ای . است]
هر دو شنبه طبع و سه شنبه
توزیع میشود

Ahri Pukur Road
CALCUTTA.
قیمت اشتراک

ششماهه	سالانه
(هند و برمه)	
۱۰ روپیه	۱۸ روپیه
(ایران و افغانستان)	
۳۵ قران	٦۰ قران

[ممالک سایره]
سالانه
یک و نیم لیره انگلیسی

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۲۹ آذر ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۱۵ جمادی الثانی سنه ۱۳۴۵ هجری
مطابق با ۲۱ دسمبر سنه ۱۹۲٦ میلادی

سال سی و پنجم حبل المتین

بعون الله و توفیقه آغاز به نشر سال سی و پنجم حبل المتین نموده از خداوند تبارک و تعالی توفیق مزید خدمت می جوئیم .

ملت جوان

برخی از فلاسفه را عقیده این است همان قسمیکه نشاط و برومندی و قوت برای یک انسان در جوانی میباشد ملتها نیز برای خود یک گونه نشاط جوانی یا ضعف پیری دارند و بعضی چنین گفته اند همان قسمیکه برای یک فرد انسان پس از پیری مردن است برای یک ملت پیر هم پس از ضعف محو و نابودی مسلم است ولی عقیده ما غیر از این است جوانی و پیری ملل تاثیرش در درجات انقلاب است ، اگر در ملت پیر هم انقلاب پدید آید و عادات پوسیده و فرسوده خودرا کنار گذارد طولی نمی کشد که همان نشاط و برومندی جوانی را پیدا مینماید ملل جوان چون بر وفق زمانه عادات واخلاق تحصیل میکنند هماره قوایشان روبه برومندی میرود و ملل پیر چون عادات شان بر وفق زمانه قدیم مانده وموافقت با حال ندارد خواه نخواه رو باضمحلال میگذارد پس غرض فلاسفه ازملت پیر همانا مللیست که با عادات دیرینه برخلاف زمان حرکت کنند این است که ما می بینیم امت رومیه که بعد از یونان کهنه ترین ملت اروپ شناخته آمده بود تازه بواسطهٔ انقلابیکه از یک مرد فعال پدید آمده نزدیک است نشاط جوانی را از سر گیرد . یک از مبصرین میگوید که چهار جوانمرد در این دوره چهار امت فرسوده پیر را بجوانی متمایل ساخته اگر چندی دیگر بهواسیکه از دقیقی عاجز نباشند آنان را پیش نیاید از سائر ملل جوان و دول پیرومند عقب نخواهند ماند آن چهار جوانمرد مصطفی کمال پاشا مجدد ملت ترک غازی امان الله خان محیی استقلال افغانستان و موسولینی معود عظمت ایطالی و رضا شاه پهلوی ناجی ایران اند این چهار ملت پیر قسمی سر بجوانی زده که طولی نخواهد کشید با ژاپون جوان و انگلستان برومند همسری و برابری نمایند و علت همان وجود انقلاب است که در این چهار ملت پدیدار آمده است

انقلاب روح حیاتی ملل شناخته آمده ، انقلاب به اساس خوشبختی گفته آمده است اما انقلابی که در جاده حق و حقیقت باشد نه انقلابیکه منقلبینش به حوائج نفسانی آغشته ملت خویشرا فدای شهوت رانی خود بنمایند ، باید درست دقت نمود افغانستان اگرچه ملت قدیم است ولی در تاریخ عالم تازه حیات سیاسی یافته لباس استقلال پوشیده مانند یک دولت جوانی رکاب زنان بمدارج ترقی رهسپار آمده است ،

اگرچه افغانان چندی در بعض از نقاط هندوستان حکومت مستقلانه تشکیل داده ولی درخود افغانستان کمتر زمانی بحیات آزادی واستقلال کامل بهره ور بوده است و اگر هم چندی حیات استقلال در داخله خود داشته در خارجه اورا دارای استقلال کامل نه پنداشته اند ، از این است که تاریخ افغانستان نشان نمیدهد که با هیچ دولت خارجی معاهدات سیاسی واقتصادی داشته باشد اگرچه انگلیسان افغانستان را از ایران مجزا ساخته ولی بمفاد

§ چو دیدم عاقبت گرگم تو بودی §

استقلال برای افغانستان قائل نیامدند ، فراموش نباید کرد که امیر بزرگوار غدار حمن خان سردار نصرالله خان دومین فرزند خودرا بانگلستان فرستاد بحضور

[شماره دوم حبل المتین یک از شماره های تاریخی است مشترکین منتظر باشند]

ملکه وکتوریا نیز نائل آمد و تمام کوشش شان این بود که افغانستان را از تحت حکومت هند نجات داده بلکه در لندن نمایندهٔ از افغانستان داشته باشند انگلیسها رضا ندادند . اما انقلاب افغانستان بدست قائد بزرگوارش اعلیحضرت امان الله خان غازی یکدفعه ورق را برگرداند . افغانستان هیچ وقت نمایندگان دول بزرگ را در کرسی حکومت خود نیافته بود افغانستان جز با انگلیس آنهم حکومت هند داخل عقد هیچ قراردادی با هیچ یك از دول نشده بود . امروزه دیده میشود که جمیع نمایندگان دول بزرگ در افغانستان موجود آمده و نمایندگان افغانستان هم در پای تخت جمیع دول موجود اند و با غالب دول عقد قرار داد نموده و درکار نمودن است اینها همه از برکت انقلاب بوده این انقلاب مانند برق سیاست خارجی افغانستان را تبدیل داد وقتیکه در امور داخله افغانستان هم نظر انداخته آید دیده خواهد شد که در کلیه ادارات دولتی و ملتی از اخلاقی و سیاسی و عمرانی و اقتصادی یك گونه انقلاب صوری و معنوی پدید آمده است میتوان گفت که افغانستان با قدمهای وسیع دارد دائره انقلابات مقدس خارجی و داخلی خود را طی می نماید ، بقول یك از سیاحین ایرانی « اگر افغانستان یك قرن در زیر سایه قائد حقیقی خویش یعنی پادشاه کنونی هین قسم پیشرفت نماید یك از دول کامل العیار شرق بشمار تواند آمد »

افغانستان در اقتصادیات خود نیز خیلی ترقی کرده انقلاب اقتصادی در ملت‌ودولت افغانستان پدیدار آمد

فراموش نباید نمود که قبل از انقلاب مقدس سالانه دولت انگلیس دو ملیون و چهار صد هزار روپیه مدد خرج بافغان می پرداخت و برخی اسلحه و ذخائر جنگی هم تائید می نمود و اینك هشت سال است آن کمك و تائیه را افغانستان رد کرده اوضاع خزانه و مالیه خود را تکمیل و مبالغی هنگفت در راه عمرانات ملکی و تنظیم ادارات و قلعه بندی و تدارکات جنگی صرف می نماید از همه بالا تر دیناری قروض داخله و خارجه ندارد و این مسئله دال است بر کمال حسن انتظام و ترقیات اقتصادی آن کشور در سایهٔ این انقلاب پدید آمده است

ونیز در وضع اداره جات ووزارت خانها بهمان قسم انقلاب نمودار است ، در معارف و اخلاق و عادات ملی و عمرانات ملکی از راه های شوسه و تعمیر عمارات عالیه خیلی پیشرفت می نماید

مشکل اینجاست که افغانستان از بس ازخارجیان صدمه دیده بسرعت راضی بجلب سرمایه خارجی نمی افتد تا بدان ذریعه بتواند ثروت‌های زیرزمینی خودرا بیرون آورده ملت و دولت افغان را باستفاده آنان برساند افغانستان ازین حیث در کلیه ممالك مشرق کم عدیل است چه از چند جهت محیط بکوه های مرتفع است همینکه ملت افغانیه بتوانند تا درجه رفع احتیاجات خودرا ازخارجیان بنمایند و بروفق زمان قوای دفاعیه خویش را حاضر سازند ازگزند هر غنیم خارجی محفوظ تواند ماند

یك ازمصرین جنگی افغانستان را تشبیه یك قلعه سنگی نموده میگوید اگر این قلعه را بر وفق امروزه مستحکم سازند از هر گزند محفوظ و مصؤن توانند ماند

پادشاه جوان افغان ازهمم عالیه خود ملت افغانیه را جوان ساخته بهر فردی از آنان نظر انداخته آید غرور استقلال وآزادی و حب الوطنی ازآنها مترشح می آید ، اینها نیست مگر زبرکت تعلیمات قائد جوان خود ولی نمیتوان ازافغانستان ترقی سریعه ترك وایطالی و ایران را بفوریت تمنا داشت البته میتوان گفت که طولی نخواهد کشید که افغانستان که پیش از همه از قافله ترقی عقب مانده بود خویشتن را بقافله رسانده با سائرین همعنان حرکت نماید

سیاح ایرانی یك نکتهٔ مهمی را نگاشته که درنزد اهل‌خرد خیلی قابل قدر ومنزلت است میگوید «ملت افغانستان کهنه پرست تر از جمیع ملل شرق بوده و همارهٔ امراء و بزرگان افغان که خیال ملوك طوائفی و خانخانی را از خود دور نمیداشتند در این چند ساله از برکت تعلیمات یك قائد باحقیقت دراین ملت پدید آمد یك نفر یافت نمی‌شود که بخیال ملوك طوائفی و خانخانی باشد همه توجه‌ها بمرکز و تمام نظریات بجانب ملت افغان یعنی پادشاه محبوب خود شان است محبوب ترین مردم نزد اهالی افغانستان پادشاه کنونی است پادشاه خودرا هم قاضی محکمه‌هم ناصح و واعظ خود وهم سردارجنگی خویش میدانند وبعادت قدیمه شرقیان این گونه امت با این عقیده باید خیلی زود ترقی تواند نمود

افواهی که چندی قبل درسیاحت اعلیحضرت پادشاه افغان باروپا بود صحیح معلوم نمیشود چه این پادشاه شب و روز محو آسایش ملت و عمران مملکت است و فرموده خود شان « من بهمان اندازه که درسیاحت خود از اروپا استفاده توانم نمود همین جا نشسته از فرستادن رجال با دانش و نمایندگان خود باطراف و اکناف عالم استفاده توانم نمود »

افغانستان موقعیت دیگرهم تحصیل نموده مرکزیت تمام مسلمانان دنیا نیز عنقریب حاصل خواهد نمود چه نهضت کنونی اسلامیان عالم در تجسس مرکزی برای اتحاد کلیه مسلمانان هست وطول نخواهدکشیدکه قرعه این فال بنام افغانستان زده خواهد آمد چه شخص شخیص پادشاه کنونی طبعاً خیلی مائل به پیشرفت اتحاد اسلام هستند

کانفرنس شیعیان تمام هندوستان

از اعلان (آل اندیا شیعه کانفرنس) معلوم میشود که امسال انعقاد جلسه سالانه شیعیان هند در شهر شهیر پتنه بصدارت جناب مستطاب آقای حاجی میرزا هاشم ناظم التجار اصفهانی که از تجار درجه اول ایرانیان بمبئی و در طهران و لندن نیز اداره تجارتی شان موجود است میباشد

این کانفرنس تقریباً ۱۹ سال است طی مراحل زندگانی نموده میتوانش گفت بدرجه بلوغ یا نزدیک برشد رسیده است امید واریم که آقای ناظم التجار که صدر کانفرنس اند مراتب ذیل را از مدنظر دور ندارند

اول - اتحاد و ائتلاف صمیمی با کلیه مسلمانان هند یعنی بذریعه این کانفرنس باید اشتباهاتیکه در اصول مذهب شیعه بین مسلمین سائر طبقات تولید آمده مرتفع آید چه تا این افواهات بی اساس مرتفع نگردد اختلاط صمیمی شیعیان با سائر طبقات اسلامیه که امروزه اشد لزوم را پیدا نموده غیر میسور است این را هم باید دانست که غرض از کانفرنس شیعه رفع نقائص ملی و تکمیل مدارج قومی است و این امر منافی اتحاد با سائر ملل اسلامیه نیست و داعی مفتی بمبادی را از نظر دور نباید داشت

§ ما پنج برادریکه از یک پشتیم §
§ در پنجه روزگار پنج انگشتیم §
§ چون فرد شویم در نظرها عاجیم §
§ چون جمع شویم بر دهنها مشتیم §

فرضاً اگر یک از این انگشتان برای تقویت خود قیام نماید و تحصیل قوت هم نماید مزید بر قوت اسلام نیست ؟

مقصود اینست که نباید ترقی انفرادی هر فرقه اسباب شبهه بر خلاف فرقه دیگر تصور شود اشتباه ما آسیائیان خاصه مسلمانان در این است که فقط طالب اتحاد عموم مسلمانان و ترقی اسلام آن هم بالفظ هستیم و تصور نمی کنیم که ترقی هیئت جامعه اسلام میسر نیاید جز در سایه ترقیات انفرادی اقوام -

ما می بینیم که هزار سال متجاوز است اروپائیان با بجادی ترقی نهاده و در این مدت متمادی اولاً هزار حکیم سیاسی و فلاسفه قومی در آنها پیداشده هیچ یک نگفته اند ای گروه مسیحیان بیائید و کوشش در اتحاد کنید بلکه حکماء انگلیس گفته اند ای ملت انگلستان بیائید ترقی و اتحاد کنید تا اگر مات فرانسه که برادران دینی شمایند بخواهند برضد حقوق شما برخیزند باملت هیئت جامعه دندان های شان را درهم شکنید همین قسم هم حکمای فرانسه گفته اند نسبت بدیگران همینکه انگلستان ترقی کرد گویا یک رکن مسیحیت ترقی کرده است فرانسویان که ترقی کردند یک رکن دیگر مسیحیت بالا گرفت همین قسم سائر دول و ملل مسیحیه که ترقی کرده اند گویا مسیحیت را قوت بخشیده ترقی داده اند اینست که بزرگان گفته اند قوت دین قوت متدینین است و دیده شد که در موقع جنگ صلیب وقتی که کشیشان آواز مخالفت با سلطان صلاح الدین را بلند کردند صدای لبیک از تمام ملل مسیحیه بلند گردید و معنی اتحاد حقیقی را ابراز دادند و درحقیقت هوشیاری و ترقی ملل مسیحیه داعی آن اتحاد جامعه مسیحیت گردید

پس مسلمانان نباید هرگز از کوشش یک فرقه برای ترقی خود مشتبه آمده برخلاف خویش تصور کنند ما باید همه از صمیم قلب ترقی انجمن جمعیة العلماء ندوة العلماء ، خلافت کمیتی شیعه کانفرنس و امثال آن را خواستار باشیم و مجاهده در ترقی هریک از آنها نمائیم باید این مسائل امسال در شیعه کانفرنس روشن و آشکار گردد و رفع شبهه از سائر برادران اسلامی خود نموده تا آنان نیز در حمایه ترقی شیعه کانفرنس بکوشند

دوم - شیعه کانفرنس اگر درست دقت شود تا کنون برای خود یک سر منزل معینی مد نظر نگرفته و شاید هم پیدا نشده اینک باید مقصود اصلی خویش که ترقی شیعیان هند است ظاهر دارد یعنی آن مقصود را هم به پیماید بزرگترین سر منزل که برای ترقی شیعیان هند متصور است همانا روابط اخلاقی و ادبی با شیعیان دنیا خصوصاً ایران است و گمان نمی رود که تا کنون شیعه کانفرنس قدمی هم دراین مقصود عالی برداشته باشد و امسال مناسب است در این کانفرنس این عقیده تعقیب و این طریق ترقی هم پیموده آید ما تصدیق داریم که طریق غیر مستقیم طبقه روحانیه هند رابطه خود را با ایران از دست نداده یعنی برای تحصیل علوم دینیه به عتبات عالیات که مرکز تشیع و ایرانیت است سالی چند توقف و کسب علوم می فرمایند ولی معتقدیم ما این رابطه غیر مستقیم مذهبی کافی برای ترقی هیئت جامعه نیست باید کانفرنس که انجمن تمام شیعیان هندش باید گفت رابطه اخلاقی وادبی ومعاشرتی هم با ایران داشته باشند اول قدمیکه باید کانفرنس در این راه بردارد همانا فرستادن شاگرد در مدارس طهران است تا بدین وسیله از اخلاق و ادبیات و معاشرت و سیاسیات یکدیگر مطلع و مسبوق باشند

برای رفع شبهه برخی آقایان می نویسیم که از این بعد تعلیمات فارسی در مدارس هندوستان یا مرتفع خواهد آمد و یا پایه اش بر اساس صحیح گذارده خواهد شد در آنصورت شاگردان هندی که

در مدارس طهران تعلیم یافته باشند برای تعلیمات فارسی درمدارس هندوستان اولویت خواهند یافت هیچ رئیس مدرسه بلکه وزیر تعلیمات هم برای تعلیم زبان فارسی معلمین ایران ندیده را بر معلمین ایران دیده ترجیح نخواهد داد گویا این عمل یعنی فرستادن شیعه کانفرنس شاگرد در مدارس طهران یك تیر و چند نشان خواهد شد هم روابط اخلاقی و ادبی و سیاسی شان بالا خواهد گرفت وهم بدین وسیله برای شاگردان راه کسب معیشتی عنان خواهد آمد

و نیز برای استحکام این رابطه لازم است که هر ساله هیئتی از طرف کانفرنس بایران رفته ملکه برخی از سر برآوردگان ایران را نیز برای شرکت در شیعه کانفرنس دعوت نمایند

خوبست در شیعه کانفرنس بقنه این اساس هم برای آینده ریخته آید ورنه این انجمن ملی شیعه نیزمثل سائر انجمن های ملی هندوستان مصداق این مصرع واقع خواهد بود

§ نشستند و گفتند و برخاستند §

یعنی نتیجه بزرگی که شایسته از یك چنین انجمن بزرگی است نخواهند گرفت

این را هم ناگفته نباید گذارد که امروزه بواسطه راه های شوسه و عبور و مرور اتومبیل سیاحت و مسافرت در کلیه ایران سهل و آسان و پر خرج هم نیست و دراین موضوع تحقیقات مسافرتی را از اداره حبل المتین توانند نمود

سوم - باید کوشش نمود که شیعه کانفرنس مخصوص به هند نماند و عملا اورا کانفرنس شیعیان تمام عالم قرار داد باید که شاخ این کانفرنس در مصر یمن شام عراق ایران قفقاز و ترکستان هم افتتاح شود تا غرض اصلی کانفرنس که ترقی هیئت جامعه شیعیان است حاصل آید هرگاه چنین اقدامی بشود و ارکان کانفرنس همت نمایند موقع خیلی مناسب پیشرفت است این نکته را هم باید دانست که تاوقتیکه این کانفرنس کسب عمومیت ننماید یعنی تمام فرق شیعه دروی شامل نگردند وحقوق همه یکسان محافظه نشود ممکن نیست که نتائج بزرگ و عمده از این کانفرنس گرفته آید باید بوهرا ، خوجه ، دروزی ، زیدی و سائر فرق تشیع را نیز شامل بخود دانسته تا هیئت جامعه شیعیان دنیا بتواند در مقابل سائر امم ابراز حیات نماید

ما میدانیم که بعضی از آقایان ممکن است با این عقیده مخالفت کنند ولی باید بدانند که هیئت جامعه تشیع جز با این اصولی که ذکر شد ترقی تواند نمود و اگر بخواهند این کانفرنس را محدود سازند نام آل انڈیا شیعه کانفرنس بروی نهادن غلط است

امسال شیعه کانفرنس صورت دیگر گرفته یعنی برای صدارت آن کسی را انتخاب کرده اند که بی باین نکات عالی تواند برد و منافع اقتصادی و سیاسی این مطالب را بخوبی میتواند حالی حاضرین کانفرنس نماید بعبارت ساده تر کانفرنس باید در سیاسیات و اقتصادیات شیعه بطریق عموم کار کند و تنها در روحانیات محدود نماند - البته چیزیکه میتواند اساس این کانفرنس را محکم نماید وتوسعه درکارهای نوعی بخشد همانا فراهم نمودن سرمایه کافی است و فراهم نمودن سرمایه کافی برای کانفرنس سه صورت بیش ندارد

اول - توجه عمومی وتحصیل یك مبلغ مختصر سالانه از عامه شیعیان

دوم - بایثار مبالغ عمده ازطرف ارباب یسار

سوم - مقررات و مستمریات عمده از امراء و فرمانفرمایان شیعه در هر کجا که باشند

ولی اولین شرط تحصیل یك چنین سرمایه بزرگ عمومی منوط و مربوط است بتشکیل یك هیئت صادقه که محل توجه و اعتماد عمومی باشد واصول و قوانینی برای صندوق مالیه کانفرنس وضع کنند که ولو یکی از متصدیان اگر هم بخواهد اختلاسی نماید برایش غیر میسور باشد

ملت شیعه ملت خیریست از کثرت موقوفات این جماعت مختصر این نکته بخوبی ثابت میگردد مشروط بر اینکه تصادف با یك هیئت صادقه بنماید

غرض اینست که امسال شیعه کانفرنس اگر بتواند جلب اعتماد عموم را نسبت بخود بنماید پیشرفت بزرگی حاصل کرده است

چهارم - بزرگترین اصلاحیکه باید شیعه کانفرنس مدنظر گیرد همانا انتظام موقوفات کلیه شیعیان هندوستان است و این یکی از کارهای عمده بزرگ کانفرنس باید باشد چه درسایه انتظام موقوفات کانفرنس بافتتاح مدارس و انتظام و ترتیب یتیم خانها و پرستاری اراذل و اصلاح مجالس موفق تواند آمد

پنجم - نظریه دیگری را که کانفرنس باید مدنظر گیرد همانا اصلاح تعزیه داری شیعیان است چه این عمل که تا کنون بزرگترین سبب ترویج امت شیعه گردیده از کثرت بی مبالاتی و خروج از دائره صحت عمل نزدیك است اسباب زوال شیعیان دنیا گردد کانفرنس باید طریق مشی خودرا کاملا معین نماید وهیئتی مناسب برای هر امر منتخب کند اگر بنا شود که کانفرنس انگشتر گردان چند نفر محدود ماند نه تنها شیعیان از وجودآن بهره مند نخواهندگردید بلکه روز بروز افزون از نفوذ کلمه او کاسته آمده تا یکدفعه مضمحل آید -

از طهران مینویسند

پس از رفع توقیف ، حبل‌المتین تاکنون به طهران نرسیده مگر روز نامه ناهید شماره های جدید الطبع حبل المتین را یافته و می‌یابد ظاهراً بطریق غیر مستقیم هوا داران آن نامه ملی فرستاده اند در اینجا بیموقع نمیدانم که تشکرات دوستداران نامه کهن سال حبل المتین را به کار کنان روز نامه ناهید و ستاره ایران و ... و تقدیم نمایم چه این دو نامه ملی در فاجعه مولمه حبل المتین و تهدید به تبعید مدیر آن بیش از سائرین ابراز صمیمیت و هم قلمی داداند

توقیف چند ماهه حبل المتین که هنوز هم معلوم نشده که از کجا و به چه سبب بوده آتش شوق علاقمندان به آن نامه ملی را بیشتر ساخته همه در استفسار و منتظر ورود آنند

اوضاع ملی

مسئله تازه همانا کناره گیری وثوق الدوله از وزارت عدلیه است ، وثوق الدوله در اول ورود خوب پر کرد ولی دکتر مصدق بدش خالی ساخت ولی وثوق الدوله گرگ باران دیده و ازاین هیاهوها از میدان بدر نمیرود غرض او هم وزارت مالیه یا عدلیه نبود میدانست شخصاً با این همه مخالفین ایستادگی نتواند کرد از اینرو در کابینه آقای مستوفی در آمد تا جاده را برای آینده خود صاف کند و الحق تدبیر بزرگی کرد همینکه بوزارت نائل شد و اعتماد مجلس را هم به کابینه یافت کوشش نمود که اعتبار نامه خود را بلکه از مجلس بگذراند چه میدانست خیلی محل اعتراض خواهد شد در این مدت دو ماهه وزارت هیئتی از وکلاء را با خود همراه ساخته وقتیکه یقین نمود که اعتبار نامه وکالت وی از مجلس خواهد گذشت زمزمه استعفا نهاده ازاین طرف هم اعتبارنامه اوتصویب شد و به میمنت و مبارکی داخل مجلس گردید سبب کناره گیری وی را مختلف میگویند حاشیه نشینان او علت مزاج را شهرت داده مخالفینش عدم پیشرفت امور قضائی را ظاهر میدارند یکی از واقفین میگفت وثوق الدوله آدم باعزمی است ، ولی مشروط براینکه خود سر و خود مختار باشد بالجمله با عقداری مانند آقای مستوفی از عهده هیچ کار برنتواند آمد متمائلین بسیاست شمال هم چنو تصور میکنند که چون پشتیبان وثوق الدوله سیاست جنوب بود و امروزه حنای شان در مرکز چندان رنگی ندارد نمی خواهند وثوق الدوله در این کابینه بیش از این کشف شود برای ذخیره روز مبادا بکناره گیری توصیه شده است

خروج وثوق الدوله از ایران ولو ظاهراً اختیاری بود ولی سبب باطنش همان نفرت عمومی ازوی بودی چند سالی که در خارج هم بود للوالست مصداق دوری و دوستی مجدد محبوب ایرانیان گردد بهر وسیله که بود اجازه ورود بایران را از اعلیحضرت پهلوی حاصل کرد همان ورود بایران و بمجرد رسیدن طهران و بحضور شاهنشاهی نائل آمدن یك گونه شستشوی از نامه اعمال او شد سپس انتخاب بوکالت را گواه پاکدامنی خود قرارداد با آنهمه هیاهوهای دکتر مصدق درموضوع وزارت او وعاقبت اعتماد اکثریت به کابینه در حقیقت وثوق الدوله را طاهر ساخت اینك که اعتبار نامه وکالتش هم ازمجلس گذشت وحزه وکلای ملی درآمد گویا در سلسبیل مجلس طاهر که بود مطهر هم واقع گردید با مزه تر اینکه آقای دشتی نطق عرائی کرده که بی مناسبت ندیدم در اینجا درج شود برخلاف تصویب اعتبار نامه او ایراد نمودند

نطق آقای دشتی

امروز صبح قبل از آنکه به مجلس بیایم یکی از آقایان به بنده رسیده و اظهار میداشت چرا شما قضیه ای که مربوط به هشت سال قبل است تکرار میکنید چیز هائی که مکرر گفته شده است چرا در باره تجدید می کنید و می گفت آنچه تحقیق کردم ندانم علت مخالفت شما چیست ندانستم بنده قبل از اینکه مطالب خود را بعرض برسانم برای اینکه آقایان تصور نکنند که مخالفت بنده ازلحاظ نظریات شخصی است موقع را مغتنم شمرده خداوند را بشهادت می طلبم که در این عرایض خود هیچگونه اعمال نظر و اغراض شخصی ندارم و اساساً در مسائل اجتماعی مصالح مملکتی را بالا تر از این میدانم که آلوده به اغراض خصوصی شود و مسائل جزئی کوچکتر از آن است که در این موقع خواسته باشم مخالفتم را بر روی آن اصل قرار دهم همه میدانید که در کابینه آقا سید ضیاء الدین بنده مدتی حبس بودم و هیچوقت خواستم نسبت به ایشان اغراض خصوصی و شخصی ابراز دارم و در کار ایشان اغلب حسن نظر داشته ام

بنده یاد داشت های زیادی برای عرض مخالفت خود تهیه کرده بودم ولی در این سه چهار روزه مکرر به بنده مراجعه کرده و اصرار داشتند که اگر مطالب گفته شده است تکرار لازم نیست بنده مجبوراً از آن قسمت آنها صرف نظر میکنم و عرایض خود را فقط از نقطه نظر صلاحیت شخصی ایشان اظهار میدارم و از بارهٔ سوابق ایشان که البته یك قسمتش بعرض مجلس رسیده صرف نظر میکنم

بنده از چهار لحاظ در صلاحیت آقای وثوق الدوله مشکوك هستم و برای اینکه زیاد اسباب تصدیع خاطر آقایان نشده باشم بطور خلاصه چهار

ملاحظه و نظر خود را عرض و مابقی بسته به رای مجلس است

اول — یکی از شرایط صلاحیت انتخاب شوندگان این است که شخص مرتکب جنحه و جنایت نشده باشد و در قانون انتخابات هم نوشته شده است - آقای وثوق‌الدوله در زمان تصدی خود عده را اعدام کرده اند و تا آن اندازه ای که بنده اطلاع دارم هیچ محکمه ای حکم قتل بعضی از آنها را صادر نکرده بود — حالا من وارد این قضیه نمیشوم که آنها گناهکار بوده اند یا نه جانی بودند یا نبودند و خیلی از اشخاص صالح و وطن پرست هستند که هنوز هم به بعضی از آن اشخاصیکه آقای وثوق‌الدوله بدار زدند بنظر تقدیس نگاه میکنند ولی میخواهم عرض کنم در مملکت مشروطه رئیس‌الوزراء چه حق داشته است حکم اعدام بدهد فرض میکنیم که آنها فی‌الواقع و نفس الامر گناهکار و مستوجب اعدام بودند ما مطابق نص صریح قانون اساسی اصدار حکم اعدام از خصایص محاکم صالحه است - یکی از دکتر های حقوق چند روز قبل نقل میکرد که اگر یك نفر جانی که بموجب حکم محکمه محکوم اعدام شده باشد و مامورین اجرا دارند اورا بطرف سیاستگاه ببرند شخصی در بین راه اورا بکشد این شخص قاتل شناخته میشود — خوب در این حالت من نمیدانم آقای میرزا حسن خان وثوق به چه استنادی فتوای اعدام اشخاصی را میدهند که در نظر یکعده مستحق اعدام نبوده اند و هیچ محکمهٔ نیز حکم اعدام آن ها را صادر نکرده است

برای اینکه آقایان تصور نفرمایند میخواهم برت و پلا عرض کرده باشم دو نفر آنها را هم اسم میبرم بطوریکه بنده مطلع شده‌ام حسین خان‌لله در عدلیه تبرئه هم شده بود معذالك اعدام گردید منشی زاده را که تبعید کردند آنوقت در بین راه باسم اینکه میخواسته است فرار کند کشتند حقیقتا وقوع این گونه قضایا برای مملکتی که میگویند مشروطه است زیبا و مستحسن نیست بنده عرض نمیکنم حتما قضیه همین طوری است که بنده عرض میکنم میگویند این اطلاعات بنده است خوب است مجلس شورای ملی امر فرمایند تحقیقاتی در اینباب بشود اگر اطلاعات بنده صحیح نیست اقلا قضیه واضح شده و دامن یکی از رجال سیاسی مملکت شما از لکه قتل نفس پاك میشود اگر هم هست مجلس قضاوت نماید

دوم - یکی ازشرایط صلاحیت نمایندگی این است که شخص برضد حکومت ملی قیام و اقدام نکرده باشد

بنده نمیدانم آقایان قیام و اقدام برضد حکومت ملی را چه تعبیرمیفرمایند ولی بنده تصور میکنم مقصود ازقیام و اقدام برضد حکومت ملی تنها این نیست که کسی یك عده اشخاصی را دور خود جمع نموده و تفنك بدست آنها داده مثل سالارالدوله قصد سرنگون کردن حکومت وتصرف مرکز را داشته باشد بی‌اعتنائی باصول مشروطیت پایمال کردن حقوقی را که قانون اساسی برای مردم و قوای ثلاثه مملکت تصریح نموده است مبادی حکومت ملی را زیرپای انداختن همه اینها قیام برضد حکومت ملی نباشد اقدام برضد حکومت ملی خواهد بود ومرتکب چنین اعمال مطابق نص قانون از وکالت محروم است

آقای وثوق الدوله در زمان تصدی خود از اینگونه اقدامات صرف نظر نکردند آزادی مسکن که از مصرحات قانون اساسی است در دورهٔ ایشان مفهوم بلا مصداق شده بود وهرکس را ایشان مخالف سیاست خود تشخیص میدادند بکاشان و قزوین و نقاط بعیده مملکت تبعید میکردند یا درب سیاه چال های نظمیه به روی آزادی خواهان و کسانی که معتقد بخط مشی سیاسی ایشان نبودند باز بود، در صورتیکه هیچ قانونی و هیچ زمامداری در هیچ مملکت وحشی اجازه نمیدهد که مردم را فقط به جرم اینکه با آنها هم عقیده نیستند و عین سیاست آنها را تعقیب نمیکنند حبس کنند یا تبعید نمایند

ممکن است آقای وثوق الدوله بفرمایند که سیاست مملکت مرا باین کارها الزام میکرد آنهم محتاج تحقیق وتفحص است که آیا سیاست مملکت ایشان را به اینگونه اقدامات مخالف مبادی حکومت ملی وادار نموده است یا سیاست خودشان و برای حفظ بقاء کابینه خود مرتکب این اعمال شده اند

نقطه نظر سوم - باز یکی از شرایط صلاحیت عدم معروفیت بفساد اخلاق است فساد اخلاق مصادیق زیادی دارد . بنده تصور میکنم بیشتر مقصود شارعین این قانون فساد اخلاقی است که مستقیما با مصالح اجتماعی تماس نماید وبانتظامات ومبادی مقدسه جماعت لطمه زند مثل ارتشاء

درباره آقای وثوق الدوله خیلی از این قبیل شایعات هست که بنده فقط یك مورد آن را که قابل تحقیق است و آقایان نمایندگان میتوانند بزودی صحت وسقم آن را کشف کنند عرض میکنم و آن دفتر ارباب جمشید است ، ملك مرد آباد در تصرف ارباب جمشید بود ولی مالکیت او مسلم نبود آقای وثوق‌الدوله ۱۵۲ هزار تومان ازخزانهٔ مملکت بعنوان اینکه به ارباب جمشید بدهند و ملك مرد آباد را بگیرند برداشته طلبکاران ارباب جمشید که مطلع شدند بمشار الیه ۱۵۲ هزار تومان رسیده است روی هجوم آورده و میخواستند غوغا کنند ولی بعد از فشار و

سهمت کمیری ها معلوم شد فقط ۵ هزار تومان بخود ارباب جمشید رسیده است ۳۷ هزار و پانصد تومان آن را خود آقای وثوق الدوله برداشته و ما بقی هم بین عده دیگر تقسیم شده دومرتبه هم مطلب اعتباریه برای آقای وثوق الدوله به اروپا رفت اگـر تا کنون دوسیه این کار را مفقود نکرده باشند تصور می کنم تحقیق آن آسان باشد سوابق آن در بانك ایران و مالیه نیز موجود است

دلیل چهارم در مخالفت با اعتبار نامه مسئله قرار داد ۱۹۱۹ است البته یك نفر زمامدار حق دارد مطابق تشخیصات خود و مطالعه اوضاع سیاسی سیاستی را که مفید بحال دولت میداند اتخاذ کند

حالا بنده هم در این موضوع وارد نمیشوم که قرار داد یك چیز مضری بود و شخص با اطلاع و با هوشی مثل آقای وثوق الدوله ممکن نیست مضرات آن را نفهمیده باشد و از همین جهت تمام جامعه بر ضد آن قیام و چون ملایم با روح اجتماعی نبود بزودی از بین رفت و مرد

بلی وارد این موضوع نمیشوم زیرا ممکن است ایشان دلائلی اقامه کنند بر اینکه یك همچه سیاستی در آن تاریخ لازم بوده است ولی در این جا دو نکته است که بی‌اختیار انسان را بحسن نیت عاقد قرار داد ظنین میکند

یکی این است که با وجود اینکه هر معاهده باید به تصویب مجلس برسد و تا نرسیده است از درجه اعتبار ساقط و یك پول سیاه ارزش ندارد معذالك آقای وثوق الدوله علاوه بر اینکه در افتتاح مجلس تسریع نکردند شروع به اجراء مواد قرار داد کردند ، مثلا یك کمپانی خارجی شروع به نقشه برداری راه آهن نمود که از این بابت ادعاهای واهی و بی‌اساس نیز فعلا ازدولت دارد ، مستشار مالیه را دعوت کردند برای نظام سر پرست وارد کردند و تقریباً روح قرار داد داشت عملی میشد که کابینه شان ساقط شد

یکی دیگر مسئله صد و سی هزار لیره است

در اینکه صد و سی هزار لیره باسم قرار داد داده شده‌است شبهه نیست و بهترین دلیل آن مراسله مستر نرمان است به کابینه سپهدار ولی نمیدانم این صد و سی هزار لیره از چه بابت بوده است ، برای اینکه در متن قرار داد اسمی از این مبلغ نیست که بدولت ایران داده شود مراسله ضمیمه هم در کار نیست که که اشاره بدادن این وجه نموده باشد

عقد این قرار داد هم دادن امتیاز ومسائل تجارتی نبود که این صد و سی هزار لیره را حق دلالی فرض کنیم

از طرف دیگر پول ما بین چند نفر تقسیم شده است شده که متحیرم حال از خود شما میپرسم که چه اسمی میشود بر روی این صد و سی هزار لیره گذاشت

آقای وثوق الدوله در جواب آقای دکتر مصدق دو ماه قبل گفتند من پولی نگرفته ام ، تا وقتی که نامه آقای وثوق الدوله افتاد و بلکه پس از مدتها هم کسی اطلاعی از این بابت نداشت ، در کابینه آقای سپهدار مراسلهٔ از مستر نرمان برئیس الوزراء وقت رسید که در آن مراسله صد و سی هزار لیره را که باسم خرج قرار داد داده بودند مطالبه کرده بود و گمان میکنم عین مراسله در کابینه ریاست وزراء موجود باشد ، رئیس الوزراء وقت به آقای وثوق الدوله تلگراف کرد وآقای وثوق الدوله جواب داده بودند چون تجارت خانه طومانیانس در شرف ورشکستگی بود من هم خود را به تجارتخانه مزبور داده و املاك مازندران آنها را برای دولت برداشتم ملاحظه میفرمائید با این مقدمات کاملا ثابت است که پولی گرفته شده وتقسیماتی هم شده است معلوم است که این پول شخصی بوده است و مربوط بدولت هم نبوده است نهایت عذر آقای وثوق الدوله اینست که برای ملت ملك خریده اند درصورتیکه ملت محتاج ملك نبود و ازعهده اداره خالصه جات خود برنمی آید و بعلاوه قبل از تلگراف سپهدار هم ملت اسمی از این ملك جدید الابتیاع خود نشنیده بود

این است نظریات بنده درقسمت صلاحیت آقای وثوق الدوله ولازم است عرض کنم که این مطالب هو و جنجال نیست هریك سوابقی دارد که ممکن است تحقیق شود لذا بعرایض خود خاتمه داده و مخصوصاً از مجلس تقاضا دارم تحقیقات کاملی در این قضیه شود اگر حقیقت ندارد چرا دامن یکی از رجال سیاسی این مملکت لکه دار بماند و اگر هم حقیقت دارد مجلس قضاوت خود را به نماید

* * *

پس از خاتمه نطق آقای دشتی آقای فاطمی دفاع نمود و بدون رو در واسی دفاع ایشان از نطق آقای دشتی خیلی کم مغز تر از دفاع آقای مدرس از بیانات دکتر مصدق بود نمیدانم در پیش وجدان و تاریخ ملی که تمام این کلمات را ضبط خواهد نمود چه جواب خواهند داد جز اینکه بفرمایند

§ بعد از سر من کن فیکون شد شده باشد §

درهرحال اکثریت مجلس را یافت و وثوق الدوله معصوم داخل مجلس شد اینجا یك روایت ثوقی هم هست یعنی چنین میدانند که از همان ساعتیکه آقای وثوق

مجلس شوند دسته بندی بزرگی در مجلس بر خلاف کابینه کنونی خواهد شد و چون از طبیعت آقای مستوفی بخوبی واقف اندکه یك اعتراض بیجا یا ذره انحراف تمایل مجلس فوری از کار کناره می گیرند اینست که بسیاری از پیش بینان می گویند که کابینه کنونی خیلی دوام نتواند کرد و از آن مد یك کابینـــه معلل یعنی موقتی برای اثبات اینکه در ایران جز آقای وثوق کسی قابل ریاست وزراء نیست تشکیل خواهد یافت و آن کابینه هم معلوم است چون علل و موقتی بوده بزودی منحل خواهد گردید و آن وقتی خواهد بود که آقای وثوق پاك و پاکیزه طیب و طاهر و مطهر که باتوکری خالـــه را متصدی آمده فارغ البال بتکمیل نواقص اولیه خود شان اقدام خواهند فرمود و آن زمانی خواهد بود که بقول (عارف)

§ خر بیار و معرکه بار کن §

(فروغی)

آقای فروغی هم گویا حسب الامر طلب شده و در مسکو روزی چند توقف نموده در تصفیه مسائل راجع بایران و روس کمك خواهد کرد ، بعضی هـا عقیده دارند که پس از ورود بمرکز آقای فروغی هم در مجلس مورد تنقید واقع خواهد گردید ولی بعقیده من اگر در مسکو مقتدر خدمتی بسزا گردد یعنی در معضلات مسائل مختلف فیـــه ایران و سویت موفق بحل شود همانجا غسل تعمید یافته پاك خواهد شد ورنه ناچار او را هم در کوثر مجلس شستشو داده تطهیر خواهند یافت

فروغی مردیست باز یافته و فاضل ولی کم تجربه است ممکن است در برخی معاملات گول خورده باشد بعبارت ساده تر اگر در کابینه ایشان غلطی هم شده عمدی نبوده است مسئله قرار داد با بانك شاهنشاهی را آقای مستوفی صاف نمود ظاهراً چیزیکه باقی مانده شهرت خط قبولی است که در کابینه ایشان در موضوع بیست کرور دعاوی باطله انگلیسان بسفارت دولت مومی الیها داده است ولی واقفین رموز تقصیر را بگردن داوُد خان مفتاح السلطنـــه کفیل سابق وزارت خارجه میاندازند

(مفتاح)

آقای مفتاح ثابت نموده که همـــاره طرفدار پیشرفت سیاست جنوب در ایران بوده است و بواسطه قربان قربان گوئی و تملـــق هـای ریشخندانه و تکانیدن گرد قبا و درست کردن دکمه جای دست و پیغه هرکس را میتواند ریشخند بکند. درست وقتی دقت شود دیده خواهد شد که چندین پادشاه و رئیس الوزراء ها را تسخیر کرده و خر خود را از پل گذرانده است

وقتیکه پرنس علاء السلطنـــه پیر مرد از طرف مظفر شاه بدربار لندن بمناسبت تاجگذاری پادشاه انگلستان رهسپار آمد مفتاح توسط سفیر انگلیس معاون سفارت فوق العاده ایشان شد هر کس مرحوم علاء السلطنه را دیده خوب میداند که بوقتیکه مثل مفتاح السلطنه معاونی با او بودی چه میشد مفتاح در آن سفر بلقب « سر » مفتخر آمد و معلوم است که این لقب طوق عبودیتی است که بگردن هر خارجی افتد تا دم مرگ از حمایتش باز نمی دارد

در موقع بمباران مجلس مفتاح غاشیه بردار مرحوم محمد علی شاه و رابطه موثق سفارت انگلیس و دربار بودی چنانچه در کتاب آبی که سر ادوارد گری که در معاملات آن دوره ایران انشاء داده چند مورد خدمات ذی قیمت مفتاح را ذکر و تمجید نموده است

پس از اینکه دانست که محمد علی با انگلیس بریتان نمیتواند میانه داشتـــه باشد باز توسط همان سفارت بنمایندگی هندوستان را تحصیل و یکسال و اندی در هوتل بمبئی متوقف و سپس که ملتیان محمد علی را خلع و دولت جدید بروی کار آمد ایشان هم به طهران باز گشت ، چندی در ردیف منتظرین خدمت مانده بوسیله همان سفارت خانه مجدداً ماموریت هندوستان را یافتـــه خدمات هفت ساله ایشان را در هند ایرانیان هند بهتر میدانند فقط بذکر یك جمله که یك از ظرفای بمبئی نوشته قناعت می کنم « مفتاح سوراخ دعا را خوب پیدا کرده در این سفر فقط توانسته شاخ مدیر حل المتین را تابیده آسوده بنشیند »

بالجمله پس از اینکه شاه والا جاه احمد میرزای مخلوع برای امضای قباله ایران به لندن رفت ایشان هم از هند خودی باروپا انداختـــه در بله بله قربان چیان شاهانه شامل آمده در موقع امضاء شاه ازطرف شاهزاده فیروز میرزا وزیر خارجه قلم بردار ودوات گذار گردیده صله همان خدمت عالی شش سال کامل سفارت لندن را اشغال نمودند بعد از آنکه برحسب قانون مجلس ایشان نیز بطهران طلب شده تا لیت و لعل مانکه هم میدانند و همان وساطت های اولیـــه ژاوژ دافی مرکز مهم لندن را بداماد ارشد خود سپرده عازم طهران آمدند در آن موقع نیز که همه متوقع اند چگونه باد جنوب میوزید اول معاون و سپس کفیل وزارت خارجه شدند در این مدت مدید نیز خدمات ایشان بملك و ملت پوشیده نیست مرکز لندن را برای خود یا داماد خویش تعیین و بسفارت واشنگتن را هم یدکی میکشیدند این مراسلـــه هم که

دکتر مصدق درمجلس بیان کرد و الزامش را به آقای فروغی داد در کفالت وزارت خارجه ایشان بلکه مراحم ایشان شده است ورنه کسانیکه بسابقه حال و گذارش احوال فروغی واقف اند چنین سهو بزرگی را از وی استعجاب می نمایند

در هر صورت همینکه فروغی برسد خواه نخواه پرده ازروی این مسئله هم خواهد برافتاد

قصور با کی است نمیدانم همه طهران مفتاح را می شناسد که بسیار آدم محبوب و خوش صحبت است در دنیا برای خود جز حرف زدن و عمل نکردن وظیفهٔ تصور نکرده زندگی هوتل را بسیار دوست دارد این هم برای آنست که نمیخواهد کار بکند خانه داری یک گونه انتظام لازم دارد اما هوتل هیچ گونه انتظام لازم ندارد نوکر نوکر هوتل خانم خانمهای هوتلی همه چیزهم فرد اکملش درهوتل پیدا میشود برای حرف زدن هم هوتل از همه جا بهتراست چه هر ساعت دوستهای تازه آدم پیدا میکند وحرف های کهنهٔ خودرا میتواند با آنها تجدید کند حضوراً باهمه کس متملق ولی درحقیقت ، حفظ الغیب هیچکس را ولو جبرئیل امین و برادر حقیقی و پدر زن واقعی خود هم باشد ندارد طهرانیان هم میل نداشتند ایشان بمانند او هم میل نداشت طهران بماند در حقیقت این ها همه دست بهم داده روانه واشنگتن گردید خوشا بسعادت امریکائیها ، مفتاح آدم بدی نیست اما مرد کار نیست ، ایران امروزه با امریکا خیلی کاردارد خصوصاً برای نفت شمال و باز نمودن سایر معادن و استقراض و امثال آن یک شخص کار بر فعال میخواهد مثل آقای علائی ، دکتر مصدق ، تقی زاده ، مؤتمن الملک ، مشیرالدوله و امثال آنها که امتحان کامله خودرا داده و در فعالیت پیش ثابت شده باشند مثلا امروز اگر ایران با آمریک کار و مخابراتی داشته که بخواهند چندی در پرده استتار ماند با سوابق آقای مفتاح وجوب پرستی ایشان صورت نتواند بست ، مشکل اینجاست که پنج سال هم بوزیر مختاران ایران وقت داده میشود و در این پنج سال ایران با آمریک خیلی کار دارد مفتاح خود هم از آمریک خوشش نخواهد آمد چه مردمان آمریک همه بکار عادت دارند و ایشان به بیکاری بعید نیست خیلی زود خود شان تبدیل ماموریت بخواهند ، خوبست آقایان طهرانی وقتی میخواهند کسی را دست بسر کنند مزاج اورا دانسته سنگ فلاخنش سازند ، مفتاح جای آرام بیکار بر عیش می پسندد پول خوب بدهند بلند بزرگی مقام و جهنم نیست من یقین دارم اگر سفارت سویز یا رومانی بایشان داده شود مشروط براینکه مواجبش کافی باشد عذری نخواهد داشت بلکه چون کار در آنجا ها نیست خوشترش خواهد آمد

(متخصص بلژیکی)

یک از مسائلی که نقل مجالس ارباب دانش آمده همانا جلب یکنفر متخصص بلژیکی برای ریاست پست و تلگراف است ، خوب است قبل از اینکه داخل این موضوع شوم اظهار دارم که در صدی نود نفر از ایرانیان بواسطه سوء سلوک مامورین بلژیکی وخیانت های بیی که از برخی از آنها سر زده از نام بلژیکی متنفر آمده اند . بلژیکیان درسی ساله اخیره همواره آله پیشرفت خارجی بوده بیش ازمامورین روس به آن دولت خدمت نمود و همین قسم در موقع نفوذ انگلیسان امتحان داده اند با مزه تر اینکه بلژیکیان در هر مملکت هر اسم و رسم که داخل شوند برای دولت بلژیک کالونی عمده تشکیل میدهند چنانچه امروزه عدد رؤسای بلژیکی در گمرکات ایران بیک عدد معتنائی رسیده اینک هم که یک متخصص بلژیکی برای پست و تلگراف جلب کنند پس از چند سال دیده خواهد شد که عده شان از عدد گمرکچیان بلژیکی ایران تجاوز خواهد کرد

در مشرق اول دولتی که بجلب مستشاران خارجی اقدامی نمود ژاپون بود ولی ژاپون در استخدام متخصصین و مستشاران خارجی اول شرطش این بود که باید دولت در مدت معین فلان مقدار معاونین که زیر دست آنها گذارده شود قابل و لایق همان خدمت سازد ژاپونیها میگفتند که ما متخصصین را فقط و فقط برای تعلیم مامورین خود میخواهیم وبواسطه همین عقیده بود که در مدت سی سال ژاپون توانست در کلیه ادارات خود رؤسا و متخصصین ژاپونی را برگمارد و درمدت مزبور سر مبارات با بزرگترین دول میزد ازابتدای ترقی ژاپون تا زمانیکه پنجه قوی امپراطور تزاری روس را درهم پیچید از چهل سال تجاوز ننموده بود بدبختانه در مدت سی سال استخدام متخصصین بلژیکی یکنفر ایرانی قابل ریاست گمرک یک بندر کوچکی هم نیامده است علت این امر را نگارنده دو چیز میداند

اول - عدم توجه مامورین بلژیکی بتعلیم وترتیب ایرانیان و این هم ناشی از عدم توجه اولیای دولت سابق بوده که در فکر پیشرفت و ترقیات ملیه خود نبوده اند

دوم - بمناسبت محیط فاسد و بد اخلاقی که مامورین ایرانی را احاطه کرده مدخول را اعظم مقصد خویش ساخته اند

در اینجا مامورین ایرانی یک الزام بنگارنده خواهند داد که آیا بلژیکیان مدخول را پیشقدم وظائف

خود در ایران نشناخته اند جواب اینست که در میان بلژیکیهای ایران انگشت شمار بوده که مدخول را پیشرو خود ساخته و در میان ایرانیان خودمان کسی که مدخول را پیشرو خود نسازد انگشت نداشت علاوه بر این بلژیکی اگر بما خیانت کند یك قصور کرده ولی اگر ما بخود خیانت کنیم دو قصور کرده ایم یعنی هم خیانت و هم وطن فروشی ولی من این سخنان را بیهوده میدانم تمام قصور را به نبودن جزا و سزا میدانم محیط ایران که تا این درجه فاسد شده واخلاق ایرانیان که تا این پایه مذموم گردیده همه از نداشتن سزا و جزاست تمام از رواج طرفداری و حس ظالم نوازی است از مطالب دور نشوم بعقیده بسیاری اداره پست و تلگراف رئیس و متخصص خارجی لازم ندارد و بفرض لزوم هم چون بلژیکیان در این مدت سی ساله خیلی بد امتحان داده بهتر بودی که متخصص پست و تلگراف از ملت دیگر استخدام میگردید

واقع عجب مملکت شلغم شوربائی است ایران حالا هم که میخواهیم جاده ترقی بپوئیم باز هم دست از شلغم شوربا کاری خود بر نمیداریم کلیه ادارات یك مملکت باید مربوط بهم باشند و مامورین آن ادارات نیز بایستی آشنا باخلاق یکدیگر و واقف بزبان و مزاج هم باشند اگر بناست که ما متخصص بگیریم چرا از امریکانه طلبیم همان قسمیکه بلژیکیان بد امتحان داده امریکائیان خوب از آب بیرون آمده اند علاوه بر این انتخاب متخصصین از این دولتهای کوچك مضرات سیاسی هم دارد و ما مضرتها را یافته و امتحان هم کرده ایم یعنی در موقع انقلابات سیاسی مامورین ملل کوچك تابع سیاست دول قوی میگردند چنانچه متخصصین بلژیکی این مسئله را ثابت کردند ولی متخصصین امریکائی هرگز زیر بار چنین ننگی امیرولد چنانچه مستر شوستر رفت و شرافت واصالت و بزرگی ملت آمریك را برعالمیان آشکار ساخت

روز نامه شریفه ناهید در این موضوع الحق حق وطنخواهی و حقیقت گوئی و ملت دوستی را ابراز داده ولی چه توان کرد

§ آنچه البته بجائی نرسد فریاد است §

شاید بعضی بگویند که متخصص امریکائی مواجب زیادتر میگیرد جوابش اینست که هم بهتر کار میکند و هم خیانت ندارد و اگر باصول اقتصاد هم عمل شود متخصص امریکائی با صرفه تراند یقیناً اگر گمرکچیان خودمان را از امریکائیان گرفته بودیم دراین سی ساله ما را ازجلب گمرکچیان خارجی مستغنی مینمودند ولی بلژیکیان ولو صد سال هم باشند موقع ریاست کار بایرانی نداده ونخواهند داد گویا هنوز تمایلات شخصی بر منافع ملی برتری دارد مثلا وزیر فواید عامه چون تعلیماتش در آلمان شده و بقول انگلیسها آلمانی فیل است متخصصین معدن وذوب آهن را از آلمان میخواهد و حالانکه اگر او نیز متخصصین را از آمریك میگرفت که تجانس در بین بودی بهتر می بود

(نظام اجباری)

راستی کم وجدان ترو بی حس تر از ما ساکنین طهران کمتر خواهید دید سر بازگیری اجباری در طهران شروع گردیده ولی چه عرض کنم باز همان حقه بازیهای اولیه بروی کار است اصول تبعیض بر معید ایران احاطه دارد هرچه بکنیم این اصول منحوس از ما منفك نمی گردد هنوز اهالی این شهر شهیر بی بمنافع نظام اجباری نبرده مطاع نیستند که برای حفظ ناموس وطن برای حفظ بیضه اسلام برای نگاهداری استقلال مملکت برای عزت و ترقی ملت برای نسل آینده برای حفظ صحت بلکه برای طول عمر و تعیش باقوای جسمانی بهتر از شمولیت در نظام اجباری نیست نمیدانم این آقایانیکه به تشبثات خنك خود یا برادر یا فرزند یا خویشاوندان خویش را در قانون معافی از نظام اجباری بیرون آرند چه نفعی برای خود و چه فائدتی برای ملت و دولت تصور کرده اند اگر این تشبثات را افراد نادان ملت کردی چندان مورد ملامت نبودی ولی از مردمان دانا و واعظین غیر متعظ این گونه تشبثات خیلی بعید بلکه قبیح است چون زمزمه است که ارباب حل و عقد در این موضوع به پیشگاه شاهانه این مراتب را عرضه داشته و امر تاکیدی بر خلاف تبعیض صادر کنند صرف نظر از ذکر اسامی متشبثین نموده بموقع دیگر می گذاریم

الحق قانون نظام اجباری بهترین و بالا ترین قانونی است که تا امروز در ایران وضع شده وهیچ چیز هم منافعش برای دولت و ملت و مملکت چه از روی اقتصاد و چه از روی سیاست بهتر از این قانون نیست خیلی نا فهمی میخواهد که از چنین فائده بزرگی بشامت تبعیض صرف نظر شود و اگر خدای نخواسته تبعیض مرتفع نگردد روز بروز از نفوذ و عظمت این قانون کاسته تا وقتیکه یکدفعه مثل سائر قوانین مملکتی بی اثر ماند فقط امید واری بر اینست که ذات شاهانه که بشخصه در مجلس دفاع فرموده و این قانون نافع را گذراندند در دفع و رد اصول تبعیض هم جداً صدور امر خواهند فرمود

جنبش چینیان

انقلاب کنونی چین بزرگترین بشارتی است برای آزادی شرق بسیاری از اروپائیان را عقیده اینست که جنبش چین از نتایج سموم بلشویزی است که در اثر پروپاگندا های روس تولید گردیده و این عقیده را رجال رسمی انگلستان تائید می نمایند مستر چمبرلین چون نمیخواهد مستقیماً با روس مقابله شود مسلک خود را در انقلابات کنونی چین بیطرف قرار داده است لاید ژارژ نیز همین مسلک را تقدیس می نماید ولی لارد برکنهد و پیروان او را عقیده اینست که دولت انگلیس باید جداً استداد سموم بلشویزی را از اقصای شرق دور سازد

رفیق چه‌چرین وزیر خارجه روس میگوید جنبش جنوبی چین ملی است نه بلشویزی و روسیه هیچگونه دخالتی در آن ندارد ولی از پیشرفت ملیون چین خوشنود و قلباً خواستگار ترقی آنان است سفیر انگلستان مأموریت مخصوصی دارد که هرگونه مقتضی بیند در حفظ حقوق و مال و جان رعایای انگلیس در کانکو بکوشد

قضیه برهنکو تهدید بزرگی بر تصرف شنگائی هم هست و اگر ملیون جنوب قبضه بر شنگهائی نمودند هنگکانک راهم درمخاطره خواهند انداخت انقلابیون جنوب ابواب را بهانه نیز بروی خارجیان بسته ذمه‌وار حفاظت مال و جان آنان گردیده ساعی اند که سرکردگان شمال هم از در آشتی بیرون آمده یك حکومت قوی ملی در چین تشکیل داده خارجیان را نیز بحقوق خود محدود داشته اوراق معاهدات جبریه قدیمه را چاك کرده بر اساس منافع ملی قرار داد های تازه با جمیع ملل و دول بر بندند اولین اقدام ملیون چین اینست که تعرفه گمرکیات خویش را که بروی منافع اجنبیان گذارده شده باطل ساخته و تاوان های جنگ بکسرو امثال آن را ازروی چینیان مرتفع دارند بیش ازهمه این اقدام بمنافع ملت و دولت انگلیس نقصان رسان تصور گردیده ولی انگلیسان هوشیار چو می بینند اگر رشته را سخت کشیده خواهد گسیخت خواه مخواه سر تسلیم بخواهشات ملی چین خم نموده شاید با این وسیله بتوانند حقوق ملیه خویش را در مملکت چین محفوظ دارد این نقصان عظیمیکه ملت و دولت انگلیس در اقصای شرق یافته از اثر الغای اتحاد ژاپون است که ۲۰ سال کامل طرفین از او بر خوردار بودند تا سال ۱۹۲۱ دولت انگلیس برای نزدیك شدن بسیاست آمریك اصرار در الغای اتحاد ژاپون در اقصای شرق نمود بدواً ژاپون خیلی بر خود ترسان بوده کوشش نمودی به بقای آن اتحاد ولی از تمایلات انگلیس با آمریك ناچار آمده او نیزدست دوستی بطرف روس دراز ساخت و این مدت ۵ ساله لغو اتحاد انگلیس کاملا ژاپون دراقصای شرق بروی پای خود ایستاده بهتر و نیکو تر از عهد حفظ حقوق خویش بر آمد و اینك نیز با دولت همسایه خود چین متحد و در این جنبش ملیون خویشتن را بیطرف جلوه میدهد انگلستان از چندی باینطرف که بی بمضرات الغای اتحاد با ژاپون برده خواستند دست دوستی مجدداً بطرف ژاپون دراز کنند ژاپونیان زیر بار نرفته از اتحاد انگلستان رو گردانده ولی از روی سیاست ظاهر تالم از ابتلاآت انگلستان در اقصای شرقی می نمایند ملیون چین ظاهر داشتند که فقط باظهار خلوص و اطاعت و عبودیت غربیان بحقوق خود رضا داده آنان را بحال خودشان نخواهند گذاشت ، خشونت مقدس که اعظم مسالك نیرومندانه است اختیار کرده بیك جنبش ملی رشته های صد ساله غربیان را پنبه ساختند ایرانیان هم باید بدانند که حقوق مسلوبهٔ خودرا جز درسایه خشونت مقدس بدست نتوانند آورد و هنوز زمانه انصاف وعدالت بدرجهٔ نرسیده که متجاوزین بحقوق دیگران خویشتن را از تجاوز باز دارند نباید توقع نمود که دیگران بحقوق خود رضا دهند باید کوشش کرد و حقوق خویش را حاصل نمود امت ایرانیه مانند برادران چینیه باید بدانند که حقوق استقلالیه یك ملت چهار رکن دارد

اول - اختیارات کامله در عقد معاهدات سیاسی با هر ملت و دولت

دوم - اقتدارات اقتصادی اعم از گمرکات و امتیازات

سوم - بسط مقدرات قضائی مملکت خویش بهر قسم که صلاح ملك و ملت را دانند

چهارم - بسط اقتدارات خویش در سرحدات و زوایای مملکت خود یعنی در هر نقطه که مناسب دانند استحکامات جنگی وقلعه بندی های ضروری خودرا بدهند

ملت چین مانند ما ایرانیان در باطن از این چهار رکن استقلال تا درجه محروم بودند ولو اینکه درظاهر همه دول اورا مستقل و آزاد میگفتند بقول یك از فلاسفهٔ بزرك اطلاق لفظ آزادی بر ملت و مملکت که افراد آن بارکان سیاسی و اقتصادی و قضائی و نظامی مملکت خود دارای اختیارات کامله نباشند غلط ولی معنی است ما که نتوانیم گمرکات خویش را بروی منافع ملی گذاریم وقضاوت قونسولات را از مملکت خویش مرتفع داریم و در نقاط سرحدی مانند جزیره هرمز و لارك و قشم و گوادر و چابهار قلاع نظامی ساخته یعنی بوظایف دروازه بانی مملکت قیام نمائیم و

بترسیم از قرار داد های نافع سیاسی که ـ وله آزاد گشته توانیم آمد

§ شیر بردست و سر و اشکم که دید §
§ همچو شیری را خدا هم نافرید §

الحق ملت شش ملیونی یعنی جمهوری جوان ترک را میتوان آزاد و مستقل گفت چه در ارکان اربعه استقلال کامل الاختیار است ولی ملت چهار صد و پنجاه ملیونی چین را آزاد بمعنی حقیقی نتوان دانست امید است که ازاین جنبش و انقلاب مقدس چین که رکن اعظم شرق است باستقلال کامل ملی نائل آید ، ما ایرانیان نیز به پیروی برادران آسیائی خویش موفق به تحصیل استقلال حقیقی آئیم -

خشونت مقدس ترکان

مندروس جزیره ایست ۱۸ میلی ازمیر در دهنه خلیج موسوم به اوزان آطه (جزیره طویل) که طولش سه و نیم و عرضش ۲ میل است ، موقعیت این جزیره چنانست که هر دولت بر آن قابض باشد ازمیر بل کلیه آن ایالت را تحت تصرف خود تواند آورد

داسایان انگلستان به موقعیت این جزیره اطلاع یافته یك نفر از انگلیسها بمعرض بیع در آورد اما دهقانان یونانی از دادن مالیات آن اراضی بمالك ما زه استنکاف و زریده تا در موقع جنك بین المللی عثمانیان متصرف و قلعه بندی نمودند

پس از شکست عثمانی و هجوم یونان بر سمرنا جزیره مندروس هم بقبضه آن درآمد تا اینکه ورق برگشت و یونانیان از ازمیر مجبور بفرار شدند ترکان جزیره مزبور را نیز بقبضه خود در آورده کاملا از موقعیت آن استفاده نموده استحکامات و قلعه بندی کما یلیق بطرز جدید احداث کردند

اینك انگلستان را باد بزخم خورده دانستند که در موضوع این جزیره تیر شان از شست رها گردیده خریدار آن بدست و با افتاده تقاضای تصرف و مالکیت خود را بر آن جزیره می نماید

روز نامه طمس در این موضوع قلم فرسائی کرده می نویسد علی ای نحو کان باید این جزیره بمالك آن که یکنفر انگلیس است مسترد گردد

جریده یومیه وقت در این موضوع می نویسد که انگلیسان میخواهند باسم اقتصاد منافع سیاسی از این جزیره حاصل نمایند - میگوید انگلیسان به بهانه هندوستان نقاط مهمه جنگی مانند جبل طارق مالتا سویز عدن و راس امید وغیره را بقبضه خود در آورده معلوم نیست که جزیره مند روس را به چه عقیده سیاسی میخواهند ضمیمه مستعمرات خویش سازند این جزیره دروازه حقیقی ازمیر و آن ولایت مهم است ترکیه جوان نمیتواند بهیچ اسم و رسمی ترك این جزیره را گفته بمدعی مالکیت آن که یك نفر انگلیس است بسپارد - البته مسئله قیمت آن چیزی است که میتواند در یکی ازمحاکم صالحه مراجعه و تصفیه یابد

قونسل جنرال بمبئی

درموضوع جناب مستطاب ... آقا میرزا اسدالله خان بهنام (منیع الملك) شمهٔ بطریق ضد و نقیض در جرائد و مکاتیب دیده میشد ، تا اینکه ما خود بمبئی رفته شفاهاً آنچه تحقیق نمودیم از این قرار بود ، آقا بهنام یك از مامورین سلیم النفس نرم مزاج و فعال و صحیح العمل است ، از جمیع طبقات بمبئی آنچه تحقیق شد همه کمال رضایت را ازایشان داشته استشهاد سازی و مضبطه سازی از نقطه معین و اشتباه کاری بوده ، ازجلسه عامی که از کلیه طبقات ایرانی در رضایت از ایشان شده بود بخوبی مدلل میگردد که در موضوع معزی الیه دو دستگی وجود نداشته جز معدودی همه با کمال میل بقای ایشان را خواستار آمد وموجب همان میل عمومی ابقا هم آمدند

نمایندگی هندوستان دو جنبه دارد اول جنبه عمل دوم جنبه سیاسی برای مامور ایرانی اول بمبئی ودوم کراچی اگر مامور کار کن فعال داشته باشیم خیلی میتواند کار کند مناسبت جنبه سیاسی بود که دولت کلکته را که مرکز فرمانفرمائی هند بود در این اواخر قیام گاه نماینده اول خود قرار داد ، حالا ده سال است که پای تخت و مرکز فرمانفرمائی تبدیل بدهلی شده و جز نماینده افغانستان نماینده هیچ دولتی را اجازه قیام دائمی نمی دهند ، دولت یا باید جدیت کنند برای حفظ مناسبات سیاسی نماینده اول خود را در دهلی جایگاه بخشد و اگر باین ملاحظه نباشد مرکز نماینده اول ایران بهر جهت که باشد کما فی السابق باید بمبئی قرار گیرد ، بمبئی اولا دارای ده هزار نفوس ایرانی است و تجارت آن هم برای ایرانیان مهم وآمد و رفت جهازات هم از بمبئی بخلیج فارس زیاد است ، عایدی دولت هم از تذکره بیش از کلیه نقاط هند است ، بعد از بمبئی نقطهٔ همینکه برای مامور ایران میتوان تصور نمود همانا کراچی است که دروازه یا ایستگاه ایرانی باید گفت و سالانه ازبنادر مکران بالغ بر ۵۰ هزار عبور و مرور دارد اگر دولت مامور جدی بامواجب کافی دراین بندر بفرستد منافع عمده سیاسی واقتصادی حاصل تواند شد اولیای دولت علیه راست که در آینده مامورینی را که بهند میفرستند بنظریه اقتصاد و عمل باشد یعنی نماینده اول ایران با مواجب کافی در بمبئی قیام نماید و قونسل مواجبی هم در کراچی مقرر دارند و سائر نقاط هند

مانند کلیسا، مدارس، رنگون وغیره را مثل همیشه بیاموزیم افتخاری وا گذار کنند چه در این نقاط کار خیلی کم و عایدی تذکره هم قلیل است و این عمل برای دولت مصارف فوق العاده هم فراهم نمی آورد حالا هم دو مامور مواجب دارند آنوقت هم دو خواهند داشت فقط مرکز آن بمناسبت موقع و اهمیت و کار و زمان فرق خواهد کرد . یقین است جناب مستطاب آقای سوتی نماینده اول ایران نیز این نکات را باولیای دولت علیه پیشنهاد خواهند فرمود

انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق

ای ایران ! ای وطن ! ما همیشه برای تسلیت خاطر خود نام مقدس ترا سرلوحهٔ جمیع لوایح ومقالات خود قرار داده از صمیم قلب ترقیات و استقلال ترا از درگاه یزدان پاک آرزو میکنیم زیرا همان اندازه که قلبخانه ایمان ویکتا نقطهٔ اتکاء روح واقع گردیده تو برای ایمان و روح ما همان مقام قلب را حائزی چنانکه اگر قلب درمیان نباشد ایمان را جایگاهی نیست و اگر وجود داشته باشد آن را جز قلب مکان و خانه نی بلکه از آنهم تجاوز کرده تو هم قلب ما و هم روح مائی زیرا در عالم فلسفه ثابت شده است که عظمت و بقای هر موجودی بروح آن موجود بود است پس باید گفت بی وجود تو مارا عظمت و بقائی نیست

ای ایران تو پاک و مقدسی و عزیز و مجلل ما ز این رو ما باحترامات تو قسم خورده که بحقوق تو خیانت نکرده و شب وروز قوه و افکار خود صرف ازدیاد شکوه و استحکام جاه و جلال تو نمائیم این است که عظمت و استقلال ما تالی ترا همواره از پیش نظر خود دقیقه داده و با یك آرزوی جوان و قلب قوی و برومند در سعادت آینده تو نظر افکنده و ساعات و دقایق عمر گران مایه خود در انتظار ظهور آن میگذرانیم

ای ایران توئیکه هنوز طناب خیمه جلالت از کنار دیوار چین تا دامنه کوه اورال حلقه افکنده وهنوز کنگره قصر اکباتانات از شوکت کلاه کاوس حکایتها نموده و هنوز رفعت ایوان مداین عظمت و طنطنه دولت ساسانیان را بر اهل عالم عرضه داشته و هنوز تار اقوتی و آثار عمارت استخر و خاك بستانات صدای هلهله رزم جویان ارمن واسکارتیا بدید و آشکار و هنوز منقورات کتیبه بیستونت ستون صنایع و تمدن را پایدار

و تو ای مادر وطن چه جوانان که درمهد شجاعت و دامان عصمت پرورانیده سپس در راه شرافت و ناموس این آب وخاك بمیدان قربانی فرستاده

وچه جانهای شیرین که درآغوش ناز ونعمت نگاهداری نموده سپس فدای آسایش فرزندان رشید خود کرده و برای استخلاص دامان خود از چنگال بیگانگان چه حملات و تهاجمات گوناگون تحمل نموده و در چه مجلسهای سوگواری قدم نهاده اکنون رایحه تربت همان شهیدان است که هر لحظه صفحات روح افزای ایران را عنبر آگین نموده مشام جانهای خسته وناتوان عشاق بلاکش که در فراق گم گشتگان عزیز خود به نوحه و زاری مشغولند معطر ساخته است و صیت جلال ارواح آنها است که غلغله و انقلاب در بین عناصر بازماندگان این آب و خاك افکنده است که در زیر سایه علم شیر و خورشید محبوب ایران کوس استقلال و شکوه باستانی بغرش و ترنم بیرون آورده و از هر طرف دسته دسته شجاعان غیور با کمال میل و اشتیاق برای استرداد حقوق شاهنشاهی ممالك ایران اظهار فداکاری مینمایند بلکه تابع شکیبائی و وقار و مهربانی تست ای مادر مهربان که از هر طرف ارواح مقدسه کوروش و دارا بجنبش وجوشش بیرون آمده نوید عهد شوکت ایران جوان را بگوش فرزندان غیور این سرزمین تا اوج رسانیده است اما افسوس که هنوز بسیاری از عناصر ملت و قائدین مملکت از اظهار خلوص عقیدت و ابراز احساسات درخشان در مقابل تفقدات ومراحم تو، ای مادر مهربان خودداری نموده و هنوز برای خلاصی دامان عفت تو از دست جفای این دیو سیرتان آدمی صورت هزاران عوائق غیر مشروع در کار است هنوز کافه این ملت از حقوق خود بی اطلاع وهنوز خود جهالت سر تا سر این مملکت را در چنگال خود گرفته است جز چند تن از جان گذشتگان که مردانه لوای شکوه وجلال این آب وخاك مقدس خود را بدوش نهاده و در راه نگاه داری سیادت و حفظ ناموس تو اظهار جان فشانی می نمایند دیگران همه بخواب غفلت فرو رفته و از لذائذ حریت و بزرگی و فرزانگی بیخبرند

هنوز اخلاق عموم در رذائل و خبائث گرفتار و هنوز افکار مقدس ابرار و احرار در دائره اقتدار و نفوذ خود بلانتیجه و بی مقدار مانده است مملکت از همت و فتوت یك نفر راد مرد فداکار توانا لباس جلال و امنیت پوشیده است اما بحث ما در مقام اخلاق است مقصود ما این است که مملکت ما کی در آتش این مفاسد در افتاده و امروزه روز فتوت و غیرت و مردانگی است

چه قدر اخلاق ملت آلوده خرافات و رذائل گردیده است ؟ و چه اندازه ملکات فضائل از اوج آسمان عزت و شرافت قدیمه خود تنزل نموده بپایان

اغراض شخصی واقع شده است ؟ از حساب محاسبین جهان خارج و تا کنون برای اصلاح آن یك طریقه عملی و راه چاره مکشوف نکرده اند معارف درایران روی بازدیاد نهاده منابع نیز کم کم میرود که مملکت ما را از قید احتیاجات و ضلالت بیرون آورد اما افسوس که جنایت ها خیانت‌ها و خیالت ها روز بروز بر دایره نفوذ می‌افزاید عجب تر اینکه بنیان این‌مجامع و قبایح و رذائل بدواً از مرکز شروع گردیده سپس قوه و نفوذ خود باطراف و اکناف این مملکت بسط میدهد ممالکی که در بدایت حال این دایره تنور و سیادت و بی نیازی نهاده پیشقدمی و جانفشانی اول از طرف اولیای امور و پیشروان جمهور و اربابان فضل و کمال و جوانان برومند فعال آن ممالك بوده است که بوسیله تجارت و تدابیر و مجاهدت ومعاضدت راه رشد و صیانت و طریق نجات و رستکاری بابناء وطن‌عزیز خود نشان داده و درمیان اقوام خود تولید یك حس صمیمیت و صداقت و یگانگی نموده ازنعمت فضائل اخلاق یکدیگر بهره مند گردیده اند بخصوص قائدین ملت که نه فقط برای قضاوت و حل مسائل سیاسی آفریده شده بلکه زمام سعادت حقیقی مملکت از حیث تهذیب اخلاق و تنویر افکار ملت بدست آنها واگذار گردیده همچنین اربابان جرائد و نویسندگان مجلات و اصحاب فضائل و کمالات وغیره وغیره که کاملا مسئول ترقیات روحی ابناء وطن عزیز خود شناخته خواهد شد [ع ، م ، احتشام اولیائی]

(قانون فروش جواهرات دولتی)

ماده اول - مجلس‌شورای ملی‌بدولت اجازه میدهد که جواهرات دولتی را در حدودی که صلاح بداند در مقابل وجه نقد بفروش برساند

ماده دوم - فروش جواهرات دولتی بعد از تعیین نرخ روز بتوسط چند نفر از جواهر شناسان خبره ممالك مختلفه خارجه و معاریف فنی داخله بعمل خواهد آمد حد اعلای قیمتی که معین میشود ماخذ مذاکرات فروش وحد اقل قیمتی خواهد بود که دولت می تواند در ازاء جواهرات مطالبه و دریافت نماید

ماده سوم - پس از اتمام عمل تقویم و تعیین جواهراتی که بفروش خواهد رسید دولت موضوع را در ایران و در پایتخت ها و مراکز عمده اقتصادی دنیا در مدتی که کمتر از نه ماه نباشد باطلاع عموم علاقه مندان اعم از داخلی یا خارجی رسانده پس از مضی مدت مزبور جواهرات را بتدریج یا یك جا بطور مزایده و باعلی قیمت ممکنه که « بهرحال نبـاید از نرخ معینـه مقومین کمتر باشد » خواهد فروخت

مـاده چهارم - برای اعتبار مخارج اجرای این قانون وزارت مالیه مجاز است باعتبار عوائد سال ١٣٠٦ مبلغ دویست و پنجاه هزار تومان مساعده دریافت و سپس مساعده مزبور را بابت وجوه حاصله از فروش جواهرات مسترد دارد

ماده پنجم - وجوه واصله از فروش جواهرات دولتی پس از وضع مخارج معینه در ماده ٦ منحصر جهة سرمایه بانك دولتی که بموجب قانون علیحده تشکیل میشود اختصاص خواهد یافت

ماده ششم - وزارت مالیه مامور اجرای این قانون است

﴿ قانون فروش خالصجات ﴾

ماده اول - وزارت مالیه مجازاست املاك‌خالصه را با مجری و حق‌الشرب معمولی آن اعم از قنات یا چشمه سار یارودخانه باتباع ایرانی بفروشد

ماده دوم - قیمت هر ملك خالصه که به معرض فروش گذارده میشود بایستی‌ده برابر حدوسط عایدات خالص آن ملك در ظرف پنج سال اخیر باشد املاکیکه در ظرف دو سال اخیر مسلوب المنفعه مانده بطریق مزایده با کسی که حد اکثر آن را پیشنهاد بنماید فروخته خواهد شد

تبصره - کلیه مستغلات دولتی اعم از دکان وخانه و طاحونه و کاروانسرا وغیره نیز مطابق ماده ٢ بفروش میرسد

ماده سوم - کلیه اجاره نامهای موجوده تازمان انقضاء باعتبار خود باقی خواهد بود

ماده چهارم - در موقع خریداری اهالی قراء و اشخاصی که قیمت را تماما و نقداً تادیه نمایند ووظیفنی که میتوانند بیش از نصف قیمت را از محل اعتبار وظیفه خود بموجب ماده « ٩ » ذیل بپردازند و طلبکارانی که بتوانند بیش از نصف قیمت را در محل مطالبات خود بموجب ماده « ١٠ » ذیل تادیه نمایند منظور خواهد گردید

ماده پنجم - املاك ذیل دولت مشمول مقررات این قانون نخواهد بود

ا » حقوق دولت در انهار و دریاچه ها و محل انشاء سد ها و سایر مخازن و منابع طبیعی آب

ب » حقوق دولت در قنوات یاسایر مجاری آنها که محتاج الیه بلدیه ها بوده و یا بتوسط آنها مورد استعمال واقع میشوند

ج » اراضی جنگل

د » اراضی که در آنها وجود ذخایر معدنی نفیسه معروف و یا محتمل است

ه » املاك خالصه متصل به سرحدات سواحل یا بنادر

و » املاك خالصه که بمصرف تشکیل مزارع نمونه

یا مراکز امتحانات فلاحتی سایر مؤسسات برای اصلاح یا تکمیل فلاحت لازم میشوند

ذ » کلیه املاک خالصه که ممکن است برای انجام مقاصد سلطنتی یا نظامی یا اداری مورد احتیاج واقع شود

ح » بناها و آثار تاریخی

ماده ۶ – قیمت هریك ملك خالصه که بموجب این قانون بمعرض فروش گذاشته میشود ممکن است با قساط سالیانه که عده آنها از ده تجاوز ننماید پرداخته شود

ماده ۷ – از کلیه املاك و اراضی خالصه که بر طبق مداول این قانون از طرف دولت فروخته میشود مالیات مطابق مقررات قانون مثل سایر املاك شخصی مطالبه و دریافت خوهد گردید

ماده ۸ – عوائد حاصله ازفروش خالصجات بمصرف سرمایه بانك دولتی که بموجب قانون جداگانه تاسیس میشود خواهد رسید

ماده ۹ – هرگاه یکی از موظفین دولت که از اتباع ایران میباشد در صدد خریداری یکی از املاك خالصه بر آید در صورتی که وظیفهٔ او تا مدت پانزده سال یا بیشتر دوام داشته باشد دولت اعتباری معادل شش برابر مبلغ حقیقی وظیفه که سالیانه در حق او پرداخته میشود بمشار الیه از قیمت خریداری خالصه خواهد داد ولی چنانچه وظیفه او کمتر ازمدت پانزده سال دوام نماید مبلغیکه بمشار الیه اعتبار داده میشود بهمان تناسب تقلیل خواهد یافت

ماده ۱۰ – هرگاه یکی از طلبکاران دولت که از اتباع ایران میباشد در صدد خریداری یکی از املاك خالصه بر آید دولت اعتباری معادل مبلغی که بر طبق قانون مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ درجه اول لازم التادیه باشد بمشار الیه اعطا خواهد نمود

ماده ۱۱ – برای فروش املاك مزبور صورتی مطابق ماده « ۲ » با قیمت هر یك تهیه و در وزارت مالیه وجراید انتشار داده خواهد شد

ماده ۱۲ – وزارت مالیه مامور اجرای این قانون است

مستخدمین راه آهن

توجه مخصوص نمایندگان محترم در تسریع نقشه کشی و احداث راه آهن ایران ایجاب می نماید که وسائل مقدماتی آن هرچه زودتر فراهم کردد متخصص امریکائی راه آهن قبل از ورود برای سرعت عمل یکعده معاونینی متخصص برای خود لازم دانسته است ودولت از نقطه نظر اینکه اوقات پرقیمت مشار الیه تضییع نگردد لایحه کنترات آن ها را تقدیم و در کمیسیون بودجه تحت مداقه و شور درآمده و اینك با اصلاحات لازمه برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی میگردد

مساده اول – مجلس شورای ملی بوزارت فواید عامه اجازه میدهد که بر حسب توصیه متخصص فنی امریکائی ساختمان راه آهن یك نفر منشی تند نویس و یازده مهندس امریکائی جهت نقشه برداری مقدماتی راه آهن ایران برای مدت دو سال به عنوان معاونت خود استخدام نماید

تبصره – متخصصین ایرانی حق تقدم در استخدام خواهند داشت

ماده دوم – جمع حقوق سالیانه مستخدمین مذکور بیش از پنجاه هزار تومان نخواهد بود

ماده سوم – سایر مواد لازمه کنترات مستخدمین مذکور در حدود مواد قانون مصوبه ۲۹ اردی بهشت ۱۳۰۴ خواهد بود و مستخدمین مزبور در تحت ریاست متخصص فنی راه آهن مسؤل وزارت فواید عامه هستند

ماده چهارم – وزارت فواید عامه مامور اجرای این قانون است

راجع بقرار داد ایران و روس

تجار خراسان تلگرافا بریاست وزراء و مجلس و وزارت تجارت اطلاع میدهند بموجب مکاتیب مسکو و جراید طهران معاهده تجارتی با روسیه تهیه شده تقاضا دارند مجلس بدون مراجعه بافکار عمومی تجار هیچ قسم معاهده تجارتی را رسمیت ندهد و الا با عدم ملاحظه آزادی تجار ایران و نبودن مایحتاج ایران در روسیه و با موکول بودن تجارت بمبادله جنس وغیره و عدم اختیار قیمت با تجربیات دو ساله که در مبادله با روسیه بدست آمده و با این که مدتی پول عودت نموده و در مبادله این قسم مجبور نبودیم جز ضرر چیزی عاید اهالی ایران نشده است و نداشتن معاهده با این شرایط خیلی بهتر است

و نیز تجار گیلان اطلاع میدهند راجع بقضیه قرار داد تجارتی بین ایران و روسیه اگر بهمین نحو خاتمه پیدا نماید که تعیین قیمت و اجازه از طرف روس ها باشد و غیر از پنبه و ابریشم فقط ده میلیون منات مال خارج شود حاله عموم ایرانیان خراب میشود از نمایندگان مجلس تقاضا دارند کمیسیونی از منتخبین تجار تشکیل گردیده مضرت قرار داد را تشخیص دهند و راضی نشوند تجار وقاطبه ایرانی دچارحسارت فوق العاده بوده بیش از پیش فقر و ورشکستگی مبتلا گردند

نفت غرب

کمپانی نفت ایران و انگلیس در چندی قبل بر طبق امتیاز خود در حدود غربی و سرحدات کرمانشاه شروع بحفر چاه و استخراج نفت نموده و در چندین چاه شروع بکار می نمایند در آن موقع که آقای حاجی محتشم السلطنه وزیر داخله بودند پس از وصول

خبر اقدامات کمپانی جلوگیری نموده ومراتب بوسیله وزارت امور خارجه تعقیب و قرار شد کمیسیونی برای رسیدگی بمحل اعزام گردد اینك که کمپانی نفت درصدد استخراج معادن نفت موصل وبین‌النهرین بر آمده مجدداً شروع بعملیات معادن مزبور و چاه های سابق مستخرجه کرده و بواسطه امور گمرک دچار زحمت گردیده مستر ژاکسن از طرف کمپانی از لندن بطهران آمده و باتفاق مستر فرلی با دولت داخل مذاکره شده که برطابق امتیاز دارسی اقدامات لازمه درتسهیل امورگمرک وغیره بعمل آید کمیسیونی مرکب از آقایان وزیر مالیه و وزیر فواید عامه و رئیس کل مالیه ومیرزا یانس و نمایندگان کمپانی نفت در هیئت وزراء تشکیل و تا ساعت چهار مشغول مذاکره بوده الد چون موافقت کامل بعمل نیامده بود مجدداً روز بعد کمیسیون مزبور با حضور وزیر امور خارجه در وزارت مالیه منعقد و تا اوایل شب مشغول مذاکره و تبادل نظر بوده و تا حدی بین آقایان وزراء و رئیس کل مالیه و نمایندگان کمپانی نفت توافق نظر حاصل شده است

در این موقع که کمپانی نفت ایران و انگلیس شروع باستخراج نفط درسرحدات غرب کرده علاوه از اینکه سالیانه مبالغی بعایدات دولت افزوده میشود تصور میرود اهالی نقاط غرب از حیث روشنائی و مصرف نفت بنزین استفاده کاملی نموده و بهره مند خواهند شد

گوسفندان شرقی ایران

اداره فواید عامه خراسان رابورت جامعی راجع بگوسفند های کلیه نقاط شرق تهیه پشم و تجارت ان تهیه و بوزارت فواید عامه تقدیم داشته است

محمولات تجارتی

نظر باینکه در خصوص محمولات تجارتی ایران در موقع ورود بخاك ترکیه مامورین محلی اشکالاتی فراهم نموده وهمه روزه هم دراین‌موضوع بوزارت فواید عامه تجار شکایت میکردند و مراسلهٔ هم از از طرف سفارت ایران از اسلامبول ارسال شده بود که تجار در موقع حمل اجناس شهادت نامه از طرف شهبندری محل صادر و بحامل مال التجاره بدهند که در موقع ورود جلوگیری نشود وزارت فواید عامه شرحی بوزارت امورخارجه اشعار داشته که‌مقرر گردد سفارت ترکیه نماینده بوزارت خارجه اعزام تا با حضور نماینده وزارت امور خارجه و فواید عامه کمیسیونی تشکیل و قراری در این باب بدهند که رفع شکایات تجار بعمل آید

راجع بشیلات بحر خزر

در موضوع شیلات بحر خزر بطوری که از مقامات مربوطه تحقیق شده شیلات حلال مثل سنوات سابق باجاره داده میشود راجع بشیلات غیر حلال رئیس کل مالیه لایحه برای اداره کردن ان در تحت نظر مستقیم دولت با شرکت سرمایه خارجی تهیه نموده و قریبا بهیئت دولت تقدیم خواهند داشت

و از قراریکه شنیده شده آقای تیمور تاش مامور فوق‌العاده در موقع توقف خود در مسکو با اولیای دولت شوروی در اینخصوص مذاکراتی بعمل آورده و موافقت نظر حاصل گردیده بست عایدات شیلات حلال بطوریکه بر آورد شده در هذه السنه مبلغ سی هزار تومان بالغ میگردد و از شیلات غیر حلال دولت هیچ عایدی نخواهد داشت

راجع به آبهای سرحدی

راجع به تعمیرات سد رود تجن که درماده ۳ قرارداد آب های سرحدی پیش بینی شده بود سفارت شوروی جدیداً پیشنهادی در این باب بوزارت امور خارجه ارسال داشته و آن وزارت خانه برای حل قضیه مقرر داشته کمیسیونی مرکب از آقای باك روان معاون وزارت خارجه و میرزا عبد الرحیم خان فندرسکی و میرزا علی خان سهیلی تشکیل و دعوتی هم از نمایندگان وزارتین مالیه و فواید عامه بعمل آمده که با حضور آنها تصمیمی درباب سد مزبور اتخاذ نمایند

خرابی راه

از استر آباد تلگرافا اطلاع میدهند جاده از بندر جز بساری بواسطه باطلاقی و بارندگی فوق‌العاده غیر قابل عبور گردیده و راهی را هم که مسعودالملك تسطیح و درست کرده بود از روزیکه بدولت وا گذار شده بکلی از بین‌رفته است سابقا هم اگر بیلك وسائلی عبور امکان داشت زمستان بکلی مسدود خواهد شد و حالیه هم بصعوبت میتوان بصوب بندر جز رفت تقاضا کرده الد که اقدامات لازمه در مرمت راه بعمل آید

مراتب بوزارت فواید عامه اشعار و تقاضا شده که اقدامات مؤثری در مرمت راه بعمل اورند

تعقیب بلوچها

نظر باینکه از چندی قبل یکصد از بلوچها در تحت ریاست دوست محمد خان در نقاط بلوچستان مشغول شرارت گردید قوای دولتی آنها را تعقیب و در صدد قلع و قمع آنها بر آمده که تامین آسایش رعایای بلوچ راکاملا فراهم کنند

تهیه نقشه رودخانه

در باب منشعب نمودن قسمتی از آب گرگانرو

و عمران اراضی صحرای ترکمان استراباد وزارت فوائد عامه اقدامات لازمه بوسیله مامور خود بعمل آورده واز قراریکه راپرت میدهند اراضی صحرای تراکمه از رود خانه مزبور مشروب می شود ولی بواسطه عمق رود خانه آب باراضی صحرا مسلط نمیشود و چنانچه بخواهند از آن استفاده کنند باید از چند قطعه سد احداث گردد که آب بالا آمده و اراضی را مشروب نماید نقشه صحرای رود خانه را تهیه و ارسال کرده چون مخارج سد را بر آورد نکرده بودند مراتب باداره کل خالصه جات اشعار گردید که بمهندسین خود دستور دهند مخارج مزبور را تعیین و راپرت دهند تا قرار احداث آن مسارر شود

افتتاح مدارس

از چندی قبل روسها بوسیله وزارت امور خارجه تقاضا کرده بودند که تحت پروگرام وزارت معارف ایران در بعضی از ولایات مدارس ذکور و اناث دایر نمایند پیشنهاد مزبور در شورای عالی معارف مطرح و پس از مذاکره و اظهار نظر اجازه داده شده که در شهر مشهد و تبریز و رشت و بندر پهلوی مشهد سر مدارس ذکور دایر نمایند و در مشهد و تبریز نیز مدرسه اناث افتتاح خواهند کرد

(رئیس کمپانی یونکرس)

مسیو بارو لمیث رئیس کمپانی هواپیمائی یونکرس روز ۲۱ اکتوبر از برلن حرکت و اختیارات تامی در این قرارداد پست هوائی ایران دریافت و تصور می رود اختلافات بین وزارت پست و تلگراف و کمپانی پس از ورود ایشان مرتفع گردد ـ

راپورت کامل مالیه کرمان

آقای کامل مالیه کرمان در ماموریت خود در اروپا راپورت جامعی از وضعیات مال التجاره های ایران در اروپا و قیمت هائی که داد و ستد می شود تهیه و قریباً برای استفاده تجار بنقاط لازمه ارسال میدارند ـ

مریضخانه مسلولین

برای دایر کردن مریضخانه سرخه حصار بجهة مسلولین و جلوگیری کامل از سرایت مرض سل در بودجه هذه السنه ۱۳۰۵ اداره صحیه کل که ضمیمه بودجه وزارت داخله میباشد مبلغ سی و پنجهزار تومان منظور گردیده که پس از تصویب شروع بکار نمایند

قانون عملجات نفط جنوب

راجع به تکالیف مشخصه عمله جات و کارگران معادن نفط جنوب از طرف وزارت مالیه و خارجه و فوائد عامه در صدد تهیه و تدوین قانونی برآمده که تهیه کرده بمجلس شورای ملی برای تصویب ارسال دارند

(نقشه کشی)

روز گذشته آقای انصاری رئیس فنی وزارت داخله باتفاق سرتیپ عبد الرزاق خان مهندس و محصلین و شاگردان فنی جهة انجام نقشه کشی بکوه های توچال حرکت کردند

بودجه اداره کل فلاحت

بودجه اداره کل فلاحت که با نظریات ومطالعات مستر همکل تهیه وتدوین شده ازقرار معلوم درحدود دویست و سی هزار تومان می باشد و اعتبار مکفی برای عملی کردن طرح نقشه های اصلاحی و فوری در بودجه مزبور منظور گردیده که پس از مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده شود

کتابخانه سلطنتی

کمیسیونی که در تحت ریاست آقای حکیم برای انتقال کتابهای کتابخانه سلطنتی تشکیل شده بود راپرت خود را تهیه و بمقام ریاست وزراء تقدیم داشته و از قرار مذکور کلیه کتابهای کتابخانه سلطنتی قریب دوازده هزار و پانصد جلد بوده و از این مقدار سی صد و پنجاه جلد کلام الله مجید و مرقع و کتابهای نفیسه و مقداری کتب متفرقه بوده است کمیسیون مزبور از حضور ملوکانه استدعا کرده که دوازده هزار جلد از کتابهای مزبور که عبارت از فرانسه و انگلیسی و عربی و فارسی می باشد برای استفاده عموم بکتابخانه معارف تخصیص داده شود و بقیه که از کتب نفیسه و قیمتی است در کتابخانه سلطنتی باقی گذارده شود که حیف و میل نگردد

هدیهٔ ادبی

اخیراً یك دوره کتب ادبی و تاریخی و کتب انگلیسی پروفسور ادوارد براون راجع بتاریخ ادبیات ایران به کتابخانه معارف از لندن ارسال گردید

نظام اجباری

چون وزارت جنگ در ماه آبان ماه شروع باجراء قانون نظام اجباری می نماید وزارت داخله در صدد تاسیس دوایر سجل احوال در تبریز وبروجرد ومازندران و کرمانشاه بر آمده ومامورین آن تعیین و احکام آنها صادر و مقرر گردید زود تر بسمت ماموریت خود حرکت نمایند

امانات پستی

در نتیجه راپورتی که راجع بسرقت امانات و کیسه های پستی در خارجه مفتش اداره کل پست تقدیم مقامات مربوطه نموده وزارت پست و تلگراف بر طبق مقررات پستی و قوانین موضوعه با دربار مسکو و پاریس مشغول مذاکره شده تا پس از این اینگونه اتفاقات رخ نداده موجبات اشکال فراهم نشود

متخصص زراعت

نظر باینکه وزارت فواید عامه برای توسعه زراعت پنبه در صدد اقداماتی بر آمده است که ترتیبات زراعتی پنبه را مطابق اصول جدید بزارعین ایران بیاموزند در نتیجه لایحه استخدام دو نفر متخصص که از جمله مسیو کاری کلا بجهة زراعت پنبه و مسیو پرتینیوا بجهة تربیت نباتات کنترات و استخدام نماید لایحه مذکور تهیه و برای نظریه دکتر میلسپو رئیس کل مالیه ارسال گردید

تقاضای سفارت آلمان

سفارت آلمان بوزارت فواید عامه اطلاع میدهد که چون دولت ایران در نظر گرفته است سد رود خانه جاجرود را شروع به ساختن نماید چنانچه مایل باشند در صورت صحت ممکن است توسط سفارت آلمان به کمپانیها و کارخانجات مهم آلمان رجوع کرده یکنفر مهندس متخصص برای اجرای منظور فوق کنترات و اعزام دارند

بروات پستی

مطابق اطلاع واصله پس از تحویل گرفتن دفاتر پست جنوب از مامورین انگلیس از طرف وزارت پست و تلگراف مقرر گردید در اداره پست جنوب یك اداره پستی جهت قبول بروات دایر شود که بروات پستی عراق و هندوستان و ممالك خارجه را قبول نمایند و چون در این مدت بروات پستی عموماً با روپیه و در بعضی از بنادر با قران و روپیه معامله می کردند اینك که معاملات روپیه در داخله مملکت ممنوع شده است بر طبق صدور ابلاغ متحد المآل قرار شد در آتیه بروات را با قران معامله و چون قسمت اعظم صدور و خروج بروات مربوط باعضای کمپانی نفط جنوب بوده است از طرف اداره کمپانی در این باب نهایت مساعدت بعمل آمده و حاضر گردیدند در آتیه کلیه بروات خود را با قران معامله نمایند

نمایشگاه فلاحتی

اعلیحضرت ا ولایت عهد به نمایشگاه تشریف فرما گردیدند. قبلا در چادریکه تهیه شده بود ورود فرموده آقای رئیس الوزراء و سایر آقایان وزراء به حضور ملوکانه تشرف حاصل کرده و پس از قدری توقف به غرفه مدرسه فلاحت تشریف فرما و از طرف آقای فاتح رئیس مدرسه فلاحت کلیه اشیاء معرفی مخصوصاً در قسمت ابریشم اعلیحضرت فوق العاده ابراز علاقه مندی فرموده و سپس به سایر غرفات تشریف فرما شده غرفه جنگل و غرفات متعلقه بکمپانی بعد التمالی امریکائی و غرفه ماشینهای تراکتور ، غرفه ابریشم . غرفه میوه جات تمام را گردش و معاینه فرموده و در تمام قسمتها سفیر کبیر دولت شوروی در حضور ملوکانه حاضر و مصاحب بودند غرفات دفع آفات حیوانی و انستیتو پاستور ، محصولات کرج جالب توجه بود ماشینهای تراکتور با حضور حضار مشغول عملیات شده و تخم کاری را شروع نمود فوق العاده جلب توجه ناظرین را نمود در خاتمه فیلم سینمای ورود اعلیحضرت را برداشت ودرهمه شب تا اختتام نمایش سینما برقرار بود

مدرسه شاپور اول در عمارت سمیتقو

اطلاع واصله از تبریز حاکی است برحسب پیشنهاد امیر لشکر شمال غرب و تصویب مقام همایونی اخیراً برئیس معارف آذربایجان دستور داده شده است که عمارت سمیتقو را واقعه در قریه هوسین در سلماس برای تاسیس یك باب مدرسه شبانه روزی اطفال بنام والا حضرت ولیعهد (شاپور اول) افتتاح نموده و عایدات قریه هوسین را نیز برای مخارج مدرسه مزبور اختصاص دهند و مخصوصاً از طرف امیر لشکر شمال غرب تاکید گردیده است که هر چه زودتر لوازم مقدماتی افتتاح مدرسه شاپور اول را در هوسین فراهم و تاسیس نمایند

مساعدت بزارعین

خرم آباد — عده از رعایای بیرانوند که بواسطه استیصال و عدم بضاعت قادر بزراعت نبودند فرماندهی لشکر غرب هزار تومان برسم کمك و انعام بآنها داده یك نفر را تعیین کردند که در تحت نظارت او گاو و تخم خریداری نموده مشغول رعیتی شوند

کلدانیها

مجمع کلدانیهای طهران اخیراً عریضه بمجلس شورای ملی عرض نموده و مینویسند در ایران پنجاه هزار نفر کلدانی هستند که تبعه ایران می باشند و چون بموجب قانون حق شرکت در کارهای مملکتی را دارند اجازه انتخاب یکنفر وکیل بآنها داده شود

(انتخاب متخصص)

لایحه راجع بکنترات مهندس آلمانی برای معدن آهن ومهندس امریکائی برای تعیین معادن نفت ایران کمیسیون خارجه مطرح و به تصویب رسید

ونیز وزارت فوایدعامه هم لوایح راجع باستخدام مهندسین آلمانی و امریکائی را تصویب نمود

(ازدیاد راه های آهن ترکستان)

ازترکستان راپورتهائی واصل گردیده که حکومت مزبور علاوه ازخط آهن ازبکستان و ترکستان در صدد برآمده خط آهنی که ازترکستان بولایات سرحدی مشهد هسات و سایر نقاط سرحدی خود احداث نماید و لوایحی برای پیشرفت این امر تهیه کرده است

تاسیس دوا خانه

طبیب صحی تنکابن رایرت میدهد مطابق نظام نامه وظایف صحی راجع به نظافت اصناف اقدامات لازمه نموده و از هر حیث برای اجرای آن التزام گرفته است و نیز از اشخاص بیسواد که دوا ساز و طبابت می کنند جلوگیری شده و در بندر شهسوار یك دوا خانه تاسیس نموده است

نمایشگاه امتعه ایران

از نیویورك اطلاع میدهند از طرف اداره تجارتی نیویورك یك نمایشگاه ایرانی از برای ارائه دادن امتعه ایران در نیویورك افتتاح شده است .

محصلین افغانی در ترکیه

از هرات اطلاع میدهند که از طرف دولت افغانستان متعاقب اقدام در اعزام شاگرد باروپا اخیرا ۱۵ نفر شاگرد برای تحصیل علوم نظامی و عملیات در قشونی بسمت ترکیه اعزام نموده اند و متعاقب اعزام آنها در نظر گرفته شده یکدسته دیگر از اطفال را برای تحصیل باروپا اعزام نمایند

منصوبین وزارتخانه

از طرف وزارت امور خارجه آقای مجلل السلطنه بسمت ژنرال قنسولگری افغانستان در هرات معین گردید

ژنرال قونسول بغداد

آقای میرزا حسن خان بدیع ژنرال قنسولگری بغداد معین شد

برای خرید طیاره

از مشهد اطلاع میدهد برای خرید طیاره مخصوص خراسان مجلسی با حضور وجوه طبقات در محل انجمن هوا پیمائی تشکیل گردیده و هر یك از حضار بفرا خور حال خود برای ساختن محل طیارات وجهی در دفتر اعانه نوشتند تا بعد اقدامات دیگری بعمل آید

تقاضای اجازه

از طرف مسیو باتیاس تبعه حکومت شوروی روس پیشنهادی بوزارت معارف تقدیم داشته و تقاضای صدور اجازه افتتاح یك باب مدرسه متوسطه در تهران نموده است و ضمنا تذکر داده که مطابق پروگرام و قانون اساسی معارف اقدام در افتتاح مدرسه خواهد نمود فعلا پیشنهاد مذکور بشورای عالی معارف ارسال شده که پس از تصویب در شورای معارف اجازه نامه صادر گردد

خواستن اطلاعات

از طرف وزارت امور خارجه شرحی بوزارت فواید عامه اشعار و تذکر داده است که راجع به نمایش گاه فلاحتی مراسلاتی از طرف سفارت ترکیه واصل شده که اطلاعات لازمه را تقاضا کرده‌اند همچنین از بعضی از سفارت خانها در این موضوع تقاضا هائی شده است که اطلاعات جریان فلاحتی را تهیه کرده بفرستند.

وزارت فواید عامه مشغول تهیه اطلاعات جامعی راجع بجریان نمایش گاه فلاحتی است که بوزارت امور خارجه ارسال دارد که بسفارت خانها ارسال شود

تشکیلات محاکم قضائی

از طرف وزارت عدلیه شرحی بوزارت داخله اشعار گردیده دایر باینکه صورت محلهائیکه نظمیه رسمی و قانونی در آنجا تشکیل شده و محاکم قضائی وجود ندارد تهیه کرده ارسال دارند تا اقدام در تشکیل محاکم قضائی بعمل آید

عزیمت بایران

تلگرافا از واشنگتن خبر رسیده که مستر باند مهندس و متخصص راه سازی که برای احداث خطوط آهن از امریکا کنترات شده بود اخیرا از امریکا بسمت ایران حرکت کرده قریبا بایران وارد خواهد شد

شکایات تجار

چون اخیرا از طرف یکدسته از تجار بنادر شمالی بدولت راجع بقرارداد تجارتی روس و ایران تذکراتی داده شده بود و اظهارات آنها مبنی برشایعات بوده است از طرف مقامات رسمی در این خصوص خاطر نشان گردید که نباید تجار تزلزل خاطر راجع بعقد قرار داد بین دولتین داشته باشند البته هیئت دولت با مطالعات عمیقانه اقدامات خود را ادامه خواهد داد و منافع تجار از هر جهة در نظر گرفته شده است و دولت شایعاتی که در اطراف عقد قرار داد معهود در جریان است گویا تکذیب نموده و عنقریب اقدامات دولت برای رفع سوء تفاهمات خاطر نشان عامه خواهد گردید

عایدات روده

بر طبق راپورتیکه اخیرا مالیه میدهد عایدات روده در سال ۱۳۰۴

۲۶۳۵۷ من بوزن تبریز قیمت ۳۲۲۵۱۴۹ قران .

بانک فلاحتی و تجارتی

از طرف رئیس کل مالیه لایحه در تحت ۷ ماده راجع بتأسیس و ایجاد بانک فلاحتی و تجارتی با سرمایه کافی تهیه گردیده و در ضمن لایحه از مجلس تقاضای اعتبار و قرضه نموده که بمصرف مسائل عام المنفعه برساند و برای پیشرفت و حسن جریان معاملاتی بانک فلاحتی یک نفر متخصص فلاحت وزراعت و یک نفر مهندس جهت ساختمان های عام المنفعه از امریکا استخدام و کنترات خواهد شد و از جمله مسائلی را که رئیس کل مالیه در نظر دارد بوسیله بانک فلاحتی و تجارتی در مدت نزدیکی انجام دهد - راه آهن سیستان بدزداب است که سرحد شرقی ایران و هندوستان میباشد خریداری نموده و یک قسمت را هم خود بانک احداث نماید. ساختن سد جاجرود - ساختن سد کرج و تهیه تمرکز دادن آبها وقوه الکتریک و اتصال سیم نقاله بوسیله آن و حمل ذغال سنگ و نظیر آن بطهران و ساختن سد تجن برای مشروب شدن اراضی سرخس سد هیرمند و سد اهواز در خوزستان - حفر قنوات در یزد و احداث و دایر کردن تراموای الکتریکی از شهر شمیران و احداث کارخانه های قندریزی و احداث خط آهن راه ارومی تا دریاچه ارومی - خشکانیدن باطلاقهای حدود شهریار و نقاط دیگر - استخراج معادن نفط سمنان و سایر معادن آنخطوط از قبیل مس گوگرد آهن و کشف معادن مازندران

بانک فلاحتی و تجارتی شعباتی خواهد داشت که هر کدام دارای مؤسساتی خواهند بود که عواید آنها کلیتاً بسرمایه بانک های فوق الذکر ضمیمه میشود و جمعاً در لایحه تا میزان ۱۵ ملیون تومان سرمایه پیش بینی شده است

در لایحه پیشنهادی در نظر گرفته شده است که چنانچه مؤسساتی در آتیه طهران و ولایات برای هر گونه معاملات فلاحتی از طرف اشخاص احداث و ایجاد گردد از طرف بانک فلاحتی بآنها مساعدت خواهد شد بلکه آنها را تحت نظر بانک فلاحتی و تجارتی قرار خواهند داد

فوائد بانک ملی

لایحه بانک دولتی وتجارتی وصنعتی و زراعتی که تحت ۱۰ ماده تهیه شده قرار ذیل است

۱ - بدولت اجازه داده میشود که یک بانک ملی ایران تشکیل یابد

۲ - دولت مجاز است که برای سرمایه این بانک در مقابل عواید معمولی خود در حدود ۵ ملیون تومان مساعده هائی دریافت دارد

۳ - مساعده های مذکور بواسطه وجوه حاصله از فروش جواهرات و خالصه جات پرداخته خواهد شد

و همچنین دولت در سال ۱۳۰۸ تا ده سال سالی مبلغ پانصد هزار تومان در بودجه خود پیش بینی مینماید

۴ - دولت مجاز است قروض صادر و برعایای ایرانی بفروشد قروض مزبور بافراد و شرکت های خارجه فروخته نمیشود

۵ - منافع خالص بانک پس از وضع مخارج اداری جزو سرمایه بانک خواهد شد

۶ - بانک اجازه دارد ودایعی قبول کند مشروط بر اینکه قیمت آن ودایع اقلاً دو مقابل پولی باشد که قرض میدهد

۷ - بانک نمی تواند قرض یا مساعده بوزارت خانه ها یا دوایر دولتی بدهد

۸ - برای اداره کردن بانک یک نفر متخصص امریکائی استخدام می شود

۹ - رئیس بانک در آخرین ماه راپورتی از عملیات بانک منتشر خواهد نمود

۱۰ - وزارت مالیه مامور اجرای این قانون است

ادبیات

§ اکنون که داد تکیه بر اورنک خسروی §
§ فرزند تاجدار عجم شاه پهلوی §
§ بعد از سلام و عرض تحیت صبا بگو §
§ شاها بهوش باش جز از کشته ندروی §
§ بس خسروان و تاجوران دیده این زمین §
§ زیشان جز از حکایت و افسانه نشنوی §
§ عاقل فریب صورت ظاهر نمیخورد §
§ آن به که طی کنیم مقامات معنوی §
§ آن کشوری که عدل ندارد در آن وجود §
§ ظلم است کز شهنشه او کرد پیروی §
§ نه خرقه ریاست بدوشم نه شاعرم §
§ کافانه سر کنم بی اسباب دلبری §
§ ور زانکه بیخ رشوه و اجحاف برکنی §
§ زیبد به تارک تو شها تاج خسروی §
§ بیگانه گر ز تاج و شوی آشنای خلق §
§ محبوب خاص و عامی و معبود ثانوی §
§ ترسم شها باسم شهی مدعی کند §
§ بیگانه ات ز کشور و از خلق منزوی §
§ جز در طریق دوستیت نسپریم راه §
§ نه فکر تاج در سر و نه تخت دهلوی §
§ [ذره] شها براه تبعیت زند قدم §
§ کاین است یادگارش از استاد گنجوی §

ایضاً

§ شه قاجار که ملت و وطن آباد نکرد §
§ صنعتی هیچ در این مملکت ایجاد نکرد §
§ فکر تعمیر و ترقیش ز بنیاد نکرد §
§ یاد باد آنکه ز ما وقت سفر یاد نکرد §
§ بوداعی دل غم دیده ما شاد نکرد §

§ وعده ها داد به ملت همه را کرد نکول §
§ عاقبت گشت بجمع درم و حاصل پول §
§ پولها برد باسارپس پی خرج فضول §
§ آن جوان مرد که میزد رقم خیر و قبول §
§ بنده پیر ندانم ز چه آزاد نکرد §

§ مهر تو ملت ایران بشد ز جان و جسد §
§ کاش کردی تو حذر اندکی از حرص و حسد §
§ ماند باقی به جهان نام بدت تا به ابد §
§ دل ناامید صدائی که مگر دیر و رسد §
§ ناله‌ها کرد در این کوه که فرهاد نکرد §

§ شدی ای شه تو ز ایران حریر ارمغانت §
§ نامت از دفتر نیکی به جهان باشد حك §
§ خوانی این شعر بصد غصه وانده بیشك §
§ کاغذین جامه بخونابه بشویم که فلك §
§ رهنمونیم بپای علم داد نکرد §

§ از سفاهت بنمودی به اروپا تو سفر §
§ آن سفر گشت برای تو بلا شبهه سقر §
§ شجر جهل جز این کی دهد ای شاه ثمر §
§ سایه تا باز گرفتی ز چمن مرغ سحر §
§ آشیان در شکن طره شمشاد نکرد §

§ داد بیداد قجر مملکت جم بر باد §
§ شد از این سلسله برپا علم جور و عناد §
§ (پهلوی) آن علم ظلم بکند از بنیاد §
§ کلك مشاطه صنعش نکشد نقش مراد §
§ هرکه اقرار بدین حسن خداداد نکرد §

§ ای رضا شاه فلك مرتبه جم کردار §
§ باشی از بخت تو ز تخت کیان برخوردار §
§ وی شهنشاه همایون فر عالی مقدار §
§ شاید ار پیك صبا از تو بیاموزد کار §
§ زآنکه چالاکتر از این حرکت باد نکرد §

§ خسروا ملت ایران بتو باشد مشتاق §
§ تو بشاهنشهی از جمله شهان آمده طاق §
§ آیت رحمت حق را به یقین مصداق §
§ مطربا پرده بگردان و بزن راه عراق §
§ که ازاین راه بشد یار وزما یاد نکرد §

§ بافیء این شعر (فرج) گرچه ز یود حافظ §
§ باشد این بوی خوشش نیز ز عود حافظ §
§ گرم باشد دم او از دم و دود حافظ §
§ غزلیات عراقی است سرود حافظ §
§ که شنید این ره دلسوز که فریاد نکرد §

بقام یك از دانایان

دولت راست که در این موقع خجسته پیش از هر چیز جدیت نماید قضایا را سنجد و مشی اساسی در سیاست خارجی خود معین نموده سیاست خویش را یك رحه نماید امروز وضعیت عالم بر ما ثابت نموده که گفتگو وجنگهای دول طماع اروپائی برای مستعمرات پیشرفت تجارت و اقتصادیات بوده زیرا دول اروپائی هر یك به اندازه خود برای محافظت مملکت خویش قوه و اقتداری دارا هستند وترس بلع شدن مملکت را از همسایه خود یا دول دیگری ندارند و چنانچه میدانیم بر دول اروپائی هیچ دولت خارجی نمیتوانند حکمرانی نموده جزء مستعمرات خود قرار دهند زیرا جنگ اخیر و وضعیت آلمان و دول فاتح اروپا بر ما ثابت نمود پس وقتیکه ما فهمیدیم اروپائیان توجه‌شان معطوف به مستعمرات میباشد باید ببینیم این مستعمرات بیشتر و مهم تر در چه قاره از دنیا واقع شده وزمین های بکر برای جلب منفعت و استفاده تجارتی و اقتصادی در انجا موجودند با یك نظر جزئی معلوم میشود آسیا است و همین آسیا است که میگویند

§ آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری §

آسیا است که توجه تمام دول طماع اروپا را بخود جلب نموده است اگر نظری به قضیه اخیر چین انداخته شود می بینیم که تمام این خونریزیهائی که چینی های بیچاره مبتلا شده‌اند در اثر همین سیاست طمع کارانه دول متمدن اروپائی است

بر هر ایرانی واضح است که ایران برای موقعیت جغرافیائی وهمسایه بودن آن با هندوستان چه خسارات عدیده متحمل شده وهنوز هم در فشار همین مستعمره باقی مانده اهمیت و موقع مهم جغرافیائی ایران برای دولت انگلیس برای حفظ هند وبرای روس درمقابل طمع خلیج وآزاد نمودن سفائن جنگی و تجارتی در دریای آزاد و گرم خلیج به اندازه واضح و قابل تردید نیست که هرعامی این قسمت را درك نموده است

دولت انگلیس خسارات عدیده که در نگاهداری عراق متحمل میشود برای حفظ هندوستان است زیرا نقشه لارد کرزن همین بوده که عراق خلیج فارس و ایران را همواره باید دولت انگلیس با هر قیمتی است برای خود نگاه دارد و سپر عکمی جهة حفظ هندوستان نماید

دولت روس نیز برای رقابت با دولت انگلیس که خرابی خودرا از این دولت دانسته و ترقی خودرا

در بدست آوردن دریای آزاد میداند که بتواند در زمستان بدون مانع تجارت خود را ادامه دهد خلیج فارس را برای بقاء و حیات خود طالب است و به اندازه این خطه باریک خلیج برای روسیه مفید و نافع است که اگر نصف بیشتر قشون و دارائی خود ضایع کند باز خود را برده میداند پس در ما موقعیت مهم و باریک ایران ثابت و واضح است و هر دقیقه که ایرانیان غفلت ورزند سالها عقب می مانند و به پرتگاه فنا و نیستی کشیده میشوند

پس وظیفه ایرانیان برای ابقاء خود چیست ؟

دراین موضوع با بسیاری از ایرانیان مذاکره میشود پس از یک خمیازه (دهن دره) طولانی که در اثر خمار تریاک یا الکل دچار شده جواب میدهد ــــه چون رقابت این دو دولت همیشه در بین هست لذا ایران از خطر حمله آن ها یا تقسیم شدن آسوده میباشد ولی این عقیده خیلی کودکانه میباشد و چون از مغز خسته یک وافوری یا الکلی ترشح نموده قابل ملاحظه نیست زیرا غافل از اینکه همان رقابت باعث احتراق میشود و یک روز خیال نزدیکی ایران جولانگاه قشون آنان شده مقدراتش بدست دولت فاتح ختم میشود پس ایران و ایرانیان میبایست برای بقاء خود دو کار حتمی و لازم را بدون فوت وقت تعقیب کنند اول آنکه روز بروز بر قوای مادی و معنوی خود اضافه نمایند که اقلا در مواقع لازم بتوانند سرحدات خود را حفظ کنند و ثانیاً برای ادامه زندگی خود مجبوراً سیاست خود را یك طرفی نموده و در حالیکه درعین حال با تمام همسایگان خود دوست است سیاستش یکطرفی و یك رخه باشد

برای تعیین مشی سیاست خارجی که مهم ترین موضوع اساسی است باید نویسندگان و سیاستمداران ماهر عقاید خود را حاضر و برای وکلای دوره ششم مجلس که صندلی های پارلمان را اشغال کرده مشی حقیقی دولت را معین نمایند

همین موضوع بزرگ و اساسی است که بنده را مجبور نموده به سهم خود کارکنان آن جریده مقدس را تصدیع نموده اداء تکلیف نمایم اگرچه بنده نه نویسنده ماهر هستم و نه سیاستمدار ولی در اثر تجربیات و قرائت جراید خارجی به اندازه خود موقعیت حاضره دولت خود را بقدر عقل ناقص خود درك نموده ام ـ

بعقیده بنده مشی سیاسی دولت از دو حال خارج نیست یا باید با روس باشد یا با انگلیس دوستی و اتحاد ما با دولت روس با سیاست امروزه انگلیس بهتر است ولی چنانچه دولت انگلیس شرائط و مواد دوازده گانه ذیل را قبول نماید دوستیش برای ما بهتر و دوستی ما هم بدون تردید برای دولت بریطانیا که خودش بهتر از هر کس میداند بیشتر است

در صورت قبول مواد دوازده گانه ذیل دولت انگلیس قابل دوستی است

۱ ـ الغاء کاپیتلاسیون (الغاء قضاوت قونسلات در ایران با مقید بودن به عدم مداخلـــه در امور)

۲ ـ الغاء نمودن مواد حاضره قرارداد امتیاز نفط جنوب با تجدید آن به مواد شرایط بهتری ـ

۳ ـ واگذاری عراق به ایران ـ

٤ ـ تسلیم جهازات بحریه خلیج به ایران ـ

۵ ـ عدم مداخله در امور بحرین و سایر جزایر خلیج و سواحل عمان ـ

٦ ـ خروج خلیج فارس از منطقه ممنوعه ورود اسلحه ـ

۷ ـ آزادی ایران در امور گمرکات

۸ ـ بخشیدن قروض ایران

۹ ـ الغـاء امتیاز بانك و آزاد شدن ایران از صرافی محدود

۱۰ ـ تادیه قرضـــه لا اقل پنجاه ملیون پوند با تنزل خفیف و اقساط قابل تحمل

۱۱ ـ تشویق و تحریك فارسیان هند بشرط تبعیت ایران به عزیمت و اقامت در ایران

۱۲ ـ عدم مداخلـــه در امر حجاز و عدم مساعدت بابن سعود و واگذاری آن با هیئت اتحادیه اسلامیان انتخابی که کاملا از وصیات مهم ایران و دوستی ایران به انگلیس اطلاعی ندارد مواد پیشنهاد شده فوق را به نظر تمسخر ملاحظه نموده و دور از تصویب میدانند در صورتیکه با بخششهای فوق منافع دوستی ایران برای انگلیس هزار ها مرتبـــه بیشتر و رجحانیت دارد

زیرا اگر دولت ایران تمایل خود را بروسیـــه نشان دهد و عقد قرار دادی با دولت روسیه نماید گذشتـــه از اینکه هندوستان از دست انگلیس خارج میشود سیاست مستعمراتی دولت بریطانیا بکلی محو شده حتی قادر بر اداره نمودن مستعمرات افریقا هم نخواهد شد در واقع دوستی ایران برای انگلیس مادهٔ لحیاتی است که در صورت فقدان آن دولت بریطانیا را با این عظمت حاضره به وادی نیستی سوق میدهد

ابن سعود و حجاز

از همان ساعتیکه بن سعود به حجاز آمد حبل المتین پیش بینی از واقعات قبل از وقوع نمود ولی بسیاری

از مسلمانان کم تجربه ساده لوح هندوستان بتلگرافات وتبلیغات او اطمینان حاصل نموده مقدم بن سعودرا گرامی داشته تمنای شان چنین بود که آب رفته حجاز جوی باز آید غافل از اینکه بن سعود بخودی خود بحجاز نیامده و شریف علی راهم او ازحجازبیرون نکرد بن سعود آله دست دیگری است و تمام حرکاتش مبنی بر اشاره دیگر صد سال بود اروپائیان در بر هم شکستن قوای مرکزی اسلام ساعی بودند از وقتیکه عربی پاشا در مصر خروج نمود و پیروان او بیك حکم سلطان عبدالحمید خان مرحوم منتشرآمدند مستر گلیدستون در بر هم زدن اساس خلافت مصمم آمد مگر جراید انگلیس نگاشتند که دولت انگلیس دارای یکصدوده ملیون رعایای اسلامی‌است وانگلستان را بزرگترین دول اسلامی تعالیمیان شناخته تما داشتند ودارندکه تقدیرات امت اسلام همه تحت مجبورات ونگرانی انگلستان درآید

ازطرف دیگر پس ازجنگ عمومی که تادرجه نهضت اسلامی درهمه دنیا نمودار آمد و اختلافات شعبی یعنی مذهبی از بین مسلمانان تا درجه مرتفع گردید خوف و هراسی که از اتحاد اسلام (پان اسلامزم) در قلوب اروپائیان جای گرفته بود قوت گرفت

چیزیکه مورث انداختن اختلاف دراسلام دیده میشدهمانا اختلافات شیعه و سنی بود که از برکت اخلاص قائدین اسلامی یکمرتبه آن اختلاف مرتفع آمده مناقشات و منازعات شیعه و سنی از عالم مرتفع گردید

چون دراین موقع اختلاف شیعه‌و سنی ممکن‌نبودی بن سعود را برانگیختند تائید نموده تا اختلاف وهابیت برخلاف کلیه شعب اسلام بالا کشیده فقط قبضه بن سعود بر حجاز این امر را تکمیل نمی نمود آتش اختلاف‌را بتخریب مزار بزرگان دین دامن زدند چه اگر بن سعود چنین نمیکرد همه‌مسلمانان با قبضهٔ وی بر حجاز موافقت میکردند و تا درجهٔ مزید براتحاد مسلمین می‌آمد ولی انهدام مزار اولیاء بقسمی هیجان و اختلاف درکلیهٔ مسلمانان عالم تولید کرد که ما فوق آن متصور نیست اگر بن‌سعود ازطرف مؤیدین خود اندك هم اشاره می‌یافت هرگز بتخریب مساجد و قبور ائمه وسائر بزرگان دین قیام نمی نمود بن سعود با کمال اطمینان قیام باین حرکات نا شایسته نموده‌است و ازهیچ غنیم خارجی هم خوف و هراس ندارد چه از سه طرف حجاز و نجد متصل میشود بشرق اردن و عراق عرب و فلسطین که همهٔ اینها در قبضهٔ انگلستان است از دریا هم کسی بروی راه نتواند یافت که همواره جهازات جنگی انگلیس بحراست سواحل بحر احمر مشغول اند ترك ایران افغان بر وی دست ندارند از مصر هم مطمئن است که مصریان هم بدون رضایت دولت انگلیس برخلاف وی قیام نتوانند نمود فقط کسیکه میتواند برخلاف وی قیام‌کند ونیکوهم ازعهده کاربیرون تواندآمد همانا امام یحیی یمانی است که هم متصل بحجاز ونجد است و هم قوایش در جزیرة العرب برهمهٔ امرا تفوق دارد و تا یك اندازه نیز میتوان گفت که مطیع و منقاد خارجیان هم نیست

در هرصورت فعلا بن‌سعود بدون رادع ومانع دارد برخلاف عقاید کلیه مسلمانان دنیا در حرمین شریفین رفتار می نماید و فقط مسلمانان هند و ایران اند که با لقلقه زبان و به گفتن و نشستن و برخاستن و سینه زدن و مجلس ماتم فراهم کردن و با سروپای برهنه در کوچه و بازار گشتن می‌خواهند بحکومت بن سعود خاتمه داده وشنایع اعمال اورا جبران کنند وحال آنکه

§ دو صد گفته چون نیم کردار نیست §

برای انداختن اختلاف در مسلمین و انها را با خود مشغول ساختن و از خیالات دور و دراز اتحاد اسلامی دور داشتن آلهٔ مثل بن سعود وموقع ومقامی مانند حرمین شریفین برای مخالفین دستیاب نگردد چه هر سال حاج به حجاز رفته شنایع اعمال و بدسلوکیهای وی را دیده به بغض وعداوت کلیه مسلمانان می‌افزایند درهمان ساعتیکه بن سعود بحجاز آمد تمام این واقعات پیشبینی شده بود و آنچه بن سعود و مبلغین آن اشاعات کاذبه مینمودند مزید بر تصدیق ما میگردید به دلیل ـ

اول آنکه بن سعود قائد مذهبی است نه مرد سیاسی و از روی مذهب او این اعمال را فریضهٔ ذمهٔ خویش می داند و در امورمذهبی نسبت به پیروان خود تا درجه مسلوب الاختیار است

دوم اینکه محرك خارجی هم بر این اقدامات خود داشته است

سوم ـــ درجلو اعمال خویش رادع ومانعی مشاهده نمینمود همان قسمیکه در موقع انهدام قبور اولیا و مساجد نگاشتیم که اگر هم تلگرافات تکذیبیه تصدیق شود امروز نه فردا مرتکب این اعمال‌خواهد آمد حالا هم در موضوع انهدام حرم محترم رسول اکرم نیز میگوئیم که تکذیبات بن سعود و مبلغین وی ابداً قابل تصدیق نیست اگر امروز هم نکرده بهمان دلائلیکه ذکر کردیم فردا خواهدکرد وعاقبت‌راه نهائی قائدین وسست عنصری سائرمسلمین کاررا برمرام اجنبیان خواهد نمود اجنبیان کوشیده تا مرکزسیاست اسلام یعنی خلافت را برهم زدند فقط موقعهٔ که برای تمرکز مسلمانان موجود بود همانا خطهٔ حجاز بودی آنرا نیز بقبضه خود بیرون خواهند آورد تا درجه مقدمات الهم فراهم شده است ما مسلمانان خیلی در خواب غفلتیم

چه ابن سعود و چه دیگران بدست خود اسباب دخالت دیگران را در حجاز فراهم میکنیم هرگز فراموش نمی نمائیم دو موقع جنگ شریف علی با ابن سعود قائدین اسلامی هند که می خواستند خود را به آستان سلطان جدید نزدیک سازند اصرار برفتن حجاج در حجاز نمودند و حال آنکه حکومت هند اعلان کرده بود که بواسطه جنگ و بیطرفی دولت انگلیس خوب است امسال حجاج هندی ترک سفر حجاز گویند ولی همان آقایان که همواره فریاد میزدند که دولت انگلیس نباید در امور مذهبی ما مداخلت کند انجمنها کرده تا اینکه اجازه رفتن چند جهاز را باحاج از حکومت هند حاصل کردند همینکه حاج روانه شد و آن سختیها پیش آمد با کمال بیروئی دخالت انگلستان را باسم حفاظت حاج خواستار آمدند حالا هم میدانیم آل اندیا حجاز کانفرنس برای دفع ابن سعود و حفظ حرم محترم نبوی تلگرافاً ملتجی بدولت انگلیس هم میگردد بواسطت است که در آن تلگراف التجا به ایران افغان ترک مصر امیر عبدالله امیر فیصل و امام یحیی یمانی را هم شامل کرده اند ولی بهمان ادله که فوقاً ذکر نمودیم با این بی حسی مسلمانان که همه امور را بحرف خاتمه دهند جز دولت انگلیس کیست که بتواند جلوگیری از حرکات ابن سعود نماید اگر مسلمانان خواهش دخالت انگلستان را در حجاز دارند پس چرا بیطرفی وی را همواره خواستار میشوند ما بخوبی میدانیم که ابن سعود از حجاز خارج خواهد گردید یعنی مرتکب شنایع بیش از اینها شده مسلمانان را مجبور خواهد نمود که بدون رو و ریا و پیچ و تاب صراحتاً و مستقیماً بدولت انگلیس همه ملتجی آمده او هم ابن سعود را از حجاز خارج خواهد کرد ولی همان قسمیکه هزار و اندی سال بیت المقدس که معبد یهود و نصارا بود در قبضهٔ مسلمانان قرار گرفت قبله و کعبه خود را هم مسلمانان بدست دیگران خواهند سپرد ما مکرر نوشته ایم که سیاسیون اروپا در حل مشکلات مفاتیح مختلف دارند منجمله صد نفر را بالا برده و بزمین انداخته تا صد و یکمی که منظور خودشان است منتخب سازند کجا شد شریف حسین ؟ چه شد میر علی ؟ فردا هم ابن سعود بصورت آنها خواهد درآمد انگلیسان بجهات عدیدهٔ سیاسی رضا نتوانند داد که حکومت حجاز بقبضه و اختیار یک سلطان مقتدری که بتدریج جزیره العرب را مسخر خویش سازد در آید ابن سعود اگر چه مرد سیاسی نیست ولی شخصیت فعال شجاع و منتظم حکومت وی بر حجاز و نجد میتواند در آتیه تولید اشکالات بشرق اردن و فلسطین و عراق بلکه عمانات تا برسد بخلیج فارس نماید و هیچ وقت باچنین قوتی انگلیسان همراه نتوانند بود

بالجمله اینها همه نقشهٔ شطرنج بازان سیاست است که ریخته آمده تا عاقبت آنچه را میخواهند بیابند آیا هنوز هم امر مشتبه است ؟

مسئله موتمر اسلامی مکه چیزیست که حبل المتین در سی و دو سال قبل صدها مقاله در این موضوع نگاشت افسوس حالا که میخواهد سر و صورتی بخود گیرد دو مانع بزرگ پیش آمد

اول — وجود ابن سعود در حجاز با آن شنایع اعمال

دوم — دخالت قطعی است که خیلی زود بیگانگان در حجاز خواهند نمود ، در آن صورت مؤتمر اسلامی حجاز هم در قبضهٔ آنها خواهد در آمد بهمین مناسبت بوده که حبل المتین از بدو ورود ابن سعود در حجاز مکرر نگاشته که این موتمر اسلامی فعلا مرکزی جز طهران ندارد و خوب است که مسلمانان سیاست سنج یکدل و یک جهت آمده تا وقتیکه حجاز از نفوذ اجانب و وجود وهابیها صاف شود طهران را مرکز این مؤتمر اسلامی قرار دهند طهران فقط مرکزیست که میتواند آزادانه نمایندگان جمیع دول اسلامی را مجتمع ساخته با هیئت جامعه در رفع این غائلات بکوشند

تاکنون هم معلوم نشده که کمیسیون مجلس شورای ملی ایران در این موضوع چه اقدامی فرموده ـ عجبا که این همه مجالسی هم که در هند شده تاکنون یک قدم پیشرفت دیده نمی شود و یک هیئت فعاله که بتواند از روی سیاست و جدیت قدم بر دارد تشکیل نیافته ما هیچ نمی فهمیم فقط این تلگرافات خشک و خالی ، خالی از سیاست چه نتیجه تواند بخشود ـ اگر غرض آل اندیا حجاز کانفرنس عدم دخالت بیگانگان در حجاز بوده باکدام منطق ودلیل بدولت انگلیس وغلام بچه گان وی ملتجی آمدند اگر از دخالت بیگانه عذری ندارند پس تلگراف بشریف فیصل و شریف عبدالله چه بوده است این اقدامات همه غلط است و هیچ یک هم عملی نیست اگر چه ما میدانیم هر چه بنویسیم ولو مورد قبول هم واقع شود موقع عمل نخواهد یافت باز هم در آتیه عقاید خودمان را در این موضوع قسمیکه قابل العمل باشد خواهیم نگاشت ـ

§§§§§§§§§§§

§§§§§§§§§§§

حسب الامر مدیر و دبیر جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام در مطبعه حبل المتین

[نمبر ۱ الی ۲٦ امرتی پوکر رود کلکته طبع و توزیع گردید]

حبل المتین مجاناً باحدی داده نمی‌شود
از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
(مقدم گرفته میشود)
روز نامه مقدس

[حبل المتین کلکته]
(۱ - ۶ مکلود اسٹریت)
کلیه امور با
[مدیر کل]
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[دبیر ثانی ف . س . مؤیدزاده]
[ام . ای است]
مرسوله بعنوان ... مسدود

قیمت اشتراک
سالانه ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران ۳۵ قران
(ممالک سایره)
(سالانه)
[یک و نیم لیره انگلیسی]

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۲۴ خرداد ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ٤ - ذیقعده سنه ۱۳۴٤ هجری
مطابق با ۱۵ جون سنه ۱۹۲۶ میلادی

کابینهٔ جدید ایران

آقای مستوفی رئیس‌الوزرا و وزیر داخله - آقای فروغی وزیر جنگ - نصیرالدوله وزیر معارف و اوقاف - مشیر اعظم وزیر پست و تلگراف - وثوق‌الدوله وزیر مالیه - مخبرالسلطنه وزیر تجارت و فوائد عامه - منصورالسلطنه کفیل وزارت عدلیه.

تقی زاده که نماینده نمایش گاه فیلادلفیا امریک است بوزارت خارجه نامزد آمده و تلگرافاً باو اطلاع داده اند.

طهران و لوکارنو

اگر بدقت نظر انداخته آید دیده خواهد شد که اتحاد دولتین ترک و ایران همان اثرات را درشرق تواند بخشید که قرارداد لوکارنو درغرب بخشیده است وچون امواد عهد نامه اتحاد ومودت ترک وایران بنگریم خواهیم دید که از کرده قرار داد لوکارنو گرفته شده است خصوصاً از بعد اتحاد ترک وایران تصفیه مناقشات وحل وتسلیم ترکان آزادی عراق را یک گواه انقلاب اخلاقی در وسط آسیا و آسیای صغیر پدید تواند آورده بهترین موقع و نیکو ترین مهلت برای اهالی وسط آسیا و آسیای صغیر همین اتحاد و قرار داد نیامده شده دولتین ایران و ترک با شمولیت دولت افغان می تواند یک اتحاد مثلث قوی تشکیل دهند این اتحاد باصول تهاجم چندان مفید و قوی ثابت تواند شد ولی برای تدافع و حفظ خود بهترین اثرات را در وسط آسیا تواند انداخت لطف اینجاست انگلیس ها نیز اظهار ناراضی از اتحاد ترک وایران نمی نمایند بلکه اظهار خوشنودی میکنند از طرف دیگر جمهوری ساویت خویشتن را محرک این اتحاد جلوه گر ساخته خیلی اظهار خورسندی نموده میگویند که این اتحاد سوم اثرات قرارداد لوکارنو را ازشرق مرتفع تواند داشت ما کار بنگارشات جراید روس و انگلیس نداریم همینقدر می‌توانیم گفت که دراصلاح اوضاع وسط آسیا و آسیای صغیر قرار داد مودت ترک و ایران خیلی سودمند واقع گردیده در استقلال این دو دولت اسلامی را نیکو پشتی بان تواند بود

چنانچه درشماره های قبل نگاشته‌ایم که اگر اتحاد مثلث افغان و ترک و ایران کاملا صورت بندد هیچ غنیم خارجی جرائت حمله بر آنها نتواند نمود و امروزه دول ثلاثه ایران و ترک و افغان هیچ یک را خیال توسعه مملکت و هجوم به همسایگان نیست فقط این سه دولت اسلامی محتاجند بیک مهلت متمادی که بتوانند با سکون و آرامی حقوق خودشان را حفظ نموده ترقیات مدنی امروزه را تکمیل نمایند و برای این مقصود عالی هیچ چیز مانند اتحاد مثلث وسط شرق سودمند و موثر دیده نمی شود

جراید ایران و ترک هم بیش ازآنچه متصور بود عقد قرار داد مودت دولتین را حسن تلقی نمودند و ملتین ترک و ایران نیز خیلی این قرار داد را که مقدمه اتحاد است حسن استقبال کرده اند لذا میتوان گفت از این بعد ایران و ترک بیش از پیش موفق خواهند گردید که نواقص مدنی خود شان را تکمیل نمایند امروزه در وسط شرق فرمانفرمایان بروی کار اند که میتوان گفت کمتر زمان تالی شان به متکای این ممالک تکیه زن گردیده است خدمات اعلیحضرت امیر افغانستان به عمران مالک وترقی ملت خود بالدازه ایست که تاریخ افغان تالی آن را نشان

میدهد و نیز دولت جوان ترک که در راس آن نابغه زمان والاحضرت کمال پاشا قرار گرفته حیات بعد از ممات بملت ترکیه بخشوده آزادی مطابق جمهوری ترک را بعالمیان شناسانده ساختمان ترکان را بیك اصول جدیدی جلوه گر ساخته که هر بیننده یقین تواند نمود که این ملت پیر تازه جوانی از سر گرفته و آینده مشعشعی را در عقب خود نمودارساخته است همین قسم است اعلیحضرت پهلوی که از روی حقیقت ایران را حیات تازه بخشوده دراین چند ساله اخیره بیش ازآنچه تصور میرفت بنواقص مدنی مملکت وملت خود پرداخته اند وما یقین داریم درسایه مهاتی که دول ثلاثه وسط شرق از این قرارداد مودت یافته وخواهند یافت موفق به تکمیل جمیع نواقص خود خواهند گردید و طولی نکشد که بزرگترین حلقه های اتحادیه سیاسی از همه طرف دست اتحاد بجانب آنها دراز نمایند تا وقتیکه اتحاد مثلث در وسط آسیا تشکیل و ارکان آن مستحکم نگردد هر حلقه سیاسی که مارا بجانب خود برباید بعوض اینکه بما فائده رساند بیشتر از ما منتفع خواهد آمد در این صورت هر قدر ارکان اتحاد مثلث در وسط آسیا محکم تر گردد بیشتر جالب توجه خارجیان تواند آمد چه بزرگترین گناه سیاسی کمزوری شناخته آمده تا وقتیکه اتحاد مثلث بتمام معنی در وسط آسیا قائم نگردد نه ترك و نه ایران و نه افغان بتکمیل قوای خویش موفق نتوانند آمد

مزید اتحاد دولتین ترك و ایران

دو فروند طیاره حامل چهار نفر صاحب منصب نظامی ترکیه که مامور تبلیغ عرض تبریك بمناسبت جشن تاجگذاری اعلیحضرت و تقدیم شمشیر مرصع هدیه غازی مصطفی کمال پاشا رئیس جمهور ترك میباشند از آنقره از طریق سوریه و شامات پرواز و دو ساعت به ظهر چهار شنبه وارد تبریز شده اند دو دستگاه طیاره مزبور روز پنجشنبه از تبریز حرکت کرده دو ساعت قبل از ظهر در قلعه مرغی فرود آمدند

صاحب منصبانی که حامل شمشیر مرصع و درین دو طیاره بودند آقایان سلطان مظفر بیك کماندان — سلطان بصیری بیك او یا تور نایب اول انور بیك آو یا تور و نایب اول ساعدی بیك مکانین میباشند که از صاحب منصبان نظامی متخصص و در هوا پیمائی هستند

برحسب وقتی که قبلا تعیین شده بود آقای ممدوح شوکت بیك سفیر کبیر ترکیه برای معرفی صاحبمنصبان هواپیمای نظامی ترکیه و تبلیغ عرض تبریك غازی مصطفی کمال پاشا و تقدیم شمشیر اهدائی رئیس جمهور به اتفاق چهار نفر صاحب منصبان مزبور یك ساعت به ظهر در قصر گلستان حضور ملوکانه تشرف حاصل نمودند بدواً نظامیان اعزامی رئیس جمهور ترکیه بوسیله آقای ممدوح شوکت بیك حضور اعلیحضرت معرفی گردیده و مورد مرحمت و توجه همایونی واقع شدند سپس عرض تبریکات غازی مصطفی کمال پاشا بمناسبت تاجگذاری اعلیحضرت بوسیله آقای سفیر حضور همایونی عرض شده و یك قبضه شمشیر مرصع که رئیس جمهور ترکیه بعنوان هدیه برای اعلیحضرت ارسال داشته اند تقدیم نمودند

از طرف اعلیحضرت نیز بیاناتی مبنی بر اظهار تشکر از احساسات محبت آمیز غازی مصطفی کمال پاشا ایراد گردیده و نسبت به آقای سفیر کبیر و صاحب منصبان اعزامی اظهار مرحمت بعمل آمد

بروز احساسات مودت آمیز ترکیه

انقره — طهران ۷ مه

حضرت آقای میرزا داود خان مفتاح کفیل وزارت امور خارجه ایران

بمناسبت امضاء و انتشار عهد نامه دوستی وامنیت که ناشی از احساسات متوالی دو ملت برادر و در نتیجه اشتراك منافع عالیه دو دولت همسایه و سیاست مسالمت کارانه می باشد تبریکات خود را به همکار محترم تقدیم می دارد

انعقاد این عهد نامه که نشانه صلح و برادری است در ترکیه با مسرت بسیار بزرگی تلقی گردیده است خواهشمندم احترامات فائقه را قبول فرمائید

[توفیق رشدی - وزیر امور خارجه دولت ترکیه]

طهران - انقره ۱۹ اردی بهشت

حضرت آقای توفیق رشدی بیك وزیر امور خارجه دولت جمهوری ترکیه

وصول تلگراف حضرتعالی که متضمن احساسات مودت امیز و مبشر استحکام روابط حسنه برادرانه ملتین ترکیه و ایران بود موجب نهایت مسرت و تشکر و امتنان گردید لازم می دانم اشعار دارد که عهدنامه جدید تامین تازه در مناسبات دوستی خلل ناپذیری این دو ملت برادر و همسایه بوده و عهد جدیدی را برای حفظ منافع عالیه مملکتین مشترك و تامین صلح اغاز می نماید وظیفه بسیار مطبوعی برای خود می دانم باطلاع ذات عالی برسانم که انتشار خبر امضاء عهد نامه تاثیر بسیار بزرگی در ملت ایران نیز بخشیده است باتقدیم تبریکات خود بان ذات محترم خواهشمندم احترامات فائقه قلبیه ام را قبول فرمائید

(داود مفتاح کفیل وزارت امور خارجه ایران)

نمایشات دموکراتی اسلامی

(خطابه اعلیحضرت امیر با وکلاء و خوانین)
(و سائر مدعوئین خطه مشرقی در جلال آباد)

امروز ازین جهت شما را خواستم که علیحده علیحده با شما احوال پرسی کنم و شما را خوبتر به شناسم و از اخلاق و عادات و فعالیت و دانشمندی تان کسب اطلاعات برتفتیش مأمورین اینجا و رفع تکالیف عمومی اگر برشما باشد آمده ام . نه از شما پول میخواهم و نه بر شما کدام امر جدیدی را که علاوه برمندرجات نظامنامه باشد اجرا می نمایم و نه برمالیات شما افزود میکنم - بلی ، من برای خبرگیری از احوال شما و رفع نمودن کدام یک تکلیف و زحمت عمومی که بالای شما باشد آمده ام و تا زمانیکه از کارهای تفتیش اینجا فارغ نشوم و اسباب بهبودی و آرامی شما را تا جائیکه ممکن باشد تهیه نکنم گاهی ازینجا نخواهم رفت ، این طور خیال نکنید که فردا یا پس فردا هوا گرم میشود و امیر ما می گریزد و کار های مارا همچنین اوراق و پریشان درمیدان میگذارد نی ، مرا بجز ازخدا هیچکس گریختانده نمیتواند و نه من پروای سردی را دارم و نه از گرمی می اندیشم فقط راحت و آسوده حالی شما عین راحت و کمال استراحت من است

بلی ! اگر مقصدم اجرا نمودن کدام مهمی بالای شما علاوه ازین اظهار میبود البته که حکومت اینجا امر میکردم و یا کدام کس دیگر را مثلیکه پار سال جناب علی احمد خان والی را به ریاست تنظیمیهٔ شما فرستاده بودم ، میفرستادم من یقین کامل دارم که شما افراد صادق وشجاع و دلاورسمت مشرق بمقابل تمام اوامر وهدایات بجز از اطاعت و اظهار خدویت و صداقت دیگر فکر و مسلکی ندارید شاهد این اخلاص های شما ایثار ها و فدا کاریهای جانی و مالی شما است در جهاد استقلال و اظهار شجاعت و حماست تان است در عاریهٔ علم و جهل سمت جنوبی

علاوتاً چیز هائیکه برای خیر و رفاه شما ملت و ترقی و تعالی دولت متبوعهٔ تان میباشد و در نظامات مرقوم و مندرج است ازان قبیل چیز هائی نیست که شما فرزندان دانشور از تعمیل آن پهلوتهی کنید بلکه تا جائیکه من علم دارم همهٔ تان به نظامات خود پا بندی دارید امروز محض یك سخن خود را بقسم تجربه و امتحان برای شما که نماینده های مشرق میباشید میگویم و می بینم که آیا شما واقعا افکار و نظریات مرا که برای شما میگویم به ملت می رسانیده میتوانید و یا شما اشخاص بی اثر میباشید و نمیتوانید تمام وظیفهٔ تبلیغ خیالات مرابه اهالی ایفا کنید .

تا جائیکه من معلومات دارم بوسیدن دست و پای هیچیك از انسانها شرعاً ثواب ندارد بلکه بوسیدن پای چون مقارن به سجده است خالی از گناه نیست اگر اندکی دقت کرده شود این دست بوسی و رکوع کردن ها و پای ماچ کردن ها از اصل هنود این ولایت تقلیداً به بعض مسلمانان ساده لوح ما انتقال یافته است و هر چند درین موضوع بطرز عمل حضرت نبوی و خلفای راشدین وائمه اربعه نظر دقت کرده شود احدی از آنها به سجده کردن احدی امر نکرده اند وبه فاعل این اعمال اجر و ثوابی نشان داده اند

لهذا شما از من گرفته که بامر واراده خدا پادشاه واولوالامر شما هستم الی شیخ و خان و ملك و ارباب دست احدی را نبوسید و خود را برای تعظیم احدی خم نکنید و بدانید که تمام انسانهای مسلمان یك برابر بنده خدا و امت رسول الله (ص) و پیرو کتاب الله میباشند وازین حیث احدی را بر دیگری مزیت و ترجیح نیست فقط هر کسی را که عزت میدهید و یا تعظیمش را مینمائید و یا زیاده تر او را دوست دارید شرعاً دست او را زیاده فشار و حرکت بدهید نه اینکه مانند هندو ها و زنها دست و پای هر کس را ببوسید و خود را بمقابل وی پست و حقیر معلوم کنید

اینمسئله را اینقدر مهم نبود مگر چنانچه گفتم فقط می بینم که شما می توانید خیالات مرابه عامهٔ اهالی تبلیغ کنید ؟ این سخن معمولی را بشما گفتم به بینم که نتیجهٔ آن چه می شود ؟ اضافه ازین هر روزه شما وقت چاشت بامن در یك محفل صرف طعام میکنید و وقتاً فوقتاً بعض کلمات و هدایات لازمه را بشما میگویم

در میان طعام ومحل نشیمن بهیچ یکی از شما بنظر من فرق و تفاوتی نیست بلکه میز های طعام را هم امر داده ام که طوری وضع نمایند که ازان احدی ایچنین حس نکنند که فلان میز معتبر و فلان میز پست تر است ، نی . تمام میز ها بطور مخلوط چیده شده و درین مسئله امتیاز و تفاوتی نمیباشد لهذا اگر کدام یك از شما پایانتر و بعضی بالاتر بنشینند مکدر نشوید

علاوتاً به رفقای همسفر خود نیز تاکید کرده ام که یك یکنفر آنها در هر میز بقسم مصاحب و مهماندار در وقت صرف طعام با شما بنشینند و به شما از هر چیزی که بیرند معلومات بدهند واز ترقیات دنیا و از پیشرفت دیگر ملت ها و چیز هائیکه نونو در دنیا پیدا شده است و روی کار میباشند برای تان حکایه بنمایند

اماکن مقدسه وحکومت بن سعود

ما درهمان اول وهله نگاشتیم که بن سعود وپیروان

آن طریقه شیخ عبد الوهاب را دارند ومسلم است که
ازروی مذهب مجبور اند که شعائر دیانتی خویش را
درکلیه مسلمانان و اماکن مقدسه اسلامی مجرا نمایند
و نیز نگاشتیم که امروز بنابر مصلحت
موقتی که بن سعود در این خصوص بدهد غلط و
هرعهدیکه ببندد قطعاً نقض خواهد شد سلوک وهابیان درقرن
گذشته بمکه و مدینه و کربلا لازم به بیان نیست برای
اثبات این مدعا فتوائیکه عنفاً از علماء مدینه گرفته
ذیلا می نگاریم

استفتا

(بسم الله الرحمن الرحيم : ماقول علماء المدينة
المنورة زاد هم الله فهما و علما فی البناء علی القبور
و اتخاذ ها مساجد هل هو جائز ام لا ، و اذا كان غير
جائز بل ممنوع منهی عنه نهيا شديدا فهل يجب هدمها و منع
الصلاة عند ها ام لا و اذا كان البناء فی مسبلة كالبقيع
و هو مانع من الانتفاع بالمقدار المبنی عليه فهل هو
غصب يجب رفعه لما فيه من ظلم المستحقين و منعهم
استحقاقهم ام لا ؟ و ما يفعله الجهال عند هذه الضرائح
من التمسح بها و دعائها مع الله و التقرب بالذبح و
النذر لها و ايقاد السرج عليها هل هو جائز أم لا ؟ و ما
يفعله عند حجرة النبی صلى الله عليه و سلم من التوجه اليها
عند الدعاء وغيره و الطواف بها و تقبيلها والتمسح بها
و كذلك ما يفعل فی المسجد الشريف من الترحيم
و التذكير بين الاذان و الاقامة و قبل الفجر و يوم
الجمعة هل هو مشروع ام لا ؟ افتونا ماجورين و
بينوا لنا الادلة المستند اليها لا زلتم ملجا للمستفيدين

الجواب

نقول و بالله التوفيق :
اما البناء على القبور فهو ممنوع اجماعا لصحة الاحاديث
الواردة فی منعه و لهذا افتى كثير من العلماء بوجوب
هدمه مستندين على ذالك بحديث علی رضی الله عنه انه
قال لابی الهياج الا ابعثك على مابعثنی عليه رسول الله صلى الله
عليه و سلم أن لاتدع تمثالا الا طمسته ولا قبرا
مشرفا الا سويته رواه مسلم . واما اتخاذ القبور مساجد
والصلاة فيها فممنوع مطلقاً و ايقاد السرج عليها ممنوع
أيضاً لحديث ابن عباس لعن رسول الله زائرات القبور
والمتخذين عليها المساجد و السرج رواه اهل السنن
و اما ما يفعله الجهال عند الضرائح من التمسح بها
والتقرب لها بالذبح و النذر و دعاء اهلها مع الله فهو
حرام ممنوع شرعا لا يجوز فعله اصلا و اما التوجه الی
حجرة النبی صلی الله عليه و سلم عند الدعاء فالاولی
منعه كما هو معروف من معتبرات كتب المذهب و لا
افضل الجهات جهة القبلة و اما الطوف بها و التمسح
بها و تقبيلها فهو ممنوع مطلقاً و اما مايفعل من التذكير
والترحيم والتسليم فی الاوقات المذكورة فهو محدث
هذا ماوصل اليه فهمنا السقيم و فوق كل ذی علم عليم
۲۵ رمضان سنه ۱۳٤٤
محمد بن صادق — محمد بن محمود الازهری —
محمد زكی - محمود شعبان — محمد بن علی التركی —
محمد الطيب — صديق سعيد — محمد الهاشمی — حافظ
ابراهيم بزی — عمرالكردی — بشير بن احمد الغوثی —
خليل بن محمد — حميد بن الطيب — احمد بن احمد
اسعد كماخی — احمد بن طی — محمد بن وقر —

آنچه به تحقیق پیوسته پس از تحصیل ابن فتوی
پیروان بن سعود به خرابی بقاع متبرکه بقیع اقدام
نموده اند شاهد بر این مدعا تلگراف ذیل است که
از حجة الاسلام و المسلمین آقا سید حسن صدر بـه
مجمع اسلامیه لکهنو رسیده است

تلگراف بغداد

لطمه الاسلام لطمة الممات كان يكشف من انو هابيه
بهدامهم المشاهد المشرفه فی البقيع وحدها مما لا يمكن
الصبر عليه فالجد و السعی فی تدارك ماوقع -
(حسن صدر الدين)

چنانچه بما نوشته اند علماء اعلام لکهنو در صدد
اقدامی هستند و هر اقدامی در این موضوع بنمایند
بادر آتیه خواهیم نگاشت ما این پیش آمد ها را قبل
از وقت دیده بودیم اینجا مقام عمل است فقط قول
بکار نیاید علماء اعلام ما از پس با قول مطلق قناعت
نموده کار رابدینجا کشانیدند علماء حقه نیز باید مثل بن سعود
و پیرو ن او فداکاری اختیار کنند هزار مجلس بکنند
و اظهار نفرت نمایند بی ثمر است بـاید مجالس خود
را ساده قرار داده وجوهی که در راه تعزیه وغیره صرف
میکنند و نیز سایر وجوه موقوفات را مجتمع ساخته
تا بتوانند ازینگونه خرابی ها جلوگیری نمایند آیا نازکی
این موقع مانند زمانه مرحوم میرزای شیرازی و مسئله
رژی نیست از اجتهاد خود باید فایده بگیرند و باسلام
فائده به بخشند باید حکم کنند که جمیع مصارف خیریه در
یکجا مجتمع آمده تا دراین موضوع باصول صحیح خرج
شود حرف در این است که هیچ کار در این عالم جز
بپول پیشرفت نتواند نمود اول باید فکر پول کرد از
آن بعد بایستی بفداکاری قیام نمود تـا بتوان ایـن
مخاطرت را ازاسلام رفع کرد علماء اعلام اگر خود پیشقدم
نشده بخواهند دیگران را بفداکاری وا دارند هیچ کار
صورت نخواهد بست شاید گفته آید که وظیفه دول
اسلامیه است که اقدام در اینگونه اعمال نمایند باید
دانست ترکی قدمی دراین راه برنداشته و نخواهد داشت
باقی ماند افغان و ایران و مصر بدوا باید علماء شیعی وسنی
اتفاق نموده و به مال و رجال دول اسلامیه را تائید

کرده سپس اقدام بعمل کنند علماء اعلام لکهنو چندی قبل بحضور شاهانه عریضه نگاشته برای رفع تکلیف از حجاج شیعه استدعا نموده بودند و ما عین آن عریضه را در حبل المتین درج نمودیم و عقیده خودمان را هم در ذیل آن نگاشتیم جوابی هم که از رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی ایران به حجج اسلامیه رسیده ذیلا مینگاریم ولی مطلب همانست که مکرر نگاشته ایم اینگونه اقدامات عملی نیست و رفع مخاطرات نتواند نمود علماء اعلام باید مانند مسلمانان دوره اول اسلام یا دور نرویم مانند ابن سعود و سائر وهابیان اقدامات جدی و عملی و فدا کاری کنند وگرنه به نشستن و گفتن و بسر خاستن ابن سعود پیش پای خود نخواهد نشست و بار هم عقاید خود را در آتیه نزدیک خواهیم نگاشت.

جواب شاهانه

جنابان مستطابان حجج اسلام آقا سید نجم الحسن و آقا سید محمد باقر و آقا سید ناصر حسین دامت افاداتهم مشروح مفصله که بوسیله جنرال قونسولگری دولت علیه ایران مقیم بمبئی بخاکپای مبارک بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه اظهار و ارسال نموده بودید وصول یافت و از شرف لحاظ انور همایونی گذشت و از احساسات خالصانه آن آقایان محترم خاطر مهر مظاهر ملوکانه قرین مسرت و ابتهاج گردید اینکه ضمناً برای موفقیت کافه مسلمین بزیارت حرمین شریفین شرحی اشعار و از رفع پاره تجاوزات استدعا و استمداد فرموده بودید مکنونات ضمیر مبارک همایونی ارواحنا فداه همیشه معطوف بتسهیلات امور دینیه مسلمین بوده و درین باب هم تصمیمات و مقرراتی اتخاذ شده که عنقریب خاطر آقایان محترم از نتائج آن مسبوق خواهد گردید

(رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی)

صحبت گذشته

محل نداشتنم پرچانگی کرده و از گذشته سخن گوییم اما مکتوب امضای جمهوری خواه در شماره اخیر حبل المتین وادارم کرد که قدری پرده اشتباه بعضی هموطنانم را شکافته بلکه نزدیک تر بحقیقت امر کردیم

پیش از انکه داخل در جواب هموطن محترم آقای جمهوری خواه گردم از ایشان میپرسم که آیا قبول دارید که این الفاظ جمهوری، مشروطه، ملت، آزادی، مساوات و امثال انها یك چیزهائی است که اصلا پیدایش آن در مغرب بوده و ابداً و اصلا دخلی بمشرق زمین ندارد ؟ و آیا قبول دارید که اصلا ساختمان ما مشرقیها ازیك پارچه یا از یك جنس است که برخلاف مغربی درپیش زورو زبردست خود زور عاجز گردیده تو سر تسلیم خم کرده و بیشتر وقتها اورا می پرستیم بلکه سر بسجده میگذاریم ؟

اگر قبول دارید که هیچ و اگر قبول ندارید بیائید برویم در چین و تا جائیکه تاریخ مملکت آسمانی برای مان شرح میدهد به بینید که سلاطین چین همه وقت مقام خدائی را داشته اند سلاطین ژاپون پرستشگاه رعیت بوده اند بیائید برویم در هندوستان در آنجا باز می بینیم که « رام » و « لچمن » که پروردگار مانت هند اند هر دو شاهزاده مملکت اوده بوده اند « هنومان » که یك از خدایان این مملکت است پادشاه مملکت جنوبی هندوستان بوده خدای آخری آن کشور « کرشنا » یك پادشاه پهلوانی بوده است و درنزدیکی رودخانه « جمنا » میزیست بر گردیم به ایران خودمان آیا خبر دارید که صورت پاشاهان ایران را رعایا می دیده اند و حکایات ظل الله و قدر قدرت این دوره مال زمان پیشین است که ارثا به ما رسیده و باوجودی که حالا بحمد الله تعالی مغربی خالص و مخلص شده ایم اما هنوز این قدر قدرت دست ازیخه مان ور نمیدارد چونکه از بس اورا دوست میداریم و ارث نیاکامان است ابدا از میان برود ؛ از شما می پرسم که یکی ازین عناوین را در تاریخ یونان و روم و اسپانیون و انگلیس و آلمان و فرانسه دیده اید ؟ قطع دارم که تصدیق میفرمائید که اصلا رویهٔ و رفتار و فکر و خیال و اظهار ریشه و بنای افکار و خیالات مغربی ها غیر از ما مشرقیها بوده آیا بهتر بوده یا بدتر بوده من کار به ان ندارم همینقدر معلوم است که فرق داشته مغربیها دارای ساختمان دیگری و مشرقیها دارای ساختمان فکری دیگری بوده اند و در این میان هرگاه کسی بیرون بیاید و بگوید خیر خیر این طور نیست همه هر چیزی را که مغربیها داشته اند ما هم داشته ایم ایرانی بگوید در مقابل مجلس سنای روم بعض از سلاطین ساسانی انگا شهستان داشته اید یا هندی بگوید و در زمان پیش هندوستان طیاره می ساخته و بروی هوا سیر می کرده و دلیلش این باشد که وقتی « راوانا » پادشاه سراندیب « سیتا » را از شوهرش « رام » دزدید رام وهنومان درطیاره نشسته و از دکن پرواز نموده به سر اندیب رفته و سیتا را اوردند یا اینکه عربها دعوی کنند که هر علم از عرب است و ترجمه های از یونانی را در زمانه بعضی از خلفای بنی امیه و بنی عباس فراموش فرمایند

اینها همه ادعا است ومعلوم نیست پایه صحیحی داشته باشد یا از محبتی است که بوطن خود دارند مانند مادری که از بس فرزندش را دوست میدارد اورا

در ضمن ناز و نیاز نسبت به شاه و شاهزاده می دهد که در نظرش از همه چیز بالاتر است

پس بعد از همه این بیانات هرگاه قبول فرمودید که این مشروطه و قانون و ما یتعلق بها یك تحفه ایست که از مغرب بمشرق آمده و نتیجه فکر مغربی است و چون ما اورا پسندیده ایم ان را قبول کرده و بکشور خود آورده ایم انوقت شما هم باید سعی کنید که همان طوری که مغربیها با آن تحفه عمل نمودند عمل نمائید و همان طریقه را که پیمودند به پیمائید

خواهید فرمود کدام عمل و کدام طریقه را باید بجا آورد و پیمود محترما عرض میکنم و یاد آوری میکنم که در مکتوب خودتان مینویسید «آقا گویا حضرتعالی در آن موقع در طهران نبودید یا اصلا در ایران تشریف نداشتید یا اگر هم تشریف داشتید از چوب نیزه‌های منسوخ شده باستیان بودید و سرنیزه براق تفنك را در دست نظامیان ملاحظه نفرمودید»

آقای جمهوری‌خواه فراموش نکنید شما امضای خود را جمهوری‌خواه گذاشته اید درحالی‌که ازسرنیزه براق می ترسید پس اشتباه کرده اید شما جمهوری خواه نیستید و اگر هستید جمهوری خواه ایرانی هستید که کشور یونان که مولد جمهوری است شما رابخود راه نمی دهد رجوع کنید بتاریخ روم که وقتی قیصر از فتوحات مغرب برگشت خواست پشت پا بجمهوری زند بروتس آن سردار معروف روم که رفیق و حامی قیصر بود در مجلس سنا اولین خنجر را به سینه قیصر آشنا نمود بعد ازان در نطق مشهورهمان روز خود گفت که من دوست عزیز و رفیق و شفیق خود قیصر را کشتم چون وطن خود روم را از او دوست تر می داشتم چشمان من در غم مرگ قیصر اشکبار است اما روم ازجاه‌طلبی اونجات یافت

در انقلاب فرانسه وقتی که روبس پیر عنان‌کار را بدست گرفت و بهوای دیکتاتوری تمام رجال انقلاب رابزیر تیغ گیوتین فرستاد حتی دو نفر مرد بزرگ و معروف عالم کامل دوملن و دان تن را در یك روز سر از بدن جدا نمود آیابعقیده مشرقی حکمت اقتضا نمی کرد که مردم خاموش گردیده و تن بقضا در دهند اما چون مملکت فرانسه بود طولی نکشید که آن دیومهیب یعنی همان روبس پیر را درهمان مجلس ملی در حال نطق کردن محکوم کرده و همان وکلائی که بنا بود روبس پیرحکم اعدام شان را بدهد حکم اعدام روبس پیر را داده اورا بزیر ساطور گیوتین فرستادند

حالا هموطن عزیز آقای جمهوری خواه شما لطفا میتوانید به بنده نشان بدهید که در مجلس موسسان کذائی خود یکنفر بود که اسم از جمهوری ببرد و آیا این سربازی که ایستاده بود و مردم را مجبوربه رای‌دادن بعمر ورزید میشود غیر ازهموطن من وشما ایرانی بود و ازپسرما و ازخود ما بود ؛ و ایا این نظامی اینقدر قوه داشت که غیر از سینه و مغز همه وکلای مجلس موسسان هم داشت و در مقابل تقی زاده و دکتر مصدق و مدرس وعلائی و دولت آبادی قدرت نفس کشیدن نداشت یا انها روئین تن بودند ؛ هموطن محترم امر بر شما مشتبه نشود اول از اول بدانید که ما مردم مشرق هنوز پرورش مردم مغرب را نیافته ایم و تجربه ثابت می کند که هر ساعتی که شروع به تعلیم عمومی و تربیت عمومی و پرورش عمومی مانند ورزش و نظام اجباری نمائیم

بعد از پنجاه سال دوست پرورده شده و اخلاقا مانند ملل مغرب درتحت انتظام عمومی (دیسیپلین) خواهندآمد وقابل خواهند گردید . ازانکلیه که گذشت ازعرض میکنم اینکه میگوئید نظامیها دست ندر کار آرای ملت بودند از شما میپرسم مگر این نظامیها نظامیها که میگوئید که هستند ایا اینها مردم الامانند یا مهاجرین چین ؛ جزاینکه اینها هم مردم ایران و برادر یا پسر عمو یا خاله زاده یا اقلا همشهری من و شما هستند ؛ ازکجا که اگرمن‌وشما نظامی بودیم همین‌کارها را نمیکردیم وهمین رای‌کشی هارا مرتکب نمیکردیدیم ازکجا که این پارتی بازیها که در شهرهای ایران قائم مقام حیدری نعمتی‌گردیده با مردمان بیشتر بی‌سوادی که اعضای آن پارتی‌ها هستند وحتی اختلاف این پارتی ها ازمسائل سیاسی گذشته به مخالفت های شخصی منجر شده این‌مردم‌جاهل متوسل به نظامی ها نگردیده و انهارا وادار به رای کشی حزب طرف مقابل ننموده اند ؛ ازهمه انها گذشته عرض میکنم ملتی که از جان خود بترسد قابلیت لبیك دعوت جمهوری را ندارد

نگارنده تاوقتی که مذاکرات مجلس موسسان را نخوانده بودم رای به جمهوری ایران داشتم اما وقتی که مجلس موسسان را دیدم و مذاکرات ان را خواندم به اشتباه خود پی بردم چه مجلس موسسان برگزیده ملت ایران بود وهمه‌دیدیم‌چگونه بودحال اگرما بخواهیم اشتباه‌کاری کرده و چنانکه عادت کرده ایم دیگری را مقصر سازیم دنیا وتاریخ از ما نمی شنود تاریخ همانطوری که واقعه صحرای مغان و نادرشاه را نقل میکند همانطور هم مجلس موسسان ودوره پهلوی را ضبط کرده است و نتیجه حاصله را نقل می‌نماید خواه ما خوشمان بیاید خواه بدمان بیاید

بعد ازهمه اینها هرچه بود گذشت ازصحبت گذشته

داشتن چندان حاصلی ندارد ما هرچه میخواستیم برای ایران و خوبی ایران می خواستیم حال جمهوری دلخواه ما واقع نشد و سلطنت پهلوی قایم گردید اینهم یك قسم رای و صلاحی بود که فرقه دیگر وطنخواهان ایران بودند و به وقوعش پافشاری کرده و کامیاب شدند و تیر از شصت رها گردید حال ضدیت کردن و مخالفت آغازیدن بی مورد است باید سعی کرد و هرچه که هست کامل نمود تا روزیکه سلطنت در ایران قایم نگردیده بود از جمهوری سخن گفتن خوب بود اما بعد از آن دیگر صحبت جمهوری داشتن با این وضعی که داریم به رای من بی معنی است تجربه نشان می دهد که باید ملت ایران اول ساخته شود با سواد شود تربیت گردد قابل قبول نظم گردد در اثر ورزش ونظام اجباری پرورده گردد الوقت که قابل گردید هر انچه صلاح خود را داند عمل نماید

وطنخواهان باید فرصت را از دست نداده و بجای همه کار به این کار پردازند

(چوب بیزه)

از شفق سرخ طهران

(موقعیت اقتصادی ایران)

کمتر مملکتی است که باندازه ایران نظر خارجیها مجهول باشد ـ هنوز اکثر اهالی اروپا در خصوص وطن ما جز الف لیله و رباعیات خیام و گلستان سعدی یا مراسلات ایرانی مونتسکیو هیچ نخوانده و تصور میکنند در بیابانهای ایران بجای سنگ فیروزه ریخته و افواج و غلامان سیاه و خواجه های قرمز پوش با شمشیرهای برهنه در کوچها بمحافظت حرم سراها مشغول اند

علت این بی اطلاعی فقدان کتب و نشریات سودمند راجع بایران معاصر است ـ هرچند هر اروپائی که قدم بایران گذارده بر خود لازم دیده است پس از مراجعت کتابی راجع بسر زمین شیر و خورشید بنویسد ولی عموماً مسافر مزبور بقول یك ضرب المثل فرانسوی قاف خودرا مرکز ثقل عالم پنداشته و ازین رو از خود سخن رانده اصل موضوع را که ایران باشد از بین برده است ـ بدیهی است کتابی که طرز حکومت ایران را با مناظر دماوند و طرز پختن بادنجان بنا تعریف خیمه شب بازی در روی یك ردیف قرار دهد از نقطه نظر علمی قابل استفاده نیست

بااین حال نباید متعجب بود که تاجر یا سرمایه دار یا صنعت گر خارجی از افتتاح باب معاملات با ایران داشته باشد

درین موقع که جلب سرمایه داران و متخصصین خارجی بایران نهایت ضرورت را دارد رفع این نقیصه یعنی تالیف کتب سودمندی بزبانهای خارجی متداول از قبیل فرانسه و انگلیسی و آلمانی از جمله واجبات بشمار میرود . مخصوصاً این وظیفه بایرانیها که بهتر باحوال وطن خود معرفت دارند محول میگردد

درین سنوات اخیر بعضی از جوانان تحصیل کرده پی بان حقیقت برده و کتبی چند در تشریح کیفیات اقتصادی و سیاسی ایران مطابق اصول علمی بزبانهای خارجی تالیف نموده اند

جدید ترین آنها کتابی است که آقا مصطفی خان فاتح فارغ التحصیل از مدرسه علوم سیاسی کلمبیا در امریکا در خصوص موقعیت اقتصادی ایران معاصر بزبان انگلیسی تالیف و اخیر در لندن بطبع رسانیده اند ـ کلیه مسائل اقتصادی مهم ـ از قبیل فلاحت تجارت، معادن، محصولات ارضی، نفت، مالیه، بانك، وسائل ارتباطیه وحمل و نقل با بهترین طرزی شرح داده شده است ـ برخلاف بعضی از هموطنان کاصول مبالغه را پیشه خود قرار داده و هر چیز ایران را بهتر از همه جا می بینند آقای مصطفی خان فاتح حقایق حتی حقایق ناگوار را بی پرده بیان مینمایند و در هرکجا عیب یا نقصی می بینند در صدد جستجوی علل و موجبات آن برآمده و برعکس اطبائی که فقط به تشخیص مرض اکتفا می کنند ایشان علاج قاطع هر دردی را گوشزد مینمایند

مؤلف محترم علل فلاکت اقتصادی کنونی را در دو چیز تشخیص میدهد اولا انقلاب اقتصادی که در قرن نوزدهم در دنیا ظاهر شد ثانیاً سیاست جابرانه دولت تزاری سابق نسبت بایران ـ در اوایل قرن نوزدهم ایران از نقطه نظر اقتصادی وضعیت معتدلی داشت ـ صادرات وواردات آن بایکدیگر موازنه کرده و قسمت اعظم ما یحتاج اهالی در داخله مملکت تهیه میشد درینموقع دول اروپا در اثر کشف بخار و اختراع ماشین های جدید سیاست تجارتی بین المللی را اتخاذ و مال التجاره های خود را برای فروش بتمام نقاط عالم حمل کردند ـ دیگر کارگر در مقابل ماشین و صنعت متکی بخرافات در مقابل صنایع علمی تاب مقاومت نیاورده و در فاصله کمی متدرجا تمام صنایع کوچك ملی ایران بورشکستگی محکوم و ایران برای تهیه قسمت اعظم احتیاجات خود دست بدامان خارجی ها گردید اگر کارگر و صنعت گر ایرانی عالم و سرمایه داشتند شاید میتوانستند خود را در جریان ترقی انداخته و در مقابل رقابت خارجی ایستادگی نمایند ولی بد بختانه چون این هر دو عامل را فاقد بودند دیگر نتوانستند قدر راست کنند ـ از طرف دیگر بواسطه نبودن راه و وسایل حمل و نقل ازان

فلاحت هم نتوانست توسعه یابد و در نتیجه انحطاط صنایع و عدم توسعه فلاحت هم نتواست موازنه تجارتی بهم خورده متدرجا میزان واردات افزون بر صادرات گردید چون دخل ایران کم خرجش زیاد شد تدریج اندوخته و سرمایه مملکت بتحلیل رفت و کم کم فقر و ورشکستگی و بیکاری سرتاسر مملکت را فرا گرفت . ولی از آن تاریخ - و اینجاست که عامل دوم ظاهر میشود - هر وقت در ایران مساعی برای بهبودی این وضعیت بعمل آمد هیولای استبدادی تزاریسم روس در مقابل عرض اندام نموده و مانع هر اقدامی گردید - بدین جهت یکصد سال است ما ایرانیها در فلاکت و بدبختی غوطه‌ور هستیم

پس از تشریح علل انحطاط آقای مصطفی خان فاتح این عقیده را اظهار میکند امروز موانع خارجی برطرف و استقرار انتظام در داخله مملکت فرصت خوبی بما داده که این وضعیت اسفناک را اصلاح نمائیم - اگر ایران خواسته باشد استقلال اقتصادی خود را و موجبات آبادانی مملکت را فراهم آورد لازمست بدون اتلاف وقت مطابق پروگرام ذیل شروع باقدام نماید

اولا اصلاح وسائل نقلیه بوسیله احداث خطوط مهم راه آهن و مخصوصاً خط آهن محمره بطهران که مقدمات کار برای آن از سایر خطوط فراهم تر است ولی احداث راه آهن نباید ما را از تسطیح طرق و شوسه حمل و نقل بوسیله اتومبیل باز دارد

ثانیا تهیه آب برای توسعه فلاحت بانواع وسائل ممکنه یك قسمت مهم از آب‌های رود خانها و سیلابها وغیره بلا مصرف در شن زار فرو میرود برگرداندن مجرای این آبها بسوی اراضی حاصل خیز و بکار بردن آنها برای توسعه فلاحت با نهایت سهولت انجام میگیرد و هر سرمایه که در این قسمت بکار برده شود پس از چند سال مستهلك می گردد

ثالثا - ایجاد وتوسعه صنایع . مؤلف مخالف با این عقیده خرافاتی است که از چندی باین طرف در این مملکت رواج یافته و بموجب آن آتیه اقتصادی ایران انحصارا درفلاحت است ، بعقیده ایشان مملکتی که صنایع ندارد هیچوقت ممکن نیست استقلال اقتصادی داشته باشد برای توسعه صنایع چند چیز لازم است : وسائل حمل ونقل ارزان سوخت فراوان ، اطلاعات فنی و مواد اولیه ، ایران مواد اولیه و سوخت بیش از حد احتیاج دارد چنانچه راه آهن کشیده شود وسائل نقلیه ارزان نیزفراهم میشود . با استخدام متخصصین‌اروپائی و اعزام محصلین ایرانی باروپا و امریکا دیگر برای ایجاد صنایعی که لا اقل احتیاجات اهالی را استرضا دهد هیچ مانعی موجود نخواهد بود .

اما برای اجرای این پرگرام اقتصادی پول لازم است چگونه سرمایه ممکن است تهیه شود

آقای مصطفی خان فاتح برخلاف بعضی ها تصور می کنند ایران بتواند بدون استمدادات خارجی گلیم خود را از آب بیرون آورد با سرمایه های کوچك که در ایران یافت می شود سد و کارخانه نمی توان ساخت همچنانکه با عایدات انحصار قند و شکر احداث راه آهن خیال بیهوده ایست بعقیده ایشان باید سرمایه خارجی را بایران جلب و بانواع وسائل تشویق آنها را فراهم آورد

اما خارجیها شخصاً نمی توانند در مرحلهٔ اول بلکه این اصلاحات واقع شوند دولت باید پیشقدم شده مؤسسات لازمه را ایجاد و سرمایه لازمه را از آنها قرض نماید

بدیهی است بدون وثیقه سرمایه دار خارجی پول قرض نمی دهد برای تهیه این وثیقه ایران بایدمالیه خود را اصلاح و مالیاتهای جدیدی وضع کند به عقیده آقای فاتح چنانچه ایرانی حاضر بقبول فدیه مالی شود می تواند سالی پنج ملیون لیره اضافه عایدی برای خود تهیه و با این وجه شصت الی هفتاد ملیون لیره قرض و بمصارف لازمه برساند - پس از چند سال ایران یکی از با سعادت ترین ممالك آسیا خواهد گردید

اینست بطور خلاصه رؤس مسائلی که در کتاب « موقعیت اقتصادی ایران » شرح داده شده است

در دیباچه کتاب خود مولف می نویسد این‌کتاب برای این منظور نوشته شده که وضعیت اقتصادی فعلی ایران را تشریح و علاجی که عملی و قابل اجرا باشد برای بهبودی این وضعیت پیشنهاد نماید امید میرود بوسیله تشریح موقعیت اقتصادی حقیقی ایران و بیان ترقیاتی که در آتیه محتمل الوقوع است وسائل تشریك منافع بین ایران و سایر ملل دنیا در زمینه های اقتصادی میسر گردیده و موجبات پیشرفت اقتصادی ایران فراهم آید . . . . آقای فاتح نه تنها این منظور خود را کاملا انجام داده و معرفی خوبی از ایران بانگلیسی زبانان نموده بلکه کتابی نوشته اند که خواندن آن برای هر ایرانی که علاقه مند باطلاعات اقتصادی وطن خود میباشد لازم است اطلاعات عمیق و نگارشات دقیق آن برای هر کس مفید و مخصوصا برای اهل فن غذای روحی لذیذی است که کمتر نظیر آن یافت میشود

[دکتر حسن نفیسی]

بیان حقایق

از زمان تعیین قونسولگریهای خارجه در بنادر و مخصوصاً در بلاد داخله جنوب همیشه مصدر تهییج جهال بیرونی و طرف داری ازاقویا و بروز بی عاطفگی نسبت بحقوق دولت و ملت گردیده مخصوصاً بیشتر از همت خودشان را صرف تهیه مخالفت اخلاقی بین اهالی ولایات و قصبه‌جات و بلوکات نموده ازجمله چون مردم را بین فرقه بهائی دیده بجهة تهیه اشکالات درمملکت انها را بخدمات قونسلگریهای خودشان گماشته وحتی ازانها خفیه پولیس گرفته مامور بزوایای ایالات و ولایات نموده انها هم بعقیده اینکه ازادی بگیرند بعد از مایوسی ازانکه روسیه درانجام ماموریت شان کمال حمایت را کرده و نیز بعضی از مستخدمین دولت هم بجهت تحکیم مقام خودشان باب مراوده قونسلگریهای فوق برقرار کرده مقدمه مذکور بجائی انتهی پیدا کرد که بصیرالسلطنه شیرازی که یکی ازملاکین فارس است باداشتن املاک زیاد که منافی به معاهده ترکمانچای (که فعلا لغو شد) که معاهده سایر دولت از اقراربسته شده خویشتن را تبعه انگلستان معرفی مینماید هرقسم همراهی بکارهای این قبیل اشخاص نموده انها هم انچه توانسته تعدی بعنوان تابعیت انگلستان ادعای های خودشان کرده رفته رفته منابع اهالی را اساساً بدولت بریطانی بدوکدر کرده تادرجنگ بین‌المللی قونسول های المان باسم‌ایران‌خواهی واسلام دوستی بنای مؤالفت بحضرات دشتستانی و سایر طوایف و ولایات گذارده واهالی رابرعلیه اقدامات قونسلگریهای انگلستان وادار کردند که خسارت بزرگی عاید عموم گردید که مدتها وقت میخواهد که اصلاح خرابیهای وارده بشود تا جنگ بین‌المللی خاتمه یافت و ظهور شخص پهلوی بوقوع پیوست تاکنون عموم طبقات به پیش آمد های عهد پهلوی خوش بین اند فقط لغوایلخانی گری قشقائی ولغو نکردن ابوالجمعه های ابراهیم قوام خصوصاً زمزمه وکالت ابراهیم قوام طبایع عموم را نسبت باوضاع جاریه منزجر کرده لذا میگویند عدای نکرده اینگونه وکالت وکیل های مصنوعی جهت اجرای معاهده زمان وزارت وثوق‌الدوله نیست؟ و درصورتیکه کاری اول حرف است بعد قلم و بعد عمل که جلوگیری نشود عنقریب فساد بزرگی درمملکت بظهور خواهد رسید کما اینکه درجهرم بظهور پیوست از قرار مذکور اساساً مقدمه مذبور کار انتخابات بوده که اهالی اساسان میخواسته اند اشخاص بیطرف انتخاب کنند در این بین تحریکاتی از دو طرف بین فتنه منام و معدودی از طایفه بهائی بظهور رسید وایکار را از تحریکات اسمعیل خان قشقائی دانسته و اورا گرفتار و محبوس نمودند

لذا محض رضای خدا بدون هیچ غرض و مرضی عقیده ثابت خود را بعرض پیشگاه اعلیحضرت پهلوی رسانیده که اگر عملی دانند بموقع اجرا گذارند وعقیده بنده این است که باید تعصب را بکلی کنار گذارده کلیه خانبازی را لغوفرمایند راس و رئیس مفاسد فارس ابراهیم قوام میباشد حال مشارالیه بوکالت عازم طهران است بقراریکه به ایلخانی ساولی فرموده‌اند خوب است ابهمان نحو ابوالجمعی قوام را لغو کرده اگر غفلت شود و دیرازود آتشی که درزیر خاکستر است محترق گردیده ممکن‌است صدمه‌ای ان ایران‌را بلرزه در اورد بعلاوه اینکه مکرراز صف فارس اسلحه جمع نشده و علاوه هرقسم که قند و شکر وچای بقاچاقی وارد میشود حقیقتاً اسلحه هم وارد میشود دولت پهلوی نباید مطمئن بجمع اوری کلیه‌اسلحه باشند ومسئله اهم‌بودن قونسول شوروی روسیه است درشیراز مترصد بهانه است اعلیحضرتا اهالی شیراز پنج طبقه هستند طبقه اول اعیان هستند که اکابر ماب هستند فرقه دوم عمال بیرام ماشویك میباشند سوم مذهبی‌میباشند چهارم جماعتی هستند که خوب و بدرا تمیز ندیده‌اند پنجم طبقه بیغرض و بیطرف خواه میباشند که دست انها بجای بند نیست اعلیحضرتا اهالی بیطرف امنیت دائمی میخواهند که دهات مخروبه اباد وزراعت گردد و درجزء اصلاح اقتصادی مملکت بشود وکار بجهة بیکارهای شهر تهیه گردد اعلیحضرتا دهقانان فارس فاقد تمام وظایف مدار هستند سالیانه کلی اطفال انها از نداشتن مریضخانه و دوای آبله تلف میشوند بهمین نحو روز بروز در شهرها صنایع یدی از کف رفته و میرود و روز بروز برفقر وفاقه اهالی افزوده میشود

ترقیات کنونی ملل و دول در سایه اصلاح امور اقتصادی صورت گرفته و اصلاح آنهم منوط به تهیه راه آهن و شوسه می باشد که کرایه بمقدار ممکن کم تعلق گیرد متاسفانه در دوره سلطنت قاجاریه نظری به آن نشده تا درجنگ بین‌المللی همسایه جنوبی بجهة صرفه خود راه بوشهر را شوسه موقتی کرد و در قبال این صد برابر ضرر جانی و مالی به اهالی عاید گردید بعد از خاتمه جنگ و انحلال قشون جنوب وزارت فوائد عامه حق العبور از شیراز بکازرون را جهة مرمت‌راه مذکور میگرفت معلوم نشد وجه ماخوذه اینمدت چه مبلغ بوده و چه مبلغ آن خرج مرمت راه شده تا در چند وقت قبل مهندس ایطالیائی به ریاست فواید عامه شیراز

منصوب گردید و بدستور وزارت فواید عامه مشغول خاتمه بقیه سد رودخانه جنب شیراز و تعمیر پل رودخانه قراقاج گردید از قرار اظهار شخص موثقی در اخراجات سد رودخانه و پل قراقاج بعضی خلافکاریهائی روی داده که گویا پل مذکور شده و اخبار آن بوزارت فواید عامه رسیده ؛ آن را معلق کرده اند در کار گذاری مشار الیه را استنطاق کرده اند بهمین علت بود گویا متوسل به رئیس مالیه امریکائی شده و از طرف ریاست مالیه تلگرافی بمرکز شده و حکم منصوبی او را آورده اند اگر صدق باشد لنهایت مضحک می باشد که بچه جهت او را معزول و بچه سبب دوباره بخدمت وا داشته اند در هر حال حالیه کلی بعنوان نواقل یا باج راه در سرحد از مال التجاره وارده می گیرند - اگر دولت همان وجه ماخوذی شدر بوشهر را تخصیص و راه بوشهر و اصفهان و اصلاح کوچه های خود شهر بفرمایند چندی نمی گذرد که نقاط جنوب هم مثل نقاط شمال اباد شده تدریجاً اصلاح معایب اقتصادی جنوب می شود اصلاح راه بوشهر بسته به کشیدن سد جلو پر تگاه های کتل رودک و توسعه دادن پیچ گاه های عرض راه ها میباشد و اصلاح معبر اصفهان موکول بمرمت پل خرد های بین راه زرقان و رودخانه ند اسیر می باشد و بعد از آن اصلاح گردنه کولی کش بجهت اینکه در زمستان برف راه مزبور را مسدود می نماید باید راه گردنه را صاف کرد و علامتی اطراف جده گذارد که عراده و مشروحی علامت را نصف عین فرد قرار داده حرکت کند که از راه خارج نشود

خاتمتاً بعرض وزارت فواید عامه میرساند از قرار اظهار بصیری شکر و قند چای در دو فرسنگی یا چند میلی دریا منی سی شاهی دو قران و چیزی قند می باشد در بوشهر تقریباً شش قران و هفت قران چیزی اضافه می شود تا چه رسد به بلاد داخله بیچاره ضعفاء و فقراء این عشور زیاد را می دهند که دارای راه آهن در هر ایالات ودارای راه شوسه در راه های فرعی بشوند نه اینکه عایدات مزبور بجیب عمال کل و جزء برود در عوض تهیه راه آهن و شوسه صرف تعیشات درباغهای اطراف شهر بشود این قلیل ثروتی که هم بصورت ظاهر باقی مانده اداء پول عطر و بوتین زنانه و چراغ برقی که مایه بسر و سینه خود می زنند برسد و دین و دنیای عموم را خراب کرده و مایه قلت نفوس گردد و معلوم نیست اولیای امور چه خیالی برای جلوگیری ورود قاچاق کرده اند

انتخابات شیراز

(یا تهیه خرابی فارس)

حکماء فلاسفه فرموده اند که مملکت حکم بدن انسان را دارد همین قدر که به یک عضو انسان صدمه وارد آمد تمام بدن گرفتار درد خواهد گردید بهمین نحو از مملکتی که مصادف بدخالت مفسدین در امور اجتماعی وحقوق و قضائی گردید تمام مملکت دچار همه گونه مصائب خواهد گردید شیخ سعدی هم میفرماید

§ چو عضوی بدرد آورد روز گار §
§ دیگر عضوها را نماند قرار §

کذالک اگر در تعیین وکیل فی الجمله غفلتی گردد مضاران عاید تمام مملکت میگردد حال که باید وکیل جهة دوره ششم دار الشوری انتخاب گردد اقوام مملکت مشغول دسته بندی گردیده که بجهته حفظ مقام وتامین آتیه خود درموضوع نگاهداری ابوالجمعی خود وکیل بلا موکل شوند بهمین جهة از دهات مالکی او الجمعی نزدیک شهر و دهات استیجاری خود دهاقین جاهل بیچاره را آورده اسامی خودشان را نوشته بدست انها داده بصندوق ارا میاندازند از قرار اظهار موثقی صاحب قریه کشن دهاقین انجا را ضمیمه عمله های راه بشهر طلبیده در مسجد شکرالله خان که حوالی بلدیه است دستور دخول به انجمن داده قبلا اسامی اشخاص منظوره خودرا نوشته بدست انها داده که در صندوق آرا بیندازد اقدامات آنها بجای رسیده که باوجود خاتمه نیافتن انتخابات همه کس وکلاء غیر موکل را میشناسند از جمله یکی از وکلا ابراهیم قوام میباشد البته وکلاء نقاط ابو الجمعی خودش را هم ازبستگان خویش انتخاب خواهد کرد و پیش آمد های چند ماه متفکرین را متوجه وقایع جاریه کرده عموم را بشبهه انداخته که میخواهند در این دوره اعضای قرار داد وثوق الدوله را بنمایند

اعلیحضرتا هر کار اول حرف است و بعد قدم و بعد از قلم عمل است خوب است ترحمی به اهالی بدبخت ایران بالاخص اهالی بلاد جنوب فرموده جلو دسیسه دشمنان استقلال مملکت را بگیرند اما بیائیم برسر وظیفه شخص وکیل ، وکیل ان کسی میباشد که خیر ملت را بخیر خودش نفروشد - پس وظیفه ابراهیم قوام ان است از دولت استدعا کند که اداره مالیه و نظام را در لار و داراب و فساء برقرار دارند که اصل و فرع مالیات عاید دولت شده و دولت قادر بجلوگیری از ورود اموال قاچاق گردد

اعلیحضرتا بیشتر مالیات فعلی از دست رنج دهاقین میباشد ودولت کل بمواجب حضرات امریکائی

میدهد که جلوگیری از ابطال حقوق دولت و ملت بشود بآینکه غارتگران عهد استبداد بعنوان اشغال وکالت علنا تضییع حقوق دولت وملت رانه نمایند بیچاره رعیت کرورها مالیات میدهد که ثغور مملکت ایران از ان حفظ شود و حقوق مدنی آن محفوظ گردد و دارای حفظ الصحه و نظمیه و قشون و معارف وغیرها گردد نه اینکه جیب مفسدین فرو رفته بمصرف عمارات های دلگشا ومحمدیه وگلستان وغیرها برسد خدایا زین معما پرده بردار

حریق باغ محمدیه یامایه بدبختی ذراع
(و دهاقین ابو الجمعی قوام)

در زمان ورود هیئت اعزامی بین المللی زراعت در باغ محمدیه منزل گرفته از قرار مذکور هیزم زیادی در بخاری ریخته و نفت روی ان پاشیده و کبریت زده و هیزم آن شعله ور گردیده و آتش اثر بچوب سقف عمارت کرده و خبر باداره قشون و نظمیه رسیده عده نظام و ازان مامور اطفاء انشده به زحمت زیاد عمارت مذکور را خراب وآتش را خاموش کردند از قرار مذکور قریب سی هزار تومان بر آورد خسارت وارده شده ارباب مذهب میگویند در همین عمارت بعد از ایام عزا داری حضرت سید الشهداء علیه السلام ابراهیم قوام مجلس عیشی فراهم آورده زنهای فاحشه را امر به نقایند شام غریبان (یك نحو عزاداری است که در بلاد آذر بایجان در شب یازدهم محرم بعمل می آورند) مینماید ونیز در چند روز قبل حوض باغ مذکور صدای بزرگی داده از هم میپاشد ازاینروبه این عقیده هستند که حریق فوق بعلت توهینی استکه بمقام مقدس سید الشهداء وارد شده که مولوی فرموده —

§ چون خدا خواهد که پرده کس درد §
§ میلش اندر طعنه پاکان برد §

و نیز گویا اتوموبیل او هم (قوام) درحوالی اباده آتش گرفته بوده و آتیه کار قوم را تفعل به بخیر نمیزنند

قوام شیرازی

با اینکه در دوره سلطنت پهلوی دست خائنین و جابرین مملکت کوتاه شد مع التاسف هنوز فارس از وجودیك آدمیکه صفحه تاریخ عملیات اوننگین وننك آور است بپاك نشده در صورتیکه قوام شیرازی امروز نسبت بدیروز که مردم انتظار آتیه و بدبختی اورا میکشیدند خیلی پیش و بالنسبه جلو است یعنی ملت فارس و مظلومین ان عموماً از دست تعدیات این خونخوار بستوه آمده بودند چنین هنگامی را انتظار داشتند که چکیده خانواده ظلم و ستم وشیره وروح ستمگری یعنی قوام الملك شیرازی همان جنایت کاری که بناحق هزاران جوان رشید را فدای هوا و هوس خود نموده همان رئیس خانواده بی عاطفه که فارس و مخصوصاً شیراز و بالاخص فسا و آباده و دیگر نقاط را ازشعلهٔ بیداد و تعدی خودسوزانیده وویران نموده است ازمیان برای راحت وآسایش مردم خواهد رفت ولی عجب انتظار و چشمداشت غیرممکن بود زیرا علاوه به اینکه دودمان ظلم وجور فارس متزلزل نشده اند پیشرفت و ترقی هم نموده اند مگر نه این بود که وکیل شیراز درمجلس مؤسسان شد و بالاخره عنقریب نمانده دوره ششم شیرازو فردا است که با همه جنایات و جنایات برسند وزارت هم بنشینند گویا اصلا جنایت اثر نیکو دارد و گویا قتل نفس و آدم کشی درراه رضای هوا وهوس بالاخره بجای مکافات مفید و سودمند خواهد بود تف بروزگار و اف برجریانات چرا زیرا اگر در هر مملکت چنین شخصی پیدا میشد که بدست بریده خود قصابی و سرابری کند هرآینه تاکنون پیکرزنده و مرده وی رابیش از هزار مرتبه آویزه دار وتیرباران کرده بودند ماموری بسمت درشیرازکه آویزه دست ویا بعبارت الاخره اجیر و مزدور این شخص نباشد جریانات امروزی همه بمیل و مرام مستبدانه این آدم با هیچ کم وزیادی پیش میرود بعضی اولیاء امور طرفدار ولی انان که سوء سابقه این آدم را میدانند بهیچوجه ترحم براین پلنگ تیز دندان نمیکنند

بخاطر نمیرود ان عملیات بی رحمانه که این اجل بزرگ دردوره تشکیلات ژاندارمري نسبت باهالی پس از آنیکه برقواء ژاندارمری غالب آمد وارد آورد

ازخاطر نمیرود عملیات اوکه جوانانرا که حضور او بچوب می بستند ای منتقم حقیقی از این دودمان بی عاطفه که هزاران طفل را یتیم کرده انتقام بگیر — عملیات این دیو مرتجع که بزرگترین سد ترقی فارس است حتی اخیراً هم آلوده بغرض اقدامات سیاسی بود و اگر ازطرف اعلیحضرت محبوب پهلوی از اقدامات و عملیات سوء این دشمن بشر جلوگیري بعمل نمی آمد انوقت بخوبی درجهٔ عداوت و اسباب چینی او ثابت و آشکارا میشد عجالتا از حالات و هیولای ارتجاع فارس همین قدر بس تا در آتیه نیز کاملا تشریح و توضیح دهم

قابل توجه اعلیحضرت پهلوی

در دوره سلطنت قاجاریه بجهة عیاشی و کامرانی

انها توجهی باصلاح های ایالات و ولایات بالاخص بلاد جنوب ننموده بهمان لعنت کتابه ایران بالاخص بلاد جنوب فاقد تمام حیثیات مدنی و اخلاقی گردیده اگر ابادیهم از دوره سلطنت صفویه وکریمخان دربلاد بود رفته رفته بجهة عدم توجه ازکف رفت بطون تواریخ شاهد مدعا است ازجمله در دوره سلطنت صفویه پادشاهان فعال انها شخصاً مسافرت به بلاد داخله کرده از نواقص بلاد باخبر گردیده در صدد اصلاح خرابیهای مملکت برمیامدند برعکس در دوره سلطنت قاجار حال که دوره سلطنت های منحوس انها برچیده و ملت ایران موفق بـه تشکیل سلطنت پهلوی گردیده لذا بر اعلیحضرت پهلوی فرض فوری است که شخصاً به ایالات و ولایات مسافرت فرموده ازکم و بیش خرابیهای مملکتی اگاه گردیده بهمان طریقیکه سلاطین صفویه در صدد ابادی مملکت برمیامدند واز خود یادگارهای بزرگی ازقبیل پل بررود خانها و کاروانسرا های عدیده در راه ها و عمارات و مساجد در شهرها گذارده و نام نیك انها ثبت بطون تواریخ گردید اعلیحضرت پهلوی هم یادگارهائی ازخود بیادگار گذارند ازجمله مرمت جامعه عتیق ومسجد وکیل ومدرسه خان وتکیایای اطراف شیراز و تصرف باغهای دولتی (باغ جهان نما و باغ نو) که درعهد شاه بازیهای قاجاریه بمفت از مالکیت دولت ساقط شده میباشد واما بیائیم برسراصل مقصد که مقدمه تعمیر مساجد فوق است اول مسجد جامعه عتیق که از بنا های عمرلیث میباشد و درعهد شاه عباس کبیر که بشیراز امده مرمت خوبی شده و بالای درب بزرگ ان باکاشی مینا اسم المرحوم را رسم نموده اند از بعدان توجهی بعمران و ابادی انجا نشده بدست مسلمانهای امروزی خراب شده و از مصالح و زمین ان خانه درست کرده اند در سنه قبل یکی از سیاحان المانی جهة دیدن آن بنای تاریخی مذکور به مسجد رفته کتبه اطراف مسجد اور اجازه دخول بمسجد نداده در صورتی که مسجد مذکور درب ندارد و از اطراف سك داخل مسجد میشود اگر توجهی از طرف اعلیحضرت پهلوی بابادی انجا گردد نام نامی معی ایران درانتیه ثبت تواریخ خواهد گردید تعمیر مسجد مذکور قریب دویست هزار تومان مخارج دارد که باید اعلیحضرت ازجیب فتوت خود کفالت کند یا اینکه مبلغ فوق را از عمال دولتی که سالها خاك وسیع فارس را محل استفاده خودوبستگان خویش قرار داده هر یك کرورها ثروت ازمان دهاقین بیچاره بیت المال مسلمین اندوخته برعلیه دیانت واستقلال مملکت خرج میکنند گرفته بنظارت چند نفر تجار از قبیل حاج میرزا محمد علی و برادرش و اقا میرزا عبد الرضا وغیرهما که هم متدین و هم دارنده مسند مسجد مذکور را اباد نمایند

دوم تعمیر مسجد ساطانی کریم خان میباشد از قرارا مذکور متولی ان سالیانه مبلغی بعنوان صرف روشنائی مسجد مذکور از مالیه میگیرد و علاوه سالیانه قریب هزار تومان مستقل از دکاکین پشت مسجد ساطانی عاید میدارد باانهم قناعت نکرده حجرات دهلیز کذائی را بحضرات تنکل ودهنه فروش غله داده مدت ایران را نزد سایر مسلمانان دنیان مفتضح مینماید اگر اراده اعلیحضرت پهلوی بعمران وابادی ان تعلق گیرد باید در اول از جیب خودشان خرابی ان را اصلاح فرموده کاشی های انراهم انچه ریخته درست فرمایند و بعد بجهة مرمت همیشه‌کی عایدات خود مسجد رابنظارت رؤساء ادارات و تجار و اداره اوقاف هرساله صرف ابادی ومرمت لازمه انجا بشود

قابل توجه وزارت معارف

از زمانیکه باب تجارت ایران بممالك خارجه از شده از زیادتی ورود مال التجاره خارجه ترمه باف ابره باف جیت زن رنگریز کباتی قلم زن شاله ساز جوراب باف در این اواخراوصاف جهة ورود اتومبیل ومسکر بعلت اوردن ظروف فلزی ازکف رفته و میرود و روز بروز برعده بیکارن مملکت افزوده شده اگر جلوگیری نشود فساد بزرگی که‌منتهای امال دیگران است برپاخواهد شد وزارت فواید عامه ومعارف باید عاجلا درصدد تهیه کار جهة اهالی برایند و مقدمه مذکور بسته بتاسیس مدارس فنی میباشد انهم مبنی به تهیه بودجه مکفی است که عاجلا امکان نیست مکر اینکه وزارت معارف ازطریق صرفه‌جوئی علی‌الحساب تاسیس مدرسه شوفری و اصلاح اتومبیل و میکانیکی و راه سازی نماید مدتی است مدارس دولتی درشیراز باز شده و تاسیس مدارس مذکور اسباب مدخول مدیر و ناظم های مدرسه هارا فراهم اورده باین دلیل ازاولیاء اطفال هم بهرنحو باشد مبلغی بعناوین مختلف میگیرند وچندان مورد استفاده ضمنا نیست پس دراینصورت اگر وزارت جلیله مخارج مدارس دولتی را بمصرف مدرسه راه سازی و اتوموبیل رانی علمی که در جزء طریقه اصلاح خرابی آنها را بمحصلین مدرسه مذکور بیاموزند تاسیس فرمایند بعد از چندی کار جهت اطفال وزارت جلیله فراهم آورده و مملکت را مستغنی از شوفر عراقی و قفقازی خواهد کرد باید دید که وزارت معارف نظری به مقدمه فوق خواهدکرد یا خیر

جشن تاجگذاری در بندر پهلوی

از روز شنبه اردی بهشت تمام ادارات وبازار تجار و اصناف شروع به تزئین کردند در این تمام ادارات و دوائریکه بافتخار تاجگذاری اعلیحضرت پهلوی چراغانی و زینت کرده بودند اداره حکومتی در اثر حسن سلیقه حکومت محترم جوان پهلوی و اداره صحیه در نتیجه زحمات های دکتر عبد الله خان رئیس صحیه و قرنطینه و صاحیه در اثر جدیت آقای مدعی العموم و اداره معارف بدستیاری چند نفر از معلمین جوان و آقای رئیس معارف بانظر نماینده جامعه معارف از دیگران گوی سبقت را ربوده و سلیقه زیادی بخرج داده بودند ـ

در تمام این چهار شب بلوار پهلوی (گلستان رضائی) چراغانی بود تزیینات اداره حکومتی و صحیه که در سمت جنوب بلوار واقع شده بر زیبائی وقشنگی گلستان میافزود در کنار بلوار زورق کوچك تزئنات که کشتی جنگی ایران محسوب می شود در وسط آب ایستاده و چراغانی کرده بود اشعه ان چراغها درآب منعکس شده منظره قشنك و زیبائی ایجاد کرده بود

اگر از دورکسی باداره خوشنما نظر میانداخت بها ستون های نورانی و روشنی نظرش را جلب می کرد ـ

مردم دسته دسته از هر طرف بتفریح و تفرج مشغول و تا ساعت ۱۲ در آمد و شد بوده در آب گردش کرده و از منظره پهلوی دورا دوار لذت می بردند بقدر سطح آب و منظره بلوار جالب توجه بود که همه ادامه جشن را ارزو می کردند ـ

چراغهای الکتریك که تمام ستون ها و دیوارهای اداره حکومتی و بلدیه و صحیه را روشن کرده بود از بالا چون ستارگانی نظر میامد که آسمان را در شبهای صاف و بی ابر زینت کرده جلوه گر بودند آسمان باین منظره رشك می برد ماه برای خودنمائی در حالت بدر تمام بزمین پرتو افشانی می نمود از دو طرف بلوار و ستونها هر یك دارای دوچراغ و در بین آنها سیمهائی که کشیده شده بفاصله یکوجب از چراغها مزین بود ـ

تمثال اعلیحضرت همایون شاهنشاهی که در عمارت صحیه از چراغهای الکتریك مزین شده و نصب بود بواسطه برگهای سبز و کلهای الوانیکه بین الکتریك ها تاج وار قرارداده بودند اززمرد کمتر جلوه نداشت

روز یکشنبه چهارم اردی بهشت ۳ ساعت بعد از ظهر در اداره حکومتی سلام عام منعقد تمام رؤسای ادارات و صاحب منصبان نظامی و وجوه اهالی با لباسهای رسمی حضور داشتند صفوف منظم نظامیان و شاگردان مدارس که سرود ذیل را بیك اواخت با یك اهنك می خواندند بر شکوه مجلس میافزود ـ

§ بادبهاری چوکه وزان وزان برسرسبزه وصحراچمن شد §
§ رنك خزان رفع ازرخ افق افسرده وپژمرده تمام وطن شد §
§ هاتف زداین ندا از غیب پنهان کافتاب طالع ماشد نمایان §
§ نکهت و محنت و ذلت قاجاریان فنا شد §
§ عزت و شوکت و راحت ایرانیان باشد §
§ قدرت و شرافت و قدر و عزوجاه §
ابتدا گشته با جلوس رضا شاه §
§ زین پس مملکت ما آباد § روح وطن گردد شاد §
§ جامه ملت گردند آزاد § الحق می شود این
عزت و شوکت پایان §
گوئیم همه باهم شه زنده باد
§ چون رضا شد بر سریر ملك جم شد §
§ زنده از نوع شوکت فخر عجم شد §

تمثال اعلیحضرت پهلوی را در ایوان مقابل اداره بلدیه روی صندلی گذارده بودند در حالتیکه یك دستمال ابریشمی روی آن کشیده شده بود تجار و روسای دوایر که یکطرف ایستاده طرف دیگر شاگردان و معلمین مدارس که با وقار صف کشیده بودند در ضلع طرفین مثلث را تشکیل می دادند و در قاعده مثلث نظامیان که دو صف پشت سرهم ایستاده بودند عده کثیر اهالی در پشت سربوده صاحب منصبان اداره قشونی و نظمیه با لباسهای رسمی جلو صف با حالت انظام در مقابل تمثال اعلیحضرت ایستاده آقای آقا سید حسین واثق معلم ادبیات مدارس پهلوی در مقابل تمثال اعلیحضرت با کمال احترام ایستاده خطابه بلیغی مرتجلا انشاء نموده وچون بالجمله رسیدند | ستایش خداوندی را بجزاست که یکنفر سرباز را از درجه سربازی در نتیجه خدمت بملت و مملکت بمقام رفیع سلطنت رسانیده و در چنین روزی تاج کیانی را بوجود خود زینت بخشید | که آقای آقا سید فرج الله خان رئیس قلعه بیکی دستمال را از روی تمثال شاهنشاهی بر داشته حکومت محترم و نظامیان فوراً سلام گرفته و مردم شروع بکف زدن نمودند تقریباً نیم ساعت این حالت ادامه داشت پس از آن دو نفر از محصلین مدرسه دولتی هر یك لایحه از حفظ قرائت نمودند مخصوصاً طرز بیان کردن وژستهائیکه یکی از آنها نشان می داد مورد توجه واقع شد سپس دو مرتبه از عموم حاضرین در همان حال عکس برداشته شده و مجلس خاتمه یافت ـ

(دانشور ناصری)

از بلوك خمسه کرمان مینویسند

اوضاع بلوك خمسه خیلی عجب آور و اسف انگیز است و از شنیدن این اوضاع هر قلبی محزون و مرتعش میشود چه برسد بدیدن لازم است غیرت مندان وطن خواه و اولیای امور ایران و قارئین محترم تا درجه مطلع شده شاید بعلاج این دردهای بی درمان بکوشند اولا حکومت این صفحه بطور مزایده است در این قرن بیستم پس از این همه خونریزیها آقای محمود خان طباطبائی که بحکومت این جا مامور شده در ابتداء باین خیال افتاد با علی اکبرخان بحق اینکه امین مالیه بود همدست ومعاهد شواند همینطور هم شدند اشتراکی بسته بطوری روزگار را به ملت بدبخت این صفحه تنگ و تاریك کردند که گنجایش عرض نیست گمان میکنم شداد هم باین بی انصافی کار نکرده بود حالا از علی اکبرخان نخعی که اجداداً در سر راه خراسان و اقطاع راور باسم راه داری مشغول تاخت وتاز وغارت و نهب اموال مردم بوده و نصف نوکرهایش راه بند و نصف راه دار بودند و چند مرتبه مرحوم آقا سید مصطفی شهید راوری و آقای پنجعلی خان نخعی الاس های بلوچی را از خانه او بیرون آوردند که همین مسئله سبب شد بیچاره سید مصطفی را مانند جدش شهید نمودند و به لباس دموکراتی خون اورا پایمال کرده اند این طور فجایع و ظلم بعید نبوده و نیست - اما خیلی بعید است از کسی که ضیاء بائی امضا میکند در ظاهر تقدس بخرج می دهد در باطن این طور رفتار کند و در هر روزی مبالغی خسارت بملت بدبخت فراهم کند و تمام اقدامات علاوه بر جرم و اخاذی نقدی از نان و گوشت و روغن و برنج و قند وشمع وچای و فلفل و زرد چوبه وغیره شان روزی از پانزده تومان الی بیست تومان از اهالی بگیرند و علاوه هر شبانه روزی در خانه یك نفر زارع بد بخت با جمعی مهمان میشود و سی چهل من جو باسم علیق می گیرد ناظرش زعفران از زارع بدبخت جیرفت می خواهد بخودش که متظلم میشوند میفرمایند چون حقوق ندارد تمام فی او بدهید خودش اصلاح می کند در این دوره که اسم فراشباشی از میان رفته ایشان در هر ماهی یك فراشباشی بطور مزایده عوض می نمایند و میگویند چون من شخصا سی سال منشی و مستخدم ظل السلطان معروف بودم باید فراشباشی برای نظم درب خانه ام باشد در واقع کسی که مربی او ظل السلطان بوده باید گفت که این آقا - طباطبائی اگر تو هستی - حق با همان سنان ها و خولیها بوده و نیز باید فاتحه را باین طور بلوك و رعیتی خواند

حالا مختصری از وضع انتخاب دوره ششم عرض میشود از ابتدا تا دوره پنجم که برای تمام اهالی واضح است بکلی ملت این حدود وکیل نداشت چند سال آقای رفعت الدوله خودشان را بوسیله اصهار جعلی وکیل معرفی کردند سالی مبلغی پول دولت را گرفته راحت نمودند سه سال قبل که انتخابات پنجم بود آقای سردار نصرت دید باین شیوه ممکن است وکیل شد و کرسی پارلمان را اشغال کرد پس از وکیل وزیر شده وایشان هم از روی سرمشق سابق وکیل شدند اینوقت ملت قدری بیدار شده بود هرچه فریاد زدند که کسی از آقای سردار نصرت سؤال کند شما از طرف کی وکیل هستید بخرج نرفت و جواب چنین داد صندلی متصرفی برادرم را متصرفم و شما ها باید با مدرك غصبیت مراقبت نمائید » و بهمین طور ایشان هم دوره پنجم را گذراند دوره ششم امیدوار بودیم که بواسطه سلطنت اعلیحضرت پهلوی و اعلانات عدیده راحت مانیم چندی قبل اعتضاد السلطان کزازی میر پنج با فراش غضب آقای سردار نصرت که در ظرف یك سال افشار و اقطار کرمان را در حکومت آقای مرات السلطنه پسر آقای سردار نصرت آتش زد که هنوز خاموشی ندارد به معاونی نظار وارد جیرفت مرکز حکومت خمسه شده دستوراتی را که داشته بحکومت میدهد حکومت اهالی را برای تشکیل انجمن نظار دعوت می کند یکنفر از حکومت که ظاهرا بابائی سؤال می کند معمولا که رای باید به کی داد جواب می دهد ملا باشی اعتضاد است از او جویا شوید از ملا باشی جویا می شوند میگوید آقای سردار نصرت آن شخص میگوید شاید بعضی ها راضی نشوند جواب میدهد اولا آقای سردار نصرت گفته است دیدید آقای رفعت الدوله چه طور چند نوبت گفته وکیلم معاون ایالت شد من هم که یك دوره دیگر وکیل شوم وزیر یا والی می شوم می آیم هر کس برخلاف باشد همان معاملاتی که در دوره استبداد به آقای میرزا محمد رضای مجتهد کردم اورا فلك کرده به چوب بستم از خواهم کرد دوم آنکه من را برای همین معلم نظار کردند که کسی جرأت خلاف نکند برفرض بکنند جعبه را عوض میکنم حکومت هم اماهراه است همان شخص مجرمانه بحکومت میگوید جواب میدهد چون آقای رفعت الدوله معاون ایالت است اگر من مخالفت کنم عزل میشوم شما راضی نشوید آن شخص میگوید باید که اهالی بایالت شکایت کردند جواب میدهد با بودن رفعت الدوله به مقام معاونت بطوری نسبت به ایالت القاء شبهه می نمایند که گیج و حیران میشود باری بعد از این جواب ها معاون ختم و شروع به تعیین نظاری شد که ملا باشی مایل بود

این است وضع ملت و وکلا نمیدانند این خونهاکه ریخته شد برای چه بود نمیفهمم تا کی ما ها باید تحت اسارت سردار نصرت ها و رفعت‌الدوله ها باشیم خدایا یاما را حس بده یا اولیای امور را بجلوگیری از این آنتریك های سردارها و کسانیکه هر روزی مثل مرغ بوقلمون به یك رنگ هستند امر فرمائید که طاقت مان طاق شده

از بندر پهلوی می نویسند

۱ - نامه نسوان شرق در اثر جدیت مدیره اش با مساعدت فکری چند نفر از معارفیون جوان منور الفکر سر از پرده در آورده و خدمت شایانی به نسوان بیچاره این قسمت کرده ماموفقیت کارکنان آن گرامی جریده را خواهانیم

۲ - روز نامه بدر منیر که در بندر پهلوی انتشار می یافت در اثر پیش آمدهای غیر مترقبه تغییر محل داده پس از توقیف مدت مدیدی در رشت فقط به نشر یکی دو شماره موفق شده علت تاخیر یا تعطیل معلوم نیست

۳ - دار الایتام که گوشه از معارف پهلوی با عایدی بلدیه اداره می شد صورت خرابی بخود گرفته و جدیت کامل بین محصلین آن برقرار است امید است که در اثر جدیت آقای مظفری رو به بهبودی رود -

۴ - آقای یاور محمد خان غفاری که سمت حکومتی و ساخلوی و ریاست بلدیه این محل را عهده دار بودند بواسطه پیش آمد مهمی از شغل در پهلوی بریاست بلدیه رشت انتخاب شده انتظار اهالی این بندر ظریف بر این است که در اثر سفارش حضرت سرتیپ فضل الله خان بیچاره مردم رشت از فشار مشار الیه آسوده خواهند شد -

۵ - عایدی بلدیه بواسطه متعهد الحمال ۱۸ دی از بین رفته امید بخشی نیست -

۶ - مریضخانه ملی که در اثر جدیت زمان اف رو به بهبودی بود الحال معلوم شد که جدیت حاجی آقا فقط برای آن بود تا همشیره زاده اش را در آنجا مستحکم نموده و ماهی چند صد تومان عایدش شود

۷ - در اثر شکایات مسلسل و تلگرافات بی مدرکی صیادان بیچاره تا کنون موفق به عزل شفائی نشده اند -

۸ - مکان مدارس بکلی خراب کاملا شبیه به دخمه یا قبرستان و هیچ حفظ الصحه در معارف این بندر شرط نیست امید است که کارکنان قدری به فکر عمر عزیز شان باشند

۹ - از قرار اطلاع خصوصی مدرسه متوسطه نمره ۱ رشت در تعقیب کرو محصلین کلاس نهمش رو به انحلال میرفت ولی در اثر جدیت و پافشاری قانونی مدیر محترمش بفوریت آتش خاموش شده و فتنه خوابید به کارکنان معارف و مدارس پهلوی توصیه می کنم که روش مدیران مدارس رشت را سر مشق خود قرار داده و عمل نمایند

۱۰ - امنای مالیه در اطراف اجحافات پیش از پیش برعایا وارد آورده و برای عایدی چند شاهیش از هر نوع خلاف قانون خود داری نکرده و نمی کنند مثلا در شفا رود جاری نام بدستور مهدی قلی خان میرزا حرکتی کرده که جای بسی تعجب است با اطلاعیکه از یکی از همراهان نماینده مدعی العموم به بنده رسیده افسرده خاطر شدم که با بودن پیشکار مالیه از اینگونه فساد ها جلوگیری نکردن جای تاثر است انتظار اصلاحات را داشته و دارم -

۱۱ - در موقع انتخابات نظر به امر مطاع پدر تاجدار مان هر فرد فردی آزادانه وظیفه دار بوده که وکیل صالح پاکدامنی جهت شورای کبری بفرستند اشراف این بندر مثل فلان و فلان و ... که بواسطه چند شاهی ثروت نا تمامیشان ادعای خدائی می کنند در صدد شدند که اهالی را خفه نموده و خواهان حضرت کی استوان را از بین ببرند فحاشی وزدوخورد را که حرکت بهائم است پیشه خود گرفته نسبت به آقای تاج التجار که از تجار معروف شرافتمند این محل اند جسارت ورزیدند هر چند آقای مظفری وعده دادند که زمان اف و همراهانش را مجازات خواهند داد تا کنون نتیجه نه بخشیده و از بین رفت لذا از اولیای امور تمنا می کنم که در این قرن طلائی ، این قرن تمدن این قرن آزادی با بودن پدر تاجدار مان اعلیحضرت قدر قدرت رضاشاه پهلوی این نخواستخاص (اشراف پوسیده چند شاهی ثروت دار را) مجازات کامل دهند تا سر مشق سایرین شود -

بشارت — در اثر جدیت کارکنان اوفا یعنی علاقه مندان به حقیقت پافشاری هیئت اصناف و جوانان منور الفکر در مقابل تجار آقای کی استوان با ۴۱۷۶ رای گوی سبقت را ربوده اهالی را داشتن وکیل صالحی مفتخر الله ما این کاندید را تبریک گفته توجه سایرین را خواهانیم -

۱۲ - ارزاق بازار امتیازی که ... در موقع وکالتش از بلدیه داشت بهمراهی چند نفر از تجار مجهول الهویه در شکست سابق محدود کرده و بمیل خود گربه میرقصاند مثلا در ماه صیام گوشت و نان که غذای عمومی است هر روز چند ... وسفند را ذبح

نموده بهرقیمتی که صلاح میدانست و صرفه خود دران میدید میفروخت حتی اهالی بد بخت این بندر از فشاری جمع شده خیال عالی در نظر داشتند ولی بواسطه فرط علاقه که به آقای مظفری پیدا کرده بودند وعده های مشار الیه را قبول نموده منتظر اقدامات مهمه شده و میشوند از آقای سرتیپ فضل الله خان تمنا میکنیم که محض راحتی و آسانی و ارزانی ارزاق این امتیاز را از بین برده شخصیت را از میان بردارند و زیاده بر این ما را دچار مشکلات نیندازند

۱۳ — آقای دکتر علیخان احیاء الممالک [امیر حکمت] در ششم فروردین از طهران بسمت تفتیش صحیه قسمت شمال تشریف آورده پس از اقامت یکی دو روز بسمت مازندران رهسپار شدند در مدت ماموریت شان خدمت بی شایانی کردند و یادگارها گذاشته سپس در ۲۲ فروردین بمحل ماموریت ثانی برگشتند از اولیای امور تمنا میکنیم که اینطور مفتشین جهة معارف و مالیه بفرستند تا اشخاص بی قابلیت و خائن بر سر کار نبوده و مجازات به بینند

۱۴ شعبه جامعه معارف پهلوی که باجدیت جوانهای منور الفکر این بندر تشکیل شده امید است در اثر پایداری کارکنانش که رابطه مخصوص با مرکز دارند کلاسهای اکابر و قرائت خانه موسسه امید ترقی و توسعه پیدا کرده موفق به تشکیل کلاسهای صنعتی شوند ما اشخاص اول این جمعیت که پیشقدم شده و اهالی این بضاعت را بوسیله ازدیاد کلاسهای اکابر و صنعتی از جهل و بیعلمی میرهانند تبریک گفته موفقیتش را خواهانیم

۱۵ — آقای انتظار همایون کارگذار تا امروز که بالغ بر یکسال و اندی است بدین سمت تشریف آورده‌اند کاملا بیغرض و ظاهرا یکنفر نوع پرور بنظر میاید اهالی کمال رضایت را از ایشان داشته و دارند

خدمت قابل تمجید

(و آثار خیر یکنفر وطنخواه حقیقی)

جناب آقا میرزا محمد علی ناصر التجار که یکی از تجار شرافتمند فامیلی این بندر طریف قدنلک اند بواسطه سهولت عبور و مرور اهالی بیچاره و مسافرین از رودخانه سریع السیر طالش که دچار مشکلات وخسارت میشدند بنا به نوع پرستی که همیشه دارا بود یک مقدار از ثروتش را بمصرف ساختن پل [کربی] شفارود گذاشته و خود در تمام فصل زمستان دران محل مانده کار و جدیت فوق العاده بخرج داد تا باتمام رساند ما عقاید نوع پرستی این نحو اشخاص یا کدامین را تمجید گفته زمان اف و قاسم اف ها را که درصدد ازدیاد ثروت الله به ساختن راهها و جاده ها و پل های دیگر

دعوت کرده و میگوئیم که تا سی چسته آثار خیر از خود به یادگار گذارند

مخبر بهادری

جزیره هنگام و فریاد اهالی آن

مدتی چنانیم که شرح حال ما یک مشت ذلیل بدبخت فلک زده جزیره هنگام را که متجاوز از ۲۰۰ خانواریم بعرض اولیای امور برسانیم و بنیه از طرف مشت فلک زده و رنجبران از اعلیحضرت پهلوی درخواست نمائیم که یک نظر توجهی هم باین رنجبران ذی دستان بفرمایند و از کار های بی رویه مدیر گمرک جزیره هنگام که بر ما روا میدارد جلوگیری بفرمایند و گر نه بطریقی که او برای بیچارگان رفتار مینماید باعث فرار ماها خواهد گردید که معاش و گذران بدبختی خودرا در خارجه ها بسر بریم - ماها که مدت ۲۵ الی ۳۰ سال متمادی میباشد دراین جزیره سکنه نموده ایم کلیه مامورین دولت علیه که مندرجا تغییر و تبدیل شده اند ایرادهای غیر قانونی براهالی این جزیره مجرا نداشته اند تا حال که مدت یک سال تمام میباشد آقای عبدالخالق که بماموریت این جزیره وارد شده مثل اینکه شبانه روز بخلاق عالم ملتجی بوده که اورا بماموریت جزیره هنگام فرستاده که از هر طرف کیسه خودرا پر نموده باشد ! ! !

اهالی جزیره هنگام تماماً ماهی گیر و ملاح می باشند حتی یک نفر هم که بتوان یقین نمود که مبلغ یکصد روپیه در منزل داشته باشد دیده نمیشود و دیده نخواهد شد ! ! احدی بخاطر ندارد که تا بحال حکمی صادر شده باشد که هوری ماهی گیری مجبور آ مقابل اداره گمرک آمده ماهی بفروشد و پس از فروش که مبلغ نیم روپیه سکه بمدیر بپردازد ! و چنانچه ماهی گیرش بواسطه نا مساعدتی هوا یا نوعی دیگر مقابل اداره نیاید مبلغ ۵۰ قران جریمه و هوری را ضبط نموده پس از مدت دو الی سه ماه بمصرف فروش برساند ! ! !

در جزیره هنگام که دکان و بازار وجود ندارد که ساکنین بتوانند خرید و فروش نمایند مجبوراً باید از راه خشکی به هنگام عرب که مقدار دو فرسنگ و نیم میباشد راه پیموده و اجناس برای آذوقه خود خریداری نمایند و پس از مراجعت باید اجناس خودرا بمدیر گمرک نشان داده هرگاه از یک من جنس تجاوز باشد باید نیم روپیه از هر منی که علاوه باشد عوارض گمرکی پرداخته بمنزل برسانیم در صورتیکه یکمن جنس یک روپیه و ربع خرید نموده ایم و اجناس خرید شده از دو الی سه من تجاوز نمی خواهد بود ! ! !

هرگاه هوری ماهی کش به جهازات پست هفتگی ماهی فروخته و در عوض وجه جنس دریافت نموده مجبوراً مقابل گمرك آمده آنچه اجناس داریم وزن نموده هرگاه از یکمن تجاوز باشد بطریق فوق رفتار مینماید . ! !

حال اولیای مربوطه بنادر تصدیق نمایند که درباره یك مشت فلك زده و رنجبر جزیره هنگام همین نوع با ما رفتار شود که از نان شب وچند شاهی عایدی خود مان را گذارده بخارجه رهسپار گردیم ! !

جراید ایران کلیتاً نگاشته و می نگارند که دولت علیه ایران از زمان سلطنت پهلوی ترقی فوق العاده نموده و بکلی دست دزدان و کیسه برانِ داخلی از سر ملت بدبخت و رنجبران کوتاه بلکه قطعا بریده شده و امنیت پیدا نموده . هرگاه امنیت و نیکوکاری درایران همین نوع می باشد که مدیر گمرك هنگام به فقرا بدبختان مجرا بدارد پس همان دوره استبداد و بدکاری های سابق را ترجیح میدهیم درخاتمه مستدعی هستیم که وارسی کامل درباره ما مشت فلك زدگان هنگام بفرمایند وشرچنین اشخاص از سر بدبختان ماهی کش کوتاه نمایند .

میناب و اهمیت آن

اهمیت میناب به آنقدر است که بنده بتوانم در این مختصر شرح دهم چوبهای جنگلی میناب بهترین چوبها است که اگر اندك توجهی از طرف دولت بعمل بیاید ممکن است قریب هشت فرسخ امتدادِ جنگلی نمود یکنوع درخت جنگلی در میناب به عمل میاید خیلی قطور و شیره آن صمغ عربی است و چوب آن بواسطه استحکام صاحبان کشتی های بادی برای ضاع جهاز خریداری می نمایند ولی بواسطه نبودن مامورین رسمی از طرف دولت رسیدگی نمیشود و این درختها نزدیک است نابود شود دیگر نیل و نیشکر در زمان اعراب در میناب بعمل می آمد ولی حالیه ملاکین میناب ترك این اعمال را نمودند اراضی میناب خیلی قابل ترقی است آب هم بحد وفور دارد یعنی یك رود خانه بزرگ که جریان آن از مشرق به مغرب است و در قریه گلدهی بخلیج فارس می ریزد و چهار رود خانه کوچك دیگر در اطراف آن می باشد که بواسطه عدم امنیت در آن نقاط آبادی مهمی نیست قصبه میناب دارای سیصد پارچه دهات است و مسافت آن تا دریا که محل لنگرگاه جهازات بادی است فقط سه فرسخ بیش نیست زمینهای ساحل دریای میناب قابل غرس چوب چندل میباشد هر کس بسواحل افریقه رفته و هوای انجا را دیده این مسئله را تصدیق می نماید که ممکن است چوب چندل در میناب بعمل اورد تجارت حالیه اهالی میناب لیموی عمانی و آبلیمو وانبه و خارك وخرما می باشد صنایع انها حصیر نرمه ومده که برای فرش خانه خیلی خوب است چادر شب و لنگ هم میبافند ملاکین میناب بواسطه اعتیاد تریاك و نفاق از کف رفته اند و این جزئی املاك هم در دست ملاکین باقیست موقوفات است و قریب هشتاد هزار تومان املاك وقف موجود دارد ما بقی املاك اهالی در رهن هندوست که اگر تمام هستی خودشان را اهالی میناب به فروشند باز هم از زیر دین تجار هندو بیرون نمیایند تجار هندو هم بواسطه عدم قانون تجارت با کمال بی انصافی با اهالی رفتار می نمایند در معاملاتشان نیز خیلی زور می گویند اما بیچاره مینابی که از اثر ظلم نزدیك است شیرازه حیات آن از هم بپاشد نگارنده هیچ وقت خبرنگاری نکرده ام ومیل هم ندارم در این موضوع چیزی بنویسم و اگر ظلمی هم به اهالی میناب وارد بیاید مامورین میناب را بی تقصیر میدانم زیرا که آب از سر چشمه خراب است فقط امیدواری ما این است چون این دوره دوره عمل است دوره عدل پهلویست می خواهم عرض کنم خوب است پس از بیست سال مشروطیت و هرج و مرج دیگر این قوانین پوسیده استبداد که یادگار سلاطین عیاش قاجاریه است از بین برود و دولت قانون صحیحی که مامورین آن در حقیقت پابند به آن باشند وضع نماید و اگر ترتیبات جاریه بهم نخورد مردم مایوس می شوند در خاتمه عرض میدارم اعلیحضرتا تمام ملت را در بندربار های خارجه نموده ظلم اخلاق السابقه را از ما سلب کرده ظلم ایرانی را نسبت بدین و مذهب و وطن و دولتشان بیعلاقه نموده است .

(دشتی دام)

معارف پهلوی دارد خفه میشود

در تعقیب مقالات سابق راجع به بی قابلیتی نماینده معارف این بندر و خرابی مدارس آن شاهد حال همانا نمایش لیله ششم فروردین است که به کمك جمعیت ادبی امید ترقی جهة نامه سوان شرقی تمام تراشی کرده باید دید تمام چه بود ایا نمایشی که از طرف جمعیت ادبی جهة کمك به نامه داده می شود مسئولیتش با معارف است یا خیر اگر با معارف است پس رئیس نظمیه کیست و چه می گوید چرا در شب نمایش پس از امضای پیر (Pies) جلوگیری میکند از یك مجمع ادبی که شعبه معارف و دارای قرائتخانه کلاس اکابر کلوپ ورزش است چه می خواهد آیا جلوگیری این شخص با نماینده معارف نیست پس چرا سکوت اختیار کرده تمام اینها منوط به عدم توجه و

علاقه مندی به ماهی ۷۰ تومان و حب ریاست است که نمی خواهد پرو بال شود را قطع نماید

از اولیای امور و نمایندگان دوره ششم تقاضا می کنم که بذل توجهی فرموده و نظری عمیق به عریضه سرگشاده که ذیلا نگاشته شده انداخته اجحافات امثال حیدر خان نام ها را که سمت ریاست ادارات این بندر قشنگ را دارند از سرما کم کرده اشخاص صالح را مثل آقای مظفری بدین سمت رهسپار کنند و همچنین صفحه معارف را از وجود اشخاص بی قابلیت پاک کرده به انتخاب رؤسا و کارکن ممیز و عالم و لائق مفتخر و خورسند مان سازند

اعلیحضرتا، رضا شاها پهلوی نژاد آیا سزاوار است که در زمامداری مثل تو نادره عصری معارف مثل اندام روح تازه به خود نگرفته و نگیرد سیم و قلم متحداً و متفقا بهم کمک نکنند تا در سایه پرتو ملت کهن سال از جهل و خواب غفلت رهیده بسه جاده تمدن قدم نهیم در تشکیل مدارس سیاسی و علمی و کلاسهای صنعتی کوشش کنید که برای امروزه ایران بحد مفید است عطف توجهی به عریضه سرگشاده فرموده معارف و جوانان منور الفکر این سامان را از اجحافات خائنین آسوده سازید

گوشه خزیده پهلوی

عریضه سرگشاده از طرف نسوان شرق
(به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی)

اعلیحضرتا در چنین موقعی که بفضل خداوندباری عمر اسمه کاخ فراعنه سلسله ننگین قاجار سرنگون و برروی آن اساس نوین سلسله جدید پهلوی استوار گردیده پس از صد و پنجاه سال ملت ایران میرود که طعم آسایش را بچشد و ظلمهای گذشته را فراموش نماید پهلوی (انزلی کهن) که در سایه توجهات بی پایان بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی بیشتر از دیگران از نعمت آزادی و امنیت برخوردار گردیده و لذا برای توسعه و تعمیم معارف و تامین استقلال اقتصادی و رسیدن بکاروان تمدن قدمهای متین و بلند تری بسمت مقصود برمیدارد دوچار ظلم و شکنجه ریزه خواران همان دودمان شوم گردیده و هنوز چنگال بیرحمانه نوکر های مخصوص سالار الدوله ها از حلقوم اهالی این شهر قشنگ که میرود در ظل توجهات اعلیحضرت محبوب از نعمت آسایش و آزادی استفاده کند برداشته نشده است

اهالی پهلوی علاوه بر شدائد و سختیهائی که در نتیجه ۹ اسد در باب تجارت و فقر اقتصادی گریبانگیر و خانمانسوز آنان شده است زور گوئی و خود خواهیهای بیجای مامورین غلاظ و شداد سلاله قاجار را هم باید تحمل کنند از آنجائیکه اعلیحضرت همایونی ملت را در اظهار شکایت و رضایت از زمامداران امور آزاد و مختار فرموده اند ناچار در مقام تظلم بر آمده ذیلا شکایت خود را با کمال سادگی اظهار و توجهات ذات شاهانه را بآن معطوف میداریم

شب جمعه ۶ فروردین ماه که نمایش (عروسی اشتباهی) بمنفعت نامه نسوان شرق بوسیله هیئت آکتوران مجمع اولیای امید ترقی داده می شد با اینکه پیش را آقای رئیس نظمیه قبلا ملاحظه نموده و اجازه نمایش آن را در ذیل همان پیش نوشته بودند (چنانچه از نظر ایالت جلیله گیلان و حکومت محترم پهلوی هم گذشت) برای اینکه کار کنان نمایش از اختصاص لژ مخصوص بخانواده ایشان مجانا خود داری کرده بودند غرض ورزی نموده باز الها می سپارند که مردم را راه ندهند از انها با کمال سختی جلوگیری نموده اشخاص محترم و تجار و کسبه را از ورود در نمایش ممنوع داشتند در صورتیکه حسب المعمول درهر نمایش فقط یکصندلی افتخاری بروسا یا مفتشین نظمیه اختصاص دارد

کار کنان نمایش مراتب را فوراً بایالت حکومت جلیله گیلان و حکومت محترم پهلوی عرض و اظهار داشته و چون حین انتخابات بود برای رفع هرگونه سوء تفاهم و اتهام لا علاج نمایش را تعطیل و باتمه موکول نمودند آقای رئیس نظمیه ابتدا بعنوان اینکه پیش را ندیده ام و پس از اینکه پیش ایشان ارائه داده شد و امضای خود شان را در ذیل پیش قرائت نمودند با ایراد های (بنی اسرائیلی) لجاجت نموده باز الها امر دادند که خریداران بلیط نمایش را متفرق کرده بدون جهت و سبب در حدود صد تومان بجمعیت امید ترقی و مؤسسه نامه نسوان شرق در نتیجه خود پسندی و عدم علاقمندی بمعارف خسارت وارد آوردند.

اعلیحضرتا — جمعیت امید ترقی که در ظل توجهات عالیه آن شاهنشاه تاجدار قدمهای بلندی برای توسعه و تعمیم معارف برداشته است و در نتیجه خدمات صادقانه بمعارف پهلوی وجاهت ملی تامی کسب کرده است اولین مجمعی است که در موقع ورود اعلیحضرت همایونی به بندر پهلوی با کمال افتخار پیش قدردانی از زحمات آن یگانه ناجی ایران جشن گرفته وطن نصرت بسته گل نثار مقدم همایونی می نمود.

اعلیحضرتا — اولین مجمعی که اظهار نفرت از سلاله قاجار نمود و برای خوشوقتی از ازاله آن قوم شوم جشن گرفت و در هر موقع برای

سپاسگذاری و قدر شناسی از خدمات برجسته نظامیان دلیر ایران با نطقهای مهیج عموم اهالی را بشرکت در جشن هائی که بافتخار ذات شاهانه منعقد می شد دعوت می نمود جمعیت امید ترقی بود اکنون در نتیجه بروز این احساسات پاك گرفتار ستمگاری حاشیه نشینان دودمان قاجار شده و از اجراء انجام مرام مقدس خود که بطور کلی تعمیم و توسعه معارف و و ترقی و تنویر افکار هموطنان عزیز را متضمن است از مانده

اعلیحضرتا — حال که بازار تجارت کساد است و فقر اقتصادی جامعه را فرا گرفته و صنعت نیست اما این ملت ستمدیده باید دست روی دست گذاشته قدمی هم در راه ترقی معارف بر ندارند

اعلیحضرتا — نامـــه نسوان شرق که تا کنون ه شماره ان در ظل توجهات اعلیحضرت همایونی مرتباً منتشر شده است هیچ نقطه اتکائی جز ذات شاهانــه و تودهٔ اهالی پهلوی ندارد ایا هنوز هم در دورهٔ سلطنت پهلوی نباید از ترقیات نسوان و این توده ضعیف ایران جلو گیری شود

اعلیحضرتا — جمعیت امید ترقی تا کنون الوده سیاست نشده است و فقط اجراء مرام مقدس خود را بکمال مطلوب خویش ساخته ایا با چــه مجوز قانونی آقای رئیس نظمیه این تجاوز را بجمعیت امید ترقی و نامه نسوان شرق روا داشته و حیثیت مـا را در انظار خودی و بیگانه موهون ساخته است

اعلیحضرتا — کــار کنان نامـــه نسوان شرق و جمعیت ادبی امید ترقی بنام آزادی و عظمت معارف و تجدید حیات باستانی ایران خاضعانه استدعا دارند که از بذل توجهات شاهانه ایشان را هم اغوش افتخار و قرین مباهات فرمایند

(امید ترقی — نسوان شرق)

اقتباسات

تقاضای تاسیس بانك فلاحتی

کفیل ایالت خراسان اطلاع می دهند که از نقطه نظر ترویج و اصلاح امور زراعتی و تهیـــه وسایل آسایش زارعین شورای اداری ولایتی پیش نهاد و تقاضا می نماید پنجاه هزار تومان که در آخرین جلسه دورهٔ چهارم مجلس شورای ملی برای زلزله زدگان تربت تصویب شده بود جهت تاسیس بانك فلاحتی تخصیص داده شود که زارعین و ملاکین بوسیله استقراض از بانك مزبور قنواتی که بر اثر حوادث مختلفــه مخروبه و مسدود شده تعمیر و اراضی بایر را آباد نمایند

تعمیر مقبره عمر خیام

نظر باینکه مقبره نادری و موقوفات و باغ آن کاملا تعمیر شده مطابق دستوری که سابقاً از طرف وزارت داخله به حکومت نیشابور داده شده بود مطابق نقشه که ترسیم کرده اند شروع به تعمیر قبر عمر خیام نموده و مبالغی هم تجار و ملاکین برای تعمیر مقبره تادیه کرده اند —

معاینه راه و طرح نقشه

یکی از اعضای میسیون صحی بین المللی راجع ترسال که فعلا در طهران توقف دارند مخصوصاً در قسمت آب یاری از متخصصین نامی می باشند از طرف وزارت فواید عامه باموافقت رئیس کل مالیه از ایشان دعوت و باتفاق مهندس و مامور وزارت فواید عامه و نماینده وزارت مالیه و یك نفر مهندس بلدیه جهة معاینه و باز دید ستون سد و استفاده از آب جاجرود اعزام گردیده که پس از نظریات و پیشنهادات قابل استفاده خود را ارسال داشته که وسایل اقدامات لازمه فراهم شود

نقشه معادن ایران

نقشهٔ که حاوی معادن معینه ایران میباشد از طرف وزارت فواید عامه برای ارسال بــه نمایشگاه فیلادلفیا تهیه گردیده است کــه با اشیائی کــه فرستاده میشود بامریکا ارسال داشته و معرض استفاده کمپانی های خارجی در نمایشگاه بگذارند در نقشه مزبور تمام معادن مختلف تشخیص داده میشود

حبل المتین

الحق این اقدام وزیر فواید عامه خیلی قابل تقدیر است وبهترین اصول متوجه ساختن سرمایه داران آمریك بثروت های طبیعی ایران همین اصول است معلوم است آقای تقی زاده کمیسر دولت علیه ایران هم در این موضوع توجه مخصوصی مبذول داشته مخصوصاً بشرح این نقشه و تفصیل معادن ایران را در جراید آمریك هم اشاعه داده بلکه کمپانیها در این خصوص بدهند کــه نفعش برای ایران خیلی خواهد بود

مجلس تجارت

چون مطابق تصویبنامه صادره هیئت دولت وزارت فواید عامه در صدد تاسیس اطاق تجارت طهران میباشد از روز یکشنبه ۱۸ تا ۲۲ اردی بهشت تجار در تجارتخانه مرحوم حاجی ابوالقاسم تاجر اصفهانی حضور بهم رسانیده و تعرفه دریافت و رای خود را تسلیم نمودند و در ظرف مدت مزبور صاحب و عصر تعرفه داده شد

زراعت چای

چون اهالی آستارا برای بسط و توسعه زراعت چای تقاضای اعزام متخصص نموده بودند باداره فوائد عامه گیلان دستور داده شد دو نفر از اشخاصیکه در لاهیجان تخصص دارند بآنها معرفی و باستارا بفرستند تا پس از ورود مستشار های هلندی اقدام لازمه در باب زراعت آنجا هم بعمل آید

بازدید راه

مسیو لسکونسکی رئیس راه سازی محمره و خرم آباد که اعزام گردیده از طرف وزارت فواید عامه دستور داده شده است درین موقع که به محمره عزیمت می نماید چون راه آهن سر تا سر ایران از قم و و عراق عبور خواهد کرد نقاط مربوطه را از روی دقت معاینه و باز دید نموده و از نقطه نظر بر آمدگی ها و کوه ها وغیره راپرت کاملی تهیه و بوزارت فواید عامه ارسال دارد تا تحت مطالعه در آمده اقدامات لازمه بعمل آید راجع به ساختمان راه محمره بخرم آباد هم دستورات اکیدی داده شده که از نقطه نظر اهمیت زودتر شروع بساختمان نمایند

معارف پروری شاهانه

جامعه فارغ التحصیل های مدرسه سیاسی برای عرض تبریک و تقدیم یک هدیه که عبارت بود از یک عکس قلمی اعلیحضرت در یک قاب خاتم ظرف باصطلاح اساسنامهٔ جامعه و خطابه تبریکیه بحضور همایونی شرفیاب شده مورد مراحم ملوکانه گردیدند اعلیحضرت پهلوی با نهایت تفقد وعده فرمودند که بیش از پیش بتشویق جوانان تحصیل کرده توجه خواهند فرمود

آقای وزیر دربار نیز شرحی راجع بیأس و نومیدی جوانان منور الفکر در دوره های سابق و نهایت امیدواری و شعف آنان در زیر سایهٔ اعلیحضرت بعرض رسانیدند.

سپس هیئت جامعه معارف اجازه شرفیابی حاصل نموده اعلیحضرت پهلوی نسبت باعضای جامعه اظهار لطف و ضمنا بیانات ذیل را ایراد فرمودند

بیانات ملوکانه

« یک مژده خوبی بشما بدهم که شاید شما هنوز اطلاع ندارید

ما هر جا را که فتح کردیم - زیرا درواقع قشون بهر جا که رفت آن نقطه را مسخر کرد - در همان جا فورا یک مدرسه باز کردیم و حتی بچه های اهالی را بزور بمدرسه آوردیم در اوائل اهالی جاهل میترسیدند و چیز هائی خیال می کردند مثلا تصور می کردند که قشون می خواهد این اطفال را بکشد ! بعد از چند ماه خود اطفال بطوری ملتفت محسنات تعلیم و تربیت شدند که غالب در منزل پدران خود را توبیخ و ملامت میکردند که چرا جاهل مانده و درس نخوانده اند ! »

بعد اعلیحضرت امر فرمودند شما سعی کنید که معلم بقدر کفایت تهیه نمائید چون که معلم نداریم

حل المتین

اعلیحضرتا ملت جاهل قابل استغنا ء دولت نیست اگر دولت پهلوی باید بمدارج اولیه خویش برسد قبل از هر اقدامی باید در تعلیمات عمومی جدیت شود اعلیحضرت در بیانات ملوکانه قبلا هم اشاره فرموده اند که معلم کم داریم و حال اینکه بعقیده مبصرین باندازه تعلیمات اجباری معلم موجود است البته برای مدارس عالی تا سی سال دیگر هم محتاج معلمین خارجی خواهیم بود - خیلی مناسب است که تهیه و تدارک مخصوصی برای بودجه تعلیمات عمومی بشود و هرقدر زودتر ممکن آید در مملکت تعلیمات اجباری فرمایند تا ملت قابل استفاده درست گردند

مقدمه تشکیلات بحری

ماده اول - ورود سفائن تجارتی به بندر درکلیه ساعات روز آزاد و در شب بعد از حصول اجازه مخصوص از اداره گمرکات صورت خواهد گرفت ولی کنار گرفتن « اتصال به اسکلت » و پیاده کردن مسافرین ازساعت ۷ صبح تا شش بعد ازظهر (زمستان) و در تابستان بین هفت صبح و هشت بعد از ظهر ممکن است مشروط بر اینکه مقررات محل را رعایت نموده و اجازه نامه های لازم در موضوع وظایفی که باید نسبت بدوایر صحیه وگمرک و بلدیه مرعی گردد تحصیل شده باشد -

ماده دوم - ویزای اجازه نامه صحی و تذکره و بارنامه کشتی باید در خود جهاز بعمل آمده بعد از ورود کشتی فقط مامورین رسمی و دوایر صحیه وتذکره وگمرک ونظمیه میتوانند بلا فاصله وارد کشتی شوند مادام که این عملیات تماما خاتمه نپذیرد احدی حق پیاده شدن ازکشتی نخواهد داشت اجناس ومال التجاره را میتوان پس از صدور اجازه نامه صحی و ویزای بارنامه ها بلا فاصله از کشتی پیاده نمود

ماده سوم - درمورد بنه مسافرین و اجناس که باید تخلیه یا بارگیری شود ناخدای کشتی موظف است از مقررات اداره گمرک متابعت کند

ماده چهارم - خروج از بندر پس از رعایت مقررات گمرکی وصحی وتذکره ونظمیه وتحصیل اجازه از اداره گمرکات بعمل خواهد آمد

ماده پنجم — درصورت مخالفت یا عدم رعایت این نظامنامه آزادی خروج از ناخدا و عمال کشتی سلب خواهد گردید مگر اینکه قبلا جرایمی که درنظامنامه گمرک و مقررات دوایر صحیه و نظمیه مصرح است از دفتر کمپانی کشتی رانی یا از ناخدا ماخوذ شود

مفاد تصویبنامه فوق بوزارت داخله و مالیه ابلاغ گردید —

عصر آزادی می نویسد

(میسیون تریاک)

میسیون اعزامی مجمع بین الملل برای تفتیش اوضاع زراعتی ایران و پیشنهاد زراعتی که منع زراعت تریاک را جبران نماید اخیرا از طهران وارد و در باغ محمدیه منزل کردند در جلسه که آقای قوام بنمایندگی از طرف جامعه ملاک و زراع این شهر با میسیون ملاقات کردند مصاحبه شده که آقای قوام با ادله حسی و منطقی ثابت کردند که بجای زراعت تریاک هیچ زراعتی نمیتوان کرد که جبران نماید زیرا زراعتی که میتوان حدس زد که میتوان بجای تریاک زراعت شود پنبه و ابریشم است اولا پنبه بخلاف تریاک در همه جای ایران نمیتوان زراعت کرد ثانیا ابریشم کاری درخت توت لازم دارد که بقدر کفایت نداریم غرس اشجار توت هم خالی از اشکال نیست بعلاوه تربیت کرم مشکل و عملجاتی لازم دارد که باید در موقع مخصوص مشغول کار بوده و ما بقی سال بیکار باشند بنابر این اجرت زیاد میگیرند و صرفه نمیکند

در موقعی که رئیس میسیون اظهار کرده است مجمع حاضر است دو ملیون بدولت ایران کمک نماید که بعضی سد ها را از قبیل رامجرد و اهواز و کرج بندند و زراعت نمایند از طرف آقای قوام جواب داده شد که بواسطه نداشتن خط آهن تمام این محصولات بکلی خراب خواهد شد زیرا با این کرایه اتومبیل و حتی الاغ و غیره فوق العاده گران تمام شده و بکلی فایده نخواهد داشت

رئیس میسیون نظریه آقای قوام را خواسته است که ایشان پیشنهادی کنند که منع زراعت تریاک را جبران نماید آقای قوام یک خط آهنی را که در تمام نقاط ایران کشیده شده و دودریا را بهم وصل و ایران را با هند و اروپا متصل سازد پیشنهاد کرده اند که بدان وسیله بتوان گندم وجو وحبوبات و خشکه بار وغیره را بخارج حمل کرد تا باین وسیله منافعی حاصل شده و منع زراعت تریاک را جبران نماید

مصاحبه آقای قوام خیلی مفصل بوده و این است خلاصه آنچه که ما توانسته ایم از منابع موثقه کسب نمائیم و بطوریکه شنیده ایم و ظاهر مصاحبه هم گواهی می دهد دلایل آقای قوام بقدری منطقی و با بصیر تامه بوده است که میسیون را اقناع کرده است

حبل المتین

صحبت های آقای قوام را در این موضوع جز همان آقایان شیرازی گمان نداریم دیگران علی تصور کنند چنانچه یک از موثقین خبر داده که میسیون هم باین سخنان وقعی نگذاشته است و عنقریب که کتابچه تحقیقات میسیون از طبع بیرون آید این نکته هم آشکارا خواهد آمد —

(اصلاح کلیه قونسولات)

وزارت فواید عامه پیشنهادی بهیئت وزراء تقدیم داشته و اشعار میدارد که تاسیس قونسولگری برای سرپرستی تجار و پیشرفت امور تجارتی مملکت بوده و لازم است دولت توجه مخصوصی معطوف داشته و مامورین قونسلی خود را رسماً موظف و عهده دار وظایف تجارتی بنمایند و چون در تعقیب قرار داد های تجارتی و گمرکی لازم است مامورین مراقبت تامه بعمل آورند که برخلاف مقررات تعدی به تجار بی اعتدالی نشود لازم است در آتیه کلیه مامورین قونسلی و کارگذاری که در امور خارجی تحت نظر وزارت امور خارجه باشند از حیث امور تجارتی در تحت وزارت تجارت قرار گرفته و در آتیه انتخاب کلیه قونسولها و نمایندگان تجارتی و کارگذاری و نمایندگان تجارتی که تعیین و اعزام میشوند با توافق نظر وزارت تجارت بوده و در قسمت امور تجارتی و اقتصادی در تحت نظر این وزارت خانه قرار گرفته و اطلاعات امور زراعتی و تجارتی را باین وزارتخانه ارسال دارند تا در موقع ضروری مکاتبه مستقیم بین وزارت خانه و مامورین فوق بعمل آید

نمایندگان تجارتی که از طرف این وزارت خانه تعیین می شوند بوسیله وزارت خارجه معرفی خواهند شد و چون وزارت فواید عامه و وزارت خارجه مامور اجرای این لایحه می باشند در صورت لزوم نظامنامه برای تسهیل کار تهیه و تدوین خواهند نمود

حبل المتین

تجارت با سیاست توام است تشکیل قونسولخانه ها بیشتر بواسطه ترویج تجارت است قونسولات ایران در خارجه که بیکار ترین مردم بشمارند بواسطه آنست که برای آنها وظیفه و تکالیفی معین نشده و ازبس بیکار مانده و مفت خورده جوهر ذاتی (اگر داشته اند) ضایع گردیده است ما در جمیع مامورین دولت هیچ طبقه را بیکارتر از قونسلات ایران نه شناخته

ولی شماسیم امیدواریم ازین وضع برای این مردمان بیکار کاری پیدا شده و اشخاص بیکاره را را هم ازسرکار دور دارند ـ

(طول عمر)

احصائیه همدان راپرت میدهد که در قریه پشت تپه که از محل دره جزین همدان است یکنفر شخص ۱۲۵ ساله قوی البنیه وخوش هیکل اظهار نامه داده و ازقرار تقریرخود او خیلی اکول بوده فقط مختصری گوش او سنگین است و نیز در قریه فارلجین صفیه ۱۲۰ ساله که آنهم قوی المزاج و کارهم بهتر از جوان ها میتواند بکند ورقه اظهار نامه داده و ورقه هویت دریافت نموده است ـ

تاسیس دوا خانه در شهریار

چون مرض مالاریا درشهریار شیوع کرده بود و اغلب تلفاتی نسبت باهالی وارد مینمود اداره صحیه طهران چندین نفر دکتر برای جلوگیری ازمرض مزبور به شهریار اعزام و اخیراً مقدار زیادی ادویه جات تهیه و بانجا فرستاده اند و اخیراً در صدد تاسیس دوا خانه برآمده که شب و روز در شهریار دایر که اهالی از حیث تهیه دوا در زحمت واقع نشوند ـ

خرید آلات جراحی

هیئت وزراء برحسب پیشنهاد وزارت داخله و تقاضای اداره صحیه مبلغ پنج هزار تومان تصویب نمودند که از محل اعتبار ماهیانه دولت وزارت مالیه جهت خرید ادوات وآلات جراحی از اروپا بعمل آید وحواله آن از طرف وزارت مالیه صادر که هرچه زودتر اداره صحیه دریافت وبوسیله مامورین مخصوص از پاریس ابتیاع و برای رفع نواقص مریض خانهای دولتی تخصیص بدهند ـ

(تاسیس قرنطینه)

هیئت وزراء برحسب پیشنهاد وزارت داخله و تقاضای اداره صحیه درجلسه ۱۷ اردیبهشت تصویب نمودند مبلغ پنج هزار تومان ازشصت هزار تومان مصوبه مجلس برای تاسیس قرنطینه در قصر شیرین پرداخته شود ـ

(مریض خانه مسلولین)

درتعقیب پیشنهادی که ازطرف اداره صحیه مملکتی بوزارت داخله برای تخصیص سرخه حصار جهت تاسیس مریضخانه مسلولین (سانوریو) تقدیم گردیده و تقاضا شده بود که چون عمارت مزبور جزو بیوتات سلطنتی است از اعلیحضرت همایونی تقاضای تخصیص بنای سرخه حصار جهت مریض خانه بشود از طرف وزارت داخله نیزعریضه بمقام اعلیحضرت پهلوی عرض وبرطبق اطلاعی که واصل شده حسب الامر ملوکانه ابلاغ تخصیص سرخه حصار بمریض خانه صادر وبوزارت داخله و اداره صحیه مملکتی ارسال شده است

فعلا اداره صحیه در نظر دارد شروع به تهیه مقدمات تاسیس مریض خانه مزبور نماید

(لوله کشی آب)

برای جلوگیری ازشیوع امراض مختلفه ومخصوصاً مرض مالاریا و حصبه در نتیجه مطالعاتی که شده بهترین وسیله و راه حل لوله کشی آب مشروب شهر تشخیص داده شده ومخصوصا اداره صحیه عقیده دارد که تا ترتیب لوله کشی داده نشود جلوگیری از این امراض ممکن نخواهد بود و بنا براین اداره صحیه پیشنهاداتی دراین زمینه تهیه و تقدیم وزارت داخله نموده اند ـ

ازطرف وزارت فواید عامه اقداماتی دراین قسمت شروع گردیده است ـ

تعمیر راه شوسه قم و کاشان

نظر باهمیت ساختن راه قم و کاشان در نتیجه تقاضای تجار که در این چند ساله اخیر بواسطه نداشتن راه مزبور پست دولتی بتمام نقاط از راه دلیجان عبور می کرده و لطمه بزرگی به تجارت کاشان وارد می آمده است اخیراً از طرف آقای وزیر فواید عامه دستور داده شد که اداره طرق و شوارع در ضمن بودجه خود مخارج ساختمان راه قم و کاشان را منظور نموده و از هذه السنة شروع باقدام نماید

راه اصفهان و شیراز

برای ساختمان راه اصفهان بشیراز در تعقیب سی هزار تومان اعتباری که داده شده بود روز گذشته بر حسب امر آقای وزیر فواید عامه مبلغ یکهزار و پانصد تومان نیز از اعتبار طرق و شوارع حواله صادر گردیده که برای خرید آلات و ادوات راه سازی به رئیس راه داده شود و مخصوصاً از نقطه نظر اهمیت تجارتی راه مزبور تاکیدات و دستوراتی صادر شده است که زود تر مامورین راه عزیمت نموده شروع بعمل نمایند

راه ورامین

مطابق اطلاع واصل در دو نقطه راه ورامین روزی صد نفر عمله برای ساختمان و تسطیح راه گماشته شده و مشغول کار میباشند و بر طبق راپرتی که رئیس راه تقدیم وزارت فواید عامه داشته است و راه طهران بورامین پس از شش ماه تسطیح خواهد شد

احداث جنگل در اطراف طهران

در نتیجه کمسیونی که سابقا برای احداث جنگل در اطراف طهران از نقطه نظر خوبی آب و هوای

مرکز مرکب از نمایندگان وزارت فواید عامه و اداره خالصجات تشکیل گردید بالاخره تصمیم به لزوم احداث جنگل گرفته و از طرف آقای وزیر فواید عامه به مسیو فن دم هاکن متخصص جنگل امر شد برای بازدید دره بجاجرود عزیمت نموده برای احداث جنگل پیشنهاداتی تهیه و طرز شروع بکار را معین نمایند که اقدامات لازمه بعمل آید

پست مازندران با اتوموبیل

نظر باینکه راه طهران به مازندران در آخر ماه خرداد افتتاح خواهد یافت از طرف وزارت فواید عامه به وزارت پست و تلگراف نوشته شد که برای تصویب پست نقاط مازندران که فعلا چاپار و یا عرابه رو میباشد شروع باقدام نمایند که در روز مزبور پست طهران به مازندران تبدیل باتوموبیل گردد

قزوین به جلفا

وزارت پست و تلگراف در نظر دارد که پس از تسطیح و شوسه شدن راه زنجان بقزوین خط پستی قزوین به جلفا را تبدیل به اتوموبیل نماید از قرار مذکور در این خصوص بوزارت فواید عامه شرحی اشعار و تقاضا گردیده است که زودتر تسطیح راه مزبور را خاتمه دهند

پست راه تبریز به بایزید را که فعلا چاپاری میباشد وزارت پست و تلگراف از نقطه نظر اهمیتی که خط مزبور خواهد داشت در نظر دارد عرابه رو و یا اتومبیل رو نماید و مشغول تهیه مقدمات آن می باشند

گمرک قالی در المان

در تعقیب مراسله که چند روز قبل از طرف تجار ایرانی مقیم اسلامبول راجع به تعرفه حقوق گمرکی قالی ایران در آلمان واصل شده بود که از قالی های ایران در هر کیلو گرام ۲۴ مارک طلا و از قالی های ترکیه ۶ مارک طلا اخذ می شود وزارت فواید عامه با سفارت آلمان داخل مذاکره راجع به تقاضای تخفیف حقوق گمرکی قالی ایران شده بود

دیروز مقارن ظهر بنا بوقتی که قبلا تعیین شده بود مسیو کنت شولنبرک وزیر مختار دولت آلمان در وزارت فواید عامه حضور یافته از آقای وزیر ملاقات و در تعقیب مذاکرات سابق در باب تحقیقات گمرک قالی مذاکره شده و از قرار تحقیق معلوم گردید که هنوز دولت ترکیه تخفیفی برای قالی نگرفته و گمرکی هم که از قالی های ترکیه در آلمان گرفته می شود بیش از تعرفه گمرک قالی ایران است زیرا از قالی های ارسالی ترکیه در هر کیلو گرام ۳۶ مارک طلا و از قالی های ایران ۲۴ مارک طلا اخذ می شود و در نتیجه مذاکرات زیاد امیدواری داده شده که عنقریب تخفیفاتی در گمرک قالی ایران داده خواهد شد

کتاب تاریخ تجارت

وزارت فواید عامه برای تهیه کتاب تاریخ تجارت که از نقطه نظر پیشرفت امور تجارتی که حائز اهمیت زیادی می باشند مشغول می باشد و چون تاریخ مزبور که از زمان هخامنشی باید تهیه شود شخص مطلع و بصیری لازم دارد بطوری که اطلاع داریم قسمت فوق به یکی از فضلا واگذار شده است و وزارتخانه در نظر دارد کتاب تاریخ تجارت را در مدرسه تجارت تدریس نماید

منع اشیاء تجملی

چنانچه سابقا اطلاع داده شده بود جلسات مکرری عده زیادی از تجار و اقدامات آنها در منع ورود اشیاء تجملی منتهی بر این شد که اخیر عرض حال های مهر و امضاء طبقات مختلفه و اصناف و کسبه تقدیم مقام اعلیحضرت همایونی شده و از طرف ذات ملوکانه هم موافقت شده و مراجعه بوزارت فواید عامه گردیده است . در تعقیب این اقدام ملوکانه قبل از ظهر دیروز مسیو مولیتر رئیس کل گمرکات در وزارت فواید عامه آمده و تا دو ساعت بعد از ظهر مشغول مذاکره بودند -

کمیسیون هوا پیمائی

عصر روز گذشته کمیسیون هواپیمائی منعقد و چند ماده از لایحه آن مطرح و تصویب گردیده است و تصور میرود تا اوایل خرداد لایحه مزبور تکمیل و مبادله گردد پس از انعقاد قرار داد و مبادله لایحه کارات پست بین طهران و بندر پهلوی دائر و پس از یکماه پست بین طهران و کرمانشاه و بعد از سه ماه پست هوائی بین طهران و بوشهر افتتاح و برقرار خواهد گردید

تعلقات مصر و انگلستان

تلگرافات رویتر مظهر است که دولت انگلیس یك جهاز جنگی بطرف آبهای مصر فرستاده و بهمین سبب مصریان را آرام ساخته تا جائیکه زغلول پاشا در نمایندگی دولت انگلیس رفته بازاریز لائد مدتی دوستانه صحبت داشته سپس کناره گیری خود را از رأس کابینه اعلان داشته است و عدلی پاشا کابینه جدید مصر را تشکیل داده در موقع افتتاح پارلمان رئیس الوزراء اظهار داشته که مسلك دولت تکمیل آزادی مصر و شرکت وی در جامعه ملل و حسن روابط با دولت انگلیس می باشد و امیدوار است بدین ذرایع متدرجا آزادی مصر تکمیل پذیرد

جرائد انگلیسی می نویسند که چهار مسئله را مصریان باید صرف نظر کنند اول اینکه دولت سودان را آزاد گذارده تا با مصر ملحق گردد — دوم دفاع مصر در هر صورت باید بذمهٔ انگلستان قائم ماند — سوم محاکمات خارجیان در مصر باید تحت نگرانی مامورین انگلستان باشد — چهارم کنال سویز همیشه باید در قبضه دولت انگلیس باقی ماند ازاین چهار که بگذرد دولت مصر همه قسم آزادی داشته و خواهد داشت یکی از جرائد مصریه در این موضوع مقاله نگاشته که گویا ترجمه شعر ملای* روم میباشد

§ شیر بی دست وسر و اشکم که دید §
§ همچو شیری را خدا هم نافرید §

درحقیقت سیاست مداران امروز ماروپ برای هر لفظ قائل بمعنی اعم و اخص میباشند لفظ آزادی را هم با معنی اعم و اخص میگیرند و فی الواقع باید گفت که هنوز مصر نه در امور داخله و نه برمعاملات خارجه خود آزاد بمعنی اعم نیست ولی مسلم است که با فشاری مات مصریه رفته رفته نائل بمقامات عالیه آزادی هم خواهند گردید

اخطار واجب الاذعان

بغرض اطلاع عموم میرساند که در موقع شیوع مرض وباء در راس الخیمه یکنفر سید حبیب الله ولد سید علی اکبر اهل کرمان وارد شد و پس ازشش یوم برحمت ایزدی واصل گردید قریب به چهارصد روپیه سکه واموال ان مرحوم باقی ماند ازان تاریخ هم خط بکرمان ارسال داشته هیچ نتیجه نبخشید لذا باین وسیله بوارثان آن مرحوم اخطار نموده تا زودتر اطلاع یافته بحق خود برسند چنانچه بطول انجامد احتمال دارد اموالش از کف برود چرا که جزئی نقد و باقی اسباب است وارثی که تمنای حق خودرا دارد باید استشهادی بخط مهر علما و حکومت محل با مهر چند نفر از تجار معروف لاری معتبر در دست باشد والا تسلیم نقد و اسباب ممکن نیست

اعلان

کتاب عارف که برلن چاپ شده در بمبئی کتابخانه آقای علی اکبر جهرمی و شرکاء از برای فروش موجود است هر که طالب باشد رجوع به ادرس ذیل نماید

علی اکبر جهرمی وشرکاء پست نمره ۸ بمبئی

دولت درانتظار توست

وقت قسمت آزمائی است

در شرکت خریداری بلیت های بزرگترین لاتری طلائی

حکومت همبرك المان ضامن صحت عمل است

نخستین کشیدن بلیت های این لاتری ۹ جولائی سنه ۱۹۲۶ خواهد شد این لاتری مشتمل است بر ۷۰۰۰۰ بلیت در کشیدن شش لاتری تقریباً ثلث ۲۷۶۰۰ یقیناً کامیاب خواهد شد هر ماه یك مرتبه بلیت های لاتری را خواهند کشید

مبلغ تمام انعامات این لاتری چهار ملیون ۹۷۶۰۰۰ مارك طلا یا تقریباً ۲۴۸۸۰۰ لیره انگلیسی است

انعام اول برای صاحبان قسمت ۵۰۰۰۰۰ مارك طلا است یا تقریبا ۲۵۰۰۰ لیره انگلیسی

انعام های بزرگ دیگر مارك طلا بموجب ذیل است

۷۰،۰۰۰	۲۰۰،۰۰۰
۶۰،۰۰۰	۱۲۰،۰۰۰
۵۰،۰۰۰	۱۰۰،۰۰۰
۴۰،۰۰۰	۸۰،۰۰۰

قواعد و ضوابط این لاتری بدرخواست کنندگان و نیز به خریداران بلیت مجانا فرستاده خواهد شد

قیمت بلیت کامل برای ۶ نوبت اول حسب ذیل است یك بلیت مکمل سه لیره - نصف یك و نیم لیره - ربع پانزده شلنك -

قیمت بلیت های کشیدن ۶ لاتری دیگر نیز بر حسب فوق است اجرت پست برای فرستادن اسامی اشخاص انعام یافته پنس یا نیم شلنك معین است

بلیت فوراً فرستاده خواهد شد پس از رسیدن وجه و بمجرد بیرون آمده انعام هم مستقیما فرستاده خواهد شد وقت تنك است فوراً باید در خواست خریداری فرستاد آخرین موقع خرید بلیت ۲۰ جون و ادریس بر حسب ذیل است

ساموئیل هکشر سینیر بنکر -

وانتور استریت نمره ۱۴ همبرك ۱۲۷ (آلمان)

—— همین قطعه را خانه پری کرده بفرستید ——

ورقه درخواست

مهربانی کرده بفرستید برای من ——— بلیت

برای اول - دوم و سوم

مبلغ - - - —— كلفابيفر-نم

بذریعه سندات پست یا بانك -

اسم و ادرس کامل بطریق وضوح -

————————

————————

تاریخ — — —

پسته و خطوط معمولی ۰ پنس یا نیم شلنك

حسب الامر مدیر ودبیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعه حبل المتین نمبر ۸۸ بندل روڈ طبع
(و ازنمره ۱ - ۶ مکلوڈ اسٹریٹ کلکته توزیع گردید)

حبل المتین مجاناً باحدی داده نمی شود
از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
مقدم گرفته میشود
روز نامه مقدس

حبل المتین
(۲۶—۱ امری پوکر رود)
[بالیگنج کلکته]
کلیه امور با مدیر کل
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[دیپلومی ف. س. مؤیدزاده]
[ام . ای است]
هر دوشنبه طبع و سه شنبه
توزیع میشود

Ahri Pukur Road
CALCUTTA.
قیمت اشتراک
سالانه ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران ۳۵ قران
[ممالک خارجه]
سالانه
یک و نیم لیره انگلیسی

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۱۳ دی ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۲۹ جمادی الثانیه سنه ۱۳۴۵ هجری
مطابق با ۴ دسمبر سنه ۱۹۲۷ میلادی

درباریان دربار اعظم

[شما را بحق مادر وطن و افسر پدر تاجدارتان اعلیحضرت پهلوی سوگند ! که در موقع مناسب این اخبار را بسمع مبارک شاهانه برسانند]

اعلیحضرتا

در قرآن مجید میفرماید « یا داؤد انا جعلناك خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق »

لازم به بیان نیست که در اینجا حق بمعنی عدل است عدل علاوه بر اینکه مورث عمران مملکت و آسایش ملت وترقی تجارت است از اصول دین مقدس ماست و معنی حقیقی عدل همانا احقاق حق و اعمال جزا و سزا بمرتکبین خدمت و خیانت است

اعلیحضرتا — اگرچه بواسطه عدم انحراف از مسلك که جبلی ماست دریك مسئله لاراضیم ولی بجمیع مقدسات سوگند که تو را از صمیم قلب دوستداریم چه حافظ استقلال این آب وخاك شدی وخدمت باین ملت بال وپر شکسته فرموده و میفرمائی لذا ازروی صمیمیت و صداقت باتجربیات چهل ساله و اطلاع باوضاع سیاست امروزه دنیا عرضه میداریم که حقه بازان سیاست بازدارند درصفحه ایران حقه خودرا باز و رقابت دوره ناصری و مظفری را تجدید میخواهند

§ سر چشمه باید گرفتن به بیل §
§ چو پر شد نشاید گذشتن به پیل §

اعلیحضرتا — چهل سال است این پیر خادم اسلامیت درراه استقلال وطن محبوب وکندن خارهای راه ترقی آن صمیمانه خدمت نموده و سیاسیات داخله و خارجه ایران را چون گوی در پنجه داشته خارجی ایران

وحس استقلال ایرانیان را نموده حتی فشار امپراطوران تزاری و سختی های سلاطین مستبده آل عثمان و شکنجه های اولیای انگلستان و وحشت کاری های ناصر الدین ومظفر الدین ومحمد علی مخلوع نه تنها از استقلالش نکاست بلکه برصبر واستقامتش فزود تا آنچه باید بشود شد وکار بمرام صورت بست

حبل المتین هیچگاه بهوای نفس سخن نرانده و بی اطلاعانه هم قلم فرسائی نمی کند نهایت نمیتواند دید که در این دوره طلائی و عهد فرخنده پهلوی دو باره ایران میدان جولان سیاست بازان جنوب و شمال واقع گردد

آن اعلیحضرت که من غیر مستقیم مانع قرار داد سال ۱۹۱۹ بوده بهتر میدانید که بلشویز بازی های شمال همه از اثر همین قرار داد میشوم بود بحمد الله که عاقبت لغو قرار داد و برش شمشیر اعلیحضرت خاتمه بکلیه این معاملات بخشود

می بینیم که باز خارجیان و خارجی پرستان کوشش دارند همان نیران انقلابات را بصورت دیگر و اسم و رسمی جدا گانه در صفحه ایران پدید آرند

اعلیحضرتا ! غلط های عمدی یا سهوی رجال که که بشاخ وبرگ درخت استقلال دولت برخورد عفوش چندان مورث ملامت نیست ولی اغلوطه هائیکه باساس استقلال صدمه رساند اغماضش از ذنوب لایغفر ومورث تجری دیگران وعاقبت منجر بمحو و اضمحلال سلطنت تواند گردید ، چنانچه هم در قاجاریه گردید

اعلیحضرتا ! سیاست آسیا دارد بسرعت برق دگرگون میشود و آن ... می بینیم که دولت ایران ... از کم شده

[illegible]

های خودرا بیابد باید کوشش رود که بدست رجال خود مان همسایگان دور بین ما را مثل سال **۱۹۱۸** و **۱۹۱۹** مشغول وغافل نساخته موقع را از کف مان بدر اندازند

اینک مملکت آسمانی یعنی جثه جسیمه آسیا چین یکدفعه بارد تبدیل مییابد و در این تبدلات قطعیة الحصول تغییرات عظیمی درکلیه آسیا پدیدار خواهد آمد از طرف دیگر شرق قریب هم در مدتهای تزلزل است ایران باید خیلی موقع خودرا بشناسد ، سیاستهای پوسیده رقابت بازی دوره ناصری ومظفری را دور افکند چه بزرگان گفته اند که « حیات رقابت را موت قطعی است » ایران رجال اینگلو فیل و روس خواه نباید برروی کار آید امروزه رجال ایران پرست در کار است ، رجال مذبذب که یک مرتبه خطا رفته ولو بسهو تصور شود که بعمد ممکن است ایران را به پرتگاه نیستی نزدیك سازند زیان اینگونه رجال ولو هر قدر هم کاری تصور شوند برای ملك و ملت از نفع نشان بسی افزون است ایران همان قسمیکه نباید چشمداشت انتفاع ازجنوب و شمال نداشته باشد قطعاً باید صرف نظر هم از رجال انگلیس پرست و روس خواه بنماید چه همین رجال با اینگونه مسلك مشئومشان بوده که بصد سال ایران را از مراتبش کاسته و بپرتگاهش نزدیك ساختند

امیدواریم در عهد فرخنده اعلیحضرت اینگونه اشخاص موقع نیابند که دوباره کشتی دولت را درگرداب رقابت سیاسی دو همسایه بیاندازند

مسئله که از چندیست میدان سیاست داخلی ما را گرم کرده و موضوع بحث امروزه ماست همانا ورود بوکالت و وزارت آقای وثوق عاقد عهد نامه ۱۹۱۹ است این مسئله حل نتواند گردید جز باشاره سر انگشت تدبیر اعلیحضرت شاهانه خوست اعلیحضرت امر به تشکیل یك کمیسیون تحقیق داده تا رفع این غائلات شده و برای رجال آینده نیز سرمایه عبرت گردد تا معلوم شود که در دوره خلافت داؤدی اعلیحضرت پهلوی میزان عدل قائم است ، و الناس مجزیون باعمالهم ان خیراً فخیراً و ان شراً فشرا .

لذا برای حکمیت ذات شاهانه مراتب ذیل تشریح می شود

وظیفه روز نامه

روز نامه آئینه افعال گذشته و معلم اعمال آینده است روز نامه نگار اگر درست ملاحظه شود فقط آئینه دار افکار یا مولف اقوال دیگران است روز نامه نگار نباید نظرش محدود بشخص باشد - همواره باید خدا را حاضر و ناظر گرفته از شخصیات دوری جسته آنچه بنویسد برحسب منافع عمومی باشد - روز نامه نگار نباید خیالاتش محدود بزمان حال یعنی ابن الوقت بوده حسن استقبال ملت خود و تربیت افراد را هم نباید از نظر دور دارد - روز نامه نگار نباید در بند آن باشد که فلان از نگارشات وی رنجور و بهمان خوشنود میگردد - بعبارت ساده تر روز نامه تاریخ زنده و جعبه فوتوگراف گذشتگان و سرمایه عبرت آیندگان است نباید گفت گذشته گذشته است باید خطایای گذشتگان را برای اینکه سرمایه عبرت آیندگان گردد تکرار کرد چه در گفتن اثریست که در نگفتن نیست چون ما می بینیم وطن محبوب ما را برخی از ارباب سیاست خارجی وداخلی از میخواهند بپرتگاه عمیق رقابت بازی بیاندازند - وظیفه روزنامه نگاری ماست که خودداری ننموده حقایق را آشکار داریم ، چنانچه ازمکتوب طهران درشماره قبل معلوم آمد که آقای وثوق ورود بمجلس نموده بنظر دوربین حبل المتین این ورود آثاری هم در عقب دارد همان قسمیکه وقایع نگار طهران نگاشته ورود آقای وثوق بمجلس مقدمه ریاست الوزرائی ایشان را تهیه می نماید

حبل المتین در شماره های گذشته خود در ضمن اشاعه دو مراسله کمیسر خارجه روس در سال ۱۹۱۸ و ۱۹* وعده داده بود که نص معاهدۀ بائره ایران و انگلیس را در سال **۱۹۱۹** و قرار داد دائره ایران و روس را درسال **۱۹۲۱** توام منتشر نموده نظریات خود را نیز بیان نماید

نص معاهده ایران و انگلیس

نظر بروابط محکمه دوستی و مودت که از سابق بین دولتین ایران و انگلیس موجود بوده است و نظر باعتقاد کامل باینکه مسلما منافع مشترکه و اساسی هر دو دولت در آتیه تحکیم و تثبیت این روابط را برای طرفین الزام مینماید و نظر بلزوم تهیه وسایل ترقی و سعادت ایران بحد اعلی بین دولت ایران ازیك طرف و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان بنمایندگی از دولت خود ازطرف دیگر مواد ذیل مقرر میشود :

(۱) دولت انگلستان با قطعیت هرچه تمامتر تعهداتی را که مکرر در سابق برای احترام مطلق استقلال و تمامیت ایران نموده است تکرار مینماید

(۲) دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصصی را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل گردد بخرج دولت ایران تهیه خواهد کرد این مستشارها با کنترات اجیر و بآنها اختیارات متناسبه داده خواهد شد — کیفیت

کند اگر فاتح شد عالم دیانت و ایرانیت را روحی تازه دمیده و چنانچه مغلوب و مقتول شد در راه خدا شربت شهادت را چشیده است ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون آقای وثوق‌الدوله برای این که تیرشان خطا نکند بر خلاف اصل ۲۴ قانون اساسی که میگوید (بستن عهدنامها و مقاوله نامها و اعطای امتیازات انحصار تجارتی و صنعتی و فلاحتی وغیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد) قبل از تصویب مجلس قرار داد را اجرا نمودند و اجرای هر قرار دادی قبل از تصویب بر خلاف این اصل است زیرا تصویب مجلس یک امر تشریفاتی نیست که در موضوع مؤثر نباشد بلکه برای این است که مقاوله نامهای مضر را رد کند و اعتبار ندهد پس هرگاه یک قرار دادی قبل از تصویب مجلس اجرا شد و مجلس آنرا رد نمود و مصارفی متوجه طرف قرار داد داده شده جبران خسارت باقی است : آیا امضاء کنندگان قرار داد باید جبران کنند یا طرف قرار داد میتواند باستناد امضاء وزراء خسارت را از دولت بخواهد ؟ باین لحاظ هیچ قرار دادی بدون تصویب مجلس شورای ملی معتبر نیست و سندی هم که اعتبار ندارد نمی توان آن را اجرا کرد توضیحا عرض میکنم که فایده قرار داد آنقدر محرز شده بود که حتی در آن تصویب مجلس را هم قید ننموده اند و باز برای اینکه تیرشان کارگر شود غصب حقوق ملت مبادرت کرده در انتخابات مداخله و عده از وکلاء مجلس را از نظر تصویب قرار داد تعیین نمودند چه قدر فرق است بین سپهسالار و وثوق‌الدوله که از سپهسالار وقتی دولتین تقاضای بر قراری کنترل نمودند با اینکه دارای معلومات وثوق‌الدوله نبود نوشته کنترل بنوشتن عبارت (بوسطه فرس ماژور امضاء میکنم) وطی نمودن مراحل اداری طوری بی اثر کرد که از این صرف نظر کرده اند وبرای تحصیل اسناد دست توسل بدامان وثوق‌الدوله دراز نمودند ولی آقای وثوق‌الدوله تمام هوش و معلومات خود را صرف که یا چیزی بخارجیها ندهند و یا اگرمیدهند طوری شود موثرباشد ازروی این نظریه اقداماتی قبل از قرارداد و بعد ازقرارداد فرمودند که بر خلاف قانون و اخلاق و مصالح مملکت بود

آقای وثوق‌الدوله در تمام ادوار زمامداری خود ضربه مهمی باخلاق مملکت وارد نمودند اخلاق حافظ نظام اجتماعی است چنانکه جاذبه حافظ نظام عالم است خاتم انبیا (ص) نتیجه منحصر بعثت خود را اتمام مکارم اخلاق میشمارد وقتی بزرگترین بعثت ها نتیجه اش تتمیم اخلاق کریمه باشد البته حاکی است که کلیه هادیان دنیا ثمره و جدوای منحصر شان بوده است آیا یک نظر اجمالی بکتب آسمانی و کلیه قوانین الهی در هر عصر و زمان این عصر را نشان نمیدهد و آیا تعمیم فساد اخلاق عمومی مخالفت مبین با تمام ادیان نیست آیا بواسطه فساد اخلاق احزاب و اجتماعات همان احزاب اجتماعاتی راکه همیشه با اختلافات مرامی در مقابل منافع عمومی و وطنی ودینی که مثل نفس واحد استادگی کرده اند متلاشی ننموده اند

آقای وثوق‌الدوله اگر بهیچ قانونی معتقد نباشند آیا میتوانند قانونی راکه خودشان امضا نموده اند تردید نمایند چه ماده ۲۵۸ قانون جزای عرفی میگوید هر کسی بدون حکمی از مقامات مقتضیه و خارج از مواردیکه قانون جلب و توقیف اشخاص را تجویز نمود شخصی را توقیف یا حبس کند یا مخفیا در محلی مخفی نماید محکوم بحبس غیر دائم با قید خواهد بود که اقل مدت سه سال و اکثر مدت ۱۵ سال است در این صورت آیا دستگیری ۱۷ نفر از محترمین اکمال ایشان در مجلس روضه و در خانه خدا یعنی مسجد شیخ عبد الحسین و خارج و تبعید و حبس چندین ماهه آن ها در محبس قزوین که مقصود شان تهدید جامعه برای زمینه عقد قرار داد بود مخالف قانونی نیست :

توضیحا عرض میکنم تبعید شدگان وثوق‌الدوله بقزوین همه صاحب یک نیت نبوده و اختلاف اشخاص مختلف العقیده فقط از نظر مشوب نمودن اذهان عمومی بوده که افکار عمومی در قضاوت اشتباه نمایند و اعتراض اشخاص وطن پرست را هم مثل مخالفت هائی که از نظر اغراض بود بشمارند و همچنین تبعید چهار نفر از وزراء یعنی مرحوم ممتاز الملک و آقایان محتشم السلطنه و مستشار الدوله وممتاز الدوله و حاج معین‌التجار که از معترضین قرار داد بودند و حبس آنها برای مدت مدیدی در کاشان بر طبق کدام حکم و قانون بوده است همان تبعید و حبسیکه ایرانیان را در ممالک اروپا مفتخر و سر بلند نمود و کمر قرار داد را شکست . ماده ۱۵۹ قانون جزای عرفی میگوید هر یک از روسای و اعضا واجزاء ادارات محاکم عدلیه که برای انجام امری که از وظایف آنان بوده ولی قانوناً رسومی مقرر نشده وعده یا تعارفی را قبول نماید اگرچه حقانیت بوده باشد از حقوق ...

... ه اثر
... جهت آن
... ه و یا هدیه و
انجام آن بر طبق
... ی محروم میشود بعلاوه

محکوم است به رد تعارفی که قبول کرده است و در
مقابل هر یك آقایان تعارفی که گرفته یا وعده که
باو داده شده محکوم به یك روز حبس قابل ابتیاع
خواهد شد در هر حال مدت حبس او کمتر از ۶ روز
نباید بباشد

و بر طبق ماده ۱۶۰ کلیه اشخاص دیگری که
مرتکب این اعمال شوند از یك سال الی
سه سال محکوم بحبس و معادل آنچه در ماده
قبل مذکور شده حبس قابل ابتیاع خواهد گردید و
بعلاوه بعد از اتمام مجازات حبس از ۵ سال الی
۱۰ سال ازحقوق مذکوره درماده ۲۷ که یکی از آنها
عضویت مجلس شورای ملی و انجمن های ایالتی و
بلدی است محروم میشوند » آیا پولهائیکه بابت قرار
داد و امتیازات باشان رسیده موجب نیست که ایشان
را بمجازات این مواد محکوم و ازحق وکالت محروم
نماید بی‌مناسبت نیست که عرض کنم مرحوم ممتازالملك
کسی بود که هدیه خوشتاریا را بمعارف اعطا نمود و
راز نهانی را آشکار کرد آیا وثوق الدوله مشمول
ماده ۷۲ نیست که میگوید « هرگاه شخصی با دول
خارجه یا مامورین انها داخل در اسباب چینی شود یا
آنها را بخصومت یا جنگ با دولت وادار نماید یا
وسایل آنرا برای آنها فراهم بیاورد محکوم بحبس
دائم در قلاع خواهد گردید حکم مزبور مجرا خواهد
بود ولو اینکه اسباب چینی او مؤثر واقع نشود ، آیا
مذاکرات لانسینك وزیر خارجه دول متحده امریکای
شمالی درپاریس درتاریخ ۱۵ اوت ۱۹۱۹ که اینطور
گفته ، امریکا بیهوده کوشش کرد که هیئت ایرانی در
پاریس در انجمن صلح حضور بهم‌رسانند و مطالب و
مقاصد خودرا اظهار نمایند وحتی سعی نمایندگان ملیون
ایرانی هم درپاریس برای مذاکره با لاردکرزن بجائی
نرسید در این اثنا سفیر انگلیس در طهران با یك دسته
کوچکی ازسیاسیون یك عهد نامه مخفی بست این دسته
کوچك سیاسیون فوراً پس از عقد صلح اداره امور
را بدست آورده بودند و هیئت ایرانی که در پاریس
بود ازکار افتاده ومنحل شد خلاصه یك بازی خطرناك
ومحرمانه در آورده شد (ترجمه روز نامه کاوه
غره جمادی الاخر ۱۳۳۸ مطابق ۲۲ ژانویه ۱۹۲۰)
کاشف از اسباب چینی نیست ، بموجب این مذاکرات
دسته کوچك سیاسیون قرارداد را قبلا مخفیانه بسته اند
ولی چون زمینه ابراز نبود آن را در ۹ اوت ۱۹۱۹
افشا نموده اند

و آیا ابلاغیه سفارت امریکا که بر طبق تلگراف
وزارت خارجه دول متحده در تاریخ ۱۳ ذیحجه
۱۳۳۷ مطابق ۹ سپتامبر در طهران منتشرشده مثبت
اسباب چینی نیست اینك عین تلگراف قرائت میشود

(طهران . سفارت امریکا)

دولت اتازونی بشما تعلیم میدهد نزد زمامداران
ایران و اشخاص علاقه‌مند این مسئله را تکذیب نمائید
که دولت اتازونی از مساعدت نسبت بایران امتناع
ورزیده است

امریکا همواره علاقه خودرا برای سعادت ایران
بطرق بسیار اظهار و ابراز داشته ، نمایندگانی که از
طرف دولت اتازونی درکمیسیون صلح پاریس عضویت
داشته اند مکرر کوشش و مجاهدت کرده اند سخنان
نمایندگان ایران را درکنفرانس صلح مورد استماع قرار
دهند ، نمایندگان امریکا متعجب بودند چرا مجاهدات
آنها بیش از این بتقویت ومساعدت تلقی نمیشود لکن
اکنون معاهده جدید معلوم میدارد که چه علت امریکائیها
قادر نبودند سخنان نمایندگان ایران را باستماع برسانند
ونیز معلوم میگردد که دولت ایران درطهران بامساعی
نمایندگان خود درپاریس مساعدت وتقویت کافی ننمود

دولت اتازونی معاهده جدید ایران و انگلستان را
با تعجب تلقی مینماید معاهده مزبور معلوم میدارد
باوصف آنکه نمایندگان ایران در پاریس علنا و مؤکداً
طالب مساعدت و همراهی امریکا بودند ایران از این
ببعد مایل بکمك یا تقویت امریکا نمیباشد

[طهران - سفارت امریکا]

آیا اشخاص اسباب چین بخط و مهر خود سند
میدهند که درمحاکمه مدرك باشد ؟

طورخلاصه با اینکه آقای وثوق‌الدوله میدانستند
اگر آبادی مملکت بدست مال دیگر برای اهل مملکت
مفید بود هر ملتی برای رفع زحمت وجلب فایده که
یکی از اصول مهمه اقتصادیست اجنبی را بخانه اش
دعوت میکرد و اگر رقیت خوب بود هیچ ملتی نمی
خواست بعد از اسارت یا جنگهای خونین و تلفات
سنگین طوق رقیت را رها نماید و با اینکه دیده اند
اگر کسی ده خرابی را خرید و آباد کرد نسبت
بمالکین سابق خوش بین نیست وهیچوقت نمیخواهد که
آنها بابی از ابواب شرایع را بخوانند و معنی غنی را
بدانند بلکه میل دارد همیشه درجهل بمانند و ادعائی‌ننمایند
برای تهیه زمینه قرار داد از هیچ عملی حتی
قتلهای بدون محاکمه استنطاق مخفی نظامیه مضایقه
نفرموده وآنچه را که ممکن بود نموده وتخم لقی در
دهان بیگانگان شکسته اند

اگرکسی بگوید که چون قانون جزای عرفی رسمیت
ندارد و درقانون شرع مطاع‌هم برای کسی که بخواهد
بیرق اسلام را ازرسول خدا گرفته بیت‌المال مسلمین
تسلیم دول غیر مسلمان نموده و با اسباب چینی وفساد

نماید عقابی نیست من بگوینده با کمال پستی و حقارت نظر میکنم و با اینکه از علم فقه اطلاعاتی ندارم در جواب آیه ۳۷ از سوره شریفه پنجم را میخوانم که میفرماید

انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذالك لهم خزی فی الدنیا ولهم فی الاخرة عذاب الیم

در صورتیکه آقای وثوق الدوله مشمول به یکی از احکام اربعه نیستند حضرات حجج اسلام و نمایندگان عظام بفرمایند چه حکمی از احکام شامل ایشان میباشد

یکی از دوستان آقای وثوق الدوله چند روز قبل به بنده میگفت موقعیت مملکت در آن وقت ایشان را بعقد قرارداد مجبور کرد زیرا در آن ایام قشون انگلیس قفقاز و بین النهرین را بتصرف آورده و حتی در خود ایران هم قشون دولت مزبور اقامت داشت

لذا هرکس غیر از ایشان بود بعقد قرارداد دچار بود بنده اورا با چهار دلیل مجاب اولا تصرفات قشون انگلیس در بین النهرین و قفقاز دوم یك تصرفات دائمی نبود و فقط از نظر پیش آمد جنك بین المللی بود کما اینکه قشون دولت مزبور قفقاز را تخلیه کرد و رفت ثالثاً تصرفات یك دولتی در حدود مجاور یا اقامت قشون او در داخله مملکت دلیل نیست ما را تسلیم نماید

بواسطه ضعف و ناتوانی عملا ممکن است تسلیم شد ولی نوشته تسلیم را نباید امضا کرد فرضا هم که مملکت دچار تهدید بود دائمی نبود ایران در این عصر جدید خیلی دچار تهدید شده ولی استقامت باعث نجات او گردیده است

حرف شما مثل این است که جمعی درکمین قتل کسی باشند و او قبل از کشته شدن انتحار نماید اگر کسی مقتول شد ورثه میتواند از قاتل دیه بخواهد ولی اگر کسی خود را کشت باید جهنم را طواف نماید هر تصرفاتیکه بی مدرك شد غاصبانه وجای حرف باقی است ولی هر تصرفاتیکه ازروی ملاك شد جای تحسن نیست مگر اینکه یکی ازجهات قانونی بی اعتباری ملاك ثابت گردد

تشخیص حسن سیادت و قبح اسارت چیزی نیست که معلومات عالیه بخواهد این مطلب مثل الکل اعظم من الجزء از بدیهیات اولیه است و با اندك فهمی هرکس میداند که حکومت داشتن در یك ده خراب بهتر از اسارت در یك مملکت آباد است بنا براین هر ایرانی که دانشمند است وهرکس که شرافت مند است تا میتواند باید روی دو اصل از وطن خود دفاع کند و خود را تسلیم هیچ قوه ننماید که یکی از آن دو اصل اسلامیت است ودیگری وطن پرستی و امروز درمملکت ما اصل اسلامیت اقواست زیرا یك مسلمان حقیقی تسلیم نمیشود مگر اینکه حیات او قطع شود و برای جواب این قبیل مسلمین است که دول مسیحی در پایتخت های خود مسجد بنا مینمایند

ولی یك متجدد سطحی و بی فکر را میتوانند بیك تعارفی تسلیم نمایند اسلامیت واصل وطن پرستی باهم متباین نیست ونسبت بین آن دو از نسبت اربعه عموم و خصوص مطلق است یعنی هر مسلمانی وطن پرست است چه حب الوطن من الایمان ولی میشود که وطن پرستی مسلمان نباشد هم چنانکه ممالك غیر مسلمان روی این اصل وطن خود را حفظ می نمایند

ثالثاً بنده نمیتوانم قبول کنم که آقای وثوق الدوله مجبور بودند زیرا ماده اول قرارداد در خصوص استقلال دولت ایران حاکی است که ایشان با یك عبارات فریب دهنده خواسته اند طبقه عوام ملت را اغفال نمایند ولی خوشبختانه زود معلوم شد ملتی که قشون ومالیه اش دست دیگریست استقلال ندارد

رابعاً - بنده نمیتوانم مجبوریت ایشان را تصدیق کنم زیرا شخصی که پول گرفت راضی است و او را نمیتوان مجبور دانست کما اینکه سپهسالار که پول نگرفته بود قید فورس ماژر را در نوشته کنترل نمود مجبوریت خود را ثابت و نوشته را بی اعتبار کرد درجواب من مستمع گفت ادله شما صحیح است خصوصا اینکه مسئله پول زبان ما را الکن مینماید -

بالاخره از مطلب دور شدیم اگر بگویند که تا محاکمه نشده هر نسبتی که به وثوق الدوله میدهند اتهام است و تا محکمه صالحه حکم نکند نباید ترتیب اثر داد عرض میکنم که اتهام بر دو قسم است تهمت های وارد و تهمت های غیر وارد اگر اتهامی وارد نیست آنرا بادلیل باید رد نمود ولی اگر وارد است تشکیل نشدن محاکمه سلب نمیشود که شخص متهم در راس امور مهمه قرار گیرد بلکه برخلاف اگر متهم شاغل شغلی هم هست اورا معلق و قبل از محاکمه اورا حبس مینمایند تا محکمه رای خود را برای مدت مجازات اظهار کند وحبس قبل ازمحاکمه را از آن بابت حساب نماید

ای نمایندگان چشم ملت ایران سیاه شد بسکه از بعض رجال خطا کاری وخیانت دید وای برگزیدگان همان چشم از انتظار سفید شد از بس محاکمه رجال وطنفروش را ندید - درممالکی که مسؤلیت وزراء نبودی بی بود و در ممالکی که اهلش این درجه فراموش کارند از علائم خیانات بهمه سرایت مینماید

مصالح مملکت و منافع ملت و ناموس جمعیت فدای اغراض و قربان کیسه اشخاص میشود در مملکتی که ریسمان دزد تعقیب میشود ولی وزراء با وسایل زیر دستانه خودرا از مجازات معاف مینمایند مشروطیت چون جسم بی روانی است که بمرور طعمه وحوش و طیور شود مسؤلیت وزراء وقتی تحقق دارد که مجلس شورای ملی اقدامات و عملیات هر وزیری را که منافی مصالح جماعت است تعقیب نماید

این دفعه سوم است که آقای وثوق الدوله بواسطه عملیاتشان از صحنه سیاست دور شده و از پاکتسا میشوند — اول در اوایل جنگ بین المللی در کابینه آقای مستوفی پست وزارت مالیه — در نتیجه تحصن جمعی در حضرت عبد العظیم که منجر به تشکیل کابینه قرارداد شد — اکنون هم بواسطه حق التاز شست هم وزیر شده وهم میخواهند وکیل باشند در این سه مرتبه هیچکس از ایشان نپرسید که شما با چه عقیده سرکار میائید و یک حرف که دلالت بر پشیمانی و ندامت کند از ایشان کسی نشنید و در هیچ جریده منتشر نشده ایشان همیشه بدون هیچ قید وشرطی باشانی شده و بعد از اینکه نیات خودرا اجراء نموده اند تظاهر کنندگان انگشت خودرا جویده اند — این عملیات را بنده شبیه میکنم باکسی که شکارچی را بیرون میاورد و بعد از کشته شدن شکار برای جسد او گریه میکند حالا که مجازات در کار نیست حالا که خدمت باخیانت فرق ندارد — بلکه خیانت ترجیح دارد و تشویق میشود حالا که روح آزادیخواهان و وطن پرستان را خفه میکنیم آیا بهتر نبود که آقای وثوق الدوله اول با دو تای مجازا ماتقدم حساب مینمودند و بعد وزیر میشدند زیرا بموجب تلگرافی که آقای سپهدار نموده اند برای انجام قرارداد دویست هزار تومان گرفته اند

بی مناسبت نیست عرض کنم یکی از دوستان آقای وثوق الدوله چند روز قبل میگفت ایشان ابداً در این پول تصرفاتی نکرده و آنرا برای دولت ایران املاک خریده اند یکی از علماء عظام در جواب گفت که اگر برای دولت انگلیس گذاشته بود پسندیده تر بود - دولت مجبور برای انجام کاربزرگی داد چون صورت نگرفت باید استرداد نماید بار وثوق الدوله سنگین است خواهشمندم از این سنگین تر نکنید آنروزی که ایشان پول میگرفتند ملت کجا بود که املاک را برای ملت خریده اند حالا هم ملت که نیست و قبول املاک یک سابقه بدی است که برای مملکت ایران فوق العاده گران است زیرا هر دولتی هر وقت برای اجرای خیالش بخائنین پول داد و موفق نشد بموجب این سابقه داده های خودرا از ملت فقیر ایران مطالبه مینماید بیائید و برای خدا دست از گریبان ملت بردارید و نگذارید آقای وثوق الدوله پول را از هر کس گرفته اند باو رد نمایند و یا اینکه همین املاک را واگذار کنند — دوست آقای وثوق الدوله گفت دولت خارجی نمیتواند در ایران تملیک نماید و آقای وثوق الدوله هم بواسطه بعضی معاملات در اروپا متضررشده نمیتوانند وجه نقد ادا نمایند — عالم محترم جواب داد که فتوای من این است تملک ننمایند زیرا آنها برای ما بقدر این سابقه مضر نیست در این صورت دولت انگلیس حق دارد وجهی که بایشان داده از خودشان مطالبه نماید و چون هر مقروض در مقابل طلبکار مستقل نیست خصوصاً اینکه طلبکار هم باشد پس آن کسی که آزاد نیست چگونه میتواند وزیر ایران بشود و منافع مملکت را هم حفظ نماید کما اینکه اخیراً در زمان وزارت مالیه ایشان با بانک شاهنشاهی قرار دادی گذاشته که هم مخالف قانون است و هم بحال مملکت مضر که بنده لازم میدانم بعضی از فقرات آنرا عرض نمایم

البته آقایان در نظر دارند که مطوق فقره دوم ازماده ۹ انحصار قانون قند وشکر این است که بقیه عواید حاصله منحصراً برای ساختن راه آهن و احتیاجات مربوطه آن تخصیص داده خواهد شد و صرف آن در غیر ساختن راه آهن و متعلقات آن هم چنین استقراض از داخله یا خارجه باعتبار وجوه مزبور ممنوع است عواید حاصله بتصویب هیئت وزراء در یکی از بانک های معتبر بحساب مخصوص ودیعه گذارده میشود مشروط باینکه ولی از ودیعه بانک مزبور متعهد شود از حق تنزیل صرف نظر نماید

اینک بنده آقایان را باین عرض که میکنم متذکر مینمایم و آن این است که قوه مجریه قوانین مجلس را لازم الاجرا نمیداند — این ماده میگوید عایدات قند و چای باید بتصویب هیئت وزراء در در بانکی ودیعه گذارده شود چنین تصویب نامه تاکنون صادر نشده و بعد میگوید قبل از ودیعه بانک مستودع متعهد میشود از حق تنزیل صرف نظر کند — عایدات به بانک شاهنشاهی داده شده و چنین تعهد نامه اخذ نشده است و بعد فقره چهارم قرارداد بانک شاهنشاهی در تحت فصل قروض و مساعده و اضافه دریافتی دولت از بانک میگوید بانک شاهنشاهی باعتبار وجوهات انحصار قند و چای و مالیات راه مساعده هائی بدولت علیه خواهد پرداخت که میزان فرع آن نسبت بفرعی که بانک بابت وجوهات مزبوره در امانت ثابت بدولت علیه میپردازد صدی دو علاوه خواهد بود

این اختیارات بسته بتوافق بین دولت ایران و مستشارها خواهد بود .

(۳) دولت انگلیس به خرج دولت ایران صاحب منصبان و ذخایر و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوه متحد الشکلی که دولت ایران ایجاد آنرا برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد تهیه خواهد کرد عده و مقدار ضرورت صاحب منصبان و ذخایر و مهمات مزبور بتوسط کمیسیونی که از متخصصین انگلیسی و ایرانی تشکیل خواهد گردید و احتیاجات دولت را برای تشکیل قوه مزبور تشخیص خواهد داد معین خواهد شد

(۴) برای تهیه وسائل نقدی لازمه بجهت اصلاحات مذکوره در ماده ۲ و ۳ این قرار داد دولت انگلستان حاضر است که یک قرض کافی برای دولت ایران تهیه و یا ترتیب انجام آنرا بدهد تضمینات این قرض باتفاق نظر دولتین از عایدات گمرکات یا عایدات دیگری که در اختیار دولت ایران باشد تعیین میشود تا مدتی که مذاکرات استقراض مذکور خاتمه نیافته دولت انگلستان بطور مساعده وجوهات لازمه که برای اصلاحات مذکوره لازم است خواهد رسانید

(۵) دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران بترقی وسائل حمل و نقل که موجب تامین و توسعه تجارت و جلوگیری از قحطی در مملکت میباشد حاضر است که با دولت ایران موافقت نموده اقدامات مشترکه ایران و انگلیس را راجع بتاسیس خطوط آهن یا اقسام دیگر وسائل نقلیه تشویق نماید در این باب باید قبلا مراجعه بمتخصصین شده و توافق بین دولتین در طرحهائی که مهمتر و سهل تر و مفید تر باشد حاصل شود

(۶) دولتین توافق می‌نمایند در باب تعیین متخصصین طرفین برای تشکیل کمیته که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدید نظر نموده و با منافع حقه مملکتی و تمهید و توسعه وسائل ترقی آن تطبیق نماید .

(امضا شد در طهران در سال ۱۹۱۹)

(تشریح)

هر کس آشنا بقرار دادهای دول مستعمراتی با امرای ممالک مفتوحه و مغصوبه باشد تصدیق خواهد نمود که همین استحکام مودت و ارتباط دوستی در لزوم ترقیات طرفین ذکر میشود که در مقدمه این عهد نامه ذکر شده است چنانچه دولت انگلیس با امرای هندوستان هم معاهداتی که می نماید مبنی بر همین اساس و الفاظ است و هیچ قوم و ملت بالفاظ مقدماتی اینگونه قرار دادها مصون و مطمئن نتواند آمد الحق بنظر ارباب سیاست معنی گنجاندن بحر در کوزه مواد مختصره شش گانه این عهد نامه است که در چند ماده کوچک باجملات مختصر قشنگ همه چیز ایران را برده است بقول مرحوم امیر یعقوب خان افغانی « انگلستان بچند جملات که در مواد این عهدنامه است بدون جنگ و خونریزی مملکتی مانند ایران را بحیطه تصرف ابدی خود درآورده است »

ماده اول عهد نامه تکرار همان الفاظیست که در قرار داد و عهد نامه تقسیمیه سال ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس بسته آمده چه در همان قرارداد هم دولتین بروی کاغذ تمامیت و استقلال ایران را اقرار نموده میگویند برای بهبودی و حفاظت استقلال ایران و رفع رقابت که مانع پیشرفت ترقیات ایران بودی این تعهدات را می نمائیم ولی در عمل هر یک مداخلت های ثانی بشان و جواب نمودند

در دفاعیه خود آقای وثوق هم متمسک بهمین لفظ استقلال در این قرارداد گردیده اند و حالانکه برای یک دولت مستقل استعمال لفظ استقلال در عهدنامجات غلط است چه تحصیل حاصل را محال گفته اند ایراد همین لفظ در قرارداد اثبات بر عدم استقلال میباشد بعبارت منطقی مملکتی را که دولت دیگر در عهد نامجات استقلال او را اقرار کند همان دولت بر عدم استقلال وی هم قیام تواند کرد ، اگر ایران مستقل بودی این لفظ طریق فضول و غیر ضرورت ذکر شده و اگر مستقل نبودی باین لفظ هم استقلال حاصل نکردی و بعبارت دیگر این لفظ برای گول زدن و اسکات و بخواب نمودن صرف است آیا آقای وثوق میتوانند درقرارداد دو دولت مستقل دیگر همچنین لفظی را نشان دهند ؟ معنی استقلال دراین گونه الفاظ بمعنی حقیقی او که ما تصور میکنیم نیست و این لفظیست که دول قوی برای اسکات دول ضعیف در قرار دادهای خود می‌گنجانند و درحقیقت این لفظ برای آن بود که آقای وثوق بتوانند در مجلس شورای ملی ازخود دفاع کنند و چنانچه هم کردند

با مزه تر اینکه در همین بند ابطال استقلال ایران شده است چه میفرماید که همان تعهدات اولیه را که یکی از آنها تعهدی است که با دولت روس درسال ۱۹۰۷ درتقسیم ایران نموده تکرار می نماید درحقیقت آن قرار داد را باین ماده محکمتر ساخته است واگر چنین نبودی لازم بود دراین عهد نامه قرار دادهای اولیه را ساقط و باطل نموده مثل روسیان از نو با ما متعهد میشدند بابودن تعهدات اولیه انگلستان با ایران این الفاظ بیمعنی و محکم کننده مواد آن قراردادهاست

ماده دوم حق دولت ایرانرا در جلب مستشار خارجی جز بوساطت دولت انگلیس ساقط ساخته بعبارت ساده از روی این ماده دولت ایران نه تنها

مجاز نیست از دولت دیگر مستشار استخدام نماید بلکه بدون اجازه انگلستان مستشار نمیتواند گرفت بلکه اختیارات تامه بدولت انگلیس داده شده است که هر قدر و هرچه لازم داند مستشار بایران بیاورد

معلوم است مستشارانی را که دولت انگلیس برای ادارات ایران بیاورد اختیارات آنها ولو اینکه برضایت طرفین قرار داده یعنی بین مستشاران و دولت ایران باید تصفیه شود ولی هر کس اندکی هوش داشته باشد ملتفت میگردد که آن مستشارانی را که دولت انگلیس انتخاب کند و دستور العمل برای کارها به آنان بدهد ممکن نیست تکالیف و اختیارات شان را دولتیان ایران معین نمایند ، انگونه مستخدمین نگاشته میدروند تا برسد بجائیکه آبیاری هم کرده باشند فی‌الواقع این بند سلب کلیه اختیارات را در تمام ادارات کشوری از رجال ایران مینماید وهر مستشار را بجای خود یك وزیر مقتدر غیر مسؤل قرار داده است

(ماده سوم)

اختیارات لشکری ایران را کاملا بقبضه افسران انگلیسی میگذارد هر کس و قت باشد بوضع تشکیلات قشون انگلیس در مستعمرات معنی بند سوم را تواند فهمید . ما طرایق نمونه میگوئیم پس از یکصد وپنجاه سال خدمات افراد هندی و اطمینانیکه انگلیسیان بافسران قشون هند حاصل نموده تا کنون یکنفر هندوستانی لایق بر آن نیامده است که سزاوار عهده کلنلی هم باشد معین است که در تشکیلات نظامی ایرانیان نمیتوانستند دارای هیچ عهده ومقامی زائد برده باشی بگردند دلیل این قول همان تشکیل کمیسیونی بود که بعد از این عهدنامه بفوریت داده شد ، نتیجه آن یك افسر با غیرت ایرانی خودکشی نمود و این بند و بند دوم اختیارات لشکری و کشوری ایران را کاملا بمامورین انگلستان میسپارد

(ماده چهارم)

کاملا اختیارات مالیه ایرانرا بانگلستان می بخشاید معلوم است که برای تنظیمات امور لشکری و کشوری بقسمیکه انگلیسان مد نظر داشتند چه مقدار بزرگی استقراض لازم می آمد

نمونهٔ آن در مصر ظاهر است و حالانکه خدیو مصر تا این درجه اختیارات وحقوق بانگلیسان درکار نه بخشیده بود اگر این عهد نامه بموقع اجرا می آمد تا ایران رمقی داشت یعنی ذرهٔ هم از ثروت طبیعی او باقی بود از زیربار این استقراض بیرون نمیتوانست آمد

با مزه تر اینکه چون تمام آن استقراض بزرگ که مد نظر داشتند بفوریت ممکن نبود و دخالت فوری درکارها از خوف بلشویزان روس که مبادا موقع یافته مانع از پیشرفت این قرار داد شوند لازم آمده بود بدون اینکه بامضاء شاه برسد یا بمجلس پیش شود از یکطرف شروع بکار نموده و از طرف دیگر یکصد و سی هزار لیره بین متصدیان کار تقسیم نمود آیا همین عجله در عمل غیر قانونی اثبات نیت عاقد و معقود و نیك و زشت را نمی‌نماید ؟ چه وقتی پول دولت انگلیس نه حکم خون سیاوش را دارد در مملکتی ریخته آمد گویا اساس و شالوده کار گذارده و محکم گردیده است در حقیقت آقای وثوق منتظر قانونی شدن این معاهده نیامده کلیه اختیارات را به آقایان سپرده وعملی هم کردند

(ماده پنجم)

ختم تمام معاملات را مینماید یعنی حتی شرائین که عبارت از راه های مملکت باشد تمام به آقایان سپرده آمده بود و بدون تامل هم شروع به نقشه کشی کرده هنوزهم دعوی مصارف آن را دارند درحقیقت این قرارداد نه تنها سلب کلیه اختیارات و اقتدارات را از دولت مینمود بلکه هیچ کار وعملی را هم در آینده برای ملت باقی نگذاردند غلط گفتیم مزدوری فعله گی ، جان کندن ، کشته شدن ، خواری ، مذلت ، عبودیت همه را برای اهالی فلك زده برقرار گذارده بودند . آیا صمد خان در پیشرفت روسیان درآذربایجان تا این درجه که آقای وثوق خدمت بانگلیسان فرموده نموده بود ؟

(مادهٔ ششم)

فوریت آغاز بمداخلت شد و اصلاح گمرکات بر وفق مرام انگلستان صورت بست علی‌الظاهر این مواد گمرکی مختصر نفع ظاهری برای ایران هم داشت ولی عمده نفع آن راجع بانگلیسان بود چه بر وفق تجارت خود این گمرك را وضع کردند وخواستند ازروی این تعرفه تجارت روس را درهم شکنند چنانچه نیز شکستند و روسیان تا امروز زیربار این تعرفه نرفته اند و ملیونها بملت و دولت ایران نقصان وارد آمد

از نحوست و نتیجه همین تعرفه گمرکات ایران بودی که صادرات ایران بدرجه صفر رسیده واردات مال هفتاد کرور فزونی دارد و بهمین مناسبت استکه اولیای دولت کنونی حاضر گردیده اند که نظر ثانوی در تعرفه گمرکات خود نموده بر وفق مصلحت ملك تعرفهٔ از نو تشکیل دهند و این اقدام دولت تا یك درجه تکذیب دفاع آقای وثوق را هم می نماید چه اگر این تعرفه بحال ایران نافع بودی دولت کنونی در دفع و رفع و اصلاح آن برنیامدی

با الجمله این قرار داد سر تا پا فایده ضمیمهٔ هم دارد که مفتضح تر و خنده‌آورتر است ازمتن قرارداد و آن ضمیمه از این قرار است

(ضمیمه قرارداد)

[از طرف سر پرسی کاکس وزیرمختار انگلیس به آقای وثوق الدوله رئیس الوزراء ایران]

جناب مستطاب اجل اشرف افخم

امیدوارم که حضرت اشرف در دوره زمامداری باموفقیت خودتان در امور مملکت ایران یقین کرده اید که دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان همیشه سعی نموده است که آنچه در قوه دارد کابینه حضرت اشرف را (برای اینکه ازیک طرف اعاده نظم وامنیت در داخله مملکت تکمیل و از طرف دیگر روابط صمیمانه بین دولتین ایران و انگلستان محفوظ بماند) تقویت نماید

برای ابرازجدید این احساسات که همواره مکنون خاطر کابینه لندن بوده است من حالا ماذون هستم که بحضرت اشرف اطلاع دهم که در موقع امضاء قرار دادی که مربوط فرم هائیست که کابینه حضرت اشرف اجراء آنرا درنظر گرفته اند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضرخواهد بود با دولت علیه ایران برای اجرای مقاصد های ذیل موافقت نماید :

(۱) تجدید نظر درمعاهدات حاضره بین دولتین

(۲) جبران خسارات مادی وارده بمملکت ایران بواسطه دول متخاصم دیگر

(۳) اصلاحات خطوط سرحدی ایران درنقاطی که طرفین آنرا عادلانه تصور نمایند

انتخاب ترتیب قطعی و زمان و وسائل مقتضیه تعقیب مقاصد فوق در اولین موقع امکان موضوع مذاکره ما بین دولتین خواهد گردید

این موقع را برای اینکه احترامات فائقه خود را بحضرت اشرف تقدیم نمایم مغتنم میشمارم

[پ . ز . کاکس]

تشریح

بزرگترین دلیلی که حسن نیت و پاک عقیدت آقای وثوق را ثبوت میدهد همانا ضمیمه فوق است خیلی باید درفهم ضمیمه فوق دقیق وباریک شد که گفته‌اند

§ هر بی سر و پا لایق اسرار خدا نیست §

سر پرسی کاکس در مقدمه این ضمیمه چند امر مهم را ظاهر میفرمایند اول میگوید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همیشه سعی نموده است که آنچه در قوه دارد کابینه حضرت اشرف را تقویت نماید این عبارت خیلی معنی خیز است این همان عبارتیست که عباس میرزا درعهد نامهٔ ترکمانچای گنجانده سلطنت را بخاندان خویش بحمایه دولت امپراطوری روس برقرار داشت در حقیقت این مراسله آقای وثوق را ایقان میدهد که مقوی کابینه شما دولت قوی شوکت انگلستان است چرا که هم اعاده نظم در ایران نموده و هم تحکیم روابط بین دولتین داده یعنی این معاهده را برقرار گذارده اند کوشش آقای وثوق وسرعت عملی شدن این قرار داد بفوریت برای این بود که در صورتیکه این قرار داد قایم ماندی وزارت آقای وثوق برای همیشه مسجل میماندی در حقیقت اگر این قرار داد قایم ماندی مانند عباس میرزا که سلطنت را بخاندان خود تخصیص داد وزارت در خاندان وثوق قایم میماند همین مسان اثبات خیلی امور دیگر را هم مینماید یعنی تعیین وزارت از خصایص سفارت میشد و از اختیار شخص پادشاه خارج میگردید قدریکه باریکتر شویم خواهیم دید که اساس مجلس را هم متزلزل مینماید چه از روی قانون اساسی اعتماد اکثریت مجلس به کابینه لازم بودی درصورت تقویت دولت انگلستان از کابینه آقای وثوق قطعاً این امتیاز هم از مجلس ساقط می آمد و درحقیقت اگر این معاهده برقرار ماندی اول تیشه ریشه مشروطیت زده میشد و مجلس برای اسم هم باقی نمی ماند و اختیارات شخص پادشاه هم در تعیین وزارت مرتفع میشد این مسئله را کسانی میدانند که از اوضاع وزارتهای تمام حکومت‌های استعماری واقف باشند مثلاً حکومت هند در امور داخله امراء خود مختار دولت انگلیس فقط وزارت آنجا ها باشاره واستشاره نماینده انگلیس تعیین میگردد عجب نکته باریکی دراین مراسله ذکر و عجب استادی بزرگی بکار برده شده است مسلم است که آقای وثوق تا دم واپسین هم باید حامی چنین عهد نامهٔ باشند چه مادر گیتی عقیم است که برای ایشان چنین خوش بختی دیگر نزاید اینکه بسیار قابل غور است که مقدمه این ضمیمه قرار داد (سر پرسی کاکس) بطرف طمع خود نگاشته یا بخواهش آقای وثوق . معلوم است یک چنین ذمه واری و تضمنات سیاسی را مرد سیاسی و آهنگی مانند سر پرسی کاکس تا ناچار نبودی نمی نمود نتیجه چنین میشود که مقدمه این ضمیمه بر حسب خواهش آقای وثوق نوشته شده حالا خوب است از ایشان پرسش شود که غرض شما ازجلب حمایه وتقویت تاج وتخت انگلستان بکابینهٔ خودتان چه بوده آیا معنی این تقویت خارج شدن اختیارات تغییر و تبدیل این کابینه از شخص پادشاه و مجلس چیز دیگر بوده است آیا در صورتیکه این قرارداد باقی ماندی قانون اساسی ایران باقی میماند و کسی میتوانست مشروطیتی برای ایران

قائل شود . این ضمیمه سه ماده دیگر هم دارد

(۱) تجدید نظر درکلیه قرارداد های سابقه
این ماده باوجود چنین قرار داد چندان لزومی نداشته ولی برای اینکه هیچ جای حرف باقی نماند و کلیه معاهدات سابقه که درغالب مواد آنها قائل بحقوق متساویه بین دولتین شده اند . محو و باطل گردد این ماده ذکر شده است

(۲) اینست که دولت انگلیس مساعدت خواهد نمود در جبران خسارات وارده بایران بوسطه دول متخاصم دیگر درموقع جنگ مخفی نماناد که این وعده عرقوبی‌در تاریخ ۹ اوت ۱۹۱۹ داده شده ودرحقیقت اشتشوئی است که در مقابل مراسلات کمیسر خارجه روس که در تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ و ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ نوشته بود و این جواه در بی جهه گنجانیده آمد که تا درجه رفع الزام را از عاقد این قرارداد بنماید این ماده وقتیکه با سائر مواد قرار نامه پهلوی هم گذارده آید نتیجه این‌خواهد شد که دولت انگلیس برای ایران تاوان جنگ را تحصیل خواهد نمود چه ایران پس از عقد چنین قرار دادی‌قائم الذات نماندی برفرض هم که دولت انگلیس دعاوی ایران را بمجلس صلح پیش میکرد نتیجه این میشد که الزام بروس و ترکی داده تمام خرابیهای ایران را از آنها گرفته لشکری کشی‌های خویش را معقاله و مدافعانه ستوده بدون اینکه دیناری هم عاید ایران بگردد یک ماده عداوت و نفرتی هم بین ایران و روس و ترکی میگذارد ، چنانچه لارد کرزن رئیس هیئت صلحیه ایران جواب گفته واجازه نداد که دعاوی ما مستقیماً بمجلس صلح ازطرف هیئت صلحیه ایران پیش شود ،

بمزه تر اینکه لفظ متخاصم دیگر در این ماده گنجانده شده تصدیق گرفته است از آقای وثوق که دولت انگلیس ذمه ور هیچگونه خساره در این همه لشکر کشی ها نیست

ماده سوم این مراسله تصریح تشکیل کمیسیون مختلط در سرحد بندی ایران شده ارباب درایت را در اینجا عقل حیران استکه سرحدات ما با عثمانی درسال ۱۹۱۳ تعیین آمده بود لهایت عراق عرب که متعلق به عثمانی بود مجزی گردیده لزومی به تعیین سرحد جدید ایران نبودی سرحدات ما هم با روس معین بودی پس مرس از این ماده دو امر بوده اول پیشرفت نقشه لارد کرزن در استقلال کردستان و این امر را همین کمیسیون سرحد بندی بدون مناقشه تصفیه میکرد و ازدهنه آذربایجان تا برسد به بروجرد از ایران مجزی میگردید دوم الحاق عمده اراضی نفت خیز ایران بعراق عرب چنانچه یک حصه از آن اراضی نفت خیز ایران درسال ۱۹۱۳ در موقع سرحد بندی بعراق واگذار گردیده بود تکمیل آن در این سرحد بندی جدید میشد یک جمله هم در چند مقام در این قرار داد و ضمیمه آن تکرار آمده و آن توافق نظر دولتین است درست باید دقت نمود دولتی که در رأس آن آقای وثوق قرار گرفته باشد و کابینه که بنص این مراسله تاج و تخت انگلیسانش تقویت بخشد وبموجب این قرارداد امور لشکری و کشوری ومالی و کلیه شرائین مملکت در اختیار و اقتدار انگلیسان گذاشته باشد توافق نظر کمیسیون جز تسلیم مطلق اعضای ایرانی چیزی دیگر تصور میشد ؟ بهترین مصدق حسن وقبح عهدنامه و ضمیمه آن همانا ابلاغیه است که وزارت خارجه امریک در این موقع در ایران انتشار داده که ذیلا می نگاریم

ابلاغیه وزارت خارجه امریکا

(در موضوع قرار داد ۱۹۱۹)

در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۱۹ ازطرف سفارت امریکا در طهران بنام ملت ایران منتشر شده

(طهران سفارت امریکا)

دولت اتازونی بشما تعلیم میدهد نزد زمامداران ایران و اشخاص علاقه‌مند این مسئله را تکذیب نمائید که دولت اتازونی از مساعدت نسبت بایران امتناع ورزیده است ، امریکا همواره علاقه خودرا برای سعادت ایران بطرق بسیار اظهار و ابراز داشته نمایندگانی که از طرف دولت اتازونی در کمیسیون صلح پاریس عضویت داشته اند مکرر کوشش و مجاهدت کرده اند سخنان نمایندگان ایران را در کنفرانس صلح مورد استماع قرار دهند . نمایندگان امریکا متعجب بودند چرا معاهدات آنها پیش ازاین به تقویت و مساعدت تلقی نمیشود لیکن اکنون معاهده جدید معلوم میدارد که بچه علت امریکائیها قادر نبودند سخنان نمایندگان ایران و باصفا برسانند و نیز معلوم میگردد که دولت ایران در طهران با مساعی نمایندگان خود در پاریس مساعدت و تقویت کافی ننمود . دولت اتازونی معاهده جدید ایران و انگلستان را باتعجب تلقی مینماید معاهده مزبور معلوم میداد باوصف آنکه نمایندگان ایران را پاریس علنا و موکدا طالب مساعدت وهمراهی امریکا بودند ایران ازاین ببعد مایل بکمک یا تقویت امریکا نمی باشد

تشریح

ابلاغیهٔ رسمی دولت جمهوری امریک پرده از روی خیلی از مسائل مکنونه این معاهده برداشته جای کلام برای هیچکس باقی نگذارد آقای وثوق میتواند

بهمکیشان خود بفرمایند که شما هائی بحقیقت و منافع این عهدنامه پی برده اید ولی نمیتوانند بگویند که وزارت خارجه اتازونی هم از سیاست عاری و از کنهیات این قرار داد واقف نیست و مضار و منافع سیاسیه این قرار داد را نفهمیده است و یا اینکه موقع آن روزه ایران و مقتضیات آن را که آقای وثوق در بیانات خود متذکر شده ملتفت نبوده است چه همه میدانیم که سفرای خارجه در طهران موقع و مقتضیات ایران را از وزراء ما بهتر ملتفت اند باید دانست که دولت اتازونی بادولت انگلیس دوست و متحد و شریك درجنگ بود در معاملات ایران بیطرف وفقط از روی انسان دوستی و آزادی مندی برای تازیانه غیرت ایرانیان و بهوش آوردن اولیای غفلت زده ایران و دفع افواهات کاذبه و رعایت نزاکت سیاسی را منظور نموده این ابلاغیه را اشاعه واظهارنموده خودرا برای قرارداد ازروی استعجاب بیان میفرماید ، نمیدانیم آیا با این ابلاغیه وکشفیاتیکه از عملیات ابتدائی این قرارداد ظاهر گردید هنوز هم آقای وثوق این قرارداد را مطابق استحسان میفرمایند ؟

از ابلاغیه دولت اتازونی چند امر مترشح میشود

اول اینکه دولت آمریك کمال مساعدت را در مجلس صلح نموده که حقوق ایران پرداخته یعنی تاوان خسارات مالی و جانی و خرابی ملکی که بایران واقع شده تادیه آید

دوم اینکه هیئت صلحیه ایران که برای پیشرفت در معاملات صلح و تصفیه خسارات ایران در پاریس رفته بودند که رأس شان آقای مشاور الممالك وزیر خارجه کنونی بوده خیلی در کار مجد بوده اند

سوم اینکه دولت ایران که در راس آن آقای وثوق بودند مساعد نمایندگان خود در پاریس نبوده گویا مائل بیافتن خسارات خویش را از متجاوزین نبوده اند

چهارم اینکه باوجود مساعدت آمریك با عقد این قرار داد ممکن نبودی که ایران مستقیماً حقوق خودرا پیش نموده و بخواهد وبهمین جهت بودی که پس از امضا برقرارداد لارد کرزن برئیس هیئت صلحیهٔ ایران گفت « باوجود این قرار داد و صحهٔ وزارت خارجه و امضای رئیس دولت و صحهٔ شخص پادشاه دیگر برای ایران مقام آن نمانده است که بلا واسطه بمجلس صلح مراجعه کرده خسارات خویش را بخواهد دولت انگلیس ازروی این قرارداد حافظ حقوق ایران است و در مجلس صلح هر گونه مقتضی باشد اقدام خواهد نمود » این بود که مشاور الممالك برآشفته وفرمود که تا این قرارداد را برهم نزنم از پای نخواهم نشست ازاین رو یك سر بمسکو آمده بدواً عقد قرار داد با روس را که زمینه آن موجود بود تکمیل نموده در حقیقت قرارداد با روسیه بود که این معاهده را باطل ساخت ، باید گفت از شامت این قرار داد دولت ایران موفق نیامد که خسارات واردهٔ بر خویش را در مجلس صلح دول پیش نموده از پیش ببرد و هنوز هم مسئله تاوان خسارات ایران از دول متجاوز که بی طرفی ایران را شکسته و از این سر تا آن سر مملکت را لگد کوب سم ستور خویش ساخته بالغ بر یك ملیون نفوس مقدسهٔ ایران مظلوم را شکار مرگ ساختند باقی است یعنی مرور زمان در این گونه معاملات تصرف نتواند نمود اینکه نوشتیم یك ملیون نفوس ایران تلف شده اغراق نیست مقتولین وبا و شهیدان قحط وغلا و بدار زدهگان و کشتگان از دم توپ و تفنگ را اگر حساب نمایند از یك ملیون بالغ است علاوه بر این خرابیهائیکه از قشون متجاوز با وجود اعلان بیطرفی در ایران پدید آمده تا ۵۰ سال دیگر عمران نتواند یافت . چرا نگذاردند دعاوی ایران رسماً پیش شود ، میدانستند که با مساعدت دولت اتازونی ادعاوی حقه ایران قطعیاً تاوان خسارات بایران داده خواهد شد و عمدهٔ این خسارات یا پنج دولت انگلیس برگردید چه بیش از همه دول قشون انگلستان بود که از غرب به شرق و از شمال بجنوب بدون هیچگونه رادع و مانع خاك ایران را لگدکوب کرده تو بره ساختند واین نکته باریك چیزی نبوده که از کله آقا وثوق و امثال ایشان تراوش نموده باشد عدم مساعدت دولت ایران بنمایندگان صلحیه پاریس از اثر تعلیمات مقویان کابینه ایشان بودی اینجا مسئله خیلی باریك میشود نمیدانیم مدافعین آقای وثوق این مراتب عالی را چگونه دفاع خواهند فرمود برای وصول تاوان ایران کوششی که شده بود بقسمیکه یك از واقفین روس از پاریس بما نوشته ذیلا می نگاریم

خلاصه مکتوب پاریس

(گویم بد و گر نگویم بدتر)

ازکی بنالیم و از کی شکایت کنیم هرچه هست
از قامت ناساز بی اندام خودمان است

پریشب در ملاقات خصوصی با مستر ویلسن که خانم شان ومروج السلطنه نیز حاضر بودند درموضوع مساعدت ایشان بدعاوی ایران خیلی صحبت شد و خانم شان هم بیش از آنچه تصور شود مساعدت فرمود نقشهٔ خسارات ایران معین شده بود عادلانه هم حك و اصلاح شد نمیدانیم چه پیش آمد که سه روز بعد کابینهٔ طهران از همراهی هیئت صلحیه پاریس یکدفعه تقاعد ورزید مستر ویلسن فرمود که نمی توانم بدون مساعدت حکومت خود تان این مسئله را بیش از این پیشرفت دهم چه میدانید برای پیش نشدن دعاوی ایران خیلی ها ساعی اند . و و و

حالا ما وجداناً سؤال میکنیم آیا آقای وثوق ابلاغیه آمریک را تکذیب میکنند ؟ آیا ثبوتی دارند که در آن موقع موید نمایندگان صلحیه خودشان در پاریس بوده اند ، آیا کدام صرفه و صلاح برای ملت و دولت ایران از این قرارداد فهمیده که حتی سیاسیون آمریک هم نفهمیده بودند آیا ذمه دار خساره که از عدم مساعدت کابینه ایشان بایران وارد آمده کیست ؛ آیا روزی هم خواهد آمد که حس عدالت خواهی در ملت ودولت ایران پیدا گردد ؟ آیا زمانی خواهد رسید که تاریخ ملی ما سیاه را از سفید وصحیح را از سقیم فرق نهد ؛ میترسیم ایش از این قلم سر کشی کند و جوش درونی و حس انصاف خواهی سر طغیان گذارده بگوید گفتنیها را و ناگفتنیها را بهتر آنست که در اینجا مراجعه به تشریحات آقای دکتر مصدق هم بشود که گفته اند

§ عندلیب آشفته تر میگوید این افسانه را §

بیانات آقای دکتر مصدق

(در موقع معرفی کابینه بمجلس)

[مورخه ۲۹ شهریور ۱۳۰۵]

بنده هیچ نمیخواستم که روزی در مقابل پروگرام کابینه حضرت آقای مستوفی الممالک ذره مخالفت نمایم ولی متاسفانه تشکیل این کابینه از ابتدا طوری شده که بنده با آن موافق نبودم و اکنون هم در پروگرام آن نمی‌توانم موافقت نمایم پروگرام یعنی تعیین خط مشی پروگرام یعنی پیش بینی امور مفید و ممکن الاجرا ولو اینکه پیشنهاد کننده نیت خوب نداشته باشد بلکه معمولا پروگرامها پر از مواد مشعشع و درخشان است لذا بنده به پروگرام چندان آنقدر اهمیت نمیدهم و در مجریان آن قضاوت می‌نمایم اگر پروگرام عالی نباشد چنانچه مجریان مواد آن متخصص و صلاحیت داشته باشند نتیجه فوق مطلوب خواهد شد بر خلاف اگر پروگرامی از آن بهتر باشد ولی مجریان بصیرت و صلاحیت نداشته باشند اجرای آن مفید واقع نمیشود وگاه بر خلاف مطلوب نتیجه میبخشد

در ممالک خارجه هر وقت وضعیات فوق العاده است ... دولت از اشخاص مختلف المسلک تشکیل میشود تا اینکه نظریات احزاب سیاسی در یکجا مرکزیت یافته و بواسطه اجتماع نمایندگان قوای مختلف احزاب پروگرام سهل و مملکت از بحرانهای سیاسی نجات یابد ولی دیده نشده که کابینه از اشخاصی تشکیل شود که بعضی به بقا و تعالی مملکت عقیده مند بود و بعضی نباشند معلوم نیست که در چنین کابینه مسؤلیت مشترکه چگونه محفوظ و پروگرام چه طور اجرا میشود کدام یک از این دو دسته نظریات دیگریرا تعقیب می‌نمایند

در جلسه قبل بنده میخواستم که عدم موافقت خود را نسبت به دو نفر از اعضای این کابینه (آقای وثوق‌الدوله و آقای فروغی) عرض نمایم

آقای فروغی که سمت وزارت جنگ معرفی شده‌اند مرتکب اعمالی شده اند که بعضی را در موقع عرض میکنم و در این جلسه فقط به دو مراسله که مطابق اطلاعات من سفارتخانهای دول مجاور نوشته اند میپردازم

اول - مراسله‌ایست که سفارت دولت شوروی نوشته و موافقت خود را در قضاوت دعاوی اتباع آن دولت در اداره محاکمات وزارت خارجه اظهار نمود و بعبارت اخری عهد نامه ترکمن چای و برقراری کاپیتولاسیون را تجدید نموده است بی‌مناسبت نیست عرض کنم در پنج سال قبل روزی بنده به خدمت وزارت مالیه مفتخر شدم اجازه نامهٔ دیدم که برطبق تصویب نامه هیئت وزراء وقت سفارتخانه دولت شوروی میخواست بانک استقراضی روس را که در آن ایام بر طبق عهد نامه بدولت ایران رسیده بود ماهی پانصد تومان اجاره نماید بنده از امضای آن خود داری نموده و در جواب سؤال نماینده مختار گفتم که تصرف بانک ممکن است موجب سوء تفاهم شده و مردم چنین تصور کنند که عهد نامه ایران و روس فقط در باغ سبزی است که می خواسته قبل از تمام دول باب شناسائی و روابط را با ایران باز نماید چون نماینده مختار شخص منصفی بود تجدید تقاضا نکرده و قضیه را بلا تعقیب گذاشت حال معلوم میشود که مطلب همانطور هائی است که گفته شده زیرابعضی از فصول این عهد نامه اجرا نشده و در بعضی هم مکاتباتی شده از آن جمله مراسله ایست که عرض شد

سابق هر وقت در خصوص کاپیتولاسیون مذاکره میشد می گفتند که چون ایران قانون جزائی دولتی ندارد دول مسیحی نمی خواهند اتباع خود را تسلیم قضات محاکم شرع کنند و متعذرند که در این قبیل محاکم بواسطه احساسات مذهبی ممکن است بی طرفانه حکومت نشود حال می بینیم که بعد از انعقاد عهد نامه ایران و روس با اینکه قانون جزا تصویب نشده بود روسها به نسخ کاپیتولاسیون راضی شدند ولی در کابینه فروغی با اینکه قانون جزا هم از کمیسیون قوانین عدلیه گذشته بود از آقای فروغی نوشته برقراری کاپیتولاسیون گرفته اند

دوم مکاتبه ایست که فروغی با سفارت انگلیس نموده و در آن قریب بیست کرور تومان دعاوی آن دولت را نسبت بایران تصدیق کرده است حقیقت

چقدر معامله خوبی است که بعضی برای اختناق و فروش ایران پول بگیرند و آقای فروغی اصل را با فرع تصدیق نماید

اگر در سایر ممالک وزیر با هیچ سفارتی مکاتبه نمی کند و هیچ سفارتی سند نمیدهد مگر اینکه بعد از تصویب مجلس باشد متاسفانه در این مملکت فروغی و امثالش اول بعضی این قبیل نوشتجات میشوند تا بعد مجلس تصویب نماید بعبارة اخری اول روس دولت را به دست می دهند تا بعد رئیس ملت هم به دست آید

فروغی چون تصور میکردند که وزراء کابینه اش موافقت نماید مطابق اطلاعات من این نوشتجات را بدون اطلاع امضا صادر نموده چنانچه غیر از این است آقایان امضاکنندگان که در کابینه ایشان وزیر بوده اند امروز در مجلس حاضرند تکذیب فرمایند چه سبب است که فروغی تا این درجه در خیانت تجاسر نمایند ببینید بسبب جهل آن کسانی که مدعی تجددند و از آن اول به مقاماتشان رسیده و بوده و [illegible] آن اشخاص که به وطنخواهی و مملکت دوستی معروفند ولی امتیازی بین فروغی و غیر او [illegible]

پس جهل است که ما را [illegible] میکند و این رویه است که خائن را [illegible] می نماید و الا بفروغی می گفتیم هیچ [illegible] اسلام را با غیر اسلام در شرایط غیر متساوی گذارد این معنی که اگر مسلمی در روسیه خلاف نموده روس ها او را بدار زنند ولی اگر یک روس در ایران [illegible] مخالف قانون اسلام نموده محاکمات وزارت خارجه در دفتر خود یاد داشت نموده و او را بروس ها که قانون شرع عقیده ندارند تسلیم کند که در روسیه هرطور خواستند رفتار نمایند چون ما نمی خواهیم که فرمایش رسول خدا را اجرا نمائیم که می فرماید - الاسلام یعلو ولا یعلی علیه و به تشخیص امر را از طرق قوانین بین المللی [illegible] و در نتیجه حیثیات اسلام و ایران را حفظ کنیم فروغی را بعد ازاین عمال در راس قوای دفاعیه مملکت قرار می دهیم که با این عقیده حافظ و مدافع مملکت باشد و در آتیه صلاح خود را در این رویه رفتار بداند و اگر دفعه دیگر ریاست وزراء رسید آخرین چوب حرج را زده باشد کما اینکه از اول عصر جدید ایران تاکنون فروغی بواسطه همین اوصاف صوری ندیده و همیشه در کار بوده و اگر گاهی هم مثل امروز غیر از وزارت یکی دو کار دیگر ریاست دیوان تمیز و ریاست مدرسه حقوق را ذخیره نموده که اگر از مقام وزارت کناره جوئی کرد باز مملکت از آثار وجودیه ایشان مستفیض شود

مکاتبات فروغی چون مخالف عهد نامه ایران و روس و بر خلاف قانون اساسی است بنده بانها وقعی نمیگذارم و کان لم یکن میدانم فقط از آقای رئیس الوزراء سؤال می نمایم که آیا آدم بیکار صحیح العمل وطن دوست در مملکت نیست که باید فروغی در مسافرت هم وزیر بوده و از حیثیات این مقام استفاده نموده و حقوق آنرا دریافت نماید؟

آیا این رویه مشوق خیانت نیست و آیا این طریقه وطنخواهان را مایوس نمی نماید؟

اما نسبت باقای وثوق الدوله که در صدر قوه قضائیه واقع شده اند بی مناسبت نیست عرض کنم وقتی که بنده در شیراز بودم روزی قونسول انگلیس برای امور اداری نزد من آمده بود از آقا سید ضیاء الدین کابینه رسید پرسیدم چه نوشته گفتم که قرار داد را لغو و مرده است حاضر و گفت در انگلیس یک ضرب المثلی است که می گویند مرده را کسی چون نمی زند قرار داد مرده بود و حاجت لغو کردن نبود بنده هم چون نمی خواستم که گرده مرده چون ارام میخواستم که [illegible] آیا فراموش نموده اند [illegible] و مؤسس قرار داد اصیلانخاطر نمایم که [illegible] در این خطوط [illegible] یکی از شب ها [illegible] که آقای رئیس الوزراء منزل من آمدند و فرمودند که با آقای وثوق الدوله مخالفت نکنم عرض کردم شرط اینکه آقای وثوق الدوله در مجلس [illegible] فرمایند در جواب من فرمودند قرار داد [illegible] است که قرار داد در صلاح مملکت [illegible] شده و حاضرند که در مجلس از این عقیده دفاع نمایند عرض کردم عقیده ملت ایران که خود حضرت عالی هم یکی از افراد آن هستند غیر از این بوده و خواهد بود [illegible] این بنده فرمایش حضرتعالی را نمی پذیرم و از برای اینکه مخالفت من حمل بر غرض شود حاضر شدم که اگر آقای وثوق الدوله مخالفت دارند آقای رئیس الوزراء حضور ایشان در مجلس فرمایشاتی فرمایند از مقصود برسیدم و در اثناء اشخاص مختلف با بنده مذاکراتی نمودند بعضی را عقیده این بود که اگر مجلس ثانیاً موافقت نکرد صلاح نیست در این صورت مقتضی نیست که مذاکره شود و برخی میگفتند که این مطلب را باید موضوع صورت مجلس قرار داد واقعاً اگر اعضای این مجلس که اکثریت آن وکلای دوره چهارم که بیان حقیقت را امضاء نموده اند از هم استقلال ایران [illegible] استقامت می کنند و عقیده خود را در صلاح مملکت اظهار می نمایند - بنده هم چون نمی توانستم مخالفت خود را بدون دلیل استرداد کنم و بوطن پرستی

نمایندگان اطمینان دارم با عقیده اخیر موافقت و اعتراضات خود را نسبت بقرار داد و فاتل آن عرض می نمایم اینك اعتراضات من

جریده ستاره ایران در جواب لایحه دفاعیه ایشان در تاریخ ۲۵ و ۲۹ رمضان ۱۳۰۵ پانزده فقره تصویب نامه و امتیازاتی که از زاده های ایام فترتند در شماره ۱۳ و ۱۵ خود منتشر و می‌نویسد تقریباً تمام آن ها بامضای وثوق الدوله بوده بدون اینکه از مسئولیت او بکاهد دو مسئولیت متوجه مشار الیه میسازد یکی مسئولیت اختصاص که بسمت وزیر امور خارجه امضا کرده و دیگر مسئولیت اشتراکی که در قانون اساسی مصرح است -

اگر وثوق الدوله مدعی است بعضی از این امتیازات بامضای او نبوده آیا می تواند منکر شود مقدمه و زمینه آن ها در زمان وزارت او حاضر و فراهم شده است اعطائیه امتیازات اعطا شد بخارجه در غیبت مجلس بخوبی معلوم می نماید که فروش ثروت طبیعی ایران در زمان مشروطیت بیشتر بدلالی ماهرانه وثوق الدوله انجام یافته و از آنجا که وقوع اتفاقات مکرر فلسفه محال بوده و عقل تصدیق میکند که طبیعت و تصادف بطور تکرار یك فرد را بدون اراده باو در یك موقعیت مخصوص قرار دهد به بداهت نظر معلوم می گردد که تصادف تقاضای امتیازات با زمان وزارت وثوق الدوله بکلی بی اطلاع او نبوده و مسلماً تقاضا کنندگان از مساعدت و همراهی وثوق الدوله اطمینان داشته اند که از موقع استفاده نموده و در آن اوقات تقاضای امتیاز کرده اند و شاید میدانسته اند وثوق الدوله هوادار منطق « اگر من نکنم دیگران خواهند کرد » بوده و بلندی نظر و علوهمتش منابع ثروت طبیعی مملکت را چندان بزرگ ندیده و مهم نشمرده و حاضر شده است یکی را بعد از دیگری فدای استقلال مملکت سازد و این عملیات مکرر را ارتکاب اقل المحظورین خوانده مجاز داند

وثوق الدوله می گوید بنام سلامت وطن امتیازات داده شده این ادعا شبیه به این است که طبیبی بنام سلامت بیمار اعضای او را یکی یکی قطع کرده و تمام خون او را بگیرد چنانکه هنوز از خاطر محو نشده که یك روزی همین طبیب حاذق رای به شقاقلوس بودن حساس ترین عضو ایران « آذربایجان » داده و تصریح فرمودند که این عنصر فاسده باید قطع شود -

آقای وثوق الدوله عمداً سهو می کنند که دادن امتیازات را مانع انجام سایر تقاضا های اجانب قرار می دهند چه تجربه و مخصوصاً در زمان مشروطیت که خود وثوق الدوله غالباً مصدر امور بوده ثابت کرد که تسلیم محرك طمع بیگانگان و مایه تجری آن هاست فقط مقاومت یك دولت است که میتواند حدی به تقاضای غاصبانه دول مجاور بدهد این است مندرجات جریده مزبوره که در آن تاریخ منتشر شده -

و چون بنده تکذیبی نسبت بگفته های آن ندیدم عرض میکنیم چنانچه مطابق واقع نیست تکذیب فرمایند کما اینکه خود بنده هم چون مدتی در ایران نبودم نمی دانم آقای وثوق الدوله چه وقت و در چه موقعی رأی شقاقلوس بودن آذربایجان داده است

شایعات کاذبه بقدری زیاد است که من تا مدرك نباشد بهیچ چیز یقین نمی نمایم -

از جمله تصویبات و امتیازاتی که جریده ستاره ایران به آقای وثوق الدوله نسبت داده

قرارداد ۱۹۰۷ راجع به منطقه شمال وجنوب است با مذاکراتی که درمجلس اول نسبت به قرار داد مزبوره شده و محمد علی میرزا هم آن را نشناخت آقای وثوق‌الدوله در زمان وزارت خارجه خود آن را تصدیق نموده اند

۲ — امتیاز راه آهن جلفا و از هر طرفی ده فرسنك امتیاز معادن آن و امتیاز امتداد راه آهن از جلفا به دریاچه ارومی

۳ — امتیاز معادن حوزه بحر خزر به خوشتاریا که اهمیت این امتیازات تا درجهٔ بود که روس ها از الغاء آن ها در عهد نامه ایران و روس منت عظیمی به ملت ایران گذارده اند

٤ — شناختن پلیس جنوب وغیره وغیره

که بعد بالاخره این مصالحات را برای سلامت وطن کافی ندانسته و تسلیم بلا شرط آن را بوسیله قرار داد ۱۲ ذی قعده ۱۳۳۷ که مطابق است با ۱۷ اسد ۱۲۹۸ شمسی و ۹ اوت ۱۹۱۹ میلادی اصلح دانسته اند و چون جزائیون معتقدند اگر کسی چند فعل خلاف نمود باید اورا برای فعلی تعقیب کرد که مجازاتش در قانون بیشتر باشد بنده به بزرگترین خیانتی که ایشان مرتکب شده اند می پردازم که قرار داد است قرار داد یعنی تسلط دولت مسیحی بر دولت مسلمان، و بزبان وطن پرستی اسارت ملت ایران عقیده مسلمین این است که حضرت رسول اکرم و پیغمبرخاتم صلی‌الله علیه‌وآله وسلم پادشاه ایران است وچون پادشاه ایران مسلمان است سلطان ایران است و بر هر ایرانی دیانت مذهبی و هر مسلمان شرافت مذهبی فرض است که در اجراء فرموده پیغمبر خدا که میفرماید الاسلام یعلوا ولا یعلی علیه از وطن خود دفاع

بانک شاهنشاهی تا معادل مبلغ کل حساب های امانتی ثابت دولت علیه که در هر موقع نزد بانک است مساعده های موقتی و قروض و فاضل مدیونی در حساب های دولت را خواهد داد و فرع آن از قرار صدی دو فوق فرع وجوه امانت ثابت یکساله که بانک شاهنشاهی میدهد خواهد بود — در مواقعیکه میزان مساعده های موقتی و قروض فاضل مدیونی در حساب های دولت از جمع کلیه وجوه امانات ثابت دولتی نزد بانک شاهنشاهی تجاوز نماید فرع قسمت اضافه از قرار صدی سه فوق حد اقل فرعیکه بوجوه امانات ثابت تعلق میگیرد خواهد بود آیا جمله اول این فصل « بانک شاهنشاهی باعتبار وجوهات انحصار قند و چای و مالیات راه مساعده هائی بدولت علیه خواهد پرداخت » — مخالفت با قانون عایدات قند نیست که میگوید « استقراض از داخله یا خارجه باعتبار وجوه مزبور ممنوع است »

و اما راجع بمضار این قرار داد در اینجا دو نظریه اقتصادی و نظریه سیاسی است نظریه اقتصادی محتاج بمطالعه نیست که اهل خبره یعنی اشخاص بصیر بامور مالی در آن نمانده ولی نسبت به سیاسی نظریه بنده این است که فصل ششم این قرار داد که میگوید « بنا بر مقررات فوق الذکر وزارت مالیه موافق است که در تمام مدت اجرای این قرار داد کلیه معاملات بانکی دولت علیه در ایران که در اختیار خود باشد و همچنین معاملات مبادلاتی وزارت خانه که در آن خصوص بانک شاهنشاهی ایران مختار است قرار داد علیحده منعقد نماید بلا استثنا توسط بانک شاهنشاهی ایران صورت خواهد گرفت از دولت ایران سلب آزادی کرده و وسائط بانک را در کلیه معاملات بانکی وزارت مالیه تصویب نموده است — هر کس ماده چهارم قرار داد انگلیس و ایران که میگوید « دولت ایران حق تادیه قرض را در هر تاریخی از عایدات هر قرض انگلیسی که ممکن است عقد کند حق خواهد داشت میخواهد استنباط میکند که نویسنده این دو ماده یکی است — این ماده از دولت ایران سلب آزادی میکند که از هیچ دولتی ولو به تنزل کمتری نتواند استقراض نموده قرض دولت انگلیس را تادیه نماید

فصل ششم قرار داد بانک شاهنشاهی هم دولت را ملزم میکند که با هیچ بانکی غیر از بانک شاهنشاهی طرف داد و ستد نباشد مثلا اگر یک تاجر ایرانی برای معاملات تجارتی خود در لندن به لیره محتاج شود بخواهد نرخ روز از وزارت مالیه بحواله کمپانی نفط جنوب خریداری کند قرار داد وثوق الدوله با بانک اوراهم از این نفع محروم و محکوم بفقر اقتصادی نموده است و یا اگر بانک دیگری خواست با شرایط بهتری با دولت ایران معامله نماید چون این قرار داد مانع است دولت باید از این استفاده محروم باشد

معتقدم بنده اگر این قرار داد سر تا پا بهره باشد این شرط مضر بمصالح ما است و هیچ دولتی از خود سلب آزادی نمیکند که وزارت مالیه آقای وثوق الدوله از دولت ایران نماید

دولت آزاد است که شرایط هر کس بهتر است با او معامله نماید بنا بر این اول بنده عرض میکنم که شرایط اقتصادی تامین نیست زیرا هیچ اصل اقتصادی تامین نمیشود مگر اینکه قانون عرضه و تقاضا در کار باشد — یعنی انحصار و رقابت را از میان ببرد تا ایران فروش [illegible] و از معامله با [illegible] اجتناب نماید ولی اگر قانون عرضه و تقاضا در کار نباشد و از خود سلب آزادی نموده و مجبور باشد که همیشه با یکطرف طرف بشود نرخ معاملات تجارتی دست بانک و این قرار داد فقط در منافع و منعقد شده است و قسمت اول از فقره دوم این قرار داد که میگوید « نرخیکه بانک شاهنشاهی ایران از آقرار بروات تلگرافی یا کتبی را از دولت علیه خریداری مینماید از میزان نرخ فروش بانک در روز معامله صدی نیم کمتر خواهد بود » حاکی از این نظریه است زیرا هر موقع که دولت عایدات نفط جنوب را به بانک حواله می دهد که در لندن از کمپانی بگیرد لیره دولت بمبلغی تسعیر میشود که بانک شاهنشاهی در آن روز یک عده لیره به نرخیکه میخواهد در طهران بفروشد

این قرار داد برخلاف اصل ۴۰ قانون اساسی است که مذکور شده تا بتصویب مجلس نرسد نمیتوان آن را اجرا نماید آقایان محترم در آن موقع هر طور صلاح بدانند بفرمایند و نظر اینکه در قرار داد این شرط نشده لذا با قانون اساسی مخالف است

این بود قرار دادی که در ایام وزارت مالیه آقای وثوق الدوله با بانک منعقد گردیده است که اگر آقای مستوفی الممالک از آن مطلع بودند امضا نمیفرمودند چون در این کابینه از وزراء بود چیزی [illegible] نمی توانم از آنها صرف نظر نمایم من راضی هستم که آنها بمانند و خودم بروم بلکه اشخاص مثل ایشان ممکنند که اصل مجازات و مکافات را عملا رعایت کنند تا این که دست خائنین از کار کوتاه شده و دیگران بخدماتی که میکنند در آتیه امیدوار باشند ولی متاسفانه عدم رعایت این

اصل موجب تشویق خائنین و یأس خادمین خواهد شد و این بود اعمال آقای وثوق‌الدوله نسبت بسیاست بین‌المللی در ایام گذشته و نسبت بسیاست داخلی عرض نمی‌کنم زیرا میشود که اعتراضات بنده را حمل بغرض نمایند و بگویند که اعمال مستحق الاعتراض زیاد است ولی چه شده که من فقط اعمال ایشان را موضوع اعتراض مینمایم این است که بادله و براهینی که هست در سیاست داخلی ایشان ساکت و از ورود در این قضیه بکلی اجتناب مینمایم

خصوصاً اینکه وضعیات امروز با دوره قرار داد طرف مناسبت نیست زیرا عناصر متنفذ ومرعوب عامه به فقر مبتلا گردیده اند

حکومت نظامی و سانسور مطبوعات و آزاد نبودن اجتماعات که وسایل اختناق است خود صورت عادی گرفته و وسایل فقر و تنگدستی از همه جهت فراهم گردیده است چنانچه کسی از مرکز مملکت بخواهد باطراف نزدیک برود چند روز برای اخذ جواز معطل هست قبل از تشکیل کابینه و مجلس که آقای رئیس الوزرا میفرمودند کار را فقط برای اجراء قانون اساسی قبول میکنند بنده به آتیه خیلی امیدوار بودم ولی باکمال تأسف می‌بینم که آنچه فرموده فراموش شده و متانت شخصی مثل ایشان از این رژیم بنده را بی نهایت نسبت به آتیه مایوس مینماید چقدر فرق است که اگرمأموری ما یملک کسی را گرفت جرئت سخن نباشد تا ایام قرار داد که با آن همه لیره ها و حبس‌ها و قتل ها بدون محاکمه و تبعید رجال وطن پرست باز در مردم رمقی بود که باقرار داد مخالفت نمایند امروز نه تنها اوضاع داخلی طرف مناسبت نیست بلکه اوضاع بین‌المللی را هم نمی‌توان بان ایام تشبیه کرد و همین جهات آقای وثوق‌الدوله را بفکرشکار الداخله وآقای رئیس‌الوزراء یا باهمیت قضیه توجه نداشته اند و یا اینکه وضعیات کنونی طوری ایشان را مایوس نموده که بدست وثوق‌الدوله انتحار مینمایند زیرا برای اشخاص وطن خواه مملکت کشی خودکشی است

(تشریح)

بعقیده عموم بیانات فوق خود مشرح است ولازم به تشریح ندارد فقط برای اشخاص دور دست و کسانیکه کما هو حقه واقف نیستند می‌نویسیم که گوینده بیانات فوق یک شخص عادی نیست مردیست فاضل، حکیم ، تحصیلاتش کامل و دکتر حقوق است ازفامیل جلیل وخانواده بزرگ ومدتی والی ایالت جلیله مملکت فارس و زمانی مسند وزارت مالیه‌را تکیه زن بوده و اینک دو دوره است که امتحانات سابقه خود را در

کعبه آمال ملت یعنی دارالشورای ملی داده است . نه طمع به وثوق‌الدوله دارد و نه رقابت با او نه تنها بیاناتش عالمانه است بلکه از شائبه هر گونه افترا و کذب عاری است ، دکتر مصدق گرم کار و واقف باعمال دولت بوده و هست از این رو بیاناتش خیلی قابل قدر و تامل و لائق تعقل و غور است

نطق آقای مدرس

اولا عذر میخواهم شاید دراین صحبت چون اسامی را حفظ نکرده ام اگرلقب گفتم خطا نکرده باشم وقانون مجلس را محترم میشمارم

فرمایشات آقای دکتر مصدق سه حیث داشت — یك حیث حیثیت شخص وثوق‌الدوله است مثل پول قرار داد مؤاخذه آن که البته از حیثیت شخص خود شان دفاع خواهند کرد از قبیل پول و موادیکه خواندند — در مثل مناقشه نیست البته طرفین بدشان نمی‌آید مثل معروف است که فلان کم از فلان نیست و اما از حیثیات دولت که آقای مستوفی و طرفداران ایشان که قریب هفتاد نفر بودند و من هم یکی از آنها هستم خود رئیس دولت باید بیاناتیکه متوجه بدولت و موافقین دولت است دفاع کنند چیزهائیکه در بیانات آقای دکتر مصدق بود این هم یك حیثیت البته من هم از این حیثیت صحبت خواهم کرد — یك حیثیت دیگر هم هست که جنبه خصوصی بمن دارد که حیثیت فقاهتی و حقوقی است توضیح بدهم دو طریکه معارض هم میشوند چه حضوراً و چه غیاباً باید این مسائل معلوم شود و من عقیده ندارم که آقای رئیس الوزراء فرمودند بعضی مذاکرات نشود من عقیده دارم که این مجلس مجلس انس نیست تمام مطالب باید دراین جا گفته وحل شود

در این ده سال اخیر بعد ازجنگ بین‌المللی وقایع مهمه رخ داده مهاجرت بعضی عقیده داشته اند بمهاجرت بعضی عقیده نداشته اند بعد از مهاجرت هم من از اشخاصی بودم که زود آمدم قرار داد آمد یك مسئله بزرك مملکتی بود تاریشه قرار داد کنده شد مسئله جمهوری آمد یکی از مسائل مهم مملکتی بود بعد از مسئله جمهوری مسئله تغییر سلطنت آمد آن هم یکی از مسئله مهمه مملکتی بود در این هشت ساله اخیر چهار مسئله که سیاسی و سیاسی مایه دار عمیق که صورتی در زیر آنچه در بالا دارد پیش آمد تمام این مسائل صورتی داشت سیرتی داشت مسائل خورده هم که نظیر اینها بعد پیش آمد مسائل میرزا کوچك خان — قسمت دیگر ماژر محمد تقی خان — مرحوم خیابانی این‌ها هم کوچك های این پیش آمدها بود بعقیده من باکمال تادب و کوچکی

که خدمت آقای رئیس الوزراء دارم این مسائل باید یك وقتی حل شود. مقامی بهتر از این‌جا و دولتی بهتر از این دولت هم که همه خوب هستند و نمایندگانی که هریك دو سه دوره وکیل بوده اند نیست باید این مسائل حل شود که بی خود فردا یك روز نامهٔ که مطلب نداشت مهاجرت را ننویسد و یا اقرار داد را تعقیب کند — قرار داد مهاجرت — جمهوریت سلطنت باید گفته شود

من در سه تای اول ازیکر میدان و پیشقدم بودم در مهاجرت آقای رئیس‌الوزراء بودند بنده هم جزو مهاجرین بودم با شاهزاده سلیمان میرزا و جمعی دیگر یك عده عقیده داشته اصلاح مملکت است و سیاست اقتضا میکند — بعضی میگفتند مضر است — دو سه دسته شدند من از آن دسته ها بودم که عقیده داشتم صلاح مملکت است هرگز هم تنقید نکردم از آن کسانی که مهاجرت را صلاح نمیدانستند مسئله سیاسی بود خودم صاحب عقیده بودم با آقایان رفتیم قم کابینه آقای مستوفی بود بعد تغییر کرد آقایان مارا تعاقب کردند پول هم گرفتیم مخصوصاً از آلمان ها پول گرفتیم خرج هم کردیم

خیر ما خیانت نکردیم در عقیده خود ثابت بودیم آلان هم که خدمت آقایان هستم عقیده دارم که صلاح مملکت بوده بعقیده من محکمه باید تشخیص بدهد که خطا کرده ایم یا سهو کرده ایم اگر محکمه تشخیص داد که من خطا کرده ام صحیح است و اگر محکمه تشخیص داد که مقصرم باید مجازات شوم

بعد از مراجعت از مهاجرت بطهران آمدم با خوف های زیاد — مملکت مشلمت بود در هر فرسخی یك خبری — جنك عمومی بود — مملکت با قحطی مواجه شده بود — کابینه آقای مستوفی بود خدمتشان مشرف شدم و عرض حال دادم نسبت بمملکت که از سر حد که آمدم تا طهران از آثار قشون روس در مملکت نیم فرسخ نیم فرسخ چهار نفر آدم پیدا نمیشود حالا نمیدانم چه بود روز نامه هم نمیخواندم همه اش مشهودات من بود بالاخره عقیده من با جمعی بر این شد که بعد از مدتی کابینه وثوق‌الدوله بیاید — قریب یك سال یك نظم صورتی در مملکت بر قرار شد بعد قرار داد آمد همین جور که باقی مطالب مختلف فیه شد قرار داد هم در این مملکت اختلاف نظر شد آنچه من تعداد کردم و توانستم ضبط کنم در تمام ایران هشتصد نفر بودند که در کتاب زرد که بعد از مردن من منتشر می‌شود اسامی آن ها ضبط است موافق بودند — خود من مخالف بودم صاحبان عقاید مختلفه هم بودند بگیر و ببند کردیم ولی تا بحال یك لفظ توهین آمیز به عاملین قرار داد نگفتم نظر سیاسی بود لیکن با کسیکه قرار داد را بست جنك کردم و اورا از میان در بردم و اگر در نمیرفتند تلفشان هم می‌کردم — تمام این مسائل هم معامله فضولی بوده است از این معاملات فضولی خیلی کرده اند

مالك مال ما هستیم که اینجا نشسته‌ایم اگر دیگران معامله فضولی بکنند بما ربطی ندارد صاحب مال ما هستیم ذکاءالملك چه کرده و فلان کار را کرده مسئله تا این جا نیاید سر سوزنی اثر ندارد — باین جهة باقرار داد مخالفت کردیم با اینکه فضولی بود چون جنك عمومی بود و ممکن بود تاثیری داشته باشد این بود که خدا کمك کرد با من یعنی با کمك ملت که من تکیه ام بعموم است این جهت معامله فضولی رابهم زدیم

معامله فضولی ریشه ها داشت مستشار ها — پلیس جنوب همه را بهم زدیم و اگر ما بخواهیم در آن حرف بزنیم موافقین قرار داد هم زیاد هستند — بله مسئله مسئله نظری است — سیاسی است — نظر من این بود که نگذارم بشود — حالا معامله فضولی که گذاشتند نشود تنقیدش در مجلس یعنی چه، تنقید قرار داد تنقید مهاجرت — تنقید جمهوری تنقیدش ظلم است شهادت است — تاریخ است یکی خواست عبای مرا ببرد زدم توی گوشش حالا چه باید کرد

میخواست ببرد نبرد وقتیکه نبرد صحیح نیست — من میخواهم تمام جواهرات مملکت مال من باشد چه باید کرد

عبای من را حاجی محتشم السلطنه میخواهد ببرد میزنم توی گوشش نمیگذارم حالا با حاجی محتشم السلطنه چه کرد

این‌ها مسائل حقوقی است باید محکمه تمیز بدهد هنوز محکمه تشکیل نشده که اشخاصیکه راضی بمهاجرت بوده اند و یا نبوده اند محاکمه کنند

حالا یك چیزیکه شد یك دسته معتقد بودند قرار داد خوب است یك دسته مخالف بودند — یك دسته آمدند پهلوی من ازمن سؤال کردند چرا با قرار داد مخالف هستی گفتم مخالفم گفتند با کدام ماده گفتم با همان ماده اول که مینویسد استقلال ایران را می‌شناسند

آقای وثوق‌الدوله یا قاصر یا مقصر هستند محکمه میخواهد تشخیص بدهد ولی تاوقتیکه معامله فضولی نشده و ریزه هایش را هم جمع کردیم باید چه کرد؟ هکذا تنقید و تعرض باید هنگامی شود که اثری داشته باشد اگر خدای نخواسته معامله فضولی اثر داشت باید محاکمه شود

ماهم مهاجرت کردیم چهار هزار ژاندارم را ازبین بردیم ـ یك محکمه نشد که ما را محاکمه کند تا قصر شیرین له کرور بما پول دادند بعد گفتند یازده کرور دیگر میدهیم رسید بدهید گفتیم پول ها را میگیریم اما رسید نمیدهیم قبض الواصل میدهیم که شما با صندوق دار خود تان حساب کنید زیرا ما با شما مشترك هستیم شما پول دادید و اسلحه ما هم این یك مشت آدم های لختی حالا باید محکمه باشد تا محاکمه کنند بله من معتقدم در موقع عمل باید مدافعه کرد آقای وثوق الدوله میخواستند ما را هم حبس کنند ولی نتوانستند ـ ما هی زدیم و خوردیم تا معامله فضولی را لغو کردیم

من خدا میداند وقتیکه وثوق الدوله تبعید شد یك کلمه بر علیه او نگفتم چون باید محکمه تمیز بدهد ـ مسئله پولش را هم مردم میدانند من هیچ میل ندارم آقای مصدق هم امثال کند در عقیده خودش ما با دست اینها باید کار بکنیم ـ کار های بزرگ باید بکنیم تا دست اینها باید کار های بزرگ بکنیم البته اگر آقای وثوق الدوله بکار نخورد اخوی ایشان و هکذا فعل و تفعل ـ یك دستی بیرون آمد گفت جمهوری یکدسته معتقد بودند یکدسته نبودند طرفین زور زدند و همه که دیدند صرفه ندارد ولکردند

حالا من از آن آقایان تنقید کنم صحیح نیست نظریات سیاسی است آن اختلافاتی که داشتیم گذشت حالا در اینجا با هم کار میکنیم آدم باید داری عقیده باشد بله تقصیر مقصر اگر ثابت شد حق بجانب آقای دکتر مصدق است ولی بمجرد اختلاف نظر بعقیده سیاسی من امیدوارم فعش بدهم تنقید کنم امیدوارم بگویم آقای رئیس الوزراء چون بعضی از وزرای شما یك عمی کرده الله توبه کند من از مهاجرین هستم چندین هزار ژاندارم را ما تلف کرده ایم ولی عقیده سیاسی بوده است باید محاکمه شود حالا که گفتیم ضرداً للباب راجع بسلطنت من عقیده نداشتم در جنگش هم نبوده ام حالا نشسته ام تماشا میکنم

امروز قانون مملکت ما قانون اساسی است و باید آنرا حفظ کنیم و بآن عمل نمائیم من خیلی تشکر میکنم از آقای دکتر مصدق باید هر کس عقیده خود را بگوید یك دولتی تشکیل شده وصمیات سیاسی چهار ساله این مملکت را بروی وضعیات عادی بیاورند ـ ضمناً ذکری از ذکاء الملك بکنند جریان امور عادی روی عادی باید تدریجی باشد غیر تدریجی عملی نیست این را من هم که آخوندم میدانم و آقای رئیس الوزراء را هم میدانید

ما این شاهی که داریم اگر شاه مشروطه شد به او عقیده داریم شما میگوئید ذکاء الملك معامله فضولی کرده توی خاله اش هر وقت اینجا آورد صحیح است آنمردیکه بخواند این جا بیاورد کیست

شاعری در زمستان قصیده گفت برای یك اربابی آورد برای او خواند ارباب خوشش آمده حواله کرد بناظرش کرد که صد خروار گندم سر خرمن باو بدهند این شاعر بیچاره قبض را نگهداشت تا سر خرمن آورد نزد ناظر ، ناظر دید اربابش که گندم را دانه دانه میشمارد صد خروار حواله کرده است ناظر بشاعر گفت اجازه بدهید من بارباب بگویم و حواله را گرفته بارباب نشان داد ارباب بناظر گفت موقع زمستان پای بخاری این شاعر آمد یك حرفهائی زد ما را خوش آمد ما هم یك چیزی گفتیم اورا خوشش بیاید ما گندم را دانه دانه میشماریم مانیم پولی هستیم یکوقت من یکی از آن جندکهای قدیم دستم بود توی حوض افتاد بعد از چند ماه که آب حوض را کشیدند آمدم رسیدم آن جندك چه شد معامله را باید دید چه بوده ـ ذکاء الملك هم مرد محترمی است باید از او استفاده کرد خدا صد تا مصدق السلطنه هم بما بدهد بیایند تنقید کنند همین فواید را دارد اگر خدای نخواسته نیت بد داشته الله بد بکند اگر اشتباه کرده الله بعد ها نکند ـ

§ نا کرده گنه در این جهان کیست بگو §

ده سال است در این مجلس همه کار ها را کرده ایم ولی تا امروز بحمدالله با فشار هائی که بوده استقلال مملکت را بالاجتماع حفظ کرده ایم از کجا آن هم یك الزامی نداشته است همان طور که عرض کردم مسئله مسئله حقوقی است تنقید هم برای اشخاص در عین عمل لازم است ولو طرف را تمام کند مثل اینکه ما حاضر بودیم طرف را تمام کنیم ولی بعد از وقوع اگر سر وجودی شد مثل مهاجرت محاکمه کنند اگر واقع نشد باقای حائری زاده بر نخورد یك شتر داری از اصفهان رفت بیزد شترش را نزدیك آبادی ول کرد یکی آمده و شتر ها را کتك میزد صاحب شتر گفت چرا میزنی جواب داد ملکه اینجا را من کاشته بودم شتر دار گفت حالا که نکاشتی آقای وثوق الدوله یك عقیده پیدا کردند ولی عملی نشد من تلگراف امریکا و این ماده ها را نمیدانم واگرهم باشد اثرش کجاست اگر واقع شد باید محاکمه بشود ولی اگر واقع نشد اثر ندارد ـ آقای شیروانی عبای مرا پیش خود بعدل الملك فروختند ولی من که ندادم چه اثری دارد صاحب مال شما هستید و کلای این ملت هرچه تصدیق کردند صحیح است اگر ما همچیز را هر کسی این جا

آورد رد کردیم یا تصویب کردیم اثر دارد این
مطالب که عرض کردم شق ثالث است من از آن
جهت تنقید کردن آن را صلاح نمیدانم که این ها
تاریخ است تاریخ را هم باید برای کسی گفت که
مطلع باشد اما راجع به آقای رئیس‌الوزراء و حرف
دار های ایشان که قریب اتفاق مجلس هستند و من هم
یکی از آن ها هستم در ممالک دیگر و آن هائی که
میشوند حزب دارند عقیده سیاسی دارند

اشخاصی پیدا میشوند صاحب یك عقیده
عقیده آنها این میشود که امروز باقتضای سیاست و
صلاح مملکت فلان شخص زمامدار باشد بنده کسی
بودم که در همین جا از آقای مستوفی استیضاح کرده
ام آنروز یا بواسطه نظر خارجی یا عقیده دیگر بایشان
معتقد نبودم همین جا اینها را استیضاح کردم ولی این
اواخر عقیده ما این شد که باقتضای امروز بین بیست
نفر رجال سیاسی زمامداری بین دو نفر باشد
خیلی خوشنود شدیم که خیلی از آقایان هم با ما موافقت
کردند ایشان رئیس الوزراء باشند و باقتضای روز
اشخاص را بیاورند خدا میداند اگر من یك کلمه به
آقا حرف زده باشم که برای کابینه چه اشخاصی را
بیاورید چرا برای اینکه مسؤل این سیاست شخص
ایشان هستند و وقتی که ایشان مسؤل باشند تمام داخله
و خارجه میدانند که از این آقا انتفاع نمیشود برد
امروز هم ما ایشان را میخواهیم اگر خدمات دیگر هم
کردند نوراً علی نور و الا این مملکت را باید مثل
چهار سال پیش روی جریان عادی بیندازند عدلیه
مستقل باشد هرجا میخواهد برود تفتیش کند وهکذا فعال
وتفعلل اگر دیدند اجرای سیاست باشکالاتی برمیخورد
باید بیایند اینجا بصاحب مال بگویند حالا آقا مسؤل
اجرای این سیاست هستند و مسؤلیت را هم قبول
فرموده اند البته اگر هیچ مسؤلی کسی را صلاح
نداند نمیاورد خصوصیات هم بعهده خود ایشان است من
هم علیحده علیحده دو سه آقایان را میپسندم وشاید هم
مقتضی باشد سه چهار ماه دیگر آقا استعفا کند نمیشود
سیاست آن روز را پیش بینی کرد دیگر حالا خود
آقا هر طور میل دارند به فرمایند آقای وثوق الدوله
هم اگر میخواهند از امور شخصی خودشان صحبت فرمایند

(تشریح)

ما از بیانات آقای مدرس هیچ نمی فهمیم چه
آقای مدرس را از زمانه دراز میشناسیم . در مدرسه
صدر اصفهان خدمت مرحومین آقا میرزا مهدی قمشه
و آقای جهانگیر خان مکرر ایشان را ملاقات
نموده (نهایت ما هنوز آواره ایم) کیفیت
کیاست و فراست و دانش و بی طمعی و درست
کاری ایشان را نیکو میدانیم از این رو خیلی متعجبیم
که دفاع ایشان در این مسئله بر چه پایه است عجبتر
اینکه آقای مدرس با اینکه تمام بیانات دکتر مصدق
را تصدیق فرموده باز هم می فرمایند چون تیری که
آقای وثوق پرتاب نموده بهدف نیامده است نباید
اورا مقصر دانسته ملامتش کرد

ما فقط آقای مدرس را به آیه شریفه « و لا
تاخذ بهما رافة » متوجه ساخته سوال میکنیم که اگر
نطفه منعقد نگردد یا سقط شود عامل از حد شرعی
معفو مثلا ... خودتان بهتر میدانید که اساس سزا و جزا
وحدود شرعیه برای عبرت دیگران و بعد از عمل است ورنه
سزای قتل از عمل ظالم و قبح شرعی دارد هر سزا
و جزائی که عقلا عرفا شرعاً داده شود بعد از
عمل است

وقتیکه آقای وثوق این قرارداد را بست هرگز
مقصودش این نبود که سقط خواهد شد آیا از آقای
مدرس اگر سؤال شود که شما راضی بودید که این
قرارداد عملی شود یا نه چه خواهند فرمود و علاوه
بر این که همه کس میداند آقای مدرس مخالف این
قرارداد بود بیانات فوق شان هم تصریح میکند که
عملی نبوده فقط میفرمایند چون صورت نگرفت عامل
را رها باید کرد ، آیا کسی میتواند بگوید که صورت
نبستن این عمل از کم بود آقای وثوق بوده
آقای وثوق آنچه باید بکنند در پیشرفت امر
کردند و هر تدبیری که بایستی در عملی شدن این
قرار داد نمایند نمودند

عیاش ترین پادشاهان صد و پنجاه ساله ایران
ناصرالدین شاه بود که تاریخ آن پادشاه را عالم
بی عمل خوانده و بی خیال و عیاشش گفته هیچ چیز
را جز تنبلی و راحت طلبی نمی‌پسندید از چنین شخصی
یك کلمه دانشمندانه و حکیمانه هم بیادگار مانده است
در سیاحت نامه خود میگوید « فرانسویان جای گلوله
های دولت پروس را بعمارات عالیه پاریس که
اصابت نموده باقی گذارده و مرمت نمیکنند ومیگویند
این علائم باید تازیانه غیرت فرانسویان شده تا در
آینده عرق انتقام جوئی شان را متحرك سازد » آشنایان
جراید میدانند وقتیکه آصف الدوله والی
خراسان خرابی گلوله های قشون روس را در مرقد
مطهر رضوی مرمت میکرد فریاد علماءالیین بلندگردید
که چرا این تازیانه غیرت را ازسر ملت مرتفع داشته
نگذارد دید که اقلا ولو در آینده هم باشد عرق انتقام
جوئی ایرانیان را بجنبش آرد

با این بیانات وتشریحاتیکه شده آیا آقای مدرس چه
میفرمایند بازهم خواهند فرمود عمل وثوق . سیاسی ونادم

علمای مجلس‌دین است : عقد قرار داد از آقای وثوق در ما آن قدر شگفت آور نشد که دفاع آقای مدرس چه با آن همه تنزیهی که در حق ایشان قائل بوده و آن فراست و کیاستیکه در ایشان سراغ داریم گمان نتوانیم نمود که حقیقت امر بایشان مکشوف نبوده و یا خطای عمدی را به سهو تعبیر توانند فرمود

بیانات آقای مدرس خود دلیل است بر اینکه خود شان هم در این دفاعیه خجلت زده بوده نهایت خویشتن را از تاب و توان نمی‌انداختند ولی چون حق را باید گفت میگوئیم که هرگز ما به شخص مدرس چنین عقیده نداشتیم که تا این درجه صراحتاً تائید از ناحق فرمایند چه آنچه دکتر مصدق گفته قبل ازاین موقع عقاید خود آقای مدرس بوده است این دفاعیه را تعبیر بهیچ نتوانیم کرد جز اینکه بگوئیم الانسان مرکب من الخطاء و النسیان .

نطق آقای وثوق‌الدوله

بعد از تشکر از فرمایشات آقای مدرس و قبل از اینکه وارد جواب اعتراضات و ایرادات آقای دکتر مصدق بشوم لازم میدانم یك مقدمه مختصری به عرض آقایان محترم برسانم

بنده علاوه بر اینکه قسمت غالب عمر خود را در خدمت دولتی صرف کرده ام متجاوز از بیست سال آن را در خدمات مهم مملکتی و سیاست عمومی بسر بردم اتفاقاً غالب مواقع اشتغال من باین خدمات با مشکل ترین مواقع تاریخی مملکت مصادف شده است

یکی بنده در اوقاتیکه مسؤلیت کار های عمومی را بر عهده گرفته ام که احتمال خطرات و مهالك برای مملکت زیاد بوده است ورجال سیاسی واشخاص بزرگ یا اشکالات را به اندازه وارد دیده اند که صلاح ندانسته اند مسؤلیتی بر عهده بگیرند شاید هم بازهم ملاحظات حق با آنها بوده است در این قبیل مواقع غالباً قضایا با این نظر تلقی شده است که چون ممکن نیست حل اشکالات و دفع خطرات مملکت موافق انتظارات عامه صورت پذیر شود و ایراد و اعتراضی جلب نکند کناره جوئی بصلاح نزدیك تر است هر چند من یقین دارم که اگر آن اشخاص هم بحس عدالت و انصاف حکم کنندگان در قضایا امید وار بودند و اعتماد داشتند که عدهٔ معلوم عامه بی غرض و آلایش را بفطرت خود وا میگذارند تا قدر خدمت را بشناسند و جواب مدعی و مفتری را بدهند در قبول مسؤلیت و خدمت مملکت از هیچ فداکاری مضایقه نمیکردند

بهر حال بنده منطق دیگر داشتم و معتقد بودم که قطعاً از تعطیل کار ها مضرات و مهالك بیشتر متوجه میشود و اجتهاد شخص من این بوده که از ایراد و اعتراض اندیشه نباید کرد و بمشکور شدن ونشدن مساعی اهمیت نباید داد وازمحو شدن وجاهت وحسن شهرت نباید ترسید نتیجه این منطق این بود که بنده درشدید ترین مواقع قبول مسؤلیت کردم ودرهر موقع هم برحسب عقیده و وجدان خود بر آنچه بهترین وجوه واقل محظور ها تشخیص دادم تصمیم کردم

تصدیق میکنم که در هیچ موقع بر ارتکاب خیر مطلق موفق نشدم زیرا آنچه موافق با آمال بوده است وسایلش برای ما موجود نبوده پس ما به اموریکه حتم داشتم محل ایراد واقع میشود آنچه راکه یقین داشتم بامصالح مملکت موافق تر است اختیار کردم ولو اینکه میدانستم بیشتر از سایر امور مورد تنقید و اعتراض واقع خواهد شد

با همه اینها عرض میکنم مدعی عصمت ومصونیت از خطا وزلل نیستم و هیچ یك از آقایان هم نباید باشد

خیلی ممکن است در تشخیصات خود سهو کرده باشم ولی اطمینان میدهم که هیچوقت بعمد نخواسته ام ضرری متوجه مملکت کنم بلکه مقصود جلوگیری از ضرر بوده است عرض دیگرم این است که پس از ۲۰ سال زحمت و خستگی های روحانی باارادهٔ خود از مملکت مهاجرت کردم در ۶ سال مدت غیبت من دشمنان من از اعتراض و تهمت بر من کوتاهی نکردند دوستان منهم غالباً ساکت نشسته زیرا مامور بمدافعه نبودند بلکه مامور به سکوت بوده اند البته پس از غیبت طولانی و آنچه در غیاب من گفتند یا نوشتند حتی در کرسی های همین پارلمان الفاظ شدید بر ضد من استعمال کرده اند و مخصوصاً بعد از آن که دیدند بعد از مراجعت من قسمتی از مردم درحق من اظهار حسن ظنی کرده مرا بسمت نمایندگی خود انتخاب کردند منتظر بودم مخالفین من از حمله و اعتراض ساکت به نشینند بلکه خیلی طبیعی است که حرارت آنها زیاد تر شده و امروز مرا مورد اعتراض قرار دهند بنده هم اگر جوابهائی دادم باید عرض کنم و قضاوت را به رای نمایندگان محترم و افکار عمومی واگذار نمایم

این را هم بدانید که از این اعتراضات متاثر و بلکه از محکومیت هم ملول نمیشوم زیرا فرضاً من نزد شما ها بلکه در مقابل معاصرین خود ملوم و محکوم واقع شوم اعم از اینکه این محکومیت از روی سهو در مبادی باشد یا از روی عدم اطلاع از حقایقی که هنوز هم اظهار آنها موافق مصلحت مملکت نیست

بالاخره وقتی حقایق آشکار میشود و اگر ما زنده نباشیم تاریخ دنیا اختلاف ما و قضایا را با نظر وسیع تر و اذهان صاف تر و اطلاعات کامل تر محاکمه خواهند کرد

پس از مقدمه اول در موضوع قرار داد ۱۹۱۹ که نقطه برجسته اعتراض آقای دکتر مصدق است بحث میکنیم و قبل از آنکه داخل در ماهیت آن شویم بعقیده بنده لازم است در کیفیات و خصوصیات موقعیکه قرار داد در آن موقع منعقد شد داخل شویم

البته آقایان محترم فراموش نفرموده اند که در دوازده سال قبل حادثهٔ بزرگ جنگ بین المللی در اروپا واقع شد در این کشمکش بزرگ دنیا دولت ایران اعلان بیطرفی نمود ولی نظر باینکه البته پیش بینی چنین امر مهمی نشده بود وسایل حفظ بیطرفی و اجرای این تعهد موجود نبود

نتیجه این شد که دول متهاجم از هر طرف بی طرفی مارا نقض کردند و اراضی ایران هم یکی از میدانهای جنگ واقع شد اما دستجات ملت و مردم ایران هم بر اثر عدم توانائی و بی‌اسبابی دولت و ورود قشونهای اجنبی و تبلیغات آنها هر کدام سیاستی برای خود اتخاذ کردند و کار مملکت منتهی بیك نوع هرج و مرج فکری و عملی گردید در نتیجه آن قوای تامینیه مملکت که با زحمات و مخارج زیاد تشکیل شده بود معدوم گردید اغتشاش و نا امنی و دزدی و غارتگری وخود سری و طغیان در سر تا سر مملکت طبیعی و عادی شد حتی در شهر طهران قوای « تروریسم » و آدم کش ها مدعی حاکمیت شدند قحطی وگرسنگی و در اثر آن امراض مهلکه عوامل بد بختی های دیگر واقع شدند

در مقابل تمام این بدبختیها دست دولت های وقت تهی و وسایل چاره از هر حیث مفقود بود و مالیاتهای داخلی بر اثر وقایع لاوصول عایدات گمرکات بواسطهٔ فلج تام تجارت منتهی بصفر و تحصیل هر نوع عایدی حتی توسل به استقراض خارجی غیر مقدور بود

بنده در شدید ترین موقع جریان این قضایا و در وقتی که هنوز جنگ اروپا نا تمام و نتیجه اش نامعلوم و تمام عوامل بد بختی در ترقی بود باز مامور شدم که بد نامیهای جدیدی برای خود ذخیره نمایم

البته از گرانی بار مسؤلیت نترسیدم و بالاخره در سایه یکسال زحمت و مشقت شبانه روزی و در مقابل هزار سلسله ناگفتنی به تجدید تشکیل قوای تامینیه مملکت و تهیه اسلحه و مهمات برای آنها و قلع و قمع اشرار و یاغیانی که از سالیان دراز امنیت عمومی را تهدید میکردند و تامین ارزاق عمومی و راه انداختن چرخ های از کار افتاده ادارات دولت و امثال این امور موفق شدم در این بین جنگ اروپا خاتمه یافت

این جا لازم است نمایندگان محترم و شما مردم یك مراجعهٔ بی طرفانه بحافظهٔ خود بفرمائید و بخاطر بیاورید جنگ اروپا بچه صورت خاتمه یافت وضعیات دنیای آن روز و خصوصاً وضعیات مملکت ما در آن روز چه بود ؟ و سیاست های افرادی مبهم وغیر معلوم چه موقعیتی برای ما ایجاد کرده بود و برای ادامه حیات روزانهٔ خود و انتظار موقع مناسب تر چه وسائلی داشتیم و بالاخره درخت کهن سال زندگانی ما که از تند باد حوادث جنگ و اشتباهات خود مان شکسته و پژمرده شده بود از کدام منبع آب یاری میشد

الی حال جنگ اروپا خاتمه یافت اما هنوز خاك مملکت ما معسکر قشون اجنبی بود ومخاطرات بسیار از انواع مختلف حیات ما را تهدید مینمود

هیچ وقت برای یکی از شما آقایان در زندگانی فردی خود تان اتفاق افتاده است که واقعاً در مقابل سیل حوادث و بد بختی های مختلفه شده باشید و راه چاره وحتی فرار را از هرطرف مسدود دیده باشید اگر چنین تجربه را در عمر خود دارید حال آن روز مملکت و شخصی را که آن روز مشغول کار های مملکتی بود در نظر مجسم نمائید

در هر تقدیر جنگ اروپا تمام اما بدبختیهای ما تمام نشد و اگر بر مشکلات مانیفزود از مشکلات ما چیزی نکاست حتی اگر در ایام جنگ سیاست بهتری هم اتخاذ کرده بودیم باز هم ممکن نبود به مجرد تمام شدن جنگ گرفتاری های ما بخصوص گرفتاریهای اقتصادی دفعتاً واحده خاتمه یابد چنانچه مشکلات خود دول اروپا حتی دول غالب هم پس از هشت سال که از اختتام جنگ میگذرد هنوز خاتمه نیافته وهیچ مملکتی بحالت عادی قبل از جنگ عودت نکرده بدیهی است غالب تدابیری که در موقع دوام جنگ بآنها توسل شده بود دیگر مؤثر نبود و تدابیری دیگر ضرورت داشت و از همه مشکلات مهم تر این بود که در تحت تأثیر وضعیات فوق و نظر به فقدان تمام وسائل داخله در مملکت محتاج به تحصیل کمك خارجی بود هر نوع استمدادی از مراکز خارجی دیگر با اوضاع آن روزه دنیا ممتنع بود حتی مأمورین و نمایندگان ما در کنفرانس صلح عمومی دچار اشکالات شده باظهار مقاصد ملی ما موفق نگردیدند

اضطرار حقیقی داعی شد که یا مملکت را تسلیم حوادث کرده از معرکه بگریزیم یا با مرکز واحدی که در آن موقع استمداد ممکن بود داخل مذاکره و قراری بشویم

اینجا هم بدون ملاحظات شخصی بلکه با یقین بر اینکه عملیات و اعتراضات شدید بر خود جلب خواهیم کرد آنچه از نقطهٔ نظر نوعی و ملی ما اقل محظورین بود ارتکاب کردیم و بالنتیجه چند ماه مذاکره و تبادل افکار به عقد قرار دادی که فعلا مورد اعتراض معترض محترم میباشد منتهی گردید

حالا اگر اجازه بفرمائید قدری هم در ماهیت قرار داد حرف میزنیم

نقاط اصلی قرار داد ۱۹۱۹ که علی‌الظاهر بیشتر مورد تنقید معترض است اینها است که دولت متعاهد ما وعده میدهد که مستشار ها و متخصصین که لزوم استخدام آنها با توافق نظر طرفین ثابت شود بما بدهند مستشار ها و متخصصین مزبور بموجب کنترات با خود مستخدمین اجیر شوند و اختیارات آنها با توافق نظر بین دولت ایران و خود متخصصین تعیین شود پس چون تعهد اولی یکطرفی بوده و در خصوص لزوم استخدام هم توافق نظر طرفین شرط شده و برای عدم استخدام یا عدم وصول توافق نظر حکم خاصی معین شده نتیجه عدم اجرا از طرف ما در هر موقع فقط امضای شرایط دیگر از قبیل استقراض و تعهدات که در مراسله ضمیمه قرار داد شده و بالاخره لغو شدن قرار داد می توانسته است باشد و این هم مطلوب مخالفین و معترضین قرار داد بوده و دیگری حقا بر آن مترتب نمیشده است

اما راجع باختیارات مستشار ها که موقوف با توافق نظر مابین اولیای دولت ایران و خود مستشارها بوده و رای دولت متعاهد مدخلیت نداشته مطابق اصولی است که فعلا بین ما و مستشار های امروزی دولت از آنقرار معامله میشود

گذشته از مراتب فوق مابین متعاهدین همیشه مفهوم و مسلم بوده است و بنده هم بر حسب ملاقات رسمی نمایندگان طرفین در بیان نامهائی که در همان وقت این جانب داده ام تاکید شده است که اجرای قطعی قرار داد منوط بتصویب مجلس شورای ملی ایران خواهد بود و هرگاه از نقطه نظر احتیاجات باجرای بعضی از مواد شروع گردیده محکوم بفسخ بودن آن اقدامات موقتی هم در صورت عدم تصویب مجلس بین طرفین مفهوم و مسلم بوده است

چنانچه عملا هم همین ترتیب واقع شد و در ساعت حاضر قرار داد مزبور بود با رضای طرفین منسوخ و ملغی شده اگر اثری هم از یکی از مواد آن باقی است ظاهراً صرفه و صلاح است (مقصود قسمت تعرفه گمرکی است که فعلا بان عمل میشود)

اما فلسفه حقیقی قرار داد و علل منجر و بزرگتری که انعقاد آن را ایجاب خواهد کرد و مشکلات ایفای تعهدات برای یکی از دو طرف متعاهد و موجباتی که مصالح را تغییر داد و علت و معلول های تاریخی که در اثر یکدیگر واقع شدند و در تغییر وسایط ها تاثیر کردند و بالاخره اینکه عامل لغو شدن چه بود

تمام اینها مسائلی هستند که هم از حوصلهٔ بیانات امروزی من و هم از مقتضی صلاح وقت خارج است انشاء الله این حقایق را وقتی در آثار محققین سیاست خواهید دید و با فکر روشن تر در قضایا حکم خواهید کرد

راجع به ۱۳۰۰۰۰ هزار لیره همینقدر میتوانم عرض کنم که آنطوریکه آقای دکتر مصدق از این بابت چیزی رسیده است به بنده هم رسیده است و اگر معلوم شود من هیچ وجهی گرفته ام علاوه بر اینکه برای [illegible] و اصناف آن حاضرم تمام اعتراضات آقای دکتر مصدق را بر خود وارد میدانم

هرگاه مجلس لازم بداند حاضرم این عرایض را در هر کمیسیونی که مجلس تعیین نماید اثبات نمایم

ضمناً خاطر ایشان متذکرم که مناسب تر بود این قسمت از اعتراضات از طرف کسی بعمل ایراد شود که در مورد سوابق اعمال خودش هم از اصول مردی [illegible] و کم حافظه بودن معاصرین استفاده کند

در باب مسائل دیگری که موضوع اعتراض آقای دکتر مصدق است مسئلهٔ امتیاز راه آهن جلفا در موقعی گذشته است که کابینه وقت شامل قسمت مهم رئیس الوزراء های سابق لاحق بوده انتخابیکه خود آقای دکتر مصدق هم در وطن پرستی و خیر خواهی آنها تردید ندارند آن امتیاز را امضا کردند و بالاخره راه آهنی که بموجب آن امتیاز ساخته شده امروز ملک دولت ایران است.

اینکه گفتند است عضو فاسد بودن بهم‌ترین قسمتهای مملکت و شریفترین عضو آن داده ام وقتیکه دشمنهای من تهمتهای عجیب و غریب بمن میدادند این مسئله را هم جعل کردند و بالاخره در یکی از جرائد وقت انتشار دادند بنده قدری بمسئله اهمیت دادم که عریضه بمجلس شورای ملی وقت بوسیله آقای مؤتمن الملک عرض و استدعای رسیدگی و حلی عرض کردم که اگر کسی ادعا کند چنین عباراتی از من شنیده است من اقرار خواهم کرد که گفته ام بالاخره مدعی پیدا نشد و حالا بعد از ۱۳ - ۱۴ سال باز این الفاظ از دهان آقای دکتر مصدق شنیده میشود

اینکه میفرمایند بنده اخلاق عمومی مردم را خراب کرده و احزاب ایران را متلاشی کردم این فرمایش بقدری پر فلسفه و دقیق بود که من از فهم آنهم عاجزم و نمیتوانم تشخیص بدهم که بچه وسیله اخلاق عمومی را فاسد کرده یا احزاب را چگونه متلاشی کردم وجود حزب در مملکت معلول یک سلسله عللهائی است که هر وقت آن عللها موجود شوند احزاب هم موجود میشود و من و امثال من نمیتوانیم آنرا معدوم یا متلاشی نمائیم و اگر آن علل موجود نشود من و آقای مصدق نمیتوانیم حزب بسازیم امیدوار هستم علل وجود احزاب صالح در مملکت موجود شود و هر وقت شد بنده نیز در آن احزاب داخل شوم

راجع بامتیازاتی که میفرمایند در سه تاره ایران بانها اشاره شده که هرچند درهمان موقع جواب داده شده توضیحاً عرض میکنم که تمام آنها تصدیق یا تصحیح امتیازاتی بوده که در سابق قبلاً داده شده است و بالاخره هیچ یک از آن امتیازات اجراء نشده باین معنی که قبل از آنکه موجبات دیگری برای لغو شدن آنها فراهم شد خود من آنها را لغو کردم

در موضوع دستگیری و تبعید اشخاص به آقایان اطمینان میدهم که با هیچکس غرض شخصی نداشتم اگر اشخاصی بوده اند که خواسته اند مخل امنیت عمومی واقع شوند و دست آنها بسیاقی شده است فقط برای جلوگیری از اختلال نظم بوده است

راجع به قرار دادی که میفرمایند با ثبات شاهنشاهی منعقد شده است روح من از چنین قرار دادی مطلع نیست نه اطلاع داشتم و نه امضا کردم و بهمین جهت توجه و دقت زیاد این قسمت از فرمایشات آقای محترم نکردم راجع به پلیس جنوب شاید آقایان مطلع باشند که بر قراری پلیس جنوب تشکیلات آن یا ازدیاد قوای قزاق در قرار دادی که قبل از تصدیق بنده مابین یکی از زمامداران وقت و دولتین همسایه منعقد گردیده قبول و عملیات آن شروع گردید پس از آنکه من متصدی ریاست وزراء شدم قسمت مالیه آنرا با رجحانی که مطلعین منظور در نظر دارند الغاء کردم اما برای سایر قسمتهای قشونی وسایلی نداشتیم هرگاه گفته شود قوای مزبوره در زمان بنده شناخته شده است اگر مقصود شناختن در تحت قرار داد رسمی است چنین شناسائی واقع نشده و اگر مقصود تصدیق عملی از حیث تسلیم در مقابل عملیات آنها بوده است بدلائلی که در جواب سایر فرمایشات عرض کرده ام چاره غیر از آن نداشته ایم چنانکه بحکم اجبار و اضطرار در مقابل عملیات قشونها — جنرال های خارجی هم که در مدت جنگ در مملکت ما بوده اند جز تسلیم و سکوت چاره نداشته

راجع قرار داد ۱۹۰۷ خاطر محترم آقایان مطلع است این امر و آنچه از این قبیل است در نتیجه اولتیماتوم دولت تزاری روس بود در موقعیکه اولتیماتوم رسید و حیات مملکت ما را در معرض تهدید و مهلکه آنی گذاشت مجلس شورای ملی حاضر بود و علاوه قوای آزادی خواهان مملکت که تازه از حملات قوای ارتجاع آسوده شده بودند همه حضور داشتند و تمام اطراف قضایا را سنجیده بالاخره قبول اولتیماتوم را بمصلحت دانستند و تبعات دیگری هم نتیجه مستقیم همان مستقیم احوال بود که از جمله قضیه عهد نامه ۱۹۰۷ بود در آن وقت یکی از اعضای دولت بودم و هر چه واقع شد با شرکت تمام هیئت دولت بود [illegible] مملکت بود که [illegible] میکردند چون از مسائل خارجی و مهالکی که دولت را تهدید میشود کاملا مطلع بود در [illegible] افکار و [illegible] اثرات بود و با اطلاع و انحصار [illegible] که در تحت امضاء [illegible] است اقداماتی که برای صلاح وقت و دفع مخاطرات لازم بود بعمل آمد

در [illegible] میدانم خاطر معترض محترم را باین نکته متوجه نمایم که اعتراض و تنقید [illegible] مطلب است که از روی بی طرفی و بی غرضی باشد در صورتی رعایت میشود که اگر در عملیات شخصی [illegible] طرف تنقید قسمتهای مفید و [illegible] هم باعث شود طرف وجه و قدر شناسی واقع شود ولی تنقید از قسمت مضره است و [illegible] هر چه را مورد تنقید قرار میدهند [illegible] های خوب و بد هر دو را در نظر نمیگیرند آقای دکتر مصدق لازم دانسته اند در مورد قرار داد ۱۹۱۹ شرح و بسط آن ده مرام کنند ولی مثلا در موضوع یک قرار دادی که در ۱۹۱۶ مابین یک رئیس الوزراء ایران و دو دولت خارجی منعقد شد و در آن اختیارات تامه راجع بمالیه ومخصوصاً اختیاراتی که از خصائص مجلس شورای ملی وحاکمیت مملکت است از قبیل تصویب بودجه ها و وضع مالیات های جدید و نسخ و تغییر مالیات های گذشته وغیره بدست کمیسیون مختلطی که اکثریت آن رسماً وعملا مامورین مستشارهای خارجی بوده داده شده بود و قرار داد مزبور بالاخره عملا درجریان افتاد و فقط بسعی و اهتمام من نسخ و ابطال شده چیزی نگفته اند واگر گفته اند طوری غرض آلود گفته اند که خیلی از اثر تنقیدات ایشان کاسته و هم چنین رجحانی راکه بنده برای اقامه نظم و امنیت وجلوگیری از هرج و مرج و نجات مردم از قحطی

کشیده ام قابل ذکر ندانسته اند بی حق دارم عرض کنم محرك تنقیدات ایشان صرف وطن پرستی و خیر خواهی مملکت نبوده است

یك نکـــته دیگر را لازم میدانم به ایشان متذکر بشوم که غالب محصلین ومبتدی های سیاست ازدوره تحصیلات خود یك دوره درس تحصیل وجاهت را لازم میدانند و اگر ایشان فعلا در آن دوره از تحصیلات خود واقع هستند البته بنده ایراد و اعتراض بر ایشان ندارم ولی باید عرض کنم که من از دوره تحصیل سیاست از تعلیمات این کلاس یکی صرف نظر کردم و از کلاس اول مستقیماً و بطور نفره بکلاس بعد رفتم به این جهت در مبارزه عوام فریبی و جاه طلبی ممکن است مغلوب بشوم ولی از ایشان سوال میکنم که لا اقل در موقعی که از منافع عالیه مملکت گفته میشود آیا بهتر است باز هم ورزش آن کلاس را تکمیل نمایم یاشاگرد بنده بشو

◆ تشریح ◆

همان قسمیکه در موضوع نطق آقای دکتر مصدق گفتیم لازم بشرح نیست درباره دفاعیه آقای وثوق هم میگوئیم محتاج توضیح نمی باشد فقط چند نکـــته را تذکر میدهیم

اول - آقای وثوق میفرمایند بیست ســال است در معضلات امور مملکتی کار فرما و در رأس ادارات مهمه فرمانروا بوده اند ما و همه ایرانیان این امر محسوس را تصدیق داریم و جمیع شکایتها نیز بواسطه همین امر است ، خوب بود آقای وثوق می فرمودند در این بیست ساله ایران مداری خود چند معضلات مملکت را به نفع ملت حل فرموده اند . در موقع قبول التیماتوم روس تمام ایرانیان خارجه وداخله بشما و آقای ناصرالملك نائب السلطنه تلگرافاً التماس کرده الحاح نمودند حالاکه شما ازحل مشکـــلات عاجزید بصرفه ملت مقرون تر است که از ریاست و وزارت استعفا جوئید در آن موقع فقط ۱۷ تلگراف اداره حبل المتین بمرکز نمود که تمام آنها از نظر شما گذشته است جنابعالی نمی توانید بفرمائید که مصالح مملکترا تنهـا شما و ناصرالملك بهتر ازتمام افراد ملت ملتفت شده بودید اگر سهو های شما را زمانه اصلاح نمی نمود یك از آنها برای محو استقلال ایران کافی بودی — عجب اینست که آقای وثوق دراثبات بعض ازبی تقصیری خود میفرمایند که چون وزراء قبل از من بغلط رفته بودند من نیز همان اغلاط را تکمیل کردم - تصدیق بامتیاز راه آهن جلفا را ذکر میکنند ولی بلسان افتخار و شجاعت مثل اینــکه خود شان کرده میفرمایند که آن امتیازی که من داده بودم الان ملك ایران است

باز میفرمایند در سال ۱۹۱۶ فلان وزیر بد تر از من کرد و اعمال غلط دیگری را دلیل برغلط کاری خودشان میخواهند قرار دهند و این امر با هیچ منطق درست نمی آید

دوم - میفرمایند که مقتضیات آن روز ایران راه حلی برای مشکــلات مملکت جز باین قرار داد میسر نبودی ، آری این سخن را میتوانند در جامعه کوران وکران بیان کنندکه ازاوضاع عالم بی اطلاع وازسیاسیات دنیا بی خبر باشند

بعقیده جمیع مبصرین سیاسی درسال ۱۹۱۸ و ۱۹ برای پیشرفت مقاصد سیاسی و بدست آوردن کمشده های ایران بهترین موقع پیش آمده بود همان موقع بود که یك جوان مرد غیور (اعلیحضرت پادشاه امان الله خان غازی) در افغانستان که همسایه یك در ودیوار شما بود قد مردانگی علم و با بزرگترین دول عالم جنگیده استقلال حاصل کرد وآنهم چه استقلالی که در تاریخ افغان تا آن زمان تالی و نظیر نداشت همان وقت کمال پاشا یك مشت قشون شکست خورده بی همه چیز ترك را برداشته فراراً ازاسلامبول به انقره آمده یك دولت قوی تشکیل دادکه می بینیم امروزه بزرگترین دول عالم دست اتحاد و دوستی بسوی وی دراز میکنند این هم همسایه دیگر جنابعالی بودای وای که همان ایام قفقازیه ، گرجستان ، ارمنستان ، قره داغ ، ترکستان که همه تابع ما بوده و قبلی پیش از ایران در فشار و گرفتار دولت بیگانـــه بودی از برکت جد و جهد رجال با فراست آنهـا و مقتضیات وقت تشکیل جمهوریت دادند تا جائیکه سفارت شان بایران آمـــده و از ایران هـــم سفیر به آنجاهـا گسیل داشتند و اگر بی حمیتی نبودی مجدداً آنها ضمیمه روس نمیگردیدند اینها همه همسایگان ما بودند نه غلط گفتیم برادران وهمنژادان مایند ، آقای وثوق این تغییرات و تبدیلات سیاسی دنیا را ندیدند ؟

حالا قدری نظر خود را بدور تر انداخته ببینیم هندوستان در چه حالت بود انگلستان چه عالمی را سیر می نمود روسیه که مارا در فشار خود داشتی چه حال داشت آنوقت معلوم خواهد شد که چه موقع مهم بزرگی را از دست داده ایم بر فرض که آقای وثوق خبر نداشتند . قراء وقونسولات هم هیچ ازاوضاع بایشان خبر نداده اند

در سال ۱۹۱۸ و ۱۹ بود که دوازده دولت جدید در عالم تشکیل شد و آقای وثوق سلطنت قدیمه تاریخی ایران را بغلامی ابدی درآورد حالا نیز بازشصت هم میخواهند میگویند ازاین عمل من تمجید

کنید و بجای آن همه خدمات برجسته بیست ساله ام تا زنده ام و زنده اید تاج سر خود قرار دهید

آقای وثوق ! شش سال بود که شما از کار کناره گرفته بودید یا کنار تان گذارده بودند کسی هم با شما کاری نداشت بد کرده بودید یا خوب گذشت فقط گاه گاهی که آن واقعات دلخراش ذکرش بمیان می آمد صلواتی هم بروح پاک شما فرستاده میشد آیا برای یکنفر مثل جنابعالی که خیلی هم بخیال خود تان خدمت بایران و بعقیده دیگران ضد آن کرده اید بیست سال ریاست بس نبوده ونیست که مجدداً آمده میخواهید بر سر ملت گو ساله سوار و بقیة السیف آمال را بر باد دهید، خواهید فرمود من بایران آمدم ایرانیان مرا وکیل ساختند دولتیان هم وزیرم نمودند ما که دوریم نمیتوانیم باور کنیم که اینقدر خدمات شما جالب قلوب ملت است که بدون هیچ دسیسه و محرکی با آن کثرت آرا شمارا وکیل ساختند آقا جان من خوب بود اگر خود تان محرک نبوده طرفداران خودرا منع می‌نمودید که بگذارید ملت و دولت بجاده خود راه روند و سبب این‌همه اختلافات بزرگ نمیگردید واضحتر بگوئیم شما بهتر از همه کس میدانید که مال التجاره ایران که بشمال موقوف شد از برکت قدوم شما ایران بود این بحران بزرگ کابینه و هیاهوهای مجلس که عالمی را بر از عفونت ساخت از وجود مسعود شما بود، خواهید فرمود من چه قصور دارم جواب اینست شما که خود را وطن خواه ملت نواز دولت پرست میگوئید بهتر نبود برای حفظ شؤنات ملتی و سلطنتی ملت را بحال خود میگذاردید ایران آمدید در گوشه انزوا میخزیدید گیریم که خدمات شما بایران از بسمارک به آلمان بالا تر بود او نیز سی سال در آخر عمر خود کناره گیری اختیار کرد وملت و دولت آلمان را بحال خود گذارد آیا بهتر نبود که شما هم پیرو همقطاران خود بسمارک و لائد ژارژ و مستر اسکویت و پوانکاره و ژنرال فوش بخدمات خود خاتمه داده قدری هم راحت میفرمودید

از همه بالا تر و بهتر موقعی بود که دو مراسله کمیسر خارجه لنین که فرشته رحمتش میگویند بایران رسید و ما آن دو مراسله‌را پنج هفته قبل درشماره ۲۲ اشاعه دادیم هیچ جوابی برای جنابعالی نیست جز اینکه گفته آید که یکدفعه محو و مات قرار داد با انگلستان شده بودید چه گفته اند

§ چون غرض آمد هنر پوشیده شد §

§ صد حجاب از دل بسوی دیده شد §

ما هرگز عقیده نداشته و نداریم که روسها برای ایران از انگلیسها بهتر بوده اند و موقعیت روس در آن وقت قسمی بود که اگر آقای وثوق میخواستند خیلی میتوانستند بایران فائده برسانند در اینجا ناچاریم عقیده آقای سید ضیاء را درباره جنابعالی عقیدت مند آنهم آقا سید ضیاء گفته اند « عقیده آقای وثوق درباره ایران و ایرانیان اینست که هیچگاه این ملت و مملکت بپای خود نتواند ایستاد ایران باید در قیمومیت دیگران ترقی نماید » اگر عقیده جنابعالی اینست پس ما هیچ با شما جواب و سؤالی نداریم

سوم - آقای وثوق در موقع بیان سختی و اتصاف ابراز میفرمایند که حتی دولت نتوانست کمک به هیئت صلحیه پاریس هم بدهد - یا باید کلام ایشان را تصدیق کنیم یا بیانات وزیر خارجه آمریک را که در ابلاغیه ذکر شده است وزیر خارجه آمریک تصریح میکنند بر اینکه دولت ایران از کمک و تائید هیئت صلحیه خود در پاریس تقاعد ورزید تصدیق داریم با نظریهٔ که شما این قرار داد داشته و دارید حاضر نبودید که هیئت صلحیه مستقیما بتواند کاری از پیش ببرد چه دست و پای ایران را بسته یکدفعه بانگلستانش سپرده بودید -

ما فرمایشات وزارت خارجه آمریک را هم میتوانیم تکذیب کرده بگوئیم از روی بی اطلاعی بوده است ولی با دم خروس چه توان کرد یعنی جملهٔ که در مراسله ضمیمه قرار داد گنجانده آمده آیا دیگر برای شما موقع اقدامات مستقیم بهیئت صلحیه پاریس میتوانست داد یا نه - شما در آن مراسله تسلیم میکنید که دولت انگلیس سعی نماید که جبران خسارات ایران را از متخاصمین دیگر حاصل کند - شما اختیار اقدامات هیئت صلحیه پاریس را یکدفعه سلب نموده بدست دیگران داده اید و بزرگترین بخشش شما این بوده که دولت انگلیس که از همه دول بیشتر در داخلهٔ ایران لشکر کشی نموده و سبب اتلاف نفوس و قحطی وغیره گردیده از تاوان خسارهٔ که باید بایران بدهد معاف داشته اید

لفظ (دول متخاصم دیگر) در ثبوت این مدعا کافی است

اگر سائر مسائل دفاعیه جناب عالی هم بهمین درجه دارای صداقت بیان باشد جای تصدیق برای احدی باقی نمیگذارد ما برای اینکه آقای وثوق خود شان انصاف دهند و قرار داد سال ۱۹۲۱ را بمیزان اعتبار بسنجند اصل قرار داد ۱۹۲۱ را هم ذیلاً مینگاریم

نص عهد نامه ایران و روس

[مورخه هشتم حوت ۱۲۹۹ هجری مطابق]
(۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میلادی)

چون دولت ایران از یکطرف و دولت جمهوری اتحاد اشتراکی شوروی روسیه از طرف دیگر نهایت درجه مایل بودند که روابط محکم و حسنه همجواری و برادری در آتیه ما بین ملتین ایران و روس بر قرار باشد لهذا مصمم شدند که داخل مذاکره در این باب شده و برای این مقصود اشخاص ذیل را وکلای مختار خود نمودند

از طرف دولت ایران علیقلیخان مشاور الممالک

از طرف دولت جمهوری اتحادی اشتراکی شوروی روسیه که ارگی واسیلویچ چیچرین و لوبخانیویچ کاراخان وکلای مختار مزبور پس از ابراز اعتبار نامهای خود که موافق قاعده و ترتیبات مقتضیه بوده در آنچه ذیلا ذکر میشود توافق نظر حاصل نمودند

(فصل اول)

دولت شوروی روسیه مطابق بیانیه های خود راجع بمبانی سیاست روسیه نسبت بملت ایران مندرجه در مراسلات ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ (ضمیمه ۱) و ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ (ضمیمه ۲) یک مرتبه دیگر رسماً اعلان می نماید که از سیاست جابرانه که دولتهای مستعمراتی روسیه که باراده کارگران و دهاقین این مملکت سرنگون شدند نسبت بایران تعقیب مینمودند قطعاً صرف نظر می نماید ــ

نظر بآنچه گفته شد و باشتیاق باین که ملت ایران مستقل و سعادتمند شده و بتواند آزادانه در دارائی خود تصرفات لازمه را نماید دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قرار داد ها را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع می نمود ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلان می نماید ــ

(فصل دوم)

دولت شوروی روسیه از سیاست دولت های روسیه تزاری که بدون رضایت ملل آسیا و به بهانه تامین استقلال ملل مزبوره با سایر ممالک اروپا در باب مشرق معاهداتی منعقد می نمودند که بالنتیجه منجر باستملاک آن میگردید اظهار تنفر مینماید این سیاست جنایت کارانه را که نه تنها استقلال ممالک آسیا را منهدم مینمود بلکه ملل زنده مشرق را طعمه حرص غارتگران اروپائی و تعدیات مرتب آنها قرار میداد دولت شوروی روسیه بدون هیچ شرطی نفی مینماید

نظر بآنچه گفته شد و مطابق اصول مذکوره در فصل اول و چهارم این معاهده دولت شوروی روسیه استنکاف خود را از مشارکت در هر نوع اقدامیکه منجر بتضعیف و محفوظ نماندن سیادت ایران بشود اعلان نموده و کلیه معاهدات و قرار داد هائی را که دولت سابق روسیه با ممالک ثالثی بضرر ایران و راجع بآن منعقد نموده است ملغی و از درجه اعتبار ساقط میداند

(فصل سوم)

دولتین معظمتین متعاهدتین رضایت می دهند که سرحد ما بین ایران و روسیه را مطابق تعیین کمسیون سرحدی ۱۸۸۱ (رجوع بصفحه ۱۴۷ مجموعه معاهدات شود) تصدیق و رعایت نمایند ضمنا بواسطه عدم میلی که دولت شوروی روسیه از استفاده از ثمره سیاست غاصبانه دولت تزاری سابق روسیه دارد از انتفاع از جزائر عاشوراده و جزائر دیگری که در سواحل ولایت استرآباد ایران واقع میباشند صرف نظر کرده و همچنین قریه فیروزه را با اراضی مجاوره آن که مطابق قرارداد ۲۸ مای ۱۸۹۳ (رجوع بصفحه ۱۵۸ مجموعه معاهدات شود) از طرف ایران بروسیه انتقال داده شده است بایران مسترد میدارد

دولت ایران از طرف خود رضایت میدهد که شهر سرخس معروف بسرخس روس یا سرخس کهنه با اراضی مجاور آن که منتهی به رود خانه سرخس میشود در تصرف روسیه باقی بماند

طرفین معظمتین متعاهدتین باحقوق مساوی از رود خانه اترک و سایر رود خانها و آبهای سرحدی بهره مند خواهند شد وضمنا برای تنظیم قطعی مسئله انتفاع از آبهای سرحدی وبرای حل کلیه مسائل متنازع فیهای سرحدی و ارضی یک کمسیون مرکب از نمایندگان ایران و روسیه معین خواهد شد

(فصل چهارم)

با تصدیق اینکه هریک از ملل حق دارد مقدرات سیاسی خودرا بلا مانع وآزادانه حل نماید هر یک از طرفین معظمتین متعاهدتین از مداخله در امور داخلی طرف مقابل صرف نظر کرده وجداً خودداری خواهد نمود

(فصل پنجم)

طرفین معظمتین متعاهدتین تقبل مینمایند که :

(۱) از ترکیب ویا توقف تشکیلات ویا دستجات (گروپ ها) بهر اسم که نامیده شوند و یا اشخاص منفرد که مقصود تشکیلات و اشخاص مزبوره مبارزه با ایران و روسیه و همچنین با ممالک متحده با روسیه باشد در خاک خود ممانعت نمایند و همچنین از گرفتن افراد قشونی ویا تجهیزات نفرات برای صفوف قشون ویا قوای مسلحه تشکیلات مزبوره درخاک خود ممانعت نمایند

(۲) بکلیه ممالک و یا تشکیلات قطع نظر از اسم آن تشکیلات که مقصود شان مبارزه با متعاهد معظم باشد نباید اجازه داده شود که بخاک هریک از طرفین معظمتین متعاهدتین تمام آنچه را که ممکن است برضد متعاهد دیگر استعمال شود وارد نموده و یا عبور دهند

(۳) با تمام وسائلی که به آن دست رس باشد از توقف قشون و یا قوای مسلحه مملکت ثالث دیگری در صورتیکه احتمال برود توقف قوای مزبوره باعث تهدید سرحدات و یا منافع و یا امنیت متعاهد معظم دیگر می‌شود باید درخاک خود ومتحدین خود ممانعت نمایند

(فصل ششم)

طرفین معظمتین متعاهدتین موافقت حاصل کردند که هرگاه ممالک ثالثی بخواهند بوسیله دخالت مسلحه سیاست غاصبانه را در خاک ایران مجری دارند یا خاک ایران را مرکز حملات نظامی برضد روسیه قرار دهند و اگر ضمنا خطری سرحدات دولت جمهوری اتحادی شوروی روسیه و یا متحدین آنرا تهدید نمایند و اگر حکومت ایران پس از اخطار دولت شوروی روسیه خودش نتواند این خطر را رفع نماید دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خودرا بخاک ایران وارد نماید تا اینکه برای دفاع ازخود اقدامات لازمه نظامی را بعمل آورد دولت شوروی روسیه متعهد است که پس از رفع خطر فورا قشون خود را از حدود ایران خارج نماید

(فصل هفتم)

نظر باینکه ملاحظات مذکوره درفصل ششم میتواند همچنین درباب امنیت در بحر خزر مورد پیدا نماید لهذا طرفین معظمتین متعاهدتین موافق هستند که اگر در جزء افراد بحریه ایران اتباع دولت ثالثی باشند که از بودن خود در بحریه ایران برای تعقیب مقاصد خصمانه نسبت بروسیه استفاده نمایند دولت شوروی روسیه حق خواهد داشت که انفصال عناصر مضره مزبوره را از دولت ایران بخواهد

(فصل هشتم)

دولت شوروی روسیه انصراف قطعی خود را از سیاست اقتصادی که حکومت تزاری روسیه در شرق تعقیب می‌نمود و بدولت ایران نه از نقطه نظر توسعه اقتصادی و ترقی ملت ایران بلکه برای اسارت سیاسی ایران پول میداد اعلان می‌نماید

بنا براین دولت شوروی روسیه از هرنوع حقوق خود نسبت بقروضی که دولت تزاری به ایران داده است صرف نظر کرده و اینگونه استقراض ها را فسخ شده وغیرقابل تأدیه میشمارد و همچنین دولت شوروی روسیه از تمام تقاضا های راجع بانتفاع از عوائد مملکتی ایران که وثیقه استقراض های مذکوره بودند صرف نظر مینماید

(فصل نهم)

دولت شوروی روسیه نظر به اعلان نفی سیاست مستعمراتی سرمایه داری که باعث بدبختیها و خونریزیهای بیشمار بوده و میباشد از انتفاع از کارهای اقتصادی روسیه تزاری که قصد از آنها اسارت اقتصادی ایران بوده صرف نظر مینماید

بنابراین دولت شوروی روسیه تمام نقدینه و اشیاء قیمتی و کلیه مطالبات وبدهی بانک استقراضی ایران را همچنین کلیه دارائی منقول و غیر منقول بانک مزبور را درخاک ایران بملکیت کامل ملت ایران واگذار مینماید

توضیح انکه درشهرهائیکه مقرراست قونسلگری های روسیه تاسیس شوند ودر آنجا ها خانهای متعلقه ببانک استقراضی ایران وجود داشته و مطابق همین فصل منتقل بدولت ایران میشود دولت ایران رضایت میدهد که یکی ازان خانه ها را مجاناً برای استفاده مطابق انتخاب دولت شوروی روسیه برای محل قونسلگری روسیه وا گذار نماید

(فصل دهم)

دولت شوروی روسیه کوشش سیاست مستعمراتی دنیا را که در ساختن راهها و کشیدن خطوط تلگرافی در ممالک غیر برای تامین نفوذ نظامی خود بر توسعهٔ تمدن ملل ترجیح میدهد نفی کرده و مایل است که وسائل مراوداد ومخابرات که برای استقلال و تکمیل تمدن هر ملتی لزوم حیاتی دارد باختیار خود ملت ایران واگذارده شود وضمنا هم بقدر امکان خسارات وارده بایران بواسطهٔ قشون دولت تزاری جبران شود لهذا دولت شوروی روسیه مؤسسات روسی ذیل را بلا عوض بملکیت قطعی ملت ایران واگذار مینماید

ا — راههای شوسه از انزلی بطهران و ازقزوین بهمدان با تمام اراضی و ابنیه و اثاثیه متعلق راه های مذکور

ب — خطوط راه آهن از جلفا به تبریز و از صوفیان بدریاچه ارومیه با تمام ابنیه و وسایل نقلیه و متعلقات دیگر

ت — اسکله ها و انبار های مال التجاره و کشتیهای بخاری و کرجیها و کلیه وسایل نقلیه در دریاچه ارومی با تمام متعلقات آنها

ث — تمام خطوط تلگرافی و تلفونی با تمام متعلقات و ابنیه و اثاثیه که در حدود ایران بتوسط دولت سابق تزاری ساخته شده است

ج — بندر انزلی (پر) با انبار های مال التجاره و کارخانه چراغ برق و سایر ابنیه

(فصل یازدهم)

نظر باینکه مطابق اصول بیان شده در فصل هشتم این عهد نامه منعقده در دهم فورال ۱۸۲۸ مابین ایران و روسیه در ترکمان چائی نیز که فصل هشتم آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود از درجه اعتبار ساقط است لهذا طرفین معظمتین متعاهدتین رضایت میدهند که از زمان امضاء این معاهده هر دو بالسویه حق کشتی رانی آزاد در زیر بیرقهای خود در بحر خزر داشته باشند

(فصل دوازدهم)

دولت شوروی روسیه پس از آنکه رسماً از استفاده از فواید اقتصادی که مبتنی بر تفوق نظامی بوده صرف نظر نمود اعلان مینماید که علاوه بر آنچه در فصول ۹ و ۱۰ ذکر شد سایر امتیازات نیزکه دولت سابق تزاری عنفاً برای خود و اتباع خود از دولت ایران گرفته بود از درجه اعتبار ساقط میباشند

دولت شوروی روسیه اززمان امضاء این عهد نامه تمام امتیازات مذکوره را اعم از آنکه موقع اجراء گذارده شده باشند و یا گذارده نشده باشند و تمام اراضی را که بواسطه آن امتیازات تحصیل شده اند بدولت ایران که نماینده ملت ایران است واگذار مینماید

از اراضی و مایملکی که در ایران متعلق بدولت تزاری سابق بوده محوطه سفارت روس در طهران و در زرگنده با تمام ابنیه و اثاثیه موجوده در آنها و همچنین محوطه ها و ابنیه و اثاثیه جنرال قونسلگریها و قونسولگریها و ویس قونسولگریهای سابق روسیه در ایران در تصرف روسیه باقی میماند

توضیح آنکه دولت شوروی روسیه ازحق اداره کردن قریه زرگنده که متعلق بدولت سابق تزاری بود صرف نظر مینماید

(فصل سیزدهم)

دولت ایران از طرف خود وعده میدهد که امتیازات و مایملکی را که مطابق این عهد نامه بایران مسترد شده است بتصرف واختیار و یا استفاده هیچ دولت ثالث و اتباع دولت ثالثی واگذار ننموده وتمام حقوق مذکوره را برای رفاه ملت ایران محفوظ دارد

(فصل چهاردهم)

با تصدیق اهمیت شیلات سواحل بحر خزر برای اعاشه روسیه دولت ایران پس از انقضاء اعتبار قانونی تعهدات فعلی خود نسبت بشیلات مزبوره حاضر است که با اداره ارزاق جمهوریت اتحادی اشتراکی شوروی روسیه قرار دادی در باب صید ماهی با شرایط خاصی که تا آنزمان معین خواهد شد منعقد نماید

همچنین دولت ایران حاضر است که با دولت شوروی روسیه داخل مطالعه وسائلی که حالیه نیز تا رسیدن موقع شرایط مذکوره درفوق امکان رساندن مواد شیلات مزبوره را بروسیه درنظر ادارات ارزاق جمهوری اشتراکی روسیه تامین بنماید بشود

(فصل پانزدهم)

دولت شوروی روسیه نظر باصول اعلام شده خود درباب آزادی عقاید مذهبی مایل است به تبلیغات مذهبی که مقصود باطنی ازآن اعمال نفوذ سیاسی در توده مردم وکمك بدسایس سیاسیه تزاری بوده در ممالك اسلامی خاتمه دهد

بنا براین دولت شوروی روسیه انحلال تمام هیئت های روحانی را که درایران دولت سابق تزاری تاسیس کرده بود اعلان مینماید و اقدام خواهد نمود که بعد ها ازروسیه بایران اینگونه هیئت ها اعزام نشوند

دولت شوروی روسیه اراضی و ابنیه و دارائی هیئت ارتودکس را درارومیه وهمچنین تمام دارائی سایر مؤسسات سنخ هیئت مزبوره را بلا عوض بملکیت دائمی ملت ایران که دولت ایران نماینده آن است واگذار مینماید دولت ایران اراضی و ابنیه و دارائی مزبور را بمصرف ساختن مدارس و سائر مؤسسات معارفی خواهد رسانید

(فصل شانزدهم)

نظر بمندرجات مراسلهٔ دولت شوروی بتاریخ ۲۵ ایون ۱۹۱۹ (ضمیمه ۲) راجع بابطال قضاوت قونسولها اتباع روسیه ساکن ایران و همچنین اتباع ایران ساکن روسیه ازتاریخ امضاء این معاهده دارای حقوق مساوی با سکنهٔ محلی بوده و محکوم قوانین مملکت موقف فیها خواهند بود و به تمام کارهای قضائی آنها درمحاکم محلی رسیدگی خواهد شد

(فصل هفدهم)

اتباع ایران در روسیه و همچنین اتباع روسیه در ایران از خدمت نظامی و تادیه هر نوع مالیات نظامی یا عوارض نظامی معاف هستند

(فصل هیجدهم)

اتباع ایران در روسیه و اتباع روسیه در ایران در آزادی مسافرت در داخله مملکت دارای حقوقی میباشند که باتباع دول کاملةالوداد بغیر ازدول متحده با روسیه واگذار میشود

(فصل نوزدهم)

طرفین معظمتین متعاهدتین در مدت قلیلی پس از امضاء این عهد نامه اقدام در تجدید روابط تجارتی خواهند نمود

وسائل تنظیم واردات و صادرات مال التجاره و تادیه قیمت آن و همچنین طرز دریافت و میزان حق گمرکی که از طرف ایران بر مال التجاره روس تعلق میگیرد مطابق قرار داد خاص تجارتی که بوسیله کمیسیون خاص از نمایندگان طرفین تشکیل خواهد شد معین خواهد گردید

(فصل بیستم)

طرفین معظمتین متعاهدتین متقابلا بیکدیگر حق ترانزیت میدهند که از طریق ایران و یا طریق روسیه بممالک ثالثی مال التجاره حمل نمایند ضمناً از مال التجاره حمل شده عوارض بیش از آنچه از مال التجاره دول کاملة الوداد غیر از ممالک متحده جمهوری اتحادی شوروی روسیه اخذ میشود نباید تعلق بگیرد

(فصل بیست و یکم)

طرفین معظمتین متعاهدتین در اقل مدت پس از امضاء این عهد نامه اقدام در استقرار روابط تلگرافی و پستی مابین ایران و روسیه خواهند نمود شرایط روابط مذکوره در قرار داد خاص پستی و تلگرافی معین خواهد شد

(فصل بیست و دوم)

برای تثبیت روابط ودادیه همجواری و تهیه موجبات درک حس نیت همدیگر که پس از امضاء این عهد نامه فیمابین برقرار میشود هریک از طرفین معظمتین متعاهدتین در پای تخت طرف مقابل نماینده مختار خواهند داشت که چه در ایران و چه در روسیه دارای حق مصونیت خارج از مملکت (اکستری توریالیته) و سایر امتیازات مطابق قوانین بین المللی و عادات وهمچنین قواعد و مقررات جاریه در مملکتین نسبت بنمایندگان سیاسی خواهند بود

(فصل بیست و سوم)

طرفین معظمتین متعاهدتین به نیت توسعه روابط مملکتین متقابلا در نقاطی که برضایت طرفین معین خواهد شد تاسیس قونسولگریها خواهند نمود حقوق و صلاحیت قونسولها در قرار داد مخصوصی که بلا تاخیر پس از امضاء این عهد نامه منعقد خواهد شد و همچنین مطابق قواعد و مقررات جاریه در هردو مملکت نسبت بقونسولها معین خواهد شد

(فصل بیست و چهارم)

این عهد نامه باید در ظرف سه ماه تصدیق شود مبادله تصدیق نامه ها در شهر طهران حتی الامکان در مدت قلیلی بعمل خواهد آمد

(فصل بیست و پنجم)

این عهد نامه بزبان فارسی و روسی در دو نسخه اصلی نوشته شده در موقع تفسیر آن هردو نسخه معتبر می باشند

(فصل بیست و ششم)

این عهد نامه فوراً پس از امضاء دارای اعتبار خواهد شد برای تصدیق آنچه گفته شد امضاء کنندگان ذیل این عهد نامه را امضاء کرده و بامهار خود ممهور نمودند در شهر مسکو در ۲۶ فورال ۱۹۲۱ تحریر شد امضاء : گ ارگی چیچرین - ل . کاراخان - مشاورالممالک

مراسله وزیر امور خارجه ایران بنماینده مختار روسیه

(مورخه ۲۰ قوس ۱۳۰۰ نمره ۲۶۵۴)

آقای نماینده مختار

چون در فصول پنجم و ششم عهد نامه بین الدولتین بنظر دولت و مجلس شورای ملی ابهامی موجود بود همچنین عقیده مجلس بر این است که فصل سیزدهم که راجع ببرگشت امتیازات است باید قید شرط مقرر گردد و فصل بیستم بترتیبی نوشته شود که ترانزیت صادرات و واردات برای دولت ایران منظور گردد در این مسائل شفاهاً با آن جناب مذاکراتی شده نسبت به فصول پنجم و ششم توضیحاتی داده بودند و نسبت بفصول سیزدهم و بیستم وعده داده بودند که اگر عهد نامه از مجلس بگذرد آن جناب مساعی جمیله را بعمل آورده و مساعدت خواهند فرمود که این دو فصل بروفق میل دولت و مجلس اصلاح شود چون دولت و مجلس شورای ملی علاقه تامی باستقرار روابط ودادیه بین الدولتین دارند ومایل هستند که هرچه زودتر عهد نامه که حائز اساس روابط حسنه بوده باشد منعقد گردد این است باطلاع آن جناب میرساند که بطوریکه وعده فرموده اند توضیحات راجع بفصول پنجم و ششم و وعده مساعدت نسبت باصلاح فصول سیزدهم و بیستم را بدولت کتباً اعلام فرمایند تا موفق شوند عهد نامه را بتصویب مجلس شورای ملی برسانند و همچنین راجع باشتباهی که در فصل سیم شده و در عوض لفظ معاهده کمیسیون نوشته اند چون در سنه ۱۸۸۱ فقط عهد نامه سرحدی منعقد شده بود و مقصود این فصل همان عهد نامه و عبارت مندرجه در فصل سیم غلط بینی است بدیهی است در رفع این غلط عبارتی هم اقدام مقتضی خواهند فرمود در این موقع احترامات فائقه را تجدید مینماید

(مشاور السلطنه)

جواب نماینده مختار روسیه

(مورخه ۲۰ قوس ۱۳۰۰ نمره ۱۶۰۰)

آقای وزیر امور خارجه

در جواب مراسله محترمه مورخه ۲۰ برج قوس

هذه السنه ۹ جناب مستطابعالی با کمال احترام توضیحاً زحمت افزاست که مقصود ازمواد پنجم وششم قرارداد ما فقط در موردی است که شروع بعملیات و مبارزه مسلحانه بر ضد روسیه وجمهوریهای شوروی متحده یا او ازطرف طرفداران رژیم واژگون شده یا یاران آنها دربین دول خارجه آنهائی که بغیر ازکمك نمودن بدشمنان جمهوریهای کارگران و دهاقین میتوانند بهانه یا همچنین جبراً قسمتی از خاك ایران را تصرف نموده و در اینجا محلی برای حملات مستقیمه خود و یا بوسیله قوای ضد انقلاب و اوسیور ها بجمهوریهای شوروی ویا بخود روسیه حمله نمایند تشکیل داده شود و بهیچ وجه مبارزه شفاهی و ادبی با رژیم شوروی از طرف دستجات ایرانی ویا دستجات فراریان روسیه تا حدیکه معمولا در این دو دولت دوست اجازه داده میشود در مواد مزبوره در نظر گرفته نشده است ولی در خصوص مواد سیزده و بیست و همچنین ماده سیم آنجائی که بقول دولت متبوعه جناب مستطابعالی در تعیین قرار داد هزار و هشتصد و هشتاد و یك (۱۸۸۱) مختصر اشتباهی رخ داده است دوستدار بدون تزلزل بطوریکه بدواً هم اظهار مینمود دولت دوستدار با نهایت احساسات صادقانه نسبت بملت ایران هیچ وقت سدی را در طریق ترقی و تعالی ایران در نظر نداشت و خود دوستدار برطبق این احساسات با کمال میل مشروط بمحفوظ ماندن مناسبات دوستانه کامله بین دولتین حاضر است در مذاکرات راجعه به تغییر مواد فوق الذکر و قسمتهای علیحده در مواد بمیل دولت علیه ایران ودرطبق منافع روسیه مساعدت لازمه را بعمل آورد پس ازاین اظهار دوستدار منتظر است که دولت متبوعه جناب مستطاب عالی و مجلس شورای ملی در نزدیك ترین اوقات قرار داد را بطوریکه در مراسله محترمه جناب مستطاب عالی وعده داده شده تصویب برسانند دراین موقع احترامات فائقه را تجدید مینماید

نماینده مختار دولت ر . س . ف . س . ر .
در ایران روتشتین

حل المتنین

این معاهده چون خود مشرح است چندان محتاج به تشریح نیست تمام مواد آن بفائده ایران است جز ماده ۵ و ۶ که عبارتش مبهم بود و در دو مراسله بخوبی رفع اشتباه شده که برای او نیز سفارت روس مراسله بطریق ضمیمه داده است ولی این قرار داد را بباید دو نظر دید

نظر اول آنست که از بعد معاهده ترکمان چای همه روزه روسها بقسمی نسبت بایران و ایرانیان سختی نموده و ملت و دولت را در مضیقه گذارده بودند که تصور حیات استقلالی در مقابل فشار های تزاری بهر فرد ایرانی ممتنع مینمود خصوصاً با آن معاهده تقسیمیه که در ۱۹۰۷ با دولت انگلیس بسته مملکت ایران را تقسیم سیاسی وجغرافیائی کرده روزنه امیدی هم که برای ایرانیان بود مسدود ساختند چه جماعتی را در ایران عقیده این بود که انگلیسیان طرفدار آزادی و ممکن است روزی پیش آید که بتائید آن دولت قوی الشکیمه ایران از فشار روس نجات یابد ولی هوشمندان همیشه میدانستند که تمام سیاسیون متجاوز دول مستعمراتی در یك مدرسه درس خوانده ومنزل مقصود همشان یك است نهایت یکی با پنبه سر میبرد دیگری با خنجر در هر صورت معاهده سال ۱۹۰۷ شیشهٔ امید ایرانیان کم تجربه را هم بسنك نومیدی زد در چنین حال نا امیدی وفشار وسختیهای چند ساله جنك ودخالتهای بیجای متجاورین معلوم است بسی بر استحسان این قرار داد در نظر ایرانیان افزود خاصه از ملت و دولت با خشونتی مثل روس چنین نرمی وملایمت فوق العاده دیده ایرانیان را بخود جلب نمود

نظر دیگر که باین معاهده میشود این است که در آن وقت موقع روسیه چه بوده ایران اول دولتی بود که حکومت بالشویزی را برسمیت شناخته و دشمنی های صد سالهٔ که روسیان نسبت بایران ابراز داده از نظر دور داشته و دسایس مخالفین روس را هم بهیچ نیندیشیده بلکه از خطرات بزرگی که در اتحاد با روس برای ایران متصور بود پرهیز ننموده صلای دوستی و اتحاد روس را لبیك اجابت گفت وبرای سائر دول هم راه موافقت با روس را باز نمود ولی باصول اقتصادی و مالی حصهٔ هم از خسارات ایران جبران نشده اگر فقط خسارة که ایران از لشکریان روس یافته حساب شود چندین برابر همراهیهای مالی است که روسها در این قرار داد بایران نموده اند فقط یك فقره خساراتیکه ایرانیان از منات برده چندین برابر بخششهائیست که دراین معاهده بایران شده است ولی با این همه وقتیکه بپهلوی قرار داد انگلیس گذارده آید آیه رحمت و بهشت برینش باید گفت درحقیقت مقبولیت این قرار داد و محبوبیت آن بیشتر بواسطه تقابل و توازن با قرار داد دولت انگلیس بود ، حالا ما از آقای وثوق سوال میکنیم که چه چیز شما را وادار کرده بود بترجیح آن قرار داد باین قرارداد زمینه این قرارداد تماماً همان مراسلاتی استکه درسال ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ بجناب عالی رسیده بود علاوه براین چه چیزمانع شما شده بود با اینکه تمام مسائل قرارداد با انگلیس را قبل ازوقت تصفیه کرده بودید ازوزارت

خارجه وقتی که ریاست هیئت صلحیه را گرفته بپاریس و اروپ رهسپار آمده بود مستور نداشتید ، بلکه سرا عزل مشاورالممالك وزیرخارجه را پیش‌خیمه قبولاندن آن قرار داد قرار داده شاهزاده فیروزمیرزا را وزیر خارجه وهمدست خودتان ساختید آیا یك چنین قرارداد بزرگی را که در مقابل این قرار داد شما می‌بستید با کدام یك از رجال سیاسی ایران مانند مشیرالدوله ، مؤتمن الملك ، مستوفی الممالك و امثال آنها مشوره کردید ، آیا برای مخالفت با آن قرارداد چندین نفر از وزراء و رجال محترم را تبعید ننمودید ؛ اینها جنبه های سیاسی بود که نگاشته آمد آیا هیچ جنبه روحانی این مسئله‌را هم مدنظر گرفتید ؟ آیا فراموش کردید مراسلات آیة الله شیرازی را [که] در موضوع این قرارداد بشما نوشته بودند یقین داریم فراموش نفرموده اید عباراتی را که آن بزرگوار که در حق عاقد آن قرار داد بیان فرموده بودند ، تمام سواد آن مراسلات دراداره محفوظ است ، افسوس که اخبار تاریخ نیست و گنجایش درج همهٔ جزئیات مراتب را ندارد

آقای وثوق اروقتیکه شما شاگرد مدرسه بودید حبل المتین را شناخته بی غرضی و حق گوئی و وطن شناسی این نامهٔ ملی‌را میدانستید هیچوقت تصور نمیکنیم در پیش وجدان خود تان نگارشات حبل المتین را مبنی بر غرض تصور نمائید چه در این ۲۰ ساله که شما ایران مدار بوده اید حبل‌المتین را هم مشروطه آرا دیدید اینك نیز نسبت بشخص جنابعالی هیچگونه ابراز اغراض نفسانی نمی دهد فقط موقع نازك وطن را دیده بنام ملت بنام دولت و بنام مادر وطن از شخص شما تمنا دارد که سبب نگردید مجدداً دوره رقابت سیاسی ناصری و مظفری در ایران تجدید شده چرخهای اداری ملت و دولت که تازه میخواهد براه افتد فلج گردد ما تصدیق داریم که بهترین راه سلامتی ایران دوستی دولتین همسایه است مشروط براینکه هیچگونه دخالتی در کارها به آنان داده نشود حتی ما راضی نتوانیم شد که بروسها ولو در تحت پروگرام وزارت معارف هم باشد اجازه افتتاج مدارس در مرکز وسائر نقاط داده شود چه ما تجربه داریم که شهد ارباب سیاست نیز آلوده به سم است باید بدوره انگلو فیل و روس فیل خاتمه داد باید ایران پرست شد معلوم است که هر یك از این دو همسایه درپیشرفت سیاسیات خود نقشه‌ها خواهند ریخت وتدابیرخواهندانگیخت ولی اگر رجال ما آله پیشرفت مقاصد آنان نگردند پیشرفتی برای آنها میسر نخواهد گردید باید شما عقلا به پیروپو کالدهنتای [؟] این و آن نگرد ، هر قدر قرار داد تجارتی بین ایران وروس معوق ماند از دو طرف برای انگلیسان سود مند است اول اینکه تنفر ایرانیان از روسیان زیاد میگردد - دوم هر روزیکه دیر تر رواج تجارت بین ایران و روس بشود منفعت اقتصادی انگلیسان بیشتر خواهد بود حالا پرسش میکنیم که ۷۰ کرور اضافه واردات ما بر صادرات فائده‌اش بکه میرسد استاتستیك گمرکات حاکی است که در صدی بیست از واردات جنوب بیشتر تعلق بدول سائره ندارد و صدی هشتاد آن راجع بانگلستان است

اینها همه نتیجه تعرفه گمرکی است که بقیة الباقیه قرارداد منحوسه ۱۹۱۹ است ما تصدیق داریم که از پنجاه سال باینطرف انگلیسان از ایران منافع عمده تجارتی برده ولی هیچ شبهه نداریم که تعرفه گمرکات سال ۱۹۲۰ بیشتر مورث ترویج تجارت انگلیس گردید و هر ایرانی در خانه خود نشسته یك مالیات معنائی که چند برابر مالیاتی است که بدولت خود میدهد بانگلستان می پردازد

* امروز موقعی‌است که ایران تعرفه گمرکات خودرا بروی صرفه ملی گذارده قوانین آن را از مجلس شورای ملی بگذراند

ملتیکه اختیار تعرفه گمرکات خود را نداشته باشد مقتدر بر حفظ ثروت خویش نتواند آمد هشتاد سال است چینیان مانند امروزه ما درفشار اقتصادیات بیگانگان بودند جنبش امروزه آنان همه برای جلوگیری از خروج ثروت خودشان است ومیگویند تاوقتیکه تعرفه گمرکات باختیار چین نباشد و امتیازات جابرانه اجنبیان باطل نشود چین مقتدر بحفظ ثروت خویش و ایستادن بروی پای خود نخواهد بود

همین قسم است ایران - ایران باید تمام امتیازات خارجه را لغو ساخته یا اقلا نظر ثانی در آن نموده اختیار تعرفه گمرکات خود را هم حاصل نماید

بالجمله روسها از این قرار داد یك محبوبیتی در ایرانیان پیدا کردند ولی بواسطه چند امر آن محبوبیت دارد رو بزوال میرود

از آن جمله اینکه تمام مواد قرار داد را بموقع اجرا نگذارده اند و قرار داد تجارتی که بنا بود بین دولتین صورت بندد تاکنون نه بسته است و نسبت به مال التجاره ایران و تجار ایرانی سلوك دوستانه نمی نمایند اگرچه ما یقین داریم باین زودی ها این مناقشات هم مرتفع خواهد شد ولی در هیچ صورت رضا نتوانیم‌داد که دولتین شمال و جنوب ایران را جولانگاه رقابت خود قرار داده رجال ما را آله پیشرفت مقاصد خویش قرار دهند

ما به آقای وثوق توصیه میکنیم که راستی اگر شما دولت‌خواه اید ملت نواز اید وطن پرورید امروزه بالاترین خدمتی که میتوانید باین آب وخاک بفرمائید اینست که یکدفعه ازکارهای ملتی و دولتی کناره جوئی نمائید چه وجـود شخص شما بیش از هر چیز سبب هیجان ملت و رقابت دو همسایه شمال وجنوب میگردد و همین معاملات است که دولت را فلج و کار های ملت را نیز از جاده مستقیم منحرف می نماید

امیدواریم که این نگارشات حمل برهیچگونه غرض و مرضی نشده نصایح ما را قبول فرمایند

§ سخن پیر مغان بشنو و بازیچه مدار §
§ تا گریبان ترا دهر نگیرد سر دار §

آل اندیا شیعه کانفرنس

چنانچه در شماره های گذشته نگاشتیم که کانفرنس سالانه تمام شیعیان هند ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ دسمبر در شهر تاریخی پتنه کرسی ایالت بهار و اریسه منعقد گردید ، ما نیز در آن جلسات شرکت داشتیم خطبه صدارت بفارسی وخیلی مفصل ومشرح که قابل العمل بود قرائت شد وخیلی هم ازمواد مفیده از اکثریت آرا گذشت منجمله فرستادن شاگردان برای تعلیم در مدارس طهران بود ما نیز وعده دادیم که آنچه بتوانیم در این مقصود بایشان کمک نمائیم یقین است وزارت معارف ایران نیز مارا تائید خواهد نمود نمایندگان شیعه از هر شهر و ایالات در این کانفرنس شرکت کرده بودند چنانچه میگویند امسال نفوذ واثرات کانفرنس از سنوات سابقه بیش بوده است

نواب سید اسمعیل خان بهادر رئیس پتنه که مردیست مطلع و خوش خیال و منتظم صدر هیئت استقبالیه بود یعنی رئیس میزبانان محترم ازحسن پذیرائی ایشان خیلی بر امتنان میهمانان افزود کمک وتائید کافی بصدر کانفرنس جناب مستطاب آقا حاجی میرزا هاشم ناظم التجار اصفهانی مقیم بمبئی دادند امید است که آقای ناظم التجار در یک ساله صدارت خود شان امور کانفرنس را قسمی مرتب ومنظم نمایند که در آینده نزدیک بتوانند کانفرنس شیعیان تمام عالم گردد ما در آتیه متدرجاً خطبه بلیغ صدارت را درج خواهیم نمود

ابلاغ

روزنامه ایست ادبی ، اخلاقی ، سیاسی اثر خامه فاضل ادیب جناب آقا میرزا علی که مدتی در فارس و طهران و اینک در بمبئی طبع و نشر میگردد ایامیکه بمبئی بودیم بملاقات ایشان نائل معلوم گردید که مانند سائر آزادگان از ارباب قلم بصدمات و لطمات مبتلا بوده اند ، امیدواریم ازاین ببعد بتوانند ازانجام این وظیفه بزرگ برآیند ، ابلاغ روزنامه ایست هفتگی قیمت سالانه اش در هند هفت روپیه و در ولایات سائره یک پوند و در ایران ۵۵ قران است طالبین بادرس ذیل رجوع نمایند

بمبئی نل بازار مارکیت ، بهوندی والا بلدینگ

معاونین قلمی حبل المتین

بارها تذکر داده اینک نیز پس از تشکر باموارت ذیل تذکر میدهیم

(۱) از شخصیات دوری جسته آنچه مینویسند در نفع عموم باشد

(۲) در نگارشات خود ازجزئیات پرهیز و بکلیات بپردازند

(۳) نگارشات شان مختصر وصاف و روشن باشد

(٤) نگارنده تازه که مربوط باداره نباشد باید معرفی خودرا با یکی از معروفین اداره بنماید

(۵) امضای خودرا صاف و روشن درج کنند در صورت عدم اجازه درج نام البته اداره امضای او را محفوظ خواهد داشت

وکلای محترم اداره

بتازگی معلوم آمده که سابقاً برخی از وکلا در وصول وجه اشتراک این اداره ملی اعمال نفوذ برخی از ادارات رسمی را نموده بودند امیدواریم که من‌بعد از ارتکاب چنین امور اجتناب ورزند و بدانند که حبل المتین روزنامه ملی است وجه اشتراکیکه باعمال نفوذ دولتیان بوی برسد بر خود حرام میداند

خوانندگان بدانند

مکرر نگاشته ایم که روز نامه آئینه را ماند قبیح را قبیح وحسن را حسن نماید شکستن و سوختن آئینه برحسن صورت وسیرت خودنمایان نیفزاید و این را هم باید بدانند که جزئی از اخبار بیش تصنیف نیست کلیه آن تالیف است لازم نیست که نگارنده روز نامه با آنچه درآن نگاشته آمده عقیدتمند باشد

حسب الامر مدیر و دبیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعه حبل المتین
[نمبر ۱ - ۲٦ امری پوکر رود کلکته طبع و توزیع گردید]

حبل المتین مجانا باحدی داده نمی شود
از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
مقدم گرفته میشود
روز نامه مقدس

حبل المتین
(۹-۲٦ اهری پوکر رود)
[بالیگنج کلکته]
کلیه امور با مدیر کل
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[دبیر ثانی ف . س . مؤید زاده]
[ام . ای است]
هر دوشنبه طبع و سه شنبه
توزیع میشود

Ahri Pukur Road
CALCUTTA.

قیمت اشتراک

سالانه	ششماهه
(هند و برمه)	
۱۸ روپیه	۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)	
٦۰ قران	۳۵ قران

[ممالک سایره]
سالانه
یک و نیم لیره انگلیسی

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۲۰ دی ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ٦ رجب المرجب سنه ۱۳۴۵ هجری
مطابق با ۱۱ جنوری سنه ۱۹۲۷ میلادی

پیشنهاد مخصوص

(عهد آخر این مبارك بنده است)

حال که سلطنت ایران سلطنت موروثه است حسن انتظام و استقبال ایرانیان منوط ومربوط بحسن تعلیم وتربیت پادشاه آینده یعنی ولیعهد دولت علیه می باشد پس اگر ایرانیان بهتری فردای خود را خواهان اند اولین وظیفهٔ شان است که منتهای جهد و کوشش را در تربیت والا حضرت شاپور اول ولیعهد مبذول دارند عقیده ما آنست که محیط مملو ازتملق و چاپلوس ایران قابل تربیت و تعلیم یك پادشاه عالم فاضل واقف بمقتضیات وقت نیست محیط چاپلوس ایران بوده که فرزندان و ولیعهدان پادشاهان بزرگ ایران را از جاده اعتدال خارج نموده عیاش تنبل تن پرور ساخته است درست باید دقت نمود ولیعهدیکه از یوم تولد تا موقع تاجگذاری و نشو و نمای عقلانی از چپ و راست بار کرنش و تعظیم کنند و جز بلی قربان گوشش بهیچ لفظی آشنا نباشد اگر هزار مدرسه برای اوترتیب دهند وکلاسهای مخصوص برای او مهیا کنند و بهترین پروفسرها ومعلمین وی تعلیم نمایند محیط منحوس چاپلوسی نخواهد گذارد که آن طفل معصوم بی تقصیر پادشاه فاضل و زعیمی دانا و توانا برای ملك وملت تربیت شود هرکس هرچه میخواهد بگوید ما ناچاریم حقایق را برای خیر ملت و دولت به پیشگاه اعلیحضرت پهلوی تقدیم نمائیم

(اعلیحضرتا !)

سلطنت ایران موروثه خاندان پهلوی گردید وظیفه هر ایرانی است که برای حسن استقبال خویش بکوشد و حسن استقبال ملك و ملت در سلطنتهای موروثه کوشش در حسن تربیت سلاطین آینده خویش است ـ اعلیحضرتا ! والا حضرت شاپور اول پادشاه آینده ماست باید بر وفق زمان و مانند سائر ولیعهدان دول معظمه بحسن تربیت و تعلیم شان کوشید البته در تلگرافات ملاحظه فرموده اند که اعلیحضرت امپراطور کنونی ژاپون تا چند روز قبل از رحلت پدر تاجدار شان در دارالفنون اکسفورد مشغول تعلیم و تربیت بودند همین قسم پادشاه افغانستان غازی امان‌الله خان ولیعهد خود شان را با وجود اینکه خیلی کوچك و کم عمر بوده برای تعلیم و تربیت به اروپا گسیل داشته اند

(اعلیحضرتا)

چنانچه عرض کردیم محیط چاپلوس ایران نمیگذارد که ولیعهدان سلاطین بر حسب مقتضیات زمان تربیت شوند ایرانیان امیدوارند که شاپور اول حقیقتاً ثانی شاپور اول گردد بهتر و بالاتر تربیتیکه برای این سرمایه امید ایرانیان میسر است همانا فرستادن ایشان در تحت اتالیقی آقای ذکاءالملك فروغی با یکی دو نفرملازم مخصوص با بودجه مکفی به آمریك است آقای فروغی شایسته ترین رجال ایران از هرجهت برای این خدمت است چه هم پروفسر است و هم عالم و واقف بمقتضیات زمان و ضروریات ایران هم است آقای فروغی هر خدمتیکه بایران بتوانند نمود بپایه و ارزش این خدمت عالی نخواهد رسید چه این خدمتیست که حسن استقبال ایرانیان را تضمن تواند نمود و حسن اخلاق و پاکی طینت آقای فروغی گویا برای این خدمت بزرگ ایجاد شده است امریکارا برای تعلیم و تربیت والا حضرت شاپور اول که معین نمودیم بمناسبت عملی بودن

اهالی آنجاست اهالی آمریک مانند مردمان اروپا عیاش وقوال نیستند همه فعال و کارگر اند قوایت در آنها کمتر دیده میشود آقای فروغی میتوانند والا حضرت ولایت عهد را با بودجه مختصر به آمریک برده در یک از نقاط خوش آب و هوای آنجا توقف و ایام تعطیل را نیز بخواندن فارسی و عربی و تماشای عملیات صناعتی و زراعتی آمریک بپردازند جهازات جنگی و تجارتی و دار خانه جات مختلفه آمریک ومشق نظام واصول تجارت و عمران آمریک را یک یک در مغز وقلب صاف و بی آلایش پادشاه آینده ایران جای دهند حتی در ایام تعطیل مدارس نیز آمدن شان بایران لزومی ندارد چه هر قدر از محیط متملق این لوحه صاف و شفاف دور ماند مزید بر حسن عاقبت ایرانیان خواهد بود اگر این پیشنهاد عملی گردد در آینده ایران دارای پادشاهی عالم فاضل فعال عادل که واقف بمقتضیات زمان هم باشد تواند گردید و اگر چنین نکنیم پس از آنکه نهال آینده امید ایرانیان در محیط تملق نشو و نما نمود و زمین و زمان را در کرنش و سجده خویش یافت و از بهترین ادبای وطن هزار بیشه هژبر است در یکی جوشن شنید نه تنها ملک و ملت را فراموش میفرماید بلکه خویشتن را هم گم میکند آنوقتیست که باراده شخصی مانند سائر سلاطین ایران ازروی هواجس نفسانی بیدرپی بسیر گلگشتهای اروپا اصرار وقت نموده دست رنج ملت را صرف حوروشان فرنگ فرمایند نه خود فائده برند و نه ملت اینها چیز هائیست که همه دیده ایم و خرابیهای ایران هم تمام از ین وضع نامرغوب بوده است ما مانند متملقین ایران عقیده نداریم که ولایت عهدمان فطرتاً فرشته خصال است و ازسموم بداخلاقی محیط مصون و محفوظ تواند ماند ما شخص شخیص ولایت عهد را هم مانند سائر اولاد بشرمیدانیم که حسن تعلیم و تربیت در ایشان تاثیرات نیك تواند بخشود زمانه اشخاص فوق العاده مانند اعلیحضرت پهلوی ، نادر ، شاه اسمعیل ، شاه عباس کبیر کمتر پیدا میکند وهیچ لازم نیافتاده که اولادان رجال فوق العاده هم فوق العاده شوند ولی حسن تعلیم و تربیت چیزیست که در هر قوم و ملتی اشخاص فوق العاده پیدا میکند خصوصاً اگر دارای گوهر پاك و طینت تابناك باشد

در ممالك جمهوری اگر رئیس و زعیم جمهور خوب هم منتخب نشود چون مدت ریاستش محدود است چندان خرابی وارد نتواند نمود ولی اگر ممالکی که سلطنتش موروثی است اگر پادشاهانش حسن تعلیم و تربیت نیابند مورث هزارگونه خرابی بلکه زوال سلطنت میکردند همین قسم که در سلاطین صفوی شد و در خانواده نادری هم پدید آمده تادیروز در دودمان قجر یافتیم اگر ما یقین داشتیم که زمانه تمام ولیعهدان پهلوی را نیز مانند شخص پهلوی فوق العاده مینمود هرگز چنین پیشنهادی را نمی نمودیم چون یقین باین امر نداریم بلکه از اثرات سموم محیط چاپلوس ترسانیم از این رو برای خیر ملت و وطن خود بلکه برای قدردانی از خدمات جلیله شخص شخیص اعلیحضرت پهلوی چنین پیشنهاد را لازم دیدیم چه می بینیم که متملقین چاپلوس ازحالا دارند بذرات تملقات خویش را دوقلب مصفای پادشاه آینده ایران جای میدهند هرگز فراموش نمیکنیم نگارشات جراید متملق را که در روز دوم ولیعهدی والا حضرت شاپور اول نگاشتند « سپهسالار اعظم با ولیعهد گردون مهد ملاقی آمده تا ساعتی از درمعضلات امورصحبت میداشتند » حالا که همه کس میداند که طفل پنج وشش ساله ولو هر قدر هم فوق العاده باشد نمیتواند در معضلات امور مملکت صحبت نماید یا بشنود و تمیز دهد اینگونه نگارشات متملقانه اخلاق هرفرشته خصالی هم که باشد مکدر میسازد ولی چه توان کرد که محیط چنین اقتضا میکند نگارنده وخواننده میدانند که آنچه نگاشته وخوانده همه دروغ بوده ولی با این محیط چاپلوس پسند چاره جز دروغگوئی نمی بینند در چنین محیط برای حسن تربیت یك پادشاه عالم فاضل این مدارس موجوده فائده ندارد و کلاسهای مخصوص هم محیط را صاف نتواند نمود ملت خیلی در تربیت احمد شاه مخلوع کوشید ولی چون محیط فاسد بود ذرهٔ هم نتوانست بروفق مرام ملت اورا تربیت نماید -

امیدواریم که فراست وکیاست خدا داد اعلیحضرت این بزرگترین خدمت را نیز باین آب و خاك فرمایند و اگر متملقین چاپلوس بگذارند و رجال صحیح العقیده و وکلای خوش سابقه این پیشنهاد را تائید کنند عملی شدن آن خیلی آسان و زود تواند شد چه امروز موقع آن است که والا حضرت ولایت عهد رااز این محیط مسموم فاسد دور نگاه داشته در حسن تربیت شان قیام نمایند خصوصاً وقتیکه شخصی مانند آقای فروغی برای حسن انجام این خدمت داشته باشیم ولو هر قدر گفته آید که دارالفنون های انگلستان یا آلمان چنین وچنان است باز هم خواهیم گفت آمریک برای تربیت و فعالیت شاگردان بهترین موقع است و هیچگونه مضرتهای سیاسی هم از قیام ولیعهد در آینده عاید بایران نخواهد شد آیا جرائد ایران این پیشنهاد را تائید خواهند نمود ؟ نه چرا که محیط فاسد چاپلوس اجازهٔ شان نمیدهد

مهمانان ناخوانده

مخبر روتر خبر میدهد که هیئتی از مهندسین آمریک سویز انگلیس از سویز بطرف طهران رهسپار آمده مصمم اند که راه آهنی را از طهران تا خلیج تعمیر نمایند و مصارف این راه آهن هفت ملیون لیرا اندازه شده تهیه این وجه را هم از بانکهای آمریک و انگلیس خواهند نمود –

تخمیناً دو ماه قبل نیز همین تلگراف را روتر اشاعه داده بود پس از تحقیق معلوم شد این هیئت مهمانان ناخوانده اند و بخیال خود برای پیشنهاد جلب امتیاز بطهران رهسپار اند آیا دولت یا مجلس شورای ملی پیشنهاد آنها را قبول کنند یا نه پس از ورود شان بطهران معلوم خواهد گردید – ما در این موضوع در شماره های قبل عقیده خود را نگاشته ایم که جلب سرمایهٔ خارجی برای ایران لازم است ولی آن سرمایهٔ که خالص اقتصادی باشد نه سیاسی بسیاری را عقیده این است که سرمایه را که انگلستان در ممالک خارجه میریزند جنبه سیاسی اش بر اقتصادی اش فزونی دارد و نظیر می‌آورند کمپانی (ایست اندیا) شرق هند را و نیز خریداری سهام کانال سویز را هم که عاقبت باستیلای خطه مصر تمام گردید امریکا سرمایه که بخارجه میریزد اقتصادی است ولی چنانچه نوشته ام سرمایه اقتصادی در جلب سرمایه سیاسی باقی نتواند ماند یعنی منحل در سرمایه سیاسی میگردد – در صورتیکه ایران فعلا قرب ٤ ملیون لیرا مخصوص برای تعمیر راه آهن موجود دارد شاید این وعده ۷ ملیون استقراض نتواند جلب قلوب ایرانیان را نماید منتظریم که این هیئت بطهران رسیده وقایع نگاران حال المتین کیفیت و چگونگی ان را بنویسند

حیات اقتصادی

علمای فن اقتصاد میگویند که هر ملت و دولتیکه دارای حیات اقتصادی نباشد ممکن نیست حیات سیاسی خود را قائم نواند داشت و از این است که دول مستعمراتی بهر جا که قدم میگذارند اول کاریکه میکنند بهر وسیله که باشد رشته اقتصادیات آن مملکت را بکف خود میاورند پس از آنکه باقتصادیات آن احاطه نمودند رشته سیاسیات انجا خود بخود بدست شان می‌آید وطولی نمیکشد که استقلال آن محو و نابود میگردد چنانچه از چندی قبل همین مسئله در مکسیکو که مرکز و متمائل بشمال وجنوب آمریک است اختیار شده بی مناسبت نیست اگر برای اطلاع قارئین شمهٔ هم از جغرافیای مکسیکو نگاشته آید مکسیکو مملکتیست کوهستانی در ساحل پسفیک مساحتش ۷٦۷۰۰۰ مربع میل است یعنی ۱٦۷ هزار مربع میل از ایران بزرگتر است ، رود خانجاتش مانند ایران کمتر قابل جهاز رانی است در یک منطقه با هند واقع شده ولی چون بیشتر خاکش ساحلی آب و هوایش بهتر از هندوستان است ، نفوسش هم مانند ایران ۱۵ ملیون است خمس این نفوس از نژاد اسپانی و بقیه همان سرخپوستان اولیه آمریک اند مکسیکو در ثروت طبیعی هم مانند ایران انگشت نماست معادن نقره او اول معادن نقره دنیاست بعد طلا و مس و سرب ممتاز هم دارد معادن نفت مکسیکو در آمریک کمال اهمیت را پیدا نموده حاصلاتش هم تقریباً مثل حاصلات ایران است مانند تنباکو و چوب وغیره

از چندی باین طرف دولتین اتازونی و انگلیس سرمایه زیادی در جلب معادن نفت وغیره آنجا ریخته رشته اقتصادیات آنجا را بکف گرفته از ۳۰ سال باینطرف کوشان اند که رشته سیاست آن را هم قطع نمایند رجال مکسیکو مصمم گردیده اند که مانند چینیان کاولی رشته اقتصادیات خود را از قبضه بیگانگان بیرون آرند چنانچه بتازگی پارلمان مکسیکو حاضر گردیده است که امتیازات نفتی که به آمریک وانگلیس داده شده تمام را لغو ساخته معادن نفت خویش را باختیار خود درآورند مخبر روتر خبر میدهد که فقط سرمایه که آمریک در معادن نفت مکسیکو ریخته ۱۵۰ ملیون است انگلستان هم مبالغ گزافی در امتیاز معادن نفت آنجا صرف نموده است از این رو اهالی اتازونی و انگلستان از این خبر که پارلمان مکسیکو میخواهد لایحه قانونی در لغو امتیازات نفتی خارجه بدهد خیلی پریشان و مشوش اند وکلای پارلمان مکسیکو میگویند که حیات اقتصادی ما در خطر است و ما برای حفظ استقلال خویش و ما در حقیقت در حفظ حیات سیاسی خود داریم ناچار بلغو این امتیازات اقتصادی می باشیم اهالی مکسیکو حساب نموده اند که تا کنون از معادن نفت مکسیکو آمریک وانگلیس چندین مقابل سرمایه که گذارده بوده برداشت کرده اند

آری ، هر ملت زنده را حق حفاظت حیات استقلالی می باشد ودر صورتیکه امتیازات اقتصادی حیات سیاسی آنان را تهدید کند در لغو امتیازات اقتصادی محق بشمار میروند دعوی چینیها هم همین است که فشارهای اقتصادی خارجه حیات استقلالیه چین را به مخاطره انداخته است

آیا امتیازات اقتصادی بیگانگان حیات استقلالیه ایران را مانند مکسیکو وچین بمخاطره نه انداخته است ؟ البته انداخته ولی چه توان کرد که چشم بینا و رجال توانا و وکلای دانا نداریم ، کدام مخاطره اقتصادی برای ایران بالا تر از این است که ۷٤ کرور تومان واردات ما بر صادرات ما فزونی دارد شاهدی

برای ایران از استاتستیک گمرکات بالاتر تصور امیشود . ولی کی بگوید و کی بشنود و کی بکند

جنبش چینیان

انقلابات چین دارد کم کم کسب اهمیت میکند ملیون کانتانی یا جنوبی چین در زیر تعلیمات بلشویزها قوت قوی حاصل نموده و گمان میرود که خیلی زود بر شمال چین هم غلبه جسته یك حکومت ملی جمیعی تشکیل دهند انقلابات درونی چین بیش از آنست که بیان میشود - سفیر جدید انگلستان را عقیده این بود که اگر برخی رعایتهای مختصر به ملیون چین داده شود قشون احمر چین آرام خواهد گرفت یاد داشتیکه بحکومت چین نوشته شده ژاپون ، فرانس امضا نموده و چینیان هم جواب نداده انقلاب در ازدیاد است قشون احمر شهر هنکو را متصرف و نقاطه رعایتی انگلیس را قبضه نموده‌اند قشون بحری انگلیس که بهنکو آمده بود بجهازات خویش معاودت کردند - زنان و بچگان را نیز از هنکو حرکت داده مردان در لب ساحل مانده که اگر حمله بر آنها شود بتوانند بجهازات موجوده باز گردند دعاوی چین اگر چه عمومی است ولی مخالفت و دشمنی شان با انگلیسیان خصوصی ظاهر میشود و هنوز نقاط رعایتی ژاپون و فرانس و آمریك در هنکو هیچگونه تجاوزی از قشون احمر پیش نیامده ولی آنها هم مخوف اند ظاهراً خواهش ملیون چین چند امر است اول گرفتن اختیار تعرفه گمرکات خویش - دوم لغو بعضی تاکسهائیکه برانها بار شده - سوم کلیه امتیازات سیاسی و اقتصادی خارجیان مشکل این سیاست که اگر انگلیسان درچین جنگ توانند هم در آمد بواسطه مخالفت عملجات انگلستان حکومت موجوده باقی نتواند ماند و دوباره حکومت حزب کارگر برسر کار خواهد آمد و اگر جنگ نکنند تجری چینیان بیشتر شده ممکن است در شنگهائی و هنگ کنگ هم قیام شان دشوار آید از این و انگلیسان ساعی اند که تمام دول را با خود متحد ساخته بجلوگیری از ملیون چین قیام نمایند

روسیه اگرچه رسماً انکار میکند از دخالت مستقیم خویش در امورات چین ولی علناً اظهار میدارد که با ملیون چین همدردی صمیمی دارد ملیون چین میگویند حیات استقلالی ما از نحوست دخالت اقتصادی بیگانگان بمخاطره افتاده ما نیز مثل سائرین حق حیات سیاسی و حکومت تصرف در خانه خود داریم وراستی نتوانستیم شد که بیشتر از این رشته اقتصادیات مملکت ما بقبضه بیگانگان باشد چه در سایه تصرفات اقتصادی تار و پود سیاست ما متلاشی شده است چینیان یا باید مستقل بمانند و یا شرف بمیرند - دولت انگلیس از هر طرف جهازات جنگی و قشون بحری بچین میفرستد و قوای خودرا اندك اندك متحد و مجتمع ساخته نگران حرکات (بقیه در صفحه ٢٤)

از طهران مینویسد

شمارهٔ ۲۲ حبل المتین اشاعه یافت ، ارباب ذوق را دلبستگی بی پایان پدید آمد ، معلوم است که زلف یار هم بر خورده است ، یقین دارم خواهید فرمود ما را چه بدین کار که فلان را خوش و بهمان را بد آمد چه . بفرمود حبل المتین روز نامه آئینه است قبیح را قبیح و حسن را حسن نماید

پریروز درخیابان لاله‌زار آقای ... را ملاقات نموده پرسش فرمود با حبل المتین مراسله دارای گفتم بلی ! فرمود از طرف من بایشان بنویس که ما هم آقای وثوق را خوب میشناسیم ایشان را که وکیل ساخته وزیر نمودیم برای الولو سر خربزه یا مترس ستان سیاسی بوده چه ساویت ها خیلی بما فشار آورده بودند - عرض کردم اینگونه سخنان را بدیگران میتوان فهماند - بگوئید که ورزیده سیاست است نمیتوان گفت چراکه او همیشه مکر سیاست مذبذب بوده وهست و قائل است که ایران تاوقتیکه برای خود سیاست مستقلانه را تعقیب نکند از گزند هیچ یك از همسایگان مصون نتواند ماند - ترکیه از اختیار سیاست مستقل چه زیان یافته افغانستان جوان در سیاست یکرخه چه نقصان دیده است

صد سال که سیاست مذبذب را تعقیب نمودید چه نتیجه حاصل شد - جز اینکه امپراطوری ایران را بصورت نکبتی حالیه اش در آوردند

از این بیانات معلوم شد که سیاست مابان محترم ما در فرکسیونهای مجلس نقش های کهنه را تازه میکنند و خیلی ساعی اند که زود اکثریت مجلس را متزلزل ساخته یك بازی مضحکی فراهم کنند - فقط امیدی که میرود بود وزیر دربار آقای تیمور تاش است تا حقایق را به پیشگاه اعلیحضرت پهلوی بی پرده آشکار و جلوگیری ازنیرنك بازیهای سیاسی خارجه نموده و برای همیشه باین رقابت بازیها خاتمه بخشند بهمین زودیها آقای تیمور تاش وارد خواهند شد - بعد از ورود آقای وثوق بمجلس برای اینکه گل بود به سبزه نیز آراسته گردد ساعی اند که آقای مدرس را هم که از هر جهت صحت شان خوب است بمجلس وارد سازند

(اوضاع مرکز)

بیش از همه چیز توجه عمومی متوجه قرار داد تجارتی ایران و روس است . این مسئله بدو جهت دولت را در فشار گذارده اول اینکه مخالفین رابطه ایران با شمال دارند با خیلی نکته چینی ازمواد قرارداد برخلاف حسن مراودات ایران وروس پروپاگندا میکنند ، از طرف دیگر هم اولیای دولت ساویت تا

درجه داریم در موضوع ایران سهو و زیادتی ابراز میدهند
بعید نیست که تا یک ماه دیگر قرار داد بین ایران و
روس تصفیه پذیرد

(آقای تیمور تاش)

آقای تیمور تاش یک از رجال تحصیل کرده
فاضل تربیت شده است زمانی بریاست نظام خراسان
مامور بود وکیل دار الشورای ملی هم شدند چندی
نیز وزارت فوائد عامه را مقفل مدتی هم وزیر دربار
اعظم پهلوی بوده اند اینک چندیست بسفارت فوق العاده
درمسکو وترکی رفته میگویند خیلی ازمسائل مختلفه را
سر و صورتی داده مجدداً برای حل مشاکل قرارداد
تجارتی روس وایران میخواستند ازبادکو بمسکو بازشان
گردانند ولی موقتاً همین دو روزه بطهران وارد میشوند
تیمور تاش مردیست شجاع و نظامی با معلومات کافی
محل اعتماد و اطمینان اعلیحضرت پهلوی نیز میباشند .
روسها را از وی بد نمی آید، انگلیسها هم از ایشان
نفرت نمی نمایند . سیاست شان وطنی است و کاملاً
معتقد است که ایران باید سیاست مذبذب را یک سو
نهاده مانند ترکی وافغان سیاست مستقلانۀ اختیار نماید وبا
تمام دول نیز روابط حسنه خودرا ازدست ندهد وجامعت
ملی شان نیز خوب است برخی را عقیده این است که اگر
جنبه خوش گذرانی ایشان کم شود یک از رجالی اند که
درآینده نزدیک خدمات خیلی برجسته بایران توانند نمود

(آقای مدرس)

آقای مدرس یکدلی رفع نقاهت شان شده ولی
تا کنون بمجلس نیامده اند برخی همچه تصور کرده
که ترک دخالت در امور سیاسی فرموده اراده دارند
از وکالت مجلس هم استعفا نموده به تدریس و امور
روحانی اشتغال ورزند ولی بعقیده ما که ازروحیات و
عادات آقای مدرس تا درجۀ واقفیم که اثرات سیاسی
در خون ایشان هم نفوذ یافته ممکن نیست ازدخالت در
سیاسیات کناره گیری نمایند و ترک وکالت مجلس را
گویند آقای مدرس خیلی افسرده اند که چرا
تا کنون حمله کنندگان ایشان دست گیر نیامده
اند ولی تا جائیکه ما مسبوقیم دولتیان از تعقیب
باز نیامده وهنوزهم کاملاً بجدیت اولیه باقی اند چیزیکه
میتوان گفت سرد شدن کم وبیش ساحۀ است بدست
نیامدن حمله کنندگان می باشد میگویند عدم تعقیب
مسئله نیز باشاره خود آقای مدرس بوده است
شک نیست که مدرس خیلی با ذکاوت و کیاست است
بهمان قسم هم ساده وبی لوث است چیزیکه مست تملق
ایشانرا گول میزند در طرفداری آقای وثوق خیلی
خودرا کنفت ساختند وبسیاری را هم عقیده این است
که حمله بر ایشان نیز از نحوست طرفداری وثوق
بوده است یک از ظرفا میگفت صدمه آقای
مدرس کفاره طرفداری رودروستی از وثوق شده
است همان ظریف میفرمود تا وقتیکه آقای وثوق
مستقیم یا غیر مستقیم یک انقلاب بزرگی در ایران
نیاندازد آرام نخواهد گرفت یعنی آن کسانیکه ایشان
را فرستاده آرامش نخواهند گذاشت

چون آقای وثوق بمجلس ورود نموده درتکمیل
نقشه خودشان یعنی از کار انداختن آقای مدرس اند که
آقای مدرس هم بفوریت در مجلس بیایند

§ تا یار کرا خواهد و میلش بکه باشد §

(جنوبیان را مژده)

افواه است که اعلیحضرت شاهنشاهی که همارم
هم شان مصروف به تعمیر بلاد و آسایش عباد است
قصد عزیمت بجنوب فرموده میگویند این مسافرت
از طهران باصفهان و یزد و کرمان و ممکن است تا
بلوچستان و بندر عباس و کلیه خلیج فارس امتداد
یابد هنوز معلوم است که این مسافرت کی صورت
بندد ولی این عزیمت قطعی است و توجه اعلیحضرت
بجنوب حتمی ، ابداً لازم به بیان نیست که این مسافرت
تا چه اندازه بعمران و رفاهیت اهالی جنوب تاثیرات
بزرگی تواند بخشود که کوچکترین از آنها امتداد
راه های شوسه جنوب بیکدیگر است علاوه بر این
هنگامیکه صاحب ملک خرابیهای مملکت خویشرا برای العین
مشاهده فرمود خواه مخواه در علاج و اصلاح آن
اقدام خواهد رفت خوب است از حالا جنوبیان تحقیق
نموده در هر کجا که موکب شاهانه رونق افروزآید
با وفد های مخصوص و مرصداشتهای خصوصی ذات
شاهانه را بخرابیهای خود وضروریات خویش آگاهی
بخشند که عنقریب بهترین موقع برای آنان پیش توانند
آمد بلکه خیلی شایسته است که قبل از وقت روئداد
حرکت شاهانه را آگاهی یافته و به برخی اقساط که
دربار توجه نموده ذات شاهانه را بدعوت مخصوص
متوجه سازند اگر اهالی خلیج بدعوت پادشاه محبوب
خود موفق گردند خیلی از نقایص خلیج را مرتفع
توانند داشت چه این سفر شاهانه غیر از مسافرتهای
قبل است ، این سفر سفرعمرانی است و هرکجا قدم
گذارند به نظر اصلاحات ضروریه خواهند نگریست
اگر اهالی جنوب این موقع مهم را برایگان از دست
داده ازذات شاهانه نتوانند منافع مقتضیه را حاصل کنند
مصداق این مصرع واقع خواهد بود

§ گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست §

(اقتصادیات ما)

نظر بر اینکه واردات ایران نسبت بصادراتش بیش
از ۷۰ کرور اضافه است جمیع مابقات متوجه بتوازن

صادرات و واردات آمده اند و تا یک درجه میتوان گفت که بیشتر از ارباب بصیرت را عقیده این است که راه حل این مسئله حیاتی آنست که دولت کلیه تجارت خود را با خارجه جنسی قرار دهد همین قسمیکه عنقریب تجارت ما با روس خواهد شد در این اصول دو چیز را شرط میدانند اول اینکه تعرفه گمرکی ایران از اصول قراردادی بیرون آمده بصورت قوانین ملکی در آید یعنی تعرفه گمرکات ایران مانند سایر قوانین مملکتی از مجلس شورای ملی گذشته بصورت سایر عایدات دولتی بیرون آید وعلاوه براین نیز بایستی توازن تجارتی را با کلیه مال میزان تجارت خویش قرار دهد در این صورت برای هیچ ملتی هم مقام شکایات باقی نمی ماند و اقتصادیات ما نیز بر وفق صلاح ملک و ملت باقی تواند ماند

تعرفه گمرکی نیز باید بمناسبت صرفه و صلاح ملک و ملت معین آید یعنی بر آن چیز هائیکه ممکن است تهیه آن در داخله بشود گمرک گزاف گذارده آید و بر اجناسیکه محتاج الیه ماست گمرک خفیف معین آید و چیزهائیکه ضرورت نیست ورودش را یکمرتبه ممنوع دارند امروز در روی زمین دولت مستقل مشروطه یافت نمی شود که عنان اقتصادیاتش بقبضه خارجیان باشد جز چین و ایران، چین دارد بجنبش ملی خطر اقتصادی خود را مرتفع میسازد باقی میماند ایران، نمیدانم هنوز هم اولیای دولت علیه موقع ندیده اند که زالو های خارجی که دارند ثروت این مملکت را می مکیدند گفته آید که حقوق ملیه ما بیش از این اجازه نمیدهد که ثروت مملکت را دست خوش و بازیچه خویش قرار دهید — ١٥ ملیون نفوس ایران را میگویند و ٧٥ کرور واردات ما بر صادرات ما فزونی دارد - گویا حساب هر ایرانی از صغیر و کبیر زن و مرد از هم سری سالانه هریک درخانه خود نشسته، ٥ تومان بخارجه میدهد و اگر نفوس ایران ١٠ ملیون حساب شود هر طفلیکه متولد میشود سالانه ٧ تومان پول سری بخارجه میپردازد - بقول یکی از مصرین بیش از ربع واردات ایران هم اموال قاچاقی است که در احصائیات گمرکات نمی آید ازاینرو باید گفت هر ایرانی بچه از همان روز تولد اقلا سالانه ١٠ تومان پول سری بخارجه میدهد اینرا هم باید فهمید که این پول سری را کی ازما میگیرد روسیه که بمناسبت فزونی صادرات ما در خاک او عامل باصول تجارت جنس بجنس وتعادل وارد و صادر گردیده - در ترکیه نیز ظاهر است که صادرات بنسبت بواردات مان فزونی دارد هر قسم در مصر تمام سیل طغیان کن ثروت ملی ما ازجنوب بدریا میریزد باید سدی از جنوب مملکت کشید وآنهم منحصر است بر اینکه ایران نیز مانند روسیه قائل به تعادل تجارت شده معاملات خویش را جنس بجنس قرار دهد و تا چنین نکند ثروت ملی ما محفوظ نتواند ماند و هیچ دولتی را هم حق آن نیست که در این اصول حیاتی بما اعتراض کند

(بانک شاهنشاهی)

من برخلاف بسیاری از ارباب قلم عقیده دارم که بانک شاهنشاهی اساساً بتجارت ایران خدمت نموده و اصول صرافی را در مملکت ما رواج داده است و این نکته سبب ترویج تجارت در مملکت گردیده است و این را هم مستقیما قائل نتوانم شد که سالانه ملیونها ثروت ملی ما را بانک میبرد چه تمام سرمایه بانک دو ملیون لیره قرار گرفته بود وفقط شش صد هزار لیرا از آن دو ملیون بکار انداخته شده از منفعتی که به صاحبان سهام خود سالانه میدهد این قدر ها فائده معلوم نمیشود ولی از طرف دیگر قائلم که ثروت ملی ما دست خوش اوست هر وقت و بهر صورت که مائل باشد ثروت مارا معین میکند چرا که ایران دارای بورسه تجارتی نیست بانکی هم که معامله با خارجه داشته باشد کم است از همه بالا تر اقلا سالی بین ٥٠ و ٦٠ کرور تومان طلا و نقره ایران درمقابله واردات بانگلستان ریخته می آید و این معاملات بیشترش بواسطه بانک شاهنشاهی است وهروقت که صلاح دید ومقتضی وقت یافت قران را با لیره تسعیر میکند و ازاین راه مبالغ هنگفتی سالانه از ثروت طبیعی ما کاسته از راه غیر مستقیم بانگلستان وارد می سازد از این است که در صورت حساب بانک فائده زیاد معلوم نمیشود و بصاحبان سهام هم منفعت بسیار نمی بخشاید ولی از این راه ملیونها از ثروت ما میکاهند

ایران بباید بانکهای پوسیده را کنار گذارده بدون رودر واسی جمیع بانک ها را تحت قانون آورد و نظر ثانی بمواد امتیازیه برحسب مقتضیات حفظ قوانین ثروت ملی بنماید مشکل اینجاست که غالب رجال ما بطریق مشروح وغیر مشروح از بانک آبستن اند خیال میکنند اگر حرف حسابی بزنند شاید رئیس بانک از آنها دل خور شود من به آن آقایان اطمینان میدهم که نه رئیس بانک و نه دولت انگلیس ازحرف حسابی شما دلخور نخواهند شد چه میدانند امروز نه فردا ازشما نه از خلف شما این حرفهای حسابی را باید بشنوند چه آنها موقع شناس و واقف بمقتضیات زمان اند هیچوقت مائل نیستند که در وسط آسیا نیز مثل اقصای شرق ملتیان بحقوق خود برخواسته با مشکلات تمام حقوق خود را حاصل کرده و آنها را هم بزحمت

انگلستان راست است انگلیسها منفعت پرست هستند ولی هیچوقت مائل نیستند که باندازه سخت گیری کنند که رشته پاره شود چنانچه همین مسلک را نیز در چین میخواهند اختیار بکنند و قدری از حقوق مالیه چین را تسلیم و دوستی خودشان را با دولت آسمانی قائم و کوشان اند که نگذارند که چینیان از راه لا علاجی خویشتن را در زیر بیرق بلشویزی بکشند انگلیسها هم عاقل اند و هم دارای تجربه نهایت اینست که ایرانیها نمیدانند چگونه باید حقوق خودشان را محافظه کنند نه همه وقت تملق و چاپلوسی بکار میخورد و نه شانتاژ و شوخی بی اساس — در هر صورت دولت باید با وضع قوانین مخصوص عموم بانک های خارجه را تحت نگرانی و نظارت خود در آرند باید قیمومیت ثروت ملی را به بانک ها و کمپانی های خارجی بسپارند دولت باید شرف سکه خودرا محفوظ دارد سکه دولت ناموس سلطنت است جنس نیست که قیمت او ترقی و تنزل کند باید عیار سکه خودرا بروی طلا قرارداد مشروط بر اینکه از روی اصول و فن صرافی محافظه شود ما نمیخواهیم امتیاز بانک شاهنشاهی لغو شود ولی باید نظر ثانی در امتیاز نامه نموده خیلی از مواد آن را تجدید کرد و بانک هم البته میداند که امروز غیر دیروز است باید تحت قوانین مملکت خود را بشناسد ورنه روزی خواهد آمد که هم ما و هم او پشیمان شویم سرمایه بانک که درمقابل اسکناسهای خود در لندن گذارده غلط است این سرمایه باید در طهران باشد و اداره مرکزی بانک هم باید طهران قرار گیرد و نفع سهام داران هم باید از طهران به آنها داده شود حالت مالیه دولت خوب است ولی سکه ما سالی چند مرتبه بصورت جنس درمی آید وحال سکه دولت ورشکسته را پیدا میکند اینها همه نیرنگهای اقتصادی است که بانک بکار میبرد اگرچه برخی خواهند فرمود که چون سکه ایران نقره است و نقره تنزل نموده قران هم تنزل کرده است ولی من عقیده بآن ندارم چه داد و ستد سکه باعتبار دولت است ورنه کاغذ اسکناس که هیچ قیمت ندارد باید در مبادلات دارای اعتبار نباشد درهرحال هم باید بانک را لگام گرفت و هم سکه خود را طلا ساخت ورنه اگر لگام بانک بدست گرفته نباید طولی نخواهد کشید که سکه طلای ما نیزدست خوش نیرنگ صرافی بانک خواهد گردید هنوز یك بند ازقوانین صرافی از مجلس نگذشته است بدبختانه تاکنون رجال دولت و وکلای ملی ما از این فن شریف باندازه بی بهره اند که در ۲۰ سال مشروطیت هم بفکر اقتصادیات مملکت نیفتاده یك بند قانون اقتصادی هم وضع نکرده اند . امروز ایرانکه خود را مشروطه و دولت مقننه میداند با کدامین قانون صرافی میتواند از اقدامات بانك جلوگیری نماید

هرچه هست ازقامت ناساز بی اندام خودمان است

یقین دارم بعضی خواهند فرمود که چون احتیاجات ما بسیاراست یعنی صادرات ما نسبت بواردات ما کم است ناچار همواره سکه ما دست خوش تنزل و ثروت مملکت بازیچه خارجیان میگردد راست است تا حدی این کلام را تصدیق خواهم کرد ولی باز هم خواهم گفت که ازروی قوانین اقتصاد دولت میتواند جلو ترقی و تنزل سکه خود را بگیرد چه سکه دولت چنانچه گفتم جنس نیست که ترقی و تنزل داشته باشد ترقی و تنزل مسکوکات دول نتیجه اعتبار آنهاست در صورتیکه ذکر نمودم اوضاع اقتصادی دولت کنونی ما از جمیع دول بهتراست یعنی دارای قرض امم خارجی و داخلی نیست ، در این صورت از روی علم اقتصاد با پشتیبانی قوانین اقتصادی که از مجلس شورای ملی بگذرد میتواند همواره ناموس یعنی سکه سلطنت را بیك میزان نگاه دارد ، اول اقدامیکه باید دولت بنماید همانا ترتیب لوایح قوانین اقتصادی و گذراندن ازمجلس و بدون تبعیض جاری کردن در مملکت است که از آن وسیله بتواندجمیع بانکها وصاحبان امتیازخارجی را تحت فشار آورده و محافظت ثروت ملی قیام فرماید ورنه هر اقدامیکه در حفظ ثروت مملکت بنمایند نقش برآب خواهد بود

کمپانی نفت جنوب

یك از ثروتهای هنگفت ملی که میتواند حیات اقتصادی ایران را محافظت کند همانا معادن نفت جنوب است که بکمپانی انگلیس امتیاز داده شده این ثروت سرشار یا چشمه طلای جاری ازندانم کاری های اولیای سابق وعدم رعایت اصول اقتصاد تاامروز نتوانسته منافع عمده بما برساند چراکه در مواد امتیازنامه ذره هم رعایت حفظ ثروت ملی نشده و دراین ۲۰ ساله مشروطیت نیز هیچگونه توجه بتجاوزات اعضای کمپانی از دایره امتیاز خود ننموده اند - من قائلم که این کمپانی تا درجه منفعت بما رسانده و در آینده نیز تواند رساند ولی باید نظر ثانی در مواد امتیاز نامه بشود یا اقلا نگذارند اعضای کمپانی از حدود امتیازیه خود تجاوز کنند همان قسمیکه در موضوع بانك گفته آمد اداره مرکزی کمپانی را باید در طهران قرار دهند و منافع سهام الهم را ازطهران بصاحبان سهام تقسیم شود - این ثروت هنگفت ابداً در داخله ایران نمود ندارد و دست بدست هم نمیشود گویا در لوله های سربسته این طلای محلول سر از انگلستان در !

آورده در آن مملکت بر ثروت چرخ زده و دست کرمان میگردد — بر فرض که در امتیاز نامه کمپانی شرط شده باشد که اداره مرکزی کمپانی طهران قرار گیرد، حالا باید مجلس قانونی وضع کند که تا کلیه امتیازات خارجه و داخله اداره مرکزی شان طهران قرار گیرد — دولت پارلمانی و مجلس قانونی یك ملت کاملا دارای حق وضع اینگونه [illegible] واین است کسانیکه از نفت بهره داشته میفهمند که اداره مرکزی کمپانیهای بزرگ در طهران باشد چه منافع عمده بر آن متصور است من درست ملتفت نیستم ولی میشنوم که کمپانی در بسیاری از امور از حدود امتیازات خود تجاوز مینماید —

اول اینکه کمپانی از روی امتیاز نامه حق [illegible] و [illegible] ندارد که کارخانه جات تصفیه نفت را در انگلستان تعمیر نموده و نفت تصفیه نشده را بدانجا حمل کند از این اقدام چندین زیان بایران وارد شده است اول اینکه این کارخانه جات تصفیه که ملیونها صرف آن میشود پس از خاتمه امتیاز باید حق دولت ایران باشد — حالا که در انگلستان ساخته اند ولو قانوناً حق ایران خواهد بود ولی از دسترس ایران بیرون تصور میشود — دوم حقوقیکه بعملجات تصفیه بانگلستان داده میشود باید در ایران بعملجات ایرانی داده شود و این نقصان ثروت اقتصادی ملی است — سوم در انگلستان عمله گران است و در ایران ارزان و این تفاوت بحصه ایران نیز شامل نمیگردد و نیز گفته میشود که کمپانی فقط امتیاز معادن نفت جنوب را داشته حالا در غرب و شرق ایران هم دست اندازی نموده در ایالات غرب و نیز در سیستان که شامل در شرق است بحفر چاه های نفتی مشغول آمده است و در حقیقت برای این نقاط امتیاز تازه در کار دارد — از همه بالاتر کمپانی باید جز ارباب فن کلیه کارکنان را از اهالی ایران استخدام کند و حال آنکه چنین نمیکند کارهای بسیاری را که ایرانیان بهتر و ارزانتر میتوانند انجام دهند بهندیها و عراقیها میدهد کمپانی نفت جنوب حق کشیدن تلفن و امثال آن را ندارد تنها در ادارات داخله و ایران سیمهای تلفنی کشیده بلکه از مراکز نفتی تا بصره سیمهای تلفونی را امتداد داده است و این اقدام سیاسی گفته میشود معلوم است که هیچ دولت مستقلی راضی نتواند شد که در خاك او آلة مخابرات بدست دیگران بوده بلکه مخابرات او با خارجه هم باختیار کمپانی قرار گیرد و این موضوع خیلی اهمیت سیاسی دارد و گویا اولیای دولت ایران هم پی باین تجاوز برده در صدد جلوگیری بر

آمده اند خیلی مائلیم که روابط مابین با کمپانی محکم و در [illegible] باشد مشروط بر اینکه هم ما وهم کمپانی [illegible] خود راضی باشیم از مسائل مهمه که باید جلب توجه دولت را بنماید همانا راه های شوسه ایست که کمپانی تعمیر نموده — راه حکم شریان مملکت را دارد در دست هیچ کمپانی نمیتواند بود این راه ها را کمپانی باید تحت اختیار وزارت فوائد عامه ایران بگذارد تا عامه هم از او فایده برگیرند البته مصارف تعمیر این راه و هر راه دیگری را که کمپانی لازم دارد ذمه کمپانی خواهد بود و همین قسم است راه آهن را که کمپانی کشیده باید کاملا در قبضه وزارت فوائد عامه در آید از مسائل بزرگی که عنقریب [illegible] بحث خواهد آمد یکی هم آنست که درموقع جنگ دولت انگلیس رسماً سهام زیادی از کمپانی خریداری نموده و حال آنکه این کمپانی تجارتی است و هیچ دولت نمی تواند سهام آن را ابتیاع کند و همچنین میگویند حقوق عملجات ایرانی [illegible] در وقت [illegible] در اجرت ملاحظه نمیشود و هزاران عملجاتیکه در این راه جان داده یا از کار بیکار شده اند هیچگونه تلافی داده نشده است اینها همه دست بهم کرده [illegible] های شمال هم بر آن اضافه گردیده [illegible] اختلاف و نفرتی را بین ایرانیان و اعضای کمپانی تهییج میدهد [illegible] از مسائل دیگر هم هست که ذکرش [illegible] اطناب است از اینرو اعضای کمپانی [illegible] آمده برای رفع این اختلافات و تصفیه خیلی از [illegible] دو نفر از وکلای مجلس و امناء ملت را [illegible] رسم دعوت نموده که کاملا مؤسسات کمپانی را [illegible] و این مدعوین تمام مهمان کمپانی خواهند بود [illegible] از [illegible] بیان را عقیده این است که غرض کمپانی از این دعوت چند امر است اول اینکه لقمه را لقمه [illegible] — دوم اینکه حسن انتظامات خود را کاملا نشان دهد — سوم سرمایه که کمپانی در ایران ریخته ظاهر دارد اینها همه برای دو امر است. اول رفع اختلافات متصوره بین ملت و دولت و کمپانی دوم [illegible] که [illegible] شود جلب قلوب ملت و دولت را نموده تا در شرکت انگلستان با امریکا برای امتیاز نفت شمال موانع مرتفع گردد؛ بهرحال مدعوین که نام برده شده اند برخی از آنها ارباب اطلاع هستند و امتحانات وطن خواهی هم داده اند ولی شبهه میرود آن است که چون بعضیت مدعوین ارباب فن و متخصص نیست ممکن است به آنان اشتباه کاری بتوانند نمود ولی بعقیده بسیاری این مسافرت و این دعوت تا درجه به نفع ایران تمام تواند شد باید دید چه قدر به نفع کمپانی هم تمام گردد

راه علاج چیست

واردات سال ۱۳۰٤ — ۸۸ ملیون
صادرات همان سال ۵۰ ملیون و نیم
فزونی واردات بر صادرات ۳۸ ملیون و نیم
مطابق صورتی که اداره کل گمرکات داده است این رقم موحش تفاوت واردات و صادرات سال ۱۳۰٤ میباشد

ولی اگر تمام واردات مملکت را بحساب بیاوریم تفاوت از پنجاه وشصت ملیون هم تجاوز خواهد کرد

در مقابل این رقم خانمان سوز چه تصور میکنید چه راهی را برای جبران آن در نظر میگیرید ؟

وضعیت امروزی مملکت بمرحله ای رسیده است که حقیقة چاره اندیشی آن فوق‌العاده صعب و دشوار گردیده است

شما هر قدر فکر کنید که راه های برای بهبودی این وضعیت و خلاصی مملکت از فقر کنونی پیدا کنید هیچ بنظر تان نمیرسد .

تفاوت کار و عمل طوری نیست که بشود عادی تلافی کرد

کار اقتصاد مملکت از سر چشمه خراب گردیده یعنی منشاء و اساس آن قابل ترمیم نیست . از چند سال باینطرف که اوضاع اقتصادیات رو بقهقرا گذاشت سیل واردات به مملکت زیاد شد در مقابل این سیل نیسان ــن رجال ما . مجلس ما . مخصوصا اولیای امور سابق بواسطه حس شهوت رانی و جاه طلبی تیشه را بریشه این ملت زده سد اصلاحات گردیدند و گذاشتند نفوذ اجانب دراین مملکت زیاد شود و بالاخره امروز ضعف بر مملکت و ملت مستولی گردید وضعیت کنونی را برای ما بیاد کار گذاشتند

طوری نفوذ اجانب را در ایران زیاد کرده بودند که برای نیل بمقاصد پست و برای پر کردن جیب چند روزه یا برای دوام و بقای خود حاضر میشدند پشت با بملیت و قومیت خود زده در پس پرده نقشه های اجانب را برای محو و اضمحلال این ملت طرح کرده بموقع اجرا بگذارند

علت العلل بد بختی مملکت همین فکر کوتاه و پست بوده که رفته رفته مملکت را باین روز سیاه نشانیده است و اگرخوب دقت کنید مسؤل حقیقی هم خود ملت است که میگذارند این سنخ اشخاص در جامعه رشد و نمو نموده و عقاید پست خود را به جامعه تحمیل کنند

بهر حال آن دولت ها و رجال رفته خرابه هائی بایك مشت ملت گرسنه و لخت برای ما باقی گذاشته اند ــ گذشته گذشت و فکری برای آینده باید کرد

باید علاجی برای ۵۰ یا ٦۰ ملیون ثروت این مملکت کرد که هر ساله به جیب اجانب ریخته میشود ؟ باید حساب کرد اگر این وضعیت باین شکل ادامه پیدا کند تا چند سال دیگر ملت ایران میتواند خود را زنده نگاه وارد !

باید دانست علاج کار تنها عقد قرار داد تجارتی با دولت روسیه نیست که امروز همه متوجه این قضیه شده وتصور میکنند همین که قرار داد تجارتی تصویب شد ابواب سعادت بروی این ملت کشوده و رفع تمام بد بختی ها شد

قرار داد مزبور در صورتیکه از روی حفظ مصالح و منافع طرفین منعقد گردد قریب بیست ملیون تومان تجارت این مملکت را موازنه خواهد داد در حالی که در سال گذشته هم که سرحدات مسدود بود بیش از این صادرات بروسیه بوده است آنوقت با بقیه این مبلغ خطیر یعنی با ٤٥ ملیون واردات جوب و در مقابل ۵ ملیون صادرات چه خواهید کرد ؟ و چه خواهید گفت ؟

قرار داد روسیه تکافی بوضعیت خراب ما نخواهد داد ! شما یك نگاه حقارت آمیزی باین مؤسسه کوچك بانك شاهی بیاندازید و تحقیق کنید معاملات او با دولت و ملت چه شکل است ببینید بیش از این ملت ایران نمیتواند باج وخراج باین مؤسسه بدهد اگر دیدید باز هم میتواند مالیات بدهد که هیچ و الا دولت را متوجه کنید بانك را باجرای مقررات قرار داد خود وادار نماید چرا اجحاف و تعدی میکنند ! دیگر رمقی برای مردم باقی نمانده است !

باری چه باید کرد ؟ و راه علاج چیست ؟

دو راه علاج برای اصلاح امور اقتصادی بنظر ما میرسد که یکی اصلاح فوری و ضروری است و دیگری غیر فوری و تدریجی

اما علاج فوری

علاج فوری بعقیده ما توازن واردات با صادرات مملکتی است اول قدمی که برای این کار باید برداشته شود اجرای تصمیم شورای عالی تجارت دایر به قدغن ورود هفت ملیون تومان اشیاء تجملی و غیر ضروری است مجلس و دولت بدون فوت وقت وبدون واگذار کردن این کار را بجریان عادی قانون مزبور را بتصویب مجلس شورای ملی رسانده بموقع اجرا گذارند و در قبال قدغن لوکس برای توازن واردات وصادرات مبادله جنسی را با دول خارجه معمول دارند

بعبارة اخری بدوا قرار داد تجارتی با دولت شوروی را که مربوط بمبادله جنسی است و کار های مقدماتیش خاتمه یافته زودتر امضاء و بموقع

اجرا گذارند و همین طور هم جلو سایر واردات را گرفته و با دول مربوطه که ایران را بازار تجارت خود قرار داده اند داخل مذاکره شوند که مبادله جنسی بر قرار نمایند ولی این مبادله جنسی طوری نباشد که منافع یک طرف منظور گردد و مخصوصا باید مراعات این نکته بشود که ما قالی و پنبه و پشم وغیره ندهیم در عوض اسباب بازی و اسباب زرگی بگیریم اشیاء تجملی بموجب قانون علیحده بکلی مستثنی و قدغن خواهد بود

باید معامله متقابله با کلیه دول بر قرار شود هر دولتی که به بازار های ما احتیاج دارد باید مطابق جنسی هم که بما میفروشد جنس خرید کند و اگر اجناس ما را نخواستند ما هم برای حفظ بقای خود و برای حفظ استقلال باید خود را مجبور کنیم که از امتعه آنها چشم بپوشیم و در دست دوم که علاج تدریجی خواهد شد کم کم داخل اقداماتی بشویم که در بار لوازمات و ضروریات هم خود را از خارجه‌ها مستغنی داریم

تصور نکنید این کار ها مشکل و دست زدن بان امکان ندارد خیر ! کمی فکر و قدری ثبات قدم و نیات پاک برای رسیدن باین مقصود کافی است

مملکت ایران یک مملکت فقیری است نسبت به این مملکت فقیر که حقیقة چیزی در بساط ندارد دول ذی نفع چه معامله خواهند کرد وچه خواهند گفت ؟ وقتی که دولت ایران رسماً بدنیا اعلان کند که ایران برای حفظ استقلال خود محتاج به عقد قرار داد تجارتی با کلیه دولی است که روابط تجارتی دارند و خود را مجبور میداند از دولی که مبادله جنسی برقرار دارد کدام دولت خواهد توانست زیر بار چنین حرفی نرود امروزه اساس و اصول حکومت ها بر روی تساوی و حفظ حقوق یکدیگر است مجمع اتفاق ملل برای حل این گونه اقدامات است که از دول ضعیف حمایت کند و بعلاوه دولت ایران نخواسته است تعدیاتی نسبت به دول همسایه خود نماید برای حفظ حقوق و جان ملت خود همان معاملاتی که سایر دول ثروتمند برای تزیید ثروت خود بانواع دیگری مینمایند دولت ایران هم برای بقای خود باین نحو میخواهد معامله کند

این است راه علاج فوری و ضروری والا با دروازه هائی که در تمام سرحدات این مملکت برای قبول امتعه خارجی باز نموده ایم و این تفاوت موحش واردات و صادرات و این فقر و بیچارگی مردم جز محو و فنای این ملت انتظار دیگری نباید داشت و غیر از این کار ها بعقیده ما با هیچ سد آهنینی جلوگیری و علاج بدبختی ما نخواهد شد

ما در علاج پیشنهاد کردیم یکی فوری و ضروری که قدغن لوکس و بعد اجرای مبادله جنسی با دول خارجه است و دیگری غیر فوری و تدریجی . درضمن علاج فوری یک راه حل دیگری را وعده داده بودیم و آن این است که : بعضی معتقدند باید بقهقرا رفت . امروز اغلب لوازم زندگانی ما از خارجه تامین میشود و احتیاج شدیدی به بعضی اجناس خارجه داریم چطور ممکن است جلوی واردات را گرفته توازن وارد و صادر را بوسیله مبادله جنسی بر قرار کرد ، یعنی مخارجی را که بیش زندگانی تجدد و تجملاته برای ما تهیه کرده است نباید کاست بلکه باید تولید ثروت کرد

در صورتی که بخواهیم این مسئله را تصدیق کنیم باید اذعان کرد که از تمدن و تجدد امروزی دنیا فقط ما بزندگانی لوکس و آرایش ظاهری معتقد شده و خود را دلخوش کرده ایم ، این است معنی و مفهوم حقیقی تجدد نزد ما که بوسیله استعمال یک مشت امتعه بی مصرف و تجمل دیگران خودرا متجدد مینمائیم

تجدد و تمدن حقیقی وقتی برای ما حاصل است که اندام خود را به امتعه وطن زینت داده تمام لوازم زندگانی خود را آماده کنیم. هیچ افتخاری برای ما بالاتر از این نیست که از این زندگانی سراسر ننگ چشم پوشیده با همان امتعه پست و بی تناسب و بالاخره غیر مرتب داخلی خود زندگی کنیم !

علی ای حال چون در یک قسمت از لوازمات زندگانی حقیقة خود را محتاج خارجی ها کرده ایم صرف نظر کردن از آن یکمرتبه خیلی مشکل شده است در این صورت و با بودن چنین فکری در جامعه که : نباید رو بقهقرا رفت چه باید کرد و راه عملی برای جلوگیری از سیل واردات چیست ؟

بعقیده ما راه دوم برای علاج فوری غیر از مبادله جنسی با دول اضافه کردن تاکس گمرکی واردات و برداشتن کلیه عوارض و مالیات از صادرات است . بعبارة اخری همانطور که در اغلب ممالک امروز برای حفظ بقای خود معمول گردیده است دولت ایران هم بر حسب تصویب مجلس شورای ملی فورا تعرفه جدیدی از روی تساوی نسبت به کلیه امتعه وارده وضع نموده بموقع اجرا گذارند و از طرفی کلیه عوارض و مالیات های اجناس داخلی را الغاء کنند

یقین است این تعرفه جدید گمرکی واردات باید همانطورکه سایر دول رفتارمیکنند یعنی بقدری تحمیل میکنند که حکم قدغن را پیدا میکند باید همان معامله

را نموده و باین وسیله قهرا واردات به مملکت کاسته شده و از طرفی صادرات افزون میگردد علاوه براین ها بواسطه قیمت گزافی که امتعه خارجی در ایران پیدا خواهد کرد مردم کم کم خود را از استعمال امتعه خارجی بی نیاز و مستغنی نموده بطرف اجناس داخلی که بمراتب ارزانتر خواهد بود هجوم خواهند برد و آنوقت است که حس ترویج امتعه وطنی در بین مردم ایجاد خواهد شد و متدرجا در صدد تهیه و تکمیل نمو حوائج و ضروریات بر آمده شاید در آتیه نزدیکی یک قسمت بزرگ از اجناس را که امروزه خود را محتاج خارجه میدانیم در خود مملکت تهیه شده رفع نواقص آنهم بشود

این بر قراری سیستم تاکس امریکی مسلما معامله جنسی نخواهد شد هر دولتی که از نقطه نظر احتیاج شدید به حفظ مناسبات دوستانه و یا احتیاج به امتعه داخلی ما حاضر شد مبادله جنسی نماید البته خوب موقع و تحت قرار داد جداگانه مطابق مصالح و منافع طرفین باید مبادله جنسی منظور گردد و در این صورت سیستم تاکس امریکی شامل امتعه دولت مزبور نخواهد شد

این معامله نیست که بی سابقه باشد . همین معاملات امروز از طرف تمام دول نسبت به مهمترین منابع داخلی ما (قالی) اعمال میشود ما در مقابل چه کرده ایم و چه میکنیم .

یک اشتباه بزرگی را دچار شده ایم و آن این است که قاعده تجارت و معاملات را حمل بر دوستی و صمیمیت بین دو دولت میکنیم مثلا با دولت ترکیه دوستی داریم ولی در عین حال منتظر هستیم که آنها از ورود مال التجاره ایران به خاک خود بوسیله تحمیلات گزاف جلوگیری کرده و وسایل بر چیدن مؤسسات تجارتی را در ترکیه فراهم مینمایند هیچ همچو انتظاری نداریم! چرا؟ برای اینکه ما داخل میدان مبارزه اقتصادی نشده ایم و تمام این مسائل را بسهل انگاری میگذرانیم و از همین نقطه نظر است که فورا باب مذاکرات جریان پیدا میکند مثلا چند مراسله بین دولتین مبادله میشود و بالاخره نتیجه که حاصل میشود این است که وقتی قرار داد تجارتی منعقد کردیم این جزئیات رفع میشود! هیچ فکر نمیکنیم معامله اقتصادی مربوط بدوستی نیست : ما هم باید همان معامله را بکنیم که آنها میکنند

مثلا دولت ترکیه مدتی بود در سرحد از ورود مال التجاره ایران بخاک خود جلو گیری میکرد برای اینکه گاومیری در ایران شیوع پیدا کرده وبتصور اینکه شاید شترهائیکه حامل مال التجاره هستند مریض باشند و مرض از گاو به شتر و از شتر به حیوانات آنها سرایت کند ! بهمین جهت مدت زیادی همینطور مال التجاره در سرحد خوابیده و خسارات زیادی به تجار وارد و هر روز تلگرافات فورمالیته بین مرکز و آذربایجان مخابره شد تا بالاخره ترکها قرنطینه دایر کردند

این است معاملات دول با هم در حفظ منافع خود فرق نمیکند مقصود ما ترکیه نیست همین طور است دولت آلمان ، فرانسه ، ایطالیا ، انگلیس ، روس وغیره فقط ما هستیم که در خواب مانده ایم

ما در این مقدمات راه چاره وعلاج فوری برای جلوگیری از خروج آخرین ثروت و رمق این مملکت اول وضع تاکس دوم استقرار مبادله جنس با دول و بالاخره کردن تحدید واردات و برداشتن عوارض از صادرات مملکت

اما علاج غیر فوری و تدریجی برای جبران بدبختی ها و اصلاح امور اقتصادی همین کارهائی است که امروز دولت و مجلس را بخود متوجه ساخته و مشغول چاره جوئی هستند از قبیل اقدام در احداث خط آهن ، استخراج معادن ، سترسدها ، تاسیس بانک و این قبیل کارهات مشعشع ودلخوش کن تنها قدری باید سریعتر قدم گذاشته شود زیرا تمام اینها کارهائی است که هر کدام بعد از دو سه سال و ده سال و بیست سال دیگر هم مطمئن باشید زودتر نتیجه نمی دهد

چاره جوئی فقر و بدبختی و اصلاح امور اقتصادی اینها نیست که امروزه مورد توجه مجلس و دولت قرار گرفته است فکری برای امروز باید کرد که جان مردم را نگاهداری کنید بعد از مردن رستم نوش دارو چه سود ؟

این بود نظریات ما و اینها اقداماتی استکه برای علاج این درد ها ضرورت دارد و با یک اراده قوی وبا ثبات قدم میتوان موفقیت حاصل کرد و الا اگر به این حرکت لاك پشتی و لا قیدی واگذار کرده کارها را اینطور بجریان انداخته و عادی تلقی کنیم چندی نخواهد گذشت که هیچ دولت ومجلس و هیچ نابغه ای قادر به اصلاح آن نخواهد شد

امیدواریم اولیای محترم دولت ونمایندگان مجلس شورای ملی ومصادر امور این عرایض ما را با نهایت بیطرفی ومطابق خیر وصلاح مملکت تلقی نموده فکر عاجلی که عبارت از تهیه پیشنهادات لازم و تصویب آن از مجلس شورای ملی است نموده زودتر قدم هائی بردارند .

(اطلاعات مطبعه طهران)

از بمبئی مینویسد

(۱)

(لطمه صریح بایرانیت فارسیان)

دیروز در شماره ۲٤ سال سی و چهارم حبل‌المتین مقاله مفصل متین و قایع نگار محترم را از طهران مطالعه نموده چون حاوی نکات اساسی و عمران وطن مالوف بود با کمال دقت مکرر خوانده تا جائیکه در تحت عنوان ایران و مهاجرین در اواخر رسیدم باینچه مابه‌الانظار بحث و حل مشاکل عقاید مختلفه ملت ایران من باب مهاجرت فارسیان بود که وقایع نگار محترم با کمال شك و تردید شمرده قدم برداشت نموده اظهار عقیده کرده‌اند اولا خیلی خوشوقت ام که در جراید ملی چنین مسائل اساسی و عمرانی مورد بحث و مذاق یافته نتیجه آراء ملت مجتمع نمیاید خیلی مسرور تر و خرسند تر خواهم بود اگر این مسئله مانند سائر مطالب بحث و تدقیقات تاریخی را وداع نگفته در معرض افکار و اذهان عموم جایگیر و قائم ماند بدیهی است بحث در این مسائل و حل معما های تاریخی نه اینکه از برکت امعت بهبودی اوضاع ایران که دست طبیعت و مشی اراده خداوندی پس از هزار و سه صد سال که وطن مالوف یك سلسله طوفان بی‌تمیز وگیر و دار حوادث روزگار را پیموده گاهی کوس شهنشاهی و زمانی زمزمهٔ ملوك الطوایفی توجه عالمیان را به شیب و فراز قیامگاه درجات خویش متوجه ساخته که ما حصل اوضاع امروزی تمام زاده افکار مختلف آمیز و دسیسه ملعبه ریاکاران وآلت اجرای اعتراض دیانتی وسیاسی فرق منتشه بوده که هیچ بوئی از استقلال ملی و وحدت زبان بمشامشان نرسیده جز از ملذذات دنیوی از لذت قائم بودن ملیت بی‌بهره مانده نتیجه افکار و اعمال آنها دامن گیر اخلاف و اعقاب گردیده آشفته وار یکی از قلت نفوس شکوه دیگری از عدم وسائل رفاه اهالی نالهٔ جماعتی از مظالم ماجرای گذشتگان فریادی گروهی کف افسوس بهم مالیده از دور نظاره کنان باعمال و افکار صائبه مغز بیان اند وآواز درون بر درود کشیده یاد از عظمت و اقتدار ادوار سلاطین باستان مینمایند که خلاصه حاصل وچکیده مطلب منجر به تکرارکلام خوب یعنی (تقصیر خود مان است) میگردد بلکه برای افراد ملت در کنجکاری مسائل غامضه تاریخی بتوسعه افکار اهالی خدمتی بسزا شمار است و نیز من حیث تائیدات ملوکی بسه اولیای امورنافع خواهد بود چنانچه اشاره کردیم با رسیده است آنچه را که گذشتگان کاشته اند

مقصود بنده تاریخ نویسی و رمان نگاری نیست و نیز نصب جلوه آرائی نخواهد بود بلکه انطاق نظر باعمال گذشتگان و درك ما حصل اعمال آنهاست و بهمین نحو آنچه‌را که ما اقدام میکنیم بعقیده نگارنده اگر فی‌الحقیقة بهوش آمده درك استقلال ملی را نموده ایم باید قبل از هر اقدام شجره طیبه ایرانیت را آبیاری کرد و هیچ منظوری از اصل و فرع آن نداشته باشیم که در کشاکش سیل طوفان دهر ودستبرد اجنب مصوّن و محفوظ ماند یعنی اختلاف اکثریت و اقلیت و فرق متعدده را کنار گذارده به ترتیب و عمران مملکت خویش متفقاً بلا استثناء کوشید نیز سد این اختلاف بوسیله قوانین موضوعه از تجاوزات اکثر بر اقل و توانا بر ضعیف استوار و قوانین سزا وجزا بلا تبعیض درمیان ملت مجرا داشت نظارت افراد ملت اعم از کافر یا مومن بفراخور درجات شان درامورات مملکتی دخیل و قادر باظهار عقیده از روی مصالح ملکی گردند پس در این صورت میتوان تعبیر روز سعادت را بایران نمود

§ آری باتفاق جهان میتوان گرفت §

ورنه هرچه دائره اختلاف وسیع تر وچماقهای تکفیر کذائی بلند تر گردد ملت و دولت ایران همان فایده را برتوانند گرفت که اکنون غبطه ور اند

خیلی دیباچه نویسی شد برویم برسر ادای تکالیف وجدانی ودفاع ازلطمات اجنبانه به حیثیت مقام ایرانیت وهدف تیراعتراض مرکزیان به پهلوگاه فرزندان آواره هزار و سه صد ساله مادر وطن‌محبوب ومقدس اولا باید متذکرنمود که کلمه فارسیان بمعنی فرس قدیم است که اطلاق باین طایفه گردیده وبرهیچ فردی پوشیده نیست ولو واقعت بمدرجات تاریخی نباشد که این گروه مهاجرین از ایران اند بلکه آفتابی و دلیل بلا موجه است واکنون نیز حرارت و دلچسپی آنان بوطن اجدادی در حیطه لسان و بیان نیاید بهترین گواه آن پس از رستگاری از کجروی روزگار که دمی را آسوده بسر برده بیادگار ایران و استدام حرارت محبت درونی بوطن خود درب مهر (ایران شاه) را بنا کرده اند که اکنون هزار و اندی سال از بنای آن میگذرد بعدم ترك مذهب پیغمبر ایرانی نگفتن باوجود معاشرت اقوام مختلفه دلیل بر ایران دوستی آنهـا است لازم است آقای وقایع نگار محترم را بعنوان (آقای من) خطاب نموده مخاطب قرار دهیم

آقای من درجه حزم و احتیاط سرکار قابل بسی تمجید است زیرا مبنی بر شالوده تجربیات اندوخته میباشد ولی اگر خطا نکنم در مورد فارسیان تا اندازهٔ حق کشی شده چرا که جناب عالی از عالم نوع بروری آرین های تمام

عالم را از مهاجرین ایران میدانید ولی تمیز و تشخیص بین یك جماعت اصلی با مسمی با یك و چند ملت که هریك بنامی جداگانه نامزد آمده نداده و همین همسایگان که به اجنبیان خطاب نموده از مظالم آنان شکوه دارید از جنس آرین اند آیا در اقرار انکار روا است ؟ فانا از مهاجرت فارسیان مقصود شما جلب فایده است بدون مرکزیت اتحاد ایرانی و دوران چرخهای عمرانی بزور بازوی ملی و همهو تصور میفرمائید چنانچه فایده آنها را متمتع ساخت سرخویش گرفته و راه هندوستان با فایده بخش نموده وجود آنها لازم نیست بهمین لحاظ آنان را برادران نوعی خطاب فرموده و نیز عدم اتفاق را افراشته هیچ رعایت ملیت را نکرده میفرمائید میتوانند زرتشتیان را از برادران ملی خود دوست تر دارید شاهد از کثرت دوستی است که بر تجاوزات مغرضین افزوده عدم اجرای قوانین و سلب حقوق رعیت فراهم است خیلی عجب است از فرمایشات قانون دوستی حضرتعالی از اول مقاله الی انتهای آن

در باب تبدیل مذهب بین ایرانیان که نشان بزرگی را فراهم آورده نگارنده در اظهار عقیده خود ابراز داشتم کلیه وظایف اهالی یك مملکت بر حفظ استقلال وطن است خواه دارای یك مذهب یا متعدد بالاخر در مملکتی که اخلاق و زبان و شعائر شان بیکدیگر متشابه باشد نیز عقیده مند بلکه طبیعی است بر اینکه اکثریت مقام اولویت خود را خواهند داشت این اعتراضات در زیر لوای قانون و مساوات بهیچ نیرزد باز بپردازیم باصل موضوع یعنی بجزئیات حالات و اخلاق فارسیان تا خود حد معرفی از خود کنند

(شناسائی فارسیان)

فارسیان جماعتی قلیل اند که به تناسب جمعیت ۳۵۰ ملیونی هندوستان حکم صفر دارا اند عمده ترین قیامگاه آنان بندر معموره بمبئی است و نیز عده هم در گجرات ، سورت . اوساری ، ایرانشاه ، پونه کلکته وجزء معدودی درحیدرآباد دکن سکنی دارند

ولی با این حال این جماعت قلیل از ابراز لیاقت وصداقت وخدمتگذاری نوع وجودت فطرت اوع پروانه ایرانی درمیان جمعیت هنگفت هندوستان انگشت نمای خودی و بیگانه اند چنانکه کارخانجات دارالمساکین دارالایتام مریضخانه مدارس متعدد برای رفع احتیاج عموم ازخود دایرنموده روزگاران متعدد دارند اغلب متصدی امورات دولتی میباشند عده زیادی دکتر مهندس مکانیك جی وغیره اند مراتب علمی شان در صدی یکنفر بی سواد یافت میشود دارای علوم عالیه و متوسطه چه خواتین و مردان اند دارای هیاکل جسیم قیافه بشاش قوی البنیه اند بقسمی که در لباس غیر رسمی از بشره آنان سیمای طویت ایرانیت هویداست لباس آنان با جزئی تغییری که میتوان بخوبی تشخیص داد چه مردان و زنان شبیه با لباس هنود است زبان معمولی ورسمی آنها گجراتی (که یك قسم زبان هنود است) ولی اغلب تحصیل زبان انگلیسی نموده اند جز معدودی هم بزبان پارسی آشنا میباشند خیلی متعصب در شعائر مذهبی اند از استعمال دخانیات پرهیز دارند شکل قیافه گندم گون سفید نما دارند از قرائن تاریخی چنین مستفاد میشود که این گروه در حین مهاجرت غالب مردان و جوانان بوده اند زنان کمتر همراه داشته اند مجبور بزنا شوئی با هنود گردیده از این است برخی شباهت موزونی با اهالی بومی دارند فارسیان دو فرق اند قدیمی و شهنشاهی این اختلاف دو فرق فقط در تاریخ سنت و پس نماز . و شعائر مذهبی تمام بالسویه با زرتشتیان ایرانراست فقط فرقه شهنشاهی با زرتشتیان ایران یك ماه فرق تاریخ دارند

در موقع ادای فرایض مذهبی اغلب بلباس سفید ملبس اند نهایت میل مفرط در ذکر حوادث ایران و مطالعه شاهنامه دارند ازشوق و دلتنگی بزبان پارسی جمله را که حاکی از احساسات مشوقانه آنها است و زبان زد عموم شده میگویند (پارسی شکر است) موبدان و پیشوایان آنان به لباس سفید سر تا پا ملبس اند در امورات ملیه بغیر از وظایف روحانی حق دخالت ندارند مگر در حل مسائل دینی در وظایف خدمتگذاری آنی غفلت نمی درزند و در امانت و کاردانی آنها تقریباً معدود فرق مختلفه اند بقسمی که در بانکها کمپانی ها و عدلیه و بلدیه حائز اکثریت آراء گردیده اند

بزرگترین مشاهیر آنان سر جمشید جی بطلی والا (سر لقب دولتی است) که موسس و بانی مدارس و مریضخانه های متعدد در اغلب نقاط هندوستان است بعقیده مبصرین قسمتی از پیشرفت مال هند از حیث تعلیم مرهون سخاوت آن رادمرد است و اولین رجال نامی آنان سر جمشید جی تاتا شناخته آمده که نخستین موسس کارخانجات الکتریکی و کارخانه آهنگری جمشید پور است و همچنین اخیراً نوروز جی باریبا ثروت خودرا صرف ساختمان یك باب مریضخانه عمومی زنان (مخصوص وضع حمل) نموده که مخارج ساختمان آن بمبالغ کثیری قلمداد آمده در تحت پرستاری دولت دایر است یکی از افکار ثاقبه آنان این است که خیرات خویش را عمومی قرار داده همگی برخوردارند ودیگری اینکه درتحت پرستاری دولت از بیم وراث ناخلف با نظارت ملی میگمارند

تا همیشگی و دائمی باشد هیچوقت مقصودشان برای هوا و هوس وبرقراری نام خود و جلوه گری نیست بلکه قلباً خیرخواه عموم اند علاوه بر خیرات نام در دهن خیلی موسسات خیریه هست که باسم دولت نامبردار است درجمع آوری وجوه اعانه و استعانات بموسسات خیریه (در صورت اطمینان از افراط و تفریط) به یکدیگر سبقت میجویند در کلیه جمعیت فارسیان یك نفر سائل بکف یافت نمیشود از حیث پاکی و شوئی که رکن قوانین آئینی آنها ست ذره فرو گذار ننموده در اجرای مراسم حفظ الصحه و ورزش بدنی نهایت دقت دارند دارای چند کلوب ورزش اند این گروه در اوائل امر مشغول بتجارت بود بواسطه استقبال دولت وصداقت کسب عمومیت پیدا کرده در تمام موسسات دولتی طرف توجه خاص و نام گردیده دعاوی و مرافعه جات داخلی خود را در عدلیه ... رجوع ... ماهی که در عدلیه داخل کرده حل مینمایند بهم چنین در موقع سوگند و بواسطه ... قبل برای جزئی سالدات می ... درمیان ... خلاصه در دیانت وصداقت و غنا ضرب المثل ... در اخلاق و آداب اجدادی پای بند و استوار اند شك نیست در میان ... ملل و اقوام اشخاص جاهل و بوالهوس یافت میشوند لیکن روی کثرت افراد با اخلاق نگاشتیم آنچه را که نتیجه مشاهدت و تجربه مدت اقامت ام بود چون نگارنده مدت اقامت و معاشرتم طولی نکشیده فقط جزئیات مشاهدات خود پرداخته البته قلم توانای مدیر حبل المتین از اثر معاشرت و توقف در هندوستان از ذکر کلمات حالات فارسیان بمقتضیات عالم وطن دوستی و خواهش وقایع نگار دریغ نخواهند فرمود.

[گشتاسپ دینیار باستانی]

﴿ از بوشهر می نویسند ﴾

آنچه از خرابی اوضاع و مصایب این بندر مهم خصوصاً و سایر بنادر عموماً نوشته شود کم گفته شده، رونق بازار قاچاق کسادی تجارت ومعاملات مالیات و تاکس های کمر شکن ابتذال وفقر و بیکاری عمومی فساد اخلاق و رشوه گیری بعضی مأمورین و عدم توجه بحرینیات وشئونات ملی وجلب نفرت عمومی نفاق ودوئیت ما فوق تصور ضعف تجار معدومی لوازم حفظ الصحه کثافت وتاریکی کوچه ها و معابر بالاخره محتاج همه قسم اسباب تمدن و عمران و کسی از وضیع و شریف این شهر پیدا نیست که ذل احتیاج را بفهمد همه دست روی دست گذارده و لب فروبسته منتظرند که دست غیبی ظاهر شده وکارهای انها را اصلاح نماید اگر بگوییم که ذات حیات و حس و حرکت و کفایت ما اهالی مرده است اغراق گفته نشده وگرنه چگونه ممکن است خرابی اوضاع را تحریر و مشخص نمود که خواننده از دور این نقطه اوقات امروزی وحالت اسفناك ورقت آور اهالی بنادر را دریابد و ملتفت شود، عدلیه این ولایت که مرجع ناس است اسمی است بلا رسم بریاست یکنفر کفیل که هم وکیل عموم هم مستنطق وهم قاضی است شکایات و دعاوی مردم بیچاره همه معطل و بلا نتیجه مدعیان بی تکلیف حیران و سرگردان فقط تضییع وقت وخسارت وصول رشوه بنهایت رواج، نظمیه که مسئول نظم و امنیت این شهر است بجز فکر مداخل نامشروع و ساخت و ساز با کفیل عدلیه دیگر خود را موظف و مسئول هیچ امری نمیداند و در آزادی انتشار روح جهال ابداً جلوگیری نمی نمایند افعال و کردار عمال نظمیه در بنادر لنگه و عباسی بدتر و قبیح تر حقوق آژانس و پلیس عقب مرتب ... این دروازه وطن عدمش به ز وجود عذرش این است که اداره مالیه حقوق بلدیه که در بودجه معین شده مرتباً نمیدهد ومبالغی مقروض است و به تنظیف وتنویر شهر و حفظ الصحه در سبب رسیدگی وتوجه نمیشود، اداره معارف فقط اسمی است که بجا مانده کتابخانه و قرائت خانه معدوم دو مدرسه بواسطه فقدان وجه در شرف انحلال، از این ادارات این بندر بسکوت قانع میشوم که خواننده معنی سکوت نگارنده را بسلیقه خود دریابد و بفهمد

درخاتمه امیدوارم حضرت آقای احمدخان حکمران جدید بذل توجه مخصوص در اصلاح معایب و مصائب این شهر خاصه اصلاح امورات بلدیه فرمایند ونام نیکی در سر لوحه فضل و تعالی اهالی خلیج بیادگار بگذارند

﴿ از پیشاور می نویسند ﴾

روزنامهٔ ایران - شماره (۲۲۵۲) صفحه ۳ تحت عنوان (تقاضای اجازه) (مسیو بانیاس تبعهٔ حکومت شوروی سوسیالستی روس بوسیله وزارت خارجه تقاضای تأسیس مدرسه متوسطه در طهران نموده و تمام شرایط مندرجه در قانون اساسی معارف را قبول نموده است بآن جهت بشورای عالی معارف مراجعه گردید که اجازه آن را بدهند) ملاحظه گردید اما بنده درست نفهمیدم که مدرسه را مبتدأً تأسیس مینماید یا احسان مینماید یا اینکه معلم است یا مدیر است مواجب خواهد گرفت با همهٔ اینها همه کس میداند و میفهمد که مقصود چیست؟ یکی می آید مریض خانه بازمیکند، دیگری می آید دوا خانه بازمیکند، سومی آمده اجازه تأسیس مدرسه میخواهد. امیدواریم که در سایه سلطنت پهلوی و بسعی و کوشش کابینه وزرا و به همت وکلای مجلس شورا

به اداره معارف و اداره صحیه مملکت بسط و توسعه بدهند که از این قبیل دسیسه های مضر مملکت و شرم آوری ملت استخلاص شویم و بیگانگان بجهت پیشرفت سیاست خود شان از این قبیل بهانه ها پیدا نکنند .

[اقل الحاج محمد حسن علی زاده اسکوئی]

از عایدات اداره بحری

از جمله طرایق محصولات بحری که در بنادر دولت انگلیس وصول می نماید . به اسم اداره پورت کمشنر (دریابگی) که یک محکمه بسیار بزرگی است غیر از گمرک خانه

اولا هر جهاز آتشی که وارد و خارج میشود بذریعه (ارکانی) راه نمای حکومتی باید باشد و مالیات مخصوص به اندازه جهازات کوچک و بزرگی قبلا دریافت میدارند

دوم محصول کناره چسبیدن مراکب است به اسکله یل مطابق ساعت مبلغ معینی دارد که باید بپردازند

سوم آنچه اجناس از کشتی فرود می آورند محصول علیحده دارد که اورا لندلت چارج ارضیه بر هر صندوقی یا بستهٔ از یك قران و بیشتر بعنوان ارضیه اخذ می نمایند

چهارم (ریور دیو) محصول دریا است که از هر قطعه از یك قران و بالا تر نیز می گیرند

پنجم دمارج چارج کرایه انبار است که جنس را اگر در بین چهل و هشت ساعت یا چیزی بالا تر صاحب مال نبرد فی صندوقی یا بستهٔ وجهی مقرر است می گیرند قدر جا و وسعت

ششم هر بسته برنج و یا اجناس دیگر که بخارج حمل میشود عددی ازسه قران الی ١١ گرفته و آنگاه اجازه حمل را میدهند

هفتم جمیع کشتی های کوچك قایق موتر بوت وغیره را نمره گذارده سالی از ٦ روپیه و ١٤ روپیه و بالا تر مثل بلدیه مالیات می گیرند . علاوه از این مالیات ها در این چند ساله بعد ازجنگ از هر بندری به بندر دیگر از مسافرین علاوه کرایه جهاز دو روپیه فی نفری به اسم حکومت بضمیمه کرایه نولی اضافه می گیرند و دیگر از جهازات ماهی گیری و غواص وجریمه های خلاف قانونی و اجناس قاچاق هرشته را اگر بنظر دقت ملاحظه شود معلوم خواهد شد که سر به ملیونها تومان خواهد زد

§ ذره ذره جمع گردد وانگهی دریا شود §

چون حساب در کار و تفتیش درمیان است هر کس و ناکسی را هم در ادارات قبول می نمایند وقتی می بینیم که اغلب بندرگاه مستعمرات انگلیس آباد تر ازداخله مملکت است بجهة آنکه اهمیت میدهند و هر روزی طریق عایدی را ازدیاد ومصرف عمران همان بندرگاه می نمایند ورنه برای عمران و آبادی بندرگاه بمبئی . کراچی . کلکته . مدراس یا رنگون پول از لندن نیاورده اند که بسازند خرج فیل پای فیل چون هر کدام از محصولات بعنوان و رسم مختلف دارد از کسی فشار و ناگوار نمی نماید و مردم با کمال رضایت و رغبت می دهند مملکت مستقل اختیارش با صاحب مملکت است کسی را حق دخالت و چون و چرا نیست . اگر چند نفر از اشخاص متخصص که در سواحل دریا و بنادر کار کرده باشند به بندر بوشهر گسیل دارند که در مدت قلیل موفق بعمرانات جمیع سواحل خواهند گردید و بندرگاه تمام دنیا معمور تر از داخله آن مملکت است جز مملکت ایران که بر عکس واقع شده است بوشهر که بندرگاه بزرگی ایران محسوب میشود آب خوراکی ندارند افسوس از سهل انگاری دولت و بی کفایتی ملت بخصوص اهالی بوشهر و بلدیه از که تا حال قدمی پیش نگذارده اند

مسئله دیگر که ورد زبان مردم شده (وطن دوست دولت خواه کار درست کن) اگرچه این عبارت بسیار خوب و هرچه هم باید باشد لاکن امروز در قلب مردم فرو رفت و فهمید که متصف به این صفات هستند نا به بی چاره بالا تر از آن ممکن نیست و آن حساب و تفتیش است که اگر اتفاق شخصی مستخدمی دولت خواه هم نباشد قانون و حساب جلو گیری ازتمردانش خواهد نمود جزای عرفی دست و پایش را خواهد بست و آخر از نتیجه تفتیش به کیفر اعمالش خواهد رسید این است که حبل المتین همیشه فریاد جزای عرفی و قانون را می نماید وتمام خیالاتش به عمران سواحل است واقعا کمتر دراخبارات ایران ذکری از خلیج دیده میشود امید واریم حکومت ایران عطف نظری بخلیج نموده شروع بکار شوند که امروز وقت فرصت است سید ٣٥٣

معادن جنوب

در شماره ٢٤ نامه ملی حبل المتین در خصوص تشکیلات بحری و بکار انداختن معادن خسما داد که دست قدرت برای ایرانی جاهل فاقد از همه چیز بودیعت گذارده ملاحظه شد چون این مسئله تشکیلات بحریه برای رجال ما تازگی دارد وگاهی هم تصوراین چنین تشکیلات در خاطر مبارکشان خطور نکرده است و اگر فرضاً مذاکره دراین بعمل می آمده فقدان و نبودن پول بهانهٔ خود ساخته لذا برخودم لازم دانسته مختصری راجع به معادن خلیج و پیدا نمودن راه پول به پیش گاه مقدس شان عرضه بدارم ولی افسوس که

یقین دارم بی اثر خواهد ماند و قابل توجه نخواهد شد

اولا معدن نفط است - در « دشت قیر » در شمال غربی کازران و در کوه « گچ قرغلی » قرب بلوك باشت وباوی درکوه « بازلون » و « اقاجری » در حوالی بهبهان در کوه « امیر دیوان » و کوه « جاشك » در بلوك دشتی وچندین معادن فلزات دیگر

دوم در « چهبه » ٥ فرسخ طرف شمال بندر لنگه ذغال سنك وموم معدنی وچند قسم معدن دیگر - در کوه « بوستانه » معدن گوگرد و آهن - در « بوزه بند معلم » شرق لنگه معدن گلك سرخ - در کوه « امیران » ٤ فرسخ به لنگه معدن گلك سرخ و اقسام دیگر - در کوه « پل غار » نیز معادن فراوان موجود است در کوه « خمیر » ١٤ فرسخ طرف شرق لنگه معدن بنت ذهب که اهالی الرا گوزر گویند و معدن موم و گوگرد میباشد در « پل » ٣ فرسخ طرف شرق بندرخمیر نمك ومعدن بنت ذهب دارا است - درجبال شیب کوه وکوه های بندرعباس انواع معادن موجود میباشد - در جزیره هرمز معدن معروف گلك سرخ - گوگرد - زاج و بنت ذهب میباشد میگویند آهن هم یافت میشود - مساحت این جزیره دو و نیم میل و تا بندر عباس ده و نیم میل بعد مسافت دارد نفوس تقریباً ٣٠٠ خانوار و ٤٠ کشتی دار هستند قلعه معروف ولندزیها دراین جزیره ساخته شده وحالا مخروبه است درجزیره لارك معدن گلك و بنت ذهب موجود است طول این جزیره پنج و نیم میل و عرض سه و نیم میل و تا بندر عباس ١٨ میل مسافت است نفوس آن ١٥٠ نفر از طائفه شوهیان و کم بضاعت هستند شغل انها غواصی است

در جزیره قشم که بزرگترین جزایر خلیج است معدن نمك وغیره میباشد که مقدار زیادی بخارج حمل میشود خاصه برای عبادان بجهة تصفیه نفت آثار و علائم نفت هم در این جزیره میباشد و شرکت نفت جنوب چندی مشغول حفر چاه نفت بود ولی کامیاب نگردید

طول این جزیره ٦٠ میل و عرضش ١٩ دارای ٨٠ قریه و ده بندر میباشد که گمرك خانه تعیین شده تقریباً ٢٠٠٠٠ سکنه موجود است تا بندر عباس ١٢ میل مسافت دارد - اهمیت و موقعیت جغرافیائی وسیاسی زیاد اینجزایر دارد هرگاه متخصصین علم معدن شناسی « جیالوجست » ازطرف دولت به جنوب اعزام بشوند میتواند تحقیقات وتفتیشات علمی راجع بمعادن مختلفه بعمل آورده وچنانچه بعضی معادن مهم استخراج بشوند عایدات آنها علاوه برتکافو بودن برای مخارج و مصارف تشکیلات بحریه مبلغ هنگفتی بجهت سایر اصلاحات و عمران بنادر و جزایر خلیج و بناء دو قلعه متین در جزیره هرمز و لارك که کلید خلیج شان میتوان گفت تهیه توانند شد و علاوه هزاران مردم بیکار و مهاجر که از فرط فقر مجبور به جلا وطن و رفتن بطرف عمانات میشوند مشغول بکار خواهند شد

نگارنده در شماره ٣١ سال ٣٣ در صفحه ٩ نامه حبل المتین لزوم کشتی های جنگی « کن بوت » که آب خور کم داشته باشند و محل ایستگاه و توقف آنها در جزیره هنگام متذکر شدم این جزیره محل عبور سیم تلگراف تحت بحری است که از بندر بوشهر بکراچی ممد میشود طول این جزیره ٥ میل وعرض دو و ٣ ربع میل سکنه آن ٤٠٠ خانوار درتحت ضابطی شیخ احمد طاغی است که هنوز دولت بسرکوبی وی قیام ننموده حتی دولت مالیات خودرا هم وصول نمی کند ٧٠ کشتی دارا میباشد که مشغول بغوص مروارید هستند در مقاله سابق نوشتم و باز هم تکرار میکنم که همزمان رجال و اولیای کنونی ایران قدر و قیمت بنادر و جزایر این آب شور دانستند ومرکزیت و موقعیت انرا فهمیدند و در صدد تشکیل چند فروند جهازات کوچك بر آمدند و این معادن زرخیز را بکار انداختند انوقت نگارنده و سایر خیر خواهان خلیج خود را از این اقدامات برجسته وتاریخی آنها تبریك وتهنیت خواهیم داد و جمله « الیوم اتممت علیکم نعمتی » را برای کلیه ایران خواهیم خواند ولی مترسیم که اعتناء وتوجهی ننمود و این آرزو و امید را همراه بگور بریم

§ فاش میگویم و از گفته خود گریانم §

(م - ا - بوشهری)

از بیرجند می نویسند

از روزیکه آقای امیر محمد ابراهیم خان علم ریاست محترم کمیسیون لدی ازمسافرت طهران وبدرقه موکب همایونی از خراسان ورود به بیرجند نموده حسن خدمات اوحی وعطف توجه باین منبع عام المنفعه مبذول و لنتیجه حاصل فرمودند ، آب لوله که مدتی بود بواسطه بعضی موانع در نیم فرسنگی شهر مانده بود بحمد الله چند روز است مستقیماً در وسط شهر قرار گرفته ودرقسمت اعظم شهر مشروب میشود که هرگاه لوله موجود بود بتمام کوچه ها ومحلات شهر رشته کشیده شده بود وجوهات برای این موضوع تهیه ولوازمات را کاملا ازهندوستان خواسته اند از فعالیت ایشان حتم است الی چند میاهی

دیگر تمام کوچه و محلات دارای آب لوله شود درصورتیکه این شهر که جز آب شور و مختصر آب حوض انبار یکساله که دارای همه جور میکروب بوده است نداشته و فعلا باین نعمت بزرگ متنعم شده اند نهایت از فعالیت آقای علم شکر گذار هستند، روز قبل دو نفر نوعخواه هر کدام مبلغ هزار تومان برای مصارف لوله حاضر شده بدهند ازاین دو امرآقایان هم تمجید عرض مینمایم خداوند به تمام اهالی توفیق عنایت فرماید امیدواریم سایر آقایان اعیان هم همقدم شده از هر گونه مساعدت مضایقه نفرمایند

حبل المتین

در تمام شهرهای ایران اول شهریکه دارای آب صاف و پاک و خالی از میکروب لوله گردیده همانا شهر بیر جند است این موسسه مدتی معوق مانده و تا قرب شهر آمده اهالی را سراب گردیده بود واقع آقای علم قابل هرگونه تمجید اند که این موسسه را تکمیل نموده اهالی را مرفه الحال ساختند جناب آقا محمد رضا متعدین و جناب آقا محمد حسین جعفر زاده که هر یک هزار تومان برای تکمیل لوله شی وعده داده منتی بزرگ بر اهالی دارند الحق اینگونه خیرین اند که مورث رفاهیت عامه میگردند خداوند امثال ایشان را در ایرانیان زیاد فرماید

نص عهد نامه افغانستان و روس
(مورخه ۳۱ اگست سنه ۱۹۲۶ع)

بمقصد تحکیم مناسبات دوستانه و استحکام روابط همجوارانه دوستی که خوشبختانه فیمابین دولت علیه افغانستان و اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه مبنی بر اساس معاهده امضا شده در ماسکو مورخه ۲۸ فروری ۱۹۲۱ بردوام است و معاهده مذکور قوه خودرا در جمیع حصه های خود بی تعلقانه از اقبابا الغای معاهده هذا حفظ مینماید وکلای مختار طرفین علیتین :

جناب جلالت مآب وزیر امور خارجه دولت علیه افغانستان آقای محمودبیگ‌خان طرزی وجناب جلالت مآب سفیر مختار اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه در افغانستان آقای لیونید ستارک در تاریخ ۳۱ ماه اگست ۱۹۲۶ در موضع پغمان بعد از تبادل مختاریت نامه‌های قانونی خود که آن را صحیح یافته اند موادانی را که بمقصد تقویت دادن مناسبات دوستانه فیمابین دولتین و تامین صلح دائمی دارد ترتیب داده امضا کردند .

ماده اول

در صورت محاربه یا اقدامات حربی فیمابین یکی از طرفین متعاهدتین و یکی یا چند دول ثالث طرف متعاهد دیگر مراعات کردن بیطرفی را به نسبت طرف اول متعهد است

ماده دوم

هرکدام از طرفین متعاهدتین تعهد میکنند که از هرگونه تجاوز طرف دیگر اجتناب بنمایند و نیز در خاک خود که در تصرف شان میباشد چنین اقداماتی نمیکنند که بدولت متعاهد دیگر ضرر سیاسی یا نظامی برساند خصوصاً هرکدام از طرفین معاهدتین تعهد میکنند که با یکی یا چند دول ثالث در هیچکدام اتحاد و یا اتفاق سیاسی و نظامی که برخلاف طرف متعاهد دیگر باشد و همچنین در هیچکدام بایکوت یا محاصره مالیه یا اقتصادیه که برعلیه طرف متعاهد دیگر متوجه بشوند شرکت نخواهند ورزید علاوه براین در صورتیکه گر مسلک رفتار دولت ثالث یا دول ثالث ... است یکی از طرفین متعاهدتین در اقدامات خود خصمانه باشد طرف متعاهد دیگر متعهد است که نه فقط به همچنین مسلک رفتار ... خصمانه مساعدت نکند بلکه متعهد است در خاک خود با مسلک مذکور و ... عملیات و اقدامات عداوت ... اعانت بنماید .

(ماده سوم)

طرفین علیتین متعاهدتین اعتراف متقابل حقوق حکمرانی و تمامیت ملکیت خود شان نموده متعهد میباشند که از هرگونه مداخلت مسلح وغیره مسلح در امور داخلیه طرف متعاهد دیگر پرهیز بنماید و نیز برهایی دولت یاچند دولت ثالث که برعلیه دولت عاقد دیگر اقدام و مداخلات نماید قطعاً شرکت و مساعدت نمیکنند و طرفین متعهدتین در خاک خود تاسیس و فعالیت دستجات و نیز بکارروائی اشخاص علیحده که بضرر طرف متعاهد دیگر باشد . و یا برای خلع اصول دولتی طرف متعاهد دیگر اقدامات ورزند و یا عملیات برخلاف سلامتی تمامیت ملکیت طرف متعاهد دیگر بکنند و یا تحشیدات و جمع آوری قوای مسلح برعلیه طرف متعاهد دیگر بنماید اجازه نمیدهند و ایشان را ممنوع از عملیات مذکوره - کذلک طرفین تمام قوای مسلح و اسلحه و اسباب ناریه و جبهخانه و هر نوع تدارکات مواد حربی را که برخلاف متعاهد دیگر متوجه باشد از خاک خود عبور آنرا روا نمیدارند و همچنین از خاک خود اجازه گذرانیدن نخواهند داد .

ماده چهارم

طرفین متعاهدتین موافقت میکنند که در مدت چهار ماه در مذاکرات برای تعیین اصول حل اختلافات که میتوانند فیمابین شان ایجاد بشوند که

بطریق سیاسی معمولی نمیتوانند تصفیه نشوند داخل خواهند شد ،

ماده پنجم

هرکدام از طرفین متعاهدتین فعالیت آزادانه را دارا میباشند که با دول ثالث بهرگونه مناسبات و معاقداتیکه خارج از حدود تعهداتیکه شرایط آن در معاهده هذا مقرر شده اند اقدام و تشبث میتوانند .

ماده ششم

معاهده هذا از موقع تصدیق آن که باید زیاده تر از سه ماه بعد از امضای آن نباشد قوه قانونی حاصل مینماید و در مدت سه سال قوه خود را حفظ میکند . بعد از میعاد مذکور معاهده هذا شناخته میشود که از خود مداومت برای یکسال دارد . در صورتیکه اگر کدام یکی از طرفین متعاهدتین طرف دیگر را شش ماه قبل از انقضای میعاد فوق معاهده ازخواهش خود در انقطاع آن آگاهی نخواهد کرد .

(ماده هفتم)

معاهده هذا در دو نسخه بزبانهای فارسی و روسی مرقوم شد و هر دو متن حق مساوی دارند .

در تاریخ ۳۱ ماه اگست ۱۹۲٦ مطابق ۸ برج سنبله ۱۳۰۵ یغمان

امضاء وزیر خارجیه محمود طرزی

امضاء سفیر مختار شوروی ل . ن ستارك

(پروتوکول)

مربوط بمعاهده بیطرفی و عدم تجاوز متقابله فیمابین دولت علیه افغانستان و دولت اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه

امضاء کنندگان ذیل که بطریق صحیح برای امضاء معاهده بیطرفی و عدم تجاوز متقابله فیمابین دولت اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه و دولت علیه افغانستان مختارشده اند در موقع امضاء معاهده مذکورحسب الحواله حکومتهای متبوعه خود با اظهارات ذیل تبادله کردند .

جناب جلالت مآب آقای لیولید ستارك سفیر مختار اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه در افغانستان اظهار میکند که باو از طرف حکومت اتحاد و جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه اجازه رسیده است که بنام حکومت موصوف تصدیق نماید که حین امضاء معاهده فوق الذکر حکومت اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه که به اساس های معاهده منعقده مورخه ۲۸ ماه فروری ۱۹۲۱ وفادار بوده هیچگونه تعهداتی بایك دولت یا دول ندارد که مخالف معاهده منعقده مورخه ۳۱ ماه اگست ۱۹۲٦ که در خصوص بیطرفی و عدم تجاوز متقابله است باشد . کذلك از طرف حکومت خوداظهار میدارد که حکومت اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه تصدیق مینماید که در دوام تمام میعاد بقاء معاهده بیطرفی و عدم تجاوز متقابله هذا حکومت موصوف در خیال معاهدات و مقاولاتی داخل نشود که مخالف معاهده بیطرفی و عدم تجاوز متقابله هذا باشد

حکومت اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه یقین دارد که مناسبات دوستانه فیمابین اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه و دولت علیه افغانستان بر اساس معاهده منعقده ماسکو مورخه ۲۸ ماه فروری ۱۹۲۱ و معاهده یغمان مورخه ۳۱ ماه اگست سنه ۱۹۲٦ بی تغییر ترقی خواهد کرد و بر مقصد اعلای صلح عمومی مبنی خواهد بود .

جناب جلالت مآب آقای محمود بیك خان طرزی وزیر امورخارجیه دولت علیهٔ افغانستان اظهار میکند که باو ازطرف حکومت دولت علیه افغانستان اجازه رسیده است که بنام حکومت موصوف تصدیق بنماید که در حین امضاء معاهده فوق الذکر حکومت دولت علیه افغانستان که باساس های معاهده منعقده مورخه ۲۸ ماه فروری سنه ۱۹۲۱ وفادار بوده هیچگونه تعهداتی با یك دولت یا دول ندارد که مخالف معاهده منعقده مورخه ۳۱ اگست سنه ۱۹۲٦ که در خصوص بیطرفی وعدم تجاوز متقابله است باشد ،

کذلك از طرف حکومت خود اظهار میدارد که حکومت دولت علیهٔ افغانستان تصدیق مینماید که در دوام تمام میعاد بقاء معاهده بیطرفی و عدم تجاوز متقابله هذا حکومت موصوف در چنان معاهدات و مقاولاتی داخل نشود که مخالف معاهده بیطرفی و عدم تجاوز متقابله هذا باشد ،

حکومت دولت علیهٔ افغانستان یقین دارد که مناسبات دوستانه فیمابین دولت علیه افغانستان و اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه بنابر اساس معاهده منعقده ماسکو مورخه ۲۸ ماه فروری سنه ۱۹۲۱ و معاهده منعقده یغمان مورخه ۳۱ اگست ۱۹۲٦ بی تغییر ترقی خواهد کرد و بر مقصد اعلای صلح عمومی مبنی خواهد بود در تصدیق ما فوق امضاء کنندگان ذیل پر توکول هذا را ترتیب دادند :

در یغمان در تاریخ ۳۱ ماه اگست (۱۹۲٦)

در دو نسخه بزبانهای روسی و فارسی مرقوم شد و هر دو متن حق مساوی دارند .

در تاریخ ۳۱ اگست ۱۹۲٦ مطابق ۸ برج

وطنیه اثر خامه آقای میرزا احمد خان

[امین الکتاب ناظم مدرسه سپه دزداب]

§ بیا جانا بهم دمساز گردیم
§ ز راه جهل و باطل باز گردیم
وطن را این چنین بی کس نبینیم §
پر از خاشاك و خار و خس نبینیم §

§ در این کشور دمی آتش فروزیم
§ خس و خاشاک را یکسر بسوزیم
وطن آرامگاه و مسکن ماست §
بر او گر خاری آید بر تن ماست §
§ فلان الدوله گر جامی بنوشد
§ تمام ملک ایران می فروشد
درختان وطن پژمرده بینم §
رجال و اهل ایران مرده بینم §
§ وکیلی را که خود بودی موکل
§ چرا کردیش اندر بیع داخل
بترس ایندم که آتش بر فروزد §
تمام ملت ایران را بسوزد §
§ وزیری را که می بینی خموش است
§ خدادادست او درعیش ونوش است
چو زالو می مکند خون ضعیفان §
ترحم نیست اندر قلب ایشان §
§ دوای درد ما ها اتفاق است
§ که این رنج کنونی از نفاق است
برادر جان نظر بر حال خود کن §
دمی گر فکر خود برطفل خود کن §
§ اروپائی مگر خویش خدا بود
§ که ایشان را بصنعت امر فرمود
تمامی را پدر بوده است آدم §
قوا و هوش یکسان بد مسلم §
§ اروپائی بزحمت کرد عادت
§ من وتوروزوشب درخواب غفلت
سلاطین قدیم مست مخمور §
تمام زندگان گردند در گور §
§ زسر این خواب خرگوشی بدر کن
§ دمی بر کار شیادان نظر کن
که می بافند ایرانی و ایران §
تمام ملک ما سازند ویران §
§ سرائی کو به تعمیر است حاجت
§ چرا درغبن خود سازی اجابت
بیا حب وطن را ساز پیشه §
مزن بر ریشه ات از جهل تیشه §
§ بود حب وطن توام به ایمان
§ محب او بود محبوب یزدان
معارف گوهر زیبنده ماست §
مسما همچنان سیمرغ و عنقا است §
§ بود اسمی و رسمی نیست بر جا
§ معارف نیست این داناست الله
معارف را بود صنعت فریضه §
که گردد اقتصادی را ضمیمه §

§ تعلم نیست عرض و طول اسفار
§ نگیری از درخت بید اثمار
به ضمن علم صنعت باید آموخت §
نباید گرد بیهده آتش افروخت §
§ معارف نیست دیپلم در حقیقت
§ که گردد مسالکش دزد طریقت
هر آنکو طالب آمد بر وکالت §
نمود اندر معارف او دخالت §
§ موفق گشت بر آمال آخر
§ بمجلس داد جولان با کروفر
خصوصاً علم امروزه زبان است §
نه در فهم و نه در نطق وبیان است §
§ هر آنکس کونه از اهل تمیز است
§ زبان دان چون بود هر جا عزیز است
فلک از آسمان گردید نازل §
تمام علم ما را کرد باطل §
§ نه گویا خلق ایرانی بشر بود
§ نباید فارسی دان را ثمر بود
نباید فکر فردا را نمائید §
معارف را ازاین ذلت بر آرید §
§ علومی کو گر بصنعت هست توام
§ اماندش به دستور مسلم
نتایج آید از دستور حاصل §
به تعلیمات صنعت ساز داخل §
§ چو رفع احتیاج آید زصنعت
§ تو گردی مالک اعزاز و قدرت
زذلت رو براه گنج آری §
چرا در ذلت و در رنج مانی §
§ دگر تجار اند بخت سیه روز
§ که دلالند هر یک درشب و روز
متاعی را چو از خارج بیارند §
بچندین عشر بر ایران سپارند §
§ وجوه نقدی از ثروت بکاهند
§ تجارت نیست کاین تجار دارند
چو تاجر از متاع غیر بفزود §
بن دیوار کند و بام اندود §
§ تجارت از متاع ملت باید
§ که از خارج دیگر چیزی نیاید
بیا جانان بغیرت کار فرما §
به تعمیر وطن بنما تقلا §
§ از این گلخن به گلشن ساز منزل
§ رسان این فلک طوفانی بساحل
پس از ما و تو خلقی دیگر آیند §
در این کشور حیاتی بر گذارند §

§ براحت در نهایت روی آرند
§ بذلت روز و شب لعنت نمایند
گروهی این گروهی آن پسندند §
تو راهی رو که بر ریشت نخندند §
§ نصیحت تلخ و برآتش مزن پف
§ که گردد ریش بی انصاف بر تف
بدهر این نقش ماند از تو مسطور §
تو خواهی کشف سازش خواه مستور §
§ نباشد انتظارم اینکه گویند
§ که نیکو نغز اشعار است و دلبند
بیاور فصل و کوتاه از سخن کن §
تامل بهر درمان وطن کن §
§ امید است آنکه سلطان فلک فر
§ خدیو پاک رای و داد گستر
شهنشه پهلوی جمشید ثانی §
وطن را گردد او معمار و بانی §
§ به تجدید اساس آرد وطن را
§ نهد بر نام خود وجه حسن را
درین مبحث نمودم ختم صحبت §
تو دانی و خداوند و حقیقت §
§ گهر آورد کلک طبع ناظم
§ خرد گفتا که بنیانی است قائم
جراحات وطن را هست مرهم §
تو گر کتمان کنی والله اعلم §

منع ورود اشیاء تجملی

(لایحه قانونی)

ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که باموافقت وزارت فواید عامه ورود اشیاء تجملی یا غیر لازم و همچنین ورود اشیائی را که باید تهیه آنها را در داخله مملکت تشویق کرد منع نماید - ولی با اخذ مبالغی بعنوان (حق الورود) که بعلاوه حقوق گمرکی جاری جمعا نباید از یك برابر قیمت جنس تجاوز کند ورود این قبیل اشیاء ممنوعه را ممکن است اجازه داد

ماده ۲ - پس از تخصیص مبلغ لازم جهة پر کردن محل عایدات تخمینی گمرك در ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ و همچنین بعد از تخصیص حداقل مبلغ پانصد هزار تومان از این محل برای اضافه عایدات معمولی گمرك در هریك از سنوات بعد از ۱۳۰۶ اگر چنانچه از عواید (حق الورود) مقرره در ماده اول این قانون مازادی بماند مازاد مزبور بطریق ذیل مصرف خواهد شد :

یك ثلث برای ساختن و نگاهداری راه ها

یك ثلث برای سرمایه بانك ملی ایران که به موجب قانون علیحده تاسیس خواهد شد تا زمانی که سرمایه آن پنج ملیون تومان بالغ نشده است - پس از رسیدن سرمایهٔ بانك ملی به پنج ملیون تومان این یك ثلث نیز ببودجه کل مملکتی اضافه خواهد شد یك ثلث برای بودجه کل مملکتی

ماده ۳ - نظامنامه اجرای این قانون را وزارتین مالیه و فواید عامه باموافقت یکدیگر تهیه و بتصویب هیئت وزراء خواهند رسانید

قلمکار ایران

در خصوص پیشنهاد مسیو براسو در باب قلمکار ایران که در بازار های اروپا فوق العاده طالب و خریدار دارد قرار شده است که دستور بکلیه حاجات داده شود از این ببعد قلمکار را باقشه های عالی روی پارچه های وطنی نقش نموده تا رفع اشکال شده و در آتیه صاحبان کارخانجات بهتر استفاده نمایند و پارچه های وطنی ایران در اروپا موفقیت مهمه را احراز کنند -

عکس جنگلهای مازندران

مستر هیز کل که برای معاینه جنگلها بمازندران رفته بود مراجعت کرده و چون بواسطه توده درختهای جنگلی راه عبور غیر مقدور بود بوسیله طیاره عکس کلیه جنگلهای مازندران از هوا برداشته شده است و راجع به ترتیبات نوغان ابریشم دستورات لازمه را صادر کرده و هم چنین درباب مزارع چای کاری گیلانات و لاهیجان کلیه آنها را معاینه کرده و طرز تربیت اشجار چای را بزارعین تعلیم نموده و در نظر گرفته است که برای تکمیل ترتیبات زراعت چای در کلیه نقاط گیلان و مازندران اداره تهیه نموده که زارعین را بطرز عملیات چای کاری آشنا نموده تا تدریجا رفع نواقص آن بعمل آید

والی آذربایجان

آقای بنی آدم والی آذربایجان در وزارت داخله آقای وزیر داخله را ملاقات و راجع بتکمیل نواقص و تصویب پیشنهاد های خود مدتی با وزیر و رئیس اداره شمال وزارت داخله مذاکره میکرداند

ورود تخم نوغان

اخیرا متجاوز از دویست هزار صندوق تخم نوغان ابریشم از ممالک خارجه بمازندران وارد شده است و چون در آن حدود مصرف همهٔ آن مقدور نبود از طرف مستر هیز کل دستور داده شد که یکصد و پنجاه هزار از صندوق های مذکور را برای مصرف در نقاط مازندران و گیلان تصرف کرده و پنجاه هزار از صندوقها را برای کاشان و اصفهان و

سایر نقاط تخصیص بدهند که در ولایات نیز به تربیت تخم نوغان و توسعه وتهیه ابریشم اقدامات بعمل آید

(معاینه خطوط شوسه آذربایجان)

کلنل موریس مستشار طرق و شوارع مانقان جعفر خان مترجم و مهندس سمت آذربایجان برای معاینه خطوط شوسه حرکت کرده اند

(ایجاد کارخانه قالی)

حکومت قزوین راپورت میدهد که بواسطه فقر و پریشانی عامه و فریاد تجار از بی کاری و نقصان امور اقتصادی دعوتی از تجار بعمل آمده که با سرمایه ده هزار تومان چند دستگاه قالی بافی دایر کرده و تجار مشغول شوند و هیئت یکصده از ایرانی های کارگر مشغول کار میشوند در نتیجه مذاکرات دعوتی از تجار بعمل آمده و کمیسیونی منعقد شروع بمذاکرات نموده که با سرمایه ده هزار تومان مشغول تهیه امر قالی بافی شوند

اتحاد ایران و افغان

نظر باینکه از چندی باینطرف یك عده از اشرار افغانی سرحدات ایران حمله کرده و مرتکب بعضی شرارت و سرقت هائی شده اند در نتیجه اقدامات و مذاکرات وزارت امور خارجه با سفارت افغانستان و دربار کابل بالاخره مقرر گردید کمیسیونی مرکب از نمایندگان دولت علیه ایران و دولت افغانستان قریبا در سرحد ایران تشکیل شده و راجع به سرقت هائی که تاکنون از طرف افغانها بوقوع پیوسته و موضوع دو فقره قتلی که مرتکب شده اند رسیدگی نموده قراری برای آسایش رعایای سرحدی ایران بدهند و اموال سرقتی را آنچه که تاکنون برده اند معلوم کرده که از آنها برعایای ایران مسترد دارند

(قرار داد تجارتی)

در موضوع قرارداد تجارتی بین دولتین روس و ایران درنتیجه کمیسیونیکه آقایان وزراء با دکتر میلسپو و کلنل کرماك و معاون رئیس کل مالیه با حضور آقای رئیس الوزراء تشکیل و مذاکره نمودند نظریات اصلاحی را رئیس کل مالیه باقای وزیر خارجه خاطر نشان نموده از قرار معلوم از طرف نمایندگی دولت شوروی روس نیز تا حدی با نظریات مزبور توافق نظر حاصل گردیده است

(امتیاز چینی سازی)

شرحی از طرف منصورالسلطان نام بوزارت فواید عامه واصل گردیده تقاضا نموده است امتیازچینی سازی ایران را بمدت چهل سال بمشار الیه واگذار نمایند شرح مزبور بکمیسیون امتیازات رجوع گردید

کمیسیون مختلط

راجع به ساختن سد رود خانه آستارا که قرار شده است با اشتراك دولتین ایران و روس ساخته شود مقرر گردیده کمیسیونی مرکب از مهندسین ایرانی و روسی در ساحل آستارا تشکیل و مخارج بستن و ساختن سد رود خانه را تعیین کرده راپورت آن را بمقامات مربوطه بدهند کمیسیون مذکور در هفته قبل تشکیل و نتیجه مطالعات و مخارج آن را بدولت پیشنهاد و تقدیم کرده اند

دفع آفات حیوانی

از طرف وزارت فواید عامه راجع به مؤسسه دفع آفات حیوانی لایحه تهیه شده و مبلغ یکصد هزار تومان اعتبار تقاضا کرده اند و لایحه آن برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد گردید

(متخصصین جدید)

وزارت فواید عامه برای استخدام سه نفر متخصص ازخارجه که یك نفر برای اداره یاستور ویکنفر برای تأسیسات صنعتی و یکی برای دفع سن و آفات محصولات لوایح کنترات آنها را تهیه بهیئت وزراء تقدیم داشته است که برای تصویب به مجلس شورای ملی ارسال گردد

(ازدیاد روابط آمریك و ایران)

دکتر میلسپو رئیس کل مالیه در نظر گرفته است برای شناسانیدن ایرانیها را بامریکائیها تنها مجله ام راهنمای ایران و امریکا در واشنگتن طبع و منتشر نماید

(نظریات تجار)

چون در نتیجه عرایض تجار بنا در و همچنین مذاکرات شورای عالی تجارت قرار شد آقایان اعضای شورای تجارت نیز نظریات خود را در باب قرار داد تجارتی بدولت حاضره خاطر نشان نمایند اخیراً زمینه قرار داد مزبور را که هیئت دولت بتوسط آقای وزیر فواید عامه بجهة کمیسیون فرعی شورای عالی تجارت ارسال نموده و بعد آقایان تجار نیز نظریات خودرا بصورت پیشنهاد درآورده تقدیم هیئت وزراء نموده اند وفعلا هم تحت شور ومطالعه می باشد

(تعمیر راه های کردستان)

از مقام ریاست وزرا شرح مؤکدی بوزارت فواید عامه بضمیمه سواد مراسله وزارت جنگ راجع بساختن و تعمیر راه های سقز سنندج و کرمانشاه واصل گردیده اشعار میدارند بایستی در این قسمت اقدامات فوری و جدی بعمل آید و با وزارت مالیه مذاکره نموده ترتیب ان را بدهید تا هر چه زود تر و سایل انجام تقاضای وزارت جنگ بعمل آید

(خواهش ایرانیان بین النهرین)

از طرف ایرانیهای بین النهرین از دولت تقاضا شده است که چون ترتیبات مدارس ایرانیها غیر منظم و مدیر ایرانی ندارد و پروگرام آنها هم بر طبق پروگرام مدارس دولت عراق معمول و اجرا میگردد لازم است دو نفر مدیر ایرانی برای سر پرستی اطفال آنها از ایران اعزام دارند در قبال وصول تقاضاهای ایرانیها وزارت عموم ومعارف مشغول اقدامات میباشد که دو نفر مدیر و معلم برای مدرسه ایرانیها در بین النهرین معین و اعزام دارد

(مریض خانه ملی)

آقای دکتر بهرامی رئیس کل صحیه پیشنهادی برای تاسیس یك باب مریضخانه بزرك درطهران تنظیم نموده اند

این مریضخانه از هر حیث احتیاجات شهر طهران را درقسمت امورصحی تامین خواهد کرد زیرا دارای شعب کامل طبابت . جراحی . کحالی و عمل وغیره میباشد که مریضخانه های فعلی نیز شعبی ازاین مریض خانه خواهد شد

رئیس کل مالیه در تاسیس این مریضخانه ابراز موافقت نموده و وعده داده اند که در قسمت امور مالی کمك های مؤثری بنمایند فعلا پیشنهاد مزبور تحت مطالعه قرار گرفته است که پس ازتکمیل تقدیم مقامات عالیه بشود

(قرنطینه های جنوب)

اداره صحیه مملکتی برای تحویل گرفتن قرنطینه های جنوب با مقامات مربوطه داخل مذاکره گردیده است که دراین موقع که امور صحی ایالات و ولایات سر و صورتی بخود میگیرد و اطبائی بولایات و ایالات اعزام گردیده اند قرنطینه های سرحد نیز تحت نظر روسای صحی نقاط مربوطه قرار گیرد

از قرار مذکور در نتیجه اقدامات آقای دکتر بهرامی رئیس صحیه کل قریبا قرنطینه های مزبورتحویل خواهد گردیدکه مستقیما تحت نظر اطباءصحی اداره شود

(بازدید معادن ذغال)

مسیو مارتین متخصص آهن ذوب کنی که باتفاق آقای دکتر اعتضادی برای باز دید معادن ذغال سنك ساوجبلاغ و شهریار و اطراف قزوین عزیمت نموده بودند دراین دو سه روزه مسافرت معادن ذغال سنك خشند ، اردهه ، آب یك و اسکمان را بازدید نموده مقداری نمونه از معادن مزبور همراه خود آورده و امیرکبیر ورود نموده در وزارت فواید عامه مشغول تجزیه مقدماتی نمونه های مزبور بوده و بعد برای تجزیه تحقیقی به کروپ آلمان ارسال میدارند

(قیام گاه سر بازان جدید)

برای سر بازان جدید اخیرا محلی در باغشاه وزارت جنك تهیه نموده تاکنون نیز مبلغ ٥٠ هزار تومان بجهة لوازم ضروری انها از قبیل میز ظروف آلات تخت خواب وغیره از محل اعتبار اینکار صرف گردیده ازهر جهة آسایش انها را وزارت جنك فراهم آورده است

(احصائیه مازندران)

مراسله از دفتر مخصوص شاهنشاهی بوزارت فواید عامه اطلاع گردیده که صورت جامعی از دهات قصبات مزارع پل ها قهوه خانها ، مسافر خانه های واقعه بین راه جدید الاحداث مازندران و طهران تهیه و تدوین نموده بدفتر شاهنشاهی ارسال دارند

(محکمه تجارت)

پیشنهادی که بنا بود درباب عضویت نمایندگان اطاق تجارت در محکمه تجارت از طرف آقایان تجار منتخبه اطاق تجارت بوزارت عدلیه ارسال شود تهیه گردیده خاطر نشان نموده اند که محاکم تجارتی بر طبق مقررات اطاق تجارت بایستی نماینده اطاق تجارت نیز حضور بهم رسانند بطوریکه اطلاع داده شده وزارت عدلیه هنوز اظهار موافقتی با پیشنهاد مزبور ننموده است

(مدرسه امریکائی)

در نتیجه اقدامات وزارت معارف مدیر مدرسه امریکائی حاضر شده است پروگرام آن مدرسه را با پروگرام وزارت معارف تطبیق نماید حالیه هم پروگرام مدرسه را بوزارت معارف ارسال داشته و روز دو شنبه کمیسیونی در وزارت معارف با حضور آقای وزیر و رئیس مدرسه امریکائی تشکیل میبابد که مذاکرات لازمه نموده پروگرام مزبوررا تهیه نمایند

(مخترع جدید ایرانی)

آقای محمود خان رامهرمز سازنده ماشین پشم ریسی که در نمایشگاه فلاحتی بمعرض نمایش گذارده ومورد توجه اعلیحضرت وهیئت دولت واقع شده بعد از اختتام نمایشگاه تاکنون چند دستگاه دیگر از آن ماشین های پشم ریسی ساخته و همین چند روزه پنج دستگاه آن حاضر خواهد شد

و نیز مشار الیه مشغول تهیه و ساختن ماشین پارچه بافی نیزمیباشند وقریبا خاتمه و درمحلی که بعد تعیین میشود بمعرض نمایش و استفاده عموم خواهند گذارد

(مریض خانه قزوین)

کمیسیونی مرکب ازحکومت و رئیس مالیه و رئیس معارف و اوقاف و رئیس عدلیه ومدعی العموم و چند نفر از اشخاص بصیر با حضور رئیس صحیه کل مملکتی منعقد

گردید و در خصوص موقوفه حاجی محمد علی امینی مذاکرات بعمل آمد بالاخره تصمیم گرفته شد که مریضخانه را تعمیر کرده و شش تخت خواب تهیه نمایند جهة فقراء و مقداری دواهم از طهران از صحیه کل فرستاده شود و برای مخارج هر نفر مریض روزی دو قران معین نمایند که از عواید موقوفه پرداخته شود وضمنا برای مخارج مقدماتی افتتاح مریضخانه تصویب شد مبلغ یکهزار تومان از محل بودجه صحیه مملکتی ارسال دارند و عایدات موقوفه که در سال چهار هزار و ششصد تومان میباشد دو هزار و دویست تومان برای مخارج مریض خانه داده شود و بقیه را در بانک گذارده که بمصارف لازمه توسط متولی موقوفه برسد

کمپانی ضمانتی

چندی قبل از طرف کمپانی بیمه (میرهبت) از دولت تقاضای امتیاز تاسیس اداره بیمه را در ایران نموده بود و چون شرایط پیشنهادی کمپانی مورد توجه شده بود صورت امتیاز برای دکتر میلیسپو رئیس کل مالیه ارسال گردیده بطوریکه اطلاع حاصل شده رئیس کل مالیه اظهار موافقت نموده و قرار شد از طرف وزارت فواید عامه امتیاز نامه بهیئت وزراء تقدیم که بمجلس شورای ملی در صورت موافقت ارسال گردد

مستخدمین ایرانی

کمپانی نفط جنوب از چندی قبل باینطرف استخدام عملجات ایرانی را ممنوع داشته و از ایرانی ها مستخدم قبول نمی نماید و آنچه عمله و مستخدم جدید استخدام میکند از اتباع بین‌النهرین میباشند و این مسئله باعث تظلم ایرانی ها گردیده است

حریق دکان مسجد سلیمان

راجع به حریق دکان مسجد سلیمان مطابق راپورتیکه بمالیه واصل شده اشعار میدارد وضعیت مسجد سلیمان و میدان نفط کمپانی نفط جنوب بازار آنجا سقف ندارد وکسبه در چادر ها مشغول تجارت وکسب هستند و چادر های کسبه باهم دیگر متصل است و مطابق اظهار شفاهی صاحبمنصب مامور آنجا دو ساعت بعد از ظهر واقعه حریق از دکان یکنفر طباخ اتفاق افتاده و سرایت بچادر های دیگر نموده عمله جات اطفائیه کمپانی با آلات و ادوات حاضر شد ولی موفق اطفاء حریق نشدند این بود که باز هم بشدت میوزید و کلیه چادر ها را طعمه حریق نموده است و خسارت وضرر وارده بالغ بالی از پنجاه هزار الی یکصد هزار تومان تخمین شده است وکسبه و تجار بکلی هستی آنها سوخته که با حالت اسف آوری زندگی مینمایند و باید از طرف اولیای دولت در اینباب بذل مساعدتی با اهالی خانمان سوخته بشود .

دعوت کمپانی نفط

از طرف کمپانی نفط جنوب دعوتی از بعضی از رجال و نمایندگان مجلس شورای ملی بعمل آمده که مسافرتی بسمت محمره و آبادان برای معاینه مؤسسات و کارخانجات و معادن نفط نمایند آقایان مستشار الدوله — ممتاز الدوله — دکتر اسمعیل خان امیراعلم — داور — حاج حسن آقای ملک — آقا شیخ علی دشتی در این دو روزه از راه بین‌النهرین بسمت ناصری و محمره عزیمت خواهند کرد که بمیدان نفتون رفته معادن و کارخانجات کمپانی را معاینه نموده مراجعت نمایند

جلسه کمپانی نفط جنوب

روز گذشته دو ساعت و نیم قبل از ظهر جلسه خصوصی در مجلس شوری تشکیل شده بود از قرار معلوم موضوع مذاکره راجع بتقاضای کمپانی نفت جنوب بود که برای سرکشی مؤسسات نفط جنوب از دولت این تقاضا نموده بود که ۳ نفر از طرف دولت و سه نفر از طرف مجلس انتخاب شده برای بازدید مؤسسات نفت بروند

از قرار معلوم هیئت دولت هم اجابت این دعوت را بموقع دیگری موکول کردند و در جلسه خصوصی هم راجع بانتخاب سه نفر نماینده مجلس مذاکراتی شده مجلس هم بپذیرفتن این دعوت را موکول بموقعی کرده است که هیئت دولت اشخاصی را برای این مقصود اعزام دارند

(مدعوین غیر رسمی)

امروز آقایان مدعوین کمپانی نفط جنوب بسمت محمره و ناصری حرکت خواهند کرد و از طرف کمپانی نفط جنوب یکنفر مهماندار برای پذیرائی آقایان در معیت آنها عزیمت خواهد کرد

هوسهای سینور موسولینی

ایطالی پیر جوانی خودرا از سرگرفته جداً بهوس ملک گیری واستعمارجوئی برخاسته است جرائد ایطالی صراحتاً می نویسند که ٤٢ ملیون اهالی ایطالی در یک جزیره نمای کوچکی نشو ونما نتوانند نمود ولو با ول تنازع للبقاء هم باشد ایطالی باید بدست آوردن مستعمرات از هیچ فدا کاری دریغ ندارد ، اقاطی را که ایطالی چشم بدان دوخته تونس که متصل به طرابلس غرب و ازمستعمرات فرانسه است وشامات که متازگی تحت قیومیت فرانسه درآمده است سمرنا وآسیای صغیر والبانی را هم مطمح نظر گرفته است ، اسپانی و انگلستان در باطن حامی وی شناخته آمده مسلم است که فرانس و آلمان هیچ یک بتوسعه اقتدارات ایطالی رضا نتوانند داد ، دسته بندی بزرگی دارد در سیاسیون اروپ عرض اندام می نماید ایطالی توجه اش به

سمرنا بیشتر بواسطه قبضه باسلامبول است چه بدون قبضه سمرنا استیلا براسلامبول ممکن نیست ترکان جوان بهتر وبیشتر وبیشتر از همه کس پی بموسناکیهای ایطالی برده برای دفاع ازحقوق مایه خویش همه گونه حاضر و آماده اند - ایطالی به تنهائی حاضر نخواهد شد که با ترکان پنجه نرم نماید و اگر دولت انگلیس علناً او را حمایت کند فرانس و روس مجبوراً بمعاونت دولت ترکیه قیام خواهندنمود عرض اینست که تکیه گاه تنبلان یعنی جامعه ملل ذرهٔ هم بامنیت وصلح عمومی خدمت نکرده و نتواند هم کرد

مسجد و تکده

در رمضان گذشته جنگ هندو ومسلمان از کلکته آغاز شد . علت هم این بود که فرقهٔ آریه سماج که رئیس شان (سوامی شردهانند) بود خواست نمایشات مذهبی خودرا ازجلو مسجد مسلمانان باساز وآواز بگذراند . آریه سماج فرقهٔ جدید است که در هند پیدا شده اساساً خیلی از اصلاحات مذهبی هندو را بر وفق مسلمانان نموده مانند عقیده بوحدانیت نکاح ثانی زنان هندو نمودن اقوام دیگر و و و ولی این فرقه فرقهٔ حدیث خیلی متعصب و در تبلیغ اصول اوی اختیار کرده اند در مذهب هنود اصول تبلیغ نبود چه ارباب سائر مذاهب را نمیتوانستند در مذهب خود در آرند ولی آریه سماج حتی مرتدین هنود را هم مجدداً بمذهب خود باز میگرداند و از سائر مذاهب نیز مردم را بدین براهما داخل میکنند . بقازگی زنیکه دارای دو طفل و نامش اصغری بیگم بوده اورا بمذهب براهما درآورده درصیانت وحفاظتش کوشیدند شوهرش بعدلیه مراجعه نموده پس از مرافعهٔ زیاد عاقبت حکم شد که چون زن باختیارخود تبدیل مذهب داده یا باید شوهرش بمذهب او درآید و یا باید به علحدگی او رضا دهد معلوم است که این مسئله خیلی بمسلمانان برخورد ورگ غیرت و تعصب آنان را بجنبش آورد چنانچه مسلمانان هم یک از زنان هنود را مسلمان ساخته عدالت هم بر بر وفق مسلمانان حکم داد ، این واقعات و جنگ هندو و مسلمان در کلیهٔ هند سبب آمد که عبدالرشید نامی در دهلی قاید اول فرقهٔ آریه سماج سوامی شردهانند را در حالتیکه علیل و ۷۲ سال عمر داشته با ششلول بقتل رسانید ، ظاهر است که این مسئله هیجان تمام هنود را زیاد نموده مثر مستر گاندی که خود را در مناقشات هندو و مسلمان بیطرف قرار میداد برای تبلیغات سوامی جی در هند دوره نمود هنود را بدادن اعانه وادار مینماید ، پنج ملیون روپیه برای پیشرفت تبلیغات سوامی جی و ختم کار های تبلیغیهٔ او خواسته اند پریروز که یوم یکشنبه باشد در تمام هند برای وفات سوامی جی روز ماتم قرار داده نمایشات مذهبی بیرون آورده درجمع وجه اعانه سعی نموده وکامیاب هم گردیدند فقط ازکلکته پنجاه هزار روپیه جمع گردید

ازطرف دیگر مسلمانان نیز که هیچگاه تبلیغات منظم درهندوستان نداشته تازه بخیال تبلیغ کمر بسته به تقلید فرقهٔ آریه سماجها بدعوت اسلام کوشش مینمایند ، یك از ملبغین در بیانات خود اظهار داشته که ۷۵ ملیون مسلمان در هندوستان ست ار هر فرد مسلمی لازم است که رشته تبلیغات را محکم گرفته در مسلمان ساختن هنود بکوشند . باید عده مسلمانان هند در قلیل زمان به ۱۵۰ ملیون برسد در آن صورت خطری درآتیه برای مسلمین هندوستان متصور نیست این پیش آمد ها و ابراز عقاید طرفین مسلم است که آتش اختلاف این دو فرقه را خیلی دامن خواهد زد و همین نکته برای عقب افتادن شان در تحصیل حقوق ملیه و آزادی کافی تصور میشود ، سوامی جی مردی بود عالم وفاضل ومتبحر دراصول اسلام هم با اطلاع و در فن مباحثه ید طولانی داشت ، تمام هنود از هر حزب و فرقه او را قائد و بزرگ مذهبی تسلیم مینمودند ولی سائر فرق و ارباب مذاهب از تبلیغات وی خوشنود نبودند ، از مسلمین کمتر کسی را بدین خود برد ولی از سایرین جمعی را طرف خود کشید ، جراید هنود می نویسند که قتل سوامی جی از تفرقه کلمه هندو ومسلمان بوده ولی حق این است که بواسطه هندو ساختن اصغری بیگم بوده است و خیلی زود در استنطاق عبد الرشید معلوم خواهد گردید .

(بقیه از صفحه ٤)

چینیان و منتظر اتحاد سائل دول است دولت انگلیس ابداً مائل نیست با چین از در جنگ در آید چه اگر مبتلای بجنگ چین شد موقع هم برای پیشرفت مقاصد روسیه فراهم میشود ومسئله مکیکو و نکاراگوا هم مشکل تر میگردد وقطعاً تبدیل حکومت هم در انگلستان پیش میاید

امید واریم ایرانیان بدون تهییج مقتدر آینده که حقوق اقتصادی خود را در ممالک خویش مستقلا نگاه داری کنند چه تاوقتی که حقوق اقتصادی ما محفوظ نماند استقلال سیاسی مان مسلم نتواند آمد وقت تنگ و موقع نازك و زمانه مقتضی است فقط دو چیز برای حفظ اقتصادیات خود در ایران لازم آمده اول لغو کاپیتولاسیون و کلیه امتیازات اقتصادی خارجه - دوم تعیین تعرفه قانونی بر حسب ضرورت ملك و این امور منافاتی هم با تجارت مشروع بیگانگان با ماندارد تجارت چیز دیگراست ومداخلت امر دیگر -

رجسترد سی ایلمره ۱۳۱۱

Reg. No. C. 1311

26-1, Ahri Pukur Road
CALCUTTA.

حبل المتین مجانا باحدی داده نمی شود
از هر کس وهرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
مقدم گرفته میشود
روز نامه مقدس

اداره حبل المتین
نمبر ۲۶ اهری پوکر روود
[بالیگنج کلکته]
کلیه امور با مدیر کل
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[مدیر ثانی ف . س . مؤیدزاده]
[ام . ای است]
هر دوشنبه طبع و سه شنبه
توزیع میشود

قیمت اشتراك

ششماهه	سالانه
(هند و برمه)	
۱۰ روپیه	۱۸ روپیه
(ایران و افغانستان)	
۳۲ قران	۶۰ قران
(ممالك سایره)	
	سالانه
	یك ونیم لیره انگلیسی

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۲۷ دی ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۱۳ رجب المرجب سنه ۱۳۴۵ هجری
مطابق با ۱۸ جنوری سنه ۱۹۲۷ میلادی

رفع اشتباه

سالهاست که ارباب قلم و صاحب ثروتان مملکت و متخصصین اقتصادیات ما صدا بصدای یکدیگر داده فریاد از فقر عمومی و بی کاری مردم و ازدیاد مصارف و کسادی ازار میزنند عامه هم مانند انعام به تبعیت آنان صدا را درهم انداخته یك محشری برپا کرده یك عالم یاس یك دنیای نا امیدی در اهالی پدید آورده از این نداهای شوم و از این آواز های وحشت انگیز نزدیك است اهالی دست بروی دست گذارده رو بقبله خوابیده نه تنها ثروت ملی بلکه بر استقلال دولت هم چهار تکبیر بخوانند

ازطرف دیگر ارباب فنون و اقتصاد ازدور دارند براین صدا های بی اساس ما خنده میزنند یك مسئله است که بیش ازهمه چیز سبب این همه هیاهو های وا فقرا وا اقتصاد گردیده است یعنی صادرات ما ازروی استاتستیك گمرکی از واردات ما ۷۵ کرور اضافه معلوم میشود . حالا میخواهیم در این مسئله منصفانه و عالمانه قدری بحث کنیم مشروط بر اینکه آقایان محترمیکه همواره از قلت بضاعت و خرابی اقتصادیات مملکت بحث نموده اگر ایرادی باین نگارشات دارند باصول احتجاجات ادبی قلمفرسائی نموده تا برده افراط و تفریط چاك شده رفع اشتباه از عموم گردیده علت حقیقی کسادی بازار وفقر عمومی معلوم گردد

اقتصادیات ما

قبل از آنکه باصل مقصود پردازیم لازم است دو مقدمه تشریح شود

(مقدمهٔ اول)

چنانکه نمی توان انکار نمود که دو و دو چهار میشود انکار این امر هم غیر میسور است که گفته آید ثروت عمومی ایرانیان رو بازدیاد نیست بزرگترین امری که متفق علیه تمام علمای علم ثروت است اینکه در هر مملکت گرانی بیش است ثروت اهالی هم زیاد است نتیجه این میشود در هر مملکت ارزانی اهالیش فقیر و در هر مملکت گرانی اهالیش با ثروت اند و هر مملکتی که بدواً ارزانی بوده وسپس گرانی شده ثروت اهالی آنان فزونی یافته است قدری واضحتر نمائیم کسیکه یك تومان مصارف داشته و حالا دو تومان خرج اوست باید تصدیق نمود که عایدی آن بیش شده ورنه امور زندگانی اش مختل و عاقبت منجر بهلاکتش میگردید در این صورت آیا کسی هست که بتواند انکار نمود که امروز نسبت به سی سال قبل یا امسال نسبت بسال گذشته مصارف هر ایرانی در وطن مالوفش بیش نگردیده ، در سی سال قبل نوکر در ایران مواجبش ۱۵ قران الی ۲ تومان بود امروزه همان نوکر ۱۰ تومان هم قناعت نمی تواند کرد و واقعاً هم گذران او از ۱۰ تومان کمتر نمی تواند شد عمله و مزدور که ۵ شاهی و نیم قران و استادان زبردست که یك قران میگرفتند حالا دو قران و ۵ قران و یك تومان و دو تومان هم راضی نمی شوند و از روی حقیقت امور زندگانی شان هم بکمتر از این مبالغ نمیگذرد وقتیکه ملاحظه میکنیم همان ایرانی که ۳۰ سال قبل نوکرمیگذاشت حالاهم میگذارد وآن کسی هم که آن زمان نوکری میکرد حالا هم میکنند همان عمله و مزدور و استاد هم مشغول بکار خود

میکنند و امور زندگانی خود را خواه بسختی یا سستی میگذرانند باز می بینیم سی سال قبل نان یک من تبریز نیم قران و یک قران بوده حالا ۲ قران و ۳ قران شده همان قسم برنج و روغن و گوشت و سائر ضروریات معاشیه و می بینیم باز هم نان میخورند پلو میخورند گوشت میخورند قند و چائی به آن ارزانی را میخوردند حالا هم با این گرانی صرف میکنند . چلوار و متقال تا شوب زری دو عباسی و نیم قران و ۱۵ شاهی بود حالا چند برابر شده آن وقت هم لباس میپوشیدند حالا هم می پوشند از طرف دیگر می بینیم فلان ملک که صد تومان قیمت داشته حالا ۵۰۰ تومان و هزار تومان قیمت آن است فلان خانه که یک تومان کرایه آن بوده حالا به ۱۰ تومان هم میدهند . آیا اینها دلیل بر ازدیاد ثروت عمومی نیست آیا شما دیده اید که کسی بواسطهٔ گرانی پارچه برهنه بماند از ایام قحط و غلا صرف نظر نموده آیا شنیده اید کسی بواسطهٔ گرانی نان وغیره از گرسنگی بمیرد آیا اینها دلیل بر فزونی و دخل عمومی نیست آیا ازدیاد دخل عمومی فزونی ثروت اهالی را ثابت نمی نماید . ثروت لفظی است که اطلاق بریک چیز نمی شود . طلا نقره جو گندم پشم پنبه خانه ملک آب حتی اسکناس کاغذی در ثروت شامل است در حقیقت ثروت ملی عبارت از آن چیزهاست که ملت به آنها امرار معاش خود را می نماید کیست که تواند انکار این امر بدیهی را بکند که در سی سال قبل اگر میخواستند ثروت طهرانیان یا اصفهانیان را معین کنند اگر ۱۰ کرور بوده حالا ۱۰۰ کرور گردیده است

(مقدمهٔ ثانی)

تسلیم داریم که وضع زندگی خیلی سخت شده پریشانی و مشکلات اهالی روز افزون در تزاید است امروزه کسیکه سی سال قبل یک تومان عایدی داشته و حالا ده تومان دارد گذران آن روزش آسان تر از امروز بودی و رفاهیت آن زمانش خیلی بیش از امروز بودی همین نکته سبب گردیده که تمام اهالی فریاد فقر و بی چیزی میزنند با اینکه فروش امروز تجار و کسبه نسبت باین سال گذشته بلکه نسبت به ۵ سال گذشته مضاعف بلکه چندین برابر گردیده باز هم فریاد از کسادی بازار میزنند و راست هم میگویند چرا که سی سال قبل اگر یک صندوق چائی میفروخت و یک تومان فایده میبرد اداره چند روزه معاش خود را نموده بود ولی امروزه اگر ده صندوق چائی بفروشد و صد تومان هم فایده کند باز می بیند ادارهٔ معاشش مختل است ناچار است فریاد از کسادی بازار و بی مدخولی بنماید بزرگترین دلیل بر ازدیاد ثروت عمومی ورونق بازار تجارت همان استاتستیک گمرکات است ۳۰ سال قبل که مسیو نوز بلجیکی گمرکات ایران را اداره کرد و ایران هم دارای استاتستیک گمرک شد نسبت به امروز صادر و وارد ما چند مقابل فزونی گرفته است آیا این مراتب حسی دلالت بر رونق بازار تجارت و ازدیاد ثروت ما نمی نماید چرا مینماید و هر کسی منکر شود یا بوئی از فن اقتصاد بمشامش نرسیده و یا تجاهل عارفانه مینماید . حالا بیائیم بر سر اصل مقصود که ازدیاد واردات ما بر صادرات است

(صادرات وواردات)

ما هرگز استاتستیک گمرکات را انکار نمیکنیم و واردات ایران را از صادراتش بیشتر می بینیم ولی این مسئله تا درجهٔ چشم بندی است پس از غور و فکر زیاد شاید بحقیقت مطالب برخوریم صادر و وارد هر مملکت دو قسم است یکی مستقیم و دیگری غیر مستقیم . در صادر و وارد دول و ممالک بزرگ مانند انگلیس آمریک فرانس نظر انداخته آید همه را کم و بیش بهمین درد مبتلا خواهیم دید ولی فرقش آنست که آنها ساکت اند ما بفریاد چرا که آنها عالم اند ما جاهل آنها حقیقت امر را میفهمند ما نمی فهمیم دیگران وقتیکه مقالات اقتصادی ما را میخوانند بر بی اطلاعی ما میخندند کسی نیست بپرسد : ای آقایان گریه کنها ما مولیان فریاد زن . شما که از ۵۰ سال باینطرف همیشه صادرات تان کمتر از واردات تان بوده نهایت سابق استاتستیک نداشتید و نمی فهمیدید حالا دارید و میفهمید از آن طرف هم می بینیم در این ۵۰ ساله ثروت فرد فرد ایران و عایدات هیئت جامعه یک برده بلکه یک بر ۵۰ فزونی یافته است آن ازدیاد وارد بر صادر و این فزونی ثروت امروزه نسبت به دیروز آیا قابل غور و تامل نیست ؟ آیا نباید فریاد های بی اطلاعانه ما را کمتر سازد . آیا نباید کله های تو خالی ما را بفکر علت و سبب اندازد چه می توان کرد که عادت گریه طبیعت ثانوی افراد ایرانی گردیده وزیر میگرید وکیل میگرید تاجر میگرید زارع میگرید کاسب هم میگرید ، پس کی میخندد ؟ دیگران از عقل و درایت ما ، و حقیقتاً مصداق این شعر مثنوی واقع شده ایم

§ چشم باز و گوش باز و این عمی §
§ حیرتم از چشم بندی خدا §

خوب آقایان چنانچه گفتیم دو و دو چهار میشود بدون کم و بیش . کدام فرد ، کدام نوع ، کدام ملت کدام دولت کدام ولایت و ایالت و مملکت میتواند بیشتر از آنچه پول درکیسه دارد جنس خریداری کند خواهید فرمود قرض هم ممکن است , اولا باید دانست

قرض شخصی حتی قرض نوعی هم هرگز نمیتواند جا خالی فزونی واردات استمراری را پر نماید علاوه براین برای هر چیز حدی هم معین است و برای هر فرد و نوع هم اعتباری مسلم، اگر فزونی واردات چند ساله ایران را از روی استاتستیك بر صادرات حساب کنیم چندین برابر کلیهٔ ثروت کنونی ایران بقلم خواهد آمد و حال آنکه می بینیم نه دولت ما مقروض خارجه است و نه ملت دولت و ملتی که اعتبار ۵۰ ملیون قرض مستقیم خارجه را ندارد نمی تواند سالی ۵۰ ملیون تفاوت واردات خود را نسبت بصادرات خویش بقرض غیرمستقیم تلافی نماید خصوصاً از بعد جنگ که عقار عمومی مرتفع آمده چرخهای تجارت را فلج ساخته و بازار اقتصاد را کساد نموده نمیتواند بر اعتبار ایرانیان افزوده باشد، هرکه را عقیده این باشد که کم بود واردات از قرض و اعتبارات می پر میشود بوئی هم مشامش از فنون تجارت و اقتصاد نرسیده ما نمیگوئیم که دولت و ملت ایران حاضر بگرفتن قرض نیستند ولی قائلیم براینکه تاکنون قروض خارجی برای ما میسر نیامده است، آقایان گریه کن! قدری کلاه خودرا قاضی نموده تصور کنید که تجار شما چه قدر به بانکهای خارجی و تجارتخانه های بزرگ خارجه قرضدار اند، بنده که خواهم گفت هیچ برفرض که شما بفرمائید که پنج یا ده ملیون هم مقروض اند باز هم این دلالت بر ازدیاد ثروت داخله و خارجه است که سبب اعتبار این مبلغ قرض خارجی گردیده است. چرا که بانکها و تجارتخانه‌های عالم خارجه تا تحقیق ننمایند و ضمانت نستانند حاضر بدادن یك پول سیاه بقرض نمی‌شوند. ما حالا ادعای دیگر میکنیم و یقین داریم اگر آقایان گریه کن غور نموده انصاف دهند حق بما خواهند داد امروز قروض تجار و عموم ملت ایران نسبت بقبل از جنگ و ایام جنگ خیلی کمتر گردیده است چه موسسات رهنی روس بودی که تمام ایران را به منات های کاغذی فریفته و زیر بار قرض خود برده بود حالا که آن موسسه هم رفت خوب است بما بنمایند قروض افراد یا نوع ایرانی بخارجه چیست و بکدامین موسسه است تا ما هم بتوانیم بگریه های ایشان و یا فقرای آنان حق بدهیم

پس باید پرده از روی کار برداشته آید و ببینیم که جا خالی فزونی واردات را چه چیز پر مینماید بلکه اضافه برآن میشود چه می بینیم روزمره بر ثروت عمومی می‌افزاید چه چیز سبب ازدیاد ثروت ما آمده که تجار محترمیکه تا ۲۰ سال قبل یك الاغ سواری که ۱۰ تومان قیمتش باشد هم نداشتند امروزه چند اتومبیل دو سه هزار تومانی در اصطبل شان گذارده شده است، دولت ما در اول مشروطه روی هم رفته ۱۵ کرور عایدی نداشت امروزه بیش از ۷۰ کرور عایدی او گردیده برای وصول آن ۱۵ کرور چقدر رعایا را در فشار می‌آوردند و امروزه بدون زحمت این مبلغ خطیر با کمال آسانی تادیه میشود هیچیك از این بیانات چشم بندی نیست هیچکس هم انکار نمی‌تواند نمود پس این فزونی ثروت از کجاست لازم است برخی از شعبات عایدات غیرمستقیم خودمان را که وارد است ولی حکم صادر را دارد بیان نمائیم

(عایدات غیر مستقیم)

برخی از عایداتی که عاملاً واردات است ولی در صادرات محسوب است و در استاتستیك وارد و صادر شامل نیست

اول - صادرات ایران تقویم میشود مطابق قیمت ایران یعنی صد من پشم که بخارج میفرستیم تخمیناً ۵۰ تومان قیمت آن را معین میکنیم ولی در بازار های خارجه ۷ قران یا بیشتر فروش میرود این تفاوت بر واردات ظاهراً می‌افزاید یعنی عین همان پول جنس خریده شده در ایران وارد میشود، در حقیقت ۵۰ تومان پشم صادر کرده ایم و از قیمت فروش آن که هفتاد تومان است جنس وارد نموده ایم گویا ۲۰ تومان اضافه تفاوت قیمت صادرات است که در استاتستیك گمرك جزو واردات شامل آمده است و هیچکس نمیتواند بگوید که اموال صادره ما بهمان قیمتی که در ایران گذارده شده در بازار های خارجه هم بفروش میرود اگر چنین بودی هیچ تاجر اجناس ایران را بخارج نمی فرستاد و عقیده ما از این ممر یك مبلغ هنگفتی که برابر نصف صادرات یا اقلاً ربع آن باشد تفاوت عمل پیدا میشود بعبارت واضحتر اگر ما ۵۰ ملیون صادرات تقویمی داشته باشیم جا خالی هفتاد ملیون واردات را پر تواند نمود و اگر اندکی دقیق شوند میتواند این تفاوت عمل را از بازار ایران بخارجه معین نمود انجا یك نکته باریك است که باید دانایان ایران متوجه شده نگذارند خارجیان در داخله بر اجناس خام آنان استیلا جسته این تفاوت عمل را که خیلی هنگفت و جا خالی واردات ما را پر میکند قبضه نمایند ورنه این تفاوت عمل که ثلث بل نصف است از ثروت ایران کاسته خواهد آمد بزرگترین خدمتیکه وزارت تجارت میتواند باقتصادیات مملکت نماید تشویق و کمك به تجار ایرانی است که مال التجاره ایران را تجار خود مان و بحساب خود مان درخارجه بفروش رسانده تا آن تفاوت عمل وفائده را خودمان توانیم برد وخیلی هم لابد اسباب سهولت برای پیشرفت تجار خارجه در داخله فراهم ننمائیم چه از این بعد تجار خارجه خیلی بایران خواهند ریخت و سرمایه‌های

مملکت ایران خواهند آورد و اجناسیکه محتاج باو هستند در همان داخله مملکت خریدکرده فائده فروش را خود شان خواهند برد و همین لعب اقتصاد است که امروزه روسیان دارند با ما بازی میکنند، میخواهند قیمت امتعه ما را خود شان معین کرده و تا جائیکه ممکن است خود شان هم در همان داخله ایران خریداری نموده تفاوت عمل را که بایستی ایرانیان ببرند آن ها خواهند برد ما از بزرگترین نقصانات اقتصادی را با ایران همین نکته میدانیم . اگر تجار ایرانی بنکات اقتصادی واقف بودند نمیگذاردند سرمایه های امریکائی و اروپائی برای تهیهٔ قالی وغیره در ایران ریخته آید این اقدام ولو بظاهر اسباب رونق کار است ولی در باطن تیشه بر ریشهٔ اقتصادیات مملکت زدن است این جزئی سرمایه را که اروپائیها بقالی بافها وغیره میدهند سرمایه داران ایران و تجار محترم هم میتوانند بدهند و آن فائده بزرگی که آنها میبرند خود شان بردارند یا اقلا با آنها رقابت کرده اجناسیکه خارجه میخواهند تمام کنند برای شان گران شود و از این مر فائده باقتصادیات مملکت برساند مخفی نماند که اگر تجار ما بپورش بیایند و جلوگیری و رقابت با تجار خارجه نکنند طولی نخواهد کشید که خارجیان جزئی تجارت داخله را هم قبضه نموده تجارتی علم تر روی گرید کن ما را بگوشه انزوا خواهند انداخت . آقایان گریه کن و کسانیکه دل شان باقتصادیات مملکت سوخته فریاد میزنند خوب است از حالا در این زمینه قلم فرسائی نموده هر چه گریه دارند در این پیش آمد بنمایندکه بزرگترین اسباب فقر ملت و خرابی اقتصادیات مملکت از این راه تهیه میشود و ما بیتوجه ملتفت نیستیم و بیهوده سرائی و گریه های بی موقع ما را فرصت نمیدهد که این مسئله هم توجه نموده از حالا که ابتدای کار است جلوگیری نمائیم اگرچه میدانیم بعضی بما اعتراض خواهند کرد که تجارت آزاد وریختن سرمایه خارجی در داخله سبب رونق اقتصادیات مملکت است ولی همانقسم که تجارت آزاد است رقابت درتجارت هم آزاد است علاوه بر این آزادی تجارت که ورد زبانها گردیده از جملات غلط است چنانچه ما میبینیم که جمیع دول و ملل سهولتهائی برای تجار خویش در مقابل تجار خارجه نموده نمیگذارند تجارت خودشان در قبضه خارجیان بیاید . این مسئله موضوعی دارد جدا گانه که بموقع خود بحث خواهیم نمود اما آوردن سرمایه خارجی آن سرمایه نافع است که ایجاد ثروت تازه نماید نه اینکه ثروتهای کهنه ما را هم جاروب زده ببرند، این سموم اقتصاد و میکروب فقر و فاقه ملت که از چند سال باین طرف در ایران پدید آمده میترسیم اگر از روی قوانین فنی و اصول اقتصاد جلوگیری نشود طولی نکشد که ما هم با سائر گریه کنندگان هم آهنگ گردیم چه بزرگترین ضربت را باقتصادیات مملکت همین نکته میدانیم ودولت باید در قرار داد تجارتی با روس زیر بار قبول این معنی نرود که تجار ایران محتاج ومجاز نباشند که درروسیه آزادانه اموال خودرا بفروشند وبرخلاف آن روسیان در ایران همه گونه اختیار و آزادی هم در فروش جنس خود و هم در خرید جنس ما داشته باشند اگر چنین شود باید گفت تجارت ما در روسیه از این ببعد بجای نفع نقصان خواهد رسانید

دوم ــ عایدی که حصه از فزونی واردات ما را جبران میکند این است که بیشتر صادرات ایران را تجار ایرانی در خارجه میفروشند و واردات مان را هم همان تجار ایرانی وارد میکنند، این خود یك از شاهکارهای اقتصادی است که اروپائیها خیلی پای بند بر آن اند ، اروپائی را اگر ممکن شود ولو گران تر هم باشد با تجار غیر ملت خود کمتر تجارت میکنند اگر یك مغازه انگلیسی در طهران باز باشد خواهید دید همچه انگلیسی درطهران است ضروریات خودرا از همان مغازه خواهند خرید ولو گرانتر هم باشد چه میفهمند آن فائده بالمآل به مملکت خود شان باز گشته و بطور دست گردان . روزی هم بکیسه خودش باز خواهد آمد ولی ایرانی چون هنوز معنی حقیقی اقتصاد را نفهمیده چندان اعتنا باین اساس حیات بخش اقتصادی نمی نماید ولی خوشبختانه هنوزهم میبینیم دو ثلث بلکه چهار از خمس امتعه ایرانی را در خارجه همان تجار میفروشند و اجناسی هم که بایران وارد میشود همانقسم چهار خمس را ایرانیان خریده بایران وارد میکنند هم حق العمل خرید و فروش امتعهٔ ما را ایرانی برده و هم فائده امتعه خارجه که ایران بفروش میرسد بیشترش بکیسهٔ تجار ایرانی ریخته میآید همان قسمیکه گفتیم گمرك تقویم اجناس صادره را بقیمت ایران در استاتستیك جمع میکند همانقسم قیمت امتعه وارده را هم بقیمت ایران تقویم نموده در استاتستیك میآورند گویا نصف یا ثلث قیمت واردات ازروی استاتستیك بجیب همان ایرانی ریخته میشود که مال فرستاده یا طلب نموده است مثلا فلان تاجر ایرانی هزار تومان از خارجه چائی طلب کرده و در تقویم گمرك ایران هزار و پانصد تومان نوشته شده آن ۵۰۰ تومان بجیب تاجر ایرانی وارد شده مالا در اقتصادیات مملکت می افزاید علاوه بر این همان تجار خارجه ما که هم مال خارجه را بایران میفرستند و هم مال ایران را بفروش میرسانند فائده که میبرند باز هم مآلا بیشترش

ماهیم بایران میشود ، چنانچه می بینیم همان تجار خارجه ایرانی همیك هزارها تومان پول برای صرف متعلقین خود بایران میفرستند واین مبلغ بهیچوجه در استاتستیك مملکتی درج نمیشود اگرچه وارداست ولی درحساب صادراتش بایدنوشت ، این دوماده که ذکر نمودیم حافظ اعظم ثروت ایران باید گفت و بحمدالله که تا اندازه تاکنون باقیاست ثروت دوستان ایران راست هرقدر توانند این دو ماده را تقویت بخشیده که برای جبران فزونی واردات بر صادرات کافی تصور میشود . شورای تجارت اول قدمیکه باید در حفظ ثروت ملت واقتصادیات مملکت بردارد بسط وتوسعه همین دو ماده است که مادة الحیات اقتصادیاتش باید خواند، یهودیان بغدادی حالی دارند دراین زمینه عرصه را بر ایرانیان تنگ میکنند باید برخی مواد قانونی برای تجار ایرانی وضع نمود این هم موضوعی دارد جداگانه که در وقت خود خواهیم نگاشت

سوم - چیزیکه تادرجه تکافوی صادرات وواردات ما را مینماید همانا حزب رنجبر و عملجات است که چند صد هزار شان در خارجه ریخته بعمله‌گی و مزدوری و کسبهای کوچك امرار وقت میکنند این جماعت بردو صنف اند - صنفی از انها در حال عبور و مرور اند یعنی یك سال یا دو سال درخارجه رفته مزدوری وعمله‌گی نموده پنجاه وصدی تومان پول تهیه کرده انرا هم جنس خریده وارد ایران میسازند صنف دیگرانانی هستند که تا یك درجه در ممالك خارجه سکونت اختیار نموده ولی هرماه روی هرفته از یك تومان الی ده و پنجاه تومان برای متعلقین خود در ایران میفرستند - اگر این نفوس را روی هرفته ماهی ۵ تومان هم حساب کنیم که ایران میفرستند سالانه چندین ملیون تومان تواند شد این نکته ایست که گریه کنان طهران کمتر ملتفت میشوند و ما با برندگان و آورندگان خارجه بخوبی پی برده و با چشم سر هم ملاحظه میکنیم تنها در شهر بمبئی ده هزار فارسی و ایرانی است که روی هرفته ماهی ۱۰ تومان بلکه بیشتر برای متعلقین خود بایران میفرستند روسیه اسلامبول عملجات هم را بهمین منوال دیده ایم چون این مسئله از محسوسات است یقین داریم انکار نتوانند نمود و خالی از اغراق و غلو هم هست

چهارم - مؤسسه کمپانی نفت است که او نیز تا اندازه بثروت ملی ما افزوده جبران کسور اقتصادیات صادره ما مینماید چنانچه رئیس کمپانی ضمن نطق خود در طهران اشاره نمود که تاکنون این مؤسسه بیست ملیون پوند درایران ریخته نه تنها این بیست ملیون لیرا ثروت ما را زیاده کرده بلکه در سایه علم و خورشیدی صاحبان کمپانی امروزه قیمت این مؤسسه کمتر از ۱۰۰ ملیون پوند نیست چنانچه عایدی خالص کمپانی را بعد ازوضع مخارج سالانه ۵ ملیون لیرا میگویند چون اساساً این ثروت طبیعی از ماست و سالی چند باچاره دیگران بیش باقی نخواهد ماند باید تسلیم کرد که این ثروت سرشار شامل در ثروت ملی است - علاوه بر این عملجات مستقیم و غیر مستقیمیکه در این کمپانی از سواران و فارس و خلیج فارس و خوزستان تا برسد ایالات عرب موقتی وغیرموقتی مشغول بکار اند وهمه اجرت بگیر اند ماهانه یك ملیون تومان کمتر نمیشود چنانچه رئیس کمپانی نفط هم ضمن نطق خود بیان کرده بود که ۳ ملیون لیرا سالانه خرج عملجات آنجاست آیا این مبلغ تا اندازه صادرات ما را جبران نمی کند ؟ علاوه بر این یك مبلغی هم که حصهٔ دولت است قسمی بایران وارد میشود که در استاتستیك جمع و نمی آید و نیز صادرات نفت جنوب اگر درست حساب شود خیلی کم فزونی واردات خواهد ماند البته خواهند گفت این فعلا صادرات نفت چیزیست که نفعش بما نمی رسد الا قلیلا و ما هم این نکته را تصدیق داریم ولی سائر مراتبی را ذکر نمودیم که ابداً قابل انکار نیست

پنجم - نمایندگان خارجه و قونسلات ایشان با ان مواجبهای گزاف و اعتبارات هنگفت که در ایران اندیك چشمهٔ عایدات غیر مرئی است که خیلی جبران کسر صادرات ما را مینماید و دیگر ان برای این عایدات مبلغ و حدی معین نمود چه بسته باقتضای وقت است یك زمان میشود که میدان رقابت سیاسی گرم و بازار رشوه رواج میگرفت مثلا یك صد و سی هزار لیرای آقای وثوق و امثال آن که خیلی نظائر دارد هیچ کمك باقتصادیات نکرده است ؟ البته کرده است و اگر گفته شود که درمقابل ایران هم نماینده درهرجا میفرستد و هم مصارف مینماید البته چنین است ولی مطلعین میدانند که مصارف نمایندگان ایران در خارجه باندازه مصارف نمایندگان انگلیس درایران نیست

ششم - عایداتی‌است‌که از ورود زوار برای زیارت مشهد باقتصادیات ما عاید میگردد تخمینا ازهند وقفقاز وترکستان وغیره بهمان اندازیست که زوار ازایران بعتبات میروند ولی زواریکه برای مشهد میروند مصارفیکه در ایران میکنند بیش است از مصارفیکه ایرانیان در عتبات مینمایند ، اینها که ذکر کردیم حسیات و قابل انکار نیست و اگراستاتستیك برای این عایدات معین آید دیده خواهد شد که خیلی بیش‌از واردات خرجه عایدات اقتصادی ما خواهدگردید و بهمین جهات است که می بینیم آن به آن ثروت ایران فزونی می گیرد

اگرچه یك عمر از قدیم و یك مهم دیگری هم تازه پیدا شده که یك اندازه ثروت ما را بخارجه سوق میدهد که در استاتستیك صادر و وارد قلمداد نمی شود و آن وجوه بریه است که از ایران بعتبات عالیات و طلاب ایرانی فرستاده میشود و مصارف اماکن متبرکه میگردد و این مبلغ بجا وچندان هم نیست ومهمیکه تازه پیدا شده سیروسیاحت بزرگان ایران باروپا است مانند احمد شاه ، وثوق الدوله و و و که هر یك کرورها ثروت ایران بخارجه برده و خرج کرده و میکنند ومصارف شاگردان با اینهمه این مصارف در مقابل ان عایدات که انگاشتیم قدرومنزلتی چندان ندارد بعقیده ما و ازروی احصائیه که نگارش آمد اگر ایران هفتاد کرور صادرات خود نسبت بواردات خویش کم بود دارد خیلی بیش از آن عایدات غیر مستقیم ماست که ثروت ما روز افزون در افزایش گذارده است .

(پس چرا پریشانیم)

بعد از بیانات فوق لازم است بیان شود با اینکه سالی ملیونها بوسائل مختلفه جلب ثروت از خارجه میکنیم ولی اوضاع اقتصادی ما ساعت بساعت پریشانتر و فقر وتنگی معیشت وسختی زندگی ما آن به آن زیاد میگردد همین امر موجب آمده که بر عموم مشتبه شده فریاد از قلت صادرات مینمائیم با این حال اگر صادرات مان چند برابر شود بازهم ذره هم از فقر عمومی کاسته نخواهد آمد - این نکته را هم هرگز انکار نمیتوانیم نمود که اوضاع اقتصادی امروزه ایران بیش از همه وقت سخت است و اگر درست دقت شود پارسال مان از امسال بهتر بوده و فردای مان هم از امروز بدتر خواهد بود چه ترقیات اقتصادی ملل بر دو گونه است یکی ترقیات زمان یعنی ترقیات خود آمد دوم ترقیات مقتضی یعنی ترقیات خود آورد - ترقیات اقتصادی ایران که ذکر نمودیم همان ترقیات زمان یعنی خود آمد است ذره هم ما در ترقیات خود آورد نکوشیده ایم اما دیگران هم ترقیات خود آمد کرده اند و هم ترقیات خود آورد ایست که همیشه دست بالا را دارند و درهمه چیز بر ما تفوق میجویند وقتیکه سخن از ترقی و تنزل یا فقر و ثروت یك ملت گفته می آید است بملل دیگر خوهد بود - ملل دیگر در همه چیز خصوصاً در اقتصادیات بر ما تفوق جسته و نسبت بما ترقی کرده ازاینست که ما در هرمرتبه نسبت با ان خودرا در درکات پستی معاینه مینمائیم ، اگر ما هم بترقیات مقتضیه نائل آمده ومانند ملل راقیه پیشرفت نموده بودیم هرگز این جزئی قلت صادرات مارا به گریه و فریاد نمی آورد بلکه ظاهرا نیز صادرات مان بر واردات مان ازروی استاتستیك هم فزونی بمی یافت

باید علاج درد نمود باید افراد ملت را باخلاق و عادات اقتصادی تعلیم داد ، چیزیکه علت فقر عمومی گردیده و نزدیك است چرخهای اقتصادی مملکت را از گردش باز دارد همانا خرجهای فزون و فرنگی مابیهای زنانه ومردانه ماست ایرانی همینکه فرنگی ماب هم میشود بدرجه اعلی آن ارتقا میجوید واضح تر بگوئیم فرنگیمابی ایرانیان ما باندازه بالا گرفته که دست فرنگیان عیاش را هم از پشت بسته اند بلی فرنگیها که درلباس ووضع زندگی خود تجدد نموده درصورت کار و عملیات خویش هم همان تجدد را بخرج داده اند . راست است که مرد فرنگی کفش ده تومانی یا میکند ولباس دو صد تومانی هم میپوشد و یك دست لباسیکه فرنگی بخانمش میپوشاند پان صد تومان وهزار تومان قیمت دارد اما در مقابل سوزن میسازد قلمتراش درست میکند یعنی ازیك من آهن را که ۵ قران قیمت اوست صد تومان و ۵۰۰ تومان عمل میاورد ایرانی همان مصارفهای هنگفت فرنگی را دیده تقلید میکند ولی چشمش نمی بیند عملیات اورا که چگونه از اقصی بلاد شرق بقوه علم جلب ثروت نموده شاهانه خرج میکند معلوم است با این مصارف زیاد و آن رقابتهای خنك که در اسراف و تبذیر زن و مرد از یکدیگر مینمایند هرچه ثروت ایران فزونی یابد و عایدات انها بالا گیرد باز هم همیشه مبتلای بفقر و فاقه و همارہ نه مان در گروشش خواهد بود - علاج این درد بیدرمان بدو قسم میسر است - اول عاجل و دوم آجل -

(علاج عاجل)

علاج عاجل آنست که وکلای مجلس وقائدین ملت ورجال دولت حتی شخص پادشاه وضع زندگی ومعیشت کنونی را تغییر داده یك اصول ساده ومعاش بیرقابت برای عموم تهیه کند باید این فرنگیمابان بیلگام را دهنه های آهنی بردهان شان زده مجبور شان کرد که وضع زندگی را ساده و ترك فرنگیمابی و مخارجهای فضول را از زن و مرد بنمایند - باید قانوناً زینتهای زیاد و فضول خرجیها متروك آید پاریسیان که عیاشترین ملل روی زمین بودند برای حفظ اقتصادیات خود در جلوگیری از مصارف بیجا چه اصول اختیار نموده طعام را ساده لباس را ساده سواری را ساده بزرگی را ساده ساخته اند حتی دربعض هوتلها هم اسباب تبذیر واسراف برای عامه میسر نیست بخوانید در جرائد که چگونه سینور مسلونی برای کم خرجی ملت و سهولت در معیشت و زندگانی ایطالی قوانین سخت وضع نموده و چگونه تجملات را پشت پا زده نه تنها ارباب تجمل و مسرفین ملوم عامه واقع میشوند بلکه از روی قانون

محترم بشند جزیمه میدهند و علاوه نیز برای هرگونه تجمل وهرگونه خودنمائی یك مالیات سنگینی وضع کرده که سنگینی ان مالیات جلوگیری از تجملات وفضول خرجی خود نمایان مینماید

تنها ازدیاد گمرك بر اشیاء تجملی کافی از اسراف و تبذیر و رقابت در مصارف خود نمایان نتواند شد مجلس باید برای سادگی درخرج وکمی مصارف عمومی اندیشهٔ را اختیار کند که ضمناً میتوان ازمصارف فضول جلوگیری کرد همینکه رقابت در خرج مرتفع شد و مصارف عمومی طرز سادگی اختیار کرد بزرگترین اصلاح اقتصادیات درملك شده وفریاد و افغان ملت هم خاتمه می پذیرد

(علاج آجل)

اما علاج آجل آنست که مردم را بکار وا دارند و پروگرام مدارس را اصلاح کنند ـ مدارس کنونی ما خیلی بر بیکاری مردم افزوده و میافزایند ـ ایران باید در مدارس ابتدائی ومتوسطه و عالی اهالی را کار یاد بدهد ایران فکلی لازم ندارد ایران کفش دوز زرگر آهنگر خیاط و امثال آن لازم دارد. نهایت میخواهیم این ارباب صنایع که همیشه داشته ایم بر وفق زمان کار کنند و خواندن و نوشتن هم بیاموزند تا بتوانند در وضع زندگی خود تغییر داده فرزندان آتیه خویش را نیکو تربیت نمایند ـ بقال زادهٔ که از مدرسهٔ شش کلاسی بیرون آمد و فکل و کروات بست دیگر پشت دکان کثیف بقالی پدرش نخواهد نشست باد بدماغ خود انداخته خواهد خواست میز وصندلیهای دولتی را اشغال کند . هر قدرکه ما شاگرد ازمدارس خود بیرون دهیم دارای میزوصندلی نخواهیم شد و مملکت این قدرها هم ضرور نخواهد داشت پس باید دکان بقالی خود را نظیف کنیم باید بشاگردان مدارس صنعت آموزیم باید کاری بکنیم که شاگردان مدارس ما از مشاغل آبائی خویش نفرت نکنند ـ باید صناعت و کسب را بزرگ سازیم و صناعین و کسبه را عزیز قرار دهیم تا سبب تشویق وترغیب شاگردان مدارس جدیده گردد چنانچه در اروپا کرده و میکنند ـ آیا کدام تشویق برای کسبه و صنعت کاران از این بالاتر است که پیغمبر خدا و رسول اکرم و مربی بنی آدم الکاسب حبیب الله فرموده وخویشتن راهم بحبیب خدا یاد کرد یعنی بقال و زرگر و خیاط و آهنگر را درپیش خلق و خالق همپایه خویش ساخته ـ اروپائیها این سر مشق را از ما گرفته ارباب کسب و صنعت را خیلی محترم میدارند ـ تاجر که جای خود دارد ارباب صنعت و کاسب کار های اروپا نیز مقام خویش را از رجال دولت و پشت میز نشینهای ادارات بالا تر میدانند و عایدات شان هم از انها بیشتر است و امور معیشت شان هم بهتر میگذرد ما اگر از اروپا تقلید میکنیم باید در این امور باشد باید در کلیهٔ مدارس بر حسب مقتضی جا و مقام کلاسهای صنعتی و کار و کسب فراهم کنند و کسبه و ارباب صناعت را معزز سازند تا بقال زادهٔ فکلی را عار نباید که شغل آبائی خویش قیام نماید ـ و نیز باید برای مردم کار پیدا کرد باید به بیکاران کار آموخت باید مصادر را بکار انداخت راه آهن را شروع کرد در هر ایستگاه راه آهن هزارها نفوس امور معیشت شان میگذرد امروز باید درهمین راه های موجوده مهمانخانه های کوچك قشنك فکلی پسند تاسیس کرده آقایان فکلی را باین کار ها تشویق کنند بلکه سرمایه دهند اگر چنین شد ایران در یك قرن سمت نخود در ثروت تالی آمریك تواند شد ورنه هر علاجیکه برای از ازدیاد صادرات و کمی واردات نمایند نقش برآب خواهد بود ـ

ملت گریه کن

یك از دانایان میگفت ایرانیان از آن ساعتیکه بدنیا می آیند تا آن آنیکه از این عالم میروند مشغول گریه اند تاوقتیکه بچه اند مادر های جاهل حرکات ناموافق است بانها نموده که خواه نخواه گریه کند وعقیدهٔ شان هم اینست که گریه برای طفل مورث مزید نشوونما است اندکی که بزرگ شد و بمکتب رفت زیر شلاق های آخوند مکتبی باید گریه کند وقتیکه ببلوغ رسید آقایان علما میفرمایند باید از خوف خدا گریه کنید ـ روضه خوان ها هم برای اینکه بدین وسیله به بهشت روند مردم را درمصائب حسین علیه السلام میگریانند تا بهفتاد و دو تن شهدا حتی مصائب بوذر وسلمان وقنبر تا جائیکه بایوب و یعقوب و یونس پیغمبر و و و مردم را گریانده از همان طفولیت ورد زبان وجای گزین قلوب ایرانیان میفرمایند

§ گریه بر هر درد بی درمان دوا ست §
§ چشم گریان چشمه فیض خدا ست §

بهمین مناسبت است که هر چه بر سر ایرانیان می آید و هر بدبختی که بر این مملکت و مذهب و ملت رخ میکند علاجش را بگریه میجویند روسها گنبد مطهرعلی ابن موسی الرضا علیه السلام را بمباردمان میکنند ـ ایرانیان بگریه جبران مینمایند ـ بن سعود بقاع متبرکه ائمه بقیع علیهم السلام را با خاك یکسان میکند ـ در تمام شهر های ایران دسته بسته سینه زده گریه نموده تا رفع تهاجمات او بشود ـ هیچ کس نیست باین تنبلان بگوید آقایان کاسه از آش گرمتر نشاید

پیغمبر برحق هم دفع دشمنان خود را فقط بگریه ومناجات نمیخواست بنفس نفیس بغزوات میرفت جهاد میفرمود - مجروح میشد خصم را شکست میداد - قرب دو سال است ابن سعود بحرکات ناشایست خود ادامه داده هنوز ما ایرانیان از خود آرائی و دسته بندی و سینه زدن و گریه کردن در شهر ها باز نیامده ایم نه غلط گفته ایم مینی هم مجلس کرده نشسته و گفته و برخاسته ایم و هیچ تصور نکرده ایم که بابن سعود باید مقابله مثل نمود باید قوه بازو پنجه اش پیچانده از حجازش خارج ساخت واین امر را میخواهد دولتشکر ما ایرانیان که روزی چند مرتبه میخوانیم یا لیتنی کنت معکم فافوض فوزاً عظیما ولی برای یك مرتبه هم دست بکیسه نکرده یك دینار هم در این راه خرج نمیکنیم و یك قدم هم بطرف مقصود بر نمیداریم بهمان گریه های ظاهری جمع وخرج زبانی امده کار را ختم میکنیم وتوقع داریم دولت همه کارها را انجام دهد ومقتضی وقت وسیاست را هم نمی شناسیم بخوانید تاریخ ملل اروپا را در جنگ صلیب بر خلاف سلطان صلاح الدین چگونه قیام کردند - سائر دول فرنك بمساعدت پاپ وسیسا داخل جنگ شدند فقط ملت مسیحیه در زیر بیرق کشیشان انزکاکی مجتمع آمده بجنگ سلطان صلاح الدین میرفتند با ملازم؛ ملت مسیحیه در این راه اعانه دادند که بعد از تصفیه جنگ تا آنچه مصارف جنگی که کرده بودند از بقیه آن وجوه هنگفت کلیسا با موقوفات وافر در نقاط مختلفه بیادگار جنگ صلیب تعمیر نمودند فقط ما میخواهیم سیل اشك اردوی ابن سعود را از حجاز بیرون کنیم

از روی همین نمایشات است که می بینیم در ایران وزیر گریه میکند - امیر گریه میکند - وکیل گریه میکند - عالم گریه میکند کاسب گریه میکند تاجر هم گریه میکند رجال سیاسی و ارباب جراید ما هم گریه میکنند حتی دکتر مصدق هم در بیان حقیقت گریه میکند. وثوق الدوله هم در دفاع از خود گریه میکند - ای کاش این گریه ها ازروی معرفت بود ومیتوانست محمل صحیحی بر آن بست گریه های مان هم از روی خود نمائی و ریا و بی اطلاعی است

یك از تجار محترم میگفت در چهل سال است با تجار ایرانی طرف تجارت ومعامله هستم و سالی چند کرور فرمایشات آنها را تحمیل میکنم تا امروز از هیچ تاجر محترمی خط نیافتم که از سر تا پایش گریه و شکایت از کسادی بازار نبود و از نقصانات بیدرپی که از فرمایشات خودش حاصل نموده ذکر نباشد باز هم آخرخط نوشته شده « که برای خالی نبودن عریضه با اینکه هیچ بازار نیست فلان مقدار فلان جنس را با کمال صرفه جوئی خریده بفرستید »

معلوم است این ملت از بس بگریه عادت کرده رقیق القلب شده جنبه خشونت مقدسش زائل گردیده بهمین مناسبت است که در خانه خود نشسته خویش را ذلیل و زبون اجانب ساخته نامش نزاکت شناسی گذارده ایست

حکما میگویند هوای محیط ممزوج است از ادویه حیاتی و مماتی یا از فرح و حزن وقتیکه هوا را تجزیه کرده در جزء حیاتیش مرغی را بیاندازند از کثرت فرح و انبساط بال بال زده تلف میشود - و همچنین اگر وی را درجزء مماتی بیاندازند بفوریت خواهد مرد - خداوند حکیم این هوا را ممزوج نموده تا قابل زیست گردد بهمین مناسبت است که فرموده اند باید درحزن ما محزون و در سرور ما مسرور شوند یك از اطبای جدید میگوید همان قسمیکه انسان از خنده زیاد ضعیف شده و تلف میگردد از گریه زیاد هم کم طاقت آمده راه عدم می سپارد و برای هر یك از این خنده و گریه حدی معین کرده اند

یك از اطبای حاذق ایرانی می نویسد رویهمرفته گریه را که هر فرد ایرانی درعرض سال میکند اگرمجتمع ساخته و متمادی قرار دهند از روی قانون طب برای مردن هفت ونیم نفر کافی است نهایت همان قسمیکه زهر کشنده هم وقتیکه استعمالش را ادمان عادی آمد بتدریج اثرش کم میگردد

ایرانیان هم که از گریه نمی میرند بواسطه عادت شان است باین عمل ولی اثرات گریه که عبوس چهره و رقت قلب وضعف بنیه وکمی طاقت که نتیجه اش جبانت است کاملا زائل نمیگردد ایران اگر بنظر دقیق نگریسته آید ماتم خانه است هیچگونه اسباب سور وسروری در آن وجود ندارد و در هیچ اعتدال درکارها نیست حتی در شب عروسی هم گریستن داماد را سرمایه برکت قرار میدهند

یك ازحکمای اروپائی میگوید که قلت توالدوتناسل در ایران بیشترش بواسطه ضعف قلب عمومی است و ضعف قلب عمومی نیز از اثر گریه های دائمی آنان است

ملت زنده تیاتر هم بخواهد اسباب فرح و انبساط هم درکار دارد سوگواری روز مرگ چون امریست طبیعی خود بخود برای هر قوم وملت پیش می آید باید جبران آن تفرج و تفریح در باغ‌ها و تماشا خانها شود ورنه آن ملت عبوس کج خلق کم عاطفه و بی محبت میگردد که نتیجه اش تشتت و عدم انس عمومی است بیکدیگر و اینها همه دست بهم کرده از طول عمر میکاهد ومرگ را بانسان نزدیکتر میسازد - امیدواریم که اقلا جراید ایران خود گریه کمتر کرده و این نکات حیاتی را بافراد ملت حالی نمایند که درسوگ و سور ازحد اعتدال تجاوز نکنند چه افراط و تفریط هر دو مذموم است .

اقتصادی ایران

اقتصادیات ایران رضایت بخش نخواهد شد تا اینکه تجار محترم ایران مزدوری با دلالی خارجه را خاتمه ندهند یعنی مواد خام ایران را برده در خارجه به یک قران فروخته در مقابلش مال حاضر شده همان مواد اصلی را بده قران یا بیست قران تا پانزده قران خریده داخل ایران مینمایند همین است که ایران همیشه در فلاکت اقتصادی غوطه ور گشته و روی پول را نتواند دید و چاره علاجش را هم که [illegible] از نویسنده بهتر میدانند ما به اعتقاد [illegible] در گفتن اثری است در نه گفتن نیست پس اشخاص والا همت باید از دلالی خارجه صرف نظر نموده تمام همت شانرا برگمارند به آوردن کارخانجات و ماشین آلات هرقدر در این راه کوشش شود هم قدر اقتصادیات ایران رو به بهبودی میگذارد یک عرض همین است که این کارها با دست تنها مشکل است و ایرانی هم یکدیگر آنقدر اعتماد و اطمینان ندارد [illegible] که است باید سعی نموده با این مواد خام یک قران را ده قران ازخارجه وارد نکنیم آن تفاوت معامله در کیسه ایرانی و در بازار ایران بماند و باید فکر و تدبیر هم بشود که چیزیکه مصرفش عمومی است و کار دستی آن در ایران وجود ندارد مثلا کارخانهٔ (کاغذ سازی) یا امثال اینها که کاردستی در ایران ممکن نیست اورا کارخانهٔ دیگر مقدم دارند تا تدریجاً به تمام نموده همه اش موفق نشوند و در سنوات قبل از دو جهت این قبیل کارها مشکل بود یکی نبودن راه و دشواری حمل ونقل و دوم مانع بودن سیاست خارجی اگر شخصی هم با قوه پول از راههای خراب وارد میکرد

سیاست خارجی نمیگذاشت که کامیاب شود مثل کارخانهٔ ابریشم کشی حاجی محمد حسن امین الضرب در رشت ، و کارخانهٔ قند سازی امین الدوله در طهران و کارخانهٔ چینی سازی حاجی عباس چایچی در تبریز ، که از جهت مانع سیاست خارجی ناتمام ماند وحکومت آن وقتها هم مساعدت نمیکرد یا اینکه مساعدت میکرد پیشرفت نمیکرد ، حالا الحمد لله این زمان آن موانع برطرف شده هم راه حمل ونقل آسان و هم سیاست خارجه مانع نیست وهم در سایهٔ سلطنت پهلوی حکومت وقت مساعدت دارد امید است که والا همتان همت خود شان را صرف نمایند تا اینکه تدریجاً . هم اقتصادی ایران رو به بهبودی بگذارد و هم آن منفعت که به جیب خارجه ریخته میشود در جیب ایرانی بماند

(الحاج محمد حسن علی زاده اسکوئی)

سیاست قدیم جدید شده

اگر بنظر دقت ملاحظه شود واقعاً حقیقت دارد که بعضی ها مدعی براانند که آنچه اروپائی عمل میکند سر مشق آن از آسیائی است منتها این ها خیال کردند و گفتند انها گرفتند و عمل نمودند از جمله سیاست اخری این زمان همانا سلطنت بخشی و تاج پوشانی است که بر سر سلاطین جدید الانتخاب گذارده آمده است اگرچه این حیله و کلک را قدما کرده اند چون اثری از انها باقی نمانده وهرج ومرج درمیان آمد زمانه انقلاب پیدا کرد تغیر و تبدیل شد از بین رفت و فعلا این تروتن خیلی بزرگ و حکمت تازه مینماید که اروپائی تازه تجدید نموده و ماهی مقصود را از آب گل آلود گرفته ومیگیرند وحال آنکه این اصول را قدما عمل نموده و نتیجه هم گرفته بودند - چنانچه حکایت اسکندر و ارسطو شاهد اعمال مذکور فوق است مورخ گفته است که چون اسکندر مملکت فارس را تسخیر کرد مکتوبی ارسطو نوشت - رای صواب آنست که ممالک فارس را به اعیان وطایفه آنجا تقسیم کنی و ولایت ایشان را به ایشان واگذاری و هر کدام را علیحده که بر یکی از نواحی والی ساختی اورا ملک خطاب کن و تاجی بر سر او بگذار و اورا بر مملکت قطعه خود مستقل کن هرچند که مملکت او اندک باشد و بدان سبب که بعد بجان همدیگر خواهند افتاد بدرستیکه کسی را که ملک نام نهادی و خود را سلطان دانست دیگر تورا اطاعت میکنند در باطن همیشه محتاج بتو خواهند بود و باین وسیله مابین سلاطین جعلی برای ریاست و مملکت منازعه واقع خواهد شد وخصومتی که ایشانرا منفرد یا باتفاق باتو بود درمیان ایشان خود پیدا خواهد گردید پس اگر نزدیک بایشان بیائی ترا خدمت و فروتنی خواهند کرد و هرگاه از ایشان دور شوی ترا میخواهند و همیشه محتاج بتو میشوند و این سبب بخود مشغول خواهند شد و ترا از حوادث وفتنه ایشان امان بهم میرسد - چون این نامه باسکندر رسید این رای و سیاست را پسندید و انرا دستور العمل قرار داد و به مضمون این عمل نمود پس ان ملوک را طوایف ملوک گویند چنانچه که اعیان فارس بتدبیر ارسطو چهار صد سال باهم نزاع و اختلاف داشتند و هیچ امری از امور ایشان منظم نمیشد در حقیقت قوای آنان را قطعه قطعه ساخته نفاق درمیان ایشان پاشید و همیشه از انها مصون ماند حالا همان حکایت تجدید شده صد نفر تنها ، ما ده نفر همراه آنها تماشا مینمائیم البته چیزی که فرق دارد حالیه با سیاست قدیم همانا هرکدام از سلاطین نشانده خودشان را یک نفر فیلبان هم همراه گذارده اندکه پس و پیش ببرد (بقیه دارد)

از کازرون می‌نویسند

(حیات یا ممات ایران)

(عطاء دولت یا دایه مهربان تر از مادر)

بنده محمود خراسانی خورشید صفت سیرکنان در عالم مراجعت از چین (۲۷) فروردین وارد کازرون در تلگرافخانه شنیدم امروز در منزل خصوصی مالیه کمیسیونی مرکب از علماء پلتیکی امریکائی با ساده لوحان کازرونی منعقد - بهر وسیله خود را در مالیه داخل در گوشه ایستاده تماشای مبارزه حیاتی نمودم در اطراف حوض و باغچه میز و صندلیها مرتب پنج شش نفر متخصصین امریکائی جلوس بر حسب دعوت حکومت جلیله با چند نفر ملاک و تجار کازرونی وارد آقایان متخصصین باشعف و مسرت ظاهری واردین را پذیرفته پس از تعارفات و تشویقات رسمانه داخل در مذاکره — (مترجم میرزای ترجمه - دو نفر امریکائی و اروپائی منشی مذاکره نویس کمیسیون با قامهای آتشین مستعد و منتظر) آقایان متخصصین سه سئوال طراحی و نقشه کشی داشته و بیچاره های کازرونی خالی‌الذهن حضور شان بتصور مهربانی و صرف شیرنی های رنگارنگ که در کامشان از تریاک تلخ تر خواهد شد بالاخره رئیس کمیسیون با گردن کشیده و لبان متبسم شروع و نرمیانه کازرونیها آقای نصیرالسادات کازرونی مخاطب و متکلم برای مذاکرات و به ترتیب ذیل سئوال و جواب مبادله کردند :

س - خیلی ممنون و متشکر میشوم که معرفی خودتان کنید

ج - نصیر السادات کازرونی

س - شغل خودتان را تمنا میکنم بیان نمائید

ج - در کازرون جزئی علاقه ملکی و مقداری هم زراعت دارم

س - در امورات تجارتی هم مهارت و بصیرتی دارید یا نه

ج - در امور تجارتی فی‌الجمله اطلاعی دارم لکن نه علمی است

س - معلومات وحد سیر شما درچه نقاط بوده وهست

ج - معلومات من فقط فارسی واقصی وحد سیرم بوشهر و شیراز بوده

س - آیا ممکن است سئوالی ازجنابعالی کنیم جواب مطابق دهید

ج - گرچه میدانم دام سخت است مگر یار شود لطف خدا هرچه میدانم میگویم

س - جمعیت و حدود کازرون و مقدار اراضی مزروعات کار اینجا را کاملا توضیح دهید

ج - سه سؤال پیچ در پیچ یکمرتبه فرمودید خواهش میکنم یکقدری ساده‌تر بفرمائید که خارج گوئی نشود سئوال اول و دوم گویا مقصود میباشد و غرض اصلی همانا تحقیق و تعیین اراضی زراعت کار است قلم اینجا رسید و سر بشکست مختصر اینکه بی ادبی نشده باشد و فرمایشات بلا جواب نماند عرض میکنم اولا جمعیت خود کازرون تا سنه هزار و سی صد و بیست ۱۳۲۰ در حدود سی هزار نفر بوده از طلوع اشرار و قضایای مختلفه سویدی و سوجری وغیره سیر قهقرائی بخود گرفته اغلب کشته و غارت و متفرق شده اند گرچه احصائیه درستی ندارم گمان میکنم امروزه تقریباً به هشت هزار نفر اشخاص بی بضاعت پریشان روزگار رسیده باشد ثانیاً حدود کازرون بواسطه معاملات دورانی و تجزیه بلوکات و دهات یکی جغرافیای اینجا بهم خورده لیکن حدود حوزه انتخابیه که مرکز آن کازرون است و بسنی و خشت و جره و شاپور و کوهمره زیاده از یک صد هزار نفر جمعیت میباشد و بطوریکه عیناً مشاهده فرموده اید اغلب گرسنه و برهنه که هشتاد در صد قابل خدمت و استفاده نیستند ثالثاً در موضوع مقدار اراضی زراعت کار از طرف دولت تازه شروع بمساحت و تعیین شده بعد ازممیزی مساحت و تعیین حدود مقدار اراضی زراعت کار بوسیله دفتر مالیه مشخص خواهد شد

س — خیلی خیلی ممنون هستم که سئوال فوق را کاملا توضیح دادید حالا که مقدار اراضی زراعت کار را تحقیقا نمیدانید بطور تخمین اراضی زراعت کار را تقسیم در صد که چه طور و هر جنسی چه مقدار زراعت میشود عنوان نمائید

ج - اراضی کازرون مطلقا پنجاه در صد قابل استفاده نیست ولم یزرع است

س - چرا وجهت آنرا خواهش میکنم توضیح دهید

ج - سی در صد اطراف و دامنه کوه و تلال و سنگلاخ است بیست درصد نیزبواسطه نبودن رعیت و عدم توجه دولت قهراً زراعت نمیشود

س — پنجاه باقی درصد توضیح دهید

ج — ده درصد شلتوك شاپور وفاور پنج درصد زراعت تریاك میشود پنج در صد صیفی کازرون و حبوبات است ده در صد زراعت گندم بیست در صد زراعت جو میباشد

س — ترتیب زراعت اراضی کازرون از چه قرار است

ج — یك سال زمین باید راحت باشد سنه دوم شیار نوروزه سنه سوم خشخاش جو یا گندم بهمین ترتیب مرسوم و معمول است

س — مقدار عایدات تریاک در سالی چه مقدار است

ج — ابداً حد معینی ندارد و مطلقاً بحسن کار و باختیار باران است لذا میزان درستی نداریم ممکن است سالی پنج هزار ۵۰۰۰ من لغایت بیست هزار من باشد این مسئله را دفتر مالیه کاملا اطلاع دارد نشان میدهد

س — آیا ممکن است تدارک زراعت دیگر نمود که تلافی و جبران تریاک را نماید

ج — بلی ممکن است بتدارکات ثلاثه که یکی از سه کار باشد اول مرکز برای تمام ملت این حوزه که دفعهً هلاک شوند و نمیرند

(۲) تمام مکنه را بلاعوض مخارج دولت حرکت دهند در نقاط که شروع براه آهن میشود که در انجا تحصیل نان برگران نمایند

(۳) قبل از اظهار مطالب که اهالی امجرد شنیدن قطع حیاتشان خواهد گردید تاسیس کارخانجات پارچه بافی وغیره وکشف معادن فلزی زراعت وغیره کنند که تامین زندگانی آنان نماید اهم خیالی ممکن است

س — اگر زراعت پنبه وداشتن گوسفند برای پشم خیلی زیاد توسعه داده شود جبران زراعت تریاک میکند یا خیر

ج — گرچه جسارت است از خارج گوئی لیکن مثل درکلام عیب نیست و رفع خستگی آقایان مینماید هرون الرشید مقدر عباسی در ترقی سلطنت عرب عمداً حاکم مصر را سیاه پوست کودنی فرستاد ورود حاکم بقاهره مصادف با ملخ خوارگی بود اهالی تظلم کردند که محصول مصر منحصر به پنبه است کلا ملخ خورده تکلیف چیست حاکم گفت بروید زراعت پشم کنید حالا خیلی تشکر داریم که بعوض زراعت تریاک که مایه حیات عمومی است امر به پشم و پنبه هر دو میفرمائید

س — پس جبران از موقوفی تریاک بچه قسم ممکن است که بعوض تریاک تدارک شود

ج — بهیچ قسم عوض ندارد زیرا که تمام این حوزه را آب کفایت و سقایت عشر اراضی نمیکند وبعلاوه زراعت تریاک در سه چهارماه زمستان است که ایام بیکاری رعیت است که باید بخورند و بخوانند وموقع هیچ زراعتی نیست و بعلاوه عوض شیار نوروزه جهت جو و گندم بمختصر حرجی مفصل دخلی عاید مردم میشود

س — حالا که میگوئید در کازرون آب و قنات عشر اراضی را کفایت نمیکند پس ملت در تابستان که موقع صیفی است چه کار میکنند ومخارج خود را از چه محل تکافو مینمایند

ج — شغل مطلق بعد از مختصر زراعت جو و گندم که مصرف صادری ندارد منحصر بزراعت تریاک است که تدارک اخراجات سالیانه اهالی را مینماید و در تابستان نود در صد بیکار و بانتظار آینده تریاک هستند و ده درصد ازمردم مشغول مختصر صیفی هستند و درچهار پنج ماه زمستان ایام بیکاری تقریباً روزی هفتاد هزار نفوس مشغول زراعت وعمل آوردن تریاک و هر کدام روزی سه قران اجرت دارند که متکفل سی هزار دیگر نیز میشوند و قسمتی هم ذخیره برای تابستان نگاه میدارند

س — شما در بدو مجلس شده جمعیت حوزه را به یکصد هزار تعیین نمودید چگونه میشود هفتاد درصد مشغول کار باشند

ج — عرض کردم شغل این حوزه منحصر بزراعت تریاک است جز معدودی از کسبه و مقداری مکاری وچوپان (شبان) و اطفال کوچک باقی مردم از مرد و زن از دختر و پسر هفت ساله تا هفتاد ساله مشغول همین کار هستند لاغیر

س — چنانچه دولت مجبور بمنع زراعت تریاک باشد و ملت لابد وناچار در اطاعت باشد و چاره هم منحصر باشد و دولت هم کاملا حاضر جبران باشد چه بخواهند که بتوان جبران زراعت تریاک را نمود

ج — پنج چیز اگر اقدام فوری ازطرف دولت باشد تلافی نصف خسارت تریاک را مینماید که نیم نفسی بلکه برای ملت ایران باقی بماند

س — نتیجه مذکرات همین است و دولت مجبور به قبول ومساعدت خواهد شد توضیح دهید

ج — اول تدارک آب که مقدم تر است

س — تدارک آب بچه ترتیب است

ج — آب رود خانه شاپور خیلی زیاده از شرب اراضی است و فاصل آب شاپور یک رود خانه بدریا میرود شش سال قبل با مهندسین انگلیس مخصوصاً برای همین کار ودم بمیزان عامی مهندسی نمود یکصد و سی هزار تومان مخارج دارد که آب شاپور درکازرون جاری شود بطوریکه سی در صد اراضی زراعت کار وباغستان شرب نماید

س — پیشنهاد دوم را عنوان نمائید ماده اول اهمیتی ندارد دولت البته اقدام مینماید

ج — ماده دوم راه آهن ازکازرون تا وشهر از همه چیز واجب تراست

س — اولا برای چه کار ومصرف لازم است و از راه کوه و کتل حاضره غیر ممکن است اگر شما راه چاره و حل این مسئله و دلائل برای وجوب خط آهن دارید توضیح دهید

ج — این رود خانه که بدریا میرود ابداً آب از

کوه وکتل بالا نمیرود بدیهی است مستقیما میرود تا بدریا داخل شود دولت انگلیس از بوشهر تا دالکی چهار ده فرسخ راه تسطیح کرده که ریل چند سال آمد و رفت میکرد و از دالکی تا شاپور هشت فرسخ و مجاور رود خانه هیچ اهمیت ندارد ثانیاً پیشنهاد لزوم جریان آب بکازرون این بود که تدارک باغستان و غرس اشجار از قبیل بادام زرد آلو و شفتالو الو انگور انار بالنتیجه و ۵۰۰۰ نمود که مصرف انها در خوزستان و بنادر است اگر حمل به الاغ و قاطر شود پنج روز در راه طول میکشد واین اجناس قهراً فاسد وضایع میشود و باید در خط راه آهن در ظرف یك ظهر سالماً برسد و الا آن جریان آب و غرس باغستان بلا مصرف و بلا نتیجه است لکه ضرر دیگر متوجه خواهد شد

س — ماده سوم اظهار نمائید که هم دلائل و هم راه صحیح است و دولت اقدام مینماید

ج — پیشنهاد سوم اقلا دویست سیصد هزار تومان دولت مساعده دهد که نصف جهت مدد معاش و نصف جهت تدارك زراعت وباغستان باشد که پس از چهارده سال بطرز استهلاکی شود که ملت تواند تادیه نماید

س — اینهم صحیح و خیالی سهل است ماده چهارم نیز عنوان نمائید

ج — تا هفت سال زراعت تریاك آزاد باشد که باغستان کم کم شروع به ثمر نماید تا هفت سال درختان قوی و تکمیل و تدارك زراعت پنبه و چائی وغیره نیزشود وازسنه هشتم تا یازدهم تدریجاً تقلیل کرد تا زراعت تریاك بالسویه شود که ثمر در باغستان مثمر و ملت متنعم گردند و الا فایده ندارد

س — اینهم سهل است البته دولت مدارا مینماید و تدریجاً اجراء میدارد دیگر پیشنهادی دارید بگوئید

ج — بلی در صورت امضاء و اجراء مواد چهارگانه ده دستگاه ماشین زراعتی و فلاحتی با معلمین متخصص برای زراعت قبلا وارد و حاضر نمایند و این پیش نهاد لاچاری تراوش از دماغ یکنفر خود من بوده ولازم است در اطراف همین قضایا ابداءات مطرح نمود چنانچه نظریاتی داشته باشند راپورت ان بعد عرض میشود مذاکراتی که در این کمیسیون رد و بدل شد در مورد حوزه کازرون بوده ولا غیر از ایالات و ولایات و بلوکات و سایر نقاط دیگر بکلی بی اطلاعم البته هر کدام بنوبه اظهار درد وپیشنهادات خودرا خواهند نمود خاتمه اکمال توقیر و احترام استرحام میشود که مسبب خرابی ایران یعنی کسانیکه نقشه منع زراعت تریاك یعنی حرکت ایرانرا کشیده اند ازمکافات و انتقام روزگار گوش زد فرمایند که با خلاف و اولاد خود ترحم نمائید

مترجم — طول مجلس بچهار ساعت کشید از آقایان معذرت میخواهم که خیلی خسته شدند وساعت پنج انگلیسی متخصصین بشیراز و معلمین به خوزستان رهسپارند ومهرو محبت آقایان در دل خود بردیعه قرار داده اند وخواهش شما فراموش نمیکنند ورعایت ملت ایران فرض ذمه قرار داده اند

از بمبئی می نویسند

(۲)

باز برویم برسر موضوع آقای وقایع نگار میل ندارم جناب عالی را در گیلو های رقیقانه مذهبی تنها گذارده وبگویم هر فرد زرتشتی در هرکجای عالم آتش محبت وطن را در کانون قلبی خود جای داده در نماز پنجگانه استقلال ایران را از معبود درخواست مینماید ولی خواهش دارم برای یك مرتبه در مراکز یك جلد کتاب آسمانی زرتشت را گرفته با دیده انصاف مدققانه بنگرید و ببینید از حیث وطن پرستی چه کم و کاستی داریم شاید وجدان خود تان حکمیت مسئله را بنماید اگرچه اذعان دارم طبیعت وسواس ایرانی مائل بهدرك فلسفهٔ ادیان الهی ومقاعد قساوت وجدان نموده دائره تعقل و تفکر شان از محوطه خود سیر نمی نماید ولی ا... (در نا امیدی بسی امید است)

واما ازطبیات دوراندیشانه سیاسی بر عموم واضح و مبرهن است وظیفهٔ دولت برای حفظ مملکت همانا تدوین قوانین و اجرای آن بلا استثناء بر ساکنین آن مملکت خواه مهاجر یا متوطن است وچنان باید ازسلاسل قوانین موضوعه مانند سیم های خار دار اطراف و اکناف مملکت را احاطه و مستحکم نمود که اگر عدوی استقلال هم در آن مملکت خواه بعنوان تجارت با امتیاز وغیره رحل اقامت اندازد از نیروی پیچ و بند های قوانین در خط مشی خود پای بند و مسلسل آمده قادر به تجاوزات غیر قانونی نگردد و نیز در شرع سیاست دیانت جائز نیامده در قانون مملکتداری امتیاز ادیان یکدیگر روا نیست مگر در اکثریت که مقام خود دارد اگر مسئله دیانت پیشرو سیاست ایران گردد بقول خود آقای وقایع نگار در بین ملت طایفهٔ جدید الاحداث ظهور نموده در نتیجه این سیاست واژونه افراد بقتل یکدیگر مبادرت ورزیده شجره ایرانیت خالی از بر و برگ خواهد گردید

باز آقای من اگرچه بیم آن دارم هدف تیر اعتراض سیاست مدارانه واقع شوم ولی بشما عرض میکنم ازحقوق ملیت همان اندازه که از امثال جنابعالی بهره ور اند ما نیز بی بهره نه ایم خورده گیری بجوانان و پیران

خطاست در صفحات جراید ملی به پیشگاه دولت تمام میباز باظهار عقیده اند کاینا جراید آئینه حال ملت و میزان الدرجه ترقی و تنزل آنهاست افکار سر شار و ژولیده را مبصرین باید تصدیق داد بنا براین از اینکه از هفتاد سال باین طرف که نفوذ خارجیان روز افزون وگاهی ملل متنوعه را آلت اجرای مقاصد خود قرار میدهند و مسئله قتل میجر امبری را با مناقشه بین یهود و مسلمان اقامه دلیل قرار داده اید

اولا خیلی ممنون خواهم بود اگر جنابعالی توضیح دهید که افراد اصلی وطن تا بحال آلة پیشرفت نفوذ اجانب نبوده اند ؟

ثانیاً با دلایل و براهین قاطعه آشکار مینمایم که فارسیان از این دائره مستثنی اند چرا که طرف مقایسه با امریکائیان و یهودیان که وطن اصلی آنها بیت المقدس است نبوده آنها مهاجرین از خاک بیگانه اند اینها آوارگان از وطن پوشیده اما اد ما تردیدی در بیچ وخمهای سیاسی نداشته ولی نیز شکی در وطن پرستی آنان نیست چرا که درخاک بیگانه مصدر خدمات مهمی آمده امکان ندارد در وطن جنایتکار آیند اگرچه مسئله مهاجرت فارسیان در صورت مساوات درجه در تحت قانون تدریجی خواهد بود البته در این موضوع جلب نظریه سران و بزرگان آنها شایسته است البته وظیفه حتمی آنهاست در ابراز به آنچه که در قرون متعدد در توجه آن کوشیده اند

ولی بعقیده بنده اگر نظر مساوات و تشئید مبانی الفت و اجرای قوانین بین ملت از متوطنین و مهاجرین فراهم آید که سر یك نیم گزندی از یکدیگر نباشد میتوان گفت این مسائل بطرفة العین قابل حل و تصفیه است چه میبینم شریعت غرای عربی ص درس حب الوطن من الایمان را باسه پیروان آزاده خویش آموخته و فارسیان تعلیم وطن پرستی را از آئین زرتشت پیغمبر ایرانی خلاصه بر مشق تعالیم روحانی منجر بحفظ استقلال وطن خواهد گردید اصلا مرتفع ساختن اختلاف زمینه ترکیب ایجاد اتفاق مهیاست .

باز قدری بحاشیه پردازیم در موضوع مناقشه حتمی فیما بین جمعیت مختلف العنوان جمله غریبی را دیدم که ذکر آن خالی از تصریح نیست ، آقای وقایع نگار میفرمایند (ملت فارسیه یزد و کرمان که عزیز ترین برادر ما بشمارند) در حالیکه در تمو مقاله برادران صلبی را عزیز تر قلم داشتند همچو مستفاد میشود که نظر رعایت فوق العادة به زرتشتیان دارند حال خوب است قدری از حالات زرتشتیان ایران بر نگاریم تا معرفی کامل شده ضمناً طرف توجه افکار و قضاوت عامه گردند

باید دانست زرتشتیان از موسس سلسله منحوسه قاجار آقا محمد خان سفاک صدمات سلطانی را متحمل شده اند که خرابه های نزدیکی ایالت کرمان مشهور به (گبرمحله) مصداق بیان وشاهد تقلیل نفوس ماست در این صورت چشم داشتی از قاجاریه نداشتند تا در این ایام که کوکب سعادت ایرانیان ازافق باختر دمیده دست طبیعت ومشیت قادر الهی نادر زمانی را باین مرز و بوم عنایت فرمود یقین است فرقه اقلیت منتظر چنین عنایت ربانی بودند و همچو تصور میرفت قوانین مشروطه بمجرای اصلی عادلانه سیر نموده دمی را براحت توان گذرانید ولی مع التاسف در این دو سال اخیر دو نفر از جگر گوشگان این مادر وطن طعمه تیر بلای مغرضین گردید و هیچ فریاد احتجاجی از مجرای قانون نرسید که قاتلین آنها هنوز همه درقید حیات اند باز جلب قساوت وجدانی وقایع نگار را نموده میگوئیم جنابعالی از قبیل و قال جراید فارسیه هند من باب قتل برادران خود شکوه نموده میفرمایند (امثال این واقعات همه روزه در هندوستان پیش می آید) ولی این واقعات همه روزه علی الخصوص بین مشرقیان جاهل واقع شده است ولی چطور فریاد نکنند که در یك مملکت مستعمراتی اگر یکی از بزرگترین ارکان ملت کوچك ترین افراد ملت بقتل رساند بعد از ثبوت قانونی در پیشگاه قانون حکم قتل او صادر است آیا کافی ماجرائی اغماض خلاف قانون نیست در عدم سزای قاتلین آنها که رعایای صادق یك مملکتی مستقل بشمار اند ازروی همین مظالم و اجحاف عالی جمعیت زرتشتیان ایران از هفتاد سال باین طرف پراکنده هندوستان شده که اکنون دم برابری بلکه فزونی بزرتشتیان ایران میزنند

صراحتاً باید گفت زرتشتیان از حیث اقلیت متوقع حمایه دولت نبوده بلکه خواستار اند قوانین موضوعه مملکتی از سزا و جزا بلا تبعیض درمیان افراد ملت مجرا شود، مثلا بتازگی ممنوع افتاد زنهای زرتشتیان ایرانی که مسافرت بهندوستان مینمایند در نادر بموجب قانون مصوبه مجلس شورای ملی تذکره گرفته عکس آنها را برداشته در تذکره میچسبانند بر واضح است زرتشتیان از حیث زبان و اخلاق با مسلمانان معاشر خویش یکی اند چون حجاب در مسلمانان رواج است در تحت معاشرت اثرات کلی به این طایفه بخشوده ازین رو خیلی دشوار مینماید رو نشاده عکس بردارند ما میدانیم مسئله حجاب حل شدنی و بعلاوه در آئین زرتشتیان مرسوم نبوده ولی باز هم مخالفت آمده ایم که لباس حقیقی زرتشتیان این نیست که حالیه مرسوم است بلکه قابل تغییر و اصلاح است این نوع

قوانین مختصی در انظار خویش و بیگانه جلوه خوبی نخواهد داشت زیاده معترضه بافقیم برویم سر مطلب

(در موضوع تعلیم زبان پارسی)

این مسئله دیر زمانی است جلب توجه و افکار وطن خواهان گردیده و تقریباً از این عمر لطمه بزرگی بحیثیت ایرانی بودن فارسیان وارد است ولی تنها الزام بر آنها وارد نیست (چرا که در ایام مهاجرت بهندوستان راجه‌های هند بچند شروط آنهارا در امان خویش پذیرفتند که در کتاب (ایرانشاه) تألیف جناب محترم آقای پور داوود تصریح شده از آن شروط یکی تغییر زبان است) بلکه ذمه دار آن زمامداران گذشته میباشند یعنی از زمان تعیین قونسلگری هندوستان پی به لزوم چنین اقدامی نبردند درحالیکه از کثرت اشتیاق و میل مفرطی که این گروه بزبان آبا و اجدادی داشته و دارند در آن ایام هم مانند حالیه انگلیسی رواج چندان نداشت ممکن بود اهمیت قونسولات خویش ولو بجمع آوری اعانه و استمالت خیرخواهان که خود به پرداخت چنین امر حیاتی حاضر بودند تاسیس چند باب مدرسه فارسی نموده ویا آنکه یك کلاس در مدارس خود قرار میدادند تحصیل زبان پارسی سهولت جاری و اکنون چنین اشکالات فراهم نبودی ما می‌بینیم سایر دول متمدنه در ممالك مستعمراتی یا غیر مستعمراتی در ترویج زبان خویش کوشاند باصطلاح لکاشته میدروند ولی بدبختانه اولیای امور ما قونسولات مقیم خارجه را فقط در انجام امورات خود محدود مینمایند اگرچه فارسیان درمدارس خود چندیست تحصیل زبان پارسی را یك کلاس قرار داده اند ولی بواسطه فقدان معلمین قابل که بتوانند دروس را بهلامید ازشیوه طرز جدید تدریس نمایند و یا اگر هم باشند بواسطه قادر نبودن در ادای تحت اللفظی کلمات بشیوه پارسی این مسئله حیاتی در بوطه تعویق وفسخ مانده و ازطرفی هم بواسطه عدم تائیدات علمی دولت حالت میل و خواهشی را دارد ما امید واریم این مسائل طرف توجه اولیای امور گردیده رونقی به بازار زبان پارسی این صفحات بخشد راستی امید هم کمیسیون روابط بین ایران و فارسیان ازین قضیه بی خبر اند یا اگر مسبوق اند هیچ اقدامی کرده اند ؟ و نیز در خاتمه خواطر برادران فارسی را متذکر نموده عرض میکنم البته از تقریرات و نغمه سرائی های مرکزیان در باب تدوین قانون مهاجرت مسبوق اید لازم است در شناسائی خویش مسامحه جائز نشمرده پیشنهادات و آراء خود تان را تشریح دهید از حالا زمزمه اجنبیانه بشما دمیده میشود خوب است جوهر ذاتی ومراتب ایران دوستی را در معرض امتحان و مسابقه گذارید پاینده باد ایران برقرار و افزون باد الفت بین ایرانیان

(گشتاسب دینیار - باستانی)

عالم نسوان

(وضعیت زنها در جماهیر شوروی)

[ترجمه از ورقه اطلاعات جمعیت اتحاد معارف بالخارجه]

انقلاب روسیه وضعیت زنها را در اتحاد جماهیر شوروی کاملا تغییر داده است

ماده ۲۸ قانون اساسی اتحاد شوروی و مواد قوانین مربوط از جماهیر متحده از سن ۱۸ سالگی تمام حقوق انتخابیه یعنی حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را به نسوان اعطا می‌نماید

تساوی زن با مرد در جماهیر شوروی دیگر صورت یك تئوری ندارد و یك حقیقت عملی است نسوان بالتساوی با مردها حق دارند که درکمیته‌های حزبیه مرکزی و در شورای کمیسر های ملی وغیره وارد شوند

ولی بیش از همه در ساوتهای محلی که به منافع اساسی اهالی رسیدگی می‌نمایند ازقبیل تعمیر و آبادانی شهرها و حومه‌ها و بنای مدارس و مریضخانه ها وغیره فعالیت خود را بمصرف می رسانند در ظرف سنه ۱۹۲۵ - ۱۹۲۶ عده اعضای زنانه در ساوتهای بلدی ۳ و ۲۵ در صد و در ساوتهای دهات ۱۰ در صد بود

در موقع کار نیز زن عیناً مزدمرد را می گیرد در ادارات و کارخانجات بعضی مشاغل به طبقه نسوان اختصاص داده شده است برای اینکه مرد ها نتوانند جای آنها را غصب نمایند . قوانین ساوت در موضوع حفظ حقوق کارگر به طبقه نسوان اجازه میدهد که در عین حال هم‌کار بکنند و هم بوظایف مادری خود اشتغال ورزند در صورتیکه زن حامله شود از دو ماه قبل از وضع حمل تا دو ماه بعد از وضع حمل از خدمت معاف است ولی مزد خود را مرتبا دریافت میکنند بکار وا داشتن نسوان و اطفال در مشاغل پر زحمت و مضر بصحت قدغن است

در موقع مرض یا نبودن کار یا از دست رفتن استعداد خدمت به زنان کارگر و مستخدمات اعانه های موقتی یا دائمی از روی میزان حد اقل معیشت بوسیله اداره بیمه اجتماعی و بحساب دولت یا اداره که آن زنها در آنجا خدمت میکنند پرداخته میشود

برای اینکه در تهیه محصولات از کار زنانه بهتر استفاده شود کمیسیون های مخصوصی در کمیسیون ملی مشاغل تاسیس شده و درکار نسوان مطالعه میکنند تخمین میزنند که در ۱۹۲۶ عده نسوانی که جز

قسمت تهیه محصولات مشغول کار بوده اند معادل ۲۸ و ۴ در صد از کلیه عده کارگران بوده است

دخالت نسوان در سندیکاها بوسیله ارقام ذیل معلوم میشود :

در ۱۹۲۵ در کمیته مرکزی سندیکاها ۱۰ و ۱۵ در صد زن بود و در تشکیلات ایالتی ۵ و ۵ در صد و ۷ و ۱۳ در صد از نسوان در امور جاریه سندیکاها مداخله میکردند -

در شرکت های تعاونی شهری یا دهاتی زنها نه تنها نسبت ۲۵ در صد خود شان در اسهام شرکت میکنند بلکه عضو ادارات رئیسه و کمیسیونها و نمایندگیها وغیره میباشند

در جماهیر شوروی مدارس مخصوص برای نسوان وجود ندارد و از همان مدرسه ابتدائی تعلیمات برای پسران و دختران بالسویه است

در نتیجه جدیت و مساعی جمعیت ضد بیسوادی در سال گذشته ۴۷۹ هزار نفر از طبقه نسوان خواندن و نوشتن را یاد گرفته اند - در مدارسی که در خود فابریکها و کارخانجات موجود است در سنه ۱۹۲۴ هفت در صد و در ۱۹۲۵ نیز ۹ و ۳۵ در صد از شاگردان از نسوان بودند

در ۱۹۲۶ فیمابین شاگردان مدارس عالیه روسیه ۲ ، ۳۳ در صد محصلات بوده اند

در امور قضائی نیز زنان میتوانند همان مناصبی را که مردان دارند دارا بشوند از قبیل مدعی العموم ، مستنطق ، وکیل دعوا وغیره

از لحاظ وضعیت حقوقی خانواده اصول ذیل مجری میباشند

در قانون ساوت و ملت و تولد غیر قانونی وجود ندارد . همینکه طرفین اقرار نمودند و مطابق قانون اسامی خودرا ثبت کردند ازدواج صورت قانونی میگیرد ، سن قانونی برای ازدواج ۱۶ سال است (خواه زن خواه مرد) - طلاق هم مطابق قانون اگر چنانچه رضایت طرفین باشد پس از ثبت رسمی میشود ، اگر چنانچه یکی از زن و شوهر مخالف طلاق باشد محکمه مطالعه قضیه را حل میکند ، و سر نوشت بچه هم منوط بقرار داد طرفین است ولی اگر پدر و مادر نتوانند در این مسئله توافق نظر حاصل نمایند طفل بمادرش داده میشود و مخارج بعهده پدر است اگر چنانچه طفلی خارج از حدود قانونی ازدواج بدنیا آمد و پدر آن طفل از شناختن طفل استنکاف نمود مادرش میتواند بمحکمه عارض شده مخارج طفل را از پدر بگیرد و در صورتیکه پدر بودن آن شخص ثابت شده باشد باید تاسن ۱۸ سالگی طفل این مستمری را بپردازد [ستاره ایران مطبعه طهران]

از رنگون مینویسند

(حق را باید گفت)

در شماره اول سال سی و پنجم حبل المتین شرحی از طهران از اوضاع محلی درج بود در اینکه نگارنده محترم یکی از فضلای وطن محبوب ما بوده جای انکار نیست ولی چون در قسمت آقای داؤد خان مفتاح در ایام ماموریت هندوستان را به ایرانیان مقیم هند حواله نموده اینجا که خدمات هفت ساله ایشان را در هند ایرانیان هند بهتر میدانند بنده که یکی از ایرانیان مقیم برما میباشم بدون هیچ گونه غرض و ایرادی به آقای نگارنده یك خدمت ذیقیمت بزرگی از آقای مفتاح سراغ دارم این خدمت بزرگ را خیلی از ایرانیان هند حتی مدیر محترم حبل المتین که بقول ظریف بمبئی سوراخ دعای مفتاح بوده خبر ندارد این خدمت چه وقت بود وقتیکه یکهزار و دو صد نفر برادران وطن ما در سمربور هندوستان اسیر بودند و هیچ معلوم میشد که بجز علاقه مندان و فامیل اسیران کسی دیگر از حال این بیچاره ها و سبب اسارت انها خبر نداشت بنده بذکر یك قسمت دویست و پنجاه نفری پیش آهنك اسرا را عرض میکنم در آخر ماه مارچ ۱۹۱۶ دویست و پنجاه نفر مجاهدین به سمت اصفهان روانه بودند در کنار آب کارون اتباع شیخ خزعل اول انها را غارت و بعد دستگیر نمود در فیلیه بردند در عوض خون ایرانی رگ عربیتی بجوش آمد فوراً ایرانیان مظلوم را که جز حب وطن گناهی نداشتند حواله افسر های دولت انگلیس نمود اسرای مذکور چند روز در بصره و بعد در سمربور هند مدت هیجده ماه اسیر بودند تا اینکه ۱۹۱۷ آقای مفتاح برای سر پرستی ایرانیان برما برنگون آمدند و بنده هم که از علاقه مندان بسبب (یگانه برادر خود که عاقبت هم شهید راه وطن گردید) بودم از آخر خاك برما خود را برنگون رسانیده و شرح حال اسرای وطن را بعرض آقای مفتاح رسانیدم و آقای مفتاح پس از تأسف از بی اطلاعی خود و بی خبر گذاشتن مرکز جناب ایشان را وعده بنجات اسراء ایرانی دادند مراجعت از رنگون به بشخصه خود آقای مفتاح در سمربور رفته ملاحظه برادران اسیر را نموده و وعده همراهی بانها دادند هر صاحب وجدانی که واقف به اوضاع آن زمان در ایران و دربار طهران و سختی جنك و وقایع دوران بود تصدیق نمود خصوصاً ایرانیان مقیم هند که در زمان ماموریت آقای مفتاح یکی از خدمت بزرگ تاریخی هند بنجات برادران وطن از قید اسارت در ان وقت و ان زمان خیلی تعجب است .

از بهبهان می‌نویسند
(اقدامات خیریه)

آقای یاور امان‌الله خان حکومت حالیه بهبهان از بدو ورود تاکنون اقداماتی چند برای آسایش و راحت مردم از حیث انتظامات داخلی و خارجی (ایلات کوهگیلویه) اصلاح امور بلدی مساعدت به بلدیه و معارف درخواست دکتر از صحیه طهران و اعزام او که عموم اهالی در نتیجه این اقدامات واحد و است بسال های گذشته بهبهان از حیث آبادی و آزادی خیلی خوب شده است - مدتی است برای آوردن کارخانه چراغ برق اقدام و مشغول ترتیبات آن شده عماً عنقریب آن کارخانه وارد و یک اثری بر آثار خود در اینجا افزوده و یادگار خواهند گذاشت - امید است همینطوریکه در نظر دارند بزودی در سایر کار ها از قبیل وارد کردن مکینه آبی و بعضی اقدام فرموده بیشتر قلوب مردم را جذب و آنهارا برای همیشه رهین اقدامات و عملیات خود فرمایند - البته امارت محترم لشکر جنوب قدر این اشخاص زحمتکش و این صاحب منصبان عاطفه وظیفه شناس دانسته و همیشه آنهارا بارتقاء رتبه و مراحم عالیه خود برای سرمشق سایرین تشویق خواهند فرمود

(ا - ا)

اوضاع بم

۱ - حکومت بم آقای میرزا حسن خان مجلل کبیر نظر بداشتن حقوق کم طمع گاهی که حقوق مشار الیه بعلت اشکال تراشی های دو ماه و سه ماه تعویق میافتد اقدامات طماعانه میکند ولی زود مصالحه مینماید علت اصلی آشنا نبودن عامه به قوانین موضوعه است

۲ - مالیه کفیل ان اقا میرزا احمد خان نوری است که جدیداً بجای اقا میرزا حسین خان دفوی آمده است خلاصه میتوان گفت دارائی و اعتبارات مردم دستخوش اغراض سر تحصیلداران است خرابی عمده آنست که هنوز در محیط ایران یك مستخدم مالیه مجازات قانونی بی الایش ندیده، مستشاران خارجی برخلاف انتظارات عمومی دارای اغراض خصوصی شده وحتی مداخله ... سیاست مملکتی مینمایند بدبخت مستخدمی که در سیاستی برعایه سیاستشان داخل شود فورا قانون تفسیرزده آن مستخدم عرض اندام مینماید و آلت اغراض مستشاران ازهرنوع تعقیب معاف میباشند

۳ - نظمیه بم با آقا میرزا مهدی‌خان قراباغی که ازکهنه عاملهای قدیم میباشد و دراین ایام گفتگوی تغییر مشار الیه شایع بلکه حتمی است نامزد جدید مهدی قلی میرزای طهرانی است که مدتی رئیس نظمیه رفسنجان بوده درمدت توقف انجا انجارا یکاندی بوده است عملیات بعدی بعد از ورود مصدق یا مکذب خواهد بود

۴ - امنیه بم تحت کفالت اقا وکیل سید نصرالله خان مشارالیه رفیقی‌راازکرمان باخود آورده باحقوق قانونی هوس رانی میتوان نمود هرجا میرود چپاول وتاراج مینماید سی و پنج روز قبل بتعاقب سارقین بطرف نرماشیر رفته علاوه برنگرفتن نتیجه درمراجعت بیست گوسفند ومقداری روغن و برنج که از دهاتیان بیچاره عنفا گرفته اخوذ درمراجعت از هر مسافرت به کرمان رفته داخل ماشین تطهیر شده بر می‌گردد.

۵ - قشونی ریاست ساخلو با آقای نایب مصطفی خان رشیدی ازصاحب منصبان ترك نسبة باحسن سلوك رفتار مینماید ولی همیشه مجانی بدهاتیان حواله میدهد اربابان نوس فوری شکایت مینمایند، در صورتیکه مصالح وجود قشون در بم بیش از مفاسد است.

اخیراً عده تحت فرماندهی معین نایب علی اقا اماری برای قسمت نرماشیر آمده امید است که مانند عده سابق بطرز خوشی رفتار نمایند، جدیت نایبه سرهنك محمد خان دررسیدگی به شکایات فوق‌العاده قابل تقدیر است

۶ - معارف و اوقاف بم تحت نمایندگی اقا شیخ عبد المهدی رئیس مدرسه دولتی مشار الیه صبح دو ساعت قبل ازظهر بمدرسه میرود عصرها اکثرهیچ عده شاگرد کمتر از پنجاه نفربهمدستی موقوفه خورها مرد مرا مورد حمله قرار میدهد

مدرسه عمادیه دارای کمتر از هفتاد شاگرد همه لخت و یا برهنه چون تهیه لباس برعهده اقا سید جواد بلع کننده بیدران که وقفی است چهار هزار تومان عایدی دارد و ایشان ببهانه این مدرسه میخورند

مدرسه ملی پهلوی بم که بودجه آن از همت وجوه فامیل های انصاری عامری (باستثنای غلام حسین خان سردار مجلل که تادیه این قبیل وجوه را حرام میداند) بمرادی میرزائی پرداخته میشود دارای کمتر ازنود شاگرد چندین کلوب ورزش مرتب دارد

(ع - ا - م)

مطالعات رفیق ما درضمن مسافرت عراق

چند روز قبل یکنفر از رفقا که ازجمله اشخاص با ذوق منور الفکر روشن ضمیر است مراجعت از عتبات نموده بدیدنش رفتم پس از بیان تعارفات رسمانه از وضعیات بین‌النهرین مذاکره شد تازه مهم که مشارالیه مسبوقات اورده بود قدم جدیدی است که مجلس و حکومت بین النهرین برای توسعه فلاحت و زیادی ثروت رعیت برداشته اخیراً مکینهای آبی زیاد وارد و

اعلان شده است حیث از زارعین و مالکین طالب باشند حکومت بآنها مکینه آبی میدهد فقط پانصد روپیه نقد و بقیه قیمت را در عرض سه سال باقساط بپردازند بذرهم هر قدر بخواهند حکومت بدون وثیقه و تعلل میدهد فقط صدی سه در سال سود دریافت مینماید جمعی ازحضار این اقدام حکومت بین النهرین را تقدیر و بزمامداران مملکت داریوش سرزنش میکردند یکنفر از حضار اظهار داشت بدون تأمل نباید در اطراف عملیات عقلاء و زمامداران انتقاد نموده و نسبت بآنها بدبین بود باید ملاحظه منطق را نموده و اساساً وارد موضوع شد بدیهی است سیاست هرمملکتی طبعاً باید مطابق روحیات جامعه همان منطقه باشد ممکن است یک قانون در ایران درجه اول اهمیت را حائز باشد در صورتیکه همان قانون در هند نهایت مضرت را داشته باشد کاینه باید در اطراف قضایا با ملاحظه این منطقه قضاوت نمود و از این نقطه نظر ممکن است نظریات حکومت بین النهرین را فهمید که برای چه این اقدام را کرده آیا برای توازن صادرات و واردات و ازدیاد عوائد دولتی تکافو دخل و خرج ترمیم خرابیهای سابق تولید سرمایه برای برداشتن قدمهای سریعی از جهة وصول بکاروان تمدن سر کامل حفظ استقلال قومی و اجتماعی سیاسی واقتصادی این اقدام را اولین وسیله توسعه فلاحت دانسته و مانعی هم در بین نبوده لذا فوراً نظریه خودرا عملی میکند یا عملیات دیگری در نظر داشته که ما از فهم آن عاجزیم پس از آن نظری بعملیات کاردانان مملکت داریوش نموده و اذعان کرده که ایشان حفظ منافع خود را در فلاکت و فقر ملت مشاهده نموده و در هر موقع مشکلی برای دولت تصور شده وسیله فقر رفع مناقشه را مینمایند بطوریکه وصول بمشروطیت تغییر حکومت و بسیاری از قضایای مشکله را تضییق ارزاق که از شعبات مهمه فقر است حل نموده و همچنین طرحهای مهم مالیاتی از همین نقطه نظر است بخاطر دارم در دوره پنجم قانونی مطرح شده بود که از وجوه حقوق تقاعد بملاکین قرض داده شود تا بتعمیر املاک خود بپردازند تا عوائد دولت و ملت زیاد شود و درمجلس بودم یکی از رفقاء وارد شد و جریده باخود داشت که مواد قانونی آن لائحه دران درج بود و برای ما میخواند یک نفر از رفقا میگفت بهترین اقدام نمایندگان برای عمران مملکت تصویب این لائحه است و گمان میکرد تازه مجلس شروع باصلاحات اساسی نموده بن اظهار خوشی وقتی میکرد در همان مجلس او گفتم تصور نمیکنم این لائحه عملی شود چرا که نمایندگان این دوره بمقول آقای شیروانی نماینده قمشه مردم صالح وطن پرستی هستند و ان کابینه بهترین کابینه است که در ایران تشکیل شده و چون نظریه دولت ومجلس ما این استکه مملکت باید خراب ملت باید فقیر و مفلوک باشد تا از شرحرص و از مستملکات طامع مغربیها سالم بمانیم و این لائحه برخلاف این عقیده است برای حفظ حیثیات و استقلال ملت و مملکت داریوش بی اندازه تصویب چنین قانون مضر بسیاست مملکتی و مخالف با روحیات جامعه است البته وجدان و وطن پرستی آقایان نمایندگان محترم راضی نخواهندشد چنین خطری متوجه مملکت شود چندان طولی نکشید عقیده ما روشن شد و وکلا ملتفت شدند تصویب آن لایحه خطا بوده لذا اولا با کمال حریت اقداماتی شد تا آن لایحه از خاطر ما محو شده و ثانیاً برای جبران آن قوانین . . . . برای بر چیدن اساس ملت و قانون تمیزیا که بهترین اقدامی است برای ویرانی فلاحت ناقص مملکت وضع نموده و اختیارات تامه بدولت دادند وجداً خواهش نمودند اشخاص زیرک طماعی را برای تمیزی انتخاب نمایند تا بایک قدمهای سریعی وسائل فلاکت و غارت کردن متعلقات زارعین و مالکین را بایک طرازی جالب توجهی فراهم بیاورند و فلاحت نفس اخرین خود را کشیده و ایران را وداع گوید تا دولت و پارلمان از این رهگذر آسوده شوند در خاتمه باید گفت این است منطق و فکر دولت ایران کهن و آن است عملیات حکومت جوان نیم مستقل بین النهرین .

نور الدین الموسوی الجزایری از اهواز

از طهران مینویسند

مطلب مهم تازه نداشته میخواستم این هفته چیزی ننویسم یعنی واقعه مهمی پیش نیامده و چیزیکه قابل درج حبل المتین باشد نیافتم ولی چون میدانم که منتظر خواهید بود قلم برداشته در حاشیه همان مسائلی را که نوشته قدری بحث مینمایم

اوضاع مرکز

آقای تیمور تاش وزیر دربار اعظم وارد مردم امیدوار اند که مسائل معوقه بین ایران و روس تصفیه بپذیرد مذاکراتی هم که بین سفیر کبیر روس و رئیس الوزرا و وزیر خارجه شده تا اندازه اطمینان بخش ظاهر میشود شکل اینجاست ما ایرانیها طبعاً دست پاچه وهماره طرف هم از دستپاچگی ما فایده میگیرد اگر چندی میتوانستیم صبر کنیم قرارداد تجارتی مان با روس بهتر حسب دلخواه انجام میگرفت روسها بمتاع ما محتاجتراند تا ما باجناس روسیه تجار ایران ملتفت شده اند که اگر قیمت اجناس انهارا روسیان معین کنند نقصان بزرگی باقتصادیات عمومی وارد خواهد آمد

از این رو این مسئله را خیلی تعقیب کرده و بعید هم نیست که روسها در این موضوع با ایرانیها همراهی کنند

(راه آهن ایران)

مستر بلند امریکائی متخصص راه آهن وارد طهران گردیده بوزارت فوائد عامه هم معرفی شده شروع باقدامات کار نموده است ۱۲ نفر مهندسین نقشه کشی که برای راه آهن طلب شده اند عنقریب وارد خواهند شد و پیمایش راه و نقشه کشی شروع خواهد شد

بعقیده من هر قدر هم عجله در پیشرفت کار بشود زودتر از ۳ سال شروع باساختن خط آهن در زمین نخواهیم شد و از انوقت عایدات انحصاری ماهم از ۲۰ ملیون تومان کم نخواهد بود - حال انکه در این دو ساله مصارف ابتدائی کار از یکی دو ملیون تومان بیش نخواهد بود باین اصول ابدا محتاج باستقراض خارجی نخواهیم گردید - مستر بلند متخصص راه آهن یك از متخصصین معروف آمریك است و سالها در خطوط مختلفهٔ راه های آهن امتحانات نیك داده و تجربهٔ کامل یافته در کمپانیهای راه آهن آمریك معروف و دارای اعتماد است اگر موقع مقتضی باشد باستعداد وی سرمایه داران آمریك توجه مخصوص براه آهن ایران خواهند داشت - هنوز هم بسیاری را عقیده ایست که برای ایران راه آهن مقرون بصرفه نیست چرا که تاکنون ایران مملکت زراعتی وتجارتی نشده و ممکن نیست حوراین کافی قطارهای راه آهن داده شود و مسافر زیاد هم نداریم تجارت داخلهٔ ما هم خیلی کم است از این رو عایدات راه آهن کفاف مصارف و استهلاك سرمایه و سود پول را نتواند داد - این است که بعقیده بسیاری اگر دولت از حالا بجای تعمیر راه آهن خطوط شوسه مملکت را تکمیل نموده و اتومبیلهای بارکش را بیشتر بکار انداخته شهرها را بهم نزدیك ساخته مسافرت را سهل و ایرانیان را بسفر عادت داده پس از چندی که زراعت ترقی کرد و تجارت پیش شد انوقت شروع بکشیدن راه های آهن نماید صرفه مقرون‌تر خواهد بود و بعید هم نیست که متخصص راه آهن فعلا چنین رای بدهد چه امروزه آلمان و امریکا را عقیده ایست که برای سهولت حمل و نقل و سرعت سیر و کم خرجی اتومبیل مفیدتر از راه آهن ثابت گردیده است ولی این امر مشروط بر آن است که ایران تهیهٔ بنزین را از خود نموده دست دیگر بیگانه نباشد .

از طرف دیگر خیلیها را عقیده این است که ایران عمران نپذیرد جز در سایهٔ راه آهن در آغاز امر باید متحمل خساره شد تا بتدریج زراعت و تجارت پیش شده عایدات راه آهن با مصارف او تکافو نماید درست است که اتومبیلهای بارکش و راه‌های شوسه خیلی مفید بتجارت و عمران است در صورتیکه راه آهن هم داشته باشد .

(کارخانهٔ آهنگری)

دانایان ما را عقیده این است که پیش از همه چیز برای ایران کارخانه آهنگری مفید تواند شد چه امروزه ایران محتاج بآهن و آهنگری است صرف نظر از منافع سیاسی کارخانه آهنگری منافع اقتصادی آن برای ایران بیش از آن است که بتحریر آید اول فائده آن این است که هزارها ماشین و اتومبیل وغیره که در ایران موجود است وموجود خواهد شد و بعد از چندی بواسطه نداشتن آهنگری آهن شکسته بیش نمی‌ماند با داشتن کارخانه آهنگری محفوظ مانده اگر یك سال کار میکرد با تعمیر و مرمت چهار سال کار خواهد کرد علاوه براین مملکتی که آهنگری ندارد در همه چیز محتاج بدیگران است امروزه حیات مالی چه در سیاست و چه در اقتصاد منوط بکارخانه آهنگری است و هر ملتی که در فنون آهنگری دستگاه و مهارتش بیشتر باشد قوای مادی و معنوی اش نسبت بدیگران فزونی خواهد داشت بزرگترین اقدامیکه دولت نموده خواستن متخصصین آهنگری ومعدن شناسی است مشروط بر اینکه تکمیلش نمایند .

(مستشار فلاحت)

نقشه هائی را که متخصص فلاحت برای پیش رفت امور زراعتی ریخته اگر عملی شود خیلی سودمند خواهد شد چند نکته مهم را مستشار فلاحت مد نظر گرفته که هریکی از اینها بجای خود منافع و کمك بزرگی باقتصادیات ما تواند نمود اول اصلاح و بسط عمل ابریشم است در نقاط مختلفه دوم توسعهٔ زراعت پنبه با تخم های مصری وامریکائی وکمك بزارعین و تعلیم زراعت وتربیت پنبه - سوم بسط زراعت چائی است در نقاط مناسب چنانچه معلوم شده زراعت چائی در کلیهٔ گیلان و مازندران و استراباد تا برسد باستاره بخوبی میتواند پس از چند سال رفع احتیاجات عمومی را بنماید - میگویند در شاپور فارس هم زراعت چائی بخوبی میتواند شد - چهارم چغندرکاری است با تخم های جدید برای عمل آوردن شکر در نقاط مختلفه با کارخانجات کوچك کم قیمت شکر سازی و این عمل چون سهولت ممکن است و طول زمان هم در کار ندارد میگویند باندك سرمایه وکوشش در چند سال رفع احتیاج مملکت را از قند و شکر خارجی تواند نمود - پنجم نباتات صنعتی است که در صدد اند در نقاط مناسبه بکار اندازند متخصص فلاحت را شکایت این است که بودجهٔ که برای اصلاح فلاحت ایران معین شده وقریب یك کرور است کافی نیست - شنیدم که متخصص مذکور

اظهار داشته که اگر دولت سالیانه بتواند ۵ کرور صرف زراعت و فلاحت مملکت نماید هر سال پنجم از عایدات آن بیش از ۳۰ کرور فائده تواند گرفت و منافع عمومی سر بصدها کرور خواهد زد - رئیس خزانه خیلی با خیالات متخصص فلاحت همراه است از این رو گمان میرود که بعد از تشکیل بانک فلاحتی که خیلی زود تصور میکنند افتتاح خواهد شد کمک و توسعهٔ زیادی باداره فلاحت بشود - شنیدیم متخصص فلاحت میگوید ایران مملکت فلاحتی است و هرچه در آن ریخته آید بالغم زیاد پس میدهد اراضی بسیاری از نقاط ایران در قابلیت زراعتی تالی آمریک است - اعلیحضرت شاه را نسبت باین اداره توجه مخصوص است - توجه متخصص فلاحت بمازندران بچند جهت زیاد است اول آنکه مازندران ییلاق طهران و انبار بسای تخت است دوم کمتر نقطه ایران است که استعداد زراعتی اش مانند مازندران و طبرستان باشد - سوم اینکه ارزانترین حاجات برای فلاحت و زراعت در مازندران تهیه تواند شد چهارم هر حاصلیکه در مازندران بدست آید بدون هیچ مصارف حمل و نقل بخارجه میتوان فرستاد و بپول نزدیک ساخت - اعلیحضرت هم در عمران مازندران خیلی ساعی و مائل اند -

انتخابات و مجلس

در هیچ دوره مجلس انتخابات باین بیترتیبی نشده بود نزدیک است ثلث عمر مجلس ختم شود هنوز وکلا از بعضی ولایات نیامده بلکه انتخاب نشده اند و این بیترتیبی بیشتر بواسطه دخالتهای غیرقانونی ادارات رسمی است چه از کشوری و چه از لشکری اینها همه نتیجه اصلاحات ناقصی است که دوره پنجم در قانون انتخابات شده است باین واسطه خیلی وکلا هم که در مجلس داخل شده غیر مربوط اند - وکلای موجوده بر چند طبقه اند - اول وکلای عالم فاضل با تجربهٔ امتحان شده مانند مشیرالدوله مؤتمن الملک ساسابق علائی دکتر مصدق و امثال ایشان که در حقیقت مدار مجلس و سرمایه افتخار مجلسیان اند وعده شان زیاد نیست طبقهٔ دوم مردمان فاضل و مجرب اند مانند وثوق الدوله فیروز میرزا ولی الله میرزا که فقط انتظار وقت میکشند که در حقیقت هم شان در جلب منافع خویش است و اکثریت ملت هم اعتماد این طبقه وکلا کم دارد و عددشان هم ماشاء الله کم نمی باشد جمعی دیگر هم از میرزان وکلا هستند مانند آقای ضیا آقای داور آقای رفیع آقا سید یعقوب و ... و ... که جداً مشغول بخدمت اند و فی الواقع همین طبقه اند که چرخهای مجلس را بگردش آورده عیبی که در اینها می باشد عدم اتفاق است اگر این حزب فعال مجلس که عدد شان هم کم بسمت یک پروگرام صحیح برای خود قرار دهد بیش از همه بملت و دولت و مملکت میتواند خدمت نمود طبقه چهارم روحانیین سیاسی اند که رئیس شان آقای مدرس و حائری زاده و بهبهانی و ... و ... می باشند - این جماعت بواسطهٔ وجاهت ملی که دارند کلام شان خیلی پیشرفت دارد و اگر بخواهند خدمت بوطن کنند بیشتر از دیگران میتوانند چه اتباع ایشان در مجلس و خارج مجلس زیاد است

سائر وکلای این دوره مثل هوایند نه بو دارند نه خاصیت بهر طرف که باد آید بادش میدهند غرض شان هم از وکالت چند امر بیش نیست اول ۲۰۰ تومان مواجب که امروزه در ایران خیلی پول است دوم فروختن جلال و ایران مداری سوم وساطت نزد وزرا و ادارات و کارچاق کنی مردم - عده این جماعت در مجلس از همه بیشتر است ماشاالله چشم بد دور هیچ هم نمی فهمند - اسامی ایشان را چون مورث ریا میشد ذکر نمیکنیم و دعا میکنیم که خداوند اینگونه وکلا بهیچ ملتی عنایت نفرماید

اگر سکاندار مجلس یعنی آقای تدین رئیس محترم که هم تجربه کامل دارد و هم دارای روحانیت و سیاست هست نبودی هرج و مرج مجلس در این دوره خیلی بالا میگرفت جز آخرین طبقه عدهٔ سائر طبقات از ۱۰ و ۱۲ تجاوز نمیکند

اکثریت مجلس

مجلس کنونی تا امروز دارای یک اکثریت ثابت نگردیده باعث آنرا اینکه اقلیت فعال هم ندارد و تمام این مشکلات مجلس برای آنست که حزب قانونی نداریم و وکلا که انتخاب میشوند از روی مسلک مستقیم حزبی نیست چراکه انتخاب کنندگان خود دارای مسلک نیستند حزب باید اول در انتخاب کنندگان بوجود خارجی پیدا کند سپس در منتخبین این است که مجلس نمیتواند آن خدمتی را که ملت پس از ۲۰ سال مشروطیت از آن انتظار دارد انجام دهد و بهمین سبب است که مخالفین داخلی و مغرضین خارجی دندان طمع خود شان را تاکنون از وکلای ملی نکنده اند سیجعل الله بعد ذلک خیرا .

ایران و اشیاء تجملی

مدتیست که ارباب حل و عقد ایران برای اصلاح اقتصادیات خود سعی داشتند که مانند ملل سائره گمرک گزاف بر اشیاء تجملی بگذارند و این امر بیشتر از این شد که بدواً در آلمان و سپس در بعض ممالک دیگر قالی ایران را در اشیاء تجملی شامل ساخته گمرک زیادی بر آن گذاردند هر قدر تجار ایرانی از داخل و خارج کوشش کرده و وزارت خارجه نیز اقداماتی جدی نموده نتیجه مطلوب حاصل نگردید از

طرف دیگر برای جبران کمی صادرات از واردات مجبور بودند که در تعرفه و گمرکات خود تغییر و تبدیلی پدید آرند چنانچه مجلس شورای تجارت لایحه بمجلس پیش نموده بر اشیاء تجملی گمرك زیاد کردند عین لایحه مذکور را ما در شماره های گذشته نگاشتیم - از تلگراف رویتر مورخه ۱۳ جنوری مستفاد میشود که شور اول ان قانون از مجلس گذشته است در اینجا مخبر رویتر گویا یك گونه پروپاگندا برخلاف این اقدام نموده چه فقط میگوید صد درصد بر گمرك اشیاء تجملی افزوده شده اکثریت مجلس را چنین عقیده بوده است که یکدفعه اشیاء تجملی از ورود بایران ممنوع آید اولا باید دانست که اشیاء تجملی معین نیامده و دولت و ملت ایران چون طرفدار تجدد اند منع آن اشیاء را هم نخواسته اند فقط دولت را اجازه داده اند که بر هر چیز و هر قدر صلاح داند بر اشیاء تجملی گمرك اضافه نماید مشروط براینکه آن اضافه از صد درصد بیشتر نباشد ممکن است برخی اشیاء درصد بیست ویا کمتر ویا بیشتر اضافه گمرك شود ولی از صد درصد بیشتر نباید اضافه نماید واین امر اختصاص بایران ندارد جمیع دول وملل برحسب درجهٔ اقتصادیات خود شان اینگونه قوانین وضع کرده اند و در حقیقت این اقدام ملت و دولت مبنی بر اصول معاوضهٔ بالمثل است بهرحال میتوان گفت گذشتن این قانون از مجلس خیلی مفید به مملکت و ملت است نمیدانیم دو مسئله اهم که در موضوع تعرفه گمرکات بایستی از مجلس بگذرد شامل دراین لایحه قانونی هست یانه اگر نباشد باید لایحه دیگر برای آن وضع شود -

اول - اینکه گمرك کلیه صادرات را موقوف سازند

دوم - اینکه برگمرك واردات بافزایند صرف نظر از گمرك انحصاری قند و چائی تعرفه گمرکی ایران از بیشتر دول وملل کمتر است اگرچه تعرفه گمرکی ایران از روی وضع وقیمتهای مختلفه مرتب شده ولی اساساً گمرك ایران بروی صد پنج مبنی آمده است واین کمترین گمرکیست که در سائر ممالك گرفته میشود با وضع اقتصادیات کنونی و ضروریات مالی و دولتی اقل گمرك که ایران بایستی بر امتعه وارد بگذارد صد پانزده باشد و نیز بایستی اساس گمرکات ما در شمال و جنوب یکی باشد تا اسباب اشکال فراهم نیاید و باصول تبعیض هم عمل نشود اگرچه از این بعد باید گفت تعرفهٔ گمرکات ما قانونی است نه قراردادی یعنی مانند سایر قوانین مالکی اصولا تعرفهٔ گمرك نیز ازمجلس گذشته باید اگر نقایص در او دیده شود یکمرتبه مجلس تکمیل کند شاید برخی چنین تصور کنند که اضافه گمرکات مزید بر پریشانی ملت است و حال آنکه چنین نیست اولا انچه دولت از هرگونه مالیات اخذ کند از یك دست گرفته از دست دیگر بکیسه ملت میریزد آن دورهٔ که دولت پول میگرفت و صرف هواجس نفسانی پادشاهان عیاش در اروپا میشد گذشته همه میدانند انچه وجه میگیرند در بودجه موجود و انچه هم خرج ملت میشود معین است دولت در هر سم و رسم انچه میگیرد خرجش معین است و بخارجه نمیرود

تحسین بیجا و تنقید بی اصل

دو چیز ایران را خراب دارد تحسین بیجا و تنقید بی اصل و نویسنده نه تنقید کسی را میگویم و نه تحسین احدی را - و در دنیا متملق را دوست ندیدارم و بدگو را دشمن امروز که هرکس از گوشه و کنار از جان خواسته و خدمتی برای آبادی مملکت خود میکند یکی راه دخل برای دولت خود پیدا کند یکی راه دیگر دولت راسد کند امروز که عرابه دولت بحمدالله در چرخ است باید سنگ و کلوخهای راه اورا برطرف نمائیم و سنگ و کلوخی از ادمهای لا ابالی و تریاکی و شکم پرست و رشوه گیر که برای دستمالی شهریرا آتش میزنند و خود را مستخدم دولت قرار میدهند وابداً اعتنائی ندارند بدتر باشد و مثل اداره جات دولتی که بمنزله ناموس دولت بدست چنین مردمانی داده میشود که جز برای مملکت کاری نمیکنند و فایدهٔ ندارد مثل اداره جلیله معارف و اوقاف باید بدست آدم های مقدس واقعی خدا ترس عارف بحال مسائل متعلقه بوقف و طالب آبادی مملکت و آسایش ملت سپرده شود نه بدست کسیکه برای چند لوله تریاك و دو سه خروار گندم و مبلغی رشوه وجرم ازدهای بیچاره مثل قطب ابادی و ... و سایر رعیت بیچاره سالی لامحاله بیست و پنج هزار تومان منافع املاك وقف خرج قمار ولاتار و کارهای دیگر شود و اگر مدرسه دولت تاسیس کند از مالیات باشد وحال اینکه مالیات باید خرج سرباز فداکار ملت شود چنانچه چهار دانگ بیدران سالی سه هزار تومان منافع آن لامحاله پانصد تومان خرج مدرسه عمادیه میشود سایرموقوفه بم هم مثل موقوفه میر امان الله وزیری الله اباد حسن اباد رحمت اباد قطب اباد علی اباد کریم اباد و و و خرج وصرف مدرسه پسران و دختران و مریضخانه و شوسه راه شود نه خرج لاابالی اشخاص لاابالی و هر روز ورثه موقوفه دنبال متولی راه رود و عوض حقش فحش بشنود و اگر به نماینده اوقاف شکایت کند جواب یاس بشنود و بعد از سه چهار سال هنوز نتوانسته سوادی از وقفنامه‌ها یا صورتی مقابل انها بگیرد فقط برای خود از متولیها چیزی گرفته وآسوده به سپرده و اگر

شکایتی از او بنمائی شود فوری متولی اقتاباد و وزیری و امانی وغیرها ورقه ممهور به مهر دوستان و هم حوزها و و و هرچه برود از همکه باشد با مبلغی بدست ایدو بزرك در کرمان جلوگیری نموده بلکه مد عرایضرا خرج میدهند (سیاح غریب طهرانی)

بد سلوکی حکومت عراق با ایرانیان

حکومت عراق ایرانیهای ساکن آنجا را باداء مبلغی در ماه ملزم کرده است و با اقدام فوق ایجاد شکایات ایرانیها را فراهم نموده و بعلاوه دولت عراق برای اینکه از طرف دولت علیه ایران قانون تابعیت عراق را تصدیق و تصویب نمی کند در مقام ستیزه بر آمده و اظهار تکدر از دولت علیه مینماید .

ترفیع رتبه مستخدمین

معتمد المالی از طرف مالیه بعموم دوایر تامینه صادر و ابلاغ گردید که از هر اداره یك نفر نماینده معین کرده که در شورای وزارت مالیه راجع به ترفیع رتبه و اضافات را که باید مطابق قانون استخدام کشوری برای اعضاء قائل شد در شورای عالی مذاکره و نظریات و تصمیم خود را بمقام وزارت و دکتر میلسپو راپورت نموده تا اقدامات مقتضیه بعمل آید

راه نزدیك بدریای سیاه

راجع به تسطیح و شوسه کردن خط جدید سرحدی ایران به طرابزون مقرر گردیده که کمیسیونی در وزارت مالیه با حضور کلنل مار کرمان رئیس عایدات داخلی بعضویت یکعده از اشخاصیکه تخصص در امر مذکور دارند منعقد شده و نظریات کمیسیون را بدولت پیشنهاد نموده که پس از آن تصمیم اقدام شود و برای نظریه فوق بوزارت فوائد عامه مراجعه گردید که نماینده خود را معین کرده برای حضور در کمیسیون معرفی نماید

اداره صحیه

ازطرف اداره کل صحیه ممالکتی برای دایر کردن بعضی مؤسسات صحی جدید و دایر کردن مریضخانه و دوا خانه در مرکز و ولایات و ایجاد لابراتوار وغیره در ضمن بودجه ۱۳۰۶ در حدود ششصد هزار تومان اضافه در بودجه مذکور پیشنهاد بوزارت داخله نموده که اعتبار مذکور منظور گردد و بقراریکه اطلاع حاصل شده است رئیس کل بواسطه فقدان محل و عدم تعادل بودجه کل مالیه ممالکتی تاکنون اظهار موافقت نکرده است

نگرانی از مدارس ایرانیان روسیه

چنین تاکنون مدارس ایرانیان عشق آباد و بادکوبه مدیر رسمی ازطرف وزارت معارف نداشت و مدیران فعلی نیز پای بند پروگرام و نظامات مخصوص وزارت معارف ایران نبودند در نظر گرفته شده از طرف وزارت معارف دو نفر مدیر لایق و کاری بجهة مدارس مزبور اعزام نمایند

انحصار توتون در ترکیه

شرحی ازطرف نماینده ایران مقیم ترکیه بوزارت امور خارجه راپورت شده که اخیراً دولت ترکیه توتون و دخانیات را تحت نظر خود گرفته خرید و فروش آن منحصر بدولت میباشد و نظر باینکه تجار ایرانی در این قسمت ذیعلاقه و ذینفع میباشند لازم است که برای مراسلات منافع و همچنین قوانین داخلی امملکت بدوا با دولت ترکیه راجع بتوتون و مال‌التجاره قراری گذارده در تحت شرایطی مال‌التجاره خود را حمل نمایند راپورت مفصل مزبور بوزارت تجارت ارسال گردیده که بنظر تجار برسانند

خیابان جدید در آستانه قدس

بقرار مسموع اخیراً دستوری از مرکز صادر گردیده که خیابان جدید در اطراف آستانه مقدسه ایجاد نمایند باین ترتیب که ۲۱۰ ذرع دور از بقعه مطهره منازل و دکاکین را خریده و یك خیابان مدور که ۳۰ ذرع عرض آن باشد دراطراف آستانه قدس ایجاد و اطراف خیابان را هم دکان وغیره بسازند — منازلی را که ابتیاع میکنند ثلث از قیمت آنها را نقد پرداخته و دو ثلث دیگر را با قساط می پردازند و نیز قرار است ثلث از اضافه عایدات منازل و و دکاکینی را که در نتیجه احداث خیابان درمعبر عموم واقع گردیده و باین لحاظ بر عایدات آنها افزوده میشود تا ده سال باستانه مقدسه اختصاص دهند

پست دزداب بمشهد

وزارت پست و تلگراف در نظر گرفته تعلیماتی صادر نمایند که محمولات پستی را در بین راه دزداب و مشهد بوسیله اتومبیل حمل و نقل نمایند و از این لحاظ در باب تسطیح راه مزبور با وزارت فوائد عامه مذاکراتی نموده اند

معادن نفط شرقی ایران

چندی قبل شایع گردید که اکتشافاتی در سمنان بعمل آمده و نفط عمده کشف شده است اخیراً هم مهندس دراتی این خبر را تائید نموده است

هزار باب مدرسه جدید

وزیر معارف در نظر گرفته برای توسعهٔ معارف در مملکت لایحه تعلیمات عمومی را تدوین و تنظیم نموده به تصویب مجلس شورای ملی برساند و از بابت معارف در سال اول صد هزار تومان و دوم دویست هزار تومان بالا میرود و از

عوائد صندوقیم قانون ممیزی بطور علی‌الحساب از طرف وزارت مالیه پرداخته خواهد شد و پس از هفت سال به محاسبات ممیزی وغیره رسیدگی نموده در صورت مازاد بمصارف میپردازند و در صورتیکه کسر آمده باشد از اعتبار بودجه کل مملکتی داده خواهد شد گویا قرار ساختمان مدرسه در عرض مدت هفت سال از عواید مزبور تاسیس خواهد شد

تهیه تاریخ تجارت

چون تاریخ تجارت جزء مواد پرگرام مدرسه تجارت میباشد و متاسفانه تاکنون در ایران هرگز این فکر ها نشده است اخیرا وزارت فواید عامه در صدد تهیه و تالیف یک جلد تاریخ تجارت برای تدریس در مدرسه بر آمده و از کلیه [illegible] مؤلفین پیشنهاد نموده کمیسیونی که برای حل فصل تشکیل شده بود باتفاق رای داد که فقط آقای رحیم زاده صفوی مؤلف محترم (داستان [illegible]) از عهده این امر دشوار ممکن است بر آید و نظر این خدمت مذکور بمعزی الیه رجوع شد که کتاب تاریخ تجارت را از ابتدای سلطنت هخامنشی الی یومناهذا در ظرف چهار ماه در چهار قسمت تالیف نماید قسمت اول این کتاب چند روز قبل تهیه و تمام شده و آقای صفوی مشغول پاکنویس این قسمت هستند اطلاعات خود ما نیز راجع به جدیت و مراتب فضیلت آقای صفوی نظریه کمیسیون مزبور را تائید و یقین داریم که کتاب مفید و بسیار خوبی برای تحصیل تاریخ تجارت عنقریب حاضر خواهد شد

سکه طلائی عراق

شرحی از طرف وزارت تجارت به وزارت مالیه اشعار گردیده که با ارسال راپورت ژنرال قونسولگری بغداد راجع بتغییر روپیهٔ طلاو خسارتی که از این راه ممکن است بتجار ایرانی وارد آید لازم است که تصمیمات خود را که در باب پول نقره ایران اتخاذ نموده اید اطلاع دهید و نیز بموجب امتیاز نامه بانک شاهنشاهی که سواد آن در آن وزارت خانه میباشد بایستی پول نقره را محدود و تبدیل بطلا نماید البته مقتضی است که در این باب اقدام نموده نتیجه از اقدامات خود این وزارت خانه را مستحضر سازید

(صدور دستور)

در تعقیب شکایت ملاکین آذربایجان راجع بطرز اجرای قانون ممیزی در آذربایجان و تولید مشکلاتی که روی داده باعث شکایت ملاکین شده بود از طرف وزارت و ریاست کل مالیه اوامر لازمه راجع برفع شکایت بمامورین ممیزی داده شده است

سواحل رود آستارا

نظر باینکه از طرف دولت شوروی روسیه و همچنین ایران برای تعیین حدود سواحل رود آستارا مامورینی از طرفین اعزام گردیده است اخیرا از طرف اداره کل طرق و شوارع بمهندس ناحیه آستارا تاکید شد که در تحکیم سواحل سرحدی رود آستارا آن قسمت که مربوط بایران است اقدام نماید

اعزام مهندسین بولایات

وزارت مالیه با پیشنهاد وزارت داخله راجع باعزام یکعده مهندس جهة ولایات اظهار موافقت کرده واطلاع میدهد که دستورات لازمه صادر شد که در بودجه بلدیه ولایات یکنفر مهندس را با حقوق ماهی چهل تومان منظور کرده و اخیرا دو نفر مهندس نیز برای بلدیه همدان و عراق معین و اعزام گردیده اند و نسبت به سایر ولایات هم مشغول اقدام هستند که هرچه زودتر مهندسین را استخدام کرده اعزام دارند

کشتی رانی

وزارت امور خارجه برای ترتیب کشتی رانی خلیج فارس و بنادر شمال مشغول تهیه و تدوین نظامنامه میباشد و از وزارت مالیه و وزارت فواید عامه تقاضای نماینده برای کمیسیون نموده است که نماینده های خودرا معرفی نموده و نظامنامه مذکور را تهیه و تدوین نمایند

(عکس مانور های نظامی)

چندی قبل از طرف سفارت ایران مقیم دربار رم از وزارت امور خارجه تقاضای ارسال یکعده از عکسهای مانور های نظامی و کلوپ قشونی وسانهائیکه با حضور اعلیحضرت شاه ایران جریان یافته بود و هم چنین عکس مراکز مهمه تاریخی ایران را نیز خواستار شده که فرستاده شود و عکسهای مذکور بوسیله وزارت جنگ تهیه گردیده و بوزارت امور خارجه ارسال شد که بسفارت ایران فرستاده شود -

(دستگاه ربون یکس)

اداره نظمیه تبریز راپورت میدهد که از طرف شرکت کارخانه کبریت سازی تبریز اخیرا یکدستگاه ربون یکس (شعاع بدن نما) وارد شده و درکارخانه تاسیس ونصب نموده اند و دعوتی باطباء و رجال ومحترمین تبریز بعمل آمده و با حضور مدعوین چند نفر از شاگردان کار خانه را بوسیله دستگاه مذکور معاینه کرده و شرکت مذکور در این قسمت خدمت بزرگی باهالی تبریز نموده است

(تهیه راه های مهم تجارتی)

وزارت فواید عامه درخصوص تقاضای تجارت آستارا و بندر پهلوی به وزارت داخله راپورت

بدهند که برای تسطیح و شوسه کردن راه پهلوی به آستارا بمهندس ناحیه ۹ گیلان دستور و تعلیمات لازمه صادر گردید که مخارج راه را بازدید و برآورد کرده راپورت بدهند تا در ثانی دستورات لازمه صادر شود

و بعلاوه راه آستارا به اردبیل فعلا تحت عملیات بوده ومشغول ساختن و تعمیرات آن هستند که قریبا شوسه و راه اتوموبیل‌رو خواهد شد

و اخیرا به مهندس ناحیه ۷ آذربایجان دستور داده شده است که تعمیرات ضروری خط اردبیل به تبریز را انجام داده که راه رو اندوز بخطوط شوسه اردبیل و سایر نقاط آذربایجان متصل گردد و حالیه مشغول ساختن راه رواندوز میباشند و همه روزه متجاوز از پانصد نفر عمله مشغول کار و انجام تسطیح و مرمت همان خط رواندوز هستند که قریبا متصل میشود

توجه به معارف بلوچستان

نظر بوضعیت خراب معارف بلوچستان اخیرا یکنفر مفتش از طرف وزارت معارف بجهة تفتیش و همچنین تنظیم معارف آن نقطه تعیین و اعزام گردیده شرحی هم ازطرف وزارت معارف بامیر قاینات نوشته شده که بروسای بلوچ توصیه کنند تا بامور اعزامی مساعدت نمایند

مراسلات عربستان

چون تاکنون اوضاع عربستان مکه ، مدینه ، نجد ، طائف ینبوع وغیره دستخوش اغتشاش و انقلابات داخلی و خارجی بوده وراهها کاملا مامون نبود اداره پست مرکزی و ولایات از قبول مراسلات بجهة نقاط مذکوره خود داری مینمودند اینک که تا حدی آن صفحات قرین آرامش گردیده از طرف وزارت پست و تلگراف قبول مراسلات آن نقاط به پست مرکز و همچنین ولایات و ایالات دستور لازم داده شده ، در قسمت امانات سفارشی و غیر سفارشی هم دستور داده‌اند که قبول شود .

واردات خزانه داری

واردات خزانه داری کل دو اولین سه ماهه ۱۳۰۵ بر طبق پانزدهمین راپورت رئیس کل مالیه مبلغ ۹۴۵۵۰۴۶۹۳۰ قران وصادرات ان بمبلغ ۵۹۴۶۸۸۴۷۶۵ بوده است و مبلغ ۳۵۱۶۶۳۱۶۵۰ اضافه دخل بر مخارج ایجاد شده است

(تسریع تقاضای دولت مصر)

مجددا شرحی از وزارت امور خارجه بوزارت تجارت نوشته شده که در باب معرفی یکی ازکارخانه های هم قالی بافی که دولت مصر تقاضای اعزام مختص بخرج خود بایران نموده است تسریع شود و هر چه زودتر بایك کارخانه ، با معرفی نمایند ،

مساعدت دولت

هیئت وزراء برای مساعدت و ابقاء مؤسسه کارخانه کبریت سازی تبریز تصویب نمودند اشیائیکه برای کارخانه کبریت سازی از خارج وارد مینمایند از پرداخت کلیه حقوق و عوارض گمرکی معاف باشد سواد تصویب نامه بوزارت فوائد عامه و اداره کل گمرکات ابلاغ گردید که به موقع اجرا گذارده شود

حمل ارزاق

اداره ارزاق مشغول حمل جنس از عراق و زنجان میباشد و تا کنون مقدار زیادی از جنس ابتیاعی را حمل بمرکز نموده اند و روز گذشته از طرف وزارت مالیه بوزارت فواید عامه مراسله و اشعار گردیده که پل رودخانه شور فیمابین قم و تهران که شکسته است به تعمیر آن مامور شده حالیه ناتمام ولی موقتا دایر کرده اند تحمل عبور کامیون های سنگین باری را نکرده و اسباب زحمت را ایجادکرده و مقدار زیادی جنس دولت در قم بلا تکلیف مانده که باید بمرکز حمل گردد ضمناً تذکرداده اند هرچه زودتر اقدام در تعمیر پل رود خانه شور نمایند که رفع اشکال شده و جنس دولت را از قم حمل بمرکز نمایند ـ

* * *

از طرف وزارت فواید عامه راجع به تسطیح و ساختن راه های فرعی مازندران اقدام شده و برای مخارج و شروع بکار و اعتبار از طرف مالیه صادر گردید که مأمورین شروع باقدام نمایند

مکاره تجارتی بین‌المللی

مطابق اطلاع واصله از برکسل دولت بلژیك درصدد برآمده است که یك نمایش که مکاره تجارتی بین‌المللی در برکسل تاسیس و دایر نماید و ضمنا از دولت ایران دعوت نموده که در صورت قبول شرکت نماید و یك نسخه از اطلاعنامه مکاره را ارسال داشته است که در صورت لزوم به اطلاع تجار ایران برساند

افتتاح قونسولگری

بر طبق راپورت واصله اخیرا از طرف دولت افغانستان در سیستان قونسولخانه دایر و تاسیس گردید و میرزا محمد علیخان نایب سفارت افغان که مدتی در طهران بوده است بسمت قونسولگری معرفی و به سیستان ورود نموده قونسولخانه را با حضور رؤسای دوایر دولتی افتتاح و مجلس جشنی منعقد نموده از کلیه واردین پذیرائی نموده است

راجع باشیاء تجملی

راجع به منع ورود اشیاء تجملی رئیس کل مالیه عقیده دارد هر گاه چنین امری مجری گردد بدون تردید بتوازن صادرات و واردات کمک خواهد نمود بامتعه ایران معذلك منع ورود اجناس لوکس مفید فائده بزرگی نخواهد بود زیرا به عایدات دولت سکته وارد خواهد آورد وکار قاچاق توسعه پید خواهد کرد بالاخره ممکن است ضرر چنین اقدامی بیش از نفعش باشد

عواید انحصار قند و شکر

جمع عایدات ماهانه انحصار قند و شکر و چای روی هرفته ۵۰۰۰۰۰۰ قران میباشد درصورتیکه در ۱۳۰۴ (سال گذشته) عایدات سالیانهٔ آن از ۳۵۰۰۰۰۰ قران تجاوز ننموده است .

تظلم اهالی عبادان

شرحی از طرف وزارت مالیه به وزارت تجارت اشعار گردیده که اهالی عبادان تلگراف شکایتی از کمپانی نفت دایر بتصرف املاك ایشان و ساختمان ها در املاك مزبور بکمپانی وزارتخانه مخابره نموده بوزارت امور خارجه مراجعه گردیده جواب میدهد امور کمپانی مزبور مربوط بوزارت فواید عامه میباشد مقتضی است لذا اقداماتی که دراین باب نموده آید این وزارتخانه را مستحضر دارید تا جواب شاکیان داده شود

خطوط پستی ولایات

وزارت پست و تلگراف برای تاسیس سرویس اتومبیل پستی در خطوط قم وکاشان که تا کنون بوسیله شتر و الاغ حمل میشد مشغول اقدام گردیده برای خطوط فرعی ایالات آذربایجان نیز اقدام نموده است بجهة خط بین یزد و اصفهان یکنفر متصدی تاسیس پیدا شده فعلا مشغول مذاکره میباشد

پروگرام مدرسه تجارت

دایره تجارت وزارت فواید عامه پروگرام مدرسهٔ تجارت را در تحت چند ماده تهیه و تدوین که پس از گذراندن از نظر وزارت تجارت برای تصویب شورای عالی معارف ارسال دارد

جهت جبران کسر عواید

وزارت مالیه در نتیجه الغاء مالیاتهای صنفی و برای اینکه در آتیه در باب کسر عایدات سکته ببودجه کل مملکتی وارد نشود عجالتا مشغول تهیه لوایحی میباشد و از جمله لایحه ثبت اسناد و املاك را مشغول تهیه میباشند که عایدات آن جبران کسر عواید مالیات ملغی شده صنفی را بنمایند

توسعه صادرات

برای تزیید و توسعه صادرات رئیس کل مالیه عقیده دارند

۱ — مطالعه در بازار های خارجه و ترقی دادن تجارت صادرات بتوسط سفارتخانه وقونسلگریهای ایران میتوان زمینه برای فروش امتعه ایران در اروپا خیلی مفید باشد

۲ — تغییر و تبدیل مواد مزروعی یعنی محصولی که عملا بیش ازلزوم کاشته میشود وبایستی تبدیل بجنس دیگر که قابل حمل و نقل و صدور و فروش دربازار های دور دست باشد

۳ — ترقی صناعت ایران ازقبیل نساجی پارچه قند ریزی و مسئله صید ماهی بحر خزر با صادرات خاویار میتوان میزان تجارت ایران را تعدیل نماید

۴ — باز دید معادن و استخراج مواد معدنی

۵ — تهیه تسهیلات بهتری برای حمل و نقل

۶ — کمك نقدی ازطرف دولت بصادرات ایرانی

۷ — تقویت شعبات تجارتی وزارتین فواید عامه

۸ — تجدید نظر درتعرفه گمرکی ازنقطه‌نظر منافع تجارتی و مالی ایران

تلگراف بی سیم ایران

در این موقع که از طرف وزارت جنگ تصمیم گرفته شده است که تلگراف بی سیم ضمیمه اداره کل تلگرافخانه شود و در نتیجه مذاکراتی که در ظرف یکهفته در این باب جریان داشت مسیو ارسن خان از طرف وزارت پست و تلگراف مامورتحویل گرفتن تلگراف بی سیم شده و به قصر قاجار رفته و باحضور آقای سر تیپ عبدالرضا خان رئیس اداره تلگراف بی سیم کلیه آلات و ادوات لازمه که متعلق بتلگراف بی سیم بوده است تحویل گرفته شد

و در هفته آتیه مقرر گردید از طرف وزارت پست و تلگراف اعلانی در موضوع قبول شرایط مخابرات بی سیم در داخله ایران منتشر گردد که مطالب را در داخله مطابق تاکس معینی خواهند پذیرفت

تقدیم لوایح قانونی

ازطرف وزارت عدلیه قانون تمبر اسناد اجباری و لایحه قانون مرور زمان تهیه و تکمیل گردیده و در ظرف این هفته برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم خواهد گردید

حسب الامر مدیر و دبیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعه اتحاد
[نمبر ۱ — ۲۶ اسمی پوکر رود کلکته طبع و توزیع گردید]

(شماره ۲) (سال سی و پنجم) (صفحه نخست)

[رجیسترد نمبر] ۱۳۹۱ ... Reg. No.

جبل المتین ۱۳۱۱

(۲۶-۱ امری پوکر رود) 261, Amri Pokur Road CALCUTTA

[بنا کلکته]

جبل المتین مجانا بأحدی داده نمی شود

از هر کس وهرجا بالا استنادا بدل اوبه اخبار

مقدم گرفته میشود

روز نامه مقدس

کلکته آمور با مدیر کل

(سید جلال الدین الحسینی)

(مؤید الاسلام) است

[دبیر ثانی فخر حسن مؤیدزاده]

[ام آقای] است

هر دوشنبه طبع و سه شنبه

توزیع میشود

قیمت اشتراک

سالانه ششماهه

(هند و برمه)

۱۸ روپیه ۱۰ روپیه

(ایران و افغانستان)

۶۰ قران ۳۵ قران

[ممالک سایره]

سالانه

یک و نیم لیره انگلیسی

حبل المتین

۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۴ دی ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف ۲۰ رجب المرجب سنه ۱۳۴۵ هجری

مطابق با ۲۵ جنوری سنه ۱۹۲۷ میلادی

حزب قوی

هر زمان اقتضائی دارد یک زمان بود نادر وبسمارک و ناپلیون میارورید پطر کبیر میافریند امپراطور ولهم درست میکرد که باراده شخصی امور ملک وملت را تمشیت داده آنان را بمقام ارتقا کشاند آن دوره سپری شد و آن زمانه در گذشت چنانچه گفته اند ـ

§ چنگیز نماند با هزاران سرهنگ §
§ نادر را نیز واژگون شد اورنگ §
§ نه پطر ونه شارل وله ناپلیون ماند §
§ ولهم آمد بجمله آخر هرانک §

از آن بعد می بینیم که حزب قوی جایگاه اراده قوی را گرفته لینن اعظم قد مردانگی علم تشکیل یک حزب قوی داده عالمی را بوحشت و دهشت انداخته شرق و غرب را در سایه حزب قوی خود متزلزل داشته است ـ از طرف دیگر سینیور موسولینی برخاسته تشکیل حزب قوی داده ایطالی بوسیده وملت فرسوده لتن را روح نوین بخشید. از اثر آن قوت قویه حزبی تمام اروپا را متزلزل ساخته براً و بحراً کوس برتری میکوبد ـ

مصطفی کمال پاشا که با اراده حزب قوی جوانان ترک ملت ترکیه را بدواً بروی پای خود قرار اینک دو اسپه میتازد که با اراده قوی و حزب قوی سیادت و قیادت امت ترکیه را بر همگنان مسلم دارد ـ اراده قوی حکم ماشین را دارد که بدون حزب قوی که بجای آلات و ادارات ماشین اند نباشد هیچ کاری از قوه بفعل بیرون نتواند آورد یا بعبارت دیگر اراده قوی روح است و حزب قوی جسم هیچ یک بدون آن دیگر قابل انتفاع نیستند یک از پهلوانان قوی

دوره کنونی پادشاه جوان‌جوان فکر افغانستان اعلیحضرت امان الله خان است که در سایه حزب قوی ملی افغان سلاسل عبودیت ملت افغانیه را از هم گسسته یک ملت کهن‌سالی که تمام یا حیات تاریخی بین المللی بخشوده که برای همیشه تواند سیادت و قیادت ملی خود را محافظه نماید امپراطور ولهم میفرماید که « قوت هیچ دولت پایدار نتواند ماند جز در سایه ترقیات ملیه » میگویند وقتیکه ولهم مصمم از انزوای بسمارک گردید روزی او را طلب کرده تا درب کالسکه استقبالش نموده بس از تعارفات رسمیه فرمود « پرنس ! ممکن نیست افتخارات خود را بملت آلمان بخشائید ؟ » بسمارک همان دم قلم گرفته استعفای خویش را امپراطور پیش نمود معنی کلام امپراطور و عمل بسمارک این بود که همه عالم امروزه تمام فتوحات و ترقیات و افتخارات آلمان را بوجود بسمارک می دانند وقتیکه تو از کار کناره کشی و ملت آلمانیه بهمان مقامات اولویت باقی ماند ملت آلمانیه را مترقی خوانند خواهند و تمام افتخارات بسمارک بملت آلمانیه سپرده خواهد آمد این بود که بسمارک از کار کناره کشیده و ۳۰ ساله در گوشه انزوا خزیده ودر هر امر مهم مؤید پادشاه و ملت خود گردیده بود ـ

پر دور نرویم از میانه همین ایرانیان فاقد همه چیز پهلوان پهلوی برخاسته با اراده شخصی و فعالیت حزب نیرومند ازان قویش دولت مقدسه ایران را لباس نو یک لباس آبرومندانه پوشانید یعنی دولتی را که یک مشت ایرانی املاء استقلالش را فروخته بودند حیات بعد از ممات بخشود یک از سیاسیون می گوید که تهور و شجاعت

نادر از پطر کبیر کمتر نبود ولی نادر بفکر ترقی خود بودی و پطر بفکر ترقی ملت ـ نتیجه این دو عمل لازم به بیان نیست

اعلیحضرت کنونی هم با یك حزب مختصر قوی پایتخت مملکت را تصاحب و همان حزب را اندك اندك توسعه و درکلیه ولایات و زوایای مملکت منتشر و یك روح حماسی در ملت تولید نمود و آن حزب قوی سرباز بود وبواسطه همان حزب قوی تمام چرخهای ادارات را براه انداخته بطرف اصلاح کشانید تصور نشودکه قشون‌را حزب نمیتوان گفت لینن، مسلولینی کمال پاشا، امان‌الله خان ، همه بدواً حزب‌شان نظامی بوده وبقوه همان حزب نفوذ کلمه و اثرات خودرا در کلیه افراد اضح دادند دلیلی بالاتر از اثرات آن حزب قوی در مملکت نیست که در مجلس مؤسسان سیصد نفر وکلای ملت بکلمه واحده ایران‌مداری را بایشان سپردند

اعلیحضرت پهلوی در اثر همان حزب قوی دکتیتور ایران شده وبمعاونت همان حزب قوی چند سال متوالی کابینه ایرانرا محافظه نموده از تبدیل وتغییر نگاه داشتند و اگر حزب قوی پهلوی نبود وکابینه آن درجه دوام نمی‌نمود هیچکار از پیش نمیرفت

اینها کسانی هستند که در سایه حزب قوی بمقامات عالیه ارتقا و ملت خویش را از برکت فعالیت حزب خود بین‌المللی کردن فراز ساختند الخ

امروز برای ایران تبدیل کابینه مفید نیست و بقای یك کابینه جز در سایه حزب قوی که اکثریت ثابت مجلس را دارا باشد غیر میسور است بمجردیکه اعلیحضرت پهلوی ازدکتیتوری بمقام شاهنشاهی ایران ارتقا نمود حزب قوی ایشان که نظام بود از حزبیت خارج و جزو عوامل مملکتی مانند عدلیه ومالیه و معارف و و و در آمد انظام ایران حزب قوی پهلوی بود ولی امروزه حزب نیست ایران محتاج یك حزب قوی است که اقلا بتواند یك کابینه فعال قوی‌را درچند دوره مجلس محافظه نماید چنانچه حزب لیبرل انگلستان کابینه مستر اسکویت و سر ادوردگری را چهارده سال محافظه کرد بعد ازافتادن کابینه لاید ژارژ بعد از جنك مدبرین انگلستان یك زبان گفتند که تابك اکثریت قوی تشکیل نشود که بتواند کابینه را تا چند سال محافظه کند ممکن نیست زخمهای ایام جنك یاز اقتصادی وسیاسی التیام یابد این بود که کابینه کنسرویتو (محافظه‌کار) بروی کار آمده اکثریت بزرگی که در پارلمان یافته الخ ثابت می‌نماید که این کابینه هم اقلا دو دوره پارلمانی انگلستان را که ده سال باشد محافظه خواهد کرد وبهمین بوده است که آنهم به آن ساعت بساعت

خرابی های اقتصادی و سیاسی انگلستان ترمیم یافته آبهای رفته اش بجوی باز می‌آید

ملت ایرانیه درجمیع ممالک مشروطه دنیا اول ملتیست که بدون حزب اداره میشود مشروطه بدون‌حزب جز انچه‌که در مدت ۲۰ سال ایران بار آورده نتواند آورد ایرانیان ازاستبداد بمشروطه گرایدند بدون اینکه دارای هیچ مسلك و حزبی باشند ـ یکشتار دادند بدون مسلك پادشاه خلع نمودند بدون تشکیل حزب ازنداشتن حزب و این نقیصه اعظم است که تا امروز نتوانسته است قدمی بر تر گذارد، چون ملت ناخوانده و ناتجربه است بدون یك هادی بزرگ ممکن نیست بتواند به تشکیل یك حزب قوی موفق آید وتا ملت دارای حزب قوی نگردد بترقیات عصر حاضر نائل نیاید و تاوقتی ملت بمقامات عالیه ملیه ارتقا نجوید دولت ترقی نتواند نموده

تا دوره چهارم مشروطیت گاه گاهی اسمی از احزاب شنیده میشد ولی چون دارای مسلك و مرام صحیح نبودند و اشخاصی هم که قائد و موسس آن احزاب نامزد می‌آمدند کسانی نبودند که جمیع طبقات ملت به آنها اعتقاد داشته و از روی مسلك و مرام تبعیت آنان را قبول نمایند ـ در حقیقت حزب درایران همان دسته بندی‌های حیدری و نعمتی بود وهوچی‌ها و اشخاص بی‌مسلك و خود غرض انجمن بازی که نتیجه آن حزب سازی بود مردم را اندازه از مسلك و مرام و حزب متنفر ساختند که جز در عالم اجباری احدی به تبعیت آنان گردن نمی‌نهاد حزب پهلوی که بروی کار آمد هوچی‌گری خاتمه یافت انجمن بازی مرتفع شد جرائد هم که هریك خود را بحزبی بسته بودند مسلکی جز فحاشی نداشتند این مسلك ناپسندیده ملت را کج خلاق بار آورد تاجائیکه هر اخبارکه فحش و دشنام نمیداد پسند عموم نمی آمد قوت قلم را کسی‌را دارا بود که بیشتر بتواند دشنام دهد آزادیخواهی استقلال جوئی وطن پرستی درسایه احزاب مسخره بوطن واقع شده بود بزرگترین خدمتی را که حزب قوی پهلوی بتوده ملت و مشروطیت نمود همانا خاتمه دادن بهوچی‌گری و انجمن سازی وحزب بازی بود دراثرهمان حزب بازیها بود که کارخانه معجز تراشی و سقاخانه سازی هم وسعت گرفت نزدیك بود که رشته امور از کف بدر رود از بعد قتل مستر امبری میتوان گفت هوچی گری در ایران خاتمه یافته اخبارات ایرانی سر و صورت اخباریت بخود گرفته اند حالا موقع آن رسیده که بقائدیت رجال بزرگ و دانشمندان سترگ تشکیل احزاب با مسلك با مرامنامه صحیح داده مشروطیت ایران را بر پایه متین قانونی استوار دارند

باید دانست که همسایگان ما اعم از روس و انگلیس از فشار بایران باز نخواهند ایستاد تا پشتیبان دولت را یك حزب قوی از ملت مشاهده ننمایند روس پرستها و انگلیس خواهان ایرانی هم پیش پای خود نخواهند نشست و بحقوق ملیه نخواهند گروید مگر در سایه فشار حزب قوی یك قائد قوی یك رئیس حزب فعال در عرصه چند سال توانست ایطالی خراب ایطالی پژمرده ایطالی بی انتظام را باین مقام عالی رساند – همه چیز برای ایران مهیاست فقط چیزیکه سد راه ترقی ماست همانا نداشتن حزب است

حزب قوی است که امروزه تمام دول فرنگ را حاضر ساخته است که در مقابل حقوق طلبی مسیو چیچرین تسلیم شده از آن همه امتیازات جهان قیمت و قرارداد هائیکه با چین داشته صرف نظر نمایند قوی ترین و با اساس ترین احزاب را در انگلستان مشاهده خواهیم نمود که هیچ دولتی تاکنون بر سر کار نیامده که تقویت از تاج و تخت ننماید معلوم است که امروزه مقتضی هیچ دولت اصول استبداد نیست و مشروطه بی اساس یعنی بدون حزب قوی پس از استبداد بدتر است – امروزه ایران باسم مشروطه است و برسم نه مقننه است نه مستبده و نه مشروطه – حزب باید وکیل انتخاب کند نه وکیل پس از انتخاب خود در فراکسیونهای مجلس برای خویش مرام معین نماید – تا وقتیکه مشروطه ایران دارای احزاب با مسلك نگردد قدمی بجانب ترقی بر نتوانیم داشت احزاب صالحه هر ملت مشروطه همواره پشت و پناه دولت اند – مشروطه که دارای اکثریت حزبی نباشد همواره متزلزل است عمده ترقیات انگلستان از برکت احزاب قوی است که در سایه آن برخی کابینه ها ۱۴ و ۱۵ سال دوام مینمایند

ایرانی همه چیزش باید غیر دیگران باشد حتی حکومت مشروطه آن اگر کسی که در ممالك مشروطه قیام دارد وبشنود که ملت مشروطه هم هست که دارای احزاب صحیح نیست هرگز باور نتواند نمود چه اکثریت ثابت برای هیچ پارلمان جز در سایه حزب بامسلك و پروگرام صورت نتواند بست ازین است که کابینه های ما در مشروطیت جز کابینه که در راس آن اعلیحضرت با حزب قوی خود بود نتوانسته است چندی قیام نماید و بواسطه همان تبدلات پی در پی کابینه های ما هم نتوانسته اند خدمت مهمی بملك و ملت نمایند وبهمین سبب بوده که همواره کارهای مجلس هم ناقص مانده است ، پس هرکس هوادار ترقی دولت و خواستار پیشرفت ملت باشد باید اول قدمیکه در طریق حکومت ملی بردارد تشکیل احزاب صالحه با پروگرامهای صحیح عملی است ورنه همان قسمیکه در ۲۰ ساله مشروطیت قدمی فراتر نگذارده ولو صد سال هم باسم مشروطه بمانیم بجای ترقی تنزل خواهیم نمود

§ ره چنان رو که رهروان رفتند §

ایران و روس

حبل المتین چندان روابط روس و ایران بدبین نیست ولو اینکه بقول جرائد ایران مذاکرات در خصوص قرارداد تجارتی متروك آمده است ولی چون قطعاً میدانیم سیاست حکومت ساویت مقتضی ترك مراودات با ایران نمی باشد و فعلا هم که قوی پشت باعور کرده برای آنست که دستپاچگی و لاعلاجی مارا دیده میخواهند از این موقع مناسب هرچه ممکن شود فائده برگیرند – ما یقین داریم که همین چند روزه مجدداً باب مذاکرات باز ومعاملات یك صورت قطعی خواهد گرفت ولی ارباب حل و عقد باید بدانند که در موضوع قرارداد تجارتی روسها زهر آب آمیخته چون سیاست شان مقتضی آن نیست که بزور در حلق مان بریزند مارا بقلا انداخته تشنه ساخته تا بدست خود آن آب زهر آلود را بنوشیم – ممکن است که آن آب زهرینه بفوریت رفع تشنگی از ما بنماید ولی بتدریج اثرات آن زهر در بدن سرایت کرده عاقبت ازپای مان در میآورد ، از مقاله هفته گذشته که بعنوان رفع اشتباه نوشته شده بود مدلل گردید که بزرگترین امری که جبران کمی صادرات مارا از واردات مینماید همانا چهار از خمس منافع اجناسیست که تجار ایرانی خودشان بخارجه صادر کرده در مقابل امتعه خارجه وارد میکنند ومنافع عمده که در فروش صادرات حاصل مینمایند تا درجه جبران کسر صادرات را مینماید . پس اگر بنا شود روسیه بخواهد این فائده بزرگ را از ایران سلب کند اعظم خسارات ثروتی را بایران وارد کرده است ، ایران بایستی درقرارداد تجارتی اصول معارضه بالمثل را از دست ندهد و هرگز راضی نشود که روسیان بهر قسمیکه دل شان بخواهد قیمت بروی مال التجاره ما بگذارند یعنی آزادی تجارت را یکدفعه از تجار ایرانی سلب کنند و اگرچنین اصولی اختیار شود هر قدر بیشتر باروسیه تجارت شود کمتر فائده حاصل خواهیم کرد بلکه بیشتر نقصان خواهیم برد، ایران نباید بدست خود ثروت ملی را مسموم سازد، ایرانیان باید بدانند که استقلال ثروتی شان در خطر است وبا این عجله و شتابیکه دارند روسها هم فهمیده میخواهند فائده برگیرند باید تصور کنند که جنك چند سال دیگر هم باقی وتجارت شان باروسیه موقوف شده است ، روسیه هم خوب فهمیده است که ملت ایران دارای حس شرف ووجدان ملی نیست ورنه تا این درجه فشار وارد نمیاورد

روسیه اگر محسوس مینمود که ایرانی هم مانند برادرزنجیری شان دارای حس غیرت و شرف اند و میتوانند امتعه آنها را نخرند هرگز چنین سخنی در باره ما روا نمی‌داشتند هیچ لازم نیست که ما جوش و خروش بخرج داده مال التجاره روس را اعتصاب کنیم اندکی همت ملی بخرج داده استعمال امتعه روس را ترك توانیم کرد روسها بخوبی دانسته اند که اگر اوضاع ایران باین منوال پیشرفت کند طولی نخواهد کشید که ایرانیان گلیم خود را از آب بیرون آورده رفع احتیاج از همسایگان خود خواهند نمود، ایران اگر یك سال توجه کند میتواند بتدریج زراعت چغندر و کارخانه های کوچك دستی احتیاج شکری خود را دفع دهد همین قسم باید معادن آهن نفت سمنان و گیلان را بکار انداخته رفع احتیاجات خویش را تا اندازه بنماید . ایران بیشتر در سه چیز محتاج بروسیه است اول در قند و شکر دوم در بنزین و نفت سوم در آهن آلات و اگر اندك اساس کنند همه این اجناس از طرف جنوب هم بایران وارد تواند شد نهایت قدری گرانتر و در یك دو سه سال ایران اگر درست بجنبد برای همیشه رفع احتیاجات خودرا از روسیه تواند نمود تمام قصور باولیای دولت کم تجربه است که تصور نکردند ایران براه های جنوب بیشتر محتاج بود تا براه های شمال اگر راه های جنوب شوسه عراده رو بود خیلی برای ما گشایش پیدا می آورد میتوانستیم مال التجاره شرق و شمال غرب و شمال را بسواحل خلیج نزدیك سازیم و هم ضروریات آن نقاط را از جنوب تحصیل کنیم بهترین راه علاج سریع آنست که دولت تدبیری بیندیشد که مال التجاره شرق و شمال غرب و شمال را با کرایه کم بسواحل جنوب وارد سازد و همینکه امتعه آنها بسواحل جنوب وارد شد راه فروش زیاد پیدا خواهد نمود دولت باید مثل اینکه درباره ارزاق همت نمود و نقصان آنرا برد درباره رسانیدن مال التجاره تجار هم در سواحل خلیج نقصان نموده رفع این بحران اقتصادی را بنماید ، اگر در این بحران اقتصادی ایرانیان رهبری نمایند و دولت راه حلی علاوه برقرارداد تجارتی روس پیدا نکند تمام اقدامات نقش برآب خواهد بود تا وقتیکه ایران رفع احتیاجات خودرا از روسیه ننماید و بازار تجارتی غیر از روس برای امتعه خود پیدا نکند همیشه در فشار روسیان و بهانه جوئی آنان باقی خواهد ماند راه رواندوز باید بسرعت درست شود همان قسم با ترکیه قرارداد نموده راه طرابزون را عراده رو ساخته تا ایرانیان بتوانند مال التجاره خود را ازاین طریق نزدیك بدریای سیاه باروپا و آمریکا بریزند . اگر چنین شد و اندك ایرانیان مانند سائر اقوام ذی حس صبوری اختیار نموده روسیه که حالا بدین درجه سخت است بیشتر از ما نرم خواهد گردید توقع ایرانیان از همسایگان خود اعم ترکی افغان انگلیس روس [redacted] با آنها همراهی کرده صرف نظر از منافع اقتصادی خود ولو موقتاً باشد بیجا و غلط است بحرفهای خوب بالشویك ها و دیگران اعتماد و اعتبار نباید کرد حکومت روسیه همان حکومت تزاری است اسمش فرق کرده و اصول مشی خودرا هم تغییر داده است ، درزمان تزاری سیادت و قیادت بر ملل شرقیه و غربیه بقوای سر نیزه میخواست حالا هم طالب همان سیادت است نهایت باسم وحریت مساوات جوئی ، آن دوره با سر نیزه کار خودرا از پیش میبرد حالا بانداختن انقلاب و اسم حمایت ازحقوق شرقیه وپروپاگندا همان منزل مقصود را میجوید ، در دوره تزاری بخیال هند باسم غلبه پیش می آمد حالا هم خواب هند را از سر بیرون ننموده باسم حمایه و آزادی هند ازچنگال انگلیسان پیشرفت میخواهد روسیه همان روسیه است و منزل مقصود شان هم همان نهایت طریق مشی و طرز بیان فرق نموده است ما ایرانیان ساده ایم خیال میکنیم که بمجردیکه اسم و طریقه مشی فرق کرد ما بمنزل مقصود خواهیم رسید این خیال غلط است

§ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد §

هر ملتیکه همراهی دیگران را تکیه گاه خود ساخت وادی امنی سوق خواهد نمود هرگز فراموش نمیکنیم مقاله روزنامه طمس را که در موقع التیماتوم روس وقتیکه ایرانیان تمام توجه خود را بهمراهی انگلیس برخلاف روس مبذول داشته و هر ساعت به تشبثات خنك وتوقعات بیجا متوسل بانگلیسان میشدند نگاشت « تمام ایران ارزش خون بهای استخوان یك سرباز انگلیس را هم ندارد » توقع رحم و مروت ازارباب سیاست غلط است و بتوسلات مظلومانه و گله های زنانه جلب رحم و مروت سیاسیون از سادگی وحماقت است . ما هرگز روس وانگلیس بلکه هیچ ملت خارجی را ملامت نتوانیم کرد که چرا ساعی اند ازما فائده برند ومارا زیر بار رقبت خود آرند . ایرانیان باید بدانند که هیچ ملتی بحمایه بیگانه بروی پای خود نتواند ایستاد ایرانی اگر حس شرف دارد اگر استقلال جوست اگر زندگی مستقلانه میخواهد باید دریوزگری را کنار گذارده با یك شهامت مردانه و فدا کاری استقلال خواهانه افراد پشت به پشت یکدیگر داده از شکنجه بیگانه کمتر فریاد کرده صبوری را شیوه خود ساخته از دائره قول بعمل قدم برداشته از همه همسایگان قطع امید همراهی کرده چون مردانه مرد بپای خود ایستاده

با ندای شرف خواهانه یك دل و یك زبان بگویند « یا مرگ یا شرف یا استقلال ملی » ایرانیان باید بدانند که امروزه تمام جنگهای دنیا برسر اقتصادیات است توپ و تفنك را علی العجاله گذارده حربهٔ اقتصاد را گرفته با سائر ملل در جنك و جوش اند معلوم است مدعیان ما هر قدر بتوانند کوشش خواهند نمود که با تضییقات اقتصادی همان منافعی را که از تضییقات سیاسی از ما میبردند حاصل نمایند و ما هم نباید ابداً از انها دل خوش باشیم - ایرانی باید بداند که اعتماد بدوستی خارجه غلط است چیزیکه یك ملت رازنده نگاه تواند داشت همانا اعتماد بنفس است و بس - این همه مذلت اینهمه سر شکستگی ، این همه فشاریکه ماراز اجانب می بینیم بواسطهٔ همان توقعات بیجا است که بانتظار رحم و مروت دیگران نشسته از اقدام بعمل باز مانده ایم - فراموش نباید کرد الحاح و ابرام اولیای حکومت ساویت را در سال ۱۹۱۸ و ۱۹ که در دوستی ما داشتند و باچه مسکنت و فروتنی دست اتحاد بسوی ما دراز کرده بودند - اف بر آن رجال موقع ناشناس که برای جلب فائدهٔ منحوسهٔ خود نگذاردند ایران در آن موقع مناسب منافع عمده خود را از روسیان حاصل نماید وای بر موقع ناشناسی ما که درسال ۱۹۲۱ هم وقتیکه معاهده را بستیم همه چیز را توام تصفیه نکردیم و روسها را موقع بخشیدیم که فشار امروزی را بما بیارند - حالا هم همان موقع ناشناسی را ابراز داده میخواهیم باگله گذاری کار خود را از پیش ببریم باز هم سنك روی یخ این و آن میشویم

ارباب سیاست ایران باید بدانند که روسیان تا بیکدرجه انگلیسان را در اقصای شرق مبتلا ساخته انگلیسان هم میخواهند مبادله بالمثل نموده در وسط آسیا اورا مبتلا سازند ما نباید سنك روی یخ این و آن شده از منافع حقیقی صرف نظر کنیم

ایرانیان باید بدانند که این جزئیات اقتصادی بمناقشات جنگی منجر نتواند شد و در صورتی هم منجر شود ما نباید از دشمن هراسیم ببینیم که افغانستان با خشونت مقدس در مقابل همین روسها چگونه حقوق خویش را محافظ نمود - خواهد دید که جسارت مشروع مکزیکو هم در مقابل آمریك و انگلیس حقوق اورا محفوظ خواهد داشت - ایرانی ضعیف القاب شده ایرانی بیمار و رنجور است ایرانی صبوری و استقلال ندارد و در مقابل هر فشار کوچکی هراسناك آمده تن بعجز در میدهد - زهی باد آن قند و شکریکه ملت را بعبودیت دیگران مجبور سازد ؟ اگر سال گذشته همان وقتیکه روسها مال التجاره ما را از ورود بخاك خود ممنوع داشتند ایرانیان هم ترك استعمال امتعه روسیه را مینمودند تا امروز مناقشات تجارتی ما با روس تصفیه شده بود هر مذلت و هر خواری و هر فشاری که بایرانی وارد میشود از نتیجه تنبلی و سستی و عیاشی و تن پروری است که منتهی بترس و هراس گشته در مقابل دشمن سر خود را خم مینماید ایرانی باید بداند که زندگی با شرف در صورتی برای او حاصل تواند شد که در مقابل هر حادثه از هیچ چیز نهراسد و حاضر برای هر مقاومتی در برابر هر مدعی باشد اولیای حکومت ساویت هم خیلی سهو میکنند و هر قدر اینگونه فشار ها را بملت دولت و همسایه خود وارد آرند بر استقامت آنها افزوده ابواب چاره را برای خود باز خواهند نمود احتیاج مادر جمیع صنایع گفته شده امتزاج است که اقوام را بتکاپو می اندازد راه چاره برای هر مشکلی تحصیل میکند بعقیده ما همین فشار اقتصادی روسها برای ایرانیان حالا مفید واقع خواهد گردید ولی مشکل اینجاست که مردمان موقع شناس که قابل جلب استفاده از وقت باشند در ایران کم داریم هنوز نمیتوانیم منافع مقتضیه از همسایگان خود حاصل نمائیم تمام هم رجال ما آنست که اگر موقع هم باشد بجلب منافع شخصی اکتفا کنند و علت اینکه ما با آن همه موقع های خوب نتوانسته ایم از مقتضیات وقت فائده بگیریم همانا بواسطه طمع و توجه بوده است که در منافع شخصی داشته ایم برخی را عقیده این است که همسایگان چون نمیتوانند هیچگونه انتفاعی از کابینه آقای مستوفی حاصل کنند ساعی اند که بایگونه فشارهای اقتصادی آنکه کابینه وی را منحل سازند ولی اولیای حکومت ساویت باید بدانند اگرچه از مستوفی نمی توانند استفاده حاصل کنند ولی باید متشکر باشند که دیگران هم یعنی رقبای روس هم از مستوفی استفاده نمیتوانند برد و اگر کابینه مستوفی متزلزل آید گمان نداریم کابینهٔ که بروی کار آید برای روسها بهتر باشد چه اگر این کابینه منحل شود بدواً کوشش خواهد شد که کابینه انگلوفیل بروی کار آید ولی بعقیده ما طولی نخواهد کشید که یك کابینه فعالیکه بتواند کشتی طوفان یافته کشور را بساحل نجات برساند احضار خواهد آمد در آن صورت همسایگان بجای نفع نقصان خواهند یافت

باز هم در خاتمه مقال ملت را مخاطب ساخته میگوئیم ایران نباید بخواهشات تجارتی روس تن در دهد و اختیار عمده صادرات خود را برحم و مروت همسایه سپارد و اگر چنین کرد موت اقتصادی ایران حتمی است و چاره این امر منحصر است بصبوری و تحمل و قناعت بامتعه خویش -

صادرات شمال و جنوب

تخمیناً صد سال است که بیك اصول مستقیم ایران وارد با خارجه تجارت میکند وهمه ساله نیز برتجارت صادر و وارد اخارجه افزوده است عمده تجارت ایران از شمال و جنوب بوده یعنی از طرف خلیج فارس و سواحل بحر خزر، با افغانستان و از راه افغانستان بهند هیچوقت ما تجارت عمده نداشته ایم وهمین قسم تجارت ما با ترکی هم چندان دارای اهمیت نبوده است فقط تجارت عمده ما از شمال و جنوب با روس و انگلیس بوده است. فعلا دیده میشودکه بطریق عموم هر طبقه بفکر ازدیاد صادرات و کمی واردات افتاده و این فکر جدید که در ایرانیان تولید شده اگر تعقیب شود و راه حلی برای آن پیدا کنند بهترین خوشبختیهای ایران ویکی از آثار بیداری ملت شناخته خواهد آمد. تجارت جنوب را عموم ایرانیان بیك نظر نفرت و توحش مینگرند بر عکس تجارت شمال علتش هم این است که ایران همیشه در تجارت با روسیه فائده داشته و درتجارت با انگلیس نقصان برده است یعنی همیشه واردات انگلستان بایران از صادرات ما زیاد بوده و بر عکس صادرات ما بروسیه همیشه بیش وواردات روسیه بایران کمتر بودی

از آغاز جنگ بین الملل و انقلاب روسیه عمده تجارت ایران منحصر بجنوب شد و این خود بیشتر سبب فزونی واردات بر صادرات گردید تا وقتیکه تجارت ما با روسیه کاملا جاری بود تا درجهٔ ازدیاد واردات ما در روسیه جای خالی کمی صادرات را پر میکرد. وقتیکه تجارت ما در روسیه بسته شد مجبور شدیم که ضروریات خود مانرا کاملاً ازجنوب جلب کنیم. این بود که واردات ایران فزونی گرفت و صادرات ما که درشمال میشد کمی اختیار کرد قبل از جنگ تجارت ما با روس در اطراف دویست و پنجاه ملیون منات طلا بود و قیمت منات هم ٥ قران روی هم رفته داد و ستد میشد گویا تجارت ما با روسیه قریب ١٢٠ ملیون تومان بودی و ازاین میزان در ٥ سال اخیر قبل از جنگ روی هم که حساب شود سالی چندین ملیون تومان اضافه صادرات ما بر واردات بود گویا کلیه تجارت صادرات و واردات ایران در صدی ٥٨ با روسیه بودی و ٤٣ با کلیه دول از ترکی آلمان فرانس مصر انگلیس ایطالی - البته با سائرین چندان تجارت صادر و وارد نداشتیم عمده این تجارت با انگلستان و هندوستان بودی تجارت ما بعد از روس و انگلیس بیشتر با ترکیه بود یعنی در حساب تجارت ایران عثمانی درجه سوم واقع بودی درست میزان تجارت ایرانرا با ترکی نمیتوان گفت ولی همین قدر میدانیم که صادرات ما در ترکیه خیلی از واردات ترکیه بایران بیش بودی چه ترکیه واسطه تجارت ما با آلمان و فرانس و مصر واقع شده بود و در حقیقت بیشتر صادرات ترکی هم که بایران می آمد مال دیگران بود چنانچه گفتیم هیچوقت ایران در تجارت با انگلستان صادر و واردش مطابق نبوده نهایت اجمالیکه ذکر شد کمتر احساس میشود

حالا باید دید که علت قلت صادرات ما از جنوب چه بوده و سبب کثرت صادرات مان درشمال چه ؟ آیا از مهربانی روسها و نامهربانی انگلیسها بودی یا سبب دیگر داشتی توضیح این مسئله تا درجه مورث ترقی اقتصادیات ما تواند شد

(اسباب ترقی تجارت شمال)

کثرت صادرات ما در روسیه بچند جهت بوده اول بواسطه اتصال خاکیکه ایران با روسیه داشته و دارد، از خراسان گرفته تا آذربایجان و سواحل بحر خزر با کمال سهولت و کم خرجی همه گونه امتعه ایران بروسیه وارد تواند شد

دوم بهمین مناسبت قطعات حاصل خیز ایران همان قطعاتیست که متصل بروسیه واقع. سوم کثرت تجار ایرانی است که تا کنون هم در روسیه موجود اند چهارم ارتباط اخلاقی قطعات آسیائی روس با ایرانیان و اشتراك آنها در اصول معاشرت و وضع زندگی درحقیقت باید گفت خریدار صادرات ایران عمده اش مسلمانان قفقاز و ارامنه و ترکستان و از اینها که گذشته لهستان بود، پنجم احتیاج طبیعی روسیه بامتعه ما ومسدود بودن راه های دیگر برای او در تحصیل این اجناس باین ارزانی ششم همان جهاتیکه گفتیم معتاد بودن اهالی روسیه بکثافتکاریهای تجار ایران که درحقیقت سر و ته یك کرباس شناخته میشدند

قلت واردات روس هم بایران بواسطه عدم ترقی روسها ونداشتن اجناس عمده بوده چه روسها تا چندی قبل صناعت نداشتند جز یکی دو شعبه مانند ماهوت وغیره هر قدر روسیان در صناعت پیشرفت کردند واردات آنها نیز در ایران فزونی گرفت تا ٣٠ سال قبل یك شعبه عمده صادرات ما بروسیه کرباس وکفشهای مردانه وزنانه وحنا ورنگ بود، این سهولتهائی را که در تجارت شمال ذکر کردم هیچ یکی هم برای تجارت جنوب موجود نبوده وتا کنون هم نیست. اولا مناسبات دوری ازتجارت قطعات جنوب غیر معمور و دور از ساحل با نداشتن راه صحیح هیچ یك از اجناس ما از نقاط جنوب بانگلستان نامه تصرفات او سهولت نمیتوانست رسید عمده اجناسیکه ما از شمال خارج میکنیم از جنوب نمیتوانیم

ابریشم کرم سردرختیهای ما قسمیکه بروسیه میفرستیم ابداً قابل فرستادن به ممالک اروپ نیست علاوه بر این تجار جنوب بواسطه نداشتن تجارت عمده است شمال خیلی عقب مانده اند ازاین رو در جزئی تجارت خود بیشتر فائده را در تقلب یعنی خراب کردن اجناس خویش دانستند پنبه اعلی رفسنجان که همسری با بهترین پنبه های آمریک و مصر میکنند باندازه بی ترتیب میفرستند و برای وزین شدن او بقدری خاشاک در او مخلوط میکنند که در بازار بمبئی هم از بد ترین پنبه های هند ارزان تر بفروش میرود، مسلم است از اینگونه اجناس نه خریدار خوشنود میشود که بجلب آن کوشش کند نه فروشنده منتفع میگردد که بیشتر در تهیه آن بکوشد، متاع ایران را در بازار های خارجه از درجه اعتبار ساقط نموده اند، اگر رفع موانع تجارتی جنوب هم نشود تا زمانیکه تجار اصول تجارت خودرا تبدیل نداده یعنی تقلب و کثافت کاری را دور نیاندازند محال است صادرات جنوب تکافو واردات آن را بنماید - پس الزام بانگلیسان نباید داد که واردات شان بر صادرات ما فزونی دارد اگر تجار ایرانی امتعه خود شان را باب لندن آماده کنند و سر درختیهای منقح خود شان را در جعبه های قشنگ صاف و پاک بگذارند و باصول فنی ترتیب داده بلندن وارد کنند البته انگلیسان بامنتهای میل خواهند خرید ولی اگر این کشمشهای اعلی را با آن کثافت و خاک مالی در آن جوالهای کثیف پرکرده باروپا بفرستند بجای اینکه بخرند نفرت نموده خواهند گفت که میکروب امراض را بخاک ما آورده اند غرض این است که ما نباید انگلیسان را شماتت کنیم که بروفق مزاج و طبیعت ما اجناس خودشان را ترتیب داده بخاک ایران وارد میکنند - مسلماً اگر ما هم بروفق مزاج و طبیعت انگلیسان اجناس خود را ترتیب داده بانگلستان وارد کنیم هرگز جلوگیری از ما نخواهند نمود پس قصور خود مان است

راه ترقی ازدیاد صادرات جنوب منوط بچند امر است

﴿ ازدیاد صادرات جنوب ﴾

اول تهیه راه و تدارک حمل و نقل ارزان ما اینکه ممالک شرق و شمال غرب و شمال ما براً و بحراً متصل بروس است راه های اینطرف همه تا روسیه صاف و سهل العبور است - دولت تاکنون هیچگونه توجه براه های جنوب ننموده گویا این قطعه را از ایران مجری دانسته هم فریاد از خرابی اقتصادیات و کمی صادرات میکنند ولی هیچ خیال نمیکنند که نصف مملکت بواسطه نداشتن راه خروج امتعه خود بفقر و فاقه مبتلاست و علت عمده قلت صادرات ما از جنوب همانا نداشتن راه است قبل از هر اقدام اقتصادی باید راه های جنوب را عراده رو ساخته تا بتواند بصادرات مملکت کمک کند علاوه بر این اگر راه های جنوب بسواحل دریای آزاد سهل العبور بود اجناس شمال و شمال غرب و شرق ایران دست خوش نیرنگ بازی اقتصادیون روس نمیگردید - دولت اگر توازن صادرات وواردات را از روی استاتستیک کمرکی بخواهد پس از تصفیه راه های جنوب باید بتجار کمک کند در مسئله نفت و بنزین تا کرایه زیاد نشود و بسرعت و کم خرجی از هر نقطه امتعه ایران بجهازات یا بایستگاه راه های آهن نزدیک گردد

دوم - تجار ما باید تجارت را از اروپائی و آمریکائی یاد گیرند همان قسمی که آنها متاع خود شان را بروفق خواهش و پسند ما تدارک میکنند ما نیز اجناس خویش را بسلیقه آنان ترتیب دهیم بطریق ایقان میگوئیم اگر ایرانیان خشکبار منقح خود را با سلیقه و پاکیزگی در جعبه های قشنگ بابی باصول فنی که خراب نشود گذارده ببازار های اروپ از طریق جنوب روانه دارند خیلی بیش از روسیه خشکبار ایران مصرف خواهد شد همین قسم در آمریک ایرانیان میتوانند فقط از این ممر کسر صادرات خود را تحصیل کنند همین قسم پشم پنبه ابریشم و سائر اجناس خود را پاک و صاف ترتیب داده حمل اروپا کنند بیش از آنچه امروزه قیمت میگیرند توانند گرفت و صادرات شان فزونی خواهد یافت کثافت و تقلب در مال التجاره اعتبار یک ملک و ملت را در میانه سایر اقوام میبرد - سابقاً که تریاک ایران بقیمت نازل هم کسی نمی پرسید بواسطه تقلب شان بود - تریاکمان بهتر میداند که چه بر سر این جنس مرغوب آوردند

سوم باید همان قسمیکه ایرانیان در روسیه و اسلامبول و هند و مصر متفرق شده امتعه ایران را بمردم شناسانده باید در لندن و آمریک و سائر نقاط اروپا هم رفته بترویج امتعه وطنی خود بکوشند باید اهالی اروپ و آمریک را با اجناس ایران آشنا ساخت بلکه بعبارت دیگر بایستی اقوام دیگر را باستعمال امتعه خویش تریاکی ساخته عادت بخشود باید مغازه های ایرانی در نقاط مختلفه اروپ و آمریک باز کرده و جز امتعه ایران هیچ نفروشند - اگر چند سالی بدین وتیره عمل شود صادرات ایران چند بالا خواهد شد و در ابتدای امر دولت باید تا درجه کمک و تشویق بتجار نماید وخریدار متاع ایرانی بقدری خواهد شد که ایران بالها جنس داد همان قسمیکه اینک در ازدیاد صادرات

خود بکوشیم نباید از خریداری اجناس دیگران هم بپرهیزیم ورنه از دائره تجدد بیرون خواهیم شد و در متجددین امروزی شامل نتوانیم آمد - فلاسفه فن ثروت را بیشتر عقیده این است که بجای جمع ثروت صرف ثروت بحال ملك و ملت مفیدتر ثابت شده بعبارت واضحتر بجای خرج نکردن باید کوشش در پیدا کردن دخل نمود - در این صورت نه از قافله تجدد عقب مانده ایم و نه از ثروت مان چیزی کاسته است -

چهارم بزرگترین اسباب پیشرفت صادرات داشتن جهازات تجارتی است اگر تجار ما دارای جهازات تجارتی بودند وکوشش میکردند جهازاتشان که مال التجاره خارجه را آورده خالی بازنگردد ناچار میشدند بلکه برای جلب فائده خود کوشش مینمودند که امتعه داخلی را بهر وسیله باشد جلب نموده در جهازات خود حمل بخارجه نمایند غرض این است که ما نمیتوانیم انگلیس یا فرانس را ملامت کنیم که امتعهٔ آنها بیشتر وارد خاك ما میگردد چه آنها هیچوقت مانع تجارت ما نبوده بیعلمی که سبب بی‌اسبابی شده نگذارده است که ماهم در مقابل آنها متاع خویش را پیش کنیم پس باید دانست که فقط تاکی راشیاء تجملی صادرات و واردات مارا تکافو نخواهد نمود، باید بر وفق زمان مانند سائر مردمان زنده بکوشیم هم لباس اعلی خارجه را بپوشیم و هم اجناس بی عدیل خودرا به آنها بفروشیم وچون مگس دست حسرت بسر نهادن وفریاد زدن مارا بجائی نخواهد رسانید قلت صادرات ما از جنوب است و علت آن هم بواسطه اموریست که ذکر شد هروقت که ما رفع علت کردیم ازجنوب بیش ازشمال صادرات ما مصرف نخواهد شد

جنبش چینیان

انقلابات چین همه روزه در تزاید و توسعه است - اساساً این جنبش ولوبا اسم نهضت ملی و قطع ایادی خارجه در امور داخلی چین است ولی بظاهر بیش از همه برخلاف انگلیسیان میباشد - مستر مکدانالد رئیس الوزرای سابق انگلستان که امروزه قائد حزب کارگر است در نطق خود بیان نموده که ما مخالف با حقوق ملی چینیان نیستیم و عقیده مان هم آنست که نقاط رعایتی خارجه که درحقیقت یك گونه حکومت مقتدرانه در داخلهٔ چین است باید خاتمه یابد ولی این حرکت چینیان دشمنی شان را فقط با انگلستان ظاهر میدارد چه نقاط رعایتی فرانس ژاپون و بلجیست در حکومت کانتان شهر هانکو موجود و محل اعتراض ملیون چین نیامده ولی در تمام جنوبی چین برخلاف انگلیسیان قیام شده و وآبادیهای رعایتی انگلیس را

چینیان قبضه نموده اند دولت انگلیس باحقاق حقوق ملیهٔ چین اعتراض ندارد، ولی بعداوت مخصوص با انگلیسیان که چینیان اختیار نموده تحمل نتواند نمود بیان مستر مکدانالد بالهجه که گویا از زبان یك وزارت خارجهٔ کنسرویتو (محافظه کار) است خیلی معنی خیز میشود گویا مستر مکدانالد بقائدین چین میفهماند که بدانید حزب کارگر هم در موضوع چین با دولت حاضره همراه است و اگر جنگی در اقصای شرق پیش آید حزب کارگر هم با حکومت معیت خواهد نمود - صراحتاً مستر مکدانالد میگوید که دولت انگلیس حقوق سیاسی و اقتصادی که ازروی قرارداد مخصوص از چین حاصل نموده صرف نظر نتواند کرد ولی میتواند بنظر ثانی دران قراردادها تن در دهد

دولت انگلیس بدواً در معاملات چین خیلی نرمی نمود ولی ضمناً بتدارك قوای جنگی خود می پرداخت اینك که قوای دولت انگلیس تکمیل یافته آغاز بخشونت نهاده است میگویند قائدین ملیون چین حاضر شده‌اند که ترك دشمنی انگلیسان را گفته وآنان را دوباره در نقاط رعایتی راه دهند مشروط براینکه آنان نیز شروع بکار کنند فعلا دو حربه قوی در چین بکارزار مشغول است اول اعتصاب چینیان، دوم گروکشیدن خارجیان معاملات اقتصادی را چهار از خمس معاملات اقتصادی چین از بانك و صرافی و کمپانیهای بزرگ و تجارتخانهای ستراك و امتیازات عظیمه همه بقبضهٔ خارجیان است و اگر خارجیان از معاملات اقتصادی اندکی تامل کنند رشته اقتصادیات چین از هم میگسلد یعنی همه رشته معاملات اقتصادی کم خارجیان است اینك که بمناسبت انقلابات داخلی تجار و بانکهای خارجه دست از کار کشیده باهالی هنکو و سائر نقاط خیلی سخت شده همین نکته سبب گردیده است که حکومت کانتان نرم شده بترضیه خاطر انگلیسیان میکوشد و چنانچه مخبر روترخبر میدهد نه تنها ملیین چین از تنگی اقتصادیات بستوه آمده بلکه لشکریان کانتان بواسطهٔ اینکه مواجب شان نرسیده برخلاف افسران خود قیام کرده بلوا آغازیده و صراحتاً گفته تا وقتیکه مواجبهای عقب اوفتاده نرسد پیشقدمی بشنگهی نخواهند نمود اساساً هرحکومت که برشنگهی قابض شد گویا بکلیهٔ چین قابض آمده است - حکومت کانتان تمام توجه اش بقبضهٔ شنگهی بوده و هست چه میداند تا زمانیکه اقتدارخود را برشنگهی مسلم ندارد شمالی چین درتصرف او نتواند آمد نوآبادی یعنی نقاط رعایتی دول در شنگهی دارای بسی اهمیت است صراحتاً انگلیسان میگویند اقدام ملیون چین درهنکو نمیتواند درشنگهی پیش آید چه نقاط رعایتی دول در شنگهی بیکدیگر

قسمی پیوسته و متصل است که قبض یکی از آنها مستلزم قبض دیگر است در حقیقت اگر ملیون چین بخواهند مانند هنگو برخلاف انگلیسان قیام کنند و آسادی نهارا متصرف شوند نه تنها دولت انگلیس برخلاف ملیون چین قیام خواهد نمود بلکه تمام دول هم متفق آمده چینیان را پیش پای خود خواهند نشانید

جرائد انگلیسی مینویسند فعلاً قوای موجوده انگلستان در چین برای جلوگیری از ملیون چین کافی است ظاهرا دولت انگلیس تنها حاضر نیست که با ملیون چین زد و خورد کرده بیش از پیش خویشتن را منفور چینیان ساخته رقبای اقتصادی و سیاسی خود را جلو اندازد روسیه خیلی مائل است که بین انگلستان و ملیون چین کار بمشاجره و زد و خورد کشد ولی دولت انگلیس بر عکس و مدبرین انگلستان از چنین اقدام دوری جسته کوشان اند بلکه دول سائره را در مدافعه‌ایکه لازم آید در چین گرفته شود با خود متفق سازد ولی رقابت اقتصادی و سیاسی دول تاکنون نگذارده در پیش آمدهای چین متفقاً کارروائی نمایند انگلیسان مائل اند که چین را قطعه قطعه نموده برای هر قطعه حکومتی را رسماً بشناسند ولی تاکنون قائدین و ژنرالهای بزرگ چین حاضر باستفاده از چنین مقام نشده اند درست اعتماد بپروپاگندا های روتر در موضوع چین نمیتوان نمود ولی نظر بر اینکه اروپائیان میدانند که اگر ملیون چین پیشرفت نموده بپای خود ایستادند تمام شرق را زنده نموده بجنبش خواهند آورد ازاین رو ممکن است مجدداً در موضوع چین اتحاد تازه بنمایند ولی در این اتحاد روس که محرک انقلابات چین شناخته آمده با ژاپون که مخالفتش با اقتدارات دول در چین استکمال مینماید مشکل معلوم میشود و در چنین اتفاقی یقیناً امریک هم بیطرف قرار خواهد گرفت باقی خواهد ماند بلژیک و فرانس بلژیک قابل اشارات حسیه نیست وخیلی هم مشکل است با رقابتهائیکه بین فرانس و انگلیس ایجاد شده در معامله شرق اتفاق نمایند - از این رو اگر جنگی هم پیش آید دولت انگلیس تنها خواهد ماند ولو موقتاً بر ملیون چین غلبه جوید ولی در چنین پیش آمد مآلاً تیشه بر ریشه مواد اقتصادی و سیاسی خود در شرق اقصی بلکه کلیه شرق خواهد زد

امروزه هر قدر سختی و فشار به چین وارد آید ملت چین بیشتر بیدار خواهند شد و هرچه زیادتر از نفوس چینیه کشته شوند بر حیات استقلالی چین تقویت خواهد بخشود

ایرانیان باید از بیانات مستر مکدانلد دو سبق حاصل کنند اول اینکه ملتفت آیند که حزب کارگر انگلستان هم تو جلب منافع نوعی با حزب کنسرویتو (محافظه کار) همدوش و همترازویند یعنی در یک مدرسه تعلیم یافته و با یک پروگرام مشی میکنند دوم اینکه میگوید که ما مخالف با حرکات ملیون چین نیستیم اگر اقدامات شان نسبت بخارجه عمومیت داشت و نسبت با انگلیسان دشمنی مخصوصه ابراز نمیدادند و این نکته را ما همیشه عقیده‌مند بوده ایم ایرانیان باید بدانند که هیچ دولت و مانعی نمیتواند از اقدامات ملی که مبنی بر منافع انها است جلوگیری نماید مشروط بر اینکه آن اقدام از روی منافع ملی باشد نه دسیسه خارجی و داخلی بر علیه یک قوم بر خلاف قوم دیگر بعبارت ساده ایرانی اگر باحقاق حقوق خود قیام میکند سنگ روی یخ این و آن نباید بشود و تمام اقداماتش ملی باشد یعنی برای خشنودی و طرفداری روس مخالفت با انگلیس ننمایند و همین قسم برای دوستی انگلستان با روسیه مخاصمت نکنند اگر روس دوستی و انگلیس خواهی را کنار گذارده ایرانی پرست گردند روس یا انگلیس را در پیش منافع و مصالح وطنی یکسان شناسند با هر ملت که دوستی میکنند برای ایران باشد و با هر قوم که دشمنی مینمایند برای ایرانیان شناخته آید چنین اقدام ولو بضرر و زیان خارجیان هم تمام شود جای سخن و اعتراض نخواهد داشت

ملیون چین نقشه بسیار دور اندیشانه را ایجاد نموده یک کمیسیون سری باسم دفع از حقوق وطنی تشکیل داده در مادهٔ اول آن تصریح کرده اند که باید بقتل خارجیان مبادرت نموده عمال آن آله پیشرفت خارجیان که رجال داخلی اند از پای در آورد چنانچه در عرصه ۳ ماه ۷۰ و اندی از رجال خارجی پرست را با نارنجك وغیره از پای در آورده اند - تازگی در شنگهی یك از رجال بزرگ چین که خیلی بطرفداری خارجیان معروف بودی از پای در آورده قاتل را که گرفتار کرده اند علناً اظهار داشته که چون مخالف با منافع ملی ما بوده اورا بقتل رسانیدیم و هر کس دیگر هم از خود مان برخلاف حقوق وطنی قیام کند بسزای عمل خود خواهد رسید این اقدام اعضای انجمن سری چین خیلی از نفوذ خارجه کاسته چه هیچ یك از رجال خارجی پرست چین جرأت بهمراهی و پیشرفت آله خارجیان نتوانند گردید حتی اگر کسی سراً با افراد یا قتلات خارجه همراه باشد معلوم کرده بدواً متنبه اش ساخته و در صورت ارتکاب در دفعه ثانی بسزای عمالش میرسانند حتی ملازمین خارجه اگر بیش از وظیفه نوکری خدمت بخارجیان کنند دشمن وطن خوانده آرام نمیگذارند یك از واقفین میگوید این اقدام قائدین چین باندازهٔ عمیق است و بقدری جلو پیشرفت خارجیان

را میگیرد که هیچ اقدامی برابری با او نتواند کرد و همه خارجیان از این اقدام چینیان ترسناک آمده اند انست که بسیاری معتقد اند که این جنبش چین دیر یا زود منتهی میشود بحیات ابدی و قیام ملت چین و بیداری چین آسیا را از تحت رقابت غرب بیرون خواهد آورد فعلا انگلستان ساعی اند که کلیه دول را در تضییقات اقتصادی چین همراه سازد همان قسمیکه روسیان را از ۸ سال این طرف در تضییقات اقتصادی انداختند – روسیه تا درجهٔ کشتی خود را از ان گرداب بیرون کشیده اگر چین هم نتواند مانند روسیه کشتی خود را از گرداب تضییقات اقتصادی خارجه بساحل نجات رساند البته نهال استقلال خود را آب یاری کرده است رئیس الوزراء ژاپون در مجلس ملی من باب چین نطق عمیقی داده میگوید دولت ژاپون هیچگاه در امور داخلی چین مداخلت نخواهد نمود و تائیدات اخلاقی در احقاق حقوق چینیان داشته و خواهد داشت از این نطق میتوان استنباط نمود که انقلاب شرق اقصی خیلی عمیق و باین آسانیها رفع نتواند شد

ایرانیان بایست که رشتهٔ حیات اقتصادی خود را حتی المقدور بیگانگان ندهند تا درموقع اختلافات آله پیشرفت مقاصد خویش قرار دهند بانک شاهنشاهی بماند ولی بانکهای دیگر ملی باید احداث کنند تجارت با خارجه بکنند و خارجیان را موقع تجارت در داخله ندهند ولی نه انسیکه رشته اقتصادیات که روح حیاتی ملت است بکسب گیرند، باندازه که خارجیان در ژاپون مشغول بتجارت و داد و ستد اند صد یك آن در ایران نیست ولی اقسامی از آنان جلوگیری شده که نمیتوانند در هیچ موقع هیچگاه تضییقات اقتصادی به ملت ژاپون وارد آرند، ما تجارت خارجه هم ولی مشروط برانیکه در حدود معین و دائره مخصوص بماند –

شجاعت مکسیکوریان

با آن همه هیاهو های آمریك و انگلیس وکلای شجاع مکسیکو قوانین اقتصادی را از مجلس شورای ملی گذرانیده ٤٨ نقاط نفت خیز را که بسرمایه افرادی و اجتماعی آمریك و انگلیس احداث شده بود باطل ساخته بضبط دولت ملی در آورد فریاد جرائد آمریك و انگلیس بعیوق رسیده ولی ذرهٔ هم بر قلوب شجاع مکسیکوریان اثر نبخشیده است، دولت مکسیکو تکذیب نموده است که اقدامات وی بتحریك بلشیوزم است بلکه اعلان نموده که کلیه اقدامات ما ملی و برای حفظ استقلال اقتصادیات خود مان بوده و هست. آمریك تدارك برخلاف مکسیکو دیده ولی گمان نمیرود که بجنگ منتهی گردد که جماعت بزرگی از سناتیون آمریك مخالف اند با جنگ مکسیکو، آری شجاعت اثر خود را میبخشد هر قوم و ملتیکه در حفظ حقوق ملیه خویش قیام نموده قدم جلادت بردارد هیچ چیز مانع پیشرفت آن نتواند گردید برخلاف آن هر قوم و ملتیکه در احقاق حقوق خود بترسد و از بیم رنجش این و آن ساکت بنشیند عاقبت حیات استقلالیه آن خاتمه میپذیرد

ما نمی گوئیم ایرانیان جسارت نموده بحقوق دیگران تجاوز نمایند بلکه میگوئیم از احقاق حقوق حقه خود باز نیامده در جلو هر اد مخالفی استقامت ورزند چون حق اند حق هم با آنها است وعاقبت بمرام خویش نائل خواهند آمد، ترس را برادر مرگ گفته اند ولی ما عین مرگ میدانیم ملت ترسو مرگ بر بسالت و قیامت قیام نتواند نمود، ملت جبان آزاد نیست بلکه غلام بیمزد دیگران است، ملت شجاع مانند افغانستان است که با قلت عدد و کمی اسباب دو دولت قوی همسایه با او بدرجه مساوات رفتار نموده دوستی وی را خواهش مینمایند، ملت شجاع مانند مکسیکو است که مانند آمریك و انگلیس را پیش پای خود مینشاند، در حفظ حقوق ملی نزاکت یعنی چه تادب و تهذیب سیاسی چه معنی دارد، چاپلوسی و تملق حق متجاوزین است نه کسانیکه بحقوق انها تجاوز شده، ایرانیان تاوقتیکه شجاع و جسور بودند حقوق شان محفوظ و رجال شان عزیز و محترم شناخته میشدند، باید کلام اعلیحضرت پادشاه غازی امان الله خان را با آب طلا نوشت و در گوش ساخت، در موقع تجاوز دستجات روس بسرحد افغان شخصا به منبر خطابه قیام وچنین فرمود «فرزندان من ای نهالان امید آیندگان این آب و خاك اگر ما امروز رضا دهیم و ساکت نشینیم و اعتنا ننمائیم که یك وجب خاك مارا بیگانه تصاحب کند مثل این است که پای تخت مارا تصاحب کرده است اگر ما از مرگ بترسیم و از قوت دشمن بهراسیم زودتر برما خواهند تاخت، ما باید قلت خود و کثرت دشمن نگاه کنیم ما باید در محافظه خاك وطن مقدس خود چشم بسته از ریختن خون خود مضایقه ننمائیم، من خود پیش قدم این میدان ام تا چه کنند همت جوانان وطن»

این جسارت مشروع و خشونت مقدس بود که روسیان را پیش پای خود نشانیده از تجاوز بحقوق افغانان باز آمده دستجات. قشون خود را باز پس بردند حالا مکسیکو در حفظ حقوق ملیه خود همان خشونت مقدس را از دست نداده نزاکت ناپاك را ترك گفته طولی نمیکشد که انگلیس و آمریك را پیش پای خود خواهد نشانید

§ تن در مبنهٔ بعجز خشونت مقدس است §

از ناصری می‌نویسند

صبح ۲۶ آذر ماه آقایان مستشار الدوله عتماز الدوله و داور و دشتی بر حسب دعوت کمپانی نفط وارد ناصری گردیدند اهالی بخیال اینکه شاید بدردهای نگفتنی انها رسیدگی نمایند فوق‌العاده مسرور بودند پس از ورود از طرف ریاست معارف در مدرسه متوسطه مجلس پذیرائی مهیا و جمعی از متنفذین بملاقات آمده آقای دشتی نطق مختصری نموده ضمناً اظهار داشته که اگر اهالی مطالبی دارند بگویند ما حاضریم برای انجام انها آقا سید نور الدین که در آن مجلس حضور داشت اظهار نمود امیدواریم مسافرت آقایان فقط باستفاده نفطیها تمام نشود اهالی هم استفاده نمایند آقای دشتی اظهار داشتند نفطیها هیچ استفاده از ما نتوانند برد چنانچه مقاصدی دارید بفرمائید حاضرین گفتند این مجلس موقع این بیانات نیست چنانچه در مجلس دیگر دعوت شد مسائل خود را مطرح خواهیم نمود آقای دشتی فرمودند انشاء الله فردا بمسجد سلیمان حرکت میکنیم پس فردا مراجعت نموده ممکن است آقایان مطالب خود را یادداشت و ارائه دهند تا اقدامات لازمه شود مجلس خاتمه یافت فردا آقایان حرکت نموده چهار روز مسافرت انها طول کشید اهالی نویس مطالب خود را در تحت ۹ ماده برشته تحریر در آورده و شصت پنج نفر از معاریف امضا نموده منتظر مراجعت آقایان بودند متاسفانه در مراجعت اولیاء کمپانی نگذاشتند آقایان در ناصری بمانند و غیر از اعیانی کسی از انها استفاده نه نمود ولی بهر زحمتی بود پیشنهاد خود را باقای داور رسانیدند حقیقتاً این وقایع بیشتر بدبختی اهالی خوزستان را اثبات مینماید که پس از مدتی هم که چهار نفر از رجال مملکت از اینجا عبور نموده و خود شان اهالی را وعده دهند بالاخره اهالی موفقیت ملاقات و اظهار دردهای بی درمان خود را نمایند

پیش نهاد اهالی خوزستان

در این موقع که بر حسب دعوت کمپانی نفط حضرات مستطاب عالی در این حدود تشریف آورده موقع را مغتنم شمرده امورات ذیل را پیش نهاد مینمائیم متمنی هستیم با یک عقیده ثابت و راسخ بانها اهمیت داده و بحسن قبول تلقی فرمایند لازم بشرح نیست که امروزه مهمترین ایالات مملکت خوزستان است اگر دولت این نظر مساعدی توجه نموده میتواند در مادرات و قابت امصر و هند نماید بد بختانه در امر بی‌اعتنائی و لا قیدی حکومت مرکزی وفاقد همه چیز است چه مقامی شرم آور است که عرض کنیم سال گذشته قام حکومت وارادات این منطقه آرد و گندم بوده بالاخره برای خاتمه دادن فلاکت و بدبختی این صفحات و جلب سعادت و ازدیاد ثروت که بالنتیجه عوائد مشروع دولت زیاده شده مواد ذیل را در انظار گرفته و تقاضا مینمائیم

ماده اول — خواهشمندیم مجلس و دولت برخلاف گذشته و سابقه با نظری صمیمانه باهل این صفحه توجه نمایند

ماده دوم — برای توسعه فلاحت و تجارت مملکه مقدم بر همه مسئله تامین مالی و جانی است خواهشمندیم وسائل امنیت را بهر طریق که صلاح بدانید حاضر و برای راه‌ها و وسائل فراهم بیاورند تا بتوانیم با آسودگی بامور معاش خود مشغول شویم

ماده سوم — برای احیای ولایت خوزستان بهترین وسیله اینست که اول در اینجا سد سازی شوشتر و تقیه نهر داود و سد اهواز و سد نهر هاشم چنانچه اگر دولت مالیات یک ساله خوزستان را صرف این امر سازد الحقیقه نموده اولا عوائد دولت یک بر صد خواهد شد ثانیاً باعث نجات چندین نفوس محترمه و مقدار های زیادی مال‌التجاره که همه ساله غرق میشود خواهد شد ثالثاً اهالی فقیر اینجا از فقر نجات یافته و صادرات مملکت زیادتر از واردات خواهد شد

ماده چهارم — نظر باینکه مالکین وزارعین اینجا مرد بی‌بضاعتی هستند فانون ممیزی بیشتر بانها صدمه میرساند و انها را به تنگی میکشاند ترتیبی داده شود که از این مشکلات نجات یابند

ماده پنجم — با اینکه وجوه عمده بعنوان راه داری میپردازیم مع ذالک خوزستان بایستی مرتب اداره خواهش مندیم برای تسطیح شوارع و بستن پلهای بین راه و روشنائی خیابانها اقدامات لازم فوری بشود چرا که بواسطه نبودن خیابانهای پاکیزه در زمستان باید در منازل خود محبوس باشیم

ماده ششم — صحیه و مریضخانه مجانی از مسائل مهمه است بدبختانه در این صفحه هرگاه کسی مریض شد اگر قدرت و مکنتی دارد باید برود بصره معالجه نماید و الا سر تسلیم پیش گرفته و منتظر ملک‌الموت باشد

ماده هفتم — در مسجد سلیمان و باقی ادارات نفط بواسطه اختیارات تامه کمپانی اجازه نمیدهند دکاکین و منازل بنا شود و این مسئله موجب اشکال زیادیست برای عابرین چنانچه هرگاه کسی وارد مسجد سلیمان شود متحیر است کجا وارد شود منزلی یا کاروانسرائی فقط کمپانی چند دکان معدود بنا نموده و

مبالغ هنگفتی بعنوان وجه الاجاره دریافت میدارد بدیهی است دراین صورت تجارت محدود باشخاص معینی خواهد شد و انها هم مجبوراً اجناس را گران فروخته بالاخره عراه همیشه فقیر و مقروض خواهند بود و یك محوطه در مسجد سلیمان باسم کاروانسرای بدون سقف و سایه بان کمپانی بنا نموده و سالی مبالغی بعنوان وجه الاجاره میگیرد در صورتیکه محل زیست و سکنه نیست حقیقة بسیار جای تأسف است که صاحبخانه در منزل خود بی خانمان و مهمان خانه و اثاثیه را بمحیط تصرف خود در آورد چه قدر مناسب است گفته شود

§ اری فیهم فی غیرهم متقسم §

§ و ایدیهم من فیهم صفرات §

لازم است توصیه بکمپانی شود که اینقدر سخت گیری ننموده اجازه دهد مردم منزل و دکان بنا نمایند

ماده هشتم — بسیار جای تأسف است که نفط با اینکه در خود خوزستان است از قیمت سابق که از خارج وارد میشد گران تر است خواهشمندیم با کمپانی مذاکراتی نموده نفط و بنزین را ارزان تر از قیمت فعلی نمایند

ماده نهم — خواهشمندیم بارباب ادارات خاصه گمرك و امنیه دستور داده شود بامردم بحسن سلوك رفتار نمایند و مارا غلامان خود تصور نفرمایند بیش از این لازم بتوضیح نیست آزرده شوی ورنه سخن بسیار است منتظر اقدامات مجدانه هستیم

(از طرف عموم اهل ناصری)

از چهار محال می نویسد

اوضاع چهار محال بکلی با سال قبل فرق کرده سال گذشته خوانین بختیاری هم مطیع ومظالم خودرا تخفیف داده و از اوامر تخلف نمیکردند امسال نمیدانم از چه لحاظ است که شروع نمودند به تعدی برعایای بیچاره و چون ملت چهار محال قدری بد خواب شده بود و شانه خود را از زیر بار مظالم تکان میداد پس از اعلان داد خواهی که از طرف اعلیحضرت همایونی در تمام ایران منتشر شد چند نفری طهران جهت عرض تظلم روانه گردیدند از آن جمله چند نفر از سادات (بابا حیدر) که یکی از دهات سردار ظفر است و یکی هم درویش محمد قاغانی بود پس از چندی دیدند خبری نیست سادات بابا حیدری برگشته و یك نفر شان هم در طهران سرد رسیدند بچهار محال سردار ظفر باقی را چوب مفصلی زد و جرم کاملی گرفت که دیگر کسی این خوابهای پریشانرا نه بیند اما درویش محمد قاغانی را که از دست سردار اقبال عارض بود حکمی بعنوان

وزارت جنگ صادر شد و از وزارت جنگ به لشکر جنوب امر شد که اتاق حقش را بنمایند و روانه اصفهان گردید. دیگرنمیدانم خوانین بختیاری که دراین موقع هم اصفهان بودند مخصوصاً سردار ظفر چه حقه زدند که دو نفر نظامی او را گرفته تحویل ایلخانی که آقای سردارظفراست دادند و اورا تحت الحفظ پس از چند روز حبس در باغ سردار ظفر شبانه بچهار محال امرامش داشتند و در قلعه چغاخور که محل حکومت اشان ییلاق بختیاری است محبوس و زنجیرش کردند از آن طرف جوان هیجده ساله شان سردار اقبال خانه اورا در ناغان غارت نمود و آن بیچاره را بکلی از دارائی ساقط ساختند

آقای سلطان حسین خان مشیری هم که دو سال ونیم است در بختیاری است و قریب سی هزارتومان فائده برده است سال قبل باسم مأمور اسلحه بگیری بود وچون نان دانی خوبی است امسال هم مامور آنجا است ودرواقع مأموراجرای مظالم خوانین بختیاری گردیده است و درواقع همین آقای مشیری اسباب یأس مردم را از دولت حاصره فراهم آورده باسم اینکه در خانه درویش هم اسلحه بوده به تحریك خوانین بختیاری پسر درویش را به یك دست یك ساعت بر درخت آویزان نمود و چوب زد که اسلحه را بروز دهد بالاخره برادر درویش که فراراً به اصفهان آمده بود با زن و بچه تلگرافات متعددی بطهران نمود تا آنکه پس از دو ماه که گاهی وزارت داخله جواب میداد (عریضه شما از خاك پای همایونی گذشت اقدامات لازمه خواهد شد) امر شد بحکومت اصفهان که ماموری برود جهة کشف قضیه و درویش را مرخص کند وقتیکه مأمور رفت اولا تطمیعش کردند و ثانیاً آقای سلطان حسین خان پیش آمده که من اورا گرفته ام جهة اسلحه نابا اسلحه کجا در هر صورت مأمور بر گشت دیگر هر چه برادر درویش و عیالش مراسله و کاغذ و تلگراف بطهران کردند فقط همان جواب فوق می آمد تا بالاخره پس از چهار ماه خوانین بختیاری خوب که مردم چهار محال وبختیاری را ترسانده و نشان دادند که سزای هرکس طهران برود این است و درویش را هم از دارائی ساقط نمودند که دیگر قوه رفتن تا اصفهانرا هم نداشته باشد بقید کفیل مرخصش نمودند مردم چهارمحال هم قسمی ازبد خوابی بهوش آمدند که من بعد بد خواب نشوند

همین امسال سردار جنگ ایل بیگی برئیس عدلیه اصفهان پیغام داده بود که امسال پارسال نیست که هی مامور احضار سرما بفرستید ما خیال میکردیم دولت با

ما هم راه نیست امسال فهمیدیم هم راه است و هر کس را بفرستی چوب کاری کرده پس میفرستیم درخصوص همین درویش رئیس عدلیه اصفهان تلگرافی بوزیر عدلیه نمودکه سردار ظفر درویش محمد الاتاو را درصورتیکه در عدلیه متظلم بود از وسط اصفهان گرفت و تحت الحفظ بچهار محال برد و این کار سبب اعتماد مردم را از کار خاتمه خواهد نمود

دو ماه قبل سردار ظفر فرستاد چهل هزار من جنس برنج مالك که یکی از دهات چهار محال و وقف مدرسه چهار باغ است بزور برد و ضبط نمود و تناول فرمود آنچه آقای سید العراقین که متولی مدرسه و یکی از علمای اصفهان است و آبروئی هم در طهران دارد نقلا نمود فائده نداد عاقبت خوردند وبردند بدتر ازهمه وجود آقای سلطان مشیری است که بار سر بار و ظلم بالای ظلم شده است حکام نظامی که از همه جا برداشته شد اسلحه بگیری هم که شش ماه موعد آن بود دیگر وجود این آقا معلوم نیست برای چی است اهالی چهار محال یك جا باید از دست خوانین بختیاری تعدی و ظلم بکشند یك جا از دست ایشان و معلوم نیست بچه ملاحظه ایشان را معاون مظالم خوانین بختیاری قرار دادهاند ولی هم جهة آقای مشیری نان دانی خوب است هم جهة کسان دیگر یك منبع زراعتی خوبی است جهة ندارد اورا بردارند چندی قبل اورا خوانین بختیاری به جائی فرستادند به اسم اینکه مالیات بگیرد ایشان آتشی در جائی روشن کرد که مردم را به تنگ آورده بود اسلحه آقای مشیری دفتر اسلحه است با هر کس بخواهد بیاویزد حربه او این است که تو اسلحه داری هر چه بیچاره قسم میخورد ندارم خبر داری یا الا چوب و حبس و شلاق پارسال نوکر دولت در ظاهر بود ولی امسال در باطن و ظاهر نوکر خوانین بختیاری است پارسال درمجلس اعتنائی باو میکردند ولی امسال مثل سایر یکی از نوکرها است فقط باسم دولت اورا بجان مردم میاندازند که هم مردم از دولت متنفر شده و هم مفاسد آنها عمل بیاید ولیچون اهالی بختیاری فهمیدند داد رسی نیست فعلا همه عبد عبید خوانین و همان تعظیم و احترامات و همان تملق و بندگی سابق خودرا بطور خوب و بالاتر تجدید کرده اند و حق هم دارند امساله اطراف اصفهان را ناامن کرده و عده دزد تشکیل داده بودند که گاهی اطراف اصفهان را سرقت وگاهی پست اصفهان وطهران را میزدند تا بالاخره عده از قشون اصفهان رفته آنها را پراکنده نمود و بسمت گرمسیر رفتند

عجبا ملوك الطوایفی که از بختیاری و چهار محال رخت بسته و همان ترتیبات سی سال پیش جاری باینکه بیشتر و سخت تر و گاهی هم مامورین دولت سربار آنها میشوند تمام املاك چهار محال را که هنوز کوچکش میتوان نامید خوانین بختیاری بجبر و عنف ضبط نموده اند و هیچ این دو سه ساله که فرج بعد ازشدت بود عرض کسی رسیدگی نشده و ذره و حبه مالك مردم را کسی نگرفته که پس بدهد منی روزش نبرند ملك سفید دشت را که آقای خسرو خان حیدری اصفهانی پس از هفت سال محاکمه در عدلیه و ساقط شدن از تمام دارائی بالاخره نتوانست عدلیه تحویل او بدهد یا ضبط کند یازده ماه ملك مال خسروخان است یکماه سرحاصل خوانین بختیاری است تمام جنس اورا میبرند

علاوه خوانین بختیاری همه پولدار اجزاء ادارات دولتی هم که پول دوست رشوه هم از عهد باباآدم معمول ایرانی بوده بخصوص در این دوره و آنهم بخصوص عدلیه دیگر چطور میشود احکام عدلیه اجرا شود یك بیچاره که دستش از دارائی کوتاه است نتواند ملك یا مال مغصوبه خودرا پس بگیرد بقدری برمردم کار سخت شدهکه راه علاجی درنظر نمیآید فقط یگانه داد رس اعلیحضرت همایونی است و آنهم نمیتواند شخصاً رسیدگی بکلیه عرائض نماید لابد به یکی ازادارات مربوطه رجوع میکنند اجزاء ادارات هم که دست شان تو هم است و نان یك دیگر قرض میدهند این است که پس از آنکه عارض عرض کرد و پس از شش ماه که باین اداره و آن اداره وتحت نمره فلان و کارتن فلان و دوسیه فلان بیرون آمد عاقبت هم همان عده جمع شده ومقصر دولت ومالش میکنند سایرین دیگر حساب کار خود را میکنند

از بوشهر مینویسند

« علمای اعلام بوشهرمدتیست تشکیل هیئت علمیه را داده بودند ـ جلسات آن مرتب نبود بتازگی آن هیئت اتحادیه تشکیل و سپس آقای شیخ الحکما نطق افتتاحی ایراد نموده و در خاتمه مراسله بحکمران جدید نوشتند خواهش داریمکه در انتشار آن دریغ ننمایند »

افتتاح هیئت مقدسه علمیه بوشهر
(و نتیجه اقدامات)

هیئت مقدسه علمیه که مدت زمانی بواسطه مقتضیات وقت در تعطیل بود بهمم عالیه آیات باهره ونفوس قدسیه بجهت اقدامات در اجرای اوامر مرکزی از آلایش بجهت وضع تربیت و تشکیل مجلس با قلوبی صفی از کدورات اجتماع فرمود ـ بتبادل آراء صورت تشکیل جلسات بطرزی متین وبنیانی

رزین تعمیق فرمودند که همه اقدامات با نهایت متانت و منتهای نزاکت پس از تعمق نظری دقیق و فکری عمیق بموقع جریان رسانده باشد نتیجه این جلسه اولا تصمیم عزم راسخ غیر قابل انفساخ بر اینکه این اتحاد از روی حقیقت و معنویت و بنیانی مرصوص ریخته شود که از شائبه هیچ مفسد و منافقی متلاشی نگردد فی الواقع چنین اتحادی لایق تشکر و قابل تمجید و تقدیس است و سزاوار است ... همه ذوات مقدسه آیات ... اقتدا نمایند ... بزرگواران نمودند ... در همان ... اولین اقدام ... حادثه فجیعه تجار ... اسلامیه و اهتمام ... فرمودند ... و تبادل آراء مقرر گردید ... و مصیبت عظمی ... صادره از مصادر عالیه و مقامات ... علمای اعلام رسیده بود که ... دعوت عموم ... بر اتحاد و اتفاق ... که ... در ترتیب لوازم دفاعیه و تجدید ... موقع لزوم ... مساعده مهیای عمران ... و این مطالب هم بدون اتحاد و اتفاق صورت ... نخواهد شد و چون ... حضور ساحت مقدسه ... ذوی الاحترام توسط آیت الله ... علم الهدا اهری رسیده بود که مقتضی همین طریقه قویمه می‌بود ... لذا تصمیم عزم هیئت مقدسه بر این مقرر شد ... از طرف مجلس دعوت نامه به هیئت محترمه تجار ذوی الاحترام نوشته شود که در جلسه ثانوی حاضر شده که شاید در اطراف قضیه فکری نمایند

جلسه دوم یوم پنجشنبه ١٠ شهر رجب ٢ در منزل حضرت آقای حجة الاسلام و المسلمین علم الهدا اهری منعقد پس از تشکیل مجلس قسمتی از آقایان رؤساء و تجار حاضر شده حضرت آقای آیت الله حجة الاسلام میلانی قضیه را عنوان فرمودند بالنهایه وضوح بیان در توضیح مسئله آقای علم الهدا اهری نطقی بلیغ با عباراتی روشن و بیاناتی مبرهن سدر و ذیل مسئله را عنوان فرمود، چون اثر استنکاف طرف مشاهده گردید حضرت آقای آیة الله میلانی بعناوین مفصله موجب قوانین بدیهیه در دفع اشکالات لازمه موجب صغری کبرای منطقیه که منتج البداهه میشود استدلال فرمودند طرف در مقابل اشکالاتی را متمسک میگردید همه را باعباراتی فصیح و کلماتی بلیغ بموافق مقام از ایجاز و اطناب آقای معظم‌له دفاع میفرمودند بالاخره بجهت اتمام حجت و خدمت بحقیقت شریعت و رفع

دوریت در خواست مجلسی بین حزبین شریفین هیئت مقدسه و تجارت فرمودند ووجوب این اتحاد به دلیل وبرهان بثبوت رسانیدند ولی متاسفانه دوریت وقوع پیدا نشد اگر چه لسانا اظهار ارادت می‌نمودند ولی فقط لسانی بود و چنین اظهار نمودند که جواب مقامات عالیه در خصوص توقیعات مقدسه ... عرض نموده که لعلا ارسال شود این بود دوریت جلسه اول و دوم و اقدامات مجدانه آقایان ایدهم الله تعالی تأییداتهم ، بقیه جلسات را در اتیه اطلاع خواهیم داد ... ما حسن اقدامات مجدانه آقایان را تقدیس وموفقیت آقایان را در ترویج احکام شرعیه از درگاه خداوند متعال خواهانیم

خطابه افتاحیه

شکر و سپاس بیرون از حد و قیاس واجب مطلقی را سزا است که از امتزاج ... ماء وطین بدیعترین خلقی و عجیب ترین هیکلی را ایجاد فرمود و بنفخ روح حیاتش زندگانی بخشود و بشرف اشراق روح مقدسه ملکوتیه و نفس بشریه از سایر موجودات ملکوتیه و ملکیه ممتازش فرمود که محل قبول و منشاء ظهور و بروز علوم و بدایع صنایع گردیده باشد فتبارک الله احسن الخالقین ... بدیهی است که امتیاز نوع انسان از سایر اکوان منوط بکمال عقل و بیانست وآن دو ... منوط بتکمیل علم و امتیاز والعلم لیس من کثرة التعلم والتعلم ل ... بل نور یقذفه الله فوق قلب من یشاء لی المنزل، امام همام ... نواهان ... امهات الدو ... لحقة ... والحقایق الایمانیه ... ورود بیابان ... الوحدات ... والنقط الاحادیه السائره ... دائره ... حتی ... الی کمال القرب فکان قاب قوسین او ادنی علی آله المکرم لنوع البشر باستعمال التریاق الاکبر الدافع لامراض الجهل والمعاد بالریاضات الروحانیه صلوات الله علیهم اجمعین

اما بعد بدیهی است که اتفاق و تحاد ناشی از کمال مراتب عقل و علم است و آن دو هادی آمر بوفاق و قائل ار ... و اجراء احکام الهیه که سرمایه حیات زندگانی است جز ... مساوات و اتفاق صورت پذیرنخواهد بود مظاهر آیات کبریائی را نفاق نشاید شقاق و نفاق که موجب فتنه و فساد وخرابی ملک و ملت و دیانت و مدنیت است سزاوار ... و از وجود آن بزرگواران مبراست شکی نیست که سالکین طریقه هدایت و سالکین جاده شریعت در حقیقت وجود عنصر واحد الد زیرا که انسان کامل که ایت کبریای بسیطة الحقیقه در شمار است و ریاست روحیه مقصود و منحصر بدیشان است منور سایر عناصر موجوده الله و ملکی نوع بشر اشعه وانظله آن انوار قدسیه در شمارند پس

چنین روزهای متبرک دانسته از تجدید این اجتماع مسرت قلبیه و تبریکات صمیمانه خود را تقدیم و دوام بقای این اتحاد مقدس را از درگاه متعال خواستارم بحمد الله

الاحقر الحاج محمد جواد شیخ الحکما

مراسله هیئت علمیه بوشهر

(بحضرت حکمران)

پس از اداء مراسم دعا گوئی و اظهار مراتب خلوص و استعلام از سلامت مزاج وهاج در مقام زحمت آمده خاطر مبارک را متوجه میدارد البته تصدیق خواهند داشت با که ازجمله وظائف مستقیم اهالی شرع شریف و پاسبانان دین حنیف همانا جلوگیری از منکرات و منهیات شرع شریف است وچون همیشه قوای اجرائیه ذی‌دخل در انجام اوامر ارباب تحکیم الله لذا داعیان ازباب انجام وظیفه راجعه بخودمان ازرجوع اصلاح امور مذکوره ذیل را ان جناب سامی مینمائیم وجداً تقاضای رفع مفاسد مذکوره ذیل را ازهمت عالی آن جناب سامی درخواست مینمائیم

اولا ــ مسئله شیوع شرب خمر است در این شهر بطوریکه علناً جهال در هر رهگذر علنی اهانت مستی و عربده آزادانه مشغول اظهار این منکر مشغولند و ابداً رادع و زاجری دراین نیست

دوم ــ شیوع فحشا و کثرت زنهای بی حیا در این شهر بطوریکه در شوارع و طرق و معابر عمومی و بازارها با کمال آزادی بی شرفی مشغول افساد اخلاق مردم هستند

سوم ــ مسئله کتب ضلال که مدتیست است از خارج ایران وارد گمرک بوشهر شده است و مدتی است مشغول مذاکره با گمرک برای اعدام و اتلاف انها بر حسب دستور قانونی میباشیم و تاکنون بحال سلامت خود باقی است و این سه موضوع که هرکدام جداگانه باید با کمال فوریت و جدیت جلوگیری شود ازان مقام منیع که مخصوص رسیدگی و اصلاح این گونه امور هستید درخواست میشود با باسرع وسیله از این سه امر مهم جلوگیری فرموده داعیان را قرین امتنان و تشکر خواهید فرمود و اگر خدا نخواسته از جلوگیری آن مایوس شدیم از باب وجوب نهی از منکر لابد و ناچار بدفاع از انها خواهیم بود در آن وقت گله ایجاد خلاف انتظام از این داعیان فی غیر محله است در خاتمه دوام عمر و عزت و حکمرانی انجناب سامی را از خدا خواستاریم

الاحقر مرتضی الحسینی علم الهدی

حرره الاحقر عبد الله الموسوی البلادی

الاحقر علی الدشتی

الاحقر محمد تقی الموسوی

حرره محمد علی امام جمعه آل عصفور

الاحقر الحاج محمد جواد شیخ الحکما

الاحقر محمد بن محمد علی صدر بهبهانی

الاحقر ابراهیم شیخ جماعت عرب

حرره الاحقر محمد الریاشی

الاحقر محمد علی طباطبائی

از بغداد مینویسند

(بلدیه محترم طهران و عموم متمولین و تجار ایران ملاحظه فرمایند)

در روزنامه شریفه ایران در صفحه مکالمات دارالشورای (لایحه اتوبوس رانی طهران و شمیران و حق تقدم ــــ سالی [illegible] دانمارکی به امتیاز آن ملاحظه گردید) گویا چنان معلوم میشود ــــ خیال دارند امتیاز اتوبوس رانی را به کمپانی منفعه دانمارکی بدهند. اولا لازم است حتی الامکان بلدیه محترم طهران این موسسه را خود انجام بدهد اگر ممکن نباشد چند نفر از متمولین و تجار و صاحب ثروتان وطن دوست ایران امتیازش از دولت تحصیل نموده بایط اسهام بفروشند قضیه‌ایکه در عراق داریم (بغداد و الکاظمیه) تراموائی است با توسط اسهام کشیده شده وخود همه آقایان ایرانی دیده وسوار شده اند ونهانده دردست تحقیقات نموده‌ام بیست و شش سال است که این تراموا کشیده شده ودر ابتدا چهار هزار سهم فروخته اند هر سهم دو و نیم لیره فروخته شده است، از آنوقت هرسال بعد از وضع مخارج با صاحب هرسهم که دو ونیم لیره است دو ونیم لیره منفعت هم داده‌اند وبعضی سال زیاد هم شده است حالا امروز اگر کسی فروشد هر سهم‌اش به بیست و دو لیره خرید وفروش دارد امید است که صاحب ثروتان ووطن‌پرستان ایران وطهران نگذارند که این جور موسسه‌ها بدست خارجه بیافتد که هم منفعت بوجهت به جیب خارجه ریخته شود وهم ملت ایران در خانه خودش محتاج دیگران شده و درزیر تحکم ایشان بدون جهت ذلیل شوند، اما معلوم است که ما ایرانیها یا باید شخصه در تنهائی یك كار را بر دوش خود بگیریم و در زیربار سنگین شکسته شویم یا اینکه منتظر به نشینیم که دولت همه چیز مارا حاضر کرده بدست ما بسپارد ویقین است که این طور کارها در تنهائی غیر ممکن است. و دولت هم هزار کارهای اهم در پیش دارد که این طور چیزها مجال ووقت پیدا نمیکند اگر این طورچیزها را آقایان خود شان اقدام فرمایند هم منفعت خواهند برد و هم در نزد دولت و ملت محبوب خواهند شد و هم در انظار دیگران جلوه گر شده و در هر چیز مختصر

آنها را بخود مان حاکم قرار ندهیم بهتر است و ما علی الرسول الاالبلاغ

(الحاج محمد علی زاده اسکوئی)

از بم می‌نویسند

بیست سال از عمر مشروطیت ایران گذشته، ملت باید رو بترقی و آزادی بروند درچه امور باید آزاد باشیم آشنائی به قانون باید اهالی بی‌سواد ایران را خصوصاً ما اهالی بم و نرماشیر را به قانون آشنا نمود که پی بحقوق خویش بریم مأمورین دولت (قرائت جرائد و علم) علم و سواد که نداریم روز نامه و قانون مدنی را نخوانیم و سیاه و سفیدی را ازهم تمیز دهیم عوض روزنامه هنوز در بم کتاب حسین کرد شبستری و امیر ارسلان رومی و خورشید ملکناز را میخوانید یا درقهوه خانه حمله نامه اسکندر را ازمرشد نقال‌استماع می‌نمائیم پس دراین‌صورت باید مامورین دولت خصوصاً اداره نظمیه مردم را تربیت نموده و حقوق خود شان را ابلاغ نمایند ٩ ماه می‌شود در بم یک اداره نظمیه ١٠ ده نفری بریاست نائب مهدی خان سعید دیوان تشکیل شده اینجا اهالی بم جاهل و بی‌سواد و خونی زیر بار تعدی میروند و عقیده دارند که اگرفتن جرائم از محالات است و مامورین دولت علاوه ازحقوق باید پول داده شود این وجود محترم آقای سعید دیوان اخلاقی ابراز داد که از هیچ یک مامورین دولت از بدو مشروطیت دیده نشد ولی افسوس که بدبختی اهالی بم باندازه‌ایست که همین‌یکنفرمامور وطنخواه شناس را هم اولیای امور در بم باقی نگذاردند و تبدیل بکرمان کردند و هرچه هم اهالی خواستند در ابقای معظم له اقدام نماید خودش صرف قسم و خواهش دوستانه ممانعت کردند و هرچه داشت نشاءالله به قیمت نازل برای حفظ شرافت خود فروخت وبطلب کارهای خود داد و رفت

خوب است مامورین دولت عموماً حسن خلق بخرج داده و از حدود خود تجاوز نکنند و از پول ملت صرف نظر نمایند تا خداوند از آنها راضی و محبوب‌القلوب ملت هم باشند

(م — ع — و — ه)

عریضه سرگشاده بمجلس شورای ملی

باکمال تضرع بنام ایرانیت برای حفظ منافع دولت مراتب ذیل را بعرض میرسانیم خیلی زود شما را راهنمائی خواهند کرد بچاههای نفط و شما در این بیابان بی‌آب و علف از مشاهده آنها تعجب خواهید کرد ولی بشما خاطر نشان میکنیم که شما خوب است مطابق کنید این کارخانهای کوچك را باباناهای عظیمه که در انگلستان با پول ایران ساخته شده است خوب است شما عکسهای نمایشات ویمبلی را که درسنه ١٩٢٤ نمایش داده اند ببینید عکسهای مجد، مگازین را مشاهده کنید و به ببینید کمپانی چه کارخانهای عظیم در انگلستان و شتلاند و جزیره سیلان و مدرس واسترالیا تاسیس نموده و چه کارخانهای جزئی در ایران ساخته است مطابق کنید منافع دولت انگلیس و ایران را از کمپانی نفط آیا کی منفعت برده است انگاه کنید وضعیت و منازل انگلیسها را با ایرانی‌های بیچاره که چه ترتیب و چه وضع است

٢ - تصفیه در خارج ایران برخلاف امتیاز است وحال انکه در عرض ٢٤ ساعت ٢٠٤٠٠٠٠٠٠ گالن نفط از مسجد سلیمان بعبادان وارد میشود فقط ٤٠٠٠٠٠ گالن در اینجا و دو مليون در خارجه تصفیه میشود اگر تماماً در ایران تصفیه میشد اولا چندین فرسنگ کارخانه و یکملیون عمله لازم داشت و علاوه استخراجات دیگری از قبیل صابون و شمع و کبریت وغیره از او بعمل می آمد

٣ — نفط را خیلی نازل با دولت حساب میکنند و این تصفیه در خارج را فروش قلمداد می‌نمایند باینطریق خسارات کلی بدولت وارد مشود

٤ - تمایل عمران خوزستان ندارند بدلیل انکه قبل از اوردن مکاین زراعت نفط سیاه در اینجا میفروختند و اکنون نمیفروشند در عوض نفط میدهند باسم نفط سیاه ولی دارای قیر و کثافات دیگری است که تا یکسال میکینه را بکلی ضایع میکنند حتی با صاحبان مکاین شرط میشود که اگر نفط سفید مخلوط نمود بعد این راهم نخواهم داد

٥ - تعدیات کمپانی بایرانیان انجا خارج از وصف است فقط برای نمونه و استحضار خاطر آقایان شمه ازان ذکر میشود

ا — در تمام امورات کاریکه از حیث زیادی زحمت و کمی اجرت و زیادی کثافت است اختصاص بایرانی میدهند برای مستخدمین‌خارجی همه نوع لوازم و مایحتاج زندگی از قبیل منزل هیزم نوکر نفط آب وغیره فراهم می‌کنند حتی کلوب برای آسایش و تفریحات مهیا ولی ایرانیان که محرومند بعلاوه از تاسیس کلوب وغیره ممنوعند

ب — در سه سال قبل قریب یکصد وپنجاه هزار روپیه بموجب ثبتیکه درکارگذاری موجود است املاك مردم را خراب کردند پس ازان همه مظالم که بمرکز وغیرهم کردند یکپول باهالی داده نشد بعلاوه باعث شدند که از طرف حکومت بنه قسمت از خانهای مردم را که هیچ وجهی بکارشان

کمپانی نداشت بهمین اسم خراب نمود ازاین بابت هم تظلم اهالی بجائی نرسید

ج — رویه سال گذشته را از دست نداده و میخواهند یك قسمت اعظم شهر آبادان را باسم خیابان بندی خراب کنند و چندین هزار نفر ایرانی را بی خانمان سازند

د — علاوه از این ظلمهای کمپانی اگر اهالی بخواهند بمقامات عالیه متظلم شوند از طرف دوائر ایرانی بیش از کمپانی باهالی فشار وارد می آورند پس تکلیف این یکمشت مردم فقیر سکنه خوزستان چیست علاج دردشان را از که بخواهند شما هم برای سرکشی ورسیدگی بوضعیات اینحدود تشریف آورده آید یکسره بقصور عالی کمپانی میروید و هیچ در فکر خانهای خراب ایرانی و دیدن خانهای بوریائی محقرانها نیستید

بعبارت اخری رویه و رفتار شما طوری است که مردم دسترس بشما ندارند که بتوانند درد دل خود را بشما بگویند انچه ذکر شد شمه از هزار یك عملیات و ظلمهای خانمان سوز کمپانی و بیچارگی ما نیست ولی ما تا توانستیم مقداری از درد دل خود را بیان کردیم خود دانید و عملیات خود در تاریخ آینده ایران . [از طرف جمعی از اهالی خوزستان]

(حاجی غلام حسین آبادانی)

پیش نمی رویم

پایندگی نامه کهن را خواهانم ، نوشتن نامجات پارسی چون نگارشات این دوره آلوده بچاپلوسی و ستودن بیجا نیست از این ره پوزش بنده را بپذیرید - سپس در روز نامهای سرکار بسیار مینگرم در ستایش و شناساندن پارهٔ کار های ایرانی فزونی جسته اید که شایان خامه بی الایش سرکار نمیباشد - بویژه شاهنشاهی انگلستان و هژبر مردان کشور بیگانه از نهاد و رفتار یگان ما ها ایرانی آگاهی دارند - هیچوقت گول نگارشات و چاو نمیخورند و دمی دست از رویه وشاهکار های زشت خود بر نمیدارند بسیلی رخ سرخ نمودن چه خوبی دارد - من و خدا آسایش بوم ایران از غارت و آزار دزدان در سایه رنج و پافشاری (اعلیحضرت) همایون شاهنشاه کامگار جاوید باد روزگارش رخ داده دریغا دست هزاران غارتگر دیگر بر هستی مردمان تا ابدر کوتاه نگشته - نیاد این تباهکاری داور خانه یا (عدلیه) این سر زمین است که بند های دستور آئین را - آرزوی خود کار میفرمایند جز بی پروائی از کیفر - و ویران ساختن آنها که قانون خود بانجا میبرند رفتاری ندارند و هر چند بنگرید در ایران قشون را فزونی داده اند - و پیدایشهای تازه اشکار گشته - و راه آنها کشیده شده - کالای بی گانگان را ناروا ساخته اند و آئین کیفریا (قانون مجازات) آفریده شده و مردمان هوشیار دانشمند پیدا شده در پاسخ گستاخی نموده میگوییم همه دروغ است - چرا که (عدلیه) یا دادگری نداریم ، جای بازگشت همکمان نداریم پاسبان هوده نداریم - نگهدار نژاد و نیرو نداریم ، دلبستگی به آب خاك خود نداریم اینك از هیچ اسیج آسایش بی بهره همیشه خارهیشه پست هیشه فروتن و افسرده ایم (گفتار) خنه ما بر از گزنده بود خویش ازمیکروب میگریزیم خاکروبه رسیده تا زانو راك شهر فرنك میویریم - بف بوقش بودی اسرافیل ما پس از رستخیز میخیزیم - پس مردم ایران اگر اول جنبشی نمایند برای پاکیزه نمودن (عدلیه) است - اگر کوششی نمایند برای بر انداختن خزندگان گزنده است هرگاه در گوشه از بومیان شورش و نافرمانی اشکار گردد - از بیداد دادگرها است - نامه خود را بدین چکامه پارسی انجام میدهم تندرستی آن گرامی هستی از خدا خواهانم

§ برید از سرم خواب و بستر چه زندان §
§ شب دیو چهرم نمی شد بپایان §
§ شناور بدریای اندیشه گشتم §
§ ز پیشینیان یادی از کار آنان §
§ کجا رفت آن مردمان فرهمند §
§ چه پهلوانان چون شرزه شیران §
§ هنر مندی ایرانیان بیت پیدا §
§ همان برتنیهای آن نیك مردان §
§ شهنشاه فرمان روایان گیتی کجا §
§ کجا رفت آن دادگر های کیهانی §
§ بزرگ و بلند پایه چون بود مردم §
§ چرا بود پاینده شاهی در ایران §
§ سافروزه افروختم من چراغی §
§ گرفتم بکف خامهٔ عنبر افشان §
§ زهر سو ره پیك اختی بجستم §
§ بیابم مر این درد دارو و درمان §
§ سروشی بگوشم بگفت کی کیانی §
§ بخواه دادگر خانه نیکو شتابان §
§ زیند مردمان سایه داور نیك §
§ بباشد دربا روز بیانی و دربان §
§ نگهدار بوم است داد ای برادر §
§ بود هوده را پاسدار و نگهبان §
§ کند مردمان دلخوش از شهر پارش §
§ بفرمان بری رام بر پادشاهان §

§ بود لشکر از سایه داد خرم §
§ بمیدان بجنگند شادان و خندان §
§ تباهی ایران زبیداد باشد §
§ بتلک زین سازد ایزدش پنهان §
§ از این خواسته داد بی بهره مردم §
§ ز بیداد سر گشته و یلان پریشان §
§ تو (احمد) شکسا نخواهی اشستن §
§ نه بینی مگر کیفر وشوه خواران §

از این بنده احمد خدا داده مدی پارسی نگار کرماشاهانی پیشکش شد

تاسیس مریض خانه تربت

اعانهٔ که برای زلزله زدگان تربت جمع آوری شده بود مبلغ ۲۴ هزار تومان از قدر وجوه در صندوق مالیه مشهد برای مصارف موجود بود چندی قبل اهالی از دولت درخواست نمودند که آن مبلغ را تخصیص به یک مریض خانه و تاسیس یک مدرسه داده و بقیه از وجوه را مستقلاتی برقرار دارند که عواید آن بمصرف مریض خانه و مدرسه برسد در نتیجه درخواست اهالی چندی قبل کمسیونی مرکب از آقایان و حکومت تشکیل و برای برای ساختمان مریض خانه دادار چندی است بنای مریض خانه تاسیس و عما قریب تمام خواهد شد لاکن در طرف بنای مدرسه ابداً حرفی شنیده نمیشود در صورتیکه بنای مدرسه لازم تر از مریض خانه است مخصوصاً از دو سال قبل عواید بمعارف ره‌ا قلت گذاشته و امورات مدرسه بزحمت اداره میشود بنابر این وزارت جلیله معارف عطف توجهی بمعارف تربت نمایند با این قات بودجه حالت خوشی نخواهد داشت از بدو تاسیس معارف در تربت تاکنون دیده نشده که شاگرد مدرسه تربت باخذ تصدیق نامه نائل شود مگر درچند روز قبل ازطرف رئیس معارف از مامورین دولتی و اهالی دعوتی بعمل آمد پس از حضور یافتن مدعوین شاگردان مدرسه (احمدی) که قریب به ۱۵۰ نفر میباشند با حالت نظام وخواندن سرود دفیله داده خطابه مفصلی در توسعه معارف از طرف شاگردان قرائت سپس رئیس معارف مختصر نطقی ایراد وشاگردهائیکه باسم آقایان تصدیق رسیده بود احضار و تصدیق نامه‌ها را با تشویق زیادی به شاگردان تسلیم و از حضور جمعیت تصدیق نامه‌ها را عبور نمودادند علی الـقـد تاسیس یک کلاس متوسطه فوق العاده لازم است و امیدوار است این پیشنهاد طرف توجه وزارت جلیله معارف واقع گردیده و در تاسیس آن کوشش نمایند

(عـزیـز الله جلال زاده)

اعلان مهم به هموطنان عزیز

کتاب (ومرترر) از شاه کارهای ادبی شاعر آلمانی (گتفد) اخیراً بتوسط آقای میرزا محمد خان صفا زاده بفارسی ترجمه شده و در تبریز بطبع رسیده است برای اطلاع یافتن از افکار عشق آمیز حکمت خیز این فیلسوف غرب برای پیاکین مشرق زمین بهتر از این ترجمه پیدا نمیشود چاپ آن نیز در نهایت سلیقه است طالبین در تبریز بخود مترجم کتباً رجوع فرمایند قیمت هر جلد با مخارج پست برای داخله ایران شش قران و برای خارجه هفت قران است

ایجاد خطوط تلگرافی تازه

از طرف وزارت پست و تلگراف برای توسعه امور تجارتی و تسهیل امور عمومی در نظر گرفته شده در ۱۱ نقطه در اطراف آذربایجان ، گیلان مشهد و نقاط سرحدی مهم که عجالتاً تلگرافخانه وجود ندارد اداره تلگراف را دایر و برای سیم کشی و اتصال آنها بولایات و مرکز دستوراتی صادر گردید که از طرف اداره با وسایل اقدام در سیم کشی نقاط فرعی مذکور فوق بعمل آید

کمک خرج مدارس

نظر باین که بعضی مدارس ملی بخوبی از عهده اداره کردن امور مدرسه بر نمی آیند و هم بلیه بواسطه عدم عایدات مکفی رشته انتظامات داخلی شان گسیخته شده است وزارت معارف در صدد بر آمده است نظامنامه ای برای کمک خرج به مدارسی‌که استحقاقی دارند تهیه نموده و هر یک از مدارس ملی برطبق احتیاجاتشان کمک های لازم ازطرف دولت داده شود

حبل المتین

هندوستان که نسبت به ممالک راقیه تعلیماتش خیلی عقب است معذلک اداره معارف بمدارس ملیه کمک های عمده مینماید غالب مدارس از ابتدائی و متوسطه که ازطرف شخص واحد یا اشخاص افتتاح شود صرفه در آن مدارس صرف شود نصف آن و بعضی مدارس ابتدائی بعده شاگردانش سالانه مستمری می بخشد ولی شرطش اینست که آن مدارس تحت پروگرام اداره معارف باشد

تاوقتیکه وزارت معارف تعلیمات عمومی و اجباری را دائر ننموده اینگونه کمک بمدارس ملیه دادن خالی از نفع عموم نیست حتی بعد از تعلیمات اجباری عمومی نیز که ابتدائی خواهد بود برای تشویق عموم لازم است وزارت معارف اعتباری خاص دربودجه خود تحصیل کند برای کمک مدارس ملیه اگرچنین شود پس ازچند سال عده مدارس ایران خیلی زیاد خواهد شد ویقیناً از دیاد مدارس مزید تعلیم عمومی است .

قابل تقلید

حسب پیشنهاد این خادم آقای مجلل حکمران بم با آقای میرزا احمد خان نوری نماینده مالیه و آقای مصطفی خان رشیدی فرمانده ساخلوی بم تصمیم گرفته اند ماهی اقلا یکمرتبه مدارس بم سرکشی نمایند برای اولین اجرای تصمیم صبح یکشنبه ۱۸ ماه جاری به این مدرسه آمده آقای بهزادی که از جوانان بر جسته منور الفکر بم و از اعضای عامله هیئت مدیره این مدرسه میباشد نیز حاضر بوده امتحان مختصری ازکلیه کلاس های این مدرسه نمودند

(م ز غفاری)

رئیس مدرسه ملی پهلوی بم

معارف : زاهدان

ما امضاء کنندگان ذیل روز یکشنبه ۱۸ دیماه مطابق ٤ رجب بمدرسه ملی پهلوی بم رفته از کلاس تهیه متوسطه تا تهیه ابتدائی امتحان نموده بشاگردان ممتاز لایق بشرح ذیل جایزه داده شد :

نمره ترتیب	اسم	نمره مدرسه	کلاس	جایزه	ملاحظات
۱	آقای احمدخان میرحسینی		تهیه متوسطه ۶۱	دوره متوسطه فارسی	
۲	آقای رضا خان بهزادی	۷٤	شش ابتدائی	قلم پهلوی	
۳	آقای عباسخان بهرامی	۲۵	»	» »	
٤	آقای علیخان بهزادی	۷	»	» »	
۵	آقای محمد خان بهزادی	۳۷	»	قلم برنجی دو سر	
٦	آقای حجازی زاده	۲٦	»	» »	
۷	آقای علی اکبرخان عامری	٤۳	پنج	قلم فرانسه و مداد اعلی	
۸	آقای ید الله خان بهزادی	۸	»	قلم فرانسه	
۹	آقای ابراهیم	۵۰	»	قلم فرانسه و مداد متوسط	
۱۰	آقا سید امان الله	٤۷	کلاس چهار	قلم فرانسه اعلی	
۱۱	آقا سید روح الله	٤۸	»	مداد »	
۱۲	آقا موسی کلیمی	۹۰	»	» »	
۱۳	آقا سلمان	٦٤	۳ »	» »	
۱٤	آقای مهدی خان عامری	٦۷	»	» »	
۱۵	آقای احمد خان عامری	٤٤	»	» متوسط	
۱٦	آقای شیخ جواد	۲٤	»	» »	
۱۷	آقای محمد	۵۱	دو »	قلم فرانسه	
۱۸	آقا سیدمهدیخان میرحسینی	۲۱	»	مداد اعلی	
۱۹	آقا ابراهیم	۳	»	» متوسط	
۲۰	آقای زین العابدین خان بهزادی	۵۲	چهار »	» »	
۲۱	آقای اسفندیارخان بهزادی	۳۸	پنج »	قلم پهلوی	ورزش بدنی

عده شاگرد مدرسه مزبوره مطابق دفتر احصائیه ۸۹ نفر عده حاضر مدرسه ۸۵ نفر بشرح ذیل بود

۱ — تهیه متوسطه	۲	۵ — سه ابتدائی	۱٦
۲ — شش ابتدائی	۹	٦ — دو »	۱۰
۳ — پنج »	۹	۷ — یك »	۷
٤ — چهار »	۱۲	۸ — تهیه »	۲۰
	۳۲		۵۳

و چهار نفر بعلت مرض غایب بودند

بحمدالله مدرسه مزبوره تحت سیاست آقای مدرس زاده اداره و زحمات معظم له و کارکنان مدرسه مزبوره قابل تقدیر است

کفیل مالیه بم و نرماشیر وراین ـ فرمانده ساخلو بم و نرماشیر ـ حکومت بم و نرماشیر مسؤل مدرسه ـ

از طهران مینویسند

اوضاع کلونی خیلی بهت آور است رقابت بازیهای همسایگان در دوره مظفری تازه میخواهد عرض اندام نماید ، صد سال ایران درمیان دو سنگ آسیا تحت فشار بوده امروزهم همان همسایگانش وی را آسوده نمیخواهند چنانچه شهرت یافته توافق نظر در موضوع قرارداد تجارتی بین دولت ایران و روس حاصل نیامده و در این موضوع مخصوص گویا ترك مذاکرات هم شده باشد ، از طرف نمایندگان دولت ساویت مشغول بریاکنند و تا میتوانند مردم را برخلاف دولت انگلیس بهیجان میاورند معلوم است نمایندگان انگلیس هم آسوده نشسته تا جائیکه میتوانند مواد قرارداد را بد جلوه میدهند ، ملت امی فهمند وکلا هم کمتر اهل سیاست اند ، دولت هم حشویت مقدس را ابراز نمیدهد ، روسها از کابینه و مجلس خشنود نیستند ، همین قسم است انگلیسها . هر دو همسایه ساعی اند که از فشار اقتصادی چرخهای ترقی ایران را فلج سازند ، انگلیسها از کثرت واردات و روسها از جلوگیری صادرات ، ملت هم ملتفت نیست که آب ازکجا گل آلود است ، بیشتر نقطهٔ دولت و مجلس میکوشند و حواس جمعی برای کسی باقی نمیگذارند برخی از وکلای مجلس مانند شاهزاده ولی الله میرزا از حالا شروع بدسته بندی نموده فیل شان خواب هندوستان هم می بیند فقط چیزیکه مایه امیدواری است همانا اراده قوی شاهانه میباشد که بحمایه کابینه مستوفی و کمک اخلاقی بوکلای صالح مجلس مجد است از یك طرف عدم توافق نظر به قرارداد تجارتی ، از طرف دیگر مسئله گرفتاری تجار که تازه خاتمه یافته جمعی از آنها را مرخص و بعضی را هم گویا بایران بار فرستند هنوز بطور تحقیق معلوم نشده است که بچه علت تجار ایرانی را گرفتار نموده اند ، میگویند بواسطهٔ قاچاق و تمرد از قوانین محلی در اخراج جواهرات و نقدینه بوده است ، این مسئله نیز خیلی کمك بهاهوی مردم بمخالفت روس نمود ، معلوم است که رفقای روسیه نیز بی آتش را هم خوب دامن زدند علاوه بر مسئله قرارداد تجارتی چند امر مهم دیگر نیز موضوع بحث عمومی و خصوصی است که ذیلا می نگارم

(تاکس بر لوکس)

از دو سال باینطرف مسئله ازدیاد گمرك یا منع ورود اشیاء تجملی ورد زبانها بود ، رئیس مالیه دکتر میلسپو را بدواً عقیده این بود که از این امر دولت خیلی نمی تواند فائده برگیرد مع ذالك لایحه آن بمجلس پیش وخیلی زود بموقع شور خواهد در آمد و چون مسئله قرار داد روس یك پهلوئی تعرفه گمرکات است گویا تاکس بر لوکس مقدمه تبدیل تعرفه کابیه گمرکات هم میباشد دولت آقای مستوفی مصمم است که ازاین بعد تعرفه گمرکات ایران قانونی و از مجلس شوری بگذرد وعاقبت هم همینه خواهد شد چرا که تاچنین نشود ایران مقتدر بر توازن صادرات و واردات خود نتواند گردید و تا وقتیکه صادرات و واردات ایران تعادل نپذیرد اقتصادیات ایران دست خوش خارجیان خواهد بود

(فروش خالصه جات)

مسئله که امروزه توجه مخصوصی را بخود جلب نموده همانا شور در فروش خالصه جات است این لایحه خیلی در کمیسیون مجلس هم مورث هیا هوی اعضا گردیده بیشتر از وکلا مائلند که فروش خالصه جات قسمی باشد که بفرقه زارعین مخصوص یابد جمعی ازوکلا که هم ازخود مالك وصاحب ثروت هستند سنگ خویش را سینه زده اختصاص فروش بزراع را عملی تصور نمیکنند ، میگویند اگر درست انتظام فروش املاك خالصه بشود ممکن است ۳۰ الی ٤۰ ملیون تومان بخزانه دولت عاید گردد و مالیات آنها از روی ممیزی تازه که به آنها نیز شامل خواهد شد سالانه به ۳ ملیون تومان بالغ خواهد آمد و این عمل هم برای ملت نافع است و هم برای دولت و هم عمران مملکت خدمتی شایان تواند نمود مشروط بر اینکه اختصاص فروش املاك خالصه بزارعین داده شود ، فروش املاك خالصه هم به نقد و هم اقساط خواهد بود و اکثرمدت آن را تا ۱۰ سال میگیرند وقیمت فروش خالصه جات سرمایه بانك ملی خواهد شد که لایحه بانك را نیز ازاین قرار دولت بمجلس پیش نموده است

مواد لایحه بانك ملی

ماده ۱ — بدولت اجازه داده میشود برای پیش رفت تجارت و فلاحت و زراعت و صناعت بانکی موسوم ببانك ملی ایران تاسیس نماید که مرکزش در طهران و شعب آن متدرجا در ایالات و ولایات دائر خواهدشد

ماده ۲ — سرمایه اصلی بانك پانزده ملیون تومان خواهد بود و برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکارهای بانك تهیه شود دولت مجاز است در مقابل عواید معمولی مساعده هائی که مبلغ آن بیش از پنج ملیون تومان نباشد از وجوه ودایع خود (باستثنای وجوه انحصار قند و چای) دریافت دارد

ماده ۳ — محل تهیه وجه برای سرمایه اصلی بانك وجوه حاصله از فروش جواهرات دولتی و خالصجات . که لوایح آن علیحده تقدیم مجلس شورای ملی شده

است خواهد بود بعلاوه برای تامین پرداخت مبلغ پنج ملیون تومان مساعده مذکوره در ماده ۲ از اول سنه ۱۳۰۷ تا دوازده سال همه ساله مبلغی از عواید جاریه دولت برای تادیه به بانک ملی در جزو بودجه مملکتی پیش بینی میشود درهرصورت جمع مبلغ مذکور نباید از ۵ ملیون تومان تجاوز کند

ماده ٤ – نیز منافع خالص بانک آنچه بدولت تعلق میگیرد بسرمایه سهم دولت افزوده میشود .

تبصره – در سال اول هرگاه لازم شود دولت میتواند مخارج اداری بانک را از صرفه جوئی های اعتباراتیکه برای مخارج جمع آوری سایر عواید منظور گشته بپردازد

ماده ٥ – بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و باستثنای مواردیکه در ماده ٦ ممنوع گشته پول قرض بدهد مشروط براینکه قروض مزبور بوسیله اموال معتبره اعم از منقول وغیر منقول و یا امضای اشخاص معتبر و یا مؤسسات معتبر تضمین گردد شرایط قبول ودیعه یا رهن و دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد

ماده ٦ – بانک ملی را با مساعده دادن بدولت یا وزارت خانها و یا ادارات و دوائر دولتی و بلدی بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع خواهد بود

ماده ۷ – برای اداره کردن مستقیم بانک بدولت اجازه داده میشود یک نفر متخصص مجرب و فنی امریکائی باحقوقیکه بیش از سالی دوازده هزار دولار (۱۲۰۰۰) نباشد استخدام نماید – حقوق مزبور از قرار نرخ روز پرداخته خواهد شد و سایر شرایط کنترات مامور مذکور برطبق قانون ۲۹ اردی بهشت ۱۳۰٤ خواهد بود

ماده ۸ – رئیس بانک هرسه ماه یکمرتبه راپورت عملیات و معاملات خود را منتشر خواهد نمود بعلاوه وزارت مالیه مکلف است هرسه ماه یک مرتبه بتوسط یکی از مفتشین درجه اول وهیئت وزراء لا اقل سالی یکمرتبه بوسیله یک کمسیون عملیات و دفاتر بانک را تفتیش و رسیدگی نماید

ماده ۹ – بانک ملی میتواند وجوه مختصر که مبلغ آن کمتر از یکقران نباشد از هرکس قبول نموده رسید بدهد و هروقت جمع وجوه متعلقه بشخص واحد از ده تومان تجاوز کرد مطابق بانک حق المضاربه آن نیز تعلق خواهد گرفت

ماده ۱۰ – کلیه دفاتر ونوشتجات ومکاتبات بانک ملی بزبان فارسی خواهد بود

ماده ۱۱ – نظامنامه تشکیلات داخلی بانک وهمچنین نظامنامه مذکور در ماده ٥ از طرف وزارت مالیه تهیه شده تا پس از تصویب شورای دولتی و هیئت وزراء بموقع اجرا گذاشته شود

تبصره – تاوقتیکه شورای دولتی تشکیل نشده است تصویب هیئت وزراء کافی خواهد بود

ماده ۱۲ – این قانون از تاریخ تصویب درظرف شش ماه بموقع اجرا گذاشته میشود و وزیر مالیه مامور اجرای آن است .

این لایحه درمجلس عجالة هنوز موقع شور نیافته است برخی از وکلا را عقیده اینست که املاک خالصه فروش نشود و یک برزگر تقسیم آید مشکل است این امر صورت بندد اگر این بانک ملی در تحت انتظام امریکائیان صورت گیرد یک روح حیاتی باقتصادیات ایران دمیده خواهد شد. چنان که گفته میشودکه پس از افتتاح بانک ملی و شاخهای آن درداخله دولت سکه خود را واحد طلا قرار خواهد داد و کلیه معاملاتش ازمالیه وگمرک به بانک ملی مراجعه خواهد گردید وگفتگو میرود که پس از افتتاح شاخهای بانک در داخله با بانک های مهمه خارجه مانند مسکو وارسا تفلیس بادکوبه اسلامبول مصر روم فرانس برلین لندن و نیویورک و بعنی معامله برواتی قرار خواهند داد و اگر این بنک در تحت انتظام امریکائیان ماهر صورت بندد اعتبار دولت در بازار صرافان خارجه زیاد شده در موقع ضرورت استقراضهای عمده با سود کم تحصیل تواند نمود

فروش جواهرات

همین قسم برای سرمایه بنک ملی فروش جواهرات هم گفته میشود و لایحه آن را نیز مجلس پیش نموده اند تاکنون از کمیسیون خارج نشده وبرای شور بمجلس نیامده است – آنچه معلوم میشود واز فهرست جواهرات هم ثابت گردیده فروش تمام جواهرات را مصمم نشده اند یک حصه ازجواهرات سلطنتی را خواهند فروخت وتخمینه قیمت آن را نیز از ۸ الی ۱۰ ملیون میگویند و این مبلغ هم ضمیمه سرمایه بنک ملی خواهد آمد . بعضی را عقیده این است که ممکن است درمدت ٦ ماه ابتداً بنک ملی بسرمایه ٥ ملیون افتتاح یابد و بتدریج بر او اضافه گردد . مبصرین همچه تصور میکنند که پس ازافتتاح بنک ملی خیلی بر رونق تجارت ایران در خارج و داخل خواهد افزود . فعلا یک نفر متخصص بنک از امریک استخدام خواهد شد ولیچون ایرانیان از اصول بنک کاملا واقف نیستند طولی نخواهد کشید که عده مستخدمین بنک در مرکز و شعبات داخله و خارجه آن ازصاحب کل ورؤسای جز به ۳۰ نفر بالغ خواهند آمد مواجب سالانه شان هم از ۲۰۰ هزار تومان کم نخواهد بود و بدون حرف با سرمایه

۲ ملیون اقلاً دو ملیون فائده خواهند گرفت و منافعیکه ملت در زراعت و فلاحت و کار کردن در معادن مختلفه که بنمایند و کمک این بانك حاصل کند حد و حصری برای آن متصور نیست و اینهائیکه عرض شد قوالیهای ایرانی نیست مسئله ایست قریب العمل و عامل آن هم امریکائیان خواهند بود

خاضع نباید شد

حکما میگویند علو مقام انسانی از علوجوئی اوست ، انسان هر قدر بطرف تکامل گراید علوجوئی آن بیش شود و هر چه در تکمیل نفس بکوشد عوامل طبیعت بیشتر او را خدمتگذار خواهند آمد هر انسان که علوجوئی آن کمتر باشد در مقام انسانیت ناقص دار خواهد بود انسان کامل هیچ چیز را ما فوق خود تصور نتواند کرد ، خوشتن را از هیچ کس کمتر نتواند شمرد و از ارتقا بمدارج عالیه ذره هم پیرامون قناعت نتواند گردید این است که کتابی از هیچ چیز نترسند و هیچ مشکلی عایق پیشرفت خیالات شان نتواند گردید . چه این حدیث شرف سعدی تمامی تکی ملتی پای بند اند

آنچه ذکر شد در طبیعت هر انسان ودیعت گذارده شده و در تعقیب آن علوجوئی ملکه و طبیعت ثانوی وی خواهد گردید و برعکس هر انسان با آن ودایع علوجوئی اگر به فروتنی گراید رفته رفته طبیعتش پست و اندك اندك علوی جوئیش بفروتنی تبدیل خواهد آمد این است که پیغمبر برحق و هادی و مربی افراد بشر رکوع و سجود را از خصائص عبادت خداوندی قرار داده و در مقابل هر بشر ولو هر قدر قوی و بزرگ باشد حرام ساخته است خضوع و خشوع را منحصر به یگانه بی انباز قرار داده است خضوع و خشوع طبیعت را پست میکند و پستی طبیعت تسلیم بعبودیت را نزدیك میسازد قومیکه بخضوع و خشوع عادی شود رجال علوجوئی در میانه آنها کمتر پیدا میشوند و هر ملت که دارای رجال علوجو نباشد پستی و اضمحلال آن حتمی است

از بعد معاهده ترکمانچای ایرانیان را علوجوئی وداع گفت چه مردمان دانی تقلید از متوسطین کرده و متوسطین باعالی ، روسیان در معاهده ترکمانچای پادشاهان قجر را بخضوع و خشوع خویش مجبور ساخته و حمایه تاج و تخت ایران را در قجریه ذمه خویش جلوه داده و بدین وسیله رضایت امپراطوران روس در تعیین ولایت عهد ایران تا یکدرجه منظور می شد چنانچه در تعیین ظل السلطان برای مظفر الدین چون روسها رضا ندادند صورت نه پذیرفت و همینکه سبب گردیده بود که شاهنشاهان ایران در مقابل سفرای روس خاضع و خاشع میشدند ولیعهد و شهزاده که چنین شدند وزرا و امرای دربار هم تاسی جسته طبقات عالیه مملکت بالطبع عبودیت فرا میگرفتند شئامت خضوع و خشوع طبقات عالیه بروحانیین متکبر ما نیز سرایت نمود چنانچه معروف است میر سید محمد امام جمعه اصفهان به مسعود میرزای ظل السلطان در موقع تعرضیه گفت « بامپراطور روس مینویسم شاه باباترا عزل کند » و تا ٦٠ سال قباحت این کلام را کسی ملتفت نمی شد و اینها همه از نتیجه خضوع و خشوعی بود که در طبقه عالیه مملکت تولید آمده بود طبقه عالی که چنین باشد طبقات متوسط و دانی جای خود دارند از این رو یك کلمه علوی جوی در مدت صد سال در ایران پیدا نشد و اندك اندك کلیه طبقات به اندازه دنائت طبع مانوس آمده که خیال برتری با دیگران را گذارده تصور همسری را نیز از خاطر ها دور داشته تا کنون هم آن عادت میشوم که معضل هر امت است از قلوب بزرگان ما بیرون نگردیده حتی در مجلس شورای ملی که مدرسه تربیت اخلاقی ملتش باید گفت وقتی هم که میخواهند بتجاوزات روسیان اعتراض کنند خویشتن را در مقابل روس ضعیف و متوقع خوانده قسمی ملت را زبون جلوه میدهند که گویا روسیان معبود و ایرانیان عابد آنان اند قوم متوقع که خودرا ضعیف دانست هرگز قوت قلبی که بتواند در مقابل دشمن دعوی حقوق نماید پیدا نخواهد کرد . این کلمات که داعی مذلت یك قوم است هرگز از زبان یك قوم با شرف ذی حس شنیده نمی شود . فراموش نمی کنیم که در ۳۰ واندی سال قبل لارد سالسبری در پارلمان انگلستان نسبت بدولت سویز کلامی متکبرانه اظهار داشت تمام ملت سویز بجنبش و هیجان آمده دولت را مجبور ساختند که یا ترك روابط سیاسی با انگلستان گوید و یا صدر اعظم انگلستان را مجبور بترضیه سازد عاقبت لارد سالسبری در پارلمان انگلستان تردید کلام خودرا بدین الفاظ نمود « غرض من از لفظ کوچك وصف توهین ملت سویز که در همه چیز سرمایه فخر و ناز اروپایند نبوده است » ملت کوچك سویز که در آن وقت عده شان از ۳ ملیون هم کمتر بود راضی نگردید که صدر اعظم دولت انگلیس دولتیکه دارای ٤٥٠ ملیون رعایاست و آفتاب در مملکتش غروب نمیکند نسبت به آنها لفظ کوچك استعمال کند نطقهای وکلای سویز در پارلمان ثابت می نمود که این ملت حساس و این وکلای علوی جو بمحو و نیستی خود حاضر تراند تا یك کلام توهین آمیزی از دولت قوی بیگانه بشنوند ولی باندازه ملت ایرانیه در تربیت سلاطین قاجاریه خویشتن را زبون و ناچیز شناخته که بی

تو ۲۳ سال مشروطیت و تربیت اخلاقی و تحصیل جسارت مشروع هنوز هم وکلای با دانش پارلمان ایران هر موقع اظهار احقاق حق ملت را ضعیف و کوچک و حقیر خوانده و قسمت غلامانه از مولای خود ابراز میدهند پس میتوانیم گفت که هنوز همان اخلاق پست ۶۰ سال پیش در کله های پر از خرافات ما باقی مانده کلام امام جمعه اصفهان با فرمایشات حاجی زاده در پارلمان چه تفاوت دارد مفاد هر دو یک است غرض این است تا وقتیکه ملت ایرانیه تعلیمات دیانت پرورانه دوره قجر را از خود دور ساخته و مانند سایر اقوام زنده نه تنها خودرا برابر سایرین بدانند بلکه خویشتن را برتر از همه پندارند کله های علوی جو در ایران پیدا نخواهد شد و تا زمانیکه علوی جوئی طبیعت ثانوی ملت نگردد بارتقای آن ملت اطمینان نمیتوان نمود ما نمیگوئیم حماسه های دروغین ملت را اغفال باید کرد بلکه میگوئیم بالفاظ خضوع وخشوع که سبب دنائت و پستی اخلاق یک ملت میگردد وکلای ملت آنهم در پارلمان که محل نقل مذاکرات است باید اجتناب ورزند

موکب همایونی با صفهان

چنانچه از معلوم شده اعلیحضرت برای سیاحت جنوب از طهران وارد اصفهان گردیده اند این سیاحت خیلی ساده است حتی اهالی اصفهان میخواستند مثل سایر نقاط طاق نصرت بسته تا سی هزار تومان گلاب بجوشند مخصوصاً با تلگراف موکداً منع کرده حکم برچیدن طاق نصرت هائیکه ساخته بودند هم دادند غرض از این مسافرت تدارکات عمرانی نقاط جنوبیه و تکمیل نواقص آن است تخمیناً این مسافرت یک و نیم ماه طول خواهد کشید قبل از نوروز بطهران باز گشت خواهند فرمود – این مسافرت برخلاف مسافرتهای سلاطین قبل با کبکبه و دبدبه و اردوی سوار و پیاده و قراول نیست – پیشکش و پیکش در کار نمی باشد همراهان رسمی اعلیحضرت عدهٔ شان از ۱۲ نمیگذرد و تمام ملازمین رکاب از ۵۰ تجاوز نیست – چه بنفس نفیس بملاحظهٔ حدود و ثغور و استحکامات جنگی وغیره خواهند پرداخت جمیع طبقات با تشرف خواهند یافت و هر کس هر مطلبی دارد مجاز خواهد بود که شفاهاً بحضور رفته عرض نماید – از اصفهان پروگرام شاهانه معین خواهد شد برای مسافرت فارس و یزد و کرمان و بلوچستان وغیره – و بعید نیست اگر موقع یابند به معاودت در بلوچستان و خلیج فارس و خوزستان هم رونق افروز آیند – در این مسافرت که در کتابچهٔ مخصوص یادداشت لازمه را بدست خود خواهند نوشت تا پس از ورود بطهران برئیس الوزرا سپرده و بموقع اجرا گذارند – چه در جنوب هیچگونه واقعه نیست ظاهر است که این مسافرت فقط برای اصلاحات است – باید دید که جنوبیان چقدر میتوانند از این مسافرت شاهانه فائده برگیرند –

راه سازی – پل آهن

از ساری اطلاع میدهند آقای شقاقی مهندس و رئیس راه مازندران شروع به عملیات مقدماتی برای ساختمان راه های از علی آباد به کنار کلا و از کنار کلا طرف بارفروش نموده اند

برای ساختمان راه مشهدسر هم که از مرکز دستور داده شده بود چون سنگ وسیله کشتی های ترکمن باید از شهوار وارد شوند آقای شقاقی در نظر دارند سمت استراباد حرکت نموده و با تراکمه در خصوص آوردن سنگ التکا قراری بگذارند

مهندس مزبور پیشنهادی برای ساختمان پل رود خانه طالار بضمیمه نقشه آن تقدیم مقامات مربوطه نموده است که پل مزبور را با ۲۶ متر عرض دهنه بوسیله آهن بسازند که هم از پل آجری یا مصالح دیگر ارزانتر تمام خواهد شد و هم از حیث استحکام بمراتب بهتر خواهد بود

پیشنهاد فوق قابل توجه و امید است مورد دقت وزارت خانه مربوطه واقع شده و اگر حقیقهٔ ساختن پل آهنی بصرفه نزدیکتر است پیشنهاد آقای شقاقی را تصویب و امر به ساختمان آن صادر نمایند

قربان حواس جمع

چندی قبل این کلام در طهران زبانزد خاص وعام بود مثلا درشکه چیها مدام از خبردار گفتن میدیدند که راه گذر اعتنا نکرد و طعنه (تنه) خورد بخنده میگفتند قربان حواس جمع حالا در بعضی روز نامه های پای تخت دیده میشود از بعضی اشخاص تمجید مینویسند درصورتیکه یک سال پیش در همان روز نامه ها از همان اشخاص تمجید شده تکذیب شده انسان وقتیکه میخواند بی اختیار بزبان جاری میکند

«قربان حواس جمع»

قربان حواس جمع نه تنها مدیران روز نامه حواس جمعی ندارند اصلا ملت ایران حواس جمعی ندارد ستم و ظلم را فراموش میکند و یا اینکه گناه وزرا و مامورین خیانت کار را میبخشد و از ظلم انها اغماض میکند و یا اینکه خودرا مستحق ظلم میداند باز انها را وکیل تعین میکند و بوزارت و حکومت چنین اشخاص بدسابقه و معروف بستمگری تن میدهد و راضی میشود

معادن آهن مازندران

عصر پریروز مسیو مارتین مهندس راه آهن باتفاق دکتر اقتصادی سمت مازندران برای بازدید

معادن آهن آمل و سایر نقاط مازندران حرکت نموده ولی در بین راه اتومبیل ایشان بکوه تصادف نموده و آنها را پرت می‌نماید بعد وسیله اسوده بشهر مراجعت و مجددا بسمت مازندران حرکت نمودند و ممکن است این مسافرت تا یک هفته ادامه داشته باشد زیرا تمام معادن آهن نقاط مازندران را باز دید خواهند کرد

تخصیص عواید بمعارف

در نتیجه مذاکراتی که در این چند روزه بین وزارت علوم و معارف و دکتر میلسپو رئیس مالیه جریان داشته بالاخره توافق نظر حاصل گردیده و قرار شد لایحهٔ از طرف وزارت معارف و وزارت مالیه تهیه شود که از تاریخ سال ۱۳۰۵ لغایت آخر سال ۱۳۰۹ تدریجاً یک هفتم از عواید مالیاتهای املاک اربابی را بجهة مصرف تعلیمات عمومی ابتدائی تخصیص دهند و عجالتا لایحه مذکور با موافقت و تحت نظریه رئیس مالیه تهیه و تدوین گردیده است که بهیئت وزراء تقدیم و تحت مطالعه در آتیهٔ آخرین تصمیم قطعی را اتخاذ سپس به مجلس شورای ملی برای تصویب تقدیم دارند .

لباس مخصوص

وزارت فواید عامه در صدد برآمده که برای مهندسین و اعضای دفتری راه سازی لباس مخصوص تهیه کرده و مهندسین و اعضای دفتری را به سه قسمت تقسیم کرده که ملبوس آنها از یکدیگر متمایز باشد و علاوه چند قلم نشان برای آنها ترتیب داده که حائز علامت مخصوص بیل و کلنگ میباشد و برای تصمیم فوق تعلیمات لازمه را صادر نموده که زودتر ملبوس و نشانها را تهیه و بین آنها تقسیم نمایند

مبادله بروات پستی

اداره پست آلمان از وزارت پست و تلگراف تقاضا نموده که سرویس مبادله مانند پست (بروات پست) بین مملکتین ایران و آلمان برقرار کنند . وزارت پست و تلگراف با نظریه فوق موافقت نموده و پیشنهادی تهیه کرده که بمقامات مربوطه برای تصویب تقدیم دارند

(تهیه مطبعه برای ناصری)

شرحی از وزارت معارف به هیئت وزراء اشعار گردیده است مبنی بر اینکه آقای میرزا مجید خان موقر متعهد شده است یکدستگاه مطبعه برای اهواز خوزستان که از هر حیث محتاج امور مطبوعاتی آن بواسطه عدم مطبعه با منظم نیست وارد نماید برای مساعدت به مشار الیه وزارت معارف پیشنهاد مینماید مقرر فرمایند مطبعه و لوازم آنرا از حقوق گمرکی و راهداری معاف شود

یک از ضایعات بزرگ ادبی

جناب مستطاب خان بهادر میرزا سید علی محمد شاد که از ادبای عصر حاضر در هند و در حقیقت مجدد شاعری در هندوستان بود در شام هشتم جنوری سنه ۱۹۲۷ در شهر پتنه گذر عمر متجاوز از هفتاد سالی این جهان فانی را وداع فرموده رحمة الله علیه رحمة واسعه

این ادیب بزرگ از فضلای بنام و از ایرانی نژادان هندوستان و دارای معنی موفور بایران بود قصائد تشویقیه وطنی آن مرحوم مکرر در حبل المتین اشاعه یافته است مرحوم شاد از دوستان صمیمی ما بود و در ۲۷ دسمبر که به پتنه رفته بودیم در شیمه کانفرنس ملاقات دست داد ، اداره حبل المتین امیدوار است که بتائید نواب نصیر حسین خان خیال کاملا شرح زندگانی ایشان را اشاعه دهد ، اداره حبل المتین بازماندگان آن مرحوم خصوصا نواب نصیر حسین خان خیال را سر سلامتی گفته طول عمر همه بازماندگان آن مرحوم را خواهان است -

اطلس ایران

جناب آقا میرزا محمد حسین خان مقیم اسلامبول مدیر کتابخانه اقبال در سعادت باب عالی جاده بنده نمره ۲ که در سابق اشاره شد ممتاز بزرگ ایران را طبع نموده بود که خیلی مقبول عام واقع گردیده بتازگی اطلس نقشه ایران که حاوی جغرافیای مختصر و نقشه جات کوچک ایران است بشکلی خیلی مرغوب و طرز مطبوعات اروپائی با زحمات زیادی مادی و معنوی طبع کرده و الحق خدمتی قابل قدر بمعارف ایران نموده است ، هرکس طالب باشد به آدرس فوق مراجعه نماید .

چائی آفاقی

بهترین چائیهای ممتاز چین و انتیجه تقدمات زیادی است که با امتحان صاحبان سلیقه معلوم است همیشه در امتیاز خود باقی و صندوق آن عبارت از ۲۰ قوطی یک رطلی و ۳۰ قوطی نیم رطلی و ۶۰ قوطی چارک رطلی است قیمت هر صندوق تحویل کراچی ۱۲۰ روپیه . محل فروش طهران در سرای حاجی سید حسین اداره حاجی محمد آقای جعفر ، مشهد سرای سیگاری تجارتخانه آقا غلام حسین اسمعیل زاده ، کراچی بمبئی بازار تجارتخانه آقای علی اصغر اف حاجی میرزا علی اسمعیل زاده -

* * * *

[در مطبعه اتحاد نمبر ۱ — ۲۶ پلهری پوکر روڈ کلکته طبع و توزیع گردید]

(نمره ۹) — سال سی و پنجم — صفحه نخست

[تلگرافی] — Reg. No. C.
۱۳۱۱ — 1311
حبل المتین — 26-1, Ahri Pukur Road CALCUTTA.
(۲۶–۱ اهری پوکر رود)
[بالیکنج]
کلیه امور با مدیر کل
(سید جلال الدین الحسینی)
(مؤید الاسلام)
[...]
[ام . ای . اسد]
هر جوشنبه طبع و پست میشود
توزیع میشود

جز , المستحقات بامدیر مراجعه میشود
... کس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
مقدم گرفته میشود
روز نامه مقدس

حبل المتین

قیمت اشتراک
سالانه — ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه — ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۴۰ قران — ۲۵ قران
[ممالک سایره]
سالانه
یک و نیم لیره انگلیسی

§§§§ سنه ۱۳۱۱ §§§§

یوم سه شنبه ۲۵ بهمن ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۱۲ شعبان المعظم سنه ۱۳۴۵ هجری
مطابق با ۱۵ فروری سنه ۱۹۲۷ میلادی

کابینه جدید ایران

رئیس الوزراء — آقای مستوفی
وزیر جنگ — آقای فروغی
وزیر مالیه — شاهزاده فیروز میرزا
وزیر فواید عامه — مخبر السلطنه هدایت
وزیر معارف — آقای تدین (رئیس سابق مجلس)
وزیر داخله — عماد السلطنه اصفهانی فاطمی
وزیر خارجه — آقای مشاور الممالک انصاری
وزیر عدلیه — آقای داور
وزیر پست و تلگراف — هنوز معین نشده

اعضای این کابینه هیچ یک محتاج بمعرفی نیستند جز یک عنصر پاک غالباً متجانس هم می باشند خدا کند امید های ملی از این کابینه برآورده شود

آقای تدین اول قدمیست که بمسند وزارت گذارده و مهمترین وزارت را که معارف است اشغال کرده اند امیدواریم اهمیت موقع خود شان را شناخته و احتیاجات ملی را بمعارف عمومی و اجباری دانسته قدمی بردارند که در خود آن وجود است

در کجائیم

تا وقتیکه نسبت یا صد در پی نیاید حال و حقیقت هیچ چیز شناخته نتوانند شد از اینست که گفته اند تعرف الاشیاء باضدادها چون مسئله تعلیمات عمومی و اجباری ایران موضوع بحث است لازم است یک نظر سرسری بـه تعلیمات سایر ملل نیز انداخته آید آنوقت حیثیت و مقام تعلیمیه خودمان را که بمنزله صفر است معاینه توانیم نمود جای شبهه نیست که ایران مملکتی است مستقل و ملت ایرانیه ملتی است آزاد خوش بختانه بیست سال است دارای حکومت ملی هم می باشد و در مقام نسبت

دیده میشود که این ملت (نادر) یعنی منحصر که تا شاهم فالوده نمیخورد از درموقع ترقیات اظهر نرباعلی درجه ملل راقیه دنیا است اوضاع تعلیمیش در چه پایه و درجه است باید دانست که درجات ترقی جمیع ملل بر اساس تعلیمات مایه گذارده آمده است این اصول را فرنگیان اختیار نکرده اند خالق فرنگیان در قرآن مجید فرموده (هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون) هر ایرانی باید بداند که از زمان قدیم تا حال بدرجه ترقیات هر ملت منوط بدرجه تعلیمات آنها بوده و حضرت المعلم ینادی باعلا صوت انا سلطان العالم انما مشهد ارکان الامم انا الذی من حلق لا یخرج العزت منه (الناس موتی و اهل العلم احیاء) باید دانست که از زوی اعدل ملل راقیه دنیا معارف تعلیمی هر ملت تقریباً دو از خمس معین آمده است و هر قدر از این مقدار کم گردد آن ملت در هر چیز عقب خواهد ماند چه کلیه ترقیات منوط بترقی علم است ملتیکه در بابت علمیه اش پست باشد ممکن نیست که بسایر ترقیات وی را عالی تصور نمود چه اساس و پایه هر چیز بروی علم نهاده شده است برای اینکه وزیر جدید معارف ما آقای تدین و شورای عالی معارف ملتفت آیند که در چه مقام هستند و درجات تعلیمی ایران به چه پایه است ما فهرستی از اصول تعلیمات بنگال را که حکومت رسماً اشاعه داده ترجمه و ذیلاً می نگاریم

این را هم باید دانست که ملت بنگال آزاد نیستند بنگاله از حیث مساحت ده یک کلیه هندوستان و از روی نفوس هفت یک آن تقسیم آمده و ولی نشد و یکی از ایالات هندوستان بشمار و هندوستان یکی از مستعمرات

انگلستان است شب و روز فریاد اهالی ازقلت تعلیم ونداشتن آزادی بلند است نفوس بنگال با الدیسه کمابیش از روی احصائیه صحیح نزدیک به ۴۸ ملیون است گویا از روی احصائیه موهومی که ما ایرانیها داریم نفوس ایران یک ثلث بنگال است واین ملت آزاد این ملت شش هزار ساله این ملت مفخم اقلا بایستی عده متعلمین مدارس ابتدائی ومتوسط وعالی ش بمقدار ثلث بنگال باشد تا آنوقت اقلا نتوانیم ایران را مقایسه با یک خطه ممالک مستعمراتی خارجه قرار دهیم ارباب معارف ما باید شرم کنند با این بودجه تنگی با این مدارس ناتمام با این قلت شاگردان اقلا لفظ وزارت معارف روی ایران نگذارند و وزارتهای معارف دنیا را بدنام نکنند

احصائیه مدارس بنگال

راپورت تعلیم عمومی حکومت بنگال برای سال ۱۹۲۶ . ۱۹۲۵ بسیار دلچسپ است چه ازاین معلوم می شود که دولت بنگال درتعلیم ترقیات اطمینان بخش نموده ومی نماید ، هم عدد مدارس وهم عده شاگردان دارد روز بروز زیادتر میشود . امسال عدد مدارس مختلفه عمومی ۸۰۵ و عده شاگردان ۷۱۰۷۰ زاید بر سنوات سابق بقلم آمده است ، روی همرفته دراین سال سی وهفت ملیون هشتصد هزار روپیه مصارف تعلیمیه بنگال شده که به پول ایران تخمیناً دوازده و نیم ملیون تومان باشد ازاین مبلغ دوازده ملیون وچهار صد هزار روپیه را حکومت وقت از بودجه بنگال داده است .

چیزیکه قابل توجه می باشد این است که وزیر هند پیشنهاد هیئت علمیه را قبول نموده حکم داده است که انتخابات تازه در (انڈین ادوکیشنل سرویس) (ملازمت تعلیمی هند) نشود ، بجای آن بیشتر اختیارات بحکومت ولایات بخشیده آید تا رفته رفته ملازمت محلی اهمیت پیدا نماید ، مجلس قانونی هند بعد برای ترقی تعلیمات عالی بدار الفنون کلکته سیصد هزار روپیه یا صد هزار تومان سالانه داده و همچنین پانصد و پنجاه هزار روپیه بدار الفنون داکه میدهد

کالج (مدارس عالی) در بنگال پسرانه ودخترانه ۴۲ بشمار آمده از این مدارس عالی ۱۰ در اختیار حکومت است بقیه تحت نگرانی جماعات مخصوصه اند ، عدد شاگردان در مدارس عالی ۲۳۴۳۷ هست از این ۲۸۴ دختر اند و خرج سالانه ۳۰۰۲۶۰۴ روپیه است

تعلیم انگلیسی ترقی زیاد نموده اهالی بنگال عموماً تعلیم انگلیسی را بر تعلیم زبان مادری شان ترجیح میدهند باین سبب عدد مدارس انگلیسی یعنی مدارسی که عموم را بزبان انگلیسی میاموزند دارد زیاد میشود وبجای آن عدد مدارسیکه تعلیم بذریعهٔ زبان هندی می آموزند روز بروز کمتر بشمار میاید

تعلیم ابتدائی که خیلی اهم است آن قدریکه لازم بود ترقی نماید سال گذشته نموده عده شاگردان مدارس ابتدائی بنگال ۱۳۳۲۲۸۷ که ۴۴۸۰ زیاد تر از سابق است بشمار آمده از ین ۵۴۴۵ دختر اند شاگردان مسلمان از شاگردان هندو ۶۸۵۴۶ زیاد تر بودند - حکومت بنگال درتعلیم ابتدائی کوشش می نماید وتریننگ کالج دار المعلمین در ماه مارس ۱۹۲۶ ۹۹ بود و شاگردان در آن ۲۱۶۱ -

عده شاگردان در مدارس فنی کمتر از سابق بشمار آمد مدرسه عالی ومتوسطه فنی ۸ و۱۸۶ شاگرد در آن موجود است

تعلیم نسوان در بنگال دارد ترقی مینماید ۴۲۷ مدارس دخترانه زیاد تر از قبل و عدد دختران که در آن تعلیم مییابند ۱۴۲۲۶ و مسلمانان از هندو ۱۰۰۰ زیاد تر بودند مگر تعلیم دختران در بنگال تابحال در درجه ابتدائی است وازصد مسلمان ۹۵ دختر در مدارس ابتدائی میخوانند و فقط ۵ از صد در مدارس متوسطه وعالی (کالج)

از رویداد های تعلیمی معلوم میشود که تعلیم مسلمانان رو بترقی است و عدد شاگردان اسلامی هم دارد زیاد میشود - ۵۲۲۶۹ شاگردان مسلمان درمدارس مختلفه تعلیم مییابند و عده شان در کالج های علمی درصدی ۱۳ زیادتر بوده

روی همرفته در بنگال عموماً بیشتر توجه به تعلیم جسمانی و تربیت اخلاقی میشود

حبل المتین

این بود عین ترجمه راپورت رسمی که بطریق فهرست در تعلیمات بنگال نگاشته آمد اگر ایران در اصول تعلیمات و پیشرفت معارف خود از ممالک مستعمراتی هم کمتر باشد چگونه میتواند همسری با ملل راقیه نماید - بودجه معارف ایران بیش از همه چیز ننگ آور است بجای دو از خمس پنج از صد هم نیست مالیات بنگال روبهمرفته از یک صد و بیست ملیون روپیه تجاوز نمیکنند و از این مبلغ دوازده ملیون صرف تعلیمات میشود و ما بقی را بلدیه ها و سایر موسسات خیریه تحت وزارت معارف تادیه می نمایند

دولت ایران نه در بودجه خود معارف را حصه قابل بخشیده و نه از سایر موسسات خیریه مانند موقوفات وغیره و نه از بلدیه ها هیچ کمک بمعارف نمیشود با این اصول تو پستی تعلیم و عدم توجه

عمومی و خصوصی باساس معارف هرگز قدمی رو بارتقا نتوانیم گذارد ایران هم باید بودجه معارف را توسعه بخشد و هم موقوفات را قسمی انتظام نماید که بتواند کمك بمعارف کند

اختیار بلدیه ها را باید زیاد کرد عایدات حقه به آنها باید سپرده آید و در بودجه‌های هر بلدیه بایستی یك حصه عمده برای معارف محلی تخصیص شود تا همه دست بهم کرده بتواند معارف را پیشرفت دهد فقط بلقلقه زبان و یك لایحه اعتبار پانصد هزار تومان ملت تعلیم یافته نمیشود و رفع احتیاجات علمی پانزده ملیون نفوس نمیگردد [illegible]

منتظریم که ببینیم آقای تدین در این زمینه چه قدمهای وسیع بر میدارند بعقیده ما باید همان قسمیکه برای سائر وزارتخانه ها مستشار و متخصص می آوریم برای وزارت معارف هم از آلمان مستشار بیاوریم معلمینی که ما استخدام از خارجه کرده ایم وزارت معارف را مستغنی از مستشار نمینماید - آنها معلم اند نه متخصص و تا وقتیکه وزارت معارف متخصص و مستشار نداشته باشد پیشرفت در امور معارف ایران نخواهیم دید

در آلمان معارف و اصول تعلیم بقدری ترقی و وسعت پیدا نموده و شاخ و برگ های فصول را از کتب تعلیمیه زده اند که آنچه را در انگلستان هشت سال تعلیم کنند در آلمان سه سال خواهند کرد از این رو مستشار معارف را اگر از آلمان جلب کنیم مفید تر خواهد بود - امیدواریم که آقای تدین اول لایحه که بمجلس پیش نمایند لایحه جلب مستشار معارف خواهد بود

ما کوریم و هزار کور کار یك بینا را نتواند نمود تعلیم یافتگان خارجه ما هم از عهده اصلاح معارف و مدارس بیرون نتوانند آمد ایران هنوز در معارف یك قدم هم بر نداشته ملت را نباید گول زد باید اقدام نمود در اصلاح معارف باید نقائص را بمجلس بدولت - بملت حالی کرد تا نقص معلوم نشود تکمیل نتواند شد -

نقیصه تعلیمی را هر کس نمیتواند بفهمد ارباب فن و متخصص درکار اند اگر ما متخصص و مستشار عالم برای معارف داشته باشیم از همین مدارس موجوده چندین برابر امروزه فائده حاصل توانیم کرد و بدون مستشار معارف هر قدمی که برداریم بجای پیش پس خواهیم گذارد

§ بی پیر مرو در خرابات §
§ هر چند سکندر زمانی §

—•§•§•§•—

﴿ لزوم تعلیم اجباری برای ما ﴾

(راه عایدات برای مخارج ومصارف تعلیم اجباری)

﴿ تعلیم و تعلم ﴾

بر واضح است که از نقطهٔ نظر برهان قیاس و با دقت نظر بتاریخ گذشتگان دور و نزدیك بثبوت خواهد رسید که اغلب ملل متنوعهٔ عالم ترقی و ارتقاء خود را در زیر سایهٔ تعلیم و تعلم جسته و براهنمائی این اصل مقدس عروس افتخار ابدی وشاهد مقصود را در آغوش مهرو محبت گرفته اند -

شاهد مثالات ما در قسمت و معارف همان تاریخ آنها است که مقدماً ذکر رفت ولی در قسمت امروز چون مدلول و مصداق عرایضم درغرب و شرق عموماً وخصوصاً عملی و آشکار است گمان میکنم محتاج باقامه دلیل واضحتری نباشد

زیرا ترقیات محیر العقول ممالك وظهور این عصر درخشان جای تردید و تنقید را برای ما و شما باقی نگذارده و بعلاوه همه را قانع و قائل نموده است که پیشرفت امم مختلفه عالم فقط و فقط در نتیجه تعلیم و تعلم خواهد بود

(لزوم تعلیم اجباری برای ما)

تعلیم اجباری اولین قدم مساعدی است که دول وملل حیه با موقعیت خیلی جزئی قبل از هر امر و اقدامی این را برای نیل بسعادت و ارتقاء مملکت و ملت خویش و برای نجات از بدبختی و فلاکت جهل با دادن قربانیها و فداکاریهای فوق العاده و با بودن موانع و اشکالات بیحد حصر بالاخره درراه خاك مقدس وطن خود برداشته اند

در اینصورت بدیهی است مملکت شش هزار ساله ایران که نام بلند واسم ارجمندی را در تاریخ پیشینیان حائز وفعلاهم در ردیف ممالك دنیا محسوب وملتش نیز جزء نفوس کرهٔ ارض شمار است وبعلاوه آرزومند هم هست که (با فقدان وسائل خاصه عامل مهم ترقی یعنی تعلیم اجباری) درمیدان مبارزهٔ حیاتی در مقابل سایر ممالك عرض اندام کند ناگزیر خواهد بود که برای طی طریق سر منزل ارتقاء و سعادت

§ رو چنان رو که رهروان رفتند §

پس بعبارت واضح اگردولتیان وتودهٔ ملت ایران ونمایندگان ملت نسبت باین آب وخاك مقدس علاقه‌مند هستند می بایست با یك عزم آهنین و همت خستگی ناپذیری اصل ماده ۱۹ از قانون اساسی را که متضمن سعادت ما جامعهٔ بدبخت است در سر تا سر ایران عملی و مجری دارند و رفاه با این مصارف بودجه بی مسمائیکه ما درنقطه طهران داریم این قافله تا بحشر

لنك است بلکه اگر پایه و اساس تعلیم و تعلم ما برای یکمدت دیگر (در برابر سیر برقی معارف دنیا) بهمین منوال ورویه رقت انگیز باقی بماند مدتی نخواهد گذشت که علاوه اینکه خودش از سیر خواهد افتاد سایر زحمات وخدمات برجسته اشخاص وافراد فوق العاده مملکت هم از پرتو آن نقش بر آب خواهد بود

زیرا همینطوریکه امورات عالم بر روی یك مرکز مستقیمی قرار گرفته و پایدار است همینطور هم امورات مملکتی عالم بر روی این مرکز و اصل متین قرار دارد که اگر در ارکان آن مرکز تزلزل وخللی پدید آید بالطبع کلیه امور مربوطه که تابع این کانون هستند بر حسب دلیل منطقی متزلزل و مختل خواهند شد ، پس بدلیل فوق معلوم و مدلل شد که خرابی اوضاع مملکتی عموماً وفساد اخلاقی جامعه خصوصاً باین جهت است که در ارکان مرکز امورات ما که عبارت از تعلیم وتعلم است خلل و نقصانی وارداست که می بایست در سایه تعلیم اجباری آن همه خرابیها اصلاح پذیرد

هموطنان عزیزما باز تکرار وباد آوری میکنم که ایران ما امروز بیش و پیش از هر چیز اولا محتاج به اصلاح مفاسد امور معارفی است و ثانیاً تصویب و اجرای ماده تعلیم اجباری را که بواسطه بی توجهی وکلاء مجلس ادوار سابق و زمامداران وقت در بوته تعویق و بیهوده تاخیر افتاده بود

بنابراین اکنون که نسبت به دیروز عصر نورانیت ایران است و مواجه با سلطنت اعلیحضرت پهلوی و افتتاح دوره ششم مجلس مقدس دارالشورای ملی است که اکثر افراد آن لیدر وبرجستگان ملت هستند بنده هم برحسب وظیفه ایرانیت و بنوبه خود این مسئله اهم حیاتی را مطرح و با فریاد و استغاثه هر چه تمامتر خاطر محترم وزمامداران مملکت را عموماً وکرسی نشینان ساحت مجلس شورای ملی را خصوصاً باهمیت آن معطوف ومتوجه داشته وباتقدیم رأی وعقیده ناقص خود در قسمت (راه عایدات برای مخارج ومصارف تعلیم اجباری) از هموطنان کرام تقاضا میکند که در این موضوع مهم هر کدام علی قدر مراتبهم بتوسط مقالات مربوطه مساعدت قلمی یا عملی یا زبانی فرمایند که شاید این راه نجات برای ما باز و این امر حیاتی تصویب وبموقع اجرا گذارده آید ، زیرا آن روزیکه این ماده شریف از تصویب مجلس بگذرد آن روز روز مولود سعادت ایران و ایرانی است آن روز روز طلوع ستاره مجد وعظمت ما است وآن روزی است خواهد بود که بالاخره عفریت جهل از این مملکت [illegible] گردید ، ای جامعه نجیب ایرانی و ای کسانیکه اعمال و کردار پدران و اجداد شما در تاریخ عالم مانند ستاره سهیل میدرخشید هان سر از خواب غفلت بردارید به بینید که آفتاب علم و معرفت سر تا سر افق عالم را از پرتو نور خود روشن و منور نموده مگر صفحه ایران را که هنوز تا هنوز مردمان آن درظلمت جهل باقی هستند ای فرزندان ایران که تقصیر ما دراین قسمت حیاتی در نزد وجدان خود مسئول ودرپیش حقوق ایرانیت شرمنده ومنفعل خواهیم بود باری ای اولیای امور و زمامداران مملکت و ای نمایندگان محبوب ملت که مقدرات ۲ ساله سی کرور نفوس ایرانی در این عصر بدست شما سپرده و داده شده وشما ای حساسین با شهامت جامعه همتی بلند نمائید که در این دوره ششم این ماده شریف از قانون اساسی برای عمل و اجرا تصویب شود و الا نقش ونگار دیواریکه از اساس متزلزل و از پای بند ویرانی است بی نتیجه و بلا ثمر خواهد بود

§ من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم §
§ تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال §

راه عایدات برای مخارج
و مصارف تعلیم اجباری

راه عایدات برای مخارج ومصارف تعلیم اجباری با اولین نظر منقسم به دو قسم است

قسم اول اینست که دولت بخواهد این مخارج و مصارف را از بودجه و عایدات مملکتی که برای ۱۳۰۶ در نظر گرفته شده تادیه نماید

قسم دوم آنستکه دولت بعلتی نتواند یا نخواهد مخارج تعلیم اجباری را از عایدات مالیات و طرق موضوعه عایداتی پرداخت نماید ، بنابراین اینك نخست قسم اول را در تحت دو ماده و سپس قسم دوم را به تحت سه ماده با تقاضای مساعدت از عموم هموطنان عرض و تقدیم میدارد

قسم اول ، ماده ۱ — مخارج و مصارف تعلیم اجباری را دولت میتواند در بودجه ۱۳۰۶ مملکتی (باختصاص نظری عایدات یك یا دو شعبه از منابع عایدات هنگفت از قبیل رسومات تحدید دخانیات ، یا رسومات و تحدید یا مطلقا عایدات منابع سه گانه وغیره وغیره (خواه از طرق مستقیم یا غیر مستقیم) منظور دارد

ماده ۲ — بنده عقیده مندم که دولت مخارج ومصارف تعلیم اجباری را می بایست از عایدات انحصار قند وچای که قبلا برای کشیدن خط آهن مملکت تحمیل داده شده و عملی آن فعلا برای ما مشکل و غیر مقدور است (ومتاسفانه آنهمه عایدات بلا ثمر و بی نتیجه مانده) پرداخت و تادیه نماید : زیرا فقط عایدات بی حد حصر انحصار میتواند مخارج تعلیم

اجباری و شاید ما از یک احتیاج سائر عوائد مملکتی مصارف نظام اجباری را جبران و تکافو نماید واضح است در صورت امکان این ماده اسهل و بهتر از ماده (۱) خواهد بود

(تبصره) تصویب و عملی و اجرای مفاد هر یک از دو ماده فوق الذکر در صورتی ممکن است که دولت بخواهد از عایدات و مالیات پیش بینی شده برای ۱۳۰۶ مصرف تعلیم اجباری بردارد و علاوه بودجه و عایدات مملکتی هم در مقابل آن دارای اعتبار باشد یعنی بعبارت اخری بشرط اضافه در نظر اولیاء امور و زمامداران وقت اوراق الزامی برای عملی شدن در پیش باشد و در صورتیکه اطراف این باشد که از طرق عایدات معموله برای این امر چیزی مصارف نکند میتوان از طرق ذیل تهیه مخارجی برای تعلیم اجباری نمود

● قسم دوم ●

ماده ۱ — وضع و تعیین مالیات چندی بنام (مالیات فوس) و تحصیل آن از هر فرد فرد افراد اهالی مملکت در عرض سال در حدود ده قران:

این ماده متضمن دو رشته است یکی اینکه این مالیات بدون امتیاز از وضیع و شریف و از فقیر و غنی با تعیین حدود ماخوذ شود و دیگری اینکه این مالیات فقط و فقط از متمولین مملکت و صاحبان ثروت و دارندگان املاک تعلق گیرد یا اینکه اخذ آن از روی استعداد مالی بوده باشد

تبصره — اجرای این ماده در صورتی بسهولت ممکن است که ما در تمام نقاط مملکت دارای اداره سجل احوال باشیم و الا عملی شدن آن بدون داشتن اداره سجل احوال مانند اجرای سایر مواد مالیاتی با اشکالات توام خواهد بود

ماده ۲ — دومین ماده‌ئی که دولت میتواند بسهولت آن را عملی و از آن استفاده کامل حاصل نماید این است که بهمان قرار دادیکه در سابق بنام معارف از باره مال التجاره های داخلی و خارجی از روی تکاء و عدل چیزی میگرفته است اکنون هم برای تعلیم اجباری با مزید مقدار وجه مقرری که آنوقت از گمرکات گرفته میشد برای تمامی مال التجار های داخلی و خارجی بلا استثنا قانون و قرار داد مزبور را تجدید نماید

۳ — برای سومین مرتبه از قسم دوم بنده عقیده مندم که دولت تمبری بنام (تعلیم اجباری) برای الصاق به نوشتجات از قبیل مراسلات پستی مزید به تمبر پست الصاق شود (و به تلگرافات و عرض حالهای عمومی (مزید بر تمبر عدلیه الصاق شود) و به مراسلات تجارتی تهیه نموده و آن را رواج دهد و یا اینکه بطریقه دیگری که بهتر مقرون صلاح باشد آن را ترویج نمایند، در خاتمه تذکر میدهد که در صورت تهیه راهی برای مصارف تعلیم اجباری صلاح آن است که دولت با تصویب ذوات مقدسه علماء یا برای مساعدت شخص عالم جامع الشرائط و با عقیده موافق مجلس شورای ملی موقوفات و اموال موجوده و سایر عوائد مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه را نیز پس از وضع مخارجات لازمه مرقد مطهر رضویه آن عایدات باید تا تکافو و جبران مخارج نماید — ولی در هر صورت واضح است که برای این امر طرق عدیده بسیار وجود دارد که اگرچه بر بنده پوشیده و مخفی است ولی بر زمامداران علاقه مند مملکت پوشیده نیست — در پایان از خدای مهربان تقاضا میکنم که مرا به نیل این آرزوی مقدس موفق دارد

(م - یوسف باری)

بیانیه جمعیت نهضت اقتصاد

هموطنان! پس از شروع جنگ بین المال و تحمل سالهائیکه خفقی وصدماتیکه در نتیجه مبارزه (میلیتاریزم) جنگجو نصیب ایران گشت، بعد از اینکه ایرانی در نتیجه صلح طلبی، از طرفی دچار تهاجم همسایگان شده و مخصوصاً قشون غارتگر روسیه تزار شمال و مرکز ایران را دچار انهدام و تاراج نموده و ملیونها خسارات متوجه این مملکت شد، بعد از اینکه مملکت بیطرفی مانند ایران نه تنها بقدر سایر دول بیطرف خود از بیطرفی بهره تجارتی نبرد بلکه بواسطه تاخت و تاز همسایگان در داخله ایران مانند دول متحارب متضرر گشت، بالاخره آفتاب صلح و سلم دنیا را نورانی نموده و ملل عالم برای جبران خسارات و ترمیم خرابیهای گذشته تکاپو در آمدند. ملت ایران نیز امیدوار بود که پس از انعقاد صلح عمومی و اعاده وضعیت عادی شکست و خسارت اقتصادی را جبران نموده و فقر و فاقه را که در مملکت تعمیم یافته بود برطرف سازد. لیکن بازار عمده شمال و مرکز ایران مملکت روسیه دچار انقلابات و تشنجاتی بوده که تقریب به آن مخاطراتی را تولید کرده و مشکلاتی مهم بین المللی را ایجاد مینمود، ولی دولت و ملت ایران بپاس علاقه ذاتیکه دو دولت را بهم مربوط میساخت و برای اینکه ملت ایران در داخله روسیه بازاری تهیه کرده و از روسیه راهی طرف اروپا باز نماید با حکومت انقلابی روسیه که در آنوقت از طرف اغلب دول مورد تهاجم و تهدید حیاتی بوده «بلوک» اروپائیان حلقوم روسیه را فشار میداد روابط دوستانه

دیرینه را تجدید نمود و درب مملکت را بر روی آنها و نمایندگان رسمی آنها و مؤسسات تجارتی آنها باز کرد این نوع استقبال دوستانه ملت ایران و شناسائی رژیم حکومت شوروی از طرف ایران از نقطه نظر پیشرفت سیاست خارجی روسیه فوق العاده ذی قیمت و گرانمایه بوده و جا داشت که رجال سیاسی حکومت شوروی برای پاداش دوستی کریمانه دولت ایران همه گونه وسایل تسهیلات را در رفع ابتلاآت سیاسی و اقتصادی و تهیهٔ موجبات عظمت داخلی و خارجی ایران فراهم سازند لیکن متأسفانه چهار سال از عمر روابط دوستانه بین المملکتین گذشت و سال بسال وضعیت اقتصادی ایران سخت‌تر شده جز تحمل ضرر و انهدام سرمایهٔ ایرانی نتیجه متوجه ملت ایران نگشت ـ ایرانی دشمن دیروزی خود را که عامل مهم خرابیهای مملکتش بوده ـ امروز با همه اشکالات و سوء نظرهای بین‌المللی در آغوش محبت فشرد ولی نمایندگان ملت دوست روسیه در عوض شفای آلام عمومی مملکت ایران فقط تضییقات اقتصادی و فشارهای تجارتی خود را که مبتنی بر هیچ اصل مرامی و (کنوانسیون) های تجارتی نبود بملت ایران تحمیل کردند ـ آنچه خواستند کردند و با هر گونه دستور و نظاماتی را که زائیده افکار بوالهوسانه آنها بود تجار ایران را اسیر و مقید ساختند ـ عملیات اعتساف کارانه آنها طوری است که در این نامه نمی‌گنجد مختصرش این است که خرید و تقویم مال التجاره را در داخله روسیه بموسسات شوروی اختصاص دادند و بالعکس در ایران برای اینکه بازارها و تجار و طبقات مربوطه ایرانی از امتعه و محصولات داخلی خود بهره‌مند نشوند در اقصی نقاط زراعتی ایران دلالان مخصوصی فرستاده و در سر خرمن محصولات ایرانی را از زارعین بی‌اطلاع ایران ثمن بخس خریدند برای جلب مال التجاره ایران بداخله روسیه درب مملکت خود را بروی تجار ایرانی باز کردند ولی پس از ورود درب خروجی را بسته و پس از آنکه تعیین نرخ عادله را به وسائل مخصوصه قدغن کردند عاقبت پس از ماهها معطلی امتعه ایرانی را بمظنه که میل و سیاست اقتصادی آنها بود و ورشکست و خسران تجار ایرانی را فراهم میکرد خریدند خلاصه عمال تجارتی روسیه با طرز جدیدی که باصول «استیلای اقتصادی» بیشتر شباهت داشت

بقدری ملت ایران را متضرر نمودند که بالاخره

تجارت شمال را فلج کردند

و طبقات کارگر وزارع ایرانرا بفقر عمومی مبتلا ساختند و تجار ایران را که عامل مؤثر ترقی و عمران مملکت هستند از میدان عمل و فعالیت خارج نموده عاقبت وضعیت رقت باری که سرتاسر شمال ایران را فرا گرفته است بوجود آوردند

هموطنان ! برای اینکه راه چاره‌ئی برای این بدبختیها یافت شود تجار ایران آنچه لازمه دوستی بود اعمال کردند مکرر به نمایندگان تجارتی حکومت شوروی تذکر دادند که طرز تضییقات آنها با حفظ روابط د[illegible] ملتین مخالف بوده و مصالح ملت روسیه به آن‌ها حکم میدهد که با ایرانی ملت همجوار و دوست کارگران روسیه با اصول عدالت و نصفت معامله نمایند ولی بدبختانه در مقابل نصایح و اعتراضات منصفانه تجار نمایندگان ساوتی ترهاتی بهم بافته و جواب هائی را که با عقل و سیاست اقتصادی و مصالح ملت روسیه تطبیق نمیشد ایراد نمودند

اقوی دلیل نمایندگان روسیه این بود که ملت روسیه استطاعت ندارند مانند سابق امتعهٔ ایران را ابتیاع کنند غافل از آنکه ایرانی مطابق معاهدهٔ دولتین آرزومند بود که روسیه بنام قدردانی از دوستی ملت ایران فقط راه ترانزیت و طرق حمل و نقل از راه روسیه را بروی ملت ایران باز کرده و اجازه دهند که کارگران و زارعین ایران حاصل دست رنج خود را در بازار های خارج روسیه بمعرض فروش گذاشته و منافع حاصله آنرا در خرید امتعهٔ روسی با زارعین و کارگران روسیه تقسیم و تسهیم نمایند

خلاصه بدبختی و صدمات عمومی بجائی رسید که زارعین و تجار ایران با یأس از صمیمیت اولیای شوروی از یکسال باینطرف بدولت متبوع معظم خود توسل جسته و این قدر ناله نمودند و فریاد دادخواهی را بلند کردند که عاقبت حکومت مستوفی را که تشیید روابط اقتصادی و سیاسی ایران و روس سر لوحه مرام وی بوده بروی کار آوردند ، کابینه مزبور با همه علاقه‌مندی بحفظ روابط دوستانه ذات‌البین عاقبت اعتراضات تجار ایرانی را تصدیق کرده و برای خاتمه دادن به بدبختیهای عمومی و اصلاح معضلات امور سفارت فوق‌العاده بدربار مسکو اعزام داشت با صمیمیت و احساسات صادقانه کابینه و ملت ایران و با وجود تمایل شخصی سفیر فوق‌العاده ایران در حل و تصفیه مسائل معوقه نمایندگان ساوتی و عمال دولت روسیه رضایت ندادند که قضایا با رعایت منافع طرفین حل شده و اصول علاقه همجواری و مودت محفوظ و پایدار بماند

فقط برای مشوب ساختن اذهان طبقاتی که از توازن معاملات اقتصادی بی‌اطلاع هستند قبول پیشنهاداتی

را که بخسران و ضرر فاحش ملت ایران تمام میشد به نماینده ایران تکلیف کرده و در اثر اعتراضات تشکیلات اقتصادی ایران بدون ادامه مذاکرات و ابراز حسن نیت در حل قضیه مذاکرات را قطع کردند

هموطنان ! دولت و ملت ایران صمیمیت خود را در شناختن طرز حکومت انقلابی روسیه در چهسال قبل بمنصه ظهور رسانیده و ابرای سلامت نفس و شعائر ملی خود را در فراموشی از سوابق خونین بی لطمکتیین کاملا انشاف نموده و تا آخرین درجه امکان ماجرا جوئی و تحمیلات غیر عاقلانه عمال تجارتی حکومت ساوت را تحمل کرده

ولی فقر و فاقه طاقات کاسب کسار و مکنت و پریشانی زارعین ورشکستی و اضمحلال تجار ، احتضار و مرگ عمومی اجازه نمیدهد که بیش از این رد باری و سلامت طلبی و حساب داری را رعایت کرده رضایت دهیم که حتی باستقلال و خاصیت ملت ایران لطمه وارد شود .

لذا تجار گیلانی که بنا بسابقه نزدیکی با کمال سفسطه جو و تکلیف ... روسیه آشنائی داشته و از آمال غیر عاقلانه و تسلط جویانه اقتصادی آنها کاملا اطلاع دارند تصمیم گرفتند که در مقابل اجحافات و تعرضات اعتساف کارانه نمایندگان ملت روسیه مقاومت ورزیده و نشان دهند که ملت ایران تا حدود امکان و توانائی مزایای ملی خود را در حفظ دوستی رعایت کرده است و بعد از این بر کارگران روسیه است که با عمال دستگاه دولت روسیه » با نظر دقیقانه و موشکافانه نگریسته شاید زمام داران روسیه را متنبه ساخته و بانها بفهمانند که دوستی ملت ایران گران بها تر از آن است که دستخوش سیاست غایل جمعی منفعت پرست متحزب یا تجمل طلب (مارکیسیست نما) واقع گردد

لذا اکثریت تجار گیلانی و تجار مقیمین گیلان در تاریخ پنجم شهر رجب برای اتخاذ تصمیم قطعی اجتماع نموده و پس از مطالعه وضعیت و بدبختیهای فوق الذکر تشکیلات محکم و پایداری را بنام (جمعیت نهضت اقتصاد) بوجود آورده و خط مشی اساسی خود را بشرح آتی بقید سوگند بمقدسات دیانتی و نوامیس اجتماعی تقبل و اجرای آنرا بهمکاران نزدیک و دور خود اعلام و عموم تجار ایران را به تعقیب این نیت مقدس دعوت نمایند .

۱ - تقاضای توازن واردات و صادرات و معامله متقابله با دولت شوروی از دولت ایران

۲ - تقاضا نمودن از هیئت دولت و مجلس در قدغن ورود اشیاء تجملی از کلیه سرحدات ایران - برای اجرای مواد دوگانه فوق تصمیمات ذیل را متعهد شدند

۱ - شرکت نکردن در مکاره بادکوبه که در آتیه نزدیک افتتاح خواهد شد

۲ - درخواست برچیدن کلیه مؤسسات تجارتی دولت شوروی از اولیای معظم دولت

۳ - متقبل شدن تا انعقاد قرارداد تجارتی شرافتمندانه که متضمن منافع طرفین است هیچگونه معاملاتی با دوائر شوروی ننمایند

۴ - در صورت عدم مساعدت دولت باستدعیات تجار قاطبه اهالی مجبور خواهند شد که بوسایل ممکنه از ورود امتعه بنادر شمالی جلوگیری نمایند

۵ - کسانیکه برخلاف مقررات مرقومه رفتار نمایند منفوریت عامه را بخود جلب نموده و اعضاء نهضت موظف خواهند بود خیانت چنین شخصی را بوسایل مقتضیه اعلان و از جامعه ایرانی طرد نمایند

بطوریکه فوقاً ملاحظه فرمودید مواد فوق تصمیمات عاقلانه و مبنی است که در پی تشنج افکار عمومی بوجود آمده و اگر برخی از عناصر نالایق وطن مواد وطن پرستانه فوق را محترم نشمارند یا مؤسسات تجارتی روسیه بخواهند با حرص و آز خود احساسات ملت ایران را لگدکوب سازند یا تجارت خارجی روسیه در اثر افتتاح نو موقع مکاره بادکوبه که مطابق نظامنامه منتشره ساوت روسیه کاملا بر ضرر ایران تمام خواهد شد در نظر بگیرند که بعضی از معامله کنندگان بی اطلاع ایران را تطمیع و اغفال نمایند مسؤلیت هر گونه پیش آمد ناگواری متوجه آنها میباشد

خاتمتاً بدولت محبوب معظم ما عرضه میداریم که توسعه فقر و فاقه عمومی نزدیک است در اساس انتظامات و آسایش عمومی تزلزل مهمی وارد سازد ولی ادامه مبارزهٔ جمعیت نهضت اقتصاد تا وقتی است که دولت متبوع مفخم ما بتواند با در نظر گرفتن مصالح اقتصادی مملکت و منافع ملتین روس و ایران بانعقاد معاهده تجارتی آبرومندانه موفق شود

جمعیت نهضت اقتصاد

حبل المتین

ما ثبات پاک و مقاومت تابناک جمعیت نهضت اقتصاد را تمجید نموده تذکر میدهیم ثبات هر ملت اعم از سیاست واقتصاد بسته بخشونت مقدار و استقلال افراد آن ملت است هر ملت که در مقابل اجحافات سیاسی و اقتصادی بیگانه تسلیم شود حتماً غلام خواهد شد ملت آزاده ملت زنده . ملت مستقل . حق تساوی با جمیع ملل دارد مسئله ضعف مالی قلت نفوس کوچکی مملکت هیچ مربوط بمسئله تساوی حقوق نیست ملت کوچک دو سه ملیونی سویس و شش هفت ملیونی بلجیک و هلاند و امثال آنها در مقابل دول قویه عالم

وسیله بر جمعیت مانند فرانس لیمان انگلیس و امریک وغیره یکسان حق تساوی ابراز میدهند افراد ملت نه تنها باید حقوق خود را بشناسد بلکه باید برای حفظ حقوق ملیهٔ خویش از هیچ گونه فداکاری دریغ ننماید هر ملت که بحفظ حقوق خود قیام نمود کاملا بحق خود رسیده و برعکس ملت تراکت شناس ملت گریه کن ملتیکه مظلومیت را سرمایهٔ شرف و نجابت و عزت و افتخار خود پنداشته هواره زیردست و خوار و زبون اجانب خواهد ماند فلسفه دلت ایران تعدی دیگران وایرانی مملکت زردستو اجانب همانا ترس و چشم‌پوشیهای ماحق است که هواره اولیای این دولت درمقابل تجاوزات اجنبیان اختیار نموده چیزیکه بخاطرشان خطور نکرده تساوی حقوق با اجنبیان است ملت باید در ابراز حقوق شناسی دولت را تشجیع کند ملت باید پشتیبان دولت گردد تا در حفظ حقوق ملیه با دول اجنبیه بمقابله بمثل قیام نماید ملتیکه از خشونت احتراز کند زنده نیست ملتیکه از سر نیزه خیالی دشمان توهم کند بدست خود قبر خویش را میکند ای ملت محبوب ای غیرتمندان گیلان و آذربایجان جسارت مشروع اختیار کنید و خشونت مقدس را از دست ندهید که آنچه شما را بحقوق ملیه برساند جز خشونت مقدس و جسارت مشروع دیده نمیشود سیاهان افریق در سایه خشونت مقدس حقوق خودرا محافظه میکنند و فرزندان کیان که معلم اول تمدن عالم شناخته آمده از جان دوستی و ترس موهوم خویشتن را دچار مذلت و وبهودیت ساخته در خانه خود اختیار اموال خویش را ندارند چه رسد ببازارهای بیگانه

§ تن در مده بجز خشونت مقدس است §

* * *

از بحرین می نویسند

آقای قوام‌الملك با یکهزار قشون وارد لار شدند و مامورین چند جهة احصار خوانین و مشایخ فرستاده اند از قرار معلوم تا هنوز جز محمد رزاق بستکی کسی دیگر به لار نرفته و سرداری دیگر که اسمش درست بخاطر ندارم با عده قشون هم ازطریق فراشبند و فیروز آباد مصمم بمحاب و بنادر فارس هستند ونیز عده دو هزاری هم از بوشهر بطرف دشتی و دشتستان حرکت نموده اند و از افواه هم مسموع می شود که خود اعلیحضرت شاه پهلوی هم وارد باستهان شده اند

دربن ایام اخیر یك جهازی در بندر دستور که از بنادر شیخ مذکور است جنس قاچاقی درحمل داشته و با رفقای بلافر مصادف می شود مفتش خواسته که تفتیشکیهای شیخ مذکور را تفتیش و اول جهاز می نمایند و شلیك چند به لنج دولتی می نمایند دو نفر از رفقای مفتش که در لنج بوده اند مجروح و لنج هم معیوب میشود چون شیخ مذکور پول دارد و مامورین ایرانی هم تمایل بپول خیلی دارند ممکن است که زودی پول شیخ مذکور این قضیه را تصفیه نماید ـ

* * *

از طهران مینویسند

اوضاع طهران از بد هم بدتر شده است محمد ولی میرزا کلی که به آب داده ظاهرا نتیجه اش را حاصل می‌نماید آقای مستوفی از کار کناره گرفته اعلیحضرت جدا مانع استعفای ایشانند ولی یقین است مستوفی دوباره بر سر کابینه بیاید اگر آقای مستوفی را نتوانند راضی کنند تصور میرود آقای تیمور تاش وزیر دربار اعظم و یا آقای فروغی وزیر جنك بریاست وزرا منتخب آیند اکثریت مجلس را آقای تدین هم‌دارند شماره ۲ و ۳ ه توام و گویا دوسه آقای وثوق بود دست و پای ایشان را قسری سرد نموده ولی بشما اطمینان میدهم که این مرد کسی نیست که از این حرفها از میدان بدر رود نقشه خود را انجام الذی بمقتضای موقع و وقت دارد او پیش میبرد مسافرت اعلیحضرت بطرف جنوب بمناسبت همین هیاهوها تکمیل نتواند شد ـ

بودجه سال ۱۳۰۶

وکلا خیلی ساعی اند ملکه بودجه ۱۳۰۶ را قبل از نوروز از مجلس بگذرانند و گویا هم یك چیزی که اسمش بودجه باشد خواهند گذرانید ولی بودجه مکمل نیست نظارت بر مصارف بودجه‌های وزارت خانه‌ها تا چند دوره مقننه صورت نتواند بست وزیر نباشد معاون که هیئت سایر اعضاء که هستند فائده عمده وزارت خانه ها دراین است که نگرانی کامل خرج نشود هنوز مصارف هر وزارت خانه گویا باختیار وزیراست و اگرجزئیات مصارف تحت نگرانی مجلس آمد وزارت دیگرفائده ندارد آدم زردآلو را برای هسته‌اش میخورد از این‌رو خیلی کوشش خواهد شد که این بودجه هم مثل سابق بودجه چهار دیواری باشد فرقی که خواهد داشت با سابق همان اضافه اعتبارات وزارت خانه‌ها خواهد بود اعظم وزارت خانه‌ها وزارت جنك است که بودجه آن قریب ۲۰ کرور است اگر این بودجه از چهار دیواری بیرون آمد سایر بودجه‌ها نیز بیرون تواند آمد بعقیده من باین آسانی بودجه وزارت جنك را نمیتوان تحت نظارت کامل در آورد مجلس ما هم که باسم قانع است همینکه گفته شد بودجه بمجلس آمده وارد بمجلس هم میگذرد کافی تصور کرده اند

فروش خالصه جات

لایحه فروش خالصه جات هم خیلی بغرنج شده آراء وکلاء و ارباب قلم مختلف است جماعتی منکر اند بفروش خالصه جات و عقیده شان این است که خالصه جات بارزاق عمومی مدد بزرگی میرساند و می گویند دولت باید انتظام صحیح نموده برای تعمیر خالصه جات یك مستشار فلاحتی جلب و ماشین های زراعتی وارد نموده از عمران املاك خالصه سر مشق بزرگی بسایر زراعین بخشوده منافع عمده نیز حاصل نمایند برخی را عقیده اینست که اگر دولت یك کرور بروی املاك خالصه خرج کند و ماشین الات زراعتی با تخم و لوازم دیگر آماده و سه ساله تا پنج ساله اجاره املاك را قطعه قطعه بمزایده گذارد چند سال طول نکشد که عایدات دولت از خالصه جات بدو ملیون بالغ خواهد آمد و ارزاق عمومی هم فائده خواهد رسید و دولت هم محتاج بخرید جنس وغیره نخواهد شد جمعی دیگر می گویند املاك خالصه را بدون اختصاص بمزایده گذارند ولی اقل قیمت را بجای ده گونه ۵ گونه قرار دهند و این عقیده ملاکین پر پول است و بدین وسیله می خواهند املاك خالصه را از کف دولت ربوده بملت هم فایده عاید نگردد جماعت دیگر میسرایند که چون املاك معلوم نیست کدام حق دولت است و دعاوییم بر آن املاك بسیار است بهتر است دولت مالیات معتدلی بر آنها نهاده بساکنین دهات و قراء واگذار نماید جمعی دیگر عقیده دارند که املاك خالصه قطعه قطعه کرده فقط بان کسانی واگذار کنند یا بفروشند که بدست خود زراعت نمایند بیشتر از اشخاص منور الفکر را عقیده این است که املاك بین زارع تقسیم شود و اگر بزارعین فروخته آید مشروط بر این باشد که انتقال آن اراضی بملاکین قانوناً ممنوع آید هنوز مسئله تصفیه نیافته و خیلیها غرض اصلی دولت را از فروش خالصه جات که سرمایه بانك ملی باید بشود از نظر دور داشته اند اگر خالصه جات بزارع فروش شود و باقساط قیمت آن گرفته آید هم دولت بمقصود خود میرسد و هم املاك آباد میشود و هم زارعین بنوائی میرسند خصوصاً ازاین بعد چون اسباب سهولت در حمل ونقل پیدا شده و میشود املاك بیش از انچه امروز تصور میکنند عایدات خواهد داشت خصوصاً وقتیکه راه آهن کشیده آید ایرانرا ازاینکه در موضوع مراسله دولت بکمپانی نفط مشغول به بازی اند درفروش خالصه جات هم دست قوی درکار دارند .

(تعلیمات عمومی)

چنانچه نگاشتیم وزارت معارف لایحه تعلیمات عمومی را بمجلس پیش نموده وهنوز در کمیسیون ها دور میزند ارباب دانش را بیشتر عقیده آنست که این لایحه ناقص و عملی نیست و میگویند تعلیمات عمومی اجباری باید باشد و حق هم با آنها است چه در ایران تا وقتیکه تعلیمات عمومی اجباری نباشد نمیتوان اطمینان نمود که افراد زارع و کاسب و حمال بخودی خود اولاد خویش را بتعلیمگاه سپرده از نفع آنی خود برای فائده آتیه طفل صرف نظر نماید هیچ جای دنیا تعلیمات عمومی بدون اجبار صورت نه بسته نمیتوان متوقع بود که این مسئله در مردمان ایران صورت بندد ستاره ایران دران موضوع بیش از سایر ارباب قلم حصه گرفته مسئله‌را نیکوتشریح نموده وکلای ملت را متذکر میسازد وزیرمعارف هم این نکته را تصدیق دارد ولی دو مقصود برای اجباری نکردن تعلیمات عمومی ذکر میشود اول قلت بودجه که اگر تعلیمات عمومی اجباری شود بجای ۲۵۰۰ مدرسه که میگویند خواهیم داشت ۱۰۰۰۰ مدرسه لازم خواهد آمد واقل بودجه که برای این امر میتوان قائل گردید بطور متوسط ۵۰۰۰۰۰۰ تومان است و بودجه عمومی امروزه گنجایش این مبلغ را ندارد . دوم اینکه معلمین هم ۵ برابر امروزه خواهیم خواست فی الحال این عده موجود نداریم ولی کسانیکه تعلیم عموم اجباری را قائلند عقیده شان اینست که اگر همان طلاب مدارس قدیمه را مواجب کافی دهند در اندك زمانی میتوان بیش از لزوم کنونی معلمین امتحان داده برای مدارس ابتدائی مهیا کرد اما در خصوص قلت بودجه عقیده شان اینست باید یك مالیات جدیدی وضع نمود و عایداتش را منحصر به تعلیمات ابتدائی قرار داد میگویند این لایحه در تعلیمات عمومی تبعیض را لازم خواهد آورد که منافی با اصول کانستیتوشن و مساوات است چه از روی این لایحه ربع اطفال بیشتر تعلیم نتوانند یافت این ربع را که تعلیم دهیم سه ربع دیگر محروم خواهند ماند و این اصول تبعیض است که در حکومت مشروطه نا جائز و ناروا است هنوز معلوم نیست که وکلای مجلس چه اصول عملی در این لایحه هم اختیار خواهند نمود

شیلات بحر خزر

میدانید ٤ مسئله بین ایران و روس مختلف فیه بود اول شیلات بحرخزر نه تنها روسیه برای خوراك محتاج بصید حرام است بلکه یك از تجارتهای بزرگ است چه خاویار را در روسیه برده پس از آنکه باندازه لزوم خود صرف کردند در قوطی های قشنگ کوچك گذارده و ترتیب داده برای فروش باروپا میفرستند و مال التجاره عمده است یکی از دوستان حکایت کرد که یك قوطی که مطابق یك گیروانکه باشد در

یاریس برای لیره انگلیسی بفروش میرسد این اختلاف مرتفع آمده بچه اصول و چه قانون هنوز معلوم نیست همین قدر معلوم است که روسها در کلیه سواحل بحر خزر مشغول بکار آمده و بصید حرام شروع کرده اند چون گفتگو بود که با ایران در این امر شرکت داشته باشند برخی هم چه تصور میکنند که کار کردن در شیلات با شرکت ایران است تمام عمارات مستاجر سابق شیلات لیانازوفها را تصرف و خیلی هم بر آنها افزوده اند میگویند زمانیکه شیلات خوب کار میکرد بالغ بر صد هزار نفوس ایرانی از این ممر امرار معاش می‌نمود در حقیقت مزدور و عمله بودند وسائلی ملیونها بهمین مناسبت جلب ثروت از خارجه می نمودند حالا بطوریکه شروع شده بعید نیست خیلی بر رونق این تجارت بیفزاید

ترانزیت

یک از مسائل مختلف فیه بین ما و روسیه مسئله ترانزیت بود که از روی قرار داد ۱۹۲۱ روسیه متعهد اجراء آن بود ولی ببهانه اینکه قرارداد تجارتی بسته نیامده آنهم معوق مانده بود از این طرف که مسئله شیلات تصفیه شد ترانزیت نیز جاری گردیده است نهایت اینست که باید از نمایندگان روس جواز گرفته شود این مسئله نیز بعقیده بسیاری حل گردیده فقط سه مسئله دیگر باقی است یکی برت پهلوی دوم سپردن فیروزه وغیره وتعیین سرحدات مختلف فیه سوم قرار داد تجارتی

قرار داد تجارتی

این مسئله خیلی اسباب جنجال شده و خساره عمده نیز بایران وارد آورده است دولت مستوفی تاکنون در حل این مسئله عاجز مانده مردم در این موضوع سه طبقه شده اند جماعتی بر آنند که هرقسم باشد باید قرار داد را تصفیه نمود ولو بضرر ایران باشد و اینها همان جماعتی اند که در سرحدات روس واقع شده وفقط کارشان منحصر با روسیه است این جماعت از روی ناچاری و لا علاجی خیر و شر و نیک و بد را ندیده چشم بسته فشار بدولت آورده و می آورند که تسریع در تصفیه قرار داد نمایند پروپاگنده های روسیه نیز در عقب این جماعت است ومائلند که دولت مجبور شده هر تکلیفی که از طرف روسیه شود قبول نمایند طبقه دوم تجار سلیم العقیده اند این ها میخواهند قرارداد بسته شود باصول معتدل تا در آینده مورث ندامت و پشیمانی ملت نگردد و اسباب خساره تجارت فراهم نیاید و در عقب این طبقه هم من غیر التفات پروپاگنده های انگلیس موجود است که خیلی اشکال تراشی و ایرادات لا یتناهی بر مواد قرار داد وارد می نمایند طبقه سوم هوچیان و جنجالیانند اینها نیز بر دو دسته اند دسته بر علیه قرارداد و مواد آن گفتگو میکنند ودسته برله آن روسها نیز که اشکالات دولت را یافته بیش از پیش خود را سنگین گرفته تا جائیکه مذاکرات در موضوع قرارداد متروک آمده است معلوم است که مخالفین کابینه مستوفی یعنی همان آقایان جاه طلب هو و جنجال را انداخته میگویند چون کابینه مستوفی از عقد قرارداد با روس عاجز آمده باید معزول آید ولی هیچ تصور نمیکنند و در علل حقیقی تعویق امر غور نمی‌نمایند که آیا در انحلال کابینه مستوفی رفع اشکالات و اختلافات خواهد شد یا نه هوچیان در پی عقد قرار داد نیستند و خیالشان اینست که خود بنوائی برسند عجب وضع بدی طهران پیدا کرده انسان هرجا که برود یک نوای خاصی میشنود همه از روی غرض و بی اطلاعی و بی اساسی است از چند سال باین طرف اوضاع طهران را مثل امروزه ندیده بودم همه اینها از برکت قدوم میمنت لزوم آقای وثوق است شنیده‌ام گفته‌اند برخلاف مخالفین خود تاوقتیکه مجدداً مسند ریاست وزرا را بقدوم خود مزین نسازم دست نخواهم کشید ولی از این آیه شریفه گویا غفلت ورزیده اند عسی ان تکرهوا شیئاً وهو شر لکم

تشکیلات قشون ایران

در دورهٔ سلطنت پهلوی نه تنها وضعیت نظام تبدیل یافت بلکه اسامی و ترتیب و درجات نظامی هم تغییر نموده است و تمام درجات و مقامات و اسامی بزبان فارسی تسمیه گردیده و از این قرار است :

اسامی

بند . ردیف . رسد ـ گروهان ـ گردان . فوج . لشکر

شرح

از بند و ردیف رسد تشکیل میشود ، بسته به نظریه رئیس قسمت است

از سه رسد یک گروهان تشکیل می شود ، که عبارت از یکصد و پنجاه نفر باشد

از سه گروهان پیاده و یک گردان پنجاه تیره یک گردان تشکیل میشود (پنجاه تیره یک نوع تفنگ مسلسل است)

از سه گردان یک فوج تشکیل میشود

لشکر بسته بمنطقه و موقعیت محل است ـــ قدر اقل اینست که می بایستی یک لشکر از صنوف مختلفه بشرح ذیل تشکیل شود

مثلاً یک فوج پیاده ـــ یک فوج سواره ـــ یک فوج توپخانه

و یک واحدی نیز در قشون موجود است که موسوم به تیپ است و این تیپ در تشکیلات فعلی

قشون بجای لشکر کار می کنند مانند تیپ مستقل شمال و این تیپ مستقل میبایستی از صنوف ثلاثه تشکیل شود

صنوف قشون ـ سه صنف صنف اصلی است و این صنوف به الوان مختلفه از یکدیگر ممتاز می شوند

صنف پیاده ـ علامت پاگن و علامت دیگر لباسش گلی است

صنف سوار ـ علامت پاگن بهمچنین سایر علاماتش سبز رنگ است

صنف توپخانه ـ علامت آبی رنگ است و بهمین رنگ شناخته می شوند

صنوف معاونه نیز در قشون موجود است که آنها هم برنگ مخصوص از یکدیگر ممتاز میشوند

صنف ارکان حرب ـ	علامت	صورتی رنگ
صنف مهندس —	»	آبی آسمانی است
صنف نقلیه —	»	زرد رنگ است
صنف صحیه —	»	ارغوانی است
صنف بیطار —	»	سیاه است
صنف محاسبین —	»	سفید رنگ است

درجات قشون ایران

تابین ـ بدون علامت فقط دارای کلاه پهلوی و پیراهن و پالتو و شلوار که ازحیث رنگ نسبت بقسمتهای خود از یکدیگر شناخته می شود

تابین اول ـ سرآستین راست یک نوار زرد رنگ بطول دو سانتیمتر و عرض یک سانتیمتر دوخته میشود

سرجوقه — دو نوار

وکیل راست ـ دو نوار بعرض پاگن در سر دوش خود دارد

وکیل چپ — یک نوار

وکیل باشی — سه نوار

معین نایب ـ نوار پهن بعرض سه سانتیمتر و عرض پاگن از سر دوش خود دارد و این معین ـ رتبه دارد اول دوم سوم که ازحیث حقوق با یکدیگر امتیاز دارند

نایب سوم ـ پاگن ساده از جنس پارچه لباس خود از سردوش خود نصب مینماید یک قیطان برنگ صنف دور پاگن خود باید بدوزد

نایب دوم ـ همان پاگن نایب سوم را دارد یک ستاره شش پر کوچک روی هردو پاگن باید بدوزد

نایب اول — دو ستاره

سلطان — سه ستاره

یاور ـ همان پاگن نایبی است یک ستاره هشت پر بزرگ شبیه بستاره صاحبمنصبان انگلیس است برسر دوش خود نصب می نماید

نایب سرهنگ — دو ستاره

سرهنگ — سه ستاره

سرتیپ — یک تاج و دو ستاره شش پر که که بعوض پاگن باید بدوزد

امیر لشکر — سه ستاره و یک تاج

سپهبد — یک تاج و یک ستاره شش پر

فرمانده کل قوا ـ علامت پاگنش یک تاج بدون ستاره

داریم پس میرویم

وقایع نگار حبل المتین از طهران بمقاله بعنوان داریم پیش نه پس میرویم نگاشته بود دلائل اتباعوهم بروفق عقیده خود اظهار داشته اند اگرچه در بیانات وقایع نگار موصوف نقائص عمل اظهار شده بود آقای دشتی مدیر روزنامه شفق سرخ آنرا نگاشته برای قضاوت عموم قارئین حبل المتین عیناً مینگاریم

(طهران تاریک است)

طهران تاریک است و ظلمت آن همه جای ایران را تاریک نموده است

بیائید قدری بیغرض بشویم، این عینکهای رنگارنگ اغراض را از جلوچشم خود برداریم طهران و ایران و اوضاع زندگانی خودرا آن طور که هست نگاه کنیم

یکدم تمام ساعت آلایش سیاستهای شخصی طهران را که در نظر دنیا مضحک و قابل استهزا است از خود دور کنید. اهمیتی باین قضیه ندهید که بعضی درصدد کابینه آقای مستوفی را ساقط نموده و آقای وثوق الدوله را علم کنند و برای اجراء این نقشه تقلا های مضحک میکنند و دسته دیگر بقاء کابینه مستوفی را صلاح مملکت میدانند و برای ابقاء آن تکاپوهائی دارند و فورمولهائی مناقض فورمولهای دسته دیگر پیدا میکنند. به هیچکدام از این دو قضیه اهمیت ندهید ـ هردو بازی است. هردو مرکز میهمانی است که سیاست بافان طهران برای خود تهیه کرده اند ـ از همین بازیهائی است که بیست سال است مشغول آن هستند و مملکت در سایه آن رو بانحطاط رفته است. نه مستوفی میتواند باین مملکت سعادتی ببخشد نه وثوق الدوله میتواند با تصویب نامه و سرنیزه اجتماع نمونه کفایت و فعالیت ( ) جامعه شما معرفی شود

این بازیها و امثال آن و تمام آن چیزهائیکه همیشه در طهران مورد بحث و انتقاد و تحسین و تقبیح واقع میشود و سیاست بافهای بیفکر و خودخواه و منفعت جوی طهران مثل یک دسته مگس در اطراف آنها وز وز میکنند و اسم وز وز آنها در قاموس سیاست طهران نطق و مقاله و کمیته و حزب و فراکسیون و دسته بندی و مذاکرات و جلسه و اقدام

وغیره وغیره نامیده میشود ـ تمام اینها بقدر کارخانه کبریت سازی تبریز و بقدر یك ماشین پارچه بافی اصفهان، بقدر ترجمه یك کتاب مفید وحتی بقدر کاشی سازی همدان و قم از لحاظ حیات و زندگانی قدر و قیمت ندارد

طهران شما تاریك است و ابدا پرتو امید در آن مشاهده نمیشود و اهالی ولایات دیگر بطهران شما امیدی ندارند زیرا غیر از ظلمت و بدبختی از طهران برای آنها چیزی فرستاده نمیشود

طهران چه میکند ؟

طهران یك ماشین فعالی شده است که مصیبت و بدبختی تهیه کرده و برای ولایات میفرستد، طهران کورکورانه قوانین وضع میکند و از قوانین خود نفوس یك مملکتی را محکوم به بدبختی می نماید، طهران وزارتخانه‌ها تاسیس میکند وسربازهای غیرقابل تحمل بر دوش ناتوان مردم تحمیل میکند. طهران مجلس شوری دارد ولی هنوز مردم ولایات از این مجلس شوری چیزی نفهمیده اند، طهران کابینه و هیئت دولت دارد ولی هیئت دولت یا از حوائج و بدبختی های مردم اطلاع ندارد و یا اگر اطلاع داشته باشد برای آنها کاری نمیکند. طهران مامورین بولایات میفرستد ولی وظیفه این مامورین یا باسامی مختلفه غارت اموال و هستی مردم است یا بافورمولهای لفظی قانونی مردم را بفشار و مضیقه انداختن و آنها را از کسب و کار باز داشتن و بممالك اجنبی آواره کردن است، این است وظیفه مامورین شما

طهران شما باگازانبر گوشت وپوست رعایا را از بدنشان میکند و باسم شهریه و حقوق و اضافه حقوق بدهان مفت خوران خود میگذارد

طهران شما همه چیز دارد ولی همه چیز آن تاریك و برای سعادت این مملکت بی اثر است

طهران وزارت خارجه دارد ولی بروید از وزارت خارجه خود بپرسید خط مشی سیاسی آن چیست، چه پلتیکی را در روسیه و انگلیس و عراق و افغان و ترکیه تعقیب میکنند. وقتی مامور خود را به بادکوبه یا بغداد یا مسکو یامصر یا آلمان میفرستند چه دستوری باو می دهد ؟

از وزارت خارجه خود بپرسید دولت‌های بزرگ و کوچك همسایه شما در چه حالی هستند، اوضاع اقتصادی و نظامی و اجتماعی و مطامع سیاسی و طرق مشی آنها چیست از وزارت خارجه خود بپرسید این کارگذاری های عریض و طویل برای چیست و در عرض سال چند مسئله مهم بواسطه این مؤسسات حل و تسویه میشود مقصود از فرستادن قونسول و وزیر مختار با آن توجه افتضاح آمیز و با آن سوء انتخاب منتج تر چیست ؟

انسان خجالت میکشد بگوید قونسولخانه بغداد اقامت نداشت وبالاخره کفیل قونسولگری چون شخصا رو در بایستی‌هائی در عراق داشت ده روز قبل از جیب خود تلفن نصب کرد، انسان خجالت میکشد بگوید قونسولخانه های عراق شما چراغ برق ندارد در صورتیکه در هر میخانه ها تا صبح چراغ برق میسوزد انسان خجالت میکشد بگوید یك قونسول شمارا درخاك اجنبی یعنی همان محل ماموریت خود حکومت محلی توقیف نمود، انسان خجالت میکشد بگوید یك قونسول دیگر پانصد روپیه از یك قونسول اروپائی قرض کرده و بعد بدون اینکه قرض خود را پس بدهد میخواست از آنجا حرکت کند، انسان خجالت میکشد بگوید یك قونسول قریب دو سه هزار روپیه باشخاص متفرقه مقروض شده بود و بدون اینکه حساب مردم را بدهد میخواست حرکت کند نظمیه محل اورا توقیف نموده و بالاخره زنش رفت بکرمانشاه و مطالبات مردم را فرستاد تا شوهرش آزاد شد،

راستی انسان خجالت میکشد آنچه میداند بگوید، ملل جاوه و کنگو و سوماترا هم مارا باین طرز تشکیلات لعنت خواهند فرستاد

طهران وزارت داخله دارد، بهترین نمونه برای عظمت و مفید بودن این وزارت خانه این است که بروید باوزیر فعلی آن ده دقیقه صحبت کنید، اگروزیر داخله شما توانست ده دقیقه مربوط صحبت کند سرمرا بشکنید،

فائده این وزارت داخله چیست، این دارالعجزه را برای چه نگاه داری کرده اید، نمایندگان این وزارت خانه در ولایات بیشتر مستحق ترحمند تاتحسین گویا وزارت داخله در قدیم و جدید برای این بوده است که نمونه‌ای از بدبختی و مصائب این ملت را بدنیا نشان دهد

طهران وزارت عدلیه دارد ولی برای اینکه فرض کنید بدون دلیل وبا اصل هو و احساسات فروشی میخواهم حرفی بزنم، وتنقیدی بکنم برای یك مرتبه هم شده است مثل ممالك آدمها متشبث به احصائیه بشوید واز روی احصائیه ببینید اگر در صد پنجاه بلکه چهل حتی سی نفر از عدالت طهران شما خوشنود هستند شما بجای « عدلیه اعظم ! » « جمله عدلیه اعظم افخم اشرف امنع » را بر روی کاغذ پاکتهای وزارت عدلیه و بر تابلوی ادارات قضائی بنویسید ما هم بداشتن یك همچه عدلیه ای که بعضی مدعی العموم های آن با نظمیه ها هم دست میشوند قضات آن

شاهکارمتنها دست یکی نمیکنند و بالاخره قوانین در آن تبعیض نمیشود، و در صد مرافعه فقط هشتاد حق پایمال میشود مباهات خواهیم نمود

طهران وزارت معارف دارد

اما این وزارتخانه از همه مضحک تر و مسخره آمیزتر است . وزارت معارف بی کتاب ، وزارت معارف بدون پروگرام ، وزارت معارف بدون علم ، وزارت معارفی که نقاشی را از معلم عربی میخواهد ، وزارت معارفی که شیمی درس میدهد بدون لابراتوار و طب درس میدهد بدون تشریح ، و برای مدیریت مدرسه و ریاست معارفش سواد کافی و تحصیلات عالیه را شرط نمیداند ، وزارت معارفی که بودجه آن فقط هشتصد هزار تومان است . وزارت معارفی که اونیورسیته و یك کالج و یك دارالمعلمین عالی ندارد ، وزارت معارفی که ورزش جزء پروگرام مدارس آن نیست ، وزارت معارفی که تاکنون یك کتاب لغت و یك دوره تاریخ برای این مملکت تهیه نکرده است وزارت معارفی که از علوم و معارف دنیا ابداً اطلاعی ندارد ، وزارت معارفی که نمیداند مدارس را برای چه تاسیس میکنند و از این مدارس چه میخواهند و چه نحو شاگردانی بیرون باید بیاید ، وزارت معارفی که هنوز باصول تعلیم یك قرن و نیم قبل رفتار میکند و از آراء جدید علماء تربیت و علم النفس ابدا اطلاعی ندارد — بلی همچه وزارت معارفی میخواهید برای شما چه بکند از او چه انتظاراتی دارید ، بشاگردانی که این وزارت معارف با این پروگرام و این طریقه و این کتاب و این معلمین و این فعالیت تربیت میدهد چه امیدی دارید .

طهران شما تاریک است تمام این مؤسساتی که طهران شما بدان مینازد و مایه الامتیاز خود قرار داده است هم تاریک و بینماسده و در تخفیف مصائب موجوده غیر موثر و بلکه سربار بدبختی هستند

شما چه خیال میکنید ؟ آیا ممکن است تا طهران عوض نشود تا طرزکار و دوائر دولتی شما تغییر نیابد تا مثل مملکت آدمها کار نکنید یك قدم بطرف جلو بروید ؟

بالاتر از این بگویم اگر اوضاع طهران و سیاست طهران و وزارت خانه‌های طهران و مجلس شورای طهران با همین سبك و سلیقه‌ای که دارد دوام یابد نه تنها جلو نخواهیم رفت بلکه محو و نابود خواهیم شد — این اغراق شاعرانه و اصطلاحات جریده نگاری نیست ، یك حقیقتی است مثل فرمولهای ریاضی بسیار سهل و ساده و غیر قابل خدشه است که میتوانم دلایل خیلی واضح و روشن آنرا بشما نشان بدهم — (ع . دشتی)

از بمبئی می نویسند

چند مسائل عمده است که ما ایرانیان کمتر مد نظر میاوریم در حالیکه اگر هم خود را مصروف باصلاح داریم بالطبیعه رفع اشکالات را بتواند نمود یکی آنکه غالب نویسندگان شکوه از عدم وسائل رفاه اهالی و مجرا نداشتن قوانین حفظ الصحه عمومی داشته تمام قصور را از فقدان اطبای حاذق و بی توجهی اولیای امور در بسط دوائر بلدیه و تنظیف معابر عمومی وارد میاورند که تا درجه قابل انکار نیست ولی در عین حال ملتفت جزئیات نقایص نشده تصور می نمائیم اگر کوچه ها پاك و مسطح شده چراغ در سر راهگذر ها نصب شود رفع تمام امراض و قلع و قمع میکروبهای مسری تواند شد و عقیده مان بر این است که باید مریضخانه مهیا داشت تا به تداوی ما عمل شود. این نظریه قدری سکته آور است چراکه ما با آن آب و هوای معتدل خداداد باید وسائل زندگانی را طوری ترتیب دهیم که کمتر دچار امراض شویم چون ناخوشی از جهات چند امریست طبیعی و گاهی هم ابتلاآوراست در تهیه لوازم تداوی و تاسیس مریضخانه هم باید کوشید ولی نه اینکه خود را بلاقید ساخته مطمئن بوسائل معالجه باشیم چه که اثرات ناخوشی از تحلیل قواء صحت مزاج از ما مرتفع نشده بسا اوقات تا آخر عمر ما را کمر شکنی دارد مریضخانه های متعدد خارجه هم تمام منظور از رفع امراض ناشی از جهل بوده چه آنها مربوط بمراسم حفظ الصحه اند بلکه مقصود از پیش آمدهای طبیعی و ضروریات جنگی است عمده نظرات ما هم باید بهمین باب متوجه شده در پیشرفت مصالح و ترتیب زندگانی خویش بکوشیم خلاصه از آنجائیکه ما از وظایف خود تخطی نموده از مفهوم سعی و عمل که اس اساس سعادت ترقی شناخته آمده بی خبریم شکی نیست یعنی مائلیم کارهای مهم ما بخودی خود یا بمصارف .. اداره شود مثل اینکه متوقع ایم ادارات بلدیه با نداشتن عایدی سرشاری موفق اجرای مراسم حفظ الصحه باشند مذاق ما توجه اکمل کردند با ینحال درك نمی کنیم طریقه مهندسی عمارات و رسوم تنظیف خانوادگی در اصول حفظ الصحه عمومی دخیل است در اینصورت منتها باید نگاهداشتن معابر عمومی کافی بجلوگیری از امراض و تامین صحت عمومی نخواهد بود و اگر در اینخصوص هم قوانین تنظیفی مجرا داشته یا مالیاتی مقرر دارند خود را مظلوم ساخته فریادمان بلند است این خود واضحترین دلیلی بر عدم تمایلات ملی از ارتقاء بمدارج عالیه است که ما ایرانیان پیشه ساخته بمعاذیر و اشکال تراشیهای چند توسل می جوئیم

پس بی مناسب نیست بطریق مثال و نمونه کیفیت اقتدارات بلدیه یکی از بنادر مستعمراتی هندوستان که اکنون در قبضه افراد ملی اداره میشود بیان نمائیم تا طرف توجه واقع شود البته آقایانیکه واقف بموقعیت جغرافیائی و آب و هوائی این سرزمین اند تشریحات لازمه را خواهند داد

چنانکه می بینیم عمارات سکونی غالباً از سه وچهار طبقه کمتر نیست و تقریباً هر طبقه ۸۰ الی ۱۰۰ نفر مسکون اند علاوه از آنکه صاحبخانه بموجب فرم مخصوص اجاره ها را بدون اینکه خواسته باشد کم یا زیاد قلمداد کند هر مبلغی کرایه را که دریافت میدارد وسیله اجاره که حاوی قوانین اجباری است در تحت نمره و تمبرزده رد نماید با این بندوبست های قانونی در ظرف سال یکماه اجاره دریافتی را باید به بلدیه بپردازد برای مالیات بلدیه از حیث امورات تنظیفیه خانه وغیره و بعلاوه صاحب خانه مکلف است بفراخور وسعت منزل یا دو نفر جاروب کش برای تنظیف سایر طبقات وا دارد ویکماه اجاره دریافتی دیگر را برای مصرف آب مشروب نوله چون بواسطه عدم احتیاج اکثر ولایات ایران و طول مدت داشتن به انجام آن شرح وقواعد آن را لازم به بیان نمیدانم مقصود از این بیانات فقط عوائد بلدیه از ممر عمارات مسکونه بود فاما اختیارات آن حتی در نقشه ریزی عمارات نظریات مهندسین بلدیه معاینه محلی اوضاع حفظ الصحه در تعیین کوچه وسط خانه ها و ساختن مبال و کوچه بارنك آب ریز های کثیف و طبقات عمارات بمقتضای اصول حفظ الصحه که محل هوای خانه دیگری نباشد تماماً در قبضه تصویب و تعیین مامورین بلدیه است با این تفاصیل و استحکام امورات حیاتی در عوض مسئولیت های عمده بر آنها وارد است مثلا اگر یکنفر غریب در منزل خودش ناخوش و قادر بمداوای خود نباشد فوراً همسایگان بعض رفع مسئولیت از خود دربان یا فراش صاحب خانه راخبر داده تا به بلدیه محل اطلاع دهد فلان مریض در فلان نمره اطاق خانه بیمار است مجرد استماع موتر بلدیه آمده اورا بمریضخانه انتقال میدهد و اگر عمارتی در شرف خراب شدن است بلدیه مسئول است بصاحب خانه اخطار نماید در تعمیر آن و هم چنین روشنائی عمارات و سایر سهولت های ساکنین وسایر متولدات ومتوفیات آن محل خیلی اتفاقات موتیه در ایران رخ میدهد که تا چند روز کسی واقف نشده یا اطلاع ندارند خلاصه مقصود از شرح و بسط این بیانات فقط جلب نظریه افراد ملی ووقوف بخواص وسائل معاینه و تسکین قلوب عامه از فوائد پرداخت مالیات در این ممر که نتیجه اش مرجوع مالیات ولی شرط اعظم آنست که افراد مبرز عالم وخیرخواه بعضویت انجمن بلدی انتخاب شوند تا افراط و تفریط وارد نیاید در هرحال از روی اجرای این قوانین است که می بینیم نسبت بمتوفیات طهران که مرکز ایران است به تناسب جمعیت کمتر تلفات دارد یعنی اگر باعتدال هوای ایران مقایسه نمائیم جزئی است چقدر جای افسوس است برای اهالی یك مملکت مستعمراتی انواع و اقسام وسائل رفاهیت موجود و در یك مملکتی مستقل مانند ایران وسائل رفاه از کثرت جهل وعدم حمایة افراد معدوم وبلا اثر مانده درضمن اظهارات تصدیق دارم وطن مالوف من باب قلت نفوس ومهاجرت و علل چندی چنانکه باید و شاید در بدایت امر از ایجاد وسائل مکمل رفاه معذور اند ولی خوش بختانه بواسطه خوبی آب و هوا چندان هم در صورت اصلاح تربیت زندگی ضرورت اکمالی درکار ندارد و نسبت بهمین تعداد نفوس در صورت جدیت افراد و کسب امنیت بتدریج موفق به آبادی مملکت و جلوگیری از امراض مسریه توانند گردید

این نظریه باعث شد که بنده به پیشنهاد ذیل مبادرت ورزم

۱ — تدوین قانون ساختمان عمارات در تعیین مساحت عرض شوارع عام وکوچه های پس کوچه ایجاد خیابان های مستقیم برداشتن حصار اطراف شهر ها کوتاه نمودن دیوار خانه ها پر کردن خندق ها وسایر تعمیر شهری از روی اصول حفظ الصحه واخطار بعامه در طرز ساختمان خانه در تحت قانون مهندسی

۲ — تقنین قوانین تنظیفیه ، تقسیم محلات بی شعبات بلدیه وداشتن هر بلدیه یکنفر مهندس واجرای قوانین ساختمان عمارات و تنظیفیه دایر گذاردن دفتر بلدیه در ثبت نمرات خانه و دکاکین و وسائط نقلیه محل و سایر اتفاقات متولدات و متوفیات وغیره و اجاره فروش اراضی بلا مالك ومسئولیت آنان درانجام امورات محوله در تحت نظارت نظار محل و انتشار راپورت سالیانه

۳ — تعیین مکان باغات تفرجگاه کلوب ورزش مدارس و سینمای ملی دوا خانه های محلی مریضخانه و سایر ضروریات زندگانی بمقتضای عصر و تعیین مکان مخصوص کاذرها اقدامات فوق خواه وظایف دولت یا استعانت خیر خواهان و تاسیس کمپانی های امتیازی باشد

۴ — ممیزی اجاره خانه های مسکونه کاروانسرا وغیره و اختصاص اجاره صدی ده درسال به بلدیه ترویج اجاره نامه قانونی ماهانه بموجب فرم مخصوص والصاق تمبر

۵ — تمام دکاکین محل بفراخور کسب و مصرف

سالانه یک جزئی بپردازند و بهم چنین افتتاح دکان در تحت اجاره رسمی بلدیه قرار گیرد

۶ -- در هر محل بازار فروش میوه جات وسبزی جات وقصابی وسایرماکولات ضائع شدنی را در نقطه مخصوص بنا نهاده دکاکین درمعرض اجاره گذارده شود

۷ -- بنای انبارهای مخصوص در اطراف شهر تا اجناس وارده چه تجارتی یا مصرفی از روی تعداد به مالیات مقرره قانونی را عاید دارند

۸ تمام دکاکین و خانه‌های موقوفه و غیر مسکون را وصول و ایصال اجاره در تحت نظارت بلدیه قرار گیرد و بهم چنین اجاره سور و عروسی در محل بموجب اجاره رسمی و تحت دفتر بلدیه مقرر آید

در صورت اجرای مواد فوق با جزئی جرح و تعدیل بمقتضای نقاط و رعایت طبقه رنجبر کلیتاً بوسعه اختیارات ملی و اجرای سایر قوانین و مراسم مدنی و دوران چرخهای مملکتی و ترتیب اساس زندگانی تدریجاً صورت تکمیل بخود گرفته موفق به حل مشکلات توانیم گردید تا آراء قارئین و نظریات ملی چه تقاضا نماید (یک نفر آواره)

آواز دهل شنیدن از دور خوش است

قبل از اینکه به اصل مطلب بپردازیم بی مناسبت نیست حکایت ذیل را که یکی از روز نامه های ایران تقریباً سه سال قبل نگاشته بود بنویسم « دستهٔ امنیه در موقع گردش نزدیک شهر طهران جنازهٔ یکنفر را درچاهی پیدا کردند وادارهٔ نظمیه مشغول تفتیش است پس از پانزده روز نوشت مقتول مذکور از اهل رشت و سه چهار روز قبل از کشته شدنش وارد طهران گشته با شخص کفش دوزی شناسائی پیدا کرده کفش دوز با برادرش بسبب مبلغی جواهر که این شخص ناشناس با خود داشته شبانه اورا کشته و درچاه انداخته، به رشت نوشته شده تحقیق نموده وارث مقتول را پیدا کنند قاتلین دستگیر و به نظمیه جلب شده اند » مطلب خیلی ساده و بی اهمیت است لیکن وقتی که درایران همان ایرانی که اروپاپائیش وحشی پنداشته و به بهانه وحشی بودن میخواهد اورا قطعه قطعه کرده ملع نماید به اسم اینکه ما متمدنیم آیا متمدنین نباید انتظامات پلیس و امنیه شان بهتر باشد ؟ آیا مستعمرات انگلیس را مملکت انگلیس نمیگویند ؟ وقتی که نظر باوضاع هندوستان بیاندازیم بی اختیار میگوئیم آواز دهل شنیدن از دور خوش است باور نمیکنید این یک نمونه است ازآن بسم الله ملاحظه فرمایند خودتان انصاف بدهید

-- حاجی حسن چیراوی مشهور به شیراوی که نژاداً عرب و از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران از اهل بندر لنگه و از تاجر زادگان آن بندر بشمار و مدتیست ساکن کراچی بندر گاه مشهور سند است که در تحت اقتدار دولت بریطانیای عظمی اداره میشود حاج فوق‌الذکر تقریباً پنجاه مرحله از مراحل زندگانی را طی کرده یک پسری خداوند به او عنایت فرمود که حال سه سال از عمرش میگذرد - معلوم دلبستگی یک شخص تاجری که پنجاه سال از عمرش سپری شده و یک بچه دارد چه اندازه است ۱۷ ماه ربیع‌الاول ۱۳۴۵ مطابق ۲۵ دسمبر ۱۹۲۶ ساعت دوازده روز (تقریباً ظهر) یک نفر ملازم او یوسف نام هندی از رعایای دولت بریطانیای عظمی بچه را برداشته از خانه بیرون رفت همان وقت اطلاع به اداره جلیله نظمیه کراچی داده شد و فوراً احکام اکید سریع به پلیس وخفیه پلیس برای پیدا کردن اوصادر وهمان روز راپورت دیدن یوسف و بچه هم در (دیگر روز) ۹ میلی کراچی شنیده شد و تلگرافات متعدد به تمام هندوستان مخابرات گردید ولی تاکنون اثری از هیچ کدام ظاهر نگشته در این صورت بیجاست اگر بگوئیم آواز دهل شنیدن از دور خوش است حکومت متمدن مقتدری که بجرم وحشی بودن سلطنت های قدیمه را میخواهد خاتمه دهد و مدعی است که مملکت مثل نارنجی در دست رئیس نظمیه است و بیک چشم بهم زدن تمام مملکت را میتواند تفتیش کند با اینهمه پاسبانها و پلیس ها تلگرافات باسیم و بی‌سیم وتلفون که تمام هندوستان متصل و پنجاه ملیون ایرانی حکم یک شهر کوچک یک محله ممالک وحشی را دارد هنوز موفق نشده یک دزد بچه را پیدا کند نمیدانم نتوانسته یا نخواسته اینجاست که آدم کلام حال‌الحین را یاد آورده تصدیق میکنند که زور خوب است هیچ سلطنت دوستدار بشر بود که چند جهاز جنگی او واسطه آنکه ندانسته یا دانسته یک سگ رعیتش را در لنگه کشته بودند به خلیج فرستاد و خون ۲ نفر آدم را بعوض سگش با خسارات دریافت نمود حالا باید دید چرا به آن همه دوستی بشر یک دزد را پیدا نمیتواند بکنند ! شاید برای اینکه ایرانی است و ایرانی صاحب ندارد فقط دوستی بشر برای گول زدن آدم‌هاست وگرنه چرا اثری در این دوستی نیست یا اینکه باید گفت بشر یعنی رعیت نه بلکه همجنس واهل ممالک بریطانیاست خوب بود اولیاء امور ما قدری بهوش میامدند و در مجلس مقدس به جای وطن به دزد وطن بسته فروشنده وطن میکنند شما که میفرمودید اینهمه خرج قونسولات لازم نیست دولت بریطانیا حافظه حقوق ایرانیان در همه جا خواهد بود آیا کراچی جزء ممالک خود بریطانیا نیست ؟ ! چه خوب حفاظت وحراست ما ایرانیان مینماید قابل همه گونه تقدیر است !!

آیا اگر یك بچه از ایشان در ایران گم شده بود بهمین دلسوزی های زبانی قناعت میکردند تاکنون روز نامجات ایشان خاموش مینشستند از فریاد واظلما وا امنا تمام عالم را پر نمیساختند آیا بهمین لفاظی قناعت میکردند اینجاست که خود بخود آدم میگوید خشونت مقدس است زور خوب است مملکتی که اهالیش در انتخاب وکیل یا اختیار ندارند یا نمیفهمند هر دزد هر خائن هر وطن فروشی را وکیل می‌کنند و مجلسی که در آن وطن فروشان هزار ضرف دارند مملکتی که مامورینش هنوز نمیدانند معنی وطن دوستی چیست اهالی دربدر و صاحبش هم باید همواره بدین گونه بلایا مبتلا باشند گرچی که قریب ده هزار نفر رعیت ایرانی از بلوچ مکرانی وغیره در او سکونت دارند و هنوز دولت میخواهد یك تجارتخانه منحصراً ویس قونسول او باشد حال رعیتش معلوم است که چه بدبختی باید باشد در این عصر طلائی در این دوره مشعشع دراین عهد پهلوی هنوز موقع آن نرسیده که در جمع آوری رعیت سرگشته بدبخت آواره فکری بنمایند هنوز موقع نرسیده که در نگهداری و نگهبانی ایرانیان امنای ایران تاجدار ایران مجلس ایران توجه فرمایند ایا برای جمع آوری ایشان هم مخارجات گزاف و مدتی علیحده و مالیاتی تازه لازم است هنوز اولیاء امور ما معنی شعر شیخ شیرازی علیه الرحمه را نفهمیده اند که

§ رعیت چون رعایت دید ملك آباد میگردد §

(ستم دشمن)

از آبادان مینویسند

چون با نظری دقیق در اوضاع ادارات خوزستان نظر افکنیم همه را بی‌اساس خواهیم دید نمیدانیم تا کی باید منتظر اصلاحات شد ، تا کی باید در مقابل این اوضاع رقت انگیز صبر کرد ما که دیگر طاقت شکیبائی نداریم زیرا استخوان ما بیچارگان از صدمات دوره شیوخی خورد است و دیگر تاب این بارهای گران مامورین راکه لطمه به حیثیات دولت و ملت از برای جیب پر کردن خود میزنند نداریم ، ای ساحت مقدس مجلس ای نمایندگانی که مقدرات روحی وجسمی خود مارا بدست شما واگذار کرده ایم کاری بکنید که مقابل وجدان ودر برابر مکافات ذمه وار شوید ، نظری از روی وظیفه وجدانی بروحیات این مردم فلك زده کنید آنوقت خواهید دید که غیر از مشتی مرده متحرك ازمتمورین خوزستان چیزی باقی نمانده برحال ما بیچارگان خواهید گریست ، از آن جمله اداراتی که میبایست خدمات فوق العاده مهم باقتصادیات که روح مملکت است بنماید همانا اداره پست و تلگراف است وبر دولت فرض است که بدین دو اداره اهمیت زیاد دهد متاسفانه فقط اولیاء اسم بی‌مسمی آن ادارات دلخوش کرده اند ، هر شخص بصیری نظر باداره پست این نقطه افکند بخوبی بی بضاعتی که از طرف اداره کمپانی نفت متوجه ما میشود خواهد برد لطمهٔ که کمپانی نفت از برای استفاده شخصی بر عایدات این اداره میزند نه چیزی است پنهان بلکه بر عام هم مطلع است ، اولا ساکنین شهر آبادان از خارجی و داخلی غریب اند و معلوم است که چنین شهری با داشتن چهل هزار نفوس میبایست اداره پست و تلگراف آن چه قدر عایدات داشته باشد اگر این اداره پست ازان حالت رقت آور بیرون میرفت و بدست چند نفر جدی و فعال داده میشد آن وقت صدق قول ما بر هر بی‌بصری هم آفتابی میشد چکنیم که بد بختانه فقط یك همچون اقدامی نمیشود بلکه روز بروز دارد خسارات وارده زیاد تر میشود یك شهر باین مهمی که تمام تجار و عمله و اهالی مجبورند بمخابرات تلگرافی دارای یك اداره تلگراف نمیباشد که تمام اهالی (بصره) که نقطه ایست از خاك عراق مقابل آبادان که دارای پست و تلگراف است رفته مخابرات نموده حتی مکتوبات هم تمبر عراق الصاق نموده میفرستند - واقعاً جای تعجب است هر چه فکر میکنیم نمیدانیم این آقایان چه طور راضی به چنین خسارت دولت میشوند از طرفی کمپانی توسط موتور خشکی اکثر خطوط های خود را به نقطه جنوبی آبادان موسوم (به بوارده) برده تسلیم اداره پورت حریه نموده آنهم توسط موتور آبی حمل به بصره که ذکرش در فوق شد نموده میفرستند - ما صرف نظر از اجحافات کمپانی کرده زیرا که فقط مقصودمان جلب توجه اولیاء امور به اداره پست وتلگراف است بوجدان انسانیت قسم است که تا در این تذبذب باقی باشیم ممکن نیست حقوق حقه خودمارا از چنین مردمانیکه دشمن استقلال ایرانند گرفته و آنها را در حدود قانونی در آوریم در تمام عالم کمپانیها شرکتهای امتیازیه وجود دارند اما نمیتوانند از حدود قانون در هر مملکت که باشند تجاوز کنند ایا چه چیز است که جلوگیری از آنها میکند مسلماً فعالیت اولیای آن مملکت است که احدی نمیتواند دست تجاوز دراز کند فقط میتوان گفت همین کمپانی است که عیناً اداره خود را یك اداره بلژیکی قرار داده و توسط سیاست مداراتش هر ماموری را چون سابقی با خود همراه میکنند بدیهی است اداره پست و تلگراف هم یکی از کارهای اینهاست مطالب ما ممکن است بدو قسم مدلل شود اول کثرت واردات خطوط خارجه وصادرات آنها

ثانیاً اعزام مفتش اما قائم اینجا رسیده سربشکست زیرا که باید مفتش دارای چندین صفات باشد اولا درمقابل لیره زانوهایش سست نشود ثانیاً شخصی باشد که بتواند در مصاحبه بادیپلماسات هائیکه در لباس منشی گری وغیره در اداره کمپانی هستند استقامت نماید بالآخره شخصی باشد که گول نخورد - در خاتمه این عرایض راهم ضمیمه عرض حال استغاثه خود مینمائیم که مراسلات رسمی اشخاص که برای مقامات عالیه ارسال میشود عین مراسلات پس از یکی دو روز بدست عمال اداره نفت دیده میشود ماجات توجه اولیاء امور را باداره پست و دایر کردن یك تلگرافخانه در این شهرمهم تقاضا و درخواست مینمائیم -

(ح - ب)

ایضاً

ضرر و خساراتیکه از نتیجه گاه میتلاسیون متوجه ما بیچارگان شده چیزی است که از احدی پوشیده نیست بدبختانه بیگانگان وقت را غنیمت دانسته و بنا بر تدلیس وحیل حقیقت را در انظار طوری دیگر جلوه میدهند - چون راضی بدایر نمودن عدلیه در اینجا نیستند لذا شخصیکه رئیس بلدیه بوده بحکومتی هم رسانیده و آنرا که شخصی است خود رای آلت اغراض خود شان قرار داده با عده فراش که از یادگارهای زمان حسین کاشی است در این شهر برقرار نموده و آنرا از برای مکیدن خون ملت بدبخت ترغیب میکنند آنهاهم از هیچ عمل قبیح وشرم آور نسبت به شخص کوتاهی نکرده و از برای ماموریت خود اولا اتومبیل و ثانیاً ماموری وغیره اخذ میکنند واقعاً چه قدر شرم آور است که در چنین سرحدی این چنین اجحافات آنهم بدست دشمنان استقلال و آزادی ایران در جریان است - اینکه این چیزها واقع میشدند از طرفی مبلغین کمپانی انتشار میدهند درمیان مردم که هندی و عراقی باید در اداره حکومتی ایران دعاوی آنها تصفیه بشود درصورتیکه خودشان برخلاف رفتار مینمایند چیزیکه دارد لطمه به استقلال ایران میزند و چون زمان قبل که در تمام ایران از برای ازدیاد هوس خود مشغول دسیسه بودند این است که بتازگی ازطرف مستر کی که نماینده قونسول محمره است یك محکمه قضائی باز و رئیس آن را ارفع السلطنه قرار داده و آنهم مرافعه های هندی و عراقی را با نهایت اعلام ملاطفت آمیز و زبان شیرین فیصله میدهد چنانکه تا بحال چندین مرافعه حقوقی را با مرزی تصفیه نموده که مدعوین را فریفته خود کرده معلوم است درمقابل چنین محکمه قضائی حکومت ما که بجز جور وظلم نسبت برعایا و بدون تصفیه مرافعه گرفتن ده یك نیم و ابداً

باموراتیکه دارد لطمه به حیثیات ایرانی میزند دخالت نمیکنند چه آتیه وخیمی را بما اطمینان و آن اشخاص که مایل به سعادت ایرانند نشان میدهد حتمی است که این امورات شرم آور که در خوزستان بخصوص در آبادان بجریان است از اثر روسای بزرگ خوزستان است که چنان اهالی را زبون کرده وحلقومهای جانسوز مارا تهدید گرفته که مرکزیان را نمیتوانیم بدین اجحافات مطلع سازیم - دسیسه هائیکه در خوزستان بجریان است در صورتیکه اظهر من الشمس است باز اشخاصیکه باامورات سیاسی آشنایند بهتر از دیگران می فهمند -

سلب حقوق و بیچارگی زارعین

البته [illegible] هر فرد ایرانی واضح و آشکار است [illegible] در ایران [illegible] صناعت و فلاحت [illegible] ده تر ازززارعین بوده [illegible] که اعظم جمعیت ملی از این طبقه تشکیل [illegible] و [illegible] مقتضای [illegible] مقایسه نمائیم سه ربع [illegible] قبل [illegible] جمعیت ایران [illegible] است از حیث پرداخت مالیات و تهیه ضروریات حیاتی و سایر احتیاجات معیشت اهالی [illegible] تحمیل به این [illegible] [illegible] رفاهیت [illegible] را از حیث وسایل ارتزاق و ترویج امور مکاسب حتی [illegible] قصور عالیه طبقات عالی را [illegible] خواسته اند در ضمن هر نوع سوء سیاست [illegible] آنها است از این است که بیشتر عدم [illegible] اهالی ایران در تکمیل لوزام فلاحتی ودوران [illegible] بواسطه عدم استطاعت آنها است در [illegible] دون پرور [illegible] پاس زحمات و جانفشانی را [illegible] و [illegible] نموده ذره هم رعایت آنها منظور انظار طبقات عالیه نیست با اینحال نمیتوان انکار نمود که از کثرت جهل و آشنا نبودن بحقوق ملی همواره آلت اجرای مقاصد متنفذین و ثروتمندان واقع شده در گرداب جهل و بی حقوقی غوطه ور اند (که الزام متنفذین که عمداً زیردستی آنان را مایلند) ولی از صداقت و امانت و زحمت کشی بهیچوجه طرف مقایسه با سایر طبقات نبوده چنانکه طرف توجه خاص انبیای الهی واقع شده بالاخص ایرانیان قدیم زراعت رااز پیشه های ستوده شمرده زراعت پیشگان را رتبه و منزلتی تام بوده است ممکن ایرانیان حالیه عملی را پست تر از این مرحیات اساسی ندانسته دلیل آن عدم [illegible] سایر دهقانان به تسهیل وسائل رفاه و ترقی آنان و نظر حقارت نگریستن بانها است که اکنون نیز جز آلت ملعبهٔ بزرگان و واسع بساط شیادی متنفذین نیستند نیز بواسطه اکثریت آنان و چوبان داری اشراف و از طرفی هم قانون فاج التحابات ازاشخاص بی سواد اکثر وکلا را بانشغال کرسی های پارلمان

وهسپار می‌ثارند و عجیبتر آنکه وکلائیکه از طرف
متنفذین و ثروتمندان علی الاکثریت آنان منتخب آمده
در ظاهر بعناوین خوش آیند سنگ رعیت را بسینه زده
و در باطن سلسله مودت و دلبستگی شان را بمتنفذین
علی مستحکم نموده مانند موردانه کش از خوان یغمای
مملکتی (خالصه جات) یکدیگر را متمتع میسازند و
بخیال خود تربیه و ترفیه رعایا را فقط عبارات
آبدار و نوید های عوام فریبانه خواهد نمود شاید هم
برائت ذمه را در مقابل وظایف خدمتگذاری فقط
ذخیره اندوختن بمتنفذین و جمع و خرج زبانی و طوق
اسارت بزارعین (بدون رعایت آنان بجرم بی علمی)
دانسته‌اند در اینصورت («در این ملت و ملت باید
گریست) بدبختی از یک طرف نیست مفاسد اخلاق
بحدیست که شرح دادنی نیست چه می بینیم بیکروبهای
مسری طبقات عالیه به بسایر طبقات سرایت نموده در
توالد و تناسل اند شاید قارئین متعجب آیند البته دیده
اید یکنفر دهاتی بدکان مسگری و آهنگری وغیره رود
یا بنگه آنان نیز در همین ردیف و طعمه لاشخورهای
اشراف اند باز در صدد غبن این بیچارگان بر آمده
متاع خود را بقیمت مضاعف انان می گنجانند گویا
روزی حلال را بمردمغبنی و عاجز کشی میدانند آنان
نیز با منتهای سلیم النفسی بخود هموار نموده بوظایف
خدمتگذاری و فرمانبرداری استوار اند خلاصه مملکت
مشروطه و قانونی شده الفاظ مساوات قانون حقوق
و و و مانند رنگ شتران بهیاهوی احقاق حقوق و
اجرای قانون برخاست ولی افسوس که نغمات دلفریب
را در گردن همان شتران بی مهار کلان شنیدیم و حالا
هم پس از بیست سال مشروطیت و انقلابات پی در پی
دستیم مقصد اصلی از آواز های خوش آیند همانا محض
فریفتن ما بود و الا هیچ از تراکم معضلات فرو رفتگی
و عرصات بدبختی ما کاسته نشده احقاق حقوقی یا
قائل نیامدند پس در اینصورت قانون مساوات حقوق
را سر و چشم بوسیده بزمین میگذاریم سلوانی بروح
پاک بی آلایش اش بدین مقال میفرستیم آفرین براین
مساوات مرحبا بر این مجریان قانون

گفتیم اکثریت با ما کرسی نشینان مجلس از اکثریت
ما نهیا احتیاجات مملکتی از قوت بازوی ما پرداخت
مالیات و دوران چرخهای ادارات از نتیجه زحمات
شبانه روزی ما و هکذا پس در مقابل اینهمه جور
اعتساف بی اعتنائی بی حقوقی ما را چرا باعث اند -
آیا می قانون و مساوات حقوق را بچه تعبیر کنیم یا
اختصاص به اعیان و اشراف مملکتی داده خود را به
واسطه بی علمی بی بهره بدانیم و یا آنکه قانون و و
را اشیائی قائل شویم که مانند وکلای مان مایل به
آلات تزئینیه و پارک های عالی بوده بما کهنه پوشان
کمتر توجه کنند بر فرض محال قصور و گناه ماچهیست
در صورت گناه باز بهکی متوسل شده در خواست
عفو و احقاق حقوق خود نمائیم آیا بهمین وکلاء متنفذین
که چشم بسته از ما رأی گرفتند توسل جوئیم که اکنون
در مجلس اکثریت را دارا در موضوع خالصه جات
جد و بحث داشته تیشه بریشه بی بضاعت مان زده ما
را بوادی نیستی رهبردار اند که در حقیقت مصداق این
مصرع واقع اند

§ خود کوزه و خود کوزه گر و خودگل کوزه §

ای وکلای متنفذین ای سیاسیون مملکت باعث اغفال
ما نشده حقوق مان را غصب نکنید بترسید از روزیکه
ما از خواب غفلت بیدار شده اقتدار اکثریت را به
پنجه های خون آلود بشما نمایش دهیم حذر کنید از
موقعیکه چهار اسبه بجانب شما تاخته احقاق حقوق غاصبه
ملی را خواهان شویم جهالت و بی بضاعتی ما را
وسیله ساخته حقوق مانرا با همان ذخیره هائیکه از کد
یمین و عرق جبین ما اندوخته اید پامال اسازید آیا
فروش خالصه جات انتقالی بچه امر عمرانی صرف شده؟
مگر آنکه درباریان و بزرگان استبداد هر کدام به
تناسب تطاول و چپاول شان املاک را تیولی قرارداده
یا به ثمن خس و خاشاک خریده بهمان وسیله
آقا ملا ارباب تراشیده بجان و مال ما مردم فلاکت
زده رهسپار گردید [که بی نصیب نباشند قاطعان طریق]
و بهمان دست آویز مظالم دوره استبداد را بما روا
داشته وکیل و وزیر ساز میشوند و هیچوقت مائل به
ترقی ما نشده حق هم دارند چرا اگر هوشیار شویم
احقاق حقوق ملی را نموده چشم بسته شان حقوق
خود را به آنان نمی سپاریم وکلائی را که از سیاست
بی بهره اند سیاست مدار مالک الرقاب قرارنمیدهیم
که از سوء سیاست شان مملکت را در هرج و مرج
داشته خود در خانه های مصآری با انواع اقسام
وسائل رفاه در امان بوده ما در بیابان های وحشت
انگیز دچار مخمصه مغلطه کاریهای آنان اشیم واگر
هم ندرتاً سیاست شان بمقتضای پیش آمد نافع واقع
شود فقط هم خود را به تربیت اطفال خود و موکلین
شهری شان مصروف دارند ولاغیر پس از وجود چنین
وکلاء چه استفاده را متوقع باشیم جز سلب حقوق ،
بی‌اعتنائی ، رعیت کشی ، اعیان پروری ،

§ ای خدا دیگر برس به داد مان §

(سبب اغفال ما)

با اینکه از قدیم الایام تا حالیکه عصر جدید
نامیده شده با شرف دیانت امانت صداقت زیسته در
صدد کسب روزی حلال از نتیجه زحمات خود برآمده

مشغولات دنیا را ممتنع داشته ایم حتی در ادوار سالفه استبداد نسبت بپادشاهان و مملکت مداران خویش سابقه در آبادی مملکت خویش با خلوص نیت کوشیده ودر هیچ دوره جزء عوامل فنای مملکتی بشمار نیامده ایم زیرا بیشتر منافع و مضار سیاسیات مملکتی ما صحرا نوردان مرجوع است ونیز مانند اهالی شهرنشین وسائل فراغت از بی کاری مثل خیرات قربانی های خوراک که معاش یومیه را تامین نماید نداریم مگر در این چند ساله گاهی کدخدای ده که اوهم دست نشانده متعدین محل است محض جلب قلوب اهالی یا مهر ساختن رضایت نامه ازآنان یا شکایتهای دعوی بمناسبت طرفداری ظاهری از خود سورچرانی بشود البته برهمگی واضح است در آن ایام چنین بما فهمانیده بودند که ارباب مالک ودر وسیله کسب روزی ما بشمار اند وبشر هم روحانیون ما را به ترک این دنیای فانی راهنمائی میکردند ازین بود ما همواره تن بفلاکت و پستی در داده خانه های چوبی قانع و وسائل رزق را که من جانب الله مقرر بودند پرستش و احترام میکردیم و زحمات خود مان را فقط سعادت فداکاری در راه خدا میدانستیم ولی از تجربیات چندین ساله آگاهی یافتیم آنهائیکه مارا به ترک دنیای فانی دعوت میکردند خود توجه کمتر میکنند چه می دیدیم خود در بنای قصور عالیه و ایجاد دستگاه مجللانه اشتغال دارند این مسئله موجب تعجب وسیاهچه بیداری ما گردید مولا هم خوب ملتفت شده برای سرکوبی ما کمر همت بمیان بستند و این در موقعی بود که زمزمه مشروطه مبنی بمساوات حقوق بین توانا و ضعیف و و طنین انداز بود و در حقیقت درب باغ سبزی بما نمایاندند ما جاهلان ادب شب که سواد نداشتیم مسائل را تشخیص داده حل معما نمائیم بقیه اسب ترک دنیا داری سبب این گونه جهالت ها میشدند آنوقت هم دور دور وکلای تراشی بود عجب تر اینکه ما جاهلان هنوز ازقید وکلای محلی که بعناوین رهن و بیع شرط و و مارا غارت میکردند خلاصی نیافته تازه گرفتار وکلای قانونی گردیدیم که مارا تسلیت داده مطمئن نمودند حقوق شمارا حفظ خواهیم کرد نتیجه همینکه تسکین قلوب مارا فراهم نموده اخذ آراء بمناسبت میل خودشان گرفتند بمرکز آمال ملی رهسپار شده دیری نگذشت جلال و شوکت شان روزافزون نیز مالک املاک خالصه گردیدند تا سلاسل زنجیر های عبودیت ما را مشید تر و توسعه مظالم را طاقت فرسا تر ساخته عنان اختیار را بطور اجبار در کف گرفتند فایده حکومت ملی و قانون مهم اکثریت همین بما رسید که این نوبت هم ارباب ما شدند و هم وکیل و شفیع مان

§ تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل §

(اساس فلاکت ما)

تا جائیکه قانون زراعت که بمقتضای بلد وشهر تشخیص حقوق زارع ومالک را تعیین نماید وضع ننموده علی الخصوص املاک خالصه را که حقوق رعیت باید بیشتر منظور داشت تاسبب تشویق درآبادی و ازدیاد منافع دولت گردد چون خود همه کاره بودند اندیشه روز مبادا را از دست نداده کمتر توجه نمودند مگر گاهی نامی از رعایای بیچاره در مجلس برده میشدکه آنهم نتیجه اش جلالت تحت اللفظی حالیه (اقدامات مجدانه) وغیره بود که فقط گفتنی بود و اثرات عملی نداشت (در حقیقت لفظ [بیچاره] ورد زبان چاره سازان ملتی چقدر شرم آور خواهد بود میتوان گفت خود اذی این کلمه لکه تاریخی بر یک مملکت حاکم ملی وقانونی تشکیل خواهد داد ماها عبارتی است که از دوره مشروطه ایران در صفحات تاریخ یادگار است) خلاصه گردید اقدامی را که اکثریت ملی را دچار فقر و فاقه ابدی نمایند که نتیجه اش فساد اخلاق اختلال امور افلاس رعایا وو گردید و اکنون نیز باز شصت ومرت عملیات خویش را از املاک خالصه انحصاری بخود ممالند چنانکه می بینیم درزمان سلطنت اعلیحضرت پهلوی باز میخواهند امر را مشتبه ساخته بخر خویش سوار شوند

§ خدایا زین معما پرده بردار §

﴿ داروی دردما یا پیشنهاد مخصوص ﴾

چون اعلیحضرت پهلوی در چندی قبل اعلان فرمودند تظلمات و داد خواهی خودمان را عرضه داریم بواسطه علل و جهات چندی قادر باظهار نبوده ونیستیم یکی آنکه ما بی سواد و متفاوت العقیده ایم بدین معنی که قسمتی بهمان مسلک اولیه وسائل روزی پرستیم و نیز جمعی که بهوش آمده ایم از بیم مالک الرقاب خود جرأت شرح دادن نداریم علاوه محیط طهران بقدری مملو از اشراف واعیان است که عریضه ما را بنظر تحقیر نگریسته بعکس بحضور شاهانه جلوه میدهند پس با این حال تکلیف یک مملکت فلاحتی مانند ایران که عامای آن بدین شکنجه و عذاب مادی و معنوی گرفتاریم چیست قصاوت و حکمیت مسئله را از شهریار با اقتدار خویش درخواست می نمائیم وآیا وجدان مبارک شاهانه اجازه خواهند داد اکثریت ملی ایران در فشار مظالم اعیان و بی حقوقی باقی مانده منتظر فرج یا مرگ گردیم یا مراتب مشروحه وتعمیم معارف ما بی سوادان عطف توجه خواهند فرمود پوشیده نماناد فقط امیدواری ما برآنست که سیاحت ذات شاهانه در اطراف و اکناف مملکت و دقت نظر بوضعیات زندگانی و حالات رقت انگیز ما فتح الباب سعادتی

بروی مان گردد و الا اگر مدار هیای ما در
این دوره اصلاح نشده و خدای نخواسته این مسافرت
شاهانه بنفع اطرافیان و اعیان خاتمه پذیرد قطع امید
از رشته گسسته زندگانی را نموده حیات عاریتی را
وداع گوئیم علی العجاله چاره را منحصر بصرف دیده
با بمراتب فوق و دوران چرخهای عمرانی پیشنهاد ذیل
را تقدیم میداریم تا اراده قوی ملوکانه چه تقاضا فرمایند

(۱) فروش خالصه جات دولتی در تحت اداره
کمپانی های فلاحتی یا (شرکت های تعاونی معاشرتی)
قرار گیرد بموعد و اقساط بزارعین

(ب) اخطار برعایا در فروش سهم از املاک
خالصه جات عمل بقی یك نفر زارع که مقبل بخرید
نیم دانگ گردید زراعت نیم دانگ دولت به او سپرده آید
بقسمی که از ممر زراعت یك دانگ تا موعد آن
قسط خرید نیم دانگ از زحمات و سایعی خود
پرداختی استقلال آید ... عایدی مهم دولت
و تعیین نمون استقلال در تحت قانون و مقررات ما
کمپانی باشد

(ج) تدوین قانون حقوق زراعت ... زارع و
مالك بدین لحاظ که سهم رعیت و ارباب تفکیك یابد
بنوعیکه سبب تشویق در آبادی املاك گردد بخصوص
خالصه جات دولتی (رسوم حقوق زراعت حالیه
باستثنای استیجاری در بعضی نقاط منتهای بی عدالتی و
سلب حقوق زارع نسبت بزحمات سالیانه اوست)

البته مواد سه گانه فوق از ضروریات یك مملکت
فلاحتی محسوب است فاما در تحت اداره کمپانی باین
نظریه که هم وجوه متمولین مرخ زده و هم رعایت
وتشویق رعایا حاصل ونیز اقتدارات دولت ازخالصه‌جات
مرتفع نخواهد بود در حقیقت توسعه کمپانی بترویج
زراعت وفلاحت افزوده خود بانك ملی فلاحتی محسوب
است ووجوهات دریافتی نیز بمصرف بانك ملی بتدریج
توان خورد

ازعدم اجرای قانون زراعت است که با آن
زحمات شبانه روزی اکثررعایا قادر بخرید یکدربخانه
یا یك جبه ملك نگردیده ایم (مگر دست نشانده‌های
اعیان جزئی علاقه ملکی دارند آنهم بشرطها وشروطها)
حتی اگر یك سال خشك سالی یا آفات سماوی وارد
آید در ضیق امور معاشی دچاریم این خود دلیل
محسوسی است اگر یك نفر آهنگر نجار در مدت ۲
الی ۳ سال در کسادی گرفتار شوند با اینکه امیتوانند
بدون جائی یا حوراك اعانه نمایند باز اثاثیه و ذخیره
خود را میتوانند تا مدتی بمصرف امر معاش رسانند ولی
بیچاره بخانه ما اینها آن هم محروم و مایوس مانده اگر
هم جزئی داشته باشیم کفایت معاش چهار ماه را بیش
نیست از این است مه قانونی وضع شود اول فریاد ما
بلند است چون زالو مانند خون مان را می مکند از
ناچاریست که بدریوزه گری جلای وطن یا ازشرارت
باز نتوانیم ایستاد چرا که طبقات عالیه هیچ در فکر
طرفداری .. شامت حال ما نیستند وگوئی ما هم کسر
شؤن خود میدانند حمایت بما را جزئی هم بداریم که
حقوق مان را حفظ نمایند پس چاره درد بی درمان
خودرا از که جویا شویم

(التجاء)

چنانکه گفتیم عضو مهم ملت ایران از شکنجه های
اشراف و اجراییات غیر حافظانه حقوق ملی در شرف
فلج مانده فکری باید اندیشید و راه خلاصی را راه
نمائی نمود مقامات عالیه و متوسطه هم حفظ دربایت
خودرا فقط از تحقیر و انکسار ما می پندارند بلکه
صراحتا باید گفت بیداری مارا سبب واژگون ساختن
مقام خود میدانند ازین است همت سیاست و قیادت
چوپان داری را نسبت بهم نوع و ملت خود برگماشته
اند خوب آیا ملتی که بهم نوع خویش چنین اجحاف روا
دارند کدام حافظه عایطی حدس بترقیات آنان خواهد زد
لطف آنجا است که وکلای دار الشورا تجاهل عارفانه
می نمایند و هیچ بروی مبارك خود نمی آورند صاحبان
قلم هم در ایران از این چاشنی چشیده اغلب ریزه
خواران اعیان الدحل المتین ابر در خارجه اقامت
داشته از چگونگی وضعیات جانسوز ما که صفحات تاریخ
گواهی بر سلیم النفسی و جوانمردی مان میدهد مسبوق
نبوده قلم فرسائی نمی فرمایند پس بکه ابراز دهم
درد تنگدستی را ملجاء حمایه و مرجع تظلمات ما بکجا
است از توسادی بنالیم از مظالم اعیان و سلب
حقوق خود شکوه نمائیم از مجریان قانون فریاد زنیم
پس بکه ملتجی شویم در خاتمه میگوئیم ما عضو مهم
مملکت ایم اکثریت با ما است اگر پادشاه عادل ما در
زمان فرمانفرمائی خویش مائل به ترقی و عمران مملکت
اند باید هم شاهانه را مصروف به تسهیل امورات
زندگانی و تعمیم معارف و احقاق حقوق ما فرمایند
معارف خواهان حقیقی ، وطن پرستان واقعی را سلا
میدهیم همت و غیرتی این کشتی شکسته را امواج
نیستی فرا گرفته وکلای صالح مجلس شورا را تائید
می طلبیم تا مادامیکه باصلاح عضو مهم مملکتی اشتغال
نورزید همه نقش ها بر آب است (زراعت پیشه)

قابل توجه اولیای دولت

مدتها است که اهالی منتظر اصلاحات شده وحتی الامکان
بعضی اشخاص تا جائیکه دست رس پیدا کردند راساً
وتوسط وزیر تامجات اولیای امور را به پایه‌ای از
اوضاع ودست اندازیهای اجانب گوش زد نمودند با

اگر اطمینان کامل به رئیس الوزرای کنونی و بعضی وزرای دیگر داریم اما چنان اوضاع ما را درشکنجه بی‌تابی نموده که اگر بفوری بعضی نکات مهمه اساسی را دولت اقدام نکند بعد ها گرفتار بسی مخاطرات شده که نجاتش ازان بسی دشوارخواهد شد ممکن است بعضی اشخاص تظلمات ما را اهمیت نداده و به خونسردی تلقی کنند اما اگر همان اشخاص فقط نظری به عملیات این کمپانی نمایند تصدیق کلام ما را خواهند نمود از جمله شعبات این اداره شعبه محافظه است فقط هویت اشخاصیکه دراین شعبه مشغول کارند صدق قول ما را آفتابی خواهد نمود تمام پلیس هاش از همان پلیسهای (SPR) معتمد رئیس انها که در ایران و عراق و اکثر نقاط مستعمره انگلیس صاحب منصبی فوق العاده بوده انها را جمع کرده باسم پلیس محافظ کار معین نموده منشیان ان شعبه قلم از شرحشان عاجز است با الاخره در هر قهوه خانه و بازار عمال سیاسی کمپانی که در تحت نظر رئیس پلیس است مشغولند ـ اگر بخواهم جزئی عملیات بعضی عمالش را بنویسم این مقاله گنجایش انرا ندارد ونیز همان بهتر که گوشزد بشود ـ هرکس را در اصلاحات عقیده ایست چون با عقل ناقص خویش این اوضاع اسف انگیز را تماشا میکنم لذا برخود واجب دانسته که چند مواد ذیل را که بعضی واقفین انهـا را نوشته در مقدمه اصلاحات گوشزد اولیاء نمود زیرا که هرکاری را مقدمه لازم وهربنای را اساسی واجب است پس مشوئت که عبارت از زیربار دیگران نرفتن است مقدمات لازم دارد که به ان وسیله افراد ایرانی بدان مقام قدس نائل شوند :

۱ ــ الغای کاپیتولاسیون

۲ ــ تفکیک سیاست از اداره کمپانی

۳ ــ تحت نظر آوردن دولت علیه تمام عملیات کمپانی از هر جهت حتی اشخاصیکه باسم پیدا کردن نفط در ایالات ایران در سیر و گردش اند ـ

لزوم الغاء کاپیتولاسیون را اهل التمیز و بعض واقفین شرح داده اند ـ امیدوارم در آتیه در دو ماده دیگر تشریحاتی با حبیکه از عهده برایم بدهم ماده دوم اگر اجرا شود تمام موانع که روح ما را پژمرده کرده تازه میشود وهمچنین در آتیه دولت نیز دچار پاره موانع نخواهد شد ملت ان وقتی میتواند اطمینان کامل به بقاء استقلال خود بکنند که دست دسیسه کاران را دولت از داخله مملکت خود کوتاه کند ـ

(الف)

از سیرجان مینویسند

یکی از قوانین مهم که در دوره پنجم از تصویب مجلس گذشت و میتوان گفت اول قانونی است جهه

مالیات را ازروی عایدات وضع و بالنتیجه تعدیل هم شده است قانون ممیزی است ولی متاسفانه قسمتی نوشته شده که هنوز اجراء نشده مورد تنقید و شکایت و از هر گوشه مملکت که ملاحظه شود داد و فریاد همسالی بلند است و گمان ندارم پس از اجراء باز همه روزه ما بین مالکین و دولت کشمکش تولید و همه ساله صحبت افات محصول و اغنام و احشام در میان و در عرض این ده سال باید همشه مأمورین افات به ممیزی و رسیدگی مشغول و پس از تحقیق تخفیف دهند و عایدات دولت هم همواره در تزلزل واقع خواهدشد بنظر نگارنده بهتر این است که مالیات را بر اراضی قرار دهند نه بر عایدات و مالیات احشام و اغنام‌هم ملغی نمایند و بعوض احشام از مراتع بگیرند که دیگر کسر و نقصانی پیدا نشود و الا همه‌ساله داد و فریاد مردم بابت تسعیر و حمل و آفت بلند و عایدات دولت هم که قبل از هر سال باید پیشبینی شود هیچ میزان صحیحی نمیتوان بدست اورد

۱ ـ علاوه یک اشکالات بزرگی هم ما بین مالک و رعیت تولید نموده که اصلاح پذیر نیست و آخر هم معلوم نیست بکجا منتهی شود وچون فعلا از موضوع بحث ما خارج است بر گردیم به اصل مقصد اگر طرفداران قانون مالیات بر عایدات مدعی باشند که آن قانون بهتر از مالیات بر اراضی است در جواب عرض میکنم بدلایل و براهین قاطعه حاضر هستم ثابت کنم که مالیات ارضی اولی و انفع است ـ دلیل اول آنکه تسعیرات همه ساله خیلی فرق ندارد دوم ـ افات محصول ارضی و اشجار و تلفات اغنام و احشام سوم ـ مخارج اعزام مفتشین و ممیزین و هیئت تحقیق جهة تبدیل زراعت یا رسیدگی به افات که بالطبع پیش می آید باید بطور دقت تصور و تفکر نمود ایا ممکن است یکسال در مملکت پیش آمد نکند که به محصول شتوی و صیفی و عایدات باغات و اشجار آفت نرسد و به اغنام و احشام هم تلفاتی وارد نیاید؟ خیر گمان نمی کنم پس همیشه کشمکش موجود است خوب اگر مدعی نگوید مالیات جنسی بهتر است بدلایل اینکه هرگاه سالی تنگی و قحطی شود و جنس در دست دولت باشد بهتر است در جواب می گویم اولا اگر بمحصولات خدای نکرده آفت رسید و سال قحطی پیش آمد که دولت‌هم بمالکین تخفیف میدهد و علاوه جنس که نیست چه پیش دولت و چه نزد رعیت فرق نمیکند اگرجنس از روسیه و هندوستان و ایطالیا و استرلیا بنا شد بیاید وجنس درایران نباشد چگونه از قحطی جلوگیری خواهد شد؟ ولی اگر جنس هست و مالیات هم نقدی باشد ممکن است قانونی وضع کنند که از احتکار

جلوگیری شود و الا با این ترتیب مالیه ملاحظه فرمایند خسارت دولت سالی چقدر است از کرایه انبار و کرایه حمل و کم بود و کسر انبار و خرابی جنس در انبار ها که دو ساله میشود و بعضی پیش آمدهای غیر منتظره دیگر از قبیل سیل بردن وسرقت و آب افتاده در انبار ها و صد گونه خسارت دیگر که امروزه هیچ یک آنها در مد نظر نیست و دیگر اعتباری که مالیات نقدی دارد در انظار داخله و خارجه خیلی بیشتر از مالیات جنسی است که هیچ اعتبار ندارد . با شرح فوق عسناتی که قانون مالیات در عایدات ترجیح دهد نیست . بلکه ممکن است . در هر حال چنانچه مجلس مالیات را بر اراضی قرار دهد هم به دولت و هم به آبادی مملکت و تزئید عایدات ملک جهت ... هم سهل‌تر و باعث تشویق ملاکین و زارعین میباشد هم میزان صحیحی پیدا میکند و اعتبارات دولت هم ثابت است و دیگر ده سال یکمرتبه تجدید ممیزی هم لازم ندارد بالاخره مجلس باید قانونی تصویب کند و کلیه نواحی را بچهار قسمت منقسم نماید .

۱ ـ املاک کوهستانی

۲ ـ املاک جائیکه آب آن از کاریز و قنوات هست

۳ ـ املاکی که آب آن از رودخانه ورود آب و اراضی آن خیلی با استعداد است

۴ ـ املاکی که زراعت آن دیمی است

باید بهر قسمت از این چهار نوع یک مالیاتی وضع نمود باین ترتیب بجهة اراضی کوهستانی چهار درجه یا بیشتر معین کنند مثلا جریبی یکقران جریبی ۲ قران ۴ قران ۶ قران و املاک جائیکه قنواتی جریبی ۲ قران ۴ قران ۶ قران ۸ قران و املاکی که از رودخانه ۱۰ مشروب میشود و چندان خرجی ندارد مثلا از جریبی ۴ قران ۶ قران ۸ و ۹ و ۱۰ قران یا بیشتر معین کنند همچنین املاک دیمی ترتیب و درجاتی برای آنهم معلوم نمایند . تفاوت زیاده . و باید دولت متخصصین فلاحتی از خارجه کنترات نموده و بوسیله آنها ممیزی نماید . آنها هم تمام نواحی را ممیزی یعنی مساحت و پیمایش نموده و اراضی بایر ودایر را بتناسب استعداد مالیات بندی نمایند که همه ساله از کلیه اراضی دولت استفاده کند و باید مودیان مالیاتی خود شان مالیات همه ساله بدو قسط به شعب مالیه بپردازند و اگر نپرداختند جریمه قانونی شوند . واگر یکوقت خواستند بر مالیات هم بیفزایند مثلا مجلس تصویب کرد که یک عشر یا بیشتر باید اضافه شود مالیه از املاک جریبی یکقران صد دینار علاوه میکرد وابداً خرجی و زحمتی بجهة دولت و ملت فراهم نمی‌شود دیگر مالکین مشغول میشوند که اراضی را زراعت ... ابداً زراعت نکنند .

و املاکی هم که زراعت محصول منظمی میشود نصف یا ربع مساحت مالیات معموله را بپردازد و این قسم مالیات روز بروز بر آبادانی مملکت هم خواهد افزود زیرا مالکین دهات و مزارع دیگر نمیتوانند اراضی و زمینهای بیشتر از احتیاج خودرا احتکار نمایند که هرچه زمین میتوانند تعمیر کنند و محصول از آن بردارند بهمان اندازه تصرف نموده مابقی را بدیگری که آب دارد فروخته یا اینکه رسما از آن اعراض مینمایند ودیگری از مالیه جواز صادر نموده اراضی را صاف و مالیات آن را می پردازد

علاوه باید قانونی وضع شود که هرکس خواست قنواتی احداث کند و در اراضی دیگران عبور نماید صاحب زمین فقط حق داشته باشد هرچه زمین اورا تصرف میکنند قیمت معموله بتصدیق مالیه از صاحب قنات دریافت و دیگر صاحب زمین حق هیچ گونه ممانعت نداشته باشد . و باید اراضی که روی پشته قنوات یا بعد چاه در آن حفر میشود و تصرف قنوات است از مالیات معاف باشد . و دهاتی که طاقیه شد دولت هیچ تخفیف در مالیات ندهد اگر مالک نمیتواند آباد کند وقتی ملاحظه کرد سالی فلان مبلغ باید مالیات اراضی را بدهد فوراً میرود بدیگری که قوه آباد کردن داشته باشد میفروشد و بالاخره چنانچه موفق نشد اعراض و ملک را بدولت واگذار میکند دولت هم اعلانی در آن محل و توابع آن انتشار داده که فلان ملک بی صاحب است هرکس میخواهد تصرف کند باید در فلان شعبه مالیه اجازه صادر کند و مشغول آبادی شود . و چاه کسی دهی یا مزرعهٔ تازه احداث کرد از روزیکه آب آن ظاهر میشود . هفت سال معاف باشد بعد بهمان ترتیب که در فوق ذکر شد ممیزی نمایند این بود نظریات بنده راجع به ممیزی املاک که باید در مجلس ششم تجدید نظر و اصلاح شود یعنی تغییر کند وگمان میکنم نواقص و اشکالات قانون فعلی تا کنون بر دولت . ونمایندگان هم معلوم وبرهن شده باشد [غ ـ ر ـ مرشدی]

اخبارات متفرقه

در شش ماه دوم سال مصرف اقسام پنبه در انگلستان ۱۰۳۷۶۰۰۰۰ عدل بوده است

حکمران هرات شهر نوی در بیرون شهر احداث کرده است و تا بحال ۱۵ هزار تومان مصرف شده هنوز هم مصارفی خواهد داشت ۴۵ هزار تومان کارخانه چراغ برق وارد نموده‌اند دوائر دولتی بشهر جدید انتقال پیدا میکند دیوار های دور شهر کهنه را خراب خندق را پر نمودهٔ بطرز امروزه دنیا بعوض شهرنمائی تشکیل خواهند شد

مطابق حساب خزانه داری لندن کسر بودجه انگلیس معادل ۱۴۶۰۴۳۰۰۴۶ لیره شده است

در خطوط آهن سرحدی فلسطین و حجاز توافق نظر حاصل شده و دولت انگلیس راضی شده یك قسمت از منافع راه آهن حجاز را به ابن سعود بپردازد

قنسول انگلیس در جده با ابن سعود مشغول مذاکره برای دوستی بین انگلیس و حجاز شده است ـ

تاسیس سرویس پستی بین یزد و کرمان و اصفهان در مرکز تهیه شده و عنقریب دایر خواهد شد

وزارت پست و تلگراف با وزارت مالیه مشغول مذاکره شده است که برای کشیدن سیم بین کردستان و آذربایجان اعتباری در بودجه ۱۳۰۶ تحصیل نمایند تا مخابرات تلگرافی بر قرار شود و لایحه تهیه شده که بتصویب مقامات مربوطه برسانند

برای برقراری مبادلات پستی مطابق قرارداد های بین المللی با سفیر ترکیه مذاکره و برای مخابرات تلگرافیم توافق نظر حاصل گردیده است

در هفته اول رجب از بندر پهلوی یك کشتی به طرف بادکوبه حرکت حامل ۳۲ هزار پوط برنج و کشتی دیگر حامل ۷۳ هزار پوط برنج و پنبه بوده است و نیز یك کشتی از بادکوبه وارد دارای ۷۴ هزار پوط قند و شکر و چای و کبریت و ظروف آلات و کشتی دیگر حامل ۵۱ هزار پوط قند و شکر و صابون و شیشه آلات بوده است

۲۵ نفر از اتباع دولت شوروی روس در تالار رود دستگاه تلگراف بی سیم تأسیس ، در اطراف هم مشغول تهیه نقشه می باشند

احصائیه شهر رشت تقریباً ۵۲۳۷۲ نفر تخمین شده است ـ

عاقبت پس از یکسال مخابرات و مذاکرات توافق نظر بین دولت علیه ایران و نماینده کمپانی یونکرس آلمانی در شرائط و قراردادیکه مواد آنرا سال گذشته نگاشته‌ایم تصفیه یافت چنانچه سه روز بتاریخ ۸ فروری خبر میدهد اولین پست هوائی ایران از طهران به بندر پهلوی و روسیه حرکت نمود وازروی همان قرارداد از یك ماه الی سه ماه دیگر پست طهران تا خلیج هم متصل خواهد شد که با پست هوائی انگلستان بتوان به هندوستان آید قیمت پست هوائی و مسافرت در آن هم تصفیه یافته عنقریب اشاعه خواهد یافت

از طرف وزارت فوائد عامه بکمپانیهای امریکائی بشرحی نوشته شده که راجع به تهیه ماشینهای چاه کوب و ماشینهای آبکش و قیمت آنها بطور واضح اطلاع بدهند که برای خریداری آنها دستور داده شود

سفارت ایران مقیم واشنگتن اطلاع میدهد در ۱۰۶ ماه اول سال در کارخانه فورد جای خالی نیست ولی ۶ ماه دوم را برای پذیرفتن شاگردان ایرانی وعده داده اند

وزارت داخله پیش نهادی بهیئت وزرا تقدیم داشته برای اصلاح محبس‌ها و تأسیس محبس‌های جدید در کلیه ولایات ۲۱۰ هزار تومان پیش بینی کرده لازم است وزارت مالیه دستور داده شود که وجه مزبور یك قسمت در بودجه هذه السنه و قسمت دیگر در بودجه ۱۳۰۶ منظور دارد

کمیسیون نظام اجباری صورت مجلس‌ها را امضاء و ممالك مربوطه تقدیم و اعلان ختم از طرف حکومت داده شده است

چندی قبل از طرف وزارت فوائد عامه بکمیسیون امور جنوب دستور داده شد که برای مراقبت مؤسسات نفط و کارهای عملیات محل توقف خود را بمحمره انتقال دهند کمیسیون مزبور اطلاع میدهد که بواسطه تراکم کار این تقریب میسر نیست در صورتیکه سال ۵۰۰ لیره اعتبار داده شود ممکن است در عرض سال یکی دو مرتبه بمحل نفط مسافرت نمایند

یکی از کمپانیهای معتبر فرانسه بوزارت فوائد عامه مینویسد کلیه اشیاء لازمه از ماشین آلات وغیره که برای خط آهن لازم است کمپانی حاضر است با شرایط سهل با دولت علیه معامله نماید

اعلیحضرت پهلوی گاه گاهی منفرداً هم سادرشکه در قسمتهای معتدمه شهر گردش مینمایند

در وزارت مالیه کمیسیونی مرکب از آقای وزیر و رئیس کل مالیه و میرزا یانس منعقد و رسیدگی بمحاسبه سعد الدوله و بانك ایران مینمودند

چون یکی از تجار آذربایجان خشکه‌بار را بترتیب خیلی نظیف در جعبه های قشنگ گذارده و باروپا حمل نموده و یك جعبه محض نمونه بطهران فرستاده که بنظر مقامات عالیه برسد بعد از تقدیم اعلیحضرت بوزارت فوائد عامه نوشته شده که مقتضی است اقداماتی بعمل آید که سائر تجار هم بان تجارت خانه تاسی جسته در توسعه تجارت و حمل خشکبار بخارجه کوشش نمایند

در هیئت وزراء قرارداد تجارتی ایران و روسیه مطرح شور واقع و در وزارت مالیه بودجه بعضی ادوایر مرکز و ولایات گردید

اتاق تجارت طهران تصمیم قطعی اتخاذ نموده که بوسیله وزارت تجارت بهیئت معظم دولت پیش نهاد نمود در صورتیکه دولت از انعقاد قرارداد تجارتی مأیوس میباشد معارضه بمثل و معامله متقابله معمول دارد

آلات وادواتی که وزارت فوائد عامه برای نقشه برداری راه آهن خواسته بود وارد شده است

از وزارت امور خارجه بوزارت فوائد عامه اطلاع میدهند که چون خروج مسکوکات طلا از روسیه ممنوع و سایر مسکوکات را گمرک ایران توقیف مینماید و شعبات بانک هم در سرحدات نیست لهذا اشخاصیکه از سرحدات بروسیه رفته و چند ماهی از دسترنج خود وجهی ذخیره کرده‌اند متحیر اند که بچه وسیله بداخله ایران وارد کنند و نیز اهالی سرحد آذربایجان تقاضا دارند که قضیه تحت دقت درآمده و راه حلی برای آن اتخاذ شود

دولت هلند برای سرپرستی اتباع خود در ایران وزیر مختاری که در ترکیه است مأمور ایران و مقامات مربوطه معرفی نموده و وزیر مختار هلند در آن واحد سمت وزیر مختاری دو دولت را دارد

برای اینکه صاحبان دعاوی از عهده دولت مرحمت استیفاء داشته باشند وزارت مالیه محکمه بنام دیوان دعاوی تاسیس مینماید

از طرف کمپانی نفط جنوب مراسلاتی بوزارتخانهای مربوطه ارسال و ضمناً اطلاع میدهد کمپانی در نظر گرفته است عده از متخصصین معرفت الارضی به سه قسمت از نقاط مختلفه ایران در ولایات و ایالات اعزام دارد تا مطالعات لازمه در نقاطیکه دارای نفط میباشد نموده راپورت بدهند

لایحه راجع بقانون مالیات در هیئت وزراء تصویب و بتقدیم بمجلس شورای ملی شد

کارخانه کبریت سازی آذربایجان بواسطه رقابت خارجی بوزارت فوائد عامه مواد ذیل را تقدیم و تقاضای مساعدت کرده است

(۱) جلوگیری از رقابت خارجی هر نحویکه هیئت دولت مقتضی بداند

(۲) تمدید مدت امتیاز به ۳۱ سال و معافیت مواد خام کارخانه از تمام کرایه کشتی رانی دریاچه ارومیه و خط آهن تبریز و حقوق گمرکی تا آخر مدت امتیاز

(۳) معافیت این موسسه و محصولش از همه قسم عوارض و مالیات تا آخر مدت

[۴] اجازه تاسیس یک کلاس در خود کارخانه برای تدریس محصلات در جهت پروگرام اداره معارف در مقابل ماده پنج امتیاز

در امریک درختی است بارتفاع ششصد قدم در داخل آن مدرسه ایست که یکصد و چهل نفر محصل دارد

در انگلستان ۵۳۰۰۰۰۰ محصل و محصله مشغول تحصیلند

روزنامه تایمز انگلیس روزانه ۲ ملیون بطبع میرسد

در امریک ۶۲۲ لهجه صحبت می کنند

در هندوستان ۵۴۷ لهجه مختلفه موجود است

کمپانی بریطانیه طلای ۲ ملیون لیره [illegible]

مصروف سالیانه قند در عالم معادل ۲۳ ملیون تن می باشد

در ایتالی تاجری است موسوم به (؟ تو مابرات) سالیانه ۳ ملیون لیره بدل اعانه می دهد

عده بیکاران لندن تا سوم ژانویه ۲۲۹۸۰۰ بوده است

حکومت ایطالی برای تشکیل پولیس هوائی طیاره های مخصوص تأسیس و ۵ ملیون لیره برای این مؤسسه تخصیص داده است

کمپانی ایطالی که صاحب امتیاز اخراج سفائن غرق شده در بوغاز داردانل است تا حال چندین کشتی بزرگ سالم متعلق بانگلیس و فرانسه را در آورده و نظر باینکه در صندوق کشتی زره پوش مسعودیه عثمانی مبلغ هنگفتی پول طلا بوده لذا کمپانی به بیرون آوردن این کشتی شکسته اقدام ورزیده است

از اول ژانویه (۱۹۲۷) اداره طرق هوائی انگلستان عهده دار حمل و نقل پست و مسافرین از قاهره ببغداد گردیده و از بغداد ببصره امتداد یافته است و در آوریل آینده تا کراچی پست هوائی مستقر خواهد شد

برای حمل پست دو سرویس در بغداد دایر شده یکی از بغداد به حیفا و یکی از بغداد به بیروت و مصر خواهد بود

یک تخته قالی نفیسه که برای مسجد پاریس بعنوان هدیه از طرف اعلیحضرت پادشاه ایران داده شده بود وزیر مختار ایران با حضور نمایندگان ملل اسلامیه بمسجد [illegible] کرده اند

صورت عایدات ایران از نفط جنوب که در لندن انتشار داده اند در صفحات [illegible] بقرار ذیل است

از سنه ۱۹۱۳ تا سنه ۱۹۱۹ — ۱٬۳۲۵٬۰۵۲ لیره

سنه	۱۹۲۰	۴۶۸٬۷۱۸ لیره
«	۱۹۲۱	۵۸۵٬۳۸۹ «
«	۱۹۲۲	۶۲۴٬۳۰۰ «
«	۱۹۲۳	۵۶۶٬۷۴۴ «
«	۱۹۲۴	۴۳۷٬۵۲۳ «
«	۱۹۲۵	۷۳۸٬۷۷۸ «
«	۱۹۲۶	۹۷۴٬۸۲۳ «
جمع		۵٬۶۰۱٬۶۲۷ لیره

فقط عایدات نفت جنوب را سال گذشته که [illegible] نموده اند چهار ملیون نهصد و هشتاد و سه هزار دویست و سی و دو لیره و شش پنس بوده گویا در این مدت بالتمام یکسال عایدات ایران [illegible]

26-1, Ahri Pukur Road
CALCUTTA.

(۲۶-۱ آهیری پوکر رود)
(دارالخلافه کلکته)
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید الاسلام)
هر دو شنبه و سه شنبه
منتشر میشود

قیمت اشتراک
سالیانه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۲۵ قران
(ممالک سایره)
سالیانه
یک و نیم لیره انگلیسی

حبل المتین

یوم سه شنبه ۱۱ بهمن ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۲۷ رجب المرجب سنه ۱۳۴۵ هجری
مطابق با اول فروری سنه ۱۹۲۷ میلادی

استعفای کابینهٔ ایران

مخبر رویتر خبر میدهد بمناسبت اینکه مستوفی مقتدر به بستن قرار داد تجارتی بین روس و ایران نیامد و درموضوع مراسله که کابینه ایشان بکابینهٔ جنوب نوشته بود وچند امور معوقه دیگر اعضای فراکسیون استقلال با اقلیت مجلس متفق آمده کابینه را برای استیضاح خواسته بودند . از این رو کابینهٔ مستوفی مستعفی آمد

جنبش چینی یا بیداری آسیا

حبل المتین در سال گذشته از نمبر ۹ تا ۱۳ مقاله تحت عنوان تطبیقات سیاسی یا جنگ حتمی آتی نگاشته در این موقع قارئین محترم را متوجه بقرائت آن مقالات نموده تا پیشگوئیهای آنکه یک گونه پیغامبری سیاسی است بموقع تصدیق در آید

آری آن مقالات اما را بچار مشکلات ساخت ولی امور طبیعیه را فشارهای توقیف و حبس حبل المتین جلوگیری نتواند نمود

§ آنچه بیند عاقل اندر خشت خام §
§ می بیند جاهل اندر آئینه §

بالاخره چین جنبید وخوب هم جنبید یعنی این جثه جسیم که مرکز ثقل آسیاش باید گفت جنبیدن گرفته از جنبش آن ولوله درشرق وزلزله درغرب افتاده همه بیک حال بهت آور نگران پیش آمد های آتی اند بنی چنانچه نگاشتیم این مقدمه جنگ اولیه شرق و غرب است و میدان کارهم روس وانگلیس اند چین باشد یاهند ایران باشد یا ترک تا یک قرن دیگر آله پیشرفت این وآن خواهند بود

بلی چین جنبید وخوب هم جنبیده است چون یکتنا هدف منافع روس وانگلیس اند از این رو چینیان را بعداوت انگلیسان بیشتر وادار کرده اند انگلیسانه هم نکته را خوب فهمیده دو اسبه بجلوگیری پیشرفت خصم می تازد از یک طرف انگلیسان میگویند که ما را با ملیون چین هیچگونه خصومت و عداوتی نیست از طرف دیگر تهیه و تدارک جنگ عظیمی را براً و بحراً بر خلاف چین دیده و می بینند

چین چه میخواهد

ملیون چین یعنی انقلابیون جنوب که مرکز شان کانتان و از روی مساحت و نفوس ثلث چین است. میگویند چین باید مستقل و آزاد باشد ونمیتوانیم قرار دادهائی که دول با فشار بچین داده ما قبولانده برقرار گذاریم ازاین بعد نمیخواهیم ببینیم که بسر در دروازه ناحیه امتیازات شنگهائی نوشته باشد که سگ و چینی حق ورود ندارد .. ــ ما هم حق حسابی ملی داریم ما تجارت خارجه رامخالف نیستیم ولی نمیتوانیم حیات اقتصادی خود مان را یکدفعه برحم و مروت بیگانه گان گذاریم ما نمیتوانیم در هر چیز زیردست و دست نگر خارجه باشیم این همه امتیازات خاص برانداز این همه نوآبادیهای بزرگ که در خاک ما داخل کرده اند بس نیست که اختیار تعرفهٔ گمرکات مارا هم گرفته بدین ذریعه کلیهٔ ثروت مارا میربایند و ما را فقر اقتصادی دچار ساخته نزدیک است بهلاکت ورشکست و اهالی را فاقه کش سازند . ما از این بعد حاضر نیستیم که درعدلیه های اجانب یا درعدالت خانه های خود قوانین بیگانگان را جاری و ساری گذاریم نواحی بیگانگان باید متروک آید تعرفهٔ گمرکات باید باختیار خود مان باشد ـ قرارداد های اولیه دول لغو

گردد و تجارت قنسلات یعنی کاپیتولاسیون در چین یکدفعه ملغی گردد و بیگانگان هم باید مثل چینیان در محاکم چینی آمده محاکمه شوند.

روسیه در این میان

دولت جماهیر روسیه ساعی است بهر وسیله که ممکن شود نفرت انگلیسها را در قلوب ملیون چین زیاد نماید و این آتش عداوت بیشتر زبانه خواهد کشید بجنگ بین انگلیس و ملیون چین، چه روسیان میدانند اگر این جنگ پیش آید علاوه بر اینکه تا سالهای دراز دولت انگلیس مبتلا خواهد آمد اند رز هم ریرار خساره خواهد رفت که مدتها جبران پذیر نباشد در آن صورت روسیه در بر انگیزنده های خود در انگلستان و هند بیشتر کامیاب خواهد آمد و نیز اگر ملیون که تاکنون در جنگهائی فاتح آمده اند علاوه بر اینکه بر کلیه چین استیلا خواهد جست از سرحد برمه هم خواهند توانست هر گونه اخلال در هند مهیا سازند همان قسمیکه از ۵۰ سال باینطرف انگلستان در سرحدات غربی یعنی سرحد افغان مبتلای به تجهیز اردو و تشکیل استحکامات آمده و تاکنون صد ها ملیون صرف جلوگیری حملات موهومه روس بر هندوستان است باید در سرحد برمه نیز دو چار همان مصارف هنگفت و زحمات ناگفتنی گردد گرفتن خطه برمه با انقلاب برمه توام است روسیان ملیون چین را قسمی در قبضه خود قرار داده که بجای لشکریان روس مقاصد وی را از پیش می برند معلوم است که اگر برمه منقلب آید هندوستان هم خیلی آرام نتواند ماند از اینرو دولت انگلیس بر طبق طبیعت سیاسی برای پیشبندی از قبضه ملیون چین بر شانگهائی قیام نموده است علاوه بر آن روسها همچه تصور می کنند که اگر دولت انگلیس در چین مبتلای بجنگ شد خواه مخواه کابینه (بالدوین) افتاده و دولت کارگر بروی کار خواهد آمد و آمدن دولت کارگر بر سر حکومت نقشه پیشرفت مقاصد روسیه راحتی در انگلستان تقویت خواهد نمود روسها می خواهند بگرم کردن میدان جنگ بین انگلیس و ملیون چین آسیا را منقلب بسازند تا بتوانند در این آب گل آلود ماهی بگیرند تا وقتیکه مخابرات بین نمایندگان انگلیس و حکومت کانتان زبانا جاری بود می گفتند ما هیچگونه تائید بملیون چین نمی نمائیم فقط متمنی پیشرفت آنها را خواهانیم ولی از وقتیکه انگلیسان باقدامات جنگی قیام نموده روسیه نیز در سرحدات چین بر قوای نظامی خود هر روزه میافزاید حتی در سرحد منچوریا ۵۰ هزار بر نظامیان ساخلوی خود افزوده است و علناً سرکردگان روس مداخله بچین دارد با بروسیای انقلابیون بپهلو

افکار مشغول اند بر عصیان هندیان موقع را برای اطلاع انگلستان فراهم کرده اقلا تا چندی این خیال الدازیهای انگلیس بر ضد بلشیوزی آسوده کرده اند

آمریک چه میگوید

باید دانست که دولت امریک بیش از همه دول علائق اقتصادی با چین دارد و سرمایه امریکائیان در چین از کلیه دول بیشتر ریخته آمده است ولی سیاستیکه آمریک تاکنون باچینیان نموده اقتصادی بوده موجب شهرت و انزجار ملیون نشده بلکه همیشه آمریک را اولین خواهان آزادی سیاسی و اقتصادی خود تصور کرده اند فقط دونکته مهم را نظارت اول اینکه معرف ملیون چین را روسیه تصور میکنند و یقین دارند اگر ملیون چین در این جنبش کار را بر مرام خود ساخته نفوذ و اقتدار خارجیان را بر اندازند مرام بلشویزی در کلیه چین حکم فرما خواهد آمد و تر و خشک باهم خواهند سوخت و آنچه سرمایه امریکائیان در چین ریخته آمده ولو موقتاً هم باشد از میان خواهد رفت علاوه بر این پیش رفت مرام ملیون چین با اثرات بلشویزی معنی اش اینست که اقتدارات اروپ و امریک یکی بعد دیگری از کلیه بساط آسیا قطع گردد و این یکی از مسائل اساسی است که هیچگاه سرمایه داران اروپ و امریک باوی موافقت نتوانند نمود دوم اینکه دولت انگلیس از ژاپون علیحدگی اختیار نمود مگر در سایه کوشش و کشش آمریک، مرکز بحری سنگاپور را دولت انگلیس بیشتر بکمک آمریک برای جنگ آینده حتمی بحر پاسیفیک برخلاف ژاپون تهیه مینماید معلوم است که ژاپون در این مناقشه طرفدار چین است لذا آمریک نمیتواند از طرفداری علنی و سری انگلستان صرف نظر نماید نطق رئیس جمهوری آمریک با مواد شرایطی که انگلستان بچین پیش نموده معاً یکی است و رئیس جمهوری نیز اظهار داشته که اگر ضرورت پیش آید در محافظه مال و جان رعایای خویش اقدامات مقتضیه خواهد نمود ولی هنوز موقع را مقتضی هیچ اقدامی نمی بیند و رعایای آمریک را سفارش میدهد که پریشان نشده بکارهای خود اشتغال داشته باشند * قوای بحری آمریک در پسفیک و آبهای چین آماده و قشون بحری مقیم الجزائر فیلپاین وغیره مجهز آمده از این بیان ظاهر میشود که اگر جنگ در چین پیش آید و ضرورت هم اقتضاء کند آمریک بطرف داری انگلستان قیام خواهد نمود و هرگاه چنین شد باید گفت تمام قوت سرمایه داری در مقابل حزب کارگر و رنجبر قیام نموده است یا بزبان دیگر باید گفت تمام قوت غرب در مقابل شرق ایستاده

§ تا بیار کرا خواهد و میلش بکه باشد §

ژاپون در چه خیال است

بیانات صدر اعظم ژاپون ظاهر میدارد که با تدارکات جنگی انگلیس همراه نیست چه صدر اعظم موصوف میگوید که ژاپون مسلک خود را در انقلابات کنونی چین بیطرفی قرار داده و حاضر است که با ملیون چین قرارداد جدیدی از روی تساوی حقوق ببندد و اختیار را در تعرفه گمرکات خویش آزاد گذارد و در عدالتهای چین ژاپونیان محاکمه شوند حق قضاوت عدالت را در چین واگذار نماید ناحیه های امتیازی یا قاطعی عاتی را بچینیان بسپارد بیاد داشت دولت انگلیس که خواهش شده بود که توام در معاملات چین اقدام کنند جواب داده که با مشکلات دولت انگلیس که در هنکو و ... نماید پیش آمده همدردی دارد ولی ... ژاپون بیطرفی در معاملات چین است و هنوز هم لازم نمیداند که هیچگونه اقدام کند ولی اگر ... پیش آید دولت ژاپون هم اقدامات لازمه خواهد نمود

هر صورت در احتشاد قوای انگلیسان در شنگهای ژاپون نیز امیدوار است بی علاقگی ظاهر دارد ... جنگی ژاپون مستعد و آماده اند و معلوم است که در این مناقشه نه تنها با دولت انگلیس همراه نیست بلکه با نظر عمیق دور بین نگران تدارکات جنگی انگلیس است ژاپون نیز اقدامات دولت انگلیس را بحال خود نافع تصور میکنند چه هر قدر چینیان از انگلیس دور شوند بژاپون نزدیک خواهند آمد و هر چه مال التجاره انگلستان را اعتصاب نمایند سبب رواج بازار تجارت ژاپون خواهد گردید فعلا ژاپون از دور دارد تماشا میکند و تدارکات جنگی انگلیس و روس بدقت نگران است

فرانس چه میکند

از وقتیکه دولت انگلیس بتدارکات جنگی پرداخته جرائد فرانسه خیلی انتقادی نموده مینویسند که اقدامات جنگی انگلیس ممکن است مشکلات خارجیان را در چین فزونی بخشد فرانسه ناحیه امتیازیه زیاده مانند انگلستان ندارد و تاکنون ملیون چین هم دست تجاوز و تعدی بمال و نفوس رعایای فرانسه دراز ننموده از این رو فرانسه مائل نیست که با اتفاق دولت دیگر در موضوع چین اقدامی نماید ولی اگر ضرورت مقتضی آید و مال و جان رعایای فرانسه بمخاطره افتد فرانسه هم در حفظ حقوق آنان و حفاظت مال و جان شان کوتاهی نخواهد نمود .

آلمانها در چه خیال اند

ظاهر است که آلمان جز علاقه تجارتی مختصری فعلا در چین ندارد و قطعه مهم کیاچورا که باسم اجاره مستعمره خود ساخته بود در جنگ اخیر ژاپون از کفش ربوده ... . از این رو تدارکات جنگی انگلیس را بنظر حسرت مشاهده میکنند اخبارات آلمانی بیشتر ابراز خوشوقتی از ابتلای انگلیسان در اقصای شرق مینمایند ، از ترشحات قلمی جرائد آلمان مستفاد میشود که آلمانها از پیشامدهای اقصای شرق خوشوقتند و سرزنش میکنند انگلیسان را که همان ژاپون را که برخلاف ما بجنگ درآورد امروز بسر آنها سوار گردیده است ، آلمانهائیکه در شنگهای موجود اند حاضر شده اند که در قشون انگلیس شامل آمده با ملیون چین بجنگ درآیند ، انگلیسان جواب داده اند که رعایای خارجه را نمیتوانند در اردوی خود شمولیت دهند . بلجیک و هولاند و پرتگیس اگرچه قوای شان مختصر و علائق شان بچین کم است ظاهراً هیچ یك ابراز همراهی با انگلستان ننموده ولی هر یك بقدر قوت خویش بتدارکات جنگی مشغول است ، حقیقت این است که عموماً دول اروپ و آمریك با خیالات انگلستان همراه و از سرکوبی چینیان خوشنود میباشند ولی نظر بمصلحت وقت چنین صلاح دیده که ظاهراً در معاملات چین اتفاق ننموده ولی عملا متحد باشند چه اگر چینیان در این موقع سرکوبی شوند برای سالی چند تصرفات سیاسی و اقتصادی تمام ملل غرب در شرق قائم خواهند ماند و اگر چین در خیالات خود پیشرفت کند باید بزودی ... تدارکات خود در شرق حاضر شوند با اتفاق ... کاروائی نمی کنند این است که اگر ژاپون در سرکوبی ملیون چین اقدامات متفقانه کنند نه تنها چینیان بیشتر بهوش آمده اتفاقات ملی خویش را توسعه خواهند داد بلکه آنان نیز عملاً دست توسل بدامان روس زده جنگ غرب و شرق را قبل از وقت پدید خواهند ساخت لذا برای غفلت چینیان و اعتصاب سائره ملل شرقیه صلاح در این دیده اند که دولت انگلیس را ... بدون اسم اتفاق مؤید اقدامات وی کردند و در موقع لزوم از کمك و مساعده اخلاقی و عملی انگلستان کوتاهی ننمایند امروز اقدامات سیاسی ولو در چندین غلافهای مختلف پیچیده شود از هم آفتابی میگردد چنانچه ملیون چین جواب نطق رئیس جمهوری آمریك گفته اند که آمریکا دارد ما را بالفاظ خوش آیند توخالی ما را اغفال میکند حالا که تمام مجوزات ابراز روی پیشنهادات انگلستان است اگه تا یك درجه تکثر چه از یاد داشت انگلیس خیالات وی مستفاد میشود ولی بیانات رئیس جمهوری تمام موهوم و سربسته است

انگلستان چه خواهد کرد

باید دانست که رعایای انگلستان در چین و منافع اقتصادی آن بیشتر از جمیع دول است در

۰٤ نقطه دولت انگلیس ناحیه امتیازیه و نقاط رعایتی دارد و تجارتخانه های انگلیسان با سرمایه های بزرگ موجود است علاوه بر این منافع سیاسی انگلیس در اقدام بضد ملیون چین است و اگر بنا شود ترک نواحی امتیازیه خود را بنماید باید با عزت باشد و موقع بدست دشمن یعنی روس ندهد که ملیون چین را با مرام بلشویکی مجهز نموده شرق را منقلب سازد بالا تر از همه آن است که اگر دولت انگلیس در چین بتوهین اخراج شود ممالک شرقیه و علی الخصوص هندوستان بمخاطره نزدیک میگردد این مخاطره دو شق دارد یکی اخلاقی و دیگری عملی یعنی از یک طرف اهالی ممالک شرقی انگلستان اخلاقاً بدولت خود جسور خواهند آمد و سرحدات هندوستان نیز بمخاطره نزدیک خواهد شد ایالت یونان است که در اقصای جنوبی چین واقع و هنوز قبضه ملیون کانتان نیامده است و اگر ایالات یونان بقبضهٔ انقلابیون کانتنیان در آید برمه را تهدید خواهد نمود چه یونان متصل بسرحد برمه است —

انگلیسان میگویند (آماده جنگ باش اگر خواهی صلح) ملیون جنوبی چین هرچه تصور کرده که یک فشار نظامی حکومت هانکو دولت انگلیس از کلیه حقوق خود در چین صرف نظر خواهد کرد چون در هانکو بیک اشاره انگلیسان نواحی امتیازیه خود را رها ساختند هرچه تصور میکنند که در شانگهائی نیز چنین خواهد شد در حلقه رسمی انگلستان شهرت دارد انگلیس حاضر است همه گونه تائید به ملیون چین داده آزادی اقتصادی و سیاسی آنها را ببخشاید در صورتیکه ملیون چین نیز بحقوقیکه به آنها داده میشود قناعت نمایند مستر چمبرلین وزیر خارجه انگلستان مسلک دولت انگلیس را چنین ظاهر داشته است دولت انگلیس در جنگهای داخلی چین مطلقاً بیطرف خواهد ماند و نیز حاضر است بلغو (کاپیتولاسیون) قضاوت قونسلا خود در چین و نیز تمام نواحی امتیازیه و نقاط رعایتی که از چین حاصل نموده همه را بچین واگذار نماید حتی ناحیه امتیازیه شانگهائی خود را هم حاضر است با شرایط مخصوص بچینیان بسپارد و چین را در تعرفه گمرکات خود آزاد قرار دهد اما لغو تمام قرار دادهای اولیه منوط بر آن است که چین دارای یک حکومت مرکزی بشود بدولت چین امروز مرکزیت ندارد و حکم حکومت پکن در کانتان جاری نیست هرزمان که چین دارای یک حکومت مرکزی شد دولت انگلیس حاضر خواهد بود که قرار دادهای جدید با چین ببندد ولی تا وقتیکه قرار داد جدید بسته نیامده همان قرار دادهای اولیه را باید پای بند باشند مستر چمبرلین ظاهر داشته که این حد اخیر رعایتی بوده است که نسبت بملیون چین نموده ایم و دولت انگلیس حاضر نخواهد بود که یک قلم هم از آنچه نوشته آمده تجاوز کند دولت انگلیس اقدامات نظامی که براً و بحراً نموده برای دخالت در امور چین و ملک گیری نیست بلکه اقدامات تامینی بر حفظ مال و جان رعایای خویش است و آنچه را که ما نسبت بملیون چین رعایت نموده ایم عشری از آن را هم امریک و ژاپون و فرانس ننموده اند شرایط مستر چمبرلین بحکومت کانتان و پکن توام داده شده است میگویند اقدامات نظامی دولت انگلیس و رعایتهای رسمی که بملیون چین پیش شده اثر عمیقی بچینیان نموده است میگویند فائدین چین حاضر گردیده اند اگر دولت انگلیس جداً بالها کمک نماید تا یک حکومت ملی واحدی در چین تشکیل یابد حاضر خواهند بود که یک مرتبه ترک تملقات روس را گویند عده نظامیان را که دولت انگلیس بشانگهائی فرستاده ۱۳ هزار است اگرچه جهازات جنگی زیاد مجتمع ساخته و یک قوه بزرگی در آبهای چین جمع شده است ولی در مقابل یک و نیم ملیون نظامیان کانتونی چین که همه با اسلحه های جدید مجهز و منظم نظامیان تازه اروپ مشق یافته اند هیچ نتواند کرد فقط این قوت برای آن است که ناحیه امتیازیه شانگهائی را از حمله ملیون چین محفوظ دارد شک نیست که چینیان در این جنبش ملی منافع عمده حاصل کرده و سنگ بنیان استقلال خویش را گذاردند

(بقیه در صفحه ۲۳)

سؤال

(شاهزاده محمد ولی میرزا)

قراریکه اطلاع دارم مراسلهٔ از وزارت مالیه به کمپانی نفط جنوب نوشته شده که چند ماده از قوانین ما را نقض و یکی از مواد امتیاز دارسی را که ماده ۱۵ باشد لغو می نماید —

ماده ۱۵ - دارسی راجع به امتیاز نفط جنوب این است که بعد از انقضای مدت امتیاز که پنجاه یا شصت سال است کلیه ابنیه و کارخانجات و آنچه در مملکت ایران تاسیس کرده اند بدولت ایران تعلق میگیرد و جزء مال ملت دولت میشود این قسمت لغو شده که نقض امتیاز دارسی است

یک قسمت دیگر این است که وزارت مالیه در مراسلهٔ که به کمپانی نوشته در اراضی نفط خانه که بدولت ایران تعلق ندارد و در خانقین و قره تو واقع است وزارت فواید عامه در تحت چند ماده قائل شده است که کارخانه تصفیه در آنجا ایجاد کنند و لوازمیکه میخواهند از محمره و عبادان بانجا بیاورند

داد و فریاد —— جنجال وکلاء - صدای زنگ رئیس (بعضی وکلا - مقصود چیست — میخواهید رسمیت بدهید) صدای زنگ رئیس

آقای شیروانی — میخواهی کارهای نفط جنوب را رسمیت بدهی — این حرف ها خیالت است

صدای زنگ — بعضی وکلا — کاغذ پاره است

محمد ولی میرزا — من حق سؤال دارم (بعضی وکلا — این حرف ها رسمیت ندارد

صدای زنگ —

محمد ولی میرزا — پس از آن یکی از تقاضاهات گمرکی را هم تفسیر می کنند و حق می دهند که کمپانی مواد خام وارد کند بدون اینکه گمرک بدهند و از طرف دیگر اجازه دادن کارخانه تصفیه برای ما صحیح نیست

جواب وزارت مالیه

شاهزاده در مسئلهٔ نفط جنوب اطلاعات شان کم است آقایان مطلع هستند که راجع به مسائل سرحدی بین ایران و عثمانی سابق اختلافاتی بود و چند سال قبل در کمیسیونی که در اسلامبول شد قطع شد و بالاخره یك اراضی که محل مشاجره بود بعضی اراضی را در حدود آذربایجان واگذار کردند و کمی از اراضی نفط ما را واگذار نمودند و اراضی نفط ما قسمت شد بین ایران و عراق و در همان قرار داد اینطور قرار دادند حقی را که دولت ایران به دارسی داده بهمان قسم معامله کند و عایداتی که بدولت عراق میرسد کمتر داده می شود اینجا آقایان باید مطمئن باشند که هیچ ماده از امتیاز دارسی لغو نشده و هیچ اجاره برای بنای جدید داده نشده و ما اجازه نداده ایم کارخانه تصفیه را در جای دیگر بسازند این طور نیست در آن محل در خاکیکه آن طرف هست بواسطهٔ داشتن آب کارخانه تصفیه ساخته اند و برای آب در این قسمت بزحمت هستند و برای گمرك هم که ما خواستیم تاسیس کنیم در زحمت بودیم و خود شان هم محل تصفیه ساخته اند و برای اینکه خواستند نفط در آورند هم در آنطرف هم در این طرف برای اینکه محل باشد مراسله نوشته و خواستند مساعدت بشود که در حدود قرار داد دارسی همین جا هم همین تسهیلات را داشته باشند دولت هم دقت های لازمه کرد و با دکتر میلسپو و وزارت فواید عامه هم مذاکره شد و موافقت کردند که بر طبق ماده امتیاز رفتار شود راجع به بردن مواد خام هم در این جا قابل ذکر نیست و دولت ایران نفط دیگری را اجازه نمیدهد به بون گمرك بایران بیاورند و ذکرش یك مفاسدی دارد که صحیح نیست گفته شود — وکلا صحیح است بعضی وکلا — سکوت مجلس دلیل صحت هیچ یك از اعمال طرفین نیست

محمد ولی میرزا — برای اطلاع نمایندگان بطور خصوصی همان کاغذ پاره — مراسله هرچه هست ژلاتین کنند و برای اطلاع نمایندگان بفرستند که با مطالعه مواد او حقایق مکشوف شود

آقای حاج آقا رضا رفیع

در سؤال البته کسی حق مداخله ندارد ولی این حرف ها هم رسمیت ندارد و کاغذ وقتی رسمیت دارد که از طرف مجلس نوشته شده باشد — وکلا : صحیح است

تقاضای فراکسیون اتحاد و آزاد

در جلسه خصوصی آقایان فاطمی و عراقی تقاضا نموده اند که موضوع در یك کمیسیونی تحت مطالعه گذارده شود آقایان آقا سید یعقوب و روحی حلاتی بر علیه دولت نموده و عقیده داشته اند این مراسله بر خلاف مصالح مملکت رد و بدل شده و باید مباشر این امر هر که بوده است معدوم شود

آقای شریعت زاده نظریه آقایان فاطمی و عراقی را با تذکر این نکته که نباید تابع جریانات خارجی بود تائید کرده اند

آقای حائری زاده معتقد بودند که مخصوصا این مراسله بنفع مملکت ایران مبادله شده زیرا دولت را از مراکز خارجی تحت فشار گذارده اند که دولت بین النهرین را بشناسد و شناسائی دولت مزبور مستلزم شناختن سرحدات متنازع فیه است و دولت مستوفی برای اینکه خیانتی بمملکت نکنند سرحدات را نشناخته و با کمپانی یك مراسله اقتصادی رد و بدل کرده است.

آقای شیروانی اظهار داشته اند که دو سه ماه قبل یکی از زمامداران سابق درجواب نطق مهم آقای دکتر مصدق استدلال نموده که در موقع لزوم دولت مجبور است قرار دادهائی منعقد نماید و بعد از گذرانیدن مواقع خطر چون آن قرار دادها باید بتصویب مجلس رسیده باشد و نرسیده است کان لم یکن میباشد و آقایان در مقابل قرار داد ۱۹۱۹ و اظهارات آن زمامدار این طور ابراز حرارت نفرمودند — و در خاتمه نیز با مطالعه دوسیه این موضوع موافقت نموده ولی تذکر دادند نباید نقشه‌های باطنی که بر علیه کابینه ترسیم شده ببهانه این موضوع عملی شود زیرا تاریخ ایران بما ثابت میکند که مستوفی و مخبر السلطنه مرتکب خیانت نمیشوند و اگر خبطی هم کرده باشند قابل اصلاح است

بالاخره با تعیین نماینده از طرف فراکسیونها و تشکیل کمیسیون برای رسیدگی بدوسیه امر بتوافق نظر حاصل گردید

(منتخبین فراکسیونها)

بی‌طرف - پیرنیا ، دکتر مصدق، مدرس، فیروز میرزا
مفردین - فرشی - عراقی
رادیکال - جمشیدی، شریعتزاده
مستقل - آقا سید یعقوب ، حاج آقا رضا رفیع
اقتصاد - ضیاء، حق نویس
آزاد - فهیمی ، دیبا

(مراسله کمپانی نفط جنوب)

طهران ۱۱ — آبان ماه ۱۳۰۵

حضرت اجل آقای وزیر فواید عامه دامت شوکته

در ملاقاتیکه روز ۲۷ سپتامبر و ۱۲ اکتوبر با حضور حضرت مستطاب عالی حضرت آقای وزیر مالیه ، جناب دکتر میلیسپو رئیس کل مالیه و آقای میرزا یانس ، مستر فرلی و این جانب بوقوع پیوست و هم چنین در ملاقاتیکه در ۲۸ اکتبر با حضور حضرت اجل وزیر خارجه واقع شد مشکلاتی را که کمپانی نفط انگلیس و ایران در توسعه و بسط معادن نفط خانه و اراضی مجاور آن دارد معروض داشت به قصد احتراز از مکررات غیر لازم مشخصات ذیل استعمال شده است

۱ — مقصود از کلمه « کمپانی » شرکت نفط انگلیس و ایران محدود و یا شعبات آن میباشد

۲ — مقصود از اراضی نفط خانه اراضی نفطی است که در سرحد ایران و عراق واقع است

حضرت مستطاب عالی ، حضرت آقای وزیر مالیه - حضرت آقای وزیر خارجه جناب آقای رئیس کل مالیه در ملاقات ۲۸ اکتبر قبول فرمودند پیشنهادات ذیل را بدولت متبوعه خود تقدیم و توصیه فرمایند

ماده ۱ — کمپانی حق خواهد داشت از انبارهای ذخیره خود کلیه مصالح و آلات ابزار که برای کشفیات مقدماتی و استخراج معدن و جریان و توسعه امور معدنی برای ساختمان و بسط لوله کشی لازم است از ایران صادر و به اراضی نفط خانه وارد نماید و یا از انبار های ذخیره راجع بعملیات معادن نفت جنوب به اراضی نفت خانه بدون پرداخت هرگونه مالیات یا حقوق گمرکی انتقال دهد پس از تسلیم اظهار نامه در اولین وهله ورود ماشین و آلات و مصالح که برای اراضی نفت خانه بایستی حمل شود کمپانی در امر حمل و نقل ماشین آلات از یکطرف بطرف دیگر سرحد از انجام هرگونه مراسم گمرکی معاف و آزاد خواهد بود

ماده ۲ — کمپانی حق خواهد داشت مواد تصفیه شده نفت خام را که در اراضی نفت خیز نفت خانه بدست آمده بدون پرداخت حقوق گمرکی یا مالیات وارد ایران نماید بشرطیکه مواد تصفیه شده مزبور در ظرف یکسال بیش از معادل پورسانتاژ مواد مشابه که در نفت خام حاصله در غرب ایران یافت میشود نباشد تا زمانیکه ایران محتاج نباشد نفت سوخت را کلا یا جزءاً وارد نماید یعنی تا معادل پورسانتاژی که مواد مزبور در نفت خام حاصله در غرب ایران یافت میشود کمپانی حق خواهد داشت عوض سوخت مذکور یا قسمتی از آن الی یک ربع بنزن و الی یک ثلث نفط وارد نماید از نفط تحصیل وضبط شده در غرب ایران آنچه مواد تصفیه شده بدست آید و برای بازارهای ایران لازم است کمپانی متعهد است الی صدی صد آن را چنانچه فوقا مقرر است بایران وارد نماید مشروط بر اینکه از کمپانی انتظار ورود مقادیر لازمه را بضرر بفروش رسانند

ماده ۳ — ترتیب تشخیص سهم دولت که بموجب ماده دهم امتیاز نامه دارسی صدی شانزده از عایدات خالص است و بایستی از بابت عملیات غرب ایران بدولت پرداخته شود از قرار ذیل خواهد بود

در نتیجه عملیات کمپانی در جنوب ایران مبلغی که در ظرف یکساله سهم دولت تشخیص داده میشود بایستی بواسطه عدد تنی که در اثر همان عملیات نفت خام حاصل شده تقسیم گردد تا معلوم شود که سهم بهر تن چه مبلغی بوده پس از آن راجع بموادی که مشمول ماده یک امتیاز نامه دارسی میباشد و در غرب ایران تحصیل و در انبارها و تانک های صحرائی کمپانی ضبط شده است برای مقدار هر تن مبلغی که فوقا مشخص شده بایستی در سنه مربوطه به دولت ایران پرداخته شود ولی در این موضوع کمپانی حق خواهد داشت مواد ذیل را از مقدار کل که باین ترتیب تحصیل و ضبط شده موضوع نماید

الف - آب و کلیه مواد خارجی

ب - کلیه موادیکه برای عملیات استخراج نفت در غرب ایران و برای عملیات و نگاه داری خطوط لوله به مصرف میرسانند

این ترتیب برای تشخیص سهم دولت از بابت نفت خام تحصیل و ضبط شده و در غرب ایران که بایستی به دولت ایران برسد از تاریخ حال الی سه سال مجری خواهد بود و پس از آن نسبت به ترتیبی که باید اتخاذ شود مجددا مطالعه بعمل خواهد آمد

ماده ٤ — کمپانی کلیه موادی را که مشمول امتیاز نامه دارسی میباشد و در غرب ایران بدست آمده و ضبط میشود مقیاس خواهد گرفت و نمایندگان دولت که برای اینکار مامور هستند اختیار خواهند داشت اولا این مقیاس را رسیدگی نمایند ثانیا وضع و اندازه گرفتن را تحت مداقه در آورند و هر اقدامی را که لازم میدانند بعمل آورند تا اطمینان حاصل نمایند که

ترتیب اندازه گرفتن صحیح است

ماده ۵ - کمپانی محاسبه بی نقص و صحیحی راجع بموادیکه از قرار مذکور در فوق مقیاس گرفته شده و راجع بموضوعاتی که تحت ماده ۳ ذکر شده نگاهداری خواهد نمود و نمایندگان دولت که رسماً مامور و مجاز هستند در مواقع مناسب اختیار خواهند داشت دفاتر کمپانی که محاسبه مزبور در آن ثبت است رسیدگی و مستخرجاتی از آن بنمایند کمپانی از سه ماه پس الی نه اختتام سال خلاصه محاسبه مزبور را از بابت سنه مربوطه بخرج خود تهیه و بدولت تسلیم خواهد نمود و سهمی که بایستی بموجب ماده ۳ - به دولت ایران رسد در موقعی که سهم دولت از بابت عملیات کمپانی در جنوب پرداخته میشود تادیه خواهد شد این گونه محاسبات را دولت محرمانه نگاهداری خواهد نمود باستثنای ارقامی که انتشار آنرا لازم بداند

ماده ۶ - طرفین قبول دارند که قبولی پیشنهادات فوق از طرف دولت علیه ایران ترك زائی حقوق و تعهدات هیچ یك از طرفین که تحت امتیاز نامه دارسی دارا هستند وارد نخواهد آورد، مندرجات این مراسله بهیچ وجه نمیتواند در مسائل سرحدی که ممکن است مابین ایران و دولت دیگری مطرح شود مؤثر واقع شود

پس از مطالعات زیاد و مطرح شدن مراسله کمپانی در هیئت وزراء و دقت‌های لازمه جواب ذیل از طرف وزارت فواید عامه داده شده است

وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه

نمره ۷۱۳۳

شرکت نفط انگلیس و ایران محدود طهران

در جواب مراسله شریفه مورخه ۱۱ آبان اشعار میدارد که مندرجات مراسلهٔ مزبور تقدیم هیئت وزراء عظام شده و هیئت مزبور به این وزارتخانه دستور داده اند بشما اطلاع داده شود که دولت علیه ایران پیشنهادات آن شرکت را که ذیلا ذکر شده قبول مینماید

(عین مواد یك الی شش که در مراسلهٔ کمپانی نوشته شده و در فوق درج شده است درمراسله وزارت فواید عامه نیز نوشته اند)

امضا مهدی‌قلی هدایت وزیر فلاحت و تجارت

حل المتین

نیت شاهزاده محمد ولی میرزا هرچه باشد کار نداریم چه دنیا خاندان فرمانفرما را انگلو فیل میگویند و خدمتی هم که فرمانفرما بدولت انگلیس نموده محتاج به بیان نیست چه اگر فرمانفرما احمد شاه را از رفتن باصفهان باز نمیداشت خواه نخواه ایران شامل بجنگ می آمد و در آن موقع شمولیت ایران بر خلاف متحدین نقشه جنگ را واژگون مینمود چه قشون ترك و آلمان با مردان ایرانی متحد آمده و رخ بهند کرده انگلیسان حواس باخته می گردیدند در آن صورت انگلستان صد فرانسه را قربان هند میکرد و مجبور می گردید که منفرداً با آلمان صلح کرده پاریس را بحال خود گذارد وقتیکه بعد از جنگ یعنی پس از انقلاب روسیه شاهزاده محمد حسین میرزا از اردوی روس بکلکته آمده و بمعیت آقای داؤد خان مفتاح بملاقات ما آمدند بایشان گفتیم « آیا میدانید که فاتح این جنگ بزرگ پدر شما بوده است آیا دولت انگلیس قدر خدمات شما را دانسته صله بخشیده است »

همه میدانند پس از اینکه قطع نفوذ انگلیسان از فارس شد فرمانفرما بود که دوباره نفوذ انگلیس را در فارس بلکه کلیه ایران باز گشت داده و پلیس جنوب تشکیل یافت و عاقبت هم در وزارت خارجه شاهزاده فیروز میرزا قباله ایران نوشته شد و قرار داد سال ۱۹۱۹ بسته آمد در این صورت اگر محمد ولی میرزا پسر فرمانفرما و برادر شاهزاده فیروزمیرزا انگلو فیل باشد راه دور نه پیموده (ومن یشابه ابه فما ظلم)

این‌که راهم ناگفته نتوانیم گذارد که آقای مستوفی در موضوع مراسلهٔ فوق خشونت مقدس اختیار نفرموده همان سیاستهای قدیمه را پای بند شده اند شك نیست و هیچکس هم انکار نتواند نمود که شخص شخیص مستوفی خائن بوطن نیست ولی نمیتوان حکم کرد که ایشان از سهو و خطا مبرایند ولو اینکه ما تصدیق داریم که برخی جملات این مراسله بحال ایران نافع است ولی تا یك درجه مشتبه میسازد که اراضی نفت خانه عرب که حق طلق ثابت ایران است دولت تردیدی در آن حاصل نموده است اما در موضوع اراضی نفت خانه که انگلیسان می خواهند در خاك عراقش شامل سازند تا جائیکه ما اطلاع داریم تصفیه قطعی شده و در سرحد بندی آینده ایران و عراق حق ما مسلم تواند آمد

در سال ۱۹۱۳ وقتیکه نمایندگان روس و انگلیس با آقای اعتلاء الملك رئیس کمیسیون سرحد بندی مشغول تعیین سرحد شدند از کوت و عماره بآن طرف برخی اراضی ما از روی پیشبینی سیاسی شامل بعراق شده اهالی آن نقاط بدولت ملتجی آمده دولت اطمینان بانها داد که در آینده نزدیك تصفیه امر بر وفق خواهش آنها خواهد شد در آن سرحد بندی عثمانی راضی نمود و از آن بعد هم جنگ بزرگ پیش آمد نه ما و نه عثمانی را

فرصت تصفیه این امور نبودی و اینکه گفته اند برای شناختن حکومت عراق فشار های سیاسی بدولت وارد بوده و دولت نخواسته است تصفیه سرحد نماید ثابت می نماید که دعوی دولت بر همان اراضی نفط خانه ثابت و قائم است بر فرض تصفیه هم اگر بناست که معاملات ما با عثمانی نسبت بعراق ناطق باشد باید جمیع مواد قرار داد های ما با عثمانی تسلیم آید یعنی تمام آن حقوقی را که ما از روی معاهده با عثمانی بر عراق عرب داشته ایم نیز تسلیم شود علی الخصوص از سه سال باین طرف در موضوع همین اراضی نفت خانه وغیره مکرر نگاشته و در سال ۱۹۱۳ نیز که سرحد شدی میشد خصوصاً توجه آقای ناصر الملک نائب السلطنه و دولت آن وقت را بهمین اراضی نفت خانه چه در اخبار و چه در مراسلات شخصی مبذول داشتیم -

در هر صورت ما با آقای شیروانی وکیل محترم مجلس همعقیده هستیم که شاهزاده محمد ولی میرزا سانشاران اولیای کمپانی این مسئله را در مجلس علنی مطرح ساخته تا بدین ذریعه مسئله امتیاز کمپانی نفت در مجلس رسمیت پیدا کند چرا که در تبدیل رژیم هر دولت کلیه قرار داد های رژیم اول باطل میشود و چون دولت ایران از بعد امتیاز دارسی لباس مشروطیت پوشیده امتیازات رژیم استبداد همه باطل گردید مگر اینکه در ثانی دولت کنونی از روی قوانین مشروطیت آن امتیازات را تسلیم کند چون اینگونه امتیازات که باید تصویب مجلس شورای ملی باشد و تصویب نشده از عهده اعتبار ساقط است و تا امروز هم مجلس شورای ملی ایران امتیاز دارسی و بانک شاهنشاهی و سائر امتیازات خارجی را بطریق مستقیم منظور ننموده چنانچه گفته شده سکوت در موضوع امتیازات صحت عمل را دلیل نیست هر وقت مجلس صلاح بداند و بخواهد تمام امتیازات رژیم استبداد را که قانوناً ملغی است علناهم تجدید نظر تواند نمود گویا شاهزاده محمد ولی میرزا خواسته است باطناً خدمتی باولیای کمپانی نفت نموده باین امتیاز ملغی رسمیت داده مسئله مراسله دولت را موضوع بحث قرار داده اند - کمپانی نفت هم بهمین لحاظ بود که بدواً رسماً از مجلس دعوت نمود و چون وکلای با دانش مجلس بلتیک اولیای کمپانی را ملتفت شده دعوت رسمی اورا منظور ننمودند برخی از رجال و دو نفر از وکلای مجلس را بغیر رسم دعوت و انهارا یك سیر قمری در میدان نفتون وغیره بخشیده باید دانست که این مسئله دو پهلو دارد - یکی راجع باراضی نفت خانه غرب که تمام ملك طلق ایران است و عراقیها دعوی ملت بر آن بیکند دوم مسئله اصل امتیاز دارسی است که قانوناً چه حکم دارد بتصدیق جمیع متخصصین قوانین بین المللی تاوقتیکه مجلس شورای ایران رسماً وعلناً تصدیق امتیاز دارسی و امثال آن را ننماید آن امتیاز لغو ودخالت وتصرفاتیکه کمپانی در اراضی نفتون مینماید غاصبانه است و اینکه در موقع تبدیل رژیم دول مربوطه قبول تبدیل رژیم را بدین شرط کرده اند که تمام قرار داد موجوده انها قائم باشد حق مجلس شورای ملی را ساقط نمی نماید

علاوه براین قرارداد های دولت غیر ازامتیازات غیر رسمی مثل سائره است در تبدیل رژیم ممکن است همینکه دولتیکه تازه بروی کار آمده عهد نامجات رسمی دول را منظور وتصدیق کند ولی آن دولت نمی تواند از طرف وکلای ملت هم هیچ تصدیقی بدهد امتیاز بانك شاهنشاهی و نفت جنوب عهد نامه رسمی نیست و دادن اینگونه امتیازات حق طلق مجلس است وتاوقتیکه وکلا در مجلس علنی بحث ننموده باکثریت آن امتیاز تصویب نگردد سمت رسمیت و صحت عمل را دارا نخواهد بود

اصلا در حکومت ملی قبول اینگونه مسائل دائمی صورت قانونی پیدا نمی نماید ، نهایت ما زور نداشته ایم وهرچه سختی و زیادتی که دول مقتدره خواسته اند روا داشته و ما نیز ساکت مانده ایم ولی اینگونه سکوت قانوناً حقوق ملی را باطل نمی نماید چنانچه ما حقیت ثابت خود را بر مجمع الجزائر بحرین مسلم میدانیم و تمام دخالت های بیگانه را در آن جزیره باطل وغیر قانونی میگوئیم ولی چون زور نداریم ساکتیم و دعوی خود را گذارده ایم تا موقعیکه زور تحصیل کنیم ، همین قسم است مسئلهٔ امتیازات خارجی که مجلس تاکنون درموضوع آن سکوت اختیار کرده است ، واقع شاهزاده محمد ولی میرزا تیر چند بپهلوی حقوق ملی پرتاب نموده ، امیدواریم کارگر نگردد

پیش از همه این شاهزاده و طرفداران شان سعی کرده اند که باین وسایل کابینه آقای مستوفی را متزلزل ساخته مجدداً یك کابینه وثوق که ممزوج بخاندان فرمانفرما باشد تشکیل داده شاید بتوانند آخرین چوب حراج مملکت را مجدداً بکوبند ولی وکلای صالح مجلس که کاملا بعقاید ایشان برده هرگز نخواهند گذارد که اینگونه اغلوطه کاریها صورت عملی و صحت بپیدا نماید - بزرگترین غلطی این بوده که این اعتراضات از طرف شاهزاده محمد ولی میرزا که حس سابقه خاندانی دارند بمجلس پیش گردیده که اگر حرف حق میزدند بطلانش مسلم بود.

در اقتصاد

خیلی باید خوشوقت بود که مالیات بر تجملات را مجلس شوری گذرانیده و سدی جلو این مزخرفات ایران ویران کن بست . حالا باید ملت به فکر افتاده و ببیند از کجا این فتنه تجملات برخواسته و سبب چه بوده که همه سال خروارها از این مزخرفات از خارجه به ایران ریخته و بواسطه معدودی جهل طامس ساز دست رنج عده زیادی از افراد ملت بعنوان تجمل وقیمت متاع خود آرائی بخارجه میرفته باید رخنه را جسته و آنرا مرمت کرد تا فتنه دیگر از آن بر نخیزد به عقیده نگارنده این فتنه از وضع زندگانی ملت و باید وضع زندگانی را عوض کرد حال که دولت و نمایندگان ملت بوظیفه خود عمل کرده و یك مشکلی را حل نموده یعنی سدی جلو یك سیل خانه ویران کن بسته اند ملت راست که بخود آمده وسرمنشاء فساد یا رخنه فتنه را کاملا بسته و آئینه خود و اخلاق خود را بهتر کرداند

یکی از رخنه های فتنه زندگانی امروزه ملت ایران تجملات عروسی است و دامادی . اگر گفته آید که این وضع و رسم عروسی و این قاعده جهیز و این رواج مهر یك مصیبتی است به روزگار ایران و یك آفرینی است به جان ملت ایران و یك نکبتی است به مملکت ایران شاید کسی منکر نگردد . کی است نگوید که عروسی دختر در ایران عزای پدر است . کی است منکر شود که شوهر از شنیدن زائیدن زنش به دختر از اضطراب جهیز و هنگامه عروسی آن بیست سال قبل از وقت بخود نلرزد ؟ در کدام شهر ایران است که چندین نفر از دارندگانش بعد از عروسی دو دختر بی چیز نشده باشند ؟ کدام جهیز کشانی در ایران واقع شده است بدون فتنه و جنجال ؟ کدام طبقه داماد است که ولو جهیز عروس پنجاه گاوصندوق آمده آنها راضی بوده و ایراد در کمی یا زشتی یا قدیمی بودن آن اسبابها یا لباسها وارد نیاورند و مثل پول بده فحش هم بشنو صورت وقوع نیابد ؟ خوب حالا سئوال میشود آیا کسی هست در همه ایران که باین چند سئوال بالای نگارنده که فقط صد یك عیب عروسی های امروز است جواب دهد یا اینکه تصدیق میفرمایند که این طاعون اخلاق اجتماعی باید از کالبد ایران دفع و رفع شود ؟ اگر باید این وضع کهنه و مندرس و مضر ساقی ماند پس آن کسی که قانون مبارك منع ورود تجملات را عملا لغو خواهد نمود همانا ملت ایران است چه مثلی معروف است که قفل برای دزد اهل است دزد نااهل درشکستن قفل پروا ندارد . از آوردن این مثال به جمله در مثل مناقشه نیست معذرت میخواهم . و اگر راستی دولت و وکلای ملت خوب کاری کرده اند و عمل آنهارا باید ستود پس ملت راست که بخود حرکت داده و خودرا عوض کند و سرچشمه را به بیل بسته تا عبورش بافیل مشکل نگردد . هرکس آشنای به مجله ها و جرائد یا نگارشات اروپا است میداند که نواقص ملی را افراد ملت دفع میکنند نه در همه وقت دولت ودفع نواقص نمیگردد جز به اجتماعات و سوسیتی ها یا انجمن ها و عقاید دار این نگارنده به نام روز نامه پیر ایران حبل المتین به جوانان ایران پیشنهاد تشکیل انجمن ازدواج یا سوسیتی پسران یا محفل اس مینماید مرکز این انجمن باید در تبریز و اصفهان باشد برای اینکه جوانان تبریز روشن تر و ورزیده تر و با حس تر اند و جوانان اصفهان با فکر تر و اقتصادی تر و از آن گذشته مرکزیت اصفهان خوب است طهران را باید از حساب بیرون کرد چه جوانها بیشتر مفت خور و نوکر باب و ول خرج و دارای نواقص دیگرند یا اگر گفته آید که مرکز باید یك جا باشد یکی از دوشهر اصفهان یا تبریز را باید مرکز قرار داد شعبات انجمن در هر یك از شهرهای ایران که پنج نفر عضو پیدا کرد دائر شود هر یك از اعضا سالانه وجه کمی که از چند قران زیاد نشود به صندوق انجمن بپردازد و تمام وجه سالانه به مرکز فرستاده شود . شعبه های انجمن همه ماهه راپورت اعمال خودرا به مرکز ارسال دارند اداره مرکزی در سال اول با یك یا چند روزنامه طهران قرار میگذارد که همه ماهه شرح عمل خود و شعبات ولایات را در یك ورق آن روزنامه در معرض مطالعه عامه بگذارد و بعدها اگر سرمایه مکفی جمع نمود مجله ماهانه از خود دائر نماید . اداره مرکزی سالانه سه جایزه مقرر نماید برای شعبه های ولایات که هر یك عده اعضاء آن زیادتر و اعمالشان موافق مرامنامه سوسیتی بهتر است جایزه درجه اول را برده و در ردیف بعد جایزه دوم و سوم داده شود اداره مرکزی دارای دفاتر مخصوص و دفتر فهرست برای دفاتر شعبه های ولایات است شعبه ها باید دارای دفاتر اسم نویسی بوده اعضا اسم خود و پدر و سن و پیشه خودرا درآن نوشته و امضا نمایند تاریخ ورود شان به سوسیتی باید معین شود و در وقت ورود به حفظ مرام نامه سوسیتی در حضور اکثریت اعضا قسم یاد نمایند

مرام نامه

ماده ۱ — اعضای انجمن بر دو طبقه اند عضو اصلی عضو افتخاری عضو اصلی جوانانی که هنوز زن نگرفته اند و عضو افتخاری رجالی که زن گرفته اند

ماده دوم — اعضای اصلی

الف — تاوقتیکه مصدر کاری واقع نگردیده و آمدنی برای خرج روزانه خود از هر راه مشروع که باشد به میزان اعتدال و در خور شان پیش بینی نکند اقدام به عروسی ننماید

ب — بعد از سن بیست و یکسال سعی خواهد کرد که با آمدنی یا پیش بینی عایدی که اقل خرج باشد بر طبق شان خود زن گرفته و از عمر بی عیال بودن اجتناب نماید

ج — تاوقتیکه زن نگرفته است پیرامون خرج های فضول و غیر لازم نگردد بطور امکان او تاهل باشد

د — دختری را که خواستگاری کرد شرط خواستگاری این باشد که مراسم جهیز بکلی و به مراسم و رسم متداول مانند جز به

اول — اسناد ملک یا تجارتی

دوم — زینت عروس از طلاونقره و جواهر و مروارید

سوم — یک دست لباس سنگین برای عروس که حد اکثر پنجاه تومان قیمت داشته باشد و لباسی که عروس در خانه می پوشد

چهارم — طلاو نقره زینت عروس حد اکثر قیمت ۳۰۰ تومان

پنجم — یک دست لباس برای داماد که حد اکثر قیمت آن پنجاه تومان باشد

ششم — هرگونه چیزیکه بعنوان جهیزی غیر از پنج چیز مذکور فوق است از خانه عروس به خانه داماد وارد نگردد

ه — مهمانی عروسی باید در یک شبانه روز خاتمه یابد به این طریق

اول — مجلس عقد حد اکثر خرج ۳ تومان اعضای جلسه علاوه از چهار نفر غیر از داماد نشود

دوم — جلسه شیرینی و شربت حد اکثر خرج ۱۵ تومان مهمان علاوه از ۲۰ نفر زیاد نشود و قبل از وقت اسم مهمانان در جلسه سوسیتی مشوره گردد

سوم — جلسه شام فقط برای زنانه حد اکثر خرج ۲۲ تومان مهمان علاوه از ۱۵ نفر نباشد

چهارم — ۴ جلسه مذکور فوق را کسان داماد و عروس مختارند که در بین خود تقسیم نمایند اما جلسات مهمانی ضیافت از سه علاوه نشده و خرج سه جلسه علاوه از مبلغ متن در (ه) نباید زیاد تر گردد

پنجم داماد موظف است که صورت مخارج عروسی خود را بدفتر سوسیتی داده رئیس شعبه سوسیتی حق دارد همه گونه تحقیقات در خرج عروسی او نماید هرگاه برخلاف مواد ماده دوم عمل کرده است یا دو مقابل مبلغ متجاوز را به دفتر سوسیتی بپردازد یا از عضویت افتاده گردد ماده دیگری که جا دارد اضافه گردد برای مهر است که از ۲۰۰ تومان علاوه نگردد

ماده سوم — اعضای افتخاری

ا — تاوقتیکه داماد خود را با شرایط صحت اخلاق و عمل نشناسند دختر ندهند و در عروسی دختر خود مطابق مقررات سوسیتی عمل نمایند

ب — پسرخود را با مقررات سوسیتی داماد نموده در صورت تخلف از عضویت خواهد افتاد

ماده چهارم — عضویت سوسیتی ما دام العمر و اعضا مکلف به تبلیغ مرام سوسیتی و تعداد اعضایند

ماده پنجم — سوسیتی مطابق نظامنامه علیحده مرام خود را بموقع اجری میگذارد

این مواد پنجگانه برای نمونه به پیش آورد قلم نگارش یافته ممکن است ارباب حل و عقد آن را کم و زیاد نمایند ، آنچه باید گفته شود اینست که از این سوسیتی ها امروز نه فردا در ایران بر قرار خواهد گردید و دنیا با جزر و مدی که دارد خواهی نخواهی ایران را هم بطرف درستی خواهد کشانید اما بهتر این است که امروز ما خود مان این کار ها را کرده و پیش واز اصلاحات نمائیم تا اینکه زود تر و بهتر گردد

هر چند این کار کار جوانان ایران است اما سستی و رخاوت که در جامعه ایرانی خانه کرده شاید در نظر اول به پیشنهاد می خندند و در ثانی یکی نگوید ای ما مگر بیکار شده ایم که دست به این کار های بچه گی و دزهم ورهم میزنیم باید فکر نان کرد ، ولی اینها در نتیجه سستی اعصاب است که تشکیل چنین سوسیتی های اصلاح رسوم را غیر عملی یا بچه گی تصور کنند امروز فریاد مطلعین از نقصان جمعیت ایران بلند است سبب چی است یک سبب قلت مزاوجت و قلت مزاوجت در اثر ترس خرج عروسی است ومعلوم است تنها خرج عروسی نیست پیش وبعد عروسی مدتها باید متحمل خرج لباس وزیور گردید هرگاه خرج عروسی را سبک ومختصر ومحدود سازیم چون این بار گران بر دوشها وارد نیامده طبعا در پیش و بعد عروسی هم مجبور نیستند دنباله خرج را بگیرند فرض کنید دختری که با جهیز سنگین به خانه داماد آمد کسان داماد که نمی توانند به عروس خود که این همه چیز باخود آورده نان و ماس بخورانند مجبورند اگر پلو نیست تا چندی سبا بادنجان را حاضر نمایند حال دیگر در بین داماد و چیز گردیده و راه نان و ماس هم بند گردد ان امری است علیحده نباید فراموش کرد که تمام شدن مال غالباً در نتیجه خرج فضول است و خرج فضول ممکن است یک حلاوت موقتی داشته باشد اما ناچار سالهای بعد از حلاوتش خیلی زیاد خواهد بود هرگاه در همه ایران یکنفر پیدا شده و بگوید خرج عروسی فضول نیست نگارنده پیشنهاد خود را پس میگیرم که به جوانانی که میل دارند خدمتی بوطن خود نمایند

توصیه مینمایم که با جرأت تمام قدم بمیدان گذارند که همدست زیاد پیدا خواهند کرد زیرا مرده طبعا از بار سنگین عروسی بعجز آمده اند شاید یکی بگوید چرا جوانان بضرر خود اقدام نمایند درحالیکه از جهیز زن میاندوزند اما باید بعقل گوینده خندید زیرا جهیز زن در ایران اندوخته نیست بلکه درد و بلا است کدام یك از آن همه اسباب یکی بکار زندگی میخورد هرگاه پرده اطلس است نباید استعمال کرد زیرا چرك شده و کهنه میشود باید در صندوق مانده تا بپوسد هرگاه شال ترمه کشمیری است نباید در خانه پوشید که اسراف میشود باید در صندوق مانده و هر ساله هوا داده شود که از آفت بید مصون ماند تا وقتی که یکی از اعضای خانواده بمیرد ببرند روی جنازه اش انداخته و چندی هم روی قبر فرش قاری قران گردد هرگاه سماور است چون اعلی و بزرگ است برای مجلس روضه خوانی و ذکر مصیبت خوب است نه برای یك فنجان چای صبح شوهر بدبخت هرگاه چراغ است نباید استعمال کرد شاید بشکند و خوب نیست چراغ بخت دختر شکسته شود هرگاه لباس است هیچ کدامش برای پوشیدن در خانه و خدمت شوهر مناسب نیست همه برای مهمانی و مجالس غیر از مجلس شوهر است در این میان شاید چند فنجان و کاسه برای استعمال حاضر پیدا شود اما اینهم پوست به دباغی اش نمی ارزد حال اگر عقل در کله ها باشد و رسم و آئین تقلید از میان برداشته شود بهتر این است که پدر هر قدر پول میخواهد خرج جهیز دخترش کند بجای متاع فرنك خریدن پارچه ملکی خریده یا سند بانك گرفته و آن را اهسته و یاواش در دست دخترش بگذارد تا اینکه آینده دختر مسعود و شروع زندگانی با شوهر بسادگی و عشق گردیده مال تلف نشده و درآینده زن وشوهر هر اندازه اثاث البیت لازم دارند بمرور ایام بخرند

حقیقت هرکس اندك شعور داشته باشد با تمام قوه سعی میکند که این مجالس فساد یعنی ضیافت های عروسی متروك گردد نمیدانم چه سری است که کمتر مهمانی و جشن عروسی است که بی فساد بدون دلخوری و کم آشوب بگذرد در ایران چندین قسم جشن داریم و مجالس ضیافت ترتیب داده میشود در هیچ کدام فساد واقع نمیشود اما در جشن عروسی که باید آن را یك «اکسپوزسیون» حسدش خواند غالبا نزاع میشود سبب هم معلوم است جشن عروسی غالبا از دست زنها مرتب میگردد یا سهم دار عمده آن جشن زن است و در نمایش زینت یا خوشگلی و بدگلی یا ضدیت با خانواده عروس و یا داماد همه هیاهو بهانه گردیده و کانون فساد را بر وفق مرام مشتعل می نمایند پس غافل آن است که روزهای سور و سرور خود را روزهائی را که میخواهد برای عمر خود شریك آورده و قسمت عمده زندگانی خود را به او بسپارد صرف نمایش جواهر زن سرمایه دار محله و خوشگلی دختر همسایه که مادرش او را بوعده با خود آورده تا به مادرهای پسر دار عرضه دارد نماید بعد از فارغ شدن از عقد جام شربتی با دوستان خود نوشیده گلی بوئیده و نقلی چشیده پا به حجله عروس یا مدیر اداره زندگانی آینده خود نهد و صبح روز بعد هم بدون شنیدن آواز گریه بچه حاجی و همسایه و شیون دایه بچه یا کنیز حاجی با سر و گوش آرام راه کار خود را در پیش گیرد ـ

(مجــرب)

اسلام لباس ندارد

(انسان باید لباس خوش ترکیب برازنده پیکر خود بپوشد)

[و ثیابك فطهر ای فقصر]

یعنی لباس خودرا پاك کن (کوتاه کن) حضرت مولا پیراهنی خرید بلند بود دامن انرا بریده کوتاه کردند

لباس عرب بعد از اسلام همان بود که قبل از اسلام بود پس عمامه و عبا یا کوفیه و عقال لباس اسلام نیست یهودی های بغداد مخصوصاً خاخام انها عمامهٔ بزرگ سیاه داشت و عبا و عصا و قبای سه چاکی داشتند بلا تشبیه خاخام بدهن مثل شیخ الاسلام اردبیل یا سبزوار — مسلمان های ایرانی بد ترکیب ترین لباس را برای خود انتخاب کرده اند مخصوصاً خراسانی ها ازعمامه کرباس و لباس فراخ بلند دست نمی کشند کانهٔ هرچیز بی لزوم و پر زحمت را قبول کرده اند اصرار دارند براینکه هرچه اروپائیها میکنند انها عکس انرا کنند مثلا اگر درد می داشت یك چشم خود را کور می کردند و یا گوش و بینی خود را می بریدند که شبیه فرنگیها نشوند گویا خلقت فرنگیها صورت مسلمانها اشتباه طبیعت است اما بنظر بنده بعضی مسلمانها که کم و بیش فهم دارند دانسته اند که فرنگیها چهار چشم دارند و مسلمانها با اینکه دو چشم در واقع کور و نابینا هستند این است که لازم ندانسته اند عوام الناس را تشویق کنند براینکه عوض عدم تشابه بفرنگیها یك چشم خود را کور کنند اکتفا کرده اند باینکه فرنگیها رخت کوتاه وخوش برش میپوشند اینها لباس بد برش پوشند ولی تناسب انها کلاه دارند اینها عمامه بو قلمون آنها سرشان را نمی تراشند انها کله شان را مثل کدو صاف کرده تراشیده سرشان بغز(?) بدشکل شده اند آنها شلوار میپوشند اینها برای تنبلی تنبان سفید اگر خجالت نمیکشیدند انرا هم نمیپوشیدند آن ها سر برهنه و کفش بپا دارند اینها در زیر

عمامه بیست زرعی سرسبک و پای برهنه تقلید شتر کرده اند چون شتر را هم مثل انسان فهر میتوانند در نشستن با انسان شبیه است فرنگیها با قاشق غذا میخورند اینها با دست و زمین می‌نشینند چون فرنگی روی صندلی می نشیند الغرض خوب یا بد مطلقا نباید بفرنگی شبیه شد مگر بعضی از فرنگی مابها که در عادات زشت تقلید کامل فرنگیها کرده اند من جمله قمار و تا ظهر خوابیدن و امثال آن اما در اخذ علوم و فنون و بیداری و هوشیاری و وطن دوستی و آباد کردن کشور خود و شرافت ملی ابداً تقلید از عقلای فرنگ نکرده اند میروند و فرنگستان زن فرنگی میگیرند (بجای اینکه دختر های ایرانی پوشیده اند نمی بینم چگونه بگیرم عمری با آنها گذران کنم) اما چه زن فرنگی بد ترکیب و زشت نانجیب بد اخلاق بد کردار خدا نصیب هیچ بد بختی نفرماید گویا دیده اند و پسندیده اند و گرفته اند مرده شور این چشم شور بدپسند را ببرد بیچاره دختر ایرانی گرفتار چادر حجاب منحوس و بد بختی و خانه نشینی تا سن پیری

در تمامی قرآن فقط یك آیه در سوره نور هست که آنرا آیه حجاب نامیده اند ومفاد آن این حجاب بی ربط خانه در انداز حالیه معمولی است بواسطه همین حجاب اطفال ذکور را بالغ ساده ، خمار را ای حمار میدانند فاعتبروا یا اولی الابصار　(حقیقت گو)

اختراع یك ایرانی زاده در هند

آقا میرزا یوسف خان شیرازی صاحب کارخانه (مهاس) موتر ورکس حیدر آباد دکن آلاتی برای صرفه جوئی در بنزین و محافظت بعضی از اجزاء مخصوصه آتشخانه اتومبیل اختراع نموده که باعث فخر ایرانیان است - این آلات بر اساس از اتومبیلهای حیدر آباد دکن استعمال شده مفید ثابت گردیده است - تا بحال سه نوع آنها مهیا شده و مخترع امتیاز آنرا از حکومت هند گرفته و پس از آن به بعضی از ممالك اروپا اطلاع داده طلب امداد و امتیاز از آن ممالك نیز نموده است - میل مخترع این است که هرگاه امتیاز از ملل اروپا حاصل شود از دولت علیه ایران هم خواهش امتیاز دارد - مخترع نظر به عبقی که و ... (ایران) و هموطنان خویش دارد کتابی در شناختن اجزاء اتومبیل و طریقه راندن آن که نتیجه بیست و دو سال اتومبیل سازی یشان است نوشته که عنقریب چاپ خواهد شد - کتاب مذکور برای اشخاصی که سابقه از اتومبیل راندن ندارند یا کم دارند راهنمای خوبی میتواند باشد -

اختراع اول که مسمی به اقتصاد در احتراق بنزین است برای صرفه جوئی در بنزین استعمال میشود و محافظت بعضی از اجزاء مخصوصه آتشخانه اتومبیل را میکند و فوائد بسیار دیگر هم دارد -

اختراع دوم - بهترین تبدیل کننده گاز به ذرات آلتیست که از سوختن بنزین زیاد جلوگیری میکند و فوایدی را که آلت اولی دارد طرق دیگر به آتشخانه میرساند - این آلت مانع جمع شدن دود در آتشخانه است و هرگاه دود جمع شود میتوان بتوسط آن آلت دور کرد

اختراع سوم - کم کننده صدا

آلتیست که آن اندازه قوه را که سیلندر تحلیل می برد تجدید مینماید و بر سرعت اتومبیل می‌افزاید - و باعث کمی صدای آتش که دود شده از آتشخانه بیرون میاید هم میشود -

مشار الیه در تعقیب اختراعات بزرگتر و مفید تری هم هست که عنقریب تکمیل و ظهور خواهد رسید آقا میرزا یوسف خان فرزند حاجی محمد حسین مرحوم است که از شیراز به بمبئی آمده تا آخر عمر در آنجا مشغول صنعت و تجارت بوده فرزند ایشان باوجود تولد در هند دارای خون وهوش ایرانی و دماغ مخصوصی درباب اختراعات دارد اکثر اینگونه اشخاص افراد ملل اروپا بودند فوائد عمده بملت خود رسانیده خویش نیز استفاده میکردند اما یك نفر ایرانی آنهم در مملکت هند موقع نخواهد داشت که تجلیات دماغ عالی خود را بالتمام بمعرض ظهور رساند - مشار الیه نقشه یك دوچرخه آتشی (موتر سیکل) را در ذهن خود تکمیل نموده که بدون بنزین و برق و بدون حرکت دست و پای سوار حرکت نماید که در واقع اگر وجود خارجی پیدا کند بهترین خدمت به تمدن انسانی است - اما وجود خارجی دادن بان نقشه محتاج بمعاونت هائی است که تاکنون فراهم نشده است زنده باد ایران و ایرانی و آباد باد مملکت و ملت ایران　(نورالله ایرانی)

[محصل مدرسه دارالعلوم حیدر آباد دکن]

از کرمان می نویسند

(دست شکسته کار کند دل شکسته ازکار باز ماند)

هیئت اجتماعیه هر مملکتی که بمنزله فردی از افراد ان هیئت میباشد و دارای اعضا وجوارح است و مورد صحت و مرض میباشد قلب هیئت اجتماعیه اداره عدلیه آن مملکت است که حاکم ومیز افعال صادره سائر جوارح میباشد و قوای نظامی بمنزله دست میباشد که در مواقع ضرورت بکار وا میدارد و در ورود صدمات حافظ سایر اعضا هستند و اگر قلب کدر شد دست از کار میافتد و در پریشانی اعضای انسانی تمام روزگارش سیاه و درهم

که آدمی که دلش خرابی باشد و دستش سالم کار را بموفق مرام نخواهد کرد از این مقدمه خواهید دانست که خرابیهای هر مملکت منوط بخرابی دل ان مملکت که عدلیه ان مملکت است وهم چنین آبادی ان مملکت به آبادی آن عدلیه مملکت است بلکه بقاء و دوام و زوال ان ملت بسته بدان میباشد الملک یبقی مع العدل ولا یبقی مع الظلم اگر عدلیه هر مملکتی خوب باشد هرگز حقوق مردم پایمال نخواهد شد پنج سال و ده سال عارض دنبال وکیل خود راه نمیرفت و هر سالی مبلغ گزافی باجزاء ان داده نمیشد که در عوض به بیت شاهی بدولت فائده داشته باشد که در سالی پنج حکم از محکمه بر حقانیت بیچاره رعیت صادر باشد که برسیدن ذی حق بحق خود دولت هم حق نبود عجب ثانی برای ملت بیکاری بخته شده که رعیت مالیات بدهد سر از بدهد بدبختی بکشد اگر حسابی با کسی دارد اگر ملک اش برده اند بعدلیه رجوع کند سه مساوی خرج کند چند سالی دنبال وکیل بدود وقتیکه د... شد لابد شد یا ترک محاکمه یا طرف صلح میکند بعد از همه زحمات و خرجها وکیل محترمش حق الوکاله را میطلبد وعریضه خسارت از دستش میدهد خداوند احدی را گرفتار دست وکیلها و اعضای عدلیه ننماید اگر عدلیه خوب شد مجازات و مکافات درمیان آمد مالیات رعیت خرج سرباز و مستخدم دولت که جان فدای ملت میکند میشود نه اینکه سرباز دو سال و سه سال در سفر بدون مواجب بعد از آمدن از سفر لباسش را از بدنش بیرون کرده اخراجش نمایند که گرسنه و برهنه بخانه اش برگردد یا از سرما در راه بمیرد امروزه هیچ قومی از ظلم ما بیچاره و در فشار شکنجه نمیباشد سابق هیزم شکنی و قصابی بود امروزه ان هم از میان رفت خداوند کلیه روزنامه نویس های شهر ما را نگاه دارد . (غریب کرمانی)

امنیت نداریم

در این ایام حضرات امدادی و سایر پشت کمدارها راه جیرفت را بسته اند و کلی مال قوافل و اهالی مرغاب و افشار را که در جیرفت رفته اند غارت کرده و نرماشیر هم در اضطراب چند شترهم روزها از نرماشیر غارت کردند و میگویند کار ولی محمد بلوچ است و چون ولی محمد تریاکی است محل ترحم واقع شده میاموهای پارسال امروز از پرده بیرون آمده معلوم است قشون و سرباز بدون واجب چه کند رعیت که مالیات میدهد پول سرباز گیری جرم تاوان چه وچه بحمدالله شهرها هم که آسوده باشد غارت بلوچ جرم حبس خروج و ورود سرباز گاه دادن ، مرغ دادن ، گوسفند دادن ، رشوه دادن ، همه برعهده دهاتی امروز هم که در راه کرمان بلوچ تنخواه مردم میبرد جرئت ندارد بجائی شکایت کند اگر شکایت کرد اینکه بخرج جائی نخورده فوری جمعی تکذیب نمودند که در زمان کیقباد هم چنین امنیت نبوده چاره نباشد جز پناه بخدا و خداوند اصلاح کند . (جوکار بمی)

از خوزستان مینویسند

(وکلای ملت بخوانند)

تیرگی افق خوزستان و عاطفه بی پایان نسبت بوطن خود مرا مجبور نموده و خامه را بدستم سپرده با همدردی خود در اوراه علاج را از اولیای ملت ارائه دهم در قرون گذشته این سامان چه موقعیتی را داشته و دولت ایران نسبت بخوزستانیهای قدیم تاچه اندازه اظهار صمیمیت نموده وچه وسایلی برای رفاهیت اهالی مهیا ساخته لازم بتوضیح نیست صفحات تاریخ وشادروان شوشتر و سد اهواز کفایت است و از اوضاع بدو مشروطیت هم نمیخواهم دم بزنم که بچه قسم امرار وقت شده درموقعیکه تمام ایالات ایران فاقد امنیت بوده اگرچه از خیلی از نعمتها محروم بوده ولی امنیت را دارا بوده چرا که بیان این مطالب برای خود شما که ناظر وضعیات بوده بیفائده و برای دیگران هر قدر بگوئیم بی نتیجه است فقط انچه فعلا ما را وادار بنگارش این سطور نموده یک سلسله وقایعی است که از دو سال باین طرف رخ داده یعنی از ابتدای تمرکز قوای دولت در این حدود ، از موقعیکه حکومت ملوک طوایفی خاتمه داده شده از ان زمان تاکنون برخی وقایع مهمه اتفاق افتاده که یک آتیه مدهشی را بما نشان میدهد وچهره عروس بدبختی وفناء را بما نزدیک مینماید وما هر قدر میخواهیم باینها بنظر لاقیدی نگریسته و انهارا جزء امور عادی شمرده مسؤلیت وجدانی ما را نمیگذارد و بما اجازه نمیدهد

پس از تمرکز قوای دولت همه تصور میکردیم ایام انحطاط خوزستان سپری شده و ایام شوکت و عظمت این سامان نزدیک شده چنانچه بیانیه اعلیحضرت حالیه مؤید همین خیال بود ولی متاسفانه چندان زمانی نگذشت قضایا طور دیگر شد نمایندگان دولت تصور نمودند فتح سامان و قندهار را نموده و ما را اهالی مستعمره فرض نموده یک بدبختی این منطقه متوجه شده که هر ذی حس را متنفر و هر صاحب علاقه را از زندگی و اقامه در این حدود مایوس کرده چنانچه کسانیکه وانائی داشته اند با دیده گریان مهاجرت نموده و راحت شدند اگرچه عجالتاً محیط بما اجازه ذکر انهارا نمیدهد ولی تاریخ برای احدی پرده پوشی نکند در آتیه جامعه قضایا را خواهند فهمید بطور اجمال امنیت بکلی سلب چنانچه هیچ یک مالک مال وجان

خود نیست منکرات بحدی اشاعه یافته که ما فوق ان متصور نیست مضار انها بروحیات جامعه وخساراتیکه باخلاق عمومی وتضییع نسل آتیه وارد میشود برهر آدم روشن فکری واضح است بدون تردید اولین قدمیکه برای اعدام یك قوم برداشته شود توسعه منکرات وعدم جلوگیری از انها است آزادی که مقصود اصلی از تشکیل حکومت ملی است ازاین حوزه گرفته شده لازم بتوضیح نیست ثروت اهالی را ربوده بردند خودتان بهتر میدانید بچه کیفیت اعتبار همه ما را بردند حیثیتی برای احدی قائل نیستند حقیقة ما را ... ذلیل تر نموده جمعیت ما را متفرق نموده بی اندازه متأسفیم که احصائیه نیست که بفهمیم از دو سال باین طرف چقدر از نفوس خوزستان کاسته شده جمعی مجبور بمهاجرت برخیرا رود کارون بحالت انها رقت نموده از داخل جهازات رعوی بدفعات ربوده ودرشکم خود جا داده گروهی دیگر را مشکلات و گرفتاری ها بحدی احاطه نموده که بالاخره آتشی در درون انها تولید و انها را طعمه حریق نموده و ازاین زندگی ننگین نجات یافتند گویاطبیعت هم گرفتاری ماست گویا ازمقامات رفیعه آمده به طبیعت توصیه میشود وسایلی برای غارتگری زارعین فراهم نماید او هم مضایقه نمیکند هر ساعتی وسیلهٔ برای گرفتاری وغارتگری زارعین فراهم میشود شاهد مامحبس امنیه است اقای مدعی العموم هم یا انها را فراموش نموده و یا اینکه بحرف او اعتنا نمیکنند بطور اجمال این است معامله با ما ، صدها درد داریم که نمیتوانیم بیان سازیم این بود خالصه رافت و مرحمت بتوده خوزستان تاکی باید مشمول این عواطف طبیعت باشیم معلوم نیست گویا وقتی این مراحم از ما سلب شود که بیدار شویم و برای خود موجودیتی و حقوقی قائل شویم و انگاه آن حقوق را بخواهیم و این نمیشود مگر بتشکیل مجامع و احزاب صالحه تا تعاطی افکار وتبادل افکار و وسائل استخلاص مان فراهم آید باید ساعی باشیم و بکوشیم بتشکیل حزب که دوای درد ما این است و جز این نیست ما از ارباب قلم خواهشمندیم نظریات خود را راجع بتشکیل حزب نگاشته و جامعه خوزستان را مطلع سازند خودمان هم در آتیه نزدیکی نظریات و عقاید خود را خواهیم نگاشت .

(رود کارون)

تعلیم عمومی اجباری

نطق آقای وزیر معارف در شورای ملی

بطوریکه خاطر محترم آقایان نمایندگان بخوبی مستحضر است از بدو مشروطیت و شروع باصلاحات اساسی مملکت مبنای ترقیات حقیقی ملت در تعلیم و تربیت افراد و بسط معارف تشخیص داده شده و متدرجا بطورخیلی ضعیف مدارسی تاسیس میگردید که نسبت باحتیاجات ابتدائی مختصر و غیر کافی بوده است و پس از استقرار اصول مشروطیت که مردم بیشتر باحتیاجات خود پی بردند اهمیت تعلیم ابتدائی عمومی بیشتر در افکار محسوس گردید و تمایل عامه نسبت بتوسعه مدارس مزبور روز افزون و رو بازدیاد گذاشت و اهالی هر شهر با کمال شوق و رغبت افتتاح مدارس ابتدائی را در محل خود از وزارت معارف همواره تقاضا مینمودند وبهمین سبب بر طبق اصل نوزدهم متمم قانون اساسی سه فقره قانون که در ادوار تقنینیه دوم و چهارم از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است اجراء تعلیمات ابتدائی اجباری را ازوظایف حتمیه وزارت معارف قرار داده است

اولین قدمی که برای ایجاد تعلیمات ابتدائی مجانی برداشته شد در سنه ۱۲۹۷ شمسی بود که چهل باب مدرسه ذکور و اناث در شهر طهران از محل صدی یك حقوق و متجاوز از دویست باب در ولایات از محل اضافه مالیات تومانی یك عباسی و خرواری یکقران تاسیس گردید ، ولی بدیهی است که این عده مدارس احتیاجات عمومی را کفایت نمی کرد و در حقیقت برای تهیه مقدمات و امتحان اجراء این امر بشمار میرفت ولی متاسفانه از آن ببعد فقدان وسائل مادی و علل و اسباب اجتماعی مساعدت نمی نمود که بیش از این مقدار در اجراء آن وظیفه قانونی وزارت معارف سعی و اهتمام نماید

مجلس پنجم که اغلب نمایندگان حاضر افتخار عضویت آنرا داشته اند برای رفع اشکالات مادی قدم مهمی برداشته اند که شایان نهایت قدر شناسی و سپاس گذاری است یعنی بوسیله تبصره که به ماده اول قانون ممیزی املاك اربابی افزودند اعتبار مهمی برای اجرای این مقصد عالی تخصیص دادند - در هذه السنه که شروع باجراء قانون ممیزی میشد وزارت معارف در صدد بر آمد که بوسیله اجراء تبصره مذکور اقدام به بسط مدارس ابتدائی و شروع بمقصود اصلی خود یعنی ایجاد تعلیم ابتدائی اجباری نماید درابتداء امر مصادف بادو اشکال گردید اول آنکه قانون ممیزی املاك بطوری که پیش بینی میشد در تمام مملکت اجراء نشده و معلوم نبود که تاچه مدت مالیات املاك نقدی و جنسی بر طبق قانون مذکور کاملا اخذ خواهد شد و دوم آنکه مبلغ اعتباری که برای مصرف تعلیمات ابتدائی از محل آن مالیات عاید میگردید بطور قطع و تحقیق معین نبوده و روشن نبود که

وزارت معارف سالیانه چه مبلغ برای این مقصود اعتبار خواهد داشت تا بتواند در حدود آن افتتاح مدارس ابتدائی مبادرت نماید ، برای رفع این دو اشکال با مساعدت قابل تشکر آقای رئیس کل مالیه وزارت مالیه موافقت نمودند که از محل مزبور اعتبار محدودی همه ساله به شرح و تفصیلی که در لایحه تقدیمی ذکر شده است مرتبا بنام تعلیمات عمومی ابتدائی تادیه نمایند تا اینکه وزارت معارف با داشتن مبلغ اعتبار ثابت و از روی اطمینان کامل شروع بعمل نماید

اینک لایحه قانونی تعلیمات ابتدائی همان طور که در پروگرام دولت حاضر قید شده بود تهیه شده و تقدیم میگردد

تصویب و اجراء این قانون قریب یک هزار و پانصد باب مدرسه در ظرف چهار سال در قراء و قصبات مملکت دائر خواهد کرد و متجاوز از یکصد و سی هزار طفل مشغول تحصیل خواهند شد و باین ترتیب عده محصلین مدارس با در نظر گرفتن عده محصلین فعلی بالغ بر ۲۵۰ هزار نفر بالغ میگردد یعنی تقریبا ثلث کلیه اطفال مدرسه رو مملکت مشغول تحصیل خواهند بود و باین طریق از هذالسنه شروع باجراء تعلیمات عمومی مجانی میشود و میتوان گفت که در این عصر همیون آمال مقدسه نمایندگان محترم عملی شده است

و برای مزید استحضار خاطر نمایندگان محترم توضیح میدهد که بر حسب صورت جداگانه که با دقت کامل تهیه شده و بنظر آقایان میرسد سهم هر ایالت و ولایتی از کلیه مبلغ اعتبار بتناسب مالیاتی که هر محل می پردازد تعیین شده و تفکیک آن بقراء و قصبات باطلاع کمیسیون مخصوص در هر محل انجام خواهد گرفت امیدوار است با کمال علاقه مندی آقایان نمایندگان به نشر تعلیم عمومی در مملکت در تصویب این لایحه بذل مساعی فرموده و این یادگار تاریخی را از خود باقی گذارند

لایحه تعلیمات عمومی

ماده اول — بدولت اجازه داده میشود که از هذالسنه بترتیب ذیل که ذکر میشود بمصرف تعلیمات ابتدائی علاوه بر مبالغی که تاکنون بمصرف معارف میرسیده برساند

در ۱۳۰۵	۶۰۰۰۰ تومان
در ۱۳۰۶	۱۶۰۰۰۰ «
در ۱۳۰۷	۲۶۰۰۰۰ «
در ۱۳۰۸	۳۶۰۰۰۰ «
در ۱۳۰۹	۵۰۰۰۰۰ «

ماده دوم — وجوه مذکوره در ماده اول از بابت صدی نیم عایدات املاک اربابی که تخصیص بمعارف داده شده محسوب خواهد شد

در آخر سال ۱۳۰۹ چنانچه کلیه عایدات صدی نیم سنوات مزبور از مبلغی که پرداخت شده زیاد تر باشد وزارت مالیه مازاد عایدات را نیز توسط وزارت معارف بمصرف خواهد رسانید

ماده سوم — مادامی که صدی نیم معارفی بالتمام بحیطه وصول در نیامده وزارت مالیه مجاز است از بابت صرفه جوئی های بودجه مملکتی هر سال مبالغ مذکوره در ماده اول را تادیه نماید و بعد از بابت صدی نیم ماخوذ دارد

ماده چهارم — هر گاه در ترتیب مالیات ارضی و دواب مصوب دی ماه ۱۳۰۴ تغییری حاصل شود همیشه معادل یک صدم هر مالیاتی که بجای مالیات مذکور وضع گردد مخصوص تعلیمات ابتدائی مملکت خواهد بود که برطبق مواد مندرجه در این قانون بمصرف خواهد رسید

ماده پنجم — مصارف اولیه مدارس ابتدائی مذکور از قبیل ساختمان وخرید عمارت و اثاثیه وکتب ابتدائی و خرج سفر معلمین از مبالغ منظوره در ماده اول بعمل خواهد آمد

ماده ششم — در صورتیکه صدی نیم مالیات یک ده کافی برای تاسیس و نگاهداری مدرسه در آن ده نباشد وزارت معارف میتواند عایدات صدی نیم چند ده یا قصبه مجاور را که برای تاسیس و نگاهداری یک باب مدرسه کافی باشد درمناسب ترین موقع آن دهات یا قصبات بمصرف تاسیس مدرسه برساند

تبصره — جمله اخیر تبصره دوم از ماده اول قانون مالیات املاک اربابی و دواب مصوب ۱۰ دی ماه ۱۳۰۴ که میگوید (عائدات) هر دهی صرف معارف همان ده خواهد شد ملغی است

ماده هفتم — مبالغ مذکور در ماده اول این قانون به تناسب مالیات ملکی هر محلی تقسیم خواهد شد

ماده هشتم — حد اکثر سنوات تحصیلی درمدارسی که بموجب این قانون تاسیس میشود چهار سال و حد اکثر ساعات درس در سال نهصد ساعت خواهد بود که به مقتضای فصل و احتیاجات اقتضای محل به روز تقسیم خواهد شد

ماده نهم — در مراکز ذیل از وجوه صدی نیم وزارت معارف دار المعلمین ابتدائی (برای تهیه معلم مدرسه ابتدائی) تاسیس خواهد نمود

مشهد ، استرآباد ، ساری ، رشت ، اردبیل ، تبریز ، ارومیه ، کرمانشاهان همدان ، سنندج ، بروجرد ،

ناصری ، اصفهان ، یزد ، شیراز ، کرمان ، قزوین ، سلطان آباد بوشهر ، سیستان

ماده دهم — در هر محل که لا اقل هشتاد نفر طفل مدرسه رو داشته باشد یك مدرسه ابتدائی تاسیس خواهد شد

ماده یازدهم — اگر عده اطفال مدرسه در محلی کمتر از هشتاد نفر باشد با امکنه مجاوره که بیشتر از سه ربع فرسخ فاصله نداشته باشد مشترکا یك مدرسه خواهند داشت —

ماده دوازدهم — حقوق و مخارج مفتشی که وزارت معارف برای تفتیش مدارس مزبوره اعزام میکند از محل صدی نیم مالیات املاك اربابی پرداخته خواهد شد —

ماده سیزدهم — وزارت معارف در مراکزی که لازم بداند در محل مقتضی از اطفالی که مدارس چهار ساله را به اتمام رسانیده اند امتحان بعمل آورده و شهادت نامه ابتدائی بکسانی که استحقاق دارند خواهد داد

ماده چهاردهم — وزارت معارف مامور اجرای این قانون و وزارت مالیه مسئول پرداخت وجوه مذکوره در این قانون می باشد

حبل المتین

شك نیست که هر ایرانی عملی شدن این مرام و کابینه آقای مستوفی را قابل همه گونه تقدیس و تمجید میداند تشریحاتی را نیز که آقای وزیر معارف داده‌اند بجای خود صحیح است با اینکه تشکرات خود را باین کابینه و آقای وزیر معارف تقدیم مینمائیم اقناع خویش را باین اقدام ابتدائی نمیتوانیم تقدیم کنیم چه بعقیده ما پس از ٤ سال یك ربع از اطفال قابل تعلیم لوازم تعلیم خواهند داشت و برای سه ربع دیگر معطل خواهیم ماند — مکرر نگاشته‌ایم که دولت ایران چه در استبداد و چه در مشروطه کمتر از همچیز بمعارف وصحیه عمومی توجه نموده از هر جهت اگر حساب شود مراسم و رسم که باشد ملت بیش از ۵۰ ملیون بسه ادارات دولتی می پردازد و بیش از صد سه آنچه میدهد صرف معارف و صحت عمومی نمی شود و حال انکه در عقب‌ترین ملل بیشتر ازصدی ۱۵ عایدات دولت صرف تعلیمات عمومی میگردد — باید کوشش کرد که یك عایدات مشروع کافی به‌تعلیم و صحت عمومی اختصاص شود — اوقاف ما یك از عایدات مهم است که کمتر صرف منافع عمومی میشود و حال آنکه وقف برای عموم است اوقاف ایران عمده اش در سه راه است اول اوقاف راجع بمدارس قدیمه دوم اوقاف راجع بمساجد و امام زاده ها و امثال آن سوم اوقافیست که مخصوصاً برای روضه خوانی و امثال آن شده است — وزارت معارف قبل از هر اقدام برحسب قانون مجلس که باید کلیه مدارس تحت نگرانی او باشد لازم است بر مدارس قدیمه توجه نموده هم مدرس را تحت نگرانی خود آرد و هم موقوفات،متکفلین این مدارس را از حیف و میل نگاه دارد بزرگترین راهی که میتواند کمك بمعارف و صحیه عمومی نماید موقوفات است — اگر موقوفات ایران تحت انتظام درآید و نگذارند حیف و میل شود و ربع آن بموجب وقف نامه صرف شود خیلی بهتر بمرام واقف عمل شده است روسای معارف که بولایات و ایالات فرستاده میشوند در طریق موقوفات خدمتی بسزا ننموده و تاکنون نتوانسته‌اند یا نخواسته‌اند صورت کامل موقوفات را بدست آورده در وزارت معارف و اوقاف محفوظ دارند — اغلب اوقاف وقف نامه‌شان از میان رفته و مرام واقف معلوم نمیشود — اینگونه اوقاف را وزارت معارف آزاد است که بهر قسم صلاح داند صرف کند و از برای بقیه آن هم میتوانند با علمای اعلام مشوره نموده هم بصحیه و هم بمعارف ملت که اعظم خیرات و مبرات است کمك کنند و هم بر حسب منشاء واقف عمل شده باشد — غرض این است که این عایدات مختصر وزارت معارف و اداره حفظ الصحه عمومی کافی باحتیاجات ملت نیست

وقتی هم که ده ملیون صرف این دو اداره بشود بحساب سرشماری در سال سه قران خرج صحت و سه قران خرج تعلیم شده است واین کمترین مبلغیست که برای تعلیم و صحت یك ملت ۱۵ ملیونی میتوان معین نمود —

دو نکته دیگر هم هست که باید وزارت معارف مدنظر داشته باشد ، اول در مدارس موجوده و مدارسیکه تازه تاسیس کند کلاس صنعتی را ضمیمه آن فرض شمارند که از ابتدا شاگردان مدارس را بابستی صنایع مقتضیه آشنا و مانوس نمود ، دوم کلاس ورزش است چه برای اطفال ایران که غالباً بواسطه عدم صحت والدین نحیف و کمزور اند اصلاح لازم است بزرگترین وظیفه که وزارت معارف ذمه دار است و لوا الش تدریجی باشد توام داشتن تعلیمات ابتدائی و عالی است تا کی باید اهالی ولایات و ایالات در همچیز دست نگر طهران و طهرانیان باشند ، باید ملازمینیکه درکلیه ادارات دولتی برای هر ولایت و ایالت لازم میشود عمده اش از تحصیل یافته جوانان همان ولایات باشند ، همه جوانان ایران نمیتوانند طهران آمده تحصیلات خودشان را تکمیل نمایند و این شالوده و اساس را باید وزارت معارف ازهمین حالا بگذارد

تدریجاً بتوانند در تکمیل و اصلاح آن بپردازند، در خاتمه تشکرات خود مان را از این اقدام برجسته کابینه کنونی تقدیم مینمائیم و امیدواریم که مندرجاً رفع نقایص تعلیمی ملت بگردد، اگر معلمین مدارس جدیده اهالی را تشریح کرده درهمان مدارس ابتدائی شبانه کلاسهای اکابر هم باز کنند یک تیر و دو نشان خواهد شد برای این اقدام نیز وزارت معارف باید مبلغی اعتبار تهیه کند و اضافه مواجب برای معلمین منظور نماید، علاوه بر سائر منافع در این اقدام خدمتی بزرگ بمشروطه ایران هم شده است چه انتخابات آینده صورت صحیحی پیدا خواهد نمود و از تقلبات بهتر محفوظ خواهد شد -

مدارس قدیمه را باید اصلاح کرد

یک از تربیت شدگان خارجی ما . . .

§ هر دم از این باغ بری میرسد §
§ تازه تر از تازه تری میرسد §

ما بدواً تصور میکردیم که تأسیس مجلات وجرایدخارجه فارسی زبان در تحت تأثیر عوامل چند ازقبیل علاقه مندی بوطن مألوف و مقایسه فلاکت امروزی ما با ترقیات محیر العقول دیگران و بالاخره آشنا کردن هموطنان خود به تمدن امروزه فرنگیها صورت گرفته وبطوریکه درجراید خود اشعارداشته اند فقط ملاحظات فوق باعث شده که شما ورفقای تان چنین وظیفه جانکاهی را بعهده گرفته و از این راه خدمتی بجامعه ومملکت خود کرده باشید

ولی افسوس ! که افکار خام و خیالات نا بهنگام طوری در بادی امر شما را فرو گرفته که نقطه نظر اصلی را تحت الشعاع بلکه آنرا بکلی از دست داده اید

چنانچه مقاله آتشباری که قلم سرکار و امضای تحت عنوان (مدارس قدیمه را باید بست) ملاحظه نمودم

خیلی افسوس میخورم که بگویم مندرجات این مقاله بقدری خارج از نزاکت و فاقد شرائط ادب بود که مرا وادار به نگارش سطور ذیل نموده است

در قسمت اول این مقاله اوضاع ناگوار ایران را تشریح کرده اید آری ما هم میدانیم که سرتاسر این مملکت را جهل و فلاکت و بدبختی فرا گرفته میدانیم که زمامداران بی عاطفه مملکت شاهنشاهی ایران را به چنگال مرگ سپرده و ما را بروز سیاه نشانیده اند و بالاخره مطلعیم که بواسطه جهالت عمومی و سایر صفات رذیله روز اقبال ما بشام ادبار مبدل گشته

ولی آقای عزیز من

در جامعه که سیلاب فلاکت و بدبختی از هر طرف بنیاد آنرا خراب کرده . مملکتی که به آتش حرص و آز فرمانفرما ها و نصرة الدوله ها می سوزد، سر زمینی که اوضاع رقت افزا بیچارگی ومذلت فقرای آن ازحد وحصرگذشته جامعه که سرمایه دارانش مست غفلت و شهوت پرستی اند و تا کنون اقلا برای رفع احتیاجات مبرم ملت چهار دستگاه کارخانجات وارد نکرده و از اینرو ما را مجبور نموده که حتی برای مواد خام وغیره دست احتیاجرا نزد اجانب دراز کنیم در چنین مملکتی نمی توان تمام تقصیرات را بگردن اخوند ها وارد ساخت

اخوند بیچاره چه گناهی کرده و ذنب لا یغفر ان چه بوده است ؟ دعوی شما بقدری پوچ و بی اساس است که هیچ قانون و منطقی ، دلیل و برهانی آنرا تائید نخواهد کرد

شما تصور کرده اید که به بستن مدارس قدیمه و برهم چیدن این اساس دیرین کار ایران اصلاح خواهد شد شما گمان می کنید مردمی که غوطه ور دریای جهالت و فلاکت هستند پس از تعطیل این مدارس روی خوشی و راحتی را دیده دیگر بامید طلوع صبح سعادت غیر از آن دیار محنت فزاجای دیگری را برای زیستن اختیار نخواهند کرد ؟ اگر چنین است

§ زهی تصور باطل زهی خیال محال §

مگر شما در آن خرابه شوم و مأوای زاغ وبوم مسکن نداشتید ؟ مگر اوضاع ناگوار و فقر و بیکاری عمومی را مشاهده نمی کردید ؟

چه شده است که حال بکلی همه را فراموش کرده تمام جنایات و فجایع وارده را باخوند ها منسوب میدارید ؟

چه باعث شده که شما چنین رویه ناهنجاری را پیش گرفته سر تا سر اوراق خود را به بدگوئی از جامعه مقدسه روحانیت و انهدام ارکان اسلامی اختصاص داده اید ؟

چه شده که فساد اخلاقی ، ارتکاب معاصی ، بی دینی های جوانان خود خواه و رفقای عزیز تان را از خاطر فراموش کرده وتنها اخوند ها را موجد و مسبب این وضعیات فلاکت بار معرفی کرده اید ؟

§ اذا قل ماء الوجه قل حیاؤ §
§ ولاخیر من وجه اذا قل ماؤ §

اگر شما ایام و اوقات گذشته را از یاد داده ولی روزگار و دفتر تاریخ ایران آنها را ثبت کرده است -

آقای . . . ! شما همان کسی هستید که مکرر در مجامع اخوندهای طهران حاضر شده از آنها تمجید و تملق می کنید چه شد که یکمرتبه عقیده اولی را

ترك و حالا بر ضد آنها قلم فرسائی می کشید -

جای تأسف در این است که اخوند های ایران مقالات شما را با یك تبسم تحقر آمیزی قرائت کرده آنوقت بشما می گویند

§ فیا عجباً حتی کلیب تسبنی §

§ کان اباها نهشل و مجاشع §

اگر اخوندها در ادای وظایف خود قصور کرده و نتوانسته اند که در رفع مصائب و سیاه روزگاری هموطنان خود مساعی جمیله بکار برند بواسطه این است که همیشه در گلستان ایران خارهای خیالاتی نظیر شماها روئیده و مانع از فداکاری و جانبازی آنان شده است

کدام وقت جامعه ذل اواز ایران یك قدم مساعدت آمیزی با این بیچارگان نموده و یك روی خوشی بدانها نشان داده است البته من تصدیق دارم درمیان این سلسله اشخاص مغرور و عناصر فاسدی هم موجود است ولی این باعث آن نمی‌شود که کلیه این جماعت را هدف سهام ملامت قرار داده زبان جسارت قاطعه آنها دراز نمود این قبیل اظهارات نه تنها از شان و مقام علمای اعلام و پیشوایان مقدس اسلام چیزی نمی‌کاهد بلکه بیشتر توجه عامه را بدانها جلب خواهد نمود بنا بقول شاعر عرب ابوالطیب متنبی .

§ و اذا اتتك مذمتی من ناقص §

§ فهی الشهادة لی بانی کامل §

زمامداران ما هنوز توجه شایانی بمعارف بی‌توش و توان ایران نکرده اند فلان که در دوره چهارم پارلمان عمر شوم خویش را صرف کلمات لاابالی و خرافات از قبیل ،،ترقی معارف و تشویق معارف خواهان،، که موضوعی بود بی‌اصل نمود در دوره وزارت معارف خویش یك قدم هم در توسعه تعلیم و تربیت و ترمیم خرابی های مدارس ایران برنداشت

در آن مملکت ویرانه هنوز چهار باب مدارس صحیحی را دارا نیستیم هنوز ده نفر معلم تحصیل کرده جامع الشرایط نداریم هنوز دیپلمه‌های دار الفنون و یا دار المعلمین ایران بدون امتحان در مدارس ثانویه ممالك خارجه پذیرفته نمی‌شوند این‌ها چه قضایائی است آیا می‌توانید منکر اینها شده باز هم اخوند را مسئول قلمداد کنید ؟ در حالتی که در بحرانهائیکه وزارت معارف ایران بآن دوچار می‌شده همیشه تدبیر و کاردانی معلمین ،، که دو ثلث آنهارا همین اخوندهای بدبخت تشکیل داده اند ،، از انحلال قطعی نجات داده است

اگر امروز همین اخوندها از بین بروند و مدارس قدیمه را نیز تعطیل نمایند تکلیف معارف نیمه جان و مدارس جدیده ایران چه خواهد بود ؟ آیا فارغ التحصیل‌های ممالك خارجه از قبیل آلمان فرانسه انگلستان هم حاضر می‌شوند وظیفه مقدس معلمی را بدوش کشیده جای اخوندهای بی‌سواد را اشغال نمایند ؟ با کمال شرمساری خیر !

پس در این صورت غرض شما از این نگارشات چیست ؛ شما دشمن معارف و دشمن سعادت ایرانید شما خار راه ترقی و مانع پیشرفت و ترقیات ایران هستید

صرف نظر از این که شما عامه را بطرف ادب و اصلاح هدایت نمی‌کنید انهارا برای معایب دلالت می‌نمائید حقوقی را که باصلاح جامعه باید صرف شود بخراب کردن آن بکار میبرید

اوضاع ایران سر بسر دستخوش ملال و دوچار اختلال است چه ربطی باخوند دارد بقول خود دنان از ۹۷ درصد از خواندن و نوشتن زبان فارسی بی بهره‌اند در این صورت از اخوند شما چه میخواهید با این وصف اخوند چگونه می تواند مردم را مستعد زندگی عصر حاضر نماید

§ لکل داء دواء یستطب به §

§ الا الحماقة اعیت من یداویها §

چه توقع بیجا و چه انتظار بی‌مورد !

خود ما مسئولیم احکام و شرایع را گوش نکردیم قوانین طبیعت را یاد نگرفتیم از راه راست به‌بیراهه رفتیم و خود را ذلیل و توسری‌خور کردیم

اصلاح معارف ایران نه اینکه بسته بانحلال مدارس قدیمه نیست بلکه خود نیز تابع آن می‌باشد و اگر از روی راستی و حقیقت این مدارس هم از بین برود چند سالی بیش نخواهد گذشت که مجبوریم حتی معلمین را هم از خارجه استخدام و کنترات کنیم انوقت وای برمان ، و فغان از روزگار تباه مان !

آقای . . . ! شما اگر دوستدار سعادت این ملت تیره اختر ، و این قوم شور بخت هستید ، اگر طالب خیر و خوبی این مرز و بوم می‌باشید ، بایستی در ترمیم خرابی های حاضره ، ورفع نواقص زندگی امروزی بکوشید ، خرابی دیگر بس است . حالا چندی هم اوقات خویش‌را مصروف اصلاحات نمائیم :

§ ترجو النجاة و لم تسلك مسالکها §

§ ان السفینة لا تجری علی الیبس §

شما که خود میدانید از این پیشنهادات تاکنون خیلی‌ها کرده ولی نظر بنکته

§ کی شود دریا به پوزه سگ نجس §

جز بدنامی و فضاحت نتیجه دیگری نبرده اند

یعنی امروزه چه صور می‌توان اقدام چنین کاری کرد، این همان مدارسی است که بقول خود جنابعالی نویسندگان بزرگ، فلاسفه، ادبا وشعراء و بالاخره اشخاص فوق‌العاده از انها بیرون آمده اند،

افتخارات و مقامات عالیه که نصیب فیلسوف بزرگ اسلام امام ابن رشد اندلسی گردید در پرتو تحصیلات مدرسه کوچك ومحقر قرطبه بوده، تحصیلات املح‌الشعراء شیخ سعدی شیرازی در مدرسه نظامیه بغداد صورت گرفت، حتی در همین اواخر اشخاص بزرگ نظیر امام شیخ محمد عبده - کاتب کبیر سید مصطفی لطفی المنفلوطی امام محمد مویلحی شاعر ماهر بارودی شنقیطی لغوی مرحوم قاسم بك امین نویسنده معروف اجتماعی و بالاخره سعد زغلول پاشا رئیس الوزرای سابق مصر از همان اشخاص هستند که از کنج جامع الازهر مصر بیرون آمده و در خدمت سید جمال‌الدین کبیر قسمتی از تحصیلات خود را باتمام رسانیدند حکومت مصر سالیانه ٥٤ هزار جنیه (تقریباً نصف بودجه معارف ایران) به یکی از مدارس قدیمه موسوم بدار العلوم مصری تادیه می‌کند جامع الازهر و دو مدرسه احمدیه و صالحیه مبالغ هنگفتی در سال از دولت دریافت و در تعلیم و تربیت طلاب مصری مصروف میدارند

بدیهی است که این‌قبیل مدارس تنها منحصر به مصر نیست بلکه درتمام ممالك عالم اسلامی بوده وخواهد بود

فقط چیزی را که ما باید باولیای دولت علیه ایران، علمای اعلام اخطار کنیم این است که مدارس قدیمه را تحت کنترول و تفتیش وزارت معارف در آورده و مطابق اصولی که در مصر مجری است از حیف و میل هائیکه در موقوفات آن بعمل میاید قویاً جلوگیری کرد، تا هم این‌مدارس ازحالت بهت‌وجود کنونی خارج گشته و هم سالیانه یك عده اشخاص تربیت شده و مهذب الاخلاق از آنها خارج گردد

این بود نظریات این بنده راجع بمدارس قدیمه ایرانی و اما در خصوص موسیقی و آواز تیاتر و سینما وآزادی زنها و آمیزش آنان با مردها که اخولند ها را مخل دانسته اند این موضوعی جداگانه و ابداً مربوط بما نحن فیه نیست و امید است در مقالات دیگری در این زمینه بحث و تدقیق نموده بطور صریح افادهٔ مرام بنمائیم

طرفدار اصلاح مدارس قدیمه (م - ج ز)

تصحیح تاریخ زرتشتیان هند و ایران

البته برادران وطنی‌ما درموضوع انحراف زرتشتیان ازجاده تاریخ باستانی با خبر اند و این‌خود بزرگترین علائم بد بختی و فرو رفتگی و انجماد خون آنان‌را

در پیشگاه عالمیان واضح ومبرهن می‌نمود و تقریباً این مسئله از دیر زمانی مورد بحث و عرصه تاخت و تاز متقدمین ساده لوح و متجددین ما فکر بود ازآنجائیکه ترقی و تعالی هر مملکت بالاخص در کشوری که از قرون متمادیه در انظار عالمیان به ابهت و عظمت شناخته آمده منوط به استواری ارکان احتیاجات عمرانی و اخلاقی آن ملت بر شالوده قویمی مستحکم است ازین نقطه نظر با توجه عنایت رمانی ایرانیان حساس پی بحقوق شرافت مدنی ایرانیت و پیروی به سبب اقتدار ایاکان برده و نخست به ترتیب تاریخ شمسی وطنی و برانداختن لغات اجنبی قیام نموزالله تعالی از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و در مجرای اصلی خود سیر و جائیه مرسوم است آری بزرگترین ترقی ایرانیان همانا تحکیم اخلاقی و عمرانی است که خود مبشر سعادت ومعرف تجدید قدار اولیه این مملکت قدیم است

لاجرم چون ستاره راست بود
انوار که سطح رود جدول

در این صورت خوشبختانه می بینیم روح تازه در کالبد ایرانیان دمیده از هر فردی و هر گوشهٔ آواز و زمزمهٔ مبنی بر اصلاح امورات ملی و مملکتی طنین انداز است گویا مستعد یك انقلاب ادبی و اخلاقی باقتضای عصر اند حب وطن استقلال ملی و حدت زبان که سابقاً درحوطه الفاظ مقید واغلب جملات تحت‌اللفظی ریاکاران وعوام فریبان‌را تشکیل میداد خورده خورده صورت عملی واقعیت یافته خلاصه حسن ظن وامیدواری دوست وبیگانه نسبت به بهبودی اوضاع نقد کامل العیار است

در این بحبوحه ترقی ایران ملل و اقوام کوچك ایرانی نیز تأسی و پیروی باوضاع وطن محبوب را از کف نداده هریك بفکر اصلاح امورات معوق و فلج خویش افتاده حاضر و مهیا برای قبول تمدن جدید اند اگرچه ترتیب و تکمیل مابه‌الاحتیاج هر ملتی را افراد آن ملت باید کنجکاوی نموده با مقتضیات عصر تطابق نمایند تا سر مشق آیندگان گردد (ولی از آنجائیکه اهالی مشرق زمین خاصه چند ملل منتظر یك ملائکه آسمانی یا یك سلطان عادلی اند که آمده کار های آنها را اصلاح یا بعبارت الاخری ارائه طریق نماید تا عصا گیران بقضا و قدر طی طریق نمایند و شاید امثال عنوان ظل‌الله وغیره ازین ممر آب خورده باشد از این حیث قصوری بر عقیده آنان وارد نیست مگر تسامح و تغافل در تعمیم معارف در هر صورت ما راضی نمی باشیم تزلزلی به ارکان عقاید نژادی مان راه بیابد و این‌مسئله را مسکوت‌عنه میگذاریم)

عجالتاً خوب‌است قارئین‌محترم از متن‌مطلب وچگونگی

تاریخ زرتشتیان قدیم ملتفت آیند باید دانست ایرانیان قدیم شروع سال را از روز اول بهار که مطابق با نوروز جمشیدی و به یوم اورمزد فروردین ماه باستانی نامزد آمده گرفته و سال را عبارت از ۳۶۵ روز و شش ساعت یعنی یکربع روز دانسته و در هر چهار سال یکروز بر آن میافزودند تمام خیرات و جشنهای مذهبی و رسمی را مطابق با فصول اربعه قرار داده اند چنانکه ترجمه اسامی گهنبار و مواد ادعیه تشریفات دینی در مواقع خود برطبق اول و وسط و آخر فصول است معهذا بعقیده نگارنده چون عده شب بر عدم بفوریت انجام نگرفته بلکه بواسطه کذب تهاجم و کشاکش رد و خورد و هرج و مرج در ... و مشغله آنان بدفاع ایجاد چنین انحرافی را نموده مخفی نماناد پوشیدن سدره و بستن کشتی (زنار) کمر هر فرد زرتشتی فقط تنها برای علامت مذهبی نبوده بلکه در معنی حقیقت دیگری را داشته و ورنه ایرانیان باستان کوس اقتدار را بدون پایه محکم نمی زدند و آن این است سدره (که عبادت از پیراهن زیر تنی نازکی است) را علامت زره جهاد و کشتی را بمنزله ابزار حرب بشهادت قرار داده حتی پسران و دختران بعد بلوغ و زنان را نیز در مواقع ضرورت بی بهره نگذاشته اند خاصه پیشوایان مذهبی که پیشدستی آنها اشد لزوم را داشته ازینرو بقرینه مفهوم می گردد پیشوایان مذهبی در زد و خورد غالباً مقتول گشته و پس از غلبه مطلق اعراب بواسطه فقدان آن سرباختگان راه جهاد و متواری و متفرق شدن ایرانیان از وطن بکوه ها و دره ها دلیل واضحی را آشکار می نماید که آن از همه چیز گذشتگان تاریخ و حساب ایام را از شدت بیم و اضطراب نیز وداع گفته و بعد در حین آسایش چه مهاجرین و متوطنین طرح تاریخ حالیه را از روی قرینه و شبهه ریخته اند بدون گرفتن کبیسه که گویا مخالفین تاریخ باستانی آن را یزدگردی میدانند در حالتیکه گذشته از علائم مذهبی دارای صحت اساسی یعنی در گذشتن یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی هم نیست بر فرض هم باشد تخطی شده است و شاید هم اگر مهاجرین چنین باقی بودند تاریخ آنان نیز تفاوت دیگری داشت در هر صورت ما الزام بادرستی تاریخ را اول بزرتشتیانیکه در زمان سلطان جلال الدین ملکشاه زندگانی می کردند و خود سلطان نیز اصرار و تکلیف بدرست نمودن تاریخ فرمودند چنانچه در دو سال قبل نگارنده شرح آن را در شماره ۱۴ سال سی و سوم حبل المتین بمعرض افکار ملی گذاردم که از آن به بعد منظور نظر افراد بی وجدان واقع شدم (خوش باشی که ۰۰۰ لیره راه بمنزل) و بعد در ۳ سال قبل که زمزمه این اصلاح بود وارد می نمائیم .

بالاخره بواسطه نداشتن ماخذ صحیح پایه فزودن یکروز کبیسه در چهار سال از میزان تعادل فصول جدا ماند بقسمی که سر مشق نیاکان را و مراسم خیرات و جشنها را غیر موقع معمول و فقط باسم تاریخ قناعت ورزیده اند درحالیکه معنی فروردین را هر پارسی دین بهار و تیر را تابستان وغیره میداند بنابر این خوشبختانه اخیراً این مسئله درمیان علماء و پیشوایان فارسیان هند در صفحات روزنامه جام جمشید مطرح و پس از رد و بدلهای زیاد غلبه از طرفداران تاریخ باستانی شده بنحوی که بگجراتی و پارسی بطبع رسیده عقاید هر یک با دلائل قوی از روی کتب آسمانی مصرح است خلاصه ۲۳ نفر پیشوایان ۲۰ نفر متمایل بتغییر تاریخ حالیه و مرسوم داشتن تاریخ باستانی و ۲ نفر مخالف که چندان معروفیتی ندارند و یکنفر بیطرف است مخصوصاً یکی از معروفترین آنان شمس العلماء دکتر جوانجی جمشیدجی مودی که علاوه از اقامه دلیل دینی از روی شاهنامه فردوسی دلیل قاطعی آورده در خصوص تخت نشستن جمشید که نوروز باسم او نامیده شده چنین گوید

§ بجمشید بر گوهر افشاندند §
§ مر آن روز را روز نو خواندند §
§ سر سال نو هرمز و فرودین §
§ بر آسود از رنج تن دل ز کین §

ولی پیشوایان مجرد با علم بی ریا چنین مسائل مهم را اهمیت داده پیرامون هوا و هوس های دنیوی نمیگردند درحقیقت زبان و قلم عاجز از اظهار قدردانی و تشکر از اعمال شایسته آنهاست پس لکه تاریخی هزار و سیصد ساله که مارا بپرتگاه زوال و نیستی رهنمون بود از آن فدا کاریهای قابل تقدیر این هادیان شاهراه سعادت و متجددین افتخار قدیم بکلی محو ومرتفع گردید ما وجود ذیقیمت علمای بی ریای خود را بسی مغتنم شمرده ازین اقدام درخشان تبریک گوئیم و ضمناً عطف توجه آنها را باصلاح خیرات و مراسم دینی زرتشتیان ایران منعطف میسازیم امید است درخواست ما صورت عملی اتخاذ نماید

(گشتاسب دینیار باستانی)

از اصفهان می نویسند

آقای امیر مفخم لطف علی خان بختیاری که فعلا عابد و زاهد و اول و آخر ماه و روز های پنجشنبه وجمعه روزه میدارد و شبها نماز شب میخواند ومؤذن دارد اذان میگوید بجبر و عنف و صدمه و وا داشتن

خوکرمانی به کتک زدن بنده و شکستن دندانهایم وحبس و شکنجه ملك را از دستم گرفت و اطلاع دارید که تا دو سال قبل خوانین درحدود بختیاری مالك الرقاب و فرمانفرما و شاه کوچك آن حدود بودند (اگرچه حالا هم هستند) و جرئت نفس کشیدن نداشتم تا اینکه قرآن بهلوی پیش آمد و قدری ملوك الطوایفی ظاهراً خاموش گردید و رخت بربست بنده هم چون دیگر دارائی نداشتم که بترسم و یك پسرم هم دیگر قشونی شده بود جرئت کرده وخودرا ازچهار محال به اصفهان رساندم و شرح حال خودرا بعدلیه باسنادیکه داشتم ارائه دادم و چون متصرف ملك پسر امیر مفخم بود عدلیه هرچه ایشان را به اصفهان احضار نمود حاضر نشده و مأمور عدلیه را هم تهدید و از خود ملك را سلب نمودند محکمه ابتدائی اصفهان حکم سلبیت ملك را صادر نمود ولی آنکه زنگوله را گردن گربه ببندد کسی نیست عدلیه که نمیتواند و زورش نمیرسد لذا متوسل بهاداره قشونی شده ازطرف قشونیها هم حکم شد بسلطان حسین خان مشیری که آن وقت و حالا نماینده دولت در بختیاری بود که بر حسب حکم عدلیه ملك را به تصرف عارض دهید چنانچه کسی من بعد او ادعائی دارد از طریق قوانین مقرره منوط به رسیدگی و اساس عدلیه است ولی چون آقای مشیری نمك پرورده خوانین بختیاری بود اسب و قاطر و قالی و لیره چشمهای اورا گرفته بود خلاف حق نمك رابجا نیاورده ابداً اعتنائی نکرد و حکم را اجری نه نمود تا اینکه مجدداً از دست امیر مفخم که نائب الملی ملك بود متظلم شده وکیلی انتخاب کرد پس از چند جلسه محاکمه قضیه ارجاع بمحضر شرع گردید وکیل ایشان استیناف داده یکسال نه امید استیناف نشده و مخارج نمود تا اینکه استیناف تنقیه کرد مجدداً تمیز داده یکسال که نه امید تمیز صبر نمود تا اینکه تمیز هم حکم استیناف را تائید کرد و مجبوراً حکم محضر شرع صادر شد الحال هرچه میروم نزد حاکم شرع وکیل امیر مفخم حاضر نمیشود بعدلیه تظلم میکنم میگویند تا باید نمیدانم چه کنم در این اواخر هم آقا میرزا ابوتراب نائینی رئیس عدلیه معزول و جانشین او که دست پرورده خوانین بختیاری است مخصوصاً سردار جنگ که ساعی ترقی ایشان بوده بدین جهت بنده درمعرض پریشانی و بی چاره گی افتاده از دارائی ساقط سه سال است مشغول محاکمه بازی که محضر شرع رجوع شده طرف حاضر نمیشود در این سه ساله چندین عریضه بطهران نوشته و احکامی از زمان رئیس الوزرائی اعلیحضرت همایونی و وزیر عدلیه در دست دارم که همه خطاب به حکومت اصفهان و عدلیه اصفهان است که حق بنده را گرفته بدهند ولی که گیرد هنوز آنکس از مادر متولد نشده عدلیه است که حکمش تا بیرون دروازه هم نمیرود حکومت اصفهان است که کسی محل باو نمیگذارد تا پنج فرسخی اصفهان‌را امثال بختیاریها چاپیدند حتی عارض عدلیه‌را که درویش عمه ناشناس باشد از وسط اصفهان گرفته بردند سال گذشته قدری از مظالم خود تخفیف داده بودند ولی امسال همان اقتدارات اولیه را مکه الاثر پیدا کرده و چنان چشم ترسی بمردم بختیاری و چهار محال داده اند که راه عدلیه که سهل است غذا خوردن را هم فراموش کردند بر فرض هم که ملك بنده را گرفته دادند آیا با این وضع بنده میتوانم آنجا بمانم پس بدانیدکه هیچ فرجی جهت رعایای ایران نشده و نخواهد شد و باید با این وضع سوخت و ساخت این است که دارائی بکلی جهة من باقیمانده از عمر خودهم به تنگ آمده و مرگ را از خداوند طلب میکنم که اولا از این زحمات این دنیا یعنی ایران و مظالم آن راحت شده و در آخرت حق خودرا دریافت کنم نمیدانم آنجاهم عدلیه بازی‌است؟ اگر ایرانی مصدر کار باشد البته باید با خود رشوه ببریم

خوانین بختیاری پول دارند و هم زور و من طایفه و بنده و امثال بنده ضعیف وکمزور و کم پول . در شماره ۲۲ مرقوم شده بود که از گذشتن قوانین جزای عرفی هم اهالی اظهار شعف کردند نه اندوه ولی چون این قوانین جزیه اغنیا و اعیان ایران است که بر سر فقرا و ضعفاء میکوبند این است که مردم اظهار تمایل به آن نکردند کی در ایران‌کسی سراغ دارد که یك نفر اعیان را جهة یك جنایت و خلاف بمحاکمه کشیدند تعجب‌تر اعلان مدعی العموم در شماره ۲۳ بود که جهة طناب شتر سارق را محکوم نمود اگر باور اگرچه جواب هم به او داده شده بود ولی من هم به سهم خود میگویم آقای مدعی العموم چرا آنکسیکه در طهران اشتهاء و نماز شب میخواند و میگوید من زاهد و عابد بختیاری هستم مجبور نمیکنند ملك مرا پس دهد که یك عائله از آن زندگی میکنند

(شیخ میرزا علی چهار محالی)

تقصیر خود مان است

چندی قبل درشفق سرخ وکمی بعد درحبل‌المتین عنوان حقیقت دار فوق را بدقت خواندم و علی رغم شاعر زبردست و وطن پرستم عارف گریه بسیاری نمودم قدری ذی دلم خالی شد آنوقت بفکر خود

نفرین کردم و از حضرت یزدان تقاضا نمودم که در این اول شباب از دو نعمت عظمی محروم شوم (باصره یا خرد) اینقدر کاووش نمو زالم و ععده است که اگر درخوزستان فریاد زنم حل المتین و سایر ایران پرستان هندوستان با کمال رأفت و فوریت جواب را خواهند داد من از تمام سامانسات و بی انصافی هائیکه از مامورین ادارات مشاهده میکنم المره عمض عب مینمایم چونکه قول جواب چهل عدد گنجشك (از ق وثیقش) دو سیر وانم است ولی اینهمه دردی این همه خیانات اینهمه چپاول اینها تمام فرعند . پس اصل کدام است ؟ پس آن چیزیکه ایران را ورطه عدم رهسپار نموده چی است ؟ پس آن شئی که صدها نفر ایرانی را لندنی کرده چه نام دارد پس آن حوریکه تمام عالم از موش روشن شده و میشود نامش آن چه اسم دارد، پس آن موریکه او نیز را تمام سوراخهای تو در توی عمرا بیش نموده و وقتی ـــــ به صحرای ایران میرسد غیر از کالف چیز دیگری ندارد چه خوانده میشود ؟ پس آن ماده لغشی که تمام دنیا و ما فیها از او منور میشوند غیر از دامنش در کجا است ، پس آن غمام برکاتی که ربع مسکون را خرم و شاداب نموده الا کویر ایران را درکجا سیر میکند ، پس آن کیمیائی که تمام مس های دنیا را طلای احمر نمود غیر از نحاس ایران و ایرانی را در کدام بوته ذوب میشود ؟ پس آن همائی که شاه پر ملوکش را بر سر ماهی گیران انداخت و از حضیض خاك به اوج افلاکشان رسانید چرا از افشاندن ساعتی برسر اولاد و آشیانه خودداری میکند ، پس آن سیمرغی که با بالهای بزرگ و پرهای سترگ در جو ممالك مشغول طیران است چرا بالای محیط خودش را فراموش کرده ؟ پس آن عندلیب خوش نوا و هزار داستان خوش ادا که تمام حیا کل هندوستان و انگلستان را محظوظ و مستفیض کرده است چرا از ترنم ساعتی در کاشانه خود مضایقه می نماید ؛ پس آن عروس قشنگ با آن حالات شوخ و شنگ که نصف جهان را بهره مند کرده چرا ساعتی با همسر خود در خانه خود شان اقامت ندارد ؟ پس آن مطرب غزل خوان و مغنی خوش الحان که تمام سوامع بشر را پر کرده چرا در گوش بیهوش مالکش این همه پنبه چپانده است ؛ پس آن دلبر طناز و مهوش عماریکه در (اپرا) های مردم مشغول خوانندگی و ترقص است چرا از ساعتی حرکت اعصاب در (آپارتمان) خاص خود بیزار و رو گردان است ؟ پس آن نگاریکه زینت بخش نگارستانهای مغرب شده و هر ساعت با هزار لمز و غمز خود آرائی میکند چرا از یك دقیقه دلربائی به خویش و صاحب نگار خانه حسد می ورزد ؟ پس

آن در خوشاب و مروارید غلطانی که در گردن تمام سفیدان اروپائی و سیاهان آفریقائی است چرا در سینه بلورین ایرانی یافت نمیشود ؟ پس آن پربهائی که خاتم انگشتان مخلوق شده چرا در دست ایرانی خاتم نشده ؟ و بالاخره آن اصل اصیل و آن اکسیر بی نظیر و آن دریای طلای محلول است که سرازیر اوقیانوسهای (سیوانس) و لندن است چه و در کجا است البته قارئین محترم منتظرند که بیش از این منتظر نگذارم و پرده از روی این معمی بر دارم (آن نفط است و در خوزستان است) آن خوزستان است و نفط است آن نفط است که در ممالك خارجه و در نزد اجانب خیلی گران بها است ولی برعکس پیش ایران و ایرانی به پشیزی نمی ارزد !! این نفط است که عمارت یك طبقه را به چهل مرتبه رسانیده این نفط است که کوه های عظیم الجثه را مثل مفتول از هم شکافت و دارای راه آهنش نمود ، این نفط است که در زمین های شوره و بی آب و علف دنیا هزار ها بستان و گلستان تشکیل داد این نفط است که هزارها نفر غیر از ایرانی را ملیونر کرده ، این نفط است که اعصاب پوسیده هندوستان را نمره اول ملل عالم گردانید و در پارکهای طهران نشانید . این نفط است که وحشیان افریقا را تحت نظام درآورد ! این نفط است که یك کرور نفوس را در عراق و هند و سیوانس و لندن دارای ثروت و علم نمود ، این نفط است که معادن را از دل خاك بیرون آورده و می آورد این نفط است که مثل برق درختان کهن هندوستان و آهن امریك را طیارات جنگی و تجارتی و ماهی گیری کرده و مثل اژدهای سیاه کنار شط العرب و کارون انداخته این نفط است که نهصد طیاره را در عراق و کردستان اداره می نماید ، این نفط است که جاده هایی مملکت و کشف عراق و کردستان و هندوستان را گشاده و باکیره گردانید این نفط است که صد ها کمپانی و فابریك و مغازه معروفه وجود آورد این نفط است که تا حال چندین نفر سر و پروفیسر را به قطبین برده این نفط است که (ویلسن) رئیس کل نفطهای ایران و عراق را یك روز در ایل پراوند و یك روز در ایل بختیاری و یك روز در ایل قشقائی و روز چهارم به منزل محترم وارد نمود

این نفط است که خزعل و بختیاری و حاجی شیخ کاظم شوشتری و حاجی شیخ محمد رضای درفولی را خانی و جانی نمود این نفط است که پانزده سال قبل در تمام اداراتش اروپائی بیش از پنجاه نفر نبود فعلا از پنجهزار متجاوز است ! این نفط است که مامورین بیداری و کشتی های ماهر را به اسیائی ...

یو شلوارهای کوتاه گون و لباسهای رنگارنگ به مرتفع ترین جبال پشت کوه و بیغوله های پیش کوه باسم اینکه اینجا هم نفط دارد میبرد و در روزهای روشن و شب های مهتاب عقد اتحاد و یگانگی با خوانین بی شرف و بی شعور ایلیات بسته و قدری تفنگ و فشنگ میدهد آنوقت بعد از پنج شش روز منادی در میان زمین و آسمان ندا میدهد که ای داد ای فریاد ایل فلان با طایفه حسن وند یاغی شده و با دولت سر جنگ دارند! این نفط است که هزارها نفر رنجبر ایرانی یا از روی گازش یا از بالای مکینه اش رهسپار دیار نیستی شده اند و کمپانی خون بهایشان را قیمت یك الاغ (دزه) که یازده تومان پول دولت علیه عالیه متصالبه باشد پرداخته است! این نفط است که مدتی است مدید و عهدی است بعید نمیگذارد سد اهواز بسته آید. این نفط است که مدار انجمن های عالم است غیر از دوازده ماشین فلاحتی اهالی ... ناصری که آنهم صاحبان مکینه التماس میکنند پول میدهند اولیاء کمپانی برای مکینه ها دلسوزی میکنند و پاسخ میدهند نفط خام برای مکینه خوب نیست! در صورتیکه همه بخوبی خوب نیست و مکینه را از حرکت باز و خورد میدارند چونکه حکم قیر را دارد، این نفط است که سی نفر سی نفر صاحب منصبان و مامورین سیاسی را بعنوان شکار وارد بلوچستان و سیستان مینمایند و ایرانی بیچاره از این خواب خرگوش بیدار نمیشود این نفط است که چندین مرتبه دولت عشائر خوزستان و لرستان و بختیاری را ... ساخته نمود باز سه مرتبه چهار مرتبه از پشت کوه قاف آنهارا مسلح نمود! این نفط است که روزی یک کرور تومان پس از وضع مخارج فائده دارد آنوقت ماه • چهار صد تومان به معارف ایالت عظیم خوزستان آنهم با هزار گونه اشکال و منت می پردازند! این نفط است که یك ملیون ونیم اهالی خوزستان را فاقد سواد کرده است! این نفط است که مانع است از تأسیس قرائت خانه ها، کلب ها، ورزش خانها و جمیع مجامع ادبی و علمی و سیاسی، این نفط است که اهالی مادر و خوزستان با چشم های دریده به طهران و صحرا نگاه میکنند، این نفط است که سایر معادن و تجارت ایران نزدیک است تصرفش نمودند، این نفط است که ... سال است اقلا نویسندگان را در پیام و صدای ناطقین را در قفس حبس کرده است! این نفط است که شاه بندر های سودرا در کوچکترین و دورترین نقاط آذربایجان پهن کرده است، این نفط است که در قرن بیستم با مه اهالی خوزستان آب گل آلود میاشامند آنهم با منت این نفط است ... ملیون ... اهالی خوزستان

باید ضرر و خسارت ترقی و تنزل روپیه را بدهند این نفط است که معروفهٔ مسجد سلیمان را مثل کارخانه کروپ آلمان کرده یعنی بیست میل در بیست میل سیم کشیده واحدی غیر از کارکنان کمپانی حق ورود را ندارند این نفط است که صد ها عمارات پنجاه هزار تومانی را اختصاص به از ما بهتران داده و آنچه کپر و سیاه چادر و خانهای گلی است مال خاص خالص اولاددان سیرس است! این نفط است که در بیست وپنج اداره سه هزار نفر منشی های هندی و ارمنی و عراقی با مواجب های خوب و با بهترین وسائل رسیدگی زندگانی میکنند، اما در این همه ادارات منشی ایرانی بیش از پنجاه نفر وجود ندارد آخر این بخشید مفهوم نرمائید چرا پنج نفر از جوانان دیپلمه مدارس اصفهان با ماهی سی و ان ... مستخدم شده اند! این نفط است که سال گذشته موجب هر نفر فعله کمتر از هشتاد روپیه نبود فعلا بماهی هفت تومان رسیده آنهم بدون یکشنبه ها! این نفط است که هرکس گفت چرا این طور است فوری بعنوان اینکه فلان کس (هوچی است) اورا از آن ولایت تبعید میکنند در صورتیکه بعقیده تمام با شرفها و منصفین هوچی فوق العاده مهم و قابل تقدیس است به علت اینکه اگر هوچی نبود چاپوچی دنیا را نابود مینمود. این نفط است که دولت فخیمهٔ انگلیس را در جنگ بین المللی فاتح نمود و بالاخره این نفط است که نگذاشت گاهی در کابینه ها یا در کمیته آمال ملت رهنمائی از مقدار ومغز و دانش بمیان آید

در این مدت متمادی گاهی در روزنامه یا مجله خوانده اید یا بشنوید که صحبتی از این طلای معاول کرده باشند؟ من که یکنفر با سواد و با اطلاعم سراغ ندارم شما را نمیدانم، ولی از بس در جرائد مرکز راجع به تصویب مالیات کثیرا. یا عدم تصویب مالیات روده که حاشیه یك انگشت نمیشود خوانده‌ام قوه باصره ام • خراب شده و شرط کرده ام دیگر روز نامه غیر از حبل المتین و مجله غیر از ایرانشهر و آینده نخوانم پس تصدیق کنید که تقصیر خودمان است

(بقیه صفحه ٤)

نقشهٔ که غربیان فعلا دارند در چین از پیش میبرند همانا انداختن اختلاف بین خود چینیان است فعلا دولت انگلیس من غیر رسماً چین را دو حکومت منقسم میخواهد یکی حکومت پیکن که سفارت رسمی او موجود است دوم سفیر اصلی را من غیر رسم نزد حکومت هنگکو گذارده و شرایطیکه بحکومت پیکن پیش نموده بهنکو هم پیش کرده است اگر تیر تدبیرشان درست اصابت کند و دو دولت در چین رسمی بمانند تا یك قرن چینیان را عقب خواهند انداخت ممالکی که فعلا در قبضه حکومت

کاندان است از حیث مساحت و نفوس ثلث چین گفته میشود کانتان دارای هفت ایالت است و پکن دارای ۱۴ ایالت که ازان چهار ایالتش در تحت حکومت شده کهائی است اروپائیان ساعی اند که حکومت شده کهائی را هم اگر بتوانند یك حکومت مستقل قرار دهند ولی گمان نمیرود که سرداران چینی پی تدابیر غربیان نبرده بتجربه چینی ثابت کردند اهالی چین چه در شمال وچه درجنوب حتی درحکومت شده کهائی هم برخلاف کلیه غربیان اند نهایت خصومت دارند ... [illegible] میگویند که چینیان قرنها توهین دیده برداشت [illegible] نموده در خانه خود خوار و زبون مهمانان ناخوانده مانده حالا دیگر نمیتوانند تحمل کنند [illegible] بیگانه واقعاً این است که ولو جنوب و شمال چین فعلا با هم مربوط نیست ولی عملیات هردو در یخا حیات یکسان است و از همین نقطه نظر [illegible] کاپیتان هوشیار یك تجربه داشته اند که حفظ منافع آنان جز در قبول خواهشات ملیون چین نتواند شد و ساعی اند که بهر صورت ممکن شود اثرات روس را از چین دور دارند تا وقتیکه قوای جنگی انگلیس در چین مجتمع نیامده بود انگلیسها خیلی نرم پیش آمده خویشتن را مطیع اوامر حکومت کانتان جلوه می دادند حالا که قوای خود را مجتمع ساخته دائره خشونت خود را وسیع کرده می گویند مرغ یك پا دارد بیشتر از آنچه کابینه لندن تصویب نموده با چین رعایت نتوانند نمود بعقیده ما جنگ نخواهد شد و هنوز هم جنگ برای ملیون چین زود است جنگ اول شرق و غرب که سال گذشته درطیات سیاسی نگاشته ایم ده سال طول زمان میخواهد علاوه برآن انگلیسان هم میدانند که این قوه مختصر مقتدر نیست که جنبه جنگ چین را ازاین پهلو به آن پهلوهم تبدیل دهد فقط ازاین اقدام دو امر منظور نظرشان بوده اول اینکه توهینانیکه درهنکو بانگلیسان شده و در کلیه شرق اثر تواند انداخت رفع نمایند دوم شاید ملیون چین متنبه آمده مجوزات وی را که خیلی هم بحال چین مفید است منظور نموده رشته تعلقات چین و غرب منقطع نگردد و روسیان را نتر موقع بدست آید که این ملت جسیم را زیر بال خود گرفته فائده برگیرند چین دارای رجال بزرگ و سرداران سترگ است بهترین موقع برای جلب فائده [illegible] مقرب رسید و بتهدید اتحاد با روس غرب را متزلزل وازبیم اتفاق با انگلستان روس را پیش پای خود نگاه داشته و دارند فائده میگیرند و با این خشونت مقدس درقلیل زمان نائل بکامیابی مرام خویش خواهند آمد »

(ایرانی خواب است یا بیدار)

رجال چین مانند اولیای مداهنه کار ایران نستند که موقع خود را نشناخته و باندك تهدیدی خویشتن را باخته از هستی وملیت خود دست بشویند مثل باز کابینه مستوفی منفصل شد باید دید در این موقع مهم یعنی در وقتیکه دو همسایه قوی شان سر تا پا متوجه اقصای شرق اند مردی در ایران پیدا تواند شد که حقوق مشروعه دولت وملت را و [illegible] هم باشد حفاظت کند

واقع عجب کلام بزرگی روزنامه ناهید نوشته (مرد لازم است) این کلام را باید با آب طلا نگاشت ایران میرزا تقی خان امیر کبیر میخواهد که بولی پاشای ارض روم بگوید من با کلاه رومی ببهشت نمیروم دوره نزاکتهای پوسیده گذشته ایام خشونت مقدس در رسیده است ملتیکه از احقاق حقوق خود نترسد مستوجب حیات استقلالش نمیشمارند موقع ایران بسیار خوب است و اوضاع دنیا بروفق سیاست آسیا است آیا مردی هست که بهمسایگان متجاوز صافا صاف بگوید بیش ازاین حقوق ملیه ما تجاوز ننمائید آیا کابینه جدیدیکه تشکیل شود ایرانفیل خواهد بود ؟ هشتاد سال است رجال انگلیس فیل و روس فیل داشته فقط چند روزی وزارت امیر کبیر ایرانی فیل بود این کابینهای انگلیس فیل و روس فیل که بروی کار آمده و از کار افتاده جز اینکه مارا عقب انداخته چه نتیجه برده اند وقت آنست که در ایران هم میرزا تقی خان بروی کار آید موقع آن رسیده است که احرار ایرانی از رجال انگلیس فیل و روس فیل اظهار نفرت کنند شاید خیال بسیاری وقت ما نازك است ولی بعقیده ما بهترین اوقات برای ایران در رسیده ایران هم باید بدون چون وچرا و تأمل و تأنی کاپیتولاسیون های دول را باطل نماید وامتیازات خانه براندازِ خارجه را رسماً لغو کند و هرگاه ضرورت باشد با ملاحظه ازمنافع ملی در حدود مخصوصشان نگاه دارد چرا باید اداره مرکزی کمپانی نفط و بانك شاهنشاهی درطهران قرار نگیرد چرا باید این سرمایه های هنگفت بدواً در داخله مملکت چرخ زده سپس بدریاچه طمس ریخته آید ای نزاکت ایار که کاش از قاموس ما محو میشدی ورجال ایرانرا تااین درجه نزاکت شناس نمیساختی تاحقوق ملیه ووطن مارا تضییع نمینمودند ما در حق آقای مستوفی قائلیم بدون شبهه خائن نبوده و نیست ولی بدبختانه ایشان را هم از نزاکت شناسی محروم نمیشناسیم جسارت مشروع و خشونت مقدس که سرمایه افتخار ملل برجسته دنیا است در رجال امروزه ما دیده نمیشود امروز ایران امیر کبیر میخواهد ایرانیان باید رجال نزاکت شناس را مهمل و مداهنه کار گفته ازبسر کار بیندازند بس است مداهنه کاری : بس است اغفال ملت !

(صفحه نخست) — سال سی و پنجم — (نمبر ۱۰ - ۱۱)

26/1, Ahri Pukur Road CALCUTTA.

حبل المتین

مؤسس [illegible] جلال الدین الحسینی (مؤید است)
[illegible] قیمت اشتراک — سالانه — ششماهه — هند و برما — ۱۸ روپیه ۱۰ روپیه — ایران و افغانستان — [illegible] — ممالک سایره — (سالانه) — [illegible]

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه [illegible] اسفندیار ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۲۶ شعبان المعظم سنه ۱۳۴۵ هجری
مطابق با اول مارچ سنه ۱۹۲۷ میلادی

چین زنده شد

§ ما هنوز اندر خم یك كوچه ایم §

واقعات چین اثرات عظیم به [illegible] آسیا خاصه بایران تواند بخشود این ملت جسیم و این مملکت پر قسمت وسیع نه تنها ربع قوس تمام [illegible] ارض را تشکیل میدهد بلکه موقعیت آن قسمی است که زندگی او کلیه شرق را زنده تواند ساخت . انقلاب کنونی دولت آسمانی از سه راه برای ایران مؤثر تواند بود

اول اینکه زد وخورد اقصای شرق عاقبت بین روس و انگلیس است ابتلای این دو پهلوان مشرق بیکدیگر بهترین موقع را برای ترقیات ملیه ما تواند بود

دوم — زندگی چین از یکطرف هندوستان را زنده میکند و فشاری که انگلیسان باسم حفاظت و مدافعه از هند همواره بما وارد آورده نرم میسازد و از طرف دیگر اثرات خودرا بر منگولیا و ترکستان بخشیده روسیان را از ما منصرف میدارد

سوم — وضعیت تازه و تشکیلات نوین که آسیا می‌بخشد که ایران نیز سهیم بلکه قلب آن واقع گردیده است

افسوس ! ایران دارای رجال موقع شناس نیست تا بتواند از موقعیت کنونی آسیا بهره کافی حاصل نماید آری این اول موقع نیست که ایران از موقعیت زمان فائده حاصل ننموده است از بعد نادر تا کنون بشهادت تاریخ چندین موقع اهم برای ایران پیش آمده و رجال ما نتوانسته اند از آن فایده حاصل کنند اگرچه رژیم سلطنت تبدیل یافته ولی چون توان کرد که هنوز هم همان پهلوان پنبه کهنه پرست تنبل جبان وطماع دوره ناصری و مظفری بروی کار اند و یکنفر سرباز فدا کار ایران که می توانست از اینگونه مواقع مهمه فایده برگیرد برای فایده خود در پس پرده اش نهاده نگذاردند مانند مصطفی کمال پاشا زمام امور ملك و ملت را بکف گرفته از موقعیت زمان فایده برگیرد — آری

§ ما هنوز اندر خم یك کوچه ایم §

ترکان چه بودند و چه شدند . افغان چه بود وچه خواهد شد . طفل شیر خوار عراق در چه حال است شام دو روزه بچه خیال هنوز هم رجال ما سیاستمند به پشت هم اندازی و دسته بندی مشغول اند . نه ملتیه مات است که بتواند دولت را براه اندازد ونه دولت دولت است که تواند از ملت کار گیرد

آری چین زنده گردید و یك جنبش ملی تمام دول بزرك را پیش پای خود نشانیده تا جائیکه حاضر گردیدند که از هزاران ملیون منافع غاصبانه خود صرف نظر نموده تا در آتیه یك تجارت مشروع دسترس آینه

وضعیت چین نه چیزیست که بتوان در یك مقاله مختصر گنجانید در چهل و یك شهر بزرك دولت انگلیس برای خود ناحیه امتیازیه تشکیل داده و در هر ناحیه یك شهر بزرك نوینی بطرز غرب در مقابل شهرهای قدیمه چین دائر ساخته بود . بلدیه ، نظمیه ، عدلیه آن را باختیار خود داشته حتی چینیان را اجازه ورود در آن نبودی چنانچه در سر در ناحیه امتیازیه شکهائی نگاشته بودند [illegible] سك و چینی اجازه دخول در آن ندارند ، رشته اقتصادیات را از بانك و کار خانجات عدیده همه بکف خود داشتند ، در حقیقت حکومت مطلقه آن نواحی را دارا بودند نه تنها انگلستان دارای نواحی امتیازیه بوده سائر دول نیز هر یك بقدر خود ازین نمد کلاهی ربوده بودند فی الواقع چیزیکه برای

ملیون چین بخود آمده ایالت کانتان را قبضه و ثلث
چین که ناحیه امتیازیه خارجه نیز بیشتر در آن اقاطر بود
بتصرف خود آورده بدواً در هنکو برخلاف انگلیسان
قیام کرده ناحیه امتیازیه را بتصرف خود آورده و
از خرید و فروش امتعه انگلیس خودداری کرده اند
قدری کار با انگلیسان سخت شد که بلشکرکشی مجبور
آمده و جهازات جنگی خود را در شنگهائی آماده
گذاشته اند - این اقدام بجای اینکه ملت جسیم تازه
بیدار چین را بخوف و هراس اندازد به جسارت
آنان افزوده اعتصاب عملجات فزونی گرفت و بر
خلاف انگلیسان بیش از پیش قیام کرده اند از یکطرف
ملیون چین در هنکو با دولت انگلیس شامل در قرار
داد آمده از طرف دیگر به شنگهائی هجوم آورده اند
ملیون چین میگویند که غرض ما از پیشرفت بشنگهائی
مخالفت با خارجیان نیست بلکه می خواهیم نگذاریم
چین قطعه قطعه شده صورت ملوک طوائفی اختیار نماید
ملیون کانتان میگویند باید قشون اجنبی از خاک چین خارج
شود وحکومت ملی کاملاً مقتدر است محفظ مال وجان
خارجیان هاهمینکه بیش از جمیع دول انگلیس در چین
دارای امتیازات و تجارت و کارخانجات اقتصادی
است بیش از همه دول مورد حمله ملیون چین هم
واقع گردیده است

رجال با ذکاء انگلستان چون موقع را سخت دیده
میدانند که اگر رسماً به جنگ چین در آیند دولت روس
باطناً به پشتیبانی چینیان بر خواسته تمام چین هم متحد
شده سخت دولت انگلیس را مبتلا خواهند ساخت از
طرف دیگر اگر یک مرتبه بخواهشات ملیون چین
تسلیم شوند هیمنه و رعب آنها نه تنها در چین بلکه در
کلیه آسیا نقصان خواهد یافت ازاینرو از یکطرف
حق قرار داد با ملیون چین تسلیم میشوند و از طرف
دیگر بلشکرکشی می پردازند و رسماً هم اعلان میکنند
که غرض ما از لشکرکشی دخالت در شؤن سیاسی
و اقتصادی چین نیست و فقط برحفظ جان و مال رعایای
خویش است اقدامات جنگی دولت انگلیس دول سائره
ژاپون ، آمریک ، فرانس ، اسپانی و هولاند را هم مجبور
بفرستادن جهازات جنگی در آبهای شنگهائی نموده است
میگویند ۳۴ جهاز جنگی دول با ۱۷ هزار نظامیان بری و
بحری تازه وارد در شنگهائی مجتمع آمده اند با این همه
ملیون چین تا کنون اقدامات شان فقط بر خلاف
انگلیسان بوده و با سائر ملل و دول ابراز خشونت
و عداوتی نمی نمایند قشون کانتان تا پشت دروازه
شنگهائی رسیده مزید پریشانی و اضطراب غربیان
گردیده است تمام دول از نهب ملی چین حاضر شده
اند که از روی قرار داد ترک کلیه نواحی امتیازیه
را نکنند باصول نوینی در چین مشغول تجارت شوند
فقط تیری که در ترکش دارند همانست که حکومت
پیکن را با کانتان بهم الداخله شاید فرصتی بدست
شان آید ولی غافل اند از اینکه اتحاد ملی چین در
سایه اختلاف چند سرداران بزرگ متزلزل نتواند
شد از اینرو باید صرف نظر از ملوک طوائفی چین
نموده خویشتن را با حقوق تجارتی مشروع قانع سازند
حکومت کانتان که حکومت ملی چین است رسماً
بیان نامه ذیل را اعلان نموده است .

بیان نامه ملیون چین

بیانات دولت انگلیس و سائر دول این است که
دولت چین مقتدر یا قابل نیست که امور ملک و ملت
خویش را منفرداً بدون تائید خارجی اداره نماید
و چنین عقیده دارند که باید بقرارداد واشنگتن
پای بند مانده متدرجاً اقتدارات خود شانرا کم نمایند
تا چین به ترقیات اقتصادی وسیاسی نائل آمده بروی
پای خود تواند ایستاد، و این عقیده در موضوع
ملیون چین بهیچ وجه قابل تسلیم و تصدیق نتواند
شد چه امروزه چین تازه و ملیون زنده بخوبی از
قوت حقیقی خویش واقف و میدانند که بقوه اعتصاب
اقتصادی میتوانند حقوق خود را از گزند اجنبیان
محافظه کنند

امروز این مسئله موضوع نتواند بود که خارجیان
به ملیون چین چه رعایت خواهند نمود بلکه باید دید
که ملیون چین چه حقی برای اجنبیان در چین قائل
توانند شد چه رژیم نگرانی بین المللی مانند سایر مسائل
پلتیکی در چین تغییر یافته است این مسئله باید ظاهر
گردد که آنچه را خارجیان نگرانی بین المللی میگویند
ملیون چین دخالتهای غاصبانه امپریالزمی دانسته اند
که آزادی اقتصادی و قضائی و سیاسی ملت چین را
محدود ساخته است

از زمانیکه انگلستان با فشار سر نیزه مجبور
ساخت دولت چین را که قبول نماید مواد قرار داد
کانتان را چین آزادی مطلقه خود را در همه چیز از
دست داده بود سخن بغلط سروده نخواهد بود اگر
گفته آید انگلیسان همان ساعتی که در جنگ تریاک
چینیها را شکست داده استقلال چین را متزلزل ساختند
انگلیسانیکه بعد ازان واقعه سیاه تاریخی بوجود آمده
ممکن است از حقایق واقعات واقف نباشند ولی چینیان
که آن شکست را مانند آهن سرخی که به چشم شان
فرو شده باشد آن صدمات و واقعات را فراموش
نکرده اند و این عقیده کلیه افراد ملیون چین است
و خارجیان تا این نکته را کاملا ملتفت نشوند از
حقیقت عقیده ملیون چین واقف نتوانند شد

ملیون چین چه میخواهند

اول کوشش شان این است که آزادی کامله خود را که بعد از شکست جنگ با انگلیسان از دست داده حاصل نمایند تا وقتیکه این مسئله تاریخی از روی انصاف تصفیه نیابد صلح بین انگلستان و چین صورت نتواند بست

قبل از آغاز انقلاب کنونی درست است که انگلیسان و چینیان با هم روابط دوستانه داشتند ولی این صلح ملحی بود بی حقیقت ملحی بود بی دوام مانند ملحهائیکه بین ملل غالب و مغلوب در صفحات تاریخ مکرر نوشته آمده قوم زنده قبل از گرفتن انتقام نمی تواند با فاتح خویش صلح نماید و در موقع خود مجبور است شمشیر بکف گیرد

ماده کشیدن شمشیر برای چینیان هاموقت تهیه آمد که ۲۵ مئی ۱۹۲۵ در خاك چین یعنی درشنگهائی تفنگهائیکه بدست انگلیسان بوده بسینه شاگردان مدارس چین شلیك گردید از برکت آن خون های پاك بضرورت جنبش آزادی در چین آغاز و بعد از آنکه دوباره شاگردان و اهالی چین قریب شامون (کانتان) در ۲۳ جون ۱۹۲۵ اشاره خارجیان کشته آمدند ناچار ملیون چین انتقام شهدای خود اعتصاب اقتصادی را در جنوب تولید و اختیار نمودند این انقلاب وسعت خواهد یافت و چون انقلاب قومیت بیدار که فقط طالب آزادی خویش است ممکن نیست تا وقتیکه مقصد شان یعنی آزادی کامله حاصله نیابد خاتمه بذیرد

انگلستان و سایر دول خارجه از آزادی چین نباید اندیشه زیانی داشته باشند چه ملیون چین آزادی را برای این نمیخواهند که به اصول وحشیانه چنك جوانك چنك ها به و قیود لزم » چنك سوان ها به سیاست مندرس بیکباره بر گردانند بلکه غرض شان قائم نمودن اصول مملکت آرائی جدیدست در چین تا اینکه چینیان هم مانند اقوام دیگر گم نام و نابود نگردند

تشکیلات حکومت جدید چین مبنی بر این خواهد بود که انتظام امور مملکت و حصول مالیات را برای رفاه کلیه اهالی مسلم دارند نه چون اعیان و اشراف بیکـنك نظارت خود را بر جان و مال رعایا مسلم دارند البته این حکومت اشخاص مخالف (سو-یلسم) آزادی را مانند چکسولن و معاونینش باغی شمرده ازروی قانون مروج با آنها سلوك خواهد نمود و افراد ملت انگلیس و سایر نفع جویان خارجی را که تشویق چنین اشخاص میکنند مانند باغیان بی انمانی بجزا خواهد رسانید

این حکومت امورات خارجی را که در تصادم آزادی چین پیش آید منفرداً باصولی تصفیه خواهد نمود که نه خللی به استقلال و حقوق حیاتی ملت وارد آید و نه حق تلافی از خارجیان شده باشد

اینجا لازم است یك نکته اهم بیان شود و آن اینست که امروز حفاظت جان و مال خارجی در چین به شمشیر دول خارجه ممکن نیست برقرارماند البته قوه ملیون چین یعنی اعتصاب اقتصادی قوی تر از آلات قتاله خارجی است خاصة انگلیسان باید بدانند که جنبش کنونی حق محافظه جان و مال خارجیرا بدست کسانی سپرده که اختیار شان از قوت اوش شده که حیات اقتصادی خارجیان را میتواند مفلوج و زایل نماید

ولی عقیده ملی چین اینست که برای آزادی و رهائی جان و مال چینیان از تسلط و اختیار امپریالزم خارجیان محتاج بگرفتن سلاح نیست از این رو حکومت ملی خوشتر دارد که مسائل مهم چین با دول خارجه از روی قرار داد و مذاکرات صلح باشد و بهمین جهات بوده وقتیکه وزیر مختار آمریك به کانتان آمد مسلك حکومت ملی را وزیر خارجه بوی ارائه داد و همان قسم مسالك خود را بوزیر مختار جدید انگلیس و نماینده ژپون و آمریك مجدداً ظاهر نمود

برای اینکه ظاهر گردد که مسلك این حکومت ملی بروی اقوال تو خالی نهاده نشده در همین بیان نامه ظاهر میداریم که حاضر ایم منفرداً با هر یك از دول خارجه مذاکره نموده حقوق سیاسی و اقتصادی ارا بر پایه تساوی قائم بگذاریم بر فرضیکه مخالفین صد این بیان قائل شده باشند باز هم اختیار اصول سالم کارانه مان در ناحیه امتیازیه هانکو مسالك ما را مدلل میدارد

ملیون چین قطعاً از عمدی بودن حمله بر چند نفر چینی در ناحیه امتیازیه که منجر به جراحت دو نفر گردیده انکار دارند که به بهانه قبضه جبریه بر آن بوده است

۱ — بخاز آمدن قشون ساحه بحری انگلیس در هنکو سبب گردید که وطن خواهان را وادار کند به منازعه خونریزانه با انها

۲ — واگذاردن اعضای بلدیه انگلیس وتخلیه زن و بچه انگلیسان از ناحیه امتیازیه هنکو سبب تخیل عمومی گردید که موقع انگلیسان متزلزل شده است و این حرکات کمیسیون ملی چین را مجبور ساخت که انتظام ناحیه امتیازیه را کاملا بقبضه خود گیرد

درخاتمه حکومت ملی این حقایق را واضح مینماید

(۱) بیشتر حقوق تجارتی و سایر اختیارات دولت انگلیس در یانگزی درجنوب چین است که کاملا بدست حکومت و استیلای ملیون چین میباشد

(۲) تقریبا کلیه جنوب یانگتزی و حصه بزرگی از شمال که کونهیین هم شامل دران است در اختیار حکومت ملی در آمده است

(۳) اگر آراء عموم ملت چین گرفته آید حتی ان قطعاتیکه تحت فشار هم هست بطرفداری ملیون ثابت خواهد گردید

(٤) سخن قاطع این است که ملیون چین نماینده صمیمی و حقیقی تمام افراد بیدار چین است ازین رو معذور اند خارجیان که بقوای ملیون تسلیم گردند هیچ دولت خارجی غلط رفته است اگر از در صلح و سلم با ملیون چین وارد قرار داد گردد قوای ما قوای ملی است و ممکن نیست قوای ملی در یك مملکت یافته معدوم گردد

آهنگری

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که مجلس ٤٥ ملیون قران بدولت اعتبار داده است برای تشکیل یك مؤسسه آهنگری و نیز تصفیه نموده است خطوط مستقیم این سر تا آن سر ایران یعنی از شمال بجنوب و از مشرق بمغرب را و همچنین تعیین کرده است شاخهای فرعی راه های آهن ایران را ، دولت برای تهیه مهمات اولیه راه آهن از کارخانجات مختلفه اروپ و آمریك مطالبه خواهد نمود

حبل المتین

مهمترین اقدامیکه از آغاز مشروطیت تااکنون شده و بزرگترین اعتباریکه مجلس بدولت داده همانا مبلغ خوبی است که برای تأسیس مؤسسه آهنگری اعطا شده است نافع ترین اقدام دولت در رفاه ملت و عمران مملکت و اصلاح اقتصادیات همانا تاسیس کارخانه آهنگری است مملکتی که دارای کارخانه آهنگری نباشد در همه چیز محتاج به بیگانه خواهد بود کارخانه آهنگری است که دول المان آمریك انگلیس و ژاپون را بمقام اولیت بخشوده است اول قدمیکه ژاپون برای ترقیات خود برداشت ایجاد کارخانه آهنگری او بعقیده ما برای ایران هیچ ایجادی مانند کارخانه آهنگری مفید و مهم ثابت نخواهد شد بدون کارخانه آهنگری هیچ ملتی دستکاری و دفاع نمیتواند شد چه در صنعت دستکاری و وسائط در همان اول قدم محتاج به آهن و آهنگری میگردیم کارخانه آهنگری ایران را دارای جهازات جنگی و اسلحه و قورخانه و تانك و اتومبیل های زره پوش و طیارات جنگی میتواند نمود کارخانه آهنگری تشکیل زراعت امروزه ایران را تغییر خواهد داد بالغرض کارخانه آهنگری صادرات و واردات ایران را توازن خواهد بخشود تهیه مهمات راه آهن کوچک ترین فائده است که ایران از ایجاد کارخانه آهنگری تواند برد ساختن راه آهن و آوردن ماشین آلات مختلفه برای ازدیاد صناعت وغیره بدون کارخانه آهنگری مانند مدرسه طب بدون تشریح و لابراطواری است از تأسیس کارخانه آهنگری میتوان گفت قدم اساسی برای کلیه ترقیات ایران اعم از سیاسی و اقتصادی و عمرانی برداشته آمده است بعد از ایجاد کارخانه آهنگری میتوان اطمینان نمود که ایران مقدرجاً دارای همه چیز تواند شد حالا باید دید این کارخانه آهنگری کجا باید تأسیس شود معلوم است که نظریه متخصصین بتقاضی خواهد بود که نزدیك بمعدن آهن و فولاد باشد ولی بعقیده ما کارخانه آهنگری هرجا باشد کار نداریم ولی شعبات آن کارخانه در خلیج فارس سواحل بحر خزر و نقطه هم شرق باشد لزوم را دارد تخمیناً هزار میل بنادر و اراضی ساحلی خلیج باید در سایه کارخانه آهنگری عمران یابد میدانیم که این اعتباریکه برای تاسیس کارخانه آهنگری مجلس بدولت داده مقدماتی است ورنه برای یك کارخانه مهم آهنگری و شعبات آن که بتواند احتیاجات ملی ما را کاملا مرتفع سازد و منافع تجارتی هم از آن حاصل شود این سرمایه کافی تصور نمی شود در سایه یك کارخانه آهنگری کوچك مستر تاتا که یك از معتبرین زرتشتیان بمبئی است ودرجمشیدپور هند ایجاد نموده ۲۵۰ هزار نفر عملجات مشغول بکار اند و نصف بیشتر احتیاجات آهن هند را از خارجه مرتفع ساخته است سرمایه کارخانه آهنگری جمشید پور از ۵۰ ملیون روپیه متجاوز است .

اما راه آهن شك نیست که بزرگترین عامل تمدن امروزه دنیا راه آهن است بیش از هر چیز

(بقیه در صفحه ۳۲)

ما و دیگران

در این اواخر رسم شده است در جرائد مرکز که از امریکا بحث مینمایند . مثلا از عمارتهای چند طبقه . از صادرات ان مملکت از منافع تجار و مخصوصا از متمول ترین مردم فورد زیاد تر از همه گفتگو میشود : البته درج این گونه خبر ها در جرائد برای تشویق مردم به کار وفن است اما کسانی که در روحیات جنس ایرانی مطالعاتی نموده و از سجایای این ملت واقفند ملتفت میشوند که ایرانی کجای مسئله را گرفته و در ان بحث مینماید همان جای که موافق سلیقه و ذوق او است انجا را گرفته : اجازه میدهید جسارت کرده عرض کنم که این ذوق و سلیقه در همه وقت چندان تعریفی ندارد و بعض وقتها آدم را که میخواهد دو منزل یکی ببرد از کار باز میدارد ، اما چه میشود کرد جزء طبیعت است

ایرانی گل چید است در بوستان دهن چشمش به خنده گل و گوشش به ناله بلبل است و درمیان این خنده وناله بلد است خیلی حرف بزند خیالات شاعرانه میکند از کرشمه گل و شکایت بلبل کتابها می‌نویسد اما خبر از خوراک بلبل و زندگانی او در مناطق سرد و گرم و مسافرت ومهاجرت او ندارد از پیوند گل و شناختن ریشه آن و تمیز جنس آن و میزان عطر آن و فوائد تجارتی و دوائی آن خیلی کم و خیلی به ندرت بحث میکند سبب هم این است که بروایش نیست حالش را ندارد و راستی کله اش را ندارد این که عرض کردم کله اش ندارد دلیل دارم و آن این است که کتاب ایرانی ر دارید بخوانید به بینید از کرشمه گل وگله بلبل بیشتر حرف زده یا از طبیعت بلبل و خواص گل زیاد تر کار کرده است . بنا بر این امروزه هم که از امریکا حرف میزند همان حکایت گل و بلبل است و تصور میکنم امریکائی که ایران را دیده و ایرانی را شناخته مثل گل و بلبل که به فرمایشات ایرانی تغییری در طبیعت خود نداده او وکار های او هم تغییر نکند یادم می آید چند وقت پیش در یکی از نگارشات امریکائی کتاب بود یا جریده درست خاطرم نیست دیدم نقشه مسافرت مرغهای هوا را کشیده بود و همان طوریکه در نقشه های تجارتی به اب و تاب خطوط سیر کشتی ها و سیمهای تلگراف هر یك به طرحی کشیده شده در نقشه مهاجرت مرغها هم به طرح خطوط سیر مرغ های مختلف را کشیده بشود و تاریخ عبور و حرکت انها را یکی به یکی شرح داده بود ، آیا بعقیده ایرانی این کار های لغو و بچه گی کلاه آفتابه لگنی های انطرف دنیا چه درد انسان را دوا میکند و چه توشه برای آخرت گرفته میشود ، این سوال هم از تنبلی و بی دردی است زیرا رفتن روی کوه ها و دره ها و شناختن خط عبور مرغها که برای آمدن و خوردن حشرات درختی مفید است زحمت دارد و ایرانی به فلسفه از کله خودش زود دور میکند خوب خرجی ندارد دو کلمه منطق قشنگ نارنجك است برای کار در دست آدم بیکاره ، به رای بنده طبیعت ایرانی حریص است و تنها از تمول امریکا برایش صحبت داشتن نتیجه ندارد بلکه ضرر دارد باید در مطالبی بحث کرد و طوری بحث نمود که راه نشان داده شود وانهم راهی باشد که روح و خیالات ایرانی را بهتر صفا دهد مقصودم در این مقاله ایراد بر نویسندگان تمول امریکائی نیست چه خبر است و باید نوشته شود غرضم این است که طبیعت مردم نارسا است و نتائج خیلی بالا دست زده میشود ، به تجربه رسیده که بعضی از ادیب مابهای ما همواره از

بزرگان امریکا صحبت میدارند در صورتیکه خود شان دستوره هیچ کاری جزحرف زدن ندارند حتی بعض شاعرمابها که گدائی منظومه یاقصیده سرائی می کنند در ضمن خواهش ادیبانه برای پول یا گدائی مثالها از دکتر ویلسن و روزهای روز نامه فروشی او و شاگرد اهنگری فورد وامروزه ارمغانهای او موری به آب و تاب صحبت میدارند که هرگاه خود ویلسن میدید یا اگر حالیه شخص فورد حرکات چشم و ابرو و اشارات دست این ناقلان آثار را به بیند حیران و سرگردان میشود که این مردم از کجا این وقایع را دیده اند که اینطور ملکه شان شده است بحدی که شاید برادر و خواهر مرحوم ویلسن و فورد این اندازه ندیده و خبر ندارند . اینها دلیل است براینکه این حرفها برای این مردم زیادی است این مردم حرص و طمع خود را از یکطرف بیکاری و بیماری خود را از طرف دیگر باهم مخلوط نموده ویلسن و فورد را بجای مولای درویشان اسدالله الغالب در دست گرفته تو سر دیگران میزنند که پول مفت گرفته برواند خرج کنند . چندی پیش جوانی امده بود و با منطق شیرین خود گدائی میکرد که پول برای اتمام تحصیلات خود میخواست و ویلسن امریکائی را ورد زبان ساخته بود به او گفتم آقای من شما میگوئید ویلسن روز نامه فروش بود خوب است شما هم روزنامه فروخته از وجه آن تحصیل نمائید بلکه بشما میگویم لطفا ویلسن نشوید بروید در کنار رود خانه در اهواز زراعت کنید و یك برزگر خوب بشوید که هیچ دخلی به ویلسن شدن ندارد زیرا مرحوم ویلسن شهید صلح اروپا شد و شما در کنار کارون یك دهقان سعیدی خواهید شد اما این حرف توی کله رفیقم نرفت و در کله امثال او نمیرود اینها میخواهند ور بزنند و از زور کچه نان مفت بخورند . نمیدانم چرا در این جا مثال را از برادر بیچیزم آوردم چون مطلب منحصر به غنی و فقیر نیست شاهد دیگر میاورم . چندی پیش یکی از جوانهای تاجر زاده و شاید ملاك امده بود برای خرید اتوموبیل شیك که آن را به یکی از شهر های جنوبی ایران ببرد به اوگفتم لازم نیست شما اتومبیل بخرید و اگر بخرید لازم نیست شیك باشد تاکمیان در فلسفه روشد و مصداق ایه کریمه امریکا به میان آمد که هر ۱۳ نفر امریکائی یك اتومبیل دارد بنده هم که بیچاره هستم رفیقم را دست خالی ول نکرده به او گفتم ارباب جسارت است امریکائی جنس دیگر است و من و شما جنس دیگر دلیلش هم این است که در شهر امریکائی کوچه پنجاه گز پهنا دارد زمین کوچه صیقلی است راه های دهات شوسه به تمام معنی است

و امریکائی اتومبیل مال مملکت خودشرا برای کار زیر پا میکنند اما شهر جنابعالی یا کرمان است یا شیراز که همه چیز آن کوچه طبیعی ودست نخورده است و اتومبیل راه عبور ندارد جناب شما هم اتومبیل مال مردم را برای بیکاری وحرام کردن وقت سوار میشوید خواهش دارم در دهن مبارك را بسته مزخرف نفرمائید معلوم است که این برادر غنی با آن برادر فقیرم در نفهمیدن مسئله یا نخواستن فهم مطلب در یك درجه بودند و حرف یا ایراد بنده جز فضولی نبود اما من دو واقعه را در اینجا ذکر کردم تا دیگران لنگ بخود آمده و به بینند علاج دردچی است

شاید اشتباه نکنم باید حرف کم زد و کار زیاد کرد. اما میترسم باز هم اشتباه کرده باشم چرا که مخاطب من ایرانی است و اصلا سرش نمیشود کارچی است

◆ کار ◆

وزیر ایرانی خیال میکند که ماهی دهروز روزها در اتومبیل نشسته و از خانه برود توی وزارتخانه و دران پیا پشت میز با وکلا و علما و واسطه‌ها و پارتی های خودش ملاق و جفت مسائل برقراری کرسی وزارت نماید . تاجر ایرانی خیال میکند صبح زود از خانه بیرون رفته برود در حجره خود پشت مجری و دفتر زادانتمام خود نشسته خمیازه بکشد . ملای ایرانی خیال میکند قاطرین ا این روزها و بیل خود را سوار شده برود در دهات خود و از گوشت جوجه مرغ رعیت بدل ما یتحلل قوای از گرسنگی خود و عیال و اولادش در شهر نماید و وجهی از دست رنج رعیت گاو مرده برای طلبکاران پاریته خود تدارك نماید دکاندار خیال میکند تمام روز خود را در بازار صرف فروش امتعه شیك ومود نماید رعیت خیال میکند تمام عمر خود را باید زیر آفتاب و بیل زدن دوره مرحوم بابا آدم گذرانده و هر وقت صورت ارباب یا قائم مقام عزرائیل را دید سر بسجده نهد ، این مردم با این وضع کاری که دارند حرکات خود را اسمش کار گذاشته و در جلو اتومبیل شرمنده نمیکردند که این جانور مصنوع دست انسان اصلا برای انها و شهرهای انها ساخته نشده و هرگز خیال نمیکنند که بره و آهو نباید توی اتومبیل سوار شود اتومبیل مال کار است و کار را انها میکنند که از کار شان کار برخیزد ، چه فرق میکند طهرانی که وجودش مصرف ندارد با آن ادمی که بوضع شیوخ عبرانی در چادر زندگانی کرده و ثروتش از پشت و پستان گوسفند حاصل میشود این هردو وجود شان یکی و اتومبیل برای زندگانی انها فضول و هرزه است . اگر منطق ایرانی کار را بطوری که در فوق ذکر شد کار داند آنوقت من حیرانم چه بگویم آیا باید زیر اتومبیل برود یا توی اتومبیل بنشیند ؟ ایرانی کلی چنین است ایرانی شاعر است ایرانی از چرخها و ماشین های فرنگی گرامافن و اتومبیل دارد که فوری حظ ببرد ایرانی پول هزار اتومبیل زیادی و فضول راروی هم میگذارد یك ماشین شکر ریزی بخرد ایرانی دو هزار مسئله اقتصاد رادر یك روز ازصد جلد کتاب دراثبات وجود ماشین اما اتومبیل بدست میدهد اما کشت چغندر رودوری ماشین راازمعدن ذغال سنگ به هزار زبان بهانه کرده وعذرسستی مغزوعصب خود می آورد . خدایا این مردم چه چیزند خلقت ما از چه مصالحی یا مفاسدی شده. مسلمان اگر زندگانی فرنگی را باید قبول کرد همه اش توی اتومبیل نیست بحضرت عباس آقای فورد رفیق ایرانیها اتومبیل را برای رفتن شمیران نساخته که لاشه های حرام وبی‌هنر طهران بروند در انجا ول بگردند این اتومبیل فورد برای زارعین اروپا وخصوصا امریکا است که ارزان خریده از خرمن های دویل و عریض زراعتی خود بوقت کم عبور و مرور نمایند - آخر خودتان را به بینید امریکائی را هم به بینید زندگانی خود را بسنجید مال اورا هم بسنجید چرا خودتان را گول میزنید - در آخر مثالی عرض میکنم

زارعی نزد اخوندی رفت و اجاره نامه نوشته ان را نزد هرکس که برد برای شهادت امضا نماید کسی نتوانست درست خط اجاره نامه را بخواند شخص زارع نزد اخوند نویسنده آمده و ماجرا را گفت اخوند اوقاتش تلخ شده گفت احمق من درست وخوب نوشته ام تو بی‌سوادی ورنه نمیشود زارع بیچاره که حریف اخوند نبود گفت حضرت آقا ازمن که گذشت اما شما رو و قدری مشق بکن -

(اما آخون یخه فحش کن)

امضا ــ زارع

◆ قوه تفکر وقوت قلب ایرانیان را وداع گفته ◆

◆ مطلبی از برلن می نویسند ◆

در شماره اول حبل المتین که شرحی از مخبر طهران راجع باوضاع ایران درج بود که بمسئله خط قبولی بیست کرور تومان و دعاوی دولت انگلیس در دوره کفالت آقای مفتاح السلطنه اشاره کرده و بدان مناسبت مضرات تعیین ایشان را بواشنگتن که هزاران امید و انتظار ایران از آن نقطه دارد که همه آنها برخلاف میل و منافع انگلیس است شرح داده چون نکته خیلی مهمی را دست زده اند که کمتر در ایران بدان ملتفت اند ، در بیداری هموطنان و تذکر آنان اعلیحضرت پهلوی که اتصالا در ترقی وسعادت

ایران میکوشند وغالباً کوششهای همایونی دچار اشکالات خارجی میشود ، لازم دیدم این مسئله را دنباله بدهم

در چنین عصری که حتی دول بزرگ عالم به پروپاگندا و تبلیغات در ممالک خارجه مراتب بیشتر اهمیت میدهند تا بقوای بزرگ بری و بحری و هوائی و دشمن را در خانه خود با تبلیغات و تحریکات بهتر و آسان تر زبون و مطیع میکنند تا توپهای کوه کوب ایرانیان با نداشتن هیچ قوه از چنین قوه بزرگ دفاعیه که دسترس دارد استفاده نکرده همه دست روی دست گذاشته با چشمهای گریان منتظر دست غیبی میشوند ، بقول ظریفی « سفاهت که شاخ و دم ندارد »

برای استخلاص ایران از فشار دو همسایه بزرگ جنوب و شمال که هر دو در همت باایران برای منافع بزرگ بکمال اقتصادی و نظامی و سرحدی با کمال رقابت میکوشند و ایران را مال خاص خود می شمارند و هیچ دولت ثالثی را جای پا نمیدهند و هیچوقت برای ایشان فرصت به آنها که بار دیگر باهم ساخته ایران را مورد تقسیم نمایند ، فقط چاره و تدبیری که برای ایران متصور است ایجاد منافع برای دولت ثالث مثل آمریک تا در داخله عرصه را برای جولان همسایگان تنگ و درخارجه در کنفرانسهای پلتیکی ایران از مساعدت آمریک استفاده کرده فرصت برای استحکام مقام خود بهم بزند . و در انگلستان بواسطه بهم آوردن قوه مهمی از عناصر صالحه و طرفدار ایران جلوگیری از تجاوزات و پیش بردن خیالات امپریالیزم دولت انگلیس نموده و در موقع حاضر شدن سازش با روس در مسئله ایران ممانعت و مخالفت نماید و در خانه خود مدعی اشکال در وصول بمقصود هردو فراهم بیاورند چنانکه در خود ایران نمایندگان دول خارجه بوسیله طرفداران خود در ایران غالب بمنظوراتشان نایل میشوند

(ایرانیان در جمع اضداد خود کشی میکنند)

در حصول این دو مقصود بزرگ هر کس که اندک شعوری داشته وخر دلی از محبت ایران در دلش باشد حکم میکنند که باید ایران بزرگترین دیپلومات و متبحر ترین رجالش را در فنون پلتیکی که عقل و عام را با وطن پرستی و قوت قلب بهم و توأم داشته باشد بدین دو نقطه یعنی آمریک و انگلستان بفرستند و از بذل هیچگونه مال و مجاهدت در آن دو نقطه خود داری نکنند ، پس اگر ایران برخلاف مصالح بین خود عمل کرده و در های باز دو نقطه نجات را با قفل و زنجیر روی خود محکم به بندد به آمریک شخصی را بفرستند که بقول مخبر حبل المتین علاوه بر اینکه برای عیش خلق شده به کار ، از بستگان معروف قدم دولت جنوب باشد و یك قدم برخلاف میل و اجازه آنها برندارد و نیز بقول روز نامه قانون طهران « مربای دربار مظفری » را که تمام همش منحصر حمایت شاهزادگان درجه اول قاجاریه است بفرستند چه راه نجاتی برای ایران و ایرانیان می ماند و بچه وسیله بر دفاع خطرات متروفه و حفظ مصالح موفق توانند آمد ؟

اسباب حیرت در این است که چنین انتخابات و وقوعات در دوره صدارت و زمامداری آقای مستوفی که بوطن ، نوع پرستی معروفند و همه را بهتر از همه می شناسند و در وزارت امور خارجی آقای مشاور الممالك اتفاق افتد ، زیرا چنین انتخابات و تصمیمات که نتایج سوء آن با مملکت اظهر من الشمس است با عدم التفات آنها هم و برخلاف داشتن قوه التفات به بدیهیات است و هم ضد وطن و نوع پرستی !!

(علت واقعی عدم پیشرفت امتیاز نفت شمال چه بود)

مسئله معدن بزرگ نفت شمال پنج سال است در عهده تعویق مانده و اگر امتیاز آنجا در عرض پنج سال گذشته به کمپانی آمریك داده شده بود ممکن بود حال منافع بزرگ از آن معدن عاید دولت و ملت شود و مقدار عظیمی از رعایا نوا برسند !

چرا معوق مانده ؟ برای اینکه دولت شمال و جنوب هردو نمیخواهند امتیاز آنجا بدست ملت خارجی بیافتد آنهم بدست ملت و دولتی که در آتیه سرخر برای آنها در ایران تواند شد و مانع از پیشرفت منظورات آنها گردند ! این دول چه کردند با قوه بری و بحری و هوائی مانع شدند ؟ نه ! بلکه با پروپگنده و تبلیغات و تحریکات و مغلطه کاریها در آمریك و ایران !! انگلیسها در آمریك به پروپگنده بر ضد کمپانیهائی که برای تحصیل امتیاز ان مایل بودند ، باظهارات اینکه آن امتیاز حق کمپانی انگلیس است که از خوشتاریان خریده و هر که آن امتیاز را از دولت ایران بگیرد و محاکمات و اشکالات بزرگ با کمپانی انگلیس میگردد و از طرف دیگر در آتیه دچار اشکالات بزرگ با روس میگردد و کمپانیهای آمریك را ترسانده منصرف کردند ! و از طرف دیگر روسها کمپانی سنکیلر را (که قرار امتیاز معادن نفط سخالین را با او داده بود) مقابل کمپانی استاندرد (که با کمپانی نفط جنوب انگلیس داخل شراکت در بکار انداختن معادن نفط شمال شده بود) در آورده بوسیله او مساعدت فیروز میرزا را که (در ان اوقات میخواست خود نمائی بکند بانگلیسها و درجه نفوذ خود را در مجلس بفهماند تا

من بعد در حمایت او خود داری نکنند) بانضمام شب نشینان فرمایند و وعده چهل هزار لیره مسلم کرده، اعضای جاهل یا مغرض و فاسد الاخلاق مجلس ملی را دولتهای سست عنصر جبون بی اطلاع که در زیاست پهلوان پنبه‌ها تشکیل میشد گول ساخته دست انداختهٔ پنجسال تمام مانع از پیش رفت اینکار شدند !! پنجسالی که روس بکلی ضعیف و قدرت هیچ قسم مقاومت نداشت و بهترین فرصتهای ایران بود !! در ۱۹۲۵ روسها با اوبابی سنکلر هم زده و امتیاز سخالین سر انگرفت و مایده سنکلر از ایران رفت و ایرانیان را از آنجا رانده و از انجا مانده گذشت و هم معلوم نشد جز پیش رفت منظورات دول مدعی و فیروز میرزا اینهمه کشمکش ایرانیان و مجلس در سر ترجیح بین کمپانی آمریک شریک کمپانی نفط جنوب انگلیس با کمپانی آمریک دیگر که با دولت روس شراکت داشت (برای دادن امتیاز نفط شمال) برای چه بود، و بالاخره علت رجحانیت سنکلر از چه رو بود؟

اگر امر دایر بشود بین دادن امتیاز نفط در شمال ایران بکمپانی امریکائی که با روس شریک است با بکمپانی آمریکائی که با کمپانی انگلیس شریک است البته تساوی رجحانیت دارد.

(با وزارت خارجه اصلاح نشود عرق نجات
بروی ایران مسدود میباشد)

در مقابل این آمریکها و گربه رقصانیها و گول سازیها دولت ایران چه کرد؟ مامورین صبر فعال لایق یا دستهای کار آمد در معیت مامور امریک فرستاد تا در مقابل آمریک دو پروپاگانده خارجه انتریک و پروپاگانده کرده اظهارات بی اساس و مغلطه‌های ما تندرست آنها را به تمام کمپانیهای امریک بنمایند؛ وغیر از کمپانی استندرد و سنکلر که هر دو مشوب بغرض بودند هزاران کمپانیهای امریکائی دیگر را که بمراتب بزرگتر و معتبر تر از این دو کمپانی هستند (و نه با روس علاقه دارند و نه با انگلیس) تشویق و ترغیب بگرفتن امتیاز نفط شمال نمایند؛ و این مسئله را در همان وقت که اشکالاتی هم وجود نداشت بدهند؛ و تا تنور گرم بود نانی بپزند. بدایت قدم در راه این کار بر نداشت چون خارجیان امیخواستند در جهان موقعی نماینده صحیح جسور فعال در امریک داشته رشته‌های آنها را پنبه کرده کار را بر وفق منظور ایران نماید بدستهائیکه در وزارت خارجه داشتند فرستادن مامور را امریک متجاوز از چهار سال تاخیر انداختند، در داخله دولت از انتریک سنکلر و فیروز میرزا جلوگیری کرد؟ یا مجلس را از این کجروی متنبه کرد؟ نه!

چرا؛ برای اینکه خودشان نه جرأت داشتند و نه اطلاعشان از اعضای مجلس زیادتر بود، بعد ازآنی هم که یک سال از مقدمه سنکلر گذشت و کار نفط بی‌نتیجه ماند محض اینکه هیچ قسم پیشرفتی در این کار نشود آقای مفتاح را وزارت خارجه در دور صدارت آقای مستوفی که همه مجمع خوبی و حسن شان میدانند بامریک فرستاد، در صورتیکه این باشد وضع ایران و اخلاق پیشوایان ملت ایران و چاره هم متصور نباشد جز قیادت و تسلط خارجه‌ها چه انتظاری برای ملت ایران میتوان داشت؛

منشاء مفاسد اگر درست تعمق شود دیده میشود وزارت خارجه این است. اگر وزارت خارجه ایران هم مخزن اسرار بودی مثل وزارت خارجه مال عالم و فرق بین خادم وخاین داده انتخاب مامورین و تعیین آنها را از روی رجوع بتاریخ حال و خدمات و درجه لیاقت و وطن پرستی آنها نماید نه بر حسب تمایلات و توصیه‌های عاق و سری دیگران ومامورین لایق و وطن پرست را جداً پشتیبان و خائنین را جداً از آن اداره دور نماید. مامورین ایران عوض اینکه دول خارجه را محض تأمین حال و آتیه تکیه‌گاه خود کنند اعتماد شان بدولت خود می شد و عوض خدمت خارجه به مملکت خود خدمت میکردند. ولی با این و بی که دریا است که هر کس خدمت بدولت و ملت نماید در کتابهای سیاه خارجه ثبت شده و مورد بدبختی ابدی بشود و مخذول و منکوب دولت و هموطنان خود گردد و هر کس خیانت بملک و دولت خود کند در کتابهای آبی و قرمز و سفید و زرد مورد تمجید و اسمش را در روغن ابدی فرو کنند و طرف نوازش، احترام اهالی دولت و هموطنان خود گردد چگونه ممکن است مامورین واعضای وزارت خارجه وطن پرستی نمایند؛ فرضاً هم مامور و مستخدم وزارت خارجه جنبه ملکیت داشته دست از وطن پرستی نکشد آنوقت بهر قسم باشد اورا زمینان برمیدارند تا همه همرنگ شوند و کارش را بجائی میرسانند که از کثرت آلام در فقر بمیرد و جنازه اش بجمع اعانه برداشته شود بعد از چند روز در زمین ماندن تا این وضع بریاست وزارت خارجه یک کارخانه مهم خاین سازی میشود نه خادم سازی. و اداره که در هر مملکت منشای سعادت و نجات وبزرگی ممالک است در ایران منبع هر قسم بدبختی میگردد و در نتیجه درهای هر قسم نجات وسعادت و کمک بروی ایران بسته ابدی میشود. ای ملت ایران اگر چندی دیگر در اصلاح این اداره مسامحه کنید از هرطرف صدای مهیب خواهید شنید ـ « و لا تعجب مناص » ؟!

مراسله دولت به کمپانی نفت جنوب
(یا هنگامهٔ هنگامه جویان)

مراسلهٔ که دولت آقای مستوفی درموضوع تصفیه نفت عرب و اراضی منتخبه متنازع فیه بین عراق وایران با کمپانی رد و بدل که در شماره ۷ درج شده و منتج به تبدیل برخی از وزراء گردید یك از مسائل است که سابقه آن زیاد و ماشاءالله در دو ـه دوره مقننه احدی بفکر آن نیافتاده بود.

مراسلاتیکه بین دولتهای سابق وکمپانی از سال ۱۹۱۴ تا سال ۱۹۲۰ رد و بدل شده بسیار، بعضی نافع و برخی مضر اند و ما فقط اشاره به چند مراسله خواهیم نمود که در حقیقت بعضی از آنها قرار داد جدید و امتیاز نوین است معلوم نیست وکلای مجلس در موضوع این مراسلات چه میگویند، اینهارا نیزکاغذ پاره تصور میکنند ؟ وحالآنکه سالهاست دولت از روی همان قرارداد ها حق خودرا دریافت داشته و بودجه آن را هم بمجلس آورده و از نظر وکلا هم گذشته است آیا این امر تصدیق غیر مستقیم مجلس باین مراسلات تواند بود یا نه ازحیز تشخیص ما خارج میباشد چه عقیده ما آنست که پس از تبدیل رژیم امتیاز دارسی لغو گردیده یا بایدامتیاز جدیدی داده شود و یا همان امتیاز را مجلس تصدیق کند قرار داد ثانوی را که در دسمبر ۱۹۲۰ فیروز میرزا وزیرمالیه کنونی بسته است صرف نظر ازاینکه مفید بوده یا مضر غرض کمپانی و اشخاصیکه در این کار بوده اند بیشتر امضای مجلس طریق غیر مستقیم بامتیاز دارسی بوده است چون مراسلات و قرارداد های بعد ازآن هم رسما بمجلس نیامده و از تصویب مجلس نگذشته بود. محمد ولی میرزا خواست خدمت خود وخانواده خویش را بکمپانی بلکه بدولت انگلیس تکمیل نموده مراسله کذائی را که کابینه مستوفی با کمپانی رد و بدل نموده درمجلس عالی موضوع بحث قرار داده تا اگر تصدیق شود تصدیق امتیاز و سائر قرار داد های قبل ازآن هم شده باشد و اگرمسترد آید لااقل اخ اعز اکرم شان مجدداً مسند وزارت را زینت بخشند چنانکه هم که شد .

در هر صورت باز هم ما تکرار عقیده خود را نموده می‌نویسیم که مجلس بیش ازین نباید در موضوع امتیازات قبل از تبدیل رژیم نزاکت شناسی بخرج داده سکوت را روا دارد باید در اصل امتیاز وقرار داد های بعد از آن و مراسلات عدیده که با کمپانی رد و بدل شده تجدید نظر شود

غرض ما از این بیان فعـلا لغو امتیاز دارسی نیست چه لغو امتیاز دارسی در صورت امکان نیز امروز مقرون بصرفهٔ ما معلوم نمیشود و هر وقت که ما نیز مانند مات چون جوانی ازسر گیریم این امتیازات خواه مخواه لغو خواهد گردید ، چیزیکه از همه بیشتر لازم است مجلس توجه کند در برقراری اداره مرکزی کمپانی نفت در طهران و مضر ترین چیزیکه از روی اقتصاد و سیاست در این امتیاز و سائر امتیازات عاید بایران شده و میشود همین نکته اساسی است و ما برای اینکه توجه عموم را باین مسئله مهم جلب کنیم نص قرار داد دارسی را نیز قبل از اشاعه بمراسلات بعد از آن ذیلا می نگاریم

نص امتیاز دارسی

ما بین دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران از یك طرف و ویلیام ناکس دارسی ساکن شهر لندن لمره ۴۲ کرازونراسکوور (که من بعد در تمام امتیاز نامه مختصراً اسم شان ذکر خواهد شد) از طرف دیگر موافق این امتیاز نامه فصول ذیل مقررشده‌است

فصل اول

دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران بموجب این امتیاز نامه اجازه مخصوص بجهت تفتیش و تفحص و پیدا کردن و استخراج و بسط دادن و حاضر کردن برای تجارت و نقل و فروش محصولات ذیل شده عبارت از گاز طبیعی و نفط و قیر و موم طبیعی‌است در تمام وسعت مملکت در مدت شصت سال از تاریخ امروز اعطا می نماید

فصل دوم

صاحب این امتیاز دارای حق بالانحصار کشیدن لوله های لازم از سر چشمه های نفت و قیر وغیره تا خلیج فارس و هم چنین شعبات لازمه لوله های فوری بجهة توزیع و تقسیم نفط بجا های دیگر خواهد بود و کذالك حق بنای چاه های نفت و حوضها و محل تلمبه و مواقع جمع و تقسیم و تاسیس کارخانه وغیره لازمه هم خواهد داشت

فصل سوم

دولت علیهٔ ایران اراضی‌بایر خود را در جاهائیکه مهندسین صاحب امتیاز بجهت بنا و تأسیس کارهائیکه در فوق مذکور است لازم بدانند مجانا بصاحب‌امتیاز واگذار خواهند کرد و اگر آن اراضی دایر باشند صاحب امتیاز باید آن ها را از دولت بقیمت عادله خریداری نماید و دولت علیهٔ صاحب امتیاز نیز حق میدهد که اراضی و املاك لازمه را بجهت اجرای این امتیاز از صاحبان آن املاك برضایت آنها ابتیاع نماید و معلوم است که این ابتیاع موافق شرایطی خواهد بود که بین صاحب امتیاز و مالکین ملك مقرر خواهد شد ولی صاحبان املاك مجاز نخواهند بود که عادله اراضی واقعه در حول و حوش

امکنه مقدسه و جمیع متعلقات آنها در دائره که دویست ذرع شعاع آن باشد مجزی و مستثنا هستند

فصل چهارم

چون معادن نفط شوشتر – قصر شیرین و دالکی بقدر بوشهر فعلا دایر و مبلغ دو هزار تومان جمع دیوانی دارند و متعلق بدیوان همایون اعلی می باشد شرط شد که آنها را نیز دولت به موجب فصل اول به صاحب امتیاز واگذار نماید مشروط بر اینکه علاوه بر صدی شانزده مذکوره در فصل دهم که باید به دولت برسد صاحب امتیاز همه ساله دو هزار تومان جمع حالیه معادن مذکوره را نیز بدولت کارسازی نماید

فصل پنجم

طرح ریزی و نقشه کار گذاشتن لوله ها توسط مهندسین صاحب امتیاز و یا خود او خواهد بود

فصل ششم

قطع نظر از آنچه که در فوق ذکر شده این امتیاز شامل ولایات آذربایجان ، گیلان ، مازندران خراسان و استراباد نخواهد بود ولی بشرطیکه دولت علیه به هیچکس اجازه ندهد که لوله های نفت طرف رودخانها و سواحل جنوبی ایران تاسیس نماید

فصل هفتم

تمام اراضی که به صاحب امتیاز واگذار شده و همچنین اراضی که صاحب امتیاز بموجب فصل سوم استملاک خواهد کرد و همچنین تمام محصولات آنچه که به خارجه حمل میشود از همه نوع مالیات و عوارض در مدت امتیاز نامه معاف خواهد بود و تمام اسباب و آلات لازمه برای تفتیش و تفحص و استخراج معادن و بسط آنها و کذلك بجهة تاسیس لوله ها در وقت دخول به ایران بهیچ وجه من الوجوه حقوق گمرك را نخواهند پرداخت

فصل هشتم

صاحب امتیاز نامه مکلف است که بدون تعلل و تاخیر بخرج خود یك یا چند نفر از اهل خبره را به ایران بجهت تفتیش صفحاتی که صاحب امتیاز احتمال وجود معادن مزبوره را در آنها میدهد بفرستد و در صورتی که راپورت آن اشخاص خبره به عقیده صاحب امتیاز کافی باشند صاحب امتیاز مکلف است که بدون تاخیر و بخرج خود اجزای عالم لازمه با اسباب و وآلات و ادوات استخراج بجهت تعمیق و کندن چاهها و امتحانات لازمه بفرستد

فصل نهم

دولت علیه ایران به صاحب امتیاز اجازه میدهد که یك یا چند شرکت بجهت انتفاع از این امتیاز تاسیس نماید اسامی و نظامنامه و سرمایه آن شرکتها بتوسط صاحب امتیاز معین خواهد شد مشروط بر اینکه در ایجاد هر شرکت صاحب امتیاز آن ایجاد را رسما بتوسط کمیسر بدولت اطلاع داده و نظامنامه آن شرکت را با تعیین محلی که شرکت مزبور در آنجا کار خواهد کرد بدولت علیه اظهار دارد و مدیران چنین شرکتها تمام حقوق صاحب امتیاز را خواهند داشت ولی از طرف دیگر باید تمام تعهدات و مسئولیتهای صاحب امتیاز را نیز در عهده خود گیرند

فصل دهم

بین صاحب امتیاز از یك طرف و شرکتی که تشکیل میدهد از طرف دیگر قرار داده خواهد شد که یك ماه بعد از تاریخ تاسیس رسمی شرکت اول صاحب امتیاز مکلف است مبلغ بیست هزار لیره انگلیسی نقداً و بیست هزار لیره دیگر اسهام پرداخته شده شرکت اول که بموجب فصل قبل تشکیل شده بدولت علیه بدهد علاوه بر این آن شرکت و تمام شرکتهائی که مطابق فصل مذکور تاسیس خواهد شد مکلف خواهند بود که ازمنافع خالص سالیانه خود صدی شانزده به دولت علیه سال بسال کارسازی نمایند

فصل یازدهم

دولت علیه مختار است که یك نفر کمیسر معین کند که آن کمیسر طرف شور صاحب امتیاز و مدیران شرکتها خواهد بود و برای مزید اطلاعات این مؤسسه میتواند هر گونه اطلاعات مفیده لازمه را بانها داده و همه نوع راه نمائیها بانها خواهد کرد و محض حفظ حقوق دولت متفقا با صاحب امتیاز هر گونه تفتیشی که مفید بداند بعمل خواهد آورد حقوق و مشاغل کمیسر دولت صریحاً در نظامنامه شرکتی که تشکیل میشود معین خواهد گردید صاحب امتیاز همه ساله از تاریخ تشکیل شرکت اول مبلغ هزار لیره انگلیسی به کمیسر دولت خواهد داد

(فصل دوازدهم)

عمله و فعله که در تاسیسات فوق کار میکنند باید از اتباع اعلیحضرت شاهنشاه باشند باستثنای اجزای فنی از قبیل مدیر و مهندس و عمال و مباشرین

(فصل سیزدهم)

در تمام نقاطی که مدلل شود که اهالی محل از نفت آنجا منتفع میشوند شرکت باید بانها مجانا هر مقدار نفت را که اهالی سابقا جمع میکردند حالا هم بدهد این مقدار به اظهار خود آنها و به تصدیق حکومت محل معین خواهد شد

(فصل چهاردهم)

دولت علیه متعهد میشود که اقدامات لازمه را

در حفظ امنیت و اجرای این امتیاز و اسباب و آلات و ادوات مذکوره در فوق بعمل آورد و نیز نماینده های فنی و وکلای شرکت را در حمایت مخصوصه خود گیرد و چون دولت علیه این تکلیف خود را ادا کرد صاحب امتیاز و شرکتهای تشکیل شده دیگر هیچ اسم و رسم حق مطالبه خسارت از دولت علیه ندارند

(فصل پانزدهم)

بعد از انقضای مدت معینه این امتیاز تمام اسباب و ابنیه و ادوات موجوده شرکت جهت استخراج و انتفاع معادن متعلق بدولت علیه خواهد ود و شرکت حق هیچگونه غرامت از این بابت نخواهد داشت

(فصل شانزدهم)

اگر در مدت دو سال از تاریخ این امتیاز نتواند شرکت اولی مذکوره در فصل نهم را تاسیس نماید این امتیاز از درجه اعتبار کلی ساقط است

(فصل هفدهم)

در صورتیکه مابین طرفین متعاهدین منازعه و اختلافی در تاویل و ترجمه این امتیاز نامه و هم چنین در باب حقوق و مسئولیت طرفین مشاجره اتفاق افتد حل مشکل باید رجوع بدو حکم در طهران شود و آن دو حکم بتوسط طرفین انتخاب خواهند شد و دو حکم هم قبل از مبادرت به مرافعه حکم ثالثی را معین خواهند نمود، حکم و یا در صورتی که حکمین مزبورین متفق نشوند حکم حکم ثالث قطعی خواهد بود

(فصل هیجدهم)

این امتیاز نامه در دو نسخه بفرانسه نوشته شده و به همان مضمون بفارسی ترجمه شده است اگر اختلافاتی در مضمون این امتیاز نامه مابین دو زبان حاصل شود متن فرانسه اولویت دارد و به آن متن باید رجوع کرد

طهران — شهر صفر ۱۳۱۹ مطابق با ۱۹۰۱ میلادی

امضای اعلیحضرت قدر قدرت همایونی مظفرالدین شاه

امضای ولیلم ناکس دارسی بتوسط وکیلش الفرد . ل . ماریوت

مهر امین السلطان اتابك اعظم صدر اعظم ایران

مهر مشیرالدوله وزیر خارجه ایران

مراسلات دولت با کمپانی

مراسله وزارت جلیله مالیه راجع به انتخاب آقای مستشار کل مالیه به سمت نمایندگی از طرف دولت علیه در تسویه اختلافات بین دولت و کمپانی نفط بتاریخ ۲۹ اوت ۱۹۲۰ نمره ۱۸۰۵۹

خدمت جناب مستطاب جلالتماب آقای مسیو ا. ارمیتاج اسمیت مستشار کل مالیه دولت علیه ایران دام اقباله

استحضاراً خاطر شریف را مسبوق میدارد که بموجب این حکم جنابعالی برای تسویه کلیه مطالب متنازع فیه بین دولت علیه ایران و کمپانی نفط ایران و انگلیس بسمت نمایندگی دولت علیه انتخاب و منصوب شده اید

در صورتیکه مسائل مورد بموجب قرار داد دوستانه که متضمن منافع و حقوق ایران باشد جنابعالی مجازید که در خصوص دعاوی دولت نسبت به کمپانی رجوع به حکمیت نمائید و در صورتی هم که کمپانی راجع به دعاوی خود تقاضای ارجاع به حکم را نماید اجازه دارید که چنین تقاضائی را بپذیرید .

از طرف وزیر مالیه

امضای — آقای میرزا عیسی خان معاون وزارت مالیه

(دستور خصوصی که از طرف وزارت مالیه به آقای مستشار کل برای انجام ماموریت فوق داده شده است)

بتاریخ ۲۹ اوت ۱۹۲۰ نمره ۱۸۰۶۱

خدمت جناب مستطاب جلالتماب اجل آقای مسیو ا. ارمیتاج اسمیت مستشار کل مالیه دولت علیه ایران دام اقباله العالی

در خصوص دعاوی دولت ایران و کمپانی نفط نسبت به یکدیگر لازم است خاطر شریف را مستحضر نماید که مطابق دستورات ذیل رفتار نمائید

مذاکرات باید حتی الامکان از روی یك زمینه مسالمت جویانه ولی بدون اینکه سکته به منافع دولت وارد آید جریان یابد و ارجاع به حکمیت یا درخواست کمك از دیوان عدالت در صورتی مقبول خواهد بود که کمپانی دعاوی نو مورد اقامه نموده یا آنکه تقاضاهائی را که شما از طرف دولت علیه مینمائید رد نماید.

بنابراین جنابعالی مجازید که در موقع لزوم برای انجام ماموریت خود از وجود وکلاء و محاسبین فنی و اهل خبره استفاده نمائید

البته لازم نیست که مفصلا جنابعالی را از موضوع مطلع نموده زیرا تا اندازه در مذاکرات مقدماتی بین طهران و لندن دخالت داشته و کاملا از جریان مسائل فیمابین مستحضر شده اید ولی برای رفع پاره سوء تفاهمات و رد بعضی تصورات کمپانی لازم است نکات ذیل تصریح شود

۱ـ دولت ایران هیچ وقت در نظر نداشته است که مدت امتیاز این کمپانی را امتداد دهد و نباید اظهار شکایات کمپانی را حمل به تقاضای مساعدت ؛

دعاوی حقه دولت نسبت به کمپانی از اثر بعضی مطالبات و حقوقاتی است که کمپانی من غیر حق از پرداخت آن خود داری نموده است

۲ - دولت ایران تصور میکنند که پرداخت مبلغ معینی نسبت به مقداری که استخراج میشود در عوض اساس حاضره صد شانزده موافق صرفه وصلاح دولت باشد وخلاصه راپورت مسیو مکلین تاش بطور واضحی ضرر دولت را در این مسئله ثابت مینماید وباید جنابعالی مستحضر باشید که نقطه نظر دولت عدم تقدیر اساس فعلی صد شانزده است و شکایت از اینکه کمپانی اقدام در عمومیت ندادن صد شانزده به بعضی منافع بنماید یا آنکه تحمیل مخارج بی موردی نموده و بواسطه تخفیف در قیمت نفت بتواند در محاسبات خود حقوق سهمی دولت را کسر نماید

و اگرچه دولت علیه به تغییر ترتیب فوق راضی نخواهد بود ولی از مطالعه پیشنهاد های دیگری که فعلا به تصویب شما رسیده باشد خود داری نخواهد داشت

راجع به ادعای متقابله کمپانی یک مختصر اظهاری به راپورت مسیو مکلین تاش نشان میدهد که کمپانی به چه طریق محاسبات نفع و ضرر خود را ترتیب داده و در نتیجه چه مبالغ زیادی را به دولت ضرر رسانیده است و برحسب همان راپورت نیز ثابت است که دعاوی کمپانی تا موقعی که مخلوط به منافع موهومی است نمیتواند مورد مطالعه واقع شود

در موضوع فوق بیش از این محتاج به تصریح نیست و یقین دارم که در حفظ دعاوی حقه دولت خود داری نکرده و دعاوی متقابله را هم نخواهید گذاشت که از حد اعتدال خارج شود

بی موقع نیست که این مسئله را نیز متذکر شوم که قسمت اعظم دعاوی دولت ایران راجع است به امتناع کمپانی از عمومیت دادن حق دولت است اسم کمپانی های تابعه خود و بطوری که تصدیق مینمائید این یك مسئلهٔ است که در نظر اولیای دولت اهمیت بسیاری داشته و مخصوصاً توجهات مخصوص شمارا به موفقیت کامل در این موضوع جلب مینمایم

از طرف وزیر مالیه

امضای آقای میرزا عیسی خان معاون وزارت مالیه

تلگراف از طهران به آقای مستشارکل
در لندن راجع بتأمین اختیارات
از طرف کابینه وقت

ن. ۱. ۰. ۲۰۵ طهران ۲۸ - ۲۱ دولتی

توسط سفارت ایران در لندن

مسیو ارمیتاج اسمیت

کابینه قبلا راجع به نفت بجنابعالی داده شده تایید نتیجه اقدامات تلگراف کنید نمره ۵۵۸ فهیم الدوله

مراسله مدیر کمپانی نفط انگلیس
[و ایران بمستشار کل مالیه]
مورخه ۹ دسامبر ۱۹۲۰

آقای س. ا. ارمیتاج اسمیت مستشار کل مالیه دولت علیه ایران

من خیلی مسرورم که بدین وسیله قرار داد ذیل را که راجع به مسائل معوقه بین دولت شما و کمپانی ما است تصدیق نمایم بدین معنی که دولت شما حاضر خواهد بود :

که صد شانزده از منافع خالص که ذکرش درفصل دهم امتیاز دارسی مورخه ۲۸ می ۱۹۰۱ شده است برحسب قرار داد مورخه (*) که جنابعالی و سر ج. ب. لاوید اقدام به آن نمودید تعبیر و تفسیر شود و کمپانی نفط انگلیس و ایران هم متعهد میشود که

۱ - به دولت ایران مبلغ یك ملیون لیره انگلیس (که شامل صدو نود و دوهزار لیره است که ۲۱ ماه می گذشته پرداخته شده) در مقابل دعاوی دولت راجع بحقوق و محاسبات تا ۳۱ مارس ۱۹۱۹ خود بپردازد و توضیحا متذکر میشود که وجوهاتی که از ۱۶ اکتبر ۱۹۱۹ تا بحال پرداخته شده جزو حق السهم دولت از بابت حساب آتیه محسوب خواهد شد

۲ - تمام دعاوی خود که راجع به مطالبه خساراتی است که از قطع لوله نفت در ماه فوریه ۱۹۱۵ متوجه کمپانی شده پس میگیرد

۳ - ادعای خود راجع بکسر گذاردن سه در صد از حق السهم دولت ایران که این کمپانی مجبور شده بخوانین بختیاری به پردازد نیز پس میگیرند

در خاتمه افتخار دارم که یکی از ارادتمندان شما محسوب شوم

امضای مدیر کمپانی — س — گرینوی

مراسله مدیر کمپانی نفط انگلیس و ایران
به شاهزاده فیروز میرزا
مورخه ۱۱ ژوئن ۱۹۲۰

حضور حضرت اشرف والا شاهزاده نصرت الدوله وزیر امور خارجه دولت علیه ایران دامت شوکته

من خیلی مسرورم که بدین وسیله قرار داد ذیل را که راجع به مسائل معوقه بین دولت شما و کمپانی

(*) معاهده فوق مقصود معاهده است که فیمابین منعقد شده و پس از تصحیح آن بتوسط مستشار های حقوقی دولت و کمپانی درتاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۲۰ بامضای طرفین رسیده و در راپورت سابق طبع شده است

ما است و شما قبول فرموده آید تصدیق نمایم بدین معنی که دولت شما حاضر خواهد بود

۱ – صد شانزده از منافع خالصی که ذکرش در فصل دهم امتیاز دارسی مورخه ۲۸ می ۱۹۰۱ شده است بر حسب قرار داد مورخه ٤ ژوئن ۱۹۲۰ که مستر مکلین تال و مستر لنوید اقدام به آن نموده اند و جزئیات آن هنوز مقرر نشده است تعبیر و تفسیر شود

۲ – ادعای راجع به تقاضای حق‌الدولت در موضوع حمل و نقل نفط بتوسط کشتیها که شرح آن در قرار داد ٤ ژوئن ۱۹۲۰ ذکر شده موقوف شود و کمپانی نفت انگلیس و ایران هم متعهد میشود

۳ – بدولت ایران مبلغ ۵۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی مبلغ نقد یا ۱۰۰۰۰۰ سهام معمولی کمپانی که دارای حق رای نیست در مقابل دعاوی دولت راجع به حقوق و محاسبات تا ۳۱ مارس ۱۹۱۹ بپردازد

٤ – تمام دعاوی خود که راجع به مطالبه خسارتی است که از قطع لوله نفط در ماه فوریه ۱۹۱۵ متوجه کمپانی شده پس بگیرد

۵ – ادعای خود راجع به کسر گذاردن سه در صد از حق‌السهم دولت ایران که این کمپانی مجبور شده بخوانین بختیاری به پردازد نیز پس بگیرند

در خاتمه افتخار دارم که یکی از ارادتمندان آن حضرت والا محسوب شوم

امضای مدیر کمپانی – س . گرینوی

جواب مراسله فوق از طرف شاهزاده فیروز میرزا

مورخه ۲۸ ژوئن ۱۹۲۰

خدمت جناب جلالتماب مدیر محترم کمپانی نفط انگلیس و ایران دام اجلاله

در تعقیب مراسله خود مورخه دوازدهم شهر حال که در جواب مراسله یازدهم شهر حال شما نوشته شده بود من حالا مسرورم که از طرف دولت خود یاد داشت (ب) شمارا که راجع به جزئیات مطلب که مستر مکلین تال و لنوید قرار داده اند و طریق پرداخت حق‌الدولتی که بر حسب امتیاز دارسی باید بدولت من پرداخته شود را شامل است و یاد داشت مورخه چهارم ژوئن ۱۹۲۰ را هم مجری میدارد قبول نمایم

راجع به مبلغ پانصد هزار لیره که بر حسب این قرار داد پرداخته باید شود لازم است خاطر شمارا متذکر کنم که این وجه باید نقد پرداخته شود و من خیلی متشکر خواهم شد اگر شما این وجه را بحساب دولت علیه ایران به بانک شاهنشاهی ایران بگذارید

چنانچه در مراسله یازدهم ژوئن خود متذکر شده اید مبالغ فوق در مقابل تمام دعاوی دولت من راجع بحقوق خود خواهد بود و شامل بقیه محاسبات تا سی و یکم ماه مارس ۱۹۱۹ خواهد بود که قسمت دیگر آن بر حسب صورتی که جوف مراسله ۲۳ اکتبر ۱۹۱۹ خود فرستاده بود به جناب اجل آقای فریدالسلطنه پرداخته شده است و این مبالغ هم اضافه برمبلغ صد و نود دو هزار لیره است که بعدها از بابت حساب مالیات فوق العاده پرداخته شده است

امضا فیروز

راپرت مستر ویلیام مکلین تال

(محاسب فنی)

(در خاتمه قرار داد)

لندن – مورخه ۲۹ دسامبر ۱۹۲۰

در ماه اکتبر گذشته وقتیکه مستر ارمیتاج اسمیت برای خاتمه مذاکراتی که جریان داشت به حرکت وارد شدند وضعیات از این قرار بود که کمپانی نفط انگلیس و ایران در جواب پیشنهادات بنده راجع به محاسبات آنچه حق الدولت ایران پیشنهادات متقابله بتوسط یکی از مدیران کمپانی حاضر و ارائه داده بودند، دو مسئله عمده که محل اختلاف بود از قرار ذیل است

(۱) که آیا حق‌الدولة باید راجع به کل عایداتی که از نفت ایران حاصل میشود بدون مراعات کسیکه این منافع به او تعلق میگیرد پرداخته شود یا آنکه حق‌الدولت فقط راجع به نسبت منافعی که حقیقتاً به کمپانی نفط انگلیس و ایران عاید میشود ادا شود

(۲) راجع به مبانی بود که باید از منافع در موضوع کمپانی های تصفیه و توزیعی که در خارج از ایران چون اساسهائی را ترتیب میدهند و در مقابل آن مخارج متحمل میشوند کسر گذارده شود. و این مسئله تعدیل حدود چنین کسری را هم شامل بود

راجع بمسئله اول بر حسب عقیده مشاورین مورخه اول دسامبر ۱۹۲۰ که مشعر است بر اینکه کمپانی نفت انگلیس و ایران به آسانی میتواند کلیه منافع کمپانیهای جزء را از سهم دولت مجزا کند پر واضح بود که التجای به موقعیت اولی که اتخاذ شده بود محال بود، و این را باید نیز متذکر شد که پیشنهادات متقابله را که کمپانی تهیه کرده بود و این بنده بازحمات و مذاکرات زیاد بدست آوردم شامل یک پیشنهادات بهتری از آنچه که مشاورین بدولت حق میدادند بود

در موضوع مسئله دویم که مختلف فیه بود مکرر

از طرف کمپانی اظهار شده بود که اگر منافع به کمپانی های تابعه باید حق دولت تعلق گیرد مالی که باید کسر گذارده شود و در پیشنهادات متقابله کمپانی ذکر شده آخرین مبانی است که کمپانی نفت انگلیس و ایران حاضر به قبول آن است . ولی باوجود این در نتیجه مذاکرات مابعد که از طرف مستشار مالیه و این بنده با کمپانی شد موفق شدیم که از میزان پیشنهادات متقابله کمپانی هم بازمقداری کسرشود (٭) و راجع به نرخ کسری هم از مساعده که در ۲۲ دسامبر ۱۹۲۰ بامضای مستر ارمیتاج اسمیت رسیده ذکری شده و تفاوت آرا با میزان پیشنهادات متقابله کمپانی بخوبی معلوم میدارد – دراین جا بنده میل دارم که مخصوصا این مسئله را خاطر نشان نمایم که در نتیجه این موفقیت راجع به کم کردن میزان کسری مقدار که هر سال از بابت حق دولت زیاد میشود خیلی اضافه شده است

راجع به تسویه محاسبات حق الدولت تا سی و یکم مارس ۱۹۱۹ هم بنده تصور میکنم که نتیجهٔ که توسط مستشار مالیه بدست آمده بی نهایت برای دولت علیه ایران مطلوب است

مطابق راپورت مورخه ۱۲ فوریه ۱۹۲۰ که بنده تهیه کرده بودم اختلاف ما بین حق دولت تاسی و یکم مارس ۱۹۱۹ که از منافع کمپانی نفط انگلیس و ایران – کمپانی نفط بختیاری و کمپانی فرست اکسپلای تیشن حاصل میشد و آنچه که کمپانی حساب کرده بود بالغ بر ۴۰۲ و ۵۳۵ لیره و ده شلینگ و سه پنس میشد و اینرا نیز باید متذکر شد که این اختلاف در صورتی بود که تمام دعاوی دولت نسبت به کمپانی قبول میشد در حالیکه شاید غالب از آن هم رد میشد

و خاتمه دعاوی و محاسبات دولت تا سی و یکم مارس ۱۹۱۹ پس از پرداخت یك ملیون لیره انگلیس از طرف کمپانی که مقدار زیادی اضافه بر مبلغ فوق است نتیجه خیلی مطلوبی را برای دولت علیه شامل است که این بنده آن را تصور نمی کردم –

[امضای – ویلیام مکلین تان]

(اظهار نامه که توسط مستشار مالیه برای ملاحظه مشاورین حقوقی تهیه شده و راجع است به حقوق دولت ایران نسبت به کمپانی نفط انگلیس برحسب امتیاز دارسی مورخه ۲۱ نوامبر ۱۹۲۰)

(٭) کمپانی نفت انگلیس و ایران لمیتد – نرخ کسوراتی که قبل از پرداخت حق دولت باید کسر گذارده شود

	ا – پیشنهادات اولیه مستر اوبد مورخه ۲۲ ژون ۱۹۲۰	ب – پیشنهادات متقابلهٔ مستر مکلین تان	ج – پیشنهادات مستر اوید راجع به پیشنهادات متقابلهٔ مکلین تان	د – نرخ آخری که مستشار مالیه قرار داده	فرق بین ستون [ا] و [د]
تصفیه کردن از قرار هر تن نفطی که تصفیه میشود تقسیم و توزیع	۶ شلینگ و ۴ پنس	۵ شلینگ	۶ شلینگ ۴ پنس	۶ شلینگ	۴ پنس در هر تن
کروسین	۶ر۱۱ پنس هر گالن	۲ر۱ پنس هر گالن	۴ر۳ پنس هر گالن	۸ر۵ پنس هر گالن	۲۴ر۱۳ در هر گالن
اسپریت (عراق)	۳ر۱۲ ، ،	۱ ، ،	۴ر۱۱ ، ،	۱ ، ،	۳ر۲ ، ،
سوخت مایعی	۲ر۱ ، ،	۴ر۱ ، ،	۴ر۱ ، ،	۵ر۱ ، ،	۱۰ر۳ ، ،
گاز نفت	۴ر۳ ، ،	۲ر۱ ، ،	۲ر۱ ، ،	۲ر۱ ، ،	۴ر۱ ، ،
روغن های ثقیل برای (چرب کردن چرخهای ماشین) وسایر روغنهای ذکر نشده	۴ر۱۳ ، ،	۴ر۱۱ ، ،	۴ر۱۱ ، ،	۱ ، ،	۴ر۳ ، ،
موم و شمع	۳ر۱ هر پوند	۴ر۱ هر پوند	۴ر۱ هر پوند	۸ر۱ هر پوند	۲۴ر۵ در هر پوند
قیر	۴ شلینگ هر تن	۲ شلینگ ۶ هر تن	۲ شلینگ ۶ هر تن	۲ شلینگ ۶ هر تن	۱ شلینگ ۶ در هر تن
نفط های مستعمله جو دواجات و طب	۶ پنس هر گالن	۶ پنس هر گالن	۶ پنس هر گالن	۶ پنس هر گالن	

تبصره – صورت فوق میزان نرخ کسر گذاردن است و اینها برحسب زیادی مقدار تصفیه یا توزیع شده چنانچه در قرار داد ذکر شده تغییر میکنند –

مستشار مالیه دولت علیه ایران از طرف آن دولت با اختیارات تامه مامور شده که کلیه مطالب مختلف فیه بین دولت علیه و کمپانی نفط را بموجب قرار داد دوستانه تسویه نماید و در صورت عدم موفقیت دعاوی دولت را رجوع به حکمیت نموده و بر طبق امتیاز احقاق حق دولت را بنماید -

مسائل معوقه مذکور از قرار ذیل است

الف - ادعای دولت راجع به مبالغی اضافه بر آنچه کمپانی تا بحال پرداخته و قائل به پرداختن است از بابت حقوق دولت بر حسب امتیاز در سنوات قبل از ۲۱ مارس ۱۹۱۹ است

ب - ادعای متقابله کمپانی راجع به بعض مبالغ خسارتی که در نتیجه قطع لوله های نفط آنها در مدت جنگ متوجه آنها شده (در این موضوع عجالتاً لازم نیست که مشاور خود شان را زحمت بدهند) ادعای دولت علیه اساسش در روی دو زمینه قرار گرفته به این معنی که اولا از طرف کمپانی اشتباهاتی راجع به محاسباتشان شده و در نتیجه منافعی که به آن حق دولت تعلق می گرفته کمتر از آنچه که بوده قلمداد شده (راجع باین مسئله هم لازم نیست که مشاور خود را زحمت دهند) و ثانیاً بعضی از منافعی که حق دولت به آن تعلق میگرفته در جزو حساب نیامده است

داخل کردن این منافع در جزو سایر منافع از طرف دولت ایران درخواست شده و از طرف کمپانی دفاع شده و هر دو طرف مدرک خود را فصول امتیاز قرار داده اند (جوفاً یک نسخه از امتیاز والفا ارسال میدارد) به این معنی که اضافه براختلافاتی که در طرز محاسبات وجود دارد دو طرف مواد امتیاز نامه را مختلف تعبیر می نمایند فصول امتیاز که در آنها اختلاف حاصل شده فصل اول و نهم و دهم اند که باید متفقاً خوانده شوند این اختلاف نظر ها که راجع به تعبیرات فصول امتیاز نامه تولید شده مختصراً از این قرارند -

۱ - از طرف دولت اظهار میشود که حق دولت بر حسب امتیاز از روی کلیه منافع نفط ایران که بتوسط کمپانی نفط انگلیس و ایران [کمپانی مادری] یا سایر کمپانیهای تابعه که از استخراج حمل و نقل تصفیه و مهیای فروش کردن نفط هائیکه در ممالک محروسه ایران در حدود امتیاز تحصیل میشود خواهد بود و قسمتی از این منافع باید بدولت از بابت سهم دولت عاید شود و این عملیات مختلفه [غیر از استخراج نفط) چه در خاک ایران و چه در ممالک دیگر صورت بگیرد باید سهم دولت از این منافع مختلفه بدولت پرداخته شود

۲ - از طرف کمپانی اظهار میشود که حقوق دولت راجع به سهم خود محدود به منافعی است که در نتیجه عملیاتی که کمپانی مادری بر حسب امتیاز در خاک ایران می نماید عاید میشود و حق دولت ایران را راجع به منافعی که به این کمپانی یا کمپانیهای تابعه در نتیجه عملیات مختلفه این کمپانیها در خارج از خاک ایران عاید میشود منکر میشود -

مختصراً مسئله از این قرار است -

که آیا جمله (در تمام وسعت مملکت ایران) مذکوره در فصل اول امتیاز دولت ایران را راجع به حقوق خود است به منافع از عملیات مطابق فصول اول و نهم و دهم امتیاز عاید میشود تشخیص میدهد یا آنکه حقوق دولت ایران از بابت سهم خود بکلیه منافعی که از نفط ایران در هرجا عملیاتش باشد و به کمپانی مادری یا کمپانیهای تابعه عاید شود امتداد پیدا می کند

الف - این را باید در نظر گرفت که در وقتی امتیاز اعطا شده ترقیات فوق العاده صنعت نفط پیش بینی نشده بود و در آن وقت تصور شده که کمپانی اضافه بر عملیات خود راجع باستخراج نفط در خاک ایران احتمال دارد که تصفیه نفط راهم در ایران نموده و شاید نفط را هم چه خام و چه تصفیه شده در ایران بفروش برساند و یا آنکه نفط را خام یا تصفیه شده از ایران خارج نموده و در سایر ممالک بمعرض فروش آورد

البته واضح است که کلیه حاصل نفط امروزه دنیا بتوسط سه کمپانی مقتدر استاندارد آیل کمپانی - شل آیل کمپانی و کمپانی نفط انگلیس و ایران و کمپانیهای تابعه آنها کنترول میشود در وقتیکه این امتیاز داده شده تجارت نفط دنیا بدست آن دو کمپانی اولی اداره میشد و کمپانی نفط انگلیس و ایران بزودی ملتفت شد که اگر بخواهد برای نفط خود قیمت مناسبی بدست آورد باید یک اداره برای حمل کردن نفط از میدان های نفط خود و تصفیه آن ترتیب داده و سایل سهل رساندن محصولات نفطی را به مشتری های خود تهیه نماید و اگر فروش نفت [چه خام وچه تصفیه شده] خود را محدود به بنادر خلیج ایران نموده بود بالطبع اختیاراتی در تعیین قیمت نفط دنیا نداشته و مجبور بود که اطاعت آن دو کمپانی دیگری که تقریباً حق انحصاری بخود داده بودند را بنماید و بالطبع در بازار دنیا اهمیتی پیدا نمی کرد از این جهت ادارات مختلفه برای حمل و نقل - تصفیه و مهیای فروش کردن نفط و محصولات نفطی ترتیب داده [که بعضی از آن ادارات هنوز کاملا بکار نیافتاده] و باین طریق اهمیت امروزه را حائز شدند

از این گذشته بواسطه اوضاع تجارت نفط دنیا کمپانی مجبور شده که دستهای دیگر نیز در میدانهای نفط سایر ممالک غیر از ایران هم پیدا نماید و چون کمپانی مواجه با دو طریق شده بود یکی توسعه عملیات خود و مقابله با سایر کمپانی های معتبر و دیگری مطیع و طعمه آنها شدن از این جهت عملیات خود را از دائره محدود استخراج نفط ایران تجاوز داده و امروزه دستهای مختلف در استرالیا، افریقا اروپا و سایر نقاط آسیا پیدا نموده و مشغول به استخراج نفط از تمام این نقاط و فروش آن به تمام دنیا است و در نتیجه این مسئله امروزه مقام آن دو کمپانی دیگر را پیدا نموده و با آن ها در بازار نفط دنیا هم سری می کند

برای مثال سه قسمت از عملیات مختلفه این کمپانی که اهمیت بزرگی در دنیا دارد ذکر میشود اول آنکه این کمپانی اخیراً یک عده کشتیهای مخصوص حمل و نقل نفط تهیه نموده که پس از انقضاء مدت کنترات آنها (که با کمپانی نفط شل است و در سال ۱۹۲۳ منقضی میشود) میتوانند نفط های این کمپانی را به تمام نقاط عالم حمل نمایند: دوم آنکه این کمپانی در صدد است که یک ساختمان معتبری که قیمت آن بالغ بر سه ملیون لیره انگلیسی خواهد بود در سوانسی بنا نموده و نفط های خود را در آنجا تصفیه نماید، سوم آنکه اخیراً وسایلی برای توزیع و فروش نفط خود در فرانسه — نارونه — اسپانیول تهیه نموده و چون محصولات نفطی آن رو به ازدیاد است البته لازم است که بازار هائی هم برای فروش آن حاضر نماید

حالا در اینموقع لازم نیست که موقعیت دولت ایران را که اگر کمپانی در نظر میگرفت که این عملیات مختلفه وسیعه را که هر کدام در جزو فصول مختلفه امتیاز قرار میگیرند (از قبیل حاصر کردن برای تجارت — و نقل — و فروش وغیره) خود انجام دهد در اینجا مطرح مذاکره قرار دادچه این عملیات بر حسب جمله (در تمام وسعت مملکت) مشخص و محدود باشند و چه نباشند زیرا حقیقتاً کمپانی بر حسب انتخاب خود صلاح چنین دیده که این عملیات مختلفه که متمم استخراج نفط است بوسیله کمپانیهای تابعه انجام دهد

مقصود بنده از این کمپانی های تابعه کمپانیهائی هستند که کمپانی مادری در آن سهام کافی برای تحصیل مقصود خود داراست از کمپانیهای تابعه دو قسم مختلف وجود دارند یکی کمپانی کنترول شده و دیگری کنترول نشده. مقصود از کمپانی های کنترول شده کمپانیهائی هستند که کمپانی مادری هفتاد و پنج درصد یا بیشتر از سهام سرمایه آن را با حق رای دارا است، و کمپانیهای کنترول نشده کمپانیهائی هستند که کمپانی مادری کمتر از هفتاد و پنج در صد از اسهام سرمایه آن را با حق رای داراست، در واقع کمپانیهای تابعه اقسام مختلفه را دارا هستند مثلا ممکن است که کمپانی مادری تمام سهام سرمایه آن را یا هفتاد و پنج در صد از سهام یا کمتر از هفتاد و پنج در صد از سهام آن را دارا باشد و ممکن است کمپانی هائی هم باشند که کمپانی مادری فقط یک عده مختصری از سهام آن را فقط برای مدتی آنها خریداری کرده و داراست یا آنکه برای تحصیل منافع آن سهام را ابتیاع نموده است

پس از توضیحات فوق مسائلی که باید بفوریت درموضوع آنها تصمیمی گرفته شود ازاین قرارند: آیا دولت ایران هیچ حقوق قانونی که یک محکمه آن را تصدیق نماید نسبت به منافع ذیل دارد یا خیر:

ا — منافعی که از کشتی های متعددی که این کمپانی یا یک کمپانی کنترول شده آن تحصیل مینماید

ب — منافعی که از کارخانه تصفیه نفطی که در سوانسی ساخته میشود عاید میشود

ج — و منافعی که از کمپانیهای فرانسوی که اخیراً تشکیل شده اند که نفط ایران و سایر نفط ها را در تمام فرانسه تقسیم و توزیع نمایند و در آن این کمپانی چهل و پنج در صد از سهام سرمایه آن را داراست؟

عقاید متصدی که در این موضوع اظهار شده از این قرار است: —

ا — دولت ایران محق به شانزده در صد از منافعی است که از نفط ایران توسط کمپانی مادری و نامه حاصل میشود چه این عملیات در ایران اجرا شود، چه سرمایه‌های این کمپانیهای مختلف تمام یا قسمتی از آن متعلق به کمپانی مادری اند

ب — دولت ایران هیچ نوع حقوق قانونی است به منافعی که از حمل نفط از ایران بخارج یا تصفیه آن در خارج یا توزیع آن نفط و محصولات نفطی آن در خارج از ایران در سایر بازار هائی که این کمپانی بدست آورده و یا در صدد بدست آوردن است بهیچ وجه نخواهد داشت

در اینجا لازم است خاطر مشاورین را متذکر شوم که هیچگونه منفعتی بدون آنکه یک قسم نفطی از طرف کمپانی بخریدار فروخته شده عاید نمیشود اگرچه نفط خام یا تصفیه شده یا محصولات نفطی ممکن است از طرف کمپانی مستقیما به مشتریهای جزء

فروخته شود یا به کمپانیهای دیگری که از نقطه نظر سهام یا کاملا و یا قسمتی از آن راجع به خود کمپانی است

سؤال ۱ — از مشاورین درخواست میشود که بطور عموم عقاید خود را راجع به حقوق دولت ایران که در فصول اول ونهم و دهم امتیاز و تعبیرات آن راجع باوضاعی که در فوق ذکر شد بیان نمایند — نظر باشکالاتی که راجع بتعبیر فصول امتیاز حاصل شده و زمینه بطوری سخت شده که هیچیک از طرفین حاضر بقبول تعبیراتی که موافق با میل آنها و مطابق با اوضاع کنونی باشد نیست نماینده های دولت ایران (یعنی تا ماه ژوئیه ۱۹۲۰ حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله وزیر امور خارجه آن دولت و حالا که ماه نومبر ۱۹۲۰ است مستشار مالیه بسمت نمایندگی آن دولت) ساعی بوده اند که یک زمینه موافقتی با کمپانی تهیه نمایند بطوریکه طرفین عقاید متضاد خود را کنار گذاشته و نماینده های دولت از طرف دولت شانزده درصد از منافع کمپانی مادری وکمپانیهای تابعه را که از نفط ایران عاید میشود پس از وضع (۱) قیمت واقعی حمل و نقل — تصفیه و مهیای فروش کردن نفط ایران و (ب) یکقسمت معینی از برای خدماتیکه کمپانی درایجاد چنین ادارات فوق الذکر متحمل شده و در نتیجه آن منافع کمپانی را هم بصوری زیاد خواهد کرد که سهم دولت ایران هم زیاد خواهد شد از برای دولت ایران قبول نمایند . البته لازم نیست که خاطر محترم مشاورین را با جزئیات مذاکراتی که نتیجه اش کسر مقدار معنی قبل از بردخت حق دولت خواهد بود مصدع شوم

همین قدر لازم است که شما را از اشکالاتی که مستشار مالیه خود را با آن مواجه میداند مطلع نمایم باین معنی که ایشان حسب مشورت و نصیحت مشاورین حقوقی بطوری که آن نظریه صحیح باشد عمل را حتم نمایم و باید کاملا محصر باشم که هرگاه کمپانی حقوق دولت را پس از وضع منافع معینی حاضر شود که در روی زمینه لیه منافع بپردازد این بنده بدولت ایران فائده خواهم رسانید یا آنکه آن دولت را از حقوق حقه خود محروم میدارم

مدیر کمپانی نفط به مستشار چنین اظهار کرده که اگر موافقتی بر روی زمینه طرح شده حاصل شود بطوری که یک مقداری از منافع کسر شود ایشان طریقه ذیل را اختیار خواهند کرد : —

ا — کمپانی حاضر خواهد بود که بدولت ایران تمام دعاوی و حقوقی که حتی از تعبیرات خیلی مخالف با کمپانی هم بدولت تعلق میگیرد [بانضمام وجوهی که از بابت اشتباه حساب تقاضا میشود] بفوریت بپردازد

ب — بفوریت تمام کمپانی های تابعه را از کمپانی مادری مجزا نموده و حق دولت ایران را فقط به صد شانزده از منافعی که از استخراج نفط از ایران و فروش آن به بنادر خارج ایران عاید میشود محدود نماید

نظر به مراتب مذکوره فوق نتیجه چنین کاری درصورت موفقیت این خواهد شد که تنها دولت ایران از قسمت منافعی که از حمل و نقل و تصفیه و مهیای فروش کردن نفط میشود محروم خواهد بود بلکه ممکن است کمپانی دیگری تشکیل شده و کمپانیهای تابعه این کمپانی را اداره نماید و با معیت کمپانی نفط استاندارد آیل و شل آیل هر قیمتی که بخواهند برای نفط خام ایران معین نمایند و این خود یک ضرر فوق العاده بدولت ایران خواهد رسانید

سؤال ۲ — از مشاورین درخواست میشود که بیان نمایند آیا چنین عملی و مساعی که از آن مترتب میشود قانونی خواهد بود یا خیر

این را هم باید اضافه کنم که منافع کمپانی نفط انگلیس و ایران بدون منافع کمپانیهای تابعه اش به نسبت بطور غریبی رو بازدیاد است مثل اینکه سهم دولت از این منافع از بابت سال گذشته که اختتام آن در سی و یکم مارس گذشته بود بالغ بر چهار صد هزار لیره انگلیسی میشد و اگر موفقیتی با کمپانی حاصل شود شاید سهم دولت از این منافع تا چند سال دیگر در هر سالی بالغ بر یک ملیون لیره شود در صورتیکه اگر تهیه ای که کمپانی میکند صورت عملی پیدا نماید سهم دولت ایران ممکن است بطوری تنزل نماید که در هر سال بالغ بر هشتاد الی صد هزار لیره نشود

سؤال ۳ — از مشاورین درخواست میشود که عقیده خود را بطور عموم راجع به حقوق دولت ایران بیان نموده واظهار دارند که آیا مستشار مالیه صلاح است

ا — از طرف دولت یک زمینه موافقتی در روی مذاکرات فوق الذکر قبول نموده و برای دولت در هر سال یک عایدات سریع الاضافه را تامین نماید

ب — یا آنکه بهتر است که راجع به تعبیرات فصول اول و نهم و دهم امتیاز درخواست حکمیت نماید

سؤال ٤ — در خاتمه از مشاورین درخواست میشود که بنده را مطلع نمایند که اظهارات کمپانی در اینکه ممکن است مطابق شرح فوق نفط مجرا کردن کمپانی های تابعه از کمپانی مادری و بپرداخت کل حقوق و دعاوی دولت رفتار نماید حقیقت دارد یا خیر چنانچه مفهوم میشود اولیای کمپانی ساعی اند که ارجاع به حکمیت و اشتهاراتی که در اطراف آن ممکن است جریان یابد تا ممکن است قبول ننماید واین مسئله

نه برای نظریه ایست که آنها راجع به تعبیرات امتیاز دارند [که به نظر مستشار مالیه حالا چنین میاید که کاملا قابل قبول نیست] بلکه بواسطه اشتهارات و عنواناتی است که ممکن است راجع بطرز محاسبات آنها در انظار تولید شود و اگر چنانچه اظهار میشود که کمپانی میتواند رفع این عنوانات را در این موضوع بنماید پس اختتام مذاکرات است به تهدید و ارجاع به حکمیت چندان قدر و قیمتی نخواهد داشت

این را هم لازم است متذکر شوم که اگرچه دولت انگلیس قسمت اعظم اسهام کمپانی مادری را دارا است ولی در وقتی که دولت انگلیس این سهام را خریدند قرار براین شد که آن دولت حق هیچگونه مداخله در امورات اداری این کمپانی نداشته و هیچ نوع مسئولیت حقوقی و اخلاقی هم راجع به محاسبات کمپانی که مولد چنین اختلافاتی شده ندارد از این جهت دولت انگلیس به هیچ عنوانی شرکت در اختلافات و دعاوی حاضره ندارد و هیچ نوع اثری هم اعمال نفوذ آنها در طرفین که هیئت مدیره کمپانی از یکطرف و مستشار مالیه که در خدمت دولت علیه است و اختیارات تامه از طرف آن دولت دارد از طرف دیگر نخواهد داشت . فقط مسئله که میتواند منافع دولت انگلیس را متزلزل نماید این است که لطمه به استخراج نفط از معادن نفط ایران وارد آید و آنهم بر واضح است که ضرر هر دو طرف خواهد بود

امضای - سیدلی ، ا ، ارمیتاج - اسمیت

مستشار مالیه دولت علیه ایران

﴿ متمم یاد داشت قبل که برای ملاحظه مشاورین ﴾

(از طرف مستشار مالیه تهیه شده)

مورخه ۲۲ نوامبر ۱۹۲۰

در یك نظریه که مشاورین حقوقی دیگری قبل از آنکه مستشار مالیه در این امر دخالتی داشته باشد تهیه کرده اند چنین اظهار شده که دولت ایران برحسب اصول قوانین مربوطه که ممکن است کمکی به تعبیر مواد امتیاز نامه نماید در مواقعی میتواند اجازه دخالت در حقوق خود را بدهد که در همان مواقع ممانعت از آن را نیز قادر باشد در این جا لازم است سؤال شود که چه قسم از عملیات کمپانی را دولت میتواند ممانعت نماید ؟

جوابش بر واضح است استخراج نفط در ایران - فروش آن در ایران - و خارج کردن از ایران ، ولی چه عملیاتی را نمیتواند ممانعت کند ؟ فروش آن نفط در خارج ایران در صورتی که این نفط از ایران خارج شده باشد . از این جهت در این مسئله هیچ اظهار نی بیانی نشده که دولت ایران حق دارد در عوض اجازه که داده و می تواند آن را ممانعت نماید یك قسمت از منافع از عملیاتی که وقتی که نفط از ایران خارج میشود و در آن بعمل می آید را تقاضا نماید و در واقع کل مسئله از این قرار است که آیا دولت ایران حقیقتاً قراری در موضوع این منافع ما بعد گذارده ؟ یا اینکه منافعی که در آن سهمی برده فقط قیمتی بوده که در عوض اجازه است که داده و میتوانسته است آنرا ندهد و محدود است به عملیاتی که فقط در ایران بعمل میاید

امضای سیدلی ، ا ، ارمیتاج - اسمیت

﴿ جواب مشاورین حقوقی به یاد داشت فوق ﴾

مورخه اول دسامبر ۱۹۲۰

۱ — عقیده ما براین است که پس از ملاحظه دقیقی در تعبیر فصول اول ، نهم ، دهم . و دوازدهم امتیاز کمپانی های تابعه که تا حال تشکیل شده و بعدها هم بتوسط کمپانی نفط انگلیس و ایران حمل و نقل ، تصفیه و مهیای فروش کردن نفط برحسب امتیاز تشکیل می شوند [کمپانی هائی بجهت انتفاع از این امتیاز . چنانچه در فصل نهم ذکر شده ، نیستند و دولت ایران حق ندارد که صد شانزده از منافع آنها را که از نفط ایران یا نفط سایر جاها عاید میشود مطالبه نماید و اگرچه حق السهامی از طرف کمپانی های تابعه به کمپانی نفط انگلیس و ایران از بابت سهامی که در آن کمپانی های تابعه دارا است و در جزو منافع آن حساب میشود پرداخته شود و از این منافع کمپانی نفط انگلیس و ایران هم برحسب فصل دهم امتیاز صد شانزده از آن بدولت ایران باید برسد قابل ایرادات و اعتراضاتی خواهد بود ولی ما شك داریم اگر این حق السهامی که به کمپانی نفط انگلیس و ایران عاید میشود هیچ حکمی آنرا جزو منافع آن کمپانی بر حسب فصل دهم امتیاز قرار دهد مگر آن که وسایلی در دست باشد که بتوان ثابت کرد نفط خام را کمپانی مادری به کمپانی های تابعه کمتر از قیمت معموله فروخته است و با عدم وجود یك بازار آزادی برای تعیین قیمت نفت خام این مسئله هم به نظر خیلی مشکل می آید

۲ — عقیده ما بر این است که قانوناً کمپانی نفت انگلیس و ایران می تواند کمپانی های تابعه خود را از خود مجزا نماید و در نتیجه آن حقوق دولت ایران را فقط محدود به صد شانزده از منافع کمپانی نفط انگلیس و ایران بنماید که آن هم فقط عبارت از منافعی خواهد بود که از فروش نفط خام عاید میشود ، این مسئله تجزیه را به عقیده ما کمپانی نفط انگلیس و ایران باین طور می تواند انجام دهد که سهامی را که از کمپانی های تابعه دارد بین صاحبان سهام خود تقسیم نموده و سرمایه خود را نیز کمتر نماید و چون سهام

کمپانی نفط انگلیس و ایران چنانچه شنیده شده است در دست مردم نیست لذا تقسیم این سهام هم قانوناً وهم عملا ممکن و آسان است

۳ — بر حسب اظهار عقیده که راجع به دو مسئله اولی از طرف ما شده و مخصوصاً مسئله دویم که محتوی عملی بودن تجزیه کمپانی مادری از کمپانی های تابعه است مارا عقیده برین است و صلاح چنین میدانیم که مستشار مالیه زمینه موافقتی که بیان شده باید قبول کند و از این رو یک منفعت سریع الاضافه هر سال برای دولت ایران تامین نماید و صلاح نیست که مسئله برای تعبیر فصول اول و نهم و دهم امتیاز نامه به حکمی رجوع شود

۴ — مارا عقیده بر این است که اگر کمپانی نفت انگلیس و ایران تعبیراتی را که دولت ایران راجع به فصول امتیاز مینماید و تمام وجوهاتی را که دولت ایران تا آن تاریخ مطالبه مینماید بپردازد هیچ مسئله که اختلاف داشته باشد باقی نمیماند و کمپانی میتواند از ارجاع بحکمیت راجع به محاسبات خلاصی حاصل کند

امضای مارک . ل . رومر ه امضای و . کردن . ارو

(امتیاز ثانوی یاقرار داد بیست و دوم دسامبر ۱۹۲۰)

قرار داد مورخه بیست و دوم دسامبر هزار و نهصد و بیست ما بین دولت علیه ایران و کمپانی نفط ایران و انگلیس لیمیتد راجع به تعیین طریق پرداخت وجه سالیانه که باید بدولت علیه برحسب امتیاز (دارسی) مورخه سی هزار ونهصد و یک مطابق با دفر هزار و سیصد و نوزده هجری واصل شود وشروع این قرارداد از سی ویکم مارس هزار و نهصد و نوزده خواهد بود

توضیحات :

دراین قرار داد (جز جائی که در متن ذکرش لازم شود) نفط ایران مفهومش نفطی است که برحسب امتیاز و درحدود امتیاز در خاک ایران استخراج شده ومحصولات نفطی ازاین نفط را نیز شامل خواهد بود

کلمه دولت مقصود دولت علیه ایران است

کلمه کمپانی مقصود کمپانی نفط ایران و انگلیس لیمیتد است

از کمپانی های تابعه مقصود

۱ — کمپانیهای دیگری است که این کمپانی یا بطریق مستقیم و یا بوسیله کمپانی های تابعه خود بیش ازنصف سهام چنین کمپانی دارا ودرمجامع صاحبان سهام قادر بو کنترول پنجاه در صد از جمع آراء آن مجمع است

ب — کمپانی هائی که بیش از نصف مدیران آن توسط این کمپانی یا کمپانی های تابعه [illegible] و معین میشوند و نیز کمپانیهای کشتی رانی

ث — که بتوسط این کمپانی اداره میشود و منافع کنترول شده و منافی است که این کمپانی در کمپانی های تابعه خود دار است

ماده اول

با رعایت شرایط و حدود و استثنا آتی که در ذیل ذکر میشود دولت علیه ایران [که از این به بعد فقط به کلمه دولت ذکر خواهد شد] حق خواهد داشت که از کمپانی نفط ایران و انگلیس لیمیتد [که از این به بعد فقط به کلمه کمپانی ذکر خواهد شد] صدی شانزده از کل عایدات خالص سالیانه که از استخراج و تصفیه و مهیای فروش کردن نفط حاصل میشود دریافت دارد . این عایدات مختلفه چه به وسیله این کمپانی و چه وسیله کمپانیهای تابعه آن و چه بوسیله اجتماع چند کمپانی یا وسایل دیگر اجرا شود و یا آنکه این عملیات تصفیه نفط ومهیای فروش کردن آن در خارج ایران یا در ممالک دیگر صورت گیرد دولت باید مطابق این قرارداد صدی شانزده از عایدات خالص سالیانه این کمپانی را دریافت دارد . دولت در منافعی که از حمل و نقل نفط توسط کشتیها حاصل میشود حقی نخواهد داشت ولی بغیر از شرایط و حدود مقرره ذیل منافعی که از کشتیهای کوچکی که در خلیج ایران بکار برده میشوند عاید میشود صدی شانزده از عایدات خالص چنین کشتی های کوچک را حق خواهد داشت

(ماده دوم)

وقتی که نفط توسط وسایل نقلیه خود کمپانی یا کمپانی های تابعه حمل شود تعیین منافع خالص که از نفط ایران حاصل میشود بدون ملاحظه قیمت حمل و نقلی که واقعاً پرداخته شده ازروی نرخ عادلانه روز خواهد بود : تعرفه نرخ حمل و نقل هر سالی در اول ماه آوریل آن سال مطابق نرخ وقت معین میشود و تعرفه مذکور برای دوازده ماه بعد جاری خواهد بود

برای محاسبه قیمت این حمل و نقل نرخ هر مسافرت کشتی باید از روی نرخ معمولی حساب شود ودر ضمن صورت کاملی از عایدات حمل و نقل کشتیها در هر سفری باید برداشته شود : هر وقت ما بین ماه های — ژانویه ـ فوریه و مارس هر سالی هر یک از طرفین به دیگری کتبا اطلاع داد که بعقیده و نرخ آزادی برای کشتیهائی که نفط حمل میکنند وجود ندارد و قرار دادی دراین موضوع بین طرفین گذارده نشده و دراین مسئله هم بطریق متانی تصمیم گرفته شد آنوقت برای تعیین یک نرخ عادلانه که از اول آوریل آن سال اجرا خواهد شد باید طرفین مسئله را به یک حکمی رجوع کنند که حکمیت او [illegible]

اگر در تعیین این حکم طرفین رضایت نداشته باشند رئیس شورای عالی کشتی رانی لندن وقت باید آن حکم را معین نماید راجع به محاسبات حق دولت تا سی و یکم مارس ۱۹۲۰ و سی یکم مارس ۱۹۲۱ طرفین پس از امضاء این قرار داد بسه اسرع اوقات باید که در موضوع نرخ معمول، موافقتی با یکدیگر حاصل نمایند و در صورت عدم موفقیت چنانچه در فوق مذکور است باید به حکمی رجوع کنند که او تعیین نرخ را بنماید

ماده سوم

مفاد این ماده وماده بعد راجع است به کمپانی های تابعه که درخارج ایران نفت ایران را تصفیه و توزیع مینمایند و همچنین کمپانی های غیر تابعه که در تصفیه و توزیع و فروش نفط ایران در خارج ذی مدخل بوده و این کمپانی میتواند برای دولت وسائل رسیدگی و تفتیش محاسبات آنهارا فراهم آورد . در موضوع هر کمپانی که مشمول این ماده است مبالغ ذیل باید از عایدات خالص آنها قبل از تعیین حق دولت کسر شود :

(۱) در موضوع کمپانی های تصفیه ـ

در سه ربع ملیون تن اولی که در هر سال از نفط ایران تصفیه میشود باید در هر تن (که تقریبا سه خروار است) شش شلینگ کسر شود .

در کلیه مقداری که بین سه ربع ملیون تن و یك ملیون تن در هرسال از نفط ایران تصفیه شود باید در هر تن پنج شلنگ و شش پنس کسرشود و هرچه مازاد از یك ملیون است در هر تن پنج شلنگ کسر شود .

ب ـ درموضوع کمپانیهای توزیع ـ

مقدار نفط ایران که بتوسط یك نرخ کسر گذاردن در هر گالن اقسام کمپانی در یك سال توزیع میشود یا پوند یا تن از نفط ایران

کروسین	تن	۱۵۰۰۰۰	پنج هشتم	فارونیك در هر گالن		
(اسپریت) عرق	»	۲۰۰۰۰۰	۸	»	»	»
سوخت مایعی	»	۳۰۰۰۰۰	یك پنجم	»	»	»
گاز نفت	»	۲۵۰۰۰	یك دویم	»	»	»
روغنهای ثقیل (برای چرب کردن چرخ های ماشین) و سایر روغنهائی که ذکر شده		۲۰۰۰۰		»	»	»
موم و شمع		۴۰۰۰	یك هشتم	»	در هر پوند	
قیر		۵۰۰۰۰	دو ششم	»	در هر تن	
نفط های مستعمله درطب و دوا جات		۱۰۰	۶	»	در هر گالن	

هرگاه اضافه عمل کرد هرکمپانی نسبت به مقدار توزیع هر یك از انواع فوق بیش از نصف مقدار مذکور در فوق نشد از مبلغ کسری فوق یك هشتم نسبت به آن مازاد نصف یك چهارم از مبلغ کسری کسر میشود

ج ـ کسر گذاردن مبالغ فوق باید از عایدات خالص هر کمپانی قبل از پرداخت حق دولت کسر گذارده شود و اگر این مبالغی که باید کسر گذاشته شود بیش از عایدات کل خالص هرکمپانی باشد وکسری در این موضوع پیداشد این کسر امسال را کمپانی حق نخواهد داشت در جزو حساب سال آتیه محسوب دارد و همچنین کسر هر کمپانی باید در مقابل منافع سایر کمپانیهای دیگر حساب شده و از منافع آنها کسر گذارده شود در صورتیکه همیشه این کسر یکدفعه فقط برای تصفیه هر نفطی گذارده شده و یکدفعه برای توزیع و مهیای فروش نمودن وتجارت با هرقسم نفط گذارده شود

ماده چهارم

هر کمپانی که اقدام بتصفیه یا توزیع نفط میکند و مفاد این ماده درموقع آن مجری است واین عملیات راجع بنفت های دیگر غیر از نفت ایران نیز بعمل میاورد حق دولت راجع بعایدات خالص این کمپانی بطریق ذیل باید تفتیش و تشخیص داده شود :

(۱) در موضوع کمپانیهای تصفیه :ـ

۱ ـ وقتیکه کمپانی نفت را نمیخرد بلکه شغلش فقط تصفیه نفت است و درعوض اجرت میگیرد در این صورت باید قیمت تصفیه نفت ایران (که در جزو آن یك تناسب معمولی هم از مخارجات معموله که بوسیلة این قرار داد ممنوع است باید منظور شود) از روی دفاتر این کمپانی بهر طریقی که اسهل است تعیین شود و عایدات خالصی که نفت ایران تعلق میگیرد باید پس از وضع قیمت از مخارجات تصفیه چنین انظور معین شود

۲ ـ وقتیکه کمپانی نفت را میخرد در این صورت قیمت حقیقی که این کمپانی تصفیة برای تصفیه نفت ایران در عرض یك سال میدهد باید از روی دفاتر کمپانی مزبور تعیین شود

قیمت تصفیه نفت ایران (باضافه مخارجات معموله که در فوق ذکر شد) باید از روی دفاتر کمپانی تعیین شده و به قیمتی که برای نفط داده شده اضافه شده و مجموع این از قیمت فروش مقدار نفط باید موضوع شود نتیجه باقی مانده نفع یا ضرر نفط ایران خواهد بود ، برای تشخیص قیمت فروش محصولات

تصفیه شده از نفط ایران جمع بکل مقدار نفط تصفیه شده چه از ایران و چه از سایر ممالك در صورتیکه این نفطها جداگانه تصفیه شده باشند باید معین شده و نسبت به مقدار استخراج نفت از این اقساط مختلفه تقسیم شـــود . ولی اگر در موقع تصفیه نفت ایران با سایر نفتها مخلوط شده باشد آنوقت باید تقسیم از روی مقداری که از هر یك تصفیه شده معین شود و خصوصیات هر نفطی باید از روی تجزیه شیمیائی تشخیص داده شود . قیمت فروش محصولات تصفیه شده که در عرض سال فروش رفته از روی قیمتی که عاید میشود باید حساب شود . محصولات تصفیه شده که در عرض سال فروش نمیرود قیمتش از روی قیمت فروش بعد معین خواهد شد

ب — در موضوع کمپانی های توزیع :

قیمت فروش نفط ایران وسایر نفط های دیگر که در هر سال کمپانی توزیع دریافت میدارد باید هر کدام جداگانه ثبت شود و از هر کدام قیمتیرا که این کمپانی برای خرید آن پرداخته است موضوع شود و از این رو منافع غیرخالص کمپانی راجع به نفت ایران و سایر نفط ها معین خواهد شد

مجموع عایدات خالص کمپانی های توزیع که در نتیجه تقسیم و توزیع اقسام مختلف نفط در هر سال حاصل میشود برحسب [ماده ۷] باید تعیین شود و باید بین نفط ایران و سایر نفطها برحسب تناسب عایدات غیر خالص که در فوق ذکر شد تقسیم وتسهیم شود

هروقت یك کمپانی عملیاتش راجع به تصفیه و توزیع است و هر دو عمل را اجرا میدارد دفاتر چنین کمپانی برای تسهیل این قرار داد باید جدا باشد و دفاتر تصفیه و توزیع بطوری سوا باشد مثل آنکه این عملیات را دو کمپانی مختلف انجام میدهد .

کمپانی باید دفاتر خود و دفاتر سایر کمپانی هائی که مفاد این ماده در حق آنها مجری است بطوری واضح و معین ترتیب دهد که برای محاسبات لازمه در موضوع قیمت و منفعت و تسهیل وسایل این قرار داد اشکالی در بین نباشد .

ماده پنجم

(ا) درموضوع کمپانی های تابعه که این کمپانی تمام اسهام سرمایه آن را داراست مجموع عایدات خالصی که از نفت ایران (برحسب مواداین قرار داد) حاصل میشود باید در جزو حساب حق دولت محسوب شود و برحسب ماده ۳ موضوعات آن نیز باید کسرشود در موضوع کمپانیهای تابعه دیگر یا کمپانی دیگری که راجع به مفاد ماده ۳ و ٤ میشوند عایدات خالص از نفط ایران حاصل میشود باید برحسب این معاهده

تعیین و تشخیص شود ولی دولت فقط در هر سال راجع بحق خود معین به نسبت عایدات خالص از نفط ایران برای آن سال پس از وضع موضوعاتی که در ماده ۳ ذکر شده خواهد بود و این حق دولت باید نسبتش به تمام عایدات مطابق با نسبت تمام منافع کمپانی برای آن سال که کمپانی در عوض سهام خود دریافت میدارد یا آنکه منافع را تقسیم مینماید باشد اگر منافع کمپانی در عرض سال در کمپانی های دیگر زیاد یا کسر شود دراین صورت استثنائی باید پس از ملاحظه واقعات مادی در این موضوع گذارده شود

(ب) در موضوع کمپانی هائیکه این کمپانی در آنها علاقه مند است ولی مفاد مواد ۳ و ٤ به آنها تعلق نمیگیرد کمپانی باید در اظهار نامه خود راجع بعایدات خالصی که حق دولت است به آن تعلق میگیرد ذکری از یك منافع تجاری منصفانه که راجع بفروش نفت ایران به کمپانیهای دیگر است با ملاحظه مدت کنترات فروش — مقدار و اقسام نفط فروش رفته و تمام مواد قرار نامه مادی که فیمابین صورت گرفته بنماید و اختلافاتی که راجع به تعیین منافع تجارتی منصفانه حاصل میشود باید به حکمی که در ذیل ذکر آن خواهد شد رجوع شود

ماده ششم

تمام حقوق و مواجب های مدیران و مخارجات اداری این کمپانی باید منصفانه بین این کمپانی و کمپانیهای تابعه که برحسب رضایت طرفین و یا برحسب رجوع بحکم معین میشود تقسیم و تسهیم شود

ماده هفتم

عایدات خالص این کمپانی و کمپانیهای تابعه یا کمپانیهای دیگری که مواد ۳ و ٤ به آنها تعلق میگیرد برای مقاصد این قرار داد همان عایدات خالصی خواهد بود که این کمپانی ها برای پرداخت مالیات عایدات به دولت خود صورت میدهند ولی شروط ذیل باید مراعات شود :—

۱ — تغییراتی که در هر موقع قبل از سی و یکم ماه مارس هزار و نهصد و نوزده داده میشود باید استثناء باشد

۲ — مبالغ ذخیره که برای اعاده آلات وادوات تخصیص داده میشوند فقط تا حدی که برای مالیات عایدات دولت انگلیس اجازه میدهد در اینجا هم اجازه داده میشود و شامل وجوهاتی که از موعد قبل از سی و یکم مارس ۱۹۱۹ بحساب بعد انتقال داده میشود نخواهد بود

۳ — هیچگونه کسری به اسم مالیات منافع فوق العاده — مالیات منافع شرکتی — مالیات عایدات

مالیاتهای دیگری که مشابه بـه اینها هستند و بتوسط
دولت انگلیس یا دولتهای مستملکاتی یا دول خارجه
« بجز دولت ایران » وضع میشوند نباید گذارده شود
۴ — هیچ نوع کسری از منافعی برای پرداخت
حق السهام یا منافع دیگری نباید بشود و منافع حق السهامی
که بکمپانی عاید میشود خارج از منافع و عایداتی است
که حق الدولت به آن تعلق میگیرد
۵ — برای تسهیل اجرای این قرار داد و برای
تعیین منافع کمپانی هائی که در جزو مالیات دهندگان
بدولت انگلیس نیستند و دفاتر خود را برای پرداخت
مالیات حاضر ندارند باید که آن کمپانیها هم مثل کمپانی
هائیکه بدولت انگلیس مالیات میدهند ترتیب داده و
آنها را مثل آنکه مالیات عایدات میپردازند حاضر نمایند
۶ — هیچ نوع کسری راجع بـه حق دولت که
این کمپانی و کمپانیهای تابعه باید به پردازند گذارده
نخواهد شد و هیچ نوع کسری راجع به پرداخت حق
السهامی که این کمپانی ضمانت کرده است نیز نباید
گذارده شود بغیر از وقتیکه این حق السهام در جزو
عایدات کمپانی های دیگری که حق دولت را
می پردازند محسوب شود
۷ — هیچ گونه کسری راجع به منافع قیمت سالیانه
اراضی و عمارات که در تصرف و مالکیت این کمپانی
در تحت جدول (۱) است نباید گذارده شود
۸ — منافع و ضرر خالص هر سال چنانچه قبلا
ذکر شد باید معین شده وبرحسب مفاد ماده ۳ موضوعات
آن کسر شود و پس از وضع آن موضوعات و ضررها
حق دولت باید در روی باقی مانـده محسوب شده
ولی اگر در یك سال مجموع ضرر از مجموع عایدات
زیادتر شد این اضافه به حساب سال بعد باید انتقال
داده شود مگر اندازه که این ضرر راجع استهلاك ذخیره
است که در قسمت دوم از این ماده ذکر شده است

(ماده هشتم)

حق دولت باید تا روز سی و یکم ماه مارس هر
سال که راجع به دوازده ماه قبل آن است جمع شود
ولی این حق دولت پرداخته نخواهد شد مگر بعد از
انعقاد مجلس عمومی کمپانی برای تصویب محاسبات سالیانه
خود این حق دولت باید از قرار صد شش با معافیت
از مالیات از روز سی و یکم ماه مارس که جمع شده
تا روزی که بدولت پرداخته میشود منفعت به آن تعلق
گیرد . کمپانی سعی خواهد کرد که محاسبات کمپانیهای
تابعه و کمپانی هـای دیگری که در مـواد ۳ و ۴
ذکر شده اند تا روز سی و یکم ماه مـارس هر سال
حاضر کنند ولی اگر این مسئله عملی نباشد و موفقیتی
نداشته باشد در این صورت برای تسهیل اجرای این
قرار داد عایدات خالص آن کمپانی [illegible] و تعویق
افتادن برای سال گذشته اش که منتهی به سی و یکم
مارس سال گذشته آن بوده مأخذ قرار داده شده و
تغییرات لازمه را نیز در آن بدهند

(ماده نهم)

یك اظهار نامه راجع بحق دولت باید هر سال
بتوسط کمپانی تهیه شده و به شخصی که از طرف دولت
چهارده روز قبل از موقع انعقاد جلسه عمومی کمپانی
معین میشود داده شود
این اظهار نامه باید صحتش تصدیق شود مگر آنکه
از طرف دولت تا شش ماه پس از وصول این اظهار
نامه راجع بهرموضوعی که دولت راجع به آن ایرادی
دارد اظهار دارد و در جواب این ایرادات دولت اگر
توضیحاتی داده شـد و به آنها ایرادی نشد در این
صورت این جوابها هم صحتشان تصدیق شده است
اگر اظهار نامه راجع بحق دولت به عقیده نماینده
دولت باندازه کافی واضح نیست بطوریکه اورا قادر
به حکمیت کند که تمام مواد امتیاز نامه و این قرار داد
اجرا شده در این حال کمپانی موظف است که برای
نماینده دولت همه نوع وسایل که بتوسط آن اطلاعات
کافیه را آن نماینده دولت کسب کند تهیه نماید
در صورتی که بعضی اشکالات و اختلاف نظری
راجع به این اظهار نامه یا در طریق محاسبات راجع به
حق دولـت یا در تقسیم و سهم حقوق مختلف یا
تغییراتی که راجع به این قرار داد است فیمابین حاصل
شود باید این نوع اختلافات را رجوع کرد بیك محاسب
متخصص فنی که از طرف شورای محاسبین فنی انگلیس
انتخاب شود و او مختار خواهد بود که با دقت در امتیاز
و قرار داد و کسب اطلاع راجع به عقیده که عموماً
راجع به عایدات خالص قبولیت دارد مسئله را حکمیت
نماید رای چنین حکمی قاطع خواهد بود

(ماده دهم)

دولت متعهد میشود کـه مساعی خود را برای
تسهیل کارهای کمپانی و کمپانی های تابعه آن بکار
برد و کمپانی هم متعهد میشود که داخل در عملیات
مصنوعی و غلطی که باعث کم کردن حق دولت
خواهد بود نشود
تصدیق و شهادت نماینده های مختار از طرفین
دولت و کمپانی در تاریخ فوق
امضای سیدنی ا - ارمیتاج - سمیت مستشار مالیه
دولت ایران بنمایندگی از طرف دولت علیه ایران در
حضور ویلیم مکلین تاك (امضای ایشان) محاسب فنی
بریتیش [illegible] کورت هوس [illegible] و البروك لندن
امضای س - گرین وی از طرف کمپانی نفت

انگلیس و ایران در حضور فرد ـ و اتسن ـ وسیل حقوق نمره ۲۳ ـ ریلو بنجمتر استیریت ـ لندن ا ـ س ـ ۲

عمل مهر کمپانی نفت انگلیس و ایران

(حبل المتین)

چنانچه انگاشتیم این قرار داد جدید برای ایران نافع است یا مضر از تشخیص ما خارج ، ولی چیزیکه خاطر را در قلب می‌آورد آنست که این قرار داد در وزارت خارجه شاهزاده فیروز میرزا ولی نعمت یا مانند اولاد شریف سید غلام اچگان انگلیس بسته آمده فارسی که نژاد و تبعیتش معلوم نیست ولی فعلاً انگلیس شناخته آمده با ایران طرف بست در حقیقت امروز مالک این کمپانی دولت انگلیس است که عمده سهام آن را در موقع جنگ از طریق غیر قانونی ابتیاع نموده گویا طریق غیر مستقیم طرف ما دولت انگلیس است و نیز مستشار مالیه ایران که نماینده مخصوص شاهزاده بود داولیز انگلیس بوده مشاورین حقوقی هم که رای شان ذکر شده همه انگلیس اند و فی الواقع کاملا مصداق همین مصرع واقع گردیده

§ خودکوزه وخودکوزه گر وخودگل کوزه §

ما فعلا کار باین موضوع نداریم ولی حق داریم که از وکلای مجلس پرسش کنیم نزاکت تاکی ـ سکوت بی معنی تا کجا ـ آخر خود شما از همین ملتی اید حقوق دولت و ملت برکنار ـ این قرار داد بالاتر است یا مراسله مستوفی بکمپانی اگر بگویند خبر نداشتیم وای بر حال چنین وکلا واگر گفته آید که خبر داشتیم و سکوت نموده بودیم وای بر آینده چنین موکلین تا امروز که شنیده نشده در موضوع این قرار داد در مجلس یا خارج مجلس هیچ سخنی گفته آمده باشد حالا که طشت از بام افتاده آیا وقت آن نرسیده است که امتیاز دارسی و این قرار داد و سائر موضوعات کمپانی را مجلس تحت نظر دقت گرفته یک رای ثابت متقن اتخاذ نماید

واقع سخنان ملا نصر الدین درس عبرت است گویا همه این هیا هوها برسر لحاف ملا نصر الدین بوده همین قدر که چهار نفر از وکلا در کابینه شامل و مقصود شاهزاده محمد ولی میرزا که برادر مکرم شان بود برسرکار آمد همه آنها ازآسیا افتاد آری

§ هرکه نقش خویشتن بیند در آب §

از آبادان می‌نویسند

(کمپانی نفط)

البته موقعیت و درجه اهمیت را که آبادان از نقطه نظر تمرکز نفط جنوب و همسایه بودن بخاک عراق و داشتن شطوط و رودخانه برای کشتی رانی دارد پوشیده نیست ولی جای [illegible]

که با اینحال دولت و زمامداران مملکت مگر و اندیشهٔ این نقطه نبوده ، و بحسن جریانات آن عطف توجه نمی‌کنند و بهمین علت بزرگ است که علاوه بر تعدیات روز افزون کمپانی باز سیاست این اداره پلتیکی در جزو جزو جریانات امور ملی از اقتصادی وسیاسی دارد ظاهراً و در خفا دخالت و کسب نتیجه میکند ، ای کاش برای العین وضعیات و جریانات اینجا را مشاهده می فرمودید تا بیشتر برای بیداری مقامات مربوطه وجلب توجه آنها در این زمینه قلم فرسائی میکردید

۱ ـ اداره حافظه کمپانی نفط بزرگترین عامل قوی سیاستمداری این اداره است ، تمام نقشه های سیاسی که در این نقطه عملی و نتیجه آن پس از چندی دیده میشود و تمام طراحی امور پلتیکی کمپانی نفت از آنجا سده دیده و میدام بدست این اداره یعنی عمال این اداره صورت اتمام میگیرد ، نه کسی همت بگوید اداره کمپانی نفت تو کار و عملت محدود و تجارتی است تو فقط یک اداره تجارتی را عهده دار هستی تورا بسیاست چه کار تو را چه حق است که در جریانات ملی و مالکی دخالت نموده و انگذاری بفکر درد خود باشیم ، ملت جگرسوخته از ممانه افراد دولت پیدا نمیشود که دست رد بسینه چون و چرای بیخود ولیجای کمپانی نفت زده و اورا متقاعد کند نه بوظیفه خود در حدود امتیاز نامه که در دست دارد عمل نماید ، ایرانیان تصور میکنند اگر برای حفظ حدود و حقوق خود در مقابل کمپانی یا دیگری عرض اندام نمایند کره آسمان بهم خواهد خورد در و ریکه نه چنین است شرافت انسانیت قسم همیشه در عالم ادعای حق وحفظ حقوق پسندیده و این صفت نیکو منظور انظار بزرگان و رجال گیتی بوده است ، بدیهی است تا موقعیکه ما ایرانیان در برابر اجانب و همچنین در برابر مامورین دولت متبوعه خود برای حق مشروع خود ایستادگی نه نمائیم مارا ملت زنده نمیتوان خواند . زیرا ملت هم که افراد دولت نمایندگان ومبعوثین اواست میتواند باتفاق جلو موانع ترقیات خودرا گرفته و بدست قوی خود قافله عقب مانده خودرا بکاروان ترقی ملل جهان برساند .

ای ملت خمود ، ای ملت بیچاره فلکزده ای ملتی که بد بختی و سیاه روزی را خود برای خود میپسندی ، بالاخره ملتی که انتظار داری دولت تازه جنبیده تو امورات تورا مرتب و تورا راحت نماید . چه انتظار داری دولت تو هستی ، ملت توئی ، وزیر توئی ، وکیل توئی ، چرا خود بد بختی خود را خاتمه نمیدهی جز خود دست بامورات نمیزنی ، وچرا بدولت خود کمک و مساعدت نمی نمائیم

۲ - دومین لطمهٔ سیاسی که از طرف کمپانی نفت [الابنده دولت بریطانیا] ولی بدست دیگران بما وارد است این است که بتازگی منورجنگی موسوم به (لیارکس) که در خلیج فارس مفتش بوده و برای نشانه های ماموریت داشته بتوسط دریائی رئیس بحریه و نایبش کاپیتان کسانین بدولت عراق مبلغ پنجاه هزار روپیه فروخته شده ومقرر است که ازاول فبروری ۱۹۲۷ جهاز مزبور در تحت فرمان دولت عراق وکارگران آن دولت ماموریت خودرا که حد سیرش از دهنه سلامه تا بصره است انجام دهد .

جلی اعتهن که بیش از همه واقف بسیاست مداری وسیاست بازی های ممالک اروپ حاصه همسایه جنوبی است البته باثرات ونتایج این قضیه مستحضرخواهد بود .

۳ - اداره کمپانی نفت جنوب صرف نظر از اینکه از طریق سیاست بما صدمات و لطمات بیحد وحصر وارد می آورد در قسمت تجارت این نقطه هم دست حرص وطمع آزیده و باقتصادیات اینجا لطمه بزرگی وارد و بکلی بازار آبادان را درهم شکسته و در معاملات را بر روی عموم بسته است توضیح اینکه اداره کمپانی نفت در خود کمپانی تجارت خانه که دارای همه جور مال التجاره و امتعه شخصی خودشان است بنام تجارتخانه [کانتین] تشکیل و تاسیس نموده و تمام کارگران خودرا مجبور میکند که مایلزم خودرا تماماً از این تجارت خانه خرید نمایند ، معلوم است کسی که حقوق بگیر کمپانی است نمی تواند تمرد امر اداره را نماید . خاصه اینکه اغلب کارگران کمپانی از اول معاش تا ختم معاش میروند و از اداره کانتین بابت حقوق یك ماه، پیشا پیش مایلزم خودرا می آورند همینکه آخر ماه میشود از حقوقش هم چیزی باقی نیست حالا تصور شود فایده که ایرانیان و ایران از نفت جنوب که اولین سر چشمه عایدات دنیا بشمار است برده الی جیبت بجز خانه خرابی وجان کندن چیزی دیگر عاید شان میشود ؟ این فقط یك راه عایدات جزئی بود در اتلاف از حقوق کارگران کمپانی نفت ، برای اهالی که تمام امید کسبه و تجار اینجا منوط به آن بود که آن را هم کمپانی مسدود نموده و تخصیص بخود داده است ، ما یك خبرمهمی را که اقتصادیات و سرمایه اهالی را به آتیه وخیمی تهدید میکند گوش زد زمامداران خود نمودیم ، خواهیم دید اگر رجال مملکت و ملت غافل نباشند بفکر چاره خواهند افتاد

چنانچه عرض کردم بازمیگویم تقصیر متوجه توده وظیفه نا شناس جاهل است وگرنه چرا می بایست در این موضوع تا کنون ساکت بوده و فضای پارلمان یا کعبه آمال خود را از شکایات مشروع پر ننموده باشد ، چرا می بایست ملتی که کانه فقیدش میرود بفکر چاره جوئی نباشد که با آواز بلند فریاد کشانند اعلیحضرتا ، وزراء ، وکلاء ، احزاب ، جرائد رشما ای کسانیکه مسئول حفظ ما و مملکت هستید بداد برسید که کمپانی نفط گذشته از اینکه سرچشمه حیات ما را می برد اینك از این جزئی استفاده هم ما را محروم نموده و میخواهند بالمره عیشات ما را قطع و نفس ما را بگیرد

۴ - دومین لطمه عایداتی که از طرف کمپانی نفت متوجه ما است و بنفع آنها تمام میشود یکی هم قضیه پست خصوصی مخفی است اداره کمپانی نفط برخلاف قوانین جاریه بین المللی برای خود ترتیب پست خانه مخصوصی داده است که ممکن است عایدات ماهانه آن بیش از هزار تومان باشد آنچه ممنوع و اخیراً مکشوف گردیده است کمپانی پاکات ومراسلات اداری وشخصی خودشان را در روز معین تهیه وبوسیله موتور لشکر به قسمت بوارده که قسمت مهم جدید الاساس کمپانی است برده و در آن جا موتور آلی آماده و بوسیله آن پاکات ساده بلا تمبر را حمل به شیبه که نقطهٔ روبروی بوارده و جزء عراق است نموده و در آن جا آن ها را به تمبر عراقی بنقاط و مقصد ارسال میدارند - بلی این است طریقهٔ رفتار بیگانگان دوست نما باما ، ای ایرانی تو هم بیدار شو و بخیال خود باش وکلاه خود را حفظ کن . ای ایرانی اگر صاحب احساسات پاك شده دزدگیر بشو - حق خودرا حفظ نما ، ای ایرانی ومخصوصاً ای رؤساء دوائر عبرت و پند بگیرید و شما هم اندکی بمال و ملك وملت خود رحم آورید

۵ - اجحافات وتعدیات کمپانی نفط نسبت بمردم بمعیت عمال خزعل درقبل و بهمراهی اغلبی از رؤساء دوائر در حال کنون ، بیکنم محتاج بعرض نباشد - خیابان جدیدی را که کمپانی برای نفع خود وخانه خرابی مردم در نظر دارد بکشد جزء تعدیات قابل ذکر است کمپانی نفط مدتی بود برای نیل به مقصود یعنی کشیدن خیابان جدید الاحداثی که ما فقط بفاصه نفع و ضررش را برای خود و الله میدانیم سرگردان بود ، برای چه ؟ برای اینکه عصر عصر خزعل بود و اغلب هم در آن عصر بدیده خیانت کاری خزعل . عمالش مینگریست واضح است با این نتیجه عمومی کمپانی نمیتوانست که بمراد خود نائل آید - مدتی بود که کمپانی در این سرگردانی باقی وخود حد تهیه وجستن مرام و مقصود بود تا اینکه بالاخره خوزستان از لوث وجود خزعل و خزعلیان پاك گردید و لوای شیر و خورشید جز نقاط خوزستان باهتزاز آمد باوقت

کمپانی تعقیب نموده واین رئیس و آن رئیس را ملاقات و آنستان رشوه بپود تا بالاخره نظریات کمپانی تصویب و اجازه آن داده شده کدام اجازه ؟ اجازه خانه خرابی مردم - همان مردمیکه درعصر غزعل هم برای اولین مرتبه خانه خرابی دیدند و همان مردمیکه درخانه خود نشسته بودند یك مرتبه میدیدند که دیوارها و بام های خانه شان خراب وعنقریب برسر انها فرود خواهد آمد همان مردمی که باین وسیله خانه انها ویران میشد و در زمستان دختران کوچك و پسران صغیر معصوم انها از بی منزلی و بی ماوائی دربیابان حیران وسرگردان بودند و قطرات اشك که ازدیده آنها جاریاست نخوای مظلومیت خود ومظالم کمپانی را ثابت میکرد ، ای منتقم حقیقی تو خود داد این بیچارگان را بگیر و احقاق حق انها را بنما - باری خواهی نخواهی اجازه کشیدن خیابان صادر گردید . این خیابان برای آن است که کمپانی بوسیله ان آبادی و اهمیت شهری را در ان جا انتقال دهد ومردم را از این نقطه که فعلاطرف توجه عامه وحائز اهمیت است که ان عبارت از سواحل جنوبی شط و خیابان پهلوی است منصرف و در نتیجه نقاط ساحلی را برای خود بخواهد . تقریبا متجاوز از هزار باب خانه قیمتی و غیر قیمتی در خط این خیابان واقع است حالا باید از اجازه دهندگان منفعت پرست که قیصریه را برای دستمال آتش میزنند سوال نمود که تکلیف صاحبان این خانه ها چیست - کجا باید بروند کو منزل برای اینها در عوض - خدایا تکلیف ملت چیست مدیران ادارات مداهن روساء مداهن آیا با این همه مداهنه کاریها چه توانکرد بکی وکجا باید پناه برد میخواهد عرایض خود را بسمع شاهانه برساند دچار اشکالات میشود اولا اینکه عریضه اش از اداره پست برای مقصد بیرون نمیرود و عین شکایت بدست طرف میرسد وثانیا اینکه دست طرف قوی ونمیگذارد که این شکایت بنظر پادشاه محبوبش برسد یا اگر برسد نمیگذارند به آن ترتیب اثری داده شود - وای برحال ملی که گوسفند است و وای برحال مردمانیکه که پاسبانان بفکر شان نباشند لذا بچنین ملتی باید خواند الفاتحه

۶ - فراموش نمیکنم مشاهدات خود را در قسمت کارکنان ایرانی کمپانی نفط - بیچاره از صبح تا شام جان میکند و حقوقش ماهی ده تومان است و دارای عائله هم هست . آن ایرانی دیگری متمکن است که میبایست کمپانی اورا از نقاط دور دست برای خود با حقوق ماهی صد و صد و پنجاه تومان استخدام کند در صورتیکه حقوقش با هزاران مخاطره از بیست تومان بیش نیست - اجحافات کمپانی نسبت برعایای ایرانی بحدی زیاد و فکی است

که آن را دفتری علیحده میبایست که انشاء الله تالیف خواهم نمود ،

§ تو خود حدیث مفصل بخوان ازاین مجمل §

امیدوارم در آتیه نزدیکی هم موفق شوم که عملیات ننگین بعضی از روساء را بروی صفحه کاغذ آورده و تقدیم کنم - (ی -- ی - آبادان)

از بم مینویسند

درجریده حبل المتین شماره ۵ صفحه ۱۶ راجع به بم بامضای -- ع -- ا -- م درج شده بود که خلاصه آن تنقید بیجا از یك عده مامورین دولتی ، تمجید بی اصل از ریاست قسمت و مدرسه پهلوی بود نظر باینکه نگارنده محترم اغراق گوئی را بسرحد کمال رسانیده ، عرض زوری تمام ساخته نموده است بنده را مجبور کرد که حقایق وصحیات بم را بدون غرض و خالی از هر آلایش عرض کنم

۱ - آقای مجلل حکمران بم از اشخاص نجیب و خیلی سالم و در مدت هفت ماه حکومت احدی از ایشان شاکی و ناراضی نیست به حقوق حکومتی قناعت در امور حقوقی قطعاً مداخله نمیکنند مگر برضایت مدعی و مدعا علیه آنهم بعنوان شخص ثالث و بطریق مسالمت و اصلاح

۲ - آقا میرزا احمد خان نوری که سمت کفالت مالیه بم را دارند انصافاً جز اجرای انجام وظایف مقرره مداخله و مبادرت در سایر امور نکرده و عموماً از ایشان راضی میباشند

۳ - در قسمت نظمیه بنده به نگارنده محترم حق میدهم زیرا که عقیده نویسنده کرام اساساً بر ضد تشکیلات نظمیه است اعم از اینکه رئیس خوب یا بد باشد ، خوب آقای محترم - نایب مهدی خان درمدت توقف مأموریت خود دربم کدام حرکت خلاف قانون را مرتکب و بکدام عمل قبیح مبادرت ورزید نسبت بریاست آقای مهدی قلی میرزای نادری قصاص قبل از جنایت فرمودند یعنی قبل از ورود ایشان تنقید بی مورد نمودند در حالیکه از بدو ورود جز حسن عمل و رفتار چیز دیگری احدی از ایشان ندیده و عملیات ایشان بما نشان میدهد که از مامورین لایق و با کفایت وزارت جلیله داخله است

۴ - نسبت بعملیات آقا سید نصرالله خان کفیل امنیه بم فقط عرض میکنم نگارنده محترم باندازه پیش رفته است که با ناموس و عصمت یک نفر مامور محترم دولت دست اندازی کرده و نسبت های خالی از حقیقت مبنی بر اغراض شخصی بایشان داده است زیرا که کفیل امنیه قدرت و توانائی غارت و تعدی را ندارد

۵ – نویسنده محترم از آقای مصطفی خان رئیس ساخلو بم فوق العاده تمجید و عملیات ایشان را قابل تقدیر دانسته اند بنده برای اطلاع قارئین محترم سه چهار تکه از عملیات ریاست ساخلو را بعرض میرسانم تا تصدیق فرمائید که این حرکات قابل تمجید است یا نفرت و تکذیب

اولا نایب مصطفی خان بر طبق تعلیمات مدرس زاده معروف عوض سابقه در بدو ورود ده هزار من هیمه بدهات نرماشیر حواله داده و بوسیله مامورین نظامی هیمه مزبور را بضرب شلاق و فحاشی و بدون تادیه قیمت از زارعین بیچاره گرفته بوسیله گاو کارآنها به بم حمل و مقداری حق النظام مدرس زاده داده شد و بقیه بمنزل شخصی ریاست ساخلو برده شد در حالیکه عده نظامی متوقف بم از حدود ۱٤ نفر تجاوز نمیکنند برای چه ده هزار من هیمه لازم دارند بواسطه این رفتار ظالمانه چندین هزار تومان ضرر بمالکین و زارعین وارد آمده . قسمت دوم توقیف دو نفر سردار در سرطار خانه و خواستن پانصد تومان بعنوان داشتن تریاک قاچاق و فحاشی در ازار برئیس التجار و شخص عموم تجار به تلگرافخانه آیا اثبات فعالیت وظیفه شناسی ریاست ساخلو را مینماید مداخله ریاست ساخلو درامور حقوقی ومطالبه پولهای غیر مشروع که بقوه مامور نظامی از بیچاره مردم میشود آیا در حقیقت تمجید ندارد ، آقای محترم همین تمجیدات و نگارشات بی جا و چاپلوسی های شما است که قشون را درخاک کرمان بر مال وجان وناموس مردم مسلط داشته و احدی را قوه دم زدن نیست

۶ – خبر نگار محترم از مدرسه پهلوی وکلوپ های متعدد آن اظهار قدردانی نموده اند قلمفرسائی در این موضوع ممکن است بمعارف بم شکسته وارد آورد ولی از طرفی سکوت و خموشی هم دارد رفته رفته عصمت وعفت معارف را بهدر میدهد مع ذالک لکن اراده پرده پوشی نموده فقط مدیر ومعلمین مدرسه مزبور را معرفی میکنم

مدیر مدرسه مدرس زاده است که در سه سال قبل از طرف اداره معارف بسمت ریاست مدرسه دولتی سیر جان انتخاب پس از مدتی توقف و ارتکاب آن عملیات قبیح و انتخاب دو نفر بچه خوشگل موسوم به اکبر خان و عباس خان بالاخره اهالی سیر جان مشار الیه را از سیرجان قهراً خارج و از اداره معارف متعلق شد بواسطه آن اعمال شنیع معارف سیرجان هنوز کاملا مرتب نشده است در سال گذشته بعنوان مدیریت مدرسه پهلوی دولتی بم بطور کنترات بم آمد در اثر شکایات اولیاء اطفال و اصرارهای وزارت جلیله معارف باین آرزو نائل نشد . نظر باینکه این طور اشخاص باصطلاح بر رو واقع میشوند خود را باصرار بمدرسه عملیه داخل خوشبختانه بواسطه سوء سابقه از آنجا هم مایوس آمده اعیان و اشراف بم که معرفی آنها را لازم نمی دانم مدرس زاده را برای مدیریت انتخاب خود انتخاب اضافاً باید بچه اعیان و بچه خان زیر دست چپلوی اشخاص تربیت شوند آنچه در زمان استبداد کهنه حال بدر روند خلاصه معلم اول مدرسه مزبور همان اکبرخان سیرجانی است که قبلا اسم او ذکر شد جوانی ۱۵ الی ۱۶ سال معلوماتشان همین است که زیر دست مدرس زاده تربیت شده معلم دوم مدرسه عباسخان حشمت لشکر است در حدود ۱۷ - ل سن او است که دارای هیچ معلوماتی نیست جز مطربی و و و قبل از ورود بمدرسه بهمین وسیله امرار معاش می کرد دارای کلوپ فوت بالی مدرسه مزبور هست و اینجا مجبورم حقایق را ناگفته بگذارم فقط عرض میکنم بازی کن اول و دوم دو نفر معلم فوق الذکر و سه چهار نفر از بچه خانها و یك عده اشخاص جوان که جزو مدرسه نیستند و مقصود آنها از این فوتبال نیست

§ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل §

نسبت بموقوفه میر امان الهی وغیره تصدیق میکنم مطابق مقررات وقفنامه کاملا رفتار نمیشود ولی باز اینها بوقفیت املاك معترفند و اقرار دارند ، از آن طرف آقای اسحق خان عامری و انصاری و بهزادی که وقف نامه جات را آتش زده و از بین برده ملك وقف را صداق نموده و ملك طلق کرده اند چه باید کرد

۷ – در قسمت آقای نماینده اوقاف و مدیر مدرسه دولتی پهلوی ما برای اطلاع قارئین محترم عین بودجه مدرسه را ذیلا بعرض میرسانم درماه مدیر ۲۵ تومان سه نفر معلم برای کلاس ۱ و ۲ و ۳ - ۳۳ تومان فراش ۶ تومان مخارج متفرقه ٤ تومان مجموع ماهی ۶۸ تومان میشود تصدیق می فرمائید بودجه کلاس های ۵ و ۶ در بودجه منظور نشده ، آیا در سال گذشته ۶ نفر ازمتعلمین درحضور ممتحن طهرانی تصدیق نامه کلاس ۶ مدرسه ابتدائی را نگرفته آیا مراتب فوق اثبات کفایت ولیاقت آقای مدیر مدرسه دولتی را نمیرساند وضعیت مرتب حالیه مدرسه هم دارای ۶۰ نفر شاگرد و کلاس ۵ و ۶ میباشد لیاقت مدیر مدرسه مزبور را کاملا ثابت مینماید .

درقسمت گرفتن گندم و رشوه گذشته از اینکه موقوفه مداران عادی پرداخت رشوه نیستند

آقای لیاقت اوقات هم عادت بگرفتن رشوه نکرده و جیوبت خودرا آلوده نکرده اند

۸ - نسبت بمدرسهٔ عمادیه که نگارنده محترم بطور استهزا و تمسخر مرقوم داشته اند ۹۰ شاگرد لوخت یا برهنه دارد بلی آقای محترم تاسیس و تشکیل این مدرسه برای اطفال لوخت یا برهنه و بی بضاعت فقیر شده است مخصوصاً مؤسس محترم اصرار دارند که اطفال یتیم بی بضاعت را بمدرسه جلب و یك قسمت از اطفال و متعلمین که قوه تهیه لباس ندارند شخصاً لباس میدهند عایدات ٤ دادك بیدارانرا غالباً میدانند تو ما عین بودجه مدرسه عمادیه ؤمصارف آن و عایدات موقوفه مزبور را ذیلا می نگاریم

در سال عایدات بیدرابو وقتی بطور تحقیق دو هزار تومان ومطابق مقررات واقف ثلث عایدات باید خرج مدرسه مزبور شود که عبارت از ششصد وشصت و شش تومان است ، مدیر مدرسه مزبور در ماه ۲۵ تومان پنج نفر معلم ٤۹ تومان فراش ۵ تومان مخارج متفرقه هم ۵ تومان که جهت تعمیر میز و صندلی (و خرید لوازمات دفتر باشد) پس هشتاد ویك تومان در ماه حقوق مثبة کار کنان است علاوه مبلغ گزافی هم جهة تهیه کفش و کلاه و کتاب مجانی برای متعلمین مدرسه لازم است (بی طرف)

از طهران می‌نویسند

اگر بدیده بصیرت نظر انداخته آید تمام قصص و حکایاتیکه در وضعیت یوم النشور ذکر شده در صفحه ایران و مردمان بی سامان آن پدیدار است - عالم عالم و انفسا ، هرکس برای خود نوائی دارد - از هرجهت فشار اقتصادی مردم را احاطه نموده ازطرف دیگر آن به آن مصارف اهالی فزونی میگیرد بجای اینکه عایدات جدیدی پدید آید ابواب عایدات قدیمه هم مسدود آمده است حالا معلوم میشود روسها سبب حیات اقتصادی ایرانی بوده اند تمام این اشکالات که پیش آمده بواسطه بسته شدن صادرات ما بروسیه است و حالانکه هنوز هم روسها بواسطه احتیاجات شدیدی که ببرخی از اجناس ما دارند یك دفعه ابواب صادرات مارا سد ننموده اند اولیای روسیه ملت و دولت ایرانرا ظاهر نمودند که حیات اقتصادی ایران در قبضه آنان است و بایران محسوس ساختند که هر قدر با دول سائره اروپ تجارت کنند بجای نفع نقصان خواهند برد - ازروی استاتستیك گمرکات مدلل شده است به تنها هند و انگلستان سالانه چهارده ملیون تومان اضافه واردات نسبت بصادرات ایران دارند یعنی چهارده ملیون تومان دولت انگلیس پول نقد از ایران بیرون میکشد گرچه این فشار روسیه بایران خیلی مورث صدمه و اذیت جمیع طبقات ایرانیان آمده ولی نقائص اصول اقتصادی ایران را عملا فهمانیدند اینست که از هر طرف ایرانیان بدست و پا افتاده تاشاید بتوانند خویشتن را از این گرداب فقر اقتصادی نجات بخشند از یك طرف جدیت و اصرار در سرعت عملیات راه آهن می‌امایند از طرف دیگر متشبث بازدیاد گمرك اشیاء تجملی میشوند و حالانکه هیچ یك از این دو بسرعت رفع بحران اقتصادی را نتوانند نمود

(استیضاح)

درمراسله قبل خبر ازهیجان رخی وکلا بهبهانه مراسله کابینه مستوفی به کمپانی نفت وغیره داده بودم کم کم این موضوع غلظت پیدا نموده معلوم است منتظرالوزاره ها هم در مجلس نشسته برخی از او چرخان ساده لوح را در گود زورخانه بهارستان بهم انداخته از دور باشارات چشم و ابرو (لنگش کن) کار خویش را از پیش می برند تا اینکه مواد استیضاح بقرار ذیل نوشته آمد وقریب پنجاه نفراز وکلاامضا نمودند

(مواد استیضاح)

مقام منیع ریاست محترم مجلس شورای ملی

باحترام قوانین موضوعه مملکت و بحمایت منافع وطنی از دولت آقای میرزا حسن خان مستوفی در مطالب ذیل استیضاح می‌کنیم

۱ — نوشتن مراسله کمپانی نفت جنوب برخلاف وظائفی است که قوه مجریه برعایت آن التزام دارد

۲ — عدم توجه باصلاح امور تجارتی که به فقر و بدبختی اصناف منتهی شده

۳ — تشکیل وتصویب محکمه غیرقانونی درمالیه که با اصول موضوعه قضائی وقانون اساسی مخالفت داشته است

٤ — عدم علاقه بحفظ مالیه مملکت ومسترد داشتن اموال نایب حسین و ماشاء الله دزد وغیره

۵ — عدم توجه و علاقه بامور قضائی وفلاحتی

امضاها - عراقی — سید یعقوب - مرتضی بیات - امام جمعه شیراز - شیخ الاسلام - محمد ابراهیم اصری ، اسدالله زوار - حسین جلائی - دادگر - دیبا - فهیمی - فاطمی - حبیب الله امین - حسن اسفندیاری - عبدالحسین کرمانی - حاج علی اکبر - روحی - بهبهانی ، عباسی - یاسائی - علی زارع - نگهبان - شیخ بیات . نظامی - ملك مدنی - سهراب ساکینیان - اسعد بختیاری ، جهانشاهی - طباطبائی وکیلی - عامری - فومنی - رفیع . بالیزی - خطیبی - مرتضی کرمانی - مهدوی - اعتبار ، شیخ عبدالرحمن - حیدری مکری - عبد الله وثوق . ملك ایرج مقدم — محمد آخوند — و و و

پس از آنکه ورقه استیضاح اشاعه یافت جراید طهران عموما بر آشفته هریك برخلاف اقدام

وکلاء مقالات آتشین نگاشتند و ما برای نمونه یك از سرمقاله های روزنامه عصرانه اطلاعات را ذیلا مینگاریم

« مقصود شما چیست ؟ »

ما عاطفه بمستوفی نداریم و معتقد هستیم مملکت عقب مانده ایران باید بدست تیپ و طبقه دیگری اصلاح شود ...

ما منتظر هستیم کاسه صبر اعلیحضرت پهلوی لبریز و پایه حلم و حوصله و بردباری فوق العاده خود خاتمه داده و مانند مصطفی کمال خود شخصاً در راس یك مجلس کبیر و دولت جوان فعالی واقع گردیده مخالفین تجدد ایران را از هر صنف و دسته که باشد تسلیم محاکمه و چوبه دار نماید .

ما انتظار آن روز فرخنده را میکشیم .

ما هوا خواه مستوفی نیستیم .

اما — مقصود شماها چیست ؟

باز میخواهید مملکت را بازیچه فیروز میرزای داراله و بی نقشه نمائید ؟

باز میخواهید مناظر ننگین دوره چهارم را تجدید بکنید ؟

باز میخواهید پارلمان ایران را انگشت گردان سفارتخانها نمائید ؟

باز میخواهید بازار وزارت فروشی - مسند فروشی ، مقام فروشی - شغل فروشی و خلاصه مملکت فروشی را از سر گرفته مانند ادوار پیش رواج بدهید ؟

باز دلهایتان هوای آجیل کرده میل دارید برادر قوام السلطنه را آورده چرچری راه بیندازید ؟

واقعا که دلتان قند آب انداخته بیاد ایام پولکی دوره چهارم چشمهایتان برق میزاند ؟

اگر اینطور است - یك چیز دیگر را هم یاد تان میاوریم !

اگر شما عوض نشده اید ما هم عوض نشده ایم

اگر تازیانه عبرت روزگار شما را متنبه نساخته و همینکه چشمتان بدست کشاده و سر پنجه بخشنده عاقد قرار داد و دستیاران او میافتد بیاد ایام پر ناز و نعمت خود میافتید - ما هم القدرها وفور و با حزم و احتیاط اشده بمتی سیاه چالهای محبس و بیابانهای عریض و طویل و تبعید و آن ایام پر افتخار حاضر هستیم یکمرتبه دیگر در مقابل شما وطن فروشان شما مختلسین ، شما عناصر ننگین . شما کثیف ترین افراد ایرانی و شما خائنین تاریخی قلم نمائیم !

حقیقتاً باور کردید که طبقه جوان و آزادی خواه مملکت مرد و شما ریزه خواران سفره یغمای پسر قوام الملك و ولی غارتگر و آدم کش کرمان ، وزیر خارجه کابینه قرار داد و هم پیاله کرزن جنگ انداز میدان سیاست ایران شده دوباره مملکت را بروز سیاه شش سال قبل میاندازید ؟

واقعا باور تان آمد ؟

شما حامی مشروطه و مصالح مملکت هستید و میخواهید پیچ مستوفی را بگیرید ؟ شما !

باهمین پیشانی های سیاه و دامن های ملوث .

البته فکر بعد را هم کرده اید میدانی باز میشود و درب سفارت خانه ها کشوده میگردد و خزانه مملکت هم بدست رفقای قدیمی خودمان میافتد هر شلنگ و تخته که میخواهیم میزنیم . . . ؟ بله !

اینك میزنیم زیر چانه شما ، سر خود را بلند کنید ، چشمهایتان را باز کنید !

آنجا پهلوی است که مانند کوه وقار نشسته و مراقب اعمال شما است ،

او احمد میرزا نیست ،

او و حامیان سلطنت جوان او مراقب کوچکترین حرکات شما هستند ،

ما میگذاریم مستوفی برود - خیلی خوب - بفرمائید ببینیم :

(مقصود شما چیست !)

کاندیدای شما کیست ،

اگر جرئت دارید بگوئید ، بسم الله

* * *

آقای مستوفی قبل از روز استیضاح استعفای کابینه را به پیشگاه شاهانه تقدیم نموده بودند ولی اعلیحضرت با تمنای اصرار کابینه را نگاهداری میفرمود عاقبت مستوفی بحضور شاهانه عرض کرد که با اصل مشروطیت کابینهٔ که دارای اکثریت مجلس نباشد جائز نیست که بمشاغل وزارتی قیام نماید اینك بر من مشتبه است که کابینه کنونی دارای اعتماد اکثریت مجلس هست یا نه ومن وجداناً نمیتوانم در رأس چنین کابینه قرار بگیرم این بود که کابینه از کار کناره گرفت و موضوع استیضاح هم از میان رفت معذلك مستوفی برای حفظ مقام خویش و مدلل داشتن بر اینکه کابینه او راهی بغلط نه پیموده در مراسله مخصوص جواب مواد استیضاح را مشروحا برئیس مجلس فرستاده و خواهش قرائت آن را هم در مجلس علنی کرده بودند ولی وکلا صلاح ندیدند که این مراسله درمجلس علنی قرائت شود و نیز بذریعه مراسله به کمیسیون لغو مراسله را اعلام و منوط بتصدیق مجلس شوری نمود

« مراسله مستوفی به مجلس »

مقام محترم مجلس شورای ملی

در مقابل استیضاحی که به تقاضای جمعی از نمایندگان محترم در مجلس شورای ملی از هیئت دولت بعمل

آمد دولت مصمم بود حسب الرسم حاضر شده توضیحات لازمه را بدهد و شبهاتی را که در خاطر نمایندگان حاصل شده رفع نماید و بهمین مناسبت پنجشنبه گذشته شخصا برای تعیین روز استیضاح حاضر شدم ولی پس از مشاهده رویه که در روز مزبور در مجلس اتخاذ شد بر این جانب محسوس گردید که جریان استیضاح مقرون با کشمکش و مجادلاتی خواهد بود که با سبك و سلیقه اینجانب موافق نیست چه عقیده اینجانب این است که امروزه مصادر امور مملکت باید از مناقشه و مجادله و حمله و دفاع شخصی صرف نظر نموده اوقات گرانبهای را که بجهت نیل به سعادت و شرافت ملی بدست آمده مغتنم بشمارند و متفقا برای حصول این مقصود مقدس کار کنند و برای اینجانب بس ناگوار خواهد بود که وجود من و دولت که من در راس آن هستم باعث این پیش آمد نا مطلوب شود بنابر این برای احتراز از این پیش آمد هیئت دولت استعفای خود را تقدیم حضور مبارك اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه نموده و ضمنا برای اینکه تصور نرود که هیئت دولت از جواب استیضاح استنکاف داشته و توضیحات لازمه هم راجع بمواد استیضاح داده شود که حقایق مستور نماند مراتب ذیل را بعرض مجلس شورای ملی میرسانم و امیدوارم لا اقل از این اندازه مساعدت که این مشروحه در مجلس قرائت شود دریغ ننمایند

[۱] راجع بنوشتن مراسله به کمپانی نفت ایران و انگلیس زحمت تذکر میدهد که احدی منکر احتیاج مملکت به نفت و بنزین نبوده بلکه محسوس است که این احتیاج فوری رو به تزاید است که اگر تدارك ان نشود مملکت با مشکلاتی مواجه خواهد شد و بهمین لحاظ خیر خواهان مملکت که از چندی قبل به کمپانی نفت جنوب تذکر میدادند که با وجود نفت سرشاری که از ایران استخراج میشود محروم بودن خود مملکت از این شئی ضروری جایز نیست و بر کمپانی لازم است که اقداماتی بعمل آورد که نفتی که حوائج مملکت را کفایت کند و بقیمت مناسب در داخله رفع حاجت نماید کمپانی استخراج نفت را در غرب ایران برای این مقصود انسب دانست و بعضی تسهیلات تقاضا نمود که یکی از آنها قرار محاسبه عایدی دولت از قرار هر تن چهار شلینك بود دولت این تقاضا را رد نمود و تسهیلاتی را که بروفق قوانین و نظامات جاریه ممکن بود و با امتیاز نامه دارسی هم مخالفت نداشت در نظر گرفت و چون بر طبق نظامنامه گمرك که الآن معمول است مال التجاره ایران که بخارج فرستاده شده و به علاوه بایران اعاده میشود از گمرك معاف است و فعلا هم نفت جنوب که بخارج رفته و از طریق خانقین وارد ایران میشود حقوق گمرکی ندارد و به اینواسطه معافیت نفت از گمرك به عایدات دولت ضرری نمیزند با ملاحظه اینکه نفتی که محل احتیاج داخله است هر قدر ممکن باشد ارزانتر معامله شود بصرفه مملکت خواهد بود لهذا نسبت به این نفت هم که برای تصفیه رفته و برای صرف سوخت مملکت بهمان معادل بر میگردد و موافق اصول فوق استثناء آن را از معافیت گمرك لازم ندید و همچنین بر طبق مقررات گمرکی ماشین آلات در ورود و صدور از گمرك معاف است و نیز بر طبق امتیاز نامه دارسی در انقضای مدت امتیاز آلات و ادواتی که در آن موقع کمپانی برای استفاده از مؤسسه خود استعمال میکند متعلق بدولت ایران است اعم از اینکه در داخله یا خارجه باشد و با اینکه کمپانی از عایدات تمام مؤسسات اصلی و فرعی خود بدولت باید حق بدهد پس اجازه حمل و نقل آن اشیاء به داخل و خارج هیچ حقی از دولت فوت ننموده و ضرری وارد نمی آورد و در باب طریق محاسبه عایدات دولت که این فقره را تعبیر و تفسیر امتیاز دارسی و از وظایف مجلس دانسته اند نظر دولت این بود که این فقره تعبیر و تفسیر آن امتیاز نیست بلکه معامله است که اخذ حق دولت را از قرار صدی شانزده عایدات از طبق امتیاز دارسی تامین می نماید معهذا احتیاطاً در متن مراسله قید شد که (این مواد در حقوق و تعهدات هیچیك از طرفین که تحت امتیاز نامه دارسی دارا هستند تزلزلی وارد نخواهد نمود) و چون این مطلب است نظری دولت با دقتی که در ایجاب کرده بود این ترتیب را مخالف قرارداد ندانسته و صرفه دولت را کاملا در آن مرعی میدانست ولی همینکه در مجلس کمیسیونی تشکیل شد و مذاکره در این خصوص بعمل آمد دولت استنباط کرد که نظر مجلس ممکن است بر این باشد که این ترتیب تصویب مجلس را لازم دارد پس دولت جایز ندانست در تشخیص صلاحیت هیئت مجریه و مقننه و تفکیك آنها از یکدیگر دخالت کند و به کمیسیون مزبور اشعار داشت که مجلس را حاکم این قضیه میداند و چون قصد دارد برای جلب فوائد دیگری با کمپانی داخل مذاکرات شود هرگاه در آن باب موفقیتی حاصل کرد و امر منتهی به تثبیت مواد مراسله سابق الذکر شد تصویب مجلس را شرط خواهد کرد و قضیه همین طور هم شد و به کمپانی از طرف دولت اشعار شد که قابل اجرا شدن مواد آن مراسله موکول بتصویب مجلس شورای ملی است علیهذا تصدیق خواهند فرمود که به حقی از

دولت ثبوت شده که ضرری به مملکت وارد گردیده و به تخطی به حدود مجلس شورای ملی وارد آمده است

(۲) اینکه تصور فرموده اند در اصلاح تجارت مملکت از طرف دولت قصور شده لازم است بطور اختصار تذکر داده شود که اوضاع اقتصادی ایران در اثر جنگ بین المللی به مشکلات عدیده برخورده است از قبیل تغییر طرز تجارت در ممالک شوروی وتجزیه بعضی ممالک از روسیه قدیم مثل لهستان وغیره و منقطع بودن ممالک محروسه که از بازار امتعه ما بوده اند از ایران و بحران اقتصادی که در خود ممالک شوروی بر اثر جنگ بین الملل و انقلابات آن مملکت حادث شده است البته تصدیق خواهید فرمود که اصلاح کامل این اوضاع از اختیار دولت ایران به تنهائی خارج است و انقدری هم که درقدرت دولت هست وقت و مدت و اسباب میخواهد معهذا چندی قبل دولت بعد از یك سلسله اقدامات مقدماتی و مشاوره با مطلعین یك قرار داد تجارتی که بتواند تا یك اندازه اوضاع تجارت را در آن چه متعلق بممالك شوروی است بهبودی دهد تنظیم و به سفارت کبرای دولت شوروی پیشنهاد کرده که در تحت مداقه است عهدنامه تجارت با لهستان هم که یکی از بازار های عمده امتعه ایران بود بواسطه لزوم تغییر بعضی از اصول آن در تحت مذاکره وقریب الاتمام است وباین وسیله تجارت ایران با لهستان مقام قبل از جنگ را ممکن است حائز شود فعلا به عقیده دولت اقدام دیگری در این باب مقتضی و مفید نبوده ودر آنچه نافع و مقتضی است از طرف دولت کوتاهی نشده است و برای اصلاح کلیه امور تجارتی نیز اقداماتی از قبیل پیشنهاد تاسیس بانك تجارتی و لایحه منع اشیاء تجملی تقدیم مجلس شورای ملی شده است

۳ — راجع به تشکیل محکمه در مالیه که آنرا غیر قانونی دانسته اند توضیح میشود که تشکیل محکمه در وزارت مالیه برای رسیدگی بامور مالی که طرف آن دولت باشد گذشته از این که در ممالك دیگر که اصول متحده مملکت مارا در دست دارند معمول و مجری است در مملکت خود ماهم سابقه قانونی دارد و مراجعه به قانون تشکیلات مالیه مورخه ۱۵ جوزای ۱۲۹۴ قضیه‌را ثابت می کند وهرگاه این فقره را باماده (٦) قانون استخدام دکتر میلسپو که مشار الیه درتشکیلات وزارت مالیه وتمام شعب آن اختیار تام میدهد منظم نمایید مسلم خواهدشد که دولت اقدام خلاف قانونی مرتکب نشده است خاصه این که وجود این محکمه در وزارت مالیه امری تازه و جدید الاحداث نبوده چندین سال است این محکمه دائر است از این گذشته این دولت از بدو تشکیل کاملا متوجه بوده که بباید

دعاوی بین افراد و مالیه به عدلیه مراجعه شود و با این نظر وزارت مالیه با وزارت عدلیه تبادل نظر نموده لایحه قانونی که برای اجرای این مقصود مقتضی میدانستند تدارك کردند ولی برای اینکه دعاوی قبل از ۱۳۰۲ که در مالیه سوابق دارد با جریان سریع انجام شود بهمان دستوریکه محکمهٔ قانونی از دیر زمانی در مالیه دائر است مناسب دیده شد بر طبق قانون تشکیلات آن دعاوی در وزارت مالیه قطع و فصل شود و برای این محکمه موقتی هم معهذا لایحه قانونی ترتیب داده شده که هر دو لایحه برای تقدیم به مجلس شورای ملی حاضر است

٤ — درباب رد املاك نایب حسین و پسرانش عدم علاقه دولت را بحفظ مالیه مملکت تعبیر نموده بودند دولت تصور میکرد آقایان نمایندگان رعایت اصول ۱۵ و ۱٦ و ۱۷ قانون اساسی را بدولت تذکر خواهند داد نه آنکه اقدامی را که دولت بروفق قانون شرع و قانون اساسی کرده و حفظ یك عده زن و بچه ایرانی را منظور داشته است مورد استیضاح قرار دهند

توضیح مطلب این است که بعد از قلع و قمع نایب حسین و پسرانش دولت برای عبرت دیگران و به عقیده اینکه بسیاری از املاك متصرفی آنها متعلق بمردم دیگر است و قهرا بدست آنها افتاده است املاك را توقیف کرد و در این مدت اشخاصی که مدعی مالکیت ملکی از متصرفات آنها بودند برای استیفای حق خود بدولت رجوع کرده با اسناد و مدارك حقانیت خود را ثابت کرده اند و املاك صاحبانش رد شد و مقداری از آنها باقی ماند در این ضمن دولت برای ورثه نایب حسین که غالب زن و طفل خورد سال هستند از اموال غیر منقول آنها معاشی میپرداخت آن اموال نیز تمام شد و از یکطرف دولت نمیتوانست در حالتی که به جانی و قاتل مسکن و غذا و لباس داده میشود شرعاً و قانوناً جمعی بیگناه را که در جنایتهای اسلاف خود شریك نبوده اند بی معاش بگذارد و از طرفی دیگر مناسب نمیدانست برای آنها شهریه پیشنهاد مجلس نماید و وقتی به حاصل این املاك مراجعه شد معلوم شد در سه سال که آن املاك اجاره داده شده اند رویهم زیاده از سالی ۸۰۰ تومان عاید خالص نداشته است و عده ورثه هم بقدری است که در سال سه مقابل این مبلغ اگر به آنها کمك بشود شاید وفا بمعاش آنها نکند لهذا مصلحت چنان دیده شد که املاك بلا معارض آنها بخود شان رد شود که هم چندین اصل قانون اساسی محترم شمرده شده وهم معاش جمعی از عایدات املاك خود شان تامین شده باشد که دولت از مسئولیت نگاهداری آنها مستخلص شود و ضمنا از نگاهداری

املاک مغصوبه و تامین معاش آن اشخاص ضرری متوجه خزانهٔ دولت نکرده

(۵) در فقرهٔ عدم توجه بامور قضائی اگر مقصود این است که چندی است وزارت عدلیه وزیر ندارد خاطر آقایان را توجه میدهد به اینکه این اول دفعه نیست که یک وزارتخانه یک چندی بواسطه علل و اسبابی بی وزیر مانده و این فقره بر عدم توجه بامور آن وزارتخانه دلالت نداشته و موضوع استیضاح واقع شدن آن چیز تازه ایست اگر مقصود اوضاع قضائی عدلیه است با اینکه این دولت از اول تشکیل خود از تقویت لازمه در پیشرفت قوه قضائی و عدم مداخله در وظایف آن خود داری نکرده است بر صاحبان بصیرت معلوم است که بهبودی مخصوص درامور قضائی با تهیه وسایل و اسبابی است که از نظر قانون و از نظر بودجه و از نظر اوضاعی که درامور ما حکمفرما است تدریجی الحصول و امری نیست که در مدت قلیلی میسر شود مخصوصاً چیزی که باین کار کمک مینماید مساعدت و موافقت واقعی آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی است

(۶) اما در باب فلاحت آقایان نمایندگان که چندی قبل نمایشگاه فلاحتی را مشاهده فرموده اند ملاحظه نموده اند که دولت توجه مخصوصی به ترقی و تشویق فلاحت داشته است و کمال مساعدت را با متخصص فلاحت منظور می نماید و مشارالیه که اخیراً وارد شده است با نهایت جدیت مشغول کار و در امتحان بذور و امر جاتی کاری و توعاو مساعی وافیه معمول میآورد و همگاه پیشنهاداتی راجعه بمالک فلاحتی و مؤسسات اقتصادی و سعی در آوردن متخصصین برای راه سازی و سد آهن که کمال تاثیر را در پیشرفت و ترقی فلاحت دارد و پیشنهاداتی راجع بدفع آفات حیوانی و مساعدت با فلاحین از رفع بعضی مالیاتها و تداول گاو کاری را منظور فرمایند امید است که تصدیق فرمایند دولت در این مدت کم در این قسمت از وظیفه خود هم قصور نکرده است

حسن مستوفی

* * *

پس از این واقعه آب سردی بحرارت برخی از وکلا ریخته آمد مجدداً شخص شاه اعتماد اکثریت مجلس را معلوم که با شخص مستوفی است دو مرتبه ایشان را خواسته و امر بتشکیل کابینه جدید فرمودند آقای مستوفی نیز منظور نموده از هر فراکسیون مخالفی یک نفر را بعضویت کابینه دعوت کردند - آقای تدین - آقای داور - آقای فاطمی و شاهزاده فیروز میرزا داخل کابینه آمدند و هنوز هم وزارت پست و تلگراف خالی است گویا یک از اعضای فراکسیون دیگر مجلس هم داخل به کابینه شوند افسوس من اینست که با آنهمه ابراز حرارت سر آقا سید یعقوب بی کلاه مانده است اگر چه عقیده من در حق آقا سید یعقوب آنست که اقدامات ایشان از روی صمیمیت و خلوص نیت بوده ولی حیای [شیر امر] کجا رفته است

راه آهن ایران

واقع مفاد [به یغی مشت الندوه نفر خاموش اند] ملت ایران است و قصور هم ندارند چه افراد همه جاهل و بی وقوف اند نه گریه شان از روی عقل است و نه خنده شان از روی مدرک نه دشمنی شان روی اصل ثابت و نه دوستی شان بر پایه محکم - فشار روسها باقتصادیات ایران مردم را گرسنه ساخته چنین تصور کرده اند راه آهن بفوریت رفع این فشار را از آنها تواند نمود و ناهار خوان را بفوریت مهیا تواند ساخت، چون چندی قبل دکتر ملیسپو گفته بود که راه آهن قسمیکه مجلس مائل است ساخته شود دو سه سالی طول خواهد کشید این صحبت را بهانه قرار داده بر خلاف دکتر میلسپو هم کنفرانسها داده مقالات چند در چند نگاشتند از یک طرف دکتر میلسپو جواب مقنعی را از طرف خود اعلان نمود از طرف دیگر نیز متخصص راه آهن را اعلیحضرت طلب و امر بتسریع کار فرمودند همه مردم اقناع و آبهای مخالفت از آسیا افتاد ولی هیچ کس خیال نکرد هر عمل که محتاج بمرور ایام باشد هیچ اقدامی اورا تسریع نتواند نمود - ساختن راه آهن نقشه فنی لازم دارد - صاف کردن جاده میخواهد - نقب کوه درکار دارد تعمیر پلهای آهنین ضرورت میشود همه اینها وقت میخواهد اگر در این اعمال هم تسریع شود کم از کم پس از دوسال میتوان آهن وچوب بزمین انداخت و در مملکتی که راه آهن نداشته و نقشه های آن کشیده نشده باشد هر کمپانی معتبری هم که بخواهد اقدام در ساختن راه های آهن آن نماید همین طول زمان را درکار دارد البته اصرار مردم قدری بر سرعت عمل تواند افزود

مهندسین امریکائی که در راه هستند چنان تدارک دیده شده بهر سرحد که وارد شوند مشغول به نقشه و کار خواهند شد

کارخانه آهنگری

چیزیکه تاکنون سر و صورتی بخود نداده همانا کارخانه آهنگری است هنوز معلوم نیامده که کدام یک از معادن آهن را برای کار کردن موزون تصور کرده اند متخصصین آلمانی بملاحظه برخی

معادن رفته مگر عملیات شان معلوم نیست میگویند که بعضی خاکهای معادن آهن متفرقه را پس از اینکه امتحان ابتدائی نموده برای تجزیه و امتحان به آلمان فرستاده اند کم کم زمزمه میشود که خوب است یک شاخ راه آهن را دولت بیک کمپانی معتبری داده تا بفوریت شروع بکار کرده و چوب و آهن را هم از خارجه بیاورد ، یک طرف از بندر شروع براه سازی کند و از طرف دیگر مهندسین مشغول به نقشه برداری گردند و سایر عملجات هم مشغول بکار شوند در این صورت یک مبلغ مختصری فرق عمل پیدا خواهد شد و این مبلغ را باید ملت متحمل شود و در مقابل آن منافع سرعت عمل را حاصل نماید و تا وقتیکه یک شاخ راه آهن ساخته شود ایران خواهد توانست که تمام شاخهای دیگر را نقشه برداشته تهیه چوب و آهن را از خود بنماید

(علاج فوری)

علاج فوری ایران در رفع بحران اقتصادی منحصر است به تعمیر و تکمیل راههای شوسه و تدارک بنزین ارزان تا رفع بحران اقتصادی را بنماید اگرچه دولت در ساختن راه های شوسه جدیت دارد ولی باندازه لزوم مملکت اهمیت به آن داده نمیشود هنوز هیچ راهی از جنوب تکمیل نشده بلکه تعمیر نیافته است هنوز اهالی شمال و جنوب و شرق و غرب ایران نمی توانند بسهولت باهم تجارت کنند بواسطه نداشتن راه های شوسه کافی تجارت داخلی ایران درحکم صفر است هر قدر در ابتدای امر راه های شوسه بایران فایده رساند راه های آهن اضعاف خواهد رسانید غرض این نیست که نباید راه آهن ساخته آید ما میدانیم مملکتی که دارای راه آهن نباشد دارای تمدن دارای زراعت دارای صناعت و تجارت بلکه دارای هیچ نیست ولی چون میدانیم این امر بفوریت صورت نتوان بست باید جدیت کنیم که راههای شوسه خودرا هرقدر زودتر ممکن است تکمیل نموده تا وقتیکه راه های آهن ما ساخته شود بحران اقتصادی خود را مرتفع داریم ، بودجهٔ که برای راه سازی معین آمده با احتیاجات ملی تشمی نخشی نیست با این همه شنیده میشود که برخی از وکلای مطلع موافقت با بودجه راه سازی فواید عامه ندارند باید دید که نتیجه مذاکرات مجلس اروی آن چه خواهد شد .

(بقیه صفحه ٤)

و بیش از هر چیز ایران محتاج براه آهن است ولی هرگز نباید مشتبه شویم که امروزه راه آهن برای ایران اقتصاداً سود مند واقع نتواند گردید ولی این خساره را دولت و ملت باید در مقابل منافع عمده دیگر تحمل نماید چنانکه گفتیم که راه آهن سرمایه ملی ساخته می آید نه از بیجای خیالات و بیوستن آزادی تا دیرباز غلام اجنبیان میشویم لذا اگر راه آهن ایران را کمپانی های خارجه میکشیدند هوای مهواره مالانه بیش از عایدات انحصاری باید کسر عایدات راه آهن را ذمه گرفته به آنها بسپاریم حالا که خود ایرانیان میکشند منتها تا سالی چند از راه های آهن خود منافع اقتصادی نخواهند داشت ولی کارخانه آهنگری از همان اول ساعتی که بکار افتد سر تا پایش برای دولت و ملت نافع است حالا حرف در این است که این کارخانه و یا مهمات ابتدائی راه آهن را از کجا باید خریداری نمود خیلی ها خواهند گفت هر جا که مقرون بصرفه ثابت شود ولی بعقیده ما بهترین خرید از آمریک مقرون بصرفه خواهد بود و علاوه منافع سیاسی و اقتصادی برای آینده ایران در این معامله مهم با آمریکه است چنانکه نوشتیم هرگز نمیتوان به مناقشات کنونی روس و انگلیس اطمینان نمود ما باید یک دولت ثالثی را در ایران ذی نفع قرارداده تا درموقع لزوم بتوانیم استفاده سیاسی ازاو نمائیم آمریک تا ۵۰ سال دیگر مزیت اقتصادی در دنیا خواهد داشت و بواسطه این مزیت اقتصادی نفوذ سیاسی آن در شرق و غرب قائم خواهد ماند وبهترین دولتیکه تواند مارا درموقع لزوم در فشار این دو همسایه کمک بخشد همانا آمریک است ازاین رو ما عقیده داریم که بهر قیمت باشد باید آمریک را در ایران ذی نفع وذی مدخل قرارداد اگر مداخلات اقتصادی آمریک هم چین نبود تا بحال دول حریص طماع اروپ این قطعه را مانند سایر نقاط آسیا قطعه قطعه و در مستعمرات خود قرار داده بودند بزرگترین اساسیکه چین را بر روی پای خود گذاشته ، قرار دادیست که بقاعدی آمریک بین جمیع دول و دولت چین بسته آمد و آن قرارداد دارای دو اصل اصل بوده اول احترام و اقرار بتمامیت چین دوم اتفاعات تجارتی در مملکت آسمانی بطریق مشروع و همین دو اصل اصیل است که امروزه ملیون چین گرفته و تواینده پیش میروند ایران باید بهر قیمت باشد امریکا را در معاملات خود ذی نفع قرار داده راه های استفاده را بروی آن باز دارد امروزه امریک سومین دولتی است که مراودات اقتصادی با ایران دارد و تجارت او برای ایران نافع ثابت شده یعنی صادرات ما نسبت بواردات او خیلی فزونی دارد بعقیده ما هر قدر مراودات ایران با آمریک بیش شود منافع سیاسی و اقتصادی ما بیشتر خواهد گردید حالا چگونه باید این مراودات فزونی یابد اولیای دولت و وکلای ملت بهتر میدانند وما نیز در موقع دیگر عقیده خودرا اظهار خواهیم داشت .

در مطبعه اتحاد نمبر ۱ — ۲٦ امری پوکر رود کلکته طبع و توزیع گردید

▶ از هرجا ... ملا استثنا بدل آبونه اخبار ◀

▶ مقدم گرفته میشود ◀

▶ ... نامه مقدس ◀

▶ هند و برمه ◀

▶ ایران و افغانستان ◀

▶ ایک ولیم لیره انگلیسی ◀

▶ توزیع میشود ◀

حبل المتین

▶ سنه ۱۳۱۱ ◀

▶ یوم سه شنبه ۹ شعبان المعظم سنه ۱۳۴۴ هجری مطابق با ۲۳ فروری سنه ۱۹۲۶ میلادی ◀

▶ لایحهٔ مصوبهٔ راه های آهن ایران ◀

ماده اول – مجلس شورای ملی ساختن خطوط راه های آهن ذیل را بدولت اجازه میدهد

طهران – محمره

طهران – بندر جز

طهران – میرجاوا

طهران – ...

طهران – بندر لنکه

طهران – روان دوز

طهران – قرتو

طهران – آستارا

ماده دوم – دولت مکلف است بعد از تهیه نقشه مقدماتی لازم برای ساختن هر خط مراتب را باطلاع کمپانیهای خارجه ساختمان صلاحیت دار معتبر برساند و شرایط هریك که نافعتر و بصرفه نزدیکتر باشد آنرا پس از تصویب مجلس شورای ملی بموقع اجرا بگذارد در مواد اولیه که برای ساختن راه آهن لازم است و آن در مملکت امکان دارد باید در خود ایران تهیه شود و کارخانه آهن آب کنی برای این کار در ایران از طرف دولت ایجاد شود

ماده سوم – برای تهیه نقشه مقدماتی راه و نقشه ترتیب استخراج آهن و تاسیس کارخانه آهن آب کنی در ایران

دولت مجاز است یك نفر متخصص امریکائی و یك نفر متخصص آلمانی بلا فاصله از تصویب این قانون و عدم کفایت مهندس ایرانی استخدام نماید

ماده چهارم – برای حقوق و مخارج متخصص و ... ... سالی مبلغ ۲۵۰ هزار تومان از ... ... دولت اعتبار داده میشود

ماده پنجم – وزارت مالیه و فوائد عامه هر یك در حدود وظایف خود مأمور اجرای این قانون هستند.

▶ حبل المتین ◀

نافع ترین لایحه که از مجلس شورای ملی دوره پنجم دوره مقننه گذشته همانا لایحه راه آهن است در اطراف اهمیت راه آهن برای ایران باندازه بحث شده ... ... بیشتر از تذکر وکلا دو نکته است اول اینکه موادی که برای راه آهن لازم آید آنچه در ایران موجود باشد بدواً باید در خود ایران تهیه شود دوم قبل از هر اقدام آوردن کار خانه آهن آب کنی است در حقیقت این کارخانه اساس کارخانه آهنگری است که حبل المتین مقالات عدیده در اطراف آن نگاشته است بعقیده ما چند کارخانه آهن آب کنی یا بعبارت ساده تر کارخانه آهنگری باید درچند نقطه گذاشته آید تا اسباب سهولت و سرعت کار فراهم شود یکی در محمود آباد مازندران که مرحوم حاجی محمدحسن امین الضرب قبلا اقدام نموده و هنوز هم گویا آثاری از آن موجود است و معدن آهن محمود آباد که تا اندازه هم دراو کار شده خیلی قابل و مهم است

دیگر در بندر لنگه و سلسلهٔ بنادر شیبکوه که مملو است از معادن مختلفه .بندر لنگه بواسطه همین معادن در آتیه نزدیك فوق العاده اهمیت پیدا خواهند نمود و مرکز اقتصادی و تجارتی کلیهٔ خلیج فارس واقع خواهد گردید همین قسم کارخانه آهن آب کنی در نقاط شرقی نیز جائی که معدن آهن باشد لازم است علاوه براین او حالا دولت باید ... ...

رسانند چه برای کشیدن راه آهن دو چیز اهم لزوم را دارد اول آهن دوم چوب

اگر ما با اصول صحیح اقدام بکار کنیم در این مواد کاملا از خارجه مستغنی توانیم گردید ولی در صورتی موفق به جلوگیری قطع اشجار مثمر و غیر مثمر از جنگلی و غیر جنگلی توانیم شد که معادن ذغال سنگ را که غالباً در همه ایالات و ولایات موجود است بکار انداخته و مردم را به استعمال آن عادی نموده جلو سوختن چوب را بگیریم و از طرف دیگر نیز وزارت فواید عامه باید اداره جنگلات را ترتیب داده آن اشجاریکه تخته اش بیشتر بکار راه آهن می آید غرس کناد در جنوب هم جنگلات زیاد است که ابداً محل توجه دولت نیامده و مظنون است اگر دولت توجه کند یک حصه عمده از چوبهای لازمه راه آهن را حاصل توان نمود مخصوص قلمی جنوبی حال الامتن راست که در این موضوع آنچه معلومات صحیحه دارند یا می توانند حاصل کنند باداره فرستاده تا برای توجه اولیای دولت اشاعه یابد خطوط راه آهنی که در لایحه فوق ذکر شده تخمیناً از سی و پنج هزار کیلومتر هم افزون است و معلوم است که اینخدمت از عهده یک کمپانی خارج است ولابد کمپانیهای عدیده در راه های آهن ایران کار خواهند نمود و چنانچه طریق خصوصی بما خبر رسیده اعلیحضرت شاهانه مجید الدکلیه راه های مصوبه در لایحه فوق تا آخر سال « ۱۳۱۰ شمسی » خاتمه پذیرد یعنی تا ۶ سال بعد و اگر دولت موفق گردید که عمده لوازم راه آهن را که چوب و آهن است از خود ایران تهیه کند به اندازه به اقتصادیات مملکت خدمت شده که مافوق آن متصور نیست چه این کارخانجات آهن آب کنی که اساس کارخانه آهنگری اش باید گفت پس از سالی چند ایران را از خرید کلیه ماشین آلات خارجه اعم بر صناعتی و زراعتی مستغنی تواند داشت در صورتی که کارخانجات نجاری هم با او توام شود ابداً محتاج به تهیه لوازم از خارجه نخواهیم شد اینجا شاید برخی از ارباب دانش را دو ایراد وارد آید لهذا ما به اصول جواب از سوال مقدر می گوئیم اول اینکه ممکن است برخی چنین تصور کنند ساختن راه آهن به این اصول شاید مقرون بصرفه نگردد به این معنی که مصارف ما بیش از خرید لوازم راه آهن از خارجه بشود مثلا چنین تصور شود اگر ما چوب و آهن از خارجه بیاوریم هر فرسخی مثلا ... تومان خرج راه آهن ما خواهد شد ولی اگر کوشش کنیم که تهیه لوازم را از خود ایران بدست آوریم هر فرسخی ... ۱۲۰ هزار تومان مصارف مان گردد این تصور ممکن هم هست درست باشد چرا که تهیه لوازم برای ما در ایران مصارف ابتدائی خواهد داشت ولی اگر به اصول اقتصاد به این اضافه مصارف نظر انداخته آید دیده خواهد شد که بصرفه مملکتی مقرون تر است

ولو مصارف ما دو برابر هم بشود لوازم راه آهن را تا جائیکه ممکن است از خود تهیه نمائیم چرا که این اصول پول مان از مملکت خارج نخواهد شد و ملیونها اهالی بیکار ما بکار توانند افتاد ولی اگر بنا شود از خارج لوازم راه آهن تهیه گردد پول نقد از مملکت خارج شده و مزدی که باید به مزدوران خود دهیم بعمله جات خارجه پرداخته ایم و پس از چند سال همه از بین رفته و باز محتاج خواهیم شد که برای ترمیم و تعمیر آن باز هم پول خود را بخارجه بفرستیم ولی اگر تهیه لوازم در داخله شد همیشه ما را مستغنی از خارجه نموده و ثروت مملکت بین اهالی چرخ خواهد زد و اوضاع اقتصادی ما از همان روزیکه شروع به ساختمان راه آهن کنیم رو به بهبودی خواهد گذارد دوم اشکالی که ممکن است برخی را دامنگیر آید آن است که اگر ما بخواهیم تمام لوازم راه آهن را از خود تهیه کنیم تسریع در کار ممکن نخواهد شد یعنی آنچه تصور خواهد شد که برای تهیه لوازم راه آهن از خود ایران یک طول مدتی در کار دارد و حال آنکه این تصور صحیح نیست مشکلات که برای تعمیر راه آهن در پیش می آید و سبب طول جریان کار میشود دو امر است اول تسطیح طرق و ساختن پلهای روی بر دره ها و رود خانه ها ـ دوم نقب زدن در کوهها است ورنه انداختن تخته و آهن در راه های مسطح خیلی آسان و سهل و سرعت انجام پذیر است پس چه ضرورت دارد که ما همان طول مدتی که برای زدن نقب و تسطیح راه و ساختن پلها مجبور ایم در همان مدت کارخانه های آهنگری خود را نیز بکار انداخته تهیه چوب و تخته و تعمیر اسباقهای راه آهن وغیره از خود بنمائیم چون وجه موجود داریم ابداً معطلی در کار پیدا نمی شود و بهمان طول مدتی که در تسطیح طرق و ساختن پل و نقب کوه ها ما را پیش می آید تمام لوازم راه آهن را می توانیم در خود ایران تهیه کنیم البته چیزیکه محتاج بران ایم همانا مهندسین و متخصصین و مجربین است که باید از کارخانجات اروپا جلب شوند یعنی فقط ساختمان راه را به کمپانیهای خارجه واگذار کنیم چه این امر فعلا از خود ایرانیان نمی شود ممکن است با همان کارخانجات قرار داد نمود که لوازم آن را ایران خود بدهد یا خود آنان از داخله ایران تهیه کنند هر کس از ارباب فن و اطلاع در این موضوع چیزی نگارد

... مخصوصاً در اقدامات آن سانتر است چه هر چه قوانین شروع بعمل شود نتایج مطلوبه بیشتر بدست وارد آمد علاجی که قبل از وقوع واقعه باید نمود این است که از روی اتفاق و حتم هنگامیکه راه آهن ایران شروع شود عده دسته فوج فوج عمله‌جات و ارباب عمل از خارجه بایران خواهند ریخت و ما نیز بوجود آنها محتاج ایم چه عمل عمل در ایران نداریم و عمله‌جاتیکه هم تجربه برای ساختمان راه آهن و لوازم آن داشته باشند موجود نیست چرا خصوصیت اولیه وظیفه دولت علیه الشأن کابینه تلیبون هو ایران است یعنی باید امتیاز خارجیان را اهم از عمله‌جات و مهندسین وغیره مرتفع داشت و سپس قانون مخصوصی برای عمله‌جات معادن و راه آهن وغیره وضع کرد برطبق قوانین بین‌المللی دنیا که در آن قوانین ساعات کار و مواجب عمله‌جات وغیره معین گردد و اگر چنین نکنیم در آینده نزدیك خیلی دچار مشکلات و تضییقات خواهیم آمد در خاتمه اگرچه ما احداث راه آهن ایرانرا یك از برکات وجود اعلیحضرت پهلوی میدانیم ولی صمیمانه تشکرات صمیمی خودرا نیز بوکلای دورهٔ پنجم تقدیم مینمائیم مخصوصاً در موضوع کارخانه آهنگری و در تهیه لوازم راه آهن در خود ایران یعنی آنچه در ایران میسر آید باید از خود ایران بدست آورد چه حل المتین در اینموضوع خیلی حصه دار است و تذکر داده بود خدارا شکر که زحمات ارباب قلم در این امر بی نتیجه نماند.

امیدواریم آقای داور وزیر فوائد عامه که در تسریع گذاشتن لایحه راه آهن حصه بزرگی داشته جدیت فرمایند که تهیهٔ لوازم راه آهن در خود ایران شود و تسریع فرمایند در آوردن کارخانه آهنگری که سرمایه جمیع ترقی اقتصادیات ایران شناخته آمده است

◄ ابتیاع راه آهن دزداب ►

خط آهن موقتی که در جنك بین‌المللی دولت انگلستان برای تسهیل حمل و نقل ارزاق برای قشون خود در سرحدات خراسان از (نوشکی) که منتهی الیه خط آهن انگلیس در بلوچستان میباشد و از آنجا به دزداب میاید و بیست و پنج فرسخ مسافت آن میباشد در این موقع که دولت علیه در صدد احداث خط آهن در حدود سیستان دزداب و مشهد برآمده وزارت مالیه با وزارت امور خارجه مشغول مذاکره گردیده که خط آهن مزبور را از کمپانی انگلستان مطابق قیمت عادله ابتیاع نماید برای پیش رفت این نظریه وزارت امور خارجه با مقامات مربوطه مشغول مذاکره میباشند.

◄ حبل المتین ►

... اطلاع میدهند راه آهن دزداب تا نوشکی

قسم یعنی خارجی است و از آنرو قطار هائیکه روی آن حرکت میکند خیلی آهسته میرود مسلم است که وقتیکه دولت علیه این راه را خریداری نمود مصارف فوق العاده هم باید بنماید تا این راه پخته و مکمل شود و نیز خیلی چوب و آهن های او که بواسطه بی کمکی خراب شده باید تبدیل یابد و در موقع خرید دولت باید ملاحظه این گونه مصارفات را هم بنماید . شك نیست انگلیسها در این راه خیلی خرج کرده اند ولی ان مخارج سیاسی بوده و در موقع جنك یك بر چند مقابل صرف میشود ، معلوم است تصفیه با قیمت عادله رفع همه اشکالات را تواند نمود و حکومت هند هم هیچوقت سخت گیری نخواهد کرد چه اضافاً این خط برای تجارت هندوستان با نقاط شرقی ایران خیلی نافع است و کمك بزرگی هم بسیاست انگلستان مینماید مسلم است پس از خریداری این خط ضرورت بساختن خط ست نه سیستان تا دزداب خواهد شد ، چه این خط برای فروش محصولات سیستان و عمران آن سامان خیلی مفید ثابت شده است.

◄ فرمایشات همایونی بوکلای ملی ►

درمجلس شورای ملی مذاکراتی راجع به انتخابات دوره ششم میشود که لازم دیدیم که نمایندگان محترم را مسبوق سازیم گذشته از علاقه که بمشروطیت و اصول قوانین داریم موقعیت مملکت طوری است که اتصال دوره های تقنینیه را بهمدیگر ایجاب میکند و مملکت محتاج اصلاحات و اقداماتی است که با وجود مجلس شورای ملی امکان پذیرخواهد شد

بنابراین افتتاح سریع دوره ششم مجلس شورای ملی یك اقدام اساسی و لازمی است که مورد توجه ما میباشد و نظر باینکه بموجب قانون مصوبهٔ مجلس انتخابات باید یك روز در تمام مملکت شروع و اجرا شود باینجهت برای رساندن تعرفه ها به ایالات و ولایات و اجرای آن در یك روز قدری تاخیر افتاد و بزودی تا ده پانزده روز دیگر انتخابات در تمام نقاط شروع خواهد گردید مسئله دیگر این است که چون لوایح مهمی که کمك به بهبودی اوضاع اقتصادی مملکت میکند و از طرف دولت به مجلس شورای ملی تقدیم شده است از قبیل لایحهٔ راجع به راه آهن و لوایح دیگر اقتصادی ما لازم است هرچه زودتر از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد و با این ضیق وقت مجلس لازم است که زودتر در تصویب این لوایح اقدامی بعمل آرد و اگر نواقصی هم در آن باشد در کمیسیون های مجلس و در خود مجلس اصلاح شود و لوایح مزبور منتج و مفید از تصویب مجلس شورای

[illegible] بگشود که برای مملکت آنان خوبی خواهد داشت [illegible] لازم میدانم که این نکته را هم تذکر دهم که اصلاح اخلاق اساس ترقی جامعه بوده و بر خلاف سابق ایرانیان امروز باید بدانند که در مسائل داخلی توسلات خارجی و این قبیل کارها بر خلاف وطن پرستی بوده و لازم است نمایندگان محترم هم در تصحیح این قبیل اخلاق جامعه نصایح لازمه را بنمایند و ملت را به رشد و غرور وطنی دعوت نمایند که زندگانی یك ملت اساسش روی اصلاح اخلاق و دخالت ندادن بدیگران در امور داخلی و خانه خود میباشد

حبل المتین

اتکا و اتکال بخارجیان سوغاتی است که عباس میرزای قجر برای ایران تهیه و بدریعه معاهده ترکمانچای بایرانیان تزریق نمود چنانچه در مقالهٔ خود بعنوان متکا باید بود نه متکی چندی قبل شرح دادیم حبل المتین می خواهد انچه پیشگاه پادشاه محبوب خود مر نگارد اساسی و خالی از تملق باشد لذا می گوید اعلیحضرتا تنها بیانات همایونی کفایت میشود اتکا و اتکال را از تودهٔ ملت مرتفع نتواند داشت چارهٔ این مرض مزمن دو امر است اگر باین دو اصول عمل شود ما ایقان می دهیم که در تودهٔ ملت احدی یافت نشود که اتکا و اتکال بخارجه نماید (اول الغای کاپیتلاسیون یعنی قضاوت قونسلات در داخله) چه تا وقتیکه این اصول منحوس یادگار دوره قجر از ایران محو نگردد ممکن نیست در داخله تفوق خارجیان دیده نباید و تا زمانیکه خارجیان در داخلهٔ مملکت ما تفوق و امتیاز داشته باشند محال است توسلات قلبی عامه از خارجه مرتفع گردد

دوم — وضع قانون جزائی است برای مرتکبین توسلات خارجی و حکم قطعی بلا تبعیض واستثناء ناپذیر و اجرای آن، در کلیه ممالك متمدنه دنیا برای افراد یك توده گناهی عظیم تر از توسل بخارجه دیده نمی شود و سزایش بلا استثناء اعدام است لذا جمیع حساسین ملت از آن اعلیحضرت تمنا دارند که ریشهٔ توسلات خارجی را از ایران بالغای قضاوت قونسلات خارجه و وضع مواد قوانین جزائیه خلع فرمایند چنانچه در دفعه گذشته نگاشتیم ما فرمایشات و نصایح اعلیحضرت را در این گونه مواد اصلاحیه کافی تصور نمیکنیم و ظاهر داشتیم که حتی احکام الهی ونصائح اولیاء او دیگر نیز برای هدایت این انسان ذو پا کافی نبوده از این رو احکام جزائیه هم برای [illegible] از [illegible] شرعیه صادر فرموده‌اند از این رو ما نیز از آن اعلیحضرت تمنا مینمائیم که در [illegible] امور ملك و تهذیب اخلاق [illegible] از [illegible]

[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] شود و هم مملکت [illegible] وقتی است [illegible] هرکس در حد خود حرکت نماید [illegible] این اصول بدون تمامی [illegible] فکر [illegible] که فوراً در اخلاق توده تفاوتی پیدا شود یا نصایح [illegible] شاهانه را بجای خود خیلی ذیقیمت و [illegible] میدانیم ولی همینکه آن نصایح صورت عملی بخود گرفت انوقت برای همیشه در ملك و ملت باقی تواند ماند امیدواریم خیلی زود اعلان الغای کاپیتولاسیون و اجرای قوانین جزائیه توسلی را امضا نمائیم

درخاتمه وزراء دوره قجر و اقا ابراهیم قوامی و حیدر خان بندر ریگی و امثال انان را مخاطب کرده میگوئیم دقت کنید فرمایشات اعلیحضرت و از اتکا و توسل خارجه پرهیز نمائید ورنه برهم جز خوتش بشت پا خواهید زد این دوره را به ادوار سلف قیاس نتوان نمود دوره دورهٔ پهلوی است ازاین وست میدهند و از آن دست میگیرند بازهم اعلیحضرت را متذکر آمده میگوئیم مسئله اتکار خارجی که در پیشگاه اعلیحضرت از اعظم ذنوب لایغفراست درجنوب خاصه درخلیج فارس خیلی قوت گرفته هرگاه توجه مخصوصی در این باب مبذول شود خیلی بجا و سزا خواهد بود رؤسای کشکولی وخان بچه کان بختیاری هم هنوز رجحان توسل شان باقی است یقین است بزودی متنبه آمده این ننگ را از خاندان خود مرتفع خواهند داشت

نقل از روز نامه کوشش منطبعهٔ طهران

(یك روز تاریخی)

نظر باینکه اولاد و احفاد مرحوم کریمخان وکیل طاب ثراه در طول مدت سلطنت قاجاریه دستخوش قتل و دچار تضییقات و مظالم طاقت فرسای سلاطین قاجار بودند روز نهم آبان را که روز انقراض سلطنت از این خانواده بود عید گرفته و ظهور دولت پهلوی را طلوع صبح سعادت ایران و خاتمه روز گار مصیبت و مشقت خود شمرده اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه ایران را دست انتقام الهی دانسته و به شکرانه این موهبت عظمی شمشیر تاریخی مرحوم کریمخان وکیل را که گرامی ترین نفایس خانوادگی آنها بود برای تقدیم آن اعلیحضرت حاضر و بوسیله آقای سید ابراهیم ضیاء نماینده محترم مجلس شورای ملی استدعای شرفیابی نموده بودند روز پنجشنبه ۱۲ دیماه از طرف وزارت دربار پهلوی تعیین وقت شرفیابی و دوساعت بظهر آقایان سهراب خان زند وکیل (معین السلطان) و حاج غلام علی خان زند وکیل و حسن خان زند وکیل و حیدر خان زند [illegible] در قصر گلستان [illegible] [illegible]

بعدا اعلیحضرت شاهنشاهی آقای ضیاء را مخاطب قرار داده فرمودند که من بـاولاد مرحوم کریمخان وکیل علاقه و محبت مخصوص دارم و از هر حیث امیدوار باشند که زحمات گذشته آنها جبران خواهد شد

پس از عرض تشکر از عنایت ملوکانه آقای ضیاء عرض نمودند

اعلیحضرتا برای بقیة السیف اولاد و احفاد مرحوم کریمخان وکیل در پایان مظالم قاجاریه فقط دوچیز باقی مانده

اول — چند قطره خون وحشاشهٔ از جان که افراد آنها حاضرند در رکاب مبارک نثار نمایند

و دیگری شمشیر مخصوص مرحوم کریمخان وکیل است که برای افتخار خانوادگی مثل جان نگاهداشته‌ایم و اینک به پیشگاه مقدس پدر تاجدار خود که وارث و صاحب حقیقی آن هستند تقدیم مینمایند شمشیر توسط آقای وزیر دربار تقدیم و اعلیحضرت فرمودند

باکمال میل قبول و از بهترین هدایا میدانم و نظر باینکه مرحوم وکیل خدمات مهمی بایران نموده همیشه توجه مخصوص بتاریخ سلطنت ایـن پادشاه داشته ام ! در واقع بعد از مرحوم کریمخان پادشاهی که استقلال و عظمت مملکت را حفظ کند نیامده است و چون بر سر مرحوم کریمخان بی احترامی نموده اند و من این توهین را روا نمی دارم امر داده ام که رفع توهین نموده و روز مخصوصی را برای اداء مراسم و تجلیلات لائقه معین بنمایند

در اینموقع اعلیحضرت بـطرف خـلوت معروف بکریمخانی تشریف برده و محلی را که سرسلسله قاجار مورد اهانت قرار داده ومعمار مخصوص و بنا باکمال ادب و احترام مشغول بود معاینه و اظهار تاثر فرموده بعد از یك سکوت طویـل کـه آثار ملال از ناصیه اعلیحضرت مشهود میگردیـد همانقسم که محل اهانت را در نظر گرفته بودند فرمودند :

« آیا شایسته است باکسیکه مادام العمر شمشیر در دست داشت و بمملکت خدمت مینمود : اینگونه سلوك شود »

در همینحال شمشیر را ملاحظه فرموده تیغه شمشیر را بیرون آوردند آقای ضیاء رباعی ذیل را که روی تیغه شمشیر طلا کوب شده و از هاتف اصفهانی است

§ ایـن تیغ که شیر فلکش نخچیر است §
§ شمشیر وکیل آن شه کشور گیر است §
§ پیوسته کلید فتح دارد در مشت §
§ آری دست که بر قبضه ایـن شمشیر است §

و همچنین رباعی ذیل را که روی غلاف شمشیر طلا کوب شده :—

§ چو این قبضـه تیغ کشورستان §
§ بدست خدیـو جهانبان رسد §
§ در آرد زبانش بیك ضرب دست §
§ اگـر برسر پور دستان رسـد §

قرائت نموده و عرض کردند

اعلیحضرتا سال ۱۱۸۹ که تاریخ ساختن این شمشیر و روی تیغه آن طلا کوب شده برای ایران سالی مبارك و پر افتخار بوده زیرا که در این سال بصره بدست لشکریان ایران فتح شده است نظر باینکه عمر پاشا والی بغداد بزوار ایرانی اهانت مینمود و اینمسئله بر کریمخان وکیل گران بود مرحوم وکیل تنبیه و قتل عمرپاشا را از سلطان مصطفی خان پادشاه عثمانی خواسته وبمسامحه تلقی شده بود مرحوم کریمخان بتصرف بصره وفتح عراق مصمم گردید وهمینکه بصره تحت استیلای سلحشوران ایران درآمد سلطان مصطفی خان قیصر روم متنبه شده پاشایان دیار بکر و وان و موصل را امر داد که به بغداد رفته و عمر پاشا والی بغداد را بجزای اهانتهای وارده باتباع ایران بقتل رسانیده و ایلچی مخصوص بدربار ایران اعزام داشته و انصراف مرحوم وکیل را از فتح بصره و عـراق درخواست نمود ولی در زمان توقف ایلچی قیصر روم در شیراز بصره فتح و بیرق ایران در بصره باهتزاز و آوازه عظمت ایران باطراف پیچید

دراین موقع ازاعلیحضرت استدعا نمودند که عکس برداشته شود یك شیشه عکس باین ترتیب که اعلیحضرت درطرف راست ازدیك بمحلی که استخوانهای مرحوم وکیل یافت شده بود ایستاده و آقای وزیر دربار درسمت چپ شمشیر تاریخی مرحوم وکیل را گرفته ودر وسط استخوانها سرمرحوم کریم خان را درسینی نقره نگاه داشته بودند برداشته شد ، سپس اعلیحضرت امر فرمودند که از احفاد مرحوم وکیل هم در همانجا عکس برداشته شود و ظرفی را که استخوان های آن مرحوم در آن بود بدست آقای سهراب خان زند وکیلی داده وعکس برداشته شد دستور ملوکانه باقای وزیر دربار صادر گردید که بزودی مراسم تجلیل را فراهم و روز آن را معین نمایند

آقای ضیاء عرض نمودند : اعلیحضرت مقرر خواهند فرمود که آقای کمال الملك نقشه عالی وظریفی برای آن بنای تاریخی تهیه و ازنظر مبارك بگذرانند وهمچنین برای قبر مرحوم لطف علی خان زند که در امام زاده زید مدفون و آثارقبرندارد بنای تهیه نمایند

اعلیحضرت باقای وزیر دربار امر دادند که هر قدر ممکن است دراین دو قسمت اهتمام بعمل آید وچون از احفاد مرحوم وکیل عکس بر میداشتند

اعلیحضرت اقدس بطرف دیگر خلوت کریم خانی تشریف برده و مکرر میفرمودند

کریم خان پادشاه بزرگی بوده و بمملکت ایران خدمت نموده است

مجدداً آقای ضیاء عرض نمودند در همان قسم که اعلیحضرت میفرمایند مرحوم کریم خان وکیل همیشه بفکر ترقی وعظمت مملکت بوده و عقیده داشته است همین طور که قشون برای حفظ امنیت و سرحدات در خشکی لازم است در دریا هم کشتی های بزرگ جنگی برای حفظ سواحل و امنیت دریا ضرورت کامل دارد و مملکت ایران چون دارای سواحل زیاد و دریاهای وسیعه میباشد محتاج بقشون بحری و کشتیهای مخصوص است و اول کسی است که در ایران باهمیت اینموضوع متوجه گردید مرحوم کریمخان نظر باهمیتی که باینموضوع میداد در تجهیزات بحری با وسائل ممکنه صرف مساعی نموده و متجاوز از سی فروند کشتی جنگی در دریای فارس آماده و در نتیجه جزیره خارك و بندر عباس بلکه کلیه سواحل خلیج را از استیلای مهاجمین اروپائی محفوظ داشته، و بفتح مسقط همت گماشت و بوسیله همین کشتی های جنگی و مهمات بحری بود که بنادر خلیج را از هجوم سیل آسای اروپائیان نجات داد و دست آنها را از این مملکت کوتاه نمود

اعلیحضرت فرمودند — نظر باینکه مرحوم کریمخان بیشتر عمر خود را در جنوب ایران سر برده بدین نکات اساسی متوجه گردید و اینموضوع از بزرگترین خدمات این پادشاه است آقای ضیاء در خاتمه عرض نمودند که احفاد مرحوم کریمخان وکیل با استظهار بمراحم شاهانه استدعا دارند که ایل پریشان زند را بتوجهات ملوکانه مفتخر و سرپرستی آنها را بکسی واگذار فرمایند که در هر موقع عرایض و مستدعیات آنها را بعرض برساند

اعلیحضرت فرمودند که سهراب خان زند وکیلی (عمید السلطان سابق) جمع آوری طوایف زندیه را در نظر گرفته و مطالب آنها را توسط وزرات دربار بعرض برساند که دستورات لازمه در باب آسایش آنها داده خواهد شد و تمام طوایف زند کاملا مطمئن و امیدوار باشند

در این موقع عکاس مخصوص نیز عکس برداشته و مرخص گردیدند —

حبل المتین

اکس پدیده تعمق نگریسته آید بیشتر اقدامات اعلیحضرت تاریخی است و ازاین اقدامیکه در پیرو فع بومی از بسر کریمخان زند فرموده که کسی در فکر هم نبوده خیلی علاقه مندان به ایرانرا امیدوار ساخته و دانسته که نظریات آن اعلیحضرت بجزئی وکل امورکشان است یعنی همان قسم که کلیات از نظرشان محو نمی گردد جزئیات را هم از نظر نمی اندازند

در موضوع ذکر تشکیلات بحری و جهازات جنگی کریمخان چون آن اعلیحضرت بزبان خود فرموده اند نظر به اینکه مرحوم کریمخان بیشتر عمرخود را در جنوب ایران بسر برد بدین نکات اساسی متوجه گردید و این موضوع از بزرگترین خدمات این پادشاه است و چون خیلی اعلیحضرت را دوربین دانسته و نظریات شاهانه خیلی وسیع است یقین داریم که ان اعلیحضرت در مرکز مملکت یعنی طهران نشسته انچه را مرحوم کریم خان زند در جنوب مانده و ملتفت گردید بیشتر و بهتر ملتفت گردیده اند که استقلال تامه ایران جز در سایهٔ تشکیلات بحری صورت نتواند بست در حقیقت حصهٔ جنوبی ایران عمده اش در ساحل دریا واقع گردیده و این سواحل گرم ازاد است که ایران را باجمیع ممالك غربیه متصل و با کلیه ملل اروپا و امریك آشنا می سازد

هزار و دویست میل سواحل ایران و این ممالك وسیع زرخیز صورت عمران درخود نتواند دید جز در سایه کشتی های جنگی و عمرانات بحری

اعلیحضرتا نظر توجهی باین سواحل ذیقیمت فرما که در اندك زمان بدرجهٔ عمران پذیرد که به قرنی هم از سائر نقاط برای ایران آبادی میسر نیابد خلیج فارس به اندازه مستعد عمران است که بعقیده متخصصین هر مقدار پولی که برای آن صرف شود در مدت پنج سال علاوه بر تادیه اصل همه ساله همان مقدار عایدات به ایران تواند بخشود

اعلیحضرتا جنوب ایران از شمال خیلی عقب است وکمتر از همه سلاطین قجر توجه به عمرانات خلیج نموده اند لذا آن اعلیحضرت راست که بیش از شمال متوجه بجنوب وخلیج آیند اساس کلیهٔ عمرانات خلیج تشکیلات بحری وفراهم نمودن چند اسکوادرن جهازات جنگی است برای ایران و ایرانیان مذلت و شرمساری از این بالاتر تصور می شود ؟ که در دورهٔ سلطنت پهلوی جهازات گرمهٔ خارجی در آبهای ما بمحافظت و گردش مامور آیند و کشتی هائیکه مفتخرانه بیرق شیر و خورشید بردکل های شان در اهتزاز است تحت تفتیش دیگران در آمده در آبهای خود بی حالة خوبی ذلیل و زبون اجاب گردند

اعلیحضرتا از یمن و برکت آن ذات والا راه های آهن ایران شروع شده و عنقریب شروع شدن است معلوم است که این خطوط راه

آهن تمام از سواحل و بنادر شروع خواهد شد آبهای خلیج فارس دروازهٔ ایران است چگونه این دروازه وسیع را بدون دربان و قراول بروی خارجه باز خواهیم گذارد آیا در آبهای خلیج جز جهازات جنگی دروازه بان و قرا ولی میتوان تصور کرد مسلم است که بدون تشکیل وزرات مخصوص و بودجه بحری این امر مهم عالی صورت نتواند بست

§ این کار از تو آید و مرد آن چنین کنند §

اعلیحضرتا پنج ملیون اهالی خلیج فارس و مکران هم فرزندان ایرانند چشم امید شان بتوجهات آن اعلیحضرت دوخته عمرانات ساحلی و انتظامات بحری خود را از دولت پهلوی امیدوارند گویا حالا دیگر وقت آن رسیده باشد که یك وزارت بحری تشکیل و یك بودجه خاصی برای آن تعیین آید یقین بدانند که متدرجا از همین سواحل مکران و خلیج فارس باندازه دولت عایدات پیدا خواهد نمود که در قلیل زمان همان قسمی که ایران دارای قوای بری بود حیثیت بحری اش نیز تکمیل گردد و آنوقتی خواهد بود که ایران بتواند از راه های آهن خویش مطمئن آمده منافع متصوره را حاصل نماید چه قدر شایسته است که آن اعلیحضرت در موقع تاجگذاری این بشارت جهان قیمت را نیز به پنج ملیون فرزندان خویش عنایت فرموده و نام بلند ایرانرا بلند تر نمایند امیدواریم که آقای فروغی رئیس الوزرای کنونی بذل توجه ذات شاهانه را به این مسئله حیاتی مبذول و متوجه سازند که در ریاست الوزرائی ایشان این مسئله اهم سیاسی و اقتصادی و عمرانی ایرانهم تکمیل پذیرد

نمونه عمل

متجاوز از نیم قرن گذشته و ما تجربهٔ کامل از دربار سلاطین متعدد قجر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و محمد علی و احمد شاه را دیده در هیچ یك نمونهٔ عمل مشاهده ننمودیم و اگرهم جواب عرض حالی را بجهاتی میدادند فقط لفظ بود نه معنی قول بود نه عمل از آغاز دوره پهلوی ضد آن اصول دیده میشود هرچه میگویند میکنند بلکه بسیاری از پیش آمدها را نگفته کرده اند و از این است که در کلیه طبقات ایران امروزه نمونه عمل نمودار است در ادوار سلف چون عمل درکار نبوده کسی هم بفکر کارهای اساسی نمی اوفتاد گویا هر طبقهٔ از ملت را خواب غفلت در ربوده بود امروزه اگر بنظر دقت ملاحظه شود دیده خواهد شد جمیع طبقات به اندازهٔ خود بکار اوفتاده اند آقا محمد باقر شاهرودی که از تجار واقف بمواقف عصر است بعد از جلوس اعلیحضرت پهلوی عرض حالی تقدیم و بجوابش هم نائل آمده اند چون نمونه عمل را ظاهر می دارد عیناً مینگاریم و بشارت می دهیم که در دو ماده آن عملا هم شروع بکار شده امیدواریم مادهٔ سوم نیز که تعمیم معارف است بزودی جلوهٔ بروز نماید

عرض حال

پیشگاه اعلیحضرت شاهنشاهی ایران

دراین موقع که تاریخ ایران بواسطه انقراض سلسله سلاطین قاجاریه و انتقال آن باعلیحضرت شاهنشاه پهلوی دوره جدیدی را شروع نموده و ملت ایران زندگانی نوینی دارا میشوند این بنده که یکی از رعایای صدیق دولت ایران میباشم خودرا موظف میدانم که احتیاجات ضروری مملکت وتقاضا های مشروع عمومی را به پیشگاه اعلیحضرت همایونی عرضه دارم و آن اینست که امروز سه موضوع مهم مورد احتیاجات عمومی بوده کلیه ایرانیان با کمال بی صبری اجرای آن را انتظار دارند

اول ـ امنیت قضائی بوسیله تنظیم عدالت خانه های منظم

دوم ـ اصلاح امور اقتصادی وتسریع دراحداث راه آهن

سوم ـ تعمیم و توسعه معارف در ایران

اهمیت این سه موضوع برای سعادت وترقی مملکت واستقرار حکمرانی دولت شاهنشاهی ایران بقدری واضح است که محتاج باقامهٔ هیچگونه دلیلی نخواهد بود همین قدر ازتقدیم این عریضه تذکردادن بذات شاهانه است که اولیای دولت مقاصد فوق را سرلوحه مرام خود قرارداده همانطور که اصلاحات اساسی درقشون نیرومند مشاهده شده درقسمت تنظیم امنیت قضائی واصلاح امور اقتصادی و تعمیم معارف نیز فرق فاحش و سریعی مشهود گردد

باقر شاهرودی

جواب وزیر دربار

آقای شاهرودی

عرضحالی که بخاکپای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنافداه تقدیم داشته بودید بامر مبارك بریاست جلیلهٔ وزراء عظام ابلاغ شده بود سواد جوابی که رسیده است برای اطلاع جنابعالی لفاً ارسال شد

تیمور تاش وزیر دربار پهلوی

جواب رئیس الوزراء

وزارت جلیله دربار ، در جواب مراسله شریفه ۱۰۵۸ متضمن عین عرضحال آقای شاهرودی زحمت افزا میگردد مسائلی که مشارالیه تذکر داده است مورد توجه دولت بوده و همواره سعی خواهد شد که زودتر عملی شود لیکن انجام آن متضمن وقت و باید تدریجاً نتیجهٔ تحصیل گردد

محمدعلی فروغی ریاست وزراء

شتر و موتور

چندی پیش در جرائد مرکز مقالاتی راجع به شتر پرستی درج وافکار را به توسعه راه های ایران و شوسه کردن آن و راه آهن متوجه نمود میتوان گفت قلم نویسندگان داشتند دراین خصوص خیلی به حمل و نقل ایران خدمت نموده و باید از انها قدردانی نمود

موضوع فوق هرچند فائده فعلی داشت و اذهان را ازشتر متوجه موتور وقافله سریع السیر نمود وحالا هرکسی که در خیال سهولت حمل و نقل است در خیال موتور و اتومبیل می باشد ولی خوف آنمیرود که مردم بهوای کار یکدیگر یکدفعه آن طرف آب رفته یعنی شتررا رها کرده و یکجا موتوری کردند خود معلومات میخانیکه و موتور سازی داشته باشند یا نداشته باشند ، در صورتیکه با اوضاع حاضر ما وخرج وخرج مملکتی وضیق بقریب و نداشتن معلومات و اسباب کافی موتور سازی در نقاط مختلفه یك دفعه شتررا تنها کذاشتن ودور موتور برجستن به رای بنده چندان فائده ندارد حالا اگر یك نفر شتر سوار در اتومبل سوار شده باشد وبفاصله چند روز ازدزداب به مشهد رسیده باشد و از شتر شکایت نماید باید گفت امری است علیحده و شکایت او در حد خود معقول است لیکن هرگاه کسی این قدر شتر مست موتور گردد که حتی گندم سیستان را هم بخواهد در اتومبیل بارمشهد کند یا پنبه خراسان را در اتومبیل بار دزداب نماید باید اورا متنبه ساخت و در این جا افسار یار دیرین ایران شیخ الحیوان جناب شتررا گرفته ومیگوییم ازاین خادم وطن نباید غفلت نمود و باید از او کار گرفت اما نه مثل پیش (چطور ؟)

همین طوری که ما باید در فکر نو ساختن وسایل حمل‌ونقل خود افتاده وتغییرات بهتری بدان داده وبجای شتر وقاطر موتور وریل درکار بیاوریم همان طورهم باید طرفه بارکشی شتر وقاطر را تغییر داده بار را ازپشت به عقب انان نقل دهیم یعنی برای انها گردونه وگاری بسازیم هم انها را از حمل باربرپشت آسوده نموده وهم محمولات خودرا چند مقابل بار انها نمائیم جای حرف نیست که حیوان بارکش چهارمقابل باربپشت خودرا درگردونه یا گاری میتواند بکشد در صورتیکه زمین صاف و راه شوسه باشد آن بار را با کمال راحت خواهد برد و از این راه دو نتیجه گرفته شود یکی نفع صاحب حیوان که چهار مقابل فائده برده و یکی راحتی حیوان که فشار برپشت و تمام اعصاب بدن را نداشته زجر زخم پالان و کثافت عرق زیر پالان را هم ندارد و زورخودرا به شانه های خود اورده هرحال شتا که یك قسم ورزشی هم هست بارخود را می برد . کما اینکه دیده ایم اسب هائی که گاری کشند فربه تر و سرحال تر ازاسب هائی هستند که زیربارند بهم چنین شتر هائی که بار پشت می کشند لاغر تر از شترهای چرخ کش وسنك کش است هرکس سفری به یزد کرده و شترهای ... یزد را دیده است تصدیق میکند که شترهم درزیر بارخسته شده وهرگاه آن را به کاری به بندیم که زورخودرا به شانه‌های خود بیاورد و بار را بکشد اعصاب او قوی تر و سینه او وسیع‌تر وقطر شکم زیادتر از شتر زیربار میگردد و طبعا قوت او زیاد تر خواهد بود . یکی از علل لاغر شدن حیوانهای بارکش زخمهای بدن است که در اثر بدبار کردن و کج بار کردن و بار را یکی سبك یکی سنگین گردانیدن حاصل میشود سوزش این زخمها وناشسته نگاه داشتن این زخمها آن هم در زیر پالان های خشن چرك معلوم است چه اندازه درد وسوزش ازبرای حیوان زبان بسته حاصل میشود خصوصا که صاحبان انها بدون اینکه فکر کنند او هم حیوان است دارای خون است درد و سوزش اورا کسل و لاغر میسازد بی رحمانه بار دیروزی را امروزهم بر پشت حیوان زخمدار نهاده و بسا میشود زخم پشت حیوانی ماه ماه و سال سال خوب نشده وغالبا آن زخم سبب هلاك حیوان میگردد ، اما حیوان راکه به کاری ببندیم باید پشت اورا باز بگذاریم این خود یك سبب عمده است برای بقای حیوان و زیاد شدن قوت حیوان مخصوصا شتر که موضوع مقاله است هرگاه پشتش باز باشد کوهان او که مخزن چربی بدن او است بزرك شده وسبب بزرگی جثه و قوت اعصاب او میگردد و این حیوان رنج بر بسیارمفید بیشتر میتواند خدمت به صاحب خود نماید

بعضی شاید تصور کنند که در زمان ظهور اتومبیل نباید اسم شتر را در کار حمل و نقل آورد و نوشته های جراید را دلیل قرار دهند که در امریکا از زیادی اتومبیل کار از اسب و اشتر گرفته شده . این تصور غلط است چه اولا در امریکا وغالب اروپا شتر واسب نبوده است واگر اوقاتی اسب را ترقی داده اند شتر نبوده ونداشته اند در مقابل آن وکارخانه آهنگری و وسایل میکانیکی را داشته اند این است که موتور سرجای شتر را گرفته اما هرجاهائی که شتر هست یا گاو واسب هست ان را ترقی داده اند وازان کاربهتری میگیرند در پنجاب هندوستان و راجپوت هندوستان باوصف این همه ریل و راه شوسه حضرت شتر بکار خود مشغول است در سرحد وزیرستان انگلیسها شترهای خوب درزیر قورخانه دارند وسعی می کنند شتر ازنسل خوب تخم گیری کنند درشتی امرکا

ید کمتر است که خیلی مردم ایران نگاهداری
می کنند ممالک متحده امریکا اخیرا باوصف اینکه
... زراعت اتش گاو کوهان دار هندوستان را
برده اند که تحمل افتاب گرم مضر نقاط آن جا را
داشته باشد واسم آن گاو را گاو برهما نهاده و ازاو
باکمال توجه تخم کیری میکنند وراپورت اخیری که در
دست است گاو برهما درحدود جنوب غربی ممالک متحده
امریکا خیلی بکار شخم خورده است وتعریف او همان
برای شخم کردن است والا برای گوشت و بسرای
شیر دهی تعریفی ندارد بنابر شواهد فوق مبرهن گردید
که ازدیاد موتور و ریل قدر وقیمت حیوانهای بارکش
راکم نکرده وهر دو باهم مشغول خدمت انسان موسیاه
دندان سفید میباشند وما ایرانیها را لازم است که قدر
حیوانهای خود را دانسته و درصدد تکمیل انها بر آئیم
و بدانیم که هر اندازه راه آهن واتومبیل در مملکت
ما زیاد شود قیمت شتر واسب وقاطر والاغ زیاد شده
واحتیاج ما به انها روز افزون میکردد

کاری برای شتر

در ایران راهی که تا چندین سال دیگر ولو راه
اهن دو شعبة کشیده شود شتر قراول و دروازه بان
آن خواهد بود راه دزداب به مشهد است .

ابتدا باید بگوئیم که راه آهن ازدزداب بمشهد مگر
راه آهن قهوئی باشد و الا بمیزان تجارت امروزه ضرر
دارد برفرضیکه راه آهن کشیده شد بازبدون شترامر آن
راه نمیگذرد پس چه ضرر دارد که حال که راه شوسه
از دزداب به مشهد موجود است وکمار از برای
خدمت به مومنین این قاع صفصف یا صحرای برهوت
را قابل عبور عراده نموده اند ما هم کافر ماجرائی
نکرده و وضع حمل و نقل خود را و شتر خود را و
ساربان خود را همه را روی هم عوض نمائیم به
این معنی که از کراچی چندین چرخ کاری شتری
خریده چند نفر نجارسیك یا پنجابی قنطراب نموده
یا مقداری چوب و تخته وانها را از هندوستان وارد
دزداب کرده و در انجا چند دستگاه کاری چهار پنج
تنی ساخته و چند نفر شتر افغانی یا خراسانی صحیح
الجسم هم خریده هر دوشتر را بیك کاری بسته
وار برای هر دوکاری یکنفر ساربان مقرر داریم
یك نی هفت بند اعلی هم خریده به ساربان بدهیم که
شبها وقتی که از رفتار وذکر دلنواز شترانی خسته
شد خود را بر بالای بارها توی یکی ازاین دوکاری
انداخته و نوای دشتی یا ماهوری را درنی خودبنوازد
و نظر های خود را در پی دو کردن دراز رفقای
... خود انداخته ... مهتاب ...
... تماشا ... و نوای ... خود شتر

ما را برفتار دارد

چه توان کرد ؟ ماطوری که قلم عجز دارد از
منظره حیوان لنك درازی و صحرای برهوتی و
ساربان بی ... بروی کاغذ رقص و نظر و
قلب خوانندگان را جلب نماید من هم عجز دارم
که تجار ایرانی را وادار کنم به راه انداختن کاری
شتری و حالی کنم که اگر اندکی زحمت بکشند بهتر
از حالا فائده می کنند چه این اقابان پا از دتور
پائین نمیگذارند ولی موتور هم ندارند امادهاشان پر
از کتاب موتور است وکاه شان بهوای موتور و
عمر را بفکر موتور اما روی پشت شتر میگذرانند
پس من از انها مایوسم

پس بکجا بروم

هرکس فکر ترقی وطن خود را دارد رفیقش
را هم پیدا میکند نگارنده چند سال پیش در
هندوستان اقای شوکت الملك را ملاقات نمودم و
حالا نه اورا میشناسم و نه من کاری به او دارم
ملاقات ماناگهانی بود و صحبت ما و در جلسه و چند
ساعت گذشته الوقت ایشان شوکت الملك بودند و
از عراق امده از راه هندوستان به بیرجند میرفتند این
مرد ولو متمول است و بمقتضی اب وهوای ایران باید
دشمن ایران و ملت ایران باشد لیکن برخلاف
او را ایرانی و ایران دوست و چیز فهم و خوش
اخلاق یافتم باکمال سادگی از مدرسه بنای خود و
تجربه های که حاصل نموده صحبت میداشتند و تصور
کردم این شخص اگر آبی به بیند شناگری خواهد کرد
میل دارد کار بکند این است که حالا که در راه دزداب
مشغول ساربانی هستم و از تجار مشهد مایوس فوری
در خانه آقای شوکت الملك (کاشکه میدانستم بعد
از رفع لقب اسم ایشان چیست) رفته و بگویم شما
از روسای این حدود میباشید از متمولین کشور ایران
من جمله شتر هم دارید فهم هم دارید این مقاله را
خوانده و دست بکار شوید خجالت نکشید اگر بجای
کفیل شرکت اتومبیل رانی طرح کاری شتری را در
مشرق ایران جاری می نمائید این که عرض کردم فهم
هم دارید یعنی چیزی می فهمید پیش خودتان حساب را
کرده و به بینید هرگاه بانفوذی که شما دارید این
کار کوچك را اگر صورت داده و دایر نمائید چه قدر
خدمت بزرگی است که به حیوان مملکت و اقتصاد مملکت
نموده اید .

درایران معروف است که باریك شتر پنجاه من است
حال اگر بخواهیم پنجاه من بنه بار شتر کنیم نمی شود
زیرا بار بقدری بزرگ شده وایاب ذهاب زحمت میشود مجبوریم
بار را کوچك کرده و سی من یا چهل من نمائیم اما

اگر پنبه را در کاری بگذاریم هر قدر بخواهیم میشود و عدلهای پنبه را روی هم گذاشت و باطناب آن را بست وقتی از مشهد آن بار را بارکردیم در دزداب آن را پائین می آوریم لازم نیست که بجهة قطر عدلها از وزن کم شود و وقت ونفع تلف گردد و پنبه ابدون گرد و خاک وارد میشود عدلها باز نمی شود ممکن است بجهت اینکه از دو شتر چهار صد من بار می‌کشیم کرایه ارزان‌تر گرفته وازاین‌راه خدمت به اقتصاد مملکت شود

حال خود شما فکر کرده و به بینید اگـر مروج کاری شترکش در راه خشک دزداب بمشهد بشوید و گندم سیستان را ارزان تر بخوراند اهل مشهد رسانیده پنبه خراسان را از چنگال تجار روسی در آورده بهتر به دست رقبای آنها در هندوستان رسانید ایا شما سبب حسن جریان تجارت ایران شده اید یا آنهای که پشت منقل وافور شعر شرکت اتومبیل رانی را درمغز خود پرورش میدهند ، و تا روز قیامت منتظر میشوند تاقائم مقام از باغ برون آید ، یقین دارم اگـر شما مروج این کار گردید امروزه و با مقتضیات امروزه بوظیفه ایران پرستی و از روی ایران شناسی و مال اندیشی تکلیف خود را بجا آورده‌اید بدیهی است این کاری های شتری بر سر جای خود خواهد بود هر وقتی هم مقتضی دید اتومبیل رانی و راه آهن هـم احداث نمائید همان کاری های شتری برپا خواهد ماند و کمک کار اتومبیل و راه آهن خواهد گردید دیگر

§ تا چه کند همت والای شما §

[ساربان]

لزوم تفکیک قوای روحانی از سیاسی
(امر تازه و بدعت بمت)

(۲)

و - (ذلة العالم تفسد العوالم) از جملهٔ خیانات هائیکه ملا نماها در ظاهر بملت و در باطن بر ریشه روحانیت حـقه زده اند ترغیب ایشان است هیئت جامعه ملت را بترک دنیا و بطوریکه ایشان کوش مردم را پر کرده اند باید مسلمان در دنیا گدا وسائل بکف باشد زیـرا که دنیافانی است راست است تمام انبیا و فلاسفه دنیا را فانی گـفته اند نه اینکه انسان باید شخصاً بی چیز و محتاج بهمه چیز باشد در اینصورت حکم وجوب خمس و زکوة الغنیاذباقه برداشته شده و ملتی که بیچیز شد چـه بیت‌المال خواهد داد تا اسلام بر کفر غالب آید و دین خدائی ظاهـر باشد علاوه برآن در زمان حاضره درهیچ دهی هم یافت نمیشود که ملائی باشد و باصطلاح کیفش ساز و دماغش چاق باشد و یك درجه بالاتر ازان صاحب عقاری باشد بل انسان باید قلباً دنیا را فانی بداند و برای پنج

روزه عمر از حقوق خویش تجاوز نکرده و بنوع خود ظلم ننماید نه اینکه ترك تجارت وکسب نماید «لا معاد لمن لا معاش له» حکیم سعدی فرماید

§ کرت مال و جاهست و زرع و تجارت §
§ چو دل با خـدا است خـلوت نشینی §

مختـصر از تبلیغـات ایشـان بترك دنیـا یـا رهبانیت بر ملت و دولت چه مضراتی تولید می‌گردد به همه معلـوم است و چنـدان احتیـاج بتقریر و تحریر ندارد در صورتیکه حضرت رسول اکرم صلعم شخص مقدس ایشان از خردی مباشر تجارت بوده اند عوض ترك دنیا و فهماندن مقصود از فانی بودن دنیا چه لازم است بمردم بگویند واضح است

ز - نگارنده صحبت عقلا و پیران را برای اخذ تجربه و افسانه های حکمت آمیز دوست میدارم یکی در ضمن صحبت میگفت قانون میدانی فلسفه مجتهد یا عالم اعلم جستن در تقلید چه چیز است گفتم لـه بفرمائید گفت پیران اسلام در قدیم ملتفت شده اند که زمانی جهة هر نقطه ممالك اسلامی راه آهن و ماشین لازم است آن است که همان مسئله را تعمیم نموده اند که اگر در زمانی دولت یا ملت بخواهد راه آهن بکشد و بعضیها مانع بشوند ملت دفاع نموده و بگویند که بهرجاراه آهن می کشیم تا اعلم یـافته و در علوم اسلامی عقب نمانیم خوب است برای تفریح دماغ خوانندگان محترم حکایتی را که پیر مزبور نقل میکرد بعرض برسانم میگوید من در جوانی نوکر یکی از علمای بزرگ تبریز بودم روزی آقـا را بمهمانی بقصبه حکم آبادی دعوت‌کردند آقا با خمطراق عازم و در خانه یکنفر حاجی نزول اجلال فرموده (چه تشریفاتی بخرج داده بودند معین است) بنده هم از مقربین آقا بودم بقول ظرفا و النهار اذا تجلی پس‌از صرف ناهار آقا فرمودند حاجی برای ما قدری خواب قیلوله لازم است بیچاره حاج عوام قیلوله‌را چیزی خوردنی یا دیدنی فهمید و میدانست در خانه اش ممکن نیست فوری سوار شده به تبریز درآمد از هر دکانی و بقال و عطار و دواسازی خواب قیلوله بهر قیمت باشد درخواست نمود در جواب استهزایش کردند محروم گردیده درآمد در موقعی رسید که آقا خواب قیلوله را نموده و مشغول وضو بودند مرحمتاً بنطق آمدند حاجی کجا بودی ، خـدا عمر دهد رفتم از شهر خواب قیلوله بگیرم در هیچ جا تمام شده بود نمیدانیم نمی سازند یا از فرنگ نمی آید آقا تبسم فرموده گفت حاجی مـا یافتیم مصرف کردیم ان قدر منکر عالم بودن مهدم بوده اند که خواب قیلوله را فرموده اند که خواب است

مجهول النسبه -

§ خود ناگرفته پند مده پند دیگران §

نفاق واختلافیکه درهرخصوص ما بین آقایان ملا نماها حکمفرما است دیگرملت با چه وثیقه بر اتحاد و اتفاق نوید در صورتیکه امر و نهی از ایشان باشد خصوصاً در امورات ملی و دولتی خلاصه مطلب این است که اگر یك یك حرکات و تشبثات و اقدامات غیر مشروعه ایشان را بقلم بیاوریم (مثنوی هفتاد من کاغذ شود) پس لازم است باعتقاد ما و وسیله که دفع مداخله ایشان را از امورات دولتی میکنند عرض نموده و درالخصوص خامه‌رانی حضرات قارئین را رجا داریم

باسه امر میتوان رفع مداخله ایشان بشود

۱ - حضرات روحانیون کثرالله امثالهم (که باعتقاد نگارنده وظیفه لازمی ایشان است دستخط متحدالمالی صادر فرمایند که ان طبقه در امورات دولتی بی طرفی اختیار کنند یا استثناء بعضی موارد که انها را بهتر از نگارنده مسبوقند وبوجه واضح میتوانند معین فرمایند

۲ - هموطنان محترم فرداً فرداً ملتفت بوده و بدانند یا انها را بواسطه نوشتن و گفتن بفهمانند که دسیسه های ملا نما ها در امورات دولتی بیجا و خارج از وظیفه ایشان است باید در این موارد خود ملت آلت فساد ایشان نباشد و از ایشان خدمتی را بمملکت چشم داشت ننمایند زیراکه بزرگترین صدمه در این موضوع بر ملت بیچاره وارد میشود باز آقایان ملانما ها در کیف خودشانند و در صورت صلاح محرمانی بگوش ایشان بخوانند من خرج عن زیه فدمه هدر و بعد از ان این شعر نگارنده را

§ تکلیف عبد طاعت و امر خدا جزا §

§ ازخیروشرجذب کند فعل درحصول §

۳ - دولت مقتدر کنونی مخصوصا بسیار ممکن است از طرف وزارت جلیله معارف و اوقاف بمساعدت و معاضدت تامه گماشتگان دولت در هر دهی و قصبه مدرسهٔ تشکیل بدهد چهارکلاسی یا شش کلاسی وهمان اخوندها را درهمان مدارس معلم مقرر فرمایند واصول تدریس را برایشان درزمان بسیار کمی میتوان یاد داد و حقوقی که خواهد بره یا ازماهانه اطفال یا از بودجه دولتی جناب مزبور ازفلان تاجر یا حاجی ده یا قصبه ماه بماه نگیرد دولت برهمان حاجی یا تاجر پرداخت فرماید و اگر ده روزه محرم یا الاخره همان یکماه را بهاله قرار داده و گردن کشی فرمایند عیب ندارد یکماه محروم تعطیل باشد زیرا گرچند مدرسهٔ شبیه بمدارس فرنگ نباشد گنگاه نیست وضع ناقص لیرشود زیرا که هنوز اهالی دهات وقصبه ها وقتیکه معلم فرنگی مابی دید ولو علامه دهر و اعلی المسلمین باشد با این زلف سروریاس کوتاه انها را ازدرس متنفر ساخته و میسازد آن امت که همان اخوندهارا معلمی وا دارند منتها یکنفر مدیر میتواند درچند مدرسه انتظام داده وخودش هم درس بگوید با این وسیله ممکن است پس ازانکه حضرات داخل کارشدند واضح است برای ایشان روزنامه ومجله هم داده خواهد شد قرائت کنند هم معلومات شان ترقی کند وهم وظایف خود شان را کم کم ملتفت باشند و رابطه مخصوصهٔ میان ایشان با معارفین و مدیران و معلمان میباشد آنوقت بخوبی مسبوق میباشند که مقتضیات عصر چه چیز را اقتضاء میکند وجغرافی خلاف شرع نیست و دین مقدس اسلام همواره بسر تمدین و تمدن عموم نوع بشر را دعوت میکند نه فقط در خانه نشسته و در بروی خود از مردم ببندند - طرق دیگر را حضرات قارئین محترم از نگارنده صد بار بهتر میدانند والسلام علی من اتبع الهدی

خیر خواه آقایان ملا ها

[غ قائمی اسکوئی]

تهذیب و تربیت

(انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق)

سعادت و بهبودی یك مملکت بسته به عایدات زیاد و حصار استوار و قلعجات محکم بغروش وصعی و تجملات عمارات ان مملکت نیست بلکه سعادت و فیروزی یك مملکت و ملت فقط و فقط علاقمند است بافراد تعلیم و تربیت یافته به افراد عارف و دانا بافراد عالم و منور الافکار ان ملك و ملت - اینجاست قوت حقیقی ان مملکت - در یك کلمه مختصر « اخلاق » قوای اصلی و ترقی حقیقی ان ملت متضمن است

(اخلاق)

یکی از بزرگترین قوای متحرکه عالم است - در بهترین جامعیت خود اخلاق فطرت وسیرت انسانی را بعالی ترین طرز و اشکال ظاهر و روشن مینماید زیراکه « اخلاق » آئینه افعال وکردار نوع بشر است « اخلاق » تنها سبب ترقی و تعالی مملکت است - تاوقتیکه که اخلاق یك ملت فاسد نشده است یعنی تازمانی که افراد یك ملت شجاع دلیر پاك عالی خیال عفیف عالم و دانا حق گو و و و الخ آن ملت باعلی مدارج سعادت و فیروزی ارتقاء مینماید ولی از طرف دیگر بمجرد اینکه اخلاق خوب افراد آن ملت فاسد گردید یعنی عیاش دزد دروغ گو بزدل فحاش کاهل وانوری گردید آن ملت در پست ترین درجهٔ انسانیت محسوب میگردد و آن مملکت انتهای

مذلت و خواری میرسد - اگر صفحات تاریخ را که آئینه اعمال گذشتگان و عبرت آیندگان است ورق زنیم صحت بیان فوق را معلوم توانیم نمود -

رومیها تاوقتی که اوصاف حمیده مالا را دارا بودند باعلی مدارج ارتقاء رسیدند مملکتشان بحدی وسیع گردیده بود که شهر روم را ملکه جهان میگفتند ولی از همان روزی که مملکت مقدونیا را حاصل نمودند اوصاف حمیده خود را ترک گفته اخلاق رذیله یونانیان را شعار خود نمودند و بدین سبب سلطنتشان رو بانحطاط آورد و بالاخره معدوم گردید

بسیار دور نرویم تاریخ خود ایرانیان شاهد این قول است هر سلسله شاهان قدیم ما تاوقتی که عیاش جان نثری کاهل و اواره لشکر بسده بودند ممالک مختلفه را فتح نمودند - ولی بدبختانه مرض عیاشی و کاهلی و جانترسی مارا از اوج ترقی بقعر مذلت و خواری انداخت - خاندان قجر (که دست شان همیشه کوتاه باد) بیشتر در متفرق کردن اوراق بشیرازه ما ساعی گردیدند عیاشی تنپرستی تملق وکاهلی را بایران راه داده ایرانیان را بیش از پیش تنبل و عیاش نمودند -

یکی از نتایج منحوس کاهلی وافور وتریاک است وافور و تریاک یکی از جملهٔ امراض مهلک ایرانیان است که ایران را بقعر مذلت سوق داده است این مرض مهلک باندازه در شراین ما ریشه گیر گردیده که گویا ویرا یکی از جمله واجبات میشماریم -

یاد دارم در موقع مراجعت از ایران با چند نفر آقایان ایرانی دراتومبیلی که شوفرش روسی بود همسفر بودم تقریباً همه آقایان گرفتار مرض منحوس وافور بودند وقت عصر بود که نزدیک قهوه خانهٔ رسیدیم شوفرساعی بود که ما را بعجله تمام قبل از غروب بقصر شیرین برساند - یکی از آقایان که موعد دوایش رسیده بود بشوفر گفت که مقابل قهوه خانه بایستد شوفر که مرض این شخص را میدانست انکار نمود آقایان همه بنای داد فریاد را گذاشتند و گفتند (آخر نه ما مسلمانیم میخواهیم نماز ادا کنیم) شوفر ناچار اتومبیل را نگاه داشت آقایان قهوه خانه رفتند چند یک وافور کشیده سه چهار استکان چاهی نوش جان نموده برگشتند - شوفر گفت مگر در طریقه شما وافور کشیدن را هم نماز میگویند آقایان با نهایت پررونی گفتند اگرچه وافور کشیدن نماز نیست ولی از واجبات است

اخلاق ما ایرانیان باندازه فاسد گردیده است که قلم از شرح آن عاجز است - افراد این ملت باندازه کاهل عیاش و جانترس و تنپرست گردیده

اند که یک ساعت پهلوی منقل وافور نشستن را بهتر از صحت دارین میدانند -

مثلا در ممالک خارجه اداره پستخانه اهمیتش از سایر ادارات بیشتر است چنانچه از ساعت ده صبح تا پنج عصر اولیست ولی از نحوست کاهلی در مملکت ما اهمیت پستخانه از ادارات دیگر کمتر گردیده در ممالک دیگر اعضاء پستخانه هشت ساعت کار می کنند در وطن محبوب ما ۳ ساعت اگر یک نو وارد بیچاره دو ساعت بعد از ظهر برای کاری به پستخانه برود مستخدمین اداره با یک زبان درشت و یا ملایمی می گویند در کدام مملکت اداره پست تا بعد از ظهر هم باز میماند ؟ آقای وزیر پست و تلگراف خودشان بهتر میدانند که در کدام ممالک اداره پست تا بعد از ظهر هم باز میماند اگر سوال فوق را از خود آقای وزیر بنمائیم خواهند گفت در کلیه ممالک اداره پست بعد از ظهر بازاست مگر در مملکت ما ، این ها همه نتایج سستی و تنبلی است

مرض یک مریض را بیان نمودن آسان تر است تا اینکه علاجش را پیدا نماید در این اواخر در موضوع تهذیب اخلاق خیلی چیز ها گفته و نوشته شده است ولی اگر بدقت گفته ها و نوشته های آن اشخاص عالی خیال مراجعه نمائیم خواهیم دید که غیر از الفاظی چیز دیگر نگفته اند -

اخلاق یک ملتی که قرب ۲۰۰ سال استرو بفساد آورده و حالا بکلی از آثار تمدن و انسانیت عاری گردیده است چطور باید اصلاح نمود ! این یک مسئله ایست بسیار مهم و نمی توان در این میدان وسیع بفراغت مرکب تاخت ولی از آنجائیکه عقیده آزاد است عقاید محقرانه خود را مینگارم تا شاید جلب توجه اولیای امور را نموده وسایل تهذیب اخلاق را برای نسل آتیه فراهم آورند

اولا باید دانست که نفوذ مادر در تعلیم و تربیت اولاد خیلی دخیل است یعنی تربیت خانگی یکی از مهمترین مدارس تهذیب اخلاق است سر آمد مدارس تعلیم و تربیت دامان مادر عزیز است اینجا است که انسان تعلیم حقیقی یعنی تهذیب اخلاق را حاصل می نماید یک مادر خوب بهتر از هزار معلم مدرسه است یعنی کارهائی را که یک مادر خوب در تعلیم نمودن تهذیب اخلاق می تواند انجام دهد صدها معلم مدارس متفقاً نمي توانند از عهده آن برآیند

ناپلیون کبیر درضمن مکالمه با (مادام کمپان) گفت سیستم قدیم تعلیم و تربیت درد ملت را دوا نیست آن چه چیز است که بوسیله آن ملت تعلیم و تربیت حقیقی می تواند حاصل نماید ؟ مادام کمپان

جواب گفت « مادر » ناپلیون از این جواب صحیح و درست متعجب گردید و گفت « راست است دریك لفظ مختصر یك سیستم تعلیم بسیار خوبی درج است پس از این به بعد ساعی باشید که دختران تعلیم و تربیت به اصول صحیح حاصل نمایند تا بدانند اولاد عزیز خود را چگونه باید تعلیم داد » ناپلیون ترقیات محیر العقول خود را بنفوذ و تربیت مادر خود نسبت داده است واشنگتن هم همین را گفته است و پادشاه کنونی افغانستان امیر امان الله خان هم در برخی از بیانات خود بعلو همت وخیال خویش را نسبت به والده ماجده خود میدهند اگر اعلیحضرت پهلوی هم نظری بایام طفولیت خود بیندازند یمکن خواهند دید که نفوذ مادر گرامیشان در تحصیل تهذیب اخلاق تا یك درجه دخیل بوده است مسلم است از مادرانی مانند مهد علی و ام الخاقان فرزندانی بهتر از ناصر الدین شاه عیاش و محمد علی پیدا نتواند شد

مکرر می گوئیم که بزرگترین مدارس تعلیم آن خانه ایست که انسان درو نشو و نما یابد اینجا است که انسان تعلیم حقیقی خود را که اخلاق باشد حاصل مینماید اگر اخلاق و رفتار مادر خوب نباشد اولاد هم همان رفتار مادر خود را شعار نموده طریق مشئی خویش را در همان طفولیت معین می نماید ملتن شاعر شهیر انگلستان می گوید همان طوری که صبح آئینهٔ روز است یعنی از مشاهده حالت صبح حالت روز را می توانیم دریافت نمائیم طفولیت آئینهٔ بشریت است یعنی کردار و افعالی را که انسان در سن هفت سالگی شعار وعادت می نماید در عمر هفتاد سالگی هم همان عادات را با خود خواهد داشت ـ

پس دولت فعال پهلوی را لازم است که حتی الامکان وسایل تعلیم و تربیت اخلاقی دختران امروزه را که مادران فردا هستند فراهم بیاورد ـ اگر گفته آید که در تعلیم وتربیت دختران بیشتر از پسران باید بذل توجه نمود اغراق نگفته ایم چه اهمیت تعلیم دختران بیش از پسران است زیرا وقتی که این نسل فرسود امروزه که در دامان عیاش وتنپرست آل قجر پرورش یافته است از دنیا میرود نسل اتیه جای گیر آن خواهد شد واگر دختران امروزه که مادران فردا میباشند درست تعلیم و تربیت نیابند و تهذیب اخلاق را حاصل ننمایند نسل اتیه نیز مانند نسل حالیه تنبل و عیاش خواهد بود و در اینصورت تمام زحمات وصدماتی را که پادشاه محبوب مادر تعالی و ترقی وطن محبوب تحمل نموده اند نقش براب خواهد بود نیز به تجربه معلوم گردیده است که اگر دختران درست تربیت یافته باشند حس وطنی پرستیشان کمتر از احساسات وطن پرستی مردان نخواهد

بود چنانچه از حالات خانم افشار و دیگران ظاهر میگردد پس اولیای امور را مجدداً متذکر گردیده معروض میدارم که هر قدر در تعلیم و تربیت طبقه ذکور مواظبت می نمایند همان اندازه نیز طبقه اناث را هم تحت مراقبت قرار دهند تا نسل اتیه قدردانی کامل از خدمات اعلیحضرت پهلوی نموده اخلاق حسنه ایشان را هم تقلید نمایند و مملکت را ساوج ترقی برسانند ـ

علت دیگری که اخلاق ایرانیان را فاسد نموده است همانا بیکاری مردم است ـ در انگلیسی مثل است معروف که میگوید « کله بیکار مغاز شیطان است » یعنی شخصی که بیکار باشد همیشه درصدد کارهای نامشروع و رذیل می افتد ـ شخص بیکار از دو حالت خالی نیست یا متمول است یا نادار ـ اگر متمول است که خود را به عیاشی قمار بازی شراب خواری والفور و تریاک وغیره وغیره مشغول مینماید ولی اگر مفلس باشد خودش را بهوچیگری معروف و هوچیگری خودش یك اخلاق پست است و اگر نادار است بمجرد اینکه یك وجه مختصری را بدست می آورد اطاعت خواهشات نفسانی را نموده باندك زمانی پولها را بباد میدهد

باید دانست که بیکاری علت العلل بدبختی های ماست بیکاری باعث مذلت و خواری مملکت ماست اخیراً کسی از طهران بدوست خود در هندوستان نوشته ، مینویسد « نمیدانم چرا از زمانی که وارد طهران شده ام کاهلی وتنبلی برمن غلبه نموده است در هندوستان در ان مملکت گرم سیر بیشتر از اینجا کار میکردم ـ پس معلوم میشود که اوضاع محیط هم در کاهل و کاری نمودن انسان دخالت تامه دارد »

برای رفع بیکاری عمومی چه باید کرد ؛ باید حتی الامکان تعمیر راه اهن ایران را تسریع نمود تا یك دسته مردمان بیکار شغل پیدا نمایند ـ ماشین الات مختلفه از قبیل نساجی فلاحتی وکارخانه اهنگری از خارجه وارد نمود ـ خواهند گفت پول از کجا بیاوریم ؛ اعلیحضرت پهلوی راه انرا ازهمه بهتر میدانند فقط یك اشاره به شیخ خزل خن و امثال انها که در طهران تشریف دارند برای حصول سرمایه این کارهای بزرگ کافی است یا اگر بنظریه حبل المتین توجه نمایند یعنی جمع اوری اعانه در ایران و خارجه شروع نمایند خیلی زود یك سرمایه هنگفتی فراهم خواهد امد باین تدبیر یا تدبیر دیگر اگر بتوانند فقر عمومی را برداشته رفع مرض بیکاری را از میهم بنمایند خدمت بسیار بزرگی خواهد بود که در راه سعادت مملکت انجام میدهند ـ و شکایت فساد اخلاق

بالضرور و بالطبیعه رفع خواهد گردید ـ

. درخاتمه با اقایان ملانما ها مخاطب شده میگوئیم که اگر ازروی حقیقت و وجدان میخواهید خدمت بوطن نمائید برخیزید کمرهمت را چست سازید و در پند وموعظه نمودن ملت خودرا مشغول نمائید اگر شما بتوانید این ملت گمراه را که خود هم از انها هستید ازفساد اخلاق منصرف گردانید بزرگترین خدمتی خواهد بود که از عهده آن برمی آئید ـ شما که بخوبی از فلسفهٔ اسلامی و اوامر و نواهی الهی واقف هستید لازم است که عمر عزیز خود را صرف خدمت باسلام نمائید ـ یقین بدانید که تاوقتی که شما اقایان روحانیون در سیاست دخالت داشته باشید هیچ خدمتی از شما برمی نمی آید بل بجای خدمت دشمنی و عداوت در حق وطن عزیز خود می‌نمائید ـ اعمال این قرن اخیرلزوم تفکیك روحانیت را ازسیاست مدلل می‌نماید

§ صبحه شد از سبحه و سجاده شد §

هرکسی‌را بهرکاری ساختند ـ خداوند عالم شما را برای این آفریده است که مبلغ دین حق باشید وفرزندان وطن محبوب خودرا از فساد اخلاق محفوظ بدارید که خداوند ثواب دارین بشما عطا نماید

§ خصم ما فقر است و بیکاری ولی با این دوخصم §
§ یك نفر را نیت جنـك و سر پیـکار نیست §
§ نگذرد گر چندی اوضاع زمان بر این نمط §
§ مرگ ما حتم است واین خود قابل انکار نیست §
§ گرچه‌روز (گلش) اندرمحنت دوران شب است §
§ لیك روز هیچکس چون روز ایران تار نیست §

[حسام ـ دیباـ کاشانی]

➤ از کراچی می نویسند ◄

(سفر تازه من)

پس از اینکه چندی از دیدار هموطنان دور مانده باشدت اشتیاق از حیدر اباد رخت سفر بربسته بکراچی آمدم در راه و اینجا با هر کس طرف گفتگو واقع شدم فقط سخن دروضع سلطنت بود اگرچه بنده از اول معتقد بودم که چنین میشود لکن عموماً نظریه ایرانیان ساکن این سمت ها و بسیاری از سیاسیون این صفحه کسانیرا که تاکنون ملاقات کردم این است که اعلیحضرت اقدس پهلوی ایران را جمهوری خواهند فرمود وصفحهٔ نوی برتاریخ خود خواهند افزود خلاصه کراچی همان بندر قشنك که زمانی جزء خاك پاك ایران بود و از شامت دورهٔ قجر همراه خیلی چیزهای دیگر رفت و حالا نزدیك است با بمبئی همسری کند بلکه از بمبئی بهتر شود تجار ایرانی نسبت به بمبئی کم است فقط تجار مشهور و معروف که درجه اول را حائزند تجارتخانهٔ حاجی ـ عالعلی شوشتری و شرکاء که قونسولگری دولت علیه ایران هم افتخاراً باایشان است ومدیرشعبه کراچی آقاعلی اکبرالبحری والانصاف جوان واقف خوش اخلاقیست دیگر تجارتخانهٔ حاجی کاظم علی اصغر اف که مدیر کراچی آن جناب حاجی علی آقا صاحب تاجر یزدی است و احمد اف و حاجی اشرف اتحادیه کمپنی اینها از تجار نمره اولند و چند نفر دیگر هم هستند از یزدی و شوشتری و بوشهری و دشتی وغیره مال التجاره ایرانی آنچه در اینجا فروش میشود غالی و پشم و پنبه و روغن و بادام و چیز های دیگر از قبیل زدو وکتیرا و انقوزه وغیره خریدار کلی ندارد یعنی نیامده که حقیقت معلوم شود خریدار دارد یا نه اغلب اجناس باب ایران از کراچی خریدن بهتر از بمبئی است و خرج انهم برای حمل و نقل بایران شاید یك ثلث کمتر از بمبئی بشود بطور حتم در آینده نزدیکی کراچی برای ایرانیان بهتر از بمبئی خواهد شد ـ

شب گذشته در منزل جناب حاجی علی آقا مدیر تجارتخانه حاجی کاظم علی اصغر اف مهمان بودم سبب مهمانی ورود جناب حاجی علی آقا صاحب تاجر اصفهانی ساکن مشهد بود حاج معظم و اخوی محترمشان آقا محمد اسمعیل آقا در مشهد مشغول تجارت و در عداد تجار نمره اول می باشند و از اشخاص خیر و خیر خواه هستند

وارد مجلس که شدم گفتگو سر تجارت روس و ایران بود مظالم روسها را بیان می نمودند مثلا تاجر ایرانی جنس خودرا وارد روسیه میکنند و میفروشند پول روسیی راکه چروانس میگویند میگیرند این پول را حکم نیست از روسیه بیرون ببرند برفرض اگر ببرند هم ثمری ندارد چراکه چروانس در خارج از روسیه حکم کاغذ پاره را بیش ندارد بانك روسی هم نمی گیرد برات ایران بدهد اگر مال هم بخرند همان مال را تجارتخانه روسی در ایران ارزان تر می فروشد از این ممر خساره زیادی به تجار ایرانی وارد می آید

بسی جای شگفت است که نه دولت نه تجار هیچ کدام در صدد جلوگیری بر نیامده اند در صورتیکه دولت روس امروز دنیا باب تجارت را بروش بسته و لازم بود با ایرانیان که وجودش را عزیز پنداشته با او مشغول داد و ستد شدند بهتر از این رفتار کند !! دولت ایران چرا در صدد بر نمی اید تجار تا اندازه حق دارند نمی توانند بخودی خود اقدام کنند چرا که چاره جز این نیست که شرکتی مقابل شرکت روس باز نمایند چه بقول مشهور جواب ناخدایا ناخدا توپ است هر عیب

ومال ایران را بدهند مال روس بگیرند و بر فرض هم چند تاجر چیز اقدامی بکنند عموماً تجار متابعت نخواهند کرد و کار چنانچه باید انجام نخواهد گرفت لکن اگر دولت دستی داخل این کار داشته باشد چون یك پای آن زور است پیشرفت خواهد کرد اگرچه مسلماً آنوقت هم فریاد « وا محمدا وا علیا وا دینا » بلند خواهد شد لکن باین حرفها نباید گوش داد ملتی که جاهل است و بی علم حکم مریض دارد دوا اگرچه تلخ است لکن برای مریض حکم آب حیات دارد مریض نمی خورد باید باو خورانید یك نفر عمدة التجار را در همین کراچی ملاقات کردم موقعیکه از بمبئی رهسپار بمرکز تجارتی شیراز بود فریاد می زد « انهم مالك شد چه طور می شود تجارت کرد منی چند قران دولت از قند و شکر می گیرد »

بیچاره نمی فهمد که اولا این پول را او نمی دهد عموم ملت می دهند که او هم یکی از انها است بیچاره بخیالش هر گمرکی که می گیرند او میدهد وحالانکه همین پول تادرجهٔ برای ترویج وترقی تجارت همین آقا خرج می شود بلی اینها همه نتیجهٔ بی علمی و جهالت است برگردیم بمطلب خودمان بر دولت لازم است قدمی هم بطرف این کار برداشته و اصلاح درستی بنمایند شك نیست تجارت ما با روسیه برای طرفین مفید است لکن در هر صورت سود آن طرف زیادتر است پس تاجائیکه ممکن است باید جلوگیری از ضرر ایرانی نمود از این قبیل گفتگوها جاری بود و هر کس چیزی می گفت تا رشته سخن براه آهن دزداب بمشهد کشید بنده بهمان اعتقاد سابق خود معتقدم که راه آهن امروز ضرر دارد و ایرانی که قوهٔ تحمل ضرر ندارد زود دماغش میسوزد پیشنهاد کردم که خوب است شرکتی از روی یك اساس صحیح برای موتررانی راه دزداب بمشهد تشکیل نمایند باسرمایه ده لك روپیه (لکن از قراری که نقل میکنند راه خیلی خراب شده و روز بروز که بر خرابی آن افزوده میگردد راستی هر قسم ملامتی را شایسته ایم راهی را که ساخته و پرداخته بدست ما دادند نتوانیم نگاه داریم دولت لازم نبود چیزی از خزانه خرج این راه کند اگر نصف نواقلی که ازاین راه عاید میگردد خرج راه میکردند روز بروز آبادتر میشد راستی کلام الملوك ملوك الکلام است سیاح فلمنکی از پطرکبیر سوال کرد که در خزانه روس پول نبود از کسی هم قرض نگرفتی بر مالیات هم نیفزودی اینهمه اصلاحات را چگونه کردی با این خرج زیاد جواب گفت دست دزدان داخل را گرفتم تا هرچه از رعیت میگیرند بخزانه برسانند) دو کارخانه آهنگری (ورکشاب) یکی در مشهد یکی دزداب و دو کارخانه از آن کوچك تر یکی دربیرجند یکی تربت یا دو سه ورکشاب سیار و یك رشته سیم تلفون ازمشهد به دزداب که هر دو فرسخ یا یك فرسخ یك دستگاه مخابره در جعبه مقفل داشته باشد و هر شوفری کلید آنرا داشته باشد برای سهولت این سیم را ممکن است بر تیر های تلگراف دولتی نصب کنند و در عوض یك مقدار معین مال پست را با موتر حمل نمایند فوراً یك نفر از تجار محترم فرمود تلفون برای چه گفتم برای اینکه اگردرراه موتری خراب شد مسافر حیران نماند تلفون کنند موتر بمددش برسد گفت برادرمعلوم میشود مدتی‌است از ایران دور هستی ازاین سبب خبر نداری آنوقت است که روزانه نظامیان جلیل القدر میل بمخابره بایك دیگر پیدا میکنند وگوشی را از دست شما میگیرند هرقدر تو داد بزنی و مسافر در راه بمیرد ابداً کسی بفریاد شما گوش نخواهد داد سال گذشته بود که من خودم موتری را نوشتم کراچی پنجهزار روپیه برایم خریدند آوردند دزداب کارفوری داشتم مشهد آمدم وارد بیرجند که شدم نظامیان آمدند که اگر موترت را ندهی دویست نفر از نوع تو هلاك میشوند چون من خودرا و جداناً مجبور دیدم دادم قول دادند که در چهل و هشت ساعت موتر را برگردانند پس از یکماه بیشتر باهزار داد و فریاد موتر را بمن دادند که دوهزار روپیه قیمت نداشت ومن به ششصد تومان فروختم (حکایت این موترگیری حکایت قشنك شنیدنی شده شرح آن را مفصل هفته آینده بانام ونشان مینویسیم تا اولیای دولت بدانند چه خبراست) بالاخره قرار شد کرایه موتر را بدهند نشستند باهزار قسم حسابها سیصد و پنجاه تومان کرایه موتر را معین نمودند باهزاران بازی به صد و پنجاه تومان مصالحه شد و قرار بر این که هر وقت ایشان خواستند کرایه را بدهند تاکنون هنوز میل پیدا نکردند که بدهند و یقیناً آینده هم پیدا نخواهند کرد پس با اینحال کدام بدبخت فلك زده پولش را به کمپانی میدهد مملکتی که در قرن بیستم هنوز خرکیری ، شترکیری ، قاطر گیری ، موتر گیری است ، کمپانی موتر رانی میشود درست کرد ـ

[مفتون یزدی]

شیوع قاچاق

مسئله قاچاق نه بقدری در خلیج فارس رواج یافته که احدی بتواند از عهده نگارش و شرح حقد بدین ملاحظه قطع دارم قریباً تجارت بوشهر که یك از سرحدات عمده ایران ازجهت تجارت است بزمین واحد

خورد و عمده مرکز و مصدر قاچاق بنادر بالنز جزو بوشهر از قبیل بنادر شیکوه و بستانلو وزیارت ابوالجمعی اقای میرزا ابراهیم خان قوامی است که در تحت نفوذ وسیطره شیخ مذکور خان نصوری اداره میشود علاوه این بنادر هر کدام ملحقاتی مثل دستور عماره و خرابه دارد که غیر مسکون که گویا در بدو خلقت ان را دست قدرت برای عمل قاچاق ایجاد نمود این بنادر و این ملحقات هر کدام محل اقامت چند نفر تاجر متمول باثروت است که شخصاً جهازات بزرگ بادی که مخصوصاً بجهت قاچاق ابتیاع نموده اند میباشد که بعناوین مختلف حقوق حقه دولت را با کمال بی اعتنائی حیف و میل مینمایند و خود شیخ مذکور خان هم جهازاتی چند دارد که هر ماه یکی دو دفعه با جهازات مذکور که هر یك معمول اقلا ۴۰۰ و ۵۰۰ تنگاه قند شکر و چای تفنك فشنك و قماش به بنادر کویت بحرین عمانات رفته و باپول خود و صاحبان جهاز اموال و اجناس ممنوعی خریده و به بنادر شیکوه و بستانلو زیارت تنازل و فوری با شتر که قبلا برای این کار وحمل این اجناس آماده و تهیه شده حمل گاوبندی یا بستك و اشکنان که ابوالجمعی اقای میرزا ابراهیم خان قوامی اجنبی پرست بی عاطفه است میشود و هر تنگاه ۱۵ روپیه از تجار وغیره ماخوذ میدارد البته از این عایدات مدیر وقت و مفتش که یکنفر میرزا حیدر نامی است قسمتی دارند و بهر قیمت که شیخ مذکور خان بتواند یا زورش برسد بمردم بیچاره داده گرچه در بدو امر اجناسرا بطور خیلی خوش و مهربانی میفروشند ولی در موقع اخذپول ـ مسلمان نشنود ـ کافر نه بیند بامزار شکنجه و سختی از قیمت روز اول زیاد تروجه دریافت میدارند) بشرافت قسم که مصدر ومنشاء تمام قاچاق و قاچاقچیان بالکه فی السارقین این دوره در بنادر جنوب همین شیخ مذکور خان (یعنی) سردار اجلال است این آدم جوانی است بعمر (۳۵) کوتاه اندام بی تجربه و برافاده فقط از انسانیت بهرئی که داراست (همان لفظ من و بعضی بی اموخته) که در هر موقع مناسب وغیرمناسب استعمال [من] را میکند با اینکه چنانچه عکس اندام وقامت اوهر که مشاهده کند تمام منعمات ولذایذ که سهل است بلکه از زندگانی خود را محروم و متروك میسازد ـ ولی ثروتی که امروزه این آدم لنا از طریق و ممر قاچاق و عمل غیر مشروع و ظلم بدست اورده شروع آن موجب اطناب است تمام این پول وثروت را هرزمان حکمتش جمع آورده چه عمل واکه عارا

و چه امریکه خلافشرع وظلم و اجحافی به اهالی مرتکب نیست هیچوقت درمقابله خود محکومیت و مجازات را قائل نیست بلکه تمام فکر و تمام خود بضدیت و مخالفت با دولت است منتظر است که هر وقت حریف بزرگش اقا میرزا ابراهیم خان قوامی سر از یاغی گری و مخالفت بلند نماید با او همدست وهم عنان شده بادولت ازدرخودسری درآید

در اینجا لازم میدانم از عمل مالیاتی او هم شمه برای استحضار خاطر اولیاء امور و قارئین محترم روز نامه حبل المتین بنگارم زرخیزترین سامان ابوالجمعی اقای قوامی . . . . همین سامان گاوبندی است که هم دارای چندین بنادر قاچاق مهم است هم دهنه وسیعی دارد که هرگاه خود دولت انرا اداره کند متجاوز ۴۰ هزار تومان عاید دولت خواهد شد نخیلات این سامان بطور تحقیق و اطلاعات صحیحه بالغ به یکصد و ده هزار اصله نخل است که هر درخت خرما درسال دو قران دریافت و ده یك هم از خرما حق شیخ است و این دو قران دیوان نخل را خرما از صاحبان بهر طور که خودش بخواهد میگیرد و همان خرما را بطور نسیه بمردم بیچاره میفروشد بطور تخمین میزان عایدات خرما ازده یك و نخل دو قران متجاوز از ۸۰ هزار قطعه خرما هرساله ازگاوبندی وصول وبنحویکه درفوق عرض کردم تماماً بمردم بیچاره گاوبندی میدهد ـ دیگر اراضی دیوانی آن جا است که از روی احصائیه زارعین ۳۵۰۰ فرد زراعت را داراست که علاوه برده یك و از هر فرد زراعت ۴۵ قران ۵۰ قران اخذ می شود که روی هرفته ازروی تخمین هر ساله از قرار ۴۵ قران که حساب کنم (۱۵۷۵۰ هزار تومان دیوان اراضی انجا میشود ـ در موضوع قاریابهای طبیعی گاوبندی هم که ملك طلق دولت است لزوماً می نویسم نیز چون قاریاب طبیعی عمده است کمتر سالی است که از بزرگتان و گندم جو و حبوب دیگر دو هزار تومان عایدی نداشته باشد ونیز اسیائی دارد که هر ساله ۱۰۰ خروار تحصیل آن است ـ

[۲] ولایات فومتان است که گذشته از قاریاب طبیعی آن واسیا اش که همه ساله خروار ها گندم و عمل میاوره بزرگتان فراوانی زراعت میشود که تجار قبلا پول برای خریدن میدهند ـ

[۳] بردول است که هم دارای دو قاریاب ودو آسیاء بزرگی است ۴ و ۵ و ۶ ولایات این سامان زرخیزهر کدام دارای قاریابهای بزرگی وآسیا است که بهمان طریق فوق عایدات معتدبه آن

... میشود جهازات غواصی این بنادر به ... نمیرسد که هر ساله بممالک خارجه بجهت عمل غواصی رفته و از کثرت جهاز غواصی است که یك هزار روپیه نگیرد دیوان سری و طراز هم لاتعد ولا تحصی است - [سید احمد]

انجمن معارف خوزستان

برای تشکیل انجمن معارف خوزستان بنا بامر مرکز ، اقای امید رئیس معارف و اوقاف خوزستان عصر ۲۱ دی از رؤسای دوائر دولتی در اداره معارف دعوت نموده ودرانتخاب هیئت انجمن برای نظارت درعواید ومصارف معارف خوزستان مشاوره وبعضی را کاندید کرده اند

چون امورات معارفه مطالبی است که دخیل ترقیات آتیه نوع و وظیفه هر یك از افراد ایرانی است که نظریات خود را بیان کند ما هم عقیده خود را اظهار میداریم

اولا - دراین کاندید نواقصی است که باید رفع شود رؤساء دوائر دولتی هیچ زمان در هیچیك از قوانین انتخابیه حق دخالت ندارند و اگر دخالت نمایند بی مورد است

ثانیا - این اقایان از اهل شهر نیستند ونمیتوان انها را علاقمند دانست که ازروی علاقه مندی دراینگونه امور اقدام نمایند

ثالثا - اهالی شهر را کاملا نمی‌شناسند که اشخاص خمال بیغرض را مدنظر بیاورند مگر معدودی را که ازکثرت ارتباط بشناسند انهم شناسائی ازروی عاریت است نه حقیقت

رابعا - اهالی را که رؤساء دوائر کاندید یا انتخاب مینمایند از یك فرقه ویك طایفه اند ودرخوزستان فعلا طبقات مختلف اقامت گزیده و اهلیت یافته اند

پس اقای رئیس معارف را شایسته آن است که در انتخاب چنین هیئتی غیر ازاین اقدام ، اقدام نموده یاطبقاتی ویا اجتماع انهم باختیارعامه را دخالت میدادند تا انها برگزیدگان خودرا که کاملا عارف بحق انها هستند ازادانه انتخاب نمایند و تبعه خارجه هم انتخاب نشود چرا که تمام قوانین انتخابیه اولین مرتبه این اصل اصیل را مراعات کرده است

ونیز باید دانست چند نفر معدود که مشاغل شخصی هم دارند نمیتوان درهمه کاری دخالت داد و مراعات انها را نیز باید کرد و ما در آتیه عقیده خود را در اطراف معارف خوزستان خواهیم نگاشت

محمره

بلدیه محمره فعلا در تحت نظر یك نفر نظامی اداره میشود ، یوسف عبدی را پس از انفصال ازبلدیه محمره برحسب اراده [عمارلو] به ابادان فرستاده ورئیس بلدیه سابق ابادان را تبدیل نمودند . این ریاست هم دوامی نکرده اهالی ابادان عدم رضایت خودرا اظهار داشته ویوسف را از کار انداختند ، حالیه در اهواز منتظر مراجعت عمارلو است

حاجی شیخ کاظم عالم شوشتری نیز برای ترافع با برادر زاده خود [شهید زاده] بعزم تشرف بعتبات عالیات وارد و درطی ورود اوراقی طبع و انتشار یافته مبنی براینکه اهالی شوشتر از حرکات غیر مرضیه این عالم و اجنبی پرستی آن معذب ومایل بمراجعت ایشان نخواهند بود ، بعلاوه محرمانه خبر رسیده بود که رفتن حاجی شیخ محمد کاظم بعتبات دارای جنبه ومقصد دیگری هم است . این است که تذکره مرور نیافته و از حرکت ایشان جلوگیری شد - تا اینکه بوسیله عدلیه مرکزی خوزستان مدال داشت که برای مرافعه با برادر زاده خود میرود

شعبه تحقیق حکومتی هنوز دایر و برقرار است ، چون ازطرف اداره عدلیه تاکنون اقدامی درافتتاح شعبه محمره نشده شعبه تحقیق هم برقرار مانده است داراب خان نایب - هنوزبحکومت باقی‌است ودرامورات حقوقی دخالت مینماید

یعنی اگر کلیه حکام ومامورین دولتی درامورات حقوقی دخالت نکنند وتمام را ارجاع بعدلیه نمایند ، عایداتی نخواهند داشت ، ده یك و ده نیمی هم نخواهند گرفت ولی جهت بکیسهٔ دولت ریخته خواهد شد

بهمین لحاظ نیز که امورات حقوقی محمره در تحت نظر قانون نبوده و نیست خیلی از مردم فرار و یا متوسل باجانب شده اند و میشوند ، خداوند آتیه ما را محفوظ بدارد -

اهواز

روز های شنبه که پست دریا وارد میشود ترتیب غریبی دراهالی مشاهده میگردد غالباً در اطراف پست خانه جمع واولین سوال آنها از ورود جراید است لاینقطع سوال است که مسامع حاضرین را مشغول میدارد (جراید آمده ؟) از اخبارات تازه خبری درج کرده ؟ همین قدر که چشم ها بجراید مایه می افتد یك غلق و اضطراب مخصوصی که میتوان گفت سعادت مملکت خود را از آن میخواهند صفحات آنرا گشوده اولین مقاله آن را میخوانند همین حالت در وجود روساء دوائر دولتی نیز تولید گردیده به مجردیکه پست هر اداره میرسد رئیس اداره از جراید استفسار کرده و قبل ازاینکه به کار دیگر مراجعه نماید اوراق آنرا تفتیش مینماید که ایا از آن اقاره حقیقتی را درج کرده یا خیر اگر چیزی درج و یا در طی

مقالات مدح و قدحی مشاهده نمایند بفوریت محارم خود را مامور کشف و قانع نگار حبل المتین مینمایند چنانچه بدست نیاید لابداً یکی دو نفر را برای نوشتن رد مقالات ذخیره کرده‌اند فوراً درمقام دفاع برمی‌آیند

ما تا همین اندازه تشکر داریم که مندرجات جراید در قلوب ایرانیان مؤثر و امید واریم از اثر مندرجات جراید نواقص جزئی و کلی مملکت رفع گردد

امروزه فقط وفقط جراید حق گویند که مطالب را آشکارا مینویسند و ملت را براه حقیقت و ترقیات مادی و معنوی هدایت مینمایند امید است در اثر نگارشات جراید ملیه ایران از سیر قهقهرای بشاه راه ترقی و تعالی برگردد و بتواند خود را بمقتضیات امروزه دنیا اداره کند

ایضاً

افتتاح عدلیه مرکزی خوزستان

اداره مرکزی عدلیه خوزستان روز دهم آذر ماه ۱۳۰۴ در اهواز که مرکز حکومت و قشون و کلیه دوائر دولتی است تمرکز یافته ورسماً افتتاح گردیده و جشن مرتبی گرفته و چون مطابق با روز حرکت آقای عمار لوئی کفیل حکومت خوزستان برای وکالت مجلس موسسان بود با کلیه صاحبمنصبان قشونی و روساء دوائر باداره عدلیه محض شرکت در جشن و تبریک افتتاح آمده بیرق اداره عدلیه را با یك طرز جالب توجهی بالا برده و مراسم وظایف و احترامات لازمه را بعمل آورده از آنجا حرکت کردند

اعلان

(از طرف کمیسیون تالیفات جامعه معارف)

چون کمیسیون تالیفات جامعه معارف درنظر گرفته است که یك فرهنگ فارسی بفارسی کنونی تدوین نماید و به عنوان مقدمه برای آن فرهنگ لازم است قواعد صرف و نحو فارسی را جمع آوری کرده باستفاده عموم گذارد لذا از ذوات محترمی که در این موضوع مهم صاحب فکر تالیف هستند تقاضا میشود مستقیماً افکار و نظریات یا مولفات خود را بکمیسیون جامعه معارف ارسال داشته از کمك و مساعدت فکری خود داری نفرمایند در صورت ارسال کتب یانسخی پس از استفاده عیناً مسترد خواهد شد کمك های مزبوره از جانب اشخاص محترم معارف پرور میشود بنام همان اشخاص درج و منتشر خواهد شد

حبل المتین

عملیات کمیسیون جامعهٔ معارف در طهران بسی قابل تقدیر است زبان یك ملت توسعه پیدا نمی کند و تکمیل نمی یابد مگر در سایه تدوین لغات وتنسیق قوانین آن زبان که عبارت از اصول صرف و محو باشد امروزه که تمام دانایان اروپا مشغول تکمیل نواقص کارهای علمی و ادبی [illegible] که تمام دانایان زبان فارسی اعم از خارجه و داخله کمکهای فکری باین جامعه نموده تا این نقیصهٔ بزرگ را از زبان امروزه دور نمایند

از لنگه می نویسند

§ ز نادرستی قاچاقچیان شکسته شدیم §

§ زبسکه دادزدیم‌های دزد خسته شدیم §

(ملاقات سری)

بتازگی جناب شیخ سلطان مرزوقی دسایسی بقدر مغویه که طرف غربی لنگه است بعنوان سیاحت مسافرتی بعمان نموده و در ضمن با نمایندگان قاچاق قرار های سری در تقلیل رشوه قاچاق داده است که از حق لنگه پانزده روپیه به ده روپیه تنزل دهد واین ملاقات را نمایندگان سیاسی شرق لنگه که مهنائی است بنظر اهمیت نگریسته پسر عبدالله خان ضابط دشگان و مهنائیه که همیشه بزور تفنگچی اموال قاچاق را با لنگه هشت روپیه رد می نموده در این موضوع رسماً پروتست تجدید نظرخواسته است بطوریکه اخیراً اطلاع یافته ایم گویا شیخ سلطان دوستانه از شیخ سعید حاکم دوبی استدعا نموده که اشخاصیکه طرف مراوده با اجراء دوائر دولتی هستند و ظن جاسوسی بانها میرود بخوف اینکه شاید رابرت قاچاق‌را باداره گمرك بدهند خارجشان نماید شیخ دوبی هم خواهش او را قبول کرده و دراین چند روز یکی از متهمین را که قهراً خارج نموده اند نیز وارد لنگه شده است (بیچاره ایرانی) بلی از ماست که برماست حقیقتاً ما نباید از شیخ دوبی گله‌مند باشیم چه او بوظیفه خود عمل کرده اگر قاچاق مرتفع شد باعث‌تنزل بندر او میباشد « هرکه بهرخویش تیشه می زند » دولت ایران هم نمی تواند انتقام از شیخ دوبی بکشد ولی میتواند از تقاناکنندگان که رعیت و نوکر دولت اند انتقام بکشد هزار افسوس که درخت مجازات هنوز در وطن مقدس‌ما نروئیده اگر مجازات میشدیم پسر عبدالله خان دشگانی بقوه جبریه قاچاق نمیکرد اگر دار المجازات داشتیم فلان مامور خائن که خیانتش اظهر من الشمس است روزانه بمقام خویش نمی افزود بالاخره اگر یکی دو خائنین بدار مجازات آویخته شده بودند این وقت فلان شیخ یا خان یافلان مامور با مفتش دوبا بدون ملاحظه و خوف تیشه بریشه مالیات دولت نمی زد

وا اسفا که هوز ما با مجازات هزار فرسنگها ازهم دوریم تا مجازات در وطن عزیز ما ایجاد گردد دزدان خانگی و گردن کلفتهای سحر خیز که دزدی از دولت و حق الناس و مال بدبخت غارت عمومی از

بغیر نادر خلال ترو شرب و آکل و یا معامله با اجزاء دولتی وا ایاب میدانند سرتاسر این ساحل را لم خروج ساخته اند [م بنادری]

مالا میر

مالا میر مرکز حکومت قشلاقی بختیاری است و هر ساله در فصل زمستان ئیلخانی و ئیل بکی های وقت دو سه ماه در این نقطه اقامت کرده و کدخدا های هر طایفه را طلبیده و امورات سالیانه را تصفیه مینمایند امساله که حاجی خسرو خان (سردار ظفر) و نصیر خان (سردار جنگ) اینخانی و ئیلبیگی هستند در اصفهان توقف کرده دو نفر اولاد های خود را بسمت معاونت یا پیش کاری فرستاده و حالیه در مالا میر میباشند

سلطان حسین خان مشیری هم مدتی است که مامور خلع اسلحه بختیاری و ناظر اعمال حکومت است ولیکن منافع عاجل خود را بر اجرای او امر دولت مقدم داشته و میدارد چنانیکه تاکنون با اطلاعات کافیه که تحصیل نموده مخازن اسلحه های جدیده بختیاری را تصرف نکرده بگرفتن تفنگ های کهنه و بیفائده چوپانان و فقرا مبادرت کرده است

بطور حتم و یقین است که ذخایر بختیاریها چه آنهائیکه توسط کویت وارد نموده و چه آنهائی را که از مسجد سلیمان تدارک دیده و چه اسلحه های ابتیاعی از خارجه خیلی قابل اهمیت و مورد توجه است و شاید پس از اخذ و تصرف کمک های عمده بذخیره های قشونی و ذخیره مرکزی بنماید

توپهای مسلسل وقلعه کوب و کوهی که در ازمنه لاقیدی تدارک از قورخانه اصفهان و خوزستان به بختیاری بردند هنوز باقی و جلب توجهات مطلعین را نموده است چنانچه سلطان حسین خان مشیری در انجام وظایف خود زیاده تسامح نماید چندی نخواهد گذشت که مانند لرستان آتشی افروخته و دودش بچشم مرکز که باید برود خواهد رفت ؟ چنانچه حسین خان بهمة اخیراً شروع کرده باز دولت را بقشون کشی مجبور نموده است

تصادف عدلیه با کاپیتولاسیون

هر ایرانی با اطلاعی که جمله فوق را مد نظر بیاورد با یك سوز دل خواهد گفت (تفو برکم زوری باد) واقعاً تفو باد برکم زوری ؟

ملل عالم که حفظ حقوق خویش را خواستگار و استقلال خود را محفوظ داشته اند اولین مرحله یا زیر بار قضاوت غیر در مملکت خود نرفته و یا اگر پیشنیان آنها تحمل چنین بار سنگینی را کرده اند آن ملت زنده آن ملت تازه بیدار آن جمعیت استقلال طلب ؟ الغای کاپیتولاسیون را بهر نحویکه بوده فرض ذمه خود ساخته اند

بدبخت ایران کم زور ایرانی تراکت شناسی اولاد سیروس که هنوز نتوانسته این حق را برای خود بدست آورد و حقوق حقه ایرانیت و اسلامیت را حفاظت کند ؟ پس باید گفت (تفو باد برکم زوری) تعجب این جاست که در سال ۱۲۴۳ دولت مستبد روس بقوه سرنیزه یا بعوض محافظت خاندان قجر عهد نامه تجارتی ترکمانچای را بر ما ایرانیان تحمیل کرد ودرست یکصد و یکسال است بدان وسیله حقوق ایرانیان اسیر سرپنجه ظلم و سداد اجانب گردید و مواد و فصول ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، معاهده میشومه (رجوع شود به مجله آینده منطبعهٔ طهران صفحه ۱۹۶) گلوی ما را افشرده و همان دولت روس همین معاهده را در طی عهد نامه ۱۹۲۱ یعنی پنج سال قبل ملغی و باطل داشته و بجای فصول پنج و شش و هفت و هشت در فصل شانزدهم عهد نامه چنین می نگارد

(فصل شانزدهم)

نظر بمندرجات مراسله دولت سویت مورخه ۲۶ ماه ژون سنه ۱۹۱۹ دائر بر الغاء حق قضاوت قونسولها حقوق اتباع روسیه ساکنین ایران و همچنین حقوق اتباع ایران ساکنین روسیه از تاریخ امضای این معاهده با حقوقی که اهل مملکت دارند مساوی خواهد بود وکلیه محاکمات آنها به دوائر عدلیه محلی رجوع وحل خواهد شد

آشنایان باوضاع بخوبی میدانند که تمام دول متحابه با ایران هر گونه معاهده که بسته اند ازروی معاهده ترکمانچائی ومبنی بر یك اصول بوده

حالا میخواهیم به بینیم که آیا ما ایرانیان تا چه زمانی باید دوائر عدلیه خود را معطل گذارده و یك نوع تحمل بی شرفی و ظلم بنمائیم ما ایرانیان سامان و قواعد مدونه عدلیه را از روی اصول اسلامیت تدوین کرده و بکار انداخته ایم ولی در مقابل زور از روی نزاکت نابلد هنوز هم گردن خود را باید کج نگاهداشته و در روی زمین مفتضح بمانیم (تفو برکم زوری باد) چون اطاله کلام باعث ملال است باختصار کوشیده میگوئیم که عدلیه ایران دو چار عدم جریان است و از اثر مشئوم قضاوت قنسولات تا تحقیق از تبعیت عارض و معروض نکند داخل عمل نمیشود و این بزرگترین لطمه و مهمترین صدمه باستقلال ایرانیت ما است و تا دولت و ملت دست بهم نداده در الغای کاپیتولاسیون بر نیایند حیات سیاسی و قضائی خود را محفوظ نداشته اند پس بر اولیای امور خاصه دولت امروزه ایران سیما وزیر فعال عدلیه ایران واجب و متحتم است که

در اولین و هله خارهای قضائی را از شاهراه ایرانیت برکنده ملت را از اینتك و عار برهانند و ما در آتیه عقیده خود را بنظر قارئین خواهیم رسانید (ورزنده)

انتخابات خوزستان

تاکنون اعلان انتخابات دوره ششم تقنینیه منتشر نشده واهالی خوزستان اگر درانتخاب وکلای خود ازآد باشند این اولین نوبت خواهد بود که وکیل از اهل خود انتخاب خواهند کرد -

از قرار معلوم پس از ورود حکومت جدید (اقای توفیقی) اعلان انتخابات را خواهند داد -

در تمام بلاد اولین قدمیکه درباره انتخابات برداشته میشود الغای حکومت نظامی است درانصورت ولوکان برای چند روز هم باشد حکومت خوزستان کشوری خواهد شد ؟؟؟ -

وکلای مجلس مؤسسان که از جانب حوزه های اصلی خوزستان بمرکز رفتند منتظرند که شاید بتوانند از این حیث هم خود را بر اهالی خوزستان تحمیل نمایند - ولیکن خوزستان برای خود وکلای مبرز دانشمندی انتخاب خواهد کرد -

چیزیکه باعث حق تلفی است انکه اهواز را که مرکز خوزستان است حق انتخاب وکیل مستقل نداده ابادان را هم مغبون اهواز جان گداز کرده اند - لازم است که این دو نقطه مهم را مورد توجه قرار داده و حق انتخاب وکیل باین دو شهر برجمعیت بدهند -

خوزستان لااقل باید ده نفر وکیل برای شرکت در مجلس شورای ملی بفرستند - و هر قدر کمتر بخوزستانی حق داده شود حق تلفی شده

خوزستان از هر جهت برسایر بلاد ایران وایالات و ولایات برتری دارد - وروز بروز برترقی عمران خود خواهد افزود - طولی نخواهد کشید که چندین برابر امروزه جمعیت پیدا خواهد کرد -

تکلیف قطعی حکومت خوزستان

(از تلگراف طهران)

[۸ بهمن ۱۳۰۴]

جنابان مستطابان ملاذالانام اقایان علمای اعلام و تجار و سایر طبقات اهالی، جناب مستطاب اجل اقای محمد خان توفیقی امیر لشکر بحکومت خوزستان منصوب و مقرر شده است عاجلا بمقر حکومت عزیمت نمایند پس از ورود در تکمیل موجب اسایش عمومی اقدام خواهند کرد - ۵ بهمن ۵۸۸۷ وزارت داخله -

از تلگراف فوق مستفاد میشود که حکومت خوزستان برای سال آتیه ۱۳۰۵ با اقای توفیقی امیر لشکر میباشد - ولی معلوم نیست که منظم له حکومت نظامی هستند یا کشوری ؟

چون از وزارتداخله معرفی شده اند نان قوی متوجه حکومت کشوری است گرچه با کلمه امیر لشکر حکومت کشوری منافی است معذالك حکومت کشوری خواهد بود -

اهالی خوزستان بکلی سابقه اطلاعاتی از حکومت جدید خود ندارند و تصور هم نمی نمایند که حکومت جدید ابوضعیات خوزستان سابقه داشته باشد -

اهالی خوزستان بجهات عدیده بیشتر از اهالی سایر بلاد ایران متمایل بقبول قانون و مستعد به تحمل اوامر و نواهی دولت هستند یکی انکه با دول همجوار امیزش داشته و همه وقت آرزوی ایا می را بقاب خود جای داده اند که در این نقطه هم نور تمدن و قانون پرتوفکن شده انها را اسایش وامنیت بخشد - دیگر این است که در ظرف یکساله اخیره که گفته میشد ازچنگال استبداد خزعل وخزعلیان اسوده شده اند چیزهائی دیده وشدائدی را تحمل کرده که شرحش طولانی است

بلی در هریك از بلاد خوزستان و طوایف حکام نظامی مامور نموده و بمختصر وقتی با دخالت در همه گونه امور نتیجه ئیکه توانستند حاصل نمایند همانا تفرقه طوایف وغیره بود که شرحش در صفحات حبل المتین واضحا یا اشارتاً مندرج گردیده ومارا ازتکرارش مستغنی میدارد -

نتیجه دیگر عملیات آن بود - که گروه گروه اشخاصی که طاقت تحمل نیاورده بهرگونه دست آویزی که توانستند تشبث جوبند خود را تبعه یا تحت الحمایه اجانب قرار دادند -

مضرات این ترتیبات را عقلا و دانشمندان هرقوم و هر طایفه بزودی حس کرده و میدانند - واز انجائیکه مندرجات حبل المتین مورد توجه است امیدواریم که خسران این معاملات را قلباً ویا شفاهاً متذکر شوند -

در طی این یکسال برای توسعه عواید شخصی خودرا در اهواز و محمره و ابادان شعبه های تحقیق حکومتی دایر و برسیدگی دردعاوی حقوقی واخذ ده یك و ده نیم عانی و مغنی . . . مبادرت کرده و اداره عدلیه را مهمل و بلا مرجع گذارده و حتی در دفعه اول که از شوشتر مرکزخود را باهواز انتقال داد بکلیه [امروز سیاست مقتضی نیست] اورا عودت دادند ؟؟؟ - در این زمینه غرض که داشت دوچیز بود - اول انکه عایدات مولفه از مرافعه و رسیدگی بمحاکمات حقوقی بدل بواند حکومتی

و ... ماموریت میگردید - و شد ؟؟؟

و تقریبا دویست سیصد هزار تومان از این ممر عاید میشود - دوم اینکه بعضی ازاشخاص بیکار را بکار گماشته - و نخواستند که ملت ازاد و استراحت بماند

کما اینکه اکنون مشاهده میشود جم غفیری فقراء عرب مخصوصاً اطفال خورد سال در کوچه و بازار مزاحم عامه میباشند - و تمام این مکروهات از اثر اقدامات غیر مقتضیه بوده است

حال باید دید که رفتار و کردار حکومت تازه چه و از روی کدام قواعد است - ما همین قدر تذکر میدهیم این مصرع را - (رعیت چون رعایت دید ملك اباد میگردد)

و باقی مطالب را بوقت دیگر میگذاریم -

۱۰ بهمن ۱۳۰۴

جشن تاجگذاری
(در ترشیز)

یوم ۲۴ آذر تلگرافی رسید که شب ۲۵ بمناسبت تاجگذاری باید چراغانی شود در بازار و ادارات حکومتی و سائل چراغانی فراهم شده در اداره حکومتی شعرا شعرها خوانده و ناطقین نطق های غرا نمودند در شب بعد هم در بازار چراغانی با شکوهی بود مخصوصاً کاروانسرای احمدی تزیین و بسیار جالب توجه شده بود و هم چنین سرای ماشین خانه که حاجی فرمان تاجر تبریزی چراغانی کرده بودند روح حساس آذربایجانی بخوبی در انجا مشاهده میشد یکروز عصر هم در اداره مالیه مجلس جشن منعقد بود خدمات اقای مالحی (اسعدالممالك) قابل همه نوع ستایش است مخصوصاً لایحه که مالحی زاده تهیه کرده بود جاب توجه حضار را کرد عصر جمعه هم در اداره معارف جشن باشکوهی تهیه شده بود خصوصاً نمایشات شاگردان مدرسه که خیلی جالب توجه بود ناطقین در همه جا اقای ناظم الشریعه عبدالی والنظام ترشیزی و تقوی تونی بودند نطق های ناظم فوق العاده قابل دقت بود - حال یکنظری بمندرجات حبل المتین انداخته عقاید خودم را بیان نمایم حبل المتین میگوید رژیم ایران باید بجمهوری تبدیل یابد حق همین است که امروز بهترین حکومتها حکومت جمهوری است ولی نه برای ایران که باندك پیش آمدی اخوند بازار فراهم میشود حکومت دیکتاتوری لازم است که ایرانی جاهل را خواه مخواه ... ترقی و تعالی سوق دهد چه ... مشروطه وچه جمهوری وقتیکه نباشد قانون اساسی ... و ملت هم فهمید که مملکت اری ... که سلطان در صدد رفاه حال

ملت بود باقی و پایدار است هر زمان تغییر مسلك داد وبهتری موجود شد فورا بعضی مواد قانون هم تغییر میکند تا امروز اعلیحضرت پهلوی خوب امتحان داده ولایق تاج و تخت کیانی است هماطوریکه فریدون تاج را ازمیان دو شیر درنده برداشت اعلیحضرت پهلوی هم ایران را از چنگال دو همسایه نجات داد امروز باید دردهای ملت را کشف و چاره خواست راه هیچ گونه عذری باقی نیست امروز باید کاری کرد که بهمت پهلوی راه آهن کشیده شود که ملت از فقروفلاکت نجات یابد منابع ثروت نیمی مملکت بکار انداخته شود استعمال الکوهل و افیون کلی قدغن شود که بیشتر از این روح تنبلی ولاقیدی در مردم تولید نشود و سایل حفظ الصحه بطور ممالك متمدنه در مملکت دائر شود در کلیه شهرها تیاتر و سینماهای اخلاقی دایر شود نظام اجباری بزودی اجرا شود و سایل تعلیم اجباری فراهم شود چون تا مرزمان که تعلیم اجباری برقرار نشود امید بهبودی در اوضاع نیست ملت جاهل رای اراده وهمه چیز خودرا مفت و رایگان تسلیم این و آن مینماید ملتیکه هنوز معنی مشروطه را نفهمیده چطور میتواند جمهوریت را بدست آورد نگاه به بعضی شهرها باید کرد دهاتیهای ایران هنوز اوراق تعرفهٔ انتخابات را مانند قبض مالیات تصور میکنند خودم دیدم بیکنفر دهاتی تعرفه دادند گفت چند باید بدهم امروز برای سرپرستی ملت ایران بهتر از اعلیحضرت پهلوی کسی نیست و باامتحاناتی که تاکنون داده یقین دارم اگر لایق و مانعی نبینند مانند ویلهم امپراطور آلمان خودش بشخصه جمهوریت را برقرار خواهد کرد هر رژیمیکه پهلوی در راس آن قرار داشته باشد بحال ملت ایران نافع است نهایت برای جلوگیری از اجحافات مامورین باید مفتشین مخفی برگماشت که اعمال مامورین را تحقیق کرده راپرت بدهند رعیت ایران بسکه ترسیده شده اند غالبشان حاضر برای دادن عرض حال نیستند هرگاه مطالب فوق تماماً اجرا شود ایران در ظرف ده سال رشك فردوس میشود

در خاتمه یك سؤالیکه چندی قبل از شخص عالمی کردم و جواب بسیار متینی داد عرض میکنم در خصوص سؤالیکه بهلول و مومن طاق و دو نفر دیگر از حضرت صادق علیه السلام کردند و حضرت یك ج در جواب مرقوم فرمودند و جنون جلاء جلالت جك فهمیدند گفتگو بود عالمی اظهار داشت می توانم بجرئت قسم بخورم که قصد آن حضرت جمهوریت بوده یعنی جمع شوید یه هم شوید که بمراد و مقصود برسید -

[ن بهشت]

از افغانستان می‌نویسند

(حسن روابط دولتین ایران و افغان)

چنانچه اعلیحضرت پهلوی توجه مخصوصی به افغانستان و ائتلاف به شخص شخیص اعلیحضرت امیر غازی داشته اند چنانچه از بدو تصدی امور همواره حسن روابط این دو مملکت را خواستار بوده ودرمواقع لازمه سفارشات مخصوص بوزارت های مربوطه هم فرموده اند بتازگی (نشان قدس ازدرجهٔ اول را) به اعلیحضرت امیر غازی و (دو نشان آفتاب از درجه اول) بعلیا حضرتان والده ماجده اعلیحضرت امیر و ملکه افغانستان که از بزرگترین نشانهای دولت شاهنشاهی ایران است اعطا فرموده اند اعلیحضرت امیر وقتی که این نشان ها که بهترین علائم حسن روابط مملکتین است یافته فرمودند که بزرگترین تمنای من ترقی و اقتدار دولت ایران است چه بخوبی حس نموده که ترقی ایران عین ترقی افغان است درسایهٔ اعلیحضرت پادشاه دل آگاه پهلوی چندی قبل نیز از آستان قدس رضوی علیه الاف التحیه شمشیر مرصعهٔ مفتخر اعلیحضرت امیر غازی فرستاده اند و ان مسئله نیز که ناشی ازحسن روابط ملتین بود اعلیحضرت امیررا بسی مورث خورسندی گردید ومیتوان گفت که از زمانهٔ دراز چنین حسن روابط و اتحاد که امروز بین ایران وافغان دیده میشود پدیدار نیامده بود واین حسن روابط دولتین مزید ارتباط این دو ملت را هم سبب گردیده چنانچه امروزه اگر یك نفر ایرانی وارد به افغانستان شود افغانان برادرانه با اوجوشش مینمایند وحال آنکه درسابق چنین نبود اینها همه ازتعلیمات اخلاقی اعلیحضرت امیر غازی ما است که بملت محبوب خود همواره داده ومیدهند هرگز نمیتوان فراموش نمود نیات پاکیزه اعلیحضرت را که درضمن صحبت به امیر خان افشار ارومی فرموداند علاقهٔ قلبی من با ایران بدرجهٔ است اگر خدای نخواسته روز سختی برای ایران پیش آید و خدمت من پذیرفته شود با تفنگ دست خود درمقابل دشمنان ایران رفته وظیفه اخوت اسلامی خود را ابراز دهم ، امیدواریم این دو ملت ودولت از این حسن روابط که نتیجه نیات پاك این دو پادشاه اسلامی است بیش از پیش برخوردار آیند.

آلمان و افغانستان

در مراسلات قبل اشاره شده بود از ارتکاب قتل یك نفر آلمانی یکنفر افغانیرا در افغانستان یك از موثقین شرح آن واقعه را چنین اظهار نموده که شخص آلمانی با موتر سایکل خود بخاك افغانستان وارد و تنها طی طریق مینموده یك از اهالی بانفنك خود سوار اسب بود موتر سایکل با آن آواز [illegible] خود پشتا رسیده اسپ رم کرده شخص افغانیرا [illegible] معلوم است [illegible] به [illegible] آمده مسافر آلمانی سخت و خشن میگوید اگرچه مسافر آلمانی زبان نمی فهمید ولی از خشونت و سختی وی استفهام دشنام می‌نماید درموقع افتادن افغانی تفنگ وی بکناری افتاد در آن موقع شخص افغانی قصد برداشتن تفنگ خویش نمود آن شخص چنین تصور کرد که قصد قتل ویرا نموده اولیز بچابکی ازموترسایکل خود پیاده شده بطرف شخص افغانی رفته دست بگریبان شده مسافر آلمانی از جیب ریوالور بیرون آورده بر شخص افغانی گذارده شلیك میکند افغانی افتاد مردم مجروح او را در کابل بمریض خانه رسانیده و حالات را بنظمیه خبر دادند از طرف دیگر شخص آلمانی بکابل وارد شده بسفارت خانه آلمان رفت وواقعه را بیان کرد نظمیه خواست مجرم را جلب کند ژاژ دفر آلمان وزرات خارجه افغانستان نوشته سپرد که این شخص در سفارت خانه آلمان ماند و هر زمان سرای محاکمه بخواهند درنظمیه حاضر خواهد نمود ، پس از دو یوم شخص افغانی در مریض خانه وداع زندگانی گفت چون قانونا بایستی که قاتل جلب بمحکمه شده کشف ماجرا گردد وزرات خارجه افغانستان در این موقع نزاکت بکار برده اکتفا گذارد مأمور نظمیه بسفارت رفته قاتل را دستگیر کند مأمور مخصوص فرستاده و قاتل را خواست اعضای سفارت گفتند بیرون رفته هرگاه آمد اورا خواهند سپرد وزارت خارجه آن روز را صبر نموده روز دیگر بسفارت آلمان فرستاده که حسب نوشتهٔ که داده اید باید قاتل تسلیم محکمه شود آن روز را هم باجوبه غیرمکفی گذراندند روز سوم که مأمور وزارت خارجه بسفارت رفت گفتند ژارژ دفیر شکار رفته وقاتل دو سه روز است پیدا نیست این حرکت قانون شکانه نماینده یك دولت متمدن خیلی بر حکومت جوان افغانستان گران آمد این بود که احکام اکیده بسرحدات فرستاده در جلب قاتل کوشش نمودند درافغانستان نمایندگان خارجه هرکدام در اتومبیل های خود که سوار میشوند رسم است بیرق دولت خود را نصب می کنند تا مامورین آنها را شناخته احترامات لازمه را بعمل آورند نزدیك بسرحد اتومبیل ژرژ دفیر آلمان رسیده کرنل سرحدات که جوان مهذب ودانائی بود جلو آمده احترامات لازمه را نسبت ژارژ دفیر آلمان اظهار داده ملاحظه کرد شخصی به لباس افغانی پوستین بدوش گرفته مریض وار بازاژ دفیر در اتومبیل نشسته است

کرنل محترمانه سوال کرد که بکجا میروند و این شخص کیست ژارژ دفیر گفت این شخص [illegible]

... آن طرف سرحد بورش ... چهارم کرنل گفته بود این است که این شخص مریض را خوابانیده نگاه داشته تا در علاج ... او کوشش ... ژاردفیر انگلیز و کرنل اصرار کرد عاقبت ژاردفیر از جاده اعتدال خارج و ... خشونت را زیاد هم قدر او خشونت کرده کرنل جوان مهذب ... تا کار بجائی کشید که ژاژدفیر ریوالور کشیده خواست کرنل را بترساند باز هم کرنل با کمال ملایمت ... چندین آدم های کرنل آن شخص ... ژاردفیر ... خود را از دست بیرون یافت از راه دیگر پیش آمده بکیسه که بین ۵۰۰ و ۶۰۰ لیره بود کرنل را خواست بطمع اندازه کرنل با زبان ملایم گفت شما چون نماینده یک دولت هستید هر قسم از اید هر جا بخواهید بروید با اینکه چندین خلاف قانونی کرده ریوالور بروی من کشیده مرا بر شوه تطمیع نموده تا از وظائف خدمت باز ایستم این بگفت و خدا حافظ کرده ژاردفیر ناچار کابل مراجعت نمود، معلوم است که قبل از رسیدن وی تمام اخبار این واقعه بکابل رسیده بود مخصوص چند نفر ... اشخاصی که شخص قاتل را می شناختند برای اینکه یقین که همان است یا نه آمدند و عاقبت آن شخص را مکابل آورده دیدند همان شخص قاتل است و در محکمه توقیف نمودند . این است عین واقعه وانچه را غیر از این جرائد خارجه نویسند مقرون بصحت نیست اگر حرکتی که نماینده یک دولت متمدنه اروپائی در یک مملکت جوان آسیائی نمود یک از آسیائیان مرتکب می گردید جرائد خارجه دنیائی را بوحشت کاری ان آسیائی پر می کردند یعنی اروپائیان فرشته خصال اند که چون موقع بدست شان میاید انهم ژاردفیر یک دولت متمدن مرتکب اینگونه خلاف تهذیب و جرائم قانونی می گردد چرا عقیده آنان این است که در مملکت آسیا قانون نیست و آسیائی قابل آن نیست که با وی از روی قاعده و قانون سلوک شود این واقعه حتی در خود ... این نمایندگان سائر دول اسباب شرمساری شده و هم ... قائل اند که ژاردفیر المان حرکتی کرده که وقر و اعتبار اروپائی را از این مملکت برده است دولت افغانستان با شخص ژاردفیر المان که مرتکب این جنایات بزرگ گردیده ترک ظرفیت نموده و بعید نیست بهمین زودی رهسپار آمده و بجای وی دیگری فرستاده شود حالا خوب است یک مقیاس و موازنه اخلاقی بین یک کرنل جوان آسیائی با یک مرد سیاسی و نماینده بلتیک یک دولت متمدن اروپائی بشود و وجدان را حکم قرار دهیم که یعنی تهذیب اخلاق و تربیت اروپا همین است تهذیب و تمدن اگر این است ادب رحمت ادا بوحشیان بربر ـ

سوء التفاهم

می توان گفت که تربیت اخلاق اعلیحضرت امیر بامة افغانان خاصه جوانان تاثیرات کیمیاوی بخشیده گویا قلب ماهیت شانرا نموده است همین افغانستان است که تاقبل از حکم داری حکمدار کنونی سرتا پا مرعوب خارجیان بود در برابر هر کلاه سیدی هر گونه خضوع و خشوع بجای میاورد . و علاوه تصور نمی شد که یک کرنل جوان با ماهی چند تومان مواجب از ۵۰۰ یا ۶۰۰ صد لیره سرخ صرف نظر نماید هزاران آفرین بر معلم و صدها آفرین بر متعلم باد ما در این زمانه ایرانیان خاصه افراد نظامیان محبوب خود را متوجه ساخته امید واریم که در اینگونه موارد از هم سلکان افغانی خود عقب نمانند. آسیا و آسیائیان را پیش از پیش سرف از دارند همه گذشته نگاشته بودیم که اروپائیان که فرشته خصلت مینمایند نه از روی تمدن فطری و اخلاق تجلی است انکه از خوف قانون و جزای آن است و همین که در نقاط بی قانون میرسند مرتکب جنایاتی میگردند که هرگز فطرت هیچ آسیائی قبول ارتکاب آن را نمی نماید بهترین شاهد آن مقال جنایات مرتکبه ژاردفیر آلمانی در افغانستان است که باید گفت تفو باد براین تمدن و تهذیب و اخلاق ـ

صاحب منصبان نظامی نخواهند

یکی از تجار ... شکایت از یکنفر صاحب منصب نموده که چهار عدد لیره از او دریافت داشته شکایت مشار الیه مورد توجه و مقرر گردید یکنفر صاحب منصب به آذربایجان اعزام پس از رسیدگی در صورت صحت مرتکب را جلب و در محکمه نظامی تعقیب و برای عبرت سایرین مجازات نمایند و همچنین شکایتی از اهالی یزد راجع باقدامات بعضی از نظامیها واصل شده بود مقرر گردید چند نفر صاحب منصب به یزد عزیمت نموده و قضیه را تحت تعقیب قرار دهند تا پس از تقدیم راپرت قرار مجازات آن ها صادر گردد ـ

کارخانه تفنگ سازی

سرهنگ اسمعیل خان رئیس قورخانه و آقای وثوق مهندس قورخانه از طرف وزارت جنگ به برلن عزیمت نمودند که برای تکمیل نواقص قورخانه وخرید ماشینهای برقی وخرید ماشین تفنگ ریزی وغیره اقدامات لازمه بعمل آورده و با نازلترین قیمتی که صرفه خزانه دولت باشد ماشین های لازم را ابتیاع و ...

سرباز گیری قانونی

وزارت جنگ مصمم گردیده که مطابق قانون مصوبه مجلس شورای ملی نظام اجباری را اجرا نماید کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت جنگ - وزارت داخله - بلدیه - در وزارت داخله تشکیل و طهران و توابع را به هفت ناحیه تقسیم و حالیه شروع به ناحیه یک و دو نموده و برای تکمیل لشکر مرکزی از اول حمل شروع به اخذ نفرات خواهند نمود و قرار شده اداره بلدیه صورت جدیدی از اشخاصیکه متولد ... مطابق مقررات قانون بسن داخل نظام بشوند فوریت تهیه و در کمیسیون مزبور حاضر نمایند و دومین جلسه کمیسیون مزبور هم منعقد و نظر باینکه در اغلب از ولایات سجل احوال اجرا نشده است از قرار اطلاع واصله در نقاط مذکوره اخذ نفرات مطابق بنیچه قدیم گرفته نخواهد شد

پیشگوئی

در همه فرقه و هر طبقه همه وقت اشخاصی یافت شده اند که بوسیله بعضی علوم مخصوصه و یا از روی ستاره شناسی وغیره برای آتیه هر ملت و هر جمعیتی یک عبارات کشف و یا رمزی را گفته اند که بعضی از آن مردم بانتظار الوقوع و یا بانتظار اثرات آن کلمات در وقت خود بوده اند - برخی هم این عنوانات و بیانات را مهمل وموهوم تصور کرده وقعی نگذارده و نمیگذارند

نگارنده از آن جمله است که حالت انتظار را برای مشهود داشتن نتیجه زحمات شخص پیشگو برای خود جلب مینماید

در ایران گرچه دایره علم و دانش وسعت ندارد بلکه در اعداد بدرجه صفر است - لیکن این عادت هنوز متروک نیست - و تقاویم سالیانه عهد قدیم که در پشت ورق اول معرفی منجم باشی را مینماید گاه گاهی عبارات و کلماتی مرموز یا مکشوف نوشته و در جزو پیشگوئی محسوب میدارد

چنانکه تقاویم امساله (۱۳۰۵) هم که (مصباح) طبع و منتشر کرده جمله هائیکه ذیلا نوشته میشود نگاشته - و طریقه کشف انها را مینویسد از روی قواعد ابجدی است که ملوناً وملفوظاً حساب و کشف شود - تا کاشف بفهمد در آتیه چه پیش خواهد آمد وبرخی نکته سنجان نیز بعضی از انها را از روی قرائن فهمیده و درصدد استفهام بقیه اعداد غیر منکشفه میباشند

اول - مینویسد (۱۲۵۷) تغییر خواهد کرد

دوم - باب (۰۴۶۷) مسدود خواهد شد

سوم - بعضی ... (۱۲،۲۳) ... خواهند ...

جبانه ... (۱۹۸) ... [illegible]

... (۲۰۲۷۰۳ ...) [illegible]

این جملات پنج گانه را هر یک ... نمایند در نظر اهل فضل و هنر ... جلوه گر خواهند شد

اهواز

۱ - یک عده پانصد نفری نظام در دهم ... ازفارس وارد و قریباً بطرف دزفول و ... میشوند

۲ - در سال قبل شهر شوشتر و دزفول را جزو لشکر غرب قرار داده و اهواز و ... را جزو لشکر جنوب - در این اواخر مجدداً شوشتر و دزفول و کلیه خوزستان شامل جنوب گردیده و عده نظامی از لشکر جنوب ساخلو خواهند بود

۳ - سرتیپ محمد حسین میرزا رئیس ارکان حرب جنوب عصر دوشنبه ۱۷ بهمن تجار اهواز را برای ملاقات پذیرفته و در آن جلسه مذاکره در اطراف بلدیه و وضعیات بلدیه فرموده و آتیه درخشان بلدیه را باقدامات خود نوید دادند - وروز ۱۸ بطرف شوشتر و دزفول رهسپار شدند

٤ - اداره بلدیه اهواز بتازگی بطرف کارهای مفیده متوجه گردیده است

٥ - عدلیه خوزستان گرچه بتازگی در اهواز مفتوح گردیده ولی دارای خیلی نواقص است - از جمله دفتر عدلیه که باید در مقابل وجوهات ماخوذه تمبر باطل کند غالباً دیده و شنیده شده که وجوهات زیادی گرفته و مردم را شاکی کرده است - ازطرف وزارت عدلیه نیز اقدامی در تکمیل نواقص عدلیه نشده

٦ - اداره نظمیه درکمال انتظام است - ولی عده پاسدار بقدر کافی ندارد

۷ - اداره مالیه همان وضع سابق بعد ... مشغول و دارای هیچ قاعده وقانونی در اخذ وجوهات باسم مالیات نیست -

اعلان

مدتهاست است ادریس تلگرافی بنده مصلائی ... نظر بر اینکه امروزه هر کس نامی برای فامیل ... تعیین می نماید لذا بنده هم متابعت افکار ... نموده برای هویت خود کلمه مصلائی اسم فامیل خود قرار دادم - (حاجی آقا مصلائی)

اخطار

مشترکین طهران و سایر ایالات و ولایات را اخطار مینماید هرگاه بکسی اخبار غیر مرتب بوصد یا ... شماره باو نرسد در طهران بوکالت مرکزی حبل المتین مراجعه نمایند

حسب الامر مدیر ومدیر جلال الدین ... درمطبعه حبل المتین ... طبع
و از نمره ۱ - ۹ مکلود استریت ... توزیع گردد

[illegible]

از هر کس و هر جا بلا استثنا بدل ابونهٔ اخبار

بقدم گرفته میشود

روز نامهٔ مقدس

سالانه ششماهه

هند و برمه

۱۸ روپیه ۱۰ روپیه

ایران و افغانستان

۶۰ قران ۳۵ قران

ممالک سایره

سالانه

یك ونیم لیره انگلیسی

[illegible]

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام

[illegible] زاده

هر هفته طبع و سه شنبه

توزیع میشود

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۲ شعبان المعظم سنه ۱۳۴۴ هجری مصادف با ۱۶ فروری سنه ۱۹۲۶ میلادی

مسئلهٔ موصل با خوف جنك شرق و غرب

هر چیز از ابتدا کوچك و رفته رفته بزرك میشود و اگر به تعمق در علل پیشتر از جنگهای بزرگ نظر انداخته آید دیده خواهد شد یك چیز خیلی کوچك عنصری بوده رفته رفته باندازه بزرگ گردیده که عالمی را سوخته است عاقبت هم این موصل کوچك خوف آنست سبب جنگی بسیار بزرگ بین شرق و غرب گردد از بس حبل المتین در این زمینه مقالات نگاشته آنچه بنویسیم مکررات خواهد بود ـ

باز هم می گوئیم ایران امروزه هماقدر که ترکان علاقمندی خود را بموصل خاص می دارند او نیز باین قطعهٔ مهم علاقمند است فرق که بین ما و ترکان می باشد فقط یك نکته است یعنی دراین اواخر سلاطین آل عثمان سالهای دراز در این قطعه حکومت کرده اینك ترکان نیز موضوع دعوی خود قرار داده اند ـ

موصل چنانچه مکرر نگاشتیم در رأس کردستان ایران و ترکی واقع گردیده است همان خطری را که ترکان از عبینه [illegible] بر موصل ظاهر میدارند ایران را هم دامنگیر است نهایت چون اولیای دولت فعلی تا امروز در هر مسئله اعم از سیاسی، اقتصادی و جنگی لا ابالیگری داشته بمسئلهٔ موصل نیز لا ابالیانه نگریسته اند امیدواریم که اولیای دولت بهلوی این مسئلهٔ مهم را بیك نظر تازه نگریسته تا حقوق [illegible] آنان در سلیمانیه وغیره ملازم نیامده و [illegible] ایران را در آینده دور یا نزدیك به مخاطره [illegible]

بتازگی وقائع نگار تیمس لندن خبر داده که دولت جمهوری ترك در سواحل دریای اسود به چیلی و سابکی قلعه بندی می نماید و نیز بیان شده مصالح قلعه بندی و لوازم مساح ساختن آن قلاع را جماهیر شوروی روسیه بترکان تأدیه و کمك مینماید و می گویند که قشون ترك در شمال موصل بر عدهٔ خود می افزاید و همان قسم لشکریان انگلیس و عراق در جنوب موصل بتدارکات دفاعیه پرداخته و می پردازند

از این اخبارات ظاهر می شود که مسئلهٔ موصل هرچه کهنه تر میشود آتش درونی طرفین افروخته تر میگردد ـ ترکان می گویند که ما به اصول تنازع لبقا مجبوریم که خویشتن را ولو پروانه وار باشد فدای شمع موصل سازیم چه اگر موصل از قبضهٔ ما خارج شود و دولت انگلیس چنانچه مقرر آمده تا ۲۵ سال دیگر قیمومیت عراق را داشته باشد بر آن استیلا یافته خطرات عظیم در ۱۱ دولی ترك تولید تواند شد و گویا برای همیشه کردستان و کلیه الا دولی را دولت انگلیس تهدید خواهد نمود از اینرو ترکیه مجبور است که درهمین اولین قدم ولو بهر قیمت باشد موصل را حاصل نماید بقول ترکان بر فرض هم که ما امروز بنا برمقتضیات سیاسی سکوت اختیار کنیم منتظر وقت خواهیم نشست تا موقع مناسبی پیش آمد خلك مرام را بجهانیم ـ

معلوم است دولت روسیه نیز در حدود اینگونه بهانه ها بوده و تلقی کرده و خواهد کرد که آتش این فتنه را [illegible] شاید بدین وسیله بتواند جنك شرق و غرب را ایجاد و در آب گل آلوده ماهی

بگیرد دولت روسیه که بتائید سری و علنی ترک حاضر گردیده به دو مناسبت است - اول اینکه روسیه فعلا در شرق و غرب منفرد است و با هیچ دولت دیگر قرار دادی که مفید وی در موقع جنگ باشد ندارد اینك که ترکی بوی اقبال نموده برای خویش فوزی عظیم شمرده بهمه گونه حاضر بهمراهی گردیده است دیگر اینکه جماهیر روسیه بر خود مصمم کرده که بهر وسیله و هر فداکاری که باشد آسیا را بمسلك بلشویزی نزدیك سازد و چون ترک جمهوری گردیده نسبتاً به روسیه نزدیك تر آمده است جرائد روس می نگارند که سلطنت که میراث آسیائیان بود خیلی زود تخت گاه خویش را در اروپا قرار خواهد داد . دولت انگلیس ساعی است که بهر وسیله ممکنه اصول سلطنت را در اروپا مسلم دارد فقط مانع قوی انگلستان حزب جمهوری خواهان فرانسه است اگر فرانسه را توانست بطرف سلطنت بکشاند تاج سلطانی بروی کلیه اروپا نهاده خواهد آمد و همین قسم روسیان ساعی اند که بهر ذریعه باشد جمهوریت را در آسیا بسط دهند و نگذارند آسیا باختلاف مسلك از اتحاد باز ماند روسیان میگویند که اگر اقلیم آسیا بجمهوریت گراید طولی نمی کشد که آسیا عظمت اولیه خود را در دنیا تحصیل تواند نمود چین را بطرف جمهوریت بلکه بمسلك بلشویزی کشانیده ساعی است که با ژاپون نیز در این موضوع متحد آمده بلکه بتوانند جمهوریت را در کلیه شرق بسط دهند مسلم است که اگر ژاپون و روس متحد شدند جمهوریت شرق خیلی پیشرفت تواند کرد

باز گردیم بمسئله موصل که موضوع بحث مقاله ماست چنانچه بارها گفته باز هم میگوئیم موصل ولو هم فعلا یك تصفیه موقتی مسکوت عنه ماند طولی نخواهد کشید که مانند کوه آتش فشان سرپوش از روی وی برداشته آمده سبب جنگ شرق و غرب خواهد گردید

و این خبر نیز که اشاعه یافته که مصطفی کمال پاشا بطریق غیر رسمی لندن خواهد رفت یك از مسالك پالتیکی است که برای غفلت طرف اشاعه می یابد چه اگر باید مسئله موصل تصفیه شود در انقره یا لندن خواهد شد چندان مربوط برفتن کمال پاشا در لندن آن هم بطریق غیر رسمی نخواهد بود

تکلیف ما چیست

آیا این دوره هم در این مسئله اهم که میتوان مسئله حیات و ممات سیاسی برای ایران تصور نمود بی علاقه خواهیم ماند ؟ مکرر نگاشته ایم باز هم میگاریم علاقه ایران بموصل نه هیچ وجه کمتر از تعلقات ترك بموصل نیست معلوم است در صورت جنگ ما برخلاف ترك نخواهیم رفت چه گویا برخلاف منافع خویش حرکت کرده ایم و از طرف دیگر نیز صلاح امروزه ایران نیست که برخلاف انگلیس و عراق بجنگ درآید پس چه باید کرد می باید اقدامات عملی و سیاسی نمود تا بتوان بیطرفی خود را داشته حقوق خودمان را در موقع جنگ و صلح محافظه نمائیم - مسلم است در موقع جنگ شرق و غرب حال ایران و افغانستان یکسان یعنی نفع ما نفع آنها و ضرر آنها ضرر ما خواهد بود - پس چنانچه مکرر نگاشته ایم همانقسمیکه حیات انفرادی قریب به محال است حیات اجتماعی نیز منفرداً جز زیانی بار نیارد اینست که می بینیم از یك طرف روسیه کوشش میکند که در شرق برای خود پشتیوانی پیدا نماید از طرف دیگر انگلستان هم بهمان دست و پاست از یك طرف قرار داد لوکارنو بمیان می آید از طرف دیگر ایطالی را باتحاد خویش میکشاند و بقول جراید انگلیسی پانصد ملیون از قروض ایطالی صرف نظر میشود این گذشت بزرگ معلوم است که بدون یك لحاظ سیاسی غیر ممکن بود از طرف دیگر با فرانسه متحد آمده مسائل غرب و شرق را که مابه الاختلاف برده موضوع بحث قرار داده تا بتوانند تشکیل یك هیئت مثلث قوی داده بهر شکل باشد از پیش آمدهای حتمی شرق جلوگیری نمایند حتی می بینیم دول کوچك بالکلیه بدست و پا افتاده از سیاست انفرادی خود ترسیده ساعی اند که قرار دادی مانند قرار داد لوکارنو بین خود بر قرار دارند همینه دولت روس و ترکی است که تا کنون نگذارده در بالکان چنین قرار دادی بسته آید پس ایران راست که بدواً اصول سیاسی حقوق خویش را در موضوع موصل محافظه نموده بادولتین ترك و انگلیس داخل در مذاکرات بیطرفانه حقوقیه آمده از طرف دیگر با دولت افغان که در همه چیز شریك النفع و ضرر اند و یك قوم و یك زبان و یك اخلاق و معاشرت اند قرار دادی بسر وفق سیاست کنونی طرفین بسته سپس نگران باشند که هر وقت بهر هیئت سیاسی که مناسب شرکت شود توأم شریك آیند چنین قرارداد هم برای افغان و هم برای ایران خیلی لازم و نافع است البته این مسئله را نیز تسلیم داریم که یك مرتبه برای طرفین خیلی دشوار خواهد بود که قرار داد سوق عسکری بربندند ولی بدواً میتوانند باصول دیگری که تضمن یکدیگر باشد نموده و بتدریج کوشش کنند که یك مسلکی برای خود قائم داشته نگذارند که گرگ اجل یك یك از آنها را بر باید

§ دو دل یك شود بکند کوه را §

اگر امروزه ایران و افغانستان قرار داد بکار نشو

افراد ملتی در بعدانه و قوت شان در افکار ملکی کنونی [illegible] توانند گرفت و کرتی و موسر [illegible] برای با کمال ساختن حقوق آنان خارجیان حاضر خواهند گردید ایرانی با معلم هوز تصور کند که افغانستان امروز خیلی عقب است و مقابل شدن در قرار داد با وی تکالیف سیاسی و اقتصادی ایران را زیاد تواند نمود افغانستان ولو ظاهراً عقب است ولی تا جائیکه ما مطالعه روح سیاسی او از برکت شخص پادشاه جوان ملت آگاهی خیلی در پیواست ایران امروزه باید خویشتن را پشتیوان افغانستان قرار داده در نقائص اقتصادی و تعلیمی و سیاسی او کوشیده تکمیل نماید اگر ایران با افغان متحد شود و بمشورت و مصلحت یکدیگر قدم بردارند خیلی زود نواقص مرتفع آمده ترقی توانند نمود اگر امروزه افغانستان در بعض جهات عقب مانده و محتاج بتائید ایران باشد از جهات دیگر ایران میتواند از وی منافعه عظیمه حاصل نماید هیچ لازم به بیان نیست که امروزه هر زیانی که بافغان وارد آید مستقیماً بایران وارد آمده و هر ضرری که بایران رسد باطناً بافغان رسیده است هیچ قوم و ملت مانند ایران و افغان معناً و صوراً بهم نزدیک و شریک النفع و ضرر نیست چون حیات انفرادی سیاسی امروزه خاتمه پذیرفته هم ایران و هم افغان مجبور است که شامل در یك هیئت اجتماعی بگردد آیا نزدیکتر از این دو ملت بیکدیگر متصور یا موجود است ؟ امیدواریم که اولیای دولتین ایران و افغان در این موضوع اهم غور و تامل فرموده راه حلی برای آن پیدا و علاجی برای واقعات آینده خود قبل از وقوع نموده باشند

چون پیش آمد امور بما ظاهر می دارد که در آینده نزدیك خواه مخواه افغان و ایران شامل در قرارداد با یك هیئت سیاسی خواهند گردید اگر قبل از وقت این دو دولت داخل در یك قراردادی شوند هم حقوق شان بهتر محفوظ می ماند و هم از اختلاف یکدیگر مصئون میکردند

§ .. صرد آخر بن مبارك بنده است §

بیانات شاهانه

اعلیحضرت همایونی در حضور جمعی این بیانات را فرموده اند

« چون تمام توجه و هم من معطوف به ترقی ایران و سعادت مندی مملکت و ملت است ، باین جهت در علل انحطاط و ترقی مملکت مطالعات عمیقه نموده ام و نتیجه مطالعات من اینست که اول وسیله ترقی مملکت خوب شدن اخلاق عمومی و ایجاد روح صداقت و صمیمیت و وظیفه شناسی است و از بین رفتن نفاق و دوروئی و بی عقیدگی و تذبذب در جامعه است معلوم که هرگاه اخلاق جامعه اصلاح حقیقی حاصل نشود ترقی حقیقی مملکت غیر ممکن خواهد بود

در مملکت ما پاره حالات روحیه وجود دارد که موجب تعجب و تأسف است یکی از این حالات حس ترحم به بدکار و ظالم نوازی است در هر موقع که یکنفر بدکار مورد مجازات واقع می شود فوراً حس ترحم همه بجوش آمده و همه در صدد تهیه وسائل عدم اجرای مجازات بدکار برمیایند در صورتیکه برخلاف عادت حالیه مجازات بدکار باید باعث مسرت عمومی بشود

« حالت روحیه بد دیگری که در میان مردم موجود است حسد بردن به ترقی دیگران و کوشش در تنزل دادن آنها است که با لاستحقاق ترقی نموده اند این رویه بقدری نا مطبوع است که اندازه ندارد و حاکی از کوچکی روح می باشد هرکس باید سعی کند که با ابراز صداقت و لیاقت ترقی کرده و بآنکسی که جلوتر از اوست برسد نه اینکه تمام هم خود را صرف تنزل دادن دیگران برای مساوی شدن با خود بنماید

اینگونه اخلاق برای جامعه مضر است و باید محو و نابود بشود در نظر من صداقت و صمیمیت و وظیفه شناسی ذیقدر بوده و فقط صاحبان این صفات می توانند مورد توجه من واقع بشوند »

حبل المتین

ما نیات پاکیزه شاهانه را تقدیس نموده عرض میکنیم اعلیحضرتا بزرگترین معلم تهذیب اخلاق بنی نوع بشر پروردگار جل وعلی بوده از آن بعد پیغمبران و سپس اوصیا و اولیای آنان تا برسد بحکما و فلاسفه هر قوم از معلم اول تهذیب اخلاق که خداوند کریم است پیروی نموده و تمام سر مشق شان یکی بوده یعنی برای تهذیب اخلاق یك ملت قوانین سزا و جزا پیش روی افراد گذارده و مجرا داشته اند مثلا خداوند علی اعلی در کتب آسمانی خود برای تهذیب اخلاق اولاد بشر امر داده شراب ننوشند ولی بهمان امر تنها اکتفا نرفته و در مقابل آن سزای تازیانه را نیز برای شارب معین کرده است پس اعلیحضرت که تهذیب اخلاق ملت ایرانیه را خواستار اند بزرگترین مدرسه تهذیب اخلاق ملی را باید باز فرمایند و آن مدرسه عبارت است از محاکم قوانین جزای عرفیه چه تا وقتی که در ملتی قانون جزای عرفی جاری نگردد محال است افراد آن ملت مؤدب و آرام و از تجاوز بحقوق یکدیگر باز آیند اگر در سرتاسر اروپا نگریسته آید دیده خواهد شد که بزرگترین عامل تهذیب اخلاق ملی همانا محکمه های جزای عرفی است که

به استثنای محکمهٔ جرایم رشوات باشد وانگهی که در ایران هم قوانین جزای عرفی از روی مدنیت و جدیت بدون استثنی و تبعیض جاری نگردد ولو ۱۲۴ هزار پیغمبر مردم را نصیحت کنند ذره در اخلاق اهالی تبدیل دیده نخواهد شد . ره باید همان رفت که دیگران رفته اند

خدای را شکر که امروزه ایران برخلاف سابق دارای پادشاه است که طبعاً خواستار تهذیب اخلاق ملی گردیده اجرای قوانین جزای عرفی نیز به اختیار ایشان است اگر اعلیحضرت جدیت فرمایند در قلیل زمان قوانین جزای عرفی در هر شهر و قصبه و قرات ایران دایر گردیده طولی نمی کشد که بیشتر اخلاق ذمیمهٔ ملی ما اصلاح می پذیرد.

(اعتماد)

از جهة تاسفات سوگانه عدم اعتماد افراد به یکدیگر است اعلیحضرتا در مملکتی که عدالت حقوقی آن کاملا با اعضاء صالح منبسط نباشد ممکن نیست مردم به یکدیگر اعتماد پیدا نمایند

اعتمادیکه امروزه در ملل اروپا بین افراد دیده می شود وسبب تشکیل آنهمه شرکتهای بزرگ وکوچك وعمران مملکت و ترقیات اقتصادی گردیده تمام به برکت بسط عدالت حقوقی و جزائی در مملکت است اعتماد اهالی اروپ به یکدیگر نه از روی دیانت و اخلاق است بلکه بواسطه اعتمادی است که به عدالت های محلی خود دارند یعنی یقین دارند اگر فلان مدیون از ادای دین خود سر پیچی نماید بقوه عدالت استیفای حق دائن می گردد و بر فرض که مدیون هم چیزی نداشته باشد اگر دائن به خواهد اورا در محبس حقوقی توقیف می کنند ونیز یقین دارد که اگر کسی درمعاملات با وی اختلاس کند درمحاکم جزائی سزای عمل خواهد یافت از این است که مدیون نیز تا جائیکه ممکن شود از ادای دیون خودسر باز نمی زند وپیرامون اختلاس کمتر می گردد همین که محاکم حقوقی وجزائی در مملکت بسط یافت ، طبعاً مردم مهذب افراد آن ملت به یکدیگر اعتماد پیدا نموده بازار معاملات گرم می گردد و رفته رفته اخلاق وحشی رام گردیده از تجاوز بحقوق دیگری باز می آید تمام این مراتب کاملا در تحت کفایت ملوکانه و به اختیار شاهانه است هرگاه در کلیهٔ نقاط عدالت خانه های حقوقی و جزائی بسط داده شود و تبعیض از میانه برداشته آید و حکام و قضاییان و سایر مامورین و ارباب نفوذ هر طبقه که باشد دخالت در معاملات حقوقی ننمایند و اشخاص صالح برای عدالت خانه ها تهیه شود طولی نمی کشد که نه تنها اخلاق ملی مهذب می شود بلکه اعتماد افراد هم به یك دیگر بدرجهٔ کمال می رسد و از برکت این اقدام داد و ستد زیاده و اقتصادیات مملکت رو به ترقی میگذارد [illegible] نمی شود بواسطه اینکه مردم به یکدیگر اعتماد ندارند چرا اعتماد ندارند بواسطه اینکه عدالتی که از روی صحت و انصاف حقوق مردم را [illegible] نمی بینند و از این است که چرخهای اقتصادی مملکت [illegible] شکسته است از این رو ما به آن اعلیحضرتا خطاب کرده میگوئیم

§ هم دعا از تو اجابت هم ز تو §

§ ایمنی از تو مخافت هم ز تو §

تهذیب اخلاق ملت بدست تو است به بزرگترین عامل تهذیب اخلاق ملی و اعتماد افراد بیکدیگر چنانچه ذکر نمودیم دو ره بسط عدالت حقوقی و جزائیست و این هردو به اختیار اعلیحضرت است و بهر سرعت که بخواهند در ملت بسط توانند داد سایر صفات ذمیمه و اخلاق زشت امروزی ما نیز که مولود تشکیل خودی و بیگانه گردیده بتدریج در سایه عدالت حقوقی و جزائی اصلاح تواند پذیرفت و بدون

[بقیه در صفحه ۳۴]

ایران

§ آن قصر که بهرام در آن جام گرفت §

§ آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت §

§ بهرام که گور میگرفتی همه عمر §

§ دیدی که چگونه گور بهرام گرفت §

پس از اینکه کار از کار گذشته است نباید زیاد در آن کار که گذشته سخن راند این یك اندرز کلیه است و در مورد خود درست می باشد اما پاره چیزها در این عالم واقع میشود که پس از گذشتن آن لازم است از کیفیت وقوع آن بحث و به چگونگی آن دقت کرد تا حقایق کار معلوم و اسباب وقوع آن بقدر امکان مکشوف گردد همه ما به یاد داریم که سال گذشته کمتر زبانی در ایران بود که بالغ باشد و اسم جمهوری از آن جاری نگردیده باشد امسال هم که ما همه رعایای شهریار ایران پهلوی عیوب خود هستیم نگارنده این سطور کمتر زبان ایرانی دیده ام که وقتی از او بپرسند چرا ایران جمهوری نشد جوابش « سر نیزه » نباشد یعنی سر نیزه مانع جمهوری بود تعجب اینجا است که همه مانع را سرنیزه میگویند همه هم می شنوند و من تعجب میکنم هرگاه از چند نفر وکیل مجلس مؤسسان هم پرسیده شود و انها هم همان جواب معمولی ایرانی که سرنیزه باشد بدهند گویا مثل انداریم اندکی فکر کرده و به بینیم این سر نیزه ها کجا بود و ایا این همه سرنیزه که در ایران موجود بود [illegible] که [illegible] بکلی دیگران [illegible] باینکه [illegible] در

قائل این همه سرنیزه وجود نداشت و یا اینکه این سرنیزه - سر نیزه یك اصطلاحی است که لطافت طبع ایرانی تازه آن را بر سر زبان ها جاری داشته و اصلا سرنیزه وجود نداشته است بعقیده من شق اخیر را باید قبول کرد زیرا اگر سرنیزه در ایران بود چرا با چند نفر مرد تاریخی ایران تقی زاده و داکتر مصدق و همراهانش خراشی نرسانید یا اگر سر نیزه وجود داشت چرا درمیان پنج ملیون رای دهندگان ایران زخم هیچ سینه از سرنیزه دیده نشد ؟ پس باید قائل گردید که این سر نیزه که امروز جواب هر سیاسی هر ایرانی شده بلکه در افواه انام افتاده همان ظرافت طبع است مانند مرگ ما و توبمیری اصطلاحی خودمانی که جز ظرافت نیست و مطلقاً دخلی به مرگ و قبر ندارد *

﴿ بی علاقگی ﴾

ـــ اینکه گفتند ایران جمهوری میخواهد یا اینکه موافقت با شاهی پهلوی نکردند چه مستقیم و چه غیر مستقیم مانند آقای پیرنیا ، آقای مدرس و آقای داکتر مصدق و امثال انها همه از روی عقیده کار کردند و در مورد خود بجا و درست بود انهائی هم که گفتند ایران شاه میخواهد و شفاهاً از شاهی پهلوی طرفداری نمودند سخنشان ازروی عقیده و در مورد خود درست بود اما انها که میخواهند از شوربای کاشان و حلوای قم هر دو بهره ببرند نا درست و غلط فاحش است و بدبختانه عده زیادی در ردیف طبقه سوم داریم که حدش را مشکل است بیان نمود این آقایان هستند که ما باید انها را سرنیزه دانسته و نمونه طبیعت مذبذب ایرانی دائم هر گاه بر دارید و اسامی وکلای مجلس مؤسسان را بخوانید بر شما معلوم می شود که سرنیزه در کار نبوده بلکه بی علاقگی و تنبلی و روح مرده عده زیادی شهر نشینان ایرانی بوده که خود را از دادن رای و حق انتخاب کناره گرفته اند ومیدان را بدست نوکرها ،تاجرهای اعیان شهر ها داده تا اینکه انتخاب همان اعیان بی اراده صورت گرفت و اشخاصی درمجلس موسسان حاضرشده ورای دادند که بخیال خودشان یك قسمت سلطنت را به قرض اعلیحضرت پهلوی داده اند تا اینکه بعد از چندی شهریار ایران بدادن مقدرات یك شهر حق چاپیدن و مفت خوری را به آنها بدهد و قرض خودرا ادانماید هرگاه ملاکین وتجار وکاسب بازارهمدان وکرمان حق خودرا میشناخت وهمان طوری که در روز رمضان دقت در وقت افطار میکنند دقت در انتخاب وکیل یا لمانهم می نمود و آن را فریضه ملی خود میدانست شاید وکلای مجلس موسسانی که حبل المتین آنها را هدف اعتراض قرار داده است انتخاب نمیشد و اگر دران صورت وکلائی غیر از وکلائی که انتخاب شده و همه ایران عده زیاد شان را می شناسد حبل المتین نمی توانست اعتراض نماید

ولو آن وکلا همان رای را میدادند که این وکلا دادند و قطعی است که اگر غیر ازاین عده که انتخاب شدند انتخاب بودند این طور جلسهٔ هم که پیش امد پیش نمی امد و تبادل افکار بیش از نطق چند نفر مشاق میشد بنا بر این باید ملت را ملامت نمود که بی علاقه به مقدرات کشورخود است وبه انتخاب وکیل کمتر توجه دارد تا تراشیدن سرخود را درهفته یکبار

﴿ به‌یکدیگر قرض دادن ﴾

ازان زمانی که کشکول و منتشا از سرزمین هندوستان ومرزبوم دکن در ایران رحل اقامت فرموده و مردم را به دنیا بی علاقه بلفظ گردانیده است گویا در رکاب ظفر انتساب خود یك تحفه دیگر هم آورده و یا اگر آن تحفه در ایران بوده نهالش را آبیاری کرده است وآن چیز کار قرض یکدیگر دادن است وازکار همدیگر اغماض کردن این حالت یا این خصلت مدتها است در ایران ریشه کرده و این ریشه بدست وپای شاه و گدا پیچیده است و عمرها باید تا استیصال ان حاصل کرد این خصلت رجال درباری راجه‌گان هندوستان و حتی در اغلب راجه‌گان حالا هم موجود است در ایران ممکن است دراواخر سلسله صفوی و تمام دوره سلسله قاجار اثاران را دید در دوره قاجاردر «احترام خاطر علماء جهدی بلیغ داشتند و اعیان مملکت را حرمت میگذاشتند » درهر جای تاریخ ممکن است این عبارت را در حق شاه و شاهزاده وحکام ولایات خصوصاً اگر شاهزاده بوده اند ملاحظه نمائید و این مطلب دلیل است به ضعف قوا و عزم استبداد و قرض دادن به متنفذین که شاهان قاجار توارثا آن را مسلك و مرام قرار داده بودند چه پرواضح است که اگر مقصود انها رفاه حال تمام طبقات ملت بود لازم نبود یکی را بر دیگری تفوق دهند لازم بود همه را بچشم رعیتی مساوی دیده واحکام مملکت را برهمه یکسان جاری دارند در مقابل علمای واعیان هم باوجود که اخلاق و کردار شانان را میدانستند چون مقروض بودند به انها از اعمالشان اغماض کرده بلکه دین پناه و سایه خدایشان می نامیدند مثلا فتح علی شاه همه ساله می امد قم لدی الورود بزیارت حرم رفته ازانجا یکراست بخانه اقای آن دوره در قم بدیدن میرفتی آن اقا هم همه ساله بطهران بازدید میرفت در یك سفرکه بطهران بازدید کرد پیاله قهوه خوری در مجلس شاه را طلا یافت

از خوردن قهوه امتناع نمود شاه سبب را پرسید اقا فرمود استعمال ظرف طلا حرام است شاه ریش شد برخود لرزید و فرمان داد دسته هاون حاضر کنند و در حضور اقا ظرف طلا را در هاون کوبید تا از کار افتاد اقا از کار قبله عالم خوشحال شده و ازاین که ظل الله نمیدانستند ظرف طلا حرام است متذکر گردیده و دعا بدولت ابد مدت نمودند هیچ کس دران جلسه نبود بگوید اقای بزرگوار تو باور کردی که شاه از حرمت ظرف طلاخبر نداشته و اقا ظرف طلای شاه منحصر بهمین دوپیاله بود که با دسته هاون ان را شکست نه کسی بود این سؤال را بکند و هر دوی انها که اقای مجتهد و قبله عالم باشند میدانستند که هر دو دروغ میگویند و هر دو دارند همدیگر را گول میزنند و قرض همدیگر میدهند یا اینکه شاهزاده حاجی فرهاد میرزا وقتی بحکومت شیراز منصوب میشد مشیر شیراز را چوب میزد قوام لنگ که ازکار افتاده بود بر سرکار می آورد که به کارش نخورد وقس علیهذه ازاین قبیل سیاست ها خیلی بکار برده میشد

تغییرات زمان

بهر حساب که باشد آب وهوای این زمانه طوری است که آن سیاست ها را برنمیدارد مگر اینکه اساس اختیارات یك ملت یا یك کشوری محدود گردد مانند امارت های هندوستان والا اگر مملکت افغانستان باشد و اگر سلطان جولیوس قیصر روم سیاست دوره خاقان مغفور ان حکم آتش و پنبه را دارد و زود یکی دیگری را بفنا سوق میدهد شاید بعض متقدمین و مقتدرین چنین تصور کردند که هرچه زود ترشاهی از برای ایران بر قرار نموده تا در سایه او اسرار معاش کنند ولو میدانستند که پهلوی امروز غیر از فتح علی شاه دیروز است معذالك بقول فرنگی ها شانس گرفتند اما اشتباه کردند نه پهلوی محبوب آنها است و نه دوره دوره آنها دوره قانون است دوره کار است اگر تصور کرده اند قرض به پهلوی داده اند اولا در شاهی و یا ریاست دائمی پهلوی کسی مخالفت نکرد مخالفت با رئیس یا شاه غیر معلوم الحال بعد از پهلوی حاضر بودو ثانی پهلوی قرض نده است او بـه ایران نو قرض داده و ملت ایران مدیون کفایت او است و ترقی ایران را هم از او تمنا دارد و آن ترقی حاصل نگردد مگر در تساوی افراد رعیت در مقابل قانون کشور و این هم گویا در جلسه پهلوی مضمر شده است و بروز و ظهوران را خواهیم دید

(خاك پای فلك فرسا)

بعضی چیز ها در ما ایرانی ها است که داخل خونمان شده است و راستی مثل زهر وافور تریاك که کمتر دوای اروپائی قادر برفع آن میگردد رفتار و اخلاق اروپائی هم مشکل است بتواند آن چیزها را از ما دور کند یکی از معلمین مدارس انگلیسی که فارسی میدانست روز نامه دردستش بود و درصفحه اول آن اعلانی بود از رئیس‌الوزراء ایران نوشته بود عریضه های خود را به خاك پای فلك فرسای مبارك عرضه دارید آن شخص معلم ازمن پرسید چراشاه ایران موافق زمان عبارت ها را تغییر نمیدهد و سوال کرد مقصود از خاك پای فلك فرسا چیست من گفتم یعنی خاکی که از زیرپا میرود و روی فلك‌را میساید معلم گفت شما اشتباه می کنی آنچه من شنیدم این است که سابقاً رعایای ایران عریضه های خود را زیر قدم شاه ها میگذاشتند و شاه آن را پای مال میکرده یعنی عریضه پذیرفته شد خاك پای شاه که از پای مال کردن عریضه بالا میشده تعارفات و ظرافت طبع ایرانی آن را فلك فرسانموده وعریضه ها را به خاکپای می‌نویسند گفتم من چنین خبری نشنیده ام امامیدانم که شاه امروز ایران سرباز و شجاع است و همت او افسر شاهی برتارکش نهاده اعتنا بـه این عبارتهـای تملق آمیز ندارد فقط عادت ایرانی از زهر دوره قاجار خراب شده که میخواهد دوره پهلوی را هم به این عبارت های بی معنی آلوده نماید و ملتفت نمیشود که ایـن گونه تملقات ولو در چیزی شمار نیست اما مانند یك میکروب طاعون است که از ابتدا مرئی نیست اما همان جرم غیر مرئی تـولید هزاران مرض نموده و سبب فنای نفوس کثیره میشود وای کاش همان طـوری که بهمت پهلوی لقب ها رفت این الفاظ زائده هم میرفت نـه مگر شخص شاه انگلستان که عظمتش خیلی است غالبا به لفظ شاه و ندرتا به اضافه اعلیحضرت خطاب میشود حالا اگر شاه محبوب ماهم رفع این زوائد را بخواهد آیا بهتر نیست ملت که عادت کرده است و همان طوریکه بالا ذکر شد مانند زهر تریاك توی خونش جا گرفته امیدواریم شهریار ایران رفع عنوانها زیادی را بخواهد خاصه این زمان که روز نامه های ایران به تمام دنیا میرود بما چه خواهند گفت ؟ در دوره که قبله عالم و خاك پای فلك فرسا معمول بود نه روز نامه بود و نـه آن عبارت ها از خاك ایران خارج میشد اما امروز کمتر مملکتی است که روز نامه هـای طهران چندین نسخه ، آن مملکت نرود مگر اینکه گفته شود این عنوان ها و القاب هم از اثر [illegible] است .

[[illegible]]

(بنادر آل لصور)

صورت عایدات مستقل و غیر مستقل مندر کنگان و بنك و میانلو و تمبك و اختر و طاهری و پولک و شیرنهو و بوزه تحت ضابطی شیخ خاتم خان

(کنگان عایدات مستقل)

۱ — سرانه، هر نفر ۵۰ قران و ۸۰ قران و ۱۲۰ قران اشخاصی که سرانه میدهند ۱۸۰ نفر

۲ — امدادی، اشخاصی که در دفتر سرانه نیستند به نسبت دارائی خود از ۱۰۰ قران تا ۱۵۰ قران عدد اشخاصی در دفتر امدادی است از ۸۰ تا ۱۰۰ نفر

۳ — نخله، هر اصله نخل ۲ قران عدد نخیلات ۲۵۰۰ (۲) هر نفری که بغوص مروارید میروند در مراجعت از غوص باسم طراز پنج روپیه می دهند عدد غواص دو صد نفر

٤ — گلاته، جهازات بارکش که مسافرت بصره و بحرین مینمایند استمراری هر فروند دو صد روپیه عدد جهازات ۲۰ فروند

۵ — ماهیگیری، جهازات کوچك ماهیگیری هر فروندی ۵۰ قران عدد جهازات ۲۰ فروند

٦ — حق الملوکه هیزم، هر کاره که مساوی است با ۱۸۰۰ من وزن گمرك ۸۰ قران میزان ورودی هیزم در سال ۱۰۰ کاره

۷ — حق السوق، باوزانی از غله و تنباکو که از خارج وارد بازار میشود جهة فروش غله وقری ۲ قران تنباکو ۱۰ قران

۸ — قصابی، گوسفندی ۵۰ غاز ليم قران (۲) گاو چاه هر فردی ۱۰ قران

۹ — عصاری، دستگاهی ۲۰۰ قران فقط یك دستگاه دائر است

۱۰ — حق الارض یا مال، هر خرواری زمین ۵۰ قران مقدار زمین ۵۰ خروار (۲) در اراضی دولتی یا سرکاری بالمناصفه بین شیخ وزارع قسمت میشود مخارج زراعت در اراضی دولتی با زارع است مقدار اراضی دولتی ۲۰ خروار است

۱۱ — فاریاب دولتی، یا یك سنك آسیا که با آب دولتی دائر است عایدات آن من جمیع الجهات در سال چهار صد تومان ٤۰۰۰ قران

صورت فوق عایدات مستقلی است که رعایا بدون نقصان میپردازند وعایدی غیر مستقل ذیلا ذکر می شود

۱ — دختریکه بخواهد شوهر کند کسان مشار الیها اگر در زمره اغنیا است ۱۰۰۰ روپیه و اگر از اواسط است ۵۰۰ روپیه اگر فقیر است ۵۰ روپیه واین مبلغ متعلق است بداماد وکسان عروس (۲) دخترهائی که پدر یا برادر ندارند تمام حاضر او برای شیخ است و آن دختر شوهر کردنش باختیار شیخ است و بهر کس که زیادتر پول بدهد عقد می کند

۲ — طلباتی که شیخ دریافت میدارد نصف آن برای او است و اگر داعی و مدعی برضایت طرفین بپردازند عشران را شیخ میگیرد یك ده (۲) جریمه اشخاص بعلت تقصیر یا تهمت از ۱۰۰۰ روپیه تا ۵۰۰ روپیه و ۱۰۰ روپیه است

جمله های فوق بموجب مذکور شیخ خاتم خان مرتباً دریافت میدارد

(بنك)

در سنوات قبل مالیات انجا که متعلق بکنگان بود بطور جمع بندی درسال دویست و پنجاه تومان بودی دو سال است که شیخ خاتم انرا ملغی داشته بقرار ذیل مرتبا دریافت میدارد

۱ — نخله، اصله ۲ قران عدد نخیلات ٦هزار (۲) ثمر حاصل گندم و جو ۱۰۰ خروار [illegible] ۱۰۰ خروار

۲ — چاه آب، که باگاو دایر میشود هر فرد گاو ۲۰ قران گاو چاه ۱۰۰ فرد حاصل چاه تنباکو و پیاز و خیار است

۳ — طراز، که از غواص میگیرند در موقع مراجعت از غوص دریا نفری ۵۰ روپیه عدد غواص در بنك ۱۰۰ نفر

عایدات فوق مستقل است غیر مستقل در انجا برقرار نیست بعلت عدم مسکنت و اینکه کاملا مطیع اجحافات نبوده اند

(میانلو عایدات مستقل)

۱ — سرانه، هر نفری ۸۰ قران عدد نفرات ۷۰

۲ — گلاته، که از جهازات بارکش میگیرند فروندی ۲۰۰ روپیه عدد جهازات ٦ فروند

۳ — نخله، هر اصله ۲ قران عدد نخیلات ۳۵۰۰ (۲) عشر ثمره نخیلات هرچه شود بطور خراصی (۳) عشر حاصل گندم و جو مقدار بذر افگن ۵۰ خروار

جمله های فوق عایدات مستقل لا تغیری است که شیخ انجا مرتبا دریافت میدارد عایدات غیر مستقل ذیلا ذکر میشود

٤ — حق التزویج، به نسبت دارائی زوج و زوجه از ۲۰۰ روپیه تا ۵۰ روپیه

۵ — از گمرك، ربع یك چهار گمرك قانونی

از مال‌الاجاره‌ها و گمرک اسلحه تفنگی ٢٠ روپیه و هر یکصد دانه فشنگ ٥ روپیه این قسمت در تحت مراقبت کلانتر شیخ است که از دفتر گمرک قاچاق میکنند مال‌الاجاره مردم دشتی و بنك در اینجا وارد میشود ا اسلحه زیاد تفنگ زدن به نظامیان مامور اداره تنبک دران حوزه بعلت این بود که مامورین گمرک محدود باشند تا به این قسمت که عایدات هنگفتی است دست رسی پیدا ننمایند و عایدات این قسمت در سال بمیزان ده هزار روپیه بالغ است و درمیانه مدیر و دفتر گمرک نیست جز یك نفر مامورکه شیخ بخوبی دست رسی باسکسات انها دارد و مامورین دیده اند

﴿ تنبک عایدات مستقل ﴾

١ – سرانه هر نفری ٨٠ قران عدد اشخاص ٢٥٠ نفر

٢ – نخله ـ اصله دوقران ونیم عدد نخیلات ٦ هزار (٢) عشر ثمره نخل هر قدر بشود بطور خراجی

٣ – عشر حاصل گندم و جو مقدار بزر افکن ٤٠ خروار باستثنای اراضی دولتی و غالب ما المناصفه است بین شیخ و زارعین قسمت میشود

٤ – جهازهای غواص که بغوص مروارید میروند هر فروندی یکهزار روپیه عدد انها ٢٥ فروند

٥ – جهازهای بارکش هرفروندی ٢٠٠ روپیه عدد انها ٢٠ فروند

٦ – حق‌الملوکه هیزم هرکاره ٨٠ قران میزان ورودی هیزم ٢٥٠ کاره

دورت فوق عایدات ثابت مستقلی است که سالیانه بدون نقصان میبردازند و عایدات غیر مستقیم ذیلا ذکر میشود

٧ – حق‌التزویج بطور تساوی ١ - ٣ - ١٠٠٠ ١ -٣- ٥٠٠ ١ - ٣ - ١٠٠ بسه طبقه عالی و اوسط و ادنی عایدات این قسمت در سال بمیزان ده هزار روپیه است

٨ – جریمه اشخاص بنسبت دارائی از دوهزار روپیه تا یکهزار روپیه و پنج صد روپیه دیگر کمتر نیست

٩ – غوص گاه دماغه راس الاسود که جنوبی تنبك است بعد از هر ٤ تا ٥ سال مروارید جزئی دارد که در دو سال گذشته اهالی هرجا انجا غوص میکردند هر فردی پنجاه روپیه بشیخ مرسوم است که میدهند ودر دوسال عدد اشخاص غواص بالغ بچهار هزار رسید که هر نفر پنجاه روپیه داده اند و مردم سواحل هرجا میرفتند الله این قسمت اخیر دائمی نیست فقط در سال ١٣٣٤ و اخیراً در سال ١٣٣٩ دماغه مزبور مروارید داشته و در هر دفعه عایدی شیخ به بیست و پنج هزار روپیه رسیده است

﴿ اخـتر عایدات مستقل ﴾

١ – سرانه هر نفری ٨٠ قران عدد اشخاص ٨٠ نفر

٢ – نخله هر اصله دو ونیم قران عدد نخیلات ٦ هزار (٢) از ثمره نخیلات در اراضی دولتی یك پنج در اراضی ملکی اشخاص یك (برده عشر) گرفته می شود

٣ – جهازات بارکش دو صد روپیه عدد انها ٣ فروند (٢) جهازات ماهیگیری پنجاه قران عدد انها ١٥ فروند

٤ – از زراعت در اراضی دولت دو برپنج و در اراضی ملکی یك برده (٢) مال الاجاره فاریاب انجا دویست و پنجاه تومان

جمله های فوق عایدات مستقل ولایت اختر است که سالیانه شیخ خاتم خان از انجا میگیرد

﴿ طاهری عایدات مستقل ﴾

١ – سرانه هر نفری ٨ تومان ٨٠ قران عدد انها ٧٠ نفر [٢] کسانیکه امدادی می دهند از ١٥٠ قران تا ١٠٠ قران عدد انها ٥٠ نفر

٢ – چرخی که از گاه و چاه گرفته می شود هر فرد گاوی ٤٠ قران عدد گاوهای چاه پنجاه فرد است

٣ – حق‌الملوکه هیزم طاهری و برك و توابع انجا یوزه و شیرنو که شیخ خاتم خان اجاره میدهد شش هزار تومان

٤ – حق الملوکه زغال هرکاره ٨٠ قران ورودی زغال ٢٠ کاره حق الملوکه هیزم نیز ٨٠ قران است ورودی هیزم طاهری و توابع انجا در سال بالغ است بر هزار دویست کاره ولی آن را شش هزار تومان اجاره می دهد

٥ – جهازات بارکش ندارد (٢) ماهیگیری ٦ فروند هر یکی یکصد قران

٦ – مالیات بلوچ یکصد تومان روغن انها پنجاه من مؤ نیست من هیزم یکصد و پنجاه بار

(برك عایدات مستقل)

١ – مالیات سالیانه انجا چهار صد تومان

٢ – جهازات بارکش ٢ فروند هر فروندی دو صد روپیه (٢) ماهیگیر پنج صد قران ٧ فروند

یوزه – باستثنای هیزم که درجمع اجاره داده میشود مالیات ندارد ولی عایدی شیخ از انجا از قاچاق گمرك بالغ برده هزار تومان است

شیرنو – باستثنای هیزم از معدن گل که برای

ظروفات شتائی جهازات بصره حمل می نمایند بعض سالها که زیاد میبرند در سال ده هزار تومان و حداقل آن دو هزار تومان است و قرار آن این است که کاره ۲۴ تومان به جهاز دار شیخ میدهد ده تومان آن برای استخراج کنندگان از معدن است و ۱۴ تومان حق شیخ است مقدار استخراج آن در سنوات گذشته رجوع فرمائید باحصائیه های اداره گمرک خاصه ی این است معدنی که قانوناً حق دولت است و شیخ خاتم میخورد کسی نیست که بگوید همه برای تو و این معدن ترحماً برای دولت باشد

[فدوی دولت - سیف بصوری]

﴿ لزوم تفکیک قوای روحانی از سیاسی ﴾

(امر تازه و بدعت نیست)

[۱]

در این مقاله موضوع سخن ملانماها و علماء سوء هستند چند روز قبل که مشغول مطالعهٔ کتاب دلیل المتحیرین که از جمله تالیفات فارسیهٔ حضرت فاضل ربانی سید کاظم رشتی (سید) مرحوم اعلی‌الله مقامه میباشد بودم برخوردم در صفحه ۲۴ براینکه فتحعلیشاه از حضرت عارف کبریائی شیخ احمد احسائی اجل الله مقامانه استدعا نموده که انحضرت بایران عزیمت فرمایند خواستم چند سطری ازهمان کتاب را که شاهد صدق و دلیل قانونی سرمقاله فوق است عین ان را از روی کتاب مزبور بعرض قارئین محترم رسانیده و شبههٔ که آنهم یکی از غلط کاریهای ملانماها بوده و گویا از کلام حق التقی (لزوم جمهوریت و تفکیک قوای روحانی) در اذهان بعضی از هموطنان محترم جایگیر شده رفع شود

(عبارت کتاب)

(آنجناب انکه عیالشرا بایران یاورد قبول کرد و خواهش دیگر را که در طهران و در جوار سلطان منظور باشد اجابت ننمود و گفت که من در شهریکه مقر سلطان باشد اقامت نمیتوانم کرد چرا که در صورت اقامت من در چنین شهری از دو حال خالی نیست یا طالب عزت من هستید یا ذلت من اماذلت من البته مقام شما اقتضاء نمیکند که باحوال من جاری نمائید اما عزت البته برای من حاصل نخواهد شد زیرا که سلطان مرجع امورا نام است و مدار سلطنت منوط است برقبض وبسط و قطع و قتل واخذ و بذل پس چون خلایق میل واقبال شما را نسبت بمن مشاهده نمودند و دانستند که قول من در نظر سلطان مستحسن و مقبول است در مقاصد و حوائج خویش بسوی من رجوع میکنند هرگاه شفاعت وخواهش امور خلق را رد نمایم البته درنظر انها مکروه و مبغوض خواهم بود و هرگاه خواهش انها را قبول کنم و برشما اظهاردارم باز از دوحالت خالی نیست یا قول مرا در باره مقاصد مردم قبول مینمائید یا نه اماشق اول گمان ندارم معمول بدارید چرا که احتمال اختلال و مفاسد در امر سلطنت بنظر میارند اما در صورت عدم قبول قول من البته ذلت من حاصل خواهد شد پس انسب و احسن بحال شما و من ان است که درشهر دیگر توقف نمایم انتهی)

حضرت شیخ مرحوم باوجوداینکه سرآمد تمام علوم اسلامی و صاحب نفوذ و ریاست و روحانیت عالیه و مرجع و ملجاء اهل اسلام و ایران بودند باوجود این ابداً باموارت سلطنتی (سیاسی) مداخله نفرموده و حکمت و فلسفه لزوم عدم مداخله را در فرمایشات خودشان بنحو اجمال بیان میفرمایند اگرخواسته باشیم فرمایشات حضرت معظم له را ماخذ قرار داده و فلسفه و مفاسد و مضرات مداخله و محاسن و مکارم عدم مداخله را تفصیلا عرض نمائیم اولا البته قلم ما بکلی از تقریر عاجز و در ثانی باید کتابی تدوین شود قارئین کرام بخوبی ازقرائت همین عبارت کتاب ملتفت خواهند شد که مداخله روحانیون در سیاسیات کاربی اساس وخارج ازشیوه روحانیت است

حضرت شیخ که با فتحعلیشاه هم زانو نشسته دوکار مهم را که برعکس رفتار ملا نما است مراعات فرموده یکی اینکه زهد خشك بخرج نداده و عمارت و ظروف سلطنتی را نهی نفرموده دویم اینکه در خطاب اعلیحضرت قدر قدرت کیوان رفعت مالك حشمت وغیره مخاطب نساخته فقط بلفظ شما اکتفا کرده

و علاوه از فرمایشات مبارك استنباط میشود که طبقهٔ روحانیه کلیه نباید به امورات سلطنتی که سیاسی تعبیر میشود مداخله فرمایند زیرا که یا باعث ذلت ایشان است یا باعث اختلال امورات وانتظامات مملکتی والبته این هر دو نه مصلحت روحانیت است نه مصلحت ملیت زیرا او امر واجب الاجرائیکه از جانب شارع مقدس برعهده انها واگذار و مسؤلیت عظیمهٔ که در تحت لفظ روحانیت برایشان محول است اولین وظیفه شرعی ایشان است که موجودیت خودشان را وقف سعادت اهل اسلام نموده وبای نحوکان وبا وسایل مقتضیه مسلمین را در زیرلوای کلمه اسلام همیشه رامتحد ومتفق نموده وبه شاهراه دین وارشاد هدایت و امر معروف و نهی منکر و در لباس و طرز زندگانی با اسلامیان موافق بوده وانها را بترقیات و تعالیات عیر المتقول جلب فرمایند که از لفظ اجتهاد هم همین انتظارات استنباط میگردد ولی افسوس هزار افسوس برمناسب است برخی از اشعاریرا که حضرت

عالم فاضل و ادیب کامل اقای میرزا عبد الصمد اقا اسکوئی در موقع تشریف فرمائی اعلیحضرت پهلوی باذربایجان سروده اند معروض بدارد

§ ازین پس هست تکلیف رجال دولت و ملت §
§ بیکدل اتحاد آرند وقت اقتدار آمد §
§ یکی باقول و با پول و یکی با سعی و اندیشه §
§ بدولت یاوری آرند دولت دلفکار آمد §
§ خیانت را ور اندازند و درمردی سرافرازند §
§ صداقت پیشه اندرزند وقت اعتبار آمد §
§ چه پس بی غیرتی کرده بدم خرس پیوستند §
§ رعایای انس خصلت چو پیدا در دیار آمد §
§ کدامین ملت ادنی خیانت کرد بر دولت §
§ هرانکو کرد در آخر بذلت خود دچار آمد §
§ هر آنملت که در دنیا بخواهد عزت اعلی §
§ بدولت متحد یکسر به هر کارو فکار آمد §
§ امان در عالم غیرت نشد روحانی اعظم §
§ برای دولت و ملت کزو فکری بکار آمد §
§ شده حب وطن واجب بفرمان رسول حق §
§ ندارد غیرتی انکو از ان مسلك کنار آمد §
§ وطن دین است چون شمعی که دولت هست فانوسش §
§ چوروغن هست روحانی زفیضش نوروبار آمد §

اگر باکمال دقت عوامل تمدنی تاریخی عالم اسلام عموما و ایران را خصوصا بنظر بر آریم با نهایت وضوح معین خواهدشد یکی از عوامل تمدنی مداخله ملا نما ها است در سیاسیات و یکی بی اعتنائی و عدم اجرای وظایف مرجوعه ایشان است راجع بهدایت خلق بر علوم و ارشاد و تدین بجهت آنکه ملتی که دین و مذهب ایشان اسلام باشد چنانچه حضرت عمقانی دم میفرمایند که البته دین مبین اسلام که اکمل ادیان است و افضل شرایع مظهر اعجاز است و مبداء بدایع مهذب اخلاق است و مربی خلایق منقد اوهام است و مقوم حقایق احکام محکمات است و ایات بینات تنزیلی رب العالمین است و تبلیغ رسول امین مبری از ریب مصدق عقول معری از عیب مسلم فحول آمر معروف ناهی منکر محق حق مبطل باطل هیچوقت و بهیچوجه منافی ترقی و مخالف تمدن نمی شود چراباید اینگونه ذلیل و پی عام ودرانظار ملل حشرات الارض محسوب شوند باعتقاد نگارنده همانا از مداخله ملا نما ها است در سیاسیات وعدم اجرای وظایف محوله شرعیه راجع بهدایت خلق بر علوم و ارشاد و دین

الف ـ تقریبا درتمام دنیاملل که درتحت قوانین یك دین و مذهبی زیست مینمایند سوای از قوانین مذهبی قانون مملکتی هم دارند که احتیاجات عصر و حیات نوع همان قانون را برای آنملت به ظهور آورده و ایجاد کرده که هر فردی که این دو قانون را قبول نمود و باطاعت هر دو معتقد و عامل شد آن وقت عضویت هیئت اجتماعیه در حق او مضی میگردد اگر پی بحقیقت ببریم قانون ملکی موئد و مساعد قانون مذهبی است خوش بختانه در دین مقدس اسلام قوانین ملکی درضمن احکام مفترض الطاعه الهی بعناوین مقدسی بطور امور حسبیه و بعضی از احکام فروعدین و غیره بیان گردیده و یك راه حقیقی اسر روی امت اسلام مفتوح و تدین و تمدن لازم و ملزوم و توام هم دیگر قرار یافته یکی از آنها حب وطن است حب الوطن من الایمان در ایران نه قوانین مذهبی چنانچه شاید و باید در کار است نه قوانین مملکتی باعث عدم اجرای قوانین مذهبی ملانما ها و علماء سوء و عدم اجرای قوانین مملکتی قاجاریه و سران خاین و مفت خور مملکت بودند موضوع دویم محتاج بمقالات دیگر است ولی بحمد الله در زیر سایهٔ فعالیت و مردانگی اعلیحضرت پهلوی دست خائنین از امورات منقطع میگردد

ب ـ ازتاریخیکه ملانماهای فعال مایشاء برسرکار آمده وقوای روحیهٔ جماعت عوامرا در دست گرفتند و با وسائل غیر مشروعه نفاق و اختلافی درمیان امت واحدهٔ اسلام انداختند بالاخره محض مرید بازی و تن پروری قران عظیم الشان را که نه تنها کتاب آسمانی دینی و اخلاقی است بلکه بزرگترین کتب سیاسی است در گوشه عزلت متروك دانسته یادداشته ارائی مجعول کردند دیگر رای فلان اقاقل مجالس و احتیاط فلان نصب العین مرید ها گردید در حقیقت ازان روز احکام مقدس اسلام در زوایای انخفاء ماند و رای آقایان حکم اسلامی گرفت و خاك مذلت بر سر اسلامیان ریخته شد و بعدها خود همان شریعتمداران یکدیگر را تکفیر و طلاب عبدالبطن با فتاوی ایشان و خود سر چه خونها که نریختند و چه صدماتی برمسلمین وارد نکردند اذا فسدالعالم فسدالعالم درمیان اینهمه انقلاب و کش مکش دیگر طلب العلم فریضة لکل مسلم و مسلمة را یادکسی نیاوردند وباعث جهالت یك ملت بزرگی شدند عوام بیچاره هم دراینمیان آلت اجرای مقاصد حق شکنانه ملانما ها شده آنهم کالانعام بل هم اضل گردیدند بعد ها بعضی از علماء حقه پیش افتاده تقریباً آتش فساد را خاموش کردند ولی اینها که دست از مرید بازی نکشید در هر موقعی چیزیرادست آویز قرار داده خواستند فسادی برپا نموده و استفاده های شخصی نمایند در این اواخر هم مداخله درسیاسی را که ابداً مربوط به شئون ایشان نیست بهانه قرار داده و باز در تزیید مرید و بزرگواری خود کوشیدند

ج ـ حب الوطن من الایمان در حدیث شریف بموجب حکم

شارع جوست خارق وطن جزو ایمان و هر کسیکه از وطن عاری شد از اسلام بی بهره گردید آیا اقلا تکلیف ملاها نبود که اینحدیث شریف را نصب العین عموم میفرمودند و مردم را که اقوال ایشان را حجت میدانست با جان و مال ترغیب و تحریص بر آبادی وطن میکردند البته اگر میگویند وطن در اینحال نمودی ولی اگر ازملا ها سؤال کنند وطن کجا است قبر را نشان میدهند که خداوند بزودی نصیب شان بکناد ـ خیانت بزرگی که از ملاها ها براس اساس روحانیت حقه وارد و تزلزلی در ارکان آن الداخله بسیار است ولی ما بوجه خیلی مختصری بعضی ازآنها را ذکرمیکنیم و البته باید مرکز روحانیت انتظامات و قوانینی در خصوص آنها وضع فرموده ومجری بدارد تا تر هم به آتش خشك نسوزد و الا باین وتیره تا یك قرن دیگر بالکلیه باید بروحانیت فاتحه خواند

§ توخود حدیث مفصل بخوان ازاین مجمل §

وقتیکه ملاها ها بر علیه قانون و انتظام مملکت بالاخره درخصوص متخدمین دولتی دسیسه درست وحاشیه نشینان بی دین هم که محض اجرای اعمال غیرمشروعه خود شان و رضائیت آقا صدا بصدا داده واشریعتا میگویند و بعضی اقدامات ظالمانه میکند و بسیاری هم برای یکلقمه نهار یا برای ممهور کردن یـك سند جعلی که وقفی یا مال یتیمی رااز هضم راح نگذرانند واسلاما گفته و بسیاری هم بـی وضو در نماز جماعت حضور بر رسانیده و یکجماعت عوامیکه فقط ازطفولیت شنیده اند که تحصیل عام فقط مسائل شك و سهو نماز یـا چگونگی استبرا است وا دنیا میکنند بعد از آنکه معلوم و معین میشـود ڪه مسئاله ابدا و بهیچ وجـه مربوط بشریعت و دین نبـوده آنوقت عـوام بیچاره هم ملتفت میشود که خیال آقا افساد و مرید تراشی بوده دیگر اعتبار همین آقا که عوام اورا مفترض الطاعه میدانند ازعوام هم سلب و ضمنا همین تنفر را کم کم ازروحانیت حقه هم میکنند .

ارشادیکه ملاهاها عوام را می کنند عبارتست از موعظه و تکلم ایشان درمنابر و شبیه است برایکه طفل دوساله را که هنوز زبان نگشاده بگویند یا نان بخور چای بنوش البته چیزی نخواهد فهمیده حالا که ملت صدی نود بی سواد است برای ایشان عالم لاهوت جبروت وحدیث لاجبر ولاتفویض بل امر بین الامرین و علم خداوند که حادث است یا قدیم وصدها امثال این کلمات چه نتیجه خواهد داد کلم الناس علی قدر عقولهم اول باید ملت را عالم کرد بعد ازان تحقیقات علمیه نمود زمانیکه مدارس جدید التاسیس در ایران نبود وملاها درمکاتب باوضاع جدید آمورآن تدریس می‌نمودند اگر حالا هم ازپیر هفتاد ساله سؤال نمایند خواهد گفت هفت وهشت سال بمکتب رفتم اکنون نمی‌توانم اسم خود را بنویسم تقریبا احدی نیست که درخردی بمکتب نرفته باشد ولی چه درس چه مکتب ایا لازم‌نیست عوض ان مطالب مشکله وتحقیقات غامضه مردم را ترغیب بر اتحاد و اتفاق و دوست داری دین و اسلام وکسب های حلال وعلم ودانش و اخوت وصداقت وترك حرام خوری و راست گوئی ودوری ازخیانت وبعلوم وجوب جهاد و احکام شرع موعظه وپند نمود وقتیکه عوام اینگونه مطالب را مشنود و چیزی نمیفهمد زورش برخودش است یکباره از حیات متنفرشده و خود را مستحق عذاب و اهل جهنم پنداشته مانند گیج وبی هوش از مسجد خارج اگر هزار باراز ترقیات ملل بر او قصه خوانی نمائید در جواب خواهد گفت اگر در مسلك ما هم وسایل ترقی میبود در منبر میگفتند دنیا بهشت کفار است ما را ترقی لازم نیست ملا هم برود بیکار من از زندگانی جز گناه چیزی نفهمیدم

[بقیه دارد]

بیان حقیقت

(با طرفداران از حقوق نوع)

یقین دارم ڪه خوانندگان محترم تصدیق می‌فرمایند که یگانه مایـه ترقیات بشـر و حفظ انتظام امور عالم بسته بحفظ مراتب و رعایت کامل سه اصل عمده بزرگ است که عبارت (از تحقیق و تشویق و تنسیق) باشد و حقوق بشریت محفوظ نمیماند مگر در سایه این سه اصل و عقیده‌ام هـم بر این استکه از بدوخلقت تاکنون هر عصر و زمانی که یا مملکت یا ملتی نسبت بسایر ملل و ممالك دنیا ترقیات فوق‌العاده کرده ایك خدمت نمایانی بملت ومملکت خویش نموده و نام نیکی در دنیا بدست آورده فقط در قبال رعایت کامل این سه اصل بوده که آنهم با نهایت بی طرفی و غرض ورزی و مقاصد شخصی و بدون استثناء بین عارف و عامی شیوع داشته ـ یا هرچنین برعکس در هر وقت ڪه همان ملت و مملکت از سیر ترقی و تکامل خویش رو بانحطاط رفته و موفقیت اولیه خود را از دست داده از هم یگانه علتش بنظر لاقیدی و غرض رانی صرف نکریستن باین سه اصل بوده . یگانه دلیل این است امروزه که این همه دنیا نسبت بسابق ترقی کرده در اثر چیست البته در اثر علم است که تحقیق باشد علوم غربیه که امروزه در دست سیاسیون بزرگ دنیا ست مگر نه در نتیجه تحقیق است ـ بسط و توسعهٔ دامنـه علم و تحقیق از جهت از

تشویق است چندان از مرحله دور نشویم بالاخره این نکته حتمی است که هر ملت یا هر مملکت و هر اداره یا هر کارخانه بخواهد در دنیا ترقی نماید خودرا بعالمیان بشناساند ناچاراست ازاینکه این سه اصل‌را اول سرمشق خویش و اول مرام خود قرار بدهد و بدبختانه ما ایرانیها از بسکه بچشم لا قیدی ولاابالی گری و خون سردی به این سه اصل نگریسته ایم همه چیز خود را از دست داده و اگر ندرتاً گاهی خدای نکرده یکنفرمان خواسته سه رشایت یکی از این اصول را کرده و واقعاً رفته که مورد عمل بگذارد ما شاء الله آنهم غرض صرف و ضدیت محض مانوع و رفیق و هموطن خویش بوده شاهد براین قضیه‌چندی قبل شرحی در نمرات ۳۱ و ۳۲ جبل المتین راجع به بلدیه اهواز خواندم که هر کس که از محیط اهواز دور باشد رئیس این اداره را یکنفر خائن ملت ودولت فرض میکند مخصوصا نگارنده که کاملا از سوابق‌رئیس‌آن اداره مطلعم ایشان را یکنفر عضوجدی و بی غرضی و بی طمع می شناسم و در هر ماموریت با نهایت صحت عمل و بی آلایشی ماموریت خود را انجام داده از آن نگارشات مبهوت مانده و فوق‌العاده مایل بودم سفری را بناصری رفته از اوضاع بلدیه آنجا مطلع شده باشم و اینکه شنیده بودم بلدیه ناصری (اهواز) از غالب بلدیه های ولایات و ایالات بهتر کار کرده و ترقیاتی را موفق گردیده — اخیراً مسافرتی بطرف اهواز نموده و وضعیات شهر قشنگ ناصری را بچشم حس ملاحظه نمودم و پس از توقف یکی دو روز وکاملا تحقیقات و تفتیشات لازمه تصدیق می کنم که ان نگارشات بی روح و خالی ازحقیقت اند زیرا که افتاب‌را نمیتوان در زیر ابر پنهان داشت و از این رو است هم که اگر یکنفر مامور جدی دولت یافت شود وبخواهد خدماتی را ازروی صداقت و صمیمیت به مملکت و ملت نماید دل سرد شده دماغش سوخته میگردد و چون بچشم حقیقت خدمت و خیانت را برای این ملت قدر ندان — حق نشناس یکدرجه می نگرد البته هر قدر هم جدی باشد ناچار است از اینکه تا آخرین دقیقهٔ که در ماموریت است باکمال یاس و نا امیدی و دل سردی اوقات خودرا بگذراند و البته بدیهی است اگر در مملکتی که اینگونه غرض ورزیها میشود تحقیق وتنبیق باشد من بعد کسی جرأت اینگونه یاوه سرائیها انهم در نامهٔ ملی نمی نمود — آخرین دوای این دردهای بی درمان اجرای این سه اصل عمده است انهم در سایهٔ (قانون جزای عرفی) و بالاخره آخرین دلیلی که نگارشات بی روح و عاری از حقیقت نگارنده را ثابت مینماید همانا اعتراض اخیر مشارالیه درشماره ۴۲ است که مینویسد در خیابان پهلوی اجازه ساختمان‌داده شده‌است‌وهیچ فکرنمیکندکه هرخواننده به‌عبارات بی روح او خنده میکند زیرا که اداره بلدیه چگونه میتواند بازاریکه در ابتدای ساختمان این شهر با یك اسلوب صحیح ساخته شده وقریب دویست باب دکان که با مخارج گزاف از سنك و آجر آنها را سر پوشیده کرده و محل سکنی وتجارت وکسب عده از اهالی بدبخت است خراب کرده جزء خیابان نماید و بعلاوه از ابتدای ساختمان خیابان پهلوی از اول همین بازار شروع گردیده بلکه همین بازار باجدیت حکمران وقت تعمیر و بر وسعتش‌هم افزوده گردیده واصلا سبب قشنکی و خوش اسلوبی خیابان با شکوه پهلوی شده و بالاخره نتیجه مشاهدات چند روزهٔ مسافرت اصری و خدماتیکه بلدیه در مدت قلیلی انجام داده که واقعاً جای هیچگونه انکار نیست مرا برآن وا داشته که از حقوق یکنفر مامور جدی دفاع نمایم و بلکه مسافر خواهم بود که تمام قدردانی از نیات حسنهٔ چنین ماموری که در عمران و آبادی این آب و خاك هیچگونه خود داری نکرده بامعترض محاکمه نمایم عجب آنکه مدتی است در ناصری هستم متاسفانه نمی شنوم یکنفر از دست شخص آقای قوام که در راس این اداره قرار گرفته شکایت بجائی نماید و از عموم جز اظهار رضایت و امتنان چیزی نمی شنوم ولی بمثل معروف این سرو صدا از اثر قلم بدست مخالف بودن است

[یکنفر منصف]

فکر نوین در حسن خط

خطوطیکه از قدیم و حالیه در وطن عزیز ما (ایران) معمول است چندین قسم است که آنها را کوفی قرانی نسخ نستعلیق کتابی دیوانی (ماریچی) دفتری و الثانی وغیره گویند جز کوفی این اقسام هم یك بطرز مختلفی تا حال مرسوم می باشند —

حسن خط درمیان خوش نویسان و ادباء و سران ادب مقام بزرگی داشته و اغلب آنها مروج خطوط و در خوش خطی زحمتها کشیده اند که در وقتی آنهم یکی از صنایع یدی (ظریفه) و یکی از اثار باافتخار ایرانی بوده است وحتی الامکان باید در حفظ آن کوشیده و آن را هم یکی از یادگار های ملی شمرد

با استنباط ظنی چنان بنظر می آید که در زمانی قبل ازین خط رسمی بعد از قرانی فقط خط کتابیکه سهل و آسان از سایر خطوط می باشد بوده است بعد ها نویسندگان جهت شوق و ذوق مخصوص با

یکباره فکر به اشتهار و معرفی خود هر یك شیوهٔ یکبار برده و تغییر و تبدیلی و بدیعیتی بر اساس آن موافق استعداد خود داده و یك زبردستی و استادی بخرج برده و قواعدی مرتب ونسبت بخط خود قانونی نوشته و مخترع طرز ثانوی آن بوده است از قبیل مرحوم میر عماد و ملا میرعلی و درویش و علاءالدین که گویند امش اسکوئی بوده و خطوط کوفی و قرانی خوب و داخل مسجد کبود تبریز را که خیلی جالب انظار و اولین خطوط قشنك و عالی است مشار الیه مرحوم نوشته که برخی از انها را در بلوای تبریز روسها بغارت بردند و در این اواخر امیر نظام مرحوم کروسی که طرز خط آن مرحوم با خطوط سایر کتاب و منشیان تفاوت و اختلافی داشته است

و همین اقدام ما به الامتیاز خطاطسان است از یکدیگر بسیاری ازروی خطوط خوب عکس برداشته شده و با بهترین اقشه اقاشکاری و غالباً سر مشق صاحبان ذوق و طالبان حسن خط گردیده و بسیاری هم کتب قلمی خوش خط سلمی اسلامی و ایرانی بعنوان تجارت و غصبیت با حیلهٔ سیاسی اجانب که خواهم لفظ حیله شرعی ما است برده شده و یکی از زینت هسای قرائت خانه و کتابخانه های دیگران میباشند

حسن خط چنان محبوب بوده است که در بسیاری از صنایع یدی ایرانی و صندلهای خیلی عسالی و کتب قدیمه (دارای دور قابل تقدیر) و اشیاء عتیقه و نقاشیهسای بزرگ و منبت کاری های پر قیمت و ابنیه قدیمه خطوط و اشعاری بطرز حیرت بخش مرقوم و مهارت عظیمهٔ مدخر و ترقی و تعالی معارف قدیم ایران را نشان می دهند

خوش نویسان را مانند شعرا عزت و احترامی بوده و کتاب تذکرة الخطاطین و بعضی نوشته ها و قواعدی در حسن خط تدوین نموده اند اغلب خوش نویسان برحسن خط توصیه و حالیه هم خط نویسندگان را بخط نویسندهٔ دیگسری تشبیه کرده گویند این خط در شیوهٔ فلان خطاط است

باری مقصود از این عرایض این است که حسن خط و تعلیم آن که جزو دستور العمل مدارس است طوری شود که بروزی آموخته شده و تقریباً فقط بالکلیه خط کتابی و خط دیوانی با تغییر خیلی اندکی در طرز حروف از خط کتابی مرسوم شده و نصف زحمات شاگردان مرتفع و اساس خط دیوانی ماریچی درهم و برهم و شکسته بکلی برچیده شود

در مدارس آذربایجان که یکنفر خوش نویس جهت تعلیم خط درشت (نستعلیق) معین و به هر درجه تقریباً هر هفته سه ربع یا نیم ساعت مشق می نویسد واضح است در هفت روز یکبار (ملاحظهٔ تکالیف با معلم است) تعلیم خط چنانچه شاید و باید برحسن خط تفاوتی نه نموده و ضمناً موجب دلتنگی و عدم ذوق شاگردان می شود

از آنجائیکه نگارنده در تعلیم خط نستعلیق و اشالی تجربه کرده و نتیجه ان را مشاهده نموده لذا طریقه ذیل را معروض خدمت حضرات معارف پژوه نموده و اکمال نواقص آن را از آقایان خوش نویسان و مدیران و معلمان محترم رجاء می دارد

خطاط (اگر خود معلم و خوش نویس باشد خیلی مناسب باین عرایض است) در هر هفته یکساعت تمام شاگردان درجه ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ را در یك اطاق جمع و قبلا برای هر یك از آنها مدادی در طرز قلم ستعلیق و یك ورق کاغذ سفید خوب تهیه فرماید بعد خود خطاط تخته سیاه را (دوسفا) که باید از تخته های رسمی بزرگتر باشد در جائی نصب کرده و شاگردان را طوری منظم جا دهد که همه تخته را به بینند پس از آن خطاط از گل سفید چند عدد مانند قلم بسیار درشت ستعلیق که پیش از وقت حاضر کرده باشد برداشته و شروع کند بنوشتن حروف هجا و هر حرفی که نوشت مختصر نکتهٔ از طرز نوشتن آن باواز رسا بشاگردان بگوید و گرفتن قلم را هم تذکار کرده و همان حرف یاکلمهٔ که خطاط در تخته نوشته عموم شاگردان بامداد مزبور در روی صفحه بارامی بنویسند در این حالت پختگی مطلوب نیست فقط تقلید و شباهت بخط خطاط مطلوب است پس از آن (باقتضای بودن وقت) شاگردان فرداً فرداً آمده با قلم گل سفید در زیر خط خطاط انچه نوشته است همان را بنویسند باز تقلید و شباهت را مراعات نمایند مجدداً خطاط نکات نوشتن همان حروف و کلمات را قدری مفصل تر بنوعی که مطابق ذهن و خوش آمد شاگردان باشد یاد بدهد مثلا وقتیکه کلمات ق - ل - ع آستین ستقیم مسحسات شیرین ستحسن موید کار وغیره را می نویسد باز نکات گرفتن قلم و لغزاندن آن حین نوشتن شفاهاً و تکرارا یاد داده پرسش کند و اگر در عرض یك هفته غیر از ساعات رسمی نیم ساعت که موقوف بذوق خطاط است وقتی معین کرده و طریقه مرقومه و طریقه ذیل را در این دو وقت مراعات فرماید باعث تسهیل و سرعت خوش خط خواهد شد

اولا برای هر فردی از شاگردان نسبت بقوه مم یکی از ایشان بامداد یکسطر سر مشق بنویسد و مقرر دارد تا ساعت آینده یعنی در یك هفته دوازده سطر

باکمال ذقت از همان سر مشق بعلاوه سه سطر دیگر در صفحه سفیدی بنویسند ساعت دویمی خطاط درزیر آن سه سطر حك و اصلاح و تصحیح نموده بقیه وقت را کما فی السابق مجری دارد تا وقتیکه سر مشق به شش سطر رسید در این وقت خطاط معین میدارد تا قلم و مرکب سیاه با یك دفتر سفید دیگر بیارند همین دفتر مخصوص بسر مشق خواهد شدخطاط در هر ساعت یك سطر بنویسد وقتیکه بدوازده سطر رسید خطاط مقرر میدارد تا تکالیف درشت شبانه روزی از روی تمامی این دوازده سطر بنویسد و تا مدتی بقرار فوق در ساعت تعلیم خط سه سطر کلمات مشکلهٔ دوازده سطر را بنویسند حك و اصلاح نماید و نکات خط را باز یاد دهد تا زمانیکه طرز نوشتن حروف‌را یاد داشتند در اینصورت صافی و پختگی خط طبعاً بعمل خواهد آمد بعد از فراهم شدن این دو نتیجه تغییر اوقات و تبدیل این دو طریق منوط برای خطاط است

باید دانست وقتیکه سرمشق بخط خود خطاط بر پنجاه سطر یا بالاتر رسید در اینصورت خطاط باز مقرر میدارد این پنجاه سطر سه یا چهار قسمت نمایند یعنی در تکالیف شبانه از ابتدای سر مشق شروع کرده پانزده سطر بنویسند تا به انتهی برسد و گاهی هم حروف مشکله را بقول نویسندگان قدیم سیاه مشق نمایند این طریقه با دفاتر چاپی ممکن نیست

در این یکساعت که سایر معلمین بیکار خواهند ماند قبلا مقرر میدارند شاگردانیکه برای تعلیم خط در اینساعت مشغول خواهند شد هر یك دفتری از ورق دو ورق سفید درست نموده شاگرد هر درجه همان دفتر را دران ساعت بمعلم خویش تسلیم می نماید تا آقایان معلمین لبت نقوه هر درجه الثانی از قبیل مراسلات دوستانه و برادرانه و برات و قبض تجارتی و سواد بعضی اسناد لازمی و در بعضی هم یك طرز مختصری از دفتر داری معمولی کنونی وغیره بنویسند پس تا هفته آینده شاگردان اقلا سه بار از روی ان نوشته باز باقایان معلمین آورده و تسلیم نمایند تا حك واصلاح و قلم کشیده باز بطرز علیحده در همان دفتر بنویسند و خطاط در موقع استراحت در کاغذیکه ازروی انشاء خواهند نوشت طرز خط مکاتبه را که باید قدری رو ببالا وحاشیه آن مقداری کج نوشته شود بامداد دران دفتر رسم نماید پس از مداومت چندی دست شان بدان طریق عادت خواهد نمود و اگر این یك ساعت نباشد و آقایان معلمین راضی نباشند اگرچه حق دارند زیرا بنا هشت

تومان یا نه تومان بالاخره با پنج تومان این زحمات را مکافات نمی شود ممکن است در هر درجه فرداً فرداً سه ربع یعنی ساعات رسمی دروس بطریقه معروضه مشغول بشود ولی اقلا در دو هفته یکبار مجموعا سر مشق و نکات نوشتن را یاد دهد درآن صورت املا و انشاء ممکن نیست یا بعهده معارف پروری آقای خطاط یا معلم است که در منزل خود مرحمت فرموده و بنویسد و قدر شناسی بعضی از اولیاء اطفال و آقای مدیر و اداره معارف را دستاویز و بهانه قرار ندهد اگرچه حق بجانب اوست

باری مقصود و منظور از این عرایض سه چیز است اول حسن خط حتی‌الامکان زود تعلیم شود دوم اساس خط مار پیچی چنانچه در ترسل مرحوم عطارد مرسوم و یك طریقه مضحك و پر زحمت و اسباب استهزاء است بکلی برداشته شده و در عوض خط خوانا و گشاد و باختلاف و تغییر حروف مختصری از خط کتابی یك خط ظریف و قشنك معمول شود سوم آموختن طریق مکاتبه بوجه آسان زیرا این هر سه نتیجه را اولیاء اطفال طالبند مخصوصهٔ باصطلاح کاغذ نویسی را زیرا بسیار دیده شده شاگرد درجه پنجم بلکه ششم نتوانسته ازقول پدرش برفیقش کاغذی بنویسد و فلان حساب یا برات یا مطالبی را بفهماند پدر بیچاره هم در اینصورت از مدرسه روگردان و مکتب را بر مدرسه ترجیح داده و شروع به تعلیمات می کند (من هم می دانم اغلب اولیا عوام الد) و دیگر شاید در طهران و بعضی نقاط این مسئله معمول نباشد ولی اگر اداره معارف مفتش داشته باشد معلوم میشود که یکی از عوامل که شاگردیس از دو سه سال بمدرسه نمیرود همین‌نتوانستن کاغذ نویسی است امید است نفرمائید که (اگرچرخ موافق آرزوی ما گردش کند در تعلیم اجباری عوض خواهد شد)

در تبریز دفتر الثانی که خط موافق پیشنهاد نگارنده است چاپ کرده اند ولی مضمونش کار طهران برشوه است و بعشوه - رشوه را مال ندارم عشوه را جمال ندارم است نه انشاءات لازمی

نگارنده باوجود خدمت امرزگاری عهده دار تعلیم خط مدرسه دولتی اسکو شده و هر هفته تقریبا هفتادعدد دفتر لستعلیق و صورت اشیا و انشاء افتخاراً و بلا عوض مینویسد

در خاتمه طریقهٔ را که با آن سه نتیجه فوق بدست می آید و در حقیقت اکمال عرایض ما خواهد شد از حضرات معارف پژوه ریا و امید میدارد

منشی معارف و اوقاف و عهده دار تعلیم خط افتخاراً - [غ قائمی اسکوئی]

اهواز

جشن جلوس اعلیحضرت پهلوی

برطبق مصوبات مؤسسان و وصول بشارت های تلگرافی مرکز از روز ۲۱ آذر - عموم اهالی در مقام تدارک جشن و چراغانی بر آمده عمارت موسوم به قلعه را که جای ماسب و مرکز تلگرافخانه و نظمیه ودو طبقه است برای این کار اختصاص داده طبقه زیرین را کلیه اصناف گرفته و زینت نمودند - طبقه فوقانی را مخصوص اداره حکومتی و قسمتی را هم از طرف کلوب ارامنه تزیین نمودند سایر اصناف و تجار یهود و اداره گمرک طرف غرب میدان حکومتی را آئین بسته و از جانب اتحادیه تجار نیز خانه حاجی سید کاظم که مشرف بمیدان حکومتی و جای مناسبی است منظور گردید من حیث المجموع اولین مرتبه اهواز جشن مرتب و منظم باشکوهی بخود دیده و در شب ۲۵ - آذر نیز آتش بازی مفصلی از طرف فرمانده ساخلوی و حکومت شد -

ادارات دولتی نیز هریک جداگانه در ادارات خود با باقتضای بودجه مصوبه جشن گرفته بقرار ذیل -

اداره مالیه فقط چند چراغ گاز در مقابل در نصب و مختصری لیم تخت و صندلی هم در معبر گذارده و غیر از اکبرلات که مستاجر تحدید است برای پذیرائی کسی دیگر حاضر نبود - چند انفر مردم در انجا رفتند -

اداره عدلیه با قلت بودجه خیلی جشن با ابهت و موقری تشکیل داده و بخوبی تدارکات خود را دیده مدت دو شب غالب مردم دسته‌دسته آمده بصرف شربت و شیرینی مشغول گردید و مورد پذیرائی عموم اعضا و اجزاء می شدند - قبلا نیز رسماً از تمام روساء واجزاء ادارات دولتی و تجار واعیان واشراف دعوت نموده و دعوت نامه فرستادند -

اداره معارف و اوقاف نیز به زیبا ترین اسلوبی که در حیزه امکان بود جشن خود را تکمیل نموده و چیزیکه برسایر ادارات مزیت داشت این بود که اطفال مدارس دوبه خود با لباسهای فورمی تحت تعلیمات نظامی با بیرقهای مخصوص سرود خوانان در میدان حکومتی در مقابل قلعه گردش کرده و در اداره معارف و اوقاف بانهایت نظم و شکوه رفته در آن جشن شرکت داشتند - چنان بروز مسرت و نشاط میدادند که تصور می شد پدر تاج دار انها اعلیحضرت پهلوی در مقابل انها به نژاد ایرانی نو جوانان آتیه مملکت امر بحفظ وطن خود مینمایند -

اداره پست خانه نظر بکثرت مشاغل و قلت بودجه به مختصرترین شکلی اقدام کرد -

اداره بلدیه نیز چون ماموریش از مدرقه به آقای عمارلو مراجعت و محنت مسافرت باعث عارضه کسالت گردیده فقط بگذاردن چند دانه چراغ درب اداره بلدیه قناعت نمود -

اتحادیه تجار نیز برای تمام اوقات جشن از عموم روساء دوائر و صاحبمنصبان قشونی و تجار و و قنسولات دعوت کرده و هر یک بنوبت خود شرکت نموده و پذیرائی شده مخصوصاً عصر روز ۲۶ آذر ماه قناسل خارجه وتجار اروپائی و رئیس کل عایدات مالیه خوزستان و هئیت محترم کمسیون اعزامی مرکز تشریف فرما گردیدند -

روز ۲۵ - آذرماه

چنانچه فوقاً عرض شد اهواز یک پارچه جشن و مسرت بود و برای بعمل آوردن مراسم سلام در همان قلعه حکومتی تدارکات کافی دیده و از طرف آقای سرهنگ مصطفی خان فرمانده قوای ساخلوی و حکومت نظامی قبلا دستور و پروگرام چنین مقرر گردید که در ساعت ۳ قبل از ظهر از هئیت تجار و عموم در تالار فوقانی پذیرائی شود و در ساعت ۲ قبل از ظهر از نمایندگان و قنسولات خارجه و اتباع انها و در ساعت ۱ قبل از ظهر مراسم سلام بعمل آید -

قبلا قشون ساخلوی اهواز بایک وضع جالب دقتی در میدان حاضر وصف کشیده و ساعات مذکور شروع شد -

هیئت تجار وارد و پذیرائی گردیده در وقت معین مستر مولی بنی با لباس رسمی و ویس قنسول وارد و روساء ادارات نفط جنوب و رئیس بانک شاهی ورئیس تجارتخانه بین النهرین و ایران با ایشان اتفاق نموده و هریک مترجمین خودرا همراه آورده باطاق پذیرائی که مخصوصاً تعیین شده بود داخل گردیدند -

رفیق باتمانف قنسول دولت جماهیر شوروی روس هم با میرزا حسن خان مدداف معاون خود شرکت یافته و هریک علی قدر مراتبهم پذیرائی شدند - درضمن نیز روساء دوائر دولتی حضور پیدا کرده تا آنکه یک ساعت قبل از ظهر و موقع بعمل آوردن مراسم سلام رسیده

آقای سرهنگ مصطفی خان باسایر صاحب منصبان لشکری و کشوری در مقابل قشون در حالیکه در صف بودند حاضر و عکس اعلیحضرت پدر تاجدار ایرانیان را دو نفر صاحب منصب نظامی باکمال احترام در حالیکه با پارچه قیمتی محجوب بود آورده و در روی صندلی که قبلا تهیه شده بود گذاردند

در این وقت فرمان صاحب منصبان رشید نظامی بلند و قشون در حرکت آمده حجاب را برطرف و تماماً باداب نظام سلام و دفیله داده و از مقابل شمایل اعلیحضرت پهلوی عبور نمودند - و صدای غرش توپ نیز بفلک میرسید عکاسهای زبردست هم چندین عکس برداشته وخطیب (نقشینه) شروع بقرائت خطابه نمود که برای استحضار قارئین کرام سوادش راتلواً تقدیم داشتیم - درهرجا که نام مبارك اعلیحضرت پهلوی ذکر میشد تمام صاحب منصبان سلام میدادند - این روز هم برای اهواز بل خوزستان از ایام تاریخی است که مژده ترقی و تعالی این مرزوبوم و این قطعه مهم مملکت را میداد - و امید است که خوزستان بزودی شکرستان و بوستان ایران گردد

خطابه جشن جلوس در موقع سلام

(بسم الله الرحمن الرحیم - قل اللهم مالك الملك تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدك الخیر انك علی کل شیئی قدیر)

ستایش و نیایش مرداداری دادگری را سزا است که ملت ایران و ایرانیان را پس از یکصد و پنجاه سال از حضیض ذلت باوج عزت رسانیده و بوجود اعلیحضرت شاهنشاهی رضا شاه پهلوی تخت و تاج کیان و مفخر ایرانیان را زینت بخش گردیده که در وصفش باید رطب اللسان شده و سرود

§ فریدون حشمتی جمشید جاهی §
§ سکندر شوکتی دارا پناهی §

(ایضاً)

§ داغ نه ناصیه سرکشان §
§ تیغ زن تارك لشکر کشان §
§ معدلتش قاهر خونخوارگان §
§ مرحمتش چاره بیچارگان §

آشنایان تواریخ خصوصاً تاریخ ایران باستانی - ایران شش هزار ساله ؟ همه وقت و در تمام ادوار باج ستان و شاهنشاه عالم بوده و اوج ترقی او در صفحات تاریخ زینت افزا است - فقط از یك صدو پنجاه سال قبل نالایقان بدون استحقاق تخت و تاج کیان را آلوده ایران و ایرانی را بحضیض ذلت کشیده و منتها درجه محنت را که سزاوار هیچ اسیر و ذلیلی نبود بر ایرانیان وارد کردند ؟

این است که مرحمت ایزدی و تقدیرات لم یزلی دست قدرت اعلیحضرت پهلوی که برای روزگار مشعشع و نورانی کردن ایران ذخیره و اندوخته بود از پرده بیرون آورده و بالفاصله وقتی که همه ماها روزمره دیده و مشاهده میکنیم ایران و ایرانی را از هرگونه مذلت و خواری نجات داده و عزم خلل ناپذیر آن وجود را سر نوشت ترقی و اقبال ایرانیان قرار داده تا اینکه ملت حساس غیرتمند قدر زحمت و خدمات فرزند رشید ایران را دانسته و لیاقت و شایستگی خود را بهمین نهج بروز داده که سلطنت ایران را بعهده بزرگترین و بهترین ایرانی نژاد ایران دوست واگذارده -

و بحمد الله و المنة از حسن مجاهدت عموم ملت سیما برادران آذربایجانی که همواره پیش قدم سعادت ایران بوده اند موفقیت کامل حاصل کرده - و چنین روز فیروزی را نصیب ایران داشتند ما که الساعه در این محل بزرگ وجشن سترك که اولین روز سعادت ایران است اجتماع کرده بتبریکات خالصانه خود را در مقابل تمثال همایونی تقدیم داشته استقرار و استقلال اعلیحضرت شهر یاری را دردربارگاه سلطنت ایران صمیمانه از درگاه حضرت متعال جلت و علی خواستار و امیدوار هستیم که از اثر توجهات ملوکانه نواقص امور مملکتی تکمیل وامنیت مطلقه که از حسن توجهات همایونی و مجاهدات آن اعلیحضرت و معین ملت و منجی مملکت برقرار است روز افزون و وسایل ترقی و تعالی بیش از پیش فراهم آید

و این خطابه را بنام نامی اعلیحضرت ختم نموده از صمیم قلب عرضه میداریم زنده باد اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی - پاینده باد دولت قوی شوکت ایران -

از رشت می نویسند

(اضمحلال تجار شمال یا اعمال همسایه)

لازم نمی دانم که در اطراف عنوان فوق دیباچه بندی و مقدمه چینی شود فقط حقایق مطالب را عرض نموده و منتظر نتایج اقدامات اولیای امور هستم البته مطلعید که قسمت مهم تجارت شمال با روسیه و اکثر صادرات ایران بطریق گیلان است یك قسمت از تجار برنج و خشکبار و سایر اموال تجارتی خود را از گیلان و یا سایر نقاط حمل بروسیه می نمایند که پس فروش اموال وجه آنرا که پول (چرونس) است به بانك (روس ایران) فروخته یعنی پول (چرونس) را مبدل بقران نموده که در ایران از شعبات بانك (روس ایران) دریافت نمایند کما اینکه در این چند مدت امورات تجارتی شمال با همسایه بدین نحو جریان داشت و تجار ایرانی قدری از حیثیت پول چرونس تأمین داشتند - حالیه مدت ٣ هفته است که بانك (روس ایران) برخلاف سابقه از خرید (چرونس) خود داری نموده و ابداً پول خود را از نزد تجار

که در روسیه موجود دارند خریداری نه نموده و یوم به یوم از قیمت (چرونس) بواسطه عدم خرید بانك کاسته شده ثروت و حیثیت و شرافت تجار ایرانی از تعدیات بانك همسایه پایمال می شود این اعمال ورفتار بانك همسایه ما تجار شمالی خصوصاً گیلان را مجبور به قطع روابط تجارتی با روسیه می نماید تلگرافی بمرکز مخابره لاکن هنوز علاجی نشده هر روزه تجار برای فروش به بانك فشار آورده و بانك (روس ایران) از خرید چرونس امتناع ورزیده به بهانه آنکه ۳ ملیون قران بایران ورود داده ایم و دولت ایران بملاحظات زیاتی غش پول اجازه دخول نمیدهد و فعلا پول موجود نداریم تجار بی چاره را بحالت ورشکستگی سوق می دهند در صورتیکه تماماً عذر و برای پیشرفت مقاصد شان است بانك روس که برای خرید (چرونس) که پول خود شان است قران ندارد چطور معاملات بروانتی می نماید در صورتیکه معاملات (چرونس) مقدم است اگر هم مقصود شان آن است که در عوض مال التجاره از روسیه وارد ایران نمانند اولا مال التجاره در روسیه موجود است اگر هم باشد همان قند و شکر و نفط است که آنرا هم انحصار بهوند ادارات رسمی خود شان داده اند و ثانیاً این اجناس را به نقطه که اداره خودشان در رشت و یا سایر نقاط می فروشند می دهند و برای تجار ایرانی جریان تمام خواهد شد این است سلوك معاملات تجارتی همسایه با تجار ایرانی آیا کسی نیست که این تعدیات همسایه را از سر تجار ایرانی رفع نماید آیا وزارت امور خارجه از این تجاوزات غیر مشروعه اطلاع ندارد آیا مسئول این ورشکستگان کی خواهد بود آیا سرپرستی برای محافظت حقوق این بیچارگان یافت نمی شود در صورت عدم توجه و نبودن اقدامات فوری دولت در این مورد باید منتظر بود که در آتیه بسیار نزدیکی این چند نفر تجار که امروزه انگشت شمارند در زیر پای تعدیات پایمال شده و شرافتشان فدای استفاده خارجی خواهد گردید درخاتمه اولیای امور و مسئولین این عمل را مخاطب ساخته که هرگاه از هم عادت خموشی را امتداد دهند مسئولیت هرگونه پیش آمدی را عهده دار خواهند بود و ازحبل المتین درواقعه غیر معموله قلماً استمداد می طلبیم - [م - د - ك - ی]

حبل المتین

ما در آتیه نزدیك عقاید خودمان را در رفع ودفع این گونه محذورات همسایه شمالی خواهیم نگاشت -

دزفول

بمناسبت واقعات سال قبل و اردوکشی و قشون مرکز و نبودن اذوقه مکفی و مسدود بودن طریق لرستان فقر و فاقه غیر قابل تحمل دو چار اهالی ضعیف و بدبخت این شهر گردیده و باکمال زحمت و مشقت در این فصل گذران فقرا صورت میگیرد- این فقر و فاقه را میتوان گفت مانند زمان قحطی است - که از شرحش میگذرم . . .

دزفول شهری است که همه وقت مورد تهاجم و ظلوم واقع گردیده در ظرف ۳۰ سال بارزوی امروز و افتتاح راه تجارتی لرستان و خرم آباد روز شماری کرده بدبختانه امروز و در این ساعت آمال خودرا دور دیده معمولات سال گذشته در نهایت قلت اردو کشی وعبور ومرور فوق العاده - ارزاق در نهایت تنگی و گرانی بی عاری و بی اطلاعی و عدم قدرت بحفظ حقوق اهالی این شهر را با پرتگاههای هولناك سوق داده طبقات مردم را رو باضمحلال روانه داشته کسادی بازار وعدم رواق تجارت برعده فقرا افزوده در اینوقت که فصل زمستان است طاقت فقرا و ضعفا که قسمت عمده آنها سادات و اهل علم هستند طاق و مستاصل و پریشانی یافته و عجالتاً ملتجی بحضرت حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا گردیده و معظم الیه ناچار بوسیله بعضی خیرین و واعظین اطلاع اهالی سایر بلاد خوزستان را برای بذل اعانه امر فرموده و منتظر اقدامات مسلمین این سرزمین میباشند

شرح حال اهالی دزفول بنحوی رقت آوراست که قلم از بیانش شرم کرده گریان است

بلدیه این شهر که عهده دار انجام اینگونه وظائف است برای بی تناسبی وبی ترتیبی آن بجای نفع خسران کلی دارد و غالب عایدات خودرا بر اذوقه که معیشت عموم است تحمیل کرده و آن اجناسی را که نسبتاً زیاد دارند و میتوانند بفروشند ممنوع العمل نموده است - خداوندا بار الها باین مشت ضعیف ایرانی ترحم فرما - تا حیات عاریت این فقرا از دست نرود

خوزستان

مسلم است در هر زمان از ازمنه اهل دانش و فضل بطوریکه مکنونات قلبیه شان اقتضا داشته توانسته اند نوع خودرا از ورطه هلاکت و فلاکت نجات داده و معلومات خودرا اشکار دارند- و برای آینده ملت خود انچه در کمون داشته بطور قصص و حکایت کتابت کرده و کشف آنهارا به بعد از گذشتن از این دنیا محول داشته اند

چنانکه فلاسفه ایران قدیم غیر از این رویه طریق دیگری نپیموده ومثل خواجه حافظ خودرا اسیر

سر چه عالم از اثر یك فرد شعر نشناخته اند و اگر شجاعت بخرج داده و کلماتی گفته اند تماماً مرموز و دو پهلو بوده و یا از خطر دور بوده اند چنانکه در این اواخر هم یاد داریم - هر یك از از ادبا خواسته در معایب و یا مصالح اظهار عقیده کند مامنی را برای خود اختیار کرده مثل مرحوم میرزا علی محمد خان پرورش که مصر را اختیار کرد و سایرین که جاهای دیگر اقامت گزیده و امروزه هم مشاهده میکنیم که جمعی دانشمند برلین را مرکز خود قرار داده نشریات مفیده خود را بابناء وطن خویش میرسانند -

البته اگر صاحبان قلم و افکار روشن ایرانیم که حالیه یا جرائد مینویسند و یا مجلات منتشر میکنند میتوانستند مرکورات باطنیه خود را برای اطلاع و هدایت عامه برادران وطنی خود ازادانه انتشار دهند پس اگر بکنند ! ! ! نمیتوانند ! ! ! و همان معاذیر فوق‌الذکر هنوز هم در اطراف انها گردش میکند

در این صورت خوزستان هم دارای اشخاص با اطلاع و بصیر هست ولی درزوایا منزوی و سکوت اختیار کرده و هنوز برای اگاهی ملت قلم را با ملاحظه بحرکت در امی آورند

اگر ازادی باشد یا بقول حبل المتین قانون مجازات عرفی حکم فرما گردد چرا اهل قلم وصاحبان اطلاع باید خموشی گزیده و لا اقل درد های درونی خود را اظهار نکنند !

اگر بغلط و یا از روی اغراض شخصیه سخن راندند قانون جزای عرفی محکمه عدالت برای جلوگیری حاضر است اگر حقیقت مطالب را بیان نمودند فقط برفع مظالم و یا معایب باید اقدام شود و نویسندگان هم باداء وظایف خود مسرورند

عیب کلی در این است که خوزستان هم محیط خطرناکی است امنیت وجود ندارد - ملت آزادیست فرق نژاد درکار است اشرافیت دست به یقه است چه باید کرد ؟

باید حجاب خوف را دریده - شیوه غیر مرضیه تملق وچاپلوسی را دور انداخته فریاد زد - همان فریادی که اعلیحضرت پهلوی در مرکز بشنود - همان صدائیکه مرتبه ثانوی - یگانه فرزند رشید ایران را باین قسمت وطن بکشاند تا بچشم مشاهده نماید انچه که برسر رعیت خوزستان از هر طبقه خاصه عرب آمده ؟

در قرن بیستم تمام دنیا آزاد هستند در این عصر دست تعدی کوتاه است و حقوق افراد محفوظ

چه شده که ایرانی این قدر پست و زبون باید باشد نتواند حقایق را اشکارا کند

اعلیحضرتا

تو از خوزستان که برگشتی ملت تو را قابل شاهی دید و بعد از مدت بیارزوی خود رسیده تورا بسریر پادشاهی نشانید خوب است توهم توجه بخوزستان داشته باشی

اعلیحضرتا

خوزستان خزانه مملکت را مملو خواهد کرد و در بهترین وقتی تورا اقبال مینماید - آیسه صدای واغوثای او را استماع نمیفرمائید

اعلیحضرتا

هر فردی از افراد مملکت متواری و فراری شود و یا بدیگران التجا نماید - روح دار یوش و سیروس ایا اذیت نخواهد شد - چشم بگشا و نظری بخوزستان فرما - و گروه گروه رعایای ایران را مشاهده فرما که تذکره تابعیت اجانب را برای آسایش خویش بهر قیمت باشد بچنگ آورده اسباب آسایش خود قرار میدهند !

اعلیحضرتا

توجه به عمران و آبادان فرما و ترحمی بحال و باحوال آنها نما که روح سیاسی و اقتصادی دارد از جسدش بیرون میرود اعلیحضرتا خوزستان گرانبهاترین نقاط ایران است در سال گذشته حال استشمال ساکنین آنها را نظاره فرمودی ایا رفتار با آنها بچه نحو باید باشد ایا بازهم جای صبر و شکیبائی است ؟ اعلیحضرتا خوزستان اگر مورد توجه واقع شود و از مامورین اعزامی اعم از کشوری و لشکری سر قفلی ماموریت گرفته نشود زود تر از نقاط دیگر آباد میشود

اعلیحضرتا

شاه باید رعیت پرور باشد خوزستان تا مراعات نشود و قوانین مدونه دوره های مجلس کاملا جاری نگردد در رفاهیت نخواهد افتاد

اعلیحضرتا

خوزستان حکومت منصف قانونی میخواهد که وظیفه خودرا از وظایف دیگر لا اقل تمیز دهد خوزستان عدالت کامل میخواهد خوزستان ازادی باید داشته باشد خوزستان براهمیت محفوظ نمیماند مگر بتوجه کامل -

اعلیحضرتا

با این مقدماتیکه ذکر کردیم این مقاله را برای جلب توجه همایونت نگاشته تا بدقت ملاحظه و بحقیقت آن توجه نمائید بلکه بتوانیم در عالم امروزه عرض وجود نمائیم -

اعلیحضرتا

چون میدانیم کارها را نگفته انجام میدهی امیدواریم که بدون درك از منافع صحیحه اطلاعات بیطرفی را یافته دردهای درونی خوزستان را علاج فرمائی قبل از اینکه تظلم شود -

ایضاً

بقدریکه این قطعه حالا درنظر ایرانی محبوب آمده در چندی پیش مبغوض بود

شاید بعضی اعتراض بنمایند وبگویند تنها از ثروت ایران و گنجهای نهفته و معادن پوشیده آن خوزستان است که سالانه کمك بـه بودجه مملکت مینماید باز خوامم گفت به خوزستان دوست نیستم

چه روزی نمی شود که در این خطه زرخیز که (اسمش تنها برای ایران) برقرار و فوائد بیحسابش برای دیگران است کارگران و رنجبران ایرانی در قطعه نفط خیز مسجد سلیمان میدان نفتون جان خودرا قربان منافع دیگران ننمایند

دیروز بود که در موقع تصادم دو اتومبیل ۴۵ ایرانی جان سپردند هفته نمیاید که چند تن از برادران ما بواسطه اشتغال بکارهای شاقه اجانب ساقط شوند یا دست و پایشان از کارنه افتد

بزرگترین لطمهٔ که به کارگران ایرانی در این کمپانی وارد میاید قانون تبعیض است که درمیان کارگران ایرانی و هندی مجرا میشود

نه تنها در دادن حقوق کارگر ایرانی بـا هندی قانون مساوات را در حقشان منظور نمیدارند

بلکه در قضایای غیر مترقبه و تلفات و ساقط شدن هم نظر تساوی ملحوظ نمی آید

گرچه حبل المتین در موضوع نفط مسجد سلیمان و حدود امتیاز نامه کمپانی صفحات خود را پرکرده و از تضییع حقوق کارگران در آن صفحه داد سخن را داده باز انتظار داریم در این عهد نوین ایران و زمان شاهنشاهی پهلوی برای نگاه داری کارگران مقالاتی چند برنگارد باشد که در پیشگاه اعلیحضرت مورد توجه آمده و عطف نظری بو قاطبه کارگران خاصه مسجد سلیمان بشود

[حامی طبقه کارگر]

حکومت خوزستان

تا کنون حکومت خوزستان ازمرکز معین و اعزام نشده است بعضی ها حدس میزنند که مجدد میرزا احمدخان عمارلو [کفیل حکومت سابق] بحکومت و یا کفالت حکومت اعزام خواهد گردید -

ما عقیده نداریم که این ماموریت صورت واقعیت پیدا کند و دلیل هم داریم - اولا نام بلند وصوت ارجند [خوزستان] بقدری آرزومند برای حکومت و معاون واجزای اداری تولید کرده که شاید وزیر داخله هم در انتخاب و تعیین واعزام انها هنوز نتوانسته تصمیمی اتخاذ نماید - ثانیاً - سال تقریباً شروع ودر حکومت بندی ؟؟؟ هم تجدید نظر خواهد شد - بلکه چنانکه بوده و هست و شاید منکری نداشته باشد شاه نوکابنه نودرسال نو حکومت نولازم دارد - و در تمام عالم معمول است برای تسریع عملیات - مطالب را بمراینده باید گذارد

ولی افسوس است که در اك ساله ۱۳۰۴ خوزستان دوچار فشارهای فوق العاده گردیده - ادارات دولتی هم از کار افتاده وامورات حقوقی را نیز عدلیه رسیدگی نخواهد کرد - قسمت عمده اعراب وتیلیات عرب هم فراری و متواری شده اند - و امیتوان امیدوار بود که دخل های غیرمستقیم عمده عاید گردد

اگرچه هرکس راه مداخل را میداند و بحقوق دولتی اکتفا نمیکند - معذالك بایـد قبلا تهیه مدت ماموریت بشود ؟

البته هر حکومتی دارای معاون و رئیس کابینه وغیره هم خواهد بود - و اگر آوردن سایر اجزاء موقوف شده باشد امثال فراشباشی وغیره - لااقل رئیس بلدیه باید همراه هر حکومتی باشد - که بتواند عوائدی تدارك نماید

شورای اداری خوزستان

برطبق متحدالمال واصله از مرکز در هر شهری از شهرهای حاکم نشین ایـران در هر هفته یکدرتبه از وجوه روساء ادارات دولتی که وزارتخانه دارند هیئتی تحت ریاست حکومت تشکیل و در اطراف امورات لاینحل و شکایات های مردم و مطالبیکه مربوط بـه قلمرو آن ولایت است مذاکره و بحث خواهند کرد . و صورت مجلس و نتیجه مذاکرات را بمرکز اطلاع خواهند داد -

عصر پنجشنبه اول بهمن ماه اولین جلسهٔ شورای اداری خوزستان در اهواز تشکیل گـردیده روساء دوائر دولتی حاضر و تا غروب افتاب ادامه داشت مذاکرات این جلسه درست معلوم نشده - ولی در موضوع شعبه تحقیق حکومتی واقدامات آن در مقابل عدلیه و صدور احکامات متعدده - مذاکره و از طـرف نماینده حکومت در بقای شعبه تحقیق انکار و از طرف دیگر اقامه دلایل و بالاخره معلوم که شعبه تحقیق را با بودن عدلیه محل نداشته و در امورات حقوقی دخالت داشته و دارند

بدیهی است هر جلسهٔ ایکه در بعد هم تشکیل شود همه قبیل مطالب مطرح خواهد بود و آن نتیجه و

اثری را که دولت فرض حصول نموده بدست نخواهد آمد - معذالك تا این جاهم باید امیدوار بود

§ شاید از آن میانه یکی کارگر شود §

خوب است هئیت محترم دولت - اصل ۹۰ قانون اساسی را در نظر گرفته برای انجمن های ایالتی و ولایتی ملت را هم حق دهند که در حل و عقد امورات شرکت نمایند - چرا که هرگاه انجمن ها از روی قانون و از وجوه اشخاص خیرخواه با حقیقت تشکیل شود در هر قدم و هر امر مادی ومعنوی بملت و مملکت کمك خواهد کرد -

چون اقای فروغی کرسی ریاست وزراء را دارا هستند امیدوار باید بود که در همه قسم تشکیلات ملی اقدام خواهند فرمود -

در اطراف عدلیه خوزستان

اداره عدلیه حسب الوظیفه مشغول رسیدگی و قضاوت امورات حقوقی است شعبه تحقیق حکومتی هم هنوز بر قرار است و تاکنون دخالت در امور حقوقی باداره عدلیه انحصار نیافته و در هر کاریکه اداره عدلیه حکم می دهد شفاعت و وساطت است که لاینقطع در اطراف عدلیه پراگنده می شود و هر یك از شفاعت کنندگان نیز بنحوی خود را حق بجانب میدانند

بقراریکه می گویند بتازگی از مرکز امر صادر گردیده که هیچیك از مأمورین و دوایر دولتی حق قضاوت و دخالت در امور حقوقی ندارند حالا باید دید که این امر عملی خواهد شد یا مثل سایر امورات است -

انجمن معارف خوزستان

بر طبق متحد المآل واصله از مرکز رئیس معارف و اوقاف خوزستان (امید] از روسای دوایر دولتی عصر ۲۱ دی ماه دعوت کرده -

کشف اختلاس رئیس مالیه اصفهان

بقراریکه در جرائد مرکزی مینویسند یکصد و شصت هزار تومان اختلاس رئیس مالیه اصفهان کشف گردیده و در طهران تشکیل محاکمه داده و مشغول رسیدگی شده اند - یقین است که این اختلاسات خالی از حقیقت نبوده و بالاخره مختلس محکوم خواهد شد ولی هرگاه نظری بادارات مالیه های بلاد و قراء افکنده شود - غالباً مصادف بهمین قضایا خواهند شد

طهران

(اکثریت ملت را - طبقه کارگر تشکیل میدهد)

گاهی درجرائد داخلی می بینم صاحبان قلم با آنکه قفل خموشی بدهان زده اندازقلت نفوس ایران شکایت و ازدیاد جمعیت مات المان و فرانس را ضرب المثل قرار داده و در صدد علاج صحیه مملکت و تشکیل نفوس ایرانیه قلم فرسائی مینمایند

حریق ناگهانی اهواز

در شماره ٤١ حبل المتین مندرج بود بطوری قلب مرا افسرده کرد که بی اختیار قلم برداشته ویك ستون از صفحات آن نامه ملی را اشغال نمایم روی سخن با حسامین صاحب قلم است آقایان اگر راستی میخواهید جمعیت ایران کم نشود یك اقدام عاجل و مؤثری را تعقیب نمائید

وآن اقدام هم منحصر به محافظه طبقه (کارگراست) بدون رو در واسطی اگرما بتوانیم این جمعیت محترم را نگاه داری نمائیم برای ماو ایران امروزه ما بس است زیاد کردن نفوس پیشکش ما اگر قدری در این قسمت عمیق شویم خواهیم تصدیق نمود در هر مملکت طبقه کارگر دارای مزایا و خصوصیاتی است مگر مملکت ایران ذلیل ترین و خارترین طبقات ایرانیه (طبقه کارگر است)

اگر گفته اید هنوز یك قسمت از ایران زمینه باتش بیداد خزعل می سوزد سخنی بگزاف نرفته

این نفوس زکیه ایرانیه این عده شصت و یکنفر مقتول در قتلگاه حاجی رئیس در اهواز جز طبقه کارگر بودند ؟ ! ! !

این برادران شرافت مند جز باتش خزعل قطعه قطعه گردیدند ؟ ! ! !

باروت فشنك های ذخائر خزعل قوم مارا دارد نیست می نماید (و این عرب با حمیت) خم بابرو نیاورد اقلا در فکر اعاشه زن و بچه های ان شهیدان و آن (مجاهدین) واقعی هم نیست

توپ ظهر - اهواز

مدتی است این اقدام مستحسن که بتازگی معمول شده بود از اثر استعمال باروتهای غیر مناسب متروك گردیده و بهمین جهت ادارات دولتی بلا ترتیب تعطیل میشود و اوقات اشخاص پر مشغله تضییع و ابهت دولت در انظار وجود اولیه را ندارد -

مراجعت از طهران

بقرار مسموع (عبد الحمید) پسر خزعل که باتفاق پدر خود بمرکز اعزام شده بود - از طهران حرکت و بسوی خوزستان عطف عنان کرده قریباً وارد خواهد شد از روی این قاعده و اینکه شیخ خزعل هم برای مجلس مؤسسان از طرف محمره انتخاب گردید خود خزعل نیز عودت خواهد یافت گرچه معلوم نیست اجازه مراجعت دادن این ها از روی چه نظریه است ولی باید اوضاع آتیه خوزستان را نوع دیگر تصور کرد -

و (ذلك العالم تفسد العوالم) از جمله خیانت ملایان ها دو ظاهر بملت و در باطن برشیه روحانیت هسته زده اند ترغیب ایشان است هیئت جامعه ملت را بترك دنیا و بطوریکه ایشان گوش مردم را پر کرده اند باید مسلمان در دنیا گدا وسائل بکف باشد زیرا که دنیا فانی است راست است تمام انبیا و فلاسفه دنیا را فانی گفته اند نه اینکه انسان باید شکار بی چیز و محتاج بهمه چیز باشد در اینصورت حکم وجوب خمس و زکوة العیاذبالله برداشته شده و ملتی که بیچیز شد چه بیت المال خواهد داد تا اسلام بر کفر غالب آید و دین خدائی ظاهر باشد علاوه برآن در زمان حاضره در هیچ دهی هم یافت نمیشود که ملائی باشد و باصطلاح کیفش ساز و دماغش چاق نباشد و یك درجه بالاتر ازان صاحب عقاری نباشد پس انسان باید قلباً دنیا را فانی بداند و برای پنج روزه عمر از حقوق خویش تجاوز نکرده و نوع خود ظلم ننماید نه اینکه ترك تجارت وکسب نماید

ایران و ملت فارسیه

در موقع سی و ششمین جلسهٔ یادگار مالك جی لیم جی اتاریه که یکی از پارسیهای ذی همت و چهل سالی کامل خدمات شایان بپارسیان ایران نموده وصدارت آنجلسه باسردین شاه مالك جی پتیت بود مستر جی کی نریمان درضمن نطق بیان نمودکه سابق در ایران ملاقات با نائب وزیر در بارهم یکی از کارهای مشکل بود ولی یکی از اثار خوشبختی ایرانیان است که دراین دوره فعالیت اقای فروغی رئیس الوزراء کنونی در جواب تلگرافی را که اخیراً (جی کی نریمان) نموده جواب داده که جشن تاجگذاری اعلیحضرت رضا شاه پهلوی در اواخر اپریل یا مئی خواهد شد جی کی نریمان متذکر شد حالا که ریاست بانك شاهنشاهی ایران با (سرهیوج باربیز) واگذار گردیده خیلی مناسب است که بجای اینکه دولت انگلیس را مورد اعتراض قرار دهیم از سهویات انگلستان اغماض نموده از بانك شاهنشاهی که رشته اقتصادیات ایران را در قبضه دارد استفاده کامل بنمائیم و نیز مستر نریمان مجله امتین دفتری را که مؤلف مجله کلید استقلال اقتصادی ایران میباشد برای اطلاع حضار قرائت نمود و درخاتمه نامهٔ ارباب کیخسرو را قرائت کرد ارباب کیخسرو مینویسد که انجمن ادبیات ایران نظریات خود را راجع به برپانمودن مجسمه فردوسی تغییر داده و مصمم گردیده است که یك بنای شایسته برقبر شاعر معروف ایران بسازد مستر نریمان معتقد بود که اگر ملت ایرانیه ایران نظریهٔ اول را اتخاذ می نمودند

نام نیك ایرانیان در قطار عالم بلند تر گردیدی و برعالمیان ظاهر می گردید که ملیت ایرانیه چگونه از شعرای وطن پرست قدردانی می نماید و نیز این امر را به ثبوت میرسانید که ایران جدید دو چار موهومات مذهبی نیست و چه امروزه شان ایران اجل برابن است که بعقاید موهومه تن در دهد

مستر فریدون داداشن جی ازصدر مجلس خواهش نمود که مبلغ یك ملیون روپیه که در اختیار ایشان وهمشیره شان است برای امورات خیریه در ایران بمصرف برسد

ما نام ایرانی درنطق خود گفت انجمن های خیریه که پارسیهای از قلابه تا بندر شکیل داده دارائی شان قریب ده ملیون روپیه میباشد در اینصورت مدارس جدید طهران که پارسیان تشکیل داده اند و راجع بهمان مدارس ارباب کیخسرو بدوست خود مستر نریمان نوشته بود که نگذارید این مدارس بواسطه قلت بودجه در زحمت باشد

سردن شاه پتیت در نطق ختم آور خود گفت که فقط منافع پول های خیریه که برای ایران جمع آوری شده است باید به ایران ارسال نمود ایشان نیز گفتند اگرچه نمیدانند تاچه اندازه خبرهای فرحت افزا راجع به ایران مقرون به صحت است بحیثیت صدر انجمن خیریه و نیز بحیثیت خیرخواه انجمن پارسیها و ایران لیگ حاضر اند هرگونه خدمتی که از عهده ایشان جهت ترقی مملکت برآید انجام دهند

فیروز گنجدهر در ضمن اظهار تشکر از قبول صدارت از صدر مجلس نظریه ایشانرا متوجه ساخت به کارخانجات صنعتی در ایران و خواهش کرد همانطور که اجداد ایشان در ترقی دادن کارخانجات هند کوشش بلیغ نموده (سردیع شاه) را هم لازم است که کارخانجات صنعتی در ایران نیز دائر نماید و بدین وسیله خدمت بزرگی بملت فارسیه و ایران بنماید

راه آهن ایران

چنانچه بخبر روتر از طهران خبر میدهد دار الشورای ملی دویست و پنجاه هزار تومان یا شصت هزار لیره اعتبار اولیه راه آهن را بوزارت فوائد عامه داده که در تحت تعلیمات مهندسین المانی وامریکائی عملیات ابتدائی را شروع نمایند و این اولین برکتی است که در سلطنت پهلوی نصیب ایرانیان آمده است والحق وزیرفوائد عامه جدید اقای داور نیز خیلی فعالیت بخرج داده به سرعت این مشروع مفیدرا از پیش برده اینك باید گفت راه آهن ایران

شروع گردیده یقین داریم که وزارت فوائد عامه همان جدیت و فعالیتی را که در شروع بکار اختیار نموده اند در ختم آن نیز بکار برند چنانچه در شماره های قبل اشاره نمودیم این راه آهن از دو بندر شروع شده شمال را به جنوب متصل خواهد ساخت یعنی از بندر محمره بنادری و دزفول و خرم آباد و بروجرد و همدان و قزوین تا پای تخت که طهران است خواهد امتداد یافت و از آنطرف نیز از بندر جز شروع شده بدامغان و سمنان بطهران ملحق خواهد آمد و این اقصر واقع طرق است معلوم است که شعبات فرعی این راه یکی از همدان بکرمانشاه خواهد بود و دیگری از قزوین به بندر پهلوی و نیز راه آهن تبریز و ارومیه متصل بقزوین خواهد گردید ولی این نکته را باید دانست که تنها این خط اصلی راه آهن ولواز شمال بجنوب است ولی ایرانرا کاملا مستغنی نتواند ساخت ومنافع عمده که برای راه آهن ایران متصوراست یعنی ایرانرا ایستگاه شرق و غرب تواند ساخت راه آهن بوشهر به اصفهان و طهران تا برسد به سرحد ترکستان است و همین قسم است راه آهن دزداب تا خراسان این دو شعبه راه آهن است که ایرانرا بار انداز شرق وغرب تواند ساخت یعنی از اقصرطرق است در رسانیدن امتعه غرب باقصای شرق و کلیه ترکستان و مغولستان حتی بیگی حلب صروریات خویش را از این طریق مقرون به صرفه خواهند یافت هم صرفه اقتصادی وهم صرفه زمانی

ده کرور تومان نقد از گمرک انحصاری قندوچای که مخصوص براه آهن است موجود گردیده و تقریباً هر ماه بین هفت صد وهشت صد هزار تومان از این ممر عاید می شود و اگر ابواب قاچاق کاملا بسته آید بعید نیست که ماهانه یك ملیون از این راه عایـد دولت گردد پس می توان اعتماد و اطمینان نمود که این مبلغ برای تسریع در کار کافی است یعنی اعتبار کافی برای کارخانه جات خارجه برای ساختن راه موجود است از اینرو هر قدر وزارت فوائد عامه در تکمیل راه بتواند تسریع خواهد نمود و در سائر شعبات ضروریه نیز مانند بوشهر شروع بکـار خواهد شد عقیده حبل المتین در شروع بندر محمره که مقاول دولت هم آمد بجهاتی چند بوده که اول آن کمی خرج و کوتاهی راه است از آن بعد رفع مخارجی است که امروزه ایرانیان از حمل مـال بطریق بصره و بغداد متحمل اند علاوه براین پیمایش ابتدائی راه محمره وخرم آباد از قبل شده و نقشه های آن موجود بود در هر صورت از امروز می توان امیدوار شد که ایران هم دارای راه آهن می شود یعنی از دایره لفظ بصورت عمل آمده است البته هر قدر تسریع در تکمیل این راه بشود نافع تر بحال ایران امور می شود

جنگ اقتصادی روس با ایران

در موضـوع شیلات بحر خزر بین روس و ایران مناقشاتی پیش آمده از روی قرار داد بین ایران و روس امتیاز شیلات را هم که یك از ارامنه روس داشت لغو گردیده است از چندی باینطرف روسها کوشش می کنند بصورت دیگر این امتیاز را بخود بر گردانند معلوم است خشونت مقدس دولت پهلوی زیر بار نرفته و تکلیف دولت روس را رد کرده است این مسئله خیلی بدولت روسیه برخورده گویا مخالفت خود را علنا با سلطنت پهلوی ابراز داده و حاضر به یك جنگ اقتصادی با ایران شده است از اینرو اعتصاب نموده مال التجاره ایران را غیر از پنبه خریداری نمی نمایند و این مسئله ظاهر است که روزانـه هزار ها تومان بملت و دولت نقصان وارد می نماید جراید انگلیسی می نویسند بیشتر این حرکت را روسیان بر خلاف پادشاه جدید یعنی اعلیحضرت پهلوی نموده اند در هر صورت حالا دیگر باید ایران حس نماید نفع وضرر خود را و علاج واقعات را قبل از وقوع بنماید اگر ما راه آهن داشتیم و چنین پیش آمدی برای امتعه ما در شمال پیش می آمد همان اموال را بذریعهٔ قطار راه آهن بسواحل جنوب رسانیده بقیمتی بهتر و بالا تر می فروختند اینگونه معاملات چاره و علاج می خواهد تملق و چاپلوسی و نزاکت شناسی اعضای وزارت خارجـه چاره این دردهای بیدرمان را نمی کند افسوس که تجار ما هنوز هم پی به منافع خویش نبرده فقط قناعت بدلالی خارجه کرده اند اگر با یك کرور یا یك ملیون تومان سرمایه راه های شوسه شمال را بجنوب که غالب عراده رو است با اتوموبیل های بارکش دائر می ساختند امروزه باین خسارات دچار نمی آمدند و هرگز روسیان هم مرتکب چنین امری نمی شدند امروزه چون روسیان ما را مجبور دیده اینگونه فشارهای اقتصادی وسیاسی را بر ما روا می دارند و اگر می دیدند که ایرانیها می توانند مال التجاره شمال خود شان را بجنوب حمل کنند هرگز مرتکب این گونه ابتذالات نمی شدند روس بیشتر محتاج است بفروش امتعه ایران تا ایران به امتعهٔ روس فقط اشکال در اصول حمل و نقل است اگر تجار ایرانی بخواهند که هر کار را برای آنها فرصت انجام دهند ... بعشر لاك است چنانچه نوشته ایم که دولت و ملت در یك مملکت مانند دو صنف اند یك جسد ... ندارد امروز دیگر نمی توانند تجار و سرمایه داران

بگویند اقتصاد در کار ها نیست اگر تشکیل شرکت ها برای حمل و نقل در همه ایالات و ولایت داده شود رفع جمیع این اشکالات شده و منافع عمده نیز حاصل خواهند نمود امید واریم مسئله شیلات با اعتصاب روسیان یک تازیانه عبرتی برای ایرانیان خصوصاً تجار بگردد اگر تجار ایرانی همت داشتند می توانستند معارضه بالمثل نموده تشکیل تجارتخانه های مخصوص مثل روسها داده دولت را ازمجبور به همراهی می ساختند در اینصورت دیده می شد که کمپانی روس پشت پای خود می نشستند پس باید گفت هرچه هست از قامت ناساز بی اندام خودمان است اما ما نمی توانیم ذره هم روسیان را ملامت کنیم چه مثل معروف است هر که نقش خویشتن بیند در آب ایرانیان باید علاج درد های خود را از خود بخواهند و چاره اینگونه وقعات را نمایند که گفته اند - کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من الحق مجلس شورای ملی مجوزه را که منظور نموده و اعتبار بوزارت فوائد عامه بخشیده است که از آذربایجان تا سرحد عراق بفوریت راه شوسه جدیدی تعمیر و تجارت شمالی ایران را از انحصار بروسیه بیرون آورده بهترین تجویز است و اگر این خیال را یک سال قبل کرده بودند خسارات امروزه دچار نمی آمدیم خوب است که تجار هم دولت را تائید نموده و شرکت های چند برای حمل و نقل فراهم کنند تا پس از تکمیل راه دچار تضییقات اتوموبیل های بارکش وغیره نگردند کلام حکیمانه بزرگان را فراموش ننمایند که علاج هر واقعه را قبل از وقوع باید کرد -

پست هوائی ایران

تلگراف طهران میرساند که مجلس شورای ملی لایحه پست هوا پیمائی کمپانی یونکرس را برای پنج سال منظور نموده که پست را از طهران تا بوشهر و انزلی و خانقین بذریعه طیارات برساند گویا عنقریب شروع بکار خواهد نمود و پست طهران تا بمبئی و کلکته ده یوم تواند رسید و این نیز یکی از ترقیات و برکات عصر پهلوی است ولی مشروط براین که رؤسای پست خانجات هم پی بنیات دولت برده تعال و عدم انتظام را در کار نیاورند خیلی شنیده شده و دیده شده است که پست وارد بنادر گردیده ولی عدم انتظام پستخانجات مکتارند که به پست دریا برسد ازاین رو یک هفته مراسلات عقب مانده است غرض این است که قبل از انتظام پست هوائی باید جدیت در انتظام پست خانه جات هم بشود و امید است پست هوائی در موضوع اقتصادیات ایران خیلی سودمند ثابت شده در کلیه ایران جاری گردد و الاغ های بیچاره که حامل پست بودند قدری راحت وآرام گیرند شک نیست که امروزه عقب تر ازتمام ادارات ایران اداره پست است منتظریم مستشار جدید که وارد شود انتظام صحیح در موضوع پست نماید پست ایران خیلی شرم آور است و با پست خانه هیچ مملکت حتی پست خانه عراق هم مقابلی نتواند کرد امید واریم اولیای دولت پهلوی بیشتر دراینموضوع توجه آیند

مناقشهٔ سرحدی افغان و روس

جرائد انگلیسی می نویسند چنانچه تصور شده مناقشه سرحدی افغان و روس خاتمه نه پذیرفته فقط سفیر روس در موقعیکه هیجان ملی افغان بالاگرفته بود برخی مواعید داده ملت و دولت افغان را موقتاً آرام ساخت ولی تا کنون هیچ یک از آن مواعید بموقع ایفا نرسیده است چنین تصفیه یافته که کمیسون مختلطی که عده آنها ۱۲ نفر باشد ۶ نفر روس و ۶ نفر افغان تعیین شود و اقلاً تشکیل این کمیسون و تصفیه آن ۶ ماه طول خواهد کشید و چون اعضای کمیسون ازطرفین متساوی است گمان نمیرود تصفیهٔ که طرفین راضی شوند تواند نمود روسها بدواً می خواستند که جزیره مابه النزاع در قبضه آنها باقی مانده تا تصفیه کمیسون ولی افغانان چابکی و چستی خرج داده جزیره را در قبضه خود نگاه داشتند در خصوص قتل یک نفر افغان وتجاوزی که از روسها شده هنوز تصفیه پیش نیامده است گویا تصفیه این امر نیز بعد از تصفیه کمیسون خواهد شد بیشتر سبب این اختلاف سرحدی تغیر مجرای رود خانه شده است روسها می گویند که این جزیره وسائر نقاط مابه النزاع ازچهل سال باین طرف هماره در قبضه روسیان بود عادت واطوار آنان نیز همه از روی اصول روسیه است فعلا خطری که بر روسیان در داخله افغانستان بود مرتفع آمده است

الغای باج راه ها در ایران

مخبر رویتر از طهران خبر می دهد مجلس شورای ملی باج کلیه راه های شوسه که از اتوموبیل وغیره گرفته می شد معاف نموده و به عوض آن بر اموالی که حمل و نقل می شود مالیاتی مقرر داشته اند و چنانچه جراید طهران می نویسند تخمینه عایدات این مالیات جدید چهارملیون تومان است واین معافی باج راه مزید بر ارزانی کرایه و ازدیاد عبور و مرور خواهد گردید صاحبان اتوموبیل و مسافرین وغیره خیلی راحت خواهند شد در هر صورت این نیز یکی از خدمات عمده وکلای دوره پنجم و قابل همه گونه تقدیر است

از رنگون می نویسند

باز هم تقصیر بر تملق است

این اشخاص نمی گذارند که حساسین زبان خودرا که داشته و قلم را اسوده در کنار گذارند چنانکه در روزنامه ستاره ایران تاریخ یکشنبه ٤ ج ٢ - ١٣٤٤ در صفحهٔ اول ستون ٥ تبریك نامه علمای عتبات بامضاء داعی محمدرضا زنجانی قرائت گردید که فرموده بودند (الیوم اکملت لکم دینکم) حالا دیگر در اینجا باید خوب توجه نمود و مطلب را فهمید و از جناب آقای زنجانی سئوال کرد که آقا پس از آنکه تاج کیهان را بر فرق فرزند رشید وطن اعلیحضرت رضا شاه پهلوی بگذارید دین شما کامل نبود ؟ در اینجا تملق واضح گردید البته بر جناب آقا واضح است که انچه درج اخبار شد در داخله وخارجه بدست موافق و مخالف خواهد افتاد ایا این درجه تملق اسباب ایراد هست یا نه چونکه این بنده در جواب این مطلب خجل شدم لذا می نویسم روزی با چند نفر رفقای خود در کناری نشسته و صحبت میداشتیم که ناگاه شخص یهودی ایرانی برما برامده بعد از صحبتهای گوناگون رو را بطرف من کرد و گفت خوشا بحال شما مسلمانان که حال دین کامل یافتید گفتم سبحان الله این کلام چه معنی دارد مگر خدای نکرده پیغمبر تازه ظهور نموده در جواب گفت مگر در اخبار ایران تبریك نامه آقای زنجانی را نخواندی که فرموده اند [الیوم اکملت لکم دینکم] در جواب این مطلب ساکت ماندم عجب اینست که نویسنده این تبریك نامه عالم و رئیس روحانی ما بوده است ناچار از خجالت در اینجا سر زیر انداخته و راه فرار را اختیار نمودم

§ اب دریا را اگر نتوان کشید §
§ هم بقدر تشنگی باید چشید §

ای کاش این عالم روحانی یا آقای زنجانی که خواسته بودند تبریکات خودرا به الفاظ عربی قوت بخشند و از روی بی تاملی چنین تشبیه غلطی کرده می نوشتند الیوم ان جزب الایمان ما وعدت وو که محل ایراد احدی هم واقع نمی شد و کلام شان نیز باین الفاظ قلمبهٔ عربی قوت می یافت آقا جان دین بازیچه نیست که آلت تملقات و تمدیات قلبی خود قرار دهید و نوع مذهب را در انظار بیگانگان خوار و زبون سازید تفو بر تملق تفو بر تملق

خاتمه دوره پنجم مقننهٔ ایران

٢٣ بهمن ماه دوره پنجم مقننهٔ ایران خاتمه پذیرفت یعنی وکلای مجلس شورای ملی آزاد شدند شك نیست که در دورهٔ پنجم قوانین بسیار مهم نافع از مجلس شورای ملی گذشته مانند مشق اجباری قانون مالیات انحصار قند و چای لایحهٔ انقراض قاجاریه و قانون [illegible] و [illegible] ولی [illegible] تاریخی علیه با اعلیحضرت پهلوی [illegible] با وکلای [illegible] ولی بمفاد (تذکروا موتی کم بالخیر) تشکرات خودمانرا بـه وکلای مرحوم تقدیم میداریم ولی [illegible] علت تعویق انتخابات دوره ششم چیست [illegible] عمل که وزرات داخله در موضوع انتخاب مجلس موسسان یکبار بردچه شده که دراین موضوع [illegible] البته مصلحتی در کار است که مصلحت گذاران [illegible] میدانند وزیر داخله در روز انفصال مجلس بما وکلا اطمینان بخشیده که به سرعت انتخابات وکلای دوره ششم شروع خواهد گردید

[بقیه از صفحه ٤]

بسط عدالت حقوق و جزائی امید تهذیب اخلاق افراد یك قـوم آب از سـراب جستن است اروپائیان مهذب لذا که درنظرما فرشته خصال الله دیده می شود همین که در یك مملکت بی قانون مانند ایران وغیره وارد می شوند مرتکب جنایات و اعمالی می گردند که هیچ یك از اوباش اسپانی هم مرتکب نمیشود اعمال زشت مسیو نوز بلژیکی در ایران واخذ الماسات مظفرالدین وی را اگر یك ایرانی مرتکب می گردید وحشی ترین مردم شمار وسزایش قتل بود چطور آن اروپائی فرشته خصال اخلاق خودرا تبدیل داد آیا این اخلاق او را از کجا آورد از بی قانونی ما از نداشتن محکمه جزاء و سزای مملکت تحصیل کرد اروپائی را جنساً عقیده این است که انسان هرچه می کند باید در ملازم قانون باشد بعبارت ساده می گوید انسان کاررا باید نوعی بکند که قانون اورا نه گیرد و اگر از قانون محفوظ ماند هر عمل نا مشروعی نزد او مشروع میگردد

ما پس از تجربه نیم قرن به آن اعلیحضرت ایقان میدهیم که در تهذیب اخلاق اروپائیان بر ایرانیان برتری ندارند فقط چیزی که آنهارا مهذب وماها را بداخلاق جلوه داده همانا نداشتن محاکم حقوقی وجزائی است که ایرانیان را بوحشی گری جلوه گر ساخته عجب تر اینکه جمیع حساسین شکایت از بد اخلاقی افراد ملت نموده وعلاجی را [illegible] سهل ترین اصولی ممکن است پیروی نمی کنند بازهم کلام خودرا تکرار نموده میگوئیم اعلیحضرتا تهذیب اخلاق ملت ایرانیه و اعتماد افراد یك دیگر وترقی اقتصادیات و عمرانات مملکتی تمام منوط و مربوط به بسط محاکم حقوقی و جزائی است بدون محاکم صحیحهٔ جزائی و حقوقی چگونه امید به ترقی تجارت و تشکیل شرکتها وتهذیب اخلاق ملی توان نمود

§ شیر بیدست و سر و اشکم که دید §
§ [illegible] شیری را خدا هم [illegible] §

حبل الامر مدیر ودبیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعه حبل المتین [illegible]

(نمره ۲۵)　　　　سال سی و چهارم　　　　(صفحه نخست)

حبل المتین مجاناً باحدی داده نمی‌شود
از هرکس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
(مقدم گرفته میشود)
روز نامه مقدس

[حبل المتین کلکته]
(۱ پ ۹ مکلود استریت)
سکاید امور بنا
[مدیر کل]
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[دیر تالی ف ، س ، مؤیدزاده]
[ام - ای است]
هر دوشنبه طبع و سه شنبه
توزیع میشود

قیمت اشتراك
سالانه　　ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه　　۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران　　۳۵ قران
(ممالك سایره)
(سالانه)
[یك و نیم لیره انگلیسی]

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۲۷ اردی بهشت سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ٤ - ذیقعده سنه ۱۳٤٤ هجری
مطابق با ۱۸ مئی سنه ۱۹۲۶ میلادی

لزوم تشکیلات بحری

برای اینکه ایران بتواند سالی چند در اختیار سیاست انفرادی روی پای خود ایستد اولین قدمیکه باید برداشته آید تشکیل اداره بحری است باید دانست که در قانون بین‌المللی حق تملك برخاك و آب یکسان است یعنی مملکتی که میخواهد بگوید من مستقل ام و دولتی که دعوی کند که مملکت وی از دخالت بیگانه مصؤن است اگر دارای ساحل باشد مجبور است بتشکیلات بحری و مهیا داشتن جهازات جنگی در آبهاهای سواحلی خود آیا آبهای سواحلی ما جزء مستملکات ایران نیست ثبوت تملك ما در آبهای خودمان چیست همیشه هیچ دولت با دول همجوار خویش دوست و بیگانه نبوده خانه دروازه میخواهد و دروازه دروازه‌بان بدون دروازه و دروازه‌بان ایران نمی تواند باستقلال و امنیت اساسی خود اطمینان نماید همان قسمی که در جنوب محتاج بقوای بحری هستیم در شمال هم می باشیم اختیارات ما که در آبهای شمال در مقابل همسایه بمقام صفر رسیده بواسطه آن است که در آبهای جنوب هم دارای هیچ گونه اقتدار نیستیم رقابت صد ساله روس و انگلیس است که چاره عکس شمال را بجنوب انداخته و بالعکس اگر ایران دارای تشکیلات بحری بود و جهازات جنگی داشت ورود اسلحه در خلیج فارس ممنوع نمی آمد و جهازات ایران در در آبهای خود محل تفتیش جهازات بیگانه واقع نمیشد

بی پرده میگوئیم اولیای مرکز و حال آنکه پیش از همه چیز و پیش از همه کار باید بقوای بحری دولتی متوجه آیند کمتر از همه چیز باین مسئله اهم می [illegible] اگر جزایر و سواحلی که امروزه در تحت حکومت ایران بشمار است از دهنه گواتر تا فیلیه بشمار آید عده اش از سی صد تجاوز مینماید و برای حفظ این نقاط مهمه سرحد چه فکری اساسی شده است همین قسم که دولت در سرحدات خشکی خود نظامیه ساخته و نظامیانرا باخلو گذارده باید در سرحدات بحری خویش هم قلاع بحری تهیه کرده جهازات جنگی آماده دارد و یا دعوی استقلال را از سر بدر کند ما تصدیق داریم که دولت انگلیس باما دوست است هیچگاه نادر و جزایر مارا تصاحب ننموده وانشاءالله هم نخواهد نمود بلکه مجمع الجزایر بحرین را هم که جزء لا ینفك ایران است بما مسترد خواهد داشت ولی اقلا این خیال را باید نمود که اگر فردا با یك دولت کوچك خارجی که دارای یکی دو جهاز جنگی هم باشد اختلافی پیدا کردیم و جهازات وی بسواحل ما حمله بردند چه خواهیم کرد ناچار یا باید تسلیم دشمن شویم و یا دست بدامان انگلستان زده ازاو استمداد جوئیم هردوی این عمل منافی است باغیرت ملت و استقلال دولت است چون مرکزیان محترم کمتر دماغ های خودشان را صرف سیاسیات و اقتصادیات مملکت میفرمایند و از این نقاط هم خیلی دورانند تصور نمی فرمایند که استقلال دولت ایران بدون جهازات جنگی و تشکیلات بحری در حال فالج است و دعوی استقلال بتمام معنی غلط محض استقلال آن را می گویند که انسان هرگونه تصرف و دخالتی بخواهد در داخله خود بنماید اگر آبهای خلیج جزء مستملکات ایران است چرا جهازات آن تحت تفتیش دیگران می آید چرا دولت ما نمی تواند ورود اسلحه را در بنادر خلیج فارس ازاد قرار دهد

ما دلدان روی حرف نگذارده باواز بلند می

گوئیم تا ایران دارای ادارهٔ بحری و جهازات جنگی نگردد دعوی استقلال او بتمام معنی غلط و تاوقتیکه ایران در سرحدات آبی خود مانند سرحدات خاکی خویش قلعه بندی نکند و قراول و ساخلو نگذارد ممکن نیست بتواند در مقابل همسایگان اظهار حیات نموده و سیاست یك رخه برای خویش قائل شود مجبور است که همان سیاست تذبذب و اصول تملق را با همسایگان داشته باشد و همواره سواحل و بنادر ناکه جنوب و شمال خویشرا برحم و مروت آنان بسپارد و هرگز نخواهد توانست هیچ سیاست مستقلی اختیار کند با این وضعیاتی که ذکر شد هیچگاه چنین مملکتی را بتمام معنی مستقل نتوان نامید از این حبل المتین در موضوع تشکیلات بحری مقالات نوشته نقین داریم اولیای دولت محبوب ما از خواندن آن مقالات خسته آمده همینکه عنوان بحری را می بینند ورق را برگردانده از خواندنش هم صرف نظر مینمایند تا چه رسد بعمل بر آن فقط جوابی را که بما داده شده وشاید چندی دیگری هم بدهند همین است و بس (پول نداریم) ولی بعقیده ما این جواب درست نیست بلکه از روی واقع اگر جواب بگویند باید باین الفاظ باشد (توجه نداریم) ورنه پول خیلی پیدا می شود اگر دولت بخواهد و همت برگمارد و کوشش نماید عایدات همین سواحل پیش از تهیه تشکیلات بحری وتدارك جهازات جنگی حاصل تواند نمود خوب است قدری مشروح تر بگوئیم سواحل ایران از شمال و جنوب سه برابر سواحل ژاپون است و هفت مساوی سواحل انگلستان و ثروتهای طبیعی سواحل ایران به اضعاف مضاعف سواحل ژاپون و انگلستان بیشتر است جمیع معادن تحت الارضی وفوق الارضی جامد و مایع در سواحل ما موجود است فقط و فقط توجه می خواهد پول هست ولی کسی نیست که جمع نماید تدارك کند انتظام دهد -

بازهم می گوئیم مرکزیان ما ازروی حقیقت ماهیت منافع جزایر و سواحل و آبهای خود نیستند ورنه تا امروز صرف نظر ازاین منافع هنگفت سیاسی و اقتصادی و استعماری و استحکامی سرحدات خود نه می نمودند ما هیچگاه توقعی از سائرین نداشته و نداریم بیشتر توجه مان بذات والای اعلیحضرت همایون پهلوی است که بهتر از همه کس باین نکات دقیقه پی برده صرف همت عالی خودشانرا نیز همارا درکارهای اساسی نموده اند مثلا تدارك نظام می کردند پایه اش را مستحکم نموده قانون نظام اجباریرا ازمجلس گذرانیدند برای نزدیك ساختن ایرانیان بتمدن عصر حاضر راه آهن و شوسه را لازم دیده قانون انحصار قند و چای ومالیات جدید گمرکات خارجی و داخلی را معین کردند انچه فرموده ومی فرمایند همه اساسی بوده وهست امیداریم دراینموضوع اهم هم یك اقدام اساسی بفرمایند تادولت هم دارای تشکیلات بحری وجهازات جنگی گردد وهم عایدات سواحل خویش چندین برابر مایحتاج [illegible] مملکت شود جز ایران شهر های بزرگ تمام عالم در ساحل دریا وکنار رودخانه های بزرگ واقع گردیده افسوس که خرابه زارهای داخله ایران هم از سواحل ما معمور تر و بهتر است چرا که تا امروز توجه به عمرانات ساحلی نداشته ایم و قائل هم نشده ایم براینکه ایران زندگی ساحلی میخواهد گمان نداریم کسی انکار کند ممالك داخله مابدون استحکامات ساحلی شمال وجنوب محفوظ تواند ماند واضح تر بگوئیم ایران هر ترقی که بکند و هر عمرانی که بیابد و هر اصلاحی که دراو داده شود تا وقتی دارای تشکیلات بحری و جهازات جنگی نشود همه نقش بر آب است و مصداق این شعر خواهد بود

§ خانه از پای بند ویران است §
§ خواجه در فکر نقش ایوان است §

پای بند مملکت ایران همانا سواحل جنوبی و شمالی است تا وقتی که خانه را از پای بند محکم نسازیم نقش ونگار درودیوار بیهگانه معلوم خواهد شد جای سوختن دل اینجاست که تا امروز ارباب قلم و صاحبان افکار عالیه هم این موضوع اهم را یك قلم از تصور و تفکر دور داشته اند آیا جراید مرکزی را چه پیش آمده که دراین مسئله اساسی یك [illegible] هم نمی نگارند آیا می توانند بگویند که دوهزار میل سواحل ایران دروازه ودروازه بان دارد ؟ آیا می توانند منکر لزوم تشکیلات بحری وتهیهٔ جهازات جنگی شوند آیا جوابی دارند درمقابل غنیم خارجی اگر بسواحل انها هجوم نماید؛ کدام قلعه بحریرا تهیه نموده اند کدام توپ های دریائی را در سواحل خویش نصب کرده اند باتفاق جمیع سیاسیون قطعه قطعه شدن امپراطوری عثمانی تمام بواسطه بی اعتنائی رجال ان دوره بقوای بحری بود یادداریم در جنگ طرابلس غرب روزنامه جات بزرگ انگلستان نوشتند که عثمانی هیچگونه حق اعتراض بدخالت ایطالی در طرابلس غرب ندارد چرا که باندازهٔ سواحل خود دارای جهازات جنگی نیست معنی این کلام این بود و هست که هر دولت دارای تشکیلات بحری و جهازات جنگی نباشد حق داشتن سواحل و جزائر هم ندارد پس اولیای دولت پهلوی راست که از تجزیه سواحل عثمانی عبرت گرفته علاج واقعات را پیش از وقوع بفرمایند دولت عثمانی دراین جنگ اخیر یعنی ازموقع جنگ طرابلس غرب تاخاتمه جنگ عمومی یکصدو هشتاد وشش نقاط بزرگ وکوچك را از

کف داد بدبختانه تنها همان سواحل نرفت بلکه در سایه سواحل ممالك وسیعه هم شامل آمد مثلا در سایه سواحل شام کلیه شامات رفت بواسطه سواحل فلسطین مملکت فلسطین مجزا آمد بندر طرابلس کلیه خاك طرابلس راهم به آب داد سواحل بحر احمر عثمانیرا از یمن و حجاز وغیره علیحده ساخت بصره و بغداد عراق را ازوی مجزا نمود

بتصدیق ارباب سیاست مفتاح فتح ممالك همانا سواحل است و بس نظیرش هم همان سواحل و بنادر چین است که دول بتصرف خود درآورده بهمان وسائل دخالت خودرا در داخله چین امتداد دادند

چقدر ما بی خیال و بی فکریم که می بینیم دول بزرگ و کوچك چقدر اهمیت بسواحل وآبهای خویش میدهند و ما ذره هم متوجه نیستیم وتصور لزوم تعمیر و تحکیم سواحل خود هم نمینمائیم ما میدانیم که دیر زمانی از حکم دری اعلیحضرت پهلوی نگذشته ولی چون همواره قائل به الاهم فالاهم بوده ایم خیلی زود تر از این امیدوار بودیم که شخص شخیص اعلیحضرت پهلوی در زندگی ساحلی ایران توجه فرمایند وحالا هم از همان یگانه ذات فعال ایران امیدواریم که این مسئله خیلی اهم را که درحقیقت باید پایه استقلال ایرانش خواند بیش ازاین در بوته تعویق روندارد اعلیحضرتا سواحل جنوب ما خیلی قابل عمران و زیاده برانچه تصور شود سیاسةً واقتصاداً عمرانش مفید و قابل تقدیر است ایران بدون تشکیلات بحری و قوای دریائی نمیتواند با هیچ دولتی دم مبادرات و همسری زند ایران بدون عمرانات ساحلی درمقابل هرغنیم خارجی دراول قدم باید سرتسلیم خم نماید ایران تاوقتی که بروفق زمان و بمقتضیات سواحل وآبنای خویش دارای عمرانات ساحلی و قوای بحری نگردد در ردیف دول متمدنه بلکه در شمار دول مستقله بیرون نتواند آمد بزرگترین دلیل برصدق این مقال همانا قرار داد ترکمن است که چون ایرانرا دارای قوای بحری نیافتند که تواند ذمه‌وار تفتیشات بحری آبهای خویش گردد از درجه استقلالش ساقط ساختند چنانچه درحل التمتین نگاشتنیم این اولین مرحله نیست که لطمه براستقلال ما بواسطه نداشتن قوای بحری وارد آورده اند امروز غیر دیروز است و فردا غیر امروز اگر در ازمنه قدیمه ایران دارای قوای بحری صحیح نبود دول سائره نیز تا این درجه به وی نزدیك نیامده بودند و قوای بحری تا این درجه عالمگیر نشده بود معذالك بواسطه همان بی اعتنائی قوای بحری بود که یکمشت واندیزیهای کم حیثیت سالهای در از سواحل ما را اشغال کرده بودند باز هم از ما و این قلمی ساحلی حبل المتین خواهش مینمائیم که انچه میتوانند از حیثیت ثروتی معدنی سواحل و از چگونگی عمرانی بحیز تحریر درآورده شاید بیشتر سبب توجه اولیای مرکز گردد

افغانستان

جراید انگلیسی می نویسند حضرت اعلیحضرت امیر امان الله خان غازی بزرگترین اشخاصی است که در افغانستان بحکمرانی برخواسته این بزرگ مردانه تنها مقام خودرا با قوای نظامی محکم ننموده بلکه با اخلاق بزرگانه محبت خویش را بنفسه در قلوب فرد فرد اهالی جای داده که می توان گفت امروزه محبوب ترین پادشاهان نزد ملت خود این پادشاه جوانبخت است تنها قوای نظامی افغان را بپایه اقصی نگذارده بلکه مالیه افغانستان را در ظرف این چند ساله دو بالا بلکه زیاد تر ساخته تجارت افغان نسبتاً خیلی ترقی نموده صادرات افغستان بر وارد آتش فرونی رد و از اینرو مجرائی برای خارج شدن ثروت افغان بخارجه تا کنون پیدا نشده است اهالی افغانستان را تربیت اخلاقی می بخشاید در توسعه تعلیمات عمومی خیلی جد است هم تالیه اعلیحضرت صرف آوردن تمدن غرب در کوهستانه افغانستان است ولی انچه از تمدن غرب که منافی با وضعیت و ملت افغانستان باشد قبول می فرماید ـ در عمرانات مالك و اساس (سویلایز] که سهولت در حمل و نقل است خیلی کوشش دارند و برای محافظه استقلال و آزادی افغان و تمامیت آن ازسر جزئی امری خویشتن را به فداکاری حاضر می فرماید در مسئله پنجده و مناقشه با روس آنچنان جنبشی ابراز دادند که ما فوق تصور بود و اگر روسیان بسرعت حاضر به تصفیه مسئله نشده بودند کار بدرازا می کشید در آن موقع شخص اعلیحضرت در بالای منبر ضمن خطابه خود فرمود که ما برای خدمت وطن پیدا شده‌ایم حفظ وطن اولین فریضه و جز لا ینفك ایمانی ما است اگر در اقصی نقاط افغانستان یکوجب از خاك ما را تصاحب کنند و ما ساکت نشینیم مثل اینست که پای تخت ما را تصرف کرده اند در چه آخر بهمین نتیجه می رسد وزیر جنك و نایب وزارت خارجه و چند نفر دیگر را برای تصفیه کمیسیون با روس تعیین فرموده اند و گمان نمیرود که بر خلاف مرضی افغان روسها تصفیه بخواهند منظور شود با الجمله می نویسند اعلیحضرت برای سیر اروپا تدارك می بینند [سفر شان مانند سلاطین آل قاجار نخواهد بود یعنی به گلگشت حورستان اروپ نمی روند] قصد شان کل جو است گویا می خواهند بشخصه به بینند آن اصلاحاتی را که موافق با وضعیت و ملیت افغانستان است و کوشش خواهند نمود که مملکت افغانستان را لباس تمدن جدید در پوشانند

حبل المتین

مرحوم میرزا حسین خان مشیر الدوله سپهسالار اعظم که روایتی شاه باد که بعد از امیر کبیر میرزا تقی خان بزرگترین رجال ایران بشمار است در موقع صدارت خود دید که دچار موهومات یك مشت ریش سفیدان دل‌سیاه دربار گردیده نمی گذارند ناصرالدین شاه را براه راست بکشاند این بود که تهیه سفراول او را باروپا دید قصدش اینکه ترقیات علمی ـ صناعتی ـ زراعتی و عمرانی اروپا را این پادشاه عیاش بچشم دیده شاید بطرف آن متوجه آید بدبختانه نتیجه معکوس بخشید همین که ناصر الدین باروپ رسید محو جمال وغنج و دلال مادامهای اروپ آمده بتماشا خانه ها تیاتر ها و گاگشت ها وقت گذرانید و از طرف دیگر باندازه از قوای روپا ترسانیده شد که در مقابل هر تکالیف آنها سر تسلیم خم نمود و بجای اینکه ماشات و وضع زراعت و فنون طبیعیه و امثال ارا کسب کند اخلاق زشت زنان اروپا باندازه او را فریفته ساخت که لباس رقاصان تیاتر های عمومی فرنك را بزنان خویش پوشانید. اندك اندك آن لباس را عمومی ساخت ما می دانیم که اعلیحضرت امیر جوانبخت افغانستان با اینهمه ابراز شهامت و ترقی خواهی و نوع پروری، وشجاعت مفریفته رنك و روغن خواهد گردید و نه مرعوب الات قتاله اروپائیان انسان اساست واداشتن علم و عمل قابل همه چیز همان موقعیتی را که سوپر ژلند در اروپا حاصل کرده می تواند ملت افغانیه هم بهمت پادشاه خود تحصیل نماید بعقیده ما اگر اعلیحضرت مسافرت خود شان را چند سال دیگر نیز معوق دارند و به تکمیل نواقص ملیه وعمرانیه افغانستان کوشیده ملت شجاع با ذهانت وفا است افغانستان را بیشتر مهیای قبول تمدن غرب فرمایند برای ملت افغانیه بصرفه مقرون تر می نماید ـ

ما هنوز خبر مسافرت اعلیحضرت را به اروپا نه توانایم تصدیق کنیم که تاکجا مقرون بصحت است وچون بهمم عالیه اعلیحضرت کمال اعتماد را داریم خواه مخواه خواهیم سرود که انچه را این پادشاه قوی العقل سلیم النفس نماید همان مقرون بصرفه ملك و ملت افغانستان است چندی است جراید فرنك زمزمه از مسافرت والا حضرت کمال پاشا نیز به اروپا می نمایند ولی تا کجا مقرون بصحت است نمی توانیم گفت سفر اروپا برای پطر کبیر آن چنان نتیجه می بخشد و برای احمد شاه مخلوع این نتیجه انگیز پس باید گفت تقصیر در اروپا نیست سیاحین اروپ مصداق این مصرع گردیده اند

§ در باغ لاله روید و در شوره زار خس §

مقابله بمثل

(اخبارات طهران می نویسند)

مراسلهٔ بامضاء ۵۰ نفر از تجار معتبر ایرانی مقیم لندن بوزارت فواید عامه واصل و راجع بمالیاتی که دولت آلمان از قالیهای ایران دریافت مینمایند شکایت واشعار داشته علاوه از بیست درصد گمرك سابق اخیراً ازهر کیلو گرام سیزده سیر ۲٤ مارك طلا دریافت مینمایند چنانچه این رویه ادامه پیدا کند تجارت قالی در المان بکلی از بین خواهد رفت وقالی هائیکه فعلا تجار ایرانی در نقاط مختلفه دارند از حمل ان بالمان خود داری می نمایند و ممکن است بکلی قالی ها از بین برود و خسارت عمده بتجار ایرانی وارد گردد و با اینکه آلمانها اشیاء تجملی زیادی بایران وارد مینمایند مالیات مزبور را بعنوان مالیات لوکس از قالی دریافت می دارند لازم است از طرف هیئت دولت تصمیم گرفته شود که در آتیه از ورود اشیاء ومال التجاره آنها بداخله ایران جلوگیری نمایند

چون سابقا وزیر مختار آلمان درضمن ملاقاتیکه باوزیر فواید عامه نموده بودند الغاء گمرك مزبور را وعده داده چون تا کنون عملی نگردیده تصور میرود وزارت فواید عامه پیشنهادی بهیئت دولت تقدیم دارد که مقابله به مثل بنمایند

حبل المتین

در عنصر اروپائی بلا استثناء جلب نفع بهرصورت که باشد ودیعه نهاده شده وتاوقتیکه درمقابل آن نفع زیانی برای خود ایقان ننمایند از جلب نفع خود باز نخواهند آمد خصوصا با آلمانان که عقیده شان این است که آسیائی چون حقوق خود را نمی شناسد بامساوی حقوق نه باید باانها عمل شود لذا هیئت دولت راست که موعدی را معین کنند که اگر آلمان رفع گمرك جدید را از قالی های ایرانی ننماید آنها نیز با اموال تجملی او چنین رفتار نمایند و چندان به اقوال سفراء آلمانها اطمینان نکنند عجب است با این که ملت ودولت آلمان نیکو میدانند که ایرانیان یك توجه مخصوص به ملت آلمانیه دارند معذلك چون جلب نفع جبلی آنان است صرف نظر نمی کنند خوب است آلمانیان مقیمین ایران این نکته را بسفیر خود پیشنهاد کرده چیزی که مورث کدورت مابین ایران و آلمان گردد فراهم ننمایند ایرانیها خیلی حاضراند ازالمانیان فاید؛ علمی نگیرند و منافع اقتصادی برسانند بازارهای ایران برای صرف مال التجاره آلمان همه قسم باز اند ملکه مملکت ایران برای مهاجرین آلمانی همه گونه مساعد است خوب است قسمی با یکدیگر سلوك شود که عاقبت منجر بکدورت و نفرت طرفین نگردد ـ

از طهران می‌نویسند

در قسمت رژیم جمهور در ایران وعلل یا جهات عدم پیشرفت آن در نامهٔ ملی حبل المتین مباحثات و قلم فرسائیهائی شده و هر یک از نگارنده گان جهاتی و عللی را بدان مترتب کرده اند نگارنده چون شماره های حبل المتین را از یک سال کسری قبل مرتبا قرائت نموده تمام مباحثاتی را که در این موضوع شده است از نظر گذرانیده و در چند ماه قبل آنچه را که از باطن امر اطلاعاتی داشتم مرقوم داشته و برای نامهٔ محترم حبل المتین فرستادم و چون آن مرسوله دران نامهٔ محترم اشاعت نیافت تصور کردم اینکه شاید نگارشات بنده با مرام آن نامه محترم موافقت نه نموده از درج و اشاعت آن امتناع شده است بهر حال بنده از درج شدن و عدم انتشار آن مقاله مایوس شده و باتکاء اینکه گفتنی را باید گفت ثانیا بارسال این مقاله مبادرت نمودم در این مقاله میخواهم قدری در اطراف سیاست جاریه بحث نموده و در انتها آقای چوب تیزه را که در شمارهٔ ششم حبل المتین راجع بانتخابات نوسان اشتباهاتی کرده و تمام تقصیرها را برمات تحمیل کرده بودند متذکر شده و مشاهدات خودم را در مرکز ایران طهران بجنابشان خواطر نشان نمایم

اولا نگارنگان محترم حبل المتین و قارئین آن باید بدانند که اعلیحضرت شاه رضای پهلوی در دورهٔ چهار ساله ظهور خود در ایران برای منظور مقدسی زحمات و مشقات فوق الطاقه را متحمل شده و در سایر استقامت وفداکاری تا حدی نیز موفق آمدند و چون مقصودی جز تعالی و عظمت ایران در نظر نداشتند عموم ایرانیان را از هر صنف و طبقه مجذوب عملیات خود فرموده بودند و برای اعلیحضرت شان هر مقام و مرتبه که ازان بالاترش تصور نشود در جامعه ایرانیان (جز معدودی مغرض) موجود بود و محتاج به پارتی و کمیته چی نبودند (یاد دارم در موقعیکه اعلیحضرت بخوزستان عزیمت فرموده بودند شبی با یکی از دوستان که از پیروان اصول اشتراکی میباشد مصاحبت نمودم نقطه نظرم از این مصاحبت استفهام از نظریات مشار الیه راجع بایران و آتیه آن بود چون شروع بصحبت شد جوابی که از ایشان در مقابل سؤالات خود شنیدم قریب بدین مضمون بود ایران بار اصول اشتراکی را نمیتواند بدوش گیرد امروز برای ایران حکومتی لازم است که اشرافیت را محو و بجای آن نهال سرمایه داری را غرس نماید و این موضوع عملی نخواهد شد مگر آنکه سردار سپه اصول جمهوریت را در ایران در تحت ریاست خود بطور آزادعملی نموده تا پارلمان و حکومت بدست تجار سرمایه دار افتد آنوقت امید میرود که تا بیست سال دیگر ایران در عداد ملل مقتدره آید و عکس آن یعنی باوجود سلطنت و حکومت ملاك و اشراف همیشه باید منتظر انقلابات عظیمه و تغییرات مضره در ایران بود و پس خلاصه در تمام مدت چهار سال اخیر یعنی دورهٔ ظهور قائد توانای ایران با هر صاحب عقیده که مصاحبه ام اوفتاد جز یك نیت چیزی ندیده واز هر فرقهٔ جز تصدیق اولویت حضرتشان چیزی نشنیدم

حال نایل مقصود یعنی به بحث در جریانات سیاسی اخیره ایران میپردازیم پس از پیدایش دولت شوروی جمهوری روس و تسهیلاتی را که آن اصول در سیاست خارجی خود نسبت بدول شرقی معتقد شده بود سرمایه داران را عموماً و امپریالیزمهای غرب را خصوصا متزلزل داشته و برای بستن سدهای عکسی در مقابل سیاست حتمی النفوذ دولت شوروی داخل در یك سلسله اقدامات شدند چه که اگر تسهیلات و مساعدت هائی که دولت اشتراکی روس نسبت بدول ضعیفه عموما و ممالك شرقیه خصوصا قائل گردیده بود قدم در مرحله عمل میگذارد نه تنها سیاست دول غربی انگلی متزلزل کشته و از هر جانب محاصره اتحاد و اتفاق دول شرقیه واقع میشدند و بلکه رشته اقتصادی انها نیز از ممالك شرق مقطوع و همه روزه کارخانه ها و فابریك های عظیمه ازکار اوفتاده و میلیون ها کارگران بیدار حکومت های امپریالیزمی را تهدید به فنا مینمودند - باین جهات که ذکر شد هریك ازحکومت امپریالیزمهای یك نقطه از قطعه اسیا راسیم خاردار سیاست کشیده و بهر وسیله خواه سری و خواه علنی خواه تهدیدی و خواه تطمیعی مجدانه عملیات خود را تعقیب نمودند - چون موضوع مقاله ما تنها مربوط بایران بوده وبس لذا از ذکر حوادث سایر قطعات شرقیه صرف نظر مینمائیم

پس از انکه دولت شوروی روس معاهده ترکمن چای و معاهده (۱۹۱۷) را لغو نموده و خطوط شوسه و راه آهن و بانك و كلیه ما یملك دولت تزاری را بر ایران واگذار کرده و ازقروض دولت ایران بروسیه صرف نظر نمود در نتیجه این مساعدت ها حکومت شوروی محبوبیتی بسزا در بین ملت ایران یافته سیاستاً و اقتصاداً قدمهای سریعی بطرف پیشرفت در ایران برمیداشت ومیرفت که علی رغم دولت امپریالیزم لندن نفوذ کاملی در ایران بیابد - دراین موقع سیاست مداران غربیه اولا برای محافظت

هندوستان وثالثاً برای بقای سیادت سیاسی واقتصادی
خود در ایران با مایوسی ازاجراء معاهده رقیت ۱۹۱۷
راجع بایران از طریقی دیگر در صدد جلوگیری از
پیشرفتهای سریع دولت شوروی برآمدند - وطریقی
را که اتخاذ نمودند تشکیل یك کمیته با اعتبار هنگفت
بود و معناو عموماً آن کمیته عبارت از رؤساء کل
ادارات ومتنفذین محلی و بعضی ملاانماها بودند و ما
رول هائی را که این کمیته درمدت پنج سال درایران
بازی نموده اند برای استحضار خواطر قارئین حبل‌المتین
نگاشته ومختصراً بوضعیات نیز دراطراف هریك عرضه
میدارم - اولین تظاهری که کمیته مذکوره فوق پس
از تشکیل امیان خود از شقاتی که قبلا مرقوم رفت
تعقیب نمود موضوع کودتا بودکه درسوم حوت ۱۲۹۹
صورت گرفت ولی باید دانست که اگرچه ظاهراً ان
کودتا باقتضای آن کمیته که اهم نموده بود انجام یافت ولی
عامل اصلی یعنی عامل ان که اعلیحضرت پهلوی بود باطناً
این مقاصد را تائید نکرد عینی اللهی داشته وباچهره بازاین
اشارت را استقبال نموده وبموقع عمل ذاردواز اولین
قدم با رفیق خود سید ضیاء الدین نقشه کمیته را زیرپا
گذارده وبجای آزادی خواهان اشراف مرتجع واعضا
عالیه کمیته اسیر زنجیرشان گردیدند سید ضیاء الدین چون
در راس حکومت بود وبقا و عزل ان بدست یك عنصر
بیشرف احمد میرزای مخلوع بود بسزای عمل افول نمود
وبجای او قوام السلطنه مغاول در راس حکومت قرار
گرفت - از این ببعد دومین رول کمیته شروع میشود - سید
ضیاء الدین رفت و قوام السلطنه آمد محبوسین کودتا
نجات یافتند کابینه ازهمان محبوسین تشکیل یافت وبرای
کوتاه کردن دست عامل اصلی کودتا رضا خان پهلوی
کمیته تروریزم تشکیل گردید و از طرفی نائره خراسان
با نتهای بی‌آزرمی بشهادت کلنل محمد تقی‌خان خاموش
گردید ودرمرکز طهران کمیته تروریزم توسعه می‌یافت
که دست تقدیرپرده تزویررا ازکارشان کشید قوام السلطنه
ویارانش راه‌اروپا دربیش گرفتند وننگی دیگر به ننگ
خودافزودند قوام السلطنه رفت زمام ملك بدست قائد
توانای ایران آمد احمد میرزا نیز باروئی سیاه وحال تباه
از پی قوام السلطنه به پاریس رحل اقامت برگرفت
وبا اعوانش هم آغوش گردید احمد رفت ونقشه کمیته
نیز تغییر یافت وباشکال دیگر شروع بخودنمائی نمود
سرپیچی الوار و اغتشاش لرستان ازطرفی قیام خزعل
وتجزیه خوزستان ازطرف دیگر غارت گری ترکمان
ازیکسو حملات پارلمانی نیز متفقا ومساویا یکی بعد از
دیگری انجام میگرفت و بقسمی قائد باشهامت ایران
بزمام دار وقت اعلیحضرت پهلوی را احاطه نموده و
بعهود یعنی به مبارزه با هرسو مشغول داشته بودند

که اگر بیداری عدهٔ به باطن دوست و بظاهر برای
اغفال دشمنانش متنفذ نبود در ان گیرودار تمام رشته
ها بدست وزمام ملك گسسته کشته وکار برمرام کمیته
بازیگران میگردید - دراین موقع که اغتشاشات ازهرسو
مملکت را تضعیف می‌نمود پرده سوم بالا رفت وزمزمه
جمهوریت شروع شد ازجزئیات وتظاهراتی که دراطراف
جمهوری شد صرف نظر نموده و مختصراً گفته میشود
که این نقش هم نگرفت خستگی و واماندگی برای
عمال ان باقی ماند فراست ذاتی و ذکاوت جبلی
در خواطر اعلیحضرت پهلوی بود بزودی به معایب
و مفاسد ان پی برده و موضوع را مسکوت عنه
گذارده و گذشت ومنت گرانی برملك و ملت ایران
نهاد این هم نشد و کمیته مقتضی المرام نیامد ولی از
همان‌موقع بادست عمال جمهوری خواه دیروز خودرا
و ولایات زمینه برای پرده چهارم چیده و منتظر
فرصت بودند - درمدت (۲۰) ماه بادست عمومی
کمیته که درراس ادارات مجریه بودند رقیبان
دیروزرا بالطایف الحیل یکی را تبعید ویکی را معدوم
و دیگری را حبس وزجر نموده وعده انهارا تار
مارکرده و با فراغت بالی و میدان خالی از اغیار
پرده را بالاکشیده و رول چهارم را بمعرض نمایش
گذاردند کمیته های قلدیه قیام ملی تشکیل و تلگرافات
مجعول شروع بمخابره شد صفحات جرائد اکنده از
تلگراف حسن حسین و تقی ورضا تا الکه پارلمان در
همان سال انگلیزها ازخوف تهدید ملت سه ماده راجع
بسلطنت خاندان قاجار را لغو فرمودند چه خوب
بود در انموقع که این امر خیر را توکلت علی الله
لغو سه ماده ازقانون اساسی را دایهٔ گان مهربان تر از
مادر صورت میدادند برای فاتحهٔ ازادی
و مشروطه یك ماده دیگر را که جزبلك تشکیلات
ترکیب شده اسم فقط عکسی بروی کاغذ بیش نیست
یعنی (حکومت ملی ایران) ضمیمه ان سه ماده کرده
و این دست برای شستن دستهای خود میطلبیدند ولی
ازهمینه شیران ازادی که سربرروی دستهای خون رنگ
گذارده و غرش کنان چشم بسوی جانیان حریص
دوخته و انتظار تخطی از انچه خودشان به فنای ان
ساعی بودند داشتند اسم جسارت در انموقع نکرده
بوقت دیگرش گذاردند سه ماده ازقانون اساسی لغو شد
حکومت موقتی در تحت سرپرستی والا حضرت پهلوی
تشکیل گردید واعلان انتخابات مجلس مؤسسان منتشر شد
انتخابات درمرکز و ولایات شروع شد پرده پنجم
این جاست که میخواهم اقای [چوب نیزه] نویسنده
قسمت (بی‌علاقگی) مندرجه درشماره (۶) صفحه
(۴) حبل‌المتین متذکر شده و عرض کنم اقا گویا

جنابعالی درانموقع درطهران ویا اصلا در ایران تشریف نداشته ویا اگرهم تشریف داشته اید ازچوب نیزه های منسوخ شده باستیان بوده اید و سر نیزه براق تفنك های نه تیرا که دردست نظامیان رشید مظلوم ازاراست زیارت فرموده اید که یك تنه بقاضی رفته و زبان ملامت را بملت مظلوم کشوده اید اگرشما در مدرسه یا دار الفنون و سائرمحلهای انظار تشریف داشتید و ملاحظه میفرمودید که تعداد پلیس های مخفی تامینات (همان موسسه جاسوس پرور که اسرار کابینه سیاسیون مملکت وسیمهٔ دولاب درسایهٔ سیاست و علم وقیافه که در انها مخمراست دران ثبت و ضبط و بقدری در کلاه سازی برای هر بی نوای دارای مهارتند که الا ماشاءالله خدا رحمت کند مرحوم تزار روس را که ارثیه اش را به تامینات ایران داد و درگذشت) از تعرفه پرلده ورای بسیار بیشتر و درمدت چند روزه انتخابات متجاوز از هزار وپانصد نفررا بجرم اینکه تقی زاده یا مدرس وامثال انها را نوشته بودند جلب به نظمیه نموده و زحمت تا [۲٤] ساعت با سارقین و جنایت کاران دریکجا توقیف نموده بودند هرگز چنین اهانت و تهمت سست عنصری را بملت ایران روا نمیداشتید اقای من وقتیکه درمرکز چنین دنائت کاریها نسبت به رای افکار مردم رواداشته شود وای بحال مردم ایالات و ولایات اقای من شما خود انصاف دهید اگر سرنیزه و مجلس تامینات ملت را بال وپرنمی شکست احتشام زاده که سی و دو نفر درطهران نمیشناخت با سی و دوهزار رای درراس و کلای طهران بجای میرزا خان پیرنیا که درتمام ادوار انتخابات طهران از دوازده هزار رای بیشتر نمیبرد جای نمیگرفت وقس علی هذا ــ

§ توخود مفصل بخوان از این معنی §

بهرحال مجلس مؤسسان بطوریکه همه میدانند درشش جلسه خاتمه یافت و پرده باتعیین سلطنت بجای سلطنت مشروطه بجای مشروطه افتاد بلی این بازیگران رضایت ندادند که زحمات و فدا کاریهائی که اعلیحضرت پهلوی برای عظمت وطن متحمل شد در تاریخ قرن بیستم که وحشی ترین ملل با اصول جمهوری زندگانی می نمایند بنام وطن وازادی ثبت و باقی ماند بلکه چنان خواستند که جاه و منزلت طلبی معروف تاریخش نمایند در خاتمه با امیدی که به خصائل بی الایش وآزاد اعلیحضرتش دارم به پیشگاهش عرضه میدارم

§ هزاران شهان را یکی نام نیست §
§ شدی زنده نام انکه ازاده زیست §

§ به ایران زمین کاوه را نام ماند §
§ چه ملکش زضحاکیان برستاند §
§ تو را داده خواندنی کی قباد §
§ گر از کاوه اری یکی لحظه یاد §
§ تو داند ای پور ایران زمین §
§ بکنی ملك ازاد اندر نگین §

پاینده باد جمهوریت ازاد ایران زنده باد ریاست عالیه جمهور رضا خان پهلوی ــ

(جمهوری خواه)

حقیقت مطلب

(هویت مامورین خوزستان)

نظر باینکه در شماره هشتم شرحی در تحت عنوان خبریه خوزستان بقلم یك از مخبرین نگارش رفته بود که عاری از حقیقت و جنبه تمایل و غرض شخصی را داشت و چون این گونه نگارشات خلاف واقع اذهان عامه را مشوب نموده اثرات سوء میبخشد لذا محض خدمت به تنویر افکار عمومی وظیفه وجدانی خود داست درمقام کشف حقیقت بر آید

وقایع نگار مزبور در ابتداء اظهار میدارد که حبل المتین بواسطه نگارش حقایق بدون ملاحظه و بی پرده مورد اعتراض وقع شده است این یك اشتباه بزرگ اول است که مرتکب میشود محبوبیتی که ان نامه ملی در تمام این صفحات دار است هیچ یك از مطبوعات ایرانی دارا نبوده و نخواهد بود کلیه اهالی خوزستان تمام ایام هفته را با کمال بی تابی میشمارند تاکی ان پیك خجسته ویا قند بنگاله به پارس رسیده کام دل انهارا شیرین کند و اشتیاق مفرط و سرشار انها را تسکین دهد حبل المتین بواسطه متانت و عفت قلمی و شهامت و صمیمیت و پاکدامنی مقام حقیقی خودرا درقلوب عوام و خواص احراز نموده و احدی را یارای چون و چرا در مندرجات بی الایش ان نیست در صورتیکه مخبرین نیز سر مشق از خود ان نامه ملی گرفته نگارشات خودرا با اغراض سخیف آلوده نسازند

سپس مطالبی را که مطامین به جریانات خوزستان را بیشتر متالم میسازد تمجید خلاف واقعی است که از منخم السلطنه پیشکار سابق مالیه خوزستان خصوصاً و کمیسیون مالیه عموماً نموده اما راجع به کمیسیون مالیه همانقدر کافی است تذکر دهم که پس از چندین ماه مسافرت و تفریح در نقاط مختلفه خوزستان و تحمیل مخارج هنگفت برمالیه ضعیف دولت هیچ کاری را انجام ندادند مگر یکی و آن هم تعقیب سیاست سوء و بر انگیختن اعراب وتولید شورش و انقلاب بود که منتج به قتل و نهب عده بی چاره و

بی گناه گردیده حیثیت دولت را متزلزل ساخته بهانه بدست اجانب داد اینها حقایقی بود که بموقع خود رجراید درج شد و جای تردید نیست

ولی از ـــرای اثبـات عملیات مشعشعانه مفخم السلطنه خوب است مراجعه به طریقه دادن قنطرات و اجاره هائی که در مدت طولانی ماموریت خود داداند شود تعدات و اجحافات این اقا بجائی رسید که توده حقیقی ملت ستمکشیده خوزستان بجان آمده فریاد زدند اگر خزعل ان مارا به غاصبین فروخت یعنی اجاره انحصاری داد آقای پیشکارمان و آب مارا هر دو باهم فـــروخت توضیح اینکه پنج نهر که در سابستان امور خوزستان حکم رمق در بدن اهالی دارد انحصار دادند انهم نادو حکم متناقص اول ببك عربی داده چون دیگری سبیل مارك آقا را بیشتر چرب نمود فوراً همان حکم انحصاری را باو داده و در یك آن دو حکم متناقض صادر نمود حاکم وقت دراباادن هردوحکم صدوانقیض را به بعض از اطرافیان خود ارائه داده اظهار میداشت دولت امر میکند مامورین نظامی در امورات مالیه اعمال مساعدت را داشته باشند حال تکلیف ما این احکام متناقض مالیه چیست همچنین در مورد نخیلات شمیت بکمقطعه نخیلات را در یك روز به دو نفر از همان نقطه نظر سخیف داده هر دو باهم وارد عمل شده استناد حکم مالیه آدعای مالکیت نموده بالاخره کار به جنك خونین منجر شده چندین نفر زن و مرد مقتول و مجروح شدند از برای ختم کلام ت مسئله اساسی دیگری را نیز تذکر میدهیم تا ماهیت آقای بزرگوار کاملا مشهود و ملحوظ گردد چون پس از اعاده سلطه دولت ایه مدت رخوزستان اهالی بیچاره تصور کردند دوره فعال ماشائی سر آمده ورمی دیدند که در عراق عرب مامورین خصوصاً چگونه تشویق و ترغیب در امورات فلاحتی می نمایند چنانچه در سال گذشته به تنهائی چهار صد تلمبه بخاری آبی وارد نمودند و منافع هنگفت از این حیث به ملت و دولت عراق ساید کشت در صدد بر آمدند تلمبهای آبی وارد نموده دایره فلاحت و زراعت رادر این سر زمین زرخیز توسعه دهند آقای پیشکار در ازای تشویق از این نیت خیر و عام المنفعه چنـان سنگی در راه انها انداخت و تعویضات نا مشروعی از انها خواست که بیچاره ها یك سره رم کردند و دیگر اسمی از این عملیات مفید و عام المنفعه نیاوردند تا اینکه در اثر شکایات و ضجه های اهـالی یك نفر امریکائی دمستر هومن ، نام سمت پیشکاری مالیه خوزستان

بجای ایشان منصوب و آقای مفخم السلطنه ترقی معکوس نموده معاون پیشکار شدند « مستر هومن » فوراً منتقل به اهمیت تلمبه آبی شده لازمه تشویق و ترغیب را برای جلب نامبه بوسیله تفویض اراضی و معافیت عوارض و مالیات وغیره نموده اظهار همه گونه مساعدت در این عمل خیر می نمایند از زمان ورود مشار الیه یك اطمینان خاطر و فعالیتی در مردم دیده میشود چنانچه تاکنون شرکتها تاسیس شده تلمبه ها وارد نموده اراضی بایر ولم یزرع در تحت کشت و زرع آورده هم خود وهم جمعی را از پرتو عملیات خود به نان و نوا رسانیده اند حقیقتا چقدر تالم خیز و تاسف انگیز است که مشاهده شود دارای انهم مامور و مستخدم دولت اشکـال تراشی در راه ترقی و تعـالی ملك و ملت خود نمـاید و برعکس یك نفر اجنبی و بی علاقه باین آب و خاك اینطور جدیت در عمران و آبادانی بعمل آورد از روزیکه این شخص اجنبی وارد خوزستان شده دوائر مالیه که در حقیقت ت حراج خانه رسمی شده بود سر و صورتی بخود گرفته قاطبه مردم مطمئن و مرفه الحال شده و نیز عواید دولت باضعاف مضاعف فزونی یافته است از برای ثبوت عرایض فوق راجع به رویه غیر مرضیه مامورین مالیه در تحت همین مقاله که طرف اعتراض بنده است شرحی از انها درج است که حقایق این سطور را کاملا تائید مینماید و جای تردید از برای قارئین محترم نمی گذارد وقایع نگار مزبور همان طوری که در مورد مامورین مالیه بی انصافی نموده و تعریف بی جا نموده همان طورهم از روسای کشوری و لشکری بی جا تنقید نموده است میرزا احمدخان کفیل حکومتی اگر خوب بود یا بداخلاق از حکمرانی مستعفی شده خود داند و خدای خود هرچه بود ادم با کفایت فهیم و سیاسی بود با سیاست خارجه خوب مواجه نمود ولی همان صاحب منصبی که وقایع نگار خوشبختانه اکتفاء اتهام جوانی و بی تجربگی نموده درپایین مورد نیز بی حق کشی نموده است بحسن سلوك و سیاست عاقلانه این صاحب منصب عالم مورد تقدیـــر و تمجید جـــمیع اهالی خوزستان است بمناسبت اینکه ان صاحب منصب سالهای متمادی در مراکز مهمه دول متمدنه اروپ کسب تحصیل نموده و مقامات عالیه در علوم نظامی و فنون متنوعه اکتساب نموده و در جنك بین المللی شرکت داشته وماموریتهای مهم و مسئولیت دار بعهـده گرفته و بــه احسن وجه انجام داده همان قدریکه در فنون نظامی مهارت تمام دارند همـان اندازه در رموز سیاسیات نیز ورزیده هستند ایشان منت بسیار بـــزرگی بـــر اهالی

اطفال گاوبندی نه برای شهرت و نه برای غارت املاک اهالی بوده و صدها خدمات نوعی اوکه شما میدانید واظهارش خودستائی و بی لزوم میدانم آقای نگارنده بچه تلقی میفرمائید خوش انصاف درصورتی که بطور سیاحت بابنعدود آمدید درمیان اینهمه قراء و ضباط کجا اسمی از معارف شنیدید جز گاوبندی مردم کجا ماننده مردم گاوبندی آسوده و راحت و آزاد و هوشیار یافتید جزگاوبندی مردم کجا دیدید که مانند سکنهٔ شهرهای من از حمل اسلحه و کشیك و پاسبانی خانه و مال خود معاف باشند جزگاوبندی کجا دیدید و شنیدید که به تصدیق خودتان لاف وطن پرستی و دولت خواهی بحقیقت یا گزاف نزنند جز ازشیخ گاوبندی و مردم گاوبندی - معلوم است پرده کینه دیرینه آقای نگارنده جلو دیده انصاف و بصیرتتر عاجز و حائل بوده که مزایای گاوبندی و شیخ نسبتاً نتوانسته است به بیند ورنه گاوبندی و مضافاتش با اینکه بیشتر از تمام قطعات وقسمتهای تابع بنادر و لارستان مالیات میدهد رعایاواهالیش نیزمرفه وبراحت و آسایش اندراند هرکس گاوبندی آمده است دیده و بعد هم هرکس آید خواهد دید - ازاین عنوان و مفاد مقاله معلوم و هوید است که آقای نگارنده مقاله اوضاع خلیج - جزء گاوبندی به بسیار ارحکام و شیوخ بنادر علاقه مند بل مخلص زحمت کش آنان است - در اینجا لازم است بایشان نوید بدهم حالیه که بحمدالله تعالی ایران حیات مستقلانه یافته و دولت فعال جایگزین دولت قوال شوم گردیده و بواحدات خود از قبیل خلع سلاح و تجدید نظر در مالیاتها واعاده نمودن هر حوزه قیام خواهد نمود و درگرفتن نظام اجباری عاجلا انشاءالله عمل خواهد فرمود - همین شیخ مذکورخان باعث ذوق سرشار که ناشی از درك نمودن فوائد اتحاد واتفاق ملت با دولت است خودرامهیای خدمت نموده که خواهید دید - اما انچه ازقاچاق نمودن اجناس انحصاری دربندرشیو وابسط مقال داده بودید - شیخها ورادخوب آوردید - اماسوراخ دعا عمداً گم کرده و تجاهل کرده اید - آقای نویسنده اوضاع خلیج - گاوبندی و مضافات ان فقط دارای بندر شیوو بستانو است که اولی پنجاه و دومی ۲۰ خانه واده بیشتر نیست که انهم یك نفر مدیر با چهار نفرمستحفظ دارد که دوسه سال است هرچند ماهمدیر و مستحفظین ان عوض میشوند و بقول شما در مسافی یکمرتبه جهاز دولتی با مفتش بسرکشی بنادر شیکوه تا شیووهم می آیند - اما معلوم است از بنادر مهم و معتبر ثلاثه تا ابتدای بوشهر وانهمه جهازات وانهمه بنادر که بسیاری ازانها مامور مقیم گمرك دراینجا نیست و بعد از هرچند ماه ندرتاً مفتشی از بوشهر می آید وازضباط ان بنادر که دوسیهٔ انها در اداره گمرکات من المبدوالی الختم از نامه عاصیان عرصهٔ محشر سیاه تراست نخواسته اید چیزی بفهمید

واین مدیری که شما اورا هدف سهام اتهام قرار داده اید و میگوئید دراین یکماه ویکسال چه دخلی رسانیده حالا که چند ماه از انتشار مقاله شما میگذرد ده ماه است که موقتاً مسئول اداره گمرك شیوواست اگرچه من خوداز بعضی مدیرهااطلس واز بنادری که شما از انها غمض عین نموده اید خلاف قانون می بینم ولی افسوس تیری که بغرض پرتاب کرده اید خیلی بخطا رفته واین مدیر مدتها است در اداره گمرکات مستخدم است و خیلی امتحانات قابل داده و برای حفظ شرافت اداره گمرکات مقاومتهای جدی باباغیان از گمرك نموده که در دوسیه های باطنی که در بنادر جمع اینها مدیر بوده البته ثبت است و از عدم تاثیر گفتار خود که معتدل است مرادت از این اتهام انتقام بوده باید متاسف باشید اما آنچه نسبت خیانت و دزدی میرزا حیدر مفتش اداده اید بمقدسات عالم سوگند که سراپا افترا و تهمت گفته‌ای و بالکه ذنبی لایغفر مرتکب شده ای که مفتش و جهاز دولتی با کاپتان و اجزاء آن همه دزد معرفی کرده و بدون سند و مدرکی و خیلی بیقاعده باداره گمرکات که یگانه مظهر شوکت و جلال دولت ایران در خلیج است اهانت نموده‌ای زیرا آن جهازی که شما میگوئید متعلق بشیخ مذکور خان و در آن جهاز مراسلات و اسناد شیخ و عمالش بوده درموقع گرفتن آن کشتی دردریای شیوومیرزا حیدر در بر بوده کاپتن جهاز میفرستد و جهاز می آورد در صورتی که اتفاقاً مدیر چارك و مدیر مقام هم با او بوده باتمام اجزاء جهاز علی رؤس الاشهاد آنچه از نقود وغیره در جهاز بوده برای اینکه مبادا صاحبان اموال و مسافرین بهانه تهمت بیابند و زیادتی از آنچه در جهاز است بگویند مفتش و کاپتان با اجزاء جهاز دولتی و مدیر چارك و مدیر مقام آنچه بوده رسیدگی می نمایند و اگر در اینصورت خیانتی شده هیئت اجتماعی عموم کرده اند و اگر شما چنین معتقدید که این گروه همه خائن بوده اند همان که عرض شده خطای شما قابل غفران نیست برای اینکه این اهانت باداره کل گمرکات از شما وارد آمده و اگر میگوئید میرزا حیدر مفتش تنها خائن بوده مراسلاتی بوده است و بدولت نرسانیده که آن گروه از اجزاء جهاز و مدیرها حاضر اند و در آنموقع نه هیئت اجتماعی مسافرین و

عمول جهاز زیرو بالا مینموده اند و حال آنکه مفتش و اجزاء جهاز مایل بودند مستمسکی بسرای ضبط کلیه اموال بدستشان آید تا حقوق قانوناً دریافت بدارند نشد راجع به ۷۰۰۰ که معلوم نشد مرادت لیرا یا روپیه یا چیز دیگر باشد که از شیخ عبد الله حمادی گرفته و بدولت نرسانیده است اولا اسرار دولتی من و تو نباید بفهمیم و بعد ازان ا قرب و جوار و آشنائی که باخلاق و کفایت شیخ عبد الله داریم شخص او مرتکب جنحه و جنایتی که مستوجب ۷۰۰۰ مجهول جریمه باشد نشده خوب است شما در موضوع ایـن مسئله برای نشان دادن دولت خواهی و اتفاع دولت جوان وجوانبخت مفترض الطاعه امروزی حاضر شوید و خود را نشان دهید باوجود تباین ومعاکست مسلك که از شامت سلاطین قاجار تا دیر باز نیز دامن گیر طوایف و عشائر فـارس خواهـد بود و این ودیعه خاندان سوز از ننگ نگان ایران بین حمادی و آل النصور یادگار مانده تصدیق میکنم که شیخ عبد الله حمادی مردی است متدین و راستگو در موضوع ۷۰۰۰ غیر معلوم برطبق دعوی و گفتار متهمانه شما اگر دلیلی اقامه نمود بسایر تهمتهای بی اساس شما تسلیم خواهیم نمود آنوقت آن ۷۰۰۰ هر سکه که میل دارید باشد بدولت فایده رسانیده ایـد و یکمده زیادی دزد از مفتش و مدیر و اجزاء جهاز هم از اداره رانده اید و هم موفق بانتقام از دشمنان خواهید گردید

انشاء الله ما در آتیه از اوضاع خلیج براستی خواهیم نگاشت واز انتظام اداره گمرکات که نماینده عظمت دولت در انظار خارجه است واز برازندگی مأمورین و خدمات جدی شایانی که آقا محمد علی دشتی و همچنین میرزا حیدر وفقیر محمدخان که حالیه مأمور بندرعباس است واعدم وسایل باداره گمرکـات می نمایند شرح خواهیم داد و برای جلوگیری از قاچاق در بنادر مائی که نگارنده مقاله اوضاع خلیج ازانها اسمی نبرده و نخواسته است کسی بفهمد وسایلی که بنظر می آید بیان خواهیم نمود خاتماً ازمعترضین اگرقبول نمایند تمنا میشود که اگر درگفتار خود بی غـرضند خودشان را آشکار نمایند زیرا امروز زمانه دولت پهلوی است ازینك ضابط وبامفتشی چه برمی آید که سمت سپاهی مدعی نمایند واگر بدزدگوئی که مرادشان اتهام و شخصیات است پیش آینده جوابی نخواهیم داد و قضیه را بانصاف و حکمیت حبل المتین و قارئین را میگذاریم – [سیف صوری]

دستی از غیب برون آید و کاری بکند

۱۰ (نظری به جزایر قشم)

بسر ارباب بصیرت و خوانند گان روز نامه حبل المتین مخفی و پوشیده نیست که ایران آن مملکت شش هزار ساله آن وطن مقدس ما که از ۱۴۰ سـال رو باینطرف که نتوانسته است کمر خود را از زیـر بار ذلت بدر آورد تمام بواسطه رواج رشوه بوده است و دراین دوره که زمام اختیار این وطن مقدس بحول قوة الهی بکف باکفایت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی واگذار شده بازهم همان اشخاص دیـروزی بخیالات سابـق مشغول پرنمودن جیب خود هستند مسلم است وقتیکه از یکنفر کدخدای کور دهی مبلغی بعنوان رشوه گرفتند و حکم کدخدای اورا دادنـد آن شخص هم بهمان اندازه که رشـوه داده و کدخداشده قناعت ننموده پنج مقابل آن بل بیشتر ازمردمان فلك زده همان ده میگیرد هرگاه اهالی جرئت کنند و برئیس ما فوق او شکایت نمایند چون دهان خودش هم اول از خولی دوخته معلوم است که بشکایت ایـن بیچارها وقعی نخواهند گذاشت و اغلب مردمان فلکزده هستند که هر ظلم بایشان وارد می آید چون فریادرسی نیست واگرشکایت کنند شاید بدتر از بدتر شده دارند زیر بار ظلم و شکنجه جان میدهند و پس از مرگ اوحتی اقوام و خویشان هم جرآت نفس کشیدن ندارند مثلا همین جزیره قشم است درچه جای نظامنامه و قانون وزارت جلیله داخله نوشته است که درعرض یکسال سه چهار حکومت برای این جزیره ویرانه معین شود معلوم است حکومتی که بحراج افتادند هرکس زیاد ترداد او مقدم است خوب است از شیخ صالح حکومت حالیه جزیره قشم سوال فرمایند جزیره قشمکه سابقاً باقی حکام بیشتر از سیصد تومان رشوه یا بقول خودشان شیرینی نمیدادند حالا چطور شده است که این شخص محترم بقول خودش بیست هزار قران خرج نموده تا حکومت و مالیه را اجاره نمود مقصود و منظور این شخص بعقیده قارئین محترم واگذار میشود

هرکس حال مردمان فلك زده این جزیره و ظلم های بی جائیکه از این شخص بایشان رسیده است ببیند بجای اشك خون می بارد مردمان جزایر قشم مظلومترین مردمان سواحل خلیج فارس هستند که اگر اسم حکومت یا فراش اورا بشنود در جای خود مرده متروك میشوند همین شیخ صالح به مجردیکه حکم حکومت جزیره قشم را ازبندر عباس تحصیل نموده و وارد قشم شد بفوریت مامورین مانند اشترهای بی مهار از اول الی آخرین نقطـه قشم کـه ۸ سعید باشد قریه و قریه ده بده میروند و هرچهار روز در یك محل میمانند و آنچه باید از سراین مردمان فلك زده بیاورند میاورند و بعد تغییر مکان میدهند

مثلا شخصی را در قریه کوریش بدون سبب را بکنده نعل پیشه وباندازه با آن خیزران که دست خودش و مامورینش بود زده تا دو ماه بستری بوده است و هنوز هم امید ندارند که سلامت بشود حالا بهمان عقیده اهالی انجا او را داغ نموده اند از مرگ نجات بیابد و درد بالای درد برای آن بیچاره فراهم آورده اند و مبلغ ۱۲۰ قران از او جریمه گرفته اند از دیگری هم مبلغ ۷۰ قران گرفته که چرا در نزد حکومت سابق که با من دشمن بود نوکری میکردی و از زیدی دیگر مبلغ ۶۰ قران این مال یك قریه از بهترین قریه‌های جزیره قشم بوده که مردمانش بنان شب محتاج هستند در لافت که یکی از جزایر قشم است زیدی را بتهمت اینکه تو کسی را را کشته شتر او را برداشته و برده است و از دیگری مبلغ سی روپیه میخواسته جریمه نماید مدعی ملتفت شده و فرار نمود باید این شخص مامور در خانه مدعی بفرستند که زن او را بگیرند و خوابند طلا از گردن ضعیفه بیرون بیاورند که تا سی روپیه لدعی نگویند نمیدهم ضعیفه هر قدر فریاد میکند که من شوهرم اینجا نیست تا شوهرم بیاید از او قبول نمیکند بد بیچاره ضعیفه ازراه لابدی باتفاق مامورین میرود در نزد یکی از کسان خود گلوبند را بگرو سی روپیه میگذارد وجه گرفته باین آقایان میدهد معلوم است که آن شخص نمیتواند وجه سی روپیه بدست بیاورد و بدهد که گلوبند خودرا از گرو بیرون بیاورد گلوبندیکه بیش ازاین ها قیمت داشته از کفش میرود دیگری را در درگهان که یکی از جزایر قشم است بتهمت اینکه تو فلان جرم را نموده در صورتیکه به ثبوت نرسانیده اند باندازه چوب بان بیچاره زده که بستری شد و دیگر بلند نشد ومیگویند مرد که مردم آن ولایت در صدد هستند استشهاد درست نموده بوجدان قسم که این مسائلی که عرض میکنم ذره خلاف ندارد و بدون کم و زیاد از روی همین پیکره نگیرانند و بدانند که مردمان فلك زده این جزیره در چه حالی هستند شیخ صالح یکی از دوستان صمیمی بنده است اما نه شیخ صالح بدرم هم که باشد چون بهم نوعم ظلم میکند مجبورم شکایت او را بمسامع اولیای امور برسانم تا بدر تاجدار فکری بحال این مشت مردم فلك زده جزیره نمایند ، ای کاش می آمدند و ملاحظه می کردند که جمعیت جزیره که بیست و چهار فرسنك طول آن هست بکجا رفته اند اما کجاست آن کسانیکه بیایند و به بینند وچشم طمع ازطرفین ظالم ومظلوم یعنی رشوه نداشته باشند و تا ان جائیکه بنده خبر داشتم عرض نمودم

مابقی خدا عالم است که چه بسر مردم آورده چرا که دوهزار تومان رشوه باید چند مقابل آن بدست بیاورد

و نیز بزرگترین فساد و خرابی این جزیره که هرگاه بهمین منوال بماند تمام مردم از بین میروند حتی یکنفر هم در جزیره باقی نمیماند از بخرج داده دست شیخ محمد شیخ ذکریا که خود ر مفتی جزیره که چیزی باقی نمانده که این شیخ ادعای خدائی نماید بمریدان و طلبه های درس خود چنین خاطر نشان کرده که باو الهام غیبی میرسد اغلب او را در نزد مردم بدبخت جزیره اولیا جلوه میدهند و باسم اینکه من مدرسهٔ درس دارم و چندین نفر طلبه بدور خود جمع نموده تمام وقفیات ونذورات از هرجا سراغ میکند مصرف میشود خود را مالك بالا ستقلال جان و مال و ناموس تمام اهل جزیره قشم میداند و از طرف خود مردمان بی سواد بی علم برای قضاوت بسمت نیابت ده کده های قشم پراگنده نموده که جان و مال مردم مسلط شده اند و خون مردم را این آدمیان مردار خور باسم شیخ و بنام اینکه ما از طرف جناب شیخ قاضی شما هستیم میکنند و مردم هم ازترس شیخ جرئت نفس کشیدن ندارند اولا حکومتی که برای جزیره قشم معین میشود باید کاملا مطیع اوامر و احکام آقا باشد و اگر بخواهد مخالفت نماید فوراً مردم را برسر او میشوراند مثلا باندازه این شیخ صالح حکومت حالیه قدم اطاعت اوامر او را ندارد که بمجردیکه از عباسی وارد شد اول برای اخذ دستورات در نزد جناب شیخ میرود آنوقت که با شیخ قرار ومدار خود را داد بجان مردم جزیره میافتند اگر بخواهد کسی را جرم بکند تا از شیخ مشورت نکند و اجازه نگیرد نمیکند شیخ مقصودی جز پر نمودن کیسه خود ندارد هر قسم فتوی میدهد در چندی قبل همین شیخ محمد شیخ ذکریا مأموری از طرف خودش میفرستد در گربه دان که یکی از قراء قشم است که محمد علی نام را بگیرند بیاورند مأمور که میرسد محمد علی جواب میدهد که من نوکر شیخ نیستم هرگاه مامور حکومت آمد من میایم نماینده شیخ در حضور جمعی با او دست یخه میشود و شال بگردن بیچاره محمد علی میاندازد که او را بکشد محمد علی هم از راه لابدی ولاعلاجی چون شخص محترمی هم بوده میگویند دست بجیب خود میکند چاقوی کوچك بیرون میاورد و با این چاقو از خود دفاع میکند در این بین زخمی ببازوی مأمور شیخ خود را میرساند و عرض حال خود میکند جناب شیخ هم چهار نفر مامور غلاظ و شداد دیگر میفرستد که بهر نوعی باشد محمد

علی نام‌را بیاورند مأمورین میروند بیچاره محمد علی‌ را میگیرند چوب مفصلی میزنند و دست های او را از عقب می بندند کشان کشان و کتک زنان او را به محل سیاست گاه و درگاه شیخ میرسانند بمجرد رسیدن حکم میکند او را بدرخت به بندند اطرافیان جمع میشوند یك صندوق زیر پای محمد علی نام میگذارند و او را محکم به درخت کور می‌بندند و آنوقت صندوق از زیر پای او میکشند و در همان جا و همان حالت چوب مفصلی باو میزنند که مدتی از هوش میرود پس از اینکه شخص حساب شیخ خوابید چند نفر مستحفظ بر او میگمارد و میرود فردای آنروز محمد علی نام مفقودالاثر میشود معلوم نیست چه شد و کجا رفت خود شیخ مدعی است که در رفته است کسان آن شخص میگویند شما اورا بردید در نزد خودتان و بعد از آن باز انگشت ما آدم خودرا از شما میخواهیم حالا کار بدرازا کشیده گویا عده از علما و اهالی و کسان آن شخص مفقود شکایت شیخ محمدرا به بوشهر و طهران و مجلس مقدس شورای ملی نموده اند و آدم خود را از شیخ محمد میخواهند و حکم از طهران ببوشهر و از بوشهر به عباسی و از عباسی به قشم رسیده که گویا طرفین را ببوشهر یا بطهران خواسته اند اشخاصیکه طرفدار آن شخص مفقود هستند میگویند بطهران بترن هم باشد ما میرویم و حق خود را میخواهیم شیخ میگوید اگر خیلی من زور بیاورند بمنصب میروم حالا در دست و پا افتاده که مردم را دور خود جمع کند و بهمان حرفهای بیهوده و پوچ که بمن الهام شده که این طور میشود و عده مردمان احمق را دور خود جمع میکند و این خون ناحق پایمال میکند شیخ صالح ضابطه قشم خودش نوکر شیخ محمد شیخ ذکریا است مسلم است که هر قسم رای شیخ باشد جواب احکامات را می دهد و چهار نفر اشخاص مغرض که تمام معاششان از همین وقفیات شیخ است مهرها و امضا های بیخود میکنند که میگویند از پول وقفیات طلا و زیور آلات برای عیال خود و زنها و اولادان خود درست نموده و امروزه شیخ محمد متمولترین تمام اهالی جزیره قشم است و در عمارات املاکات برای خود خرید نموده معلوم است شخصیکه این اندازه هستی دارد و مردم هم چشمشان بپول است گاهی طرف چوب را رها میکنند ؟ شیخ هم چندان دانش بسوخته است و از تولای پیل یا کلنك این هستی را بهم نزده که زور بدش بیاید خرج می کند تا خودش را مبرا کند و باز برسر همین مشت مردمان خر سواری کند - مسئله دیگر شخص موسوم به عبدالجبار گویا راپورت باداره گمرك درگهان می دهد که چند گونی شکر مال شیخ محمد شیخ ذکریا بدون جواز گمرك بطور قاچاق نازل نموده اند مدیر گمرك با فراش میروند و این شخص هم بلوچی بوده‌اشان می دهد شکرها را می گیرند شیخ محمد بهمین مناسبت با این شخص عداوت پیدا میکند و حکم تکفیر اورا می دهد و قدغن می کند که هرکس اورا بکشد خونش مباح آن شخص هم بمدیر درگهان قضیه را اطلاع می دهد و در ضمن میگوید که یك شب چهار نفر درب منزل من آمدند و مرا صدا کردند عیال من به پشت در رفت و من خودم از راه دیگر فرار نمودم و بدست شان نیافتادم و همان شخص پناهنده بمدیر لافت گردید و از حکم کردن شیخ محمد که هرجا اورا به بیند بقتل برسانند خبر داد و میگفت که حتماً شیخ محمد مرا میکشد باوجودیکه در اداره گمرك بود اما از ترس که مبادا در روز روشن صدای اورا شنود و بشناسد بطور آهسته صحبت می داشت مدیر لافت هم باو اطمینان داد که شما آسوده خاطر باشید هرکس راپورتی از این بابت باداره گمرکات بدهد که خسارت به بیت‌المال وارد نیاید جانش در امان است و نوکر دولت محسوب است شیخ محمد جرأت ندارد که شما بی احترامی کند و آن بیچاره همین طور نگاه میکرد وبطور استهزاء و تحقیر سر خود را تکان میداد تااینکه چندی قبل خبر از درگهان رسید که همان شخص بدبخت را ساعت شش از شب در رختخوابش کشته اند و اقوام و اقاربش بقشم رفته اند در نزد همان شیخ صالح معلوم‌الحال که نوکر و خاکسار این مفتی است می خواهند که او احقاق حق نماید این است نتیجه مداخله علماء سوء درکار مملکت و دولت کجا رفتند آن اشخاصیکه فریاد تفکیك روحانیت از سیاست میزدند بیایند در جزیره قشم حال مردم فلك زده را از دست این شیخ محمد و اطرافیان او به بینند آنوقت می بینید خون از نوك قلم شان میریزد یا خیر ولی بنده آن عبارت را ندارم که تقریر است خودم را بان کلمات مفاق آب و تاب دهم که موی بدن آدمی راست شود شاید خون مردمان بیحس بجوش بایدوانتقام خودرا از این مرغان لاشخور بگیرند کجاست دست انتقامیکه ریشه این لاشخورها را از بیخ و بن بر اندازد کجا رفتند آن جوانمردان و ازجان گذشتگان که یکتن شیخ را فدای جمیع ملت جزایر قشم بنماید پس معلوم شد تمام خرابی جزیره قشم اول از رواج رشوه بوده وبعد ازمداخله علماء سوء که نام خودرا مفتی میگذارند و باندازه طفل مکتبی هم سواد ندارد تا این رشوه درمملکت رواج است و تا دست این علماء سوء قطع

نبود غیر ممکن است که اعلیحضرت رضا شاه پهلوی با آن بازوی توانائی که خداوند قادر متعال باو عنایت فرموده بتواند یکقدم ایران را بارتقا برساند

ننگ اسلامیان آبادان

در این مسافرت دوروزه ام به ابادان نه بحدی نوید شده ام که بتوانم خود داری کرد !!! من مرکز بحد خشک وتقدس فروشی عقیده نداشته وندارم و لیکن از وضع شرم آور آبادان هیچ مسلمانی نیست عرق غیرتش بجوش نیامده عرق در جبین وی سرازیر نشده از ساحت شریعت خجل و شرمنده نگردد !!! من نمیگویم منکرات نباید در آبادان باشد من منکر لزوم فواحش تا اندازهٔ برای ولایات نیستم مخصوصاً آبادان که شهریتش کامل و همه گروه مردان موجوده است

من نمیخواهم عقیده مومنان خدا پرست را بنظر خوانندگان عظام برسانم من نمیگویم آبادان باید مسجد و محل عبادت باشد من نمیگویم در شهر رمضان باید حکومت وقت جلوگیری از مفاسد و فسق و فجور را تاحدی که مخل اسایش عمومی باشد وظیفه خود نداند من میگویم در مقابل اروپائیان بایست آبادان مرکز فجور وفسق وفحشا باشد من میگویم [خیر الامور اوسطها] را باید هر فردی ازافراد درکلیهٔ کارهای خود مرعی دارد

آبادان که یکی از شهرهای اسلام و تازه هم در تحت نفوذ دولت قاهره درآمده آیا سزاوار است فاحشه خانهای ان درمیان خیابان عمومی که بازار ان شهر است باشد آیا زیبا است محل فسق و فجور درملا زنان بدسیرت محض رواج ازار خود بازوی گشاد واغوش باز جوانی را که از راه عبور میکنند بی پرده بطرف خود دعوت نمایند آیا یك همچو شهری را نباید مرکز فساد اخلاق خواند ؟

ایا نباید از حکومت وقت ان شهر گله کرد که چرا جلوگیری نمی کند در زمان حکمرانی شیخ خزعل واتباع اوبودتوقع اینگونه مساعدت را شرع را نداشتیم الله در خاطرها هست وقتیکه در اهواز بازار منکرات رفته رفته داشت رواج می یافت در جرائد و روزنامجات خزعل راباندازهٔ در اینخصوص تعقیب و تعقیب کردیم که بالاخره مجبور شد جاهلی را از شهر اخراج و ما بقی را امر داد در شهر مختفی شوند در ان زمان اینهمه منکرات اشاعه نداشت امروزه که دولت اسلام قوای قویه خود را در سراسر مملکت بسط داده حسن ظن بدولت پهلوی مارا حق میدهد که از ایشان گله کنیم که چگونه باین وضع رضا شده و مامورین لاابالی نو دیانت را حکم فرما قرار میدهند کاش لااقل خانهای خود را در اخر شهر یا محلی معین قرار میدادند که قدری ازشهر دور و باین وضوح در بازار مقابل خارجه و داخله هتك احترام اسلام واسلامیت نکنند ایا هیچ غیرت مندی میتواند بفهمد وسکته نخورد که زنان سیه کار در کوچه و بازار ایستاده محض فریب دادن کم سنان و بی تجربه پودر وبزك خود را دام قرار داده بسازار منکرات را رواج میدهند ؟ واستی انسان تعجب میکند که در هیچ شهری از بلاد اروپ که سراسر ان را آزادی مطلق احاطه کرده چنین افتضاحی بار نیاورده اند

ایا غرض مشروطه خواهان همان جوانان غیرت مندی که محض رواج ازادی بخون قرمز خود دشت و هامون مملکت را لاله گون ساختند همین ازادی بوده ایا حریت که مطلوب ازادی خواهان بوده همین بود ! آیا حقیقتاً این است معنی حریت ؟ حاشا و کلا که غرض ازادی خواهان وطن دوست که جان شیرین خود را فدای راه آزادی کردند این باشد

امروزه از صد نود و پنج نفر اهالی ابادان بکوفت و سوزاك و سفلیس وهزاران امراض مسری دیگر گرفتارند امروزه در آبادان انقدر که منکرات اشاعه دارد درهیچ کجای ولایات وایالات حتی درمرکز هم ندارد غریب این است در تمامی این شهر یکنفر هادی ومرشدکه خلق را براه راست دلالت کند نیست مردمان بدبخت که در روزسه قران در ازاء زحمات جان فرسای خود بدست می آورند این زنهای بدعمل ازاو بلطائف الحیل گرفته در عوض یکی از امراض مسریه باو میدهند این وضع اسف اور را که مشاهده کردم خواستم در این باب طقی داده گوش زد اینجماعت کنم که ای بدبختان سیه روزگار ای آوارگان از از وطن و غافل از وجدان و شرافت این نوع رفتار کردن موجب خرابی و خسران دارین شما است افسوس که متولیان امور و زمامداران شهر مانع شدند حتی راضی نشدم از همه چیز گذشته در قهوه خانه شب در مقابل درویش بدبختی که حکایت رستم و خسرو شاه را باینك زبان چرب بیان میکرد باگاهی نظار ابپردازم اظم نظریهٔ که جوانی است معلوم السابقه مانع شد خواستم در مدرسه مردم راجع اوری کنم راه راستشان دلالت نمایم با اینهمه حدیثهای که امین المالیه آقای میرزا حبیبخان بهداوی برای راضی شدن ریاست نظمیه علی اصغر خان مردود مع ذلك متقبل نشد این است مساعدت زمامداران مملکت ما در ترویج حق و حقیقت این است حال اسف اشتمال ابادان نمیدانم در اینموضوع چه اشخاصی باید متوسل شد دست بدامن کدام غیرت مند زده درخواست

اصلاح این اعمال را نمود محض رضای خدا محض حفظ اصحاب باقی مانده برای خاطرخوشنودی پیغمبر محض عمل بوظیفه انسانیت و شرافت قدری از این وضع بکاهند تا بمقداریکه ممکن است از این جماعت تقلیل نمایند منازل انها را لااقل در اخر شهر یا جائیکه چندان محل عبور و مرور نیست قرار دهند امیدوارم دراین عصر مشعشع که در راس دولت مانند اعلیحضرت پهلوی قرار گرفته این امور خیلی مهم توجه فرموده نگذارند بیش از این مورد طعن و ملامت خارجه واقع شویم.

اصلاح خواه سید جلال الدین جزائری اهواز

نوید و بشارت

نگارشات مندرجه در شماره یازدهم درموضوع تحدید القاب شاه و خانواده سلطنتی یك تغییرات لونی را در عالم اخلاقیات و ادبیات ایرانی نوید و بشارت میدهد که خورد خورد ایرانی هم دارد پشت پا بعوالم موهومات میزند دایره خرافات تنگ ترمیشود از تماق و مداهنه کاسته بالفاظ پوچ بی حقیقت وقعی امیدهد راستی اگر این تحدید درباره روحانیین و صنوف ممتازه هم رعایت میشد بد نبود چندین سال قبل لقب حجة الاسلام مخصوص اقایانی بود که باستحقاق ملقب این لقب می شدند در اثر تماق و چاپلوسی کار این عنوان بجائی کشید که هر آخوندی معرا حجة الاسلام گفتند زمان مرحوم آیة الله میرزا ابراهیم محلاتی در شیراز که مقامش منیع وممتاز از دیگران بود عنوانی دیگر باقی نمانده بود کلمه آیة الله اختصاص باو داشت همه را حجة الاسلام و او را آیة الله میخواندند بعد از آن مرحوم این کلمه هم جای حجة الاسلام را گرفت آیة الله بمعنی اعم که همه موجودات وکافه مخلوقات الله و فی کل شیئی له آیة تدل علی انه واحد بهمین معنی اعم بوده که یك از ظرفا در ذیل این شعر عربی این شعر فارسی را سرود

§ هدت بناء علیه بس بناء علیه §

§ کره خر آیة الله زاده میباشد §

بمعنی اخص اگر باشد خصوصیت واختصاص دراین دوره داده میشود اگر عطف نظری بعنوان مکاتبات ایرانی کنیم مملو است از فدایت شوم و تصدقت برم فدایت گردم دروغی و عنوانات تملق آمیز الفاظهای بی حقیقت که کوشش انها تضییع اوقات و ریشخند یکدیگر است امید می پرورانیم که بهمت ادباء این عنوانات مذمومه ملغی و نگفتن و نوشتن عبارات و الفاظ بی حقیقت ایرانی خود را مورد استهزاء دیگران نسازد بقول روضه خوانها بلند گریزی می زنیم در صفحه ۲٤ حبل المتین نگاشته آمده آقا سید هادی کاظمی که از دوستان صمیمی و واقف ترین امور چای است یعنی دیگری نیست که مثل ایشان واقف باشد شاید درکلکته دیگران واقف تر باشند تشخیص اینمسئلهٔ چندان سهل نیست وکمتر از تشخیص مقام حجة الاسلامی وآیة اللهی نیست که تجار دیگر را تحت الشعاع قرار داده ولطمه بحیثیات انها زده اند اگرمرقوم شده بود یکی از واقفین باموور چای است جسارتی نمیکردم ساحت حبل المتین را منزه تر ازان میدانم که عرض کنم (اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم) یا بقول خواجه حافظ شیرازی

§ توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر میکنند §

محملی توانستم بران به بندم مگر اینکه صمیمیت دوستی بوده یا دیگری صورتی فرستاده چون مربوط بسیاست و پلتیك نبوده چندان غور نفرموده امر بدرج شده است از این رهگذر حقوق سایر تجار محفوظ نمانده است ـ [س ـ م شیرازی]

مزید نفوذ دولت در خلیج فارس

از هنگام مینویسند

دراین هفته حسب الحکم مقامات مربوطه کابینهٔ نظامیان بری دولت انگلیس ازجزیره هنگام به هندوستان رهسپار آمد بر حسب خبر موثق دولت علیه ایران درنظر گرفته بهمین زودی دراین جزیره در قریه اعراب که سالها است بواسطه عدم مراقبت اولیاء امور سابق حقوق حقه دولت پایمال و نابیده شده و مرکز قاچاق است اداره گمرک برقرار فرمایند ـ این انتشار باعث نگرانی شیخ احمد ضابط باغی قریه مزبور گردیده ـ بنا براین بدست و یا افتاده به برخی دوائر خارجی و داخلی متوسل شده است که می گویند شیخ احمد واقعه را به مسقط هم اطلاع داده و ضمناً استدعا نموده است درصورت امکان در این خصوص اقدامی بفرمایند والا بفوریت مسئله به مجلس بین المللی رجوع نمایند مقتضی است که هرچه زود تر ازطرف دولت علیه ایران یکمده پنجاه نفری نظامیان سلحشوران ایران باین جزیره اعزام و مقرر فرمایند که دراین قریه اداره گمرک افتتاح و بیرق شیرو خورشید افراشته شود ـ البته مقامات مربوطه هر چه زودتر اقدامات لازمه خواهند فرمود

[ازهنگام یکنفر وطن خواه صادق]

حبل المتین

معلوم است که حرکت نظامیان بری انگلیس از جزیره هنگام از جهت اولیای دولت کنونی بوده.

و امروز یسک نفر نظامیان خارجی در هیچ نقطه ایران وجود ندارد مسلم است که بفوریت اولیای دولت علیه اقدامات جدی در برقراری دسته نظامیان در جزیره هنگام فرموده و یك از مراکز قاچاق را که لانه فساد هم هست خراب خواهند کرد و بعموم وطن خواهان بشارت میدهیم پس از هنگام مسئله مجمع الجزایر بحرین هم بر مرام آسان تصفیه خواهد یافت البته نفوذ بحری انگلستان کاملا در خلیج فارس موجود است همینکه اداره بحری ایران تشکیل وتقویت یابد اقتدار دیگران از آبهای مانیز مرتفع خواهد آمد

از دزداب می نویسند

در اثر وضع قانون جدید لغو بعضی مالیاتها و زیاد کردن تیکس گمرك مال‌التجاره عوائد معارفی که توسط گمرك و مالیه اخذ میشد منسوخ در عوض دولت متقبل گشته که مخارج مؤسسات خیریه را که از این عوائد پرداخته می شد مثل مدرسه و بلدیه وغیره بپردازد کمیسیون معارف دزداب برای پیشرفت دادن امور معارفی آقای میرزا محمد خان هادی حکومت دزداب را که سابقه اقداماتشان در امور مرجوعه خودشان و معارف روشن و مستحسن است باولیاء دولت معرفی کرده اند که بسمت ریاست افتخاری معارف دزداب برقرار نمایند و بودجه معارفی دزداب در حدود چهار صد تومان مطابق عوائد عدلی پنج شاهی تعیین و تاکنون چند مرتبه جهة پرداختش از عوائد تیکس اداره گمرك تلگراف شده متأسفانه جوابی نرسیده امیدواریم اگر اولیاء دولت توجهی بتوسعه معارف در بلوچستان دارند درخواست کمیسیون معارفی ووجوه اهالی‌را به پذیرند چون اهالی محل بیشتر بسوابق خدمت هرکس در هر راه مربوط اند امرکز ازحکومت جلیله هم متمنی است همان قسمیکه در امور اداری ساعی و کلیه را بر وفق قانون پیشرفت می دهند در امورات معارفی دزداب و رساندن بودجه آن جدیت نموده راضی نشوند اساس این مدرسه را که تجار با زحمات زیاد گذاشته اند و در این سرحد مهم در انظار اجانب باوجود موانع پیشرفت کرده اکنون که منتقل بدولت شده ازجریان بیفتد چنانچه ملاحظه می فرمایند مدرسه دزداب۳۶نفر شاگرد شبان روزی بلوچ دارد که اغلب یتیم یا پریشان روزگار بوده از کوچه و معبر جمع آوری و در مدرسه جهة آنها علی نواب وغیره تعیین مخارج خوراك و لباس و سایر مخارجات آنها با مدرسه است در صورتیکه کسی انتظار نداشت تا دو سه سال فارسی حرف زدن را یاد بگیرند امروز بواسطه اینکه اسباب آنها جمع و تحت نظر معلمین کلیه اوقات شان‌را در مدرسه می گذرانند دیده میشود که تحصیلات سه ساله آنها مفید تر و بیشتر از تحصیلات پنج ساله سایر مدارس است و امید است بوسیله این مؤسسه خیریه که ظلمت جهل از بلوچستان مرتفع گردد البته با توجه به مراتب فوق اولیاء امورتصدیق خواهند داد که مدرسه دزداب غیر از سایر مدارس است و اگر در آخر هر ماه بودجه اش مرتب نرسد بیم منحل شدن آن است چون حقوق معلم را ممکن است دو سه ماه نداد ولی اطفال را نمی شود گرسنه گذاشت امیدواریم با تصدیق لزوم معارف در بلوچستان بزودی بودجه اش حواله و رفع نگرانی مؤسسین و کارکنان مدرسه بعمل آید .

[ح ـ ا]

از آبادان می نویسند

(هذه جهنم التی کنتم توعدون)

دوم فروردین یك ساعت از شب گذشته یك قسمت از خانه های جوار نهر آتش گرفت ولی تصور نمی کنم این آتش گرفتن از اثر و نتیجه آتش باشد بلکه شعله و دود دل بیوه زنان آبادان است که تدریج شعله ور گردیده مشتعل میشود بدبختی اینجا است که با بودن دوائر رسمی ازقبیل حکومت ، نظمیه ، امنیه ، بلدیه ، مخصوصاً اداره کمپانی نفت‌که ازبرای اطفاء حریق اقدامات وافی میشد اقدامی بعمل نیامد همین قسم آتش ادامه داشت تا اینکه پس از تلفیات زیاد متفرق شدن اطفال معصوم و غارت رفتن خانهای اطراف حریق بالطبیعه خاموش شد پس از اطفاء نار رؤساء کمپانی بجهت تماشای محروقین حاضر گشته و روزگار ایرانیهای مقیم آبادان را بدیده حقارت می نگریستند این است شمه از حال ساکنین آبادان　　(ح ـ ب)

ایضاً

(انتخابات در خوزستان)

روز پنجشنبه ۵ فروردین از طرف اداره حکومتی سی وشش نفر از عموم طبقات دعوت گردیده ونه نفر جهت عضویت انجمن نظارانتخابات دورهٔ ششم تقنینیه انتخاب نمودند اشخاص منتخبین ازقرارذیل است

(۱)	آقا میرزا حسن بهادرانی باکثریت	۲۴ رای
(۲)	آقا حاجی عبد الطیف	۲۲ «
(۳)	آقا مصطفی قیم عرب	۱۹ «
(٤)	آقا میرزا اسمعیل شهید زاده	۱۸ «
(۵)	آقا حاجی قنبر علی سره	۱۷ «
(٦)	آقامیرزامحمد علی‌مشهدی‌زاده	۱٦ «
(۷)	آقای موسی	۱۵ «

(٨) آقای حاجی غلام ١٥ .
(٩) آقای حاجی حسین کسرای ١٥ .

اغلب اشخاص فوق که انتخاب شده از جوانان حساس وطنخواه هستند که در زمان خزعل بواسطهٔ حبی وطن خواهی طرد بلد و از هیچگونه بذل مال و جان دریغ نه نمودند و اهالی آبادان از این حسن انتخابات اظهار تشکر دارند ولی نگرانی اینها از طرف دیگر است که به موجب اعلامیه اعلیحضرت دخالت اعضاء دوائر دولتی را ابدا قدغن کرده است متاسفانه در ابادان قبل از انتخاب انجمن سیصد ارای تهیه نوشته شده بود و علناً دخالت تامه کرده و از انتخاب اشخاص غیر صالح فرو گذار نمی کنند پس معلوم میشود آزادی انتخابات دورهٔ ششم هم کتبی بوده نه عملی

§ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل §
(ح ب)

از شنکهای می‌نویسند

ایران دارای امنیت اگر شد همه چیز را دارد یعنی نوع انسان الطامع عاشق ثروت است در هرجا دید فائده هست وسیله ساخته رای جلب اوسعی خواهد کرد ساختن کارخانه های فلان فلان اگر فائده باشد و امنیت باجزوی تشویق حاضرمیشود اگرامنیت نباشد بهر تدبیری هم تهیه شود خراب میشود تاریخ کارخانه های قدیمی و شرکتهای جاریه و سابقه شاهد مدعا برای امنیت اداره ها وتشویق خیرخواهان وتخویف مخالفین یك اداره نظارت و تفتیش واحده لازم است که فوق تمام اداره های موجوده تاسیس شود که ناظر ومختار تفتیش هر اداره مملکتی وماتی وجماعتی باشند

١ — در هر نقطه شعبه داشته باشد که امورات جاری در آن نقطه را تحت نظر داشته باشند ولی بهیچ وجه حق مداخله و وساطت نداشته باشند فقط بموجب نظامنامه و قرار نامه و اجازه نامه اداره ها که از مرکز خود دارند و سواد معاهده اداره های موجوده نظارت نمایند هرچه خوب دید دیدند راپورت بمرکز بفرستند تا در روز نامه رسمی درج شود لابد صندوقی هم علاوه می باشد که اگر اهالی شکایتی داشته باشند نوشته بصندق مذکور انداخته شود تا مفتش وناظر سیار مرکز ماه بماه که می آید بازکرده وخوانده و رسیدگی نماید

٢ — یك اداره غیر رسمی در پرده و خفیه که آنها هم غیر وسمانه ناظر اعمال مرکس شده اگر از اجزاء اداره ها و شرکت ها مخالفتی بفهمند به اداره نظارت بواسطه رئیس خود که فقط او واسطه است اطلاع داده میشود که عقب گیری کرد وکشف نمایند مواجب اعضای این اداره بسته بخدمت وکشف وتحقیق بموجب راپورت شان میشود اگر محقق باشد

٣ — یك اداره مرکزی که مرکب از عمله های سیار باشد ومتصلا دوهر ماه چند نفری برای نظارت و سرکشی اداره ناظر ومفتش کلیاً ومشروحا وبازکردن صندوقهای موجود ومختصراً رسیدگی باداراات موجوده چه ملتی‌چه حکومتی تاسیس این اداره باتجربه سی‌ساله درکار های تجارتی ثابت کرد که مفید فوائد عظیمه وعدم آن سبب خرابی و انهدام است چون صفحات روزنامه مال عمومی است زیاد ازاین معطل نمی‌نمایم هرکس عقیده شده را بخواهد به بقیه مقاله ایران همه چیز را دارد اگر امنیت کامل شود دقت نماید —

آقایان اوزی خوانند

از میناب می‌نویسد

نوباوگان خویش‌را بوسائل مدارس بمبائی کراچی ببندر عباس بندر لنگه و محروم داشتن اطفال بسن ٥ و ٦ ساله از مادر مهربان برای تحصیل علم —

ولی عجب اینجاست که از افتتاح نمودن یك باب مدرسه دو کلاسی مضایقه دارند اقایان بستگی که در علم چندین فرسنك ازشما عقب تر بودند یك مدرسه دوکلاسی بهر وسائلی بود تاسیس کردند ولی شما آقایان اوزی که معروف افاق هستید و در هرجا که بوده برای تاسیس مدارس وترویج معارف پیش قدم بوده اید همچنین که مدرسه جاوید بندر عباس بدقت وسعی مرحوم حاجی میر محمد اوزی تاسیس شد کذالك مدرسهٔ محمدیه بندر لنگه که بتوسط دو نفر از اقایان اوزی که یکی دربندر لنگه تشریف دارند ومعروف اداره حبل‌المتین‌هستندتاسیس‌گردید ولی تاسف اینجاست که در اوز ازتاسیس یك کارخانه ادم‌سازی خودداری میکنند اقایان اوزی در این مسئله هم مسئول خداوند میشوند وهم مسئول مادران اطفال‌صغیر که بسن ٥ و ٦ ساله از انها جدا می‌سازند —

خوب است که دو نفر تجار محترم اوزی مانند حاجی میر شمس الدین افتخار التجار و حاجی رئیس محمد سعید که اول صاحب ثروت اوز هستند در احداث مدرسه دو کلاسی که مختصر خرجی می خواهد خود داری نه نمایند که در واقع نام نامی شان تا ابد برجا و باعث رضایت خداوند و مادر مهربان اطفال بشود خوب است که حبل المتین که همه اوقات در تاسیس مدارس نصایح مفیده می فرماید اینجا از اقایان در خواست افتتاح مدرسه بفرماید شاید مؤثر تر واقع گردد —

[پور جعفر اوزی]

اعضاء را گرفت ولی چون اصلاح اساسی نمیشود و دولت مائل باصلاح اساسی نیست طولی نکشید بعد از او در تقلبات بدتر از اول شدند اهم لزوم برای اصلاح دوائر دولتی بعد از اجرای قانون جزای عرفی تغییر محل اعضاء است هر دو سال یا سه سال بیک محلی دیگر یا انکه اعضاء هر ولایتی را بولایتی دیگر بفرستند که امر پارتی بازی موقوف شود زیرا هر یکنفری بهزار جا و متنفذین اندوبست دارند و در ولایت خودشان همه جور عملیات سوئی مرتکب می شوند ولی ولایات دیگر تا این درجه نمی توانند دسیسه نمایند یکنفر ادم صحیحی هم که در اداره مالیه پیدا شود و بالنسبه بسایر اعضاء دیانت و درستی داشته باشد هر روز در زحمت و هر روز التریاك برایش میسازند و میخواهند اورا هم بهر شکل میتوانند دربدارند و یکنفر دیگر مثل خودشان بجایش بگذارند که دیگر ترس و بیم نداشته هر کار میخواهند بنمایند پیشکار هم انگشتر گردان است

اگر یکی هم در مالیه باشد که تقلب و دزدی نداشته باشد یا کمتر از سایرین تقلب نماید تمام اعضاء همدست شده بهر آنتریك و بدنامی باشد او را از میان در میدارند زیرا که تمام خائنین همدست هستند خصوص نقص اینجاست که پیشکار اهل زبان نیست و کار بدست مترجمین است و آنها هم مثل سایر اعضا بهر طریق باشد نمیگذارند مطلب به حقیقت به پیشکار برسد اس اساس اصلاحات اول قانون جزای عرفی و بعد تغییر محل دادن اعضاء ادارات است بلا استثناء زیرا به قسمی فساد اخلاق و دنائت در عروق و شریان ما جاگیرشده که ممکن نیست بدون مجازات دست از اعمال خود برداریم مملکتی که از وزیر تا فراش پانصد سال است به تقلب و عملیات خود سرانه سوء عادت کرده چگونه ممکن است بان سهولت دست از عادات پانصد ساله بردارد مگر به مجازات و تغییر ماموریت لاغیر و الا اگر هزار قانون سخت وضع نمائیم یا هزار امریکائی بیاوریم باز هم ادارات ما اصلاح نمیگردد زیراکه ما نمیتوانیم از وزیر تا فراش خود را از امریکا یا انگلیس بیاوریم اجزاء و اعضاء لابد ایرانی هستند وقتیکه مجازات نباشد باز صورت اول است ولی وقتیکه قانون در حق همه یکسان اجرا شد و مجازات درکار آمد بفاصله ده سال تمام ادارات لشکری و کشوری ما مرتب میگردد دو دوره وزیر یا وکیل یا امیر خائن که بر سر دار رفت یا اعضاء ادارات منفصل یا حبس و اخراج شدند برای دفعه سوم همه از اهالی امریکا درست کارتر میگردند

معارف

راجع بمعارف که باید مداقه کامله بعمل آید اول معلمین مسلمان اخلاقی متدین و عالم به مقتضیات معین نمایند و هرچاییکه مدارس مرسلین همه روزه احکام دیانتی مسیحی را بدون تعطیل درس میدهند مدارس ما هم مقدمات و اصول عقاید اسلامیت را بدون حشو و زواید غلامیه موهومیه درس بدهند هر چند ما چنین کتابی را فعلا نداریم ولی ممکن است علماء و کاملین چنین کتابی را برای مدارس تصنیف نمایند و جزو پرگرام لاینفك مدارس نمایند کتاب مذکور باید باکمال دقت و علم و حکمت نوشته شود زیرا که دین باید مطابق عقل و علم باشد اگر مطابق نباشد مسلم کسی زیربار نمیرود امروزه موهومات چاه بیر الامام و یا شهر جابلقا و جابرصا و ماهی های طلائی پنجره و خر خره کسی زیربار دیانت نمیرود اف باشخاصیکه بعمر پیشرفت مقاصد خود شان این موهومات را بکله های بیچارگان عوام جای دادند و دیانت اسلام را که عالی ترین قوانین دیانات و حکمت ها بود لکه دار کردند اگر دین مطابق علم و عقل و حکمت شد البته همه قبول میکنند و الا به تعبد امروزه ممکن نیست و البته بی دینی بهتر از موهوم است ای کاش علمای طراز اول بجای اختلاف در اراء اجتهادیه تألیفاتی از فلسفه نماز و روزه خمس و حج و زیارت و سایر احکامات مرقوم میداشتند و معانی حقیقیه آیات قرانیه و احادیث صحیحه را که مطابق با عقل و علم است مینمودند که تا این درجه احادیث نبوی و آیات قرانی مورد استهزاء دشمنان ما واقع نمیگشت هزار افسوس که باب علم را مسدود و علماء که بمنزله ستارگان اسمان دیانت هستند بزمین ذلت و دنیا پرستی ریختند آیات خمس را به امیال باطله خود تفسیر کرده اولاد پیغمبر خود را ذلیل و فقیر و محتاج نمودند ای کاش اساس وعظ و منبر و تعزیه داری و زیارت هم تغییر می یافت و اصلاح میگردید خرابی اینهم کمتر از ادارات دولتی ما نیست منبر مقدس محل درهم دل هر بی سرو پای کثیفی شده هرکس باشد همین که بالای منبر رفت هر چه دلش خواست میگوید پنجاه سال پای منابر نشستیم یك واقعه تاریخی کربلا را ندانستیم سالی هزار ملیون اگر خرج تعزیه داری شود یك کلمه از غرض اصلی شهادت و فلسفه آن یا فلسفه روضه خوانی ویا زیارت را برای ما نمیگویند یك مشت چرند که کاش آن هم بطور حقیقت بود تمام بد اخلاقی ها و فساد ها و بی ناموسی ها از اینجا پیدا میشود بخدا قسم خجالت میکشم عرض نمایم همه میدانند که روح حضرت حسین

علیه السلام از ذاکر و مستمع بیزار است غرافاری
ها و تیغ زدن ها و تیاتر بازی های روزعاشورا را
چه عرض نمایم اصول دیانت و عمل باحکام را گذاشته
یك از مسائل واجبه را ندانسته کلمهٔ از غرض اصلی
از شهادت آن حضرت و یا تعزیه داری و یا حقیقت
دین داری را نمیگویند پناه بخدا از آنها گذشتیم
کاش ظاهر را حفظ میکردند از آنطرف امان از زائرین
که سالها نماز نکرده مخارج اهل و عیال نداده
قروض واجبه را ادا ننموده بزیارت میرود کاش ساز
در زیارت معصیت نمیکرد امید وارم در این دوره
اهل حقیقت بتوانند اصلاحی در اصول دیانت ما بدهند
تا این درجه مورد استهزاء خارجه واقع نگردیم

تکدی

اصلاح امر تکدی که در ایران یك
چشمه از کسب های معتبر شده که یك دقیقه هم تعطیل
ندارد، قسمی این کسب قوت دارد که در ماه
رمضان در مساجد منابر بگرو گداها است که تا پول
پیشنهادی را نگیرند واعظ قدرت منبر رفتن ندارد
زیرا که منبر را بگیرند وقتیکه پول خود را
تمام گرفتند رها میکنند والا ممکن نیست واعظ را راه
به منبر دهند یکی دیگر برداشتن این غولدنك های بی
شاخ ودم یعنی دراویش است که در این قرن وجود
اینها در این مملکت بیمزه تر از همه چیز است و چون
اهالی کرمان ساده تر و نجیب تر از بیشتر جا ها است
این ایالت مرکز این حشرات الارض شده خصوص
دو مرشد آنها که شاه نعمت الله و مشتاق علی باشد
در کرمان و ماهان است اگر مجال بود شمه از
وضعیات این گاوان بی شاخ ودم و این مردکان بی
حقیقت عرض میکردم که در سر قبور این بیچاره گان
چه اشخاص منزل نموده کلش میکنند خادمین و عمله
جات اینها هم مثل خادمین قبور آئمه اطهار علیهم السلام
از شرار ناس معروف و مرتکب همه نوع فسق وفجور
امیدواریم که حالا دیگر از همت و مجاهدت خادمین
امرالله که منتجب و بی غرض باشند تمام این خرابی
ها را در مد نظر بگیرند بزودی اصلاح نمایند و
جلوگیری از فحشاء منکرمادی وروحی واخلاقی فرمایند

روحانیین

روحانیین ما راست که وضعیات سابقه خود
را ترك گفته بیش از این انوار آفتاب اسلامیت را
بابرهای تیره موهومات نپوشانند اصول عقاید اسلامیت
را اصلاح نمایند امروزه آن وضعیات گذشته لاطائل
بخرج نمیرود غیر از آنکه این مزخرفات باعث مزید
لامذهبی گردد وجود آنها را هم درانظار خوارخفیف
کند غرضی ثمری ندارد بیش از این غرض ندارد -

امنیه

امنیه تا اندازه بد نیست بوظیفه خود تا یك
درجه عمل میکند تشکیلات ایالت
معین امروز تمام نزد رئیس قشون حکم
صفر دارند قاچاق در کمال خوبی دایر مفتشین و
اعضاء دوائر با قاچاقچیان شریك و ماهیانه و مستمری
معین هریك دارند ماده یك تریاك مصرف شهر باندرولی
نمیشود تمام به قاچاقچیان معلوم علناً میفروشند
اگر دولت جلوگیری میکرد یا تغییری در وضعیت می
داد چقدر بهتر بود نفع دولت بیشتر و ضرر رعیت
کمتر میگشت اگر وجه باندرول را روی زراعت
تریاك قرار می دادند - همچنانیکه در قبل عرض شد
اصلاح کلیه ادارات دولتی و درباری اجرای قانون
جزای عرفی است بلا استثنا و انفکاك قوه روحانیت
از سیاست تا این دو مطلب دایر نگردد اصلاح محال
است و اگر دو سال دیگر این رویه برقرار باشد
رشته امورات گسیخته بیشتر مردم متفرق می شوند
زیرا مجازاتی برای وزیر و رئیس و مرؤس نیست
رشوه کاری و دسیسه و تقلب هم که
رایج تمام ادارات شده چنان در گرفته
رشوه بی اید هستند نه آنکه حقوق حقه است اگر یکی
عرضه یا قوه رشوه گرفتن نداشته باشد بر او میخندند
او را بدبخت میگویند مفت خوار زیاد مردم نادان
مجازات هم که نیست راشی و مرتشی هر دو پیشرفت
دارند پناه میبریم بخدا هرگز عهد استبداد چنین نبوده
صندوق عدالت هم بی نتیجه عرض شد امروز صندوق
عدالت اجرای قانون جزای عرفی است بلا استثناء مجازات
که درکار آمد بالطبع هر کس پی به حقوق خود میبرد
همه آسوده میشوند و الا امروز بدسیسه کاری حق بصورت
باطل و باطل بصورت حق نمودن آسان تر از آب
خوردن است هیچ تیاتری بامزه تر از وضعیات ادارات
ما نیست تعجب اینجا است که هیچ ملاحظه حفظ ظاهر
هم ندارند همین تغییرات و تبدیلات و نهضت های ملی
وتاسیس موسسان را ملاحظه فرمایند که ظاهر کار با
باطن چه قدر فرق داشت که تاریخ ایران را الی الابد
ملوث نمود که اعتماد از تمام تواریخ ایران از اول
الی اخر برداشته شد هیچ واقعه را چنانکه نوشته اند
نمیشود باور کرد زحمت های دواوین را باطل وعاطل
کرد - بقدری دسیسه را عالی کردند که هیچ قسم
نمی‌شود پرده پوشی کرد معلوم شد همه این هیاهوها
ونمایش‌ها که موی را پلاس جلوه دادند فقط برای
حصول مقصود معلوم بود ولی افسوس که قدر حیثیات
خود ومحبوبیتی که دو سه سال حاصل شده بود که از
هزار سلطنت بهتر بود نکردند و تمام را برباد دادند.

و خدمت بوطن ومملکت که بالاترین شرافت و افتخار تاریخی ابدی است بخاشاك خود خواهی و اغراض شخصیه و سلطنت ننگین معاوضه کردند ولی کاش باز کارکنان تاباین درجه ملاحظه ظاهر قانون را نموده بودند که زبان تاریخ بسخن آید و ابد الدهر خجل نباشیم عالم وکلاء و کارکنان هریك بزمین ناز دارند که ما کردیم و بدست ما است و هر کدام خود را موسس اساس میداند که بالاترین درد ما است دیگر نمیدانند کاره و کارش انها نبودند دیگری بود اگر بوقایع نود همه ایران اگر خود را میکشت قادر باین تغییر نبود ما اینقدر قابل نیستیم که مقدرات ما مستقیما ارادهٔ خداوند متعال باشد بوجدان از هرچه تصور کردند پست تر ایم علم و عدالت نتیجه اش همین است عمل به قانون و پای بست به اصول سیاست نمرش عزت است بی قیدی بد اخلاقی لامذهبی و پست فطرتی تنبلی حاصلش این است افتخار داریم ملت شش هزار ساله ایم نمیگوئیم در این مدت چه کردیم و چه بام لیکی گذاشتیم وبسنده گان بی قید برای طاق کسری ونقش درکوه ها وتعیشات خسروپرویز وعظمت ودستگاه یزد جرد را موجب افتخار ما دانسته اند کاش ان هم روی حقیقت بود فقط برای‌حوس آمد فارسیان هند وگرفتن سالی پانصد پوند مستمری از انها تیشه بریشه دیانت و مذهب خود میزنند دیگر غافلند که هزار ازاین مقوله ها مردم به آتش پرستی و زردشتی برنمیگردند دیانت اسلامیه اگر حق نبود با این کثرت دشمنان عالم را احاطه نمیکرد بد اخلاقی یا برداشتن حجاب یا استقرار فاحشه تمدن نمیزاید ترکیه که مذهب را اعتنا نکرده و لباس را هم عوض کرد چه نتیجه حاصل کرد علم و تمدن را باید تقلید کرد اقای تقی زاده که درکاوه مینوشت باید فرنگی ماب شد یعنی علم وسیاست و حقیقت را باید از انها یاد گرفت که عین حقیقت اسلامیت است انچه ما داشتیم انها بردند وعمل کردند ما مذهب را ترك گفتیم دیانت و انصاف را کنار گذاشتیم دیگران برما تسلط یافتند اگر به چشم بی غرضی بنگریم قانون اسلام بهترین قوانین است تمام اصول مملکت داری و تمدن انگلیس بدون کم و زیاد مطابق با اسلام است اگر مطابق نبود این درجه نفوذ نمیکرد مراد آقای اقی زاده ازفرنگی ما بی‌همین است نه اینکه لاقیدی لامذهبی را شایع کرد ـ

جشن تاجگذاری

(اعلیحضرت پهلوی در بندر چابهار)

بمناسبت جشن تاجگذاری اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه ایران آقای نائب دوم امان الله خان اشتهاروی رئیس قشون چابهار از شب دوم الی پنجم اردی بهشت جشن با شکوهی در محوطهٔ قشونی منعقد شدند شب چهارم اردی بهشت عموم مأمورین و تجار خارجه و داخله بصرف شربت و شیرینی دعوت شد بمناسبت اینکه ساکنین چابهار چند طبقه هستند یعنی جدو آبادی اهالی بلوچ وهندو از برای پذیرائی ایشان هرکدام علیحده علیحده میز و صندلی معین فرمودند پس از اینکه تمام آقایان مدعوین وارد شدند و مجلس ارام گرفت آقای رئیس قشون شخصاً بسر خواسته نطق مفصلی نمودند مانی بسر سی لیاقتی دوره سلاطین قاجار و زحمات طاقت فرسائی اعلیحضرت پهلوی در مدت پنجسال و تفویض نمودن تاج و تخت کیانرا در نتیجه زحمات و فداکاریهای اعلیحضرت پهلوی از طرف ملت عموم آقایان مأمورین دوایر داخله و خارجه و عموم تجار هم گیلاس شربت های خود را بسلامتی اعلیحضرت پهلوی نوش جان کردند و صدای زنده باد زنده باد تا مدتی در محوطهٔ قشونی فراگرفته بود و بعد ازان عموم نظامیان در تحت فرماندهی آقای نائب ابوالحسن خان میر حسینی شروع نمودند بسرودن سرود های وطنی که واقعاً طرف توجه عموم واقع شده بود و مجدداً پس ازان شروع کردند بگفتن زنده باد اعلیحضرت پهلوی انتظامات محوطه قشونی محول شده بود به آقای نائب ابوالحسن خان میرحسینی و انتظامات شهری محول شده بود به آقای نائب فرج الله خان خالقی در آنشب این دو نفر صاحب منصب خوش اخلاق قسمتی از اهالی پذیرائی نمودند که از حد خارج است

از طرف عموم تجار وکسبه چابهارهم مراسم جشن و چراغانی در بازار منعقد شده بود و آقای رئیس قشون ومامورین دوایر دولتی هم برابر تبریك به‌تجار وکسبه ببازار رفته و ازطرف تجارهم کمال پذیرائی بعمل آمد روز چهارم اردی بهشت مجلس سلام با حضور تمثال اعلیحضرت همایونی شاهنشاه پهلوی منعقد حامل عکس اعلیحضرت اقای نائب فرج الله خان خالقی وآقای معین نائب دکتر سید عیسی خان رضوی بودند که بمجرد و رودشان شلیك توپ شد و آقای رئیس قشون و آقای مدیر گمرك و آقای رئیس پست از عقب عکس اعلیحضرت ایستاده بودند دقیقه درتحت ریاست آقای نائب ابو الحسن خان‌میر حسینی داده شد پس ازاینکه سلام داده شد شاگرد های مکتب خانه با معلم ایشان اقای ملا احمد بحضور آقای رئیس قشون شرفیاب شدند شاگردان مکتب خانه بازبان

بلوچی بنا کردند بسرود خواندن مبنی بر تبریکات تاجگذاری اعلیحضرت پهلوی پس از اینکه سرود تمام شد چای و شربت و شیرینی با نهایت نوش جان نمودند از طرف آقای رئیس قشون مبلغی از برای خرید کتاب جهت شاگردان به آقای ملا احمد داده شد و نیز قول دادند عنقریب وسایل تحصیلیه جهت ایشان فراهم خواهند نمود امیدواریم هرچه زودتر قول ایشان نتیجه بخش شود که یك مشت اطفال بلوچ که بکلی عاری از خواندن و نوشتن هستند در یك مدت قلیلی از بربریت و وحشیگری خارج شده و بسا بمدارج سعادت و ترقی پانهند ـ ان الله لایضیع اجر المحسنین ـ مجدداً شب پنجم آقای رئیس قشون آقای مدیر گمرك تمام اجزای خودش و آقای رئیس پست تمام اجزاء خودش و تمام نظامیان خود را بصرف شام و شربت و شیرینی دعوت فرمودند وخود اقای رئیس قشون و صاحبمنصبان الیه نفرات نظامی پدر وفرزند انه پذیرائی نمودن اهالی چابهار و بلوچستان که مدتها بوده اسمی از دولت نشنیده یا مأموری از دولت ندیده بودند در اینموقع جشن اسباب حیرت و تعجب انها شده بود بیشتر تعجب و حیرت انها پذیرائی کردن از انها بود زیرا که تا امروز کسی نیامده بود که رعایای خانه‌ها را بصرف چای و شربت و شیرینی دعوت نماید گذشته از اینها بواسطه ندیدن جشن و چراغانی محوطه قشونی را بهشت تصور نمودند ـ الحمدلله که ازیمن توجهات کامله امام زمان عجل‌الله فرجه ـ و ثبات بال اعلیحضرت همایونی شاهنشاه پهلوی ـ وفعالیت امیر محترم لشکر جنوب و موفقیت اقای سرهنگ محمدخان عموم اهالی چابهار در مهد راحت بستر اسایش غنودند ـ وطن پرست حقیقی

(ا ـ ا ـ ی)

از بمبئی مینویسند

(سانحه جدید آدم کشی یا فجایع ادوار بربریت)

چندی است از طرف اربابان دانش و علاقه‌مندان به مملکت مقالات ولوایح مشوق آمیزی در جراید ملی مبنی بر مراجعت پارسیان هندوستان صادر واز سیاست حاضره و امنیت موجوده وطن عزیز تمجید و تحسین مینمایند و در حقیقت محیط ایران یا مدفن نیاکان را مستعد بفرا گرفتن فرزندان آواره خویش جلوه‌گری سازد و حال آنکه از وضعیات وطن عزیز چنین استنباط میشود که حس ملت پروری ونوع پرستی ابراز معاضدت و یگانگی بساکنین سرزمین داریوش (و سیروس) رخت بربسته بدیهی است در اینصورت با بودن منافقت بین افراد و تباین آراء و بلند بودن چماق تکفیر افکار و آمال ترقی خواهان غیر ممکن و بروزگار آتیه درخشانی چشم داشت و متوقع نتوان بود ادله بیان آنکه از تلگرافات اخیر وارد از یزد اشعار میدارد مهربان بهرام نام خیرآبادی در کشهوان زراعتی با همراهان در موضوع آب مذاکره کار بمجادله می انجامد بالاخره همراهان باو شورش بواسطه کینه دیرینه وقت را مغتنم شمرده و بضربت بیل وشکنجه وحشیانه یعنی آلات حربیه قرن بیستم آن بیچاره را هدف تیر بلا میسازند ما از آقایانیکه مایل بیازگشت پارسیانند حکیمت واقعه غیر منتظر را درخواست و به آواز رسا فریاد میزنیم ـ آیا در مملکتی که نسبت باز ماندگان سلاطین با عظمت باستانی که خون خاص ایرانیت در عروق و ابدان انها جاری است در لدار جایگاه عظمت و اقتدار ایران و ایرانیان را از معبود. مسئلت مینمایند چنین واقعه جگر خراش را که انهم در ایران سلطنت اعلیحضرت پهلوی مرتکبند محل آسایش و رفاهیت توان شمرد

و آیا پس از مظالم متواتره اعراب و تاتار و چنگیز که در قرون هشتادی دچار بوده منحق و مستوحش اند اگرچه جوهر ایرانیت و چکیده انسانیت را شایسته نیست که به تعب ورنجی نا سزا روا دانند اما مادامیکه نائره حب وطنپرستی و خون ایرانیت در اجسام آنها مشتعل و جاری است همه گونه ناهمواری را بخود هموار نموده ما آقایان ملا نمادارا که علی‌الدوام چماق تکفیرشان بلند است علی‌الخصوص نفاق ملل ضعیف مخاطب ساخته میگوئیم آقایان فلاسفه عالم سیاسیون مجرب مذهب بالباس مابیت را هم زبان وادات و شعائر تشبیه کرده اند با این حال اختلاف عادی را مقیم ثمره نتوان دانست در صورتی میتوانید آنها را یگانه تصور نمایند که در زبان واخلاق فیمابین ینولیته کلی واقع باشد ما از وقایات جاریه بعالم و عالمیان مینمائیم که اقایان یزد فقط اتهامات وافترات بی روبه را رافع و دافع مسئولیت خود قرار داده من‌غیر حق مابیت شکنی وافراد کشی مینمایند از انتشار این خبر عموم علاقه مندان بوطن خاصه دراین موقع متمایل مراجعت بوطن آباء واجداد اند متالم و متاثر ساخته این واقع مصادف باللیالی تاجگذاری اعلیحضرت بوده تلگرافات عدیده به طهران و یزد مخابره شده و نیز بنام افتخار ایران ایرانیان فردا در لزستاغ مجلس عمومی تشکیل و بمیمنت جلوس اعلیحضرت شاهنشاهی بر سریر تاج و تخت کیان مراسم تجلیل جشن را استقبال مینماید و عموماً از مراتب رعیت پروری و عدالت گستری اعلیحضرت که علاقه تامی بعمران و ترقی مملکت و

ازدیاد منافع ثروت و کثرت نفوس ایران دارند مجازات قانونی مرتکبین را محض عبرت دیگران بواسطه عدالت و حفظ مراتب قانون مشروطیت درخواست می نمائیم و نیز از آقایان متجددین و احرار که در شمارهٔ اخیر حبل المتین حس ملت پروری و یگانگی را نسبت به پارسیان ابراز نموده‌اند خواهش مندیم بوسائل مقالات مفیده جدیت تامه در تهذیب اخلاق عمومی بفرمائید تا موجبات تشیید روابط ملتی و ترغیب عودت مهاجرین فراهم آید. (د — ل)

از دیلم مینویسند

(اوضاع اسف آور لیراوی)

[خان می بخشد حاج خان نه می بخشد]

یکی از مظالم جاریه درحدود لیراوی تهدید یا عدم آزادی خرید وفروش پشم است که هر ساله آقا خان لیراوی نه تنها قیمت بلکه مشتری پشم را محدود می نمود که کلیه رعایا باید پشم را به قیمت خیلی کمی به حاج ابراهیم دیلمی بفروشند

تااینکه امساله بنابه جدیت وخواهش بعضی خیرخواهان از این ظلم فاحش آقا خان خودداری نموده رعایا را آزاد گذارد — خریدار موصوف حساب کرد دید که دو هزار تومان عایدات هرساله که با خون رعایا آلوده است از دستش رفته به یك وسیله نا انصافانه متمسك شد اگر مفصلا بنویسم و مانند یك پرده تیاتر موضوع را مجسم بکنم سخن بدرازا کشد اختصاراً پشت قلعه حصاری است یکنفر تاجر پیاده میشود خوب تماشا کنید درب منزل خان میرود خان نشسته است تاجر روی دست پای خان می افتد حضرت خان خواهش دارم این قیمت هنگفت استفاده را از من نگیرید خان با کمال شرم میگوید چه کنم ملت لیراوی بواسطه نفوذ نظامیان دارند پی به حقوق خود میبرند امساله نه میتوانم این اجحاف را براهالی تحمیل دهم جواب میدهد که ملت لیراوی مرعوبند وگذشته از این اگر سروصدائی در اطرافش شنیده شد اهالی دیلم همان چند نفریکه برای خراب کردن مأمورین دولتی دور خود جمع کرده‌ام وامیدوارم از قشونی ها شکایت نمایند خان هم با نهایت کم وجدانی میگوید حاجی مثل هرساله باشد ولی درموقعیکه به خواهم از نظامیان شکایت نمایم باید بامن همناله شوید درمقابل این گونه اجحافات روح ملت لیراوی در اطراف فریاد میزند خان بخشید حاج ابراهیم خان نه بخشید !!!) [یکنفر پشم دار]

ایضاً

(۱) شاه زاده ابو تراب میرزا دیهم مدیر گمرك دیلم که قبلا از حسن اخلاق مشارالیه گفته شد بواسطه اینکه هوای بد دیلم نسبت به ایشان سازش نه نمود تقاضای تغییر مأموریت نمود از طرف گمرك ایالتی جواب پذیرفته شد —

و آقای آقا میرزا محمد خان گرگین بجای ایشان منصوب گردید از بدو ورود آقای گرگین بطوری در امورات گمرکی جدیت از ایشان دیده می شود که گوئی چنانچه در تمام بنادر این قبیل مأمورین جدی وظیفه شناس وجود داشت قطعا راه قاچاق مسدود می شد

(۲) آقای نایب عبد الله خان از ریاست ساخلوی دیلم منفصل و آقای نایب غلامحسین خان صاحب دیوانی که یکی از صاحب منصبان وظیفه شناس است بریاست ساخلوی منصوب آقای صاحب دیوانی اساس خود را صرف مصالح عمومی نموده عمومی اهالی دیلم و مضافات از خوش اخلاقی و حسن سلوك ایشان در حدود وظایف کمال تشکر را دارند ما هم مقدم محترم شان را تبریك عرض نموده موفقیت ایشان را خواهانیم

(۳) در این ایام قریب ۲۵۰۰ نفر عمله راه از طرف کمپانی نفط جنوب بین گناوه و هندیجان راه را شوسه نموده و بطور آسانی اتوموبیل ها ایاب و ذهاب می نمایند

(۴) هیئت طبقات الارضی انگلیس در کوه های غربی دیلم مشغول رسیدگی و تفتیش هستند و بطوریکه از جای موثقی شنیده شد

[۵] شنیده شده درکوه گرگری که غربی هندیجان است نفطی که از شعبه نفط قصر شرین وکناوه است پیدا نموده و علاوه معادن دیگری نیز درصدد کشف هستند و بطوریکه مخبر مذکور اطلاع میدهد سنك های بس زیادی از معاینه تیاسکوب دربالای بنه رفته بلندن حمل نموده اند

(۶) جهازی که می گویند مال کربلائی محمد ناخدا ابراهیم تاجر که از سر سلسله قاچاقیان دیلم به شمارند از دوبی چند گونی شکر حمل نموده مفتش گمرك لنگه آقای آقا میرزا حیدر گرگین که سابقهٔ خدمات برجسته ایشان در صفحات نامه ملی درج است بدست می آورد جهاز مذکور درلنگه توقیف حاج یوسف دیلمی از بوشهر به کربلائی محمد تلگرافاً خبر داده که هزار هفتاد روپیه ودویست تومان پول جریمهٔ جهاز است بفرستند تا به گمرك لنگه پرداخته شود و جهاز باشکر ها به بوشهر وارد شود کربلائی محمد از بسکه غرور و نخوت دارد میگوید من دیناری نه می دهم یا اگر بدهم به این زودی ها نه خواهم داد و در عوض

این مبلغ جریمهٔ البته شغل دائمی خود را از دست نداده مرتکب قاچاقی خواهم شد که ده برابر ازاین باشد و از احدی هم خوفی ندارم

(ا - خ - و - ت)

اوضاع بهبهان

(۱)

چندین سال است که ملخ زیادی در اطراف بهبهان پیدا شده و همه ساله کثرت زرع بهبهان را کاملا میخورد در این مدت اقدام عملی برای دفع نشده بود ولی امساله ازطرف آقای افخم السلطنة ریاست مالیه اقدامات عملی برای اعدام آن شده که کاملا مردم را امیدوار نموده عموم اهالی از ریاست مالیه ممنون و سپاس گذارند زیرا نهایت درجه جدیت در امر دفع ملخ مینمایند زحمات ایشانرا تقدیر و تمجید مینمائیم

[۲]

مدتی است که آقای کشمیر زاده بریاست امنیه بهبهان وارد و مشغول انجام وظیفه است حقیقتاً خیلی جوان جدی و فعال است کنوناً مشغول جمع آوری ثمرات امنیه است از اقدامات برجسته اش این است که پست امنیه بهبهان تا بندر دیلم و بندر ریگ را مرتب گذاشته و مردم و قوافل بدون پرداخت یک دینار آمد و شد میکنند

[۳]

نوشتن اوضاع معارف اینجا شرم آور است بواسطه ابلاغ نشدن بودجه تمام اعضا با حالت یأس و ناامیدی کار میکنند نظر بمنفصل شدن میرزا علی اکبر خان رئیس سابق و ورود آقای میرزا عمادالدین رئیس جدید جدی که واقعا از حسن اخلاق و رفتار با اعضاء معارف محبوبیت تامی وشوق مفرطی برای ما کارکنان معارف درقلوب تاثیر کرده و تاکنون اعضاء را ترغیب وتحریص نموده وعموم اعضاء باکمال میل و رغبت ازروی ساعات معین برای تدریس درمدارس حاضراندوگرنه نزدیک بود که مدارس بهبهان که با هزاران زحمت و مشقت تاسیس شده بود رو باضمحلال برود و تا حال منتظر تصویب بودجه می باشند

[۴]

در اثر شکایات اهالی از ماشاء الله خان تلگرافچی چندی قبل عباس قلیخان عوضی ایشان وارد و واقعا این انفصال خیلی بجا بود زیرا نقطهٔ مثل بهبهان و کوهکیلویه باین مهمی بنادر تلگراف خانه اش دست یکنفر بچه ۱۲ ساله باشد -

(رضا بهبهانی)

مسجد و بتکده

علی الظاهر در این هفته مناقشه بین هندو و مسلمان در شهر کلکته پیش نیامده ولی نفرت عمومی این دو فرقه روز بروز بلکه ساعت بساعت در ازدیاد است و علت هم همان ضدیت متعصبین ارباب مذهب است. هندو ها غلبه عددی بر مسلمانان دارند علماً هم از مسلمین بیش الله مسلم است که ثروت آنها نیز خیلی بر مسلمانان فزونی دارد ازین رو متعصبین هندو را این عقیده دیرین بتازگی در دماغشان قوت گرفته که مسلمانان خارجی و در میان هند بشمار شان نتوان آورد یا بایستی مهاجرت بممالک اصلی خود یعنی سائر ممالک اسلامیه کنند ویا اینکه قطعیا مطیع و منقاد امت غالب یعنی هندو گردند معلوم است که این خیال خام و غیر عملی است یکی از مفسرین اسلامی در جواب هنود میگوید مسلمانان وقتی یانزده نفر حمله بهند آوردند هندو ها نتوانستند آنها را خارج کنند اینک که بهفتاد و پنج ملیون نفوس آنها بالغ آمده چنین تصور بسی خام و جاهلانه است علاوه بر این باید هندو ها این نکته را ملتفت شوند که تمام انگلیسان موجوده هندوستان از لشکری و کشوری زن ومرد بزرگ و کوچک بدویست هزار بالغ نیست وقتیکه این خیال خام را از هندو ها میانه آنها هم چنین تصور توانند کرد که پس از غلبه بر مسلمین کوشش خواهند نمود خویشتن را از رقیت انگلستان هم برهانند ما نمی گوئیم این خیال غیرعملی را باید ملت مغلوب بکنند ولی ازروی ایقان میسرائیم که این خیال بسی خام وخنده آور است از یکسال باینطرف جنگهای بین هندو و مسلمان خصوصاً جنگ اخیره کلکته مسئله اتحاد هندو و مسلمان را که گاندی و پیروان آن بلکه از چهل سال باین طرف موسسین کنگریس مد نظر گرفته بودند عاطل و باطل گردانید نظر بر آنکه عقیده ما اینست که مایه جمیع ترقیات اولاد بشر در این عالم جنگ شده میتوانیم آن کلیه راهم بجنگ هندو ومسلمان کلکته نیز اطلاق کنیم مسلمانان کلکته چند کارهای نافع را بهندو ها سپرده بودند یکی کلیه خرید فروش ماکولات وارزاق بود و ازین ممر ملت هندو منافع عظیم برده ثروتهای هنگفت اندوخته میکردند در این مدت قایل میگویند بالغ بردویست دکان ماکول فروشی مسلمانان در کلکته باز گردیده و هر روزه نیز در ازدیاد است و گمان میرود که بتدریج مسلمانان کلیه احتیاجات رفع خودرا از هندوها بخواهند خرید و فروش پارچه نیز کاملا بدست هندوها است شنیده میشود که برخی ازصاحب ثروتان با غیرت اسلامی حاضر گردیده اند که این احتیاج ملی راهم از هندو مرتفع سازند هندو ها باید این نکته را بخوبی ملتفت شوند که عده مسلمین در بنگال خیلی بیش

از هنود است و زراعت یات (گونی) و برنج و امثال آن بیشتر بدست مسلمانان میشود ازین رو میتوان گفت کمتر از این اعتصاب فائده تواند برد نفوس اسلامیه بنگال افزون از بیست و پنج ملیون است این جماعت اگر بخود سازی در آیند در قلیل زمان میتوانند احتیاجات خود شان را از سائرین قطع کرده دارای همه چیز هم بشوند حالا موقع آن رسیده است که مسلمانان حقوق حقه خود شان را از فرمانفرمای هند و حکمران بنگال معتدلانه و مودبانه طلب کنند باید عده پولیس کلیه بنگال از روی عده نفوس باشد دار العلوم ـ کلکته (یونیورسته) با دو هزار اعضا ملازمین مسلمانش به هیجده نمی رسد آن هم از قبیل صحاف و کتاب دار وغیره البته برخی ایراد خواهند گرفت که اگر چنین باشد جز چهار نقطه هندوستان که یکی بنگال ودیگری پنجاب و سومی کشمیر و چهارمی صوبه جات سرحدی باشد هنود بر مسلمانان غلبه عددی دارند ولی در کلیه هندوستان اگر نا شود تساوی حقوق از روی عدد داده شود مسلمانان در نقصان توانند ماند بعقیده ما وظیفه حکمدار عاقل آن است که این مسئله را قطعا تصفیه نماید که هندوستان دارای دو قوم است از روی سیاست باید جمیع حقوق این دو قوم متساوی داده شود اگر بلاحظه اقلیت و اکثریت عددی بنمایند زیانات بزرگ دچار این دو فرقه تواند گردید و بزرگترین اسباب صلح وسلام هندوستان هم همین است که قوای این دو امت برابر قرار دهند چه باصول سیاست توازن قوای دو دولت یا دو ملت یا دو امت بزرگترین اسباب صلح وامنیت شناخته آمده پس باید از این و بعد حکمدار کل هندوستان این نکته اهم را از مدنظر دور ندارد که صلح وسلام هندوستان درسایه توازن قوای هندو و مسلمان که دوامت مخالف اند قرار یابد

ازهمه گذشته ما نمیتوانیم امت هندو را یك فرقه گوئیم چه اگر مراجعه بمردم شماری شود و اقوام وذوات مختلفه هنود بشمار آیند تسلیم خواهد شد که مسلمان بزرگترین اقوام هندوستان است چه مسلمان تماماً درسایه تربیت اخلاق محمدیه همه یکقوم شناخته شده یك نفر از پست ترین مسلمانان اقصای بنگال میتواند برود بدهنه پنجاب بدون منافرت و مغائرت بابزرگترین خاندان اسلامی آنجا وصلت ومعاشرت نماید وهمین است معنی اخوت وبرادری و قومیت و ملیت و این حقیقت درمیان هندوها نیست بلکه درکلیه هند یك ذات ویك امت هندو که نصف مسلمان هم باشد دیده نمی شود ازاین رو میتوان گفت که مسلمانان هند امروزه اولین قوم قوی هستند که غلبه عددی هم برسائر اقوام مختلفه هندو دارند و هندوها که همه این ذوات مختلفه را نسبت بخود میدهند بواسطه اینکه غلبه عددی خود را ظاهر دارند و در حقیقت چنین نیست چه تمام هندو را یك قوم نمی توان گفت بلکه هندوها نیز این نکته را تصدیق می نمایند صدها ذات های مختلف در هندو است که تباین شان از یکدیگر باندازه است که هیچ کس انها را یك امت تواند شناخت

این مسئله خیلی وسیع است و زمانه و پیش آمد واقعات خود بخود اصلاح خواهد نمود برگردیم بمناقشه مسجد و بتکده درکلکته چنانچه نگاشتیم از همت و جدیت پولیس و نظامیان انگلیس امنیت ظاهری یافته بود زدوخورد مسلمان وهندودرشهرختم شده ولی اندك اندك سائر نقاط بنگال هم این مناقشه خود را کشیده جنگ مسجد وبتکده جاری آمده است سرونت که یك ازاخبارات یومیه کلکته هنود است مینویسد که دراطراف بنگال چهل بتکده را مسلمانان خراب وبت های محترم را بتکده و بخاك انداخته اند هیچ لازم به بیان نیست که کم یا بیش هندوها هم با مساجد مسلمانان همین رویه را معمول داشته اند وخوف آن میرود که اگر بایك اصول صحیح متینی جلوگیری نشود این جنگ خانمان سوز مسجد و بتکده بکلیه هندوستان سرایت نماید و علاوه اگر جداً جلوگیری نشود ممکن است این جنگ در آتیه صورت وخیم سیاسی اختیار کند

بتازگی در بیست فرسنگی یا هفتاد میلی کلکته کهرك پور جنگ شدیدی بین مسلمان وهندو چند روز متمادی و عده زیادی مقتول ومجروح آمده اند میگویند تناسب عددی مسلمان از هندو یك از دوازده است با این حال مسلمانان باکمال قوت قلب ایستاده دفاع میکنند

حکومت بنگال لاردلتن در دارلحکومه خویش مجلسی ازروسای هندو و مسلمان منعقد ساخته از طرفین خواهش نمود که بین خودشان قرار و مداری داده رفع کدورت و مناقشات ذات البین را نمایند اساس مناقشه هندو و مسلمان در کلکته چنانچه نگاشتیم این بود که فرقه آریه سماج که یك ازطبقات هنود است خواستند مظاهرات مذهبی خود را باسازوآواز از جلو مسجد بگذرانند مسلمین هم زیر بار این توهین مذهبی نرفته زد و خورد آغاز وکار اینجا کشید که همه دیدیم ازاین روحکمران بنگال را خواهش اینست که هندو و مسلمان بین خود قرار و مداری داده مسئله سازوآواز را در تظاهرات مذهبی درجلو مساجد تصفیه کنند در آن جلسه نتیجه مطلوبه حاصل نشد یعنی اتفاق آرا بین هندو و مسلمان حاصل نشد بازحکمران بنگال بطرفین توجه نمود که بین خودشان

قرار و مدار قاطعی داده بحکومت اطلاع بخشید تا آن قرار و مدار را بموقع اجرا گذارد واگر چنین نکنند حکومت شخصا برای حفظ امنیت محاکمت قرار داد قاطعی داده اعلان خواهد نمود عقیده ما آنست که هندو و مسلمان نمی توانند این مسأله را بین خود تصفیه کنند بهتر همان است که حکمرانان بنگال اصول عادلانه اتخاذ فرمایند تا احترام کابه معابد بر قرار مانده امنیت هم حکمفرما گردد و بهترین اصول اینست که زدن ساز و نواز را چه عروسی باشد چه عزا چه مظاهرات مذهبی در جلو مساجد و بتخانه ها و کلیسا ها و معابد خاصه ها و امثال این نقاط کلیتا ممنوع دارند و این حکم هیچ گونه طرفداری از هیچ ملتی نه شده و همه هم راضی خواهند گردید و معابد همه هم محترم خواهند ماند و اگر اصولی غیر ازاین اختیارشود اسباب مناقشه‌ومنازعه همیشه باقی و خوف و هراس جنگ هندو مسلمان همواره قائم خواهد ماند

مشکل اینجاست که منازعه و مناقشه هندو و مسلمان فقط همین یك مسئله نیست عید الضحی و گاو کشی نیز یك از مسائل مهمی است که از سی سال باین طرف سرمایه نزاع و کدورت هندو و مسلمان گردیده و بدون اغراق هزاران نفوس محترمه بشری قربان حضرت گاو شده است باید حکومت فکرصحیحی برای این مسئله هم بنماید چه عید الضحی در پیش است و بسرعت میرسد خدای ناکرده تجدید مطالع جنگ هندو و مسلمان نگردد

در هر صورت هنوز تاکنه خیلی اول ایام میخواهد تا بصورت اولیه باز آید عده نفوسی که فرار به اطراف نموده باز نگشته اند عمران اولیه کلکته نمودار نیست خصوصا چون هندو و مسلمان درمعاملات از یکدیگر اعتصاب دارند بیشتر اسباب بیرونقی کلکته آمده است -

توسعه زراعت چای

در نتیجه تلگرافی که از طرف وزارت فواید عامه به آقای عدل نماینده اعزامی ایران برای خرید ماشین آلات چای شده و ده هزار تومان جهت خرید آنها حواله صادر گردیده بود اینك اطلاع رسید که با دولت هلاند مشغول مذاکره برای خرید ماشین های بو دادن چای و موتور بخار و عمل آوردن چای بوده و قریباً ماشینهای لازمه برای توسعه محصول چای خریداری و ارسال خواهد شد

ماشین های جاده کوبی

اخیراً وزارت فواید عامه دو دستگاه جاده کوب بمبلغ دو هزار تومان ابتیاع وحمل به ایران شده است -

حسب الامر مدیر و سردبیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعه حبل المتین نمبر ۸۸ بندل رود طبع

مراسلات بی امضا درج نمیشود
(مقالات غیر مفیده) مسترد نمیشود
[و اعلانات] وجه اشتراک
از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
(مقدم گرفته میشود)
روزنامه مقدس

مکتب امور سیاسی
[مدیر کل]
(سید جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[دبیر... س مؤید زاده]
[...]

هر هفته روز سه شنبه
توزیع میشود

قیمت اشتراک
سالیانه ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه . ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران ۳۵ قران
(ممالک سایره)
(سالیانه)
[یک و نیم لیره انگلیسی]

حبل المتین

سنه ۱۳۰۱

یوم سه شنبه ۹ فروردین سنه ۱۳۰۵ شمسی مطابق با ۱۵ رمضان المبارک سنه ۱۳۴٤ هجری
مطابق با ۳۰ مارچ سنه ۱۹۲٦ میلادی

ظنیات سیاسی
(یا جنگ حتمی آتی)
[۲]

ناچاریم در تائید نگارشات خود بشمهٔ از طوفان بی تمیزی که در جامعه ملل بلند گردیده اشاره نمائیم

§ تا بداند مومن و گبر و یهود §
§ کاندرون صندوق جز لعنت نبود §

مسئله شمولیت آلمان در جامعه ملل بحیثیت دائمی و تساوی حقوق اغراض و مقاصد سیاسی موسسین جامعه را آفتابی ساخت و عاقبت در ضدیت نماینده یک جمهوری کوچک آمریک شمالی برازیل که سهواً در شماره قبل پرتگز نگاشته آمده تمام اقدامات دول بزرگ خنثی ماند یک از جرائد معتبره انگلستان مینویسد یک نفر امریکائی (غرض ولسن است) این طوق لعنت را که بجامعه ملل نامبردار گردیده بگردن اروپا انداخته خود را علیحده ساخت اینک یک امریکائی دیگر [غرض نماینده برزایل است] آن توده خاشاک را در آب برافروخته خودکناره خواهد گرفت دیگری از جرائد انگلستان مینویسد که جامعه ملل بجای اینکه اسباب صلح و صلاح و دوستی و امنیت عمومی حال گردد موجب نفار و کدورت بلکه آتش رقابت و ضدیت را بقسمی دامن میزنند که آن واقعاتی که قبل زبان ... شود بسرعت مهیا میگردد ... امروزه ... امنیت و صلح عمومی جامعه ملل را باید گفت برباید آمریک مینویسد که مؤسسین جامعه ملل ... داشته که غرض اصلی همانا ... کوچک ... ولی در

باطن همان مسلک توازن قوا که قبل از جنگ عمومی مسلک کلی سیاسیون اروپ بود مؤسسین بزرگ جامعه را مقصد اصلی قرار گرفته است البته چنین جامعه بجای نفع زیان خواهد بخشید ازین رو آمریک که قصد شرکت در کانفرانس ترک سلاح که از جانب جامعه در ژنو تشکیل خواهد شد داشت اجتناب خواهد ورزید

عاقبت عضوهای بزرگ جامعه ملل ناچار آمده که عضویت آلمان را معوق به آینده قرار دهد و نیز جرائد آمریک مینویسند که نماینده برازیل به تنهائی آن قوت را در جامعه دارا نبوده و نیست که بتواند تمام اقدامات و عقائد دو ساله مؤسسین بزرگ جامعه را زیر و بالا نماید معلوم است که در پشتبانی نماینده برازیل قوائی دیده میشد که از خوف اختلاف بزرگتری تعویق عضویت آلمان را مناسب تر یافتند برخی هم چه تصور میکنند که چون ایطالی از بعد مراجعه یونان بجامعه در موضوع تجاوز قوای بحری ایطالی بجزائر یونان چندان با خیالات جامعه همراه نبوده همواره در نظر داشت ضربتی شایان بجامعه برزند و ممکن است این ضربه را جامعه از ایطالی یافته باشد در یکی از بیانات خود سینور موسولینی اظهار داشته است که ایطالی امروزه غیر از آن ایطالی است که معاهده صلحیه وارسلیز را امضا کرد - عجب اینست با اینکه عملا جامعه ملل درهم شکسته و مورد تنفر عموم واقع گردیده حالا (مستر چمبرلین) و طرفدارانش ساعی اند با بیانات آتشین خود شاید آن خرابیها را اصلاح کنند چنانچه ظرافت طبع مستر چمبرلین هراین موقع یک جمله را ... نموده میگوید والفات ... بدون

شبه‌ها را عقب نماید، شکست نداده است چون شش ماه موقع و مهلت در دست است کوشش خواهد شد برای پیش فتح شعبه‌های آتی جامعه ملل . ولی ارباب سیاست میدانند که این بیانات پاره های جامعه را رفو نتواند کرد و خیالات عمومیه که از وی متشنج شده باز نتوان گردانید

اما کنفرانس ترك سلاح این هم از مجالس بی‌اساس بی‌نتیجه است چه مؤسس آن هیچیك باخلوص و نیت صاف به صلح خواهی پیش نیامده اند در حقیقت کنفرانس ترك سلاح یك جنگ سیاسی است بین فرانس و انگلیس و آمریك چه فرانسه علاوه بر اینکه قوای بری اش امروزه تمام اروپا را متزلزل داشته ضمناً با چند دولت دیگر مانند لهستان و رومانی و بلژیك و چکوسلاویا عقد اتحاد بسته و در کار بستن است ظاهر است اگر این قوا متحد شوند بهر طرف که توجه نمایند مقصود خویش را از پیش توانند برد دولت انگلیس قوای موجوده فرانسه را خطرناك تصور کرده نقشهٔ کنفرانس ترك سلاح را ریخته است فرانس برای اینکه در کنفرانس تنها نباشد مناسبات خود را با دولت ساویت خیلی پیشرفت داده میخواهد که با روس توام شده در کنفرانس تجویز کنند که دول بدواً قوای بحری را کم کرده سپس قوای بری بپردازند ظاهر است که امروزه قوای بحری منحصر به سه دولت گردیده . انگلیس آمریك ژاپون و هیچ یك از این دول به کم نمودن سلاح بحری خود تن در نتواند داد ژاپون میگوید که بواسطه حفظ جزائر خویش مجبور است به نگاهداری قوای بحری امریك میسراید که دریای پسه فك امنیت نتوان یافت جز بقوای بحری وی کم نمودن قوای بحری نتیجه اش جنگهای مختلف و ناامنی های حتمی در دریای پسفك است انگلیستان میگوید که بواسطه وسعت خاك مستعمرات و تجارت بزرگی که در دنیا دارد نمی‌تواند از قوای بحری خود بکاهد

معلوم است در اینصورت نیز دولت فرانس و روس و دول متحده با فرانس این نغمه را خواهند سرود که تا وقتی قوای بحری کم نشود محدود ساختن قوای بری چندان موثر نیست نتیجه همانست که نگاشتیم این کنفرانس هم بدون نیل مرام خاتمه خواهد پذیرفت و بعید نیست که بجای نفع زیان بخشد و رقابت دول را دو چندان کند رموز دانان امریك و انگلستان پی باین نکته برده ساعی اند که شاید بفشار مالی که بفرانسه وارد آورده شود مسئله ترك سلاح را تقویت بخشند اگرچه شکستن فرانك و تنزل قیمت آن باین پایه خیلی ما از انحلال کابینه و عدم توازن جمع و خرج بودجه فرانسه تصور میکنند ولی واقفین به نکات سیاسی تنزل فرانك وضیق مالیه فرانسه را از اقدامات (قانونی) های امریك و انگلیس میدانند به هر حال در کنفرانس ترك سلاح اگر پیشرفتی هم بشود موقتی و این کاسه و کوزه ها هم بر سر دول کوچك بی اسلحه خواهد شکست

و اگر قرضه بزرگ آمریك و انگلیس در فرانسه بود تا کنون فرانسه وی شکست شده بود بعضی‌ها هم تصور میکنند که فرانسه مانند آلمان خود ساعی است که فرانك را یکدفعه از حیز انتفاع انداخته زیر بار قروض داخلی خویشتن را نجات بخشد

پس از این مقدمه باز میگردیم بموضوع مقاله خود که عبارت از جنگ حتمی آتی باشد . واقعات جامعه ملل جنگ حتمی آتی را نزدیك ترمی نماید و کنفرانس ترك سلاح نیز همین نکته را مؤید خواهد گردید چنانچه گفتیم شاخص این جنگ روس و انگلیس خواهند بود پس خوب است قدری هم در اغراض این دو دولت مریض طماع باریك شده تا سرپوش از مطالب بسیاری برداشته آید . اغراض این دو دولت آنچه اجتماعی است در جنگ حتمی آتی همانا علوی جوئی وجلب نفع و پیشرفت در شرق و راحت بخشی بملت خویش است اما اغراض انفرادی شان از این قرار است

دولت روس از قبل پطر کبیر تا کنون در صدد است که ساحل گرمی را بدست آورده تا بتواند یك قوه قوی بحری تشکیل داده جلوگیری از رقیب خویش نماید دولت روس با آن وسعت خاك یك بندر گرم ندارد و از این رو برای او ممکن نیست که قوای بحری خود را مانند دول بزرك آمریك انگلیس ژاپون تقویت بخشد واین اب گرم برای روسیه از دو طریق میسر است یکی گذشتن از اناطولی ترك و دخول در شام و قبضه بر بندر طرابلس یا الکندرونا دوم گذشتن از داخله ایران و رسیدن به خلیج فارس بهمین مناسبت بود زمان میرزا علی اصغر خان امین السلطان عهد مظفرالدین شاه روسها برای خرید بندر عباس آماده شده و مظفرالدین شاه را هم اماده ساختند نهایت انگلستان هوشیار به قسم سری کرشمهٔ سیاسی رقصاند که این بیع و شرا صورت نه بست وازهمان وقت دولت انگلیس توجه مخصوص به خلیج فارس نموده اقتدار و نفوذ خودش را در آبنای ما زیاد کرده و هنوز هم همان مسلك تعقیب میشود لزان بعد که دولتین انگلیس دست اتحاد بروس داد و شمال ایران را بروسیه و جنوب را در نفوذ خود آورده بعهده خلیج فارس در منطقه بیطرف قرار یافت و روسها نهان خیال دور اندیشانه که بدست آوردن آب گرم باشد نا یم نشدند که خلیج فارس جز منطقه انگلستان قرار گرد انگلستان هم چون در آن موقع مصالح دوستی

روس بودند ساکت مانده حل این معنی را بوقت دیگر گذارده‌اند ولی عملا انگلیسان چنانچه نوشتیم در خلیج فارس بر اقتدار و نفوذ خود افزوده و می افزایند این عقیده که حالا روس جمهوری شده و مسلک تساوی جوئی اختیار کرده از خیالات اولیه جهانگیری خاندان رومانوف صرف نظر نموده سخنیست بچگانه نهایت موقع روس مقتضی مسلک بالشویزی شده مقصد او ذره هم تغییر نکرده و نخواهد هم کرد

§ بهر رنگی که خواهی جامه میپوش §

§ من انداز قدت را می شناسم §

اما مسلک انگلیسان چیزی نیست که از کسی پوشیده باشد از یکصد و پنجاه سال باین طرف سیاسیون انگلیس باسم محافظه هندوستان چندین هندوستان دیگر را تصاحب نموده اند و این مسلک باندازه برای انگلستان نافع ثابت شده که محال است بخودی خود ترک آن گویند برای این پیشرفت همین مسلک است که انگلستان دو اصول دیگری هم اتخاذ کرده اول اینکه با هر قوتی در این عالم مخالف است یعنی هر دولت که قوی شود دولت انگلیس مصر و مصمم است که بصرف هر مبلغ و هر گونه فدا کاری باشد قبل از اینکه باوی مصادف آید قوای اورا درهم شکند قضیه ناپلیون و اتحاد انگلیس با ژاپون برخلاف روس و دست اتحاد با فرانس و روس دادن برخلاف آلمان این مسلک را بخوبی آشکارا می نماید

اصول دیگر انگلستان این بوده و هست که تا جائیکه ممکن شود جنگ را از مملکت خود و مستعمرات خویش بیرون قرار دهد چنانچه در جنگ بین المللی دیده شد که با آن عمومیت جنگ در مستعمرات انگلستان یک تفنگ شلیک نشد همیشه ساعی بوده و هست رقبای خود را با دیگران مشغول داشته بتسائید آن بکوشد و درحقیقت درجنگ بین المللی هم همین مسلک را داشت و بازهم خواهد داشت ازین بیان اولیای دولت ما خیلی مسائل سیاسی را استنباط توانند کرد و راه صحیحی برای آینده خویش پیدا توانند نمود

القاب سلطنتی

و خانواده سلطنت

رسماً عناوین سلطنتی و خانواده سلطنت را بقرار ذیل معین نموده اند

شاه ـ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

ولیعهد ـ والا حضرت اقدس

سایر اولاد شاه و اولاد ولیعهد ـ والا حضرت

سایر خاندان سلطنتی ذکوراً ـ شاه پور ـ اناثا شاه دخت ـ

و این القاب و عناوین متعلق به اولاد بلا فصل میباشد ـ

حبل المتین

دولت به تکلیف خود عمل نمود امید است متملقین با انصاف هم بگذارند تا القاب بیهودهٔ بی معنی از بین مرتفع آمده یک اصول ساده بین دولت و ملت رواج گیرد جرائد ملیه راست که در تعلیمات ملی و سر مشق انان رویه تملق را کنار گذارده هر چه می گویند ساده و صاف باشد حالا بر همه معلوم گردید که اعلیحضرت شاهنشاهی چون سرباز شجاع است اعتنا به الفاظ مانند ظل اللهی ، قدر قدرت ، خاک پای فلک فرسا و امثال آن ندارند بلکه از این مسلک بیهوده متنفرند و رنه از روی طیب خواطر القاب خود و خانواده خویش را ساده و محدود نمی ساختند یقین است مسئله را که وکلای دورهٔ پنجم درحذف تعارفات لفظی و ساده گوئی و ساده نویسی موفق نیامدند وکلای دوره ششم موفق آیند و همان قسم که وکلای دوره پنجم مردم را از القاب بیهوده نجات بخشیدند وکلای دوره ششم نیزازالفاظ تعارفی مهمل هم مردم را نجات دهند

انتخابات دورهٔ ششم

فرمان شاهانه

جناب اشرف رئیس الوزرا ـ در این موقع که عنقریب اهالی مملکت باجراء وظیفهٔ ملی خود در انتخاب نمایندگان دوره ششم مواجه خواهند شد مقرر میفرمائیم که مراقبت کامل بنمائید احدی از مامورین دولت در انتخابات اعمال نفوذ ننموده و انتخاب نمایندگان بانهایت آزادی بعمل آید و یقین داریم خود اهالی مملکت بواسطه پی بردن بلزوم اجراء اصلاحات اساسی سریع در مملکت دقت کامل خواهند کرد که عناصر اصلاح خواه و وظیفه شناس و مملکت دوست را که قادر به اجرای وظایف نمایندگی ملی باشند و در پیمودن طریق اصلاحات باقوه مجربه همقدمی بنمایند انتخاب خواهند نمود ضمناً لازم میدانیم که هیئت دولت نیز تمام هم خود را متوجه اصلاحات نموده و با جدیت وافی موجبات اجرای آن را فراهم نماید

بنابراین امر آکید میدهیم که اقدامات لازمه را نسبت باصلاحات مملکتی بعمل آورید و قوانین مصوبه مجلس پنجم بلا تاخیر بموقع اجراء گذاشته شود و نسبت باصلاحاتی که محتاج بتصویب مجلس شورای ملی است لوایح قانونی آنرا از حالا تهیه و حاضر نمائید که بمجرد افتتاح بمجلس پیشنهاد شود و نظر باینکه پایهٔ اصلاحات مملکتی در روی بودجه باید گذارده شود لهذا مقرر

میدهیم که بودجهٔ سنه آتیه ۱۳۰۵ با حفظ حتمی اصل تعادل بودجه دخل و خرج مملکتی واحتراز از کسر آن بترتیب الاهم فی الاهم بسر سابق احتیاجات مملکتی و مطابق اصلاحات منظوره تنظیم شود و البته در ضمن تنظیم بودجه توسعهٔ قوای تامینیه و اجراء قانون سجل احوال و قانون نظام اجباری و توجه بحفظ الصحه عمومی و جلوگیری از مرض مالاریا و سایر امراض مسریه و تعمیم ورزش و همچنین توجه بترقی اقتصادی و تکثیر ثروت عمومی مملکت که مستلزم توجه مخصوصی براه سازی و تکثیر و تکمیل وسایل نقلیه و بهبودی اوضاع فلاحت و تجارت است و نیز اصلاح قوه قضائیه وبسط معارف باید در نظر گرفته شود مخصوصاً در قسمت اصلاح قوه قضائیه و ایجاد امنیت حقوقی برای اهالی مملکت باید از طرف هیئت دولت توجه مخصوصی بعمل آید

در تصحیح قوانین موجوده با دقت کامل در انتخاب قضاة صحیح العمل و اجراء مجازات در حدود قانون نسبت بقضاتی که حقوق مردم را تضیع مینمایند موجبات تسهیل و تسریع جریان محاکمات و تامین حقوق عامه بعمل آید

همچنین تکمیل قانون مرور زمان تهیه موجبات اجراء قانون ثبت املاک و قانون مدنی و اجراء قانون جزای عمومی که در اصلاح قوه قضائیه تاثیر کامل خواهند داشت و منظور نظر ما بوده اقدام عاجل بعمل آمده نتیجه را بعرض برسانید

شاه

تاکید ریاست وزراء بر طبق فرمان شاهانه

وزارت جلیله داخله ـ حسب التکلیف برطبق اراده سنیه ملوکانه خاطر آن وزارت جلیله را متذکر میسازد که لازم است اهتمامات وافیه در فراهم ساختن موجبات سرعت وحسن جریان انتخابات دوره ششم تقنینیه بعمل آورید تا ایام فترت بین مجلس پنجم وششم ایدحتی الامکان کوتاه باشد و نیز بطوریکه در صدور دستخط جهان مطاع مبارک مورخ ۲۷ بهمن ماه ملاحظه نموده اید اراده شاهانه بر این است که انتخابات کاملا مطابق قانون و اصول صحیحه انجام گیرد و ملت در اختیار نمایندگان خود مطلقا آزاد باشد بنابر این لازم است بعموم مامورین دولت قدغن آکید نمائید از هرگونه مداخله غیر مشروع و اعمال نفوذ در امر انتخابات خود داری نمایند و متذکر سازید که هرکس از این شیوه مرضیه تجاوز نماید بمعرض سخط شاهانه در خواهد آمد و مستوجب مجازاتهای مقرره در قانون انتخابات و قانون مجازات عمومی خواهد شد و مخصوصاً مواد قوانین مذکوره راجع باینموضوع را باید خاطر نشان عموم نمود و نتایج وخیمه مداخلات غیر مشروع را در امر انتخابات اعم از تطمیع و زور وتدسیسه و تهدید و تطابیع وغیره آشکار ساخت متصدیان امر انتخابات و کسانیکه قوای دولتی بآنها سپرده شده باید بدانند که تکلیف ایشان فقط اجرای قانون و حفظ امنیت و حمایت آزادی افراد میباشد و بکار بردن قوه قدرت دولت برای مقاصد و اغراض شخصی خیانت به مملکت و تمرد از امر صریح صادره از مصدر سنیه سلطنت است داوطلبان مقام وکالت هم باید بدانند که از دولت و متصدیان امور توقع اعمال نفوذ بجهت منتخب شدن نباید داشته باشند و از ضدیت و مخالفت آنان نیز نباید نگران باشند و انتخاب خود را فقط از اراده آزاد ملت و انتخاب کنندگان متوقع باشند همچنین عموم ابناء وطن و انتخاب کنندگان باید متوجه باشند که در اقدام بانتخابات بهم ترین و معظم ترین وظایف خود را مجری میدارند و سر نوشت مملکت و سعادت و شقاوت خود و هموطنان را بدست منتخبین خویش می سپارند نمایندگان ملت باید مردان خدا ترس و مهذب ووظیفه شناس وعالم بمقتضیات و مصالح مملکت و قادر برایفاء وظائف خود باشند مصالح عمومی را بر منافع خصوصی و شخصی مرجح بدانند و بانیات مقدسه پدر تاجدار ملت که جز خیر و سعادت قوم و ترقی و تعالی وطن عزیز منظوری ندارند ابراز موافقت و صمیمیت نمایند تا ستاره امیدی که برای این مملکت طلوع نموده باوج کمال رسد بعون الله تعالی وتوفیقه

محمد علی فروغی

حکم وزیر داخله

(حکام و مامورین ولایات و ایالات)

قرائت کنندگان اوامر شاهانه و مطالعه کنندگان تعلیمات دقیقه حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء از نیات دولت و تصمیماتیکه در اطراف انتخابات شده است آگاهی خواهند یافت وزارت داخله عهده دار است که فرمان همایونی و تعلیمات رئیس دولت را مطابق النعل بالنعل بموقع اجرا گذارد و تخلف از آن را موافق ماده ۴۴ قانون انتخابات وماده ۹۱ ـ ۹۲ قانون مجازات عمومی و سایر مقررات راجعه بمسئولیت متعدین تعقیب کند بنابر این مامورین دولت را بوظائف خودشان متذکر و عامه را بانتخاب وکلائیکه شایسته اعتماد و زیبنده این مسئولیت مهم باشد متوجه و امید وار است که ملت در ایفای حقوق خود بیدار و عامه از این موهبت شاهانه و مراقبت دولت برخوردار باشند ـ

حبل المتین

فرمان شاهانه و تاکید رئیس الوزراء و حکم وزیر داخله نیات دولت را در بیطرفی وحسن جریان انتخابات بهترین دلیل است امیدواریم تراکت

... رفتار ... را تولید نماید پرستکنند.
... معتقدیم که مجلس موسسان را بی طرف نتوان ... انتخاب دوره ششم را تاکنون بی طرف باید دانست ... و دولت در اینمواقع محتاج به اعمال نفوذ نیستند ... ایران انتخاب موسسان هم باشد دراین تنخاب ... و دولتیان یکدفعه بیطرف خواهند اند اگر رای ... وظیفه خود را نشناسند اگر اشخاص نازیبا و ... را انتخاب کنند قصور برخودشان است چه توان کرد ... ملت ما جاهل است و قدر رای خود را نمیداند حزب قوی هم نداریم تا قائدین احزاب ملت را به ... برای دعوت کنند جراید داخله درموقع انتخابات اگرچه ازادند ولی دولت و موقع از رای شان باقی نمانده در هر صورت امیدواریم وکلای دوره ششم از اشخاصی انتخاب شوند که قابل و لایق و از عهده این کار مهم برآیند فعلا اراده قوی درکاراست اگر بتوان تشکیل یك حزب قوی هم داد یعنی در سایه حزب قوی واراده قوی پیشرفت کرد بدون نمه راه یکسال را یك شب طی توانیم نمود ولی تاوقتیکه ملت واقف بمواقف عصرنشود وحقوق خویش را نشناسد امید حزب قوی خیالی است موهوم دولت هم باید بداند که از ملت جاهل استفاده بزرگ وعمده تواند نمود بیش از همه چیز باید در توسیع معارف عمومی کوشید

§ هرچه داری اگر بعلم دهی §

§ ... کردمی زبان بینی §

وکلای دوره ششم مجلس بخوانند

بهر حال وکلای دوره پنجم شورای ملی ایران تاحدی ... قوه داشتند وظائف خود را انجام داده خدمات برجسته اخر دوره انها به ملت و مملکت به ما اجازه میدهد که دوره پنجم مجلس را دوره خوب بخوانیم

هرگاه نقصی هم در آن دوره بوده برای خاطر زحمات قسمت اخیر آندوره که وکلا با روی گشاده متحمل شدند باید چشم پوشیدو منتظرگردیدکه در دوره ششم آن نقائص رفع گردد به این معنی که از تجربه تلخی که دوره پنجم حاصل کرد و فضلای ایران آن تجربه را در جرائد تشریح نموده و حالی کردند امید میرود وکلای دوره ششم ازان پند گرفته و راه اصلاحات داخلی مجلس را صاف و روشن بینند

ایران خیلی کار دارد و همه ان کارهارا هم مجلس شورای ایران باید سروصورت دهد در ادوار گذشته اوقات مجلس زیاد صرف مذاکرات لفظی میشد و این خود یك عیب بزرگی بود که همه باید ملتفت ... باشند ... از دانشمندان ... مجلس پنجم تشکیل منظم احزاب نموده معلوم است که منظم نبودن احزاب پارلمانی خود یك نقص بزرگی است بنظرما اولین قدم که وکلای اینده مجلس شوری بر دارند باید اصلاح داخلی مجلس باشد و جلوگیری از تلف شدن وقت و نزاع لفظی هرگاه گفته اید که وظیفه مجلس شورای ملی مطالعه و دقت درکارهای مجلس است و باید آن مطالعات و دقائق از طریق گفتگو بعمل آید این جواب در مورد خود صحیح است امانه هر گفتگوی بی جائی هرگاه آنظامات داخلی مجلس درست باشد خیلی از گفتگو ها پیش از جلسات رسمی شده و مطالعات در خارج به کارها شده و در مجلس بعد اخذ رای داده میشود

مقصود این است که وقتی را که وکلای پارلمان ایران دارند خصوصاً وکلای دوره ششم خیلی قیمت دارد هرگاه گفته شود که هر ساعت وقت وکلای مجلس ششم ایران چندین مقابل ساعات دورهای گذشته واینده مجلس های ایران قیمت دارد سخن به اغراق گفته نشده

وکلای مجلس ایران باید بدانند که آن بناهائی را که در دوره پنجم نهاده اند اساها و طرح های بی ستون یا بناهای بی پشتاست یا بعبارت دیگر کافت کاری بنائی است وکلای دوره ششم باید پشت بندی های آن بناها را درست کنند باید بازیل کاری آن بناها را نمایند لذا تدبیر وکفایت و درك مغز و جدیت ششمی ها باید بیش از پنجمی ها باشد.

به نظر من کار عمده وکلای دوره ششم کار عدلیه است که در ضمن ان کار کارقانون جزای عرفی که مکرر حل المتین گوشزد کرده است میباشد

هرگاه اندك تامل درکارهای گذشته نمائیم تصدیق خواهیم نمود که اصلاح عدالتخانه های ایران در ردیف کارهای مهم است ما امروز دارای امنیت میباشیم و لازم نیست زیادتر دران باب حرف بسرزنیم راه هامان هم الها که شاه راه است شوسه شده و یا دارد میشود و در مقابل خرج راه هم عایدی داریم از این بابت هم اسوده شده ایم و نه دیگر باید داد و فریاد باج راه بشنویم و به نگرانی خرابی راه ها را داشته باشیم چیزی که از برای ما باقی مانده و بایدان را اصلاح کنیم تا اینکه نتیجه از امنیت و شوسه شدن راه ببریم فقط اصلاح عدلیه است تا تکلیف هر فرد اهالی مملکت در مقابل قانون معلوم باشدسپس خواه ایرانی باشد خواه تورانی از امنیت و از راه صاف ایران مطمئن شده تجارت خود بخود در ایران راه خود را پیدا کرده خودی و بیگانه رغبت به زندگانی در مملکت خواهند نمود.

یکی از امرهای خوب گذشته ما کارهای قانون ممیزی است اصلاً این مملکت ایران واین ملاکین ایران واین مامورین ایران ایا امکان دارد که قانون ممیزی را بدون اصلاح عدلیه و قوانین عدالت وجزا بی دردسر و بی هیاهوی و جنجال بموقع اجرا گذاشته شود؟ جواب آن را واگذار به اقایان وکلا مینمایم

راه آهنی را که با این همه جمعیت مشغول تاسیس میباشید آیا میدانید در موقع عبور از زمین ها و ساختمان بناهای لازمه چه قدر گرفتار گفتگوی زمین دارها و صاحبان املاک میشوید؟ امروز راه آهن نیست و زمین ها قیمتی ندارد علیهذا فتنه خوابیده است اما فردا که چکش اول را در محوطه روی آهن کوبیدند در اصفهان زمین بایر پشت باغچه ملاذ الانام ملك طلق ورثه مرحوم طاب ثراه گردیده و چندین پارچه کاغذ بقدر میدان شاه به خاتمهای مبارك مزین شده وآن زمین قطعه از قطعات زمین نیویارك میگردد و قیمت ان را خدای ذوالجلال میداند ازروز است که مرافعه از روی مرافعه برخیزد و زید و عمر برای تکهای زمین به جان هم افتند

چرا من اینقدر دور میروم و حکایت از قضاوت قونسل ها یا بقول طهرانیها کاپی تالی سیون نمیکنم ایا این درد قلبیٔ را که ما داریم جز به دوای اصلاحات عدلیه رفع میشود؟ تصور میکنم هرکس بگوید نه غیر از این دوائی نیست

پس اصلاح کار عدلیه باید اول کار و کلای دوره ششم باشد شاید یکی پیدا شود بگوید ما باید اقتصادیات را برهرکار دیگر مقدم گذاریم یا دیگری بگوید تحصیل عایدی دولت پیش از این ها باید بشود ما همه اینها را قبول داریم اما میگوئیم انها هم بعد از اصلاح عدلیه است امکان ندارد ابرو واعتبار دولت و ملت ایران زیاد شود چه در داخله و چه در خارجه تا وقتی که عدالت در آن مملکت منظم نباشد یکی از اشنایان خارجه من که سفری به ایران کرده بود می گفت من برای دیدن اوضاع تجارت رفتم به ایران اما دیدم تجارت در ایران کاری است خطرناك شما جنسی راکه فروختید پول آن فردا وصول میشود و این فردا در لغت ایرانی به تمام روزهای سال اطلاق میشود و قانونی هم برای محدود ساختن فرداهای ایرانی وضع نشده لذا شما نه مالك جنس خود هستید و نه از برکت فرداها به قیمت جنس خود رسیده‌اید باید برحم و مروت خریدار متوسل گردید و هم چنین است جنسی را که بخریدهم جدی از برای تصدیق خوبی یا بدی جنس نیست مگر رضایت طرفین هرگاه اختلافی هم پیش اید مجبور به اصلاحید والا راه دیگری برای ایرانی علاج ندارد گفتم خوب بود وکیل قرار میدهید گفت گویا شما ترك باشید نه ایرانی گفتم چرا گفت وکالت تـ..لغ شد گفت ملکتی که در تجارت خانهایش حساب بمنزله نقاشی است که هرکس به سلیقه خود بروی کاغذ میکشد و از برای این طلسم های مرموز حلی نخواهد بود وکالت تجارت لفظی موهوم است من دیگر خجالت کشیدم در جواب دوست خارجی ام حرفی بزنم و دیدم راست میگوید این عیب ها را ما داریم واصلاح این عیوب در طی اصلاح عدلیه است حالا شاید کسی بگوید نواقص امور تجارت چه دخلی به عدلیه دارد جواب این است که هرگاه عدالتخانه در تحت قانون منظم شود هرگاه عدلیه مراجعه به چند دفتر که نمود و مسئله متنازع فیه حل نگردید یا اشکالی از برای ثبوت پیش آمد طبعا دفتر منظم به جای این طلسمهای ابوجهاله خواهد آمد

هرگاه مسئله معاملات در تحت قانون بیرون آید یا اینکه قلا به عطف ساقه معاملات فیصله گردد تجار داخله تکلیف خود را دانسته کمتر پیرامون تقلب میگردند و تجار خارجه بیشتر به انها اعتبار نموده درحقیقت اعتبار به قانون مالکی نموده وجریان کارهای تجارتی روز افزون ترقی میکند

پس ما باید اصرار زیاد داشته باشیم که عایدی دولت را زیاد کنیم شما عدلیه راتمامت کنید تا معاملات درست شود عایدی دولت درسرحدات و وسیله گمرکات زیاد خواهد شد شما عدلیه را درست کنید که من از تشکیل شرکت ترس نداشته باشم یا اینکه ترس نداشته باشم اسهام شرکتی را بخرم انوقت یك پایه اقتصادیات درست شده و بتوانید مطمئن باشید که پایه های دیگر الهم درست خواهد شد

امید است که وکلای دوره ششم بهتر از نگارنده پی به لزوم اصلاح کار عدلیه برده باشند و مصمم گردند که ستون مملکت را که عدالت باشد قائم گذارند اولین کار خود را کار عدلیه قرار دهند یك نکته دیگر درکار است هرکس به روحیات ملت ایران آشنا است میداند که درابتدا اجرای قوانین عدلیه کاربسیار صعب است وقوه مجریه در عین حالی که آن قوانین را به زور بموقع اجرا میگذارد باید خیلی محتاط بوده به حکمت وتدبیر قوانین را جریان دهند از یکطرف عدلیه های عادی سر هرگذر مخالفت خود را تاجائی که دسترس داشته باشند بروز خواهند داد از طرف دیگر مامورین عدلیه آزموده بقدر کفایت نداریم وانچه داریم نمی توان

مطلعین بود که دارای تجربه که شرط مهم اداره کردن این کار عالی است باشند بنظر به حل این مسئله یا دلالت راه سهل تری که زودتر و بهتر ما را دارای قوه قضائی عالی بنماید منحصر است به کفایت و درایت و حکمت وکلای مجلس شورای ملی ما

نگارنده فقیه نیستم اما دیده ام و تجربه دارم و حالا که مشغول نوشتن این نامه هستم مقدری کار های نشده راجع به قوه قضائی در نظرم میگذرد و صورت گرفتن آن کار ها را برای حیات مملکت لازم میدانم که با کمال بی صبری باز میگویم رکن اعظم واستخوان پشت ایران قوه قضائی عالی است واصلاح عدلیه واجرای قوانین جزا تنها قوه است که ممکن است حافظ ایران از زوال باشد به این معنی که قوای دیگر ایران را هم آن قوه حفظ نماید

(ح)

اساس اصلاحات

§ خانه از پای بند ویران است §

§ خواجه در فکر نقش ایوان است §

مصداق این شعر را هرگاه جویا باشید که بخواهید استنباط کنید فوراً با دیده بصیرت دقیق شده نظری عمیقانه بعمق قضایا و جریانات روزمره و احوال اجتماعی کشور داریوش انداخته بعد ازاینکه این اوضاع را سر تا سر از جزئی و کلی در مد نظر تان مجسم گردید بلا فاصله مشاهدات و معاینات شما را و ادار می نماید که اذعان فرمائید ـ ما ملت ایران مصداق شعر فوق را داریم !

نکتهٔ قابل توجه و تحیر اینکه مع التأسف شعر مذکور را (سعدی علیه الرحمه) در هفت صد سال قبل فرموده و این پند حکیمانه را گفته بوده مگر برای ایرانیان امروزه، بی چقدر دشوار و گران می آید که ما ملت امروزه هم مشمول و مطابق این شعر باشیم ! چه ملت ایران آنعصر باوجود چنین حالت چندان تقصیر وجرمی نداشتند که ما ملت حالیه داریم، زیراکه در آن عصر همان موقعیت و مقامی را که ایران داشت سایرین هم داشتند با اینکه جزئی کمتر بود و حالیه که در نتیجه ترقیات و اقدامات محیر العقول ملل متمدنه و مترقیه عصر حاضر را قرن طلائی مینامند و اوضاع زندگانی امروزه هیچ مشابهت با آن عصر ندارد آنوقت ما ملت با همان مستم و اوضاع منحوس و مندرس بسر برده و کارهائی که آنهم ! بر اثر فشارها و اوضاع نو بنو اطراف خود لاك پشتانه بظهور میرسانیم یا بوسائلی بظهور میرسد اینطور باشد که اساس و بناها را بحال ویرانی و تزلزل باقی گذاشته بتفرعات وسطحیات بپردازیم بدیهی است ببار

تقصیر داشته و گناهکاریم و علاوه بر اینکه با یکدنیا مشقات و مصادمات طاقت فرسا چه داخلی و چه خارجی امرار حیات نموده یك آتیه مجهول و پر از رعب و خطری تسلیم خواهیم شد حتی در مقابل تاریخ مسئول و یك ملت بعص و مفلوك درویش مسلك صوفی منش . برهنه خوشحال جاهل و غلام حلقه بگوش و بدنام در انظار محیط خود معرفی شده و اگر نگارنده در این مقاله اسلاف خود را در هفت صد سال قبل مورد اهانت و انتقاد قرار نداده ام جای شك و تردید نیست که اعقاب دو سه یا چهار پشت بعد ما ملت امروزه ایران را بی نهایت مقصر و خیانتکار بخود و وطن خود در عصر خودمان حکمیت نموده قلمداد خواهند نمود

بنظرم میاید فرمائش حضرت رسول اکرم (صلعم) را که بعد از موفقیت ومراجعت از یکی از غزوات بزرگ به اصحاب و مقربین خود چنین فرموده بودند که [قد رجعنا من جهادالاصغر الی الجهادالاکبر] باین معنی که از جنك کوچك فراغت یافتیم و اکنون جنك بزرگ دربیش است

کدام جنك بزرگ و مقصود شان از تقریر این بیان چه بوده و آیا در واقع جنك بزرگی متعاقب جنك کوچك اولی صورت خارجی داشته است ؟

البته اینکه غرض حقیقی شان منی از این اصل مقدس بود که باید خود را مستعد و آماده نبرد و مبارزه و مدافعه جنك بزرگ آن جنك بزرگی که در صحنه لازم ازمائی با سپاه جرار و سفاك و پلید جهالت و ضلالت مصادف و مواجه شده در دفع و اعدام ان سپاه خانمانسوز و شر انگیز اقدام نموده نفس را زبون، جهالت و ضلالت را معدوم، گمراهی و نادانی را نیست بنمائیم بطوریکه این دشمن داخلی است و صدمه و مشکلاتش از دشمن خارجی بمراتب بد تر باکه روز انسان یا جامعه را هلاك خواهد نمود

چنانکه در تواریخ مسطور است و در دسترس اطلاع میباشد میدانیم که خود حضرت ختمی مرتبت (صلعم) و جا نشینهای عالیمقامش تا سرحد امکان در این نیت مقدس کوشش و جانفشانی نمودند و از همه بگذاریم تنها حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام ملقب به باقر العلوم (شکاف دهنده علوم) چندین هزار نفر طلبه در مجلس درس ایشان هر روزه حضور پیدا مینمودند و علوم در آن زمان بین مسلمانان بی اندازه ترقی کرده بود که پاره مکشوفات تاریخ از آنها نشان میدهد

بالاخره برای احتراز از طول مقال مقصود اینست که باوجودیکه ایرانیان قدیم مخصوصاً در عهد ساسانیان

بمعارف فوق العاده اهمیت میدادند و معارف و علوم و تربیت ترقی شایانی بنزا کرده بود که حضرت رسول صلوات الله سلام علیه جانب مسحی را نسبت به ایرانیه اظهار میفرمایند که - (لوکان العلم فی الثریا لنالهٔ رجال من فارس)

یعنی اگر علوم و معارف در ثریا باشد تنها ملتی که دستش بانجا میرسد و بچنگ میاورد ملت ایران است و هر چند باوجود احکام و دستور هائی که در قران مبین و از پیغمبر اکرم خودمان داریم که - (اطلب العلم من المهد الی اللحد و اطلب العلم ولوکان بالصین - طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمه)

یا بقول حضرت امیر علیه السلام - [العلم یهدی الی السبیل الصراط وقس علیهذا] و اسامی حکماء و شعراء ایرانی و بالاخره ترقیات حیرت بخش روز افزون اروپا و امریکا از قبال توسعه علوم و معارف آنوقت در این قرن طلائی آیا جای تأسف و تأثر نیست ؟ و آیا محل اظهار این ادعا و اعتراف نمی باشد که بگوئیم ما ملت مصداق این شعر را داریم که

§ خانه از پای بند ویران است §
§ خواجه در فکر نقش ایوان است §

بدیهی است یک جامع حوائج و اصلاحات زیاد دارد و همه آنها لازم است که بوجود آید منکر ان هم نیستیم که همه حوائج را زمین گذارده و تمام کار ها لنگ و تعطیل بکنیم که فقط میخواهیم فلان اقدام یا اصلاح اجتماعی را معمول بداریم بلکه مقصود اینست که با رفع جمیع حوائج واجراء اصلاحات در امور مختلفه محتاج اید ملاحظه الاهم فی الاهم را نموده مهم را باندازه اهمیت خود وغیر مهم را بقدر موقعیت خود منظور نظر قرارداده بناء را محکم ومتین ساخته اصلاحات و اقاشیهائی هم که در درجه خود لازم است بجریان بیاندازیم که در حقیقت شالوده آنها درروی یک بناء متین و خالی از تزلزلی استوار یابد که در آتیه نقش بر آب نشده واز وزش جزئی تند باد حوادث که همواره احتمالی است مانند ریسمان بافته شده از پنبه پوسیده و بیدزده شده تار و پودش از هم متلاشی شود

این اصلاحاتی که امروزه از حیث وضع واجراء قانون نظام اجباری سجل احوال و احصائیه عمومی توحید اوزان و مقادیر علائم تجارتی و صنعتی وغیره وغیره بظهور رسیده است بسیار خوب مطلوب میباشد ولیکن چه عاملی است که موجبات ایجاد حقیقی و ادامهٔ واقعی و استفاده صحیح از آنها یا که چیز های دیگر هم که خیلی خوب وجود آنها نیز لازم است تهیه و ممکن الحصول مینماید و فی الواقع بناء متین این دیوار و سقف ها و طبقات فوقانی عمارات میشود معارف و علوم و تربیت است که چنانکه این عامل قوی و نیرومند موجود نباشد یقیناً استفادات وانتفاعات مطلوبه چنانکه باید و شاید چه آنی و چه آتی امکان پذیر نخواهد بود

زیرا که تا علوم و تربیت و صنایع موجود نباشد نظامی بی‌علم از برای مملکت حکم اسلحهٔ را دارد که در دست آدم دیوانهٔ داده باشی و قوانین علائم تجارتی وصنعتی وامثالهم مانند اینست که کسی درخانه اثیریك کتابخانه داشته باشد که اطاق کتابخانه مملو از کتاب باشد ولی خود او هیچ سواد نداشته باشد و نتواند یک کلمه از سطور آن کتابها را بخواند و یا مملکت مشروطه باشد وقانون انتخابات مبسوطی در جریان باشد اما ملت از آن قانون ابداً کلمه ندانند مخصوصاً در ایران ما که مطبعه مجلس قوانین موضوعه را در دو جلد طبع کند و شش تومان قیمت بگذارد که هیچکس استطاعت ابتیاع را نداشته باشد خلاصه ملت نداند که چه اشخاص را باید بوکالت خود انتخاب نماید و یا امروز بچه را با تعرفه انتخابات فرق نگذاشته و گوساله وار آراء خودرا در حوزه‌های انتخابیه بوکلائی بدهد که از مقام خود که زمام امور و مقدرات ملت بانها تفویض شده است سوء استفاده و حرکات غیر مشروعه نماید ! !

بالاخره این وضع و قاعده مطلوب نیست که ما در مملکت خود پیش گرفته ایم و این راهی که ما میرویم به ترکستان است !

بودجه معارف ژاپون ۳۴ ملیون تومان و اتازونی در سال ۱۹۲۲ - ۸۵۳۴۸۶۹۹۸ - ۱ ملیون [دالر] بوده ومال انگلیس ۰۰۰ ، ۳۷۳ ، ۴۷۰ ملیون لیره عیر از آیرلیند و در هلند آن مملکت خیلی کوچک با هفت ملیون نفوس نصف کمتر از جمعیت ایران درسال ۱۹۲۴ بودجه معارفش قریب ۷۵ ملیون تومان بوده است

چرا بر دور برویم وممالک مسیح مذهب را دلیل بیاوریم مملکت اسلامی مصر دارای ۱۰ ملیون تومان - بودجه معارف و مملکت اسلامی ترکیه بودجه معارف خودرا بغیر از اوقاف [بودجه علیحده دارد] به ۰۰۰ ، ۸۰۰ ، ۷۰ ملیون (لیره ترکیه) بالغ کرده است که در واقع پنج برابر بودجه معارف ایران میباشد در حالتیکه این مبلغ را بسیار کم می دانند و در صدد هستند برای سال آتیه زیاد نمایند

پناه بر این آیا شرم آور و تأسف انگیز نیست که بودجه معارف مملکت شش هزار ساله [!] بمبلغ ۸۰۰ هزار تومان باشد که در حقیقت معادل اوقاف باشد و

بچهار صد هزار تومان یعنی نصف بلکه بیشتر آنهم صرف وزارتخانه و دوائر عدیده و میزهای لاتعد ولاتحصی وغیره و و و بشود

در چنین موقعیکه معارف و علوم تمام دنیا را احاطه نموده و درغالب از ممالك عالم درصدیك نفرهم بی سواد پیدا نمیشود و همه جا تعلیم اجباری در جریان است و ملت و دولت قسمت عمده بودجه کل مملکتی را صرف ترویج و توسعه معارف و علوم و تربیت می نمایند آنوقت ما مات دارای یکعده معدود مدرسه ابتدائی وچند باب متوسطه آنهم درشهرهای معظم ناقص و بیروح و بی کتاب و پروگرام غلط بدون انتظام و اهمیت وحقوق جزئی و غیر مرتب بوده اسم همواره اعتصابات وتعطیلات متوالی در مدارس ایجاد شود

وزارت معارف حالیه مامات وضعی بخود گرفته است که پست ترین وزارتخانها بشمار رفته و کمتر از سائر وزارت خانها مورد توجه میباشد دارای بودجه بسیار قلیل و وضع شرب الیهود و بندرت اتفاق میافتد که پیشنهادات و طرحهای اصلاحی آن وزارتخانه در مقامات مربوطه و مسئوله ترتیب اثر داده میشود اعضاء و کارکنان وزارت خانه مذکوره را اگر از حیث معلومات و شناسائی و اطاعت وظائف و و مشاغل مرجوعه باسائر وزارتخانها مقایسه بگیریم و وزارتخانهای دیگر را بدرجه صد قرار بدهیم وزارت معارف اگر چهل در صد را واجد و دارا باشد آنهم عاری از نظم و ترتیب

وزارت معارف وعلوم ملك ومملکت یاجامعه مظهرهدایت و میزان رشد و ترقی آن مملکت و جامعه میباشد بیك نظر جزئی به اوضاع معارفی این مرزبوم ثابت و مبرهن خواهد نمود که ایران امروزه با اینهمه ترقیاتی که می گویند کرده است در حال وقفه و سکون میباشد در هر کجای عالم توجه گردد معلوم خواهد شد که فضلاء و دانشمندان آن ملت در وزارتخانه علوم و معارف اجتماع کرده اند و لیکن متاسفانه قضیه در ایران ما بالعکس و از هر حیث نقطه مقابل قرار گرفته است !

چونکه معلمین این یکعده مدارس محدود و معدود آنهم ابتدائی و متوسطه بغیر از جمعی سائرین جیما معلوم نیست دارای چه اندازه معلوماتی هستند بلکه اکثر فارغ التحصیل های از الگه و دیلمقان و قار یوز آباد هستند که حتی سواد خط نوشتن را هم فاقد می باشند آنوقت حقوق جزئی اینها هم چند ماه چند ماه پرداخت نشود و این متعلمین معصوم هم با نبودن کتاب صحیح و موجود بودن پروگرام غلط و این وضع ستوده معارفی با وجود داشتن فساد اخلاق اجتماعی و فقر و پریشانی ، عدم علاقه مندی با نبودن استطاعت والدین و متکلفین آیا می شود علاوه بر سوء اوضاع جاریه به نسل آتیه هم امیدوار بود ؟ !

تنها مدرسه عالی که امروزه در ایران موجوداست دار الفنون میباشد که حکم مدرسه متوسطه را دارد و کاش این دار الفنون همان دار الفنون عهد امیر کبیر علیه الرحمه یا چندی بعد او می بود اما متأسفانه بقدری پروگرام این مدرسه غلط است که در نتیجه مورث این شده که دراین سنوات اخیره فارغ التحصیلهائیکه از آنجا خارج میشوند با دوازده سال زحمت و رنج تحصیل محروم از این هستند که نتوانند چنانکه باید و شاید و مستحق هم هستند بجامعه استفاده بدهند بلکه بعد از مدتی از خروج مدرسه هم معلومات مکتسبه را از دست میدهند وابداً هم تقصیر ندارند

زیرا که یکنفر متعلم که از حدود قدرت او بل قاعده و انتظام خارج است که در این مدرسه هم ادیب بشود وهم السنه دان بشود و هم ریاضی دان و طبیعی دان بشود و هم مورخ وشیمیت وفیزیسین بشود و هم جغرافی دان و فقیه و چه و چه بشود

بگذریم از اینها ، یکعده کمی معلمین قابل موجود بودند که آنها هم در این اواخر بر اثر این وضع بد و هرج و مرج معارف بالاخره ستوه آمده در سائر وزارتخانها و دربار وغیره مشغول کارهائی شده اند

اشخاص تحصیل کرده و دیپلمه های ممالك خارجه و دانشمندان هم اکنون در سائر وزارتخانها مشغول خدمت هستند و یا به آنجاها متوجه و مستخدم میشوند؟

علاوه اکثر نقاط مملکت یعنی قریب بتمام از نعمت معارف و علوم بی نصیب و محروم است و معلوم نیست که آیا اهالی بلوکات و ولایات و دهات و قصبات بچه جهة بایستی از علم و معارف بیخبر باشند

آنهم یك مملکتی که وحدت ملیت در آن مفقود و هر ایالت و ولایت حتی هر بلوك و قریة به یك زبان مخصوص تکلم می نماید و اطوار و رفتار زندگانی و معاشرت و اخلاق هر یك با یکدیگر مغایرت دارد در حالتیکه برای بعضی از نواحی عمده مملکت مخاطرات و تهدیداتی رویداده است و آنها را تبلیغات می نمایند و کتب در بین آنان توزیع میکنند که آن نواحی را از ایران منتزع و بخودشان الحاق کنند چنانکه آذربایجان بواسطه تبلیغات ترکیه وخوزستان از بین النهرین و ترکمن از جمهوری ترکمنستان روسیه هدف این تبلیغات واقع شده اند

[سلیمی عقیلی]

بی همتی لازمه مکارم الاخلاق
(همت های اجتماعی)
(۲)

راجع بروحانیت و دیانت نیز چنانچه فلسفه مذهب و ادیان قدیمه مشرق مطالعه نموده و مواد آئین بودا و آئین وقانون مانو ونکته های کلده وبابل و مجسمه های آمن و ایزیس و ازیریس و آلیه یونان و معابد لابرنت و فداد و هزاران عقاید و آثار و دستور های آنها را ازنظر بگذرانیم خواهیم دیدکه اولین موسس دیانت حقه نیزدر ایران همان فیلسوف اول دنیا زردشت بوده که اصول خدا پرستی وتوحید را در عالم پدیدار نموده کلیه عالم وسیع افلاک و انبوه کواکب درخشان سپهر وگردش سال وماه وتغییر فصول ولیل و نهار را مظاهر وآثارقدرت پروردگاریگانه تصور و اصول دین بهی را به پیروان احکام زند اعلام و هر یك از افراد بشررا در اتخاذ نیك و بد قادر ومختار بحساب آورده و بواسطه همین دو اصول ساده ومتین مردم را بمیدان فعالیت و اراده وعمل ومجاهده با نفس وغلبه آنها بر ارواح خبیثه ونفوس رذیله حاضر و طبایع آنها را از آلایش مفاسد پاك ومنزه ساخته از تنبلی وسستی و رخاوت وتجرد وگوشه نشینی و درویشی وفنا فی الله که سبب تباهی نژاد و تنزل نفوس از مدارج قدس و ازدیاد مفاسد میگردد اولاد جامعه را موعظه ونصیحت فرموده بلکه فعالیت و سعی که امروزه اساس فلسفه ترقیات مادی و معنوی و برقراری منافع اقتصاد ملل عالم تشکیل و اقوام متمدنه را درتحت همین یك قانون برقرای قاهره طبیعت فائق و آنها را در هوا های وسیع و دریاها وزمینها حکمران داده است از ارکان دین بهی قرار داده وتنها همان آئین زردشت بوده که امروزه نیز با اصول فلسفه دین حنیف اسلام کاملا موافق وهمانطورکه قانون اسلام درهنگام تظاهر ارکان سایر ادیان دنیا را متزلزل ساخت ظهور دین زردشت نیزبه نحوی بوده که در مقابل نفوذ آن بت خانهای بزرگ دنیا واژگون حتی اقصی اروپ نیز از هلهله نام اهورا مزدا پرساختند و اگر چنانچه معروف مورخین است اخرین پادشاه کیان دارای سوم درکنار رود گرانیکوس ومیدان محاربه اربل ازسپاه اسکندر مغلوب نگردیده بود بنیاد معبد فقاو بت خانهای یونان را نیز متزلزل در آورده آئین پاك بهی عرصه عالم را فرا میگرفت لکن برعکس شکست دارای سوم سبب ظهور مروزران عقاید باطله و اخلاق رزیله یونان در ایران گردید وگردش چرخ امور را بگونه گون ساخت ـ متاسفانه ایرانیان امروزه را بهیچوجه نمیتوان بانیاکان قدیمه ونیاد مقایسه نمود. آنها که آفتاب سطوت و شرافت و انوار جلال وکمال و درایت و کیاست و رفتشان پرتو انداز مزایای تمدن جمیع دول و نحل عالم بوده است مقایسه کرد و انبهه مباهات کثیره و افتخارات تاریخیهٔ که در صفحات واکناف و اطراف دنیا از آنها باقی مانده است از این اعقاب و اخلاف توقع داشت زیرا بواسطه غرور وخود خواهی و نخوت و مضادت و عطالت و مباینت و بطالت و ترقی و سستی وتن پروری و لاقیدی باندازه از مناهج قومیت و مسالك سایت منحرف و دور افتاده که تنها در مناهی و آلام و نزدهات و اوهام گرفتارند بلکه باوجودیکه کافه دانایان رموز و کاشفین اسرار مرموز قائل و معترفند که تمامت الموارد ترقیات امروزهٔ اروپ و امریکا واینهمه اعجاز علمیه و عجائب و غرائب ودارالتربیه که بکنوت صنایع و بدایع جلوه گر گردیده است همه نتایج معارف و فوائد علوم و معلوماتی است که از قوانین مقدسه اسلام اقتباس نموده اند معهود آنها که صاحبان این کنوز علمیه و رموز حقیقه حیاتیه که شامل از کلیه قوانین فلسفی وطبیعی وجامع جمیع اسرار مادی و معنوی است میباشند قسمتی از اصول سیاست جمهوریه و مقتضیات کونیه و اصلاحات مدنیه و قوانین دولیه و ارشادات عمومیه بی خبر وبی اثرگردیده که سالهای دراز با تحقق و نشر همه گونه علوم و فنون بین آنها بساز ممکن نمیشد بنیر هیچ گونه مشاکل و موانع بمدارج سپهر رفعت و پایداری و آسمان عظمت و نیکنامی عروج و مساعدت نموده آب رفته را بجوی باز آرند

گذشته از اینکه علوم اخلاق و ادیان مقام بشریت را از عرش و فرش گذرانیده و در عالم ملکوت الهیه او را جای داده است علمای علم حقوق نیز آخرین هدف آمال ملی و رفیع ترین نقطهٔ ترقیات مادی عالم بشررا همان یگانه گوهر شرف دانسته وتمام پایهٔ اقتصاد و اسرار امورحیاتیه را روی همین اساس گنجانیده اند از این جهت تمام مساعی و اهتمامات بشر را پس از استقرار قوانین موضوعه و قواعد سیاسیهٔ جمهوریه از لوازم حصول شرافت دانسته و این مقام مقدس رایکی از اسرار فطرت الهیه بحساب آورده اند این است که قسمت عمده علم حقوق طرفدار وحامی همان شرافت افراد ملی است که باکمال تاسف اذعان مینمایم که در ایران امروزه کمتر توجهی باین مسائل حیاتی و حقوقی بعمل آمده و تمام تشکیلات حزبی نیز جز طرفدار انتفاع شخصی وجلب بعضی مقامات نبوده است بدیهی است شالوده و بنیاد این بحران و بدبختیها جز فقدان تعلیم وتربیت نبوده وهمین هیولای بزرگ بدبختی است که جامعهٔ روح افتخارات ملی را هر قسم انواع پستی فرو برده است لذا اگر فکری بود که از امروز کاملا

اصول تعلیم و تربیت در حق اکابر و اصاغر ذکوراً واناثاً اجرا گردد چه روح عیسوی دم ونعمت مقدسی بود که بوسیله آن بتدریج اشکالات از میانه محو و بر طرف میگردید بجای آن یك روح تازه بکالبد پوسیده وعظام رمیم واجساد مرده این ملت دمیده میشد

برای تعلیم و تربیت اطفال واصاغر که از هنگام تولد بایستی در تحت اصول تعلیم اجتماعی پرورده شدند متفکرین و فلاسفه ممالك غرب کتب عدیده ورشته تالیف در آورده در جامعه ملل از آنها بیادگار مانده است اما درپارسی بهترین کتب در تعلیم و تربیت همان مجله راه نو است که مقام فاضل یگانه عزیز ما آقای حاجی کاظم زاده بفارسی تالیف و طبع گردیده و مطالعه آن بروی هر فرد ایرانی بخصوص معلمین و شاگردان مدارس لازم و واجب اما برای تعلیم و تربیت اکابر که امروزه غرق امواج مفاسد و بدخلقی و جهالت گردیده و روز بروز نیز بر کثرت و تعداد آنها افزوده میشود هیچ راه علاج و طریقی در نظر نیست مگر وعظ و توبیخ وملامت و نصیحت واجتناب از آنها در معاشرت و مصاحبت و آنها را نکوهش کردن و از پیش راندن و هدایت کردن و دلالت نمودن آنها بصداقت و راستی و عفت و پاك دامنی و دیانت و کمالات روحی و معنوی که آنهم مربوط بانتشار دادن مجلات اخلاقی و لوایح و مقالات عامی است که بوسائل آن بتوان در روح کدروخسته وظلمانی آنها یك انقلاب فکری و اجتماعی و ادبی و اخلاقی تولید نمود ناحیات و قوای دماغی وروحی آنها نکمار افتاده برای قبول و ایجاد یك چنان انقلاب عظیم حاضر و مهیا کردند از این جهت برای پیشرفت این مقصود از یکطرف بوجود عده از فضلای فداکار و واقفین اسرار و اشخاصیکه مانند یك حکیم حاذق نبض کالبد هیئت اجتماعی که مبتلا بامراض مسری اخلاقی میباشند در دست داشته محتاج و از طرف دیگر نیز مساعدت و همراهی اربابان جرائد و مدیران مجلات و روزنامجات نهایت ضرورت دارد که بر حسب مراتب وطن خواهی اداء این وظائف وجدانی خود نموده در اجرای این مقصود با محررین و فضلا و متفکرین وعلما هم آواز وهم زبان گردیده صفحات حیات ملی را از امراض مذکور نجات داده در این مسئله حیاتی شرکت نمایند و در این جا از بیان یك چیز عمده دیگر ناگزیریم و آن نیز اجرای اصول مجازات برای جانی وخاطی و مفسدویاغی وطاغی است تامنتهی بنقطهٔ شودکه هرکس بیك شرافت حقیقی ایمان آورد خودرا وظیفه دار اصول مساوات و حقوق دانسته و اشخاصیکه نیز درتحت قوای شهوانی ازحدود قانونی عمومیه خارج و بیکی از ضررهای مادی ومعنوی وذاتی و اعتباری افراد مبادرت نمود بمحکمه قانون جلب ومجازات گردد

اصلا انسان دارای یك تسم حس شهوت و آمال و احتیاجاتی است که همواره محور چرخ زندگانی اورا گردش داده و بالطبیعه برای جلب قوای تعاون سبب تشکیل اجتماعات گردیده است دراین اجتماعات هر فرد انسان صاحب دو قوه یا دارای دو حرکت خواهد بود که یکی از آن حرکت باطنی که محرك آن قلب و روح بوده وسبب ایجاب عبادات وکمالات روحانی گردیده و درانجا احدی را حق تعرض و تفحص و مداخله نیست و مقصود از حریت نیز حفظ همین مقامات بموجب قانون میباشد و حرکت دیگر نیز حرکت خارجی است که مظهر اراده و اعمال است لذا چون انسان برای رفع احتیاجات خود ممکن است درحقوق دیگران دخالت نماید قوانین موضوعه تشکیل و این قوانین همان است که در کلیه عام حقوق بحث نموده از یك طرف مناسبات بین افراد را مابین و از طرف دیگر نیز در قضایای جزائی و حقوق سیاسی و اساسی قاطعه ملت تصرفات نموده خائن ومجرم را به دار مجازات تسلیم خواهد کرد .

[علی محمد احتشام اولیائی]

جشن امتحان

(مدرسه اتحادیه ایرانیان بحرین)

(۲)

خطابه یك از شاگردان

بسم الله الرحمن الرحیم . الحمد لله رب العالمین والصلواة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله واصحابه اجمعین

اما بعد . پروردگار جهانیان را منت میبریم که کاشانه دلهای مارابنور بافروغ اسلام منور فرموده و تاج عزت وافتخار در تحت لوای (نصرمن‌الله وفتح قریب) برفرق ما نهاده و مارا از ظلمتکده جهل رهانیده و دراین دارالعلم معرفت و بینش برقرار واز نعمت این علوم و دانش که همه روزه سرتاسراین مدرسه مبارکه را مملو نموده مارا بی بهره نگذاشت بس برماست که بمصداق آیه شریفه :- (اعملوا آل داود شکراً وقلیل من عبادی‌الشکور) دست تشکر وسپاسداری از آستین بیرون آورده با کمال خضوع وخشوع عرض نمائیم : آلها نور توحید را از قلوب مازائل مگردان وپرچم اسلام برسرما در اهتزاز ومارا در تائید و تشیید بنای ان موفق بدار و علماء اعلام کثرالله امثالهم را در حفظ و حراست خویش نگاهدار . پروردگارا وطن مقدس عزیز ما ایران را از دست برد و گزند بداندیشان مصون و محفوظ بدار . خدایا مارا درکسب

علوم و دانش واقتطاف فنون و بینش موفق و کامیاب فرما - بارالها اساس این دارالعلم شریف که به افتخار ملت با شرافت استوار و بـرای تعلیم و تربیت ما یتیمان اطفال خرد سال مرتب گردیده از حوادث زمانه در امان نگاهدار - بار خدایا عموم منعمین بخصوص پدر و مادر واولیای مارا ازآسیب دهر محافظت فرما - خداوندا هیئت موسسین و کارکنان این مـدرسه مبارکه را همواره موید و در تحکیم اساس این موسسه خیریه و تعلیم و تربیت نوباوگان وطن موفق المرام بگردان

ایضاً

§ لیس الیتیم الذی قدمات والده §

§ ان الیتیم یتیم العلم و الادب §

مخفی نماناد - که رکن رکین انسانیت واس اساس مدنیت همانا علم وادب است وبس و تمام شرافت ومعالی واخلاق حسنه انسانی درتحت این دو کلمه جامعه است : علم است که انسانرا ازحضیض مذلت باوج شرف و عزت میرساند - ادب است که بجمال کمال وآرایش احوال انسان میافزاید علم است که مرد را بینا و توانا و از هرگونه منافع و مضرت آگاه میکند علم است کـه آلات وادوات مفیده و اختراعات جدیده محیرالعقول را از عالم غیب بعرصه شهود آورده و بالاخره علم است که مایه برتری و تسلط وترقی ملل مغرب گردیده است ویگانه منبع و سرچشمه علم وادب همانا مدرسه است - پس هرکس که طالب ترقی و تعالی باشد نخست باید به تکثیر وتکمیل مدارس همت گمارد الحمدلله که ما ایرانیان این سامان از وجود مدرسه که یگانه وسیله ارتقاء وادمیت است بی بهره نماندیم - در این حال از طرف خود و سایر متعلمین تبریکات صمیمانه و ادعیه خالصانه خود مارا اولا خدمت آقایان هیئت موسسین که قدردانگی در تاسیس وافتتاح این مدرسه مبارکه علم فرموده و وقت گرانبها و عمر عزیز خود را در انجام امورات این مدرسه صرف کرده و میکنند وثانیاً خدمت جناب مدیر وآقایان معلمین کـه هم خود براه تـرقی و تعالی ما نوباوگان وطـن اختصاص داده اند و ثالثاً خدمت آقایانیکه از راه لطف و مرحمت از بذل همه گـونه همراهی واستمراری فـروگذاری ننموده اند ورابعاً خدمت آقایان حضار که زحمت کشیده و مارا مفتخر فرموده اند تقدیم میداریم دوام عـمر و موفقیات کامله انها را در راه تـرقی ابناء نوع و وطن از خداوند یـکـتا مسئلت مینمائیم - زنده باد ایـران وایرانیان پاینده و بردوام باد اساس این دارالعلم شریف و نیز خدمت ذوات محترمیکه بواسطه اعطاء انعامات مارا مفتخر فرموده اند ادعیه خالصانه خود را تقدیم میداریم

خطابـه مدیر

(بسم الله الرحمن الرحیم)

الحمد لله خالق العالم و مکون نوع بنی آدم الذی جعل العلم و الادب زینة لکل خلایق و الامم و جعل الفضل لاهل الکمال لا لاهل الثروة و الخدم و قررالمدارس سبباً لارتقاء الصغار الی درجات الاعظم و الصلواة و السلام علی نبیه الاکرم محمد الذی قال الله تبارک و تعالی فی حقه و ما ارسلناک الارحمة للعالمین و علی آله و اصحابه الطاهرین -

امابعد ازطرف خود اصالتاً و ازجانب معلمین وکالتاً و از قبل مؤسسین نیابتاً خاطر محترم آقایان عظامیکه شرف حضور بهمرسانیده و نزول اجلال فرموده اند بعرایض خود متوجه و جلب نموده عرضه میدارد این مؤسسه خیریه جدید التاسیس که بهمم عالی اهالی این بلد برای تربیت نوباوگان خود خصوصا و ابناء نوع عموما تاسیس و دو سال و نیم از مراحل زندگانی او سپری شده است همه در مقدمات اساسی مصروف بوده چه موانع بسیار سد راه ترقی ان بوده است که از انجمله است عدم مالیه و قلت بودجه ولی باوصف ان حالت و با وجود اینهمه محذورات تصدیق خواهید فرمود که مؤسسین و کارکنان مدرسـه آنی غفلت نکرده و ذره فروگذاری نه نموده اند و در همـه وقت اوقات گران بها و عمر عزیز خود شان را در راه ترقی این موسسه صرف نموده و می نمایند - و چنانچه اگر پیشرفت و ترقیاتی کـه منظور نظر آقایان است نکرده باشد همانا بواسطه کشاکش وضیق مالیه بوده است چه این طفل ۳ ساله فقط از شش ماه باین طرف پا بجاده ترقی نهاده و شروع به رشد و نمو کرده است ولی از هم در این شش ماه همه در ترمیم و اصلاحات داخلی و تنظیمات اداری بوده و البتـه پیشرفت شش ماه با اینهمـه گرفتاری ها مشاهده فرموده اید زیرا که ترقی و تعالی مدرسهٔ جزدر سایه معلمین قابل عالم آزموده و لوازمات ما به الاحتیاج آن غیر میسور است ولی بحمد الله تعالی در نتیجه کوششهای بسیار در این شش ماه اخیر پس از تغییرات و تبدیلات بی در پی موفق به اصلاحات بعضی از نواقصات و تکمیل برخی از لوازمات و جلب معلمین کافی بر آمدیم امیدواریم که در آتیه از عهده تلافی مامضی برآئیم در این حال تشکرات قلبیـه خودرا خدمت آقایانیکه همواره مراحم کامله خود شانرا نسبت باین موسسه خیریه مبذول داشته واز هرگونه کمک و همراهی اعم از مساعدت و استمراری خود داری ننموده اند تقدیم داشته دوام

عمر و موفقیات کامله ایشانرا ازایزد یکتا سائل و خواستارم چه من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق - در پایان عرایض خود دوام عمر واقتدار عمومی مسلمانان عالم وسلامتی حضار مجلس را از حضرت احدیت درخواست مینمائیم - و السلام علیکم جمیعاً و رحمة الله و برکاته

مدیر مدرسه اتحادیه ایرانیان بحرین

علی نقی کازرونی بحرین زاده

از سعید آباد سیرجان مینویسند

ناله مظلومه ستم رسیده

در لیله سه شنبه ۸ جمادی الثانیه ساعت هشت از شب گذشته جماعتی که قریب ده دوازده نفر بودند در خانه ام ریخته در حالیکه خودم و همشیره ام در یك اطاق بودیم خودم و همشیره ام را گرفته و بستند بانواع عذاب و زجر شکنجه نمودند انچه اثاثیه زینتی وغیره داشتم سرقت بردند در همان حال شکنجه وضرب که استفسار پول و اثاثیه و زینتم را مینمودند چند نفررا شناختم منجمله « آقا مرادخان سماقچی شوهر پسر زاده ام - و حاج عباس خان برادر ملای پسرم » همینکه شناختم قران کوچکی که در بغل داشته بیرون آورده انها را قسم دادم گفتم اگر قصد شما بردن مال است بابن قرآن انچه را که داشتم در همان اطاق است که نشان دادم دیگرچیزی ندارم اگر قصد کشتن دارید شما را باین قرآن با همین تفنگ که همراه دارید فوری مرا خلاص کنید ابن همه زجر برای چیست من بشماها حق مادری دارم مخصوصاً تورا « حاج عباس خان » شیر دادم عوض ترحم بر شکنجه ام افزودند بقدری زدند که از حال رفتم دست و پاهایم را بسته و در رخت خواب پیچیده باریسمانی بستند برای اینکه صدای ناله و استغاثه ام بیرون نیاید چار قدم را در گلویم پیچیده و خاك توی دهنم ریختند با دندان شکسته و دهان پر خاك وخون از خانه بیرون بردند نزدیك درب خانه صدای آقا کمال برادر شوهرم وپسرش را شنیدم دو جای دیگر هم بزمینم گذارده با چوب و لگد زجرم نمودند که دیگر هیچ قادر بناله هم نبودم بگمان اینکه شهید شده ام با همان پیچیدگی روی چهار پائی گذارده دو نفر از انها یکی سوار شده بود جلو گرفته دیگری پیاده بکوه طنبور برده در شکاف کوه پنهانم نموده درب انرا سنگچین نمودند من در آن موقع از حال رفتم شب بعد وقت مغرب مشغول تضرع با خدا ناگاه یکنفر از اشقیا یکه عاجزه را حمل باین محل نموده بودند برگشته آمد سنگهای درب شکاف را برداشت ریسمان و رخت خواب را از دورم باز نموده تونه آنحال نظرش بشقاوت و بیرحمی خود و همکارانش افتاده که بچه حد بدنم را مجروح و مضروب نموده بودند بمحض رؤیت گریان شده و از خدا طلب عفو مینمود که این خون مظلومه را گردن باعث بگذار من تقصیری ندارم دران شدت ضعف این استغاثه را حس نموده ناله ضعیفی بی اختیارانه نمودم گفت ای بیچاره هنوز زنده دست هایم که از شب گذشته بسته بود باز کرد باشاره طلب آب کردم مرا بپشت کشیده لب آب رودخانه که در این کوه بود آورده خاك و خونهای خشك شده را از دهن شستم قدری آب خوردم گفتم بچه تقصیر مرا پایمال کردید قسم خورد من جگرم بر مظلومیت تو می سوزد خدا لعنت کند پسرزاده هایت را گفتم حالا که رحم کردی لباسی بمن بده (چون با لباس خواب بودم) چادری از خودم دور کمرش بود باز کرده داد گفتم مرا بیك آبادی برسان هرچه میخواهی میدهمت گفت من جرائت ندارم و میترسم از اربابم راهی را بوسیله ستاره بمن نشان داد و رفت حالا تصور کنید حال عاجزه مظلومه را با بدن مجروح وان هوای سرد بی لباس بهمان بیابان زنی تنها باید چه بحالم گذشت خدا می داند پس هرچه کردم بروم نتوانستم همان جا نشسته با خدا مناجات میکردم ودلم را شکسته باشاره. خواندم پس از چندی صدای آواز بگوشم رسید بر خواسته ایستادم چون مرا دید گفت بسم الله در این بیابان تو کیستی گفتم مظلومه هستم اگر می توانی مرا با آبادی برسان شخص پس از تحقیق علی اکبر غلام علی مباشر حسین خان صالحی حکومت سیر جان بود مرا بدوش کشیده به زحمت باحشام وچمنی که یك فرسنگی کوه طنبور بود رسانید اهل احشام پرستاریم نموده تا حال حرف زدن پیدا کردم قاصدی نزد کسانم و اداره امنیه فرستادم چند نفر از افراد امنیه و بستگانم مال و لباس برایم آورده شب سوم از سرقتم با آن حال مذکور وارد سعید آباد نمودند در حالیکه قسمت عمده اهالی سیر جان زن ومرد کوچك و بزرگ اعلی وادنی سواره وپیاده بیرون شهر منتظر بودند چون مرا بانحال دیدند صدای گریه وشیون همگی بلند شد ازشدت اژدهام راه مسدود سوارهای امنیه بزحمت مرا بخانه رسانیدند

(تفصیل بعد از بردن عاجزه)

همشیره ام وکسانم خانه فریاد کنان ازخانه بیرون با ممانعت آقا کمال در کوچه از ایشان یکی ازعلماء آقا شیخ احمد ناصر عبدالله و سواره امنیه و داروغه را همان شب اطلاع داده آمده بودند در خانه و انرا مستقیماً از خانه

برده بودند درب منزل آقا مرادخان وحاجی عباسخان و مشار الیهما را با آقا کمال گرفته و در امنیه توقیف نموده بودند یك قسمت عمده دور شهر و چاهها عقب نعش میگشتند چند نفر امنیه هم روی رد اثر چهار پا « قاطر » فرستاده بودند که اورا پای کوه آورده چون غروب شده بود برگشت اقرارنامه محبوسین در امنیه هم کرده بودند که ان دوسیه را بعدلیه تسلیم نمودند پس از یك روز توقف در منزل ناملات دفن و احضار که جمعی از اهالی آمده ودیده ونوشته اند شنیدم سارقین را امنیه بقید کفیل آزاد کرده اند ناچار بتلگرافخانه سیرجان متحصن شدم دوازده روز هم در تلگرافخانه بودم شرح مظلومیتم را در تلگرافات عدیده بمقام اعلیحضرت شهریاری و اولیای امور خودم از سیرجان و بتوسط « حاج حسن خان » درکرمان معروض ریاست وزرا و وزیر عدلیه بقرارذیل نمودم

(خلاصه تلگرافات)

انچه اثاثیه وزینت وپول و اشیاء نفیسه درطرف چهل سال زندگانی خودم و ارث آباء و اجدادم جمع نموده [illegible] الخ بردند هزار تومان بود تمام را بردند و بجرم اینکه مرتکبین را شناختم خودم را این صدمه ها مبتلا جزئی املاك و خانه که داشتم برهن وبیع شرط گذارده صرف مخارجات معاینه محلی و تلگرافات و بعضی مخارجات بی اسم که نمیتوانم بالصراحه عرض کنم شد « بدیهی است تمام هموطنان اوضاع کنونی را میدانند » خدا بعضی را انصاف دهد تا دریافت یك حقوق مکفی از دولت هیچ بفکر نیستند [illegible] داد خواهی از یکنفر مظلومه نمایند بجای رسیدگی و مجازات جانی مرتکبین را تعقیب نکرده سهل است در خفا انها را تشویق و تشجیع میکنند که منتر این قضایا واقع و از مزایای استفاده کنند اکنون که پنجاه روز است کسی بدادم نرسیده و سارقین را [illegible] نموده اند بااینکه رئیس امنیه سیرجان وکیل بهادر از امنیه کرمان در جواب سوال مستنطق مرتکبین را کتباً تصدیق کرده اند - علاوه در خانه دو سه دانگ ان متعلق بخودم و فرزندم است منزل داشتم ۸ روز قبل غفلتاً از درب خانه چند نفر از اشقیائیکه مرتکب قضیه فجیعه لیله ۸ دی بودند در خانه وارد شد بمحض شنیدن صدای انها از حال رفته وپس از بحال آمدن این جزئی اثاثیه ثانویه راهم در ان جا ول کرده از خانه رفتم از تمام مقامات قانونی کتباً تقاضا کردم که حاضر کنند طرفها را یا سهم مرا نوشته بدهند یا من سهم انهارا اجاره و نوشته میدهم یا خانه را تقسیم و وسط ان دیواری گذارند هنوز بداد نرسیده و هر شب و روزی پشت دری بسر میبرم درصورتیکه موقع تحصن در تلگرافخانه سیرجان مجدد سوء قصد نموده بودند که رئیس تلگراف سیرجان این قضیه را با سوء قصد انهارا باداره مرکزی خود راپورت نمود که جلوگیری نمودند در اینجا بطریق اولی تامین جان ندارم اکنون که با انهمه امید و انتظار از طرف اعلیحضرت اقدس همایونی و اولیای امور احقاق حقم نشده نمیدانم عرایضم را بسمع مبارك اعلیحضرت شاهنشاهی رسانده یا اولیای امور غفلت ورزیده اند بنا بر حقوق بشریت و عالم انسانیت از ساحت مقدس عالی عاجزانه تمنا دارم و استدعا می کنم شرح حال اسف اشتمالم را بسمع اعلیحضرت شهریاری و اولیای امور رسانیده بگوئید ای روسای مملکت و ای وطن خواهان با حمیت من اهل وطن شمایم و ای اهل وطن من ناموس شمایم آیا سزاوار می دانید در دین اسلام و زمامداری و عدالت انوشیروانی پهلوی که تمام ایرانیان در مهد آسایشند یکچنین ظلم و فضیحتی که درهیچ یك ازبلاد بروز وشهود ننموده بیك زن ضعیفه عاجزه بکنی بشود شما را بخدا قسم میدهم خون یکنفر ایرانی وناموس خودتان را نگذارید پایمال شود هرگاه چنین صدمه بیکی ازکسان خودتان رسد راضی میشوید بداد عاجزه هم برسید مستدعیم مجازات مرتکبین و استرداد اموال مسروقه ام را مقرر فرمائید بـه رمحض رضای خدا این جزئی املاك وخانه که دیگران زمینه دارم دولت برداشته جزئی مخارجی بدهد که درکنجی از عتبات عالیه که تامین جان خود را در آتیه داشته باشم زندگی و دعاگو باشم - [فاطمه]

حبل المتین

امیدواریم والی ایالت کرمان نگذارند که در دوره دولت پهلوی اینگونه واقعات ناهنجار که در زوایای آذربیجان هم پیش نمی آید بروز نماید و اولیای دولت را در دنیا مفتضح سازد -

تصدیق

(یا علة بدبختی کل المذلات فی الجهل)

در شماره ۴۲ حبل المتین حقیقت نگاری بعنوان انشاء این دوره اظهار دردکرده جوابی بامضاء - دوست دوروخویش نزدیك شنیده ازانصاف نگذریم الحق بیانات مجیب و مجاب هر دو مطابق باواقع لاکن از آنجائیکه توضیح واضح است که ترقی و تعالی هر ملت بواسطه تکمیل علوم و معارف و بدبختی و مذلت هر قوم در نتیجه جهالت و پست همتی بوده و هست و دراین زمینه ثم می بینیم که از ماست که بر ماست قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون سا مجب را

تصدیق میکنیم که اخلاق روحی ایرانی همان اخلاق زمان استبداد باید میتوان گفت که دامنه اجحاف و تعدی وسیع تر زیرا دوره سابق مثلا ملوك زیر دست و زبردست هر دو از روی بی علمی نهایت بزور و چماق اجحاف میشد زیر دست و رعیت بیچاره هم حتی القوه میکشید منتها از حد طاقتش که خارج میشد در مجامع مردم وحشیانه جمع شده فریاد و داد میکشیدند بهمان ، فلان واسطه از گوشه و کنار تظلماتشان رسیدگی میشد لاکن امروز که قانون در کار است آنکه اخلاقش بزور گفتن و چاپیدن بیچاره گان عادی شده بنام قانون هزار دسیسه ونیرنك بازی اغاذی خودرا مینماید در مقابل برای ملت بی علم بی حقوق نبرده داد زدن که هیچ باشد حرف زدن هم البته بی قانونی و خلاف حراکت شده مجازات لازم میشود پر دور برویم که از اثبات عاجز مانیم آقای جلال الدوله سابق امیر صلح بیرجند در مدت اعتراض حکم غیابی که قانونا قابل اجرا نیست توسط نظمیه عل امر بحبس شخص معروض و اجراء حکم مینماید پس ازانکه بیچاره اعتراض میدهد برای رسیدگی و در حضور نماینده محترم اداره نظامی آقای سلطان سید علینقی خان بی قانونی آقا ضمانت میشود برای جلوگیری از شکایت بمحکمه مقام عالی قبلا شکایت مینماید که محکوم بی احترامی بسابق صاحب بوده سؤال حالا چه باید کرد که ترضیه خاطر بعمل آید جواب آنچه عاملان محکوم در اینجا بی علمی است باقا نموده که دفع ادعاء آقای انتظام التولیه نماید کیست سؤال کند بی احترامی چه وخلاف راکت ن محکوم است باقا اقدام بوده آه از بی علمی داد از بی حسی سه سال متجاوز است که مبلغ بیست و چهار هزار تومان بچندین حدیث و روایة سقایة الماء از مردم گرفته شده برای لوله کشیدن و آب آوردن از یك فرسنك راه الی بیرجند که عام المنفعه باشد یك نفر زبان ندارد بگوید آقایان چه شد لوله کجا رسید آب لا محاله جمع و خرج آنرا اعلان نمایند زیاد روی کرده اید جبران نمائید کسر دارد یك حدیث اضافه کنید و دست رنج مردم را ضایع نکرده باتمام رسانید فرضا اگر از راه مقصود عام المنفعه باشد از طریق دیگر عام المنفعه است فعلا لوله ها را بعض از آقایان برای چوب بست بنائی لازم دارند در مواقع جشن هم شمع قرار دادن و بندق ساختن با آنها بسیار شیك و قشنك است عجب اینجاست که با انکه لایبلغ الحمار مرتبه ما باز هم در نتیجه بی علمی گول میخوریم و بااین حسن سابقه از هم بلیط ها بنام مؤسسه عام المنفعه ده قرانی و پانزده قرانی خریداری و پول میدهیم در چه راه مصرف شده و میشود چه عرض کنم اگرچه اخیراً درین خصوص از آقای محسن زاده تشکر داریم که قریب ۱۶۲ تومان آنرا بتوسط آقای ریاست تیپ در عایدات دار العجزه جمع آورده خرج آنرا اعلان نموده انشاء الله امید واریم قریباً جمع و خرج بقیه آنرا هم باطلاع عموم برسانند

آقای منزه انکه مالیات بااین اندازه بی علم و بی حس شاهده شدیم البته بقول مولوی از طبابت فقط مرض پیری را تمیز خواهیم داد از دول متمدنه فقط مالیات دادن و از تمدن فکل و کراوات را اتخاذ خواهیم کرد شخص رئیس دولت که عالم الغیب نیست هرچند که امنیت و انتظام مملکت ظاهر موقوف بقشون قوا است اسایش ملت و بقاء آن امنیت هم در وقع منوط بمام و حزامت تا ما ملت عالم بحقوق خود نشویم و مثلا بجهل و حیات باشیم البته دشمن امنیت داخلی هم مجزا نمیرسد ما نز روی آسایش نخواهیم دید در مقاصد دولت و اقدامات مامورین هم منافات حاصل میشود مثلا رئیس دولت وزیرالوزراء سابق اعلیحضرت کدولی اظهر بجلوگیری از مفاسد شرعی و عقلی استعمال مشروب وقمار را اکیداً قدغن فرمود چه شد که مؤثر نیافتاد علتش در خارج معلوم ما نظر به تکمیل نواقص اعتبار دولت و رفاه حال عمومی پس از آنکه راجع بقران شکسته سوء تفاهم بعمل آمده اسباب زحمت و خسارت شد حکم مطاعی در تحت نمره ۴۸۶۳ صادر فرموده که مقصود از قران کسری فقط شکسته و دستك دار و لحیم دار است و بقیه مسکوکات الی نرخ حمل ۳۰۵ من غیر کسر رواج خواهد بود چه شد که مالیه بیرجند یکقرانی ضرب قدیم مشهور بقران کهنه را بدون کسر ده یك قبول نمیکند باوصف آنکه خود مالیه درتحت نمره ۶۳۴۷ تصریح مینماید که مسکوك مزبور بمدلول حکم وزارت جلیله مالیه بدون کسر باید قبول شود ایا این ده یکی که از قران کهنه سالم برخلاف قانون از بیچاره رعیت کسر میشود بجمع دولت اورده میشود یا مثل قران های شکسته که بعضی خریده بسرحد افغانستان وهرات و بلوچستان برده و بدون کسر خرج نموده خواهد شد (قل علمه عندالله) اینها نیست مگر از ناحیه بی علمی و بی حسی خود ما و درین تعدیات ملامت نمیشود مگر اخلاق ما که یفعل الجاهل فی نفسه مالا یفعله به عدوه مقتدری که شمارا از طاغیان بیابانی و مفسدان مملکت امنیت بخشود برای رفع تعدیات موذیان داخلی هم اعلان فرموده گرکدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست توامیگوئی وامیکنی قصور از کیست مسام است بمن چه بمن چه عاقبت مکن

شیخ و صوفی وسید تنها تنها بدرخت بسته میشوید
در واقع اخلاق کنونی ایرانی نگارنده را نسبت
حل امنیت در موضوع تغییر رژیم سلطنت
بجمهوریت هم معترض دارد که ملت بدبختی که
شش دوره از قانون مشروطیت میگذرد وظیفه خودرا
نشاخته و برای انتخاب وکیل خود منتظرند که ازحکومت
محل تشخیص شخص شود وبالقاء واعلان دیگران وکل
برای خود تعیین کند ایا بامرام جمهوریت که نسبتا
از مشروطیت ازاد است چگونه بوظائف خود قیام
خواهند کرد آقای محترم ـ ملت ایران در موقع
تعرفه انتخابات برچهارطبقه تقسیم میشوند ـ قسمت اول
مقدس ماب که یکی تعیین وکیل وانتخاب را بمعتقده
خود کفرو زندقه وبدعت شمرده ابداً داخل مجلس
اظهار هم نمیشوند قسمت دوم منتظرین القاء که از
خود هیچ تصرف نکرده میتوان گفت از شروطیت اسم
هم کم شنیده اند قسمت سیم پارتی های بهمان
و فلان و القاء کنندگان ممدوحین خویشند قسمت چهارم
که فی الجمله بحقوق خود حافظند انها هم با نظر
باکثریتی که در القاء کنندگان مشاهده میکنند رای نمی
دهند واگر رای هم بدهند باقلیت متهلک است همچو
ملت بی علم قائم بغیرتی هنوز قابل دولت جمهوری
نیست زیرا همین اشخاصی که امروز تیر تملق را از
شصت رها کرده منتها امروز برهدف مقصود آمد
فردا هم رها خواهند کرد تا تیر چه هدف که باشد
والا جمهوریت یعنی سپردن زمام مملکت و ملت
بکف کفایت عنصر صالح قابل و لغو سلطنت خانوادگی
همیشه متفق علیه شرع وعرف بوده وهیچ محتاج برهان
نیست اعم ازریاست روحانی وسیاسی کهان الارض یرثها
عبادی الصالحین و همین معنی رابما افاده میکند قوله
تعالی در جواب قول ابرهیم و من ذریتی قال
لاینال عهدی الظالمین که ابداً در زمامداری و سلطنت
نسل و ذریه میزان نبوده و نیست بلکه میزان اهلیت
و لیاقت قائد و زمامدار است خواه از نسل یا غیر
نسل کماری پس امروز که مملکت ما بزمام دار و قائد
و سلطان مقتدر عادلی سپرده آمده باید لان شکرتم
لازیدنکم را نصب العین قرار داده همواره بوظایف
[illegible] دائی قیام داشته است ادامه قوامش را از
خداوند خواستار باشیم و امیدواریم که آن اعلیحضرت
نیز [illegible] هوالذی جعلکم خلائف الارض و رفع بعضکم
فوق بعض درجات لیبلوکم فیما اتیکم امروز که به آمال
خود نائل گردیده اند امتحانات متوکلانه را در ترقی و
تعالی مملکت و ملت بیش از پیش بعرصه ظهور رسانند
بلی بعضی را عقیده بود که برای رفع تهمت اعلیحضرت
پهلوی تاج را بنام سلطنت قبول نفرموده نام کریم خان
را زنده خواهند فرمود حالیه هم که رای جمایونش
باین امر اقتضا نفرمود هر چه آن خسرو کند شیرین بود
و مایقین داریم که همت عالیه اعلیحضرتش هم هرگز
از ابقاء این نام نیك چشم پوشی نفرموده و رژیم
سلطنت ایران را بجمهوری بعد از اجرای قانون
تعلیم اجباری و وظیفه شناسی ملت تبدیل خواهند فرمود
(بی غرض)

اوضاع بناب

نگارنده ازاهل تبریز بوده مدتی در بناب ماندوسته
گذاشته پانزده سال علی الدوام در بناب بودم فعلا
خودم در تبریز بوده شعبه تجارتم در بناب دائر است
و اغلب نیز برای تفریق حساب وشرکت شعبه بان
بناب میروم این قصبه در طرف غربی دو فرسخی
مراغه واقع علی عبور تمام قوافل و مسافرین خط
کرمانشاه و بغداد و زوار عتبات عالیات است جماعت
این قصبه اساساً متمدن و با فهم هستند لیکن بواسطة
نبودن مربی در بحر جهالت مستغرق اند از طرف
شرق متصل بدریاچه شاهی است آب و هوایش بد
نیست خوب هم نیست یعنی بواسطه متصل بودن بدریاچه
شاهی مرطوبی است اغلب ساکنین این قصبه به مرض
مالاریا مبتلا بوده ولی هیچ خود شان ملتفت نمیشوند
همیشه رنك شان زرد و خود شان سست که از علائم
مرض مالاریا است

تقریباً هشت هزار نفوس دارد سالی اقلا سی هزار
تومان بدولت مالیات میدهند در مقابل این بده اقلا
دولت یك شعبه آبله کوبی هم دراین قصبه تاسیس نکرده
که اطفال بدبخت اهالی از این مرض تلف ومعیوب
نگردد اغلب اهالیش کاسب و رنجبر عمده محصولشان
سبزه است سابق باغات خوب داشت چند سال است
کرمی در ریشه موهای انکور تولید شده تمام باغات
را ضایع و خراب نموده دولت هم بدون اینکه در
مقابل ناله و استغاثه اهالی توجهی باین خرابی بنماید
مالیات را کما فی السابق دریافت می دارند حالا
اغلب باغات را زمین نموده گندم و جو می کند
آنهم بواسطه نبودن آب قابل استفاده نشده این است
روز بروز این قصبه رو بتنزل است امسال تمام
حاصل اهالی از بی آبی خراب شد اهالی بدبخت هر
قدر بمقامات عالیه شکایت نموده فریاد زدند کسی
اعتنا ننموده چند نفر از متنفذین مراغه که اسم شان
دردوسیه ایالت آذربایجان ثبت است از روی لجاجت
حق آبه بناب را ضبط نموده اهالی این قصبه را بایں
روز سیاه نشانیدند مختصر زحمات یکساله هشت هزار
نفوس فدای لجاجت چند نفر متنفذین مراغه گردید
دوائر دولتی که دراین قصبه دائر است عبارتست

اولا اداره ... که خیلی منظم و طرف استفاده عموم است ثانیا اداره مالیات مستقیم و غیر مستقیم که بوجه اداره می شود رئیس اداره مزبور آقای میرزا ابراهیم خان شخصی پاکدامن و صدیق العمل ورؤف است که اهالی عموما رضایت دارند ثالثا اداره بلدیه چون ریاست این اداره انتخابی وافتخاری است لهذا همیشه در بین منتظر الریاست ها نزاع بر پا است بواسطه این نزاع ورقابت تاکنون یکقدم بطرف اصلاحات برداشته نشده بعقیده نگارنده مادامیکه این اداره هم بشکل قانونی نیفتاده مانند مالیه و بست بودجه و قانونی نشده باید چشم امید از اصلاحات پوشید وجعت عواید نواقل که مختص به تنظیمات بلدی است درمیان تلف و کسی هم مسئول نخواهد بود خصوص است وکلای محترم دوره ششم اول دوائر بلدیه را منظم نموده بعد در ازدیاد عواید و صرف آن بحث فرمایند و الا فرضا تمام شاهدات غیرمستقیم را درهر محل بخود آن محل تخصیص دهند به جیب این و آن خواهد رفت چه ایجه مطلوب است میباید اول تنظیم اداره لازم است بعد تزیید عواید رابعا شعبه نایب الحکومگی است که جز وحکومت مراغه است خامسا مدرسه دولتی است که این مدرسه ازیادگار های میرزا ابو الحسن خان سیف مقدم ساعد السلطان ثانی است که یعنی ایامیکه کلمه از معارف به سمع اهالی این مرز و بوم نرسیده بود این شخص محترم برای معالجه بفرنگستان رفته بود در مراجعت تحفه و هدیه که برای اهالی این قصبه آورد یکنفر مدیر بود که از جیب فتوت شخص خود اجیر نموده مخارج گزاف اثاثیه و لوازمات مدرسه را فراهم و بروی عموم باز نموده تا اینکه بعد از چند سال بودجه ازطرف اداره محترم معارف ایالتی آذربایجان معین و خود ساعد السلطان نماینده افتخاری منصوب گردید تا پارسال مشغول خدمت ابنای وطن خود بود پارسال بواسطه علل و ضعف مزاج و غلبه امورات شخصی از نمایندگی استعفا داده آقای میرزا علی خان مقوم زاده که یکنفر جوان قابل و صاحب معلومات و خوش اخلاقی است برای نمایندگی و مدیریت این مدرسه از تبریز معین و فعلا مشغول است و لیکن از چند جهات این مدرسه رو بانحطاط است اولا عدم توجه اهالی که هنوز وجود این مدرسه را کفر میدانند

دوم بواسطه نبودن بودجه کافی عرض اینکه برای شاگرد های تصدیق گرفته ازابتدائی ما متوسطه تاسیس نمایند برعکس شش کلاسی را به چهار کلاسی تنزل داده اند شاگرد های ازچهار کلاسی به بالاتر سرگردان مانده اند سوم بواسطه نبودن مفتش وعدم توجه معارف محترم ایالتی اصلا اقای نماینده معارف بنا بر از بد اخلاقی و عدم لیاقت و معلومات بعضی اعضای مدرسه شکایت نموده بلا نتیجه میماند بذل توجه ریاست محترم معارف ایالتی را بوضعیات این مدرسه جلب مینمایم

امنیت این صفحات از برکت توجه اولیای امور آذربایجان بدرجه رسیده که یکنفر بیوه زن میتواند یک طبق طلا را به سرش بر داشته ده شب و روز در صحرا و طرق بگرداند احدی قادر نباشد از او سوالی بنماید چیزیکه زیاد ازحد خراب و بعقیده نگارنده مایه تمام بدبختی است همانا خرابی مراجع حقوق و قوه قضائی است محاکم قطع دعاوی تمام حقوق اهالی این صفحات همانا محکمه آخوندها است در این محاکم هم هزاران راه شرعی دارد بیچاره مراجعه کننده نمیداند ازکدام راه داخل شود که حق مشروع خود را وصول نماید بدین واسطه اطمینان مردم بکلی ازیکدیگر سلب شده سرمایه دار نقدینه خود را در زیر خاک مدفون هم بی کاران نیز سرگردان میمانند اگر کسی مختصر متمول و صاحب چیز بوده باشد شب و روز در فکر کندن چاهی برایش میشوند تا اینکه یک نفر مدعی با یک مصالحه نامه جعلی برایش مهیا نموده به محکمه های معلوم جلب نموده تا اینکه رمقی در وجودش هست دست بردار نیستند اگر خدا نکرده یکنفر متمول بمیرد فوراً یک نفر قیم برایش گماشته بهر عنوان است با قیم دست یکی شده تا دیناری از ترکه موجود است هر روز با رنگی و شکلی دسیسه نموده تمام کرده بدبخت وراث را سائل بکف میکنند چه بسا اشخاص در این صفحات ده هزار تومان بیست هزار تومان برای اولادش ترکه گذاشته ولی باین عناوین از دست شان گرفته حال اولادشان گدائی میکنند ابدا پای مسئولیت و مجازات درمیان نیست وکسی هم نیست که سوال بنماید بابا شما چه کاره هستید که بدون هیچ شرم وحیا مال این بدبخت و چند نفر صغار مالک شده تاراج میکنید این قضیه را که عرض میکنم اگر انسان درمیان هر قوم و ملت و نژاد بگوید کسی باور نمیکند مثلا شخصی اعلان میکند که من فلان ملک خودم را میفروشم یکنفر هم مشتری شد بعد از گفتگوی زیاد ملاحظه اهل خبره و قطع قیمت قباله شرعی در محضر ملای معروف نوشته شده و مطلعین هم مهر نموده بدست خریدار میدهند فروشنده هم پولش را گرفت بعد از مدت فروشنده با فلان آخوند ملاقات نموده قرار و مدار گذاشته یک حکم از آخوند گرفت که من مغبون شده‌ام یا یکنفر را درست نمودند یک سند جعلی ارائه

نمود که این ملك نزد من بیع شرط است یا پدر فروشنده قبل از وفات بمن مصالحه نموده بیچاره خریدار هی فریاد میکند بابا جانم من پول داده بموجب قباله شرعی ملك گرفته‌ام فروشنده هم حاضر است اگر خلاف شرع است شخص فروشنده مرتکب شده باید او و مجازات شود خیر کو گوش شنوای حرف حق کو تا اینکه به نسبت دو مقابل قیمت ملك را نیز بایستی باینجا انجا مایه گذاشته تا عمر دارد هم نگران است که مدعی جدیدی بابی ملك من پیدا خواهد شد

اما قوهٔ قضائی که فعلا منحصر به اداره مدعی العموم و عدلیه است که در تبریز دائر است این قضیه است دراز انشاءالله در آتیه مشروحاً عرض میشود درخاتمه از فرمانده محبوب کل قوای آذربایجان آقای سرتیپ محمد حسین خان ایرم که شخصی است جدی و فعال و وطن خواه و بشر دوست و نهایت دیپلوماتك استدعای مستدعیانه مینمائیم که نقشهٔ برای حفظ حقوق اهالی این مرز و بوم طرح فرمایند که حقوق مردم از انتریك ودسیسه چند نفر مفت خور محفوظ و مصؤن مانده دیگر مردم نگویند که چه تفاوت دارد این دوره با ادوار سلف منتها در ایام سلف حقوق مردم در زیر شلاق حکومت مستبد ضایع میشد حال هم در سایه انتریك ودسیسه همان اشخاصی که بالباس دیگری اظهار وجود مینمایند پایمال میشود این دوره دورهٔ بدیع اعلیحضرت پهلوی است باید ملت از هر حیث آسوده ومرفه الحال باشند وثمری از شجر مشروطیت بیست ساله بچشند و آفتاب عالم تاب آزادی حقیقی ابرهای تیره را متلاشی نموده با حرارت تمام طلوع نماید در اینجا ختم مقال نموده ما بقی جریانات را باتیه وعده میدهیم - (یك نفر بلانچی)

﴿ ملاقات با یکنفر گاو چران پاریزی ﴾

دو از آفتاب گذشته روز ۳ دی بعزم رفتن از پاریز بسیرجان از آبادی خارج شده مسافت نیم فرسخی عدهٔ گاو بچرا میرفتند پیر مردی که تمام لباس او از پارچه پشم ضخیمی بود « معلوم شد خودش تمام کرده » چماق کلفتی در دست و عقب گاوها میرفت زمزمهٔ هم داشت صدا بلهجه مخصوصی گاوهای متمرد را که برخلاف میل او میرفتند نهیب میکرد و ان بی‌زبانها هم فوری متابعت میکردند وقتیکه من رسیدم وضع وحالت و قیافه بشاش او وا دارم کرد که قدری با او صحبت بدارم پس از تعارفات رسمیه گفتم ممکن است بپاره سوالات من جواب بدهی گفت تا هستم حاضرم

س - چند سال عمر داری

ج - تاریخ که ندارم ولی وقایعی را که خاطر میدهم میگویم شما میتوانید حدس بزنید چند سال دارم

س - اوائل سلطنت ناصرالدین شاه را یاد میدهی

ج - بنده اوقت مردی بودم و صدماتی که بمن رسیده انگار دیروز بوده راستی عمر عجب مثل باد میگذرد

س - مگر چه تقصیر کرده بودی که صدمه دیدی

ج - تفصیلش خیلی است مختصرش اینست که پدر من سرزعیم خواجه سعید ارباب پاوگاهی هم کلانتر پاریز میشد بود -

یکی از اقوام خواجه سعید رفته بود در قلعهٔ کهنهٔ پاریز جهة در آوردن هیمه واجر بعد بیکی گفته بود که من یك خم کوچك « باصطلاح پاریزی دوره » پر از اشرفی در قلعه دیدم چون روز بود نتوانستم بیارم جائی پنهانش کردم شب رفتم بیارم دیدم جاش است و بچه نیست آقائی که شما باشید این خبر رسید بکرمان که حکومت اشپ بود حکومت هم یکی از پسرهای شاه گویا بوده چله زمستان بود برف زیادی باریده یك روز دوازده سوار بسرکردگی یکنفر که فریادرس ملك نام داشت وارد و خواجه سعید و تمام قوم و خویشان و بزرگان او را گرفتند من حلسه پدر مرحوم و مرامم که ده یازده سال داشتم گرفتند مدت پنجاه روز گرفتار بودیم راستی آدمی چه قدر سخت جان است درست گفته اند که

§ از گل نازکتر و از سنك سخت‌تر است §

س - مگر چه می کردند

ج - برادر مسلمان نشنود کافر نه بیند اول آفتاب که میشد نجارها را حکم میکردند بچوب برندش بحدی که ترکه تمام شده زنجیر وشیش بربکار میبردند ای کاش بمردها قناعت میکردند آخری زنهای این طایفه را از پیر و جوان و حامله میاوردند بارو بند و چاقچور تا کمر فلك میکردند شکنجه ایشان عبارت بود از تاك تجر اشفلك کردن ولی نباحق کردن دورسرش؟ خمیر گرفتن وروغن داغ ریختن پستان زنهارا اشفلك کردن داغ کردن بچه ها صحیح پیش روی مادرها کمتر اذیت انها بود مردها را بدرخت یك دستی آویخته و توبره سنك پای او بستن حتی یك نفر در چنین حالتی خواب رفته معلوم شد که این آویختن آسان ترین اذیت مامورین است که بیچاره یکدستی آویزان و توبره سنك بر پا خویش برده در صورتیکه مردم گمانشان این بوده که مرده است

س - خوب بعد از آن چه کردند گنج پیدا شد یا نه

ج - خیر گنجی کجا بود معلوم شد بیچاره هر این حرف را زده بود و بهانه صحیحی برای منفعت

حکومت و مأمورین فراهم کرد

س - آخر کار چه شد

ج - آخر کار این شد که یکروز در حسینیه یاویز تمام متهمین را از زن و مرد وبچه و ضعیف که منجمله پدر من و خودم بودم از اول آفتاب تا زوال انچه لازمه اشکنجه و سیاست و اذیت بود بجا آوردند سوای اذیتی که آدم مرآت السلطنه پسر سردار نصرت کرمانی «وکیل مجلس» بنام خودش درباره حاج محمد شهر بابکی برای جرمانه سی تومان کرد

س - در کدام تاریخ آدم مرآت السلطنه و در کجا و چه نوع اذیتی ما فوق ان اذیتها معمول داشت

ج - درست تاریخ ان را نمیدانم هرچه بود همان وقت شلغی دزد دزدی سوار بهار لوها قریب چهار صد نفر دور بپاریز را گرفته بودند و میگفتند احمد شاه تحت شحنه مرات السلطنه هم بلوک گردی آمده بود شبهای زمستان بود ما رعیتها می بایست کشیک آقارا هم بکشیم

س - آخر نفهمیدم بسر حاج محمد چه آوردند

ج - شبی که برف زیاد آمده بود من پیر مرد را بردند سر طویله برای خدمت کربلائی محمد میرا خور آقا و کشیک اسبها وقتی رفتم دیدم حاجی محمد خلیلی است میر آخورهم مشغول وافور است و ضمناً فحش هم میدهد و سی تومان به آقا و ده تومان حق میخواهد وافور که کشید شیشه آورد میگفتند عرق است بناکرد خوردن تا عرق کرد کلاهش را برداشت و شروع باذیت کرد ان بیچاره میگفت صبر کنید صبح بشود جائی قرض میکنم گرو میدهم امشب کسی بفریاد من نمیرسد گوشت آدم که پول نمیشود کیسهای مراهم که خالی کردید حتی مهر نمازم را بردی گفت حالا من پولت میسازم آقا فرموده است نعلت کنم من گفتم تشر میزند ولی دیدم خیر دستهای بیچاره را النگو کرد پاهایش را هم چپ و راست حایل نمود ریسمانی بگردنش در آورد باخیه بست توبره نعل ومیخ را اورد باکمال بیرحمی پاهایش را نعل کرد باین اکتفا نکرد در فش داغ کرده ، او را داغی کرد.

بلدیه لنگه

بعد از ۱۲ سال بندرلنگه دارای یك اداره بلدیه قانونی شده فعلا شهر در حالت نظافت است ، لاکن بواسطه مخالفت چند نفری احتمال میرود مجدداً منحل گردد و زحمات اقای موفق الدوله حکمران بنادر و اقای شریف الممالك حکومت لنگه بهدر برود فعلا ریاست انجمن بلدی به اقای محمد احمد اسحاق هودی که یکی از احرار است واگذار شده

اداره گمرکات که فعلا تحت ریاست مسیو ابراهیم رفونشی سابق بندر عباس اداره میشود بواسطه دو فرقه گی اجزاء و اعضاء آن و بی مبالاتی رئیس کما فی السابق مرتب نیست - مخصوصاً در بنادر جزو فریاد قاچاق باند است خوف آن میرود این چند نفر تجار هم لنگه را ترك گویند

دو ماه قبل جهازی متعلق برعایای دوبی بواسطه طوفان ناچاراً به ساحل چرو میاید - اداره گمرك ارا قاچاق فرض نموده ومبلغ یك هزار وچهارصد روپیه جریمه دریافت میکند شیخ دوبی هم بان لحاظ از هر جهازی که متعلق برعایای ایران باشد خواه خالی یا پردردریای خودش ۷۰ روپیه تکس دریافت میکند خوب است اداره گمرکات لنگه که مسبب این تکس فوق العاده شده است فوراً به طهران خبر دهد شاید رفع شود ورنه اشخاصیکه با جهازات بادی امرار معاش میکنند تلف خواهند شد . زیرا در صورتیکه جهازی شاهی بارهم شود کرایه آن از لنگه بدوبی بیش از چهل الی ۵۰ روپیه نخواهد بود

امید است وزارت جلیله خارجه فوراً بوسائل مقتضیه این ضرر بزرگ را رفع نمایند . والا کارخانه جهازات سازی هم که هزارها مردمان بوسیلهٔ آن امرار معاش میکنند بند خواهد شد ، و ابوقنیست که باید واسطه لنجه را خواند - (مطلع)

یك دست و چند هندوانه

(تصویب هئیت دولت)

نظر بلزوم اشتراك ایران درکنگره های منعقده در فرانسه و نقاط دیگر اروپا که از اول سال آتیه شروع میشود رحسب نظر و تصویب هئیت دولت آقای میرزا احمد خان عدل مهندس فلاحت بسمت نمایندگی ایران انتخاب شده است و سایل عزیمت مشارالیه نیز تهیه گردیده درظرف این دو روزه بسمت پاریس عزیمت خواهد کرد که در ۲۳ اسفندماه دو روز قبل از انعقاد کنگره در پاریس حضور یابد به نماینده فوق سه ماموریت ذیل داده شده است

۱ - نمایندگی در کنفرانس زراعتی ممالك حاره که در پاریس مورخه ۲۵ اسفند ماه انعقاد می یابد

۲ - نماینده فلاحتی در کنگره بین المللی فلاحت منعقده در رم

۳ - نمایندگی در کنگره بین المللی لبنیات منعقده در پاریس را خواهد داشت

علاوه برماموریت های فوق آقای عدل در ضمن این مدت کارهای ذیل را نیزبایستی انجام دهد

خرید آلات وادوات بـرای سرم سازی خرید مقداری سرم

مذاکره با دولت هلاند برای استخدام متخصص چای کار و زراعت نباتات صنعتی

شرکت در انتخاب بیطار برای ریاست موسسهٔ دفع آفات حیوانی و انتخاب یك نفر برای ریاست مؤسسه پاستور از فرانسه تهیه راپورت از اوضاع فلاحتی اروپا و بودجه تاسیسات و تعلیمات فلاحتی آن ها مطالعه راجع به تأسیس بانك های فلاحتی و صندوق های تعاونی زراعتی وغیره

مطالعه راجع به تربیت و پرورش کرم ابریشم و اوضاع بازار تجارتی ابریشم در ایطالی و فرانسه

تهیه بذر درخت های صنعتی و نباتات مفیده که در ایران وجود ندارند

مطالعه در ترتیبات فلاحتی و امور زراعتی که اخیراً در اروپا معمول و متداول است

راپرت جامع راجع به مؤسسان دفع آفات حیوانی مخصوصا طاعون گاوی سیاه زخم ضدعفونی نمودن پوست و پشم وروده

تعیین قیمت چوبهای جنگلی صنعتی ایران در بازار های خارجه

مطالعات راجع به تریاك در اروپا

مطالعات راجع بزراعت پنبه - چای - توتون - کتان و ماشین هائیکه برای توسعه و بعمل اوردن این محصول در ایران لازم است

ارتباط وزارت فلاحت با وزارت خانهای فلاحت اروپا واقدام برای ارسال کتب ومجلات مربوطه بایران

مطالعه در اقسام تراکتور های جدید مخصوصاً اقسامی که باذغال چوب کار می کند

بعلاوه مقداری از خاك های زراعتی مختلفه ایران را با خود همراه خواهد برد که درلابراتوار مدرسه فلاحتی [کرینیون] در فرانسه تجزیه نماید

حل المعتنی

گویا هنوز در وطن مألوف ما اصول افراط و تفریط موجوداست معلوم است از یك نماینده که برای چند ماه به اروپا گسیل میدارند اینهمه خدمت خواستن و تا ایندرجه وظیفه برای وی معین کردن امری است غیر میسور و آن مامور هر قدر لایق و باکفایت باشد بهیچ کار از روی صحت نتواند رسید و هر بیانی که بکند ناقص و هر اطلاعی که حاصل کند غیر مکفی خواهد بود چه گفته اند (نه چندان بخور کزدهانت برآید - نه چندان که از ضعف جانت در آید) ایران در هر نقطه و درهر پایتخت چندین نماینده دارد این نمایندگان را از بس دولت از ایشان کار نخواسته و آنها نیز کار نداده اند یکدفعه وجود شان مهمل و معطل مانده است از طرف دیگر به یك نماینده که برای چندماه می فرستند چندان کار رجوع می شود که اگر تمام عمر خود را هم بگذارد نصف آن کار ها را هم تکمیل نتواند نموده حق این است که موضوع مسئولیت در کار نیست بهر کس هم هر کار و هر قدر کار رجوع شود قبول مینماید اولیای دولت از این خوش اند که برای فلان کار بهمان شخص مامور شده مامور هم از این خورسند است که بجای یك ماموریت چندین ماموریت و وظایف برای او معین آمده اگر هیچ نباشد در همان اول وهله اسم خوبی که از اروپا میرود جراید طهران ما را تمجید می گویند عجب است که جراید طهران هم هیچ نه نگاشته که از یك نفر مامور این همه کار خواستن خلاف اصول عمل است اظهار بهمان لفاظی خواهد گذشت عیب را باید گفت وا صلاحش را هم خواست بدترین وزارتخانهای ایران وزارت خارجهٔ ماست و بیکاره ترین وبی تکلیف ترین مامورین دولت نمایندگان خارجه اند و بیهوده ترین پولی که در ایران صرف شده و می شود پولی است که بوزارت خارجه می رسد و تقسیم به یك جماعت کردن کلفت بیکار هرزه گرد میگردد اگر یك اداره تفتیش صحیح باشد دو ثلث نمایندگان و مامورین وزارت خارجهٔ ما که وجود شان یك پول سیاه هم برای دولت و ملت فائده ندارد بلکه وجود بسیاری از آنان مایه ذلت و رسوائی ملت و دولت است ثابت خواهد گردید باندازهٔ که خیانت کاری و بی عاطفه گی وبی علاقگی به ایران از مامورین و نمایندگان خارجهٔ ما دیده می‌شود که اگر سالها شرح داده شود تمام نتواند گردید از خداوند مسئلت مینمائیم که یك فرصت وحواس جمعی بما بدهد تا معلومات خود و تجربیات چهل سالهٔ خویش را در مامورین گذشته و حال وزارت خارجه در پیشگاه دولت و ملت بمعرض ظهور و بروز گذاریم

§ تا سیه روی شود هر که دراوغش باشد §

صاحبان حس و ارباب خیر بخوانند

(بیانات رئیس کل صحیه ایران)

مقام منیع وزارت جلیله داخله - بموجب اطلاعات عمیقه اوضاع صحی مملکت فوق العاده موحش است احصائیه هائی که در تمام ممالك مشاهده میشود کثرت نفوس در هر سال مبرهن و بر طبق احصائیه که در شهر طهران گاهی انتشار می یابد تعداد متوفیات در هر ماه دو سه برابر متوالدات است تصدیق می فرمایند بی نهایت رقت انگیز و تاثر آور بوده باضافه این احصائیه پای تخت است که از حیث تمدن و تربیت و حفظ الصحه بلکه میتوان گفت از هر جهة رجحان بسایر بلاد ایران داشته و هو بجرای قانون سجل احوال تشخیص خواهند داد که تعداد نفوس

ایران با چه عجله رو بنقصان میرود و مشاهده خواهند فرمود که عده نفوس بچه پایه است غالب از قصبات و قراء بی سکنه . امراض ساریه در تمام نقاط حکمفرما و اگر عده وجود دارند مرده های ببروح یا نیمه جانی هستند قادر بطی مراحل عمر طبیعی نبوده حتی مسلول و برخی کور نابینا علیل و ضعیف و نیمه مرده حقیقتا زجر میکشند و عمری با نهایت سختی و بدبختی میگذرانند اطفال را در بدو دولت آبله و دیفتری نابود مینماید (بموجب صورتیکه اداره لدیه امسال بمجلس حفظ الصحه دولتی داده است چند برج هر برجی دویست طفل در شهر طهران از مرض آبله مرده اند) مرض مهلک تیفوئید در تمام مملکت بشکل بومی خود را پنهان ساخته هر وقت موقعی دست آورده ضربتی شاهانی بیچاره زده است

مالاریا های عفنه وسفلیس و اقسام امراض مسریه سراسر مملکت را فرا گرفته کلیتا نقاط مملکت از شهرها و قصبات وقراء فاقد صحیه و طبیب وجراح و کحال و قابله و دواخانه میباشند استعمال الکیات و شیره و حشیش و تریاک عده را ذلیل کرده است ودهنت قرنطینه های سرحدی خراب و چند مریضخانه که اسما وجود دارند فاقد همه چیز اطباء زحمت کشیده عموماً مایوس دواخانها بی ترتیب و دوا فروشها فعال مایشاء عده طبیب اما در اطراف مملکت اشتغال بقتل نفوس دارند مسئولیتی در کار نبوده است چند ماه قبل یکی از آقایان اطباء از کرمان راپورتی به مرکز فرستاده می نویسد از مالاریا و امراضی که همیشه در این حدود است در ظرف مدت قلیلی از هشتصد نفر مریض چهار تا شش نفر جان در ابردند در این صورت به بر مرده بر زنده باید گریست

هر گاه یك وبای آسیائی از رود گنگ هندوستان « کالرا » همان قسمی که مکرر به ایران آمد و دست رد بر سینه هیچ خانواده نزده با وجود این همه زمینه های مساعد بیاید قتل عام خواهد کرد و ذیروحی باقی نخواهد گذاشت با این اسلوب و رویه که در امور صحیه پیش میرویم گمان میرود احتیاجی به بروز انقلاب امراض وبائی نیست باحساب مراقب و بر طبق احصائیه چند سالی نمی گذرد تدریجا ایران فاقد از نفوس است گذشته گذشته است برای آتیه و پیشرفت امور صحیه باهمیت و اقدام و کوشش و فدا کاری و زحمات زیاد باید فکری نمود که نتایج مطلوبه حاصل گردد و اداره صحیه بتواند باسرع وقت قدم های رسا در راه مواظبت و حفظ جان مردم بردارد

توجهات بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بجانب صحیه مملکت کاملا معطوف است و در سایه این الطاف اداره صحیه نیز موقع را مغتنم شمرده و عملیات آتیه خود را با مراجعه بمواد ذیل تطبیق و شرح آرا در ضمن این راپورت به اطلاع آن وزرات جلیله میرساند مسؤل صحیه مملکت که همیشه آرزو داشت فرصتی دست آورده خدمت بـه مملکت نماید با دامن پاك و قلبی بی آلایش از روی کمال شرافت مندی برای صحت و سلامت هموطنان عزیز قدم بمیدان مبارزه امراض گذارده و حاضر است از هیچگونـه زحمت و مشقت در پیشرفت امور صحی دریغ ننماید خادمین صحیه در آتیه با حفظ مراتب قانون از اطباء دیپلمه قابل خواهند بود مسؤل صحیه مملکت مواد ذیل را مرام خود قرار داده بانهایت کوشش وجد و جهد و علاقه مفرط بموقع اجرا خواهد گذارد

« ۱ » جنك بـا مالاریا در تمام مملکت

« ۲ » استحکام وانتظام امور قرانطینه های سرحدی

« ۳ » آبله کوبی اجباری بوسیله اطباء ساکن در در شهرها و آبله کوب های سیار

« ٤ » خاموش نمودن کانون های عفنه و امراض مسریه

« ٥ » تشکیلات صحیه ایالات و ولایات

برطبق نقشه مفصلی که قریباً تقدیم خواهد داشت (قبل از فروردین ۱۳۰۵) نقشه تفصیلی صحیه و طرز تشکیلات و بودجه ابتدا کافی لااقل پانصد هزار تومان که بتواند رفع احتیاجات صحی مملکت را نماید قبل از فروردین ۱۳۰۵ تقدیم خواهد گردید

حبل المتین

هر صاحب وجدان و شرف که دارای اندك حس انسان پروری باشد از خواندن بیانات فوق متأثر و متألم گردیده بفکر چاره و علاج می افتد ما بیانات رئیس کل اداره صحیه را کاملا تصدیق نموده بدون ذره اغراق و غلو می دانیم ویرانی ایران از دو امر است

اول — از عدم اداره حفظ الصحة صحیح

دوم — نداشتن عدالت خانه صحیح واین موضوعی دارد علیحده که خارج از این بیان است چقدر حال ایرانی رقت آور و اداره حفظ الصحة آن بی اثر است که مورد رحم و ترحم داعیان مسیحی آمریك و انگلیس وغیر واقع گردیده در وطن سیروس برای علاج اولادگیان مریضخانه باز مینمایند گو مریض خانهای آنهای مبنی بر اغراض دیگر هم باشد ولی برای یکملت با شرف ذلتی از این الاتر متصور نیست که دیگران مجاناً بپرستاری و علاج مرضای انها می آیند ما با بیانات رئیس کل اداره صحیه همراه ایم ولی یك کرور بودجه را که برای این اداره خواسته‌اند هرگز

کافی تصور نمی کنیم

برای یك چنین مملکتی که هیچگونه اداره حفظ الصحه نداشته و ندارد یك کرور تومان هرگز کافی تصور نمی شود اولیای دولت تاکنون کمتر از همچیز توجه باداره صحیه و معارف مایه نموده‌اند اگر از روی سخت عمل شود اقلا ربع عایدات مملکتی باید در حفظ الصحه و تعلیمات عمومی صرف شود برفرضیکه امروز هم نتوان ربع عایدات را در این دو امر صرف نموده باید قانونی وضع گردد که در هر مالیات جدیده و اضافه عایدات سراسات اداره حفظ الصحه و تعلیمات عمومی بشود اگر این اصول هم اتخاذ شود در چند سال که عایدات ایران مضاعف خواهد شد بودجه مکفی برای این دو اداره فراهم بواند آمد

عجبا صاحبان حس و وجدان یعنی تجار خارجه ایران با انهمه ثروتهای اندوخته چرا تاکنون ترحمی بجانب ابنای وطن خویش نفرموده تائید و کمك بحفظ الصحه مملکت و تعلیمات عمومی نه نموده اند آیا تصور میشود که خیرات و مبراتی از روی عقل وشرع بالاتر از این باشد آیا حدیث شریف من احیا نفسا موضوعش اینجا نیست؟ آیا ابنای وطن و فقرای ما شما از روی برادری و اخوت و دیانتی بشما هیچ حق ندارند؟ البته در ادوار سابق می توانستند بگویند اعتماد بادارات دولتی نیست و ملت هم دارای هیچگونه اختیاری نمی باشد ولی امروزه این سخن ناروا ست ادارات دولتی و چرخهای مملکتی همه بگردش آمده عل همه گونه اعتماد و اعتبار هستند گویا وقت آن رسیده باشد که خیرین داخلی و خارجی صرف نظر از سایر خیرات و مبرات نموده اصول الاهم فالاهم را از دست نداده در تکمیل اداره حفظ الصحه مملکتی و ترویج تعلیمات عمومی بکوشند ما دوست دیرین و محب صمیمی ایران (کی جی - نریمان) را مخاطب ساخته میگوئیم که بیانات رئیس کل اداره صحیه را بدقت ملاحظه نموده انصاف دهید که آیا موقع آن نرسیده است که ملت فارسیه را متوجه تائید اداره صحیه مملکت آبائی خود بنمایند؟ ما می دانیم که امت زردشتیه خیلی بوطن اصلی خود علاقه‌مند اند و ایرانیان حساس داخله هم از چندی باینطرف خیلی بکمك و همراهی آنها امیدوارند بدون رو در واسی باید گفت که هنوز هم با انهمه تحریکات شما وامثال شما خیرین و صاحب ثروتان فارسیه یعنی دوستداران ایران یکقدم هم بطرف تکمیل نواقص وطن خود بر نداشته اند اگر منتظر اند که ایران وقتی مثل ژاپون شد کمك کنند لازم است بانان گفته آید که آنوقت ایرانیان داخلی هم محتاج بکمك و تائید برادران خارجی نخواهند بود هر سخن

جائی و هر نقطهٔ مقامی دارد خوب است قسمی اقدام کنیم که تمام ماهم شامل اشخاص قوال نباید

اما علاج فوری بدون زیان و بغیر کمك از خارجه و داخله باعتبار و قبضهٔ وکلای دوره ششم است یعنی اگر وکلای دوره ششم حس وطنخواهی و ملت نوازی دیانت شعاری و ترقی جوئی داشته باشند باید اول قدمی که بر میدارند در اصلاح موقوفات باشد اگر موقوفات ایران اصلاح شود عایدات آن برای تکمیل نواقص صحیه و تعلیمات عمومیه ما کافی تصور میشود مهم ترین ادارات ایران اداره موقوفات است و بی ثمرترین ولی هم که در ایران خرج باحیف و میل میشود همانا عایدات موقوفه است اولا عشر عایدات موقوفات برحسب نیات واقف بمصرف صحیح نمی رسد امروزه همان قسمی که کلیه امور فرق کرده باید بمصارف خیرات و مبرات هم فرق کند چه حماقتی بالاتر از این است که ما کرورها پول مملکت را بخارجه فرستاده قندو چای خریده یا شمع های نجس را آورده در مجالس خیریه خود صرف کرده امید نجات هم داشته باشیم باید وضع خیرات و مبرات را تغییر داد و اصول نذورات را تجدید نمود اگر بجای اینکه ما نذر می کنیم که بچه‌مان از فلان مرض شفا یابد یك پنجه طلا بنام ابوالفضل العباس سازیم نذر کنیم اگر بچه ما از این مرض بتفضل ابوالفضل العباس شفا یافت یك طفل یتیم را تعلیم و تربیت نمائیم چه زیانی بعقیده اسلامی ما وارد میاید؟ اصلاح موقوفات خیلی اهم است چه مخالفین پرزور خیلی داریم ولی چاره چیست باید این اداره خراب ویران بی انتظام بدخرج را اصلاح نموده و هرقدر دیرتر شروع بکار کنیم دیرتر هم بمنزل مقصود خواهیم رسید دولت باید جداً بکوشد و وکلای حامی شورای ملی از مخالفت نه هراسند و قانونی وضع کرده تمام اوقاف را بقبضه دولت دهند و عایدات موقوفات را از عمومی و خصوصی ساخته کنند یك حصهٔ انرا به اداره حفظ الصحه مملکتی مخصوص نموده حصه دوم را به تعلیمات عمومی اختصاص داده سومین حصه را برحسب نیات واقف از روی صحت و مقتضای وقت صرف نمایند بهمه مقدسات سوگند اگر چنانکه گفتیم ثلث عایدات موقوفه از روی صحت برحسب نیات واقفین صرف شود رونق خیرات و مبرات قدیمه هم دو چندان گردد و حفظ الصحه و تعلیمات عمومی نیز تکمیل یابد نهایت چند نفر شکم پروران بی‌حاصل از هرزه کاری باز می مانند و مجبور می شوند که آنها نیز بار و وبال ملت نشده بکارهای مشروع دست زنند و راه معیشت مشروعی بکف آرند و نیز از موقوفات میتوان روحانیت حقیقی که از ایران دارد رخت می بندد اصلاح نموده یك اداره منظمی ساخت که هم بطلاب

علوم دینیه فائده رسانیدو هم از انها فایده برگرفت در هیچ
ملت مانند ایران روحانیتش بی پایه و اساس نیست
اساس و پایه روحانیت هر ملت در سایه موقوفات
محکم میگردد باید روحانیین ما هم دارای وظایف
مخصوص که ترویج شریعت و دعوت اسلام است گردند
روحانیت را بسیاست چه‌کار؟ دخالت در سیاست روحانیت
ایران را بی قدر و منزلت ساخته و بدان سبب عقاید عمده
ایرانیانرا درباره روحانیت متزلزل نموده یك ثلث
از اوقاف را که نگاشتیم باید رتق و فتقش بکف
روحانیین قرار گیرد اما در تحت قانون و انتظام
مخصوص اگر مجلس ششم توانست اساس موقوفات را
محکم سازد گویا به اصلاح بسیاری از امور موفق
گردیده است اهم اصلاحات ما اصلاح موقوفات
است چه عایداتش باندازه است که اگر تحت انتظام
درآید کلیه اصلاحات صحیه و تعلیمیه وروحانیه ما را
تواند نمود و نیات واقفان هم بهتر انجام و اصیافت و
تا زمانیکه موقوفات اصلاح نشود تکمیل بنیادی از
نواقص ما صورت نتواند بست فقط موقوفه خواران یك اشکالی
میتوانند تراشید و آن این است که شرعاً باید برحسب
نیات واقف عمل شود مجلس و دولت می توانند
بمشوره علماء حقه و مجتهدین بزرگ که مرجع تقلید اند
مراجعه نموده راه حل این مسئله را هم پیدا کنند در مذهب
شیعه اجتهاد خیلی کار تواند نمود چنانچه تاکنون نیز کرده
است امیدواریم ارباب فکر با رعایت مقتضیات در
اینموضوع قلم برداشته راه حل و اصلاح کار را در
جرائد ملیه انتشار دهند اینگونه مسائل اهم را خیلی
باید موضوع بحث قرار داد تا اندك اندك علاجی
شده راه های برایش پیدا شود

﴿ اجرای برخی مواد قرار داد کمپانی نفت جنوب ﴾

دهم نوامبر ۱۹۲۵ کمسیونی در لندن با حضور رؤسای
کمپانی نفط جنوب تشکیل وراجع به پیشنهاد کمیسر ایران
مذاکره و بالاخره تصمیم اتخاذ شده است که از این
تاریخ تا هشت سال دیگر متدرجا کاری بکنند که
کلیه روساء و مدیران فنی شرکت نفط جنوب ایرانی
قرار گیرند وضمناً متقبل گردیده اند که از این بعد
تا مدت مزبور بوسیله تعلیم علوم وفنون مربوطه ایرانیان
لائق را قابل خدمات فنی سازند و مخارجی هم که از
این کار ایجاد میشود بعهده خواهند گرفت

در این خصوص از وزارت معارف تقاضا شده
است که دقت نمایند معلمین مجرب و قابل بخوزستان
اعزام دارند هر قدر ممکن است اقدام در تاسیس
مدارس ابتدائی متوسطه و فنی بعمل آید و ثقل
مخارج آن را می نمایند و اداره کمپانی نفط
جنوب اعلانی برای استخدام اعضاء نموده شروع
بانتخاب مستخدمین ایرانی مینمایند

﴿ حبل المتین ﴾

کلام حضرت مولی الموالی است یعمل الجاهل
بنفسه ما لا یعمل بعدوه آنچه بر سر ایرانی آمده
و میاید از خود اوست ایرانی جبان است ، ایرانی
جاه‌ترس است ایرانی معنی احقاق حق نمیداند ایرانی
هیچ تصور می کند که اگر رؤسای کمپانی نفت
جنوب گوید که بین ما و شما قرار دادی است که
هر دو بایستی پای بند به آن باشیم فوراً جهازات
جنگی انگلستان آمده خلیج ما را محاصره می کنند و
حال اینکه چنین نیست تا آنجائیکه در دائره قانون و
قرار داد باشد هر گونه فشاری که ما بکمپانی بیاوریم
دولت انگلیس نه دخالت می کند و نه حق دخالت
دارد اگر هم باشد که کمزور در مقابل پرزور دعوی
حقوق نه نماید نبایستی که این اقوام کوچك کمزور
اروپا در مقابل ممالک پرزور قوی پنجه اظهار حیات
کنند بالجمله ایران بایستی در دائره قانون حقوق خود
را حافظ باشد اعضای کمپانی نفت جنوب چون
سکوت ایرانیان و حق ناشناسی آنان را یافته از مواد
قرارداد خیلی تجاوز کرده اند ولی هرگاه کمیسرهای
ایران مردمان جبان طماع نباشند با حرف حسابی
می توانند اعضای کمپانی را در دائره امتیازات
محدود دارند ما تشکر می کنیم از آقای میرزا عیسی
خان فیض کمیسر کمپانی نفت جنوب که اول قدم را
برای محدود داشتن اعضای کمپانی در حدود امتیاز
برداشته امید است که بتدریج قدمهای بزرگتری را
هم بردارند اختیاراتیرا که اولیای دولت نا عاقبت
اندیش مظفری بکمپانی داده بسیار است محتاج بتجاوز
از حقوق خود نیست ولی بی قانونی ایران و حقوق
ناشناسی ایرانیان مسلم است که اعضای کمپانی
را به برخی زیادتی ها سوق داده و همین که دولت
ملیه توجه فرماید دفع و رفعش آسان و بدون رنجش
و کدورت تواند آمد همان قسم که نوشته ایم انگلیسها
معتدل اند هرگز باندازه ریسمانرا نمی کشند که
بگسلد از این و بعد دولت باید کمیسر های عالم
فاضل وطنخواه که واقف برموزکار باشند منتخب
فرماید و بر فرض هم کمپانی از روی قرارداد مواجب
کافی به آن کمیسر ندهد دولت باید کم بود مواجب
کمیسر را از خزینه داده و کاملا حفظ حقوق خویش را
بنماید مسئلهٔ نفت جنوب ایران اعظم مقاصد اقتصادی
مملکت است و در آتیه نزدیك باندازه اهمیت پیدا
خواهد نمود که ما فوق تصور ما است بعقیده متخصصین
این فن فقط نفت جنوب ایران باندازه ترقی خواهد
کرد که ایران را تالی اول مملکت نفت خیز عالم که

آمریک است قرار خواهد داد وقایع نگاران حبل المتین راست که در زمینه حدود کمپانی از روی قرارداد عاقلانه و مودبانه بحث نموده پیش از پیش هم دولت و هم اعضای کمپانی را بحقوق وحدود خویش مطلع و مسبوق سازند

مسافرین کلکته ما بایران

یکشنبه ۲۱ مارچ یعنی همان روز تحویل حمل جناب مستطاب آقا سید هادی کاظمی رئیس تجارت خانه خوئی و برادران که اول تجارتخانه ایست که از ایرانیان برای خرید چای افتتاح یافته از طریق دزداب بمشهد و طهران و تبریز رهسپار آمدند دو شب قبل از حرکت شان جناب آقا محمد علی صاحب شیرازی فرزند جناب آقا محمد کاظم پروفیسر یونیورسته دعوت و داعیه ازایشان نموده غالب دوستان ایشانهم حضور داشتند ونطق های چندهم در منافع سفر تجار بایران داده شد جناب مستطاب آقا شیخ ابونصر گیلانی بیانات وافی در تقدم این تجارتخانه و خدماتی که از آغازافتتاح آن تاکنون آقا سید هادی صاحب در پیشرفت آن کشیده بیان و امید نمودند که این مسافرتها باعث مزید پیشرفت روابط تجارتی ایران وهند گردد آقا سید هادی کاظمی ازدوستان صمیمی و از اشخاص بسیار محبوب وواقف ترین تجار بتجارت چای اند یقین است درمعاودت از ایران نظریات شان بیش ازبیش وسیع شده این تجارتخانه را ترقی بخشند

(ایضاً)

جناب مستطاب آقامیرزا علی محمد صاحب تاجر کاشانی خلف غفران ماب مرحوم حاجی محمد حسن کلکته از معاریف تجار و متجاوز از ۵۰ سال است در بمبئی و کلکته اداره تجارتی دارند یوم شنبه ششم فروردین با اهلبیت خودشان بقصد زیارت حضرت ثامن الائمه علیه الاف التحیه از کلکته بطریق دزداب حرکت نمودند وگویا مسافرتشان از سه ماه تجاوز نکند یعنی در موقع حراج چای باز خواهند گشت و در حقیقت این مسافرتها همه از برکت سهولت در راه های شوسه است و همین که راه آهن بشود از هندوستان سالی ده هزار مسافر عبور و مرور خواهد نمود و هر یك اگر دویست تومان هم روی همرفته در ایران صرف کند مبالغ کلی خواهد شد و اینگونه مسافرتها سبب ازدیاد روابط تجارتی خواهد گردید

بی دانشی دانشور

حکومت بندر عباس که با کمالی بی دانشی بدانشور معروف آمده از حکومت معزول و بطرف بوشهر رهسپار ودرتحت محاکم عدلیه بیرون خواهد آمد این مرد پس ازبیست سال مشروطیت اصول دوره استبداد را دراین سرحد مملکت جاری نموده چوب و فلك درکار آورده و بدون محاکمه و استنطاق یك از تجار محترم را چوب کاری کرده خواست ابروش را درست کند چشمش را هم کور ساخت عین که تجار از این حرکت اشمئزاز خود را ظاهر ساخته بطهران شکایت بردند تعصبات مذهبی را بهانه ساخت

شرح این واقعه در این قرن طلائی بقدری شرمناك است که ما از نگارش آن هم شرم داریم عجبا تجار محترم بندر عباس از شیعه و سنی را چه شده است که میگذارند اینگونه آواز های خنك شرم آور بین آنان بلند شود در هر صورت بهترین تدبیر را اولیای دولت نموده یعنی دانشور بیدانش را عزل وفتنه را خوابانیدند اگر این مرد چندی دیگر دراین سرحد با این سلوك مباشر بود دولت را بصدمات دچار می ساخت یقین است حکومت تازه که وارد شود از پیش آمدهائیکه برای سلف او پیش آمده عبرت خواهد گرفت

کیامنش

این تازه نام خانوادگی بنده و او در زاده ام (پسرعمو) میرزا اردشیر و هرمزد خان و ویژگی بهمه خانواده ما دارد خواهش میشود ما را باین نام دانند و از گرفتن آن برای خود خود داری کنند زیرا در مجل احوال تهران نوشته شده -

[فریدون نوشیروان - کیامنش]

تعیین نام فامیلی

چون ناصری را نام فامیلی برای خود اختیار کردم لذا از تمام دوستان وهموطنان متمنی که از انتساب آن برای خویش خود داری نمایند -

[سیف الله خان - کرمان شاه]

ناصری

نام فامیلی و ادرس تلگرافی اینجاب است -

[کرمان شاه میرزا سیف الله - ناصری]

حسب الامر مدیر ودبیر جلال الدین الحسینی مؤید درمطبعه حبل المتین نمبر ۸۸ بندل رود طبع
و از نمره ین ۱ - ۶ مکلود استریت بکلکته توزیع گردید

[حبل المتین کلکته]
(۱-۶ مکلود استریت)
کلکته

حبل المتین مجاناً باحدی داده نمی‌شود
از مرکس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
(مقدم گرفته میشود)
روز ... مقدس

قیمت اشتراک

کلیه امور با
[مدیر کل]
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[دبیر ثانی ف . س . مؤیدزاده]
[ام . ای است]
هر دوشنبه طبع و سه شنبه
توزیع میشود

سالانه ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران ۳۵ قران
(ممالك سایره)
(سالانه)
[یك و نیم لیره انگلیسی]

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۱۳ اردی بهشت سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۲۱ شوال المعظم سنه ۱۳۴۴ هجری
مطابق با ٤ مئی سنه ۱۹۲٦ میلادی

تبریك و مسرت مسلمانان و فارسیان بمبئی
(در جشن تاجگذاری اعلیحضرت همایون)
[شاهنشاهی رضا شاه پهلوی]

روزنامه جات معتبره بمبئی مانند تمس جام جمشید وکرانیکل مقالات مفصل دراین موضوع نگاشته منجمله می نویسند در موقع تاجگذاري اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رضا شاه پهلوی از طرف هفت انجمن های فارسی و ایرانی مانند ایران لیك و انجمن مودت وغیره بالغ بر ده هزار خواتین مکرمه و رجال محترم از فارسی ومسلمان بریاست جناب آقا محمد جعفر ملك التجار شوشتری در سر کاوس جی هال مجتمع وپس از ابراز مسرت واظهار ایران خواهي تلگراف ذیل را به پیشگاه اعلیحضرت شاهنشاهی عرضه داشته اند

طهران توسط وزارت دربار به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

فارسیان و ایرانیان بمبئی در انجمنی که بریاست این بنده تشکیل یافته مامورم داشته اند که تبریکات جلوس میمنت مانوس را خالصانه عرضه داشته ادعیهٔ صمیمانه خود شان را برای طول عمر آن اعلیحضرت و ترقیات ایران در سایه همایون شاهنشاهی تقدیم وخواستار اند - [جعفر]

ایضاً

تلگراف تبریك از طرف تجارتخانه حاجی سلطان علی شوشتری و شرکاه -

از بمبئی الی طهران - بتوسط وزیر دربار

در این موقع مسرت خیز جلوس بالاستحقاق میمنت مانوس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به تخت کیانی مسرت های صمیمانه و تبریکات عبیدانه خودمان را تقدیم و بتوسط آقا زین العابدین حکمت هزار اشرفی نثار قدوم اعلیحضرت شاهنشاهی می نمائیم - [شوشتری]

نظریات سیاسی
(یا جنگ حتمی آتی).

هنوز مرکب نگارشات ما نخشکیده که آثار و علائم جنگ حتمی آتیه نمودار وطمع و حرص ایطالی هویدا گردید و آنچه را نیز در موضوع ترکان برنگاشتیم وقوع و صحتش تا درجهٔ بمنصهٔ شهود آمد - ایطالی اول دولتی است که پشت پابه تکیه گاه تنبلان یعنی جامعه ملل در موضوع یونان زد واز بیانات سنور موسلینی که تازه اشاعه یافته معلوم میشود در اقدامات حریصانه خود هیچگونه اعتنائی بحیثیت جامعهٔ ملل ننموده صراحتاً میسراید که درغرب افریق بدون ملاحظهٔ احکامات جامعه توجه خود را معطوف خواهد نمود و نیز میگوید که سواحل تانجیر را نخواهد گذارد که بروفق مرام فرانسه و اسپانی صورت بندد و علناً میگوید که سرپرستی ایطالی باید برکلیه عربیا تسلیم شود وفوقیت بل مالکیت دریای مدیترانه را برای ایطالی مدعی است توجه ایطالی چنانچه نگاشتیم به بالکان ازدیر باز منعطف بوده از یك طرف پنجه خود را بروی جمهوری اسلامی البانی انداخته ازطرف دیگر پس از آن فشار سخت به یونان آغوش محبت بازکرده برخلاف ترکی میخواهد بایونان اتحاد سوق عسکری نماید - معلوم است این واقعات ازیك طرف توجه وزارت جنك ایطالی را بتدارك وتهیه لوازم جنگی ازهوائی وبری وبحری منعطف داشته ترکان جوان غیور را نیز آرام نه گذارده آنها هم به عجاله هرچه تمامتر بتدارك هرگونه مدافعه پرداخته قشون بحری و بری و قوای هوائي خویش را تکمیل

مینمایند غرض واقعه نویسی نیست بلکه بیان شاهد است برانچه نگذشته و می نگاریم

انگلیسان در این معاملات ظاهراً بیطرف عرض اند ولی رموزدانان سیاست کلیه این تحریکات بلکه جنبش ایطالی را باشارات سری انگلستان می پندارند از همان وقتی که دولت انگلیس درموضوع مطالبات خود با ایطالی آن معاملت کریمانه را اتخاذ و از چهار صد مایون لیرا صرف نظر کرد وآمریك را نیز وادار ساخت که قروض ایطالی را بطرق انگلستان تصفیه نماید معلوم بودکه سیاسیون دقیق انگلیس را نظریه بسیار عمیقی در ین معامله بوده و همت انگلستان از پیشرفت فرانسه در سواحل ریف خوشنود نبود چه استیلاء فرانس با اتحاد اسپانی درتنگه جبل طارق تهدید دائمی بسر جزیره انگلستان شناخته شده گویا کلید بحری انگلستان که جبل طارق گفته میشود یکدفعه بیکار و معطل می ماند بیانات سنور مسولینی فرانس واسپانی راهم نهوش آورده حاضر درصلح با ریفیان شجاع گردیده اند از طرف دیگر میگویند چون آلمان به نقشه های سری درجمع نمودن قشون و فراهم کردن لوازم جنگی بیش از پیش کوشان است چنانچه برخی جراید فرانسه مینویسند که سرگرمی آلمان درتهیه لوازم جنگی امروزه بیش از ۱۹۱٤ دیده میشود از این رو میسرایند که باین وجه و نیز وجوه دیگر آلمان مستوجب شرکت در جامعه ملل نیست دولت علیه ما هم که رسماً دعوی خود را محکم گرفته میفرماید ازطرف عامه مسلمانان باید عضویت دائمی جامعه به وی داده شود - چین هم بهمان درجه دعوی عضویت دائمی جامعه را نموده میگوید اگر خواهشات وی صورت نبندد وآلمان در جامعه شامل آید پشت پا برجامعه زده خارج خواهد گردید - ازاین بیانات هویدا است که جامعه ملل که تکیه گاه تنبلان یعنی صلح خواهان عوالم اسلامیت شده بود دارد بساط خود را جمع کرده تا رخت ازاین عالم بربندد حالاسیاسیون اروپا خاصه مستر چمبرلین ولاردکرزن میخواهند باصول تناسخ جامعه را بصورت دیگر در آورده قوانین اساسی آن را درهم و برهم ساخته شاید بیك شکیلی درآورند که چندی دیگر بتوانند ازاو استفاده کنند

باز برگردیم بموضوع بحث خودکه جنگ حتمی آتی است هماقسمیکه یك قرن کامل چند دولت درممالك مرکزی اروپا به کله یکدیگر می کوفتند خیلی زود دروسط آسیا و شرق کوچك هم همان بساط دارد بروی کار می آید قبل از جنگ عمومی آسیای وسطی و آسیای صغیر تنها در نفوذ کلمه روس و انگلیس قرار یافته بود و آن وقت خیلی هم از یك دیگر دور بودند ممالك عثمانی وسیع وایران و افغان را هم حکومت های پوشالی ساخته و در پیشرفت مقاصد خود به نقشه ریزی مشغول بودند اینك انگلستان سرحدات خودرا با ایران زیاد ساخته وبه ترکان متصل آمده هارا اناطولی آسیای صغیررا بواسطه قبضه برموصل دارد تهدید می‌نماید و یك دولت تازه هم که عبارت از فرانسه باشد بواسطه شامات در این نقطه اهم پیش قدم آمده خطرات آتیه وسط آسیا و آسیای صغیر را نزدیك تر ساخته حالا دیومهیب اروپا یعنی نورمسیولینی هم وجه باین نقاط اهم نموده یقیناً و قطعیاً چنانچه نگاشتیم دیر یا زود او نیز میداندار خواهد بود باید گفت در آسیای صغیر و آسیای وسطی که دروازه شاره هندوستان شناخته شده هشت دولت در یك دایره تنگی برخلاف یکدیگر مجتمع آمده هر یك برای زمین زدن آن دیگری و پیشرفت دادن نفوذ خود جداً میکوشد افغان ایران ترك که گویا مرکز و وطن شان است روس ایطالی فرانس و انگلیس هم مطمح نظر شان معین است باید گفت مرکز فساد عالم امروزه ممالك وسط آسیا و آسیای صغیر است مشکل اینجاست که ایرانیان ما سه فرقه بیش نیستند جاهلی منتظر قدوم میمنت لزوم حجةابن الحسن مهدی موعودعلیه السلام اند و گویا برای جلوگیری از پیش آمد های حتمی خود را موظف ندانسته حجة ابن الحسن علیه السلام را سرعسك و سردار خود می پندارند مرحوم جمال الدین کبیر میفرمود وقتی که به بوشهر رفتم کثافت و تعفن کوچه و بازار بوشهر خیلی مرا متاذی ساخت آن زمان پیشرفت مرحوم شیخ عبد العلی آل عصفور بود آن بزرگوار باندازه پیر شد بود که قابل مذاکره نبودی اتفاقاً روزی خدمت شیخ محمد آل عصفور رفتم که پسر برادر و نائب ایشان شناخته میشدند عرض کردم آقا حالا که حکم مطاع نافذ است خوبست حکم فرمائید که هر کس حد خانه خود را جاروب کند تا عابرین از لنجن زار کوچه های بوشهر اندکی فراغت حاصل کنند آقا فرمودند ایران نظم بردار نیست ما منتظر ظهور حضرت حجة ایم تا آن بزرگوار آمده همه کار ها را اصلاح فرماید سید فرمود این آقا و همعقیده های شانکه درایران بسیارمنتظراند که حضرت حجة آمده خاکروب های درب خانه های ایشان را هم جاروب نماید طبقه دیگر مردمانی هستند لاابالی یعنی آقابایان فکلی ازهمه چیزگذشته آنها هم منتظر اند که روس یا انگلیس آمده همه کار های آنها را درست کنند سومی مردمان عجول کم صبراند میخواهند بمجردیکه گفتگوی اصلاح پیش آمد همه کار ها را طبیعت برای

ایشان انجام داده در چشم برهم زدن طهران پاریس شود یا اصفهان نیویارك از بن روما باین سه طبقه هیچ کار نداریم روی سخن ما بیك جماعت انگشت شمارست که پیش آمد سیاست آینده را از گذشته اقتباس می نمایند صد سال قبل وضعیت آسیای صغیر و وسط آسیا را مدنظر گرفته بینند امروز تا آن روز چقدر عقب یا پیشرفت کرده دول غربی از کجا تا بکجا خود را رسانده اند آن وقت خواهند فهمید که تا ده سال یا پانزده سال دیگر چه پیش آمد ها در این لانه فساد یعنی وسط آسیا و آسیای صغیر پیش تواند آمد چه آنچه در مدت صد سال قبل پیش آمده از این بعد در مدت ده سال پیش تواند آمد و زمینه جمیع مراتب را چه از سیاسی و چه از صناعتی و و تجارتی سریع السیر ساخته است خیلی معترضه یافتیم برویم بموضوع خود که جنگ حتمی آتی است

گفتیم شاخص این جنگ شرق هم دو دولت غربی یعنی روس و انگلیس خواهند بود وضعیت این دو دولت را شاید کمتر کسی است که نداند انگلستان دارای دو حربه بزرگ است یکی اعتبار یعنی امروزه بواسطه آنکه بعد از جنگ بین المللی قروض خارجی و داخلی خودرا که خیلی اهم بود پرداخته و می پردازد ازاین رو هر قدر پول بخواهد از داخله و خارجه خصوصاً از امریك حاصل تواند نمود و با این حربه ممکن است جنگ را تادیر باز قائم گذارد حربه دوم آن هندوستان است که از این مملکت وسیع حاصل خیز پر جمعیت مطیع همه گونه لوازم جنگی از آذوقه ولشکری وغیره فراهم تواند نمود اما روسیه حیثیت مالیش معلوم و بواسطه ورشکستگی یا امتناع از وصول ادای قروض خویش در خارجه وداخله اعتباری برای اوباقی نمانده فقط با مسلك بلشویزی توانسته و میتواند در جنگ استقامت کند حربه دیگر روس همانا پراپاگندا است که در اهالی آسیا قویاً پیشرفت میدهد و دول غربیه را نیز در مغرب زمین بواسطه همین حربه از خود خائف ساخته است به ملل سائره چنین می فهماند که مسلك بلشویزی روس یگانه نجات دهنده شرق از پنجه غربیاست و خیلی باغهای سبز دیگر هم می نمایاند و حال آنکه در صورتی هم که این مطلب قرین بصحت باشد مسلك بلشویزی کمتر از میکروب طاعون در ملل شرقیه که هنوز خواب آلودند نه بیدار نتیجه ندارد و علاوه براین ملل شرقیه وقتی فائده تواند برد که غربیان آنهارا بحال خود گذارند ورنه روس بیاید انگلیس برود یا فرانس برود ایطالی بیاید شرقیان همان بار کشان خواهند بود چونکه ما در این مسئله که داخل شده ایم بیشتر برای تعیین وظیفه ایران و افغان و ترك است در جزئیات سیاسی دیگران بسط مقال نتوانیم داد وشاید نتوانیم هم داد پس مراجعه بمقصود خودکرده میگوئیم در جنگ حتمی آتی روس و فرانس متحد و یطالی و انگلیس متفق خواهند بود امریك و آلمان بیطرف و دول های کوچك بالکان و اروپ برخی بافرانس و روس وبعضی با انگلیس و ایطالی متفق خواهند آمد ولی عمده آلمان نیز بیطرف خواهد ماند ژاپون و چین هم در اوائل جنگ از دور نگران خواهند شد نه بیطرف محض خواهند ماند نه طرفدار جنگ موقع خواهند دید که شاید بتوانند اروپا یان را از اقصای شرق خارج ساخته روی پای خود بایستند ولی با واسطه بیطرفی امریك از جنگ و پنجه اقتصادی که بروی چین انداخته ژاپون راهمواره در حال محافظه کاری نگاه خواهد داشت این جنگ که طول زمانش را چنانچه ذکر کردیم کم از پنج سال نخواهند بود هندوستان وروسیه ویران خیلی عمران خواهند یافت

چه مسلم است در موقع جنگ انگلیسیان همینکه مجبور باستقراض از امریك شوند ضمانتی برای ادای آن خواهند خواست و چون این جنگ شرقی است مات انگلیس ضمانت ادای آنرا نه نموده مجبور بدادن امتیازات راه های آهن هند و ترقیات تجارتی و زراعتی و صناعتی این مملکت بر جمعیت قرار خواهد گرفت و خواه مخواه هندوستان مرکز کارخانجات امریك خواهد شد از اینرو ثروت هندوستان چندین بالا ترقی خواهد کرد و فقر کنونی هند تبدیل به غنا خواهد آمد مزدور هند زیاد خواهد شد و مزدوران که ذلیل ترین طبقات اند عزیزخواهند گردید وهمینکه زمینه بزرگی برای جنگ دوم که عبارت از تصفیه شرق و غرب باشد خواهد ریخت از آن طرف هم روسیه که مجبور به باستدامه این جنگ است آلمانیان عالم که در پوست خود نمی گنجند با امتیازات صناعتی و زراعتی وغیره روسیه را پر و معمور خواهند نمود و روسیه هم پس از این جنگ یك حال عمران و شادابی در خود خواهد یافت واین دو نقطه یعنی هند و روسیه آماده خواهند ساخت اهالی شرقی را برای جنگ دوم و علم و حکمت در دوران وپس از جنگ اسیائیان را زیب و زینت خواهد بخشود و در حقیقت تمام این برکات از جنگ حتمی آتی باهالی شرق خواهد رسید

شروع این جنگ ممکن است از یونان بنائید ایطالی در آسیای صغیر و بالکان شده رفته رفته بکلیه وسط آسیا و اقصای شرقی نشر نماید و این هم ممکن است که آغاز این جنگ بین انگلیس و ترك

ازسر موصل بشود ولی این مسئله از سیاست انگلستان بعید است چه سیاست انگلستان همواره این بوده و هست که دیگری را در جنگ جلو انداخته خود تاآنجایش قیام کند امید هم نیست که خشونت و سمج خام ترکان این جنگ را از سرحدات آذربایجان شروع نموده به مرکز آسیا و سائر نقاط سرایت نماید این هم گمان میرود که خشونت کاری روسیان این آتش را در وسط آسیا افروخته سازد در هر حال اگر ایران قبل از وقت مستعد باشد در هر پهلوی این جنگ منافع عمده حاصل تواند نمود ورنه مانند جنگ بین المللی اخیر از هر طرف لگد کوب سم ستور بیگانگان آمده بدتر از آن خواهیم دید که دیدیم ـ

وضعیت وسط آسیا در آخر جنگ هیچ تصور می شود داغستان ، گرجستان ـ ارمنستان ، آذربایجان روس و ترکستان در اثر سیاست ایران مستقل آمده عراق و عتبات و کلیه بلوچستان ضمیمه ایران آید اطالی از شامات غلبه جویند سرحدات ایطالی با ایران متصل آید ملوك الطوائفی در کلیه روس و هندوستان نمودار شود چین و ژاپون متحد آمده اقتدار و نفوذ خارجیان را بکاهند قبل از شروع جنگ دوم دو حکومت مقتدر در کلیه آسیا یکی ایران و دیگری چین دیده خواهد شد مستعمرات خارجیان صورت ملوك الطوائفی بیرون خواهد آمد بین ایران ، چین و ژاپون اتحاد سوق عسکری بسته خواهد آمد و در قوت آن اتحاد جنگ دوم که تصفیه شرق وغرب را خواهد نمود نمودار خواهد شد اینها که گفتیم همه ظنیات سیاسی است که باید بدین امید های قطعی گفت ممکن است در اطراف آن بر حسب مقتضیات وقت و استعداد مواد کم وبیش تغییر پیدا نماید

اینها که تمام نوشتیم مقدمه بود حالا برگردیم باصل مقصود که تکلیف ما یعنی وظیفه ایران در این جنگ حتمی آتی چیست چنانچه گفتیم ایران ادیریاز میتواند با سیاست انفرادی مستقیم درحیات سیاسی بماند و این را هم نمودیم که هیچ دولت دیگری نیست که در مواقع مخاصره و جنگ بتواند با ما همراهی کند و یا ما از آن استفاده بریم از این صغری و کبری نتیجه این بیرون می آید که ایران باید خویشتن را از سیاست تذبذب بیرون آورده با روس یا انگلیس اتحاد سیاسی نماید حالا باید دید که برای ما صرفه شمولیت در اتحاد با انگلیس است یا روس. وضعیت این دو همسایه را هم نگاشتیم ظاهر است که در اتحاد ما با انگلیس ممکن است برخی تائیدات مادی بایران داده شود ولی دراتحاد باروس امیدوار بهیچگونه تائیدات مادی نمیتوان بود اما دراختیار مسلك سیاسی یك پهلو را نمی توان دید باید ملاحظه زیان هم به شود چنانچه ذکر نمودیم معنی اتحاد سیاسی دشمنی و مخالفت با طرف دیگر نیست ولی طبعاً چونکه بحال آن طرف زیان دارد ناچار ما را به زیاناتی هم دچار تواند ساخت مثل اینکه امروزه کمال دوستی را هم دولتین روس و ایران باهم ابراز میدهند ولی چون مسئله شیلات از مجلس نگذشت روس از فشار اقتصادی می خواهد ما را مجبور بدوستی خود سازد معلوم است زیانات امروزه ما بواسطه کدورت روسها خیلی است و وقتی هم که با انگلیس متحد شویم اینگونه زیانات را خیلی برای ما بیش تواند آورد و ان زیانات را دوستی دولت انگلیس هم جبران نتواند نمود پس ما باید قسمی عمل کنیم که هم نتوانیم سیاست یکرخه اتخاذ کرده و هم مبتلای بزیانهای نگردیم و همین قسمت اگر با روس اتحاد سیاسی کردیم انگلیسها هم همان گونه زیانهائیرا که روسها برای ما خواهند رفضاید انگلیسها هم نتوانند رفع‌داد پس ما را چه باید کرد گفتیم که قبل مهلتی که برای ایران تصور میشود ده سال و از پانزده تجاوز نتواند نمود یعنی جنگ حتمی آتی بین ده و پانزده سال شروع خواهد شد و تمام این پیش بندی ها که ذکر کردیم برای همین جنگ است در این صورت اولین وظیفه ایرانست که با افغان و ترك از در اتحاد سیاسی بیرون آمده یك سیاست مثلثی در وسط آسیا تشکیل دهند تشکیل این سیاست مثلث تقویت بزرگی در ایام صلح برای این سه دولت حاصل تواند نمود و بر فرضی هم که ترکان حاضر نباشند و یا اینکه قبل از وقت خویشتن را در چنگال دیگری انداخته باشند ایران راست که با افغان متحد آمده تا درجهٔ که ممکن است بازوی خویش را قوی سازد برای این اتحاد ایران خیلی باید فداکاری کند راست است که امروزه افغانستان چندان قابل استفاده اتحاد سیاسی نیست ولی اگر ایران کوشش کند میتواند خیلی او را قابل استفاده سازد ایران باید همه قسم کمك های مادی اخلاقی علمی فنی بافغان بدهد ایران ولو باید افغان را کمك های مالی نماید دریغ ناید بکند باید مستشاران ایرانی بافغان رفته راه های افغان را قابل حمل و نقل ساخته تا بتوانند در موقع لزوم یکدیگر را سریعا کمك نمایند شالوده قوی باید برای تجارت افغان و زراعت او ریخته آید ایران وقتی میتواند ازاتحاد افغانستان فائده حاصل نماید که افغان را قابل بخشیدن فایده سازد این اول اقدام ایران باید باشد و سپس ایران تا وقتیکه اساس حمل و نقل خود را بر پایه محکم

قرار ندهد بعبارت ساده تر تاوقتیکه راه های ایران همه شوسه نشود وخطوط راه آهن انداخته نباید ایران نمیتواند دارای سیاست مستقیم شود باز هم میگوئیم تمدن یك ملت براه است قوت یك دولت براه است تجارت و زراعت و صناعت یك مملکت آن هم بسته براه است تاراه نداشته باشیم نه سیاست داریم نه تجارت نه زراعت نه صناعت ایران خیلی در جاده راه عقب است هرقدر در ما راه را عقب داریم همانقدر از جاده تمدن دوریم اگر ایران دارای راه های صحیح بود امروز همسایه شمالی ما روس نمی توانست تا ایندرجه فشار اقتصادی بما وارد آورد بزرگترین قوت ایران و محکم ترین اساس سیاسی ما نیروی راه های آهن و شوسه نهاده شده است یك فرسخ راه آهن یا راه شوسه صحیح عرابه رو از یك فوج سرباز جرار بیشتر دولت را تقویت می بخشد چون نگار موضوع منافع راه و لزوم آن مقالات عدیده داشته ایم در اینجا بیش از این شرح نمیدهیم از مسئله راه که اطمینان بودیم باز بر می گردیم بهمان اصل اصیل ادوا الحیوة استقلال و سیاست مستقیم ایران یعنی (صد ملیون عایدات و دویست هزار نظام) باید دانست تا وقتیکه ایران دارای صد ملیون مالیات و دویست هزار نظام نگردد حیات مستقل سیاسی برای وی قائل نتوان شد و قبل از انجام این امور اگر داخل در هر حلقه سیاسی شویم محل استفاده آن واقع خواهیم گردید یعنی دارای سیاست مستقیم نخواهیم بود و مثل دوره قجر سیاست تابعیت را خواهیم داشت ولی همینکه ایران دارای دویست هزار نظام تحت السلاح و یك کرور نظام ذخیره شد هریك از همسایگانش از وی حساب خواهند برد اگر روسیه میدانست که ایران آن استعداد و قابلیت را دارد که سراً از گذشت بترکستان یا گرجستان یا قفقاز بزند هرگز این مسلك خشونت کارانه را با ما پیش نمیگرفت همین قسم است انگلیس باید ما را قابل استفاده بداند وهم از ما حساب ببرند در آنصورت هر یك از همسایگان با ما همه قسم ابراز دوستی و خلوص خواهند داد و برای جلب ما بطرف خود همه گونه رعایت های سیاسی و اقتصادی خواهند نمود آن وقتیست که انگلستان در رعایت برای حفظ مناسبات ایران بلوچستان و عمانات ما را مسترد دارد آن زمانی خواهد بود که روسیه برای بدست آوردن دل دولت ایران حاضر خواهد گردید که هیجده شهر های منصوبه ایران که مقابر نیاکان کرام ما در آنست بما مسترد دارد این مراتبی را که ذکر کردیم خیلی طول زمان در کار ندارد بعقیده ما در سایه حسن انتظام مستشاران امریکائی مالیه ایران در چند سال بعد ملیون بالغ تواند آمد و چون شروع بنظام اجباری هم شده یقین است که تا پنج سال میتواند ایران را دارای دویست هزار نظام تحت السلاح و پانصد هزار ذخیره نماید البته در این ضمن پیش از همه باید در تشکیلات بحری کوشید خلیج فارس و سواحل بحر خزر که آبهای مخصوص ما بوده اند بخود اختصاص دهیم باید فعلا باندازه سواحل خود قوای بحری آماده کنیم اینطور قوای هوائی خویش را بهر وسیله که هست مکمل سازیم بعبارت خیلی ساده تر وقتیکه تکمیل مراتب فوق الاسباب نمودیم سیاست انفرادی را نباید از دست دهیم و همینکه دارای آنچه ذکر کرده شدیم در اولین ساعت اتحاد با هر یك از این دو همسایه که صلاح باشد اختیار باید کرد و از سیاست انفرادی پا بیرون نهاده داخل در سیاست اجتماعی شد

از گفتهای دکتر امام الدوله

(ترتیب کشته شدن مرحوم میرزا تقی خان)
[امیر کبیر]

چاره چیست و جز اینکه تا دو سه ساعت دیگر بکث نموده همان قسمی که گفته اند ناهار را اینجا خورده بعد از ظهر راه بیفتیم چه میتوانم بکنم علی اکبر بیك است که با خود حرف زده گردش کنان این سخنان را بزبان می آورد — علی اکبر بیك کیست علی اکبر بیك چاپار دولتی است که از طهران بشیراز آمد و شد داشته اینك که موقع مراجعت از شیراز است در خارج آبادی و زمینهای پشت باغ قدم زده — هنگام حرکت طهران مهدعلیا مراسلاتی باو سپرده بود که درفین کاشان بعزت الدوله برساند و در مراجعت از شیراز جواب آنها را دریافت داشته بطهران بیاورد — یك دو ساعت از آفتاب گذشته باندرون پیغام فرستاده و جواب کاغذ های مهدعلیا را مطالبه کرده در دفعه آخر باو گفته بودند که باید یك دوساعت دیگر صبر کنید تا امیر از حمام بیرون آمده و بعد از ناهار جوابها را گرفته روانه شوید — درحینی که علی اکبر بیك کلمات صدر این مقاله را بزبان آورده و محض گذراندن وقت بتماشای چشمه فین کاشان میرود نظرش از دور بچند نفر سوار می افتد که از جاده طهران بطرف باغ شاه می آیند — باغ شاه که درطرف شمال غربی قریه فین واقع است محل سکنای عزت الدوله و امیر است — سوار ها پنج نفر بودند و هر پنج نفر سر و صورت خود را پیچیده جز چشمها چیزدیگری از آنها نمایان نبود — حمام درزاویه جنوب شرقی باغ که اطراف آن بکلی خلوت است واقع — و در صفه بزرگ سربینه آن رخت

ها پیر و یکسر خواجه مشغول ترتیب دادن است — ملا علی اکبر بیک چون چشمش بسوار ها افتاد که بجانب او می آمدند ایستاد و چنانچه گفتیم آن اسب سوار ها پنج نفر بودند تمام رو بسته — سواریکه جلوتر از همه می آمد عنان کشیده گفت علی اکبر تو اینجا چه میکنی — علی اکبر بیک چاپار دولتی که صدای سوار بگوشش آشنا آمده و شناخته بود گفت از شیراز مراجعت کرده اینجا منتظر جواب کاغذهای مهد علیا هستم که دریافت نموده رو بطهران حرکت بکنم — آن سوار گفت امیر کجاست — گفت حمام گفت کدام حمام — گفت همین حمام گفت بیا تا هم برویم آنجا — چون بجلوی درب حمام رسیدند آن سوار و یکنفر دیگر پیاده شدند و دست علی اکبر بیک را که مبادا رفته بعزت‌الدوله خبر بدهد گرفته اورا از خود جدا نکرده سه نفری از پله ها پائین آمده وارد سربینه شدند — مامور مزبور نظری باطراف و صفه ها انداخته آهسته بخواجه گفت اگر نفست بیرون بیاید کشته خواهی شد و آن شخصی را که با خود آورده بود با کارد برهنه بالای سر خواجه گماشته و بعلی اکبر بیک گفت توهم همین جا بنشین تکان نخور وخود مجدداً از پله‌ها بالا آمد و دو نفر از سوارها پیاده کرده گفت بروید آن درب رو بطرف باغ را بسته و از این سنگ ها برده پشت آن را سنگ چین کنید و بعد هم در صحرا ایستاده احدی را راه ندهید — مجدداً وارد سربینه شده — خواجه را بی حرکت وزهره ترک علی اکبر بیک را مبهوت و هراسناک وگماشته خود را در حال حاضرباش دیده چهره خود را کاملا مکشوف ساخته وارد گرم خانه شده تعظیم نمود — امیر گفت کجا بودید — گفت از طهران می آیم — گفت البته حامل فرمایشی برای من هستید — گفت بلی ودست در جیب کرده کاغذی را بیرون آورده ودر برابر نظر امیر که در صحن حمام نشسته و دلاک اورا کیسه میکشید گسترده گفت این است دستخط آفتاب نقط — امیر خواند [چاکرآستان ملایک پاسبان فدوی خاص دولت ابد مدت حاجی علیخان پیش خدمت فراش‌باشی دربار سپهر اقتدار مامور است که بفین کاشان رفته میرزا تقی خان فراهانی را راحت نماید و درانجام این ماموریت بین‌الاقران مفتخر و بمراحم خسروانی مستحضر بوده باشد] امیر گفت آیا میگذارید که من از حمام بیرون بیایم آنوقت ماموریت خود را انجام بدهید — گفت خیر — گفت میگذارید وصیت خود را بنویسم — گفت خیر — گفت میگذارید یکی دو کلمه بعزت‌الدوله پیغام داده خدا حافظی بکنم — گفت خیر — گفت پس هرچه باید بکنی بکن اما همین قدر بدان که این پادشاه نادان مملکت ایران را از دست خواهد داد — گفت صلاح مملکت خویش خسروان دانند — امیر گفت بسیار خوب اما لااقل خواهید گذاشت این ماموریت بطرزی که من میگویم انجام بگیرد — گفت بلی مختارید — امیر بدلاک گفت نشتر فصادی همراه داری گفت بلی — گفت برو بیاور دلاک بسربینه آمده ازتوی لباسهای نشتر را پیدا کرده آورد ورگهای هردو بازوی امیر را گشود — امیر درکنار حمام پشت بدرب ورودی نشسته کفهای دو دست را بروی زمین گذارده خون از دوستون بازوان او فوران و جریان داشت — دلاک دریک گوشه حمام حیران ایستاده و نمیدانست جلوی خون را چه وقت باید بگیرد — حاجی علیخان بیرون آمد بزبان کسیکه مواظب بیحرکت ماندن خواجه بود گفت بیا آن کس میر غضب بود که چون وارد گرم خانه شد حاجی علیخان باو گفت معطل نشو کارش را تمام کن — میر غضب با چکمه لگدی بمیان دو کتف امیر نواخت — امیر در غلطید بروی زمین افتاده — میرغضب دستمال ابریشمی را لوله کرده بحلق امیر تپاند و گلوی اورا فشرد تا جان داد — بعد قد بلند نموده گفت دیگر کاری نداریم — حاجی علیخان بیرون آمد و با همراهان خود سوار اسبهای تندرو شده بجانب طهران رهسپار گشت

شاه — چندنفر مخصوص بنام پارتیهای سیاسی

(سوزن و گود زور خانه)

ناهید عجب کاری بگردن گرفته ! ؟ روز نامه های سیاسی مرکز نمی دانیم چه شده که صرفهٔ خودشان را در این دیده اند در تمام جریانات و قضایای سیاسی داخلی خودمان بی طرف و ساکت باشند گرچه خوب مسلکی هم هست مسلک فلسفی و حکیمانه ایست چرا آدم برای خودش دشمن بتراشد و با مردم طرف شود بقول عرفی « چنان بانیک و بد سر کن که پیش از مردنت عرفی » مسلمان و هندو و آزادی خواه و مرتجع همه طرفدارت باشند تا جریانات مهم خارجی از قبیل قضایای تغییر کابینه در فرانسه موضوع شامات و سوریه معاهده لوکارنو افتتاح پارلمان انگلستان مسائل حجاز و امیر علی وهابی ها و غیر این ها هست روز نامه چکار دارد خودش را در سنگ و کلوخ های مسائل داخلی بیندازد و هزار تا دشمن در هر ستون روز نامه برای خودش بتراشد و در مقابل یك دوست حسابی هم نداشته باشد که در موقع بیچارگی دستش را بگیرد و از بازخواست و گاه و گله گذاری و حتی حبس و طرد و تبعید و خسارت جانی و مالی

هم آسوده و بی خیال باشد ملت هم که کم کم و در ظرف دو سه سال کاملا بقرائت مسائل خارجی عادت کرده و از خواندن مسائل داخلی بی اعتنا است الان که موقع انتخابات ایران است هیچ مردم ایران را عادت داده اند که بقضایای دومر و پوانکاره و بریان رجال فرانسه و تغییرات در کابینه های فرانسه آشنا تر وذی علاقه ترند تا بموضوع انتخابات مجلس شورای ملی ایران از آن هم که گذشت خود جداول مسابقه هم کم سرگرمی نیست برای قارئین جرائد با این تفصیل روز نامه مگر مغزش معیوب است که وارد مسائلی شود که چرا تجار رشت و سایر ولایات مثل برگ درخت در فصل خزان ورشکست شده و میریزند ا چکار دارد که بگوید باید مخارج پروپاگاند و کاند پارتی های سیاسی از بیت المال و صندوق فواید عامه داده شود و این پولهای گزافی که علناً مصنوعی ناصراً صرف مفتشین شرق و ناطقاً برای پیش بردن انتخاب فلان و فلان است باید صرف ساختن و تعمیر طرق شود مگر روز نامه نویس نمی خواهد در این مملکت زندگی کند اگر می خواهد زندگی کند چکار دارد بگوید فلان پسره مزلف بچه مناسبت باید در وزارت معارف بزور پارتی بماهی صد و پنجاه تومان کنترات شود چکار دارد بنویسد مملکت نمیتواند منو پول یك عده شارلاتان پشت هم انداز شود و مردم را هم نگذارند بپادشاه مملکت نزدیك شده حوائج ملی را که مخالف منافع آقایان است بعرض اعلی برسانند خلاصه مطالب داخلی زیاد است که باید گفته شود ولی جرائد مهم باهمان دلائل منطقی که گفته شد از نوشتن خود داری دارند و اگر روز نامه های مهم را این ایام مطالعه کنید چیزی که درمیان مندرجاتشان پیدا نیست همین مسائل است و روی هم رفته میتوان گفت جرائد امروز و مخصوصاً جرائد یومیه حکم یك مجلات نفیس ادبی و تاریخی را پیدا کرده انتها مجلات ماهیانه و روی صفحات کوچك منتشر میشود و ایـن مجلات در تمام روزهای هفته و روی اوراق و صفحات بزرگ

باری اینجا است که این بار سنگین روی گردن ناهید گذارده شده و بر خود وکله جانونی خود فرض میشمارد که عوض مسائل خارجی از احتیاجات داخلی و مسائل روزانهٔ سیاسی بحث کند

§ آسمان بار امانت نتوانست کشید §

§ قرعه فال بنام من دیوانه زدند §

بلی ظرفیت بامنفعت طلبان مبارزه بامرتجعین جنك با عواملی که سد راه پیشرفت و ترقی مملکت شده اند ورسوائی آنهائیکه بین شاه و ملت حائل شده و نمیگذارند مستدعیات ملت بعرض شاه برسد همه بعهده ناهید است و هر چه بادا باد گفته و گفتنی ها را میگوئیم

(سوزن و گود زور خانه)

یك موضوع مهم داخلی را که امروز می خواهیم بعرض قارئین برسانیم موضوع سوزن است و گود زور خانه بین چرکیها و کلاه نمدی های خودمان معروف است سوزن در گود زور خانه نمایش جوال دوز را دارد و هر کیکه از زور خانه خارج شد همان سوزن است انتها با کون جوال دوز اگر چه از آنساعتی که توپ نودنا حرف های سحر صدا کرد همان غرش های مهیب توپ فاتحه سلسله قاجاریه بود که خوانده شد ولی بن مثل بواسطه موانعی که داشت سه سال عقب افتاد و در ظرف این مدت سه سال در دوره وزارت جنك و ریاست وزراء و فرماندهی عالی کل قوای اعلیحضرت یك عده اشخاص عالما برای ملت نفع حاشیه نشین و بادنجان دور قاب چین سوزن اعلیحضرت هابولی بودند و در همان مواقع هم همین ها مانع بودند که اشخاص فاضل و سالم و خوش نیت بسه مصالح عمومی بشخص ایشان نزدیك شده و مصالح حقیقی مملکت را بعرض برسانند و ضمناً مقتضیاتی هم شاید در کار بود که بعضی از اینها بدلت تحمیل شوند و در همان موقع انتخابات گذشته البته قارئین ناهید مقاله لحم الطابخ و وکلای مصنوعی را که نوشتیم در نظر دارند ؟

و در این مدت اگر هوش و قریحه ذاتی شاهانه و یك نوکر های صدیق امینی مانند آقای بهرامی نبود میدیدید همین سوزن ها چه آتش ها روشن میکردند

خلاصه در این مدت سه چهار سال با اینکه پهلوان مهم و مبارز با دربار قاجاریه شخص شخیص پهلوی بودند ولی دستجات و اشخاص فوق الذکر هم مانند سوزن در این گود نمایش جوال دوز را میدادند و درمیان پارتی های پهلوی شاید تنها ناهید بود که با این که رشید تر از همه مبارزین سیاسی با مخالفین دست به یقه میشد ولی بیش از همان که بود خود را نمایش نداد و هیچگاه دست توقع و تمنا نه معنا و نه مادتا تا امروز دراز نکرده و نخواهد کرد و چون از روی ایمان و عقیده و عشق بملت و وطن وارد میدان مبارزه سیاسی شده هیچ انتظار و آمالی جز تنویر افکار هموطنان نداشته و ندارد

خلاصه تعزیه قاجاریه خوانده و آبها از آسیا هاریخته شد حالا که حضرات از گود زور خانه بیرون آمده اند می بینند همان سوزن اولی هستند ولی با کون جوال دوز !

سوزن وکون جوال دوز یعنی چه ؟

ایـن موضوع را یکی از همان وکلای مصنوعی که

بقول آن پیر مرد سیاسی موکلش فقط شوهر والده دده خوب تفسیر کرد. و ما هم بتفسیر خود آن شخص قناعت می کنیم

این شخص یکی از دوستانش گفته من قبل از وکالت ماهی بیست سی تومان مخارج داشتم که بانباتی مباشی در میامد ولی در دوره دوساله وکالت ماهی پانصد ششصد تومان خرج پیدا کردم و در میامد وخرج میکردم و حالا که از وکالت افتاده ام همان مخارج را کرده ام مانده ولی عایدات ماهی ششصد تومان قطع شده!

این همان معنی سوزن است و کون جوال دوز زوقتی که قضایای قاجاریه خاتمه یافت و سلطنت پهلوی را اعلام شد و در این ضمن دوره تقنینیه هم سر آمد این سوزنها مخصوصاً سوزن هائیکه درگود زور خانه افتاده بودند بدست و پا افتاده اند

اولا صرفه خودشان را در این دیدند یك پادشاه اجتماعی راکه ازمیان توده بیرون آمده مانندخاقانهای مستبد پرسی قدیم چپدر خلوت انشانیده و ملت را از دیدار و زیارت پادشاه محبوب خود مهجور سازند و یك عده چماق و تبر دار و شاطر درست کنند و دوره کور باش و دور باش را از سرپا کنند ولی خوش بختانه پادشاه خردمند ما قضایا را با فراست شاهانه فهمیده کلاه را سر ایشان گذاردند و علی رغم حضرات روز دو شنبه گذشته با درشکه دو اسبه و لباس سر بازی بدون کور باش دور باش و تك تنها در تمام شهر گردش کرده و با سیمای خندان و گشوده هم زندان خود گوشزد کردند کبر و ناز و حاجب و دربان در این درگاه نیست

§ هر که خواهی گو بیا و هر که خواهی گو برو §

و عملا فهماندند من از آن سلاطین مستبد پرده نشین نیستم که مملکت و ملت را تحویل یك دسته شیاد متملق داده خودم از کار کناره کنم و بگذارم امیر کبیر ها و آقا بالا خان های معاصر با عرض و مال و جان و حیثیات مردم بازی کنند

موضوع دیگری که یك عده از همین سوزن های جوال دوز دیدا تعقیب میکنند چشته وکالت است . با اینکه اعلیحضرت همایونی دستخط فرمودند انتخابات کاملا ازاد است و مردم باید ازحقوق مدنی و سیاسی خودشان کاملا استفاده کنند آقایان باز از غفلت و جهالت مردم استفاده کرده و تو گوشی به مردم میگفتند خیر مطلب این طورها نیست و اسامی وکلاء ودرهشتم لیستش دوره تهیه شده و درمیان کیف یافورت وي مساست و مردم نباید زحمت فکری برای پیدا کردن و انتخاب اشخاص صالح بخودشان بدهند ؛ مثلا در رشت شایع کرده اند وکیل رشت عمارلو است که یك نفر رشتی اورا نمیشناسد در قزوین گفته اند وکلای قزوین ملك آرائی و فلان است و غیر اینها نباید مردم قزوین کسی را در نظر بگیرند . در قم بدروغ پر [illegible]رده اند که آقای وزیر جنگ گفته است وکیل قم حاجی میرزا علی رضا است ، و قضیه انتخاب انجمن ماهاء شده نظار طهران با آن فصاحت روی همین قصد و نیت بوده

خوش بختانه این نکته دقیق حیاتي هم بعرض ملوکانه رسید و بنیان خیالات مالیخولیائی و فاسد سوزن های جوال دوز نما بهم خورد این سوزن ها کار های دیگری هم دارند که هیچ یك از آن ها از نظر ما پوشیده نیست مثلا خیال می کنند پادشاه مملکت هم مانند یك وزیر جنگ یا یك نفر رئیس الوزراء باید دارای یك پارتی سیاسی باشد و توجه ملوکانه هم همیشه معطوف به یك حزب و یك دسته معین باشد

غافل از اینکه پادشاه پدر ملت است و مولو بول یك عده معین نباید باشد ، در نظر پادشاه مملکت تمام رعایا یکسان هستند .

بین آن یکنفر تبعه ایران که در ممالك افریقا و در زیر بیرق شیر و خورشید سفارت ایران زندگی می کند و شخص رئیس الوزراء مملکت در نظر شاه هیچ فرقی نباید باشد . تاچه رسد باینکه یك عده اشخاص منفعت پرستی که بطور کثرت و بدون وجود خارجی بنام یك حزب بخواهند شاه را مولو بول افکار سوء خود بکنند ، چندی قبل شنیده شد اعلیحضرت همایونی بیك نفر روزنامه نویس تعرضا فرموده بودند برای چه نسبت مسئولین خدمتگذار آمریکائی در روز نامه اهانت میکنی آن شخص عامی بیچاره با جسارت جواب کرده و عرض کرده بود برای اینست که میخواهند خدمات اعلیحضرت همایونی را منسوب بدیگران کنند (۱)

شما به بینید چه اندازه این حقه بازها میخواهند مقام شامخ سلطنت را تنزل دهند و این ها غافل اند که هر کس از زمامداران و مسؤلین مملکت و افراد ملت در دوره یك سلطنتی مصدر هر خدمت وخیانتی واقع شود افتخار و انفعالش از نقطه نظر تاریخ مآلا مربوط به پادشاه آن زمان خواهد بود .

این بیچاره ها تصور می کنند اگر از مامورین خدمتگذار تجلیل شود اهانت بمقام سلطنت است در حالی که تقدیر و تقدیس نمودن از مامورین خوب و صدیق تعظیم و تجلیل بمرکز ثقل کلی و بمقام اعظم سلطنت است لا غیر .

این یك جمله معترضه بود که برای نمونه ذکر

آخرین آنها سید جمال‌الدین اسدآبادی بوده است که میتوان اورا از حیث جنبهٔ عشق و ادراکی که داشته راه نمای سعادت حقیقی عالم بشر و پیغمبر اخلاق حسنه و منادی بازار آزادی ملل عالم خاصه پشتیبان استقلال ممالک شرقی خطاب نمود زیرا همین فیلسوف نامدار بوده که تا یک اندازه بین ترقیات مادی و معنوی عالم انسانیت توافق داده ترقی افکار در جامعه ملل مقدمه ترقی روح دانسته و برای حصول سعادت جاودانی و کمالات روحانی لزوم حسن تربیت را از اولین تکالیف هر قوم و هر ملت تصور نموده و در قواعد اجرای آن و فوائدیکه میتوان بوسیله حسن تربیت حاصل نمود هزاران دلائل عقلیه وبراهین منطقیه در مقالات و تالیفات خود نشان داده چنانکه عقیده افلاطون حکیم بزرگ یونانی نیز بر همین طریق بوده و اساس هرگونه سلطنت و ملتی را بدون اتکاء آن باساس معرفت و حکمت و تربیت نفوس و تهذیب اخلاق قابل انحطاط و انعدام تصور کرده است

برای اینکه ما بدانیم حسن تربیت و تحصیل فضائل اخلاق که اولین شرایط آن ترقی ادراک و عقول ابناء بشر است بوسیله نشر معارف و علوم اخلاقی و مدنی چه ربطی بحسن انتظام زندگانی هیئت جامعه موافق ترقی مادیات با معنویات و روح با جسم وامثال آن دارد و چگونه ممکن است یک نفر انسان در هنگام سیر عالم وجودی خود هم به دائر کردن چرخ زندگانی و رفع مایحتاج و ضروریات حیاتی خود پرداخته وهم بترقی عقول و تقویت ایمان واستعلاء روح خود بعالم کمالات نفسانی و تفقدات روحانی موفق گردد لازم است در بدایت امر در حقایق نشو و ارتقاء روحی وفلسفه روزگار ملل سابقه و اصول عقائد وادیان آنها بدقت نظر نموده و دید در میان آنهمه اختلافات این اصول مذاهب و طریقت‌های مختلفه و عقائدیکه اغلب نقطه انتهای آنها پرستش جمادات واصنام و حیوانات و نور و ظلمت وآب وآتش و ماه و سیاره واعلان و خورشید منتهی میگردیده چگونه یک قوم و ملتی نیز وجود داشته که استقلال سیاسی و اتحاد و حیات اجتماعی خود روی اساس اخلاق حسنه و توحید قومیت وتشئید مبانی حریت و مساوات گردش داده و چگونه فوائد انفرادی را فدای استحکام اساس ملیت و مدنیت نموده برای حفظ امورات جوهری و ترقیات روحی و شئونات دینی هیچوقت برسر مادیات و عوارضات مخاصمه و جدال پیش نگرفته متحداً ومتفقاً در تقویت محاسن اخلاق بوسیله حفظ مذاهب و ادیان خود که از ودایع مقدسه الهیه محسوب میشوند کوشش و مجاهدت کرده اند بالاخره دانسته تجدد و

وترقیات مادی زمانی توام باسعادت واستقلال ملی خواهد بود که روحیات نیز در اثر ارتقاء افکار پا به دایره حریت حقیقی نهاده بفضائل اخلاق و صفات روحانی نائل گردد و هر یک از افراد ملت بشرائط امور مذهبی خود و قوانین مقدسه دین اسلام عمل نموده هم متجدد بوده باشد و هم متمدن نه اینکه در اصول اتخاذ تجدد و کسب معارف و فنون از فنون متجدده ترک سیرت واخلاق آنها نیز قبول کرده هزاران امورات غیر مشروعه در لباس تجدد و تمدن مرتکب گردند و از همین نقطه نظر است که بعضی از محققین مسافرت اروپ را از برای جوانان بی تجربه ایرانی که هنوز از فلسفه تمدن اسلامی و اصول مذاهب دنیا و کیفیت روح واخلاق و دیانت و چگونگی معارف حقیقی و تنزل و ترقی هر یک از اصناف ملل مختلفه عالم در حدود روح وافکار و نفوس و عقول خود اطلاع و معلوماتی ندارند مضر شئونات ملی و حیات و صنایع آنها دانسته چنانکه امروزه خود حکمای فرنگ اروپی بحقیقت این مسائل برده لزوم ترقی شئون اخلاقی ابناء خود را از اهم فرائض حیاتی مقرر کرده اند

(ع ـ م احتشام اولیائی)

ایران در قرن چهاردهم زندگانی میکند

در این قرن طلائی که آفتاب علم و تمدن شرق و غرب عالم را بنور خود منور ساخته و از برکت معارف دنیا مانند زنجیر بیکدیگر پیوسته ایران هنوز در عقب افتاده و گویا از جهت معارف سیر قهقرائی میکند سابقاً در هر گوشه و کنار یکنفر اخوند مکتبی بود که چهل وپنجاه صد نفر شاگرد بتفاوت محل دور او جمع و مشغول تدریس بودند پس از زمانی این اطفال اقلا کورسوادی پیدا کرده ولو ناقص بود باز هم میتوانستند باندازه خودشان چیزی بنویسند بقول معروف وجود ناقص به از عدم صرف است بدبختانه از وقتیکه طلوع معارف در ایران باعث تاسیس مدارس گردیده کلیه مکتب خانه‌ها مسدود گردیده و بجای آن مدارس کافی ایجاد نشده است غرض نگارنده تعریف از مکاتب و تنقید از مدارس نیست بلکه مقصود عدم توسعه معارف و ایجاد مدارس است مثلا اصفهان روی هم رفته دارای ۳۰ باب مدرسه بیش نیست از متوسطه و غیر متوسطه ذکور و اناث ملاحظه فرمائید شهر اصفهان با انهمه قراء و مضافات مانند فریدن وارد ستان کمپایه رود دشت و ماربین و لنجان و برخوار که اقلا سیصد باب مدرسه لازم دارد اگر باین نحو بگذرد قول میدهم که در آینده برای نوشتن یک کاغذ باید یک

مه را گردش کنند و یکنفر باسواد پیدا نشود

اولیا و مصادر امور متأسفانه ایران را فقط طهران می دانند بودجه معارف ایران پس از وضع حقوق تقاعدی و بعضی مخارج دیگر بالغ بر ۶۴۰ هزار تومان است ۵۳۲ هزار تومان آن اختصاص بطهران دارد ۱۰۸ هزار تومان دیگر برای کلیه ایران معین و برقرار گردیده است با این مبلغ جزئی چه می توان کرد پس اولین علاج بدبختی افزون بودجه معارف است و توسعه در مدارس اولیاء دولت باید توجه عاجلی فرموده چاره این درد را فوریت نموده اقلا بودجه معارف را سه مقابل حالیه نمایند بزرگترین مساعدتی که برای معارف در نظر می توان گرفت از اوقاف است این همه وقفیات بلا صاحب بدست غیر اهل آن موجود و عایدات انها بمصرف غیر مشروع می رسد وظیفه دولت ان است که این محل مشروع را اختصاص بمعارف دهد دراین موقع توسط حبل المتین که خیرخواه و زبان ملت ایران است خاطر اولیاء دولت پهلوی را متذکر ساخته و مراتب ذیل را التماس و استرحام می نمائیم

۱ -- عایدات معارف هر شهری را اختصاص بخود آن شهر دهند که بمصرف همان شهر و محل برسد .

۲ -- پروگرام مدارس امروزه بجای نفع زیان دارد باید تبدیل شود و بجای بعضی تدریسات بی موقع که باعث اتلاف وقت اطفال است کلاس صنعتی تشکیل و صناعت تدریس شود

رحمت و زحمت

کاش بعبادان نیامده بودم حال اسف اشتمال مشتی ایرانیان بدبخت را نمی دیدم یك قسمت این شهر بقدری خراب و ویران اهالی از مستأصل و پریشان است که هر سنگ دلی بحال بدبختان برقت می آید قسمت دیگر بهشت دنیا باغ و لاله قصور عالیه بناهای شامخه زمین مسطح شوسه کرده ریاحین و بساتین که از مشاهده انها از دور بهشت موعود در پیشگاه مشاهده کننده مجسم میگردد منکارهای فورد که در انها اروپائیان نشسته بفر دماغ عبور میکنند انسان مات میماند که آیا این است زندگی یا انکه قسمت اول شهر دارند کوچه های خراب ساختمانهای غیر مرتب بازار هرج و مرج مردمان فلك زده پریشان اگر عیش وراحت را در اثر زحمت و نتیجه کوشش بدانیم این مزدوران بیچاره که جز زحمت ندارند ولی در عین حال بقدری در شکنجه اند که خبر خود و کسانیکه ایشان را دیده اند نمی دانند خدایا ایرانی چه تقصیری کرده که قابل عفو نیست مگر ایرانی چه جنایتی نموده که محکوم باین زندگانی بدتر از مرگ شده این را که زندگی نمی شود نامید لباس گونی خوراك نان چه نانی ای کاش اینقدار گندم همه ازان خارج میشد که فهمیده شود که نه نان بلکه گیرانده جان است آب آب مسموم مخلوط بهزاران میکروبهای مضره استنشاق از هوائی که مخلوط با هزاران ذرات میمونه که منجمله انها گاز نفط است در تمام روز مشغول کار و زحمت معاش که می دهند در ازای اینهمه جان کندن و متحمل زحمت شدن ۹ تومان به هر یك از این بدبختان داده میشود بساید تمام ماه باین مبلغ جزئی خود و وابستگانش گذران کنند نان یکی یك آنه که اقل سه عدد باید خورد تا برسد تخم مرغ یکی یك آنه کرایه منزل یك کومه مربی که از جیله و گلر ساخته شده ماهی سی روپیه بیست روپیه ارزاق بقدری کم و گران که ما فوق ان متصور نیست چه باید کرد دست بدامن کی باید زد علاج را از کدام طبیب حاذق باید درخواست نمود در جاهائیکه دیده و شنیده ایم تأمین ارزاق و تسعیر ان باداره بلدیه است ای کاش بلدیه در عبادان نبود نفهمیدم کار بلدیه این جا جز پول گرفتن چیز دیگر بوده یا نه اما تسطیح طرق و شوارع که بحمدالله نیست روشنائی در معابر عمومی بقدر کمترین احتیاج هم وجود ندارد جاروب کردن کوچها بملاحظهٔ اینکه سهل المؤنه باشد بفراش باد صبا واگذار شده تأمین ارزاق هم بطوری که شرح داده شد بنظرم اداره بلدیه وجوه ماخوذه از خلق را جمع می کند تا در موقع خط آهن کمکی بدولت کرده باشد مشروط باینکه شیاطین الانس یعنی خواتین شوخ و شنك و اوردگان شیشه های می ناب بگذارند والا باید منتظر بود صاحب الامر ظهور کند حق ملت خواب غفلت رفته را استیفاء نماید این است حال بلدیه و کارکنان ان در زمانیکه خزعل بود هم شکایت از گرانی و قحطی ارزاق داشتند می گفتند خزعل مالیات زیاد میگیرد اجحاف می کند امروز که خزعل در خیابان طهران قدم میزند چرا بساید باین سختی مردم در فشار باشند چون مامورین وارد روش سابق را اتخاذ کرده یعنی صرفه شخصی و منفعت خودرا در این می بینند دولت وضع مالیاتی مانند سایر بلاد برای آبادان کرده در کجا رسم بوده و هست که از کبر عربی مالیات بگیرند از زنی که چند تخم مرغ میفروشد وجه دریافت دارند از آن بدبختی که گوله بار هیزمی برای امرار معیشت اطفال تبه روزگار خود آورده پولی بعنوان مالیات گرفته شود اینها همه ظلمهای بی پایانی است که از مامورین دولت به رعایای بدبخت واقع شده معلوم است هرکس مامور

رسیده و یگانه وسیله پیشرفت و عظمت ایران فقط و فقط جدیت و کوشش در راه اقتصاد و طریق فلاحت است و بس همچنانکه فلاسفه و دانشمندان اظهارشان نموده اند (کیمیا خواهی زراعت کن چه خوش گفت آنکه گفت زرع را ثلثان زر است و ثلث دیگر هم زر است) نیاکان واجداد ما این نکته را بخوبی پی برده و فوائد آن را ادراک نموده بودند و برای ایرانیان قدیم آن تمدن و عظمت حاصل نیامده و عروس زیبای ترقی و تعالی را در کنار نگرفته و خود را بمدارج و معارج شرافت و بزرگواری سربلند نکرده اند و قومیت و ملیت خود را با جان و مال قدیمه ثابت و مبرهن نگردانند مگر از شاهراه زراعت و در حقیقت حیات زندگانی انسان هم بسته این شغل شریف و پیشه منیف میباشد

پس اعلیحضرت پهلوی راست که بیش از همه چیز عطف توجهی باین قسمتی که باعث حیات و نجات ایران است نموده همچنانکه نظام ایران را باعلی درجه ترقی رسانیده اند و نعمت امنیت و رفاهیت ایرانیان را فراهم ساختند اسباب تشویق رعایا و زارعین را فراهم و کمکهای مادی و معنوی آنان را مساعدت فرموده فلاحت وزراعت را در سرتاسر مملکت بسط و توسعه دهند و نام همایون خود را به برجسته ترین شکلی زینت بخش صفحه تاریخ ساخته و محبوبیت و دوستداری آن اعلیحضرت را نیز رعایا و رنجبران درقلوب خود جا داده و بقای دولت و سلطنت با عظمتش را از خداوند خواستار شوند

(حسن سحاب)

﴿ انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق ﴾

﴿ قسمت های اجتماعی ﴾

| ۳ |

چقدر جای تأسف و ندامت است که در ایران و وطن مقدس ما که تاریخ قدمت حیات ملی آن امروزه حکماء و مورخین جدید ازروی آثار قدیمه و تحقیقات دقیقه و بازجستن ها (مقصود همان آثار عتیقه و یادگارهای باستانی است مانند نقوش عمارات یا چیزهائیکه از زیرخاک کشف میشود) زیاده از دوازده هزار سال رسانیده سعادت و شکوه‌مندی و حریت حقیقی که مقصود از ان ارتقاء و علو روح بمدارج معارف و مکارم اخلاق بوده باشد تاکنون مورد نگرانی وطن پرستان این آب و خاک مقدس واقع گردیده روز بروز روح فضائل ... کدنامی فرمیرود این جنایت ها و تقلب ها و خیانت ها چیست که صفحه حیات درخشان و منور این ملت چندین هزار ساله را تیره و تاریک نموده ارکان عالم انسانیت را متزلزل ساخته است اگر بهمین منوال چرخ امور نگردد هزاران درجه اخلاق این ملت از اخلاق ملت فرانسه قرن هیجدهم خراب تر خواهد شد که با وجود غرق بودن در عالم معارف و تجدد و داشتن آنهمه صنایع و بدایع در چنگال حسد و کینه و عداوت در ذائل و مفاسد های گوناگون دچار بوده که با سالهای دراز خطابه های میرابو ومقالات هوگو و لوایح و بیانات ولتر و امثال آنها نیز نتوانست زنگ آنهمه مفاسد را از آئینه خاطر آنها سترده و طبیعت آنها را صیقلی نماید

امروزه ترقیات مادی و اساسی این مملکت شروع گردیده و بقدر قوه رفع مایحتاج بعمل آمده یعنی روح تجدد در کالبد این ملت دمیده شده لکن هنوز ابناء وطن ما متمدن نگردیده اند زیرا توسعه مدارس و معارف و ازدیاد قشون میتوانند روح یک ملت را متجدد و مترقی نمایند لکن نمیتوانند ملت را را متمدن سازند زیرا تجدد غیر از تمدن است افکار ایشان هر قدر ترقی نماید تا روح انسان پای در دایره ترقی نگذارد تفکیک بین ترقیات فکری و روحی واقع نشود ترقیات بدایع مادی و فنون علمی فایده نخواهد داشت از این جهت است که ما سیاست مملکت و قوانین اساسی آن کار نداریم و هیچ مداخله در اینگونه امور نخواهیم کرد بلکه بحث ما در حل مسائل فلسفه اخلاقی و مهمات و قضایای اجتماعی شروع میشود ما همیشه علاقه مند به تکامل و توسعه روح فضائل و دیانت و آدمیت در کالبد هیئت اجتماع بوده از فلاسفه علوم اخلاق و ادبا و مورخین دانا و اصحاب ذوق و صفا و عاشقان کعبه محبت و وفا و نویسندگان با قدرت و فضلاء اهمت خادمه ایران جرائد و مجلات استدعا مینمائیم که مسائل ترقی و تنزل روح حقیقی یک ملت که مقصود ازان رشد و نمو ملکات فضائل و مکارم اخلاق ملی یا عکس آن بوده باشد مطرح مباحث و محاکات و مورد توجه و هدف آرزو و آمال قلبی خود قرار داده در اینگونه قضایای اجتماعی و فلسفی محاکمه نمایند درد را شناخته راه معالجه آن بگویند و در تهذیب اخلاق و تحکیم مبانی فضائل و رفع رذایل تابان در بدن دارند مجاهدت نمایند زیرا بهمان اندازه که اطباء حاذق خود را برای خدمت به صحت و سلامتی وجود جامعه موظف و مکلف میدانند علماء اخلاق حسنه حکماء علوم روحانیه نیز موظف باصلاح نواقص روحی و ترقیات فضائل وکمالات روحانی یک ملت بوده از وظائف آنها است که هر گونه موانعی در جلو ارتقاء نفوس ملت بمراتب مقدسه بشریت ملاحظه نمایند با سر پنجه تدبیر و مجاهدت

از پیش برداشته اسباب رفع نواقص آنها را فراهم آورند لهذا ما میگوئیم که امروزه بدبختانه محیط مملکت مقدس ما از اثر تقلب ها و جهالت ها که در مزاج قاطبه ابناء این سرزمین مقدس راه یافته مسموم گردیده هیچیك از اصحاب فضائل و محققین بصیر و اشخاصیکه بترقیات روحی هموطنان خود علاقه مند میباشند تاکنون درصدد برنیامده که در امحاء و اطفاء این آتش خانمان سوز بکوشند مگر عده قلیلی از اصحاب معارف وفنون که میخواهند کشور باستانی خود را فقط تنها بوسیله پاره معارف ابتدائی و بسط مقداری صنایع و فنون متمدن و متزعزع (تزعزع چیزیست که پای بعالم ترقی میگذارد) بسازند و حال اینکه با اینهمه جهالت ها که مزاج و روح ملت بانها مبتلا گردیده است زهی تصور باطل زهی خیال محال البته با افتتاح مدارس و توسعهٔ علوم و مساعدت و جانفشانی های اولیای امور برای رفع حوائج مادی و تهیه لوازمات اولیه و استحکام ترقیات اساسی این مملکت بی نهایت مسرور و بلکه بزرگترین آمال مقدسهٔ ماهم بوده که ایران جوان از پرتو انوار علوم و توسعه اختراعات و فنون مجدداً بروزگار درخشان باستانی خود بازگشت نموده دورهٔ تجدد استقلال قدیمه خود را بدست آورد لکن تجارب و امتحاناتیکه از تاریخ زندگانی سایر ملل متمدنه ومتجدده دنیا بدست آورده ایم بما روشن وآشکار گردیده که تنها علوم و صنایع وسیلهٔ نجات و شرافت و سبب بزرگواری هیچیك از اقوام سالفه وملل لاحقه نبوده و تنها بوسیله معارف و حصول پاره معلومات مادی هیچ ملتی نتوانسته است خود را بقوافل متمدن دنیا برساند بلکه لزوم معارف واخلاق حسنه هر دو باهم و توام فرض نموده اند لهذا چگونه ممکن است یك ملت قدیمی مانند ملت ایران که اخلاقش پس از انقراض سلطنت ساسانیان در نتیجه مواصلت با حکومت های استبدادی و محشور بودن با اقوام بیگانه و حودی مسموم و مبتلا بانواع رذائل گردیده است بدون یك انقلاب روحی و تغییر اخلاق و تحولات طبیعی پای در دائرهٔ یك حیات درخشان عالی و یك زندگانی فرح بخش جاودانی نهاده مانند یك ملت قوی روح و با عزم و اراده که قلوب خودرا از حصول کلیهٔ خباثت ها تطهیر نموده و قوای روحیه خودرا برای تهذیب اخلاق و رسیدن بصفات ملکوتی و کمالات رحمانی که لازمه ترقی عالم انسانیت است بکار انداخته زندگانی و معاشات نمایند

ما از هرکس و همیا شنیده ایم که امروزه فلان حکیم دانشمند در فلان نقطهٔ دنیا ظهور نموده و فلان فیلسوف بزرگی بسند فضایل علوی و کمالات معنوی متمکن گردیده برای انقلاب روح عالم بشریت و ارتقاء نفوس و طبایع انها عالم فیوضات الهیه و مدارج کمالات حقیقه بشریه خدمات شایان نشان داده ازپرتو تجلی افکار قدسیه خود عالم وجود را مشعشع و درخشان ساخته اند لکن انچه سعی کردیم به زیارت انها نائل شده و از پرتو تجلیات انها بهره مند شویم هیچ اثری در بسیط عالم کائنات از انها مشاهده نکردیم و هرچه بیشتر در تلاش وجستجو برامدیم کمتر بحصول این مقصود موفق شدیم پس اذعان نمودیم که فعلا روح جامعه بشر از حصول باین سعادت محروم مانده و در ایام زندگانی ما چنین حکمائی قدم بعالم وجود ننهاده وامروزه هیچ حکیمی یافت نمیشود که لوث رذائل و جهالت را ازکسوت طبایع و مزاج ابناء بشر شستشو نموده و بر اینهمه طلسمات گوناگون که برای سد ازادی روح بشریت بمقامات علویه وانعطاف ان بحضیض حقارت وناتوانی از دوروزدیك ملاحظه میشود شکستی فاحش وارد اورد واگر گفته شود که بدون هیچ شك و شبه وجود داشته وما هنوز نتوانسته ایم بوجود انها راه یافته وانها را بشناسیم نمیتوان باور کرد زیرا چگونه ممکن است با بودن انها اینهمه عساکر جهالت و ظلمت سفاهت عرصه عالم انسانیت را فراگیرد وچرا اگر وجود دارند نباید مانند نیر اعظم ازافق آسمان عزت و جلال طلوع کرده تا از اثر تجلی جمال انها این مجسمه های رذالت و خباثت در قعر دریای نیستی فرو رود بعضی از محققین و واقفین اسرار طبیعت را عقیده این است که مانند الکتریسته وجود این قبیل حکما نیز از مواد اعتباریه محجوب شده بدون اینکه کسی پی بماهیت و حقیقت ان برده باشد گاه گاهی برحسب اقتضای عالم وجود جلوه و اعتلائی ازخود نشان داده باز روی بپرده غیب نهاده از انظار مخفی میشود چنانچه چنین هم بوده باشد امروزه دوره عالم طبیعت چنین جلوه و اعتلائی نشان نداده و هرچه بوده همان بوده است که تا قبل از دوره تجدد مادیات و فضلیت عرض برجوهر و تنزل عالم عشق و ادراك که اساس ترقی عقول و روح هیئت جامعه مربوط بقلبه استعداد انها میباشد وجود داشته و همینکه دوره ترقی وتعالی مادیات پیش آمد انها نیز روی در حجاب مستور نهاده و در گوشه تجرد وانزوا خزیدند و شاید

گواهی در اجرای گواه دهند فاما بعد از انتشار سه نظامنامه و اعلام ملت وظیفه کمیسیون آنست که دفتری بنام اسهام اقتصاد ترتیب داده و هر سهمی را بمبلغ ده تومان قرار دهند بنابر این پس از انتشار نظامنامه طبعاً مخارج مهمانداری و ضیافت متروک تواند گردید مگر بخواهش و میل عاملین در اینصورت باید پس از استجازه گواه طرفین داماد و عروس حتی القوه و وسعت خویش نسبت بمخارج مرسومه سابقه از این اسهام خریداری نموده وجوه آن در صندوق اقتصاد جمع و قبض افتخاری داده شود

بعقیده نگارنده در اندک مدتی این سرمایه رو بتزاید گذارده قابل تاسیس مقدمات یک کمپانی تجارتی بنام (کمپانی اقتصاد ملی) تواند بود واشخاصیکه بواسطه نا مساعدتی روزگار در امورات تجارتی شان اختلالی واقع شده که بصیرت کامل داشته طرف اعتماد ملت باشند با رعایت صرفه جوئی در کمپانی مشغول امور تجارت بوده حقوق معینی بمراتب درجات شان داده شود و سالیانه صورت محاسبه رابکمیسیون داده نشر باید با اینحال متدرجاً امورات ملی رواقی گرفته بنیاد کار گذارده میشود و از طرفی هم کسانیکه بضاعت ندارند سرمایه بطور استقراض با فرع مساعدی داده بکار خود اشتغال ورزند و نیز رعایائیکه از صدمات بیحاصلی وغیره موفق باداره کردن امورات زراعتی نمیباشند مساعدت نقدی نموده تا فراغ مساعدی در موقع حصار دریافت دارند چون این سرمایه سال به سال بفزونی است چرخهای امورات اجتماعی را براه انداخته موجبات ایجاد کار و عدم پریشانی زارع است با کمال دلچسبی اسهام را خریده بر توسعه عملیات کمپانی توانند افزود و نیز بر تشویق خریداران افزوده زیراکه در موقع ضرورت و پریشانی خودشان هم برخوردارند در ه صورت بافراد ملت محبوب ایقان میدهیم که دامنهٔ این عمل بقدری توسعه یابد که موفق بکارهای عمده گردیده شعبات متعدد احداث یابد که از پرتو این عمل افراد ملت مستفیض گردند وهمچنین متمولین ملی را توصیه مینمائیم که در اقدام باین عمل دریغ نه فرموده مساعدت فکری و معنوی بفرمایند و نیز در موضوع اشخاصیکه درباره گهنبار سالیانه مبالغی را متقبل میشوند ممکن است نظر بتوسعه کمپانی از اسهام مزبور خرد ابتیاع نموده بکمیسیون معارف تسلیم نمایند که سالیانه عوائد آن را از کمپانی وصول نموده قسمتی از وجوه متقبله از عواید اسهام پرداخت نماید

این بود آمال هوگانه مکنونه مافی الضمیر نگارنده که در پیشگاه حساسین منورالفکر و افراد ملت محبوب عرضه داشت تا چه کند همت والای شان در تعقیب ارادت و احساسات قلبی خود بملت محبوب ادعیه خالصانه خودرا تقدیم نموده مترنم ام

فیروزباد گروه اورزه و هدین وه سازدیستان سرسبز و نو باد شکوفه دبستان معارف زرتشتیان

[ک - د - باستانی]

(حیات ایران بسته بفلاحت وتشویق زارعین است)

شبی درگوشهٔ تنهائی اهالی افسرده خیالاتی دیگر گون از زحمت کاروکسالت تدریس خسته گشته و سربجیب تفکرفرو برده و بدریای ژرف و عمیق تامل غوطه ور گردیده باوضاع مملکت نیاکانی وکشور باستانی و وطن عزیز خود اندیشه مینمودم و با خود میگفتم ایا وقتی میرسد و زمانی می آید که ایرانهم در ردیف دول متمدنه اروپا در امده و کوس همسری و برابری بزند و مانند امروزه دولت اتازونی و و ممالک متحده امریکا فلاحت وزراعتش ترقی نماید و کشتی فلاکت خود را بکنار رسانیده و ازقافله تمدن و کاروان اقتصاد عقب نماند یا اینکه نظیر دوره ساسانیان و ایرانیان قدیم طریق ترقی وتعالی را بپیماید وساکنین آن توانند بسهولت و اسانی از اب و خاک وسیعه و زرخیزان بهره مند گردند وقتی درست دقت نموده و وضعیت جغرافیائی آن را بخاطر مجسم ساختم مشاهده نمودم با بودن اراضی وسیع وورودخانه های متعدد غیراز زراعت طریق پیشرفتی برای ایرانیان نخواهد بود و باوجود این همت بزرگ میتوان همه قسم بابادی آن امیدوار بود و حقیقتاً ایران مملکتی است فلاحتی و جزاز راه فلاحت و توسعه وبسط زراعت طریق دیگری برای پیشرفت آن میسرنیست اما از طرف دیگر متاسف و متاثر گردیده که چگونه میتوان باظلم وستمیکه امروزه بطبقه رنجبر وزارعین بیچاره فلکزده شده ومیشود اینمقام و مرتبه را برای خود احراز نمائیم محض ثبوت قول خود ناچار قلم برداشته مختصری از بدبختی و وضع معیشت و زندگانی آنان قارئین محترم حبل المتین را مستحضر میدارد این زارعین زحمتکش وفلاحین بارکش که امروزه حیات و زندگانی عامه مردم بدست ایشان بسته و تهیه میشود و ما بواسطه نتیجه زحمات وکوشش انان متمتع و متنعمیم عوض از قدردانی و شکر زحمات آنان را پست ترین خلایق دانسته واین بیچارگان را گمنام و ذلیل ترین نوع بشر فرض نموده وخربارکش خود قرار داده ایم (چرا آنان معارف ندارند وپی بحقوق بشریت نبرده و حق خود را ندانسته اند و خویشتن را بنده و عبید دیگران میدانند) شب و روز برای راحت ماکار نموده و تمام اوقات عزیز و

گرانبهای خود را برای آسایش و رفاهیت دیگران در
روزهای گرم وآفتاب سوزان تابستان زحمت مشقت
صرف نموده خستگی را درک نکرده بوی کسالت و
و سستی بمشامشان نخورده راحت و آسایش را ندانسته
و نه فهمیده و نه از خواب استراحت بهره
برده و مانند حشرات الارض با روزگار سیاه وحال
تباه عرق ریزان وخون دل خوران همه را در تحصیل
معیشت و بدست آوردن آذوقه و طعمه جهت سه ماه
زمستان عمر خود را بدبختی و فلاکت و سختی
میگذرانند نه ماه از سال جز مشقت و مرارت سوای
گرفتاری و کسالت غیر از گرسنگی وبرهنگی فائده
نبرده و نتیجه و عایدی بدست نیاورده اند (آیا
میخواهیم بدانیم آنها از حقوق بشریت و راحتی
محرومند و یا مغضوب خدایند و در ردیف حیوانات
و وحشیان صحرا محسوبند) این بیچارگان و زحمت
کشان پس از تحمل همه گونه سختی و مذلت در سه
ماه زمستان درخانه های دهقانی تاریک و منازل سیاه
و تنگ با یاس و ناامیدی خزیده وبخاک سیاه افتاده ه
فرش وزیر اندازی که بان نشینند و نه روانداز و
لباسی که خود را مستور و از شدت سرما محفوظ مانند
نه خوراک و غذای درست مهیا و حاضر که ازان سد
جوع وگرسنگی نمایند اطفال آنان مانند بیدلرزان وگریان
و در خاک و خاکستر غلطان اند بانان جووذرت ونعمی
از حبوبات که منحصر بحیوانات است بخورد و تغذیه
وامرار وقت نمایند تا اینکه از زمستان و سورت
سرماخود را بیرون کشانیده و از مشغول زحمت وکار
شوند حال فکر کنم که کی این بیچارگان را باین بدبختی
و مذلت و خواری انداخته و از انجا که گفته اند

§ اینا برده رنج گنج میسر نمیشود §

§ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد §

اینها که رنج برده و کار کرده اند پس فایده ایشان چه شده
است وکی برده (مالکین دور از انصاف آن عزیزان
بلاجهت وصاحب ثروتان باری زحمت مامورین دولتی
بیمدلتی مالیه بخاک سیاهشان نشانیده از طرف دیگر
غارت وچپاول کرده و هستیش را برده اند و قسمتی
هم تعارفها و رشوتها داده است ما برعکس آن
ملاکین دور از همه چیز در پارکهای عالی ومجلل و
منازل مصفا و اطاقهای دلگشا با خانمهای حور سرشت
وبا برنج عنبر بو و سینه کبک و نیز با شرابهای
گلرنگ و نغمهای ساز و چنگ وغیره درکنار بخاریهای
ذوغال سنگ نشسته و بعیش وطرب وشوق وشعف
زندگانی نموده وگرگاهی هم کسل شوند خود را
بخواندن رمانها و افسانهای شیرین مشغول ساخته و
با پیش خدمتان نیک منظر و خوش صورت اوقات

خود را صرف مینمایند وقتی هم داخل در سیاست
شده و بعد از این جاه طلبی آموده و در موقع
انتخاب زارعین بیچاره را مانند اغنام واحشام جمع آو
انداخته و در حوزه هیئت نظار از آنها اخذ رای
میکنند واگر از ایشان یعنی آن دهاتیان رنجبر سوال
نمائید که مقصود از وکیل چیست و برای چه رای
میدهند جوابی ندارد و نفهمند بتوسط آراء همین
بیچارگان و روستایان نا خوانده وحیوانات فیروح خود
را وکیل ملت نموده و بدوش مردم سوار میشوند
و کرسی نشین مجلس شورای ملی میگردند و مقدرات
قومیرا بدست گرفته و آنرا اسباب ملعبه و بازیچه
خود میسازند وانها میباشند که خون زارعین بیچاره
و رنجبران را مانند زالو مکیده و ثروت آنانرا گرفته
و در مقابل جنس خارجه واسباب خرازی که منحصر
بانان است جهة آرایش خویش و پرده نشینان و خانمهای
خود در ایران رواج میدهند و برعکس زارعین بیچاره
میباشند که زندگانی آباء واجدادی خود را ترک نکرده
به پشم و پنبه و لباس های خشن که بدست خود
تار و پود آنرا رشته قناعت نموده و ثروت خود را
اجانب نمیدهند اف برین مملکت تف برین نوپرستی
کجائید ای ایرانیان قدیم و حامیان رنجبر وزحمتکش
و سلاطین عظام الشان هخامنش وکیانی ای آنانیکه زراعت
را ازکارهای بزرگ دانسته و آنرا از حسنات واعمال
نیک میشمردید تا به بینید چه قسم رفتار بسا حامیت
زراعت و کشاورزان زحمتکش میشود.و چگونه آنان
را شکنجه وعذاب مینمایند پس دراین صورت و با
این وضعیت کنونی وظلمیکه نسبت باین طبقه مردم میشود
هیچگونه ترقی و مزیت و پیشرفت برای ایرانی ...
نخواهد بود اگر صدها طیارات جنگی و هزار اتومبیل
زره پوش و دوصد چندان نظام ایران ترقی نماید وملیونها
کارخانجات تهیه نماید باعدم زراعت و فقر زراع
چه خواهند کرد نظام حقوق میخواهد کارکنان ادارات
پول لازم دارند وقتیکه رعیت فقیر و بی بضاعت و
با این تحملات مالیات از که میگیرند و خزانه دولت
از چه راه وجه تهیه مینماید (از ده ویران که سفناند
خراج)واگرتمام ایرانرا خطوط آهن بگیرد باعدم مال التجاره
و نبودن صادرات چنین برآیست اگرچه اینها هر یک
بجای خود لازم است ولی پایه و اساس همه زراعت
است واگر زراعت نباشد رام عدم ونیستی را
پیموده و چگونه ایرانیان میتوانند خود را بهمسایگان
برسانند و وقتی درست بدقت ملاحظه نمائیم راهی
جهت ترقی و بدست آوردن ثروت باقی نمانده .
اروپائیان تمام جاده های تمدن راطی نموده و از راه
صنعت ایران سیر تکامل نخواهد نمود و بانان نخواهد

شد ، مقصود اصلی این است که سوزن های جوال دوز لمسا بهر وسیلهٔ هست می خواهند در این دوره هم خودرا بوسائل نا مشروع نام نماینده ملت به مملکت تحمیل کنند ، ولی همانطور که شاه متوجه احتیاجات ملت و مملکت خودهست و می داند در دوره ششم چگونه وکلائی لازم است که جالس کرسی وکالت شوند ملت هم باید بهوش آمده و بعد بختیها و گرفتاری های مادی و معنوی خویش را در نظر گرفته و بدانند آراء خودرا بچگونه اشخاصی باید تقدیم دارند . بهر حال مملکت از این ببعد وارد یك مرحله دیگر از سیاست شده که اشخاص هوچی و بی سوادشیاد و مسئله گو بدردش نمیخورد وکلاء آتیه مجلس باید از عناصر عالم بمقتضیات عصر و دیانه در علوم حقوق وتجارت و ثروت باشند واگر غیراین شد و سوزن های جوال دوز نما باز خودرا چپاندند در بهارستان پس وای بروزگار ما و بدا بروزگار مملکت

(منشو باشی لاهیجی)

حبل المتین

قلم پاك و شجاعت ادبی همقلم محترم خود ناهید را تقدیس می نمائیم

قابل توجه عموم زرتشتیان ایران

یکی از کلیات اساسی ترقی و تعالی وطی مراحل مدنیت هیئت اجتماعی همانا بسته به توسعه افکار و تنویر عقاید ملی در ترویج معارف و تصحیح وتطابق قواعد معموله با مقتضیات عصرحاضره و تفکیك اصول از فروع و تصفیه و تجزیه اختلاط و امتزاج فیمابست وقتیکه صفحات تاریخ را ورق زنیم خواهیم دید ادوار و ازمنه که اقدامات فوق الذکر مشی غیر مستقیمی اتخاذ نموده روسای لاابالی اوهام پرور مصدر امور ملی بوده جریانات جاریه مختل وآن جامعه سیر قهقرائی را متعاقب نموده عواقب وخیمه از انحراف شاهراه تمدن منجر بصراحت و انحطاط گردیده بدیهی است هبوط و سقوط مدارج جامعه منوط با موافق و متضاد جملات فوق است لذا دوران چرخهای احتیاج اجتماعی واقدامات مقتضیه با مقتضیات عصر توام اند با جنبش و هیجان حساسین منور الفکران ملت از تعاقب کاروان تمدن و وقفه بطو در سیر ترقیات ملی و احساس لغزش واعوجاج از دایره منوره مدنیت که فشار وجدان آنهارا مکلف و موظف ساخته خودرا از تمشیات و تظاهرات عوامانه مبرا مع مجاهدات کامله در اصلاح امورات ملی کوشند تا ملت محبوب را از غرقاب جهل و بی علمی نجات و بشاهراه ترقی و تمدن رهبری نموده مقضی المرام گردند ولی با اینحال متاسفانه از دیر زمانی تاکنون درمیان یك ملت کهن سال شجره احساسات ملی نشوو نمائی ننموده احدی بی بحسنات و فطرت جبلی نیاگان خویش نبرد گویا در تحت تمیت متواتره اجانب تغییر ماهیت حاصل کرده سرشت طبعی ایرانیت خود را برایگان داده طبایع متضادی را آنتساب نموده اند لهذا نگارنده را که بانتظار وصل شاهد مقصود عام و عرفان جامعه ابراز وقت مینمود هیچ وجه اثری از شکیبائی خود خود و ترقیات ملی موفق نگردیده باحالت یاس انگیزی بهیجان آمده محض تشویق حسابی و انجام وظیفه و وجدانی بمبادرت این لائحه که متکی بر آمال محصله از وجدان و پیشرفت امور جامعه است با استحضار کامل تقدیم مینمایم بنابر این چون ذر تشیان را در ادای ستایش یگانه و نماز پنجگانه ادعیه مخصوصه نسبت بوطن مالوف ایران و سپاسگذاری از پادشاهان رعیت پرور عدالت گستر مقدم آمده شکرانه سپاس و ستایش حق تبارك و تعالی را سزاوار آنکه از مشیت اله و قدرت مطلقه لایتناهی خود وطن محبوب کهن را بزیب و زیور شهریاری عادل مشروطه مدار مزین و مفتخر و افراد صالح مملکت را در تقنین قانون ممکنت بعض سد تجاوزات ظالم از مظلوم موظف ساخت علیهذا در این عصر قانونی و آزادی ملی هر جامعه اصلاح امورات ملی خویش را در بوطه تعویق گذارده متوسل و متشبث بجهات و عذرهای غیرموجه شود همانا از عدم قابلیت افراد و فقدان روسای منصب آن جامعه است که تاریخ بار مسؤلیت را بدوش آنها نهاده ولاغیر معهذا یکی از معمای لاینحل زرتشتیان مسئله خیرات و مبرات که عمده ترین آن ها گهنبار است (برحسب معمول جاری مجتمعین از هر فرقه رفع احتیاج موقتی از گرفتن یك قرص نان نموده امرارمعاش روزانه مینمایند) بلی ما محسنات مکنونه و مجامع ادبیات اخلاقی و سیاسی این اساس خیر را با احسن وجهی تلقی نموده شهادت کامله بر مواد اصلی آن داریم اگرچه دستگیری از فقرا ورفع احتیاج آنان فریضه ذمه هر زرتشتی است ولی رفع احتیاج موقتی تامین احتیاجات دائمی را نتواند نمود تاکه آنها را بدریوزه گری اتمالی عادی مینماید و عمده نظریات مؤسسین فلسفی این خیرات هم برطرف نمودن فقر دائمی بوده است چنانکه بقرینه میتوان استفهام نمود که فقط قصد ازاجتماع و اجلاس و تشکیل گهنبار حل و عقد مشکلات وارده ترویج و تشریح احکام صادره عام المنفعه ترفیه و ترضیه حال رعایا مشاوره در پیشرفت امور اجتماعی و هکذا که تمام تر منافع امور سیاسی و اقتصادی جامعه متمم بوده صورت وقوع مبالغه که فی الحقیقه هیچ مشابهت ظاهری با وضع حاضره نداشته فرشیات متداوله از اثر محیط تبعیت و فقدان

روسای مجرد روحانی است که مرسوم عالیه و طبیعت ثانوی ما گردیده چنانچه از غلبه اعراب تغییرات عمده بزبان و لباس و تاریخ ما مترتب داشته که خود حکم معرب وقف بینه قاطع ماست در اینصورت غرض از تشریع وجوب اصلاحات و پیروی بصفات حمیده نیاکان است که بر گذاری خیرات و سعادت ملی را تامین نماید یعنی از ممر افراط و تفریط معموله که موجبات هتک قوانین اساسی مقرره ومنافی با اصول معنوی گهنبار است طریقه مفیده را ایجاب نموده که وجوه خیرات بمصرف مطلوبه خرج شود معارف خواهان ملت راست که واقف بر احتیاجات وقت بوده شالوده اصلاحات را در زمینه افکار ملی ریخته در صدد اقدامات بسر آیند چون از نقطه نظر احتیاجات عمومی بمعارف اولین وظیفه افراد حساس در تشویق اهالی است چه که مقتضیات عصر اجازه اهمال و درنگ نخواهد داد و از طرفی هم بواسطه تصادف با برخی اشکالات متدرجا یکی متروک و مبلغ اصلی مستلزم منافع معارف نیز مرتفع تواند بود پس زیبنده است عوائد مصروف عنه را بوسائل تشکیل کمیسیون معارف در تحت نظر گرفته و نیز اشخاصیکه نظر بچشم هم چشمی با عدم مکفی بودن عوائد مجرا می میدارند در کمیسیون حاضر شده بمیزان وسعت و معارف خواهی خود نظر بسعادت نسل آتیه و خیرات ابدی مبلغ معینی برای هر گهنبار سالیانه متقبل شوند البته متمولین هم بذل مساعدت خواهند نمود در این صورت از وجوه خیرات و استعانات خیر خواهان تاسیس مدارس شبانه روزی نموده از اینرو جمعیت نونهالان که تقریباً بالغ بر هزار و پانصد نفر توانند بود یعنی اطفال ۶ ساله الی ۱۲ ساله که قوا و استعداد طبیعی آنها مستعد تحصیل است در مدرسه ملی مجتمع نموده آنها را بورزش بدنی که والی طریقه برای صحت تن و تکمیل روح آنها است معتاد نموده مشغول تحصیل و مقدرات آتیه ملی را تامین نمایند هر آینه از اجرای این عمل مستوجب دو کلیات خیر گردیده اول احیای نفوس ملی و دیگری انجام خیرات ابدی و اجرای مراسم مکنونه گهنبار و پیروی بصفات نیاکان خویش چه که تغییراتی در اصل مواد گهنبار حاصل نشده و اجرای مراسم مذهبی بر قرار است و فقط از افراط کاری معموله شیوه مرضیه که رعایت فوائد عمومی است ایجاد شده و نیز مخارج سالیانه گهنبار با مخارج تحصیل نوباوگان با نظر توجه معارفخواهان مساویست فاما از محاسن حمیده این اقدام اولا متروک داشتن زبان (دری) که چون اساساً اتخاذ آن از سلطه اجانب وافق اسارت دایر گردیده باید در تحت تقویت و تعلیم معلمین قابل ترک شود ثانیاً اجتناب از مفاسد اخلاقی والدین و عدم اعتناء بموهومات ثالثاً اعدام طبایع رذیله غرور و نخوت بین اغنیا و فقرا رابعاً ـ ایجاد روابط نوعی و حب وطن پرستی خامساً ـ تولید وحدت زبان (باستثنای اختلاف لفظ) واکتساب خصائل وآداب حمیده ـ سادساً ـ ارتقاء بمدارج عالیه و درك علویت ایرانیت باوصف شرایح مدلله و محاسن مزبور این اساس بنظر نگارنده باخواص آفرینگان ۶ چهره گهنبار توام اند بازهم نظر بتوجه اکثریت آراء ملت که عمده منظورشان دستگیری از فقرا است میگوئیم بعد از اجرای مراسم فوق تصمیم دیگری اتخاذ نمود یعنی تشکیل دارالصنایعی داده آنها را فراخور معیشت شان مساعدت نمود (در حالیکه فقر برطرف نشود مگر به نشر معارف) تا مردان کار آمدی بوجود آمده بالطبیعه ریشه فقر برکنده شود ای ملت محبوب باواز رسا میگوئیم عملیات و مافات متضمن سعادت و ترقی ملی نموده اقدامات عاجلانه در تسریع و ترویج معارف لازم است چگونه ادامه باهمال کاری بمعارف خود را پیرو وخشور پاك حضرت زرتشت سفتمان میدانید که میفرماید پسران و دختران در سن متفاوته معین دارای سدره و کشتی و فجر از مراسم مذهبی باشند مگر نه بترویج معارف میتوان انهارا بمحاسن سدره و کشتی مستحضر نمود اگرچه باز خوشوقتیم که در میان توده ملت علاقه مندان بمعارف ظهور نموده در تشویق اهالی حتی الامکان کوشاند چنانکه یکنفر مال اندیش چندی قبل اشاره در این خصوص نمود و موفق به بعضی تشکیلات گردید که متاسفانه تا اکنون نمیدانیم بکجا انجامید

از آنجائیکه قبلا اشاره کردیم که برطرف نمودن فقر و تهیه کار اولین وظیفه ملت است در اینخصوص راه قانونی مفیده میتوان اخذ نمود که فوائد عمومی را منظور دارد آن اینست که مخارج گزاف مرسومه دامادی و کارخیرکه مبالغی برداشت مخارج ضیافتهای مسلسل مینمایند و ضمناً هم کثرت عیش و سرور موجبات تنپروری و اخذ عادات غیر مناسب ملی است میتوان از اثر اقدمات مساعین کمیسیونی بنام اقتصاد از افراد صالح ملت تشکیل داد و رئیس محترم روحانی (دستور بزرگ) را رئیس کمیسیون انتخاب نموده و اجازه گواه را در کمیسیون صادر و عوائد مزبور در دفتر ثبت شود پس از آن نظامنامه انکاح و قانون اجرای مراسم آن ترتیب داده یعنی بدین منوال ترتیب گواه و مراسم آن جاری باشد که از روی قوانین مذهبی در موقع گرفتن گواه هفت نفر از پیران مجرب جهان آزموده حاضر بوده مراسم زندگانی و خانه داری بداماد و عروس فهمانیده

شد و دانست که هر وقتی سبب و بی از مسند کسی باید معزول شود تا میتواند حد خود را از راه مشروع و غیر مشروع پر کرده تا تابعین آتیه خود کند بسیار می شود که لا اوالی گری رؤسا هم موجب کارهای غیر مشروع زیردستان و مامورین می گردد در ضمن مسافرت برخورد کردم با بی مالیه خالیه آقای میرزا محمد حسین خان صفاوی اگرچه قبلا ایشان را می شناختم میدانستم شخص با وجدان و حقیقت خواهی است لیکن تاکنون او را ندیده بودم که راست مایه دائمی را داشته باشد که عملیات او حقیقت جو بودی و را ثابت کند این که مقام آرمانش او است واقعاً مرا وادار ساختا کی ذات و حوش رفتار او اخلاق بوده مدیمی است ممکن سبب اساس بواسطه حسن خلق زمان لیس از طرف مالیات انچه بخواهد بگیرد و در همین حال طرفش اراضی و خوشنود باشد و هم ممکن است بواسطه سوء خلق و رفتار کمتر از آن وجهی از طرف ماخوذ دارد در صورتیکه طرفش هم باندازه متضرر باشد مجری الیه بواسطه حسن رفتار و عملیات مجدانه نیکوی خود در این قابل مدت ماموریت اینجا جذب قلوب اهالی را نحوی نموده ابدا مالیاتهای فوق العاده که مخالف قانون بوده است نمیو فقط آنچه باید از رعایا روی قانون گرفته با رافت و مهربانی میگیرد خیلی از آقای میرزا حسین و آقای یوسف صنیعی باید ممنون بود که ایشان را برای ماموریت اینجا انتخاب فرموده اند کاش دائمی بوده با مساعی خود بیشتر و خدمت زیادتر میکرد -

[س - ح]

شرکت محدود فلاحتی اصفهانیان

اهواز

اولین شرکتیکه از روی صحت عمل و قانون تجارت در خوزستان بنام ایران تشکیل گردیده شرکت محدود فلاحتی اصفهانیان اهواز است -

این شرکت بهمت اشخاص جدی و مجدد اصول و طرز قانونی در (۱۶ بهمن ۱۳۰۴) سرمایه ده هزار تومان که منقسم بدویست سهم گردیده تشکیل یافته مسلم است که این سرمایه مقدمتاً معین و برای وسعه آن در آتیه زیاد خواهد شد -

تاسیس شرکت برای فلاحت و زراعت و غرس اشجار در اراضی غربی رود کارون است که از روی عملیات مدیران شرکت معلوم می شود که اراضی وسیعی را بوسیلهٔ شش دستگاه ماشین آبکشی مشروب و تحت زراعت و فلاحت خواهند آورد -

چیزیکه بیشتر مورد تقدیر است آنکه این شرکت زیاد تر هم خود را مصروف زراعت پنبه

و سایر اشیائیکه بتوان بخارجه فروخت و یا حمل نمود و یا باحتیاجات مملکت و ملت مساعدت و کمک نمود خواهد نمود -

فرداً اصفهانیان ساکن خوزستان بوسیله این شرکت و شرکتهائیکه در آتیه تاسیس می نمایند گوی مسابقت را از میدان حدود داری ساکنین آب و خاک ربوده مساعی آنها مورد توجه کمپانیهای متمدن دنیا خواهد شد -

برای اطلاع عموم طبقات و مرام و اسامی این شرکت را بدست آورده بمعرض تقدیم ... حل المتین می نمائیم ... از ... ... و روشنی افکار ایرانی ماهر و ایرانیان مقیم ... امیدوار گردیده در اطلاعی اراضی زرخیز خوزستان حدود داری اگر ... هم کوچک را آماده و استفاده های سوری و معنوی کامل فرمایند - شرکتهای سابق ایران هم عملیات این شرکت را سرمشق خود قرار دهند

تصمیم و اقدامات کمپانی نفط جنوب

§ قومی بجد و جهد گرفتند زلف یار §

§ قوم دگر حواله بتقدیر می کنند §

از بزرگترین سرمایه هائیکه مال متمدنه دنیا بکار انداخته و می اندازند و از تمام سرمایه ها عزیز تر می دارند اوقات است !

وقت را اروپائیها بهتر از ثروت بلکه بزیاد تر از طلا گرامی می دارند دقایق عمر را بیهوده رایگان از دست نمی دهند و بهمین رویه و از روی همین طریقه بهمه جهت در ادامه کردن زندگانی خود از جمیع آسیائیها و ملل تمدن تفوق یافته اند -

این مسئله در نظر ما ایرانیان بعکس بلکه کلا مخالف است و از کلام امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام سرمشق نگرفته ایم که فرموده است ... اوقات ... وقت خود را هیچ قیمت حفظ نکرده ... عالما صرف تملق ... چاپلوسی ... حاشیه نشینی ... و حرفهای بیجا صرف می نمائیم این است که همه وقت و در همه دوره از قافله تمدن و عزت دور و از لذائذ آنها مهجوریم

کمپانی نفط جنوب مانند برق لامع اقدامات مفیده خود را ادامه داده و منافع خود را حفظ و در ازدیادش کوشش می نمایند -

اولا - چون منابع نفط نقاط مختلف جنوب مانند (بختیاری و غیره) کشف و احتیاج امروزه اینها را رفع می نماید تصمیم گرفته اند که محصولات نفط میدان نفطون (مسجد سلیمان) را ذخیره خود قرار داده و نقاطیکه بدریا نزدیکتر است مقدم دارند

ثانیاً - طریق اهواز به کناوه و بوشهر را تصفیه و موتوررو نموده اند که از بوشهر تا اهواز و بعکس در مدت هشت ساعت مسافرت می نمایند در حالیکه پست از طریق دریا با کشتی های (میل) وغیره چهار روزه از اهواز ببوشهر میرود حالیـه باید تصور کرد که اتصال این دو نقطـه از طریق خشکی مبنی بر چه مقدار منافع است

همین رویـه را برای طریق فی ما بین اهواز به خرم آباد و بروجرد هم معمول خواهند داشت وشاید بقصر شیرین هم اتصال یابد ؟

ثالثاً - تلفون بی سیم برای مخابره با بوشهر و مسجد سلیمان و تمام نقاط جنوبی ایران حرف میزنند و ما ایرانیان خواب آلود و در فکر هستیم چه کنیم

حبل المتین

ظاهر است که کمپانی بنا بتوسعه منافع خویش هر اقدامیکه مناسب و مقتضی بیند نموده و باید هم بنماید نفع آن اقدام هم راجع بماست و هم بکمپانی چند نکته‌را ما باید مد نظر داشته باشیم اول هراقدامیکه کمپانی بنماید تجارتی باشد نه سیاستی دوم از دائـره امتیاز نامـه بیرون نباشد سوم برحسب قوانین مروجه عالم راه آهن یا شوسه هرکمپانی که بسازد باید در اختیار و قبضه دولت وتحت قوانین مملکت باشد چه راه در مملکت حکم شریان را در بدن دارد هیچ ملت ودولت راضی نمی‌شود که راه های خودرا بدیگر کمپانی بسپارد بنابراین یقین است‌که وزارت فواید عامه که بهتر ازما باین نکات واقف است جدیت خواهد نمودکه راه های آهن وشوسه کمپانی کاملا باختیار دولت باشد البته کمپانی در استعمال آن طـرق اولویت خواهـد داشت و مقـدم بـر دیگران شناخته خواهد آمد و ما باین گونه اقدامـات کمپانی ابداً بد بین نیستیم اگر اولیای دولت بیدار باشد و حقوق خود را بشناسد ورنه هر کمپانی خارجی در ایران تشکیل شود ممکن است بزیان ما تمام شود

جشن تولد اعلیحضرت پهلوی

در شب ۲۴ اسفند در ادارات دولتی اهـواز بطریق ذیل جشن گرفته شد

۱ - اداره حکومتی در داخل و بیرون وسایل تزئین را فراهم در ۲۴ اسفند از مامورین رسمی و سایر واردین پذیرائی نمودند

۲ - اداره نظمیه‌که تحت ریاست آقای سلطان مصطفی خان البرز یکسال است با کمال جدیت و حسن عمل اداره میشود و جدیداً عمارت دو طبقه (قلعه) را تعمیرات شایسته نموده و بر آبروی اداره ودولت افزوده که قابل همه گونه تمجید است جشن با شکوهی گرفته و پذیرائی واردین را برای دو شب ادامه دادند

۳ - در تلگرافخانه نیز (طبقهٔ زیرین قلعه) جناب حاجی میرزا مهدی خان جشن مفصلی تشکیل و از عموم روساء دوائر و نمایندگان خارجه برای شرکت در جشن دعوت کرده و پذیرائی نمودند

۴ - مالیه و عدلیه و بلدیه بمختصر ترین ترتیبی بیرقهائی زده و یکی دو چراغ درب ادارات آویختند که محتاج به تفصیل نیست

چون در این شب در دوجا نمایش بود کمتری وقت صرف جشن شد

ورود و حرکت

حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد رضا دزفولی که صیت شهرت و عدالت حقیقی خود را طنین انداز عالم اسلام نموده و امروزه در طراز اقدم و اول درجه مجتهدین عصر میباشند برای تشرف بعتبات عالیات و ارض اقدس مورخه ۱۷ اسفند بسلامتی از دزفول وارد و پس از اقامت شش روز ساعدم اجابت تقاضای عامه در اقامت اهواز بصوب عتبات عرش درجات عزیمت و حرکت فرمودند وجود مقدس این مجتهد جامع الشرائط جائز و نافذ الحکم برای عالـم اسلام مغتنم و نادر است سلامتی ایشان را همه وقت باید خواستگار بود

پیش نهاد قابل توجه
(تبدیل ناصری باهواز)

شهر ناصری که در سال ۱۳۰۷ هجری بر روی اهواز تاریخی قدیم بنا شده از روی تملق و چاپ لوسی (دوره ناصری) نام ناصری را بخود گرفته و در تمام کتب تواریخ و خریطه (نقشه) های جدیده و قدیمه اسام این سرزمین (اهواز) نامیده شده و میشود

و از روی همین اصل تاریخی تمام اروپائیانیکه با این خطه مراوده و مراسله دارند نام اصلی که اهواز است نام این شهر شناخته و می شناسند فقط دوائر دولتی ایران تقلید مرکز [طهران] را کرده و و زیادتر به کلمه منحوسه [ناصری] توجه دارند در صورتیکه غالباً با [ناصری منتفك واقعه در بین النهرین] اشتباه میشود

در سـال گذشته که اعلیحضرت پهلوی تشریف فرماشده و وضعیت شهر و ترتیبات مناسب این شهر را رای العین فرموده خطاب [ناصری قشنك] نمودند و لیکن برای شهر ها خصوصاً شهر هـای مهم اسمی لازم است که یك کلمه و جامع باشد و کلمه اهواز از هر جهت دارای مزیت و معروف تـر است لذا مااین پیش نهاد قابل توجه خود را تقدیم مقامات مربوطه

میدانیم که این مرکز خوزستان و حکومت نشین این ایالت را بهمان نام اصلی خود [اهواز] نام بردار و موسوم فرمایند

البته این پیشنهاد در نظر ارباب خبرت و بصیرت معارف ایران مورد قبول خواهد گردید

حکومت خوزستان

چنانکه سابقاً معرفی شده آقای محمد خان توفیقی میر لشکر بحکومت خوزستان منصوب و در ۹ اسفند پس از زیارت عتبات عالیات وارد محمره گردیده مذکور است که پنجشنبه بیست و هفتم وارد اهواز که مقر و مرکز حکومت خوزستان است میشوند

در محمره بمنزل حاجی محمد علی [رحجی رئیس سابق] وارد شده اند آقای شیخ الملك و میزبان محمره از مرکز با حکومت مصاحبت نموده و پس از ورود باهواز تشریحات مقتضیه معروض قارئین کرام خواهد شد.

انتخابات خوزستان

تا کنون برای انتخاب وکلای دوره ششم مجلس در خوزستان اقدامی نشده و بانتظار ورود حکمران بوده اند لا بد آ بعد از ورود اقدامات مقدماتی برای انتخاب وکلاء خواهد شد وکلای این دوره کاندید شده ولی هنوز مخفی است و بسر بعضی پوشیده و پس از چندی ماهی خواهد گردید

همین قدر داو طلبان وکالت هم قریباً از عقیده خود صرف نظر کرده آرزوی صندلی مجلس را از دل بیرون خواهند کرد

قتل نفس دختر

نظر به بی صاحب بودن ایرانی خصوصاً زنها و دختر های بدبخت طبقات ضعیف و عدم توجه اولیای امور بتوده بیچاره درجنوب ایران معمول گردیده (خصوصاً از وقتیکه کمپانی نفط جنوب دریای نفط ایران را کشف کرده) که هریك از عمله جاتیکه برای کمپانی نفط جنوب می آیند از جمله اشیاء نفیسه ئیکه برای خود تدارك کرده و همراه میبرند - یکنفر دختر ایرانی (یعنی مخلوق بی قدر و منزلت) است .

این مسئله بقدری متداول گردیده که جزو مسائل عادی و بهیچوجه قابلیتی در انظار ندارد - :

مشاهده شده است که دیده میشود در عقب یکنفر هندی که عازم مراجعت بهندوستان و یا افغانستان است - دخترماه پیکری مانند (شاهینی که صعوه را درچنگال آورده باشد) باقامتی رعنا و صورتی زیبا در حرکت است و دردنباله آن ظالم ومظلوم و بانی قوی و ضعیف مادر و پدر وی چون اهوان رمیده از آشیان خود - دل ودست بریده و باسوز و گداز با آن محبوبه طناز مناجات الفراق الفراق نموده اشك حسرت از دیدگان می بازند - از مسئله درد افتاده و سرکشی قلم ما را به پرتگاه تحسر و تاسف کشانید برگردیم بمقصود خود که شرح قتل نفس یك دختر چهارده ساله عرب است - ،

شیخ مهر نام هندی که از اطراف بمبئی است مشغول طبابت مستخدم کمپانی نفط جنوب و ماوو بحیه [کوت عبدالله] میشود - در مدت ماموریت خود دختری مساه رخساری را از طایفه عرب بنی طرف برای خود خود آورده وذخیره مراجعت خویش قرار میدهد - رفیق او [شخص دیگری هندی از این انتخاب حسادت کرده درصدد بوده که این لعبت شیرین را بخود اختصاص دهد دختر هم از گرفتاری و وضع رفتار شیخ محمد خوش نبوده و راه نجات بجسته - شیخ محمد درمقام مدافعه و جلوگیری برآمده تااینکه مدت قطعات او سپری و یا از اداره کمپانی خارج میشود از کوت عبد الله بغزعلیه (اهواز) تبدیل مکان مینماید و دختر بیچاره را همراه می آورد

در شب پنجشنبه ۱۹ شعبان [٤ مارچ] سه ساعت از شب گذشته دختر را بر داشته از منزل خارج و قرب کود اهواز [در خرابه های قدیمه] با ضرب تبر و کارد آن نوعروس عالم ابدالیت بقتل رسانیده حیات عاریت را از آن دخترك فقیره سلب و بسر و صورت او نفط زده موهای پریشان مجعدش را باتش حقد و حسد می سوزاند و جسد را در همان مکان گذارده مراجعت مینماید

صبح آنروز اداره نظمیه جسد را کشف و به نظمیه آورده از روی همان جدیت و فعالیت که شیوه خصوصی آقای البرز رئیس تشکیلات نظمیه خوزستان است در مقام کشف قاتل بر آمده و از اثر اقدامات مامورین تامینات در ظرف هشت ساعت قاتل دستگیر و قضایا کشف میشود

شیخ محمد قاتل هندی تا کنون تحت استنطاق و در قنسول خانه انگلیس توقیف است برای صحت کشفیات نظمیه پس از آنکه جسد دخترك مظلوم دفن شده بود در هفدهم اسفند ماه قبررا نبش و وضعیت جسد را مجدداً معاینه کردند

این بود واقعه جان گداز دختر معلوم ایرانی و آن است عملیات شقاوت کارانه یکنفر هندی اکنون باید میزان رعیت داری و قضاوت در این قتل را در این نقطه مهم اسلامی دیده و مقیاس اقتدار و استقلال ایران و ایرانیان را ... کشفیات وعملیات اداره نظمیه

تا انجائیکه موظف است مورد تمجید است و ما تشکر در هم فقط منظر مجازات و استماع حکم صادره میباشیم تا برای اطلاع قارئین حال انتین درج نمائیم

اختناق بلدیه های خوزستان

از روز ۲۹ بهمن که دستور الغای باج راه ها رسیده و در همان تلگراف وعده شده که تکالیف بلدیه ها را سه روزه معین و بودجه معینه آنها را برداریم اکنون که ۲۹ ... ماه است تمام بلدیه ها و اجزاء مستاصل ... و سر گردان و حیران گردیده اند

در اثر تلگراف فوق الذکر تمام عوائد بلدیه ها را متروك و مخصوصاً مامور مالیه اهواز کلیه تحریری را در اداره بلدیه اهواز نموده و بقایای شش ماه قبل از تصویب قانون الغای باج راه ها را از تا چیزهائیکه بلدیه مصارف کرده و حتا طلب کار بود مانع از وصول آمد حتی ظاهر که بلدیه ازاجزای بلدیه خصوصاً بعضی بستگان آقای معاون دارد موقوف المطالبه و موقوف الاداء نمودند

عجالتا بلدیه های خوزستان در حالت احتضار و قریبا بلاد خوزستان را وداع گفته قربانی اراده های ادارت مالیه خواهند شد

هیچ منتظر اقدامات مرکز و مرکزیان هم نباید بود چرا که بشهادت مندرجات جراید مرکز بلدیه و حقوق بلدیه منحصر به بلدیه طهران است سایر بلاد ایران هنوز لایق داشتن بلدیه نبوده و نیستند و اگر باشند اما مورد نظر ارباب همت شود مدتی وقت لازم دارد بهر صورت از این ادارات هم صرف نظر باید کرده و بلدیه ها را از زمره ادارات خارج دانست

از قرار مسموع بلدیه اهواز مبالغی هم برای خیابان سازیهای سال قبل مقروض است و حالیه حقوق دو سه ماه اجزا و اعضاء خود را هم نداده است و ندارد که بدهد تا مرکز و مالیه رحمی بحال خود راه داده رعایتی بنماید

از لنگه می نویسند

در جرائد اوضاع اسف انگیز لارستان ملحوظ افتاد اگر چه بزرگان گفته اند — العاقل تکفیه الاشاره ولی نظر به شعر خواجه حافظ

§ هر کسی روز بهی می طلبد از ایام §
§ علت آنست که هر روز بترمی بینم §

گرفتاری رعایای لارستان وا می دارد که هر روزه بل هر ساعت فریاد کنند سنیه میگوید که من تنگ آمدم فریاد کن اینك توضیحا عرضه می دارد که اولین

ندائی که از مشروطه خواهان ایران بلند شد لارستان بجان و سر استقبال کرده لبیك گویان پیش آمده به لقاقه لسان چنانکه آواز لبیکش گوش عالمیان را پر ساخته در وقعه که محمد علی میرزا بهارستان را بمباردمان نمود تلگرافاً امر به محمد علیخان نصر الدوله شد که لارستان را بسته توپ بست سازد جوانان فدائی لارستان سینه سپر ساخته در جلو تهاجم بیرحمانه او حاضر دفاع شدند جانهای عزیز در سر این کار باختند اگرچه مقهور دشمن گردیدند ولی مجدداً پس از حرکات اردو مجدانه بحال اولی بودن گردند تا در دوازده سال قبل که علم مشروطیت افراخته آمد جگرهائیکه از دواهیها گداخته بسود نظر به شوکت دولت و حکومت حبیب‌الله خان قوام رضا دادند که شاید در سایه پرچم مشروطیت رفع تعدیات از خود نمایند اما افسوس که بازهم قوام الملك نظر به پیشرفت کار خود در ملوك‌الطوائفی این صفحه جات افزود محالات لارستان را شعبه شعبه نموده بر هر شعبه امیری امر ساخته این بود که پس از دو سال ابراهیمخان قوام دست تعدیات از آستین بیرون کرده اوضاع پیشکشی روی کار اورده لارستانکه ۹۰۰۰ تومان مالیات داشت و پدرش ۳۰۰۰ تومان تقدیمی می گرفت این پسر ۱۶۰۰۰ تومان تقدیمی خود و ۴۰۰۰ تومان استصوابی منشی باشی و بالغ به ۵۰۰۰ تومان از مخارج ورود وغیره از میرزا علی محمد خان نائب‌الحکومت دریافت مینماید دیگر معلوم است که نائب‌الحکومه چه خواهد کرد

§ اگر زباغ رعیت ملك خورد سیبی §
§ براورند غلامان او درخت از بیخ §

اگرشرح محالات دیگرمثل‌باوکیت جویم وبید شهر و ضابط انجا رضا قلی خان و جهانگیره و دولت‌الملك و سبعه جات و صحراء باغ و گاوبندی و بیغه فسال و و و و تعدیات غاصبانه حکام و ضباط ان صفحه جات را بدهم مثنوی هفتاد من کاغذ شود اینك چهار ماده خاطر اولیای دولت را متذکر می شود

ماده اول — راه داری است که گمرکی غیر مستقیم خروج و دخول گرفته میشود از تمام اجناس حتی گندم و هیزم که بالغ بر ۴۰۰۰۰ تومان هر ساله گرفته می شود چندی قبل خبر رسید که تلگرافی اکیدا بجهة منع راه داری به لار رسیده ولی چیزیکه معلوم شد نائب‌الحکومه بی اعتنائی نموده و جوابش این بوده که من بحکم قوام‌الملك بر لار حاکمم ممانعت را از طرف ایشان منتظرم

ماده دویم — مسئله سربانه است که خصوص لار دوچار ولی تمام دهات و قراء حتی حضرات

بهائی که در لار ساکنند مبتلا از هر فردی از
دیاد مبالغی مثل جزیه ماخوذ میشود

ماده سیم — قصابی است که مالیات زیادی نائب الحکومه هرساله اخذ می کند و علاوه آقای میرزا عباس خان رئیس ادارهٔ نواقل از هر ذبیحه بزرگ و کوچک هر یك دو قران و نیم ماخوذ می دارد با وجود اینکه هرساله ضابط و حکام از هر یك راس حیوان گوسفند و نیم بعنوان سداغ و مواش می گیرند

ماده چهارم — مسئله خراج است که الهم [illegible] را ده یك گذاشته همینکه فصل حصاد رسید و زارع بیچاره از درو فارغ و خوشه هارا خرمن نمود باید از طرف نائب الحکومه یا کلانتر محل چند نفراز مخصوصینشان بعنوان خراجی حاضر شده خرمن را خرص نموده هرخرمنی را دوبرابر وسه برابر خرص کرده وده یك ان بعنوان خراج و ازصد دونیم بعنوان انبار داری و داروغگی و عاشری گرفته و ان شخصیکه حاضر شده است بجهة خرص کردن یا یکی از خوانین است یا قالدین یا روساء بایست زارع مبلغی هدیه به او بدهد که یك اندازه ترحمی بحالش نماید و مبلغی هم بعنوان تعارف به شخص خراص بدهد که تا زیاد خرص نکند اگرچه عاقبت مفید نمی افتد و مطلب خود را از دست نخواهند داد ازاین گذشته اقای انبار دارهم تعارفی میخواهد که در موقع تحویل ایراد نگیرد والا یا زیاد میـ ستاند یا ایرادات دیگر میکند چه عرض کنم که وقت اولیای دولت شریف را ضایع ومطلب را طول دهم اوضاع لارستان بسیار رقت اور و غم انگیز است به مادر وطن به وجدان انسانیت قسم که اگر شرح تعدیات ظالمانه حکام وضباط هریك جداگانه عرضه بدارم گمان نمیکنم که در موقع مطالعه چشم هیچ دوست و دشمنی گریان نشودلاابد به این چهارماده خاتمه داد تمام اهالی منتظر سال نو بوده و هستند چون صیت عدالت گستری و رعیت پروری اعلیحضرت پهلوی گوش زدعالمیان شده تمام اهالی لارستان انتظار میبردند که امسال حکومت نظامی بایك عده قشون به لار اعزام خواهدشد ولی بدبختانه مجدداً میرزا ابراهیم منشی باشی قوام الملك به لار وارد و مبالغی بعنوان تقدیمی از نائب الحکومت لار دریافت و حرکت کرد باز هم رعیت را فروخته و رفت بعد از حرکت مجدداً حضرات اتراك نفر ولر بنای شرارت گذاشته که قافله سرقت تر کی مال التجاره بغارت بردند کما اینکه عام رعایای صحرای باغ وجهانگیره بتدریج دست عیال اتشان را گرفته چشم پوش از ضیاع و عقار با چشم اشکبار فرار بر قرار اختیار و بهرگوشه وکنار متواری اغلب رو به عمانات می آیند و ورد زبانشان این است که شاهنشاها گرمسیرات وقوامت بتوارزانی باد ماره اعز گرفتیم چه بحرس چه دوبی نمیدانم چه بدبختیست که دوچار اهالی گرمسیر شده که تمام صفحات ایران منظم و آسوده و آزاد ولی این مشت بدبخت فلکزده گرفتار فشار اشرار هستند گویا ایشان ایرانی نیستند که روز بروز از جمعیتشان کاسته و ازبدبختیشان افزوده شود لارستان بزبان ناسان به آستان اعلیحضرت عرضه میدارد که شهریارا جگرگوشه هایم بهرگوشه فرار کردند اینکه البته بجائی نرسد فریاد است اگرچه ما گرمسیریان بیچاره در هرجا باشیم در تحت فشاریم در همین عمانات برحاب گویا گوی دوچاریم لابدیم که بر وطن عزیز رجحان دهیم ما از مادر وطن کناره و اندایه گان همسایه چسپیده ایم امیدواریم که منظور نظر پدر تاجدار خود واقع شویم و عرایض [illegible] مؤثر افتد

(متین زاده لاری)

مسجد و بتکده

(۲)

واقعات این دو هفته در این شهر شهیر اول آسیا باندازهٔ اهم بوده که تالی اش تا امروز در هندوستان پیش نیامده بود واقع زور عجب چیزی است جمیع عیوب را میپوشد زبان کلیه نکته چینان را می بندد یاد داریم پنج و نیم سال قبل واقعه غیر مترقبه بسیار کوچکی الهم الدسایس خارجی در طهران پیش آمد یعنی قتل مستر امبری قونسل آمریکا نه تنها تلگرافات عالم را پر ساخت و وحشت ایرانیان را اعلان کرد و ملت ایران را متعصب و موهوم پرست جلوه داد بلکه تمام نمایندگان خارجه در طهران بدولت اعتراض برده جداً خواستگار امنیت گردیدند و حال اینکه نظیر آن واقعه در طهران بلکه کلیه ایران از یك قرن باینطرف یعنی بعد از قتل سفیر روس که از روی وجدان قصور بر او وارد بود ثانی و نظیر نداشت

اینك کلکته که اول شهر آسیا و مرکز تجارت و دارای سی هزار اروپائی بایك و نیم ملیون نفوس است کشتی در طلاطم است امنیت مالی و جانی برای هیچکس باقی نیست غالب دکاکین بسته حتی چند روز گوشت هم گیر نیامد قیمت جمیع اشیاء ترقی نمود ولی چون طرف دولت انگلیس و بر زور است تعدی را طاقت آن نبوده و نیست که چون و چرا نماید

در نوبت اول که قرب ده روز جنگ مذهبی هندو و مسلمان متمادی بود عده کثیران را ازدیك

صد و مجروحین را بالغ بر پانصد گفتند چند روزی آرام شد اگرچه دران ایام هم جسته جسته در گوشه وکنار زد و خورد می شد ولی می توان گفت که اوضاع رو به سکون بود ازان بعد متجاوز از ده روز که شدید تر از اول جنگ هندو و مسلمان قوت گرفته این نوبت (طبل و دهل) از طرفین درکار آمده و دسته بندی هم زیاد بود پولیس خیلی جدیت داشته و دارد ولی با همه کم پیشرفت نمی نماید بلکه از اتفاق با پولیس هم زد خورد شده است پولیس مسلح است و حکم شلیك هم دارد و قشونهم بکمک پولیس گذارده شده در چند موقع پس از اتمام حجت با جنگجویان شلیك هم شده است این نوبت عده مقتولین ومجروحین اعلان نمی شود ویا کمتر اعلان می کنند جراید یومیه هم برای اینکه اسباب تهییج عوام فراهم نیاید قرار داده اند واقعات را جز آنچه اداره پولیس به آنها بدهد اشاعه ندهند برخی ازجراید انگلیسی به طعن می نویسند خوب است مهاتما گندهی وسایر قایدین هندو ومسلمان که خواستگار اتحاد هندو ومسلمان بوده و بدان وسیله سوراج یعنی حکومت خود مختار می خواستند آمده این جنگ را خاتمه دهند الحق می توان گفت این واقعات غیر مترقبه کلکته ده سال هندوستان را عقب انداخته

یاد دارم وقتی تاریخ ایام بربریت اولیه بنی نوع انسان را مطالعه میکردیم که غارنشینان از مغاره های خود بیرون جسته حمله به یك جماعت دیگر همجنسان خود می بردند وقتی که دسته بندیهای هندو و مسلمان و طبل وهیاهوهای شان بگوش میرسید و حمله بیکدیگر می بردند همان اوضاع غار نشینان و حملات شان به یکدیگر مجسم می آمد بدون شبهه هندیان اعم از هندو و مسلمان خویشتن را به عالمیان نیکو معرفی نه نمودند و الحق در عوالم تمدن خیلی بد امتحان دادند ازاین وبعد هر سلوك سیاسی نسبت به آنها به شود همدردی برای خود در عوالم تمدن نخواهند یافت

مستر استیفن هیو که رئیس اداره حکومتی بنگال است از دارجلنك وارد کلکته شده از کمشنر پولیس و سایر ارباب حل و عقد تبادله آراء نموده گفته می شود که حکومت مصمم است که به سرعت اقدامات سخت اتخاذ نموده رفع این غایلات را بنماید شخصاً حکومت بنگال هم از ییلاق وارد کلکته شده است خیلی آرام و سکون باهالی بخشیده اند

خوف و دهشت باندازه مردمان بیطرف را احاطه کرد که غالب از خانه های خود پا بیرون نمی گذاردند و مردمانی که خارج کلکته سکونت داشته کلکته را تخلیه کرده اند انسان در کوچه و بازار های پر جمعیت و خیابانها که می گذرد مبهوت میگردد دکاکین بسته خیابانها خالی هر کس هم که بحالت مجبوری می رود ازسایه خود درهراس است انسان وقتی که قدم ازخانه خود بیرون می نهد اطمینان به بازگشت خویش ندارد چه این جنگ میان جنگجویان محدود نمانده بسیار مردمان ضعیف ناتوان که هرگز بفکر جنگ نیستند تواند افتاد محل حمله جنگجویان آمده از پایش در آورده اند راه گذر بیچاره بی خیال می گذرد یکمرتبه چند نفر از کمین در آمده او را بخسانه در آورده کارش می سازند اینقدر کار سخت شده بود که عدالت خانه های کلکته نیز بهراس افتاده بودند یعنی درعدالت خانه هم زد وخورد شده بود

یقین است مشترکین محترم ما نیز از این تعطیلات اجباری بر ما خورده نخواهند گرفت ملازمین اداره هر یك در یك محله سکونت دارند و برای آنها ممکن نبود که با آن وضع خویشتن را بکار برسانند

ما الزام این جنگ را بهر دو فریق میدهیم یعنی هم به مسلمان و هم به هندو ولی چنانچه دیگران بیان می کنند هم مسلمان بیشتر مجروح و مقتول و هم بیشتر گرفتار گردیده اند سبب را همچه می گویند که پولیس بیشتر هندو و قشونی هم که در شهر منتشر کرده اند فوج گورکها که هندو می باشد از اینرو مسلمانان بحکومت استغاثه برده و خواهش نموده اند که قشون مختلف از هندو و مسلمان بگذارند و یا قشون انگلیسی بجای آنها بر گمارند در هر صورت هر کس این ایام کلکته است معنی حدیث (النعمتان مجهولتان الصحت والامان) را می فهمد بتازگی پولیس حکم داده که پنج نفر زاید اگر در یك نکته مجتمع باشند گرفتار کنند و شنیده می شود که رؤسای هر محله را از هندو و مسلمان طلب نموده امنیت محلهٔ شان را از آنها خواسته اند و نیز پولیس اجازه یافته تفتیش و تحقیق نموده هر که را بخواهد گرفتار کند در حقیقت این حکم یك گونه حکومت نظامی شهر را مدلل میدارد ولی رسماً مارشل لا جاری نشده است بدون اغراق می توان گفت در این یك ماه ملیونها اموال مردم بغارت رفته و آتش زده اند خساره تجارت باندازه است که تا دیر باز اثرش باقی خواهند ماند در این میانه می گویند یك طبقه خیلی فائده برده که زبان از ذکر نام شان عاجز است جزئیات واقعات را نه صفحات حبل المتین گنجایش دارد و نه از روی صحت و حقیقت می توان نگاشت همین قدر می گوئیم که چنین واقعهٔ

دهشتناک و وحشت انگیزی را که اثر تعصبات مذهبی است در این قرن طلائی تالی آن را تاریخ نشان نداده و نخواهند داد شنیده می شود که حتی بر اطفال مدارس هم ترحم نشده بیگناه بجرم مذهب آنها را لیز به شکنجه انداخته اند – حتی جنائز مسلمانان که با جمعیت قبرستان میبردند محل حمله و شلیک هندوها واقع گردید هنوز هم بازارها کاملا باز نشده ومردم در خوف و هراس باقی اند چه شالوده اتحاد یا رفع مناقشات بین هندو و مسلمان ریخته نیامده هر آن که پولیس غفلت کند خوف عود مرض میرود و این نیز اسباب خوف شده که مبادا این حرکت مذهبی بسایر نقاط بنگال بلکه کلیه هندوستان سرایت نماید

مسلمانان خیلی شاکی اند که گرفتاری های زیاد بیشتر از انها میشود و علت را هم همان میدانند که عده مسلمانان در پولیس صدی چند نفر بیش نیست ازاین رو عائدین مسلمانان را عقیده اینست که برای جلوگیری این گونه پیش آمد ها در آتیه بدخول در خدمات پولیس وغیره بنمایند

جشن تاجگذاری

بمناسبت تاجگذاری اعلیحضرت رضا شاه پهلوی که روز چهارم اردی بهشت مقرر شده بود آقای میرزا قلی خان نبوی نماینده دولت علیه ایران در هندوستان در روز مزبور مجلس جشن با شکوهی در کلکته منعقد نموده کلیه ایرانیان مقیمین کلکته را از مسلمان و زرتشتی و پارسی و همچنین عده کثیری از مامورین دولتی و نمایندگان دول خارجه ومحترمین محلی را دعوت کرده و از مدعوئین باکمال خوبی پذیرائی بعمل آوردند جشن مزبور الحق از هر جهت باشکوه و درنهایت آبرومندی برگذار شد –

معادن آهن ایران

چون وزارت فوائد عامه مطابق مقررات قانون مصوبه خط آهن درصدد استخراج آهن از معادن ایران میباشند بوزارت داخله مراجعه گردید که به مامورین خود در مازندران دستور دهند که مقداری نمونه از معادن آهن مازندران مخصوصا نائیج – محمود آباد تهیه و ارسال دارند تا مقدار آهن مستخرجه را تعیین نمایند

ایران و راه آهن

جراید انگلیسی می نویسند امروزه بیش از همه چیز توجه ایران به تعمیر راه های آهن است مستشاران مالیه امریکائی خیلی مؤید این مقصود دیده میشوند ولی حرف اینجا است که سرمایه ساختن اینهمه راه های آهن از داخله فراهم خواهد شد یا باید ازخارجه بیاید ازخارجه امروزه خیلی ممکن است سرمایه به ایران ریخته شود ولی بسیاری از شاخهای راه آهن ایران باصول اقتصاد نقصان خواهد نمود ولی عایداتی که برای مصرف این راه تعیین آمده کافی است برای جبران خسارات وارده مهندسین که از آمریک و آلمان طلب شده خیلی زود وارد ایران خواهند گردید ومدرسه مخصوص مهندسی نیز تاسیس یافته تا تکمیل بکند کمی مهندسین را برای راه های شوسه و آهن معلوم است که راه های آهن ایران بیشتر بکارخانجات امریکا شود کارخانجات المانی نیز بی حصه نخواهند ماند مثلا کارخانه آهنگری در ایران خیلی اهمیت پیدا نموده است ایرانیها ساعی اند که هر قدر ممکن بود لوازم راههای آهن خود را از خود بدهند در این صورت ایران می تواند کامیاب گردد بساختن راه های آهن خود بذریعه کارخانجات اروپ که باقساط نا نها وجه پرداخته آید و لوازم ساختن راه آهن را نیز کارخانجات در خود ایران تهیه اند –

تلگراف و تلیفون بی سیم در ایران

اعلیحضرت همایون پهلوی ساعی اند که کلیه لوازم ترقیات عهد جدید را بسرعت درایران دائر سازد چنانچه اهمیت زیاد درمسئله تلگراف وتلیفون بی سیم داده قصرقجر را درطهران مرکز تلگراف بی سیم ساخته دورشش ایالات و ولایات ایرانهم شعبات از اکدارده مشغول بکار شده اند درهرایستگاه و در هر شهر تلگراف وتلیفون بی سیم دائر خواهد شد وتمام تحت نظرانی وزرات جنگ قرار خواهد گرفت افتتاح تلگراف بی سیم درمرکز شده ومسکوو برلن و پاریس مخابره شده ازطرف رفیق ششرین کمیسر خارجه روس اولین جواب تبریک رسید فعلا این تلیفون و تلگرافات بی سیم به استعمال نظام خواهد بود و تا یک سال دیگر درنقاط شش گانه نیز مثل مرکز شروع به مخابرات خواهند نمود وازآن بعد ملت هم حق مخابره از تلگراف وتلیفون بی سیم خواهد داشت و شعبه مرکز فعلا با پاریس بمخابرات مشغول است

ایران و جامعهٔ ملل

دولت علیه دعوی خود را بجامعهٔ ملل چنین پیش نموده استکه اگرغیراز نماینده آسمان بنا شود درجامعهٔ ملل عضویت دائمي يابد دولت ایران که تنها نمایندهٔ چهارصد مليون نفوس اسلامی درجامعه می باشد جداً عضویت دائمی خویش را خواستار است نمایندگی دولت ایرانرا در جامعه ملل ازطرف عامهٔ مسلمانان و تمام حکومتهای خود مختار اسلامیه تسلیم و تصدیق دارند ازطرف برخی از دول خیلی کوشش شده استکه دعوی دولت ایران عضویت دائمی جامعه درجراید بساین اسلوب اشاعه نیابد –

فرانس وشامات

تلگرافات اخیره می رساند که سردار فرانسوی با یازده هزار نظامیان و توپخانهای میدانی وکوهی با استعداد طیارات جنگی به [سوده] که کرسی حکومت جبل لبنان است حمله برده شش هزار دروزیان به محافظهٔ شهر مشغول بودند پس ازنقصان زیاد عقب نشسته قشون فرانسه به سودا وارده شده است ولی هرکس که باوضاع سیریا و وضعیت جبل لبنان آگهی دارد میداند که فقط بر سودا افاقت امنیت کل سیریا را نمی کند همین سودا سابق هم در قبضه فرانسه بود تا وقتی که بافرقه دروزیان صلح نشود وآنها تسلیم نگردند به امنیت سیریا اطمینان نمی توان نمود میگویند چون فرانسه تا درجه بصلح رغبت اطمینان نمود قشون زیادی ازمیدان مراکو به سیریا آورده شاید بتواند این نقطهٔ مهم را آرامی بخشد -

ترکی وانگلیس درموضوع موصل

مجدداً مخابرات بین دولتین انگلیس وترک درموضوع تصفیه موصل شروع شده میگویند اگرترکان خط سرحدی که درقرار داد برازیل تعیین شده و جامعه ملل هم به همان حکم داده منظور کنند دولت انگلیس برخی رعایت های نافعه اقتصادی درموضوع ترکان منظور تواند داشت میگویند ترکان نسبت به اول خیلی نرم شده و این نرمی بمناسبت تهدید سیاسی است که از طرف ایطالی نسبت به ترکان پدید آمده است ولی هنوز نمی‌توان ایقان نمود که ترکان بخواهشات انگلستان درموضوع موصل گردن خواهند نهاد

جهازات مغروقهٔ داردنلز

درپارلمان انگلستان ازوزارت خارجه پرسش شد که ایا اطلاع دارند که دولت ترک امتیاز داده است بیک ازدول که جهازات مغروقهٔ دردار دنلز را بیرون آرند دراینصورت اگرجنازهٔ سربازان بحری انگلیس از آن جهازات بیرون آید چگونه با او رفتار خواهد شد وزیر خارجه جواب داده که مراسلهٔ در اینموضوع بسفارت انگلستان نوشته شده پنج جهاز جنگی انگلیس ودوکشتی دستراير و پنج کشتی سبمرین و برخی ازجهازات نقاله وغیره در داردنلز از دولت انگلیس غرق شده است

دولت در انتظار توست

(وقت قسمت آزمائی است)

در شرکت خریداری بلیت های بزرگترین لاتری طلائی

حکومت همبرگ المان ضامن صحت عمل است

نخستین کشیدن بلیت های این لاتری ۹ جولائی سنه ۲۶ خواهد شد این لاتری مشتمل است بر ۷۰۰۰۰ بلیت در کشیدن شش لاتری تقریباً ثلث ۲۷۶۰۰ یقیناً کامیاب خواهد شد هر ماه یکمرتبه بلیت های لاتری را خواهند کشید

مبلغ تمام انعامات این لاتری چهار ملیون و ۹۷۶۰۰ مارك طلا یا تقریبا ۲۴۸۸۰۰ لیره انگلیسی است

انعام اول برای صاحبان قسمت ۵۰۰ و ۰۰۰ مارك طلا است یا تقریبا ۲۵۰۰۰ لیره انگلیسی

انعام های بزرگ دیگر مارك طلا بموجب ذیل است

۷۰،۰۰۰	۲۰۰،۰۰۰
۶۰،۰۰۰	۱۲۰،۰۰۰
۵۰،۰۰۰	۱۰۰،۰۰۰
۴۰،۰۰۰	۸۰،۰۰۰

قواعد و ضوابط این لاتری بدرخواست کنندگان و نیز به خریداران بلیت مجانا فرستاده خواهد شد

قیمت بلیت کامل برای نوبت اول حسب ذیل است یك بلیت مکمل سه لیره - نصف یك و نیم لیره - ربع پانزده شلنك

قیمت بلیت های کشیدن سه لاتری دیگر به برحسب فوق است اجرت پست برای فرستادن اسامی اشخاص انعام یافته شش پنس یا نیم شلنك معین است

بلیت فوراً فرستاده خواهد شد پس از رسیدن وجه و بمجرد بیرون آمدن انعام هم مستقیما فرستاده خواهد شد وقت تنگ است فوراً باید درخواست خریداری فرستاد آخرین موقع خرید بلیت ۲۰ جون و ادریس برحسب ذیل است -

سامویل هکشر سینیر بنکر -

وامتور استریت نمره ۱۴ همبرگ ۱۲۷ (آلمان)

—— همین قطعه را خانه پری کرده بفرستید ——

ورقهٔ درخواست

مهربانی کرده بفرستید برای من ———— بلیت

برای اول دوم و سوم

مبلغ کهلفامیفرستم

بذریعه سندات پست یا بانك

اسم و ادرس کامل بطریق وضوح

————

————

تاریخ ————

بسته و خطوط معمولی سه پنس یا ربع شلنك

حسب الامر مدیر ودبیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعه حبل المتین نمبر ۸۸ بندل رود طبع
و از نمره ۱ - ۶ مکلود استریت کلکته توزیع گردید

[حبل المتین کلکته]
(۱-۶ مکلود استریت)
کلکته

حبل المتین مجاناً باحدی داده نمی‌شود
از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
(مقدم گرفته میشود)
روزنامه مقدس

قیمت اشتراک

حبل المتین

کلیه امور با
[مدیر کل]
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[مدیر ثالث مؤید زاده]
[نام مای است]
هر دوشنبه طبع وسه شنبه
توزیع میشود

سالانه	ششماهه
(هند و برما)	
۱۸ روپیه	۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)	
۶۰ قران	۳۵ قران
(ممالک سایره)	
(سالانه)	
[یک و نیم لیره انگلیسی]	

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۲۳ فروردین سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۲۹ رمضان المبارک سنه ۱۳۴۴ هجری
مطابق با ۱۳ اپریل سنه ۱۹۲۶ میلادی

تلقیات سیاسی
(یا جنگ حتمی آتی)
(۳)

عاقبت تکیه‌گاه متبلان یعنی جامعه مال حیثیت واقتدار خودرا باخت اینک متفحص ازان ساعی اند باکه بصورت دیگر یعنی به تبدیل قانون اساسی وی تجدید حیاتی برای او پیدا نمایند بعقیده ما اینها همه فریب یابعبارت دیگر رنگ ریزی های سیاسی است صلح در عالم منحصر به آماده بودن مال برای جنگ یا بالفاظ دیگر توازن قوای دول است برگردیم بموضوع خود که جنگ حتمی آتی است بدواً باید یک نظر عمیقانه به اوضاع دول بزرگ وکوچک انداخته حیثیت وهویت هر یک را معلوم کرد تا هریک از آنها که شامل هریک از هیئت جنگجو شوند اثرش معلوم گردد

امریک

حیثیت اقتصادی وهویت آن چندان لازم بتشریح نیست امروز کلیه دول اروپ وآسیا دست نگر اویند حیثیت ثروتی آمریک مافوق آن است که در این مقاله بگنجد این ثروت بیشتر بمناسبت حاصلات تحت الارضی وفوق الارضی آن است علاوه براین از برکت علم وصنعت هم همه روزه جالب ثروت خارجه میگردد آمریک در هیچ چیز محتاج بخارجه نیست وآنچه را از خارجه هم جلب می کند برای پیشرفت صنایع وتجارت خویش است تا بشکل دیگر و قیمتی عالی تر از خاک خود خارج سازد علاوه برحیثیت ثروتی قوای جنگی آمریک هم هوائی وهم بری بدرجه کمال ونیز قوای بحری او هم امروز ولو در درجه دوم واقع است یعنی پس از انگلستان قوای بحری آمریک از همه دول افزون است ولی از روی نقشه که برای تعمیر جهازات جدید ریخته تا ده سال دیگر قوای بحری آمریک مقام اولیت را حاصل خواهد نمود

فرانسه

فرانسه با اینکه دارای سواحل هم هست ولی قوای بحری اش چندان نبوده و نیست البته نظام بری و قوی هوائی اش بقسمی حاضر و آماده است که امروزه تمام اروپا را متزلزل داشته و فرانسویان را عقیده این است که اگر حیثیت نظام بری او نباشد در شکنجه انگلستان خرد و خمیر خواهد گردید ولی مشکل اینجا است که اوضاع مالیه فرانسه باندازه در هم و برهم گردیده که ممکن نیست قادر باز اجازه دهد فرانسه را که حیثیت نظام بری و قشون تحت السلاح خویش را نگاهداری نماید تمام امید واری فرانسه بتاوان جنگی است که از آلمان باید حاصل بکند و نیز ملیار ها فرانک که بروسیه ریخته شاید در آتیه راه وصولی پیدا کند اما از روسیه تا یک قرن دیگر تصور وصول غلط است که اگر روسیه حاضر به ادای آنهم بشود مالیه آن باندازه خراب است که مقتدر به ادای آن نیست تاوان جنگی که بنا است از آلمان گرفته شود بواسطه فشار آمریک و انگلیس تا اندازه وصول تواند شد ولی آنچه ازان گر وصول شود کافی برای ادای قرضه آمریک و انگلستان تصور نمی شود نفوس فرانسه نیز بجای فزونی رو بکمی میرود وحالاکه درآینده ترقیات امم بروی ازدیاد نفوس ملی خواهد بود اینک فلاسفه اروپا پی باین حدیث شریف برده که فرموده اند (تناکحوا تناسلوا حتی اباهی بکم الامم) با اینکه نفوس مستعمراتی چندان دخیل در استقلال ملی نیست چه در آتیه نزدیک تمام ملل و امم بملیت خود قیام خواهند نمود ممالک فرانسه را مستعمرات زیاد هم که دارای نفوس انبوه باشد نیست

ایطالی ولو خیلی پیر شده ایطالی ولی مانند امروز ما ایران از برکت (سنور موسولینی) در صدد است که عظمت اولیه خود را حاصل نماید اگرچه حیثیت نفوسش چندان نیست و مالیه انهم قابل خیلی ترقی ظاهر نمی شود ولی جدیت سنور موسولینی [اگر چندین دیگر بروی کار ماند] روزافزونی است نه به کمی تصفیه قروض خود را با انگلیس وامریک نموده وخواهد توانست در آتیه رای پیشرفت ترقیات اقتصادی خود شالوده بریزد اینده ایطالی درخشان ظاهر میشود قوی بحری و بری و هوائی او مساوی است یعنی همان اندازه که دارای قوای بری است قوای بحری هوائی هم دارد و حیثیت مالی آن نیز مانند فرانسه خراب نیست و در ترقیات صناعتی و تجارتی و زراعتی دارد دو اسبه می تازد و از چند سال باینطرف قوای بحری خویش را متوجه آمده خیلی هم برآن افزوده و می افزاید خیالات سنور موسولینی از دو جمله ثابت می‌شود اول اینکه گفته است «ایطالی امروزه غیر از آن ایطالی است که عهد نامه ورسلز را امضا نموده» در جای دیگر میگوید ایطالی باید عظمت اولیه خود را خیلی زود حاصل کند و اقساط از دست رفته خویشرا مجدداً بدست آرد ایطالی چون در بحیره مدیترانه واقع است در دریای مدیترانه باید حق حاکمیت او مسلم آید ایطالی از پنجاه سال باینطرف چشم طرابلس غرب دوخته بود عاقبت پانزده سال قبل بمطلوب خویش رسید از بعد جنگ اخیره توجه تام بدو نقطه نموده اول باسلامبول و سمرنا ودوم به بندر طرابلس و سواحل شام و نیز ساعی است که اقتدارات خود را در بالکان بلکه اسیای صغیر مسلم دارد اگر برما بخندند می گوئیم که می آید روزی که ایطالی با ایران نزدیک شده یک سرحدات ما بیکدیگر متصل آید

(آلمان)

المان اگرچه در جنگ اخیر صدمه زیاد یافته و تاوان جنگی که براو حمل شده (اگر از زیربار ادیش نگریزد) باندازه‌ ایست که تا چهل سال دیگر نمی تواند کمر خود را راست کند امپراطور ویلهلم قیصر المان خیلی کوشش کرده قول گذشتگان را غلط ثابت کند که فاتح جنگ پول است ولی زمانه غلط او را ثابت کرد از ینرو باز هم خواهیم گفت که هنوز هم فاتح جنگ پول است یک از مشکلات بزرگ دیگر آلمان این است که همه روزه نفوسش در ازدیاد و در پوست خود نمی گنجد همسایگانش هم مثل اویند نمی تواند تسلط به آن دالی خاک حاصل کند تا گنجایش ازدیاد نفوس او را بدهد و بر عظمت ملیت وی بیفزاید ناچار بمهاجرت روزانه است و انمهاجرین بهرجا که باشند به سرعت نمیتوانند ترقیات طبیعیه حاصل نمایند که هر جا بروند تابع احکام انجا باید بشوند اگر مملکت المان مانند امریک چنان وسعت و طبیعت را داشت که هرقدر نفوسش فزونی گیرد برعمران مملکتش بیفزاید مالک کلیه اروپا می گردید مایه آلمان تا یکقرن دیگر بخود سازی خواهند گرآئید یعنی تا توانند خویشتن را مبتلای بجنگ نخواهند ساخت باقی میماند دول کوچک مانند اسپانی پورتگیز هولاند سوید و بلجیک وامثال آنها که بیشتر شان بی طرف خواهند ماند دراین میانه دو دولت جوانهم هست که می توان به ترقیات آتی انها امیدوار شد اول زگاسلاویا است که نفوسش به بیست و پنج ملیون بالغ است اگر ایطالی او را بگذارد در بالکان اقتدار بزرگی حاصل تواند نمود که فعلا حیثیت مالی ندارد در صنعت و زراعت نیز نیست دوم لهستان است اگرچه عده نفوس لهستان چندان نیست ولی موقعیت او طبیعی است که اگر آلمان و روس قطع حیات سیاسی او را نکنند (چنانچه سابق کرده بودند) می تواند روی پای خود ایستاد و در موقعیکه همسایگانش دیگران مشغول مانند فائده حاصل کند اورا نیز حالت صنعتی نیز نیست ولی حالت مالیه اش هنوز امید بخش نشده وچند انهم امور طبیعیه موافق با ترقیات آتیه وی دیده نمی شود امارات بالکانیه خیلی زود بهم خواهند اوفتاد برخی تابع ایطالی خواهند شد و بعضی هم در اتحاد بازرگاسلاویه بیرون خواهند آمد مانع بزرگ ایطالی در بالکان در آتیه زگاسلاویا خواهد شد

اما دول شرقیه چندان نیستند اول انها امروزه ژاپون است و اعظم آن چین اما ژاپون بواسطه ضعف چین و توجه امریک و اروپ بدان خطه شامه آتی ارام نیست چه اگر اروپا چین را در حیطه اقتدار خود آورد بالطبع ژاپون هم مضمحل میگردد از اینرو اگر ژاپون خود هم به چین طمع نداشته باشد برای حفظ خویشتن ناچار است نگرانی از حریفان داشته بعبارت ساده تر باسم چین خویشتن را محافظه کند ولی حیثیت نظام بری و بحری وهوائی او در آسیا منحصر است ترقیات صناعتی اش هم روز افزون اگرچه زلازل پی درپی دراین چند ساله اخیره خیلی زیان وی وارد آورد ولی بازهم می‌توان گفت که حیثیت مالی ژاپون ازغالب دول اروپا بهتر است اما چین که پس از صد سال دیگر بر نصف بیشتر آسیا حکمران مطلق خواهد بود امروزه بقسمی در خود پیچیده و بخانه جنگی مشغول است و مالیه او در قبضه بیگانگان در آمده وهمه روزه یك گوله فشار اقتصادی بروی می‌آورند

از اینرو در جنگ عظیم آتی (یعنی جنگ اول) چه نیز در فشار مانده چندان فائده حاصل نتواند نمود باقی ماند سه دولت وسط آسیا یعنی ایران ترکی و افغان اما ترکی به قسمیکه دارد پیش میرود ولغزشهای سیاسی پی‌در پیکه از اوصادر میگردد برای جنگ حتمی آتی خویشتنرا نزدیک میسازد بمخاطره باید دانست که بقای آینده ترک منوط است به باتحاد ایران و افغان که در حقیقت شریک النفع و ضرر اند ملت ترکیه عده شان کم و بااین قلت عدد وطن مستقلی هم برای انها دیده نمی شود اگرچه برخی قونیه و اطراف آن را به ترکان مخصوص میکنند ولی در ان نواحی نیز بواسطه اختلاط ملت ارامنه وسایر اقوام متشتته ملیت ترکان مستقل دیده نمی‌شود اوضاع سیاسی خیلی زود تغیرات پیدا میکند چنانچه چهار سال قبل امپراطوری شصت ملیونی ترک ا کمتر کسی تصور میکرد که بصورت حالیه در آید مخاطره بزرگ ترکان بیشتر از ایطالی است که از دیرباز چشم بسمرنا و اسلامبول دوخته انتهاز فرصت میکشد وکمان نمیرود که بهیچ چیز ترکی بتواند نظر طماعانه ایطالی را ازسمرنا واسلامبول منعطف سازد اگر رجال کنونی ترک خوب هم بجنبند وقوع این واقعه حتمی الوقوع را بتاخیر اندازند ظاهر است اگرسمرنا و اسلامبول ازترکیه کنونی مجزا شود نقاط مهم قابل الذکری برای جمهوری ترک باقی نمیماند و انچه هم باقی ماند از مخاطرات اقوام که با ترکان مخلوط اند مصون نتواند ماند فقط بزرگ ترین پشت و پناه ترک ایران و افغان تواند بود ما نمیگوئیم که بیرون آمدن ترک درحلقه اتحاد ایران و افغان ترک را ازتمام گزند های سیاسی مصون ومحفوظ تواند داشت ولی همین قدر میگوئیم که درصورت اتحاد ترک با ایران و افغان قومیت او مستحکم تر و استقامتش پاینده تر تواند گردید نکته که قابل انکار نمی‌باشد حکومت آینده ملی است در دنیا این همه دولتهای مختلفه کوچک که در قطعه مختصر اروپ دیده میشوند تمام فلسفه اش همان قومیت است و بس اساس سلطنت بروی قومیت بوده و خواهد بود ایران با آن همه تنها جهات اقوام بیگانه هیچ چیز او را باقی نگذاشته است جز استحکام قومیت او اسکندر ایران را مسخر داشت ولی قومیت او را چون نتوانست زایل کند طولی نکشید که ملت ایرانیه بساز سر باند نمود عرب بر ایران غلبه جست تا جائیکه دین او را تغییرداد و زبانش رابه عربی مخلوط ساخت ولی‌چون ملیت داشت باقی ماند باکه عرب را تابع عادات ملی خود ساخت مغول بایران تاخت ولی طولی نکشید که قوت ملیت ایرانی او را درخود محو ساخت چنانچه هزاران سال است ملت ایرانیه درجلو هرگونه حوادث استقامت جسته است ترک کنونی نه ملیت مستقیم و نه وطن مستقل دارد از این است که بمخاطرات سیاسی حتی از افغان هم نزدیک تر است چه ملت افغانیه ولو عده شان قلیل است ولی هم دارای قومیت مستقیم وهم وطن مستقل اند ما از بیان واقع و پیش آمد آتیه ترک ابداً خوشنود نیستیم چه اضمحلال ترک لطمه بزرگی بما هم میزند ولی میل و عدم میل ما جلوگیری از پیش آمد امور طبیعی نمی تواند نمود اقوام مختصره اروپا که در مقابل تراکم و تهاجم قرون اولیه استقامت ورزیده و الحال هم دارند با شرف زندگی میکنند همه درسایه قومیت مستقیم و وطن مستقل است اتحاد یک حلقه سیاسی در وسط آسیا بین ترک و ایران و افغان بیشتر مفید بحال ترکی است دول ثلاثه وسط آسیابدواً باید اتحاد مثلثی بین‌خود برقرار داشته سپس بمشوره یکدیگر بملاحظات نفع و ضرر همه شامل در یک هیئت سیاسی دیگر گردند و اگر بناشود دول ثلاثه وسط آسیا قبل از عقد اتحاد بین خود منفرداً شامل در یک هیئت سیاسی آیند چنانچه تا درجهٔ ترکان نموده در موقع جنگ حتمی آتی بجای نفع زیان خواهند یافت

اطلاع مهم

نمایندگی دولت علیه ایران در هندوستان باستحضار عموم آقایان تجار محترم ایرانی مقیم هندوستان میرساند که دولت علیه ایران در نمایشگاه فیلادلفیاکه اول جون هذه السنه افتتاح میشود شرکت کرده و غرفه مخصوص خواهد داشت و ازعموم آقایان تجار ایرانی دعوت فرموده اند که هرکس مایل است و میتواند دران نمایشگاه شرکت کند در صدد تهیه موجبات مشارکت خود برآمده و قبلا لوازم انرا فراهم نماید انتظار میرود که اقایان تجار ایرانی مقیمین هندوستان دراینموقع بوسیله شرکت در نمایشگاه مزبور و ترویج امتعه ایرانی احساسات ایران خواهانهٔ خود را بمنصهٔ بروز و ظهور برسانند

نماینده دولتعلیه ایران درهندوستان تقی نبوی

اعلان

(از طرف کمیسیون تالیفات جامعه معارف)

چون کمیسیون تالیفات جامعه معارف در نظر گرفته است که یک فرهنگ فارسی بفارسی کنونی تدوین نمایند و به عنوان مقدمه برای آن فرهنگ لازم است قواعد صرف و نحو فارسی را جمع آوری کرده باستفاده عموم گذارده لذا از ذوات محترمی که در این موضوع مهم صاحب فکر و تالیف هستند تقاضا میشود مستقیماً افکار و نظریات یا مؤلفات خود را بکمیسیون جامعه معارف ارسال داشته از کمک و

مساعدت فکری خود داری نفرمایند در صورت ارسال کتب بسا لطفی پس از استفاده عیناً مسترد خواهد شد کمک های مزبوره از جانب اشخاص محترم معارف پرور میشود بنام همان اشخاص درج و منتشر خواهد شد

شرفیابی سفیر دولت افغانستان بحضور شاهانه
(بیانات سفیر)

اعلیحضرتا ـ غازی پادشاه معظم افغانستان وولی نعمت متبوع مقدسم بدوستدار شرف ماموریت داده اند که بسمت وزیر مختار و نماینده فوق العاده در دربار آن اعلیحضرت شهریاری و شاهنشاه معظم اقامت نمایم مخصوصا از این ماموریت خود را سعادتمند می دانم که ورودم به پایتخت مقبول و محبوب دولت علیه ایران مصادف با جلوس میمنت مانوس آن اعلیحضرت و سلسله جلیله پهلوی به تخت سلطنت ایران بوده است .

اعلیحضرتا ـ باندازه که اعلیحضرت غازی وولینعمت متبوع وتاجدارم ارتقاء وسعادت ملک و ملت خود را خواهان بوده و در راه ملیت شان کوشش دارند بهمان اندازه نیز بالنظر اخوت اعتلاء و سعادت ملت نجیب ایران را از خداوند خواستارند . وشرف دارم بعرض حضور مبارک اعلیحضرت برسانم که دستور العمل دائمی دوران ماموریت بدوستدار مرحمت کرده اند مبنی بر ازدیاد مراتب دوستی و یك جهتی و اتحاد موجوده بین دولتین علیتین واز حضرت احدیت امیدوارم در مدتی که شرف این ماموریت با دوستدار است روز بروز مستحکم گردد و توفیق عنایت فرماید که خدمتی بدو این معظمتین نموده رضایت خاطر دوتاجدار مقدس ودو جامعهٔ اسلامی را حاصل نمایم . اعلیحضرتا در پایان عرایض خود اجازه میخواهم نامه مخصوصی که اعلیحضرت غازی معظم افغانستان مبنی برماموریت دوستدار بنام نامی آن اعلیحضرت ارقام فرموده اند تقدیم پیشگاه مقدس اعلیحضرت به نمایم

جواب شاهانه به آقای وزیر مختار

با نهایت مسرت نامهٔ اعلیحضرت پادشاه معظم افغانستان را که راجع به ماموریت شما بسمت وزیر مختاری و ایلچی فوق العاده در دربار ما میباشد دریافت میدارم و از احساساتیکه راجع بجلوس مابتخت سلطنت بیان نمودید کمال خوشوقتی حاصل شد البته همان طوریکه اعلیحضرت پادشاه متبوع معظم شما ترقی و سعادت مملکت مارا خواهان هستند ما هم سعادتمندی و اعتلاء ملك و ملت افغانستان را همیشه از خدای متعال خواهانیم .

آقای وزیر مختار در اینموقع شما اطمینان میدهیم بتولید علایق یك جهتی که از قرون سابقه باقتضای هم کیشی بین ملتین ایران و افغانستان وجود داشت کمال اشتیاق را داریم و یقین حاصل است که در اثر کاردانی و حسن نیت شما مناسبات موجوده بین مملکتین بیش از پیش مستحکم و برقرار خواهد گردید و برای حصول این مقصود بهیئت دولت خود دستور میدهیم که درانجام ماموریت شما کمال مساعدت را مرعی دارند .

ترتیب کشته شدن مرحوم قائم مقام
(میرزا ابوالقاسم فرهانی)
(بقلم دکتر اعلم الدوله)

در جهت خیالم مشوش شده بصحبت آن بیچاره پیر مرد کربلائی محمد قربان اهمیت میدهم زیرا دشمنان من ابداً انشاءالله کاری نکنند و بعون الله تعالی همه را با یك ملاقات شاه از میدان بدر کرده ادله و براهین آنها نقش بر آب و بتمام ایرادات آنها جوابهای حتمی القبول خواهم داد » عبارتهای فوق را قائم مقام در بالا خانه سردرب نگارستان بزبان آورده مقصود از قائم مقام سیدنا میرزا ابوالقاسم قائم مقام است که پدر بزرگوار او میرزا بزرگ قائم مقام که در سال ۱۲۲۷ در تبریز مرحوم و در جوار مزار سید حمزه علیه السلام مدفون گشت بعد از این فوت تمام کار های دولتی که بعهده پدر بود راجع به پسر شده میرزا ابوالقاسم قائم مقام تمام هم خود را مصروف ترقی مملکت کرده برای قشون از فرانسه مشاق آورده ارخاجات ماهوت بافی و چلوار بافی باروت کوبی و تفنك سازی در تبریز ایجاد کرده قشون را بحالت نظام در آورد ولی در آغاز جنگ ایران و روس او را از پیشرفت عقاید سیاسی خود مأیوس و دست او رااز مداخله در امور کوتاه نموده بمشهدش فرستادند تا اینکه در آواخر این جنگ مشئوم و بملاحظه بیچارگی و یاس عموم خاقان فرخ خان پیش خدمت را باعذر خواهی فراوان و خواهش اغماض از ماسبق دنبال او فرستاد و قائم مقام دو باره بمقام اول خود عودت نموده مشغول ترمیم خرابیهای گذشته شد کارها را در اندك زمان طوری اصلاح و روبراه نمود که درجنك با عثمانی قشون ایران (وان) و ارضروم را تصرف کرده و اغتشاشات یزد و کرمان و خراسان را رفع نموده و بفتح هرات ماموریت یافتند محاصره شهر هرات بطول انجامید و در این اثنا نائب السلطنه عباس میرزا مریض شد و نتوانست در اردو اقامت نماید پسر خود محمد میرزا را بجای خود گذاشته بمشهد آمد و مشغول معالجه گردید در مشهد مرضش شدت کرده قائم مقام و محمد میرزا را نزد خود طلبیده قائم مقام با محمد میرزا بمشهد آمدند ولی محاصره شهر

حیات بحال خود باقی بود نائب السلطنه چون مرض خود را غیر قابل علاج میدید و مایل بود چند بقائم مقام نمود که از جمله مسئله ولیعهدی محمد میرزا بود قائم مقام هر قدر اصرار کرد که یکی دیگر از شاهزادگان را در نظر بگیرد نائب السلطنه قبول نکرد و دست محمد میرزا را گرفته در دست قائم مقام گذاشت و به امام ثامن قسم داد که با محمد میرزا همراهی نماید معروف است که قائم مقام بنائب السلطنه گفت چون کار باینجا کشید من ناچار علت امتناع خود را باید اظهار بدارم و آن این است که بمن کشف شده است که عاقبت من بدست محمد میرزا کشته خواهم شد و هیچ عاقلی قاتل خود را تربیت نمیکند نائب السلطنه بعد از انکار این عقیده و انصراف خیال بمحمد میرزا امر داد که باتفاق قائم مقام بحرم مطهر رضوی برود و قسم یاد نماید که هیچوقت در صدد اعدام قائم مقام بر نیامده و قائم مقام نیز قسم بخورد که در همراهی با او کوتاهی ننماید همین کار را کردند و قائم مقام قسم خورد که با او همراهی نماید و او قسم خورد که خون قائم مقام را نریزد پس از اجرای قسم نائب السلطنه اطمینان کامل حاصل نمود که قائم مقام محمد میرزا را بسلطنت خواهد رسانید و بقائم مقام گفت دیگر آرزوئی در دنیا ندارم و اکنون مرگ برای من حسرت آمیز نخواهد بود قائم مقام محمد میرزا را برای پرستاری نائب السلطنه در مشهد گذاشته و خود بمحاصره شهر هرات رفت در کار محاصره بود که خبر فوت نائب السلطنه رسید و این در سنه ۱۲۴۹ بود قائم مقام چون دید کار مهم تری در پیش دارد لهذا باب صلح را با سردار هراتی مفتوح داشته و قشون را بدون هیچ مخاطره از اطراف هرات برداشته بمشهد رسانید و باب مکاتبه را با طهران در موضوع ولیعهدی محمدمیرزا بازنمود و پس از رسانیدن محمد میرزا بمقام ولایت عهدی بطهران آمد و با محمد میرزا بصوب آذربایجان عزیمت نمود طولی نکشید که فتحعلی شاه فوت کرد و قائم مقام شاه را بطهران آورد بعد از استقرار سلطنت از جمله کار هائیکه قائم مقام در صدارت خود نمود این بود که بودجه سلطنتی را محدود و تعدیل کرد و این معنی اسباب خصومت اطرافیان شاه شده و چند دفعه قیام نمودند شاه برای معزول نمودن او حاضر شده ولی اطرافیان باین حد قناعت نکرده برقتلش همت گماشته و دلایل چندی برای کشتن او اقامه کردند از جمله بشاه گفتند که قائم مقام او را بگوشه ای انداخته و بکارها دخالتی نداده تمام امور مملکتی را خود رسیدگی نموده مرجع غیر از او کسی دیگر را نمیشناسند و اگر او را فقط معزول نموده و بجان اماناش دهند او در هر نقطه که باشد آرام ننشسته و اقدامات مؤثره کرده بهمراهی مردم که بسیادت او معتقدند

کار را بجائی خواهد رسانید که سلطنت رسماً از شاه خلع شده و خود کاملاً زمامدار امور میگردد — حتی معروف است که بشاه گفتند این سکه اشرفی را که [شاهنشه انبیا محمد] است بمناسبت سیادت ولفظ انبیا و باسم پسر خود که میرزا محمد است زده - کاملاً شاه را از او خائف نمودند — و چون شاه قسم یاد نموده بود که خون او را نریزد آسودگی خیال و برائت ذمه اعلیحضرت را باین وسیله فراهم آوردند که قائم مقام را طوری هلاک کنند که خونش ریخته نشده یعنی بهمان طریقی که معمول میداشتند او را خفه نمایند — بواسطه گرمی هوای شهر شاه در باغ نگارستان و قائم مقام درباغ لاله زار اقامت داشت - در روز ۲۵ صفر ۱۲۵۲ مقارن غروب قائم مقام را احضار نمودند - قائم مقام چون وارد باغ نگارستان شد پرسید شاه کجا تشریف دارند گفتند شاه در بالا خانه های سردرب تشریف دارند - چون بالا خانه رفت دید کسی در آنجا نیست - سوال کرد پس شاه در کجا تشریف دارند - جواب دادند شما تشریف داشته باشید خواهند آمد - قائم مقام گفت پس من نماز میخوانم تا شاه بیایند - پس از اتمام نماز شاه نیامد و قریب دو ساعت از شب رفت - قائم مقام اظهار داشت اگر شاه تشریف نمی آورند من بروم خدمتشان ببینم چه فرمایشی دارند - جواب دادند فرموده اند شما اینجا باشید تا تشریف بیاورند قائم مقام بطور شوخی و مزاح گفت پس از این قرار من در اینجا محبوس می باشم - گفتند بلی - آنوقت برقائم مقام مطلب معلوم گردید و بردیوار بالاخانه این بیت را نوشت -

§ روزگار است آنکه گه عزت دهد گه خوار دارد §
§ چرخ بازیگر از این بازیچها بسیار دارد §

درهمان شب قلمدان اورا باسم اینکه شاه میخواهد از او گرفتند که چیزی بشاه ننویسد زیرا میگفتند در قلم او اثری است که ممکن نیست کسی مراسله اورا بخواهند و مخالف آن رفتار نماید — همانجا اورا توقیف کردند تا شب بیست و هشتم صفر که شاه متقاعد و تصمیم کشتن اوقطعی شد در آخر آن شب گفتند شاه شمارا خواسته است و او را بحوضخانه جنب سرسره خاقان بردند - و در هنگام عبور از دالان برزمینش انداخته به زحمت زیاد خفه اش کردند — اما علی رغم آنچه پیش خود قرار داده بودند دربین این همه کشمکشها وتقلا که زورمند سیدنا برای

خلاصی از چنگ حمله وران و رسانیدن خود بحضور شاه مینمود و در ضمن این همه زدوخوردها که برای زمین زدن اولازم شده بود یك بازوی او مجروح و آستین پیراهن او که باهمان پیرهن بزیرخانه رفت خون آلود شده بود — نعشش را بگلیمی پیچیده حمل بر قاطری نموده قبل از طلوع فجر بحضرت عبدالعظیم رسانیده مثل سگ او بدون غسل وکفن دفن نمودند —

اما کربلائی محمد قربان که در صدر این مقاله اسم او برده شد در اول فراش و بعد آشپز و بعد بالا قاپوچی قائم مقام بوده — وقتی که مرحوم قائم مقام برای رفتن بباغ نگارستان اسب خواست معروف است در موقع سوار شدن کربلائی محمد قربان جلوی اسب قائم مقام را گرفت و کفش لجامیری قائم مقام میگوید بابا پیرمرد مگرچه خبر است پیرمرد بالهجه عراقی میگوید آقا اروس شوخو دیدوم برای شما خطری هست قائم مقام می خندد و میگوید پیرمرد زود بر میگردم — و این پیر مرد پدر مرحوم میرزا تقی خان امیرکبیر بود —

در مملکت قانون باید حکمفرما باشد

مدت بیست سال است که ایران جزو ممالك مشروطه محسوب میشود ولی اگر نگاهی باوضاع این مملکت بنمائیم ملاحظه میکنیم که بحسب ظاهر تغییراتی در تشکیلات مملکتی داده شده ولی در معنی همان اصول عهد استبداد جاری و بی قانونی هم پا برجا است

در زمان استبداد ودوره خودسری درمقابل مبلغی تقدیمی حکومت یك ایالت یا ولایتی بیك نفر درباری واگذار میشد که ضمنا عهده دار وصول مالیات حوزه ماموریت خود هم بود

رفتار این حاکم نسبت برعایا معلوم بود چندین مقابل مبلغ تقدیمی از رعایا وصول میکرد ویك ایالت یا ولایتی را برای نفع خود خراب ومردمش را آواره ومتواری مینمود بازپرسی هم در مقابل نبود نتیجه این مظالم این گردید که روز بروز مملکت رو بخرابی نهاد رعایا متواری و ازشدت ظلم و اجحاف وتعدی وعدم امنیت مالی وجانی و عرضی مجبور به مهاجرت ببلاد خارجه شدند و معادل جمعیت حالیه ایران بلکه بیشتر ایرانی در ممالك هندوستان و عراق و ترکیه و روسیه عبانات پراکنده گردید

امروزها در اطراف عودت دادن ایرانیان بوطن خودشان و استفاده از معلومات و ثروتشان در مملکت مادری مخصوصا آمدن پارسیان هندوستان به ایران درجراید ایران تبلیغاتی میشود نگارنده اگرچه با اصل مقصود موافقت دارم ولی عرض میکنم که تازمانیکه دراین مملکت قانون حکومت نکند و امنیت قضائی موجود نیست این تبلیغات همه نقش برآبست بالعکس بموجب مدارك صحیحه هر ماهه یکعده زیادی هم ایرانی به بلاد خارجه مهاجرت میکنند علتش را هم میدانید که بواسطه شدت ظلم و بی قانونی و فشاری است که برعایا وارد میشود و دادرسی هم ندارند

یك عامل عمده خرابی مملکت عدم اقدام وزارت داخله است اگر بصورت ظاهر این وزارتخانه وماموریتش نگاه شود ملاحظه مینمائیم که دارای بیش از یك ملیون بودجه است حکام وماموریتش موظفند دوسیه ثبت و ضبط هم دارند اغلب حکام هم برای عوام فریبی تشکیل متجددین داخل شده و درهر محفلی اظهار وطن پرستی وحرارت مینمایند ولی به عملیاتشان که نگاه میکنید پناه بر خدا برده وصد رحمت به مامورین عهد استبداد میفرستید مامورین عهد استبداد اگر مردم را می چاپیدند دیگر از دولت حقوق نمیگرفتند ولی این آقایان برای گرفتن ماموریت مبلغی مایه میگذارند از طرفی هم حقوق میگیرند و همین که بمحل ماموریت رسیدند چون مدت تعدی خود را کوتاه میدانند با کمال عجله بدون ذره شرم انچه تعدی و تجاوز است نسبت بمردم مرتکب میشوند حکومات جزء را بمبالغ چند مرتبه در معرض حراج میگذارند بواسطه نبودن عدلیه که در امور حقوقی دخالت میکند چون مسئولیتی در مقابل ندارند طرف ضعیف و عاجز را اگر چه حق هم باشد محروم میسازند و هزاران خرابی های ناگفتنی که شرحش موجب سرشکستگی ایرانی است روا می دارند

مسئله رشوت و ارتشاء در وزارت داخله بحدی عالی و واضح شده که اغلب آقایان حکام در ارتکاب اعمال بی قاعده خود را مقصر نمیدانند بلکه کرارا اظهار داشته اند که تقصیر متوجه مرکز وزارت داخله است زیرا اگر یکماه در موقع معین قسط معلوم القدر و الوصف نرسد تغییر حاکم حتمی است و بعلت محفوظ نبودن مقام و خدمت و نداشتن در سیر پرسنلی مرتبه حاکم معزول مدتها باید خانه نشین باشد واین در و آندر بروند وواسطه ها بر انگیزانند تا ماموریت دیگری با و رجوع نمایند

در روز نامه های طهران میخوانید که برای جلوگیری از تعدیات مامورین دولتی امر به تشکیل شوراهای اداری در تمام ایالات و ولایات خواهد شد این اقدام هم غیر عملی است و مثل ابلاغیه ایست که در دوره تعدی حکومت موقعی از طرف اعلیحضرت پهلوی صادر شد همانطوریکه حبل المتین نوشته باید وظیفه وتکلیف وحقوق افراد ملت اعم از مستخدم یا غیر مستخدم وضیع و شریف در قانون تدوین و

تصریح شده باشد و برای خلاف قانون و تمرد از اجراء قانون هم مجازات معین گردیده باشد در هر شهر قوه قضائیه که عدلیه باشد بسط و تعمیم داده شود حکام و مامورین از دخالت امور غیر مربوطه به شغلشان ممنوع گردند مقام قضات و صاحبمنصبان عدلیه محفوظ باشد تا تحت نفوذ اشخاص واقع نشوند و علاوه بر اینها برای هر اداره مفتشین صدیق وجدی و وطن دوست غیر مادی که منظور شان اصلاح امور و علاقه مند به عظمت مملکت باشند تعیین گردد نیکو کاران را پاداش و بد کرداران را مجازات نمایند امنیت جان و مال و ناموس مردم تامین شود آنوقت خواهید دید که ایران مملکتی آباد شده ایرانیان مهاجر با شوق و رغبت بوطن خود مراجعت میکنند ثروتها و اندوخته های مردم ظاهر میشود و دیگر فلان متمول با داشتن سرمایه گزاف برای نبودن امنیت مالی وجانی اظهار تنگدستی نخواهد کرد ایرانی دیگر مجبور به مهاجرت بخاک خارجه و ترک تبعیت نخواهد گردید ورنه به حلوا گفتن دهان شیرین نمیشود و تا زمانیکه کلیه امور ایران اساساً و بموجب نظامنامه و قانون اداره نشود و فقط توجه ما به شخص باشد این مملکت روی سعادت نخواهد دید و اقدامات یك شخص هر چند آن شخص هم نابغه دهر باشد تا زمانیست که در قید حیات است همین که گذشت باز همان آش خواهد بود و همان کاسه و دور ذلت و تیره روزی عودت میکند اگر باور ندارید بردارید و تاریخ را ملاحظه کنید در بیش از دوهزار سال عظمت مملکت ایران در عهد داریوش و اردشیر و نوشیروان و سلطان محمود غزنوی و و جلال الدین ملك شاه سلجوقی و شاه اسمعیل و شاه عباس صفوی و نادرشاه افشار و کریم خان زند بوده و در تمام ادوار دیگر مملکت دست خوش انقلاب و هرج و مرج و بد بختی بوده است

مثلاً امنیت قضائی و حکومت قانون در ایران یکی از مسائلی است که سعادت جامعه مربوط به آنست اگر در مملکت ما تجارت رونق ندارد سرمایه داران قادر باظهار سرمایه خود نیستند شرکت و اتحاد در اعمال بزرگ میان ما معدوم است اطمینان و وثوق از میان ملت برداشته شده زور گوئی زبردستان و تحمل ظلم زیردستان خاصیت طبیعی ایرانی شده و در هیچ کار ما موفق نمیشویم علت نبودن قانون و امنیت قضائی است بهمین علت همین ایرانی بدبخت و ذلیل که در داخله از اداره کردن خانه خود عاجز است و همیشه توسری میخورد در خارجه که رفت معزز و محترم میشود بعلت وجود قانون و امنیت قضائی در آن ممالك

امروزه تجارتخانه حاجی محمد حسن نمازی در شانگهای و دهدشتی و حاجی سلطانعلی شوشتری در بمبئی شرکت های ایرانی مصر و اسلامبول و لندن باعث افتخار ایران در خارجه و نماینده استعداد ذاتی این ملت است آیا با این وضع حالیه که شرف و آبرو و جان و مال افراد محفوظ نیست میتوان باین آقایان تکلیف کرد که فقط برای تعصب وطنی دست از تجارت در خارجه کشیده و سرمایه خود را بایران بیاورند ؟ البدیهی است خیر

اگر ترقی ایران منظور است و میخواهیم سرمایه داران بدون ترس و بیم سرمایه خود را به مملکت ما بیاورند و ازین فلاکت و ذلت حالیه خلاص شویم باز هم تکرار میکنیم که اول شرط تدوین و تتمیم قوانین لازمه و بعد تعمیم عدلیه در تمام شهرها و نظارت دقیق در اعمال مامورین برقرار کردن حقوق مکفی درباره تمام مستخدمین اطمینان دادن به مستخدم به محفوظ بودن شغل و مقام - بر انداختن اول رشوه و ارتشاء قائل شدن به حق تساوی برای افراد مردم است

وضعیت حالیه ایران در قرن بیستم غیر قابل دوام و موجب سرشکستگی و مسخره در مقابل دنیای متمدن است و وقت آن رسیده که عموم اهالی مملکت پی به حقوق خود برده و از اولیاء امور جدا خاتمه دادن باین وضع شرم آور را تقاضا نمایند

امید است درین موضوع مهم که حکومت قانون در مملکت باشد منورین و علاقه مندان به سعادت ایران قلم فرسائی فرموده و راه اصلاحات اساسی را بنمایند و هر نوع خرابی که در اقطار مملکت ملاحظه میکنند بدون داخل شدن در شخصیات بروز نامه ها جراید که زبان ملت و بیدار کننده جامعه اند بنویسند زیرا که علت خرابی اوضاع ایرانهم عدم اشتراك ملت در امور مملکت و نبودن حس شهامت و ملاحظه کاری و رواج لفظ من چه - وبتو چه است که ما را تا این حد ذلیل و خوار کرده است

م ع ن

من لا معاش له لامعاد له

شرحی در تحت عنوان فوق امضاء (غ) قاسم اسکوئی شماره ۷ صفحه ۱۱ مطالعه و بی مناسبت ندانسته مختصری در اینخصوص از نظر خوانندگان حبل المتین بگذرانم جای انکار و شبهه نیست که فرمایشات بزرگان دین ما تماماً از راه مصالح عمومی و بر وفق حکم عقل بوده و هست لیکن فهمیدن انها و پی بردن بحقائق مقاصد آن حضرات برای اشخاص کم دانش خالی از صعوبت نیست این است که گاهی یك نفر قادر که از معانی کلمات و مرام آن اشخاص بزرگ مقام بی

پرده در مقام تنقید انها برمی آید یکی از اموریکه پیشوایان دین اسلامیه مارا متذکر ساخته و تاکیدات اکیده در الخصوص فرموده اند مسئله اجتناب از دنیا وراحتی دران است درعین نهی از مغرور شدن بدنیا درمدح آن هم شروحی بیان فرموده اند البته آقایان مطالعه کنندگان در نظر دارند حکایت حضرت امیر صلوات الله علیه را که عاصم بن زیاد درکوفه چگونه خشونت امر می فرماید که درخانه و زندگی خود برقرار بوده و بالباس و خوراک خوب امر میکند عاصم عرض میکند آیا اگر لباس و مسکن خوب را نباید دست اورد چرا شما بالباس خشن و خوراک نا ملائم اکتفا فرموده اید درجواب میفرماید من که چنین میکنم برای انست که بر فقرای امت فقر گران نباید و سخت نباشد همینکه فقرای امت حال مرا بینند خواهند گفت رئیس مومنین که فقر قناعت کرده ماهم شکرگذار و قانعیم ولی امثال تو که خداوند روزی فرو عطا فرموده نبایست ناشکری اکرده پشت پا بسا انها نزنی هرکس حکایت فوق را ندیده در نهج البلاغه مراجعه کند چون مفصل است دعختصرا اکتفا شد (احل لکم الطیبات) و امثاله مارا وادار بتاویل احادیثی میکند که نهی از توسل بدنیا مینماید شاید خوبی که در اینخصوص برخی دانشمندان نوشته اند از انظار انور مطالعه کنندگان میگذرانم

نظر باینکه نفس انسانی پیوسته مایل است بدرک چیزهای خوب و استمتاع از لذائذ اگر ازاد بماند هر خواسته ساعی خواهد بوده بدست آوردن اموال و ثروت از هر راهی که باشد چه بدزدی و خیانت باشد و چه به غارت و چپاول مردمان و راهزنی در بیابان وچه غیراز انها از طرق غیرمشروع رفته رفته کار بهرج و مرج خواهد کشید مسلم است چیزیکه سد این ابواب غیرمشروعه میکند مقید شدن قیود قوانین شرعیهاست دنیا خوب است ولی نه ازراه خیانت تمول خوب است ولی نه از دزدیدن و غارت کردن مردمان ثروت لذیذ و پسندیده است لیکن ازراه صحیح اگر پیشوایان و بزرگان دین ما مارا امر بتمسک بدنیا میکردند و مقید ملن نمیفرمودند در حقیقت فقط بهرج و مرج مارا وادار میفرمودند نهی از دنیا مقصود طرق فاسده است نه از تمسک

دنیاو غرض از تمول حرام است ورنه مالیکه از ممر حلال بدست اید ثروتیکه بکد یمین و عرق جبین حاصل شود نه خداوند پیغمبر و نه آئمه هدی هیچکدام نهی ازان نمیکنند عرض ایشان این است که تمول را فقط باید از راه صحیح حاصل کرد در صورتیکه تحصیل مالیهٔ دنیا بد باشد چه معنی دارد امر بحج و زکوة

در صورتیکه تمول هم باشد چرا حضرت امام حسن (ع) باآن کوکبه و ثروت باید زیست کند حضرت رضا چرا باید ولی عهد مامون بوده و اینهمه اموال داشته باشد مرحوم مجلسی چرا باید اینهمه مقرب در گاه صفویان باشد شیخ بهائی چرا باید وزیر شاه باشد سایر علمای مبرز برای چه دارای اموال باشد صاحب جواهر چرا باید هر لباس و خوراکی که تر است بمصرف برساند هرکس خیال کند که خدا و پیغمبر دوست دارند ما گدا باشیم اشتباه کرده (نقل الصخره من قلال الجبال) (احب الی من منن الرجال) حضرت مولی الموالی میفرماید و ما پیروان آنحضرت دست تکدی بطرف خارجیان دراز نمود حتی نتوانیم برای خود یك سوزن ترتیب دهیم آناکه امر بقناعت فرموده اند برای اینکه ما محتاج خارجیان نباشیم تمامی لوازم وما یحتاج خود را بدست خود مهیا کنیم نه آنکه در همه چیز محتاج خارجیان باشیم بدبختانه بواسطه پی نبردن بمطالب فوق برخی خشك مقدسان شاغل کوشیده تکدی و رزالت احتیاج و خواری را در میانه ما مسلمانان اشاعه داده اند حضرت امیر در کوچه عبور میکند جمعی را می بیند لباس پشم پوشیده میفرماید شما کیستید عرض میکنند (نحن المتوکلون) میفرماید توکل شما بچه اندازه است عرض میکنند (اذا وجدنا اکلنا واذا فقدنا صبرنا) میفرماید شما تازه بمقام کلاب رسیده اید زیراکه سگ هم اگر طعمه دید میخورد ندید صبر میکند میفرماید متوکل کسی است که بعرق جبین تحصیل نان کند ما نگاه برفتار حضرت امیر نمیکنیم که برای یهودی اب یاری میکند و نان میخورد نظر برخی تنبلان مفت خور میکنیم که خود را بشریعت بسته تحمیل بر جامعه شده بقول یکی از نکته فهمان (حولات جامعه) الدجز افساد و نامی بغیر از کلاشی و حکم غیر ما انزل الله ندارند امروزه هرکس خود را مسلمان بداند باید جد ابکار و کسب مشروع جهد نموده در مقام رفع احتیاجات نوع برآید فرمایش صادق آل محمد است علیه و علی آبائه السلام من اصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس منهم یك وقتی ما حقیقه مسلمان و عامل بقول خدا و رسول ایم که تنبلی و مهملی را کنار گذارده بکار و کسب اشتغال ورزیم و احتیاجات خود را از خود تهیه کنیم تا منت مردم را نکشیده زندگانی راحت و آسایش را دریابیم البته خوانندگان عظام آنچه را در اینخصوص بدانند در تعقیب عرائض حقیر خواهند نگاشت مخصوصاً از آقای غ اسکوئی تمنی دارم زیاده بر این در اینخصوص تعقیب فرمایند زیرا هر گفتن اثر ایست که در نگفتن نیست

(اهواز جواد خان نکوزکالی)

اساس اصلاحات

(۲)

این وزارت معارف چندین ساله ما ملت بعد از این مدت مدید هنوز نتوانسته است یك باب مدرسه شبانه روزی در مرکز تاسیس نماید که بی اندازه مورد احتیاج می باشد -

این وزارت معارف هنوز قادر نشده است یك باب مدرسه آکابر فقط در طهران دائر کند که شبها چند ساعتی مرد ها در آن مدرسه اقلا دارای سواد نوشتن خط و خواندن فارسی بشوند -

وزراء معارفی که تاکنون انتخاب شده اند نتوانسته و یا نخواسته اند که کوچکترین قدم اصلاحی را بردارند یا موانع و مشکلاتی در مقابل آنها موجود بوده و ایجاد شده است وزارت معارف تا بحال صورت یك موسسه سیاسی را بخود گرفته و هر کابینه که بر اثر سیاست میاید و میرود این وزارتخانه را نیز شامل بوده است در انتخاب وزراء برای وزارتخانه مذکوره رعایت لیاقت ومراتب استحقاق وکاروانی بعمل نیامده است

من اکنون میتوانم مطمئن باین عقیده باشم که اگر در معارف مملکت دولت دخالت نکرده بود فعلا معارف و علوم خیلی بیش از اینها در مملکت توسعه داشت بلکه رونق و ترقی کرده بود زیرا که در بدو مشروطیت مردم توجه مخصوص و علاقه کاملی بمعارف نشان داده مدارس ملی زیادی در طهران و ولایات تاسیس شده بود بطوریکه حالیه هم یکعده زیاد از مدارس فعلی ملی است و اهالی از همت شخصی یا اجتماعی دائر کرده از قرار اعانه یا اخذ پولی پنج شاهی پول برنج و و وجود آنان را باقی ونگاهداری می نمایند

در این معارف و مدارس امروزه طوری روح متعلمین خفه میشود و با تاثیرات محیط فاسد خارج مدرسه و اوضاع سوء داخلی خود مدارس بد اخلاق و بی هنر تربیت میشوند که بعد از خروج از مدارس بواسطه نبودن مشاغل و عاری از فنون و صنعتی بار دوش جامعه شده و مرتکب حرکاتی بی رویه و غیر مشروعه میشوند بدون اینکه اندکی در خود قوه ممیزه و دراکه داشته باشند که این حرکات را مضر وضد اخلاق و وظیفه انسانیت تشخیص داده و تلقی نمایند

در این مدارس یك سلسلهٔ معایب بزرگ دیگری هم وجود دارد که عبارت از اینست که متعلمین را طوری تربیت مینماید که اعتماد به نفس در وجود انها معدوم وابداً اتکا بقواء ذاتی نمی نمایند بعبارت اخری مولودات و فارغ التحصیلهای این مدارس یك عده کسانی هستند که مرکب از درویش - شاعر - راحت طلب - فقط پشت میزنشین مستوفی - صوفی منش می باشند که تمام خیال اشغال پستهای وکالت - وزارت - سفارت - حکومت - ریاست را دارند ، بعلاوه اینکه جبونت و جبونی و ضعف نفس و خود پرستی و وقت گذرانی از صفات قطعیه آنان میباشد

این معایب و نواقص مجملی از مفصل و عشری از اعشار اوضاع ناستوده و اسفناك معارف و علوم از مملکت شش هزار ساله ملت بود که برشتهٔ تحریر در آمد اما اکنون که تشریح شد در نتیجه ثابت و مبرهن گردید که معارف در مملکت ما اسمی بی مسمی و یا جسمی بی روح و محدود است آنهم باوجود نواقص بسیاری داخل در این قسمت میشویم که آیا ممکن است معارف را در ایران اصلاح کرده و توسعه و ترقی داد یا خیر ؟

بدواً معلوم شد که معارف و علوم و تربیت بر ما ملت الزم و اهم بر سائر اصلاحات است و چه از حیث مذهب و چه از حیث انسانیت و و و برای استقلال تام و تمام و ترقی و قدرت یافتن برما واجب است که معارف و علوم را در تمام مملکت ایجاد نمائیم مطابق همان دلایلی که در فوق معروض شده عدم وجود معارف و ترتیب و یا نقصان معارف نفع مارا بعواقب و خیمی سوق خواهد داد و باوجود چنین حال اگر هزار گونه اصلاحات و ترقیات کنیم از محالات و ممتنعات است که ترقی حقیقی کرده باشیم و یا در آتیه همه را به رایگان مفت و مسلم از دست نه دهیم

وقتی یکی از اصحاب دریافت که پیش از چند دقیقه از عمر او باقی نیست از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه آله وسلم پرسید که یاحضرت دراین چند دقیقه آخر عمرخود چه بکنم

حضرت فرمود برو تحصیل علم کن مشار الیه جواب داد که دراین چند دقیقه کفایت نمیکند - جواباً پاسخ دادند که برو تحصیل علم کن و این چند دقیقه هم کفایت بخش و مغتنم است

با وجود چنین علاقه کامل و سعی و دستورات عالیه حضرت پیغمبر در آموختن تام و تربیت شایسته و سزاوار است که گذشته ها را هرچه بود کنار گذاشته باصطلاح وسط ضرر را که نفع است گرفته و این موقع را که فرصت عالی قیمت و خوبی برای ما ملت به ندرت پیش آمده است قدر دانستهٔ کمر همت را هرچه محکمتر بسته اصلاح و توسعه معارف را جداً مشغول و با تعلیمات ابتدائی عمومی در سر تا سر مملکت یك انقلاب مقدس معارفی برپا کنیم

پسندیده من جودیه پاینده و تمام کسارها ... کل بیماری علی‌الدرب ولی است و از قرار یکه از چندی پیش انتشار دارد آقای تدین (رئیس مجلس شورای ملی) بوزارت معارف انتخاب میشوند

چون آقای تدین را شخص جدی و فعال و فاضل دانسته و لیاقت و استحقاق این مقام را در ایشان سراغ داریم زیرا [redacted] شغل و کار معزی الیه از ابتداء در معارف بوده و مدیر مدرسه ملی تدین در طهران بوده و هستند و از شغل معلمی بمقام شامخ ریاست با تمان وحال هم بوزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه منصوب گردیده الدانهم در عصر شاهنشاهی اعلیحضرت پهلوی هنگام است که باید آمال و مرام شریفه ... پرستان و ترقی خواهان ایران را آقای وزیر معارف جدید هر چه زودتر بمعرض جلوه و نمایش انظار داخلی و خارجی در بیاورند

وزارت معارف محتاج به وزیر فعال و کار آزموده و متخصص می بود که اکنون بظهور ... و ما ... معتقد هستیم که مجلس ... شئون شاهانه و مقتضی است که توجه فوق العاده باصلاح و ترقی معارف و تربیت عمومی نموده و انتخاب کامل بوزیر جدید معارف داده و معزی الیه را بوسیله ... و تصویب قانون جدید مسؤل و مأمور خود نموده و چند سال وزارت معارف را بعهده آقای تدین واگذار و بالاخره اگر چه وجود مستشار خارجی هم لازم باشد اقدام و ... نتیجه با تصویب یک بودجه زیاد و کافی وسائل تعمیم علوم و تعمیم اجباری عمومی را تهیه و ... دارند

اما تنها چیزیکه تا بحال مورد بهانه واعتراض بوده این بوده که محل نداریم و عایدات مملکتی اقتضاء نمینماید که بودجه معارف را بیافزائیم

این ادعا و اعتراض ظاهراً یك چیزی است و لیکن برای دولت و مجلس که عاشق و شائق اصلاحات و توسعه و ترقی معارف باشند این اشکال و موانع در زمره عدمیات بشمار می رود

زیرا که جهت ندارد و بدون چه حقی چند صد هزار تومان ازبیت‌المال ملت فقیر و پریشان را به یك عده ملاکین و ثروتمندان و اعیان و اشراف که هزارها و کرورها تومان پول در بانکها و گاو صندوقها دارند بعنوان شهریه و مستمریات میدهند

فلان السلطنة یا فلان‌الدوله و یك عده شاهزاده آقاها و شاهزاده خانمها را سالی چهار هزار تومان و سه و دو و یك هزار تومان و پانصد تومان و چه و چه شهریه میدهید که بر املاك و پارکها و اتومبیلها و پولهای بانکهای خودشان فزون کنند !

... میرزا و محمد حسن میرزا که از سلطنت و ولایت عهدی ساقط شدند دیگر مناسبت ندارد آن مبلغ ٤٥ هزار تومان و ١٥ هزار تومان را بعهده در هر سال اینکه یك راه عایدی است که دولت و مجلس موظف و مسؤل هستند که این چند صد هزار تومانرا ازاین حالت غیرمشروعه خارج کرده بوزارت معارف اختصاص بدهند .

ثانیاً در مملکت مشروطه و آنهم ایران ساله که در هر ایالت و ولایت و بلوکی دوائر عدیده موجود است جهت ندارد هر سالی چندین هزار تومان به ولات و حکام و نواب حکومت دولت صرف نمایند

وجود والی و حکومت فعلا چه مداخلت و لزومی دارد ؟ دعوی حقوقی هست که با عدلیه می باشد . نظم شهرها است که با نظمیه و امنیت طرق و شوارع باشد که با امنیه و مالیات باشد که با قشون معارف و عدم است با اداره معارف ـ فلاحت و تجارت و صناعت است که با اداره فواید عامه پست و تلگراف باشد که مربوط به وزارتخانه مربوطه اش هست عبارت اخری هر چه از اموریکه مورد احتیاج اهالی باشد دوائر موجوده رفع می نمایند ـ

در اینحال دیگر حاکم یعنی چه ؟ جز اینکه در ولایات و بلوکات و قصبات سفره چپاول و غارت دوره ناصر الدین شاهی را گسترده و باعث مهاجرت ایرانیان بخارجه و مورد صدمه و خسارت اهالی باشند

بناء براین اینهم یك منبع عایدی است که میبایستی دولت و مجلس یا از بین بردن ولات و حکام و نواب حکومت بودجه وزارت داخله را ملغی که بیش از چندین هزار تومان بالغ می شود کسر نموده بر بودجه وزارت معارف زیاد نمایند

ثالثاً ـ مجلس ششم موظف و عهده دار است که قوانین و لوایح پیشنهادی وزارت مالیه وسایر وزارت خانها را که موجب ازدیاد عایدات است هر چه زودتر مطمح نظر قرار داده و تصویب نماید بالاخص پروژه قانونی دولت را که راجع بمالیات تصاعدی یا مالیات بر عایدات می باشد و از دوره پنجم باقی مانده در بدایت امر تصویب نماید تا بوسیله عایدات دولت بیست در صد بلکه سی و چهل در صد اضافه گردیده قادر و توانا بشود [redacted] بوسیله تصویب لوایح مالی اصلاحات عمده را در مملکت جاری و ساری سازد و از عایدات مالیات تصاعدی مبلغ عمده بر بودجه معارف افزون نموده موجبات تعلیمات اجباری عمومی را تهیه نماید و با پیدایش سایر عایدات قوای تامینیه مملکت مخصوصاً هوائی و بحری را ایجاد و باندازه احتیاجات

امروزه مملکت و مقتضیات عصر کنونی تکمیل و یک قوه هوائی و بحری نیرومند و با قوتی تشکیل بدهد که استقلال ایران را از تعدیات خطرناک حوادث محفوظ و مأمون دارد. قوه قضائیه را تشکیل نماید و قس علیهذا که از بحث در اینمقال خارج است

جای بسی تأسف است که این قانون در مجلس پنجم دچار مشکلات و موانع گردید. اکثریت ثروتمند معمول و سرمایه دار با مخالفت ها و نشان دادن عدم تمایلات خودشان تصویب آن را بعقب انداختند

این قانون مالیات تصاعدی در تمام دنیا و من بی نهایت متأسف هستم که چرا از قبل اولادن آن روحانیون و طبقه عامه مملکت اعتراض ننمودند.

شاید هم حق داشته باشند چونکه خودشان هم در زمره ثروتمندان و ملاکین وغیره هستند

در مملکت ایران چه از حیث مذهب و چه از حیث وطنیت باید مساوات و عدالت از هر حیث اجرا و فراد ملت حکمفرما و برقرار باشد

امروزه گذشته از عایدات گمرکات و نفت و چند فقره دیگر قریب سیزده ملیون از بودجه کل مملکتی را که عبارت از عایدات مستقیم و غیر مستقیم باشد بردوش رعایا و رنجبرانی که مردمی هستند تحمیل شده و آنها هستند که این مالیات معتنابه را با فقر و پریشانی خودشان که از کد یمین و عرق جبین تحصیل معاش می نمایند بدولت در مقابل چه تعدیات وتحمیلات تادیه می کنند و تا فعلا این مملکت دارای این امنیت و تشکیلات می باشد

آیا ملاکین ـ تجار اعیان و اشراف ثروتمندان و سرمایه داران اهل این مملکت نیستند؟ این امنیت مربوط بآنها هم نیست؟ ترقی وقدرت مملکت آنها را مستفید و بهره مند نمی نماید؟

بدیهی است که بحال آنها بیشتر نتیجه بخش میباشد بی جهت نیست که فلان آدم طبیب باشد و در فلان وزارتخانه هم رئیس باشد و املاک هم داشته باشد یا فلان آدم تاجر باشد درفلان وزارتخانه فلان شغل معلی را داشته باشد و املاک هم داشته باشد آنوقت او باین عایدات بسیاری که از سه محل حاصل میدارد فقط جزئی مالیات از املاک خود بدهد و از تادیه مالیات سایر طرق عایدات خویش معاف باشد

همین حالیه درایران پول خیلی زیادی است و اگر بخواهند سرمایه داران وارباب ثروت خودشان در وطن خود خدمت نمایند با آشکار و ظاهر کردن وجوه سرشار اندوخته و مدفونه خود هم میتوانند مجتمعاً و مشترکاً راه آهن در سرتاسر مملکت ترسیم نمایند و هم کمپانی تشکیل داده معادن نفت شمالی را استکشاف واستخراج کنند وهم بانک معتبر ملی تاسیس نمایند دیگر بچه وجه و لیکن کی و کدام از اینها چنین همت و عشق وطن پرستی را واجد میباشند

در دوره جنگ چه کردند هم خودشان فوق العاده استفاده نمودند و هم مملکت رونق و ترقی گرفته و هم بحران اقتصادی مرتفع و بیکاران مشغول و بالاخره اوضاع از هم در رفته اهالی سر و صورتی بخود میگیرد

پس باید فوراً و عدلتاً مجدداً قانون مالیات تصاعدی را تصویب واجراء نمود تا وجوه مدفونه و در انبارها و صندوقها معلوم شده و هم دولت وملت مستفید گردد وهم این وجوه راکد و بحرکت شده بجریان افتد

بشرط اینکه عایدات مهمی را که دولت از این راه بدست میآورد فوراً آنرا اختصاص به بودجه وزارت معارف و تربیت بدهد

اتفاقاً در اینموقع که ایرانیان خوانده اند لزوم تعمیم معارف و تربیت در تمام مملکت پی برده اند و بهمان وتیره گوناگون اعانه و وجوه و مالیات بر بودجه معارف افزون مینمایند تا این یکعده مدارس معدود باقی و دائر بمانند مقتضی است که دولت از این طریق هم داخل شده پیشنهادی قانونی از مجلس شورای ملی بنام کمک به اصلاح و توسعه معارف بگذراند و اهالی را برسه طبقه از عالی و وسطی و دانی تقسیم و از هر یک مطابق موقعیت و استطاعت سه تومان و دو تومان و یک تومان در سال مالیات ماخوذ و این وجوه را در محل مخصوص وزارت مالیه تمرکز و تحویل وزارت معارف و تربیت بدهد

یقین است قطعی است که باوجود بحران اقتصادی در مملکت این مالیات چندان بنظر مردم سخت نیامده و با شوق و علاقه که بمعارف دارند استقبال نموده و با طیب خاطر تادیه خواهند کرد

این چهار منبع عایدی بود که اگر دولت و مجلس عطف توجه نمایند و چنین که پیشنهاد شد رفتار نمایند در سال بودجه وزارت معارف و تربیت به چند کرور تومان بالغ شده و وزارتخانه مذکوره در اینموقع موظف و متعهد است که از تصویب گذراندن قانون تعلیم اجباری ابتدائی عمومی از مجلس شورای ملی در کلیه نواحی و مملکت و قراء و قصبات مدارس ایجاد و عموم را مجبور به تحصیل علم و تربیت نمایند تا در نتیجه این انقلاب مقدس معارفی کوکب درخشان سعادت و عظمت درفضای کشور داریوش انوشیروان پدیدار و فضای ایران را منور و روشن سازد که اگر هدایتها می آشکار

شود نتواند تلؤلؤ وضیاء این کوکب درخشان را از انظار دنیا مستور بسازد

در اینمدت تا اندازه اصلاحات لازمه بعمل آمده و قانـون نظام اجباری از اول سال معمول و راه آهن هم مشغول اقدام شده اند تنها تعلیم اجباری عمومی‌است که دولت کنونی‌ومجلس ششم‌مسئول‌وموظف میباشند که در اوایل افتتاح مجلس بمرحله اقدام و عمل بگذارند

مخصوصاً در اینموقع آقای تدین وزیر معارف جدید که همه علاقه مندان و ترقیخواهان بمعارف را متوجه و از دور و نزدیک ناظر اقدامات خودشان کرده اند منتظریم [که برخلاف آن وکیلی که چندین سال سنك معارف را هرچه تمامتر در همه جا از نطقها رسمی وغـیر رسمی بسینه میزند واز معلمی بوکالت چندین دوره و بالاخره وزیر معارف گردیده همه را مایوس ازخود کرد و تـوام فریبی او در انظار عمومی ظاهر شد) هم با فکـر عمیق و نظر صائب خود وزارتخانه متنوعه را بـه تشکیلات نوین و آبرومندی تبدیل و هماطور که اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی در موقع وزارت جنك خود با نبودن عایدات و بودجه خیلی قابل آن وزارتخانه را به اینحال ترقی داده است که دارای ۶۰ هزار سر نیزه میباشد بودجه اش قریب ده ملیون تومان حضرتعالی هم تاسیس فرموده قریباً مشاهده کنیم که بودجه بمعارف ما ملت هم نه مبلغ ده ملیون اقلا ربع این مقدار یعنی به پنج کرور تومان بالغ شود

امیداریم که عنقریب با این آرزوی مقدس خود نائل آمده و به بینم که آقای تدین نام نیکی جاوید از خود بیادگار باقی گذاشته عموم ایرانیان داخله و خارجه را روسفید ومفتخر کرده اند والا که . . . ! !

[عقلی سلیمی]

حسن عمل

اقدامات مجدانه آقا محمد علی خان دشتی (کنترول) مفتش ایالتی گمرکات جنوب تادرجه قابل تقدیراست از زمانیکه قانون انحصاری مصوبه مجلس دارالشورای ملی درایران جاری‌شده خدمتی که این پیر مرد پاك و خاك خود نموده و مینماید بر هیچ کس‌پوشیده و مستورنیست کنترماهی میگذرد که بطرف جنوب برای تفتیش نیاید و یکی دو بلکه سه جهاز بادی که شاهین ازمال التجاره ممنوعی هست دستگیر و ببوشهر روانه نماید آقای میرزا عبدالعلی‌خان سلطشور رئیس گمرکات بنادر ثلاث هم نظر بـاو امر اداره مرکزی خود بوشهر قسمی درحوزه ماموریت خود جلو گیری از ورود قند و چای و شکر نموده که امروزه اجناس مذکور برای شفای امراض حتمی الموت یافت نمی شود فی الواقع خدمات سلطشور را نمی توان در مقـابل سایرهم قطارانش که تماماً شریك دزد و رفیق قافله بشـمارند بنظر حقارت تصور نمود

چندیوم قبل جهـاز همایونی‌گیلان که مسیو فورمان (ژنرال‌انسپکتر) حامل‌بود بیکـگان وارد درتعاقب یك کروزائر جهاز انگلیسی با سه نفر صاحب منصب به بندر دیر که سه فرسخی شمالی کنگان هست لنگرانداز گردید حکمی که برای ضابط آن محل که یکنفر بد سابقه به پیشگاه دولت هست از طرف حکومت صادرداشت که مساعدت کامل بصاحب منصبان انگلیسی برای تهیه و ساختمان محل‌طیارات انگلیسیها نمایند گویا ضابط بندر بواسطه سابقه خوش بـا انگلیسیها از طرف صاحب منصبان مذکور مورد همه‌گونه محبت هم شده در زیر پرده استتار چـه باشد و محل و مکان طیاره برای چه است غیر معلوم امید است پس از کشف حقیقت مراتب را بنده بعرض رسـانم (یکنفر وطن خواه)

تهور وشجاعت یك نفر صاحب منصب ایرانی

(انقراض آخرین سلسله ملوك‌الطوایفی بلوچستان)

بلوچستان یکی ازایالات مهم‌زرخیزی است‌که سالهای متمادی بواسطه ضعف حکومت‌مرکزی دردست یك‌مشت خوانین وحشی بلوچ خودسر دچار خرابی و ویرانی شده و دولت ازعواید وثروت این ایالت بکلی محروم مانده درجه خودسری و یاغی‌گری خوانین این ایالت به جای رسیده بودکه علاوه براخذ مالیات فوق‌العاده زیادی که خود مخترع آن بوده و از اهالی بیچاره ماخوذ نموده به جیب خود میریختند و دیناری بدولت نمیدادند بعنوان باج سبیل نیزربع عایدات گـمرکی آن ایالت هم به اجبار از اداره گمرك اخذ مینمودند

درقضیه اخیر کـه دولت ازخروج پنبه تخمدار ممانعت نمود و اداره گمرك هم تـا حدود امکان جلوگیری میورزید همین بلوچ های مسلح خود سر علناً پنبه تخم دار را خارج و اعتنائی به احکامات دولت نمی‌نمودند ازاینرو اداره گمرك‌هم ازدادن ربع عایدات به خوانین بلوچ امتناع ورزید در نتیجه یك عده مسلح در اداره گمرك ها بهار ریخته با اجبار آنچه موجودی صندوق بوده برداشت نموده وخودشان اخذ اجناس گمرکی را مرخص نمودند

دولت‌جوان ایران‌که‌کارهای مهمتری درپیش‌داشت وایالات بزرگتری برای اطاعت و فرمانبرداری در پیش بود نتوانست در بدوامربه بلوچستان توجهی‌نماید و به خوانین بلوچ همواره تذکره میشد که دست ازاین

خودسری و شرارت بردارند مع‌هذا چون سالهای متمادی اقتدار و نفوذی از دولت برأی‌العین ندیده بودند اعتنائی به او امر کتبی دولت نمی نمودند لذا دولت هم مجبور شد برای اعزام قوه به چابهار برای حفظ سرحد و تجاوز بلوچ ها اقدام عملی نماید

جناب آقای سرهنگ محمد خان رئیس قشون کرمان و بلوچستان که اشتیاق فوق العاده به حفظ آسایش ورفاه عموم و بسط اقتدار وشئون دولت دارد شخصاً باعده از نظامیان از کرمان حرکت نمودند در این جا است که بنده میخواهم شجاعت و تهور این صاحب منصب رشید را ذکر دهم و بگویم که ایران و ایرانیان همانند که با آن عده قلیل نظامی در عصر نادر چه فتوحات برجسته تاریخی نمودند و امروز هم به سرپرستی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی این عده قشون ترتیب داده شد و چه کارها خواهد شد هیچوقت عده کم قشون باعث شکست یا قوای زیاد آن سبب فتح میشود علت واساس فتح و شکست قوه بسته به اقتدار و شهامت ورشادت صاحب منصبان با عزم یا بالعکس سستی و جبن و پستی افسران قوه میباشد شهامت ورشادت صاحب منصب و فرمانده قواه شرط اولیه و علت موثره فتح وفیروزی و هم چنین بالعکس سستی و ترس وبی عرضه‌گی فرمانده سبب هزیمت وفرار قوه میشود ولو تعداد آن چند برابر تعداد نفرات دشمن باشد

عده اعزامی تحت فرماندهی صاحب منصب فوق الذکر چندان نبوده چنانچه وسعت خاك بلوچستان و راه های سخت و کوهستانی و تعداد نفرات مسلح بلوچ که تماماً جنگی و خونخوار و صحرا گرد هستند در نظر بیاوریم حرکت و عبور این عده قلیل در وسعت این ایالت بزرگ امر عادی و سهل تصور نخواهد شد اول در بیابان با قوای میر برکت خان معروف مصادف گرچه میر برکت خان همواره اطاعت خود را کتباً بدولت اظهار میداشت ولی باطناً مطیع نبود مالیات را نپرداخته و سلاح ایل خود رانیز تسلیم نمی نمود بمجرد ورود عده نظامی گرچه آثار زدو خورد بنظر می آمد ولی همیشه قشون دولت کسی‌را جرأت دست درازی نمیداد میر برکت خان حاضر برداخت تمام مالیات های عقب افتاده شد و برای تسلیم سلاح هم حاضر گردید سرهنگ امر نمود فعلا تا موقعی که تمام بلوچستان خلع سلاح نشده یك ثلث از سلاح موجودی خود را از طرف دولت برای محافظت خود اجازه دارد نگاهداری بقیه را تسلیم قشون نمود

پس از ختم قضیه بیابان و ورود به جاشك بعضی ها به سرهنگ راه نمائی نمودند که برای احتراز از هر پیش آمده سوء نظامیان را از طریق دریا به چابهار حرکت داده شوند گوینده به یك تبسم مستهزانه مصادف شد ظهور تبسم درس عبرتی بود که می‌فهماند که عده و نفرات مسلح بلوچ در اطراف این وادی وسیع در نظر نظامیان کوچکتر از آنند که جرأت داشته باشند با قوای نیرومندی که تحت فرماندهی ایشان است عرض اندام نمایند

همین عده قلیل را در تمام خاك پر وسعت و هوناك بلوچستان حرکت داد تمام خوانین بلوچ که هرزه‌گی و شرارت پیشه خود نموده بودند مطیع دولت نمود و بالاخره به آخرین نقطه مقصود که چابهار باشد برق شیروخورشید را مستقلا برای اولین مرتبه پس از سالهای دراز به اهتزاز در آورد باز هم درموقع مراجعت اعتنائی به خستگی ننموده و وسایل راحت مسافرت باکشتی را مخالفت عقیده سخت نظامی خود دانسته و با وجودی که نصف عده خود را برای ساخلوی چابهار مقرر کرده بود با آن عده قلیل مجدداً بیابانهای طولانی و جنگل های موحش بلوچستان را طی نموده و به تمام بلوچ ها نمونه از عزم راسخ واراده آهنین وطرز نظام جدید را نشان داد دیروز خبر حرکتشان از میاب جهة کرمان رسید و قلوب دوستداران خادمین وطن را از سلامتی خود و عده نیرومند شجاع قشون مسرور و خوشوقت نمود

البته دولت علیه و پدر تاج دار ایران قدر و قیمت این نوع صاحب منصبان جلیل و رشید مقهور و شجاع ایران‌را دانسته از اقدامات برجسته ومملو از رشادت و شهامتشان تقدیر میفرمایند ـ

[مخبر بلوچستان]

از بندر عباس می نویسند

دولت مشروطه باید در حقوق رعایای خود وامتیازات و فرامین سلاطین سالفه را محترم دارد تا ملت بدولت طاما اعتماد نماید ورنه چه اعتمادی بفرامین امروزه هم توانند نمود چه ممکن است چندسال بعد ازاولیای امور آن دوره این فرمانهارا هم لغونمایند در خصوص شیلات مکرر نوشته ایم که برحسب فرمان فرما نرهای وقت از خالصه دولت بیرون رفته مالکی وارباب است البته هر مالیاتی که دولت مقرر نماید واجب الاداء است باز هم برای اینکه اولیای دولت علیه متذکر آیند فرمانی که درخصوص شیلات صادر شده ذیلا می نگاریم

حکم والا شه حسام السلطنه

آنکه نور چشم خجسته اختر کامگار و ارجمند نیک اختر امداد مهدیقلی میرزا امیرآخور سرکاری وحکمران خطه لارستان وسیعه و بندر عباس و توام بتوفیقات سبحانی موفق بوده باشند که از قرار رقم جداگانه ضبط ... شمیل و متعلقات وسامان آنرا مفوض و واگذار به ... عزت و سعادت همراه و فطانت و درایت ... خلاص و ارادت آگاه زبدة الخوانین محمد حسن خان شمیلی مفوض و واگذار فرمودیم چون مراعات جانب او و عیالهای شمیلات منظور نظر معدلت ... ر والا است که بهیچ وجه من الوجوه دیناری و حبه نقد وجنس با آنها زیاتر حساب نشود این رقم مطاع مجدداً بافتخار آن نور چشم صادر و مقرر میداریم که قدغن نمایند که زیاده از مبلغ دو هزار تومان که جمع دیوانی شمیل است کارگذاران آن نور چشم از انجا مطالبه نه نمایند و هر چه مطالبه میکنند قبض بدهند بدون قبض و برات ... دینار نی داد و ندمند که هم آسوده خواطر باشند در اقساط مقرره وجه دیوانی خود را بالیجاه مشارالیه بدون مماطله تقدیم میدارد با الجمله زیاده مراعات جانب مشارالیه لازم می باشد کمال حسن سلوک را با او مرعی دارد و آنچه از مزارع و سامان که متعلق شمیل است قدغن کنند که باو واگذارند و چیزی را مستثنی نه نمایند عامه رعایای شمیل باید وجوهات دیوانی خود را بحاکم شمیل که عالیجاه مشارالیه است کارسازی کند امید بمراحم خواطر و ... رافت و حسن سلوک آن نور چشم باشند و در عهده شناسند — حرره فی شهر ذیحجه الحرام ۱۲۸٤

منشی باشی علی الحسینی	عبده محمد رضا ابن احمد
الراجی ابو الحسن ابن	موسی امیر انشاء خامه
محمد سرشته دار استیفا	سرکاتب سررشته دار

در عرض دو ساعت

روز اول فروردین با سایه تجدید اتحاد همان روزی است که حس اتحاد و روابط تلطف ایرانی بسوی پیشرفت دیگر بجوش آمده با چهره های بشاش و قلوب درخشانی دست های یک دیگر را فشار داده با عاطفه سرشار وحسن ظنی عالی ترقی و اعتلای ایران و ایرانی را از درگاه یزدان درخواست می نمایند

روز اول فروردین روز مقدسیست که روح بی الایش (جم) با چشم خندان و قلب مسرور حسن استقبال فرزندان خود را نسبت بدین عید منزه نگران و با زبان بی زبانی اخلاف برومند خود را دعا می کند

نمیدانم چه جاذبه نیرومندی است که کوچکترین طبقات ایرانی تجلیلات شایانی را برای تقدیس این عید میمون پیشبینی نموده برای احیاء و تجدید عظمت این عید سلطانی انواع وسائل فرح و شادکامی را بروی یک دیگر باز می نماید ایران خاک منزهی است که جگر گوشگان عزیز خودش را هماره در دامان استقامت و تعصب پرورش داده و با وجود هزاران موانع عظیم تاریخی که برای انحلال و اضمحلال آثار اسلاف و نیاکان اینقوم پیش آمد شده در این سال اقوال و جدیت ایرانیان برای احیای این آثار روز افزون بوده و بالاترین نموده که از قرون سالفه آئینه اسکلی قدرت و عظمت ایران باستانی بوده همین عید نوروز سلطانی است که در سایه همت واستقامت ایرانی علاقه مند ایرانی جدی پاینده و برقرار مانده دست تطاول ایام ار ان ... استقامتش را متزلزل نه نموده است

روز اول فروردین ایرانیان ... برای تقدیم تبریکات ملی و ... تجدید مراسم وداد در سالون مخصوص خود جمع گردیدند نمیدانم چه محیط ذ... وار قید علاقه مندی را بکردم ... شوق داد ... ایرانیت بود که دیوانه وار سر از ... و با حالت شتاب زدگی بان مجمع شریف شتافتم

عجب مجمع زیبائی و ... با شکوهی ریاحین ملونه سرا پای عمارات را غرق الوان طبیعی خود نموده بیرقهای شیر و خورشید کوچک در وسط آن باهتزاز از طرفی نغمه موزیک از جهتی صدای شادی و مسرت از یک طرف گروه گروه ایرانیان با ... نژاد برای سابقت در شرکت این جشن معظم هر کدام با چهره های مفرح و لب خنده های شیرین داخل مجمع شده از دور و نزدیک مبارکباد و تهنیت یکدیگر رد و بدل می نمودند

مشاهدات فرح آور و آن مناظر عالی حقیقة مجبورم نمود قدری از وقایع تاریخی ادوار ماضیه را در عالم خیال از جلو چشم دفیله داده دوران جمشیدی را در تحت نظر در آورم

بالاخره حواس باطنی خودرا بیشتر متوجه نموده غفلتاً از خود بیخود شدم — هر چند البدن ادیم در آن جشن ملی حاضر ولی روح معنویم در خرابه‌های استخر مشغول بوسیدن این خاک مقدس بود که امروزه با کمال بی اعتنائی و عدم علاقه آرامگاه و حوش شده و آن آثار عظمت وابهت سلاطین ایرانی دست خوش حوادث زمان گردیده قبور سلاطین اولوالعزم با شرح عملیات برجسته بضرب تیشه بیداد محو و زائل آمده و بالاخره نزدیک است که در سلک معدومان عالم منسلک گردد

من مشغول ستایش و نیایش آن سلطان عظیم الاقتدار بودم که با اقدام برجسته شرح مفاخر و جهانگیری خود را نقش در و دیوار نموده در معرض نمایش

عالمی بیزوال آورده است

فقدان مزایای سالفه قطرات اشک از گوشه چشم من سر از یر نموده سیل سرشک بنیان کن گردید حقیقتاً چه منظره الملاکی و چه دقایق باریکی در مقابل چشم من سیر می نمود

ناگهان شنیدم چه صدای غرای مسکنی و چه اواز شیرین باحلاوتی بود ... گوش جانم را لذتی بسزا بخشیده مدهوشی مرا بپایان رسانید گوئی صدای روح آور آقای سعد کیخسرو بود که عالم ایرانیت را طنین انداز شده می گفت

ما از ایرانیم و ایران ازان ماست ما هنوز تعصب ایرانیت را از کف نداده نیاکان نامدار و بلند مرتبه خود را فراموش نمی نمائیم

در آن وقت عموم ایرانیان زن و مرد ناگهان افتخار فضای سالون را از دست زدنها و هـ... های شادی پر نمودند و ... ایران و ... از حضرت یزدان خواستار بودند این است ... هنوز فرزندهای ایران مفتخرانه در میان جامعه خود را ایرانی معرفی نموده و به بقای آثار اجداد و نیاکان خود ادامه دهند سایر برجستگان پارسی هر یك مکنونات قلبی خود را مبنی برحس ایران پرستی و عواطف حب وطن ایراد نموده و در قسمت اخیر ...مات ذی قیمت آقای پور داود با آن اشعار نغز و آبدار اهمیت فوق العاده بخود گرفته که در واقع تشکرات قلبی عموم ایرانیان را نسبت بپارسیان هند اطلاع نمودند مخصوصاً زحمات فوق العاده آقای فرخ (حکمت) مؤسس مودتیان قابل تقدیس بود موفقیت عموم این طبقه را از حق خواستاریم این بوده مشاهدات اخیر من در عرض دو ساعت

[ع - توفیق بمبئی]

از لارستان مینویسند

(کلموا الناس علی قدر عقولهم)

وقتیکه نظر بتاریخ دنیا میکنیم می بینم درهر دوره ازادوار - در تمام نقاط کره دنیا پیشرفت مقاصد وحل مشاکل باسر نیزه و از تعلیمات اجباری بوده است - حتی دین اسلام باسر نیزه ترویج شد و از تعلیمات اجباری قوت گرفت - یقین هر چیزی در عالم عمومی و هرقومی مربی لازم دارد - مثلا از بدو خلقت آدم الی هذا زمان اسلام - هر نبیی مبعوث و هر ولیکه منصوب گردید - هر ملکیکه آمد و هر سلطان مستقل و هر جمهوری فراهم و هر پارلمانتیکه افتتاح شد علم را بتعلیمات اجباری جاری وشایع نمود - حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وآله فرموده (اطلب العلم ولوکان بالصین) یعنی طلب کنید علم را اگرچه از مملکت چین باشد - و علم اختصاص بصرف و نحو ندارد و منحصر بعربیات وادبیات نیست بلکه شامل جمیع علوم تمدنی و حرفتی وحکمتی و و سیاسی ومملکتی و مذهبی بدناً واخلاقاً خواهد بود

بناء علی هذا هیچگاه ملت از علم بی نیاز نشده و نخواهد شد - وعلم حالت آب و تقویتی دارد که باغبان درختهای میوه دار میدهد ثمر آن عملیات است چون قانون عدل ومساوات و حکمت و سیاست واخلاق خواهد بود که ملت را بترقی تعالی سیر میدهد علی هذا ملل متمدنه جهان قانون عدل و سیاست و حکمت و صنایع واخلاق حالا قوت علم وعملا و شوری وغلبه آراء در میان خود تاسیس واجرای مینمایند مانند جمهوریت امریک وفرانسه و پارلمانت انگلیس و سائر دول متمدنه که اکنون متداول است از این تقریر معلوم شد که همه ملل عالم محتاج بعلم وقانون عدل اند - پس هر دولت کنونی ایران واجب است که هر چه زودتر است قانون عدل و ... مملکتی و تعلیمات اجباری را در تمام نقاط جزء و کل مملکت جاری و دست ظلم و خیانت از جزءی وکلی کوتاه و نام امور خود را باکیومرث و نوشیروان هم راه و وهم وزن نماید و بقانون عدالت و سیاست مملکتی بین عموم ملت ختم لشکری و کشوری در جمیع ایالات و ولایات و عشیره علی السویه حکم فرما شود بخصوص لارستان که سخت در تحت هزاران گونه فشار علم و اخلاق و تمدنات وهنوز دچار ملوك الطوائفی و خود سری و گرفتاریست اکنون که ... ایران نوشده و نوبت سلطنت بکیومرث ثانی اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی رسیده مملکت روی ترقی میرود و زمزمه راه آهن و تعلیمات اجباری در کار است لارستانی هم نهایت خوشوقت و امیدوار است اینك پیشنهاداتی توسط حبل المتین مینگارد و بدولت متبوعه خود عرضه میدارد خاتماً احساسات مسئول واجرای ازآمال عموم اهالی لارستان در امتداد مواد ذیل باعث اظهار فوق التصوری بمساعدت وکلای محترم دار الشورای ملی برگذار مینمایند

پیشنهاد بمقام اعلیحضرت شاهنشاه همایونی

۱ - امر باجرای تعلیمات اجباری و تدوین قوانین مدنی و خاتمه بخشیدن بملوك الطوائفی و خودسری لارستان و خلع اسلحه آنان

۲ - امر کشیدن سیم تلگراف و تسطیح راه از شیراز بلار و از لار ببندر عباس و بندر لنگه و دائر فرمودن جمیع دوائر و حکومت قانونی در لار

۳ - امر بموقوف شدن راه داری لار و مالیات غیر قانونی لارستان و موقوف کردن ظلم و

اجحافات و تعدیی لارستان که فرع زیاده بر اصل است

۴ — امر به بسط و توسعه معارف و تکثیر مدارس و دائر فرمودن یك اداره معارف قانونی در لار که مردم را بوظائف حقوق خود و قانون مملکتی و علم تمدن و آزادی آشنا سازند

۵ — امر به تشکیل اداره بلدیه و حفظ الصحه و فوائد عامه وغیره که وسائل راحت و آسودگی عمومی بوده باشد

۶ — امر به اعزام اداره قشونی و تشکیل اداره عدلیه و نظمیه و امنیه وغیره که دافع ظلم از مظلومین و مانع از قاچاق بوده باشد

۷ — رؤسای دوائر و مامورین لشکری و کشوری و حکومت قانونی باید از مرکز طهران اعزام شوند که هم بر منافع و عایدات دولت افزوده خواهد شد و هم سبب ترقی ملك و ملت خواهد بود

اعلیحضرتا — پدر تاجدارا ملت لارستان اولادهای روحانی و فدائیان ذات اقدس همایونی اند از پیشگاه سریر سلطنت و پدر تاجدار روحانی خود درخواست دارند که عطف توجه فوری بصفحه لارستان فرموده و این توده ملت لارستان را از تحت رقیت و شکنجه اظلام ملوك الطوائفی آزاد فرمایند

اعلیحضرتا — لارستان خیلی قدیم و وسیع است و بواسطه اتصالاتش بخلیج و قرش بهمسایه جنوب اهمیتش موجود و مزیت بر سایر نقاط دارد

[یکنفر لارستانی]

از بم می‌نویسند

در شماره ۷ نسبت بچوب های جنگلی استعلام فرموده بودید نرماشیر که از دهات بم و بعض ازان جنگل ها نزدیك راه دزداب است دارای درخت کهور وگز می باشد که قسمتی ازان درخت ها برای راه آهن بد نیست اما کوهستان اطراف بم دارای درخت های هستند که از هر حیث مناسب برای راه هند و آنها درخت بنه و کهکم است که در بیشتر کوهستان ها موجود است (حداقل) اطول آنها از یك ذرع نیم کمتر نیست (حداقل) ۲ قطر آنها سه ربع ذرع از چوب گرد وخیلی سخت تراست و تنه درخت راست صاف واست ونیز بقدر کفایت ازدزداب تا کرمان هم هست

مراکز کوهستان تا بم

۱ دامنه سیدی تا بم	۸ فرسخ
۲ مرغك » »	۱۲ »
۳ ده بکری » »	۱۴ »
۴ جبال بارز » »	۱۸ »

این کوهستان درخت زیادطوره خصوصاً جبال بارز که معدن این اشجار است که هم طویل تر و کلفت تر میباشند کوهستان دیگر هم هست آنها هرکدام چهار پنج هزار درخت دارد خوش بختی اینجا است که فقط شاخهای این درخت ها بمصرف سوختن میرسد و بقدری هم فراوان است که هر چه هم بریده شود هزار یك نخواهد شد

لابد خواطر محترم مسافت از بم تا دزداب و از بم تا کرمان را مستحضر است ازدزداب تا بم هفتاد و از بم تا کرمان چهل فرسخ است

ایضاً از بم

(۱) این دوروزه اقای میرزا احمدخان داماد اقای نظام الدین خان حکمت ایالت کرمان بسمت حکومت بم وارد شده اند

(۲) انتخابات دوره ششم تقنینیه درتحت نظارت ایشان شروع خواهد شد

(۳) غالب اهالی ازعملیات وحسن رفتار اقای سلطان علی خان که هم سمت حکومت را داشته و هم ریاست ساخلوی بم‌را عهده دارند دخل مندند زیرا که با نداشتن صلاحیه در این ماموریت مهم از حدود انصاف وقانون کمتر تجاوزی دیده شده

(۴) قریب یکماه است که تحت نظر اقای سلطان علی خان رئیس ساخلوی کمیسیون بلدیه تشکیل و با عدم مساعدت امین مالیه‌در پرداخت عایدات نواقل مع‌ذلك شروع باصلاحاتی کرده اند و یك قسمت از شهر و بازار ازکثافت خارج و غالب کوچها و بازار هم قابل بر عبور اتومبیل شده است چنانچه از عایدات نواقل حصهٔ داده شود میتوان گفت پس از دادن چندین سال نواقل در بم هم بلدیه تشکیل شده است

(۵) قریب شش ماه است یك باب مدرسه که بودجه یك ساله آن را ملاکین بم تعیین و تامین کرده اند بمدیریت مدرس زاده کرمانی شلوغ شده است نظر بسوء سابقه مدرس زادة و سوء وقار و عملیات ایشان اهالی مراتب عملیات ایشان را بوزارت جلیله معارف تذکر داده درائر شکایات اهالی امر به منع مداخله مدرس زاده در مدرسه از وزارت جلیله صادر شده اهالی از این پیش آمد خوشوقت هستند

(سید محمد اهالی)

از بهبهان می نویسند

تمدن عبارت است از کسب علوم و معارف و صنایع - ترویج تجارت داخله - فراهم آوردن و سهل کردن وسایل حمل و نقل - ثبات دراصول مذهب - ترغیب مردم بسوی مذهب خود - کار - کوشش فداکاری شجاعت - شهامت - خدمت بنوع - بی باقی را متمدن

میگویند که وسایل احتیاجیه خودرا در اثر زحمت وسعی تهیه و تدارک نموده و از هیچ حیث محتاج باجانب و غیره نباشد ملتی را متمدن میگویند که متفقاً دست بدست هم داده در نتیجه فکر و کار از خود صنایع و اختراع درست نموده سایر ملل دنیا رامحتاج بخود نموده صنایع و اختراعاتشان درعالم پراکنده علاوه براینکه خدمت بزرگی بعالم انسانیت مینمایند فـایده شخصی راهم برده حوائج محتاجین راهم برآورد مینمایند

متمدن کسی است که درتشیید قوانین مذهبی خود کوشیده بهرو سیله که بتـوانند مردم را بدین خود ترغیب و دعوت نماید بدبختانه غالب ما ایـرانیها تمدن را از هرچیز حق را موهوم دانستن که صدمه زیادی بساحت ا میزند تغییر فرم دادن فکل و کروات زدن بالاخره مروج تنخواه خارجه شدن و از الفاظ چند لغت بیگانه مثل ماتر مثسیو مرسی میدانیم بعد تر از همه بیکاری رابر همه چیز ترجیح داده شب و روز مشغول تماشای و ولگردی میباشیم بدیهی است که ملتی ترقی نمیکند جز در نتیجه کار و زحمت کوشش بالعکس تنزل و پستی هر ملتی بل هر فردی در نتیجه تنبلی و بیکاری است مبرهن است هرچه عده کارگران مملکت زیادتر باشد ترقی مملکت زیاد تـر است دول متمدنه دنیا که ترقی کرده و به تمدن رسیده اند فقط و فقط در نتیجه کار و زحمت است بزرگی و ترقی مملکت نه به توسعه خاک است نه بـه ازدیاد قشون نه بکثرت نفوس جزبه توسعه فکر و زیادی کـارگر مملکت است امروزه در مملکت ایران صدهزار گدایست باقی دیگر تن پرور و بیکار علاوه بر اینکه این عده از دسترنج رنجبران بدبخت امرار معاش مینماید مفاسد اخلاق خود را نشر و انتشار داده سایرین را هم باین مرض مهلک (بیکاری) دو چار میسازند چیزیکه ما ایرانیها را عقب میاندازد و سد ترقیات ما میشود همانا بیکاری اهل مملکت است الحمد لله ما مملکتی مثل ایران داریم که در منطقه معتدله واقع اراضیش حاصل خیز (ولی بواسطه بی علمی بائر) یک مملکت وسیع زر خیزی داریم که سایرین غبطه آنرا خورده همیشه چشم طمع بان دوخته اند بچه چیز طمع دارند؟ بمعادنی که خداوند برای ما در تمام نقاط مملکت بودیعه گذاشته که اگر بتوانیم و همت نمائیم این ثروتهای طبیعی استخراج نمائیم مملکت مان مملکتی میشود که از حیث ثروت و همه چیز مستغنی شده علاوه بر این میکروبهای داخلی (بیکارها) هم بکار واداشته میشوند و مملکت دیگر رو بترقی خواهد رفت (بدون مانع) چنانچه دولت امروزه با اقدامی برای تهیه کار در مملکت بهر وسیله یا بوسیله کشیدن خط آهن یا استخراج معادن بـرای بیکاران مملکت نه نماید هرچه در ظاهر ترقی برای ما حاصل شود و رو بترقی برویم باز همین بیکار ها مملکت را عقب انداخته و بالاخره خیلی از قوافل تمدن عقب میمانیم اگرچه خودمان بواسطه بی علمی قادر باستخراج معادن نیستیم ولی باید اولا فکری کرده امتیاز آنها را بسایرین بدهیم

وقتی ماراهم متمدن میگویند که تجارت فلاحت مان مثل سایر دول متمدنه توسعه پیداکرده عده بیکار ها بکار واداشته موفق باستخراج معادن شده سرتا سر مملکت مان خطوط آهن کشیده شده باشد

اشرف نصیر زاده احمدی

از سنقر می نویسند

بناه برخـدا و بنـاه بـه مذهب مذهب داران که معتقدند هرچه بگویند آن راصادق می انگارند و قول ایشان را بلاملاحظه صدق میشمارند اولا قاعده صرفیه درکتب صرفیه برآن است که حرکت عین الفعل مضارع هرگاه مخالف حرکت عین الفعل ماضی شد آن را اصل خوانند وآن چه موافق است آن را فرع گویند چون ما اهل سنقر که دوازده هزار نفوس بقلم رفته ایم هر عرض راکه بنظر امنای دولت محبوب خود بخواهیم عـرض نمائیم چون عرایض ما موافق ظلم هائیست کازدست بعض ازدوائر دولت بما میرسد آن عرایض را فرع میخوانند و آنچه دوائر دولتی که در قبضه مشغول ظلم و تعدی است چون مخالف عملیات خود نظر امنای دولت میرسانند اورا اصل دانند آن وقت ما را محکوم و متمرد امر دولت میشمارند

کسی میشد از شاه زاده مالیه سنقر سوال میکرد شاهزاده جان اهل سنقر قدری آرد که برای عیالات و اطفال خود تهیه نموده بلکه ما محصول آتیه خود وعیالات خود را بهـرسانند و تلف نکردند از دولت امر شده خانه فرداً فرد سنقررا با عده مامورین خود بـدون اطلاع صاحبخانه داخل خانه ایرعیت فلک زده نشوید هر چه آرد تهیه دیده وارد اداره مالیه نمائی برای هر نفری چقدر آرد می گذاری اگر این همه آرد برای دولت است پس چرا یکی دو نفر سنقریرا با مامورین خود بخانه این بی چاره ها وارد نمیکنی که صورت صحیح از برای دولت تهیه نمایند که در سنقر چقدر آرد دارد باداره مالیه بدانی همه را خود سرانه

ما سنقری کـوا از رعیتی دولت خارج شده ایم که عطف توجه باین مشت رعیت افرمایند درجواب عرض مینمائیم حرف حق زدن امروا بشاهزاده مالیه بنظر امنای دولت عنوان دیگر جلوه میدهد آن وقت مثل

جناب آقا سید محمد علی سنقری امر بحبس و تمدیدت میفرمایند یا یك نفر آدم امین برای رسیدگی که بسنقر روانه می نمایند بلی بلی آن وقت الهم بملاحظه قول شاه زاده مالیه را تصدیق می نماید آن وقت می گویند اثبات داری جواب میگویم امام هشتم شاهد است میگویند معدول لازم است آن وقت عرایض بی مدرك میشود

اگر عرض کنم زن فلان سنقری ماموریت مالیه را در خانه خود دیده زهره چاك شده همسان شب مرد زن دیگرانهم بچه خودرا سقط می نمایند می گویند نزاکت ماموریت دولت را برده امر بحبس عارض میکنند چون مدرك ندارد سنقری عارض است مدعی است قول مدعی درحق مدعیعلیه مسموع نیست شاهد عدل لازم است شاهد غیرهم بملاحظات شهادت را از ضرر مدعی و امنفعت مدعی علیه میدهد رعیت خائن میشود نوکر امین تا این وضع دولت هم تصور میکنند تمام رعیت دعاگو است اما چه دعا امانت آن است که صورت آرد تمام سنقریرا باحضور سنقری ثبت نمیکند تادولت بداند ماموریت چه ظلمی درحق رعیت او می نمایند چنانچه امر به تبعید و حبسم نکردند بعد نفه را هم عرض می نمایم اگر امر به تبعید شدم تقصیری ندارم .

از یزد می نویسند

۱ — چندی بود بواسطه کسرپولهای سائیده و سوراخدار وچفت دار مردم در عذاب گرفتار بودند زیرا که قسمتی بیت دیگر ایراد میگرفتند که قرانهای درست را هم بر نمیداشتند و تومانی یك قران کسر میگرفتند با بازار کساد بی پولی اینهم قوز بالای قوز شده بود بالاخره تجار طهران منتظام و امروز حکمی به بانك رسیده که قرانهای بی کنگره که خیلی سائیدگی ندارد قبول نمایند اینك قدری مردم راحت شده اند ولی اگر دولت میخواست رفاهیت عموم را منظور دارد خوب بود بتدریج بدون اینکه یك چنین اقدامی نماید باطلاع عامه میرساند که تا فلان موعد باید قرانها را ببانك برده پول سالم اخذ و چنانچه کسی تغافل ورزد بس از ان فلان مبلغ کسر خواهد شد این خود گرچه مختصر ضرری بدولت میرسید اما وقتیکه با آسایش عمومی تطبیق نمائید نفع بود

۲ — اعلان راجع بانتخاب دوره ششم از طرف اعلیحضرت و وزارت داخله به در و دیوارها چسبیده شده ولی هنوز حکم انتخاب نظار بحکومت نرسیده امیدواریم اعلان انتخاب هم در این چند روزه برسد و وکلای دوره ششم انتخاب زیرا که در این دوره کارهای اصلاحی کشوری زیاد است که باید باوکلای مجدد و وطن دوست شروع صورت گیرد بنده تصور میکنم دوره ششم مهمترین ادوار گذشته است امیدوارم در این دوره امتیاز بسیاری از معادن یکباری های خارج و داخله اعطا و مواد معدنی که در این خاك ایران محفوظ است استخراج و اقتصاد ایران رو بصلاح رود خیلی از مطالب است که عجالتاً در تحریرش خود داری می نمایم زیراکه آرزو دارم عنقریب تمام آمال ایرانیان بر آورده شده و محتاج باینکه امثال بنده ذکری بنمایند نباشد

(فریدون نوشیروان کیامنش - مدیر مدرسه خسروی)

از صحراء باغ می نویسند

ازظلم وشلطاق میرزا علی محمد خان نائب الحکومه لار ابتدا که محال صحراء بسیار آباد و خوش گذار بود دراین مدت که واگذار باشخص مذکور شده از بی غوری و بی محلی مردم بیچاره رو بفرار نهادند جز تعدی و ظلم هیچ کاری نحال مردم دل وحشت ندارد بارها اشرار خدا نشناس اهالی صحرا سکنا داده است تمام اموال مردم بغارت رفته دواب و دواب مردم تلف شده بیچارگان بدبخت از دواب وحشتی مانده اند حالیه واقع شده است خانه از عماده ده و یك خانه از اروان بریده اند اموالش بسرقت رفته وخود نائب الحکومه وسارقین شرکت است این انجائی که حاکم محل دزد باشد چگونه جای زیست است بدون سبب جریمهٔ کلیه ازمردم میگیرد از امروز تا امروز دو هزارتومان بل علاوه الاکذب ودروغ جرائم از مردم گرفته است تقریباً ده خانه بی درپی بریده اند از یك ولایت زرو ان منهای سنه گذشته هرچه از پیش رفته در حساب مکتوب شکنجه ایم در شش قریه دوازده هزارتومان منهای جریمه در عرض یکسال گرفته است علی اکبر نامی در عماده ده مقتول ساخته اند محض یك زوج جوقی و نائب الحکومه دراینجا حاضربوده بازخواست خون مدعی نشده تا این اندازه محال بی حساب و بی وارث است خدایا کی اینجور روا است که بنده دست بنده خواهد باشد استدعا داریم که عرض دل سوختگان بیچاره باعلیحضرت لاجی فقیران به نمایند شاید دست ظالمان بیرحم بی انصاف کوتاه شود مردم بیچاره بستوه آمده اند سال ها است در غربت زحمت ورنج میبرند از وطن مالوف خود محروم شده اند ممکن ندارند رو بوطن خود سازند چاره به حال مردم بی سروپا بفرمایند که خلق الله خوار هستند دقت فرموده عندالله اجرکم عظیم است

ایضاً

قافله امر موذی ازلار عزیمت به امر موذ نمود ازانجائیکه قافله حرکت میکند چند نفر اترا که در

تبعیت گاه خود نائب الحکومه مواجب دارند عمداً میفرستند در صحرای نیمه یك فرسنگی قرب امر مود قافله را بغارت میبرند متاع مردم دربار بوده است تماماً بوده اند حاجی سید محمد نام که شخصی است صاحب وقار دقت میکند تا چهار یك از متاع مذکور را باز یافت مینماید شاهد این قول تمام تجار لاری است ایضا در عرصه ده شب یك سرا خانه ماکی سیه فصل بریده اند تمام مالش بیروت برده اند وحاجی سید محمد فلوری اضعاف آنرا دریافت کرد ایضاً در زروان یك خانه بریده اند تیرو تفنگ به مردم انداخته اند احدی نتوانسته سر ازخانه بیرون کند تمام اموال خانه مذکور را بغارت برده اند و سارق خانه مذکور اسدالله دشتی باچند نفر شریك بوده است که نوکر خود نائب الحکومه است چه عرض نمایم از بی اعتنائی نائب الحکومه اگر طولانی شرح دهم از بی نظمی حاکم و اشرار اترال باعث جسارت است استدعا داریم که محض خوشنودی خداوند و رسول رفع اشرار از سر مسلمانان بفرمائید هرگاه دولت ملتفت صفحات لارستان شد و حکومت نظامی در انجا محکم فرما گردید شاید آثاری که باقی است از اهالی صحراء اغ بمانند و اگر تا چندی دیگر حکومت نظامی در لارستان حکم فرما نگردید این آثاری هم که است تماماً باید به شب تار با مشتی عیال و اطفال راه بیابان در پیش تا پس اززحمات خودشان را به عربستان و عمانات برسانند وکما فی السابق مثال دیگران که ثلث شان از قتل آمده اند این آثاری که باقی هستند از مرحمت و وعده حاجی سید محمد علوی که تا این وقت نشسته اند تمام تجار لار و بستك شاهد قول هستند یك ذره هم اغراق گفته نشده است ـ

از راین کرمان می نویسند

روز نامه حبل المتین قرائت قدح ورزی که از اخوند و فکلی شده بود از آن یوم تا کنون تصدیق مقاله را ذکر کرده در اطراف و جهات اندیشه داشتم تا این ایام که عبورم از طرق فارس بجیرفت و بم و کرمان افتاد مصداق مقاله را رای العین دیده تصدیق نمودم و خواهشمند است عین آن رای العین را که حکایتاً و هم شکایتاً معروض میدارد در جریده با ذکر علاج و چاره مندرج و مرقوم فرمائید

اولا در جیرفت که عمده بلوك و مضافات کرمان است حاجی آقائی است موسوم به شیخ جواد که از کلیه مرجوعات اعم از صداق و طلاق و عاکسات عشر میگیرد معلومات این شیخ فقط حصر است در معدود مسائل جزئیه عقود و ایقاعات گذشته از اینکه قلیلی از ذخایر اندوخته خود را در تاسیس یکباب مدرسه یا مصیف یا مریضخانه یا حمام یا مسجدیکه ان صفحات بکلی فاقد همه اینها است صرف نماید اقلا از اقدام بحرکات زنانی که خواتین و ملاکین ان حدود را ترغیب کنند مضایقه دارد گذشته از انها در ظرف سال یکروز بلکه یکساعت ذکر مسائل حلال و حرام برای اهالی محدود ننموده بگذرم از ان شنیع تر قاضی کوچك هم

اولا این قاضی بدرجه عالم و محیط است که معنی الکعب را که همه روزه تکرار میکنند نمی داند بیکسواد قرائت فارسی بقدر اطفال کلاس یك از مبتدئین ندارد چنانکه عبارت ساده روزنامه را از او سوال کنند روزنامه دور می اندازد و میگوید روز نامه ها عقاید مسلمین را فاسد کرده و بدعت آورده مشروطه و قانون اساسی و جمهوری برپا کرده این درجه علم و وجدان این قاضی و اما عمل و خدا ترسی او وقف نامه یا سند دیگر او می دهند که بخواند میگوید دو روزه نزد من امانت باشد که خوب غور کنم انگاه اسم متولی را محو و اسم خود را ثبت می نماید و ان موقوفه را بمساعدت دزدان عمل که اورا بر [illegible] قضا نشانیده تملك مینماید و اگر تغییر ممکن نباشد سند را بطرف که مدعی بر صاحب سند است داده منفی استفاده میکند یکشبر زمین و یکقطره آب در تمام متملکات این قاضی یافت نمیشود که خلالی و بیغش باشد

قاعده قضاوت او چنین است که تحریك میکند سید را تا مدعی بر مزرعه یاقتات عمرو زید شود و حکم مخصوصی که مملو از غلطهای املائی و شرعی است می دهد و بعد حکم را یك دانك ازان مزرعه بیافقات در تحت عقد مصالحه از مدعی میگیرد بعد ناسخ بمدعا علیه داده یك دانك هم از او میگیرد و اگر طرف حسی داشته باشد و زیربار ناسخ و منسوخ نرود فلانی مزبور از استفاده محروم شود انگاه از باب دیگر و قبالجات جعلی ساخته تاریخ از پیش گذارده استفاده نموده و قس علی هذا بهمین نهج بر هر ملکی شریك و هر یتیمی را وارث شرعی است با هر کدخدا و اکابر عقداً خوت بسته مظلومین و منصوبین عاجز از استرداد حق خود از قاضی مزبور و غایت اینکه مظلومین رجوع بعدلیه کرمان نمی کنند کثرت تقلبات بعضی از وکلای عدلیه است مثل ..... بمی که در خیانت و تقلب و جعل اسناد و مهر مرده و زنده ساختن برادر قاضی مزبور است تفاوتیکه دارند ان شرایع ماب است و این فرنگی ماب دیگر در امانت و دیانت و خدمت بنوع و درست کاری سواد مطابق بی سواد است مضحك این است که محمد بمی

با ان سابقه احوال منتظر وکالت و جلوس برکرسی نماینده‌گی مجلس مقدس هم هست این بود وضیه کنونی اخوند فکلی خاك پاك کرمان و این است حالت داد خواهانه مظلومین این سامان تا چه کند حمیت غیرت دادگران ایران

[م ـ د ماکنزاده از راین]

طهران

این ایام حل المتین بواسطه (مسدود بودن مرق و خرابی جادهای شستهٔ ایران) ۴۵ روزه و بعض شماره ها پنجاه روزه بطهران میرسد البته خواهید تصدیق نمود با این وضع و قایع و جریانات بعد از گذشتن ۳ ماه یا ۲ ماه انتشارش درحبل المتین نتیجه مطلوبه حاصل نه تواند شد

ولی از نقطهٔ نظر معدود بودن جرائد داخلی (که قادر به نگارش یك جمله از ازادی و روشن کردن افکار جامعه) نمیباشند باز حبل‌المتین را بباید استقبال نمایم چه اگر اخبارش بموقع نمیرسد و ملت کاملا استفاده امی نمایند ولی در تاریخ ان نامه ملی درج میشود آن مطالب که جرائد ایران ازانتشارش معذورند

انتخابات دوره ششم

از طرف اعلیحضرت ازادی انتخابات در جرائد منتشر بولایات وایالات این حکم ابلاغ انجمن نظارطهران که در تحت وزارت جنك و حکومت نظامی تشکیل شده شروع بعملیات و تعیین حوزهای انتخابیه برامده اعلان انتخابات در شهر منتشر و در معابر وخیابانها چسبانیده بعلاقه مندان این اب و خاك اعلیحضرت را تذکر دادند [ازادی انتخابات ـ باوجود حکومت نظامی] خاصه با تشکیلات این انجمن نظار تباین کلی دارد ! !

این بود انجمن منعقده را منحل و الغای حکومت نظامی را اعلان نمودند

مجدد درتحت حکومت کشوری شروع بعملیات شده وهمین د روزه اعلان انتخابات منتشرمیشود بلکه که خیلی مایه تعجب و درحقیقت یاس اور است اقدامات از اهالی طهران است که دربعضی نقاط شهرحرکاتشان بینونیت زیاد با مقصد اعلیحضرت دارد (ازادی انتخابات) ابنه درموقع انتخابات حوزه ها مجمعها تشکیل میشود وهر جمعیتی یك کاندیدها معرفی مینمایند

شنیده میشود بعضی از این اجتماعات ازاد وبرخی را از ان متفرق کرده ومانع ازجمع شدن مردم میشوند راستی انسان مبهوت میشود از وضعیات ایران در قرن بیستم سیر قهقرائی کردیم بماند ـ لا اقل چرا رعایت قانون مشروطیت نمیشود چرا احترام فرمان همایونی راجع بازادی انتخابات منظور نمیشود

میگویند منتخبین دوره ششم مجلس مقننه از طرف دولت خواهند بود نه ملت بعبارت ساده چند نفر انگشت شمار هم که در مجلس پنجم وجهه‌ای داشتی داشتند از انتخاب در این دوره محروم خواهند بود

بنوعی پیش آمد یاس اوراست که اشخاص روشن خیال و ازادیخواهان واقعی از اقدامات کناره و میگویند کوشش ما بلا اثر می ماند چه از پیش می بینیم اکثریت را انان خواهند ربود که دوره پنجم را احراز نمودند قدری در این زمینه تفکر و تعقل لازم است انتخابات گذشته را در جلو نظر بیاورید اذربایجانی باختیار حاضرشد کیرا که دوزمان حکومت شجاع الدوله تبریز رئیس نظمیه بود و سیصدوسی احرار را اعدام و شخص ثقة الاسلام تبریزی را باعده بچوبه دار کشید برای مجلس شورا وکیل نماید ؟

تنها تبریز این نوع نبود اغلب از وکلای دوره پنجم ازهمین قبلیل ها بودند

در این دوره هم اگر همین طور وکالت است [نه بر مرده بر زنده باید گریست]

جدیت وزارت فوائد عامه درتسطیح طرق

وزرات فوائد عامه در صدد بر آمده که هر چه زودتر شروع تسطیح تمام راه های عمده را بنماید وفعلا شروع بتعمیر و تسطیح راه های ذیل نموده اند

۱ ــ محمره به بروجرد و از بروجرد بطهران و مهندس و مامور تعیین گردیده است مبلغ مخارج مقدماتی را بصد و پنجاه الی دویست هزار تومان پیش بینی شده است

۲ ــ راه رشت بـه فومن و خلخال و منابع و مقصود از تسطیح راه مزبـور اتصال راه رشت بـه تبریز میباشد که مخارج اولیه آنرا به صد هزار تومان بر آورد کرده اند

و برای اتصال راه رشت بمازندران نیز تصمیم گرفته شده که راه رشت را بلاهیجان و آمل و بارفروش امتداد دهند و مخارج ابتدائی را تقریبا پنجاه هزار تومان تعیین نموده اند

شرکت دولت در نمایشگاه

فیلادلفیای امریك

هیئت دولت مبلغ هفتاد وپنج هزار تومان برای مخارج نمایشگاه فیلادلفیا تصویب نموده وزرات مالیه مبلغ پنجاه هزار تومان آنرا جهت ساختمان و تاسیس محل نمایشگاه مزبور تخصیص داده و مبلغی را نیز در تحت اختیار آقای ارباب کیخسرو گذاشته که از صنایع مستظرفه ایران خریداری نماید و حالیه وزرات مالیه باوزارت فوائد عامه مشغول مذاکره

میان ملتین یکنفر نماینده تعین و بمجمع مزبور اعزام دارند

◄ مدرسهٔ مهندسی جدید ►

کفیل وزارت معارف در صدد تاسیس مدرسه مهندسی بسر آمده و برای پیشرفت این نظر بمدرسه دار الفنون دستور داده که پروکرام آنسرا تهیه و ارسال دارند اینك کمیسونی مرکب از آقایان حاجی مخبر السلطنه ناظم العلوم عزت الله خان هدایت و وثوق و رئیس مدرسه تشکیل و پس از مذاکرات لایحهٔ که حاوی پنج قسمت راجع بطرز تدریس وغیره تهیه و بوزرات معارف ارسال داشته اند وزارت معارف بودجه آنرا بمبلغ هفتاد و پنجهزار تومان پیش بینی کرده و جزو بودجه سال آتی ۱۳۰۵ منظور داشته از اول فروردین مدرسه مزبور افتتاح گردیده است

◄ مسجد و بتکده ►

از جمعهٔ دوم اپریل در کلکته بلوائی شدید پیش آمده که تاکنون دامنه اش کشیده است و چنانچه ذکر می کنند از ابتدای بنای کلکته تاکنون بلوائی باین شدت و امتداد دیده نه شده بود عدهٔ مقتولین طرفین آنچه بقلم آمده از پنجاه متجاوز و مجروحین که در بیمار خانه فرستاده شده اند از ادصد بالغ است و می گویند که بسیاری از مجروحین جراحت شان قسمی است که جانبردار نتوانند شد و نیز میگویند عده مقتولین خیلی بیش از این ها بوده وخیلی از مجروحین هم به بیمار خانه ها فرستاده نه شده اند

خوب است قبل از آنکه شروع بمطلب کنیم نظری بتاریخ هند اندازیم درست که دقت شود دیده خواهد شد که اساس امت هندیه بروی درویشی ومرتاضی یعنی صوفی گری گذاشته شده یا بعبارت ساده تر بروی تنبلی و قناعت است از اینرو این امت باین عظمت هیچوقت فاتح نه شده و همواره محل تهاجم اقوام کوچك بوده یعنی همواره مغلوب و طبیعت شان بغلامی خو گرفته است از آنچه بدان اشاره رفت ظاهر می گردد که این قوم نه در معاملات دینی و نه در امور دنیوی جنگجو نه بوده اند و از زمانیکه مسلمانان راه به هند یافته بتاخت و تاز مشغول می شدند یا حمله بمعبد و بتکده می کردند قصوری بر آنها وارد بوده از وقتی هم که سلطنت های مستقلهٔ اسلامی در هندوستان قائم آمد بواسطهٔ مغلوبیت و هم بواسطه صفات تاریخی که ذکر کردیم هیچ گاه شنیده نشده که بین هندو و مسلمان منازعات مذهبی پیش آید مگر اینکه برخی سلاطین متعصب اسلامی در هند پیدا نه شده بودند منازعات هندو و مسلمان تولید نه شد

هنوز هم متعززین هنود می گویند دین در دنیا دوتا است یکی هندو و دیگری مسلمان

بالجمله از چهل سال باینطرف که (نیشنل کانگریس) مجلس ملی هند تشکیل یافت و قائدین هندو و مسلمان که در آن زمان سر سید احمد خان و سرندر نات بانرجی و فیروز شاه مهتا وغیره بودند متحداً و متفقاً اظهار داشتند که امت هندیه را وقت رسیده است که حقوق ملی خویش را از حکومت وقت بذریعه مجلس ملی خویش طلب نمایند اولین جلسه نیشنل کانگریس کلکته شد مرحوم سر سید احمد خان هم برای شمولیت در آن بکلکته آمد سید امیر علی که امروزه یك از قضات پریوی کونسل لندن است بانعقاد این مجلس و شرکت مسلمانان مخالفت ورزیده شد که مرحوم سر سید احمد خان هم قبل از شرکت در نیشنل کانگرس به علیگره رهسپار آمده بضوریت تشکیل یك کانگریس اسلامی داد و بنام وی کانفرانس تعلیمی شد و مسلمانان از شمولیت به سیاسیات و مسلمانان را از شمولیت به نیشنل کانگریس باز داشتند نیشنل کانگریس در آندوره مخصوص بملت هنود ماند اگرچه چند نفر از مسلمانان شمولیت در آن نمودند ولی قسمی نبود که بتوانند نمایندگی مسلمانان را ابراز دهند این بود که هروقت مطلبی را نیشنل کانگریس از حکومت هند خواست جواب شنید که امت هندیه دو فرقه اند مسلمان و هندو بدواً باید این دو فرقه اتحاد نموده و خواهشی که از حکومت می نمایند توام باشد ده پانزده سال این وضع کار گذشت اندك اندك مسلمانان دیدند که علیحدگی آنان از سیاست قرین صواب نیست وهنود بواسطه نیشنل کانگریس که مجلس سیاسی آنها بود اندك اندك حقوق بزرك حاصل کرده و میکنند این بود که یکی بعد دیگری در نیشنل کانگریس شرکت اختیار کردند طولی نکشید که جانشین مرحوم سر سید احمد خان سر نواب محسن الملك دامن بر کمر زده تشکیل مسلم لیك (جامعهٔ اسلامی) را داده و بریاست آقا خان اولی هیئتی از قائدین اسلام به شمله خدمت فرمانفرمای هند رفته خواهشات مسلمانان را پیش نموده مسلم لیك را مجلس سیاسی اسلامی قرار دادند کونشیل کانگریس و مسلم لیك هر دو مجلس سیاسی بودند ولی در هیچیك از مسائل سیاسی با یکدیگر اتفاق نمی کردند مدتی هم بدین منوال گذشت و بواسطه اختلافات مسلم لیك و نیشنل کانگریس هیچیك از مقاصد سیاسی ملتین اسلام و هنود حاصل نیامد رفته رفته طرفین پی بمضار این اختلاف برده مقاصد خود را یك ساخته توام از حکومت برخی مطالبات نمودند

اندك اندك مسئله اتفاق هندو و مسلمان بالا گرفت تا جائیکه مهاتما گاندهی علنا حامی غازی مصطفی کمال پاشا گردید و بعضی از مسلمانان هم فریفته خیالات گاندهی شده آن واقعات پیش آمد که همه یاد دارند و ما نیز در حبل المتین نگاشته ایم بگیر بگیر گاندهی و سایر رؤسای اسلامی و هندو شروع شد واقعا مهاتما گاندهی در مایه اتحاد با مسلمانان اقتداری حاصل نمود که تا امروز برای هیچیك از قائدین آسیا پیدا نشده بود ولی چون مهاتما گاندهی مرد سیاسی نبود و ما او را مصلح مذهبی می دانیم نه توانست از آن اقتدار وقوت خود فائده بگیرد و به اهالی هند هم فائده برساند انچه نگاشتیم حاشیه بود برویم به متن مطلب تا بیست سال قبل کمتر اختلاف مذهبی بین هندو و مسلمانان پیش می آمد ولی از آن و بعد صورت اختلاف هند و مسلمان شکل خود را تغییر داد مسلمانها گفتند که نمایشات مذهبی هنود که با ساز و نواز است باید بسکونت و آرامی درجلو مسجد ترك سازو نواز كرده بگذرد و هنود هم در ایام عید الضحی اعتراض به ذبح گاو در معابر عمومی نمودند در عدالت های مختلفه نقاط هندوستان اینگونه منازعات پیش شده برخی بر مرام مسلمانان وبعضی حسب خواهش هنود تصفیه می یافت رفته رفته این دو مسئله باندازه قوت بین هندو و مسلمانان گرفت که جمیع اختلافات هندو و مسلمانان را از میان برده مشکل اینجا است که این مایه نزاع دائمی است چه هر سال و هرماه بلکه هر هفته نمایشات مذهبی هنود بیرون میاید و مجبوراً از جلو مساجد می گذرد و همه ساله نیز عیدالضحی میرسد و مسلمانان بذبح گاو قیام میکنند

و هنوز دانایان این دو فرقه خیال نکرده اند که این واقعات هزار سال است جاری هیچوقت ما بالانزاع هندو و مسلمان نمی شد حالا چه شده است که در این فروع پیچیده خویشتن را بزحمات صوری و معنوی دچار می نماید چون مهاتما گاندهی خیلی از اتحاد هندو مسلمان قوت گرفته بود و در پیشرفت اتحاد این دو قوم نیز جهد وافی مینمود و ممکن بود زمانی برسد که اختلافات این دو امت مرتفع آید از آن زمان باین طرف نزاع بین هندو و مسلمان برسر همان دو مسئله روز افزون می گردد اگر بخواهیم دامان این عنوان را بکشیم سخن بدرازا کشد وشاید از نزاکت سیاسی خارج گردد لذا این مسئله همینطور سربسته گذارده باز گردیم بعنوان خود که مسجد و بتکده است

تا امروز در منازعات هندو و مسلمان چه در گاو کشی وچه درگذشتن نمایشات مذهبی هنود ازجلو مساجد با ساز و نوار جنك و زد و خورد عدوه در پروانه مسجد و بتکده بود بدبختانه در مناقشه اخیره کلکته جنك ازمسلمان و هنود تجاوز کرده بمساجد و بتکده ها سرایت کرده است و این مسئله خطرناك است چه در هر محله کلکته چندین مسجد و چندین بتکده است و همین قسم است در کلیه هندوستان اگر بنا شود جنك بین مسجد و بتکده پیش آیند و بفوریت جلوگیری نشود عاقبت بسیار وخیمی درپیش دارد که هرچیز از ابتدا کوچك و رفته رفته بزرگ می شود و اگر مناقشه مسجد و بتکده بکلیه هند سرایت نماید جلوگیری اش از عهده حکام وقت هم خارج تواند گردیدوممکن است اندك اندك صورت دیگر اختیار کند نقشه انقلاب عمومی پیش آید چراکه نظامیان بومی نیز مخلوط از هندو و مسلمان و هندو پیرو مسجد و بتکده اند خلاصه ساعت چهار جمعه دوم ابریل نمایش مذهبی «آریه سماج» [یك از فرقه‌های جدید هنود است که خودرا موحد میخوانند] خواست با سازو نواز ازجلومسجد «هریسن‌رود» که یك از محلات کلکته است بگذرد مسلمانان که برای ادای نماز عصر در مسجد حاضر بودند بیرون آمده با التماس و عجز خواهش کردند که ساز و نواز خودتان را در جلو مسجد بند نموده بگذرید هرچه مسلمانها اصرار کرده آریه سماجها انکار کردند میگویند پولیس‌هم که همراه نمایش بود از سردسته آریه سماجها خواهش نمود که ساز نواز را به بندند ابا و امتناع شنید عاقبت‌کاربزد وخورد منجرشد چون عده هنود زیاد بود مسلمانها کتك مستوفی خوردنداین خبر مانند برق در تمام کلکته منتشر آمد و هیجان‌عظیم در هندو و مسلمان تولید کرد بدواً بین مسلمان و هندودر خیلی نقاط زد و خورد پیش آمد ولی‌عاقبت بخراب کردن مسجد و بتکده کشید یعنی هرکجاهندو غلبه یافت در خرابی مساجد و مزار اولیای اسلامی کوشید و همین قسم مسلمان هرکجا دست اش رسید در خرابی بتکده و شکستن بت و بیرون انداختن آنهارا از بتخانه اقدام کرد کم کم دسته بندی در مساجد و بتکده‌ها شروع شد مسلمان بحفظ مساجد مجتمع و هنود در حفاظت بتخانه‌های خود جمع گردیده از طرفین عده مقتولین و مجروحین چنانچه نگاشتیم زیاد شد ولی می گویند عده مقتول و مجروح مسلمانان بیشتر بوده است فقط بخراب کردن اکتفا نمی شد می سوختند و خانه های خشبی یکدیگررا آتش میزدند در این بلوای بزرگ تاریخی که ثانی آن دیده

نیز خدمات عمله جات اطفائیه خیلی قابل تقدیر بوده است در این مدت بلوا پانصد نفر تمام عمله جات اطفائیه خودرا مسلح نموده و خدمات خویش قیام کرده مخاطرات جانی ایشان را از وظایف خویش باز نداشته همهٔ طبقات معترف خدمات آنها هستند پولیس مسلح شده و نظامیان هم بکمک ایشان آمده در هر نقطه علی خوف و نزاع خصوصاً هرکجا مسجد و بتکده هست بنگهبانی گذاشته شده است پولیس در این مناقشات خیلی حصه نگرفته بعضیها چنین تصور میکنند که چنانچه باید حصه نگرفتن پولیس در مناقشات مزید منازعه گردیده ولی در این گونه موارد اگر بدقت ملاحظه شود وظیفه پولیس جز تماشا نبوده است چه جلوگیری از حد اقتدار او خارج است عده پولیس کم و جماعت بلوائی خیلی زیاد بود بالا آخره موقتاً قانون نظامی در نقاط بلوا جاری گردید و پولیس مامور شده که اگر پنج نفر در یکجا مجتمع ببیند گرفتار نماید نظامیان رسمی هم خیلی خدمت کرده در قائم گذاردن امنیت کوشیدند از پولیس هم مختصری مجروح شده در برخی از گذرگاهها توپ هم گذارده اند این واقعات وقتی روی داد شد که فرمانفرمای جدید لارد « اروین » وارد کلکته گردیدند در هر صورت در این میانه خیلی مردمان بیگناه از طرفین کشته و مجروح آمدند اگر جنگ رو برو باشد و زد خورده بشود و مجروح مقتول گردند عیبی ندارد بیچاره راهگذر با هیچ فرقه نزاع ندارد یك دفعه از عقب سر اورا مقتول و مجروح نمودن و اطفال را کشتن یا مجروح کردن یا با زنها بی احترامی نمودن یکدفعه از وجدان انسانی دور است بدبختانه بیشتر مقتولین و مجروحین این قسم مردمان بوده اند افواهات دروغین که در محلات امن بلند می شد اهالی را بوحشت و دهشت می انداخت بیشتر مزید پریشانی شده بود بسیاری از زن و مرد بچه و بزرگ شب نمی خوابیدند چه از طرفین دسته بندی شده برای تخریب مساجد و بتکده ها امادگی می نمودند نقصانات مالی خیلی بمردم رسید دکاکین زیاد بغارت رفت و اموال زیاد آتش زدند مدتی طول خواهد کشید که دو مرتبه رونق بازار و کار صورت اولیه را پیدا نماید اینك اوضاع رو به بهبودی نهاده بعضی مجامع فراهم و نیز اعانه می بینند که از وجوه اعانه مساجد و بتکده های خراب شده را تعمیر کنند و باز ماندگان مقتولین اعانه دهند و برای مرافعه گرفتاران در عدلیه صرف نمایند به عقیده بعضی اگر رئیس نظمیه در همان اول وهله روسا و سر دسته های هر محله را از هندو و مسلمان طلب نموده محله شانرا به انها سپرده و ضمانت از آنها می گرفت بلوا تا اینقدر چه بالا نمی گرفت اگر چه تیر از شصت رها شده ولی برای آینده اینگونه بیانات ممکن است مفید واقع شود

وقتیکه ناصر الدین شاه کشته شد بر حسب داب و عادت دیرین ایران در شاه مردنی سر دسته ها بلوا می نمودند مرحوم مسعود میرزای ظل السلطان همین که خبر قتل شاه را تلگرافا یافت حکم داد جمیع سر دسته های شهر نزد وی حاضر شوند پس از حضور گفت از امروز تا یك هفته مهمان من اید ولی بنوچه های خود محله خویش را بسپارید هرگاه خالی در امنیت پیدا شود سزای شما چوبه دار خواهد بود بهمین وسیله در چنان موقع خطرناك امنیت مطلقه در اصفهان فرمانفرما ماند اگر روسای نظمیه شهر ما نیز چنین اصول را در مواقع اوا اختیار کنند خیلی مؤثر تواند افتاد بمناسبت این بلوای بزرگ حال الممتین هم هفته گذشته نتوانست اشاعه یابد

خواب پر ملال

یا

(افسردگی ایران)

در خواب دیدم مادر وطن (ایران) با حالی افسرده و قیافی غمگین بر مسند عزت و جلال نشسته و سر بزانوی اندوه گذاشته و گاهی سر از زانوی هم برداشته و بطرف هندوستان یك نگاه پر حسرتی نموده و اه عمیقی میکشد

پیش رفته و سلامش داده گفتمش ای مادر عزیز ای جایگاه دلیران وای مایه افتخار ما ای ایران وای مادر وطن مقدس ما ترا چه میشود که مانند دوره ... که از دیدن نا ملایمات فرزندان خویش و بیگانگان دلی پر درد و خاطری ناشاد داشتی اکنون نیز چنانت مینگرم و حال انکه امروز دوره هرج مرج و پریشانی تو که موجبات نگرانی ترا فراهم میاورد سپری شده ایا کدام آرزو هست که ترا باین درد و اندوه مبتلا ساخته و در بحر هم والمت انداخته توامروز ای مادر مهربان نیکو فرزندان باخلف داری که ترا از جان خریداری میکنند توای مقدس وطن ما امروز موقعی است که درجهٔ عظمت تازه خودرا بعالمیان بنمائی و خویشتن را از هر گونه غمی که ترا رخ داده دور بسازی

جواب — جواب داد که ای پارسی پارس نژاد
سلام از من ناشاد خونین جگر بتو باد

آری انچه از ترقی و عظمت امروزه من غمدیده گفتی همه صحیح است و لازمهٔ یك همچه پیشرفتی که بعد ازان همه خرابیها برای من مظلوم پیش آمده مسرت است

ولی چکنم ای فرزند که دوری فرزندان من (پارسیان) که مرا گذاشته و بدامن بیگانه خود را انداخته اند دریشهٔ جانم را بسوخته و همین مهجوری فرزندان رشیدمن است که مرا دوچار اندوه ساخته و نمیگذارد درجات سعادت و ترقی خودرا طی کنم من درد دوری پارسیان یعنی پسران عزیز خود را بالاتر ازان میدانم که بدرد ویرانگی مبتلا باشم

من انروز مسرور وسعادتمندم که فرزندان مهجور خودرا بساز بدامن خویش بنگرم من بفرزندان خود علاقهٔ بسیار دارم و نمیتوانم بعد ازهزار و اندی سال هنوز انهارا از خود دور به بینم

من چگونه بتوانم فرزندان دلبند خودرا بنگرم که نتیجه خدمات و زحمات انهارا که باید من که حق مادری بگردن انها دارم ببرم دیگری ببرد

من ازان غمینم که پارسیان یعنی همان فرزند اینکه ازدست ظلم و ازار اعراب بهندوستان فراری شده اند هنوز یاد ملاقات من نیفتاده و بدید لی و مساعدت برادران خود نیامده اند که در ترقی من بانها مساعدت کنند

چگونه غمین نباشم که فرزندان در آغوش خودرا بی برادر مینگرم ، چگونه محزون نباشم و حال انکه چشم من از دیدن پسران محروم است

من ایرانم و فارسیان خارج از ایران را من مادرم و فارسیان فرزند من بانها علاقهٔ مادری دارم اندوه و الم و غمناکی من مادامی بسرور و شعف مبدل میشود که فارسیان هندوستان بوطن خود تجدید علاقه نموده و مراجعت کنند

اندوه و الم اندیشه وبیم من ازان هست که مبادا در مهر فرزندی انان نسبت بدن رخنه پیدا شده و این مادر پیررا بدرد فراق خود مبتلا نمایند . ای کوچکترین فرزند من من تو یاد آوری میکنم که فارسیان دور ازوطن را عموماً از جانب من بزبانی که داری بگو که مادر شما یعنی همان خاک که شما را پرورش داده آرزو میکند که یکبار دیگر مانند زمان پیش شما را با برادران یعنی با ایرانیان دریك خاك مقدس که ان دامن من است متحداً نگریسته تا غبار الم و اندوه را از آئینهٔ خاطر بزدایم .

ای کوچکترین فرزند من تو وهمکنان تو موظف و مسؤل وجدان خود هستید که برادران فارسی ازوطن آواره خودرا بساز بوطن خود بخوانید چه انها ازاین خانه بروند که شما دوران ساختید پس وظیفه شما انست که برادران خودرا باز بخانهٔ خودشان باز آورید ای کوچکترین فرزند من از طرف من ببرادران آواره از وطن بگو که مادامی من وروان شت زردشت و پاکان بدانها از تنها گذرند ... در ایران نزول اجلال کنید بگر انها پسران عزیز پاک ایرانی بیش ازین نپسندید که صفحهٔ ایران از وجود شما تهی باشد -

[یوسف پارسی مدیر مدرسهٔ پهلوی بهنان]

کمپانی هوا نوردی

مطابق اطلاعی که از دزداب واصل شده مسیو مرو که مدیر یکی از کمپانیهای هوا نوردی است بدزداب وارد و در صدد است که امتیاز پست هوائی بین دزداب و مشهد - طهران و همچنین دزداب به اروپا را از اولیای دولت ایران اخذ نماید و برای اجرای این منظور دوروز قبل بسمت مشهد حرکت نموده که از آنجا بطهران حرکت نمایند .

لزوم عضویت تجار

روز گذشته تصمیمات کمیسیون نمایشگاه فیلادلفیا از طرف وزارت فوائد عامه بوزارت خارجه - مالیه داخله اشعار گردید که به مامورین خود اطلاع دهند که مدت نمایشگاه فلادلفیا شش ماه میباشد ودلت قبول عضویت دولت ایران برای شرکت تجار بوده که مال‌التجاره های ایرانی را بنمایش دول اروپای بگذارند

و برای اینکه تجار طهران هم مال‌التجاره باکسپوزیسیون مزبورحمل نمایند دعوتی از طرف آقای وزیر فواید عامه بعمل آمده شب جمعه تجار که قریب ۱۵۰ نفر میشوند در وزارتخانه حضور بهم رسانیده که قراری دراین باب داده شود

اقدام

بوزارت جنك مراجعه شد که از آلات حرب قدیم یك دورهٔ کامل تهیه و ارسال دارند

بوزارت مالیه اشعار گردیده که بگمرك دستور دهند محمولات مزبور را در طهران حلبی نمایند که در سرحد باز نشود

شرحی بوزارت داخله نوشته شد که بحکام ایالات و ولایات دستور بدهند درصورتی که تجار ایرانی مایل بنمایش مال‌التجاره ایران در نمایشگاه مزبور میباشند مال‌التجاره از قبیل قالی وغیره در آنجا حاضر نمایند

بوزارت خارجه نوشته شد که بمامورین خود دستور بدهند که تجاررا برای شرکت در نمایشگاه مزبور دعوت کنند

نظر باینکه دولت عضویت نمایش فلادلفیارا تصویب نموده عدهٔ از تجار طهران در صددند که مال‌التجاره برای فروش به بازار مزبور حمل نمایند .

حسب الامر مدیر ومدیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعهٔ حبل المتین نمبر ۸۸ بقفل روده طبع

(شماره ۲۴) سال سی و چهارم

حبل المتین متانتاً باحدی داده نمی شود
از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل انونه اخبار
مقدم گرفته میشود
روز نامه مقدس

حبل المتین
(۲۶ اهری پوکر رود)
[آبالیکنج کلکته]
کلیه امور با مدیر کل
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[دبیر کالج ف . ش . مؤیدزاده]
[ام . ای است]
هر دوشنبه طبع و سه شنبه
توزیع میشود

26 4 Ahri Pukur Road
CALCUTTA

قیمت اشتراك

سالانه — ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه — ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران — ۳۵ قران
[ممالک سایره]
سالانه
یك و نیم لیره انگلیسی

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۸ آذرماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۲۴ جمادی الاول سنه ۱۳۴۵ هجری
مطابق با ۳۰ نومبر سنه ۱۹۲۶ میلادی

ایران و جامعه ملل

بعقیده ما جامعهٔ ملل مجلس ملی است نه بین المللی و هر یك از نمایندگان دول که در این جامعه شرکت داشته و دارند تمایلات ملی شان بیشتر از بین المللی ثابت گردیده همه از این جامعه فائده خویش میجویند وهیچیك نمایندگی بین المللی را تا امروز ابراز نداده و این عقیده و سلوك منافی است با اساس آن جامعه که مستر ویلسن تاسیس نمود و بواسطه انحراف نمایندگان دول بزرگ از بین المللی جامعه نبود که امریکا را شرکت گذاشت ، شرکت در آن برای ما هم نه اینکه فایده ندارد بلکه خسارات عظیمه داشته وهنوزهم ممکن است مورد زیانات بزرگتری هم نگردیم

چنانچه مکرر نوشته ایم جامعه ملل مجلسی است که اختصاصش بیشتر بدولت انگلیس یا بچهار دولت دیگر است فقط دولت انگلیس است که تا امروز آنچه خواسته از جامعه مال یافته است بسیاری از دول کوچك اعتراض بقوانین اساسی جامعه نموده و گفته اند که این جامعه فقط میتواند حافظ حقوق چند دولت بزرگ باشد و برای ارفع نماینده ایران هم با نزاکت های سیاسی این عقیده را کرنطق خود تا درجهٔ گنجانده است

مستر چمبرلین در جواب اعتراض دول کوچك گفته که اگر بنا شود اختیارات دول کوچك هم بجامعه مثل دول بزرگ باشد در آن صورت امتیاز بزرگی و کوچکی مرتفع و حصه عمده مصارف جامعه که دول بزرگ متحمل اند بطریق مساوات سرشکن خواهد شد و این بار مصارف را شاید دول کوچك متحمل نتوانند آمد

در حقیقت این جواب عذر بدتر از گناه است اگر بیانات مستر چمبرلین شکافته آید اینکه بیرون خواهد آمد که چون ما پول بیشتر میدهیم جامعه را خریده ام یا بعبارت دیگر می فرماید که چون دول کوچك پول کمتر می دهند باید تابع مقاصد دول بزرگ باشند و همین امر دال است بر بزرگترین بی انصافی و بی عدالتی که دراین جامعه میشود

ما کار باین نداریم که این جامعه بین المللی هست یا نه مرکز انصاف هست یا خیر ما باید در هر امر قبل از وقت نفع و نقصان خود را سنجیده شرکت نمائیم انگلیسها برای شرکت جمهوری ترك در جامعه خیلی کوشش نموده وسائل بودند چرا واسطه اینکه با ترکی در مسائل شرقی حتمی اختلافات بین شان تولید تواند شد و اگر ترکی شریك جامعه می گردید آن مسائل رجوع بجامعه شده بر وفق مرام انگلیسان تصفیه می یافت چه این جامعه آنچه تاکنون ثبوت پیوسته و اساسش هم چنان ریخته آمده که هر مسئله را که انگلیسان در جامعه رجوع کنند بر وفق مرام آنان تصفیه یافته و خواهد یافت

امروزه اولیای دولت ما باید چشم بسته راه روند خروج ایران از جامعه برای دولت وملت ایرانیه اولین ذریعه استقلال جوئی است

باید دانست که عمده معاملات ما از این بعد چه سیاسی چه اقتصادی وچه عمرانی وچه سرحدی با دول اربعه آمریکا ، روس ، ترکی و افغان است و این چهار دولت در این جامعه شرکت ندارند فرضاً فردا اولیای دولت ایران چنین صلاح دیدند که عقد

قرار دادی که منافع بحال آنها باشد با یکی از این دول اربعه بر بندند و یا اینکه صلاح باشد مواد برخی از آن قرار داد ها را مستور دارند با شرکت ایران در این جامعه ممکن نیست چه ایران نظر بمواد قانون جامعه هر قرار دادی را که با هر دولت بر بندد مجبور است که عین آن قرار داد را در جامعه پیش کند و نقل آن در دفتر جامعه باقی ماند مسلم است که این مسئله ایران را از حفظ حقوق کامله خود بر وضعیت امروزه محروم خواهد داشت و این اولین خساره ایست برای ایران چه امروزه ایران محتاج است به بستن برخی قرار داد ها با دولی که شرکت در این جامعه ندارند اگر این جامعه اساسش از روی وجدان و انصاف بود مستر ولسن که موسس آن بودی از شرکت در آن استنکاف نمی ورزید

خوبست قدری کلاه خود را قاضی کرده ببینیم روس و ترکی و افغان و آمریک که شرکت در این جامعه ندارند کدام خساره بر آنها وارد آمده و ما که شریک هستیم کدام نفع را حاصل کرده ایم بلکه بزرگترین صدمه که از شرکت ما در این جامعه بمسلمانان عالم میرسد احساس شده و میشود چه در حقیقت نماینده چهار صد ملیون نفوس اسلامیه در این جامعه فقط ایران است و بس دیگران هم راضی نمیشوند که دارای یک کرسی نیم دائمی این جامعه بشود مسائلی که در این جامعه بر خلاف مسلمانان پیش آمده و ایران هم شرکت داشته بسیار است یکی مسئله قیمومتی شامات است با آن مظالم جهانسوز فرانسویان دوم ماندتی عراق و فلسطین و ماورای اوردن است خوب ببینیم ایران که شریک جامعه بود چه فایده توانست بمسلمانان شام وغیره برساند آیا اینهمه مظالمیکه در ریف و شامات پیش آمده ایران که عضو جامعه بود یک لفظ برخلاف غالبینی که آنها هم شریک جامعه بودند بزبان توانست آورد ؟

چه قدر خوب میگوید یکی از دانایان «جنگ بین المللی را هر چه بگویند مذهبی نبوده و هر سببی که باعث آن بوده کار ندارم ولی خواهیم گفت خاتمه آن با اسارت قطعات واقوام بزرگ اسلام گردید طرابلس که مقدمه جنگ باید گفت رفت هرزگوین و بوسنیا هم اقسام مقدونیه و اناطولی تالی آن شام و فلسطین و ماورای اردن و عراق آنها را تعقیب نمود بلکه باید گفت جزیرة العرب ولو برای نام دست برخی از امرا باقی مانده ولی در حقیقت از حیطه اقتدار اسلامیان خارج است برعکس از ممالک مسیحیه یک وجب هم خارج نگردید نهایت استریا را قطعه قطعه کردند ولی تمام حکومتهای ملی بدون اینکه تحت قیمومیت دیگری باسم ماندتی در آیند تحت حکومت ملی خود باقی مانده اند در حقیقت نقصان این جنگ بزرگ بیشتر بمسلمانان وارد شده است و این جامعه ملل اداره ایست که اسارت مسلمانان را بی در پی تصدیق نموده و محکم می نماید »

در این صورت شرکت ما در این جامعه جز خساره مالیه و شماتت همسایه یعنی سائر ملل اسلامیه چه نتیجه دارد ، ما به آواز بلند میگوئیم و ثابت هم میکنیم که هم نقصان مالی از این جامعه برده ایم و هم نقصان استقلالی قرار داد سن ژرمن ولو اینکه گفته خواهد آمد که مربوط باین جامعه نبوده ولی دیدیم و ثابت هم خواهیم دید که شامل در این جامعه بوده و خواهد بود افسوس که هنوز ما ایرانیان خیلی ساده و بپیچهای سیاسی دیگران نمی نگریم دیدید که چگونه خواستند مارا پای بند قرار داد لوکارنو نمایند لوکارنو هم مثل سن ژرمن غیر از این جامعه بود تا قبت شامل و جزء این جامعه گردید

ایران نباید باقوال برخی نمایندگان خود که در جامعه هستند از نکات حقیقی سیاسی این جامعه غض عین نماید — علاوه بر این هر کس باید نقش خود را در آب ببیند ایران چه نفعی در این جامعه دارد و چه فایده برای او مقصود بوده و یا در آینده هست اگر اختلافی بین ما و ترک و روس و افغان یا آمریک پدید آید که اینها بجامعه شامل نیستند که جامعه بما تائید کنند ـ

سائر دول بزرگ و کوچک ارتباط های ما جزئی و برای نام است و هیچوقت هم نخواهد شد که اختلافی در مسائل سیاسی و اقتصادی و آنها پیش آید که امید داشته باشیم که جامعه بمناسبت شرکت ما قدری دست جلو روی خود بگیرد مانند انگلستان که البته در هر آن ممکن است اختلافات سیاسی و اقتصادی و سرحدی بین ما او پدید آید چون هر دو شریک این جامعه هستیم مسلم است که آن اختلاف بجامعه پیش خواهد شد آیا تصور میشود در آنصورت حکمی که از جامعه صادر شود بر وفق مرام ما باشد ؟

خوبست قدری پرده از روی این مسئله بیشتر برداشته آید باید دید که این جامعه در زمان کدام کابینه تشکیل یافت و ایران بتحریک و نفوذ کدام دولت و کدام یک از رجال شامل باین جامعه گردید همان موسسین قرار داد سال ۱۹۱۹ ایران را در این سلاح خانه ملل کوچک شامل ساخته حالا که آن قرار داد بحمد الله رفت باید بقیة السیف آنهم از میان برخیزد باید گمرکات ایران تحت تصرف وطرز که از قانون شورای ملی گذشته باشد در آید وهمان

تا هم باید ایران از این جامعه مال رخت بیرون کشیده قسم زوده است فکری برای استقلال آتیه خود بنماید که

§ در جبین این کشتی روی رستگاری نیست §

ما بعقیده راسخ میگوئیم که هر کس بتواند ذره هم ثابت کند که شرکت ایران در این جامعه برای ملت ودولت مفید است ما رای خود را مسترد میداریم شرف دوستی هم چیزیست اسپانی و برزل برای حفظ شرف خود که عضویت دائمی را نیافتند پشت پا باین جامعه زدند لهستان دولت دیروزه را هم عضویت غیر دائمی بخشودند کدام بی‌شرفی برای ملل و دول اسلامیه بالاتر ازینست که یك نماینده شان که در این جامعه موجود بود اورا هم لایق یك کرسی نیم دائمی نشناختند ما این بیشرفی و مذلت هم گردن نهادیم اگر ذره هم تصور منافع اقتصادی و سیاسی برای ملك و ملت خود مینمودیم و بزرگترین اتوتی که اعضای این جامعه به تعصبات مذهبی و ملی خود بروز دادند همانا موقع ندادن بایران است که یك کرسی غیر دائمی هم بیابد

§ میترسم از چشم بندی خ‍ـدا §

برای اینکه صدای ما را کوتاه کرده و بسائر مسلمانان هم مشتبه آید طولی نمیکشد که عراق فلسطین ، حجاز و امرا امثال آنان که تمام در پنجه و اقتدار خودشانند شامل در جامعه ساخته بذریعه آنان هم قوت خود را بیش و هم زار مسلمانان بل کلیه شرقیان را خواهند بست و خواهند گفت چندین نماینده از اسلام و شرقی در این جامعه شامل است و این یك چشم بندی دیگری خواهد شد و هرگونه مظالمیکه مرتکب شوند حکمش را از همین نمایندگان خود آورد صادر خواهند نمود و آن وقتی است که بیش از بیش منافع خود را از ما حاصل کنند . مثلا بین ما وعراق تولید اختلاف خواهند ساخت و چون هر دو عضو جامعه باشیم دفعش را بجامعه رجوع خواهند کرد در آنصورت برای ما چه نتیجه خواهد بخشود لازم به بیان نیست واضح تر بگوئیم طولی نمیکشد که در موضوع سرحدات کردستان ایران و عراق اختلاف خواهند تراشید و اگر ما عضوجامعه باشیم بذریعه همان جامعه ما را محکوم خواهند ساخت

شاید بعضی بگویند اینها ظنیات سیاسی و پیش از مرك شیون خلاف عقل است ولی آشنایان سیاست خیلی از واقعات سیاسی را قبل ازوقوع دیده و برظنیات ترتیبات ایقالی داده پیش بندی می نمایند سیاسیون ایران راست که پیش آمد های آینده را دیده قبل از وقوع رخت خود را از این جامعه ملی که به بین المللی نامبردار گردیده بیرون کشند ورنه بهساید

روزی که از این جامعه صدماتی بزرگتر یافته و بجز سودن کف افسوس راهی نداشته باشیم .

تقصیر خودمان است

در این اواخر موضوع بالا در نامهٔ گرامی شفق سرخ مورد بحث آمده و قلم توانای مدیر محترمش با شیوهٔ شیوائی که دارد ثابت گردانیده بود که خرابی اوضاع تقصیر خود مان است حالا من میخواهم حرف خوب دوبار زده شده باشد این است که ستون های حبل المتین را جای آن قرار میدهم .

ما ایرانیها عادت کرده ایم مانند بچه های مکتبی باشیم که وقتی آخوند چوبش را بلند کرد برای تقصیری که از ما دیده آن شغل ناله کرده و میگوئید آقا به امام حسین من نکردم محمود که پهلویم نشسته بود کرد اما آخوند چون شاگرد های خودرا میشناسد یاد دارم که بعضی وقتها چوب خودرا با علت حسن و علی و محمود نهاده و بالاخره همه شاگردهارا بهره ور میفرماید

ما میخواهیم در زیر آسمان چه بکوئیم ؟ به کجا برویم و چه بشویم ملتی که نداند خائن کی است ، مردمی که ندانند خیانت چی است و بد را از خوب تمیز ندهد عاقبت او را بکدام پرتگاهی میکشاند ؟ میخواهم در این مقاله قدری دست بالا گرفته وصحبت ندارم خوب از مدتی به اینطرف ما هر خلافی کرده ایم تقصیر را بگردن همسایها نهاده ایم حالا بی مناسبت نیست قدری از آنها دفاع عارفانه شده باشد بردارید همه وسائل را در یکسر ترازو بگذارید و ایران را هم سر دیگر ترازو ببینید چه قدر فرق وزن دارد؟ نمیدانم چرا ترازو را در کار آوردم شما یك نگاه سطحی به رود خانه مقدس گنگا بیندازید و به بینید که همه عالم محتاج ببرکات خدائی اوبلد حتی ساکنین مغرور کنار رود خانه میسیپی هم که کوس لمن الملکی میزنند دست احتیاجشان به کتان و چائی و برنج وسایر برکات گنگا دراز است آیا از انصاف و مروت دور نیست ؛ و آیا مریض بی جهتی نیست که از سر پرستی آن کشور توقع داشت که برای خاطر صحرای لوت کرمان دست از حفظ رود خانه گنگا بردارد یا اینکه از او که هوشیار و زنده و دانا است توقع کرد که اطمینان به پشت کار و بیداری ملت ایران در حفظ خانه خود داشته باشد ؟ و از رجال و وزرای ایران که یکی از آنها ازبقال سرحله هم خوش سواد تر است دیروز ایران را وزن نکرده فروخت حالا او خاطر جمع باشد ؛ از جانب دیگر آیا میشود از دوستان دیروزی خود مان که امروز لباس عوض نکرده اند خواهش کرد که آقایان برای خاطر سبیل مردانه ما خیالهای پوسیده دریای گرم را از سر خودتان بدر کنید و در همان جنگلهای سرد سیر زندگانی خود قانع شوید و

چرا که ما میخواهیم اساط منقل وافوریان دست نخورده ما میخواهیم عاقل و معقول سگ و صورت باشیم آیا کسی هست بمن اطمینان دهد که رفیق منوفکی من چه را که امروز قول بما داده است تا یک سال از سر قول خود عملا باقی است ؟ آیا ایرانی میتواند وطن خودرا برداشته و از میان این دو همسایه با جنس فرار نماید ، یک آیای دیگر دارم و آن را با کمال ترس و لرز در میان می نهم آیا ایرانی برای امروز با این اخلاق ملت با این بی همتی و سستی و سستی امت این . جان این مرده در جلو این دو سیل چه خیال دارد چه تدبیری اندیشه کرده اند و کدام راه را می پیمایند ، شاید شما و رفیقتان هم در این جا که برسید حیران و سرگردان مانده که راه چاره را نیافته باشید اما من حیران نمی شوم من میگویم دافع این دو سیل و دو بلای دیگر مثل این بلا هم باید سد آن دافع آن قائم آن ، همین ایرانی امروز است همین ملت کچلو است اما بشرطها نه اما حالا که دارد اشرطی که عوض شده شرطی که مقام خودرا بشناسد و بی دردسر و مختصر شرط آن راهی را نه پیماید که رضوان پیموده اند بلکه از آن هم مختصر تر بشرطی که ژاپون مآب شود بشرطی که ترک مآب شود وشرطی که بفهمد که وقت کم و کار زیاد است هرچه زودتر خودرا آماده کند آنوقت لشکر سلم وتور هم فورا به رخنه در ارکان ایرانی اش نتواند اما کی قبول میکند که شرایط سخت من به مزاج وافوری ایرانی درست آید کی خیال میکند که این جنس مست غفلت این شرایط که برغم همهٔ مال عالم سهل است او دشوار نداند و قبول نماید اسم قبول نکند تقصیر او نیست من تقصیر اداره ایرانی بداند که درجه صفر او هم یکی از اعضای خانواده است طوری که همه دنیا هست او هم باید همان طور گردد انگلیسها مثلی دارند میگویند وقتی تو در روم هستی همان را بکن که رومیها میکنند دنیا به دروغ و تظاهر سازی یا حقه بازی امیگذرد اگرچند روزی هم نگذرد در پیش خورشید زوال شخصی نیز است

مثلاً تو در اخبارات میخوانی که پادشاه انگلیس برای سرفه خوش ترک سواری اتومبیل کرده و دوچرخه بخاری سوار میشود و پلیس در کوچه مطالبه اجازه از او نکرده است من این خبر را در روز نامهٔ فارسی دیدم در جرائد خارجه ندیدم خوب حالا چه طور است که تو هم فکر کرده و تقلید نمائی این تقلید بدی نیست بهتر از تقلید پیراهن سینه آهار دار است تو هم اتومبیل رولز رای را ول کن و بگو دوچرخه ای که کارش از بی پرستاری میمیرد

و اطفال بیرجان از بی تعلیم و تربیتی قائم مقام کار میکردند موتور رولز رای در آن راه ندارد وقتی در اخبار میخوانی که مسیو کایانسو آن پیر دمان [illegible] روزی درصندلی وزارت فرانسه لرزه اش فضای اروپا را بدهشت می آورد حالا چندروز پیش رفت در بازار و خواست خرچنگ بخرد دید فروشنده میگوید سیصد فرانک نخریده و در عوض زردک خرید .

سال ۱۹۱۸ را مگر فراموش کرده ای که مستر لائد جارج در پارلمنت و در نظر افراد انگلیس چه مقام و منزلتی داشت کدام روز بود که گفته های او چون وحی در تمام دنیا تقدیس نگردد حالا به بین در کناری نشسته و به تکلیف خود خاموشانه دارد عمل میکند تو هم تقلید بکن تو که هیچ کفش او نمی شوی برو در خانه ات تکیه کن راحتی نشو برای لحاف ملا نصرالدین چهل روز سلطنت پهلوی بی وزیر نماند و مجلس ایران بیکار نشسته فرمایشات و مثلهای بی موقع و حدث فلان آقا را نشنود آخر چه از جان ایران میخواهی بگذار ملت بصلاح خود راه برود برای چه اندیشه خودت را تو حاق ملت می چپانی

در کجای اخبارات امروز نام نامی و اسم گرامی جنرال فوش را میخوانید مگر نه این سردار نامدار بود که مشکلات فتح جنگ بین المللی را کلید گردید حالا کجا است ، هرچند نام شریفش در قلب فرانسه وطنش نقش است اما خودش دارد چه میکند آیا دارد یک قسمت فرانسه را می چاپد حاشا وکلا چه شد جنرال هیئت دیروز ولا در هیئت امروز آیا دارد مال مردم بیچاره را چپاو میکند ابدا و اصلا ، آنها شجاعند آنها آدمند آنها خود و مردم خود و خدای خودرا میشناسند ، اما تو فکر بکن که خزعل مرده را بطهران آوردن یا ترکمن وحشی را کوبیدن نباید سبب شود که بهر اسم و رسم باشد کیسه مبارک و شجاعت شما پر شود نباید سبب شود که با رکابی های نایب حسین کاشی دیروز امروز در زیر لوای مقدس شیر و خورشید با جان و مال مردم بازی کنند و نام مقدس سربازی را ننگین نمایند معلوم میشود سرباز ایران هنوز لیاقت نام مقدس و قشنگ سربازی ندارد این است که نام بی اصول نظامی را قبول کرده است در صورتی که همه میدانند پیش از این لفظ « نظامی » به چه اطلاق میشد من خجالت میکشم بگویم به چه . از مطلب پرت نشویم . تو در اخبارات میخوانی که در هوتل های فرانسه ، فرانسه عیاش فرانسه خوشگذران زیاده از دو دوره خوراک داده نمی شود وفلان تاجر کم نام و کاسب انگلیسی دو میلیون پوند بدون سود به دولتش قرض داده فکر بکن اینها برای چه است چرا

این کارها را می کنند و وسایلی که این کارها را می کنند چی است راحتی کدام است چرا ما نمیتوانیم بکنیم مگر خلقت آنها از آهن است و خلقت ما از کاه پیش خود خیال بکن و به بین تو هم آدمی تو هم از اهل خانه دهری زیرا تو هم چای چین و جاوا را با قند مارسیل و مسکو میخوری زیرا تو هم از پارچه منچستر در زیر چرخ دوخت امریکا لباس میدوزی زیرا تو هم شامپانی فرانسه را در جام نوربن آلمان زهر مار میفرمائی و از آن بطنی که ماشاء الله چشم بد دور بزرگ شده و ترقی کرده از گندم پنجاب رهشدر خان مان گندم تناول میفرمائی آخر ای خوش غیرت بخیال بیا از خواب بیدار شو چشمت را باز کن دنیا را که خیلی بهم نزدیک شده به بین خودت را هم به بین و عبرت گیر از تنگنای طهران بدر آ از حقه بازی دست بردار از خر این و آن شدن رو گردان تا کی آخر تا چند، آیا خجالت نمیکشی که آلمانها قالی قشنگت را به وسائلی نمی خرند و تو در دوره فکر [illegible] واردات تجملی هنوز داری سکندری میخوری و گاهی دود فکرت در صفحه روزنامهای طهران مثل اسباب بازی بچه ها زینت اوراق میگردد آیا همیشه میتوانی به ماست مالی زندگانی کنی ؟ نه بخدا. تو جز اینکه آدم شوی چاره نداری آدمی اما آدم تربیت اگر آدم نشوی از دنیا برو بیرون که جای تو نیست دردیکی است شما به بینید در یک قسمت هندوستان در زیر لوای بی همتای «یونیون جک» که سرباز دریائی انگلیس در زیر پرچمش این سرود را میخواند «ای بریطانیا بریطانیا حکمرانی کن بر امواج دریاها زیرا بریطانیا تو هرگز مغلوب نمیگردی» اما امت مرحومه و مات ششهزار ساله گوشه این پرچم را چون مگسی که بروی آئینه صیقل خال می نهد آلوده کرده چرا ؟ برای اینکه اخلاق طهران و تبریز و کرمان را به این مرز و بوم آورده است این اخلاق برده شده است بروی چشمش و نمی تواند به بیند که این شهر شهر اخلاق است این شهر شهر فضیلت است و شاهد آن این کشتی ها این راه های آهن بخاری و برقی این مدرسه ها این کالج ها این عمارات عالیه این میدانهای ورزش این کلوبها این عدلیه ها و اینهمه بنا های عالیه تمام از نتیجه تهذیب و تربیت است هیچ یک آنها فردی نیست تمام آنها اجتماعی است هیچ یک آنها برای دفع شهوت شخصی بنا نشده بلکه امکان بنا نداشته بلکه همه ازروی افکار عالیه اجتماعی و اتحاد معنوی و فضیلت ملی ساخته و پرداخته شده. تو همان خود رأی را داری و همان استبداد را که یک از سجایای مجبوله ما شده است می پسندی آخر فکر کن برای چه و چه نتیجه ایکه از آن مترتب است تو حاضر میشوی سبب این همه خرج واتلاف وقتی گردی اما یک پول در راه عموم صرف نمیکنی و همچون همه ما برای اغراض شخصی حاضر بهمه قسم فدا کاری و پشت هم اندازی و راست و دروغ میگردی انسان مات و متحیر میگردد که این همه فساد این همه نفاق این همه برش و دوزش همه اش برسر هیچ همه اش روی هوا و برسر اغراض شخصی این عادت را که برای شخصی وحقی بدون اسم اجتماعی برسر هم میگویند در جای دیگر سراغ ندارم جز در کشور هندوستان و امثالی،

گویند در زمانی که مملکت (برما) در اختیار راجه خود مستقل بود ایرانی هائی که برای کار و کسب در آنجا اقامت داشتند و هر روز بعادت خود برسر هم میگوییدند عرض حال به راجه دادند و مکرر راجه آنها را صلح داد و باز بهم زدند یک روز راجه بستوه آمده بود گفت آقاان من بشماه شما آفرین میگویم که بر شما مردم مفسد سلطنت میکنید، اما حالا سلطنت برما از میان رفته است خوب است و ای کاش که اخلاق کهنه ما هم از میان برود موافق زمان خلق نیکو و با فضیلت تحصیل نمائیم تا بتوانیم بحیثیت ملیت در جرگه ملل با فضل درآئیم

خوب این راه را کی باید بپیماید. تو باید بپیمائی تو باید از بدی دوری و به خوبی نزدیک گردی تو باید بد را نپسندی تو باید هرجا هو و جنجال بر معنی است از آن دوری کنی تو باید خر سواری وکیل و وزیر نشوی تو باید آدم شارلاتان را از آدم فاضل تمیز دهی و اولی را ول کرده دومی را نگاهداری نه اینکه فاضل در خانه بخوابد و شارلاتان را تو وکیل نمائی و این را باید بدانی که اگر تو بد را نه پسندی بد از تو دور میشود، اینکه آدم بد یا چیز بد نزد تو است تو خودت بد هستی که آن را پسندیده ملاحظه نمائی چرا این بازیها این پشت هم اندازیها این گندم کاریها به این قسمی که ما داریم نزد اقوام دیگر رواج ندارد و ما هم با این اسلحه ها کمتر موفق به غلبه بر دیگران میشویم ؟ برای این است که بد است و بکار نمیخورد، همان شاید یکی در آید وبگوید کودتا فوری ایران رفت درفرانسه و چند نفر را در آنجا و افوری کرد یا اینکه فلان بلژیکی در بوشهر چند دفعه و افور کشید یا فلان قونسل ایران در فلان مملکت اروپا مال مردم راچاپید جواب این است که مرض طاعون هم بعضی وقتها در اثر کشتی های بلاد حاره به اروپا میرود چند نفر را هم میکشد اما اطبای حاذق فوری دفعش کرده و

جلو آن را می‌گیرند اما چپاول قونسل من خیال میکنم کمتر قاضی در اروپا یافت شود که خیال کند که قونسل دولتی هم دزد میشود شاید بعضی جاها پلیس شهر و شهرهم این خیال را نکند این فکر ما است این خیال ما است و اینها همه تقصیر ما است و تقصیر تو است میدانی چرا بعد از آنکه گفتم تقصیر ماست گفتم تقصیر تو است و بهمان اکتفا نکردم .

شنو بگویمت ممکن نیست کسی بتواند عادت یا آئینی را که قلب تو پذیرفته است از سر تو بیرون کند جز تو که به نفس خود فهمیده و آن را بیرون کنی اجتماع را که مرکب از افراد است میتوان تعلیم داد اما قلب افراد را نمی توان در حوزه تعلیم آورد قلب فرد را اگر فرد مصفا نمود قلب اجتماع مصفا گردد حضرت گاندی جی می فرماید ممکن است من براهی را بشما نشان دهم که در آن بروید مال شما است که ریاضت فکر و شست و شوی قلب و کشتن مار نفس خود در آن راه مشی نمائید از قضا در حین نوشتن این نامه نوشته هوشیار شیرازی را در مجله ایرانشهر خواندم نویسنده دانا در زیر عنوان را بقدر آنات تا گورشاعر وفیلسوف هندی می‌گوید در فلسفه مادی هیچ چیز بجز نتیجه ریاضت های مرتاضین اروپا نیست این مرتاضین و کاشفین از خود بی خود می گردند و کار را برای مزد نمی کنند اینها خواب و خوراک نمی دانند بلکه بجسم خود اعتنا ندارند در کشف امریکا مرگ را پیش رو می بینند در مسافرت به قطب شمال درمیان برف و یخ مدفون می گردند در میان لابراتوار ها در میان احتراق گاز ها می سوزند برای ترکیب یا تجزیه اعضاء بدن خود را ناقص می نمایند با این حال در پی آگاهی میروند و خطر را هیچ می‌شمارند فقط وفقط شاهد مقصود است که روح آنها را لذت می بخشاید » بلی همین است اصلاح خود کردن هم که اولین قدم در راه حیات به افتخار و دوام است ریاضت میخواهد باید همه فکر کنند که اگر من خوب شدم همه خوب خواهند شد و این فکررا اروپائی کرده ومیکند [illegible] و همین است که برمشکلات خویش هم فائق آمده و هر ملت دیگر هم این راه را به پیماید فائق تواند آمد . (نالان)

نمایشگاه فلاحتی در پونا

(۱)

شهر شهیر پونا و پای تخت سلطنت مهاراتا در سال ۱۸۱۷ میلادی به تصرف دولت بریطانیا درآمده و آخرین پیشوا یا راجه آن [باجی راو] از تاج و تخت آبائی خود محروم گردید و از آن سال شهر پونا جزو ایالت بمبئی گشت در این سال ۱۹۲۶ میلادی در دهه آخر ماه اکتوبر در تحت فرمان فرمائی لارد [ایروین] در هندوستان و حکمرانی سر کیانی ویلس حاکم دانای بمبئی نمایشگاه فلاحتی ایالتی در این شهر دایر گشت . تیمز آف اندیا می نویسد این اولین نمایشگاه فلاحتی مجللی است که در مشرق فراهم گشته از وقتی که نایب السلطنه نو وارد هندوستان عده توجه خاص به زراعت این کشور دارند و میلیون ها صرف [illegible] که در دوره زمامداری ایشان زراعت این کشور صورت بهتری بخود گیرد. هرچند طول مدت نمایشگاه بیش زیاده از دو هفته نبود ولی در همین مدت کم زارعین بی سواد این ایالت و عمال زراعت و حتی کسانیکه بیرون از کار زراعت بودند توانستند بهره وافی از نتیجه زحمات حاکم جنتلمن خود برگیرند .

ابتدای ورود به نمایشگاه بیننده به قسمت آبیاری برمیخورد . در این جا انواع و اقسام تلمبه ها وارتزن مشغول کار است انواع واقسام آب کشی با دست و با گاو که رواج مملکت است مشغول کار است نگارنده که از آهنگری و میخانیکی بی ربط میباشم نمی توانم بشرح تلمبه های بخاری و آلتهای برقی بپردازم و چون عقیده دارم که این جوره ماشین ها برای زارعین بی سواد و دهات بی راه آهن بکلی ضرر دارد زیرا بعد از چند روز جز آهن پاره چیزی نیست لذا گرد وسعت آن هم نگردیدم تا ایرانی بوالهوس بفکر آن بیفتد آنچه بنظرم بکار آمد یک جور چرخی است که موسوم است به « راحت » این چرخ چیز تازه نیست و ماهم آن را در ایران داریم مخصوصاً در اطراف شهر کرمان خیلی رواج دارد و آن را دولاب میگویند در پنجاب هم همان جور چرخ دولاب ولی سهل تر و بهتر از مال کرمان است رواج دارد و آن را چرخ ایرانی میخوانند اما این هردو چرخ یادگار دوره جان بی جان و مانند شهر کرمان کهنه است و دست سلیقه ایرانی نخواسته است آن را اصلاح کرده و موافق زمانش سازد هر چند دست کرمانی چوب وافور را از شکم زمین و از ریشه خار بیرون آورده و دولاب وافور را از مشرق و مغرب عالم به دارالامان آورده است ولی حضرت وافور غیرتی برایش باقی نگذاشته‌است که چوبهای معوج گردونه را مبدل به آهنهای دندانه‌دار نماید تا کار سریعتر و بیشتر آب از چاه کشیده باشد اجمالا چرخ آب کشی راحت عبارت است از یک عمود آهن که روی زمین طوری نصب شده که قابل گردش است بالای عمود چوبی است که به شاخه گاو برای چرخانیدن متصل است و پائین عمود و چرخ دندانه داری نصب است و دندانه های آن به دندانه

چرخ دیگری که بر سر عمود آهن دیگری که بروی زمین خوابانیده شده است ، توی هم شده آخر عمود آهنی که بروی زمین گسترده بچرخ چاه وصل است همینکه گاو شروع بحرکت میکرد عمود آهن ایستاده بوسیله چرخ پائین خود عمود آهن خوابیده را میچرخاند و چرخ روی چاه شروع بگردش میکند در اطراف چرخ روی چاه ظرفهای آهنی یا زینك مانند تسبیح آویخته دانه تسبیح بهم وصل است اما ظرفهای آب که ما به دانه های تسبیح تشبیه کردیم بفاصله یك وجب از هم دور است در پهلوی چرخ چاه و کمی زیر آن ظرف آهنی است که بوسیله مجری یا جوی از چاه عبور کرده و به حوض یا منبع یا باغچه رسیده وقتی که چرخ چاه چرخید آب ظرفها بردیف در ظرف پهلوی چرخ خالی شده و خالی از طرف دیگر چرخ بچاه پائین میرود و آبهای کشیده شده بطوری که چشمه کوچکی جاری است متصل تعوض ریخته میشود

این چرخها خیلی محکم و رنگزده و قطع دارم هر استاد آهنگر خود مانی که آن را به بیند از روش خواهد ساخت خیلی ساده است و چندان استادی در کار ندارد . هرگاه گودی چاه یا به اصطلاح رعیتی ریسمان خور چاه هفت گز باشد و عدد ظرف آب یا دلو آهنی که ۲ گلن آبگیر داشته باشد چهل دلو دور چرخ لازم است و در آن حال ساعتی ۴۸۰۰ گلن آب از چاه کشیده میشود و همه آن چرخ بالوازم ۴۰۰ روپیه خواهد بود بدیهی است عمق چاه زیادتر دلو وسیخهای بیشتر میخواهد و برقیمت علاوه میشود . در نمایشگاه پونه الی ساعتی ۱۰۸۰۰ گلن برای نمونه حاضر شده بود . چرخ دستی آنهم بهمان قرار مذکور فوق ممکن است که حتی بچه ده ساله به آسانی بچرخاند ساعتی ۳۰۰ الی ۶۰۰ گلن آب کشیده میشود و قیمت آن ۱۳۰ الی ۱۵۰ روپیه است یك نکته را باید بیاد داشت که چاه در همه جای ایران یکسان نیست و این چرخها که در نمایشگاه پونه نمونه آورده بودند بیشتر برای لب رود خانه یا چاهی که منتها نه ذرع ریسمان خور داشته باشد بود البته برای چاه یازده ذرعی دو گاو زوردار واستوانهای محکمتر لازم میگردد

نکته دیگری را که باید در نظر داشت صافی و صیقلی بودن چرخها و عمود های آهنی است که با ماشین ساخته شده و سریع الحرکه است و گاو را خسته نمیکند در صورتیکه اگر این آهن ها صیقلی نباشد یا کج شود گاو یا خسته میشود یا اینکه قادر حرکت آنها نخواهد بود و الا در سادگی و خوبی ساخت آن حرفی نیست به رای من جاهائی که مناسب کار چرخ راحت است اهواز و اصفهان آنجا هائی که نزدیك رود خانه است البته گرمانهم خوب است برای چاه کم عمق

قبلا گفته شد که تلمبه های آتشی برای جاهای بی راه آهن خوب نیست معلوم است هرگاه جائی باشد که اگر میخ یا پیچی از آن ماشین ها شکست استادی باشد که آن را زود درست کنند تا عمل زراعت معطل نشده و آب به کشت برسد آنها هم مفید است در یك قسمت دیگر نمایشگاه درخت زار بود در این قسمت درختهای نارنج و نارنگی و لیمو کاشته شده پهلوی هر درخت گودی جائی که آن درخت باید نشانده شود ترسیم شده و مقدار خاك و کودی که باید در آن گودی ریخته شود هر یك علیحده نشان داده شده است و چون در هندوستان میوه زود پوسیده میشود در همان درخت زار در کناری ماشین عرق گیری و شیره کشی و مرابزی قرار داده بودند که از میوه ها شیره گرفته مانند آب لیمو و آب نارنج و در بطری کرده سر آن را بقاعده علمی می بندند که ضایع نشود و هرگاه میوه برای مربا خوب است آن را مربا پخته باز در شیشه های مخصوص مربا پر کرده و سر آنها را بقرار پیش می بندند وصندوق بندی کرده آماده حمل و نقل مینمایند این نمایشگاه در کالج زراعتی مشهور پونا واقع شده بود و این کالج زراعتی اسم با مسمی است مثل مدرسه های ما اسم بی مسمی نیست اثاثیه آن غیر از میز و صندلی وکتابچه و معلم عبارت از زمین بسیار وسیعی است که هر قسم زراعت و فلاحت در آن شده است و وقتی که معلم با شاگرد از نیشکر صحبت میدارد ممکن است شاگرد آمده از نیشکر زار و کلمات معلم را با چشم به بیند یا اگر از شخم زمین و طرح قدیم و جدید گفتگو میشود معلم شاگرد را می آورد در پشت سر گاو و شخم و گاو آهن و حالی او میکنند و از آنجا به طرح شخم جدید برده نشانش میدهد چون این علوم فقه و اصول نیست که به قال وجنجال حل و مدرسه طب طهران هم نیست که دکتر تشریح ندیده و نکرده و دار التجزیه نداشته را بقصد جان مردم صادر نماید اینجا مدرسه راست گویان است بچه مردم را که شاگردی قبول کردند خودرا مسئول میدانند که علمی که بکار دنیا بخورد و علم لدنی نباشد به او بیاموزند این است که اسبابهای علمی را هم فراهم آورده موجود میکنند سپس اسم کالج یا اسم گنده تر دار الفنون را بر او میگذارند و اینکه نمایشگاه پونا خیلی جالب توجه گردیده عمده آن بجهة فراهم بودن بعض اسبابهای در کالج زراعتی پونا بود چون درختهای میوه کشتزار های نیشکر و پنبه و سبزی جات میدان های یاد دادن آلات شخم و کود بعمل آوردن کود

طویله های گاو و اسپ و شتر و فیل چراگاه مرغ و خروس همه اینها کما بین موجود است هر چه موجود بود در آن زیاد کرده بودند و بصورت نمایشگاه بیرون آورده بودند (مسافر)

سرحد بندی عراق

یك از مسائلیکه خیلی برای ایران دارای اهمیت است همانا مسئله سرحد بندی عراق است - عراق امروزه - عراق دیروزی نیست عمده اشکالیکه برای ایران در سرحد بندی عراق می باشد اینست که طرف ما مردمان اعلم زرنگ وهوشیار انگلستان است

مخبر رویتر خبر میدهد که جامعه ملل به نمایندگان سرحد بندی عراق و ایران و ترك توصیه نموده است که رعایت سرحد بندی کرد ها بعنی بشود که در فشار عراقی ها نمانند این مسئله خیلی پیچیده است یعنی همان نقشه است که لارد کرزن تازه گذشته برای آزادی کردستان کشیده نهایت صورت او قدری فرق کرده و بشکل وسیعی که اراده داشتند نشده برای اینکه کرد ها را از خیال آزادی بیدارند می خواهند موصل و همان سرحدات کرد نشین را ولو تحت عراق قرار بدهند در امور داخله خود یك گونه آزادی بدهند و این آزادی برای آنها نیست برای بردن آزادی کردستان ایران و ترك است اینست که ما گفتیم سرحدی بندی عراق برای ایران یك از مسائل مهمه است -

در اینجا چند نکته را باید اولیای دولت علیه ما از نظر مال اندیشانه خود دور ندارند -

اول - سلیمانیه - نمایه است بکردستان ایران چه این قطعه همیشه ضمیمه کردستان ایران بوده نهایت چند سیاحی بوده که مبلغهائی مصرف کرده وندادند علاوه ازروی جغرافیای سرحدی و اصول جنگی اگر سلیمانیه وملحقه آن شامل موصل گردد - همواره کردستان ایران دچار مخاطرات شدیده تواند ماند و از این ممر ایران دچار خسارات زیاده تواند گردید

دوم - قطعه اراضی نفت خیزی است که در سال ۱۹۱۳ در سرحد بندی ترك و ایران از روی خلیات سیاسی انگلیسها شامل بعراق ساختند واین قطعه برای ایران خیلی ذی قیمت است چه علاوه بر اینکه بالاساله نفت خیز است موقعیت آن چنان واقع گردیده که بقول برخی ارباب فن ممکن است وقتیکه چاه های نفتی در آن اراضی احداث شود تا فاصله درازی اراضی نفت خیز ایران را بی حاصل کنند یعنی نفت آنسان را بخود جلب نماید سابق بر این امید بود که کمپانی نفت ایران مدعی این امر شود حالا که نفت عراق را هم می خواهند بهمین کمپانی امتیاز بدهند ایران باید الا در اینموضوع ایستاده حقوق خویش را ضایع نگذارد

سوم - مسئله آبنای قو تا بصره و محمره است چه شط العرب در اینجا مشترك بین ایران و عراق است و بواسطه اینکه ایران اداره بحریه نداشته شنیده می شود حتی از کشتی های ایرانی هم حق العبور می گیرند و این مسئله البته باعث بحقوق مالکیت ایران لطمه وارد تواند آورد

ایران خیلی کم بعراق توجه نموده و می باید و البته امکان دارد کلیه حقوق ایران در عراق ضایع میگردد مثلا ما از دیر باز در زمان سلطنت عثمانی برخی حقوق مشروعه بعراق داشته ایم آن حقوق باید بواسطه انتزاع حکومت از میان برود چه حقوق ما بر عراق بوده نه بر عثمانی و عراق بجای خود باقی است البته حل این مسئله چندان آسان نیست منجمله حقوق ایران بر عراق این بوده که در تعیین والی عراق رضایت ایران لازم بود حالا مسئله والی گری بر داشته شده چگونه این مسئله باید حل شود و چطور این حق مشروع ایران از میان نرود یا تبدیل بما عوض گردد خیلی باید غور و تعمق نمود

چیزیکه صراحتاً حقوق ملی ما را تضییع می کند وضع قانونی است که عراقیها می خواهند برای رعایای خارجه آنجا وضع نمایند یعنی می خواهند آنان را اخراج کنند و یا قبول به تبعیت خود سازند و وضع این قانون خاصه برای ایرانیان است ورنه دیگران رعیتی ندارند اگر گفته شود که جماعت هندی هم در آنجا هست جواب خواهیم گفت که در نظر مصری و ارباب سیاست هند وعراق درحکم واحد اند

البته ایران باید در این موضوع خیلی با فشاری کند ورنه کلیه حقوق آن پس از چند سال در این مرکز ایرانیت عاطل و باطل خواهد ماند

دیگر اینکه نگرانی ایران در ایام امپراطوری عثمانی هم بر خزاین کربلا و نجف وغیره بوده و باید هم نماید چه بیشتر آن خزاین اشیائیست که ایرانیان در آنجا برده اند تمام آن عمارات عالیه وغیره از نقود ایرانیه تعمیر یافته الحال هم سالی کرور ها ثروت ایران از موقوفه وغیره در آنجا میرود اینها همه مسائل است حقوقی و سیاسی و اقتصادی اولیای ایران باید در موضوع عراق و سرحد بندی آن که منجر بمعاهده جدید بین این دو مملکت خواهد شد و از آن هم دولت ایرن خواه مخواه بحالت موجوده حکومت عراق را تسلیم خواهد نمود خیلی بدقت کار کنند ما هم در این موضوع در آتیه رأی خود را خواهیم نگاشت

طبرستان یا بهترین نقطه دنیا

(۲)

(استعداد طبعی مازندران)

یک قسمت از مطالعات من نتیجه مشاهدات و تجربه هائی است که با چشم خود دیده و قسمتی را هم از اشخاص مطلع تحقیق و یاد داشت کرده‌ام - ولی باید دانست کلیه مشاهدات و تحقیقات من آن هم در ظرف چهار روز مسافرت کافی از صدی یک از خصوصیت خطه طبرستان میباشد و برای مطالعات کامل در جمیع مسائل مربوطه آن جا قصد دارم بهمین زودی باتفاق چند نفر از مطلعین محلی و متخصصین مسافرتی در تمام نقاط آستارا - گیلان - تنکابن - مازندران و سواحل میان کاهاله و استر آباد بنمایم

میگویند سر زمین شامات از حیث استعداد طبیعی بر اغلب نقاط دنیا رجحان دارد چه اینکه درخت نارنج و گردو که در دو منطقه متضاد بعمل میاید در شامات نزدیک بیکدیگر نشو و نما میکنند

من در اثنای مسافرت ساری بچشم خود ... مشاهده نموده که درخت های توت - چنار - گردو - شفتالو - گوجه - انجیر - انگور (واندوس) پرتقال - لیمو - انار - نارنج و بالاخره جمیع اشجار و نباتاتی که مربوط بتناسب استعداد و آب و هوای منطقه های متضاد است بالا درجه خوبی نمو نموده و در زیر سایه یکدیگر بار آورده است

مطابق قواعد اصول فلاحت هر یک از نقاط از حیث استعداد جوی و املاحی که در آب و خاک آن وجود دارد یکنوع اشجار و نباتات مخصوص را پرورش داده و انواع دیگری را یا کلی پرورش نمیدهد و یا آنکه باید بوسائل شیمیائی وغیره در آنجا تربیت نمود مثلا در ییلاقات شمیران توت و گردو بسرحد کمال میرسد و اما نارنج و پرتقال در گلخانه ها همه تربیت شده و درخت آن بقدر یک درخت گل است که در گلدان نگاهداری میشود

در کاشان و یزد که در سواحل کویر مرکزی واقع است انار و انجیر خیلی خوب بعمل میاید و همینطور شفتالو و زرد آلوی اصفهان فوق العاده جالب توجه است اما در هیچیک از نقاط مزبور نه گردو بعمل میاید و نه نارنج

ولی هر کس درخت های کهن و بار آور انجیر و نارنج و گردو که باندازه یکدیگر نمو نموده اند در ساری تماشا نماید مثل نگارنده انگشت حیرت بدهان خواهد گرفت

اینها که اشجار خودمانی است در عین حال درخت (اکالیپتوس) که دشمن مالاریا و انواع خواص طبی را داراست و نهال چای و درختی که (بقول عوام باقمان سلام کرده) بمحض اینکه چند نهال آن را غرس نمودند بعد از سه سال جنگل های بزرگ تشکیل خواهد داد

حالا استعداد طبیعی نقاط سردسیر و گرمسیری مازندران برای پرورش دادن انواع اشجار و نباتات با چه حدادت تشخیص آن بعهده متخصص عالیمقام فلاحت است

محصولات مازندران

علاوه بر ... کاری حیرت انگیز مازندران انواع حبوبات از گندم - نخود - لوبیا - ماش وغیره اعلا درجه خوبی بعمل میاید و همچنین اخیرا پنبه کاری و نیشکر کاری را هم معمول و اگر تشویقی در کار باشد کل ترقی میکند

میوه جات صیفی مازندران از قبیل هندوانه و خربوزه بسیار فوق العاده خوب و کثرت بار آوری آن ها افسانه به نظر میاید

شکر مازندران معروف دنیا است ولی چون متاسفانه کارخانه تصفیه نداریم زراعت آن غیر قابل اعتناء است

کثرت گیاه ها و گل های شیمیائی آنجا که برای تهیه دوا و عطریات در درجه اول اهمیت واقع است قابل تعداد و شماره نیست یکی از مال التجاره های عمده که اخیرا معمول شده است (بهدانه) تخم به جنگلی است این شیئی نفیس که هنوز نه عشر آن در جنگل ها میگندد برای گرفتن لعاب آن و استعمال در اغلب کارخانه جات و لوازم (توالت) فوق العاده طرف احتیاج است فعلا خرواری صد و هشتاد الی هفتصد تومان فروش میرود حالا چند هزار کیلومتر مربع جنگل داریم خدا میداند

در شبه جزیره میان کاله که تقریبا وسعت آن بقدر خمس مازندران و مانند امریکای ششصد سال قبل هنوز یک جنگل وحشی و کشف نشده است درخت (کائو چو) وجود دارد یعنی در نتیجه تحقیقات مشروح معلوم شد زمانیکه فقط در سواحل آن جا اداره شیلات تاسیساتی داشته مهندسین اروپائی بداخل جنگل مسافرت نموده معلوم شده است دوازده فرسخ جنگل [کائو چو] در آنجا هست

کسانیکه میدانند امروز (کائوچو) چه قدر و قیمتی را دارد و مانند نفت و آهن محتاج علیه است عظمت این ثروت های بی پایان را تشخیص خواهند داد استعداد طبیعی مازندران برای تربیت کرم ابریشم در همه جا مشهور است ولی فعلا بقدر استعداد آنجا استفاده نمیشود

بطور خلاصه میتوانیم محصولات عمده فعلی مازندران را (آنچه دیده و تحقیق کرده و در نظرم هست) طبق ذیل شماره نمایم درخت های صنعتی جنگلی از قبیل شمشاد آزاد وغیره - انواع میوه های درختی - انواع میوه های زمینی - انواع مرکبات - برنج و انواع حبوبات دیگر - پنبه - کنف - ابریشم - انواع گلهای درختی و زمینی برای عطر کشی - انواع گیاه های شیمیائی و کائوچو

بعلاوه بواسطه مراتع بی نظیری که دارا است دامپروری ها گاو شیر ده و گوسفند و بوقلمون و غاز و مرغ خانگی در محوطه مازندران تهیه میشود و هرگاه از آفات حیوانی که متاسفانه فعلا سر تا سر سواحل بحر خزر را فرا گرفته است جلوگیری بعمل آمده و از روی اصول علمی به تربیت مواشی شروع شود استعداد تهیه ملیاردها حیوانات اهلی را خواهد داشت

گذشته از اینها شکار حیوانات جنگلی از قبیل گوزن آهوی جنگلی گاو کوهی خوک و مرغهای آبی که زمستان ها از روسیه بسواحل بحر خزر مسافرت می نمایند خود یکی از منابع ثروت مهم بشمار میرود

از قرار تحقیقاتی که بعمل آوردم هنوز در یك قسمت مهم جنگل و مخصوصا حدود شبه جزیره میان .. ه هزار ها حیوانات درنده از قبیل شیر و ببر و پلنگ وغیره زندگانی میکنند که از طرفی بر انداختن آن ها نهایت ضرورت را داشته واز طرف دیگر پوست بعضی از آن ها فوق العاده گرانبها است

خلاصه اگر بخواهم کلیه محصولات این خطه زرخیز را جزء بجزء شرح دهم کتاب ها لازم دارد حال از این آب فراوان و زمین بارور و هوای مستعد چه محصولات گرانبها تری را میتوان بعمل آورد این هم یك مبحثی است که مطالعه و اقدام در آن مربوط به آقای مکی متخصص فلاحت بوده و باید انتظار عملیات ایشان را کشید

[باقی دارد]

طناب گرانبهاتر است

اگر یکی از کره مریخ بزمین آمده و اعلان پارکه بدایت طهران را راجع به دردی طناب میخواند تصور میکرد جمهوریت افلاطون در ایران تشکیل شده است

کار عدالت در ایران بجائی رسیده است که فقط یك رشته طناب از شتر داری دزدیده شده بود مدعی العموم آن را در جرائد اعلان و بدزد هم اخطار میکند که بمحکمه حاضر شود والا غیابا محکوم خواهد شد دیگر دزدی در مملکت نیست همه با تقوی و صحیح العمل هستند !

اما من که بدبختانه ازکره مریخ فرود نیامده و اهل همین خاکدان فساد و شر هستم و در طهران هم زندگانی میکنم ازمفاد این اعلان خنده ام گرفت خیلی هم مضحك بود ولی نه از برای این که طناب یك چیز حقیری است و نباید مرتکب سرقت آن مجازات شود ؛ خیر سرقت هر قدر هم کوچك و ناچیز باشد بد است و مرتکب آن باید بمجازات برسد

اما این مسئله قابل دقت است که چرا دزد های بزرگ آنهائی که مملکت را به صد و سی هزار لیره فروختند ، آنهائیکه اداره تعدیه را صرف وارد کردن سیاست مافیا و موجبها نمودند . آنهائیکه مثل آصف الملك نود هزار تومان از مالیه اصفهان غارت کرده و بعد در ایام حکومت دشمنان از هیچ نوع تطاول و بیحسابی خود داری نکردند آنهائیکه شصت هزار تومان از مالیه اصفهان و شیراز و کرمان دزدیدند آنها چرا بمحاکمه دعوت نمیشوند

آیا این صحیح است که در وطن بدبخت ما دزدی قدر و قیمت دارد ، اگر یکی از اعضاء دوائر صریحا مادرت بدزدی کرد ترقی میکنند و با خواستی از او نمی نمایند و یا اگر خواستند مواخذه کنند باو اضافه حقوق میدهند تا تواند دزدی خود را ادامه دهد

ما از پارکه بدایت خیلی متشکریم که طناب دزد را تعقیب میکنند ولی آیا قیمت مملکت ایران از یك طناب هم کمتر است

ممکن است بگویند این از مسائل سیاسی است و پارکه نمیتوانست وارد آن شود و فقط اعمال خود را متوجه مسائل جنائی می نماید

خیلی خوب دزدی طناب از لحاظ قوانین عدلیه مهمتر است یا قتل نفس و جنبه جنائی کدام یك بیشتر است

آنوقتی که وثوق الدوله بدون محاکمه مردم را بدار میاویخت در طهران پارکه موجود نبود یا قتل موسی که غیر ازوطن پرستی گناهی نداشتند در نظر پارکه محترمه بدایت و استیناف طهران از دزدیدن یکرشته طناب بی اهمیت تراست

از این فورمالیته بازی ها بتنگ آمده ام از این مملکت بی تقوی و بی پرنسیب و عاجز کش و ظالم پرور مایوسم در پیشانی این جامعه درویش قلندری که از بیحسی در مقابل ظالمین خیلی رحیم و رؤف ودارای عفو و اغماض است و در مقابل ضعفا قسی وبیعاطفه است نور رستگاری نیست

باید این اخلاق عوض شود جامعه بدون تقوی قابل بقا و دوام نیست عفو و اغماض نسبت بخائنین و جنایتکاران غلط است رحم و عاطفه و اغماض فقط برای طبقهٔ ضعیف مستحسن است قانون باید استثنا ناپذیر و با شمولیت تامه باشد تخطی از این اصول که بقاء عظمت امم بر روی آن استوار است غیر از انقراض و اضمحلال و مرگ هیچ نتیجه قطعی ندارد

[شفق سرخ]

ایران و نفت جنوب

مسیو ویلیم ناکس دارسی نیوز لندی امتیاز حفر معادن نفت جنوب را درسنه ۱۳۱۹ از دولت مظفری حاصل و اولین عملیات برای استخراج نفت در حوالی چاه سرخ و قصر شرین شروع نمود که چندان استفاده نه بخشید سپس بعدها و همراهی کمپانی نفت « برما » عملیات خودرا در مسجد سلیمان که تجاوز ۱۵۰ میل بعد مسافت تا مرکز تصفیه نفط در عبادان است امتداد داد که حالا منافع عمده و سرشار حاصل کرده ومیکنند که شرحش مکرر نگارش رفته است بعد ازان متخصصین طبقات الارض « جیا لوجست » این شرکت در نواحی پشت کوه خاک والی درمحال « دلیری » و « دهلوران » که تقریباً ۷۰ میل تا بندر علی غربی در ساحل رود دجله مسافت دارد روانه و اعزام نمود که چند سال دراینجا مشغول حفرچاه های نفت بودند و نیز تقریباً ده سال در جزیره قشم که ۱۲ میل تا بندر عباس بعد مسافت دارد و درنقطه دیگر معروف به « ماماتین » که ۸ میل تا رامهرمز دور است حفرچاه های نفت نمودند که شرح و اوضاع آنها در اینجا گنجایش ندارد دراین چند نقاط نفت سیاه عاید گردید ولی قابل استفاده کلی نبوده است اکنون مهندسین و متخصصین علم معدن شناسی این کمپانی در اطراف دشتی قرب بندر لاور در نقطه « هدکو » و « بالنگستان » و « گزدراز » و چند جای دیگر مشغول تفتیش و پیدا کردن معادن هستند و عملیات خودرا تا قرب بندر لنگه و ساحل بندر عباس امتداد داده اند -

در سال ۱۹۲۱ع کمپانی عملیات خود را درمحال « ماهور ومیلاتون » در دشت قیر و تکاب بیگزر و میشان که تقریباً ۲۱ فرسخ مسافت راه وجاده موتروی ساخته شده تا بندر معروف به قاچاقی یعنی بندرگناوه که ازبلوک دشتستان وخانه حیات داود است ودرضابطی حیدو خان خودسر معروف است وسعت داده است مقدمتاً شرکت نفت جنوب بریاست سر « ولسن » مشهور ومعاونی مسیو چك قونسل در شیراز با خوانین کشکولی فارس که از اولاد های مرحوم حسن خان و مرحوم قاسم خان کشکولی هستند معاهده درنقطه چهل چشمه قرب دشت ارژن مستقیماً بدون اطلاع دولت بسته و این معاهده کاملا بنظر سیاسی منعقد گردیده ومعناً برخلاف صوت الدوله قشقائی بود از آن تاریخ کمپانی مامورین مخصوص بطرف دشت قیر اعزام داشت تا این موقع چند چاه نفتی دراین محال یعنی در نقطه « سوراخ بدر » و « تنگ کله کاو » حفر شده است ولی استفاده عمده بدست نیامده است وسعت خاك « ماهور و میلاتون » از طرف شمال جنوب در طول ۲۸ فرسخ و از مشرق بمغرب در عرض ۲۵ فرسخ بلوك مذبور دارای ده قریه آباد وچندین دهات ابر است و ۱۲ چشمه های خوب ومشروب دارد که به اندك توجه قابل هر قسم ترقی وعمران است که منافع عمده میتوان حاصل کرد شرکت محترم نفت از هر قسم عملیات مالکانه در این حدود خود داری ندارد و مامورین سیاسی و مهندسین این شرکت در هر نقطه و محل بلا مانع ایاب وذهاب دارند و در ملاقات های سری وعلنی با خوانین محلیه وبستن عهدوپیمان با انها بلا رادع هستند اکنون شرکت محترم نفت میدان عملیات خودرا توسعه داده و درمحال و نقطه « دو گنبدان » در بابا محمد قرب بلوك [باشت] و [باوی] ابوالجیمی اسد الله خان که تقریبا ۱۲ فرسخ تا ماهور و میلاتون و میشان مسافت دارد مشغول ساختن راه و جاده متر روی است که در اینجا مشغول حفریات چاه نفتی بشوند انچه به تحقیق رسیده است آثار وعلائم نفت سیاه دراین نقاط بسیار است و بعضی معادن دیگر مثل گچ وگوگرد ومس و چندین فلزات دیگر دراین نقاط موجود است و کمپانی نفت حالا در صدد است که جاده شوسه از این نقاط فوق الذکر تا بهبهان و از اینجا متصل شود به رام هرمز و مسجد سلیمان که معنا تمام خاك و نقاط عرض اشتر و خیر آباد وبهبهان وطوایف کشکولی - در شولی - بور احمدی باشت و باوی کوه گیلویه تا برسد به رام هرمز که خاك بختیاری است درتحت نفوذ این کمپانی محترم خواهد آمد معلوم است با این مامورین هوشیار و بذل انعامات و بخشایش آنها چه اثرات مضر تواند بخشید نگارنده هرچه فکر میکنم که عاقبت و مال این شرکت نفت با این قدر وسعت خاك و طوایف وحشی و ملاقات و آمیزش با این همه خوانین طماع که عاری از حب وطن و عزت نفس هستند چه خواهد بود چنانچه باین اوضاع دلسوز و حرکات خودسرانه این شرکت محترم خاتمه داده نشد و مامورین این کمپانی

قاتل مایشا ویحکم مایرید باشند طولی نخواهد کشید که تمام این نقاط و طوایف مختلفه وحشی از تحت نفوذ حکومت مرکزی بیرون رود مگر آنکه زمامداران امور مملکت و ملت شخص اولی العزم امروزه یعنی اعلیحضرت پهلوی در فکر اصلاحات این مملکت بدبخت حاصل می نوا افتاده و دست عیب ممارن او گردید یا حقیقت اسلام ظاهر میکند ودجال و مغرضین و خائنین ... آنان معدوم شوند ومملکت و ملت را از حضیض ذلت ... ترقی و تعالی برساند واین چند ماده ذیل به اولیای دولت جوید بیان ابراز گردیده مقبولاند که کمپانی این شروط مقید و پابند شود

۱ چنانچه ممکن بشود موافقت شرکت ... در تجدید نظر در اصل امتیاز کمپانی ـ

۲ ـ بدون اجازه واطلاع مأمورین ... وزراء افسران بانکی ... نقاط مختلفه و ملاقات با خوانین ... اشود مگر آنکه دو نفر از طرف مأمور محلی که معروف ... باشد همراه آنها در این قسم ایاب و ذهاب باشند

۳ اعزام مفتش مخصوص و مفتش ... در نقاط مختلفه که عملیات کمپانی جاری است برای تحقیقات و تفتیشات و دادن راپرت مفصل و مبسوط به مرکز ـ

۴ معین نمودن میزان حدود وحقوق منشی های ایرانی ـ که باید حقوق و درجات آنها همچون منشی های هندی ورتبگیری محفوظ و مقرر باشد که حق تلفی در باره آنها واقع نشود چنانچه حالیه حقوق آنها پایمال است و در مقابل منشی های هندی شئونانی ندارند

۵ ـ ترتیب صحیح در ... عمله جات و کارگران ایرانی که نسبت به کارگران هندی در اداره ایرانی خیلی بی اعتدالی و عدم رسیدگی ... شکایات آنها می شود چنانچه شرایط فوق ... مقبولانند بهترین خدمتی است که دولت جدید و رجال دولت بوطن محبوب و ملت ... کرده اند

حمل اجناس

چنانچه در جراید ایران دیده می شود عملیات کمپانی نفت جنوب حتی در خاک سیستان هم شروع گردیده بعقیده جراید این خاک سیستان خارج از منطقه امتیازیه کمپانی است اگر چنین باشد لازم است ... جداً جلوگیری نموده عملیات کمپانی را در حدود امتیاز نامه نگاه دارند از همه بالا تر اینکه نباید یک کمپانی و صاحب امتیاز خارجی در هر اقدام مطلقاً آزاد باشد باید کاری کرد که کمپانی

حرکات خود سرانه یا غیر قانونی ... آنچه بنماید باطلاع و اجازه دولت ... باشد این نکته را هم ایرانیان باید بدانند که مسئله نفت در آینده نزدیک اهمیت ... پیدا خواهد نمود و قیمت نفت نیز روز بالا و ... بالا خواهد گردید خیلی باید قدر و قیمت اراضی نفت خیز خودرا بدانند ایران پس از ده سال دیگر اولین نقطه نفت خیز دنیا خواهد شد باید دانست که نفت امروزه عالم در صدی هفتاد ... و اختیار امریک است چه خود استعمال می کند یا بمصرف فروش میرساند و از قرار اخبارات موثقه امروزه ایران در درجه دوم ممالک نفت خیز شمار آمده یعنی بعد از امریک هیچ مملکتی مانند ایران نفت خیز نیست بلکه مهندسین و متخصصین این فن ایران را دریای نفت می گویند و بعقیده بسیاری ممکن است طولی نکشد که حاصل نفت ایران ... امریک هم مزیت پیدا کند بتازگی رئیس جمهوری امریک کمیسیونی از مهندسین و محققین معین نموده ... تحقیق کنند که نفت امریک بمیزان مصرف امروزه برای چند سال کافی است پس از ۱۸ ماه تحقیقات کمیسیون معین شده است که امریک بیش از ... سال دیگر بمیزان حالیه نمیتواند استعمال نفت نماید ... معنی این تحقیق آنست که پس از ٦ سال دیگر صدی ... از عایدات نفت دنیا خواهد کاست ... حصه های دیگر این تحقیق کار ادارهٔ امریک ... خود را بهتر می داند ما می خواهیم به هموطنان خود ... که این چشمه های طلای جاری خود را ... از دست ندهند معلوم است که ... امریک سرمایه های بزرگ برای ... معادن نفت از خارج بیرون خواهند داد و تا ... مملکتی مانند ایران نفت خیز ظاهر نگردیده لذا ... قدر و قیمت اراضی نفت خیز خود را ... ولی ... از کار کردن در معادن نفت بهیچ خارجی ... ایران محتاج سرمایه خارجی است ولی باید سرمایه های سیاسی را نگذارند داخل ... گردد ما در موضوع نفت در آینده ... هم عقاید خود را خواهیم نگاشت ـ

تدابیر توفیر مالیات

در این ایام سعادت فرجام هر کسی بجهة افزایش عایدات دولت ... آیت ایرنی رائی پیش میکند ، ولی محلهای عدیده وخرابهای دست نخورده بسیار است که دولت میتواند از آن فائده هنگفت برگیرد و از حدود ... تجاوز نکرده باشد ، ولی بجهة ... و تنظیم این امور مردمان متدین و زحمت کش و وطن دوست و بی غرض وعالم از قوانین آن لازم

است تا خیانتی در رقوم مالیات دولتی نکنند و مال دولت را مال خود نه پندارند و مرتکب اجحافات دیگر نشوند و در حق عامه ظلم و تعدی روا ندارند ولی تا سزا و جزائی در کار نباشد این امور حسن انجام نپذیرد و دولت قوام نگیرد

وصول بمقصود بطرق مختلفه میتواند شد . فعلا ما سه از آن را تقدیم میکنیم و تشریح هر یک از آنها را مختصراً در ذیل بیان خواهیم گذاشت

اول اداره انعامات است ... دوم مساحت اراضی مزروعه و قابل زرع — سوم نظام موقوفات

اول اداره انعامات تحت لفظ انعامات در هندوستان همه قسم دیهات و اراضی شامل است که بدولت حقوقی از قسم مالیات نمیدهند ، مانند تیول و جاگیر و موقوفات و مزرعه جات وغیرهم ، طریقه که در هندوستان معمول داشته شده است اینست که دفتری از جانب دولت قائم کرده میشود و تمام رعایا و قابضین هر قسم اراضی اعلان کرده میشود که اسناد و فرامین که متعلق به آن ها صادر شده است بجهة اثبات حق تقابض خود به شعبجات ایالتی ارائه دهند تا معلوم گردد قبضه اراضی یا دیهات جاگیر و تیول قابضان مطابق کدام اسناد و فرامین دولتی است

بجهة این امر در هر صوبه یا ایالتی یک دفتر مخصوص باید باز کرد تا قابضان و مالکان اراضی و دیهات تیول وغیره اسناد خودرا پیش کنند و حق خود را ثابت نمایند اگر باتباع این اعلان مردمان علاقه مند حاضر نشوند یک مهلتی دیگر به آنها داده شود اگر بعد از انقضای این مدت ثانی بازهم پیش نمی کنند . دولت میتواند مقبوضات آنها را ضبط نماید

افسر دفتر ایالتی بذریعه گواهی و از روی اسناد مقبوضه مالکان باید دریافت نماید که قبضه قابض حال از چند سال است . آیا حق او از روی ارث است یا بیع وغیره ، اگر از روی اسنادش حق او ثابت شود باید رای بدهد که اسناد و صحیح و حق قبضه او ثابت است و باید جاری داشته شود ، ولی دراین کار خیلی احتیاط لازم است ، اما اگر اسناد او جعلی یا مشکوک و مشتبه باشد . مقبوضه او را ضبط و شریک خالصه دولت نماید ، ولی قابض حق خواهد داشت که مرافعه خود را بدفتر بالاتر برده صحت ادعای خود را ثابت کند ، شرایط و قوانین مفصل باید متعلق باین اداره مرتب و از مجلس ملی تصویب شود از چنین دریافت معلوم خواهد شد که چقدر اراضی و دیهات و موقوفات در قبضه مردمی است که ابداً حقوقی در آن ندارند و همه باید بدولت مسترد کرده شود

دوم مساحت اراضی مزروعه و قابل زرع . این یک اداره مخصوصی لازم دارد و در مملکتی مانند ایران که هنوز مساحت و رقبهٔ کل مملکت مشخص و معین نشده است ، این کار خیلی مشکل خواهد بود ولی لااقل اراضی مزروعه و قابل زرع را باید پیمایش نمود که اهم کلی ازاین عاید دولت خواهد شد مصارف این را باید خود دولت متکفل شود و اگر مالکین و صاحبان تیول و اراضی دیگر نیز بخواهند مساحت اراضی مقبوضه خودرا مشخص نمایند از روی سر شکن آنچه معین شود خرج از ایشان باید گرفته شود

این اداره مشتمل بر دو شعبه خواهد بود ، یکی محض مساحت یعنی پیمایش اراضی که از آن رقبهٔ اراضی مزروعه و قابل زرع مشخص خواهد شد ، دوم تحقیقات متعلق بقسم اراضی که آیا از قسم اول است یا از درجهٔ دوم یا درجه سوم . ازجهت حاصل خیزی و قسم زمین که برای چه حاصل مناسب است و این را درجه بندی گویند و تعیین مالیات ازروی همین باید بعمل آید

این اداره نیز قوانین و قواعد مفصل لازم دارد تا هیچ امری فروگذار نشود . در هندوستان بتجربه رسیده است که وقتیکه اراضی مزروعه و قابل زرع را مساحت کردند . بسیاری از قطعات خیلی بیشتر از آن برآمد که در دفاتر دیوانی ثبت بوده است . مثلا قطعه که ده بیگه درج دفتر بود ، پس از پیمایش دوازده و پانزده بیگه بلکه بیست بیگه برآمد (بیگه‌ای شصت زرع در شصت زرع است یعنی ۳۶۰۰ زرع مربع) و این صورت اراضی خشکی یعنی زراعت دیمی بوده است ، ولی اراضی آبیاب که از قنات یا رود یا نهر آبیاری میشد . این قدرها فرق نکرد زیرا که قطعات آن چندان وسیع نبوده است قطعاتیکه ازروی پیمایش بیشتر از آنچه دردفتر دیوانی بود برآمد آن را از قابضین استرداد نکردند بلکه مالیات بر آن ازروی پیمایش قرار دادند

گاهی عکس این هم واقع میشد یعنی اراضی مقروضه زارع کمتر از آن برآمد که در دفتر دیوانی ثبت بوده است برای قابض نیز مالیات بقدر مقروضه اش عاید کرده شد یعنی اگر بجای ده بیگه هفت بیگه برآمد مالیات بر هفت بیگه بسته شد سبب این اختلاف بسیار است مثلا رعیت همسایه اش اراضی او را غصباً یا سهواً جزء اراضی خود کرده است و فرق بین هر دو از اضافهٔ مساحت زمین همسایگانش ظاهر خواهد شد

اما شعبهٔ ثانی یعنی تحقیقات قسم اراضی این نیز بر دو صنف است اول اراضی که در هندوستان آنرا خشکی میگویند یعنی دیمی که از باران سیراب میشود و صنف ثانی یعنی آبیاب یا اراضی که از آب چاه

و قنات یا نهر آبیاری میشود — و مالیات این صنف دوم بیشتر از مالیات اراضی خشکی یعنی دیمی است — و درین صنف نیز اراضی که از آب چاه سیراب میشود نرخش کمتر از اراضی است که از نهر یا قنات سیراب میشود — زیرا که زحمت آبکشی در اراضی زیر چاه بیشتر است و مصارفش نیز بیشتر

طریقه درجه بندی اراضی موقوف بر قسم زمین است که از روی عمق زمین قابل زرع مشخص میشود — و درین باب مراعات از صاف و بالا بودن زمین نیز کرده میشود که آیا سنگلاخ است یا سنگ ورمل زیاد دارد یا چه و این دارای تفصیلاتی است ازین شعبه ثانی یعنی درجه بندی ثابت شده است که بعض اراضی درجه دوم وسوم فی الحقیقت قابل بوده است که در درجهٔ اول گزارده شود — همچنین بالعکس ازین قسم تحقیقات توفیر کلی در مالیات حاصل شده است

قسم سوم — موقوفات در ایران این یك شعبهٔ بسیار معظمی است پادشاهان و امراء مخیرین و متمولین اراضی زیاد و دیهات بعنوان موقوفات بجهة کاری اختصاص داده اند واکنون بسیاری ازین موقوفات در قبضه کسانی است که ابداً حقی بر آن ندارند — از اسنادیکه بدست قابضین است — اگر اسنادی در دست داشته باشند این امر بپایهٔ ثبوت خواهد رسید که آن دیهات و اراضی یادگاکین یا حمام های موقوفه بچه قسم ملك طلق قابضین حاکم گردیده است —

اگر حقی ندارد باید فوراً از آنها انتزاع شود و ادارهٔ مخصوص بجهة اداره کردن عایدات این املاك باید مقرر کرده شود — تا برای آینده از همین رقوم موقوفات تاسیس مدارس و مریضخانها بعمل آید — که هم مقصود واقف فوت نشده باشد و هم بمصارف دولتی امدادی ازین راه شده باشد —

اگر دولت نظری باین گزارشات فرماید و توجهی مبذول دارد قواعد و قوانین مفصل آنرا ترتیب داده پیشنهاد دولت خواهد گردید تا خدمتی بوطن آبائی خود کرده باشد بحمد الله در دولت ابد آیت حیدر آباد فرخنده بنیاد دکن امور مالیات بهمین قسم منظم گردیده است و مالیات دولتی که درسابق سه کرور روپیه هندی بود الان به هشت کرور (هشتاد ملیون روپیه) رسیده است و ازحسن انتظام امید است که روز بروز ترقی کند زیرا که اراضی قابل زرع که افتاد یعنی غیر مزروع بود مردمان زراعت پیشه بتدریج آنها را گرفته مزروع مینمایند — و بسبب احداث تالاب — از بستن سد جوجوهای جاری که در فصل باران آبهایشان رایگان میرفت — اراضی خشکی یعنی دیمی اکثر مبدل به اراضی فاریاب گردیده وشلتوك و نیشکر و اجناس دیگر که آب لازم دارد — نیز اراضی که بجهة باغات وکاشتن سبزی آلات و بقولات موزون است همه تحت این تالابها و — غدیرها مزروع میشود و سبب توفیر کلی مالیات گردیده است این همه ترقیات در مالیات نتیجه همین — سه شعبهٔ انتظامات در مملکت حیدر آباد است که مذکور شد

ولی چنانچه در ابتدائی مقاباله تحریر آورده شد مردمان متدین وطن دوست و عالم از قوانین و — زحمت کش لازم است — همچنین سزا و جزا باید درکار باشد تا خاین بکیفر کردار خود برسد و خادم متدین از قدر افزائی دولت برخوردار شود و رشوت و سفارش ابداً نباید درکار باشد که باعث خرابی ملك وتباهی رعایا است ، وما علینا الاالبلاغ —

(م - م - خ - ك)

حیدر آباد دکن

انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق

ما از هر کس و هرجا شنیده ایم که امروزه فلان حکیم دانشمند در فلان نقطهٔ دنیا ظهور نموده و فلان فیلسوف بزرك بمسند فضائل معنوی و کمالات معنوی متمکن گردیده برای انقلاب روح عالم بتربیت و ارتقاء نفوس وطبایع انها بعالم فیوضات الهیه ومدارج کمالات حقیقه بشریه خدمات شایان نشان داده از پرتو تجلی افکار قدسیه خود عالم وجود را مشعشع و درخشان ساخته لکن انچه سعی کردیم بسه زیارت انها نائل شده و از پرتو تجلیات انها بهره مند شویم هیچ اثری در بسیط عالم کائنات از انها مشاهده نکردیم و هرچه بیشتر در تلاش و جستجو بر آمدیم کمتر بحصول این مقصود موفق شدیم پس اذعان نمودیم که فعلا روح جامعه بسته ازحصول باین سعادت محروم مانده و در ایام زندگانی ما چنین حکمائی قدم بعالم وجود ننهاده و امروز هیچ حکیمی یافت نمیشود که لوث رذائل وجهالت را ازکسوت طبایع و مزاج ابناء بشر شستشو نموده و بر اینهمه طلسمات گوناگون که برای سد آزادی روح بشریت بمقامات علویه و انحطاط ان بحضیض حقارت و ناتوانی از دور و نزدیك ملاحظه میشود شکستی فاحش وارد آورد و اگر گفته شود که بدون هیچ شك وشبهه وجود داشته و ما هنوزنتوانسته ایم بوجود انها راه یافته و انهارا بشناسیم نمیتوان باور کرد زیرا چگونه ممکن است با بودن انها اینهمه عساکر جهالت و ظلمت سفاهت عرصهٔ عالم

انسانیت را فراگیرد وچرا اگر وجود دارند نباید مانند نیر اعظم از افق آسمان عزت و جلال طلوع کرده تا از اثر تجلی جمال انها این مجسمه های رذالت و خباثت در قعر دریای نیستی فرو رود بعضی از محققین و واقفین اسرار طبیعت را عقیده این است که مانند الکتریسته، وجود این قبیل حکما نیز از مواد اعتباریه محسوب شده بدون اینکه کسی پی ماهیت و حقیقت ان برده باشد گاه گاهی برحسب اقتضای عالم وجود جلوه و اعتلائی ازخود نشان داده باز روی بپرده غیب نهاده ازانظار مخفی میشود چنانچه شاید هم بوده باشد امروزه دوره عالم طبیعت چنین جلوه و اعتلائی نشان نداده وهرچه بوده همان بوده است که تا قبل از دوره تجدد ماديات و فضیلت عرض بر جوهر و نزول عالم عشق و ادراك (مقصود ازتنزل عالم عشق و ادراك در این جا همان انحطاط عالم عشق و ادراك بشریت است و الا عشق و ادراك حقیقی که باصطلاح حکما مبدء اثر و اثیر مبدء برق یعنی جاذبه وبرق مبدء نور و نور مبدء حرکت و حرکت مبدء حرارت و حرارت مبدء حیات بوده باشد همیشه در عالم وجود رو به ترقی است و قابل تنزل و انحطاط نیست) که اساس ترقی عقول و روح هیئت جامعه مربوط بغلبه و استیلاء انها میباشد وجود داشته وهمینکه دوره ترقی و تعالی ماديات پیش آمد انها نیز روی در حجاب مستوری نهاده و درگوشه تجرد و انزوا خزیدند ، شاید اخرین انها سید جمال الدین اسد آبادی بوده است که میتوان ورا از حیث جنبه عشق و ادراکی که داشته راه نمای سعادت حقیقی عالم بشر و پیغمبر اخلاق حسنه و منادی بازار آزادی روح ملل عالم خاصه پشتیبان استقلال ممالك شرقی خطاب نمود زیرا همین فیلسوف نامدار بوده که تابك اندازه بین ترقیات مادی ومعنوی عالم انسانیت توافق داده ترقی افکار درجامعه ملل مقدمه ترقی روح دانسته و برای حصول سعادت جاودانی وکمالات رحمانی لزوم حسن تربیت را از اولین تکالیف هر قوم و هر ملت تصور نموده و درقواعد اجرای ان وفوائدیکه میتوان بوسیله حسن تربیت حاصل نمود هزاران دلائل عقلیه و براهین منطقیه در مقالات وتالیفات خود نشان داده چنانکه عقیده افلاطون حکیم بزرگ یونانی الی برهمین طریق بوده و اساس هرگونه سلطنت وماقوی را بدون اتکاء ان باساس معرفت وحکمت و تربیت نفوس و تهذیب اخلاق قابل انحطاط و اعدام تصور کرده است

برای اینکه ما بدانیم حسن تربیت وتحصیل فضائل اخلاقی که اولین شرایط ان ترقی ادراك و عقول ابناء بشر است بوسیله نشر معارف وعلوم اخلاقی وفلسفی چه ربطی بحسن انتظام زندگانی هیئت جامعه وتوافق ترقی ماديات با معنویات و روح با جسم و امثال ان دارد و چگونه ممکن است یك نفر انسان درهنگام سیر عالم وجودی خود هم به دائر کردن چرخ زندگانی و رفع ما یحتاج وضروریات حیاتی خود پرداخته وهم بترقی عقول وتقویت ایمان و استیلاء روح خود بعالم کمالات نفسانی وتقدسات رحمانی موفق گردد لازم است در بدایت امر در حقایق نشو و ارتقاء روحی وفلسفه زندگانی ملل سابقه اصول عقاید وادیان انها بدقت نظر نموده و دید درمیان آنهمه اختلافات بین اصول مذاهب و طریقت های مختلفه و عقائدیکه اغلب نقطه انتهای انها بپرستش جمادات و اصنام وحیوانات ونور و ظلمت و آب و آتش وماه وسیاره و افلاك وخورشید منتهی میگردید چگونه یك قوم وملتی نیز وجود داشته که استقلال سیاسی و بنیاد حسیات اجتماعی خود روی اساس اخلاق حسنه وتوحید قومیت وتشیید مبانی حریت ومساوات گردش داده وچگونه فوائد افرادی را فدای استحکام اساس ملت ومملکت نموده برای حفظ امورات جوهری وترقیات روحی وشئونات دینی هیچوقت برسر ماديات وعوارضات مخاصمه و جدال پیش نگرفته متحداً و متفقاً در تقویت محاسن اخلاق وسیله حفظ مذاهب وادیان خود که از ودایع مقدسه الهیه محسوب میشوند کوشش و مجاهدت کرده اند بالاخره فائده تجدد و ترقیات مادی زمانی توام باسعادت و استقلال ملی خواهد بود که روح ملت نیز درانر ارتقاء افکار پابه دایره حریت حقیقی نهاده بفضائل اخلاقی وصفات رحمانی نائل گردد و هریك از افراد ملت بشرایط امور مذهبی خود و قوانین مقدسه دین اسلام عمل نموده هم متجدد بوده باشد و هم متمدن نه اینکه در اول اتحاد تجدد و کسب معارف وفنون از ملل متجدده فرنك سیرت و اخلاق انها نیز قبول کرده هزاران امورات غیر مشروعه درلباس تجدد و تمدن مرتکب گردند و ازهمین نقطة نظراست که بعضی از محققین مسافرت اروپ را از برای جوانان نوتجربه ایرانی که هنوز از فلسفه تمدن اسلامی واصول مذاهب دنیا و کیفیت روح و اخلاق و دیانت و چگونگی معارف حقیقی و تنزل و ترقی هریك از اصناف ملل مختلفه عالم درحدود روح و افکار و نفوس و عقول خود اطلاع و معلوماتی ندارند مضر شئونات ملی و حیات وطبایع انها دانسته چنانکه امروزه خود حکمای فرنك نیز پی بحقیقت این مسائل برده لزوم ترقی وشئون اخلاقی انها خودرا از اهم فرائض حیاتی مقدر کرده اند . [بقلم ع ۰ م ۰ احتشام اولیائی]

نص نطق علیه حضرت ملکه افغانستان

(بمناسبت جشن استقلال)

خانمهای محترمه — مادامهای مفخمه!

این مجلس با سعادت که بوجود شما زیب یافته جشن سال هفتم استقلال دولت متبوعه مان است که اعلیحضرت غازی پادشاه محبوب القلوب افغانیان از بدو جلوس میمنت مانوس خویش تحصیل آزادی و استقلال افغانستان و ملت نجیب افغان مصمم شده از الطاف و عنایات خداوند تعالی به همت عظمی و مقدس ثانی آزادی ملت و مملکت خود کامیاب شده اند و بمناسبت این یوم مسعود که بسی با قیمت و شان است همه ما با شما در این جشن عالی نائل شده ایم

عزیزه های من!

گمان نکنید که خدمت وطن تنها بر مرد ها واجب است و بس بلکه زن ها هم باید بوطن و مملکت خود حتی الوسع خدمت کنند چنانچه در اوائل اسلام زنان اسلامی دوشا بدوش و همت و مجاهدات معاونت ها نموده اند و خدمات شایسته از زن های اسلامی بشهود آمده که زیب صفحات تاریخ اسلامی است زن ها محض تعیش و تن آسائی خلق نشده اند ما و شما باید کوشش کنیم تا خدمت و معاونتی بوطن و ملت خود ها نمائیم و این امر میسر نمی شود الا بعلم و کمال — عزیزه های من بکوشید تا تحصیل علم و کمال نمائید و همچو زنان بانام اسلامی خدمات شایان به مملکت خود بتوانید نمود

حالا که بالطاف خداوند تعالی و بذل همت ملوکانه پادشاه غازی خود ها مالک استقلال وطن مقدس خود شده ایم همه ما از صمیم قلب بدعای سلامتی وجود مسعود این حامی ملت افغان زبان کشوده می گوئیم زنده باد مربی ملت افغان (امیر امان الله خان) پاینده باد استقلال و آزادی افغان و افغانستان

باقی از جناب الهی نیاز می کنم که بسایه عاطفت پادشاه معظم خود ها به خیلی همچو جشن های عالی شاهانه نائل شده شاد کام باشیم —

عموم ملت اسلامیه و رابطه دینیه

مکه معظمه که قطب اجتماع عالم اسلام و مرکز توجه و قبله خاص و عام است استیلای جماعت وهابیه بر آن محل مقدس و جسارت و تجاوزات آنها نسبت به اماکن مقدسه و قبور محترمه اولیای دین علاوه بر اینکه تجدید ادوار سالفه وحشیت و مخالف با اصول تمدن است لطمات هائله بر جامعه ملت اسلامیه وارد نموده که قلوب عامه مسلمین را متألم ساخته و این قبیل حرکات مخالف با احترام مقدسات دیانتی را باید بچشم دقت مطالعه کرده و با نظر ساده تلقی نه نمود چه در عصر حاضر که اتحاد و ائتلاف ملل اسلامی مترتب بود این طایفه ضاله اساس اصول اتحاد و ائتلاف را مختل و منهدم ساخته اند

چون تفویض و تسلیم مرکز روحانیت اسلامی و محل اجتماع دیانتی بر یکعده از متحلین مذهب که از اصول و قواعد مدنیت بیگانه و بسابقه عصبیت و وحشیت اساس وداد و اتحاد را منهدم و روابط اجتماعیه دینیه را منقطع می نمایند باعث تفریق کلمه و مستلزم محو روابط دینیه و حط شوکت اسلامیه است

لهذا افکار قاطبه مسلمین اقطار عالم را به این مسئله مهمه معطوف و متوجه ساخته تقاضا می نمائیم که در تعقیب اعلامیه ریاست جلیله وزراء عظام دولت علیه ایران تمامی ملل و دول برای حفظ شئونات دیانتی و تشکیل مجمع عمومی مرکب از نمایندگان مبرز ملل و دول اسلامی مسارعت نمایند تا در حل و تسویه مقدرات حرمین شریفین داخل مذاکرات لازمه شده و در خصوص رفع تحمیل عقاید وهابیه و اعلاء شعائر دینیه و تعمیر مقامات مقدسه منهدمه بهر وسیله ممکنه تدابیری اتخاذ نمایند که در آتیه عامه مسلمین در ادای مناسک دینی و تنظیم شعائر مذهبی از هر قسم تعرض مأمون گشته و امثال افعال شنیعه عصر جاهلیت و مخالف با اصول دیانت از آن طایفه عنود تجدید و تکرار نگردد، تبریز — هیئت دفاعیه حرمین شریفین

۲۵ ربیع الاول ۱۳۴۵

(ابو الحسن الحسینی)

(حبل المتین)

عنوان فوق از جناب مستطاب آقا سید هادی کاظمی رئیس تجارتخانه محترم خوی و برادر در کلکته باداره رسیده عیناً درج شد —

مواد محترقه و اسلحه

بعضی از کمپانی های خارجی از وزارت فوائد عامه تقاضا کرده اند اجازه داده شود مواد محترقه و اسلحه برای فروش بایران وارد نمایند

ازطرف وزارت فوائد عامه بکمپانی های مزبور جواب داده شد که ورود کلیه مواد محترقه و اسلحه باستثنای تفنگ وفشنگ مخصوص شکاری بکلی ممنوع است و در هر موقع باید تصویب نامه از طرف دولت برای وارد نمودن آن صادر شود و همچنین برای انبار کردن و ذخیره نمودن مواد محترقه نیز باید با موافقت و اطلاع اداره نظمیه بوده باشد و برای صدور تصویب نامه هم لازم است بوزارت مالیه مراجعه شود

آقای مشاورالممالک

(ملاحظه فرمایند)

حضرتعالی بهتر میدانید وزارت امور خارجه یکی از مؤسساتی است که حفظ موازنهٔ سیاست خارجی از ارکان ثابتهٔ آن باید بشمار رود ووظایف این دائره مهم بیش از وظایف سایر وزارتخانه های مملکت است ، اعضای وزارت امورخارجه باید مردمانی سالم وصاحبان تدبیر و آگاه بعلوم سیاست مدن باشند . تا بتوانند شرافت و حیثیت یك مملکت و ملتی را در خارجه محفوظ داشته و از پایمال شدن حقوق اتباع دولت متبوعه و هتك شرافت و ناموس بی اعتنا بحقوق وسعی خود جلوگیری نمایند هرگاه اساس وزارت امور خارجه سست و یا خدای نخواسته دارای تزلزل و انهدام جزئی باشد ممکن نیست حیات و استقلال سیاسی آن مملکت بحالت آزاد سیر طبیعی نموده و درجریان سریع سیاست مقدمات سالم اثر امید بخشی از آن ظاهر گردد. اهمیت این وزارت خانه بیش از آنست که درنظر ما محتاج بذکر است .

لزوم اهمیت این دائره عظیم از نقطهٔ نظر سیاستهای خارجی بسیار محسوس وبرهیچ یك از واقفین بامور وآشنایان بجریانات سیاست خارجی امروزه پوشیده نیست

دراین عصر ، عصر طلائی ، در دوره که ستاره سعادت ایران پس از افول چندین صد سال یکباره طلوع و فضای آسمان سیاست و عظمت ایران را منور ساخته است ، دراین هنگام که این مملکت تاریخی سیری درعوالم سیادت نموده ومیرود که در تحت سرپرستی اعلیحضرت رضا شاه و خانواده پهلوی عهد پر افتخار سابقین را تجدید نماید ، بموقع میدانیم که از نقطهٔ نظر حفظ حیثیات مملکت و دولت در خارجه و علاقمندی به شرافت ملی و وطن در عهد وزارت حضرت عالی یك رشته از نظریات بی غرضانه خود را درموضوع وضعیت وزارت خارجه به آن پیشگاه محترم تقدیم داریم

حضرت اجل ! امروز که خوشبختانه زمام امور وزارت جلیله خارجه ایران در کف با کفایت شخصی مثل حضرت عالی که دوره کاملی را در ممالك خارجه در بحبوحهٔ بحرانهای سیاسی دول و در اثنای اشتعال نائرهٔ جنگ عالمگیر سیرنموده اند وا گذار شده ، امکان پیش بینی و تولید خطرات برای دولت وملت بر اثر کوچکترین غفلتی از جانب اعضای آن وزارت خانه در وظایف مرجوعهٔ خود بدیهی ولازم بتذکار نیست

ما میخواهیم داخل شخصیات شویم ولی بعضی قضایائی که وجدان اجازه نمیدهد در مقابل آن سکوت نمائیم مارا مجبور بذکر یك رشته از مسائلی مینماید که چرا بی قیدی اولیای امور مرکزی درسابق باعث پایمال شدن حقوق یکمشت ایرانیان مقیم خارجه شده است

مثلا آقای میرزا غفارخان جلال (جلال السلطنه) که مقامات علمی و عملی معظم له بالاتر از آنست که نگارنده دراین خصوص قلم فرسائی نماید ، درسال گذشته که برای سفارت واشنگتن انتخاب و در پاریس اقامت داشتند ، درنتیجه پیش آمد قضایای مصر ازطرف اولیاء امور سفارت واشنگتن ایشان مبدل به سفارت مصر شده وبموجب امر تلگرافی دولت وقت فوری بمصر حرکت نمودند تاکنون که یکسال متجاوز از دوره ماموریت ایشان منقضی و در مصر اقامت دارند اعتبار نامه و ورقه رسمیت معظم له هنوز ازطرف وزارت امور خارجه نرسیده است - و همین مسئله باعث شده است که حضرت معظم له تحمل خسارات هنگفت ومخارج گزاف مجبور شده اند بحال لا تکلیفی در زاویه یکی از مهمان خانه های مصر اقامت نمایند

برای فلان عضو ومدیر دائره وزارت جلیله امور خارجه که تاکنون قدم از دروازه طهران بیرون نگذارده و از نکات دقیق حقوق بین المللی ابداً اطلاعی ندارد چه اهمیت دارد که اعتبار نامه یکنفر نماینده رسمی دولت را یك سال یا پنج سال بعهده تعویق اندازد ، اولا برای حضرت اجل که از نقاط دقیق دیپلماتیك و حقوق بین المللی کاملا اطلاع دارند لازم به یاد آوری نیست که بمسامحه دراین قبیل امور چه عواقب وخیمه برای مملکت ودولت ومخصوصا برای ایرانیان مقیم مصر تولید نموده است -

اگر آقای میرزا غفار خان جلال دارای اعتبار نامهٔ رسمی بوده و باین بلا تکلیفی حضرت معظم له خاتمه داده میشد دولت ایران در مصر دارای یك سفارت خانهٔ رسمی و ایشان مجبور نمیشدند که امور سفارت و اختلافات رسمی را در انظار خارجه در زاویه یك مهمان خانه انجام دهند !

اگر حضرت معظم له بابقای خود اطمینان داشتند اقلا برای دفتر شاساری یك محل مناسبی تهیه و مثل امروز دفتر قونسلگری در دو اطاق کرایه در وکالت خانه یکنفر وکیل عدلیه نبود ! اگر حضرت معظم له دارای اعتبارنامه رسمی بودند تاکنون بفرموده خود حضرت با عقد یك قرار داد رسمی بین دولتین ایران ومصر وسائل رفاهیت ایرانیان مقیم مصر را فراهم آورده و بوضعیات اسفناك وحالت رقت آور ایرانیان مقیم خارجه خاتمه میدادند ، اگر معظم له دارای اعتبار نامه بوده و میتوانستند رسماً از مقامات عالیه حکومت مصری ملاقات و بوظایف دیپلماسی خود عمل نمایند ، امور سفارتی امروز آلت بازیچه عمروزید

نمی‌گردید و سفارت ما دریك محلی که موجب سرافرازی ایرانیان باشد بوده لا اقل برای وسائل رفت و آمد سفیر و اعضاء سفارت یك مرکوب مخصوصی موجود بود و سفیر ما مجبور نمی‌شد در اتوموبیل کرایه و یا پیاده رفت وآمد نماید ومقام سفارت بهتر ازاین محفوظ می‌ماند بالاخره هزاران اگر دیگری که ذکر هریك باعث تطویل کلام و موجب تصدیع خاطر حضرت اجل میشود موجود است که از اشاره به آن خود داری مینمائیم

حضرت اجل ! حال خود تصدیق بفرمائید که یك مسامحه جزئی در صدور اعتبار نامه موجب چه اشکالات بزرگ وباعث چه خسارات مادی ومعنوی جبران ناپذیری برای دولت و ملت گردیده است ، ما که ازنزدیك شاهد کلیه امور بوده تصدیق داریم و حق را بجانب آقای سفیرمیدهیم که ادامه بلاتکلیفی وغیر رسمی بودن حضرت درنتیجه نداشتن اعتبار رسمی باعث گردیده که باکمال خون گرمی و علاقمندی وظایف خود را عمل نمی‌نمایند و البته این تقصیر متوجه اولیاء امور مرکزی است که در اثر تسامح و تعلل خود در امور باعث و موجد این قضایای اسف آور گردیده اند

در این موقع که امور آن وزارت خانه محول بحضرت اجل که واقف برموز و نکات سیاست خارجی می‌باشند گردیده ، تمنا داریم که فوراً امر بارسال اعتبار نامه اقا جلال فرمایند تا معظم‌له از این بلا تکلیفی خارج و نیز امور سفارتی از جریان عاطلی امروزی بیرون آمده و سیر طبیعی خود را نموده و ضمناً باین قضایای ناگوار خاتمه داده شود .

[ا - ع - ح]

حبل المتین

بموجب اطلاعی که یافته بمجرد تعهد آقای مشاور الممالك وزارت خارجه را چندین اعتبار نامه های معوقه که منجمله اعتبار نامه سفارت مصر است صادر و فرستاده اند

(جذامیهای خراسان)

رئیس صحیه شرق باداره صحیه کل راپورت میدهد که پیشتر ها در نیم فرسخی شهر مشهد در قلعه موقوفه موسوم به مهران جذامیها را جای داده از موقوفات آستانه هر یك از آن ها که قریب پانصد نفر میشوند مقداری پول و نان داده میشد و همین که جیره آنها بعهده تعویق می افتاد بشهر هجوم آورده باعث اذیت ساکنین شهر میشدند اخیراً انجمنی مرکب از ایالت خراسان و چند نفر از وجوه اعیان و رئیس صحیه شرق بنام انجمن ضد جذامیها تشکیل و در جلسات اولیه خود نظر ببدی و ضعیف فعلی مبلغ دو هزار تومان برای ساختمان قلعه مذکور پیش بینی گردیده . قریب نهصد تومان آن اعانه جمع شده چهار روز قبل باتفاق آقایان اعضای انجمن بقلعه مهران و بوسیله معمار بلدیه نقشه بنا وساختمان عمارتی بجهة جای دادن جذامی ها طرح گردید و چون قبلا این ملك راکه مختص بنگاهداری جذامیها طرح گردیده مدعی پیدا کرده بود و علیه حکمی صادر نموده بود دو مرتبه تصرف و شروع بمقدمات ساختمان مذکور شده است

اتوموبیل رانی بین شام و عراق

اطلاع واصله از لندن بوزارت امور خارجه و فواید عامـــه مشعر است که بعد از جنك بین المللی کمپانیهای انگلیسی در صدد بر آمده که برای حمل و نقل مال التجاره بین صحرای سوریه بغداد سرویس اتوموبیل رانی دایر نمایند و چون موفق نشده اند دو ســه سال قبل یکی از اهالی نیوزی لند برای روابط مستقیم بیروت و بغداد اتوموبیل در صحرای سوریه دایر و پس از آن چند کمپانی دیگر سرویس اتوموبیل رانی را دائر نموده اخیراً یکی از کمپانیهای انگلیسی با شرکت فرانسه مؤسسه دائر و کمپانی نفت جنوب و بانك شاهنشاهی ایران و بانك اتومان با کمپانی مذکور شرکت مؤسسه به نیوزی لند یا کمپانی مذکور شرکت نموده و حالیه یك مؤسسه مهمی دایر شده که چندین دستگاه اتوموبیل مشغول حمل و نقل مال التجاره بتمام نقاط می باشد و نظر بر اینکه دولت ایران باید با ممالك خارجــه عموماً روابط تجارتی داشتــه باشد ممکن است که با این کمپانی نزدیك شده و ارتباط تجارتی را با عموم ممالك اروپا بر قرار نماید

بندر جدید خراسان

تجار خراسان شرح مفصلی راجع باختلال امور اقتصادی بوزارت فوایـد عـامـه اشعار داشته که دولت اقداماتی برای تامین آسایش عمومی و بسط و توسعـه امـور تجارتی و اقتصادی بعمل آورد و ضمناً تقاضا کرده که بندری در ساحل بلوچستان برای حوزه ایالتی خراسان مانند چابهار تهیه نمایند چون بوشهر مرکز حمل ونقل مال التجاره داخله و خارجـه می باشد ممکن است در صورت داشتن بندر در ساحل بلوچستان رونقی بامور تجارتی داده شود و نیز تقاضـا کرده راه بین دزداب و چابهار را تسطیح و شوسه نمایند که بتوان مال التجاره حمل و نقل نموده و بعلاوه تجدید نظر در مالیات راه داری نموده و منع ورود کلیه مسکرات وجلوگیری از خروج مسکوکات از بنادر ایران و اصلاح تعرفه

گمرکی و با منع اکید از ورود اشیاء لوکس یا تزئینات گمرک آن و بکار انداختن عایدات انحصاری که عموماً برای عامه حایز اهمیت و منافع زیادی است و از پریشانی و فقر عمومی در آتیه قویاً جلوگیری خواهد نمود

وزارت فواید عامه مشغول مطالعه در مواد پیشنهاد تجار می باشد که تقاضای آنها را بپذیرفته و اقدامات اساسی برای هر یک از نظریات و پیشنهادات آنها بعمل بیاورد

ترکمنستان و تعلیم اجباری

وزیر معارف کنونی با موافقت رئیس کل مالیه در نظر گرفته اند که از محل اعتبار بودجه هذه السنه تعلیم و تدریس مدارس سرحدی خصوصاً مدارس کشتیه و صحرای ترکمه را اجباری نمایند و لایحه قانونی هم در این موضوع تهیه کرده اند که بمجلس شورای ملی تقدیم نمایند ـ

اعزام شاگردان نظام باروپا

پنجاه و هفت نفر محصلینیکه از طرف وزارت جنگ تحت ریاست سرهنگ سیف الله خان برای تکمیل تحصیلات اروپا اعزام گردیده اند بترتیب ذیل برای فنون مختلفه تعیین و آنجا قسمت های مربوطه را تعقیب و تکمیل خواهند کرد

سرهنگ سیف الله خان مدرسه عالی ارکان حرب

مدرسه هواپیمائی	۱۰ نفر
مهندسی	۱۰ نفر
بیطاری	۱۰ نفر
بحریه	۹ نفر
سوار	۵ نفر
توپخانه	۵ نفر
مباشرت امور اداری	۵ نفر
طب	۳ نفر

تعمیر مقبره نادر شاه

از وزارت مالیه باداره مالیه خراسان دستور داده شده که قریه دهشک موقوفه مقبره نادر شاه را بمزایده گذارده و با رعایت حال موقوف اجاره دهند

و مبلغ ۴۵۸۶ تومان مطابق در آوری که سابقاً شده اعتبار داده شده که شروع به تعمیر مقبره نادر شاه بنمایند و چون می باید عایدات موقوفات بمصارف مقبره برسد موقوفه طوس که بموجب حکم عدلیه متعلق بمقبره است از دست متولی سابق خارج و با نظر کمیسیون ماهی پنجاه تومان برای مصارف مقبره تأدیه شود سواد دستور برای اطلاع بوزارت فواید عامه ارسال گردیده است

چاه نفت جدید

از سرحدات غرب اطلاع میدهد که اخیراً کمپانی نفت ایران و انگلیس در کرکاکوش در داخله خاک ایران یک چاه نفت احداث کرده و شروع باستخراج نفت نموده اند و نظر باینکه ترافیک زیادی بسرحد قصر وارد شده اخیراً در خانقین هم گمرک جدیدی تاسیس شده است

جلوگیری از قاچاق

چون اجرای مجازات مقرره در ماده ۱۸ نظامنامه قانون گمرکات درباره مرتکبین قاچاق قند و چای وارده از بنادر کوچکی که برای این کار مفتوح نیست کافی نبوده و از فعالیت قاچاق نمی کاهد هیئت وزراء تصویب نموده اند قایق هائیرا که برای حمل اجناس انحصاری طور قاچاق بکار میرود اعم از اینکه متعلق به اتباع داخله یا خارجه باشد در ملاء عام غرق نمایند که در آتیه مبادرت بعمل قاچاق نکنند

وزیر مختار امریکا

آقای میرزا داوود خان مفتاح وزیرمختار امریکا حضور ملوکانه شرفیاب و پس از کسب اجازه تعلیماتی از طرف ملوکانه صادر و بهیئت وزراء آمده آقای رئیس الوزراء را ملاقات و از آنجا بوزارت امور خارجه حضور بهم رسانید آقای وزیر امور خارجه را ملاقات و تا مدتی ماموریت خود مذاکره و پس از اخذ تعلیمات خدا حافظی نموده سمت آمریکا حرکت کردند

(روسیه و افغان)

مخبر سیاسی روزنامه دیلی تلگراف شرحی در خصوص توسعه عملیات سیاسی روسیه در آسیای مرکزی نگاشته و چنین اظهار عقیده نموده که قرار داد بیطرفی که ما بین دولت افغان و روسیه منعقد گردیده معاهده اخیری که ما بین ایران و ترکیه بسته شد خیلی شبیه است سپس چنین مینویسد حالت اسلحه آمیزی که در مسکو نسبت بجامعهٔ ملل بخود گرفته خصومت روسیه را درباره انگلیس و مخصوصاً نیت خصمانه آن دولت را در موضوع هندوستان به ثبوت میرساند

بموجب تلگرافی که از مخبر همان جریده از سیملا مخابره شده جریده (تیمس آف اندیا) چنین مینویسد که بعد از انعقاد قرار داد ما بین روسیه و افغانستان تاثیر نفوذ دولت سویت تا سرحدات هندوستان توسعه یافته است

و نیز بموجب اطلاع مخبر مزبور دوائر نظامی هندوستان بوقایع اخیر خیلی اهمیت میدهند

(انحلال گمرك همدان)

نظر باینکه اداره گمرك همدان منحل گردیده از طرف وزارت پست و تلگراف دستوری صادر شده که پس از دفتر پست همدان کیسه های پستی برای ممالك خارجه از قبیل بین النهرین هندوستان وغیره مستقیما ارسال ننموده مرسولات را بکرمان شاه بفرستند و بر سبق آن نیز به هندوستان و نقاط خارجه دیگر اطلاع داده شده که محصولات پستی خود را بکرمانشاه بفرستند که در آنجا مراسم گمرکی بعمل آید

(دوا خانه مرکزی)

برای تاسیس دواخانه مرکزی که چندی قبل از طرف اداره کل صحیه به وزارت داخله پیشنهاد شده بود اخیراً چند نفر از دوا فروشان عمده مرکز را آقای رئیس صحیه طلبیده در نتیجه یك سلسله مذاکرات و مطالعات لازمه مبلغ دوازده هزار تومان بجهة تاسیس دوا خانه مزبور و طلبیدن ادویه لازمه صحیح از خارجه در بودجه صحیه کل منظور گردیده که پس از تصویب مجلس اقدام در تاسیس آن بشود

(مرمت راه شوسه دزداب)

مهندس ناحیه ۶ خراسان راپورت مشروحی راجع بساختمان راه شوسه دزداب تا گار راه آهن ارسال داشته مینویسد مسیو ماو فسکی ۴۵۰۰ تومان مخارج ساختمان این راه را بر آورد کرده در صورتیکه با کمتر از این مبلغ میتوان اقدام به تعمیر راه مزبور نمود از طرف اداره کل طرق و شوارع دستور صادر شد که باعتبار موجوده مشغول تعمیر راه مزبور شده تا اینکه برای سنه آتیه اعتبار مکفی در بودجه منظور گردد

(انحصار فروش مخدرات)

اداره صحیه کل مملکتی در تعقیب کمیسیونهای متعددی که راجع بادویه مخدره نموده بود اخیراً بر طبق قانون بین المللی لایحهٔ راجع بانحصار ادویه مخدره تهیه و تنظیم نموده بوسیله وزارت داخله تقدیم هیئت وزراء گردیده که پس از تصویب هیئت دولت تقدیم مجلس شوری بشود

(حل المتین)

انحصار فروش ادویه مخدره از شراب، بنك، چرس، کوکین و و و در همه عالم با دولت است و در حقیقت یك از مد عایدات بزرگ بشمار است علاوه براین چون فروش این ادویه بدست دولت آمد مخدرات کمتر کسب عمومیت در مملکت می نماید لذا عقیده ما آنست که عایدات این مر که اقلا چند ملیون تومان خواهد بود بوزارت معارف و اداره صحیه عمومی اختصاص داده شود

آخر تجار جنوب هم جنبیدند

از بندر عباس تجار به هئیت دولت تلگراف نموده که چون بواسطه فقدان معاملات تجارتی در این سنوات اخیر باعث بکث امور تجارت گردیده و یکعده از تجار بهمین واسطه از بین رفته اند اینك لازم است ازطرف دولت اقدامات لازمه در تسطیح و شوسه کردن راه بنادر جنوب بطهران بعمل آید شاید باین واسطه بتواند باقی معاملات تجارتی خود را بداخله توسعه داده تاحدی جلوگیری از ضرر و خسارات وارده به تجار بشود مجالتا وزارت فواید عامه مشغول مطالعه و اخذ تصمیم سریعی است که هر چه زودتر اعتباری بجهة راه سازی طرق و شوارع کلیه بنادر جنوب تحصیل و راه های بنادر را شوسه و تسطیح نمایند

تعمیر پل الوند

وزارت مالیه بفواید عامه مینویسد که تعمیر مخارج پل الوند را اداره مالیه کرمان شاهان ۲۰۰۴۹۰ قران بر آورد کرده می نویسد تا خساراتی متوجه نشده اعتبار آن ابلاغ شود لازم است ماموریین ساختمان راه دستور داده شود که پل مزبور را تعمیر چنانچه هم اعتبار آن مکفی نیست ممکن است درخواست جدیدی صادر نمایند

اداره صحی طهران

بر حسب امرکنبل بلدیه باداره صحیه بلدی در نظر دارالد که محلی برای مرکزیت دباغخانه زهتاب خانه صابون پزی و همچنین کهنه چین ها که در داخل شهر هستند در خارج شهر تاسیس نموده همه کار گران مربوطه بعملیات فوق را در یك محل با حفظ اصول و قواعد صحی تمرکز دهند و محل آن هم پیدا شده قریبا منظور فوق عملی خواهد شد

(تاسیس غرفات نمایش)

بطوریکه قبلا نوشته شده سومین نمایشگاه فلاحتی در آبان ماه افتتاح گردید اداره کل فلاحت غرفه جالب توجهی از کلیه محصولات مملکتی تاسیس وتمام شده و در صدد تاسیس غرفه های دیگر که عبارت از حیوانات، دفع آفات حیوانی، ابریشم و برخی گلهای ایران میوه جات طیور جنگلی سینمای زراعت برآمده وچندین غرفه هم برای محل جلوس اعلیحضرت و والا حضرت و هیئت دولت و نمایندگان مجلس و اعیان و اشراف و رؤساء دوائر دولتی ساخته شده

مسیو شریکر رئیس جنگلهای مازندران که احضار شده بود مقداری اشیاء جنگلی تهیه وحمل ومقداری ازآن وارد وشروع بتاسیس غرفه جنگل نمود. وبقیه اشیاء هم قریبا وارد میشود

ایران و اتحاد جماهیر شوروی
مصاحبه رفیق یورنیف وزیر مختار اتحاد
(جماهیر شوروی در ایران)

رفیق یورنیف وزیر مختار اتحاد جماهیر شوروی مأمور ایران که اخیراً بمسکو وارد شده است ضمن ملاقات و مصاحبه با همکار (تاس) اینطور اظهار داشت :

از اواخر ۱۹۲۵ تجارت ایران و روس تا اندازه محدود شده است. علت پیش آمد این بود که حکومت ایران تمام وسائط نقلیه موجوده خودش را اختصاص بحمل غله داده که در ۱۹۲۵ از ما خریداری نموده بود و این ... تمام مؤسسات تجارتی ما فاقد هر گونه وسائط نقلیه گردید.

در این پیش آمد ما تصور و پیش بینی نمی‌کردیم که حکومت ایران مقصود سوئی داشته باشد ولی باهمه این احوال برای مؤسسات تجارتی ما در ایران اشکلات بزرگی فراهم شد.

نظر به پیش آمد فوق و نظر به یک سلسله وقایع دیگر حکومت اتحاد جماهیر شوروی ناگزیر شد که بطور موقت سرحدات خودش را برای صادرات ایران مسدود نماید و در عین حال امتیازات و تسهیلات مهمی برای تجار ایرانی که مایل بخریداری امتعهٔ روسیه بودند فراهم نمود، حکومت اتحاد جماهیر شوروی جدیت کرده و جدیت می کند که موازنهٔ تجارتی با ایران صورت پذیر گردد،

حکومت اتحاد جماهیر شوروی که خیرخواه صمیمی ملت ایران است تسهیلاتی فراهم کرده که تجار ایران بتوانند امتعه تجارتی زیادی را که در سرحدات جمع شده بود برای فروش امتعه به بازار مکاره باد کوبه و بعد به نیژنی گورود حمل نمایند.

موجبات رضایت بخشی که در بازار مکاره نیژنی گورود فراهم شده است طرف توجه کامل تجار ایرانی واقع شده عده زیادی از تجار معروف به نیژنی گورود رفته اند، تجار ایرانی برنج و کشمش سبز و پشم و پنبه و امتعهٔ دیگر به بازار مکاره حمل نموده‌اند

هیئت تجار ایرانی متعهد شده‌اند که پس از فروش امتعه و اجناس خود در مقابل امتعه و اجناس روسی را خریداری کنند،

می توان امیدوار شد که دیر یا زود مناسبات تجارتی بین دولتین ایران و اتحاد جماهیر شوروی وارد جریان طبیعی خواهد شد،

راجع بمناسبات و روابط سیاسی دولتین ایران و روس رفیق یورنیف اظهار داشت که مناسبات و روابط دولتین رو به بهبودی میرود و مناسبات حسنه بین دو دولت همجوار برقرار میشود،

انتخاب علیقلی‌خان انصاری وزیر مختار سابق مسکو بوزارت خارجه بما امید واری میدهد که حل و تصفیه مسائل معوقهٔ بین دولتین ایران و روس زودتر صورت بگیرد،

دولتین ایران و روسیه در مقابل یک سلسله مسائلی واقع شده اند که چندین سال است انتظار تسویه آن میرود از جمله مسئله شیلات و معاهدات قونسلی وسرحدی است که باید حل گردد

رفیق یورینف خاطر نشان کرد که امیدواری کامل دارد باینکه مشکلات و موانعی که در موقع مذاکرات راجع بمسائل فوق تولید شده بود حاله مرتفع خواهد گردید برای حکومتین ایران و اتحاد جماهیر شوروی این مسائل فوق العاده حائز اهمیت است،

مناسبات و روابط دو دولت همجوار و دوست باید روی زمینهٔ روشن و پایهٔ محکم برقرار گردد،

دشمنان ایران و روس نمی توانند این روابط را تیره کنند زیرا منافعیکه ایران و روس را باهم مربوط و متصل میکند منافع مهم حیاتی است

رفیق یورینف این طور خیال میکند که طهران و ورود رفیق ماای سیف بطهران بدون تردید به تحکیم روابط حسنه بین دولتین ایران و روس کمک کرده‌است

از رفیق ماای سیف درطهران پذیرائی بسیار خوب بعمل آمده و مکتوب رفیق چیچرین را با آقای مستوفی الممالک رئیس الوزرای ایران تسلیم نمود

محافل عمومی طهران از مسافرت بطهران رفیق ماای سیف بوجد آمده اند و همچنین از ماشینهای ساخت روسیه اظهار رضایت میکنند

راجع بطغیان و تمرد در ولایات رفیق یورینف این طور جواب داد

مقدمهٔ طغیان ازطرف ساخلوی دیلمان (آذربایجان ایران) شروع شد متمردین شهر خوی را اشغال کرده و عده ساخلو آنجا هم بمتمردین متصل شده و بطرف ماکو (شهری‌است در نزدیکی سرحد ما) حرکت کردند

قوای دولتی که از تبریز حرکت کرده بود در اینجا متمردین را متفرق کرد یک قسمت از متمردین دستگیر شدند و در محکمه عسکری صحرائی محکوم باعدام شدند، بقیه دیگر متمردین متفرق شده درشهر پنهان شدند

قضایای مهمتری در خراسان بوقوع پیوست،

عصیان آنجا ابتدا از طرف ساخلو مراوه تپه (نزدیکی سرحد ترکمنستان) شروع شد

ساخلو های نقاط متعدد جزء هم به متمردین ملحق شده و عده آنها به ۷۰۰ نفر بالغ گردید و بعد هم

دستجاتی از عشایر و طوایف علی بابها ملحق گردیدند ریاست متمردین با سالار جنگ صاحب منصب بوده در بدو امر متمردین پیشرفت مهمی کردند وشهرهای قوچان و چناران را تحت اشغال در آورده و طرف شهر مشهد نزدیک شدند افواج مأمور طهران در این قسمت هم متمردین را مغلوب ومنکوب کردند متمردین از فشار و هجوم قوای دولتی ناچار شدند عقب نشینی اختیار کرده وداخل اراضی ترکمنستان مابشوند ، در آنجا خلع سلاح نموده و در پالقا راسك بسر باز خانه‌های مخصوص فرستادند

(کوشش مطبعه طهران)

تجارت ایران و روس

(سؤال آقای حائری زاده در مجلس)

بنده خیلی علاقه دارم که در مسائلی که در دنیا پیش میاید تمام ملل دست برادری بیك دیگر بدهند و سیاست چپها از بین بروند ما ها همه طرفدار صلح و مسالمت هستیم طرفدار امنیت بوده و هستیم نمایند: ما در جامعهٔ ملل همین فکر را تعقیب میکرده است ما در موقع جنگ بین المللی خسارات جنگ را مثل دول داخل در جنگ متحمل شدیم ولی داخل در جنگ نشدیم زیرا طرفدار صلح و مسالمت بودیم. در اواخر جنگ بین‌المللی حکومت سابق روسیه از بین رفت و در نتیجه انقلابات حادثه در آن مملکت حکومت جدیدی پیش آمد که هنوز هم هست از موقعی که آن حکومت پیدا شد همین مرامی که ما داریم سرلوحه مرام خود قرار داد ، گفت که باید سیاست جهانگیری - سیاست اقتصادی و سیاسی که باغنیاء اجازه میدهد ضعفا را از بین ببرند باید پایمال کرد - ما و اتحاد جماهیر شوروی دو برادر قوی و ضعیف هستیم هر دو آرزو داریم که آسایش و امنیت در دنیا بر قرار گردد - مطامع جهانگیرانه از بین برود و شکلی هم با هم روابط داریم که حقیقتا قابل اختلاف نیست ماها محتاج به تجارت با روسیه هستیم روسیه هم محتاج به تجارت باما هست مابه امتعه آنها احتیاج داریم آنها هم محتاج به متاع های ما هستند امتعه ما برای روسها ارزان تر از امتعه سایر دول است و امتعه روسیه هم برای ما ارزان تر از سایر امتعه تمام میشود بنابر این هر دو بتجارت با یکدیگر احتیاج داریم این دو برادر قوی و ضعیف باید دید توقعاتشان نسبت بیکدیگر چیست و عملیاتشان نسبت بیکدیگر چه ما وقتی دست دوستی بطرف روسیه دراز کردیم قبل از همه بود که و انقلاب دولتی مقدم تر دولت روسیه را بر سمیت شناختیم و تصور میکنیم که حل این مسئله هم اختلافی نباشد که در وسائل استحکام روابط دوستی مسامحه از طرف ما نشده است ولی در ضمن هم یك توقعاتی از برادر قوی تر خود داریم ؛ قبل از جنگ بین‌المللی تجارت ما و روسیه چه صورتی داشته و امروز چه صورتی دارد ؛ در صورتیکه روسیه امروز مرامش طرف توجه و یك اصل است که حکومت سابق روسیه آن اصل را قبول نداشت حکومت کارگر فعلی روسیه میل دارد وسائل آسایش تمام بشر فراهم شود . آن حس منفعت طلبی و حس جهانگیری روسیه سابق را امروز ملت روس ندارد ولی تجارت ما با روسیه آنروز قریب دویست [illegible] سال بود و امروز بقدری کم شده که در [illegible] است و از طرف ما هم بهیچ وجه مسامحه نشده است . پیش از عهد نامه تجارتی تصور میکنم در مجلس چهارم حکومت آقای قوام السلطنه بود که اجازه دادند تجارتخانه های شوروی در مملکت ما شعباتی دائر کرده مشغول تجارت شوند و مذاکره عقد قرار داد تجارتی هم در بین بوده عهد نامه در سنه ۱۲۹۹ تنظیم و در سال ۳۰۰ ، از تصویب مجلس چهارم گذشته است در اصل ۱۹ عهد نامه می نویسد « طرفین معظمتین معاهدتین در مدت قلیلی پس از امضاء این عهد نامه اقدام در تجدید روابط تجارتی خواهند نمود » این مدت قلیل معلوم نیست چه وقت منقضی میشود ؛ و کی خاتمه پیدا میکند من اطلاعی در این خصوص ندارم ولی آنچه که من اطلاع دارم این است که از طرف ما ها هیچوقت تا حال اشکالاتی نشده است قسمت دیگر راجع بفصل ۲۰ قرار داد است که مینویسد « طرفین معظمتین متعاهدتین متقابلا بیکدیگر حق ترانزیت میدهند که از طریق ایران و یا طریق روسیه بممالك ثالثی مال التجاره حمل نمایند الخ » نظرم هست که من در این ماده اشکالاتی داشته و بهمین دلیل رای نداده و ممتنع بودم در این مورد در مجلس خیلی صحبت شد و مجلس شورای ملی متمسك به یك مراسله سفارت که بوزارت خارجه نوشته شده و وعده داده بود که صراحت ماده را تکمیل نماید شده و رای داد در سال گذشته که من از قسمت عشق آباد می‌آمدم دیدم تجار آنجا در قسمت حمل و نقل چای اعتراضاتی داشتند که بانها اجازه داده نمیشد . حالا در موضوع چای ممکن است اشکالی باشد ولی در قسمت خشکه بار وغیره که بازار فروش روسیه است چه خواهند گفت در صورتیکه ما بهیچوجه مانع تجارت روسیه نبوده‌ایم دیده ایم که اغلب مال التجاره های ما پوسیده و فاسد شده و اجازه صدور داده نشده است و هنو

ملیونها مبادرت بتجار و زارعین ایرانی وارد آمده است، من خیلی خوشحال هستم که آقای مستوفی که در سیاست خارجی بینائی کاملی دارند سرکار هستند و هم چنین وزیر خارجه ما که در موقع تنظیم عهد نامه در مسکو بوده و بدست ایشان عهد نامه تنظیم شده و از هر جهت در این موضوع اطلاعات کافی دارند در سرکار هستند و چون از خارج می شنوم که مذاکراتی برای عقد قرار داد تجارتی در جریان است خواستم از آقای وزیر خارجه سؤال کنم که این مذاکره صحت دارد یا خیر و اگر صحت دارد کی و چه وقت و چه طرز است ؟ و کی خاتمه پیدا خواهد کرد و همان شکل انحصاری است یا شکل دیگر و هر چه هست کی خاتمه خواهد یافت وفلاکت و بدبختی طرف شمال کی مرتفع خواهد شد

(جواب آقای مشاور الممالک وزیر خارجه)

در جواب فرمایشات آقای حائری زاده اگر قدری عرایض بنده بیش از آنکه میل داشتم مختصر شود طولانی شود خورده گیری نشود

راجع به کلمه که می فرمودند راجع باطلاعاتی که بنده دارم مسئلهٔ که این اوضاع را ایجاب کرد بعرض نمایندگان محترم برسانم اگر آقایان محترم اطلاع داشته باشند در یک سال و نیم دو سال قبل از ایران در حدود ۲۹ ملیون منات طلا امتعهٔ ایران بروسیه وارد میشد و این مقارن شد باضایع شدن محصولات در روسیه دولت روسیه در مقابل محصولات خود بکارخانجات اروپا مقداری ماشین آلات سفارش داده بود که در عوض گندم بدهد - گندم هم بد شد و هم آن مقدار محصولی که مورد احتیاج بود بدست نیامد ، دولت روسیه مجبور شد که تعهدات و قرار دادهای خود را آن مقداری که برایش ممکن بود ملغا نماید و در داخلهٔ مملکت خودش هم یک صرفه جوئیهائی بکند نباید تصور کرد که این تضییق تجارتی فقط نسبت بدولت ایران است بلکه این تضییق نسبت بدولت چین و افغانستان و ترکیه هم شده است حتی نسبت بدول اروپا هم تضییقاتی شده و برای مال التجاره های وارده بروسیه گمرکهای گزافی ده مقابل تعیین گردیده که تقریباً در حکم عدم اجازهٔ ورود است مثلا اسکرپک جوراب در پاریس ده فرانک قیمت دارد بیاید بروسیه و صد فرانک گمرک بپردازد قطعاً نخواهد آمد و جزو ممنوعات است - اینکه آقای حائری زاده مقایسه با استفادهٔ تجارتی قبل از جنگ را نمودند بنده هم تصدیق دارم و شاید داد و ستد روسیه و ایران قبل از جنگ بیش از دویست ملیون منات طلا و [illegible] در این خصوص

یک نکته را نباید از نظر دور داشت و آن اینست که امروز روسیه روسیهٔ سابق نیست پیش از جنگ مملکت لهستان که نفوسش ۴۰ ملیون بود پانزده ملیونش در تحت اقتدار دولت روسیه بود ولی حالا آن برای خود یک مملکت مستقلی است لتونی و لیتوانی و استونی از روسیه مجزا شده و فنلاند از طرف دیگر دولت مستقل گردید و این قرارنامه تصدیق کرد که امتیازات قبل از جنگ امروز وجود ندارد و انشاءالله باشد مثلا پنبه که امروز از ایران خارج میشود در کارخانجات دولت روسیه کار نمی شود بلکه آنرا با پنبهٔ امریکائی مخلوط می کنند و پارچه میبافند بیشتر پنبهٔ ایران که قبل از جنگ بروسیه میرفت در کارخانجات لهستان کار میشد که امروز در دست دولت لهستان است و مربوط بدولت روسیه نیست اما آنچه را راجع بترتیبات تجارت فرمودند بر طبق مذاکراتی که در مسکو و طهران شده است در مسائل تجارت و سایر مسائل که بین دولتین ایران و روسیه اختلافی بود چون دولت ایران مصمم شده است که این اختلافات یک مرتبه خاتمه بدهد مشغول مذاکرات شده و هیئت دولت در رأس مسئله و وزرائی که این اقدامات راجع بآنها است همه مشغول اقدام هستند بطوریکه برای اینکه اینکار ها زودتر انجام شود [illegible] روز در هفته بجلسات هیئت وزراء و هر جلسه دو ساعت و نیم بوقت آن علاوه شده که این مسائل زودتر خاتمه یابد و پیشنهاد هائی که فعلا هست اساسش روی موازنهٔ تجارتی است ولی معلوم است وزارت خارجه ، وزارت مالیه ، وزارت فوائد عامه و کمیسیونهائی که دارند و مشغول اینکار هستند دقت می کنند که کار بطوریکه منافی منافع دولت ایران نبوده و عملی باشد انجام بگیرد اگر چند روزی طول کشیده و بکشد برای این است که دولت ایران می خواهد که تمام این اختلافات یکمرتبه خاتمه یابد و امیدوارم که تا دو هفتهٔ دیگر نتیجه اقدامات دولت در این موضوع کاملا معین شود تا بتوانیم بطور قطعی نتیجه اقدامات خود را بعرض مجلس برسانیم

(نطق آقای میرزا غفار خان جلال)

[وزیر مختار در دربار مصر]

با کمال شرف نامه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی شاه ایران پادشاه معظم خود را که بدان وسیله مرا سمت نمایندگی فوق العاده و وزیر مختاری نزد شخص اعلیحضرت معین فرموده اند تقدیم میکنم .

در ادای احساسات عالیه احترامات فائقه ، و دوستی خلل ناپذیر پادشاه معظم متبوع خود نسبت

بشخص اعلیحضرت و همچنین ادعیه قلبیه اعلیحضرت شاهنشاهی برای سعادت خانواده سلطنتی و ترقیات ملت نجیب مصر از اعلیحضرت مستدعیم که عنایتاً اجازه بدهند عرض کنم که کمال افتخار و خوشوقتی را دارم از این انتخاب خود را برای نمایندگی در دربار اعلیحضرت که یکی از ارکان بزرگ اسلام است و در مملکتی مثل مصر که از آغاز تاریخ عالم با ایران در وجود و در تولید تمدن و ترقی عالم باهم هم‌قدم و هم مشی بودند

امید است که در این دوره عالم هم این دو دولت بزرگ اسلامی نظیر دوره استانی در این شرکت اخلاقی و معنوی اتحادشان را امتداد داده پیش رو و قائد تمام ممالک اسلام شده و عالم اسلام را با روابط محکمه متحد سازند و در عظمت اسلام بکوشند

رجای واثق دارم ـــ توجهات اعلیحضرت بهترین کمك من در انجام ماموریتم که (اساسش بر مزید استحکام روابط دوستی محکمه تاریخی که مملکتین ما را خوشبختانه متحد ساخته و توسعه منابع مشترکا بین مملکتین به بهترین وجوه است) خواهد گردید .

جواب اعلیحضرت ملك فواد اول
پادشاه مصر

با یکخوشوقتی در این موقع رسمی نامه اعلیحضرت شاهنشاهی شاه ایران را که بدان وسیله شما را در نزد ما بسمت نماینده فوق العاده و وزیر مختار مخصوص معین کرده اند دریافت میکنم

با کمال امتنان از حسیات و ادعیه که از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی تبلیغ داشتید خواهش می کنم آقای وزیر مختار اعلیحضرت شاهنشاهی را از تشکرات خیلی صمیمانه من مطمئن و ادعیه قلبیه مرا برای خوشی خود ، و خوشی خانواده شاهنشاهی و سعادت ملت نجیب ایران باعلیحضرت شاهنشاهی تقدیم نمائید

از مسرتی که در آمدن بمصر و اعمال فعالیت خود در استحکام روابط دوستانه که بین مملکت شما و من موجود است ابراز گردید موجب نهایت خوش وقتی من گردید و یقین دارم امیدواری را که اظهار کرده اید اسلام مشهود خواهد آمد و ایران و مصر هر دو متفقاً در ابقاء و اتساع خصائل عالیه و اخلاقی که مایه عظمت و ابهت اسلام بوده است مداومت خواهند کرد

با ایقان از ضرورت جانب اتحاد و اتفاق است که می توانم آقای وزیر مختار (در مساعدت شما در انجام وظیفه مقدس تان) شما را از کمك خود و همراهی دوستانه دولت خود اطمینان بدهم

(چهره نما منطبعه مصر)

موزه معارف

چهار لنگه درب خانه کاری عتیق متعلق بدوره شاه عباس وزارت مالیه بموزه معارف تخصیص داده و تقاضا کرده که در موزه بطور امانت بمعرض نمایش بگذارند و هر موقعیکه بانك ایران خیال فروش داشته باشد می تواند بمعرض فروش برساند و آقای قشقه مامور شده که درب ها را تحویل گرفته بموزه معارف بدهد

مدرسه مهندسی

آقای وزیر معارف تاکید افتتاح مدرسه مهندسی نموده و اعتبار برای خریداری اثاثیه آن صادر و اینك اداره ملزومات مشغول تهیه و تکمیل اثاثیه مدرسه مذکور گردیده تا اوایل ماه آتیه مدرسه مهندسی با حضور هیئت محترم دولت و رجال و اعیان در طهران افتتاح و ۲۰ نفر محصل برای تحصیل علوم مهندسی قبول و در تجدید هر سالی بیست نفر قبول خواهد گردید

(تصفیه قروض مرحوم سپهسالار بدولت)

دعاوی راجع بمرحوم سپهسالار در تعقیب کمیسیونی که چند روز قبل در منزل آقای دکتر میلسپو تشکیل گردید بطوری که اطلاع حاصل شده مسئله اینك ترتیب رضایت بخشی حل و تصفیه گردیده اشکالی برای پرداخت قروض نمانده است

سد اهواز و شادروان

برای بستن سد اهواز و شادروان راپورت های مفصلی باضمام نقشجاتی که ظهیرالملك در حکومت خوزستان خود تهیه کرده بوزارت فواید عامه رسیده است و در آن وزارت خانه طرف مطالعه واقع گردیده است

چراغ برق اصفهان

وزارت فوائد عامه لایحهٔ برای صدور امتیاز چراغ برق اصفهان و لزوم معافیت عوارض مالیاتی موسس آن تهیه و به هیئت وزراء تقدیم داشته است

ثبت اموال دولتی

وزارت پست و تلگراف دائره باسم دائره ثبت اموال دولتی تاسیس نموده مسیو بر ناردی هم بریاست آن تعیین شده اند

(تکمیل راه شوسه بروجرد و محمره و خرم آباد)

مهندس ناحیه ۱۲ که مامور ساختمان راه بروجرد و محمره است تلگرافاً باداره طرق و شوارع اطلاع میدهد راه مابین بروجرد و خرم آباد تقریباً تمام و از اول مهر ماه مفتوح و اتوموبیل رو شده و فعلا مشغول رفع نواقص آن و ساختمان بقیه خط میباشند

[حسب الامر مدیر و دبیر جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام در مطبعه حبل المتین
(نمبر ۱ — ۲۶ امرتی پوکر رود کلکته طبع و توزیع گردید)

Ahri Pokur Road
CALCUTTA

حبل المتین
(۱-۲۶ امری پوکر رود)
[بالیگنج . کلکته]
بکلیه امور با مدیر کل
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[مدیر الیاف ... مؤید زاده]
... است
مرتب هفته طبع و سه شنبه
توزیع میشود

جراید مستدعین مجانا باحدی داده نمی شود
از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل اوبه اخبار
مقدم گرفته میشود
روزنامه سه مقدس

حبل المتین

۱۳۱۱

قیمت اشتراک
سالانه ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران ۳۵ قران
[ممالک دایره]
سالانه
یک و نیم لیره انگلیسی

یوم سه شنبه ۲۲ آذرماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مطابق با ۸ جمادی الثانی سنه ۱۳۴۵ هجری
مطابق با ۱۴ دسمبر سنه ۱۹۲۶ میلادی

ایران و راه آهن

یک از مسائل حیاتی مهم سیاسی و اقتصادی ما راه آهن است و آنچه ما را از قافله ترقی ملل عقب انداخته نداشتن این رشته عمرانی است . این زیان عظیم و خساره بزرگی که ملت و دولت ایران دیده بعضی را زمامداران سلف ذمه دار اند و بعضی دیگر آن را دو همسایه شمال وجنوب - میتوان گفت تا وقتی از قرار داد سال ۱۹۲۱ که بین ایران و روسیه آمد ایران را امیتوانست دول مختار و ملت آزاد کما هو حقه گفت البته از آن بعد ایران نفس آزادی کشیده و تا یکدرجه از فشار علنی جنوب و شمال مستخلص آمد . مالیه ایران سر و صورتی گرفت از دو سال باین طرف سرمایه عمران مملکت یعنی راه آهن زبان زد خاص و عام آمد گمرک انحصاری قند و شکر و چای اختصاص براه آهن داده شد و یک سال و اندی است که از این ممر نزدیک به پانزده کرور تومان سرمایه جمع گردیده وهمه روزه نیز این عایدات رو بازدیاد و این سرمایه رو بکثرت است شاخهای

۱ عمده راه آهن ایران یکی از چاه بهار و دزداب
۲ تا عشق آباد است و دیگری ازمشهد به خانقین سوم
۳ از درجز به محمره وچهارم از انزلی به بوشهر وپنجم
۵ از بندر عباس بکرمان و یزد و فارس ششم از بندر
۶ لنگه به لار و سبعه جات تا منتهی شود بخط فارس
۷ هفتم از خط جلفا به طهران تا منتهی شود به مازندران ومتصل گردد براه آهن گیلان . این شعبات را راه های اصلی باید گفت نهایت برخی از آنها بواسطه اتصال بشاخهای دیگر طولش کم وبعضی زیاد است وشاخهای فرعی هم بسیار است که از ذکر آن صرف نظر میشود

معلوم است تنها خطوط اصلی راه آهن ایران کمتر از شش هزار میل نیست و اگر خطوط فرعی آن هم حساب شود سر به ده هزار میل خواهد زد آن وقت خواهیم توانست گفت که ایران دارای راه آهن گردیده است

در موضوع ساختمان این شعبات راه آهن عقاید مختلف بوده و هست برخی قائل اند که راه های آهن ایران باید بسرمایه ... ساخته شود ... برخی میگویند که باید برای ساختن راه آهن جلب سرمایه خارجی نمود اما بعقیده ما راه های آهن ایران را بدواً بایدایرانی بکشد و در موقع ضرورت نیز باعتبار عایدات همان راه های آهن جلب سرمایه خارجی نماید ایران باید درسایه میراث راه آهن خود دارای کارخانجات عمده بشود ازقبیل کارخانه آهنگری ، نجاری و از پرتو همین کارخانجات لوازم کشتی سازی و ضروریات نظامی ما هم تکمیل تواند یافت ، برای کارخانه آهنگری ونجاری سرمایه موجوده کافی تصور میشود ، و چون این دو کارخانه را تکمیل نمودیم در کمال سرعت تمام شعبات فرعی و اصلی راه آهن ایران تکمیل تواند یافت

راه آهن دو چیز عمده میخواهد ، اول چوب که بواسطه کارخانه نجاری وتهیه آن ازجنگلات مازندران وغیره به مقدار کافی حاصل تواند آمد و نیز بواسطه کارخانه آهنگری بقدر مکفی از هر قبیل آهن تدارک توان کرد ، و در سایه همین دو کارخانه معدن های ذغال و مس و نفط هم بکار تواند افتاد و از این رو هم در ساختن اطاقها و ماشینهای راه آهن رفع احتیاجات خود توانیم نمود

مشترکین محترم را شرمسارانه اعلام مینمائیم که سال سی وچهارم حبل المتین باین شماره خاتمه می یابد

ازاین مصارف که فراغت پیدا شد مصارف دیگری که برای ساختمان راه آهن درکار است حالا مصارف تدریجی است از قبیل مزد عملجات وکارخانه سیمنت سازی وپل وتنل سازی ولقب زنی - وچون عایدات انحصاری روزانه است برای این مصارف کمك بزرگی تواند نمود

در این صورت پس ازچندی ایران دارای شعبات بزرگ راه آهن شده بدون اینکه امتیاز بخارجه داده و زیر بار خساره هنگفت همه ساله راه های آهن خود بگردد چه کمپانی خارجی که بخواهد امتیاز کشیدن راه آهن مارا حاصل کند دولت باید ذمه‌وار فرع سرمایه راه آهن بگردد در آن صورت گمان میرود که عایدات انحصاری کافی باشد برای آن خسارات بعبارت دیگر علاوه بر این عایدات هنگفت انحصاری دولت باید از عائدات دیگر خود هم بخساره راه آهن بپردازد

این نکته‌را باید دانست که بواسطه قلت زراعت وکمی نفوس هر شعبه از شعبات اصلی و فرعی راه های آهن ایران ساخته آید ابتدا تا چندی بدون خساره نخواهد بود و تا وقتیکه ایران این خساره را متحمل نشود ، زراعت و تجارت ترقی نخواهد کرد و مملکت هم روی عمران نخواهد یافت و جبران خسارات راه آهن هم نخواهد شد این خساره حتمی از طرف دیگر منافع قطعی را هم داراست که همان ترقی زراعت و تجارت و عمران مملکت باشد در هر صورت ملت و دولت ایران اول و آخر باید این خساره را تحمل کنند ولی اگربخارجه امتیاز داده شود خساره ما چند بالا خواهد بود و اگر خود مان راه های آهن مملکت را بسازیم خسارات مان محدود و غیر مفهوم خواهد آمد نهایت در سالهای اول راه های آهن ما فایده نخواهد نمود یا نفعش کم خواهد بود ولی بتدریج بر منافع آن خواهد افزود

آقایان وکلاء باید ملتفت باشند که آنچه صرف کارخانه آهنگری وکارخانه نجاری شود ویا بمصارف معادن آهن و مس و ذغال و نفت مصرف آید همه در راه آهن شده مهندسین معادن ومهندسین ساختمانهای راه آهن و کارخانجات سیمنت سازی وغیره همه برای راه آهن است چه پلهای بزرگی که باید راه آهن از روی آن بگذرد بدون سنك و سیمنت و ساروج نمیتواند شد غرض اینست که یقیناً این سرمایه موجوده راه آهن که از عایدات انحصاری تدارك یافته درهمین مصارف ابتدائی راه آهن باید صرف شود

[illegible] این مصارفه را که ذکر شد مجموعاً مصارف راه آهن است ، ساختن راه آهن متخصص میخواهد ، [illegible] شناس آهنگر

نجار و و و میخواهد بدون این ها راه آهن تهیه نمیشود حالا که ما مصمم شده که راه های آهن خود مان را خود آماده نمائیم تدارك همه این ها از فرائض اولیه ساختن راه آهن شناخته آمده

راست است برای ایران کنونی مواجبهای هنگفت متخصصین و مهندسین امریکائی خیلی گران است ولی اگر دقیق شویم خواهیم یافت که امتیاز دادن بخارجه راه های آهن ما را خیلی گران تر خواهد ساخت بزرگترین خوشبختی برای ایران و ایرانی همین نکته خواهد بود که بتواند راه های آهن خود را از مواد وطنی و عملجات ملی انجام دهد ، درست باید دقت نمود اگر چنین شود یعنی بحول و قوه خداوندی و اراده ملی توانستیم که راه های آهن خود را از مواد وطنی و فعله های خود مانی بسازیم صد یك از ثروت ملی در موضوع ساختمان راه آهن بخارجه نخواهد رفت فقط ایران در ساختن راه های خود محتاج متخصصین و مهندسین و استادان ماهر خارجی ومواجب آنان هر قدر هم شود سالانه از یك کرور تجاوز نخواهد نمود و در سایه علم و عمل آنان و سرمایه طبیعی مملکت صدکرور سرمایه ملی نصیبی شان خواهیم داد که باعتبار آن بتوانیم پنجاه کرور ثروت خارجی را بدون هیچگونه زیانی جلب بداخله نمائیم

ولی چیزیکه میتواند قلوب برخی از آشنایان بعمل را مشوب سازد آنست که این عمل یعنی ساختن راه های آهن ایران بدین شکل خیلی بطول تواند انجامید - بعقیده ما اینهم اشتباه است چه تعمیر راه آهن خواه ما خود کنیم یا دیگری که بدون ان مقدمات صورت نتواند بست اول نقشه کشی است همانقدر که برای ما این عمل طول زمان خواهد برای دیگران هم خواهد خواست همین مهندسین را که ما از آمریك طلب نموده ایم اگر یك کمپانی امریکائی هم که امتیاز کشیدن راه آهن ایران را داشت مجبور به طلب کردن آنها بود همان قسمیکه آن مهندسین زیردست کمپانی امریکائی کار می کردند زیردست متخصصین ما هم [illegible] خواهند کرد

همان قسم است مسئله پل وتنل سازی ونقب زنی وتسطیح اراضی - سرمایه زیاد طول مدت اعمال ابتدائی راه آهن را کوتاه نتواند کرد تا وقتیکه این مقدمات صورت نبندد معادن آهن وذغال هم بکار نیفتاده کارخانه آهنگری ونجاری هم صورت عمل نتواند گرفت مشروط براینکه متخصصین خارجی بروی کار باشند بعقیده ما اگر متخصصین شعبات راه آهن ایران تنها از امریك گرفته نمیشد بهتر بود حالا نظریه وزراء فواید عامه چه بوده است که معدن شناس ومتخصص ذوب آهن را از

آلمان جلب فرموده ما نمی دانیم ولی اگر همه اینها از امریک استخدام میشد گویا ذمه واری بیت ملت عاید میگردید و مسئله رقابت و ضدیت هم کمتر متصور بود اگر چه خواهند گفت که کار کردن در معدن و کار خانه آهنگری و نجاری چندان مربوط براه آهن نیست ما نیز قبول خواهیم کرد ولی اگر ارتباط عملجات این دو عمل که مبنآ بهم مربوط اند بودی یعنی از یك ملت بودند بعقیده ما بهتر بود

بهر حال میتوان امیدوار شد که اقدامات ابتدائی برای راه آهن ایران شده و میشود مشروط بر اینکه جلب متخصصین از روی اصول و عمل باشد یعنی کسی را استخدام نکنند که عملش مربوط بدیگری باشد که بیاید در ایران و بیکار ماند تا متخصص دیگر جلب شود چون برای ساختمان ماشین های راه آهن و اسباب های آن مس زیاد درکار خواهیم داشت خوبست از همین ابتدا توام مشغول بکار کردن معادن مس و

[بقیه در صفحه ۲۳]

از طهران می نویسند

این ایام چند مسئله موضوع بحث دولت و وکلای مجلس است اول حمله بر مدرس و عدم گرفتاری حمله کنندگان میدانیم مردم بیکار همیشه افواهات شان از روی صحت نیست همه تصور میکنند چون شاه و دولت و مجلس میخواهد و نظمیه هم موجود است باید حمله کنندگان بر مدرس بفوریت معلوم گردند و خیال نمیکنند که هر قدر نظمیه ما خوب باشد مثل پاریس نخواهد بود بسیاری از واقعات مثل حمله بمدرس در پاریس پیش آمده که کشف آن مدتها طول کشیده است وخیلی ها هم ابداً کشف نشده وظیفه نظمیه است ازروی صمیمیت کوشش تفتیش امر بکنند ولی نظمیه ذمه‌وار نیست که بفوریت حمله کننده را بدست آرد یعنی ما فوق قوت وقدرت اوست چه درهمان محل حمله حمله کنندگان بدست نیامده وقرینه هم درکار نیست ـ درموضوع حمله برمدرس افواه متنوع و همه ازروی ظنیات است در هر صورت نه اینکه تیر موسین حمله کنندگان بسنگ خورد بلکه این حمله برعظمت مقام وابهت مدرس خیلی افزود

مسئله دیگر که خیلی جلب اهمیت است همانا موضوع قرار داد تجارتی روس و ایران می‌باشد که از یك سال باین طرف ایرانیان از تجارت با روس خیلی صدمه خورده حالا ساعی اند قرار داد کنونی بروی تعادل و تساوی گذارده آید ـ ابداً صحیح نیست که قیمت اجناس ایران را نمایندگان تجارتی روس معین کنند ولی مال التجاره روس آزاد باشد یا هر دو باید آزاد باشند و یا هر دو محدود و معین تجار در این مسئله خیلی دل بسته هستند وحق هم با آنهاست دولت و مجلس باید نظریه تجار را از کف ندهد چه بیش از همه تجار متعلق باین مسئله اند

مسئله دیگر نه بیش از پیش افکار را متوجه بخود ساخته همانا راه آهن است عاقبت آنچه را حبل المتین در موضوع راه آهن نگاشته محل توجه عمومی قرار گرفته آقای مدرس هم این عقیده را تقدیس و پیروی دارند گویا کلیه طبقات جز خارجی پرستان یك دل ویك جهة اند که راه های آهن ایران ولو دیر هم باشد و گرانتر هم تمام گردد باید بدست خود ایران ساخته آمده و مواد آن هم آنچه میسر شود از داخله فراهم آید علاوه بر متخصص راه سازی که از آمریك طلب شده و چنانچه میگویند از رجال نمره اول آمریك در این فن است یازده مهندس دیگر و یك نفر تند نویس که تحت امر متخصص مزبور خواهد بود از اتازونی جلب گردیده و نیز متخصص ذوب آهن و معدن شناس وغیره از آلمان خواسته اند متخصص ذوب آهن از آلمان رسیده وعنقریب مشغول بکار خواهد گردید دولت مصمم است که چوب و آهن که اس اساس راه آهن شناخته آمده از ایران فراهم کنند مسلم است که عملجات و کارگرهم تمام ایرانی وفقط متخصص ومهندسین بزرگ امریکائی خواهند بود

چون سرمایه کارکردن درمعادن آهن وذغال وسائر لوازم راه موجود است همچو تصور میشود همینکه شروع بکار شد خیلی زود پیشرفت نماید فعلا اگر مواد آهن وچوب ازخود ایران تهیه شود قریب هزار میلیون سرمایه کشیدن راه آهن درخزانه موجود است و این وجوه موجوده بهیچ چیز صرف نتواند شد جز درتعمیر راه آهن یك ازمبصرین میگوید که برای بیکاران ایران عنقریب در شعبات عملیات راه آهن چه در کارخانه آهنگری وچه درمعادن ذغال و آهن وچه در کارخانه های نجاری وچه در تسطیح راه و ساختمان های پلها وغیره بیش از یك ملیون نفوس ایرانیه در وطن خود بکار های عمرانی امرار معاش خواهند نمود و سرمایه راه آهن هم در دست مردم چرخ خواهد زد مهاجرین ایرانی که در اطراف و اکناف عالم مانند جراد منتشر اند همه باوطان خویش باز خواهند گردید بهمین مناسبت است که امروزه دولت و ملت ملتفت آمده میدانند عنقریب مهاجرین از هر قوم و ملت و مذهب مانند مور و ملخ در ایران خواهند ریخت لذا ساعی اند که در این اولین قدم قانونی برای مهاجرت ازمجلس شورای ملی گذرانده تا خارجیان ملتفت آمده ازروی همان قانون بمهاجرت قیام کنند چون مسئله مهاجرت دارای منافع و مضار بزرگ است

ما نیز دراین مقاله نگارشات خودمان را در اطراف این موضوع اختصاص میدهیم .

(مهاجرت)

مسئله مهاجرت یك از مسائل مهمه سیاسی واقتصادی و عمرانی است که مبتلا به غالب ممالك معموره و غیر معموره میباشد برخی از ممالك است که در وسعت خود نگنجیده مجبوراً اهالیش باطراف و اکناف عالم هجرت می نمایند و نیز خیلی ازممالك غیر آباد است که مانند ایران ما خالی از سکنه و محتاج بمهاجرین است .

مثلا اقلیم آمریك که گنجایش هشت صد الی هزار ملیون نفوس را دارد ٥ صد نفوسش بصد و پنجاه ملیون نمیرسد — مجمع الجزائر آستریلیا که او نیز گنجایش چهل ملیون نفوس را داراست اهالیش از هفت ملیون متجاوز نیست و بسیاری از نقاط دیگر هم هست مانند سائبریا که نفوس آن نسبت بمساحت اراضی و گنجایش خیلی کم است

سه نقطه مهم است که اهالی آن خیلی محتاج بمهاجرت آمده اند اول اروپا غیر از حصه روسیه ، دوم چین ، سوم هندوستان است و بسیاری ازنقاط غیرمسکون هم هست که برابطه برخی شداید یا نبودن سهولت اسباب تعیش مردم مهاجرت بدانجا را پسند نمیکنند مانند سائبریا که از شدت سرما و کمی عمران و عدم جمعیت اسباب ، مهاجرین میل برفتن آنجا ندارند ، اگرچه سائبریا دارای معادن بیشمار ومحاصل سرشار است و یك زمانی خواهد آمد که مانند چین پرجمعیت شده نفوس و اهالیش مجبور بمهاجرت اقاط دیگر گردند ولی امروزه چون اسباب آسائش و عمران کم است اهالی چین بااینکه همسایه و نزدیك اند راغب بمهاجرت آنجا نیستند اما آمریك چونکه همه گونه اسباب آسائش مهیا و موجبات عمران آماده و هر کس بدانجا مهاجرت کرده دارای ثروت و تمول گردیده بیشتر راغب اند که به آنجا مهاجرت کنند ولی قوانین آمریك برای مهاجرین قسمی سخت گردیده که کمتر به آن سوق میتوان توجه نمود وبعقیده بسیاری عاقبت همین قانون منع مهاجرت سبب جنك چین و ژاپون و آمریك خواهد گردید چه چین و ژاپون نزدیك به آمریك و مجبور بمهاجرت هم هستند چین و ژاپون بدو نقطه نزدیك خود میتوانند مهاجرت کنند یکی سائبریا که ذکر کردیم دیگری آمریك ، آمریکائیان حاضر نیستند که چینیان وژاپونیان را بعد وفور در اناطولی جای دهند از این رو قوانینی چند وضع کرده و در کار وضع کردن اند که حتی الامکان جلوگیری از این مهاجرین بتوانند کرد ولی چون جلوگیری ازامور طبیعیه غیر میسور است عاقبت روزی خواهد آمد که رئیس جمهوری آمریك هم چینی یا ژاپونی انتخاب گردد، چه مجاری طبیعت مانند سیل بجانب آمریك چینیان و ژاپونیان را خواهد ریخت و هیچ مانعی هم از آنها جلوگیری نتوانست نمود .

اما مجمع الجزائر آستریلیا که نزدیك به هند و ژاپون است نظر بر اینکه دارای ثروتهای طبیعی سرشار میباشد اهالی آنجا از روی حرص و طمع حاضر نمیشوند که آزادانه و مستقلاً هندیان و ژاپونیان در آن جزیره رفته سکونت اختیار نمایند چونکه اهالی آفریق جنوبی وآستریلیا بیشتر انگلیسی نژاد و خیلی دور بین و مآل اندیش اند حرص و طمع شان نقشه چند صد سال بعد خودشان را هم کشیده میگویند ثروت طبیعی این دو مملکت باید مخصوص ومنحصر فرزندان (انگلوسکسن) باشد حل این مسئله راهم بپیش آمدهای طبیعی واگذار نمود . محتاج به پیشگوئی ما نیست عجب اینست که جنوب آفریقا و کانادا و مجمع الجزائر آستریلیا وهندوستان تمام درتحت امپراطوری دولت انگلیس است و گویا هندوستان از جمیع این ممالك جلب فایده مینماید ولی با هندوستانیها درباره این نقاط قسمی سلوك میشود که در قسمتی ... با غلامان رفتار میشد هندیان را از شرکت در معاملات ملکی محروم داشته سختی آنها اندرجهٔ است که نمیگذارند یکنفر هندی در محلهٔ آنان خانه بسازد . چرا چنین میکنند علتش معلوم است که هر مملکتی که جمع ثروت در آن سهل باشد مردم بدانجا رغبت میکنند و اهالی آنجا که خویشتن را مالك حقیقی آن ثروت می پندارند کمتر راضی میشوند شریك و سهیم یعنی مهاجرین خارجی و حال آنکه عمران افریقای جنوبی بدست مهاجرین هندی شده و هنوز هم عده مهاجرین هندی نسبت به انگلیسیان آنجا فزونی دارد

(ایران و مهاجرین)

یك از ممالك کوچکی که دارای ثروت طبیعی و آب و هوای لطیف و از هزاران سال باین طرف معمور ترین نقاط دنیا بوده و امروزه میتوان خالی ازسکنه اش گفت و بسیاری محتاج به مهاجرین خارجی گردیده همانا ایران است که در حقیقت موضوع بحث این مقاله ماست

ایران مساحتش ثلث هند ونفوسش صدی سه هندوستان است خوش بختانه یا بدبختانه معدودی از سکنه آنها که تازه سر از تخم بیرون آورده و هنوز پس وپیش خود را ندیده قبل از آنکه جلوگیری از علل قلت نفوس خود بنمایند بفکر آوردن سکنه ازخارج افتاده مشغول بدست و پا زدن اند و حال آنکه ایران همینکه

مسافرت در آن سهل شود و برای بیکاران کار پیدا گردد و امنیت مالی و جانی کسب عمومیت نماید محتاج بر آن نخواهد بود که کوشش در جلب مهاجرین خارجی شود چه ایران در منطقه معتدله واقع آب وهوایش معتدل و درکثرت نعمت ضرب‌المثل است و بهمین مناسبت همواره پر جمعیت بوده و سیل مهاجرین از ایران بسائر نقاط آسیا و اروپا سرازیر شده است . لفظ ایرین و ایریانی مشتق از همین ایران است که امروزه اروپائیان و هندیان مفتخرانه خود را ایرین میگویند (مقصود منطقه قفقازستان یا ماوراء النهر و خوارزم همه در یك منطقه واقع و همه ایران بوده است) ولی از شامت و سست عنصری ما کار بجائی کشیده که این مرکز عمران دنیا اینك بقسمی خالی از سکنه گردیده که محتاج بمهاجرین خارجی شده است چیزیکه میتواند تصدیق مراتب فوق را نماید همانا نگارشات مورخین اروپ است که مینویسند در زمان شاه عباس کبیر فقط شهر اصفهان دارای چهار ملیون نفوس بوده که امروزه بزرگترین شهر های دنیا یعنی لندن همین قدر یا چیزی از این بیشتر دارای نفوس است و میتوان گفت در آن زمان شهری پر جمعیت تر از اصفهان نبوده و بهمین مناسبتش نصف جهان گفته اند خوبست قبل از آنکه ما بفکر جلب مهاجرین افتیم تفکر کنیم که سبب عمران ایران در ازمنه سالفه و خرابی امروزی آن چیست اگر علل را رفع نمودیم ابداً محتاج نخواهیم بود که کوشش جلب مهاجرین خارجی نمائیم از یکطرف نفوس ملی رو بازدیاد خواهد نهاد و از طرف دیگر مهاجرینی که بعنوان از آنها منتفع آمد با کمال اطمینان بمملکت ما وارد خواهند گردید و اگر قبل از آنکه علت نقصان نفوس را فهمیده برفع آن کوشیم هر قدر هم نفوس مهاجرین را بایران جلب نمائیم دست طبیعت در فنای آنها و متفرق ساختن شان بعمران مملکت مهلت نخواهد داد

این خود مسئله ایست جدا ومحتاج بمقالات مفصل باید بموقع خویشش گذاشت

در هر صورت ارباب حل وعقد نباید بی‌گدار به آب زنند ما از ملت آمریك و آستریلیا هوشیار تر نیستیم ما باید خیال کنیم که چرا آمریکا و آستریلیا جلوگیری از مهاجرین بمملکت خود می نماید برای مآل اندیشی است برای دوستی نسل آینده خودشان است ما باید عبرت بگیریم از بومیان هندی وسیاهان امریکائی که محو و نابود در مهاجرین گردیدند و حالا نمونهٔ از آنها جز در موزه های بزرگ دیده نمی شود مجمع الجزائر آستریلیا مساحتش چند برابر ایران است و نفوسش نصف ایران همین مناسبت را دارد کانادا از حیث مساحت و نفوس و اگر نفوس امریك و مساحت آن اقالیم بزرگ را هم بسنجیم خواهیم دید که نسبت مساحت بنفوسش از ایران خیلی کمتر است پس ما نباید گز نکرده پاره کنیم از قلت نفوس خود شیون نمودن غلط است قبل از همه چیز باید سعی کنیم و بکوشیم که نفوس خود مان رو بازدیاد گذارند نه نقصان - باید بکوشیم که عمران این خطه تابناك بدست ما و اولاد ما گردد باید سعی کنیم ابواب ثروت طبیعی مملکت بدست خودمان یا قلا بمالکیت خودمان باز گردد دست پاچه نباید شد عجله نباید نمود - آقا و مولا برای خود درست کردن و طوق عبودیت و بندگی آنان را بگردن خود نهادن خلاف عقل است برای ملت جاهل برای ملت بی علم برای ملت بیمار باب مهاجرین را بروی شان باز کردن راه عدم برای آنها باز کردن است ایران قبل از همه چیز باید دو اصل اصیل را پیروی کرده سپس بهر اقدامیکه شایسته باشد قدم بردارد اولی باید تعلیمات ابتدائی و عالی را توام در مملکت جاری ساخت چه قوم جاهل همیشه مطیع و منقاد اقوام عالم است مسلماً مهاجرینی که بقصد مملکت ما لذد شوند از ما عالمتر و داناتر اند ورنه بقصد جلب نفع از مملکت ما نمی افتادند مهاجرین خالی از دو صنف نیستند اول مردمان عالم در ملل جاهل مثل اینکه امروزه میبینیم مردمان عالم در بلاد شرق منتشر آمده بقوه علم شرقیان را مزدور خود ساخته از پرتو دانش و اطلاع خود در قلیل زمانی ملیونها ثروت می اندوزند یا طبقه مزدور که برای قوت لایموت خود بممالك معمور مهاجرت می کنند ایران چون از ممالك معموره بشمار نیست مهاجرین مزدور یعنی عمله و فعله بقصد مهاجرت آنجا کمتر برمی‌خیزند بلکه کسانی در خیال مهاجرت بملک ما میافتند که از ما دانا تر و عالمتر اند و میتوانند بار خود را از ما بکشند برای مثال می گوئیم صد یك مهاجرین اروپائی که در چین ثروت می اندوزند در ژاپون دیده نمیشوند با اینکه مملکت ژاپون معمور و کار در آنجا بوفور است ولی چون از روی علم نمیتوانند بر آنها غلبه جویند از آنجا صرف نظر کرده مانند سیل بچین میریزند وحال آنکه چینیها خود محتاج بمهاجرت اند

در قرون سالفه که ایرانیان هم است بهمگنان عالم و دانا بودند مهاجرین ایرانی مانند امروزه اروپا در شرق و غرب عالم پراکنده شده جلب ثروت های بزرگ و عمده می‌نمودند و امروز هم آثار مهاجرین ایرانی در غالب بلاد مشرق و مغرب نمودار وسرمایه افتخارات تاریخی این ملت گردیده

§ از نقش و نگار در و دیوار شکسته §
§ آثار پدید است صنادید عجم را §

بدبختانه هنوزهم در همان مجرای قدیمه سیل مهاجرین ما جاری است و چون امروزه دیگران عالم وما جاهل و نادان مانده ایم بهر جا که میرویم جز مذلت بار نیاورده و غیر از مزدوری و فعله گی برای مـا راهی نیست

پس ما نباید تاوقتیکه علوم ابتدائی و عالی را در ملت خود عمومیت بخشیم راضی بمهاجرت دانایان از اقوام دیگر بایران بشویم ورنه چنین اقدام بزرگترین قدمی است که بدست خود و اولاد وخانواده خودبرداشته ایم چنین تصور نشود که ازمهاجرت دانایان ما هم دانا شده نخواهیم زیر بارمذلت شان رفت اگرچنین بودی بومیان اصلی هند و سیاهان آمریک بجای اینکه محو گردند بمدارج ترقی بالا میرفتند . هر قومیکه بخاك ما مهاجرت کند درمحو ما وقوام ملیت خویش خواهد کوشید و این امریست طبیعی و هیچ چیز چاره این امر را نتواند کرد جز حربه علم و دانش که امروزه در ایران مفقود است

دوم - حفظ الصحه عمومی است که مانند تعلیمات ابتدائی و عالی در ایران نام و نشان ندارد از اینرو بقیة السیف ملی ما همه رنجور ، علیل ، وافوری ، بیکار ، نیم مرده بلکه مرده اند مهاجرینی که دراین مملکت وارد شوند قوی الاریکه ، صحیح الجسم خواهند بود ، و اگر هزار نفر اینگونه مهاجر از خارج وارد خاك ایران شوند برپانصد هزار ایرانی ضعیف کم بنیه غلبه توانند یافت ، نمونۀ این را اگر میخواهید بشما نشان دهیم یکنظر بهندوستان انداخته و مهاجرین عالم قوی البنیه انگلستان راملاحظه کنید که یکنفر شان بواسطه علم و قوای جسمانی و قوت قلب حکومت بر یك هزار و پانصد نفر هندی می نماید .

بازهم تکرار میکنیم وآقایانی را که تازه سراز تخم بیرون آورده دعوی سیاست مداری وملك آرائی دماغ شان را پرکرده مخاطب می‌نمائیم که این چه خیال خام و چه قصد نافرجام است که شما را گرفته و تا این درجه و این پایه درصدد جلب از ما بهتران در وطن خود هستید آیا به عقبت وخیم آن پی‌برده اید ؟ یك روز می‌شنویم میخواهند یك کالونی آلمانی درایران تشکیل دهند ، روز دیگر مسموع می‌آید که یك قطعه وسیعی از اراضی ایران را میخواهند بمدت مدیدی بمهاجرین ایطالی اختصاص دهند وجماعتی دیده میشوند که سر از پا نشناخته برای مهاجرت فارسیان قدیم سینه کوبان اند . شك نیست من بشخصه فارسیان را دوست دارم و چه میدانم آنها نیز ایرانرا مثل اماکن متبرکه پرستش میکنند ، بچند لحاظ گزند اینها برای ایران کمتر ازدیگران است ولی باید شمرده قدم برداشت و کور کورانه راه نه پیمود - اولا باید فهمید که غرض از مهاجرت فارسیان قدیم که هزار و سه صد سال است بهندوستان هجرت نموده جلب نفع یا رساندن فایده به آنها است شاید بعضی ها بگویند که هم نفع از آنها برگیریم وهم‌فائده به‌آنها ببخشیم اگراین‌نکته‌را هم تصدیق کنیم باید میزان اعتدال را از دست نداده یعنی ببینیم بیشتر میتوانیم از آنها فـایده برگیریم یا انها زیادتر فایده از ما خواهند گرفت گفتیم ما امت زرتشتیه‌را دوست‌داریم وفارسیان قدیم هند را برادر نوعی‌خود میدانیم ولی‌نمیتوانیم ازبرادران صلبی‌خویش دوستتر شان داریم ولی چنانچه گفتیم ایرین های تمام عالم از مهاجرین ایراند جمعی دو و سه هزار سال است هجرت کرده جماعتی هزار سال کمتر است همه ایرانی اند همه برادران مایند فرقیکه بین فارسیان قدیم هند با سایرین است اینکه این ملت غیور این جماعت متعصب تاکنون ترك مذهب خود را نگفته پیروی زرتشت را که پیغمبر ایـرانی بـوده از دست نداده اند از اینرو باین جماعت بیشتر نظر یگانگی میشود ولی چیزیکه این نکته را هم کم قوت میسازد همانا تبدل مذهبی است که عموم ایرانیان نموده و تباین بزرگی است که از روی دیانت بین آنان و اهالی کنونی ایران پدیدار است

این مسئله یعنی مهاجرت فارسیان را بایران محرك و موسس نامه ملی حبل المتین بوده و تا کنون هم می بینیم که حبل المتین است که در این موضوع قلم فرسائی می نماید نظر بر اینکه ما مدیر آن روزنامه ملی ما را واقف بمواقف سیاسی و دانا برموز ملی میدانیم نمیتوانیم گفت که بیگدار به‌آب‌زده ومانند نقایص ومعایب آن نامه است ولی‌چون عقیده آزاد است دراین موضوع ما عقاید خود را نگاشته خواهش می نمائیم هرکس که بر خلاف این عقیده باشد رأی خود را با ادله و برهان بنویسد تا این مسئله بزرگ در پیشگاه ملت و دولت حل گردد و نیز ما از مدیر حبل المتین تمنا داریم که مسائل ذیل را تشریح نمایند

(۱) ملت فارسیه هند چقدر است ؟

(۲) چه مقدار از آن مردم میتوانند بایران مهاجرت کنند

(۳) چه قدر دکتر ، مهندس ، یا دارای علوم عالیه هستند که امروزه ایران محتاج به آنست

(٤) ثروت آنان چه مقدار تخمین شده -

(٥) از این مقدار ثروت چه قدر میتوانند در در امور عمرانی ایران بکار اندازند

قبل از هر چیز ما باید ملتفت یك نکته باشیم و آن اینست که از هفتاد سال باینطرف که نفوذ خارجیان در ایران روز افزون است دیده شده که گاهی روس و گاهی انگلیس ملل متنوعه را آلت پیشرفت مقاصد خود ساخته و باسم حمایه اقلیت هزارگونه اسباب بدبختی برای ملت ودولت فراهم کردند حتی دو سال قبل درمسئله قتل میجر ایمبری قونسول امریکا مسئله محافظه اقلیت از اکثریت را موضوع بحث قرارداده نمایندگان دول بوزارت خارجه مراسلات تهدید آمیز نگاشته هنوز مرکب آن مراسلات خشك نشده است مگر فراموش کرده اید که درمناقشه بین یهود و مسلمانان همدان خارجیان چه گوشها و قصه‌ها راندند تا جائیکه روسیان تزاری از فرقه جدید الاحداث ما هم حمایه نموده قونسولخانه های خارجه از آنها پر گردید - معلوم است هر جا که جمعیتی مختلف العنوان ساکن باشد گاهی بین آنها اسباب اختلاف پیش آمده و کار بمشاجره و مقاتله هم میرسد ما می بینیم که ملت فارسیه یزد و کرمان که عزیزترین برادر ما بشمارند و رعیت صادق پاك طینت ایران هم هستند و رنجبر و کارگر هم می باشند با اینکه دولت بواسطه اقلیتی که دارند خیلی از آنها حمایه نموده و گاهی هم یکی از آنها با یك نفر مسلمان یزد و خورد بر خواسته چون مسئله حمله اقلیت و اکثریت نمیتواند درمیان آید و این ایام هم از نفوذ خارجیان کاسته نمیتواند مورد اعتراض خارجه وارد شود جراید فارسیه هند چقدر ها در آن موضوع شاخ و برك ساخته و کاهی را کوهی و قطره را دریا جلوه داده ملت و دولت را بدنام میکنند و حالا که مثل آن واقعات همه روزه در هندوستان برای آنها پیش می آید

ما بیش از همه کس بمهاجرت فارسیان راغبیم مشروط بدو امر اول اینکه فارسیانیکه میخواهند به ایران مهاجرت کنند تبعه ایران شوند از این به بعد دولت و ملت ایران راضی نتوانند گردید که روس یا انگلیس یا سائر دول و ملل در مملکت ایران برای خود کالونی فراهم سازند، علاوه براین نیز فارسیانیکه قصد مهاجرت بایران دارند ، هم میخواهند از ایران فائده ببرند وهم فائده بایران برسانند و تا وقتیکه به تبعیت ایران بیرون نیایند طرفین از یکدیگر فایده نتوانند برد ، چه جزو مستخدمین دولت نتوانند آمد و در معاملات مدنی شرکت نتوانند کرد زیرا رعیت خارجه درایران نمیتواند ملك بخرد و در قانون استخدام شامل آید و ازحقوق ملیه هم محروم یعنی نمیتواند در انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی تا چه رسد بعضویت شورای ملی شامل گردد ، دراینصورت فقط وفقط آنها میتوانند مثل سائر بیگانگان شامل درمکاسب ومتاجر عمومی شوند و فائده که یکنفر فارسی ازایران ببرد کدام خواهد بود وایرانیان از وجود چنین مهاجری چه استفاده توانند نمود در این صورت یك نفر مهاجر ایطالیائی و روسی و یا انگلیسی با آنها چه فرق خواهد داشت

اما اعطای امتیازات به آنها تا وقتیکه تبعیت نداشته باشند جلب امتیاز برای آنها همان حکم را خواهد داشت که برای یك نفر روس یا انگلیس دارد چه نظر بیگانگی از آنها مرتفع نخواهد آمد از همه مشکل تر اینکه مهاجرینی که تبعیت ایران را نداشته باشند بیگانه شناخته آمده باوجود کاپیتولاسیون منحوس ممکن است بین آنان و اهالی بیشتر تولید مخالفت و مناقشت پیش آید چه آن مهاجرین مغرور به تبعیت خارجه اند و اهالی متغیر تر بمالکیت آب و خاك اند و این امر بیشتر تولید اختلاف بین مهاجرین و متوطنین مینماید

خوبست دندان بروی حرف بگذاریم از بس ملت و دولت ایران از دو همسایه مهربان خود روس و انگلیس صدمه یافته ممکن نیست بهیچ یك از تبعه آنان اسباب سهولت امتیازی را فراهم کنند و بهمین مناسبت است که صدها مستشاران ومتخصصین خارجی از هرقوم و ملت بایران جلب میشوند جز از روس و انگلیس و رعایای آنها هم خواه فارسی باشد یا مسلمان در داخله ایران از روی قانون بین‌المللی حکم یکنفر روسی یا انگلیسی را خواهد داشت

دوم - دانستن زبان فارسی است و یا اینکه متقید شدن بایام معدودی که فارسی را یادبگیرد ورنه ازاین راه هم ایران دچار مشکلات عظیم خواهد آمد ما بواسطه حمله مغول هنوز موفق نیامده ایم که زبان ثانی ایران را که مخلوط بلغات اجنبی آمده صاف کنیم تاوقتیکه ما دارای وحدت لغت در مملکت خود نگردیم دارای ملیت و استقلال کامل نخواهیم آمد

پس اولیای دولت راست که چند نکته را در قانون مهاجرت که عنقریب تدوین خواهد شد از مدنظر دور ندارند

اول — تبعیت

دوم — دانستن زبان فارسی یا التزام بیاد گرفتن آن درمدت معین

سوم — داشتن یك مقدار سرمایه معاش خواه نقدی باشد یا علمی

و بغیر از این اصول اگر ایران دروازه مهاجرین را باز گذارد طولی نخواهد کشید که دچار مشکلات سیاسی و اقتصادی خواهد آمد -

حبل المتین

ما توجه ارباب فکر و قلم را بمسئله مهاجرت که امروز از اهم مسائل ایران بشمار است منعطف داشته تمنا مینمائیم که هر چه بدانند و بتوانند در این مسئله اهم دولت و وکلای ملی را تائید بخشند چه کمک افکاری برای تکمیل قانون مهاجرت خیلی لازم است و نیز خواهشمندیم که آنچه را از حالات برادران وطنی ما فارسیان هند میدانند اطلاع بخشند

افتتاح نمایشگاه فلاحتی

یکشنبه قبل از ظهر وزارت فوائد عامه بمناسبت افتتاح نمایشگاه فلاحتی و حضور اعضاء آن وزارتخانه در محل نمایشگاه تعطیل گردید

برحسب دعوتیکه از طرف وزارت فلاحت و فوائد عامه شده بود از سه ساعت بعد از ظهر آقایان مدعوین که مرکب از هیئت دولت رجال و نمایندگان مجلس و سفراء ، تجار و محترمین بودند درقسمت مرتفع محل نمایشگاه حضوریافته در چادرهای مخصوص قرار گرفته اعلیحضرت همایونی نیز چهار ساعت بعد از ظهر درمحل نمایشگاه تشریف فرما گردیدند

بدواً از طرف اعضای وزارت فوائد عامه در چادرهای مخصوص بپذیرائی عمل می آمد و در ساعت مزبور نمایشگاه فلاحتی از طرف اعلیحضرت همایونی رسماً افتتاح یافته و نطقهائی نیز ایراد گردید سپس ماشین های فلاحتی در حضور مدعوین بمعرض نمایش گذارده شد

مطالعات و افکار

(از اقدام مطبوعه طهران)

در اخبار امروز چنین آمده است که « سفارت کبری ترکیه خبر مفصل نمایشگاه فلاحتی را خواسته است »

ما بسی خشنود هستیم که دولت ایران بدین عمل و اقدام موفق گردیده و بیش از آن خرسندیم که سفارت مزبوره بدین نمایشگاه توجه خاصی کرده و چون دولت جمهوری ترکیه بزراعت خویش ترقیات باهره داده است باطلاع بر اوضاع فلاحتی ایران میل کرده از چند نقطهٔ نظر که عمده آنها تجانس کامل این دو مملکت وتشابه آنها درکشت وحاصل وما برای مقایسه ما بین اقدامات این دو حکومت نتیجه مطالعات خود را که از جراید ترکیه بدست آورده می نگاریم

هنگام افتتاح مجلس وطنی بزرگ در انقره مصطفی کمال پاشا رئیس جمهور و منجی ترکیه از هلاک مادی ومعنوی نطقهٔ انشاء وسیاست داخله و خارجه را کما ینبغی شرح داد وبیانات ایشان مایهٔ بحث این و آن گردیده است ، درضمن نطق موجبات ترقی و وسایل سعادت وبواعث تجدد مملکت را با یک یک گفت و عدم تکمیل انقلاب اجتماعی ترکیه را که در سنه ۱۹۲۶ آغاز شد بیان نمود و عمده مطالب ایشان مبنی بر ترقی اقتصادی و حصول فواید مهمه از خطوط آهن بود و نیز بوضع قانون مدنی وقانون جزا که درظرف یکسال انجام گرفت اشاره نموده ، همچنین قانون حمایت فلاحتی که برای مساعدت زارعین تشکیل شده که درظرف همان مدت وضع و تدوین شد و بانک برای صنعت و استخراج معادن هم تاسیس ، یک کارخانه و میدان برای ساختن طیارات ایجاد و شرکت کشتی رانی نهایت عظمت و قدرت را درعرصه [illegible] احراز و اینک تمام مال التجاره ترکیه را از طرابوزان الی مرسین با کمال خوبی نقل میکنند و از جمله اقداماتی که ترکیه نموده عقد معاهده ما بین (دی ژوونل) در سوریه وجمهوری ترکیه همچنین حل مشکلات موصل و رنانید روابط با حکومت جمهوری سابقت و بالاخره عقد معاهده وداد نمودن با ایران و اینک عقد معاهده با دولتین اخیرالذکر [illegible] اینها همه اصلاحاتی است که حکومت جمهوری ترکیه نموده و یگانه عامل آن قائد بزرگ و مصطفی کمال پاشا است که اوقات خود را شب و روز بترقی مملکت و احیاء عظمت ملت خود مصروف میدارد اما ایران مع الاسف هنوز از اصلاحات غافل وهنوز گنجهای وی زیرخاک است و امروز بواسطه فقدان مولد ثروت دچار فقر و فاقه می باشد پنبه و پشم و پوست و سایر اجناس را بیک میفروشد و پس از اندک زمانی مصنوعات خونش را بافته و ساخته بهزار برابر قیمت اصلی ابتیاع میکند ، یک خروار آهن را که دردل خاک خود دفن است بشکل اتومبیل بهزار و ده هزار تومان ابتیاع می نماید یک خروار بنزین را که دراعماق زمین او پنهان است بهشتاد ونود تومان میخرد یک مشت اسباب تجمل ومنسوجات ابریشمی وسایر اجناس فضولی را بآبرو و رمق خود معاوضه می نماید ملتی که قادر بر تهیه کوچکترین ضروریات خود نمی باشد چرا ببزرگترین فضولات زندگی اهتمام می کند ؟ قومی که هیچ عاید و حاصل جز ذلت و پریشانی ندارند چرا باید ازممالک ثروتمند دنیا در همه چیز تقلید کنند

اصلاحات ترکیه بقوت وفضل رجال خود باین درجه رسیده است که مملکت را از انواع مخاطرات مادیه ومعنویه مصون داشته قائد آنها میگوید « جنگ خارجی بپایان رسید و اینک جهاد داخلی »

اما رجال ایران برای تحصیل مقام در چه حالی هستند ؟ آیا هیچ یک از آنها در فکر این هست که فقط و فقط از مجرای خدمت بنوع و ایجاد وسایل ترقی وتهیه بواعث رفاه بزرگ شود ؟ یا فقط هم آنها مصروف بفلان وفلان است ؟

(نمایشگاه فلاحتی در پونا)

(۲)

یکی از جالب ترین نمایشها طویله گاوها بود هر چند در این نمایشگاه گاوهای ایالتی بمبئی را آورده بودند ولی میل دارم از عنوان بالا تجاوز نموده و برای احترام این حیوان مقدس که قدرش در مشرق عموماً و کشور ایران خصوصاً مجهول است زیاده از مقصود شرح دهم . گاو در هندوستان مورد پرستش است و چون بکیفیت آب و هوا و منطقه هندوستان بدقت دیده شود پرستش گاو که مراد از پرورش گاو است بی مورد نیست فراموش نشود که ایرانیان هم در احترام گاو بحدی که نزدیک به پرستش بوده سعی بلیغ داشته اند ولی فعلا از شرح و بحث اینکه آیا پرستش گاو از ایران بهندوستان آمده یا از هندوستان به ایران یا همراه قوم آریان بهر دو مملکت رسیده صرف نظر می کنیم آنچه را میتوان قائل شد این است که رب نوع زراعت و دایه انسان گاو درمشرق ذلیل وامروز محل پرستش و پرورش اروپائی و امریکائی است . گاو درهندوستان نژاد مختلف دارد بحدی که نمیتوان حد و حصر از برای آن قرار داد وعلت هم این است که تا بحال از روی بصیرت از این حیوان تخم گیری نشده لذا نژادهای مخلوط فراوان است آنچه اخیراً علمای فرنگ خاصه در این سنوات نزدیک حکومت هندوستان سعی دارد این است که نژاد های اصلی را بدست آورده و از روی اساس علمی پرورش دهد در اروپا و امریکا هم گاو نژاد های مختلف دارد اما نقطه نظر اهالی آنجا از پرورش گاو دو چیز است یکی گاو شیر ده و دیگری گاو کشتاری و گوشت ده در هندوستان نقطه نظر فرق دارد و نظر عمده به گاو شیر ده است و در ثانی به گاو بار بر یا گاو کارگر برای کشتار چندان نظر توجهی نیست چه اولاد دو ثلث اهالی عادت بخوردن گوشت ندارند و برای ثلث دیگر گوسفند فراوان است که رفع حاجت کند بعلاوه بعضی نژادهای گاو هم موجود هست که فعلا هم برای کشتار خوب است مخصوصاً گاوهای کوچک جثه هست که بیشتر در قسمت بنگاله یافت میشود اینها شیر کم میدهند برای کار هم توانائی ندارند و گوشت آنها هم نسبتاً نازک تر و بهتر از گوشت گاو معمولی است یک خواص دیگری درگاوهای هندوستان عموما هست و آن از چرم آنها است چه بحکم طبیعت چرم گاو های هندوستان بواسطه کم موئی و اثر آفتاب منطقه حاره خوب و با دوام است مخصوصاً چرم گاو برهما که در اطراف رود خانه کرشنا در شرق دکن تا برسد بساحل شرقی هندوستان وقسمت ایالت مدراس وجنوب بنگاله در زیر آفتاب زننده آن حدود میچرند خیلی مرغوب است چرم گاو برهما دارای یک صمغ چربی است که طبیعت برای جلوگیری از سوزش آفتاب به آن داده است این نژاد گاو شیر کم میدهد اما جثه او بزرگ و مطابق جثه اش زحمت کش و چالاک است و از برکت پوست کلفت خود خیلی دیر مریض میشود شپش و کنه هم به او کمتر زحمت داده بلکه چندان میل زحمت کشیدن نمیکنند چون او را ندارند شاخ نر گاو مستقیماً بالا رفته یا بطور عرابی یا هلالی اطراف بالا روئیده است پا های بلند و سنخوانهای مضبوط دارد از همین نژاد یا نزدیک به این نژاد گاو در امارت میسور میچرد ولی قدری از جثه کمتر و پا ها کوتاه تر کتف گاو های میسور قطور و برای زحمت و کار در باطلاق و گل و شل خوب نیست در صورتیکه که گاو های گجرات کتف پا های جلو شان باریکتر و اندکی خم دارد و از این رو هم خود آنها به تنهائی در باطلاقهای گجرات به آسانی راه میروند و هم گاری های باری را که مراده اش زیاد در باطلاق فرو میرود میکشند دو نژاد گاو است که در گجرات مشهور است و هر دوی آن برای شیر و کار خوب است اول گاو کنکرجی که نر بزرگ جثه و نر گاو بار بر و کارکن است و ماده گاو آن در صورتیکه درست پرورش گیرد روزی پانزده الی بیست رطل شیر میدهد دیگری گاو گیر است نر گاو آن غالباً شریر و بد ادا است اما بار بردار و زحمت کش است ماده گاو آن غالباً مرتبا شیر میدهد ولی بهمان میزانهای کنکرجی میتوان از او شیر گرفت ، دیگر از گاو های هندوستان گاو نلور است، نلور یک از شهر های جنوب و شرقی هندوستان و در ایالت مدراس است گاو نلور بزرگ جثه و هیکل خوبی دارد نر گاو آن معمولا به ارتفاع ۶۰ الی ۶۴ اینچ است شاخش هم غالباً دراز و قطور است در صورتیکه کله و صورت نسبتاً کوچک است کوهان بزرگ دارد چنانچه کوهان غالباً یکطرفه افتاده جرم آنهم ممتاز است حیوانی است نجیب و بار بر و زحمت کش ماده گاو آن در صورتی که درست پرورده گردد روزی بیست رطل الی بیست و هشت رطل شیر میدهد . نژاد گاوی که فعلا در هندوستان برای شیردهی معروف است ومیتوان آن را در غالب نقاط این کشور پرورش داد گاو سندی است یا گاو منتگمری این هردو گاو که خیلی بهم شباهت دارند و اختلاط نسلی آنها بهمدیگر ضرری به نسل آنها نمیرساند اولین نژاد گاو شیر ده هندوستانند اصل آنها از پنجاب و سند است ولی امروز در قسمت شمال هندوستان وراجپوت و در چراگاههای حکومتی

در غالب نقاط هندوستان از نسل تخم گیری شده و مورد توجه است نر گاو آن به ارتفاع ۵۲ الی ۵۸ اینچ میرسد و ماده گاو به ارتفاع ۴۸ الی ۵۰ اینچ شاخ عموماً کوتاه کوهان گاو نر بزرگ و پشت آن فرو رفته راست پاها کوتاه و قطور و کفل آن متناسب است رنگ آن معمولا زرد روشن و قهوه گاهی سیاه و خاکستری هم میشود ولی در گله های حکومتی زرد و قهوه را نگاه میدارند این نژاد گاو نجیب و هیکلا قشنگ است پستان گاو ماده بزرگ و سرهای پستان آن متناسب و طوری که باید از یکدیگر فاصله دارد از این گاو میتوان در مدت یک سال هر روزه شیر گرفت میزان شیر گاو سندی و منتگمری روزی بیست رطل الی سی و دو رطل است در نمایشگاه پونا چند ماده گاو سندی که بعضی مال حکومتی بود دیده شد نر گاو سندی از گله حکومتی موسوم به «امام» که چندین فرزند دارد میزان شیر دخترش روزی ۲۴ رطل است صاحب منصب گله در امیدواری داد که بعد از یکی دو نسل امامزاده ها بیش از اینها شیر خواهند داد

یکی از گاو های یکی از زمیندار های مالاباتا که گاو سندی بود دفعه اول در مدت ۳۰۶ روز دوازده هزار و یکصد رطل شیر داده بود ولی آبستن بود و همه شیر او را تلف کرده بودند و در انتظار فرزند دومی آن مخصوصه بودند بدبختانه اسم اورا فراموش کرده ام که در این جا زینت صفحه گردد

سابقا در هندوستان معمولا گاو در سن شش سالگی آبستن میشد ولی امروز گاو هائیکه در تحت پرورش عامی و حقیقت این است در تحت تعلیم اروپائی پرورده میشوند در سن سه سالگی آبستن میشوند ، اروپائی فکر کرد که سبب چه است که در هندوستان دختر آدم در سن دوازده وسیزده سالگی ایدکم لطفی کرده و آبستن شود و گاو با برکات در سن شش سالگی در صورتیکه میزان عمر زن در اطراف ۲۷ و ۳۲ است و میزان عمر گاو ماده از ۷ الی ۱۰ سال پس از این فکر دید علت در پرورش مشرقی ولی توجهی و لاابالی بودن اولاد آدم است نسبت به گاو درصدد دفع علت برآمده و کامیاب گردید و از سال ۱۹۱۴ میلادی حکومت جدا در صدد گله داری و اصلاح نسل گاو برآمد و امروز که نقطه نظر نایب السلطنه هندوستان اصلاح زراعت هندوستان است چندین فرم یا سبا برای پرورش گاو از فرم های دیگر علیحده گردانیده و صاحب منصبان آن که اروپائی اند جد بلیغی در انتخاب نسل گاو دارند

یکی از چیز های جالب توجه در قسمت نمایشگاه گاو در پونا این بود که در گله گاو کرشنا ولی ماده گاوی بود و نر گاوی و چندین فرزند از نسل آنها که ردیف بسته بودند ماده گاو دختری آورده بود و دختر از پدر آبستن شده پسری آورده بود سن پسر دو سال بود ولی با پدر که پدر مادرش هم بود یک اندازه و یک ترکیب بود معلوم است بعد از دو سال دیگر از پدر محکم تر و درشت تر خواهد شد همان گاو خواهر یکساله داشت که از جده اش که ماده گاو اولی باشد درشت تر بود معلوم است این گاو ها تنها درشت تر ظاهری نیستند بلکه اعصاب و عضلات آنها محکم تر و دیر تر مریض شده دیر تر از کار خسته میشوند و برای نسل آتیه خود هم بهتر بوده گاو بهتری تدارک مینمایند و اگر گاو شیر ده است شیر آن زیاد تر و چرب تر میشود گاو سندی شیرش صدی ۵ چربی داشت ولی اگر درست پرورش داده شود چربی آن به صدی هفت میرسد در صورتیکه گاو های اروپا زیاده از صدی پنج شیر شان چربی ندارد

نکته دیگری که خیلی مهم است و در هندوستان رعایت نمی شود در ایران هم قابل رعایت امید انه مسئله گوساله است گوساله نر در اروپا بعد از سن دو سالگی و در هندوستان بعد از سن یکساله تاما بالغ شده وصل به ماده مینماید و از برای نسل گاو عموما بد است که گوساله نر درمیان گله ماده گاو باشد گوساله نر را در سن یکسال باید از ماده گاو پرهیز داد و در سن سه سالگی از او تخم گیری کرد هم چنین گوساله ماده را باید حفظ نمود هر چند گوساله ماده وقتی بالغ گردید معلوم میشود و درجه زیاد از نر گاو لازم ندارد و گوساله ماده را وقتی معلوم شد بسن بلوغ رسیده باید بحال خود گذاشت البته در انتخاب شوهر برای او که مدخلیت تام و تمامی در نسل و در شیر دارد صاحب گاو مسؤل است در انتخاب نر گاو برای تخم گیری قدری اروپائی دقت دارد که در اینجا جای شرحش نیست همینقدر معلوم است که نسل گاو خوب قسمت عمده آن مسؤل پدر خوب است ـ

(مسافر)

بار کج به منزل نمیرسد

نمیدانیم ما باید از چند فرسخ راه شوسه معلوم الحال و عده قشون برای امنیت از خودراضی گردیده و واقعاً عقیده داشته باشیم که روزگار بدبختی ایران به آخر رسیده است یا اینکه صاف و پوست کنده بگوئیم که اگر چند تا اتوموبیل شکسته را از راه ها بردارند و این قشون را هم از حساب خارج کنیم ایران اگر از ادوار پیش بدتر نشده بهتر نشده است ووقتی به حساب این اتوموبیل ها وقشون

هم رسیدگی نمائیم یك بار گرانی بر دوش ایران که گذاشته شده است به این معنی که این اتوموبیل ها چون میخانیك در ایران ندارد بعد از طی هزار فرسخ جز اسقاط و بعد از آن جز آهن کهنه بی مصرف چیزی باقی نمی ماند و این راه های کزائی که برای عراده‌ای بارکشهای روسی خوب است جزاینکه لاستیك اتوموبیل ها بساید و پول ایران را به کیسه کمپنی های ربر خارجه بفرستد کاری ازش ساخته نشده حرمت سربازی ضائع است و ترس دارم خدای نخواسته یك از افسران شجاع یا سربازان غیور ما آزرده گردد وبه از مظالم یا رکابی های نایب حسین کاشی که ننگ سرباز ایرانند و همان گرگهای درلباس شیر مثالی می‌آوردم خیر از این صرف نظر میشود خوب . حالا باید بدانیم که اگر کسی از ما بپرسد در ایران وکلای ملت چطورند آیا باید جواب دهیم که ما راه شوسه داریم یا از وزراء بپرسد باید گفت امنیت داریم یا از روح افسرده این ملت بپرسد باید جواب داد اتوموبیل داریم - اینها یك سؤالهائی است که هر فرد ایرانی بخصوص آن فرد هائیکه مسئولیت زیادتری دارند در هر آن باید از خود نموده و راستی جوابی از برای این سوالهای فرضی تدارك نماید عمر است که دارد می گذرد اما ما که هیچ اثر خوشی از چین های پیشانی این ملت سالخورده ندیدیم و نمی توانیم خود را خوشحال دیده و منتظر کردیم که درمانی از برای درد این کشور خواهد رسید زیرا این مردم این ملت اینقدر بد خلق شده اینقدر بی تمیز گردیده که دوا نمیشناسد زهر را از تریاق فرق نمی گذارد نعمت را از در خانه خود دور و نکبت را با تمام قوة انگشتان خود بسینه می چسباند و این درد و بلا را هزار اسم هزار رسم بهزار طلاقت لسان بهزار عذوبت بیان میخواهد شهد وشکر جلوه دهد آخر ای ایرانی به حال بیا تو اگر چند نفر احمق را گول زده ساکنین زیر چنبر آسمان را که دارند تو را تماشا می کنند محال است بتوانی گول بزنی ایرانی تو مانند دوره خاقان مغفور از دنیا دور نیستی تو امروز در میان چنگال عقاب دهر دری زندگانی می کنی یا بعبارت دیگر در سینه دنیا جا داری خیالات یاوه را از سر بدر کن اگر راستی راستی می خواهی دردنیا راه بروی مثل آدم راه برو چشمت را بینداز به روسیه جوان و به بین چطور راه میرود اگر از بالشویکی بدت می آید نگاه کن به ترك و به بین که در کار کردن هیچ دغل بسه تو ندارد اگر از جمهوری بدت می آید لطفاً نظری به ایطالیا بینداز وبه بین فاشیست ها چه هنگامه گرم کرده اند بحق خدا اینها یعنی این طفلهای تازه همه هم سن و سال تواند و تو از همه لنك تر ، کند تر ، خرف تر ، بیبور تر ، بواماسه تری - من از دور به پارلمان تو شمار میکنم مو بنم مجلس قائم مقامهای روسیه خالی به خالی شده است مجلس کبیر ترك سی تا گردن کلفت را بدار زده است مجلس ایطالی هزار تغییر و تبدیل یافته ولی مجلس تو همان وکیل همان وزیر - همان اداها همان پشت و رو اندازی همان خنکی های پیش است که مثل مرض سفلیس گویا نسلا بعد نسل انتقال یافته و درمان پذیر نیست - من یك سؤال دارم و آن این است که دزد در مقابل قاضی عدلیه می تواند بگوید که من چون در کیسه ام پول برای خرجی نبود لذا مجبور شدم از کمد جعفر قلی اسکناسها را بر دارم ؟ آیا حق قاضی شنیدن عذر دزد است ملت تو در خانه خود کمتر از یك قاضی در عدلیه نیستی اگر حس قضاوت داری قضاوت کن ملت تو عدلیه نداری مادام که عدلیه مثل عدلیه آدم نداشته باشی هر چه رشته پنبه است بیست سال از عمر مشروطه است میگذرد این تعزیة که اسمش عدلیه است ، و سفارش این و آن در آن اثر دارد برای مملکت آزاد و مستقل خوب نیست در مملکتی که سفارش دهنده به قاضی و سفارش گیرنده معلوم و راسته است دارند در کوچه ها راه میروند استقلال چون آفتاب دیوار بام است زود غروب خواهد کرد در کشوری که مردمش از حرکت سفارشی که خود از بزرگترین خلل به ارکان عدالت است پرهیز ندارند و قوه قانون آنقدر نیست که سالی دو تا ازین سفارشچی ها را بسزا برساند آزادی در آن حرام و اگر اسمی است ملعبه بیش نیست در آن مملکت قشون اگر همه رستم زال و اسفندیار است مغلوب و منکوب و در نزد جهانیان سربه پیش است اینها را من شوخی نمی کنم شاعری هم ندارم جرائد خارجه را بر دارید بخوانید و لیاقت هر مملکت و هر ملت را که اهل دانش می‌سنجند بخوانید آنوقت دستگیرتان می شود که نگارنده نصیحت گرنیست بلکه تاریخ نگار است ما پیش خود می کنیم که وقتی بدوره شاوقی کاریهای قاجار خاتمه داده شد این یاد کار های دوره سلطان صاحبقران هم همراهش خواهد رفت اما او رفت و اینها ماند است شمر های دسته پیش بلباس زینب در این دسته آمده اند در دور های پیش در مطبخ چوب نبود و هر گربه داخل شده و از هر دیزی که دلش میخواست سری میزد حالا هم چوبی در مطبخ دیده نمی شود اگر چوب بود این

گریه ای که دیروز جگرك دیزی را برد امروز نمی آمد و سنی ایران قحط الرجال گردیده وقتی میگوئی مسلمان این آدم خائن است که اورا رئیس فلان اداره گردانیده اند جواب میشنوی که ای آقا اگر خائن است اما آدم کاری است ما آدم کاری نداریم فهمیدن این مطلب برای ایرانی خیلی مشکل است چون منطق او تا اینجا نتیجه را می فهماند اما منطق عموم دنیا این نیست عموم دنیا میگوید هر کس خیانت کرد باید خود آن آدم کاری باشد یا نه باشد هر دنیا خائن و دزد یا از هر طبقه و هر صنف باشد خائن و دزد میداند منطق معوج است سستی اعصاب است تربیت از دست خانم باجی های کزائی است که چشم ها کور و گوشها کر شده راستی که قباحت فهمیده نمی شود و میخواهند آش شله قلم کاری که نان دارانند زعفران بپوش جمع دهند اما تجربه نشان داده است که بار کج به منزل نمیرسد [ساربان]

یك درس عملی حفظ الصحه برای همه

(بقلم دکتر ریشارد وایس)

[از مجله آلمان و شرق مطبوعه برلن]

اوضاع صحی یك ملتی مربوط و مربوط بصحت مزاج افراد آن ملت میباشد . . اگر در ضمن ترقی یك ملتی حالت صحی افراد آن ملت نیز آن نسبت ترقی ننماید ثمرات آن دامن گیر تمام ملت شده آنرا بطرف زوال فنا و مرگ میکشاند

ترقی تمدن موجب پیدایش مخاطرات جدید گشته انتشار امراض مسریه را سریع ساخته بصحت مزاج افراد صدمه زیاد وارد آورده آنرا برای ابتلای امراض گوناگون مستعد میسازد بدین جهت وظیفه هر فردی است تا امکان در حفظ سلامت مزاج خود ساعی باشد

اگر انسان میخواهد با پیشرفت تمدن پیشرفت نماید باید در مقابل ادویهٔ مؤثرخوب آنها چه در جلوگیری امراض وچه در علاج آنها امتحان وتجربه رسیده سرتمکین فرود آرد . در علم طب هم واین قاعده حکمفرما است « هر کمك سریع کمك مضاعف است » هر کسالتی بمحض بروز آید قبل از آنکه ریشه بدواند یا آنکه بدن را ضعیف سازد از آن جلوگیری شود و بدینجهت برای هر کس دانستن کیفیت جلوگیری امراض لازم و ضرور است ومخصوصاً در کارخانه ها و ادارات کلی در هر نقطهٔ که عده زیادی بکار اشتغال دارند باید همیشه وسایل جلوگیری از بروز امراض موجود و مهیا باشد چه بسا اتفاق میافتد یك دل درد ساده که بسهولت در موقع بروز رفع آن ممکن است موجب کسالتهای طولانی شدیده گشته سلامت مزاج انسان را برای همیشه بمعرض خطر میاندازد چه بسا دیده میشود که یك زخم کوچك که اگر بزودی شسته و بسته شود در مدت قلیلی خوب میشود موجب کسالتهای طولانی و گاهی سبب مسمومیت خون و مرگ میگردد

بهمین جهت در آلمان قاعده فوق الذکر « کمك سریع کمك مضاعف است » وجلوگیری از مرض بهتر از علاج آن است بهمه جا رواج دارد ؟ در آلمان در هر خانه یك دوا خانه دستی وجود دارد . در هر کارخانه و اداره وسایل لازمه برای کمك بمرضی موجود است در هر ده همیشه ادویه لازمه برای جلوگیری از امراض بمحض بروز یافت میشود ، حتی یك قانونی در شرف تصویب است که هر اتومبیل باید حامل یك دوا خانه دستی باشد

نظر بموارد استعمال زیاد دوا خانه های دستی در آلمان اقسام و انواع زیاد از اسبابهای مزبور ساخته شده که حاوی دوا لازمه و وسایل زخم بندی میباشد و البته یك دوا خانه برای ده یا دوا خانه دستی برای راه آهن یا کارخانه تفاوت دارد وهمچنین یك دوا خانه دستی برای اتومبیل باید شامل لوازم وادویهٔ مخصوصی باشد که فقط در آنجا مورد استعمال یافته برای هوا پیمایان یا دستجات نظامی مصرفی ندارد یك دوا خانه که برای هوا پیمایان و نظامیان ساخته میشود باید دارای تمام وسایل شکسته بندی . زخم بندی . جلوگیری از سیلان خون . و همچنین ادویه لازم برای محافظت از امراض تهدید مانند ذوسنطاریا و سایر امراض خطرناك باشد دوا خانه های دستی که برای مناطق حاره ساخته میشود باید محتوی ادویه مخصوص برای جلوگیری از مالاریا حصبه ذو سنطاریا وغیره باشد

کارخانه دکتر ریشار وایس در برلن بساختن دواخانه های دستی باندازه مختلف برای حوائج مختلفه اشتغال دارد این دوا خانه های دستی خیلی ساده ساخته شده بطوریکه پیدا کردن هر دوائی در موقع ضرورت بسهولت ممکن است و بسا اتفاق میافتد در موقع حاجت بواسطه عجله زیاد اگر دوا خانه ساده ساخته شده باشد انسان از پیدا کردن دوای مقصود عاجز میماند

با یك دوا خانه دستی ساده که حاوی تمام ادویه لازم باشد بصحت عمومی خدمت فوق العاده میشود تصاویر صحیفه این مقاله اقسام و انواع دوا خانه دستی که در کارخانه مزبور ساخته میشود و در آلمان رواج دارد نشان میدهد

مرامنامه اطاق تجارتی آلمان

(در خاك اسپانیا و محل اقامت آن بارسلن)

(مادهٔ اول)

اسم و محل اقامت اطاق تجارت

اتحادیه اقتصادی آلمان که در سال ۱۹۱۷ تشکیل

شده بود از تاریخ ژانویه ۱۹۲۳ به بعد باسم اطاق تجارتی آلمان برای کلیه ممالک اسپانیا معرفی خواهد شد و محل اقامت آن ارسلن میباشد

ماده دوم

حوزه عمل اطاق تجارتی

دائره عمل اطاق تجارت شامل خواهد بود بر تمام ممالک اسپانیا بضمیمه بالیارن و جزائر خالدات و تمام مستعمرات و مستملکات اسپانی

در محلهائیکه اقل ده نفر اعضای اطاق تجارت اقامت دارند گروههای محلی تشکیل داده میشود و هر ده نفر اعضاء میتوانند میان خود شان یك نفر رئیس انتخاب نمایند که واسطه فیمابین آنها و هیئت مدیره در ارسلن گردد. در مواقع فوق‌العاده گروههائیکه کمتر از ده نفر عضو دارند میتوانند باجازه هیئت مدیره یك نفر رئیس معین نمایند

ماده سوم

آمال و مقاصد اطاق تجارت قرار ذیل است

(۱) توسعه و ترویج روابط منافع و کشتی رانی فیمابین آلمان و اسپانیا

(۲) حفظ منافع اقتصادی تجار آلمان که همیشه در اسپانیا سکونت دارند

وسائل و طریقیکه مستلزم بر آن آمال است در نقشه جداگانه عمل اطاق تجارت ذکر میشود

مقاصد و نظریات پولتیکی و نفع شخصی اسم از هر قبیل از حوزه عمل اطاق تجارت بکلی خارج است

ماده چهارم

روابط اطاق تجارت با دوائر رسمی و دولتی

اطاق تجارت بکلی مستقل و آزاد است ولی با ژنرال قونسلگری آلمان در ارسلن و دوائر دولتی آلمان و اسپانیا روابط حسنه خواهد داشت و با معاونت آنها کار خواهد کرد

ماده پنجم

سال تأسیس و عمل اطاق تجارت سال تقویمی است

ماده ششم

اطاق تجارت فقط اعضای رسمی خواهد داشت و بسمت عضویت اشخاص ذیل قبول می شوند

(۱) هر تاجر مستقل و یا صنعتگر آلمانی در اسپانیا و هر تجارتخانه آلمانی بدون ملاحظه محل اقامت ، کلمه آلمانی شامل است بر اشخاص ذیل

ا — اتباع آلمان

ب — اتباع اطریش

ت — هر آلمانیکه از حیث نژاد و زبان منسوب بملت آلمان باشد بدون اینکه تبعیت آلمانرا دارا باشد

(۲) هر تاجر مستقل اسپانیائی یا صنعتگر اسپانیائی و همچنین هر تجارتخانه اسپانی چه در اسپانیا و چه در آلمان بشرطیکه در تجارت آلمان و اسپانیا شرکت و منفعت داشته باشد

[۳] هر شرکت آلمانی و اسپانیائی که با مقاصد این اطاق تجارت همراهی داشته باشد

ماده هفتم

(قبول عضویت)

در ورقه تقاضای عضویت در اطاق تجارتی باید اسم شخص طالب و محل اقامت و شعبه تجارت آن ذکر و بضمیمه قرار و تصدیق کتبی مراتبنامه به هیئت مدیره پیشنهاد شود هیئت مدیره ورقه تقاضا را مدت هشت روز در عمارت اطاق تجارت آویزان و بدین وسیله اعلام مینماید قبول و رد و یا اعتراض در تقاضای عضویت حق هیئت مدیره است و همینکه هیئت مدیره تقاضای عضویت را تصویب نمود و وجه سالیانه پرداخته شد مطابق قسمی که داده خواهد شد شخص تقاضا کننده عضو اطاق تجارت محسوب خواهد گردید

ماده هشتم

خارج شدن از اطاق تجارت

[عضویت در موارد ذیل حذف و یا محو خواهد شد]

(۱) به فوت یا به منحل شدن تجارتخانه او

(۲) اظهار و تقاضای خارج شدن ولی فقط برای آخر سال تقویمی و حد اقل آن باید تا اول وامار هر سال کتباً به هیئت مدیره ابلاغ گردد

[۳] به مرور زمان که مستلزم محرومیت از عضویت است دلائل مهمه که مستلزم محرومیت میباشد از طرف هیئت مدیره به شخص محروم کتباً اخطار و اعلام خواهد شد

ماده نهم

[وجه اعانه که هرعضو باید بصندوق اطاق تجارت بپردازد]

وجه اول که هر یک از اعضاء باید در سال معاونت نماید در جلسه عام معین خواهد شد و باید اول هر سال و یا سه ماه سه ماه تادیه شود اعضائی که خارج میشوند مطابق ماده هفتم نمره [۲] باید وجوهات سالیانه را تا آخر سال تقویمی تادیه نمایند

هیئت مدیره حق دارد اعضائی را که در پرداختن وجه سالیانه بیشتر از شش ماه عقب مانده‌اند اخراج نماید

ماده دهم

(حقوق اعضاء)

اعضاء حق دارند در تمام جلسات حضور داشته باشند و بطور آزادی از اشیاء متعلقه باطاق تجارت استفاده نمایند

هر یك از اعضاء حق رائی دارد همچنین حق انتخاب و منتخب شدن

عضوی که نتواند در یکی از جلسات حضور بهم رساند حق دارد رای خود را بوسیله وکالت نامه کتبی بیکی از اعضاء و یا مستخدمین خود بدهد

توضیحاً ذکر میشود که هیچیك از اعضاء نمیتواند وکالت بیشتر از سه رای در عهده بگیرد

ماده یازدهم

« اورگان » هیئت اجرائیه اطاق تجارت عبارت است از :

(۱) هیئت مدیره
(۲) انجمن کل
(۳) انجمن فوق‌العاده

ماده دوازدهم

(تشکیل هیئت مدیره)

هیئت مدیره مرکب از اعضای دائمی و منتخب خواهد بود

الف ـ اعضاء دائمی که حق رای دارند و از تادیه وجه سالیانه معاف میباشند اشخاص ذیل اند

(۱) سفیر کبیر موقتی دولت آلمان در مادرید که دارای سمت ریاست افتخاری خواهد بود

[۲] ژنرال قونسول آلمان در بارسلن و یا نماینده رسمی او

[۳] تمام قونسولهای شغلی که درحوزه عمل و اختیارات اطاق تجارتی ماموریت دارند

ب ـ اعضای منتخبه

[۱] انجمن کل در بارسلن برای مدت دو سال ده نفر اعضاء باسم هیئت مدیره سراً انتخاب مینمایند

یك رئیس یك نایب رئیس یك منشی و یکنفر خزانه دار این اشخاص فرداً و بقیه آن که شش نفر معاون هستند جمعاً انتخاب خواهند شد هر کس اکثریت آراء را داشته باشد منتخب محسوب است و در صورتیکه اکثریت آرائی برای هیچ کس حاصل نشود منوط بقرعه میگردد و در حال تساوی آراء رای رئیس انجمن قاطع و نتیجه بخش است هیئت مدیره تا وقت انتخاب جدید متصدی امورات خواهد بود

(۲) رئیس نایب رئیس و صندوقدار باید تبعیت آلمانرا حائز بوده و اقلا سه سال مقیم اسپانیا باشند

(۳) در هر سال پنج نفر از اعضاء بالتناوب از هیئت مدیره خارج میشوند انتخاب آنها مجدداً جائز است و برای نوبت اخراج آنها در هیئت مدیره اول بقرعه معین خواهد شد ولی رئیس و منشی نباید در آن واحد خارج شوند

(٤) در صورتیکه شش نفر غائب باشند هیئت مدیره نمیتواند رای بگیرد زیرا که این هیئت با کثریت آنها در رای میماند و در صورت تساوی آراء رای رئیس قاطع است

(۵) هیئت مدیره باید طوری تشکیل بشود که حتی‌المقدور و الا مکان کلیه شعبات تجارتی از قبیل صادرات و واردات و بانکها در آن عضویت داشته باشند

(۶) رؤسائی که از طرف دستجات محلی منتخب هستند جزو معاونین هیئت مدیره محسوب اند و حق رای دارند و آنها برای مدت دو سال انتخاب میشوند

(ماده سیزدهم)

(تکالیف هیئت مدیره)

اداره کردن اطاق تجارت از تکالیف هیئت مدیره است و حفظ منافع آن در مقابل غیر و دولت و عدلیه بعهده او میباشد در حالت غیاب رئیس نایب رئیس و بعد از او یکی از اعضای هیئت مدیره سمت ریاست را خواهد داشت

هیئت مدیره انجمن های کل را دعوت مینماید و مکلف است تصمیمات آنها را بموقع اجرا بگذارد

برای حل مسائل راجع به تجارت و برای انجام حکمیت هیئت مدیره یك هیئت منتخبه‌که اعضای آن سه الی پنج نفر میباشند از میان اعضای خود انتخاب خواهد کرد در هر هیئتی که تشکیل میشود باید یکنفر از هیئت مدیره عضویت داشته باشد فتوی و حکم این هیئت منتخبـه باید به هیئت مدیره ابلاغ گردد و برای اجرای آن اتخاذ رای نماید

(ماده چهاردهم)

(نمایندگی اطاق تجارت نسبت بخارج)

هیئت مدیره دارای نمایندگی و وکالت مطلقه اطاق تجارت در عدلیه میباشد اسنادی که اطاق تجارت را مکلف مینماید باید بامضای رئیس و رئیس صندوق و یا رئیس و منشی رسیده باشند قبوضات وجه ماخوذی سالیانه و چکهای بانك را رئیس صندوق و معاون حقوق اطاق تجارت امضا میکند در غیاب رئیس صندوق یکی از رؤسا و در غیاب معاون حقوق منشی نیابت آنها را خواهند داشت

از بندر پهلوی مینویسند

[این مکتوب چندی قبل باداره رسید ولی چون مطالبش اساسی و قابل توجه اولیای دولت بود درج گردید]

یکی از ادارات متشکله که مبسوطاً در ایالات و ولایات بلکه در هر محلی که ده باب خانه دارد عرض وجود کرده هم برای دولت مخارجات آن سنگین و هم برای ملت کمر شکن است

مقصود بنده مالیه یا نظمیه یا پست و تلگراف و امثال اینهاست خیر چنین نیست بتشکیلات مالیه اعتراض

ندارم میدانم مالیه موظف است مالیات مستقیم و غیر مستقیم را جمع آوری کرده و با سایر وظایف حافظ حقوق دولت باشد در تشکیلات عدلیه هم حرفی ندارم زیرا بدیهی است عدلیه حافظ حقوق جامعه است هر شهری که عدلیه ندارد هیچ چیز ندارد به تشکیلات نظمیه هم اعتراض ندارم زیرا نظمیه حافظ انتظامات شهر وقوهٔ مجریه سایر ادارات است بادارات قشون هم فوق العاده علاقه مندم زیرا میدانم قشون بیش از همه چیز به مملکت لازم علاوه از حسنات زاید الوصف قشون حافظ جان و ناموس زحمت کشان است بعبارة اخری آن رنجبرانی که از اول شب تا صبح مثل خر بار کش جان میکنند لقمه لقمه تحصیل نان مینمایند و باید از دسترنج خود و عائلهٔ خود نان هم خود باندازهٔ قوت لا یموت ارتزاق کرده هم بوکلاء ووزراء وواجدین صندلیهای ادارات ومامورین دوایر و مالکین و اشراف و وکلاء مرافعه وروحانیون و روضه خوان ومرثیه خوان و دراویش و رمال و جن گیر وطاس نشین وفال گیر ودعا نویس وماگیر واخبار نگار ودویست طبقهٔ دیگر نان بدهند ووسایل تعیش وارتزاق همه را فراهم کرده بالاخره خود شان پا برهنه و سر برهنه امرار حیات نموده با بدن برهنه و بی کفن بخاک بروند آن دو ساعتی را که میخواهند در کلبهٔ ویرانهٔ خود بدون بالین و متکا سر بخاک گذارده و رفع خستگی نمایند قشون جان و ناموس آنها را محافظت میکند ادارات پست و تلگراف و صحیه و گمرک هم وظایفی دارند که عامه مستوقند هر تشکیلاتی از این ادارات در تحت توجه یك وزارت خانهٔ بزرگی در جریان و مشغول بامور راجعه یا رتق و فتق میباشد هر شعبهٔ از ادارات مذکور مطیع وزارت متبوعه و ما فوق خود بوده اگر دستوری از وزارتخانه بادارات تابعهٔ وزارتخانهٔ دیگر صادر شود موقع اجری گذارده نمی شود مگر آنکه از مجرای خود صادر گردد و به طریق اولی وزارت عدلیه اگر بخواهد بعنوان اداره پست مرکزی حکمی صادر و مقرر دارد در آتیه از هر پاکتی که بعنوان خارجه ارسال میگردد شش شاهی دریافت دارید همانطوریکه ادارهٔ پست مرکزی به آن ترتیب اثر نمیدهد همان قسم هم اگر نظمیه گیلان به مالیه رشت یا پهلوی بنویسد فلان خالصهٔ دولت را خراج کنید به آن ترتیب اثر نمیدهد بطوریکه گفتیم هر یك از ادارات مطیع حکم وزارت و مافوق متبوعهٔ خود بوده و اگر حکمی صادر گردد بنا بمقتضیات از وزارت بوزارتخانهٔ دیگر صادر و از مجرای خود به ادارات تابعه ابلاغ میگردد وهر تشکیلاتی مطابق دستور وزارتی شغل و عمل مخصوصی دارند که مطابق قانون جاریه برای تشکیلات دیگر آن عمل منظور نبوده بلکه دخالت در آن رشته از کار نیز ممنوع است

اگر بنده در نقص تشکیلات حرفی داشته باشم در اول آن هیچ اعتراضی ندارم و ازوظایف هرتشکیلاتی هم مستحضرم ولی آنچه میخواهم با شرح و بسط این همهٔ تشکیلات که جریان مملکت وجود آنان وصل است ندانم حکومت کیست وچه وظیفهٔ دارد وچه حقی برای او منظور و اجازهٔ رسیدگی بکدام یك از کار های مملکتی را دارد چیزی به نظرم نمیرسد شنیدم میگویند حکومت نمایندهٔ سیاسی دولت است شاید در شهری که کارگذار نباشد بتوان این حق را برای حکومت منظور داشت در صورتیکه کارگذار مستقیماً نماینده رسمی و سیاسی دولت در شهری باشد این حق ازحکومت سلب میگردد میگویند حکومت ناظر اعمال ادارات دیگراست با شرح و بسطی را که در فوق دادیم این هم نابسند است بعلاوه یك وقتی در قانون اساسی دیدم حکومت مجاز است به اعمال دو اداره نظارت کند ارزاق بلدیه خوشبختانه یا بدبختانه غالب شهر های ایران ارزاق ندارد و اخیراً هم در یکی از مذاکرات مجلس شوری دیدم که وکلاء اصراری داشتند بلدیه های ایران را از تحت نظارت حکام منتزع نمایند پس در این جا هم برای حکومت شغلی معین نگردید ازطرف دیگر هم قانون پایه حکام را از دخالت در امورات مستقیم و غیر مستقیم سایر ادارات اکیداً ممنوع داشته است ولیچون شغل و کار معینی ندارند ناچارند که در وظایف سایر ادارات مداخله کرده و چرخهای امور ادارات دیگر را فلج نمایند با این ترتیب هرکه معترض میخواهد از وجود حکامیکه دارای مزایای اخلاقی هستند وجوب حکومت در مملکت عقیده بیابد یکبارهم اشخاصی زمام حکومت را در دست میگیرند که بجای آنکه معترض ده قدم جلو بیاید صد قدم قهقرا سیر می کند مثلا برای حکومت بعد ازانقلاب گیلان اشخاصی مانند نیر السلطان و سرتیپ محمد حسین خان و سرتیپ فضل الله خان ماموریت یافتند که ازصحت وحسن عمل و حفظ سیاست داخلی و نگهبانی توده وبسط اصلاحات وغیره وظایفی را برای خود قائل و جامعه را امیدوار ساخته و بمعرفت اعمال آنها زبان معترضین را کوتاه کند که ناگهان چند نفر دیگر همان مسندرا هر طالعی بعد طالعی اشغال کردند که یکی از آنها مبلغ هنگفتی از گمرك به اجبار دریافت و دیگری آزادی خواهان را تبعید سومی قابل گرسنه و بیکار خودرا ازطهران دعوت و ادارات ملی اینجا ها را از ملیون اخذ و به تصرف آنها داد اگر چه فعلا آقای امیر نوری (نظام الدوله سابق) که سابقهٔ مشعشع و درخشانی

در راه آزادی ایران دارند حاکم ایالتی گیلان و طوالش میباشند و در نتیجهٔ حسن اخلاق و حفظ حقوق رعایا و داد خواهی رضایت جامعه را جلب کرده الد ولی کی چه میداند بعد از معزی الیه چه شخصی باین سمت منصوب میگردد که آبروی دولت وشرافت ملت را فدای طماعیش ننماید چه آنکه مشاهدات دیرینه مارا مجرب گردانیده است در همین ندر پهلوی بعد از انقلاب گیلان دو نفر مجرب و بردست که یکی یاور روح الله خان و دومی یاور صادق خان مامور بوده است حکومت یافتند صحنهٔ عمل اولی حسن سیاست و بیطمعی دومی اگرچه اهالی را امیدوار داشت ومظالم انقلابی را جبران میکرد و طولی نکشید یاور محمد خان غفاری مقام آنها را اشغال و به نحوی آسنین ظالم را بالا شکست و دست اعتساف را برای چاک کردن قلوب بیچارگان بلند کرد که کسی از ما و رین قبل از مشروطه چنین تعدی را در گیلان بخاطر ندارد دو بیت از کلیهٔ قصاید یکی از ادباء معروف این سرحد را برای استشهاد در این مقام عرض و گفتار خود را به اثبات میرسانم

§ ازولی امسال شد از التفات حکمران §
§ صد هزاران بار بدتر از زمان انقلاب §

یك قسمت ازمظالم ایشان را برای عبرت قارئین ذیلا بعرض میرسانم و آن قسمت راجع بشرح حال جگر خراش صیادان است که در محلات ندر پهلوی سکونت دارند

محلات ندر پهلوی عبارتست از غازیان میان محله ، ساماسر ، سوسر ، شاه ویر ، حسن رود ، طالب آباد ، ایضاً ، کلوبر ، لوبر ، اشمن ، کچلك ، سنگچین ، کوی چال ، الکسار ، تولم ، لوخاله ، هند خاله ، لوله کاز و چند دهات دیگر که اسامی آنها را نمیدانم) محلات فوق بعد از تفکیك زن و بچه که ۳۰ هزار حساب شد اقلا ۲۰ هزار نفر مرد کارگر هاودکه درمیان این جماعت تقریباً ۲ هزار سرمایه داران کوچکی هستند که سیاك نامیده می شوند هیجده هزار نفر دیگر اشخاصی هستند که بالا (بیاد) نام دارند این جماعت در تابستان هر سال از سماك فوق الذکر پولی قرض کرده برای خود کرجی کوچکی ساخته و دامهائی تهیه کرده در زمستان بدریا آمده و دام پهن میکنند و دانه دانه صید ماهی می نمایند کرجی که در تمام مدت پائیز و در زمستان دویست تومان کسب کنند صاحبان آن کرجی درمیان همکاران خود مشهور بخوش اقبالی میگردند وجه فوق بین دو نفر صاحبان عائله تقسیم و بهر یك یکصد تومان میرسد که باید پنجاه تومان بابت قرض به سماك داده از باقی آن

با عائلهٔ خود یکساله امرار معاش کنند ، هر دو نفر از این جماعت چنانکه گفتیم صاحبان یك کرجی هستند درتمام مدت صید در دریا بسر برده و در روزهائیکه احتمال صید نمیرود یکی از این دو نفر بقدر دو سه ساعت برای سر کشی بمنزل آمده و مراجعت میکنند چنانکه قسمت اعظم از ایرانیان شمالی می دانند این طبقه بد بخت ترین مردمان ایران هستند اکثریت این جماعت یك خانه و مسکوه درستی ندارند که خودشان را بتوانند از حوادث آسمانی حفظ کنند ، اطفال مادوس و قشنك آنها همیشه پا برهنه و سر برهنه الد غذای این مردم عبارت از پلو خالی برنج چمپا است که کم قیمت و ارزان ترین برنج گیلان است و پلو اوپس از دو ساعت خشك شده قابل خوردن و هضم کردن نیست که آن را با ماهی صرف میکنند گاهی هم ماهی درسرسفره آنها یافت نمیشود زیرا صید خودرا برای تأمین آذوقهٔ خود که عبارت از پلو خالی است میفروشند خوشبخت ترین خانواده درمیان این جماعت اهل آن خانه هائی هستند که در ماه اقلا یك مرتبه خورشت گوشت در سر سفره داشته باشند ، زنهای این جماعت از بافتن حصیر (یك نوع فرشی است در گیلان) و ازفروش آن با شوهران خود در مخارج و خانه داری کمك میکنند هر دو نفر زن در یکروز و نیم می توانند یك تخته چهار سه زرعی که دوقرن درایام ترقی قیمت دارد از کار گاه بیرون بیاورند که ده شاهی مخارج و سی شاهی نفعی است که در نتیجه زحمت یك روز و نیم بهر یك نفر زن پانزده شاهی میرسد ، زنهای این جماعت بشوهران خود فوق العاده مهربان میباشند حفظ عفت و عصمت و حیا و ناموس از عادات اولیه آنها محسوب میشود ، اطفال این مردم فرزندان اهل شهر پهلوی را بحسرت نگریسته و آنها را عزیز و محترم میشمارند درمیان این جماعت مدرسه وجود نداشته است مگر آنکه از دو سه سال باین طرف ظهور اعلیحضرت پهلوی باعث تاسیس مدارس درمیان این جماعت گردید بی کفایتی و نادانی رؤسای معارف به آن مدارس این قدر اهمیت ندادند و نمیدهند و آن معلمینی که لاابالی و بی قدرند غالباً برای آن مدارس اعزام میگردند مثل آنکه ضرابی را با آنهمه سوء سوابق و خیانتهائی را که در آستارا مرتکب شد برای غازیان و شیخ علی را برای کلوبر و شیخ خلیل را به آب کنار فرستادند انصافاً این آقایان هم خوب از عهدهٔ ماموریت خود بیرون آمده و آبروی معارف را حفظ کردند باری این جماعت ازوجود مدارس فوق العاده هراسناك بوده ومیترسیدند و فرزندان خودرا از ترس آنکه مبادا باخلاق فاسد

خوری کسبرند بمدرسه نمی فرستادند این جماعت هیچ وقت نمایش اخلاقی و سینما و تاتر ندیده اند مگر آنکه جدیداً بعضی از معارفیون بنام مدارس در یکی دو دهاتهای فوق الذکر نمایشگاه داده و باعث داد و فریاد اهالی باسم اسلام از دست رفت شدند این قدر استفاده چنان بمروت برای رواج بازارخود این جماعت را بخرافات سوق دادند که با تحمل زحمات بایدآنان را بدایره معارف کشانید ، این جماعت با مردمان شهر در کمال خضوع مقابل شده و از مکالمه با آن ها افتخار میورزند ، توطیه دسایس حیله نیرنك درمیان این جماعت وجود خارجی ندارد مواقع شام و صبح کمتر خانه و دردهاتهای فوق الذکر است که صدای اذان از آن خانه بلند نگردد این جماعت شارب الخمر را کافر مطلق میدانند و حتی الامکان ازملاقات با آنها اجتناب می‌نمایند مگر آنکه احتیاجاتی وجوب ملاقات را تولید نماید زنهای این جماعت از اهل محله خود حجاب نمیکنند و با این وصف تمیز فساد اخلاق از آنها بروز نمیکند ولی از اهل شهر کاملا حجاب می نمایند خواهر دهاتی آنطوریکه در نزد برادر دهاتی خود بی حجاب بیرون می آید در نزد برادر شهری خود آن قسم بی حجاب ظاهر نمی شود اقلا چادری بسر می اندازد بسکه فساد اخلاق در شهر توسعه دارد واقعاً هم کمتر میتوان به اکثریت مردمان شهر اعتماد کرد مشاق رفع حجاب خوب است اخلاق فاسد اکثریت مردمان شهر را اول مرتفع نمایند این مردم به پلیس و نظامیه و حکومت فوق العاده اهمیت میگذارند بجز نام اداره حکومتی و نظمیه به اسامی ادارات دیگر این قدر ها آشنا نیستند هرگونه اجحافی به آنها وارد شود بحکومت مراجعه میکنند بطریق اولی این جماعت زحمت کشان حقیقی و رنجبران واقعی هستند بطوریکه در بالا گفته شد از طریق صیادی و حاصل دست رنج خود با کمك زنهای خودشان بسختی اعاشه خودرا تامین و بصرف پلو خالی قناعت مینمایند چون عادت بخوراك نان ندارند درمیان خود از فقر کسی که میخواهند صحبت کنند میگویند فلان کس بسکه فقیر و بیچاره است دو شب است نه نان بسر میبرد آنگاه برای او دسته‌ای خیر میکنند وحتی الامکان در اعاشه همدیگر را کمك و مساعدت مینمایند مواسات واقعاً طبیعی این مردم است این جمعیت برای بدست آوردن صید فوق الذکر سالی اقلا پنجاه شصت نفر ... در دریا میشوند درآن مواقعیکه اهالی شهر پهلوی بواسطه برودت و برف و باد و باران برای کسب از خانه بیرون نمی آیند این جماعت در دریا مانده برای صید دستهای خود را در یخ دریا فرو برده و صید مینمایند در این طور مواقع بسیاری غرق شده عائله خود شان را یا بگدائی سوق یا واسطه ترحم ذاتی که درمیان این جماعت است تحمیل اقوام خودشان مینمایند در زمان سابق اداره معروف (لیانازوفی) برای یك قسمت از صید داشت باعث مزاحمت این مردم میگردید آن دولت با روس و آن زمان خان خانی وخودسری اقوام و رفع مزاحمت از این جماعت کرد (نیز است برای آنکه صفحات آن نامه مبارکه در ... خود اشغال نمایم صفات این مردم را کاملا شرح نداده ام)

بالاخره در مقابل هر اجحافی که سلاطین قاجار که پست و ظالم ترین دول دنیا بوده اند این جماعت را محافظت میکردند و تا کنون کسی در نظر نگرفت از این مکتب و مساعدت استفاده نماید نه از ... جیبان و نه از ایرانیان در نظر هم گرفتند که از این جماعت سلب راحت نمایند مگر آنکه امسال آقای یاور محمد خان عصیاری حکومت آن شهر با جواد خان آژیر تبانی کرده (جواد خان امین مالیه این شهر است کسی است که صدای مظلومین ایام انقلاب وی هنوز از شکنجه‌زار « چهار فرسخی شرقی پهلوی است » بلند است و هفت هشت ماه قبل چند واگون قند که می باید مالیات او صرف راه آهن ایران شود از حسن عمل جواد خان در گمرك تجاریان مفقود شده است جواد خان برای پوشانیدن میانه‌های بزرگی ... در مانند خانه های ... زوی مشهور شده است خواست چشم ... جدید ... امریکائی مالیه گیلان را که اطلاعاتی از سابقه این کار ندارد بلا ببرد) با حکومت همدست شده آقای یاور دریا را به پانصد تومان اجاره کرد این جماعت که آخرین فانوس امور خود حکومت را میدانند و در هر گرفتاری به درب حکومت داد می زنند دچار مظالم حکومت گردیدند و یا نظامیان پس از آنکه چند مرتبه باداره حکومتی جلب و توقیف شدند و حکومت خود برشت رفت توسط نظامیان رؤسای آنها را پیاده برشت کشانیدند

پس از ورود دادن آنها برشت خود به پهلوی آمد بالا درات مأمورین نظامی آنها را به پهلوی مراجعت و جوابی جز آه و ناله و (میگویند شاه جدید شاه عادل مهربان است مگر ما ایرانی نیستیم) نشنیده امر به توقیف آنها داد نظامیان سید اسماعیل تاجر را عوض سید اسماعیل بالا چند روز توقیف کردند و پس از پی بردن باشتباه اولی را مرخص دومی را بزنجیر در محبس انداختند و هم چنین با کتك زدن به حاجی یوسف زمانی در عوض همراهی که با این جماعت کرده بود و تعدیاتی را که عمید همایون معاون حکومت

ابراز داشت [عمید همایونی فعلی پسر عمید همایون سابق است که در این شهر حکومت داشت در اثر استفاده کشته شد] و ضجه و شیونی که از خانواده این جمعیت بلند شده و میشود بالاخره بعد از همه زجر و توقیف و اذیت و ازار دادن با این جماعت شیخ حسن لوحه خان لنگرودی را بماموریت دریا تعیین و دو نفر نظامی نیز به شیخ داد شیخ مذکور هر چند زرع از دریا را بمیل و اراده خود برای صاحبان یك کرجی تعیین قبل از آنکه به تصرف آنها بدهد آنها را نزد جواد خان ادم عمید همایون گسیل میدارد مشار الیه از هر یك کرجی یا یکنفر پنج الی یازده تومان [هر مقداری که میتواند ولی از پنج تومان کمتر نیست] اخذ یك تکه مقوای دکان بکاری که با مقراض چهار گوش بریده شده و یکطرف آن مهر محمد علی [محمد علی رئیس تامینات این شهر و ذی نفع در این تجارت است و توسط او صیادان تهدید میشوند] و طرف دیگر آن نوشته می شود مثلا محمد حسن و محمد حسین حق دارند با یك کرجی بین کرجی علی و جعفر ده زرع ز دریا را تصرف و دام پهن کنند بنام جواز بانها میدهد و هر کس جواز مذکور را نداشته باشد علاوه از آنکه ابداً حق صیادی راندارد مانند مخالفین دولت بحبس تامینات گرفتار واقعاً او را زجر داده و برای او دوسیه سیاه و تاریکی تنظیم می نمایند عایداتی که در این تجارت منظور است با شرح و بسط فوق همه کس می تواند حساب کرده و مساوی گردد از وجوه ماخوذه ده قسمت متعلق به آقای یاور و یکقسمت آقای رئیس تامینات مستفید میگردد برای شیخ حسن جواد خان نفع دیگری منظور است که در چند سطر ذیلا معرض میرسد صید گاه فوق الذکر در گیلان عموماً و نزد صیادان خصوصاً [رج] نام دارد بعضی از رجها بملاحظه آنکه عبور ماهی از آطرف زیاد تر میشود تفوق بسایر رجها دارد و آن حدود مرغوب بکسانی داده می شود که اولا ده دوازده تومان به شیخ حسن و جواد خان تقدیم کنند و هر کس هم قوه دادن وجه مذکور را ندارد ماکهها که گفتیم سرمایه داران کوچکند به آقایان مذکور شیرنی داده و آنحدود را برای خود متصرف گردیده دست مالا های بیچاره را از انجا ها کوتاه کردند از این طریق هم دو سه تومان تجارتی عاید منظور است که پس از وضع حقوق مامورین بین شیخ حسن و جواد خان تقسیم می گردد فایده دیگری نیز از این عمل در نظر است و این است آقای یاور اگر بخواهد کسی را عزل یا نصب کرده یا شکایت و رضایتی ترتیب دهد توسط شیخ مذکور و حسن آقا نام معلوم الحال این جماعت را باسم آنکه رج را از شما میگیریم تخویف داده اوراق تظلمیه را بمهر و امضاء آنها میرساند تجار این شهر هم از ترس خوردن حاجی یوسف زمانی که از تجار معروف این شهر است متوحش شده و میترسند در صورت مخالفت بهمان بهانه که حاجی کتك خرده آقای یاور برای آنها هم ایجاد بهانه کرده موجبات خسارتشان را فراهم نماید ممکن است چنان ورقه را مهر و امضاء کنند در صورتیکه عموماً از حکومت فعلی ناراض هستند جدیداً شنیده شده است آقای یاور تمام مالا ها را توسط شیخ حسن اعلام داده که حق ندارند موقع انتخابات خود سرانه تعرفه اخذ نمایند باید ورقه رأی خود را از شیخ حسن و میرزا جواد گرفته و حسب الدستور رفتار کنند این است شغل و کار یك حکومت سرحدی که بواسطه عدم وظیفه باعث اذیت و ازار جامعه و نارضایتی توده از دولت و تماشای خارجی گردیده است اهالی الهه برشت شکایت کردند برادر آقای یاور که در رشت هستند مانع تاثیر شکایت گردیده بلکه توسط حیدر قلیخان رئیس نظمیه این شهر که از شاهسولدهای قزوین است و رئیس تامینات وسایل توقیف شاکیان را فراهم مینمایند آقای مدیر شما را بخدا آیا با چنین ترتیبی میتوان بوجود حکومت قائل گردید ایا چنین ماموریتی ننگ و رسوائی ایرانیان نزد بیگانگان نیستند ایا با این ترتیب و منفعت پرستی برای جامعه نارضی گاهی متصور است فقط اهالی شهر پهلوی از توجهات آقای زاهدی و آقای امیر نوری امیدوارند که باین زندگانی فلاکت بار خاتمه داده و از عزل مشار الیه وسایل آسایش سرحد نشینان را فراهم فرمایند در خاتمه بقاء آن نامه گرامی را آرزومند است ـ (بینا)

انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق

هر قدمیکه عالم طبیعت در راه تکامل درادوار مختلفه دنیا بر داشته است حوائج و امورات بشریت و اساس ادیان و حکمت و قوانین متنوعه و اصول و آداب مختلفه بخودی با اساس مقتضیات همان اعصار و ادوار موافقت داشته که هر انقلابی بموقع خود بعمل آمده و هر حادثه مهمی بترتیبی روی داده که گوئی روح آنعصر تشنه و شیفته خود همان حوادث بوده پس باید گفت عبادت اصنام و مظاهر بر جسته طبیعت در آن اعصار که شعور حیوانی در کله های اولاد بشر بجای عقول ملکولی کار میکرده چندان مورد تعجب و توبیخ و ملامت نبوده بلکه موافق همان محیط بوده است پس از آنکه عقول بشریت نیز

هم جاده ترقی قدم نهاده و از هر طرف لشکر حوائج باطراف او حمله آورده مذاهب و ادیان نیز موافق حوائج و مشارب و عادات و اخلاق هر قوم و هر ملت یك طریق مخصوص بخود گرفتـه و لباسی را بوشانیده است چنانکه ملت یونان نیز زمانی اساس پرستش‌خدایان خود در کوه المپ محکم و استوار میکرده که قوانین موضوعه ملی و آداب سیاسیه ومدنی و حوائج اجتماعی آنها در آن اعصار بالطبیعه اقتضا میکرده که برای تفکیك امور روحانیت از سلطنت و محدود ساختن قوای پیشروان امور و اولیای دولت و مملکت بهزاران ارباب انواع ایمان آورند و برای هر یك از امورات طبیعی و مدنی و سیاسی که بان احتیاج و روابط تام داشته یك رب النوع مستقـل قائل گردند چنانکه نبطون را (رب النوع بحار) و آپلن را (رب النوع صنعت و آفتاب) و ونوس را (رب النوع حسن) و ایرو را (رب النوع عقل و جنك) و وستارا (رب النوع اهلیت و وظائف خانه داری) و سرس را (رب النوع محصولات) و میکور را [رب النـوع تجارت و دزدان] و دیان را (رب النوع شکار) و پلوطن را (رب النوع دوزخ) و باکوس را [رب النـوع شراب] و اسکولاپ را [رب النوع طبابت] و اورانوس را [رب النوع آسمان] تصور میکرده و در راه آنها هزاران نیاز و قربانی میداده و در هر امر نیز که احتیاج داشته بیکی از این ارباب انواع که رب النوع آن مقصود بوده رجوع میکرده اند

یکی از بهترین سر چشمه تکامل که کلیهٔ اساس عالم کائنـات را بطرف یك سعادت حقیقی و و عالم کمالات الهیه سیر میدهد همان تجلی تامی است که در عالم عقول بشریت نموده و از همین تجلی عالم عقول بوده که انبیاء بزرگ و فلاسفه سترك و صاحبان افکار متین و ارواح قویم قدم بعرصه وجود نهاده و در هر موقع که توانستـه اند انقلاب های عظیم بر پا و دنیائی را از چنگال جهالت و مفاسد اخلاق نجات داده اند پس یکی از ثمرهٔ قانون تکامل تجلی عقول و ارواح قدسیه است که مبدء آن نیز از قدم از یك فلك دیگر غیر از عالم خاك دانسته اند چنانکه با وجود اینکه اصلا علت ظهور و بروز کلیـه ارکان عالم وجود جز یك جوهر اصلی بیش نبوده که آنرا جوهر لا فی الموضوع گویند حکمای تکوین هر یك از اجرام پنجگانـه عالم را که باز جلوه ظهور همان جوهر اصلی است مبدء یکی ازخواص حکمت و بقای عالم وجود دانسته که بدست قدرت یك مدبر کل اداره می گردد و کلیهٔ این تجلیات روح افرای عالم طبیعت را از این مبدء پنجگانه دانستـه گویند اثیر مبدء ذرات و ذرات در ترتیب منشاء تجاذب شمس مبدء نور سیارات منشاء حیات و اقمار مفیض عالم علم و ادراکات است از همین جهت بوده که عده از علماء نیز تربیت ارواح قدسیه را تحت فلك قمر دانسته و آنرا مفیض عالم‌عام و ادراك بحساب آورده اند بدین ترتیب چون فلك قمر نیز تابع ترقیات تدریجی است هر اندازه برمدت عمر آن افزوده شود بر علوم ادراکات عالم بشر نیز افزوده خواهد شد و شاید اغلبی از حکمای طبیعی نیز که گفته اند انشقاق قمر مصادف با ظهور خلقت بشر بوده بهمین مسئله پی برده باشند و این مسائل دلیل است بر اینکه همانطور که عالم کئنونات اجسام در ترقی است عقول و ادراکات بشر نیز در ترقی است پس از روی قانون تکامل عقول بشریت در هر عصر یك مقتضیات و سیر مخصوص داشته و در هر دوره نیز بپاره اکتشافات عظیمه موفق آمده و بسیاری از از مجهولات را حل کرده است چنانکه حکمای سابقه مدتها در مسئله محیط و مرکز مباحثه ها راه انداخته و قال و مقال ها داشته و زمین را مرکز عالم‌جسمانی بحساب می آورده و افلاك را محیط بر آن تصور میکرده اند لکن امروز که عقول بشریت تا این اندازه ترقی کرده است مسئلـه محیط و مرکز بودن زمین نیز از میان مرتفع و پس از انکشافات عدیده که بعمل آمده و آگاهی یافتن از آنهمـه کرات غیر محصور و فضای نامتناهی معلوم نیست که محیط‌چیست و مرکز کجاست بلکه هر کجا رو آوردیم محیط است و بهر طرف‌انگشت نمودیم همانجا مرکز خواهدبود

مهمترین نتایج ترقیات عالم عقول و ادراك برای جامعـهٔ بشریت همان اخلاق حسنه بوده و هدف اصلی امال ما نیز مقدمه و بیانات پی بردن بان اساس اصلی است که سعادت حقیقی اقوام بشر روی آن گذارده شده و بوسیلـه آن یك حیات درخشان جاودانی بعالم انسانیت عنایت گردیده است لذا اولا میخواهیم میدانیم که مقصود از اخلاق حسنه هر قوم و هر ملت چه عادات و صفات وکمالاتی است که سعادت حقیقی انسان فقط مربوط بحصول آن بوده و آیا قانون تکامل نیز با این اساس مقدس چه‌معامله و روابطی داشته و سیر تمدن و تجدد و علوم وفنون و معارف نیز بدون اتکا باین اساس دارای چـه قدرت و نفوذ و استقراری خواهد بود و مطلقاً خوشبختی و بدبختی ملت ها با وجود همـه امور نسبی که بین این مسائل موجود است عبارت از چـه قوه و چه قدرت و چه سعادتی است که اینهمه در

زندگانی هیئت از افراد بشر دارای نفوذ و اهمیت است و نیز میخواهیم ملتفت شویم که چنانچه عده از حکمای مادیون بدبخت مطلق سعادت بشریت را در حصول تجملات ظاهری و استقرار فوائد مادی دانسته و دنیا را فقط مادی صرف تصور نموده که نه دارای جوهر و اساسی است و نه در خور سعادت و استدلالی نه از عالم ملکوت آلهیه نشانی است و نه از انوار فیوضات لاهوتیه اساس و بنائی پس آیا این نشئه یکجهانی مملو از شهوت و طمع و رذایل و خود پرستی و مفاسدی است که باید فقط قوای فکریه خود در رتق و فتق آنها بکار انداخته برای حصول آسایش و ثروت و تجملات و شئونات جسمانی و ازدیاد علوم و فنون و صنایع و اختراعات پرداخته و روح مقدس خود را بیکار گذاشت یا اینکه روح ما نیز در این میان دارای یک سلطنت عظیمه و اقتدار شایان بوده که کمالات ازلیه و ابدیه برای آن معین و خلق گردیده و بوسیله حصول این کمالات که اولین پایه و اساس آن دیانت و ایمان قلبی را تشکیل میدهد ممکن است بعالم اعلی عروج کرده در پیشگاه قرب بزرگترین پادشاه و کبریائیکه تاج سعادت جاودانی تارک گران بهای بشریت نهاده است تقرب جواز حاصل نمود

آری چنانکه علمای روحیون امروزه پس از هزار سال تجارب از خصائص و مزایای عالم روح و درجه عظمت و کمالات بی پایان آن آگاه گردیده و ارواح انسانی را در عالم ناسوتی مرآت مظهر جمال و کمالات حقیقیه قادر متعال بحساب آورده اند انسان با یک روح منیر و محکم در این عالم وجود قدم نهاده و از همان وقت که تحت نمو حیوانی در نشو و ارتقاء بوده همان انجذاب حقیقی که در روح عالم بشریت موجود و بوسیلهٔ آن همواره در صدد شناختن محبوب حقیقی خود بر آمده و گمگشته خود را جستجو میکرده سبب گردیده که انسانیت را از بد تمیز داده و راه را از چاه فرق نهاده درمیان سعادت و شقاوت حکم نموده و در هر قدم بمعارف تکامل سیر نماید و اینکه عده از علمای دان اولین علت پرستش و عبودیت و اعتراف انسان وجود یک قوه فوق الطبیعه حس بیم و امید واحتیاج و امثال آن دانسته اند برای این بوده که کاملا در سجایای روح انسانی کنجکاوی نکرده هنوز نیز ملیون ها نفوس مشرک در دنیا وجود دارد که به پرستش اصنام خیالی مشغول گردیده و در ابراز اخلاص قلبی و پرستش الهه جسمانی اوقات عزیز میگذرانند چنانچه در همین نفوس نیز بدیده تحقیق نظر شود علت این پرستش باز همان انجذاب وعشق حقیقی است که دست قدرت در روح بشریت سرشته است که یک معبود مافوق الطبیعه بخواهد مواره ایمان آورند زیرا هرچند ظاهرا عدایان خودرا ازجمادات واشیاء بیروح قرار داده باز آنها را مظهر یک قوه وقدرتی میدانند که در گردانیدن چرخ حیات و ممات و آرزو های آنها یک نفوذ فوق العاده خواهند داشت. اما این بیچارگان از بخت بواسطه سوء تربیت و فقدان اخلاق حسنه و ایمان قلبی و تجاهل و عدم معرفت نمایندگان دنی و پیشروان مذهبی طریق وصول به محبوب حقیقی که ما فوق عقول و ادراکات و اوهام انسانیه است گم کرده به بیراهه افتاده اند غافل از اینکه تجلی جمال حضرت ربوبیت هزاران بار منزه و مبرا است از اینکه به تصورات و تخیلات و عقول انسانی بیرون آمده در حیوان و جماد و شجر و حجر جلوه و تظاهر نماید بلکه در هر ذره از ذرات کائنات دنیا جلوه جمال وکمال او ظاهر وهمه موجودات ملکیه ومعنویه غرقه در دریای قدرت و فضیلت و تجلیات است

دیده خواهم که باشد شه شناس
تا شناسد شاه را در هر لباس

[علی محمد احتشام اولیائی]

تعلیم اجباری

وزارت معارف در صدد تهیه لایحه تعلیم اجباری در مرکز و ولایات برآمده و مخارج سالیانه آن را در سال اول دویست هزار تومان ودر سنوات بعد هفت صد هزار تومان معین کرده اند و عجالتا لایحه مذکور تحت مطالعه می باشد

حبل المتین

مکرر نگاشته ایم که کمتر از همه چیز تا امروز دولت متوجه معارف ملی شده تعلیم ابتدائی اجباری در کلیه ولایات و ایالات توام باید باشد ورنه منافع تعلیمی که مدنظر است کما یلیق ملت و دولت حاصل نتوانندنمودعایدات فروش ادویه مخدره را که اقلا بین سه و چهار ملیون تواند شد باید اختصاص و انحصار بمعارف و حفظ الصحه داد تا نتیجهٔ یك تیر و چند نشان حاصل آید -

(مرکزیت قشون در سیستان)

پس از مراجعت امیر لشکر شرق از سرحدات برای اینکه مرکزیت تیپ قشون مستقل آنجا بسرحدات و تسهیل امر معیشتی قشون مرکز تیپ که تا کنون در قاینات بود مقرر گردید که انتقال به سیستان داده شود

راه اشتربنان

مهندس راه بروجرد تلگراف میکند که راه جدید اشتربنان تمام و افتتاح گردید ، حالیه اتومبیل و سایر نقلیه میتوانند عبور و مرور نمایند

آبله کوبی اجباری

رئیس صحیه شرقی راپرت می دهد که بر طبق دستور شروع به آبله کوبی مطابق هذه السنه شده مقدمات اعمال و دستورهای جامع برای آبله کوب سیار و ثابت صادر نموده اهالی مخصوصاً در قراء و دهات از اقدام بدفع استنکاف دارند با موعظه و نصیحت اشکال رفع خواهد شد دکترهای دیپلمه که برای خدمات صحی تربت ، خواف ، درجز ، قوچان و غیره اعزام نموده بودید وارد مشهد شده با دستور و تعلیمات لازمه هر یک را بمحلهای خود اعزام نمود

(مطالبه مالیه از بلدیه)

شرحی از طرف وزارت مالیه به بلدیه طهران نوشته شده که چون سایبانها و مستغلات چهار راه حسن آباد را بلدیه خراب نموده و جزو خیابان کرده است از این راه خسارتی بدولت وارد آمده لازم است که یا قیمت مستغلات را اداره بلدیه بپردازد و یا آنکه در هر ماه چهارده تومان و نیم مال الاجاره آنرا بدهد

(کارخانه ابریشم بافی)

یک نفر از تجار مرکز شرحی بوزارت تجارت نوشته اجازه خواسته که دستگاه ماشین ابریشم بافی و حریر بافی از خارجه وارد و در سمت گیلان دایر نماید امتیاز و اجازه تاسیس آن را تقاضا کرده است مراسله مزبور به کمیسیون امتیازات رجوع گردید

(محمولات دهی کمپانی نفط جنوب)

مطابق راپورتیکه بوزارت فواید عامه واصل شده اشعار میدارد که در سال ۱۳۰۴ روغن معدنی محموله کمپانی نفط جنوب از این قرار بوده است

۱۲۸۴۴۲۰۴۶۶ من تبریز

قیمت — ۵۴۴۹۸۲۹۹۶ قران

سایر اجناس صادره — ۷۶۹۶۸۰۰۰ من تبریز

قیمت — ۵۰۵۸۰۱۹۲۶ قران

حقوق خروجی ۸۷۷۸۲۰۲۱۵ قران

جمع کل عایدات تا آخر اسفند ۱۳۰۴ — ۲۲۴۶۷۰۰۵۰ قران می باشد

نفت الجنوب

در قانون تبعیض جائز نباشد نمی دانیم دولت از صادرات نفت حقوق راهداری اتخاذ می نماید یا نه اگر تا کنون نبوده باید جداً در صدد حصول این عایدات بزرگ بر آید

(قانون اجباری ثبت املاک)

قانون ثبت اسناد و املاک اجباری از طرف وزارت عدلیه بوزارت مالیه ارسال گردید که پس از موافقت دکتر میلسپو اعلام داده بمجلس شورای ملی ارسال دارند

ناحیه جدید راه سازی

آقای کلنل موریس شروع باصلاح امور طرق و شوارع نموده و چند نفر از مهندسین را تا حال تغییر و مهندس بندر جز را بهمدان انتقال داده و آقای میکده را مامور تفتیش عملیات راه سازی ناحیه ۱۳ نموده و در ظرف این دو روزه بسمت اصفهان خواهند رفت

و بعلاوه در صدد میباشد که راه کرمان ویزد را تسطیح نمایند و یک ناحیه جدید در آنجا که ناحیه ۱۴ باشد دایر و ریاست آن را بمسیو باکف لیف مهندس که یکی از مهندسین درجه اول روسیه میباشد واگذار و مبلغ سی هزار تومان اعتبار جهت تسطیح راه مزبور و سایر مخارجات مقدماتی صادر و قریبا مهندس مزبور حرکت خواهد کرد

بسط و توسعه دفع آفات

اداره کل فلاحت در صدد بسط و توسعه موسسه دفع آفات حیوانی بر آمده و چند شعبه در ولاتی که تا حال دایر نشده بود افتتاح نموده و آقای دکتر مرتضی خان کل سرخی را مامور تزئید شعبات موسسه مزبور در مازندران نموده اعتبار جهت تهیه سرم و تلقیح آن بموسسه مزبور داده اند

متخصص معدن شناسی

مسیو مارتین متخصص معادن که اخیرا از آلمان استخدام شده بود بطهران وارد و برحسب وقتیکه قبلا تعیین شده بود وزیر مختار دولت آلمان اتفاق متخصص مزبور بوزارت فوائد عامه آمده آقای معاون وزارت خانه را ملاقات و متخصص مزبور را معرفی کرده اند

از قراریکه کسب اطلاع شده مسیو مارتین سمت ریاست اداره معادن انتخاب و قریباً در وزارت خانه شروع بکار خواهند نمود

عیار طلا و نقره

راجع به تعیین عیار طلا و نقره چنانچه در تمام ممالک اروپا معمول است تجار عریضهٔ بدولت تقدیم داشته اشیائیکه از طلا و نقره ساخته میشود از طرف دولت مهر و عیار آن معلوم شود تا در موقع فروش در بازار خارجه دچار اشکال واقع نگردیده و دولت هم از این راه مبلغی دریافت و به عایدات مملکتی نیز اضافه شود

(شکایت اهالی آبادان)

اهالی آبادان راجع بتصرفات کمپانی نفت جنوب در اراضی ایشان اخیراً شکایت بمجلس شورای ملی نموده تقاضای رسیدگی کرده اند از طرف ریاست مجلس شرحی بوزارت فواید عامه نوشته شده که بشکایات آنها رسیدگی شود

راه عباسی ولار

اهالی بندر عباس تلگرافی بوزارت فواید عامه مخابره و تقاضا کرده اند از نقطه نظر پیشرفت امور اقتصادی و حمل و نقل مال التجاره دستور صادر نمایند که راه بین لار و عباسی را تسطیح نمایند

تهیه لایحه توسعه زراعت

مستر هیز کل مدیر کل فلاحت در صدد بسط وتوسعه امور فلاحتی برآمده و لایحه برای توسعه زراعت مخصوصاً زراعت کائوچو تهیه نموده و بمقام وزارت تقدیم تا پس از تصویب دولت خالصجات مملکتی شروع بزراعت کائوچو بعمل آورد

دارائی عزیز خان خواجه

چون املاک و دارائی عزیز خان خواجه بموسسه صحیه کل تخصیص داده شده و از طرف دولت رسیدگی باین موضوع به آقای وزیر داخله واگذار شده معظم له مشغول رسیدگی بکلیه اموال منقول و غیر منقول بوده و مقرر گردید کلیه املاک را بوزارت داخله انتقال دهند و بعد از تعیین عایدات آن یك مریضخانه مهمی مثل یکی از مریضخانه های اروپا درطهران تاسیس خواهد شد که عموم اهالی از آن استفاده کنند و حالیه در صدد تهیه مقدمات افتتاح مریضخانه می باشند

(استخدام معلمین)

نظر باینکه دولت حاضره در نظر دارند مدرسه عالیه علمی تاسیس نمایند و هم چنین در نظر دارد که موسسه دفع آفات حیوانی و مؤسسه پاستور را توسعه دهند در صدد بر آمده که یکعده از متخصصین فنی استخدام از اروپا نمایند برای پیشرفت این امر در این موضوع که آقای فروغی در پاریس میباشند تلگرافاتی از طرف آقای رئیس الوزراء صادر و دستور داده شد یکعده از اشخاص فنی و متخصصین درجه اول انتخاب و راپورت دهند تا قرار استخدام آنها صادر گردد

(انگلیس و ایطالیا)

جرائد مسکو عطفاً به مقاله مندرجه در روز نامه مور نا اینگ و پوست که بر له همراهی انگلیس با دعاوی ایطالیا راجع بتصرف آسیای صغیر اظهار عقیده نموده اظهار میدارند که این قضیه در ملاقات چمبرلین با موسولینی تحت مطالعه در آمد انگلیس تشبثاتی میکند که نقشه های استعماری انگلیس را برای ایجاد ائتلاف ضد ساوتی در اروپا با شرکت ایطالیا در این ائتلاف بکار برد

(معارف مازندران)

آقای مایل توسرکانی که از طرف وزارت معارف بریاست معارف و اوقاف مازندران و محال ثلاثه تنکابن انتخاب شده اینك بودجه هذه السنه را تدوین و موسسات معارفی آن حدود را توسعه داده و برای ساری یك مدرسه هفت کلاسه یك باب مدرسه چهار کلاسه یك باب مدرسه شش کلاسه اناث و برای بار فروش یکباب مدرسه شش کلاسه یکباب چهار کلاسه و یکباب دو کلاسه و یکباب شش کلاسه اناث - برای آمل یکباب مدرسه شش کلاسه - برای مشهد سر یکباب مدرسه شش کلاسه - برای تنکابن یکباب شش کلاسه و سه باب چهار کلاسه - برای اشرف یکباب چهار کلاسه پیش بینی نموده علاوه بر اینها ده باب مدرسه دو کلاسه هم در نقاط مختلفه مازندران تاسیس خواهد شد و امید میرود معارف مازندران در اثر جدیت ایشان رونق تازه بخود گرفته ازحال بی ترتیبی کنونی خارج بشود

(شناسائی دولت بین النهرین)

از طرف دولت بین‌النهرین راجع بشناختن خویش و رسمیت دادن بشناسائی دولت مذکور اخیراً اقداماتی بعمل آمده و با مقامات مربوطه مشغول مذاکرات می باشند

مقدمات روابط سیاسی

(ایران و ژاپون)

دولت ژاپون اخیراً مسیولی برای اطلاع امور اقتصادی و تجارتی وغیره بایران اعزام هیئت مذکوره ماموریت دارند که برای عقد قرار داد جدیدی بین ایران و دولت ژاپون اقدام مقتضیه بعمل آورند و نمایندگان سیاسی مبادله شود

(نماینده ژاپون)

بر حسب وقتیکه قبلا تعیین شده مسیو اوتسیجا رئیس هیئت ژاپونیها بوزارت امورخارجه آمده آقای پاك روان را ملاقات و تا مدتی راجع بماموریت خود مذاکره در مراجعت رئیس تشریفات را ملاقات و برای هریك از رؤساء وزارت خارجه کارت گذاشته است

تلفات درمعدن ذغال تبریز

نظر باینکه سه نفر از عمله جات ذغال سنگ ساری داغ تبریز در موقع انجام وظیفه بواسطه گازخفه شده اداره مالیه آذربایجان پیشنهادی تقدیم داشته که بهر یك از وراث آنها ماهی شش تومان شهریه داده شود وزارت مالیه با پیشنهاد موافقت و مراتب را بوزارت فواید عامه اطلاع داده اند

کمپانی میس هس

نماینده کمپانی میس هس بوزارت فواید عامه مراجعه و از نقطه نظر آسایش عمومی و پیشرفت امور اقتصادی تقاضا کرده امتیاز تاسیس اداره بیمه جان و بیمه اتوموبیل شخصی و مسافری باو واگذار شود پیشنهاد خود را در تحت ۸ ماده تقدیم وزارت فواید عامه کرده است وزارتخانه اصولا با پیشنهاد کمپانی مزبور موافقت نموده و در صدد جلب نظر آقای رئیس کل مالیه بر آمده که تا پس از موافقت قرار صدور امتیاز آن داده شود

توجه دولت بمستخدمین اداره نفط

نظر باینکه چندی قبل دو نفر از مستخدمین ایرانی در اداره نفط ایران و انگلیس در سر خدمت تلف شده وزارت مالیه بوسیله نماینده خود اقدامات لازمه بعمل آورده که قراری برای آسایش باز ماندگان آنها بدهند و سواد راپورت عملیات خود را بوزارت فواید عامه ارسال داشته است

حبل المتین

تاکنون در این اداره هزاران نفوس ایرانی تلف و ناقص الاعضاء شده بر عده فقراء مملکت افزوده و ایتام و ارامل آنها در بدر اند و این اصول برخلاف عملجات جمیع دنیا است امیدواریم دولت قانونی درکار گذارده و کمپانی را مجبور ساخته تا هر تلفاتیکه بایرانیان وارد می آید تلافی شود وباید عملجات خارجه را برعملجات داخله هیچگونه ترجیح و مزیتی داده شود

تهیه سیمنت

آقای کلنل بورینی مدیر کل طرق و شوارع در موقع عزیمت خود بایران در لندن و پاریس و سایر نقاط راجع در باب ساختن سیمنت مطالعات لازمه نموده و اطلاعات جامعی در موضوع تهیه آن از کلیه ممالک کسب نموده در این موقع که مشغول کار شده اند در صدد می باشند که اداره مخصوص جهة تهیه سیمنت تاسیس نمایند و حالیه برای اجرای این نظر مشغول مطالعه گردیده و راپورتهائیکه سابقاً در این باب واصل گردیده تحت نظر قرار داده که هر چه زود تر تصمیمی در این باب اتخاذ نمایند

[بقیه صفحه ۳]

و آهن بکردیم علاوه براین متخصص جنگل های ایران از حالا باید درخت هائیکه چوب انها قابل راه آهن است حفظ نموده و برای آینده هم تدارك نماید چه راه های آهن ما هم وقتی تکمیل شود هر به چند سال یك مرتبه مجبور به ترمیم وتبدیل تخته های راه آهن خواهیم گردید وبرای این عمل همواره باید در تربیت جنگل ها وفراهم کردن چوب کوشش داشته باشیم

اگر ایران توانست مواد و مصالح ساختمان راه آهن را از خود تهیه کند با همین سرمایه موجوده یعنی عایدات انحصاری مقتدر تواند آمد بساختن کلیه راه های آهن خویش و همین اعمال ابتدائی از بکار کردن در معادن آهن و مس افتتاح کارخانه نجاری و آهنگری و سیمنت و ساروج پزی و کارهای تسطیح طرق وعملیات قهرا زئی بیش تر از چند کرور نفوس بیکار ایران بکار خواهند افتاد و از این ممر اقتصادیات ایران بالا خواهد گرفت

قبل از آنکه ما شروع باین کار ها نمائیم قانون مهاجرت را باید وضع کرد تا عملجات اجنبی مانند نور و مانع در ایران نریخته ایرانیان را ازکار بیکار نسازند باید از حالا اقدام کرد که عملجات ایرانی که بخارجه ریخته هر قدر ممکن است ایران از آیند باید خصوصیاتی برای عملجات ایرانی قانوناً معین داشت که دیگران نداشته باشند امتیازاتی باید در این اعمال برای ایرانی قائل شد که دیگران نائل بدان نتوانند آمد مشروط براینکه ایرانیان هم عادت بکار کردن کنند لفاظی و پول گردی را که عادت دیرینه ما شده کنار گذارند ما نباید گول اجنبیان را خورده برای قابل صرفه که بما بنمایانند امتیاز ساختمان راه های آهن خود را به آنها واگذاریم در مقالات اولیه نگاشته باز هم تکرار میکنیم ولو صدی ده و یازده نیز باین قسم ساختن راه آهن برای ما گران تر تمام شود صرفه ملی نزدیك تر است چه این قسم ساختن راه آهن تمام فایده اش نفع ملی است و امتیاز بخارجه تا قرنها باید مزدور دیگران مانده در خانه خود مان مطیع و منقاد اجنبیان باشیم چند میل راه آهن طهران تاحضرت عبدالعظیم بزرگترین گواه صادق این مقال است

سور و سرور

برحسب خبریکه از بمبئی رسیده جشن موفورالسرور سرکار فردوس خانم صبیه مرضیه جناب مستطاب ... آقا محمد حسین رئیس التجار دهدشتی با جناب آقا احمد آقا جلیل جناب مستطاب ... حاجی محمدحسن صاحب تاجر لاری با کمال ابهت و احتشام بعمل آمده الحق این دو اصل اصیل در کفو نجیبی بوده اند که گویا دست صنعت و قدرت برای همسری با یکدیگر آفریدی

سرکار فردوس خانم از دختران عائله ثروت شده دانا بچند زبان فارسی انگلیسی اردو وغیره و در فنون کمالات دخترانه سرآمد بین الاقران و در دختران ایرانی ممتاز است

جناب آقا احمد آقا جوانیست فاضل و نزیت شده واقف و مطلع بچندین زبان چکیده و سنجیده تجارت -

الحق وملت این دو کفو کریم موزونیت تام و تمام داشته این شادکامی وعروسی انشاء الله بمیمنت و مبارکی مقرون خواهد بود

چهارشنبه اول دسامبر جاری مطابق ۲۵ جمادی الاول سنه ۱۳۴۵ بساط کامرانی چیده مجلس عقد وجشن باشکوهی از جمیع طبقات که تالی آن کمتر دیده شده بود برپا و چند شب پیاپی بدعوت و مهمانی ولیمهٔ عروسی صرف میگردید — مانیز ازصمیم قلب دو دوست دیرین جنابان حاجی داراب و آقای دهدشتی و فامیل محترمشان را صمیمانه تبریک میگوئیم

ورود نایب السلطنه
(بپتنه)

۱۰ دسمبر والاحضرت لارد اروین با زوجهٔ محترمهٔ شان با دبدبه و کوکبهٔ امپراطوری در ایستگاه هوره وارد. طبقهٔ اعیان و مأمورین کشوری و لشکری باستقبال کوشیده زمین ادب بوسیدند نایب السلطنه باشکوه وارد کلکته شده بود ادارهٔ بلدیه کلکته که اکثریت آرا هندوی به تصرف حزب سوارج (خود مختار) آمده چون این حزب با اصلاحات موجودهٔ حکومت مخالف است رسم تبریک نامه که سالیانه از طرف ساکنین شهر تقدیم فرمانفرما میشود در حین ورود ننمودند، سائر انجمنهای فرقهٔ مارواری و اروپائیها و از طرف سنترل محمدن اسوسیشن تبریک نامه پیش کرده در آن تبریک نامه میگویند که مسلمانان را حقوق مدلل تاریخی بر کلیه هندوستان زاد است و علاوه بر این مسلمانان بنگال عدهٔ شان در صدی ۵۵ است وزراعت عمدهٔ کتان (جوت) و پنبه وغیره را زارعین مسلمان اداره میکنند ولی بواسطه فقر و پریشانی آنها نمیتوانند باصلاح خود وتعلیمات اطفال خویش بپردازند ۸۰۰ سال است مسلمانان در کلیه دفاتر ملکی بنگال که بفارسی بوده خدمات بزرگی انجام داده بودند توجه والاحضرت را بچند مسئله معطوف داشته اول اینکه کلیه انتخابات هندوستان قومی یعنی مذهبی باشد (یعنی هندو برای خود و مسلمانان برای خویش انتخاب کنند) دوم درپنجاب و بنگال بتناسب عدهٔ نفوس خدمات ملکی و دولتی تخصیص داده شود، سوم بذل مساعدت دولت را برای تعلیم و تربیت مسلمانان خواستار آمده میگویند که مسلمانان بنگال نه تنها همیشه بحکومت انگلیس خیر خواه بوده بلکه خدمات بزرگ و تائیدات ... در هر موقع از زمان (ایست اندیا کمپانی) و بعد بدولت انگلیس داده است

فرمانفرما در جواب فرمودند که مسلمانان بنگال اوقات خودرا درلغو شعبات فارسی ضایع کرده بتعلیمات انگلیسی کمتر توجه کرده اند حکومت نیز برای تربیت و تعلیم مسلمانان ساعی و متاعد بوده اسلامیه کالیج کلکته و تائیدات علمی بمسلمانان داکه این نکته را ثابت مینماید حکومت هند اراده ندارد که انتخابات را مختلط قرار دهد و اگر هم چنین اراده کند بدواً آراء هندو ومسلمانان را طلب خواهد کرد، حکومت هند میداند که عدهٔ مسلمانان در خدمات ملکی وانتخابات نسبتاً کم است ومائل است که از روی عده نفوس باهالی پنجاب و بنگال قرار دهد ودرسائر نقاط هند خدمات ملکی وانتخابات را یك ثلث ودو ثلث قرار دهد (یعنی یك ثلث از مسلمانان ودو ثلث از هندو) ولی نمی تواند هم که اصول لیاقت و اولویت را از میان مرتفع دارد پس ترقی مسلمانان بیشتر منوط بتوجه آنها در اصول تعلیم وحصول لیاقت است، بعبارت ساده والاحضرت میفرمایند چنانچه مدارج ترقیات را هیچ قوم و ملتی جز به تعلیم و لیاقت نیافته حکومت هند هم نمی تواند صرف نظر از این اصول کرده مسلمانان کم علم کم قابلیت را بر مردمان پر علم با قابلیت ترجیح دهد ولو اینکه خیلی هم مائل است که حقوق مسلمانان از روی عده نفوس در هر جا بآنها داده شود

و نیز در موضوع مناقشات هندو ومسلمان اظهار تأسف فرموده از رهنمایان ملی طرفین خواهش کرده که اسباب اختلاط و امتزاج را بین فریقین فراهم نمایند

شیعه کانفرنس

کانفرنس شیعیان تمام هند امسال در شهر (پتنه) در کرسی ایالت بهار و اریسه با منتهای شکوه منعقد خواهد گردید این کانفرنس در تاریخ ۲۶ افتتاح و تا ۲۸ دسمبر سنه ۱۹۲۶ متمادی خواهد بود

جناب مستطاب آقای حاجی میرزا هاشم ناظم التجار اصفهانی مقیم بمبئی که مستغنی از هرگونه تعریف وتوصیف بدوائف عصر اند بصدارت کانفرنس منتخب اند

امسال کانفرنس بواسطه خصوصیات زیاد بی نظیر خواهد بود، بسیاری از مسائل مهمه راجع به شیعه از قبیل شیعه کالج و واقعه حجاز در این کانفرنس موضوع بحث خواهند آمد استدعا از کلیه شیعیان هندوستان میرود که در این موقع نازك شرکت نموده زندگی ملی خودرا به ثبوت برسانند

المستدعی
واجد علی وکیل
آنریری جنرال سکرتری

حسب الامر مدیر و دبیر جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام در مطبعه حبل المتین
[نمبر ۱ — ۲۶ امری پوکر رود کلکته طبع و توزیع گردید]

حبل المتین مجاناً باحدی داده نمی‌شود
از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
(مقدم گرفته میشود)
روز نامه مقدس

[... کلکته]
(... مکلود استریت)
... امور بما
[مدیر کل]
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[... مؤیدزاده]
[ام . ای است]
هر شنبه طبع و سه شنبه
توزیع میشود

قیمت اشتراك
سالانه   ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه   ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران   ۳۵ قران
(ممالك سایره)
(سالانه)
[یك و نیم لیره انگلیسی]

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه ۳ خرداد ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۱۱ ذیقعده سنه ۱۳۴۴ هجری
مطابق با ۲۵ می سنه ۱۹۲۶ میلادی

مراسم تاجگذاری
(اعلیحضرت شاهنشاهی)
خطبه

(از طرف ریاست روحانی جناب اقا سید محمد امام جمعهٔ طهران قرائت نمود)

الحمد الله مالك الملك یؤتی الملك من یشاء بیده الخیر و هو علی کل شیئ قدیر الذی جعل الشمس ضیاءً والقمر نوراً و جعل الارض مطالعا لانوار ربوبیة و مظهر الالطاف ربانیة الذی جعل الانبیاء و السلاطین الحافظین علی حقوق عباده قائم هم بالعدل و الاحسان کما قال فی کتابه الکریم یا داود انا جعلناك خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالعدل

منت خدایرا که تاج کیانی را افسر سری فرموده که به نیروی عقل و درایت و الطاف ربانیت مقام سلطنت ایران را احراز فرموده از حضرت احدیت تمنا داریم که نعمت وجودش را مستدام داشته تا عموم ایرانیان از نعمت و جودش متنعم شوند در خاتمه از طرف عموم ایرنیان خصوصا مقام روحانیت تبریکات صمیانه خود را تقدیم اعلیحضرتش مینمائیم و استدعا داریم که بیش از پیش در حفظ اساس دیانت و مقام روحانیت توجه مخصوص فرموده که موجب تشکر عموم ایرانیان و بقاء سلطنت در آن دودمان خواهد بود والسلام علی من اتبع الهدی

بیانات اعلیحضرت شاهنشاهی

دراین هنگام که مراسم تاجگذاری خود را بعمل میاورم لازم میدانم نیات خود را در اجراء اصلاحات اساسی مملکت خاطرنشان عموم نمایم تا بروز این

لات هم دستور جامعی برای دولت های من شناخته شود و هم عامه اهالی به مدلول آن آشنا باشند

اولا توجه مخصوص من معطوف حفظ اصول دیانت و تشیید مبانی آن بوده و بعد ها نیز خواهد بود زیرا که یکی از وسائل مؤثره وحدت ملی و تقویت روح جامعه ایرانیت را تقویت کامل از اساس دیانت میدانم

ثانیا از آنجائی که با خواست خداوند متعال و توجهات ائمه اطهار من همیشه کردار خود را بر گفتار ترجیح داده و هر موفقیتی هم که در جریان اصلاحات مملکتی نصیب من شده است فقط از راه سعی و عمل بوده بدوا مایلم که کارکنان دولت و کلیه آحاد و افراد مملکت به این حقیقت کاملا پی برده و این دستور اساسی را سرلوحه وظایف اولیه خود تشخیص دهند وهمه بدانند که پیشرفت هیچ مقصود و انجام هیچ مرامی ممکن و میسر نخواهد شد مگر در سایه جدیت و کوشش و پایان سعی و عمل سپس دولت های شاهنشاهی من باید قطعا متذکر باشند که لزوم اجرای اصلاحات اساسی مملکت از قبیل توسعه قوای تامینیه و بسط معارف و توجه مؤثر به حفظ الصحه عمومی و همچنین توجه جدی به ترقی وضعیت اقتصادی و تکثیر ثروت عمومی و تکمیل وسایل نقلیه و بهبودی اوضاع فلاحت و تجارت و اصلاح فوری و عاجل قوه قضائیه رخصت هیچگونه تامل و رخوتی را نداده با کمال فوریت وسائل اجرای اصلاحات مزبوره را که تمام درجه اول از اهمیت است فراهم نمایند که نیات من هماطور که انتظار دارم بموقع اجرا گذاشته شود و مخصوصا مقرر داشته ام که در انتظار افتتاح

دوره ششم مجلس شورای ملی موجبات و مقدمات اصلاحات مذکوره را از طرف دولت تهیه گردد

عمال دولت باید سر مشق حسن عمل صراحت اخلاق و استقامت رای باشند و بکوشند تا مردم تندرست و توانا و دانا و توانگر شوند و وسایلی که مستلزم رفاهیت و آسایش حال عمومی است بر طبق نظام من تمهید و میسر گردد

تقریر رئیس الوزراء
آقای فروغی

§ نخستین سخن چون گشایش کنیم §
§ جهان آفرین را ستایش کنیم §
§ جهاندار بر داوران داور است §
§ زهر برتری جاودان برتر است §

اعلیحضرتا

این تاج ... بهت که امروز بمبارک و میمنت بوجود مسعود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه مزین میشود یادگار سلاسل عدیده از ملوک نامدار و جمعی کثیر از سلاطین عظیم الشان ست که از دیر زمانی آغاز این سرزمین را در دنیا به نیکی بلند نموده و قوم ایرانی را بمدارج عالیه مجد و شرف رسانیده اند

جمشید وفریدون پیشدادی وکیکاوس وکیخسرو کیانی را اگر موضوع افسانه های باستانی بخوانند در بارهٔ رفعت مقام کورش وداریوش هخامنشی شاه نمی توانند که مصدق الفضل ما شهدت به الاعداء گردیده و در ۲۵ قرن پیش تصدیق دشمنان معظمترین دولت دنیا را تاسیس نموده و عرصه پهناوری را که یک حد آن چین و هند وحد دیگرش روم و یونان بود جولانگاه رشادت و شهامت ایرانیان ساخته و آثار حیرت انگیزی مانند عمارات تخت جمشید و نقوش بیستون از خود باقی گذاشته و مزایای جهانگیری وجهانداری را در وجود خود جمع نموده اند

ذکر اسامی اردشیر وشاپور ذوالاکتاف بخاطر میاورد که چگونه پادشاهان ساسانی سر امپراطور های روم میگذاشتند و همواره دست تعدی و تجاوز آنانرا از خاکهای ایران کوتاه مینمودند - خسرو - انوشیروان نام نامی خودرا مرادف عدل و داد قرارداده علم و حکمت را اگرچه درهند و روم بود بمملکت خود جلب نموده و در عالم انسانیت دارای آن مقام ... گردیده که سید کاینات صلی الله علیه وآله وسلم بدوران او نازیده است خسرو پرویز دربار ایران را به ثروت وحشمت و جلال بی نظیر معرفی کرده وامراء سامانی و دیلمی مانند نصر ابن احمد و عضد الدوله عشق و شور ایرانی را بهنر پروری وآبادی وعمران ثابت نموده الله شاه اسمعیل صفوی خود را جوهر غیرت و رشادت قلمداد کرده و شاه عباس کبیر نمونه کاملی از مملکت داری و رعیت پروری و سیاست مداری بدست عالمیان داده است

حکمت بالغه خداوند جلت قدرته چنین مقتضی است که احوال ممالک وامم نیز مانند اوضاع طبیعت زیر ورو وشیب وفراز داشته باشد گاهی باوج ترقی و نیکی و قدرت صعود کنند وزمانی بحضیض ضعف و سکنت نزول نمایند مملکت و ملت ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده ولیکن فضل الهی همیشه شامل حال ما گردیده واگر وقتی بحکمت دری را بسته پس از چندی و برحمت در دیگری گشوده در طی ادوار قصیر یا طویل ازپستی وانحطاط رادمردان سترگ بوجود آورده است که دوره سر بلندی و سعادت را برای اهل این سرزمین تجدید نموده اند ظهور اردشیر ساسانی پس از زمان انحطاط سلسله اشکانی و شاه اسمعیل صفوی بعد از دوره تطاول مغولان و انقلابات ناشیه از آن و نادر شاه افشار در دنباله فتنه افغان بهترین امثله این قضیه و شاهد این مدعی میباشند

شهر یارا

انعقاد این محفل عالی که وجوه ملت ایران با دلی سرشار از شادی و مسرت و صمیمیت و حسن ارادت درآن شرف حضور یافته و مقارن این احوال عموم اهل مملکت درسرتاسر ایران به جشن و سرور اشتغال دارند و دوستان خارجی ما نیز با شوق و ذوق وافر دراین شادمانی شرکت مینمایند تنها برای آن نیست که یک پادشاه نو به تخت این سلطنت کهن پای مینهند و تاج کیانی برسر میگذارند بلکه برای آن است که باین ملت ستمدیده بشارت رسیده است که بار دیگر آب رفته بجوی آمده و بخواست خداوندی روزگار حرمان ومحنت سپری شده وایام سربلندی و عزت روی نموده است

مبشر این نوید وحامل این مژده که جان فشاندن برآن روا است عملیات محیر العقول ذات مقدس ملوکانه است که درگشودن ابواب خیر بر روی این ملت درمدتی قلیل راهی طویل پیموده و در موقعی که هیچگونه ترقب وانتظاری نبود بلکه علائم یاس و نا امیدی ازهمه طرف هویدا بود دست همت از آستین غیرت درآورده و وسائل قدرت دولت و سعادت ملت را از سرحد عدم باقلیم وجود

رسانیده و بمدارج عالیه ارتقاء داد و باین موجب وارث بالاستحقاق تاج کی و تخت جم گردید

شاهنشاها

ملت ایران میداند که امروز پادشاهی پاک نژاد و ایرانی نژاد دارد که غمخوار او است و مقام سلطنت را برای هوای نفس و عیش و کامرانی خویش تصاحب ننموده است بلکه در ازای زحمات و مجاهدات فوق العاده اش در راه احیای ملک و دولت و برای تکمیل اجرای نیات مقدسه خود در فراهم ساختن اسباب آسایش ابناء نوع و آبادی این مرز و بوم در آمده است ملت ایران میداند که ذات شاهانه با اینکه وظیفه خود را نسبت به وطن بطور اوفی و اکمل حالا ادا فرموده اید و پس از تحمل این همه مصاعب و به کار بردن آن اندازه مساعی برحسب قاعده حالا برای وجود مبارک نوبت استراحت و فراغت رسیده معهذا آن ضمیر منیر آنی از خیال رعیت آسوده نیست و دائما درفکر بهبودی احوال آنان است واگر هر آینه بواسطه موانع طبیعی یا فقدان وسائل و اسباب درانجام منظورات همایونی راجع باصلاح امور اندکی تاخیر وتانی حاصل شود خاطر مقدس مکدر و قلب مبارک متالم میگردد

ملت ایران می بیند که امروز فیض وجود شاهنشاهی فائض شده که رفتار وگفتار شاه برای هر فردی از افراد و هر جمعیتی از جماعات باید سرمشق واقع شود و اگر طریق الناس علی دین ملوکهم پیمایند حالا بسر منزل سعادت و شرافت خواهد رسید -

ملت ایران باید بداند و البته خواهد دانست که امروز تقرب بحضرت سلطنت به وسیله تائید هوا های نفسانی و استرضای جنبه بشری سلاطین و تشبثات گوناگون و توسل بمقامات غیر مقتضیه میسر نخواهد شد بلکه یگانه راه نیل باین مقصد عالی احراز مقامات رفیعه هنر و کمال و ابراز لیاقت و کفایت و حسن نیت و درایت در خدمتگذاری این آب و خاک است خادم محترم و عزیز و خائن خوار و خفیف خواهد بود و بهمین سبب در سایه توجهات ملوکانه دولت خدمتگذاران لایق و صدیق پرورش خواهد داد و ملت قابلیت و استعداد خود را نمودار خواهد ساخت و یقین است که نیت پاک اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداه افراد ملت و چاکران درگاه را نیز در شاهراه سعادت و استقامت هدایت خواهد نمود و روح آن بزرگواران عالی شان که اکنون وجود مبارک بحق بر جای ایشان تکیه می زند شاد و خرم خواهد گشت -

شاهنشاها

هر کس انصاف خواهد داد که سخن بیهوده و گزاف نگفتم و اینک از روی دل و جان و زبان بدعا گشوده عرض می کنم -

§ ز دیدار تو تاج روشن شده است §
§ ز بالای تو تخت خوش شده است §
§ ... ساز ادا دلت پر ز داد §
§ جهاندار بی سر و افسر تو مباد §
§ تو را باد جاوید تخت و کلاه §
§ که شایست اجی و زیبای گاه §
§ خداوند پیروز یار تو باد §
§ دل زیردستان نکوکار تو باد §

تبریکات تاجگذاری

(به پیشگاه اعلیحضرت شاهنشاهی)

| و جوابات آن |

از آنقره

حضور اعلیحضرت اقدس شاهنشاه

ایران رضا شاه پهلوی

بمناسبت تاجگذاری همایونی سعادت و موفقیت شاهنشاهی و ملت سامی را تمنا دارم و باین وسیله از طرف ملت ترک مقابله تمام ایران حیات محبت کارانه تائید مینمایم

غازی مصطفی کمال

جواب

حضرت غازی مصطفی کمال پاشا

رئیس جمهوری ترکیه

از تبریکات ملاطفت آمیزی که بمناسبت تاجگذاری ما شخصاً و تمام ملت ترک نسبت به ملت ایران اظهار داشته بودید نهایت امتنان حاصل خواهشمندم ادعیه مرا برای سعادت خود تان و ترقی ملت ترکیه قبول فرمائید

رضا شاه پهلوی

(از کابل)

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی شاهنشاه

(ایران طهران)

بمناسبت روز مسعود جشن تاجگذاری آن اعلیحضرت تبریکات واحساسات صمیمانه را ابراز داشته امیدواریهای قلبی خود را برای اعلا و ارتقاء ملت و مملکت ایران تجدید می نمایم زیر مختار ماندربار

[بقیه در صفحه ۲۳]

آسیای صغیر

(یا سیاست تازه وسط آسیا)

اگر عمیقانه پیش آمد سیاسی و اوضاع اقتصادی آسیای صغیر نگریسته آید دیده خواهد شد که از پنجاه سال باینطرف همواره تاریک وبطرف نشیب رهسپار

و اگر مساعی هم در انحطاط وی پدید آمده موقتی بوده است عمده خرابیهای آسیای صغیر امروزه از دو نقطه انظار است اول توجه حریصانه چند دول بزرگ و یا که دولتهای کوچك را مانند یونان سنگ روی سینه خود ساخته همواره اوضاع سیاسی این خطه را مغشوش قرار داده اند – آسیای صغیر باآنکه خیلی مختصر و کوچك است ولی اقوام مختلفه شده تا این مذهب و قواعد اخلاق و وضع معاشرت در او مجتمع آمده و تمام شاهسواح شور و شور وحشت آزاد منش اند و تا [illegible] زمانی تحت تعلیم و انقیاد یك دولت مقتدری خویشتن را تسلیم یافته اند تا وقتیکه ترکان قوی بوده نظر توجه باین خطه داشته اند از مخاصرات خارجی تا درجه مصون تصور می شد از بعد شکست ترکان در جنگ بین المللی سیاست این خطه از مقر عترع آمده بدواً فرانسویان مملکت شامات که مهمترین سرحدات آسیای صغیر بشمار است تصاحب کردند انگلیسیان هم تا ولایت موصل بسط تصرف و دخالت داده یونان موقع را برای خویشتن مغتنم پنداشته سمرنا وغیره را تصاحب کرد اگر نبود شجاعت و فداکاری ترکان جوان امروزه شیرازه حکومت اسلامی یکدفعه از ان نقطه نیز متلاشی میگردید – ترکان خیلی ابراز شهامت نموده یونانیان را درس عبرت داده سمرنا را قبضه و آسیای صغیر را تا اندازه صورت قبل از جنگ در آوردند – سلطنت ترکیه در قطعه از این خطه تمام آمد و ترکان از برکت جدیت و شهامت و شجاعت حیات بعد از ممات یافتند اگرچه ترکان برخی خطایای سیاسی نموده ولی بدون شبهه خدمت دارند که ملت ترکیه را یك امت آزاد در این عالم ثابت سازند مسئله امپراطوری عثمانی و ریاست روحانی بر چهار صد ملیون نفوس اسلامی از خاطرها دارد محو میگردد کمال پاشای جسور با یك عزم راسخ و شهامت خستگی ناپذیر چشم روی هم نهاده هرچه را مانع پیشرفت ترقیات امت ترکیه تصور نماید پایمال کرده میرود اگر ترکان بتوانند یك آرامی و سکون را ولو موقتی هم باشد برای چند سال حاصل کنند مقتدر بتوانند گردید که اساس قومیت و آزادی ملت ترکیه را برشالوده ثابت تری نگذارند اینست که کمال پاشا ملتفت موقع خود گردیده و دانسته است که ترکیه از همه چیز بسکون و آرامی محتاجتر است از یك طرف با روس در عقد قرار دادی داخل شده و درحقیقت هم اطمینان از حمله وی نموده باشد از طرف دیگر با ایران جوان که مهمترین همسایه او شناخته آمده با قرارداد مذهبی تا درجه خویشتن را آسوده [illegible] مسائل ترکیه همانا مناقشه موصل و

مناجره با انگلیس بود که از تلگرافات اخیره فهمیگردد نزدیك است باین مناقشه چندین ساله نیز خاتمه بخشاید تلگرافات اخیره بطریق نیم رسمی ظاهر می دارند که مخابرات صلحیه دولتین ترك و انگلیس خیلی پیشرفت نموده و همه روزه هم دارد پیشرفت میکنند زمینه این قرار داد بروی چهار ماده گذارده خواهد آمد ماده اول آنکه ترکان در ولایت موصل سرحدات خود را تبدیل نموده و نقاط مهمه جنگی را داده خواهد شد ولی شهر موصل بتصرف عراق خواهد بود دوم ترکان از منابع ثروتهای طبیعی ولایت موصل بی حصه نخواهند ماند سوم شمولیت دولت جمهوری ترك است در جامعه ملل چهارم که اهم مواد این قرار داد شناخته آمده و برای ملت ترکیه خیلی نافع تصور میشود آنست که بین ترك و انگلیس و عراق که ایران هم شامل آنان خواهد بود یك قرار دادی بسته خواهد آمد که هیچ یك حمله بان دیگر ننمایند و همین نکته برای پیشرفت ترکان خیلی اهم شناخته آمده زیرا چنانچه گفتیم ترکیه بیش از همه ملل محتاج به آرامی و سکون است چه حالت مالیه ترکی خیلی سخت و قابل تحمل و برداشت مصارف برخی پیش آمدهای جنگی را فعلا ندارد وقتی که از طرف روس – ایران – عراق – مطمئن آمد می تواند در اصلاحات مالی و ترقیات اقتصادی خود بکوشد و با فرانسه نیز ترکان از در دوستی آمده و بعید نیست در عقد قرار داد جدیدی هم با او داخل شوند شك نیست که امت ترکیه با شهامت و شجاعت و خشونت مقدس جبلی آنان است ولی از سال ۱۹۱۰ میلادی بسی از عده نفوس و رعایای او کاسته آمده یعنی از دوازده ملیون بهفت ملیون تنزل کرده است پنج ملیون رعایای وی که عبارت از شامات و عراق و عربیا باشد از قبضه خارج گردیده معلوم است این هفت ملیون بقیة الباقیه رعایای ترکیه و خلاصه و جوهر آنان مانده است چون از ۱۷ سال باینطرف همواره در جنگ و حروب بوده خیلی خسته و محتاج راحت است چیزیکه امروزه ترکان را تهدید و آسیای صغیر را به هراس و دهشت انداخته همانا توجهات دیو مهیب اروپا سنیور موسولینی است که از روی حرص و طمع با بقول جراید ایطالی برقراری توازن قوا باسیای صغیر دیده می شود جراید ایطالی مینویسند که چون برای ایطالی حفظ توازن قوا لازم است همان قسمی که فرانسه شامات – و انگلیس عراق و ولایات موصل را بتصرف آورده ایطالی را هم در آن سرزمین حصه لازم است. آن حصه عبارت است از سمرنا و نواح آن بواسطه جلوگیری از حرص و طمع ایطالی است که ترکان

شجاع دو اسبه تاخته کوه‌های سمرنا را قلعه بندی نمود. ذخائر جنگی از هر طرف مجتمع می‌دارند بقول « دیلی نیوز » لندن تدارکاتی که ترکان می بینند مصنوعی و نمایشی نیست بلکه از روی جدیت و حقیقت است و اگر دکتاتور ایطالی سنور موسولونی تهور نموده بخاك ترکی مبادرت نماید نه تنها پیش رفت نتواند نمود بلکه همسان شکست تلکیفی که در مقابل حبشیان سی سال قبل یافته برای ایطالی تجدید خواهد نمود بقول یك از سیاسیون بزرگ ممکن است ملت ترکیه تا آخرین حد محو خویش بجنگند ولی تنها محو نخواهند شد کنا[یه] از اینست که دولت ایطالی و یونان را هم اقسی یا امثال حوادث جنگی خواهند ساخت که اگر یك دفعه محو گردند تا قرنی بحالت سکته و وقفه خواهند ماند و تمدنیست ترکان در مسئله موصل همان بدگمانی است که با ایطالی پیدا کرده اند از روی علاج افسد بفاسد به ترك مناقشه موصل تن در داده شاید بتائید انگلستان ایطالی هم از این خیال خام صرف نظر نماید چندان محتاج به بیان نیست که اگر رفع مناقشه ترك و انگلیس بشود انگلستان از دخالت ایطالی در آسیای صغیر خوشنود نمی گردد چه در آتیه یك رقیب گردن کلفتی در جلو خود مشاهد خواهد بود خصوصاً وقتیکه می بینند طمعی که سنور موسولونی بکلیه بالکان دارد سنور موسولونی می خواهد عظمت اولیه رومیة الکبری در این دوره حاصل نماید و این نقشه نه برای کلیه امارات بالکان خطرناك است بلکه قطعیاً فرانس و انگلیس هم نمی پسندند در هر صورت باید مناقشه موصل را خاتمه داده است و عنقریب مواد قرار داد بین ترکی و انگلیس را در جرائد خواهیم خواند

چیزیکه از همه مهمتر برای ترکان است همانا شمولت ایران است در عقد قرار داد عدم حمله انگلیس و عراق و ترك بیکدیگر بعد از قرار داد اولیه ترك و ایران این قرار داد جدید گویا جاده اتحاد مثلث را در وسط آسیا صاف و پاك می نماید در در مقالات اولیه خود نگاشته ایم که فقط چیزیکه ترکی را از موت سیاسی محفوظ تواند داشت همانا شمولت اوست در عقد اتحاد با ایران و افغان و تشکیل اتحاد مثلثی در وسط آسیا که منتهی گردد به آسیا صغیر گفتیم قوام و دوام یك دولت به دو چیز است اول ملت مستقیم دوم وطن مستقل اگر چه ترکان از این دو چیز طبعاً محروم اند ولی بالتبع بواسطه اتحاد با ایران و افغان یك ملیت ثانویه که عبارت از اخوت و اتحاد اسلامی باشد تولید گشته حافظ استقلال وی تواند گردید در اتحاد مثلثی که ذکر نمودیم ترکان بیش از ایران و افغان فائده توانند حاصل نمود آسیای

صغیر بیشتر و وسط آسیا کمتر مبتلا بامراض سیاسی است و اگر جداً و سریعاً در دفع و رفع این امراض مزمنه کوشش نشود همه را بموت سیاسی تهدید خواهد نمود و بزرگترین علاج همانا تشکیل اتحاد مثلث در وسط آسیا است گویا ایران هم در سایه این دو قرار داد وقت و مهلت مقتضی یافته تا بتواند در سایه آن بخود سازی گراید همان قسم که ملت ترکیه محتاج به سکون و آرامی است ملت ایران نیز محتاج است اگر چه قرار داد بین روس و ایران هم تا درجه دولتین را از مداخله بامور یکدیگر باز داشت ولی چنانچه باخبار رسیده در همین زودی‌ها یك قرار داد جدیدتر هم بین روس و ایران و ترك توام بسته خواهد آمد اینك که دولت ایران با انگلیس و عراق و ترك شامل بقرار داد عدم حمله بیکدیگر آمد. لازم است با جدیت تمام در دو امر که اساس کابینه اصلاحات داخلی ما شناخته آمده بکوشیم اول لغو کاپیتولاسیون یعنی قضاوت قونسلات است چه بزرگترین امر تاخر آمت ایرانیه قضاوت قونسلات خارجی است

امروز فقط دولت انگلیس است که دارای قضاوت قونسلات در ایران می باشد و چند دولت دیگر هم که بالتبع دارای قضاوت قونسلات هستند ولی چون تجارت زیاد و دخالتی در کار ما ندارند چندان دارای اهمیت نیستند دولت انگلیس که امروزه اظهار همه گونه مساعدت با دولت پهلوی داده شایسته است که این دولت و ملت جوان را کمك و مساعدت نموده بدون ضدیت ترك قضاوت قونسلات گوید و بهترین موقع همین وقتست که ایران را شامل در قرار داد عدم حمله خواسته‌اند در سایه لغو قضاوت قونسلات امور قضائیه ایران خواه نخواه اصلاح تواند گردید و قوانین جزای عرفیه در کابینه فعلا بموقع اجرا خواهد در آمد - دوم تشکیلات بحری است چنانچه شماره قبل نگاشتیم بدون تشکیلات بحری تمام ترقیات ایران نقش بر آب شناخته خواهد شد ایران محتاج به اداره بحری است حقوق ایران از دست برد خودی و بیگانه بدون قوای بحری محفوظ نتواند ماند و این اولین وظیفه دولت پهلوی است که یك وزارت بحری مستقل و یا تحت وزارت جنك تشکیل داده که بودجه آن مخصوص باشد بدون شبهه ملت ایرانیست که در کمتر از دوازده روز خویشتن را محتاج قوای بحری دیده بواسطه عدم تجربه بخودی خود نمیتواند از عهده چنین تشکیلی برآید از اینرو لازم است که برای تشکیلات بحری متخصصین و مستشاران از خارجه استخدام شوند و این موقع را باید دولت ایران غنیمت شمارد که هیچگونه رادع و مانع برای تشکیلات اساسی آن نیست -

معاهده ودادیه و تامینیه بین دولت علیه
(ایران و جمهوریت ترکیه)

در تاریخ پنجشنبه اول اردی بهشت ۱۳۰۵ شمسی مطابق ۲۲ آوریل ۱۹۲٦ میلادی هیئت نمایندگان [ای]ران مرکب از ...

جناب اشرف آقای میرزا محمد علی خان فروغی رئیس‌الوزراء و جناب آقای میرزا داؤد خان مفتاح کفیل وزارت امور خارجه بسمت اختیار داران دولت ایران و جناب آقای میرزا فتح‌الله خان پاک روان مدیر کل و رئیس اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه بسمت مشاور و آقای میرزا سید نصرالله‌خان انتظام وزیری عضو وزارت امور خارجه بسمت منشی از یک طرف و هیئت نمایندگان ترکیه مرکب از — جناب مستطاب اجل آقای ممدوح شوکت بیک سفیر کبیر دولت جمهوری ترکیه در دربار ایران بسمت اختیار داری دولت ترکیه آقای حسن وصفی بیک مستشار سفارت کبری بسمت مشاور و آقایان وحید بیک نایب دوم و حسن نورالدین بیک نایب سوم سفارت کبری بسمت منشی از طرف دیگر

نیم ساعت قبل از ظهر در منزل جناب اشرف آقای رئیس‌الوزراء جهة تتمیم مذاکرات راجع بعهدنامه ودادیه و تامینیه فیمابین دولتین ایران و ترکیه حضور بهمرسانیدند

جناب مستطاب اجل آقای ممدوح شوکت بیک پیشنهاد کردند که جناب اشرف آقای فروغی ریاست مجلس را قبول فرمایند پیشنهاد مزبور مورد قبول هیئت نمایندگان طرفین واقع و جلسه از طرف معظم له افتتاح گردید

پس از ارائه و تبادل اعتبار نامه های یکدیگر که معتبر شناخته شد مذاکرات ذیل تعاطی یافت بدواً جناب اشرف آقای فروغی نطق افتتاحیه ذیل را ایراد نمودند

باکمال مسرت می بینم مودت صمیمی و روابط حسنه همسایگی که تاکنون بین ملتین موجود بود اینک وارد مرحله جدیدی میشود و چون دولتین ما این کیفیت را مشاهده نمودند تصمیم گرفتند که این مجمع را تشکیل داده و برای نیل بمقصود یک معاهده ودادیه و تامینیه منعقد نمائیم جناب مستطاب اجل سفیر کبیر ترکیه جواباً چنین اظهار داشت

با کمال افتخار عرض میکنم دولت جمهوری ترکیه کاملا معتقد است که شرایط جدید روابط دوستانه بین مملکتین تعیین شود و برای این منظور یک معاهده ودادیه و تامینیه منعقد گردد و یقین دارم که تحکیم روابط مودت و استقرار صمیمیت بین ملتین موجب مزید آسایش و سعادت هر دو ملت خواهد بود بنابر این پیشنهاد جناب اشرف آقای فروغی را درخصوص تعقیب مذاکرات برای نیل به نتیجه مطلوبه باکمال شعف می پذیریم

سپس آقای رئیس‌الوزراء بنام هیئت ایرانی پیشنهاد کردند که مواد عهدنامه قرائت شود آقای سفیر کبیر با این پیشنهاد موافقت نموده و شروع به قرائت طرح عهدنامه شد

در فصول اول و دوم و سوم وچهارم موافقت حاصل شد

در فصل پنجم چون در نسخه فارسی کلمه «مردن» با املاء غلط نوشته شده بود تصحیح و از طرف اختیار داران طرفین امضاء گردید

در فصل ششم موافقت حاصل شد

در موقع قرائت فصل هفتم آقای رئیس‌الوزرا نطق ذیل را راجع بالغاء کاپیتولاسیون ایراد نمودند

سالها است ترتیب کاپیتولاسیون که بی نهایت برای مملکت مضر است در ایران برقرار شده ودولت ما عزم و جزم دارد که این ترتیب را که همواره در راه ترقی و تعالی ملت ایران و نیل او به آمال و آرزوی خود ایجاد موانع ومشکلات می کند موقوف نماید از طرف دیگر پوشیده نیست که سابق براین هر یک از دولتین ایران و ترک در حق اتباع و قونسولهای مملکت دیگر مزایائی قائل شده بودند که جنبه کاپیتولاسیونی داشت و بموجب عهد نامه‌ها برقرار شده بود و بنابر این اساس کاپیتولاسیون مبنی بر معامله متقابله و قرار داد دو طرفی بود مادام که دولت ترکیه آن را رعایت میکرد دولت ایران نیز خود را برعایت آن ملزم میدانست ولیکن چون دولت ترکیه مزایای کاپیتولاسیون را کاملا موقوف داشته ناچار حقوق را که اتباع ایران در ترکیه داشتند از آنها سلب نموده است بنابراین دولت ایران هم برعایت قرارداد های فوق که از این به بعد فقط یک طرفی خواهد بود ملزم نیست و آنها را منسوخ میداند و نمایندگان ایران رجاء واثق دارند که دولت ترکیه مانع نخواهد بود از اینکه ایران باستخلاص از کاپیتولاسیون نائل شود بلکه بامیل او بطی این طریق و رسیدن به آرزوی مشروع خود مساعدت خواهد نمود به دلائل مذکوره فوق هیئت ایرانی پیشنهاد میکند که در متن فصل هفتم قید شود که معاهدات مزبوره بر طابق قواعد مقرره بین المللی که دارای حقوق متساوی می باشند منعقد خواهد شد

آقای سفیر کبیر ترکیه جوابی بمضمون ذیل ایراد نمودند

هیچ مانع نمی بینم که پیشنهاد جناب اشرف آقای فروغی در ضمن مذاکراتی که عنقریب بجهت انعقاد معاهدات راجعه بـه روابط تجارتی و قونسلی و گمرکی وغیرها بین مملکتین واقـع خواهد شد جدا در نظر گرفته شود اما مباحثه طولانی را در این باب در اینجا بی موقع میدانم و لیکن بجهة اطمینان اختیار داران ایرانی از حسن نیت دولت خـودم در آنچه راجع بمنافع ایـران است قصد دارم مراسلهٔ بجناب اشرف عالی بنویسم و تصریح کنم که دولت من حاضر است در موقع انعقاد معاهدات مزبوره قواعد مقرره بین المللی راکه دارای حقوق متساویه هستند منظور دارند دارند

و در پایان نطق خود آقای سفیر کبیر مراسله راکه بفرانسه نوشته شده بود بجناب اشرف آقـای رئیس الوزراء تسلیم داشتند کـه ترجمه فارسی آن ذیلا درج میشود

« آقای رئیس الوزراء دوستدار افتخار مقابل که جناب اشرف عالی نسبت بمفاد ماده هفتم عهد نامه ودادیه و تامینیه که امروز امضاء میشود ابراز فرمودید با کمال افتخار باستحضار جناب اشرف میرساند که حکومت متبوع دوستدار کاملا حاضر است اساس قرار دادهای مزبوره را براصولی که فیما بین ملل متساوی الحقوق معمول است استوار نموده و برای اتباع دولتین متساوی قائل شود در خاتمه احترامات فائقه را تجدید مینماید .

« امضاء ممدوح شوکت بیك »

فصل ۷ و ۸ و ۹ قرائت و تصویب گردید

بعد از قرائت فصل ۹ آقای رئیس الوزراء نطق ذیل را ایراد نمودند

چون دولت ایران عضو جامعه ملل می باشد و مصمم است وظایفی را که از جهت این عضویت بر عهده دارد انجام دهد مقتضی خواهد بود که در معاهده حاضره یك ماده اضافه شود مشعر بر اینکه دولت ایران به تعهدات خود نسبت به جامعه ملل وفا خواهد نمود

آقای سفیر کبیر جوابا چنین اظهار داشتند

دولت ترکیه مسبوق بود از اینکه دولت ایران عضو جامعهٔ ملل است و بنابر این طبعا تعهدات ناشیه از این عضویت را باید رعایت کند و لیکن ضرورتی نمی بینم در اینکه این امور در چنین معاهده ودادیه و تامینیه ذکر شود زیرا که در این معاهده باید فقط مقررات راجع بمنافع مشترکه طرفین مقید گردد

اختیار داران ایران اظهار داشتند که چون این اظهار جناب مستطاب اجل آقـای ممدوح شوکت بیك در صورت مجلس راجع بمعاهده حاضره قید میشود ما هم با نظر ایشان موافقت مینمائیم

فصل دهم و یازدهم قرائت و تصویب گردید

آقای سفیر کبیر در خاتمه بـا اظهار امید واری نسبت بحسن تاثیری که امضاء و انعقاد این قرار داد در روابط دولتین خواهد داشت بنام نمایندگان ترکیه اظهار خوشوقتی و امتنان کرده و بـه نمایندگان ایران تبریك گفتند

جناب اشرف آقای رئیس الوزراء هم بنام نمایندگان ایران از بیانات آقای سفیر کبیر تشکر و مملکتین را باین موفقیت تبریك گفتند در خاتمه نمایندگان اختیار دار طرفین نسختین عهد نامه را که بالسنه فارسی و ترکی و فرانسه تدوین شده و امضاء و هریك از مجموعه را مهر کردند

جلسه یك ساعت بعد از ظهر ختم گردید این صورت مجلس پس از امضاء عهدنامه تدوین و در همان مجلس به تصویب و امضاء هیئت نمایندگان دولتین ایران و ترکیه رسیده

محمد علی فروغی ممدوح شوکت بك د. مفتاح
فتح الله پاکروان حسن وصفی وحید حسن
انورالدین نصرالله انتظام وزیری

مواد عهد نامه

مقدمه

دولت ایران
از یکطرف
دولت ترکیه
از طرف دیگر

احتیاجات و وظائفی را که عصر حاضر برای ملتین ایجاد وایجاب مینماید در نظر گرفته و چون معتقد و جازم میباشند که تحکیم رشته دوستی و برادری موجود بین ایشان واجب است لهذا مصمم شدند که شرایط مادی و روابط صمیمی خـود را روشن نمایند و بـرای نیل باینمقصود انعقاد معاهده ودادیه و تامینیه را لازم شمرده و برای این منظور طرفین توافق کردند که مذاکرات راجعه باین امر در شهر طهران بعمل آید و اختیار داران خود را بشرح ذیل معین کردند

از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران جناب اشرف آقای میرزا محمد علیخان فروغی رئیس الوزراء جناب آقای میرزا داودخان مفتاح کفیل وزارت امورخارجه

از طرف رئیس جمهوریت ترکیه

ممدوح شوکت بیك ایلچی فوق العاده و سفیر کبیر ترکیه در ایران

و اختیار داران مزبور پس از ارائه اختیارنامهای خود که معتبر شناخته شد در باب مقررات ذیل توافق نظر حاصل نمودند .

فصل اول

صلح خلل ناپذیر و دوستی صمیمی دائمی ما بین مملکت شاهنشاهی ایران و جمهوریت ترکیه و همچنین اتباع آن ها بر قرار خواهد بود

فصل دوم

در صورت وقوع عملیات نظامی از طرف یك یا چند دولت ثالث نسبت بیکی از دولتین معظمتین متعاهدتین طرف متعاهد دیگر متعهد است که بیطرفی خود را نسبت بمتعاهد خود محفوظ بدارد

فصل سوم

هر یك از متعاهدین تقبل مینمایند که از حمله نسبت بمتعاهد دیگر خود داری کرده و در هیچ نوع اتحاد یا ائتلاف سیاسی و اقتصادی و یا مالی که از طرف یك یا چند دولت ثالث بر ضد طرف متعاهد دیگر یا بر ضد امنیت نظامی و بحری آن منعقد شده باشد شرکت نه جویند

همچنین هر یك از متعاهدین تقبل مینمایند که در هیچ نوع عملیات خصمانه که از طرف یك یا چند دولت ثالث بر ضد طرف متعاهد دیگر وقوع یابد مشارکت نه نمایند

فصل چهارم

درصورتیکه یك یا چند دولت ثالث در موقع جنك با یکی از متعاهدین معظمتین بیطرفی متعاهد دیگر را نقض کرده و از خاك آن مملکت قشون واسلحه و مهمات جنگی عبور دهد و یا بخواهد آذوقه و چهارپایان و کلیه هر چیزی که برای جنك لازم باشد درآن مملکت تهیه نماید و یا قشون خود را که عقب نشینی مینماید از آنجا عبور دهد و یا سکنه بیطرف را برای مقاصد نظامی خود تشویق و وادار بقیام بکنند و یا در خاك مملکت بیطرف اسکتشافات نظامی بعمل آورد متعاهد بیطرف ملزم است که باقوای مسلحه خود از عملیات مذکوره جلوگیری کرده و بیطرفی خودرا حفظ نماید

فصل پنجم

طرفین معظمتین متعاهدین تعهد مینمایند که تشکیل و توقف تأسیسات ودستجاتی را که مقصد آنها برهم زدن صلح و امنیت مملکت متعاهد و یا تغییر حکومت آن باشد در خاك خود اجازه ندهد و همچنین اشخاص و یا دستجاتی را که بوسیله تبلیغات یا سائر وسایل درصدد مبارزه با مملکت متعاهد دیگر باشند ممنوع از توقف در خاك خود بدارند

فصل ششم

نظر بتامین آسایش وامنیت سکنه مناطق سرحدی طرفین متعاهدین هرنوع اقدامات لازمه خواهند نمود که بخلاف کاری ها وعملیاتی که از طوایف ساکن نواحی مجاوره سرحدات ناشی میشود و ممکن است به آسایش مملکتین سکته وارد نماید خاتمه داده شود اقدامات مزبوره را دولتین جداگانه ویا در صورتیکه لازم بدانند مشترکا بعمل خواهند آورد

فصل هفتم

طرفین معظمتین متعاهدین موافقت می‌نمایند که اختیار داران خودرا در ظرف مدتی که بیش از شش ماه از تاریخ امضاء این معاهده نباشد درطهران مجتمع کرده وقرارداد های تجارتی وقونسولی وگمرکی وپستی وتلگرافی وهمچنین قرارداد اقامت واعاده مجرمین را منعقد نمایند

فصل هشتم

طرفین متعاهدین توافق نمودند که برای تسویه اختلافاتی که ممکن است فیما بین بروز کند و از طریق عادی دیپلوماتیک حل نشود طریق خاصی معین نمایند

فصل نهم

محتاج بتوضیح نیست که خارج از حدود قبالات متقابله که دراین عهد نامه معین شده است هریك ازطرفین معظمتین متعاهدین در روابط خود با دول ثالث آزادی مطلق خواهند داشت

فصل دهم

این عهد نامه بزبان فارسی و ترکی و فرانسه نوشته شده و در صورت بروز اختلاف متن فرانسه معتبر خواهد بود

فصل یازدهم

عهد نامه حاضر در اسرع اوقات به تصویب مجالس ملی مملکتین خواهد رسید و نسخ مصححه شده درطهران مبادله خواهد گردید عهد نامه حاضر از تاریخ امضاء دارای اعتبار بوده وبرای مدت پنج سال منعقد میشود

درصورتیکه یکی ازطرفین متعاهدین شش ماه قبل از انقضاء مدت فوق راجع به خاتمه دادن باین عهد نامه تصمیم خود را به دیگری اخطار نکند یك سال دیگر بمدت آن بخودی خود افزوده شده و ازطرفین برسمیت شناخته خواهد شد و درهرصورت اخطار تصمیم بخاتمه دادن عهد نامه قبل از انقضاء شش ماه مؤثر نخواهد بود

برای تصدیق مراتب مذکوره در این عهد نامه اختیار داران طرفین آن را در دو نسخه درطهران نوشته و امضا و مهر نمودند

بتاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ شمسی هجری مطابق ۲۲ آوریل ۱۹۲۶ میلادی

محل امضاء	محل امضاء	محل امضاء
ممدوح شوکت	د - مفتاح	محمد علی فروغی
محل مهر	محل مهر	محل مهر

تدین با تمدن توام آمد

هر قومی که پشت پا بدیانت زد ناچار پشت پا به قومیت واستقلال زده درانجا عموم مسلمین و برادران وطنی وغیر وطنی و دینی وغیر دینی خود را مخاطب ساخته عرض مینمایم تاکی وتا چند این بی قیدی ولا مذهبی سر از خواب غفلت بردارید اول تحری حقیقت کنید تقالید باطل را کنار گذارید شعایر مذهب را بطور صحیح و بدون حشو وزواید معمول دارید خداپرستی بی موهوم را پیشه کنید به کتاب خدا وقول انبیا عمل کنید عدل وانصاف را پیشه سازید همه ناس را برادران خود دانید خیرخواه عالم باشید همه عالم را وطن خود دانید موهومات واستعمال تریاک ومسکرات را که نزد تمام عقلا مذموم است ترك کنید قبل از همه چیز امورات اجتماعیه خود را بمحور صحت اندازید با دولت دست یکدیگر دهید دولت خود را اصلاح کنید خیانت کار شهوت پرست را از ادارات دولتی برانید دست تمام خائنین را کوتاه کنید امورات منبر ومحراب و وعظ و تدریس خود را اصلاح کنید امروزه روز خرافات نیست که هر بی سروپائی و هر رند بداخلاقی که بالای منبر رفت هر چه دلش خواست بگوید و شما مستمع باشید حقایق ایمانیه و معانی صحیحه قرآنیه را انکار کنید و بالای منابر و مجامع عموم بگویند اتفاق واتحاد داشته به عرض و ناموس و مال یکدیگر خیانت نکنید و دولت را وادارید اصلاحات وقطع ایادی خائنین نماید تا بخواست خدا اب رفته بجوی بازاید آیا وقت مثل هزار سال قبل که هر دهاتی بی شعوری هر چه خواست بگوید همین است آیا مراد از منبر و تعزیه همین است آیا غرض از شهادت همین اهانت کاری ها است که ما مینمائیم؟ امروز باید پروگرام مطابق اصول دیانت و ترقی و حقیقت اسلامیت و عمل احکام دیانت و غرض اصلی از شهادت را علمای حقه ترتیب دهند [به هیئت اجتماعیه] و مطبوع ساخته و عموم وعاظ را مجبور نمایند که از این پروگرام تجاوز ننمایند تا انشاءالله مردم بی تکالیف خود برده بازار یاوه گوئی و خرافات بسته گردد و خدا ورسول راضی باشند بخدا تمام لامذهبی ازبابت این مسائل تولید میشود مسلمانان با فهم بی اطلاع از اصول دیانت همینکه این مزخرفات را شنید و این عملیات را دید دیگر چه میداند که اینها پیرایه است به گمانش حقیقت اسلامیت همین است چون مخالف عقل و علم است فوری از دیانت خارج میشود زیرا که همه کس میداند دین باید مطابق علم باشد اگر دین مخالف علم باشد از دین نیست پیرایه است امروز پیرایه بکار نمیخورد تطابق دین و علم و دین بکار دنیا واخرت ما میاید سالی هزارها زیارت و حج میروند بیشتر انها از اصول عقاید و دیانت خود و تکالیف حقه خود اطلاع ندارند این است که روز بروز دیانت ما رو بانحطاط میرود در خاتمه از دولت خود درخواست مینمائیم بیش از این ذلت و فلاکت ما راضی نباشند هر چه زودتر در اصلاحات اساسی ما بکوشند قبل از همه چیز قانون جزای عرفی را دایر نمایند و سیاست را از روحانیت انفکاك سازند تعلیم اجباری مطابق پروگرام صحیح که موافق با مقتضیات عصر باشد برقرار نمایند وسائل جریان قانون را عاجلا فراهم سازند متخصصین در فنون معادن وصنایع برای تمام و تعلیم عموم از ممالك متمدنه هر جا صلاح دانند حاضر نمایند حال که بحمدالله امنیت که سرآمد نعمای الهیه است دارا هستیم موقع را غنیمت دانسته وسائل ترقی و تعالی را فراهم سازند دست خائنین را از ادارات دولتی از لشکری و کشوری و قضائی کوتاه کنند سیاست مملکت ما امروز هر کس میخواهد باشد ما کاری بآن نداریم حالکه روابط ما با همسایه بد یا خوب است نتیجه نگیریم و تا درجه امورات خود را اصلاح واز این گرداب مذلت وپستی و فقر و مسکنت نجات یابیم اصول کار وکسب و تجارت که جز اسم بی مسمی و حمال و دلالی خارجه است تا یکدرجه اصلاح کنیم که امورات تجارتی یك مملکتی دستخوش یك مشت تجارتی خارجی نباشد که بهر قیمت بخواهد از ما بخرد و بهر قیمت بخواهد به ما بفروشد و دست عموم را ازکار کوتاه کند کاش اونهم با ما بعدالت رفتار میکرد و هر روز اجحاف و بدسلوکی نمینمود سکه دولت که ناموس سلطنت است دستخوش او نمی شد و معاملات ما منوط باراده او قرار نمیگرفت هرچند ملامت ما داریم نه بانك زیرا که هر چه باشد ما بیشتر هستیم چشم مان روشن شود زیربار او نرویم وخودمان بانك تاسیس کنیم وامورات خود را اداره نمائیم ولی اینرا هم انکار نداریم اگر ما ایرانی ها بودیم و همچون اداره مهمی داشتیم هزار درجه بد سلوك و بی انصاف تر بودیم یکی دیگر از وظایف دولت تفکیك روابط و تکالیف ادارات است از یکدیگر بطور جدیت قشونی چه حق مداخله در امور قضائی و یا حکومتی دارد امروز غالب ولایات تمام اموراتش بدست رؤساء قشون است با انکه تلگرافات عدیده از وزراء مربوط رسیده که نظامی بهیچ وجه مداخله درسایر امورات کشوری نکنند ولی کیست که حرف بشنود همه فعال مایشاء عدلیه هست در باطن حکم رئیس قشون است و هکذا ایالتی وحتی تلگرافخانه انتخابات که جای خود دارد انجمن نظار معلمین بلوکات تعرفه ورای و منتخب تمام رئیس

قشون است لاغیر کسی هم قدرت چون و چرا ندارد کاش جرائد داخله تبدیل مسلک داده به تعریفات و تملقات شاعرانه خاتمه میدادند ادای ماموریت و حق اجرت خود که نمودند. مقاصد پهلوی وانها که حاصل شد حالا اصلاحات را یکی یکی پائی نهاد کنند

یاوه سرائی این اسب تملق کفایت است اعانت بیشتر لازم نیست اگر خیر خواه ملت اند ملت را تشویق بدیانت و درستی و اتحاد و علم و اخلاق نمایند نه اینکه تملق گوئی نمایند و یا مثل بعضی ترویج فحشاء و منکر و لامذهبی کنند و یا تملق و چاپلوسی از مشتی فارسی ها که آنها از مسلمین بد خلاق تر و لامذهب و بی مدرك ترند نمایند فتح ایران بدست اعراب بخواست خدا و از اثر اعمال بدوظلم و تعدی سلاطین و رؤساء آن دوره بود که تیشه بریشه خود زدند و الا دیانت اسلام جز اعلاء کلمه الهیه غرضی نداشت و مکرر رؤساء اسلام مردم ایران را به اطاعت احکام خدا و ترك ظلم دعوت کردند آنها قبول نکردند و اگر عملیات اعراب را عملیات ایرانی ها با ممالك مفتوحه مقایسه کنیم خوبی خواهیم دید که چه قدر اعراب بواسطه اسلامیت با اسرای خود بهتر و مهربان تر بودند تقصیر اسلام نیست و ماهم امروز افتخار داریم باین که مسلمانیم و ایران راهم میخواهیم برای اینکه مملکت اسلامی است و الا هیچ علاقه مندیان نبودیم زردشتی ها و یهود بلکه نصارا و هنود هم مادامیکه احکام و قوانین اسلام را معمول ندارند

ممکن نیست امور دین و دنیای شان اصلاح گردد چنانچه ملاحظه میکنیم هر قوم و دولتی که بیشتر معمول داشت و این آئین را پیروی کرد بر عالم تسلط یافت و دیگران را زیر دست خود ساخت ما که مسلمان هستیم باسم و عمل به آداب و قوانین آن اکردیم همه چیز خود را از دست دادیم دیانت حقه در بین ما ظاهر وما تقلید از موهوم کردیم خسرالدنیا والاخره شدیم خیانت دنائت لاقیدی تنبلی دوروئی خیانت تملق دروغ خدعه و حیله را بین خود رائج ساختیم تا اسیر دست اجانب شدیم تا ترك آداب واخلاق رزیله را ننمائیم و علم و اتفاق و صداقت و معرفت وکوشش در اصلاحات نه کنیم روز بروز ذلیل تر حقیرتر خواهیم شد اساس تمدن و اصلاحات چشم پوشی از منافع خصوصی وکوشش درخیر عمومی است انهم از راه علم وعمل وجدیت و اتفاق ـ نه تقلید از این و آن و پیروی موهومات ـ

باید گفت و نوشت

§ دوست آنست جمله عیب ترا §
§ همچو آئینه روبرو گوید §
§ نه که چون شانه باهزار زبان §
§ در عقب رفته مومو گوید §

آقایانیکه زبان حق گو وقلم حق نویس را مورد حمله قرار داده میگویند ختم انبیاء صلی الله علیه وسلم ومولای متقیان علیه السلام انچه فرمودند نشنیدند چگونه از این زبانها می شنوند هر گاه فکر بکنند که بعد از هزار و سیصد و کسری که احصائیه مسلمین کره را بالغ بر چهار صد ملیون می نویسند از اثر فرمایشات ان بزرگواری بوده که تمام قوانین دول خارجه و تمدنیکه دارند از قوانین شریعت مطهره او اقتباس شده است نباید گفت کلام حق اثر ندارد من جمله از فرمایشات مولای متقیان این بوده که فرموده اند (ظلم مکشید) ایران خاصه جنوب علی الخصوص کرمان و ... یکصد و پنجاه سال دچار هرگونه ظلم و شکنجه بوده که صاحب امضاء آذر کرمانی شرحی از ظلم سر سلسله قاجاریه آقا محمد خان در جواب ایراد بجوانان کرمانی بواسطه حبل المتین نگاشته بود ما هم بنوبه خود انچه را بچشم دیده عرض می کنیم آقایان ایراد کننده بقلم حق نویس و زبان حق گو فراموش کرده اید در بدو مشروطیت فیروز میرزا در میدان ارك كرمان ۵ نفر از احرار را هدف گلوله قرارداده که بخاك هلاك افتادند و عده را نفی نمود مگر فراموش کرده اید سردار معتضد محمد علی و ماشاء الله را بجرم آزادی خواهی زیر چوب کشته مگر فراموش کرده دست اندازیهای اجانب را بهمین سامان که در عوض شهامت وشجاعت حسین خان بچاقچی در نگاهداری نماینده دولت اسلامی شیخ عبد الله سعید آباد را بتوپ بستند بعد از خرابیها و تلفات ۱۲ ساعت نوزده هزار تومان از اهالی خسارت جنك خواستند که حکومت وقت زیاده از دست هزار تومان از شما بقاعده سر شمار گرفت و انچه بمقامات مربوطه اظهار تظلم کردید نشنیدند جز اینکه هر گاه یکنفر بدسیسه روسای خودمان مقصر پولتیکی اتان میشد تیرباران می کردند و مواخذه نداشت خاطر نمی رود که یکنفر جوان فارسی را بعد ازغارت اموال زوزنان ساکن درعلی آباد حکم بتیرباران داد یکنفر سه هزار تومان خون انجوان را خرید قبول نکرد و تیر بارانش کردند مگر فراموش کرده اید حکومت فیروز میرزا را که یك از جوانان راه حریت را درمیدان ارك کرمان قسمی هدف گلوله قرار داد که ۵ نفر جوان آزادیخواه بخاك هلاك افتادند

مگر فراموش کرده اید جوانان این اب و خاك را ناحق بخارجه نفی نمودند من جمله اقا کاظم ایرانی بود اینگونه ظلمهای فاحش را کدام دست غیبی مرتفع ساخت که امروز ملت ایران ازادانه سرتاسر ایران را پر از امنیت و آرای می بینند و اختیار مال و جان خود را دارند تصدیق می فرمائید که این تغییرات یکی از اثر قلم حق نویس و زبان حق گو بوده است بمصداق (المؤمن مرات المؤمن) باشد باید بگویند و بنویسند که درهر علتی در ما باشد بر طرف شود و هرگاه حسنی داریم افزوده گردد اقایانیکه ایراد بر لسان حق گو و حق نویس دارید خوب است عطف توجهی به ایتام گرسنه و برهنه دیار خودتان بفرمائید امروز که خداوند اسباب را از هرجهت برای شما جمع فرموده از مدرسه و دار الایتام می گذریم اقلا بوسع ماده چند باب کارخانه قالی دایر فرمائید که ایتام گرسنه وبرهنه دارای کسب شده خودتانهم منافع ببرید آقای سلطان زاده کرمانی در مجالس عدیده عنوان داو طلبی تاسیس قالیبافی را در سیرجان فرموده اند که شخصاً تدارك کند امروز که یکنفر استاد معقول باسرمایه قالی بافی اخذ و اعزام فرموده نشستند و گفتند و بر خواستند حرف شب بود صبح نداشت هرنفری صد تومان که قرار گذارده که باستاد بقرض بدهید وبعداز شش ماه بگیرید صرری متوجه شما نمی گردید چرا ندادید البته تصدیق دارید که هر آبادی اجتماعی بوده انفرادی نبوده است کربلائی ماشاء الله چنانچه بخواهد شخصاً متحمل زحمات تاسیس قالیبافی برای ایتام شود البته در نیمه سال شخصا جزو ایتام گرسنه خواهد بود ایا انچه شما اقایان میفرمائید باید حرف باشد یا فعل مطلقاً کار ندارید بس است تنقید یکدیگر بنده خدای خود را بشهادت میطلبم که خود رادوست نوع بشر میدانم و شما ها را برادر دینی چکنم مسلك من اجازه نمیدهد که نه گویم و ننویسم شما ها باید عفوم بفرمائید

در عصر یکی از سادات روضه خوان تراز اول این ناحیه بودم که اقای اقا محمود کرانی وارد گردید در حالتیکه با نهایت بشاشت بوده و عنوان کرد فکرکرده ام چند نفر شریك شده سه هزار تومان سرمایه قرار دهیم و یك نفر را از میانه شاخص قرار داده در حساب باشد و یك قنات آباد کنیم در ظرف دو سال تصدیق کردیم که میشود از قیمت روز آبادیش برسیدند تصدیق شد که اقل ما یقع ده هزار تومان قیمت خواهدداشت سید را هم سهمی شریك میخواستند همان شب در محضر دیگر همین عنوان مشار الیه مطرح مذاکره گردید گوشه نشینی گفت آقا محمود مثل آن حکیمی است که ادعا کرد مرده زنده می کند حضار خواهش کردند چنانچه میتواند کاری بکند که زنده ها نمیرند چنانچه همین سه هزار تومان را بتدریج خرج طافیهای شریك مالکی خودشان میفرمودند باندك زمانی دهات طافیه متعدد آباد میشد و عده فقراء بی بضاعت که شریك مالك مشار الیه می باشند مستغنی میشدند من جمله شرکاء اقدر آبادی میگویند نادر شاه افشار بعد از فتح هند برده فروش کنیزی اهندوئی برایش آورد که بخرد ندوا برده فروش کنیزك محرمانه گفت نادر است سوء ادبی بعدا نیاوری کنیزك از زیر لباس خنجر بیرون آورد و حواله برده فروش کرد نادر گفت چنانچه زن و اسیر نبودی حکم بقتلت می کردم بالاخره کنیزکرا نادر خرید شب خواست با اوصحبت کند دستی سینه نادر زد نادر متغیر شده گفت این حرکات عنف را چرا اجای می آوری امروز در حضور من خنجر حواله برده فروش کردی امشب بسینه من زدی کنیزك گفت برده فروش مرا مانع از حق گوئی کرد و تودهنت بوی گند می دهد با اینکه نادر شاهی چرا گند دهن خودرا معالجه نمیکنی شاهیکه نتواند معالجه مرض خودرا بکند چگونه می تواند معالجه تهاجم اضداد خودرا بکند نادر بسیار خوشش آمد و گفت من هرگاه تاکنون یك همچنین دوستی داشتم که عیب مرا گفته بود البته پیش از اینها سلطنت را ترقی داده بودم البته تصدیق می فرمائید که تملق گوئی در پیشگاه سلاطین گذشته بوده است که در ظرف یك صد و کسری ایران را سیر قهقرائی داده است میگویند ناصر الدین شاه از یك نفر از رجال تراز اول پرسید اروپا در کجا واقع است جواب گفت هر کجا که رای مبارك قرار گیرد این تملق گوئی ها بود که خواطر ملوکانه اش تعلق می گرفت که در ظرف پنجاه سال سلطنت با زنهای وجیه به تعیش مشغول بوده ثلث از آب و خاك ایران را بباد داد امروز که میتواند گفت کوکب سعادت ایرانیان از افق ایالت مازندران طالع گردید بعد از امتحان ٥ ساله در خدمت بوطن مالوف بسه اکثریت آراء ملت ایران زمامدار گردیده است عموم ملت ایران منتظر قدمهای برجسته متمشع این شخص وطن دوست میباشند و آثار خدماتش باین آب وخاك اظهر من الشمس گردیده خوب است اهالی بلدان اخلاق رذیله اشخاص را متفق القول جلوگیری نموده در ترویج منابع و همراهی بضعفاء وخیل رنجبر بکوشند و خواهش نداشته باشند طایفه رنجبر در جو الهها دست سقه بایستد و اختیار دسترنج خود را نداشته باشند چنانچه نواب این ناحیه از قبیل رضوی آقا

محمود کرانی سلیمان زاده برادران ستوده متفقاً هریك
از مال الله عایدی خودشان که شرعا عهده دارند
بالیت خیره میتوانند مؤسس یك باب دار الصناعه شوند واطفال
یتیم را در آن بنای عالی بسپارند و نام نیکوی
خودشان را در جرائد داخله و خارجه ثبت نمایند چه
خواهد شد وچنانچه درعوض خیالات موهومیکه مثمرهیچ
ثمری نیست هریك مبلغی خرج قنات سعید آباد
نموده آبی را جاری نمایند که عموم سکنه و عابرین
مشروب شده از حاصلش منتفع گردند چه خواهد شد
چنانچه بگوئید قوه نداریم غلط است و هرگاه بفرمایند
ثمری ندارد جهل است بتصدیق هر جاهلی ثمر دنیوی
و اخروی دارد چنانچه از درشرع داخل شده امر
بمعروف نهی از منکر کنید که ملا احمد ذاکر داخل
در شمایات مفت خوری و مردم آزاری اشود چه
میشود چنانکه موقوفه حاج خواجه حسن برید و سید
قریشی را بادعای باطل بدیوانخانه طلبیده دلش از
درد سر سیار که محکومت و هیئت تجار مصدق دارد
آورد که بطلان دعوی مشار الیه را تصدیق کردند
شخصاً اقرار کرد که حق باسید قریشی است با حضور
هیئت تجار مصدق فرمایشات سید قریشی را که از
سوز دل گفت از قبیل بی شرف و گردن کلفت
و بی ناموس بر خود بپسندید

ورنه میرزا قاسم نوع شما نیستند کهملا احمد باتکاء
نوشتجات جعلی چندی است طمع بامیدن حمام انها
نهاده و اسباب مزاحمت را برایشان تدارك کرده
بعض ازشماها را میگویند با ملا احمد هم قسم هستند ر
علیه انی حرف امیزنید ولوایمان تباهی باشد هم قسمی
ملا احمد با شما برای مشار الیه فائده دارد بعلت
اینکه به پشت گرمی شماها انچه می خواهد میکند
برای شماهم قسمی با ملا احمد چه فایده دارد جزبدنامی
که بگویند شماها عنصرهستید که ایمان تساهی میکنید با
مفت خور شیادی هم قسم هستید چرا از این مردم
آزار جلوگیری نمی کنید چرا اورا بکسب وا نمیدارید
خواهید گفت کسب مشارالیه روضه خوانی است انهم کساد
شده در سال بیست تومان عایدی ندارد از استیصال
مرتکب این اعمال میشود تصدیق دارم کسب بدی را
بلد نیست روضه خوانیم که شعبهٔ در باطن از مفت
خوری است کساد است ایا نمیتواند در حسینیه جنب
منزلش دو بارگاه علف ، هیزم ، ذغال ریخته روزی
پنج شش قران گیر بیاورد ،ماشخود را تامین کند
می فرمائید از سرش فرود نمی آید عرض میکنم
هرگاه مسلمان است از سلمان یاد کند که در حکومت
مداین در مسجد منزل داشت وزنبیل بافی میکرد و
معاشخود را میگذرانید قرن بیستم است کوهیما اسم

قانون وتمدن را یاد گرفته اند وفهمیده اند عموم بنده
خدا و آزاد اند این شیادان عمامه بسر تسخیر احمق
میکردند و بیچاره مردم را بارکش خودشان میخواستند
اینك همگی دانسته اند که

§ توبه فرمایان چرا خودتوبه کمترمیکنند §

موالیان تاجان کرام خود شان را فدای
امت در جلوگیری از ظلم کردند عبادت بجز
خدمت خلق نیست اینخلق ستمدیده نواحی کرمان که
از بدو سلطنت قاجاریه در فشار بوده چندی است
نتوانند جائی را براحت نکنند چنانچه شماها با انها
از در برادری درآمده در سرپرستی و نگاهداری
انها سعی نکنید چه خواهد شد من نمی گوئیم شما مثل
برادران اصفهانی کارخانه پارچه بافی وارد کنید از
عهده شما خارج است تاجر متمولهم ندارید میتوانید
با ماجهای اهلی با همین آلات قدیم همراهی بکنید که
کارخانه پارچه بافی را وسعت دهید امید است عرائض
دقانه رنجبر خیر خواه را بپذیرند

(قابل توجه اعلیحضرت پهلوی)

اعلیحضرتا ایالت کرمان ایالت زرخیزی است
ناحیه بلوچستان کرمان برای ایالتهای زمان سلطنت
قاجاریه در سال چهار ماه طلا و نقره حاصل
داشت مالیات بلوچستان را با حق الحکومه بلوچستانی
اواخر سلطنت ناصرالدین شاه چهل هزار
تومان معلوم کرده بودند حاکم بلوچستان
آن ایام هر کس بود در سال بالغ بر صد هزار
تومان بعد از مخارجات مدخول داشت کلیه ثروت
خوانین هم از دولت خاك بلوچستان است زین العابدین
و ابراهیم دو برادر بوده اند یکی کفش دوز و دیگر
صباغ چون طایفه ابراهیم خان سعد الدوله بودند
بملازمت سعدالدوله زین العابدین پیش خدمت شده
و ابراهیم مباشر عزیز آباد خالصه رفته هر
دو نفر سرتیپ شدند یکی سرتیپ فوج کرمیسر و
دیگری میر پنجه توپخانه و هر یك دارای دویست
هزار تومان ضیاع و عقار درلر ماشیر فرمانفرمای
حاضر تدارك بلوچستان دیده معزول شد بعذر تدارك
بلوچستان ماموریت رفتن بلوچستان را گرفت در
مراجعت هم جزو خاسان و همراه حاج ولی خان
حکومت مرغك بودم یکی از خواص ملازم رکاب
فرمانفرما درعالم مستی راست میگفت الغ بر دویست
هزار تومان مدخول ماموریت فرمانفرما را ذکر می
کرد از فشار قاجاریه سرداران بلوچستان تمام شده
باز ماندگان خان در حکومت ولی خان پسر محمد اسمعیل
خان بدستورالعمل خود ولی خان در مراجعت
بکرمان راه را بستند شترهائیکه بسفره از اینها

تا ... نکرده بود برگردانیده‌اند نتیجه اسباب چینی برای چهل هزار تومان مالیات بلوچستان که نوش جان نماید سپس سردار زاده های بلوچستان یاغی شده حکومت قبول نکردند بعد میرزا حبیب خان سردار نصرت که رئیس قشون کرمان بود مامور نظم نمودن بلوچستان و اصلاح کثافته کاریهای عم گرمیش گردید نتیجه رفتن بلوچستان آقای سردار نصرت بعد از چند نفر تلفات دادن و مبلغ گزافی خرج تراشی برای دولت در معنی قباله بلوچستان را به بهرام خان بلوچ تفویض کرده مشعشعانه با اظهار خدمت بدولت مراجعت فرموده ترفیع رتبه پیدا کرد ازان بعد در معزولی ایالات نائب‌الایاله رئیسی می شدند و بسیار بندی خودرا از دینرانج بهانه‌گان میکردند تازه می شنویم سردار دوست محمد خان تسلیم شده حاضر است در سال هجده هزار تومان مالیات بلوچستان را بپردازد ممکن است با اندک عطف توجهی خاک جواهر خیز بلوچستان را این اوقات نمی بدهد سرحد منظم گردد —

جیرفت یکی از گرمسیرهای ایالت کرمان است که میزان ... کوچکش جواهر اراضی جیرفت قابل زراعت نمودن هرگونه محصولی است که در هند حاصل خیز ... برنج بسیار ممتاز بعمل می آید دیده شده که ... آلات زراعتی قدیم یک برصد حاصل عمده آن بوده است چنانچه آلات زراعتی جدیدرا در اراضی جیرفت کار بفرمایند ممکن است فراخور لوازم ایالت کرمان برنج وغله و سایر حبوبات عاید گردد لذا چنانچه اعلیحضرت امر بتاسیس یکباب مدرسه فلاحتی در کرمان فرمایند از طریق بندر عباس که بجیرفت ۶ منزل است بطور آسانی اسباب و الات زراعتی جدید بجیرفت وارد تواند شد سیرجان که بکرمان نزدیک‌تر از جیرفت است شاید از پرتو مدرسه فلاحتی کرمان ارباب سیرجانهم دارای علم فلاحت شده بگویند زراعت سیرجان بیش از همین قسم برداشت ندارد و گر بگویند نمی شود علما بفهمند همه چیز در همه عالم می شود شاید در دوره پهلوی یکدفعه دیگر صورت آبادی پیدا کند ودو هزار وکسری قنوات در خرب قدیمش دایر شود و اهالی سیرجان بانتظار حاصل چهار صد و کسری قنات طاقیه و آباد حالیه در عسرت غله و حبوبات نباشد البته سیرجان که ضرب‌المثل بوده است عجالتا حبوبات از رفسنجان می آورند اعلیحضرت ایالت کرمان معارف ندارد یازده سال است در سیرجان مدرسه باقدام اهالی تاسیس شده اینک دو سال است مدیر ندارد اثاثیه ندارد کرایه مدرسه نداده است آنچه رئیس معارف می نویسند اعتنا نمی کند ـ

(مهاجر ـ امضاء م ـ ر ـ)

نظریه دقیق بمعارف کنونی

بندر پهلوی

هر مملکتی گوی سعادت را با توسعه معارف وتشکیل مدارس عالی ربوده وخود را جزء مللحیه بشمار آورد

تاوقتیکه ملل اجدادی مان دچار مخاطرات و در زیر فشار طایفه قاجار بود نمیتوانست اظهار حیاتی کند حال که شاهنشاه پهلوی سر از پرده در آورده و ایران باستانی ما را جزء ملل متمدنه و در ردیف ملل آزاده ایرانیان اصل و نجیب را که بعد از غلبه عرب بر عجم هیچ اسمی بخود نگرفته و تماشیکه لازمه این ملل آزادان بود داده زنده کرد و روح عظیمی آنها داد بطوریکه نتوانستند در کنگره‌ها ... فرستاده اظهار ... کنند امروز نباید هیچ ملت سکوت اختیار کرده متفقا از اعلیحضرت پهلوی تمنا کنیم که همان نحو که روح کامل نظام این کشور جهان ستان دمیدند معارف را که نمونه از مذهب است فراموش نکرده در توسعه آن و ازدیاد مدارس جد و جهد و کوشش وافی فرمایند

اعلیحضرتا پهلوی و پهلوی نژادا امروز ملت اصل باستانیمان بواسطه رؤسای بی‌سواد گمراه و بجاده غیر مستقیم قدم گذاشته نزدیک است که قهقرا عود کرده و بکنیم و کودتای مقدس اعلیحضرت بی اثر ماند

اعلیحضرتا — امروزه باید برای آگاه کردن این جمعیت گمراه و بی‌سواد در تمام قراء مدرسه تاسیس شود و در ازدیاد آن جد و جهد وافی نمود

اعلیحضرتا امروزه همان نحویکه نظام بواسطه فرماندهی وجودت از سایرین جلو افتاده و گوی سبقت را ربوده و روح ابدی بآن دمیده شده ! همان نحویکه در این عصر تمدن [یا عصر طلائی] وزارت جنگ [یا ریاست روح ایران یعنی نظام را] به آقای عبدالله خان طهماسبی محول کرده و مشار الیه را باین شغل مهم برگزیدید از معارف دست بر نداشته عنان اختیار این قسمت را هم بدست شخص شخیص مبرزی بسپرده تا ایران باستانی از عرقاب هلاکت رهیده و ساحل نجات برسد

اعلیحضرتا — از انتخاب شخص مبرزی جمعیت معارف خود داری نکرده وسایل توسعه را از دست

نمیدید تا بواسطه ان یگانه راد مرد اطراف و اکناف دور از مرکز هم بواسطه داشتن رؤسای قابلی مدارس عالیه را بچشم خویش ببینند

پهلوی ایرانا - از انتخاب شخص شاخصی کوتاهی نکرده تا از پرتو ان معارف خواه حقیقی گیلان علی‌الخصوص بندر پهلوی که دروازه اروپا است شخص مبرزی رادر قسمت معارف دارا شده و روح کاملی بان دمیده شود و صفحه معارف این سامان را از اشخاص بی قابلیت ، بی سواد ، دزد ، رشوه خوار عاری کرده و پاک کند

شاد شادا معارف پناها - با نظریه دقیقی درمعارف بندر پهلوی نگریسته این بندر مهم را که دروازه اروپا و قاعده شمالی است از وجود اشخاص خائن و متقلب پاک کرده بدست مبرزی سپرده تا بتوانیم حرکتی بخود داده و نمایش کاملی بدهیم

جم جایاها افوریت امر دهید تا سریعاً شخصی را جهة معارف این بندر مهم انتخاب کرده تا عسایی بیچاره زحمت کشیده سرگردان نشده دروس متوسطه خودرا باتمام برسانند

همان نحویکه در اثر شکایات مسلسل دو افراد مرد و مبرز مانند آقای دکتر عبد الله خان احمدیه را جهت ریاست صحیه آقای سلطان حسین خان مظفری را جهة حکومتی این بندرمهم برگزیدید از انتخاب رؤسای ثلاث خود داری نکرده صندلیهای | مالیه معارف صحیه | را هم مزین نموده خورسند مان سازید

مجدداً تذکر داده میشود که ایجاد مدارس سیاسی - صنعتی - عالی هم از نظر فراموش نشده در اوقات خود خدمات معارفی را انجام داده و خواهم داد

[دانشور ناصری]

تاجر بی غرضی

(از آذر بایجان مینویسد)

در جبل المتین از ولایات ایران بعضی تشکرات و برخی عدم رضایت از اوضاع جاریه خود که مینویسند مطالعه و مرا وادار نمود که از حال اسف انگیز این ایالت مهم شرحی معروض و کافه اهالی مملکت را از اوضاع ناگوار آذربایجان مطلع نمایند

بعد از انکه دو سال ولیم آقای عبدالله خان امیر طهماسبی در امارت لشکر شمال غرب با یك ارادهٔ خسته ناپذیر مشغول تادیب اشرار وخلع ملوك الطوائفی و اصلاحات اساسی از قبیل تسطیح طرق و شوارع واحداث خیابانها و بعض موسسه های خیریه بود آذربایجان با یك قدم بزرگ بطرف ارتقا حرکت و اهالیش بایك ذوق سرشار قدم بجاده تکامل گذاشته و در راه آبادی آذربایجان از هیچگونه مساعدت مضایقه نمی کردند و میرفت که آذربایجان در سایه سرپرستی امیرطهماسبی نواقص خودرا تکمیل نموده یك سر و صورتی بخود بگیرد که دفعتاً سیاست این ایالت بکلی تغییر کرده و آن امیر مستغنی از تعریف را از امارت لشکرتبدیل وسرتیپ محمد حسین خان آیرم را بفرماندهی منصوب کردند اگرچه این مرد در بندر پهلوی آثاری از خود گذاشته ، محبوبیت اهالی گیلانات را جلب نموده بود ولی بعد از ورود آذربایجان چنان از بادهٔ سیاست این ایالت سرمست گردید که آذر بایجان و آذر بایجانی را بکلی فراموش ، شب و روز بعوض اصلاحات در خانهای ارامنه تبریز مشغول عیش رانی بوده در خدمت مملکت کمتر هم صرف وقت کرده است و در اثر همین تعیشات فرمانده است که نظامیان هم رشته اخلاق گسیخته در عیش پرستی افراط و از تعدی به مردم هم مضایقه نمیکنند مخصوصاً از تعدیات آن صاحب منصب که در شب سیم حوت نسبت بجماعت و مترددین سخت ترین دلها را خون میکرد تنها اقداماتی در فرمانده مزبور در آبادی آذربایجان مبذول داشته حالا خریدن چندین خانه باغچه مردم بی‌چیز در خیابان جدید است که نه قبالة نویسانید و نه وجه شان داده اکنون بیرون شان کرده و عمله گذارده برای شخص خود مغازه و عمارات درست میکند در حالتیکه صاحبان خانها فعلا بی‌خانمان و سرگردان میباشند و مهم تر از آن دردها فشاری است که باذربایجانی عموماً و مستخدمین دولتی خصوصاً از طرف رؤساء بعمل می آید و تدریجاً مستخدمین بومی را از ادارات بیرون کرده و بجای شان طهرانی منصوب میکنند گویا یك عنوان عوام فریبی برین تغیرات بسته اند که دولت میتواند بدینواسطه مردم را بهنگام زبان فارسی مجبور نمایند و حال آن که همه میفهمند که جز به توسعه معارف نمی توان زبان پنج کرور جمعیت آذربایجان را از ترکی بفارسی تغییر داد و اوضاع معارف در ایران مخصوصا آذربایجان بر همه معلوم و احتیاج بتوضیح ندارد

در خاتمه بوسیلهٔ همین عریضه توجه اولیای امور را بحالت باذربایجان و اصلاحات آن جلب و جز تبلیغ استقلال وطن و آسایش مردم خصوصا آذربایجانی منظوری نداریم -

(تاجر بی غرض)

یکی از ضایعات بزرگ ادبی

یکی از بزرگترین فضلای دانشمند و متفکرین عصر جدید که مجذوب فضایل و ادبیات وتمدن قدیمه وطن عزیز ما بوده است همانا ادیب معظم مرحوم پروفیسر دوارد برون است که بدبختانه عالم جسمانی از وجود گران بهای اوفاقد و بتازگی روح منیع و درخشان او بعالم فیوضات الهیه از این خاکدان کدور ظلمانی پرواز نموده جهان فضل و ادب را بیم ساخته است

من این فاضل ارجمند را همیشه از دور بانظر دیده احترام و ادب مینگریستم گویا قلب شکسته و مجروح من همواره آشیانه محبت طائر ارواح اینچنین فضلای جهان بوده که اغلب پرواز روح اجزای آنها را در اوج آسمان رفعت وجلال تماشا میکرده و هر فقدانی که برای آنها روی داد سراسر وجود مرا مشتعل و ساخته است –

اشخاصیکه بزحمات این راد مرد فاضل که از قسمی غرب پرتو انوار اشتیاق قلبی او بطرف این مملکت کهن سال تجلی نموده و شرح فضایل و تمدن چندین هزار ساله وطن عزیز ما را برشته تحریر در آورده وبوسیله کتاب های گران بهای خود درعرصه دنیای متمدن بیادگار گذاشته است پیبرده البته بپاس خدمات بی نظیراو قلباً و روحاً از خبر فقدان وجود او متاثر و متالم گردیده ممکن نیست اشک حسرت از دیده نبارند چنانکه من نیز هنگامیکه عکس منیع و موقر او را در شماره اول سال چهارم ایران شهر تماشا نمودم چشم تر با دیده خونین و تحسر از نظر دقت گذرانیده و برای پاداش خدماتیکه در راه جمع آوری تاریخ تمدن قدیمه و جدیده ایران کشیده و محبتی که نسبت باستقلال وطن معظم ما داشته است ازدرگاه قادر متعال مسئلت نمودم که روح معظم اورا درظل عواطف خود جای دهد اینک بوسیله این مختصر نیز خانواده محترم و باقی ماندگان اورا نیز تعزیت وتسلیت گفته بقای آنها را از درگاه خداوند خواهانم –

(علی محمد احتشام اولیائی)

از شیراز مینویسند

(تقلید های مضحك و مبکی)

از میان هزاران و سائل و لوازم تمدن و ترقی ملل راقیهٔ مغرب زمین شمارهٔ معدودی از آنها را ما ایرانیان بطریق تفنن اتخاذ و مانند اطفال با آن اسباب ها (که اساس تمدن و پیشرفت مقاصداروپائی و امریکائی بر آنها است) بازیهای کودکانه نموده و درست تفاوت بین این تقلیدهای بچگانه و اصل اصیل آن که در دست آنها است مثل تفاوت زیادی است که بین «تولرلنك» كذائی خودمان و تلفون بیسیم آنان موجود است امثال و نظایر این مسئله بسیار است ولی چون بنده همیشه از اطناب کلام گریزانم لهذا از ذکر امثله زیاد صرف نظر نموده و فقط به ایراد یك مثال ساده که اساس مقاله و سر مقاله عجیب صدر بهمان راجع است اکتفا مینمائیم

از جمله هزار ها تشبثات که متمدنین دنیا بجهة پیشرفت امور و مقاصد مشروع خود اتخاذ و بکار میبرند یکی – روز نامه نگاری است که یکعده از علماء حقیقی آنها باین شغل شریف مشغول و بسی کارهای مفید و مهم را انجام می دهند که تشریح آن عما توضیح واضحات است این جراید نه مدیرانش نزد ملت و دولت خود بلکه در نظر تمام ساکنین دنیا نیز معزز ومحترم و دارای همه گونه شؤن و مزایا هستند گاه گاهی هم ورقهٔ بنام «فوق العاده» یا «ضمیمه» انتشار میدهند چونکه وقتیکه اتفاق مهم وجالب توجهی رویداده که دانستن آن برای دولت و ملت خودشان یا برای اهل عالم مفید بوده وجا دارد که هرچه زودتر منتشر شده و اثرات خود را ببخشد مثلا زمانیکه معاهدهٔ سیاسی یا تجارتی مهمی بین دو دولت تصفیه شده و پس از انعقاد آن معاهده تفاوتی در اوضاع دنیا بهم میرسد و ازاین قبیل حوادث مهمه دیگرایستکه مدیر روزنامه ازترس اینکه مبادا تا بیرون آمدن شماره بعد آن خبر کهنه شده و از حیز انتفاع دولت یا ملتش بیفتد ناچار ورقه بنام «فوق العاده ضمیمه» همان جریده نوشته و با کمال تعجیل بیرون میدهد . اکنون ما هم روز نامه فوق العاده و ضمیمه گذاریم و میل داریم که مال ما هم مثل آنها باشد . اما باید بدانیم که آیا حقیقة موفق بانجام این مقصد شده ایم یا نه .

بعقیده بنده نه تنها موفق نشده بلکه چنان باین وسیله ارتباط و ترقی بازی کرده و آن قدر این عمل صحیح و مشروع را باغراض نفسانی آلوده نموده ایم که نه فقط تا بحال از روز نامه نگاری فائده معنوی وعمومی حاصل نکرده بلکه دل دوستان را از کردار زشت و تقلید جاهلانه خود خونین وقلب دشمنان را مسرور نموده ایم – هر شماره جریده که در وطن ما ازطبع خارج میشود تیری است که در دست اجنبی اوفتاده و بقلب خودی می نشیند – آن یك میخندد و دیگری میگرید و اینست معنی تقلید های مضحك ومبکی (عبارت فوق) شخص محترمی که بجهة انجام وظیفه دولتی چند روزی مسافرت میکند فوراً متعاقب حرکت او «فوق العاده» خارج میشود ، مراجعت میکند «فوق العاده» بیرون میاید . یکی میاید ماز ازراه «فوق العاده»

از او تکذیب و از دیگری تعریف مینمایند - روز نامه نگار دیگر در « فوق العاده » خود تعریف های اورا تکذیب و تکذیب های او را تعریف میکند ، در این صورت ناچار دولت هوشیار و فعال کنونی و اشخاص بیغرض تکذیب و تعریف پی در پی هر دو را خالی از مقاصد شخصی ندانسته و در نتیجه بطور کلی روز نامه وانگارنده اش از مقام خود تنزل نموده و بعوض اینکه روزنامه را علمدار حس حسن اخلاق و تعالی بدانند باعث و بانی بد اخلاقی و وجودش را مزید بدبختی خواهند دانست وحق هم با آنها ست و بدتر ازهمه اینکه اینطور نویسندگان « بدنام کننده نکو نامی چند » شده و اگر در تمام ایران عده قلیلی نویسنده عالم و باوجدان هم باشد دراین میان مستهلک وبدنام شده و بایستی خون جگر خورند !

بنا براین این بنده که سراپای این مقاله حکم محکمی بربیغرضی من است برای پاس احترام دولت وملت ومدیران درستکار جرائد صاحبان فوق العاده و ضمیمه های خنك وبیموقع را مخاطب ساخته ومیگویم دیگر بس است بیش ازاین ابروی خود وهمقلمان محترم خودرا نبرده و داخل شخصیات نشده ومامورین دولت وبزرگان مملکت را بحال خود گذارید تا بهتر بتوانند به امور وظایف خود بپردازند ، دولت مقتدر حاضر هم مستخدمین خودرا خوب شناخته وهیچ لزومی ندارد که شما اشخاص را معرفی وخیالات خودرا مناط خدمت یا خیانت آنها قراردهید گذشت آنزمانی که منتهی سیر سلاطین ایران تا شکارگاه طهران بود وهمینکه بخیال مسافرت میافتادند بسوی پاریس میشتافتند اینك اعلیحضرت پهلوی بنفس نفیس غالب نقاط ایران را گردش کرده و فرد فرد بزرگان ونامداران را دیده وشناخته وخادم را از خائن وموذی را از منادی بخوبی تمیز داده اند و دیگر اظهار عقیده در مورد اشخاص بیفائده خواهد بود در خاتمه امیدوارم این چند کلمه اظهار عقیده که برای حفظ شرافت و آبروی دولت و ملت و روز نامه نگار در انظار بیگانگان نوشته ام حمل بر غرض شخصی نسبت باحدی نفرمایند -

[بی غرض]

از کرمانشاهان می نویسند

(وکلای دورهٔ ششم ایران بخوانند)

اوایل مشروطه در کرمانشاه بودم در هر گوشه و کنار آوازهٔ مشروطه طلبی از بازاریان وکسبه بلند بود که باید وکیل متدین معین کرده بمرکز فرستاده تا بموجب قانون شرع امورات مسلمانان را اداره نماید عده گفتند باید اعظم الدوله وکیل شده بـرود طهران چرا که ایشان در امور سیاست بـدرجه بسمارك آلبمانی هستند . علاوه چون از خاندان شیخ علی خان هستند واز اینها در همه ایران زیاد هستند جمعی از تجار ، بازاری وکسبه که اکثریت با انها بود میگفتند اعظم الدوله از طبقه ظلمه و لباس کوتاه است باید یکنفر مسلمان خدا شناس را پیدا کرد (ازجملهٔ حمد شاه بك آخوندی است معـروف بـه آقا محمد مهدی نزدیکی خانه اش هم یك مسجدی بود که روزها عبا را به سرکشیده دران مسجد امامت میکرد ودرهیچ حوضه هم اسمی نداشت چون مسجد او نزدیك بازار بود روزها جمعیت او زیاد میشد معاش او فقط به مقدار مبلغی معین از اوقاف مسجد زندگانی مینمود دارای یك خانه خرابه از مال پدر و یك زن و دو اولاد بود) بالاخره باکثریت آراء فال بیك وکالت بنام حجت الاسلام آقای محمد مهدی معین کردیده وقتیکه حضور مبارکشان عرض کردند که حضرت مستطاب از طرف ملت کرمانشاه وکیل هستید که در امورات سیاست کرمانشاه رسیدگی فرمائید حضرت آقا سری تکان داده بعد از چند دقیقه سکوت چند مرتبه کلمه سیاست را تکرار فرمودند وچند آه هم کشیدند فرمودند من این وکالت را نمیتوانم بعهده بیاورم (بیچاره از ضمیر خودش مسبوق بود که امور سیاست با روحانیت فرق کلی دارد از عهده بر نخواهد آمد) معهذا از بس بازاریان اورا احاطه کرده بودند جوابی را که داد این بود که من کلمه سیاست را نمی دانم هرگاه وکالت نمایم کلمه شرع ادا خواهم نمود بمحض فرمودن لفظ شرع بیچاره بازاری و کسبه فوری بخاك افتاده دست پای آقا را بوسیدن و گریه کردن که حضرت آقا ما هم شرع میخواهیم چندین سال است عرف پدر مارا در آورده است بالاخره وکالت را بکلمه قبول کردن شرع قبول فرمودند و اول حکمی که فرمود این بود که باید مسلمانان ریش نتراشند و هرگاه تراشیدند حد شرعی بخورند دران زمان ظهیرالملك که یك از رجال محترم کرمانشاه بود یك نفر از پیش خدمتان مخصوص ایشان بیچاره از حکم آقا غفلت کرده ریش خود را تراشیده بازارهم امد چند نفر ازمریدان آقا ازقبیل بقال ، قصاب وسبزی فروش اطراف ریش تراش بیچاره را گرفته ای کافر مگر حکم آقا را نشنیده کشان کشان بطرف دکان آقا یعنی مسجد بردند بمحض ورود ان بیچاره آقا فرمودند ای مرتد مشرك و کافر چرا ریش تراشیدهٔ خواست جواب شرعی بدهد عرض کرد حضرت آقا چه ! حکم ریش تراشیدن شما در قران نیست اجرا میفرمائید

ولکن کلمه صیبه [العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمه - اطلب العلم ولو کان بالصین - طلب العلم من المهد الی اللحد] را که فرموده صاحب شریعت مطهره است نگوش این عوام الناس آشنا و مجرا نمی فرمائید دور کلمات خودرا تمام نکرده بحکم اقا بیچاره را درمیان حوض آب انداخته ارابابان با چوب جاروب جعبه وصلای که طرف اقا چند روزی بود جمع شده بودند با مایین حال مرده اش کردند و طلاب مغض دور میکفتند ملعون توهین حضرت السلام کردی و قتل تو امر لازم و واجب است این بیچاره از حوض بیرون آمده با اسرتر و دست و پای شکسته بعدمت آقای خودش ظهیر الملک رفت واقعه را بیان کرد ظهیر الملک هم دیک غضبش بجوش آمده امر کرد هر کجا ریش دارهای مرید آقا پیدا گردند بیاورند دران زمانهم هردزدی یا هرالواطی بود اطراف الها بود اطبان اینها آمده چند رئیس دار مرید آقا را گرفته نزد ظهیر الملک اوردند ایشانهم فوری امر کرده ریشهای آنهارا تراشیده و میان حوض شان انداختند سایرین چوب کاری زیاد می فرمودند بالاخره اقا وظهیر الملک بواسطه اجراء کلمه شرع بیح مه بازار و کاروان سراهار و دکاکین و بعض از خانها و خراب کردن و آتش زدن حسینیه و فریب هزار نفر کشته شدن و چندین زن بیعصمت و بیشوهر شدن و چندین بچه بی پدر کردند و چندین الواط رویکار آمدن و چند هزار نفر از مال رفتن و چقدرها مثال من اندخت غارت شده از وطن خود مهاجرت کردن ودراطراف عالم پراکنده شدن که هریک حسرت وطن را داریم در عوض بگور می بریم و در نهایت ذلت زندگانی میکنیم و درعوض امروز نتیجه کلمه شرع این شد جناب آقا در اوایل عبور کربه در خانه آقا نمی شد چرا که چیزی پیدا نمی کرد واش یواش جناب آقا صاحب دراز گوش کردیدند و بعد بانتری و بعد اندرشکه و بعد به اتومبیل خانه را هم تعمیر کرده یک اندرون و بیرون مفصل با یک حمام اندرون که درب کل خن حمام را در شارع عام انداخته وکسی هم قادر نیست حرف بزند و فعلاً جناب آقا دارای چندین ملک و ساع و اسباب هستند وکسی هم نیست که حس نماید جناب آقا این تجارت را از کجا کرده که دارای این همه ثروت حدنگفت گردیده است هرید بر همه عیالی را که اختیار کرده است از خانواده قاجار این بود نتیجه کلمه شرع آقا (حال ای وکلای دوره ششم محض رضای خدا شما ان کلمه شرع آقا را مجرا نفرمائید چرا که ما بیچارهگان بد بخت آواره از وطن بدرد خودمان مبتلا هستیم کاری نکنید یک عده دیگر اواره کرده برعده آواره شدگان بیفزائید یاانکه بدل وکلای سابق پارلمنت که کعبهٔ ملت ایران است قهوه خانه دیگر آقا خیابان چراغ برق اقبال خانه اش قرار دهید ما گدا هستیم ما گدا بدبخت اسیر هستیم بنام پناه گاه پشتی بان عام کار خانه نداریم جهازات جنگی خط آهن نداریم همه این آرزوها را از کعبهٔ خودمان می نمائیم در خاتمه عرض کنیم می ترسیم دوره ششم هم یک مشت تریاکی یا آخوند یا روضه خوان امثال دوره های سابق باشد و این حسرت را بگور ببریم

[یکنفر آواره از وطن]

از بندر بوشهر مینویسند

(۱) زمان انتخابات این دوره ششم پارلمنت ظاهراً در این نقطه خاتمه یافت و آقای شیخ علی امیر شفق سرح درجه اول و آقای میرزا محمد علی خان بن مرحوم ... قلی خان اعظام السلطنه که مادرمان از حالش و معلوماتش اطلاع ندارند درجه دویم در وکالت واقع شدند چیزی که باعث مایوسی اهالی در دوره انتخاب شده همانا مداخله عالی رئیس نظمیه است که با وجود تلگرافات اکیده از طرف اولیاء دولت در عدم مداخله باز دست از دسیسه و اقترابات ... بر نداشته در ظاهر و در خفا از حساب اهالی جلوگیری شد و اشخاصیکه خود قبلا دیده برای گرفتن تعرفه رسانیدن مقدم میدانستند اگر چه طرف ملامت خود اهالی هم از دانی و عالی هستند آنها نیست مگر بواسطه نفاق و بیعلاقه گی در امور انتخابات خاصه کله بیش از آقایان انتظار میرود که موقع خوبی را بدست دسیسه کاران داده که تااین اندازه درحقوق حقه اهالی مداخله و آشوب نماید وخود ساکت نشسته و تماشاچی شوند

§ زدست غیر چه نالم که هرچه هست از ماست §

(۲) جشن تاج گذاری اعلیحضرت پهلوی در کمال اجلال و نهایت شکوه در بوشهر منعقد و تمام ادارات دولتی خاصه اداره محترم نظام و حکومتی و بعضی تجارت خانهای محترم آنچه قابل و شایسته این جشن بزرگ بود فروگذاری نکردند و مردم دسته دسته برای تبریک و تهنیت در ادارات حضور بهمرسانیده و سهیم شادی و سرور گردیده و آتش بازی در دو شب بعمل آمد دوییمن شب جشن نمایندگان و قنسولات خارجه و رؤساء دوائر دولتی و و تجار خارجه در اداره حکومتی برای صرف شام دعوت شده بودند الحق مهمانی مجلل و شرافت مندانه بود که نظیرش نادراً در بنادر دیده شده که بیادگاری این جشن سعید داده شده است روز جشن

در دار الحکومه سلام عام از طرف ماموورین محترم و صاحب منصبان قشونی داده و تجار و اعیان هم حاضر بودند خطابه ذیل را آقای میرزا محمد اسمعیل قرائت نمود

(صورت خطابه)

§ منت خدایرا که بماند آسمان §
§ بنشست بر وسادهٔ شاهی خدایگان §

امروز یگانه نشانهٔ عظمت و حشمت و اجلال باستان و بهترین و نیکو ترین یادگار بافروشکوه و اقبال برای نیاکان ما ایرانیان است امروز مرز و بوم ایران ما جوانی و شادمانی را از سر گرفته و بشارتهای جانبخش و نویدهای روح افزا میدهد عجیب فرخنده روزی است غریب خجسته روزگاری است که ایران را زندگانی جدید و روانی تازه پیدا شده

§ جهان دیگر باره جوانی از سر گرفت §
§ دولت پاوندیان زمام کشور گرفت §

امروز روز تاج گذاری شاهنشاه معنوی ایران اعلیحضرت پهلوی است که خدایش از شر دشمنان و اهریمنان محفوظ دارد هموطنان گرامی از وجود با جود این شاهنشاه محبوب وطن ما زندگی را ساز کرده و گذشته های سیروس و داریوش را آغاز نموده است سپاس گذار شویم از همت بلند پایه اش مملکت ما که در اثر سهل انگاری و عیاشی پادشاهان سلف صورت ملوك الطوایفی پیدا کرده بود امن و امان شده و یاغیان و گردنکشان سر اطاعت و بندگی بمرکز مملکت خم نموده روح مایت در کالبد فسرده ما مجدداً حیاتی تازه بخود گرفته است و یك درجه این مملکت از مهالك و مخاطرات بزرگی که گمان میرفت نجات یافته و ایرانرا در نظر اجنبیان مفتخر و سرفراز نموده و معنی الیوم اتممت علیکم نعمتی بروز و جلوه‌گر ساخته و بعد از یکصد شصت و نه سال روزگار فرهی و خوشی برای ما پدید گردیده البته باید شهریار تاج گذار را سپاس گذاری کنیم و خود را امیدواری دهیم که بسط معارف را بیش از پیش دهد و خودرا مژده داده میگوئیم

§ باش تا صبح دولتت بدمد §
§ کاین همه از نتایج سحر است §

در خاتمه رجامندیم که ماموورین محترم بنادر تاسی بذات اقدس شاهنشاهی جسته در رفاهیت و آسایش اهالی بنادر اهتمام بفرمایند و نام خود را در سر لوحه فضل و ترقی و تعالی بنادریان بیادگار گذارند

§ پهلوی چون صاحب تاج و سریر آمد همی §
§ تاج و تخت پادشاهی دلپذیر آمد همی §
§ عقل کل شه را مشار و نفس کل شه را مشیر §
§ خوش بزی کانت مشارایند مشیر آمد همی §
§ مرز و بوم جم تهی گشت شد زشیران ژیان §
§ مژده گز مازندرانش باز شیر آمد همی §

از اصفهان می نویسند

شرحی در شماره ۹ ذیل عنوان « از اصفهان مینویسند » بدون امضا مندرج بود برای رفع ا... متذکر آمده که آیا نویسنده اصفهانی است یا نه دولتی سروکار دارد یا خیر؟ آیا عکس ا... تقاضاهائی داشته و مورد قبول واقع نشده است آیا در عدلیه دعوائی داشته و محکوم شده است ؟

آیا شما شخصاً بمندرجات مکتوب عقیده دارید و آیا این اخبار را کاملا خالی از آلایش میدانید الحاصل حسن علی خان هدایت حاکم اصفهان آدم شرافتمند و شرافت دوستی است نجیب و اهل فضل است میدانید این قبیل اشخاص کمتر پیرامون تعدی و ظلم میگردند سردار اعظم رئیس قشون اصفهانی است و با اصفهانیها سروکار دارد در اصفهان علاقه دارد نمیتواند ستیزه‌گی و تند روی کند

احمد علیخان نظمیه بان اصفهان را خوب اداره کرده است در چنین سالی خیلی دشوار بود که ارزاق را فراوان و بالنسبه ارزان نگاه دارند البته حسن تدبیر بفرج داده است

عدلیه هم ـــ همه جا بد است بلکه شاید جاهای دیگر بدتر باشد و اگر بسنجید بجاهائیکه محکوم و محکوم له هر دو ناراضی هستند در این صورت باز اصفهان

دوائر دولتی اصفهان بد نیست رؤسای دوائر ما از اخلاق انوشیروان عادل نیستند پرفسور و دکتر هم نیستند ولی برای اصفهان این خوب هستند اگر شکایتی باشد از اصول تشکیلات ساختمان چندین هزار ساله ایران است که انهم با... باشد فلسفه نمی بافم و استدعا میکنم چون اصل مکتوب مندرجه شماره ۹ بدون امضا است مراتب فوق را بدون امضا در ذیل عنوان « از اصفهان مینویسند » در حبل المتین امر به درج فرمائید

انتخابات اصفهان تمام شد آقایان عماد السلطنه وزیر عدلیه ـ جلال السلطنه ـ امین التجار از شهر و شیروانی مدیر میهن از قمشه و غلام حسین میرزا از نجف آباد انتخاب شدند

با وجود انکه انجمن نظار اصفهان از تمام...

کاندیداهای تشکیل شده بود و جز سه نفر فوق بقیه مأیوس شدند تمام نظار از دوائر دولتی مربوطه اظهار تشکر کردند در صورتیکه ایشانهم انسان هستند حب و بغض دارند و لابد در قلوبشان طرفدار بعضی کاندیداها بودند

در اینصورت تصدیق می فرمائید که اهالی اصفهان حیث روسای دوائر دولتی زیاد با رعیت بوده اگر از سائر شهرها مقدم و برتر باشند البته حق نی نیستند چنانچه قطع نظر از کشمکشهای قدیمی وکالت حقاً انتخابات اصفهان عادلانه انجام گرفت

حبل المتین

نگارندگان محترم همه اصفهانی هستند موفق و مقیدیم ما باین قائم اند چه توان کرد

§ متاع کفر و دین بی مشتری نیست §

§ یکی آن دیگری این را پسندد §

خروج کلیهٔ نظامیان انگلیس

(از حالت ایران)

بر حسب انتشار جراید طهران سفارت دولت انگلستان مراسلهٔ در ۵ آوریل ۱۵ فروردین بوزارت امور خارجه ارسال و اشعار میدارد که غیر از چند مراسله طبی که بفاصله چند روز حرکت خواهند کرد تمام سکورت هندی که در کلیه بنادر بودند لکلی این ها را تخلیه و بمراکز خود مراجعت کرده اند .

حبل المتین

ما در شماره های گذشته باین معنی اشعار نموده گفتیم که حتی ۵۰ نفر سربازانی که در جزیره هنگام قیام داشتند به هندوستان بازگشت نمودند و ما این رازمندی دولت انگلیس را هم قسم تقدیر مینمائیم ولی باید دانست که بحرین نیز در خلیج فارس شامل و جزلاینفک ایران است امیدواریم در عوض نظامیان هندی نظامیان ایرانی گذارده آید گویا حالا دیگر وقت آن رسیده باشد که مامورین انگلستان جزیره بحرین راهم بایران واگذارند

این نکته را هم ناگفته نتوانیم گذارد که ایرانیان همه منتظر اندکه دولت انگلیس ازروی دوستی با دولت پهلوی درابنای خلیج هم همان کند که در خاک کرده است یعنی دخالت های بحری را هم از آبنای خلیج مرتفع وحقوق آبی ایران را هم مسلم دارد میگویند که دولت شوروی روس هم که هنوز در سواحل بحر خزر بایران زیادتی میکند در عوالم رقابت از روی مقابله بمثل در خلیج فارس است همسایگان راست اگر دوست و مساعد با مایند حقوق بحری و بری ایران را یکسان محترم دارند پورت انزلی و بحرین بایران واگذار آید - روس وانگلیس در تبدلات دریای خزر وآبنای خلیج فارس همه گونه بیطرفی اختیار کنند هنوز فیروزه وآشوراده نیز بایران سپرده نیامده البته انگلیسان عاقل وسلیم اند ولی تاوقتی که طرف پی بحقوق خود نبرده وحق خویش را مطالبه نکند بلکه در احقاق حقوق خویش جداً نایستد آن را قابل تعادل و بتساوی حقوق نمی شناسند ایرانی ها باید بدانند که عموماً اروپائیان ملت متمدن آن را میدانند که درحفظ حقوق خویش نزاکت خرج نداده خشونت اختیار کند این خیال خام است که با مراعات نزاکت در مقابل عنصر اروپائی بتواند حقوق خویش را محافظه نماید حالا دیگر وقت آن رسیده است که دولت ایران حقوق بحری خود را هم محافظه کرده آبنای خود را هم از مثل خاکهای خویش شمارند مکرر نگاشته ایم که رکن رکین استقلال ایران همانا محافظه آبنا های شمال وجنوب اوست و آنهم جز در سایه اداره بحری صورت نتواند بست - امیدواریم که اعلیحضرت پهلوی در این موضوع اهم نیز توجه مخصوص مبذول دارند چه مملکت بی ساحل حکم آدم فالج را دارد وسواحل بی تجهیزات جنگی مانند دروازه بی دربان است - ایران تعلق و روابطش با ملل تربیت بحصر سواحل اوست وازین موقعیت فایده حاصل بتوانند کرد که باندازه خود دارای قوای بحری وتجهیزات جنگی وتجارتی باشد

خصوصی

۱ - آقای سلطان خان مظفری را بعوض آقای غفاری جهة حکومتی این محل انتخاب کرده‌اند ما این انتخاب را تبریک گفته و از شخص مظفری که حقیقتاً یکنفر صاحب منصب رشید ملکه با اخلاق و نجیب است تمنا میکنیم همان نحویکه درقسمت طوالش نیابت حکومتی را عهده دار بودند و اهالی ان سامان کمال رضایت را از مشار الیه دارند بایستی دل این بیچارگان فشار دیده را هم بدست بیاورد

۲ - از قرار اطلاع خصوصی از محل و شخص موثقی که بحقیر رسیده ۱۴ مارس هذالسنه نماینده (چاپار) ترکیه که حامل نامه جهة سفارت کبری از باب عالی است به پهلوی دژ ورود کرده سپس عازم طهران خواهد شد

۳ - چون اعلان انتخابات دوره ششم از طرف اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بتمام قسمتهای ایران داده شده لذا اکثر اهالی پهلوی دژ هم بفکر و دو افتاده و کاندید های خودرا که آقای کی استوان و یکی از مردمان صالح و پاک دامن و وطن دوست است کاندید نموده در صدد اند که برای دومین دفعه به کرسی مجلس بنشانند ما این حسن ظن اهالی را تقدیس گفته و تبریک میگوئیم

۴ — در اثر متحدالمال ۱۸ دی راجع به عوارضات تجارتی اهالی این بندر مهم قدری بلکه کاملا از فشار فوق‌العاده کارکنان بلدیه و معارف آسوده شدند زیرا تمام این عوارضات مالیه (وجه راه حق بلدیه حق معارف وغیره) بموجب کمیسیون مجلس شورای ملی از میان رفته فقط گمرک از مال‌التجاره مقداری وصول کرده جزء عایدی گمرک محسوب می دارد

۵ — آقای گرگانی عضو مالیه پهلوی در اثر خیانتی که آقای آزبر رئیس مالیه در گرگان اشتغال مشغول کرده چندروزی حسب‌الامر از مالیه خارج فعلاً سرگردان در رشت و دو است که در سپرده خود مرتب کند

۶ — در اثر دزدی و خیانتهای بیابانی مامورین مالیه قسمت رشت پیشکار مالیه گیلان و مازندران امر داده که ماشین سیکار بری را به رشت برده تا تحت نظر خود نگاه دارد

(مخبر)

ریف و دولتین فرانس و اسپانی

عاقبت فرانس و اسپانی توام برای صلح با ریفیان حاضر شده در ادج نمایندگان قبایل ریف با نمایندگان اسپانی و فرانس ملاقی آمده گفتگوی صلح درمیان آمد می گویند با اینکه فرانس و اسپانی قصد نموده‌اند با امیر عبدالکریم طرف صلح نخواهند شد تمام نمایندگان ریف که برای صلح در ادج آمده همه از بستگان امیر عبدالکریم اند - امیر عبدالکریم بوقایع نگار یک از جراید انگلیسی اظهار داشته که من یکمرتبه دست خود را بطرف دشمنان خویش برای صلح دراز کردم اگر کامیاب نشد سپس از طرف من اقدام به صلح نخواهد رفت و نیز گفته که ادج را ما هیچگاه از دست نتوانیم داد ریف استقلال خود را می جوید رفع اختلافات سرحدی چندان مشکل نیست اگر فرانسه با ما صلح کند ریفیان برای خارج نمودن اسپانی از خاک خود کافی تصور می‌شوند مادر سپردن طوعن به اسپانی باشرایط مخصوص انکار نداریم ولی هیچگاه ادج را از دست نتوانیم داد اسپانی و فرانس یک از شرایط صلح شان این است که امیر عبدالکریم محترماً ترک ریف‌را گوید و گمان امیرود که این شرط منظور ریفیان آید فعلا التوای جنگ اعلان شده باید دید که کار مصالحت بکجا خواهد انجامید تهدید ایطالی در باره تانجیر و سواحل ریف بیشتر فرانس و اسپانی را متمایل به صلح ساخته فرانسه‌ها اینوقت حاضر نیستند که داخل در مناقشه با ایطالی شوند درحالتی که میدانند در باطن انگلیس هم با ایطالی شامل است اگرچه ریفیان خیلی صدمه یافته ولی بعقیده منصرین یک گونه آزادی و خودمختاری که هیچگاه فرانس و اسپانی تسلیم نه نموده اند بالها خواهند قبولانید و یک از شرایط صلح را که فرانسه پیش نموده آن است که ریاست سلطان مراکو را ریفیان تسلیم کنند آنها می گویند ریاست روحانی سلطان مراکو را قبول میکنیم بدون اینکه در معاملات سیاسی و ملکی تسلیم سلطان بشوند این شرط را گویا ریفیان تا درجهٔ منظور نموده اند باقی شروط صلح موقوف و از طرفین برای کسب تکالیف بمراکز خود عودت نموده اند تا تاریخ ششم مجدداً مجتمع خواهند آمد اگرچه فرانسه تهدید می کند که اگر ریفیان بشرایط صلح وی گردن ننهند فوری شروع بمهاجمه خواهد نموده و بیش از آنچه در شرایط صلح رعایت در حق ریفیان نموده نخواهد نمود ولی معلوم است که این سخنان تهدیدات سیاسی است و فرانسه هم خیلی خسته و می خواهد بهر وسیله ممکن باشد خویشتن را از این جنگ نجات بخشد و صلح باعزتی تحصیل کند

با اینکه ده دولت قوی الشکیمه فرانس و اسپانی مهمترین قوای خویشرا براً و بحراً وجواً درمقابل یکمشت ایلات بی‌سرو سامان یکسال ایطرف حاضر ساخته اند که تا آخرین قطره خون خودرا در راه استقلال و آزادی وطن محبوب خود فدا سازند با اینکه میگویند دریک میدان از دول فرانس و اسپانی توام حمله بر برخی نقاط مهم امیر عبدالکریم برده آن سیرتیشه هیجارا عقب نشانده اند ولی ازطرف دیگر ریفیان بنقاط اسپانی حمله برده باخسارات زیاد آنها را از جای کنده اند تلگرافات اخیره ظاهر میدارد که اسپانی قوای خود را در ملیله مجتمع می‌کند وخوف آن دارد که امیر عبدالکریم حمله بر انجا نماید الحق ریفیان عجب همت عالی دارند خوب است مسلمانان دنیا شجاعت و فداکاری و استقلال جوئی را از ایشان تقلید نمایند تا امروز بازهم از مسلمانان عالم هیچگونه صدای احتجاج برخلاف این اقدامات مظلوم کشانه فرانس و اسپانی بلند نگردیده و بزرگترین غلطی مسلمانان دنیا همین سکوت شرم‌آوراست اگرچه ما هم تصدیق داریم که فقط بلند نمودن صدای احتجاج مفید بحال ریفیان نیست ولی زندگی مسلمانان را ثابت نموده هم متجاوزین تادرجه مرعوب می‌شوند و هم مدافعین ریفی قوی دل می‌گردند و تا این درجه هم در عوالم انسانیت مسلمانان بعض دیده نمی‌شوند ولی

§ آنچه البته بجائی نرسد فریاد است §

عاقبت‌فرانسه با تدابیر سیاسی نائل شد که یکه تاز

بردار شجاعت و شهامت امیر عبدالکریم خویشتن و
نکنند شجاعت خیز ریف را بمروت و انصاف فرانسه
سپارد بعلاوه باید دید که فرانسویان با این جوان مرد
و شجاعان ریف چه سلوکی خواهند نمود تلگرافات
اخیره ظاهر میدارد که امیر عبدالکریم را از خطه
ریف بکمال احترام حرکت داده اند

نمایشگاه فیلادلفی

نمایشگاه صنعتی فیلادلفی انحصار فروش قالی را
به کمپانی خارجی واگذار کرده است
چون اشیائی که از ایران به نمایشگاه ارسال میشود
غالبا قالی می باشد از طرف وزارت فواید عامه به
... اشعار گردید که این تصمیم لطمه بزرگی
به فروش اشیاء ارسالی ایران وارد خواهد ساخت مقتضی
است باین تصمیم یا انحصار فروش قالی صورت خارجی
داده نشود

تسطیح راه

اهالی استراباد و شاهرود از وزارت فواید عامه
تقاضا کرده از نقطه نظر اهمیت تجارتی امر داده شود
هر چه زودتر راه بین استراباد و شاهرود تسطیح
و عراده رو شود و حکومت استراباد نیز لزوم شوسه
شدن راه مزبور را حس کرده وزارت خانه پیشنهاد
اهالی را تصویب و مخارج راه سازی را پیش بینی
و جزو بودجه هذه السنه خود منظور تا پس از تصویب
شروع باقدام نماید

راه خرم آباد

مسیو ترتسکی راه سازی محمره پس از تکمیل
کارهای مربوطه راه مزبور روز گذشته بسمت
محمره و خرم آباد رفته است

(ایضاً)

از طرف وزارت فواید عامه به وزارت جنگ
مراجعه گردیده که کلیه آلات وادوات راه سازی خط
بروجرد وخرم آبادرا تحویل مهندس اعزامی بدهند
مسیوترتسکی رئیس سابق راه آهن تبریز که برای
ریاست راه سازی محمره انتخاب شده است از تبریز
وارد و قریبا بسمت ماموریت عزیمت خواهد کرد
۵۰ نفر نظامی بر حسب تقاضای آن وزارت خانه
باختیار ترتسکی واگذار خواهد شد که مساعدت های
لازمه در باره مواقع بنمایند حواله پرداخت مبلغ
هفتاد هزار تومان برای مخارج مقدماتی راه مزبور
نیز صادر گردید

حبل المتین

در حقیقت این اولین قدمیست که برای ساختن
راههای آهن ایران برداشته آمده امیدواریم خیلی
زود ایران از احتیاج عبور مال التجاره خود از خاک
بین النهرین بی نیاز آید و طولی نکشد که خطه حاصل
خیز خوزستان مقام اولیه خویشرا حاصل نماید - مشروط
بر اینکه مامورین دوائر بی افسار نمانده و کیف ما یشاء
حرکت ننموده برای چند شاهی فائده شخصی رعایای
بیچاره را متنفر نسازند - عدلیه خوزستان هنوز خیلی
ناقص است بلکه به عدالت محتاج تراست از سائر نقاط در
آینده در این موضوع نظریات مبسوطی نگاشته خواهد آمد

نقشه جنگلات ایران

چون قرار داد بین وزارت فواید عامه و کمپانی
یونکرس راجع بنقشه برداری جنگل ها بسا طیاره
خاتمه و بامضا رسیده است حواله پرداخت پنجهزار
تومان مخارج مزبور دو نوبت از طرف آن وزارت
خانه صادر و اداره یونکرس برای جلب چند نفر
متخصص به آلمان مراجعه نموده است که انتخاب و
استخدام شوند - وزارتخانه در نظر دارد پس از
برداشتن نقشه ۱۵۰ کیلومتر مربع نقشه سایر جنگل
های ایران را نیز بر دارد

کارخانه نساجی

آقای داور وزیر فواید عامه کارخانه نساجی مرحوم
صنیع الدوله رفته پس از معاینه حاضر شده اند که برای
دایر شدن کارخانه مزبور لازمه مساعدت را بعمل
آورند که در آخر ماه شوال کارخانه نساجی را افتتاح
و یکعده از اهالی را برای کار قبول نمایند -

حبل المتین

دو کارخانه نافع در اقتصادیات مملکت در طهران
دائر گردیده بود یکی کارخانه قند ریزی مرحوم حاجی
میرزا علی خان امین الدوله در کهریزک و دیگر کار
خانه نساجی مرحوم صنیع الدوله این کارخانه که
بحمدالله دائر شده و خدمات بزرگی هم باقتصادیات
مملکت خواهد نمود چقدر مناسب است که آقای وزیر
فوائد عامه توجهی نیز بدائر نمودن کارخانه قند ریزی
کهریزک فرمایند و اگر نواقصی هم پیدا نموده رفع و
دفع فرمایند کارخانه قند ریزی بزرگترین احتیاجات
ملت را انجام میدهد حالا که راه های شوسه عراده
رو همه جا موجود گردیده و اگر تصدیق هم بشود که
چغندر کهریزک کافی از خوراک کارخانه نیست
میتوان از چغندر های قرات و دهات دور
و نزدیک با کامیونهای بارکش بکارخانه رسانید مقصود
این است که باید توجه وزارت فوائد عامه این
کارخانه جات بیکاره که راه افتد بسیاری را بکار
وا میدارد و احتیاجات ملی را هم رفع میکند و اقتصادیات
مملکت هم خدمت می نماید -

برای تاسیس مدرسه

اداره کل صحیه در نظر گرفته است برای تکمیل تحصیلات طبی نسوان مدرسه طبی در مریضخانه نسوان تاسیس نموده و بعداً هائی عالیه استخدام نماید که پس از چند سال طبیبه های قابلی تربیت شده و با دیپلم دکتر از مدرسه خارج شوند

موافقت نظر

در نتیجه اقدامات وزارت فوائد عامه و کمپانی نفط ایران قرار شده به مستخدمین ایرانی کمپانی که در موقع ماموریت صدمه وارد بالنتیجه تلف میشوند در آتیه کمپانی نصف حقوق متوفی را بورثه تا زمان رشد میپردازد یا آن که ششماه از حقوق آنها را اتفاقی تادیه نماید

خوزستان و جشن تاجگذاری

البته خوانندگان محترم حبل المتین مسائل بهاستین و حسب اطلاع اخبار مسرت بخش این جشن تاریخی هستند لهذا این نگارنده که در محمره از وضعیت مسرت و خوشحالی به تماشای آن بهره ور شده بود یک شمه از آن را بعرض می رساند روز یکشنبه چهارم اردی بهشت مطابق دستور مرکز جشن تاجگذاری شروع و حضرت امارت لشکر و حکمران خوزستان بمحمره تشریف بردند آئین بندی و ترتیبات جشن در محمره مقرر روسا دوائر دولتی و قونسولات انگلیس و روس و شعبات بانک شاهنشاهی و مدیران شرکت نفط ایران و انگلیس مطابق پروگرامی که قبلا تعیین شده بود بحضور در جشن دعوت شده بودند ۳ ساعت و نیم بعد از ظهر سلام در دار الحکومه در مقابل تمثال همایونی منعقد گردید عده نظامی ساخلوی و صاحبمنصبان و روساء ادارات دولتی حضور یافته شاهیت توپ از جهازات در شط و محمره شروع گردید در خاتمه نظامیان در مقابل تمثال مبارک دفیله داده و یک فروند جهاز جنگی دولت فخیمه انگلیس هم برای شرکت در جشن مأمور بود ولی بواسطه کمی آب کارون نتوانست نزدیک بیاید از ابتدای شط ۲۱ تیر توپ سلام داد مطابق پروگرامی که قبلا معین شده بود ٤ بعد از ظهر متدرجاً نمایندگان خارجه با لباس تمام رسمی و سایر حضرات آقایان علماء اعلام و وجوه اعیان و مشایخ برای عرض تبریک حضور بهمرسانیده و تا شش بعد از ظهر آمد و رفت تجار و اصناف ادامه داشت در همان شب دعوتی از تمام آقایان روسای ادارات و قونسولات انگلیس و روس و روسای بانک و شرکت نفط ایران و انگلیس و صاحبمنصبان بحریه دولت انگلیس که مالغ بر چهل نفر میشدند در سالون جهاز خزعل نزول آمده و صرف شام نمودند تا قریب نصف شب این مجلس پر طنطنه و با شکوه انعقاد داشت و بانوهای جان بخش ایرانی مشغول ترنم بودند کلیه وسائل نقلیه شطی تزئین شده و بیرقهای سه رنگ در جلو جهازات و موتورهای شطی در اهتزاز بود و در دو جهاز دیگر عده از نظامیان ساخلوی در حرکت و با سرودهای نظامی رطب اللسان بودند در حقیقت تمام مرد و زن و کلیه ساکنین محمره با شادی و خرمی و سازنده ها تا اواسط شب در روی آب تفریح نموده و در حرکت بودند در سر میز شام حضرت امیر لشکر و حکمران خوزستان به سلامتی ذات اقدس شاهنشاه جمجاه محبوب ملت ایران نطق بلیغی ایراد نموده و بسلامتی نوشیدند و از طرف قونسول انگلیس هم به همان مضمون در جواب ایراد نطق گردید شب دوم حاجی محمد علی رئیس تجار اجازه خواسته بودند در جهاز خزعل مهمانی با شکوهی به افتخار این جشن از تمام آقایان نامبرده اجازه داده شد و ایشانهم وسائل مهمانی را کاملا فراهم آورده و از طرف کمپانی و شرکت نفط از سه محل جشن کامل ادامه داشته و شرکت نمودند ـ

بواسطه وضعیات جغرافیائی این جشن محمره گوی سبقت را از سایر شهر های ایران حتی از طهران هم ربوده بود زیرا امتداد جلو شط بواسطه انعکاس چراغ های الکتریک منظره جالب توجهی را بخود گرفته بود تمام ادارات دولتی و ساکنین محمره آئینه بندی نموده و با قلبی پر از احساسات شرکت در چراغانی نموده بودند این شب یکی از شبهائی است که در محمره نظیر نداشته در ناصری هم کلیه ادارات دولتی از قبیل مالیه گمرک نظمیه تلگرافخانه اداره ساخلوی وغیره چراغانی مفصل نموده بودند سایر نقاط خوزستان شوشتر ، دزفول ، رامهرمز ، مسجد سلیمان مشایخ فلاحیه وغیره هر یک بنوبه خود از هر جهت تزئین و چراغانی نموده اند در واقع سه شب در کلیه خوزستان ادامه جشن بر قرار بود ـ و داد شاه پرستی دادند

جشن تاجگذاری اعلیحضرت پهلوی

تلگرافات خارجه خبر میدهند که پنجم اردی بهشت جشن تاجگذاری اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی با کمال ابهت و شکوه انجام پذیرفت طهران کمتر روزی بخود مانند ابهت و شکوه دیده بود اعلیحضرت پهلوی او الاحضرت اقدس ولایت عهد بر تخت طاوس حقیقی قرار گرفته اند علما وزرا اعیان و تجار و رجال سیاسی و نمایندگان خارجی همه صف در صف ایستاده اعلیحضرت نطق شاهانه را ایراد و در شش دقیقه خاتمه یافت شهر همه قسم مزین و طیارات در آسمان طهران

ایران اورا تبریکه بسراهالی فرو میریخت سه شب
در همه جا جشن و چراغانی بود مردم همه از صمیم قلب
مبادرت بباین جشن نموده نوید خوشبختی در دولت
پهلوی را به یکدیگر میدادند اهالی امید واریهای بسیار
هم از این جشن به اقدامات دولت دارند

بقیه از صفحهٔ ۳

اعلیحضرت حضوراً نیز تبریکات و احساسات مارا
بشان اعلیحضرت وبرادر محترم اظهار خواهند نمود
« امیر امان الله »

جواب

اعلیحضرت امیر امان الله خان
از تبریکات ملاطفت آمیزی که ان اعلیحضرت در
موقع جشن تاجگذاری تلگرافا و توسط وزیر مختار
ابلاغ فرمودند فوق العاده متشکر و خواهشمند است
ادعیه خالصانه مرا قبول فرمایند
« رضا شاه پهلوی »

از واشنگتن

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی
از طرف دولت وملت امریکا با نهایت خوش
وقتی این جانب مراتب تهنیت را بمناسبت تاجگذاری
مسعود اعلیحضرت همایونی تقدیم میدارد
امیدوارم صحت و خوشوقتی نصیب اعلیحضرت
همایونی گردد امیدوارم در ایام سلطنت همایونی
روابط ودادیه قدیمی که مملکت مارا با یکدیگر مرتبط
ساخته است دائماً مستحکم و همچنین تشریک مساعی
متبادل بیش از پیش برقرار گردد (کالون کولیج)

جواب

جناب کالون کولیج رئیس دول متحده امریکای شمالی
از تبریکاتی که اظهار فرموده بودید نهایت
مسرت و امتنان حاصل با نهایت خوشوقتی ادعیه
خالصانه خودرا برای عظمت ملت نجیب امریکا ابراز
داشته امیدواریم در زمان سلطنت ما روابط قدیمه
که دو مملکت را بیکدیگر مرتبط داشته بیش از پیش
مستحکم گردد (رضا شاه پهلوی)

از لندن

اعلیحضرت پادشاه ایران
دراین موقع که مراسم تاجگذاری آن اعلیحضرت
عمل میاید موقع را مغتنم شمرده احساسات نیك شخصی
خودرا که نسبت بان اعلیحضرت حاصل است ابراز
میدارم و با خلوص نیت امیدوارم ممالك در تحت
سلطنت و هدایت آن اعلیحضرت ترقی و تعالی نماید
ژرژ شاه و امپراطور هندوستان

جواب

اعلیحضرت ژرژ پادشاه انگلیس و امپراطور هندوستان
از تبریکاتی که آن اعلیحضرت در موقع تاجگذاری
من ابراز داشته بودید نهایت خوشوقتی حاصل تشکرات
شائقانه و ادعیه خالصانه خود را برای سعادت و
عظمت ممالك آن اعلیحضرت اظهار میدارم
رضا شاه پهلوی

از پاریس

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی طهران
بمناسبت تاجگذاری اعلیحضرت همایونی نهایت خوش
وقتم ادعیهٔ خالصانه خودم را برای شرکت و عظمت
سلطنت اعلیحضرت همایونی و ترقی مملکت ایران
تقدیم مینمایم کاستن دو مرك

جواب

جناب آقای کاستن دو مرك
رئیس جمهوریت مملکت فرانسه
از ادعیهٔ که ابراز داشته بودید نهایت مسرت حاصل
خیلی خوشوقتم تشکرات خالصانه خودم را اظهار دارم
رضا شاه پهلوی

(از بوداپست)

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی طهران
بمناسبت تاج گذاری اعلیحضرت همایونی عمیق
ترین ادعیه خود را برای سعادت شخصی و عظمت
سلطنت اعلیحضرت همایونی تقدیم میدارم
« هرتی حکمران هنگری »

(جواب)

جناب اشرف ویس آمیرال هرتی حکمران
(مملکت هنگری)
از ادعیه که اظهار داشته بودید نهایت مسرت
حاصل تشکرات دوستانه خود را ابراز میدارم
« رضا شاه پهلوی »

(از پراك)

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی طهران
بمناسبت تجلیل تاجگذاری اعلیحضرت همایونی
تبریکات خالصانه و بهترین ادعیه خود را برای سعادت
شخصی و عظمت مملکت اعلیحضرت همایونی تقدیم
میدارد « ماساریك »

(جواب)

جناب مسیو ماساریك رئیس جمهور
(مملکت چك اسلاواکی)
از تهنیتی که اظهار داشته بودید نهایت مسرت
حاصل مراتب امتنان خود را ابراز میدارم
« شاه رضا پهلوی »

جناب مارشال ون هیندنبورك
رئیس جمهوری آلمان
از ادعیه که ابراز داشته بودید نهایت مسرت حاصل
تشکرات شائقانه خودرا اظهار میدارم
(رضا شاه پهلوی)

(از وین)

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی طهران

در اینموقع تاجگزاری تبریکات خالصانه ام را قبول فرمائید «هینش»

(وین)

جناب میسو هینش رئیس جمهور ممکت (اطریش)

از تهنیتی که اظهار داشته و دید مراتب مسرت حاصل و امتنان خود را ابراز میداریم «رضا شاه پهلوی»

(از روم)

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی

از آن اعلیحضرت مستدعی است ادعیهٔ خالصانه مرا که بنام دولت ایطالیا و شخص خود تقدیم میدارم برای ترقی مملکت ایران و سلامت مزاج مبارک قبول فرمایند «موسولینی»

(جواب)

جناب موسولینی رئیس الوزراء

ازادعیه خالصانه که ابراز داشته بودید نهایت مسرت حاصل مراتب امتنان خود را ابراز میدارم «رضا شاه پهلوی»

تبریک و تهنیت حجةالاسلام والمسلمین مولانا سید نجم الحسن از طرف مدرسة الواعظین در موقع (جشن تاجگذاری اعلیحضرت شاهنشاهی) (بتوسط وزارت خارجه)

مهتمم مدرسة الواعظین با کمال خلوص وصمیمیت پس از تبریکات صمیمانه تاجگذاری ادعیه خالصانه خودشانرا برای بقای عمر و دولت اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی عرض و تقدیم می نمایند

محمد سید نجم الحسن شمس العلماء مدرسة الواعظین لکهنو

جواب

جناب مستطاب آقای سید نجم الحسن مجتهد لکهنو

تبریکات جناب مستطاب عالی در موقع جشن تاجگذاری موجب مسرتهای خاطر ملوکانه گردیده امتنان خاطر مبارک شهنشاهی را تبلیغ می نمائیم (مفتاح)

حبل المتین

مدرسة الواعظین بزرگترین موسسه ابلاغیه اسلامیه است و خدمات شایان قابل تقدیر و تقدیس آن در عوالم اسلامی بیش از آن است که ما بتوانیم شرح دهیم البته این موسسه قابل آنست که محل توجه و تحت سر پرستی ذات ملوکانه واقع آمده شاخهای عدیده آن در کلیه شهر های ایران هم دائر گردد ما در این موضوع خیلی زود عقاید خود را تقدیم اولیای دولت علیه خواهیم نمود ـ

دولت در انتظار شماست

وقت قسمت آزمائی است

در شرکت خریداری بلیتهای بزرگترین لاتری طلای حکومت همبرک المان ضامن صحت عمل است

نخستین کشیدن بلیت های این لاتری ۹ جولائی سنه ۱۹۲۶ خواهد شد این لاتری مشتمل است بر ۲۰۰۰۰۰ بلیت در کشیدن شش لاتری تقریبا بلیت ۲۷۶۰۰ یقیناً کامیاب خواهد شد هر ماه یك مرتبه بلیت های لاتری را خواهند کشید

مبلغ تمام انعامات این لاتری چهار ملیون ۴۹۷۶۰۰۰ مارك طلا یا تقریباً ۲۴۸۸۰۰ لیره انگلیسی است

انعام اول برای صاحبان قسمت ۵۰۰۰۰۰ مارك طلا است یا تقریبا ۲۵۰۰۰ لیره انگلیسی

انعام های بزرك دیگر مارك طلا بموجب ذیل است

۷۰،۰۰۰	۲۰۰،۰۰۰
۶۰،۰۰۰	۱۲۰،۰۰۰
۵۰،۰۰۰	۱۰۰،۰۰۰
۴۰،۰۰۰	۸۰،۰۰۰

قواعد و ضوابط این لاتری بدرخواست کنندگان و نیز به خریداران بلیت مجانا فرستاده خواهد شد

قیمت بلیت کامل برای سه نوبت اول حسب ذیل است یك بلیت مکمل سه لیره ـ نصف یك و نیم لیره ـ ربع پانزده شلنگ ـ

قیمت بلیت های کشیدن سه لاتری دیگر نیز بر حسب فوق است اجرت پست برای فرستادن اسامی اشخاص انعام یافته شش پنس یا نیم شلنگ معین است

بلیت فوراً فرستاده خواهد شد پس از رسیدن وجه و بمجرد بیرون آمدن انعام هم مستقیما فرستاده خواهد شد وقت تنك است فوراً باید در خواست خریداری فرستاد آخرین موقع خرید بلیت ۲۰ جون و ادریس بر حسب ذیل است

ساموبل مکشر سینیر بنکر ـ

وامتور استریت نمره ۱۴ همبرك ۱۲۷ (آلمان)

ـــــ همین قطعه را خانه پری کرده بفرستید ـــــ

ورقه درخواست

مهربانی کرده بفرستید برای من ـــــ بلیت

برای اول ـــــ دوم و سوم

مبلغ ـــــ که لفا میفرستم

بذریعه سندات پست یا بانك ـ

اسم و ادرس کامل بطریق وضوح ـ

ـــــ

ـــــ

تاریخ ـــــ

پسته و خطوط معمولی سه پنس یا دو شلنك

حسب الامر مدیر ودبیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعه حبل المتین نمبر ۸۸ بندل روڈ طبع

(و از نمره ۱ ـ ۶ مکلیود استریت کلکته توزیع گردد)

حبل المتین کلکته — حبل المتین مجاناً احدی داده نمی‌شود — قیمت اشتراک

۱۰۶ مکلود استریت — از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل اونهٔ اخبار

کلکته — مقدم گرفته میشود — سالانه ششماه

کلیهٔ امور با — روز نامهٔ مقدس — هند و برمه

مدیر کل — ۱۸ روپیه ۱۰ روپیه

جلال الدین الحسینی موید است — ایران و افغانستان

دبیر ثانی ق . س . مؤید زاده — ۶۰ قران ۳۵ قران

ام . ای است — ممالک سایره

هر دوشنبه طبع و سه‌شنبه — سالانه

توزیع میشود — یک ونیم لیره انگلیسی

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم شنبه ۲۵ رجب المرجب سنه ۱۳۴۴ هجری مصادف با ۹ فروری سنه ۱۹۲۶ میلادی

تاریخ جلوس اعلیحضرت پهلوی

(ریختهٔ کلک جلال الممالک)

§§ خوب داند حساب خویش جهان §§
§§ این حساب بسی زکی باشد §§
§§ احمد از تخت چون فرود آید §§
§§ پهلوی جاش متکی باشد §§
§§ در حساب جمل هم ار شمری §§
§§ احمد و پهلوی یکی باشد §§

شقاوت تاریخی

آقا محمد خان قاجار پس از رحلت مرحوم شاه شجاع کریم خان زند و فرار از محبس و سلوک ناجیبانهٔ شرم آور که نسبت بهشیر بیشهٔ هیجا لطف علیخان زند نمود که نام قجر را تا ابد ننگین خواهد داشت همینکه مستولی بر کلیه ایران آمد حکم داد که جسد پاکیزه کریم خان زند را از قبر در آورده در طهران زیرپای او دفن کنند تا هر ساعت پای شقاوت کارانه خویش را بر جسد آن مرحوم گذارده باشد و الحق این خواجه بی‌ارزش شقاوت را ختم نمود اینک که اعلیحضرت پهلوی براریکه سلطنت کیان متکی آمدند بفوریت حکم دادند که نبش قبر ثانوی کریم خان را نموده آن استخوانهای جوهر ایرانیت را با کمال احترام بیرون آورده عکس برداشته در جایگاه مقدسی دفن نمایند

اعلیحضرت در آن وقت فرمودند که با پادشاه شجاعی مانند کریم خان زند که با شمشیر بران خدمات نمایان باین آب و خاک نموده شایسته نبود که چنین سلوک شود ما در آتیه شرح تاریخی این واقعه را گوشزد عالمیان خواهیم نمود و دیر نمی بینیم آن روز را که ایرانیان قصاص نموده استخوانهای ناپاک دشمنان این آب و خاک را نگذارند در خاک مقدس ایران مدفون ماند

§ محتسب خم شکست و من سراو §
§ ن بالسن والجروح قصاص §

العزة تحت السیف

§ سایه شمشیر بس رخشنده است §
§ هر که از شمشیر ترسد فنده است §
§ از کلام شیر حق یعنی علی §
§ عزت اندر سیف گردد منجلی §
§ تا که بد شمشیر در ایران زمین §
§ عالمی را داشتی تحت نگین §
§ تا که از شمشیر بیگانه شدیم §
§ خوار اندر چشم بیگانه شدیم §
§ پهلویا پهلوانی ساز کن §
§ جمله را با سیف حق دمساز کن §

این کلام قاطعه حضرت امیر علیه السلام چه در افراد و چه در اجتماعات شامل است هیچ قوم دارای هیچگونه عزتی نتواند شد جز در سایهٔ شمشیر قوم عرب که پست ترین اقوام دنیا بشمار بود در سایهٔ شمشیر آن عظمت و عزت را حاصل نمود که برای کمتر قومی در این عالم پیدا گردیده است تمام افتخارات تاریخی ایرانیان باستانی را وقتیکه بدقت نگریم دیده خواهد شد که همه از برکت شمشیر بوده هر قوم که دارای شمشیر باشد جمیع معائبش پوشیده است مثلا امپراطوران تزاری روس که متمدنین اروپا نسبت خونخواری و سفاکی و وحشی گری بالان میدادند عزت شان در سایهٔ شمشیر به پایهٔ قرار گرفته بود که دولتین فرانس و انگلیس که خویشتن را

مهد تمدن عصر کنونی جلوه گرمی ساختند عاجزانه دست اتحاد باو دادند و چشم از کلیه حرکات وحشت کارانه اش بربستند شمشیر لباس عزت هر قوم است شمشیر مایه افتخار هر ملت است قومی که شمشیر نکشد ندارد عزت ندارد پر دور نرویم سلاطین آل عثمان با آن بسط مملکت و آن همه کثرت نفوس رعایا از وقتیکه شمشیر را نهادند یعنی قوای عسکری خودرا مضمحل ساختند عزتشان رفت سلطنت شان منعدم گردید مملکت شان قطعه قطعه امد ولی نکذشت جوانان ترك در برکت شمشیر تشکیل یك دولت مقتدری داده که عزت امروزه اش از ابهت دیروزی آل عثمان کم نیست افغانستان وقتیکه در سایه قائد جوان بخت خود شمشیر نکشید کرف آن عظمت و اقتدار را پیدا کرد که در تاریخ افغان تالی اش دیده نشده است امیر عبدالکریم که در ریف جنگ نموده و دو دولت مقتدر اروپائی را با هفت صد هزار نفوس رقصاند چقدر در قلوب ملل دارای وقار و عزت گردید ... امیر عبدالکریم را دیده عزت او از برای چیست همه از برکت شمشیر است ایران کنونی ما در سایهٔ همم عالیه شخص شخیص پهلوی پس از یکصد واندی سال مذلت که کم کم میخواهد لباس عزت در بر نماید برای چیست اگر درست در کلیه پیشرفتهای ایران در این چند سال اخیره نظر انداخته آید دیده خواهد شد که آنچه پیدا کرده ایم همه از برکت شمشیر است یعنی اگر دارای مالیه صحیح مفتخرانه گردیده از برکت نظامیان بوده است اگر راه های شوسه ساخته شده و میشود همه از برکت نظام است امنیت این سرتا آن سر مملکت جز در سایهٔ نظام پیش نیامده ملوك طوائفی از ایران بواسطهٔ نظام مرتفع آمده وزارت خانها بسط گرفته بواسطه نظام است مدارس توسعه یافته بواسطه نظام است مختصراً آنچه داریم همه از نظام است و آنچه همه در آینده ممکن است دارا شویم در سایه نظام تواند بود پس عزت امروزه ایران را هم باید در سایه شمشیر نظامیان دانست حالا که این مقدمه مسلم گردید باید دانست هر قدر قوای نظامی ایران پیش آید عزت ملت و دولت ایران بیش تواند گردید ایران آن مقدار حیثیت بین المللی خود را که گم کرده پیدا نتواند نمود جز در سایه شمشیر ایران تا دارای یك کرور نظام تحت السلاح نباید هرگز نمی تواند عزت کم شده خود را پیدا نماید علاوه بر این عزت انفرادی ایرانیان هم در سایه شمشیر است بزرگترین نعمتی که بایران شده همانا نظام اجباری است و این قانون مقدس که از شرع محمدی گرفته امده بزرگترین سرمایه افتخار اتیه ایران تواند گردید تملق امروزی ایرانیان و چاپلوسی کلیه مبتلات نتیجه ضعف است و قانون اجباری نظام همینکه این ضعف را بقوت تبدیل داد اخلاق زشت چاپلوسی و تملق گوئی افراد هم مرتفع تواند گردید

پس هر ایرانی ذی عزت که طالب بود اعتزازات آتانی خویش است باید عزت خویشتن را در سایه شمشیر داند و این نکته را هم باید دانست که مصارفیکه در راه نظام شود اسباب ضیق مالیه مملکت نتواند شد چه از این دست دولت میگیرد و بدست نظام میدهد و بلافاصله از دست نظام در میانه سایر طبقات چرخ میزند

بهار مثل معروف که گفته اند کر بر اندازه پهلوان ایران اگر کمتر از یا صد هزار نظام دارا شود برحسب مقتضیات امروزه نمیتواند عزتی شایسته و در خور وسعت حاصل نماید و این نکته را هم نباید فراموش نمود که آن شمشیر دارای عزت است که عاریتی نباشد یعنی اگر ایران لوازم جنگی را تواند در خود ترتیب دهد مانند کسی خواهد بود که شمشیر عاریتی بدست او نباشد دارای عزت بالذات دفعه نخواهد آمد ژاپون اگر از خود جمیع لوازم جنگی را ترتیب نمیداد دارای عزت امروزه نتوانست بشود پس ایران علاوه برایکه نظام خود را مکمل کند لوازم نظام را هم باید در خود ایجاد نماید عزت از دست رفته ایران تاوقتیکه یعنی کامل دارای نظام صحیح نگردد حاصل نتواند گردید

باز هم ختم مقال خود را به کلام معجز نظام می دانیم (العزة تحت السیف)

سیاست تازه

ظاهر است که امروزه سیاست مدار غرب دوائین فرانسه وانگلیس الله بقول یك از سیاسیون آنان این دو دولت با صفای دل و خلوص نیت با یکدیگر متحد آیند یعنی درباطن کوشش نکنند یکدیگر را زمین زنند با هر قوه در شرق و غرب مقابله توانند نمود چه امروزه قوای بری فرانسه مسلم وحیثیت بحری انگلستان هم لا کلام است این دو قوت اگر یك شوند هر مسئله مهمی را از پیش توانند برد ولی چون بزرگترین اصول در سیاست بدگمانی از حریف است ازاین رو نمیتوانند بدوستی یکدیگر اعتمادنموده و به پشتوانی هم کارهای عمده را از پیش برخاند ترك سلاح که یك از مسائل مهمی است که از چهل سال باینطرف سیاسیون بزرگ را مشغول داشته دولت انگلیس میخواهد بذریعه جامعه ملل از پیش ببرد و عمده نقشه وی کم ساختن قوای فرانسه است که امروزه تمام اروپا

را متزلزل داشته و در هر آن میتواند یك انقلاب سیاسی بزرگ در غرب تولید نماید خواهش فرانسه این بود که بدواً باید دول ازیکدیگر ضمانت نموده سپس مسئله ترك سلاح را پیش آورند ولو در جامعه ملل انگلستان فاتح آمد ولی باز هم برای جلب توجه فرانسه بدواً قرار داد لوکارنو را بسته و تا درجه حرف فرانس را بکرسی نشانید یعنی از روی آن قرار داد تا اندازهٔ مسئله ضمانت را تصفیه کرد از آن بعد مسئله ترك سلاح که تا درجه از بین رفته بود مجدداً پیش آورده در ماه آینده در جامعه ملل موضوع بحث خواهد گردید. اگرچه گمان نمیرود این مسئله مهم بفوریت صورت عملی پیدا کند ولی بعید نیست یك اتحاد بین برخی ازدول بسته آید بعبارت ساده تریك محکمه حکمیت بین المللی تشکیل شود و بسیاری ازدول در آن محکمه شامل آیند - عقیده دانایان آمریك هم اینست که مسئله ترك سلاح تا وقتیکه محکمه حکمیت بین المللی قوت نگیرد صورت نتواند بست

آمریك اگرچه شمولیت درجامعه ملل را منظور نموده ولی فقط در مسئله ترك سلاح است و عقیده خود را از ابتدا ظاهر داشته که در مسئله ترك سلاح بحری شامل نیست فقط در موضوع سلاح بری شامل است - روس را نیز دعوت کرده او هم منظور نموده است از طرف دیگر دولت انگلیس برای پیشرفت مقاصد عمده سیاسی رعایت بزرگ در موضوع قرضه ایطالی نموده این مسئله را که ما به المناقشه بود مرتفع داشت فرانسویان را این مسئله تکان سیاسی داده جرائد شان نگاشتند این گذشت کریمانه انگلستان مبنی بریك پیشرفت سیاسی است و حالانکه فرانسه خیلی پیش از ایطالی حاضر باداء قروض خود بود و انگلستان رضا نداد جرائد انگلیسی می نویسند که قرب پانصد ملیون لیرا انگلستان تخفیف قرضه بایطالی داده است - مسلم است این گذشت بزرگ را دولت انگلیس بدون حصول یك منافعه عمده سیاسی ننموده است از طرف دیگر بمجرد تصفیه قروض ایطالی که میتوان گفت اساس اتحاد بین دولتین انگلیس وایطالی ریخته آمده مستر چمبرلین وزیر خارجه انگلستان بپارس رفته بامسیوبریان ملاقی آمده در موضوع کلیهٔ مسائل بحث کرده گویا تا یکدرجه تصفیه کرده اند آن مسائل راجع بمراکو بالکان وسط آسیا شامات ومصر وغیره بوده است گویا دراین مسائل که تادرجه ما به النزاع بود اتحاد کرده اند برخی هم چه تصور میکنند که چمبرلین ساعی است یك اتحاد مثلثی بین انگلستان و فرانس و ایطالی بربسته سپس مسئله ترك سلاح را در جامعه ملل تقویت بخشند و نتایجی که در جلوگیری نهضت شرقی مد نظر گرفته حاصل نمایند

کانفرنس ترك سلاح قرار بود که در پانزدهم فروری پیش آید ولی گویا بمناسبت تکمیل اتحاد فرانس و انگلیس و ایطالی در پانزدهم مارچ منعقد خواهد گردید این تعویق کانفرنس را مستر چمبرلین میگوید از طرف انگلستان نیست ولی هر چه باشد بمشوره انگلستان از طرف فرانس وایطالی بوده است اگر چه بسیاری را عقیده اینست که کانفرنس ترك سلاح خیلی زود منحل شده مزید اختلافات دول شرقیه و غربیه را فراهم خواهد نمود چه اضداد همه جمعند و جماهیر روسیه با آن نقشه های دور و دراز که ریخته ممکن نیست ترك سلاح گوید در حقیقت مسئله ترك سلاح باید در اروپا محدود ماند چه آسیا قرنهاست سلاح گذارده ولی در این کانفرنس بیشتر قوت خواهند داد که ملل آسیائی که تازه چشم باز کرده باوضاع عالم نگران آمده مقتدر بگرفتن سلاح نگردند ولی روس و ترك که دو دولت قوی آسیائی بشمارند هرگز زیر بار نخواهند رفت اماایران چنانچه سابقاً هم نوشته ایم از بعد معاهده ترکمنچائی که صد سال بالغ است همه روزه ترك سلاح گفته و میگویند اگر ایران دارای پانصد هزار نظام مسلح هم بگردد بازهم است بوسعت و فسحت مملکت و ایلات وحشی و سرحدات مخافه خویش گویا تارك سلاح بشمار خواهد بود هنوز در تلگرافات دیده نشده است که آیا جمهوری ترکیه نیز دعوت باین کانفرنس شده و قبول شرکت کرده است یا نه میگویند ژاپون حاضر بترك سلاح گردیده بیشتر برای اینکه چین نتواند سلاح بسر گیرد و بعقیده بعضی اگر مسئلهٔ ترك سلاح را هم دول یك صورت اتحادی در آورند طولی نخواهد کشید که مانند مجلس هیئت همه رشته های آن پنبه خواهد گردید تاوقتیکه حرص و طمع و علوی جوئی در طبیعت بنی نوع بشر باقی است جنك از عالم مرتفع نتواند گردید مسلم است که باوجود جنك سلاح هم موجود خواهد بود و این نکته را سیاسیون اروپا از همه کس بهتر میدانند که نه تنها جنك از این عالم مرتفع نتواند گردید بلکه جنك سبب بیشتر ترقیات دنیا واقع شده است فقط این هم یك بازی شطرنجیست که برای ملت نمودن حریفان ریخته آمده است

آقا خان و ایران

آقای سلطان محمدشاه آقاخان محترم ترین ایرانیانی استکه درخارجه سکونت دارند آقاخان بزرگ وسلسلهٔ ایشان مستغنی ازتعریف است پس از آنکه داماد خاقان باباخان فتحعلی شاه قاجار گردید والی ایالت کرمان آمد

وبواسطهٔ مخالفتی که با حاجی میرزا آقاسی وزیر محمدشاه داشت سر از انقیاد پیچیده در مقابل قشون دولت مقاومت نورزیده بقلعهٔ بم پناهنده و از انجا فراراً به هندوستان آمد دراینجا ما کار بتاریخ اولیه این سلسله نداریم فقط بمناسبت عنوان فوق که آقاخان وایران است برسبیل مقدمه باین مختصر اکتفا شد

سلطان محمد شاه که فرزند مرحوم علی شاه اند بنام جد خود آقا خان از بزرگی خویشتن را معروف ساخته اند این سلسله نه فقط ایرانی اند بلکه تاکنون ذکوراً و اناثاً بآداب اخلاق . معاشرت و زبان ایرانی اند و کمتر از خانوادهای ایرانرا سراغ داریم که مانند این خانواده با این طول مدت مهاجرت بخارجه به ایرانیت باقی مانده باشند از این است که ما باکمال دلچسپی عنوان مقاله خودرا قرار دادیم « آقا خان و ایران »

آقاخان یعنی سلطان محمد شاه عمراً بین چهل وپنج و پنجاه اند تعلیمات شان در فارسی خوب وزبان شان شیرین و نظر براینکه والده ماجدهٔ شان نوابه علیه شمس الملوک از خاندان نظام العلما و شاهزادگان قاجاریه اند مخصوصاً درحسن معاشرت و زبان فامیلی فارسی خیلی دقیق بوده و میباشند هنوزهم هرکس از خارج در خانوادهٔ ایشان وارد شود مثل آناست که داخل درخانه یك از امرای ایران شده است

آقا خان دارای چند زبان و معلومات سیاسی شان بسیار خوب است کمتر کتابی از مصنفین بزرگ سیاسی در انگلیس فرانسه آلمان یا روسی به طبع میرسد که بدست نیاورده و ملاحظه ننمایند علاوه براینکه رئیس روحانی یك فرقهٔ شیعه شناخته شده نزد کلیه مسلمانان هند نیز وقار شایان دارند و در حقیقت دیوان قائدی که جمیع طبقات اسلامیه هند وی را تسلیم دارند ایشان را دانست علاوه براین در نزد حکومت هند و دولت انگلیس هم دارای وقار شایان است چنانچه هزهائینس که بزرگترین لقبی است که بامرای هندوستان خطاب میشود بهجد وپدر وشخص ایشان ازطرف حکومت هند داده شده است ، در نفوذ کلمه ایشان همین که در موقعیکه مسلمانان خواستند مدرسه علیگده را یونیورسیته سازند بوجاهت ایشان درعرصه چند ماه قرب دو ملیون و نیم روپیه اعانه جمع نمودند

آقا خان نه تنها درنزد مسلمانان دارای عظمت و وقارند بلکه درکلیه طبقات هندیه دارای شکوه و عظمت فوق العاده شناخته میشوند نه تنها دولت انگلیس وحکومت هند ایشان را معزز میشناسند بلکه در کلیه دول بنظر وقار بایشان نگاه میشود در آلمان و روس هم رفتند با امپراطوران عظیم الشان تناول طعام نمودند - مسلم است که ایران یعنی مادر وطن از یك چنین فرزند عظیم القدر بایستی توقع کمك و تائید داشته باشد و ازینست در عنوان فوق نگاشته آمده « ایران و آغا خان »

حالا بنظر انصاف باید نگریست که آغا خانی که شمهٔ از مقاماتش نگاشته آمده نسبت بوطن خود با آنهمه اقتدار چه کرده است آیا هیچ خدمتی که شایان ذکر باشد نسبت بایران نموده و بادراین همه مصائب بزرگ اخیره ایران هیچ همدردی کرده ؟ ازروی وجدان جز بنفی جواب نتوان داد - البته این مسئله را هیچکس بهتر از ما نمیداند چه وقتیکه بهندوستان آمده آقا خان در عالم صباوت تحت اتالیقی عم خود مرحوم جهانگیر شاه بود و از همان زمان ایشانرا شناخته و بمناسبت جریده نگاری تا امروزنگران اعمال شان در هر نقطه بوده و هستیم ازروی حقیقت و انصاف با داشتن امکان یك قدم بهمراهی و همدردی ایران بر نداشتند عجب تراینکه خیلی هم مائل هستند که ایرانیان ایشانرا همدرد با ایران بدانند - کارهائیکه ایشان تا امروز درموضوع ایران نموده جزسه نکته که قابل ذکر است دیده نشده

اول - وقتیکه محمود خان مفخم قونسل جنرال ایران انجمن ومدرسه مظفری را در کلکته افتتاح نمود اقا خان سرپرست افتخاری قرار گرفته . و جزئی مقرری هم برای انجمن قرار دادند و پس از چند سال قبض انجمن را مسترد داشتند

دوم - تلگرافی است که باعلیحضرت شاهنشاه پهلوی در موقع تاجگذاری نموده اند که تمام جمع وخرج زبانی و اظهار همدردی با ایران و دولت کنونی می باشد

سوم - شرکتیست که تازگی در ایران لیك بمبئی نموده اند خدا کند سرپرستی ایشان در ایران لیك مثل سرپرستی انجمن مظفری نشود که آخر پس از دوازده هزار روپیه زیر باری بزمین خورد باید دانست امروز موقع فعالیت است نه قوالیت جمع وخرج زبانی بخرج نتواند رفت . چه گفته اند

§ دو صد گفته چون نیم کردار نیست §

مادر وطن از فرزند لائق و مقتدری مانند آغا خان امید همراهی دارد خواستار کمك است عمل می خواهدنه قول اگر آغاخان بخواهد مادر وطن از او راضی شود و ایرانیان نجیب اورا برادر خود شناسند باید دامن خدمت مادر وطن را بکمرزنند . آغا خان اگر بخواهد خیلی میتواند خدمت کند ، چرا نباید آغا خان سرمشق بگیرد از یك بابوی بنگالی راس بهاری گهوش که بالغ بر یك ملیون از وجوه دسترنج خود که

بیکدیمون وعرق جبین بدست آورده بود در راه ترقی تعلیمات ملی خود به یونیورسته کالکته تقدیم نمود

آیا آقا خان مطلع نیست از خیرات و مبرات عمومی رجال بزرگ فارسیه بمبئی آقا خان البته در جرائد خوانده اند که یکنفر تاجر ایطالیائی در آمریک که ثروت زیاد اندوخته بود مایملک خود البته خویش را برای ترقیات صناعتی و تعلیم وطن خود ایطالی اختصاص داد آقا خان البته اکنون می داند که در موقع سختی یونان صاحب ثروتان یونانی که در خارجه بوده چه کمک های ذیقیمت بوطن محبوب خود نمودند برای شخص دانای مطلعی مثل آقا خان ما باید ما موعظه کنیم و با حال احتیاج راهنمائی نمانده چه عقیده ما در حق ایشان اینست که ناگفته میداند و نا نوشته میخواند و البته از بیان یک نکته ناچاریم که دوره پهلوی علاوه بر اینکه دوره قوالی نیست دوره اعتمادش هم باید گفت سابقاً صاحب ثروتان مقتدر ایرانی چه در داخله و چه درخارجه می توانستند متعذر شوند که دولت قابل اعتماد نیست و چرخهای ترقی ایران درهم شکسته امروزه بر عالمیان ظاهر گردیده که دولت فعال پهلوی قابل همه گونه اعتماد است و کلیه چرخهای ترقی مملکت براه اوفتاده محتاج به کمک و تائید است علاوه بر این آقا خان جماعتی پیروان در ایران هم دارد آیا هیچ اساسی برای ترقی و تعلیمات دینی آنان ریخته اند ؟ بدبختانه باز هم جواب منفی داده خواهد شد بدون رو در واسطی میگوئیم آقا خان تا امروز با این حشمت و اقتدار و نفوذ کلمه و اثرات نامه یک کلام یکقدم یک دینار در راه ترقی وطن محبوب خویش بذل نه فرموده است جواب خواهند فرمود که امثال من بسیار اند چرا من باید هدف تیر اعتراض واقع گردم در جواب گفته خواهد شد که اولا ما در وطن در خارجه مانند شما کمتر فرزند دارد و علاوه شما می خواهید که ایرانی باشید شما میخواهید که ایرانیان شما را مداح باشند شما تلگرافی که به اعلیحضرت پهلوی می نمائید دل بستگی خودتان را به ایرانیت و بترقیات ایران ظاهر می سازید هر کس الفاظ آن تلگراف را ملاحظه کند یقین می نماید که شما ایران دوستی و شما هنوز ایران را وطن خود میدانی در اینصورت ما حق داریم شخص شخیص شما را مخاطب کرده بگوئیم شما با این اقتدار و نفوذ کلمه و ثروت خداداد چه خدمت بوطن خود کردی از این و بعد ایرانی کسی شناخته خواهد شد که تعلق قلبی و عملی بایران داشته باشد و علامت تعلق قلبی بایران همانا کمک و تائید به آب و خاک وطن مقدس است ورنه هر ایرانی که از این جاده و از این مسلک مشروع قدم بیرون نهد او را بیگانه خواهند دانست و لقب افتخار ایرانیت را سراوار چنین کسی نخواهند پنداشت ما باواز بلند و بدون مداهنه میگوئیم آقا خان یا باید رسماً از ایرانیت استعفا گوید و از مجامع ایرانیان مانند ایران لیگ و امثال آن کناره گیرد یا قد مردانگی بخدمت وطن مقدس خویش علم سازد امروز ایران محتاج باعانه و همراهی و کمک ابنای خویش در خارجه و داخله است آقا خان که امروزه به سرپرستی ایران لیگ مفتخر آمده اند باید اول قدمیکه بردارند عملی باشد یعنی ایران لیگ را وادار سازند که با کمال متانت تشکیل هیئتی مرکب از تجار محترم ایرانی و فارسی داده و الان را برای تعمیرات سالی وطن که امروزه برای ترقیات اتیه ایران حکم آب حیات را دارد مستعد سازند *

آقا خان اگر همت برگمارد در قلیل زمان میتواند چندین فروند جهازات برای ایران تهیه نموده بدولت پهلوی پیشکش سازد امروز ما ازدوست محترم خود حضرت آقا خان تمنای همراهی بدین مشروع مقدس می نمائیم وخیلی مناسب میدانیم کاین سکه برجسته که مقدمه تشکیلات اداره بحری ایرانش باید گفت بنام نامی ایشان زده آید

مکرر نگاشته ایم زمانه تغییر کرده اهل زمان هم باید برونق زمان تغییر کنند امروزه افتخارات ملی جز در سایه خدمات وطن حاصل نتواند شد اگر آقا خان اقدام کنند یقین داریم که از کلیه بلاد خارجه ایرانیان ندای ایشان را لبیک خواهند گفت

§ تا چه کند همت والای تو §

خشونت مقدس است

§ گفتا مدیر عشق که محبوب اقدس است §
§ بر عجز تن مده که خشونت مقدس است §
§ بابای دان نزاکت و صبر فشار خصم §
§ کین وضع غم فزای وطن نکته زان بس است §
§ مظلوم کس مباش و نه ظالم بزیر دست §
§ مردی نه آن بود که فلانی چو کرکس است §
§ قدسی مقام دان همه اهل وطن از آنک §
§ در جوهرند یک همه در جای خود کس است §
§ بیگانه دید اهل وطن خود نتیجه شد §
§ فقر و فلاکت وطن از آنکه بی کس است §
§ همت کنید صحبت جمهوری وطن §
§ امروز چون شکر همه نقل مجالس است §
§ همت بعلم عین ارواح ملت است §
§ تاجهل هست ملک بر این روح محبس است §
§ بی علم هیچ کار نگردد که زور و زر §
§ در عاقبت چو آتش بر های ققنس است §

قانعی اسکوئی

علم اساطیر

چنانکه در نمره ۱۷ سال ۳۳ حبل المتین عرض شده نگارنده شرح مفصلی در اهمیت و لزوم جمع آوری امثال و معماها و افسانه ها و حکایات قدیم ایرانی تهیه نموده بود خوشبختانه در این بین یکی از دوستان شماره ۶ سال اول مجله با شرافت ایرانشهر را اتحاف نمود که نظیر بعضی از همان افکار را در آن نامه مندرج یافته از عرض مقاله خود داری نموده چند سطر متفرقه ازان نامه را ذیلا میگذارد

از علومیکه دراین قرن اخیر در فرنگستان نشوونما یافته یکی هم علم اساطیر و بعبارت دیگر علم انتقال افسانه ها درمیان عوام ست این علم عبارت است از تتبع عادات و آئینهای قدیم و عقاید باطل و خرافات و وسواس و رسوم روز های عید؛ همچنین تدقیق کردن حکایات و افسانه ها و روایتهای افسانه آمیز قدیم ملتهای دنیا این موضوعها جزئیات مهم حیات و تمدن پیشین ملتهای مختلف را که در کتب تاریخی محافظه نشده است برای ما فاش و روشن میسازند زیرا که اینگونه عادت ها و مراسم جنبی پایدار بوده و قرنها بلکه هزاران سال نیز پاینده خواهند بود مخصوص وقتیکه معنی مذهبی و حکمت اصلی آن آن عادات از میان رفته و فراموش شده باشد

ایضاً علم اساطیر برای تدقیق قصه های افسانه آمیز و گوله و سایل دارد اولا قصه هائیرا که از زمان قدیم در هر قوم باقی مانده است جمع آوری باید کرد ثانیاً باید آثار اوضاع قدیمه را که دراین قصه ها نقل میشود و راه سیر کردن این قصه ها را تحقیق کرده بواسطهٔ مقابله و تشبیه شکل و ترکیب آنها در نزد اقوام مختلف قوانین عمومی این علم را تعیین نمود فضلای فرنگستان برای جمع کردن قصه های افسانه آمیز سیار کار کرده اند خصوصاً در فلاند و دانمارک اکنون تقریباً تمام آن افسانه ها که در زبان دهقانها هنوز روان وزنده است چیده شده درینکار بایستی بتندی کار کرد زیرا که امروز همه کس بیشتر مایل بخواندن رسالها و کتابهای دانش آموز و روزنامه ها است و قصه های قدیم در فراموش شدن است وقتیکه این عدد قلیل از پیر مردها و پیر زنها که هنوز آن قصه ها را میدانند و فات بکنند ناچار آن قصه ها نیز با آنها خواهند مرد در ایران بی شک تا امروز بسیار قصه های افسانه آمیز زبانزد و پراکنده شده است ولی تا حال خیلی کم از آنها برشته تحریر در آمده و برای دوستداران علم اساطیر این مقدار بسیار کم است ایضاً فسانه ها و قصه های افسانه آمیز خیلی اهمیت عامی دارند اولا در قصه های افسانه آمیز پاره ای فکر ها و اعتقاد های قدیم که قصه گویان و ناقلان امروزی معنی اصلی آنها را نمیدانند مخفی است ایضاً و همچنین کتاب الف لیلی [لیله] که بالا به همه زبانهای عمده دنیا ترجمه شده است ایضاً وقتیکه قصه ها از یک ملت بیک ملت دیگر می گذرانند و سیر میکنند کیفیت خود شانرا موافق روح ملی و اوضاع سیاسی و اجتماعی و دینی آن ملت در وقت انتقال تغییر میدهند و از این رو حکایتهای افسانه آمیز آینه ایست برای نمایاندن تمدن اقوام و عصر های مختلف چنانکه برای شناختن احوال و انواع اخلاقی و سجایای مخصوص ملتهای اسلامی در قرون وسطی هیچ چیز بهتر از کتاب الف لیله نیست با اینکه بسیاری از قصه های آن کتاب اصلا در هند بوجود آمده است ایضا حالا لازم است که خود ایرانیان آن قصه های افسانه آمیز را که میان رعایا و دهاتیان ولایات ایران رایج است بادقت جمع بکنند ایضا اگر بعضی از ایرانیان علم دوست و وطن پرور بخواهند در راه این خدمت علمی کار بکنند باید اولا یک قصه را که در یک ده گفته میشود و در ده دیگر طور دیگر نقل میکنند هر دو روایت را بنویسند زیرا که آن اختلافات روایت برای تحقیق کردن راه سیر آن قصه اهمیت دارد و ثانیا تعیین که در کجا آن قصه معروف است و چه ترتیب آنرا جمع آوری کرده اند و ثالثا خط و خوش و خوانا بنویسند که در موقعش علمای علم اساطیر فرنگ نیز بتوانند از آن استفاده بکنند انتهی مقام شرقشناس محترم آقای کریستنسن دانمارکی این چند سطر ذیل قلم حضرت فاضل یگانه آقای کاظم زاده ایرانشهر است و البته حضرت معظم در این موضوع آثار های حیرت بخش خواهند فرمود

از آنجا که اینگونه حکایات و قصه ها بقدر آثار عتیقه و صنایع ظریفه قیمت و اهمیت دارند چه که اینها هم آثار عتیقهٔ قوای دماغی و محصولات فکری یکملت هستند لهذا اداره ایرانشهر حاضر است برای هر کسیکه دوازده قطعه ازین حکایات و قصه ها را که اغلب مادر ها برای خواباندن بچه ها میگویند و یا نقالان در میدانها و معرکه ها میخوانند و زنها برای دفع درد و غم باسم حکایتهای مشکل گشا نقل میکنند و قصه خوانها در دهات و میان ایلات باساز و آواز میخوانند (این نقالها را که هم ساز میزنند و هم قصه میخوانند و مخصوصا در عروسیهای دهاتیان آنانرا دعوت میکنند در آذربایجان و قفقاز (عاشق) مینامند جمع آوری کرده برای ما بفرستند مجانا دوره سالی اول مجله را برای او مجانا تقدیم خواهیم کرد

بشرط اینکه همانطورکه شنیده باشند بنویسند ـ ایرانشهر

اگرچه معماها که بلفظ ترکی تاپاجه میگویند وبعضی ازانها بنظم وبعضی به نثر است وهمچنین امثال در سطور فوق مذکور نشده ولی هر یك از آنها هر یکی در موضوع خود دارای اهمیت و جالب توجه میباشند زیرا چنانچه حالیه بمقام آوردن لزمت و قشنگی یك منظره یا احساسات عشق آمیز یا شکایت از مصائب روزگار وبی وفائی یار مرسوم شده درمعما ها هم یك صنعت شعری و گنجاندن یك فکر غریب و تشبیهات ادبی ذهنی در کلمات بسیار کمی مندرج شده است بالتخصیص امثال فارسی که فوق العاده دارای فصاحت واهمیت میباشند (در این اوآخر در بعضی از روز نامه های طهران و تبریز معماهوسی ورسم شد و برای حلکنندگان جائزه مقرر شده بود)

باعتقاد نگارنده لازم است جمع آوری انها عملی شود واقدامی بزودی در اینموضوع شود طریقه ذیل در جمع آوری معروض والبته طرق دیگر را حضرات قارئین هم بیان خواهند فرمود

اولا حضرت محترم مدیران و منشیان و کارکنان جراید کلیته میتوانند دراوضاع علم اساطیروتحریر انها وامثال و معماها و حکایات قدیمه کارکنند و جمع آوری فرمایند

ثانیا ممکن است بموجب دستخط مطاع متعدالمالی وزارت جلیله معارف عموم اقایان مدیران و معلمان و کارکنان معارف مخصوصاً معلمان قصبه جاودهات درالموضوع کارکنند

ثالثاً هرکسی از هموطنان هم حتی الامکان ممکن است در آنخصوص خدمتی بنماید

رابعاً از اداره حبل المتین اجازه خواسته و معروض میدارد که اگر هموطنان محترم درالخصوص کارکرده و هرکس بقدر مقدور جمع آوری کرده باداره حبل المتین بفرستند تادر انجا هم نظریاتی شده (معلوم است معماها اگر ترکی است مبدل بفارسی خواهدشدودرصورت فارسی بودن وترکی بودن کشف انها هم نوشته خواهد شد) و انشاء الله وقتیکه معارف ایران ترقی کرد و بعلم اساطیر اهمیت داد انها جمعاً تدوین و چاپ شود والبته اینکتاب اولین درجه را در علم اساطیر حایز خواهد بود و بعض پاس خدمت لازم است اقایانیکه جمع آوری نموده اند اسامی شان هم مرقوم شود

در خاتمه اداره جلیله پست باید انها را مجاناً باداره حبل المتین بیاورد والا پول است جان نیست که آسان بدهند. نگارنده قریب ۲۵۰ امثال فارسی و مقداری از معماها را جمع و کشف انها را هم نوشته است غ قائی اسکوئی اغلاط و افراط و تفریط و

بدجایی کتب مدارس را فراموش نفرمائید

§ خوبرویان را تکبر شیوه است §

§ پول داران را تنمر شیوه است §

§ زاهدان در فکر فردوس برین §

§ بر معلم هم تحسر شیوه است §

ایران و نفط جنوب

در شماره ۳۹ حبل المتین شرحی راجع بشرکت نفت انگلیس و ایران در تحت عنوان « میدان نفت » ملاحظه کردید اینکه برخود لازم دانسته مختصری از اوضاع و تاریخچه این شرکت برای اطلاع دولت و وکلای ملت محبوب خود نگارم چه در گفتن اثری است که در نگفتن نیست شاید زمامداران دولت کنونی وسندلی نشینان پارلمنت عظمی توجه مخصوص باوضاع حالیه شرکت نفت جنوب و حقوق هزارها عمله و کارگرهای رعیت بدبخت فلك زده بفرمایند ـ مسیو « ویلیام ناکس دارسی » نیوز لندی امتیازحفر معادن نفت در سنه ۱۳۱۹ هجری ازدولت مظفری حاصل نمود و اولین عملیات برای استخراج نفت درحوالی چاه سرخ وقصر شیرین شروع کرد که استفاده نه بخشید سپس بمدد کمپانی نفت برمه عملیات خودرا درمسجد سلیمان که تجاوز از یکصدوپنجاه میل تا مرکزتصفیه نفت درعبادان بعد مسافت دارد امتداد داد که منافع عمده و هنگفت حاصل کرده و میکنند که شرحش مکرر درحبل المتین و سایر جراید دیگر نگارش رفته است بعد از ان متخصصین علم طبقات الارض « جیالجست » این شرکت در نواحی پشت کوه خاك والی درمحال « دلیری » و « دهلوران » که تقریباً ۷۰ میل تا بندرعلی غربی درساحل رود دجله مسافت دارد روانه نمود که درآنجا نیزچند سال مشغول حفر چاه های نفت بودند ودرمدت پانزده سال در جزیره قشم که ۱۲ میل تا بندرعباس بعد مسافت دارد ونیز درنقطه ماماتین که هفت میل تا رامهرمز مسافت دارد حفر چاه های نفت نمودندکه شرح و اوضاع آن دراینجا گنجایش ندارد دراینچند نقاط نفت سیاه عاید گردیده ولی قابل استفاده زیاد نبود اکنون مهندسین ومتخصصین علم معدن شناسی این شرکت در اطراف خاك وشتی قرب بندر لاور درنقطه « مرکو » و « بالنگستان » وچند نقاط دیگر مشغول تفتیش و پیدا کردن معادن هستند و عملیات خود تانزدیك بندر لنگه و ساحل معافات بندرعباس امتداد داده است درسال ۱۹۲۱ ع عملیات خودرا درمحال « ماهور » و « میلاتون » دردشت قیر درنقطه « پیکرز » و « میشان » که قرب ۲۱ فرسخ راه جاده موتر روساخته شده تابندرمعروف به قلاقاق یعنی « بندر گاه » در بلوك دشتستان و

خاك حیات داود است وسعت داده و مقدمتاً شرکت نفت بریاست سر ولسن معروف و مسیوچك قنسول انگلیس در شیراز در نقطه چهل چشمه قرب دشت ارژن باخوانین کشکولی فارس که از اولادهای مرحوم حسن آقا و مرحوم قاسم خان کشکولی هستند عهد و پیمانی بسته شد گویا بدون اطلاع دولت که به ضد صولت الدوله سردار عشایر قشقائی بود - و از آن تاریخ مامورین مخصوص از طرف شرکت نفت جنوب عازم دشت قیر گردید تا این موقع چندین چاه نفتی دراین محال در نقطه دشت قیر و « سوراخ بدر » و « تنك گله گاو » حفر شده ست و نفت پیدا شده ولی استفاده عمده بدست نیامده است - وسعت خاك ماهور و میلاون ازطرف شمال بجنوب ۲۸ فرسخ و از طرف مشرق بمغرب ۲۵ فرسخ است که تقریباً در شمال وغربی کازرون واقع است خاك مذبور دارای ده قریه آباد وچندین دهات بایر است و ۱۲ چشمه های خوب و مشروب دارد که به اندك توجه قابل هر قسم زراعت و ترقی است که منافع عمده میتوان حاصل کرد - شرکت نفت از هر قسم عملیات مالکانه در این حدود خود داری نداشته و ندارد و مأمورین و مهندسین این شرکت در هر نقطه بلا مانع ایاب وذهاب دارند و در ملاقات های سری و علنی با خوانین عمده بلا رادع هستند اکنون شرکت مذبور میدان کاروائی خود را توسعه داده و در محال نزدیك دو « گندمان » در نقطه « بابا محمد » قرب بلوك « باشت وباوی » ابوالجمعی اسد خان که تقریباً ۱۱ فرسخ تا ماهورمیشان مسافت دارد مشغول راه و جاده سازی است که در انجا مشغول حفر چاه‌های نفت بشوند انچه به تحقیق رسیده است آثار و علائم نفت در این نقاط بسیار است و بعضی معادن دیگر از قبیل مس وگوگرد وغیره که دست طبیعت برای ایرانی جاهل بودیعت گذارده - شرکت نفت در صدد است که جاده موتور رو از این نقاط مذکوره تا برسد برامهرمز و متصل شود براه مسجد سلیمان بسازد که معنا تمام نقاط عرض راه و خاك و طوایف کشکولی درشولی- نوراحمدی- باشت وباوی کوه گیلویه وبهبهان تا برسد برامهرمز که خاك بختیاری است درتحت نفوذاین شرکت خواهد درآمد معلوم است با این مأمورین هوشیار وزیرك وانعامات و بخشایش انها بدون نگرانی خصوصی دولت ممکن است اثرات مضر سیاسی و اقتصادی به بخشد که توضیح واضحات است نگارنده هرچه فکر میکنم که عاقبت و مآل این شرکت با این قدر وسعت خاك و طوایف وایلات وحشی در ملاقات و آمیزش باین همهٔ چپاول طماع که جاری

ازحب وطن و عزت نفس هستند بدون نگرانی دولت چه تواند شد - درابنده اوضاع این چنانچه باین اوضاع دلسوز خاتمه داده نشد و شرکت محترم نفت بحالت خود واگذار گردید تمام این نقاط و طوایف مختلفه درتحت نفوذ او ممکن است درآیند و آنها را مجبور به تبعیت قوانین خود نمایند مگر زمامداران امور ملت و دولت و شخص اولی‌العزم امروزه در فکر نجات این رعیت بدبخت فلك زده افتاده و دست غیبی معاون او گردد و رجال مغرضین وخارج پرستان مخذول شوند تا حقیقت تمدن اسلامی ظهور کند و ملك و ملت را از حضیض ذلت باوج ترقی و تعالی برساند چنانچه این پنج ماده ذیل بشرکت نفت پیشنهاد کرده و بقوه لاالله بهترین خدمتی است که دولت جدید و وکلای مجلس ملی بوطن محبوب و ابناء ملت خود کرده اند مسلم است شرکت نفت از حرف حق نخواهد رنجید و البته شرایط مذبوره را قبول نماید

(۱) چنانچه ممکن شود بموافقت شرکت مذبور تجدید نظر در امتیاز حفر معادن نفت

(۲) بدون اجازه و اطلاع مامورین هر محل ایاب و ذهاب افسران انگلیسی و مهندسین در نقاط مختلفه و ملاقات با خوانین محلی نباید شود مگر به اجازه مامور دولت و همراه بودن دو نفر درستکار و امین از طرف مامور محلی بانها

۳ - اعزام مفتش مخفی و مخصوص از طرف دولت در این نقاط مختلفه برای تحقیقات در جاهائی که شرکت نفت مشغول عملیات و حفر چاه‌های نفت است

۴ - میزان حدود و حقوق منشی‌های ایرانی است که باید حقوق و درجات خدمت آنها همچون منشی های هندی و پورتیگزی معلوم و محفوظ باشد که حق تلفی که در باره اینها امروزه میشود بعد از این واقع نگردد

۵ - ترتیب در وضع و حالت عملجات کارگر های ایرانی است که نسبت به کار گر های هندی در باره ایرانی خیلی بواسطه نبودن دادرس بی اعتنائی و عدم رسیدگی میشود

حبل المتین

در هر جای دنیا اصول امتیاز جاری است ایران چون هنوز کاملا ادارات اش تحت انتظام صحیح نیامده این آواز ها بلند می شود امید واریم در این دوره وزرات فوائد عامه بیش از ادوار سلف متوجه به امتیاز نفت جنوب آمده اگر ممکن شود نظر ثانی در امتیاز نامه نماید ورنه قسمی نگرانی کنند که اعضای شرکت نفت جنوب هم در همان دائرهٔ امتیازیهٔ خود محدود بمانند

معارف خوزستان

معارف خوزستان در اثر جدیت و فعالیت آقای میرزا حبیب خان امید رئیس معارف و اوقاف خوزستان روح تازه یافته و آناً فاناً بر توسعه ترقیات آن افزوده میگردد

روز ۲۵ آذر ماه مصادف با جشن جلوس اعلیحضرت پهلوی بر اریکه سلطنت جشن باشکوهی در اداره معارف برای بر افراشتن بیرق معارف و نصب تابلوی آن منعقد عموم روسای ادارات دولتی و علماء و اعیان و اشراف حضور یافته اطفال مدارس دانش پهلوی و خیام جلو درب اداره معارف با موزیك صف کشیده مدیران و معلمین مدارس با حالت فرح کمر خدمت درمیان بسته پروانه وار در اطراف مجلس از واردین پذیرائی می نمودند ریاست محترم معارف باکمال وقار نطق مفصل مبنی بر مظالم آل قاجار و خدمات اعلیحضرت پهلوی بمملکت و ملت و تشویق اهالی بعلم و ترمیت که روح نشاط و انبساط در کالبد حضار مجلس تزریق می نمود ادا فرمودند سپس ریاست محترم قلعه بیگی بیرق معارف را بر افراشته نسیم جان فزای بکمك تنفس معارف خواهان که سالها است در درون سینه خود حبس نموده بودند یکمرتبه از جگر پر درد کشیده بیرق را باهتزاز در آورده از اهتزاز و حرکت بیرق قلوب حضار از مسرت و شوق سرشار صدای زنده باد معارف خواهان پاینده باد معارف پروران طنین انداز هوای ناصری گشته نغمات فرح انگیز نوباوگان داریوش زنگ ملال از دلها زدوده این اول دفعه است که در خوزستان اداره معارف برای سعادت و استخلاص اهالی ستم کش آن از توده جهالت و نادانی و راهنمائی آنها بشاهراه هدایت و پی بردن بحقوق ملی و قومی خود تأسیس و افتتاح می گردد

قحطی دزفول

بواسطه دو سال بی بارشی و عمل نیامدن زراعت کامل چندی است نهایت عسرت و دستتنگی و پریشانی متوجه اهالی شوشتر و دزفول گردیده که امساله هم زراعت درست بعمل نیامده بیم وقوع قحطی در این منطقه میرود آقای سرهنگ عباسقلی خان ریاست قوای و حکمران دزفول که همیشه رفاهیت و آسایش عامه را منظور نظر دارند مراتب را بمرکز اخبار و در خصوص تقسیم بذریعه تلگرافات مبسوط بمقامات عالیه مخابره فرمودند برای رفع عسرت وگرفتاری و دستگیری فقرای دزفول که بیشتر در مظیقه هستند از نمایندگان هیئت علماء و ملاکین و اغلب تجار دزفول دعوت نمودند پس از مذاکرات تصمیم بر این قرار دادند که اولا عموم تجار مقدار معتنا به گندم از کراچی برای مصرف اهالی وارد و بمنفعت جزئی بفروش رسانند و ثانیا در هر محله کمیسیونی از اهل محل تشکیل و باکمال جدیت اقدام بجمع آوری اعانه بنمایند و مبلغی هم از کیسه فتوت خودشان برای فقرا مرحمت فرمودند امید «بعون الله تعالی» و حسن اقدامات سرهنگ رفع عسرت و نگرانی اهالی در اثر سرکشی و غارتگری شهرها که اخیراً باز شروع شده و چندین قافله مال التجاره بین راه خرم آباد و دزفول یغما نموده روز بیستم دی ماه سرهنگ عباسقلی خان اسفندیاری فرمانده فوج منصور برای سرکوبی و قلع و قمع آنها با یك عده دویست نفری حرکت نمودند از قرار مسموع سرکشی و یاغی گیری آنها کمتر از اول نیست

دزفول و جشن های متوالیه

عصر روز ۲۴ آذر ماه جشن مفصل با شکوهی در قلعه پهلوی (کوتك) در تحت پذیرائی آقای سرهنگ عباسقلی خان اسفندیاری فرمانده قواء حکمران نظامی تشکیل عموم طبقات و رؤسای ادارات و صاحب منصبان حضور داشتند جمعیت از شماره بیرون مراسم پذیرائی کاملا معمول و وسائل برگذار موجود تشریفات بحد وفور و زینت بندی قلعه مزبور و سردرب آن منظره فرح انگیزی را تشکیل داده و ناظرین را بوجد مآورد آثار سرور از ناصیه کافه حاضرین هویدا گویا در تشکیل این جشن روحی تازه در کالبد افراد دمیده زیرا که نظیر اینگونه جشن را در اینجا احدی ندیده شاگردان مدرستین پهلوی و سپه جوقه جوقه با بیرقهای سه رنگ به ترنمات فرح بخش مترنم و با ترتیبات نظام وارد شدند قبلا صورت تلگراف مبنی بر تذکر تحلیف وجلوس توسط رئیس قلعه بیگی قرائت پس از آن هر مدرسه سوا سوا خطابهای غرا مبنی بر اظهار تشکر از تذکر تحلیف اعلیحضرت و موفقیت ذات شاهانه بجلوس میمنت لزوم برای فردای ۲۵ با صدای رسا قرائت صدای کف و زنده باد از مردم بلند سپس خطابهای دیگر از طرف انجمن نهضت و انجمن فلاحت و تجار و سائر طبقات مبنی بر مضمون فوق قرائت و در هر گوشه از این مجلس عکس گرفته شد مردمان دل مرده دزفول روحی تازه بخود دیده و این زندگانی را اسباب سعادت خود دانسته اظهار مسرت می نمودند

جشن ۲۵ یا جشن جلوس اعلیحضرت پهلوی

مقدمات این جشن بزرگ از بین الطلوعین فراهم بود صرف نظامیان آراسته هر دسته از سواره و پیاده در قسمت خود بحال خبردار ایستاده قسمت توپخانه و سواران الوار و اعراب مشایخ و تجار و سادات و عمال و اشراف و کسبه در اطراف و اکناف سراپرده که در جلو قلعه برپا بود مودب ایستاده امروز منظره مهیبی تشکیل هیئت و هیبت نظامیان و وقار عموم افزوده خلاصه مراسم جلوس سلام با حضور فرمانده قوی بعمل آمد در این موقع دفعتاً صدای شلیك توپهای متوالیه و هورا و کف زدن و زنده باد بلند خطابهای متعدد غرا و قصاید بسیار از طرف عموم طبقات قرائت گردانند و بعد نظامیان سواره و پیاده بااثاثیها و شاگردان مدارس باموزیك دفیله داده سپس از عموم مردم تا یك ساعت بعد از ظهر در قلعه پهلوی پذیرائی میشد

جشن ادارات

دایره مالیه معارف امنیه بلدیه خیلی مفصل وسائل پذیرائی اما کیف موجود بود اداره نظمیه در تحت ریاست آقای آقا علی محمد خان فاطمی جشن با شکوهی تشکیل خطابه مفی برشکرانه موهبت الهی اعلیحضرت ویاس حقوق ماوکانه اش ار طرف اداره ابراز و اقای سرهنك در این جشن مفتخی از حسن عملیات و اخلاق حسنه رئیس نظمیه بیان فرمودند جشن کمسیون نهضت ملی خیلی مفصل اقای سرهنك دراین جشن نیز نطق مفصل مفیدی فرمودند کلیه مبنی بر فدا کاریهای اعلیحضرت پهلوی و سست عنصری سلاطین آل قجر مخصوصاً در جشن جلوس تاریخی مفصلی از تشکیلات سلطنتی هر سلسله و سبب انقراض انهارا کنفرانس داده بالاخص علت ضعف سلطنت صفویه و استیلای نادر شاه افشار تا برسد بزمان قاجاریه علت و سبب انحطاط ایرانیان را که بواسطه آلودگی به هوا و هوس دیوانه بوده مورد بحث قرار داده خدمات و زحمات اعلیحضرت پهلوی را بسمع حاضرین رسانیدند و حقیقتاً در تعقیب کنفرانس اقای سرهنك برهمه مردم حقایق را کاملا کشف کردند وسیاست امروزه را بی پرده بیان علت و حکمت را بخوبی امتیاز دادند

از رفسنجان می‌نویسند

[اولین اقدام اساسی درپیشرفت امور اقتصادی]

مدتی است نویسندگان محترم داخله و خارجه در موضوع راه آهن ایران قلم فرسائی نموده وهرکدام حتی‌القوه اظهار عقیده مینمایند و این نکته بر کسی پوشیده نیست که کشیدن راه آهن تنها یك وسیله و قدم مهمی است که بتوسعه و اصلاحات اقتصادی برداشته

میشود، ولی نگارنده پیشنهادی بنظرم رسیده که بعقیده من نواقص اقتصادی مارا زودتر میتواند رفع نماید و آن تاسیس و تشکیل اداره حمل و نقل است که ابتدا دولت باید مخارج انرا در بودجه پیش بینی نموده و یك مالیات انحصاری راجع بشوسه نمودن کلیه خطوط ایران که تمام شهرها و قرات و دهات را بهم نزدیك نماید از تصویب مجلس بگذراند و پس از تصویب تمام خطوط را شوسه و عرابه رو نماید و پانصد کامیون و اتومبیل بارکش از یك کارخانه و یك سیستم وارد و در تمام ولایات اداره نقلیه تاسیس ومسؤلیت آن بعهده اداره مربور واگذار شود، ودر هر ایالتی یك مدرسه میکانیك افتتاح و در مراکز یك کارخانه اتومبیل سازی دایر نمایند و این اندازه کار را دولت در ظرف دو سال میتوانند بطور صحیح انجام داده عملی نمایند، و مخارج این موسسات و اتومبلها تقریباً ده ملیون تومان میشود که عایدات دو سال مالیات انحصاری قند و شکر است چنانچه مخارج آن بیشتر هم شود ممکن است بجهة شوسه کردن طرق از هر ولایتی یکچیزی اعانه گرفت و هم از عایدات راههائیکه ابتدا شوسه شده و اتومبیل عبور و مرور میکنند نواقص بعضی طرق رااصلاح کرد درهر حال همین اندازه معتقدم اگر این پیشنهاد عملی شود مارا موقتاً مستغنی مینماید وتمام چرخهای اقتصادی ما در تمام نواحی مملکت بحرکت می افتد و آینده درخشانی را بما نشان می‌دهد - ولی اگرتنها بامید راه آهن روز شماریم اولا پس از استقراض بزرگ خارجی یکی دو شعبه راه اصلی باید درست شود و متاسفانه تا به طرق فرعی دست بزنند بقول عوام دنیا از . . . . . کار خارج میشود یا بگفته دکتر میلسپو رئیس کل مالیه (احتمال دارد در آتیه اصلا راه شوسه و اتومبیل کم کم جای گیر راه آهن شود) و حتی در کنفرانس اشاره میکند (که حالیه در امریکا اتومبیل کرایه راه‌آهن را شکسته است و مردم امریك در آتیه چندان براه آهن عقیده ندارند) بهر حال نگارنده محسنات راه آهن را شبه ندارم ولی بجهة اصلاحات اقتصادی یعنی راه شوسه زودتر مارا در عمل وارد و تمام مملکت را در عرض دو سه سال از این بحران و فشار اقتصادی نجات داده و در آتیه بتدریج راه آهن هم کشیده میشود- در خاتمه از آقایان نویسندگان محترم استدعا میشود که هرکدام در این موضوع با نگارنده هم عقیده هستند از مساعدت قلمی کوتاهی نفرمایند

[غ - ب مرشدی]

حبل المتین

یک از مبصرین می نگارد که در هیچ نقطه دنیا به اندازه وسعت وفسحت خود بقدر آلمان و بلژیک راه آهن موجود نیست با اینهمه حساب نموده اند که دو ثلث حمل و نقل های داخلی بذریعهٔ اتوموبیل های بارکش و راه های شوسه میشود علت هم معلوم است راه آهن از روی صرفهٔ اقتصادی بهر قریه و ده نمی تواند برود ولی راه شوسه و اتوموبیل های بارکش در همه جا منافع خود را تواند رسانید گذشته از این تا وقتی که راه های شوسه و اوتوموبیل‌های بارکش بکار نیوفتد ممکن نیست راه های آهن به اندازه که بتوانند همه روزه تردد کنند محمولات بیابند غرض این است که اعم ازاینکه ما راه آهن داشته باشیم یا نداشته باشیم راه شوسه و اوتوموبیل های بارکش برای ایران اولین فریضه اقتصادیات مملکت است فقط اشکالی که فعلا برای ترویج تجارت و سهولت و صرفه حمل و نقل پیش است همانا گرانی بنزین و اختیار آن بدست خارجیان است هنوز ندانسته ایم که وزارت فوائد عامه بذل توجه مخصوص در ارزانی بنزین و سهولت بدست آوردن آنرا نموده باشد و برحسب مقتضیات امروزه ایران اولین فریضهٔ دولت است که بوسائل سهلهٔ ممکنه حل مسئلهٔ بنزین را در داخله بنماید و این امر بچند راه ممکن است اولا تجدید نظری در قرارداد کمپانی نفت جنوب و در این خصوص یک راه صحیح پیدا کرده که بنزین بطریق صرفه به اندازه مصارف داخلی ایرانیان را بدست تواند آمد و این امر بصرفهٔ کمپانی هم مقرون خواهد بود چه بنزین روسیه کمتر صرف خواهد شد و به تجارت کمپانی در داخله ایران خیلی تواند افزود در اینصورت دولت باید جداً راه دزفول تاخرم آباد را بهر وسیله و مصرفی که هست شوسه نموده تا بتواند به ایالات غرب و عراق و طهران و غیر ها بنزین بصرفه وارد کند در اینصورت از خوزستان بفارس و اصفهان و غیر ها نیز بنزین بسهولت بدست تواند آمد دوم قرار و مداری است که دولت باید مخصوصاً در موضوع بنزین باروسیه بر بندد تا در ایالت خراسان و آذربایجان و گیلانات و غیرها نیز بنزین موافق صرفه بدست آورند سوم باید اولیای دولت کوشش نمایند در تشکیل یک کمپانی داخلی برای کار کردن در معادن نفت گیلان و غیره تا ایران از این راه یعنی بدست آوری بنزین از خارجیان مستغنی گردد در انصورت ممکن است بلکه یقین است دولت و ملت ایران خواهند توانست از راه های شوسه خود خیلی بیش از راه آهن فائده حاصل نمایند این نکته را بازهم تکرار مینمائیم که هیچ تصور نشود که عقیده حبل المتین با تعمیر راه آهن ایران مخالف است ولی می گوئیم تاوقتیکه بذریعه راه های شوسه تمام دیهات قرات و شهر های ایران بهم متصل نشوند ممکن نیست از راه های آهن خود فائده برگیریم الغا این راهم مگوئیم مقدم برجمیع کارهای ملت و دولت شوسه نمودن راه ها و بکار انداختن اتوموبیل های بارکش است مشروط براینکه اشکالی برای بدست آوردن بنزین پیش نیاید یعنی بتوان بنزین را به قیمت ارزان بدست آورد و اگر بنزین موافق صرفه ما نشود چنانچه باید و شاید از راه های شوسه فائده حاصل نتوان نمود پس اولین وظائف رفع اشکالاتی است که در دست آوردن بنزین مارا پیش تواند آمد

از بمبئی مینویسند

بمناسبت انتخاب اعلیحضرت شاهنشاهی رضا شاه پهلوی بسلطنت و شاهنشاهی ممالک ایران در روز دوشنبه ۱۴ دی ماه جشن بسیار باشکوهی ازطرف جناب آقا میرزا اسد الله خان بهنام قونسل جنرال دولت علیه ایران مقیم بمبئی منعقد گردید و وجوه رجال و رؤساء ادارات حکومتی و اعیان واشراف و محترمین بمبئی از اروپائیان خانم های انگلیسها و آلمانان و زردشتیان وسایر اقوام هندوستان و ایرانیان مقیم بمبئی دعوت شده بودند در تالار عمارت مجلس بسیار باشکوهی ترتیب داده شده بود و بانواع پرده ها و بیرق ها گل های رنگارنگ وسایر زینت های نفیسه مزین گردیده بود وبسیار جالب نظر بود ساعت پنج بعد ازظهر مدعوین پای ورود را گذاردند جناب قونسل بشخصه مدعوین را یکایک باکمال بشاشت فوق العاده پذیرائی مینمود و مدعوین هریک تبریک بجناب قونسل میگفتند متجاوز از یک ساعت تمام مدعوین بترتیب ورود نموده و هریک در مقام خود جلوس نمودند و مجلس مملو گردید بحدی که از کثرت جمعیت نزدیک بود عرصه تنگ شود دراین هنگام جناب قونسل در وسط مجلس ایستاده و نطق ذیل را به آواز رسا بزبان فارسی ایراد نمودند مشعر بر اختلال اوضاع ایران قبل از زمامداری اعلیحضرت و شرح اقدامات ملوکانه راجع باصلاح امور و استقرار امنیت و طلوع نیر اقبال پهلوی که موجبات سعادت و ترقی ایران را فراهم آورده و در انظار ملل خارجه باعث سر بلندی و افتخار ایرانیان گردیده و ملت ایران بشکرانه این مواهب اعلیحضرت را شایسته و مستحق مقام سلطنت دانسته بطوع و رغبت ذات خجسته صفات ایشان را بشاهنشاهی ایران منتخب نمودند

پس از ختم نطق جناب قونسل مستر دین شاه

ایرانی که یکی از زردشتیان هندوستان و از مشاهیر وکلاء عدلیه هستند و محبت عظیمی بوطن اسلاف و اجداد خود دارند ترجمه نطق جناب قونسل را بانگلیسی قرائت نمودند انگاه مستر فریدون جی سهراب جی مالم یار خان که از ادوکات های معروف عدلیه و از دوستان ایران هستند نطقی مشعر بر اظهار تبریک و تهنیت از جانب خـود و زردشتیان هندوستان ایراد نمودند پس ازان حاجی میرزا هاشم اصفهانی که از تجار محـترم و معروف بمبئی میباشند از جانب تجار وسایر ایرانیان مقیم بمبئی نطق مفصلی بانگلیسی نمودند مشعر بر عرض تبریکات صمیمانه واظهار مسرت فوق‌العاده وضمناً شرح مساعی جمیله اعلیحضرت پهلوی را از ترقی وتعالی ایـران بیان کردند انگاه مستر کشتاسپ کیخسرو نریمان که یکی از ارباب قلم و از زردشتیان بسیار ایـران دوست هستند و در خدمت بایران دائماً قلماً و قدماً و لساناً مشغول بذل جهد هستند و مخصوصاً بـرای زیارت وطن مقدس اباء واجداد در دو سال قبل با چند نفر دیگر بایران مسافرت نمودند وکمال امنیت را که امروز سرتاسر ایران حکمفرما است و حسن جـریان امور را برای العین مشاهده نموده اند نطـق بسیار مفصلی بانگلیسی ایراد نمودند و شرح اقدامات اعلی حضرت را از ابتداء زمامداری تاهذه‌الساعة یک به یک بیان نمودند و اصلاحاتی که از حسن تـوجهات خدا کاریهای اعلیحضرت پهلوی در ایـن قلیل مدت زمامداری ایشان در ایران بعمل امده مخصوصاً راجع به تاسیس قوه نظام وایجاد امنیت در تمام ایران واصلاح امور مالیه همه را شرح دادند و از کثرت کفایت و عزم راسخ و همت عالی وعشق اعلیحضرت بوطن مقدس و فعالیت و قوه اراده ایشان بیاناتی چند نمودند وتبریکات صمیمانه ازاین‌حسن انتخاب ملت ایران تقدیم نمودند انگاه جناب کشیش ارامنه جلفا نطقی نموده پس از تقدیم تبریکات صمیمانه خـیلی اظهار امتنان از وضع سلوک ایرانیان نسبت به ارامنه نمودند و خیلی اظهار امیدواری نسبت به آینده درخشان ایران نمودند و نطق خود را به زنده باد پهلوی و پاینده باد ایران ختم نمودند

پس ازان دکتر جیون جی مودی که از زردشتیان بسیار فاضل ومتبحر هندوستان هستند و درسن کهولت از فرط عشق که بوطن اسلاف دارند امسال برای زیارت وطن بایران مسافرت نموده و به تازگی از سیاحت تمام ایران معاودت نموده بودند نطق فصیح و مهیج بزبان فارسی نمودند مشعر بر احساسات قلبیه و حسن عقیده نسبت بایران و ایرانیان و افتخارات باستان امیدواری به آتیه در سایه توجهات اعلیحضرت پهلوی که بسیار مؤثر واقع گردید و در خاتمه برحسب ائین زردشتیان دعائی که در مواقع متبرکه دستوران و موبدان میخوانند (چون خود ایشان هم از سلسله موبدان هستند) بزبان پهلوی به آهنگ مخصوص برای نیایش بدرگاه پروردگار خواندند و از ایزد مهربان خواستگار شدند که کشور ایران را فرخی بخشیده روز بروز بـر شکوه ان بیفزاید و در گیتی بلند آوازه فـرماید و مردم ان مرزوبوم را سر بلند و نیک بخت ساخته به پایگاه بلند و جایگاه ارجمند رساند و پادشاه را بـداد گستری توانائی بخشد و روزگار در از اورا بـر تخت و اورنگ جم وکی پاینده بدارد

پس از انکه ناطقین ازگفتار فراغت حاصل کردند جمیع مدعوین به اطاق دیـگر برای صرف چای و شربت و شیرینی و عصرانه حرکت نمودند و عصرانه بسیار مفصلی چیده بودند در نهایت نـزاکت وصفا و از هر قبیل ماکولات و مشروبات مشروعه حاضر بود و تا پاسی از شب مدعوین همه جمع بودند و از ابتدا تا انتها دسته موزیک مخصوص مشغول ترنم بـود و بعد ازان یک به یک با اقای قونسول خدا حافظی نموده به تدریج روانه شدند

الحق مجلس بسیار باشکوه ومنظم و مرتب و مزین تشکیل یافته بود و ایرانیان از اقدامات زحمات جناب قونسل بسیار خورسند و مشعوف شدند که در چنین موقعی چنین مجلس که کاملا مناسب بـا حیثیت و مقام انها بود فراهم آورده بودند و در انظار خارجه لوازم توقیر و اعزاز پادشاه و مملکت و ملت را بجا اوردند درین جامقتضی است که از وضع سلوک جناب قونسل‌هم اشاره بشود و از برای اینکه قارئین محترم گمان نکنند که این مکتوب از ناحیه خود اقـای قونسل یا بستگان ایشان ناشی شده حبل‌المتین شاهد است که نویسنده حتی اندک رابطه و منسوبیتی بقونسل خانه ایران ندارد بلکه هر وقت از نمایندگان ایران خلاف نزاکتی دیده علناً اظهار داشته و همیشه مقید بحفظ مقام شؤونات ملی ایران در انظار خارجه بوده است بنا برین همانطور که انتقاد از اعمال مامورین ایران را در خارجه وظیفه خود دانسته تقدیر حسن اعمال انها را نیز بر خود فرض میداند تا مامورین ایران بدانندکه ملت ناظربه اعمال انها است لذا عرض میشود که وضع سلوک و رفتارجناب میرزا اسدالله خان بهنام از بدو ورود به بمبئی تا کنون که قریب چهار سال است کاملا رضایت بخش بوده وتمام ایرانیان بمبئی از حسن رفتار ایشان بسیار راضی و

خوشنودند شخصاً بسیار نجیب و حلیم و موقر و متواضع هستند شؤنات دولت و ملت را کاملا محفوظ داشته و در انجام وظایف ماموریت بدون اینکه شکایتی از احدی بشود بهیچ وجه فروگذاشت ننموده تمام مراتب ماموریت را رعایت نموده اند

نطق آقای قونسول

به خانمان محترم و آقایان عظام که در این مجلس شرف حضور بهمرسانیده در این جشن شرکت فرموده اند اظهارات تشکر آمیز خود را تقدیم داشته معروض میدارد که یك قوم را از نسارش برداشتند تاج یك قوم را نهادند افسر برجبین ، چه چیز اینکه چنانکه ممکن است آقایان عظام اطلاع بهمرسانیده باشند وضعیت ایران در قسمت اخیره بواسطه بعضی پیش آمد های ناگوار بی اندازه قابل تنقید گردیده بود زیرا عدم امنیت در تمام مملکت حکمفرما شده و متنفذین در اقطار مملکت بنای خودسری را گذارده وعدم اطاعت خود شان را بحکومت مرکزی علناً آشکار و یك وضع ملوك الطوائفی تقریباً در مملکت ظاهر شده بود امور ادارات و مخصوصا وضع مالیه و جمع آوری مالیات که چرخهای فابریك مملکتی محسوب میگردند یك وضع تاسف انگیزی جلوه گر شده بودند که هر گاه بیش ازاین تعویق در مرمت آنها شده بود ممکن بود حالت نا مطلوب تری را پیش می آورد و متاسفانه سلاطین قاجاریه هم بعوض اینکه کوشش در رفع این خرابیها نموده و برای ترقی و سعادت مملکت اقدامات مجدانه بکار برده واهالی را از یأس و نا امیدی و مسکنت خارج بنمایند همه روزه بیشتر از پیشتر عدم میل و بی علاقه گی خودشان را بسعادت مملکت ظاهر و آشکار می داشته

بدیهی است هرگاه وضعیت مملکتی بدین منوال میگذشت سرگذشت این مملکت تاریخی بی اندازه قابل تاسف میگردید

لیکن از آنجائیکه خدای توانا و قادر بایران زمین و ایرانیان همیشه همراه بوده و میباشد و همان خدائیکه در هرموقع سختی وتنگدستی باین خانه مقدس همراهی های قادرانه خود بروز داده دراین موقع هم رحمت کامله خود را در باره ایرانیان مبذول فرمود باین معنی که از توده همین ملت یك شخص قادر و توانائی را بایك رای راسخ وعزم ثابت و با قلبی پر از محبت از وطن از پرده غیب خود ظاهر ساخت که یاس ونا امیدی ایرانیان را بغتتاً مبدل به امیدواری کرد و افق ایران را بواسطه طلوع این نیر اقبال یك مرتبه روشن و درخشان فرمود این کوکب اقبال و این نیر درخشنده و این نابغه ایران و این پدر مهربان همین اعلیحضرت شاهنشاهی رضا شاه پهلوی پادشاه امروز ایران است که باندك مدتی تمام سر کشانرا منکوب و باغیان را سرکوب ومملکت‌را ازحالت ملوك الطوائفی نجات داد و امنیت امروزه را سرتاسرمملکت برقرار نمود وبرای ترقی وسعادت مملکت اقدامات مفیده چندی نمود و ایرانرا بشاهراه ترقی انداخته و امورمالیه را خصوصاً به کمك مستشاران امریکائی مرتب ومنظم فرمود که خودی و بیگانه آنرا تصدیق چنانکه شخصی مانند (لارد بلفور) درنطق خود درپارلمان انگلستان از وضع مالیه ایران شرح داده و می گوید که امروز اوضاع مالی ایران ازحیث ترتیب ونظم با بزرگترین دول عالم برابری میکند و از همه مهم تر اعلیحضرت همایونی قشونی قادر ومنظم ازجوانان رشید ایران به بهترین اسلوب اخیره اروپا با تمام لوازمات حربیه آن بدون کمك ومعاونت مستشاری ازخارج برای مملکت تشکیل داده است که به تصدیق متخصصین یکی از بهترین قشون امروزی محسوب که امید است روز بروز برترقیات آن افزوده گردیده و لوازمات حربیه را هم درخود مملکت فراهم نمایند و بعلاوه روابط دوستانه ایران را با تمام دول متحابه نسبت به پیش به اساس مستحکم تری مستقر فرمود وبطرز کلی می توان گفت مملکت را ازحالت یاس و نا امیدی نجات داد ویك حیاتی تازه بروح اهالی مملکت بخشید وملیت اش را ازشرمندگی خلاص و بین الملل سربلند و سرافراز فرمود که هرگاه بخواهم به تفصیل جزئیات خدمات و زحمات این مرد تاریخی پرداخته مجلداتی چند شده واین مجلس اقتضای آنرا نداشته و نبایستی بیش ازاین هم اوقات آقایانرا مصروف بدارم لذا مختصراً معروض میدارم که بواسطه همین اقدامات برجسته و خدمات شایان و فعالیتی که در انجام و تنظیم امورمملکتی از وجود اعلیحضرت پهلوی بروز وظهوریافت تمام ایرانیان او را بجان و دل دوست داشته و یگانه نجات دهنده وطنش خوانده به وجود او افتخار میکنند و شخص او را مستحق هرگونه اعزاز و ترفیع میدانند این است که بعد از اینکه از سلسله قاجاریه مایوس گردیدند و آنها را بی علاقه به ترقی و سعادت مملکت دیدند چاره را منحصر به تغییر آن سلسله دانسته وبعد عموم نمایندگان اهالی ایران که از تمام شهر ها و قراء منتخب شده بودند در مجلس مؤسسان که در طهران تشکیل یافت متفق الکلمه معتقد شدند که سزاوار ولایق تخت و تاج ایران منحصر به اعلیحضرت شاه رضای پهلوی میباشد و در تاریخ ۲۵ آذر ماه ۱۳۰۴ مطابق (۱۶) دسامبر ۱۹۲۵ بدون تردید و اختلاف وباتفاق آرا اعلیحضرت را به پادشاهی ایران منتخب وتاج و تخت

خودشانرا باکمال میل و رغبت به او تسلیم نمودند که حقیقتاً بایستی ملت ایرانرا باین حسن انتخاب تهنیت گفت و ما امیدواریم که بمرحمت یزدان پاك در سایه مراقبت و فعالیت و حسن نیت این مرد بزرگ تاریخی روز بروز به ترقیات ایران افزوده گردیده و عنقریب ملت ایران افتخارات باستانی خود را دو مرتبه حاصل نماید در خاتمه مجدداً از خانمان محترم و آقایان عظام که دراین جشن شرکت فرموده بنده و سایر ایرانیان را ممنون و مشکور نموده اند از صمیم قلب تشکرات خالصانه را تقدیم مینمایم —

از تربت حیدریه می نویسند

شاه زاده عظیم الممالك از طرف ایالت خراسان بسمت ریاست بلدیه تعیین از زمان عهده داری مشار الیه قسمت روشنائی شهر دارد اداره میشود بود چه اداره بلدیه هم ازمرکز تصویب واجزاء آن اداره که قریب به یکسال است مجانی خدمت مینمایند از این موقع که بود چه تصویب گردید و باید حقوق معوقه خود را دریافت دارند اداره مالیه متعذر بعذرهای شده وا زپرداخت حقوق خود داری مینمایند چنانچه رئیس مالیه مختصر مساعدتی در این موقع باداره بلدیه بنماید اهالی از هر جهت در آسایش خواهند بود لاکن گذشته از اینکه برای مساعدت حاضر نیست کارشکنی هم مینماید با اینکه انبارمالیه مملو از گندم است هر قدر بلدیه جدیت مینماید که به نرخ یوم گندم را از مالیه خریده و تحویل خباز ها داده که نان شان فراوان ومردم در آسایش باشند مالیه حاضر نمی شود معلوم نیست اداره مالیه از این قسم سخت گیریها چه نظریه دارد

چندی است در شهر سرقت های مهم رخ میدهد چند شب قبل از کارخانه حاجی سید رضا نامی قریب به (۷۰۰) تومان ابریشم بسرقت می برند درصورتیکه محل مذکور مصادف است با پست اژان و همه وقت اژان در آن محل حاضر است باوجود اینها باز آن سارق زبردست بوده که اهمیت به اژان اداره و مال را سرقت مینماید

پیشنهاد وزیر مالیه مداقه فرمایند

۱ — اسم سکه طلائی ایران که اشرف افغان پس ازان خونریزیها و خرابی ها یادگار گذارد متأسفانه ایرانیان هم تاکنون آمده ارث بیگانه را افتخاراً قبول نموده و تا امروز دست بدست رسانیده و تغییر نداده اند بعقیده ما خیلی اسباب ننگ و سرزنش ملت بلکه باعث خفت و ذلت یك مملکت بزرگی مثل ایران است که اسم سکه آن بنام بیگانه معرفی شود فعلا که سکه تغییر میکند امیدواریم ان اسم هم ایرانیان را وداع نموده و بجای (اشرفی پهلوی) معرفی شود

۲ — پای تخت ایران که سلاطین قاجاریه طهران قرار داده اند براشخاص بصیر مبرهن است که طهران قابلیت مرکزیت از هر حیث ندارد خوب است حالیه که قاجاریه خلع شده اند پای تخت هم تغییر کند و اعلیحضرت محلی را که آب و هوایش خوب و قابل زراعت و تجارت و صناعتی و هم از جهة سیاسی آن اهمیت داشته باشد تعیین و مرکز پای تخت قرار دهند که در دوره جدید مرکز از هر حیث اهمیت داشته وکمتر احتمال خطری هم بر اوبرود روز بروز بر آبادی و زراعت و صناعتی و تجارت انهم فزوده شود ما تعیین محل را واگذار به اشخاص بصیر وخبیر میدانیم

۳ — راجع بشرکت است چون عموم ملت ایران از این فیض عظمی بی بهره هستند خوب است دولت پهلوی شرکتی بنام (شرکت پهلوی) تاسیس و از شخص خود شاه سرمایه معین و عموم هموطانرا دعوت بمساعدت فرموده تامردم افتخاراً از همدیگر سبقت جسته و یك شرکت بزرگی تاسیس و یك قدم اساسی در امور اقتصادیات برداشته آید و هم از این شرکت یکی از امورات مهمه اقتصادی عملی شود یا راه آهن کشیده یا سدی بسته شود یا کارخانجات قند ریزی. ریسمان بافی وصناعتی وارد و بجهة عموم ملت ایران سرمشق بلکه باعث تشویق عامه بشود درخاتمه امیدواریم دولت پهلوی این پیشنهاد نگارنده را که شامل هیچ گونه تملق وعرض نیست بحسن قبول تلقی فرمایند — [غ - ر - مرشدی]

حبل المتین

بعقیده ما این سه پیش نهاد هر یك بجای خود پسندیده ونافع است ولی اگر اعلیحضرت شرکتی بنام فامیلی خودشان تشکیل وسرمایه انرا بیست ملیون تومان قرار دهند و سهام اش را درجمیع نقاط ایران بمعرض بیع گذارند و شخص اعلیحضرت هم یك سرمایهٔ ابتدائی ازخود معین کنند و اختصاص بکارخانه آهنگری بدهند منافع عظیمه اقتصاداً وسیاساً وصنعتاً عاید تواند گردید چه در این موضوع مکرر نگاشته ایم تا ایران دارای کارخانه آهنگری نشود مقتدر به رفع احتیاجات خود نتواند گردید راه آهن بسازیم کارخانهٔ آهنگری میخواهد کارخانجات صناعتی بدون کارخانه آهنگری پیشرفت نتواند کرد ماشین آلات زراعتی بدون کارخانه آهنگری رواج عمومی نتواند یافت غرض این است بدون کارخانه آهنگری دست درهرکارزده شود پیشرفت نتواند کرد از برکت یك کارخانهٔ آهنگری ملیونها نفوس بیکار ایران بکار خواهند رسید —

بعقیده ما روح ترقیات ابراز بنده به افتتاح کارخانه آهنگری است و اگر این کار خانه بشرکت پهلوی صورت بنده بر عظمت نام تاریخی اعلیحضرت هم تواند افزود *

۱۰ کرور سرمایه اقتصادیات

ماده اول مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که از تاریخ تصویب این قانون تا مدت ده‌سال هر سالی مبلغ پانصد هزار تومان از عواید مملکتی در خزانه داری کل در حساب مخصوص بنام (سرمایه توسعه اقتصادی) بگذارد

ماده دوم بدولت اجازه داده میشود که سرمایه مزبور را مخصوصا برای امور انتفاعی عمومی از قبیل ایجاد قوه برق بوسیله قوه آب آبیاری سد بندی استخراج معادن ساختن راه آهن سلك (دکویل) لوله کشی و مشروب کردن شهرها تاسیس خطوط تلگرافی و امثال آن که متضمن عوایدی باشد بمصرف برساند

ماده سوم کلیه عواید اضافی که از تاسیسات عام المنفعه که بوسیله (سرمایه توسعه اقتصادی) ایجاد شده است بدست میاید پس از وضع مخارج اداری و نگاهداری آنها بر سرمایه توسعه اقتصادی اضافه خواهد شد و پس از انقضای ده‌سال مذکور در ماده اول عواید مزبور مستقلا سرمایه توسعه اقتصادی را تشکیل خواهد داد

ماده چهارم دولت ازوجوه سرمایه اقتصادی فقط اقدام بتاسیساتی خواهد نمود که بر طبق بر آورد متخصصین فنی عواید آنها برای مخارج اداری و نگاهداری آنها بعلاوه استهلاك سرمایه بدوی که برای آنها بمصرف میرسد در مدت ده‌سال کافی باشد هر گاه اهالی نقطهٔ بخواهند دا و طلبانه وجهی برای تاسیس یك کار عام المنفعه که متضمن شرایط فوق نباشد تادیه نمایند دولت مجاز است که مبلغی برای مساعدت به اینگونه تاسیسات بپردازد بشرطیکه عواید تاسیس مزبور بمخارج اداری و نگاهداری خود تکافو نماید و نیز بشرط اینکه مساعده دولت الی ده سال مسترد گردد

ماده پنجم وجوه سرمایه اقتصادی‌را دولت برای تاسیسات عام المنفعه در کلیه مملکت باید بمصرف برساند

ماده ششم برای تهیه موجبات فنی تاسیسات عام المنفعه بترتیب الاهم فی الاهم و برای مطالعه در اوضاع معادن ایران و شناسائی آنها بسرمایه داران خارجی بدولت اجازه داده میشود برای شعب ذیل از امریکا متخصص فنی استخدام نماید ۱ - متخصص قوه برق بوسیله آب یك یا چند نفر — ب — متخصص سد بندی و آبیاری یك یا چند نفر — ج — متخصص معرفة الارض مهندس معادن یك یا چند نفر

ماده هفتم مدت استخدام هریك ازمتخصصین مذکور سه سال بوده و مجموع حقوق آنها که از سرمایه توسعه اقتصادی پرداخته خواهد شد نباید سالی سی و پنجهزار تومان تجاوز نماید سایر شرایط کنترات مهندسین فوق الذکر مطابق قانون ۲۹ اردیبهشت ۱۳۰۴ خواهد بود استثناء اینکه آنها مستخدم و مسئول وزارت فواید عامه خواهند بود

ماده هشتم وزارتین مالیه‌وفوایدعامه مامور اجرای این قانون میباشند

حبل المتین

این اقدام جهانقیمت بهترین مؤسسات اقتصادیات مملکت است فقط نقیصهٔ که بنظر ما رسیده این است که برای یك مملکت وسیع خراب که خیلی محتاج است بر ترمیمات اقتصادی است این مبلغ که معین شده خیلی کم است و ازاین‌راه عمران مملکت طول می‌انجامد اگرچه میدانیم مالیه کنونی ما بیش از این مبلغ را برای ذخیره اقتصادیات فعلا اجازه نمیدهد ولی باید در نظر گرفت عایدات مخصوصی را که خیلی بیش از اینها باشد برای توسیع اقتصادیات چونکه در این اشاره به بستن سد اهواز وجاجرود هم شده عقیده ما قبل از هر اقدام بستن سد اهواز لازم است چه هر مبلغ که خرج بستن این سد بشود بمدت چند سال چند برابر خواهد شد در هر صورت این اقدام خیلی در عمران مملکت موثر است و مسلماً هرگاه که موقع یافتند می توانند بجای سالانه یك کرور دو و سه کرورهم قرار دهند -

اعضاء عدلیه حالیه خوزستان

آقای میر سید علی خان کبیر رئیس محکمه بدایت
اقای میر شمس الدین کاشانی عضو اول بدایت
آقای میرزا محمود عسکری رئیس پارکه بدایت
(مدعی العموم)
آقای حاجعلی آقا کاشانی عضو دوم بدایت
آقای میرزا عباس عسکری امین صلح

شرکت فلاحت خوزستان

بتازگی شرکتی در اهواز بهمت چند نفراشخاص متنور الفکر بنام شرکت فلاحت خوزستان بسرمایه مکفی که بعد نگارش خواهد یافت تأسیس و اراضی جنوب شرقی ساحل رود کارون را برای زراعت و غرس اشجار و ترتیب باغها مقتضیه انتخاب و مشغول گردیده بدواً شش دستگاه ماشین آبکشی تدارك کرده که بوسیله آنها اراضی منتخبه را مشروب دارند از طرف اداره مالیه نیز مقرر گردیده که هر کس که ماشین آبکشی وارد کند بقدر قوه همان ماشین اراضی بایره را مجاز باباد کردن باشد -

چون هر قسم مقتضیات فلاحتی بخصوص

استعداد زمین و وفرت انهار موجود است این شرکت و شرکتهائیکه بعداً تاسیس شود ترقیات کامل کرده استفاده های فوق التصور خواهند نمود ـ

ما از اشخاصیکه متمکن هستند و میتوانند باین ترتیب وسایل ابادی را فراهم نمایند انتظار داریم که زیاده بر این خود را معطل و اراضی را بایر نگذارده همت خود را ظاهر داشته و ترقی خواهان را متشکر دارند ـ

چون اقدامات این شرکت در این قدمی است که در این راه برداشته شده و مشهور است که سایرین هم در این کار اقدام کرده و می کنند بنوبه خود شرح اقدامات هر یك را برای درج تقدیم خواهیم کرد

کلوب ورزش اهواز

از آنجائیکه الناس علی دین ملوکهم در هر وقت اثرات خود را در همه مات نموده و دنیای امروزه و مندرجات جراید حقیقت گو بعامه جوانان ایران ورزش و پهلوانی را یاد آور و خاطرشان می نماید یك اثرات نیکوئی در افکار جوانان ایرانی تولید کرده و بورزش مبادرت می نمایند از جمله بهمت یك عده ازجوانان تربیت شده دراهواز نیز تشکیل مجمع ورزش گردیده و جماعتی ور زندگان ایرانی بورزش یومیه علاج رخاوت وسستی خود را نموده و صحت مزاج خویش را ادامه می دهند

یقین است که نتیجه ور زندگی بهادری و نتیجه شجاعت حفظ استقلال ملك و ملت است و جای شبه و تردیدی نیست که تا ملت صحت خود را حفظ نکند با فکر سلیم و عقل مستقیم بحفظ ملیت و استقلال مملکت خود قادر نخواهد بود ـ

ورود و حرکت

رفیق والدن ـ کفیل جنرال قنسولگری جماهیر شوروی روس مقیم فارس ۲۰ آذرماه وارد اهواز گردیده پس از سه روز توقف مراجعت بفارس نموده در طی اقامت از بعضی رفقا ملاقات و شرحی از حسن ارتباط دولتین ایران و روس و ترقیات اقتصادی و تجارتی روسیه مذاکره کردند ـ

نمایش

در شب ۲۹ ـ آذرماه در تحت ریاست آقای نایب سرهنك مصطفی خان فرمانده قوای ساخلوی خوزستان و کفیل حکومت نمایشی بمنفعت حریق زدگان ۲۹ آبان ماه در کلوب ارامنه ایران دوست نوع خواه داده شد و بنام بازماندگان از طرف کمیسیون اعانه حریق زدگان بجمع آوری اعانه بوسیله یك نفر بیوه زن ارمنیه و طفل صغیری مبادرت شده قاطبه تماشاچیان بذل اعانه نموده از جمله رفیق با تفاقی قنسول دولت جماهیر شوروی روسیه پنجاه تومان و زوجه ایشان ده تومان داده نوع خواهان را متشکر نمودند

خوزستانیان بخوانند

هموطنان عزیزم وضعیات امروزه دنیا در هر ساعتی حقایق را برای بیداری ما روشن می نماید باید ما بادیده حقیقت بین مترصد وضعیات بوده تا استفاده های کلی بنمائیم که حقیقةً وضعیت امروزه دنیا در مقابل ما ایستاده و بکلی خاطر ما را بخود متوجه ساخته و لازم است انها را دو درس کامل برای خود فرض کنیم یکی از آنها که تصور می کنیم چون روشنی آفتاب واضح است این است که جز برعایت امور اقتصادی زندگی هیچ جامعه امکان پذیر نیست نتیجه کشف این حقیقت این است که ما باید با جدیت کامل بحیات اقتصادی خود کوشیده تا زندگی خود را تامین نمائیم دیگر از آن دو حقیقت این است که امروزه هرکس باید خودش بفکر زندگی خویش باشد و نباید بانتظار غیر بوده تا دیگری برای حیات او وسایل فراهم کند چرا که توسعه ماديات در سراسر عالم ملکیات فاصله را نابود ساخته و نمیگذارد کسی بفکر دیگری باشد یکی از دلایل مثبته این حقیقت آن است که پنج دوره از عمر مجلس سپری شده یك نفر در دارالشورای ملی بفکرما نبوده ونبایدهم منتظر باشیم که دیگران در مقام حفظ کلاه ما باشند نتیجه اثبات این زمینه است که خود باید ساعی بحفظ حقوق و تضمن زندگی خود باشیم و با تجربه همه این مطالب روشن شده است که زندگی عهد دقیانوسی مناسبت باجامعه امروزی ندارد و چون ما در این عالم هستیم زمینه زندگی خودرا موافق با زندگی اهل این عالم باید قرار دهیم طریقه زندگی امروزه چیست اینجا است که ما میخواهیم قلمفرسائی نموده و برادران خودرا بیك تکلیف قطعی خود اشنا سازیم بدیهی است زندگی بدون پول امروزه محال است و از انجائیکه ما مایلیم در زمره زندگان عرض اندام نمائیم راه پیدا نمودن پول را باید بفهمیم و قبل از اینکه راه تحصیل ثروت را نشان دهیم یك اصل مسلم است که در مقام تحصیل و حفظ پول فوق العاده مهم و لازم است آن را نصب العین خود قرار داد توضیح میدهم این است که بشما میگوئیم امروزه زندگی انفرادی رو بزوال است توسعه تمدن عصر حاضر زندگی شخص را محو و نابود نموده و حیات اجتماعی را ایجاب میکنند بدبختانه در نتیجه جهالت این اهل درخشان در منطقه خوزستان بجبران

میفتاده و بهمین سبب فرسنگها از تمدن دور مانده با اینکه از هر حیث واجب و لازم است و در اثر غفلت از این نکته حقوق حقه ما پامال و منافع ما در دست جمعی مردم نالایق متکبر از بین رفته و حکومت مرکزی با آنهمه استفاده‌های مادی که از منفعه ما میکنند نظر حقارت بما مینگرد و مارا از وسایل تمدن بکلی محروم ساخته است پس مارا است که امروزه قبل از همه چیز بفکر اصلاح این اصل مستحکم باشیم و آن را مسلك خود قرار دهیم تا در تحصیل پول و حفظ ثروت موفقیت کامل پیدا نمائیم و از ذکر این نکته هم ناگزیریم پیدایش پول را البته از صاحبان پول باید تعلیم گرفت ولی از پول دارهای دانا تاهم موفق بکثرت ثروت و هم بحفظ آن شوند متخصصین علم ثروت گفته اند تحصیل ثروت به سه طریق متصور است که هر یك ازان طرق بمنزله اساست دارای شعب عدیده فلاحت صناعت تجارت ماهم باید پیرو این جماعت باشیم چرا که گفته اند ره چنان رو که رهروان رفتند پس بدیهی است مراد از فلاحت فلاحتیکه امروزه در ممالك متمدنه انرا یکی از اصول مهمه زندگی شمرده مدارس بیشمار تهیه نموده و آن را تدریس میکنند نه فلاحتیکه از ایام کیومرث برسم یادگار برای ما مانده چه امروزه

این فلاحت ما را به بدبختی رسانده چنانچه همه میبینیم ملاکین وزراعین ما از تامین روزانه خود عاجزند در موقعیکه ممالك خارجه بماشینهای برقی ترقی فلاحت خود میکوشند ما بگاو های مرده خود نمیتوانیم با انها رقابت نموده و خودرا فلاح قلمداد کنیم در حقیقکه تلمبهای ابی بقوه بخار اراضی را سیراب مینمایند نشستن ما با انتظار باران غلط است واقعا چه بسیار شرم اوراست با اینهمه اراضی قابل زرع ابهای فراوان برای لقمه نان دست تکدی بطرف هند و عراق دراز کنیم خوشبختانه خداوند عالم اصول از دیاد ثروت را باینك وسائل طبیعی کم زحمتی عطا فرموده چرا که برای فلاحت اب زمین تناسب هوا لازم است که الحمد هر سه را داریم برای صناعت معادن سرمایه مردان رنج برواجب است هر سه را برای تجارت به سرمایه و موقعیت محتاجیم تا اندازه‌ئی هر دو وجود دارند ما بتشریح این سه اصل در ضمن یکسلسله مقالات خواهیم پرداخت عجالتا بشرح اصل اس (فلاحت) که اهم و مناسب با روحیات جامعه امروزه است وبانداك زحمتی ممکن است در تعقیب ان مقام عالی احراز کرد میپردازیم و این نکته را هم ناگفته نمیگذاریم باید دانست هیچ وقت وسایل کار تماما برای یکنفر جمع نبوده و نخواهد شد بلکه باید بحسن مجاهدت اسباب کار را مهیا ساخت البته نمیشود یکنفر بتنهائی مالك وزارع و نانوا باشد بلی هر فردی باید به تهیه یکی از مقدمات بپردازند تا در نتیجه جمع کثیری بتوانند اعاشه نمایند از این جهة است که میگوئیم باید برای استفاده از اب و خاك و هوای خوزستان همه متفق جدیت نمائیم یکی زمین تهیه کند دیگری تهیه بذر و کشت انرا نموده ثالثی وسائل مشروب نمودن زراعت را فراهم اورد را هی مزید احتیاج را بازار های دنیا بمصرف فروش رسانده و پول انرا وارد نماید تا این طریق تولید ثروت شود اما زارع همیشه برای زحمت کشت و زرع حاضر است ازان حیث راحتیم ملاك هم باید بداند مصارف روز بروز رو باز دیاد است وزرات مالیه هم برای تنظیم بودجه خود فقط اورا در نظر دارند کرسی نشان مجلس هم از تصویب مالیتهای پی‌درپی عجزی ندارند فرضا یك سال قناعت نموده و جواب انها را داد سال دوم اثاثیه خود را فروخت و صرف لوازم نمود سال سیم مجبور خواهد شد ملك خود را رهن با هم شرط گذاشته برای تامین حیات خود سال چهارم چون از تادیه وجه عاجز است مجبورا بایك نگاه حسرت امیز دست از وسیله زندگی خود برداشته و ملك را از دست بدهد وخود باعائله اش بگدائی بدیاری رهسپار شود پس برای جلوگیری از این مصائب باید در مقام عمران ملك خود برایند فرضا اگر خود ممکن ندارد بایك شرایط منصفانه بدیگری واگذار کند تا هم خود فیضی برده و هم ملك معمورشده و هم دیگری که عمران نموده استفاده نماید و در نتیجه جمعی زارع ها هم از حیث اعاشه خود ماهیت بینند و از مشکلات مذکوره هم راحت باشند این بود خلاصه وظیفه ملاکین و اما سرمایه داران و تجار ما گمان میکنم خسارتهای بی در پی و بحرانهای تجارتی که امروزه بما متوجه شده وانهارا درزحمت انداخته درس عبرت کافی برای انها باشدکه بفهمند دلالی خارجه تجارت نیست و بالاخره چهار شاهی پول نتیجه زحمات هفتاد ساله اباء انها را بازیگران خارج بیك طرفه‌العین خواهندربود چنانچه پس از جنگ بین‌المللی همه دیدید چندین تن از تجار معتبر ورشکست در آمده و از اتش افلاس انها چقدر از ثروت شما سوخت

چنانچه اگر فعلا هشیار نشده وبهمین تغافل بگذرانید طولی نخواهد کشید شما هم بانها پیوسته و این دنیا را و رد خود خواهید ساخت و انا انشاءالله بکم لاحقون و محتاج بنان شب خواهید شد اجمالا بدانید سرمایه

داران خارجه زیرك و دانا وبیدارند و صفحه شطرنج تجارت را بمیدان گذاشته و با شما بازی میکنند و چنان بسرعت شاه و فرزین و پیل و اسپ خود را سیر میدهند که پیاده شما خسته و شاهتان مات است سخن این بیغرض را گوش دهید غفلت را از خود دور سازید این پولهائیراکه بر سبیل اتفاق مداخل میکنید شما را گول نزند چه این بمنزله دانه ایست که برای صید مرغ میریزند ملتفت باشید مدام بیفتید تا آب از فرق تان گذشته است خود را نجات دهید تا سرمایه داران خارجی سرمایه تانرا نابود وخودتانرا بخاك مذلت ننشانده وبالب خنده های خود شما را مسخره ننموده بفکر آسایش پردازید و سرمایهای خود را بکار های پر منفعت مشغول کنید و از املاکی استفاده نمائید ملك ها را بکمك همدیگر آباد کنید زندگی اجتماعی را مسلك خود قرار دهید زراعت خود را بخارجه حمل دهید آخر این ملت بدبخت چقدر پول دارد که همه روزه شما آنرا تسلیم اجانب نمائید نمی بینید روز بروز بر عده گداها فزوده ملکها خراب میشوند مسئول این و برانیها شما خواهید بود اگر بیدار نشدید زمانی نخواهد گذشت یا حال فقرا را پیدا نموده و یا اینکه ضعفائیکه از شدت گرسنگی خواب ندارند بفکر شما افتاده و این بیت را شعار خود قرار خواهند داد تا تو را مثل خود گدا نکنم دست از دامنت رها نکنم دراین موضوع زیاده بر این توضیح نخواهم داد ومنتظرم تا این مقالات که مظهر احساسات بی آلایش یکنفر نوع پرست است در شما چه تاثیر بخشد و از ارباب قلمیکه در خوزستان سکنی دارند و از وضعیات آگاهند تمنا دارم این زمینه را تعقیب نمایند و از اهل الحمیه مستدعی هستیم با ما موافقت ورزند شاید از توجهات آنها خوزستان تاریخ قدیمی خود را تشکیل دهد

[نور الدین الموسوی الجزایری]

از دزداب می نویسند

جمعیت هموطنان عزیزم بخیال ترقی وسعی و جستجوی وسیلهٔ ارتقاء آن افتاده همواره در راه تحصیل ثروت که اولین قدم راه ترقی و مدنیت است کوشاهند چنانچه بمندرجات مجلات ملی عطف نظر شود دیده میتواند شد چه پیشنهادهای مفیدی برای جلب منافع و تکثیر عایدات تقلیل واردات خریداری کار خانجات بدانش جهات اقتصادی که یگانه آمال هر دولت متمدنی است کرده اند چند روز قبل نگارنده چون در صدد کسب اطلاع از اوضاع داخلی ایران و منتظر تعالی آن بسر بردم درشماره دوم مجله [آینده] منطبعه طهران بقلم آقای دکتر افشار پیشنهادی جهت وارد کردن کارخانه قند سازی دیدم که یکنفر از دوست داران ترقی ایران ۴۶۴۱۰۷۹۶۵ کل واردات مبلغ ۱۳۱۷۳۵۰۰۰ آن را واردات قند معین کرده و راه علاج آن واردات بنیان کن را وارد کردن کار خانجات قند سازی قرار داده و مخارج آنرا یک میلیون بر آورد نموده ضمناً بدلایل واضحه مدلل داشته بودند که پس از جریان کارخانه مزبور در بلوك ساوجبلاغ عوائد آن با نصف کل عوائد مملکتی برابری تواند کرد متاسفانه بواسطهٔ فقر عمومی راه درستی جهة بدست آوردن این مبلغ سرمایه برای وارد کردن کار خانه نتوانسته بودند پیدا کنند و راه تحصیل سرمایه را معامله باشرکتهای خارجی مرقوم داشته بودند

امشب را چند نفر از دوستان بنده منزل تشریف داشتند بر حسب عادت مذاکره از مندرجات در مطبوعات خصوصاً از نگارشات نافعهٔ مجله آینده و پیشنهاد آقای بیات معادن وزارت فوائد عامه در موضوع وارد کردن کار خانهٔ قند سازی شد آقایان قبول نمی کردند که آیا ممکن است بایك میلیون سرمایه کار خانهٔ وارد کرد که بقدر نصف عوائد مملکتی از آن بتوان منتفع شد و اگر چنین است چرا الی حال اقدامی در وارد کردنش نشده نویسنده برای استحضار آنها عین لایحه در صفحه ۸۳ شماره ۲ مجله آینده را قرائت کردم پس از قدری سکوت یکی از آقایان حضار راه تحصیل یك میلیون سرمایهٔ لازمه را باین ترتیب پیشنهاد نمود از بدو تشکیل مجلس مقدس دارالشورای ملی قوانین لازمه که رفع احتیاج اهالی این آب و خاك را بنماید بازحمات طاقت فرسای که عموم مطلعند وکلای محترم وضع کرده ولی چون بدبختی دامن گیر ایرانیها بوده و قابلیت قانون نداشته و بترتیب استبداد آشنا بوده قوانینیکه با زحمت زیاد وضع شده الی حال اجرا نگردیده بطور وضوح بواسطهٔ اینکه کابینه های گذشته نقطهٔ اتکای جهت اجرای قانون نداشته اند قوانین عقیم مانده تاامروز که برحسب اراده الهی در راس دولت رضاشاه پهلوی قرار گرفته اند و امید میرود قوانین موضوعه اجراء شود چون اجرای قوانین کار آسانی نیست و حد اقل یکسال جهة این کار لازم است خوبست آقایان وکلاء برای مدت یکسال بکار های شخصی و تفریح دماغ اصرار وقت فرموده و مجلس را تعطیل کنند سرمایهٔ که جهة کار خانهٔ قند سازی از این راه حاصل میشود مبلغ ۳۲۶۴۰۰ تومان مواجب وکلاست (سوای مخارجات دیگر دارالشورای ملی) و چون برای اجرای قانون حکومت باید نظامی باشد لازمست در مدت مزبور وزارت جلیلهٔ داخله را نیز تعطیل نمایند بنابر این مساوی وجه مذکور یا چیزی کم و بیش هم از این راه حاصل میشود خلاصه مخارج ابتدائی

و رونق کار خانه قند سازی بهمت وکذشت و کلای محترم و اجزای وزارت جلیله داخله بطور خوبی بدون اینکه محتاج بتکدی نزد شرکتهای خارجه یا فشار بداخله باشیم حاصل میشود

انصافاً آیا کدام قانون است که در مقابل گذشت یکساله وکلای محترم بقدر اصف عایدات تنگکی از آن عاید شود و نیز ممکن است در این مدت ملت هم بی بحقوق خوش برده در انتخاب وکیل جهة دوره آتیه چشمشانرا باز کنند و وکلا هم در این تعطیل قوای زندگی خودشان را ترتیب داده در ییلاقات مشغول تفریح باشند که برای دورهٔ آینده مستعد کار کردند پس از استماع پیشنهاد فوق بدا حق تراوش فکر بکنار حساس است دوستان محترم خواهش کردند بروز نامه حبل المتین کشف کنم تا آن جریده ملی هم در این نیت مساعدت کرده این پیشنهاد ممدد را باحاط انور اعلیحضرت پهلوی برساند محتمل است عملی شده مدتی از پول فرستادن بخارجه و احتراف آراء اقلیت و اکثریت برهیم فرو هر

از ارومیه می نویسند

ترجمه از روزنامه زاریا واستوق

(منطبعه تفلیس نمره ۹۶۷)

دعوت اتحاد آشوریهای مقیم جماهیر سوسیالستی شوروی از آشوریهای ترکیه بین‌النهرین و ایران ما نمایندگان آشوریهای حکومت جماهیر شوروی متحده و مستملکات آشوری مسکو ، پس از استماع خبر صریح ریزی دولت انگلیس که در مجمع بین‌المللی منعقده در ژنو در موضوع حل قضیه موصل خود را حامی ملت آشوری معرفی نموده است . مادر این خصوص اعتراضات شدیده خود را اظهار میداریم زیراکه حمایت دولت انگلیس از آشوریها برای پیشرفت مقاصد سیاسی خود وسیلهٔ ملت مذکور میباشد

چندین سال سیاست دولت انگلیس سعی مینمود که احساسات ملی آشوریها را در مقاصد جهانگیرانه خودش استعمال کند و جدیت داشت که در میان ملل مشرق تولید نفاق و مبارزه نماید انگلیسها در زدو خورد با ترکها آشوریها را در زیر دست خود شان آلت و اسباب حاضر میدیدند و در این مقصد همواره انگلیسها آشوریها را بر علیه ترکها تحاول نمودند و برمی انگیختند که در این خصوص از آشوریهای مقیم ولایات وان - حکاری - سنجاق وآشوریهای کاتولیکی مذهب موصل بهره‌مند کرده و همچنین آشوریهای ایرانرا تغییر مسکن داده و موصل را جهته آنها مسکنی مصنوعی قرار داده تا از رشادت طبیعی و تهور حربی آنها در مقابل ترکیه استفاده نماید و با این ترتیب سدی از آشوریها برای محافظت منافع نفطی خود در موصل تولید نماید ارکان حرب انگلیس میخواست که سنگینی دفاع حربی موصل را به دوش آشوریها تحمیل نماید ولی این سیاست دامن زنی به آتش حرص و آز ملل متحارب برای آشوریها بغیر از مشقات طولانی و تلفات هزاران نفوس آنها ثمری نبخشید و حالا ملت آشوری فهمیده است که آنها در سیاست انگلیسها آلتی کور کورانه بوده‌اند و پس بعد نمیخواهند که آلت مقاصد شان واقع بشوند حالا انگلیس خودشرا حامی ملت آشوری مقیم ولایات عثمانی موصل و حکاری معرفی مینماید و ملحق [illegible] همین ولایات را بعراق مطالبه میکنند و گویا [illegible] ترتیب برای آزاد ساختن آشوریها از دست عثمانیها میکوشند در مجمع بین‌المللی داد سیاسیون انگلیس خودشرا با این مرام پیشنهاد مینماید که در آنجا مسئله موصل در صورت قطعی حل و فصل خواهد شد ما این سیاست دوروئی انگلیسها که میخواهند نقشه جات غارت گری خودشانرا در خصوص عثمانی با حمایت کردن به آشوریها پرده بکشند اعتراض مینمائیم و معارض میگوئیم که ملت آشوری ابداً به این حمایت جهانگیرانه محتاج نمیباشد آشوریها در آمال شخصی و ملی شان خود شان میتوانند فکر بکنند وما به برادران‌مان که در عثمانی و بین‌النهرین و ایران ساکن هستند مراجعت کرده و آنها را دعوت مینمائیم که خودشانرا از آلت بودن برای مقاصد جهانگیرانه انگلیس جداً رفاع نمایند برای ما این سیاست انگلیسها که دامن زن آتش کشمکش و نزاع ملل با یکدیگر میباشند آشکار است ما و شماها تمامی اینها را فهمیده ایم و شما فهمید که منافع ملت آشوری بسته به دوستی و برادری ملل عثمانی و ایران است و مخصوصاً شما را دعوت میکنیم به اینکه انگلیس در زیر پرده منافع آشوریها سیاسات غارتگری خودرا در موصل پنهان مینماید اعتراض نمائید ۲۹ آوگست ۱۹۲۵ مسکو نماینده آشوریهای اتحاد شوروی روسیه مراد خان باد الوف نماینده طوائف آشوریها :

۱ - ملك او دیشوق رئیس طایفه دیز
۲ - مکی پولیوس تخونشای رئیس طایفه تخوم
۳ - رایش زائیا رئیس طایفه جلی
۴ - رائیس کیوار کمی رئیس طایفه آلبون
۵ - رئیس کندال رئیس طایفه گون
۶ - رئیس زایا کوردای رئیس طایفه کتوپز
۷ - ایقی یونانان لازار رئیس طایفه گیویز
۸ - بابینه زاستی رئیس طایفه بزور
۹ - او دیشوق رئیس طایفه آلیستای
۱۰ - شائول یادگار او رمید زائای از ارومی
۱۱ - ددید رئیس طایفه تیاری

۱۲ - قوچولف بنیامین .

پس از شرح فوق مدیر روزنامه از ولستی مطبعهٔ مسکو در خصوص این اخبار شرح ذیل را اظهار میدارد

در کتاب مورخ که از طرف دولت عثمانی راجع تاریخ زد و خورد عثمانی و انگلیس بااسناد صحیح بطبع رسیده است چنین اظهار نموده و سیاسات انگلیس را در خصوص کردستان و موصل و ارومی و ولایات ایران در صفحات روشن ظاهر مینماید این ملت کوچک جنگجو که آثار شان مسیحی هستند تا بزمان آخر با سیاست انگلیس استثمار میشد چنانچه مرام خود را در عدهٔ انگلیسی مرکب از آشوریها بناگذاری و خونریزی مینمود و با مواعید تحت حمایگی و حتی استقلال آشوریها را فریب داده و در میان آشوریهای عثمانی و خود عثمانی ها رشته های مودت و رابطه خصوصیت را که از دیرباز مستحکم بود درحالت سختی گسیخته ساخت حالیه مسئله آشوریها در کنفرانس مجمع بین المللی رسما پیشنهاد میشود و انگلیسها در همین مجمع محافظه سیاست آشوریها مسیحی را از عثمانیهای مسلم مطالبه مینمایند

آخرین تلگرافات آنقره اشعار میدارند که ارکان حرب انگلیس برای بریدن قطعات تازه از حدود ترکیه بقوای آشوریها تکیه می نماید با وجودیکه درمیان آشوریهای موصل از سیاست انگلیسها آثار نوامیدی و پریشانی ظاهر میشود . و از این دعوت آشوریهای جماهیر شوروی از هم مامان خودشان مقیمین بین‌النهرین ، عثمانی و ایران هم معلوم میشود که سیاست مستقر ساختن انگلیس آشوریها را برای منافع غارتگری ، از طرف رو بروی صفحه به آشوریها نمایان و ظاهر میشود و نتیجه این تبدل و تطور افکار در آشوریها آن خواهد بود . که درمیان ایشان و آشوریهای عثمانی یکدیگر را شناخته و با همراهی و معاضدت یکدیگر بکوشند .

دو فقره شرح فوق که از آن روزنامه ها ترجمه گردیده است چون مقصود آن بود که حتی الامکان تحت اللفظ بوده و عباراتش عیناً ترجمه شود لهذا در خصوص تسلسل و انشاء جملات مراعاتی منظور نشده است چنانچه نه و ده ماه قبل از این مدیر حبل المتین قضیهٔ موصل و وضعیات سیاسی آن و انگلیسها را با فکری روشن و دقیق پیش بینی نموده و با قلمی واضح آن را درج و بیان فرموده بودند و ما از شرح آن خود داری نموده و قارئین محترم را به رجوع طهران‌نامهٔ مقدس توصیه مینمائیم در حقیقت امر مسئله فوق فوق‌العاده قابل تدقیق بوده و صلاحیت عطف اهمیت را دارد زیرا کـــه این سیاست در استفاده از آشوریهای ولایات ایران و عثمانی بحدی آشکار و مبرهن است که جای هیچگونه شك و تردیدی در آن یافته نمیشود و ما از شرح عملیات انگلیسها با آشوریهای سایر نقاط صرف نظر کرده و مخصوصاً عملیات و رولهای سالوك آنها را که فقط با آشوریهای ناحیهٔ ارومی باخته اند بعرض مدققین میرسانیم و از انجائیکه کیفیت این قضیهٔ بواسطهٔ فجایع جگر سوزش در عموم نقاط دنیا اشتهار پیدا کرده و هر کسی ازان سانحهٔ جانگداز اطلاع دارد لهذا از شرح و قلم آن صرف نظر مینمائیم زیرا که در این مختصر ابداً نگنجد و مجلدات فراهم آید .

عملیات مذکور دول متحده که آشوریهای ارومی را با مواعید رنگین اغوا نموده و قوای مرکب از آنها و قسمتی از آشوریهای کوه نشین عثمانی موسوم به (جلو) که چند سال قبل در نتیجه عصیان شان مساکن آنها از طرف عثمانیها غارت و خودشان نفی وطرد شده بودند و دراین مدت مهاجرت اهالی ارومی آنها را در سینه نوازش ومحبت خودشان پرورده و از فلاکتهای مدهش نجات بخشیده بودند تشکیل داده و میخواستند که با این قوا در مقابل پیشرفت قشون عثمانی سدی ترتیب داده و قوای ترك ها را متفرق نمایند و این ملت نجیب قهرمان را که هزاران سالها در مهد ایرانیت غنوده بودند بدم شمشیر خونین آنها سپرده وفقط برای استفاده نمود سیلهای خون جاری ساخته که خود از دور با لبهای خندان و چهره شادان تماشای این منظره جگر سوز را کرده و از کشتار پیروجوان دختر و پسران نورس و از رقصیدن اطفال معصوم در نوك سرنیزه های متخاصمین حظی ونصیبی ببرد این بود سیاست وحشیانه آنها و اینست نتیجه تمدن ومعنی انسانیت . . . و میخواستند که مخصوصاً این ملت جنگجو را آلت دست خود ساخته ومقاصد سیاسی حریصانه خود را بوسیله آنها انجام دهند . اما بدبختانه نتایج وخیمه آن نه چنان اثری بخشید که بتوان پرده کشی نمود زیرا که یك مملکتی را بحالت ویرانه مبدل در آورده وهزاران اهالی مسلم ومسیحی آن بخون خود آغشته گردیدند و بقیه آنها دربیابانها سرگردان مانده از استراحت و وطن مالوف دور و مهجور درمیان انواع مشقات فوق الطاقه بسر بردند وبالاخره بغیر از این زحمات و مشقات آشوریها ابداً بوی عاطفتی ازدول متحده استشمام ننمودند مگر اینکه با کشتار و قتل و غارت ملت همجوار قدیمی خودشان که از دیرباز در آغوش محبت یکدیگر پرورش یافته

بودند متهم واقع شده و در مقابل پیشگاه عدالت خداوندی و وجدان خودشان مسئول وشرمنده گردیدند

و آشوریهای ارومی هم درنتیجه این همه مشقات طاقت گداز این مسئله را که آلت کورکورانه دست سیاست دیگران گردیده بودند بخوبی فهمیده اند ودر مقابل این اظهارات حامیگری بهمراهی سایر برادران آشوری خود مقیمین سایر ولایات شدیداً پروتست و اعتراض نموده اند

البته مسلم است که اعتراضات خودشان را شدیداً اظهار خواهند کرد زیرا که بخوبی متوجه این رمل دسیسه‌ها و حقه بازیها گردیده اند ودیگر زیربار سیاست دیگران نخواهند رفت بالاخص که مسئله اغوای شرقیان و انتریك انها درکار باشد چونکه مبنای پرده رولها همه در روی انسان کشی و محو ملل استوار گردیده است و هرگاه آن پرده ها در پیشگاه نظر عالمیان دقیقه داده شده و با نظر تعمق در ان دیده شود چیزی بغیر از خونریزی و خانمانسوزی دیده میشود و اثری جز وحشیت و ثمری بجز ساعیت مصارف اعطار نخواهد گردید و تمامی ملل و اهل ... به بطون این مسئله برده و حقیقت این حقه بازی را دریافته اند ودیگر ار آلت مقاصد سیاسی آنها نخواهند شد که درنتیجه اسباب کشتار نوع بشرفراهم آید

روزی خواهد رسید یعنی در آتیه نزدیکی که علاوه برملل تحت حمایه ایشان دیگر کسی آلت حرب وقتال بدست نخواهد گرفت و بلکه آنها را با نظر اکراه و تنفر خواهد نگریست تا وسایل قتل وغارت بنی نوع انسان که از ودایع معنویت یزدان است ازکره ارض و روی زمین برچیده شود

خوشا به آن روز سعید ومرحبا به آن ایام فرخنده که جمله ملل وتمامی نحل دفعة واحده این اسباب شوم وآلات منحوس و مذموم را بکلی متروك ساخته و با حالتی که تنفر و استکراه از آن ظاهر میباشد بدور و بلکه بقعر نیستی پرتاب نمایند و با جدیت تمام سعی نمایند که وسایل فقدان و نابودی آنها را بکلی فراهم آورده و حتی آنها را مبدل به نیستی نموده وریشه این بنای نفرت خیز و تهوع انگیز را بر اندازند .

[محمد تمدن]

حبل المتین

در این عصر شمشانی گمان نداریم که از هیچ ملت بدوان رموزسیاسی را مستور داشت نقشه سیاست هر دولت که بریزد البته بر نفع خویش خواهد بود اگر انگلیسیان نقشه برای آشوریها ریخته و خواسته اند در مقابله ترکانشان بر انگیزند مصلحت سیاسی خودرا دیده اند اینك که جرائد مسکو هم سنك آشوریهای ایران و ترکی را بسینه میزنند بر فائده خودشان است پس آشوریهای ایران راست که اعتنا بهیچ یك از این مقولات ننموده خویشتن را سنك روی یخ این و آن نسازند و دو باره خسارت اولیه را برای خود پیش نیارند جماهیر شوروی روسیه در آغاز تشکیل خویشتن را همدرد سائر اقوام کوچك شرقیه وهمدیگر ساختند ولی اینك که قوت گرفته دیده میشود همه جا بنای اجحاف و زیادتی را نهاده بدواعید و قرار داد های خویش هم پابندی نمیکند دولت ایران که اول دولت بود که جماهیر روسیه را برسمیت شناخت و قرار داد باروسیه بر بست حالا دیده میشود که بیشتر از مواد آن قرار داد موقع اجرا نیامده و هر روز یك گربه تازه ساویتها برای ایران میرقصانند هنوز فیروزه و اراضی متعلقه آن باایران نه سپرده اند تاکنون آشوراده و اراضی آن را قابضند بندر انزلی (پرت پهلوی) را هنوز متصرفند درمسئله شیلات ایران تجاوز میکنند تجارت داخله و خارجه ایران را زمین زده و دارند زمین میزنند هنوز مناقشه روسیه با افغان خاتمه نیافته با این مسلك اجحاف چگونه جرائد مسکو تصور توانند کرد که آشوریهای ایران با سائر ملل شرقیه گول خورده آنان را حامی خود قرار دهند ـ آری این سخنان وقتی مؤثر میتوانست بشود که جماهیر روسیه یك مسلك معتدلانه با ملل شرقیه اتخاذ کند

غرض اینست که آشوریهای ایران نبایست فریب سخنان نرم و ملایم آشوریان روسیه را بخورند چه آنها آنچه میکنند ومینویسند از روی فشار است

ادبیات

(اثرخامه آقا زین العابدین خان حکمت متخلص به فرح)

§ ملت ایران از این خواب گران بیدار شو §
§ مست و مدهوشی زغفلت تا بکی هشیار شو §
§ بودی اندرخواب وشد فوت ازتووقتی این عزیز §
§ چون شدی بیدار خور افسوس وماتم‌دارشو §
§ قدر وقت ای ملت نادان ندانستی و رفت §
§ گل بیغما حالیا قائم برنج خار شو §
§ اندرین دور مشعشع این چه کردی شرم دار §
§ شرمت ار ناید تمسخر پیشه کن بیمار شو §
§ از تملق یا توهم خیر خود دادی زدست §
§ بعد ازاین بیچارگی کن شیوه خوارو زار شو §
§ چون تو دادی دامن ازادی و راحت زکف §
§ بندگی کن بی چه و چون مستمند بار شو §
§ خردلی گر انسك و غارت مست بنما جنبشی §
§ چون زبان بیدست و یا منشی و مددکار شو §
§ هان کمر بر بند و کن آثار مردی آشکار §
§ لب به بند ازگفتگو خود صاحب کردار شو §

§ رنج بهر تست و گنج از دیگران ای رنج بر §
§ چاکری کم کن بیا آقا و خود مختار شو §
§ وردهی انصاف مردن بهتر از این زندگیست §
§ سر تو بر کف گیر یا سردار یا بردار شو §
§ انقلاب عامی و عقلی بکن اندر مملکت §
§ وز نفاق گفتن بیجا کنون بیزار شو §
§ این بنای کهنه پوسیده را از پا فکن §
§ بهر تجدیدش برادر جان پی معمار شو §
§ تاجدار مملکت ایمن ز ردای پهلویست §
§ با خیال عالی او هم خیال و یار شو §
§ خسرو عادل رضا ای تالی دست قضا §
§ بی محال مملکت تبان بکن اشرار شو §
§ در لباس دوستی شد خصم ایران جلوه گر §
§ بی بیمحابا بر سه تنها عاشق گفتار شو §
§ گرگ گرگست ارچه جلد میش را گیرد بخویش §
§ حفظ کن این گله را بیدار کار و بار شو §
§ ای (فرح) بهر بقای شاه ایران پهلوی §
§ ماتمی روز و شبان بسر درگه دادار شو §

امنیه قسمت جنوب

بتازگی اداره امنیه جنوب تحت ریاست آقای ابو تراب خان مجد که دارای درجه سلطانی هستند دایر و مقدمات آن که عبارت از استخدام اشخاص لایق و تربیت آنها باشد برای برقراری نقاط مخصوصه (پست امنیه) در مواقع لازمه فراهم و مشغول گردیده اند

رئیس امنیه نیز مرکزیت اداره را در اهواز قرار داده و از شهر اهواز شروع به برقراری نقاط نموده اند

از قرار معلوم در فعالیت و جدیت در انجام وظایف خود منفرد و دارای معلومات تاریخی و علوم متنوعه و بحسن اخلاق اراسته است

اگرچه خوزستان بخلاف سایر نقاط ایران کمتری دارای نا امنی بوده و طرق و شوارع آن مقتضیات کوه سارهای سایر بلاد را ندارد ولی اخیراً برای خشک سالی و گرسنگی اهالی گاه گاهی به بعضی سرقت های جزئی مبادرت شده و امید است که از برکت این اداره بالمره رفع و دفع گردیده رنجبران این سرزمین از برکت وجود اعلیحضرت رضا شاه پهلوی به نعمت امنیت کامله برخوردار و متنعم گردند

خبر نگاران حبل المتین گرچه هنوز در پرده استتار هستند و خودرا برای نگارش حقایق آزاد نمی دانند ولی حتی المقدور خود داری هم نداراند و قریباً اقدامات قابل کلیه دوائر دولتی را برای اطلاع قارئین کرام خواهند نگاشت

اداره مالیه خوزستان

اضافه برمالیات بلی طرف چهار هزار تومان باسم معارف گرفته و تخمین پنجهزار تومان هم مازاد تخیلات فلاحتی است که بجهة معارف دریافت مینماید غیر از انچه بر نواقل افزوده و تاکنون معلوم نیست که این وجوهات را بمصارف کدام معارف و معارف کجا رسانیده یا میرساند صرف معارف خوزستان که نشده و نخواهد شد ما این مسئلهٔ را توسط حبل المتین سوال مینمائیم تاجواب دهند

کلید استقلال اقتصادی

آقای میرزا احمد خان منیی دفتری که یکی از جوانان عالم و فاضل عصر حاضر ایران هستند اخیراً در طهران کتابی در تحت عنوان فوق تألیف نموده که در تشریح اوضاع اقتصادی ایران و طریق اصلاح آن و تعیین و منابع ثروت مملکت و طرز استفاده از آنها و ترتیبات صنعتی و فلاحتی و سایر مسائل مربوطه بموضوع فوق از هر جهة کامل و مقرون به دلایل علمی و عملی است هرچه مندرجات کتاب مزبور که از روی بصیرت و معرفت تألیف شده قابل توجه و مطالعه عموم علاقه مندان به ترقی و تعالی ایران ولی ما بالاخصاص مطالعه ارا به تجار ایران و مخصوصاً سرمایه داران فارسی مقیمین هند که همیشه آرزومند ترقیات وطن حقیقی خود و در جستجوی طرق اصلاح امور اقتصادی آن هستند توصیه نموده و آنها را به پیروی از نظریات و راهنمائیهای مؤلف محترم و تحصیل امتیازاتیکه در کتاب ذکر شده دعوت می نمائیم و یقین داریم هم خود آنها منافع عمده حاصل خواهند کرد و هم وطن خود را آباد و اهل آنرا از فقر اقتصادی نجات خواهند داد محل فروش کتاب کلید استقلال اقتصادی ایران در طهران در کتابخانه طهران واقعه در خیابان لاله زار و قیمت ان نیز دو روپیه است

افغانستان و روسیه

تاکنون خبر رسمی در رفع مناقشات روس و افغانستان نرسیده هیچ جای شبهه نیست که روسها در این موقع زیادتی کرده اند سفیر روس کاملا وعده تصفیه اورا داده و حاضر شده است که یك کمیسیون مختلطه سرحدی بین افغان و روس تشکیل یافته رفع مناقشه مینمایند ولی افغانان را عقیده اینست که قبل تشکیل چنین کمیسیون باید حکومت روسیه قشونی که در نقاط متنازع فیه وارد نموده اخراج نماید ــ تلگرافات اخیره ظاهر میدارد که دولت شوروی روس حاضر گردیده است که این مسئله را بروفق خواهش افغانستان قبول نماید یعنی بدواً قشون خویش.

را از مقبوضات متنازعه خارج نموده سپس بتشکیل کمسیون مختلطه اقدام نماید

جرائد انگلیسی مینویسند که این مسئله را تصفیه شده تصور نمیتوان کرد چه روسیان از چهل سال باینطرف نظرشان باین نقطه بوده و هست ولی قسمی که وقائع نگاران جبل السراج مینویسند روسیان مجبور اند تخلیه نقاط مزبوره چه اگر چنین نشود کلیه منافع اقتصادی و سیاسی که در افغانستان مدنظر گرفته از بین مرتفع گردد بلکه ممکن است امر بیك منازعه سیاسی منجر شود چه افغانستان در تحت لوای اعلیحضرت غازی خود بهیچ وجه حاضر نتواند شد که در این اول قدم صرف نظر از حقوق سرحدی خود کرده بتجاوز روسیان تن در دهد و اگر روسیان سختی کنند ممکن است نقشه سیاست افغانستان تغییر کرده با انگلیس و فرانس وغیره داخل در قراردادی بشوند که ناتیجی روسیان بیشتر از منافع منصوره این چند نقطه گردد علاوه برای جماهیر شوروی روسیه باید بداند که اینده به تجاوزات وی بیك دولت تازه اوجك منافعی که چه کلیه شرق مدنظر گرفته متزلزل میسازد و سائر ممالك شرقیه را بهوش آورده اقدامیکه روسیه نموده اند مبدل بادبار میسازد

در هر صورت مضار این امر برای روسیان مسلم است و هرگز تصور نمیشود که دانایان روسیه بدون سبب و جهت بقبول این خساره عظیم خود رضا دهند

مسئله قصاص یکنفر آلمانی ذهن اهالی افغانستان را مشغول داشته این شخص آلمانی قاتل یکنفر افغانی است و از روی عدالت افغانی باید بقصاص رسد آلمانی ها میگویند که این شخص ولو مرتکب قتل آمده ولی سزاوار و مستوجب قتل نمی شود چه اقدام او و مبادرت وی بقتل یکنفر افغانی از روی دفاع بوده یعنی بدواً شخص افغانی بر او حمله نموده و اگر جلوگیری نمینمود خودش مقتول میگردید این سخنان میخواهند شخص قاتل آلمانی را از قصاص برهانند ولی دولت افغانستان ایدعا دارد که اگر جداً بایستند و مهمانان خوانده و ناخوانده خودرا متنبه نساخته سزای قانونی نبخشد در آتیه رشته امور از کف خارج خواهد گردید و اگر در مسئله ایطالی ملاحظات سیاسی قدری تسامح روا نمیشد مجدداً شخص آلمانی مرتکب قتل افغانی نمیگردید

§ سر چشمه باید گرفتن به بیل §

افغانستان تازه با ممالک اروپا شروع بمراوده نموده طولی نمیکشد که جمعیت زیاد از ممالک مختلفه اروپا باسم تجارت، سیاحت، صناعت وغیره بافغانستان خواهند ریخت و نتیجه این خواهد گردید که پس از رسوخ و نفوذشان در داخله قرارداد بین خودشان بسته افغانستان را از اجرای قوانین داخلی خودهم مانع خواهند آمد عنصر اروپائی نظر بترقیاتیکه در این عالم حاصل نموده حالی تکبر غرور پیدا کرده و نخوت فاحشی در دماغ تمام آنان جای گیر است همینکه در ممالک شرقیه قدم گذاردند ذره هم مراعات قوانین مملکت را ننموده مرتکب هرگونه جنجه و جنایت میگردند افغانستان راست که نگذارد حقوق داخلی وی را از همین ابتدا پایمال گذارند و قوانین مملکت را مانع از اجرا آید ولو اینکه امروز علی الظاهر بزیانی بزرگی دچار گردند در باطن و برای آینده منافع عمده خواهد برد افغانستان باید قضاوت قونسلات هیچ یك از دول را در مملکت خود جائز قرار دهد چه قضاوت قونسلات خارجی حتماً مانع ازاجرای قوانین داخلی است دولت قوی الشوکه هفت صد ساله عثمانی با آن بسط و عظمت ازهم متلاشی نگردید مگر بنکبت قضاوت قونسلات خارجی و امروزه دولت جمهوریه ترکیه با این مختصر جمعیت و حالت این اقتدار کنونی را پیدا نموده جز درسایه برکت ابطال قضاوت قونسلات در حدود خود ایران هم تا زمانیکه دو سه دولتی که قضاوت قونسلات شان باقی مانده لغو نسازد ممکن نیست قانون تساوی حقوق را در مملکت دائر سازد و قوانین خود را بین جمیع اقوام جاری گرداند امیدواریم دولت پهلوی اول قدم بین المللی که بردارد ابطال ولغو کلیه قضاوت قونسلات خارجی در داخله باشد

ابن سعود و حجاز

هر روزه معناً و ورتاً برقوای بن سعود افزوده میگردد و اقتدارتش نیز درحجاز بالامیگیرد بلکه الدان الدان دارد یك حیثیت بین المللی برای خود پیدا میکند دولت انگلیس که نه تنها او را شناخته بلکه همه گونه موید او میباشد بین بن سعود وفرانسه نیز قرارداد گمرکی معامله شام ونجد بسته آمده این قرارداد گمرکی دال است که حکومت فرانسه بن سعودرا مستقل شناخته است که با او مستقیماً داخل به بستن قرار داد میگردد اگرچه بعقیده ما بدواً فرانسه ازانگلیس استمزاج کرده رضایت اورا تحصیل نموده است ورنه علناً چنین قرار دادی بسته نمی آمد اینجا یك نکتهٔ دیگرهم ثابت میشود که دولت انگلیس بن سعود راهم مانند عراق وغیره اسم آزادی بخشیده وحیثیت بین المللی برای آن قائل شده است مسلم است که مصر وعراق هم مستقیماً یا بتوسط دولت انگلیس خیلی زود با بن سعود عقد قراردادی خواهند بست ولی عقاید ترکیه

هنوز معلوم نیست بدواً ترکان با ابن سعود همراه بودند ولی آن وقت قرار داد اخیره را با دولت انگلیس نه بسته وحکومت مطلقه خویش را برحجاز تمام نداشته بود ازاین‌رو نمیتوان عقاید ترک‌ها را گفت چه سیاست همیشه بیک منوال نماند تغییرات سیاسی خواه مخواه عقاید سیاسیه را تبدیل میدهد باقی ماند ایران و افغانستان هنوز بجاحجی نرسیده که درموضوع بن سعود وحکومت مطلقه وی چیزی اعلان داده چه عقیده دارند و چگونه پیش خواهند آمد اما حجاج هندی چنانچه سابقاً گفته‌ایم خواهند رفت ولو اینکه هندیان موافق با حکومت مطلقه بن‌سعود به حجاز نیستند وچون از دست شان هیچ بر نمی‌آید جز تسلیم چاره ندارند . مسلمانان چین و جاوه و ترکستان هم کما فی السابق به حجاز خواهند رفت فقط اشکالی که پیش است برای حجاج ایران می باشد یقین است دولت پهلوی دراین موضوع اقدامات اساسی نموده و خواهد نمود و آزادی حاج ایرانی و تجار ایران را که در حجاز اند مسلم خواهند داشت .

افتتاح اداره معارف و اوقاف خوزستان

عصر روز چهار شنبه ٢٥ آذرماه که مقارن اول جلوس اعلیحضرت پهلوی باریکه سلطنت ایران بود اداره معارف و اوقاف خوزستان رسما افتتاح یافت و این اولین روز فیروز است که ازبرکت جدیت های اقای امید رئیس فعال معارف و اوقاف خوزستان و معارف این سامان از ننگ عدم اداره فارغ وبافتخاران نائل آمد - قبلا از عموم رؤساء دوائر لشکری و کشوری و اعیان و تجار و عموم عاشقان به ترقی و تعالی معارف دعوت کرده دو ساعت و نیم قبل از غروب جشن با شکوهی از وجوه اعیان سابق الذکر تشکیل و سلطان حسن خان رئیس اداره قلعه بیگی بیرق شیر و خورشید را در فراز اداره بالا برده درحالیکه صاحب منصبان نظامی که در تحت ریاست اقای نائب سرهنگ مصطفی خان فرمانده قوای ساخلوی و حکومت نظامی بودند مراسم سلام را بجای آورده و شاگردان مدارس دانش پهلوی و خیام بحالت نظام وسلام صف کشیده و عموماً کف زنان و شادی کنان و تبریک گویان بودند سپس جناب آقای امید نطق غرائی ایراد نموده و یك سلسله تاریخ عظمت ایران استانی را با وضعیت این یکصد و پنجاه ساله استیلای آل قاجار و رونق معارف ایران‌یادفرموده و مجلس‌را بسلامتی اعلیحضرت پهلوی خاتمه دادند
هیچ وقت تصور نمیرفت که معارف خوزستان صورت اداری پیدا کرده و دراموارت موردجدیت واقع شود غالبا مدارس باکمال بی ترتیبی و خود سری معلمین بود و حالیه تمام مدارس در تحت انتظام آمده و مرتب گردیده
رئیس معارف و اوقاف امروزه خوزستان شخص فعال خوش سابقه و بهترین همت هائی است که بخوزستان اعطا گردید و بزرگترین و ظیفه ملی که توسعه و تنظیم معارف و اوقاف است به بهترین اسلوبی انجام خواهد داد چنانکه اهالی نقاد نکته چین اصفهان از جدیت های ایشان عموماً متشکر بوده و هستند

خط آهن ایران

قاطعیکه بدواً خط آهن کشیده خواهد شد بقرار ذیل است
اول طهران تا بندرجز ٣٦٢ کیلومتر ٢ - طهران تا قزوین و همدان و بروجرد ٥٠٦ کیلومتر
سوم - بروجرد تا محمره ٥٨١ کیلومتر دویست و پنجاه هزار تومان برای تهیه مقدمات و نقشه برداری برای مخارج آن پیش بینی شده لایحه که برای صدور اعتبار فوق‌الذکر و تاسیس خط آهن از طرف آقای داور وزیر فواید عامه تهیه شده بود روز گذشته پاك نویس و بـرای جلب نظر آقـای دکتر میلسپو بوزرات مالیه ارسال خواهد گردید تا پس از تصویب هیئت وزراء بمجلس شورای ملی تقدیم گردد
وزرات فواید عامه بعد از تصویب لایحه مزبور بدواً مهندسین برای تهیه نقشه بنقاط فوق‌الذکر اعزام و پس از مراجعت مهندسین و تقدیم راپرتهای آنها طرز مناقصه و ساختمان احداث خطوط آهن بکمپانیهای خارجه ابلاغ خواهد گردید تا شروع بعملیات نمایند

تلگراف تبریك اعلیحضرت امیر امان الله
(خان غازی)

کابل - طهران ٣١ دسامبر
عهده مهد شاهنشاهی دولت علیه ایران را بـآن اعلیحضرت فدا تبریك گفته ترقی و سعادت ملت و مملکت ایران را از یمن توجهات مجدانه آن اعلیحضرت صمیمانه آرزو مندم
امیر امان الله

جواب

از طهران - کابل ٣ ژانویه
اعلیحضرت امیر امان الله خان
پادشاه افغانستان
ازادعیه و احساسات خیریه آن اعلیحضرت نهایت امتنان حاصل و امید وار است روابط حسنه فیمابین بیشا پیش مشید و مستحکم گردد
رضا شاه پهلوی

حسب الامر مدیر و دبیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعه حبل المتین لمبر ٨٨ بندل رود طبع
... از نمره ١ تا ٦ یکهزار ... نسخه توزیع گردید

حبل المتین مجاناً باحدی داده نمی شود
از هیچ کس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
(مقدم گرفته میشود)
روز نامه مقدس

حبل المتین
(۲۶-۱ امرتی بوکر رود)
[بالیگنج کلکته]
کلیه امور با مدیر کل
(جلال الدین الحسینی)
(مؤید است)
[دبیر آقای ق . س . مؤید زاده]
[ام ...ای است]
هر دوشنبه طبع و سه شنبه
توزیع میشود

قیمت اشتراک
سالانه ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران ۳۵ قران
[ممالک سایره]
سالانه
یك ونیم لیره انگلیسی

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه [illegible] مرداد سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با غره صفر المظفر سنه ۱۳۴۴ هجری
مطابق با ۱۰ اگست سنه ۱۹۲۶ میلادی

عالم همه افسانه ما دارد و ما هیچ

آوازهای هدرکانش این ایام درموضوع اخراج ما از تمام هند بلند گردیده مصادف آمد با تعویق اشاعه حبل المتین و این امر یك گونه سبب یاس و حرمان شائقین این نامه ملی گردیده ، لذا لازم دانستیم که برای اطلاع قارئین محترم اشاره به علل تعویق اشاعه حبل المتین نموده باشیم

به تعقیب خسارة که از انسداد حبل المتین در موقع جنگ پیش آورده و شرکت حبل المتین را مرهم شکستند دویست هزار روپیه نقصان به ما وارد آمد و همان ایام بتوسط قونسول جنرال دولت متبوعه خود آقا میرزا داؤد خان مفتاح السلطنه کفیل کنونی وزارت خارجه دولت علیه از حکومت هند تاوان طلب نمودیم ، ولی چون این مطالبه باصول پلتیکی بود و ما دولتی که بتواند حقوق رعایای خود را حفظ کند نداشتیم ازجواب نفی ناچار بسکوت آمده بوقت موقع خود گذاردیم و در اثر همان خساره مقروض شدیم و از چندی بااین طرف مسئله هراج عمارات مطبعه و اداره حبل المتین و خانه مسکونه در مقابل قروض ما در بین آمد ،

ظاهر است که از چند سال بااین طرف که در کلیه هند قیمت املاك از صد به پنجاه تنزل نموده و املاکی که بحکم عدالت هراج شود ربع قیمت خود را هم نمی‌آورد تا اینکه در ۱۷ جولائی سنه ۱۹۲۶ع مطابق ۶ محرم الحرام ۱۳۴۵ هجری بحکم عدالت العالیه کلکته عمارات مذکوره که قیمتش تخمیناً ششصد هزار روپیه بود دریکصدوچهل‌وسه هزار روپیه بفروش رسید و نزدیك به صد هزار روپیه بقیه قرض خواهان هم باقی ماند ما شد

ما هرگز تصدیق نمی کنیم خیالات برخی را که چنین تصور کرده اند که تمام بلیات ما از تهدید تبعید هراج املاك و توقیف حبل المتین در عراق و وطن مالوف وعربیا از یك سرچشمه آب میخورد البته این را قائلیم که ماده بر عضو ضعیف می‌ریزد اینك که زمین برما تنك شده وآسمان بر ما فشار آورده تمام بلیات توام در رسیده اند ، ولی باید دانست لیست هذه باولی فا رورة کسرة فی الاسلام -

§ چشم ما بسیار ازین خواب پریشان دیده است §

ولی خشونت مقدس وجسارت مشروع ومسلك پاك و قلم تابناك ما را درهم نه شکسته و انشاءالله هم نتواند شکست ، شب سمور و لب تنور ما را یکسان بوده و هست

§ برسر اولاد آدم هرچه آید بگذرد §

بالجمله تبدیل اداره و مطبعه و تدارك خانه نشیمن برای ما سخت و دشوار و مستلزم تعویق اخبار گردید - مسئله تبعید ما ابداً مربوط بتعویق اشاعه حبل المتین نبوده و نخواهد بود ، چه همهٔ حرفها برسر ما است نه حبل المتین ـ ممکن است که ما هندوستان را وداع گفته و حبل المتین جاری بماند چون ما نمیخواهیم فعلا داخل دربحث این مسئله شویم به همین قدر اکتفا می‌نمائیم که تعویق اشاعه حبل المتین را علل دیگر پیش بوده و نظر براینکه امور اداره تاکنون منظم نیامده ممکن است چند شماره دیگر حبل المتین هم بدون ترتیب اشاعه یابد -

اول اندیشه و آنگهی رفتار

مخبر رویتر خبر داده که اولیای دولت با مستشاران خارجی ایران در تحت ریاست اعلیحضرت پهلوی مواد ذیل را برای ترقیات آینده ایران پیش نهاد نموده عملی شدن آن امیدوارند

اول — توسعه راه آهن جلفا به تبریز تا برسد بدریاچه ارومی و قزوین و متصل شود بمرکز

دوم — راه آهن [illegible] متصل کند که [illegible] را آباد و راه مستقیم [illegible] تجارت ایران [illegible] برساند

سوم — راه آهن [illegible] تا سواحل شمالی [illegible] بواسطه [illegible] راه های ایران و ترک [illegible] تجارت دریای سیاه [illegible] ایران مستقیما [illegible] نمایند

چهارم — متصل ساختن راه آهن بغداد بمرکز وهمین قسم [illegible] معمره است و این راه آهن دیگر [illegible] کشد

چیزیکه خیلی تازگی دارد حفر کانال است از شمال بجنوب یعنی دریای خزر را [illegible] متصل سازند و این از متصل ساختن دو رود خانه بزرگی [illegible] که یکی سفید رود و دیگری رود خانه دیاله [illegible] که [illegible] از یک طرف [illegible] و از طرف دیگر شاخه هایش در گیلان [illegible] رود خانه [illegible] ولی [illegible] گردد [illegible] شاخه های سفید رود [illegible] هم [illegible] است

اما رود خانه دیاله [illegible] کوه های کردستان است که از [illegible] شده [illegible] میرود [illegible] که این دو رود [illegible] که اگر متصل ساخته کانالی از شمالی بجنوب [illegible] و الحق این خیالیست [illegible] عالی [illegible] فقط خرج [illegible] سرمایه اوست تسطیح طرق چنانچه ذکر شده وساختن شاخه های بزرگ و کوچک راه آهن و حفر چنین کانالی اقلا صد ملیون الی [illegible] ملیون لیرا لازم دارد در [illegible] فوق اشاره شده است که سرمایه این کارها از آمریک و انگلستان [illegible] شود بخاطر [illegible] که قبل [illegible] می اندازد راست است در آمریک سرمایه زیاد است و امریکائی ها در جستجوی نقاط مطمئنه هستند که سرمایه های بیکار خودرا بکار اندازند آیا وضعیت ایران توانسته است تولید [illegible] چنین اعتمادی در قلوب امریکائیها

نماید ؟ از جمله اخیره این تلگراف معلوم میشود امریکائیها منفرداً حاضر نیستند سرمایه خود را بایران بریزند ازین رو یک شریک قوی برای خود میجویند و آن هم دولت انگلیس است چندان لازم بشرح نیست که روابط امریکا با ما صرف اقتصادی است برای حفظ سرمایه خود در موقع لزوم از اقدامات سیاسی [illegible] نخواهند ماند — [illegible] معلوم شد اگر امریکا حاضر بریختن سرمایه در ایران شده برای حفظ آن یک شریک سیاسی میجوید و آن هم انگلیس است حالا باید دید چه نتیجه [illegible] سرمایه [illegible] مقرون [illegible] قسمیکه ما [illegible] سرمایه خارجی بایران [illegible] قائل اینکه سرمایه [illegible] ندارد [illegible] وطن سرمایه قائل شدیم [illegible] سرمایه خارجی [illegible] های سیاسی [illegible] سرمایه [illegible] در [illegible] امروز آنچه ثابت شده اقتصادی بوده [illegible] سرمایه اقتصادی چندان خوف نمیتوان نمود [illegible] سرمایه انگلستان [illegible] ریخته [illegible] سیاسی [illegible] آیا سرمایه [illegible] انگلستان در [illegible] کانال سوئز [illegible] برای مصریان چه نتیجه [illegible] است آیا ما نمیتوانیم [illegible] که سرمایه [illegible] ایران هم ریخته [illegible] همان اثر و [illegible] اگرچه هنوز [illegible] در این موضوع [illegible] ولی از آنچه [illegible] اهالی ایران [illegible] خواهند [illegible] ایران [illegible] آنگونه سرمایه ها [illegible] که کاملا اقتصادی [illegible] و آن هم منحصر [illegible] است که آمریک را [illegible] در حفظ [illegible] آنها داده شود [illegible] که امریکائیان [illegible] سرمایه های هنگفت [illegible] ریخته شود [illegible] سرمایه [illegible] آنان را مطمئن [illegible] آتیه مملکت و استحکام [illegible] امور

[illegible] اینکه میتوان در [illegible] جاب سرمایه آمریک وانگلیس در این امور اقتصادی اشتباه کاری نماید و آن اینست که برخی ساده لوحان چنین تصور کنند که چون آمریک با انگلیس شریک المایه خواهند بود [illegible] سرمایه سیاسی را مرتفع توانند ساخت و حال آنکه این اشتباه است سرمایه اقتصادی در سرمایه های سیاسی معدوم نخواهد شد ولی سرمایه های سیاسی در معاملات اقتصادی هیچ وقت از مشی سیاست علیحدگی نگرفته است ودرموقع تصادمات سرمایه های سیاسی و اقتصادی مکرر دیده شده که سیاسیون حفظ سرمایه اقتصادی را ذمه گرفته آنان را مطمئن ساخته علیحده کرده اند ـ

بیانات مستر شولت در معرفی سرجان کدمن رئیس کل شرکت نفط ایران

(در مجمع جوانان ایران)

در تاریخ پانزدهم اردی بهشت برحسب دعوتی که از طرف مجمع جوانان ایران شده بود سرجان کدمن نطق ذیل را در سالون مجمع جوانان ایران ایراد کردند

بدوا مستر شولت منشی مجمع در ضمن معرفی سرجان کدمن به حضار اظهار داشتند

قریب به یک سال قبل من سعی کردم که یکی از نمایندگان شرکت نفت انگلیس و ایران را دعوت نمایم که در این مجمع کنفرانس داده و بوسیله عکس ها و تصاویر که حفاری چاه های نفت و استخراج و حاضر کردن نفت را برای فروش نشان میدهد اثباتی بنمایند تهیه وسائل این مقصود ممکن نشد و شاید این عدم موفقیت ناشی از خوشبختی ما بوده است چونکه دراین موقع که مصادف با جشن تاجگذاری اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است یکی از اشخاص مهم در اینجا حضور داشته منجمله سرجان کدمن هستند که برای شرکت دراین جشن به طهران آمده اند ایشان لطفا قبول کرده اند که راجع به حفر و استخراج و تصفیه و فروش نفت برای آقایان حضار شرحی بیان نمایند

سرجان کدمن سمت ریاست کل شرکت نفت انگلیس و ایران نامزد شده و یکی از مبحرین دانا در قضایای راجع به نفت اند چندی قبل ایشان در یکی از دار الفنونهای بزرگ انگلستان پروفسور این علم بوده و در اثنای جنگ بین المللی مقام مستشاری کل نفت دول متفقه را حائز بودند حال تصور میکنم آقایان حضار پی باین نکته خواهند برد که چرا عدم موفقیت خود را در تهیه وسائل کنفرانس راجع به صنعت نفت مربوط بخوشبختی دانسته ام چه حالا بالمضاعف مسرور و خوشوقتیم که سرجان کدمن امروز عصر دراینجا حضور داشته و راجع باین موضوع بسیار مهم که هر ایرانی حقیقی است به آن ذی علاقه است صحبت خواهند نمود اکنون با نهایت افتخار سرجان کدمن را به آقایان حضار معرفی میکنم

نطق سرجان کدمن

حضرت اشرف ، خانمها و آقایان !

پس از بیانات محبت آمیزی که درضمن معرفی اینجانب از لسان منشی فعال این مجمع جاری شد صحبت کردن راجع به این موضوع بسیار حیاتی را قدری برای خود دشوار میبینم - چند روز قبل دکتر جوردن مرا به بازدید مدرسه حیرت انگیزی که ریاست آن بکف کفایت ایشان محول است دعوت نمودند وقتی داخل سالون با شکوهی شدم که چهار صد الی پانصد نفر شاگرد در آن مجمع بودند ایشان مرا مطلع داشتند که باید چند کلمه برای آنها صحبت کنم . ازروی تعجب سوال کردم که آیا ادای نطق دیگری هم از من متوقع هستید ، در جواب گفتند بلی فراموش میکنیم که شب سه شنبه آتیه هم در مجمع جوانان ایران راجع به موضوع نفت صحبت کنید ، البته من همواره برای هرگونه کمك بکار چنین مجمعی با کمال مسرت و افتخار حاضرم ولی متاسفم که وسائل لازمه برای نمایش دادن عکس روی پرده که برای چنین نطق بسیار مهم است حاضر ندارم ، اینگونه عکسها علاوه براینکه نطق را بمصداق احضار شیرین تر میکند مخصوصا معایب نطق را هم تاحدی از انظار مستور میدارد . پس از اینکه ادای این نطق دو مرتبه به تاخیر افتاده و برای سه موقع مختلف اعلان شد بالاخره امروز موقع آن رسیده ، و فی الحقیقه پس از برخوردی که اسباب به من ابراز شد خود را دراین موقع خیلی مضطرب میبایم و این جهت از حضور آقایان استدعو دارم مقصود من این است که با کمال حتی الامکان موجز وساده توضیح دهم نفت چیست چگونه یافت میشود و چرا با فراوانی در ایران وجود دارد ، نفت خام یا مواد تصفیه شده نفت که معمولا به شکل بنزین اتومبیل یا نفت برای چراغ یا روغن برای ماشین آلات یا سوخت برای دیگ بخار و یا موم برای ساختن شمع می آید بکلی متفاوت است نفت خام ماده بسیار عجیبی است که از یك رشته ترکیبات مختلفه شیمیائی ایدروژن و کاربن مرکب و بوسیله تقطیر آن مواد تصفیه شده متشابه بدست میاید چطور نفت در طبیعت تشکیل میشود اساسا میتوان گفت که در بعضی موارد منشاء تشکیل نفت با تشکیل ذغال سنگ چندان متفاوت نیست امروزه این اصل مسلم است که ذغال سنگ حاصل بعضی ترکیبات نباتی است که در ادوار معینه معرفت لاحدی موقعی که قوه نامیه در نتیجه اوضاع طبیعی آن موقع خیلی زیاد بوده تشکیل یافته است عقیده عمومی چنانست که در آن دوره در اثر وضعیات مخصوص این مواد نباتی صورت مواد معدنی بخود گرفته و تبدیل به ذغال سنگ شده اند ، و همچنین همان مواد نباتی بجهاتی دیگر مبدل به نفت شده اند بنا بر عقیده دیگری نفت از بقایای فاسده موجودات حیه ومخصوصا موجودات دریائی که در توده های عظیمی مجتمع شده بوجود آمده ودرنتیجه تاثیرات معدنی تبدیل به نفت شده اند ، بدون اینکه بخواهیم راجع باین دو عقیده قضاوتی کرده باشیم و باوجود آنکه این دو عقیده بطور وضوح ثابت نیست باید هر دو را قبول کرده و ملاحظه کنیم چطور هریك از آنها منوط ومربوط به وضعیات ایران است ، چندین

ملیون سال قبل در دامنهٔ سلسله جبال عظیمی که از آسیای صغیر بایران و هندوستان امتداد داشت اقیانوس وسیعی بود که بحر مدیترانه را به اقیانوس هند متصل میکرد و در آن اقیانوس موجودات حیه لاتعد ولا تحصی وجود داشتند ، در آن ایام خیلی بعید زلزله هائی پیدا شد که در نتیجهٔ فشار فوق العاده آنها سطح زمین بعضی چین خوردگی ها پیدا کرد و باین ترتیب برکه ها و دریا هائی که خشکی آنها را احاطه کرده بود به وجود آمد در این دریا ها ماهی وسایر موجودات حیه بحری توالد و تناسل کرده عده آنها رو بتزاید گذاشت ، متدرجا آب تبخیر شده این موجودات درقعر دریا باقی ماندند و درانجا بواسطه عملیات معدنی تبدیل به نفت شدند ، حرکات زمین ادامه یافته در نتیجه آن خشکی فرو رفت و دوباره آب روی آنرا گرفت و باین طریق روی نفت سنگ آهک وگچ وگل متحجر و سایر طبقاتی که صخره های آن دوره از آن تشکیل یافته بود جا گرفتند بعضی از این صخره ها بالنسبه به سایرین بیشتر مسامات وخلل وفرج دارند و یا بعبارة اخری بیشتر اسفنجی شکل هستند که نظر به ضیق وقت نمی‌توانم بذکر علل آن بپردازم ، بعدها در نتیجه حرکات زمین و شکاف هائی که در خشکی پیدا شد این صخره های مسام دار پر از آب ونفت شدند که متدرجا ازهم مجزی شده نفت در روی قسمتهای فوقانی خطوط منحنیه جاری گشت ، پس از قرون متمادیه که حرکات ارضی امتداد یافت بواسطهٔ عوامل مختلفه قشر روی زمین متدرجا برطرف شد تا اینکه بالاخره سطح زمینی که امروز می‌بینیم احداث گشت عالمین به علم معرفت الارض در موقع تجسس نفت بجهات مذکوره درفوق سعی می‌کنند مناطقی را که در آن دریا های محدود، بخشکی وجود داشته بیابند تا آنکه صخره هائی که فرو رفتگی آن دلالت برجمع شدن نفت درآن نماید پیدا کنند ، ولی عموما روی این فرو رفتگی ها را سنگ های جسیمی گرفته و باین جهت کشف مخازن نفت اغلب اتفاقی وبختی است بعضی اوقات چشمه های کوچک یا تراوش نفت به اکتشاف مخازن نفت کمک میکند ، یعنی ظاهرا دلالت بر امکان وجود نفت در قسمت های تحتانی مینماید ، ولی از طرف دیگر ممکن است همین تراوشات عوض ابتدای معدن نفت علامت انتهای آن باشد ، یعنی ممکن است در ازمنه ماضیه بواسطه برطرف شدن وشکاف قشرزمین راه خروج نفت باز شده باشد و در این صورت تراوش نفت فقط حاکی اینست که در این محل یک وقت نفت وجود داشته است ، بهر حال وقتی علامات مخصوصه که دلالت بر وجود نفت بکنند پیدا شد تنها وسیلهٔ کشف مخازن نفت حفاری در درون این مخزن های مسام داری است که قبلا بذکر آن پرداختم ، بعبارت ساده حفاری عبارت از سوراخ کردن زمین بوسیله یک مته یا اسکنه ایستکه آنرا ماشین مخصوصی بطرف بالا و پائین حرکت میدهد و در هر صورت زمین را می‌توان بدین وسیله بهر عمقی که لازم باشد حفر کرد برای حفاری ماشین های بسیار سنگین ومحکمی لازم است ، چه که اغلب حفر زمین به عمق پنج الی شش هزار پا یا بعبارة اخری ثلث فرسخ لازم می‌آید در اطراف سوراخ ها بایستی لوله های فولادی نصب کرد تا خاک بچاه نریزد و همچنین برای این که از دخول آب در چاه ممانعت کند در ضمن حفاری اغلب آب یافت می‌شود و اگر این لوله های فولادی نصب نشود آب داخل چاه شده مخازن نفت را بکلی ازبین می‌برد زیرا که آب از نفت سنگین تر است و به طرف صخره های نفت حمله کرده نفت را از آن خارج میکنند باین طریق اگر در ساختن و نصب لوله های فوق الذکر دقت تامی بعمل نیاید ممکن است در موقع حفاری مقداری نفت از دست برود هرگاه چاهی که حفر میشود به مخازن حقیقی نفت برسد ، نفت یا بوسیله تلمبه و یا در نتیجه فشار خود خارج میشود این فشار در بعضی مواقع و مخصوصا در چاه های بزرگ ایران بسیار قوی و علت آن است که آب از سطح زمین داخل چاه شده و سبب میشود که نفت درقسمت فوقانی چین های تحت‌الارضی تمرکز یابد قوه این فشارمنوط است به عمق وتوسعه این منطقه آبی که نفت را به گنبد های فوقانی صعود میدهد وباین جهت بمحض این حفاری باین نقطه میرسد نفت از چاه فواره میزند عده زیادی از معادن نفت دنیا در نتیجه احتراق نفت که ممانعت از خروج آن ممکن نبوده و یا جریان آن کنترل نشده بکلی منهدم شده بعضی اوقات نفت در موقع خروج از چاه محترق و اطفاء آن عموما پس از مدت مدیدی با زحمات فوق العاده میسر میشود دربعضی مواقع احتراق نفت چندین سال بطول انجامیده و اراضی مجاوره را دچار خسارت فوق العاده ساخته است پس از کشف نفت وحفر چاه تا نقطه که به صخره های نفت دار میرسد و پس از محکم کردن لوله های اطراف چاه که از دخول آب جلوگیری نماید نفت بیرون آمده وسیله لوله های مخصوصی بسه انبار های متناهی میرود که از آنجا به محل تصفیه نفت حمل شود ، محل تصفیه نفت بایستی همیشه در نزدیکی مخزن آب باشد زیرا عمل تصفیه نفت مقدار زیادی آب لازم دارد

(در این موقع آقای مصطفی خان فاتح قسمت اول نطق سرجان کدمن را بفارسی ترجمه کردند)

از آقای مصطفی خان فاتح خیلی متشکرم که زحمت کشیده اظهارات مرا ترجمه کردند و امیدوارم کلمات لازمه برای تشریح مطالب را بطور صحیح بیان نموده اند حالا میخواهم مختصراً طرز تصفیه نفت را توضیح دهم نفت چون از چاه خارج می شود بوسیله تلمبه از لوله به محل کارخانه های تصفیه که مقدار زیادی آب هم در آنجا موجود است و در فوق [illegible] شد جریان داده می شود

عمل تصفیه بعبارت ساده از این قرار است که نفت داخل ظرف بزرگی یا سماوری شده و بالاخره با حرارت داده می شود که تبخیر شده و از لوله هائی که بوسیله آب سرد میشود عبور کرده و بعد مبدل به مایع میشود اولین بخاری که از سماور مزبور خارج می شود بنزین است که چون مبدل به مایع می شود بوسیله عمل شیمیائی تمام اجزاء متعفنه و کثیفه آن برطرف گردیده و دیگر مزاحم [illegible] و شامه اتوموبیل سواران نمی گردد بعد درجه حرارت سماور را زیاد می کنند تا بخار ثانی که نفت چراغ است از آن خارج می شود باز بهمان طرز سابق این بخار نیز مایع شده و بوسیله اعمال شیمیائی تبدیل به نفتی میشود که بدون بو و با روشنائی خوب بسوزد و لهذا عموما برای حس شامه و ذائقه مطبوع است بعد مازاد نفتی که باقی می ماند عبارت از بقایای سنگینی می باشد که برای سوخت و روغن زدن انواع ماشین ها بکار میرود تصفیه این دو و مخصوصا روغن ماشین مستلزم عملیات جامعی میباشد تا بدان صورت در آید و اتفاقا کار بسیار مشکلی است زیرا همیشه با ابخره آن مواد ازجی خارج می شود که باید دفع گردد و برای این کار باید روغن را منجمد کرد تا ماده مومی و سرشمی آن ته نشین شود ولی بعضی اوقات ترکیب این مواد با روغن بطوری است که تجزیه آن باین طرز غیر مقدور بوده و فقط بوسیله عمل « سانتریفوژ » (خارج از مرکز) میسر می گردد یعنی روغن داخل ماشین بزرگی می شود که بسرعت فوق العاده حرکت کرده و در نتیجه ماده مومی را بیرون می اندازد بعد ماده فوق بوسیله عمل شیمیائی تنقیح و تصفیه شده و بالاخره داخل ظرفی می شود که در آنجا سرد شده و مبدل به قطعاتی می گردد که از آن شمع ساخته می شود نفتی که برای سوخت ماشین استعمال می شود بعد از بنزین و نفط چراغ بدست میاید و برای دیگ های بخار معروف به « دیزل » و انواع دیگهای دیگر بکار میرود این توصیفی بسیار موجز و مختصر بود که راجع به تصفیه بعرض آقایان رسانید در صورتی که تصفیه نفت موضوع بسیار مهم و صنعت بغایت بزرگی است طرق و وسایل مختلفه که برای تصفیه محصولات نفتی بکار میرود بیشمار و مستلزم معلومات و مهارت فوق العاده مهندسی و شیمیائی است طرز حمل و نقل محصولات تصفیه شده نیز فی حد ذاته کار بسی مهمی می باشد اگر به نقشه دنیا توجهی بکنید نقاط پر جمعیتی مشاهده خواهید کرد که در آنجا مقدار خیلی زیادی محصولات نفتی استعمال می شود و چون اغلب منابع نفت از نقاط مزبوره خیلی دور است البته ملتفت خواهید شد که حمل نفت از نقاط دور و در دسترس گذاشتن مصرف کنندگان کار بسیار بزرگی است .

محصولات مزبوره گاهی در [illegible] های حلبی یا چوبی ریخته شده و مثل سایر مال التجاره های معمولی حمل می شود بعضی اوقات بمقادیر زیاد به وسیله جهاز تانکه مخصوصا برای این کار ساخته شده است حمل می گردد علاوه بر این بوسیله لوله و همه گونه وسائل نقلیه و لوازم دیگر نیز حمل می شود [illegible] را فقط باید دیباچه دفتر عجایب نفت دانست و در [illegible] گذشته آن بیشتر [illegible] تشکیل موسسات و مساعی است که [illegible] آلات و ادوات [illegible] را ایجاد می کرد حالا می خواهم چند کلمه راجع به موضوع نفت ایران صحبت کنم که چگونه توسعه یافته و وضعیت فعلی آن [illegible] بوده و آتیه آن چه خواهد بود

تقریبا بیست و پنج سال قبل شخصی با عزمی بفکر احتمال وجود نفت در ایران افتاد مقارن آن حال نیز بخوبی معلوم بود که در مجاورت قصر شیرین چشمه های نفت وجود داشته و از قدیم الایام هم مقدار جزئی نفت از آنجا استخراج می شده است شخص مذکور به اروپا و بعد بامریکا و سپس تقریبا به سایر ممالک دنیا مسافرت کرده تا شاید تجارتخانه یا یکنفر سرمایه داری را پیدا کرده مقداری سرمایه برای ایجاد صنعت نفت در ایران تدارک کند لیکن در آن موقع تهیه سرمایه برای چنین صنعتی مانند نفت که بمنزله قمار محسوب می شد خیلی مشکل بود و به این جهت اقدامات آن شخص منجر بموفقیتی نگردید خوشبختانه هنگامی که بوسیله قطار آهن مسافرت میکرد بشخصی برخورد که در پرتو استخراج معادن طلا در استرالیا صاحب ثروت هنگفتی شده و به لندن مراجعت می کرد که زندگانی راحتی برای خود تهیه کرده و وسیله هم بجهت انتفاع از سرمایه خود بیابد

مشار الیه همان مستر دارسی معروف است که کتب متعدده در وصف شمائر شگفت انگیز ایران و اهالی ان مرز و بوم خوانده و با وجودیکه از صنعت نفت هیچگونه اطلاعی نداشت و معذالک فورا پیشنهاد همسفرش مورد توجه او واقع گردید در نتیجه این مصاحبه مستر دارسی بسمت ایران مراجعه و بالاخره موفق باخذ امتیاز معروف به امتیاز دارسی گشت - رفقای مستر دارسی چون این مسئله را شنفتند به ملامت مخالفه او را ملامت کرده گفتند پول شما بمراتب از عقلی که دارید فزونی دارد و ایجاد صنعت نفت در ایران و سایر ممالک بکلی از حزم دور می باشد ولی مستر دارسی شخصی با جرأت و ایران دوست بود و باین حرف ها گوش نداده و در قصر شیرین مشغول حفاری شد و روز بروز بر مجاهدت خود افزوده تا آنکه قریب ... کرور لیره یا پنج کرور تومان بدون حصول هیچگونه نتیجه بمصرف رسانید ما کمپانی نفت برمه را که شرکاء آن از دوستانش بودند و تصیری در امور نفت داشتند تشویق نمود که در استخراج نفت ایران با او شرکت جویند و آن ها نیز پذیرفته و مجددا حفاری چاه ها مجدداً ولی در مسجد سلیمان شروع گشت . اینجا هم چه ان موفقیتی حاصل نگردید کمپانی نفت برمه مرکب از یک عده شرکاء اسکاتلندی با حزم و صبرتی بوده و چنانکه معروف است اسکاتلندی ها مردمان ... جوئی بوده و در صرف پول خود نهایت احتیاط را نگاه میدارند و در صورتی که احتیاط ضروری نمایند فورا تا جائیکه رفته اند می‌ایستند در این موقع متجاوز از یک ملیون لیره خرج شده ولی نتیجه بدست نیامده بود و بنابر این اسکاتلندی های مزبور تصمیم گرفتند که قبل از تشکیل مجلس ختم عملیات مسجد سلیمان یک نفر متخصص ماهر در علم معرفت الارض راه ایران تکمیل دارند نامعلوم کند و قطعا پول کمپانی بهدر رفته یا ممکن الوصول است متخصص مزبور بزودی به ایران آمده و پس از تفتیشات لازمه مراجعت کرده با شرکاء نفت برمه اظهار داشت که اراضی نفت خیز ایران بقدری غیر قابل است که هیچ وقت ممکن نیست نفت بمقدار تجارتی از آن بدست آورد بمحض اینکه این راپورت بلندن رسید تلگرافات متعدده بایران مخابره شد که اشخاصی که مشغول استخراج مادی نفت هستند عملیات خود را فورا تعطیل نمایند و از جمله آن ها یکی دکتر یانگ بود که یک نفر از دوستان حقیقی ایران است به ... رینولدز متصدی عملیات هم بدین طریق تلگراف شده که فورا کار را تعطیل و اثاثیه خود را جمع آوری نموده بانگلستان مراجعت نماید ، ولی مشار الیه از شخص فوق الذکر متنفر شده و و جداً معتقد بود که ایران یکی از ممالک نفت خیز بزرگ دنیا است لذا با وجود دستور تلگرافی فوق عملیات خود را ادامه داده اظهار کرد تا زمانیکه این موضوع کتباً تائید نشود دست از کار نخواهم کشید در آن موقع هم بخت خیلی طلی السیر بود و قبل از اینکه مکتوب لازمه از کمپانی رسید منابع نفت در مسجد سلیمان پیدا شد این اکتشاف و استخراج نفت در ایران یکی از داستانهای بزرگ صنعت نفت بشمار میاید تا این موقع متجاوز از یک ملیون لیره انگلیسی [معادل پنج ملیون تومان] خرج شده بود و نفع شگفت دیگری لازم بود که نفت ایران را استخراج و برای فروش مهیا سازد دارسی عملیاتش را در سنه ۱۹۰۲ شروع کرده و شرکت نفت انگلیس و ایران در سنه ۱۹۰۹ تشکیل یافت ولی اولین حاصل این زحمات در سنه ۱۹۱٦ بدست آمد البته تشکیل چنین صنعت بزرگی همیشه طول می انجامد نظر به موقعیت مسجد سلیمان [یا میدان نفتون که اسم جدید آنست] که یکصد و پنجاه میل از ساحل دریا دور است مجاهدت زیاده وسائل حمل و نقل فراوان و بمقدار فوق العاده لوله کشی لازم بود که مواد نفتی را برای تصفیه بمحل مناسبی بتوان رسانید و هم چنین مقدار زیادی ماشین آلات لازم بودکه در جزیره متروک و ویران عبادان کارخانهٔ تصفیه بزرگی بتوان تاسیس نمود و تهیه و سایل این کار جدیت زیادی میخواست بر حل از ۱۹۰۹ تا تقریبا پانزده سال بعد صنعت نفت در ایران طرز با عظمتی تشکیل شد بقسمی که ایران در درجه سیمین ممالک نفت خیز بزرگ دنیا قرار گرفت . در دنیا هر سال قریب به یکصد ملیون تن نفت استخراج میشود و امروز ایران سیم یا چهارم یعنی ممکلتی است که از حیث مقدار نفتش استخراج شده و بفروش میرسد کمپانی نفت انگلیس و ایران یک صنعت بسیار بزرگ ایرانی ایجاد کرده که مخصوصا میخواهم آنرا متذکر شوم و اگر چه بعضی اشخاص کمپانی مزبور را مؤسسه انگلیسی مینامند ولی فی الحقیقه آن یک صنعت ایرانی است که در قلب ایران ایجاد و قسمت اعظم آن بدست خود ایرانیها انجام میپذیرد فعلا قریب ۲۵ هزار نفر در ایران مستخدم کمپانی نفت هستند و از این عده صدی هشتاد تبعه ایرانند و اینکه در عرض مدت النسبه کمی جوانان ایرانی در جنوب توانسته اند در ترویج و ترقی چنین صنعت عظیمی شرکت جویند درجه استعداد و قابلیت آنان را نشان میدهد

شاید بعضی از حضار محترم مایل باشند ارقامی چند راجع بعملیات کمپانی و توسعه آن ذکر شود کمپانی نفت در هر سال مبلغ یك ملیون لیره انگلیسی تقریبا پنج ملیون تومان به مستخدمین خود در ایران از بابت حقوق میپردازد ، و برای ماشین آلات و مصالح کار و حقوق مستخدمین چهار الی پنج ملیون تومان صرف میکنند که روی هم‌رفته در سال تقریبا الی بیست و پنج ملیون تومان میشود فعلا اراضی که در تحت حفاری هستند خیلی وسیع و علاوه بر منطقه که از آن نفت استخراج می شود حفاری در نواحی وسیعه دیگری هم بعمل میاید

همیشه کمپانی مشغول کسب اطلاعات معرفت‌الارضی است (عده متخصصین معرفت الارضی که مستخدم شرکت هستند سی الی چهل نفر است) و بمحض اینکه مناطق جدیدی کشف شوند حفاری تجربی بعمل میاید

فعلا در سال قریب به ۷۰ هزار پا (تقریبا ۲۳ هزار ذرع) حفر میشود از ابتدای کار تا بحال متجاوز از ۱۷۰ هزار ذرع ، تقریبا سه فرسخ و نیم حفر شده است برای عملیات حفری لازم است همیشه جاده‌های صحیحی از مراکز کار تا محل حفاری وجود داشته باشد ، تا بحال کمپانی قریب هزار میل تقریبا سیصد فرسخ راه ساخته است که نصف آن را میتوان در عداد راه های درجه اول دنیا محسوب داشت ، و اتوموبیل میتواند بسرعت ۳۰ الی ۴۰ میل بلکه بیشتر در روی آنها طی مسافت کند ، همچنین کمپانی تاکنون قریب ۱۵۰ میل راه آهن ساخته که قسمتی از آن نظر به پیدا شدن نفت در منتها الیه آن خط از کار افتاده است. این راه‌آهن متجاوز از ۵۰۰ آلت نقلیه موتوری دارد که ماشین آلات و مصالح و ارزاق را حمل میکند کمپانی دارای تقریبا هفتاد کشتی است که ظرفیت هر یك ۱۰هزار تون می باشد در بندر عبادان هر ماه چهل الی پنجاه جهازات بخاری بارگیری و بار اندازی میکنند و تقریبا هر روز یك کشتی از کانال سویز عبور میکند که یا حامل نفت ایران است و یا عازم بارگیری آن میباشد هرسال کمپانی در ایران تخمینا ۲۵۰ هزار تن مصالح کار حمل می کند که ۱۷۰ الی ۱۸۰ هزار تن آن در داخله مملکت تهیه شده و ۶۰ الی ۷۰ هزار تن بقیه عبارت از ماشین آلات و ابزاری است که از امریکا یا انگلستان خریداری شده و بایران وارد میشود قریب ۲هزار میل یا ۶۰۰ فرسخ لوله کشی نیز احداث شده است که از مناطق عملیات کمپانی عبور می کند عده کارگران این صنعت نفت ۲۵ هزار نفر است که با خانواده های خود یك جمعیت ۱۰۰ هزار نفوس را تشکیل می دهند کمپانی چهار مریضخانه ایجاد کرده که مواظب صحت و سلامت جمعیت فوق الذکر می باشند و این مریضخانه ها متجاوز از ۳۵۰ تخت خواب ۲۰ دواخانه ۱۷ طبیب ۲۰ پرستار و ۱۳ مریضخانه سیار دارد که همه در حدود عملیات کمپانی کار می کنند کمپانی مدارسی نیز تاسیس کرده که از چندی قبل مشغول تدریس علوم و فنون مربوطه صنعت نفت به جوانان ایرانی میباشد و همچنین مشغول تاسیس مدارس ابتدائی در سه مرکز عملیات خود ویك مدرسه‌متوسطه برای اطفال مستخدمین خود می باشد بعلاوه‌کمپانی تقریبا سه‌ملیون ونیم لیره انگلیسی از بابت حق‌السهم دولت ایران پرداخته است و تا بحال روی هم‌رفته منافع سرمایه که برای استخراج نفت مصرف شده هر سال ۵ و نیم در صد بوده است سرمایه که در این صنعت بکار رفته جمع بالغ بر ۲۰ ملیون لیره انگلیسی است این ارقام و مطالب مذکوره در فوق دلیل بر ترقی صنعت نفت ایران در عرض مدت قلیلی است که مایه سر افتخار برای آنهائیست که شریك در عملیات ما هستند و البته ایران و جوانان وطن ایرانی که این مجمع را تشکیل میدهند در این افتخار با ما شرکت خواهند داشت شما اعضای محترم این مجمع گاه گاهی دور هم جمع می شوید که کسب معلومات کرده گذارشات دنیای امروزه را درك کنید من تصور می کنم این صنعت بزرك ایران موضوعی است که بدون قدر کافی در طهران برای شما تشریح نشده است در صورتیکه بعقیده من دانستن این‌موضوع برای شما خیلی لازم چون که درك ترقی حقیقی همیشه مایه سرور است و بعلاوه هر ایرانی صدیقی باید قلبا مسرور و بسی فخر و مباهات کند که در وطن او چنین صنعت عظیمی تشکیل گشته است ما که مقدرات کمپانی نفت انگلیس و ایران را عهده دار شده ایم امید ما باعضاء چنین مجمع و جوانان امروزه ایران است که درآتیه با ما برای ترقی و ترویج این صنعت بزرك معاضدت نمایند

و اما راجع به آتیه ، شکی نیست که این صنعت ایران آتیه درخشانی در بر دارد حال که کمپانی نفت منافع برای استخراج پیدا کرده مایل وآرزومنداست که معادن نفت دیگری نیز پیدا کند ما بحال در یك محل جدید تعیین محوطه نفت خانه موفقیت حاصل و البته مترصد موفقیتهای بیشتر است در این مملکت که وسائل حمل و نقلش کاملا متکی و مربوط بسوخت ارزان و فراوان است کمپانی مایل است بهر وسیله که ممکن باشد مساعدت خود را در توسعه و ترقی

آن مبذول دارد و دوباره تکرار می کنم که ما امید واریم جوانان ایران برای تکمیل کاری که شروع شده وبمرحله موفقیت آمیزی رسیده با امتیازات خواهند کرد ـ خیلی مفتخرم که موفق شدم امشب در حضور آقایان محترم صحبت کنم این که راجع بعملیات کمپانی نفت انگلیس و ایران صحبت کردم برای این بود که بخواهم همدردی حضار را جلب کنم تاکه از نقطه نظر اهمیت موضوع بدانند که البته دولت آن لازم بتذکر نیست فقط میدانستم که دعوت مجمع از اعضای کمپانی برای دادن کنفرانس راجع بعملیات نفت این قدر بطول انجامید و بسیار خوشوقت و مسرورم که مختصرا در این موضوع برای حضار محترم توانستم بیاناتی بکنم ـ اظهارات من البته دارای نواقص زیادی بود و متاسفم که عکس های مربوطهٔ باین موضوع را همراه نداشتم که در روی پرده نشان بدهم ولی بعضی عکس هائی حاضر دارم که ممکن است برای آقایان ذی علاقه نمونهٔ از عملیات کمپانی باشد ، هرگاه در مراجعت من بطهران در عرض یك سال یا هیجده ماه دیگر این مجمع مایل باشند بازهم نطقی ادا کنم البته با کمال افتخار حاضر و برای این مقصود اشیاء لازمه را با خود خواهم آورد که بتوانم کما هو حقه راجع باین موضوع مهم صحبت کنم (آقای مصطفی خان فاتح قسمت ثانی نطق را به فارسی ترجمه کردند)

ـــ« از طرف مستر شول »ـــ

یقین دارم جمیع حضار محترم ومخصوصا آن هائیکه نطق سرجان کدمن را انگلیسی فهمیده اند با من هم عقیده اند که اطلاعات مهمیکه ناطق محترم امشب بما دادند خیلی برای ما ذی قیمت و مفید بود من به ایشان اطمینان می دهم که بار دیگر این مجمع ایشان را برای ادای نطق دعوت کند اعم از این که آن موقع هفتهٔ دیگر یا سال دیگر باشد با کمال افتخار عرض میکنم که سرجان کدمن حاضراند بوسیله مستر فرلس نماینده کمپانی نفت در طهران عده کتب بسیار مفیدی که خود آن خیلی برای ما لازم است به کتاب خانه مجمع اهداء نمایند خیلی مسرورم که سرجان کدمن در موقعی که برای شرکت در مراسم تاجگذاری اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بطهران آمدند چنین نطق بسیار ذی قیمتی برای اعضای این مجمع ایراد نمودند حال از ایشان برای این اطلاعات و همچنین برای هدیه که میخواهند بمجمع جوانان ایران بدهند تشکر میکنم ه (شفق سرخ)

ـــ« حبل المتین »ـــ

الحق در موضوع ایجاد نفت ایران بیانی جامع تر از نطق مستر کدمن نیافته ایم این نطق دارای چندین جمله است که ارباب اطلاع بهتر میدانند معلومات عمده آن که مزید بر اطلاع عمومی است منجمله تعمیر هزار میل راه شوسه خوب و صدوپنجاه میل ساختن راه آهن است از جمله معلومات بما داده یکی آنست که تاکنون سرمایه که بروی کار ریخته شده بالغ بر بیست ملیون لیره می ونیز ظاهر داشته اند که تاکنون سه ونیم ملیون دولت ایران نقدا از کمپانی فایده گرفته است هر مسترکدمن بیانات خودشان را قدری وسیع تر میتشریح میدادند که تاکنون موسسین این شرکت چقدر فائده برداشته اند خیلی بر اطلاعات خوانندگان می افزود ولی چون حصه ایران صدی شانزده بیست از بیانات مشار الیه فائده نقدی کمپانی بالغ بر ۲۵ ملیون لیرا بوده است ولی نگارنده مستر چرچل را که شفاها در مجلس العوام ... داده ام که فقط در موقع جنگ دولت انگلیس چهل ملیون از انحصار نفت ایران بخود فایده برد علاوه است شبهه نیست که ایرانیان از ... این موسسه بسی خوشوقت و آتیه درخشانی ایران تصور میکنند

ولی چند نکته را باید اولیای دولت علیه ... کمپانی برای حسن آتیه این موسسه تصفیه نمایند اول اداره کل (هید آفس) کمپانی باید طهران قرار گیرد دوم تأسیسات موسسات تصفیه نفت ایران کاملا در خود ایجاد و تعمیر گردد سوم باید کمپانی کوشش نماید اعضای خود را حتی المقدور ایرانی قرار دهد چه بطوریکه مینویسند در ۲۵ هزار عملجات کمپانی ۵ ... آن خارجی اند مواجب شان دو و نیم برابر آن ... هزار ایرانی است اگر عمده اعضا از ایرانی بشود منافع آن هم ایرانیان وهم نه کمپانی بیشتر میگردد چه الان خارجه ها که در ایران مشغول اند مواجب شان زیاد است و اگر همان کاره ایرانی انجام دهند یك ثلث بلکه نصف آن مواجب کمپانی خواهد بود چیزیکه بیشتر ایرانیان را باین مشتبه ساخته دو امر است اول اصول قونسولات که درموضوع اتباع خارجه کمپانی میشود دوم شرکتی است که دولت انگلیس دوموقع در سهام این کمپانی حاصل نموده است معلوم این موسسه تجارتی و ملی است همینکه دولت شرکت کند سیاسی و دولتی میگردد از این رو ... اشتباهات پیش تواند آمد ـ امیدواریم که مستر کدمن در نطق آینده خودشان این مسائل را هم که شبهه بسیاری گردیده بیان وپرده از روی آن بردارند

نطق اعلیحضرت پادشاه افغانستان

(یا تمریات اخلاقی دموکراسی با افغانان)

(درموقع ورود بجلال آباد)

اولا میخواهم در خصوص آمدن امسالهٔ خویش در سمت مشرقی برای تان چیزی بگویم

میدانید که امسال بجلال آباد برای تفریح نیامده ام زیرا موسم خوب و خوشگوار مشرقی گذشته و هوا رخ بگرمی نهاده است، امسال فقط برای کار تفتیش آمده ام و مقصد مهمیکه دارم همانا فراهم آوری دو مسئله است و بس

آیا مامورین این سمت از نتیجهٔ آن زحمت کشی ها و عرق ریزی هائیکه من در راه قوانین و نظامات مملکت خویش برای رفاه و آرامی شما ملت عزیز و محبوب خود کشیده ام فهمیده اند و مطابق آن اجرا آت و عملیات نموده اند و یا در کار روائی خویش سستی و تنبلی ورزیده اند؟ تا اگر واقعاً مامورین اینجا قرار قاعده رفتار کرده کار خوب نموده باشند با آنها معامله خوب و اگر خدا ناخواسته عکس آن را ارتکاب نموده باشند بالعکس با آنها رفتار کرده شود

(۲) کدام یک ازین اقوام و طوایف خصوص سمت مشرقی زیاده تر باطاعت و فرمان برداری حکام محلی و قوانین دولت متبوعه خویش بذل مساعی نموده بیشتر اسباب مسرت و خوشنودی مرا از خودها فراهم آورده اند، شما وکلا و اهالی سمت مشرقی این مسئله را بخوبی بفهمید که تحت مسئولیت من عاجز که حکم و اراده خداوند پادشاه شما هستم نه تنها مامورین و کارداران میباشند و بس، بلی اگر خدا ناخواسته کدام بی قانونی وخرابی را از شماهم ملاحظه کنم همچنان که از مامورین خود بازخواست میکنم از شما نیز بازخواست خواهم کرد

پیشتر گفتم که درین مرتبه من برای ساعت تیری چند روزه نیامده ام و نه چنین مقصدی دارم که مانند سابق درینجا مانده کار های عمومی افغانستان را اداره کنم. بلی کارهای مرا درغیاب من وکیلم در کابل اجرا میکند. درین مرتبه اقامت من در سمت مشرقی فقط بحیثیت یک مفتش است وخودم به اتفاق دیگر رفقای تفتیش خویش تا که بتوانم کارهای تمام مامورین وطرز عمل عموم اهالی سمت مشرقی را تحت تفتیش و تدقیق میگیرم، اگر خوب کار کرده بودند و به رفاه و آسوده حالی شما ملت عزیزم کوشش کرده باشند البته که دست نوازش حکومت بر سر و روی آنها به شفقت کشیده خواهد شد و اگر بالعکس جبر و ستم و مخالفت قوانین حکومت را کرده باشند و یا شما در اطاعت و فرمان برداری آنها کوتاهی و یا از اجرای کدام مادهٔ قانونی پهلوتهی کرده باشید البته هر مجازات و توبیخی را که سزاوار بودید، اینک چوب بدست من است آنرا مشاهده خواهید کرد (درینجا ذات شاهانه چوب خود را که بدست داشته حرکت دادند)

برای شما چوب و نه قمچین بازی ها قدری بلندتر ازین کنم مگر همه مطالب خیر خواهانه ام در آنجا فقط به محض گفتن اجرا گشته حاجت شدت نشد

چون من خودم را بمقابلهٔ شما ملت عزیز خود بمنزله پدر و استاد وشما را مانند فرزند و اولاد خود میدانم و بجز بهبود و سعادت و ترقی و آرامی شما در همه اجرا آت و کمالات خود دیگر مقصد و حالی ازخود ندارم لهذا اگر سستی و بیکارگی را درمیان شما به بینم شما را به چوب و قمچین تادیب میدهم و اگر خوبی ودرستی وفعالیت وبیداری ان را ملاحظه کنم نه تنها شمارا نوازش وتقدیر میکنم بلکه از شما بسیار خشنود می گردم

مامورین شما اکثریه میدانند وشما نخواهید دانست که من چرا وکلای شمارا امر کردم که از طبقه غریب وتاجر وزراعت گری واشخاص پیشه ور ملتم باشند

خدا میداند که من ملت غریب و عاجز خود را بی اندازه دوست دارم و امنیت و عمر و بهبود و آرامی و آسایش طبقهٔ عاجز و بیچاره ملت خود نه به خان و نه به ملک و نه به ملا و نه به سید و نه بدیگر صاحبان رسوخ اهمیتی می دهم

بلی من این مسئله را بار بار گفته ام که اگر ملت عزیز من آرام و خاطر جمع باشد طبعاً خان و ملک و سید و ملا و اعزه شان هم آباد و آسوده میباشند. و اگر آنها خدا نخواسته پریشان و ناآرام باشند. پس من نه تنها آرامی و استراحت خان و ملک و ملا و سید بلکه از خودم را هم نمی خواهم

یک مسئله دیگری هم موجب این امر شده که من از وکالت خوانین و صاحبان رسوخ صرف نظر کرده وکلای ملتم را از اشخاصی خواسته ام که ابداً حکومت باانها روشناسی ندارد و آن اینست که من عموم خوانین و علما و سادات و مشایخ وصاحبان نفوذ شما رامیشناسم و آنها هم در هر موقع خود ها را بمن رسانیده می توانند مگر ملت غریب و عاجزم خوبتر و زیاد تر بمن رسیده، و یا درد دل خود را بمن گفته، و یا در حل مشکل خود از من بدرستی امدادی خواسته نمی توانند

اشخاصیکه بخیر ملت و بهبود مملکت بوده برای حکومت خود صداقت و در راه اسلامیت خود اظهار فعالیت و ارادت کرده اند و یا می کنند من همهٔ آنها

را خواه خان باشد یا ملک و سید و ملا و فقیر دوست دارم و از خداوند برای اینطور اشخاصیکه آرزوی ترقیات این خطهٔ اسلامیه افغانیه را بدل می پرورانند و برای همه گونه خدمت آن حاضرند خوبیهای دنیا و آخرت را می خواهم

و اگر کسی بخلاف مقررات اسلامیت به اذیت ملت یا در هتک عزت مملکت یا بر علیه این دولت اسلامی خود اقدامات کند و من اطلاع این حرکات خلاف شریعت و اسلامیت او برسد اگرچه ملا ام باشد یا بهم کته شود یا مرید من خودرا نشان بدهد از وی سخت بیزار خواسته می کنم و قادر یک سرموی پروای او را ندارم . بنابران وکلای شما را از شریف ترین نفری تان که زراعتکار واهل پیشه هستند خواستم که انتخاب کنم تا که من هم آنها را بدون واسطه از دردیکه بدل دارم واقف سازم ، و آنها نیز از آرزو ها و عرایض وشکایاتیکه داشته باشند را من اطلاعات درستی بدهند

الحال من مکرراً دیدم و تجربه کردم که خان ، سید ، ملا و صاحب نفوذ همیشه در رسانیدن خیالات حکومت به ملت از غرض مردمداری کار گرفته در ترجمان افکار و اظهار خیالات به رعیت محکوم برای منافع و نام داشتن عظمت و بزرگی خویش از خود چیزهای دیگری را افزوده اند جهت اثبات این مدعا برایتان یک قصهٔ قندهار را می گویم

برای امداد بدل نقدی و موقوفی وضع و جریان قرعهٔ عسکری مالک المحروسه قندهار هدایت دادم که با عموم افراد و تجار آنجا داخل مذاکره شده آنها را به تشبثات بدل نقدی و قومی دانانده برای شان بفهمانند که در پیش فائده شان است در نتیجهٔ این مذاکرات از جملهٔ ۸۰ نفر وکیل (۴) نفر طرفداری خود را بر حق میان من قرعهٔ عسکری اظهار و مابقی شان اکثریه به وضع و اعطای بدل نقدی اظهار رای کردند ، لهذا من امر کردم که باز مکرراً همین وکلا را با عموم اهالی قندهار بحضورم بیارند تا خودم با آنها حرف بزنیم پس از آن همین مسئله را ذهن نشین عموم کردم خدمت عسکری برای تمام مسلمانان دولتمند باشند یا غریب یکسان فرض است زیرا هر کس که مسلمان باشد میاید اولاد و فرزند خود را که بقرعهٔ او در شده باشد فوراً روان کند در این صورت است که سالار اندازی می شود و پسر یک خان یا پسر یک غریب دوش بدوش داخل صف عسکری می شوند – و اگر کسی خود را بواسطهٔ خانی و ملکی و ملائی وغیره از خدمت عسکری که بر همه مسلمانان فرض است بکشد پس ما هم او را بدین حیث که تارک فرض گردیده در اسلامیت ضعیف پنداشته از جرگهٔ خود خارج می کنیم حتی به بودن اینچنین شخص در افغانستان هم راضی نمی باشیم و آنانیکه طرفداری اصول قومی را می کنند معلوم دار بر ملت مظلوم روادار جبر و ستم می شوند و صاحبان رسوخ ابتداً در قومی پسر و برادر خود را بنظام نفرستاده بار خود را بر غربا می اندازند همچنین در عوض هم اشخاص مستمند بجای اینکه خود شان بنظام داخل شوند عوض می دهند و بگرفتن پول منفعتی هم به حکومت نمی رسد زیرا دشمن را تنها به زور پول و پیسه خود مغلوب کرده نمی توانیم و اگر ما بخواهیم که برای دشمن خود به پول و پیسه بزنیم وی هم ثروت ما را جمع کرده عوض آن بکلادوس بچشم ما میزند فقط یک بدل بالذات آلایش که برای امید عسکری سنجیده شده همین قرعهٔ عسکری است که در این صورت از یکطرف عموم ملت داخل تعلیم عسکری می شوند و از جانب دیگر بار اندازی بر طبقهٔ عاجز و بیچاره نشده یک صورت مساوات دولتمند و غریب یکسان داخل نظام می شوند

بعد از اینکه عموم ملی را بمنافع قرعهٔ عسکری و مضرت قومی دانانیدم و برای اظهار نظر شان گفتم هر کس که طرفداران فکر باشد دست خودرا بالا کند عموم ملا و اهالی که تا یک و نیم هزار نفر میرسیدند دست های خود را بطرفداری قرعهٔ عسکری بالا کردند باستثنای چهارده یا پانزده نفر که آنها صاحب غرض بودند و دست خود را از آستین نکشیدند

دوست شنید چون مرتبهٔ اول بواسطهٔ وکلا و ترجمان این مطالب خود را برای خوانین و وکلا فرستادم نتیجهٔ نداد چون الفاظ بدون واسطه ترجمان بفارسی و پشتو با اهالی داخل مذاکره گردیدیم بدون هیچ یک کم و شبهه همگی چون به مضرت و منفعت خود و مطلب خیر خواهانه من فهمیدند فوراً اقرار نمودند که (قندهاریها وانمود کرده جان میدادند) حرف نظر کرده قرعهٔ عسکری را قبول کردند

مطلب این است که اگر بواسطهٔ خوانین و ملکان و صاحبان رسوخ مطالب خود را بمسامع ملت خویش بگویم اینها در ترجمانی از خود غرضی کار گرفته چیز های راکه برای عظمت و وقار شان نقص میکند نمیگویند و بالعکس دیگر مطالبی را از خود دران می افزایند .

در موضوع رفتن خود بقندهار برای اهالی آنجا در ابتدا گفتم : که اگر به زحمت وخدمتی که درین

هفت سال سلطنت خود برای شما ملت محبوب و این مملکت مرغوب خود کرده ام برمن اعتماد دارید پس هر امر و سخنی را که من برای شما بگویم باید آن را بدون معطلی قبول کنند و بکمال شوق و محبت در تعمیل آن بکوشید که از خیر و منفعت تان خالی نیست

و اگر بر من اعتماد ندارید فقط ... عدم اطمینان تان را بمن بگوئید تا من بدانم و هم او امر و احکام خود را بالای تان بصورت قطعی و ... اقوی و شدت اجرا کنم

حالا بر شما هم میگویم که برمن اعتماد کنید و ... امر و حکمی را که بالای تان بدانم چون برای نفع و خیر تان میباشد بکمال شوق و ذوق آن را قبول کرده بکمال سرعت در اجرای آن بکوشید

هر فکر و خیالی ... که حکومت در صدد اجرای آن شود قطعاً اجرا شدنی است و در آن هیچ کس را طاقت چون و چرا گفتن نیست اما اگر در اجرای آن او امری که ظاهراً منفعت و بهبود تان در آن است بشوق و محبت خود ها به محض اظهار و خواهش من خندان و شادان بشتابید البته که بسیار موزون و از حد شیرین خواهد بود

و اگر اعتماد نکنید و به محض گفتن در تعمیل آن خواهش نپرداخته حکومت را مجبور باستعمال قوت نمایید البته که حتما همان مطالب بصورت اجرا گرفتنی است مگر آنقدر شیرینی و نزاکتیکه در صورت اعتماد و اطمینان نمودن بر حکومت و اجرا کردن یك خواهش بصورت اخلاص و صمیمیت است بهمان اندازه خرابی و بد نمائی و ... نزاکتی در صورت عدم اعتماد و استعمال قوت است

چون از قندهاریها در ابتدا این طور وعده گرفتم و آنها بر خیر خواهی من اعتماد خود ها را ظاهر کردند البته خبر خواهید بود که همه او امر خیر خواهانه مرا به یك سرعت فوق العاده به محبت و خلوص دادقانه اجرا کردند چنانچه در مسئله نفوس فقط بنصایحیکه چند ساعت برای آنها کردم در ظرف یك روز یك تعداد کافی از جوانان قندهاری باصول قرعه عسکری بر خلاف سابق که وعدی بود برای خدمت نظامی بشوق و محبت غیر متناهی حاضر شدند چون در اول من اینطور گمان نداشتم که به این سرعت نفری پشکی قندهار جمع آوری میشوند از دیدن از دحام زیاد که بعد از هوا خوری عصر آن ها را باطرف ارگ دیدم خیال کردم که شاید آنها کدام عرضی دارند بعد از اخذ معلومات دانستم که نفری پشکی میباشند که اثر آن بیانات من که در منافع نفوس و مضرت بدل نقدی و اصول قومی برای ایشان بعد ظهر دیروز گفته بودم امروز به مجرد وصول جواب نامه شان بخدمت عسکری حاضر شده اند

این مسئله نفوس قندهار را بطور مثال به شما گفتم و نزاکت اعتماد و شیرینی تعمیل یك امری را که بصورت محبت اجرا شود به پیش تان تجسم دادم ورنه الحمد ... اصول قرعه عسکری در سمت شرقی جاری است

خدای پاك بهتر میداند و شما هم دانسته خواهید بود که من یك لحظه خود را غیر ترقی و بهبود شما و آرزوی ... و منفعت تان نمی گذرانم و بسیار خواهشمندم ... برای شما اسباب تعالی و آرامی و ... تان را آماده و تهیه کنم و در نظر خود تمام افراد و ... افغانستان را از اینکه ... باشد یا ... افغان باشد یا هزاره هراتی باشد یا کابلی قطغنی گفته شود یا فرقی هر کس که باشد و در هر گوشه و کنار مملکت افغانستان سکونت داشته باشد بحیثیت حکومت یك سان می بینم و برای منافع و ترقی آنها ... او شان هستم و بسیار آرزو مندم تا یك درجه بیشتر ملت افغانستان را از خواب غفلت بیدار و از برکت و فیضان علم و عرفان آنها را هوشیار بسازم

مگر چکنم که باوجود این تاکید و توصیهٔ من موضوع تحصیل علم و عرفان برای ملت خود می کنم و بار بار آنها را بسوی تحصیل کردن علوم و فنون تشویق داده میدهم بعض افراد ساده لوح ملت من گاو چرانی فرزند خود را بر رفتن جهت تحصیل در مکتب ترجیح میدهند و برای اینکه اولاد های آنها را من جبراً برای خیر دین و دنیا داخل مکاتب مینمایم آمده عذر های بیجا همینمایند

اگر دانسته میشود که پس بعد از ینکه چه طور در استخلاص پسر و برادر خود از تعلیم تشبث میکردند حالانکه برای یك شخص نیکی و بهی ساعت ... بهمه چیز علم نافع است و این افراد از برکت علم از احتیاجات دینی و دنیوی فارغ میشوند اگر این ها عقل داشته و اندکی فکر و تأمل بکنند پسر و برادر های من و پسران و برادران وزرا و اعیان افغانستان که از چند سال باینطرف در پاریس و جرمنی مصروف تحصیل اند غیر از ذات خداوند که دارند و ماسوای همان سفیر مختار ما که از احوال اوشان اخبری دارد کدام کس در آن عالم غربت و مسکنت بدرد شان میخورد ؟ پس گاهی اولاد های خود را از مکاتبیکه پهلوی خانه های شان است و روزانه در آنجا اخذ تعلیم نموده و شبانه واپس به خانهای خود می آیند بدین عذر باز امیداشتند

علم و دانش چیزی نیست که کسی بدان محتاج نمیباشد و الا پسر و برادران من و اولاد های وزراء و اعیان مملکت شما چه چیزیست که ندارند مگر چون تمام مال و متاع و هستی دنیا اگر علم و عرفان ادراک نشود حکم هیچ ندارد و شخص جاهل و نادان اگر مالک زر و رخارو پیه باشد باز هم بدردش نمیخورد لذا من این فرزند و برادر شاه حقیقی و دیگر فرزندان معنوی خود را که بمنزلهٔ اولاد و تنعم پرورش یافته بودند برای خدمت شما ملت و سر سبزی و شادابی این مملکت ان برای تحصیل علوم بخارج فرستادم

تا حال شما را کسی از منافع علوم و فنون ندانانده بود بلکه بر عکس در نادانی و خواباندن تان بنا بر مصالح خود کوشیده بودند حالا لطف کرده این نصایح خیر خواهانهٔ مرا که برای شما در مسئلهٔ تحصیل علم و عرفان بنام بسمع قبول شوید و بیشتر از آن بیشتر در ادخال اطفال خود بمکاتب که بپهلوی خانه های شما است و تمام مخارج آن را حکومت متکفل شده بکوشید
[این جمله را ذات شاهانه شفاهاً فرمودند]

معافی میخواهم یک مثل زبانزد عوام است که شیخ ها میگویند : « منفعت یک مرید احمق برای یک شیخ بهتر از حاصل یک جریب زمین است » وقتیکه این طور خیالات درمیان اشخاص مذکور و مامورین ماضی بود و بدسته میخواستند تا ملت شان جاهل و احمق ماند که آنها از زیر ریش او شان خر سوار تیر شوند میاید که ما از ترقیات بعقب بمانده ایم و هر قدر که خون شما را میچوشیدند و گوشت تان را می بریدند میباید شما خبر نمیشدید

تا میتوانید بخوانید و دانسته شوید و از خواب غفلت بیدار و از مستی جهالت هوشیار گردید زیرا اگر شما فقط خواننده هم باشید باز هم کسی شما را بازی داده نمیتواند و دست اذیت احدی بشما دراز نمیشود

مثلا اگر یک مامور بی انصاف بنا حق بر شما یک امری را جاری کند فوراً شما آن حکم او را با نظامنامه تطبیق داده میگوئید که این امر شما مغایر عرض است و نظر به فلان ماده قانون شما حق اجرای این حکم را بر من ندارید

میخواهم که ملت افغانستان بیدار شود و بکمال جدیت در آبادی وطن و ترقیات خود کوشان و ساعی باشند و به این مسئله متیقن باشند در صورتیکه ما و شما جدیاً در رفع احتیاجات وطن خود کار کنیم چون مسلمان هستیم و لطف خدا بر ما نسبت بدیگران در صورتیکه پیروی حقیقی اوامر او را بکنیم بیشتر است … ترقی … و مدارج تعالی را خواهیم

پس فکر کنید که دیگر ها با وجودیکه خدا و رسول را نمی شناسند چرا از همه چیز مستغنی و صاحب همه لوازم حیاتیه میباشند و شما با وجودی که مسلمان و صاحب ایمان و دوستی و محبت خدا و رسول افتخار دارید چرا از جمیع ضروریات و لوازم زندگانی خود عاجز و دست احتیاج ما به آنها دراز است آنها به مقررات اسلامیت ما کار کردند علم آموختند دانش و کمالات اندوختند و ما با اینکه خود را مسلمان میدانیم به اوامر مذهبی خود کار نکرده جاهل و نادان ماندیم و این فلاکت و مصیبت سر دو چار گشتیم

سالهای زیادی منقضی است که شما ابریشم میکارید ولی در اصول کاشت و رفع حاصل آن هیچ نشدیت ترقی و خوبی را عاید کرده نتوانستید همان رنگ که پدر ها و پیشوای های ما و شما می کشتند و (کرم) ازان می برداشتند بهمان طریق شما هم روان میباشید و همان (جواز) های لق و دق چوبی شما امروز تبدیل و یک صورت اصلاح را بخود نگرفته عمر تان به شرشم کاری گذشت و روز مسرت تان روزی است که شرشم و یا دیگر حاصلات تان را درو میکنید حالا که در دنیا ترقیات و ایجادات و صناعات به اندازه کسب ترقی کرده است که آنها عوض شرشم شما که مدتی دران زحمت میکشید هر روزه طلا درو میکنند اگر چه گل شرشم و طلا هر دو زرد است ولی از نقطهٔ منفعت این هر دو با هم دیگر مناسبت ندارند

ملت عزیزم ! بکوشید وسعی ورزید مثلیکه دیگران در آبادی وطن و جلب منافع مملکت خود کار روائی دارند شما هم عملیات بنمائید هر زمانیکه آهن و آتش و آب را نوکر وخدمتگار خود کردید و بکار انداختید پس بدانید که باصول ترقیات خود آشنا و منافع مملکت وملت خودرا دو بالا نموده اید

آیا به این ایمان و مسلمانی و افغانیت وغیرت که شما دارید ازین مسئله خجالت نمی کشید وعار تان نمی آید که بهمه چیز به خارجی ها احتیاجات خودرا میبرید انصاف کنید که شما باستثنای یک خشت خام بهمه چیز محتاج خارج هستید و اگر امروز خارجی ها اموال پیداوار ممالک خود ها را بالای تان بند کنند چه خواهید کرد و این احتیاجات خودتان را از کجا تکمیل میکنید ؟

نی تا میتوانید کار کنید و همه شعبه های صنعت حرفت ، تجارت ، زراعت وغیره امورات حیاتیه خود را ترقی بدهید اگر شما اندکی کوشش کنید امید است که از برکت ایمان و مسلمانی که داریم و ازین قوت

وعظمتی که خدای پاك برای افغانستان عطا کرده و رگ و پی و استخوان های مارا ازین کوه های قوی هیکل بقدرت کامله خود سخت خلق کرده و یك اثر ذکاوت وماده فعالیت را [illegible] وجود ما ودیعت گذارده و همه مارا شیر [illegible] حماست پیدا فرموده ضرور [illegible] با یك جوش وخروش بدان اقدام [illegible]

وظیفه شما [illegible] اینست که [illegible] میتوانید تنبلی وسستی را از اعصاب [illegible] دور کنید [illegible] همت را بکار [illegible] از خود دور کنید که [illegible] طور کار کم [illegible] و عرق جبین خود [illegible] آسوده [illegible] نیز از احتیاج بدر آرید

این رواج بد است که شما کسبه و اهل پیشه خود را تحقیر کرده میگوئید که فلانی جولا یا موچی است نی آغا همه کاریگران و ارباب پیشه خود را بانظر احترام بنگرید و تا میتوانید در رفع مشکلات آن ها بکوشید ودست معاونت خود را به آنها دراز کنید و ازکار و عریی شرم نکنید و اگر تو از جولائی می ترسی بخدا که من جولائی را که برای ترقی مملکت و رفع احتیاج ماتم باشد و بنمایم فخر خود میدانم - غریبی خود به نندید و در رفع احتیاج مملکت و ترقیات صناعت تان زحمت گوارا کنید و اطفال خود ها را صرور بعد صرور بمکتب داخل کنید زیرا علاج ان همه درد ها و دفع همه این مصیبت ها بعلم و کمال میشود

امروز شما را بصورت عمومی ملاقات کردم آینده هر روز تا زمانیکه در جلال آباد باشم وکلای شما را یك ساعت یا دوساعت ملاقات میکنم و ازخیالات آن ها معلومات میگیرم و چیزهای را که گفتنی باشم بیان ها میدانم که برای تان برسانند ولی نباید که در تعمیل آن مرا مجبور کنید که چوب خود را بالا کنم زیرا الحمد لله همه انسان های عاقل و فهمیده میباشید وبغیر وبرخود میدانید چوب برای حیوان است انسان باشاره به مطلب میرسد بازخیال ندارم که شما را تکلیف داده بخواهم مگر که کدام مسئله پیش آید که دران مشوره شما را لازم بدانم باز شما را خواهم طلبید تا مقصد مرا خود شما بگوش خود بشنوید و از احتیاج ترجمانی طرفین فارغ بشویم

اول خیال دارم تا هرچند روزیکه بشود کار های تفتیش ماموربن شمارا میکنم زیرا اگر اینها اصلاح شده و درست باشند دائما آرام و آسوده میباشد

اگرچه همواره خودم درینجا حاضر هستم - بسیار آرزو دارم که این تفتیش مشرقی چنان یك نتیجه خوبی بدهد که یکنفرهم از ماورین و اهالی اینجا بزیر باز خواست نیاید و اگر کدام یکی ازسوء رفتار و یا سستی وتنبلی خویش تحت مسئولیت آید ومجازات خودرا بیند از کردار خود بنالد ؟

بعد ازینکه از کارهای تفتیش ماموربن خلاص شدم عرض و شکایات عمومی شما را اگر تعلق بمن داشته باشد بواسطه جناب شاغاسی صاحب میشنوم - عرضهای شخصی شما را که دعوی زمین و یا مطالبه شخصیه باشد یا حقوقیه و از جمله وظائف حکام و مامورین محلی [illegible] گفته شود نمیشنوم - زیرا این از وظیفه من نیست و [illegible] شنوم گاهی بان رسیده امیدوارم

البته این چنین عرضهائیرا که از دست حکام و مامورین خود داشته باشید و به دلایل و سند ثبوت کرده بتوانید و یا از کدام تکلیف عمومی که خارج از انظامات دولتی بالای تان اجرا شده باشد و یاعفو مجرمین خود را استدعا کنید و یا مکافات کدام خدمت بزرگی خود را بخواهید (استثنای سمت جنوبی که کار آن خلاص شده و قبلا در اعلان میعاد مکافات آن تا چند ماه معین شده و حالا آنوقت هم بختم رسیده) و یاکدام خدمتی را خواهش نمائید و یا کدام فکر خوبی اثبت ابادی ملك و رفاه رعیت و یا توکید امنیت وغیره چیزهائیکه بمن تعلق دارد و شاغاسی صاحب آن را شما خواهد داناند بمن تقدیم کنید برای شنیدن آن حاضرم

بهترین لمحات زندگانی ومسرت من زمانی خواهد بود که یك نفر از افراد ملتم آمده یك فکری را بابت بترقیات مملکت و آبادی ملت ومنافع عمومی برایم تقدیم کنند دران وقت شکر خواهم کرد که ملت من. حالا ذوق و شوق آبادی وطن خود را درك کرده در تقدیم همچنین فکرهائیکه برای رفاه عامه و منافع سائره باشد برای تمام افراد اجازه می دهم که بمن پیش کنند و بانها وعده می دهم اگر این چنین افکاریه و افکار آنها درست و معقول بوده البته مقبول و عارض تحسین کرده خواهد شد و اگر خراب باشد مخفیانه مسترد میشود - تاوقتیکه بجلال آباد اقامت میکنم خیال دارم که بروز جمعه کار کنم و عوض آن بکدام روز دیگر تفریح نمایم و نماز جمعه را اولا در مقبره امیر شهید و اگر آنجا گرم و یا تنك باشد بدیگر کدام مسجدی که فرقه مشر صاحب آن را برای تان خبر خواهد داد میخوانیم کسانیکه

خواهش افکار و نصایح مرا داشته باشند می‌باید که در همان مسجد حاضر شده نماز خوانده خطبه های مرا بشنود باقی فی الحال شما را بخدا می سپارم

از فارس می نویسند

در شماره (۸) حبل المتین مورخـه ۲٤ شهر شعبان ۱۳٤٤ شرحی از حس قدردانی و وطنپروری و دولت خواهی ملت گیلان ذکر رفته بود که اخلاق اهالی گیلان با اهل فارس خیلی شباهت دارد ذکر فرموده بودید عجبا در همه چیز باید جنوب از شمال عقب ماند خوب می فرمائید لیکن نمیدانیم که مگر اداره حبل المتین از اوضاع اهالی فارس بی اطلاع است یا مثل آقایان طهرانی این شکایت ها وعرض ماهـارا اراجیف میپندارد بلی ملت فارس با ملت گیلان متشابه اند و لیکن در بعض امور متمایز اند اهالی گیلان هر گاه این حس قدردانی که داشته اند البته مامورین دولت که در آن حدود اند اشخاص صحیح العمل و تربیت یافته و از این نوع مامورین البته احساسات بظهور میرسد دیگر ملت گیلان با دولت روس همجوار اند شاید تا یك اندازه بدسلوکی از انها مشاهده می نمایند جا دارد که جان و مال خود فدای دولت نمایند تا دولت مقتدر گردد که از چنگال اجانب در امان باشند

ملت فارس این حرکت ها می نمایند مگر چـه غباری بگوشه زلفشان نشسته است البتـه روی سخن بر طبقه متنفذین و متمولین است چون این احساسات از ایشان بر خواسته می شود بلا غیر

عرض اینکه این تنبیهات بر مزاج شان ناگوار است چرا که یقین دارند هر گاه دولت ملتفت صفحات جنوب شود و حکم عدالت و مساوات جاری فرمایند یقینا از نفوذ شان میکاهد همیشه مایلند که دولت بدین منوال بماند تـا از آب گل آلوده مـاهی بگیرند و نه جا داشت که از این اندوخته هائیکه از خون جگر طبقه رنجبران جمع نموده اند انهم باسم دولت است که این فلك زدگانرا چاپیده اند چه عیب دارد که ازان جزئی بردارند تقدیم دولت نمایند هم خود در نظر دولت ... احساسات وطنخواهی جلوه گر ساخته اند و هم رفع تهمت از خود نموده اند دیگر میتوان گفت کما برامراء فارس چنانچه بروز لیاقت داشته و دارند مـا هـم مـورد تیر برادران گیـلانی خود نمی گردیدیم

هرگاه روی سخن بر طبقه رنجبر باشد ملت رنجبر همیشه بروز لیاقت داده است ملت رنجبراست که عادی شده مثل شتر گردن بلند همیشه خارمیخورد و بار می کشد و هیچ اغماض ندارد و این بـاد و باران ها بسیار دیده مثل کوه از جای خود نمی جنبد ملت اگر در نظر خفیف است لیکن در حقیقت قوی و برومند و مدار هر اساس از شیوه ملت است هرگاه بکوهی بپردازند بالمدك زمانی آن کوه را از میان برمیدارند گرچه ملت فارس از حیث امنیت و عدالت بی بهره اند و تا کنون دولت ملتفت صفحات جنوب نشده است لیکن ایقان میدهیم که هیچ ملت فارس از ملت گیلان عقب نماند

آقای (غ - ر - مرشدی) می فرماید که دست ملت تهی است ما هم تصدیق می نمائیم لیکن مثل مشهور است

§ قطره قطره جمع گردد و آنگهی دریا شود §

قریب چند ملیون ملت فـارس است ممکن است در عرض سالی هر یك نفر پنج تومان اعانـه بدولت بپردازند دولت به خود دست و پـای جمع می نماید و ملت هیچ متضرر نمی شود لیکن هر گاه موسس و مدیری لازم دارد و انهم ازروی اساس متین باشد تا مثل زمـان سابق دست خوش هوا و هوس هر بی عاطفهٔ نگردد

آقایان شما چه میدانید که ملت فارس اعانـه و یا مالیات نمی پرداخته اند هرگاه مامورین دولت حیف و میل ننمایند جرم ما چیست ملت فارس عادی شده است مثل حیوان شیرده همیشه شیر میدادند و خود گیاه سبز معیشت می گذرانیدند اگر دولت مـا را از چنك این درندگان برهـاند و بساط عدالت و امنیت را در این صفحات بگستراند و از این ورطه مهلك نجاتمـان دهـد البته حاضریم کـه جانـا مـالا فـدای دولت خـود بنمائیم تا از برادران گیلانی عقب نمانیم هرگاه بحال سابق باشیم دیگر بخواهند برما اعانه بیفزایند مثل ما آن میشود که با تاجیك شد یك وقتی تاجیکی یك بار سبو دربار داشت درعرض راه با ترکی ملاقات نمود آن ترك چماقی که داشت بکوله تاجیك زد و گفت چه دربار دارید تاجیك جواب داد که یکی دیگر بزن که هیچ ندارم البته برما همان مثل خواهد شد

آقایان اوضاع فارس از هرجهت خراب و قابل توجه اولیای امور فعال کنونی میباشد بطور اجمال در تمام مظاهر زندگانی ازصنایع وفنون محتاج باصلاحیت ولی بزرگترین اصلاحات متوقف باصلاح نفوس است الحق میتوانیم گفت فارس قابل همه گونه اصلاحات است هرگاه دولت ملتفت این صفحات شده بود امروز فارس عروس دنیا قلم داد میشد اهمیت خلیج فارس ومعادن پر قیمت آن خیلی قابل توجه است آقایان فارس است که ید قدرت گنجهای طبیعی در آن

ودیعه گذارده است و ما کور کورانه با شکم گرسنه راه میرویم

§ قــدر زر زرگر بداند §

فارس است که فرنگیها از زیر ابرو بچشم حسرت بطرف آن مینگرند وآه ... دل پرحسرت میکشند و ما ایرانیان همیشه از ... میگردیم خلیج فارس است که مروا... ... بازار اروپ گردیده است اگر بنظر بصیرت ... عالم بنگری مثل قطعه مانند دریای ... در خارج نظرت مجسم می گردد چون اداره ... مجله متین تطویل کلام را اجازه نمی دهد خیلی باختصار پرداختیم

§ توخود حدیث ... مفصل §

(... فارس)

از ارومیه ...

بعداً در شماره های ... مجله ... بعض بلاد ایران ، کرمان : ... روی ... متواتره از برخی مدیران و مأمورین دوائر دولتی و فرماندهان و نظامیان و نظ... ... درج می شود که در واقع مایه بسی تأسف و تعجب واقع شده و افکار حساسین ملت و علاقه مندان وطن را مشوش می سازد و اگر از حرکات بی رویه و غیر منصفانه آنها ... نماید و ترمیم نپذیرد بر آتیه ایران انتظار خوبی نمی توان داشت یعنی کمتر سال اطمینان و امیدواری می نماید ولی بالعکس همین اطوار و بیعلاقگی آنها و اولیای محترم امور به بدبختیها و تیره روزگاریهای ... برای ایران تهیه و تدارک می نماید —

چون ذکر وخامت و شرح عاقبت دهشتناک این وضع از مقصود ما خارج است لهذا از آن صرف نظر کرده و می خواهیم که بعجم تقدیر از آنها و تشویق و ترغیب از سایرین مختصری از مأمورین دولتی ارومیه ذکری بنمائیم و چون حال الحمد خوب میداند که این بنده ابداً بتملق ... ننموده و بدان مسلک شوم و منحوس احتیاجی ندارم که مداحی بیجا نمایم و اینست که بدون شائبه غرضی بشرح ذیل پرداخته و ذکری از مأمورین ارومیه مینمایم

فرمانده محترم منطقه هفت قوای ارومی آقای نائب سرهنگ محمود خان امین که از عناصر جدی و فعال بوده و دوره تحصیلات و تعلیمات خودشان را در اسلامبول طی نموده اند با کمال مهر و محبت با اهالی رفتار نموده و در نهایت بیغرضی و با سعی تمام در اصلاح احتیاجات و ترمیم شکستیهای روحی این شهر کوشاند و رئیس نظمیه ارومیه آقای رحیم خان خابور که دارای جدیت و فعالیت زیاد و در جنگ بین المللی در جزو مهاجرین در فرولت دم مدتی امرار نموده اند ، در نهایت دقت و مواظبت در ایفای وظیفه خود ساعی و تمامی عملیات آنها از روی کمال صحت و شرافتمندی میباشد

قائمه یکی ارومیه هم آقای هاشم خان امین است و از روی انصاف باید گفت که جوانی است لایق و سزاوار همه گونه ستایش و در هر موقع طریقه عدالت و انواع پروری را منظور و حیثیت دولت را محفوظ می دارد و با تحقیقات کاملهٔ آقایان معزی الیهم در اثنای سایر ماموریتهای مختلفه خودشان هم در سائر نقاط آذربایجان دارای همین اطوار خدا ... بوده با فعالیت و جدیت های فوق العاده ... قلوب اهالی آن نقاط را هم بطرف خودجاب و ... نوع و وطن پرستی خودرا بعرصه ثبوت رسانده اند و ما هم از روی اخلاص و صمیم قلب ... عمل و درستکاری آنها را در ایران دوستی تقدیر و تقدیس نموده و از خداوند متعال خواستاریم که امثال این قبیل مامورین ایران خواه را در محیط پاک وطن زیاد و فراوان نموده و بسایر بلاد ایران نیز نظیر ایشانرا نصیب فرماید که تا آنها نیز بدان اندازه گرفتار فشار و سختی نشده و از صمیمیت این نوع اشخاص وطن دوست مستلذ و بهرمند گردند

ولی نکته در اینجا هست که جالب توجه بوده و بایست آنرا گوشزد نموده و خواطر اولیای محترم امور را متحضر و متذکر داشت و آنهم عبارت از مسئله تبعیض است در مسائل حقوقی راجع نظام و عشایر آنان را بمحاکم صالحه رسمی مراجعه ننموده و حتی دعاوی منسوبین خیلی دور عشایر را هم در شعبه تفکیک مینماید و چون اهمیت وضع سیاسی ارومی را از نقطه نظر تشتت نژاد و یا موقعیت نمیتوان سایر ولایات ایران قیاس نمود پاره اشکالات در این موضوع پیش میاید که دولت را هم دو چار محذورات مینماید

مثلاً اگر حقوق یکنفر کرد با یکنفر عجم تعارض و تصادف نماید شکلی مخصوص بخود میگیرد و همچنین اگر حقوق کردی با یکنفر از اتباع خارجه و یا با مسلم و مسیحی و یا کرد مسیحی و نظامی کرد و و و ... تصادف نماید حالتی دیگر تشکیل و حتی علیحده تولید میکند اگر چه ترتیباتی پیش آمده و امروزها در هر موردی این عبارات مصطلح و معمول شده است که «مقتضیات حاضره چنین حکم میکند و لازمه سیاست منظور میشود باو علاوه از اینها گویا بر محاکم صالحه چندان اطمینان نیست ...» بهر حال گاهی چنین پیش میاید و ترتیبات ماخوذه چنین اقتضا می کند که در مواقع مزبور تقریباً کاپیتولاسیون را قبول مینمایند ولی

باز محکمه شعبه عشایری را (در کلیه نقاط ایران بنا بفریادهای مندرجه در جراید) بیدخل و ناظر نمیگذارند چون اهمیت این مسئله اظهر من الشمس است و شرح اهمیت محاکم صالحه و اصلاح عدلیه‌ها به عقیده مبصرین از مسائل حیاتی و حمایی مملکتی محسوب می شود حساسین را بـه نمرات سابق حبل المتین در موضوع (کاپیتولاسیون) و مفاسد آن رجوع نموده و از توضیح و تشریح آن در اینجا خود داری مینمائیم و از آنجائیکه اهالی از این پیش آمدها خیلی درتحت مضیقه و بلا تکلیفی مانده و متحیراند که آیا در مواقع مذکوره که حقوق ملل متنوعه و طبقات مختلفه مشروحه در فوق که با یکدیگر تصادف بکنند چه شکلی پیدا نموده و چه قسم حکومت و اجرا بعمل خواهد آمد ؟ — پس البته مهم است که هرچه زودتر دولت بتصفیه و ترتیب عالم حقوقی عطف توجه و اصلاح فرمایند بهمین اندازه بهتر و اولی تراست که تا طرف اعتماد و اطمینان دولت و ملت واقع شده وهمین محذورات سابق الذکر هم با بعضی دیگریها الکلی مرتفع آید و مخصوصا در جزو سایر عملیات طلائی و تاریخی دولت پهلوی عنقریب انتظار الغای (کاپیتولاسیون) را کشیده و امیدواریم که در این باب بزودی موفق و کامیاب بشویم : —

از بلوچستان می نویسند

در شماره ۱۲ — جریده حبل المتین تحت عنوان تهور و شجاعت یکنفر صاحبمنصب ایرانی و انقراض آخرین سلسله ملوك الطوایفی بلوچستان شروع و در خاتمه بنام مخبر بلوچستان امضاء کرده اند نظر باینکه نوشتن این اغراقات به حیثیات ملت بلوچستان سکته میزند این مختصر را نگاشت

بدیهی است نویسنده محترم بلوچستانی را وحشی و دوراز تمدن میداند این مسئله قابل انکار نیست برای اینکه دولت ایران وزمام داران مملکت و وطن ما بلوچستان را جزو قطعات خاك ایران نمیدانند و به نظر لاقیدی و سهل انکاری باین قطعه زر خیز مینگرند آقای محترم همینطور که بلوچستانی از تمدن دور است تملق گوئی و چاپلوسی و اغراق نویسی و و دروغ را بر خلاف کرمانی بدین خود کفر و از شرافت انسانیت دور میداند (تهور وشجاعت آقای سرهنگ محمد خان قابل تردید نیست ! !)

اما در قسمت انقراض ملوك الطوایفی با وضعیت بلوچستان ناچارم عرض کنم که نویسنده یا از وضعیت بلوچستان کاملا بی اطلاع بود یا تملق و چاپلوسی را باندازه رسانیده که خود آقای سرهنگ محمدخانرا هم از این اغراقات ناراض نموده است زیرا که عظمت خاك بلوچستان را فقط به بندر چاه بهار اختصاص داده برای اثبات عرایض خود تکمیل اطلاع نویسنده وضعیت بلوچستان را تذکر می دهم بلوچستان واقع است در جنوب سیستان و از جنوب منتهی میشود بـه بحر عمان حاکم نشین آن شهر بمپور قصبات وقلاع معتبر آن جالق ذرك کوهك مگس فهرج سرباز قصر قند یا هوکلات که قلعه انگوران و قلعه ریگان است مکران در جنوب این خاك واقع و بندر چابهار جزو مکران است نگارنده محترم انقراض ملوك الطوایفی را از میر برکت شروع و بـه قسمت فتح بیابان خاتمه میدهند برای بصیرت آقای محترم سکنه بلوچستان و معروف بر این طوایف آنرا شرح میدهد طوایف معروف بلوچستان یاراحمد ذهی هزار ذهی میر بلوچ ذهی سهراب ذهی جهانشاه ذهی سالار ذهی اسمعیل ذهی میباشند آقای دوست محمد خان یکی از سرداران طایفه یار احمد ذهی میباشند و غالب ایـن طوایف مهم چادر نشین و از مردمان سلحشور جنگی میباشند مع ذالك هیچوقت نسبت بدولت متبوعه خود تمرد و یاغی گری نکرده در این چند سال اخیر هم که از پذیرفتن قشون مامورین دولتی امتناع نموده اگر حـق کشی نکنید ذیحق بود زیرا که معاملات و فجایع اعمال گذشته مامورین دولتی مخصوصاً مامورین بمی و کرمانی نسبت باین ملت بد بخت ساده ایلاتی طوری بوده است که که هر ملت و رعیت ضعیف و ناتوانی را براه آورده از حیثیات ملی خود وادار میکرده است برای اینکه نفرمایند واعظ غیر متعظ شده و خودت اغراق نـویسی کرده نمونه از عملیات بی شرفانه مامورین بمی که فعلا خود را بنام فامیلی بهزادی معرفی و از مال و مکنت بد بخت بلوچستانی هنوز براحت و آسایش بسر می کنند شرح میدهم گذشته از اینکه این مردمان بی عاطفه بر جان و مال بلوچستانی ابقا نمی کردند به ناموس وعصمت ما هم بسرحد کمال دست اندازی کردند زن ودختر وخانه بلوچستانیرا از خود دانسته با حضور اولیاء ومعاملاتی که قلم را شرم می آید میکردند علاوه بر این یك نظر بمقایسه بخاك بم و کرمان بلکه ایران بیاندازید به بینید پس از بیست سال مشروطیت هنوز ملت و نـاموس بلوچستان مثل حیوان در معرض خرید و فروش است بلوچستانی بدبخت از این عملیات طاقت فرسا متمرد است از پرداخت مالیات هیچوقت استنکاف نداشته و ندارد اگرچه بطوریکه شنیده میشود فجایع اعمال و حرکات زشت قشون جدیدهم کمتر از قشون قدیم ایران نیست عملیات و حرکات خلاف انتظار رود بار آنها نسبت بسعید خان جیان و ناموس اوبما می فهماند که (همان آش است همان کاسه)

آقای محترم قشون نیرومند کرمان شما هنوز درمقابل ولی محمد دزد و کریم خان پسر علیم خان عجز دارد هنوز بیچاره مردم از بم بجیرفت بطور خوف و بدبختی و بی راهه عبور می کنند خجالت بکشید از خدا شرم کنید

(حلالا ... گوش بلوچستانی)

از ... می نویسند

۱ — اداره حکومتی تحت سرپرستی آقای نایب حسین خان بهاقچی که یك نفر جوان رشید اخلاقی وطنخواه است از هرگونه کثافات و آلایشهای عهد عتیق پاك شده در جشن تاجگذاری اعلیحضرت پهلوی ٤ اردی بهشت علاوه بر اعتباریکه از طرف دولت برای چراغان داده شده بود مبلغ گزافی از جیب خود خرج نمودند و جشن شایانی با عدم وسائل قابل تقدیر بعمل آمده خطابهای مهیج و سرود های مفرح و نطقهای بلیغ در مجالس شده چای و شیرینی و مهمانی کافی نمودند بعد از اینهم مادام اقامت در ماموریت ماهی دو روز را وعده جشن و نمایشهای اخلاقی برای تشویق و تفریح اهالی داده‌اند ما بنوبه خود از طرف عموم خدمات شایان و حسن اخلاق اینگونه جوانان بی آلایش وطنخواه را مزید تشکر دانسته فراهم آوردن اسباب تشویق امثال ایشان را از اولیای امور در خواست می نمائیم

اداره معارف سیرجان تحت ریاست آقا میرزا هاشمخان صفوی که تازه از مرکز وارد شده اند وجود فاضل و تربیت شده حساس بی آلایش است رشته گسیخته معارف سیرجان را بهم آورده با عدم وسائل در چراغان جشن تاجگذاری اعلیحضرت پهلوی خدمات ذیقیمت نموده متعلمین و شاگردان مدرسه را بخطابهای مهیج و سرود های مفرح وا دار نموده شخصاً نطق بلیغی در توسعه و ترویج معارف نمودند کلاس اکابر هم در مدرسه دولتی دائر شده توسعه معارف را در نظر دارند ما بنوبه خود و از طرف عموم اهالی حسن انتخاب اینگونه مامورین لایق را قابل تقدیر دانسته محض تشویق بذل توجه اولیای امور را بخدمات شایان اینگونه جوانان وطنخواه معطوف می خواهیم ...

۲ — نظمیه سیرجان تحت ریاست نایب عبدالحسین خان که جوانی است معقول و بی آلایش تازه از مرکز وارد شده با عدم وسایل گردیهای فامیلی انتخاب نموده در تنظیمات و تنظیفات احدی تمام کوشیده داخله را از حیث نظم و نظافت ایمن نموده است در جشن تاجگذاری اعلیحضرت ٤ اردی بهشت چراغان با شکوهی نموده وسائل جشن دوائر را منظم داشتند خدمات مشار الیه قابل تقدیر است ما بنوبه خود از طرف عموم بذل توجه اولیای امور را بخدمات ذیقیمت مامورین لائق معطوف خواسته مستدعی چنانیم که چنانچه مقتضی بدانند هرچه زود تر امر بتاسیس بلدیه قانونی فرمایند که مزید تشکر عمومی گردد

ابر قوه قدیم و جدید

(از اصفهان می نویسند)

نگارنده تاکنون سه مرتبه از طرف انجمن نظارت مرکزی قمشه برای تشکیل حوزه انتخابیه بابرقوه مسافرت کرده ام

دوره چهارم و پنجم و ششم — در قسمت انتخابات آن صحبتی نمیدارم گذشته است فقط از نقطه نظر بموقعیت عملی توجه اولیای امور را بان سامان معطوف میدارد

§ بسا صاحب دلی روزی برحمت §
§ کند بر حال درویشان نگاهی §

ابرقوه چنانچه مرحوم حاجی شیروانی دربستان السیاحه نوشته است در قدیم الزمان مدینه آبادی بود متعلق بفارس و حالیه خراب و متعلق باصفهان است ولی اکنون بدرجه خراب و ویران شده که شخص غریب و نادیده در بادی النظر بوحشت میافتد

در زمانهای قدیم یك حادثه ناگهانی از قبیل (زلزله) در انجا رخ داده باشد که قشر غالب بنیانهای آن شکسته و درهم ریخته است بعض جاهای آن زیر زمین های عجیب و غریب دارد — شبیه محبس تاریك که نزد اهالی معروف بمحبس اسکندر است

بفاصله یك میدان از شهر شرقیه کوهی که معدن گچ است گنبد خوش ساختی است معروف بگنبد دار که بگمان اینها دارای اصغری است که زمان اسکندر مقدونی کشته شده میگویند در شصت سال قبل ازاین شخص اروپائی آمده و از خارج گنبد اشیائی قبر او اشیاء نفیسه برده است

ولی انچه دیده میشود طرز ساختمان گنبد چندا قدیمی و عجمی نیست خطوط کتیبه آن خط کوفی است — مسلماً از دوره اسلام است در داخله ابرقوه بنائی که خراب است معروف بطاوسیه یك عمارت قلعه جامعی بوده دارای مسجد و مدرسه و حمام خانقاه و غیره حاجی شیروانی مینویسند که طاوس الحرمین است که بمناسبت قرب جوار با این بزرگوار پس فوت آن از داخله و خارج هم مرده زیاد در این آورده دفن میکردند

حالیه هم مسجد جامعی دارد که یکی دو قط سنگ مرمر حجاری شده که بعض صور ادعیه آیات قرانی در انها نقل شده و نسبتاً دیدنی ا

است چند باب مسجد دیگر و مدرسه و حمام و دو سه گنبد (پیر) و امام زاده دارد که غیر از کثافت و تعفن ندارد

غالب عمارات و محلاتش خراب جمعیتش خیلی کم - بواسطه عدم حفظ الصحه و کثافت مطلقه که اغلب خانهای تنك و تاریك مسکونی انها را احاطه کرده سال بسال کمتر و خراب تر میشوند

جمعیت خود ابرقوه سه چهار هزار نفر مرد و زن وبچه است معدودی از انها که شاید ده وبیست نفر بشوند دارای همه چیز یعنی کامل العیار تمول و ثروت فوق العاده دارند که شاید در شهرهای آباد این نمره متمول کمتر دیده می شود

و باقی مردم بدرجه فقیر و بی بضاعت که نظیر انها در دهات و ایلات وحشی دیده امی شود

بعبارت آخری حسنی ده بیست هزار نفر که شامل ابرقوه و دهات حومه و اطرافش باشد نزد ده بیست نفر از علماء و اعیان و اشراف علی ضبط است (ملیون) بلکه متجاوز نه صد - ششصد - کروری و چهار هزار تومانی بیشتر وکمتر علی قدر مراتبهم و شرارتهم

خلاصه زحمت و رنج دست این بیچارگان در خزائن این آقایان عظام ضبط است ساختمان عمارات و باغات و کلیه بر آمدن حاجات بعهده این فقراء سیاه بخت است .

معروف است نوکر بی جیره ومواجب تاج سر آقا است این بیچارگان هم جیره و مواجب ندارند و بدبختی اینست که سم خر آقا هم نیستند

سم اسب درشکه و الاغ سواری آقا نعل شش میخه دارد این بیچاره فلك زده پا برهنه است .

اسب و الاغ آقا شبدر - قصیل جوبه کرده کرده - خیسانیده بلکه (موتر) آقا روغن یکمن سه چهار تومان میخورد - این فقراء بی بضاعت هر کدام شان که برفاه باشند سرتاسر سال باید چقندر نه پخته یا ارزن بوداده بخورند - در اینموقع است که باید گفت (فاعتبرو یا اولی الابصار)

§ از نحس قلب سرمایه دار §

§ سوء اداره بشر بی کردار §

§ یکی را دهد تاج و تخت و کلاه §

§ یکی را نشانـد بخـاك سیاه §

کم کم رفته ام که مصیبت سرائی و تعزیه خوانی بکنم در اصل مطالب دور هستیم عفو فرمائید

هرچه از خرابی ابرقوه و پریشانی حال زارعین و مزدوران آن حدود بگویم کم کرده ام -

§ من عاجزم زگفتن وخلق ازشنیدنش §

ضرور اش چونکه بگفتنی هنرش نیز بگو - بچشم منت دارم هر انچه بادا باد میگویم

اگر اولیای امور در مقام یك تشکیلات جزئی در ابرقوه برمیامدند مثل (اباده) که از اثر مرکز احزاب جدید در انجا دارای همه چیز هستند

اغلب دوائر دولتی را دارند از قبیل تلگرافخانه پستخانه . نظمیه . امنیه . بلدیه و صلحیه حتی تقریباً مریض خانه ساخ ملی چهار باب مدرسه جدید که دو باب آن متعلق به بنات و زنان است

یا انکه موقتاً چند سالی ابرقوه را منضم باده کنند طولی نمیکشد که ابرقوه ازتمام حیثیات شهری از آباده آبادتر میشود بشرط اینکه از تجاوزات اعیان ومتنفذین علی جلوگیری شود چون ماده استعداد خاك و آب و هوایش فوق العاده خوب است مخصوصاً برای زراعت اقطاء مهمی است مثلا اشجاریکه بنده در انجا دیده ام شاید کمتر جای دیده شود از قبیل بادام ، پسته ، فندقی ، آلوچه ، انجیر و انار درختهای سرو کاج خیلی فراوان است مخصوصا یك درخت سروی دارد که واقعا دیدنی وتماشائی است خوش شکل خوش قامت غالب علات و حبوبات آن خوب میوه جات آن مرغوب پنبه و تریاك آن بخوبی معروف

ولی افسوس ! بازار خرید و فروش ندارد علیکه این میوهجات و حبوبات مصرف شود ندارد باید در فاصله سی و سه فرسخ به [یزد] یا ۱۲ فرسخ بآباده حمل شده بمصرف برسانند اگر بیچاره درانجا رفت از تمام جاهای دنیا بی اطلاع است اگر خدای نخواسته مریض شود طبیب نیست دواء نیست چاره جز پیرهن دریدن نیست

از کثرت کثافت و عدم حفظ الصحه در تمام فصول خصوصاً فصل تابستان بدرجه مواد میکروب وبا و انفلوانزا موجود است که بعضی یك اشاره عموم بیچارگان آن سامان باستثناء آن عده معینه در تحت لوای آیه شریفه [انا لله و انا الیه راجعون] در جواب ندای [یا ایتها النفس المطمئنه] لبیك گویان رهسپار دیار نیستی میشوند - فقط از دوائر دولتی چیزیکه دارد خدا حلال کند اول یك اداره پست غیر مرتبی که انهم رئیسش هر روز مثل موش توی یك سوراخی است و باید هفته بهفته منتظر بود که چه وقت قاصد پیاده با کوله بار پستی ازطرف (یزد) یا آباده میرسد - دیگر یك باب مدرسه مجانی دولتی که انهم با حقوق برخی بیست وپنج تومان که حقوق خود مدیر با سه نفر معلم و یکنفر فراش باشد انهم پنج ماه بشش ماه باید در عقب حقوق عقب افتاده خود در بدر پس ازهشت ماه هم حقوق انها نرسد

یك رئیس مالیه دارد دیگر از دوائر دولتی انجا پس از یك صلوات بلند قرائتی عرض میکنم یك اداره حکومتی که در آن سنه اخیر دیدم یکنفر میرزا محمود خان نامی ملقب بمعزالممالك که از طرف حکومت (یزد) آقای خان [شوکت] به نیابت حکومت اعزام بسا ابرقوه - ماشاء الله از حیثیت کمال و شعور تربیت شده ادوار سلف یعنی دوره حضرت والا سلطان (وزورسن) حقوق معینی که نداشتند چیز دیگر هم که بنده نفهمیدم داشته باشند باصطلاح (گربه رقصانی هم رای اعیان واشراف میکردند که لا اقل یك ناز و ماسی داشته باشد - یعنی از عهده شان ساخته نبود - فقط و فقط مخارج کداران و پولیکه باید برئیس ما فوق خود بدهند علاوه آینده دو سه ماهی را باید تامین کنند میبایست رعایای .... کرده و بیچاره آن حدود خواهی نخواهی بضرب چوب و شلاق و فحاشی دو سه نفر فراش در حبس و زندان امانند ماهها بدهند -

§ شب تاریك وبیم موج وگردابی چنین حائل §
§ کجا دانند حال ما سبك ساران ساحل ها §

اگرچه این حرکات بی رویه و رفتار ناهنجار حکام جزو کل در غالب نقاط ساری و جاری است - ولی امیدواریم که در تحت اثر نیات شاهانه اعلیحضرت پهلوی در موضوع تنظیمات ملکی و تصفیه خلاق عمومی این گونه نقایص و اعمال شنیعه از تمام حکام بتدریج مرتفع و یك آینده مشعشع مترصد و منتظر باشیم - [م - ع - ا - باستانی]

اقتباسات

جریان مذاکره با دولت ترکیه

در این اواخر دولت جمهوری ترکیه مبلغی بتعرفه گمرکی خود اضافه نموده و بواسطه تحمیلات زیادی که در این تعرفه بر قرار گردیده حمل کلیه اجناس از ایران به ترکیه موقوف شده است ازقراریکه اطلاع یافته ایم این اضافه قیمت (سور تا کس) تنها بمال التجاره های دولی بر قرار گردیده است که داخل عهد نامهٔ تجارتی با دولت ترکیه نشده اند

نظر باینکه تصمیم فوق لطمهٔ بتجارت ایران وارد ساخته لذا بر حسب تقاضای وزارت تجارت وزارت امور خارجه با آقای ممدوح شوکت بیك سفیر کبیر ترکیه داخل مذاکره شده است که چون عهد نامهٔ مودت بین دولتین ایران وترك منعقد گردیده و قریبا قرار داد تجارتی نیز بسته خواهد شد مقتضی است مال التجاره های وارده از ایران را از سور تا کس معاف داشته ومانند دول ذی قرارداد تعرفه گمرکی محسوب شود تا عهد نامه تجارتی منعقد گردد

از طرف آقای سفیر کبیر نیز موافقت و مراتب به ترکیه اشعار گردیده است

و نیز از طرف وزارت امور خارجه بسفیر کبیر ایران در ترکیه تلگرافا اطلاع داده شده است در این ایام که باانقره مسافرت نموده است با اولیای آن دولت راجع به برداشتن سور تا کس داخل مذاکره شود

چگونگی استعفای کابینه فروغی

آقای فروغی بعمارت هیئت وزراء حضور بهمرسانده و پس از آن بر حسب وقت قبلی آقایان وزراء باستثنای آقای وزیر جنگ و آقای وزیر عدلیه بهیئت وزراء حضور بهمرساندند

نظر اینکه صورت مذاکرات دو جلسهٔ هیئت وزراء پاك نویس و امضا نشده بود منشی هیئت آقای مشار کفیل وزارت معارف قبلا آمده و مذاکرات را نوشته و حاضر کرده بودند پس از قرائت صورت مذاکرات و تصویب آن بامضا رسید

(آقای فروغی اظهار کردند)

« البته میدانید که این صندلیها دائمی نبوده و مقام وزارت در تغییر و تبدیل است و این قبیل پیش آمدها طبیعی بوده و باید یك روز مقام خود را در دوره ماموریت خود انجام داده و من نیز بنوبه خود از اقدامات وزراء و همکاران خود اظهار تشکر می کنم

اکنون که بهیئت آمده ایم برای انجام کار های عمومی بوده که تمام شده و محتاج امضا می باشد و خشنودیم که برای امضای پاره مراسلات خصوصی وشخصی برای خود مان یا دوستانمان اینجا نیامده ایم حالا که صورت مجلس و سایر مراسلات بامضا رسیده است دیگر باید این عمارت را ترك و من خیلی مایل بودم که مانند معمول اروپا این اوراق و اسناد ومهر ریاست وزراء را مستقیماً تقدیم جانشین خود نمایم ولی فعلا به آقای جم معاون ریاست وزراء تسلیم می کنم »

پس از آن بعضی از وزراء نیز اظهاراتی مبنی بر تشکر از آقای فروغی نمودند

سپس از ایشان سوال شد که تکلیف پذیرائی جشن مدرسه فلاحت که فردا مقررشده است چه خواهدشد

آقای فروغی جواب دادند که ما خودمان بسمت شخصی نه رسمی فردا از آقایان پذیرائی خواهیم کرد

مقارن ظهر اقای فروغی و وزراء از عمارت هیئت وزراء خارج شدند

حفظ آثار عتیقه

در عمارت چهل ستون اصفهان چهار قطعه اشیاء عتیقه و تاریخی موجود می باشد که تصادفا در طی

انقلابات چندین ساله از دست تطاول محفوظ مانده است

۱ ـ عهدنامه مودتی است که در سنه چهل هجری بین حضرت علی امیر المومنین علیه السلام و بزرگان نصارا در دیر حزقیل ذوالکفل منعقد شده عهد نامه مزبور در روی پوست آهو و بشکل طومار تقریبا در حدود ۵۰ سانتیمتر عرض و ۱۰ متر طول است خط آن کوفی و بوسیله هشام ابن عاید ابن وقاص تحریر و در دوره یکی از سلاطین صفوی مرمت و بخطوط عربی و ترکی و مغربی ترجمه و در ذیل خط کوفی نوشته شده است

۲ ـ دو جلد قرآن که بخط کوفی و در روی پوست آهو کتابت شده یکی از آنها بمهر حضرت امام حسن ودیگری بخط علی ابن الحسین علیهما السلام و در حدود سنه ۵۰ و ۷۰ هجری تحریر شده است

۳ ـ خرقه خاص شیخ صفی الدین جد اعلای سلاطین صفوی که جنسا از ابریشم و کرباس و بی نهایت مورد تکریم و احترام مریدان سلسله صفوی است و متعلق بهفت قرن قبل می باشد

اشیاء فوق تا کنون باقی و یك پیرمرد و یك سید مامور حفظ آنها بوده و از زائرین انعامی دریافت میدارند وزارت معارف که اطلاعات جامعی راجع اشیاء مزبور در دست دارد در صدد می باشد که اشیاء فوق را حفظ و از افراط وتفریط ان جلوگیری بعمل آورد ـ

برآورد مخارج راجع براه

بطوری که متخصص راه سازی راه رواندوز راپرت داده است مخارج ساختمان راه ازساحل دریاچه ارومیه تاسرحد موصل اگرراه آهن وسیع بخواهند بسازند دو ملیون تومان راه آهن کم عرض یك میلیون ونیم تومان راه آهن اسبی هشتصد هزار تومان راه شوسه یکصد هزار تومان خرج دارد

راپرت مزبور مورد توجه آقای رئیس کل مالیه واقع شده و عجالتا تصویب کرده اند که راه شوسه شود و یکصد هزار تومان اعتبار آن داده شده است

توافق نظر راجع راه

نظر باینکه برای دائر کردن راه رواندوز لازم بود که دولت عراق هم ازسرحد موصل تاموصل راه را تسطیح و شوسه نماید وبدون آن دائر کردن راه رواندوز در قسمت ایران بی اثر بود وزارت مالیه بوسیلهٔ سفارت انگلیس از دولت عراق پرسش نموده است که برای دائر کردن این راه آیا دولت عراق اقداماتی در قسمت اراضی خود وساختمان راه خواهد نمود یانه

اخیرا جوابی از دولت عراق بوسیلهٔ نماینده عالی انگلیس در بین النهرین رسیده است که دولت عراق قسمت مربوط خود را خواهد ساخت در صورتی که اطمینان پیدا کند که دولت ایران هم در قسمت خود تا سرحد ولایت موصل راه را بسازد و دائر کند از قراری که اظهار میشود ساختمان راه در قسمت داخلی عراق از سرحد تا موصل بواسطه وجود کوه ها و لزوم دائر کردن پل های مهم مخارج ساختمان راه رواندوز در قسمت مربوطه به ایران خیلی بیش میباشد

وزارت مالیه اطمینان داده است که اعتبار مخارج این راه داده شده وشروع خواهند کرد

تاسیس کلاس بیطاری

نظر به لزوم داشتن بیطار برای حفظ اغنام و احشام و حیوانات اهلی و اینکه تعلیم و تربیت بیطار بعهده وزارت فلاحت است در تعقیب انحلال مدرسه بیطاری قشون وزارت فواید عامه تصمیم گرفت مدرسه بیطاری تاسیس کرده شاگردانی که دو سال در آنجا تدریس نموده اند تحصیلات خود شان را خاتمه داده شروع بکار کنند بنابراین اخیرا کلاس مخصوص بیطاری در مؤسسه پاستور تاسیس گردیده و از بیست نفر شاگردانی که دو سال در مدرسه بیطاری قشون تحصیل کرده بودند ۱۷ نفر آنها داخل کلاس مزبور گردیده شروع به تدریس گردیدند معلمینی که برای کلاس بیطاری انتخاب شده اند عبارتند از آقای مشیر اعظم رئیس مدرسه صاحب منصبان بیطار کفیل مؤسسه پاستور ، دکتر مرتضی خان گل سرخی وچند نفر دیگر از متخصصین و بعلاوه از وزارت جنگ تقاضا شده است مسیو بروسه متخصص بیطاری فرانسوی را که از دولت فرانسه برای بیطاری قشون جلب و استخدام نموده اند هفته دو ساعت آنجا تدریس نماید

اطلاعات جامع فلاحت

برای اطلاع کامل از اوضاع فلاحتی ایران جداولی ازطرف وزارت فواید عامه تهیه وتنظیم شده وبوسیله مامورین خود ومامورین مالیه باطراف فرستاده شده است که در کلیه شهر ها و دهات و قصبات اطلاعات جامع از زراعت هر ناحیه و تعیین میزان تخمینی محصول شتوی و صیفی و وضع تقسیم محصول بین رعایا و ملاکین در هر ناحیه و امراض سایر حیوانات و کلیه امور مربوطه به فلاحت مطابق آن جدول ها تهیه و بوزارت فواید عامه ارسال دارند

اخیرا اطلاعات فلاحتی کلیه نواحی خراسان بوزارت فواید عامه واصل گردیده و باطلاع فلاحت مراجعه شد ـ

قبائل پوشالی سرحدی افغان

روز نامه جات انگلیسی از روز نامه امان افغان منطبعهٔ کابل ترجمهٔ ذیل را اشاعه داده اند و ما عین آن را از روز نامه اتحاد مشرقی منطبعهٔ جلال آباد نقل می نمائیم :

پیش از همه باید فقره آخری تیمس را جواب بدهیم که مفهوم آن اینست — معلوم نیست مطبوعات افغانیه تا چه درجه آزاد و تا چه درجه نمایندگی نظریات رسمیه را مینمایند ؛ حقیقت اینست که معلومات در باب تیمس نیز ازهمین قبیل است ورنه جوابی باین مسئله میگذاشتیم

تیمس یکی از مشکلات اداری قبایل مستقلهٔ سرحد را همین میداند که دروازهٔ قبایل مذکوره برای افغانستان دائماً باز است

اگر معنی دروازه باز بودن همدردی افغانستان بوده با آنها و خواهش آزادی مکمل آنها است با دلایلی که بارها مکرر شده است محقق است که از ضروریات حیاتی ماست . مداخله در امور سرحد را ما گاهی برداشت کرده نمیتوانیم و نتوانسته ایم ، برای این طور ضروریات حیاتی اگر سابقهٔ موجود نباشد محض باین سبب که سابقه ندارد باید مطالعه نشود گفتن ، اهمیت مسئله و نتیجهٔ آن را نظر انداز کردن است ، ولی این خواهش ما بر استقلال و آزاد بودن قبایل ازمداخلهٔ خارجیان نه ازحالا بلکه ازوقتیکه مستر آر ، اندی کمشنر پشاور بتاریخ ۷ ذی الحجه ۱۳۱۱ هجری قمری بعد از فیصلهٔ معاهده حدودیهٔ (دیورنید) اعلانی در اهالی مناطق مذکوره بزبان فارسی نشر کرد باین مضمون که ادارهٔ این حدود تعلق بدولت برطانیه دارد ، همان وقت سپه سالار مرحوم (غلام حیدر خان) از تمام منطقه اعلان ها را جمع و احراق نموده و این‌خبررا که مخالف معاهده بود تردید کرد و اظهار تعجب نمود براینکه دولت برطانیه که هنوز نو از میز تصفیهٔ یک معاهدهٔ دوستانه بافغانستان برخواسته است استقلال قبایلی را که بین افغانستان و آنها حکم بفری اهمیت دارند محو شده نشان میدهند حالانکه در باب ادارهٔ آن مناطق در معاهده هیچ تصدیقی از طرف افغانستان نبوده

همچنین تا بحال — متاسفاً باید گفت که برخلاف اطلاعات تایمز — هیچ موفقیتی درباب سرحد چنان نشده است که محو آزادی و مداخله در امور آنها را تصدیق نموده بتواند . یا حرکاتیکه امروز دران سر زمین موجود است به آن رضا داده شده باشد بلکه بالعکس در موقع های متعدد خصوصاً وقت بمباردمان مدهش وزیرستان و تعمیر بی‌موجب راه ریل خیبر از طرف افغانستان اعتراض شده است

در آینده نیز ملت ازین مسئله تماماً رنجیده و تا حل گوارای این غایله پریشان خواهد بود وقتیکه کوه های خشک کم‌اسان کم علف نیز ازنظر استعمار و استفادهٔ برطانوی ها دور نمانده تصرف آن این قدر ضروری باشد ، پس سهول مزروعهٔ مسکونهٔ این طرف خیبر چطور پالیسی « برمخ زاو » را منع نموده با به نظر اطمینان دیده خواهد توانست

خوشنما این است که میگویند پالیسی فارورد « برمخ زاو » جاری نیست

این هم بردهٔ است که برحقائق احوال و یا برچشم های انظار انداخته میشود ، اینك چند مثال نو و کهنه ازکارستان این پالیسی تقدیم میشود تا دانسته شود که بین حرب و این پالیسی همین قدر فرق است که این از حرب کرده اغفال کننده تر و خاموش تر یك قتل عام است و این ا تادانسته شود که این ماحی استقلال و آزادی آنها ست یا نه ؟

۲ — کارستان پالیسی تجاوز

۱ — بنام « صیفیه » یك نقطهٔ عسکری را در سرحد آزاد اقامت گاه افسران و سپاهیان ساختن ، عملا یك قدم یا چند قدم پیش آمدن چنانچه جدید برکوی لرم (در شمالی ادن زی) ساخته است

۲ — ریل کشیدن مثل ریل چمن — در خیبر نیز یك ریل کشیده شده است تمدید همین خط تا به سرحد افغانی و ریل جدید بر حدود مهمند و اتمان خیل گمرگی ، تنگی ، ابازو ، میچنی ، جرود .

۳ — تمدید سرك های عسکری ، موازی خط سرحد افغانی در وزیرستان از بلامبت وکوتو تامیدان باجور و کوه کلپانی ، پل جدید ساختن مشهور است که پل جدید بر دریای پنجکوره نیز تمهید همان نقشه است

٤ — ایجاد وسایط مخابره ، تلفون از چکدره تا شمردین از چکدره تا سیدو (مرکز صوات)

آئینهٔ برقی (شبانه و روزانه) در کوهستان ملا زائی

۵ — مداخله در امور داخلی

(ا) عرضه‌گیری جبری یا فریبی بمضامینی که خودش میخواهد چنانچه چندی قبل در مداخیل وغیره (که بین علاقهٔ رئیس صوات و نواب تنول واقع است) یا در وزیرستان تشویق میکردند

(ب) طلبیدن بعض ملزمین سیاسی وغیره که از دست انگلیزها به آنجاها پناه برده باشند ، چنانچه از نواب عطا محمد خان صاحب ، نواب پهارا طلبیده بودند

(ج) شرط مشورهٔ مامورین برطانوی را در

تعیین کارکنان و منصب داران به رئیس علاقه چترال قبولانیدن ، چنانچه در ادازی نواب صاحب دیر را مجبور میکند که از (ادازی) محض مالیه بگیرد و بس قلعه و استحکام نسازد و عسکر در آنجا نگاه نکند

(د) تقسیم علاقجات چنانچه ادازی را ازسوات بغیر الحاق کرد

(ه) رفتن کرنل کپ و نام تصدیق ریاست سوات مداخله نمودن وغیره وغیره

۶ — تاسیس معسکر ، معسکرهای جدید درکرم لایت و ترندلا تهیه ساختن میدان طیاره در شمردین یاخود کوینه ساختن رزمك وغیره اگر این تجاوز نیست چه چیز را تجاوز خواهیم گفت ؟ مالیه از قبائل مذکوره گرفتن وخلع اسلحه نمودن آنها ! جرهائی نیست که فوری حکومت برطانیه اجرا کرده بتواند لهذا اول با همین طور تدابیر که پالیسی تجاوز شامل دارد « از اختلاف قبایل مذکوره استفاده کرده » آنها را محصور نمودن بعد ازان طمعی مالیه ومحصولات وغیره نیز اجرا خواهد شد

این است خطریکه مارا به دریك استقبال دوریاکه درنزدیك تهدید می نماید بیشك ما یك ملت مجاهد هستیم که اهمیت عسکری ما را نیز کسی صرف نظر کرده نمیتواند و لهذا ما از جنك حقیقی آنقدرها خوف هم نداریم ولی این جنك متمادی وغیره مستقیم « پالیسی تجاوز » مثل میکروب سل ما را ضعیف وخفه کرده میرود و مارا ازمقابله می اندازد

حبل المتین

معلوم میشود که مسایل قبایل سرحدی یك گونه مناقشهٔ بین دولتین افغان و انگلستان ایجاد تواند نمود افغانستان قبائل سرحدی وممالك آن را حکومت های مستقل یوشالی تصور کرده میگوید مامورین انگلستان حق هیچگونه تجاوز و دخالتی برآن ندارند و ازین‌رو امان افغان که در حقیقت روز نامه نیم رسمی افغانستان باید گفت تجاوزات مامورین سرحدی را برشمرده است در مجلس اعیان انگلستان هم مناسبات دولتین افغانستان و انگلیس موضوع بحث آمده چنین بیان شده است که مناسبات بین انگلیس و افغان خیلی خوب است وحقوقیکه انگلستان در افغانستان داشته محفوظ بوده و هست و نفوذ مامورین انگلیس امروز با سال ۱۹۶ که معاهده با روس شده بود ذره تغییر نه نموده وجمیع حقوق انگلستان در افغانستان کماکان نه تنها محفوظ است بلکه دولت انگلیس کاملا مقتدر است که آن حقوق را حفاظت نماید و اینه حسن رابطه افغان و انگلیس را از روشن ضمیری وعالی خیالی

اعلیحضرت پادشاه جوان افغان بیان نموده اند

عقیده ما هاره این بوده وهست که اگر قبائل سرحدی کامل حکومت یوشالی آزاد برقرار آیند بصرفه هندوستان مقرون تر باشد اگرچه برخی را عقیده اینست که دولت انگلیس باید مناسبات با دولت افغانستان را بیش از پیش مستحکم نموده برای صرفه اقتصادی هند این حکومت قبایل را با شرایطی چند بدولت افغانستان بسپارد اگر بنظر غور دیده شود از وقتیکه این قبائل از افغان مجزا شده وحکومت یوشالی ساخته اند خسارتهای عظیم مالی و جانی برای قشون انگلیس وحکومت هند پیش آورده ولی اگر مناسبات حسنه را با افغانستان محکم دارند هند و انگلستان ازین زیانات برای همیشه مصؤن توانند ماند ورنه ممکن است همین مسئله قبائل سرحدی روزی به بیمزگی این حکومتین افغان و هند منجر شود .

اعلامیه آقای مستوفی ریاست وزراء ایران

(باهالی مملکت و عموم مسلمین)

اعلام میشود

تعدیات و تجاوزاتیکه نسبت بعالم دیانت و عقاید فرق مسلمین از مدتی قبل طایفه وهابیه بعمل آورده اند و هتك حرمتی که نسبت به حرمین شریفین که قبله و معبد کافهٔ مؤمنین ومرکز اتحاد روحانی تمام مسلمین است مرتکب شده اند عموم مسلمین را مضطرب و نگران ساخته است و جسارتی که از طرف آنها نسبت بمقابر متبرکهٔ بزرگان دین در بقیع بظهور رسیده و قاطبهٔ مؤمنین را متاثر و سوگوار نموده است معلوم خاطر عموم اهالی مملکت میباشد

دولت ایران از بدو تجاوزات این طایفه همیشه در اینگونه عملیات که مخالف آداب و حیثیات دیانتی و مناقض با اصول تمدن است اعتراضات شدیده نموده تا اینکه ازطرف عبدالعزیز ابن سعود رئیس آن طایفه ابراز مواعیدی شد که اینگونه فجایع و تجاوزات که بی احترامی صریح بعقاید و شعائر ملی عالم اسلام است ارتکاب وتکرار نشود

ولی برخلاف انتظار عملیاتی اخیراً منافی با مواعید خود از آنها بظهور رسید که قلوب اسلامیان را متاثر ومتالم نمود وسبب گردید که دولت ایران دعوت ابن سعود را برای شرکت در مجمع عمومی حجاز قابل قبول ندانسته و رد نماید

از آنجاکه تجلیل اماکن مقدسه که کرورها نفوس ازروی عقیده و ایمان آن نقاط شریفه را مهبط انوار رحمانی و منبع فیض آسمانی میدانند از شعائر ملی اسلامی است ومخصوصاً دراین برههٔ از زمان که عصر احترام عقاید و آداب دیانتی است و تمام ملل متمدنه

عالم این هر قوم وملت سعی دارند که معتقدات مذهبی دیگران را تعظیم وتکریم نمایند و تعدی و تحمیل بر شعائر دینی سایر ملل را ممنوع سازند بدیهی است دولت وملت ایران نمیتواند ساکت نشسته وتحمل نماید که یك فرقه معدودی که نسبت بملل اسلامی در حکم اقل قلیل هستند عقاید خود را برتمام عالم اسلام تحمیل نماید وحقیقتاً جای بردباری وتحمل نیست در عصری که هر یك از ملل حیه از برای آثار و قبور حکما و بزرگان و ارباب شعر و صنعت هرچند که منسوب بملل دیگر باشند هزار گونه احترامات قائل میشوند و ازاین لحاظ ما بین ملیت و قومیت و نژاد فرقی نمیگذارند یك طایفه فقط باستمساك تعالیم ومبادی خود آثار ائمه هدی و اولیای خدا را که در روح و قلب کرورها نفوس جای دارند منهدم سازند

دولت ایران این رفتار را ازمقوله تجدید اعمال ادوار توحش و جاهلیت تلقی نموده و براین کردار فجیع شدیداً اعتراض مینماید در همان حال بعامهٔ مسلمانان عالم خطاب و اعلام میدارد که بحکم وحدت عقیده اسلامی متفقاً بوسایل ممکنه از این عملیات تجاوز کارانه جلوگیری بعمل آورند و از آنجا که حرمین شریفین حقیقة بتمام عالم اسلام تعلق دارد و هیچ ملت مسلمان دون ملت دیگر حق ندارد این نقاط مقدسه را که قبله جامعه مسلمانان ومرکز روحانیت اسلام است بخود اختصاص داده تصرفات کیف مایشاء نماید و اصول تعالیم خود را برعقاید دیگران تحمیل کند بنا براین از تمام ملل اسلامیه تقاضا میشود که دریك مجمع عمومی ملل اسلامی مقدرات حرمین شریفین را حل وتسویه نمایند وقوانین و نظاماتی وضع گردد که تمام مسلمانان برطبق عقاید مختصه خود بتوانند آزادانه از برکات روحانی و فیوض آسمانی اماکن مقدسه مکه معظمه و مدینه طیبه برخوردار و متمتع شوند و این سرچشمه فیض و سعادت الهی تمام طوایف مسلمانان عالم را بدون تبعیض و استثناء سیراب سازد

امیدواریم که ملل و دول اسلامی این تقاضای دینی وملی را بسمع قبول اجابت کرده و راضی نشوند بیش ازاین برمقدسات ملی وشعایر مذهبی آنان لطمه وارد آید — (حسن ابن یوسف — رئیس الوزراء)

حبل المتین

در موضوع حرمین شریفین و حکمرانی ابن سعود برحجاز مکرر نگاشته ایم عاقبت آنرا بانچه ما نگاشته ایم نزدیك میشود دولت علیه ایران باید پس ازمشوره با دول اسلامیه مرکز این کانگرس اسلامی را طهران قرار داده از جمیع ملل اسلامیه نیز نماینده جلب نماید تا آنچه در کانفرنس اسلامی تصفیه یابد بموقع عمل در آید یقین است که حقایق را اولیای دولت علیه کما یلیق بدست آورده تا مجدداً کسی نتواند در کانگرس اشتباه کاری نماید

حکومت حرمین شریفین و انتظام آن و حفظ حاج چنانچه آقای رئیس الوزراء گفته اند نباید بقبضه یك ازفرق مسلمین قرار گیرد تا ازروی تعصبات مذهبی مراسم مذاهب دیگر را مانع آمده شعائر آنان را توهین نماید ابن سعود اگر مصلح روحانی است باید قطع تعلقات سیاسی از حجاز بکند و هرگاه حاکم سیاسی حجاز است با روحانیت مسلمانان چه کار دارد امروزه باتفاق جمیع حکما و دانشوران عالم تفکیك روحانیت از سیاست در هر مذهب لازم آمده است ورنه مورث هرج و مرج و مهیج تواند گردید چنانکه در حجاز گردیده است پس مسلمانان عالم راست که دعوت دولت ایران را لبیك گفته هم متحد و متفق آمده تصفیه امر حجاز را نمایند

این امر هم مسلم است که نجدیان با آن خشونت طبیعی فقط بزبان ترك حجاز و اعمال متعصبانه خودرا نخواهند نمود باید ازقول بعمل گرایید بعبارت ساده‌تر باید باسر نیزه تصفیه این معاملات بشود چگونه این سرنیزه باید جمع شود کانگرس تصفیه خواهد نمود ولی قبل ازهر امر باید اطمینان حاصل شود که دولت انگلیس سراً و علناً اخلاقاً و عملاً ابن سعود را تائید نخواهد کرد و اگر چنین اعتمادی حاصل نیامد تکلیف کانفرنس چیز دیگر خواهد بود که ما در موقع خود شرح خواهیم داد

دوره قمری

چنانچه مسبوقید درصباح ۲۱ مارچ با اتوموبیل مخصوص ازکلکته حرکت به بنارس و دهلی رفته از آنجا به ملتان آمده چون راه اجازه نمیداد با قطار راه آهن تا دزداب رسیده ازآنجا تا مشهد که ششصد میل است و از مشهد تا طهران هم با مشکلات بسیار که آنهم ششصد میل میشود رفته از طهران به تبریز آنهم که چهار صد میل است و ازتبریز تا خانقین که آن هم هفت صد میل میشود تمام را با اتوموبیل طی نموده سپس در عتبات عالیات زیارت کرده به بصره وکراچی تا به کلکته رسیدیم — شرح این دوره قمری بس زیاد است انشاء الله بموقع خود عیب و هنر را یك یك خواهم نگاشت و شاید کمتر کسی از ایرانیان باین سفر طولانی باین سرعت و با آن همه مشکلات با اتوموبیل حرکت کرده باشد تقریباً سه هزار و پانصد میل با اتوموبیل طی مسافت نمودم از تبریز اظهار

قدردانی که روزنامه ملی حبل المتین ازین بنده نموده بود خوانده با اینکه خویشتن را قابل هیچ نمیدانستم و همه را از الطاف آن آقای محترم دانسته متشکرم.

درشماره ۱۴ آن نامه ملی آقای س - م شیرازی شرحی نگاشته وبرسر لفظ (واقف ترین) برکارکنان آن نامه ملی ایراد کرده بود - معلوم است که نگارنده هیچگاه ادعا ننموده وخویشتن را در شناختن چهای بر احدی برتری نداده اگر دیگری حس ظنی اظهار داشته نباید مورث کدورت همکاران محترم گردد حالا که چنین شد آقای س - م شیرازی را مخاطب ساخته میگویم با اینکه شمارا میشناسم بهتر است لطفاً از پرده حروفات مقطعه بیرون آمده گوی و میدان را فراهم کرده تا معلوم شود هرکدام چه درچنته داریم بدون ملاحظه عرض میکنم آنچه را حبل المتین از روی لطف نگاشته حالا شخصا مدعی ام و جداً همه مبارز می طلبم مدعیان میتوانند امتحان کنند اینست گوی و اینست میدان - [سید هادی کاظمی رئیس تجارتخانه . خوی ایند برادرس درکلکته]

﴿ بازهم ما و برادران پارسی ما ﴾

درشماره گذشته نگاشته بودیم که گویا برادران پارسی ما ازنگارشات شماره ۱۶ حبل المتین راجع بمکتوب کرمان مکدر آمده اینک می نگاریم که آن جملاتی که درمکتوب کرمان که تحت عنوان « تدین با تمدن توام آمد » نگاشته شده بدون مطالعه ما بوده وآن جملات را تردید نموده ابراز تاسف هم از کدورت آنان میدهیم -

﴿ یك از فقدانهای بزرگ ایران ﴾

مخبر روتر خبر میدهد که سپه سالار اعظم با آن همه ثروت و املاك بواسطه اینکه از عهده ادای اقساط مالیات پس افتاده خود بر نتوانست آمد بقتل خویش مبادرت ورزیده است از این تلگراف چنین مستفاد میشود که مرحوم ولی خان نصر السلطنه که یك از رجال بزرگ زعیم ایران بشمار بود کاررا برخود چنان سخت یافته که مبادرت بخودکشی کرده است مرحوم ولی خان اول شخصی بود که در زمان مظفر الدین شاه هیمنه میرزا علی اصغر خان اتابك را درهم شکست وتمام گمرکات ایران که در سی صد هزار تومان باجاره او بود یك کرور بالغ ساخته ماهی چند نیز تصاحب کرد بدواً حکومت استر آباد را داشت وسپس بحکمرانی گیلانات مامور و چندی هم در اردبیل حکومت داشتند زمانیکه محمد علی مجلس را بمباردمان نمود و سردار ملی ستار خان و سالار ملی باقر خان در تبریز علم مخالفت بر افراشتند و رفته رفته مقام آنان بزرگ شد مرحوم ولی خان مامور قلع و قمع آنان آمده با قشون منظمی روانه تبریز گردید چون آن مرحوم باما روابط صمیمی داشت در آن موقع با تلگرافات عدیده و مراسلات زیاد عاقبت وخیم مغلوبیت ملی را در آذربایجان بایشان حالی نموده الحق در مقابل تبریزیان خیلی مسامحه و خود داری کرده عاقبت استعفا از سرداری اردوی دولتی داده معاودت و در گیلان توقف نمود تا زمانیکه مجاهدین گیلانی و مهاجرین اروپائی بایشان پیوسته ازجنوب سردار اسعد بختیاری و ازشمال سرداری ایشان اردوی ملی هجوم بطهران آورده محمد علی را خلع ومجدداً پارلمان را افتتاح و کابینه بریاست خود تشکیل دادند چند نوبت کابینه ایشان سقوط یافت و دوباره بروی کار آمد اگرچه ملت از ایشان خیلی خوشنود نبودند ولی نمیتوان از خدمات ذی قیمت آن مرحوم اغماض نمود و چون بیشتر اوقات پیروی از مسلك حبل المتین داشته و متجاوز از سی و اندی سال باما مربوط و دوست بوده فقدان ایشان خیلی برما موثر است وهنوز نمیتوانیم علت این واقعه را چنانچه مخبر روتر نگاشته تصدیق کنیم لذا منتظر باید بود تا اخبارات موثقه برسد درهر صورت حبل المتین ازفقدان یك چنین زعیم بزرگ ایران و دوست دیرین خود خیلی متاسف و متالم و به باز ماندگان ایشان صمیمانه تسلیت میگوئیم -

﴿ وزیرمختار جدید درافغانستان ﴾

آقا سید مهدی خان فرخ رئیس محاسبات وزارت خارجه بسمت وزیر مختاری دربار افغانستان انتخاب و فرمان ایشان هم صادر شده است -

﴿ حبل المتین ﴾

آقا سید مهدی خان فرخ دومین وزیر مختار رسمی ایران درافغانستان میباشند آقای اعتلاء الملك وزیر مختار اول ایران درافغانستان خیلی خوب وظایف خود شان را انجام دادند و درحسن روابط این دو دولت اسلامی همسایه تا آنجائیکه مقتدر وموظف بوده کوشیدند و الحق چنانچه بما خبر رسیده اثر خوبی از ایشان در دولت خدا داد افغانستان باقی مانده است امیدواریم وزیر مختار جدید نیز تاسی به سلف جسته بیش از پیش روابط حسنه بین دولتین ایجاد نماید مقتضیات سیاست امروزه دنیا بما نشان میدهد که هر قدر حسن روابط مان با دول همجوار اسلامی بیش گردد اساس ملیت و اسلامیت مان مستحکم تر میگردد افغانستان امروزه برای ایران اهمیتش از مسکو و لندن وواشنگتن وپاریس کمتر نیست ازاین رو نمایندگانیکه باین دولت اسلامی همجوار فرستاده میشوند نه تنها باید بمقتضیات زمانه خود واقف باشند بلکه باید سیاست آتیه وسط آسیا را مدنظر گرفته قدم بردارند انشاء الله وزیرمختار تازه ما هم چنین خواهند فرمود -

[حسب الامر مدیر و دبیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعه حبل المتین ۲۶ - ۱ امری یوکر روه کلکته طبع وتوزیع گردید]

حبل المتین کلکته — حبل المتین مجاناً باحدی داده نمی‌شود — (قیمت اشتراک)
ایپه ۹ مکورد استریت — از هرکس و هرجا بلا استثنا بدل اوبه اخبار
کلکته — مقدم گرفته میشود — سالانه ششماهه
(کلیه امور با) — روزنامهٔ مقدس — (هند و برمه)
مدیر کل — ۱۸ روپیه ۱۰ روپیه
(جلال الدین الحسینی مؤید است) — (ایران و افغانستان)
مدیر ثانی ف. س. مؤید زاده — ۶۰ قران ۳۵ قران
(ام. ای است) — (ممالک سایره)
(در هر هفته طبع و منتشر) — (سالانه)
(توزیع میشود) — (یك و نیم لیرهٔ انگلیسی)

حبل المتین

(سنه ۱۳۱۲)

یوم سه شنبه ۱۸ رجب المرجب سنه ۱۳۴۴ هجری مصادف با ۲ فروری سنه ۱۹۲۶ میلادی

یکدست صدا ندارد

وقتیکه که نظر بترقیات عیر المعقول ملل مترقی شود می‌بینیم که جمیع ترقیات درسایهٔ سعی وکوشش توام ملت و دولت صورت بسته است اگر دولت هر قدر جدیت داشته باشد و ملت در جادهٔ ترقیات مساعدوی نکردد [illegible] امور مملکتی کما یلیق صورت نتواند بست و همینقسم اگر دولت رخاوت بخرج دهد ملت هم هر قدر جدیت و سعی نماید بمقامات عالیه نتواند رسید از این است که گفته اند یکدست صدا ندارد همینقسمیکه دو دست عضو انسان است ملت و دولت هم بجای دو عضو هیئت ملیه است این دو باید توام قدم برداشته و متفقاً در جاده ترقی سعی نمایند این است که جمیع فلاسفهٔ ترقی ملل را عقیده این است که دولت وقتی میتواند ترقی نماید که ملت خود را قابل الاستفاده نماید وملت هم درجهٔ تکامل را زمانی سیر تواند نمود که دولت خودرا بانپدرجه مستعد ومقتدر سازد که بتواند در فراهم نمودن لوازم ترقی ملی مجاهدات لازمه بنماید موقتاً از اینموضوع صرف نظر بنمائیم که وظیفه ملت در تقویت دولت چه و تکلیف دولت در ترقیات ملیه کدام است چه این زمینه بسیار وسیع و این مقاله گنجایش بسط آنرا ندارد فقط بهمین اکتفا نموده می‌گوئیم همان قسمیکه باید دولت برای پیشرفت امور ملکی اقدام کند ملت را نیز لازم است که همه گونه در تائید دولت بکوشد خصوصاً این دوره که ایران دولت از خود دارد یعنی حکمدار شان [illegible] باید دانست که بدون تائیدات ملیه دولت [illegible] زمان مقتدر نتواند گردید که اسباب کلیه ترقیات ملی را سریعاً فراهم نماید حالا که دیده میشود دولت صمیمانه در پیشرفت امور ملکیه ساعی است زیبنده است که ملت محبوب ما نیز در تائیدات دولت خویش بکوشند تا بمفاد « دو دل یك شود بشکند کوه را » این قافله وامانده ترقی را بسرعت بتوان بمنزل مقصود رسانید

مکرر نگاشته آمده که ایران زندگی ساحلی می‌خواهد آب حیات ایران دریای گرم آزاد اوست ایران مدارج ترقی وآبادی نتواند نمود جز درسایه عمرانات ساحلی خود عظمت ایران بهمین سواحل و بزرگی باستانی ما بهمین آب شور بوده است

یك از متخصصین انگلستان می‌نویسد که سواحل موجوده ایران سه برابر و نیم سواحل انگلستان است و معادن و ثروتهای طبیعی این سواحل نیز بدرجات شتی ازجزیره انگلیند بیش است ولی ایران چونکه هنوز احتیاجات خود را ندانسته از این خزائن بزرگ خود که عبارت از این همه بنادر و جزائر وسیعه خویش باشد هزار یك از آنچه باید فائده برگیرد نمی برد بلکه تصورهم نمینماید که سواحل وجزایر آن قابل استفاده باشد از این است در کلیه ایران اعم از ملت و دولت کم قیمتتر از سواحل وجزایر وبی قدر تراز آب شور دریا برای خود تصور نمی‌کنند مشارالیه می‌گوید اگر خلیج فارس و این آبهای وسیع در قبضه یك دولت اروپائی بودی به اندازه چند برابر انگلستان فائده حاصل می نمود

حالا باید ملت و دولت پشت به پشت یکدیگر داده همت به تعمیرات سواحل خود برگمارند چه از این و بعد عمرانات دنیا بیش از این بما اجازه نمیدهد که این سواحل پرقیمت خود را متروك گذاشته باشیم یقین باید کرد

(دنباله در شمارهٔ آینده حبل المتین اشاعه یافت)

اگر ما خود نمانده از این آسمای خداداد خلیج برنداریم دیگران خواهند خواست. به اقسا ناخوشی بر خواهند داشت و آنوقت امروزه دست های حسرت مانند مگس به سرنهاده آه حسرت از دل پردرد کشیده و نظر بسه منبع طلای جاری فت جنوب می نمائیم آنوقت هم به این نادر و جزایر و سواحل بر قیمت خود نظر حسرت خواهیم نمود دولت باید بدون درنگ به تشکیلات بحری قیام کند یك وزارت بحری با مستشاران خارجی دائر نماید بـا بودجه مکفی تا مانند سایر وزارتخانه ها بوظایف عمرانات ساحلی خود اقدام نماید و رفته رفته بر بودجـهٔ او بیفزاید تا بتواند از این منابع حقیقی ثروت فائده عمده حاصل کند و برای تشویق دولت ناکه مجبور ساختن وی در توجه به سواحل وخلیج خود . ملت راست که بهر وسیلهٔ ممکنه دفتر معاونت با . و بخرید چند فروند جهازات جنگی ابراز حسیات تمدنی و حیات ملی دهند آقایان تجار خارجه ایران نیز یقین داریم که کمتر از تجار و صاحب ثروتان داخله همراهی نخواهند نمود چه ایرانیان خارجـه بیشتر از ایرانیان داخـلـه نی بـه منافع اداره بحری و عمرانات ساحلی برده اند هیچـه تصور نشود کـه ما چشم نکیهٔ چند نفر تجار خود دوخته و می خواهیم تنها آن ذوات محترم این وظیفه بزرگ مایه را انجام دهند این تصور غلط است ما که تجار محترم را شاخص ساخته فریاد می زنیم آقایان دهدشتی شوشتری اصفهانی کازرونی نمازی مشکی و و و برای آن است که ملت از هر طبقه باانها اعتماد دارند برای انجام امریك چنین مهمی محتاج به هیئت صادقه هستیم یعنی باید هیئتی رشته این امر را بکف گیرد که همه قسم محل اعتماد سائر طبقات باشند از اینرو باز آقایان تجار و محترمین خلیج و بمبئی و کلکته ورنگون ومصر و اسلامبول و برلن و و و را مخاطب ساخته عرض می کنیم هنوز موقع ابراز وطن خواهی شما آقایان نرسیده است ؟ آیا هنوز هم اعتماد بدولت خود ندارید ؟ آیا هنوز هم لوازم عمرانات ساحلی خود را حس ننموده اید ؟ ما منتظریم که به بینیم از کدام مرکز و کدام هیئت صادقه در این امر حیات بخش پیش قدم جسته تا در تاریخ حبل المتین نام نامی آن هیئت ببرجسته ترین کلمات یاد شود آقایان محترم سستی و رخاوت و قوالیت دوره قجر را باید گذارد جنبش ملی بهترین جنبشها است و معاونت بکار های عمرانی بـا سعادت شیرین ترین کار هـا است شرم بکنید جسارت بمشروع پیشه کرده پیشقدم شوید برای همه ما سرافکندگی و خجلتی از این بالاتر نیست که بسواحل ما غیرا ما عربهان بمنزلـه گاه

تجبر نماینه امروز ... بینیم تجار بزرگ ... سترگ ترك ناله دریوزه گریان ساخته کلاه خویش را کدکول نکدی متفخرانه خود ساخته بهر قریه و قصبه و دیهات رفته خطابه خوانده مردم را از منافع طیارات جنگی با خبر ساخته اعانه جمع می نمایند و این مختص به ترکان نیست با شرفترین ملل وبزرگ ترین اقوام برای پیشرفت امور ملکیه نوا علیه خویش این شیوهٔ مرضیه را اختیار نموده و کارهای بزرگ را از پیش می برند سالی نیست که فرمانفرمایان هندوستان دفاتر اعانه های بزرگ برای کارهای مایه و ملکیه باز نه کنند علاوه بر این ما نمی گوئیم نزد خارجه دریوزه گری کنند ما می گوئیم ملت خود را مستعد معاونت ساخته آنها را تشویق و ترغیب نموده این مقدمه حیاتیه را انجام دهند مبنی با انهمه تجار محترم و آن جماعت انبوه ایرانیان و آن همه ملت فارسیه اگر همت برکمارند حصهٔ مقدماتی این مشروع ملی را از پیش توانند برد دوست صمیمی خود مستر جی لریمان را درین موقع مخاطب ساخته می گوئیم عزیزا این مسئلـه که مادة الحیواة ملی است هنوز محل توجه شما نشده و چرا در این میدان مهم زمان و خامـهٔ خـود را بجـولان در نمی آوریـد ایران لیك نباید فعالیت ابراز دهد هز هائینس آغاخان که بهتر از همه کس منافع اینـگونه معاونت هارا می دانند و سرپرست افتخاری ایران لیك هم شده اند نباید جوهری که در موضوع جمع اعانه دارالعلوم (علیگده) ابراز دادند در این موضوع هم ابراز دهند ؛ از این و بعد قوالیت را هیچ ملت ارزش نخواهد داد هز هائینس آغاخان تا امروز خیلی جمع و خرج زبانی در ایران خواهی داده اند امروز گویا موقع آن رسیده باشد که قوالیت های یك قرن را کنار گذارده یکقدم هم طرف فعالیت گرایند باید ملت فارسیه را دراین موضوع دمساز ساخت آیا موقع آن نرسیده است که با آقایان دهدشتی و اصفهانی و شوشتریها و سایر همدردان فارسی ملاقات کرده تشکیل هیئتی فرموده قبـل از همه جا این آواز بشارت از بمبئی بلند شود .

ایران حیات بین المللی می خواهد

شاید از این عنوان خیلی بتعجب اوفتاده بگویند تحصیل حا ل محال است چه می بینیم تمام دول بزرگ و کوچك در پایتخت ایران سفیر دارند و ایرانهم در پای تخت های آنها سفرا می فرستد و شاید با بیشتر این دول هم قرار دادهای تجارتی و معاهدات سیاسی نیز داشته باشیم اینها همه علائم حیات بین المللی نیست ؟ ولی عقیده ما و جمیع بصیرین ...

از این است حیات بین‌المللی تنها به تبادله سفرا نمی باشد حیات بین‌المللی حیاتی است که هیئت‌های سیاسی را بجانب خود منعطف می‌دارد ایران بعد از شکست از روس و دادن آنهمه شهرهای آباد باز هم دارای حیات بین‌المللی خودرا از دست نداده بود اول ضربتی که بحیات بین‌المللی ایران وارد آورد خان بابا خان یعنی فتح علی شاه بود و آن وقتی بود سفیر ناپلیون را ازدربار خود راند همان آمدن سفیر ناپلیون برای معاهده سوق عسکری حیات بین‌المللی ایران را ثابت مینمود مجدداً در جنگ کریمیا ناصرالدین شاه یك دفعه بحیات بین‌المللی ایران خاتمه بخشود و آن وقتی بود که امپراطور روس خواستار قرار داد سوق عسکری با آن پادشاه مباش گردید و آن شاه لا ابالی سرباز زده و یکدفعه حیات بین المللی ایران را خاتمه داد دولتی که حیات بین‌المللی داشته باشد هرگز حیات رقابتی برای اوقابل عنوان شد و مملکت آن موضوع تقسیم سیاسیون واقع تولید گردید در حقیقت از بعد جنگ کریمیا زندگی بین‌المللی ایران مبدل بحیات رقابتی گردید تااتفاقات بین دو همسایه تقسیم شد و اگر این جنگ حیات بخش پیش نیامده و اوضاع دنیا تغییر نکرده بود امروز جنوب ایران شامل بهمسایه جنوبی و شمال اش در رقبه همسایه شمالی بودی از سوم حوت (١٣٢٩) ایران کوشیده که خویشتن را از حیات رقابتی بیرون آرد والحق از هم‌حالیه شخص اول مملکت امروزه حیات ایران را حیات رقابتی نمیتوان گفت ولی زندگی بین‌المللی نداریم ایران وقتی دارای زندگی بین‌المللی خواهد بود که هیئت های سیاسی شرق و غرب هر یك برای جلب وی به اتحاد خودبریکدیگر سبقت ورزند برای اثبات مدعا محتاج به یك جمله معترضه تاریخی هستیم پنجاه و پنج سال قبل وقتی که فرانسه ها از آلمان شکست یافتند و بسمارك که در ریختن نقشه اتحاد ثلاثه با ایطالی و آستریا بود فرانسه ناچار خودرا بدامان روس انداخت انهمه سرمایه را که فرانسه به روسیه ریخت همه بواسطه این بود که شاید بتواند دولت روس را راضی کند که باوی معاهده سوق عسکری بسته حیات بین‌المللی خودرا در مقابل دو دشمن قوی یعنی انگلیس و آلمان محفوظ دارد تا ده سال سکامل سیاسیون فرانسه هی پول بروسیه ریختند وهی تملق گفتند و روسها ناز کرده می سرزدند که هنوز فرانسه آن حیثیت و مقام را حائل نشوده است که روسیه باو معاهده سوق عسکری ببخشاید پس از ده سال هم که روس بیك قرار داد تن در داد مبنی بر این بود که فرانسه را با عده محدودی در موقع لزوم حمایت نماید پس از بیست و پنج سال که قوای فرانسه تکمیل شد و ثلث مالیه فرانس بروسیه ریخته آمد دولت روس رضا داد که اتحاد مثنی در مقابل اتحاد مثلث با فرانسه بنماید- آن روز جراید فرانسه از وجد و طرب در پوست خود نمیگنجیدند نگاشتند که امروز حیات بین‌المللی فرانسه عود نمود . . ان باز بخوبی ظاهر گردید که زندگی بین‌المللی منحصر به تبادله سفرا نیست بازگردیم بمطلب خود موقع و محل برای زندگی بین‌المللی مالی فرق دارد مثلا برای زندگی بین‌المللی فرانسه دو ملیون قشون درکار است ولی برای زندگی و بین‌المللی ایران با صد هزار نظام همان کار را می کند که دوملیون نظام درفرانسه بنماید بهمین مناسبت بود که حبل المتین در مقالات سال گذشته خود مکرر نگاشت صد ملیون عایدات دو صد هزار نظام چون ایران نظام اجباری را جاری داشته وخواهد داشت همین که دارای دویست هزار نظام تحت السلاح شد سی صد چهار صد هزار ذخیره هم خواهد داشت و از برای تکمیل این عده نظامی دولت اگر دارای صد ملیون عایدات نگردد از عهده تکمیل کارهای مدنی بیرون نتواند آمد ما با آن وکلای اداشی که درمجلس نشسته گفتند که چون ایران با کسی جنگ ندارد نظام زیادهم لازم نمی باشد همراه نیستیم این گونه وکلاء حکم غراب را دارند که ملت را به خرابی سوق میدهند اینهاپشت پای خود را نمی بینند اینها حس سیاسی و مدرك زندگی بین‌المللی را ندارند ما بدون نزاکت میگوئیم ایران تا دارای دویست هزارنظام مسلح نباشد زندگی بین‌المللی او عود نکرده است وقتی که ایران دارای دویست هزار سرنیزه شد و عایدات آن برای سایر مواد ملکیه و مصارف این اردو کافی گردید هیئت های سیاسی از هر طرف بر او توجه برده هر یك بر دیگری در اتحاد با وی سبقت خواهند جست آن وقتی است که کلیه مسائل سیاسی ایران حل گردد و ایران دارای ازادی کامل در داخلهٔ خود بشود یقین باز هم آقایان خواهند گفت تحصیل حاصل محال است ایران آزادی کامل در داخله خود دارد ناچاریم بدون نزاکت عرض کنیم آقایان این عقیده غلط است ایران هنوز آزادی کامل در داخله خود ندارد گمرکات مابه اختیار ما نیست هنوز قضاوت قونسولات خارجه در مملکت ما باقی است و صدها چیز های دیگر که شرح هر یك ما را از این موضوع خارج میدارد در عدم آزادی مطلقهٔ ما دلیل واضح است ، همین بس است در عدم آزادی کامل ما که خلیج فارس یعنی آبنای ساحلی ما به اختیار ما نیست

جهازاتی که بیرق شیر و خورشید هم داشته باشد تفتیش می شود خلیج فارس در منطقه ورود ممنوعة الورود اسلحه داخل است

بالجمله امروز فقط بداشتن قوای بری ایران دارائی زندگی بین‌المللی نتواند گردید چون ایران دارای هزار و دویست میل آبنای آزاد است بدون قوه بحری حیات بین المللی ما تکمیل نمی شود مکرر نوشته ایم امروز غیر دیروز است و فردا غیر امروز اوضاع عالم تغییر نموده ما نیز باید وضع زندگی خود را تبدیل دهیم ایران بدون تشکیلات بحری بدون داشتن وزارت بحری بدون داشتن جهازات جنگی نه تنها زندگی بین‌المللی ندارد بلکه دارای آزادی حقیقی هم نیست گفتیم وضع دنیا خصوصاً اوضاع شرق تغییر نموده و به سرعت باد و برق تغییرات عظیم هم خواهد نمود ایران اگر می خواهد آزادی اش محفوظ ماند حیثیاتش محافظه شود باید قوای بری و بحری خود را هرقدر زود تر ممکن است به اندازه خود تکمیل نماید اگر قوای ایران بهمان مقداریکه گفتیم آماده و مهیا گردد در وسط آسیا آن حیثیت را پیدا تواند نمود که ژاپون در اقصای شرق دارا است موقع ایران خیلی نازک واهم است چه اوضاع شرق و غرب خیلی در تبدیل و طولی نمی کشد که مناقشات شرقیه و غربیه بجای نازک در رسد در انصورت ایران یا باید دارای زندگی بین المللی باشد و یا محو و مضمحل در سایر ملل حیه آید و این نکته را هم باید دانست که برای ما خیلی مهلت نمانده باید خیلی بچستی و چابکی حرکت کنیم تا از قافلهٔ که به سرعت برق می رود عقب نمانیم و تا وقتیکه ایران قوای بری و بحری خود را تکمیل ننماید با هر دولتی که از در اتحاد و یگانگی هم بیرون آید زیردست خواهد بود نه همسر و هم‌تراز و در آن صورت مزدورش باید گفت نه مستقل بالذات .

﴿ نمونه فعالیت ﴾

وقایع نگار روزنامهٔ بابر از طهران ، تلگرافاً خبر میدهد که یك اتومبیل که حامل پست بوده در علاقه کرمانشاهان دچار دزدان می گردد این خبر که بسمع همایونی میرسد شخصاً به وزارت جنگ رفته بفوریت امر بحرکت شخص وزیر جنگ میدهند که بنقطه مسروق فیها رفته رئیس قشون را عزل و تدارك مافات نموده که در آتیه هیچکس جرائت چنین حرکتی را نه نماید .

﴿ حبل المتین ﴾

این تلگراف ظاهر میدارد که جدیت و فعالیت که در طبیعت اعلیحضرت جبلی است کبر و غرور سلطنت مضمحل نگردانیده اگر چه ذات شاهانه مسئول احدی نیست ولی وجداناً خود را مسئول و ذمه‌دار کلیه انتظامات ملك و ملت می دانند .

﴿ اعلیحضرتا ﴾

خوب است همین قسم نظر توجهی بخوزستان و گرمسیرات و لارستان و خلیج فارس و کرمان و بلوچستان هم بشود که مامورین بی عاطفه گویا خویشتن را ذمه‌دار انتظامات ملك و رفاه و آسایش رعایا نمی دانند هرکس هر چه از دست اش برمیاید نسبت برعایا و زیر دستان می‌نماید بواسطه بیرویگی برخی از مامورین نظام در نقاط دور از مرکز نزدیك است محبوبیت نظامیان از میانه رعایا معدوم شود موقتیکه اداره از مامورین کرمان و خوزستان خیلی شکایت نموده و ما هرگز نمی توانیم نسبت غرض رانی به ایشان بدهیم و علاوه بر این یك و ده و صد شکایت رسیده

§ گشته از بس که فزون است کمش نتوان کرد §

از بس شکایت به اداره رسیده نمی دانیم کدام را بنویسیم علاوه بر این چون ما نظام را سرمایه همه گونه ترقیات ایران دانسته و میدانیم تا جائیکه ممکن است غمض عین نموده و می‌نمائیم

﴿ اعلیحضرتا ﴾

نظام و مامورین فرزندان جیره خوار اند و رعایا فرزندان جیره ده اند هتك شرف و ناموس هیچکدام جایز نیست راست است که نظامیان در همه دنیا خشونت کار اند ولی چون قوانین جزای عرفی جاری و مامورین هر اداره هم وظایف خود مکلف اند در سایر ممالك صدمه از نظامیان برعایا کمتر وارد می شود ولی در ایران ما هیچ نیست در این صورت خشونت‌کاری نظامیان قلوب رعایا را منزجر و محبوبیت دولت را منکسر می سازد خوب است برای اینکه محبوبیت نظام باقی ماند انتظامی بروی کار آید که نظامیان نتوانند تعدی برعایا وزیر دستان بنمایند

﴿ اعلیحضرتا ﴾

اهالی کرمان و خوزستان از سایر نقاط ایران مظلوم ترانند این دو قطعه بیش از همه جا محتاج به بسط عدالت و رواج سامان مدنیت اند خوزستان چون متصل بخارجه است رعایا که بستوه آمده پراکنده میشوند ولی کرمانی مظلوم همیشه سوخته وساخته و حالا هم میسوزد و میسازد

﴿ نمایشات قشونی ﴾

مخبر رویتر از طهران خبر میدهد که در حضور اعلیحضرت پهلوی بزرگترین نمایشات قشونی که تا امروز در طهران دیده نه شده بود داده شد در این نمایش نظامی طیارات جنگی و تانك و اتومبیل های زره پوش هم حصه گیر بودند

حبل المتین

ما تصدیق داریم که اینگونه نمایشات نظامی در دورهٔ قجر کمتر دیده شده و چنین نظام آبرومندی از بعد نادر ایران به خود ندیده بود ولی علاقه مندان به اعلیحضرت پهلوی برنك و روغن های ساهری قناعت نتوانند نمود ما وقتی خوشوقت توانیم گردید که طیارات جنگی درکار خانجات ایرانی ساخته آید تانك واتومبیل های زره پوش و تـوپ و تفنك و سایر لوازم قورخانه از خودمان باشد همان قسمی که اگر دکان دار ایرانی دکان خود را از امتعهٔ خارجی بیاراید در نظر حساس وطن خواه مایه افتخار نتواند بود همین قسم اسلحه جنگی ما هم تا در خود ایران تهیه و تدارك نشود لایق و شایستهٔ سلطنت پهلوی گفته نتواند آمد خصوصاً وقتی می بینم که ایران را در منطقه ممنوعة الورود اسلحه داخل کرده اند ما میدانیم که از همت والای پهلوی و ابراز لیاقت نمایندگان دولت سایر قسمت از منطقه ممنوعة الورود اسلحه خارج گردیده ولی چه توان کرد که ما از سه سمت محصوریم و فقط راهی که برای ایران آزادانه باز بود همان خلیج فارس است که بدبختانه همان نقطه ممنوعة الورود اسلحه باقی مانده است ما اگر جمیع لوازمات جنگی خارجه را بایران جلب کنیم بازهم دریوزه گر خواهیم بود و دریوزه گری انهم در دولت پهلوی شایسته فخر و مباهات نتواند گردید لهذا ما وقتی بنظام ایران فخر توانیم کرد که کلیه یا اقلا بیشتر از لوازم جنگی ، در کارخانجات ایرانی ساخته آید و چنین روزی را برای ایران دور نمی بینیم میکادوی اعظم ژاپون در مدت پانزده سال کلیه کارخانجات اروپا را در ژاپون آورده و بتدریج ترقی داده و امیدواریم که در دولت پهلوی همان خوشبختی هائی را که ملت ژاپون در سایه عاطفت پادشاه عظیم الشان خود میکادوی کبیر حاصل نمود ایرانیم در ظل مراحم پادشاه ملی ترقی خواه خود حاصل نماید این دعا از من و از جمله جهان آمین باد

طهران

انقراض سلطنت قاجار و تاسیس سلطنت پهلوی طوری بسهولت و بارامی انجام یافت که هیچکس تصور نمیکرد . این یکی از خوشبختی های ملت بود که در این عصر فلاکت و فقر عمومی دوچار انقلاب نشدند پادشاهان قجر بقدری منفور عامه بودند که حتی درباریان قدیمه و سابقه خود هم طرفداری نداشتند که از رفتن انها متاثر گردد . از جلوس اعلیحضرت پهلوی قریب بیست روز میگذرد . نمایشها . جشنها . تعطیلات تزیینات وسایر اموریکه لازمه یك تبدیل مهم سیاسی بود خاتمه پذیرفته و کارهای مملکت بحال جریان طبیعی و ملایم افتاده است

حالا دیگر قاطبهٔ ملت چشمها را بطرف شاه معطوف دوخته منتظر اقدامات ترقی خواهانه سریع و مؤثر بلکه معجز مانند می باشند اگر چه رژیم کرسی تغییر نیافت و ملت ایران نتوانست خود را لایق جمهوریت معرفی نماید لاکن همین تغییر سلطنت هم مفید و مؤثر بوده روح تازه در جامعه دمیده است آینده چه خواهد شد مطلبی دیگر است عجالتاً اهالی ایران بشخص اعلیحضرت پهلوی امیدوارند . شاه جدیت و فعالیتی را که در مدت وزارت جنك و ریاست وزراء داشتند از دست ندادهم و با همان جدیت بامور مهمه مملکت رسیدگی می نمایند هر چند اخباری که در خصوص دربار در جرائد مرکز می خوانید غالبا تشریف فرمائی اعلیحضرت بقصر گلستان ، تشرف آقای رئیس الوزراء بحضور ایشان و بعرض رساندن راپورتهای مهم ، گردش و بازدید فرح اباد ، شکار . وامثال اینها است . لاکن در ضمن این اخبار گاهی نکاتی دیده می شود که درجهٔ مراقبت اعلیحضرت وتوجه کامل ایشان را بحسن جریان امور مملکت میرساند سرکشی بسر باز خانه ها در موقع شب مدلل میدارد که همان روح سعی و عمل که با سردار سپه ، وزیر جنك ، رئیس الوزراء ، رئیس عالی کل قوا ، رئیس موقتی مملکت بوده است همان روح با اعلیحضرت پهلوی نیز بوده و در این تبدلات پی در پی تغییر و تبدیل نیافته است .

وزرای جدید

اعضاء کابینه جدید بعض آنها جوان و جویای شهرت و نامند بعید نیست بخواهند برای تحصیل نام نیك و جلب توجه و تمایل افراد ملت اقدامات برجسته و قابل توجهی بکنند و چون تحت نظارت تامه و مراقبت کاملهٔ اعلیحضرت می باشند تصور نمی رود بتوانند در انجام وظایف خود کوتاهی نمایند بشرط اینکه متملقین بگذارند ما اینکه چند روزی بیش از عمر کابینه نمی گذرد بعض اوراق مرکزی را ملاحظه نمائید که نسبت به بعض وزراء چه تملقات گفته و چه مدح های بیجا نموده اند همین تملقات است که رجال ایران را فاسد و مهمل ساخته وقتی که می بینند بدون هیچ خدمت و اقدام نمایانی اینقدر در اطراف آنها مدیحه سرائی میشود دیگر کار و خدمت را لازم نمی دانند وزیر معارف هنوز معین نشده و بعضی پیشبین گوئی می کنند که وزارت معارف باقای تدین

رئیس مجلس تفویض خواهد شد لاکن این پیشنهاد مبنی بر اساس صحیحی نیست چون وزراء جدید هنوز از مطالعات مقدماتی فراغت نیافته و از تنظیمات داخلی ادارات خود بکارهای دیگر نپرداخته اند پیش از این نمیتوان در مورد آنها اظهار عقیده کرد موقع عمل هم میرسد انشاء الله آنوقت ما هم می بینیم و مطلع میشویم و می نویسیم —

رسیدگی شکایات

اعلامیه را که اعلیحضرت در موقع ریاست موقتی مملکت خطاب بقاطبه اهالی صادر نموده اند مطالعه فرموده اید که اعطاء می نمایند هر کس از اهالی شکایت و تظلمی از مامورین دولت و غیرهم داشته باشد میتواند کتباً شخص اعلیحضرت تظلم نماید و پس از تظلم فوریت شکایت او رسیدگی خواهد شد چون عین اعلامیه را ملاحظه فرموده اید جزئیات اورا شرح نمیدهیم قرار تحقیقاتیکه حاصل آمده است از آن تاریخ تا کنون محتاج هزار عریضه بمقام اعلیحضرت عرض شده بحث چیزیکه مایه خجلت و تأسف بوده درجه فقر و بیکاری و میزان تنبلی و طمع ورزی عمومی را مدلل میدارد اینست که قریب دو ثلث از عرایض تقاضای شغل ، تمنای پول ، قصیده، مدح ، خواب و فال و امثال آن بوده نزدیك است عرایض مظلومین واقعی هم در ضمن آن عرایض بی معنی محو و مضمحل گردد تا بحال بتظلمات چندین نفر رسیدگی فوری شده مرتکبین خلاف مجازات یافته اند از جمله انفصال رئیس عائدات مالیه نهاوند است که در نتیجه تظلم اصغر نام قصاب معزول و بمرکز احضار شده است این قضیه و نظائران در این مملکت که عدلیه اش محتاج هزاران اصلاح است فوق العاده مفید بوده و اغلب مامورین متعدی و متجبر را سر جای خود می نشاند —

اجتماع در مرکز

راستی اگر پنج سال قبل بما می گفتند ممکن است تا پنج سال دیگر تمام خوانین خودسر ایلات قلع و قمع و کلیه طوایف عارتگر خلع سلاح و سردار عشائر قشقائی و قوام الملك با هم در مرکز دیده شوند هرگز باور نمی کردیم اما امروز بچشم خود می بینیم قدرت و عظمت دولت مرکزی بحدی قائم و مستحکم شده است که این قبیل عناصر خودسر فکر خود سری را از سر خارج کرده اند - منتهی هر کدام مکار ترند دست و پا می کنند که از راه تسلیم و اظهار اطاعت و انقیاد مقام خود را حفظ و مالك رقابی را تامین نمایند از جمله قوام الملك دیروز و ابراهیم قوامی امروز است که هم خودش مخیل و مکار است و هم متمول و ثروت سرشار مشار الیه برای خود شیرینی بتمام یك نفر وکلا که در مجلس دارد بنام جلوس اعلیحضرت پهلوی در منزل خود جشن مفصلی گرفته و رقیب قشقائی خود اسمعیل خان را که نه عرضه دارد و نه جرئت پول خرج کردن از غصه هلاك کرده این آقایان تصور میکنند بااینگونه تشبثات ممکن است امر را بر شخصی مانند اعلیحضرت پهلوی مشتبه نمود واقعاً اشخاصیکه اینطور تصورات مینمایند احمق صرفند زیرا از شخص اعلیحضرت قدری علائم وامارات فطانت وهوشیاری تجربه و خردمندی دیده شده و میشود که محال است این قبیل چیزها برایشان مشتبه گردد قوامی شیرازی میخواهد ابو الجمعی را مستحکم تر نموده بمختصر خرج جشن و مراعات الاف و الوف استفاده کند لکن دوره پهلوی ازان دوره ها نیست که باین غارتگران که هنوز پنجه شان بخون آزادیخواهان رنگین است مجال و فرصت دهد عقیده اغلب مآل اندیشان اینست که قوامی و اسمعیل خان و امثال اینها باید در مرکز بمانند و اگر اجازه حرکت هم بانها داده میشود باقیود و شروط ومقدماتی باشد که آنها را با سائر رعایا مساوی قرار دهد خلع سلاح ایلات خمسه آن طوری که می بایستی گویا بعمل نیامده برقرار گذاردن ابوا بجمعی که از بقایا و آثار منحوسه دوره استبداد و عصرشاه و زورلی است در زمان سلطنت پهلوی گریه آور بلکه خنده آور بنظر میاید ! ومسلم است که اعلیحضرت پهلوی راضی بچنین امری نشده حفظ حیثیات اقتدار وابهت دولت خود را برهر چیز دیگر مقدم داشته و میدارند

ترقی افکار

یکی از مزایا و حسنات این دوره از بین رفتن اصول هوچیگری است تا دیروز اغلب تصور میکردند وطن پرست کسی است که صبح تاشام این طرف و آنطرف دویده باین اداره وان اداره سرزده و در هرجا از یکعده معین تمجید و از یکدسته مخصوص مذمت نماید این تصور غلط قدری در مغز ها رسوخ یافته بود که هر تاجر کاسب بقال علاف حمال که وطن پرست میشد فوراً دست از کسب و تجارت بقالی علافی حمالی برداشته در ردیف و لکردان بیکار در آمده و صبح تاشام هومیکرد ! اما امروز در سایه اقتدار و عظمت دولت و جلوگیری از یکعده هوچی و بیکارعموم مردم بفکر سعی و عمل افتاده و رفته رفته بمعنی حقیقی وطن پرستی پی میبرند که هرکس باید دارای شغل مفید بجامعه بوده وسعی کند درشغل و حرفه خود ترقیات نموده و اصلاحاتی بعمل آورد

امروز اغلب فهمیده اند که وطن پرستی تشکیل شرکتها و ایجاد هیئت هاست برای وارد ساختن کار خانجات تسطیح طرق و شوارع استخراج معادن و و و جای تردید نیست که هرگاه از طرف دولت هم در این موقع ترقی و تغییر افکار تشویقات و ترغیباتی بعمل آمده و تسهیلاتی برای تاسیس شرکتها و امثال آن فراهم آورند چندی نمیگذرد که ملت ایران مانند ملل زنده دنیا ملت سعی ، اقدام ، جدیت ، صنعت ، تجارت ، و و و خواهد بود

تملق وچاپلوسی

مسلم است که هیچ امری نمی شود از همه جهت خوب باشد هرچیزی که منافعی دارد مضاری هم دارد چنانکه از بین رفتن اصول هوچیگری مرض دیگری را در بعض افراد جامعه تولید نموده و آن مرض تملق است یکعده معدود و معین که سابقا از راه فحاشی و هو ارتزاق مینمودند امروزکه این باب اعاشه را مسدود دیده اند دست بدامان تملق و چاپلوسی زده و این خصلت نکوهیده و فاسد کننده اخلاق عمومی را وسیله استفاده و انتفاع قرار داده اند برای اینکه صحت عرایضم پی ببرید در بعض جراید مرکز دقت و تامل فرمائید سرمقاله فلان جریده را میخوانیم می بینیم درباره فلان وزیرکه دو روز است روی کار آمده بقدری مدح و تمجید نوشته و باندازه مبالغه و اغراق گفته است که گوئی آن وزیر در ظرف دو روز ایران را نظیر فرانسه یا المان کرده است

مقاله را خوب میخوانیم بعد ازآنکه بهزاران شکل اثبات مینماید که دوره ملاحظه و فکر گذشته وقت کار رسیده آنچه دیگران میگفتند آقای وزیر جدید بموقع عمل در آورده است بعداز آنکه برای خوانندگان ساده لوح امر را طوری مشتبه مینماید که تصور میکنند سرتا سر ایران راه آهن کشیده شده است بعد از همه اینها آخر مقاله باینجا ختم میشودکه آقای وزیر مشغول مطالعه اند و پروژه یانقشه را که سابقا تهیه شده بوده است در جلو گذارده جداً فکر میکنند و در اطراف اصلاحات آن تهیه زمینه !! مینمایند ! اینست نمونه از تملق گوئی و چاپلوسی امروزه که نه تنها اغلب ارباب جرائد بلکه اکثریت وکلا رجال و حتی طبقات متوسطه و پست به آن مبتلا شده اند ومعلوم است این چاپلوسی و خوشامد گوئی چه تاثیرات بدی داشته و تاچه حد مصادر امور را بخود مغرور و از خود راضی ساخته و آنها را بجائی میبردکه مطلعین و ارباب تجربه دانند جلوگیری از این فساد اخلاق یا خلق فاسد همتی بلند و نظری عالی لازم دارد مانند همت اعلیحضرت پهلوی هنگامیکه اعلیحضرت ایشان چند مرتبه متملقین چاپلوس را مورد عتاب و عقاب قرار دادند دیگران نیز بایشان تاسی نموده و در اندک زمانی این بلای مهلك قلع میشود نقل میکنند وقتیکه نادر دختر محمد شاه هندی را برای فرزند خود خواستگاری نمود بدآب هندوستان گفتند باید شهزاده تا هفت پشت خود را بر جلالت بر شمارد نادر جواب داد علی قلی پسر نادر و نادر پسر شمشیر تاهفتاد پشت وبیزه گویند وقتیکه قشون نادر از سردار عثمانی شکست یافت نادر به میرزا مهدی خان فرمود خبر شکست نادر را بامرای لشکر رسانیده جلب کمك نما میرزا مهدی خان لفظ شکست را نه نگاشته نوشت ابدا چشم زخمی با دوی منصور سلطانی رسیده لازم تائید و کمك است نادر متغیرانه فرمان را چاك زده فرمود ایران را خراب نموده حرکت شاعرانه منشیانه ... منشیان حضور بردار بنویس نادر شکست خورده قشون متلاشی شدند بفوریت کمك بفرستید تا تلافی مافات شود این بود که در زمان او متملق وجود نداشت یك شاعر برای نادر پیدا نشد تا مدح سرائی کند جرائد متملق هم که بحمد الله در آن دوره وجود نداشتند -

بطوریکه بعضی میگویند اخیرا جمعی درصدد تهیه نسبنامه برای اعلیحضرت پهلوی برامده اند ! وجای ان دارد که اعلیحضرت هم نمایش نادری داده بانها بفرمایند من فرزند عزم واراده قوی خود و مؤسس سلسله پهلوی هستم و باین قبیل تملقات احتیاج ندارم !

ریشه مرض

اگر درست دقت کنیم ریشه تمام اخلاق فاسده ما دو چیز است اول و مهم تر فقر مادی ، دوم فقر دماغی . اگر هوچی درست میکند فقرست اگر متملق وچاپلوس ایجاد مینماید فقرست باید این دو فقرموحش (فقر مادی ودماغی) را چاره نمود - وقتی میتوانیم نسبت بوزراء وقت خوش بین باشیم وقتی ممکن است مملکت را برو باصلاح وترقی بینداریم که ببینیم بابث جدیت وفعالیت قابل تمجید در صدد مرتفع ساختن فقر عمومی وتعمیم و اصلاح معارف عمومی اند وگرنه باقی اصلاحات و اقدامات همه نقش بر آب و بلکه شبیه به گول زدن اطفال است روزی که عایدات ایران بمصرف تاسیساتی برسد که مولد ثروت باشند نه فانی کننده ثروت ، امروز میتوان وزراء وقت را خادم و وطن پرست نامید روزیکه دولت را مشغول بتکمیل نواقص اقتصادی مملکت ترمیم خرابی های وارده ازجهل عمومی ترویج تجارت و زراعت تاسیس راه اهن در سرتاسر مملکت ببینیم امروز را باید عید ملی گرفته و تعریفاتی را که جرائد مزدور از وزراء دوروزه و سه روزه مینمایند هر انروقت ازوزراء خود بنمائیم - درد ایران معلوم

و دوای آن هم منحصر . معین است دیگر در شناختن خادم وغیر خادم هیچ تردد و فکری لازم نیست - خدمت گذار بوطن و مملکت آن شخص یا اشخاص هستند که در مرتفع ساختن فقر اقتصادی و برانداختن جهل عمومی عمل و جدا بکوشند - وگرنه مرمت نمودن فلان خیابان و تسطیح فلان معبر یا بنای فلان عمارت عالی خدمت واصلاح نامیده نمیشود اینها خدمات واصلاحاتی است که دردرجه دهم دوازدهم واقع شده و بعقیده عموم مطلعین اگر دولت ابتدا در رفع فقر و جهل عمومی بکوشد اینگونه اصلاحات را خود مردم بپول خود و میل خود مینمایند بلکه بالاتر آنرا انجام داده و حتی ممکن است شهر های خود را از بلاد اروپا هم مزین ترسازند لکن هزار افسوس که

§ خانه از پای بست ویران است §

§ خواجه در فکر نقش ایوان است §

(انتخابات)

فرمان انتخابات دوره ششم که هفت روز قبل صادر بود امروز منتشر گردید - وکلای دوره پنجم عموما باستثنای معدودی از وکالت دوره ششم خود مطمئن اند حکومت نظامی که در موقع انتخاب مؤسسان موقتا مرتفع شده بود باقی است سانسور جرائد نیز بر قرار است - در اطراف نامزدهای وکالت جرائد چیزی نمینویسند ، واگر یکروزی بانها ازادی بدهند روزی خواهد بود که انتخابات در سر تاسر مملکت شروع شده معلوم است که دیگر موقعی برای معرفی اشخاص و نامزد های وکالت نمانده ، و بعلاوه فائده هم ندارد ، انتخابات یك مملکت وقتی خوب میشود که ملت عالم و واقف بمقتضیات عصر و مطلع بر حقوق وظایف خود باشد - برای یك ملت جاهل و وظیفه نشناس هر قدر موعظه کنید ، هر اندازه تنبیه و تحذیر نمائید ، بلکه اگر هزاران وسیله برای اوتهیه نمائید که بوظیفه خود رفتار کند نتیجه نه بخشیده و مرتکب خبط و خطا میشود - بنابرین اگر سانسور جرائد هم نبود و جرائد هم نامزدهای وکالت را معرفی مینمودند چه میشد ؟ هیچ ! ملت دانا وهوشیار وکارآگاه لازم است ، پیدا شدن چنین ملتی هم بسته باقدامات و عملیات رجال مملکت است تامایل و اراده انها چه باشد

(متفرقه)

بطوریکه جرائد مینویسند فرمان ولایت عهد محمدرضا خان پسربزرگ اعلیحضرت ازطرف اعلیحضرت صادر گردیده است - لفظ خان حذف شده و لفظ میرزا که به آخراسم شاهزادگان قجر ملحق میشد تبدیل بلفظ شاپور گردیده است و ولیعهد مملکت والاحضرت محمد رضای شاپور میباشد ؛ خوب بود لفظ شاه را هم برخلاف قاجاریه که آخر نام مقرر داشته اند ، مانند سلاطین سلف اول قرار میدادند مثل شاه عباس وشاه اسمعیل وغیره یعنی اعلیحضرت را هم شاه رضا می نامیدند نه رضا شاه ، وزارت دربار اعظم نیز بوزارت دربار پهلوی موسوم شده اعلیحضرت برای تعمیر و مرمت عمارات سلطنتی دستور العمل ها داده وگویا تغییرات عمده در کلیه انها داده شده ادارات و وزارتخانه ها نقل مکان خواهند یافت روز مولود اعلیحضرت ٢٤ اسفندماه و ٣٠ شعبان معین شده و ازطرف دولت جزء اعیاد رسمی اعلام و بعموم دوائر و ادارات ابلاغ شده است -

(حبل المتین)

ما از وقایع نگار پارس قلم خود متشکریم و با عقاید ایشان در موضوع تملق وغیره همراه از این رو خیلی کم بایشان هم معترضیم چه تو به فرمایان بیشتر باید تواب باشند ، خوب بود درموضوع اعلامیه اعلیحضرت می نوشتند که این اعلامیه بی اساس وعملی نبود و نیست بدون اجراء قوانین جزای عرفی بدست عدالت دریك ملك وملت خواستن آب از سراب است باید جدیت کرد در ار های اساسی باید از اعلیحضرت جدا درخواست که قوانین جزای عرفیه را از مجلس بخواهند و باراده قوی وعزم مستقیم جاری کنند که هزار درجه از زنجیر عدالت انوشیروان هم بالاتر است

§ این کار ازتو آید ومردان چنین کنند §

ما شخص اعلیحضرت را بخوبی می شناسیم که مرد شجاع و دلیر اند و اعتنا به تملق ندارند امیدواریم از این و بعد وقایع نگاران حبل المتین ترك نگارشات متملقانه را مانند جمله ظل اللهی - قدر قدرت - اقدس روحنا فداه و امثال آن را که باید با موسسین این الفاظ که قاجاریه اند منقرض گردد حق را بگویند و صاف هم بگویند ملت متملق رجال خود را بیکار میسازد چه ما تصدیق داریم قول وقایع نگار خود مارا که فقر عمومی مردم را متملق ساخته ما هم تصدیق داریم باید جلوگیری کرد باید توبیخ و سرزنش نمود از روز جلوس اعلیحضرت تاکنون اقلا صد هزار کلمه اشعار و اثار مدیحه و تبریکیه متملقانه به اداره رسیده چون ما دانسته ایم اعلیحضرت ازاین مسلك بنفرت اند همه را جزء باطلات القا داشتیم و به ارباب قلم که به این اداره ملی مراجعه دارند اعلام میدانیم که برای شاه باشد یا وزیر نثر باشد یا شعر اگر متملقانه چیزی برنگارند در حبل المتین درج نه خواهد شد ولی هیچ قدر فرق را خودشان ملتفت شوند که جملات چه وقتانه غیر از متملقانه است

از بم می‌نویسند

(عیب مِی جمله چو گفتی هنرش نیز بگو)

در شماره ۴۱ صفحه ۱۶ مقالهٔ بامضاء (ا ـ ن ـ ا) درج بود که نگارنده را نگارش این سطور مجبور آمد چه در تاریخ و حتی عیوب ما (ایران) مسئله انفرادی را ممزوج به اجتماعی نموده بود (نگارنده داخل در اصل و مقصد و موضوع آن نمی شوم و چون اطلاعی کامل ندارم) اگرچه این بنده نگارنده بخوبی مطلع به تاریخ کرمان و سایر ایالات ایران نیستم و سواد کاملی ندارم که تمام مطالبی را که در مغزم جای گرفته با قلم شرح دهم تا چه برسد که در مقام تنقید برآیم لاکن از آنجائیکه روا ندیدم که به اهالی یك ایالت مهم تاریخی ایران توهینی خدای نخواسته وارد آید و اسباب کدورت اهالی یك ایالتی شده باشد این است متوکلاً علی الله قلم را در دست گرفته و باین چند مسئله مهم تاریخی که راجع به کرمان و فارس است نگارنده مقاله شماره ۴۱ را مخاطب ساخته و می نگارم و حکمیت را واگذار به قارئین حبل المتین می نمایم و ضمناً استدعا دارم که هر یك از قارئین چنانچه بخوبی بر احوالات لشکر کشی وغیره مقصود ما [شهید لطفعلی خان زند] اطلاع دارند جهة استحضار عموم و تاریخ آینده ایران در آن نامه ملی درج نمایند ـ

اظهار شده بود که اهالی کرمان از بدو دخولیت غیر از دنك دلك قالی بافی چیزی استماع ننموده و بر حسب اقتضاء طبیعت از اهالی کرمان سلحشوری و جنگجوئی وغیره ساخته نیست تا اندازه در اشخاص معلوم و انفرادی بعضی مطالب ایشان را تصدیق دارم لاکن خوب است در مسئله های اجتماعی بیشتر از این دقیق شده و فکر شان را بیك نقطه معلوم محدود نسازند و تاریخ کرمان را پیدا کرده و زیاد قدیم هم نه ازموقع سلطنت نادرشاه الی یومنا هذا ورق زده و دقت نمایند که اهالی کرمان در تهور و همت و شجاعت و وفا و سخاوت از سایر ایالات اگر جلوتر نیستند عقب تر هم نیستند بلکه در موقع جان بازی به اغلب ایالات وولایات تفوق پیدا کرده اند ودر مقابل بعضی اشخاص معلوم الحال تاریخ فارس را لکه دار نمودند در موقع سلطنت سلطان باقتدار ایران [نادر شاه] در فتح هرات و هندوستان پیش قراول جنك و گارد مخصوص سلحشور گارد کرمانی بوده و پس از آن در دوره سلطنت زندیه به بعید که اهالی کرمان در مقام آن یکه شیربچه ایران و آن که تاز عرصه میدان آن جوهر ایرانیت لطفعلی خان زند چه مساعدت و جان بازی که نه نمودند و در مقابل اهالی شیراز باوجودیکه نمك پرورده آن خانواده جود و سخا و سلسلهٔ کرم و شجاعت بودند صاحب منصبان بی شرف چه نمك بحرامی و پستی فطرتی و رذالت را که مرتکب نشدند که تاریخ ایران مخصوصاً تاریخ فارس ازاین حرکت قبیح آنان تا ابدالاباد لکه دار است پس از آنکه آغا محمد خان خواجه را از حبس فرار دادند یا فرار کرد رفت تهیه لشکر و سپاه دیده و مشغول فتح و غارت ایالات و ولایات شد از این طرف هم یگانه شیردل (لطفعلی خان) تهیه مختصر سپاهی دیده و روانه میدان جنگ شد [چه سبب نتوانسته عده قابلی سپاه تشکیل دهد از واقعات بعد مستفاد تواند شد] در موقعیکه وارد میدان جنك شد دید لشکر دشمن چندین مقابل سپاه خودش می باشد باز آن شیر بیشه ایران یأس را بخود راه نداده شبانه شبخون به آن سپاه گران میزند و باندازه با این عده قلیل عرصه را بر دشمن تنك میسازد که سپاه آن دشمن ملك وملت سر ازپا نشناخته تیغ بروی هم می کشند و مشغول فرار می شوند و لطفعلی خان خود را نزدیك چادر سردار سپاه اصفهان [آقا محمد خان] میرساند و می خواسته در همان نیم شب کارش را بسازد که یکی از همراهانش مانع می شود صبح که نزدیك می شود آغا محمد خان بمؤذن میگوید اذان بگو لشکر شکست خورده چون صدای مؤذن را می شنوند میدانند که سردار شان تباه نشده و هنوز بجاست دوباره جمع می شوند لطفعلی خان می بیند خبط کرده و دیگر چاره ندارد لاعلاج برمی گردد به شهر زمانیکه بشیراز میرسد مستحفظ شیراز که از طرف خودش مأموریت داشته به شهر راهش نمیدهد و در عوض چند قاصد و عریضه مخصوص می نویسد و آغا محمد خان را دعوت به شیراز می نماید اگرچه آن ضرب دستی که از شیر بیشه ایران خورده بود چندان میل بآمدن نداشته لاکن چون می بیند کار بر وفق مرامش هست سپاه گرانی تهیه دیده و رهسپار بطرف فارس و شهر شیراز میشود از این طرف چون خبر لشکر کشی آقا محمد خان به لطفعلی خان میرسد لا علاج با چند نفر از خاصانش بطرف کرمان حرکت می کند باز از طرف بیگلربیگی شیراز [اسمش خاطرم نیست بطور صحت] چندین پیك مخصوص بکرمان فرستاده که لطفعلی را گرفته بفرستید شیراز تا مورد مرحمت گردید چنانچه غیراز این نمائید بعنقریب بالشکر بسیاری اقا محمد خان خواهد آمد و کرمان را با خاك یکسان خواهد نمود با وجود این مراتب اهالی کرمان از آن وفا و سخاوت فطری که

باشند در نهایت تجلیل و احترام لطفعلی خان را بکرمان وارد و صغیراً و کبیراً کمر در خدمت اش می بندند از آن طرف آقا محمد خان که بر امر مستحضر میشود مهلت نمیدهد که اهالی کرمان تهیه آذوقه و سپاه خود را به بیند فوراً با عده کثیری بطرف کرمان حرکت میکند و تمام نقاط کرمان را از اطراف غارت و شهر کرمان را بمحاصره می اندازد با این حال کرمانی ها شش ماه تمام مقاومت کرده و منتظر فرج بودند از طرف دیگر اذوقه شهر کرمان بالمره تمام میشود کار بجائی میرسد که اهالی کرمان هر چه چهار پا داشته می کشند و سد جوع مینمایند در ماه آخر باندازه برای اهالی سخت می شود که هیمه وچوب الاغ نداشته که گوشت های ذبح کرده خود شان را کباب کنند و رفع گرسنگی خود شان را بنمایند کار که باین اندازه سخت میشود جماعت زیادی از اهالی کرمان جمع میشوند می آیند خدمت لطفعلی خان و عرض میکنند ایحضرتا ما اهالی کرمان تا اندازه که قوه بشر است مقاومت نمودیم و در ایثار جان و مال در راه آن ذات والا کوتاهی نداریم این زمان آذوقه کرمان از همه جهت بالمره تمام شده و چند روز است که اهالی هیمه و چوب گیرشان نمی آید که اگر از اسب و شتر چیزی مانده باشد بکشند و کباب کرده سد جوع نمایند و عنقریب این دیو صفالی که شهر را بمحاصره انداخته بر وضعیت حال مطلع و به شهر حمله مینماید مستحفظین هم از گرسنگی دیگر تاب مقاومت ندارند و ما میدانیم که آغا محمد خان تا بر شهر تسلط یافت به زن مرد صغیر و کبیر ابقاء نخواهد کرد با این حال حاضریم که تمام ما از زیر تیغ این سنگدل بی رحم بیرون رفته و کشته شویم لاکن حاضر نیستیم که به بینیم خدای نخواسته آن وجود والا گرفتار این دلی طبع شود در نهایت عجز و ابرام و التماس زاری متوسل بد امانش شدند که راضی شده شبانه از کرمان خارج شود آن شیر بیشه ایران پس از مهربانی زیاد فرمودند فرزندان من باید در عیش وغم شما شریک باشم باز اهالی کرمان راضی نشدند عاقبت بهزاران عجز و التماس اورا راضی نمودند که از کرمان خارج شود این بود شبانه از برج پائین آمده و سوار براسب (غزال) شده بطرف بم حرکت کردند که از انجا به سیستان بروند —

آقا محمد خان پس از آنکه مستحضر برامر شد که لطفعلی خان خارج شده بکرمان حمله برد اهالی هم چون تاب مقاومت نداشته دروازه ها را بروی آن قسی القلب کشوده بشهر وارد پس از ورود (اینجاست که دل هر ایرانی را بریان و چشمها را گریان میسازد) سه روز اهالی کرمان را به اردو بخشید و قتل عام داد پس از سه روز که متجاوز از سی هزار نفر زن و مرد و بچه و بزرگ کشته و شهید شدند آن قسی القلب حکم کرد که باید ده من چشم از اهالی کنده شود چند روز هم مشغول چشم کندن بودند چون کفایت ده من را نمیکرد تا ده پانزده فرسخی فرستادند و هرکس را دیدند چشم کندند پس از آنکه ده من تمام شد آمد و ایستاد تا درحضور خودش چشم ها را وزن نمایند قریب چهار مثقال کم بود حکم کرد چشم های کلانتر را کشیده بگذارند روی چشمان — اشخاص قدیمی کرمان کورهای آغا محمد خانی را زیاد دیدند و یك عده را هم بطریق گروگان بطرف آذربایجان کوچ داد پس از اینهمه بی رحمی ها حکم میکند سی هزار تومان تاوان اردو کشی را از اهالی کرمان بگیرند اهالی شهری که غارت شده و کشته شده اند و چندین هزار نفر چشم کشیده شده دیگر از کجا دارائی برایشان مانده باین وضع چون کلیه اهالی کرمان اهل رحم و مروت میباشند چند خانواده که حکم خودش از قتل وغارت معاف بودند مخدرات ایشان هرچه جواهرات داشته میدهند چون آن قسی القلب را چشم که بجواهرات افتاد میگوید هنوز هم کرمانی جواهرات دارد باز اذن و حکم غارت میدهد میگوید باید کرمانی باندازه غارت شود که چهار خانه یك کاسه سفالی داشته باشند دو مرتبه لشکریانش دست تطاول دراز میکنند و هرچه می بینند وممکن بوده می بردند و هرچه نمیتوانستند ببرند شکسته و میسوزاندند قراریکه از قدیمی ها شنیده وتعریف میکنند چون اهالی چشم دار کمتر بودند شش ماه کارشان این بود جستجو میکردند از چاه ها وقنات ها نعش زن ودختر می آوردند بیرون ای منتقم حقیقی تو خود انتقام اهالی کرمان را از این خانواده بگیر

پس از فراغت از کرمان بطرف بم رهسپار میشود در ماهان لطف علی خان را چند نفر سیستانی که مستحفظ او گویا بودند گرفته ومیفرستند نزد آقا محمد خان قلم شرم میکند از نگارش سلوك با او همینقدر میگوییم که تاریخ ایران تا موقعی که اسمی از ایران باقی است ازین حرکت قبیح آن قبیح سیرت و بکلر بیگی شهر شیراز خون چکان و لکه دار است نگارنده مقاله در شماره (٤١) شما که کرمانی را ازاشخاص عادی تصور کرده حق دارید چرا چه بردرد دل کرمانی واقف نیستید نمیدانید در کرمان چه ضجه ها ازدست این طایفه باسمان بلند بوده هنوز یتیم زاده های دست این طایفه خیلی دو حالت چرکیمرده میکنند و بعض جویی جیره های دلی و

صدمه هایشان سینه بسینه منتقل شده ، کرمانی پس از ۱۵۰ سال هنوز متوای کرمان مطابق گدایان ۱۵۰ قبل کرمان نیستند از همین کرمان که به نظر نگارنده مقاله قرین ندارد در یکی از ایالات مهم ایران سدی میخواستند به بندند یک دختری مشهور به (آذر ماهان) دو ماه متوالی روزی یک بار طلا و روزی یک بار نقره برای خرج بستن سد داده در صورتیکه هیچ اقتصاد در دارائی اش پیدانشده تاریخ گبر محله کرمان را پیدا کنید و بخوانید به بینید آن سلحشوری که کرمانی ها داشته هیچ ایالت مهمی داشته ؟ کرمانی ذلیل شده دست خانواده قجر است از همان درد های بی درمان دل های کرمانی بود که بعد هم مزیدش شد که مثل شهید ایران (میرزا محمد رضای کرمانی پیدا شد یک هفت تیر پیکر آن سلطان شهوت پرست مستبد مخرب اخلاق ایرانیان (ناصرالدین شاه) را بخاک انداخت کرمان پرورانده هزارها میرزا آقاخان ها و شیخ احمد روحی ها شهداء راه آزادی است بردارید مراسلات این شخص شهید را بخوانید درموقع استبداد کبیر چه داد ها که نزد چه حرف ها که بقلم نیاورده اثبات خارجی بودنشان را نموده هنوز تا دو سال قبل بااینکه آزادی بود مردم میترسیدند که حرفهائی که در موقع استبداد کبیر او گفته بود بزبان آرند

عجالتاً حق دارید لاکن خدا را شاکریم که به قیام ملی آن درخت پوسیده کنده شد در اینجا نگارنده مقاله را مخاطب ساخته عرض می کنم چون در دوره قاجاریه کرمان و کرمانی بیشتر از سایر ایالات از چشم و نظر افتاده بود و یکی هم بواسطه بعد مسافت تا مرکز دراین اوان که بخواست ونیروی پروردگار ملت ایران موفق شد بانتخاب یک پادشاه ملی ـ شاهنشاهی که در این چند ساله اخیر ایران کسب هرگونه افتخار وشرافت خارجی و امنیت و رفاهیت داخلی نموده از پرتو ذات اعلیحضرت پهلوی بوده لاغیر لذا در خاتمه بحضور شان عرضه میدارم ـ

اعلیحضرتا

اهالی کرمان خوار و ذلیل شده دست خانواده قجر میباشند اهالی کرمان پس از ۱۵۰ سال دوره سلطنت قجر بالنسبه سایر ایالات فقیر هستند هنوز اهالی کرمان موفق بتوسعه نمودن راه های ایالت خود شان نشدند کرمان در معارف از سایر ایالات خیلی عقب است کرمان چون دور از مرکز است زیاد تر از سایر ایالات محتاج بمعارف و راه های شوسه است کرمان با لطف توجه مخصوص قابل همه گونه عمران است

اعلیحضرتا

چون کرمان منفور قجر بود از آبادی اش کاسته شده فقط (جیرفت) کرمان دردوره ملمای نی عباس مالیات ابریشم تنهایش چندین صد مقابل کلیه مالیات حالیه ایالت کرمان بود جمعیت جیرفت تخمیناً پنج مقابل جمعیت امروزه تمام ایالت کرمان وبلوچستان بودی

اعلیحضرتا

کرمان و بلوچستان ایالتی است تخمیناً دویست و پنجاه فرسخ طول و یکصد و هشتاد فرسخ عرض غیر ازخمس اراضی دیگر تمامش قابل زراعت وآبادی است ـ اراضی ایالت کرمان و بلوچستان قابل زراعت همه گونه زراعت سرحدی و گرمسیری است بیشتر و زودتر از تمام ایالات ممکن است تمام زراعاتش با ماشین آلات بشود ـ بیك عزم قوی و اراده و حکم آن اعلیحضرت بمدت سه سال توجه کامل آذوقه تمام ایران را میدهد

اعلیحضرتا

امروز که بخواست و نیروی ایزدی خدای متعال اورنگ کیان و تاج ساسانی بوجود آن ذات مفتخر است بر اعلیحضرتت قرض و دین فرض است که رفاهیت حال ما رعایای ایران را بطور تکمیل فراهم فرمائید امروز کلیه اهالی دنیا مسافرت هایشان در هوا با آیرو پلان است حیف است زادکان سیروس اعظم و داریوش کبیر مسافرتشان باهمان وسائط نقلیه موقع بربریت باشد پس از چندین سال آه و زاری مسافران ایران درتابستان در آفتاب سوزان وزمستان درمیان برف و باران که چندین صد هزار نفوس معصومه ایرانی تلف شده و سلاطین بی عاطفه سلف و اولیاء امور جیفه دوست قبلی ازمیان برداشته شدند وبقدرت خداوندی و آن عزم راسخ خیری که در اعلیحضرت موجود بود پدر تاجدار ما رعایا گردید ما سکنه ایران خصوصاً سکنه کرمان چشم داشتمان به الطاف آن اعلیحضرت میباشد ـ امروز در ایران کار درخور اهالی نیست کارخانه جات نیست تمام اینها ممکن است بزودی آماده و مهیا شود در پرتو عزم راسخ همایون تو

(بدون راه آهن آبادی ایران محال است)

اعلیحضرتا شریان مملکت را زودتر براه بینداز همین قسم که در مقابل عزم راسخ خود نظام اجباری را ازمجلس شورای ملی گذراندی به هیئت دولت امر موکد صادر فرما که لایحه راه آهن را بهر وسیله سریعی که ممکن است وخیرمالك وملت منظور باشد تهیه و زودتر از مجلس بگذرانند راه آهن است که خدا داد ایرانی را بوسیله آوردن ماشین آلات معادن استخراج

مینماید راه آهن است که تجارت ما را با تمام دنیا نزدیک میکند راه آهن است که اهالی ایرانرا با ثروت میسازد راه آهن است که احتمال قحطی را از ایران مرتفع مینماید راه آهن است که قوه دولت را در هر محلی که اقتضا باشد تمرکز میدهد راه آهن است که اراضی لم یزرع ایران را آباد مینماید راه آهن است که اعتبار تجار و اهالی ایران را در انظار خارجه زیاد مینماید

اعلیحضرتا

سلاطین قاجار دولت و ملت ایران را مفلس نگاه داشتند وشهرهای آباد ایران را رایگان بخارجه سپردند

اعلیحضرتا

ایران قبل از همه چیز محتاج راه آهن است تا ایران دارای راه آهن نشود فلاحت ، تجارت ایران ترقی نمی کند

آوردن ماشین آلات عراده بوسیله راه آهن بطریق دیگر غیر ممکن راه آهن از تشکیل مالیات ملی و دولتی لازم تر هرچه حساب از جهة احداث راه آهن دولت ایران متحمل شود تلافی مافات را از راه دیگر مینماید

اعلیحضرتا

تا ایران دارای راه آهن نشود اهالی ایران کثرت پیدا نخواهند نمود تا راه آهن در ایران احداث نشود آبادی ایران محال و نقش بر آب است تا ایران دارای راه آهن نشود نصف عمر اهالی ایران بیهوده تلف میشود

در خاتمه از حضرت احدیت بقاء دولت آن اعلیحضرت را درخواست تا از پرتو آن نادر دوران ایران بتواند باسایر دول حیه از هر حیث برابری بنماید

[ب ر - آذر کرمانی]

حبل المتین

§ آه صاحب درد را باشد اثر §

آنچه نگارنده نگاشته همه عین واقع و بدون اغراق و غلو است اهالی کرمان در سلطنت قجر بیش از سائر اهالی ایران صدمه یافته مستوجب است که در دولت پهلوی هم بیشتر طرف توجه گردد کرمان و بلوچستان اگر توجه بیند از همه نقاط ایران زودتر قابل انتفاع اند امیدواریم ذات شاهانه توجه مخصوص درعمران کرمان و نزدیک ساختن آن ایالت وسیعه بمرکز مبذول فرمایند

بقلم یك از تجار محترم مشهد

(انحصار تجارت در شمال ایران از طرف روسها)

اداره جات تجارتی حکومت ساویتی روسیه نه تنها تجارت داخله مملکت خودشانرا مخصوص به حکومت نموده اند بلکه تجارت امتعه و محصولات ایران از قبیل پنبه پشم پوست میش تیماج خشکبار وکتیرا وغیره در شمال ایران بدست روسها افتاده است مثلا اساس قیمت پنبه را در شمال ایران اداره پنبه روس (خلو پسکوم) معین نموده و بقیمت نازلی توسط اداره جات و اتنت های خود که در همه جای شمال ایران تمرکز داده اند ابتیاع می کنند بیچاره زارع ایران امسال که یکمن پنبه را بقیمت یکمن گندم میفروشد لابد سال آینده کسی در خیال کاشتن این محصول پر زحمت نخواهد افتاد و این حاصل مهم صادرات ایران رفته رفته ساقط خواهد شد تجار ایران به چندین سبب نمی توانند خرید پنبه نمایند

۱ - حمل و نقل آن بروسیه بغیر از اوقات بازار مکاره (درنیژنی نوغورود) اشکال دارد (در روسیه پنبه در انحصار حکومت است لهذا کسی بدون اجازه مخصوص حق حمل و نقل و خرید وفروش ندارد)

۲ - ماشین های پنبه پاك کن و عدل بندی را اداره پنبه روس کونترات بسته اجاره نموده است و پنبه تجار ایرانرا ماشین نیست که پاك نموده عدل بندی بکنند که قابل حمل و نقل بشود (البته این کونترات ها را (معاهدات) باید دولت لغو نماید که مضر بحال مملکت است) پشم پوست تیماج میش حملش درروسیه منوط به اجازه (وانش تورغ) کامساریات تجارت خارجی روسیه است روسها توسط اداره جات تجارتی خود از ایران این امتعه را جمع نموده برای فابریکهای خود و یابرای فروش دراروپا حمل میکنند

تجارت اموالیهم که از روسیه وارد به ایران می شود از قبیل قند شکر ، نفت ، منسوجات هم منحصر باداره جات خود روسها است قند شکر را بیشتر از آنکه کارخانجات خودشان بعمل بیاید از ممالك (اوروپا) خریده از روسیه ترانزیت به ایران می آورند [در صورتیکه بایرانیها اجازه نمی دهند اموال ترانزیتی از راه روسیه از خارجه به ایران حمل کنند] لهذا این اموالرا احتکار نموده با هر قیمت که خودشان خواستند به ایرانی می فروشند.

نفت و اجزایش

ما اهمیت ترین مسائلی را که باید دولت ایران توجه نموده و اهمیت بدهد همانا حمل ونقل نفت واجزایش می باشد این رشته تجارت را هم روسیها بسته بمیل و اراده خود نموده و مختص به اداره [آذر نفت] نموده اند بدین نوع که نفت واجزایش در صورتیکه از روسیه قیمت معینی دارد که از آن تجاوز نمی کنند و در بیرزاه بادکوبه بدان قیمت خرید و فروش شود [آذر نفت] در ایران بهرقیمتیکه دلشان میخواهد بفروش می رسانند و چون ورود مال به ایران بسته بمیل خود روسهاست هر وقت [illegible] ترقی کرده واره نموده یك دو تومان ارزانتر [illegible]

ایرانی [هر خرواری] فروخته خود شانرا حامی قفقازها قلم می دهند در صورتیکه چون کسی نیست با ایشان رقابت تجارتی داشته و به ایرانی ها اجازه خریدن و اوردن نفت نمی دهند تقریباً سه برابر قیمت گرانتر می فروشند برای مقایسه قیمت جوهر نفت را با مخارجاتش [مظنه خرید درباد کوبه [قیمت بیژرا] وقیمت فروش سرحد ایران‌را می نویسم ١ ـ جوهر نفت هر پوطی در بادکوبه [بم] یک چرونسه هر خروار [١٨] پوط ده منات ٨٠ کپک ـ ١٠٨ چرونسه ٣ ـ کرایه از باد کوبه تا سرحد ایران [ارتق (روسی) ـ لطف آباد (ایران)] هر پوطی ٤ کپک [با مخارجات] دیگر خرواری ٨ ـ ٤٠ ٨١ ٠ ٠ چرونسه ٣ ـ قیمت شش چلك خالی [ظرفش] هر یکی ٢ منات ٥٠ کپک باکرایه اش [٣ پوط ٣ منات ٣٥ کپك] ١٨ منات ٣٥ ـ کپك ٨٣٥ ١ چرونسه جمع قیمت و مصارفات تا سرحد ایران برای چلك ٣ پوط ١٨ پوط [یك خروار] جوهر نفت ٣ چرونسه ٧ ـ ٢٥ کپك ـ ٢٢٥ ٣ چرونسه در صورتیکه هرشش چلك نفت به سرحد ایران با بمظنه میرزای بادکوبه با مخارجات ٣ چرونسه ٧ ٣٥ کپك تمام می شود با مظنه بانك امروزی هر چرونسه ٤٤ قران می شود ـ ٩٠ ٣ ١٠ شانزده تومان سه قران ٩٠ سانتیم اداره [آذربرس نفت] در مشهد ٩ یکی از تجار ایرانی از قرار هر چلك به ٤٣ قران که شش چلك شش بیست و پنج تومان ٨ قران بوده باشد ـ ٢٥٨ فروخته است که هرگاه مخارجات مانرا وضع کنیم هر چهل هفت قران ٥٢ سانتیم را ـ ٥٢ ٤٧ به چهار ده تومان یکقران ٦٢ سانتیم داده است یعنی تقریباً سه برابر قیمت اصلی مال [ببین تفاوت ره از کجاست تا بکجا]

برای انکه نفت و اجزایش در ایران تنزل نکند آوردن مالرا از روسیه به ایران فقط مخصوص باداره [آذربرس نفت] کرده اند بکسی اجازه نمی دهند مال بیاورد که سهل است خودشان هم بهمان اندازه مصرف هرماه مال می فروشند که در انبار انبارهای تجار ایرانی نفت و اجزایش ذخیره نماند و این یکی از نکات سیاسی این مسئله است مثلا در زمان غائله [غائله بمود در شمال محض اینکه در صورت امکان اتومبیل های دولتی را معطل بگذارند بنزین به ایران وارد نمی کردند تا هر پوطی بنزین در شهر مشهد تادوازده تومان ترقی کرد

تا هرگاه خواسته باشیم که همه راه های ایران اقلا شوسه بکنیم که قابل حرکت اتوموبیل ها و کامیونها باشد (بارکشها) باید این گونه مسائل اقتصادی را با روسیه حل و فصل نمائیم و [illegible] منوال ابداً در ایران حرکت موترها [illegible] نخواهد بود ما باید یا خودمان نفت و اجزائش را داشته باشیم و یا مطمئن باشیم که از خارجه هرساعت میتوانیم بدون اشکال وارد کنیم

یکی از مسائلیکه قابل توجه است مسئله ترانزیت از روسیه گذشته بایران و از ایران گذشته بروسیه است تا شش ماه پیش روسها اجازه می دادند (با گرفتن مبلغ معین گمرك) که باندازه جزوی اموال چین و هند (چای و ادویجات رنگهائی و بیانو) ناکه اموال اروپا قرمز دانه و نیل کمیائی (بیادین) با اجازه کامیساریات تجارتی خارجه روسیه (و ش توزع) از ایران حمل روسیه نمایند این اموال از دزداب وارد ایران شده و از باجگیران با لطف آباد و حمل به ترکستان و روس می شد لیکن الحال قطعاً به کسی اجازه حمل نمی دهند و قدغن ... اداره جات خودشان نموده اند چون عامل تجارت ممالک شرق اقصاء، هند و ترکستان، روس با نقاط دیگر روسیه از قدیم الایام تا حال اکثراً تجار ایران بوده اند لهذا این امر به تجارت تجار ایران سکته بزرگی وارد نموده تجارت چای و ادویجات در ترکستان که مخصوص ایرانیان بود از دست ایشان خارج میکند البته دولت و ملت ایران حق دارند که طلب کنند همان نوعی که تجارتخانه های حکومتی روسیه اموال کارخانه های خود وغیره را از روسیه حمل ایران می کنند تجار ایرانی هم حق داشته باشند اموالیکه بطریق ایران از هندوستان و چین صرفه دار برای ایرانیان است حمل به ترکستان وروس بکنند چون نزدیکترین راه هند و ترکستان الحال از ایران میباشد که اموال تجار ارزانتر از سائر راهها به بازار فروش میرسد دلیل براین مدعا همانا خرید کردن خود تجارتخانه های روس چای و فانیل وغیره در ایران است

همچنین بعضی از اموال است که طریق ایران برای حمل بهندوستان و اروپا صرفه دار است از آنجمله است ابریشم باباف قالی ترکمانی قره قولی وغیره

دولت ایران باید سعی کند که اجناسیکه از خود فابریکهای روسیه بعمل می آید در روسیه و یا اقلا در سرحدات روسها فقط حق داشته باشند به تجار ایران بفروشند نه اینکه خودشان در ایران اداره داشته تجارت در داخله ایران داشته باشند و خورده فروشی در ایران کنند چونکه هرگاه روسها آنچه را که می فروشند در ایران بفروشند و اموالیرا برای فابریک و زاورهای خود می خرند در مرکز

خرید در ایران خرید نمایند دیگر برای تجار ایران کاری نخواهد ماند جز حمالی ایشان باید از این انحصار تجارت بادارهجات خود جلوگیری کرد تا اقلا همان نوع که روسها در ایران آزادانه اداره گذاشته مال خرید و فروش می کنند ایرانیها هم حق داشته باشند همان نوع در روسیه خرید کنند و اموال خودشان را بفروش برسانند .

و دیگر اینکه هرگاه میخواهند روسها اجناس فابریکهای خود را بایران بیاورند اول باید به تجار ایرانی که برای مرکز به روسیه سفارش میدهند از فابریکها به همان قیمت که به اداره های خودشان در ایران مال میدهند مال بفروشند (البته باید اموال از مالیاتیکه در داخله روسیه است آزاد باشد) بعکس روسها امسال در بازار مکاره بایرانی مال نه فروخته که مال حاضر نداریم و در عوض شش ملیون فروش محصولات ایران ایرانی ها بیشتر از یك ملیون نیم منات سفارش (به مال حاضر) نتوانسته اند بدهند و الحال تا به آنکه بانك روس پرس چروانه را نمی خرد این وجوهات در روسیه مانده است و از خرید محصولات امسال هم باندازه تجار ایران بی بهره ماندند در صورتیکه اداره جات تجارتی حکومت روسیه در ایران هر روز مشغول فروش محصولات کارخانجات خود شان بقران ایران هستند و در عوضش محصولات خام ایران را خرید میکنند (پنبه پشم پوست کتیرا)

یکی از بزرگترین سیاست (ایران خفه کن) دولت شوروی روسیه که روسها در ایران معمول داشته اند خرید و فروش چروانه (منات روسی) است که روسها بسته باختیار و میل خودشان نموده بدین طریق که هر وقت خواستند منات را به قران تبدیل می کنند و هر وقت خواستند نمی کنند بدون آنکه توجه بحال تجار ایران داشته باشند عموماً وقت خرید محصولات در ایران (خصوصاً در این سال) از خرید چروانه امتناع می کنند یا تجار ایرانی را سر میدوانند از قرار معلوم ملیونها چروانه الحال در دست تجار ایران مانده است که نمی توانند به بانك فروخته وجه اش را بگیرند البته باید دولت بطور سختی بانك روس را مجبور بکند که هرگاه می خواهد تجارت ایران و روس بروش عادی باشد هر اندازه ایرانی امنات داشته باشند بدون اذیت بمظنه (بورس) یوم که خود شان معین می کنند بخرند روسها بورس منات را معین می کنند لیکن هرگاه کسی ارزانتر هم تکلیف بکند نمی خرند الان مظنه بانك ۴۴ قران ولی در بازار

۳۸ قران چروانه خریدار ندارد دو ماه است روسها از کسی چروانه نخریده اند تجار ایران لا تکلیف مانده نمی دانند چه علاج بکنند

راههای ایران باید اصلاح شود که سهل است هر گاه دولت ایران می خواهد که از این ضیق اقتصادی مملکت را آزاد کند و باید بزودی هم بکند چون بیشتر از این نواقصات فقط از آن است که از شمال بجنوب ایران یك خط راه آهن ندارد که ما را به دریاهای آزاد وصل کند چون روسها الحال خود شانرا در شمال ایران بی رقیب می بینند در روزنامه های ایران در خصوص یك رشته راه آهن که در شرق ایران به دزداب کشیده تا راه آهن هند مربوط شود مذاکره بود البته این راه اهمیت فوق العاده دارد هر گاه این خط راه آهن را ایران می کشید بیشتری از مسائل تجارتی و سیاسی با دولت ساوتی تا حال بنفع ایران حل شده بود البته ما باید در هر قسمت مملکت خود مان راه شوسه داشته باشیم یك خط راه آهن اقلا که شمال ایران را بخلیج فارس وصل بکند داشته باشیم لیکن چون این راه آهن با این ضیق اقتصادی کشیدنش مشکل است همانا ما باید به مسئله کشیدن راه آهن از دزداب گرفته با مشهد اهمیت بدهیم چون این صفحات نسبتاً هموار و صاف است چندان اشکالی ندارد و چون برای تجار دول اروپا هم از اهمیت خالی نیست ممکن است کمك اقتصادی برای کشیدن این راه بکنند هر چند عقیده بنده اینست که پول برای این کار از ایران تهیه شود بهتر است تا از خارجه ـ درخاتمه به اذهان اولیاء امور می رسانم که اسباب زینت در همه جای دنیا به اندازه ممکن متروك شده است و دول متمدنه به اجناس خرازی و زینت مالیات سنگین وضع نموده محدودش کرده اند چون استعمال این اجناس که غیر از رو خانه خرابی چیزی ندارد باید پیش بندی شود مگر در ایران ما که از بدبختی همه اجناس فوق را هم باید از خارجه بخریم متأسفانه تجار بی تعصب خودمان به اندازه بازار ایران را پر از این اجناس بی لزوم نموده اند که مافوق آن متصور نیست معلوم است از مالیاتهای گزاف استعمال این اجناس در اوروپا هر روز کمتر می شود بالعکس در آسیا خصوصاً در ایران ما که اسباب تجمل و زینت هر روز بیشتر استعمال می شود البته دولت ایران باید از ورود این نوع تجملات از قبیل اسباب بزك طورهای همه جوره و غیره خصوصاً از ورود ابریشم عاقی فرنگی جلوگیری بکند این متاع بی دوام بهمان بازار پارچه جات ابریشمی ایران را کساد نموده و بافنده گان پارچه ابریشمی را در ایران خانه خراب گرده است

بیشتر از ورود این پارچه است که کار کارخانجات ما بسته شده است البته باید به همه قسم اسباب زینت و تجملات که باعث خرابی ملک و ملت است گمرکهای ده برابر قیمت بست که ماکه اهالی ایران از این بلیه که نصف دارائی مملکت را به خارجه می ریزند خلاص شوند .

[رمزی]

حبل المتین

(لیس للانسان الا ما سعی)

در معاملات اقتصادی و سیاسی هر اجحاف و زیادتی که بما شود خودمان ذمه داریم یعنی الزام بدیگران نتوانیم داد چه طبیعی است هرکس نفع خویش در آن می بیند و نفع خویش میجوید روسها همان مسلك نفع طلبی خودرا دارند یعنی درهر صورت ممکن شود مالیه خودی و بیگانه را بیك اصول مخصوص قبضه نموده وچپیده والمود میکنند در یك مرکز ملی جمع می شود هرکس باید فکر خویش نماید علاج ایرانیان از سه طریق ممکن است

اول — کوشش در جلوگیری اصول سیاسی — در اینصورت ما محتاج بیك رجال نترس غیر متملق هستیم که بدبختانه امروزه در وطن محبوب ما کمتر دیده می شود چه همه آبستن ایم نزاکت مخصوص هم سکه شعار دیرین مان است یعنی مرعوبیت را نزاکت شناسی نام نهاده ایم و هزاران حقوق ایران باین اصول پامال شده و میشود هنوز ایرانیان میترسند و قومی که بترسد در حفظ حقوق خود عاجز میماند گمان بود که در انقراض قاجاریه و تبدیل سلطنت تجدید نظری در قرار دادها و معاهدات دولتی هم بشود انهم بدبختانه از خوف اینکه مبادا اختلافی پدید آید و در مقصود اصلی خللی واقع گردد صرف نظر شد بعبارت ساده حقوق ملیه قربان شؤنات شخصیه گردید فعلا که کار گذشته وتیر هم از شصت رها شده باید اولیای دولت علیه با دول همجوار مؤدبانه ولی جسورانه حقوق ملی مارا باصول معارضه بالمثل محافظه نمایند اگر در اختیار چنین مسلکی هم بترسند باید گفت (انا لله و انا الیه راجعون)

دوم — علاج عملی است انهم دو شعبه دارد یکی راجع بدولت و دیگر متعلق بملت انچه راجع بدولت است این است که حتی المقدور جدیت نموده شهرهای ایران را بواسطه تسطیح طرق عراده رو ساخته بیکدیگر نزدیك سازد و در هر مقام اصول الاهم فالاهم را از نظر دور نداشته این تصور را از سر بدر کنند که ایران فقط طهران و نواح مازندران است هنوز ذره هم عطف توجه به راههای اهم ایران که میتواند ملت ایرانیه را از ضعف مالیه نجات بدهد توجه نشده هنوز یك راه شوسه بدریای آزاد نداریم هنوز راه شوسه دزداب تا خراسان را قسمی تدارك نموده ایم که مال التجاره بسرعت و سهولت عبور و مرور نماید بدبختانه مسافر از مشهد تا کلکته ۹ روزه میرسد و بست مولتی سی روز باید دولت قبل از همه چیز عراده های شتر کش و اتومبیل های بارکش بقدر لزوم در راه مشهد تا دزداب انداخته تا یك درجه شرق ایران را از چنگال تجارت انحصاری روسها برهاند و همین قسم باید راه شیراز تا بوشهر و کرمان تا عباسی و چاه بهار — و لار تا لنگه و اهواز تا بروجرد عراده رو شود نه اینکه بشرق دست یك اتومبیل را کشان کشان عبور دهیم باید باج راهها را موقوف کرد باید اسباب سهولت فراهم نمود که کرایه ارزان شود باید اساسی برای خرید بنزین خواه روسیه و خواه از اهواز اختیار نمود که بصرفه تجارتی مقرون آید اگه ما میگوئیم دولت بر برخی اشیاء گمرك گذارده آن مبلغ را فقط صرف سهولت وارزانی اداره حمل و نقل نماید هفته گذشته نگاشتیم که ملك الشعرای کنونی انگلستان بیان نموده که تمدن یك ملت و مملکت منوط و مربوط به اداره حمل و نقل آنهاست هر قدر در اداره حمل و نقل سرعت و سهولت وارزانی پیش آید آثار سویلیزیشن آن ملك و ملت بیشتر نمودار میگردد

سوم — انچه متعلق بملت است و تجار محترم ایران وظیفه دارند — ان است که اولا برخی کمپانیهای مختصر برای حمل و نقل تشکیل داده اتوموبیل های بارکش براه انداخته سهولت در امور تجارتی خود بدهند بدبختانه می بینیم همه مگس وار دست بر سر نهاده فریاد زده منتظریم که جمیع کار های ما را دولت منظم نماید دولت هم از بس برای خود کار تراشیده بچیزی که نمی تواند رسید اصلاحات ملك و ملت است این است که امور ملك و ملت ما بدست طبیعت افتاده است

چند ماه قبل در حبل المتین مقاله مراجعه بعنوان افلا تنظرون الابل کیف خلقت نگارش یافته در آن جا از فوائد عراده های شترکش و موزونیت آن برای راه شوسه دزداب تا خراسان نگارش یافته بود و این مسئله با اینکه دارای منافع عمده هست هیچ سرمایه زیادی هم درکار ندارد باز هم قابل توجه تجار محترم دزداب وخراسان واقع نگردید امیدواریم تجار ... های اقای صادق اف واتحادیه وغیره همت نمایند عراده های شترکش را برای دزداب تا مشهد براه اندازند خیلی اسان و کم خرج و پر فائده است اگر تجار محترم ما همت گماشته کمپانی صحیحی ترتیب و

کوشش درکار کردن نفت در شمال مینمودند یعنی از خودمان نفت حاصل می کردیم تا این پایه روسها نمی توانستند اجحاف نمایند خوب است دولت توجه مخصوصی بماه خرم آباد فرموده این طریق که اقصر طرق است و قرار و مدار صحیحی هم در قیمت بنزین برای مصرف داخلی با کمپانی نفت جنوب می دادند او نیز بایکدرجه جلوگیری ازاجحافات روسیان مینمود معلوم است هرچه هست ازقامت ناساز بی اندام خودمان است وجا چه هیچ قصوری ندارند که ما را زیادتر می کنند الغه دولت وملت که رشته امورحیاتیه خود را بدست طبیعت داده و از جهد و کوشش بکنار مانده هرچه برسرش آید باید از خود بداند و از احدی حق شکایت ندارد چه خداوند کریم بزرگترین سر منزل و نعیم را بما داده است - لیس للانسان الا ما سعی -

اوضاع خلیج

تا این [illegible] عصرمشعشع درسرتا سرایران امنیت برقرار گردیده و [illegible] مردم از نعمت آسایش برخوردارند جز این صفحات ساحلی خلیج فارس که هرج و مرج بر قرار و حکم فرماست شداید و مصایب برین صفحات از حد گذشته اگر بخواهیم قتل و سرقتهائیکه دربن سنوات اخیر واقع شده است یکان یکان شرح و بعرض اولیای امور برسانیم ازوظیفه خود خارج میکردیم ما ازین پرده پوشی نموده از خرمن خوشه بر میداریم بنظر اولیای دولت میرسانیم در ایام استبداد هم در جمیع اقطار ایران مثل رعایای این حدود احدی این نمونه ظلم و اجحاف ندیده و نه شنیده در کدام ملت وکدام دولت روا است که مثل جزیه از یك فردی از افراد رعایا هر ساله ۸ تومان پول سرانه و ۱۰ تومان پول امدادی و یك تومان پول مرغی و یك تومان پول برجی و ۲ تومان پول روغن بگیرند در کدام ملیت روا است که رعیت فلك زده از عمر خود چند اصله نخل غرس نماید و بخون دل آبیاری کند و تاب کوله کشیدن آن را بپرورش نماید که پس از صدمات و زحمات چندین ساله اگر عمری بر قرار باشد اکتساب معیشتی از ان نماید هر گاه نخل مرغوب شود شاید ۸ من خرما بیشتر ثمر ندهد هر سال از هر یك اصله یکمن و نیم خرما باسم ده یك میگیرند هر ساله از هر یك اصله دو قران و نیم الی ٤ قرانی باسم دیوان از صاحب نخل میگیرند - مثلا هر کس صد اصله نخل داشته باشد روی هرفته بیشتر از ۶۰۰ من خرما ثمر نمیکند چون دربنادر گرمسیر بواسطه رطوبت و حرارت نخل کم ثمر میشود و شاهد این قول هر کس نادر خلیج فارس آمده تصدیق قول بنده مینماید - حالا باید حساب کرد که صاحب نخل چه مدخولی دارد اول شصت من زکواة فرض لازم است دویم شصت من فلاح حق دارد که خدمت نخل مینماید سوم حکومت هشتاد من باسم ده یك مطالبه دارد چهارم ده من انبار دار حق خود میگیرد پنجم - بیست و پنج تومان الی ۳۰ تومان [illegible] تا یا ساط نخل ثمر داشته یا نداشته باشد دیوان حق خود میگیرد آقای خراص مرغ و پلو و توجیه خود اول حرص بصاحب نخل میسپارد که حق من باید آماده باشد حالا شما فرمائید که بجهة صاحب نخل چه باقی میماند شاید باغ ای حلش نمایند هر گاه دولت ملتفت صفحات جنوب شد و حکومت نظامی در آنجا حکم فرما گردید و هر کس توانست آزادانه حقوق خود را مطالبه نماید آنوقت معلوم میشود که اعراق نگفته ایم امروز کسی قوه حرف زدن ندارد امروز هر کس تا میتواند میسوزد و میسازد تا در وطن مألوف خود زیست نماید وای بر آن وقتیکه تاب اقامت نداشته باشد شب تار پای برهنه باشتی عیال و اطفال [illegible] گرسنه افغان و خیزان راه بیابان پیش میگیرد و داغ حسرت وطن را بر دل خود میگذارد و میرود تا پس از صدمات و زحمات زیاد خودرا ساحلی برساند می توان گفت رعایای این حدود در دهات عمانات و قطر و بحرین و کویت ساکنند اگرچه درراحت ودرتنعم اند مگر رشته حب وطن را از دل خود نگسیخته اند و بچشم حسرت بطرف وطن خود مینگرند در کدام ملت روا است که رعایای بدبخت فلك زده اغلب زمستان بگیاه سبز معیشت خود را میگذرانند باید همیشه مثل غلام زر خرید در امور شیخ یا کلانتر حاضر باشند در کدام ملت روا است که در ایام غرس جو و گندم باید کارندگان شیخ در یك محل جمع شوند و رعایای همان ولایت را حساب نمایند هر چند باشند بفرا ور همان سال تخمین زنند بر هر یك نفری شصت من الی هشتاد من گندم و جو حمل آنها نمایند هر گاه جنس گران باشد رعیت مجبور است در هر قریه که باشد این اجناس حمل نماید و بکارخانه شیخ برساند دیگر مصیبت اینجا است پس از وصول این اجناس وزان ۸ من کسر انبار و ۸ من انبار داری خود میخواهد چه عرض نمایم رعایای این حدود هر گاه زمینی از آبا و اجداد بالها رسیده باشد حاکم همان محل از او میگیرد و بسمری میفروشند و از غمری میگیرد به زیدی میفروشد هرگاه صاحب زمین مطالبه کند که بنده مالك این زمین هستم فوری جواب میدهد که من این ملك از آقای قوام الملك اجاره نموده ایم

بعد گاه راضی نیستید از ملك من خارج شوید امثال این بسیار واقع شده است هرگاه وقت مقتضی باشد و دولت پیروی اثبات این مطالب نماید صاحبان مذهب حاضر اند که اثبات ان مطالب کنند و اگر مشتبه باشد حبل المتین ما را می شناسد ما از باقی حقوق رعایا صرف نظر می کنیم و بحقوق دولت می پردازیم می شنویم و می گویند دولت ایران ضعیف است دولت ایران پول ندارد دولت ایران پول از کجا باید جمع نماید تا مقتدر شود ، ملت داده است و می دهد لاکن این مامورین و این مشایخ و خوانین و یا این مدیران گمرك مفتشین گمرکات خلیج این اموال بیحد و حصر که از این ملت فلك زده می گیرند باید بدولت برسانند تا مقتدر شود و یا درخزانه خود جمع نمایند حقوق دولت را دراین صفحات گرمسیر گماشتگان دولت پایمال نموده اند حاجت به بیان نیست مفتش خلیج فارس (میرزا حیدر) معلوم می شود که در اینجا چه خیانتها بدولت مینماید این جهازاتیکه میگردد معلوم میشود چه قدر وجه از این جهاز ها گرفته و میگیرد از جهاز شیخ عبد الله حمادی که ٧٠٠٠ گرفت چه قدر بدولت رسانید گاهی معلوم شده است که دولت دفتری به مفتش داده باشد که هرگاه از احدی وجهی دریافت نماید قبض رسید بدهد معلوم نیست هرگاه دفتر دارد ظاهر نشده است هرگاه مفتش خائن نبود پس روزیکه جهاز شیخ مذکوررا گرفت چرا آن مراسلات شیخ و عمالش که به تجار قطر و بحرین نوشته بودند که در فلان جهاز چند نقله قند و شکر و چای رسید و در فلان جهاز چقدر قند و شکر و چای بسلامتی رسید و این ١٥٠٠٠ رسید وجه نقد ارسال شده است دریافت نمائید ودر این جهاز اجناس مذبور حمل نماید که انشاء الله بسلامت میرسد از همه حال جهاز اگر صرف نظر کنیم پس چرا این مراسلاتیکه مستمسك بزرگی بود بدولت نرسانید (تا سیه روی شود هر که دراوغش باشد) وبیش ازاین لاف وطن پروری و دولت خواهی نزنند و اعمال قبیحه این چند ساله شان بر دولت واضح میشد و حال خود شان خیلی متشکرند که آقای مفتش منت عظیمی بر دوش ما گذارده است و باید مادام الحیات این احسان را نباید فراموش کرد و بهر نوع باشد مفتش را باید راضی کرد

آیا گاهی مادرسی بدفتر مدیر گمرك شیویه شده است که در این یکماه و یك سال چه دخل بدولت رسانیده باشد و یا از اجناس قاچاق چیزی در دفتر آن ذکر شده است خیر و یا گاهی مفتش از مدیر گمرك سؤال نموده است که جهاز هائیکه اهل محل دارند بچه جهة و بچه حاجت نگاه داشته اند مگر نه عمل جهاز آنست که حمالی ببرد و حمالی بیاورد پس از این ایاب و ذهاب چه نتیجه از دفتر مدیر گمرك حاصل نموده است ـ دولت چه میداند که پس از انحصار قند و شکر و چای (٢٥٠٠) نقله از از اجناس قاچاق در اینجا پیاده شده است و دولت چه میداند که شیخ و مدیر مفتش و تاجر و ناخدا باهم ساخته اند این مال بی صاحب را برادروار باهم تقسیم می نمایند دولت چه میداند که مفتش بیشتر از یك دفعه درهر برج دراین بنادر جزگشت و گذار نمی کند در آن سفر بیشتر از تو جیبی خود تحصیل نمی کند دولت چه میداند پس از رفتن مفتش دراین ایام باقی برج و یا شهر چند جهاز وارد میشود و در این بنادر اجناس قاچاق پیاده می نمایند مردم این عمل حساب در دست دارند و یا ناخدای جهاز تقرب کرده اند که چه روزی باید وارد شوند حین ورود جهاز مأمور شیخ حاضر است فوری امر می نماید هر کس اذوقه خود را بردارد و برود حمال جهاز را پیاده نماید هر چند حمال در جهاز باشد سه یك ساعت از جهاز پیاده می نماید بدبختی اینجا است گاه گاهی می شود که مدیر گمرك از مفتش احقاق حق خود را می نماید و می گوید گمرك شیویه تکافوی معاش مدیر و تفنگچی نمی نماید باید از لنگه معاش ما را برساند بلی این قدر سیاست بکار برده اند و بجمیع رعایای کاهندی سپرده اند که هرگاه احدی غریبی از شما جویای قند و چای بشود جواب بدهید که ما مدت چند سال است که این اجناس را ندیده و بو نشناسیم بنده خودم بعنوان سیاحت بآنجا وارد شدم در مدت ٣ روز از هر کس یك وقه قند و قیاسی چای جویا شدم هیچکس بخود راه نداد همه شان جواب میدادند که با با ما قند و چای نمی شناسیم آخر الامر مأیوس از کاهندی خارج شدم و بجهة شیویه رهسپار گردیدم در اثنا راه با یکی از اهل کاهندی موافق شدم پس از چند دقیقه که با اتفاق همدیگر راه پیمودیم صحبت از این جهات درمیان آوردم و از او سؤال نمودم که این ولایت شما مگر تجارت ندارد که اجناس خارجه جلب نماید جواب داد که از کجا بر شما معلوم شده است گفتم از اینرو که من ٣ روز در ولایت کاهندی یك وقه قند جویا شدم آخر نیافتم لذا جواب داد که این قبیل اجناس بر شما و امثال شما مخفی میدارند و شما و امثال شما را جاسوس می پندارند حکومت محلی حکم نموده است که کسی از این اجناس بر شما و امثال شما نفروشد ورنه دیروز که شما در خانه [عبد الرحمن حاجی علی] تشریف بودید او خود

یك تاجر بزرگیست و عامل شیخ مذکور خان است میتوان گفت که در آنخانه از کدام انگلیس قند و شکرهای بیشتر باشد چون پرده از روی کار برداشته شد آن رفیق در آن راه نالید مرا ملول شد دیگر جویا شدم که احوال مشایخ با رعایا چه نوع است جواب داد که علاوه بر آنچه در فوق ذکر شده مجملا عرض میدارم حال ما اینست که هر چه خدمت نمائیم و هرچند تومان که جمع شود باید به شیخ بدهیم و معیشت خودمان را از خرما و ماهی و گیاه سبز بگذرانیم آخر در این سیاحت آنچه مسا کنج کاوی نمودیم چیزیکه برما آشکار شد همان بود که حقوق دولت ضایع است و پس در این صورت دولت بچه نوع مقتدر میشود باید بقول حبل المتین اعلیحضرت پهلوی عمل کیمیاگری یا دست غیبی داشته باشد که از زیر سجاده اش پول بیرون بیاورد که باحدی محتاج نگردد و مملکت ایران را منظم نماید ورنه از این امر و یا دعا صحیح العمل بر نمی آید که یك مملکتی مثل ایران را منظم نماید باید جمیعاً متفق الکلمه دست اخوت بهم داده و اعمال شخصی خود را کناره گذارند هر کس از هر جا از هر ناحیه بر ترقی مملکت خود شان بکوشند تا به شاه راه سعادت برسند — بنده بخاطر دارم یك روزی از بندر لنگه بعزم بوشهر در جهاز بخاری سوار شدم هنگام شب که جهاز دریا میپیمود بمنزل خود نشسته و سر بدامن تفکر فرو برده و در خیال لنگه و اهل لنگه بودم که این زندگانی که اینها دارند و بچه نوع باید عمر خود را صرف نمایند در این فکر بودم و خیالها می بافتم تا اینکه شخصیکه پهلوی من بود از احوال و نگرانی من ملتفت شد و بزبان عربی از من پرسید که خیر باشد چه حادثهٔ بشما رخ داده است که شمارا افسرده خاطر می بینم و خیلی الحاح کرد که مطلب را از من دریافت نماید منهم چون دانستم که از جنس من نیست بنوع دیگر پرداختم و از دل تنگی و بی کسی خود باو اظهار کردم آخر آن شخص مهربان بامن یار و یاور گردید و آن اندوه را از سینه من زدود فردای همان شب وارد بحرین شدیم همینکه جهاز وارد لنگرگاه شد دکتر دولت بریطانیه در یك لانچ مخصوص وارد و سوار جهاز شد پس از آنکه بر وظیفه خود پرداخت و خواست از جهاز پیاده شود گویا حکیم از سابق باین دوست من آشنائی داشته بودند این دوست مهربان خواست یکقفسی که تقریبا دو صد سیب در آن بود بعنوان هدیه بحکیم بدهد آن شخص دولت خواه هدیه را قبول ننمود و جواب داد که اگر مائلید که این چند دانه سیب را بمن بدهید اول باید ببرید در اداره گمرکخانه هرگاه اداره گمرك حق الحکومت را ازان دریافت نمود آنوقت اگر بجهة من بیاورید قبول می نمایم ورنه من شرافت خودم نزد دولتم بمال نمی فروشم و سکه اطلاعش خودروا نمی دارم برعکس ما ایرانیان نجیب شش هزار ساله هرکس از هر جهة بقدر امکان خود حقوق دولت را پایمال نموده و صرف عیاشی خود می نمائیم و می گوئیم دولت ما ضعیف است دولت ما پول نه دارد تا مملکت را انتظام دهد — در خاتمه از اولیاء امور مملکت عموما و از دولت پهلوی خصوصا ملتمسیم که عطف توجهی باین محال گرمسیر بفرمایند و مارا از نعمت خدا داد مثل برادران خوزستانی و کردستانی و آذربایجانی که از زیر چنگال دیو منشان نجاتشان دادند ماهم ازان نعمت بهره یابیم آخر ماهم ایرانی هستیم و در همه نکبت و فلاکت ایرانیان سهیم پس چرا باید که ازین نعمت آزادی بی بهره باشیم

مقایسه بلدیه بندر پهلوی با معارف آن

ترقی بلدیه اینسامان برای اینست که تمام متعدی مگر آن شده تا بدین پایه رسانیدند اما !

رئیس معارف اینمحل تاوقتیکه به مشورت هیئت معارف و کمیسیون اداری کار میکرده همه گونه مساعدت مشاهده میشد در هر قسمت گوی سبقت را ربوده بودند همینکه یکه تازی را پیش پای خود گذاشت چون یکنفر کم سواد بیش نبود معارف را خراب و مدارس را ویران ساخت امروزه همسایه شمالی ماموقع را مغتنم شمرده بحدی مدرسه خودرا مرتب و معارفشانرا توسعه داده که عنقریب بمرکز ایران نیز سرایت بکند تاوقتیکه قدر و قابلیت را در نظر داشت جوانان تحصیل کرده متوسطه بومی درقسمت معارفی باشخص معهود شرکت داشتند و بدلگرمی مشغول کار بوده و متعدداً وظایف مرجوعه و غیر مرجوعه انجام میدادند همینکه نظریات شخصی را بمیان آورد آن جوانان بعضی از شغل کناره و بعضی درصدد اند که استعفاء دهند مدرسه و معارف خراب و ویران بجای کلاس درس اطاق رشوه بمیان آمد تمام محصلین ایرانی بسمت مدرسه روسی رهسپارشده بعضی در مکتب خانه های سرگذر ویلان عمر خود را به بطالت میگذرانند همان طور که هیئت دولت در اثر شکایات اهالی دکتر محمد خان را که مدت سه سال متوالی خرابی و اذیت به اهالی اینسامان میرساند بمرکز جلب و جناب دکتر عبدالله خان احمدیه (پندار) را که سابقه درخشانی داشته جهة جبران خرابیهای مشار الیه بدین سمت فرستادند تمنامندیم که صحنه معارف راهم بقدوم شخص قابلی مزین فرموده تا الی صد هزار تومان حیف و

میل نمود و مدارس عالی را بچشم خود به بیند البته در این قسمت نماینده محترم بندر پهلوی (اقای کی استوان) نیز با من گوشه خریده هم صدا شده ومدیران جرایدرا بامداد طلبیده تا ملکه بتوانیم از حضیض مذلت جهل برهیم درخاتمه ازاعلیحضرت پهلوی تمنا مندیم که نظر مرحمتی بمعارف ایران کرده ضمناً کلاس ... و مدارس سیاسی متعدده را هم فراموش نفرموده تا دارای یك عده جوانان صنعتی مهارشده بتوانیم در ردیف ملل جهه زندگانی نموده بقدرا ازریم و هم چنین به اقای سرتیپ فضل الله خان که خدمات شایانی در نوبت خود بایران کرده ستایش شود حضه شخص مشار الیه نظر یاتی به معارف گیلان خصوص پهلوی داشته وزحمات جوانان تحصیل کرده را بی اثر نگذاشته بهر کدام شغلی بر فراخور حالشان محول فرمایند .

[نوشته جریده پهلوی]

اوضاع دیلم

(۱) در اثر شکایات متواتره اهالی میرزا قاسم مدیر سابق گمرك که سویه شکایاتش در جراید ثبت است در ۲۰ ابان ماه به بوشهر احضار و شاه زاده ابو تراب میرزا به جای ایشان منصوب مدیر حالیه جوانی تحصیلکرده و با وجودیکه تازه داخل خدمت دولت شده درانجام وظیفه باکمال خوشروئی با مردم رفتار می نمایند تا حال از ایشان رضایت دارند .

(۲) اقای نایب عبدالله خان رئیس ساخلوی و رئیس اجرائیات گمرکات بنادر شمالی بوشهر که سابقه خدمات ایشان بر همه واضح است اسایش عمومی را فراهم اورده عجالتاً به کناوه وحیات داود رفته که بقیه اسلحه را اخذ نماید حیدر خان بندر ریگی در صدد بر آمده تحریکات برضد وی می نماید سابقهٔ سرسختی حیدرخان واضح است امیدست اولیاً امور توجهی به اعمال خوانین این صفحات نمایند

(۳) چندی است امورات پستی به تلگرافخانه محول تا بحال مردم راضی و شکایتی ندارند .

(٤) مالیه دیلم در اجاره اقاخان لیراویست که از اول سال اجاره کرده خیال می کند تمام مالیه وراحتی مردم را نیز اجاره نموده است مشغول تجاوزات و اخذ مالیاتهای غیر معموله میباشد و وزارت مالیه ابداً از دریافت این قسم مالیات ها مطلع نیست و اخیراً که مردم در اثر اعلامیه اعلیحضرت پهلوی بحقوق خودشان پوبرده و برای اداء کردن وجوه نا مشروع که به اسم مالیات میگیرد ارائه سواد حکم دولتی را از او تقاضا کرده اند بوسیله اداره مالیه بوشهر یکنفر نظامی تقاضا کرده بو باو داده شده که مقاصدش را توسط مامور نظامی اجراء نماید .

ولی اداره ساخلوی بی به مقاصد فاسده او برده در صدد بعضی اصلاحات برای اخذ مالیات است .

اقا خان مباشر مزور برعایا وزارعین رنجبر رعایت نه کرده در عوض خشك سالی و تخفیف در اداء مالیات امساله اعلام کرده که از هر فرد زراعتی بوزن تبریز ٤٠ من جو و گندم بر مالیات معموله بیفزاید می خواهد از قوه مباشری سوء استفاده کرده سر خرمن زور یا برشوه دادن به مالیه بوشهر این جز را از رعایا دریافت دارند .

تأسف

§ هر انکس کان دراین دنیای دون بنهاد پای خود §
§ بخوان رنج ومحنت یك دو روزی میهمان آمد §

خبر اسف آور رحلت آن فیلسوف یگانه و مستشرق فرزانه مستر ادوارد براون که سالیان دراز در دار العلم کمبرج پروفسور در السنه عربی وفارسی بود قلوب جمیع معارف خواهان ایرانی را متأثر خواهد داشت آری آن ستاره فیروزئی که در آسمان ادبیات فارسی طالع و فضای آن را منور می ساخت اکنون افول کرده است خدمتی بزرگ و کمکی سترك که این راد مرد درمیدان ادبیات ایران نموده فراموش نشدنی است فقدان آن صاحب قلم نامی که محبوب القلوب عامه و متصف بصفات حمیده بود بسا حزن انگیز است در سنه ۱۸۸۰ع در سن ۱۸ سالگی پای تحصیل زبان فارسی را نهاد و در اثر زحمات کثیره و مجاهدات وافیه بحد اکمل رسانید و گوی سبقت از دیگران ربود . این پروفسور مشهور در عرصه حیات خودش ادبیات فارسی را باستحضار اروپائیان رسانید و چنان شوق و ذوق بکار برد که بعضی کتب فارسی را که فقط در کتابخانهای عمومی یا خصوصی اروپ یافت میشد بمنصهٔ شهود آورد تألیفات و ترجمهای انفاضل یگانه که درایت و ذکاوت خود ظاهر ساخته باعث حیرت و تعجب قارئین آنها گشته است در سنه ۱۸۸۸ - ۱۸۸۷ع مسافرت در ایران کرده وبقلم بلاغت فرجام حالت آن سفر را با تأثیرات شخصیه با وصف و رسوم و عادات ایرانیان نگاشته است بعض کتب من جمله تاریخ جدید باب تاریخ طبرستان چهار مقاله نظامی عروضی بزبان انکلیسی ترجمه کرده است و مقدمات و فاتحات هم نوشته که دال بر آن اند که یدطولای در زبان فارسی داشت درخصوص انقلاب ایران و مطبوعات و شعر جدید ایران دو کتاب تالیف کرده است باید مقام ارجمند بان چهار جلد داد که در باره ادبیات فارسی از قدیم الایام الی الان با کمال فصاحت سخن می راند و نام نیك بطریق برجسته برای

آن مؤلف بیاد گار می گذارد درد او دریغا که آن فیلسوف بزودی این دارفانی را وداع نمود و الا باز هم استفاده های مهمی از فقید مزبور تحصیل میشد اگر بخواهم کاملا شرح خدماتیکه آن فیلسوف شهیر فرمود بیان کنم قلم از تعریف آن عاجز و قاصر است و برشته تحریر نمی گنجد در خاتمه این مقاله مختصر خود را به قطعه معروف شیخ سعدی علیه الرحمة بانجام میرسانم -

§ سعدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز §
§ مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند §

[کشیش گارگین کاپیای ارامنه کلکته]

حبل المتین

هر کس آشنا به ادبیات ایران باشد از رحلت فیلسوف شهیر و مستشرق معروف خواه مخواه متأثر میگردد، ایرانیان قدردان در ازاء خدمات این فیلسوف بزرگ هرچه به دانید کم کرده اند خدمات این فقید بزرگ علاوه بر اینکه خیلی ذیقیمت بوده خیلی هم با خلوص و نیت پاک و محبت قلبی دیده می شود جای دارد که ایرانیان یادگار مهمی از این خدمت گذار صادق خود قائم و بر قرار دارند تا این قدردانی آنان مزید تشویق سایر مستشرقین بخدمات ایران بنمایند -

جشن تاج گذاری

(اعلیحضرت پهلوی در مصر)

روز چهار شنبه ١٦ دسامبر بعد از ظهر از طرف وزیر مختار دولت علیه ایران اقا میرزا غفار خان جلال مجلس پذیرائی که مرکب از وزراء و سفراء و درباریان و علماء و اعیان و ایرانیان مصر بود مهیا و در طالار بزرگ « کونتی نانتال هوتل » که با بیرقهای ایرانی و صورت اعلیحضرت مزین بود بعد از صرف چای و شیرینی سرود ملی ایران نواخته همه سرپا ایستاده دست زنان ابراز مسرت دادند متوالی آن آقای وزیرمختار نطقی در زبان انگلیسی ایراد که ترجمه آن ذیلا نگارش یافته است وترجمه عربی ان را هم آقای مهدی بك مشکی بحضار قرائت کرده سپس حاضرین نزد وزیر مختار آمده تبریك گفتند و به سرود ملی مصری مجلس باختتام آمد سادگی و حقیقت گوئی نطق اقای وزیر مختار مورد تمجید و تحسین همه شد

این نکته را هم باید ملتفت شد که حصهٔ ازمدعوین اروپائیها بودند که بزبان فارسی و عربی آشنائی نه داشتند و نیز غالب حضار مصری نیز آشنا بزبان انگلیسی بودند بهمین مناسبت بودی که وزیرمختار نطق خود را در انگلیسی داد - نکته مهم این بود که امروزه حساسین مصر طالب سادگی وحقیقت گوئی اند اغراقات شاعرانه را نمی پسندند از اینرو بیانات ساده عالی از اغراق وزیر مختار در قلوب حاضرین اثرات نیك بخشود ، عده حضار از صد متجاوز بود

متوالی پذیرائی شب ٢٣ دسامبر شام مفصلی بمناسبت جشن تاجگذاری داده شد که دران رئیس الوزراء با غالب وزراء و سفراء خارجه با اعضای سفارتخانها وخانمشان و کمیسر عالی انگلیس « لوردجورج لائد » و خانمش حاضر بودند عده مدعوین پنجاه نفربودند درپایان شام وزیرمختار بعد از تشکر ازحضارکه درچنان موقع مهم خوشی برای ایران مشارکت کرده اند بسلامتی پادشاه مصر تکلیف نوش شربت نمود و رئیس الوزراء مصرهم پس ازجواب تشکرسلامتی اعلیحضرت رضا شاه تکلیف نوشیدن شربت کرد و بخوشی وشکوه مجلس ختم شد

این شرح مهمانی را جراید محلی مفصلا نگاشته عکس مجمع را هم روز نامه مصور مصری طبع نموده

صورت مدعوین در شام شب پنجشنبه
(٢٤ دسامبر ١٩٢٥ بمناسبت تاج گذاری اعلیحضرت)
(رضا شاه پهلوی)

جناب احمد زیور پاشاه رئیس الوزراء مصر -
جناب لورد ژوژ لوید کمیسر عالی انگلیس با خانمش -
جناب محمد توفیق نسیم پاشا رئیس کابینه اعلیحضرت ملك مصر -
جناب سعید ذو الفقار پاشا رئیس تشریفات دربار
جناب احمد حسین بك معاون ریاست تشریفات دربار -
جناب صالح پاشا آجودان اعلیحضرت ملك مصر -
جناب محمد نقیب پاشا رئیس خلوت سلطنتی -
جناب محمد توفیق رفعت پاشا وزیر اوقاف -
جناب حلمی عیسی پاشا وزیر مواصلات -
جناب علی ماهر پاشا وزیر علوم

مامورین سیاسی دول خارجه

وزیر مختار فرانسه — جناب مسیو هانری کایارو با خانمشان
وزیر مختار هریك — مسیو دکتر مرتن رئیس با خانمشان
وزیرمختار یونان — مسیو ساکتوریس با خانمشان
وزیر مختار ایطالی — کنت کاسیادو و دختر هایش -
وزیر مختار هولاند — جناب مسیودان دوگوز با خانمشان
وزیر مختار برازیل — جناب پارش بی متل با خانمشان
شاژردافیر چك داراموسکی — مسیو شوربان با خانمشان

وزیر مختار بلجیك ــ جناب مسیو دور
وزیر مختار اسپن ــ جناب مسیو والین
اعضاء دیگر سفارت خانها با خانمها یشان
دو نفر ادوکان جناب کمیسر عالی انگلیس
معاون وزارت امور خارجه مصر
مدیر کل وزارت امور خارجه مصر
جناب میرزا فرج‌الله خان مستنصر سارزدافر سابق
آقای لیلا مهری بك رفیع مشکی رئیس اطاق تجارتی ایرانیان
اعضای سفارت ایران در مصر

ترجمه نطق وزیر مختار

علماء و آقایان ــ خیلی متشکرم که قدم رنجه فرموده امروز باینجا آمده اید که در جشن آثار تاریخ نوی در ایران یعنی تاج گذاری اعلیحضرت شاهنشاهی رضا شاه پهلوی با ما شراکت نمائید

آقایان ــ ایران مدتها بود مبتلای ضعف شده بود بطوریکه خیر خواهان را بحال یأس انداخته بود، در یك انکه، که دوست و دشمن شراکت داشتند این بود که ضعف و فقدان قوه خود دائی ایران بدرجه رسیده که هیچ امیدی برای علاج نگذاشته

در چنین حال یأس و نا امیدی بود که گردش آسمانی که همیشه بداد ایران در تاریك ترین اوقات تاریخش رسیده و ازمهالك نجاتش داده باز دیگربار بازی خودرا تکرار کرده و وجودیرا که ایران لازم داشت برانگیخت تا دردهای اورا علاج و ایران را از مهالك نجات دهد

رضا خان با همه اشکالات که ازهرطرف ایشان را احاطه کرده بود با عزم راسخ و رای روشن و ذکاوت فوق‌العاده شخصی خود در مدت سه چهار سال گذشته، ضعف ایران را بدل بقدرت و بی تکلفی و تذبذب ایران را بقوام و استحکام آورد اغتشاشات را بدل بانتظام کرد و بجای شورش و خودسری در سراسر ایران امنیت و انقیاد بر قرار نمود

بعد ازانکه زمینه را برای نقشه های عالی تری حاضر کرد بکشف ثروت های بزرگ و طبیعی ایران و اتساع دائره تجارت و اقتصاد ایران را وجه همت فرموده اند و سعی دارند بایجاد راه آهن و هر وسایل ممکنه روابط مادی ایران را با ممالك دور و نزدیك مستحکم نماید و مقامی که شایسته تاریخ گذشته ایرانست برای ایران مسلم سازد تا ایران بتواند بطور سابقه شراکت در برقراری صلح و ازدیاد ترقیات در شرق وسطی بعمل بیاورد

آقایان ــ ایرانیان با صلت طبیعی که از سرعت التفات بمقتضیات وقت دارند نه هیچ تأنی در قدردانی خدمات بزرگ این شخص بزرگ که بایران کرده و میکنند نشان دادند و نه هیچ تردید در مماشات با مقتضیات وقت

محض آنکه باین شخص بزرگ قدرت مطلق و وسعت میدان بدهند تا بتواند فعالیت فوق‌العاده خودرا بجلوه ظهور آورده و مأموریت آسمانی خود را انجام بدهد در شنبه گذشته بوسیله مجلس موسسان خودشان ایشان را سلطان مشروطه خود انتخاب کردند

آقایان ــ در اینموقع که برای جشن و شادمانی چنین واقعه بزرگ خوشی اینجا جمع شده اید یقین دارم که همه شما در خواستن تائیدات آسمانی این شخص فوق‌العاده بامن یك قلب و یك زبان هستند (صدای همزبانی همه) و همچنین یقین دارم که علمای اعلام که شرف حضور دارند ایشان را بادعیه خیریه و انفاس قدسیه خود مستحضر میدارند (صدای دعای علما)

آقایان ــ از آسمان ایران و مصر در قرون تاریك و آغاز تاریخ عالم واشعه تمدن همیشه عالم را روشن میکرد و در راه ترقیات نی نوع انسان ملت ایران ومصر باهم قدم میزدند امیدوارم که در این قرن روشن هم از موافقت در تولید اتحاد و تنویر افکار و ترقیات در عالم اسلام خودداری نخواهند کرد

حسن نیات و مساعی مقدسه که در پیشرفت این مقصود تا حال از طرف اعلیحضرت ملك فواد که همه تحت محبت شان در تمام مندوب راسخ و مستحکم است مشاهده شده هر قسم امیدواری در معاینه این مقاصد مقدسه برای همه می دهد

از خوزستان

(اولیای دولت علیه مداقه فرمایند)

با وصف آنکه مدتی است از خبر نگاری اجتناب میکنم زیرا خبر نگاری گرچه اصل شریف و مطلوبی است و مرتبه و مقام خبر نگاران بیغرض صادق در دول عالم بغایت محترم است خبر نگاری علت تعالی و ترقی یك قوم ملت اسباب سعادت جامعه بالا خره شخص خبر نگار بیغرض که قصدش برانگیختن حس قومیت و ملیت باشد و مرام وی برهم زدن اساس ظلم و تعدی مالش ضعیف نمودن قوای اشرافیت برای تساوی حقوق مارش روشن نمودن افکار منجمده بوسیده که در مغزهای خائنین مملکت جاکرده نهایت مستحسن خواهد بود و چون امروزه در مملکت ما حق و باطل تزوج ظلم عدالت مشابه راستی و دروغ گوی صحت عمل و خیانت کلا وکلا بهم ممزوج گردیده تمیز دهنده دو چار مشکلات و خبر دهنده مورد سب و بعض نوبجا و تهدید خواهد بود معهذا حس وطن پرستی و

حق گوئی فقط برای طرفداری از مظلوم و قطع ریشه حرص و طمع که محرك و مقوی ظلم و بدعت است با اتکاء بذات قادر متعال و اطمینان بصحت قول و بی غرضی خود به اخبار ذیل که تفصیل و تشریح آن مجلات علاحده لازم دارد مبادرت مینمائیم تا هرگونه لبنتی که درمقاله خبریه من ماشخاص داده میشود اگر ناپسند و میشوم است رویه عکس آنرا اتخاذ و خود را صحت و دیانت واقعی عادت و ملکه داده و با ... نود تهیه سعادت و شرافت و نیك نامی کنند و شك نیست که این مقاله برای تمهید و نائل آسایش بندگان خدا وتمدید امنیت حقیقی و رفاه واقعی مردم که مقصود ومکنون دیرینهٔ ضمیر پاك شخص اول مملکت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی است بوده نه خدای نخواسته خود غرضی چنانچه متصدیان امروزه حکام امور خوزستان بلکه غالب ایران چنین تصور کرده اند که نامنوز مجهایند عدم امنیت وسلب لمنت اطلاق به دزدی سرگردنه‌ها قتل وغارت وهتك نوامیس علنا و حبس و شکنجه و چه و چه که در عهد استبداد بوده میباشد خیر مقصود امنیت حقیقی اینها نیست در آغاز امر عرض میکنیم اولا تاریخ ایران بما مجسم مینماید که اساس قومیت و ملیت ایرانی و شالوده پیشرفت زمام داران قدیمه این مملکت بر راستی و راست گوئی و مدار پیشرفت آنها بدیانت بوده چنانچه تاکنون آثار قدیمه حتی در احجاریه قصور و آثار قبور نیاکان پاك مابخط میخی فرس قدیم که خط معموله آن زمان بوده ظاهر است که سلاطین ایران بعد از اداء شکر الهی وافتخار بابهت سلطنت وتوسعه خاك ایران وخورسندی از فتوحاتی که اصاب آنها میشده درضمن نطق خود برای اندرز و پند و سرمشق اخلاف میفرمودند خدا این مملکت را بماداده خدایا مملکت مارا از کذب و دروغ حفظ فرما معلوم میشود که اساس قدرت آنها بر راستی بوده در هر ملتی که راستی و راستگوئی حکمفرما نباشد و راستی را شیوه و شعار خود قرارندهند هر ملتی که اقویای آن تصادم حقوق و مردم آزاری را ... لباس عدالت اسباب دخل و تجمل و تعیش خود قراردهند عال است که آن ملت به حیات شرافت مندانه نائل و برخوردارشوند و همینطور مایه مزیت ملل ودول حیه امروزه بر راستی است دول مقتدر امروزه دیانت را برای مدار امور و بقاء ملیت خود اصل مهم قرار داده وکذب و پالتیك را که ضد راستی است برای بکار بردن درحفظ استقلال خود و اضمحلال دشمنان حربه بزرگ خود دانسته نسبت بدولت و ملت خود راست و صحیح و نسبت به رقیب ملك و ملت خود طریقه کذب و دوروئی را اتخاذ مینماید

چه شده است که ما اولاد پارسیان کیث جهلو و غیر در کذب مساوی هستیم چرا ... قدر بعالم تمدن نزدیك تر به حرص و طمع و احتیاجات شخصی بر ... نزدیکتر میشویم اگر ایـن را امر الصادق دربارهٔ امروزه اقویا مشاهده کنیم حس مروت وعدالت وراستی در قطعه خوزستان که ما با چشم می بینیم ابداً یافت نخواهد شد

§ تو خود حدیث مفصل بخوان ازاین مجمل §

ان مع العسر یسرا

قوای قویـه و آلات ناریه و ادوات حربیه متراکمه موجـوده که در این قرن بتمام که بعضی او را قـرن تمـدن میدانند وعقلای هر مملکت قرن منحوس میدانند اهالی غرب مهیا و حاضر کرده و باز هم مترصد از دیاد و تکثیر قوای مذکوره هستند ظاهراً برای هیچ عاقلی شبه و تردید نباشد که اجتماع این قوی مثل اجتماع یك انبار بزرگ هیزم است که در بیابان و سیعی ریخته و مستعد از برای سوختن باشد فقط چند بوتـه خار و یك دانه کبریت کسردارد از آنجائیکه زود یادم طبیعت بمعاونت قوه برقیه چون بهای خشك بلامانع را محترق و مشتعل خواهد نمود پیش بینان جماعت بشری چنین تصورمیکنند که از تاریخ انعقاد حکومت مایه در شرق آفتاب ترقی و سعادت آنان طلوع نموده مندرجهٔ مملکت را روشن و گلخن را گلشن خـواهد نمود و برعکس ترقیات محیرالعقول اهالی غرب بحدکمال رسیده ترقی اسلامیان مستلزم تنزل اروپائیان است

ثروت خداداد ومعادنیکه داشتند بعضی تمام شده وبعضی دیگر او بتقلیل و تضعیف است قوای ناریه آنها شدید مشرف به احتراق و اشتعال است

امروز ازبکاء ناجی ایران یعنی اعلیحضرت پهلوی تمنا مندیم که هرچه زود ترملت نجیب باستانی ایران را از ثروت خداداد شان بهره‌مند نموده تاخود را در ردیف ملل حیه غـرب شمرده جاده آهـن کـارخانه صنعتی بحریه الحمد لله که ثروت خداداد قسمت شمال و جنوب ایران کفاف هرسه قسمت را نموده ومینماید ماطبیعی مذهب نیستیم خدارا شکر میکنیم و افتخار میدانیم که مسلمان و از منتظرین حضرت حجه ابن الحسن هستیم ولی لازم میدانیم تجربیات عالم وجود بشری و سرگذشتهای تاریخی را بنظر اورده ملتفت و متنبه گردیم که در دنیا تا امروز ندیدیم و نشنیدیم چیزی از طبیعت جلوگیری کرده باشد و از محور هویت و حیثیت خود خارج شده باشد طبیعت قـوای ناریه غربیان فقط سوختن و سوزاندن است و بی غرض ما از شرح این مقدمه و اطاله کلام ذکری است که

برادران وطن ما که همیشه مترنم این آیهٔ یاس بگوش آنها میخواندند بدانند و آگاه باشند که عالم اسلام عموماً و خاک مقدس ایران خصوصاً باین درجه هلوک و مفلس نیست در صورتیکه اجزاء مخالف و مباین نباشند عناصر صالحه ایرانی مثل اعلیحضرت پهلوی و حضرات امراء لشکر و صاحب منصبان رشید که عقیده و مذهب در سیر یک سلوک درتحت لوای یک طریقه مستقیمه و یک شریعت ناجیه بوده و هستند و هر راهی را که محل ترقی وسعادت خود بدانند ومیتوانند بزودی طی نموده شاهد مقصود را در بغل گرفته و میگیرند جای کمال تاسف و تحسر است اگر از این بازار رواج دار التجارهٔ ترقی بجای سود زیان ببرند و در غفلت سابق باقی بمانند دیگر خود را بالان (یعنی مال حیه غرب) نخواهند رساند

در خاتمه منتظریم که قوه مقننه دوره ششم سعی کرده موجبات آسایش عامه را فراهم و جوانان تحصیل کرده درصورت مساعدت اعلیحضرت پهلوی با آن قوه قویه مظاهرت نموده معارف پروری خود را بمعرض نمایش بگذارند ـ

[دانشور ناصری محصل سیاسی]

طبیعت تغییر ناپذیر است

بسیاری را چنین تصور بود که چون اعلیحضرت پهلوی بمقام عالی سلطنت برسد با الهمه اسباب عیش و تنعم و عدم مسئولیت کامل جدیت اولیه شان در پیشرفت امور ملت و مملکت باقی نتواند ماند ولی عملیات همین اوائل سلطنت شان خلاف این عقیده را آشکار میدارد اخبار جنس لندن می نگارد که اعلیحضرت روزی ساعت پنج صبح بدسته فرنگی به اداره آمده در حالتیکه جز دربانان احدی از اعضای رسمی حاضر نبودی در را باز و سرمیزنشسته مشغول بکار میشوند تا پس ازچند ساعت مامورین رسمی وارد گشته اعلیحضرت به ایشان فرمودند که این دوره بطالت نیست همان قسمی که من شخصاً برای انجام وظیفه خود حاضرم تمام مامورین رسمی بایستی سستی و رخاوت را به یکسو نهاده جداً در انجام کار ها با من مساعدت نمایند و نیز از طهران بما می نویسند که اعلیحضرت بیشتر با کمال سادگی بدون احتشامات ظاهری حرکت می نمایند و بیش از پیش در اوضاع ادارات نگران گویا سر رشتهٔ کلیه امور را همان قسمی که در ریاست الوزرائی خود بکف داشته حالا نیز دارند فرق اینست که آن وقت وزیر مسئول بودند حالا سلطان غیر مسئول اند و اگر این وضع دوام پیدا کند (و امید هم هست که بنماید) اعلیحضرت مانند شاهان مجبور پرده نخواهند ماند و حرمت ناطه ملیه اولیه را با ملت و رجال رسمی دولت از دست نخواهند داد و اگر چنین شد (و امید هم هست بشود) میتوان امیدواری های زیاد بترقیات آینده ایران حاصل نمود

ابن سعود و حجاز

ابن سعود عاقبت حکومت مطلقه خود را بر حجاز اعلام نمود دولت انگلیس هم ساعی است که راه آهن حجاز به ابن سعود واگذار آید نماینده انگلیس میگوید که امنیت حجاز بدرجه کمال است و در هیچ زمان امنیت به این پایه نبوده است جمعی از مبلغین ابن سعود مانند محمد علی وغیره از وقتی که ابن سعود اعلام حاکمیت خود را بر حجاز داده ازوی منحرف آمده اند مسلمانان هند خیلی ساده اند مدتی در ماده ترکان سنگ به سینه زده عاقبت کمال پاشا سنگ یاس به شیشه شان زد اینطرف هم خیلی در راه ابن سعود کوشیدند او نیز مایوس ساخت اینکه حکومت حجاز کانفرانس اعظم اسلامی مقرر خواهد کرد از سخنان موهوم است دولت انگلیس حامی ابن سعود و ابن سعود هم حاکم مطلق حجاز و نجد گردید حکومت مصر تصفیه نموده است که حاج مصری را با محمل بفرستند معلوم است که حاج هندی هم خواهند رفت ترکی که در مناقشه مذهبی نیست فقط ایران و افغانستان هنوز معلوم نیست که چه تصفیه کرده و چه اولی برای تصفیه حجاز آینده خواهند نمود چون پشت و پناه ابن سعود ظاهرا و باطناً انگلیس است گمان نمیرود که بزودی مقام ابن سعود متزلزل گردد مشکل این است اگر هم با دولت انگلیس نخواهند ازدر مخابره بیرون آیند خود را بی طرف قرار داده و مراجعه به ابن سعود خواهد نمود مسئله حج برای شیعیان خیلی سخت شده چه وهابیان است با مذاهب اربعه اینقدرها سخت نیستند که با شیعیان اند ازاین وبعد باید دولت علیه بمقتضای وقت قسمی تدارک نماید که حقوق مذهبی و تجارتی و سیاسی ایرانیان در حجاز محفوظ ماند ـ

از قندهار می نویسند

نتیجه مسافرت اعلیحضرت پادشاه غازی ما مسافرت اعلیحضرت غازی به قندهار انقلاب اخلاقی بزرگی در اهالی تولید نمود نمایات این ایالت را اجباری قرار داده اند و مبالغی هم از خزانه دولت در راه معارف بذل کرده وچیزی هم بر عایدات مخصوص معارف افزوده اند تمام شاگردان ایالت قندهار که چند صد بیش نبودند امروز از هزار تجاوز نموده و هریک از مربیان که اولاد خود را برای تعلیم به مدارس نفرستند حکم اعلیحضرت ۵ روپیه جریمه اوست

علاوه بر این اخوت و برادری و الفت و محبت برابری درمیانهٔ همه طبقات تولید فرموده واعزاز را به سزای اعدام رسانیده قلاشان شیاد را تحت الحفظ کابل فرستادند هرکس در خدمات خود لایق بر آمد مورد تحسین و انعام آمد وکسانیکه از عهده وظایف خویش کماکان بیرون نیامده بودند از عهده خارج یا رتبه شانرا پائین بردند در مدت قلیلی که اعلیحضرت در این شهر توقف فرمودند آثاری در اهالی ظاهر شده که سال های دراز باقی خواهد ماند ایالت قندهار چنین روز خوشی بخود ندیده بود بین هندو ومسلمان یک گونه تولید اتحاد فرمود حتی مدارس اطفال شان که از یکدیگر علیحده بود یک جا قرار دادند فرمودند همه افغانی اند اما در کلاس مذهبی علیحده بحمدالله امید است در سایه این پادشاه عادل ترقی خواه افغانستان مدارج عالیه خود را طی نماید ـ

تلگراف تبریک رئیس جمهوری ترک

حضورمبارک اعلیحضرت شاه ایران رضا خان پهلوی نظر باحساسات مودت آمیزیکه نسبت بملت نجیب ایران که در تحت سر پرستی قائد توانای خود در جاده ترقی و تعالی سیر می نماید جلوس شاهانه آن اعلیحضرت را با مسرت و امید واری های صمیمانه تلقی و تبریک گفته رفاه و اقبال ایران و سعادت وموفقیت ذات همایونی راخواستار و تمنیات صادقانه را باین وسیله مطمئن تکرار مینمایم

غازی مصطفی کمال ـ رئیس جمهوری دولت ترکیه

جواب

تلگراف تبریک آنحضرت زیب وصول داد بانهایت شعف و امتنان از احساسات صمیمانه و نیات حسنه که بمناسبت جلوس ما بر سریر سلطنت ایران ابرازفرموده بودید تشکر نموده امید واریم در این عصر نوین رشته یگانگی و الفت موجوده فیما بین ایران وملت باشهامت ترک میشد و مستحکم گردد ـ رضا شاه پهلوی

عملی شدن خط آهن درایران

کمیسیونی هم در وزارت فواید عامه منعقد که نظریات خود رادر باب احداث خط آهن درنقاط مهمه مملکتی تهیه وبمقام وزارت تقدیم داشته اند نتیجه مطالعات کمیسون مزبور این بوده که خط محمره وبندر جز مقدم برسایر نقاط میباشد خط محمره به بروجرد وعراق ۵۳۱ کیلو متر میباشد و چنانچه خط قزوین را شروع کنند دویست و سی و دو فرسخ تارشت میباشد

آقای داور وزیر فواید عامه مشغول تهیه پیشنهادی میباشد که ساختمان خطوط آهن را بطور کنترات و با تعیین یکنفر ساختمان اینکه عرضه بدارند و شرایطی اعلان منظور منتخب انتخاب و راه‌هائی که قبلا شروع باحداث خط آهن خواهد شد معاینه و سرکشی نموده و طرز راه وخط پست و بلندی و غیره را پیش بینی و راپورت دهند تا طرز مناقصه را مطابق آن بکمپانیهای خارجه ابلاغ و بر طبق آن پیشنهاد هائی که از طرف کمپانی های مزبوره بدولت واصل میگردد هر کدام مطابق صرفه و صلاح دولت باشد با آنها داخل مذاکره گردیده تا ترتیب احداث خط آهن ایران را با او بدهند برای پیشرفت این نظریه مبلغی برای مخارج مقدماتی از مجلس شورای ملی تقاضا خواهد شد که بعد از تصویب شروع به اجرای عملیات بنماید

الغای باج راه

وزارت فواید عامه سابقاً لایحه راجع بالغای باج راهها و وضع مالیات جدیدی تهیه نموده بود اخیراً آقای داور وزیر فواید عامه لایحه مزبور را تحت مداقه گذارده پس از تجدید نظر لایحه تهیه نموده که از اول سال آتیه ۱۳۰۵ باج راهها بکلی ملغی و برای اینکه در مقابل این عایدات مالیات جدیدی وضع شود پیش بینی شده است که از مال التجاره های وارده بسرحد مبلغی دریافت گردد و از قراری که پیش بینی شده مبلغ دومایون از این راه عاید خزانه دولت تواند گردید لایحه مزبور بوزارت مالیه ارسال تا پس از جلب نظر آقای دکتر میلسپو به هیئت دولت و مجلس شورای ملی تقدیم گردد.

کمیسیون خط آهن

کمیسیون احداث خط آهن در وزارت فواید عامه تشکیل و تا مقارن غروب راجع بخط آهن جدید مشغول مذاکره و تبادل نظر بودند ـ

نظر باینکه وزارت فواید عامه تصمیم گرفته است در اسرع اوقات خطوط آهن را در ایران احداث نماید و نظر باینکه برای تاسیس آن اشخاص متخصص فنی لازم بود باین ملاحظه تلگرافی از طرف وزارت فواید عامه به آقای یوسف خان محمد یف اف که از مهندسین درجه اول روسیه و رئیس خط آهن قفقاز میباشد واحداث خطوط آهنهای قفقاز را اخیراً ایشان نموده اند مخابره شده است که هر صورتی که مایل باشید برای احداث خط آهن بایران بیائید شرایط استخدام خود را بوزارت فواید عامه اشعار دارند تا قرار استخدام و کنترات ایشان داده شود ـ

—(•)—

حسب الامر مدیر وحید جلال الدین الحسینی در مطبعه حبل المتین بطبع رسید
و از نمره ۱ ـ ۶ مکلود استریت کلکته توزیع گردید

(شماره ۱۹) — سال سی و چهارم

حبل المتین مجاناً باحدی داده نمی شود

از مرکس و مرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار

(مقدم گرفته میشود)

روز نامــه مقدس

[حبل المتین کلکته]

(۱ـ۶ مکلود استریت)

مکلیه امور با

[مدیر کل]

(جلال الدین الحسینی)

(مؤید است)

[مدیر ... س . مؤیدزاده]

[ام . ای است]

هر دوشنبه طبع و سه شنبه

تــوزیع میشــود

قیمت اشتراک

سالانه — ششماهه

(هند و برمه)

۱۸ روپیه — ۱۰ روپیة

(ایران و افغانستان)

۶۰ قران — ۳۵ قران

[ممالک سایره]

سالانه

یك و نیم لیره انگلیسی

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبــه ۷ تیر ماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۱۸ ذی الحجه سنه ۱۳۴۴ هجری

مطابق با ۲۹ جون سنه ۱۹۲۶ میلادی

حبل المتین و امت زرتشتیه

§ بودم آن روز من از طایفه درد کشان §
§ که نه ازتاك نشان بود ونه از تاك نشان §

اول صدائیکه بحمایه امت نجیب فارسیه و اول ندائیکه به دعوت فارسیان بمبئی بطرف ایران بلند گردید و اول قلمیکه بنصایح ملت و دولت ایران هر حسن سلوك با فارسیان داخله و جلب قلوب فارسیان خارجه ضریر خودرا طنین انداز ساخت حبل المتین بود آن زمانیکه حبل المتین متوجه باین مسائل حیاتی بودی کمتر از فارسیان بمبئی ومسلمانان ملتفت این نکات بودندی حبل المتین مقتضیات سیاست ایران را نیکو میداناد وقلم پاك و نیت تابناك اعضای آن اداره ملی را که چون خورشید تابان است جز خفاش سیرتان انکار نتوانند کرد حبل المتین منزه است از اینکه در دسته بندیهای حیدری ونعمتی شامل گردد حبل المتین را عقیده اینست که که بعد از اسلام مسئله توحید را مانند امت زرتشتیه هیچ ملتی حل ننموده مدیر حبل المتین بعد از افتخار بعلو سیادت و حسب آبائی بعظمت و جلالت نسب امهاتی خویش مباهی است حبل المتین اولین محرك فارسیان بمبئی درمهاجرت بایران بوده و هست و لوائح عدیده که دراین موضوع بمراکز مربوطه در خصوص تشویق مهاجرت فارسیان بمبئی بایران نگاشته در دوائر دولتی ضبط است و برای یك مرتبه هم به آن لوائح در حبل المتین اشاره نیامده است حبل المتین جویای عمل است هر که کند مشوق اوست حبل المتین قوال و ارباب نمایش نبوده و نیست

درمقاله شماره ۱۶ تحت عنوان (تمدن با تدین توام آمد) که مقاله ایست از کرمان رسیده و ... سر تا پامرصع بود فقط یکی دوجمله آن مذهبی نگاشته شده و گویا بامت زرتشتیه برخورده ولی باید دانست که مذهب غیر سیاست است وقتیکه ازروی مذهب سخن گفته آید آیات بینات را از دست نتوان داد و زمانیکه درسیاست گرمتی شود الفت و اتحاد امم سائره را ازکف نتوان گذارد

ما خیلی از این احساساتیکه در این امت غیور تولید شده خورسند و متشکریم ولی آشنایان به حبل المتین میدانند مسلك او تغییر پذیر نیست و عقیده او اینست که ساکنین ایران اول باید ایرانی بشوند سپس مسلمان و زرتشتی و ارمنی و یهودی

حبل المتین میگوید که ایرانیان باندازه باید در ایرانیت خود و حفظ وطن مقدس خویش جاهد و جازم باشند که اگر یك از ملل سائره بخواهد ولو بهر اسم و رسم هم باشد بر آنها حمله نماید با مشت ملی دندانهای وی را درهم شکنند در شرع سیاست نباید در مواقع ملی و وطنی لفظ زرتشتی و ارمنی و یهودی و مسلمان بزبان آورده شود باید همه ایرانی باشند همه باید در حفــظ ایــران و ترقی آن مملکت باستانی بیکدل و یك زبــان بدون اختلاف مذهب بکوشند مکرر نگاشته ایم ملیت قدیم تر و قوم تر ازمذهب است چه یك ملت هزاران سال ملیت آن باقی تواند ماند وحال آنکه ممکن است دریك قرن چندین مذهب تبدیل شود و علاوه قوت دین منوط بقوت متــدینین است و قــوت متــدینین مربوط باستحکام ارکان ملیت است پس دیانت در سایه ملیت ترقی تواند نمود و از اینست که مکرر گفته و باز هم می گوئیم کــه ایرانیان اگر می خواهند

مذهب شان قوی گردد اول باید ایرانی شوند و سپس مسلمان و فارسی و ارمنی و یهودی

دراین جا از بیان این نکته نیز نتوانیم گذشت که بزرگترین نقیصه که در فارسیان بمبئی دیده می شود اینست که هنوز کاملا توجه بزبان باستانی خویش نه نموده یعنی زبان فارسی کنونی که مروج وطن مقدس شان است نیاموخته اند و از این رو به خیلی اشتباهات گرفتار آمده و کاملا نمی توانند از افکار هموطنان خود واقف گردند پس برادران فارسی ما که می خواهند روابط خود شان را باهالی وطن خویش نیز سازند اولین وسیله اش زباندانی است و چون سلسله مهاجرت پارسیان به ایران شروع شده و این سلسله اقلا تا سی سال خاتمه نتواند پذیرفت لذا لازم است پارسیان اطفال خود را اعم از دختر و پسر تا یکدرجه زبان وطن اصلی خویش آشنا سازند و این امر مسئله مهاجرت و مسافرت را بایران سهل و آسان تواند نمود قدری واضحتر باید گفت ما پارسیان را اجنبی نمی دانیم ولی اختلاف زبان تادرجه آنان را اجنبی جلوه گر ساخته اگر چند سال کوشش شود و اطفال خود شان را زبان وطنی آموزند این بینونت هم کاملا مرتفع تواند آمد وحدت امت در امور ملیت خیلی دخیل است بینونت مالی عمده اختلاف زبان است که بیش از اختلاف مذهب سبب مغایرت و مخالفت گردیده است اثرات وحدت لغت دریك ملت باندازه ست که شرحش در این مختصر نگنجد و قدری هم واضح است که لازم بتشریح نیست امیدواریم قایدین بمبئی اعم از فارسی و مسلمان جدیت فرمایند و کوشش کنند تا این نقیصه مهم مرتفع آید

ایران وعراق عرب

تلگرافات اخیره میرساند که دولت ایران حکومت عراق را شناخته و هیئتی هم از بغداد بطهران رهسپار آمده تا در جزئیات مسائل تجارتی و سیاسی و سرحدی داخل قرارداد شوند و نیز می نویسند که هیئتی هم از طهران باین قصد و اراده به بغداد آمده است ـ ظاهر است پس از اینکه دولت ترکیه مناقشات خودرا در موصل تصفیه نمود و عراق را حکومت مستقل و آزاد شناخت دولت ایران نیز باید اورا بشناسد علاقه مندگی ایرانیان بعراق از جمیع ملل و دول بیش است و حبل المتین در این موضوع مقالات عدیده نگاشته عقاید خودرا مکرر اظهار داشته است حکومت عراق از ایران بیش از جمیع نقاط همسایه میتواند منافع اقتصادی و سیاسی حاصل نماید ـ عراق از یك طرف ممتد است بشام و از طرف دیگر متصل میشود به نجد و حجاز تا برسد بخلیج فارس ـ یکسو نیز سرحداتش متصل بترك است ولی عمده سرحدات عراق بایران اتصال می یابد ـ تجارت عراق عمده اش بلکه بیش از نصف با ایران است و نفوس شهر نشین عراق چنانچه سابقاً هم نگاشتیم آنهم بیش از نصفش ایرانی است عمده منافع اهالی عراق ازمسافرین و زوار ایرانی می باشد

ازین رو باید بین عراق و ایران بیش از سائرین اصول مودت و اتحاد قائم آید ـ چیزیکه خیلی مورث نگرانی ایرانیان عراق است اینکه اگر بنا شود حکومت ایران قضاوت قونسلات خودرا در عراق ترك گوید کار برای رعایای ایران دشوار خواهد آمد چه حقوقی که برای خارجیان در محاکم عراق شناخته شده برای ایرانیان شناخته نشده است البته این نکته مهم را اولیای دولت کنونی در قرار داد جدید که با عراق می بندند رعایت خواهند نمود از همه مهم تر اینکه در موقع سرحدبندی عثمانی و ایران در سرحدات عراق برخی از اراضی نفت خیز ایران شامل عراق آمده و این اراضی باید بایران باز گردد و همین قسم است حقوق کشتیرانی ایران از دهنه فوا قرب بصره که باید تسلیم شود و قرار صحیحی برای رعایت حال زایرین بشود چه تاکنون سلوك مامورین عراق با زوار ایرانی چندان پسندیده و تشفی بخش نمیباشد مسلم است که هر قدر در مراتب مذکوره رعایت ازطرف حکومت عراق بشود مزید اتحاد و یگانگی بین حکومتین عراق و ایران تواند گردید عراق بیش از هر نقطه از ایران میتواند فائده حاصل کند و چون ازروی قرارداد سرپرستی دولت انگلیس بر عراق در چندین سال محدود است عراق باید دوستی ایران را همواره پشت و پناه خویش قرار دهد ـ اوضاع آتیه وسط آسیا خیلی تغییر کرده و من بعد هم خواهد کرد اینکه حکومت عراق قرار داده که مستخدمین که رعیت ایرانند قبول ننماید چندان بحال عراق مفید ثابت نخواهد شد البته اولیای دولت علیه نیز در این موضوع خیلی دقت خواهند نمود چه امروزه سیصد هزار رعایای ایران را که در حقیقت وطن شان عراق میباشد از خدمات ملکی دور داشتن مقرون بصرفه طرفین نمی باشد

ابن سعود و حجاز

حبل المتین از بدو حمله ابن سعود بحجاز پیش آمدهای کنونی را پیشگوئی نموده بود چه ابن سعود که تعصبات مذهبی اش براصول سیاست غالب است حجاز مرکز اسلام است و حکومت آن نمیتواند تحت امر یك پادشاه و ملت متعصب قرار گیرد حجاز متعلق

جمیع فرق اسلامیه است اختصاص بفرقه وهابی پیدا نتواند کرد اگر مسلکی که بن سعود اختیار نموده تبدیل نشود و تعصبات مذهبی وی از حجاز مرتفع نگردد طولی نخواهد کشید که از اطراف و اکناف عالم مسلمانان برخلاف وی قیام خواهند نمود .

بازهم می گوئیم که توجه عموم مسلمانان در قطع ایادی وهابیان از حجاز منعطف بایران است چون بن سعود چنانچه نوشتیم تعصبات مذهبی اش غلبه بر سیاست وی دارد ممکن نیست از در سیاست با وی داخل شده از روی یك قرار داد با او اقتناع شد چه برقرار داد خود نخواهد ایستاد حکومت بن سعود برای نجد که در گوشه افتاده خوبست برای حجاز که محل مراجعه جمیع فرق اسلامیه است مورث زحمت و بدون قوه قاهره ممکن نیست بن سعود پنجه خود را از حجاز مرتفع دارد بعقیده ما فعلا بهترین تنبیه بن سعود آنست که سالی چند مسلمانان از رفتن بحجاز خودداری نمایند در آن صورت بن سعود مجبور خواهد شد که با سائر فرق اسلامیه قرار دادی بسته و دخالت در امور مذهبی فرق دیگر نه نماید قبور را شکستن و بعقائد سایر فرق مسلمین صدمه رساندن مورث ترویج اسلام نه تواند گردید باید دید که کانفرانس اسلامی مکه با بن سعود چه قراردادی خواهد گذارد و برای حکومت حجاز چه اصولی اختیار خواهد نمود در این کانفرانس دولت علیه و ملت ایرانیه ظاهرا هیچ نماینده نفرستاده اند و اگر چنین باشد معلوم می شود که بن سعود را با نماینده ایران که بحجاز رفته بود توافق نظر حاصل نیامده است و ما تصور نمی کنیم که کانفرانس مکه نیز بتواند هیچ مسئله را بر خلاف مرضی بن سعود از پیش بردارد غرض بن سعود از انعقاد این کانفرانس در مکه گرفتن تصدیق باسم مسلمانان دنیا برای حکومت خویش است با اینکه بن سعود خیلی مدبر و عاقل و عالم است ولی غلبه تعصبش باندازه است که مراعات نزاکت سیاسی و روابط بین المللی فرق اسلامیه را نمی نماید بن سعود می خواهد همه مسلمانان پیرو عقاید او شوند حجازیان را که جبرا و عنفا به پیروی خود مجبور ساخته است البته دولت پهلوی برای آسایش عامه مسلمانان خاصه شیعیان و حاج ایرانی یك فکر اساسی مدنظر گرفته و یك تدبیر صائبی که بدون زحمت و خونریزی باشد اختیار فرموده است فعلا اوضاع حجاز خوب نیست و جمیع فرق اسلامیه شاکی اند همین ایام که حاج از مکه معاودت کنند خیلی معاملات کشف خواهد شد

محمل مصری که بحجاز آمده در قرب مکه مصادم با نجدیان آمده چون بمذهب وهابی همه گونه سازو آواز حرام است و بهمراهی محمل موزیکان و غیره بوده وهابیان مانع شده کار بزدو خورد میکشد قشون رسمی مصر که همراه محمل بوده بر نجدیان شلیك برده ۲۵ نفر آنان را مقتول می سازند عاقبت شخصا بن سعود آمده آتش جنك را خاموش نمود و محمل بهمان دبدبه با موزیکان بمحل مقصد آمد بعید نیست که این مسئله در آینده مورث منافشه مصر و بن سعود گردد ، نماینده انگلستان میانه افتاده قرار داده اند که محمل مصری ازجده به ینبوع و از آنجا بمدینه برود و ترك ره خشکی گوید

بن سعود با اینده رجه تعصبات مذهبی ممکن نیست بتواند تا دیر باز بر حجاز استیلای خود را قائم گذارد مسلمانان لکهنو خاصه علماء شیعه وغیره از شنیدن خرابی های جنة البقیع مجالس عدیده فراهم بیرق ماتم در کوچه و بازار بصورت سوگواری گذشته اظهار نفرت و ناراضی از حرکات بن سعود کرده اند ولی چنانچه نگاشته ایم این مراتب در جلو تعصبات بن سعود وقعی ندارد

§ جواب ناخدا با ناخدا توپ است در دریا §

عاقبت امیر عبد الکریم

امیر عبد الکریم که شیر بیشه هجا و هیمنه اش لرزه بر اندام فرانس و اسپانی انداخته بود با بید اینکه هرگاه بدون شرط خویشتن را بفرانسه تسلیم کند السایت پروری فرانسویان اقلا مادام العمر او را آرام و راحت خواهد گذارد ولی این خیال هم غلط ثابت شد امیر عبد الکریم را فرانسویان در شهرفیض در خانه مخصوص محبوس داشته دو زن و سه فرزند و برادر و چند نفر نوکر با اوست و سلوکی که نسبت به آنها روا داشته سلوکیست که با محبوسین روا میدارند چهار طرف آن خانه تحت نگرانی نظامیان فرانسه می باشد و حتی در خانه نیز محکوم اوامر نظامیان در همه چیز اند اگر امیر عبد الکریم وقتیکه ترك جنك گفت مهاجرت ازمراکو می نمود و در یکی از نقاط اروپ توقف می کرد خود واهل بیت خویش را باسارت نمی انداخت و در حقیقت اسارت کنونی امیر عبد الکریم نتیجه حسن ظنی می باشد که بانسان پروری فرانسه داشت

مرحوم شیخ عبد القادر جزائری که او نیزیك از رجال تاریخی اسلام است و چهل سال با فرانسویان جنگید چون این ملت را بخوبی شناخته بود وقتیکه خویشتن را مجبور یافت مهاجرت را بر تسلیم ترجیح داده بقیه عمر خویش را در دمشق گذرانید .

[بقیه در صفحه ۲۳]

جنبش عظیم

(از خامه رحیم زاده صفوی)

ملل که زنده اند هر چیز خودرا دوست میدارند ، اقوام جوان تاریخ ، رجال ، رسوم ، عادات ، زبان ، گذشته و حال و استقبال خود شیفته اند - ملتی که کامل تر است به این چیز ها احترامی در خور هر یک می گذارد - قومی که بپیری رسیده با این مطالب شوخی می کند آن جامعهٔ که در کار جان دادن است همه را با لگد بر تاب کرده از خصایص ملی خود منضجر و متنفر خواهد بود !

این حقیقتی را که درفوق نوشتیم بقدری روشن است که متأسفانه از شدت روشنائی و وضوح کمتر دیده ما می آید

آری ، هماطوری که آفتاب را هر روزه شما تماشا نمی کنید زیرا برای تان تازگی ندارد ، خیلی از مطالب سودمند و مهم نیز زیر چشم تان موجود است اما شما آنها را نمی بینید در صورتیکه اگر کسی پیدا شود و یگان یگان را با انگشت نشان تان دهد ، مانند یك چیز ندیده از آن لذت برده استفاده خواهید کرد

تا سه چهار سال پیش حالت اقتصادی ترکیه که تازه از جنگهای چندین ساله وارسته بود بسی مدهش و بنظر اهل اصلاح مغشوش و مختل می نمود اما هرگاه به یك نفر ترك این اختلال را تذکر می دادید اگر نا آشنا بود شما را دشمن می خواند و اگر دوست و آشنا بودید قطعاً از شما می رنجید !

چرا ؟ زیرا این ملت ، جوان است و با نخوت و غروریکه ، نتیجه من مقدسترین خاصیت یك جامعه می باشد ، بهمه چیز خود عاشق و شیفته بوده در کسار و بار کشورش جز نکوئی و زیبائی نمی بیند

یکنفر افغان اگر بگوئید شما از مراحل تمدن خیلی عقب مانده و هنوز راه شوسه و تلگراف ندارید با تعصب تمام بشما می گوید [ما ملتی هستیم که از میدان رزم بزرگترین ملل دنیا مظفر در آمده ایم ، چنین می کنیم و چنان خواهند شد] آری ، افغانی جوان است روح نشاط وبهجت درجامعهٔ اوموج میزند او کوهستان غور و رود مرغاب ، خرابهٔ غزنین و گل سرخ کابل را در تمام دنیا بی نظیر می داند پیراهن سفید و شلوار دهن تنك و شمشیر برنده اش را از تمام زینت های ملل قشنگ تر می بیند و بقدری در این عقیده خود راسخ است که حاضر خواهد بود با شما در این خصوص جنك کند

با یك ژاپنی درکشتی حرف میزدم - باو گفتم - مسیو یاما نقاش هموطن شما که در پاریس اقامت دارد در ضمن مقالهٔ که یکی از جراید داده بود سبك جدیدی را که در عالم نقاشی فرانك پیدا شده بود بر سبك ژاپنی ترجیح داده - هم سفر من بسا زهر خندی جواب داد - بلی ، همین عقیده ابلهانه بعدی او را که استاد بزرگواری است مغرور هوسناش ساخت که مجبور گشت خاك ژاپن را مادام العمر وداع گوید

در شهر نیس (ساحل جنوبی فرانسه) این مسئله ما بین مطبوعات مطرح بحث شد که آیا از انقلاب کبیر فرانسه تا امروز کدام شخص در عالم بشریت برجسته تر بوده است ؟ - فرانسوی ها ما بین خود در سر ناپلیون اول ویکتور هوگو شاعر شهیر مجادله نموده و معلوم می شد که گوی افتخار یکی از این دو فقید عاید خواهد گشت اینراهم میدانیم که اینگونه مواقع بدلایلی از مرده گان بیشتر بحث می شود تا زندگان - اما یك روز در یکی از جراید مکتوب یك تاجر ایتالیائی را خواندیم که با اصرار زیاد می خواست بنمایاند که گریبالدی ، موسولینی و دانونزیوی شاعر که هر سه از ایتالی و دو نفر اخیر در قید حیاتند - برجسته ترین مردم عصر بشمار می آیند و در نتیجه همین کشمکش که به مطبوعات این ملل نیز سرایت نمود اکثر ملل که جوان تر و پر نشاط تر هستند برای خود همهمه ها کردند حتی یك عصل مراکشی در جراید مصر امیرعبدالکریم و امیر عبدالقادر فقید جزایری را پیش انداخت - و چون در قهوه خانهٔ که عصر ها جمع می شدیم همین دعاوی مال مطرح گفتگو گردید یك ضابط جوان چینی هماطوریکه بابش را زیر لب داشت گفت (این حرفها از بیکاری جراید و جنون مردم دنیاناراوش می کند !)

تصور می فرمائید که نگارنده را اینحرف خوش نیامد ؟ مگر نه آخر ما هم از برادران آن ملت پیر فرسوده هستیم ؟ ایران و چین اقلا با همدیگر هم ربتی که هستند - اما از شوخی گذشته باید دانست که این رویه برای آنها که می خواهند زنده و سر افراز باشند خیلی زیان بخش است - ملت ایران باید دو باره اصول زندگی را بیاموزد و اگر جوانی را پر دوست ندارد اقلا حدکمال واعتدال را اختیار کند - بروید ما بین ملل کاملتر ببینید همان فرانسه که مادر انقلاب و آزادی و دموکراسی است یك سر سوزن از آداب و رسوم نیاکان و احترام و تعظیم خصایل ملی و خصایص نژادی خود حتی الامکان تخطی نمی کند وقتی شما برای تماشای قصر های سلطنتی و رسایل میروید با آنکه اکنون مانند موزه و مخصوص تماشای سیاحان شده معهذا مجبورید کلاه

و عصای خود را هم کفش کن بسپارید - چرا ؟ - زیرا که احترام به آن اساس ، به آن اثاثیه ، نقش فلان ملکه یا تخت خواب امپراتور را ، احترام به تاریخ و نیاکان و ملیت فرانسه میدانند - تعصب اروپائی ها به اندازه ایست که مورخین آنها بعد از بیست و چند قرن حالا حیثیت یونان قدیم را میکشند و صد ها شکستی را که از ایران و سایر ملل خورده اند بزبان نمی آورند اما شکست بحری ایران در سالامین و فتح اسکندر گجسته به نکته در مدارس تدریس می شود این برای اثبات تفوق اروپائی بر آسیائی است آنوقت هر یك از مال اروپا نیز نسبت به سایر اروپائی ها بهزار زبان ادعای تفوق مینماید فرق نمی کند شما خیلی دور نروید در تالیفات صد و دویست و سیصد سال قبل ایران ، علماء و فضلای ما که زاده یك ملت زنده بودند انقدر در توصیف ایران و مردم ان ، زبان فارسی ، اخلاق ایرانی ، شجاعت ایرانی ، صراحت و مردانگی و هنرمندی ایرانی سخن رانده و دلایل اورده اند که در عقیده دشمن نیز رسوخ می کند و تا بیست سی سال پیش که هنوز خشکه فرنگی مآب ها زیاد نشده بودند اثار آن تعلیمات در افکار ملت بود حالا هم پیر مرد های ترکمان و لزگستان . ایران را [اوجاق] دانسته جاویدان و لمردلی می خوانند و می گویند دشمنان او هر وقت بوده ذلیل شده اند راستی چه عقیده مقدسی است علماء و فضلای هر ملتی همیشه مروج تعصب شدید ملی هستند همه می دانیم که دشمنان عنود سوسیالیزم در اروپا و امریکا طبقهٔ پروفسورها و علمای بزرگ می باشند زیرا این طبقه از شدت تعصب می خواهند ملت انها مقتدر تر و عظیم ترین ملل دنیا گردد و این آرزو طبعاً مستلزم ایجاد میلیتاریزم و امپریالیزم می شود و سوسیالیزم هم مخصم این دواست در امریکا سرمایه داران هر ساله مبالغ هنگفتی صرف تاسیس دار الفنون ها و ترویج تعلیمات عالیه می کنند تا بوسیله افزایش علماء از نفوذ سوسیالیزم جلو گیری شود

آن زمانی که ایرانیها علمای مشهور خود را داشت اهمیت و قدر و قیمتش را در نظر فرزندانش نگاه می داشت [صحاح بخاری] در علم دین است اما تعصب عالم هر طور بوده اسم ایران را در آن میان دوازده صد جا جمله به روایت از خدا و پیغمبر در شرافت نژاد ایرانی و زبان فارسی جا بجا کرده است - مفسر ایرانی دیگر می گوید خداوند در قرآن خود چندین قطعه به عظمت و قدرت ایرانی اشاره فرموده است - عالم زمانی دیگر احادیث متعدد از قول حضرت رسول [صلعم] در نجابت و حرمت ایرانیان نقل می‌کند و بالاخره اکثر روحانیون بعد از اسلام تا قرن اخیر هر کدام بمناسبتی از قول خدا و رسول صلعم وائمه هدی تاتوانسته اند سند بزرگی ایران را مسجل ساخته اند از این طبقه گذشته علمای علم لغات زبان فارسی را با هزاران دلیل و برهان افصح و اکمل زبان های دنیا شمرده اند -

شعرای ما ایران را گل گلبن خلقت ساخته اند - رجال سیاست در هر عهد و عصری ایران را مرکز دنیا خوانده ، دولت ایران را شهنشاهی عالم شناسانیده اند و بالاخره همین تبلیغات بوده که زبان ما را تا اقصی بلاد هندوستان و سرحد چین برده شهرت مارا تا قرن اخیر در تمام جهان با مباهات و سر افرازی توام نموده ورود زبان ها کرده بود و نیز همین تبلیغات ایرانی را به شجاعت ، صداقت ، مردانگی و آقائی خود معتقد ساخته بود که در نتیجه جز بزرگواری و فداکاری و سعی و عمل منظوری نداشت زیرا او یاد داده بودند که پدرانش بهمین گونه معیشت کرده اند

ما بین ملل اروپا نیز همین تبلیغات کار ها کرده چنانچه یکنفر اروپائی باور نموده است که طبیعتاً بر آسیائی و افریقائی برتری مادر زاد دارد و همین عقیده او را مجبور می سازد کارهائی بکند که با بزرگی جبلی او راست بیاید -

اگر ما هم واقعاً بزندگی مایل باشیم باید از این افسردگی و نومیدی ، از این نفرتی که نسبت بخود و همه چیز کشور خود داریم از این نظر اهانت و تحقیری که بگذشته و آینده خود می کنیم ، منصرف شویم - شعر خودمان را بر شعر دیگران ، رجال خود مان را بر رجال دیگران تاریخ و زبان و آداب و صنایع و امتعهٔ خودمان را بر امثال دیگران واقعا رجحان بگذاریم رنگ و روغن اروپا را بر کاشی منقش خود ترجیح ندهیم در و دیوار خانهٔ مان را با آثار صنعتی و گچبریها ، کاشی کاری ها ، هلالی ها و مقرنسهای خودمان زینت بدهیم و نقشهٔ عمارات مان را مطابق روح ملی خویش بسازیم و بدانیم که یکنفر اروپائی مسجد کهنه و خرابه را که با معماری ایرانی بنا شده از آن پارك عظیمی که باقاید اروپا ساخته ایم خیلی بیشتر می پسندد

لباس آداب و عادت و همه چیز مان را ملی کنیم البته سبك ها و طرز های نو در هر باب پسندیده است اما قومی که خویشتن با ملاحظهٔ حوائج و تمایلات طبیعی و فکر ابتکاری خود اختراع کنیم به آن نوی که ازدیگران به تقلید و تبعیت گرفته باشیم تمدن قدیم ایران هم روی همین پایه بوده که هر فن و منظر را از

دیگران گرفته اند فوری با اخلاق و افکار و روحیات خود تطبیق و مخلوط کرده چیز هائی بر آن افزوده و بالاخره آنرا ایرانی تمام عیار ساخته اند -

اهم وسایل نجات ترقی اقتصادی
(یا ترقی علمی)

(بقلم آقای تقی زاده وزیر خارجه ایران)

مقصود از این عنوان جلب نظر اهل سیاست کشوری در این مملکت است سوی یک مسئله بسیار مهم و اساسی که غفلت از آن در این ایام موجب فوت مقصود مهم مملکتی و یا کج رفتن خط حرکت تواند شد

توضیح این نکته چند سطر مقدمه لازم دارد

بدیهی است که اصلاح امور عامه در یک مملکتی متوقف بر صائب بودن عقاید طبقه مدیره است و عقاید سیاسی این طبقه خصوصا و افکار عامه (که غالبا از صرف همین طبقه تهیه میشود) عموما منشاء آثار و مصدر حل و عقد امور عامه است و صواب و خطای آن عقاید باعث نجات یا هلاک ملت میشود پس مبدأ حرکت جریانات عمده سیاسی و فعالیت مصادر قدرت قانونی مملکت هم از عقاید اساسی این جمع ارباب سیاست و رتق و فتق است و لذا اگر خدای نخواسته خط حرکت کج شد امور استقامت نگیرد و از جاده صلاح انحراف پذیرد و العکس -

§ لاجرم چون ستاره راست بود §
§ نداند که کج رود جدول §

شکی نیست که این ایام یک فرصت تاریخی غیر مترقب و بلکه خارق عادتی برای ایران است که در صد سال گذشته هیچوقت نظیر آن پیش نیامده و در آینده هم با مدارک عقلی نمی توان امکان تکرار آنرا حدس زد این فرصت که در راه معجزی است که نه تنها برای ایران بلکه برای دول اسلامی آسیا پیش آمده که اگر حیات و بقای آنها مقدر است فقط در همین فرصت می توانند دست و پائی برای قوت مزاج و سلامت آتیه خود بکنند و اگر سر نوشت آنها غیر از این است این فرصت جز یک دقیقه تنفس برای شخص طناب بگردن نخواهد بود و اوضاع سالهای قبل از جنگ اروپا بشدت بیشتر تکرار خواهد شد

بعضی آثار نشان میدهد که دولت همسایه ما یعنی عثمانی مصمم است این فرصت را از دست ندهد و اهمیت غیر متعارفی موقع را در یافته و بر بیرون کشیدن گلیم خود از موج عزم جزم نموده است لیکن در مملکت بدبخت ما آثار التفات کامل باهمیت زمان و نهضت حقیقی و عزیمت حازم بر نجات ملی و تجدد اساسی و تکان دادن خرقه کهنه و چیدن بساط نو هنوز دیده نمیشود و بدبختانه افکار عامه که تماشاه اگر جدی باشد راه نجات و ساحل سلامت را روشن ندیده است

البته انکار نمی توان کرد که از تابستان سال ۱۳۲۴ هجری قمری باین طرف نهضت منبعثی در میان طبقات بازاری و علماء و مستخدمین دولت و جوانان تحصیل کرده در شهر های عمده برای اصلاح امور یا بعبارت صحیحتر برای کسب تمدن و ترقی موجود است و نتیجه آن بحث در انواع اصلاحات و دست زدن بهر رشته و سعی کم یا بیش در زمینه رفع همه نقایص است لیکن قائدین این نهضت از تشخیص اساسی ترین مقدمات نجات و سوق افکار عامه بسوی آن غفلت کرده قوای خود را تقسیم باصلاح هزار رشته کرده از ترویج زبان اسپرانتو تا تبلیغات برای بنای مریضخانه ها و منسوخ نمودن القاب بهر کاری چسبیده و آن را مبدا صلاح و فلاح شمردند اگر این مملکت از هشت سال قبل اس الاساس ترقی و علة العلل نجات را تشخیص داده و راه حقیقی رستگاری را پیش گرفته بود امروز ما یک مرحله از مراحل شاهراه سعادت را طی کرده بودیم لکن حاضر نبودن افکار عامه و عدم نضج مطالب اساسی در افکار موجب سیر در راه های پیچ پیچ شده خط اقصر میان دو نقطه را در سیر بسوی مقصود نگرفتیم و در این باب بداهت شکل حماری (قضیه حماریه) هندسه را مشکوك فیه دیدیم چون دخالت افکار عامه طبقه با سواد و با مایه در کامیابی هر امری در مملکت واضح است لازم بود که این زمینه از قبل تهیه شده اند

مسلم است که اولین شرط اصلاحات و اقدام در طریق ترقی آزادی مملکت از فشار ها و مداخلات خارجی و تخلیه آن از قشون بیگانه و برقراری امنیت کامل و استحکام قدرت دولت و بر انداختن قدرت های ملوك الطوایفی و جمع آوری مملکت در زیر لوای وحدت ملی و حفظ حدود و ثغور و به عبارة اخری بوجود آوردن یک حکومت مرکزی حقیقی و یک مملکت متحد در زیر لوای آن حکومت و بعد اصلاح و انتظام مالیه بود و کمال سعادت و جای تشکر و قدردانی است که این شرط مهم که مقدمهٔ اول راه افتادن سوی شاهراه نجات است تا اندازهٔ فراهم شده است لکن این استحکام امنیت و اصلاح مالی فقط مقدمه است برای امکان دست زدن بوسائل حقیقی ترقی و ناچار افکار عامه باید آن وسائل اصلی را تشخیص داده و ملت یا پیشروان او باشدانك حواس و قوا در پی آن وسائل بیفتند

و کمتر توجه خود را معطوف سایر امور مماطنه بنماید و نتیجهٔ آن در عمل آنست که در مدتی نود مدت و اوقات و مساعی مصادر امور و پیشوایان ملت از یك طرف و عایدات مملکت از طرف دیگر منحصرا صرف همان وسائل اساسی نجات و حیات ملی میشود روشنائی شهر ، ایجاد خط هوائی عمارت خریدن برای سفارتخانهای دولت در خارجه ، ایجاد مدرسه دندانسازی ، هزار مطلب دیگر نظیر اینها همه امور سودمندی هست ولی آیا مستحق صرف اوقات عمده اولیای دولت و ملت می باشند

بعقیدهٔ اینجانب پس از نگهداری قوه کافی برای حفظ امن و سعی در اصلاح مالیه مهم ترین امور که باید بزرگترین قسمت قوا و وقت غمخواران مملکت و مالیه دولت و ثروت ملت بآن صرف شود تعلیم عمومی و صحت عمومی و امور مهمه اقتصادی است و غیر از این سه فقره سایر امور در جزو واجبات درجه دوم یا مستحبات است و حق آن ندارد که حواس پیشوایان امور عامه را زیاد بخود مشغول نماید لکن چون آدم و وقت و مایه کم داریم و مجال تنك است و با تقسیم کردن اهتمام خود بهزار چیز نمی توانیم همه را بجائی برسانیم و از عهده برآئیم بنظر من خیلی مفید و بلکه ضرور است که مهمترین این امور اساسی را نیز تشخیص دهیم و کل توجه و شوق و سعی خود را در درجه اول معطوف آن اهم وسائل نجات امائیم پس این بحث پیش میآید نیست که از این سه مطلب عمده و مقصود مهم کدام یك اصل و یا عمده است

بهمین جهة است که اینجانب تصور کردم مقایسه اهمیت این سه فقره اصول ترقی و نجات ایران بیفایده است و قصد دارم این کار را در ستونهای «شفق سرخ» بکنم

باید ابتدا بدون معطلی عرض کنم که بعقیده این جانب بلا تردید اهم وسائل نجات علی الاطلاق تعلیم ابتدائی عمومی است و تعلیم عالی کافی ولی چون این ترجیح که در نظر این جانب بدرجه بدیهی روشن است شاید در نظر جمعی مسلم نباشد و عقاید دیگری راجع بترجیح مسئله صحت عمومی یا ترقی اقتصادی موجود باشد چنانکه گاهی آثار آن دیده می شود می خواهم ابتدا مختصری در مناظره تعلیم عمومی و اقتصاد ذیلا بیان نموده و بعد در مقاله دیگری مقایسه اهمیت تعلیم عمومی و صحت عمومی را بکنم

عوامل مختلفی در چهار پنج سال اخیر در ایران مستمراً و مرتباً لزوم عطف توجه بمسائل اقتصادی را بشدت تلقین و تبلیغ نموده و تا اندازه برای این کار زمینه حاضری در افکار عامه تهیه نموده اند این عوامل یا عمال اگر چه مقاصد مختلفی بغرضانه و مغرضانه داشته و دارند لکن بهر حال نتیجه اش مفید شده و فقر هولناك و موحشی هم که در سالهای اخیر مملکت ما را سخت پریشان کرده و یکی از اسباب مهم آن بسته شدن بازار روسیه بود ، باین انتباه افکار و عجله در علاج کار کمك کرده است و اینك نظر اکثریت پیشروان افکار متوجه این مسئله مهم است که آن را حیاتی و لزوم حل آن را عاجل می پندارند جلب سرمایه خارجی بمملکت و ایجاد راههای آهن و شوسه و استخراج معادن و توسعه جنگلها و اصلاح و ترقی فلاحت و آبیاری ورد هر زبانی است و حتی گاهی از کثرت مبالغه در اهمیت این مقاصد بعض عقاید افراطی هم دیده میشود [illegible] بازادی خارجی مملکت معمور خواهد شد و ممکن است انتشار این عقاید موجب ضلالت عامه و باعث تولید مفاسد و نتایج غیر مطلوب و وخیم شود ـ

دلیل مروجین عقیده ترقی اقتصادی سهل و ساده و معقول و منطقی است شکم غذا می خواهد و نان و آب مقدم بر هر گونه علوم و آداب است غذای جسمانی مقدم بر غذای روحانی است بی مایه همه چیز فطیر است و بی پول هر اصلاحی غیر مقدور از معده خالی چه قوت آید و از دست تهی چه مروت زاید

حتی افراطیون میگویند سرمایه وطن ندارد از هر جا بیاید گوئیا و طلا و سکه هر مملکتی باشد برکت و نعمت است و تا ایران آباد و با رونق نشده خرابه ایست که نه مردمان گرسنه اش مادی زنده خواهند شد و نه توانگرانش زندگی راحتی دارند باین جهت میگویند گدای بر افتاده تعریفی ندارد چون ما لخت و برهنه و گدا و گرسنه هستیم صنعت نداریم کار خانه نیست جنگل کم است معادن سربسته و مدفون مملکت بی آب و رودخانه و آنچه هست هم تلف و هدر میشود پول نایاب ، تجارت منفعتی یعنی عمل آوردن امتعه اصلا نیست و تجارت دلالی متاع خارجه هم از میان رفته و خود ما بآن مال آورده بمشتری جنس میفروشند ، واردات بر صادرات غلبه کلی دارد و مملکت بافلاس کامل رسیده ، اکثر مردم بواسطه حالت زلزله که آلت معطل شده اند و شیوع تریاك امراض عمومی و پیش گرفتن شغلهای مفت خوری بیکار و باقی هم بواسطهٔ ضعف بنیه و نومیدی از حاصل رنج کم کار هستند در اینصورت اگر جلو سرمایه خارجی هم گرفته شود مملکت [illegible] میشود در واقع هم این دلایل که ذکر شد و ده برابر آن [illegible] ناگفته ماند همه صحیح و کاملا منطقی است جز آنکه یاد گذاشت دلیل اهم

از مدعا باشد ترقی اقتصادی مملکت را بپا استقلال اقتصادی و سیاسی باید وفق داد و هوا را بمقیاس تجویز شده باید وارد بدن کرد مملکت مستقل اینهم از خارج میاید باید مراقبت و دقت داشته باشد و فوایدش را جلب و مضارش را جلوگیری باید بکند سیاست غالبا در پی سرمایه میرود و بعقیده ما نه تنها سرمایه وطن دارد بلکه بعقیده جمعی دعوای وطن و ملت از سرمایه و رقابت سرمایه داران زائیده شده است علاوه بر این واضح است که در دو قرن گذشته در ممالك شرق سرمایه خارجی و دخول آن باشکال مضره با مسامحه اولیای آن ممالك در شرایط دخول آن رخنه در استقلال آن ممالك کرده و قطعا بعضی امور اقتصادی نه تنها ارتباطی با سیاست دارد بلکه با ملاحظات نظامی نیز مربوط است اگر باور نمی کنید قول و امضای دو دولت بزرگ را در یک سند رسمی شاهد میاورم در یاد داشتی که بتاریخ هفتم ماه آوریل سنه ۱۹۱۰ مسیحی سفرای دولتین روس و انگلیس در طهران با امضای مشترك بدولت ایران فرستادند از دولت ایران تقاضا کردند که در آینده بدون اطلاع و تصویب آن دو دولت هیچ امتیازی بخارجه ندهد که بمنافع سیاسی و نظامی آنها در ایران مضر تواند شد و چون دولت ایران در جواب آن یاد داشت سؤال کرد که امتیازات سیاسی و استراتژیك (نظامی) کدام امتیازات است در تاریخ ۲۰ ماه مه از همان سال بموجب یك مراسله مشترك الامضاء جواب دادند که اگر چه تعیین این نوع امتیازات کاملا ممکن نیست ولی بهر حال راه آهن و خطوط تلگرافی و بندر بحری جزو این نوع امتیازات است

پس باید تصدیق کرد که هم جلب سرمایهٔ خارجی مستحسن و لازم است و هم دقت و مراقبت وطن پرستانه نمایندگان ملت و اولیای امور در جنس امر اقتصادی و شرایط آن و گاهی شناختن صاحب سرمایه لازم و بلکه ضروری است و اگر بخامی و عجله در ساختن هوتل و تراموای در این باب شتاب بکنیم و چشم بسته دروازه را باز کرده و دروازه بان نگذاریم ممکن است مضراتی تولید شود که بعد تلافی و تدارك آن مقدور نباشد برای تشخیص فواید و مضرات این کار قوه تمیز لازم است و آن نیز جز با رشد عمومی ملت حاصل نخواهد شد پس ابتداء ترقی پایه معرفت عمومی و [illegible] کم و بیش رشد اجتماعی لازم است و الا مثل طفل صغیر غیر ممیز که میراث هنگفتی دارد قبل از رشد باید دست بترکیب اموال او زد [illegible] این و آن با [illegible] و زمین [illegible] علاوه بر این باید داشتن ارباب فن [illegible]

فلاح و ملتفت باشد اگر تمام مملکت سرتاسر با پول و آلات و اسباب و ارباب فنون خارجی آباد شود علاوه بر اینکه حد اعلای منافع را میبرند و جز و بومیان جز قوت لایموت نمیرسد هر روز حاجی کربلائی جعفر و مشهدی عبد المطلب ادعای مالکیت این سر زمین را بکنند تو دهنشان میزنند و میگویند اگر با اثاثیه و اسباب و در و پنجره را از این ملك شما بر داشته عمارتی را هم که ساخته ایم خراب کرده و زمین بایر را مثل روز اول بدست شما تسلیم خواهیم کرد و مگر نه مثل روز اول گدا و عور خواهید ماند تنها چیزی که ملت مالك حقیقی آنست و نمیشود از او منتزع کرد و بواسطهٔ آن مالك حقیقی مملکت خود میشود همانا علم عمومی افراد است که در مغزها مخزون است بدون داشتن ارباب فن بومی نه از سرمایه خارجی مملکت استفاده لازم را میکند نه از سرمایه داخلی و تا آدم چشمش بینا نشود پول قلب و صحیح را هم تمیز نمیدهد

بعضی میگویند برای ترقی دادن معارف هم پول لازم است و تا ما اصلاح و ترقی امور اقتصادی مردم با ثروت نشوند عایدات دولت هم کافی نخواهد بود که بامور مفیده و از آن جمله بمعارف بیشتر صرف پول کنند این حرف البته فی حد ذاته صحیح است و البته دولت با سعی کامل در تعلیم عمومی و نشر علوم در ترقی اقتصادی هم باید بکوشد ولی مرا یقین حاصل است که ملت جاهل با ثروت نمیتواند بشود و همیشه مزدور ارزان و مغبون دانایان است انسان قوت جسمانی خودش بر حیوانات قویتر و قوای عظیمه طبیعت غلبه نکرده و آنان را مسخر ساخته است بلکه بزور عقل دنیا را مطیع خود نموده است پس اگر باغذای روحانی مخصوصی که قوای عقلی را نیرو می دهد بزرگترین آلت کار و تسخیر طبیعت یعنی عقل را قوی نسازد نتیجه قوای جسمانی او بیشتر از محصول زحمات مردمان دوره سنگی نخواهد بود و جز قوت لایموت نصیبش نخواهد شد ملت بی علم اقتصاداً اسیر خواهد بود و این حالت اسیری اقتصادی مانع از ترقی عقلی و علمی و رشد سیاسی او نیز خواهد بود هیچ چیز بهتر از حالت ژاپن و هندوستان این مسئله را روشن نتواند کرد که در صورتیکه دومی قبل از اولی دارای راه آهن و آبیاری و فلاحت عالی و سایر فواید مدنی شده و بیشتر از صد و پنجاه سال است در تحت اداره یکی از متمدن ترین ملل [illegible] علم و صنعت در آنجا بقدر [illegible] پیشرفت کرده است [illegible] آن

بیست فلاح مصری و بنگالی از ثروت ملک خود چه بهره دارد جز آنکه مزدور است و مواد خام برای مصنوعات قوم غالب تهیه میکنند تصدیق دارم که حال فلاح مصری در نتیجه تسهیلات مادی و قوانین عادلانه خیلی بهتر از حال برزگر ایرانی است لکن مقصود از ترقی اقتصادی یک مملکت تنها داشتن قوت لایموت نیست چین و هند و مصر ثروت طبیعی عظیمی دارند ولی خود سکنه بومی آن ممالک بهره کافی از قسمت طبیعی خاک خود بر نداشته و از آن ثروت بر خوردار نیستند و آلمان بعد از جنگ بین المللی و بی قیمت شدن پول او بحدی مفلس و فقیر شد که اکثریت مردم بسا کمی سبزی یا سیب زمینی زندگی میکردند لکن فقط احساسات عمومی این ملت که ناشی از رشد روحانی و عقلی است او را دو باره از مذلت استیصال خلاص کرده و کم کم دارد قدمی علم میکند

اقدامات ما در امور اقتصادی و فوائد عامه فی المثل بدان ماند که کسی یک قطعه زمین بایر داشته باشد و بخواهد بنای عالی و عظیمی در آن بر پا کند ولی نه مصالح بنائی از سنگ و آجر و گچ و آهک وغیره دارد و نه دیناری سرمایه و نه معمار و بنائی لایق و لهذا از همسایه خود خواهش میکند که بیاید و یک عمارت عالی در آن زمین بنا کند ولی بعد از تمام شدن عمارت و مفروش شدن آن و نصب تلفن و چراغ برق و همه وسائل رفاه و گذاشتن اثاثیه اعلا و انواع تزیینات وقتیکه بانی عمارت میخواهد آمده در آنجا منزل کند صاحب زمین جلو آمده و بگوید مالک اصلی او است و دیگری حق دخول در عمارت ندارد واضح است که باو خواهند گفت چیزی جزئی حق الارض بگیرد و گوشه بنشیند زیرا که غیر از خاک آنچه آنجا هست متعلق بشخص آباد کننده است

برای اقدامات اقتصادی اگر پول نداشته باشید ممکن است از خارج قرض کنید یا بشکل سرمایه خارجی را بمملکت خود بیاورید ولی با نداشتن مهندس و معدن شناس و ماشین ساز و صنعتگر فنی و کشتی ساز و ناخدا و مدیر بانک و شیمی دان و طبیب بومی محال است هیچ اقدامی از طرف خود اهل مملکت بوجود بیاید و و در واقع فقدان ارباب فن چنان ننگ عظیمی است که رؤسای چنان ملتی باید از صحبت اقدام اقتصادی وفوائد عامه را عار داشته باشند و جز دادن امتیازات و فروختن منابع ثروت مملکت چه بقصد گردانیدن چرخ ادارات دولت و چه برای تحصیل یک لقمه نان برای مردم مملکت چاره نخواهند داشت

ترقیات اقتصادی هر مملکت در درجه اول اهمیت دارد [illegible]

مقدمات است همانا داشتن ارباب فنون و صنایع است یعنی یک عده کافی مهندسین راه و معدن و شیمی دان و عالم علم فلاحت و متخصص مالیه و تجارت وغیره و بدون این مقدمه بهره مندی مملکت از امور اقتصادی با حفظ استقلال ملی محال است

فراهم شدن اسباب این کار یعنی وجود ارباب فن نیز بنابر تجربه که تا حال شده بدون انتشار تعلیم ابتدائی غیر ممکن است احساسات و تمایلات عامه تنها عاملی است که میتواند موجب نهضت ترقی در این مملکت بشود و تا یک انتباه عمومی بوجود نیاید افکار عامه متوجه تربیت ارباب فن و فرستادن محصلین بخارجه نخواهد شد و اگر هم جمعی خود فنون لازمه را در خارجه فرا گرفتند و بوطن خود بر گشتند جهل و شیاد و پر دسیسه که در سر کار ها هستند مانع از استفاده مملکت از وجود آنان خواهند شد

ترقیات اقتصادی در معنی سیاسی آن عبارت از تهیه وسائل ثروت مردم مملکت و تقویت بنیه ملی بوده جزئی از استقلال ملی محسوب است ولی تا اهل مملکت رشد و تمیز کافی حاصل نکنند دارای یک سیاست ملی اقتصادی نخواهند بود مگر نه قسمت مهمی از خرابی اوضاع اقتصادی از همین فقدان رشد ملی ناشی است خریدن مال خارجه در هر رشته واختراعات گوناگون در این راه مستقیما ما را براه افلاس کامل میکشد واین نیست مگر از فقدان کامل احساس وملی حقیقی در سواد مردم امیر نجد در چند سال قبل بچند نفر حجاج ایرانی که از راه نجد بمکه رفته بودند در ضمن صحبت از مذهب شیعه چنین گفته بود « من ایرانیها را خوب شناخته ام این ادعا های تشیع باهل بیت وغیره بی اساس است من یقین دارم که اگر علی و عمر هر دو زنده بودند و هر دو بپهلوی هم در ایران یک دکان کاسبی باز میکردند اگر عمر مال مطلوب را منی یا ذرعی نیم شاهی کمتر از علی میفروخت تمام اهل ایران از عمر میخریدند و حضرت علی بی مشتری میماند » خواهید گفت این قانون طبیعی اقتصاد است ولی مللی که اقتصاد ملی را علاوه بر اقتصاد شخصی منظور دارند دراین موارد رویه دیگر پیش میگیرند

خلاصه آنکه اولا ترقی اقتصادی بدون ترقی پایه معرفت ملت و داشتن عده کافی ارباب فن غیر ممکن است و نمیتوان امروزه در عالم ملتی نشان داد که جاهل و با ثروت باشند و ثانیا اگر هم این کار ممکن باشد عبارت از ترقی ثروت بعضی اشخاص خواهد بود و در واقع اقتصاد شخصی قوت خواهد گرفت نه اقتصاد ملی ثالثا حفظ استقلال ملی که پایه اقتصاد ملی است ومطلوب اهل وشالوده معنوی و روحانی ملت است [illegible]

هم ثروت ظاهری ترقی کند بدون تعلیم ملت و ارتباط درخت استقلال بریشه های علم ومعرفت مغز های مردم خیال خام است زیرا همانطور که برای مردم غذای جسمانی لازم است غذای روحانی نیز ضرور است خصوصا درجامعه وملت که محرومیت از غذای روحانی صحیح اورا بسوی کثافت خرافات و اوهام و تعصب و وساوس و اباطیل میکشد و دماغ او را از عقاید ضلالت آمیز ومضر میشود و این زندگی اقتصادی اورا نیز کاملا مختل میکند خاصه ترقی اقتصادی با فقدان معارف عمومی در صورتیکه هم ممکن باشد طبقات بالای ملت را رفاه زیادی می بخشد وفاصله میان طبقه عالی و دانی را زیادتر میکند و تخم عدم رضایت و خصومت طبقاتی و انقلاب وجنبش خانگی را که عاقبت ازهم دهنده همه اندوخته های ملی است در قلوب عامه میافشاند

توجه امور اقتصادی خیلی مستحسن ومطلوب است و آنچه تا حدی دراین مملکت در این باب پیدا شده های آمال تشکر وخوش وقتی است و باید صد برابر بیشتر شوق و التفات این امر قوت گیرد لکن توجه مهم نباید موجب غفلت از اهم شده و درصرف قوا و اوقات در کار اشد تعلیم اهمال شود و البته التفات مطلوب است که بهر دوکار اهتمام کامل شود وهم برای شکم و هم برای مغز غذای جسمانی و روحانی تهیه شود که ملت هم جسما راحت وهم روحا قوی شود

از بندر پهلوی مینویسند

سؤالات هشتگانه آقای مرشدی راجع به تعلیم اجباری مندرجه در شماره ۸ صفحه ۱۳ آن گرامی نامه بنده را بران داشت که عقیدت خودرا درجواب آنها نوشته تقدیم دارد

ج ۱ - پروگرام — پروگرام مدارس ابتدائی اجباری خوبست همان پروگرام چهار ساله ابتدائی مصوبه شورای عالی معارف مورخه ۳ جوزای ۱۳۰۳ بوده باشد که اکنون مجری و معمول است ودرمدت چهار سال از سن شش الی ده ساله طفل را دارای سوادنوشتن و خواندن و حساب کردن و شناختن اشیاء محیطه و خواص آنها و آموختن اصول احکام اسلامی و بحکم حب دیانت و وطن و خانواده و نوع و دانستن وظایف انسانیت و آگاهی بواقعات مهمه تاریخیه و فواید صحت و ورزش روحانی و جسمانی مینماید — و سوای سال اول که کتاب الف باء لازم دارد باقی مواد همه شفاهی است و نباید از روی کتاب باشد

ج تبصره الف — مدت تعلیم چهارسال است که همه ساله ازاول مهرماه شروع و بعدآخر خرداد ماه خاتمه پیدا نماید

ج - ب — پروگرام مذکوره در ۴۰۰۰ درس ختم میشود که سالی ۱۰۰۰ درسرا باسانی میتوان آموخت

ج - ج — و کلاس صنعتی بسیار ضرورت دارد که در هر روز یك ساعت وجزء مواد پروگرام بسته قرار دهند لیکن در همه جا یکسان نباید باشد بلکه بذوق واحتیاجات محیط است مثلا در اصفهان قلمکارسازی در کرمان قالی بافی در همدان چرمسازی و نقاشی در طهران آهنگری و نجاری

ج - د — ورزش از الزمترین مواد تحصیلیه مدارس ابتدائی اجباری باید باشد که آنهم جزءمواد پروگرام در آورده همه روزه یکساعت قبل از شروع بدرس که مزاج مستعد تر است قرار دهند تا افراد آتیه مملکت دارای قوای کاملهٔ جسمانی و روحانی باشند در اینجا لازم است ورزشرا از آلمانیها سر مشق بگیریم که بیك کرشمهٔ دوکار میکنند

ج ۲ — تعداد مدارس ابتدائی اجباری وابسته بابتدائی است که باید برای آن تهیه نمود ولی بطور تقریب غیر از محصلین فعلی که در ایران و خارجه مشغول تحصیل میباشند بدون تردید در ایران یك ملیون دختر و پسر از سن شش الی ده ساله وجود دارند که اگر درهرمدرسه چهار کلاسه ابتدائی ۱۲۰ نفر مشغول تحصیل شوند ۸۳۳۳ باب مدرسهٔ ابتدائی لازم می آید و هرگاه هر مدرسه فقط چهار نفرمعلم بداریم ۳۳۳۳۲ نفر معلم میخواهیم در صورتی که هر معلمی را بطور متوسط ماهی ۳۰ تومان حقوق دهیم ۹۹۹۹۶۰ تومان در ماه مخارج مدارس فرق خواهد شد که از بودجه فعلی معارف ایران زیادتر است بنابراین از نقطهٔ نظرقلت بودجه ومعلم خوبست در سال اول مدارس را یك کلاسه برای اطفال شش سال تمام باز نموده و بعد در هر سال یك کلاس افزود تا در مدت چهار سال کلیه مدارس چهار کلاسهٔ شوند در اینصورت هم میتوان در مدت چهار سال تهیهٔ بودجه کافی نمود وهم ممکن است از بین متعلمین فعلی و طلاب مدارس قدیمه تربیت معلم نمود آنوقت لازم میشود که در چند نقطهٔ مملکتی تأسیس دارالمعلمین نموده تا معلمین مدارس اجباری را تربیت نمایند

ج - ۳ چون عده معلمین کفایت مدارس مندرجه در سؤال ۲ را نمیکنند ناچار باید مدارس ابتدائی اجباریرا مطابق عقیده مندرجه در جواب سؤال دوم (سال اول یك کلاسه بعد هر سال کلاس افزود)

سیس نموده و دارالمعلمین را ایجاد کرد غیر از آن
بد معلمین را از میان ملاها و طلاب مدارس قدیمه
انتخاب کرده و هر کس را باندازه کفاف مخارجش
حقوق داده و منتها چیزی که باید خیلی مورد دقت
قرار داده شود اصول تعلیمات است (متد) که شاید
هر چند باب مدرسه را بسمت یکنفر مدیر متخصص
در پداگوژی سپارد که معلمین خودرا مطابق اصول
تعلیمات جدیده تربیت نماید و اصول تعلیمات جدیده
مدرسه چهار کلاسه را تالیف و چاپ نموده و بهر
هر معلمی یك جلد داده شود تا از مطالعهٔ آن به
موجبات تدریسیه آشنا شوند افسوس در ایران ما هنوز
پداگوژی تالیف و تصنیف نکرده اند مگر کتاب
موسوم به کنفرانس آقای صدیق اعلم (پروفسور
عیسی خان دیپلمه از دارالفنون و دارالمعلمین فرانسه)
که بسیاری از طرق اصول تعلیمات را نشان می دهد.

ج ٤ — مستشار جهت مدارس ابتدائی اجباری
از ممالک خارجه آوردن لزومی ندارد در عوض
مستشار حقوق گزافی که باید باو داده شود از ایرانی
هائیکه در معارف ایران سابقهٔ درخشانی داشته ومجرب
شده اند باید استخدام نموده و حقوق همان مستشارانرا
بانها بدهند مشروط براینکه برای استخدام و کلیه
وظایف معلمین و کارکنان معارف اجباری قانونی وضع
شود که خادم را تشویق و خائن را مجازات نماید
بنده بعقیدهٔ بنده مستشار عبارتست از قانون که قوهٔ
مجریه هم داشته باشد هرگاه در مملکت قانون را
قوه مجریه باشد جزای خوبی را خوبی و مکافات
بدی را بدی بدهند خود ایرانی باحتراز هر مستشاری
کارگذار است فقط چیزیکه در ایران کار مستشاریرا
جوهگر کرده و موجبات وجود آنانرا فراهم ساخته
نتوانستن اجرای قانون است بدست خودی هرگاه
ایرانی بداند و حتم کند ارتکاب و خلاف قانون واسطه
بردار نبود و صرف نظر از خلاف او نمیکنند غیر
ممکن است برخلاف قوانین جاریه مرتکب خلافی بشود
این همه خلاف قانونها همه از اثر سستی قوه مجریه
است البته وقتی که ایرانی احساس کرد
که در مقابل خدمات خوب جزای خوب می بینند می
کوشند تا پیوسته بجزاهای خوب سر افراز گردند

ج ٥ — تعیین و تقسیم مدارس و متعلمین ومعلمین
با تعلیم اجباری دوشیزگانست بلی مرد و زن باید هر
دو دارای معلومات کافیه باشند چه ظاهرا این دو عنصر
ناگزیر از اختلاط و امتزاج هستند و هر گاه تعلیم
اجباری مخصوص یکی از آنها باشد مثل آنست که
که یکنفر انسان یك چشم دارد و چشم دیگرش کور
مادرزاد است بعلاوه انسان کامل عبارت است از یك
مرد ویك زن وقتیکه مرد سالم و زن جاهل باشد
زندگانی آنان ناقص شود بهمین علت است که غالبا
مرد و زن ایرانی ازیکدیگر ناراضی وعدوی همدیگرند
بواسطه جهالت نسوان است که ایرانی از قافله تمدن
عقب مانده و هرگاه غیر از تربیت نسوان ایران
بسرعت برق هم راه تمدنرا بپیماید بازهم ازتمدن
حقیقی عقب است

ج ٦ — البته معلمات قدر لزوم نداریم در
صورتیکه نصف عده معلمین معینه در جواب سؤال ۲
باید معلمات باشند تا نصف مدارس مذکوره را اداره
نمایند برهمه معلوم و مبرهن است که هنوز در ایران
۱۰۰۰ نفر معلمه نداریم پس باید بیك تیر دو نشان
زد یعنی پسران و دختران را مخلوطاً در مدارس
ابتدائی اجباری ببرند و معلمین آنان را عموماً مرد
معین نمود تا کار پیشرفت نماید مثل سایر ممالك و
الا هر گاه فقط بتحصیل پسران اقدام شود و دختران
بحال حالیه باقی بمانند نتیجه مطلوبه حاصل نخواهد
شد منتها وقتیکه پسران مشغول کار صنعت میشوند
دختران هم باید بصنایع دوختن و پختن که ازبزرگترین
وظایف خانه داری است بپردازند در اینوقت باید
تحت مراقبت زنان بوده باشند که میتوان از این
زنان تربیت شده ایرانی آن عده را برگزیده نمود
در اینموضوع خیلی تعرضات به بنده خواهند نمود از
طرفی متقدمین خواهند گفت که این کار کفر است و
برخلاف شرع مطهر از طرفی متمدنین مزوره اسد
خواهند گفت که ایرانی اخلاق ندارد تا بتواند اینگونه
کارهای مهمه را عمل کند بنده فقط عرض میکنم
این سخنان با بیانات اخیر شاه منافات کلی دارد
بیانات شاه شاه بیاناتست (کلام الملوك ملوك الکلام)
چنانکه اعلیحضرت وعده داده فرموده اند که (من
تمام هم معطوف ترقی ایران است و ما دام که در
اخلاق جامعه اصلاح حقیقی حاصل نشود ترقی روحی
مملکت غیر ممکن خواهد بود) رای حبل المتین را کامل
است (جزای عرفی محاکمات جزای عرفی را دایر
فرموده اکسی نتواند از حدود خود خارج گردیده
آنوقت است که گرگ و گوسفند از یك چشمه آب
خورده اند بدون هیچگونه آسیبی بلی در مهدعدالت
گستری اعلیحضرت پهلوی باید دو عنصر ضدین
بیارمند در این دوره اسودگی خواهند شد عاقبت
یك روز خواهی نخواهی باید پسران و دختران در
یك مدرسه تربیت شوند در عصر پهلوی بشود
امروز همان روز باشد

ج ۷ — البته صدی نیم از عایدات املاك هم
برای تعلیم اجباری کافی نخواهد بود بلکه باید کسری

آن را بوضع قانون جدیدی تهیه نمود

ج ۸ — بهترین عوایدی که کمتر متوجه بفقراء و ضعفا میگردد و مخارج وصولش را کمتر میتوان مقرر داشت گمرکی است که باید بامتعه خارجه (غیر ماشین آلات) که وارد ایران میشود تحمیل نمود از قبیل اشیاءلوکس ومنسوجات که تحت کنترال مخصوص (مثل عایدات انحصاری قند و چای و شکر) دولت در گمرکات اخذ و در بانک پهلوی بحساب وزارت جلیله معارف ضبط و بمصرف کسری مخارج مدارس ابتدائی اجباری برسانند البته آقایان نویسندگان مبصر از بنده بهتر میدانند [یک مرد]

وزارت جلیله عدلیه

قانون محاکمه انتظامی قضات و دستخط اجرائیه آن که بصحه مقدس ملوکانه موشح شده است ذیلا ابلاغ میگردد

(با تائیدات خداوند متعال ما پهلوی شاهنشاه ایران)

نظر باصل بیست وهفتم متمم قانون اساسی مقرر میداریم

ماده اول — قانون محاکمه انتظامی قضات که درتاریخ چهار دهم بهمن ماه یکهزار وسی‌صد وچهار شمسی بتصویب رسید و ضمیمه این دستخط است بموقع اجرا گذارده شود

ماده دوم — هیئت دولت مامور اجرای این قانون هستند بتاریخ نوزدهم اسفند ماه ۱۳۰۴ شمسی

(قانون محاکمه انتظامی قضات)

ماده ۱ — شکایاتی که از قضات محاکم میرسد باید حتما برای رسیدگی باداره امور قضائی ارسال گردد در صورتیکه اداره مزبور شکایت را وارد وقاضی را قابل تعقیب انتظامی تشخیص داد وزیر عدلیه مکلف است محکمه انتظامی را تشکیل نماید

ماده ۲ — محکمه انتظامی که برای رسیدگی بتقصیرات اداری « انتظامی » قضات محاکم اعم از امنای صلحیه و قضات ابتدائی و استیناف و مستشاران دیوان تمیز تشکیل میشود مرکب خواهد بود از سه نفر قضات مشروط براینکه رتبه آنها از رتبه قاضی مشتکی عنه کمتر نباشد قضاتی که محکمه مزاوره را تشکیل میدهند ازمیان کلیه قضاتی‌که رتبه آنها مساوی یا بالاتر از رتبه مشتکی عنه است و در نقطه اقامت دارند که محکمه در آنجا باید تشکیل شود بحکم قرعه معین میشوند قرعه به نسبت رتبه مشتکی عنه در جلسه علنی محکمه ابتدائی یا استیناف ویا دیوان تمیز وبنظر بتقاضای وزیرعدلیه یا رؤسای پارکه مربوط بعمل میاید موارد و قضات در مورد اعضای محکمه انتظامی نیز رعایت خواهد شد

ماده ۳ — محاکمه رئیس و رئیس شعبه تمیز در شورای دولتی خواهد بود و مادام که شورای مزبور تشکیل نشده در محکمه بعمل میاید که مرکب از پنج نفر خواهد بود اعضای این محکمه بحکم قرعه از میان ده نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی معین می کردند که رئیس مجلس شورای ملی نظر به تقاضای وزیر عدلیه و با رعایت اطلاعات وتخصصات لازمه از میان اعضاء مجلس شورای ملی انتخاب و معرفی خواهد کرد

ماده ٤ — در صورت تجدید نظر از حکم محکمه انتظامی محکمه جدیدی مرکب از سه نفر که بحکم قرعه و با رعایت مفاد ماده دوم معین می‌شوند تشکیل می گردد اسم قضاتی که حکم سابق را داده اند داخل در قرعه نخواهد بود

ماده ٥ — انجام وظایف نمایندگی دولت برای تعقیب انتظامی بعهده یکی از صاحب منصبان پارکه خواهد بود مشروط براینکه رتبه او کمتر از رتبه مشتکی عنه نباشد صاحب منصب مزبور باید در موقع تنظیم ادعا نامه بدوسیه پرسنلی مشتکی عنه مراجعه نموده و محکمه هم باید در حین صدور حکم دوسیه مزبوره را در نظر بگیرد.

ماده ٦ — محاکمه انتظامی صاحب‌منصبان پارکه و مستنطقین بر طبق مقررات قانون استخدام کشوری بعمل خواهد آمد

ماده ۷ — مدت مرور زمان برای تعقیب‌انتظامی قضات وصاحب‌منصبان پارکه و مستنطقین دو سال از تاریخ وقوع تخلف یا از آخرین اقدام تعقیبی خواهد بود ـ

ماده ۸ — عبارت « مجلس عالی قضائی » که در بعضی از مواد قانون استخدام حکام محاکم ذکر شده است بعبارت « محکمه تجدید نظر » تبدیل می شود

ماده ۹ — مواد ۲۳ ، ۲٤ ، ۲٥ ، ۲٦ قانون استخدام حکام محاکم نسخ میشود

چون بموجب قانون مصوب دهم عقرب ۱۳۰۳ شمسی وزیر عدلیه مجاز است کلیه لوایح قانونی را که در دوره پنجم تقنینیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و یا می نماید پس از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی به موقع اجرا گذارده پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود تکمیل و ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید علیهذا « قانون محاکمه انتظامی قضات » که بتصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است

بتاریخ چهاردهم بهمن‌ماه ۱۳۰٤ شمسی سید محمد تدین

رئیس مجلس شورای ملی عین قانون به ضمیمه دستخط مبارك در کابینهٔ ریاست وزراء ضبط است –

محل مهر و امضای ریاست وزراء

وزارت جلیله عدلیه

نظام نامه راجع بتشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات و تعیین مجازات آنها مشتمل بر ۲۷ ماده ذیل در جلسه ۱۳ اسفند ماه ۱۳۰۴ هیئت وزراء تصویب شد

نظامنامه راجع به تشخیص انواع
(تقصیرات انتظامی قضات و تعیین مجازات آنها)

ماده ۱ – تخلف از اجرای مواد ۲۵۳ و ۴۴۷ اصلاحی و مواد ۴۴۵ و ۴۴۶ قانون اصول محاکمات حقوقی و مطابق قانون مصوبه ۳ سنبله ایت ئیل ۱۳۰۱ برای رؤساء محاکم مستوجبه محکومیت کسر مقرری تا شش ماه یا تنزل رتبه و برای اعضای محاکم کسر ثلث مقرری از یك ماه الی ششماه خواهد بود

تکرار تخلف در ظرف ششماه از تاریخ تخلف اول موجب یك درجه تشدید مجازات خواهد شد

ماده ۲ – اگر رؤساء محاکم از اجرای ماده ۱۷۰ اصول تشکیلات و اجرای حق نظارت خودداری نمایند و بی نظمی در امور شعب و دفاتر محاکم کشف شود به مجازات فقرات ۳ یا ٤ ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری نسبت باهمیت بی نظامی محکوم خواهند شد

ماده ۳ – چنانچه از حق نظارت مذکور در ماده ۱٦۸ اصول تشکیلات عدلیه رؤسای محاکم خود داری نموده و فقره ۲ از ماده ۱٦۹ اصول تشکیلات را مجری ندارند و بی نظمی در امور محاکم مشاهده گردد رئیس محکمه که خود داری نموده مستوجب مجازات های ۳ یا ٤ ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری بتفاوت اهمیت بی نظمی خواهد بود

ماده ٤ – مدعی العمومها و وکلای عمومی که مفاد ماده ۱۷۳ اصول تشکیلات را اجرا ننمایند و اختلال و بی نظمی در محکمه که تحت نظارت آنها است مشاهده شود محکوم بمجازات های فقرات ۳ یا ٤ ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری نسبت باهمیت بی نظمی و اختلال خواهند شد

ماده ۵ – اگر جلسه محاکمه خارج از ترتیب نوبت که در دفتر محکمه همه روزه ثبت می شود بدون عذر موجه تاخیر افتد رئیس محکمه به مجازات درجه ۳ از ماده مزبوره محکوم خواهد شد

ماده ٦ – در غیر موارد ابلاغ که اظهار عقیده مدعی العموم حاکی از ختم محاکمه است و در غیر امور جزائی که محاکمه باخرین نطق متهم ختم میشود اگر رئیس محکمه بعد از ختم مذاکرات شفاهی مطابق ماده ٤٤۰ فوراً ختم محاکمه را در دوسیه قید نه نماید به مجازات درجه ۳ از ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری محکوم خواهد شد

همین مجازات برای قضاة محاکم جزائی نیز مقرر است اگر فوراً پس از آخرین نطق متهم ختم محاکمه را در دوسیه قید نکنند –

ماده ۷ – در صورتیکه بدون تقاضای کتبی اصحاب دعوی و عذر موجه دیگر جلسهٔ محاکمه تاخیر افتد یا تبدیل بوقت دیگر شود رئیس محکمه مستوجب محکومیت درجهٔ ۳ از ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری خواهد بود –

ماده ۸ – اگر وکیلی از حضور در جلسهٔ محاکمهٔ عدت نمود و بدون اجرای ماده ۲۵٦ اصول تشکیلات عدلیهٔ آن وکیل در جلسه بعد برای آن محاکمه پذیرفته شود رئیس محکمه یا قائم مقام او بمجازات فقره ۱ الی ۲ از ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری محکوم خواهد شد

ماده ۹ – چنانچه قبل از اعلام رسمی آراء محکمه افشاء شود افشاء کننده به مجازات درجه ٤ محکوم می شود « غیر از مواردی که موجب قانون جزا جرم عمومی تشخیص شود »

ماده ۱۰ – تخلف از مواد ٦۲ و ٦۳ و ۹۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه مستلزم مجازات درجه ۲ الی ۳ خواهد بود

ماده ۱۱ – چنانچه اعضاء محکمه و اشخاصیکه در اطراف محکمه استخدام دارند در امور مربوطه بانتظامات اداری که در حدود وظایف آنها می باشد از اطاعت امر رئیس محکمه استنکاف نمایند نظر باهمیت کار مرتکب تا درجه ۵ از ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری محکوم خواهد شد

ماده ۱۲ – هرگاه یکی از روسای محاکم یا مدعی العموم ها و وکلای عمومی از رابرت دادن تخلفات اداری اعضاء و اجزاء محاکم یا پارکه ها که در ماده فوق ذکر شده است اهمال یا خود داری نماید بمجازات درجه ۲ یا ۳ محکوم می شود

۱۳ – رفتار خارج از نزاکت یا توهین قضات یا صاحبمنصبان پارکه نسبت بیکدیگر در حین انجام وظیفه یا بمناسبت انجام آن نظر اهمیت جرم مستلزم مجازات از درجه ۱ الی ٤ خواهد بود

ماده ۱٤ – اهمال در انجام وظایف مخصوصه بر حسب مقررات برای هر یك از قضات یا صاحبمنصبان پارکه ها معین شده در غیر از موارد فوق نسبت به

اهمیت آن مستوجب یکی از مجازاتهای درجه ۱ و ۲ و ۳ خواهد بود

ماده ۱۵ — اگر اسناد و سوادهائیکه متداعیین و یا وکلاء آنها بمحکمه می دهند و باید در دوسیه ضبط شود فورا ضمیمه دوسیه مربوطه نشده و در فهرست دوسیه ثبت و نمره نشود و یا بعد از ضبط در دوسیه بر خلاف ترتیب خارج شود مرتکب تا درجه ٤ نسبت باهمیت تقصیر محکوم خواهد شد

ماده ۱۶ — هر یك از قضات و صاحبمنصبان پارکه که نسبت باعمال یکدیگر راپورت می دهند اعم از آنکه بر طبق نظامات و قوانین مکلف ان باشند یا نه در صورتی معلوم شود که راپورت مزبور بر خلاف واقع و مبنی بر غرض بوده راپرت دهنده به مجازات درجه ۳ الی ٥ محکوم می شود

ماده ۱۷ — هر یك از مستخدمین قضائی و پارکه ها که برای تقاضا و مطالب اداری مربوط به شخص خود بغیر از مجاری اداری متوسل گشته و ایجاد وسایط نمایند علاوه بر اینکه در موقع دادن ترفیع و اضافه حقوق این تقصیر در نظر گرفته خواهد شدممکن است بمجازات تا درجه ۳ محکوم گردد در صورتیکه رؤسای ما فوق مستخدم در ایصال مستدعیات او به مقامات لازمه مسامحه نمایند مستخدم می تواند آن را ثانیاً تجدید نموده و سوادی از آن هم مستقیماً بمقام وزارت ارسال دارد شکایت از رئیس بلا واسطه ممکن است مستقیماً ارسال شود

ماده ۱۸ — قضات و مستخدمین که مغلوب نفوذ متنفذین و توصیه های دوستانه وغیره واقع شوند و در تحت تاثیر نفوذ یا توصیه بر خلاف وظیفه امری را انجام دهند و یا انجام وظیفه را ترك یا تاخیر نمایند بمجازات درجه ٦ محکوم خواهند شد

ماده ۱۹ - قضاتی که احکام آنها بتوسط محاکم عالیه فسخ و یا نقض شود بنحویکه آن فسخ یا نقض کاشف ازعدم لیاقت آنها باشد محکوم بدرجه ٥ یا ٦ خواهند شد همین مجازات مقرر است برای امنای صلح نواحی که ازروی احکام آنها عدم لیاقت شان معین گردد

ماده ۲۰ هریك از قضات و صاحب منصبان پارکه ومستنطقین که در ضمن انجام وظیفه رعایت قوانین موضوعه را ننمایند به نسبت تخلفاتی که از مستخدم مزبور سر زده است بمجازات درجه ۲ الی ٤ ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری محکوم خواهد شد در صورتیکه تخلفات مشهوده مستقلا یا بانضمام تخلفات سابقه که موجب محکومیت شده است کاشف از عدم لیاقت مستخدم باشد مجازات متخلف مجازات درجه ٥ ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری است و اگر تخلفات مزبوره متعمدا برای اجرای مقصودی برله یا علیه احد متداعیین بعمل آمده باشد متخلف بمجازات درجه ٥ یا ٦ محکوم خواهد شد و اگر محکومیت بمجازات درجه ٥ باشد تنزل رتبه کمتر از دو درجه خواهد بود

ماده ۲۱ - در صورتیکه نسبت بعدم صلاحیت ذاتی محکمه ایراد شود محکمه مکلف است که در اولین جلسه رسیدگی در موضوع ایراد مزبور قرار مقتضی صادر نماید و در صورت تخلف هیئت محکمه محکوم بمجازات درجه ۲ الی ۳ خواهد شد

ماده ۲۲ - چون موافق ماده ٥۸ قانون اصول تشکیلات جلسه محکمه باید از سه نفر تشکیل شود در صورتیکه یکی از اعضاء محکمه بدون عذر موجه غیبت کند بکسر ثلث حقوق تا سه ماه محکوم خواهد شد و رئیس محکمه یا قایم مقام او که جلسه غیر قانونی محکمه را جریان بدهد بکسر ثلث حقوق الی سه ماه محکوم خواهد شد

ماده ۲۳ - مشاوره و صدور رای باید بوسیله اعضائی بعمل آید که در موقع رسیدگی دعوی حاضر بوده اند چنانچه یك یا چند نفر از اعضاء مزبور بدون عذر موجه از دخالت درمشاوره و صدور رای طفره بزند بمجازات کسر ثلث حقوق تا سه ماه محکوم خواهد شد و اگر رئیس محکمه یا قایم مقام اوبدون ضرورت عضو دیگری را برای مداخله و صدور رای دعوت نماید بمجازات درجه ۳ محکوم خواهد شد

ماده ۲٤ - هر یك از قضات یا صاحب منصبان پارکه که مرتکب اعمالی شوند که مخالف با حیثیات وشرافت آنها باشد بمجازات درجه از ٤ الی ٦ از ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری محکوم خواهند شد

ماده ۲٥ - در صورت تکرار هر یك از جرائم مذکور دراین مواد مجازات مرتکب یك درجه تشدید میشود مگر آنکه مجازات تکرار صراحةً در خود ماده قید شده باشد

ماده ۲٦ - مخالفت اعضای محکمه انتظامی با مواد این نظامنامه مستلزم محکومیت بحد اکثر مجازاتی خواهد بود که در مواد تخلف شده برای مقصر مقرر شده است

ماده ۲۷ - هریك ازحکام محاکم وصاحب منصبان پارکه که پس از انقضاء مدت مرخصی و بدون تحصیل اجازه تمدید درسر خدمت خود حاضر نشود از حقوق ایام غیبت محروم مانده و ممکن است وزارت عدلیه دیگری را بجای او منصوب نماید

تصویب نامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است

محل امضاء ومهر ریاست وزراء فروغی محمد علی

نمره اعلان ۱۳٦۷

توهین و تحسین بی مورد

(متناقض باروح جامعه است)

در این قرن مشعشع هر جامعهٔ اصطلاحات اساسی و اختلافی خویش را برحسب مقتضیات عصر اصلاح نموده ولی هنوز عنصر ایرانی در حال تذبذب باقیست علت اصلی همانا جلب صفات تملق و چاپلوسی یا توهین و نکوهش یکدیگر و تعریف و توصیف بیجاست که همواره نظریات خودرا متوجه بدین صفات ساخته‌ایم بنگاه عدم ترقی ایران تذبذب صفاتی است که از بعد غلبه عرب باعماق روح ایرانی مستولی گردیده لذا نگارنده هر یك از سادات مذمومه را موجب اشتغال وقت و دائت فطرت عالم السابت دانسته و مبنوان هائل بود که روح فرداً فرد ایرانی را هر یك ازین صفات مسموم ومعطل ساخته چه که تاثیرات عمده بمبانی اخلاق این مرزوبوم بخشیده توصیف بیجا موصوف علیه را از حالت اعتدال خارج و تحقیر بی مورد نیز اثرات شومی باخلاق عمومی داشته بدیهی است مفاد خیرالامور اوسطها بهترین سر مشق مشی اخلاقی است معهذا بعد از اظهار عقیده لازم آمد شرحی که در شماره ۱۵ حبل‌المتین صفحه ۱۹ از کرمان وقایع‌نگار مجهول‌الهویه نگاشته بود مورد مدافعه و بحث قرار دهیم بعد از سوء جریانات سیاسی آن ایالت درتحت عنوان امنیه چنین مرقوم بود (افتخار داریم ملت شش هزار ساله ایم نمیگوئیم در این مدت چه کردیم و چه نام نیکی گذاشتیم نویسندگان بی قید برلن طاق کسری و نقش در کوهها و نمشات خسرو پرویز و عظمت و دستگاه یزد جرد را موجب افتخار ما دانسته اند کاش آن هم روی حقیقت بود فقط برای خوش آمد پارسیان هند و گرفتن سالی پانصد پوند مستمری از آنها تیشه بریشه دیانت و مذهب خود میزنند دیگر غافلند که هزار از این مقوله‌ها مردم به آتش پرستی و زر دشتی بر نمیگردند) اولا بحث در جریانات مملکتی و اظهار عقیده وپیشنهاد اصلاح کردن وظیفه هر فرد وطن پرست حساس است و در این موضوع ابراز حس مشار الیه مورد تقدیر است ولی در ضمن توهین و تحقیر بجامعه ایرانی نژاد نمودن از شرط انصاف و نوع خواهی خارج است فاما در جواب از اینکه انکار از استقرار نام نیك نیاکان نموده پشت پا برصفحات تاریخ زده اند میگوئیم همین بس که تمام ملاحظه و مورخین عالم متفق‌القول برآنند که سلاطین باعظمت باستان وصیت جهانگیری و قوه اراده و استقامت رائی و شجاعت و جلادت جبلی خودشان را بعالمیان گوش زد و در نصف کره ارض حکمفرما بودند بهترین یادگارخود را که عبارت ازصفحه بنهاور ممالك روم و چین بود باعقاب سپردند اگر اولادان ناخلف امثال شاه سلطان حسین صفوی که باصفهانی قانع بود برایگان دادند آیا الزامی انها وارد است

و نیز از افتخار نقوش و تصاویر بی ستون و تخت جمشید موجب تزلزل ارکان شریعت حضرت رسول «صلعم» میدانند در جواب همانا جمله برجسته فرموده حضرت سید کائنات «صلعم» را مستند قرار میدهیم که تاریخ مولود کبری و ظهور مبشر عظمی را در عهد سلطان عادل نوشیروان فرمود موجب فخرومباهات دانسته میفرماید «ولدت فی زمن الملك العادل» البته نویسندگان محترم برلین پیش از بنده و شما مربوط بتاریخ وابهت عظمت ایران باستان اند و غرض از نشر ایوان مداین و رسایل مفیده فقط برای سر مشق استقامت رأی و قوه اراده و فکر نسل آتیه است «استثناء دعوت بدین زردشتی» و نیز خدمات شایان آقای کاظم‌زاده بمهارت لازم به تشریح و بیان نموده بلکه اظهر من‌الشمس است یقین دارم جنابعالی ازکثرت سوء ظنی که بزردشتیان دارید خدمات معارف خواهان را به آلام درونی خود تشبیه نموده می‌فرمائید کاش از روی حقیقت بود فاما در موضوع کلمات متضاد زردشتی و آتش‌پرستی صرف نظر از ترکیب غلط جمله که از عدم ربط بحقیقت فلسفهٔ ادیان مذاهب است نظر از اینکه در ایران امروزه پیروان جمیع مذاهب غرق موهومات اند شکی نیست که عامل عمده آن هم عدم علم و فقدان روسای مجرد روحانی اند معذالك بایددانست زردشتیان حقیقی را پاك نگاهداشتن عناصر اربعه از روی اصول حفظ الصحهٔ واجب آمده اگر تکیه گاه توهین شما بر آتشکده های مصنوعی است میگوئیم اصلا لفظ آتشکده غلط و معنی حقیقی آن به (درب مهر) یعنی فتح باب مودت موقع مزید مهر و محبت و مکان اجماع و اجلاس در تصحیح امورات مناقشه وغیره که منجرباصلاح و ازدیاد مهر باشد نامزد آمده ضمناً مراسم مذهبی را بجا می‌آورند تنها درپاك نگاهداشتن عناصر دقیق‌تر میشوند اگر رؤساء ومتنفذین قومی محض‌عوام فریبی (چنانچه شیوه دیرینه رؤسای مادی هر قوم است رشتهٔ تزویر را با دانه های تسبیح ملبس می‌نمایند بساختن ابنیه مبادرت ورزند منوط بحقیقت نیست)

افسوس که امروزه غبار و زنك موهومات آئینه شفاف ادیان را آلوده ساخته و ایرانیان از عدم علم در انظار باوهام پرستی جلوه‌گر میشوند یاد دارم در پنج سال قبل یکی از آقایان مجتهدین کرمانی فرمایش

ساحت یکدستگاه منبر بشخص ارمنی تجارتی داده بود
و روزیکه ازدوکان بیرون آورده و رنگ میکرد پیره
زنهای ساده لوح گرد منبر برآمده نیاز و سجده
میکردند منده با یك حالت بهت آوری نظاره کنان
بوده با خود گفتم منبری که یکنفر خارج از اسلام
ساخته و بهم چنین رنگ ولایقی آن از خارجه آمده
سبب چیست این ساده لوحان سجده گاه خود قرار داده.
یکی را دیگری سبقت میجوید نظر بحسن ظن واخلاصی
که بدین مبین اسلام داشته راه خیال را مسدود کرده
حمل بر بی علمی وساده لوحی و عدم اطلاع شریعت
منوره اثنا عشری وحقیقت رسالت حضرت نبوی (صلعم)
نمودم دراینجاست که وقایع نگار را هدف مقابله با المثل
قرار داده میگویم اگر تظاهرات ظاهرانه خالی از
حقیقت میبریم تنها اوهام از کثرت ایام وتصادم متواتر
و سوختن کتابهای مذهبی بذرنشیمان وارد نیامده بلکه
سایر مذاهب نیز مستثنی نگردیده یگانه علاج همانا
تعمیم ونشرمعارف است تا قوانین مذهبی را بامقتضیات
عصر تطبیق نموده بالطبیعه اوهام سپری شود (سك)

وکلای ما چنین اند ؟

اوصاف وخصائلی که دول متمدن عالم برای وکلاء
پارلمنت که بیت الشرف و ناموس مملکت اش خوانند
ازین قرار ست وکیل دارالشورا بایدا بیل النفس واکثر
خوش عهد بود که علوحسب وشرافت نسب مزین باشد زانکه
چنین مرد ترسو نشود در هر حال حق گوید
ونیز باید علومیکه لازمه این عهده جلیله است دارا باشد
رسمی عالم باشد یعنی مستوفی کبری بداند جغرافیا
خوب بفهمد تحریر و تقریرش درست باشد چنین گفتگو
محتاج باستعمال اصطلاح ولغات بیگانه نباشد فاسد العقیده
نباشد یعنی مذهب تذبذبی نداشته باشد تا وقت دخول
در ناموس خانه یکتائی از کتابهای آسمانی یا باسماء
متبرکه بتوان قسمش داد شخص مذبذبرا بهیچ یك از
اینها سوگند نمیتوان داد این چنین آدم اعتبار ندارد
قابل اعتماد نیست اگر مسلمان است محمدی پاك باید
اگر موسویست خالص باید اگر عیسویست بی غش باید
اگر مجوسی است زردشتی محض باید دربن صورت
ملتی که سالها جفا دیده وستم کشیده باید خیلی زیرك
و هوشیار باشد فریب ظاهری مردمان ظاهر الصلاح
را نخورد سا باشد که

§ ظاهرش چون گور کافر پرحلل §
§ باطنش قهر خدا عز و جل §
§ ای بسا ابلیس آدم رو که هست §
§ پس بهر دستی نشاید داد دست §

از مطالب رو لزوم خلاصه وکیل باید قلبش قوت
داشته باشد زیرا که آدم ضعیف القلب ضعیف الرای
متلون المزاج میشود وکیل عیاش نباشد چه عیش جائز
چه ناجائز باید میانه رو باشد زیرا که شخص عیاش زود
زود گول میزنند وازحال طبیعی منحرفش می نمایند چون
این اوراق گنجایش هر گونه حسن گفتن وقبایح نوشتن
ندارد بدین چند جمله که حاوی به کلماتست بعبارت
ساده ومختصرمیگذارم وکیل دارالشورای ملی بساید
انسان باشد یکی از فضائل انسانی غیرت است پس لازم
است معنی غیرت و مراتب و فوائد آنرا از روی
تحقیق بدانیم غیرت بر حسب معنای لغوی احتراز و
دوری کردن است از آنچه بنام و ناموس او خللی می
رساند درین صورت از روی حق شناسی توانیم گفت
که غیرت حافظ و حامی نام و نامـوس است غیرت
سرآمد فضیلتها است غیرت رهنما بر جمله نیك بختیها
است غیرت اخلاق حسنـه را در انسان حـاصل و از
ذمائم و بدیها دوری دهد سرافرازی انسانها از غیرت
حاصل شود غیرت صفتی است که فاقدانرا بی عار و بی
ناموس گویند مرد غیور تکلیف دیگری دو بالای این
مراتب دارد که آنهم حفظ نـاموس هیئت مجموعه و
شرایط نیکنامی جمعیتی است که آنرا هم غیرت ملتی و
وطن پرستی و امثال آنها گفته اند و فرموده الله حب
وطن از ایمانست درین مقام شخص غیور باید کمال
ناموس خود و وطن وابنای وطن را منتهای آمال ومقاصد خود
سازد و بـاز گویـم وکلاء بیت الشـرف یعنی
دار المشوره ثانی صاحب نـاموس باشند اگر لفظ
ناموس هم بطور اجمال تفسیر شود شاید عیبی نداشته
باشد ناموس معانی عدیده دارد در اینجا معنی واقعی
استکه تدبیر سیاست باشد چه شریعت را نـاموس الهی
خوانند ناموس اکبر است زیرا در وی سیاست سیاسیات
عامست و غرض از شریعت کـار بعدل کردن و راه
بوسط بردن است از ظالم گرفتن و به مظلوم سپردن
و میانه روی کردن همه از عدل پدید آید و این عدل
در این جهان سبب بقای مردمان گردد و در آنجهان
دستگیر نفوس باقیه شود دیگر آنکه باید محفوظ از
غیره وغیره باشد چرا که اگر از رئیس بی اعتدالی
یا خیانتی سرزند مرؤس باید متابعت وی کند
ورنه بمنع وزجر بازش دارند وهیچ یك ازین گونه هر ه
براین عهده شامخه جایله نزد عقل روا نباشد
سید حسن حیدر زاده سبوندی

معارف بهبهان

از موقع تغییر نمایندگی معارف اینجا یعنی بدوورود
آقای میرزا عماد نماینده فعلی معارف معارفخواهان
امیدوار بودند که پیش از زمان نمایندگی آقای میرزا
علی اکبر خان لوری که در راه تاسیس معارف و
مدارس این جا فدا کاری نموده بود معارف در این

نقطهٔ اهم ترقی نماید ولی تمام این انتظارات گذشته از اینکه مایوس صرف بود و معارف از حال ماقبل خود یکقدم پیشتر نرفت تهیه سوء و ترقی معکوس هم بخشید و آن اینکه پس از اینکه آقای میرزا عماد بسمت نمایندگی معارف بهبهان وارد شدند بدواً بواسطه عدم بصیرت از وضعیات علی و بواسطهٔ سوء ریاستمداری بنای ضدیت را نسبت به تجار که تا آن وقت بنام معارفخواهی هرگونه مساعدت بمعارف می نمودند از قبیل دادن اعانه و افتخاراً — — — معارفی ازمشکلات و مال التجاره دادن نمودند ولی هینکه رفت بنظریات باطل شخصی با تجار و اهالی نسازد مردم و تجار هم ناچار از دادن این اعانه افتخاری ابا نمودند این بود.اولین ضربهٔ که در زمان مشار الیه بمعارف بهبهان وارد آمد سپس بملاحظه اغراض شخصی اعضاء معارف و مدارس را باهم زد و خورد انداخت رفته رفته از اهمیت قدیمی مدارس کاسته شد و مدارس بحال ویرانی افتاد خود ایشانهم که میبایست ناظر وضعیات مدارس باشند ابداً بفکر نبودند و فقط هم ایشان مصروف بزد و خورد با بعضی ادارات و اوقاف بود معلمین مدارس هم که دیدند ناظری برای اعمال و رفتار و کردار انها نیست و مسئول هیچ رئیس و اداره نیستند از کارباز ماندند یکدفعه مدارس زمین خورد و معلوم شد که با اینهمه فدا کاریهائیکه معارفخواهان نموده بودند و با اینهمه مساعدتیکه تجار مخصوصاً آقای حاج معین التجار و فرزند ایشان آقای رئیس التجار نموده بودند.معارف در عرض هفت ماه نمایندگی این شخص محترم بحالت سه سال قبل که تنها اسم معارف بود برگشته یعنی بعبارت الاخری ترقی معکوس کرده دیگر ازجمله صفات غیر ممدوحه ایشان که بیش از همه چیز معارف را رسوا کرده بدگوئی از رئیس ما فوق کردن است مختصر اخیراً بجای ترقی در پنجه عملیات آقای میرزا عماد معارف بهبهان آلوده بهزار ننگ شد مثلا در چندی قبل یکی از سادات محترم را که در حال عبور بوده و غفلتا سلام نمی کند مورد تعرض قرار میدهد و بایشان بنای فحاشی و هتاکی را می گذارد سید مزبور هم از قرار معلوم شکایت نزد اداره حکومتی میبرد این مسئله و اینهٔ صفت که خاصهٔ او است باعث رسوائی معارف و ایشان که رئیس معارفند گردیده آکنون معارف بحال بدبختی و مدارس در حال بحران است و ابداً کسی هم بفکر ان نیست اهالی یکمرتبه از ایشان و عملیات ایشان شکایت بمقام ریاست معارف فارس نمودند و عین شکایت نامه را مرجوع داشتند که بوسیلهٔ استنطاق رسیدگی شود لاکن چون اداره حکومتی طرفدار بود هکی از اقرار بشکایات خود داری نمودند —

• تا کنون چندین مرتبه مدارس تعطیل شده و معلمین مدارس اعتصاب کرده اند ولی مع التأسف با این وضعیات که در صورت رسیدگی عین واقع است ابداً مقامات مربوطه در فکر نیستند و رسیدگی هم نکرده اند که آیا چه خر بازاری برپا شده همینقدر عرض می کنم که معارف سائر نقاط روز بروز در ترقی است و معارف بهبهان در تنزل است

قابل توجه وزارت جلیله علوم و صنایع

درین عصر که ایران میخواهد در سایه شهامت و نیروی اعلیحضرت پهلوی ترقیات باستانی خود را از سر گرفته و رفته رفته خود را برای همسری با ملل متمدنه عالم حاضر کند ترویج صنایع و توسعه آن برای ملت اولین شرط و باید هیئت معظمهٔ دولت برای تشویق افکار صاحبان فن و متخصصین صنعت رسالهٔ مبنی بر شروط جایزه اختراع اشاعه داده و صاحبان صنایع را به تشویق جایزه بسر شور آورد و برای کشف اختراع هر صنعتی مبالغی بعنوان جایزه تشخیص و آنان را بنشان افتخار تشویق کند بدیهی است متفکرین برای نیل بافتخار باکتشافات خود قیام و رفته رفته صنایع و علوم ایران رو بترقی گذارده چندی نخواهد گذشت که در نتیجه تعلیم فنون در مدارس مخصوص دارای چندین هزار ذی فن و چندین هزار ذی نام گردیده کم کم احتیاجات رفع خواهد شد

در پایان این پیشنهاد از مطالعه کنندگان محترم متمنی است در تحصیل سرمایه اصلی این جایزه که دولت برای دریافت کنندگان مقرر خواهد داشت غور فرموده طریق اتخاذ گوشزد دولت فرمایند که از چه محلی ماخذ این مخارج را باید تهیه کرد و نیز اختراع چه اشیائی برای دولت و ملت مورد استفاده خواهد بود

میرزا آقا بدخشان ـ قائم مقامی

مسجد و معبد

(٦)

اختلافات هندو و مسلمان و تعصبات بیجای این ملت ناعاقبت اندیش اثرات عظیمی در آسیا نیز تواند انداخت چه هندوستان باندازه وسیع و جسیم و پر جمعیت است که میتوان گفت سیاست آن بکلیه شرق اثر تواند نمود چهل سال رموزدانان سیاست کوشیده تا در این اواخر یک جزئی اتحاد صوری بین ملتین

مسلمان وهندو قائم گردید هیچ لازم به بیان نیست که هندوستان باین عظمت دارای دو قوه قوی یعنی دو ملت جسیم است که اول آن هندو ودوم مسلمان می باشد اگراین دو ملت متحد شده بودند ومعنی اتحاد قومی و هموطنی و شریك النفع والضرری را ملتفت میگردیدند بدون شبهه برای آینده شرق یك گونه نورانیت احساسات میگردید تاوقتیکه هندوستان آزاد نگردد آسیا آزاد گفته نخواهد شد و تا زمانیکه هندو و مسلمان پی بمعنای و منافع خود برده ازروی حقیقت حب الوطنی را شعار نه نمایند آزادی هندوستان خواب و خیال است

ما الجمله زحمات چهل ساله دانایان در چهل روز نابود گردیدوتمام رشته‌های شان پنبه شد مشکلاتی که درچند سال اخیره در حکومت آینده هند انگلیسیان تصور میکردند همه حل گردیده ـ دولت انگلیس از این و بعد محتاج به برخی شئنات نیست ملت ناعاقبت اندیش هندوستان بر عالمیان ثابت نمودند که چنین قوم متعصب مذهبی قابل آزادی و خود مختاری نیست گمان امیرود که یکنفر همدرد در جمیع عالم انسانیت برای هندیان و آزادی آنان موجود بباشد شاید برخی هم چه تصور کنند که این اختلاف آورداست نه آمد ازهم بجواب آنها گفته خواهد شد ملتی که آله پیشرفت مقاصد سیاسی دیگران واقع گردد جز غلامی و بندگی برای وی قائل نتوان آمد

همان قسمیکه نگاشته بودیم اندك اندك دامنه این تعصبات مذهبی وسعت پیدا نموده شهر بشهر و قصبه بقصبه سیر می‌نماید و این ریشه فساد ریسمان عداوت ملت هندیه‌را مستحکم می‌سازد لذا هر طرف قوی و وسیع میگردد اگر این انقلابات مذهبی نه یعنی حقوقی بودی سیاست آسیا را دگرگون میساخت از اینست که جراید انگلستان مکرر در مکرر بعالمیان می فهمانند که این مناقشات و خونریزیهای ملت هندیه جاهلانه یعنی مذهبی است و ابدا مربوط بحقوق سیاسات نیست بلکه می سرایند اگر دولت انگلیس لگام این دو ملت ناعاقبت اندیش را بکف نداشتی مانند سبع و درندگان بس از اینها همدیگر را پاره پاره می ساختند این جنگ خونخواره یا مناقشات مذهبی بشهر « راولپندی » که سرحد افغانستان است نیز سرایت نموده میگویند جمعیت زیادی از هندو و مسلمان مقتول و مجروح آمده و بازارها غارت و خانه های زیاد را آتش زدند و شهر بصورت نظامی در آمده حکم نیست کسی با چراغ هم از خانه بیرون آید و چهار نفر بیشتر اگر درجائی مجتمع آیند پولیس آنان را گرفتار و متفرق خواهد ساخت این جنگ و مناقشه میگویند که بین مسلمان و فرقه سیکها شده و ۳ هندو و ۱۳ مسلمان بقتل رسیده عده زیادی هم از طرفین مجروح آمده است راولپندی و صوبجات سرحدی مردمانش سلحشور و جنگجو وجسور اند

تعصب طرفین بجائی کشیده که بدون ضرورت هندوها کوشش می نمایند که در جلو مساجد مسلمانان بساز و و نواز پردازند و مسلمانان هم یك پا ایستاده که در جلو مساجد نمایشی با ساز و نواز گذر نمایند حکومت دهلی برای پیش بندی از مناقشات عید الضحی حکم نموده که هر کس بخواهد گاو ذبح بکند در سلاخ خانه مخصوص بلدیه باید ذبح نماید و انتظام [illegible] برای این امر شده وهرکس تمرد نماید بجریمه و و سزای حبس محکوم خواهد آمد معلوم است که مسلمانان از این حکم خوشنود نتوانند بود و هنود هم خرسند نیستند چه مطلق ذبح گاو را گناه عظیم می شمارند ولی چون حکم حکومت است ناچار باطاعت آن اند

ولی افسوس که تمام کوشش های حکومت دهلی بی اثر ماند و در عید الضحی بین مسلمان و هندو جنگ بالا گرفت دو نفر مقتول و پنجاه و پنج نفر مجروح آمدند عده مجروحین مسلمان ۳۵ نفر بوده است همچه قسم در اله آباد مظفرپور دربهنگه فتح پور ناگپور باره بنکی و و و درعیدالضحی مناقشات مذهبی هندو و مسلمان بالا گرفته وبه قتل وجرح یکدیگر اقدام کرده اند و ما قبل از وقت این نکته را میدانستیم و نگاشتیم

حکومت بنگال لارد لتن قبل از حرکت بلندن قانون مخصوص بشهر کلکته وضع نمود و در آن قانون میگوید که در ساعات عبادت مسلمانان هنود نباید نمایشات مذهبی خود شان را با ساز و نواز از جلو هیچ مسجدی بگذارند فقط مسجد نا خدا را مستثنا ساخته اند که بهیچ وجه در هیچ موقع نباید نمایشات مذهبی هنود با ساز و نواز از جلو آن بگذرد و اوقات را رئیس نظمیه یعنی کمشنر در اجازه نامه که بصاحبان نمایش بدهد معین خواهد نمود این حکم بدو جهت مورث تشفی مسلمانان نگردیده است اول اینکه میگویند که هیچ وقت مروج بوده که نمایشات مذهبی هنود ازجلو مساجد باسازونواز بگذرد واساس این مناقشات همین بود که فرقه آریه سماج برخلاف رسم و رواج خواستند از جلو مسجد با ساز و نواز بگذرند گویا این حکم یك حق تازه برای هنود برقرار نموده وتصور میکنند یك توهین بزرگ مسلمانان را بخشیده دوم اینکه این حکم ریشه فساد را باقی میگذارد و هر آن که طرفین موقع بیابند باز آغاز زد و خورد خواهند نمود [illegible] هم بالاتر اینکه میسرایند که لارد لیتن حکمران بنگال

ابداً از اصول مذهب اسلام خبر ندارد نه احترام مساجد آنان اعم از کوچك و بزرگ جامع و غیر جامع یکسان است چنانچه در شماره های قبل هم اشاره نمودیم که مسلمانان عموماً مسجد را خانه خدا می دانند خواه کوچك باشد یا بزرگ خدارا هم واحد شناخته اند از این رو حکم را خیلی تخفیف یکسد چنانچه در تالار شهر مسلمانان کلکته بالغ بر صد هزار نفر مجتمع آمده بر این حکم حکمران خود پروتست و اعتراض نموده نطق ها دادند و مادهها از اکثریت آرا گذراندند ولی یکسان ما شودی نخواهد کشید چه باصول سیاست حکومت نمیتواند بدعاوی یك طرف ولو هر قدر هم حقانی باشد حکم نماید حقیقت چیز دیگر است و سیاست امر دیگر لازم نیست از روی سیاست حکم نموده نه بملاحظه حقیقت و حقانیت از ترشحات اعلان رسمی حکومت حقیقت مسلمانان ثابت میگردد و در حقیقت می فرمایند ما بیکه مسلمانان بحق اند ولی سیاست ملك داری من چنین اقتضا نموده که این قانون را فقط برای شهر کلکته اختصاص دهم و ما نیز میگوئیم که از روی انصاف و عدالت مسلمانان حق داشته و دارند که در حفظ احترام معابد خود بکوشند و بهترین اصول این بود که حکمران بکمال احترام جمیع معابد مسلمانان و هندو و یهود و نصاری و بوده را یکسان قرار داده و منع می نمود که هیچ قوم اعم از مسلمان و هندو جلو هیچ معبدی باساز و نوازمات مذهبی خودرا نباید بگذرانند اگر چنین حکم شده بود توهین بهیچ فرقه وارد نمی آمد حالا این حکم را مسلمانان توهین مذهبی خود تصور می کنند و می گویند این حکم با اینکه از روی سیاست مقرون بصواب نیست کمزوری حکومت را هم ثابت مینماید حقوق حزب قلیل در مقابل حزب قوی از روی حقانیت نمیتوانست محافظه نماید در هر صورت مسلمانان از این حکم خوشنود نیستند و ما حق بانها می دهیم حالا باید دید در موضوع عید الضحی چه تدارك در کلکته دیده خواهد شد که هندو بر مسلمانان زیادتی نه نمایند مسلمانان خیلی امیدوارند که در عید الضحی مثل سابق آزادی آنها در ذبایح مذهبی مصون و محفوظ ماند البته ما با اینکه همه قسم بمسلمانان حق می دهیم ایشان را نیز توصیه صبر و پیروی از قانون حکومت می نمائیم کوشش کنند و مطالب را بهتر و واضحتر بحکومت فهمانده راه حل آن را اختیار نمایند

کنفرانس بشرف دکتر الیس

انجمن روابط ایران و امریکا که از مؤسسات خیلی مفید بوده و برای تحکیم روابط ملت ایران و امریکا تشکیل شده و باعضویت اشخاص فاضل و جدی تشکیل یافته است اخیراً بمناسبت ورود دکتر الیس ترتیب کنفرانسی برای ایشان دادند

آقای دکتر الیس که بشهر ما وارد شده از اشخاص مهم امریکا و از نویسندگانی می باشند که همیشه در جراید امریکا دارای مقالات و علاوه بر آن صاحب تالیفات مهمه میباشند بمناسبت دعوتی که قبلا از طرف آقای فروغی رئیس انجمن روابط ایران و امریکا شده بود دیروز مدعوین در منزل آقای اسعدی وزیر پست و تلگراف حضور بهمرسانیدند و آقای فروغی بدواً نطقی به مضمون ذیل ایراد کردند

انجمن روابط ایران و امریکا که برای نزدیکی دو ملت و شناسانیدن هر یك بدیگری و تحکیم روابط دوستانه بین ملتین و مملکتین تشکیل یافته درین موقع ورود دکتر الیس که از نویسندگان مهم و صاحب تالیفات عدیده هستند تقاضا نمود که کنفرانسی بدهند و ایشان نیز و برای این مقصود حاضر شدند که موجب امتنان ما میباشد

پس از آن آقای دکتر الیس کنفرانس مهم اجتماعی زبان انگلیسی ایراد کردند که آقای اعتصامی بفارسی ترجمه کرده و خلاصه آنرا ذیلا نشر میدهیم

آقای رئیس انجمن
آقایان اعضاء
آقایان حضار

بدواً مراتب تشکر و امتنان خود را از تشکیل و حضور در این جلسه تقدیم آقایان داشته و میخواهم مختصری از روابط ایران و امریکا و لزوم تحکیم آن که برای هر دو ملت و مملکت مفیداست اظهار دارم

ملت ایران و امریکا دارای روابط عمیق و اساسی بوده فقط در قدمت تاریخی با یکدیگر متفاوت هستند ایران دارای یك سوابق تاریخی چندین هزار ساله میباشد در صورتیکه امریکا چندین صد ساله است آثار قدیمه ملت ایران از قبیل پرسه پولیس و بیستون از هزاران سال حکایت میکند و در امریکا هم آثار قدیمه هست ولی از چندین صد سال تجاوز نمینماید

ولی امریکا از یك حیث دیگر از ایران بیشتر است و آن ترقی و علم و مؤسسات جدیده است که ایران هم باید دارا شود

این نکته را لازم است تذکر دهم که برای عظمت و ترقی یك ملت تنها قوه کافی نیست بزرگترین دلیل و مثال این مسئله خود ما امریکائیها هستیم نفوس ملت امریکا یکصد و ده ملیون است ولی معذلك بیش از یکصد هزار نفر قشون نداریم یك ملتی باید وسائل دیگری هم برای ترقی و عظمت

خود بیاندیشند که اساسی با دوام باشد علاوه بر آن دوره زور و جبر در سیاست بین‌المللی بشهادت وضعیات امروز و مخصوصا جنگ عظیم بین‌المللی سپری گشته است دیگر یک دولت قوی نمیتواند بزور و قوه یک ملت و دولت ضعیف دیگری تحمیلی وارد سازد وضعیات امریکا و کانادا که سالهای مدید سرحد بوده اند بهترین شاهد است

در این سرحد نه استحکاماتی ساخته و نه قشونی گذاشته اند و زندگانیشان هم بخوبی گذشته است

باید ایران جوان ـ ایران فردا ـ بامریکای جوان دست بدهد و این حقایقی را که در عمل دیده اند و تجربه کرده اند بموقع اجرا بگذارند و در استقرار صلح و سلامت عمومی کوشش نمایند هر فرد و هر ملتی دارای آرزوهای صحیحی است که همان آرزوها و افکار و ایده آلهای شجیع اورا بزرگ و باعظمت میسازد اینجا باید دید که ملت امریکا دارای چه ایده آل و افکار و آرزوهائی بود که باین عظمت رسیده است و همان را ایران هم سر مشق خود قرار دهد

انچه که امریکا را بزرگ کرده عبارت از ترقی روح ملیت است نه روح ملتیکه طرف امپریالیست و فشار برود بلکه بمحبت و برادری و دوستی برود افراد آن ملت خیر خواه و غمخوار همدیگر باشند دست بیکدیگر رؤف و بامحبت ومهربان باشند به آزار یک نکوشند همه خودرا برادر همدیگر بدانند وماننذ برادران مهربان باهم رفتار کنند ما امریکائیها افتخار داریم که این روح ملیت بترتیبیکه گفتم وجود دارد و هریک امریکائی سعی بسعادت برادر خود دارد و همین مسئله و ترقی همین روح باعث عظمت ملت امریکا شده است ایرانهم باید دارای همین روح قوی بشود و عظمت خودرا از همین وحدت ملی بنا کند من در این مسافرت خود موقعیکه از ترکیه عبور میکردم همین روح ملت را دیدم که سابقاً درمیان آنملت نبوده و اخیراً پیدا شده که امروز هر یکنفر ترک برای هموطنش فداکار میکند و همان احساسات برادری و مهرو محبت را بهمدیگر دارند

•

پروفسور جمس میگوید وقتیکه در یک ملت تشنجی پیدا شده تشنج در دوستی تشنج وطنی و تشنج مهر ومحبت و تشنج در خدمت و این تشنج آنها را بکار وادار نماید آنملت ترقی نموده و عظمت پیدا خواهد کرد

روابط بین‌المللی امروز باید در روی چه اساسی باشد

این روابط باید روابط دو دوست خیر خواه بهم باشد که بیکدیگر مساعدت کنند معاضد همدیگر باشند نه انتفاع نامشروع را در نظر داشته و در خیال یک چنین استفاده هائی باشند

بنابر این نمایندگان دو ملت درمیان یک سیاست و یک مالی باید همین رویه را تعقیب نمایند و برای ازدیاد خوشبختی و سعادت آن ملت [illegible] کنند نه عملیات دیگری از آنها بروز کند در این موقع لازم است بگویم که وزیر مختار امریکا در اینجا دارای همان نیت پاک می باشند و سعادت ملت ایران را طالب و خواهانند

بهترین روابط دو ملت همین است که فعلا بین ایران و امریکا وجود دارد که تمام بر مصالح یکدیگر و از خیال هر ضرری نسبت بهم دور هستند این روابط بوسیله همین قبیل مجامع تحکیم و تکمیل میگردد و باز برای تائید و تحکیم این روابط باید امریکائیها بیشتر به ایران بیایند و سیاحت کنند و ایرانیان نیز بیشتر به امریکا مسافرت نمایند ولی این را هم باید بگوئیم که ایران باید دارای راههای صحیحی بشود تا این مقصود انجام پذیر گردد من در همین مسافرت خودم از وقتیکه از بوشهر و شیراز آمده ام تا کنون تمام استخوانهای بدنم درد می کند و باید این راهها درست شود و مخصوصاً راه رواندوز که به اسلامبول وصل می شود که امریکائیها بسهولت بتوانند بیایند و ایرانیان نیز به امریکا مسافرت کنند ایرانیها بیشتر باید برای تحصیل بروند همینطور که رفته اند

من اخیرا شرحی از یکی از شاگردان ایرانی که در کمپانی فورد کار می کند دیدم خیلی خوشحال شدم که او بخوبی مشغول کار و تحصیل است وامیدوارم بر عده این قبیل جوانان کار کن و مشتاق تحصیل افزوده گردد

شخصی که بدریا نگاه میکند فقط امواجش را می بیند ولی جذر و مدهای آن را حس نمی کند جذر و مدهای امروز اجتماعات عبارت از همان دموکراسی است که بر طبق آن ملل باید با دوستی ووداد باهم کار کنند

ژورژ واشنگتن در وداعنامه خود خطاب بملت امریکا این عبارت را نوشته است که بزرگی و عظمت هر ملت وابسته به بزرگی و استحکام اخلاق انها است

در خاتمه از مجمع روابط ایران و امریکا و مسیو جردن و حضار محترم تشکر نموده و کلام خود را تمام می کنم

این نطق باکمال فصاحت ایراد و تاثیر مهمی در حضار نموده و کف زدن طولانی وقوع یافت پس از آن آقای فروغی رئیس‌الوزراء نیز شرحی در زمینه استحکام روابط ملتین و تحسین نطق آقای دکتر الیس و ترجمه خوبیکه آقای اعتصامی نموده اظهار و کنفرانس باکمال بشاشت خاتمه یافت

آزادی و ایرانی

علماء و بزرگان هر عصر و زمان به ثبوت رسانیده اند که هیچ فردی از افراد بمرام و مقصود خود نائل نمی شود جز در نتیجهٔ جدیت و کوشش

جدیت و کوشش دو کلمه مقدس الفاظی است که اگر پست‌ترین افراد بشر پیروی آنها را بکند هر مرام و قصد هر آمال و آرزوئی را که در دل داشته باشد بدون یأس و نا امیدی بانها خواهد رسید

من طلب شیئی جد وجد را تعقیب و پیروی نماید تمام مخطورات و موانع در مقابل ثبات عزم و جدیت او برای رسیدن بمقصود بر طرف شده هیچ پیش آمد و حوادثی نمی تواند در مقابل همت و عزم راسخ خود داری نموده اظهار وجود نماید

آزادی و مساوات در دولت مشروطه دو حق بزرگ از حقوق ملت به دولت است ولی چه ملتی ؟ ـ ملتی که بدانند و بفهمند این حقوق حیات بخش و این حقوق حقه حق مطلق آنها است و هیچکس نمی تواند اینها را از ایشان سلب یا دولت در عطاء آن خود داری نماید

مدتی است آزادی و مساوات نصیب و قسمت ملتی میشود که کاملا بی بحقوق ملی خود برده اگر بفهمند غصب حقوق آنها نمایند جدا از دولت مطالبه نموده نگذارند متنفذین آزادی شان را سلب یا پا از گلیم خود درازتر بکشند . واقعاً خیلی تعجب است که لفظ آزادی سرتا سر ایران را گرفته ولی تا کنون عملی شدن آن را ندیده و نشنیده ایم ! گویا عملی شدن آنهم خیلی صعب و دشوار است زیرا ملت منتظر و مترصدند که بدون هیچگونه درخواست یا تقاضای دولت این حق مطلق را بایشان عطا نماید ولی این انتظار بی فایده و می توان گفت آزادی مطلق نصیب ایرانی نمی شود جز وقتیکه بفهمند و بدانند که آزادی حق آنها است و کسی نمی تواند سلب حریت آن ها را بکند اگر چه ما کاملا میدانیم که اعلیحضرت پهلوی از اول زمامداری خود تا کنون پیوسته آرزومند و عقیده مند بوده اند که این حق ملی را اداء و بیشتر تخم محبت خود را در قلوب ملت ایرانی بکارند و نگذارند بیش از این متنفذین این حق ملی را غصب نمایند و برای نیل باین مرام تمام متنفذین را سرکوبی با تمام قوای خود نموده دوره ملوک الطوائفی خاتمه بخشید و بر تمام ملت ثابت نمود آزادی ملی خود را ولی متأسفانه باز همان کلمه های پوسیده استبداد طلب همان اشخاصیکه دو چندی قبل زالووار خون ملت را می مکیدند و اکنون باسم مستخدم دولت گرگ وار بالباس میش بیرون آمده و همان حرکات سابقه و ماضیه خود را در این لباس باسم قانون تعقیب نموده شب و روز در پشت میز دولتی مشغول دزدی عاقی هستند میاسند و نمی گذارند این عقیده پاك و این نیت مقدس مجری و ملت ایرانهم مثل سایر ممالک دنیا از نعمت آزادی و مساوات بهره مند گردند ـ

پس باید دانست که تا این کلمه های آزادی منفه کن در ایران موجود و مرجع امورند ممکن نیست بگذارند لفظ آزادی در ایران عملی شده این ملت بیچاره هم باین نعمت بزرگ و موهبت سترگ متمتع و برخوردار شوند بزرگترین دلیل از برای اثبات این مطلب همان فرمان آزادی انتخابات بود که از طرف اعلیحضرت پهلوی منتشر ولی همان متنفذین رشوه گیر یعنی همان ملت فروشان که منافع شخصی را بر فایده عمومی و دولتی ترجیح داده و وکیل هزار تومانی ساخته کرسی وکالت را بواسطه گرفتن یك مقدار پول بانها تفویض می نمایند مانع و حتی المقدور نمی گذارند این حق ملی عطاء و اداء شود زیرا میدانند اگر آزادی مطلق بملت ایران داده شد دیگر ممکن نیست انتخابات بدست آنها تمام شده یکهزار دو هزار تومان برای گذاشتن کلاه وکالت بسر یکنفر ـــ یکعنصر بی لیاقت بی سواد یك مجسمه رشوه گیری یك حیوان نوع خوار یکوجود بی فایده که متحرك باراده آنها باشد بجامعه معرفی نموده و • • • • • • آنها را انتخاب نمایند

آیا ممکن است آزادی نصیب ایرانی گردد

آری وقتی آزادی نصیب و قسمت ایران شده و شاهد آزادی را ملت ایران در بر میگیرند که کاملا فرد فرد ایرانی عالم بحقوق خود باشند و جدا حقوق حقه خود را از دولت مطالبه و در گرفتن آن ثبات عزم بخرج داده گوی آزادی از چنگال دزدانی که اسم پاسبانی سَت قافله شده اند بربایند و الا اگر غیر از این باشد همان آش است و همان کاسه و ملت هیچ گله و انتظاری نباید از دولت داشته باشند ـ (ا ا نهانی)

از اصفهان مینویسند

(ایران در قرن چهار دهم زندگانی میکند)

در این قرن طلائی که آفتاب علم و تمدن شرق و غرب عالم را بنور خود منور ساخته و از برکت معارف دنیا مانند زنجیر بیکدیگر پیوسته ایران شش قرن عقب افتاده گویا از حیث معارف سیر قهقرائی میکند . سابقاً در هر گوشه و کنار یکنفر اخوند مکتبی بود که چهل پنجاه صد نفر شاگرد بتفاوت حول دور او جمع و مشغول تدریس بودند پس از ..

تمامی این اطفال اقلا کوره سوادی پیدا کرده ولو ناقص بوده باز هم میتوانستند باندازه خودشان چیزی بفهمند بقول معروف وجود ناقص به از عدم صرف است بدبختانه از وقتی که طلوع معارف در ایران باعث تاسیس مدارس گردیده بکلی آن مکتب خانه ها مسدود گردیده و بجای آن مدارس کافی ایجاد نشده است عرض نگارنده تعریف از مکتبات و تنقید از مدارس نیست بلکه مقصود عدم توسعه معارف وایجاد مدارس است مثلا اصفهان روی هم رفته دارای ۳۰ باب مدرسه بیش نیست اعم از متوسطه و غیر متوسطه ذکور و اناث ملاحظه فرمائید شهر شهیر اصفهان با انهمه قرا و بلوکات مانند قمشه و اردستان قهپایه رودشت و ماربین ولنجان و برخوار که اقلا سیصد باب مدرسه لازم دارد اگر باین نحو بگذرد قول میدهم که در آینده برای نوشتن یك کاغذ باید یك محله را گردش کرد و یکنفر با سواد پیدا نشود

اولیاء مصادر امور مقامات ایران را فقط طهران می دانند بودجه معارف ایران پس از وضع حقوق تقاعدی و بعض مخارج دیگر الخ ر ۶۴۰ هزار تومان است ۵۳۲ هزار تومان آن اختصاص به طهران دارد ۱۰۸ هزار تومان دیگر برای کلیه ایران معین و برقرار گردیده است با این مبلغ جزئی چه می توان کرد پس اولین علاج بدبختی افزودن بودجه معارف است و توسعه در مدارس اولیاء دولت باید توجه عاجلی فرموده چاره این درد را بفوریت نموده اقلا بودجه معارف را سه مقابل حالیه نماید بزرگترین مساعدتی که برای معارف در نظر میتوان گرفت از اوقاف است این همه وقفیات بلا صاحب بدست غیر اهل آن موجود عایدات الها به مصرف غیر مشروع میرسد وظیفه دولت آن است که این محل مشروع را اختصاص بمعارف دهد در این موقع توسط حبل المتین خاطر اولیاء دولت پهلوی را متذکر ساخته و مراتب ذیل را التماس و استدعاء می نمائیم

۱ ـ عایدات معارف هر شهری را اختصاص به خود آن شهر دهند که بمصرف همان شهر ومحل برسد

۲ ـ پروگرام مدارس امروزه بجای نفع زیان دارد باید تبدیل شود و بجای بعض تدریسات بی موقع که باعث اتلاف وقت اطفال است کلاس صنعتی تشکیل و صناعت تدریس شود

راه سازی های ایران در سنه جاریه

پروگرام ذیل که راجع به راه سازی درهذه السنه میباشد توسط وزارت خارجه به نمایندگان ایران در اروپا طبع داد شد

راه سازی در سال ۱۳۰۵ عبارت است از اولا تعمیر ونگاهداری طرق قدیم ومیزان اعتبار آن ۳۴۷ هزار تومان است

ثانیاً احداث طرق اصلی ایران بترتیب ذیل اول خط مشهد ـ فیروزکوه ـ طهران ـ قم ـ عراق ـ بروجرد ـ خرم آباد ـ دزفول ـ شوشتر ـ محمره طول این خط ۱۲۱۸ کیلومتر که پانصد کیلومتر آن عرابه رو هست برای این راه ۳۰۸ هزار تومان در بودجه منظور شده است

۲ ـ خط طهران ـ تبریز ـ بسرحد دولت شوروی و ترکیه که باید تکمیل شود ۸۰ هزار تومان اعتبار

۳ ـ خط طهران ـ قم اصفهان ـ شیراز بوشهر ۱۱۹۱ کیلومتر ـ از این مقدار ۷۰۶ کیلومتر عرابه رو هست و برای این راه ۱۲۷ هزار تومان اعتبار منظور شده

۴ ـ خط شیراز ، جهرم ، لار بندر عباس ـ ۴۸۰ کیلومتر که ۱۸۰ کیلومتر فعلا عرابه رو هست

۵ ـ خط فیروزکوه ، سمنان ، مشهد ۷۴۶ کیلومتر که یکصد کیلومتر سال گذشته تسطیح شده وامسال برای تکمیل آن پنجاه هزار تومان اعتبار پیشبینی شده است

۶ ـ خط بندر عباس ، کرمان ، دزداب اصفهان ۱۶۶۰ کیلومتر شصت هزار تومان پیشبینی شده است

برای راه های فرعی عراق ، ملایر ده هزار تومان ، راه عراق ، خمین دلیجان پانزده هزار تومان پیشبینی شده است

اعتبار راه سازی

از طرف وزارت فواید عامه اعتبار راه سازی درفروردین واردی بهشت بترتیب ذیل داده شده است

اعتبار ساختمان راه	کرمانشاهان	۱۲۸۱۴	تومان
—	همدان	۱۴۳۷۴	-
—	قزوین	۱۰۳۳۸	-
—	قم	۱۵۴۷۲	-
—	شیراز	۲۳۶۰۰	-
—	مشهد	۲۲۰۷۵و۵	-
—	تبریز	۱۳۴۱۳و۴	-
—	دماوند	۱۵۷۳۱	-
—	رشت	۱۳۰۸۹	-
—	سمنان	۱۸۶۸۰	-
—	مازندران	۶۲۰۲۴و۱	-
—	بروجرد	۲۷۱۴۸	-
—	ورامین	۴۱۷۳	-
	جمع کل	۲۵۲۹۳۲	-

اعتبار سیار وخرج سفر یك هزار تومان

اعتبار مخارج متفرقه نهصد تومان

[بقیه از صفحه ۳]

اعضای خانواده های امیر عبدالکریم حین تسلیم او در تاریخ گفته خواهد شد

اخبارات جدید ریف میرساند که هنوز چند قبائل (تازه) بفرانسویان تسلیم نامده و اسرای فرانسه را رها ننموده میگویند امیر عبدالکریم را به آنها بسپارند با مزه تر اینکه فرانسویان میگویند که اسلحه و قورخانه طریق رمز این قبایل میرسد و روز بروز بر قوت آنان افزوده میگردد مسلم است اگرچندی این قبایل استقامت ورزند امیر عبدالکریم دیگری از میانه آنها قد علم خواهد نمود و فرانسویان تا دیر باز مشغول خواهند داشت

اخبارات تازه میرساند که فرانسویان مترددند که درباره امیر عبدالکریم چه سلوک نمایند و خیالی هم زمزمه قتل امیر عبدالکریم را مینمایند ولی حالا که این شیر اسلام خود را در دام صیادان انسانیت پرور انداخته باید ببخشند انچه را که دیگران در خطایای سیاسی خود چشیده اند

اعلان یا فتوای ابن سعود از مکه

۳ شرط برای حاج و زائرین از جانب ابن سعود حکم صادر شده است

اول — زیارت را درنهایت ساده گی بجای آورده شود و هیچ زائری بنیت نزول خیر و برکت یعنی تیمن و تبرک مس ضریح و مرقد حضرت رسول نباید نماید یعنی نباید ببوسد

دوم — اگر چه در زمان نبوی تنباکو را بطور دوا شاید استعمال می نمودند در این زمان دخانیات مضر صحت قرار داده استعمال آن ممنوع است

سوم — علمای اسلام همیشه لهو و لعب و رقص وسرود و غنا را ممنوع قرار داده اند لهذا درمقامات مقدسه یعنی حرمین الشریفین ممنوع است

روابط مستخدمین و کمپانی ها

برای تعیین روابط کمپانی های خارجه ومستخدمین ایرانی از حیث حقوق و ترفیع و در موقع ناخوشی فوق العاده وغیره برحسب دستور آقای وزیر فواید عامه مقرر شد کمیسیونی از دو نفر مهندسین که در کارخانجات کار کرده اند و دو نفر دکتر های حقوق تشکیل و نظامنامه تهیه نمایند که پس از تصویب بموقع اجرا گذاشته شود.

کارخانه مرفین سازی

تجارت خانه آقا محمد جعفر بنداری در شیراز یك دستگاه کارخانه مرفین سازی دایر کرده و چون برحسب دستور وزارت مالیه جلوگیری شده از طرف وزارت فواید عامه نوشته شدکه چه نظریه درجلوگیری آن داشته اند.

رصدل را پرت

احصائیه همدان راپرت میدهد که در قریه بشت چین که از محل دره جزین همدان است یکنفر شخص ۱۲۵ ساله قوی البنیه و خوش هیکل اظهار نامه داده قرار تقریر خود او خیلی اکول بوده فقط مختصری گوش او سنگین است و نیز در قریه فارلجین ضعیفه ۱۲۰ ساله که آنهم قوی المزاج و کار هم بهتر از جوانها می تواند بکند و رقه اظهار نامه داده و رقه هویت دریافت نموده است

(انا لله و انا الیه راجعون)

§ هر آنکس کاندرین دنیای دون بنهاد پای خود §
§ بخوان رنج و محنت یکدو روزی میهمان آمد §

مرحوم غفران مآب آقای حاجی محمد صادق افشار که از تجار معروف و قدیمی با دیانت یزد و مهین برادر جناب مستطاب آقا محمد تقی تاجر افشار مقیم بمبئی بودند در شهر دارالعباد یزد این جهان فانی را وداع و به بهشت جاودانی خرامید – رحمة الله علیه رحمة واسعه

مرحوم حاجی محمد صادق یك از اولاه های تجار دیانت شعار بود که اول بنای مسلك قدیمه تجارت را از دست ندادی از این رو در تمام عمر با عزت و احترام زیستی بود اینك هم که بدرود زندگانی گفته نام نیکش جاودانی مانده است

ما بازماندگان آن مرحوم را صمیمانه تسلیت گفته بدوست محترم خود آقا محمد تقی تاجر افشار مقیم بمبئی سر سلامتی میدهیم و از خداوند عمر و ترقی این خاندان اصیل را مسئلت می نمائیم

اعلان

دیروز در اثر هرج و مرج و عدم امنیت و انتظام و بی سروسامانی و بیعلاقه گی آل قاجار بایران اهالی ایران دست و پا میزدند که خودرا ازان ورطه هلاکت نجات دهند وبممالك خارجه مهاجرت کنند امروز در نتیجه امنیت و انتظام که ایران دارد عظمت از دست رفته خود را تجدید میکند همان اشخاص بهر وسیله ممکنه دست اویز میشوند که خود را در دامن مادر وطن بیندازند از انجمله غلام رضا معروف بماشاالله میباشد که در راندن اتومبیل ماهر و اجیر و میکنیك موتر را خوب میداند زبان فارسی وهندی و انگلیسی حرف میزند و این همقطاران مقام بلند دارد از کلکته از طریق دزداب بشیراز میرود و چون وجود این گونه اشخاص در ایران کمیاب است و اهالی محتاج باینگونه اشخاص هستند سزاوار است رجوع خدمت باو کنند و ... داری از این قبیل اشخاص کنند که بازمجبور بمهاجرت وترك وطن نشوند –

تقریظ

کتاب مستطاب «النبوة والخلافة» یکی از بهترین تالیفات حضرت مستطاب شریعتمدار شمس‌العلماء مولانا سید نجم‌الحسن که امروزه درطراز اقدم واقل درجه مجتهد لکهنؤ میباشنــد هست و نیز کتاب مستطاب «شریعت‌الاسلام» از قلم پاك بی آلایش مرحوم و مغفور مولانــا سید محمد مجتهـد خلف مولانــای مذکورالصدر میباشد اخیراً به همت و مساعی جمیله مدرسة‌الواعظین لکهنؤ بانگلیسی ترجمه و طبع شده دو نسخهٔ آن باداره مارسیده است ـ این تالیفات مستطاب عقاید مذهب اثنا عشری را بطرزی نیکو و سبك زیبا تشریح مینماید ـ در «النبوه والخلافة» مسئله نبوی و خلافت که رکن رکین اسلام است بطور واضح تشریح داده است درکتاب «شریعت الاسلام» اصول الدین و فرع‌الدین را کاملا علی‌التفصیل با دلایل قرانی و احادیث منطقی مشروح نموده حقانیت مذهب اثنا عشری را مبین نموده است ـ الحق از تعریف وتحسین مترجمین این دو کتاب که آقای ـ ل ـ ا ـ حیدری ناظم کل انجمن موید‌العلوم لکهنؤ و آقای ا ـ ف بادشاه ـ بی ـ ای ـ میباشند خود داری نمیتوانیم نمود چه این دو کتاب یکی از بهترین وسایل تبلیغ و ترویج مذهب اثنا عشری در اروپا میباشد ـ و چون مدرسة‌الواعظین این وظیفهٔ مهم مذهبی را عهدهٔ خود قبول نموده است بعقیده ما این قبیل تالیفات و تراجم در السنه اروپائی خیلی مفید بل لازم است اگرمسیون تبلیغی اهل‌صلیب را ورجائی که عنصر روحانی آنجا برای ترویج دین خود در عالم بر خود هموار مینمایند و مخارج گرافی که جهت نیل باین مقصد بر خود تحمیل مینماید با انجمن‌های تبلیغی مساعی عموماً و اثنا عشری خصوصاً مقایسه نمائیم خواهیم دید که مساعیات و اقدامات ما در این مسئله مهم دینوی در مقابل انها بــدرجه صفر است ـ ولی با وجود این خدمات ذیقدر مدرسة‌الواعظین در ترویج مذهب اثنا عشری در اروپا بسی قابل تقدیراست روحانیون‌ایران بایستی خدمات مدرسة الواعظین لکهنؤ را سر مشق قرار داده مانند روحانیون سایر ملل و دول ترویج مذهب اثنا عشری را در خارجه بعهده گرفته در انجام این خدمات که شایان ایشان است کوشان باشند

دولت درانتظار توست

وقت قسمت آزمائی است

در شرکت خریداری بلیت های بزرگترین لاتری طلائی

حکومت هبرك المان ضامن صحت عمل است

نخستین کشیدن بلیت های این لاتری ۹ جولای سنه ۱۹۲۶ خواهد شد این لاتری مشتمل است بر ۰۰۰ ـ بلیت در کشیدن شش لاتری تقریباً ثلث ۲۷۶۰۰ یقیناً کامیاب خواهد شد. هر ماه یك مرتبه بلیت های لاتری را خواهند کشید.

مبلغ تمام انعامات این لاتری چهار ملیون ۹۲۶۰۰۰۰ مارك طلا یا تقریباً ۲۴۸۸۰۰ لیره انگلیسی است

انعام اول برای صاحبان قسمت ۰۰۰۰۰۰ مارك طلا است یا تقریبا ۲۵۰۰۰ لیره انگلیسی

انعام های بزرك دیگر مارك طلا بموجب ذیل است

۷۰،۰۰۰	۲۰۰،۰۰۰
۶۰،۰۰۰	۱۲۰،۰۰۰
۵۰،۰۰۰	۱۰۰،۰۰۰
۴۰،۰۰۰	۸۰،۰۰۰

قواعد و ضوابط این لاتری بدرخواست کنندگان و نیز به خریداران بلیت مجانا فرستاده خواهد شد

قیمت بلیت کامل برای سه نوبت اول حسب ذیل است یك بلیت مکمل سه لیره ـ نصف یك و نیم لیره ـ ربع پانزده شلنك ـ

قیمت بلیت های کشیدن سه لاتری دیگر نیز بر حسب فوق است اجرت پست برای فرستادن اسامی اشخاص انعام یافته پنس یا نیم شلنك معین است

بلیت فوراً فرستاده خواهد شد پس از رسیدن وجه و بمجرد بیرون آمده انعام هم مستقیما فرستاده خواهد شد وقت تنك است فوراً باید در خواست خریداری فرستاد آخرین موقع خرید بلیت ۲۰ جون و ادریس بو حسب ذیل است

ساموبل هکشر سینیر بنکر ـ

وامدور استریت نمره ۱۴ همبرك ۱۲۷ (آلمان)

ـــــ همین قطعه را خانه پری کرده بفرستید ـــــ

ورقه درخواست

مهربانی کرده بفرستید برای من ـــــ بلیت

برای اول ـ دوم و سوم

مبلغ ـ کالفامیفرستم

بذریعه سندات پست یا بانك ـ

اسم و ادرس کامل بطریق وضوح ـ

ـــــــــــــــ

ـــــــــــــــ

تاریخ ـــــــــ

بسته و خطوط معمولی سه پنس یا ربع شلنك

حسب الامر مدیر ودبیر جلال الدین الحسینی مؤید در مطبعه حبل المتین نمبر ۸۸ پتمل روڈ طبع
(و از نمره ۱ ـ ۹ مکلود استریت ـ کلکته توزیع گردد)

حبل المتین مجاناً باحدی داده نمی شود
از هر کس و هرجا بلا استثنا بدل ابونه اخبار
مقدم گرفته میشود
روز نامه مقدس

26-1 Ampher Road

قیمت اشتراک
سالانه ششماهه
(هند و برمه)
۱۸ روپیه ۱۰ روپیه
(ایران و افغانستان)
۶۰ قران ۳۵ قران
[ممالک سایره]
سالانه
یک ونیم لیره انگلیسی

اداره ... (۲۶-۱ امهرست پوکر رود)
[بالیگنج کلکته]
کلیه امور با مدیر کل
(جلال الدین الحسینی)
(مرجوع است)
[مدیر مسئول مؤید زاده]
[... است]
هر دوشنبه طبع و سه شنبه
توزیع میشود

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

یوم سه شنبه اول آذرماه سنه ۱۳۰۵ شمسی مصادف با ۱۷ جمادی الاول سنه ۱۳۴۴ هجری
مطابق با ۲۳ نومبر سنه ۱۹۲۶ میلادی

سفر ما

پس ازآنکه جناب مستر کبیر الدین بیرستر ایتلا که یک از اعضای شورای فرمانفرما می باشند چنین اعلام نمودند که در شورای فرمانفرما بجواب سؤال ایشان که « آیا حکومت اعلان خواهد نمود که ارتبعید مدیر حبل المتین مؤید الاسلام جلال الدین الحسینی صرف نظر نموده است ؟ »

مستر دینیز بری نماینده حکومت چنین اظهار داشت « من باعضای محترم شورای ایشان میدهم که مدیر حبل المتین ولو هرچه کرده باشد حکومت هند او را تبعید نخواهد نمود »

ما نیز وقت را مغتنم داشته پس از بیست و دو سال تجدید عهد و ملاقات دوستان بمبئی خود را مصمم آمده یازدهم اکتوبر از کلکته روانه و سیزدهم وارد بمبئی شده در دولت سرای آقای رئیس التجار همدشتی قیام نمودیم - دوستان ایرانی ما از جمیع اسلامیه و تجار محترم وغیره که جای خود داشتند سیداتان و رؤسای این شهر شهیر نیز مانند مستر جوتانی - مستر صالح بهائی برود، والا شریف بمبئی مولانا شوکت علی ناظم جمعیة مرکزی خلافت هند و و و زیاده از آنچه تصور شود در پذیرائی ما کوشیده بیش از پیش ما را رهین امتنان خویش ساختند

چنانچه ازطرف عموم رؤسای اسلامی اعلاناتی شایع ودرجرایه هم انتشار ومجلس بسی باشکوهی بریاست آقا میرزا علی محمد خان (سولیسیاتر) وکیل عدالت العالیه بمبئی تشکیل پس ازنطق مبنی تبریک نامه ازطرف عموم مسلمانان پیش و در آن شرح حال و خدمات ما قابل ما را ذکر و اظهار قدردانی نموده بودند -

ما نیز جواباً بزبان فارسی تشکرات خود را تقدیم عموم ساخته آقای حاجی میرزا هاشم ناظم التجار اصفهانی آن را بداهة ترجمه و ایراد نمودند

نظر بر اینکه موقع تنگ بود برادران بمبئی و اوزی ما در یك قطعه مجتمع و همه را باز دید و تبریك نامه که مبنی بر قدردانی بود قرائت نمودند و نیز انجمن فتوت که (اعضای محترم آن تمام از حزب ... و انجمنی است با اساس و در عرصه یکسال بیش از ۲۴ هزار روپیه از دسترنج خود به صندوق انجمن داده و اگر انشاء الله این انجمن باین اصول قائم ماند در عرصه چند سال دارای همه چیز خواهد شد) رفته از عارف انجمن شاعر شیوا بیان میرزای طلعت تبریك نامه قرائت ما نیز در انجمن یاد داشت خود را نگاشته بقای اینگونه موسسات با اساس ملیه را از خداوند مسئلت نمودیم

و نیز شفاهاً ازجنابان اجل آقا میرزا اسد الله خان بهنام و آقای باز محمد خان قنسول جنرالان ایران و افغان تشکر از قدردانی ودعوت پناهندگی درموقع تهدید به تبعید ما که شده بود نموده خواهش کردیم که تشکرات خالصانه ما را به پیشگاه دو پادشاه اسلامیان پناه ایران و افغان تقدیم نمایند -

یوم بعد ازآن ۲۰ اکتوبر بمبئی و اهالی قدردان آن را وداع گفته به کلکته معاودت نمودیم

از خداوند توفیق می جوئیم که در مقابل این قدردانی بجان قیمت مسلمانان عالم بتوانیم در این آخر عمر خدمتی بسزا نمائیم -

اقتصادیات ایران و روس

چندی قبل مخبر روتر از طهران خبر داد که قرارداد جدید تجارتی بین ایران و روس قریب الامضا است در این قرارداد دولتین ایران و روس قبول می نمایند هر یک واردات مملکت دیگر را سالانه بمبلغ ۳۵ ملیون تومان . در حصه صادرات ایران ۱۵ ملیون پنبه و ۱۰ ملیون پشم اختصاص داده شده و ۱۰ ملیون دیگر از سایر اجناس ایران خواهد بود صادرات مملکت روسیه بایران بیشتر نفت و شکر بیان شده از آن تلگراف ظاهر میشد که قیمت صادرات ایران را بروسیه کمیسر های تجارتی روس معین خواهند نمود اگرچه ذکر نشده است که صادرات روس بایران را نمایندگان تجارتی ایران تعیین خواهند کرد ولی چون این قرار داد متقابله و متساوی است یقین است اولیای دولت کنونی این نکته اهم اقتصادی را از نظر دور نداشته اند از همان تلگراف مستفاد میشد که تجار ایرانی مشغول گرفتن جواز از کمیسر های تجارتی روس برای داخل نمودن امتعه ایران بروسیه شده اند معلوم نیست که آیا در این ماده نیز مقابله بالمثل شده یعنی از نماینده تجارتی ایران هم روسها تحصیل جواز میکنند یا خیر

ما کار بجزئیات قرار داد نداشته منتظر ورود مواد آن هستیم ولی این قرار داد تجارتی علی الظاهر بحال ایران نافع است چه از یکطرف هفتاد کرور تومان مال التجاره ما بروسیه وارد خواهد شد و همانمقدار صادرات از روسیه هم مال التجاره بایران وارد تواند شد این قرار داد تجارت شمال وشمال غرب و مشرق ایران را که فلج ساخته بود رونق تواند بخشود -

البته در همین قرار داد مسئله (ترانزیت) با روسیه هم تصفیه قطعی یافته و از این ممر نیز خدمتی بزرگ بصادرات ایران شده است ، حالا که دولت از تجارت با روسیه آسوده گردید باید عطف توجه بتجارت جنوب بنماید تمام خرابی های تجارتی ایران بواسطه ازدیاد واردات بر صادرات جنوب است دولت ایران مجبور است همان قسمیکه توازن صادرات و واردات خود را از جانب شمال نموده از طریق جنوب هم بنماید ورنه چنانچه مکرر نگاشته ایم هر قدر ثروت طبیعی ایران باشد و هر مقداریکه اهالی از خارج و داخل جلب ثروت نمایند از مجرای جنوب بخارجه ریخته مملکت همواره دچار فقر و پریشانی خواهد ماند اگر همین اصول با کلیه دول متعاهده اختیار شود و واردات و صادرات ما با هریك از ممالك مانند روسیه تعادل و توازن حاصل کند ثروت طبیعی ایران که روز افزون در تزاید و رو بترقی است دیری نخواهد گذشت که اهالی این مملکت را از حال فقر و پریشانی نجات تواند بخشود ، چنانچه بما اطلاع رسیده عنقریب قرارداد تجارتی بین ترکی و ایران هم بمصالح طرفین بسته خواهد آمد ولی تا وقتیکه قرارداد تجارتی تازه بین ایران و انگلیس بسته نیاید تدابیر کنونی دولت برای اقتصادیات مملکت نتائج مطلوبه را حاصل نتواند نمود درست اگر دقت شود تجارت ایران از جنوب نتیجه آن شده که کلیه افراد ایرانی مزدور خارجیان گردیده هر فرد از اهالی ایران سالانه باید زحمت کشیده مالیات سرانه بزرگی بدیگران بپردازد شاید بعض چنین تصور کنند اصولی که با روسیه اتخاذ شده مخالف است با آزادی تجارت ولی باید بدانید که آزادی تجارت یك از جملات مهمله است که کمتر وجود خارجی پیدا میکند ملت انگلستان چون تجارت شان در شرق وغرب بسیط است فریاد آزادی تجارت میزنند ولی در معنی چنین نیست برای تجارت دیگران در خاك خود ومستعمرات خویش مشکلاتی تراشیده ومی تراشند که کلیه منافی با اصول آزادی تجارت است علاوه براین همین ایام در (امپریل کانفرنس) شورای شاهنشاهی انگلستان آزادی تجارت موضوع بحث بوده عاقبت چنین تصفیه کرده اند که کلیه مستعمرات دولت انگلیس سهولت های تجارتی برای یکدیگر فراهم نموده تا سایرین نتوانند در مقابل آنان در انگلستان ومستعمرات آن در تجارت تقدم جویند

امروزه برای ایران آزادی تجارت سم مهلك است ایران تا وقتیکه دارای صناعت کافی نگردد و دستکاری های مملکت مقابله و موازنه با اجناس صناعتی دیگران ننماید دم از آزادی تجارت زدن تیشه بریشه اقتصادیات مملکت زدن است باید دولت کنونی قرار داد تجارتی خود را با جمیع ممالك از نو بسته فعلا اصول تعادل و توازن را از دست ندهد و اگر چنین کرد چون مواد خام در ایران بسیار و محتاج علیه دیگران است طبعاً صادرات ایران روز بروز فزونی گرفته ثروت مملکت افزون خواهد گردید جمیع ممالك در این مقصود با ما همراه توانند شد جز انگلستان که منافع عمده تجارتی از ما میبرد وسالی ملیون ها لیره واردات او بر صادرات ما فزونی داشته همه ساله باید ثروت های اندوخته خود را هم در مقابل این تجارت از دست داده باشیم دولت کنونی باید بدواً عائد گمرکات خویش را به

کشف گرفته در صورتیکه هر دولت با بستن چنین قرار داد تجارتی با ما رضا ندهد از طریق گمرك جلوگیری از ازدیاد واردات آنها بر صادرات ما نماید اینجا حکایات دوستی و نزاکت سیاسی نیست حیثیات اقتصادی ما در خطر است و هر مملکت که چرخهای اقتصادی آن فلج باشد اوضاع سیاسی وی روی بهتری نتواند دید مسئله اختیار گمرکات ایران از روی قوانین موضوعه مجلس شورای ملی یك از مسائلی است که بیش از همه چیز در اقتصادیات مملکت دخیل است تا وقتیکه ایران عنان گمرکات خود را بکف نگیرد اختیار مالیه خویش را نخواهد داشت و حفظ ثروت مملکت را نتوانست نمود امید واریم اولیای کنونی دولت بیش از ما واقف بمسائل و منافع اقتصادیات مملکت اند بدواً در بکف گرفتن عنان گمرکات خویش کوشیده سپس قرار داد های جدید تجارتی با کلیه ملل و دول متحابه بر بندند ورنه طولی نخواهد کشید که ایرانیان هم مانند چینیان با دول اجنبیه مشغول باعتصاب بازی و زد و خورد های اقتصادی گردند جنك چینیان و دعاوی داخلیان آنها مبنی بر این نکته است که می خواهند عنان گمرکات خود را بکف گرفته از ثروت خویش که مانند سیل بخارجه میریزد جلوگیری نمایند اگر دولت خود جلوگیری نماید بصرفه طرفین مقرون تر است ورنه دیری نخواهد گذشت که ملت بخودی خود اقدام نموده بقوه اعتصاب وغیره جلوگیری از تجارت خارجیان و ربودن ثروت خود باسم آزادی تجارت که جز فریبی بیش نیست خواهند کرد ـ

پس از ملاحظه متن قرار داد تجارتی با روس و مداقه مواد آن در این موضوع تجدید مطلع نموده آنچه شایسته نگارش است بحیطه تحریرخواهیم آورد

وقایع نگار مخصوص ما از طهران

پنج موضوع مهم ذیل که بین ایران و روس مابه الاختلاف بود بطریق ذیل وجه حل بخود گرفته است

تعرفه گمرکی

درسال ۱۹۲۰ قرارداد گمرکی بین دولت ایران وسایر دول متحابه منعقد گردید که مطابق آن قرارداد حقوق گمرکی اخذ میگردد

دولت روسیه تا بحال قرار داد گمرکی ۱۹۱۳ خودرا مجری میداشت و از این حیث تفاوت کلی در حقوق گمرکی روسیه پیدا میشد اینك دولت شوروی قرار داد ۱۹۲۰ را تقبل مینماید وگویا ضمناً تقاضای الغاء عوارض سرحدی از نفط و بنزین که بموجب قانون جدید سرحدی وضع گردیده نموده است که همان عوارض نسبت به اجناس دیگر روسیه منظور شود

(شیلات)

موضوع شیلات که از مسائل لا ینحل بین دولتین ایران و روسیه شده بود با توافق نظر طرفین بدین شکل قرارحل گذاشته شده است که امور شیلات تحت نظر مامورین دولتین ایران و روسیه در حقیقت باشتراك دولتین اداره شود وضمناً مقرر میدارند که بمدیریت سه نفر ایرانی و دو نفر روس اداره شود و این شتراك در امر شیلات که بموجب پروژه ومواد مخصوصی تقسیم خواهد گردید تا یك مدت معینی است و پس از انقضای آن مدت مستقیماً تحت نظر دولت ایران خواهد بود ودولت آزاد است در این که خود عهده دار اداره امور شیلات باشد یا امتیاز بدهد و در صورت امتیاز از بخارجی دولت روسیه حق تقدم خواهد داشت

(پرت پهلوی و فیروزه)

در این خصوص مذاکره شده استکه مقررات عهد نامه منعقده بین دولتین بموقع اجرا در آید و جزیره آشوراده و اراضی فیروزه وپرت انزلی رسما بدولت ایران واگذار شود

(صادرات و واردات)

در خصوص تجارت موافقت نظر حاصل شده است که معامله متقابله بین دولتین برقرار گردد وکلیه معاملات طرفین مبادله جنسی خواهد بود ولی میزانی برای تعادل واردات و صادرات تعیین گردیده و از قرار معلوم این میزان ۳۵ میلیون خواهد بود و دولت روسیه معادل این مبلغ بایران جنس خواهد فرستاد

از مبلغ صادرتی ایران ۱۵ ملیون پنبه و ۱۰ ملیون پشم بوسیله تجارتخانهای خود خریداری وصادر خواهند نمود و ۱۰ ملیون هم برای اجناس متفرقه در نظر گرفته اند که چهار ملیون آن از بوسیله تجارتخانهای خود خریداری و شش ملیون به تجار ایرانی اجازه حمل جنس داده میشود

درمبالغ وارداتی بایران نفت وبنزین نیزضمیمه شده که روبهمرفته کلیه واردات از روسیه باید از ۳۵ ملیون تجاوزنکند وضمناً تجارت قند وشکرکه تاکنون انحصار به تجارتخانهای شوروی داشته آزاد شده است

(ترانزیت) ،

در این خصوص موافقت نظر حاصل شده است که کلیه امتعه صادر از ایران بهر نقطه از اروپا حق عبور از خاك شوروی را داشته باشد ولی امتعه وارده بایران را که نخواهند از خاك شوروی عبور دهند احساس ممالکی را طرانزیت خواهد داد که دوست دولت شوری بوده باشد ـ

تکذیب قرارداد تجارتی روس و ایران

در اثر اشاعه خبر قرارداد تجارتی روس و ایران جراید لندن خیلی از غلیانات سیاسی خود را هم بروز داده اشاعه داده می‌نویسند عهدنامه تدافعی سری هم بین ایران و روس و ترک و افغان امضا یافته از اینرو سیاست وسط آسیا ازکلیه سرتی معتدل و متزلزل دیده میشود معلوم است که چنین خبر زلزله برارکان سیاست انگلستان تولید انداخت چه دولت انگلیس بواسطه هندوستان پیش از همه دول خویشتن را بوسط آسیا علاقه مند می داند گویا عکس این نگارشات طرف افتاده اولیای دولت علیه بواسطه نمایندگی خود در لندن انگارشات جراید را بدین نمط تکذیب کرده اند که دولت علیه ایران تا کنون معاهده سری تدافعی با دول روس و ترکی و افغان نبسته است فقط دولت ایران چندی قبل با دولت ترکیه عقد قرارداد مودت و بیطرفی بسته است ـ

عهدنامه تدافعی با قرارداد مودت خیلی فرق دارد قرارداد تدافعی عبارت ازینست که اگر دولت ثالثی بهر یک از دول متعاهد حمله نماید آن دیگر پای بند بدفاع است ولی در صورتیکه هر یک از دول متعاهد هجوم بدولت ثالث کند آن دیگر پای بند بمعیت اوی نیست در حقیقت چنین قرارداد بزیان هیچ دولت ثالثی نیست بلکه برای حفظ مقام و حیثیت متعاهدتین است و ما مکرر نگاشته ایم که اینگونه قرارداد بین ایران و ترک و افغان از ضروریات اولیه است امروزه دول ثلاثه اسلامی تصور حمله بدیگران را هم نمی نمایند همه محتاج به آرامی و سکون‌اند مشغول باصلاحات داخلی خویش اند هرگاه دول مغروره برای اینکه طامعین دیرتر آسان را هدف تیر طمع خود سازند اگر عقد قرارداد تدافعی بین خود ار بدند اسبابی صورت پریشانی دیگران گردد مگر اینکه گمان آید که آن دیگر قصد حمله بیکی از آنها داشته از اینرو این قرارداد مخل خیالات فاسده آنها شده باشد

همه میدانند که اشاعات جراید انگلیسی تمام مبنی بر خوف و وسوسه است ولی ایقان میدهیم که اگر دولت انگلیس سیاست ملایم در ایران و ترکی و افغان اختیار نموده و فقط به تجارت مشروع قناعت ورزد یگانه قرارداد ها بین دول ثلثه اسلام برای او نافع تر خواهد شد یعنی یک قوه قویه بین روس و هند موجود خواهد آمد حرف اینجاست که امروز را نمی توان قیاس بدیروز نمود و دول ثلاثه وسط آسیا را نمی توان بچشم ۱۰ سال پیش نگریست امروزه همه بیدار شده و بحقوق خود پی برده همسایگان هم باید تنها بحقوق تجارتی خود قناعت ورزند آنان را بحال خود گذارند و اگر دولت انگلیس فیاضی هائی را که روسیه نسبت بترکی و ایران و افغانستان نموده ابراز دهد دول ثلاثه اسلام بیش از پیش بوی نزدیک خواهند شد اوضاع آسیا تغییر نموده باید سیاست دول هم در آسیا تغییر کند ورنه بطریقه به کشمکش افتاده عاقبت هم به قبول همان مجبور خواهند آمد که دست طبیعت پیش آورده است ـ

سیاست تازه

سنیور موسولینی رئیس حزب فسست و شخص اول دولت ایطالی مستغنی از تعریف هر شخص است ایطالیائیها لاپلیوش می گویند و الحق صفات ناپلیون را هم دارا است در این اواخر بر درپی سه نوبت حمله بروی نمودند در این نوبت اخیره که گلوله الماس وی هم سرایت نموده جلد گفته و در تعقیب آن اقداماتی در ایطالی شده که خیلی ها را اشک انداخته است اما جوابی که گفته اینست «من تا وقتیکه کارهای خود را ختم نکنم نابود نخواهم شد» می گویند این سخن را کسی بزبان می آورد که خیلی مطمئن باشد و از اینرو تصور کرده اند که این حملات سازشی بوده برای پیشرفت مقاصد حزبی و از اینست که پس از حمله اخیره برخلاف سائر احزاب قوانین چند وضع شده که اگر چندی آن قوانین جاری ماند جمیع احزاب محو و نابود خواهند شد و حزب فسست سنیور موسولینی غلبه کامل در افراد ایطالیا هم خواهد نمود و آن وقتی خواهد بود که هر چه موسولینی خواهد بدون چون و چرا از پیش خواهد برد حتی ۱۰۲ نفر از اعضای پارلمان که حزب فسست نبودند نگذاردند شرکت در پارلمان نمایند می گویند اقدامات موسولینی در محو سائر احزاب و زبان آوردن جمله مذکور ثابت می نماید که حملات بر وی تمام ساختگی بوده است ـ

حمله بر مدرس

مخبر روتر تلگرافاتی در این موضوع اشاعه داده که خلاصه آن از این قرار است ـ

آقا سید حسن مدرس که یک از قائدین مجلس شورای ایران اند در حینی که از منزل خود بیرون آمده می گذشت چند نفر بروی حمله نموده پنج شلیک نموده دست آقای مدرس مجروح شده بدواً بشفاخانه نظمیه و از آنجا به بیمارخانه دولتی به علاج و تداوی ایشان مشغول اند

یک نفر پلیس که در آن موقع بوده هدف گلوله و کشته می شود و یک دکاندار و یک از مصاحبین مدرس مجروح میگردند ـ دو نفر از حمله آوران

گرفتار و یکی فرار کرده است مدرس اظهار داشته که من حمله کنندگان را می شناسم و جمیع علماء و اعیان و وزراء و اراکین مجلس بملاقات مدرس آمده همه اظهار تأسف از این واقعه نموده اند در مجلس علنی اعتراف بخدمات مدرس شده است و دولت نیز تأکید نموده که تعقیب نمایند تا مسببین این واقعه بدست آیند پس از تحقیقات نظمیه معلوم گردیده که آن دونفر را که گرفته بودند بی‌قصور و مرتکب این جنایت نبوده ازین‌رو رهای شان ساخته اند گویا بهمین مناسبت بوده که علما و معتقدین آقای مدرس از اطراف و اکناف ولایات تلگرافات بمرکز نموده خواهش کرده اند که بهر صورت باشد مسئله تعقیب و حمله کنندگان بر مدرس گرفتار آمده سزا یابند ـ

مدرس را از شفاخانه بخانه اش برده درب خانه وی را آئینه بسته ونفر زوار جات انگلیس می نویسند که محبوبیت اعلیحضرت پهلوی درمیانه ملت دارد شک پیدا می کند از اینرو مخالفین وی دارند قوت می گیرند و دلیل بر آن واقعه مدرس را آورده می گویند مدرس آنکسی است که دو سال گذشته بر خلاف رژیم جمهوریت برخاست و از پیش برد

مدتی بود اینگونه واقعات علنی در طهران دیده نمی شد و ما تجربه داریم که هر زمان رقابت دو همسایه شمال و جنوب در ایران بیش می شود و میدان کشتی بر آن گرم میگردد اینگونه واقعات هم بروز می نماید ما یقین داریم که کابینه کنونی جدیت خواهد نمود و نخواهد گذارد که اوضاع سابق تر ریزیم در مرکز و سائر نقاط ایران پیش رفت نماید ـ

در اطراف بیانات آقایان دکتر مصدق
(و وثوق الدوله در مجلس)

باید مطالب را خلاصه کرد ومغز بیانات را شکافت تا معلوم گردد حقیقت چه و دسیسه کار کیست خلاصه بیانات آقای دکتر مصدق چند امر است

اول ـ گرفتن یکصد و بیست هزار لیره رشوه

دوم ـ بستن قرار داد با دولت انگلیس در سال ۱۹۱۹ و محو استقلال ایران و و و

جواب ـ وثوق الدوله هم مبنی چند اصل است

اول ـ انکار ازگرفتن صدوبیست هزار لیره رشوه

دوم ـ اوضاع ایران را درآن وقت یعنی درسال ۱۹۱۹ خراب وبد وخویشتن را هنوزهم نافع میداند

سوم ـ از همه بالاتر آن قرارداد را نافع دانستن

این آخرین نکته درقرن کشاف بزرگترین چشم بندیرا ثابت می‌نماید آفرین بل صدآفرین به جرأت و جسارت وحسن بیان و طلاقت لسان گوینده اما در خصوص یکصدو بیست هزار لیره رشوه معلوم است که ثبوتش امر آسانی نیست ولی رسالهٔ مستر بالفور که در انگلستان طبع ونشر کرده و الان هم موجود است مسئله گرفتن رشوه را تصریح می‌نماید ، علاوه براین دو ملیون استقراض که قیمت ایران قرار داده بودند و دویست هزار لیره نقد که دریافت کرداند و هنوز هم دولت انگلیس مدعی طلب آن وجه وغیره هست چه شد و بکجا رفت و حسابش کجا است معلوم است که آن وجه بذریعه رئیس الوزراء وقت که ایشان بوده داده شده حسابش تا حال درهیچ جا ظاهر نگردید است ازهمه گذشته همه دنیا عنصر ایرانی را ذی هوش و عاقل و دانا میگوید آیا ممکن عقلی است که یك وزیر ایرانی چنین معاهده مشومی را بدون هیچ گونه فایده قبول فرماید ، تکذیب یا تصدیق این امر بوجدان خوانندگان است

دوم — وثوق الدوله تا یکدرجه اوضاع ایران را در سال ۱۹۱۹ بد گفته و خویشتن را ناچار از بستن چنان قرار داد مشومی جلوه گرمیسازد حالا خوبست یك نظر سرسری هم باوضاع سال ۱۹۱۸ و ۱۹ ایران بشود

در آن موقع قشون سه دولت در ایران موجود بود ـ یعنی روس انگلیس ـ ترک و در حقیقت اگر قشون هم دولت ایران داشت تحت الشعاع بودی و بدون شبهه حالت اقتصادی ایران هم در آن ایام خوب نبود ولی بعقیده مصرین و رموز دانان سیاست بزرگترین خوش بختی ایران در سال ۱۹۱۸ و ۱۹ رونما گردید چه همه کس میداند حیات سیاسی ایران از یکصد سال باین طرف حیات رقابتی بوده و از سال ۱۹۰۷ که رقابت روس و انگلیس در ایران مرتفع شد حیات استقلالیه ایران هم خاتمه یافت و بهمان مناسبت ایران در دو منطقه بین روس و انگلیس تقسیم شد مسلم است چیزیکه میتوانست ایران را حیات سیاسی و تازه بخشد همانا تشکیل رقابت اولیه روس و انگلیس بود در همان ایام انقلابات روس بالا گرفت و سلطنت تزاری از میان رفت و همان رقابت اولیه بکه اشد از آن بین انقلابیون روس و دولت انگلیس تولید گردید و ما برای اثبات مدعای خود دو مراسله دلیل را میگاریم

مراسله کمیسر ملی خارجه روس بسفارت

(مورخه ۱۴ یانوار ۸

آقای وزیر مختار

نظر باینکه ملت ایران در باب

انگلیس و روس ۱۹۰۷ در شبهه است افتخار دارم که تمام دولت شوروی جمهوری روسیه مراتب ذیل را باطلاع شما برسانم کاملا موافق با اصول سیاست بین‌الملل که دومین مجمع شوراهای تمام روسیه در تاریخ ۲۶ اکتوبر ۱۹۱۷ مقرر داشته است - شورای کمیسرهای ملی اعلان مینماید که قرار داد انگلیس و روس ۱۹۰۷ نظر به آنکه بر علیه آزادی و استقلال ملت ایران بوده است یکباره و الی‌الابد ملغی است

شورای کمیسرهای ملت نیز اعلان مینماید که تمام قرار دادهای مقدم بر قرار مزبور و لاحق از آن که حقوق ملت ایران را نسبت به موجودیت آزاد و مستقل خود بهر مناسبتی که باشد محدود و یا تقلیل نماید ملغی و از درجه اعتبار ساقط است

اما راجع به قشون روس که هنوز مراجعت نکرده و موجب زحمت ملت ایران هستند تمنا دارم مطمئن شوید آقای وزیر مختار که این مطلب برخلاف اراده ما و بواسطه جهالت یک قسمت از سربازها و سوء اراده عناصر ضد انقلابی صاحب منصبان آنها است حکومت شوروی از طرف خود برای آزاد کردن ایران از مامورین سابق (تزاری) و (بورژوازی) (امپریالیست) که بطور تساوی دشمن های ملت ایران و ملت روس هستند اقدامات لازمه خواهد نمود تمام اتباع روس که بواسطه عملیات مخالف قانون و رفتار شدیدی نسبت با هالی ایران مقصر شده باشند دوچار تمام سختی های قوانین انقلابی خواهند شد حکومت شوروی نیز در حدود روابط بین‌المللی تمام مساعی ممکنه خود را صرف نائل شدن به تخلیه کامل ایران از قشون عثمانی و انگلیس خواهد نمود - نهایت امیدواری نزدیک شدن موقعی داریم که مال حکومتهای خود را محصور خواهند کرد که خاتمه انتشارهای وارده بملت ایران داده و ملت ایران خود قادر خواهد گردید که آزادانه قوای خود را در حدود ممالک خود توسعه دهد

در هر حال شورای کمیسرهای ملی خود را مجاز بروابطی با ملت ایران میداند که فقط مبنی برضا و احترام ملل باشد

(کمیسر ملی امور خارجه -- تراتسکی)

مراسله کمیسر ملی امور خارجه روسیه
برئیس الوزراء ایران
(۲۶ ایون ۱۹۱۹)

رئیس الوزراء دولت ایران - طهران

آقای وزیر - کمیسر ملی سابق امور خارجه در طی مراسله خود مورخه ۱۴ ژانوار ۱۹۱۸ نمره ۱۳۲ که بعد در نمره ۱۱ (اخبار کمیته اجرائیه مرکزی شورای نمایندگان کارگران و سربازان دهاقین کل روسیه) در همان سال درج شده اصول مبانی سیاست روسیه شوروی را نسبت بایران اطلاع داده است

در تکمیل اصول مندرجه در این مراسله مبنی بر الغاء ابدی تمام عهود و قرار دادهائیکه دولت شوروی روسیه عفواً بر ایران تحمیل نموده یا اینکه با اصل استقلال و مصونیت ایران مخالفت داشته و یا اینکه آزادی در ترقی و انجام منظور ملت ایران را در اراضی متصرفه و دریا های مجاوره خود محدود یا تضییق مینموده است کمیساریای ملی امور خارجه دولت جمهوری شوروی متحده اجتماعی روسیه حالیه نیز اظهار میدارد که کاملا حاضر است برای انعقاد عهود جدیده و قرار دادهای قنسولگری و مقاولات دیگر مبنی بر اصول آزادی مقاوله و احترام متقابله ملتین با دولت ایران داخل مذاکره شود

نظر باینکه قشون دولت های سابق روسیه بمعیت دستجات نظامی (اشغال کننده) عثمانی و انگلیس شمال ایران را ویران کرده اند و مسئولیت این ویرانی تماما متوجه دول سرمایه دار انگلیس و عثمانی و روسیه تزاری می باشد دولت شوروی روسیه که نسبت بایران ستمدیده از دول متحده استعماری (امپریالیستی) دارای احساسات نیکخواهانه است مایل میباشد خسارات وارده بایران را بتوسط دستجات روس از روی انصاف جبران نماید و تصور میکند که دولت ایران تکیه بمساعدت ملت ایران نموده و وسائلی بدست خواهد آورد که از دولت استعماری انگلیس نیز خساراتی را که بایران وارد آورده است مطالبه نماید

نظر باینکه دولت شوروی به جبران خسارات وارده بملت ایران ابراز دارد اعلام مینماید که -

(۱) تمام قروض ایران که بدولت تزاری داشته است ملغی میشود

(۲) روسیه الی الابد بهرگونه مداخله خود در عوائد ایران از قبیل عوائد گمرکی و تلگرافی و پستی و مالیاتی و غیرها خاتمه میدهد

(۳) بحر خزر پس از پاک شدن از سفائن قطاع الطریق امپریالیزم انگلیس برای کشتی رانی در تحت بیرق ایران آزاد اعلان خواهد شد

(۴) سرحدات روسیه شوروی با ایران مطابق اراده آزاد سکنه سرحدی معین خواهد شد

(۵) تمام امتیازات دولتی روس و امتیازات اتباع آن ملغی و از درجه اعتبار ساقط است

(۶) بانك استقراضی ایران باتمام متعلقات ارضی وشعبات خود در ایران ملك ملت آزاد ایران اعلان میشود

(۷) خط تلگراف مابین مشهد وسیستان با خطوط تلگرافی ناحیه استرآباد و راه شوسه انزلی طهران باتمام راه های شوسه و ابنیه متعلق بآنها که در موقع جنگ ۱۹۱۴ — ۱۹۱۸ قشون روس در مدت توقف خود در ایران ساخته بندر انزلی باتمام منضمات آن از قبیل کارخانه چراغ برق و ساختمانها و سدها جلفاء تبریز و ادوات دیگر و غیرها - راه آهن با شعبه صوفیان با تمام ادوات و اثاثیه و ابنیه متعلقه به آن و امثال آن همچنین تمام ادارات پستی خطوط تلگرافی و نقلی روسیه در ایران برای استفاده و ملکیت ملت آزاد و مستقل ایران واگزار میشود

تادیه حقوق مستخدمین و کارگران مؤسسات مذکوره بر عهده ملت ایران است

(۸) حق قضاوت سابق قنسولها کاملا باطل میشود

(۹) میسیون روحانی ارومیه منحل میگردد

(۱۰) تمام اتباع روسیه مقیمین ایران مکلف هستند کلیه عوارض و مالیاتها را بالسویه مانند اهالی محل تادیه نمایند در صورتیکه این عوارض و مالیاتها مطابق قانون و برای رفع احتیاجات ملت برقرار شده باشند

(۱۱) دولت روسیه حاضر است که بادولت ایران مشترکا مسئله راجع حق مالکیت اراضی اتباع روس در ایران و طرز اجاره کردن و تادیه مالیات و امثال آن را مطرح نموده با رعایت حفظ منافع ملتین ایران و روس حل نماید

(۱۲) سرحد ایران وروس برای عبور آزاد و حمل مال التجاره باز میشود بایران اجازه ترانزیت مال التجاره از روسیه داده میشود که از هرجا خواهد و هرچه بخواهد حمل نماید

(۱۳) دولت شوروی روسیه حاضراست که متفقا با دولت ایران تعرفه های حمل و نقل مال التجاره ایران را بوسیله وسائل نقلیه روسیه از قبیل راه آهن و یا کشتی و امثال آن ترتیب دهد

(۱۴) روسیه ازهر نوع مشارکت در تشکیل قوای نظامی در داخل ایران صرف نظر مینماید

(۱۵) دولت روسیه بانحلال کارگزاریها رضایت میدهد

(۱۶) بایران حق داده میشود که در کلیه شهرها و نقاط روسیه شوروی و همچنین در ترکستان و ماوراء بحر خزر و در بخارا و خیوه متحده با روسیه قنسولهای خود را تعیین نماید

کمیساریای ملی امور خارجه دولت شوروی روسیه مطالب مشروحه فوق را رسما اعلام و پیشنهاد نموده اطمینان کامل دارد که این قدم دولت شوروی روسیه دوره تازه را در تاریخ روابط روسیه و ایران افتتاح نموده و ملت انقلابی روسیه سلام برادرانه خود را بایران فرستاده وصمیمانه آرزومند است که ملت ایران بار ظلم و فشار انگلیسها و دول مستعمراتی متحده دیگر راکه قصد شان خفه کردن قطعی ایران دست و پا بسته است از شانه های فرسوده خود دور انداز

ملت روس یقین دارد که ملت سی کروری ایران نمیتواند نمرده همچو ملتی تاچندین گذشته با عظمت و اونخا که در صفحات تاریخ و تمدن نام اشخاص ثبت شده است که کلیه دنیای متمدن بالاستحقاق در مقابل آنان سر فرود می آورد باید چنان توانائی از خواب چندین صد ساله بیدار شده و جور یغما گران رذل را بر طرف کرده برادرانه داخل در صفوف ملل متمدن آزاد شده برای سعادت نوع بشر خدمات درخشان جدید خواهد نمود.

کمیسر ملی امور خارجه جمهوری اشتراکی اتحادی شوروی روسیه - (چیچرن)

* * *

از این مراسلات بخوبی ظاهر میگردد اگر دولت وقت در همان اول وهله یعنی در سال ۱۹۱۹ قرار داد با روس را انعقاد کرده بود صدماتی که تا سال ۱۹۲۰ از قطامیان خارجی وارد می آمد خاتمه مییافت وچون آن ایام روسها نیز بیشتر محتاج باتحاد ما بودند اگر دولت وقت بافشاری مینمود منافعی بزرگتر ووادی بالاتر ازاین هم تحصیل میتوانست نمود. ظاهر است که این مراسلات در دوره رئیس الوزرائی ایشان بدولت ایران رسیده اسما وثوق الدوله فقط یك جواب میتواند داد که من اعتماد بمراسلات روسیه نداشته و حکومت انقلابی روس را ثابت و قائم نمی پنداشتم اگر هم تصدیق شود باید گفت چنین تصور و چنین عقیده از یك شخص رئیس الوزراء خیلی عجیب و غریب است چه هر شخصی که بوئی هم از سیاست بمشامش رسیده پس از انقلاب کبیر روسیه تصدیق مینمود که دوره تزاری گذشته و اساس جدیدی در روسیه روی کار آمده و هیچ کس قبول نمینمود که مملکت وسیعه روس وملت روسیه ازمیان رفته مطمع ومقاصد دیگران خواهد گردید دراین صورت اگر ایشان قرار داد با حکومت انقلاب روس را انعقاد میکردند هر حکومتی هم که در روسیه روی کار می آمد همان قرارداد را تصدیق مینمود گذشته ازاین هیئت سیاسی ایران درلغو قرار داد ۱۹۰۷ انگلیس و روس بود که در مواد این دو مراسله تصریح به آن شده است آیا ممکن بود یك وطن

برسی چنین لویدی را بیابد و او را استقبال بکند،
پس وثوق الدوله که این مسئله را تعقیب ...
بل کان لم یکن گذارد قصد و اراده دیگر داشت ما
در آینده قرار داد ۱۹۱۹ انگلیس و ایران را که
وثوق الدوله بسته با قرار داد سال ۱۹۲۱ که
مشاور الممالك وزیر خارجه کنونی با روس منعقد
ساخته توام خواهیم نگاشت تا تشریح کامل از بیانات
وثوق الدوله شده باشد در این جا ما از خود وثوق الدوله
تصدیق میطلبیم که آیا اگر قرار داد سال ۱۹۱۹ که
ایشان بسته باقی مانده بود وضعیت امروزه ایران
چه بودی آیا امثال ایشان میتوانستند در مقام وزارت
در ایران برسند - در همان موقع یك از دوستان
چنین نگاشت

« آقای من - عاقبت قرار داد بین انگلیس و
ایران بسته آمد سه حصه آن گذشته یعنی وزیر خارجه
امضا نموده رئیس الوزراء تصدیق کرده پادشاه به
صحه خود موشح ساخته فقط جزئی از آن باقی مانده
یعنی مجلس شورای ملی تشکیل یافته طریق ماست
مالی قبول کنند چرا که از همان اول نمیتوانستند
تصدیقات خود و دولت سازه را باطل کرده ایران را
مشروطه گویند فقط وطن خواهان حقیقی کوشش شان
اینست که مجلس منعقد نگردد و یا مجلس منعقد گردد که
این قرار داد را مسترد بسازد ولی بشما ایقان میدهم
اگر قرار داد وثوق الدوله باقی ماند در چند سال
حیثیت بین المللی ایران ساقط خواهد گردید چه از
حالا زمزمه میشود که اوضاع اقتصادی ایران اجازه
نمیدهد که سالی دو سه کرور صرف نمایندگان خارجه
بنماید ، نمایندگان انگلستان در همه جا وجود داشت دوستانه
حافظ حقوق ایران هم خواهند آمد و بهمین مناسبت بود
که در کانفرانس سن ژرمن اجازه از ایران طلب شده
ورود اسلحه را در خاک ایران ممنوع قرار دادند و
خلیج فارس کاملا در تحت تفتیش جهازات انگلستان
مسلم آمد »

از بیانات وثوق الدوله هرچه مستفاد میشود که
هنوز هم بهمان عقیده اولیه خود باقی و هرچه
میگوید که قرار داد سال ۱۹۱۹ ایشان برای
ایران نافع بوده است وشاید متاسف هم باشند که آن
قرار داد را شورای ایران مسترد ساخت

ملت ایران تا ابد باید رهین امتنان لارد کرزن
تازه گذشته باشند همان ایام که این قرار داد بسته
دویست هزار لیره قسط اول دو ملیون از استقراض
انگلستان سپرده آمد یك باغ سبزی هم برجال آن
دوره دودند و آن باغ سبز این بود که دعاوی دولت
ایران وخسارات مالی و جانی ایرانیان در مجلس صلح
بین المللی پیش شده تاوان هنگفتی ایران را بدست
خواهد آمد ، این بود که آقای مشاور الممالك از
طرف دولت بنماینده صلح مقرر آمده روانه اروپا شدند
فیروز میرزای ساده لوح که در آن وقت وزیر خارجه
بود پس از اندکی تامل بیتاب و نوان شده نتوانست
ببیند این سکه بنام مشاورالممالك زده آید چابکدستی نمود و
یا روانه اروپ شد

مشاور الممالك هر که بلندن آمده با لارد کرزن
صحبت داشت نقشه را قسم دیگر فهمید شنیده شد که
لارد کرزن فرمود که پس از عقد قرار داد بین ایران
و انگلیس نماینده ایران برای مجلس صلح لازم نیست
نمایندگان انگلستان حقوق ایران را هم محافظه خواهند
نمود از همان وقت از لندن مشاور الممالك یکر بسکو
رفته عهد نامه ایران و روس را بر بست و اگر آن
عهد نامه بسته نیامده بود تاکنون پولیس جنوب در
ایران موجود وقزاقخانه روس هم نام دیگر نشر نمی
داشتند از این رو حالا دیگر وجدان خوشی جائز نیست
و وثوق الدوله نمیتواند قرار دادیکه ایشان در سال
۱۹۱۹ با دولت انگلیس بسته تمجید نماید

این هم ناگفته نماناد مسئله تاوان خسارات
مالی و جانی ایران را هم که نماینده انگلستان در آن
زمان بایرانیان بطریق باغ سبز نمود برای این
بود که در این مراسلات روسیه تصریح بر آن نموده
و دولت ایران را تشویق و تشجیع به خواستن
تاوان خسارات مالی و جانی خویش میشود اگر در آن
موقع وثوق الدوله وطن خواهی و فعالیت نموده
میتوانست قرار دادی بسیار نافع و مفید اقلا مثل
قرار داد روسیه با انگلستان هم میبست چه در آن
موقع انگلستان بیش از آنچه تصور شود بدوستی
ایران محتاج بود و شاید صدها سال برای ایران
چنان موقع استفاده پیش نتواند آمد - در سال ۱۹۱۶
وقتی که از ما استفسار شد در موضوع بیطرفی
ایران مراسلهٔ بفارسی در ۱۶ صفحه به سر هملتن
گرانت رئیس اداره خارجه فرمانفرمای هند نگا...
اتل آن مراسله را یکی به آقای مفتاح السلطنه
قونسول جنرال ایران بشمله و دیگری به آقای
مشیر الملك سابق سفیر لندن فرستاده و البته نقل
آن مراسله دروزارت خارجههم خواهد بود در آنجا
مشروحا هم تاوان خسارات مالی و جانی ایرانیان از
دخالت های مسلحه معین آمده و هم معاوضه لا ...
برای بیطرف ماندن ایران از جنگ خواسته بودیم
سر هملتن گرانت در جواب آن مراسله با کمال عقاید
ما همراهی ننموده ولی بعقیده ما اگر دولت قبلی
بروی کار بود منافع عمده بمملك و ملت ایران

میتوانست ... رساند ــ خصوصاً وقتیکه حکومت انقلابی
روسیه تصریح نموده و خود به ادای تاوان خسارات
مالی و جانی ایران حاضر گردیده و دولت اناطولی هم جداً موید
دعاوی ایران ظاهر شده بود وثوق الدوله میتوانست
خیلی فایده بایران برساند و در آن موقع دولت انگلیس
بخواهشات ایران خواه مخواه گردن مینهاد بعقیده ما اگر
وثوق الدوله را هیچ قصوری هم نباشد همین تقصیر نافهمی
و موقع ناشناسی سیاسی آن بزرگترین تقصیر اوست معلوم
میشود که هنوز هم محیط ایران حقایق پرور نشده ما
وثوق الدوله را مجرب و سیاسی میدانیم ولی هرگز
تصور هم نمیتوانیم نمود که این مسئله آفتابی
براو روشن نبوده اگر وثوق الدوله دور بینی و وطن
خواهی را شعار نموده بود موقع سیاست ایران چنان
بودی که دولت انگلیس هم باندك پافشاری حاضر به
ادای خسارات ایران میگردید روس که خود به دادن
تاوان خساره در صورتیکه از انگلستان هم وصول شود
حاضر گردیده بود ــ اگر وثوق الدوله آن موقع هم
را از دست نمیداد و دو سال و اندی سلاسل قرار
داد با انگلستان را بدست و پای ایرانیان نمی پیچید
قضاوت قنسولات خارجی تاکنون پای پیچ ترقیات
ایران نمیگردید اگر وثوق الدوله ذرهٔ هم احساسات
ملی ابراز میداد تعرفه گمرکات ایران در ضمن
همان قـرار داد تصفیه نمیشد و ایران میتوانست
ثروت ملی را از ایجاد یك تعرفه وطنی محافظه نماید
لغو امتیازات خارجی مانند امتیاز بانك شاهنشاهی و
کمپانی نفت جنـوب وغیره در منتها درجه سهولت
در آن دوره برای ایران ممکن بود ــ اقلا
وثوق الدوله میتوانست معافی یك مشت قروض حمل
شده بایران را از انگلستان در مقابل آن معاهده
مشئومه طلب نماید ولااقل ممکن بود که بیست کرور دعاوی
باطله‌را که گویا حق بدولت نموده اند ــ آیا
وثوق الدوله میتواند بگوید از نتایج وخیمه قرار
داد سن رمو بی اطلاع بوده چرا جلوگیری نکرد
و چطور اعتراض نه نمود آیا وثوق الدوله میتواند
بگوید مراسلهٔ که فیروز میرزا در اروپا نگاشته و در
حقیقت قرار داد سن رمو را قبول نموده بی اطلاع
بوده است ؟ عجبا وثوق الدوله از دو مراسله
مذکوره فـوق و مواد آن خبردار نبود ؟ آیا
برای اطمینان خود که این مواعید عملی هست یا نه
هیچ کوشش کرد و مراسلهٔ بجواب حکومت انقلابی
روس نگاشت اگر از ایشان سوال شود که چه چیز در
قرار داد ۱۹۱۹ که شما با دولت انگلیس بربستید
چشم و گوش شمارا بر بسته چه جواب خواهند داد
خیلی چیز ها را انسان ندیده هم میتواند یقین
نمود از اینست که معترضین علنا بشما نسبت گرفتن
یکصدوبیست هزارلیره رشوه میدهند ــ آیاجزلیرهٔ زرد
هیچ چیز میتواند چشم و گوش یکمرد عاقل را مانند
شما بر بسته مضار قرار داد با انگلستان و منافع
مواد این مراسلات را درك ننماید ؟

امید واریم آن روز هم در ایران در رسد که
مانند سائر ملل متمدنه دنیا مفاد این آیهٔ کریمه بموقع
اجرا گزارده آید

الناس مجزیون باعمالهم ان خیراً فخیرا و ان
شراً فشرا

ختم مقال را به کلام عارف پاك نهاد در موقعی
که وثوق الدوله آذر بایجان را عضو فلج ایران گفته
حاضر به قطع آن آمده بود مینمائیم و از این قطعه
درجه سیاست و کیاست و وطن خواهی و ملت نوازی
این مرد بخوبی ثابت نواند گردید ــ اگرچه انکار کرده اند

نقل ازدیوان عارف

هنگام قیام آذربایجان و ریاست وزرائی
وثوق الدوله که گفته بود آذربایجان عضو فلج
است (۱۳۳۸)

§ جان برخی آذر بایجان باد §
§ این مهد زر دشت مهد امان باد §
§ مهد امان باد §
§ هر ناکست گو عضو فلج گفت §
§ عضوش فلج گو لالش زبان باد §
§ لالش زبان باد §
§ کلید ایران توشهید ایران تو امید ایران تو §
§ درود بر روانت از روان پاکان باد §
§ از پاکان باد §
§ ای ، ای ، ای . فدای خاکت جان جهان باد §
§ صبا زمن بگو بـه اهـل تبریز §
§ که ای همه چه شیر شرزه خون ریز §
§ زترك و از زبـان ترك بپرهیـز §
§ زبـان فـرامـوش کنـید §
§ نگفت زردشت کز آب §
§ خمـوش آتـش نکنـید §
§ خمـوش آتـش نکنـید §

دسته بندی تازه

مصاحبه هر اسقمان با مسیو برانی درخارج ژنو
و ملاقات خصوصی مستر چمبرلن با مسیو موسولینی
تهدید یك دسته بندی تازه را باروپا خبر میدهد
نزدیك شدن فرانس با آلمان و انگلیس با ایطالی انقلاب
عظیم را در اروپا ظاهر می‌نماید و درحقیقت انحلال
جامعه ملل را بشارت میدهد . از بعد جنك بازطرف
که فرانسه قوه قویه اروپ بشمار آمد ، انگلستان بنا

به ممالك دیرین خود که مخالف با هر قوت است خیلی کوشید که باقدامات سیاسی و فشار های اقتصادی بلکه بتواند فرانسه مسلح را عاری از سلاح سازد مسئلهٔ ترك سلاح در جامعه ملل گرفته بود که بیشتر برای فرانسه رقصاصه شده بود معلوم است که فرانسویان هوشیار تر در حفظ مقام خویش بی‌خبر نبوده اند از یکطرف با لهستان و زکسلاویا ورومانی و ... عقد قرار داد می‌نمایند از طرف دیگر خویشتن را بدولت روس نزدیك میکنند ولی تمام این اقدامات درصورتی که رفع کدورت آلمان را نمی‌نمود سود ظاهر میشد . علاقه حفظ شؤونات فرانسه را در رفع کدورت با آلمان داشته پس از آنکه امپراطور آلمان رسماً در جامعه ملل شامل شداند حلقه آشتی الکه دوستی بدروازه آلمان کوفت و آلمان نیز چون منافع خود را امروزه در دوستی با فرانسه دیده بامنتهای اشتیاق این دعوت را لبیك اجابت گفت اگرچه جرائد و ارباب سیاست انگلستان میسرایند که دولت انگلیس سعی از این اتحاد خوشوقت و امیاری ارجایند برای بی‌کم کردن می‌نویسند که قبلاً قبل از وقت هر استرسمان و مسیو برائن با مستر چمبرلین هم تبادل خیال نموده و این الفت و محبت فرانس و آلمان را نتیجه معاهده لوکارنو که زائیده طبع مستر چمبرلین است کله خود را موید اتحاد فرانس و آلمان جلوه میدهند ولی رموز دانان سیاست درهمان اول قدم دانسته‌اند که حقیقت امر غیر از بیانات جرائد است در اتحاد آلمان و فرانس یك دست قوی دیگر هم هست وطولی نخواهد کشیدکه پرده بالا رفته اتحاد مثلثی بین فرانس و آلمان و روس جلوه‌گر خواهد آمد بهمین مناسبت است که بلا درنك در جواب همین اتحاد مثلث مستر چمبرلین شتابان بملاقات مسیو موسولینی در ایطالی رفت اگرچه ظاهر میکنند که این ملاقات رسمی نبوده ولی هر کس آشنا به سیاست اروپ است یقین خواهد نمود که ملاقات این دو جواب ملاقات هر استرسمان و مسیو برائن است مسلم است که اسپانی نیز در دائره این اتحاد شامل خواهد آمد ومانند قبل ازجنك دو دسته بندی سیاسی قائم و بر طرفداران ... روزه خواهند افزود تا موقع تصادم آنها بمیدان در رسد ظاهر است که نتیجه این دو دستگی از میان رفتن جامعه ملل خواهد بود چه جامعه ملل ظاهرا برای این بود که دول اروپا مانند قبل از جنك دو گروپ نشده به حمل سلاح با یکدیگر سبقت نجویند ولی از همه جامعه مثال همان دو دستگی قبل از جنك بدیدار آمد اسپانی که علنا پشت پا بجامعه زد ایطالی که از بعد واقعه حمله یونان توجه خودرا ازجامعه منصرف داشته هیچگونه دلچسپی درمسائل راجع بجامعه ملل ظاهر نمیدارد ، انگلستان هم اگر آلمان یا فرانس متحد گردد نتایج مطلوبه را از جامعه حاصل نخواهد کرد حالا باید دید که اثر این دو دستگی اروپ تاچه اندازه به آسیائیان سرایت می‌نماید

فرانس و آلمان دانسته اند که اگر بار دیگر متفق نشوند نمی‌توانند منافع متصوره سیاسی و اقتصادی خودرا از آسیا حاصل کنند و این را هم دانسته اند که اروپا گنجایش جلب منافع سیاسی و اقتصادی برای آنها ندارد از طرف دیگر ایطالی نیز دعوی مالکیت بر دریای مدیترانه دارد و در صدد بدست آوردن مستعمرات جدید در آسیا است و این مراتب را در سایه حمایت دولت انگلیس حاصل تواند کرد خیلی زود در سواحل شامات و اناطولی بین فرانس و ایطالی و ترکی میدان رقابت آراسته خواهد آمد اسپانی الحاق تانجیر را طالب است و این امر نیز بدون تمایل بانگلستان صورت نه بندد چون ارباب سیاست هم این پیش آمدها را قبل از وقت خوانده اند دیده میشود که دولت روس دراین اول قدم اعتراض در تعمیر وضعیت تانجیر اعلان میدهد و در حقیقت این اعتراض روس در باطن حمایه از دولت فرانسه است که درآن میدان تنها بود اما این دو دستگی ما را هم آرام نخواهد گذارد یعنی اثرات خود را در وسط آسیا خواهد انداخت ، ایران وترکی را در فشار رقابت خواهد گرفت گویا ازینست که رجال ترك و ایران برای پیش بندی از یك چنین واقعه حتی الوقوع قرار داد ترافعی می شوند بسته اند ما همیشه گفته ایم و بازهم میگوئیم جامعه ملل ملعبه ایست که سیاسیون بزرگ برای طفلان سیاست و گول زدن آنها فراهم کرده اند

باید بسیاست و دانش اعلیحضرت غازی پادشاه افغانستان بسی تمجید نمود که تاکنون ذره هم بخیال شمولیت دراین تیاتر سیاست گران نیافتاده اند اگر رجال ایران بدقت بنگرند زیاناتیکه تاکنون از شرکت این جامعه برده اند خیلی سنگین است و اینك که اتفاق مثلث در وسط آسیا تشکیل یافته و روز افزون در توسعه و استحکام آن خواهند کوشید ابداً مناسب نیست که تنها ایران در جامعه ملل شمولیت و سائر متفقین وی از شرکت جامعه استنکاف داشته باشند علاوه بر این باید دید که در چهار صد ملیون نفوس اسلامیه فقط یك نماینده ایران نمایندگی دراین جامعه دارد علاوه برمقام تاریخی و حیثیت کنونی ایران را هم احترام نموده حتی بعضوموقتی آنهم رضا ندادند اگر درست دقت شود و درهر چیزموازنه نمایند مقام ایران ازهیچ

یك دول اسپانیه که عضو غیر دائمی منتخب آمده کم بوده است جواب خواهند داد انتخاب این اعضا از روی اکثریت آرا شده ایران اکثریت لیاقت ما هم تسلیم خواهیم شد ولی حق داریم که سبب را بپرسیم که چرا بایران رای داده نشد سبب همان عصبیت اروپائی و تحقیری که بعنصر آسیائی دارند بعقیده ما طولی نخواهد کشید که ایران هم خواه مخواه ترك شمولیت این جامعه را خواهد گفت اعضاء صمیمی جامعه درحقیقت پرده ازروی حقایق برداشته نمودند که این جامعه فقط مجلسی است که دول مقتدر با نفوذ برای پیشرفت مقاصد خود ترتیب داده و دیگران را سنگ روی یخ خویش ساخته اند دراین مدتیکه جامعه تشکیل یافته آیا درهیچ مسئله که انگلستان پیش نموده شکست یافته است آیا هیچ صدای احتجاجی برخلاف مظالم فرانس و اسپانی در مراکو و شام بلند گردند آیا ایطالی که علناً اجحاف و زیادتی بیونان نمود جلوگیری کردند آیا هیچ انگله چینی ازتجارت تریاك که انگلستان میکند کرده اند آری ماده برعضو ضعیف میبرد ایران هدف ملامت میشود و حالانکه بقول نماینده ایران هزاران صندوق تریاك از هند بایران وارد کرده اند بالجمله شمولیت آلمان دراین جامعه طولی نخواهد کشید که تاروپود اورا مانند مجلس صلح عمومی هیك خواهد پاشید و بیش از پیش دو دستگی وجنگ حزبی در اروپا بالا خواهد گرفت و آسیا را در آتش حقدوحسد خود خواهند سوخت

§ مرد آخر بین مبارك بنده است §

راه آهن ایران

از ژنو خبر میدهند که هیئتی از مهندس های سویزی و انگلیسی روانه ایران گردیده ا شعبهٔ راه آهن را از طهران تا خلیج فارس معاینه کرده و چگونگی راه و وضعیت آن را تحقیق نمایند تخمینه مصارف این شعبه ۷ ملیون لیره است و این سرمایه از انگلستان و آمریك گرفته خواهد شد

حبل المتین

همان قسمیکه در موضوع کاپیتال ایران نگاشته ایم باز هم تکرار مینمائیم که بدون شبهه برای ایران سرمایه خارجی لازم است فقط باید دقت نمود که آن سرمایه سیاسی نباشد بلکه اقتصادی باشد ، ما بدوجهت استنکاف از قبول سرمایه انگلستان داریم اول اینکه بعقیده ما کلیه سرمایهٔ که انگلستان که بخارجه ریخته جنبه سیاسیش رجحان باقتصادیش دارد از این رو ممکن است جلب اینگونه سرمایه ها عاقبت بجای نفع نقصان بخشد ما ابداً اطمینان نتوانیم نمود بر اینکه چون سرمایه ای که امریك تا کنون بخارجه ریخته تمام اقتصادی بوده و چون امریك با انگلستان سهیم این سرمایه است رفع زیان سیاسی آن توانند گردید چه این غلط صریح است و از روی تجربه ثابت شده که سرمایه های اقتصادی در سرمایه های سیاسی استهلاك میگردد مثلا اگر بسرمایه انگلیس و آمریك راه آهن ساخته آمد و فردا انقلابی پیش آید انگلیسان نصف سرمایه آمریك را نموده تمام آن سرمایه سیاسی میشود

دوم اینکه اگر ما امروز امتیازی بانگلیس بدهیم همسایه شمال هم همان توقع را خواهد داشت که در مقابل آن امتیازی هم بروس داده شود نتیجه آن خواهد شد که این دو رقیب دیرین در داخله مملکت ما مشت بلکه یکدیگر زده صدا سرها شکسته خواهد آمد پس بهتر آنست که از چنین سرمایه صرف نظر شده فکر دیگر کرد باید خیال نمود که چرا آمریك با آنهمه سرمایه بیکارکه محتاج بکار انداختن آنست تنها حاضر نمیشود این جزئی سرمایه را در ایران بکار اندازد بدون رو در واسی باید گفت تاکنون آمریکائیها اطمینان بدوام امنیت و استقلال امه ایران ندارند میخواهند سرمایه اقتصادی خود را باطمینان یك سرمایه سیاسی ایران بکار اندازند پس ما را است که اقدامی بنمائیم که آمریك یا سائر سرمایه داران خارجی اطمینان به آینده ما حاصل نمایند در هر صورت هم راه آهن برای ایران لازمست و هم تحصیل سرمایه خارجی ولی در بدست آوردن آن سرمایه خیلی باید دقیق شویم که مضرتش در آتیه بیش از نفعش باشد فعلا قریب سه ملیون لیره وجه نقد اختصاصی راه آهن موجود است علاوه براین هم همه ساله قریب یك و نیم ملیون لیره از این ممر عائدی سرمایه راه آهن است اگر ممکن شود بهمین سرمایه اعتبار ۲۰ ملیون لیره از خارجه استقراض اقتصادی نمود و از همان سرمایه چند شعبه راه های آهن را کشیده و تدریج از همین ممر اصل و فرع آن را مستهلك ساخت دادن امتیاز راه ها که بمنزله شرائین مملکت است باجنبی غلط است متخصصین راه سازی از خارجه استخدام کرده با عمله ایرانی ومواد خام وبخته ایرانی راه هارا تعمیر نمود شاید بعضی ها همچه تصور کنند که فعلا آوردن آهن وچوب از خارجه ویا خریدن ماشین های قطار های راه آهن واطاق آن از خارج بصرفه مقرون تر است و ممکن هم هست که بصرفه ظاهری مقرون تر باشد ــ ولی باطنا برای ما مضر و برای دیگران مفید خواهد بود ولی اگر همان سرمایه را بدائر کردن کارخانه آهنگری و چوب بری و تربیت جنگلات بکار انداخته

تمام مواد راه آهن را از داخله تهیه کنیم ولو در مدتی ده و بیست هم گران تر تمام شود بصرفه ملک و ملت مقرون تر خواهد بود و ما هم گمان نمیکنیم که امتیاز راه سازی بهیچ یک از خارجیان داده شود حالا منتظریم که وقایع نگاران حبل المتین حقیقت امر را نگاشته تا بتوانیم در آن زمینه اظهار عقیده کنیم ولی در هر صورت هر امتیازی غیرراه سازی هم که به خارجه داده شود چند شرط لازم دارد

اول ـ اینکه اداره مرکزی کمپانی وصاحب امتیاز در ایران قرار گیرد

دوم ـ نصف سرمایه آن حق لاینتزع رعایای داخله باشد

سوم ـ رئیس درکتران کمپانی از طرف دولت تعیین شود

چهارم ـ جمیع قوانین ملکی شامل آن امتیاز و کمپانی هم شود

در این صورت اگر امتیاز بدشمن هم داده شود زیانی بملک و ملت نخواهد رسید ولی شرط اعظمش آنست که ایران دارای چنان قوتی باشد که بتواند خارجیان را تحت قوانین ملکی مانند ترکی در آورد بعقیده ما تا وقتیکه دولت موفق بابطال قضاوت قنسولات خارجی نگردد ـ دادن هر امتیازی بخارجه بجای نفع نقصان تواند بخشود

بانک عمومی

میگویند دولت مصمم آمده است که وجوه نقدینه راه آهن و فروش جواهرات سلطنتی و برخی از خالصه جات دولتی که جمله بیست ملیون تومان باشد تشکیل بانک عمومی داده شعبات آن درغالب ولایات باز گردد مسلم است که افتتاح چنین بانکی گشایش عمده در رواج تجارت و گردش معاملات تواند داد ولی این مسئله در صورتی مفید تواند بود که شعبات آن بانک در ممالک خارجه هم باز گردد و یا آنکه با بانکهای معتبره خارجی بولایات که ایرانیان سروکار و معاملاتی دارند دفتر محاسبه باز نمایند مثل اینکه بانک شاهنشاهی ایران در کلکته شعبه مخصوص ازخود ندارد ولی به لایدس بانک دفترمحاسبه گزارده هم ازایران به کلکته برات میدهد وهم میگیرد

دوم اینکه باید تجدید نظر در امتیاز نامه بانک شاهنشاهی نموده بعضی اختیاراتیکه از خصایص دولت است ازوی سلب نمود که منجمله آن ترویج اسکناس میباشد و حمل امانات نقدی میباشد تاوقتیکه بانک شاهنشاهی دارای این دو امتیاز باشد هر بانکی راکه دولت بهر اسمی باز کند بعوض نفع نقصان خواهد یافت اما فروش جواهرات سلطنتی بعقیده ما صورت نخواهد بست چراجواب این مسئله را بموقع دیگر میگزاریم اما فروش خالصجات آنهم سبب گشایش ملی نتواند گردید ـ چه خالصجات را رعایای داخله باید بخرند و همان سرمایه که دست خودشان بگردش بوده دربانک عمومی بگردش خواهد افتاد البته برای آبادی املاک فروش خالصه جات مفید تواند شد بعقیده ما مقصوداصلی آنست که وجوه موجوده را بگردش آورده سرمایه بانک عمومی قرار دهند وبتدریج هم هرچه ازاین ممر وصول شود مزید سرمایه بانک گردد ـ این هم خوب ونافع است بتدریج میتوان باعتبار سرمایه بانک عمومی که وجود خواهد ماند جلب سرمایه خارجه هم بنماید ولی مطلب همانست که گفتیم تاوقتیکه تجدید نظر در مواد امتیازیه بانک شاهنشاهی نشود نمیتوان امید نفع و پیشرفت بانک عمومی حاصل نمود ـ باید مجلس شورای ملی درمواد امتیازیهٔ هریک ازصاحبان امتیازات از خارجی و داخلی تجدید نظر نموده آنچه بحال ملک وملت مضرباشد باطل و غیر قابل اجرا قرار دهند ایران تا باوضاع کنونی خود ادامه دهد و بخواهد بامتیاز نامه های مضره ادوار سالمه پای بند مانده ازاکت ناپاک را از دست ندهد امید نفع و پیشرفت در هیچ یک از اقدامات مایه نماید داشته باشد

بانک شاهنشاهی فاج کننده اقتصادیات مملکت است باید امتیاز نامه اورا تجدید کرد ـ ولو این اقدام با هر زیانی برای ما تمام شود باز هم بحال ملک و ملت نافع خواهد بود ـ و همین قسم است امتیاز نامه نفت جنوب باید دربسیاری ازمواد امتیازیه آن تجدید نظر نمود بانک شاهنشاهی اختیار کلیه ثروت ملی را چه در داخل و چه در خارج بکف دارد ترقی و تنزل قیمت مسکوکات داخلی با تسعیر مسکوکات خارجی تمام بقبضه بانک شاهنشاهی است ـ معلوم است که او نیز هر معامله که بصرفه خود نزدیک بیند با ما نموده و خواهد نمود تا بانک شاهنشاهی با این وسعت اختیار در ایران باقی باشد ایران دارای بورسه و اعتبارات اقتصادی در خارج و داخل نخواهد آمد ـ بس پیش از هر اقدام باید دولت و ملت نظر عمیقانه در مواد امتیازیه صاحبان امتیازات خارجی و داخلی الداخله سپس اقدام به آن اصلاحات نافعه بفرمایند و اگر چنین نشود نه تنها اقدام به آن اصلاحات نافع نخواهد شد بلکه مزید سوختگی دماغ ملت و دولت شده از اقدامات اساسی آنان را باز خواهد داشت ـ همان قسمیکه مکررنگاشته ایم هر اقدامیکه دولت دراصلاح اقتصادیات بفرماید تاوقتیکه تعرفه گمرکات خودرا بروفق منافع ملکی وملی ازمجلس شوراء نگذراند سد مجاری خروج ثروت ملی نتواند شد این مسئله پیش از

همه قابل اصلاح و غور و تامل است واسطه اینکه تعرفه گمرکات از اختیار ملت و دولت خارج است ماهانه ملیونها تومان سرمایه ملی بخارجه ریخته می‌آید تصور باید کرد اگر بفوریت از این مسئله اهم جلوگیری نشود اوضاع اقتصادی ایران بکجا منتهی خواهد آمد خلاصه کلام بهبودی اقتصادیات ایران را چهار رکن است اختیار مجلس در تعیین تعرفه گمرکات

دوم — ابطال قضاوت قونسلات خارجی که اثرات عمده بر اقتصادیات مملکتی تواند بخشود

سوم — لغو چند ماده از امتیازنامه بانك شاهنشاهی

چهارم — تجدید نظر در مواد امتیاز نفت جنوب و این چهار رکن فقر و مذلت ایران و ایرانی باختیار دولت انگلیس است دولت ایران جداً باید کوشش نماید که این مسائل اربعه را دوستانه تصفیه کند و چون دولت انگلیس ملتفت آمده است که ایرانیان بی بحقایق مضار این ارکان اربعه برده خواه مخواه در اصلاح آن خواهد کوشید دولت انگلیس دوستی ایران را منظور داشته نخواهد گذارد امر منجر به بی‌مزگی شده و مزید پیشرفت رقیب وی (. و س) گردد اصلاحات جزئی در اقتصادیات بسیار است ولی تا وقتیکه این چهار نکته اصلاح نشود کمتر فائده در اصلاحات جزئی خواهیم یافت اگر جمیع کارخانجات را بیاوریم و جمیع ایران را راه شوسه و آهن بسازیم و معادن نفت شمال بلکه کلیة معادن خود را بکار اندازیم تا ارکان اربعه مذکوره اصلاح نشود بازهم شش مان گرو نه خواهد بود

§ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل §

نوش دارو پس از مرگ سهراب

(یا قانون مجازات عمومی)

§ در وقت مرگ آمدی ای غمگسار دل §
§ وقتی نیامدی که بیائی بکار دل §

در هر مملکتی دو قانون است که حیات اجتماعی و انفرادی اهالی را حفظ میکنند اول قانون اساسی است که زندگانی اجتماعی را تأمین کرده و بعد قانون مجازات عمومی است قانون اساسی ما چون تمام مواد ان تکیه بقانون مجازات عمومی و سایر قوانین داشت و قانون مجازات عمومی تصویب نشده بود مانند باغ تفرج بکسی میوه نداد و جز سر و قامت قانون اساسی چیزی بنظر نرسید مثلا قانون اساسی نوشت خانهٔ اشخاص مصون است و نمی توان وارد شد مگر بحکم قانون اما قانون دیگر که بنویسد اگر کسی بخانه کسی وارد شد مجازات او چیست وضع و تصویب نشده بود و اگر صاحب خانه قانون اساسی را دانسته و سپر خود میکرد تازه رئیس مالیه میگفت قدغن کردم ثانیا این حرکت را نکنند ولی ماده ۲۶۶ قانون مجازات عمومی مجازات وارد را اگر بعنف و تهدید باشد از دو ماه تا یکسال حبس تعیین میکند امروز دیگر بدون مجوز قانون آژان یا امنیه تعدید وارد نمیشود زیرا میداند اگر صاحب منزل تعقیب نماید مجازات خواهد شد پس این قانون است که قانون اساسی را کمك کرده و افراد را نسبت باعمال خلاف خود مجازات میدهد امروز قانون مجازات عمومی تصویب و حکم باجراء ان شده است ولی افسوس و صد هزار افسوس که وقتی نیامد که بیاید بکار ما یعنی ان عشق و شوق مردم نسبت بقانون از بین رفته همان مردمی که فریاد میزدند نبودن قانون مجازات مارا بایزور نشانیده حال از این قانون استقبال نمیکنند و ثابت میکنند که این مردم روح ندارند و زنده نیستند زیرا اگر زنده بودند بر موافقت یا مخالفت قانون اظهاری میکردند نگارنده که ندیده‌ام نمیدانم شما که این ورقه را قرائت میفرمائید دیده اید که کسی از اعلان اجرای قانون مجازات عمومی اظهار مسرت یا نفرت کند ؟ یا نه اگر نه دیده آید تصدیق نمائید ما مردم مرده هستیم که چنین قانونی نه مخالف دارد نه طرفدار آیا زمانی که رئیس عدلیه اعلان کرد که قانون مجازات عمومی از فلان تاریخ بموقع اجرا گزارده میشود مشاهده کردید یك نفر را که ان اعلان را بخواند و به بقدری که متجددین از اعلان سینما و نمایش خوشنود و کهنه پرستان متأثر میشوند از این اعلان مسرور یا مغموم شود اگر شما ها دیده اید نگارنده ندیدم و بهمین دلیل این شعر را نوشتم که

§ در وقت مرگ آمدی ای غمگسار دل §
§ وقتی نیامدی که بیائی بکار دل §

درست توجه فرمائید ملتی که به تصدیق هر عاقل خرابی کار او از نبودن مجازات باشد و پس از بیست سال قانون مجازات از طرف مجلس و دولت تصویب و اعلان شود و هیچ فرقی در حال احدی رخ ندهد آیا ان ملت مرده نیست بخدا مرده است بوجدان و شرافت سوگند مرده است و نگارنده هم که شعر شاعر را مثال آوردم که هنگام مرگ آمده است اشتباه کردم و باید بشعر دیگر تمثیل میجستم اما امید مانع است و میگویم شاید هنوز همه نمرده باشند آیا این بی اعتنائی جز جهل هیچ دلیل دیگر دارد آیا کسانیکه معارف مارا خواب کرده و نمیگذارند معارف ما ترقی کند درست نفهمیده و راه کار را نشناخته اند ؟ چرا بخدا خوب توجه نمائید این قانون چیست و اگر حامی و ملت طرفدار این قانون نشود ✦

نتیجه میدهد این قانون اگر حامی و طرفدار داشته باشد و شناخته و دانسته از او حمایت نمایند هر درد بی درمان ما را دوا است ولی افسوس قانون اساسی که کلید سعادت هر ملتی است در مملکت ما نتیجه نداد زیرا هر مادهٔ آن معلق بقانون دیگر بود و قانون مجازات عمومی هم روزی بتصویب رسید که مردم از قانون رنجیده اند بلی مردم جاهل حال طفل را دارند و قانون مانند دوائی است که بطفل میخورانند یك دوائی که بطفل میدهند القدر در مغز او تأثیر میکند که از نام دکتر هم متوحش میشود حال ما مردم حال همان طفل و قانون همان دوائی است که بطفل میدهند غرض از این مقدمه اینست که مردم بگوئیم بخداو بدین و آئین قسم بشرف و وجدان و انسانیت سوگند تا هر زمان شما در خواب بوده و راضی باشید کلاه خود را از دست ندهید کلاه بردار ها بر شما رحم نخواهند کرد پس یك مقاومتی هم از طرف شما لازم است و بهترین موقع امروز است که دولت حکم باجرای قانون مجازات عمومی کرده است ای بد بخت مردم بحضرت عباس قسم آفتابه دزد و فقراء و گدا ها و ضعفاء مملکت را بموجب همین قانون مجازات خواهند کرد و اگر ما بیدار بوده و استقامت و مقاومت کنیم ناچارند رؤساء دوائر و متنفذین و اقویا را هم بموجب مواد همین قانون مجازات کنند نهایت باید ما دل سرد نشده و استقامت کنیم اگر وکیل عدلیه خیانت کرد مادهٔ راکه در باره او حاکم است دستاویز نمائیم اگر آژان خلاف کرد همینطور اگر فرمانفرما و وزیر وحاکم ورئیس مالیه متجاوز از قانون بودا ورا بمحاکمه بکشیم مقصود این است ضعف را از خود دور کنیم و بقوه ملی و زور عدالت خواهی دولت را مجبور کنیم که همین قانونی را که وکلای دوره پنجم که شکل انتخاب آنها بر همه معلوم است تصویب کرده اند اجرا کند اگر مردم بهمین قانون که وکلا و اعیان و اشراف و متنفذین بلکه وکیل الدوله ها تصویب کرده اند اهمیت داده و رعایت نمایند من ضمانت میکنم تـوانند حقوق ملی را [illegible] تعدیل [illegible] اما شرط آن تعصب و غیرت است یك مثال برای شما بگویم و مقاله را ختم کنم اگر اهالی شهر و دهات غیر سرحدی تصدیق نکنند حق دارند اما آنهائیکه در سرحد هستند یا بوده اند و [illegible] انکار [illegible] چه میگویم تراکمه را مرسوم این است اگر یك [illegible] گوسفند یا الاغ یا اسب آنها سرقت شود چندین برابر قیمت آن خرج مسافرت و انعام بخرج میدهند دزد با تعارف و تقدیم بحاکم و کارگزار و سایر مأمورین سرحدی میدهند که مال خود را استرداد کنند وعقیده شان این است اگر کسی تعقیب از مالشان نکنند بی غیرت است اما ضرری که در این راه متوجه او میشود تا حق خود را بچنك می آورد ضرری است که در راه عصبیت و حفظ حقوق خود متحمل شده است بیائید ای مردم شهری متمدن این تعصب و غیرت را از مردمان غیر متمدن آموخته و در راه حفظ حقوق خود بکوتاهی نه پردازید ٥ تومان خرج کنید که تعدی دو قران آژان یا سوار امنیه را جبران کنید مضائقه نکنید تا شمارا کم کم قانون نامی کند تورا بخدا اگر عقل داری هیچ موقعی بهتر از این است که دولت اجرای قانون مجازات عمومی را اعلان کرده است ..

حجاب کنونی و بدبختی دختران

(اسرار امروزی وشیوع ازدواج)

[جوانان ایرانی با زنهای مجهوله فرنگستان]

خطاب بعلمای آگاهان رموز دین وفلسفه مذهب

در تمامی قران فقط در سوره نور یك آیه هست که آن را آیه حجاب نامیده شده ، اما نه بمعنی حجاب امروزی است

آیه برای مردها

قل للمومنین یغضوا من ابصارهم ویحفظوا فروجهم ذلك ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون *

آیه برای زنها

و قل للمومنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها ولیضربن بخمرهن علی جنوبهن ولا یبدین زینتهن الالبعولتهن الخ

مفاد این آیه این نیست که زنهای بیچاره زنده زنده درگور باشند ومحروم از روشنائی دنیا ما می بینیم و دیده ایم وهمه میبینند و دیده اند که زنهای اعراب رو بازند یك عبا در برو یك عبا در سردارند زنهای دهاتی های ایرانی روباز با شوهر های خود در امور زراعتی شرکت مینمایند و در ناموس آنها خللی نیست شهری ها را مبتلا بانواع اسارت ومحبوس کرده اند بالنتیجه در موقع ازدواج عموما ندیده ونشناخته وبدون رضایت زنها است موجب تولید هزاران مفاسد و بالاخره منجر بطلاق و ازدواج ثانی وثالث هکذا و از طرفی رواج عمل قوم لوط وترس جوانان ایرانی از زن ایرانی و زن نگرفتن الا زن فرنگی غالباً هم بد ترکیب (در هنگام سوال آیا چشم نداشتید میگویند این را دیده گرفته ایم زن تنها برای وجاهت گرفته نمیشود هزار صفات دیگر لازم است) ولی دخترهای وجیهه باکمال ایرانی برای همین ستر اختراعی بدبخت و خانه نشین و پیر

کور میشوند و بعضی راه فحشات پیش میگیرند محض ایشان دوستی بعلمای اعلام عرض میکنم این آیه را بفارسی صریح ترجمه فرموده لباس بیرونی زنها را معین فرمائید اما معنی متفق علیه آیه را نه بطن سیم و پنجم و هفتادم آیه را .

همه میدانیم قرآن کتاب قانون آسمانی است و برای دستور وعمل است نه برای بوسیدن ونفهمیدن معنی آن وبرای عموم کسانی است که دین اسلام را بدون اکراه قبول کرده اند نه برای جمعی ملا که قائلند برایکه قرآن هفتاد بطن دارد و مخصوصاً عرض میکنم فراموش نفرمایند که رفتار علما سبب شد که مجبوراً دولت ترکیه اسلام را باین شکل در آورد و همچنین هر قدر گفته شد که عوام را منع کنید از قمه زدن و زنجیر زدن و بدن قفل کردن و حیله های شرعی از قبیل مصالحه زن های ساده لوح اموال خود را بیك مثقال نبات نفیر وغیره وغیره تاکنون نشنیده اند مسلمانهای قفقازیه بتوده آمدند رمضان و محرم را بکلی قدغن ومتروك کرده چادر را هم برداشتند و حالا هرچه از این مسائل است خواه اصل دین که شریعت است وخواه ملحقات به آن که مربوط بدیانات نیست موهومات نامیده وجدا برضد دیانت اسلام قیام نموده اند پس بهتراست خرافات وموهومات را ازمیان احکام کشیده ممانعت از اعمال آن فرمائید بخواهید که عوام بیچاره از عوامی وجهل خارج شود بازار ملاها رونقی داشته باشد وگرنه بکلی دکاکین بسته میشود صورت ترکیه و قفقازیه رخنما و جلوه گر میشود .
من آنچه شرط بلاغ است میگویم .

(نزدیك بین . ذره بین)

از محمره می نویسند

دولت ایران مدتهاست در نظر داشت که تشکیل اداره بحریه دهد لکن بواسطه بی فکری اولیای امور در زمان دوره جاهلیت این مسئله مهم که واقعاً بمنزله روح مملکت بود از بین رفته وکسی در صدد چنین امر مهم برنیامد

الحمد لله که امروزه از آثار اقدامات مجدانه اعلیحضرت پهلوی دولت ایران میتواند نزد ملل حیه عالم اظهار حیاتی بنماید موفق بتشکیل مقدمات اداره بحریه در خلیج فارس وبحر خزر شده از وضعیات بحر خزر بواسطه بعد مکان اطلاع نداریم ولی از بحریه خلیج فارس اگرچه مقاله مفصل دراین موضوع توسط جراید هند لکن چون متاسفانه تاکنون در درج چنین مطالب مهم ومفید تعویق وتاخیر افتاده شد همینکه در تعقیب آن بطور اختصار عرض میشود

مدتی ست که یکی از صاحبمنصبان فعال حساس قشونی آقای حسن خان خجسته که از جوانان تحصیل کرده لایقی است از مرکز بسمت ریاست بحریه جنوب اعزام گردیده اند واقعاً ازروی حقیقت میتوان تمجید و تعریف از این شخص فعال جدی نمودم که از بدو ورود تاکنون در پیشرفت امور بحری ساعی بوده اند و قسمت بحری را مرتب نموده جزئیات و کلیات جهازات فعلی که بتصرف دولت در آمده رسیدگی کاملی فرموده کاپتان ها و اعضا و اجزای لایقی برای کارکنان جهازات برقرار نموده اند باوصف این همه اقدامات که تا اندازه کافی ملت خوزستان را امیدوار نموده میتوان گفت هنوز خیالات ونظریات مشار الیه درجریان امور بیش از اینها است که اداره بحریه توسعه پیدا کند نظریات و مقاصد مشار الیه درپیشرفت امور بحریه مثل نظریات و مقاله هائیکه مدیران جراید عموماً و حبل المتین که در قلب وسینه مملکت هندوستان واقع شده خصوصاً دراینموضوع بحث مینمایند و ملت ایران را بیدار مینماید که قدر وقیمت این آب شور خلیج فارس را دانسته وبدانند که تمام جنگ های دول اروپ بواسطه قسمت آب شور است ، همچنین دولت باید در صدد تهیه چند جهازات جنگی و تحت البحری نماید انوقت میتوان گفت عایدات کلیه بنادر و جزائر چند مقابل حالیه میشود هر حال هرکس وضعیات بنادر جنوب مشاهده کرده باشد بخوبی احساس نموده و تصدیق خواهد کرد که وضعیات فعلی آن خوب نیست بلکه رو به ویرانی میرود و در انظار خارجیها اسباب شرمندگی و خجالت است خواهید فرمود امروز خزانه ایران خالی و بی پول و دست ملت هم تهی است ، ممکن نیست این مخارج را کرد لی متاسفانه بودجه فعلی مملکت جهت تاسیس این اداره مهم کفایت نمیکند ولی باید منافع و عواید جدیدی جهت این کار پیدا کرد که در مدت مدیدی بتدریج ان امور عملی شود بودجه و عایدات آن اینکه دولت که برما به برای کمپانی بیست هزار روپیه برای اياب و ذهاب پستی خود میدهد ممکن است همین مبلغ را بمخارج جهازات فعلی که بتصرف دولت درآمده همان جهازات برای اياب و ذهاب پستی کافی است ومحتاج به جهازات کمپانی نبوده باشیم وهمچنین برای مسافرین که به بنادر وخارجه میروند دولت امکان دارد که استفاده از انها ببرد و الا اگر چنانچه همین جهازات باین حال بمانند بکلی خراب و از درجه اعتبار ساقط میشوند دولت که بودجه برای جهازات ترتیب داده درمقابل هم باید يك استفاده از انها مترتب شود نه اینکه جماعتی بدون کارکردن صاحب مواجب بوده باشند ما بقدر بسهم خود اکتفا نموده امیدواریم مدیران

محترم جراید که امروز نماینده ملت می‌باشند بیشتر از اینها در جراید خودشان درج و از اولیای امور محترم تقاضا نمایند که زودتر در صدد اصلاح و پیشرفت امور بحریه برآیند و امیدواریم امارت لشکر جنوب در پیشرفت و مساعدت امور بحریه بیش از بیش وسائل پیشرفت این شخص فعال حساس فراهم فرموده که بیش از این مورد تشویق و تمجید مشارالیه قرار دهند . (محمد جواد)

ایضاً

چون شماره های حبل المتین در آتیه آئینه احوال ایرانیان خواهد شد لذا جسارتاً عرض میکنم درخصوص وکلاء مجلس موسسان عموم ایرانیان را که مورد ملامت قرار داده در چندین شماره بی حسی ما را مذمت فرموده اید اگر درایران تشریف داشتید واضح میشد که قدری بی عدالتی فرموده اید مطالبی است که باهیچ زبان ممکن نیست به آقایانی که پنجاه سال در هوای آزاد استنشاق کرده اند حالی نمود آقای چوب تیره معرفتی برای شان ندارم میفرمایند ملت ایران بسر تراشیدن خود بیشتر اهمیت میدهد تا انتخاب وکیل اگر در مواقع انتخاب وکلای دوره چهارم و پنجم پارلمان و درانتخاب وکلاء مجلس موسسان در یکی از شهرهای ایران بودند چنین تهمتی را که یك ملتی را آلوده میکند بخاطر یك یا چند نفر وارد نمی‌آورد حقیر که خود حضرتعالی میدانید در این انتخاب کجا بودم برای العین دیدم که ملت ایران ابداً مسئول نیست قبل از انکه تعرفه توزیع بود و اخذ رای نمایند کاندید های اربعه معین واحدی اجازه نداشت که برخلاف این چهار نفر بکس دیگر رای بدهند لذا غیر از گوشه نشینی و مداخله نکردن بانتخابات آیا تکلیفی و وظیفه میتوان باین ملت بدبخت معین نمود

مجمع ایران و امریکا

جمعیتی که اخیراً در نیو یورك باسم ایران و و امریکا تشکیل گردیده و مقصد اصلی آن تشدید روابط بین ایران و امریکا میباشد درصدد کسب جمع آوری اطلاع از وضعیات ایران و طرز مسافرت وغیره بر آمده و اخیرا مراسله بدوایر دولتی اشعار و تقاضا کرده اطلاعات جامعی از اوضاع اقتصادی و فلاحتی و زراعتی وصنعتی و نشریات برای مجمع مزبور ارسال دارند وجمعیت مزبور اخیرا دارالصنایعی ازمنابع ایران در آنجا تاسیس نموده است

اختراع جدید

از واشنگتن رابرت میدهلد میرزا احمد خان ناصری که جزو محصلین کارخانه فرد است اختراع جدیدی نموده که عبارت از ترنی میباشد که بدون داشتن خط آهن وریل سیر مینماید و آنرا موسوم به ترن شهیر نموده تصاویر و ماشین بخار وکلیه و تکو منیف چرخ آن را که بواسطه نقره آلات مانند وزین تهیه کرده و بسفارت ایران در واشنگتن داده و در ضمن یك مراسله مشروحی شرح اختراع خودرا باعلاوه امتیاز دولت اتازونی داده و تقاضا کرده است که امتیاز خصوصی مطابق قوانین بین‌المللی جهة مشار الیه صادر نمایند و از دولت ایران نیز تقاضا کرده است که تا گذشتن امتیاز مذکور اقدامی در احداث کشیدن خطوط آهن بعمل نیاورند زیرا اختراع مذکور دولت ایران را از کشیدن خط آهن مستغنی خواهد نمود

خبر فوق که ازمجرای وزارت فواید عامه رسیده است عینا درج شده وما منتظر توضیحات کامل تری میباشیم .

قابل توجه است

در خصوص ترك تملق گوئی و چاپلوسی شرحی مرقوم شده بود شهد الله همان قسمی که فرموده اید از همه لازم تر اینست که باین فروتنی های بیمعنی و چاپلوسی ها خاتمه داده شود ولی چیکنیم محیط باندازه دچار این موهومات است که انسان ابداً نمیتواند پابخارج بگذارد دو ماده تاریخ برای جلوس اعلیحضرت پهلوی در یك شب عرض کرده ام چون تملق و اغراق ندارد رفقا نگذاشتند منتشر نمایم و یا تقدیم حضورش دارم حالا عیناً آنها را برای اطلاع خاطر مبارك در ذیل بعرض میرسانم

(داده ملت تاج را بر پهلوی)

ملاحظه فرمائید عین حقیقت و در واقع منتهای تعریف ومدح هم هست که ملت بامیل خود شان پادشاه خود شانرا انتخاب کرده اند چون کلمه قلمبه ندارد گویا پسند ایرانی نباشد

§ اربکند مدعی جهل باند ازمیان §

§ داد بایران شرف سروری پهلوی §

لفظ جهل سی و هشت است اگر از یکهزار و سیصد و هشتاد که خارج نمائیم باقی میماند یکهزار و سیصد چهل وچهار - درانیجاهم رفقا میگویند چون لفظ سروری ظل اللهی را و قبلهٔ عالمی را متضمن نیست نزد اغراق گویان پسندیده نخواهد بود لذا دم فروبسته نه بمقصد فرستادم و نه پیش کسی اظهار داشتم [حقیر امیر افشار ارومی]

از چهار محال مینویسند

دوره ششم انتخابات هم خاتمه یافت و قریب بیست سال است که ازسن شریف قانون اساسی مملکت گذشته چرا ما بیچارگان را که ببالغ بریکصد و

يكصد هزار نفوس و زياده هستيم از حقوق شريت و انتخاب محروم داشته اند چنانچه ميزان حق انتخاب داشتن جمعيت است قطعاً حق انتخاب دونفر را داريم و اگر فوائد و عوايد دولت است كذالك و احياناً قابليت و تمدن است هم مثل ساير بلاد است بلكه بواسطه ابتلا آت طاقت فرسا كه گفتن ان بى اهميت نيست مزيت برساير نقاط دارد هرگاه سوال شود چهار محال جزء خاك ايران است يا خارج چه جواب خواهند داد ميخواهيم عرضه بداريم كه چه تقصيرى نسبت به اين آب و خاك كرده كه به حرمسان حقوق گرفتار شده ايم كه بربريهاى ايران كه جزو وحوش ضاره و سباع مضره هستند وكيل داشته باشند ويك نقطه مهمه كه داراى يكصدو بيست پارچه ده و دهكده‌ها باشد وهمه قسم اشخاص لايق وقابل داشته باشد و دولت فوائد كه ازاين نقطه برد مع ذالك قانون الحكم لمن غلب حكم فرما باشد

ميگوئيم تقصير از مبادى عاليه شده لاچار اعتراف به تقصير خود كنيم كه ولايت ما بى زبان است و از حق انتخاب محروم يا يزد خواسته است يا ايزد خواسته است يا اينكه قضاى آسمان است اين وديگرگون نخواهد شد آيا بدبخت تروكم طالع تر ازما در عالم كسى هست تمام ملل وملل عالم و دول مستقله دنيا درپناه پرچم لواى مشروطيت و حفظ حقوق و حدود مدنيت زندگى ميكنند بجز مابيچارگان كه از حقوق حقه خود محروم هستيم

§ كشتى شكست و مردم كشتى فرو شدند §
§ اى ناخدا جواب خدا را چه ميدهى §

بهيچ وجه ما سكنه چهار محال نميتوانيم خود را راضى كنيم كه بلاد و قومى كه از حيث تمدن مثل ساير اقوام و بلاد ديگر باشد محروم ومصروف النظر باشند و اشخاصيكه خون ازمو و بهار ازدى فرق نيارند منتخب داشته باشند

چندين عريضه‌بدين مضامين و بمجلس پنجم عرض شد با اينكه چهار محال استحقاق دو نفر وكيل را دارد حق انتخاب يك نفر وكيل مستقل بچهار محال بدهند جوابى بما داده نشده فقط چند دفعه درمجلس مذاكره شد كه وكلاى اصفهان نسبت بجمعيت الحدود كم هستند -

آقاى مدير در اين پنج دوره انتخابات يك ورقه تعرفه در چهار محال توزيع نشد چه اهالى چهار محال در زير پنجه قهاريت خوانين بختيارى بودند و جرئت نفس كشيدن نداشته اينك الحمدلله كه دوره قجر و ملوك الطوايفى خاتمه يافته و ملت از چنگال خوانين و متنفذين محلى راحت شده استدعاى عاجزانه ازپيش گاه دولت داريم كه مارا شريك وسهيم اين كشور دانسته ازين نعمت عظمى محروم نسازند و حكم محكم مطاع عز صدور يابد كه وكيل خودرا مستقيماً گسيل مركز نمائيم وحق انتخاب يك نفر وكيل مستقل بما بدهند .

[امضاء اهالى چهار محال]

از شاهنگهائى مى نويسند

امتياز اتوبوس سازى در ايالت خراسان و آستر آباد بنام شخصى كه قبلا تقاضا نموده

به مجلس شوراى ملى پيشنهاد شده است در ساير نقاط تاسيس كارخانه مزبور طور استفاده مانعى ندارد بعضى مساعدتها ازحيث معافيت گمركى وغيره ازطرف دولت بعمل خواهد آمد لكن اگر امتياز انحصارى خواهيد بايد محل معينى را براى حوزه امتياز در نظر گرفته و شرايط خودرا مشروحاً پيشنهاد نمايد تا تصميم مقتضى اتخاذ شود.

مجدداً متن عريضه ۱۷ آخر فروردين تكرار كرده تا شرايط و مستدعيات بنده واضح شود كه عريضه و اقدام بنده بقصد فائده حكومت و رعيت ايرانى بوده نه معافيت گمركى وغيره

اگر كار سازى كشور از درجه در ايران تاحال بكسى داده نشده بنده حاضرم با خرج وسرمايه خود استاد ماهر براى اين كار با مصارف و لوازم اينكار بعد از صدور اختيار و حكم انحصار به ايران آورده و بنظارت آن اداره مفيده اين عمل را مجرى نموده فوائد و حاصل او را بعد از وضع مصرف و مخارج ربع باختيار آن وزارتخانه وربع باختيار وزارت معارف داده و نصف را در مقابل زحمت ميان عمله‌ها و خود تقسيم نمايم

البته بملاحظه صرفه ملك و دولت ايران هم پيش نهاد مفيد تر بوده مقبول خواهد شد اما در خصوص مستدعيات فقط عدالت وامنيت حكومت را بنده در صورت قبول پيشنهاد و عدم آن از هر امتيازى بالاتر ميدانم و در حق كل همين امنيت را خواهانم . شاهدم روز نامه هاى محل لمتين و چهره نما و كاشن كه امنيت را از همه چيزى بالاتر ميدانم - [حبيب اسكوئى]

داروى رفع ابتلاى ايران

بقول يكى از شعراى معروف عرب

§ ولقد حفظت شيئا و غابت عنك اشياء §

يعنى هر آينه به تحقيق حفظ كردى چيزى و فراموش شده است ازتو چيزها ما ملت ايران شنيده ايم كه بايست وطن عزيز مان را از بلاى فقر و ابتلاى بيكارى نجات دهيم ولى راهش گم كرده ايم

الهی این بنده ملاحظه میکنم هیچ چیز باعث خرابی این وطن مقدس نشده مگر سه چیز فقدان تامینات حقوقی ونبودن عدالت خانه وبودن ظلم درسراسر مملکت اگر تامینات حقوقی توسط اجری قوانین مفیده و دوائر عدالت خانه های صحیح در سراسر مملکت در تحت سرپرستی یکنفر عالم وطن خواه بی طمع مثل آقای دکتر محمد خان مصدق بفوریت دائر نمائیم همه چیز دارا میشدیم آنوقت است که ملت ایران دارای عزم ، ثبات ، شهامت . قوت قلب کمپانی های جوروکل خواهد بود ملتی که تامینات حقوقی عدالت خانه های صحیح ندارد و اگر هم دارد در بعضی از نقاط مملکت بیشتر نیست آنهم یک عدالت خانه ناقص که عدمش به از بودنش هست چگونه این ملت دارای عزم ثبات وبالاخره تشکیل کمپانی های لازمه خواهد داد که رفع احتیاجات خودرا ازخارجه بنماید بعبارت ساده رفع بیکاری عموم بنماید هرچند اعلیحضرت محبوب ما پهلوی ساعی و مجد باشند (به یک گل بهار نمی شود) حال برای استحضار خاطر محترم عامه ملت ایران شمه از ظلمهای واقعه دریکی ازولایات مهمه ایالت فارس شرح میدهم میرزا علی اکبر نامی شیرازی معروف به بهروزکی بهروزک یکی از محلات شیراز بشمار است ـ معین نایب دفتر فوج امین ۱۷ صف شکن در فارس استخدام کرده اند این آدم در دو سال قبل همراه نائب دفتر اسد الله خان سلماس که حکومت بهبهان شد به بهبهان آمد چیزی طول نکشیدکه اسد الله خان سلماس معزول گردید مشار الیه در بهبهان توقف کرد زمان ریاست ساخلوی یاور ناصر قلیخان بود چون یاور ایشان را میشناخت ارجاع کاری به میرزا علی اکبر نکرد بعلاوه در ایام ریاست ساخلوی ناصر قلی خان همیشه متواری بود و بیم آن داشت که یاور ایشان را مجازات نماید تا اینکه ناصر قلیخان از ریاست ساخلوی منفصل و به جای ایشان یاور امان الله خان طهرانی منصوب شد میرزا علی اکبر را قلعه بیگی (دراول) شهربهبهان قرارداد کور از خدا چه میخواست یک چشم روشن این ظالم کم وجدان از همه کونه قول طهرانی ها دخل دروکرار نکرد چندین قسم دست برد در ولایت بهبهان می نمود ازآن جمله شخص خلیفه نام میرحسنعلی رضا از طایفه ابوعلی که یکی از قطاع طریق های معروف بود باآن هم دست شد شب ها سارق منزلورخانه مردم را می برد و با قلعه بیگی تقسیم میکرد مردم بیچاره هر روزشکایت به قلعه بیگی میکردند معلوم است وقتیکه خود قلعه بیگی باو هم دست باشد به اقدامی خواهد نمود. بعنوان اینکه میخواهم به بینم ازچه طریق دزد داخل خانه شد می‌آمدو داخل خانه بریده شده ویک مقدار مخارج روی دست صاحب خانه میگذاشت و پسر از آن یا برادر صاحب خانه یا پسر عموچنانچه مرد متمولی بود نوکرش را باسم اینکه گمانم باایشان میرود در قلعه یک مدتی حبس میکرد صاحب خانه هم از چندی مشاهده این عمل مجبوراً در صدد اشخاص بسته خود برمی‌آید باوجود این همه فجایع باید مبلغی برسم [غلق] به میرزا علی اکبربدهد

۲ ـ مسئله الاغ نگیری اگر فرضاً قشون چهار راس الاغ جهة حمل کاه میخواست جناب قلعه بیگی از تمام الاغهای شهر بهبهان که متجاوز از دو هزار راس الاغ از الاغ‌سواری الاغ رعیتی چاروا داری به تفاوت راسی دو تومان و یک تومان دریافت میکرد

۳ ـ خانه حسین حکامی به اسم اینکه اداره قشون جو وگندم کرد آورده لازم دارد خانه های کسبه رعیت فقراء را عموماً تفتیش میکرد خدای نکرده درخانه یکی از رعایای فلک زده جهت معیشت عیال و اولاد خود دو یا سه من تبریز جو گندم پیدا میکرد کسی را مامور می نمود بعلاوه هر منی یک تومان غلق قلعه بیگی را داده تا شر خود را از سر آنان کوتاه نماید

۴ ـ باقاچاقچیان تریاک هم دست بود در محله کیج بران بهبهان عطاری در دوکان چهارمن تریاک قلم داشت مفتش مالیه مطلع می شود راپورت میدهد از طرف اداره هنگام غروب که دکان بسته شود امر میشود روی قفل عطار قفل میزنند تا صبح تفتیش شود عطار نزد قلعه بیگی رفته پنجاه تومان میدهد نظمیه های قلعه بیگی ساعت نصف شب دسته بسیار بزرگی از کلید برداشته همراه صاحب دکان آمد دکان را باز کرد تریاک های قاچاق را ازدکان خارج می‌برند صبح اداره مالیه موقع تفتیش هیچ پیدا نکرد اینگونه فجایع بی‌شماراست یکشب ازخانه سید غفور بزاز معروف به دهدشتی متجاوز از هفتصد تومان تنخواه و اشیاء نفیسه بردند هرچه سید بیچاره این طرف آن طرف دوید دیناری عایدش نشد بعد از (غلق) و سایر مخارج لازمه پس ازبردن بیست سی هزار تومان مال رعایا وکسبه وعامه ملت بهبهان و شیشه کردن خون فقرا از قلعه بیگی معزول شد سعید نظام ازصاحب منصبانی که همراه سرهنگ حسین آقا به بهبهان آمد قلعه بیگی شد به جای میرزا علی اکبر معروف بروزکی خلیفه پسر حسن علی رضا را دستگیر نمود اقرار و اظهارات خلیفه اظهر

حسن الشمس شده حال از این مملکت و از این حافظین مال وناموس متوقع هستید که رفع فقر عموم شود مردم کمپانی تشکیل بدهند آسایش داشته باشند بقول شاعر

§ سر بریده فراوان بود به منزل ما §

ما ملت ایران باسم اینکه اعلیحضرت پهلوی آنهم در طهران اعلان فرمودند هرکس شکایت ازمامورین کشوری ولشکری داشته باشد عرض حال بدهد بطهران رسیدگی میشود درصورتی که دستخط همایونی چاپی رسمی درتمام شهرها و نقاط مملکت معابر و خیابانها نصب نکردند فقط روساء پست خانه درمحل ماموریت خود اعلان ننمودند درصورتی که صد یک ملت بواسطه فقدان سواد وعالم نبودن به حقوق خود رابطه به پستخانه ندارند حال خوب است اعلیحضرت شاهنشاهی برای نمونه رسیدگی فرمایند هم مظالمی را که میرزا علی اکبر دربهبهان اعمال نموده تحت مداقه و رسیدگی قرار دهند مرتکب را مجازات سخت فرمایند وجوهیکه از مردم دریافت کرده به ملت بهبهان مسترد دارند تا مردم بدانند که دادرس هست و دیگر کسی قوه و قدرت دولتی را برای هوا وهوس خود اعمال نکند و این قشون هم مایوس به اخلاق فاسده فوق الذکر نمانند ازموضوع خارج نشویم ما کار به حال حیه اروپا و امریکا نداریم ما نگاه به همجوار های خود میکنیم چقدر جای تاسف است که حکومت عراق چهار پنج سال بیش نیست احداث شده معهذا است یك قباله عقدو نکاح بدون تمبر و اطلاع دولت واقع شود یا سندی که هر قیمت شش تومان پول ایران تمبر نشود خوب است ما خجالت کشیده زودتر خود را اداره نمائیم و همچنین عدالت خانه ها چه عرض نمائیم ممکن نیست کوچکترین مظالم اینجا در عراق واقع گردد پس باید فوریت قانون تامینات حقوقی (۲) عدالت خانه در سراسر مملکت فوری احداث نمائیم (۳) حقوق کارگر نسبت به کارها و بالعکس معین شود (۴) حقوق زارع نسبت به مالك و بالعکس (۵) جزا (۶) قانون رفع تریاك از سرملت (۷) تشکیل تامینات سلطانی در مملکت وقایع کل و جز برمختصر به کابینه سلطانی راپورت نمایند ادارات را نسبت به یکدیگر ناظر قراربدهند هر اداره از اعمال اداره ها راپورت بوزارت متبوعه خود بدهد وزارت هم به کابینه سلطانی راپورت نماید انگلیس ها همین رویه را در کارهایشان اتخاذ کردند تا آنکه ملت از شر مامورین وظیفه اشناس آسوده شوند بدیهی است احداث قانون تامینات حقوقی عدالت خانه های مرتب حقوق کارگر حقوق زارع و مالك قانون جزای عرفی قانون ابطال وافور تشکیل تامینات سلطانی تعیین حدود مامورین دولتی ازکشوری ولشکری نظارت دوایر بر یکدیگر رفع اخلاق رذیله ملت و نقاب عمومی از هر حیث خواهد بود رفع تقلب سبب عمران و آبادانی مملکت خواهد بود با نتیجه رفع مرض تنبلی بیکاری ازسراسر مملکت میشود انوقت ملت ایران ازصمیم قلب دعاگویان سلطنت پهلوی خواهند بود در خاتمه به پیشگاه اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی عرض میکنیم اعلیحضرتا در نزد اهالی ایران مرسوم است در اعیاد بزرك از پدر بزرگوار خود عیدی میگیرند و چون تاجگذاری اعلیحضرت عید بزرگی برای ما ملت میباشد لهذا ما ملت ایران پیش نهاد فوق الذکر را از اعلیحضرت رسم عیدی میخواستیم هرچه زودتر ازمجلس خواهید چون قانون نموده بفوریت درسراسرمملکت امر به اجرا نمائید - [یك فرطاح]

قراطینه بین عراق و ایران

کمیسیون صحی مجالس حفظ الصحه دولتی در دائره صحیه کل تشکیل گردیده راجع به امور صحی مشغول مذاکره و مشغول نظر بودند ضمنا مراسله که امیر از سفارت انگلیس وسیله وزارت امور خارجه واصل گردیده بود در جلسه مطرح گردید مراسله مزبور مبنی براین بود که دولت عراق در نظر دارد قرنطینه تاسیس و زوار و واردین از حال ایران را در سرحد معاینه طبی نماید

چون برحسب معاهده صحی بین المللی فقط درمواقع بروز امراض ساریه مستولیه از قبیل وبا وطاعون وغیره دول مجاور ممکنی که درآنجا یکی از امراض فوق بروز نموده است حق دارند بموجب قواعد مخصوص معاینات صحی از واردین آن مملکت بخاك خود نماید و اینك هیچیك از امراض مزبوره در ایران موجوده نیست بلکه بعکس مرض طاعون در بغداد شیوع یافته است لذا کمیسیون صحی این اقدام دولت عراق را بی موقع و غیر قانونی شمرده ودولت ایران را بعلت بودن مرض طاعون در بین النهرین مکلف به اجرای معاینات صحی از واردین بخاك ایران و تاسیس قرنطینه سرحدی نماید

استخدام متخصص فنی

حسب الامر به آقای سرهنگ اسمعیل خان که به آلمان رفته بودند دستور داده شده که یك نفر متخصص برای استخراج معادن ایران استخدام وبسمت ایران اعزام دارند مطابق اطلاعی که اخیرا حاصل شده مشارالیه یك نفرازمتخصصین درجه اول معادن مملکت آلمان را کنترات وقریبا بسمت ایران اعزام خواهند داشت

طبرستان

[بابا]

بهترین نقطه دنیا

از عنوان این مقاله تعجب نکنید — حمل به تعصب وطن من نفرمائید — تصور بی اطلاعی هم در حق بنده نشود

اتفاقا نگارنده قسمت مختصری از هندوستان را سیاحت نموده مزایای آن سر زمین پر از ثروت را کاملا بدقیق و مطالعه کرده از جغرافیای طبیعی کره ارض نیز بی اطلاع نیستم — معهذا معتقد هستم که مملکت طبرستان یعنی سواحل جنوبی بحر خزر (یا خضر) بهترین نقطه دنیا است

خوبی و بدی یکی از قطعات عالم را بطور کلی نمی توان منطبق بریك صفت مخصوص آن نمود خاصه وقتی که بخواهیم ادعا کنیم فلان نقطه (بهترین نقطه دنیا است) — یعنی سیاست بحری و اقتصادی انگلیس — تمدن فرانسه — ثروت هند — بدایع قدیمه مصر — وسعت اراضی حاصل خیز روسیه و موقعیت جغرافیائی ترکیه هر یك جدا گانه کافی نیست که بگوئیم یکی از این ممالك بهترین نقطه دنیا است ولی اگر اکثر این صفات در یك خطه بخصوص جمع و در موقع مقایسه با هیچ خطه دیگری طرف قیاس نباشد حق خواهیم داشت که آن نقطه را بهترین نقطه دنیا فرض نمائیم

من وقتی مازندران را دیدم و با نهایت دقت در تمام صفات آن مطالعه کردم جمله فوق از دهنم پرید — ذکر این مقدمه هم برای بکرسی نشاندن این کلمه بوده است حالا با تشریح مطالعات خود ممکن است قارئین محترم نیز با من هم عقیده شده یا لا اقل تصدیق نمایند که خطهٔ مازندران یك محل عادی نبوده و یکی از نقاط مهم و قابل استفاده این مملکت است که مقتضی است بیش از این مورد توجه واقع شود

ذکر یك مقدمه دیگر که ما را موفق بتماشای مناظر حیرت انگیز مازندران نمود خالی از لزوم نیست و آن عبارت از ساختن راه ممتنع العبور آنجا است

راه مازندران که از یادگار های فراموش نشدنی دو امر وزیر جوان فکر فوئه عامه (تیمور تاش و داور است) از زمان شاه عباس کبیر تاکنون سالی پنج ماه بکلی مسدود هفت ماه دیگر هم در سایه کرامات (امامزاده عبدالحق) عابرین پیاده از آنجا عبور و صدی پنجاه تلفات میداده اند — در قسمت کوهستانی (کدوك) معروف تاك پا و سر پنجهٔ دست از گردنه ها بالا رفته و در قسمت جنگل به باطلاق و لجن غرق میشد هیچ مسافری در کوهستان از حملات پلنگ و خرس و گرگ ایمن نبوده و اغلب در باطلاق های جنگل قاطر با بار خود بقعر لجن فرو میرفته است بعلاوه در بیغوله های بین راه و تنگنای جنگل جانورهای موذی از قبیل (ملخ) غریب گز (سبل) مگس جنگلی و پشه های مسموم عابرین را از پا در می آورده و حتی اسب سفید در زیر دست و پای مگس ها جان میداده است

شاه عباس کبیر همین راه را برای عبور قوافل بدست مهندسین هلندی بطرز عجیبی ساخته است زمین جاده ها را یکزرع حفر و از ذغال و شفته آهك وسنك فرش وشن مجددا سنك بالا آورده اند بعلاوه چندین پلهای کوچك روی رود خانه ها و آب برها زده و جمیع راه های فرعی مازندران و استر اباد را نیز بهمین منوال ساخته و در همه جا کاروانسراهای بزرك احداث نموده است — ولی مرور ایام و بی علاقه گی سلاطین و زمامداران اعصار گذشته و غلبه طبیعت تمام این آثار را زیر آب و لجن و جنگل و چوب های انبوه مستور کرده است

آب و هوای مازندران

یك از شگفتیهای مازندران که شاید در کمتر از نقاط دنیا نظیر داشته باشد آب و هوای آنجا است

باستثنای نقاط شمالی هندوستان و دامنه جبال هیمالیا که هنوز اطلاع صحیحی از وضعیت آنجا بدست نیامده است کلیه نقاط هند بد آب و هوا و بعضی نقاط آن برای هر بشر پوست کلفتی غیر قابل تحمل است — پس اگر در سایر خصوصیات شباهتی بین هند و طبرستان وجود داشته باشد از حیث آب و هوا بهیچوجه قابل مقایسه نمیباشند

اولا در غالب نقاط فاصله بین گرمسیر و سردسیر مازندران بیشتر از یك فرسخ نیست — از قرار تحقیقات دقیق فاصله بین قله جبال تنکابن که منتهی الیه ییلاقات آنجاست تا لب دریا که آخرین نقطهٔ قشلاقی است فقط سه فرسخ و سکنه آنجا می توانند پیاده از هر دو منطقه استفاده نمایند — ثانیا با اینکه نقاط ییلاقی مازندران فوق العاده مرتفع و همیشه از برف پوشیده شده است هوای آن در نهایت ملایمت وحتی در زمستان قابل تحمل میباشد ثالثا قشلاق های مازندران با اینکه جمیع اشجار و نباتات گرمسیری را تحمل میاورد بهیچوجه موذی و زننده نیست — هوای ساری که یکی از نقاط قشلاقی است در این فصل تقریبا با هوای قلهك مساوی است

و اما آب مازندران — قطع نظر از اینکه از کوه و دشت و آسمان و زمین آن جا آب میجوشد و

فضا رود خانه های عظیم تشکیل میدهد خوشگوار ترین آب های دنیا در مازندران یافت میشود — علاوه بر هزار ها قسم آب های معدنی اساساً در تمام نقاط مازندران بهترین آب ها را مینوشند و از این حیث نیز با هندوستان طرف مقایسه میباشد

(باقی دارد)

فرمانفرمای هند وجرگه های سرحدی

هنوز از ورود فرمانفرمای جدید هندوستان لارد اروین ماهی چند نگذشته حرکت شان با طیارات در نقاط سرحدی افغانستان اهمیت موقع را میرساند از عبارات تبریک نامه های جرگه های سرحدی و اجوبه فرمانفرما معلوم می گردد که علاقه طرفین بیك دیگر بیش از پیش است از وقتیکه راه آهن دره خیبر که افغانستان دروازه دخول بهند نامیده اند ساخته شده و پیشرفت می نماید افغانستان را بیش از پیش متوجه ساخته مسئله جرگه های سرحدی تجدید مطلع نموده است افغانستان می گوید که بر طبق معاهده ما با حکومت هند این جرگه ها باید آزاد مانده و خالی آمده از فاصله بندی طرفین مصئون آمده حکومت های مختصر بوشالی بین افغان و هند قرار گرفته هیچ یك از افغان و هند در امور داخله آنها دخالت نه نماید ولی امنای حکومت هند گویا از روی همان قرار داد اقدامات خودشان را در جرگه های سرحدی درست دانسته اند — مشکل اینجاست که همان سیاست رقیبانه را که ازیکصدسال باینطرف روس وانگلیس درایران اتخاذنموده بودند و قرارداد اخیره روس تادرجه قوت آن رقابت را کم کرده در افغانستان دارد تقویت می یابد از زمانیکه لارد ریدنگ فرمانفرمای قبل سرحدات افغان رفت روسها را هم کیك در کلاه افتاده مرتکب برخی اقدامات درآن طرف سرحد گردیده اند بعقیده رموز دانان سیاست اگر دولتین روس و انگلیس از اقدامات سیاسی خود از سرحدات افغانستان باز آمده سعی کنند در جلب قلوب ملت افغانیه و توجه شخص شخیص پادشاه افغانستان بیشتر متنفع نوانند گردید — چه امروزه افغانستان نقطه نیست که همسایگانش نتوانند ازوی استفاده های نا مشروع بنمایند بلکه بدوستی بهتر میتوان فایده حاصل کرد فیه بدشتی

یك از موقتین می نویسد که در این مدت قلیل استقلال افغانیان بقدری محو حب الوطنی خود شده که فرد فرد آنها بفدیه جان تن در داده به عدالت امارت سرفرود نمی آورند یك از سرداران افغانی می گفت خارجیان خاك افغان را وقتی میتوانند تصرف نمود که یك مرتبه از سکنه خالی گردد و این سخنی است بزرگ و مسلکی است بسیار مقدس که کلیه ملل متمدنه امروزی سر مشق خود قرار داده اند ملتی که لذت استقلال را چشیده و محبت وطن را جزو ایمان خود قرار داده هر قدر مختصر و ضعیف هم باشد غلبه بروی بس دشوار است —

جراید انگلیسی را عقیده اینست که چون قوای هوائی افغانستان در زیر کنترل افسران روسی است و خط سیر طیارات جنگی از مسکو تا کابل معین گردیده ممکن است روزی افغانستان برای هند مرکز پروپکندا گردد و خالی از امکان نیست که در موقع پیش آمد جنگی قوای روسیه از افغانستان به هند رهسپار گردد ازینست که حکومت هند نیز از روی پیشبندی های سیاسی که لازمه هر حکومت جدی است از سرحدات باقدامات تدافعی مشغول آمده ولی نظر باینکه عقیده آزاد است می نویسیم که اگر در جلب توجه اعلیحضرت پادشاه جوان جوانبخت افغان اقدام شود سودمند ترین اقدامات سیاسی خواهد بود چگونه و چطور ارباب حل و عقد خودشان بهتر میدانند —

ما با عقیده یك از نمایندگان سیاسی روس متفقیم که هیچگاه روسیه را قصد حمله بهند نبوده بهمین اسباب حمله برای آن غیر میسور بوده وهست علاوه براین روسیه اگر ما نبود بهند باید بدواً باید افغانستان را مطیع و منقاد خود سازد و این امر چگونه ممکن است که افغانستان راضی شود که روسیه از راه وی بهند آید چه اگر چه پیش آید استقلال افغانستان متزلزل میگردد چرا که خلاف حزم است یك از دوی گاه راهی را که برای تسخیر یك مملکت اختیار میکند قبضه خود نیاورده داخل آن ملك گردد در صورتیکه چنین بیحزمی اختیار شود بخطرات عظیم ممکن است مبتلا گردد از این رو میگوئیم رضایت افغانستان درعبورقشون روس بهند مگر قرین عقل و قیاس است چه دوستی های سیاسی موقتی و خطره این مسئله دائمی است .

ترك اراكب سیاسی

مخبر روتر از ژنو خبر میدهد که نماینده ایران هم تائید نموده است رای نماینده فنلاند را یعنی (مثاق) که این چند دولت در لوکارنو بسته آمده بود خواسته اند که باصول سیاسی به کلیه دولیکه در جامعه ملل شامل اند شمولاً آن قرار داد را بجامعه پیش نموده خواستند که جمیع اعضاء و نمایندگان جامعه وی را صحه گذارند نماینده دولت ایران باین عذر که ماده شانزدهم قرار داد لوکارنو ماده هفتم قانون اساسی جامعه ملل را سست و کمزور میدانند چه

ماده هفتم قانون اساسی جامعه جمیع اعضاء را ضامن یکدیگر قرار داده است محتاج میثاق لوکارنو نیست از اینرو دولت ایران از قبول این قرار داد استنکاف می نماید

این اولین نوبت است که نمایندگان ایران در جوامع بین المللی ترک تزاکت کهنه یکقدم بطرف خشونت مقدس برداشته اند و ما این جسارت مشروع سیاسی آینده ایران را تقدیر نموده یك از نتایج پسندیده این کابینه تصور میکنیم امید است که نماینده ایران در جامعه ملل نیز در موضوع حبشستان هم همین شیوه مرضیه را اختیار نموده تقسیم آن را ناجایز قرار داده دولت عالیه را از زیربار این مظلوم کشی بیرون آورد

حبشستان ولو اینکه پادشاهش نصرانی است اولا اینکه دو ثلث نفوس آن مسلمان است و علاوه یك از ممالك قدیمه شرقی بشمار میرود دیروز همین بلائی را که امروز میخواهند برسرحبش بیاورند بر سر ما آوردند ما شرقیان باید عبرت گرفته در حفظ حقوق خودمان یکدیگر را تائید نمائیم

حبشستان یا ابی سینا

مملکت نیست کوهستانی شرقی مصر واقع دارای تپه های زیاد و کوهای رفیع است کوهای آن از ۵۰۰۰ فیت الی ۱۵۰۰۰ فیت مرتفع است (۳ فیت یك ذرع است) شاخی از رود خانه نیل اسود و نیل ابیض در او جاری و دارای دریاچه ایست موسوم به (اتباره) هوایش معتدل محصولات عمده اش قهوه - پنبه و نیشکر است مساحت آن ۲۰۰ هزار مربع میل یعنی ثلث مساحت ایران کنونی نفوسش بین سه ونیم وچهارملیون می باشد نژاداً اهالی اش عرب و با عنصر (کالس) مخلوط اند - پادشاه آن خویشتن را از نژاد بلقیس معروف زوجه سلیمان میگوید - در قرن ۳ میلادی اهالی انجا مذهب مسیحی اختیار کردند بیشتر اوقات حکومت حبش تحت حکومت [یوتوپیا] ویوتوپیا بیشتر اوقات تابع مصر بود در سال ۱۵۲۸ ترکان برحبشستان غلبه جسته وتا سال ۱۵۴۰ بر انها حکومت داشتند پای تخت آن ادیس ابیه پادشاه آن نکس لقب دارد و مسیحی است ولی دو ثلث اهالی حبشستان مسلمان اند

این خطه که بین مستعمرات ایطالی سمالی لیند و افریقای جنوبی انگلیس واقع شده بعنو منطقه دولتین انگلیس و ایطالی بین خود بدون اطلاع حبش تقسیم کرده اند و ان قرار داد فعلا به جامعه ملل پیش شده است حکومت حبشه بجامعه ملل از این قرارداد پرتست کرده دولتین میگویند این قرار داد برای فائده و ترقی و عمران حبشستان است چون این تجاوز خیلی علنی است برخی چنین تصور میکنند که جز جامعه ملل مقبول نتواند اوفتاد عیناً مانند همان تقسیماتی است که دولتین روس و انگلیس در سال ۱۹۰۷ بدون اطلاع دولت (ما برای فایده ومنافع ایران) نمودند -

اولین روز خوش بختی ایران

۱۵ آبان ماه اولین روز تاریخی و خوش بختی ایران قرار یافته یعنی در آن روز آغاز باجرای قانون نظام اجباری میگردید ، پوشیده نیست که حیات استقلالیه هر ملت بسته بنظام است وبتجربه ثابت گردیده که قشون داوطلب علاوه رابنکه مزدور ومصارفش بسیار است ، همواره نمیتواند حافظ استقلال یك ملت گردد نظام اجباری است که در هر ملت ساری و جاری گردیده افراد آن ملت را قوی الجثه و صحیح القوی میسازد ، عادات زشت تریاك کشی و تریاك خوری و شراب نوشی را از میان میبرد ، چه مسلم است چند سالی که بخدمات نظامی مجبوراست آن عادات میشومه قهرا از وی منتزع میگردد ، بورزش عادت میکند ، شهامت و جلادت و شجاعت طبیعت ثانوی افراد آن ملت می گردد و افراد چنین ملتی هرگز زیربار ننگ اسارت دیگران نمیروند گویا ۱۵ آبان را باید روز تاریخی استقلال همیشگی ایرانش نامید از این به بعد می توان گفت که ایران دارای نظام صحیح است و هر ساله بل هر روزه بر قوای وی افزوده می گردد برای نسل آینده ایران بزرگ ترین بشارت اجرای نظام اجباری است راست است که قانون نظام اجباری یکسال قبل از شورای ملی گذشته ولی هر قانون تا موقعی که اجرا نیافته موادی بیش بشمار نیست

مخبر روتر خبر داده که فرمان اعلیحضرت شاهنشاهی صادر گردیده که ۱۵ آبان آغاز اجرای قانون نظام اجباری است و همان روز شروع بگرفتن افرادی که عمر شان بر طبق قانون نظام اجباری است خواهد شد جای دارد که ملت ایران این روز را از اعیاد ملیه محسوب داشته جشن بگیرند که بیشتر از نقائص سیاسی ومدنی، اخلاقی ما را نظام اجباری اصلاح تواند نمود من بعد با بودجه مختصر دولت ایران خواهد توانست درقلیل زمان دارای دویست هزار نظام تحت السلاح شود چنانچه مکرر نگاشته ایم تا ایران دارای دویست هزار نظام تحت السلاح آنهم نظام اجباری که از روی قانون پشتیبان آن یك ملیون سر نیزه ملی موجود باشد نشود بر حسب مقتضیات امروزه دنیا حافظ استقلال

خویش توان گفت از فوجملـه ما که مکرر نگاشته ایم «صد ملیون مالیات دویست هزار نظام» از برکت نظام اجباری بوجود دومی ایقسان میتوان نمود امید واریم که اوضاع اقتصادیات مملکت هم چنان پیش آید که جمله اولیه ما نیز که صد ملیون مالیات است بسهولت صورت بندد ـ

تهیه نقشه پستی

چون نقشه کاملی که تمام خطوط پستی و شعبات آن را ترسیم نماید در وزارت پست موجود نبود اداره کل پست پیش نهادی تقدیم آقای وزیر نموده است که با مهندس قالی داخل مذاکره شده نقشه کاملی از دفاتر و شعبات و خطوط پستی ترسیم نمایند

بانك عمومی

لایحهٔ را که آقای دکتر میلسپو بجهة تاسیس بانك تنظیم و تهیه نموده بود بواسطه مذاکراتی که اخیراً با حضور مشار الیه درهیئت وزراء بعمل آمده تصمیم گرفته اند تغییراتی در مواد آن بدهند و در نظر دارند که بجهة سرمایهٔ موسسه مزبور مبلغ پنج ملیون تومان با ذخار عایدات نفط جنوب استقراض نموده و از سنه ۱۳۰۷ هم همه ساله یك کرور تومان بر سرمایه موسسه از محل اعتبار دولت افزوده شود

تلگراف بی سیم مشهد

بمناسبت افتتاح تلگرف بی سیم مشهد از طرف اداره لشکر شرق دعوتی از محترمین و مدیران جرائد مشهد بعمل آمده آقای امیر لشکر شرق خطابه دائر و باهمیت تلگراف بی سیم و خدمات مهمه این موسسه نسبت بعالم بشریت ایراد و ضمناً از دولت شوروی روسیه راجع بکمك و مساعدتی که بدولت ایران در این خصوص نموده اشاره کردند و سپس ژنرال قونسل روس شرحی راجع بحسن روابط و لزوم دوستی و یك جهتی بین دولتین ایراد و بعد اهالی دستگاه رفته شروع بمخابره شد

صناعین طهران

• وزارت فواید عامه احصائیه از صنعت گران شهر از اداره احصائیه بلدیه خواسته در نظر دارند که برای بیکاران آنها کار پیدا کرده سرکار شان گذارند دراین چند روزه احصائیه بلدیه تهیه وتنظیم صورت اسامی مزبور مشغول و قریباً تنظیم آن خاتمه خواهد یافت

کبریت سازی تبریز

نماینده کارخانه کبریت سازی تبریز شرحی به وزارت فواید عامه نوشته مبنی بر اینکه بمناسبت فشار خارجی نسبت بکارخانه مزبور و اینکه کارکنان این مؤسسه در مضیقه واقع شده اند صاحبان کارخانه لایحهٔ بتوسط نمایندگان آذربایجان به مجلس عرض نموده و یك ورقهٔ که حاوی پنج مواد ذیل می باشد پیشنهاد نموده اند صاحبان کارخانه تقاضا دارند در تصویب آن مواد تسریع بشود

ماده اول ـ سد رقابت خارجی بهر شکل که خود هیئت معظم دولت صلاح و مقتضی بدانند ـ

ماده دوم ـ تمدید مدت امتیاز به سی ویکسال

ماده سوم ـ معافی مواد خام کارخانه از قبیل کرایه کشتی راه دریا چه اروپی و خط آهن تبریز تا آخر مدت امتیاز

ماده چهارم ـ معافی این مؤسسه و محصولش از هر قسم عوارض و مالیات تا آخر مدت امتیاز

ماده پنجم ـ اجازه یك کلاس ابتدائی در خود کارخانه برای تدریس عمل چاپ در تحت پروگرام اداره جلیله معارف در مقابل ماده پنجم امتیاز نامه

(خاویار موجوده در آستارا را)

وزارت مالیه در موضوع خرید خاویار های موجوده در آستارا به وزارت فواید عامه اطلاع می دهد بر طبق تلگراف واصله از اداره مالیه آذربایجان خاویار های موجوده قریب چهار صد پوط خالص است و با پیشنهاد عمده اطلاع داده شد که برای خرید خاویار های مزبور مستقیماً باداره مالیه آذربایجان مراجعه نماید ـ

استخدام دوازده نفر متخصصین راه آهن

وزارت فواید عامه لایحه مرتب نموده درموضوع استخدام دوازده نفر متخصصین امریکائی و آلمانی برای ساختن راه های آهن ایران رئیس مالیه نیز با این پیش نهاد همراه است و لایحه آن بمجلس وهیئت وزراء پیش شده است از این لایحه ظاهر گردیده که دولت حاضر شده است که با تائید متخصصین فن راه های آهن مملکت را خود بکشد

مقدمه تشکیلات بحری

وزارت فواید عامه وزیر خارجه را اطلاع بخشوده که دولت عنقریب حاضر شده است که در آب های خود تشکیلات بحری بدهد و وزارت خارجه مفاد اراده دولت را بتمام نمایندگان دول متحابه ونمایندگان خارجه خود ابلاغ وعنقریب لوایح وقوانین آن مرتب شده بمجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد و ده نفر از شاگردان نظام برای تحصیل در مدارس بحری بهمین مناسبت فرستاده شده اند

مستشار امریکائی راه آهن

مستر پاند متخصص راه که اخیراً از امریکا برای راه آهن استخدام گردیده از نیو یارك تلگرافی بوزارت مالیه مخابره کرده که در صدد تهیه مقدمات حرکت خود برآمده و تا آخر نوامبر وارد طهران خواهند گردید

اطاق تجارتی اسلامبول

از اسلامبول اطلاع می دهند ژنرال قونسلگری ایران یازده نفر از تجار ایرانی که حایز شرائط دخول اطاق تجارتی بوده دعوت و برای اطاق تجارتی انتخاب و آنها از چهار نفر برای هیئت رئیسه خود تعیین و ریاست اطاق تجارتی را به وهاب اف تفویض و حالیه اطاق تجارتی ایران در آنجا مفتوح می باشد

یکقدم باطال کاپیتولاسیون

وزارت امور خارجه در جواب وزارت داخله اشعار می دارد در باب اجرای نظامنامه امور خلافی موافق مقررات آن هیچ کمپانی و موسسات از خارجه و داخله از نقطه نظر تامین آسایش عمومی استثناء نداشته و هر کس مبادرت بامر خلافی نماید باید مطابق قانون جلب و مجازات شود

کارخانه جات چهارگانه تازه

یکی از تجار گیلان عریضه بوزارت فواید عامه تقدیم و می نویسد برحسب اجازه آن وزارت خانه چهار کارخانه کاغذ سازی ، شمع ریزی ، صابون پزی وغیره از اروپا ابتیاع و وارد نموده برای تسهیل وسایل امکان رقابت با خارجی ها تقاضا کرده مواد شیمیائی و اتوموبیل هائیکه برای وسایط نقلیه کارخانه ها از اروپا وارد می شود از حقوق گمرکی معاف و ضمناً استدعا کرده تا مدت ده سال از عوارض مالیاتی معاف دارند که بتواند مؤسسه خود را ادامه دهد مراتب بمقام وزارت تقدیم تا پس از تصویب لایحه قانون آن بمجلس شورای ملی تقدیم گردد

کارخانه چرم سازی

آقای وزیر فواید عامه درصدد برآمده که کارخانه جهت چرم سازی در طهران تأسیس کند و نیز در نظر است که یکعده از تجار را با مؤسسه مزبور شرکت دهد تا طبقات مختلفه بتوانند استفاده نمایند و حالیه درصدد می باشند که میزان مصرف چرم را در ایران تعیین نمایند که در حدود آن شروع بعملیات نمایند -

(تقدیم راپرت)

مهندس ناحیه راه مشهد راپرت میدهد که مخارج تسطیح راه تا سه آسی روس را سابقاً مسیو باد بوفسکی مهندس به ۴۵۰۰ تومان معاینه و بازدید کرده ولی بطوریکه حالیه معاینه شده اکمتر از این مبلغ می توان راه مزبور تسطیح کرد و تقاضای وجه نموده که زودتر شروع بعملیات کنند و برای معاینه کوه سیستان مأمور اعزام و برای تسطیح راه دزداب و بیرجند اقدام گردیده و یکعده عمله مشغول کار شده وقریباً به عده آنها اضافه خواهد شد که تا قبل از زمستان یك قسمت راه ها تکمیل شود

دولت در انتظار توست

وقت قیمت آزمایش است

[در شرکت خریداری بلیت های بزرگترین لاتری طلائی]

حکومت همبرگ المان ضامن و متحمل است -

نخستین کشیدن بلیت های این لاتری ۲۰ جنوری سنه ۱۹۲۷ خواهد شد این لاتری مشتمل است بر ۸۰۰۰۰ بلیت در کشیدن شش لاتری تقریباً نصف ۳۱۹۰۰ یقیناً کامیاب خواهد شد هر ماه یك مرتبه بلیت های لاتری را خواهند کشید -

مبلغ تمام انعامات این لاتری پنج ملیون ۷۰۰۰۰۰ مارك طلا یا تقریباً ۲۸۵۰۰۰ لیره انگلیسی

انعام های بزرگ دیگر مارك طلا بموجب ذیل است

۷۰،۰۰۰	۲۰۰،۰۰۰
۶۰،۰۰۰	۱۲۰،۰۰۰
۵۰،۰۰۰	۱۰۰،۰۰۰
۴۰،۰۰۰	۸۰،۰۰۰

قواعد و ضوابط این لاتری بدرخواست کنندگان و نیز به خریداران بلیت مجاناً فرستاده خواهد شد

قیمت بلیت کامل برای سه نوبت اول حسب ذیل است یك بلیت مکمل سه لیره - نصف یك و نیم لیره - ربع یازده شلنك -

قیمت لیست های کشیدن سه لاتری دیگر نیز برحسب فوق است اجرت پست برای فرستادن اسامی اشخاص انعام یافته شش پنس یا نیم شلنك معین است

بلیت فوراً فرستاده خواهد شد پس از رسیدن وجه وبمجرد بیرون آمدن انعام هم مستقیماً فرستاده خواهد شد وقت تنك است فوراً باید درخواست خریداری فرستاد آخرین موقع خرید بلیت ۲۰ جنوری و ادریس برحسب ذیل است

ساموئیل هکشر سینیر بنکر -

وامتور استرنیت امره ۱۴ همبرك ۱۲۷ (آلمان)

—— همین قطعه را خانه پری کرده بفرستید ——

ورقه درخواست

مهربانی کرده بفرستید برای من ——— بلیت

برای اول ——— دوم و سوم

مبلغ ——— که لفاً می فرستیم

بذریعه سندات پست یا بانك

اسم و ادرس کامل بطریق وضوح -

تاریخ ———

پسته و خطوط معمولی سه پنس یا ربع شلنك

[حسب الامر مدیر و دبیر جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام در مطبعه حبل المتین]
(نمبر ۱ — ۲۶ امری پوکر رود کلکته طبع و توزیع گردید)